دایرة المعارف

# سرزمین و مردم ایران

## گردشگری و دیدنی های شگفت انگیز



همه جای ایران سرای من است

دایرةالمعارف

# سرزمین و مردم ایران

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

سرزمین و مردم ایران جلد دوم از صفحه ۹۲۱ تا ۱۸۶۴ شامل استانهای ۱ ـ خراسان رضوی ۲ ـ خراسان شمالی ۳ ـ خوزستان ۴ ـ زنجان ۵ ـ سمنان ۶ ـ سیستان و بلوچستان ۷ ـ فارس ۸ـ قزوین ۹ ـ قم ۱۰ ـ کردستان ۱۱ ـ کرمان

توصیف همه شهرستانها، بخش‌ها و دهستانهای یازده استان فوق بصورت الفبائی

مشخصات طبیعی، زمین‌شناسی، دیدنی‌های طبیعی، مردم‌شناسی، آداب و رسوم، جشن‌ها، عروسی‌ها، موسیقی، آوازها و بازی‌ها، تفریحات و سرگرمی‌ها، کردهای خراسان شمالی، موسیقی محلی، صنایع دستی، کارخانه‌ای، زمین‌شناسی، موزه‌ها، دیدنی‌ها و آثار تاریخی، مراکز فرهنگی و دانشگاهی و علمی و تحقیقاتی، جاذبه‌های طبیعی و گردشگری، گردشگاههای طبیعی، زمین‌شناسی، معادن، جنگل‌ها، مراتع، کویرها، سیمای اقلیمی، روستاهای دیدنی، رودها، دریاچه‌ها، تالاب‌ها، دریاچه‌ها، پل‌ها، سدها، صنایع کارخانه‌ای، معدنی، کوچک بزرگ، سنگین صنایع دستی چون قالی، انواع پارچه و پوشاک، اماکن تاریخی، دیدنی، محصولات کشاورزی، صنعتی، روستاها و جاهای دیدنی چون دشت ارژن. دریاچه پریشان، میان جنگل، باشگل، رودبار الموت، پارک ملی خبر، قله تفتان، بهرام‌گور، هامون، گاندو و شیله، صنایع مهم نفت و پتروشیمی، کاغذسازی، تولید فولاد و نیشکر و انواع دادوستدهای بین‌المللی و حمل و نقل دریایی و...

جلد (دوم)

به نام خدا



با تشکر از استاد ناصر میزبانی عکاس هنرمند، خانم سیده فاطمه امیرارجمندی، خانم عاطفه عاملی، حسن مهربان

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران (ج ۲)
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: علم و زندگی (ناشر همکار) انتشارات آرام (ناشر اصلی)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۴۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۸۸۴۳۰۰۹۶ـ ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۹ـ۳۱ـ۶۹۹۰ـ۹۶۴ـ۹۷۸
شابک دوره: ۰ـ۳۳ـ۶۹۹۱ـ۹۶۴ـ۹۷۸

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم ایران (۴ جلدی) ؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
شابک: ۲ـ ۳۰ـ ۶۹۹۰ـ ۹۶۴ـ ۹۷۸ ۶ـ ۳۲ـ ۶۹۹۰ـ ۹۶۴ـ ۹۷۸
۹ـ ۳۱ـ ۶۹۹۰ـ ۹۶۴ـ ۹۷۸ ۳ـ ۳۳ـ ۶۹۹۰ـ ۹۶۴ـ ۹۷۸
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد. توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۳۵۷

بعلت بی توجهی لیتوگراف یک صفحه تصویر استان قم در استان آذربایجان غربی قرار گرفته - پوزش میخواهم.

**جغرافیای زیستی ایران** از نظر جغرافیایی، پیچیده‌ترین منطقه آسیای جنوب غربی را تشکیل می‌دهد و در مرکز برخورد عوامل جانوری شمال آفریقا، جنوب آسیا، آسیای مرکزی و اروپا قرار گرفته است. انواع مختلف جانوران از نژادهای گوناگون در ایران دیده می‌شود بعنوان نمونه ۹۳ نوع از ۳۲ نژاد گوناگون سوسمار در ایران وجود دارد. گروه دوم جانوران ساهارو سیندین هستند که مناطق بیابانی پست میان شمال آفریقا و شمال غرب هند را اشغال کرده‌اند. این جانوران در ایران می‌زیسته و احتمالاً غیربومی نواحی پست جنوب ایران به شمار می‌روند. ـ دکتر محمد بلوچ

**فلور ایران:** پوشش گیاهی کشور ایران بطور اخص معمولاً از پهنه‌های محدود، گسسته و پراکنده تشکیل یافته که در پوشش آنها متفاوت و بویژه در مناطق خشک و کم باران غالباً بسیار پائین است ولی در عوض، تنوع گونه‌ای آن بسیار چشمگیر و در جهان کم‌نظیر است. در ایران، حدود ۱۹۰ خانواده از گیاهان آوندی (شامل ۲۰ خانواده از نهانزدان آوندی و بازدانگان یا بیشتر وجود دارد شمار خانواده‌های گیاهان آوندی ایران در مقایسه با خانواده‌های منتشر در دنیا، رقمی بسیار چشمگیر است زیرا ۱۴۳۸ جنس که برخی آنها چندگونه دارند، مجموع گونه‌های گیاهان آوندی ایران زمین ۹۵۰۰، ۸۵۰۰ (احتمالاً بیش از این شمار) و در مقام مقایسه، نزدیک به تمام گونه‌های گیاهی همه قاره اروپاست. دکتر احمد قهرمان ـ دکتر صادق مبین.

همه گلهائی که در فرانسه و کشورهای دیگر اروپا بعمل می‌آید در ایران می‌توان یافت. ـ... بطور کلی گلهای ایران از حیث درخشندگی و رنگ از گلهای اروپا زیباترند. ـ شاردن

**پرندگان:** تنها ۴۵ گونه از پرندگانی که در ایران زاد و ولد می‌کنند مختص نواحی گرم و خشک کشور است. طبق اطلاعات موجود بیش از ۳۵۰ گونه پرنده در ایران زادوولد می‌کنند.

شاید بتوان گفت نزدیک به ۲۲۵ گونه از پرندگانی که در ایران زاد و ولد می‌کنند در اصل متعلق به مناطق تکامل یافته‌اند. نزدیک به ۵۰ گونه از پرندگانی که در دشتها و جنگلها بسر می‌برند در واقع به اروپا و آسیا تعلق دارند که در ایران زیست می‌کنند. در حدود ۴۰ گونه دیگر که در اصل وابسته به جنگلهای پهن‌برگ اروپا هستند که اینک در غرب ایران بسر می‌برند. نزدیک به ۳ گونه دیگر از منطقه مدیترانه‌ای می‌باشند که در دامنه‌های کوههای البرز و زاگرس بسر می‌برند.

در آبهای ایران بیش از ۱۷۴ گونه ماهی ۲۰ گونه دو زیست ۱۰۶ گونه خزنده (شامل ۱۰ گونه لاک‌پشت، ۱۱۲ گونه سوسمار، یک گونه کرم سوسمار یک گونه تمساح و ۷۲ گونه مار ۵۰۲ گونه پرنده و ۱۶۲ گونه پستاندار شناسایی شده که البته زیر گونه‌ها بحساب و بشمار نیامده است.

رده‌ها ۲۹ خانواده ماهی، ۶ خانواده دوزیست ۲ خانواده کرم سوسمار ۴ خانواده پرندگان و ۳۱ خانواده پستاندار به عبارت دیگر ایران دارای ۱۵۳ گونه پستاندار (بدون احتساب گونه‌های دریایی) ۵۰۲ گونه پرنده و شاید نزدیک به ۱۰۰۰۰ گونه گیاه می‌باشد.

در میان ۳۲۴ گونه پرنده که در ایران زادوولد می‌کنند ۱۳۱ گونه بطور گسترده در منطقه پاله‌اورکتیک یافت می‌شوند ۸۱ گونه دیگر از پاله ارکتیک غربی هستند.

پستانداران ایران عمدتاً پاله‌ارکتیک هستند اما گونه‌های زیادی از خارج به ایران راه یافته از جمله از آفریقا و از هند، مثلاً سنجاب ایرانی، شاه روباه و گوزن زرد ایرانی‌اند. مرال و شوکا پاله ارکتیک حتی مربوط به منطقه اروپا ـ سیبری می‌باشند و ۸ گونه در خانواده راسو و شش گونه پاله ارکتیک، یک گونه رودک عسل‌خوار آفریقائی یک گونه شنگ هندی، گربه شنی، خارپشت بیابانی و خفاش میوه‌خوار آفریقائی هستند.

درکتاب راهنمای پستانداران هرتیگتن ۳۱ نوع زیستگاه و زارودنی نه منطقه را جهت فون ایران و اندرسن سیزده منطقه جانوری معین کرده است.

در ایران ۱۳ منطقه زیستگاهی جانوری شمرده شده: ۱ـ فلات مرکزی ۲ـ حوضه ارومیه ۳ـ حوضه سیستان ۴ـ منطقه خزری ۵ـ دشت خوزستان و ساحل خلیج‌فارس ۶ـ بلوچستان و ساحل مکران ۷ـ ترکمن صحرا ۸ـ دشت مغان ۹ـ کوهستان زاگرس ۱۰ـ کوهپایه‌های غربی زاگرس ۱۱ـ کوهستان البرز ۱۲ـ کپت داغ ۱۳ـ جزایر خلیج‌فارس از کتاب حیات وحش ایران (مهره‌داران) اسکندر فیروز

ایران دارای ۱۹ پارک ملی، ۱۶ آثار طبیعی ملی، ۳۳ پناهگاه حیات‌وحش و ۹۲ مناطق حفاظت شده می‌باشد.

ایران در گروه پستانداران از پستاندار کوچکی که حشره‌خوار کوتوله نامیده می‌شود و تنها دو گرم وزن دارد تا نهنگ‌های بزرگ که سی‌متر طول و ۱۳۰ تن وزن دارند که در میان اینده و بی‌نهایت کوچک بزرگ مجموعه غنی از پستانداران قرار دارد.

## صنایع کارخانه‌ای و صنایع دستی

ساختمان زمین‌شناسی و پتانسیل معدنی ایران به نحوی است که می توان در جای‌جای ایران به ذخایر گرانبها و غنی و متنوع معدنی دست یافت که برخی از آنها در دنیا بهترین کیفیت را دارند و کشور ما می تواند با استفاده ازین ذخایر ارزشمند نیازهای داخلی را تأمین و مقادیر فراوانی از آن‌ها را به بازار جهانی عرضه کند و در نتیجه ضمن افزایش درآمد سرانه گامهای اساسی در رهائی از اقتصاد تک محصولی و وابسته به نفت برداشته شود.
مجموع ذخایر احتمالی و موادمعدنی ایران به بیش از میلیاردها تن می رسد که تاکنون کمتر از نیمی از آنها به مرحله اکتشاف رسیده است. مثلاً دریاچه ارومیه با چهار میلیاردتن املاح از نوع کلر، سدیم، پتاس، منیزیم و سایر مواد با ارزش دیگر در واقع غنی‌ترین معدن ایران محسوب می‌شود که در صورت برداشت سالانه یک میلیون تن برای چهار هزار سال قابل بهره‌برداری است. مواد معدنی موجود در آب این دریاچه در صورت بهره‌برداری عمدتاً در صنایع داروئی، پتروشیمی، رنگ‌سازی و صنایع استراتژیک مورد استفاده قرار دارند. کتاب معادن فعال و غیرفعال
منابع نفت و گاز ایران در منطقه خوزستان و بعضاً بوشهر و معادن زغال‌سنگ در کوههای البرز، حوالی سمنان و شاهرود و دامغان، تربت‌جام، ناحیه کاشان و حوالی مرکزی ایران (طرق شمس‌آباد) کرمان، آهن در اراک، ملایر، کرمان، یزد، اصفهان، کاشان، دامغان، سمنان، اطراف تهران، آذربایجان، گیلان، زنجان، خراسان، لارک، مس در انارک، آذربایجان اردستان، شاهرود، زنجان، سرب و روی در انارک اصفهان، طبس، سرب، زنجان، آنتی‌موآن در همدان، آذربایجان، منگنز در رباط کریم نائین، اردستان، اشتهارد، کرومیت در عباس‌آباد شاهرود، سبزوار، فریمان، رباط سفید، کرمان، نواحی خلیج فارس، کائولین در شمال تهران، نطنز، مرند، ساوه، آبادان، علی‌آباد قم، خاک سرخ در هرمز، گناباد بجستان، اصفهان، نهاوند، مرمر در یزد، استفاده از نیروگاههای آبی، بادی، خورشیدی، گازی، اتمی (بوشهر) در ایران سخت مورد توجه بوده بطوریکه ایران تعداد حدود بیش از ۱۰۰ سد دارد. البته تاریخ سدسازی و قنات‌سازی ایران به دوره‌های قبل از میلاد می‌رسد.
فیروزه در نیشابور کشف شده و استخراج می‌شود.
هنرهای سنتی و صنایع دستی ایران ـ ایران دارای بیش از ۳۲۰ نوع صنایع دستی است که هر کدام دارای ویژگیهای بومی و محلی خود هستند و بطور کلی هنرهای سنتی را می توان به چند دسته تقسیم کرد. نساجی و بافته‌های دستی، سوزن‌دوزی، بافته‌های داری، فرش، گلیم، گبه، ورنه و... فلزکاری و هنر قلم‌زنی، ملیله کاری، نقره کاری، طلاکوبی، سفال و سرامیک، شیشه‌گری، هنرهای چوبی، فرآورده‌های پوست و چرم.
پیشینه تاریخی برخی از رشته‌های هنرهای سنتی و صنایع دستی ایران به ۹۰۰۰ سال پیش می‌رسد.
۱ ـ معرق ۲ ـ منبت‌کاری چوب ۳ ـ نمدمالی در ایران ۴ـ گیوه ۵ ـ چارق ۶ ـ گبه ۷ ـ خاتم‌سازی در ایران ۸ ـ پاپیه‌ماشه ۹ ـ شیشه دست‌ساز ۱۰ ـ سرامیک ۱۱ ـ باتک ۱۲ ـ شیرکی‌پیچ ۱۳ ـ پته‌دوزی کرمان ۱۴ ـ ترمه ۱۵ ـ چاقوسازی ۱۶ ـ ملیله‌دوزی ۱۷ ـ فرش‌بافی ۱۸ ـ میناتور ۱۹ ـ گلیم‌بافی ۲۰ ـ فلزکاری ۲۱ ـ سنگتراشی ۲۲ ـ جاجیم ۲۳ ـ بامبوبافی (نوعی حصیر) ۲۴ ـ جاجیم خلخال ۲۵ ـ ترمه ۲۶ ـ خراطی ۲۷ ـ سکه‌دوزی بلوچ ۲۸ ـ سوزن‌دوزی بلوچ ۲۹ ـ سوزن‌دوزی ممقان ۳۰ ـ فلزکاری ۳۱ ـ قلم‌زنی ۳۲ ـ قلمکار ۳۳ ـ مرواریدبافی ۳۴ ـ معرق ۳۵ ـ ملیله‌سازی ۳۶ میناسینیاتور ۳۷ - ورنی ۳۸ ـ ساچیم‌بافی ۳۹ ـ کاشی‌سازی. صنایع دستی سازمان میراث فرهنگی.
معماری در ایران بیش از ۶۰۰۰ سال تاریخ پیوسته دارد و دست‌کم از ۵۰۰ ق ـ م تا امروز با نمونه‌های اختصاصی که در ناحیه پهناوری از سوریه تا شمال هند و مرزهای چین تا قفقاز تا زنگبار پراکنده است. در بسیاری روستاها و شهرک‌ها و شهرهای ایران کنونی از کلبه‌های روستائی تا کاخهای باشکوه و از خانه‌های شخصی تا ساختمانهای عام‌المنفعه و فرهنگی دیدنی و شگفت‌انگیز دیده می‌شود.
در ایران مساکن گروهی حصاردار از سه هزار سال ق.م با طرحها و نقشه‌های مختلف آغاز شد.
سهم اصلی در توسعه شهرسازی حصاردار در ایران به عهده معماران اورارتوئی و در قرنهای نهم و هشتم ق.م بود که تحت نفوذ معماری بین‌النهرین شیوه‌ای در ایجاد استحکامات دفاعی پدید آوردند و در قرنهای بعد پایه و اساس معماری کوهستانی ارامنه شد.
دیوارهای دفاعی تخت‌جمشید با خاک رس و آجرهائی با ابعاد بزرگ روی سنگهای صخره‌ای کوه رحمت برافراشته شد.

همه جای ایران سرای من است

دایرةالمعارف

# سرزمین و مردم استان خراسان رضوی

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

سرزمین و مردم ـ دیدنی‌ها ـ آداب و رسوم و مردم‌شناسی (رضوی، شمالی، جنوبی) ـ مشخصات عمومی شهرستانها براساس تقسیمات کشوری ـ شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها ـ تصاویر و عکس‌ها

مشخصات عمومی استان خراسان رضوی براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهر مشهد، تعداد شهرستان: ۱۹ تعداد بخش: ۶۲ تعداد شهر: ۶۶ تعداد آبادی دارای سکنه: ۳۶۳۷ کل آبادی‌ها: ۷۳۸۹

جمعیت استان خراسان رضوی در سال (۱۳۸۵) ۵۵۹۳۰۷۹ نسبت به کل کشور ۷/۹۳ بوده است. مساحت استان خراسان رضوی ۱۲۵۸۳۲ کیلومتر مربع نسبت به کل کشور ۷/۷۳ است.

از تهران تا مشهد (۸۹۴) و از مشهد تا بردسکن (۲۷۰)، تایباد(۲۱۶)، تربت‌جام(۱۵۶)، تربت حیدریه (۱۳۹)، چناران (۵۵)، خلیل‌آباد (۲۴۱)، خواف (۲۵۷)، درگز (۲۷۷)، رشتخوار (۱۹۲)، سبزوار (۲۲۸)، سرخس (۱۸۵)، فریمان (۷۵)، قوچان (۱۳۵)، کاشمر (۲۲۵)، کلات (۱۵۵)، گناباد (۲۶۱)، مشهد (۰)، مه‌ولات (۱۸۸)، نیشابور (۱۱۵)

که ایران بهشت است یا بوستان     همی بوی مشک آید از بوستان



**به نام خدا**

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان خراسان رضوی
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: انتشارات آرام (ناشر اصلی) علم و زندگی (ناشر همکار)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ـ۸۸۴۳۰۰۹۶ـ۸۸۴۰۹۳۲۹ـ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۹ـ۳۰ [redacted]

[redacted]

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان خراسان رضوی؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۹ـ ۳۰ـ ۶۹۹۱ ـ ۹۶۴ـ ۹۷۸
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۳۲۳۸۸

## ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

**مشخصات عمومی استان خراسان رضوی براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵:** مرکز استان: مشهد مساحت: ۱۲۵۸۳۲ تعداد شهرستان: ۱۹ تعداد بخش: ۶۲ تعداد شهر: ۶۶ تعداد آبادی دارای سکنه: ۳۶۳۷ کل آبادی‌ها: ۷۳۸۹

جمعیت استان خراسان رضوی در سال (۱۳۶۵) ۴۰۸۶۱۸۲ نسبت به کل کشور ۸/۲۶ و در سال (۱۳۷۵) ۴۷۱۹۹۰۲ نسبت به کل کشور ۷/۸۶ و در سال (۱۳۸۵) ۵۵۹۳۰۷۹ نسبت به کل کشور ۷/۹۳ بوده است.

مساحت استان خراسان رضوی ۱۲۵۸۳۲ نسبت به کل کشور ۷/۷۳ است.

درصد میزان‌شهرنشینی استان‌خراسان رضوی در سال (۱۳۷۵) ۶۱/۰۹ ودرسال (۱۳۸۵) ۱۵/۶۸ است.

تراکم نسبی جمعیت استان خراسان رضوی در سال (۱۳۶۵) ۳۲ و در سال (۱۳۷۵) ۳۸ و در سال (۱۳۸۵) ۴۴ نفر در کیلومترمربع بوده است.

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان خراسان رضوی**

مرد و زن ۱۵۹۶۶ زن ۸۲۹۹ مرد ۷۶۶۷

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان خراسان رضوی**

مرد و زن ۲۱۰۸۹ زن ۱۰۹۸۳ مرد ۱۰۱۰۶

**مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان خراسان رضوی در سال ۱۳۸۵**

جمع ۳۲۱ دولتی ۳۲۱ خصوصی ۰ تولیدنهال ۳۵۵

**مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان خراسان رضوی در سال ۱۳۸۵**

تعداد بهره‌برداری ۲۰۶ مساحت گلخانه ۲۷ هکتار

**مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان خراسان رضوی در سال ۱۳۸۵**

گوشت قرمز ۶۰ شیر ۵۲۰ هزار تن

ادامه در صفحهٔ ۱۰۳۳

## فهرست برخی از مطالب

**سرزمین و مردم خراسان رضوی**
در سال ۱۳۸۴ استان خراسان که بزرگترین استان ایران بود به ۳ استان تقسیم گشت: ۱ـ استان خراسان جنوبی ۲ـ استان خراسان رضوی ۳ـ استان خراسان شمالی
استان رضوی در سال ۱۳۸۵ دارای ۲۴ شهرستان و دارای ۶۴ بخش و حدود ۱۶۰ دهستان و دارای ۶۹ مرکز شهری می‌باشد.
**مشخصات جغرافیائی و اقلیمی:** استان خراسان با مساحتی معادل ۳۱۳۳۳۵ کیلومتر مربع وسیعترین استان کشور بوده که حدود یک پنجم مساحت مملکت را تشکیل می‌دهد.
استان خراسان بین مدار جغرافیائی ۳۰ درجه و ۲۱ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۵ درجه و ۲۸ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است.
این استان از شمال و شمال شرقی به‌طول حدود ۷۰۰ کیلومتر دارای مرز مشترک با جمهوری ترکمنستان و از شرق به‌طول حدود ۶۰۰ کیلومتر دارای مرز مشترک با کشور افغانستان بوده و از جنوب استان سیستان و بلوچستان و از غرب و شمال غربی به‌استانهای یزد، اصفهان، سمنان و مازندران محدود می‌باشد.
طول متوسط استان به‌خط مستقیم در جهت شمالی جنوبی ۷۵۰کیلومتر و عرض متوسط آن به‌خط مستقیم در سمت شرقی غربی ۴۲۰ کیلومتر است.
ارتفاع متوسط استان ۱۰۰۰ متر از سطح دریا می‌باشد که حداکثر ارتفاع ۳۲۰۰ متر از سطح دریا مربوط به کوههای بینالود و حداقل ارتفاع ۳۰۰ متر از سطح دریا مربوط به‌منطقه شمالی شهرستان سرخس می‌باشد.
خراسان مجموعه‌ای از عوارض جغرافیائی مرکب از فلاتها، جلگه‌ها و کوهستانها می‌باشد که در شمال شرقی ایران قرار گرفته و عواملی مانند وجود رشته‌کوههای مرتفع و مناطق پست کویری و دوری از دریا و همچنین وزش بادهای مختلف تنوع آب هوائی را در استان به‌وجود آورده است به‌طوری‌که معمولاً دامنه تغییرات درجه حرارت از شمال به‌جنوب استان زیاد و میزان بارندگی در طول دوره بارندگی در مناطق مختلف متفاوت بوده و از میزان آن در جهت شمال به‌جنوب کاسته می‌شود.
رودهای چندی در کوهستانهای شمالی استان خراسان، دره‌های حاصلخیزی را به‌وجود آورده که مرکز تجمع انسانی و حیات نباتی می‌باشند و شهرهای آباد خراسان را در برگرفته‌اند مهمترین رودخانه‌های استان عبارتند از: اترک، گرگان‌رود، هریرود و قره‌سو که عمدتاً در مناطق شمالی استان جاری می‌باشد.
**کوه‌های مهم استان عبارتند از:** الف ـ رشته‌کوههای هزارمسجد کپه‌داغ در بخش شمالی استان که به‌موازات مرز ایران و جمهوری ترکمنستان در جهت شرقی غربی کشیده شده و کویر قره‌قوم را از کویرهای ایران جدا می‌سازد.
ب ـ کوه‌های آلاداغ شاه جهان و بینالود که ادامه سلسله جبال البرز بوده از شمال غربی به‌جنوب شرقی امتداد یافته و از منطقه تربت جام گذشته و به کوههای هندوکش در افغانستان متصل می‌گردد.
**مشخصات طبیعی:** استان خراسان رضوی بخشی از استان پهناور و بزرگ می‌باشد که با مصوبه دولت در سال ۱۳۸۳ و پس از تقسیم خراسان به سه قسمت شمالی، رضوی و جنوبی ایجاد شده است. این استان در سال ۱۳۸۵ دارای وسعتی

بیش از ۱۲۷ هزار کیلومتر مربع می‌باشد که بین مدار جغرافیایی ۳۳ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۴۴ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۶ درجه و ۱۹ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است.

استان خراسان رضوی از شمال و شمال شرقی به طول حدود ۵۳۱/۶کیلومتر دارای مرز مشترک با جمهوری ترکمنستان و از شرق به طول حدود ۳۰۲کیلومتر دارای مرز مشترک با کشور افغانستان بوده و از لحاظ مرزهای داخلی از شمال غربی با استان خراسان شمالی، از جنوب با استان خراسان جنوبی و از غرب و نیمه شمال غربی به استانهای یزد و سمنان محدود می‌باشد.

ارتفاعات خراسان را می‌توان به ارتفاعات شمالی و جنوبی تفکیک کرد. ارتفاعات شمال خراسان عموماً شرقی ـ غربی هستند و حال آنکه ارتفاعات جنوب، امتداد شمالی ـ جنوبی دارند. بلندترین نقطه استان قله بینالود در ۳۶۵۱ متری و پست‌ترین نقطه استان در دشت سرخس با ارتفاع ۲۹۹ متر از سطح دریا واقع شده است.

۲ ـ تقسیمات کشوری: براساس آخرین تقسیمات کشوری، استان خراسان رضوی در سال ۱۳۸۵ دارای ۲۰ شهرستان، ۶۴ بخش، ۶۹ شهر و ۱۶۱ دهستان بوده است.

## زمین‌شناسی و معادن:

حوضه‌ی رسوبی کپه داغ به عنوان حوضه‌ای درون قاره‌ای معرفی شده که پس از کوهزایی تریاس میانی و بسته شدن دریای هرسی نین در شمال و شمال شرق ایران تشکیل شده است (Berberian and King, 1981). رسوب گذاری در این حوضه از ژوراسیک میانی تا الیگوسن به طور نسبتاً مداوم صورت گرفته است و پنج توالی پیشروی و پسروی آن را مشخص می‌سازد. ضخامت رسوبات در شرق حوضه‌ی کپه داغ به ۵۰۰۰ متر می‌رسد که از ۱۵ سازند مجزا تشکیل شده است.

منطقه‌ی مورد مطالعه در شرق حوضه‌ی کپه داغ و در عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۴۵ دقیقه‌ی شمالی و طول جغرافیایی ۶۰ درجه و ۳۰ دقیقه و ۶۱ درجه‌ی شرقی قرار دارد. سازندها سرچشمه و سنگانه در این منطقه در طاقدیس پلانژداری رخنمون دارند که زاویه‌ی میل آن به طرف جنوب شرق است. در این منطقه سازند سرچشمه بیش‌تر از مارن و شیل و سنگ آهک‌های مارنی خاکستری رنگ و سازند سنگانه عموماً از شیل‌های رسی تیره رنگ درست شده است. ضخامت سازندهای فوق از شمال غرب به جنوب شرق کاهش می‌یابد.

هدف از این مطالعه، بررسی دقیق بیو استراتیگرافی (چینه زیستی) سازندهای سرچشمه وسنگانه است که می‌توانند به شناخت دقیق تاریخچه‌ی رسوب گذاری در این بخش از حوضه‌ی کمک به سزایی بکنند. دیگر این که سازندهای فوق از شیل‌های تیره رنگ درست شده‌اند که می‌توان آن‌ها را سنگ منشأ نفت و گاز شمرد. زیرا طبق مطالعات افشار حرب (۱۹۷۹)، مقدار کربن آلی در سازند سرچشمه در غرب حوضه‌ی کپه داغ به حداکثر ۳/۷ درصد و در شرق به ۰/۳۹ درصد می‌رسد و مقدار کربن آلی در سازند سنگانه در شرق حوضه حداکثر ۰/۷ درصد است که طبق اظهارات Tissot and Welte (۱۹۷۴)، در صورت پختگی، این مقدار کربن آلی می‌تواند مولد مواد هیدروکربوری باشد. بنابراین،

تعیین سن دقیق لایه‌های موجود در این سازندها کمکی است به کارهای دقیق اکتشافی سطح‌الارضی و تحت الارضی این حوضه.

در این مطالعه، دو مقطع دقیق چینه‌شناسی، در مسیر جاده‌ی مشهد ـ سرخس و در شرق گردنه‌ی مزدوران و جنوب روستای باغک، اندازه‌گیری شده‌اند. از این دو مقطع تعداد ۲۹۱ نمونه جمع آوری شد که نمونه‌های آهکی از طریق مقاطع نازک و نمونه‌های شیلی و مارنی از طریق روش شست و شو و جدا کردن فسیل‌ها مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

**چینه‌شناسی:** سن رسوبات در حوضه‌ی کپه داغ از ژوراسیک تا کواترنری است و ۱۵ سازند را می‌تواند در این حوضه تشخیص داد که بیش‌تر از شیل، مارن، ماسه سنگ، کنگلومرا، سنگ آهک، دولومیت و مقدار ناچیزی ژیپس تشکیل شده است. از آن جا که این مطالعه بر روی سازندهای سرچشمه و سنگانه (با سن کرتاسه‌ی پیشین) انجام گرفته است، هر یک از سازندهای فوق به تفصیل بررسی می‌شود:

**چینه‌شناسی و بیوزوناسیون سازندهای سرچشمه و سنگانه در شرق حوضه‌ی کپه داغ:**
حوضه‌ی رسوبی کپه داغ در شمال و شمال شرق ایران قرار دارد که رسوب گذاری در آن از ژوراسیک تا ترشیاری ادامه داشته است. ناحیه مورد مطالعه در شرق حوضه‌ی کپه داغ و در یال شمالی یک طاقدیس پلانج دار واقع است. در این مطالعه دو مقطع چینه‌شناسی در شرق جاده‌ی مشهد ـ سرخس و در جنوب روستای باغک اندازه‌گیری شده است. در منطقه‌ی مورد مطالعه‌ی سازند سرچشمه به فرم همشیب بر روی سازند تیرگان و در زیر سازند سنگانه قرار دارد که از دو بخش زیرین (مارنی) و بالایی (شیلی) تشکیل شده است. بخش زیرین این سازند از تناوبی از سنگ آهک‌های مارنی، مارن و سنگ آهک‌های االیتی فسیل دار تشکیل شده است.

بخش بالایی از شیل‌های خاکستری رنگ همراه با سنگ آهک‌های فسیل دار تشکیل شده است. سازند سنگانه شامل شیل‌های رسی تیره رنگ است که به طرف بالا به شیل‌های سیلتی تا سیلت استون تبدیل می‌شود. شیل‌های بخش بالایی این سازند به علت وجود گلاکونیت، رنگ سبز زیتونی دارند.

در این مطالعه سه بیوزون (C, B, A) برای سازندهای سرچشمه و سنگانه ارائه شده است که بیوزون تمام سازند سرچشمه را در بر می‌گیرد.

بیوزون A (Orbitolina Kurdica-discoidea zone) خود به سه زیر زون ، و تقسیم می‌شود. برای سازند سنگانه‌ی دو بیوزون ارائه شده است که به ترتیب از پائین به بالا عبارتند از: Lenticulina osnabrugensis Zone و Thritaxia macfadyeni zone

بیوزون B (Lenticulina osnabrugensis) خود به سه زیر زون Dorothiea bullata, Masonella trochus, Globorotalites cf. brotzeni تقسیم می‌شود. بر اساس بیوزوناسیون و مجموعه‌ی فسیلی شناخته شده در این منطقه، برای سازند سرچشمه‌ی سن آپسین و برای سازند سنگانه سن آلبین پیشنهاد می‌شود. مطالعه‌ی مجموعه‌ی فسیلی نشان می‌دهد که در این منطقه یک محیط دریایی کم عمق وجود داشته که به مرور زمان به عمق آن افزوده شده است. مجله علوم زمین شماره ۷

**آتشفشان حوالی قوچان** در اطراف توچال در حد جنوبی گسل جداکننده‌ی زون بینالود از کپه داغ.

**آبخیز مشهد ـ استان خراسان رضوی:** آبخیز مشهد به وسیله‌ی رودخانه‌های کشف رود و رودخانه‌ی جام که هر دو از انشعابات رودخانه‌ی حریر رود که به صحرای قره‌قوم در کشور ترکمنستان ختم می‌گردند زهکشی می‌شود و هیچ کویری در این آبخیز مشاهده نشده است.

**کویر سبزوار ـ استان خراسان رضوی:** طول این کویر حدود ۱۲۲ کیلومتر از مشرق به مغرب و عرض آن حدود ۳۰-۸ کیلومتر و در جهت شمالی ـ جنوبی بوده و سطح کلی آن حدود ۲۱۰۳ کیلومتر مربع می‌باشد. شیب این کویر در حدود ۰/۵ متر در کیلومتر و به طرف جنوب غربی است. در امتداد مخروط افکنه دلتائی رودخانه‌ی موره این شیب زیادتر شده و به یک متر در کیلومتر افزایش می‌یابد. قسمت غربی کویر سبزوار که ۷۰ درصد سطح کل آن را در برگرفته جالب‌ترین صور این کویر را تشکیل می‌دهد. به همین علت نیز بررسی‌های انجام شده در درجه‌ی اول به این بخش و عوارض حاشیه‌ی غربی آن محدود گردیده است. کویر سبزوار هرزآب‌های فصلی چندین رودخانه‌ی کناری و دو رودخانه‌ی اصلی را دریافت می‌دارد. مهم‌ترین رودخانه‌های این کویر رودخانه‌ی شور و رودخانه‌ی موره است. رودخانه‌ی شور از ارتفاعات غربی نیشابور، حدود ۲۴۰ کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد. ولی رودخانه‌ی شور از جهت شرقی وارد کویر شده و پس از ورود به حوزه‌ی کویر، قبل از منشعب شدن هنوز ۱۰۹/۲ کیلومتر در بخش اصلی کویر حرکت می‌نماید برخلاف شعبات رودخانه‌ی موره، انشعاب‌های رودخانه‌ی شور در داخل کویر کاملاً مشخص نبوده و به زودی قبل از پیوستن مجدد به هم و احتمالاً ورود به رودخانه‌ی موره محو می‌گردند. شعبه‌های رودخانه‌ی موره پس از دریافت آب رودخانه‌ی شور قدرت گرفته و با تشکیل مجرای واحدی قسمت جنوب غربی کویر سبزوار را زهکشی کرده و به کویر نمک وارد می‌شود.

به طور کلی کویر سبزوار به وسیله‌ی مخروط‌ها افکنه‌ها، با حدود مرزی تقریباً مشخص محصور شده است. به طوری که در زبانه‌ی مخروط افکنه‌ی بزرگ بلافاصله در قسمت شرقی، مجرای ورودی رودخانه‌ی موره آشکارا دیده می‌شود، در حال حاضر مخروط افکنه بر روی سطح کویر گسترش یافته‌اند، در حالی که نقشه‌های قدیمی این منطقه چنین گسترشی را نشان نمی‌دهند شیب عمومی مخروط افکنه در امتداد حاشیه‌ی شمالی و غربی در حدود ۲۵-۱۰ درجه و در امتداد حاشیه‌ی جنوبی آن در حدود ۱۰-۵ درجه است.

**آبخیز ارتفاعات بیجستان ـ استان خراسان رضوی:** آبخیز ارتفاعات بیجستان از نه حوزه‌ی زهکشی تشکیل شده است که به وسیله‌ی ارتفاعاتی تا ۳۰۰۰ متر از سطح دریا و بیش از ۲۰۰۰ متر از سطح کویرهای مجاور، از یکدیگر جدا شده‌اند. بارش‌های سالیانه‌ای منطقه اکثراً در زمستان و به صورت برف است که از هوای مرطوب رسیده از دریای خزر حاصل می‌گردد. حداکثر بارندگی این آبخیز در امتداد حد شمال شرقی آن و در مسیر بادهای طوفانی سمت جنوب شرقی می‌بارد. میزان بارندگی این آبخیز در حد شمال شرقی بیش از ۳۰۰ میلیمتر است که به طرف طبس کاهش یافته و در مغرب طبس به کمتر

از یکصد میلیمتر می‌رسد. یک مرکز بارندگی دیگر با بیش از ۱۵۰ میلیمتر در سال در اطراف ارتفاعات جنوب مرکزی این آبخیز وجود دارد. بخش یزدان که در لگنی در حد واسط دو مرکز بارندگی قرار گرفته است سالانه کمتر از ۱۵۰ میلیمتر باران دریافت می‌دارد.

گسل‌های بزرگ و ممتدی این حوزه‌ی کوهستانی را قطع می‌نماید. مهم‌ترین آن‌ها گسل کویر نمک کاخ و گسل قائن است. حادثه‌ی زمین لرزه ۳۱ اوت ۱۹۶۸ که بیش از ۱۲۰۰۰ نفر در آن جان خود را از دست دادند و در امتداد گسل کاخ رخ داده و بر اثر این حادثه اختلاف سطحی برابر با ۳ متر ایجاد گردید. در نتیجه ادامه‌ی فعالیت‌های تکتونیک در این منطقه، جابجائی مسیر زهکش‌های موجود امری عادی است.

**چاله‌ی بیجستان ـ استان خراسان رضوی:** در چاله‌ی بیجستان، بزرگ‌ترین کویر ایران با وسعتی برابر با ۴۶۸۵ کیلومتر مربع قرار دارد که در عین حال کوچک‌ترین نسبت سطح حوزه‌ی زهکشی به سطح کویر (برابر با ۵) را نیز دارد.

این چاله‌ی آب اضافی چاله‌ی تربت را از طریق یک رودخانه‌ی داخلی دریافت می‌کند. این رودخانه قبل از رسیدن به چاله‌ی بیجستان از دره‌ی باریکی در ارتفاعات آهکی کرتاسه و تپه‌های ماسه‌ای تثبیت شده قدیمی می‌گذرد. احتمالاً مجرای ورودی این چاله به وسیله‌ی تپه‌های ماسه‌ای و یا سنگ‌های دوره‌ی کرتاسه و یا در گذشته خیلی نزدیک به وسیله‌ی تپه‌های ماسه‌ای وسیع این منطقه بسته بوده است.

کویر بیجستان در مجاورت حد شمال غربی چاله‌ی بیجستان و در مقابل سنگ‌های مقاوم‌تر متعلق به دوره‌ی ژوراسیک و کنگلومرآت‌ها قرار گرفته است، در این کویر فقط یک دامنه‌ی آبرفتی باریک وجود دارد و عملاً هیچ حوزه‌ی خیس قابل ملاحظه‌ای در آن دیده نمی‌شود.

**چاله‌ی تربت ـ خراسان رضوی:** چاله‌ی تربت در نزدیکی حاشیه‌ی شمالی و جنوبی آن به وسیله‌ی گسل‌های اصلی و فوق العاده فعال مشخص شده است و هم چنین برجستگی‌های وسیعی از سنگ‌های دوره‌ی میوسن بین گسل کویر نمک و کویر تربت وجود دارد، ولی هیچ اثری از رسوبات نمکی، نه در بستر رودخانه‌ها و نه بر روی سطح کویر که بدون نمکزار است، دیده نمی‌شود.

سطح کویر تربت در حدود ۱۵۴۹ کیلومتر مربع وسعت دارد و فقط از صفحات رسی تشکیل شده است. در قسمت انتهائی بخش شمال غربی کویر تربت که از طرف شمال شرقی و به طور عمودی به وسیله‌ی رودخانه‌ی اصلی این دشت قطع گردیده، اخیراً بریدگی‌های فرسایشی قابل توجهی تشکیل شده است. به موازات جهت اصلی شمال شرقی ـ جنوب غربی رودخانه و قدری جنوبی‌تر از آن، یک حوزه‌ی خیس باریک و ناپیوسته وجود دارد. در بخش جنوبی این حوزه‌ی خیس که به علت کوچکی قابل درج در نقشه نیست، سطح کویر نسبتاً صاف بوده و به طور محدودی با شیارهای فرسایشی همراه است. فقط تراس‌های ضعیفی متعلق به مجاری زهکشی و همراه با پوشش گیاهی فرآتیک دیده می‌شود.

**خواف:** کانسار آهن سنگان خواف در حدود ۳۰۰ کیلومتری جنوب خاوری مشهد واقع است. این معدن به دلیل عیار بالای آهن، پایین بودن میزان

فسفر و ذخیره‌ی زیاد، از مهم‌ترین ذخایر آهن ایران است. کانی سازی از نوع اسکارن مگنتیتی است. این ذخیره در تقسیم بندی جدید نیز جزو ذخایر مگنتیت (اکسید آهن) قرار گرفته است. براساس رخنمون سطحی، اسکارنِ در بخش باختری از نوع همبری (توده‌ی مگنتیت A) شامل آن‌درادیت،

آمفیبول دما بالا، مگنتیت و کلسیت است. توده‌های مگنتیت بخش A,B,C-جنوبی حاوی ریپدولیت، فرواکتینولیت، سیدریت و مقدار اندکی پیریت است. توده‌های مگنتیت محدوده‌های C شمالی و باغک، حاوی مگنتیت غنی از منیزیم، فلوگوپیت، کلینوکلر، فورستریت، دولومیت، تالک، پیریت ± پیروتیت ± کلکوپیریت ± آرسنوپیریت است. بیشترین مقدار سولفید در این دو منطقه یافت می‌شود. سنگِ منشأ شناسایی شده در این تحقیق (در منطقه‌ی A) از نوع اولتراپتاسیک با $K_2O$ بیش از ۹ درصد است. گرانیت سرنوسر که تاکنون به عنوان سنگ منشأ مطرح بوده، $K_2O$ کمتر از ۵ درصد دارد، لذا با شناسایی سنگ منشأ نوع اولتراپتاسیک، گرانیت سرنوسر نمی‌تواند سنگ منشأ باشد. میزان $K_2O$ در گرانیت سرنوسر نزدیک به زون‌های اسکارنی افزایش می‌یابد که حاصل دگرسانی است. محلول کانه دار که از مرز گرانیت سرنوسر و سنگ آهک جابه جا می‌شده است، ضمن تشکیل اسکارن باعث دگرسانی گرانیت سرنوسر نیز شده است. براساس مطالعات میکروسکوپی و محاسبه‌ی نورم، سنگ منشأ آهن در حد کوارتز هورنبلند سینیت پورفیری و کوارتز بیوتیت هورنبلند سینیت قلیایی پورفیری و سنگ‌های جوان‌تر در حد بیوتیت گرانیت، بیوتیت هورنبلند کوارتز مونزونیت پورفیری و کوارتز سینیت پورفیری هستند. پتاسیم در منطقه‌ی سنگان، نوع کانی سازی اسکارنِ را کنترل کرده است. در اسکارن همبری (توده A) آمفیبول غنی از پتاسیم، کلر و فلوئور در اسکارن حاشیه‌ای (توده‌ی C و باغک) فلوگوپیت (حاوی پتاسیم و فلوئور) را تشکیل شده است. مقایسه برخی عناصر جزئی سنگ منشأ سنگان و گرانیت سرنوسر نشان می‌دهد که مقدار Rb, Zn, Zr و Nb در سنگ منشأ بالاتر و عناصر Sr و Cu در سنگ‌های منشأ پائین‌تر از سرنوسر است. مقایسه‌ی عناصر فرعی سنگ‌های جوان‌تر با سنگ منشأ آهن نشان می‌دهد که ۱) مقدار Sr، Cu، Ce، Zr، Ni، Cr و La در توده‌های جوان‌تر و بیشتر است و ۲) مقدار روبیدیم در توده‌های جوان‌تر کمتر از سنگ منشأ آهن است.

معدن سنگان یک ذخیره‌ی بزرگ و باارزش اسکارن آهن است. این کانسار جزئی از کمربند آتشفشانی ـ پلوتونیکی خواف ـ کاشمر ـ بردسکن به شمار می‌آید. این کمربند با روند خاوری ـ باختری در شمال گسل درونه قرار داشته و در کشور افغانستان نیز ادامه می‌یابد.

در سال‌های اخیر تحقیقات علمی زیادی برای درک تغییر پذیری دینامیکی پدیدهای ژئوفیزیکی انجام شده است. پدیده‌های ژئوفیزیکی با الگوهای پیچیده‌ای مشخص می‌شود و به نظر می‌رسد دینامیک این پدیده‌ها محصول برهم‌کنش مؤلفه‌های زیادی در گستره‌های وسیع زمانی یا مقیاس‌های مکانی است (Ashkenazy et al, 2001). بر همین اساس این پدیده‌ها را می‌توان با مفاهم فراکتالی و چند فراکتالی تشریح کرد. یکی دیگر از خصلت‌های قابل توجه سامانه‌های دینامیکی طبیعی این است که بر هم کنش

دینامیکی بین اجزای آن تمایل به سمت‌گیری به حالت پایدار حاشیه‌ای دارد که تحت عنوان Self Organized Criticality (SOC) نامگذاری شده است. مجله‌ی علوم زمین

**زیست چینه‌شناسی و رسوب‌شناسی سازند کشف رود خراسان رضوی:** سازند کشف رود، ردیفی از سنگ‌های رسوبی سیلیسی آواری و سنگ‌شناسی آن غالباً شامل کنگلومرا، ماسه سنگ و شیل است. در ناحیه‌ی تپه نادر، رخساره متفاوتی از سازند کشف رود شامل ماسه سنگ آهکی، آهک ماسه‌ای و شیل ظاهر می‌شود. این لایه‌ها حاوی سنگواره‌ها متعددی از آمونیت، بلمنیت، لاملی برانش، بازوپایان، شکم پایان، جلبک، استراکود، کرینویید، بریوزوا، مرجان و ساقه‌های فسیل گیاهی هستند. این سنگ‌های کربناتی، بیشتر از نوع بیواسپارایت یا بیوائواسپارایت بوده‌که به دلیل نوع عناصر اسکلتی و وجود سیمان اسپاری، نمایانگر محیط ساحلی در این منطقه می‌باشند. با این حال، رخساره‌های آواری، رخساره چیره سازند کشف رود است. شواهد متعددی مانند رسوبات کلاسیک توربیدیت، ماسه سنگ‌های توده‌ای، ماسه سنگ‌های قلوه دار، کنگلومراها و ریزش و لغزش، نقش جریان‌های توربیدیتی را در ایجاد بخش وسیعی از سازند کشف رود اثبات می‌کند.

مهم‌ترین و فراوان‌ترین فسیل‌های موجود در سازند کشف رود، آمونیت‌ها هستند که، ۱۳ جنس و ۱۸ گونه در قالب دو زیست زون آمونیتی تشخیص داده شد.

سازند آواری کشف رود، در نقاط مختلف کپه داغ، بر روی سنگ‌های گوناگون با سنین متفاوت می‌نشیند. در شمال کوه شاهان واقع در جاده‌ی مشهد ـ سرخس، ناحیه‌ی تپه نادر، با دگر شیبی بر روی افیولیت‌های مشهد قرار دارد. در بخش باختری کپه داغ، سازند کشف رود تشکیل نشده و سازندهای باش کلاته و چمن بید جای آن را گرفته‌اند. در مقابل، در بخش جنوب خاوری کپه داغ، سازند چمن بید شناخته نشده است، به گونه‌ای که سازند مزدوران مستقیماً بر روی سازند کشف رود قرار می‌گیرد.

**چینه شناس سازند کشف رود در مقاطع مورد مطالعه:** در بررسی‌های انجام شده، مشخص شد که سازند کشف رود در قسمت‌های مختلف حوضه، دارای ضخامت‌های متفاوت و در بعضی موارد، تغییر رخساره قابل ملاحظه‌ای دارد. شاخص‌ترین تغییر رخساره‌ی آن در ناحیه‌ی تپه‌ی نادر دیده می‌شود.

**مقطع قلعه سنگی:** مقطع قلعه سنگی به ضخامت ۱۲۰۰ متر، در دامنه‌ی رشته کوه مزدوران، در ۵ کیلومتری روستای پل گزی و ۱۵ کیلومتری خاور روستای بغبغو است.

در این مقطع قاعده‌ی سازند کشف رود با ناهمسازی روی سطح فرسایشی سازند سینا به سن لادینین قرار می‌گیرد. سنگ‌های سازند سینا، آتشفشانی و اغلب شامل توف، ماسه سنگ توفی، کوارتزیت، گرانیت و آندزیت است. این بخش به ضخامت ۲۷/۵ متر با کنگلومرای درشت دانه‌ای آغاز می‌شود که اجزای آن را کوارتزیت، توف، میکاشیست، میکروکنگلومرا، ماسه سنگ توفی، آهک، گرانیت، دیاباز و قطعات آتشفشانی متفاوت تشکیل می‌دهند. مجله‌ی علوم زمین

**خراسان رضوی:** سازند خان گیران جوان‌ترین واحد سنگی حوضه‌ی کپه داغ است که در محیط دریایی رسوب کرده و در حال حاضر در نواحی

شمال خاوری منطقه، در دشت سرخس، ناحیه‌ی شمال دره گز و چند ناودیس در مرکز و باختر کپه داغ رخنمون دارد. ناحیه‌ی مورد مطالعه در حدود ۲۵ کیلومتری روستای شورلوق و در شمال خاوری ناودیس چهل کمان واقع است. مختصات جغرافیایی قاعده‌ی برش مذکور عبارت سات از ۴۵° ۶۰ طول خاور یو ۳۰° ۳۶ عرض شمالی.

مطالعات چینه‌شناسی و فسیل‌شناسی سازند خانگیران از دیرباز مورد توجه زمین شناسان قرار گرفته است و سن آن‌ها بر مبنای بررسی هائی که بر روی فرامینیفرها انجام شده در ناحیه‌ی سرخس از پالئوسن فوقانی تا اواخر ائوسن و احتمالاً الیگوسن زیرین ذکر شده است. در مطالعات کنونی با توجه به ارزش چینه‌شناسی نانوپلانکتون‌های آهکی، سازند مذکور برای نخستین بار مورد بررسی قرار می‌گیرد و با در نظر گرفتن مورفولوژی و لیتولوژی آن، ۲۹ نمونه از محل مذکور برداشت و پس از آماده سازی مورد مطالعه میکروسکوپی قرار گرفته است. در این بررسی تعداد ۱۱ خانواده و ۲۱ جنس و ۵۱ گونه از نانوفسیل‌های آهکی معرفی و توسط میکروسکوپ نوری و برخی نیز توسط میکروسکوپ الکترونی عکس‌برداری شده‌اند. بر مبنای نتایج رده بندی و اولین حضور فسیل شاخص و همراهی تجمعات فسیلی، ۹ زون زیستی در این سازند تعیین شد که با زون‌های Martini (1971) (Np13, NP24) مطابقت دارد. براساس نانوپلانکتون‌های موجود محدوده زمانی سازند خانگیریان درناحیه‌ی مورد مطالعه‌ی ائوسن آغازین تا الیگوسن پسین پیشنهاد می‌شود.

نام سازند خانگیران از ناحیه‌ی خانگیران در باختر شهر سرخس گرفته شده و شامل تپه ماهورهای کم ارتفاع از جنس شیل‌های یکنواخت است. از این سازند که برای اولین بار در خاور ناودیس چهل کمان اندازه‌گیری شده، تعداد ۲۹ نمونه از برش مذکور برداشت و با دو روش Smear و Centrifuging آماده سازی شد و سپس بوسیله‌ی میکروسکوپ نوری (Lm) و تحت بزرگ نمایی ۱۰۰۰× مورد مطالعه و عکس برداری قرار گرفتند. شایان ذکر است که غالب فسیل هایی که اساس زون بندی مطالعات کنونی را تشکیل می‌دهند جهت دقت بیشتر با (SEM) نیز عکسبرداری شده‌اند. مجله‌ی علوم زمین ش ۳۳ - ۳۴

سنگ‌چینه‌ای و سنگ‌شناسی سازند توریجه حوضه‌ی رسوبی کپه داغ در شمال و شمال خاوری ایران جای دارد و رسوبگذاری از ژوراسیک تا میوسن به طور نسبتاً مداوم در آن صورت گرفته است. منطقه‌ی مورد مطالعه در ارتفاعات چشمه گیلاس در ۵۰ کیلومتری شمال باختری مشهد واقع شده است. هدف از انجام این مطالعه تشخیص رخساره‌های سنگی مختلف و در نهایت تفسیر تاریخچه رسوبگذاری سازند شوریجه در این ناحیه می باشد.

سازند شوریجه با سن نئوکومین (Kalantari 1969) در این منطقه دارای ۴۹۰ متر ضخامت بوده که به طور هم شیب بر روی سازند مزدوران (باسن ژوراسیک فوقانی) و نیز هم شیب در زیر سازند تیرگان (باسن آپسین) قرار دارد. این سازند بیشتر از رخساره‌های سیلیسی آواری قرمز رنگ، به ویژه سنگ‌های دانه ریز تا متوسط (شیل ها و ماسه سنگ‌ها) تشکیل شده که در محیط‌های رودخانه‌ای برجای گذاشته شده‌اند. رخساره‌های سنگی کربناته (لجن‌های میرکایتی و دولومیت) و

تبخیری (گچ) این سازند نیز مؤید شرایط رسوبگذاری در محیط بسته (به گمان دریاچه‌ای) در شرایط آب و هوای گرم و خشک تا نیمه خشک میباشد.

جوضه‌ی رسوبی کپه داغ که زون کپه داغ را پدید آورده، بعنوان حوضه‌ای درون قاره‌ای معرفی شده که پس از کوهزایی تریاس میانی و بسته شدن اقیانوس هرسی نین در شمال و شمال خاوری ایران (بین صفحات ایران و توران) تشکیل شده است. رسوبگذاری در این حوضه از ژوراسیک تا الیگومیوسن به طور کم و بیش مداوم صورت گرفته است و ستبرایی بیش از ۶۰۰۰ متر را شامل می‌شود که توسط ۵ توالی عمده پیشروی و پسروی مشخص می‌گردند. مجله‌ی علوم زمین ش ۲۹ و ۳۰

**بررسی خطر زلزله در شهرهای استان خراسان رضوی و رعایت حریم گسل:** رویداد زمین لرزه‌های متعدد تاریخی و سده‌ی بیستم چون دشت بیاض، فردوس، طبس، زرکوه قائنات باعث شده است تا گستره‌ی خراسان به عنوان یکی از نواحی بالای لرزه خیزی و توجه خاص به این نواحی از اهمیت به سزایی برخوردار است. در این نوشتار پهنه بندی خطر زمین لرزه و پتانسیل لرزه خیزی در کل استان خراسان (رضوی، شمالی، جنوبی) بر اساس بزرگای Mb و اهمیت رعایت حریم گسل‌ها در شهرهای استان خراسان رضوی به تفصیل ارائه شده است.

نواحی شیروان، بجنورد، نیشابور، مشهد، اسفراین و جاجرم تحت تأثیر گسل‌های شمال باختری ـ جنوب خاوری ایالت زمین ساختی کپه داغ و همچنین محل‌های برخورد این روندها با روندهای خاور شمال خاوری ـ باختر جنوب باختری در بخش خاوری البرز است. این مسأله موجب لرزه خیزی بالای نواحی شیروان، فریمان، نیشابور و مشهد شده و با این دیدگاه احتمال رویداد زمین لرزه‌ای مخرب در شهر مشهد دور از ذهن نیست؛ چراکه مهم‌ترین زمین لرزه تاریخ در شهر مشهد در سال ۱۰۵۲ هجری شمسی به وقوع پیوسته است و از آن هنگام تاکنون (۱۳۸۶) این شهر در معرض زمین لرزه مخربی نبوده است. بر این اساس، کمینه نبود لرزه‌ای (حدود ۳۳۴ ساله) در این پهنه وجود دارد که با در نظر گرفتن پرتکاپو بدون این ناحیه، لزوم برخوردی محافظه‌کارانه با مساله خطر زمین لرزه در ناحیه مشهد و نیشابور پیشنهاد می‌شود.

در بخش‌های مرکزی استان وجود گسل دورونه و مجاورت این گسل با شهرهای کاشمر (که در زمین لرزه ۱۲۸۳ ه.ش ویران شده) و تربت حیدریه (که در زمین لرزه ۱۳۰۲ ه.ش متحمل خسارت گردیده) قابل توجه است.

علاوه بر این شهرها، شهرهای تربت جام، خواف، رشتخوار و بردسکن که در پهنه‌ی همین گسل واقع اند تحت تأثیر جنبایی این گسل قرار دارند.

طبق نقشه مقدماتی پهنه بندی خطر زمین لرزه بر اساس بزرگای Mb در استان خراسان رضوی، شهرهای درگز، تایباد، خواف، قوچان، گناباد، فردوس، سبزوار، کاشمر و بردسکن پتانسیل لرزه خیزی بیسار بالایی دارند و امکان بروز زمین لرزه‌هایی با بزرگای Mb بیشتر از ۶ ریشتر در این شهرها وجود دارد و شهرهای مقدس مشهد، تربت حیدریه، تربت جام، فریمان، سرخس، نیشابور و چناران دارای پتانسیل لرزه خیزی متوسط تا بالا بوده و امکان بروز زمین لرزه‌هایی با

بزرگای Mb بیشتر از ۴/۵ ریشتر در این شهرها وجود دارد.

در مجموع، پتانسیل لرزه خیزی در کل استان خراسان رضوی بالا بوده و هر لحظه امکان وقوع زمین لرزه‌ای با بزرگای Mb بیشتر از ۴/۵ ریشتر در آن وجود دارد و در این بین شهرهای خواف، تایباد، درگز، قوچان خطر پذیرتر است.

رعایت حریم گسل‌ها، بسته به ساز و کار آن‌ها متفاوت است، به‌طوری که اگر گسل ساز و کار راستالغز داشته باشند، رعایت حداقل حریم ۱۰۰ تا ۳۰۰ متر در طرفین گسل ضروری است.

برای گسل‌هایی با سازوکار راندگی، حریم گسل ۱ تا ۳ کیلومتر است. اما در مورد استان خراسان از آن جا که گسل‌های راندگی به طور عمده دارای ساز و کار مورب لغز بوده (راندگی با مؤلفه‌ی راستالغز)، رعایت حداقل ۷۰۰ متر در فرو دیواره و ۱۰۰۰ متر در فرادیواره این نوع گسل‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به نقشه گسل‌های فعال در استان خراسان رضوی، رعایت فاصله‌ی شهرستان‌ها از گسل‌های نزدیک آن‌ها ضروری است؛ به عنوان مثال رعایت حداقل حریم ۳۰۰ متر برای شهرهای خواف، تایباد، رشتخوار، تربت حیدریه، کاشمر، بردسکن از گسل دورونه با ساز و کار راستا لغز چپ لغز یا مؤلفه‌ی راندگی ضروری به نظر می‌رسد و یا رعایت حداقل حریم ۳۰۰ متری شهرستان گناباد از گسل فعال لرزه‌زای دشت بیاض با سازوکار راستالغز چپرو یا مؤلفه‌ی شیب لغز، رعایت حداقل حریم ۱۰۰۰ متری شهرستان فردوس از گسل راندگی فردوس، رعایت حداقل حریم ۱۰۰۰ متری شهرستان تربت جام، رعایت حداقل حریم ۱۰۰۰ متری شهر مقدس مشهد از گسل‌های کشف رعایت حداقل حریم ۱۰۰۰ متری شهرستان نیشابور و سبزوار از گسل‌های راندگی شمال نیشابور و سبزوار با ساز و کار راندگی، رعایت حداقل حریم ۵۰۰ متری شهرستان قوچان از گسل‌های فعال قوچان و گرماب ـ باغان با ساز و کار راستالغز راسترو، رعایت حداقل حریم ۱۰۰۰ متری شهرستان فریمان از گسل شمال فریمان با ساز و کار راندگی و رعایت حداقل حریم ۱۰۰۰ متری شهرستان چناران از گسل جنوب چناران ضروری است. ـ ناصر نعیمی قصابیان ـ ماهنامه علوم زمین و معدن ـ سازمان زمین‌شناسی کشور

**رسوب‌شناسی حوضه آبریز سد سنگرود سبزوار ـ خراسان رضوی:** حوضه‌ی آبریز سنگرود واقع در بخش مرکزی استان خراسان از سه زیر حوضه‌ی باختری، جنوبی و خاوری تشکیل شده است. گستره مورد بررسی از نظر ساختار زمین‌شناسی جزء واحد ایران مرکزی بوده و به طور عمده از واحدهای سنگی متعلق به اواخر مزوزوئیک و سنوزوزئیک تشکیل شده است. رودخانه‌های تغذیه‌کننده ناحیه‌ی از نوع مآندری با بار بستر ماسه‌ای گراولی با کانال متغیر می‌باشند. وجود واحدهای سنگی رسوب زا نظیر شیل و مارن و بارندگی‌های فصلی موجب فرسایش شدید در منطقه شده است. مطالعات رسوب‌شناسی نشان داده است که رسوبات رودخانه‌ای بیشتر از نوع sG, msG, gS, gmS است که به طور عمده به سمت پائین دست از گراول ماسه‌ای به ماسه‌ی گلی گراولی تغییر اندازه می‌دهد. همچنین این مطالعات منجر به شناسایی ۹ رخساره‌ی سنگی (۳ رخساره‌ی گراولی، ۴رخساره‌ی ماسه‌ای و ۲ رخساره‌ی گلی) در

توالی‌های تشکیل شده در رودخانه‌های منطقه شده است. وضعیت خاص زمین‌شناسی به ویژه سنگ‌های سست رسوبی منجر به تولید مقدار زیادی رسوب شده است که به سرعت باعث پر شدن مخزن سد و کاهش طول عمر مفید آن می‌گردد. با تغییر شرایط هیدرولیک کانال‌ها و کاشت گیاهان شور پسند می‌توان از تولید و حمل رسوب به مخازن سد جلوگیری نمود.

حوضه‌ی آبریز سنگرد سبزوار به وسعت ۱۲۳۰ کیلومتر مربع در بخش مرکزی استان خراسان و در دامنه‌ی شمالی کوه‌های کوه سرخ کدکن بین طول‌های جغرافیایی ۵۶-۵۷ و ۱۵-۵۸ و عرض‌های جغرافیایی ۳۵-۳۵ و ۵۰-۲۵ جای دارد. این حوضه از سه زیر حوضه‌ی خاوری، جنوبی و باختری تشکیل شده به طوری که از سمت خاور رودخانه‌های لنگر، ده میان، تکاب و خضر آباد، از سمت جنوب رودخانه‌های شاه یک (قلعه میدان) و دنجان و بالاخره از سمت باختر رودخانه‌های آلبلاغ، خاک خون، خرگوش و غلام بیک تغذیه‌کننده‌ی این زیر حوضه بوده که در بخش مرکزی به یکدیگر پیوسته و رودخانه‌ی سنگرد را تشکیل می‌دهد.

**رودخانه‌ی آلبلاغ:** این رودخانه با طول تقریبی ۲۳ کیلومتر و با شیب متوسط ۰/۰۶۲٪ از باختر به خاور جریان دارد. آنالیز رسوبات این رودخانه نشان می‌دهد که اندازه ذرات در سر منشأ بیشتر از ماسه (۷۴٪) و مقدار کمی گراول (۲۵/۷٪) تشکیل شده است (ماسه‌ی گراولی ـ gs). فراوانی ماسه در این رسوبات به احتمال زیاد ناشی از شیب کم و شعاع هیدرولیکی کم کانال است.

**رودخانه‌ی خاک خون:** رودخانه‌ی خاک خون که دارای ۱۶ کیلومتر و شیب متوسط ۱/۰۶٪ است و از سمت باختر به خاور جریان دارد، یکی دیگر از رودخانه‌های تغذیه کننده زیر حوضه‌ی باختری است. رسوبات در این رودخانه در ابتدا به صورت ماسه گراولی با بار معلق، کج شدگی منفی (۰/۱-)، کشیدگی متوسط (۰/۹۲) و جورشدگی ضعیف (۱/۷۷ فی) است و به دلیل عبور این رودخانه از سازندهای مارنی و شیلی باختر ناحیه‌ی نقش مهمی در انتقال بار معلق به رودخانه‌ی آلبلاغ را ایفا می‌نماید به طوری که مقدار بار معلق در محل الحاق این رودخانه به رودخانه‌ی آلبلاغ ۱۳٪ افزایش می‌یابد. علاوه بر این آنالیز رسوبات این رودخانه نشان می‌دهند که بخش اعظم رسوبات در اندازه‌ی ماسه درشت تا خیلی درشت و با جورشدگی بسیار ضعیف می‌باشد.

**زیرحوضه‌ی جنوبی:** این زیر حوضه شامل رودخانه‌های دنجان و شاه یک (قلعه میدان) است که از ارتفاعات جنوب سرچشمه گرفته و به رودخانه سنگرد می‌ریزند.

**رودخانه‌ی دنجان:** این رودخانه به طول ۱۴ کیلومتر و با شیب متوسط ۱/۲۸٪ از جنوب به شمال امتداد داشته و به دلیل شیب زیاد که با نیروی تنش برشی نیز نسبت مستقیم دارد، باعث فرسایش بیشتر کناره و کف بستر کانال گردیده است. رسوبات این رودخانه به طور عمده از پیل ریز (گراول ماسه‌ای گلی با حدود ۴۷٪ گراول) تشکیل شده و دارای کشیدگی پهن (۰/۸۹)، جورشدگی بسیار ضعیف (۳/۳۷ فی) و کج شدگی مثبت (۳/۴) می‌باشد.

**رودخانه‌ی شاه یک (قلعه میدان):** این رودخانه با داشتن طول تقریبی ۱۵ کیلومتر و شیب متوسط ۱/۲٪ نسبت به سایر رودخانه‌های ناحیه از شعاع

هیدرولیک بیشتری برخوردار است.
**رودخانه‌ی خضر آباد:** این رودخانه به طول بیش از ۲۵ کیلومتر و شیب ۰/۹۳٪ از خاور به باختر جریان دارد. رودخانه‌های لنگر، تکاب و ده میان از رودخانه‌های فرعی مشروب کننده خضر آباد می‌باشند. ورود آبراهه‌های فرعی از ارتفاعات مارنی ـ ماسه سنگی شمال شرق نیز در انتقال مقادیر کمی آب و نیز افزایش رسوب (شامل بار معلق و بار بستر) نقش بسزایی دارند. میزان رسوبات کانال رودخانه‌ی خضر آباد از نوسان زیادی برخوردار است به طوری که در بعضی نقاط تا ۲۳٪ گل در رسوبات یافت می‌شود.
**رسوب‌شناسی رودخانه‌ی سنگرد:** رودخانه‌ی سنگرد با طول حدود ۱۰ کیلومتر و شیب متوسط ۰/۸٪ اصلی‌ترین رودخانه‌ی منطقه است. آب‌های حاصل از حوضه آبریز به این رودخانه وارد شده که همراه خود مقادیر قابل توجهی رسوب به صورت بار معلق و بار بستر نیز انتقال می‌دهند. مجله‌ی علوم زمین ش ۴۵ ـ ۴۶
**خطر زمین‌لرزه خراسان رضوی:** گستره‌ی مشهد ـ نیشابور در استان خراسان در بخش شمال خاوری ایران مرکزی جای دارد که بخشی از کوه‌های کپه داغ را می‌پوشاند. از دیدگاه زمین ریخت شناختی گستره‌ی مورد بررسی به ترتیب از شمال خاوری به سوی جنوب باختری از بخش‌های گوناگون زیر ساخته شده است.
الف: پهنه‌ی کپه‌ی داغ (شامل پیشگودال کپه داغ، کوه‌های چین خورده رانده شده کپه داغ و فرونشست مشهد ـ قوچان).
ب: پهنه‌ی افیولیت پارینه تتیس (شامل زمینچاک پارینه تتیس و افیولیت‌های پارینه تتیس).
پ: پهنه‌ی ایران مرکزی (شامل کوه‌های چین خورده ـ رانده شده بینالود: شمال ایران مرکزی و افیولیت‌های سبزوار).

با توجه به تاریخچه‌ی زمین لرزه‌های بزرگ پیش از سده‌ی بیستم در مشهد نیشابور و وجود گسله‌های مهم در پیرامون این دو شهر و روی ندادن زمین لرزه‌ای بزرگ در سده‌ی بیستم در این گستره، احتمال رویداد زمین لرزه‌ای بزرگ نکته‌ای جدی است.
**گسله‌های گستره‌ی مشهد ـ نیشابور:** در گستره‌ی مشهد ـ نیشابور گسله‌های فراوانی وجود دارند و در این میان می‌توان گسله‌ی کشفرود (با درازای نزدیک ۱۲۰ کیلومتر)، سامانه‌ی گسله‌های شاندیز (با درازای ۷۷ کیلومتر) و گسله‌ی نیشابور (با درازای ۵۲ کیلومتر) را جزو گسله‌های با پیشینه‌ی لرزه خیزی جای داد.

سازو کار بیشتر مهگسله‌های شناخته شده گستره، فشار بوده و یا مؤلفه‌ی مهم فشاری دارند.

بررسی ژرف زمین لرزه‌های گذشته رویداده در یک ناحیه، الگویی از لرزه خیزی و سیمایی از ویژگی‌های لرزه زمین ساختی آن ناحیه را آشکار می‌سازد، زیرا جایگاه رویداد زمین لرزه‌های گذشته نشانگر رویداد زمین لرزه‌های آینده است و زمین لرزه‌های بزرگ در جایی روی خواهند داد که درگذشته شاهد رویداد چنین زمین لرزه‌هایی بوده است. از این رو شناخت جایگاه‌های رویداد زمین لرزه‌های گذشته از اهمیت ویژه‌ای برای آینده برخوردار است. مجله‌ی علوم زمین ش ۴۵ ـ ۴۶
**خراسان رضوی:** با توجه به فراوانی نسبی و محدوده‌ی چینه‌شناسی کوتاه و گسترش جغرافیایی وسیع نانو فسیل‌های آهکی، این گروه از فسیل‌ها ابزار مناسبی برای زیر تقسیم بندی زیست‌شناسی، به ویژه در کرتاسه پسین هستند.

بدین سبب و به علت نبود مطالعات دقیق فسیل‌شناسی، نانو پلانکتون‌های آهکی در برش الگوی سازند نیزار مورد مطالعه قرارگرفته است. سنگ‌شناسی سازند شامل ماسه سنگ‌های ستبر لایه‌ی گلوکونیتی، شیل و یک لایه سنگ آهک ماسه‌ای در بخش بالایی است.

بر مبنای مطالعات انجام شده، ۲۲ جنس و ۴۲ گونه نانو فسیل در برش الگو شناسایی و عکسبرداری گردید.

حوضه‌ی رسوبی کپه داغ یکی از واحدهای زمین‌شناسی است که به صورت باریکه‌ی طویلی در شمال خراسان، بخش وسیعی از ترکمنستان و شمال افغانستان قرار دارد. در این حوضه، از ژوراسیک تا میوسن، رسوبات ستبر (حدود ۸۰۰۰ متر) بدون نبود چینه‌شناسی مهم ولی با رخساره‌های متنوع روی هم انباشته شده و شامل سازندهای متعدد است. سازند نیزار، یکی از سازندهایی است که در کرتاسه پسین در این حوضه نهشته شده و شامل ماسه سنگ ستبر لایه‌ی گلوکونیتی، شیل و یک لایه سنگ آهک ماسه‌ای در بخش بالایی است. مرز زیرین این سازند با سازند آب تلخ، هم شیب و مرز بالایی آن با سازند کلات از یک لایه دیرینه خاک با ستبرای تقریبی ۱۰ سانتی متر تشکیل شده است.

نام این سازند، از تنگ نیزار در ۱۴ کیلومتری روستای مزدوران و ۶۲کیلومتری جنوب باختری شهر سرخس گرفته شده است. مجله‌ی علوم زمین ش ۶۵

**نقش زمین‌لرزه و رویدادهای تاریخی در ویرانی شهر شادیاخ خراسان رضوی:** شادیاخ که همواره یادآور مرکز فرماندهی نیشابور بوده است، رویدادهای گوناگونی نظیر جنگ، زلزله و دیگر بلایای طبیعی را تحمل کرده است. آن چه که کاوش‌های باستان‌شناسی اخیر نمایان‌کرده است، جایگاه درخشان علمی، فرهنگی و سیاسی این شهر بین قرن ۹ تا ۱۲ می‌باشد،که قریب به یقین تا سال ۱۲۰۵ میلادی ادامه داشته است. با این وجود، در اثر رویدادی غیر مترقبه شهر به طور کامل ویران شد. تاریخچه رویدادهای ویرانگر و نیز مدارک باستان‌شناسی که اخیراً به دست آمده دلالت بر آن دارد که نابودی شادیاخ نتیجه‌ی هجوم اقوام مغول بوده است. مجله‌ی علوم زمین

**معادن:** در سال ۱۳۸۲ تعداد ۳۰۲ معدن فعال بدینشرح داشت: ۱- ذغال سنگ (۱) ۲- سنگ آهن (۴) ۳- سنگ‌های فلزی غیر آهنی (۷)، ۴- سنگ مس (۱) ،۵- کرومیت (۴) ،۶- بوکسیت (۲) ،۷- سنگ، شن و ماسه (۲۶۹) ،۸- شن و ماسه (۱۰۲)، ۹- سنگ تزئینی (۶۹)، ۱۰- سنگ لاشه (۲۲) ،۱۱- سنگ بالاست (۱) ،۱۲- سنگ آهک (۱۹)، ۱۳- سنگ گچ (۲۱) ،۱۴- کائولن، خاک نسوز و... (۱۸)، ۱۵- بنتونیت وگل سرشور (۵) ،۱۶- منیزیت و گل سفید (۱۲)، ۱۷- مواد معدنی و شیمیایی و... (۳)، ۱۸- باریت (۱)، ۱۹- فلورین (۲)، ۲۰- نمک (۶) ۲۱- سایر مواد معدنی (۱۲)،۲۲- سیلس (۳)،۲۳- پوکه معدنی (۲)، ۲۴- فلدسپات (۵) ،۲۵- پنبه نسوز (۱) ۲۶- فیروزه (۱).

**دیدنی‌ها:**

**آستان قدس رضوی ـ مشهد ـ استان خراسان**

حرم بنای چهارگوشی است که هر ضلع آن تقریباً ده متر است. ازاره آن با کاشیهای خشتی ممتاز مزین گردیده است. این خشت‌های کاشی با نقش

و نگار بدیع و طلاکاری در زمره نفیس‌ترین انواع کاشی است، در روی برخی از این کاشی‌ها تاریخ ۶۱۲ و ۷۲۰ هجری خوانده می‌شود.

صحن عتیق که به شکل مربع مستطیل است دارای چهار ایوان بزرگ می‌باشد، ایوان شرقی و غربی دارای سردر بسیار زیبا و مزین به کاشیکاری ممتاز می‌باشند، قسمتی از این صحن را امیرعلی شیرنوایی وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا در سال ۸۷۲ هجری قمری بنیان نهاده است. قسمت دیگر این صحن بنا به فرمان شاه عباس اول صفوی (ایوانهای شمالی و شرقی و غربی) ساخته شده است.

گلدسته‌های طلا که بر روی ایوان عباسی و ایوان جنوبی قرار دارند. از آثار شاه طهماسب صفوی (۹۲۰ هجری قمری) و نادرشاه افشار (۱۱۴۵ هجری قمری) است. همچنین طلاکاری ایوان در سال ۱۱۴۵ هجری قمری به فرمان نادرشاه افشار انجام شده است از این رو است که ایوان به ایوان نادری شهرت دارد.

در ایوان جنوبی (ایوان طلا) چهار در نقره وجود دارد، این ایوان شامل تزیینات گوناگون و کتیبه‌های متعددی است، از جمله کتیبه‌ای به خط محمدرضای امامی.

گنبدالله وردیخان که از نظر معماری و کاشیکاری قابل توجه است به دستور الله‌وردیخان والی فارس در زمان شاه‌عباس اول صفوی بنا شده است.

رواق دارالحفاظ از بناهای گوهرشادآغا بانی مسجد گوهرشاد است.

صحن جدید در زمان سلطنت فتحعلیشاه قاجار بنا نهاده شده است، سپس در زمان محمدشاه قاجار با کاشیکاری تزیین یافته است. در این صحن تاریخ سال ۱۲۶۲ و ۱۲۷۱ هجری قمری ثبت شده است.

بطورکلی مجموعه بناهای آستان‌قدس رضوی (ع) را می‌توان از لحاظ معماری، تزیینات کاشیکاری، گچبری، و هنر کتابت و خطاطی، رنگ‌آمیزی، آیینه‌کاری، نقاشی، حجاری، فلزکاری، نقره و طلاکاری، و سایر رشته‌های هنری گنجینه‌ای از هنرهای ظریفه دوران اسلامی در ایران دانست.

**برج رادکان مشهد:** این برج در سه کیلومتری قریه‌ی رادکان و ۸۵ کیلومتری غرب مشهد واقع است. برجی به ارتفاع ۲۵، قطر خارجی ۲۰ و قطر داخلی ۱۴ متر که نمای خارجی آن، تا ارتفاع ۲/۵ متری به صورت ۱۲ ضلعی و از آن قسمت به بالا تا زیر گنبد، به صورت ۳۶ ترک است که هر ترک آن به صورت نیم ستونی ادامه دارد. در حد فاصل بین گنبد و بدنه‌ی بنا،کتیبه‌ای آجری نصب شده که قسمت‌های زیادی از آن فرو ریخته است و قابل خواندن نیست. یکی از دو در ورودی برج، به آثاری از ویرانه‌های بنا باز می‌شود که گویا مسجد جامع منطقه بوده است و فعلاً اثری از آن نیست. گنبد بنا از نوع دو پوش است که پوش خارجی آن مخروطی است. دهانه‌ی گنبد داخلی در حدود ۹ و ارتفاع آن ۱۵ متر است. ارتفاع تیزه‌ی گنبد تا زمین حدود ۲۵ متر، ارتفاع پاکار گنبد تا رأس آن حدود ۱۰ متر و ضخامت دیوار گنبد خانه نیز در حدود ۲ متر است. این بنا با توجه به شیوه‌ی معماری و مقایسه با نمونه‌های مشابه، به دوره‌ی سلجوقی و قرن ششم تعلق دارد و احتمالاً مدفن یکی از حکام آن منطقه در تاریخ فوق است.

برعکس تصورات گذشته که این بنا را آرامگاه می‌دانستند، برج رادکان بر ۱۲ دیوار خشتی

بیرونی با پهنا و بلندی برابر پایه گذاری شده است که این دیوارها، دایره‌ی دور را به دوازده بخش سی درجه‌ای تقسیم می‌کنند و هر دیوار ۳۰ درجه از زاویه‌ی افق را در پهنه‌ی باز برج در بر می‌گیرد و راستاهای آن‌ها با راستانی نیمروزان (شمال و جنوب) هماهنگی دقیقی دارد. دو در هم در دو دیوار روبه روی هم، برای ورود به درون برج ساخته شده است. جایگاه این دریچه‌ها و روزنه‌ها، با دانش مهندسی سازه‌ی امروزی، ما را به شگفتی وامی‌دارد که چرا دریچه‌ها، روزنه از راستای ۱۲ دیوار، این چنین با دقت ساخته شده‌اند و سخن آن‌ها و مهندسان کهن ما چیست؟!

از بیرون که به دریچه‌ها و روزنه‌ها نگاهی بیندازیم، می‌بینیم که در بالای درها و میان ترک‌های نیم ستونی دو دریچه‌ی چهارگوش بالای هم پیداست. درست در راستای عمود بر دو در نیز، دو دریچه‌ی بالای هم در همان تراز دیده می‌شوند. این دریچه‌های دور برج، با هم هشت دریچه می‌شوند و همه‌ی آن‌ها بر میان راستای چهار دیوار از هشت دیوار درونی و چهار دیوار از ۱۲ دیوار بیرونی، به درون برج می‌آیند (راستاهای ۳۰۰، ۳۰، ۱۲۰ و ۲۱۰ اسطرلابی). چهار دریچه‌ی پائینی از این دریچه‌ها که زیر تراز پوشش ریخته شده‌ی گنبدی درون هستند، با زاویه‌های ویژه‌ای به درون باز شده‌اند. این زاویه‌های برگزیده، بخشی از هرم نابرابر را می‌نمایانند و گزیدن آن‌ها، رویداد نادانسته‌ای نیست و با راستای آفتاب سالانه سازگار شده است!

با فاصله‌های ۴ و ۵ ترک دیگر از دریچه‌های بالا از بیرون برج، باز چهار دریچه‌ی دیگر در میان ترک‌ها خودنمایی می‌کند که هم تراز چهار دریچه‌ی بالایی قبلی هستند و بر میان چهار دیوار دیگر درونی باز شده‌اند. این دریچه‌ها در پایه‌های خشخاشی‌های ریخته شده نمایان هستند و نور آن‌ها به درون و زیر گنبد می‌آید و اگر گنبد درونی بازسازی می‌شود، دیگر دریچه و روزنه‌ای آفتاب را به درون نمی‌آورد. پس همگی دریچه‌هایی که نور آفتاب را به زیر گنبد (قبه) درونی می‌اندازند، دوازده تا می‌شود و ما را به یاد نوشته‌ی کهن حافظ ابروی خوافی می‌اندازند که «قریه رادک خواجه نصیر را آن جا برجی بوده است که دوازده دریچه داشته است در هر برجی که ماه نوشدی، از یک دریچه می‌نموده است.» ـ هومن شریف، مجله‌ی رشد آموزش هنر

**ارس سیستان:** این منطقه با وسعت ۱۱۲۷۱۴ هکتار که در شمال استان خراسان رضوی قرار دارد، در سال ۱۳۷۸ حفاظت شده اعلام شد. دامنه ارتفاعی ۹۰۰ تا ۳۳۳۰ متر، دمای متوسط سالانه ۵ تا ۱۱/۵ درجه سانتیگراد و بارندگی متوسط سالانه ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم‌های نیمه خشک معتدل تا نیمه مرطوب گرم نموده است. منطقه‌ای است کوهستانی با رودها و چشمه سارهای فراوان و پوشش گیاهی خوب. ارس سیستان بخشی از ناحیه زمین‌شناسی کپه داغ با لایه‌های رسوبی دریایی عمیق محسوب می‌شود. این منطقه به دلیل داشتن جنگل‌های انبوه و شاداب ارس و ضرورت حفاظت از آن از اهمیت خاصی برخوردار است. از دیگر گونه‌های گیاهی منطقه می‌توان به زرشک، انجیر وحشی، زالزالک، بادام، گز، پسته وحشی، کلاه میرحسن، درمنه، گون، شبدر، چوبک، باریجه، آویشن، چای کوهی، سریش و بسیاری از گونه‌های باارزش دارویی اشاره نمود. گونه‌های مهم جانوری منطقه عبارتند از: قوچ و میش، بز و پازن، گراز، پلنگ، گرگ، روباه معمولی، گربه

جنگلی، گربه پالاس، تشی، کبک، تیهو، دلیجه، کبک دری، سهره، چکاوک شاخدار، کورکور، لی، مرغ حق، عقاب طلایی و دشتی، پیغو، بالابان، شاهین و انواع کوکرها. رشته کوه زیبای هزارمسجد، دره‌های عمیق، چشمه‌های متعدد، حیات وحش غنی، جنگل‌های زیبای ارس، چشم اندازهای بدیع و راه‌های دسترسی مناسب. (۵)

**باغ کشمیر:** این منطقه با مساحت ۲۰۲۹۹ هکتار در سال ۱۳۷۸ حفاظت شده اعلام شد. به دلیل اهمیت و ارزش اکولوژیکی جنگل‌های انبوه پسته وحشی باغ کشمیر - این منطقه تحت حفاظت قرار گرفته است. منطقه‌ای است کوهستانی و تپه ماهوری در استان خراسان رضوی. دره‌های فراوان و کم عمق شمالی - جنوبی طرحی خاص را در منطقه ایجاد نموده‌اند. دامنه ارتفاعی ۹۰۰ تا ۱۶۴۰ متر از سطح دریا، متوسط دریا و بارندگی سالیانه ۱۳ درجه سانتیگراد و ۲۵۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم نیمه خشک معتدل نموده‌اند. گونه‌های مهم گیاهی منطقه عبارتند از: پسته وحشی، بادام، گز، درمنه، آویشن و بارهنگ. قوچ و میش اوریال گونه شاخص جانوری منطقه است. پلنگ، گراز، گربه وحشی، گرگ، روباه معمولی، شغال، کبک، تیهو، سارگپه، بلدرچین، سبزقبا، شاهین، قمری، سهره، قرقی و عقاب نیز در منطقه زیست می‌کنند. وجود دره‌های زیبا، چشمه‌های متعدد، جنگل‌های پسته، پدیده‌های زیبای زمین‌شناسی هم چون تاقدیس‌ها و ناودیس‌ها و راه‌های دسترسی مناسب. (۵)

**حیدری:** این منطقه از دیرباز یکی از بهترین شکارگاههای شرق کشور محسوب می‌شد و از دهه ۵۰ به جهت حمایت از جمعیت قوچ و میش اوریال و تنوع گیاهی تحت حفاظت قرار گرفت، در سال ۱۳۸۱ به پناهگاه حیات وحش ارتقا یافت. پناهگاه حیات وحش حیدری با مساحت ۴۶۸۶۵ هکتار در قسمت غربی رشته کوه بینالود در استان خراسان رضوی قرار دارد. منطقه‌ای است کوهستانی با تپه ماهورهای متعدد و دره‌های به نسبت عمیق که نام خود را از دره و روستای حیدری گرفته است. دامنه ارتفاعی ۱۳۸۰ تا ۲۹۴۰ متر، دما و بارندگی متوسط سالانه ۱۲ درجه سانتیگراد و ۳۰۰ میلی متر، منطقه را دارای اقلیم‌های نیمه خشک معتدل و مدیترانه‌ای گرم نموده‌اند. وجود توده‌های جنگلی و جوان ارس و نیز زادآوری طبیعی و فراوان آن از ویژگی‌های کم نظیر منطقه است. از دیگر گونه‌های گیاهی منطقه می‌توان کرکو، داغداغان، سنجد، بید، گز، گون، درمنه، زرشک، باریجه، شیرخشت، بارهنگ، بومادران، سریش، خارشتر، کلاه میرحسن و ثعلب را نام برد. جمعیت قابل توجه بزرگ جثه‌ترین قوچ و میش‌های اوریال کشور از ویژگی‌های منطقه به شمار می‌رود. گراز، پلنگ، گرگ، روباه معمولی، کفتار، گربه وحشی، سمور، تشی، عقاب طلایی، شاهین، بحری، کبک، تیهو، طرقه کوهی، سار، کرکس، و انواع سارگپه و کوکرها از گونه‌های مهم جانوری منطقه محسوب می‌شوند. چشم‌اندازهای زیبا، حیات وحش غنی، چشمه‌های فراوان و راه‌های دسترسی مناسب برای فعالیت‌های پژوهشی و گردشگری دارد. (۵)

**دریاچه‌ی بزنگان:** دریاچه‌ی بزنگان (گل بی‌بی) بزرگ‌ترین دریاچه‌ی طبیعی استان خراسان رضوی است که در شرق حوضه‌ی رسوبی کپه‌ی داغ، در شمال شرق ایران، واقع شده است. این دریاچه در فاصله‌ی ۱۰ کیلومتری غرب جاده‌ی سرخس و حدود ۱۲۰ کیلومتری شمال شرق

شهرستان مشهد واقع شده است. این دریاچه از شمال و شمال شرق به رسوبات کم ارتفاع ماسه سنگی و شیلی قرمز رنگ سازند پسته لیق (باسن پالئوسن) و از جنوب و جنوب غربی به ارتفاعات آهکی و مارنی سازند کلات (باسن کرتاسه فوقانی، ماستریشین) محدود می‌باشد. محیط این دریاچه در حدود ۳۳۰۰ متر مربع و مساحت تقریبی آن در حدود ۶۹۰۰۰۰ متر مربع (۶۹ هکتار) است. ارتفاع متوسط دریاچه از سطح دریا تقریباً ۸۵۰ متر می‌باشد. شیب دریاچه در تمام جهات بسیار تند بوده اما در بخش غربی بسیار ملایم است. حداکثر عمق دریاچه در فصل زمستان ۱۳ متر و در سایر فصول حدود ۱ متر و عمق متوسط آن در حدود ۸ متر تخمین زده شده است.

**زمین‌شناسی منطقه:** ناحیه‌ی مورد مطالعه در حوضه‌ی رسوبی کپه‌ی داغ در شمال شرق ایران قرار دارد. این حوضه به طول ۶۰۰ و عرض ۲۰۰ کیلومتر بر اثر حرکات بعد از تریاس میانی و پس از الحاق فلات ایران و توران به یکدیگر تشکیل شده است. از زمان ژوراسیک میانی به بعد این حوضه توسط دریای وسیع و کم عمق اپی کونتیننتال پوشیده شده و رسوبات ضخیم (حدود ۱۰ کیلومتر) و نسبةً ممتد دریائی تا قاره‌ای با سن ژوراسیک تا ائوسن در آن بر جای گذاشته شده است. حوضه‌ی رسوبی کپه داغ یک حوضه‌ی نسبةً آرام بوده و هیچ گونه فعالیت ولکانیکی در این حوضه رخ نداده است. رسوبات این ناحیه از اواخر میوسن تحت تأثیر فرایندهای کوهزائی اواخر آلپ قرار گرفت که نتیجه‌ی آن به صورت چین خوردگی‌هایی در منطقه ظاهر شده است. روند کلی چین خوردگی‌های و امتداد طبقات در حوضه‌ی کپه داغ شمال غرب ـ جنوب شرق بوده و جهت عمومی شیب لایه‌ها به طرف شمال شرق است. روند کلی گسل‌های اصلی نیز شمال غربی ـ جنوب شرقی است. احتمالاً بعضی از این گسل‌ها در نفوذ و هدایت آب‌های زیر زمینی نقش مؤثری داشته‌اند.

**بارندگی:** گزارش ست کوپ از مرکز سرخس و آمارهای برداشت شده در طی یک دوره‌ی ۲۹ ساله در ایستگاه بزنگان حاکی است که میزان بارندگی در شرق حوضچه‌ی کپه داغ در فصول سال متغییّر بوده و حداکثر آن در ماه‌های بهمن تا اواخر فرودین (میانگین ۴۷ میلیمتر) و حداقل بارندگی مربوط به ماه‌های خرداد تا اوایل مهر ماه (میانگین ۴ میلیمتر) است. متوسط سالیانه بارندگی در طی یک دوره‌ی آماری ۲۹ ساله در ایستگاه بزنگان ۲۲۰ میلیمتر اندازه‌گیری شده است.

**پوشش گیاهی اطراف دریاچه:** در سواحل دریاچه‌ی بزنگان گونه‌های گیاهی متنوعی تشخیص داده شده است. مهم‌ترین این گونه‌ها عبارتند از: مرغ و نی از تیره‌ی گندمیان، گزشاب از تیره‌ی بارهنگ آبی، بارهنگ آبی از تیره‌ی بارهنگ و یارسلام از تیره‌ی جگن، بید علفی از تیره‌ی گل مغربی، گز از تیره‌ی گز، افوربی ترکمنیکا از تیره‌ی فرفیون و سالاویا ماکروسیفون از تیره‌ی نعناع.
شواهد زمین‌شناسی و مشاهدات تجربی حاکی از این است که بخش عمده‌ای از آب دریاچه توسط چشمه‌های فعال واقع در کف دریاچه تأمین می‌شود. وجود آنومالی اکسیژن در بعضی از نقاط کف دریاچه حاکی از خروج آب از طریق سنگ کف دریاچه است.

**خواص فیزیکوشیمیائی آب دریاچه:** کیفیت آب عمدتاً به مقدار شیمیائی محلول و اجزای بیولوژیکی موجود در آب بستگی دارد. آب

دریاچه‌ی بزنگان سبز رنگ، قلیائی و لب شور تشخیص داده شده است. سبزی رنگ آب دریاچه را می‌توان به حضور فوق العاده زیاد فیتوپلانکتون‌ها که گروه وسیعی از جلبک‌های آبزی را تشکیل می‌دهند نسبت داد. فیتوپلانکتون‌ها یکی از عوامل اصلی تأمین کننده‌ی غذای زئوپلانکتون‌ها و ماهیان محسوب می‌شوند. فراوانی وجود فیتوپلانکتون‌ها در دریاچه‌ی بزنگان موجب فراوانی انوع ماهی‌ها به ویژه ماهی‌های نوع کپور شده است. دریاچه‌ی بزنگان یکی از مهم‌ترین اکوسیستم‌های ایران و بزرگ‌ترین دریاچه‌ی طبیعی استان خراسان، در محل توپوگرافی پست ناشی از تفاوت لیتولوژی بین سازند ماسه سنگی و شیل کم مقاوم پسته لیق و ارتفاعات صخره ساز آهکی سازند کلات تشکیل شده است و هیچ نشانی از منشأ تکتونیک آن وجود ندارد.

آب این دریاچه عمدتاً از منابع جنوبی یعنی ارتفاعات صخره ساز سازند مزدوران که شیب آن به طرف دریاچه است، تأمین می‌شود. آب دریافتی پس از عبور از خلال سیستم‌های کارستی و درز و شکاف‌های متعدد سنگ‌های کربناته‌ی سازند مزدوران، در امتداد شکستگی‌های اصلی و آبرفت‌های منطقه‌ی عبور کرده و سرانجام راهش را به طرف بستر نهایی کل بی بی باز نموده و از طریق چشمه‌های کارتی و درز و شکاف‌های متعدد سنگ‌های کربناته‌ی سازند مزدوران، در امتداد شکستگی‌های اصلی و آبرفت‌های منطقه عبور کرده و سرانجام راهش را به طرف بستر نهائی آبی باز نموده و از طریق چشمه‌های سطحی و یا توسط چشمه‌های فعال (شبه آرتزین) واقع در کف دریاچه به آن وارد می‌شود. وجود آنومالی اکسیژن در بعضی از نقاط کف دریاچه حاکی از خروج آب از طریق سنگ کف دریاچه است. بخشی از نزولات جوی پس از نفوذ به داخل ارتفاعات کلات که دارای درزها و شکاف‌های فراوانی است در امتداد سطوح تراوشی متعدد واقع در پای دامنه سازند کلات به دریاچه وارد می‌شود. بخش ناچیزی از آب دریاچه نیز از طریق بارش‌های مستقیم و یا سیلاب‌ها تأمین می‌شود. دریاچه عمدتاً بر روی رسوبات کربناته سازند کلات قرارگرفته است. وجود مارن فراوان درکف دریاچه حاکی از ادامه‌ی لایه‌های مارنی سازند کلات و نیز رسوبات مارنی و شیلی پسته لیق است که موجب ناتراوایی رسوبات کف دریاچه می‌شوند.

آب دریاچه سبز رنگ، قلیائی و لب شور تشخیص داده شده است. سبزی رنگ آب دریاچه احتمالاً به علت وجود فیتوپلانکتون‌ها است. ـ فصل‌نامه تحقیقات جغرافیائی ـ دکتر محمد حسین‌آبادی

**رباط شرف سر راه مشهد به سرخس ـ استان خراسان:** بانی رباط شرف شرف‌الدین ملقب به وجیه‌الملک وزیر سلطان سنجر سلجوقی است، ساختمان عظیم این رباط در عداد مهمترین ابنیه تاریخی استان خراسان به شمار می‌رود، تاریخ مجموعهٔ این بنا را به قرن ششم هجری قمری نسبت می‌دهند. درکتیبه ایوان شمالی سال ۵۴۹ هجری قمری ثبت شده است.

این رباط دارای دو محوطه است که در هر یک از این دو محوطه چهار ایوان ساخته شده، در اطراف این محوطه‌ها حجرات متعددی است که باید محل اقامت کاروانیان باشد.

در درون یکی از این حجرات محرابی نمایان است و این می‌رساند که محل نمازخانه بوده،

محوطه دومی بزرگتر از اولی و بی‌نهایت زیباتر ساخته شده است.
کتیبه‌های فراوانی به خط کوفی و ثلث در درون طاقنماها و در داخل ایوان بزرگ وجود دارد که کلاً با آجر چیده شده و دارای گچبری نیز می‌باشد.
این بنای عظیم که امروزه در وسط بیابانی قرار گرفته به نظر می‌رسد که در روزگار آبادی در سر شاهراه مهمی که نیشابور را به مرو متصل می‌ساخته است بنیان‌گذارده شده و اکنون در نتیجه مرور زمان به صورت ویرانه‌ای درآمده است که از هر جهت حاجت به مرمت و حفاظت دارد.
**شیراحمد:** این منطقه دشتی، کویری و تپه ماهوری با سطحی برابر با ۲۲۸۴۷ هکتار در استان خراسان رضوی واقع است. دامنه ارتفاعی آن ۹۱۵ تا ۱۳۸۰ متر بوده و با بارندگی و دمای متوسط سالانه ۱۷۵ میلیمتر و ۱۴ درجه سانتیگراد از اقلیم خشک بیابانی گرم برخوردار است. روخانه کال شور که مرز شمالی منطقه را تشکیل می‌دهد، تنها منبع دائمی آب پناهگاه محسوب می‌شود. پوشش گیاهی منطقه به طور عمده شامل گیاهانی نظیر تاغ، گز، بادام کوهی، چوبک، گون، درمنه، قیچ، علف شور، گز آتشین، خارکو، اسفناج کوهی، کما، گلرنگ، شقایق شاخدار زرد و هزار خار است. گونه‌های مهم جانوری پناهگاه عبارتند از: آهو، جبیر، خرگوش، کاراکال، گربه وحشی، کفتار، گرگ، سنجاب زمینی، هامستردم دراز، خارپشت ایرانی، خفاش بال سفید، عقاب شاهی، عقاب طلایی، کرکس، دلیجه، سارگپه، بالابان، کبک، هوبره، شاهبوف، سهره، پرستو، مار جعفری، مار شاخدار، گرزه مار، بزمجه، آگامای خراسانی، آگامای وزغی شانه صورتی، کورمار شنی، رودخانه کال‌شور محل مناسبی برای زمستان‌گذرانی پرندگان آبزی چون بوتیمار، حواصیل، خوتکا، اردک سرسبز و آنقوت به شمار می‌آید. در یک محدوده ۳۰ هکتاری و محصور در این پناهگاه برنامه حمایتی تکثیر جبیر اجرا می‌شود. (۵)
**سد دوستی:** سد دوستی در مرز مشترک ایران و ترکمنستان بر روی رودخانه هریرود احداث شده است. محل سد در حدود ۱۸۰ کیلومتری شرق مشهد و ۷۵ کیلومتری جنوب سرخس واقع شده است.
**مشخصات سد:** نوع سد: خاکی، سال شروع ساخت: ۱۳۷۵، سال شروع بهره‌برداری: ۱۳۸۴، ارتفاع از پی: ۷۹ متر، طول تاج: ۶۶۵ متر، عرض تاج: ۱۵ متر، عرض در پی: ۴۲۷ متر، حجم کل مخزن: ۱۲۶۱ میلیون مترمکعب، سطح زیرکشت: ۳۵۰۰۰ هکتار.
**مناره خسرو گرد ـ سبزوار ـ استان خراسان**
این مناره که در عداد زیباترین مناره‌های تاریخی آغاز قرن ششم هجری است، قریب ۳۸ متر بلندی دارد، در بدنه آجری آن دو رشته کتیبه کوفی و تزیینات لوزی شکل دیده می‌شود، تاریخ کتیبه این مناره سال ۵۰۵ هجری قمری است.
**غار بزنکان ـ سرخس استان خراسان:** این غار که در جنوب غربی دهکده بزنکان سرخس واقع شده است مربوط به دوره پیش از میلاد می‌باشد. این غار سنگی طبیعی در دو کیلومتری شرق قریه مزدوران بین شهرستان مشهد و در ارتفاعات چاهک و شورلق واقع شده است. عرض دهانه ورودی آن در حدود دو متر و بلندی آن دو متر و نیم است. قدمت این غار را به هزاره دوم پیش از میلاد نسبت می‌دهند.
**غار مزدوران :** غار مزدوران در ۹۵ کیلومتری مشهد ـ سرخس قرار دارد از مزدوران تا غار ۳

کیلومتر راه است، دهانه غار در میان یک تخته سنگ به سمت مشرق قرار دارد، این غار از نظر وسعت یکی از بزرگترین غارهای خراسان محسوب می‌شود و سالن اصلی غار در حدود ۱۰۰ متر طول و ۵۰ متر عرض و ۲۰ متر ارتفاع دارد، استلاکمیت به انواع مختلف و زیبا اما به مقدار کم در آن دیده می‌شود، این غار کاملاً خشک و بدون آب است در نزدیکی غار چشمه بزرگی وجود دارد. در نزدیکی مزدوران چشمه‌های آب گرم معدنی قرار گرفته است.

**ـ مساحت پارکهای جنگلی طبیعی ، فضاهای سبز و ذخیره گاههای جنگلی : ۱۳۸۵ (هکتار)**

| شهرستان | عرصه های جنگلی | پارکهای جنگلی طبیعی | فضاهای سبز | ذخیره گاههای جنگلی |
|---|---|---|---|---|
| *کل استان* | *۱۱۳۳۷۰۹* | *۶۴۴/۸* | *۳۱۳* | *۲۴۶۶۱۹* |
| بردسکن | ۲۰۵۱۲۰ | ۷/۵ | ۲۵ | ۱۲۰۰۰ |
| تایباد | ۱۲۷۴۰ | ۴۵/۳ | ۰ | ۵۴۵۰ |
| تربت جام | ۵۲۱۲۸ | ۴۵/۰ | ۰ | ۳۰۳۶ |
| تربت حیدریه [۱] | ۲۹۹۹۱ | ۲۸/۲ | ۸۰ | ۴۳۰۰ |
| چناران | ۷۶۴۷ | ۱۹/۳ | ۲۰ | ۳۰۴۵ |
| خواف | ۱۶۹۱۲۹ | ۱۸/۷ | ۳۰ | ۳۰۰۰۰ |
| درگز | ۱۱۱۴۷۳ | ۴۸/۵ | ۲۵ | ۲۰۹۵ |
| رشتخوار | ۳۱۸۷۴ | ۰ | ۵ | ۲۰۰۰ |
| سبزوار | ۱۴۰۹۴۹ | ۱۷۳/۰ | ۱۰ | ۰ |
| سرخس | ۳۴۸۴۲ | ۷/۳ | ۱۰ | ۱۶۴۳۵ |
| فردوس | ۹۰۸۷۶ | ۳۷/۵ | ۱۰ | ۵۸۱ |
| فریمان | ۴۷۸۹ | ۲۶/۰ | ۲۰ | ۶۳ |
| قوچان | ۲۴۷۰۱ | ۲۷/۰ | ۰ | ۰ |
| کاشمر [۱] | ۱۰۲۸۹ | ۵۷/۰ | ۰ | ۵۵۰ |
| کلات | ۴۹۰۳۲ | ۰/۰ | ۱۰ | ۲۴۳۹۳ |
| گناباد | ۱۱۶۹۴۱ | ۱۰۴/۵ | ۰ | ۱۴۰۰۰۰ |
| مشهد | ۲۷۶۶۲ | ۰/۰ | ۲۰ | ۱۶۵۱ |
| نیشابور | ۱۲۵۲۶ | ۰/۰ | ۴۸ | ۸۲۰ |

*۱ - اطلاعات شهرستانهای خلیل آباد و مه ولات به ترتیب با شهرستانهای کاشمر و تربت حیدریه آمده است .*

*مأخذ ـ اداره کل منابع طبیعی خراسان رضوی .*

**محیط طبیعی**
دارای پارک ملی به مساحت ۳۵۵۴۰ هکتار - پناهگاه حیات وحش ۹۵۷۲۲ هکتار، منطقه‌ی حفاظت شده ۱۵۷۲۶۷ هکتار در مجموع ۲۸۸۵۲۹ هکتار - دارای یک پارک ملی، دو پناهگاه حیات وحش، ۳ منطقه‌ی حفاظت شده در مجموع شش. - **پارک ملی تندوره** به مساحت ۳۵۵۴۰ هکتار که در ۱۳۴۸ تأسیس شد. - **پناهگاه حیات وحش حیدری** به مساحت ۴۶۸۶۵ هکتار که در ۱۳۸۱ تأسیس شد. - **منطقه‌ی حفاظت شده‌ی ارس سیستان** به مساحت ۱۱۲۷۱۴ هکتار است که در سال ۱۳۷۸ تأسیس گشت. - **پناهگاه حیات وحش شیر احمد** به مساحت ۲۲۸۴۷ هکتار است که در سال ۱۳۸۱ تأسیس گردید.

**هزار مسجد** : منطقه هزار مسجد یکی از مناطق حفاظت شده استان خراسان رضوی با وسعتی حدود ۱۱۲۷۱۴ هکتار با سیمای کوهستانی و صخره‌ای واقع در شمال شرقی مشهد که دارای تنوع فون و فلور قابل ملاحظه‌ای می‌باشد.

ازگونه‌های جانوری مهم در منطقه گرگ، قوچ و میش و پلنگ را می تون نام برد. ارس سیستان از سال ۱۳۷۶ به مدت ۲ سال منطقه شکار ممنوع اعلام گردید و در سال ۱۳۷۸ به منطقه حفاظت شده ارتقاء یافت. در حال حاضر به معرفی تعدادی از پستانداران گوشتخوار منطقه ارس می‌پردازیم.

**پستانداران گوشتخوار**: این پستانداران در تعقیب، کشتن و خوردن جانوران دیگر تخصص دارند. دندانهای نیش در این پستانداران کاملاً رشد کرده و دندانهای آسیا برای دریدن گوشت مناسب است.

**پلنگ** panthera pardus: مشخصات: جثه‌ای بزرگ، بدنی عضلانی ولی نرم و قابل انعطاف، سری پهن، گوشهایی کوچک و گرد دارد. دست و پا نسبتاً کوتاه با پنجه‌های پهن و ناخن‌های تیز و بلند، موها نرم و کوتاه و رنگ موهای پشت کرم متمایل به نارنجی، زیر بدن کرم متمایل به خاکستری است، سطح پشت و پهلو از خال‌های توخالی شبیه‌گل و سر و گردن، روی دستها و پاها و زیر بدن از خالهای توپر پوشیده شده است.

**گربه جنگلی** felis chaus: مشخصات: طول بدن به یک متر و ارتفاع شانه‌اش به ۳۵ سانتیمتر میرسد. طول دم این گربه دو سوم ارتفاع بدنش است. نوک گوشهای گربه جنگلی سیاه رنگ و دارای موهای بلند است و دمش نیز کوتاه است به همین علت ممکن است از دور با سیاهگوش و کاراکال اشتباه شود. اما گربه جنگلی بر خلاف دو گربه دیگر دست و پایی راه راه و دمی با حلقه‌های تیره رنگ دارد.

**گربه پالاس** felis manul: مشخصات: گربه ایست با جثه متوسط و طول کلی بدنش به حدود ۸۵ سانتیمتر میرسد. گوشهایش خوابیده و فاصله آنها از یکدیگر زیاد است درگونه‌اش دو نوار تیره و در روی پیشانی خال‌های مشخصی دارد.

**گرگ** canis lupus: مشخصات: گرگ از اجداد سگ اهلی و شباهت زیادی به سگهای گرگی دارد با این تفاوت که گرگها موهای بلندی در قسمت پشت گونه‌های صورت، گردنی کلفت‌تر و کوتاه‌تر، سر پهن‌تر، چشمان مورب و گوش‌های کوتاه‌تری دارند. نوک گوش‌ها مانند سگ تیز نیست و غالباً آنها را سیخ نگه میدارد. دم قدری افتاده و صاف است، رنگ بدن تقریباً یکنواخت است. در ایران رنگ گرگ‌ها معمولاً خاکستری با سایه‌ای سیاه رنگ است. گرگها به اندازه‌های متفاوت دیده می‌شوند.

**روباه معمولی** vulpes vulpes: مشخصات: روباه معمولی در ایران به رنگ قرمز خیلی تیره و همچنین گاهی سفید دیده میشود. البته روباه معمولی در هر رنگی که باشد می‌توان آن را از پشت گوش سیاه و نوک دم سفیدش تشخیص داد. طول کلی بدن روباه بالغ بر حدود ۱ متر است.

**پناهگاه حیات وحش رضوی**: منطقه حیدری نیشابور یکی از مناطق شکار ممنوع استان خراسان رضوی با وسعتی حدود ۴۶۳۵۰ هزار هکتار (وسعت قبلی منطقه ۲۰۰۰۰ هکتار بوده که با الحاق منطقه گور خر به آن وسعتش افزایش یافت و به وسعت کنونی رسیده) در ۷۰ کیلومتری شهرستان نیشابور و در عرض جغرافیایی ۳۶/۳۲ تا ۳۶/۴۹ و طول جغرافیایی ۵۸/۳۰ تا ۵۸/۴۶ واقع گردیده است. روستاهای مجاور منطقه عبارتند از: بقیع، بجنو، برمهان، خربره، کلیدر، برکشاهی و کلاته.

منطقه با سیمای کوهستانی و صخره‌ای دارای تپه ماهورهای فراوان و دره‌های نسبتاً عمیق و یک اکوسیستم فعال با ذخیره گاههای طبیعی که دارای تنوع فون و فلور قابل ملاحظه‌ای می‌باشد. این منطقه از سال ۱۳۷۳ به عنوان منطقه شکارممنوع اعلام گردید.

پرندگان به دلیل برخورداری از قدرت پرواز صاحب بزرگترین زیستگاه هستند. منطقه حیدری نیز با داشتن شرایط کوهستانی و همچنین منابع آبی غنی پناهگاه خوبی برای انواع پرندگان است. ۱- عقاب طلایی ۲- کبک ۳- سنگ چشم دم سرخ ۴- سینه سرخ سازمان حفاظت محیط زیست

**قوچ و میش اوریال** orientali a rkaliUrial Ovis: مشخصات: بزرگترین و زیباترین قوچ ایران قوچ اوریال است که گونه خالص آن فقط در شرق ایران زیست مینماید و دارای ۵۸ کروموزوم است. نرها شاخ‌های بلندی دارند که گاهی طول آنها به بیش از ۱۰۰ سانتیمتر میرسد. شاخها حلزونی شکل اند و به طرف پهلوی صورت و رو به جلو خمیدگی دارند. ماده‌ها نیز دارای شاخهای کوتاهی هستند. از مشخصه قوچ اوریال موهای بلند سفید رنگ در ناحیه گلو و سینه است که معمولاً در فصول گرم سال موها کوتاه و زردشنی و در فصول سرد بلند و قهوه‌ای رنگ است.

**زیستگاه**: تپه ماهورها و در دامنه مناطق کوهستانی زیست می‌نماید.

**دشمنان طبیعی**: دشمنان طبیعی قوچ و میش‌ها عبارتند از گرگ و پلنگ

**گراز** Sus scro fa: مشخصات: جثه بزرگ و گردنی کوتاه و کلفت دارد. چشم‌ها ریز، پوزه دراز و استوانه‌ای شکل است که در نوک نعلبکی مانند آن سوراخ‌های بینی قرار دارند.بچه‌ها نوار زرد و قهوه‌ای در ناحیه پشت و پهلوها دارند.

**زیستگاه**: مناطق پر آب با پوشش گیاهی بلند را ترجیح می‌دهد.

**کل و بز** Capra aegagrus: مشخصات: نرها شاخ‌های بلند و شمشیری دارند که طول آنها به ۱۵۰ سانتی متر می‌رسد.بر روی شاخها گره‌های متعددی وجود دارد که مشخص کننده رشد سالیانه و سن حیوان می‌باشد. شاخ بزها نسبت به شاخ کل‌ها بسیار کوتاه‌تر است. رنگ بدن در بزها و کل‌های جوان قهوه‌ای متمایل به خاکستری و در کل‌های مسن مخصوصاً در فصول سرد سال کرم رنگ است. کل‌های بالغ ریش بلند و سیاه دارند.وزن آنها به ۱۲۰ کیلوگرم میرسد.

**زیستگاه**: در مناطق کوهستانی و نقاط صعب

العبور تا ارتفاعات بالاتر از ۴۰۰۰ متر.
**پراکندگی:** در کلیه مناطق کوهستانی کشور قابل مشاهده است. سازمان حفاظت محیط زیست استان خراسان رضوی
**ساریگل:** این پارک با مساحتی برابر با ۷۰۳۷ هکتار در استان خراسان شمالی قرار دارد. دامنه ارتفاعی ۱۴۰۰ تا ۲۹۴۰ متر، متوسط بارندگی و درجه حرارت سالیانه ۲۷۳ میلیمتر و ۱۴ درجه سانتیگراد، منطقه را دارای اقلیم نیمه خشک معتدل نموده‌اند. از جمله گیاهان منطقه می توان به ارس، زرشک، بید، زالزالک، کرکو، انجیر وحشی، گردو، باریجه، درمنه، کلاه میرحسن، گون، شیرخشت، نسترن وحشی، چوبک و کنگر اشاره داشت. ساریگل یکی از زیستگاههای اصلی قوچ و میش اوریال است. جانوران دیگری نظیر پلنگ، بز و پازن، کفتار، گرگ، گربه پالاس، گربه وحشی، آهو، قرقاول، کبک، تیهو، کرکو، هما، کرکس، چکاوک، سهره، عقاب طلایی، بالابان، انواع سارگپه، افعی سیاه، کفچه مار و تیرمار نیز در این منطقه زیست می‌کنند. وجود تنوع زیستی بالا، رودهای پرآب، مناظر زیبا و راه‌های دسترسی مناسب است.(۵)
**سرانی:** این منطقه که با مساحت ۱۵۸۹۵ هکتار در ۱۳۵۰ حفاظت شده اعلام شده بود، در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۱ نیز به عنوان پارک ملی تحت مدیریت قرار گرفت. ناحیه‌ای است کوهستانی در استان خراسان شمالی که با کشور ترکمنستان نیز هم‌مرز است. دامنه ارتفاعی ۱۴۰۰ تا ۲۹۰۰ متر، دما و بارندگی متوسط سالانه ۸ درجه سانتیگراد و ۴۵۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم مدیترانه‌ای معتدل نموده‌اند. بخش وسیعی از منطقه را جنگل‌های ارس با زادآوری طبیعی مطلوب تشکیل می‌دهد که از شرق به غرب بر تراکم آن‌ها افزوده می‌شود. سرانی یکی از ذخیره‌گاه‌های ژنتیکی درخت ارس و قوچ و میش اوریال به شمار می‌آید. بیش از ۱۶۰ گونه گیاهی و ۱۲۰ گونه جانوری در منطقه شناسایی شده‌اند. گونه هایی چون بادام، انجیر وحشی، گوجه وحشی، زرشک، گون، درمنه، کلاه میرحسن، علف بره، چای کوهی، گاوزبان، و چمن گندمی کرکدار به همراه ارس پوشش گیاهی عمده منطقه را تشکیل می‌دهند. گونه‌های مهم جانوری منطقه عبارتند از: قوچ و میش اوریال، بز و پازن، پلنگ، گربه وحشی، گراز، گربه پالاس، سمور سنگی، تشی، دوپای فرات، ول برفی، پایکا، خفاش گوش موشی کوچک، خرگوش، کبک، کبک دری، تیهو، دلیجه، چکاوک، باقرقره، سهره، لاک‌پشت خزری، لاک‌پشت افغانی، لوس مار و مارخالدار، تنوع زیستی جانوری و گیاهی زیاد، چشمه‌های متعدد و دره‌های عمیق و زیبا زمینه ساز فعالیت‌های گردشگری و پژوهشی است. (۵)
**شاهان گرماب ـ مشهد:** چشمه شاهان گرماب در ۱۴۴ کیلومتری جنوب شرقی شهر مشهد در ارتفاعات نسبتاً زیاد در دامنه کوهی که از رسوبات تجزیه شده آن پوشیده شده است خارج می‌شود. آب شاهان گرماب از دسته آبهای بیکربناته کلسیک و سدیک گرم با باقیمانده خشک کم و pH کم اسید می‌باشد.

خواص درمانی و موارد استعمال آب چشمه شاهان گرماب با مقایسه با چشمه‌های مشابه آن چنین است، در عفونت‌های پوستی مانند اگزمای حاد و مزمن، خشک و ترشح‌دار در مورد مبتلایان به جوش صورت پسوریازیس، زخمهای مزمن و جراحات ناشی از واریس التیام نسبتاً شدید

مشاهده شده است. موارد تجویز ثانوی آب به سبب بالا بودن درجه حرارت آب شاهان گرماب در عوارض رماتیسمی مزمن، آرتریت و آرتروز، دردهای عصبی مربوط به رماتیسم، عوارض کوفتگی (درد و سختی حرکات مفاصل) نیز اثرات نیکو می‌تواند داشته باشد.

**چشمه قدمگاه ـ نیشابور:** موقعیت جغرافیائی ـ قدمگاه در کنار جاده نیشابور به مشهد و در ۱۳۱ کیلومتری غرب مشهد واقع شده است. وجه تسمیه نام این محل به مناسبت جای پایی است که بر روی سنگی وجود دارد و آن را اهالی محل به محل پای امام هشتم نسبت می‌دهند. دو چشمه در این ناحیه وجود دارد که یکی در مجاور جاده و دیگری به فاصله یک کیلومتری آن در دامنه جنوبی تپه‌های کم ارتفاع از زمین خارج می‌شوند. چشمه اول به عنوان آب آشامیدنی به مصرف اهالی قدمتگاه می‌رسد و از دومی که آب ده آن کمتر است در کشاورزی اطراف آن استفاده می‌شود.

هیدروژئولوژی ـ دو چشمه آب خوراکی قدمگاه از زمین‌های آبرفتی رس‌دار خارج می‌شوند. این آبرفتها که در سطح وسیعی گسترده شده‌اند غالباً در اثر عمل فرسایش آبهای خارجی به صورت تپه و دره‌های کوچکی در آمده‌اند.

خواص درمانی ـ آب چشمه قدمگاه در زمرهٔ آبهای خوبی است که به مناسبت ترکیبات مناسب آن می‌تواند ارزش درمانی نیز داشته باشد. آشامیدن این آبها باعث سرعت عمل هضم می‌شود و ملین است و در دستگاه ادراری عمل مدر و دافع فضولات می‌باشد.

**موزه تاریخ طبیعی:** از جمله مکانهای فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، تحقیقاتی و نمایشگاهی می‌باشد که می‌تواند علاوه بر شناساندن هرچه بیشتر زیست بوم‌های مختلف و گونه‌های حیات وحش و پوشش گیاهی منطقه،ارزش حفظ و نگهداری تنوع زیستی را نیز به طبقات مختلف مردم جامعه یادآوری نماید. و با توجه به این اصل مهم که ادامه حیات بشری به بقای طبیعت بستگی دارد از این رو اهمیت علوم طبیعی و نقش موزه‌های تاریخ طبیعی در اشاعه دانش و فرهنگ زیست محیطی در جهان امروز بیشتر محسوس می‌باشد.

لذا این مراکز می‌توانند اندیشه و احساس مردم را در مورد جلوه‌ها تنوع زیستی و خر انقراض گونه‌های کمیاب جانوری و گیاهی برانگیزند. ـ سازمان حفاظت محیط زیست استان خراسان رضوی

## آداب و رسوم و مردم‌شناسی (رضوی، شمالی و جنوبی)

**چهارشنبه‌سوری:** در شب چهارشنبه آخر سال مجالس سور و سرور برپا می‌کنند و در هر نقطه‌ای مراسم گوناگونی برپا می‌کنند از جمله: آتش برمی‌افروزند. این آتش را ظاهراًدر روزگارانی بس قدیم بر پشت‌بام‌ها و بلندی‌ها برافروختند تا خبر از یک قیام ملی دهند و همگان را دعوت به قیام نمایند اما اکنون در حیاط خانه‌ها بوته آتش می‌زنند و از روی آن می‌پرند خراسانی‌ها در این شب هر چه کوزه کهنه دارند می‌شکنند و به جای آن کوزه نو می‌خرند و نیز در صورت داشتن امکانات مالی چهار رنگ پلو (رشته پلو، عدس پلو، زرشک پلو و ماش پلو) می‌پزند و مقداری از آن را برای نزدیکان می‌فرستند.

در مراسم چهارشنبه‌سوری، زنان مراسم خاصی دارند که بیشتر مربوط به بخت‌گشائی و گرفتن حاجت و رفع درد و بلاست.

اگر خانواده‌ای بیماری داشته باشد زنی چادر به سر به در خانه‌ها می‌رود و با ملاقه‌ای که در دست دارد چهار مرتبه به در می‌کوبد. صاحبخانه مقداری خوراک داخل ملاقه می‌ریزد.

**نوروز:** از چند هفته به نوروز مانده جنبش فراوانی میان مردم پدید می‌آید همه به فکر تهیه لباس نو، خانه‌تکانی، سفید کردن ظروف مسی، تمیز کردن در و پنجره و اثاثه خانه می‌افتند. گندم یا عدس یا اسفرزه، ترتیزک و خاکه‌شی می‌رویانند تا شب عید خانه به سبزه آراسته باشد، حاجی فیروز (جیگی جیگی ننه خانم) در کوچه و بازار به راه می‌افتد... یکی دو روز به عید مانده سمنو می‌پزند و روز قبل از تحویل سال به حمام می‌روند و پای خود را حنا می‌بندند.

وقتی لحظه تحویل نزدیک شد عده‌ای به مسجد می‌روند تا دعا بخوانند و از برکت آن دعا در تمام مدت سال از خطرات مصون و غرق در نعمت گردند گروهی نیز در خانه می‌مانند زیرا عقیده دارند نباید درین لحظه از خانه به دور بود.

چند لحظه قبل از تحویل سال اندکی آرد خمیر می‌کنند و در گوشه‌ای می‌گذارند تا ور آید بعد سماور را آتش می‌کنند و سفره هفت‌سین را می‌چینند و لباس‌های نو می‌پوشند. اسفند و مشک و عنبر می‌سوزانند در هر اطاق چراغ یا شمعی روشن می‌کنند آنگاه سفره سفیدی در وسط آن می‌گذارند بین دو لایه قرآن یک آینه قرار می‌دهند، جلو آینه چند دانه گندم می‌پاشند و روی آینه هم یک تخم‌مرغ می‌گذارند تا در موقع تحویل تخم‌مرغ روی آینه بچرخد یک ظرف عسل در گوشه سفره و یک عدد نان سنگک نیز در گوشه دیگر می‌گذارند. سینی هفت‌سین را هم در وسط سفره در جای مناسبی می‌گذارند (سمنو، سکه، سرکه، سیر، سنجد، سماق، سیب) و سبزه‌ای که رویانیده‌اند درکنار آنها می‌گذارند یک کاسه پرآب هم در گوشه‌ای قرار می‌دهند و روی آب چند ساقه سبزه و یک عدد نارنج می‌اندازند مقداری آجیل و شیرینی هم در دو بشقاب می‌ریزند و با یک پیاله ماست و یک بشقاب سبزی پلو ماهی در کنار سفره می‌گذارند بعد در همه اطاق‌ها و دهان خیک ماست و سرکیسه‌های نخود، لوبیا، عدس، ماش و برنج را باز می‌گذارند و منتظر می‌نشینند تا سال تحویل شود.

عده‌ای چند لحظه قبل از تحویل سال قدری «آب جوجه خروس» یا شیر می‌نوشند ظهر یا شب آخر سال سبزی‌پلو با ماهی وکوکو و مرغ تهیه می‌کنند و مقداری از آنها را برای سال نو نگاه می‌دارند و در موقع تحویل در سر سفره هفت‌سین می‌گذارند. یک کوزه نو هم می‌خرند و پر از آب می‌کنند یک نارنج هم در دهانه آن می‌گذارند و تا سال نو نشود از آب کوزه استفاده نمی‌کنند.

وقتی لحظه تحویل فرا رسید اعضاء خانواده دور سفره می‌نشینند و هر یک یک سکه یا چد دانه برنج... در مشت می‌گیرند یا کلهٔ جوجه خروس در جیب می‌گذارند... همین که سال تحویل شد به هم مبارک باد می‌گویند و یکدیگر را می‌بوسند و عده‌ای هم دعا می‌خوانند.

شب اول سال نو رشته پلو می‌خورند، روز شنبه اول سال هم آش رشته می‌پزند. اگر شنبه به نوروز بیفتد آن سال را مبارک‌تر می‌دانند و بیشتر شادی می‌کنند.

در خانواده‌های خراسانی خصوصاً در روستاها رسم است که دو سه روز قبل از تحویل سال مقدار زیادی نان می‌پزند زیرا معتقدند که در موقع تحویل باید صندوقخانه هر خانه‌ای پر نان باشد.

در طول مدت دو روز اول سال به دیدن یکدیگر می‌روند و روز اول سال را بزرگ خانواده یا بزرگ محل در خانه می‌نشیند تا همه به دیدندش بروند و نوروز را به او تبریک بگویند.
در خراسان در ایام نوروز از مهمانان با شیرینی‌های محلی عالی پذیرایی می‌شود روز سیزدهم فروردین در نظر مردم نحس است و عموماً به صحرا می‌روند و ناهار را در صحرا صرف می‌کنند و آنچه آجیل و شیرینی مانده در آن روز می‌خورند.
در پاره‌ای از نقاط خراسان روزهای شنبه و چهارشنبه اول سال نیز از خانه خارج می‌شوند و بخارج شهر می‌روند از جمله در بیرجند مردم در این سه روز از شهر خارج شده به محلی می‌روند معروف به کشمان که در آن گندم، جو، یونجه و شبدر... کاشته شده است. بیرجندی‌ها عقیده دارند که در این سه روز باید از دروازه جنوبی شهر به کشمان رفت و در صحرا پای خود را به سبزه زد و سپس از دروازه شرقی شهر به خانه بازگشت.
دختران دم بخت برای گشودن بخت خود و پیدا کردن شوهر رو به قبله می‌نشینند و سبزه گره می‌زنند... زنان عقیم یا بی‌فرزند لب آب می‌نشینند و کلوخ در آب می‌اندازند و دعا می‌کنند. ـ از کتاب عقاید و رسوم عامه، مردم خراسان تالیف ابراهیم شکورزاده اقتباس نقل گردید.
**خواستگاری:** مادر داماد و چند تن از زنان نسبتاً مسن (مثل خاله، عمه و خواهر داماد) بعنوان مهمانی یا بهانهٔ کرایه کردن اطاق و یافتن خانه خالی به خانه عروس می‌روند مادر که از طرز رفتار آنانها حدس می‌زند دختر را صدا می‌زند تا برای مهمانها چای بیاورد، چون دختر از مهمانان پذیرایی کرد زنان به سر گردن دختر دستی می‌کشند و ماشاالله ماشاالله می‌گویند گونه‌ها و لبان را می‌بوسند... آنگاه سئوالاتی از کمالات دختر می‌کنند چون دختر را پسندیدند می‌گویند «آمده‌ایم به بینیم پسر ما را به غلامی قبول می‌کنید یا نه؟»
پس از موافقت هر دو خانواده شبی را معین کرده قرار می‌گذارند که مردهای خانوادهٔ داماد برای بعله برون به خانه دختر بروند و درباره لوازم و اثاث سر عقد و مهریه و شیربها مذاکره می‌کنند آنگاه مقدمات مجلس عقد را فراهم می‌نمایند و در فاصله این مدت خانواده عروس در خارج تحقیقاتی درباره داماد می‌نمایند و دختر را نیز پنهانی به محل کار داماد می‌برند تا پسر را به بیند و در شب بعله برون موافقت خود را با این ازدواج اعلام می‌دارند. در این شب خانواده داماد حلقه‌ای برای عروس می‌آورند که در حقیقت حلقه نامزدی است که به آن کلیکی (انگشت) می‌گویند. در روستاها یک جفت کفش به عنوان نشونی نیز به اندازه پای عروس تهیه می‌کنند و کفش و کلیکی را با مقداری نقل و نبات و قند و چای و حنا (گاهی یک دست لباس) در سینی مخصوصی می‌گذارند و چند سکه نقره هم در سینی می‌اندازند و به خانه دختر می‌برند و درباره میزان باشلق و مهریه و لوازمی که داماد باید بخرد مذاکره می‌نمایند و چون موافقت حاصل شد زنان دایره می‌زنند و هولولو، شولولو می‌گویند. سپس روزی را معین می‌کنند که داماد با عروس و چند تن از خانوادهٔ عروس و داماد به بازار بروند و آینه و شمعدان و انگشتری و سایر لوازم را بخرند. در پایان مجلس برای خوشبختی و شادکامی طرفین مقداری قند و نبات می‌شکنند، نصفش را به خانواده عروس می‌دهند و نصف دیگرش را به خانه داماد می‌برند و آن گاه روز و ساعت عقد را معین و لوازم سر

عقد را با طبق یا خوانچه به خانه عروس می‌فرستند. لوازمی که فرستاده می‌شود: یک آینه، یک جفت شمعدان یا لاله یک انگشتری، لباس سر عقد، یک جفت کفش برای عروس دو جفت کفش برای مادر و خواهر عروس و چند خوانچه شیرینی در روستاها چندکله قند، چند بسته چای و بیست قالب صابون و سه کیسه حنا و یک کیسه رنگ و چهار متر چلوار سفید نیز می‌فرستند.

خانواده عروس نیز یک قواره فاستونی برای داماد گاه یک قواره برای پدر داماد و یک قواره پیراهن و یک جفت جوراب و یک روسری یا چارقد برای مادر داماد در خوانچه به خانه داماد می‌فرستند.

**مجلس عقد:** چند دقیقه پیش از خواندن صیغه عقد، در اطاقی که زیر خالی نباشد طشت مسین بزرگی وارونه روی زمین می‌گذارند و ده تا ۱۲ تخم‌مرغ زیر طشت می‌گذارند بعد عروس را رو به قبله روی طشت می‌نشانند و سفره سفیدی در جلو او پهن می‌کنند و یک آئینه در وسط، دو شمعدان یا دو چراغ یا دو لاله در طرفین آینه، دو عدد تخم‌مرغ، سینی عاطل باطل، یک بشقاب سبزی و پنیر یک پیاله عسل یک قرآن یک نان سنگک که روی آن مبارک باشد با خشخاش یا سیاه‌دانه نوشته شده یک پیاله سیماب یک کاسه پر آب که برگ سبزی بر سطح آن شناور است یک بشقاب نقل یک بشقاب گردو و یک بشقاب صابون می‌چینند....

چند لحظه قبل از اجرای صیغه عقد شمع‌ها را روشن می‌کنند و عاقد صیغه را در اطاق مجاور به وکالت از زوجین می‌خواند در اثنای خواندن صیغه، دو زن سفیدبخت پیش می‌آیند یکی از آنها پارچه‌ای بالای سر عروس نگاه می‌دارد و دیگری دو تکه قند در مشت گرفته بالای پارچه به هم می‌سایند و مرتباً می‌گویند یا عزیز خدا عزیزش کن!...» در همان حین زن دیگری سوزنی که نخ هفت رنگ دارد مرتباً در پارچه‌ای فرو می‌برد و بیرون می‌آورد و می‌گوید بستم، بستم به حق سلیمان نبی.... بستم زبان داماد و قوم و خویش داماد را، و در حین صیغه عقد باید تمام دکمه‌های لباس عروس و داماد باز باشد و اگر دکمه بسته باشد بختش بسته می‌شود...

پس از اتمام خطبه صیغه عقد و بله‌گفتن عروس همه کف می‌زنند و شادی می‌کنند و اسفند دود می‌کنند و بخور و کندر می‌سوزانند سپس داماد را به اطاق عروس می‌برند و درکنار او می‌نشانند و با قندی که روی سر عروس ساییده‌اند شربت درست کرده به عروس و داماد می‌دهند آنگاه مادر داماد کلیکی به انگشت عروس می‌کند و صورت عروس را می‌بوسد. و زنان دایره می‌زنند نقل بر سر عروس می‌پاشند و هولولو شولولو می‌گویند عروس و داماد به دهان یکدیگر عسل می‌گذارند و داماد پای راست عروس و عروس پای راست داماد را در آفتابه لگن می‌شوید...»

داماد پس از صرف شام در خانه عروس به خانه‌اش بازمی‌گردد و هر چند وقت یکبار داماد به خانه عروس می‌رود و در عیدهای بزرگ خوانچه شیرینی و اشیاء دیگر به خانه عروس می‌فرستد. در شب چله به جای شیرینی لااقل هفت رنگ میوه همراه با پارچه زینت‌آلات به خانه عروس می‌فرستد.

پس از اینکه جهاز دختر آماده گردید منتظر می‌مانند تا داماد خبر بدهد «که ما می‌خواهیم عروس را ببریم» و ساعت و روز عروسی را (که معمولاً شب جمعه و شب شنبه را انتخاب

نمی‌کنند) معین می‌نمایند.
پس از انجام پاره‌ای تشریفات همزمان با حمام رفتن عروس چند تن از خویشان داماد به حمام می‌روند و با شادی حنابندان و غیره انجام می‌گیرد و دهلی‌ها آهنگهای محلی می‌نوازند.
یک روز قبل از مراسم عروسی چند نفر از طرف داماد می‌آیند تا جهاز عروس که در طبق‌ها و غیره جای داده‌اند به طبق کش‌ها، با صلوات می‌برند.
در خانه داماد جشن مفصلی برای مراسم عروسی برپاست و در طول آن نوازندگان و خوانندگان مشغول به خواندن و نواختن هستند در روستاها از خوانندگان و نوازندگان محلی یعنی دهلی‌ها و عاشق‌ها استفاده می‌کنند. در خانواده‌های خیلی مذهبی در شب عروسی بجای ساز و آواز و دهل و سرنا اشعاری می‌خوانند.
عروس را با اتومبیلی که قبلاً آراسته شده به خانه داماد می‌برند که داماد همراه مادر و خواهرانش با اتومبیل عروس پیشاپیش دیگران حرکت می‌کنند.
در روستاها داماد و چند نفر پهلوان و سرشناس ده با اسب به خانه عروس می‌روند و در راه رقص و آواز و انواع بازی و نمایش پهلوانی، اسب‌تازی، تیراندازی همراه با دهلی‌ها برقرار است. پیرمردی از ریش سفیدان ده یا نزدیکان داماد قباله عروس راکه در بقچه یا دستمال ابریشمی پیچیده‌اند روی دست‌گرفته پیشاپیش داماد حرکت می‌کند چون به خانه داماد رسیدند آن را به پدر عروس می‌دهند، همین که این کاروان شاد به خانه عروس نزدیک شد با شتاب لباس عروس را می‌پوشانند و او را آماده رفتن به خانه داماد می‌سازند (همراه با خواندن تصنیف‌های زیبایی است.) دختر پس از گرفتن تعلیمات لازم در حالی که دو ینگه او را همراهی می‌کنند از اطاق بیرون می‌آید و حاضران همراهان داماد با صدای موسیقی و آواز مبارک‌باد شادی می‌کنند و داماد نیز با ساقدوش‌ها و اقوام خود به طرف عروس می‌رود و چون مقابل عروس رسید دستش را می‌گیرد و به سوی اتومبیلی می‌برد و با قافله شادی به سوی خانه داماد حرکت می‌کند. در طی راه زنی آینه سر عقد را مقابل صورت عروس نگاه می‌دارد. چند قدم مانده به خانه داماد همه پیاده می‌شوند و گوسفندی می‌کشند و عروس از آنجاکه رد شد در درگاه خانه کاسه آبی گذاشته‌اند که عروس باید آن را در قدم اول واژگون کند  از قدم دوم به بعد هفت سینی بزرگ وارونه زیر پایش می‌گذارند. و در وسط هر سینی یک گردو یا بادام است عروس باید از روی سینی‌ها بگذرد و در هر قدم یک گردو یا بادام بشکند...
وقتی عروس وارد خانه شوهر شد در نخستین قدم سعی می‌کند که پا روی پای داماد بگذارد تا در زندگی همیشه بر شوهرش مسلط باشد و چون عروس را وارد حجله کردند مادر عروس چند آیت‌الکرسی و چند قل هوالله می‌خواند به سر و روی عروس می‌دمد و آنگاه پسربچه‌ای زیبا به بغل عروس می‌دهند در آن وقت داماد در هلهله حاضران عروس را در آغوش گرفته سه دور دور حجله می‌چرخاند و آنگاه روی رختخواب می‌گذارد. مرد دیگری از محارم عروس که در اطاق حاضر است داماد را بغل کرده سه دور دور حجله می‌چرخاند و بعد کنار عروس می‌نشاند در این موقع پدر داماد تور عروس را برمی‌دارند و دست دختر را به دست پسرش می‌دهد بعد یک اشرفی یا ۵ مناتی یا یک تکه جواهر بعنوان رونمایی یا پااندازی به عروس می‌دهد...»
«... بچه را سه یا هفت روز پس از تولد ختنه

می‌کنند در این صورت مجلس ختنه سوران ساده برگزار می‌شود اما اگر ختنه از روز هفتم بگذرد بچه را در ۵ سالگی یا هفت سالگی ختنه می‌کنند و در این صورت مجلس ختنه سوران را مفصل و با شکوه تمام برگزار می‌نمایند.

روزی را برای مراسم ختنه معین، از عده‌ای از دوستان و خویشان دعوت و یک مطرب را به حمام دعوت می‌کنند در سربینه حمام اسفند دود می‌کنند و کندر و بخور می‌سوزانند. کودک را پس از استحمام لباس نو می‌پوشانند و با هلهله شادی به خانه می‌برند.

در خانه رختخواب سرخ رنگ تمیز آماده کردن طفل را روی آن می‌خوابانند و در طول عمل ختنه چند نفر نوازنده و خواننده نغمه‌های دلپذیر محلی اجرا می‌کند. طفل ختنه شده را مدت سه تا هفت روز در رختخواب نگه می‌دارند و در روز پانزدهم باز اقوام و آشنایان را دعوت و مجلس جشن و سرور برپا می‌کنند و طفل را با خود به حمام می‌برند و در حمام نیز ساز و دهل می‌نوازند یا دایره و دنبک می‌زنند و اشعاری می‌خوانند و اسفند دود می‌کنند.

گاه در یک خانه چند طفل را با هم ختنه می‌کنند البته نباید اطفال زوج باشند اگر دو فرزند یک پدر را در یک روز ختنه کنند بلافاصله یک خروس را می‌کشند. ـ اقتباس و نقل از کتاب عقاید و رسوم عامه مردم خراسان ـ ابراهیم شکورزاده.

**مرگ و عزا:** چون یکی از افراد خانواده در بستر نزع افتاد، کسانش احساس نزدیکی مرگ وی را می‌کنند، بیمار را به پشت می‌خوابانند و پاهایش را رو به قبله دراز می‌کنند و قدری آب تربت در دهانش می‌ریزند و شهادتین به زبانش می‌دهند و دعای عدیله و حدیث کسا به گوشش می‌خوانند همین که مرد، دست‌هایش را می‌کشند و به پهلوهایش می‌چسبانند آن وقت یک نفر غریبه می‌آید دو شست پای او را با نخ می‌بندد و پلکه‌ها و دهان او را می‌بندد و با یک پارچه سفید چشم‌های مرده را می‌بندد و قرآنی روی سینه‌اش می‌گذارند و پارچه سفیدی دور کمرش می‌پیچند و مبلغی پول در لباس مرده می‌گذارند تا غسالخانه بردارد و مرده را تمیز بشوید.

اگر کسی شب مرد خشتی بالای سرش می‌گذارند و شمعی یا چراغی هم روشن کرده روی خشت قرار می‌دهند یک کاسه شربت هم در کنار خشت می‌گذارند.

همین که چشم‌های مرده را بستند و پارچه از زیر چانه‌اش رد کردند و با نخ دو شست او را گره زدند مؤذنی بر بالای بام می‌رود و صلات می‌کشد و اقوام به گریه مشغول هستند تا عده‌ای تابوت می‌آورند و مرده را در آن می‌گذارند و قطیفه‌ای روی مرده می‌کشند. سپس یک طاقه شال ترمه روی تابوت می‌اندازند اگر مرده مرد باشد شال اگر زن چارقد سر او را دور تابوت می‌پیچند و تابوت را به دوش گرفته صلوات و لاالله الاالله گویان به حیاط خانه می‌رند و از دست راست به چپ سه بار دور حیاط می‌چرخانند آنگاه کسان مرده پیشاپیش تابوت و بقیه بدنبال آن می‌روند اگر مرده پیر باشد مقداری خرما و اگر جوان قدری نقل در ظرفی می‌ریزند و با یک بشقاب حلوا همراه تابوت می‌برند.

پس از غسل مرده او را در کفن می‌پیچند اگر مرد باشد یک عمامه و اگر زن یک چارقد و یک سینه‌بند و یک چانه‌بند نیز دارند.

در مشهد از راه صحن نو مرده را به حرم برده سه بار دور ضریح می‌گردانند.

در گورستان تابوت مرده را چند متر دور از محل قبر می‌گذارند و نماز میت می‌خوانند بعد مرده را در قبر گذاشته و عقاید حقه را بمردم تلقین می‌کنند و بعد لحد را با خشت می‌پوشانند و قبر را با خاک برمی‌کنند آنگاه حاضران در کنار قبر فاتحه می‌خواند و بعد از صرف چای و قهوه سرکار خود می‌روند.

**مجلس ترحیم:** در همان روز یا روز بعد در خانه مرده یا مسجد برگزار می‌شود که در وسط اطاق شال تره می‌اندازند و روی آن در یک طرف سی پاره قرآن و در طرف دیگر قاووت و خرما می‌گذارند در وسط سفره هم یک قاب و قدح منقش چینی و در دو دست قاب و قدح دو عدد گلدان بزرگ چینی و دو گلاب‌پاش می‌گذارند.

در مجلس ختم یک نفر قاری قرآن می‌خواند و کسان و آشنایان به مجلس می‌آیند و فاتحه می‌خوانند و در پایان واعظی به منبر می‌رود و درباره بی‌وفائی دنیا... و احوال میت و صفات عالیه او سخنانی می‌گوید و طلب بخشش از خدا برای مرده می‌کند روضه امام حسین (ع) را می‌خواند و از منبر پائین می‌آید و بعد از سلام مردم پراکنده می‌شوند.

**شب‌شام غریبان:** اولین شبی راکه خانه از وجود مرده خالی شده در محلی که مرده بستری بوده یک عدد خشت خام می‌گذارند و بعد وسط خشت را سوراخ می‌کنند و شمعی در سوراخ خشت قرار می‌دهند آنگاه شمع را روشن می‌کنند و یک مشت برگه زردآلو و چند حبه قند نیز در اطراف شمع روی خشت می‌ریزند و شمع را می‌گذارند تا آخر بسوزد.

روز سوم باز مجلس روضه‌خوانی برقرار می‌سازد (به همان ترتیب مجلس ختم) صاحب عزا جلو در ورودی قرار می‌گیرد. دوستان و آشنایان می‌آیند و فاتحه می‌خوانند و به صاحب عزا تسلیت می‌گویند و در پایان واعظی به منبر می‌رود و بعد از سخن از بیوفائی دنیا روضه امام حسین (ع) را می‌خواند و آنگاه یا الله می‌گوید مجلس پایان می‌یابد.

در مجالس زنانه یک نفر زن حدیث می‌گوید و روضه می‌خواند.

بر روی سنگ قبر تاریخ فوت و... نوشته می‌شود. روز هفتم، چهلم و سال مرده باید بر سر خاکش بروند و خرما و قاووت روی قبر گذارند و قرآن بخوانند و برایش طلب آمرزش کنند. اگر مرده فقط یک فرزند داشته باشد به عوض روز هفتم، ششم به سر خاک مرده می‌روند اما اگر بیش از یک فرزند داشته باشد هم روز هفتم و هم روز چهلم و هم سال او را یک روز جلوتر می‌گیرند. ـ این مقاله قبل از تقسیم استان خراسان به ـ جنوبی ـ رضوی و شمالی تقسیم گردیده نوشته شده بود.

**مراسم عروسی در قریه «کاه» از روستاهای توابع چناران مشهد:** در اینجا دختر و پسر مدت دو سال یا بیشتر با هم نامزد می‌شوند. در این مدت در اوائل هر بهار برخی مواقع دیگر از طرف هر یک هدیه‌هائی به طرف دیگر داده می‌شود. چند روز قبل از عروسی مهمانهای خارج از ده دعوت می‌شوند. دو روز قبل از عروسی عده‌ای از طرف داماد برای آوردن هیزم به صحرا می‌روند و هر کدام از افراد که زودتر با هیزم بیشتری مراجعت کند مقداری قند به عنوان انعام از داماد دریافت می‌دارد. هم‌چنین روز قبل از عروسی عده‌ای از بزرگان فامیل برای «تی‌بار» (گندم پاک کردن و به آسیاب بردن) به منزل داماد می‌روند. عروسی و

مهمانیها بمدت ۳ روز ادامه دارد و کلیه افراد ده بتوسط سلمانی دعوت می‌شوند. پس از صرف اولین ناهار شخص سلمانی با یک سینی و مقداری شیرینی مشغول جمع کردن پول می‌شود. در مجلس عروسی نوازندگانی با نام «عاشق» هنرنمایی می‌کنند. در میان این برنامه‌ها جالبتر از همه کشتی گرفتن افراد زبده دهکده در مقابل مردم و داماد می‌باشد و به این ترتیب: در میدانی که مخصوص اینکار است از طرف پدر داماد یک سینی که محتوی مقداری قند و شیرینی است در مقابل معتمدین می‌گذارند. یکی از پهلوانها (داش غلومها) جلو رفته و مقابل سینی می‌نشیند به این معنی است که کسی حریف من نیست. در این صورت اگر کسی بخواهد با او مقابله کند جلو می‌آید و مقابل همان سینی می‌نشیند. حالا این دو نفر مجبورند که با هم کشتی بگیرند تا هر کدام که برتری خود را ثابت کرد سینی را تصاحب کند. روز دوم عروسی در منزل عروس مردم ده به ناهار دعوت می‌شوند. هر شخصی که به منزل عروس برود موظف است مقداری پول بدهد. پس از این مراسم نوبت به حمام داماد می‌رسد. عده‌ای همراه داماد به حمام می‌روند در حمام هم برای شخص حمامی پول جمع آوری می‌شود. ناگفته نماند که یک نفر بنام «نوکر داماد» که شال مخصوصی به کمر می‌بندد همراه داماد است. عروس را نیز به همان ترتیب به حمام می‌برند. «حنابندان» نیز ضمن آن انجام می‌شود. روز سوم موقع آن است که عروس را به خانه داماد ببرند، جهیزیه عروس قبلاً با اسب به منزل داماد برده می‌شود و داماد تا نیمه راه برای پیشواز عروس می‌آید و در این هنگام یک حبه قند به عروس می‌دهند و یک انار و یک سیب و مقداری قند از روی سر عروس پرتاب می‌کند. عروس و داماد در این موقع به طرف منزل داماد براه افتاده و عده‌ای زن و مرد مشغول رقص می‌شوند.

پس از بردن عروس و داماد به اتاق، خویشان نزدیک به عروس و داماد هدایایی می‌دهند و به مدعوین شربت داده می‌شود. روز بعد از عروسی مدعوین برای «پاتختی» به منزل داماد می‌روند و دوباره به عروس و داماد هدایایی می‌دهند اولین غذای عروس از طرف مادر عروس آورده می‌شود. ـ محمود غفوری ـ مجله تلاش ۱۳۴۶

**نوروز باستانی نزد مردم قوچان:** نزدیک یک ماه به نوروز مانده مردم شهر در هر شرایطی که باشند در صدد تهیهٔ لباس نو، لوازم پذیرایی و خصوصاً تزئین منزل می‌افتند و تا حدود امکان اثاثهٔ کهنهٔ منزل را تعویض می‌کنند. دو هفته به سال تحویل مانده، یکی از رسوم متداول انداختن «سبزنا» است. برای این کار مقداری گندم، عدس یا لوبیا را در ظرفی خیس می‌کنند تا جوانه بزند و بعداً در بشقابهای رنگین قرار می‌دهند تا رشد کنند و کاملاً سبز شود. این بشقابها جزء تزیینات میز یا سفرهٔ هفت‌سین و پذیرایی هر خانه‌ای است. شب چهارشنبه آخر سال را به عنوان شب «چهارشنبه سوری» مراسمی بدین شرح برگزار می‌کنند.

۱ـ **فال‌گوشی:** بدینگونه است که سر کوچه یا پشت در خانه‌ای می‌ایستند و نیت می‌کنند. اولین سخنی که گویندهٔ رهگذر یاکسی که در اتاق است به زبان آورد وسیلهٔ تفأل قرار می‌دهند و بنا به نیت خود تعبیر می‌کنند. بعلاوه در این شب با دیوان حافظ نیز تفأل می‌زنند.

۲ـ **مرغانه:** عده‌ای از کودکان و جوانان پشت در منزل همسایه‌ها می‌روند و با ملاقه مسی که در دست دارند پشت در می‌کوبند و می‌گویند «مرغنه

مرغنه» را تکرار می‌کنند. وقتی که صاحب منزل در را باز می‌کند کودکان و جوانان که صورت خود را به نوعی پوشانده‌اند ملاقه را جلو برده صاحب منزل مقداری آجیل و یا نقل توی ملاقه می‌ریزند و باز در خانهٔ بعدی و به همین ترتیب به چند منزل دیگر می‌روند.

**۳ـ آتش‌بازی:** بدین نحو که از روی شعله‌های آتش که قبلاً هیزمهای آن را فراهم کرده‌اند می‌پرند و می‌گویند «زردی من مال تو سرخی تو مال من.»

**۴ـ کوزه شکستن:** رسم چنین بوده که از کوزه‌های کهنه، کوزه‌ای را آب کرده و از پشت بام به زمین پرت می‌کنند تا بشکند و معتقد بودند که با چنین عملی تمامی اثاثیه کهنه‌شان نو خواهد شد.

و بالاخره شب چهارشنبه سوری را با شادی و خوردن آجیل و پلو ماهی می‌گذرانند. قبل از رسیدن سال نو برای دوستان و اقوام خود که در شهرهای دوردست هستند کارت تبریک عید نوروز می‌فرستند و منتهای کوشش را بکار می‌برند تا وضع اثاث خانه و لباسهای خانواده و تزیین منزل را از هر جهت نو و تکمیل کنند.

برای سفرهٔ سال تحویل، «هفت‌سین» تهیه می‌کنند و آن عبارت است از سیب، سیر، سمنو، سیاهدانه، سنجد و سبزی که در سینی و یا سفره مخصوصی و کنار قرآن مجید، در مقابل آیینه می‌چینند و یک ظرف بلورین آب که حاوی چند عدد ماهی قرمز است بر روی سفره و یا کنار میز پذیرایی قرار می‌دهند و اعضای خانواده در وقت سال تحویل دور هم می‌نشینند. به محض اعلام سال نو بوسیلهٔ نقاره و یا سوت کارخانه و یا خاموش و روشن کردن چراغ برق، همگی سال جدید را به یکدیگر تبریک می‌گویند. در این روز که اول سال نو و عید نوروز نامیده می‌شود، از بزرگان شهر و بزرگان خانوادهٔ خود دیدن می‌کنند و مقید هستند که به دیدن کلیهٔ اقوام و خویشان و دوستان خود بروند. افراد کوچک خانواده از بزرگان خود عیدی دریافت می‌دارند.

مردم قوچان از روز دوم با توجه به ویژگی خیابانهای اصلی شهر که به چهار قسمت تقسیم شده، مردم محلهٔ قسمت دوم و سوم و چهارم شهر از ساکنین قسمت اول (بدون توجه به شرایط اجتماعی) بازدید می‌کنند، روز سوم مردم محلهٔ قسمت سوم و چهارم و اول به دیدن ساکنین قسمت دوم می‌روند، روز چهارم مردم محلهٔ قسمت چهارم و اول و دوم از ساکنین قسمت سوم دیدن می‌کنند. و روز پنجم مردم محلهٔ قسمت اول و دوم و سوم از ساکنین قسمت چهارم بازدید به عمل می‌آورند.

بر اساس همین تقسیم‌بندی، طرز دید و بازدید ایام عید نوروز قوچان تماشایی و شاید در تمام ایران منحصر و ممتاز باشد. زیرا همهٔ اهالی شهر از همدیگر در وقت معلوم و معینی بازدید کرده‌اند. مراسم دید و بازدید عید به طور خانوادگی تا سیزده نوروز ادامه دارد. عصر روز سیزده اهالی شهر به عنوان «سیزده به در» آنچه از شیرینی و آجیل که باقی مانده با خود به خارج شهر می‌برند و آن روز را در صحرا و سبزه‌زارها به تماشای طبیعت می‌گذرانند و معتقد هستند که نحوست «سیزده» را با خارج شدن از شهر و گذشتن از آب جاری و گره زدن سبزه از بین می‌برند و اگر روز «سیزده‌به در» را به خوشی گذراندند، آن سال برای آنان سال پرمیمنت و مبارکی خواهد بود.

مراسم کشتی‌گیری قوچان که اغلب در امام مرشد، کنار چمن لیلی سابق و آق امام در ده سیاهدشت با شرکت پهلوانان نامی قوچان برگزار می‌شود یکی

دیگـر از مـراسـم روز سیزده بـه در است کـه روستاییان قوچان با شادی فراوان برگزار می‌کنند.

**مراسم خـواسـتگاری و ازدواج در بـین مـردم قوچان** ـ وقتی دختری را در خانواده‌ای در نـظر گرفتند به همراهی چند نفر از بستگان نـزدیک، بدون اطلاع قبلی برای خواستگاری در خانهٔ دختر می‌روند. پس از احوالپرسی و اظـهار آشـنایی، تقاضا می‌کنند که دختر لیوانی آب بیاورد، و این عـلامت خـواستگاری است. پس از دیـدن و پسندیدن دختر و گرفتن موافقت، شبی را بـرای مذاکره تعیین و بر سر آن توافق می‌کنند. در شب موعود، چند نفر مرد و زن از نزدیکان داماد بـه خانهٔ دختر می‌روند. ابـتدا صـحبتهای پـراکنده می‌کنند ولی بعداً اظهار می‌کنند: «شما نمی‌پرسید که ما برای چه خدمت رسیده‌ایم؟» صاحب خانه می‌گوید: «قدم شما روی چشم» بعد پدر دامـاد می‌پرسد: «آیا پسر ما را به غلامی قبول می‌کنید؟» آنها هم که از ابتدا متوجه اصل مطلب بـوده‌انـد می‌گفتند: «اختیار دارید، اینها چه حرفی است. هر پسر باید با دختری ازدواج کند، ولی دختر ما قابل شما را ندارد.» آنها هم متقابلاً تعارف می‌کنند و می‌گویند: «مـایهٔ افـتخار است. پس بـهتر است صورتی که حاکی از صداقیه است بنویسید.» به اصرار حاضرین، خانوادهٔ دختر کاغذی برمی‌دارند و صورت صداقیه را بدین‌گونه می‌نویسند ... و آنگاه ذیل صورت را طرفین امضاء می‌کنند.

از روز بعد از گفتگو، خانوادهٔ داماد به فکر تـهیه انگشتری و قوارهٔ پارچه می‌افتند کـه بـه عـنوان نامزدی به خانهٔ عـروس بـبرند. در مـوقع بـردن انگشتر و لباس، عده‌ای از زنـان هـم بـه عـنوان «جامه‌بری» به خانهٔ عروس می‌روند و ضمناً قرار عقدبندان را نیز می‌گذارند.

در موقع اجرای مراسم عقد دو کله قند جلو عاقد می‌گذارند. عاقد دو کله قند را به هم می‌زند و دو تکه سر قند را که می‌افتد برمی‌دارد و به مجلس عروس می‌برند. در آن مجلس دو تکه قند را روی پارچهٔ سفیدی که روی سر عروس انـداخـته‌انـد می‌سایند تا دختر سفید بخت شود. از همان قند ساییده شده، چای شـیرین تـهیه مـی‌کنند و بـه عروس و داماد می‌دهند و بقیه سر قندها را به منزل داماد می‌فرستند و تا مراسم «نارزدن» و شبی که عروس را به خانه داماد می‌برند نگه می‌دارند.

بعد از اتمام خطبهٔ عقد، برادر خواندهٔ داماد او را به اتاق عروس می‌فرستد. در موقع وارد شدن داماد زنها هـلهله مـی‌کنند و دست مـی‌زنند. دامـاد و عروس مقابل آینه بزرگی قرار می‌گیرند. در ایـن موقع داماد انگشتر به دست عروس می‌کند و مادر عروس هم یک سکهٔ طلا به دامادش می‌دهد و روی او را می‌بوسد.

بعد از مراسم عـقدکنان و شـیرینی‌خوران، مـادر عروس بـه عـنوان جـاخالی بـرای دامـاد لبـاس می‌فرستد. یک ماه بعد به عنوان «ازگریز در آوردن عروس» جلسهٔ مهمانی برگزار می‌کنند و خلعت می‌برند. مادر داماد می‌گوید: «عروس جان خلعت آوردیم. دیگر از ما فرار نکن و با ما محبت کن.»

در فاصلهٔ مراسم عقد، اگر ایام عید و یا شب چله زمستان رسید، از طرف داماد شیرینی و میوه و قواره‌ای پارچه را در میان خوانچه گـذارده و بـه خانهٔ عروس می‌فرستند. شـغل اشـخاص فـرق می‌کند. مثلاً کسانی که صاحب کشت و زراعت هستند معمولاً ایـن امـر را بـه بـعد از بـرداشت محصول موکول می‌کنند.

به هر حال وقتی زمان عروسی تعیین شد قـبلاً جهیزیهٔ عروس را با تشـریفات خـاص در چـند

خوانچه می‌گذارند و به منزل داماد می‌برند و در آن شب که شب «باغ داماد» نامیده شب بیدار هستند و شادمانی می‌کنند و آخرهای شب داماد را به حمام می‌برند و در موقع بردن به حمام با صدای دهل و سرنا و رقص‌کنان فریاد «شاباش، شاباش» (یعنی شادباش) سر می‌دهند.

در مراسم شب عروسی ، وقت خارج شدن عروس از خانهٔ والدین، پدر جلو آمده و یک قرص نان به کمر دخترش می‌بندد تا برکت وارد خانهٔ شوهر شود. بعد به منظور استحکام و پایداری زناشویی سفارش می‌کند که «دختر جان، با لباس عروسی به خانهٔ شوهر رفتی با کفن خارج شوی.»

سابقاً عروس را با اسب یا پیاده به خانهٔ داماد می‌بردند. داماد و خانوادهٔ او هم از سوی دیگر به طرف عروس حرکت می‌کنند که داماد جلوتر بیاید، داماد هم بنا به توصیه اطرافیانش جلوتر نمی‌رود و این امر باعث اختلاف نظر و در بعضی مواقع منجر به نزاع می‌شود تا بالاخره با میانجیگری عده‌ای از بزرگان و ریش‌سفیدان، توافق حاصل می‌گردد و در آن موقع داماد با تعدادی انار و نقل و تکه قندهایی که از مراسم عقد نگه داشته نزدیک عروس شده و در چارقد او نقل و تکه قند می‌گذارند و انارها را میان جمعیت پرتاب می‌کند، جمعیت هم انارها را می‌گیرند و شاید می‌کنند. این مراسم را «نارزدن» می‌گویند.

مموقع رسیدن عروس به منزل داماد، از طرف پدر و یا کسان نزدیک داماد، چند مجمعهٔ مسی برای زیر پای عروس می‌آورند. عروس موقع وارد شدن به خانهٔ داماد چند قدمی از روی مجمعه مسی عبور می‌کند و داخل «حجله» می‌گردد.

در بعضی از محله‌های قوچان، هنوز مراسم «داماد سلطانی» رسم است. بدین قرار که عصر فردای عروسی دوستان داماد مجلسی ترتیب می‌دهند و داماد را روی صندلی می‌نشانند. و دو نفر از برادرخوانده‌های داماد در دو طرف وی به نام وزیر دست راست و دست چپ می‌نشینند و یک نفر فراش هم دست فرد فرد حاضرین در مجلس را گرفته و جلو داماد می‌آورد و می‌گوید «یاالله تعظیم کن و برقص» و اگر نرقصد باید جریمه بدهد. عده‌ای ترجیح می‌دهند که به جای رقص جریمه بدهند و عده‌ای هم می‌رقصند در این موقع صدای دهل و سرنا که مرتباً در خارج از منزل شنیده می‌شود شادی حاضرین می‌افزاید.

مراسم «داماد سلطانی» در بین روستائیان قوچان با وضعی جالبتر و باشکوهتر برگزار می‌گردد.

**زناشویی در نزد روستاییان قوچان** - یکی از برنامه‌هایی که در جشن عروسی اجرا می‌شود کشتی‌گیری پهلوانان محلی است. هر دسته از میهمانان که از دهکده جداگانه به عروسی دعوت می‌شوند، قهرمان کشتی خود را همراه می‌آورند تا پس از اجرای مراسم کشتی، قهرمان نهایی تعیین شود.

ادارهٔ کشتی بر عهدهٔ ریش سفید خانوادهٔ داماد است و قبلاً هدیه‌ای که «بای داغ» گویند و عموماً کله قند، پتو یا لباس می‌باشد برای برنده مسابقه در نظر می‌گیرند. برای اینکه پهلوانان از جایزه باخبر شوند یکی از جوانان فریاد می‌زند «این بای داغ است. کی مرد میدان است؟»

در این وقت یک نفر که در گذشته قهرمان کشتی بوده با لباس کشتی که همان شلوار مخصوص قهرمانان است نزد بزرگ مجلس می‌رود و می‌ایستد و پس از او سایر پهلوانان هم سر بلند می‌کنند و خود را برای پیکار آماده نشان می‌دهند.

پس از شور پیران و پهلوانان سابق، یک نفر که شایسته‌تر از دیگران است برای کشتی، با اولین پهلوان گلاویز می‌شود. عاشقها (دهل‌ها) آهنگ ویژهٔ کشتی را که «کوراوغلی» باشد می‌نوازند.

پس از اجرای مراسم کشتی، میهمانان به ناهار دعوت می‌شوند و بعد از ناهار جوانان به شادی و پایکوبی می‌پردازنزد و پیران برای صورت‌برداری از جهیزهٔ عروس به خانهٔ او می‌روند و برمی‌گردند و صورتها را به امضای داماد و پدرش و ریش‌سفیدان خانوادهٔ آنها می‌رسانند و آنگاه آوردن جهیزیه بوسیلهٔ خوانچه‌های تزیین شده از منزل عروس آغاز می‌شود.

در ابتدای شب، جامه‌هایی را که خانوادهٔ عروس برای داماد فراهم کرده‌اند به داماد می‌پوشانند و در همین موقع آرایشگران محلی که برکچی نام دارند عروس را آرایش می‌کنند. در اواسط شب کاروانی از خانوادهٔ داماد به خانهٔ عروس می‌رود که عروس را بیاورند. پیشاپیش این کاروان، عاشقها به نواختن، و دختران و زنان به رقص و پایکوبی می‌پردازند. سپس اسب ویژه عروس که بسیار زیبا تزیین شده و سرانجام ریش‌سفیدان حرکت می‌کنند. در خانهٔ عروس باز هم دست‌افشانی و پایکوبی ادامه می‌یابد و پس از مدتی پدر یا سرپرست عروس که به سبب جدایی غمگین است گریه‌کنان نزد عروس می‌آید و عروس نیز خود را به گریه می‌زند. پدر نیز خوشبختی آرزو می‌کند و اجازهٔ بردن عروس را می‌دهد. عروس را بر اسب مخصوص او سوار می‌کنند و پسربچه‌ای پنج شش ساله را بر پشت اسب او می‌نشانند به امید اینکه نخستین فرزند وی پسر باشد، و کاروان با همان شور و شادی حرکت می‌کند، داماد و برادرخوانده‌اش همراه گروهی از جوانان ورزیده سوار بر اسب در جایی نزدیک خانهٔ داماد کمین می‌کنند تا کاروان عروس نزدیک شود.

آنگاه این گروه به سوی کاروان عروس تاخت می‌زند. داماد در پنجاه قدمی کاروان توقف می‌کند و کسی می‌رود و دهانهٔ اسب او را می‌گیرد و با متانت تمام به سوی اسب عروس می‌برد. وقتی عروس و داماد روبروی هم قرار می‌گیرند یکی از بزرگان مذهبی پیش عروس می‌رود و دعا می‌خواند.

سپس داماد دست در جیب می‌کند و آن قطعه از کله قندی را که در موقع شیرینی‌خوران برایش آورده بودند در می‌آورد و به سوی عروس پرتاب می‌کند و عروس که برای این کار آمادگی دارد توری را که بر سر دارد می‌گیرد تا قند در آن بیفتد و آن قند را روی سینه و قلب خود می‌گذارد و بعد داماد تعدادی انار به طرف عروس پرتاب می‌کند و این مراسم را «نار زدن» می‌گویند.

دختران و پسران جوان کوشش می‌کنند یکی از آن انارها را بدست آورند زیرا آن را مقدس و مبارک می‌دانند تا برای تبرک میان خویشان خود تقسیم کنند. در این وقت داماد و دیگران از آنجا به پیشباز کاروان عروس می‌روند و در کنار هم به خانه برمی‌گردند.

در آستانهٔ خانهٔ داماد، مادر داماد رقص‌کنان به استقبال عروس می‌آید. داماد و برادرخوانده‌اش از اسب پایین می‌آیند ولی عروس پیاده نمی‌شود و بنا به رسم معمول «حق پیاده شدن» می‌خواهد. نزدیکان داماد، بویژه پدر و مادر او هدیه‌هایی را که از پیش آماده کرده‌اند پیشکش عروس می‌کنند و پدر داماد می‌گوید : «عروس‌جان، پسرم که مال توست. جان و مال خودم هم تعلق به تو دارد.»

عروس قیافهٔ رضایت به خود می‌گیرد و می‌خواهد پیاده شود که دیگران دخالت می‌کنند و می‌گویند: «ما نمی‌گذاریم، باید پدر و مادر داماد مقابل حاضران سماجت می‌کنند و مادر داماد می‌گوید: «نه. من زورم نمی‌رسد. پیر شده‌ام» اما حاضران سماجت می‌کنند و مادر داماد هم با غرور تمام پیش می‌آید و می‌گوید: «نه. نمی‌شود باید حتماً جلو عروسم کشتی بگیرم.» زن و شوهر گلاویز می‌شوند البته زور مرد بیشتر است. اما جوانان به کمک مادر داماد می‌شتابند و پدر داماد هم عمداً خودش را می‌اندازد.

بعد یک سینی که در اصطلاح محلی «مجمعه» می‌گویند و در آن چند مشت گندم و چند دانه نان و مقداری شیرینی گذارده شده می‌آورند (به نشان آنکه عروس فراخ روزی باشد). مادر داماد نانها را بالای سر عروس می‌شکنند و به عنوان صدقه به بینوایان می‌دهد و شیرینی و گندم را نیز از اطراف سر عروس به زمین می‌ریزد که حاضران به ویژه کودکان جمع کنند. بعد چند سینی بزرگ مسین در برابر عروس می‌گذارند تا هنگام پیاده شدن از اسب پا روی آنها بگذارد. عروس از اسب فرود می‌آید و از روی سینیها می‌گذرد تا به حجله برسد. حجله را قبلاً با جهیزیه آراسته و جای معین برای نشستن او ترتیب داده‌اند.از کتاب اترکنامه، تاریخ جامع قوچان ـ رمضانعلی شکری

**«مراسم نامزدی در قریه ده نو تلخی» از روستاهای توابع تربت حیدریه**

مادر و چند نفر از خانواده‌ی پسر جهت نظر بینی به منزل دختر مورد نظرشان می‌روند یکی از زن‌ها که مسن‌تر از دیگران است برای این که از سلامت دهان و دندان دختر مطمئن شود دختر را می‌بوسد و با مهارت چارقدش را از سر برمی‌دارد تا سرش را هم خوب نگاه کند و خلاصه سر تا پای دختر را خوب برانداز می‌کنند تا اطمینان حاصل کنند که هیچ گونه عیبی نداشته باشد. اگر دختر مورد توجه و دلپسند آن‌ها قرار گرفت به منزل مراجعت می‌کنند مادر پسر چگونگی ماجرا را برای شوهرش تعریف می‌کند در همین حال داماد در پشت در به گفتگوی پدر و مادرش گوش می‌دهد مادر پسر به شوهرش می‌گوید دختری که من دیدم به قد و قامت، اصلاً عیبی ندارد.

سرش به زنو مانه ـ پاش به زنو مانه ـ هم انداز زنو داره

(زنو یعنی زنه‌ها و مانه یعنی شباهت دارد)،

در این موقع پسر وارد اطاق می‌شود و می‌گوید مادر چه دیدی؟ پسندیدی یا نه؟ و مادرش چگونگی ماجرا و رضایتش را برای او شرح می‌دهد. و بعد پسر می‌گوید پس مادر هر چه زودتر نشانی بردار به منزل دختر برویم. (نشانی یا حلقه است یا جنس دیگر از قبیل پارچه) بعد از این مقدمات، چند جعبه شیرینی ـ یک قواره پیراهن ـ چند کله قند و یک حلقه طلا ضمیمه کرده و با خود به خانه‌ی دختر می‌برند. پدر داماد به پدر و مادر عروس می‌گوید که باید دختر و پسر یکدیگر را ببینند و آن‌ها امتناع می‌کنند و می‌گویند بایستی صیغه‌ی محرمیت خوانده شود تا دختر و پسر محرم باشند. آن وقت امکان دیدارشان فراهم می‌آید. آن گاه دختر با سینی چای وارد اتاق می‌شود و با پدر و مادر داماد احوالپرسی می‌کند. همین که توافق طرفین حاصل شد، از آن روز به بعد دختر مشغول تهیه‌ی جهیزیه و درست کردن دستمال می‌شود. بعد از یک هفته خنچه‌ای از منزل پسر به خانه‌ی دختر فرستاده می‌شود و بعداً عاقدی می‌آورند و دختر را عقد می‌کنند (عقد

خوانی). و مراسم عقد بدین ترتیب انجام می‌شود که عاقدی تا سه بار از دختر وکالت می‌طلبد که او را به عقد پسر در آورد و دختر جوابی نمی‌دهد و بالاخره موقعی که پدر و مادر و سایر اقوامش دورادور او را گرفتند از آن‌ها اجازه گرفته و «بله» می‌گوید. با شنیده شدن بله حضار شروع به ابراز احساسات می‌کنند و بعداً یک نفر زن دو کله قند را بالای سر عروس به هم می‌ساید تا نرمه‌های قند به سر عروس ریخته شود و عقیده دارند که این کار جهت شیرین شدن زندگی آن هاست البته قبل از گرفتن بله از عروس تمام دکمه‌های لباس و گره‌های موجود در آن را باز می‌کنند و معتقدند که این عمل باعث می‌شود که بعدها مشکلی در زندگی آن‌ها ایجاد نشود بعداً شناسنامه‌ی دختر و پسر را برداشته و در شهر به دفتر خانه‌ی ازدواج و طلاق می‌برند و عقدخوانی را در محضر رسمی به ثبت می‌رسانند. دو روز قبل از عروسی مقداری جنس شامل چند کیسه گندم و مقداری قند و برنج و روغن و یک گوسفند و یک جفت کفش و یک دست لباس و دو کیسه حنا به عنوان خرباره از طرف پسر به خانه‌ی دختر فرستاده می‌شود. غروب همان روز طرف عروس زن‌های فامیلش را به حنابندان دعوت می‌کند و اطرافیان عروس حنا می‌بندند و عروس از بستن حنا خودداری می‌کند و اطرافیان عروس حنا می‌بندند و عروس دستهایش را حنا می‌بندد. صبح فردا (روز قبل از عروسی) داماد به حمام می‌رود و چند نفر مرد از اقوام داماد همراهش به حمام می‌روند. ظهر همان روز از مدعوین به ناهار پذیرائی می‌کنند و به وسیله‌ی سینی توسط سلمانی ده برای داماد پول جمع آوری می‌شود بعد از ظهر همان روز عروس به حمام می‌رود و تا مراجعت عروس از حمام مطرب‌های ملی که آن‌ها را دُهلی می‌گویند شروع به نواختن می‌کنند.

**ایل زنگنه**: از جمله ایلاتی که حکومتهای وقت نسبت به آن حساسیت داشته ایل زنگنه بوده که با ایلات واز یک نژادند و گویا چهار برادر بوده اند که از ولایت لرستان و بروایتی از کوران واردلان به عزم ملازمت سلاطین ایران ترک وطن کرده اند و از چند قرن قبل تاکنون مرکز اصلی آن ها استان باختران بوده و از عصر صفویه تا زمان افشاریه پیوسته دستخوش همین سیاست ها بودند و دولتهای وقت تصمیم به پراکندگی و اختلاط نژادی آنها با ایلات و طوائف دیگر، و نیز با مردم شهرها و روستاها گرفتند. اگرچه از نظر هدف پراکندگی تا حدی موفق شدند ولی تا چندی پیش از لحاظ اختلاط نژادی توفیق چندانی حاصل ننمودند زیرا افراد ایل سعی می نموده اند که ازدواج آنان با خاندان زنگنه صورت گیرد و هنوز در هر نقطه از کشور که زندگی می کنند با حفظ نام خانوادگی زنگنه این تعصب را حفظ کرده اند.

ایل زنگنه فعلاً در استانهای باختران، فارس، خوزستان، کهگیلویه، همدان و خراسان زندگی می نمایند و در خارج از مرز هم در استان موصل و کرکوک عراق و هرات افغانستان سکونت دارند.

پراکندگی آنان از دوران صفویه آغاز گردیده چنانکه در زمان شاه عباس اول، عده ای از زنگنه ها به خراسان و در سال ۱۰۸۶ هـ - ق عده دیگر به استان فارس و کهکیلویه و خوزستان کوچانیده شدند که اکنون در فارس در میان طوائف و و همچنین در دشتستان تیره هائی از زنگنه زندگی می نمایند و در استان خوزستان و کهگیلویه هم تیره هائی سکونت دارند و نیز عده ای از طوائف زنگنه در باغ ملک از توابع جانکی

شهرستان ایذه زندگی میکنند که طبق نظر «بابن وهوسه» باستانشناس فرانسوی در زمان نادرشاه افشار از باختران بدانجا رفته اند.

ایل زنگنه بطورکلی مردانی نسبتاً قوی هیکل و تنومند و شجاع و سخی الطبع دارند که در عین حال رئوف و مهربانند و به تحصیل علم علاقه زیادی نشان می دهند. آنان با اینکه کردنژادند زبان کردی را فراموش کرده اند اما اصالت کردی و خوی و طبع و پیشه ایلیاتی خویش را حفظ نموده اند. این گروه با وجودی که از لحاظ نژادی کرد و ایرانی الاصل می باشند ولی بواسطه تقرب به اولاد ائمه اطهار خود را عرب و از تبار حبیب ابن مظاهر اسدی و شاخه ای از طائفهٔ بنی اسد می دانند.

**مهاجرت ایل زنگنه به شرق خراسان کنونی**

بطوری که می گویند ایل زنگنه در سه نوبت بدین منطقه مهاجرت و این هجرت را به دو علت ذکر می کنند. یکی اینکه چون این طائفه در نواحی کرمانشاه و همدان از قدرت زیادی برخوردار بودند دولتهای وقت از این قدرت دسته جمعی وحشت داشته لذا برای شکست و تحلیل قدرت آنان، عده ای را به قسمت شرق خراسان تبعید نمودند روایت دیگر اینست که آنانرا بعنوان مرزداری و نیروی کمکی دولت به این منطقه گسیل شده اند که در هر دو مورد هدف اصلی شکست قدرت آنها بوده است. ولی مورد دوم که عنوان مرزبانی داشته باشد ضعیفتر بنظر می رسد زیرا در آن زمان ولایت خواف که محل اصلی اسکان طوائف زنگنه است نطقهٔ مرزی کشور ایران و افغانستان نبوده و اگر منظور در برابر تجاوزات قوم افغان بوده می توان این مورد را صحیح دانست در غیر اینصورت مورد اول که هدف تحلیل و شکست قدرت ایل زنگنه در خاستگاه اصلی باشد، صحیح است.

همانطورکه اشاره شد مسکن اصلی ایل زنگنه در شرق خراسان شهرستان خواف است و بطور پراکنده در روستاهای این شهرستان بسر می برند.

این طائفه دارای مردانی قوی هیکل و تنومند است که در مواقع پیش آمدها و حوادث همگی متحد میگردند و با پشتیبانی از هم دیگر در مقابل مصائب مقاوم و با عزمی راسخ به حل مشکلات می پردازند، و در مورد حفظ فامیل زنگنه تعصبی خاص دارند که به هیچ وجه حاضر نیستند این لقب روی خانواده های غیر زنگنه گذاشته شود. شغل عمدهٔ آنها دامداری است و بعضاً به کشاورزی اشتغال دارند، و زنهایشان قالیچه و پشتی های خوش نقشه و مرغوب می بافند که یکی از صادرات مهم کشور محسوب می شوند.

چنانکه در بالا ذکر گردیده است زنگنه های شرق خراسان در سه نوبت به خراسان هجرت کرده اند:

نوبت اول: زنگنه های نیازآباد خواف در اوائل عصر صفوی و یا بقولی در عصر شاه عباس اول به خواف مهاجرت کرده و در قریه مرزی کنونی نیاز آباد که دارای قلعه نظامی از قدیم بوده اسکان داده شده اند.

این طائفه همیشه جزء افراد متنفذ و سرشناس منطقه بوده و آداب و رسوم مخصوص به خود را داشته اند که کمتر در بین دیگر طوائف دیده می شود از جمله تا چندی پیش با خانواده های غیر زنگنه ازدواج نداشته اند همچنین زنانشان تا حدود ۳۰ سال پیش مگر در موارد ضروری از قلعه خارج نمی شدند.

یکی دیگر از خصوصیات اصلی و آداب و

رسوم آنها که آن هم تا حدود ۳۰ سال پیش رواج داشته این بود که هرگاه همسر مرد یا زنی از این قبیله فوت می نمود، مرد یا زن هیچکدام تا پایان عمر ازدواج نمیکردند. ولی امروز این عقیده منسوخ شده است و زنگنه های اسدآباد که مشتق از آنان می باشند و قرابت سببی و نسبی نزدیک با هم دارند. تقریباً از همین آداب و رسوم زنگنه های نیازآباد پیروی می کنند.

**نوبت دوم:** عده ای از طایفهٔ زنگنه مقیم قاسم آباد هستند که در عهد نادرشاه افشار از همدان به منطقه تبعید میشوند یا بعنوان مرزدار مهاجرت نموده اند. این عده به سرکردگی شخصی مقتدر بنام نوروزخان در قاسم آباد مسکن گزیده اند:

اینان از مردان دلاور و رشید زمان خویش محسوب می شدند که در تیراندازی و اسب سواری مهارت خاصی داشتند و در مقابله با مهاجمین و حملات ناشی از آنها همیشه غالب و پیروز بودند.

**نوبت سوّم** عده ای از ایل زنگنه که در زمان صفویه به مرو و هرات تبعید شدند، از اعقاب می باشند و به سرکردگی  زنگنه که با گروه دوم نسبت خویشاوندی داشته و خواهرش همسر بوده است از هرات به منطقه قاسم آباد خواف عزیمت نمودند و بهم ملحق گردیدند، اگرچه زمان مهاجرت آنان کاملاً روشن نیست ولی چون بدیعا در منطقه کبیر کوه مالک بوده و دژی بنام قلعه که هم اکنون برج و باروی آن پابرجاست و قدمتش و نیز سبک ساختمانی آن به برج و باروسازی عصر صفویه شباهت دارد به احتمال زیاد قبل از گروه دوّم به منطقه خواف آمده اند.

زنان و مردان این طایفه بواسطه اقامت و اشتغال به شغل دامداری در کوهپایه کبیر طبعاً شجاع و دلیر بوده اند.

**دسته چهارم:** تیره ای دیگر از ایل زنگنه در قاسم آباد است بنام تیموری که بنام نیای شان تیمور معروف شده اند. زمان هجرت ایشان به قاسم آباد یا ناحیه خواف معلوم نیست ولی آنچه مسلم است از زمانیکه دسته دوم در قاسم آباد ساکن شدند آنها نیز اقامت گزیدند و احتمال دارد که همزمان با هم بدین دیار آمده باشند.

**وضعیت فرهنگی:** با وجودیکه طوائف زنگنه بیشتر به شغل دامداری اشتغال دارند و بصورت عشیره ای زندگی می کنند. لحظه ای از فراگیری علم و دانش غفلت نمی ورزند و نسبت به سایر روستاها پیشرفت فرهنگ کلاسیکشان بیشتر می باشد، چنانکه اکنون جوان بی سواد ذکوری در میان ایشان وجود ندارد و تقریباً نیمی از جوانانشان حداقل به اخذ مدرک تحصیلی دیپلم و فوق دیپلم و لیسانس نائل شده اند.

زنگنه های مقیم قاسم آباد برخلاف زنگنه های روستای نیازآباد و اسدآباد با طوائف غیرزنگنه هم ازدواج می کنند و هیچگونه تعصّبی در مورد اینکه خانواده طرف باید زنگنه باشد نشان نمی دهند و روی این اصل با طوائف ،، وصلت نموده و منسوبین زیادی پیدا کرده اند.

دربین ساکنین منطقه خواف مرسوم و متداول است که بواسطه احترام به اول اسم کوچک هر فرد ذکور غیر زنگنه کلمات احترام آمیز ملا و میر یا به آخر آن کلمه خان اضافه نمایند ولی برای افراد ذکور زنگنه فقط کلمهٔ آقا اضافه می نمایند، لذا بعنوان مثال برای نام حسن اگر از طائفه زنگنه باشد آقا حسن اگر جوانشیری باشد حسن خان و چنانچه حفاجه باشد میرحسن می گویند و دلیل

این کلمهٔ آقا ممکن است بواسطه افتخاری باشد که مورد محبّت حضرت امام زین العابدین (ع) قرار گرفته اند.

ایل زنگنه در خواف در سال ۱۳۰۴ شمسی که شناسنامه اخذ نموده اند عده ای پسوند مقدم و برخی ثانی و گروهی چکنی و عده ای نیز پسوند اسدی بدنبال زنگنه افزوده اند و نیز دسته ای که خود را مطلع تر و نسبت خویش را به طائفهٔ بنی اسد بیشتر می دانسته اند فقط اسد نوشته اند نقل باختصار و اندک تصرف از فصلنامه ذخایر انقلاب - ابراهیم زنگنه - ذخایر انقلاب - این مقاله قبل از تقسیم خراسان (رضوی، جنوبی و شمالی) تألیف گشته است. ضمناً برای اطلاعات بیشتر به مردم‌شناسی استان خراسان جنوبی و استان خراسان شمالی مراجعه فرمائید.

**اقتصاد خراسان رضوی:**

توزیع اراضی زیر کشت و نسبت آن به کل مساحت به تفکیک استان ۸/۰۹ درصد رتبه ۲/۹ درصد کاربری ۸/۷۵ درصد رتبه ۲۲ - مقدار تولید غلات ۱۵۹۱۲۱۵ تن رتبه ۳ - مقدار تولید حبوبات ۹۰۰۶ تن رتبه ۱۹ - مقدار تولید محصولات صنعتی ۱۵۹۳۶۹۰ تن رتبه ۲ - مقدار تولید سبزیجات ۶۹۵۰۴۲ تن رتبه ۹ - مقدار تولید محصولات جالیزی ۱۰۵۴۶۱۰ تن رتبه ۲ - تولید علوفه ۱۱۲۶۲۷۹ تن رتبه ۳ - مقدار تولید محصولات باغی ۵۳۵۰۲۹ تن رتبه ۹ - مقدار تولید پسته ۲۰۶۰۷ تن رتبه ۲ -

**وضعیت تولید گل و گیاهان زینتی :** ۳۸۳۷۶۵۰ شاخه گل ۸۲۵۰ گلدان ۲۸۷۹۱۸۶ اصله ۱۲۲۰۱۰۰ بوته تولید زعفران ۱۶۷۹۲۱/۲ کیلو گرم -گیاهان داروئی ۷۷۰۸۶۴۸/۵ کیلو - تولید عسل ۵۷۶۹۴۳ کیلو

**برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی خراسان رضوی**

غلات هکتار/ تن (گندم ۵۲۸۴۶۷، ۱۱۲۲۱۹۵- جو ۱۸۶۵۰۹، ۴۵۹۹۴۳- شلتوک ۱۸۷۵، ۷۷۶۳- ذرت دانه‌ای ۱۹۲، ۱۳۱۴)

حبوبات هکتار/ تن (نخود ۱۵۱۴۱، ۵۰۸۳- لوبیا ۱۱۶۹، ۱۲۶۶- عدس ۵۳۳۹، ۲۲۳۶)

محصولات صنعتی هکتار/ تن (پنبه ۵۱۴۹۵، ۱۲۴۹۸۳ - توتون و تنباکو ۲۴۵، ۴۳۹ - چغندرقند ۴۴۱۹۲، ۱۴۶۱۸۱۱-کلزا۲۳۰۰، ۳۲۶۰)

سبزیجات هکتار/ تن (سیب‌زمینی ۵۳۲۴، ۱۴۳۹۱۵- پیاز ۲۳۰۳، ۸۹۳۸۶-گوجه‌فرنگی ۱۰۶۷۲، ۴۰۱۶۴۴)

محصولات جالیزی هکتار/ تن (خربزه ۴۴۰۸۲، ۶۲۷۶۸۶- هندوانه ۱۵۱۳۸، ۳۵۶۰۰۵- خیار ۱۹۶۷، ۳۳۴۹۱)

نباتات علوفه‌ای هکتار/ تن (یونجه ۲۹۸۷۷، ۲۳۹۸۴۷- شبدر ۷۲۷، ۴۳۰۴)

**محصولات:** میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی، به. میوه‌های هسته دار: آلبالو، گیلاس (تک دانه مشهد، شبستر، زرد دانشکده، سفید ارومیه)، گوجه، آلو، هلو، زردآلو و قیسی، شلیل. میوه‌های دانه ریز: انگور (بیدانه کشمشی، عسگری، پیکانی، شاهرودی، یاقوتی)، توت درختی، توت فرنگی. میوه‌های خشک: پسته (اوحدی، احمدآقایی، اکبری، کله قوچی)، بادام، گردو، فندق، سنجد. میوه‌های سردسیری: زالزالک، زرشک، سماق، عناب. میوه‌های نیمه گرمسیری: انجیر، انار، خرمالو، زیتون. گیاهان: زیره سبز. توت نوغان، زعفران، گلستان، غیرمثمر.

**صنایع:** نیتنیت (۱)، کرنیت (۱)، قیر طبیعی (۱)، بنتونیت (۱)، انواع روغن نباتی و حیوانی روغن کشی و تصفیه (۴)، تولید روغن نباتی جامد (۳)،

روغن خام پنبه دانـه (۲۸)، چـای خشک بسـته بندی‌شده (۱۲)، نمک طـعام (۱)، روغـن خـام زیتون (۱)، انواع محصولات از سویا (۱)، شیر پاستوریزه (۱۷)، ماست پاستوریزه (۱۷)، انواع کیک و کلوچه (۲۳)، شکر از چغندر قـند (۸)، بسته بندی شکر (۱۰)، قند از شکر (۸)، ماکارونی (۲۶)، انواع رب (۵۹)، نخ پنبه‌ی پلی استر (۱).

**صنایع خراسان رضوی:** استخراج سایر مـعادن (۴ واحد)، محصولات غـذائـی و آشـامیدنی‌ها (۱۶۸۴ واحد)، ساخت منسوجات (۵۴۴ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۱۴۸ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۲۴۶ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۹۲ واحد)، ساخت مـواد و مـحصولات شـیمیایی (۶۱۲ واحـد)، مـحصولات از لاسـتیک و پـلاستیک (۱۱۲۹ واحد)، ساخت فـلزات اسـاسی (۲۶۱ واحـد)، ساخت ماشین آلات و تجهیزات (۲۹۳ واحد)، بازیافت (۲۰ واحد).

**صنایع دستی: زری‌بافی ایرانی:** صنعت هنر زری بافی ایران از دیرباز شاید به موازات قالی ایران با نام ایرانی همراه بوده است، ولی متأسفانه طی سدهٔ اخیر مورد بی توجهی و بی مـهری قـرار گـرفته است. ادبیات و متون تاریخی بهترین منابع بررسی و تحقیق این هنر در کهن‌ترین ایام می‌باشند:

زدیـبای زربـفت کـردش کـفن
خروشان بر آن شهریار انـجمن

در متون ادبی و تاریخی، هر جا که اشاره به پارچهٔ زری (زربفت) شده، در آن کنایه و تمثیل به پارچهٔ‌نفیس و گرانبهاست. بـه تکـیه بـر شـواهـد مـوجود مـی‌توان گـفت کـه زری‌بـافی از دورهٔ سلجوقی (قرون ۵ و ۶ هق) در ایران بسیار رایج شد و از دورهٔ ایلخانی به دلیل علاقهٔ حکام ایلخان به این نوع پـارچـه، بـافت آن در کـارخـانه‌های مختلف مراکز تبریز، کاشان و سلطانیه تـوسعه یافت. در این ایام، پارچه‌های زربفت ایران یکی از اقلام مهم صادراتی ایران مـحسوب مـی‌شد. در دورهٔ تیموریان (قرن ۹ هق) این هنر با تنوع نقوش و فنون بافت مختلف به خـصوص در نـواحـی شرقی ایران (خراسان بزرگ) گسترش یافت. امـا اوج هنر زری بافی ایـران را در دورهٔ صـفوی بـا حمایت شاه عباس اول و شکل گیریِ کانون معتبر هـنری اصـفهان و بـه دنـبال آن شکـل‌گیری مکتب‌های مختلف زری بافی به وسیلهٔ هنرمندان ماهر و چیره دستی چون غیاث می‌توان مشاهده نمود. ـ زهره روحفر

## فرهنگی دانشگاهی

**دانشگاه بیرجند:** این دانشگاه ابتدا در ۱۳۵۴ به نام مؤسسه آموزش عالی بیرجند تأسیس شـد. سپس در ۱۳۵۶ در رشته‌های فیزیک، شیمی، و زمین‌شناسی دانشجو گرفت و در ۱۳۶۸ به مجتمع دانشگاهی بیرجند و در ۱۳۷۱ به دانشگاه بیرجند تغییر نام داد.

دانشکـده‌های مـهندسی (گـروههای آمـوزشی: معدن، کامپیوتر، برق، قدرت و مخابرات بـرق، الکـترونیک، مکـانیک، عـمران روسـتایی)، کشاورزی (گروههای آموزشی: زراعت آبیاری، تـولیدات گـیاهی، مـحیط زیست، مـرتع و آبخیزداری)، ادبیات و علوم انسانی (گـروههای آموزشی: علوم تربیتی، کتابداری، تربیت بدنی، ادبیات فارسی) علوم (گروههای آموزشی: شیمی، فیزیکی، ریاضی، آمار، زمـین شـناسی) در ایـن دانشگاه به فعالیت مشغول هستند.

مقاطع تحصیلی: کاردانی، کارشناسی، کارشناسی

ارشد

**دانشگاه تربیت معلم سبزوار:** اسن دانشگاه در ۱۳۶۶ تأسیس شد و در چهار رشته دبیری الهیات، دبیری زبان و ادبیات عرب، دبیری ریاضی و دبیری زبان ادبیات فارسی کار خود را شروع کرد.

دانشکده‌های آن عبارت‌اند از: دانشکده ادبیات و علوم انسانی (با هفت گروه آموزشی) و دانشکده علوم پایه (با شش گروه آموزشی) مرکز دفتر ارتباط با صنعت و مرکز مطالعات و تحقیقات از جمله مراکز تحقیقاتی آن هستند.

دوره‌های تحصیلی: کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد.

**دانشگاه فردوسی مشهد:** دانشگاه فردوسی مشهد در ۱۳۲۸ با تبدیل آموزشگاه عالی بهداری به دانشکده پزشکی، ایجاد شد و با مجوز تأسیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی در ۱۳۳۵ با نام دانشگاه رضوی فعالیت خود را رسماً شروع کرد. در ۱۳۳۷ دانشگاه مشهد و در ۱۳۵۳ دانشگاه فردوسی نامگذاری شد. به تدریج و با رشد توسعه و فرهنگ و آموزش عالی در کشور دانشکده‌های الهیات، علوم پایه، علوم تربیتی و روان‌شناسی، کشاورزی و مهندسی نیز در دانشگاه ایجاد گردید. در این راستا نیز در ۱۳۶۳ آموزشکده کشاورزی شیروان تأسیس شد.

و در ۱۳۶۶، در پی تصمیم دولت مبنی بر تشکیل مجزای وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، رشته‌های پزشکی از دانشگاه جدا گردید. در ادامه توسعه آموزش عالی در ۱۳۶۷ دانشکده علوم اداری و اقتصادی (۱۳۷۰) دانشکده دام پزشکی (۱۳۷۳) دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی و واحد نیشابوردانشگاه در ۱۳۷۵ دانشکده علوم ریاضی و دوره شبانه دانشگاه (۱۳۶۹) به دانشگاه اضافه گردید. دانشگاه در مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای حرفه‌ای و تخصصی دانشجو می‌پذیرد.

دانشکده‌های آن عبارتند از: دانشکده ادبیات (شامل گروههای آموزشی زبان‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، زبان فارسی، زبان فرانسه، زبان عربی، زبان انگلیسی، علوم اجتماعی)، دانشکده الهیات (شامل گروههای آموزشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، تاریخ و تمدن ملل اسلامی، ادیان و عرفان تطبیقی، فلسفه و کلام اسلامی، علوم قرآنی و حدیث)، دانشکده علوم (شامل گروههای آموزشی شیمی، فیزیک، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی )دانشکده علوم تربیتی (شامل گروههای آموزشی روان‌شناسی، علوم تربیتی و کتابداری) دانشکده علوم ریاضی (شامل گروههای آموزشی ریاضی آمار) دانشکده علوم اداری و اقتصادی (شامل گروههای آموزشی مدیریت حسابداری، اقتصادی، علوم سیاسی و حقوق)، دانشکده دام پزشکی، دانشکده کشاورزی (شامل گروههای آموزشی باغبانی گیاه‌شناسی، زراعت، آبیاری، علوم دامی، اقتصاد و کشاورزی، خاک‌شناسی و ماشین‌های کشاورزی)، دانشکده مهندسی (شامل گروههای آموزشی کامپیوتر، عمران، مکانیک، برق، مهندسی شیمی، و متالورژی و مواد) دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.

مراکز آموزش عالی وابسته به آن عبارتند از: مرکز آموزش عالی نیشابور (شامل گروههای آموزشی هنر، علوم اجتماعی، و صنایع غذایی) مرکز آموزش عالی شیروان (شامل گروههای آموزشی

تکنولوژی تولیدات گیاهی و تکنولوژی مرتع و آبخیز داری)

**دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مشهد:** در سال ۱۳۲۸ تأسیس شد تا سال ۱۳۶۵ با دانشگاه فردوسی ادغام بوده و از سال ۱۳۶۵ با نام دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی خراسان به طور مستقل به فعالیت خود ادامه می‌دهد ـ دولتی

**دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار:** از سال ۱۳۶۵ لغایت ۱۳۷۲ تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی مشهد و تحت عنوان داشکده پرستاری مامایی حضرت زینب (س) بوده است و از ۱۳۷۲ به صورت مستقل تحت عنوان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار فعالیت می‌نماید ـ دولتی

**دانشکده‌ی علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شاهرود:** در سال ۱۳۵۰ با عنوان آموزشگاه بهیاری و در سال ۱۳۵۲ با عنوان مدرسه‌ی عالی مامائی آغاز به کار کرد. در سال ۱۳۶۱ با عنوان دانشکده‌ی پرستاری و مامائی شهید باهنر به کار خود ادامه داد. در سال ۱۳۷۱ از دانشگاه علوم پزشکی سمنان مستقل شد و تحت عنوان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شاهرود به فعالیت پرداخت ـ دولتی

**دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد:** در سال ۱۳۶۵ تحت عنوان دانشکده‌ی پرستاری تأسیس و در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه علوم پزشکی مشهد مستقل گردید و مستقیماً زیر نظر وزارت بهداشت تحت عنوان دانشکده‌ی علوم پزشکی گناباد به فعالیت خود ادامه داد ـ دولتی

**موزه**

آرامگاه و موزه‌ی نادری (مشهد) ـ موضوع: معماری، تاریخی (ظروف ابزار و ادوات رزمی دوره‌ی افشاریه، قاجاریه، مقبره‌ی نادر شاه افشار) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۴۲

موزه‌ی تاریخ مشهد (مشهد) ـ موضوع: تاریخی ـ آستان قدس رضوی ـ تأسیس ۱۳۵۶

موزه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی (مشهد) ـ موضوع: باستان‌شناسی، تاریخی ـ آستان قدس رضوی ـ تأسیس ۱۳۵۶، بینان گذاری ۱۳۲۴

موزه‌ی تمبر (مشهد) ـ موضوع: تاریخی ـ آستان قدس رضوی ـ تأسیس ۱۳۵۶

موزه‌ی سکه و مدال (مشهد) ـ موضوع: باستان‌شناسی، تاریخی ـ آستان قدس رضوی ـ تأسیس ۱۳۷۹

موزه‌ی سلاح (مشهد) ـ موضوع: تاریخی ـ آستان سلاح قدس رضوی ـ تأسیس ۱۳۵۶

موزه‌ی صدف و حلزون (مشهد) ـ موضوع: علمی (مجموعه‌ی صدف و حلزون‌های وقفی محمد سعید فواد از کشور سوریه) ـ آستان قدس رضوی ـ تأسیس ۱۳۵۶

موزه‌ی ظروف (مشهد) ـ موضوع: تاریخی ـ آستان قدس رضوی ـ تأسیس ۱۳۷۸

موزه‌ی فرش (مشهد) ـ موضوع: تاریخی، هنری ـ آستان قدس رضوی ـ تأسیس ۱۳۷۲

موزه‌ی قرآن (مشهد) ـ موضوع: تاریخی، هنری (قرآن‌های نفیس و آثار خطی) ـ آستان قدس رضوی ـ تأسیس ۱۳۶۴

موزه‌ی هدایای رهبری (مشهد) ـ موضوع: تاریخی، هنری (تابلوهای نقاشی، فرش، آثار هنرهای سنتی، ظروف کریستال و کتاب خطی) ـ آستان قدس رضوی ـ تأسیس ۱۳۷۳

موزه‌ی نجوم و ساعت (مشهد) ـ موضوع: علمی (انواع اسطرلاب و ساعت) ـ آستان قدس رضوی ـ تأسیس ۱۳۷۳

موزه‌ی نقاشی (مشهد) ـ موضوع: هنری ـ آستان قدس رضوی ـ تأسیس ۱۳۵۶

گنجینه‌ی آب (مشهد) ـ موضوع: علمی (سازمان‌های آبی قدیمی خراسان مانند سد، قنات و مستندات و فرهنگ سنتی آب) ـ سازمان آب منطقه‌ای خراسان ـ تأسیس ۱۳۷۸

موزه‌ی وقف (مشهد) ـ موضوع: تاریخی (اشیای تاریخی، موقوفه به ویژه در امامزاده‌ها شامل وسایل روشنایی، ظروف مفرغی و قلمزنی، پنجه علم، سنگ فیروزه) ـ اداره‌ی کل اوقاف و امور خیریه خراسان ـ تأسیس ۱۳۷۸

نمایشگاه دائمی بنیاد شهید (مشهد) ـ موضوع: شخصیت (وسایل شخصی شهدای جنگ تحمیلی) ـ بنیاد شهید انقلاب اسلامی

موزه‌ی تاریخ طبیعی (مشهد) ـ موضوع: علمی (نمایش انواع جانوران) ـ سازمان حفاظت محیط زیست ـ تأسیس ۱۳۷۹

موزه‌ی علوم و تاریخ طبیعی (مشهد) ـ موضوع: علمی (فیزیک، ریاضی، حیات وحش، افلاک نما، زیست‌شناسی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی، سنگ‌شناسی)، مرکز تربیت معلم شهید بهشتی، اداره‌ی کل آموزش و پرورش خراسان ـ تأسیس ۱۳۷۷

موزه‌ی تاریخ طبیعی مشهد (مشهد) ـ موضوع: تاریخ طبیعی ـ دانشگاه فردوسی مشهد

آرامگاه شیخ احمد جام (تربت جام) ـ موضوع: معماری، شخصیت (آرامگاه شیخ احمد جام، تاریخی، نسخ خطی) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: قرن هفتم

آرامگاه فردوسی (توس) ـ موضوع: معماری (آرامگاه فردوسی) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۱۳

آرامگاه مولانا زین الدین ابوبکر تایبادی (تایباد) ـ موضوع: معماری، شخصیت (آرامگاه) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۸۴۸ ه.ق

باغ موزه‌ی تندوره (درگز) ـ موضوع: علمی (انواع جانوران) ـ محیط زیست ـ تأسیس ۱۳۶۴

آرامگاه اسرار (نمایشگاه نسخ خطی و اشیای تاریخی) (سبزوار) ـ موضوع: شخصیت، تاریخی (آثار خطی ملا هادی سبزواری) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: تأسیس بنا ۱۲۹۰ ـ قاجاری

نمایشگاه دائمی شهدای سبزوار (سبزوار) ـ موضوع:

آثار و وسایل شهدا ـ بنیاد شهید انقلاب اسلامی ـ تأسیس ۱۳۸۱

موزه‌ی قوچان (قوچان) ـ موضوع: مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، هنری، اسناد ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۷۶

نمایشگاه دائمی تاریخ طبیعی قوچان (قوچان) ـ موضوع: تاریخ طبیعی ـ سازمان حفاظت محیط زیست ـ تأسیس ۱۳۷۸

موزه‌ی گناباد (گناباد) ـ موضوع: تاریخی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۷۶، خوارزمشاهیان

نمایشگاه دائمی محیط زیست گناباد (گناباد) ـ موضوع: علمی (گونه‌های جانوری، گیاهی، پرندگان و ) ـ سازمان حفاظت محیط زیست ـ تأسیس ۱۳۷۹

موزه‌ی نیشابور (رباط) (نیشابور) ـ موضوع: باستان‌شناسی، هنرهای دستی، مردم‌شناسی ـ

سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۷۴، بنا صفویه
موزه‌ی نجوم (نیشابور) ـ موضوع: علمی (ابزار و ادوات مربوط به علم نجوم) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۷۹
موزه و آرامگاه خیام (نیشابور) ـ موضوع: معماری، آرامگاه خیام ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: تجدید بنا ۱۳۴۱
آرامگاه عطار (نیشابور) ـ موضوع: معماری (آرامگاه عطار) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: تجدید بنا ۱۳۴۲
نمایشگاه دائمی شهدای نیشابور (نیشابور) ـ موضوع: آثار و وسایل شهدا ـ بنیاد شهید انقلاب اسلامی ـ تأسیس ۱۳۷۹

**آثار ثبت شده استان خراسان رضوی**

بنای سنگی بارزه هور - ساسانی - مشهد
میل خسروگرد - قرن ۶ ه.ق - سبزوار
برج فیروز آباد - سلجوقی - بردسکن
برج کرات - سلجوقی - تایباد
مسجد جامع خرگرد - سلجوقی - خواف
مدرسه خرگرد - تیموری - خواف
برج علی آباد - قرن ۸ ه.ق - بردسکن
مجموعه حرم مطهرامام‌رضا-از قرن ۴ تا معاصر-مشهد
مصلی پائین - صفویه - مشهد
مقبره خواجه ربیع - صفویه - مشهد
برج مقبره رادکان - قرن ۸ ه.ق - چناران
مناره خسروگرد - سلجوقی - سبزوار
مجموعه سنگ بست (مقبره و مناره) - اسلامی - فریمان
مقبره لقمان بابا - قرن ۸ ه.ق - سرخس
گنبد هارون - قرن ۸ ه.ق - مشهد
مقبره تربت شیخ جام - از قرن ۹ تا ۱۲ ه.ق - تربت جام
مزار و مسجد قطب‌الدین حیدر-تیموری-حیدریه
مسجد هفتاد و دو تن (شاه سابق) - قرن ۹ ه.ق - مشهد
محوطه آلب ارسلان - (ساسانی - سلجوقی) - نیشابور
مجموعه قدمگاه - قرن ۱۱ ه.ق - قدمگاه
مدرسه دودر - قرن ۹ ه.ق - مشهد
مزار امامزاده محمد محروق (ع) - صفویه-نیشابور
آرامگاه مولانا زین الدین ابوکرتای - قرن ۹ ه.ق - تایباد
مسجد جامع - قرن ۹ ه.ق - نیشابور
مسجد جامع قرن ۷ - گناباد
عمارت خورشیدی - از قرن ۷ تا ۱۳ ه.ق - کلات
مدرسه پریزاد - تیموری - مشهد
مدرسه بالاسر - تیموری - مشهد
مصلی (طرق) - قرن ۹ ه.ق - مشهد
مسجد ملک زوزن - قرن ۷ ه.ق - خواف
میل اخنجان (اخنجان) - قرن ۸ ه.ق - مشهد
رباط شرف - سلجوقی - سرخس
مسجد گنبد - قرن ۶ ه.ق - خواف
بقعه امامزاده سلطان محمدعابد-قرن ۱۰ معاصر-گناباد
بقعه امامزاده محمد - صفویه - مشهد
مسجد پامنار - صفویه - سبزوار
قلعه خرابه و رباط چاهک (چاهه) - از قرن ۴ تا ۶ مشهد
غار مزدوران - هزاره ۲ ق.م - مشهد
تپه و قلعه خرابه مزدوران - از قرن ۵ تا صفوی - مشهد

قلعه کهنه گنبدلی - اسلامی - سرخس
تپه فیروزه - هزاره ۱ ق.م - سرخس
شیرتپه کندکلی - صدر اسلام تا افشاریه - سرخس
قلعه بزنگان - افشاریه - سرخس
غار بزنگان - پیش از تاریخ تا اسلام - سرخس
سد نادری - افشاریه - کلات
مسجد کبود گنبد - افشاریه - کلات
برج‌های دیده‌بانی - افشاریه - کلات
آب انبارهای روستای خشت - افشاریه - کلات
دربند نفتی - افشاریه - کلات
دربند ارغون شاه - افشاریه - کلات
دروازه دهچه - افشاریه - کلات
دروازه چوب بست - افشاریه - کلات
دروازه گشتانه - افشاریه - کلات
تپه تخت دختر - تاریخی - کلات
قلعه فرود - افشاریه - کلات
تپه و قبرستان شمسی خان - اشکانی - درگز
تپه غازان بیگ - (اشکانی - ساسانی) - درگز
تپه تقی - هزاره ۲ و ۱ ق.م - درگز
تپه صاحب جان - هزاره ۱ ق.م - درگز
یاریم تپه - (هزاره ۵ - تاریخی) - درگز
تپه آرتیان - اسلامی - درگز
تپه اولیاء - اسلامی - درگز
تپه خاخیان - هزاره ۱ ق.م - درگز
تلکی تپه - اسلامی - درگز
تپه خونچه - تاریخی - درگز
تپه کلات خونچه - اسلامی - درگز
تپه یوخار قلعه - (هزاره ۵ - ساسانی) - درگز
تپه پاسگاه - (هزاره ۵ - ساسانی) - درگز
تپه زوباران - هزاره ۱ ق.م - درگز
تپه زیر فرودگاه قوچان - اسلامی - قوچان
تپه غرب پادگان قوچان - اواخر هزاره ۲ ق.م - قوچان

تپه جلیغاسی - هزاره ۱ ق.م - قوچان
تپه سوزنی - اسلامی - قوچان
شهر عتیق قوچان - قرن ۵ و ۶ ه.ق - قوچان
تپه حکم آباد - قرن ۶ ه.ق تا صفویه - قوچان
داغیان تپه بزرگ - اواخر هزاره ۲ ق.م - قوچان
داغیان تپه کوچک - هزاره ۱ ق.م - قوچان
تپه خیر آباد - هزاره ۱ ق.م - قوچان
شهر باستانی جیزد - قرن ۵ تا ۸ ه.ق - خواف
آرامگاه شاه قاسم انوار - اوایل قاجار - تربت جام
سر در مدرسه حاج حسن خان - صفویه - مشهد
سر در مدرسه باده - صفویه - مشهد
آرامگاه عطار - (پهلوی - معاصر) - نیشابور
آرامگاه نادرشاه - معاصر - مشهد
آرامگاه عمر خیام - معاصر - نیشابور
آرامگاه فردوسی - پهلوی - مشهد
مسجد جامع فردوس - خوارزمشاهی - فردوس
رباط ماهی - اواخر غزنویان - مشهد
رباط شاه عباسی - صفویه - نیشابور
بقعه‌امامزاده‌شعیب(صفویه-قاجاریه-معاصر)سبزوار
مسجد جامع - قرن ۸ ه.ق - سبزوار
مدرسه علیا و مدرسه حبیبیه فردوس-قرن ۱۰- فردوس
مقبره حاج ملا هادی سبزواری - قاجاریه - سبزوار
مسجد جامع رشتخوار-تیموری- رشتخوار
گنبد سبز - صفویه - مشهد
حمام شاه (رضوی) - صفویه - مشهد
مقبره پیر پالاندوز - (صفوی - معاصر) - مشهد
امامزاده سید مرتضی(ع) - قاجاریه - کاشمر
تپه سلطان میدان - اسلامی - نیشابور
بنای جوانمرد علی قصاب - اوایل تیموری - نیشابور
بنای گنبد آجری مهرآباد - ایلخانی - نیشابور

مدرسه نواب - (صفویه - معاصر) - مشهد
مدرسه خیراتخان - صفویه - مشهد
مدرسه عباسقلیخان - قرن ۱۱ ه.ق - مشهد
رباط طرق - صفویه - مشهد
رباط مهر - قاجاریه - سبزوار
رباط سبزوار - صفویه - سبزوار
کاروانسرای ریوند - صفویه - سبزوار
کاروانسرای صالح آباد - قاجاریه - سبزوار
کاروانسرای مزینان - صفویه - سبزوار
کاروانسرای سرپوش - قاجاریه - سبزوار
کاروانسرای زعفرانیه - (صفویه - قاجاریه) - سبزوار
مسجد ازغند - قرن ۹ ه.ق - سبزوار
شهرتوس (با ارک و برج و بارو) - قرن ۲ ه.ق - مشهد
گنبد کوچک مهرآباد - ایلخانی - نیشابور
مقبره جغتین - قرن ۸ هجری - گناباد
مقبره عبدالرحمان گهواره‌گر - قرن ۹ و ۱۰ ه.ق - چناران
بقعه سلطان سلیمان - صفویه - تربت حیدریه
آب انبار و بازار نو - قاجاریه - نیشابور
سردابه یام - اواخر قرن ۷ ه.ق - نیشابور
محوطه بندیان - ساسانی - بندیان
مسجد جامع سنگان خواف - خوارزمشاهی - خواف
مسجد جامع خواف - (تیموری - معاصر) - خواف
بقعه سید ناصربن محمد - قرن ۸ ه.ق - سبزوار
مسجد جامع چشام (چشم) - قرن ۸ ه.ق - سبزوار
مجموعه سمنگان - صفویه - تربت جام
رباط تربت جام - اواخر تیموری - تربت جام
بقعه خواجه نجم الدین - ایلخانی - سبزوار
شهر آق قلعه - ایلخانی - سبزوار
رباط حاج فرامرز خان (کانون) - قاجاریه - سبزوار
بقعه سید سلطان حسن ابن جعفر - ایلخانی - سبزوار

بقعه شاهزاده قاسم - صفویه - تایباد
مسجد خسرو شیر - قرن ۷و۸ ه.ق - سبزوار
تپه فرهادگرد - (پیش از تاریخ - اسلامی) فریمان
رباط کبودان - قاجاریه - بردسکن
رباط فخر داود - (قرن ۹ ه.ق (مرمت قاجار) - مشهد
خانه ملک - اواخر قاجار - مشهد
مجموعه خواجه عزیزالله - (تیموری - صفویه) تربت جام
رباط ویرانی - (تیموری - صفویه) - مشهد
قلعه توزنده جان - (ساسانی - اسلامی) - نیشابور
شهر تاریخی تون - اسلامی - فردوس
شهر بوزجان - قرون اولیه اسلامی - تربت جام
گنبد کلیدر (بقعه کلیدر) - قرن ۸ ه.ق - نیشابور
مجموعه عباس آباد - (تیموری - قاجاریه) - تایباد
شهر زوزن - از قرن ۴ تا ۷ ه.ق - خواف
سد سلامه - قرن ۹ ه.ق - خواف
رباط فریمان - (صفویه - قاجاریه) - فریمان
منزل خانم کیان - قاجاریه - سبزوار
آرامگاه ابوالحسن زید بیهقی - معاصر - سبزوار
مجموعه رباط زیارت - ساسانی تا صفویه - خواف
حسینیه حاجی علی اشرف - افشاریه - بشرویه
تپه طلائی شورستان - اسلامی - تربت جام
آرامگاه علامه شهرستانی - تیموری - درگز
قلعه بزه (بلقیس) - قرن ۸ ه.ق - خواف
پلهای آب برسرپل بشرویه - (ساسانی سلجوقی ایلخانی) - فردوس شهر قدیم نیشابور - اسلامی - نیشابور
تپه قلعه میدان - (اشکانی - ساسانی) - سبزوار
شهر تاریخی مالین - قرن ۴ ه.ق - نوباخزر
قلعه سرخ حصار - (تاریخی - اسلامی) - تایبار
خانه داودی - اواخر قاجار - مشهد
قنات قصبه گناباد - هخامنشی - گناباد
تپه طلائی شامکان - قرن ۴ تا ۱۱ ه.ق - سبزوار

قلعه‌کهنه امغان - اوایل قرون اسلامی - تربت جام
شهر باستانی خرگرد - اسلامی - تربت جام
قلعه کهنه رونج - اسلامی - تربت جام
مجموعه تاریخی بزد - اسلامی - تربت جام
حوضخانه بیدخت - قاجاریه - بیدخت
پل خاتون - اسلامی - سرخس
تپه سیزده بدر - اسلامی - سبزاور
مجموعه باغ خونی - قاجاریه - مشهد
تپه پاژ - قرون اولیه و میانی اسلام - مشهد
مقبره ملا حسین واعظ کاشانی - پهلوی دوم - سبزوار
تپه شماره ۱ گرماب سفلی - تاریخی - تربت جام
تپه دیوی (دوی) - (تاریخی - اسلامی) - سبزوار
حسینیه قنادها - اواخر قاجار - اوایل پهلوی - سبزوار

فهرست آثار تاریخی استان خراسان رضوی در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۱۳۲۴ واحد می‌باشد. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری .

**جمعیت مرد و زن روستائی و شهری خراسان رضوی:** مرد: (۱۷۲۷۷۱۴ شهری، ۷۸۷۶۰۳ روستائی)، زن: (۱۷۰۷۳۹۶ شهری، ۷۹۶۳۴۱ روستائی).

**جمعیت استان خراسان رضوی**

شهرستان بردسکن: تعداد خانوار ۱۸۲۲۹، جمعیت ۶۹۵۵۱، تعداد باسواد ۴۸۸۶۴، تعداد بیسواد ۱۲۷۳۲.

شهرستان تایباد: تعداد خانوار ۳۱۲۹۱، جمعیت ۱۴۵۹۹۲، تعداد باسواد ۱۰۱۶۰۰، تعداد بیسواد ۲۳۰۹۰.

شهرستان تربت جام: تعداد خانوار ۵۳۵۱۰، جمعیت ۲۴۴۴۵۵، تعداد باسواد ۱۷۱۴۹۵، تعداد بیسواد ۳۶۷۵۲.

شهرستان تربت حیدریه: تعداد خانوار ۶۷۷۳۵، جمعیت ۲۶۷۶۰۴، تعداد باسواد ۱۸۸۲۳۷، تعداد بیسواد ۴۶۳۲۹.

شهرستان چناران: تعداد خانوار ۲۶۹۳۷، جمعیت ۱۱۰۹۶۶، تعداد باسواد ۷۹۴۸۲، تعداد بیسواد ۱۷۸۳۵.

شهرستان خلیل آباد: تعداد خانوار ۱۲۲۹۸، جمعیت ۴۵۰۰۸، تعداد باسواد ۳۲۲۱۴، تعداد بیسواد ۸۵۶۴.

شهرستان خواف: تعداد خانوار ۲۳۸۹۶، جمعیت ۱۱۰۳۷۸، تعداد باسواد ۷۳۷۹۰، تعداد بیسواد ۱۹۹۳۳.

شهرستان درگز: تعداد خانوار ۱۹۴۳۵، جمعیت ۷۵۹۲۵، تعداد باسواد ۵۴۴۳۵، تعداد بیسواد ۱۱۸۴۵.

شهرستان رشتخوار: تعداد خانوار ۱۳۵۱۹، جمعیت ۵۷۹۹۴، تعداد باسواد ۳۸۸۳۵، تعداد بیسواد ۱۱۷۸۴.

شهرستان سبزوار: تعداد خانوار ۱۱۶۸۹۱، جمعیت ۴۴۰۱۳۳، تعداد باسواد ۳۱۳۶۲۵، تعداد بیسواد ۷۴۲۰۹.

شهرستان سرخس: تعداد خانوار ۱۹۴۸۵، جمعیت ۸۷۴۴۲، تعداد باسواد ۶۰۴۲۲، تعداد بیسواد ۱۴۰۸۱.

شهرستان فریمان: تعداد خانوار ۲۰۹۲۵، جمعیت ۸۷۲۶۶، تعداد باسواد ۶۴۷۰۰، تعداد بیسواد ۱۱۶۵۹.

شهرستان قوچان: تعداد خانوار ۴۵۵۰۲، جمعیت ۱۸۶۰۲۲، تعداد باسواد ۱۳۱۰۹۵، تعداد بیسواد ۳۰۶۰۰.

شهرستان‌کاشمر: تعداد خانوار ۳۹۵۵۴، جمعیت ۱۴۹۳۵۸، تعداد باسواد ۱۰۷۶۷۱، تعداد بیسواد ۲۴۶۲۰.

شهرستان کلات: تعداد خانوار ۹۴۸۹، جمعیت ۴۰۶۶۷، تعداد باسواد ۲۵۸۶۲، تعداد بیسواد ۹۳۰۵.

شهرستان گناباد: تعداد خانوار ۳۰۳۵۷، جمعیت ۱۱۰۱۳۵، تعداد باسواد ۷۹۵۸۱، تعداد بیسواد ۱۶۰۴۲.

شهرستان مشهد: تعداد خانوار ۷۴۶۶۵۲، جمعیت ۲۸۶۸۳۵۰، تعداد باسواد ۲۳۱۶۷۸۱، تعداد بیسواد ۲۴۵۰۹۲.

شهرستان مه ولات: تعداد خانوار ۱۲۲۶۸، جمعیت ۴۷۶۶۳، تعداد باسواد ۳۲۸۸۶، تعداد بیسواد ۹۴۹۲.

شهرستان نیشابور: تعداد خانوار ۱۱۸۲۱۴، جمعیت ۴۴۸۱۷۰، تعداد باسواد ۳۳۳۵۶۶، تعداد بیسواد ۶۴۵۵۲.

**اصلاحات تقسیمات کشوری در استان خراسان رضوی:** تغییر نام روستای گنداب از توابع دهستان قره باشلو بخش چاپشلو شهرستان درگز به قنداب.

ایجاد دهستان سردق به مرکزیت سردق.

ایجاد بخش یونسی به مرکزیت روستای یونسی از ترکیب دهستان‌های یونسی و سردق.

ایجاد شهرستان بجستان به مرکزیت شهر بجستان از ترکیب بخش مرکزی از ترکیب دهستان‌های بجستان و جزین و بخش یونسی.

شناخت شهر روستای بار از توابع دهستان فیروزه بخش تخت جلگه شهرستان نیشابور.

انتزع دهستان بینالود از بخش تخت جلگه شهرستان نیشابور و الحاق به بخش مرکزی همین شهرستان.

تغییر مرکزیت دهستان تخت جلگه بخش تخت جلگه شهرستان نیشابور از شهر فیروزه به روستای بزقوچان.

ایجاد شهرستان تخت جلگه به مرکزیت شهر فیروزه از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر فیروزه شامل دهستان‌های تخت جلگه و فیروزه و بخش طاغنکوه.

ایجاد دهستان ابرده به مرکزیت روستای ابرده علیا.

ایجاد دهستان جاغرق به مرکزیت روستای جاغرق.

ایجاد بخش شاندیز به مرکزیت شهر شاندیز از ترکیب دهستان‌های شاندیز و ابرده.

ایجاد شهرستان بینالود از ترکیب بخش شاندیز و بخش طرقبه شامل دهستان‌های طرقبه و جاغرق می‌گردد.

ایجاد بخش هلالی به مرکزیت روستای ریواده از ترکیب دهستان‌های میان جوین و پایین جوین.

ایجاد شهرستان جغتای به مرکزیت شهر جغتای از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر جغتای شامل دهستان‌های دستوران و جغتای و بخش هلالی.

ایجاد دهستان زرین به مرکزیت روستای بداغ‌آباد.

ایجاد بخش عطاملک به مرکزیت روستای حکم آباد از ترکیب دهستان‌های حکم آباد و زرین.

ایجاد شهرستان جوین به مرکزیت شهر نقاب از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر نقاب شامل دهستان‌های بالاجوین و پیراکوه و بخش عطاملک.

شناخت شهر روستای احمد آباد صولت از توابع دهستان دشت جام بخش بوژگان شهرستان تربت جام به عنوان شهر احمدآباد صولت.

شناخت شهر روستای گلمکان از توابع دهستان گلمکان بخش گلبهار شهرستان چناران به عنوان شهر گلمکان.

## طول و عرض جغرافیایی شهرستانها در سال ۱۳۸۵

| شهرستان | طول شرقی | | | | عرض شمالی | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | حداقل | | حداکثر | | حداقل | | حداکثر | |
| | دقیقه | درجه | دقیقه | درجه | دقیقه | درجه | دقیقه | درجه |
| *کل استان ...* | *۱۹* | *۵۶* | *۱۶* | *۶۱* | *۵۲* | *۳۳* | *۴۲* | *۳۷* |
| بردسکن ........... | ۱۹ | ۵۶ | ۱۴ | ۵۸ | ۵۰ | ۳۴ | ۳۵ | ۳۵ |
| تایباد ................ | ۰۰ | ۶۰ | ۰۴ | ۶۱ | ۲۴ | ۳۴ | ۱۹ | ۳۵ |
| تربت جام .......... | ۰۱ | ۶۰ | ۱۶ | ۶۱ | ۵۶ | ۳۴ | ۵۹ | ۳۵ |
| تربت حیدریه ..... | ۴۱ | ۵۸ | ۰۷ | ۶۰ | ۵۹ | ۳۴ | ۵۱ | ۳۵ |
| چناران ............... | ۴۳ | ۵۸ | ۲۲ | ۵۹ | ۱۹ | ۳۶ | ۰۶ | ۳۷ |
| خلیل آباد .......... | ۵۸ | ۵۷ | ۲۵ | ۵۸ | ۵۴ | ۳۴ | ۲۴ | ۳۵ |
| خواف ................ | ۲۱ | ۵۹ | ۵۵ | ۶۰ | ۵۲ | ۳۳ | ۵۹ | ۳۴ |
| درگز .................. | ۲۸ | ۵۸ | ۲۵ | ۵۹ | ۵۸ | ۳۶ | ۴۲ | ۳۷ |
| رشتخوار ........... | ۰۳ | ۵۹ | ۵۵ | ۵۹ | ۳۰ | ۳۴ | ۱۳ | ۳۵ |
| سبزوار .............. | ۳۶ | ۵۶ | ۲۲ | ۵۸ | ۲۶ | ۳۵ | ۵۳ | ۳۶ |
| سرخس ............ | ۱۲ | ۶۰ | ۱۳ | ۶۱ | ۵۲ | ۳۵ | ۳۸ | ۳۶ |
| فردوس ............. | ۰۳ | ۵۷ | ۱۵ | ۵۸ | ۳۰ | ۳۳ | ۵۲ | ۳۴ |
| فریمان .............. | ۲۸ | ۵۹ | ۳۴ | ۶۰ | ۲۵ | ۳۵ | ۰۰ | ۳۶ |
| قوچان ............... | ۱۰ | ۵۸ | ۵۸ | ۵۸ | ۳۷ | ۳۶ | ۴۰ | ۳۷ |
| کاشمر .............. | ۰۷ | ۵۸ | ۴۷ | ۵۸ | ۰۱ | ۳۵ | ۵۲ | ۳۵ |
| گناباد ............... | ۴۵ | ۵۷ | ۲۷ | ۵۹ | ۰۲ | ۳۴ | ۵۵ | ۳۴ |
| کلات ................ | ۱۸ | ۵۹ | ۲۷ | ۶۰ | ۲۴ | ۳۶ | ۱۸ | ۳۷ |
| مشهد ............... | ۰۳ | ۵۹ | ۳۵ | ۶۰ | ۴۲ | ۳۵ | ۵۹ | ۳۶ |
| مه ولات ........... | ۰۹ | ۵۸ | ۱۱ | ۵۹ | ۴۲ | ۳۴ | ۲۰ | ۳۵ |
| نیشابور ............. | ۰۸ | ۵۸ | ۱۸ | ۵۹ | ۳۴ | ۳۵ | ۵۶ | ۳۶ |

*مأخذ ـ معاونت برنامه ریزی استانداری خراسان رضوی.*

**مشخصات عمومی شهرستانها براساس تقسیمات کشوری در پایان سال ۱۳۸۵**

| شهرستان | مساحت (کیلومتر) | تعداد بخش | تعداد شهر | تعداد دهستان |
|---|---|---|---|---|
| کل استان | ۱۲۲۷۷۳۵/۰۴ | ۶۴ | ۶۹ | ۱۶۱ |
| بردسکن | ۷۱۱۷/۴۰ | ۳ | ۲ | ۶ |
| تایباد | ۴۸۲۵/۶۹ | ۳ | ۴ | ۶ |
| تربت‌جام | ۸۱۳۶/۳۰ | ۵ | ۴ | ۱۳ |
| تربت‌حیدریه | ۶۲۲۰/۲۹ | ۵ | ۵ | ۱۱ |
| چناران | ۳۰۸۰/۰۴ | ۲ | ۱ | ۵ |
| خلیل‌آباد | ۱۱۳۷/۳۷ | ۲ | ۲ | ۴ |
| خواف | ۹۷۹۶/۷۹ | ۴ | ۵ | ۸ |
| درگز | ۳۷۶۴/۵۹ | ۴ | ۴ | ۷ |
| رشتخوار | ۳۵۹۷/۶۱ | ۲ | ۲ | ۴ |
| سبزوار | ۱۷۷۰۱/۸۸ | ۷ | ۷ | ۲۵ |
| سرخس | ۵۴۲۶/۴۶ | ۲ | ۲ | ۶ |
| فریمان | ۳۳۵۰/۰۹ | ۲ | ۴ | ۵ |
| قوچان | ۳۷۱۳/۴۰ | ۲ | ۲ | ۵ |
| کاشمر | ۳۳۴۷/۶۹ | ۲ | ۲ | ۵ |
| کلات | ۳۵۰۲/۹۶ | ۲ | ۲ | ۴ |
| گناباد | ۹۵۸۴/۰۰ | ۳ | ۵ | ۷ |
| مشهد | ۱۰۳۲۹/۲۸ | ۴ | ۵ | ۱۳ |
| مه‌ولات | ۳۳۵۰/۵۶ | ۲ | ۱ | ۴ |
| نیشابور | ۸۳۶۶/۲۴ | ۶ | ۷ | ۱۷ |

مأخذ: معاونت برنامه‌ریزی استانداری ـ استان خراسان رضوی.

**شهرستانها، بخش‌ها و دهستان‌ها**

**آبروان**: از دهستان‌های بخش رضویه شهرستان مشهد استان خراسان رضوی و مرکز آن آبروان است.

**آستانه**: از دهستان‌های بخش رشتخوار شهرستان رشتخوار استان خراسان رضوی و مرکز آن باسفر است.

**احمدآباد**: از بخش‌های شهرستان مشهد استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به بخش کلات و حومه مشهد، از شمال خاوری به بخش سرخس، از خاور به بخش جنات‌آباد (از بخش‌های شهرستان تربت جام) از جنوب به بخش فریمان، از جنوب باختری به بخش کدکن (از بخش‌های شهرستان تربیت حیدریه) و از باختر به بخش طرقبه از بخش‌های مشهد محدود است.

**تقسیمات کشوری**: مرکز این شهر ملک آباد، دارای دو دهستان ۱ـ پیوه‌ژن ۲ـ سرجام است.

**رودها**: کشف رود که در قسمتی از نواحی شمال باختری و مرکزی بخش احمدآباد روان است.

**کوه‌ها**: این بخش بیشتر جلگه‌ای است و بلندی‌های اندکی در مناطق جنوبی بخش احمدآباد وجود دارد. کوه‌های بینالود در باختر بخش قرار گرفته.

**کان‌ها**: معدن سنگ، معدن سیلیس

**نژاد و زبان**: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش خراسانی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها**: درختان گز و پسته کوهی - گیاهان دارویی و صنعتی: شاتره، گل گاوزبان، گل ختمی، روناس، آنقوزه، و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران و پرندگان**: روباه، شغال، گرگ، خرگوش، کفتار، کبک، سینه سیاه، قرقاول و تیهو

**اقتصاد**: بر پایه کشاورزی، دامداری و قالی‌بافی

استوار است. کشاورزی بیشتر به شیوه سنتی و آب کشاورزی از کاریزها، رود و چاه‌های ژرف فراهم گردیده و دامداری در حد کشاورزی در گذران زندگی نقش دارد. قالی بافی از لحاظ اقتصادی دارای اهمیت می‌باشد.

**فرآورده‌ها:** گندم، چغندر قند، بنشن، تره‌بار، زردآلو، سیب - دام از جمله گوسفند و شتر و فرآورده‌های دامی و قالی و قالیچه.

**اردوغش:** از دهستان‌های بخش زبرخان شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن ساحل برج است. و در منطقه‌ای دشتی و پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه رجنه و کوه داس در آن قرار دارد و رود بزرگ در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، سیب، آلوچه، گردو، به، گلابی و هلو و فرش با طرح مشهدی

**پوشش گیاهی:** شاه تره و کلپوره و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال

**ازغند:** از دهستان‌های بخش فیض‌آباد شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن شادمهر است. و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک و کوه سرسفید در آن قرار و کال النگ و تنگل‌های بادرو و آب آشک جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، چغندر قند، تره‌بار، زردآلو، آلو، انار، انجیر، انگور، گیلاس، بادام و توت، سنجد و فرش با طرح‌های بلوچی و کاشمری

**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، کلپوره، آویشن، شاه‌تره، گل زونا و گل ختمی

**جانوران:** آهو، گرگ، روباه، شغال، خرگوش

**اسحق‌آباد:** از دهستان‌های بخش زبرخان شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن اسحق‌آباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند و بنشن

**پوشش گیاهی:** گیاه شاه تره و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال

**باجگیران:** از بخش‌های شهرستان قوچان استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به کشور ترکمنستان از جنوب به حومه قوچان، از خاور به نوخندان (از بخش‌های درگز) و از جنوب باختری به حومه شیروان و از باختر به جرگلان (از بخش‌های بجنورد) محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز آن شهر باجگیران دارای دهستانی به نام دولتخانه است.

**رودها:** باجگیران چون در منطقه‌ای کوهستانی قرار گرفته، دارای رودهای دایمی چندی است: ۱- آسیازو ۲- میان‌سو ۳- قرق دره و چندین رود فصلی

**کوه‌ها:** ۱-رشته کوه آسیازو (۲۱۲۰ متر) ۲-رشته کوه کُنجوخور (۲۷۰۵ متر) ۳-کوه رضا (۲۹۴۰ متر) ۴- رشته کوه آق کمر (۲۵۰۰ متر)

**آب و هوا:** معتدل متمایل به سرد و خشک

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی و کردی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان زبان گنجشک و ارس -گیاهان دارویی: انفوزه، کاکوتی، گل ختمی، گل گاوزبان و شاتره - پوشش گیاهی کافی برای چرای دام

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، قوچ و میش، آهو و کبک

**اقتصاد:** بر پایه دامداری، کشاورزی و قالی‌بافی استوار است. دامداری به صورت سنتی، کشاورزی به واسطه کوهستانی بودن و کمی آب چندان امکان‌پذیر نیست. قالی‌بافی از منابع مهم درآمد

مردم این سامان به شمار می‌رود.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، سیب‌زمنینی، تره‌بار، دام و فرآورده‌های دامی و قالی در طرح‌های جالب
باجگیران در ۲۵ درجه و ۵۸ دقیقه طول جغرافیایی و در ۳۷ درجه و ۳۷ دقیقه عرض جغرافیایی و در بلندی ۱۶۲۰ متر از سطح دریا و در ۷۸کیلومتری شهر قوچان و شهر باجگیران در منطقه‌ای میانکوهی و در جنوب خاوری کوه سمخُل به بلندی ۲۲۶۰ متر قرار دارد.
**آب و هوا:** معتدل متمایل به سرد و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستان‌ها ۳۵ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستان‌ها ۱۲ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه حدود ۲۴۰ میلی‌متر است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، سیب زمینی و مقداری چغندرقند. آب کشاورزی از چشمه‌ها و چاه‌های ژرف و آب آشامیدنی از چاه‌هایی نیمه عمیق فراهم گشته، پس از گردآوری و پالایش برای آشامیدن به شبکه لوله‌کشی شهری فرستاده می‌شود و برق از ژنراتورها در محل تأمین می‌گردید.
صادرات: پشم، روغن و کمی گندم و جو
راه‌ها: راهی به سوی شمال به طول ۲ کیلومتر تا خط مرزی ایران - ترکمنستان و راهی به سوی جنوب به طول ۷۸ کیلومتر به قوچان
**باخرز:** از بخش‌های شهرستان تایباد استان خراسان رضوی است که از شمال به حومه تربت جام از خاور به کشور افغانستان از جنوب به شهرستان خواف و از باختر به حومه تربت حیدریه محدود می‌باشد.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر باخرز، دارای دو دهستان ۱ـ بالا ولایت ۲ـ باخرز است.
**رودها:** تنها رود مهم این شهرستان به جز هریررود، رود روس می‌باشد که از به هم پیوستن کال‌کوه سفید و رود شهر نو، در ۶کیلومتری شمال خاور، روستای کمرسبز پدید آمده و پس از طی مسیر به سوی خاور به هریرود می‌پیوندد. از این گذشته کاریزهای مهمی چون کاریز یوسف‌آباد، کاریز میروس، ریگستان و تقی‌آباد در این شهرستان روان است.
**کوه‌ها:** رشته کوهی از شمال باختری شهرستان باخرز آغاز گشته و رفته رفته از بلندیش کاسته می‌شود: ۱ـ کوه‌های تهودره (۲۶۳۸ متر) ۲ـ سفیدکوه (۲۱۶۶ متر) ۳ـ کوه سنگی (۲۱۵۶ متر) ۴ـ کوه باخرز (۱۷۵۵ متر) ۵ـ کوه برمانی (۱۵۹۰ متر)
در نواحی مرکزی شهرستان چند جلگه حاصلخیز دامن گسترده است.
**کان‌ها:** نوعی سنگ ساختمانی خوب درکوه سفید بهره‌برداری می‌شود.
**آب و هوا:** معتدل و خشک
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان با گویش تربتی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان گز، تاغ و بنه -گیاهان دارویی: بابونه، شاه تره و گل گاوزبان ـ پوشش گیاهی برای چرای دام
**اقتصاد:** بر کشاورزی و دامداری استوار می‌باشد. کشاورز به شیوه سنتی پررونق، نوع کشت بیشتر آبی و برای آبیاری از آب کاریزها سود می‌جویند. دامداری از منابع مهم درآمد مردم این شهرستان است که به شیوه سنتی انجام می‌شود.
**فرآورده‌ها:** تره‌بار، زیره، گندم، جو، پنبه، چغندرقند، زردآلو، انگور، توت، انجیر - دام و فرآورده‌های دامی چون پشم و پوست و

فرآورده‌های شیری ـ از پشم گوسفند قالیچه نیز می‌بافند.

**باخرز:** از دهستان‌های بخش باخرز شهرستان تایباد استان خراسان رضوی و مرکز آن باخرز است.

**باشتین:** از دهستان‌های بخش داورزن شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن ریوند است. و در منطقه‌ای معتدل خشک قرار دارد و کوه کولوت الله اکبر در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، زیره، پنبه، تره‌بار، زردآلو، انار، توت و فرش

**پوشش گیاهی:** خاکشی، گل گاوزبان و گل ختمی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** آهو، گرگ، روباه، شغال

**باغ کشمیر:** از دهستان‌های بخش صالح‌آباد شهرستان تربت جام استان خراسان رضوی و مرکز آن نقو است.

**بالابلند:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فریمان استان خراسان رضوی و مرکز آن زرکک است.

**بالاجام:** از دهستان‌های بخش نصرآباد شهرستان تربت جام استان خراسان رضوی و مرکز آن نصرآباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و کوه چهار خیوال در آن قرار دارد و رود کال بردو در آن جریان دارد و کوه عبدل‌آباد، دره سرخدیجه

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، و فرش با طرح بلوچی و نقش سه گل

**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی

**جانوران:** روباه، شغال

**بالاجوین:** از دهستان‌های بخش جوین شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن نقاب است.

**بالاخواف:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خواف استان خراسان رضوی و مرکز آن چمن‌آباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و کال منغاب و کال فدک و رود میانرودی در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، انگور، انار، توت، زردآلو، سیب و فرش با نقش چهارگل و کشمیری

**پوشش گیاهی:** کلپوره، گوش بره و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کبک و تیهو

**بالارخ:** از دهستان‌های بخش جلگه رخ شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن دهستان سرهنگ است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند

**پوشش گیاهی:** شاه تره، خاکشی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** روباه و خرگوش

**بالاولایت:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کاشمر استان خراسان رضوی و مرکز آن قلعه بالا است. و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک و کوه میش و کوه درخت بنه و چارگاهی به نام سرگدار در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، بنشن، بادام، انگور

**پوشش گیاهی:** شاه تره، بارهنگ، آویشن و گیاهان مرتعی

**جانوران:** آهو، گرگ، بز کوهی، روباه، شغال، خرگوش

**بالاولایت:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن منظر است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل

خشک و کوه سفیوخ و کوه تربت و رودکال سالار و رود فصلی صومعه در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، زعفران، انواع میوه و فرش با نقش‌های کشمیری، تائی و گل ترمه‌ای
**پوشش گیاهی:** کلپوره، شاه تره و گل گاوزبان
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال
**بالاولایت:** از دهستان‌های بخش باخرز شهرستان تایباد استان خراسان رضوی و مرکز آن قلعه نو است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و کوه جرف و کوه قلعه چه و کوه شهرن در آن قرار دارد و رود کال شکر تو شهر نو در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، انگور، سیب، به، زردآلو، بادام، هلو، چغندرقند و فرش با طرح کشمیری و بلوچی
**پوشش گیاهی:** گیاهان درمنه، خارخسک، شاه تره، بومادران، آویشن، کلپوره، گل گاوزبان و گیاهان مرتعی
**جانوران:** بز کوهی، قوچ، میش، گرگ، روباه
**بایک:** از بخش‌های شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی، در ۲ درجه و ۵۹ دقیقه طول جغرافیایی و در ۲۳ درجه و ۳۵ دقیقه عرض جغرافیایی و در بلندی ۱۵۲۰ متری از سطح دریا کوهپایه‌ای، معتدل خشک، در ۲۴ کیلومتری شمال باختری تربت حیدریه است.
رود فلی ته رود از کنار آن می‌گذرد، کوه صالح‌آباد، کوه اردی و گردنه چوب بند در کوه شصت دره در شمال بایک می‌باشد.
**اقتصاد:** بر کشاورزی، دامداری، پرورش کرم ابریشم و فرش بافی با طرح‌های کشمیری، بلوچی و نقش سه خشتی استوار است.
**کشت:** آبی، دیمی، آب آشامیدنی و کشاورزی از کاریز چشمه و رود
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، تره‌بار و بنشن
**پوشش گیاهی:** گیاهان دارویی: گلپوره، کاسنی، مخلصه و دم گاو پوشش گیاهی برای چرای دام
**جانوران:** بز کوهی، قوچ، میش، پلنگ، گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کبک .
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر بایک، دارای یک دهستان به نام بایک است.
**بایک:** از دهستان‌های بخش بایک شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن بایک است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه صالح آباد، کوره اردی و کوه زرد و کوه سه کته و گردنه چوب بند در کوه شصت دره در آن و رود فصلی ته رود در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، تره‌بار، بنشن و فرش با طرح‌های کشمیری، بلوچی و نقش سه خشتی
**پوشش گیاهی:** کلپوره، کاسنی و مخلصه و گیاهان مرتعی
**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، پلنگ، گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کبک
**بجستان:** از بخش‌های شهرستان گناباد استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به فیض‌آباد (از بخش‌های شهرستان تربت حیدریه) خلیل آباد و براسکن (از بخش‌های شهرستان کاشمر) از خاور به گناباد، از جنوب به شهرستان فردوس و از باختر به دسنگردان (از بخش‌های شهرستان طبس) محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر بجستان، دارای سه دهستان ۱ـ بجستان ۲ـ زجین ۳ـ یونسی

است.

**رودها:** رودهای فصلی و چند کاریز در این بخش روان است و تنها رود فصلی مهمش کال شور می‌باشد.

**کوه‌ها:** یک رشته کوه (کوه کمر زرد) از مرکز بخش آغاز شده و به سوی جنوب خاوری کشیده شده (بلندی ۲۵۷۸ متر) ۲ـ کوه گرگو (۲۲۵۴ متر) در حدود ۱۰ کیلومتری جنوب مرکز بخش غار کوچکی به نام نشفشان در ۲۵ کیلومتری شمال باختری مرکز بجستان در کوه چهارقلعه وجود دارد.

**آب و هوا:** معتدل و خشک

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش ویژه گنابادی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** زبان گنجشک و گیاهان دارویی و صنعتی: گل زونا، ترنجبین، اسفرزه و انغوزه - پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ و آهو، بز کوهی، تیهو و سینه سیاه

**اقتصاد:** بر کشاورزی، قالیچه بافی و دامداری استوار است. با این که کشاورزی با شیوه سنتی انجام می‌شود وضع آن خوب و بیشتر کشت آن آبی و اندکی دیم است و آب کشاورزی از رود، کاریز و چاه نیمه ژرف فراهم می‌گردد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، زیره، زعفران، ۹۵٪ محصول کشاورزی و انار از میوه‌های مهم بجستان است و زعفران آن را بهترین نوع زعفران خراسان دانسته‌اند.

قالیچه بافی نیز از منابع مهم درآمد مردم بجستان و دامداری نیز در درجه سوم اهمیت است.

**بجستان:** از دهستان‌های بخش بجستان شهرستان گناباد استان خراسان رضوی و مرکز آن مزار است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه سرنگ در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، تره‌بار، انار و فرش

**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال

**برداسکن:** از شهرستان‌های استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به سبزوار، از خاور به کاشمر، از جنوب به گناباد و توابع طبس و از باختر به توابع شاهرود محدود است. این شهرستان در دشت قرار دارد و به واسطه وجود کوه‌ها و قرار داشتن در کویر سخت متفاوت و دارای مناطق سرد و مناطق گرم و خشک است.

شهر برداسکن در مشرق شهرستان بردسکن و در مسیر راه سبزوار کاشمر و در بلندی ۹۸۵ متری از سطح دریا و در ۲۶۲ کیلومتری شهر مشهد قرار دارد.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر برداسکن و دارای دو بخش ۱ـ مرکزی دارای دو دهستان (۱ـ کنار شهر ۲ـ کوهپایه) ۲ـ انابد است ۳ ـ شهرآباد.

**رودها:** رودهای فصلی و کاریزهای متعددی در این بخش روان است اما مهمترین رود آن که دائمی نیز هست کال شش ترازنا می‌باشد.

**کوه‌ها:** مناطق شمالی بخش برداسکن کوهستانی و نواحی مرکزی و جنوبی جلگه‌ای است. ۱ـ کوه باغدشت ۲ـ کوه پتوگودژارو ۳ـ کوه بغل باغ ۴ـ کوه سیر ۵ـ زینو ۶ـ بیژورد ۷ـ تک حوض ۸ـ کال موشی ۹ـ قله توت ۱۰ـ کوه زنگالو ـ رشته کوهی در باختر برداسکن قرار گرفته در ۲۵ کیلومتری شمال خاوری برداسکن غار سیر وجود دارد که در نزدیکی آبادی سیر واقع شده

**کان‌ها:** ۱ـ معدن سرب ۲ـ معدن مس ۳ـ معدن

روی ۴ـ معدن قلع
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش کاشمری
**رستنی‌ها:** گیاهان دارویی و صنعتی: گل گاوزبان، شاه تره، ترنجبین و گون کتیرا
**جانوران:** قوچ، میش، روباه، شغال، خرگوش، آهو و گه گاه پلنگ
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، زیره، تره‌بار و بنشن - آلو، انگور، سیب، زردآلو، انار، گلابی و هلو - دام و فرآورده‌های شیری و پشم و پوست.
**برد اسکن (بخش مرکزی):** از بخش‌های رضویه شهرستان برداسکن استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر برداسکن است. و دارای دو دهستان ۱ـ کنار شهر ۲ـ کوهپایه است.
**برداسکن (مرکز شهرستان):** شهر برداسکن در ۵۸ درجه و ۵۷ دقیقه طول جغرافیائی و ۱۶ درجه و ۳۵ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۱۰۷۰ متری از سطح دریا قرار گرفته و مرکز شهرستان برداسکن از شهرستان‌های استان خراسان و در ۴۷ کیلومتری باختر کاشمر و در مسیر راه کاشمر - سبزوار می‌باشد رود کال‌سیر از ۳ کیلومتری شهرک برداسکن میگذرد. سه کاریز در اطراف این شهرک روانند.
**آب و هوا:** معتدل و بعلت نزدیک بودن به کویر خشک، و بیشترین درجه گرما در تابستانها ۴۵ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۵ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۱۵۰ میلی متر میباشد.
آب کشاورزی از کاریزها و چاههای ژرف و آب آشامیدنی از کاریز نور فراهم و پس از کلریزه شدن وارد شبکه لوله کشی می شود. برق مصرفی از ژنراتورها در محل تأمین گشته.

**بررود:** از دهستان‌های بخش کوهسرخ شهرستان کاشمر استان خراسان رضوی و مرکز آن طرق است.
**برکوه:** از دهستان‌های بخش کوهسرخ شهرستان کاشمر استان خراسان رضوی و مرکز آن ریوش است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار و کوه آریاو رود فصلی کال اسکیرا در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، زردآلو و فرش با نقش اسکندری
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام
**بستان:** از دهستان‌های بخش سنگان شهرستان خواف استان خراسان رضوی و مرکز آن نیازآباد است.
**بق مج:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان چناران استان خراسان رضوی و مرکز آن بق مج است.
**بلهرات:** از دهستان‌های بخش میان‌جلگه شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن گلبوی سفلی است.
**بیدخت:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان گناباد استان خراسان رضوی است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و نمک‌زار دق حاجی اسحق، کوه نوده پشنگ در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، تره‌بار، زعفران، زیره سبز، انگور، سفال، قالیچه و قالی با طرح مشهدی و کاشمری
**پوشش گیاهی:** شاه تره، خاکشی و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، آهو، روباه، شغال، خرگوش و کبک و سینه سیاه
**بیزکی:** از دهستان‌های بخش گلبهار شهرستان چناران استان خراسان رضوی و مرکز آن

محسن‌آباد طاهری است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند
**پوشش گیاهی:** خاکشی، شاه تره، کلپوره
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال
**بینالود:** از دهستان‌های بخش سرولایت شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن کلاته محمدجان است.
**بیهق:** از دهستان‌های بخش ششتمد شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن ششتمد است.
**پایین جام:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان تربت جام استان خراسان رضوی و مرکز آن سمیع‌آباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و رود جام رود در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، پنبه، تره‌بار، فرش با نقش‌های سماوری گل چشمه
**پوشش گیاهی:** تلخک، گل زرد و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش و سینه سیاه
**پایین جوین:** از دهستان‌های بخش جغتای شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن فراشیان است.
**پایین خواف:** از دهستان‌های بخش سنگان شهرستان خواف استان خراسان رضوی و مرکز آن سنگان است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، ارزن، تره‌بار، انار، انجیر، توت، زردآلو و قالیچه با طرحی بلوچی
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی
**جانوران:** روباه، شغال، خرگوش و کبک و سینه سیاه
**پایین رخ:** از دهستان‌های بخش جلگه رخ شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن دهستان نسر است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک وکوه کراره و کوه چشمه خیاط وکوه یال خرتاز و تپه‌های خاکی تیغ محمد و معدن گچ وکوه تیره بندسیاه قرار دارد و رودکال دربند در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، سیب، زردآلو، آلوچه و فرش با طرح‌های کاشانی، کاشمری
**پوشش گیاهی:** بادرنجبویه و بومادران و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کبک و تیهو
**پایین ولایت:** از دهستان‌های بخش رضویه شهرستان مشهد استان خراسان رضوی و مرکز آن کلاته منار است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو و تره‌بار و فرش با طرح بلوچی
**پوشش گیاهی:** خاکشی، شاه تره، و گل ختمی و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش
**پایین ولایت:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن بوری‌آباد است.
**پایین ولایت:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کاشمر استان خراسان رضوی و مرکز آن کسرینه است.
**پایین ولایت:** از دهستان‌های بخش کاریز شهرستان تایباد استان خراسان رضوی و مرکز آن مرکزی است.

**پساکوه:** از دهستان‌های بخش کلات شهرستان مشهد استان خراسان رضوی و مرکز آن امیرآباد است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه انجیرک و کوه آب گرم و کوه کمر آسیاب در آن قرار و رود کال آب گرم در این دهستان جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، سیب، زردآلو، گردو، بنشن، تره‌بار و فرش با طرح ترکمنی

**پوشش گیاهی:** شاه تره، گل ختمی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** پلنگ، گرگ، روباه، شغال، آهو، بز کوهی، کبک و تیهو

**پس کلوت:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان گناباد استان خراسان رضوی و مرکز آن بیرغ است.

**پل خاتون:** از دهستان‌های بخش مرزداران شهرستان سرخس استان خراسان رضوی و مرکز آن پسکمر است.

**پیراکوه:** از دهستان‌های بخش جوین شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن برغمد است.

**تایباد:** از شهرستان‌های استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر تایباد است. دارای ۳ بخش ۱- مرکزی دارای ۲ دهستان (۱- پایین ولایت ۲- کرات) ۲ - بخش میان ولایت ۳ - بخش باخرز است. مرکز شهرستان در ۲۲۳ کیلومتری مشهد و در مسیر راه مشهد - اسلام قلعه (مرز افغانستان) قرار دارد.

شهرستان تایباد دارای حدود ۵۱۰۰ کیلومتر مربع مساحت و در شمال شرقی استان خراسان و کنار مرز افغانستان قرار گرفته است.

شهرستان تایباد از شمال به شهرستان تربت جام، از مغرب به شهرستان تربت حیدریه، از جنوب به شهرستان خواف و از مشرق به افغانستان محدود و هری رود مرز ایران و افغانستان در منطقه شهرستان تایباد می‌باشد.

این شهرستان از دو منطقه دشتی و کوهستانی پدید آمده، هر چه به سوی شرق می‌رویم از بلندیش کاسته یعنی از ۱۶۰۰ متر به ۱۱۰۰ متر بلندی از سطح دریا می‌رسد.

**آب و هوا:** شهرستان تایباد بیابانی و نیمه خشک و در مناطق جنوبی زمستان‌ها سرد، تابستان‌ها معتدل و آب موردنیاز با کندن چاه‌ها و قنات‌ها فراهم گشته است. بیشترین درجه گرما به ۴۰ درجه بالای صفر و کمترین آن در زمستان‌ها به ۹ درجه زیر صفر، میزان باران به ۲۴۰ میلیمتر می‌رسد.

رود فصلی کال مرغاب که در شمال شهر تایباد روان می‌شود ازکوه رنجه روان‌گشته و در مسیرش شاخابه‌هایی چند به آن می‌پیوندد به طوری که از ۱۳ کیلومتری شمال شرقی تایباد به صورت تقریباً دائمی در می‌آید و سرانجام به هریرود می‌ریزد.
ایرج افشار سیستانی.

شهر تایباد مرکز شهرستان تایباد در مسیر راه مشهد - اسلام قلعه و در بلندی ۸۱۰ متری از سطح دریا و در فاصله ۲۲۳ کیلومتری مشهد قرار دارد. شهر تایباد در دشت واقع شده و دشت‌هایی چون دشت خدنگ در مشرق و دشت دوغان در جنوب شرقی آن را در بر گرفته‌اند. رود فصلی کال مرغاب از شمال شهر تایباد می‌گذرد.

نام شهر تایباد نخست طیبات، آن گاه تایباد نامیده شد تا این که در سال ۱۳۵۹ که شهرستان باخرز نام داشت ولی تبدیل به شهرستان تایباد گشت.

اطراف این مرکز شهرستان ارتفاع مهمی وجود

ندارد و شهر تایباد در جلگه‌ای قرار گرفته که چندین دشت وسیع نیز اطراف آن را در بر گرفته، از جمله دشت خدنگ در مشرق و دشت دقارون در جنوب خاوری

**فرآورده‌ها:** تره‌بار، زیره، گندم، جو، پنبه، چغندرقند، زردآلو، انگور، توت، انار و انجیر آب کشاورزی از رود و آب کاریز و آب آشامیدنی از چاه فراهم گشته است.

**پوشش گیاهی:** درختان گز، تاغ و بنه - گیاهان داروئی چون: بابونه و شاه تره - پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کبک و سینه سیاه

**تایباد (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان تایباد استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر تایباد است و دارای ۳ بخش ۱ـ میان ولایت ۲ـ پایین ولایت ۳ـ کرات است.

**تبادگان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مشهد استان خراسان رضوی و مرکز آن فاز است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، یونجه و فرش

**پوشش گیاهی:** شاه تره، خاکشی و کلپوره و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال

**تجن:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سرخس استان خراسان رضوی و مرکز آن سنگر است.

**تخت جلگه:** از بخش‌های شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به بخش سرولایت، از خاور به حومه نیشابور، از جنوب به بخش‌های کدکن و کوه سرخ و از باختر به بخش‌های ششتمد و حومه سبزوار محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز آن شهر بزغان دارای ۷ دهستان ۱ـ تخت جلگه ۲ـ غنکوه ۳ـ فیروزه ۴ـ سرولایت ۵ـ بینالود ۶ـ عشق آباد ۷ـ غزالی است.

**رودها:** کال شور از مناطق جنوبی این بخش گذشته و در انتهای پایان به زمین‌های دشت کویر فرو می‌رود.

بخش تخت جلگه، بیشتر جلگه‌ای است. تنها کوه‌های بینالود در فاصله اندکی در شمال این بخش قرار دارد.

**آب و هوا:** معتدل و خشک، در منطقه کوهستانی معتدل

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش خراسانی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز، گل گاوزبان، کاسنی و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام

**اقتصاد:** بیشتر بر پایه کشاورزی و اندکی هم دامداری و قالی‌بافی استوار است. ۸۰٪ کشاورزی مکانیزه و ۲۰٪ به شیوه سنتی و نوع کشت آبی و منابع آب کاریزها، چاه‌های ژزرف می‌باشد. دامداری در کنار کشاورزی با پرورش گاو و گوسفند صورت می‌گیرد.

**تخت جلگه:** از دهستان‌های بخش تخت جلگه شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن بزغان است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند، پنبه، انگور، سیب، توت و فرش

**پوشش گیاهی:** خاکشی، اسپند و بایرام بونی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** کفتار، گرگ، روباه، شغال، آهو، بز کوهی، قوچ و میش و کبک

**تربت جام**: از شهرستان‌های استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به شهرستان سرخس، بخش احمدآباد و بخش فریمان (از بخش‌های شهرستان مشهد) از خاور به کشور ترکمنستان و افغانستان و از جنوب به شهرستان باخرز و از باختر به شهرستان تربت حیدریه محدود است.

این شهرستان دارای حدود ۸۳۷۰ کیلومتر مربع مساحت و در شمال شرقی استان خراسان درکنار مرز افغانستان و در مسیر راه مشهد - اسلام قلعه واقع است. شهرستان تربت جام در دشت بلندی به ارتفاع حدود ۹۳۰ متر واقع شده کوه بیزک که دنباله کوه‌های بینالود می‌باشد در مغرب این شهرستان قرار گرفته و دشت تایباد را از دشت تربت جام جدا می‌کند کوه‌های شاه نشین در جنوب شهرستان تربت جام سر برافراشته است. در این شهرستان جنگل‌ها، مراتع وسیع طبیعی برای چرای دام وجود دارد. شهر تربت جام در مسیر راه آسفالته مشهد تایباد به طول ۱۶۲ کیلومتر به سوی شمال غربی به مشهد و به طول ۶۲ کیلومتر به شهر تایباد می‌پیوندد. ایرج ایرج افشار سیستانی

**تقسیمات کشوری**: مرکز این شهرستان شهر تربت جام دارای ۳ بخش ۱ـ مرکزی دارای چهار دهستان (۱ـ میان جام ۲ـ جامرود ۳ـ پایین جام ۴ـ جلگه موسی‌آباد) ۲ـ نصرآباد ۳ـ صالح‌آباد است. شهرستان تربت جام ۸۸۷۳کیلومتر مربع مساحت است.

**رودها**: ۱ـ هریرود قسمت‌های خاوری شهرستان تربت جام را آبیاری می‌کند. ۲ـ این رود از کوه‌های بابا در افغانستان سرچشمه گرفته و سرانجام وارد خاک ترکمنستان می‌شود. ۳ـ جامرود که از کوه شاهان در باختر این شهرستان سرچشمه گرفته، در مسیرش به سوی جنوب خاوری از کنار شهر تربت جام می‌گذرد و به هریرود می‌ریزد.

**کوه‌ها**: جلگه‌ای که بستر رود جام و شهر تربت جام در آن جاست، با دو رشته کوه در شمال و جنوب در میان گرفته شده ۱ـ رشته شمالی کم‌ارتفاع شامل ۱ـکوه شاهان ۲ـناگهانی ۳ـسفید پایین ۴ـ عبدل آباد ۵ـ بزد

**کان‌ها**: معادل زغال‌سنگ: ۱ـ چشمه گل در ۲۴ کیلومتری شمال شهر تربت جام ۲ـگلبانو در ۵۰ کیلومتری شمال خاوری شهر تربت جام

**آب و هوا**: معتدل و نسبتاً خشک

**نژاد**: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها**: درختان گز و بنه - گیاهان دارویی و صنعتی: بابونه، شاه تره، گل ختمی، گلپوره، گل گاوزبان گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام به حد کافی

**جانوران و پرندگان**: قوچ و میش، بزکوهی، آهو، روباه، شغال، گرگ، خرگوش، کبک و سینه سیاه

**اقتصاد**: بر پایه کشاورزی، دامپروری و قالیچه بافی استوار است. کشاورزی پررونق و به شیوه مکانیزه انجام می‌گیرد. نوع کشت ۷۵٪ آبی و منابع آب: کاریزها، رود، چاه‌های ژرف و نیمه ژرف

**فرآورده‌ها**: گندم، جو، تره‌بار، چغندر قند، زیره، بنشن، سیب، گلابی، انگور، انار و انجیر، قند در کاخانه‌ای در ۱۷ کیلومتری جنوب خاوری تربت جام دایر است.

دامداری با رونق و رواج و با شیوه سنتی گوسفند، گاو و بز، اسب و شتر پرورش داده می‌شود. دام و فرآورده‌های دامی از قبیل پشم و کرک و پوست و فرآورده‌های شیری.

قالیچه‌بافی یکی دیگر از منابع مهم درآمد مردم

این سامان است. زیرا با ظرافت و طرح‌ها و رنگ‌های جالبی فراهم می‌گردد.

**تربت جام:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان تربت جام استان خراسان رضوی و مرکز آن چشمه گل است.

مراتع تربت جام از لحاظ نوع گیاه گرامینه و درمنه است و بیشتر آن قشلاقی و مساحتش ۳۴۵۰۰۰ هکتار می‌باشد که در آن بیشتر گوسفند قره‌گل پرورش می‌دهند.

**تربت جام (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان تربت جام استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر تربت جام و دارای ۴ دهستان ۱ـ میان جام ۲ـ جامرود ۳ـ جلگه موسی‌آباد ۴ـ پائین جام است.

**تربت حیدریه:** از شهرستان‌های استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به مشهد و نیشابور و از خاور به ترتب جام و از جنوب به قائنات و گناباد و از باختر به کاشمر محدود می‌باشد.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر تربت حیدریه و دارای ۷ بخش ۱ـ مرکزی که دارای دو دهستان (۱ـ بالا ولایت ۲ـ پایین ولایت) ۲ـ بایک ۳ـ جلگه زاوه ۴ـ رشتخواه ۵ـ فیض‌آباد ۶ـ کدکن ۷ـ جلگه رخ است. این شهرستان دارای ۱۲۶۳۳ کیلومترمربع مساحت است.

**رودها:** رودهای دائمی و فصلی فراوانی در این شهرستان روان است. رودهای دائمی ۱ـ کال سالار در ۲۵ کیلومتری شمال تربت حیدریه، سرچشمه گرفته پس از آبیاری زمین‌های مرکزی این شهرستان، به سوی جنوب روان می‌شود و در شمال گناباد به کال شور می‌ریزد. ۲ـ کال شصت دره در شمال باختری در حدود ۳۰کیلومتری شهر تربت حیدریه سرچشمه گرفته و پس از آبیاری زمین‌های مسیر خود به سوی جنوب روان‌گشته و به کال شور می‌پیوندد ۳ـ کال باغ از کوه تیغ سرچشمه گرفته، در حدود ۳۰ کیلومتری در زمین‌های اطراف فرو می‌رود. ۴ـ کال خالمه یا آب فیض‌آباد در باختر سرچشمه گرفته و در زمین‌های اطراف فیض‌آباد فرو می‌رود.

گذشته از رودهای فصلی بسیار، کاریزهای فراوانی در سطح شهرستان تربت حیدریه روان است.

**کوه‌ها:** شهرستان تربت حیدریه در منطقه‌ای کوهستانی قرار دارد به ویژه مناطق شمالی را کوه‌های نسبتاً بلندی در میان گرفته. از شمال خاوری به سوی شمال باختری ۱ـ کوه قلعه پلور ۲ـ کوه قدل ۳ـ کوه سلیمانی ۴ـ شاهرود ۵ـ سبزآباد ۶ـ شصت دره ۷ـ قله بلند چهل تن (۳۰۱۳ متر) در مناطق مرکزی شهرستان تربیت حیدریه دو رشته وجود دارد: ۱ـ کوه بدردی ۲ـ کوه سماق ۳ـ کاوج ۴ـ بندبیشه ۵ـ بزما ۶ـ دو شاخ در خاور ۷ـ کوه سیاه ۸ـ کوه علیشیر ۹ـ کوه سرسفیدال ۱۰ـ کوه کرگز در باختر ـ بخشی از دشت کویر نواحی جنوبی شهرستان تربت حیدریه را در بر گرفته.

**کانها:** ۱ـ معدن کرومیت یک لنگه در ۳۰ کیلومتری خاورکدکن ۲ـ معدن کرومیت نوبهار در حدود ۲کیلومتری شمال تربیت حیدریه ۳ـ معدن سنگ آهک اسفیوج در ۸ کیلومتری شهر تربت حیدریه ۴ـ معدن سنگ ساختمانی پیشکوه در ۳ کیلومتری باختر شهر تربت حیدریه

**آب و هوا:** به طور کلی معتدل و خشک، در بخش‌های کوهستانی سرد و معتدل و در مناطق جنوب باختری نیمه بیابانی است.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش تربتی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درخت بنه -گیاهان دارویی و صنعتی: ترنجبین، بومادران، خاکشی، گل زونا، گون کتیرا و روناس - پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران و پرندگان:** قوچ و میش، بز کوهی، آهو، گرگ، روباه، شغال، کبک، تیهو و سینه سیاه

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و فرشبافی استوار است. کشاورزی پررونق است و ۳۵٪ آن مکانیزه و بقیه به صورت سنتی انجام می‌شود. در مناطق شمالی و مرکزی پر آب و دارای خاک خوب و فرآورده‌های فراوان است و نوع کشت بیشتر آبی می‌باشد. منابع آب کشاورزی از رود، کاریزها، چاه‌های ژرف و نیمه ژرف فراهم گشته است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، پنبه، تره‌بار، بادام، سیب، آلو، انگور و انار و خربزه است.

پرورش گوسفند، گاو، بز و شتر و کرم ابریشم به واسطه وجود مراتع و علوفه و برگ توت از منابع دیگر درآمد مردم این سامان است.

فرش‌بافی از اهمیت فراوانی برخوردار و قالیچه‌ها بیشتر جنبه صادراتی و شهرت دارد. پشم‌ریسی، نمدمالی، ابریشم‌کشی و ابریشم‌بافی نیز از صنایع دستی این شهرستان است.

ناهمواری‌های شمالی شهرستان تربت حیدریه دنباله کوه‌های شاه جهان و رشته جنوبی در یک طرف به کوه‌های جام و از طرف دیگر به کوه سرخ کاشمر و کوه میش سبزوار متصل است. میان این رشته کوه‌ها، دشت‌های آباد و حاصلخیز جلگه رخ و دشت زاوه وجود دارد که رودهای کوچک و بزرگ آن‌ها را آبیاری می‌کند. آبشار معروف رود معجن در این سامان قرار دارد. آب و هوای این منطقه کوهستانی سرد و معتدل و در نواحی غربی نیمه بیابانی است. کتاب‌های درسی

**تربت حیدریه (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر تربیت حیدریه است. دارای دو دهستان ۱ـ بالاولایت ۲ـ پایین ولایت است.

**تکاب:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان درگز استان خراسان رضوی و مرکز آن خاخیان است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و کوه قره جقه و کوه قره داغ در آن قرار دارد و رود فصلی چهل میر در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، توت، زردآلو، گردو و گلابی

**پوشش گیاهی:** خاکشی، گل ختمی، شاه تره و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش و گراز

**تکاب:** از دهستان‌های بخش کوهسرخ شهرستان کاشمر استان خراسان رضوی و مرکز آن اوندر است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و دشت ابرام‌آباد در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، انار، انگور و بادام

**پوشش گیاهی:** زیره، خاکشی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** روباه، شغال، خرگوش و کبوتر و کبک

**تکاب کوه میش:** از دهستان‌های بخش ششتمد شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن تندک است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه گراب و کوه نمک در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، پنبه، چغندر و فرش با نقش جمشیدی

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام

**جانوران:** گرگ، کفتار، روباه، شغال، آهو و کبک

**جزین:** از دهستان‌های بخش بجستان شهرستان گناباد استان خراسان رضوی و مرکز آن زین‌آباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و اودکی و کوه میرآباد در آن قرار دارد و رود کال جزین در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ارزن و فرش با نقش‌های گل پشتی

**پوشش گیاهی:** درختان گز، بنه، بادام کوهی و کلپوره و شاه تره و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش

**جغتای:** از بخش‌های شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن شرجغتای است که از شمال به شهرستان اسفراین از خاور به سرولایت (از بخش‌های شهرستان نیشابور) و حومه سبزوار و از جنوب به داورزن و از باختر به میامی و از شمال باختری به جاجرم محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر جغتای دارای ۴ دهستان ۱ـ پایین جوین ۲ـ جغتای ۳ـ میان جوین ۴ـ دستوران است.

**رودها:** رود جوین (کال شور) که نخست به نام سرولایت از شهرستان نیشابور روان گشته و با جهت خاور به باختر در دشت جغرافیای جذب می‌شود.

**کوه‌ها:** از دشتی به نام جغتای در مرکز پدید آمده و دو رشته کوه در شمال و جنوب کشیده شده ۱ـ رشته کوه هرده جوین یا رشته اسفراینن (۱۳۵۳ متر) ۲ـ رشته کوه جنوبی به نام کوه‌های جغتای (۲۳۸۵ متر)

**کان‌ها:** ۱ـ کرم ۲ـ مس ۳ـ معادن سنگ از معدن گفت GAFT سنگ کرم استخراج و صادر می‌شود.

**آب و هوا:** معتدل و خشک

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان سرو کوهی، تاغ - گیاهان دارویی و صنعتی: شاه تره، گل ختمی، گل کاسنی، آویشن، ریواس و روناس - **پوشش گیاهی:** برای چرای دام اهمیت فراوانی دارد.

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، قوچ، میش، بز کوهی، گراز، پلنگ و کبک

**اقتصاد:** بر کشاورزی و دامداری استوار است. نوع کشت ۸۵٪ آبی که بیشتر از چاه‌های ژرف فراهم گشته - دامداری در کنار کشاورزی صورت می‌گیرد.

**فرآورده‌ها:** چغندرقند، گندم، جو، زیره، پنبه، کنجد، تره‌بار، انگور، آلو، زردآلو، هلو، گیلاس و گلابی و دام و فرآورده‌های دامی

**جغتای:** از دهستان‌های بخش جغتای شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن دروازه و کوه رواچدر در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، انگور، تره‌بار، زردآلو، بادام

**پوشش گیاهی:** خاکشی، بارهنگ، درمنه و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کبک و تیهو

**جغتای (مرکز بخش):** شهرک جغتای در ۰۴ درجه و ۵۷ دقیقه طول جغرفیایی و در ۳۸ درجه و ۳۶ دقیقه عرض جغرافیایی و در بلندی ۱۴۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد. شهرک جغتای در ۸۵ کیلومتری شمال باختری سبزوار و ۵۵ کیلومتری باختر راه سبزوار–اسفراین قرار دارد.

شهرک جغتای در دشت جغتای و در ناحیه

شمال باختری رشته کوه جغتای سربرافراشته و کوه دروازه ازین رشته کوه در ۱۰کیلومتری جنوب جغتای قراردارد.
**آب وهوا:** معتدل ونسبتاً خشک، بیشترین درجه گرما در تابستان ۳۸ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما درزمستان ۱۰ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۱۳۰ میلی متر میباشد.
**جلگه رخ:** از بخش‌های شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن رباط سنگ است و دارای ۳ دهستان ۱ـ بالارخ ۲ـ پایین رخ ۳ـ میان رخ است.
**جلگه زاوه:** از بخش‌های شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر دولت‌آباد و دارای سه دهستان ۱ـ زاوه ۲ـ سلیمان ۳ـ صفائیه است.
**جلگه زوزن:** از بخش‌های شهرستان خواف استان خراسان رضوی و مرکز آن قاسم‌آباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، عناب، انجیر، توت، انار، پسته و فرش با طرح بلوچی
**پوشش گیاهی:** شاه تره و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، آهو و خرگوش
**جلگه زوزن:** از بخشهای شهرستان خواف مرکز آن شهر قاسم‌آباد، دارای دو بخش: ۱ ـ زوزن ۲ ـ کبیر
**جلگه موسی آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان تربت جام استان خراسان رضوی و مرکز آن موسی‌آباد است.
**جنت آباد:** از دهستان‌های شهرستان تربت جام استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به شهرستان سرخس و از خاور به ترکمنستان و افغانستان و از جنوب به حومه تربت جام و از باختر به بخش احمدآباد (از بخش‌های شهرستان مشهد) محدود است.
**رودها:** هریرود از منتهی‌الیه خاوری بخش جنت‌آباد و از جنوب به شمال روان است.
**کوه‌ها:** دو رشته کوه در بخش جنت‌آباد سر برافراشته و در نتیجه دشت صالح‌آباد و دشت جنت‌آباد را در میان گرفته - رشته کوه شمالی کوتاه‌تر و شامل ۱ـ کوه معدن ۲ـ کوه پیروحش و رشته جنوبی بلندتر از رشته شمالی ۱ـ کوه شاه‌نشین ۲ـ باغ لاغر می‌باشد.
**آب و هوا:** معتدل و متمایل به سرد
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش‌های خراسانی و افغانی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** گیاهان دارویی و صنعتی: درمنه ترکی، شاه تره، کلپوره و گون کتیرا - پوشش گیاهی وجود دارد.
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش، بزکوهی، قوچ، آهو، خوک و کفتار
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و قالیچه‌بافی استوار می‌باشد. کشاورزی به شیوه سنتی و مکانیزه صورت می‌گیرد و نوع کشت ۸۰٪ آبی
**منابع آب:** کاریزها، چاه‌های ژرف است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، زیره، تره‌بار، زردآلو، بادام
دامداری به شیوه سنتی: گوسفند، بز، گاو پرورش داده می‌شود. پشم و پوست و فرآورده‌های شیر دارای اهمیت است.
**قالیچه‌بافی:** چون در طراحی و بافت تنوع فراوانی دارد مورد توجه خریداران صادرکننده می‌باشد.

**جوین:** از دهستان‌های بخش رشتخوار شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن جنگل است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و چارگاه حوض عامر در آن قرار و کال سالار در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، زیره سبز، پنبه، تره‌بار و قالیچه
**پوشش گیاهی:** درخت تاغ و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش و کبک
**جوین:** از بخش‌های شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر نقاب و دارای ۳ دهستان ۱ـ بالاجوین ۲ـ حکم‌آباد ۳ـ پیراکوه است.
**چاپشلو:** از بخش های شهرستان درگز استان خراسان رضوی است که از شمال به حومه درگز، از خاور به بخش لطف‌آباد، از جنوب به شهرستان چناران و حومه قوچان و از باختر به بخش نوخندان محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر چاپشلو، دارای دو دهستان ۱ـ قره‌باشلو ۲ـ میانکوه است.
**رودها:** رودهای فصلی متعددی که از کوه‌های اطراف به ویژه کوه‌های هزارمسجد سرچشمه گرفته و در بخش چاپشلو روان گشته
**کوه‌ها:** چاپشلو در منطقه‌ای نیمه کوهستانی شهرستان درگز می‌باشد. چه کوه‌های هزارمسجد سراسر مناطق جنوبی آن را در برگرفته و مناطق مرکزی و شمالی این بخش جلگه‌ای است.
**آب و هوا:** معتدل و نیمه مرطوب و در نواحی کوهستانی نسبتاً سرد می‌باشد.
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی، ترکی و کردی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان ارس و زبان گنجشک -گیاهان دارویی و صنعتی: خاکشی، گل‌گاوزبان، کاسنی، شاه تره، درمنه و گون کتیرا. پوشش گیاهی برای چرای دام به قدر کافی می‌باشد.
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، پلنگ، بز کوهی، آهو، خرگوش، کبک و تیهو
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، تره‌بار، زردآلو، بادام و گردو و فرش
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و دامداری استوار است: کشاورزی چندان پیشرفت نکرده و به روش سنتی است. منابع آب کشاورزی کاریزها و رودها و فرآورده‌های آن گندم، جو، پنبه، تره‌بار و انگور می‌باشد. دامداری نیز آن طور که باید ترقی نکرده است.
**چناران:** از شهرستان‌های استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال و خاور به بخش کلات، از جنوب خاوری به حومه مشهد، از جنوب به بخش قرطبه و از باختر به بخش سرولایت و حومه قوچان و از شمال باختری به چاپشلو (از بخش‌های شهرستان درگز) محدود است. این شهرستان بیش از ۴۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر چناران دارای دو بخش ۱ـ مرکزی که دارای ۳ دهستان (۱ـ چناران ۲ـ رادکان ۳ـ بق مج) ۲ـ گلبهار است.
شهرستان چناران عموماً بر روی تراس‌های آبرفتی دوران چهارم قرار دارد. ارتفاعات بینالود در جنوب آن و کوه‌های رادکان در شمال آن قرار دارد و ارتفاع شهرستان چناران از سطح دریا ۱۰۷۸ متر است با توجه به وضع طبیعی منطقه و اختلاف

ارتفاع نسبی، آب‌های سطحی منطقه به صورت جویبارها به کشف رود می‌پیوندد. کتاب‌های درسی

**رودها:** ۱ـ رود کشف رود نخست با نام رادکان، از کوه رادکان در شمال این شهرستان (در حد فاصل زمین‌های راداکن و اخلمه) سرچشمه گرفته و پس از آبیاری بخش‌هایی از شهرستان چناران و پیوستن شاخابه‌های متعددی از شهرستان مشهد وارد حریررود می‌گردد، این رود پس از گذشتن از چناران کشف رود خوانده می‌شود.

**کوه‌ها:** بلندترین قله کوه‌های هزارمسجد به نام کوه رادکان در شهرستان چناران به بلندی ۲۰۵۸ متر قرار گرفته و نواحی شمالی این شهرستان را در بر گرفته و آن گاه در نواحی مرکزی و جنوبی به بخش‌هایی از جلگه پهناور طور یا مشهد دیده می‌شود.

**کان‌ها:** سنگ آهک، سنگ گچ، سنگ نمک و گل سرخ

**آب و هوا:** متمایل به سرد و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستان‌ها به ۳۷ درجه بالای صفر و در زمستان‌ها به ۱۵ درجه زیر صفر و میزان متوسط بارندگی ۲۵۰ میلیمتر می‌رسد.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی، کردی و ترکی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان کنار و کاج جنگلی - گیاهان دارویی و صنعتی: خاکشی، گل گاوزبان، کاکوتی، گل ختمی، کاسنی و گون کتیرا

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام‌های به مقدار فراوان

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، کفتار، آهو، خرگوش، کبک، قرقاول و بز کوهی

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و قالی‌بافی استوار است. آب رود کشف رود، بارندگی نسبتاً فراوان و زمین حاصلخیز به کشاورزی رونق داده - آب کشاورزی از رود، کاریزها و چاه‌های ژرف فراهم گشته (دامداری به واسطه مراتع خوب این شهرستان برای دامپروری مستعد و مناسب است. قالی‌بافی نیز از منابع مهم درآمد مردم این سامان می‌باشد.

**فرآورده‌ها:** چغندرقند، گندم، جو، تره‌بار (مخصوصاً پیاز) - دام و فرآورده‌های دامی و قالی، میوه

کارخانه قند چناران که به صورت یک مجتمع کشاورزی است مایه گسترش شهر و ایجاد مراکز متعدد صنعتی و کشاورزی گشته است. کتاب‌های درسی

شهر چناران مرکز شهرستان چناران که در گذشته‌های دور رادکان و آن گاه ارلاک نام یافت از دهه ۱۳۳۰ به بعد چناران نام یافت و مرکز شهر رادکان معین شد. بلندی این شهر از سطح دریا حدود ۱۳۰۰ متر و فاصله‌اش تا مشهد ۵۵ کیلومتر و تا تهران ۸۶۴ کیلومتر است. شهر چناران در مسیر راه مشهد - قوچان قرار دارد.

**چناران:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان چناران استان خراسان رضوی و مرکز آن خیرآباد است. و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه بقیود و کوه آدینه در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار و سیب

**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کبک

**چناران (بخش مرکزی):** از بخش‌های

شهرستان چناران استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر چناران است. و دارای ۳ دهستان ۱ـ چناران ۲ـ رادکان ۳ـ بق مج است.

**چناران (مرکز شهرستان):** شهر چناران مرکز شهرستان چناران، استان خراسان، در ۰۷ درجه و ۵۹ دقیقه طول جغرافیائی و ۳۸ درجه و ۳۶ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۱۲۸۰ متری از سطح دریا و در ۶۰ کیلومتری شمال باختری مشهد و در مسیر راه اصلی مشهد ـ قوچان قرار دارد.

**آب و هوا:** معتدل و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها به ۳۷ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها ۱۵ درجه زیر صفر و میزان باران سالانه بطور متوسط ۲۵۰ میلی‌متر می‌باشد.

**حکم‌آباد:** از دهستان‌های بخش جوین شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن حکم‌آباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و رود فصلی جوین در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، پنبه، انگور، تره‌بار و سیب و فرش

**پوشش گیاهی:** گل ختمی، شاه تره و گیاهان مرتعی

**جانوران:** آهو، گرگ، روباه، شغال و کبک

**خانگیران:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سرخس استان خراسان رضوی و مرکز آن گنبدلی است.

**خبوشان:** از دهستان‌های بخش فاروج شهرستان قوچان استان خراسان رضوی و مرکز آن تیتکانلو است.

**خلیل آباد:** از بخش‌های شهرستان کاشمر استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به کوه سرخ از خاور به شهر کاشمر، از جنوب به بخش بجستان (از بخش‌های گناباد) و از باختر به بخش برداسکن محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر خلیل‌آباد، دارای دو دهستان ۱ـ صحرا ۲ـ درونه است.

**رودها:** رود دائمی کال شش‌تر از قسمت‌های باختری خلیل‌آباد را آبیاری می‌کند. چند رود فصلی و کاریز فصلی نیز در آبیاری این سامان اهمیت دارند.

**کوه‌ها:** در جلگه‌ای قرار گرفته که از شمال و جنوب به وسیله بلندی‌های چندی در میان گرفته شده ۱ـ کوه سیاه ۲ـ کوه خرزن ۳ـ کوه کمرریخته ۴ـ کوه باغ بالا در جنوب کوه‌های کمربلند، بوغدو خمر سنگردری سر برافراشته‌اند.

**آب و هوا:** معتدل و خشک

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش کاشمری سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** گیاهان دارویی و صنعتی: گلپوره و شاتره، خاکشی، گل ختمی، گل گاوزبان و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، قوچ و میش

**اقتصاد:** بر کشاورزی و باغداری و دامداری و قالیبافی استوار است. نوع کشت بیشتر آبی و آبیاری به وسیله کاریزها و چاه‌های ژرف و رود انجام می‌شود، قالی‌بافی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

**فرآورده‌ها:** انگور، (۹۰٪ باغات)، گندم، جو، زیره، تره‌بار، بنشن و پنبه - قالی و دام و فرآورده‌های دامی

**خواشد:** از دهستان‌های بخش روداب شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن بجدن است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه درخت بنه و کوه شکسته و چراگاه‌های سلطان محمد و چاه اریانی و چاه شور در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، توت، انگور، زردآلو، گلابی و فرش با طرح سبزواری و نقش بوته جقه‌ای

**پوشش گیاهی:** درختان گز، قیچ، بنه و گیاهان دارویی، شاه تره، آویشن، بارهنگ و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، بز کوهی، روباه، شغال، آهو و کبک

**خواف:** از شهرستان‌های استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به حومه تربت حیدریه، از شمال و شمال خاوری به شهرستان باخرز، از خاور به کشور افغانستان، از جنوب به شهرستان قائنات و از باختر به شهرستان گناباد و رشتخوار (از بخش‌های تربت حیدریه) محدود است.

شهر قدیمی خواف با مختصات ۶۰ درجه و ۱۰ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۴ درجه و ۳۵ دقیقه عرض جغرافیایی در ۱۲۰ کیلومتری جنوب شرقی تربت حیدریه قرار دارد. جمعیّت شهر که ترکیبی است از طوایف تاجیک، تیموری، خلج و غیر بومیان اداری. در عین حال این شهر مرکز تجمع و تجارت و آیند و روند ۱۲۰۰۰ خانوار دیگری است که از پهنهٔ گستردهٔ دشت خواف روی به این سامان دارند. قصبه‌ای که تا همین چند ده سال پیش عنوان تبعیدگاه را داشت اینک در پرتو آبهای فراوانی که از اعماق لایه‌های زمین بر سفرهٔ دشتی هموار جاری است به شهری تبدیل شده که می‌تواند زندگی دلنشینی را برای ساکنانش تدارک ببیند. خیابانهای مشجر و آراسته به کاجهای پیوسته سرسبزش، چهرهٔ اصیل شهری از خراسان را در قرنهای دور به نمایش می‌گذارد و مجموعهٔ بافت سنّتی و فرهنگی و مذهبی شهر، جابجا شهری از افغانستان را تداعی می‌کند.

ولایت خواف به مناسبت نزدیکی و مجاورت با دیار افغانان خواه و ناخواه جامعه‌ای را بوجود آورده است که تشخیص آبادیهای ایرانی را از افغانی در نخستین نگاه آسان نمی‌نماید. ارتباطهای فرهنگی و سیاسی و مهاجرتهای دسته‌جمعی ریشه در قرنها و عمرها دارد.

سنگان با ۴۰ کیلومتر فاصله تا خط مرزی به مثابهٔ مصبّی آرام رود پرخورش آحاد برخاسته از افغانستان را به دریای امن خراسان تسهیل می‌کند. تربت جام و تایباد در بالا دست و قاین و سیستان در فرودست هم این گونه حالتی دارند. سنگان امّا بی‌حضور افغانها هم قیافه‌ای دارد همانند با یکی از آبادیهای هرات، مثلاً غوریان در پایین پای هرات، یا دلارام در نیمه راه قندهار.

دستار سفید و پرپیچ با تحت الحنکی فرو افتاده بر پس‌پشت، پیراهنی گشاد و چرکتاب و بلند تا زانو، نیم‌تنه‌ای به قد کوتاه‌تر از پیراهن، ردایی بلند، چوخه‌ای اصیل و شلواری از کرباس یا جنسی مشابه آن امّا پرچین و پف کرده و رها، لباس سنگانی‌ها، نشتیفانی‌ها، بر آبادیها و همهٔ اهل خواف است مردی با این چهره و شکل و شمایل و هیأت و هیولا را به اضافه محاسن بلند و انبوه و شاربی کوتاه و بشکوه، بی هیچ تفاوتی در حرکات و سکنات از رشتخوار تربت تا تنگهٔ خیبر

و آن سوترها می‌توان دید. زمینه‌های زندگی و اعتقادی نیز همان و همرنگ.

مذهب، زبان، لباس و آداب وقتی یکی افتاد، شاخصها کم‌رنگ و گم می‌شوند : خواف و روستاهای مهم اطراف آن به مزارات اولیا و قبرستانهای پراکنده و کهن، ممتاز است. مشخصات بیشتر این مزارها این است که صورت قبرها در خارج مقبره و دارای ابعاد بسیار بزرگتر از کالبد انسان است مثلاً قبرها گاهی تا ۵ـ۶ متر طول و ۱/۵ متر عرض دارند و در همین حال یک متری از زمین بالا قرار گرفته‌اند. زینت قبرها لتّه و کهنه‌هایی بسیار و چندین شاخ آهو یا قوچ کوهی است که در بالا و پایین صورت قبر آویز شاخه‌ای خشک یا سنگی شده‌اند کاشته بر گور. در این مقوله هم، تزئینات و هیأت قبر پیر گرزوان در سنگان با قبر عبدالرحمن جامی در هرات یا قبر ابوبکر ورّاق در خرگرد با مزار خواجه عبداللّه انصاری در گازرگاه فرق زیادی با هم ندارند.

شهر خواف هنوز بافتی قدیمی دارد و به جز خیابانهای بلند و شمالی ـ جنوبی که چندین گذر کم عرض و کوتاه از شرق و غرب بر آن عمود شده‌اند و مظاهری از نوگرایی شهری را به نمایش می‌گذارد بقیهٔ محلات و کوچه‌های خواف از خشت و گل به هم رسیده و جلایی ندارند و این در حالی است که بیشترین ساختمانهای شهر که فرم جدیدی یافته‌اند به ادارات دولتی تعلق دارند.

شهر خواف از هزار سال پیش به داشتن هنر کرباس‌بافی مشهور بوده است امّا این هنر سنّتی ظاهراً در قبال نوردهای غول‌پیکر پارچه‌بافی در شهرهای ایران به حال احتضار افتاده است و جز چندین دستگاه فرت‌بافی که زنهای خوافی از سر استیصال بر پای داشته‌اند تا نیاز خانواده‌هایشان را برآورند محصول قابلی به هم نمی‌رسد. از کتاب جغرافیای تاریخی ولایت زاوه ـ محمدرضا خسروی

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر خواف، دارای ۳ بخش ۱ـ مرکزی که دارای ۳ دهستان (۱ـبالاخواف ۲ـمیان خواف ۳ـسلامی) ۲ـ سنگان ۳ـ جلکه زوزن است.

**رودها:** کال خواجه یار که همراه با شاخابه‌های بسیار خود از کوه سنگی در شمال سرچشمه گرفته و پس از گذشتن از کنار شهر رود (مرکز خواف) به صورت رودی دائمی در آمده تا کال دوکوهه پیش می‌رود. رودهای فصلی فراوانی در شهرستان خواف روان است که کال سلامی در شمال، کال سرخ در شمال خاوری، کال قراولگاه در خاور، کال موسی‌آباد در جنوب خاوری و کال‌های چاه شور، شور، زنجون و دو کوهه می‌باشند.

چشمه‌های سرچشمه کرات، پی‌دینگ، چنگ و بغل بید در خاور چشمه کربلایی نجف در جنوب

**کوه‌ها:** ۱ـکوه سفیدکوه خور ۲ـکوه سنگی ۳ـیکه کوه ۴ـکوه طالب ۵ـکوه باخرز ۶ـکوه برمانی ۷ـ کوه هرس (بلندی ۱۹۶۲ متر)

نمکزار خواف در منتهی‌الیه جنوب خاوری شهرستان خواف قرار دارد.

دشت‌ها: ۱ـ دشت زوزن ۲ـ دشت دو کوه ۳ـ دشت باغ ۴ـ دشت بخشی ۵ـ دشت قطارگز ۶ـ دشت خوشابه ۷ـ دشت مژن آباد

**کان‌ها:** در بیشتر کوه‌های شمالی این شهرستان معادن مس، آهن، سرب و خاک نسوز وجود دارد.

**آب و هوا:** معتدل و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستان‌ها به ۴۲ درجه بالای صفر و در

زمستان‌ها به ۱۰ درجه زیر صفر و میزان متوسط بارندگی به ۱۸۵ میلیمتر می‌رسد.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان تاغ، بنه و گز - گیاهان دارویی: شاه تره، گل گاوزبان و خارخسک - پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران و پرندگان:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش، آهو، کبک

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و باغداری، دامداری و قالیچه‌بافی استوار است. بیشتر مردم به‌کشاورزی با شیوه سنتی سرگرمند. نوع کشت بیشتر آبی است و برای آبیاری زمین‌ها از کاریز، چاه‌های ژرف و نیمه ژرف، رودها و چشمه‌ها سود می‌جویند. دامداری در سطح شهرستان به طور نسبی رواج دارد که شامل گوسفند، بز و گاو می‌باشد.

**فرآورده‌ها:** چغندر قند، پنبه، زیره، گندم، جو، تره‌بار، انگور، انار، هلو، زردآلو، انجیر و توت - دام و فرآورد ههای دامی - قالیچه

شهر خواف مرکز شهرستان خواف در ۹۷۰ متری بالای سطح دریا و در فاصله ۸۲۹کیلومتری فاصله هوایی تهران و فاصله زمینی آن تا مرز افغانستان ۸۸۰ و تا مشهد ۲۳۸ کیلومتر می‌باشد. رود کال خواجه یار از مغرب شهر خواف می‌گذرد.

نمای طبیعی این شهرستان را جلگه و کوه تشکیل می‌دهد و دارای دشت‌های مهم زوزون و خواف است. قدیمی‌ترین تشکیلات زمین‌شناسی آن مربوط به سنگ‌های دگرگونی پرکامبرین است که در شمال شرقی منطقه رخنمون دارد. سنگ‌های دوران اول را در حوالی روستای سنگان و ارتفاعات باخرز می‌توان دید. بلندی‌های غرب و جنوب شرقی آن را سنگ‌های آذرین و کنگلومرای الونسن می‌پوشاند که از نظر تغذیه آب دشت دارای اهمیت است. کتاب‌های درسی

**خواف (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان خواف استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر خواف است و دارای ۳ دهستان ۱ـ بالا خواف ۲ـ میان خواف ۳ـ سلامی

**خوشاب:** از بخش‌های شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن بخش شهر سلطان‌آباد است. دارای چهار دهستان ۱ـ دره یام ۲ـ سلطان آباد ۳ـ طبس ۴ـ رباط جز است.

**داورزن:** از بخشهای شهرستان سبزوار، استان خراسان رضوی، از شمال به جغتای از خاور به حومه سبزوار، از جنوب به ششتمد (از بخش‌های شهرستان سبزوار) و از باختر به میامی (از بخش‌های شهرستان شاهرود) محدود است.

**تقسیمات کشوری:** رود کال شور، از کوه‌های اسفراین سرچشمه گرفته، پس از آبیاری بخش جاجرم و مناطق باختری داورزن در زمین‌های دشت کویر فرو می‌رود. رودهای فرعی و فصلی نیز در آبیاری سود جسته می‌شود. از جمله رود فصلی داورزن، رود فصلی صد خرو

**کوه‌ها:** تنهاکوه نسبتاً بلند این سامان‌کوه جغتای به بلندی ۲۹۲۴ متر که حد فاصل بخش داورزن و بخش جغتای است. در منطقه رو به سوی جنوب و جنوب باختری کویر نمک و شوره‌زار دامن گسترده است.

**کان‌ها:** ۱ـ معادن سنگ‌های ساختمانی ۲ـ سنگ نمک

**آب و هوا:** معتدل و خشک

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با

گویش محلی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان گز و تاغ - گیاهان دارویی و صنعتی، آویشن، گل گاوزبان، کاکوتی، گل ختمی و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، خرس، کفتار، بز کوهی، خرگوش، کبک و تیهو.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و صنایع دستی استوار است. کشاورزی پراهمیت و دامداری و صنایع دستی در کنار کشاورزی انجام می‌شود. کشاورزی بیشتر آبی و آب کشاورزی از رود، چشمه، کاریز، چاه ژرف و نیمه ژرف فراهم گشته - دامداری شیوه سنتی انجام می‌شود.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، زیره تره‌بار، زعفران، کنجد و انگور، دام و فرآورده‌های دامی و قالی و قالیچه
**داورزن (مرکز بخش):** شهر داورزن در بلندی ۹۱۰ متری از سطح دریا، مرکز بخش داورزن از بخشهای شهرستان سبزوار، استان خراسان، در ۸۲ کیلومتری شمال باختری سبزوار و در مسیر راه اصلی شاهرود ـ مشهد است.
**آب و هوا:** معتدل و خیلی خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها تا ۴۳ کیلومتر بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها تا ۱۰ درجه زیر صفر، میزان باران سالانه بطور متوسط در حدود ۸۳ میلیمتر میباشد.
**دربقاضی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن خوجان و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، تره‌بار، بنشن، توت، انگور و فرش

**پوشش گیاهی:** گل ختمی و شاه تره و گیاهان مرتعی
**جانوران:** روباه، خرگوش و کبک
**درزآب:** از دهستان‌های بخش گلبهار شهرستان چناران استان خراسان رضوی و مرکز آن گوارشک است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه آب فلک و کوه زوجچه در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** چغندرقند، گندم، جو، زیره، یونجه و سیب
**پوشش گیاهی:** خاکشی، شاه تره و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کبک
**درگز:** از شهرستان‌های استان خراسان رضوی می‌باشد که از خاور به کلات (از بخش‌های شهرستان مشهد)، از جنوب به شهرستان چناران و حومه قوچان و از باختر بخش باجگیران از بخش‌های قوچان محدود است. بلندی شهرستان درگز از سطح دریا حدود ۴۵۰ متر می‌باشد.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر درگز، دارای ۴ بخش ۱ـ مرکز که دارای یک دهستان به نام تکاب ۲ـ بخش چاپشلو ۳ـ لطف‌آباد ۴ـ نوخندان است.
**رودها:** رودهای فصلی نه چندان مهمی در این شهرستان روان است اما رود مهم آن رود درونگر است که از کوه‌های اماملی و شمخال در باختر سرچشمه گرفته و پس از آبیاری نمودن بخش نوخندان وارد خاک ترکمنستان می‌گردد. مهم‌ترین رود این شهرستان زنگالوست که از کوه‌های هزارمسجد روان می‌شود.
**کوه‌ها:** جلگه درگز را کوه‌هایی چند در میان گرفته‌اند - مهم‌ترین این کوه‌ها که در جنوب و جنوب خاوری قرار گرفته، ۱ـ کوه‌های الله اکبر ۲ـ

کوه‌های هزارمسجد این کوه‌ها در محدوده شهرستان درگز و گردنه الله اکبر در مسیر راه قوچان - درگز قرار دارد.

**آب و هوا:** نسبتاً معتدل و مرطوب، در نقاط کوهستانی و دامنه کوهستان هزارمسجد، سرد و در نواحی کم ارتفاع گرم و پوشیده از چمنزار است.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی، ترکی و کردی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان ارسی، زبان گنجشک، انجیر کوهی، گیاهان دارویی و صنعتی: خاکشی، گل گاوزبان، کاسنی، شاتره، گل ختمی، گل زرد، درمنه و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام به مقدار فراوان

**جانوران و پرندگان:** آهو، بز کوهی، قوچ، میش، پلنگ، گرگ، روباه، شغال، گراز، کفتار، کبک و تیهو

**اقتصاد:** بیشتر بر پایه کشاورزی، دامپروری و صنعت استوار است.

آب فراوان و خاک خوب و تلاش مردم ۷۵٪ جمعیت را به کار کشاورزی سرگرم نمود - منابع آب برای آبیاری زمین‌ها و باغ‌ها رود، کاریزها و چاه‌های نیمه ژرف است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، تره‌بار، سیب، زردآلو، انگور و گوجه - دام و فرآورده‌های دامی

دامداری به صورت ییلاق - قشلاق و به صورت سنتی انجام می‌شود. کارخانه پنبه پاک‌کنی، قالی‌بافی نیز از اهمیت اقتصادی برخوردار است.

شهر درگز (محمدآباد) مرکز شهرستان درگز گرم و نیمه‌مرطوب، بیشترین درجه حرارت در تابستان‌ها ۳۸ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستان‌ها ۲ درجه زیر صفر و میزان بارندگی به طور متوسط ۳۵۰ میلیمتر در سال است. رود درونگر از ۴ کیلومتری شمال شهر درگز می‌گذرد. این شهر میان دشت شهرستان درگز قرار دارد.

شهرستان درگز منطقه‌ای کوهستانی است که در سال ۱۳۲۸ به صورت شهرستان در آمد و در گذشته جزء شهرستان قوچان بود. این شهرستان ۵۴۷۸ کیلومتر مربع مساحت و ارتفاعش از سطح دریا حدود ۴۵۰ متر و در داخل کوهستان هزارمسجد قرار گرفته آب و هوایش سرد و در نواحی پست گرم و پوشیده از مرتع و یکی از مراکز مهم دامپروری استان خراسان است.

کتاب‌های درسی

**درگز (بخش مرکزی):** از بخش‌های مرکزی شهرستان درگز استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر درگز و دارای یک دهستان (۱ـ تکاب) است.

**درونگر:** از دهستان‌های بخش نوخندان شهرستان درگز استان خراسان رضوی و مرکز آن شیخ‌ها است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل و کوه قوزی و کوه آلاداغ، کوه تاشالی و کوه قزل‌داغ در آن قرار و رود سیل آوا و درونگر جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، زردآلو، سیب، گردو و انگور

**پوشش گیاهی:** خاکشی، کاسنی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خوک، قوچ، میش، خرگوش و کبک

**درونه:** از دهستان‌های بخش انابد شهرستان برداسکن استان خراسان رضوی و مرکز آن درونه است.

**دره یام:** از دهستان‌های بخش خوشاب شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن مشکان است.

**دستوران:** از دهستان‌های بخش جغتای شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن دستوران است.

**دوغایی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان قوچان استان خراسان رضوی و مرکز آن آلاجق است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و کوه دبلا در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو و سنجد

**پوشش گیاهی:** خاکشی و شاه تره و گیاهان مرتعی

**جانوران:** آهو، گرگ، روباه، شغال و کبک

**دولتخانه:** از دهستان‌های بخش باجگیران شهرستان قوچان استان خراسان رضوی و مرکز آن امامقلی است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه امام داغی و کوه شاه داغ در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، زردآلو، انگور و سیب

**پوشش گیاهی:** گل زرد، کاسنی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، گراز، قوچ و میش

**دیباج:** از دهستان‌های بخش لطف‌آباد شهرستان درگز استان خراسان رضوی و مرکز آن شیلکان است.

**رادکان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان چناران استان خراسان رضوی و مرکز آن رادکان است. و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه طاقه فرح در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تنباکو، سیب و زردآلو و فرش

**پوشش گیاهی:** خاکشی، گل گاوزبان و شاه تره و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال و کبک

**رباط:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن رباط سرپوش است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و رودکال شور در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، زردآلو، توت، سنجد و فرش

**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، خاکشی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** آهو، گرگ، روباه، خرگوش و کبک

**رباط جز:** از دهستان‌های بخش خوشاب شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن رباط جز است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و رودکال شور در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، زیره، پنبه، بنشن، تره‌بار، انگور و بادام و فرش

**پوشش گیاهی:** اسپند، خاکشی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** کفتار، گرگ و خرگوش

**ربع شامات:** از دهستان‌های بخش ششتمد شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن قلعه میدان است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و کوه هزار تک و غیره در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار و فرش با طرح بلوچی

**پوشش گیاهی:** کلپوره، شاه تره، گل زونا، آویشن، بومادران و گیاهان مرتعی

**جانوران:** بز کوهی، قوچ، میش، گرگ، روباه، آهو و خرگوش

**رستاق:** از دهستان‌های بخش خلیل‌آباد شهرستان کاشمر استان خراسان رضوی و مرکز آن

ابراهیم‌آباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، چغندرقند، تره‌بار، انار، بادام، زردآلو، هلو و فرش با طرح کاشمری
**پوشش گیاهی:** شاه تره و خاکشی
**جانوران:** روباه، شغال، خرگوش
**رشتخوار:** از شهرستانهای استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به حومه تربت حیدریه، از خاور به شهرستان خواف، از جنوب به حومه گناباد و از باختر به بخش فیض‌آباد محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان رشتخوار دارای دو بخش ۱ ـ مرکزی ۲ ـ جنگل
**رودها:** ۱ـ کال سالار از نواحی باختری بخش رشتخوار می‌گذرد ۲ـکال دوغ از جنوب این بخش می‌گذرد ۳ـ رودهای فصلی بسیار در بخش رشتخوار روان است.
**کوه‌ها:** تنها کوه‌های کم ارتفاع منفردی در شمال خاوری قرار گرفته ریگزارهای زیدان، بلند و نخ بید در جنوب باختری رشتخوار وجود دارد.
**آب و هوا:** معتدل و خشک
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی به گویش تربتی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** گیاهان دارویی و صنعتی: شاه تره، ترنجبین، گون کتیرا، پوشش گیاهی برای چرای دام به حد کافی
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، خرگوش، گرگ، آهو، کبک و سینه سیاه
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و باغداری، دامداری و صنایع دستی استوار است. کشاورزی و باغ‌داری به شیوه سنتی ۷۰٪ آبی و ۳۰٪ دیم. آب کشاورزی از رود، کاریز، چاه ژرف و نیمه ژرف فراهم گشته.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند، زعفران، زیره و انواع تره‌بار، زردآلو، هلو، سیب، گیلاس، گوجه، بادام، به، انجیر و انار
پرورش دام و فرآوردهایی چون پشم، پوست، کرک، روغن و فروش دام از منابع مهم درآمد مردم این سامان است.
کرباس بافی، نمدمالی و فرش بافی، مخصوصاً قالی و قالیچه از رونق برخوردار است.
**رشتخوار:** از دهستان‌های بخش‌های رشتخوار استان خراسان رضوی و مرکز آن حسین‌آباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و کوه نوق و کلاه کلاته ترک قرار و رود کال آغال در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، چغندرقند، توت، بادام، سیب، زردآلو و انگور
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، آهو، روباه، خرگوش و کبک
**رضویه:** از بخش‌های شهرستان مشهد استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر رضویه است. و دارای ۳ دهستان ۱ـ ابروان ۲ـ پایین ولایت ۳ـ میامی است.
**رقه:** از دهستان‌های بخش بشرویه شهرستان فردوس استان خراسان رضوی و مرکز آن رقه است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و کوه کفتری، کوه نیلو، کوه سفید و اژدر کوه در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، انار، پسته و انجیر و فرش با طرح ترکمنی
**پوشش گیاهی:** کلپوره، سنبل طیب و آویشن و گیاهان مرتعی
**جانوران:** روباه، شغال، خرگوش، قوچ و میش،

آهو، پلنگ، گرگ، کبک و تیهو

**رقیچه:** از دهستان‌های بخش کدکن شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن رقیچه است.

**روداب:** از بخش‌های شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر رودآب، دارای سه دهستان ۱ـ خواشد ۲ـ فروغن ۳ـ کوه همائی است.

در بلندی ۱۴۱۵ متری سطح دریا، در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک در ۱۰۷ کیلومتری جنوب غربی سبزوار قرار دارد. رود فصلی روداب از کنار مرکز این بخش می‌گذرد و کوه شکسته لق سنگ در این بخش قرار گرفته است.

کشاورزی و دامداری پیشه اصلی مردم این سامان است.

کشت آبی، آب کشاورزی و آشامیدنی از قنات فراهم گشته است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه

**پوشش گیاهی:** درخت پسته، گیاهان دارویی چون شاه تره

**جانوران:** بز کوهی، قوچ، میش، گرگ، روباه، خرگوش

**ریوند:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن شادمهرک است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، پنبه، انگور، چغندر قند و فرش با طرح مشهدی

**پوشش گیاهی:** شاه تره، گل ختمی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش

**زاوه:** از دهستان‌های بخش جلگه زاوه شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن کاریزک ناگهانی است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و کال سالار در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، سنجد و فرش با طرح‌های بلوچی

**پوشش گیاهی:** شاه تره، خاکشی، کلپوره

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال

**زاوین:** از دهستان‌های بخش زاوین شهرستان کلات استان خراسان رضوی و مرکز آن شهرزو است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک قرار و کوه خور و کوه قره‌داغ و کوه سرزود و گردنه صندوق‌شکن قرار و رود خور در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، زردآلو، سیب، گلابی، انگور و گوجه و فرش با طرح‌های کاشانی و مشهدی

**پوشش گیاهی:** درختان ارس و گز و دارویی شاه تره و ختمی، گل گاوزبان و کلپوره و گیاهان مرتعی

**جانوران:** پلنگ، بزکوهی، قوچ و میش، گرگ، روباه، شغال، آهو و کبک

**زبرخان:** از دهستان‌های بخش زبرخان شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن قدمگاه است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه داس در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، سیب، هلو، به انجیر و فرش با طرح نیشابوری

**پوشش گیاهی:** شاه تره و گیاهان مرتعی

**جانوران:** روباه، گرگ و خرگوش

**زبرخان:** از بخش‌های شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به بخش طرقبه و حومه نیشابور، از خاور به بخش

احمدآباد، از جنوب به بخش کدکن و از باختر به حومه نیشابور محدود است.
**تقسیمات کشوری:** بخش زبرخان که مرکزش شهرک قدمگاه است دارای سه دهستان ۱ـ اردوغش ۲ـ اسحاق‌آباد ۳ـ زبرخان می‌باشد.
**رودها:** چندین رود فصلی مانند درود روان است که از کوه‌های بینالود سرچشمه گرفته و در زمین‌های جنوبی بخش زبرخان فرو می‌ریزد.
**کوه‌ها:** منطقه شمالی بخش زبرخان که در دامنه‌های جنوبی کوه‌های بینالود قرار گرفته و از نواحی مرکزی به سوی جنوب رفته رفته از بلندی‌های زمین‌ها کاسته می‌شود تا به دشت اسحاق‌آباد می‌رسد.
**آب و هوا:** معتدل مایل به سرد و خشک
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان بادام کوهی، کاج چنگلی و تاغ - گیاهان دارویی و صنعتی: کاسنی، گل ختمی، آویشن، درمنه، گل گاوزبان، پونه و گون کتیرا
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، گراز، بز کوهی، قوچ و میش، خرگوش، کبک و سینه سیاه
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و قالی‌بافی استوار است. به واسطه آب نسبتاً فراوان و خاک خوب کشاورزی جنبه سودآوری شایسته‌ای دارد. آب کشاورزی از کاریزها، رود و چاه‌های ژرف تأمین گردیده، نوع کشت بیشتر آبی می‌باشد. دامداری، در کنار کشاورزی صورت می‌گیرد و دومین منبع مهم درآمد بخش زبرخان می‌باشد. قالی‌بافی به واسطه مرغوبیت در طرح و رنگ خریداران فراوانی دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، سیب، چغندرقند، انگور - دام و فرآورده‌های دامی و قالی.
**زبید:** از دهستان‌های بخش کاخک شهرستان گناباد استان خراسان رضوی و مرکز آن زبید است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه سیاه و کوه لر و کوه کمرزرد و دره زرد در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ارزن، پنبه، زعفران و فرش
**پوشش گیاهی:** کلپوره، ترنجبین، خاکشی، بومادران، گل زونا و پوشش گیاهی برای چرای دام
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال
**زوزون:** از دهستان‌های بخش جلگه زوزون شهرستان خواف استان خراسان رضوی و مرکز آن زوزن است.

زوزون که با سابقه‌ای باستانی در تاریخ و حضوری طولانی در عالم فرهنگ و سیاست می‌باشد. زادگاه وزیران و امیران و سیاستگزاران و عالمان و شاعران و فقیهان بسیاری است. این جا بصرهٔ صغری است که اینک درکلف‌دشتی سوزان و در دامن شرقی کبیرکوه قرار دارد. زوزن فعلی روستای بسیارکوچکی است با هزار نفر جمعیت. از جاده‌های اصلی پرت است و تا خط باریک آسفالت بیش از ۴۵ کیلومتر فاصله دارد.
در دو سه کیلومتری زوزن بود که بیش از هر نشانه‌ای قامت بلند و تماشایی مسجدی ویران نمودار است. تنهایی زوزن درکشالهٔ خشک کوه کبیر هراس‌آفرین بود. مرکز دهستان زوزن قریهٔ قاسم‌آباد است که به فاصلهٔ چند صدمتر در شمال زوزن قرار دارد. این روستا بیش از ۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد.

بعضی از معمرین ساکن زوزن را هم عقیده بر

این بود که چون فرمانروای این دیار زن بوده است، کل منطقه به چنین نامی معروف شده است. تیره‌های عرب خزاعی بیشترین ساکنان زوزن را تشکیل می‌دهند و زبان همهٔ ساکنان ده فارسی است و همچون قاسم‌آباد کلاً شیعه مذهبند.

در زوزن نیز وجود محلی به نام قلعهٔ بلند یا قلعه ترکمنها نشانه دوران ترکمن تازی و هجوم افغانها است. از کتاب جغرافیائی ولایت زاوه - محمدرضا خسروی

**سبزوار:** از شهرستان‌های استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به شهرستان‌های بجنورد و اسفراین، از شمال خاوری و خاور به شهرستان نیشابور، از جنوب به شهرستان کاشمر و از باختر به شهرستان شاهرود محدود می‌باشد. این شهرستان حدود ۱۸۱۳۰ کیلومتر مربع مساحت دارد.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر سبزوار، دارای هفت بخش ۱- مرکزی دارای ۴ دهستان (۱- رباط ۲- قصبه شرقی ۳- قصبه غربی ۴- کراب) ۲- جوین ۳- خوشاب ۴- داورزن ۵- روداب ۶- ششتمد ۷- جغتای است.

دهستانهای سبزوار شامل ۲۵ دهستان بدینقرار می‌باشد: ۱ - رباط ۲ - قصبه شرقی ۳ - قصبه غربی ۴ - کران تابع بخش مرکزی ۱ - پایین جوین ۲ - جغتای ۳ - دستوران ۴ - میان جوین تابع بخش جغتای ۱ - بالا جوین ۲ - پیراکوه ۳ - حکم‌آباد تابع بخش جوی - ۱ - دره‌یام ۲- رباط جز ۳ - سلطان‌آباد ۴ - طبس تابع بخش خوشاب ۱ - اباشتین ۲ - کاه ۳ - مزینان تابع بخش داورزن - ۱ - خواشد ۲ - فروغن ۳ - کوههمائی تابع بخش روداب ۱ - بیهق ۲ - تکاب کوه میش ۳ - ربع شامات ۴ - شامات تابع بخش ششمد.

**رودها:** ۱- رود شور کال که در منطقه حد فاصل کوه‌های هرده جوین و جغتای روان است. ۲- رود داورزن که از شمال داورزن روان گشته و پس از آبیاری بخش داورزن به رود کال شور در جنوب می‌ریزد ۳- رود کالشور که از کوه‌های کاشمر روان گشته پس از آبیاری قسمتی از سبزوار به سوی جنوب باختری روان و سرانجام به دشت کویر جاری می‌گردد.

رودهای فصلی چندی نیز در این شهرستان در فصل بهار روان است و برخی از زمین‌ها را آبیاری می‌کنند. از این گذشته چشمه‌ها و کاریزها آبدهی خوبی دارند و تعداد کاریزهای سبزوار را در حدود ۱۹۰ رشته دانسته‌اند.

**کوهها:** ۱- کوه‌های اسفراین به نام هرده جوین (بلندی ۱۵۱۷ متر) و به طول ۱۴۶ کیلومتر ۲- رشته کوه‌های جغتای (به بلندی ۲۹۲۴ متر) که در ۲۴ کیلومتری شمال خاوری داورزن برپاست ۳- رشته ارتفاعات کوه میش که در ۲۳ کیلومتری سبزوار به طول ۹۰ کیلومتر و عرض ۴۰ کیلومتر (بلندی ۲۸۱۲ متر) حدود ۷۰ چشمه از این کوه‌ها روان می‌گردند ۴- کوه باغدشت که حد فاصل سبزوار - کاشمر و دارای بلندی ۲۴۸۳ متر می‌باشد.

**کان‌ها:** ۱- معدن مرمریت محمدآباد در ۶۱ کیلومتری جنوب سبزوار ۲- معدن کرومیت سرور در ۱۲ کیلومتری شمال خاوری سبزوار ۳- معدن سنگ ساختمانی در ۸۵ کیلومتری جنوب سبزوار - معادن سنگ آهک، گچ، منگنز نیز دارد.

**آب و هوا:** به طور کلی معتدل و خشک و به واسطه وسعت زیاد از آب و هوای سردسیری تا

گرمسیری دارد. در نواحی کوهستانی و دشتی آب و هوا متفاوت است در منطقه کوهستانی، معتدل و در منطقه کویری، بیابانی و گرم و میزان متوسط بارندگی سالانه حدود ۱۸۰ میلیمتر و درجه گرما در تابستان‌ها به ۴۳/۵ درجه و در زمستان‌ها به ۱۰/۵۰ درجه زیر صفر می‌رسد.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش خراسانی، ترکی و کردی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز و تاغ

**گیاهان دارویی و صنعتی:** کاسنی، شاه تره، پونه، خاکشی، بومادران، آویشن، گل ختمی و گون کتیرا

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، گراز، آهو، قوچ، میش، بز کوهی، کفتار، گورخر، کبک، سینه سیاه و تیهو

**اقتصاد:** بر کشاورزی و دامداری و صنعت استوار می‌باشد. باکمی آب و شوری خاک، کشاورزی به شیوه سنتی و گه گاه مدرنیزه بازدهی خوبی دارد. دامداری نیز دارای اهمیت است. نوع کشت بیشتر آبی است. بیشتر گندم، جو، زیره و هندوانه به صورت دیم به عمل می‌آید.

در شمال سبزوار کوه‌هایی چند سر برافراشته که دشت جوین را از دشت سبزوار جدا می‌کند. این کوه‌ها دنباله جنوبی ترین بلندی‌های رشته‌کوه‌های البرز است که به رشته اصلی نیشابور، در شمال سبزوار یعنی بینالود می‌پیوندد. بلندترین قله‌اش ۲۳۷۳ متر ارتفاع دارد. در جنوب شهرستان سبزوار، رشته کوه کومیش سر برافراشته که به سوی مغرب تا کناره کویر، در منطقه مزینان، از بلندیش کاسته می‌شود و در مشرق به ارتفاعات کوه سرخ می‌پیوندد. میان این کوه‌ها، دشت‌های حاصلخیزی وجود دارد که کشاورزی دیم یا با آب رودهای فصلی از قبیل رود کال شور صورت می‌گیرد. ایرج ایرج افشار سیستانی

بلندی شهر سبزوار از سطح دریا ۹۶۰ متر و فاصله‌اش تا مشهد ۲۲۸ کیلومتر است. رود کال شور از ۵ کیلومتری شهر سبزوار می‌گذرد و کوه سیاب به بلندی ۲۰۰۰ متر در ۷ کیلومتری شهر سبزوار سربرافراشته است.

برای تثبیت شن‌های روان با ایجاد جنگل‌های مصنوعی با کاشتن درختان تاغ، اسکنبیل و گز و طرح مالچ پاشی اقداماتی صورت گرفته تا مانع به زیر رفتن روستاهای این سامان به زیر شن شود.

منابع آب کشاورزی ۱ـ کاریزها ۲ـ چاه‌های ژرف ۳ـ چشمه‌ها ۴ـ رودها

دو منطقه مهم کشاورزی در شهرستان سبزوار معروف است ۱ـ منطقه دشت سبزوار ۲ـ منطقه دشت جوین

دامداری نیز بیشتر سنتی در کنار کشاورزی و چرای دام در مراتع، از این گذشته گاوداری به شیوه صنعتی در سبزوار در حال گسترش است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، زیره، چغندر قند، هندوانه، پنبه، خربزه، کنجد، بنشن، ارزن، انگور، آلو، زردآلو، گیلاس و گلابی - دام و فرآورده‌های دامی

**صنعت:** ۱ـ صنایع دستی: قالی‌بافی، پارچه‌بافی، گلیم‌بافی، کرباس‌بافی، کوزه‌گری و پلاس‌بافی ۲ـ صنایع کارخانه‌ای: سنگبری، موزائیک‌سازی، آجرسازی، قند سازی، پنبه‌پاک‌کنی، نخ‌تابی، پلاستیک‌سازی، ملامین‌سازی، ساخت قطعات فلزی، قالب‌سازی، ساخت ادوات کشاورزی، آردسازی، در و پنجره‌سازی، ۳ـ صنایع چوب

**سبزوار (بخش مرکزی):** از بخش‌های

شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر سبزوار است. و دارای ۴ دهستان ۱ـ رباط ۲ـ قصبه شرقی ۳ـ قصبه غربی ۴ـ کراب است.

**سرجام**: از دهستان‌های بخش احمدآباد شهرستان مشهد استان خراسان رضوی و مرکز آن ملک آباد است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه تخته چاه عباس و کوه قرمزی نمکسار و کوه قره کمر در آن قرار دارد و رودکال تکروک و قرتکن در آن جریان دارد و کان گچ

**فرآورده‌ها**: گندم، جو و فرش با طرح‌های بلوچی و ترکمنی و نقش هفت رنگ

**پوشش گیاهی**: درمنه و گیاهان مرتعی

**جانوران**: روباه، خرگوش و کبک

**سرخس**: از شهرستان‌های استان خراسان رضوی است که از شمال و خاور به کشور جمهوری ترکمنستان، از جنوب به جنت‌آباد (از بخش‌های شهرستان تربت‌جام) و از باختر به احمدآباد و کلات (از بخش‌های شهرستان مشهد) محدود می‌باشد.

**تقسیمات کشوری**: مرکز آن شهر سرخس دارای دو بخش ۱ـ مرکزی دارای ۳ دهستان (۱ـ تجن ۲ـ سرخس ۳ـ خانگیران) ۲ـ مرزداران است.

**رودها**: ۱ـ هریرود ۲ـ کشف رود که در اقتصاد منطقه نقش بس ارزنده‌ای دارند.

**کوه‌ها**: شهرستان سرخس جلگه‌ای است، تنها در مناطق جنوبی این شهرستان کوه‌های مزدوران می‌باشد، این کوه‌ها تا آق دربند و پل خاتون کشیده شده.

**آب و هوا**: معتدل و خشک، چون سرخس در مرز ناحیه آب و هوایی صحرایی قره‌قوم و اقلیم نیمه‌صحرایی بخش‌هایی از خراسان قرار دارد، از خصوصیات هر دو بخش به شکلی متأثر است، روی هم رفته سرخس از نواحی مجاور غربی خود چون مشهد بسیار گرم‌تر است. هم در تابستان و هم در زمستان از این رو یک منطقه قشلاقی در شمال خراسان است. میزان متوسط بارندگی سالانه این شهرستان حدود ۲۰۰ میلیمتر است با این حال در برخی سال‌ها حدود ۱۰۰ و گاهی تا ۳۵۰ میلیمتر متغیر است.

**بادها**: به طور کلی بادهای غربی و شمال غربی که بیشتر در نیمسال ملایمی وزد برای سرخس حامل رطوبت است. بادهای شرقی و شمال شرقی در نیمسال گرم می‌وزد و باعث خشکی هوا می‌شود.

**منابع آب**: ۱ـ آب‌های باران ۲ـ آب‌های سطحی ۳ـ آب‌های زیرزمینی از جمله چشمه، کاریز و چاه مهمترین آب سطحی سرخس رود تجن است. این رود از پیوستن کشف رود و هریرود پدید می‌آید. برکه‌ها نیز منبع آب دامداران است که از اواخر خرداد خشک می‌شود. سرخس دیروز و امروز - دکتر عباس سعیدی

**نژاد و زبان**: اختلاطی از آریایی و زردند و به زبان فارسی، بلوچی و ترکی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها**: درختان ارس، پسته کوهی و بادام کوهی - گیاهان دارویی و صنعتی: خاکشی، کلپوره، گل ختمی، درمنه ترکی، شاه تره و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران و پرندگان**: گرگ، روباه، شغال، خرگوش، آهو، خوک، کفتار و کبک

**اقتصاد**: بر پایه کشاورزی، دامداری و قالیچه‌بافی استوار است. کشاورزی به شیوه صنعتی و مکانیزه و نوع کشت ۸۰٪ آبی می‌باشد که از رود، کاریز،

چاه ژرف بهره می‌جویند. دامداری به شیوه سنتی یا به صورت ییلاق و قشلاق انجام می‌شود. قالی و قالیچه در این شهرستان اهمیت بسزایی بر بالا بردن سطح درآمد مردم دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، تره‌بار، سیب، گیلاس، آلبالو، گردو، انگور، توت، انار، انجیر، بنشن - دام و فرآورده‌های دام - قالی و قالیچه - فرهنگ جغرافیایی

دارای حدود ۶۱۰۰ کیلومتر مربع مساحت و در فاصله ۱۸۰ کیلومتری شرق مشهد قرار دارد.

منطقه سرخس در گوشه شمال شرقی ایران، در مجاورت مرز ترکمنستان تقریباً میان دو نصف‌النهار ۳۰-۶۰ و ۱۵-۶۱ درجه شرقی و بین دو مدار ۳۶ و ۴۰-۳۶ درجه شمالی قرار گرفته است. حد طبیعی منطقه را در جنوب رودخانه کشف رود حد شرقی را رودخانه تجن و حدود طبیعی غربی و جنوب غربی را آخرین امتدادهای بلندی‌های کپت داغ مشخص می‌دارد.

مهم‌ترین مرکز شهری و اداری این منطقه شهر سرخس است که تحولات آن را در طول تاریخ پرنشیب و فرازش شده. سرخس شهری است کوچک با جمعیتی اندک ولی در عین حال قسمت عمده ساکنان دهستان سرخس را به خرد جلب کرده است.

محیط کم مایه منطقه سرخس و بهره‌برداری نامتناسب و ابتدایی دو عامل عمده مهاجرت جمعی از سرخسیان به خارج به شمار می‌آید.

ویژگی جالب منطقه سرخس در این است که در حد فاصل حاشیه خارجی بیابان قراقوم با لبه فلات ایران قرار گرفته است و از دو سوی به بستر دو رودخانه محلی کشف رود و تجن محدود می‌گردد.

در این جا بلندی‌های فلات ایران با شیب نسبتاً تندی کاهش می‌یابد و بخش عمده‌ای از سرزمین سرخس در امتداد این شیب گسترده شده است.

در این سرزمین وسیع تشکیلات رسوبی دوران دوم زمین‌شناسی دوره‌های ژوراسیک و کرتاسه بیشتر به شکل سنگ آهک و مارون و شیل، دوران سوم زمین‌شناسی - دوره‌های ائوسن، الیگوسن، میوسن، بیشتر به شکل آهک، ماسه و کنگلومرا و مارن و دوران چهارم زمین‌شناسی - پلیوستوسن و زمان‌های جدیدتر بیشتر به صورت قلوه‌سنگ و کنگلومرا و تشکیلات آبرفتی دیده می‌شوند.

**آب و هوا:** منطقه سرخس در مرز ناحیه آب و هوایی بیابانی قراقوم و اقلیم نیمه بیابانی بخش‌هایی از خراسان قرار دارد و از خصوصیات هر دو بخش به شکلی متأثر است تمیز این که ناحیه را جزء کدام یک از این دو بدانیم کار آسانی نیست. احمد حسین عدل با توجه به رستنی‌های محل منطقه سرخس را جزء اقلیم بیابانی BW یا دقیق‌تر BWSAK تشخیص داده است. دکتر گنجی با الهام از کوپن در تقسیمات اقلیمی ایران آب و هوای سرخس را با بخش مهمی از آب و هوای نیمه صحرایی خراسان در یک گروه قرار داده‌اند.

کمی بلندی ناحیه سرخس و مجاورت منطقه با بیان قراقوم در پدید آمدن آب و هوایی خاص در آن مؤثر است. روی هم رفته سرخس از نواحی مجاور غربی خود چون مشهد بسیار گرم‌تر است - هم در تابستان و هم در زمستان - از این رو به منزله یک منطقه قشلاقی در شمال خراسان برای چرای گوسفندان به شمار می‌آید.

**ریزش باران:** به طور متوسط سالانه ۲۰۰ میلی‌متر

باران در این سامان می‌بارد، با این حال گاه در سال ۱۰۰ و گاه تا ۳۵۰ میلیمتر باران می‌بارد و این اختلاف مایه از میان رفتن مراتع و مزارع یا رشد بیش از حد انتظار می‌رود.

منطقه سرخس، زمستانی نسبتاً ملایم دارد و تعداد روزهای یخبندان ۷۰ روز است.

**بادها**: بادهای غربی و شمال غربی بیشتر در نیم‌سال ملایم می‌وزد. برای سرخس رطوبت و بارندگی می‌آورند. بادهای شرقی و شمال شرقی که بیشتر در نیم‌سال گرم می‌وزند مایه خشکی و شدت گرما می‌شوند.

**منابع آب**: ۱ـنزولات آسمانی ۲ـآب‌های سطحی ۳ـ محصولات کشاورزی و دامپروری آن گندم، جو، پنبه، چغندرقند و صیفی‌جات و دام و محصولات دامی باشد.

ناحیه‌ای که شهر سرخس در آن وقع است در مرکز تقریبی خراسان بزرگ و به قول گیرشمن «در چهار راه اقوام» قرار داشته، شرایط اقلیمی خراسان قدیم ایجاب می‌کرد که راه‌های شرقی و غربی از ناحیه سرخس بگذرد زیرا مرکز خراسان شمالی را بیابان‌های خشکی فراگرفته بود که بخش‌های آباد رادر شرق و غرب آن از هم جدا می‌کرد. سرخس در مدخل بخش غربی در حد فاصل میان مرو و نیشابور واقع بود.

**پوشش گیاهی**: ناحیه سرخس تحت تأثیرات آب و هوای نیمه استپی و جنس خاک و پستی و بلندی دارای پوشش گیاهی گوناگونی است. از مطالعات کلی بر می‌آید به دو گروه پوشش گیاهی می‌توان اشاره کرد: ۱ـ جنگل: درختان جنگلی سرخس از جامعه پسته می‌باشد. جنگل‌های پسته سرخس از منتهی‌الیه شمال غربی تا جنوب شرقی ناحیه ممتد است و یک نوار باریک در ارتفاع جنوب شرقی ناحیه ممتد است و یک نوار باریک در ارتفاع حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ متر به طور منقطع گسترده است. منطقه جنگلی تحت تأثیر اقلیم خشنی با تابستان‌های گرم و خشک و زمستان‌های بسیار سرد است.

**درختان**: غیر از درخت پسته، درختچه‌های دیگر از جمله بادام کوهی، درختچه گز و قیچ می‌باشد.

۲ـ مرتع‌های وسیعی در سرخس وجود دارد که مراتع جلگه‌ای از سطح دریا تا ۷۰۰ متر و مراتع زمستانی از ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ متر و مرتع بهاره بلندی دارند.

مراتع زمستانی از نوع جامعه استپی درمنه و گون می‌باشد. کشاورزی آبی بیشتر در کرانه رود کشف رود، رود تجن به صورت نوار باریکی است. البته کشت آبی متکی به آب‌های زیرزمینی از قبیل چاه، کاریز و چشمه است.

باغداری نیز در سرخس سهمی عمده در اقتصاد این سامان دارد. کتاب سرخس دیروز و امروز - دکتر عباس سعیدی

جلگه سرخس از لحاظ مراتع و دامداری منطقه‌ای غنی است و یکی از مراکز مهم پرورش گوسفند قره‌گل است. دنباله مراتع سرخس در جنوب به مراتع تربت جام و تایباد و مرز افغانستان می‌پیوندد. مراتع سرخس قشلاقی و گیاهان آن کم دوام ولی مرغوب است که به چهل روزه مشهور است. مساحت این جلگه ۵۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد.

**سرخس**: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سرخس استان خراسان رضوی و مرکز آن کندکلی است.

**آب و هوا:** معتدل و خشک، چون سرخس در مرز ناحیه آب و هوایی صحرایی قره‌قوم و اقلیم نیمه‌صحرایی بخش‌هایی از خراسان قرار دارد، از خصوصیات هر دو بخش به شکلی متأثر است، روی هم رفته سرخس از نواحی مجاور غربی خود چون مشهد بسیار گرم‌تر است. هم در تابستان و هم در زمستان از این رو یک منطقه قشلاقی در شمال خراسان است. میزان متوسط بارندگی سالانه این شهرستان حدود ۲۰۰ میلیمتر است با این حال در برخی سال‌ها حدود ۱۰۰ و گاهی تا ۳۵۰ میلیمتر متغیر است.

**سرخس (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان سرخس استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر سرخس است. و دارای ۳ دهستان ۱- تجن ۲- سرخس ۳- خانگیران است.

**سرولایت:** از دهستان‌های بخش سرولایت شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن عبدالله‌گیو است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار و کوه کمرسیاه و کوه زردبلند قرار دارد و رود شور که از کوه آق کمر سرچشمه می‌گیرد در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، تره‌بار، زردآلو، سیب و انگور

**پوشش گیاهی:** درخت بادام کوهی، خاکشی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، آهو، گرگ، روباه و شغال

**سرولایت (بخش):** از بخش‌های شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی است که از شمال به شهرستان قوچان، از خاور به شهرستان چناران، از جنوب خاوری به حومه نیشابور و از جنوب به بخش تخت جلگه و از باختر به شهرستان‌های سبزوار و اسفراین محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز بخش سرولایت چکنه دارای دو دهستان ۱- سرولایت ۲- بینالود است.

**رودها:** رودهای فصلی بیشماری از کوه‌های اطراف سرچشمه گرفته و در زمین‌های سرولایت روان است مانند ۱-کال شور ۲-کال ینگجه ۳-رود سر ولایت، این رود اخیر به رود دائمی جوین می‌پیوندد.

**کوه‌ها:** ۱- رشته کوه‌های آلاداغ در جنوب خاوری ۲- رشته کوه‌های برزنون در شمال باختری (بلندترین قله ۲۵۳۰ متر) جلگه‌ها و مراتعی چون جلگه مشکان، چراگاه کلیدر

**آب و هوا:** معتدل متمایل به سرد و خشک

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی و ترکی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان پسته کوهی، بادام کوهی - گیاهان دارویی و صنعتی: گل گاوزبان، گل ختمی، بومادران، شاه تره، آویشن، روناس و گون کتیرا

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، گراز، بزکوهی، پلنگ، کبک و سیاه سینه

**اقتصاد:** بر کشاورزی، دامداری و صنایع دستی استوار است. کشاورزی از گذشته‌های دور تاکنون به صورت کشت آبی و کشت دیم صورت می‌گرفت.

**منابع آب:** رود، کاریز، چشمه‌ها و چاه‌های ژرف - دامداری نیز از منابع مهم درآمد مردم این سامان می‌باشد. قالی‌بافی، گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی هم گروهی از مردم را سرگرم کار نموده است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، سیب، گردو، گلابی، گیلاس و زردآلو - دام و فرآورده‌های دامی

چون پشم و پوست و فرآورده‌های شیری
**صنایع دستی:** قالی، قالیچه، گلیم، جاجیم
**سفیدسنگ:** از دهستان‌های بخش قلندرآباد شهرستان فریمان استان خراسان رضوی و مرکز آن سفیدسنگ است.
**سلامی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خواف استان خراسان رضوی و مرکز آن سلامی است.
**سلطان آباد:** از دهستان‌های بخش خوشاب شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن سلطان‌آباد است.
**سلیمان:** از دهستان‌های بخش جلگه‌زاوه شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن چخماق است.
**سنگان:** از بخش‌های شهرستان خواف استان خراسان رضوی و دارای دو دهستان ۱ـ پایین خواف ۲ـ بستان است.
**سنگ بست:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فریمان استان خراسان رضوی و مرکز آن سنگ‌بست است.
**سنگر:** از دهستان‌های بخش فاروج شهرستان قوچان استان خراسان رضوی و مرکز آن ینگی قلعه است.
**سودلانه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان قوچان استان خراسان رضوی و مرکز آن علی‌آباد است.
**شامکان:** از دهستان‌های بخش ششتمد شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن شامکان است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار و کوه آوش در آن قرار و رود کال شور در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، سنجد و فرش
**پوشش گیاهی:** خاکشی، شاه تره و گیاهان مرتعی
**جانوران:** آهو، شغال، گرگ، روباه، تیهو و کبک
**شاندیز:** از دهستان‌های بخش طرقبه شهرستان مشهد استان خراسان رضوی و مرکز آن ارچنگ است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و رود زشک که از کوه بینالود سرچشمه گرفته در این دهستان جریان و کوه گنگ در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، بنشن، سیب، گیلاس، گلابی، گردو، آلبالو و فرش
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، خاکشی و شاه تره و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال
**شاه جهان:** از دهستان‌های بخش فاروج شهرستان قوچان استان خراسان رضوی و مرکز آن مایوان است.
**ششتمد (بخش):** از بخش‌های شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به شهر سبزوار و بخش داورزن، از خاور به تخت جلگه (از بخش‌های شهرستان نیشابور) از جنوب خاوری به بخش کوه سرخ (از بخش‌های شهرستان کاشمر) و از جنوب به برداسکن (از شهرستان‌های استان خراسان) و از باختر به بیارجمند (از بخش‌های شهرستان شاهرود) محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر ششتمد، دارای ۴ دهستان ۱ـ بیهق ۲ـ تکاب کومیش ۳ـ ربع شامات ۴ـ شامکان است.
**رودها:** رود فصلی کال ششتمد از جمله رودهای فصلی روان در این بخش است.
**کوه‌ها:** ۱ـ کوه تیغ سفید ۲ـ کوه دزده ۳ـ کوه پرآباد

در خاور ۴ـ کوه میش ۵ـ کوه بهارستان ۶ـ کوه سفید در شمال ۷ـ کوه نمک ۸ـ کوه نکسار در خاور و شمال ۹ـ کوه چاه نی ۱۰ـ کوه چهل قانی ۱۱ـ کوه بیدک ۱۲ـ کوه گزوی میان این کوه که گاه دشت‌هایی نیز وجود دارد.

**آب و هوا:** معتدل و خشک

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش سبزواری سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** گیاهان دارویی و صنعتی: ۱ـ گل گاوزبان، گل زرتا، دمکو استاقدوس و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام به حد کافی

**جانوران و پرندگان:** گرگ، شغال، روباه، آهو، کبک و سینه سیاه

**اقتصاد:** بر کشاورزی، باغداری، دامداری و فرشبافی استوار است. کشاورزی و باغداری در گذران زندگی این سامان نقش مهمی دارد. آب کشاورزی بیشتر از رود، کاریز و چاه ژزرف، دامداری ۳۰٪ درآمد را تشکیل می‌دهد - فرش بافی هم منبع درآمد خوبی برای اهالی است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، زیره، پنبه، زردآلو، آلو، بادام، سیب، گلابی، انگور و تره‌بار، دام و فرآورده‌های دام قالی و قالیچه

**ششطراز:** از دهستان‌های بخش خلیل‌آباد شهرستان کاشمر استان خراسان رضوی و مرکز آن کندر است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، زیره، پنبه، انگور، انار و فرش با طرح کاشانی و نقش تخت جمشیدی

**پوشش گیاهی:** شاه تره، خاکشی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال

**شهرستانه:** از دهستان‌های بخش نوخندان شهرستان درگز استان خراسان رضوی و مرکز آن برج قلعه است.

**شیرین دره:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان قوچان استان خراسان رضوی و مرکز آن مزرج است.

**صالح آباد:** از بخش‌های شهرستان تربت جام استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر صالح‌آباد است. و دارای چهار دهستان ۱ـ صالح‌آباد ۲ـ باغ کشمیر ۳ـ جنت‌آباد ۴ـ قلعه حمام است.

این بخش در دشت بزرگ صالح‌آباد ایجاد گشته، آب و هوای آن معتدل و خشک و بیشترین درجه گرما ۳۸ درجه در بالای صفر و در زمستان‌ها تا ۱۱ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه به طور متوسط ۲۰۰ میلی‌متر است.

صالح‌آباد نخست زورآباد نام داشت تا این که در حدود صدسال پیش شخصی به نام صالح در جنوب زورآباد منطقه دیگری ساخت و بعدها این جا را صالح‌آباد نامیدند.

**فرآورده:** گندم، جو، پنبه، زیره، تره‌بار، زردآلو، بادام و قالیچه و پشم

**پوشش گیاهی:** کلپوره، آویشن، شاه تره، گل زونا، کاکوتی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، گراز، روباه، خرگوش و کبک

**صفائیه:** از دهستان‌های بخش جلگه زاوه شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن دولت‌آباد است.

**طاغنکوه:** از دهستان‌های بخش تخت جلگه شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن همت‌آباد است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار و کوه بتو در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، چغندرقند، پنبه،

زردآلو، سیب، انگور، گیلاس، گردو، بادام و فرش
**پوشش گیاهی:** خاکشی، اسپند، بـایرام بـوئی و گیاهان مرتعی
**جانوران:** کفتار، گرگ، آهو، بزکوهی، قوچ، میش، روباه، شغال و کبک
**طبس:** از دهستان‌های بخش خوشاب شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن شم آباد است. و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه سیاه و کوه چشمه آهو و کوه نوده در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، بنشن، بادام، تره‌بار، زردآلو، گوجه درختی، انگور، توت و فرش
**پوشش گیاهی:** خاکشی، گل گاوزبان، شاه تره و گیاهان مرتعی
**جانوران:** آهو، روباه، شغال و کبک
**طرقبه:** از بخش های شـهرستان مشـهد اسـتان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به شهرستان چناران، از خـاور بـه حـومه مشـهد، از جـنوب خاوری و جـنوب بـه احـمدآباد (از بـخش‌های شهرستان مشهد) و از باختر به شهرستان نیشابور محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر طرقبه، دارای ۲ دهستان ۱ـ شاندیز ۲ـ طرقبه است.
**رودهـا:** رودهـای فـصلی بسیار کـه هـمگی از شاخابه‌های کشف رودند در بخش طرقبه روانند.
**کوه‌ها:** از دو منطقه جلگه‌ای در شمال و کوهستانی در جنوب باختری و باختر پدید آمده چه‌کوه‌های بینالود حد فاصل شهرستان‌های مشهد و نیشابور در بخش طرقبه قرار گرفته.
جلگه شمالی یا جلگه طوس دارای منابع فراوان از روزگاران گذشته بوده، از جاهای سرسبز و خرم و پرنعمت خراسان به شمار می‌رفته
**کان‌ها:** فیروزه و طلا
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فـارسی بـا گویش محلی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان بادام کوهی، پسته کوهی، کاج جنگلی و تاغ -گیاهان دارویی و صنعتی: شاه تره، گل زونا، گل ختمی، گل گاوزبان، خاکشی، درمنه، کاسنی، روناس، گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام به مقدار فراوان
**اقتصاد:** بر پایه باغداری و قالی‌بافی و دامداری استوار می‌باشد پرورش درختان مـیوه فـعالیت اصلی مردم این سامان است. دامداری نیز دومین اشتغال اهالی و از منابع مهم درآمد بخش طرقبه می‌باشد، قالی‌بافی هم از فعالیت‌های اقـتصادی طرقبه است، از این گذشته در اطراف مرکز بخش مرغداری‌های بزرگی دایر می‌باشد.
**منابع آب کشاورزی:** رود، چشمه‌ها و چـاه‌های ژرف است.
**فرآورده‌ها:** آلو، سیب، گیلاس، آلبالو، هلو، انگور - دام و فرآورده‌های دامی و قالی بـا نـقش‌های جالب می‌باشد.
**طرقبه:** از دهستان‌های بخش طـرقبه شـهرستان مشـهد اسـتان خـراسـان رضـوی و مـرکز آن حصارگلستان است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، سیب، تره‌بار، گلابی، گردو و توت
**پوشش گیاهی:** شاه تره، خاکشی و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال
**طوس:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مشهد استان خراسان رضوی و مرکز آن کاظم‌آباد است.

**عشق‌آباد**: از دهستان‌های بخش میان جلگه شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن عشق‌آباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و رود کال شور در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها**: گندم، جو، پنبه، زیره، تره‌بار و فرش
**پوشش گیاهی**: خاکشی، اسپند و گیاهان مرتعی
**جانوران**: آهو، گرگ، کفتار، روباه، شغال و کبک
**غزالی**: از دهستان‌های بخش میان جلگه شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن فدیشه است.
**فاروج**: از بخش‌های شهرستان قوچان استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر فاروج دارای چهار دهستان ۱ـ خبوشان ۲ـ سنگر ۳ـ شاه جهان ۴ـ فاروج است.
در ۱۱۰۰ متری از سطح دریا و در منطقه‌ای دشتی معتدل و خشک در ۳۰ کیلومتری شمال غربی قوچان و کنار جاده شیروان - قوچان قرار گرفته است.
**اقتصاد**: بر پایه کشاورزی، دامداری، باغداری و کارگری، پیشه‌وری و فرشبافی استوار است.
کشت، آبی و دیمی، آب کشاورزی و آشامیدنی از قنات و چاه فراهم گشته است.
**فرآورده‌ها**: گندم، جو، یونجه، انگور، سیب، زردآلو، گلابی، تره‌بار و بنشن و فرش
**پوشش گیاهی**: گیاهان دارویی و گل گاوزبان و گیاهان مرتعی برای چرای دام
**فاروج**: از دهستان‌های بخش فاروج شهرستان قوچان استان خراسان رضوی و مرکز آن چری است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه شاه داغ و کوه افجیر قرار دارد و رود کوران که از کوه‌های سومار سرچشمه می‌گیرد در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها**: گندم، جو، یونجه، زردآلو، سیب، گیلاس، گردو، بنشن، تره‌بار و دام و فرآورده‌های دامی.
**پوشش گیاهی**: گل زرد و گیاهان مرتعی
**جانوران**: روباه، گرگ، گراز، قوچ، میش
**فروغن**: از دهستان‌های بخش روداب شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن قلعه نو روداب است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و رود کال شور در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها**: گندم، جو، زیره، پنبه، سنجد و فرش
**پوشش گیاهی**: درخت گز، خاکشی، گل ختمی و گیاهان مرتعی
**جانوران**: آهو، گرگ، روباه، شغال
**فریمان**: از شهرستان‌های استان خراسان رضوی می‌باشد که از خاور، شمال و شمال باختری به بخش احمدآباد (از بخش‌های مشهد) و از جنوب خاوری به تربت جام، از جنوب به بخش حومه تربت حیدریه و از باختری به کدکن (از بخش‌های تربت حیدریه) محدود است و دارای ۳۳۵۰ کیلومتر مربع مساحت و در مشرق استان خراسان و در میان کوه‌های بلند قرار گرفته است.
شهر فریمان بر سر راه تربت جام - تایباد - اسلام قلعه و در ارتفاع ۱۳۹۰ متری از سطح دریا و در ۹۹ کیلومتری تهران و تا مرز افغانستان ۲۱۶ کیلومتر فاصله دارد. بندر فریمان که در ده کیلومتری شهر برافراشته شده آب آشامیدنی شهر را فراهم می‌کند.
**تقسیمات کشوری**: مرکز این شهرستان شهر فریمان، دارای دو بخش ۱ـ مرکزی دارای ۳

دهستان (۱ـ بالابند ۲ـ سنگ بست ۳ـ فریمان) ۲ـ قلندرآباد است.

**رودها:** رودهای فصلی بسیار و یک رود دایمی به نام فریمان در بخش فریمان روان است. رود فریمان در مسیرش به سوی شمال از کنار شهر فریمان می‌گذرد.

**کوه‌ها:** دو رشته کوه در شمال و جنوب بخش فریمان با جهت شمالی باختری – جنوب خاوری قرار دارد. رشته شمالی شامل ۱ـ کوه چاه کبوتر ۲ـ کوه دو چاهی ۳ـ حلچه سنگ پایین ۴ـ کمر زرد و بلندترین قله‌اش قله کوه شاهان (۲۰۴۵ متر) است. رشته کوه جنوبی ۱ـ کوه سیاه ۲ـ دره کمر ۳ـ فله بلور (۲۶۳۸ متر) ۴ـ قطار اولینک (۲۶۰۵ متر)

**کان‌ها:** ۱ـ معدن سنگ آهک ۲ـ معدن کرومیت (چهار معدن) ۳ـ معدن منیزیت پیازی در ۱۹ کیلومتری باختر ۴ـ معدن زغال‌سنگ در ۲۵ کیلومتری جنوب باختری

**آب و هوا:** معتدل متمایل به سرد

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش ویژه خراسانی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان، بنه –گیاهان دارویی: شاه تره، گل گاوزبان و گل نعنا

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام

**جانوران و پرندگان:** بز کوهی، روباه، شغال، خرگوش، گرگ، آهو، سینه سیاه و کبک

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و دامداری و صنایع دستی (فرش بافی و کرباس بافی) استوار است. از زمان تأسیس کارخانه قند بر رونق این شهر افزوده شده است.

کشاورزی پررونقی دارد. نوع کشت آبی و کشاورزی مکانیزه و آب کشاورزی از رودها، چشمه‌ها و چاه‌های ژرف و نیمه ژرف فراهم گشته

**فرآورده‌ها:** چغندر قند، گندم، جو، بنشن، تره‌بار، زیره، پنبه

دامداری به شیوه سنتی همواره با کشاورزی و دام‌ها، گوسفند، بز، گاو، اسب و طیور، فرآورده‌های دامی پشم، کرک، پوست و فرآورده‌های شیری

صنایع دستی قالی و قالیچه، پارچه‌های پشمی، شال گردن، جوراب و دستکش، تکه دوزی روی لباس

کارخانه قند فریمان در اشتغال‌زایی و ایجاد درآمد برای مردم فریمان از نقش ارزنده‌ای برخوردار و در ۸ کیلومتری شهرک فریمان قرار گرفته

**فریمان:** از دهستان‌های بخش مرکزی. شهرستان فریمان استان خراسان رضوی و مرکز آن فرهادگرد است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه قره قناتودر و کوه قلعه شیرا و کوه بندامیر و کان سنگ قرار دارد و رودکال ماغو در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، تره‌بار، بنشن

**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی

**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، گرگ، روباه، شغال، گراز، کبک و تیهو

**فریمان (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان فریمان استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر فریمان است. و دارای ۳ دهستان ۱ـ بالابند ۲ـ سنگ بست ۳ـ فریمان

**فضل:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن ابوسعیدی است.

**فیروزه:** از دهستان‌های بخش تخت جلگه

شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن قالیباف است.

**فیض آباد (بخش):** از بخش‌های شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال و شمال خاوری به بخش حومه تربت حیدریه، از خاور به بخش رشتخوار، از جنوب به گناباد و از باختر به کاشمر محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر فیض‌آباد، دارای دو دهستان ۱ـ ازغند ۲ـ مه‌ولات است.

**رودها:** ۱ـ کال خالمه یا آب فیض‌آباد از کوه علیشیر در شمال این بخش سرچشمه گرفته و پس از آبیاری مناطق شمالی در زمین‌های مرکزی این بخش فرو می‌ریزد. ۲ـ چند رود فصلی کوچک نیز در این بخش روان است.

**کوه‌ها:** تنها کوه این بخش، کوه گومبی است که در شمال باختری قرار گرفته در بخش‌های جنوبی و باختری بخش فیض‌آباد در مرکز دامن گسترده‌اند.

**آب و هوا:** معتدل و خشک

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** گیاهان دارویی: شاه تره، خاکشی، بومادران – پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کفتار

**قائن:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان قائنات استان خراسان رضوی و مرکز آن مهمویی است. و در منطقه‌ای معتدل خشک قرار و تپه جیل‌دار و کوه ماه‌پناهی در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو و فرش با طرح بلوچی و نقش گلدانی

**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال و کبک

**قاضی:** از دهستان‌های بخش سملقان شهرستان مانه و سملقان استان خراسان رضوی و مرکز آن قاضی است.

**قره‌باشلو:** از دهستان‌های بخش چاپشلو شهرستان درگز استان خراسان رضوی و مرکز آن چاپشلو است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، کنجد، بنشن، زردآلو، آلبالو، سیب و توت

**پوشش گیاهی:** خاکشی، بارهنگ و گل زرد و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، کفتار، گراز، روباه، شغال، آهو، بز کوهی و کبک

**قصبه شرقی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن ایزی است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و رود فصلی شومر در این دهستان جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، زیره، توت، سنجد و فرش

**پوشش گیاهی:** خاکشی، شاه تره و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، آهو، روباه، شغال، خرگوش

**قصبه غربی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن خسروگرد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، زردآلو، انار، انگور و گلابی

**پوشش گیاهی:** شاه تره، خاکشی، گل ختمی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** آهو، گرگ، روباه، شغال

**قلعه حمام**: از دهستان‌های بخش صالح‌آباد شهرستان تربت جام استان خراسان رضوی و مرکز آن جعفریه است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه پلنگی تپه‌های کوهک و کوه سفید در آن قرار دارد و رود باغ کشمیر در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها**: گندم، جو، زیره سبز، پنبه، تره‌بار و فرش با طرح ترکمنی، بلوچی

**پوشش گیاهی**: بومادران، خاکشی، شاه تره، گل گاوزبان و گیاهان مرتعی

**جانوران**: قوچ، میش، گرگ، روباه، بزکوهی و کبک

**قلندرآباد**: از بخش‌های شهرستان فریمان استان خراسان رضوی و دارای دو دهستان ۱ـ قلندرآباد ۲ـ سفید سنگ است.

**قلندرآباد**: از دهستان‌های بخش قلندرآباد شهرستان فریمان استان خراسان رضوی و مرکز آن قلندرآباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و کوه آقامیر در آن قرار و رود فصلی قلندرآباد در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها**: گندم، جو، چغندرقند، تره‌بار و فرش با طرح‌های بلوچی

**پوشش گیاهی**: گیاهان مرتعی

**جانوران**: گرگ، شغال، خرگوش و روباه

**قوچان**: از شهرستان‌های استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به کشور ترکمنستان، از خاور به شهرستان درگز و قسمتی از شهرستان چناران، از جنوب به سرولایت (از بخش‌های شهرستان نیشابور) و از باختر به شهرستان‌های اسفراین، شیروان و بجنورد محدود است.

شهرستان قوچان در منطقه‌ای کوهستانی قرار و از سطح دریا ۱۳۵۰ متر بلندی دارد.

شهر قوچان در مسیر راه آسفالته مشهد - بجنورد و در ارتفاع ۱۲۴۰ متری از سطح دریا و در فاصله هوایی ۶۶۵ کیلومتری تهران قرار دارد.

**تقسیمات کشوری**: مرکز این شهرستان شهر قوچان دارای ۲ بخش ۱ـ مرکزی دارای چهار دهستان (۱ـسودلانه ۲ـشیرین دره ۳ـدوغایی ۴ـ قوچان عتیق) ۲ـ باجگیران است.

**رودها**: رود اترک مناطق مرکزی شهرستان قوچان را با جهت خاوری - باختری آبیاری می‌کند. سرچشمه اصلیش بلندی‌های رویان در ۴۰ کیلومتری خاور قوچان است.

**کوه‌ها**: تنها جلگه‌ای باریک در اطراف رود اترک دارد و بقیه‌اش کوهستانی می‌باشد. ۱ـ کوه شاه جهان (بلندی ۳۳۵۰ متر) بلندترین قله رشته کوه‌های آلاداغ است. این کوه‌ها در منطقه باختری شهرستان قوچان سربرافراشته‌اند -کوه‌های کنجد خور و آق کمر با بلندی ۲۵۰۰ متر از جمله کوههایی هستند که سراسر این شهرستان را در بر گرفته‌اند.

**آب و هوا**: معتدل متمایل به سرد و نیمه مرطوب، در تابستان‌ها معتدل و در زمستان‌ها سرد می‌باشد.

**نژاد و زبان**: بیشتر آریایی نژادند و اندکی از نژاد زرد میان این مردم وجود دارد. بیشتر ایلات کرد مخصوصاً زعفرانلو بدین سرزمین کوچانیده شدند. به زبان فارسی، کردی و ترکی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها**: درختان ارس، ارغوان و برگ سوزنی - گیاهان دارویی و صنعتی: گل گاوزبان، کلپوره، خاکشی، شاه تره، کاسنی، گل ختمی، آنغوزه و گون کتیرا

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام‌ها به حد فراوان
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، بز کوهی، قوچ، میش، گراز، پلنگ، کبک و تیهو
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و صنایع دستی استوار است. به واسطه خاک خوب و تا حد امکان آبیاری مناسب از نظر کشاورزی اهمیت فراوانی دارد. از لحاظ دامداری شهرستان قوچان در استان خراسان در مقام اول است زیرا شرایط محیطی مناسبی برای پرورش دام وجود دارد و از گذشته‌های دور عده‌ای از مردم این سامان به پرورش دام از جمله گوسفند، بز و گاو، اسب، شتر و قاطر پرداخته‌اند. به واسطه رواج و گسترش دامداری قالیبافی، پوستین‌دوزی و نمدمالی از رونق برخوردار بوده است. از این گذشته صنایع کارخانه‌ای چندی از جمله: کارخانه تهیه خشکبار، چوب‌بری در این شهرستان فعالیت دارد.
**فرآورده‌ها:** چغندرقند، گندم، جو، تره‌بار، گیاهان علوفه‌ای، بنشن، سیب، به، آفتابگردان، گلابی، انار، انجیر، توت، بادام، گردو - دام و فرآورده‌های دامی و قالی، پوستین و وسایل نمدی - از کتاب اترکنامه
**قوچان (بخش مرکزی)** از بخش‌های شهرستان قوچان استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر قوچان است. و دارای ۴ دهستان ۱ـ سودلانه ۲ـ شیرین دره ۳ـ دوغائی ۴ـ قوچان عتیق است.
**قوچان عتیق:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان قوچان استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر کهنه است.
**کاخک:** از بخش‌های شهرستان گناباد استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر کاخک دارای دو دهستان ۱ـ زبید ۲ـ کاخک است.

در بلندی ۱۶۰۰ متر از سطح دریا، در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک، در ۲۴ کیلومتری جنوب گناباد و در کنار جاده گناباد - کاخک قرار دارد. رود فصلی کاخک از مشرق این منطقه می‌گذرد و کوه کمرخید در ۴ کیلومتری جنوب شرقی آن سر برافراشته است.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، باغداری، دامداری و فرشبافی استوار است.
کشت، آبی و دیمی، آب کشاورزی و آشامیدنی از قنات چشمه و چاه فراهم گشته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ارزن، زعفران، تره‌بار، چغندرقند، بنشن، یونجه، شبدر، زردآلو، گردو، بادام، توت، انجیر، انگور، آلو زرد، آلبالو و گیلاس
**پوشش گیاهی:** گیاهان دارویی: شاه تره، درمنه و پوشش گیاهی برای چرای دام
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش، قوچ، میش و کبک
**کاخک:** از دهستان‌های بخش کاخک شهرستان گناباد استان خراسان رضوی و مرکز آن مرغش است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه کمرخید در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، چغندرقند، تره‌بار، ارزن، زیره، زعفران، زردآلو، بادام، انگور، انار، انجیر، توت، سنجد و سیب و فرش با نقش کشمیری شیرنشان
**پوشش گیاهی:** کلپوره، شاه تره، آویشن، گل زونا، کاکوتی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، آهو، خرگوش، قوچ و میش، بز کوهی و کبک
**کارده:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مشهد استان خراسان رضوی و مرکز آن کارده است.

**کاریزان:** از دهستان‌های بخش نصرآباد شهرستان تربت‌جام استان خراسان رضوی و مرکز آن کاریزنو است.

**کاشمر:** از شهرستان‌های استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به بخش ششتمد (از بخش‌های سبزوار) از خاور به تربت حیدریه از جنوب به گناباد و از باختر به بیارجمند (از بخش‌های شهرستان شاهرود) محدود است، این شهرستان حدود ۱۵ هزار کیلومتر مربع مساحت و در غرب استان خراسان قرار دارد.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر کاشمر دارای ۲ بخش ۱ـ مرکزی دارای دو دهستان (۱ـ بالاولایت ۲ـ پایین‌ولایت) ۲ـ کوهسرخ است.

شمال این شهرستان کوهستانی و جنوب جلگه‌ای حاصلخیز و دارای باغ‌های میوه است. گویند درخت سرو کهنسالی در کاشمر که خود زرتشت آن را کاشته بود و متوکل آن را قطع کرد، وجود داشت.

**رودها:** ۱ـ کال شش تراز و رودهای فصلی، رود کال شش تراز از کوه کمر سیاه در بخش کوه سرخ روان گشته و پس از آبیاری بخش گسترده‌ای از شهرستان کاشمر در برداسکن فروکش می‌کند.

**کوه‌ها:** مناطق شمالی کوهستانی، بخش‌های مرکزی و جنوبی جلگه‌ای ۱ـ کوه گورتیخو ۲ـ قله توت ۳ـ کوه تک حوض ۴ـ کوه باغدشت (بلندی ۲۴۸۳) ۵ـ کوه کمرسفید ۶ـ کوه کمرسیاه ۷ـ کوه اوریا ۸ـ کوه سیاه

گردنه شترها در ۱۷ کیلومتری شمال کاشمر و در کوه سیاه قرار گرفته است.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش کاشمری سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درخت بنه - گیاهان دارویی: ترنجبین، خاکشی، شاه تره، کلپوره، گل زوفا - پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران و پرندگان:** شغال، روباه، گرگ، آهو، گورخر و کبک

**اقتصاد:** بر پایه فرش بافی، کشاورزی، دامداری استوار است. بیشترین رقم درآمد مردم شهرستان کاشمر از محل فروش فرش‌های دست‌بافت می‌باشد. کشاورزی پس از فرش‌بافی منبع درامد اهالی است. نوع کشت آبی از چاه‌های ژرف و نیمه ژرف، کاریزها و چشمه‌ها

دامداری سومین منبع درآمد مردم است که گاو و گوسفند و بز و طیور پرورش می‌دهند.

**فرآورده‌ها:** انواع قالی و قالیچه در طرح‌های جالب -گندم، جو، پنبه، چغندرقند، تره‌بار، توت، انار، انگور، سیب و زیره - دام و فرآورده‌های دامی

کاشمر سابقاً ترشیز نام داشت، این شهرستان به واسطه وجود پستی‌ها و بلندی‌ها در نقاط مختلف دارای آب و هوای متغیر است که حداکثر گرما به ۴۱/۲ و حداقل ۵ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. میزان بارندگی آن ۱۹۵ میلی‌متر است.

**آثار باستانی و تاریخی ترشیز:** ۱ـ مقبره یا برج علی‌آباد که در ۵ کیلومتری شمال جاده خلیل‌آباد به برداسکن و در دامنه کوه‌علی برافراشته شده شکل برج مناره مانند برجی است که منظره خارجی آن را ۴۸ ترک آجری تشکیل می‌دهد و دارای ۱۲ قاب آجری مزین به اشکال لوزی است. گنبد آجری آن مخروطی شکل و دو پوشه است. شکل داخلی بنا ۸ گوش و محیط داخلیش ۲۲ و محیط

خارجی آن ۴۲ متر است ساخت آن را از قرن هفتم دانسته‌اند.

۲ـ مسجد جامع کاشمر که از آثار برجسته‌ای است. تنها ایوان مسجد که به صحن شمالی گشوده می‌شود پانزده متر بلندی دارد و دهنه آن بیش از ده متر است در طرفین ایوان دو شبستان وجود دارد. پوشش‌ها ضربی و ستون‌ها اغلب حجیم و قطر ستون‌ها بیش از ۵ متر و ارتفاع آن‌ها کمتر از ۳ متر است.

**کاشمر (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان کاشمر استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر کاشمر است. و دارای دو دهستان ۱ـ بالا ولایت ۲ـ پایین ولایت است.

**کاه:** از دهستان‌های بخش داورزن شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن صدخرو است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه قلعه در آن قرار و رود فصلی شور جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، زیره، پنبه، زردآلو، توت، انار، انگور و فرش

**پوشش گیاهی:** گل ختمی، خاکشی، گل گاوزبان و گیاهان مرتعی

**جانوران:** آهو، گرگ، روباه، شغال

**کبود گنبد:** از دهستان‌های شهرستان کلات استان خراسان رضوی و مرکز آن جلیل آباد است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار و رود چرم سورکه از دامنه‌های شمالی رشته کوه‌های هزارمجسد سرچشمه می‌گیرد در این کوهستان جویان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، زیره، تره‌بار، بنشن، گردو و فرش

**پوشش گیاهی:** خاکشی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گراز، گرگ، روباه، شغال، خرگوش

**کبیر:** از دهستان‌های بخش جلگه زوزن شهرستان خواف استان خراسان رضوی و مرکز آن ابراهیمی است.

**کدکن:** از بخش‌های شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به نیشابور، از شمال خاوری و خاور به شهرستان مشهد، از جنوب به حومه تربت حیدریه و از باختر به بخش کوه سرخ (از بخش‌های کاشمر) است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر کدکن، دارای دو دهستان ۱ـ کدکن ۲ـ رقیچه است.

رودهای فصلی: ۱ـ رود شور ۲ـ رود استیز ۳ـ رود چشمه پونه در این بخش روان هستند.

**کوه‌ها:** به جز بخش‌هایی از مناطق شمالی، بیشتر نواحی بخش کدکن کوهستانی است. بلندترین ارتفاعات: ۱ـ در جنوب و باختر کوه‌های چل تن ۲ـ مول گوه ۳ـ کوه شصت دره ۴ـ یورقی ۵ـ تیغه سرخ، در باختر ۶ـ کوه سنگ سفید ۷ـ جغدر و گچی ۸ـ در شمال خاوری ۹ـ کوه‌های پیازی ۱۰ـ ارتیغ در شمال ۱۱ـ کوه سفید گلبو

**کان‌ها:** معادن گچ، سنگ، سیلیس، سنگ آهک، کرومیت، سنگ مرمر سفید، مس، سرب، سنگ آهن، سنگ نسوز، سنگر مرمر در ۲۰ کیلومتری شمال کدکن و کرومیت در ۳۰ کیلومتری خاور کدکن استخراج می‌شوند.

**آب و هوا:** معتدل متمایل به سرد

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان زبان گنجشک - گیاهان دارویی و صنعتی: شاه تره، گل زوفا، گل گاوزبان، درمنه ترکی، ترنجبین و گون کتیرا - پوشش گیاهی

برای چرای دام
**جانوران و پرندگان:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش، آهو، بزکوهی و قوچ کوهی
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و فرش بافی استوار است. کشاورزی بیشتر به شیوه سنتی و نوع کشت به واسطه فراوانی آب آبی و منابع آب کشاورزی کاریزها، رودها می‌باشد.

دامداری به شیوه سنتی به واسطه وجود چراگاه‌های طبیعی پردرآمد و پررونق است. فرش بافی، بیشتر قالیچه‌بافی از اهمیت فراوانی برخوردار و به واسطه طرح‌ها و نقش‌های جالب از جمله هفت کله، ترنج دارای خریداران فراوانی می‌باشد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، چغندرقند، زردآلو، آلو، گوجه، سیب، بادام، گردو، گلابی، گیلاس، هلو و انگور و دام و فرآورده‌های دامی
کدکن پیشینه دوری در تاریخ دارد و حداقل از اوایل قرن ششم در عرصه سیاست و فرهنگ حضور داشته است.

کوه‌هایی که برس و کدکن را در دامن خود دارد در نقشه‌های رسمی به چهل تن شهرت دارد و در محل (سفیددر) و (ملکان) خوانده می‌شود. ارتفاع قله سفید در بیش از ۳۰۰۰ متر از سطح دریاست و این همان کوه‌هایی است که در دامنه جنوبیش چندین رود دائمی پرآب مثل رود معجن، رود حصار رود باریک دارد.
کدکن و توابع آن در تخت جلگه مانند دیگر نقاط تربت در طول دوره ترکمن تازی تاراج شد. آثار قلعه دفاعی و ترکمنی در قلب آبادی بر فراز تپه‌ای بلند آثارش به جا مانده است.

بعد از باغداری و کشاورزی بیشترین درآمد آن‌ها در کشت سیب‌زمینی، آلو، آلوچه، سیب درختی، دانه هندوانه و چغندر قند است.
مردم کدکن مهربان و آرام هستند برخلاف مردمان کوهپایه که معمولاً خشن بار می‌آیند - کتاب جغرافیای تاریخی ولایت زاوه محمدرضا خسروی
**کدکن:** از دهستان‌های بخش کدکن شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن کدکن است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار و کوه گلبو و کوه قوشغال در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، کرچک، چغندرقند و فرش با طرح بلوچی
**پوشش گیاهی:** کلپوره، استاقدوس، گل زوفا، آویشن، شاه تره، بومادران و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش
**کراب** : از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن بلاش‌آباد است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار و کوه دره زرد و کوه سیاه در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، انگور، توت و زردآلو
**پوشش گیاهی:** شاه تره و خاکشی و گیاهان مرتعی
**جانوران:** آهو، گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کبک
**کرات:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان تایباد استان خراسان رضوی و مرکز آن کرات است.
**کلات:** از شهرستان‌های استان خراسان رضوی است که دارای دو بخش ۱ ـ مرکزی، مرکز این

بخش کلات دارای دودهستان (۱ ـ کبود گنبد ۲ ـ هزارمسجد) ۲ ـ بخش زاوین مرکز آن شهرزو و دارای دو دهستان: (۱ ـ زاوین ۲ ـ پساکوه) و مرکز شهری آن شهرزو می‌باشد.

این شهرستان از شمال به کشور ترکمنستان، از خاور و جنوب خاوری به شهرستان سرخس، از جنوب به حومه مشهد، از باختر به شهرستان درگز محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز آن شهر کلات، دارای دو بخش ۱ ـ مرکزی ۲ ـ زاوین ۴ دهستان ۱ ـ پساکوه ۲ ـ زاوین ۳ ـ کبودگنبد است.

**رودها:** رودهای فصلی بسیار روان است که همگی از کوه‌های هزار مسجد سرازیر شده و بیشتر پس از آبیاری مناطقی از این بخش، به خاک ترکمنستان وارد می‌گردد.

**کوه‌ها:** سراسر نواحی جنوب کلات را کوه‌های هزارمسجد در بر گرفته و مرزی میان شهرستان کلات و شهرستان چناران و حومه مشهد ایجاد کرده، بلندترین قله این کوه‌ها ۳۲۰۰ متر بلندی و در شهرستان کلات قرار دارد.

**آب و هوا:** معتدل و متمایل به سرد و خشک

**نژاد و زبان:** آریایی نژاد و تا حدی زردپوستند و به زبان ترکی و فارسی با گویش خراسانی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز، تاغ و پسته کوهی ـ گیاهان دارویی و صنعتی: گل گاوزبان، گل ختمی، بومادران، آویشن، درمنه، شیر خشت، آنغوزه و گون کتیرا

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام تا حدی می‌روید.

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، گراز، کفتار، میش، بز کوهی، خرگوش، کبک و قرقاول

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، باغداری و دامداری استوار گشته، گندم و جو و تره‌بار، سیب، زردآلو، گلابی، گیلاس و آلبالو از فرآورده‌های آن است. آب کشاورزی از رود و چشمه‌ها فراهم گردیده. دامداری در کنار کشاورزی و به شیوه سنتی صورت می‌گیرد اما فرآورده‌هایش برای مصارف محلی کافی نیست.

پررونق نبودن کشاورزی و دامپروری بخش کلات را در نباریدن باران کافی دانسته‌اند چه ۹۰٪ کشت را دیم و ۱۰٪ را کشت آبی تشکیل می‌دهد.

**کنارشهر:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان برداسکن استان خراسان رضوی و مرکز آن شفیع‌آباد است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار و کوه ارسنک و کوه کولوت علی و نمک‌زار نمکه در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، انجیر، انار، انگور، آلو و فرش با طرح کاشمری و نقش تخت جمشیدی

**پوشش گیاهی:** درختان انجیر کوهی، بنه ـ کلپوره، بومادران و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، آهو

**کنوسیت:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مشهد استان خراسان رضوی و مرکز آن کنوسیت است.

**کوهپایه:** از دهستان‌های بخش رضویه شهرستان مشهد برداُسکن خراسان رضوی و مرکز آن کبودان است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه آهوبم در آن قرار و رود فصلی کال آهوبم در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، زیره، زردآلو، انار، انجیر، عناب، آلو، گردو، سنجد و قالی و قالیچه با نقش تخت جمشیدی

**پوشش گیاهی:** کلپوره، گل گاوزبان و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، آهو، شغال، کبک و تیهو

**کوهسرخ:** از بخش‌های شهرستان کاشمر استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به بخش‌های کدکن (از شهرستان تربت حیدریه) تخت جلگه (از شهرستان نیشابور) و ششتمد (از شهرستان سبزوار) از خاور به تربت حیدریه، از جنوب به کاشمر و خلیل‌آباد و از جنوب باختری و باختر به بخش برداسکن محدود و مرکز بخش کوهسرخ شهرک ریوش است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر ریوش دارای ۳ دهستان ۱ـ بررود ۲ـ برکوه ۳ـ تکاب است.

**رودها:** رود دائمی کال شش تراز که از حوضه‌های آبگیران در بخش کوه سرخ قرار گرفته، از شهرک ریوش گذشته و پس از آبیاری ریوش و دهستان‌های برکوه و تکاب، از باختر خلیل‌آباد می‌گذرد و در زمین‌های جنوبی برداسکن فرو می‌رود.

در پشت بنه تابای، در ۲ کیلومتری جنوب خاوری ریوش دریاچه کوچکی پدید آمده که در زمستان‌ها پرآب است.

**کوه‌ها:** ۱ـکوه اوریا در مرکز ۲ـکوه سیاه در جنوب ۳ـکوه کمرسفید ۴ـکوه کمرسیاه ۵ـکوه قراول گاه ۶ـکوه یخ در باختر

۱ـگردنه سرتره در کوه چلپو قرار دارد و راه ریوش - نیشابور از آن می‌گذرد ۲ـگردنه شترها در مسیر راه ریوش - کاشمر

**کان‌ها:** ۱ـمعدن سنگ خاک چینی ۲ـخاک سفید

**آب و هوا:** معتدل و نیمه مرطوب

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش کاشمری سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** از درختان بنه -گیاهان دارویی: آویش، ترنجبین، گل گاوزبان، شاه تره - پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، بز کوهی، کبک و تیهو

**اقتصاد:** بر کشاورزی، باغداری و فرش بافی و دامداری استوار است. کشاورزی بیشتر آبی، منطقه کوه سرخ به جز خاور از هر سو در میان گرفته شده زمین‌ها بیشتر در نواحی خاوری، برخی دشت‌های شمالی و در دامنه کوه‌ها قرار گرفته و رودها، چشمه‌ها و جویبارهای بیشماری از مزارع را آبیاری می‌کند.

**فرآورده‌ها:** سیب‌زمینی (در ۵۰٪ زمین‌های زیر کشت)، تره‌بار، گندم، بنشن، آلو، گردو، بادام، آلو، سیب، گیلاس، توت و گلابی قالی و دام و فرآورده‌های دامی نقش مهمی در اقتصاد بخش کوهسرخ دارد.

**کوه‌همایی:** از دهستان‌های بخش روداب شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن اجنورد است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک قرار و کوه کهک در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، ارزن، کنجد، چغندرقند، سیب، انگور، زردآلو و گلابی و فرش با طرح کاشمری

**پوشش گیاهی:** درختان گز، بنه، گیاهان دارویی چون درمنه، کنگر و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کبک

**گلبهار:** از بخش‌های شهرستان چناران استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر محسن‌آبادطاهر

است. و دارای ۳ دهستان ۱ـ بیزکی ۲ـ درزآب ۳ـ گلمکان است.

**گلمکان:** از دهستان‌های بخش گلبهار شهرستان خواف استان خراسان رضوی و مرکز آن گلمکان است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و کوه تخت چهارباغ و رود اسجیل در این دهستان جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، تره‌بار، سیب، گلابی، زردآلو و فرش

**پوشش گیاهی:** شاه تره، خاکشی، گل گاوزبان و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال و گراز

**گناباد:** از شهرستان‌های استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به شهرستان‌های تربت حیدریه و کاشمر، از خاور به شهرستان خواف از جنوب به شهرستان‌های بیرجند و فردوس و از باختر به بخش دستگردان از بخش‌های طبس محدود است. این شهرستان ۹۷۱۵ کیلومترمربع مساحت و در ۱۱۵۰ متری از سطح دریا قرار دارد.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان گناباد دارای ۳ بخش: ۱ـ مرکزی دارای دو دهستان (۱ـ پس کلوت ۲ـ حومه) ۲ـ کاخک ۳ـ بجستان است.

شهر گناباد با حدود ۲۰ کیلومتر مربع مساحت در مرکز استان خراسان در مسیر راه آسفالته تربت حیدریه - فردوس و در ارتفاع ۱۱۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد.

شهر گناباد در دل دشتی هموار، در شمال کوه‌های میان گناباد و فردوس و در جنوب کویر عمرانی برافراشته شده با وجود آب و هوای بیابانی گرم و خشک زمین مستعد کشاورزی فراوانی دارد که به وسیله آب‌های قنات‌ها آبیاری می‌شود. ایرج ایرج افشار سیستانی

**رودها:** کال شور تنها رود دائمی که از پیوستن کال سالار و کال شصت دره به نام کال شور پدید آمده و چند رود فصلی و تعداد فراوانی کاریز از جمله کاریز علی‌آباد در جنوب باختری شهر گناباد ۲ـ کاریز بالای ده ۳ـ کاریز خشونی در شمال باختری شهر گناباد ۴ـ کاریز قصبه به طول ۲۴ کیلومتر تا شهر گناباد ادامه دارد و باتلاق بزرگی در شمال باختری گناباد به نام مرداب یونسی قرار گرفته است.

**کوه‌ها:** ۱ـ رشته خاوری شمال کوه‌های شاه نشین (۱۹۸۲ متر) ۲ـ خیبرونی رشته مرکزی شامل کوه‌های هنگان، کبوتر کوه و آبکوه (۲۰۸۲ متر) رشته کوه باختری: کوه‌های گرگود (۲۲۵۴ متر) کمر زرد (۲۵۷۸ متر) و کوه کلات (۲۴۴۶ متر) در جنوبی ترین قسمت گناباد و کوه سیاه (۲۸۵۷ متر) بلندترین گردنه این کوه‌ها گردنه کلات در کوه کلات و در مسیر راه گناباد - فردوس و دراین مسیر گردنه‌های دیگری مانند زیرجان و گدارسیز قرار دارد.

غار دیو و غار مظفر در کوه هنگان - دشت‌های عمرانی، سلطانی نیر و کبیر در شمال، دشت‌های بیدخت، گیسو و دو نخ در خاور، دشت کاخک در جنوب و دشت حصار ده در باختر، ریگزار زیدان، ریگزار بلند و ریگزار نخ بید و نمکزار کوچک به نام کویر نمکسار و کویر بزرگ به نام کویر نمک در شمال باختری شهرستان گناباد قرار گرفته.

**کان‌ها:** ۱ـ معدن سنگ نسوز در ۳۰ کیلومتری جنوب خاوری گناباد در کفتارکوه ۲ـ معادن سنگ گچ و سنگ آهک ۳ـ معدن سرب در ۳۶ کیلومتری خاور

**آب و هوا:** معتدل متمایل به‌گرم و خشک، بیابانی، دارای بیشترین درجه گرما در تابستان‌ها تا ۴۷ درجه بالای صفر و در زمستان‌ها تا ۱۷ درجه زیر صفر می‌باشد و میزان متوسط ریزش باران سالانه ۱۶۰ میلیمتر می‌باشد.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش گنابادی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز، بادامشک و بنه - گیاهان دارویی و صنعتی: خاکشی، شاه تره، ترنجبین، بومادران، گون کتیرا و آنغوزه

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام به حد کافی

**جانوران و پرندگان:** بزکوهی، قوچ، میش، روباه، شغال، خرگوش، گرگ، آهو، کفتار، کبک و سینه سیاه

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، باغداری، دامداری و قالیچه‌بافی استوار است. کشاورزی تا حدی خوب است و کمبود آب به وسیله کاریزها جبران گشته

**فرآورده‌ها:** زعفران، پنبه، گردو، بادام، پسته، گندم، جو، تره‌بار، بنشن، انگور، انار، انجیر، هلو، سیب و گلابی

دام و فرآورده‌های دامی منبع مهمی از درآمد شهرستان گناباد به شمار می‌رود.

قالی، قالیچه بافی، کاشی و سرامیک‌سازی نیز دارای اهمیت است.

**(گناباد) بخش مرکزی:** از بخش‌های شهرستان گناباد استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر گناباد است و دارای دو دهستان ۱ـ پس کلوت ۲ـ حومه است.

**گناباد (مرکز شهرستان):** شهر گنابادمرکز شهرستان گناباد از شهرستانهای استان خراسان در ۴۱ درجه و ۵۸ دقیقه طول جغرافیایی و ۲۲ درجه و ۳۴ دقیقه عرض جغرافیایی و در بلندی ۱۱۰۰ متری از سطح دریا و در ۲۹۰ کیلومتری جنوب باختری مشهد و در مسیر راه مشهد ـ بیرجند قرار دارد.

در پیرامون شهر گناباد کاریزهای دائمی فراوان مخصوص در نواحی جنوبی شهر وجود دارد.

آورده‌اند که کاریز قصبه از کهن‌ترین کاریزهای گناباداست و کندن آن به روزگار هخامنشیان می‌رسد. این کاریز درازترین و پرآب‌ترین کاریز گناباد است.

**لطف‌آباد:** از بخش‌های شهرستان درگز استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال به کشور ترکمنستان، از خاور و جنوب خاوری به‌کلات (از بخش‌های شهرستان مشهد)، از جنوب و جنوب باختری به بخش چاپشلو و از باختر به حومه درگز محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر لطف‌آباد دارای دو دهستان ۱ـ دیباج ۲ـ زنگلانگلاو

**رودها:** رودهای فصلی بسیار بخش‌هایی از بخش لطف‌آباد را آبیاری می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها ۱ـ پیرگن سو ۲ـ زنگانلو ۳ـ رودبارسو

**کوه‌ها:** کوه هزارمسجد در حد جنوبی بخش لطف‌آباد قرار و بلندترین قله‌اش در بخش کلات ۳۲۰۰ متر از سطح دریا بلندی دارد.

**آب و هوا:** به طور کلی معتدل متمایل به سرد

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی و ترکی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان ارس، بنه و زبان گنجشک - گیاهان دارویی: گل ختمی، کاسنی، شاه تره، گل گاوزبان - **پوشش گیاهی:** برای چرای دام در برخی جاهای این بخش وجود دارد.

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، گراز، آهو و کبک

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و دامداری استوار است -کشاورزی با بودن خاک خوب برای کشت گندم، جو، تره‌بار و پنبه با کمبود آب از حاصلخیزی خاک بهره‌برداری چندانی نشده است. منابع آب کشاورزی رود، چاه نیمه ژرف است. دامداری در کنار کشاورزی و به شیوه سنتی صورت می‌گیرد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، تره‌بار، سیب، انگور، زردآلو - دام و فرآورده‌های دامی است.

**مازول:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن فطن‌آباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و شاخابه‌ای از رود بوژان که از کوه بینالود سرچشمه می‌گیرد جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، چغندرقند، تره‌بار، سیب، هلو، زردآلو، به، گیلاس، انگور و فرش با طرح مشهدی

**پوشش گیاهی:** خاکشی، گل ختمی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، کبک و تیهو

**مرزداران:** از بخش‌های شهرستان سرخس استان خراسان رضوی و مرکز آن مزدآرند، دارای سه دهستان ۱ـ مرزداران ۲ـ پل خاتون ۳ـگل بی بی است.

**مرزداران:** از دهستان‌های بخش مرزداران شهرستان سرخس استان خراسان رضوی و مرکز آن مزدآوند است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و کوه بزنگان و کوه قره‌داغ در آن قرار و رود شورلق در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، کنجد، توت، انگور، سیب، بنشن و تره‌بار - فرش با طرح‌های ترکمنی و بلوچی

**پوشش گیاهی:** گز و ارس -گیاهان دارویی، گل ختمی، اسپند و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش، گراز و کبک

**مزینان:** از دهستان‌های بخش داورزن شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن داورزن است.

**مشهد (مرکز شهرستان و استان):** شهر مشهد مرکز شهرستان مشهداز شهرهای مرکز استان خراسان در ۳۶ ثانیه و ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه طول جغرافیایی و در ۱۸ ثانیه و ۱۵ درجه و ۳۶ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۹۷۰ متری از سطح دریا و در ۹۶۴ کیلومتری تهران قراردارد و کشف‌رود از ۵ کیلومتریش می‌گذرد. این رود و شاخابه‌هایش نقش مهمی در اقتصاد شهر مشهد دارد.

مشهد در دشتی قرار گرفته که نزدیک‌ترین کوه، کوه معجونی است که‌باشهر ۴ کیلومتر فاصله دارد. و از کوههای بینالود می‌باشد.

**آب و هوا:** معتدل و متمایل به سرد و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۳۵ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۱۵ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه ۲۶۰ میلی‌متر می‌باشد.

**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و با نژاد زرد اختلاط یافته‌اند و به زبان فارسی با گویش خراسانی، کردی و ترکی سخن می‌گویند.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، دانه‌های روغنی، تره‌بار، سیب، گلابی، آلو، به، گیلاس، انگور، هلو،

زردآلو، گردو، آلبالو، شلیل، شفتالو، گوجه سبز و توت.
آب کشاورزی از رود، کاریزها و چاههای ژرف و نیمه ژرف و آب آشامیدنی شهر مشهد از چاههای ژرف بسیار فراهم گشته پس از پالایش به شبکه لوله‌کشی فرستاده، برق مشهد از طریق شبکه انتقال بهم پیوسته شمال خراسان و به وسیله نیروگاههای بزرگی چون: ۱ـ نیروگاه مشهد ۲ـ نیروگاه شریعتی ۳ـ نیروگاه طوس ۴ـ نیروگاه شیروان تأمین می‌شود.
**صادرات:** قالی، قالیچه، پوستین، صنایع دستی، میوه، خشکبار، تنباکو، زعفران، انواع کمپوت و مربا، انواع آب گرمکن و سماور، چغندر قند، دام و فرآورده‌های پاستوریزه دامی.
**راهها:** ۱ـ راه درجه یک مشهد ـ تهران از طریق قوچان، گرگان به طول ۹۶۶ کیلومتر ۲ـ راه مشهد ـ تهران از طریق سبزوار، شاهرود به طول ۸۹۲ کیلومتر ۳ـ راه مشهد ـ سنگ‌بست به سوی جنوب، به طول ۳۵ کیلومتر ۴ـ راه مشهد ـ تربت‌جام به طول ۱۶۳ کیلومتر ۵ـ راه مشهد ـ تربت حیدریه ۱۶۵ کیلومتر ۶ـ راه مشهد ـ سرخس به طول ۱۸۵ کیلومتر ۷ـ راه مشهد ـ طرقبه به طول ۲۱ کیلومتر ۸ـ راه مشهد ـ طوس به طول ۲۴ کیلومتر ۹ـ راه مشهد ـ کلات به طول ۱۸۰ کیلومتر.
راه آهن مشهد ـ تهران ـ فرودگاه بین‌المللی. «۱»
مشهد در سمت خاور نیشابور است و سلسله جبالی که سرچشمه اکثر آبهای نیشابور است مشهد را از نیشابور جدا می‌سازد. شهر مشهد امروز کرسی خراسان رضوی است و در چند میلی شمال مشهد بقایای شهر قدیم طوس قرار دارد.
در زمان مستوفی مشهد به صورت شهری بزرگ درآمده و در آن مزارهای بسیار با گنبدهای متعدد وجود داشت از آنجمله قبر غزالی بود در سمت خاوری قبر حضرت رضا و قبر فردوسی.
اطراف مشهد جلگه‌ایست هموار و سرسبز که آنرا مرغزار تکان گویند. طولش دوازده و عرضش پنج فرسخ است انگور و انجیر فراوان دارد. ابن بطوطه که مشهد را چند سال بعد دیده گوید مشهد شهری عظیم است دارای بازارهای معمور و اطراف شهر را کوهها فراگرفته و ضریح در زیر گنبد بزرگ جا دارد و مدرسه‌ای در جوار آن است و همهٔ دیوارهای این ابنیه با کاشیهای عالی آراسته است.
شهر مشهد در اطراف مقبرهٔ امام علی بن موسی الرضا که در قریهٔ سناباد چهار فرسخی طوس، جنب قبر هارون الرشید مدفون است ایجاد گردید.
در قرن دهم میلادی در زمان ابن حوقل قریهٔ مزبور دیوار محکمی داشت و مقبره مکان مقدسی محسوب بود. در همان قرن کلمهٔ «المشهد» در کتاب مقدسی دیده می‌شود. در قرن چهاردهم در زمان حمدالله مستوفی قزوینی، مشهد شهری بود.
ابن بطوطه سیاح همان قرن بنای مدوری را توصیف می‌نماید که بالای مقبره ساخته بودند و با روپوشهای حریر و شمعدانهای طلا آراسته بودند.
در زیر همان گنبد مقابل قبر امام رضا قبر هارون الرشید واقع بود که بر روی آن هم شمعدانها روشن بود. بنا به گفتهٔ سیاحان بازارهای مشهد جهان‌نمای زنده‌ایست از ملل مختلف شرقی. شهر بواسطهٔ ثروت مکان مقدس و بازارهای خود چند مرتبه در معرض تاراج ازبک‌ها واقع گردید.
دور مشهد کنونی دیواری از گل کشیده و برجهایی بر آن ساخته‌اند. طول محیط دیوارهای شهر را به اختلاف از $4\frac{1}{2}$ الی شش میل انگلیسی معین

می‌کنند. تعیین اندازهٔ صحیح بواسطهٔ غلط بودن نقطه مشکل است. فرقی که مشهد با هرات و سایر بلاد دارد این است که دو خیابان عمودی شکل شهر را قطع نمی‌کند، بلکه خیابان عمده که از شمال غرب به جنوب شرق کشیده شده شهر را قطع می‌کند. قبر امام (ع) در وسط این خیابان و از هر طرف محاط به عمارات و ابنیه است. خیابان عمدهٔ مزبور معروف به «خیابان» است. کلمهٔ «خیابان» در تألیفات جغرافیانویسان قرن دهم دیده نمی‌شود ولی این کلمه در زمان تیمور و تیموریان مصطلح بوده است. اسفزاری که در اواخر قرن پانزدهم به نگارش کتاب خود مشغول بود ذکری از خیابان هرات به میان آورده است و این تذکر در شرحی است که راجع به قضایای قرن چهاردهم نوشته است. (B. 139 ص). بنا به قول کرزن خیابان مشهد در نزد ایرانیان نام و شهرتی بزرگ دارد، هر چند مشکل شایستهٔ آن باشد. در حفظ درختانی که در دو طرف خیابان کاشته‌اند فوق‌العاده بی‌مبالاتی می‌شود. در وسط خیابان نهر و یا به عبارت صحیحتر خندق کثیفی کنده‌اند که برای آب مشروب بکار می‌رود. به طور کلی آب مشهد ابداً قابل شرب نیست. کرزن می‌نویسد که یک شب تیغ صورت تراشی خود را در آب گذاشت و صبح روز بعد تیغ مثل لوله تفنگ سیاه شده بود.

مکان مقدس که در مرکز شهر واقع است تا به امروز به روی کفار بسته است. سیاحان اروپائی به ندرت خود را به خطر بزرگی انداخته‌اند و وارد حرم امام شده‌اند. گرداگرد تمام ابنیه را دیواری از گل کشیده‌اند. خیابان عمده تا مسافتی نزدیک به ۴۵ ساژن تا خارج طاقنمای مدخل امتداد یافته است. مرکز تجارت بازار در همین جاست زائری که از حصار بگذرد. وارد مکان مقدس می‌شود که از حق «بست» استفاده می‌کند. پشت بازار دروازهٔ مرتفع دیگری واقع است که از آنجا به حیاط عمده که به صحن کهنه (عتیق) معروف است می‌رود. طول این صحن قریب به ۶۵ ساژن و عرض آن بیش از سی‌ساژن است. در چهار طرف صحن مانند صحنهای سایر مساجد و مدارس بزرگ ایران، دو طبقه حجره داشته‌اند. طبقهٔ پائین حجره‌ها. در زمان فریزر برای اماکن تجاری به اجاره می‌دادند. فاصلهٔ بین حجره‌ها و بالای آنها را کاشی کاری کرده‌اند. در وسط هر یک از چهار سمت ایوان ساخته‌اند که کتیبه‌هایی با خط کوفی دارد. در وسط صحن سقاخانهٔ مثمن مطلایی بنا شده است. بر روی دروازهٔ سمت غرب گلدسته که در نزد شیعیان به جای مناره می‌سازند بنا کرده‌اند. دروازهٔ جنوبی منتهی به حرم می‌شود و برای اینکه فرقی با دروازه‌های دیگر داشته باشد نصف بالای آن را مطلا کرده‌اند و عمل طلاکاری آن منسوب به نادرشاه است که برای این مقصود طلائی را که از هند به غنیمت آورده بود بکار برد و نیز ساختمان حوض را هم به نادرشاه نسبت می‌دهند. علاوه بر اینها صحن بزرگ دو مناره دارد که یکی را از سمت حرم در قرن شانزدهم ساخته شد و در قرن نوزدهم ترمیم کرده‌اند (بعد از سال ۱۸۳۴) و دیگری را نادرشاه جنب مدخل مقابل بنا کرده است. قسمت علیای مناره‌ها را با آجرهای مسی مطلا ساخته‌اند که از دور مثل آتش می‌درخشد. در بالای مناره‌ها مطابق طرح مساجد ایران ایوان مشبکی ساخته‌اند. تمام سطح صحن از سنگهای روی قبور مردمان توانگر که در این مکان دفن

شده‌اند پوشیده شده است.
در مدخل حرم اطاق بزرگی ساخته‌اند که کف آن از مرمر ساخته شده و با قالیهای گرانبهایی مفروش شده. روی دیوارها با خطوط عربی کاشی‌کاری شده. بر بالای همهٔ عمارت گنبد مطلایی ساخته‌اند که زوار از مسافت دوری نظاره می‌کنند. هر چند که به گفتهٔ کر زن ارتفاع آن از ۱۱ سازن تجاوز نمی‌کند. در زیر گنبد بزرگ علاوه بر قبر امام هشتم (ع) قبر هارون الرشید خلیفهٔ عباسی و عباس میرزا پسر فتحعلی شاه که در سال ۱۸۳۴ در مشهد وفات یافت واقع است.
در سمت جنوب حرم، مسجدی عالی قرار گرفته که گوهرشاد زوجه شاهرخ و بانی مسجد هرات به سال ۱۴۱۸ بنا کرده و در قرن هفدهم تجدید عمارت شده است. مسجد هم مثل بنای حرم مشرف به صحنی است (صحن گوهرشاد). مسجد فقط یک گنبد و یک طاقنمای مرتفعی دارد که در طرفین آن مناره‌هایی ساخته‌اند. گنبد مسجد از گنبد حرم بلندتر و عریضتر است. بر روی گنبد کاشیهای ریزی بکار برده و با ردیفهایی به رنگ آبی و سبز و نارنجی مزین ساخته‌اند. در بعضی جاها مرور زمان این ردیفها را از بین برده است. فریزر مسجد گوهرشاد را عالیترین عمارتی می‌داند که در ایران دیده است. صحن سوم را (صحن نو) که از سمت شرقی متصل به عمارات است، فتحعلی‌شاه در قرن نوزدهم بنا کرده است. نقشهٔ تمام صحنها و عمارات در کتاب صنیع‌الدوله درج است و ییت (راجع به ص ۳۳۲ khorasan) از آن کتاب اقتباس کرده است. علاوه بر اینها از چند مدرسه و یک کتابخانه نام برده می‌شود و شرح این کتابخانه را خانیکف در سال ۱۸۵۸ (۱۰۰ ـ ۱۰۲) نگاشته است.
جلگه‌ای که مشهد در آن واقع است به سال ۱۸۴۵ در زمان فریه بواسطهٔ تاخت و تاز ازبکها و افاغنه و ترکمنها بکلی لم‌یزرع و بایر بوده است ولی این قول بعضی شبهاتی تولید می‌کند، زیرا فریزر (Journey 517) در سال ۱۸۲۲ بر راهی از مشهد به طوس می‌رود اراضی آباد فراوانی دیده بود. در این زمان که بواسطهٔ اشغال اترک از طرف روسها خطر تاخت و تاز ترکمنها مرتفع گردیده است، در همان وادی بالای طوس به راه قوچان ده قابل توجهی بنام رادکان و یا رایکان واقع است که جغرافیانویسان قرن دهم از آن اسم می‌برند. به فاصلهٔ نیم فرسخ از سمت جنوب شرقی رادکان برج قدیمی که کلهٔ آن را به شکل مخروطی ساخته‌اند به اسم میل رادکان واقع است.
**مشهد از دریچه چشم ییت:** ییت که به گفتهٔ خودش از راه کاریز، تربت جام، خیرآباد و فریمان پس از پیمودن یکصد و شصت و هشت میل مسافت به مشهد رسیده است فقط بالا خیابان را وسیع دیده و از باغها، دکانها و ردیف درختان زیبای چنار و تلگرافخانهٔ مشهد «که در آن خیابان قرار داشت» به خوشی یاد می‌کند و در واقع جز آستانه و بناهای حضرت رضا (ع) چیز جالبی ندیده است. از دریچهٔ چشم وی، بقیه حکایت مشتی دیوارهای گلی و درختان پرشکوفه بوده که در وسط آنها گنبد طلائی آرامگاه چون آینه‌ای می‌درخشیده است وی با اشتیاق تمام برای خوانندگانش بیان می‌کند که قسمت مهمی از شهر را «بست» می‌نامیدند که اگر بزهکاری مسلمان در آن ناحیه گام می‌نهاد دست نیرومند قانون از بازداشت وی عاجز می‌ماند؛ و روزی که وی و

یارانش به شهر مشهد گام نهاده بودند «شاید نخستین بار بود که شش نفر عیسوی در آن واحد» شهر مشهد را قرارگاه خود ساخته بودند. بیت پس از شکوه از کوچه‌های کثیف، باریک و ناهموار شهر می‌نگارد:

«اما بخشی از دیوار کهن سال شهر از لحاظ استحکام و استواری و پهنای زیادی که دارد نظر مسافر را جلب می‌کند. اکنون این دیوار تا حدودی فرو ریخته است؛ اما در دوره‌های گذشته، هنگامی که لبهٔ آن هنوز هموار و به دست عناصر طبیعی سائیده نشده بود بر فرازش لوله آبی ساخته بودند که آب را به آرامگاه می‌برد. در سمت مغرب شهر تا چشم یاری دیدن داشت باغهای خرمی گسترده شده؛ اما در سمت مشرق؛ این گونه باغها انگشت شمار بود یا ابداً از خرمی نشان نداشت. منظر کوههای بلند پوشیده از برف در سمت شمال و جنوب مشهد بی‌اختیار نظر را جلب می‌کرد.» «۲۶»

**شهر مشهد و وضع داد و ستد:** اودانوان مسافر خردمند و هوشیاری که اصولاً به ظواهر شهرهای مشرق زمین با نظری خالی از اعتماد می‌نگریسته است به گفتهٔ خودش چون برای نخستین بار چشمش به دورنمای شهر مشهد می‌افتد از تعجب و تحسین خودداری نمی‌کند، زیرا جز منظر شهر استانبول از میان بغازبسفور، دورنمای هیچ یک از شهرهای مشرق زمین را به زیبائی مشهد ندیده است. در این باره وی با پاره‌ای از جهانگردان پیشین مانند فریزر وامبری هم‌آواز گردیده به خوبی دریافته است که دیدن سواد شهر مشهد می‌تواند چه اثری در اذهان زائرین فرسوده از سفر داشته باشد و هنگامی که مسافر پس از طی راههای پر گرد و خاک و خطرناک و یحتمل ماهها تن در دادن به رنج سفر، از بالای کوهها گلدسته‌ها و گنبد زرین مشهد را مشاهده می‌کند چگونه دلش از شوق نه تپد و دیدگانش از آن جلال و حشمت خیره‌نه گردد؛ اما همین مسافر در برابر این زیبائی، درون شهر و به ویژه کوی مستمندان و تهی‌دستان مشهد را بسیار زشت و شرم‌آور دیده است. سزاوار است که ساکنان امروزی همان بخش جنوبی مشهد کلمات اودانوان را به یاد آورند و از طالع فرخندهٔ خویش شادمان باشند. به گفتهٔ اودانوان، صرفنظر از بالا خیابان و محوطهٔ بازار و پیرامون آستانه:

«... مشهد عبارت از یک رشته زاغه‌هائی گلی است چنان درهم افتاده که اجتماع و سکونت این همه مردم در دل این ویرانه‌ها مسافر تازه وارد را به شگفت وامیدارد. این توده کلبه‌های گلی را راهروهای سرپوشیدهٔ باریکی از هم جدا می کند که سقف آنها را باکاه‌گل پوشانیده‌اند و از هیچ سو روشنائی در آنها نفوذ نمی‌کند الا از انتهای این راهروها. این کوچه‌های زشت در و پنجره‌ای ندارد ... و مالامال از فضولات و زباله است. همه جا در میان زباله‌ها توله سگها جاگرفته‌اند و چون عابر به این دالانهای نیمه تاریک گام می‌نهد گاه و بیگاه این جانوران را لگدمال می‌کند گاهی توده‌های زباله چندان بالا می‌رود که ناگهان سر بر سقف کوچه می ساید و در نتیجه بارانی از خاک و گل فرو می‌ریزد. هنگامی که عابر از میان این دالانها می‌گذرد اگر دو دستش را به طرفین درازکند نوک انگشتانش از هر دو سو به دیوارها می‌ساید.

اودانوان بازار مشهد را از لحاظ لباسهای رنگارنگ و زبانها و قیافه‌های گوناگون جالبترین بازار ایران یافته است؛ اما مدعی است که در این دوره تجارت

بکلی در اختیار بازرگانان روسی بود. تقریباً تمامی کالاهای مورد نیاز را از روسیه وارد می‌کردند، جز مقداری قند و شکر از بندر مارسی می‌آمد. مهمترین کالاهائی که در بازار عرضه می‌شد عبارت بود از پارچه‌های پنبه‌ای و پشمی، ظرفهای بلور و چینی، سینی، چراغ و سایر کالاهای مصرفی ساخت روسیه. قلم مهمی از واردات چای روسی بود که از هشترخان به تهران یا استرآباد (گرگان کنونی) و از آن جا به مشهد حمل می‌شود. هم چنین وفور سکه‌های قدیمی و گرانبها در بازار مشهد هر جهانگرد بیگانه‌ای را متعجب می‌ساخت.

**کرزن در شهر مشهد:** کرزن که به گفتهٔ خودش نخواسته است صرفاً نوشته‌های جهانگردان نامداری چون آرثورکانالی، فریه، وامبری و اودانوان را تکرار کند با وسواس تمام به جزئیات می‌پردازد و منظر دقیقی از شهر مشهد را با دیوارهای نیمه مخروبش در برابر چشم خواننده مجسم می‌سازد. درازای خیابان عمدهٔ شهر را تقریباً یک میل و سه چهارم؛ از شمال غربی به جنوب شرقی ممتد می‌داند. توصیف وی از کوچه و بازار مشهد با گروه انبوهی ازبکان، ترکان، تاتارها، تازیان، تاجیکها و سوداگران هندی بازتابی از نوشته‌های دقیق و شیرین آرمینیوس وامبری است. هنگام نخستین دیدار کرزن، ظاهراً به فرمان والی خراسان و به برکت سخت کوشی مسئولان شهر، بالا خیابان صاحب ردیفی از تیرهای چراغ شده بود که این تیرها را به فواصل پنجاه ذرع از یکدیگر نصب کرده بودند؛ اما همینکه مسافر پا از بالا خیابان فراتر می‌نهاد خود را در میان کلاف درهم تنیده‌ای از کوچه‌های باریک می‌دید که از دو طرف با دیوارهای خشتی محصور بود. در میان پیچ و خمهائی که پایان نداشت گاهی عابر به بازارچه‌ای برمی‌خورد و گاهی خود را در وسط محوطهٔ سرگشاده‌ای مملو از توده‌های زباله می‌یافت.

**مشهد:** از شهرستان‌های استان خراسان رضوی می‌باشد که از شمال و شمال باختری به کشور ترکمستان، از خاور و جنوب خاوری به شهرستان تربت جام، از جنوب به شهرستان تربت حیدریه، از باختر به شهرستان‌های نیشابور و قوچان و از شمال باختری به شهرستان درگز محدود است. بلندی شهر مشهد از سطح دریا ۹۷۰ متر و فاصله هوایی این شهر با تهران ۷۵۰ کیلومتر است. شهر مشهد در منطقه‌ای حاصلخیز (دشت طوس) یا دشت مشهد و در فاصله ۵ کیلومتری رود کشف رود قرار دارد.

نزدیک‌ترین کوه به شهر مشهد، کوه معجونی با ارتفاع ۱۴۰۰ متری از سطح دریا در ۴ کیلومتری جنوب غربی این شهر قرار دارد.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر مشهد دارای ۴ بخش ۱ـ مرکزی دارای ۶ دهستان ۱ـ تبادگان ۲ـ طوس ۳ـ کارده ۴ـ میان‌ولایت ۵ـ کنوسیت ۶ ـ درزآب) ۴ـ طرقبه ۱ ـ مرکزی ۲ ـ احمدآباد شهرها: ۱ـ مشهد ۲ـ شهر ملک‌آباد ۳ـ شهر فریمان ۴ـ شهر طرقبه ۴ـ شاندیز ۵ ـ رضویه است.

**رودها:** کشف رود، رودی است دائمی و پرآب در حوضه مشهد می‌باشد که از کوه‌های رادکان سرچشمه گرفته و پس از آبیاری قسمت‌های شمالی شهرستان مشهد به سوی خاور روان گشته و سرانجام به هریرود در خط مرزی ایران و

افغانستان می‌ریزد. برخی از شاخابه‌های کشف رود در حوضه شهرستان مشهد: ۱ـ رود طرقبه ۲ـ کنگ ۳ـ زشک ۴ـ دولت‌آباد ۵ـ گلمان ۶ـ فیریز

**کوه‌ها:** شهرستان مشهد نیمه کوهستانی، نیمه دشتی است که از سوی شمال به کوه‌های هزارمسجد از خاور کوه تره پلنگی و از سوی جنوب باختری کوه‌های بینالود و دشت حاصلخیز طوس یا مشهد در میان گرفته شده

**کان‌ها:** در این شهرستان معادن بسیار وجود دارد از جمله: ۱ـ معادن سنگ ساختمانی ۲ـ معادن سنگ گچ ۳ـ معادن گچ خاکی ۴ـ معادن سنگ آهک ۵ـ معادن فلدسپات ۶ـ معادن سنگ آهن ۷ـ معادن سیلیس ۸ـ معادن زغالسنگ ۹ـ معادن فیروزه

**آب و هوا:** به طورکلی معتدل و خشک و متمایل به سرد و خشک می‌باشد. بیشترین درجه حرارت در تابستان‌ها ۳۵ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستان‌ها به ۱۵ درجه زیر صفر می‌رسد و متوسط بارندگی سالانه ۲۶۰ میلیمتر می‌باشد.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش خراسانی و در برخی از جاهای این شهرستان به زبان‌های ترکی، کردی و بلوچی نیز سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان بادام کوهی، گز و تاغ - گیاهان دارویی و صنعتی: شاه تره، گل گاوزبان، گل زونا، بومادران، گل ختمی، گل پونه، آویشن، درمنه، کاسنی، روناس، آنغوزه و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام نسبتاً فراوان

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، باغداری و دامداری و دامپروری و صنعت استوار است. کشاورزی و باغداری از اهمیت بسیار برخوردار و دارای فرآورده‌های فراوان است. آب کشاورزی بیشتر از چاه‌های ژرف و نیمه ژرف (۶۰٪) فراهم گشته، نوع کشت دیمی و آبی است و در زمین مکانیزه از باران مصنوعی سود می‌جویند. سیستم کشاورزی این شهرستان ۷۰٪ مکانیزه است.

باغداری از رونق بسیار و فرآورده‌های فراوانی دارد که ارزش اقتصادی آن پراهمیت است.

دامداری و دامپروری، بیشتر به شیوه سنتی اما در سال‌های اخیر دامپروری صنعتی و مدرن ایجاد گشته واحدهای گاوداری صنعتی و تعداد فراوانی واحد گوسفندپروری صنعتی صورت می‌گیرد. از این گذشته مرغداری پیشرفته و صنعتی در شهرستان مشهد دایر می‌باشد. زنبورداری در نقاط کوهستانی نیز از رونق فراوانی برخوردار می‌باشد.

صنعت: ۱ـ صنایع دستی (سنتی) قالی، گلیم و قالیچه‌بافی، پوستین‌دوزی، سنگتراشی، نساجی، چرم‌سازی، قلابدوزی، ملیله‌دوزی و طلا و نقره کاری

۲ـ صنایع کارخانه‌ای: صنایع غذایی، صنایع نساجی، صنایع شیمیایی، صنایع فلزی و غیرفلزی به طورکلی تولیدات مهم صنعتی شهرستان مشهد عبارت است از قالی، قالیچه، گلیم، پوستین، آلات سنگی، انواع آبگرمکن، انواع تولیدات چرمی، سماور، قفل و لولا، انواع کمپوت و مربا، خشکبار، آرد، بیسکویت و شکلات، شیر پاستوریزه

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، دانه‌های روغنی، چغندرقند، زعفران، تنباکو، تره‌بار و گیاهان علوفه‌ای - سیب، گلابی، آلو، به، گیلاس، انگور، هلو، زردآلو، گردو، آلبالو، شلیل، شفتالو، گوجه سبز، توت، پسته کوهی، بادام کوهی - فرآورده‌های دامی عسل، مرغ و تخم مرغ

**مشهد (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان مشهد استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر مشهد و دارای شش دهستان ۱ـ تبادگان ۲ـ طوس ۳ـ کارده ۴ـ میان‌ولایت ۵ـ کنوسیت است. ۶ـ درزآب

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و فرش بافی و دامداری استوار است. کشاورزی به شیوه سنتی و کشت ۸۵٪ آبی و ۱۵٪ دیم

**منابع آب کشاورزی:** رودخانه، کاریزها و چاه‌های ژرف و نیمه ژرف

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، زیره، تره‌بار، پنبه، زعفران، پسته، انگور، انار و انجیر می‌باشد.

قالی و قالیچه بافی پررونق و دارای طرح‌ها و نقش‌های جالب بلوچی، محلی و... است.

**مه‌ولات:** از شهرستانهای استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر فیض‌آباد، دارای دو بخش ۱ ـ بخش مرکزی به مرکزیت فیض‌آباد و دارای ۴ دهستان: ۱ـ مه‌ولات جنوبی به مرکزیت مشهد و حومه به مرکزیت عبدل‌آباد ۲ ـ بخش شادمهر، به مرکزیت شادمهر، دارای ۴ دهستان ۱ ـ مه‌ولات شمالی ۲ ـ ازغند ۳ ـ دوغ‌آباد ۴ ـ شادمهر

**مه‌ولات:** از دهستان‌های بخش فیض‌آباد شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن مهنه است.

**میامی:** از دهستان‌های بخش رضویه شهرستان مشهد استان خراسان رضوی و مرکز آن رضویه است.

**میان‌جام:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان تربت جام استان خراسان رضوی و مرکز آن اسماعیل‌آباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و کوه فرخنه در آن قرار و رود تک فرخنه در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، زیره، تره‌بار و فرش با نقش‌های چندگل

**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش و سینه سیاه

**میان جلگه:** از بخش‌های شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن عشق‌آباد و دارای ۳ دهستان ۱ـ بلمرات ۲ـ عشق‌آباد ۳ـ غزالی است.

**میان جوین:** از دهستان‌های بخش جغتای شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی و مرکز آن ریواده است.

**میان خواف:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خواف استان خراسان رضوی و مرکز آن خرگرد است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه خوجه و کوه هرس و کوه نهود در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، توت، تره‌بار و فرش با نقش گل کشمیری برک تاکی و خوشابی

**پوشش گیاهی:** کلپوره، شاه تره، استاقدوس و گیاهان مرتعی

**جانوران:** بز کوهی، آهو، گرگ، روباه، شغال، خرگوش، تیهو و کبک

**میان رخ:** از دهستان‌های بخش جلگه رخ شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی و مرکز آن رباط سنگ است. و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه اره تیغ و کوه قجقر و دره زین الخان و معدن کرم در دره

زین الخان قرار دارد و رود کال آب باریک در این دهستان جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، انواع میوه و فرش با طرح‌های بلوچی و نیشابوری
**پوشش گیاهی:** شاه تره، گل زونا، استاقدوس
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال
**میانکوه:** از دهستان‌های بخش چاپشلو شهرستان درگز استان خراسان رضوی و مرکز آن کبکان است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک قرار دارد و کوه الله اکبر و کوه کماس و کوه جهانگیر و کوه سری و کوه تازان و کوه گوتپه در آن قرار و رود فصلی میاب و رود میاندشت در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، گردو، زردآلو
**پوشش گیاهی:** درخت بادام کوهی، خاکشی، شاه تره، و گل ختمی، بارهنگ، کتیرا و گیاهان مرتعی
**جانوران:** آهو، گرگ، روباه، خرگوش و گراز
**میان ولایت:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مشهد استان خراسان رضوی و مرکز آن عسکریه است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و رود کشف رود در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، سیب، توت و انگور
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، خاکشی و شاه تره
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال
**میان ولایت:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان تایباد استان خراسان رضوی و مرکز آن مشهدریزه است.
**نصرآباد:** از بخش‌های شهرستان تربت جام استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر نصرآباد دارای دو دهستان ۱ـ کاریزان ۲ـ بالاجام است.
در بلندی ۶۶۰ متر از سطح دریا و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و در ۱۴ کیلومتری جنوب شرقی صالح‌آباد قرار دارد.
پیشه مردم این سامان بیشتر کشاورزی، دامپروری و فرشبافی است.
کشت آبی، آب کشاورزی و آب آشامیدنی از قنات فراهم گشته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، زیره، تره‌بار
**پوشش گیاهی:** گیاهان دارویی و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، گراز، روباه، شغال، خرگوش
**نوخندان (مرکز شهر):** شهرک نوخندان مرکز بخش نوخندان از بخشهای شهرستان درگز استان خراسان و در ۵۸ درجه و ۵۸ دقیقه طول جغرافیایی و در ۳۱ درجه و ۳۷ دقیقه عرض جغرافیایی و بلندی ۷۵۰ متری از سطح دریا و در ۱۲ کیلومتری شمال باختری درگز و در پایان راهی که از درگز به سوی شمال باختری کشیده شده قرار دارد.
رود درونگر از کنار شهرک نوخندان می‌گذرد و سرانجام وارد خاک ترکمنستان می‌شود.
**آب و هوا:** معتدل و نیمه مرطوب، بیشترین درجهٔ گرما در تابستانها ۳۸ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۳ درجه زیر صفر و میزان باران سالانه به طور متوسط ۳۵۷ میلی‌متر می‌باشد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، تره‌بار، سیب، زردآلو، هلو، توت و انگور است.
**صادرات:** پنبه و قالی.
آب کشاورزی از رود و چشمه‌سارها و آب آشامیدنی از چاههای ژرف فراهم و پس از کلریزه شدن به شبکهٔ لوله‌کشی فرستاده و برق از ژنراتورهای نصب شده در محل تأمین می‌گردد.
**راهها:** تنها راه جداشده از شهرک نوخندان راهی است به سوی جنوب خاوری به طول ۱۲ کیلومتر که تا شهر درگز کشیده شده است.«۳»

**نیشابور:** از شهرستان‌های استان خراسان رضوی است که از شمال به شهرستان قوچان، از خاور به شهرستان مشهد، از جنوب به شهرستان‌های تربت حیدریه و کاشمر، از باختر به شهرستان سبزوار و از شمال باختری به شهرستان اسفراین محدود می‌باشد. شهرستان نیشابور حدود ۹۳۰۰ کیلومترمربع مساحت و در شمال خراسان و در ارتفاع ۱۱۹۳ متری از سطح دریا قرار دارد.
شهرستان نیشابور در دشت هموار وسیعی دامن گسترده که در شمالش کوه بینالود و رشته کوه طاغان کوه نیشابور را از سبزوار جداکرده آب‌های روان شمال و بادهای جنوب عامل مهمی در فرسایش این منطقه‌اند. شهر نیشابور در شمال خراسان در مسیر راه تهران - مشهد قرار گرفته ۱۲۱۰ متر بلندی و با تهران از راه هوا ۶۷۸ کیلومتر فاصله دارد. هوای این شهر در بلندی‌ها معتدل و میزان متوسط ریزش باران سالانه ۲۴۲ میلیمتر است. ایرج افشار سیستانی

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر نیشابور دارای ۶ بخش ۱ـ مرکزی دارای ۴ دهستان (۱ـ دربقاضی ۲ـ فضل ۳ـ مازول ۴ـ ریوند) ۲ـ زبرخان ۳ـ تخت جلگه ۴ـ سرولایت ۵ـ میان‌جلگه است.

**رودها:** چون رشته کوه‌های بینالود بر این منطقه دامن گشوده، رودهای فصلی بسیار به سوی دامنه‌ها و جلگه‌ها روان است که بیشتر آن‌ها سرچشمه کال شور را پدید می‌آورند.

**کوه‌ها:** رشته کوه بینالود در شمال خاوری (بلندترین قله ۳۵۲۰ متر) حد فاصل شهرستان‌های مشهد و نیشابور را تشکیل می‌دهد.

**کان‌ها:** ۱ـ سنگ آهک ۲ـ سنگ ساختمانی ۳ـ سنگ گچ ۴ـ نمک ۵ـ سنگ فیروزه در ۵۶ کیلومتری شمال باختری نیشابور ۶ـ سنگ مرمریت

**آب و هوا:** بیشتر معتدل و خشک، در دامنه‌ها معتدل و مناطق پست گرم و خشک است.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی و ترکی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان پسته کوهی، تاغ و ارس - گیاهان دارویی و صنعتی: کاسنی، گل گاوزبان، گل ختمی و گون کتیرا

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، گراز، خرگوش، بزکوهی، قوچ، میش، کفتار، کبک، تیهو و قرقاول

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، باغداری و دامداری و صنایع دستی استوار است. کشاورزی با دو سیستم مکانیزه و سنتی با شرایط خاک و آب و محیط صورت می‌گردد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، پنبه، تره‌بار، سیب، زردآلو، آلوزرد، هلو، گیلاس، گلابی و گردو - منابع آب کشاورزی از چشمه‌ها، کاریزها، چاه‌های ژرف و نیمه ژرف
دامداری بیشتر به شیوه سنتی و تنها ۲۰٪ پرورش صنعتی انجام می‌شود.

**فرآورده‌ها:** دام و فرآورده‌های دامی

**صنایع دستی:** فرش‌بافی، پارچه بافی نیز از منابع درآمد مردم این سامان است.

**نیشابور (بخش مرکزی):** از بخش‌های مرکزی شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی و مرکز آن شهر نیشابور و دارای ۴ دهستان ۲ـ دربقاض ۲ـ فضل ۳ـ مازول ۴ـ ریوند است.

**هزارمسجد:** از دهستان‌های بخش لطف‌آباد شهرستان درگز استان خراسان رضوی و مرکز آن حسن‌آباد است.

**یونسی**: از دهستان‌های بخش بجستان شهرستان گناباد استان خراسان رضوی و مرکز آن یونسی است. و در منطقه‌ای کویری گرم و خشک قرار دارد و کویر نمک در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها**: گندم، جو، پنبه، تره‌بار و فرش
**پوشش گیاهی**: گیاهان مرتعی
**جانوران**: گرگ، روباه، شغال
**شهرک‌های صنعتی**: ۱) شهرک صنعتی توس، ۲) شهرک صنعتی مشهد، ۳) شهرک صنعتی بینالود، ۴) شهرک صنعتی کاوبان، ۵) شهرک صنعتی چناران، ۶) شهرک صنعتی گناباد، ۷) شهرک صنعتی قوچان، ۸) شهرک صنعتی سبزوار، ۹) شهرک صنعتی نیشابور، ۱۰) شهرک صنعتی کاشمر، ۱۱) شهرک صنعتی فردوس، ۱۲) شهرک صنعتی تربت جام، ۱۳) شهرک صنعتی چرمشهر.

**مشخصات ایستگاههای هواشناسی : ۱۳۸۵**

| ایستگاه | نام شهر یا دهستان محل استقرار | نوع ایستگاه | سال تأسیس | ارتفاع از سطح دریا (متر) |
|---|---|---|---|---|
| بشرویه ........ | بشرویه | سینوپتیک | ۱۹۷۳ | ۸۸۵/۰ |
| تربت جام ........ | تربت جام | سینوپتیک | ۱۹۹۲ | ۹۵۰/۴ |
| تربت حیدریه ........ | تربت حیدریه | سینوپتیک | ۱۹۵۸ | ۱۴۵۰/۸ |
| سبزوار ........ | سبزوار | سینوپتیک | ۱۹۵۴ | ۹۷۷/۶ |
| سرخس ........ | سرخس | سینوپتیک | ۱۹۸۴ | ۲۳۵/۰ |
| مشهد ........ | مشهد | سینوپتیک | ۱۹۵۷ | ۹۹۹/۲ |
| گناباد ........ | گناباد | سینوپتیک | ۱۹۵۶ | ۱۰۵۶/۰ |
| گلمکان ........ | گلمکان | سینوپتیک | ۱۹۸۴ | ۱۱۷۶/۰ |
| کاشمر ........ | کاشمر | سینوپتیک | ۱۹۸۵ | ۱۱۰۹/۷ |
| قوچان ........ | قوچان | سینوپتیک | ۱۹۸۳ | ۱۲۸۷/۰ |
| نیشابور ........ | نیشابور | سینوپتیک | ۱۹۹۲ | ۱۲۱۳/۰ |

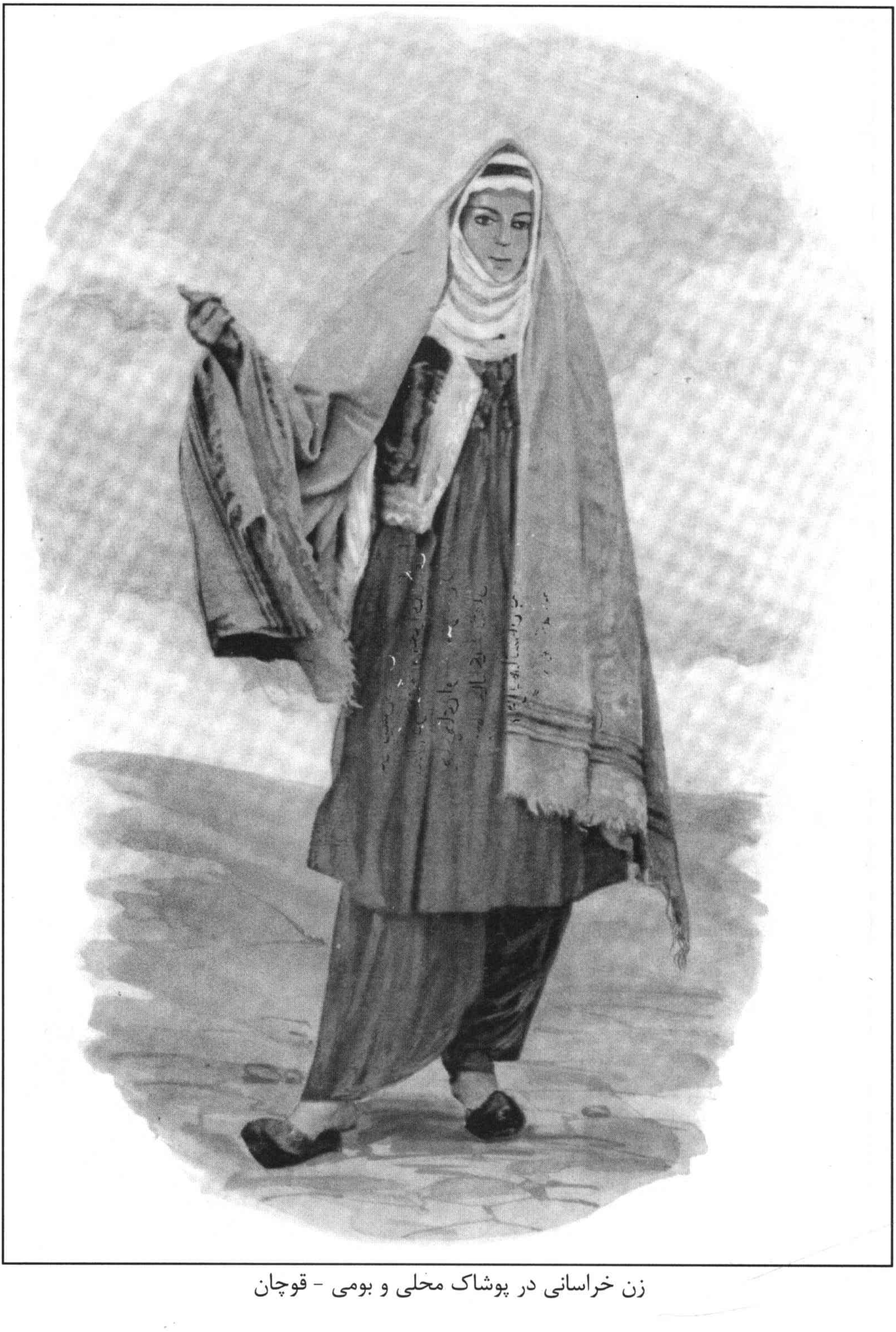
*مأخذ ـ اداره کل هواشناسی خراسان رضوی*

**مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان خراسان رضوی در سال ۱۳۸۵**
گوشت مرغ ۹۴ تخم‌مرغ ۷۵ هزارتن
**تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان خراسان رضوی در سال ۱۳۸۴**
جمع معادن ۲۸۶ خصوصی ۲۷۶ عمومی ۱۰
**مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان خراسان رضوی در سال ۱۳۸۲**
کل تعداد بهره‌برداری ۳۲۳۳۰۰ مساحت ۲۲۲۵۹۴۱ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۱۳۹۱۹۹ مساحت باغ و قلمستان ۱۱۸۹۹۳
**استان خراسان رضوی در سال ۱۳۸۴:** تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۱۵۴۶۶۰ تعداد دام ۶۴۲۰۵۶۲ مقدار تولید ۱۰۲۶۱۰۲۹ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۶۰۲۰۵ تعداد دام ۷۷۱۶۵ مقدار تولید ۶۳۶۲۵
**بهره‌برداری‌های کشاورزی استان خراسان رضوی در سال ۱۳۸۲**
زراعت ۲۸۴۳۱۹ باغداری ۱۶۸۵۵۳ تولید گلخانه‌ای ۲۰۶ پرورش ماکیان ۱۷۴۱۱۴ پرورش زنبور عسل ۱۳۹۶ پرورش دام بزرگ ۷۹۵۰۲ پرورش دام کوچک ۱۸۹۷۰۲ پرورش کرم ابریشم ۵۸۴۲
**تعداد سدهای استان خراسان رضوی در مراحل مختلف:**
مطالعاتی ۳۳ اجرایی ۱۰ بهره‌برداری ۹۳ مجموع ۱۳۶
**استان خراسان رضوی در سال ۱۳۸۵:** مساحت جنگل‌ها ۱۸۰۷۲۳۱ جمع مراتع ۱۴۴۴۷۰۳۵ خوب (متراکم) ۴۳۲۰۱۲ متوسط (نیمه متراکم) ۳۴۱۶۵۵۲ فقیر (کم تراکم) ۱۰۵۹۸۴۷۱ پدیده‌های بیابانی ۱۷۷۱۸۵۶
**تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان خراسان رضوی:** فعال: ۹۱ غیرفعال: ۱ در شرف تأسیس: ۱ تعداد کل: ۹۳

## برخی از مآخذ کتاب‌های سودمند


کتاب سرخس دیروز و امروز ـ دکتر عباس سعیدی
فصلنامه جغرافیائی ـ دکتر محمدحسین پاپلی یزدی
جغرافیای نظامی خراسان ـ علی رزم‌آرا
مراسم نامزدی در قریه دهنوتلخی تربت حیدریه ـ مهدی شاهی‌پسند
سرزمین و مردم قوچان ـ محمد جابانی
عقاید و رسوم مردم خراسان ـ ابراهیم شکورزاده
جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر ـ دکتر حشمت‌الله طبیبی
تاریخ مردم‌شناسی ـ هیس ـ ترجمه ابوالقاسم طاهری
دفتر برنامه‌ریزی کتابهای درسی ـ وزارت آموزش و پرورش
خراسان بزرگ ـ دکتر احمد رنجبر
تاریخ کاشمر ـ محمدرضا خسروی
فصلنامه تحقیقات جغرافیایی
سرزمین و مردم ایران ـ چاپ پنجم
شناخت شهرهای ایران
اطلس مناطق حفاظت شده ایران ـ سازمان حفاظت محیط زیست
آثار باستانی خراسان ـ مولوی، عبدالحمید
آثار باستانی و معماری بقاع متبرکه اطراف شهرستان سبزوار و ـ قراخانی بهار، حسن
آثار تاریخی کلات و سرخس ـ بامداد، مهدی
اترکنامه: تاریخ جامع قوچان ـ شاکری، رمضانعلی
بررسی اوضاع و ویژگیهای فرهنگ عمومی استان خراسان
بررسی کتیبه‌های بناهای تیموری در خراسان ـ مهرپویا، حسین

بررسی گویش بیرجند (واجشناسی ـ دستور) ـ رضایی، جمال
بررسی گویش کرمانجی شمال خراسان ـ جلایر، علی
بناهای تاریخی خراسان ـ مقری، علی‌اصغر
تاجیکان ـ غفوروف، باباجان
تاریخ شهر مشهد (از آغاز تا مشروطه) سیدی، مهدی
تاریخ کاشمر ـ خسروی، محمدرضا
ترانه‌های روستایی خراسان ـ شکورزاده، ابراهیم
توس شهر خفته در تاریخ ـ موسوی، محمود
جغرافیای اقتصادی خراسان ـ مطیعی لنگرودی، حسن
جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان ـ طاهری، ابوالقاسم
جغرافیای تاریخی ولایت زاوه ـ خسروی، محمدرضا
چکیده‌نامه مقالات خراسان ـ اسماعیل‌پور قوچانی، رمضانعلی
حکومت بنی‌امیه در خراسان ـ احسانی، علی‌اصغر
خراسان بزرگ: بحثی پیرامون چند شهر از خراسان بزرگ ـ پاپلی یزدی، محمدحسین
خراسان سرزمین نور
خراسان و سیستان: سفرنامه کلنل بیت بایران و افغانستان ـ بیت، چارلز ادوارد
دیده و دل و دست: پژوهشی در پوشاک و هنرهای سنتی ـ امیدی، ناهید
سفرنامه خراسان ـ ناصرالدین قاجار، شاه ایران
سفرنامه خراسان و کرمان ـ افضل‌الملک، غلامحسین
سمندر چل گیس: دفتری از چند قصه که در خراسان شنیده ـ میهن‌دوست، محسن
سه سفرنامه: هرات، مرو، مشهد ـ روشنی، قدرت‌الله
شعر امروز خراسان ـ میرزازاده، نعمت
شناخت استان خراسان: مجموعه‌ای از تاریخ، جغرافیا ـ افشار سیستانی، ایرج
طوایف ترکمان در دشت گرگان و خراسان ـ میرنیا، علی
عقاید و رسوم عامه مردم خراسان ـ شکورزاده، ابراهیم
عقاید و رسوم مردم خراسان به انضمام پاره‌ای از اشعار و لغات ـ شکورزاده، ابراهیم
قیام سربداران، شامل داستان واقعه باشتین نخستین حرکت ـ حقیقت، عبدالرفیع
کلات نادری ـ خسروی، محمدرضا
گذر سرزمین ایزد: دگرگردی بجستان و بجستانیان ـ برزگر، علی
گزیده‌ای از ادبیات شفاهی تایباد: چهاربیتی‌ها، ضرب‌المثل‌ها ـ مودودی، محمدناصر
گناباد، پیر تاریخ ـ زمانی، عباس
مشهد از نگاه سیاحان از ۱۶۰۰ تا ۱۹۱۴ میلادی با تاکید بر ـ طاهرنیا، بهروز
مقاله‌نامه خراسان ـ نقوی، نقیب
موزه‌های استان خراسان ـ پهلوان، محمدرضا
موسیقی تربت جام ـ مسعودیه، محمدتقی
نامه اهل خراسان ـ یوسفی، غلامحسین
نهضت سربداران خراسان ـ پطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ



زن خراسانی در پوشاک محلی و بومی - قوچان



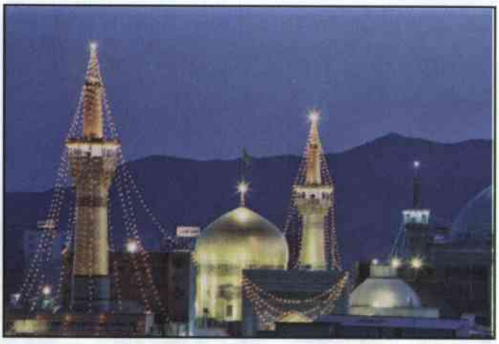
زن خراسانی در پوشاک محلی و بومی - قوچان



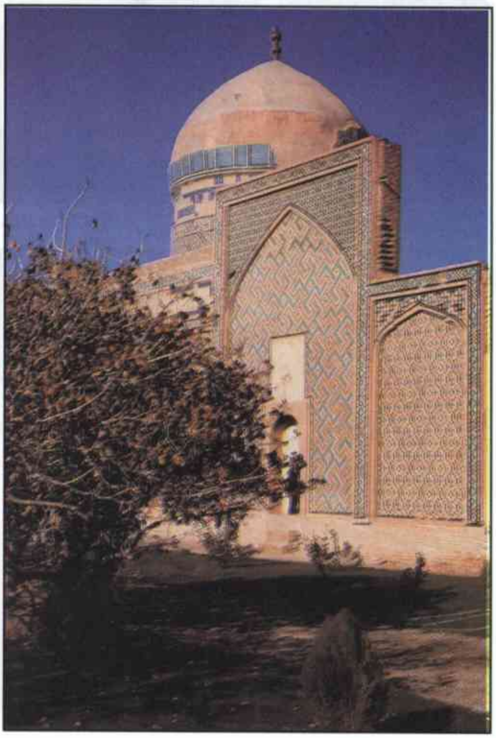
عمارت باغ اکبریه



سد دوستی



مشهد - حرم مطهر امام رضا (ع)



خانقاه شیخ احمد جامی



مشهد - آرامگاه نادر شاه افشار



حرکات موزون با لباس محلی خراسانی



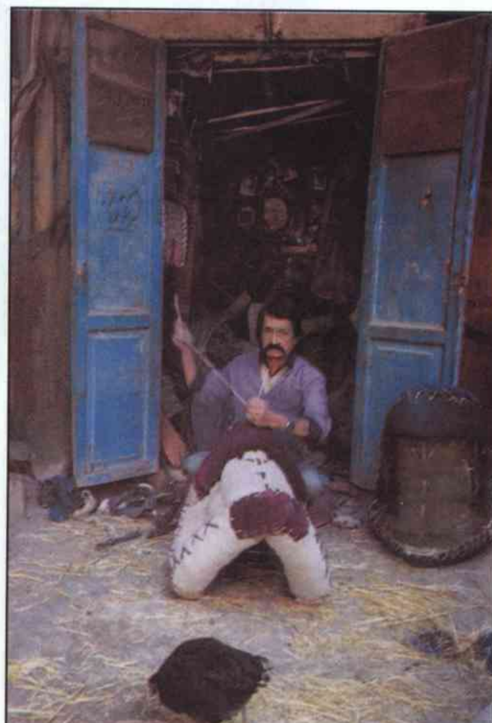
آرامگاه خواجه ربیع (پیر پالان دوز)



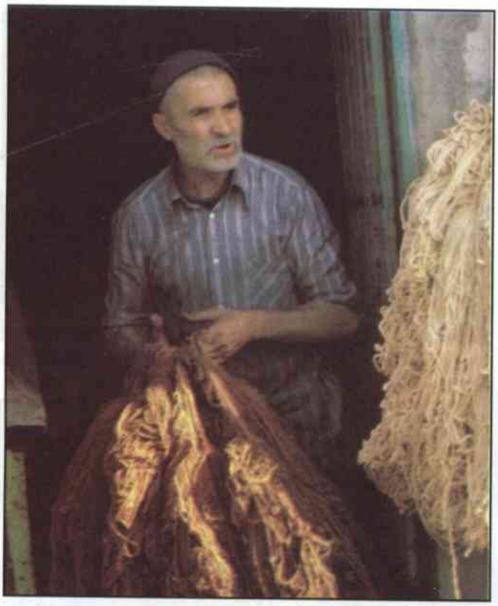
صنایع دستی خراسان



سبزوار - گیوه از جمله پاپوش‌های سنتی و متداول



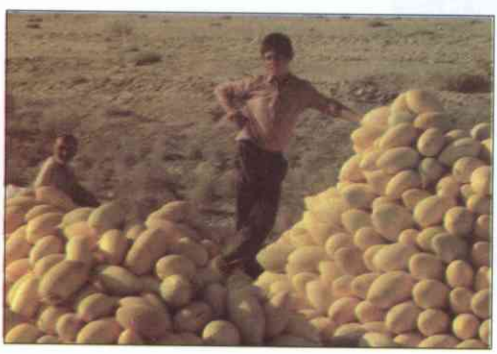
سبزوار - مشاغل سنتی



مشهد - مشاغل سنتی



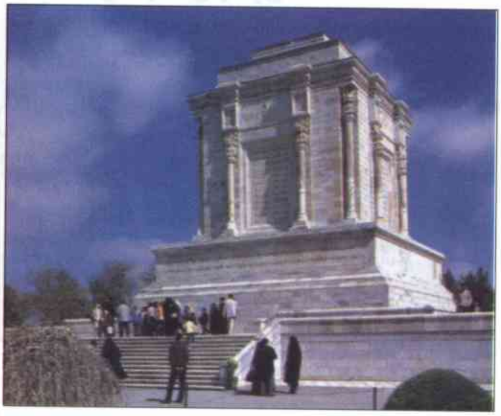
مشهد - مشاغل سنتی



مشهد - مشاغل سنتی



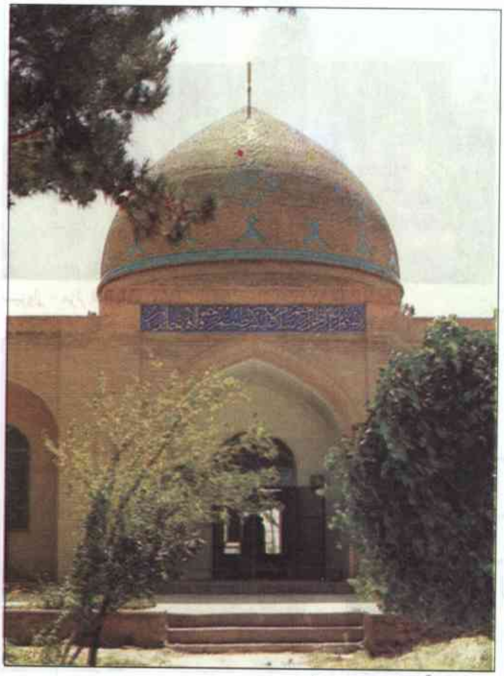
طوس - مجسمه حکیم ابوالقاسم فردوسی - فضای سبز محوطه آرامگاه



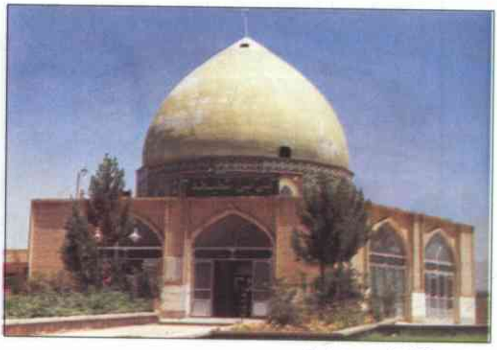
طوس - آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی



نیشابور - آرامگاه عطار نیشابوری



نیشابور - آرامگاه سعیدبن سلام



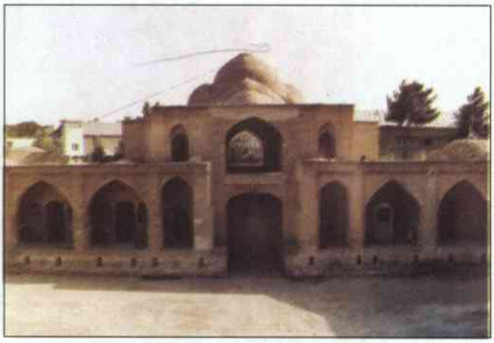
نیشابور - آرامگاه بی‌بی‌شطیطه



نیشابور - آرامگاه استاد کمال الملک



کاخ خورشید - نادر شاه (کلات نادری)



سبزوار - کاروانسرای فرامرزخان معروف به رباط کانون



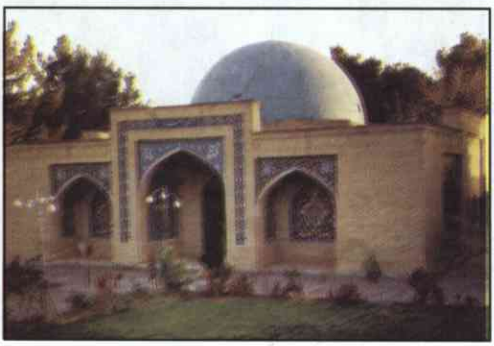
سبزوار - مزار امامزاده شعیب



سبزوار - مزار امامزاده یحیی



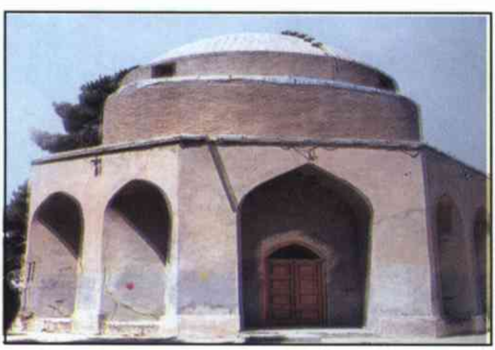
تربت حیدریه - آرامگاه شیخ ابوالقاسم گورکانی



سبزوار - آرامگاه فیلسوف بزرگ حاج ملاهادی سبزواری (اسرار)



تربت حیدریه - آرامگا منسوب به شیخ ابوسعید ابی‌الخیر



تربت حیدریه - مزار بوری‌آباد

همه جای ایران سرای من است

دایرةالمعارف

# سرزمین و مردم خراسان شمالی

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

سرزمین و مردم ـ مردم‌شناسی ـ عشایر ـ موسیقی محلی ـ مقامی خراسان ـ مناطق حفاظت شده ـ شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها ـ تصاویر و عکس‌ها
مشخصات عمومی استان خراسان شمالی براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهر بجنورد، تعداد شهرستان: ۶ تعداد بخش: ۱۶ تعداد شهر: ۱۵ تعداد آبادی دارای سکنه: ۸۶۶ کل آبادی‌ها: ۱۱۹۱
جمعیت استان خراسان شمالی در سال (۱۳۸۵) ۸۱۱۵۷۲ نفر نسبت به کل کشور ۱/۱۵ بوده است. مساحت استان خراسان شمالی ۲۸۴۳۴ نسبت به کل کشور ۱/۷۵ است.
از تهران تا بجنورد (۷۱۳) و از بجنورد تا اسفراین (۶۳)، بجنورد (۰)، جاجرم (۱۷۵)، شیروان (۶۱)، فاروج (۹۰)، مانه و سلمقان (۴۳)

که ایران بهشت است یا بوستان     همی بوی مشک آید از بوستان

### به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از: میثم استواری، مهدی‌زاده ـ کتابخانه وزارت جهاد کشاورزی

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان خراسان شمالی
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: انتشارات آرام (ناشر اصلی) علم و زندگی (ناشر همکار)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۸۸۴۳۰۰۹۶ـ ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۵-۲۵-۶۹۹۱-۹۶۴-۹۷۸ ISBN
بها: ششصد تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان خراسان شمالی؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۹۷۸ ـ ۹۶۴ ـ ۶۹۹۱ ـ ۲۵ ـ ۵
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۴۰۷

## ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

**مشخصات عمومی استان خراسان شمالی براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵:** مرکز استان: **بجنورد** مساحت: ۲۸۴۳۴ تعداد شهرستان: ۶ تعداد بخش: ۱۶ تعداد شهر: ۱۵ تعداد آبادی دارای سکنه: ۸۶۶ کل آبادی‌ها: ۱۱۹۱

جمعیت استان خراسان شمالی در سال (۱۳۶۵) ۵۸۷۳۲۸ نسبت به کل کشور ۱/۱۹ و در سال (۱۳۷۵) ۷۳۲۶۴۶ نسبت به کل کشور ۱/۲۲ و در سال (۱۳۸۵) ۸۱۱۵۷۲ نسبت به کل کشور ۱/۱۵ بوده است.

مساحت استان خراسان شمالی ۲۸۴۳۴ نسبت به کل کشور ۱/۷۵ است.

درصد میزان شهرنشینی استان خراسان شمالی در سال (۱۳۷۵) ۴۰/۰۷ و در سال (۱۳۸۵) ۳۶/۴۸ است.

تراکم نسبی جمعیت استان خراسان شمالی در سال (۱۳۶۵) ۲۱ و در سال (۱۳۷۵) ۲۶ و در سال (۱۳۸۵) ۲۹ نفر در کیلومترمربع بوده است.

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان خراسان شمالی**

مرد و زن ۱۲۵۵ زن ۶۱۱ مرد ۶۴۴

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان خراسان شمالی**

مرد و زن ۳۵۹۵ زن ۲۰۲۰ مرد ۱۵۷۵

**مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان خراسان شمالی در سال ۱۳۸۵**

جمع ۲۱۵ دولتی ۲۱۵ خصوصی ۰ تولید نهال ۳۸۶

**مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان خراسان شمالی در سال ۱۳۸۵**

تعداد بهره‌برداری ۱۲ مساحت گلخانه ۱

ادامه در صفحهٔ ۱۰۹۶

## فهرست برخی از مطالب

**سرزمین و مردم خراسان شمالی**

در سال ۱۳۸۴ استان خراسان به سه استان تقسیم گشت:

۱ـ استان خراسان جنوبی ۲ـ استان خراسان رضوی ۳ـ استان خراسان شمالی

طبق تقسیمات کشوری ۱۳۸۵ خراسان شمالی دارای شش شهرستان و دارای ۱۶ بخش و ۴۱ دهستان و دارای ۱۵ نقطه شهری می‌باشد.

استان خراسان شمالی نگین سرسبز شمال شرق ایران. در بهار سال ۱۳۸۳ رسماً به عنوان یکی از استان‌های کشور ایران تأسیس گردید.

خراسان شمالی با ۲۸/۱۷۹ کیلومتر مربع وسعت ۱/۷٪ مساحت کل کشور است و دارای ۶ شهرستان (بجنورد، اسفراین، شیروان، جاجرم، مانه و سملقان و فاروج) ۱۵ بخش، ۴۰ دهستان و بیش از ۱۰۰۰ روستای دارای سکنه می‌باشد. این استان از شمال با کشور ترکمنستان (با ۲۷۰ کیلومتر مرز مشترک) از شرق و جنوب با استان خراسان رضوی، از جنوب غربی با استان سمنان و از مغرب با استان گلستان هم مرز است. ارتفاعاتی هم چون آلاداغ، سالوک، می‌سی نو یامان داغی از مهم‌ترین ارتفاعات و رود اترک به عنوان تنها رودخانه‌ی دائمی و پرآب شمال شرق کشور در این استان جریان دارد.

تاریخ و فرهنگ خراسان شمالی: وجود ۶۰۶ اثر تاریخی و محوطه‌های باستانی متعدد با سوابقی چندین هزار ساله بیانگر غنای تاریخی این استان می‌باشد. این سرزمین در زمان اشکانیان از بلاد مهم نساء و اقوام پارت بوده و در طول تاریخ گذرگاه حکومت‌های متعددی بوده است. خراسان شمالی (گنجینه‌ی فرهنگ‌ها) با قومیت‌های مختلف کرمانج، فارس (تات)، ترک، ترکمن، کرد و اقلیت‌های بلوچ، عرب، لر، ترک‌ها و فارس‌های مهاجر دیار وفاق مذهب و قومیت می‌باشد.

جاذبه‌های تاریخی و گردشگری خراسان شمالی: ارگ تاریخی بلقیس در اسفراین، بنای سنگی اسپاخو در مانه و سملقان قلعه‌ی جلال الدین مفخم بجنورد چهار تاقی تیموری شیروان و امامزاده سید حمزه فاروج از آثار تاریخی شاخص این استان می‌باشد بخش قابل توجهی از پارک ملی گلستان روستای زیبای درکش در مانه و سملقان، روئین در اسفراین، گلیان در شیروان، مایوان و خسرویه در فاروج و بش قارداش، بابا امان و اسفیدان در بجنورد از جاذبه‌های گردشگری استان به شمار می‌رود.

خراسان شمالی شواهدی از گذرهای مختلف تاریخی و دوره‌ای را در خود جای داده است.

خراسان شمالی، استانی در شمال ایران که از خراسان بزرگ تفکیک گردیده است. همجواری متحد و منسجم فرهنگ‌های مختلفی چون فارس، ترک، ترکمن، بلوچ، عرب و کرمانج در این استان است.

آن‌چه برای این استان به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم و متمایز به شمار می‌رود، بافت طبیعی و اقلیم متنوع آب و هوائی و جانوری این استان است. وجود مناطق سردسیر کوهستانی و مناطق خشک کویری موجب گردیده تا هم زیستگاه مناسبی برای گونه‌های جانوری باشد و هم تنوع کشت انواع مختلفی از محصولات کشاورزی مانند برنج شمال را شامل می‌شود.

وجود مناطق خوش آب و هوا و بدیع در این استان، به تنهائی برای جذب گردشگر خارجی و داخلی، حائز شرایط کافی و چشم نواز است. در

کنار آن، آثار و بقایای تاریخی که هر انسان صاحب اندیشه‌ای را به تفکری هر چند کوتاه، در تمدن و فرهنگ غنی این بخش از ایران دعوت می‌کند.

**موقعیت استان:** استان خراسان شمالی از شمال به کشور ترکمنستان، از جنوب و شرق به استان خراسان رضوی و از غرب به استان‌های گلستان و سمنان محدود می‌شود. خراسان شمالی ۲۸۱۷۹ کیلومتر مربع وسعت دارد که ۱/۷ درصد کل کشور را تشکیل می‌دهد.

استان خراسان شمالی از شش شهرستان بجنورد، اسفراین، جاجرم، شیروان، فاروج و مانه و سملقان تشکیل شده است.

## مردم‌شناسی

**منشأ کردهای خراسان شمالی:** پیش از وارد شدن به موضوع اصلی لازم است اندکی به منشاء کردهای خراسان شمالی بپردازیم. زیرا فرض ما بر این است که تیپ مسکن کردهای خراسان شمالی (کرمانج‌ها) ریشه در خاستگاه و منشأ جغرافیائی آنان دارد. بنابراین باید یادآوری کنیم که کردها، بومی مناطق غربی و شمال غربی ایران می‌باشند و گروه هائی از آن‌ها در دوران سلسله‌های صفویه و افشاریه برحسب ضرورت‌های سیاسی به شمال خراسان کوچ داده شده‌اند.

**مساکن ثابت کردها:** مسکن اصلی کردهای کوچ نشین شامل چادرهای مویی است ولی از دیرباز با ساختن مساکن ثابت (خانه) نیز آشنا بوده‌اند. با رواج یکجا نشینی، مساکن ثابت جانشین چادرهای مویی شده‌اند. در مناطق کردنشین شمال خراسان ممکن است تیپ‌های گوناگون مسکن یافت شود. اما مسکنی که در میان جامعه‌ی کرد رواج بیشتری داشته و تقریباً در انحصار اقوام کرد می‌باشد، مسکن موسوم به «دو چشمه» docosme است. تعیین سیر تحول مساکن سنتی و تشخیص انواع قدیم‌تر از انواع جدیدتر دشوار و احتمال خطا در آن زیاد است.

کردهای شمال خراسان به عنوان مجموعه‌ی فرهنگی واجد شایع‌ترین تیپ مسکن کردی - یعنی خانه‌های دوچشمه - است.

فضای عمومی خانه‌های دوچشمه، نعلی شکلی (n)است. این خانه‌ها شامل دو اتاق هستند. در میان این دو اتاق یک ایوان مسقف قرار دارد. این ایوان از یک طرف به اتاق سومی که آن هم در میان دو اتاق یاد شده قرار دارد محدود می‌شود و از طرف مقابل به محوطه‌ی باز، راه دارد.

در مورد منشأ خانه‌های دو چشمه فرض ما بر این است که از دیرباز ساختن چنین خانه هائی در فرهنگ مردم کرد وجود داشته است. در بسیار از روستاهای کردستان و آذربایجان غربی به آسانی چنین خانه‌هایی یافت می‌شود. همه‌ی کردهای کوچ داده شده به خراسان شمالی، کوچ نشین محض نبوده‌اند بلکه در محله‌های زمستانی خود از مساکن ثابت استفاده می‌کرده‌اند و به این ترتیب سنت خانه سازی در میان آن‌ها وجود داشته است. در حال حاضر هم میلانی‌های (میلانلوها) آذربایجان شرقی تنها در محله‌های تابستانی (ییلاقی) خود از سیاه چادر استفاده می‌کنند که مانند سیاه چادرهای کردهای خراسان شمالی است. در حالی که مسکن قشلاقی آن‌ها شامل خانه‌های ثابت می‌باشد. در روستای پلنگان (کردستان) این قبیل خانه‌ها را می‌توان مشاهده کرد که کاملاً مانند تیپ کردی شمال خراسان است. مصالح به‌کار رفته در خانه‌های کردی شمال

خراسان و کردستان نیز با یکدیگر شباهت دارد. در شمال خراسان برای ساختن خانه‌های موقتی یا اضطراری تنها از گِل استفاده می‌کنند (چینه‌های گِلی) اما خانه‌های بادوام‌تر و دائمی را با خشت و ملات گِل می‌سازند؛ هر چند امروزه مصالح جدید جایگزین مواد و مصالح گذشته شده است.

کردهای چادر نشین پیش از برپا کردن چادر، محل استقرار چادر را آماده می‌کرده‌اند. معمولاً در اطراف محل مورد نظر دیوار کوتاهی از سنگ (با ملات گِل یا بدون آن) ایجاد می‌کرده‌اند. این دیوار سه طرف محل مورد نظر را احاطه می‌کرده است. بنابراین در سه طرف چادر، سه دیوار سنگی کوتاه وجود داشته است در حالی که جلوی چادر (پیش مال) را تنها نوارهای بافته شده از پشم می‌پوشانده و سایر قسمتهای چادر با موی بز ساخته می‌شده است. حال اگر از کل چادر و تجهیزات قابل انتقال صرف نظر کنیم، فقط دیواره کوتاه نعلی شکلی باقی می‌ماند. درباره‌ی این شکل هندسی بیشتر باید تأمل کرد. درباره‌ی پلان مسکن و استقرار فضائی آن‌ها یک ساختار نعلی شکل در ناخود آگاه جمعی کردهای خراسان شمالی وجود دارد.

کردها پس از یکجا نشینی دست به ساختن خانه‌هایی زده‌اند که فضاهای اصلی آن به صورت نعلی شکل قرار دارند. این خانه‌های کردی یا در واقع خانه‌های «دوچشمه»، بر طبق همان ساختار ذهنی شکل ساخته شده‌اند. البته در دوره‌ی اخیر همراه با مدرنیزاسیون و دگرگونی‌های اجتماعی ارتباط فضاهای خانه‌های نعلی شکل با یکدیگر قطع شده است و هر یک از فضاهای خانه، استقلال نسبی به دست آورده‌اند.

هر فرد کرد همان گونه که قاعده‌ی زبان و نظام خویشاوندی را ناخود آگاه فرامی گیرد، ساخت نعلی شکل را در مورد مسکن و استقرار فضائی آن می‌آموزد؛ و بدون آن‌که به وجود آن واقف باشد، از آن پیروی می‌کند. در مورد استقرار فضائی مساکن نیز ساخت نعلی شکل به چشم می‌خورد. به این معنی که در یک محله، خانه‌ها یا چادرها نسبت به یکدیگر به گونه‌ای قرار می‌گیرند که به طور کلی شکل نعل را ایجاد می‌کنند. اکثراً دو بازوی این نعل موازی هم نیستند و نسبت به هم، زاویه‌ی بازتری را تشکیل می‌دهند. اندازه‌ی این زاویه کاملاً متغیر است. تشخیص ساخت نعلی شکل در روستاهای قدیمی‌تر کردنشین در مورد پلان ساختمان آسان است ولی در مورد استقرار فضائی خانه‌ها به راحتی ممکن نیست؛ زیرا با افزایش جمعیت و تعداد خانه‌ها در این نوع روستاها از فضاهای موجود حداکثر استفاده شده است و محل خالی باقی نمانده است و امکان تشخیص ساخت نعلی شکل وجود ندارد. اما در مورد محله هائی که به تازگی از چادر رو به خانه‌های ثابت آورده‌اند وجود ساخت نعلی شکل در استقرار خانه‌ها بسیار جالب توجه است.

استقرار چادرها از ساخت نعلی شکل تبعیت می‌کند. البته لازم به یادآوری است که در حال حاضر کردهای بادلانلو در شورکال صاحب خانه‌های ثابت شده‌اند و دیگر به کوچندگی و چادرنشینی نمی‌پردازند.

در میان کردهای خراسان شمالی مهم‌ترین کارکرد ساخت نعلی شکل در آرایش مساکن عبارت است از:

۱ـ وضعیت توپوگرافی محل زندگی کردها؛ از آن جا که کردها غالباً در مناطق کوهستانی به سر می‌برده‌اند با محدودیت فضا مواجه بوده‌اند و برخلاف ترکمن‌ها نمی‌توانسته‌اند از مدل خطی با

گستردگی پیروی کنند. ساخت نعلی شکل، افراد بیشتری را در فضای کمتری جای می‌دهد. از طرفی شیب کوهستان‌ها و بارندگی‌های فصلی مسأله سیل و رواناب را پیش می‌آورده است که استفاده از ساخت نعلی شکل مانعی برای مقابله با آن محسوب می‌شود. زیرا همیشه آرایش نعلی شکل مساکن به گونه‌ای است که دهانه‌ی باز آن به طرف پائین شیب قرار میگیرد و آب در درون نعل مثالی محبوس نمی‌شود. بلکه از پشت دیواره‌های نعل به سوی پائین دامنه حرکت می‌کند. در این حالت فضای داخل نعل که فضای مورد استفاده‌ی خانه‌ها و استقرار احشام است کمتر در معرض خطر سیل و رواناب قرار می‌گیرد.

۲ـ دیده بانی و اِشراف بر فضای روبروی قرارگاه؛ همان طور که دیگار هم اشاره کرده است در این نوع آرایش زاویه‌ی بازتری از فضای روبه رو توسط چادرها کنترل می‌شود و به طور کلی چادرها دید همدیگر را کامل می‌کنند.

۳ـ حفاظت از بزرگ طایفه، خان یا ریش سفید فامیل که معمولاً نقش سیاسی و مدیریتی مهمی داشت است؛ امروزه سر محله همان نقش را در حد بسیار محدودتر و تنها در زمینه‌ی اقتصاد بر عهده دارد. خان (سرمحله) در قاعده یا در میان ساخت نعلی شکل قرار می‌گیرد و در صورت بروز ناامنی از موقعیت مناسب‌تری برای دفاع و فرماندهی برخوردار است. اهمیت اقتصادی سرمحله و نقش او در سازماندهی افراد، ضرورت حمایت از او را توجیه می‌کند. کارکردهای مثبت ساخت نعلی شکل، قدرت تطابق عشایر کوه نشین را با محیط پیرامون افزایش می‌داده است و شاید تبدیل شدن نعل به نماد شانس و اقبال ریشه در همین مسأله داشته باشد. درباره‌ی علت پیدایش ساخت نعلی شکل در وضعیت قرارگیری و در پلان مساکن به آسانی می‌توان به موقعیت ژئوپولیتیک اقوام اشاره کرد. مثلاً ورود آن‌ها به خراسان و رویارویی با اقوام آلتائی می‌تواند دلیل خوبی باشد. اما از طرفی می‌توان اذعان کرد که درگیری این اقوام با عثمانی‌ها و ... زمینه را برای شکل‌گیری ساخت نعلی شکل فراهم کرده است.

**تحولات مسکن در میان کردهای خراسان شمالی:** در این قسمت عوامل مؤثر بر تحول مسکن کردی به دو دسته تقسیم شده‌اند. ابتدا از عوامل اجتماعی و اقتصادی می‌گوئیم که مستقیم و غیر مستقیم بر تحول مسکن اثر داشته‌اند. از همه‌ی این عوامل با عنوان مدرنیزایون یاد می‌شود. عوامل طبیعی که با عوامل دسته‌ی اول ارتباط سیستماتیک داشته و مجموعاً باعث تحول مساکن کردی شده‌اند.

**اثر عوامل اجتماعی و اقتصادی بر تحولات مسکن:** با ورود تکنولوژی مدرن و تغییر زیر ساخت‌های تولیدی، بسیاری از روابط موجود در جوامع سنتی دچار دگرگونی شد و اقوام کرد شمال خراسان نیز از این قاعده مستثنا نبودند. مدرنیزاسیون از سه جهت بر تحول مساکن مؤثر واقع می‌شود: ۱) تغییرات محیطی و طبیعی، ۲) تغییرات اقتصادی و اجتماعی، ۳) اثرات تکنیکی.

در زمان صفویه برخی از عشایر کرد به شمال خراسان کوچانده شدند و امروز روز طوایف گوناگون آنها از سرخس در انتهای شرقی خراسان تا پاسگاه مرزی چات در گرگان مستقر می باشند. از بازماندگان این عشایر دو ایل مهم یکی زعفرانلو است که از طوایف متعدد چون کیکانلو بیچرانلو، سیفکانلو، عمارلو و غیره تشکیل شده و دیگر ایل شادلو که عشایر دیوانلو، بارزانلو و قراچورلو (یا

قره چولو) منسوب به آنست. عدهٔ زیادی از ایل عمارلو به جنوب شرقی رودبار استان گیلان کوچانده شده اند [پور کریم ۱۳۴۸: ۳۰ - ۲۳؛ توحدی ۱۳۵۹].

در گذشته در میان کردها ازدواج‌ها کاملاً پدر مکانی Patrilocal بوده و هر یک از پسرها پس از ازدواج یکی از اتاق‌های خانه‌ی پدری را تصاحب می‌کرده و یا در همان اتاق پدر و مادر خود مقیم می‌شده است. با توجه به ظرفیت مرتع مورد استفاده، تعدادی از پسران با گله‌ی پدر شریک می‌شدند و تعدادی دیگر سهم خود را از گله‌ی پدر دریافت می‌کردند و به محله‌های دیگر می‌پیوستند. اکثراً وجود یک یا چند پسر در خانه‌ی (یا در گذشته چادر) پدر لازم بوده است. زیرا پدر و پسر به همراه سایر هم محله‌ای‌ها در واقع یک تعاونی تولیدی را شکل می‌داده‌اند. پدر برای امور دامداری به کمک پسر نیازمند بوده است. از طرفی وجود ناامنی‌های متفاوت مانع تفرق و فردگرائی می‌شده است و تا آن جا که منابع تولید (به ویژه مرتع) اجازه می‌داده است افراد فامیل در جوار یکدیگر زندگی می‌کرده‌اند. اما در حال حاضر مدرنیزاسیون تعدد مشاغل را پدید آورده است. به ندرت، کُردِ دامداری را می‌توان یافت که همه‌ی فرزندان او نیز دامدار باشند.

فناوری مدرن و ارتباط روز افزون با شهرها، جوانان کُرد را به سوی مشاغل غیر سنتی سوق داده و اکثراً تعاونی‌های سنتی تولیدی گذشته را از میان برده است. از طرفی حکومت متمرکز و وجود نیروهای انتظامی و مرزهای سیاسیِ مشخص تا حدود زیادی به ناامنی‌های گذشته پایان داده است. بنابراین سه عامل معیشت، همجواری فامیلی و ناامنی، که در ساخت مسکن سنتی مؤثر بوده‌اند، تحلیل رفته و موجب تحول مساکن سنتی شده است.

عشایر کرد شمال خراسان از دیرباز به دین اسلام و مذهب تشیع معتقد و پایبند بوده‌اند. اما باید توجه داشت که تلقی شهریان از مذهب با تلقی روستائیان و عشایر تا حدودی با هم متفاوت است و این موضوع به نوع معیشت آن‌ها برمی گردد.

عشایر کرد به اقتضای حرفه‌ی دامداری همواره مجبور به نگهداری و همزیستی با سگ هستند که در اسلام، رسماً نجس می‌باشد و نگهداری آن کراهت دارد. نوع زندگی عشایر، امکان توجه و رسیدگی همیشگی به موضوع طهارت و نجاست را دشوار می‌کند و مناسک رسمی مذهبی را احتمالاً دچار نقصان می‌سازد. برعکس در میان عشایر توجه به شخصیت‌های مذهبی حماسی و زیارت قبور آن‌ها و فرزندانشان بسیار با اهمیت شمرده می‌شود. مثلاً حضرت علی (ع)، امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) که نماد مردانگی، شجاعت، غرور و جنگ‌آوری هستند با شیوه‌ی معیشت عشایر و ارزش‌های برآمده از آن انطباق کامل دارند. بعد از انقلاب اسلامی و قدرت یافتن مذهب رسمی فقهی، دگرگونی‌های عمده‌ای در دستگاه اعتقادی عشایر به وقوع پیوست. تا این جا ادعای ما بر این بود که شیوه‌های معیشت عشایر در تعیین نوع تلقی مذهبی آن‌ها مؤثر بوده است. اما پس از انقلاب، یک جریان معکوس هم مشاهده می‌شود و آن تأثیر تلقی مذهبی (مذهب رسمی فقهی) بر شیوه‌های معیشت است. به تعبیر ماکس وبر می‌توانیم از اثر عامل فرهنگ بر اقتصاد نمونه‌های جالبی را در جامعه‌ی کردهای خراسان شمالی پیدا

کنیم. از فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیائی ـ دکتر محمد حسین بابلی یزدی

**ایل افشار:** این ایل به طوایف و تیره‌های مختلف منشعب میشود و مهمترین آنها قاسملو و قرقلو است، این طوایف در زمان سلطنت شاه اسمعیل صفوی در ایالات ایران از قبیل: آذربایجان، فارس، کرمان، عراق، خراسان، مازندران، خوزستان، پراکنده بوده‌اند و تیره‌هائی از این ایل در نواحی درگز و کلات سکونت داشته‌اند، مؤلف تاریخ نادرنامه در مورد انتقال طوایفی از ایل افشار به درگز چنین نوشته «طایفه قرقلو را شاه اسمعیل صفوی به خراسان کوچانید و در شمال آن سرزمین یعنی نواحی ابیورد (درگز) و باخرز تا حدود مرو مسکن داد» باز متذکر میشود که «شاه عباس مرزبانی نواحی قوچان و بجنورد و درگز و کلات و سرخس را به ایل افشار سپرد و پانزده هزار نفر از دلاوران افشار را از غرب کشور به این حدودکوچ داد» و اضافه مینماید «افشارهای ابیورد و نسا (درگز) که نادرشاه از آن طایفه برخاست در زمان شاه عباس به آنجا انتقال یافته بودند زیرا این نواحی در تصرف ازبکان بود». محمدکاظم مؤلف نادرنامه می‌نویسد: «شاه عباس چهار هزار و پانصد خانوار از جماعت افشار را از آذربایجان کوچانید و در نواحی ابیورد و درجز سکنی داد ولی در تأیید اینکه طوایفی از ایل افشار قبل از سلطنت شاه عباس کبیر در خراسان منجمله کپکان و دستگرد درگز و کلات و سرخس سکونت داشته‌اند میتوان بنوشته عبدالرشید ابن محمدشفیع افشار محمودلو مؤلف تاریخ افشار که خود از این ایل بوده استناد کرد وی می‌نویسد: «در سال ۱۰۳۶ هجری شاه عباس اول بپاس خدمات کبلعلی‌خان افشار و دیگر این طایفه فرمان داد که آنان هر نقطه از کشور راکه خود انتخاب می‌کنند بعنوان (اقطاع) در دست گیرند و مسکن سازند، کلبعلی‌خان بیدرنگ هشت هزار خانوار از این طایفه راکه در عراق، فارس، کرمان، خراسان سکنی داشته‌اند به ارومیه انتقال داد به همین جهت افشار ارومی نام گرفتند»، بنابراین زمان انتقال طوایفی از ایل افشار بنواحی درگز قطعاً اوایل سلطنت شاه اسمعیل صفوی بوده است از نوشته‌های تاریخ نادری چنین معلوم میشود طوایف قدیمی ایل افشارکه بنواحی درگز وکلات انتقال و اسکان یافته‌اند تیره‌های: قرقلو، استاجلو، سرورلو، پاپالو، کوسه احمدلو، چاپشلو، جلایر بوده‌اند.

**ایل چمشگزگ:** طوایفی از ایل چمشگزگ در زمان شاه اسمعیل صفوی و بعد در سلطنت شاه عباس کبیر باطراف درگز (ابیورد ـ درون) و قوچان منتقل شده‌اند درکتاب حرکت تاریخی کرد در خراسان نوشته شده اکراد چشمگزگ بوسیله شاه اسمعیل در کپکان درگز اسکان یافته‌اند ولی شواهد و اسناد دیگری نشان می‌دهد تیره‌هائی که از این ایل، قبل از آن در نقاط دیگر درگز غیر از کپکان اسکان یافته‌اند.

**۱ـ افشار:** شامل تیره‌های، قرخلو یاقرقلو، قاسملو، پاپالو، سرورلو، چاپشلو،کوسه احمدلو، گندوزلو، امیرلو، استاچلو، اجرلو، جلایر، قراباشلو، اینانلو، ارشلو، بکشلو، الیلو. زمان انتقال: دوره صفویه. محل اسکان: کپکان، چاپشلو، محمدآباد، کلات، دستگرد، جشن‌آباد

**۲ـ چمشگزگ:** شامل تیره‌های، زعفرانلو، شادلو، قاچکانلو یا باجوانلو،کاوانلو، عمارلو، قراچورلو. زمان انتقال: دوره صفویه و افشاریه و قاجاریه. محل اسکان: کپکان، اتانلو، دوتاتلو، باچوانلو،

پالکانلو، نوخندان.
**۳ـ قره قوینلو:** زمان انتقال: دوره صفویه، دوره قاجاریه
**۴ـ گرایلی:** طایفه گرائیلی، گرائیت ایلی (از بازماندگان مغول) محل اسکان: کپکان، دستگرد، محمدآباد
**۵ـ شیخانلو:** از ایل شیخکانلو، زمان انتقال: دوره شاه عباس اول. محل اسکان: دره درونگر روستای شیخوانلو از توابع بخش نوخندان.
**۶ـ باچوانلو:** یاقاچکانلو تیره‌ای از ایل چمشگزگ. زمان انتقال: در سلطنت شاه اسمعیل و شاه عباس کبیر صفوی. محل اسکان: روستاهای خنلانلو، برج قلعه، پالکانلو، جلفا.
**۷ـ زیدانلو:** تیره‌ای از ایل کرمانج. زمان انتقال: دوره قاجاریه. محل اسکان: روستای زیندانلو در دهستان باچوانلو از توابع بخش نوخندان.
**۸ـ قراچورلو:** ایلی است از اکراد. زمان انتقال: دوره صفویه. محل اسکان: پالکانلو در دره درونگر و باچوانلو، روستاهای میانکوه و بخش چاپشلو.
**۹ـ کیکانلو:** طایفه‌ای است از ایل زعفرانلو. زمان انتقال: دوره قاجاریه. محل اسکان: قلعه کیکانلو دره درونگر.
**۱۰ـ اناوی:** ایل آنالو نزدیک کلاته چنار که ویرانه آن جزء خاک ترکمنستان است. زمان انتقال: دوره قاجاریه. محل اسکان: کلاته چنار، نوخندان، چغراوغلی
**۱۱ـ سادات:** همزمان با ایل چشمگزگ انتقال یافته‌اند. زمان انتقال: دوره سلطنت شاه عباس کبیر صفوی. محل اسکان: محمدآباد، نوخندان، قلعه سادات، درونگر.
**۱۲ـ مهنه‌ای:** از اهالی مهنه که طبق قرارداد اخال ضمیمه خاک شوروی سابق شده است. زمان انتقال: دوره قاجاریه. محل اسکان: خیرآباد، گلخندان از توابع بخش لطف‌آباد.
**۱۳ـ گوارسی‌ها:** از اهالی گوارس (جزء خاک ترکمنستان است). زمان انتقال: دوره قاجاریه. محل اسکان: قلعه میر از توابع بخش لطف‌آباد.
**۱۴ـ علی ایلی:** طایفه‌ای از ترکمانان. زمان انتقال: دوره قاجاریه. محل اسکان: شیلگان از توابع بخش لطف‌آباد.
**۱۵ـ کیوانلو:** طایفه‌ای از اکراد. زمان انتقال: دوره قاجاریه. محل اسکان: زنگلانلو، اسپتان، نوخندان، چاپشلو، جشن‌آباد، کاهو.
**۱۶ـ زندولک:** طوایفی از لر. زمان انتقال: دوره نادرشاه. محل اسکان: دستگرد، کپکان، محمدآباد.
**۱۷ـ مادوانلو:** طایفه‌ای از ترکمانان. زمان انتقال: دوره قاجاریه. محل اسکان: نوخندان.
**۱۸ـ قارشی قوزیلو:** یا چاپشلو تیره‌ای از ایل افشار انتقال یافته از قارشی قوزی ترکستان. زمان انتقال: دوره صفویه. محل اسکان: چاپشلو، محمدآباد، درونگر، نوخندان.
**۱۹ـ زنگنه:** طایفه‌ای از ایلات فارس. زمان انتقال: دوره سلطنت نادرشاه. محل اسکان: باچوانلو، درونگر از توابع بخش نوخندان.
**۲۰ـ پالکانلو:** تیره‌ای از ایل کرد شکاک. زمان انتقال: دوره صفویه (شاه عباس کبیر). محل اسکان: روستای پالکانلو از دهستان باچوانلو بخش نوخندان.
**۲۱ـ ابیوردی‌ها:** از بازماندگان اهالی ابیورد بعد از خرابی. زمان انتقال: دوره قاجاریه. محل اسکان: روستای حصار از توابع لطف‌آباد، نوخندان.
**۲۲ـ قراباشلو:** تیره‌ای از ایل افشار. زمان انتقال: دوره صفویه. محل اسکان: چاپشلو، کله کندی، داغدار، حق‌وردی، قلجق، بشارت، اقداش،

گنداب، ایلابخق.

**۲۳ـ عربها**: تیره‌ای از عربهای خوزستان. زمان انتقال: دوره نادرشاه. محل اسکان: روستای عربها از توابع بخش چاپشلو.

**۲۴ـ بختیار**: طوایفی از ایل بختیار فارس. زمان انتقال: دوره نادرشاه. محل اسکان: نوخندان. ـ نقل از کتاب ایلات و طوایف درگز ـ سید علی میرنیا

**عشایر خراسان شمالی**

در خراسان شمالی علاوه بر ترکمنها، عشایر ترک دیگری نیز به چشم می خورد. با این تفاوت که این عشایر به قدری با مردم بومی خراسان درهم آمیخته اند که در این روزگار تشخیص آنها از دیگران دشوار است. مضافاً که برخی از آنها زبان ترکی را رها کرده و به فارسی سخن می گویند. از میان عشایری که اصلاً ترک بوده اند می توان به تیموری ها در اطراف تربت جام، بربری ها در بالا جام و فریمان، ایلسون (شاهسون) در بغبغو در ناحیهٔ مزدوران و قرائی در حوالی رشتخوار اشاره کرد. [شاه عالمی ۱۳۰۸ ش؛ Ivanov - 1926: 143-158]

شاخه ای از ایل قرائی راکه به قرائی سیرجان معروفند، در استان کرمان می یابیم. افراد این ایل تابستانها را در کوه های شمال شرقی سیرجان در حوالی تنگوپائین و خانه سرخ به سر می برند و زمستانها را در جنوب شهر سیرجان تا علی آباد و نازی آباد در امتداد جادهٔ سیرجان - بندر عباس. مهمترین ایلات ترک زبان استان کرمان بوچاقچی و افشار است. بوچاقچی ها هنوز کوچروانـد و تابستان را در چهار گنبد سیرجان و زمستان را در عین البقر و چاه قلعه در سرحد کرمان و فارس به سر می برند.

بخشی از ایلات افشار که به نام افشار تفرقه معروفند - و شاید پس از انقراض سلسله افشار از خراسان آمده باشند - در شهرستان بافت سکونت دارند. افراد ایل زمستانها در دشت آرزویه در باختر و جنوب اسفندقه (از شهرستان جیرفت) به سر می برند و تابستانها به حوالی شهر بافت و فتح آباد و گوغر و حشون تا نزدیکی های ییلاق بوچاقچی کوچ می کنند. در بوچاقچی و افشار زبان ترکی آکنده ازکلمه های فارسی به عنوان زبان داخلی به کار می رود، اما همهٔ افراد ایل فارسی را با لهجهٔ محلی به خوبی می دانند [وزیری کرمانی ۱۳۵۳؛ باستانی پاریزی ۱۳۵۵ ج ۱؛ Stober 1978].

**نظم و ترتیب چادر در طول زمستان:** در محلهٔ زمستانی برخلاف محله تابستانی، نظم و ترتیب چادر می تواند در بین گروههای کوچ‌نشین خراسان متغیر باشد.

ـ کوچ‌نشینان ثروتمندی هستند که دارای چادرهای اضافی، زاغه‌ها، یا گوسفندسراهایی برای پناه دادن دامهایشان در طول سرمای شدید می‌باشند. در نتیجه دامهای آنها هرگز زیر چادر خانوار نمی‌آیند. در این صورت دو نوع نظم و ترتیب درون چادر وجود دارد.

نظم و ترتیب درون چادر، وقتی بسیار پیچیده‌تر می‌شود که دامها برای مدتی (بین ۱ تا سه ماه در رابطه با محله‌ها نیز در ارتباط با سالها) باید در زیر همان چادری پناه داده شوند که افراد خانواده زندگی می‌کنند، و این راه‌حل متداولی است که در بین کوچ‌نشینان فقیر یا متوسط الحال برای حفاظت از دامهای خود در برابر سرمای سخت وجود دارد. منتها باید تأکید نمود که از سال ۱۳۴۹، به علت افزایش تعداد چادرهای اضافی و

گسترش آغلها، درصد خانوارهایی که در طول سرمای سخت با حیوانات خود زندگی می‌کنند کم شده است.

**نیمه‌کوچ‌نشینی در شمال خراسان:** همهٔ کوچ‌نشینان شمال خراسان از جامعه کوچ‌نشینی نشأت نگرفته‌اند.

بیشترین نیمه کوچ‌نشینان منطقه خراسان یا از جوامع یکجانشین به وجود آمده‌اند و یا دامدارانی می‌باشند که از قرنها پیش به نیمه کوچ‌نشینی اشتغال دارند (مثل ترکها) بدون این که بتوان آنها را از ابتدا کوچ‌نشین دانست.

در تمام ایران شمالی، ارتفاعات بلند قبل از هر چیزی حوزه کوچ‌نشینان است در حالی که در پایین، روی دامنه‌های کوهها، کوچهای شبانی روستاییان دره‌ها، بطور مطلق انجام می‌پذیرد. کوهستانهای شمال خراسان (بینالود، شاه جهان و هزارمسجد) از این قاعده کلی مستثنا نیستند.

در شمال خراسان، اگر ارتفاعات بلند قبل از هر چیز حوزه کردهای کوچ‌نشین است، دره‌های کوچک تنگ، حوزه‌نیمه‌کوچ‌نشینان یا روستاییانی است که دامداری آنها یک منبع درآمد مکمل قابل توجه به حساب می‌آید. معمولاً جمعیت روستاهای واقع در قسمت علیای دره‌های کوچک خراسان شمالی بیشتر از جمعیت در روستاهای واقع در قسمتهای وسطی یا سفلای همین دره‌ها می‌باشد. این یک امر اتفاقی نیست، حتی اگر علیای دره تنگتر از وسطی باشد و زمین قابل کشت کمتری در اختیار بگذارد. «در مناطق کم جمعیت و شهری نشدهٔ حوزه نیمه خشک، کوهها غالباً پرجمعیت‌تر از دامنه‌های آن حدود است این روستاها که در علیای دره‌ها قرار گرفته پرجمعیت‌تر هستند، زیرا که آنها از زمینها و مراتعی استفاده می‌کنند که بلافاصله در بالای روستا قرار دارند و امتداد آن تا مرز مراتع کوچ‌نشینان می‌رسد. در واقع، مراتع آنها در زیر چراگاههای کردهای کوچ‌نشین قرار دارند.

در بعضی از روستاها که کلاً یکجانشین هستند، دام در آغل شخصی نگهداری می‌شود و هرگز در یک گله مجتمع نمی‌گردد. اما در اکثر روستاهای دره‌های بزرگ، دامها در گله‌های کوچک اشتراکی، مجتمع می‌گردند.

در دره‌های بزرگ، دامداری مبتنی بر اقامت دام در طول سال در روستا و یا در مجاورت نزدیک آن است. این گله‌ها را هر روزه به مراتع اطراف می‌برند و به هنگام شب به آغلها برمی‌گردانند، در طول روزهای سرد و برفی، آنها را در آغل‌ها نگه می‌دارند و به‌کمک علوفه دستی تغذیه می‌شوند. آغل یا زاغه اشتراکی بسیار محدود است زیرا هر خانوار دارای یک آغل شخصی است که غالباً دامهای کوچک، گاوها و حیوانات بارکش را با هم در آن نگه می‌دارند.

**الف ـ نیمه کوچ‌نشینان «کرد» شمال خراسان (نیمه کوچ‌نشینانی که منشاء کوچ‌نشینی دارند.)**

نیمه کوچ‌نشینان کرد شمال خراسان از همان اصل و تبار کردهای کوچ‌نشین خراسان هستند. سه گونه نیمه کوچ‌نشین کرد را می‌توان در شمال خراسان از هم تشخیص داد:

۱ ـ نیمه کوچ‌نشینان کرد که یک محل استقرار ثابت دارند و مبادرت به کشتهای آبی مهم و با ارزشی می‌کنند.

۲ ـ نیمه کوچ‌نشینان کرد که دارای دو محل استقرار ثابت هستند، یکی روستای اصلی آنها با یک ارتفاع کاملاً مرتفع بین ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ متری که در آن مبادرت به کشتهای آبی و دیمی می‌کنند و

دیگری دهکده‌های کوچک پراکنده‌ای که در محله زمستانی به وجود آمده‌اند و دارای یک ارتفاع متوسط بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ متری می‌باشند که در آن‌ها منحصراً مبادرت به کشت دیم می‌کنند.

۳ـ نیمه کوچ‌نشینان قدیمی که قبلاً در مسافتهای بلند تغییر محل می‌دادند ولی مدت اندکی است که تبدیل به نیمه کوچ‌نشینانی شده‌اند که در فاصله‌های کوتاه تغییر محل می‌دهند تا جایی که حتی از زندگی نیمه کوچ‌نشینی گذر کرده‌اند و وارد زندگی شبانی شده‌اند.

**ب ـ نیمه کوچ‌نشینان تُرک خراسان شمالی:** در بررسی نیمه کوچ‌نشینی ترک خراسان جمله آقای دوپلانول به ذهن خطور می‌کند که می‌گوید: «نیمه کوچ‌نشینی الزاماً مرحله ساده از تحولات کوچ‌نشینی نیست بلکه غالباً نوعی از زندگی اصیل و مستقل است و نه تنها یک مرحله انتقالی نیست بلکه ثابت و حتی انسجام یافته است».

**ج ـ نیمه کوچ‌نشینان فارسی زبان خراسان شمالی:** از سال ۱۳۳۹، بخصوص بعد از ۱۳۴۲ (سال اصلاحات ارضی) موقعیتی کاملاً مشخص و ویژه در بیشتر روستاهای شمالی خراسان مشاهده می‌گردد. هر ساله بر تعداد روستاییانی که سیاه‌چادر می‌خرند افزوده می‌شود، در حالی که از مدتها پیش و همیشه یکجانشین بوده‌اند. می‌بینیم درصد مهمی از اهالی زندگی نیمه کوچ‌نشینی را انتخاب کرده‌اند حال آن که از لحاظ تاریخی انتظار بر آن است که نیمه کوچ‌نشینی به سوی یکجانشینی و اسکان تحول یابد. وقتی که در کشوری، سیاست حکومت سعی به یکجانشین کردن کوچ‌نشینان، از طریق حذف کوچ‌نشینی دارد، این نوع انتخاب یعنی برگزیدن زندگی نیمه کوچ‌نشینی توسط روستاییان بیشتر نمایان می‌شود.

چرا بعضی از روستاییان که همیشه یکجانشین بوده‌اند زندگی نیمه کوچ‌نشینی را برگزیده‌اند؟ اساساً افزایش جمعیت یکی از عواملی است که آنها را به سوی این انتخاب سوق می‌دهد. ـ از کتاب مردمان ایران

## دیدنی‌ها و آثار تاریخی

**آئینه‌خانه‌ی مفخم:** بنای آئینه خانه‌ی مفخم در شمال شهر بجنورد واقع شده است. این بنا همزمان با عصر ناصری در داخل باغ بزرگی به نام دلگشا ساخته شد.

پلان این بنا مستطیل شکل بوده و در دو طبقه با تزئینات خارجی و داخلی ساخته شد. تزئینات خارجی بنا شامل کاشیکاری با اشکال گل و بوته و نقوش انسانی و حیوانی است. در طبقه‌ی دوم اتاق آئینه کاری شده‌ای وجود دارد که نام خود را به کل بنا بخشیده است. امروزه بنای آئنه خانه بعنوان موزه‌ی تاریخی ـ فرهنگی بجنورد مورد استفاده قرار گرفته است.

**عمارت مفخم:** بنای تاریخی عمارت مفخم بزرگ‌ترین و شاخص‌ترین اثر تاریخی دوره‌ی قاجار در استان خراسان شمالی در شمال شهر بجنورد قرار دارد. این بنا در حدود سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۵ ه.ق و در زمان حکومت ناصر الدین شاه و به دستور یار محمد خان شادلو (سردار مفخم) از حکمرانان منطقه ساخته شده است. این عمارت دو طبقه محل سکونت سردار مفخم بوده که هر طبقه دو ایوان شمالی و جنوبی دارد که ۹ ستون در ضلع جنوبی و ۷ ستون در ضلع شمالی دارد. این بنا دارای ۳۴ اتاق بوده و با آئینه کاری، کاشی کاری و گچبری مزین شده است.

**شهر بلقیس:** کهن دژ بلقیس اسفراین که به شهر بلقیس معروف شده در ۳کیلومتری جنوب شرقی اسفراین کنونی واقع شده است. وسعت این شهر کهن در حدود ۱۵۰ هکتار و ساخت ارگ (کهن دژ) حدود ۵ هکتار است. این شهر بر اساس اسلوب معماری ساسانی و شامل سه بخش کهن دز، ربض و شارستان ساخته شده و مهم‌ترین مصالح به کار رفته در آن خشت و گل است. این مجموعه تاریخی را می‌توان جزو عظیم‌ترین میراث‌های خشتی ایران تلقی کرد که در طول تاریخ همواره بعنوان یکی از شهرهای مهم در حاشیه‌ی جاده‌ی ابریشم قرار داشته است.

این شهر برای آخرین بار در دوره‌ی صفویه متروک شده و شهر اسفراین به محل کنونی حدود ۳کیلومتری شمال این ویرانه‌ها منتقل شده است.

**یخدان کوثر:** این اثر معماری در حدود ۴ کیلومتری شمال شرقی بیدخت در مجاورت روستای متروکه کوثر در میان اراضی کشاورزی واقع است. به طور کلی یخدان کوثر از سه بخش دیوار شرقی و غربی جوی مخصوص و محل جمع آوری یخ‌های ابتیاع شده شکل گرفته است. دیوار این یخدان از خشت و چینه ایجاد شده و در پشت آن نیز جوی قرار داشته است، که آب در داخل آن انباشته شده و در شب‌های سرد زمستان به یخ تبدیل می‌شد، پس از آن یخ‌ها که بیشتر به صورت لایه لایه بوده است به چال یا محفظه‌ی نگهداری یخ منتقل می‌شد. برای جدا ماندن لایه‌های یخ از یکدیگر از کیسه‌های کاه استفاده می‌شد. پوشش محفظه‌ی یخ در یخدان کوثر به گونه‌ای است که در ابتدا قاعده مخروطی آن با قطر بیشتر بوده و هر چه به انتهای مخروط نزدیک می‌شود از دایره کاسته شده تا به رأس آن منتهی می‌شود. در حاشیه‌ی بخشی از دیوار یخدان نیز اتاقکی است که مخصوص یخدان به آن بوده است.

**قلعه‌ی جلال الدین:** در فاصله‌ی ۵ کیلومتری غرب شهرستان حد فاصل جاده‌ی گرمه به جاجرم، تپه‌ی نسبتاً مرتفع سنگی است.که قلعه‌ای نظامی موسوم به جلال الدین بر روی آن ساخته شده است. این قلعه با پلانی شش گوش، دارای شش برج مدور در اطراف است که در ورودی آن در ضلع جنوب است و در گذشته عمارتی نیز بالای در ورودی آن مشاهده شده است.

عمده مصالح این قلعه از سنگ و ملات ساروج و گاهی از آجر می‌باشد و ارتفاع برج‌ها و دیوارهای آن حدود ۲۱۲ متر می‌باشد. قدمت این بنا به دوره‌ی خوارزمشاهی باز می‌گردد.

**روستای روئین:** این روستا در ۲۷ کیلومتری شمال اسفراین واقع شده و آب و هوای معتدل کوهستانی با زمستان‌های سرد و پر برف و تابستان‌های معتدل است. آب فراوان باغ‌های این روستا را پر رونق ساخته به طوری که هیچ فصلی از سال از محصولات باغی بی بهره نبوده است.

هم چنین روستا طبیعتی سر سبز، ارتفاعات بلند، رودخانه‌ی دائمی، درختان چنار قدیمی دارد که به آن چهره‌ی منحصر به فردی بخشیده است. مقبره‌ی ملا عارف روئینی و امامزاده اسحاق در این روستا قرار دارد. هنر زنان روستا چادر شب بافی، چتائی بافی، حوله و دستمال است.

**روستای توریستی اسپیدان:** روستای توریستی اسپیدان در ۴۵ کیلومتری جنوب شرقی بجنورد واقع شده است. این روستا بافت مسکونی جالب توجهی دارد و خانه‌ها به صورت پلکانی در دامنه‌ی کوه ساخته شده‌اند. از جاذبه‌های این

روستا به آبشار هنرور، آبشار بارگاه، غار خزانه‌ی هنرور، مقبره‌ی شیخ محمد رضا ربانی معروف به حاج آخوند مؤسس مدرسه‌ی علمیه‌ی روستا، امامزاده محمد بن باقر بن موسی بن جعفر می‌توان اشاره کرد.

**غارهای هنامه:** غارهای هنامه در روستای هنامه ۱۸ کیلومتری شمال شرقی شهرستان شیروان قرار گرفته است. غارهای هنامه قصبه‌ای بزرگ و تاریخی در دل کوه و از زیر خروارها سنگ و خاک قد برافراشته است؛ غار از سه طبقه که شامل آخورها در طبقه‌ی اول، انبار آذوقه در طبقه‌ی دوم و طبقه‌ی سوم محل زندگی و اسکان مردم بوده است. این غارها از اتاق‌های متعدد و خانه‌های مسکونی و برج‌های دیدبانی تشکیل شده است. در کنار درگاهی‌ها جای اتصال و پاشنه گاه در به وضوح مشخص است. غارها احتمالاً مربوط به دوره‌ی اشکانی است.

**ویژگی‌های اتاق‌های غار:** دیواره جنوبی و بخش بزرگی از دیواره‌ی غربی اولین اتاق که حدود ۷۰ سانتی‌متر طول دارد به کلی فرو ریخته است. از بقایای به جا مانده از سقف قوسی شکل آن، چنین به نظر می‌رسد که احتمالاً ۱۷۰ تا ۱۸۰ سانتی‌متر ارتفاع داشته است. در منتهی‌الیه شرقی دیواره فضای شماره‌ی ۱، یک تاقچه مستطیل شکل در دیوار تعبیه شده که در آن چراغ و سایر وسایل گذاشته می‌شده است. به علاوه در عمق ۱۰ سانتی‌متر وجود دارد که قرینه‌ی آن در دیواره‌ی مقابل دیده می‌شود و احتمالاً چوبی بین فرورفتگی‌ها قرار می‌گرفته که برای آویختن منبع روشنائی، غذا یا اقلامی از این دست بوده است.

**چهار طاقی تیموری:** چهار طاقی تیموری یا مقبره‌ی تیموری را مربوط به اوایل دوران تیموری می‌دانند و بر اساس تاریخی که بر روی سنگ قبر داخل مقبره حک شده بود سال ۷۸۵ ه.ق ذکر کرده‌اند.

ساختمان بنای مقبره‌ی تیموری خشتی (آجری) و نمای خارجی آن هشت ضلعی است. این بنا دارای سردابه بوده که سقف آن از بین رفته است. بنای چهار طاقی با ۱۴ پلکان به شکل مارپیچ به پشت‌بام راه دارد و در ساخت بنا از آجر، ملات و گاهی نیز چوب استفاده شده است.

**روستای استاد:** روستای استاد در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی شهر فاروج واقع شده است. روستای استاد آب و هوای معتدل کوهستانی دارد. از جاذبه‌های این روستا علاوه بر چشم اندازهای طبیعی زیبا می‌توان به تخت حصار، قلعه کهنه، مسجد جامع، حمام قدیمی و بنای امامزاده اولیاء اشاره نمود. در روستای استاد صنایع دستی مختلف از جمله قالیبافی رواج دارد. ورزش محلی کشتی باچوخه، انواع غذاها و نان‌های محلی، مراسم جشن نوروز و سیزده بدر، تعزیه خوانی و به این روستا چهره‌ی منحصر به فردی بخشیده است.

**روستای توریستی خسرویه:** روستای خسرویه در دامنه‌ی رشته کوه‌های زیبای شاه جهان و در فاصله‌ی ۲۵ کیلومتری جنوب غربی فاروج در دل دره‌ای سر سبز جای گرفته است. خسرویه زادگاه عالم ربّانی آقا نجفی قوچانی است و از بافت سنتی و معماری بسیار غنی برخوردار است. علاوه بر بافت سنتی و مذهبی، از جاذبه‌های طبیعی بسیاری نیز برخوردار می‌باشد.

**بنای اسپاخو:** بنای سنگی اسپاخو در ۶۷ کیلومتری شهرستان مانه و سملقان واقع شده است. این بنا چهارگوش مستطیلی شکل است و

گنبد از نوع نیمکره‌ای و به وسیله‌ی چهار فیلپوش بر فضای مربعی گنبد خانه استوار شده است. ورودی اصلی بنا و ضلع شرقی به شکل ایوانی بلند با قوس گهواره‌ای است و دیواره‌های شمالی و جنوب بنا نیز در ورودی‌هایی با طاق کلیدی تعبیه شده است. بنای سنگی اسپاخو به شماره ۱۵۷۹ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.
مجله‌ی گردشگری ایرانا

**شاهان گرماب ـ مشهد**

چشمه شاهان گرماب در ۱۴۴ کیلومتری جنوب شرقی شهر مشهد در ارتفاعات نسبتاً زیاد در دامنه کوهی که از رسوبات تجزیه شده آن پوشیده شده است خارج می‌شود.
آب شاهان گرماب از دسته آبهای بیکربناته کلسیک و سدیک گرم با باقیمانده خشک کم و pH کم اسید می‌باشد.
خواص درمانی و موارد استعمال آب چشمه شاهان گرماب با مقایسه با چشمه‌های مشابه آن چنین است، در عفونت‌های پوستی مانند اگزمای حاد و مزمن، خشک و ترشح‌دار در مورد مبتلایان به جوش صورت پسوریازیس، زخمهای مزمن و جراحات ناشی از واریس التیام نسبتاً شدید مشاهده شده است. موارد تجویز ثانوی آب به سبب بالا بودن درجه حرارت آب شاهان گرماب در عوارض رماتیسمی مزمن، آرتریت و آرتروز، دردهای عصبی مربوط به رماتیسم، عوارض کوفتگی (درد و سختی حرکات مفاصل) نیز اثرات نیکو می‌تواند داشته باشد.

**کاخ خورشید ـ کلات نادری ـ استان خراسان**

بنای این کاخ که در وسط باغ بزرگی قرار دارد از دوره نادرشاه افشار است که به اغلب احتمال برای سکونت خود ساخته است. نمای این کاخ که به شیوه معماری هندی ساخته و به شکل استوانه می‌باشد با سنگهای مرمر سیاه تزیین شده و بلندی آن درگذشته در حدود ۲۵ متر بوده است، در حال حاضر به علت خرابی طبقه سوم بنا ارتفاع کاخ بیش از ۲۰ متر نیست. این کاخ مجموعاً دارای ۱۲ اطاق می‌باشد که در داخل اطاق‌ها تزییناتی از نقاشی و گچبری به چشم می‌خورد.
شیوه تزیین و آرایشی که در این بنا بکار برده شده شامل ریزه کاری‌های دقیق و متنوع و قابل ملاحظه است.
تصاویری از شاهزادگان نادری بر روی دیوارها نقش شده، در این تزیینات که قسمتی از آن به اشکال مختلف ترسیم شده آثار نقوش زرین دیده می‌شود.

**پارک بش قارداش**

مجموعه‌ی تفریحی تاریخی بش قارداش از دو فضا تشکیل یافته که عبارتند از که ۱ـ **مقبره‌ی بش قارداش:** این بنا مجموعه‌ای است از دو، ایوان کوچک و دو اتاق و یک ایوان بزرگ در مرکز، با چهار گلدسته رو به غرب که تمامی نمای آن به وسیله‌ی کاشی هفت رنگ در طرح‌های هندسی و گل و گیاه با رنگ‌های فیروزه‌ای، لاجوردی، زرد و ... تزئین گردیده است.
گنبد خانه‌ی بنا دارای یک گنبد دو پوشه کاشی کاری با ساقه‌ای از تلفیق کاشی و آجر به صورت گل چینی اجراء گردیده و فضای زیرین آن به وسیله‌ی کاشی، آینه و گچ بری تزئین یافته و محل دفن سردار مفخم، که وی فرمانروای بجنورد، استرآباد اسفراین، جاجرم و سبزوار در دوره‌ی

ناصر الدین شاه بوده است. این فضا دارای یک سنگ قبر به تاریخ ۱۳۲۰ ه.ق و دو لوح مرمر حاوی شرح حال سردار و وقف‌نامه‌ی مجموعه می‌باشد که در دیوار شرقی نصب گردیده است.

**۲ـ چشمه‌ی آب معدنی:** این چشمه‌ی پر آب که دارای خواص درمانی منحصر بفردی می‌باشد با دو استخر زیبا و درختان کهنسال، فضائی سرسبز، محیطی فرح‌بخش و با طراوت را ایجاد نموده است.

**مقبره‌ی کشته شدگان واقعه‌ی لهاک‌خان**

قدمت: اوایل دوره‌ی پهلوی، کاربری: محل دفن کشته شدگان واقعه‌ی لهاک خان.

در داخل باغی و بر فراز تلی خاک بنائی آجری به ابعاد ۶/۸۰×۶/۵۰ و ارتفاع ۴/۸۰ قرار گرفته که نمای بیرونی آن به وسیله‌ی آجرهای نقش برجسته با دو طرح در داخل قابچه هائی در چهار ضلع بنا کار شده است. این بنا دارای یک گنبد فیروزه‌ای است که در فضای زیرین آن تعدادی از کشته شدگان واقعه‌ی لهاک خان دفن گردیده است.

(سردار لهاک خان سالار جنگ یکی از فرماندهان قشون جان محمد خان بود که ضد حکومت مرکزی در زمان رضا خان طغیان کرد).

## موسیقی محلی ـ مقامی خراسان

خراسان از دیرباز مهد فرهنگ و تمدن بوده و موسیقی سنتی آن به نحوی شایسته درگذر زمان جاری و از رشد لازم برخوردار بوده است و همواره مردم این خطه از ایران عزیز با آن ارتباط و خویشاوندی نزدیکی داشته‌اند. مجسمهٔ شش هزار و پانصد سالهٔ شخص تنبورنواز کشف شده از خراسان قدیم، گواه بر این حقیقت است که موسیقی در این خطه، پیشینه‌ای درخشان و فرهنگی دیرینه دارد (این مجسمه در موزهٔ لوور پاریس نگهداری می‌شود).

با توجه به گستردگیِ اقوام و قومیت‌های مختلف در ایران و موقعیت‌های مختلف اجتماعی ـ جغرافیایی و شرایط اقلیمی و فرهنگی، موسیقی محلی ـ مقامی نیز در نواحی مختلف ایران با توجه به ویژگی‌های خاص آن ناحیه پدید آمده است که آئینهٔ تمام‌نمای آداب و رسوم، فرهنگ و هنر، افسانه‌ها و اسطوره‌ها و داستان‌های آئینی و سنت‌های آئینی و اعتقادی می‌باشد.

در خراسان نیز با توجه به گستردگی جغرافیایی منطقه، اقوام مختلفی با فرهنگ‌های مختلف و در شرایط مختلف اقلیمی و اجتماعی در آن جای دارند که در دو حوزهٔ بزرگ موسیقی شمال خراسان و جنوب و شرق خراسان تقسیم می‌شوند که حوزهٔ جنوب، خود می‌تواند از تقسیمات ریزتری برخوردار باشد.

خراسان به واسطهٔ وسعت جغرافیایی و وسعت خاک و تنوع و گوناگونی آب و هوا، توانایی و استعداد انواع شیوه‌های معیشت، از جمله کوچ‌نشینی را داراست و از این‌رو، علاوه بر بومیان منطقه، قبایل و طوایف متعددی از جمله ترکمن، ترک، کُرد، بلوچ، تات، عرب و... در این زمین اسکان یافته‌اند.

تنوع نژاد از عرب‌های حسنی، سامی، خزیمه تا هزاره، بلوچ و نژادهای کُرد کرمانج ـ ترک ـ ترکمن و مغول در این قسمت از ایران به چشم می‌خورد؛ به همین سبب موسیقی این پهنهٔ فرهنگی نیز متنوع است. اغراق نیست اگر ادعا شود که استان خراسان یکی از غنی‌ترین گنجینه‌های فرهنگی موسیقی است و برخلاف بیشتر مناطق ایران، موسیقی آن

سبک خاصی دارد؛ وحدت سبک ندارد و چنان‌که ذکر شد، در دو حوزهٔ بزرگ شمال خراسان و جنوب و شرق خراسان تقسیم‌بندی می‌شود.
شمال خراسان با موقعیت جغرافیایی کوهستانی و چشمه‌های جوشان و رودخانه‌ای جاری، شامل شهرهای قوچان، شیروان، بجنورد، چناران، درگز، کلات نادری، اسفراین، شمال شهرستان نیشابور و شمال شهرستان سبزوار، آشخانه و جاجرم و... می‌باشد. موسیقی جاری در این خطه نیز موسیقی کوهستان است و به واسطهٔ شرایط معیشتی کوهستان فریادی‌تر و پیچیده‌تر است و در نگاه اول، قابل شناخت نیست و نیاز به کندوکاو علمی و پژوهشی دارد و از این لحاظ می‌توان آن را دارای موقعیت منحصر به فردی تلقی نمود. تنوع سازها و اقیانوس بی‌کران موسیقی آن منطقه با مقام‌ها و آهنگ‌های مختلف، شرایطی را به وجود آورده است که پژوهشگران و محققان با نگاهی ویژه به آن می‌نگرند، به عنوان مثال آقای دکتر مهاجرانی از قوچان به عنوان پایتخت موسیقی مقامی کشور یاد می‌کنند.
در شمال خراسان، اقوام کرد و ترکمن و تات زندگی می‌کنند که فرهنگ غالب در این خطه، فرهنگ کُردی است که همان کرمانجی می‌باشد به این دلیل که بیشترین ساکنان منطقه را تشکیل می‌دهند و قوت‌های فرهنگی که در آن دیده می‌شود، فراگیرتر شده است. ـ مجتبی قیطائی

**اقتصاد:**

**برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی خراسان شمالی**

غلات هکتار/ تن (گندم ۱۶۶۵۲۲، ۳۰۸۶۸۰- جو ۴۶۸۳۶، ۹۳۴۹۴- شلتوک ۹۴۳، ۳۷۸۷- ذرت دانه‌ای ۴۷۴، ۳۲۰۶)
حبوبات هکتار/ تن (نخود ۶۳۲۸، ۲۵۱۰- لوبیا ۹۰۹، ۹۶۴- عدس ۲۱۲۱۳، ۸۵۵۴)
محصولات صنعتی هکتار/ تن (پنبه ۱۰۵۵۳، ۱۹۲۶۲- چغندرقند ۲۲۸۶، ۶۸۲۱۷- کلزا ۴۱۷، ۷۲۴)
سبزیجات هکتار/ تن (سیب‌زمینی ۲۲۳۸، ۵۶۳۴۱- پیاز ۸۴۴، ۲۶۰۸۵- گوجه‌فرنگی ۵۶۰۶، ۱۸۵۰۱۹)
محصولات جالیزی هکتار/ تن (خربزه ۲۲۰۰، ۲۸۴۸۷- هندوانه ۱۱۸۱، ۱۱۲۰۸- خیار ۱۴۸۳، ۲۰۵۱۶ )
نباتات علوفه‌ای هکتار/ تن (یونجه ۱۵۰۴۵، ۵۶۲۰۱- شبدر ۱۵۱، ۱۲۷۶)
**محصولات:** میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی، به. میوه‌های هسته دار: آلبالو، گیلاس (تک دانه مشهد)، گوجه، آلو، هلو، شفتالو، زردآلو و قیسی، شلیل، آلو قطه طلا. میوه‌های دانه ریز: انگور (بیدانه کشمشی، عسگری، شاهرودی، یاقوتی)، توت درختی. میوه‌های خشک: پسته (اوحدی، احمدآقایی، اکبری، کله قوچی)، بادام، گردو، فندق، سنجد. میوه‌های سردسیری: زالزالک. میوه‌های نیمه گرمسیری: انجیر، انار، خرمالو، زیتون. گیاهان دارویی: زیره سبز. توت نوغان، زعفران، گلستان، غیرمثمر.
**توزیع اراضی زیرکشت** و نسبت آن به کل مساحت به تفکیک استان ۲/۲۰ رتبه ۱۸ - مقدار تولید غلات ۴۰۹۱۶۷ تن رتبه ۲۰ - مقدار تولید حبوبات ۱۲۰۲۸ تن رتبه ۱۲ - مقدار تولید محصولات صنعتی ۹۲۵۴۱ تن رتبه ۱۵ - مقدار تولید سبزیجات ۲۶۸۹۱۲ تن رتبه ۱۸ - مقدار تولید محصولات جالیزی ۶۰۲۱۲ تن رتبه ۲۲ -

تولید علوفه ۶۸۲۵۶ تن رتبه ۲۴ - مقدار تولید محصولات باغی ۱۸۳۹۳۶ تن رتبه ۲۰ - تولید پسته بمقدار ۹۰ تن رتبه ۱۴ -

**وضعیت تولید گل و گیاهان زینتی:** ۱۵۷۰۸۰۰ شاخه گل ۱۱۳۸۴۰ گلدان ۱۰۸۰۰۰۰ اصله ۶۰۰۰۰۰۰ بوته تولید زعفران ۱۲۸۰ کیلو - گیاهان داروئی ۴۶۸۰ کیلو - تولید عسل ۴۲۷۴۸۷

**صنایع:** محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۸۲ واحد)، ساخت منسوجات (۲۲ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۱۱ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۳ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۱۳ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۵۵ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۱۵ واحد)، ساخت ماشین آلات و تجهیزات (۲۰ واحد). روغن خام پنبه دانه (۳)، شیر پاستوریزه (۲)، ماست پاستوریزه (۲)، انواع کیک و بیسکوئیت و کلوچه (۱)، ماکارونی (۲)، چای خشک بسته بندی شده (۱)، انواع رب گوجه فرنگی (۳)، گاز نیتروژن (۱).

## صنایع دستی استان خراسان شمالی

پوست و پوستین دوزی، پارچه‌ی دستباف، فیروزه تراشی، فیروزه کوبی، قلمکار، سنگ تراشی، قلاب دوزی، پته دوزی، برک بافی، سرامیک سازی، نمد مالی، چاروق دوزی، مصنوعات چرمی، کیف و کفش چرمی، زیلو بافی، گلیم بافی، ملیله دوزی، یراق دوزی، منگوله بافی، جواهر سازی، سبد بافی، گیوه دوزی، قلمزنی روی مس، کلاه نمدی، قالیبافی، نقاشی روی سفال، مشبک کاری، جاجیم بافی، نخ تابی، قیطان بافی، سفال و سرامیک، کارت بافی، دوخت‌های سنتی، گلدوزی، منبت، سرمه دوزی، کاشی هفت رنگ، میناکاری، ابریشم کشی، تراش روی شیشه، کاشی معرق، پاپیه ماشه، گره چینی، ادوات موسیقی سنتی، شبکه دوزی، پیکر تراشی، فلزکاری، ریسندگی، مصنوعات فلزی، نقره‌سازی، معرق، تذهیب. ـ سازمان صنایع دستی

**فرش:** تولیدات این هنر سنتی که از قرن‌ها پیش نگین صنایع دستی کشورمان به شمار می‌رود ضمن اشتغال‌زایی قابل توجه عمده‌ترین اقلام صادراتی کشور را بعد از نفت تشکیل می‌دهد و بهترین معرف ذوق، هنر، خلاقیت، ابتکار و تلاش هنرمندان ایرانی نزد مردم دنیا است. بافت قالی و قالیچه از روزگاران گذشته بین عشایر و روستاییان که به پرورش گوسفند و گله‌داری اشتغال داشتند معمول بوده است و بیشترین جمعیت شاغل در صنایع دستی کشور به این هنر ـ صنعت ملی می‌پردازند.

**گلیم‌بافی:** گلیم‌بافی از جمله قدیمی‌ترین زیراندازهایی است که توسط بشر ابداع شده و مورد استفاده قرار گرفته است تا جایی که محققان سابقه هفت هزار ساله برای آن قائلند. این دست بافته با انواع الیاف طبیعی جهت زیرانداز یا تزئین بافته می‌شود. طرح‌ها در گلیم متاثر از فرهنگ سنتی و محیط جغرافیایی طبیعی بافندگان است. در روستاها بافندگان در هنگام بافت از نقشه استفاده نمی‌کنند و نقشه‌های ذهنی آنها به صدها نقش دیگر تقسیم شده هر نوع سلیقه‌ای را ارضا می‌کند. گلیم‌ها شامل یک رو و دورو بوده و کاربرد آنها در زمینه‌هایی مثل نمکدان، روفرشی، رومیزی، جوال، خورجین، پادری، کناره، گلیم زیرانداز، گلیم تزئین مثل تابلو، رختخواب‌بند، کوله‌پشتی، پشتی، رومبلی، کفش، کیف زنانه،

جوراب، دستکش، چاروق، زانوبند و بازوبند می‌باشد.

**سفره کُردی:** این هنر مختص خراسان شمالی و از بافته‌های منحصر به فرد زنان کرد عشایر این استان می‌باشد که در شهرستانهای بجنورد و مانه و سملقان، شیروان و فاروج رواج دارد و به عنوان هنری وصف‌ناپذیر که نمادهای مذهبی و احساسی عشایر نسبت به طبیعت را در خود جای داده می‌باشد و نقش‌های بافته شده نشان از عظمت فرهنگ و اعتقادات و آداب و رسوم قوم کرد دارد. نمادها در سفره کردی همگی بیانگر شکر به درگاه خدا و نعمات الهی و احترام به طبیعت می‌باشد. نگاره و نقوش گلیم کرمانجی در واقع نقش مایه‌های کهن هستند که در نوع خود بی‌نظیرند. بیان انتزاعی موضوع، تنوع بسیار گسترده، خطوط و نقوش بکار رفته، نقوش انتزاعی، گیاهی و حیوانی، نقوش هندسی و... به اضافه فرهنگ واژگان اصیل موجود، از خصوصیات این نوع گلیم است.

**جاجیم‌بافی:** جاجیم، دست بافته‌ای است ضخیم شبیه پلاس یا گلیم که راه‌راه و رنگین بافته می‌شود و مانند سایر دست بافت‌ها به عنوان زیرانداز مورد استفاده قرار می‌گیرد. استفاده از جاجیم به عنوان پتو، روتختی، جل اسب و کف‌پوش نیز ذکر شده است و جنس آن عمدتاً از پشم بوده ولی در حال حاضر از انواع مواد اولیه در بافت آن استفاده می‌شود.

تمام طول جاجیم به یک بار بافته می‌شود و رنگ و نقش آن متنوع است و نمادهایی مانند جوان بودن بافنده و امید به آینده‌ای روشن را در بر دارد.

**پلاس‌بافی:** پلاس نوعی گلیم پشمی است که از دیرباز به عنوان یک زیرانداز مناسب جهت محافظت از رطوبت، سرما و گرمای زمین به کار می‌رود و بدین لحاظ در مفروش نمودن کف چادرهای عشایر خراسان شمالی یا ساختن سیاه چادر که اغلب در زمینهای مرطوب و بدون زه‌کشی برپا می‌گردد و نیز در خانه‌های روستایی مورد استفاده بیشتری دارد. پلاس در سایر نقاط ایران نیز بافته می‌شود و در خراسان شمالی به صورت بافت پیچ انجام می‌گیرد. نقش و نگارهای مورد استفاده در دست بافته‌های یک قومیت در پلاس مشاهده می‌شود که همه آنها دارای قدمت تاریخی و فرهنگی در بین همان قوم می‌باشد.

**فرش و پشتی ترکمن:** هنر دست زنان ترکمن است که در منطقه جرگلان و ساکنین ترکمن نشین بجنورد و همچنین در شهرستان مانه و سملقان رواج دارد که مانند سایر دست بافته‌ها با نقوش زیبای خاص خود چشم هر بیننده را خیره می‌کنند. طرح فرش‌های ترکمن از لحاظ شکل هندسی و شکستگی خطوط ایلی خاص مردم کوچ‌نشین است که به صورت ذهنی بافته می‌شود. ترکمن یموتی، شانه‌ای، غزال‌گز، آغال، چهارقاب، و قاشقی طرحهای فرعی این نقوش را تشکیل می‌دهند. پشتی ترکمن بسیار شبیه قالیچه است. اندازه‌های آن نیم، یک و یک و نیم متر می‌باشد که در آن از چهار رنگ قزل، قره، طلایی و آق استفاده می‌شود و نقوش را گلچه و قره‌نقش می‌خوانند.

**چاروق‌دوزی:** چاروق، پاپوش سنتی مردم شمال شرق ایران است. چاروق کلمه‌ای ترکی است به معنای پای‌افزار یا پاپوش که بندها و تسمه‌های بلند دارد و بندهای آن را به ساق پا می‌پیچند. دارای نوکی برگشته به بالا بوده و جنس آن از چرم طبیعی است که با نخ‌های ابریشم الوان

به اشکال مختلف زینت داده می‌شود و برای زیباتر شدن این پاپوش در نوک آن منگوله استفاده می‌شود که از نخهای ابریشم رنگی تهیه می‌شود. هنرمندان چارق‌دوز در شهرستان بجنورد مشغول به فعالیت می‌باشند.

**پارچه‌بافی، چادرشب‌بافی و حوله‌بافی:** چادرشب، دست بافته‌های دستگاهی است که در مناطق جاجرم و روئین اسفراین بافته می‌شود. در گذشته از نخهای ابریشمین جهت بافت آن استفاده می‌شود ولی در حال حاضر جهت بافت آن استفاده می‌شد ولی در حال حاضر جهت بافت چادرشب از نخ وکاموا استفاده می‌کنند که مصارف گوناگونی دارد. ابعاد بزرگ آن برای پیچیدن رختخواب (چادر شب) و ابعاد کوچک آن به عنوان رومیزی، حوله، دستمال و... استفاده می‌شود.

پارچه‌بافی در منطقه جرگلان بجنورد نیز رواج دارد که جنس آن از ابریشم مرغوب می‌باشد.

**لباس‌های کردی و عشایری:** این لباس‌ها دارای اجزای مختلف می‌باشند. ۱ ـ شلیته: دامنی بلند از مخمل که تا زانوها رسیده و حاشیه آن دارای نواردوزی بوده که نشان دهنده طایفه فرد می‌باشد. رنگ آن برای عروس‌ها سفید، برای خانم‌ها قرمز و برای دخترها زرد می‌باشد. ۲ ـ گراس: پیراهنی بلند که پایین آن چین‌دار می‌باشد. ۳ ـ جلیقه: از جنس مخمل و دارای رنگ یکنواخت با شلیته می‌باشد که روی آن را سکه‌دوزی می‌کنند. ۴ ـ یاشار: روسری بلندی از جنس حریر می‌باشد. ۵ ـ سربند: دستمال یزدی است که جهت محکم نگه داشتن یاشار روی آن بسته می‌شود. ۶ ـ گار: گوشواره‌ای بلند که به دو طرف عرقچین متصل و روی سر قرار می‌گیرد و روی آنها یاشار و سربند استفاده می‌شود. ۷ ـ جوراب سفید و بلند ۸ ـ چاروق.

**لباس‌های محلی ترکمنی:** این لباس‌ها دارای انواع مختلف می‌باشند که عبارتند از چاوک، کولته، چلپی و یلک که متداول‌ترین و ارزان‌ترین آنها چاوک می‌باشد. جنس پارچه از ابریشم دست‌باف و عمدتاً دارای رنگ قرمز و حاشیه زردرنگ است. همچنین حاشیه و سرآستین آنها سوزن‌دوزی می‌باشد و جهت جلوگیری از جمع نشدن پارچه و ظرافت بیشتر، سوزن‌دوزی با آستر انجام می‌شود.

**زیورآلات محلی:** زیورآلات محلی مکمل لباس‌های سنتی و بومی این استان بوده و لباس‌هایی چون لباس‌های کردها و ترکمن‌ها که معرف آداب، رسوم، عادات و سنن و فرهنگ مردم هر منطقه است، خود دارای پیشینه‌ای کهن می‌باشد و زیورآلات همیشه جزئی لاینفک از پوشاک اقوام و عشایر و روستاییان این استان است.

**رودوزی‌های سنتی:** وجود اقوام ترکمن در منطقه باعث خلق آثار هنری بسیار از جمله رودوزی‌های خاص که بر روی لباس‌های محلی انجام می‌گیرد شده است. رودوزی‌ها بر حاشیه پیراهن، شلوار، سرآستین، کلاه و کمربند انجام می‌گیرد. کلاه‌های مزین به دوختهای سنتی تخیه نام دارد و از هنرهای کم نظیر اقوام ترکمن می‌باشد که با نقوش هندسی از پارچه‌هایی با الیاف حیوانی و نخ ابریشمی تهیه می‌شود.

سایر رودوزی‌های خراسان شمالی شامل انواع رومیزی، روتختی، تابلوی میناتوری، کوسن، و... می‌باشد. در این دوخت‌ها نیز از انواع رنگهای طبیعت و از نخ‌های گلابتون و ابریشم استفاده شده است. طراحی این رودوزی‌ها تلفیقی از نقشینه‌های ایران باستان و ایران دوره اسلامی می‌باشد.

**سفالگری:** سفال و سفالگری بی‌گفتگو متعلق به ایران و ایرانی است و این نه از سر تعصب، بلکه واقعیتی تاریخی است‌که سفالگر هنرمند ایرانی در اثبات آن پای می‌فشارد. سنت سفالگری حدود ۸۰۰۰ سال است که د رمیان اقوام ایرانی پراکنده در ایران دوام یافته و از چم و خم هزار توی تاریخ گذشته و بدست فن‌آوران سفالگر کنونی رسیده است. در خراسان شمالی، در سال‌های نه چندان دور سفالگری در بجنورد، اسفراین، گرمه و جاجرم و شیروان از رشته‌های درآمدزا بوده است که به علت بی‌توجهی رو به منسوخ شدن می‌رود. صنعت‌گران سفالگر با متانت و صبوری، خاک مرده را با آب و آتش به دست ساخته‌های متنوع و زیبایی تبدیل می‌کنند.

**معرق:** با قرار دادن قطعات مختلف از قبیل صدف، عاج، استخوان، فلز و چوب‌های مختلف رنگی در کنار یکدیگر معرق ایجاد می‌شود. در واقع معرق روی چوب را می‌توان تابلو نقاشی‌ای دانست که در آن به جای قلم‌مو، از اره‌مویی استفاده می‌شود. در تمام شهرهای خراسان شمالی، هنرمندان زیادی در رشته معرق فعالیت نموده و این رشته طرفداران بی‌شماری را به خود جلب نموده است. در حال حاضر رشته معرق در کلیه مراکز آموزش صنایع دستی شهرستان‌های خراسان شمالی تدریس می‌شود.

**شیشه‌گری:** ایران از معدود کشورهای جهان است که شیشه‌گری دستی آن با اتکا به سنتی چهارهزارساله، از رونق و رواج چشم‌گیری برخوردار است. کاربرد شیشه در معماری و تهیه ظروفی تزئینی و مصرفی می‌باشد. در استان خراسان شمالی هنرمندان زحمتکش این رته در کارگاههای سنتی آبگینه فعالیت دارند. ـ نشریه مصور صنایع دستی استان خراسان شمالی

## مناطق حفاظت شده خراسان شمالی

خراسان شمالی دارای یک پارک ملی به مساحت ۵۲۸۹۵ هکتار، پناهگاه حیات وحش به مساحت ۸۴۴۳۵ هکتار، منطقه‌ی حفاظت شده به مساحت ۹۲۰۹۷ هکتار در جمع ۲۲۹۴۲۷ هکتار، دارای دو پارک ملی، یک پناهگاه حیات وحش، چهار منطقه‌ی حفاظت شده در مجموع هفت، ـ**پناهگاه حیات وحش میاندشت** به مساحت ۸۴۴۳۵ هکتار که در ۱۳۵۴ تأسیس شد. ـ**منطقه‌ی حفاظت شده سرانی** به مساحت ۱۵۸۹۵ هکتار که در سال ۱۳۵۰ تأسیس شد. ـ **منطقه‌ی حفاظت شده ساریگل** به سماحت ۲۱۳۰۹ هکتار که در سال ۱۳۵۲ تأسیس شد. ـ**منطقه‌ی حفاظت شده‌ی سالوک** به مساحت ۱۱۶۷۷ هکتار است که در سال ۱۳۵۲ تأسیس گشت. بخشی از پارک ملی گلستان که در قلمرو خراسان شمالی، استان گلستان و سمنان قرار گرفته است.

**سالوک ـ منطقه امن (پارک ملی)** بر اساس مصوبات جاری ۲۰ درصد مساحت هر یک از مناطق حفاظت شده به منظور تامین امنیت بهتر وحوش و حفظ ارزشهای اکولوژیکی آن تحت عنوان منطقه امن به طور کامل قرق گشته و حفاظت می‌گردد. بر این اساس در سال ۱۳۵۷ منطقه امن سالوک با وسعت تقریبی ۶۰۰۰ هکتار انتخاب شد و مورد تصویب قرار گرفت. حدود ۱۳ سال قرق و حفاظت کامل این منطقه سبب رشد غنای طبیعت آن گشته و به همین دلیل در سال ۱۳۸۰ به خاطر ویژگی‌های با ارزش اکولوژیکی آن به سطح پارک ملی ارتقاء یافت و در حال حاضر نیز با همین نام تحت کنترل و مدیریت می‌باشد.

**موقعیت جغرافیایی:** منطقه حفاظت شده سالوک در شمال غربی شهرستان اسفراین در استان خراسان شمالاً: از آبریز ارتفاعات سالوک از سرخ چشمه توی تا آهنگران. جنوباً: از جاده قدیم سارمران تا روستای توی. شرقاً: از تقاطع جاده مالروی آهنگران تا دره سیاه خانه به طرف چشمه بیان و از این محل در امتداد جاده جیپ رو تا سارمران. غرباً: از روستای توی پایین به طرف شمال در امتداد جاده مالرو و تا قریه توی بالا و در امتداد همین جاده پس ازگذشتن از دره توی تا دره سنگ بست در امتداد جاده مالرو تا سرخ چشمه توی.

مساحت کل منطقه ۱۷۰۰۰ هکتار است که از کل مساحت ۴۰۰۰ هکتار دامنه سالوک را که در زیستگاه جمعیت قابل توجهی آهو می‌باشد تشکیل داده و ۱۳۰۰۰ هکتار آن کوهستانی و تپه ماهور که در بعضی نقاط پوشیده از جنگل ارس می‌باشد و از نظر اداری منطقه تحت مدیریت اداره محیط زیست اسفراین قرار دارد.

**سکونت‌گاههای انسانی:** هیچگونه سکونتگاه انسانی در داخل منطقه حفاظت شده سالوک وجود ندارد. ولی در پیرامون منطقه مورد مطالعه چند روستا و شهر وجود دارد که شغل اکثر مردم آنها کشاورزی و دامداری میباشد. شهرهای پیرامون منطقه عبارتند از: ۱- شهر اسفراین: نزدیکترین شهر به منطقه مورد مطالعه شهر اسفراین می‌باشد، این شهر در شرق منطقه قرار داشته و حدود ۲۰ کیلومتری با منطقه فاصله دارد.
۲- شهر بجنورد: این شهر در شمال منطقه مورد مطالعه واقع شده و تا منطقه مطالعه حدود ۳۰ کیلومتر فاصله دارد.

**راههای ارتباطی :** مهمترین راههای منطقه عبارتند از: ۱- جاده آسفالته اسفراین به بجنورد در شمال شرق منطقه ۲- جاده قدیم اسفراین به بجنورد در قسمت شرق منطقه ۳- جاده آسفالته اسفراین به روستاهای غربی در جنوب منطقه ۴- راه شوسه سیاه خانه در شرق منطقه ۵- جاده شوسه گاز جهت انتقال خط گاز از بجنورد به اسفراین در شرق منطقه احداث شده است. ۶- جاده مالرو سالوک عیسی بیگ ۷- جاده مالرو سیاه خانه به آهنگران ۸- جاده مالرو آهنگران به دره چهاربرج ۹- جاده مالرو سپیدارلی به دره عرب ۱۰- جاده مالرو به پیش قلعه

**محیط طبیعی سالوک:** منطقه سالوک از نظر ژئومورفولوژی به دو واحد کوهستان و دشت تقسیم می‌شود.دو سوم وسعت منطقه را مناطق کوهستانی و حدود یک سوم آن را دشت فراگرفته است.اختلاف ارتفاع بین پست‌ترین نقطه منطقه در دشت جنوبی (۱۲۱۰ متر) ومرتفع‌ترین نقطه در کوهستانهای جنوب (۲۷۲۰ متر)به حدود ۱۵۱۰ متر بالغ می‌گردد و این اختلاف ارتفاع اکوسیستمهای متنوعی را در این منطقه ایجاد نموده که به تبع آن بر تنوع زیستی منطقه افزوده شده بطوریکه بسیاری ازگونه‌های گیاهی مناطق گرم و سرد را در این منطقه می‌توان مشاهده نمود.درکف دره‌هاگونه‌های درختی و درختچه‌ای زرشک ،بید انجیر و گردو در مناطق مرتفع گونه‌های ارس بصورت پراکنده و انبوه به وفور دیده می‌شود.منطقه از تنوع جانوری نسبتاً خوبی برخوردار است و تقریباًتمامی گونه‌های ساکن در این گونه مناطق در این ناحیه دیده می‌شود.از گونه‌های شاخص جانوری منطقه آهو در مناطق دشتی، کل و بز،قوچ و میش و پلنگ را در مناطق کوهستانی و تپه ماهوری منطقه می‌توان مشاهده

نمود.خرس در گذشته نه چندان دور که هنوز پوشش جنگلی انبوه منطقه دستخوش تخریب قرار نگرفته بوده است از زیستمندان این ناحیه بوده ولی در حال حاضر اگر چه گزارشات تائید نشده‌ای مبنی بر مشاهده آثار حیوان در منطقه وجود دارد نمیتوان بطور قاطع حضور این حیوان را به عنوان یکی از ساکنین دائمی این منطقه پذیرفت.

کفتار، گرگ، گربه، پالاس از دیگر گونه‌های شاخص منطقه می‌باشند که با توجه به خصوصیات هر گونه در زیستگاههای متفاوت منطقه دیده می‌شوند.

دوام برف قلل مرتفع نواحی کوهستانی منطقه جریانات سطحی نسبتاً خوبی را در اکثر نقاط منطقه تا اوایل تابستان برقرار نموده و پس از آن چشمه‌ها در تمامی طی سال جریان می‌یابد که ویژگی با ارزشی را به این دره‌ها بخشیده و چشم اندازهای زیبایی را ایجاد نموده است. وحوش منطقه علاوه بر تنوع از کیفیت مطلوبی نیز برخوردار است و به عنوان یکی از شکارگاههای خوب استان حتی ایران مورد توجه شکارچیان داخلی و خارجی بوده و می‌باشد.

طی سالهای ۷۶ تا ۷۹ جهت این منطقه جمعاً تعداد ۴۳ فقره پروانه ویژه شکار برای اتباع خارجی صادر گشته که میزان ارز حاصل از صدور این پروانه‌ها تنها در سال ۷۹ حدود ۳۵۰۰۰ دلار بوده است.

وجود جنگلهای ارس در ارتفاعات و پوشش گیاهی درختی و درختچه‌های انبوه در مناطق دره‌ای این منطقه جذبه‌ها و چشم اندازهای زیبایی را ایجاد نموده که میتواند به عنوان مناطق تفرجگاهی مورد بهره برداری قرارگیرد. ناحیه امن این منطقه با وسعتی حدود ۷۰۰۰هکتار درخرداد ۸۱ به سطح پارک ملی ارتقا یافته است. که این تحول شرایط خوبی را به منظور تقویت ارزشهای اکولوژیکی منطقه واجرای مدیریت جامع در جهت بهره وری پایدار منطقه را فراهم نموده است.

از دیگر اقداماتی که طی سالهای اخیر بر ارزش طبیعی منطقه افزوده انتخاب محدوده‌ای به وسعت حدود ۲۰۰۰۰ هکتار در شمال منطقه حفاظت شده است. این منطقه جدید که در حال حاضر تحت عنوان شکار ممنوع شمال سالوک حفاظت و کنترل میشود از غنای طبیعی باارزشی مخصوصاً از نظر جنگلهای نسبتاً انبوه ارس برخوردار می‌باشد.

**شرایط اقلیمی** : اقلیم منطقه سالوک متاثر از سیستم‌های متفاوت آب و هوایی میباشد که از مهمترین آنها میتوان سیستم پر فشار جنب حاره‌ای، پر فشار آزور، بادهای غربی، پر فشار سیبری و مدیترانه‌ای را نام برد. عمده‌ترین منشاء بارندگی‌های منطقه رامیتوان جریانهای مدیترانه‌ای ذکر نمود که توسط بادهای غربی وارد منطقه می‌شوند.

توده پر فشار سیبری مخصوصاً طی فصل زمستان منطقه را تحت تاثیر قرار داده و کاهش شدید درجه حرارت و بارندگی‌های زمستانه بیشتر به شکل برف را شامل میگردد.

منطقه با توجه به اینکه از دو ناحیه پست (مناطق دشتی) و مرتفع (مناطق کوهستانی) تشکیل شده، از نظر پارامترهای اقلیمی دارای تفاوتهای معنی داری میباشد. لذا جهت برآورد این پارامترها، میانگین دو ایستگاه اسدلی (مناطق کوهستانی) و بالاخوش (مناطق دشتی) مورد بررسی قرارگرفته که نتیجه آن به شرح زیر میباشد.

میانگین سالانه دما در منطقه حدود ۱۲، میانگین حداقل معادل ۶/۵، میانگین حداکثرمعادل ۱۸ برآوردگردیده است. حداقل مطلق دمای ماهانه در دیماه حدود ۱۶/۵ و حداکثر مطلق آن در تیرماه حدود ۳۴ درجه سانتیگراد بوده است.

میانگین سالانه روزهای یخبندان حدود ۸۶ روز در سال و ماه ژانویه با ۲۶ روز بالاترین میزان را داشته است. میزان بارندگی نیز به تبع ساختار توپوگرافیکی منطقه چه از نظر مقدار و چه از نظر نوع ریزش تفاوت چشمگیری را نشان میدهد و متوسط بارندگی سالانه در ایستگاه بالاخوش طی یک دوره آماری ۲۲ ساله از ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۵ معادل ۲۲۵/۹ و برای ایستگاه اسدلی معادل ۳۴۴ میلی لیتر بوده است. از نظر توزیع زمستان باحدود ۴۲ درصد بیشترین میزان بارش را به خود اختصاص داده است. بهار با ۳۰،۶ پاییز با ۲۳،۵ و تابستان با حدود ۴ درصد در مرتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

نوع بارش در فصل زمستان مخصوصاً در مناطق مرتفع به شکل برف میباشد. پوشش برف در مناطق مرتفع منطقه تا اوایل تابستان در گودالها دیده می‌شود. متوسط بارندگی ماهانه برای منطقه حداکثرآن حدود ۵۸ میلی متر برای ایستگاه اسدلی و ۳۷ میلی متر برای ایستگاه بالاخوش طی ماه آوریل ثبت شده است. حداکثر مطلق برای منطقه در اسدلی ۵۶ و برای ایستگاه بالاخوش ۴۴/۵ میلی متر در آوریل و میانگین حداکثر بارش ۲۴ ساعته برای این دو ایستگاه به ترتیب ۲۲/۵ و ۱۶ در همان ماه ثبت شده است.

**منابع آب**: منطقه از نظر منابع آب نسبتاً غنی بوده و علاوه بر تعداد زیادی چشمه در سطح منطقه بعضی از دره‌ها از جریانی ثابت طی سال برخوردارند. منابع تامین آب این جریانات اکثراً از ارتفاعات شمالی منطقه می‌باشد که با جهت جنوبی به ناحیه دشت وارد گشته و در آبرفتهای دشت فرو میروند.

**دره زاری**: طول این نهر حدود ۲۰کیلومتر میباشد که از ارتفاعات شمالی منطقه با جهت جنوبی سرچشمه میگیرد. دبی این نهر طی فصل بهار تا ۱۰ اینچ و بیشتر میرسد ولی در فصول کم آبی متوسط جریان پایه کمتر از ۵ اینچ نمی‌باشد.

**دره چهار برج**: این جریان از شرق کوه سالوک باجهت شمالی جنوبی به سمت دشت جریان می‌یابد. جریان پایه این نهر طی فصل کم آبی حدود ۴ اینچ می‌باشد.

**دره توی**: این جریان از ارتفاعات غربی پیش قلعه با جهت شرقی غربی سرچشمه میگیرد. طول این دره حدود ۱۵ کیلومتر است و دبی پایه آن در فصل خشک حدود ۶ اینچ می‌باشد. علاوه بر منابع ذکر شده که به صورت نهر جریان دارند تعداد زیادی چشمه‌های دائمی دراین منطقه وجود دارد.

**چشمه‌های مهم منطقه** : ۱- چشمه سرچشمه ۲- چشمه نخودزار۱ ۳- چشمه نخودزار۲ ۴- پیش قلعه ۵- یان چشمه ۶- چشمه قاپاق(چندلی) ۷- چشمه عرب ۸- چشمه ترنو (۱) ۹- چشمه ترنو (۲) ۱۰- چشمه چهاربرج ۱۱- چشمه اردغانی ۱۲- حسن چاخانی ۱۳- چشمه قاش ۱۴- چشمه کاظم آقا ۱۵- چشمه بازی گربه ۱۶- محمدخان بیک ۱۷- چشمه توت ۱۸- چشمه مراش

**زمین‌شناسی**: منطقه سالوک بخشی از زون بینالود در البرز شرقی می‌باشد. شمال این زون به کپه داغ هزار مسجد و جنوب آن به ارتفاعات پراکنده

خراسان متصل میشود. از قسمت غرب در منطقه خوش ییلاق از البرز جدا شده و با جهت شمال غربی جنوب شرقی به ارتفاعات هندوکش در افغانستان متصل میشود.
فسیلها و رسوبات موجود بیانگر آن است که این منطقه را اوایل دوران اول زمین‌شناسی دریای کم عمقی فرا گرفته بوده و این وضع تا دوره دونین ادامه داشته است.

آب گرفتگی دیگری مجدداً منطقه را دراوایل ژوراسیک فرا میگیرد که تا اوایل کرتاسه ادامه داشته و سپس به تدریج از زیر آب خارج میشود. سنگهای منطقه را بیشتر سنگهای رسوبی و مقدار کمی سنگهای آذرین تشکیل می‌دهند.
**پوشش گیاهی**: از نظر پوشش گیاهی منطقه از تنوع گیاهی بسیار خوبی برخوردار می‌باشد. گیاه غالب منطقه درمنه میباشد که به صورت درمنه دشتی در قسمت جنوبی و درمنه کوهی در کوهستانهای منطقه مشاهده میشود. پس از درمنه در مرتبه بعد غالب دیگر منطقه کلاه میر حسن و گون میباشد که این گونه گیاه عمدتاً در کوهستانهای شمالی مشاهده میشوند. در پوشش گیاهی منطقه عوامل گوناگونی از جمله آب و هوا، خاک، توپوگرافی زمین و سازندهای زمین‌شناسی تاثیر زیادی دارند. به عنوان مثال کوهستانهای پرشیب منطقه بدلیل عدم وجود خاک مناسب از پوشش گیاهی کمتر و دره‌های منطقه به دلیل وجود خاکهای آبرفتی مناسب از پوشش گیاهی انبوه برخوردار میباشد. در منطقه سالوک جنگل به معنای واقعی وجود ندارد. در عین حال در برخی از دره‌های منطقه از جمله دره توی، زاری، دره جوزی، دره چهاربرج جنگلهای پراکنده مشاهده میشود. در این جنگل درخت غالب درخت ارس میباشد که در گذشته‌های دور بصورت جنگلهای انبوه در منطقه وجود داشته است. پس از ارس، زالزالک، زرشک و نسترن وحشی جزو درختچه‌های جنگلی منطقه محسوب میشوند. مطالعه آثار بجای مانده در منطقه حاکی از این است که در ابتدا منطقه دارای جنگلهای انبوه از نوع ارس بوده است. با تخریب جنگلهای ارس، درختان زالزالک جایگزین آن شد. با تخریب زالزالکهای درختچه‌های نسترن وحشی و زرشک با تخریب بوته‌های زرشک و نسترن وحشی، گون و کلاه میرحسن و با تخریب گون و کلاه میرحسن درمنه جایگزین آنها شده است. علت اصلی تخریب جنگلهای منطقه در گذشته الگوی ساختمان سازی در روستاهای اطراف منطقه، مصارف سوخت و چرای دام بوده است.
**جنگلهای منطقه سالوک** : از شواهد و قرائن چنین برمی آید که در گذشته منطقه حفاظت شده سالوک پوشیده از جنگلهای انبوه ارس و زالزالک بوده است. که این جنگلها توسط انسان جهت مصارف خانه سازی، سوخت و علوفه تخریب شده است، سقف ۹۰٪ خانه‌های قدیمی روستاهای اطراف منطقه از چوب ارس ساخته شده است. در حال حاضر حدود ۷۵۰۰ هکتار از اراضی منطقه را جنگلهای تنک از نوع ارس، زالزالک پوشانده است که شامل دره‌های حشی دره، چهاربرج، زاری، دره سیاه خانه، دره جوزی، دره توی و ارتفاعات پیش قله و کوه سالوک میباشد.

کل پوشش گیاهی جنگلی منطقه حدود ۱۷/۶۱۶۵۲ درصد میباشد که در میان گونه‌های جنگلی درخت ارس با حدود ۱۲/۳۲٪ بیشترین میزان پوشش گیاهی منطقه را به خود اختصاص

مـی‌دهد. پس از ارس گـونه‌های زرشک و بـید وحشی هر کدام با ۲/۸۱٪ و ۱٪ بیشترین میزان پوشش جنگلی را به خود اختصاص می‌دهند.

گونه‌های بادامک با ۰/۱۳ درصد و داغداغان با ۰/۳۶ درصد کمترین میزان پـوشش جـنگلی منطقه را دارند. از نـظر تـعداد، گـونه زرشک بـا حدود ۶۵۰۰۰۰ اصله، ارس با ۵۵۱/۵۰۰ اصله و شیر خشک با ۳۲۵۰۰۰ بیشترین تعداد گـونه را دارند.

**وضعیت جانوری منطقه** : منطقه حفاظت شده ایران از نظر زنـدگی جـانوری مـیباشد. شـرایـط توپوگرافی دشتی -کوهستانی منطقه باعث شده است کـه ایـن مـنطقه یکـی از مـتنوع‌ترین زیستگاههای وحشی ایران به حساب آید.

قسمت شمالی آن کوهستانی و مامن حیوانـات گوناگون کوه زی و قسمت جنوب آن نیز مناسب زیست حیوانات نواحی دشت زی می‌باشد.

جانوران منطقه متنوع ،و بیش از صد گـونه جانوری در منطقه سالوک مشاهده شده است.از نظر تعداد انواع شاخص حـیوانـاتی نـظیر قـوچ ومیش نسبتاً زیاد ،کل و بز و پلنگ ،گربه وحشی و کفتار تعدادشان کمتر می‌باشد و حیواناتی نظیر گربه پالاس و سمور ازگونه‌های کمیاب منطقه به حساب می‌آیند.حیوانات منطقه با توجه به شرایط آب و هوایی ،منابع آب وخاک ،پوشش گیاهی و شرایط زمین‌شناسی و توپوگرافی در منطقه پراکنده شده‌اند.منطقه امن به دلایل امنیتی از جـمعیت بیشتری برخوردار می‌باشد.هرچه از منطقه امـن دور شویم تعداد جانوران منطقه کمتر می‌شوند. پس از منطقه امن جانوران منطقه بیشتر در دره‌های پر آب دیده می‌شوند. صخره‌های پر شیب شمال غربی منطقه مکان امنی را جهت حیواناتی نظیر کل بز ،پلنگ و گربه وحشی به دلیل صعب العبور بودن فراهم نموده است.قوچ و میش‌های منطقه اکـثراً در ارتـفاعات شـمالی مـنطقه دیـده می‌شوند.گرازهای وحشی درکوهستانهای شمالی از ریشه بوته‌ها و درختچه‌های مـنطقه اسـتفاده می‌نمایند و این گرازها محل ثابتی نداشته وگاهی تا مسافت‌های طولانی محل زندگی خود را تغییر می‌دهند.گرگ ،شغال و روباه‌از حیواناتی می‌باشند که در تمامی منطقه مشاهده می‌شوند .در حالی که کفتارها فقط در تپه ماهورهای جنوبی منطقه دیده می‌شوند.

**بی‌مهرگان منطقه** : حشرات و بطورکل بی مهرگان در شمارجانوران کره زمین محسوب می‌گردند.اگر چه شمار اندکی از ایـن گـونه‌ها در زمـره آفـات محسوب می‌شوند در عوض جمعیت کثیری از آنها نقش بسیار سازنده‌ای را در چرخه اکولوژیکی و انتقال انرژی از سطوح تولید به مصرف کنندگان ایفا می‌نمایند.بی مهرگان در منطقه حفاظت شده سالوک مورد مطالعه کامل قرار نگرفته و اطـلاع کاملی از تنوع گونه‌های موجود نیست.

علی ایحال مشاهدات پراکنده حاکی از آن است که این گونه‌ها از تنوع گسترده‌ای برخوردارند و تقریباً از بیشتر خانواده‌های بی مهرگان مـی‌توان گـونه هایی را مشاهده نمود.

**خـــزندگان** : شـرایـط آب و هـوایـی ،وضـعیت ترپوگرافی (دشتی و کوهستانی) و تنوع پوشش گیاهی ،منطقه را محیط مناسبی برای زندگی انواع خزندگان نموده بطوریکه از ۸ خـانواده و ۱۱۲ گونه سوسمارهای ایران ۵ خانواده شامل ۶گونه Gekkonidae، ۴۰ گـونه agamaidae، یک گـونه Uromastycid و یک گـونه Varanidae در ایـن منطقه وجود دارد و از راسته مارها که در ایـران

شامل ۷ خانواده و ۶۳ گونه خشکزی و ۹ گونه دریایی هستند در این منطقه چهار خانواده شامل ۱ گونه از Boidae و ۷ گونه Celubridae و سه گونه از viperidae و یک گونه Elapidae شناسایی شده‌اند. خزندگان منطقه ( راسته مارها Order – serpentes) – پارک ملی و منطقه حفاظت شده سالوک – اداره کل حفاظت محیط زیست استان خراسان

## ساریگل

این پارک با مساحتی برابر با ۷۰۳۷ هکتار در استان خراسان شمالی قرار دارد. دامنه ارتفاعی ۱۴۰۰ تا ۲۹۴۰ متر، متوسط بارندگی و درجه حرارت سالیانه ۲۷۳ میلیمتر و ۱۴ درجه سانتیگراد، منطقه را دارای اقلیم نیمه خشک معتدل نموده‌اند. از جمله گیاهان منطقه می توان به ارس، زرشک، بید، زالزالک، کرکو، انجیر وحشی، گردو، باریجه، درمنه، کلاه میرحسن، گون، شیرخشت، نسترن وحشی، چوبک و کنگر اشاره داشت. ساریگل یکی از زیستگاههای اصلی قوچ و میش اوریال است. جانوران دیگری نظیر پلنگ، بز و پازن، کفتار، گرگ، گربه پالاس، گربه وحشی، آهو، قرقاول، کبک، تیهو، کرکو، هما، کرکس، چکاوک، سهره، عقاب طلایی، بالابان، انواع سارگپه، افعی سیاه، کفچه مار و تیرمار نیز در این منطقه زیست می‌کنند. وجود تنوع زیستی بالا، رودهای پرآب، مناظر زیبا و راههای دسترسی مناسب.(۵)

## سرانی

این منطقه که با مساحت ۱۵۸۹۵ هکتار در ۱۳۵۰ حفاظت شده اعلام شده بود، در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۱ نیز به عنوان پارک ملی تحت مدیریت قرار گرفت. ناحیه‌ای است کوهستانی در استان خراسان شمالی که با کشور ترکمنستان نیز هم‌مرز است. دامنه ارتفاعی ۱۴۰۰ تا ۲۹۰۰ متر، دما و بارندگی متوسط سالانه ۸ درجه سانتیگراد و ۴۵۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم مدیترانه‌ای معتدل نموده‌اند. بخش وسیعی از منطقه را جنگل‌های ارس با زادآوری طبیعی مطلوب تشکیل می‌دهد که از شرق به غرب بر تراکم آن‌ها افزوده می‌شود. سرانی یکی از ذخیره‌گاه‌های ژنتیکی درخت ارس و قوچ و میش اوریال به شمار می‌آید. بیش از ۱۶۰ گونه گیاهی و ۱۲۰ گونه جانوری در منطقه شناسایی شده‌اند. گونه هایی چون بادام، انجیر وحشی، گوجه وحشی، زرشک، گون، درمنه، کلاه میرحسن، علف بره، چای کوهی، گاوزبان، و چمن گندمی کرکدار به همراه ارس پوشش گیاهی عمده منطقه را تشکیل می‌دهند. گونه‌های مهم جانوری منطقه عبارتند از: قوچ و میش اوریال، بز و پازن، پلنگ، گربه وحشی، گراز، گربه پالاس، سمور سنگی، تشی، دوپای فرات، ول برفی، پایکا، خفاش گوش موشی کوچک، خرگوش، کبک، کبک دری، تیهو، دلیجه، چکاوک، باقرقره، سهره، لاک‌پشت خزری، لاک‌پشت افغانی، لوس مار و مارخالدار، تنوع زیستی جانوری و گیاهی زیاد، چشمه‌های متعدد و دره‌های عمیق و زیبا زمینه ساز فعالیت‌های گردشگری و پژوهشی است. (۵)

## زمین‌شناسی و معادن

**مطالعه ژئوشیمیایی عناصر خاکی کمیاب در کان ربوکیست جاجرم خراسان شمالی:** کانسار بوکسیت جاجرم (شمال خاوری ایران) بزرگ‌ترین

کانسار بوکسیت ایران است که به صورت چینه سان بین دو سازند الیکا و شمشک قرار گرفته است. این کانسار از پائین به بالا از چهار بخش کائولینیت پائینی، بوکسیت شیلی، بوکسیت سخت و کائولینیت بالایی تشکیل شده است. عناصر خاکی کمیاب (REE) بخش بوکسیت سخت و شیلی این کانسار با استفاده از نتایج ۲۲ تجزیه‌ی شیمیایی مورد بررسی قرارگرفته است. همبستگی بین عناصر خاکی کمیاب با سایر عناصر در این کانسار نشان می‌دهد که کانی‌های رسی و همچنین کانی‌هایی مانند Churchite، Florencite، Monazite، Rhabdophane، Xenotime، LOparite، ANatase، Euxenite میزبانان احتمالی این عناصر در بوکسیت سخت هستند. در بوکسیت جاجرم مقدار عناصر خاکی کمیاب در بخش زیرین نیمرخ برای تمامی عناصر خاکی کمیاب به سمت فرودیواره کربناتی افزایش می‌یابد و از این لحاظ، این بوکسیت شبیه بوکسیت شبیه بوکسیت‌های کارستی است. افزایش تمرکز عناصر خاکی کمیاب در بخش زیرین نیمرخ برای تمامی عناصر خاکی کمیاب یکسان نیست و با توجه به مقدار پتانسیل یونی و همچنین همراهی آن‌ها با کانی‌های مختلف، میزان تمرکز هر یک از آن‌ها نیز متغیر است به طوری که با افزایش پتانسیل یونی این عناصر، مقدار تمرکز آن‌ها در بخش زیرین نهشته کاهش می‌یابد. عناصر HREE به دلیل همراهی با کانی‌هایی مانند کانی‌های رسی و زیرکن به مقدار مساوی از بخش بوکسیت سخت شسته شده و در بخش بوکسیت شیلی متمرکز شده‌اند. همچنین دو عنصر Ce و Eu به دلیل این که هر یک از آن‌ها با دو ظرفیت متفاوت وارد ساختار کانی‌ها می‌شوند بنابراین از نظر مقدار تمرکز در بخش زیرین نهشته و همچنین در نمودارهای به هنجار شده‌ی کندریتی رفتار متفاوتی را نسبت به روند تغییرات سایر عناصر خاکی کمیاب از خود نشان می‌دهند مقدار این تغییرات برای عنصر Ce مشخص‌تر است به گونه‌ای که این عنصر نسبت به دیگر عناصر LREE به مقدار بیشتری در بوکسیت سخت متمرکز شده و در نمودارهای بهنجار شده‌ی کندریتی دارای بی هنجاری مثبت می‌باشد در حالی که در بخش بوکسیت شیلی بی هنجاری منفی داشته و نسبت به دیگر عناصر LREE به مقدار کمتری در این بخش متمرکز شده است. تغییرات عنصر Eu نیز نسبت به Ce کمتر بوده و به بی هنجاری نسبتاً منفی در بخش بوکسیت سخت خلاصه می‌شود.

**موقعیت زمین‌شناسی و چینه‌شناسی:** کانسار بوکسیت جاجرم در فاصله‌ی ۱۵ کیلومتری شمال خاوری جاجرم در استان خراسان شمالی و با مختصات جغرافیایی ۲ ۳۷ْ تا ۳ ۳۷ْ شمالی و ۳۰ ۵۶ْ تا ۳۶ ۵۶ْ خاوری در نقشه‌ی زمین‌شناسی سنخواست با مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰ (سهندی و سهیلی، ۱۹۹۹) واقع است. ناحیه‌ی مورد مطالعه در مرز بین حوضه‌های رسوبی - زمین ساختی البرز خاوری، کپه داغ و خاور ایران قرار گرفته و واحدهای مختلف سنگ‌شناسی آن در زمان‌های مختلف متأثر از شرایط آب و هوایی و رسوب گذاری آن‌ها بوده و مجموعه‌ی قابل توجهی از نهشته‌های رسوبی را در منطقه برجای گذاشته است. مجله‌ی علوم زمین ش ۶۲

**بررسی ریخت زمین‌ساختی گستره کپه‌داغ - بینالود خراسان شمالی:** کمربند چین خورده -

گسل خورده‌کپه داغ ـ بینالود در شمال خاور ایران، بخشی از ابرقاره اوراسیا و لبه‌ی جنوبی صفحه‌ی توران را تشکیل می‌دهد و آن چه امروز در کپه‌ی داغ مـی‌بینیم، نـتیجه‌ی آخـرین فـازهای چـین خوردگی آلپ ـ هیمالیاست. ریخت‌شناسی منطقه در مراحل جوانی بوده و چین‌های بسیار جوان آن نشـانگر رابـطه مسـتقیم تـوپوگرافـی نـاحیه بـا ساختارهای زمین‌شناسی است. بررسی گرادیـان شیب رود و هیپسومتری برای ۸۵ زیر حوضه و ۹۸ رودخانه‌ی حـوضه‌ی آبـریز اصـلی مـنطقه (کشف رود، اتـرک رود، گـرگان رود، جـاجرم و رودخانه‌های دشت ترکمنستان) به منظور برآورد برپایی و توزیع نیروهای فشارشی در منطقه به‌کار گرفته شد. تلفیق نقشه‌های ریخت سنجی حاصل از این دو شاخص بی هنجاری‌های زمین ساختی منطقه را به خوبی نشان می‌دهد. بر اساس نتایج حاصل از این شاخص‌ها، میتوان ۵ زون ریخت زمین ساختی با آهنگ برپایی بالا تشخیص داد:

۱) بخش میانی گسل اشک آباد (کپه داغ) در فاصله جغرافیایی 56 47E,38 35N to 57 64E,37 56N.

۲) زیـــر حـــوشه‌های گـــرگان رود، بـــه ویـــژه حوضه‌هائی که بین گسل شاورد (در جنوب) و در بخش خاوری گسل خزر (در شمال) واقع شده‌اند.

۳) حوضه‌های در ارتباط با گسل‌های نو خندان، قره داغ، سرخ ده و آمرودک که برخی مربوط به زیر حوضه‌های دامنه‌ی شمالی کشف رود و برخی مربوط به حوضه‌های دشت ترکمنستان در ایـن بخش است.

۴) حوضه‌های در ارتباط با گسل‌های شـوقان و قـلی کـه زیـر حـوضه‌های رودخانه‌ی جاجرم می‌باشند.

۵) حوضه‌های دامنه‌ی جنوبی کوه بینالود که نسبت به حوضه‌های دامنه‌ی شمالی برپایی بالا و کوتاه شدگی بیشتری نشان می‌دهند و به نظر می‌رسد گسل بینالود و گسل شمال نیشابور در این اختلاف ریخت‌ساختی بی تأثیر نباشند.

علاوه بر زون‌های ریخت ساختی با آهـنگ برپایی بالا، مناطق با آهنگ برپایی پائین ـ متوسط تشخیص داده شد که شامل بخش باختر و جنوب باختر سرخس، حوضه‌های دامنه‌ی جنوبی اترک رود که در ارتباط با زون گسل آشخانه و تکال کوه هستند و زیر حوضه‌های رودخانه‌ی جـاجرم در بخش خاور رشته کوه آلاداغ می‌شوند. مـجله‌ی علوم زمین .

**ویژگی‌های زمین‌شناسی و اکـتشاف بـوکسیت جاجرم خراسان شمالی:** کانسار بوکسیتی جاجرم که بزرگ‌ترین کانسار بوکسیت شناخته شـده در ایران می‌باشد، در زون ساختاری رشته کوه البرز واقع شده است. در این منطقه، دو افق بوکسیتی به نام‌های B و A تشکیل شده است. سنگ بستر افق A راکربنات‌های سازند مبارک و سنگ پوشش آن را سازند نسن تشکیل می‌دهد. افق بوکسیتی B که کـانسار جـاجرم را تشـکیل مـی‌دهد، بـر روی دولومیت‌های سازند الیکا قرار گـرفته و تـوسط سازند شـمشک پـوشیده شـده است. هـمبری مشخص بوکسیت با این دو سازند بر یک منبع مستقل تأمین کننده بوکسیت دلالت دارد. وجود ریخت‌شناسی ناهماهنگ همراه با ساختارهای زمین ساختی، از ویژگی‌های مهم کانسار جاجرم است. گسل‌های تشکیل شده در دو جهت خاوری ـ باختری و شمالی ـ جنوبی، ماده‌ی معدنی به طول ۱۶ کیلومتر را به چهار زون زمین ساختی تقسیم کرده است. بررسی‌های انجام شده نشان

می‌دهد که حرکات زمین ساختی تأثیر بسزایی بر کیفیت وکانی‌شناسی بوکسیت داشته‌اند، به‌گونه‌ای که کارست‌های ایجاد شده بیشتر در امتداد صفحه گسل بوده و بین کیفیت بوکسیت با ستبرای آن (ژرفای کارستی) ارتباط مستقیمی وجود دارد. تشکیل بوکسیت بسیار سخت و فرآورده دیاسپوری به جای بوهمیت و گیبسیت و تکرار لایه‌های بوکسیت از نتایج این فرایندهای زمین ساختی است. لذا این بوکسیت سخت دیاسپوری تأثیر قابل توجه بر فرایند تولید الومینا خواهد داشت. وجود نیمرخ‌های ثابت در لایه‌های بوکسیت (کائولین ـ بوکسیت سخت ـ بوکسیت شیلی ـ کائولن) در کلیه‌ی کارست‌ها و حفاری‌ها مشاهده می‌شود. البته ماهیت کائولن بالایی و پایینی با یکدیگر تفاوت دارد. تغییرات شدید ترکیب شیمیائی بوکسیت (اکسید آلومینیوم بین ۳۰ تا ۶۰ درصد و اکسید سیلیسیم بین ۵ تا ۳۹ درصد) از ویژگی‌های خاص بوکسیت جاجرم است. در نهایت، مطالعات فوق وجود یک بوکسیت دیاسپوری با بیش از ۲۲ میلیون تن ذخیره تا ژرفای ۲۵۰ متر در امتداد لایه‌ی معدنی و کیفیت بین ۴۷ تا ۴۸ درصد AL2O3 و حدود ۱۰ درصد SiO2 را به طور میانگین تأیید می‌کند.

کارخانه‌ی ایرالکو اراک به عنوان اولین تولید کننده‌ی آلومینیوم ایران، در سال ۱۹۷۲ با ورود سالانه ۴۵ هزار تن پودر آلومینا از خارج، کار خود را آغاز کرد. در حال حاضر تولید سالانه کارخانه‌ی ایرالکو ۱۲۰۰۰۰ تن و نیاز واقعی آن ۲۴۰۰۰۰ تن پودر آلومینا است. احداث یک واحد تولید آلومینا با ظرفیت ۱۵۰ هزار تن در سال، با توجه به وجود معادن مختلف بوکسیت، به ویژه بوکسیت جاجرم و فناوری مناسب مانند روش بایر، از بوکسیت جاجرم امکان‌پذیر است زیرا تجزیه‌ی بیش از هزار نمونه آزمایشگاهی و نمونه‌های آزمون فناوری، میانگین کیفیت بوکسیت بین ۴۷ تا ۴۸ درصد $Al_2O_3$ و ۱۰/۵ درصد $SiO_2$ را تأیید می‌کند. مطالعات بعدی در امتداد خاوری منطقه کانسار نشان داده که هنوز منابع قابل اکتشاف و بررسی در این منطقه وجود دارد.

**موقعیت جغرافیایی کانسار بوکسیت:** کانسار بوکسیت جاجرم در ۱۵ کیلومتری شمال خاوری شهرستان جاجرم (شمال باختری خراسان) و در ۱۷۵ کیلومتری جنوب باختری بجنورد قرار دارد که در ۶۰۰ کیلومتری شمال خاوری تهران و در فاصله‌ی ۴۰۰ کیلومتری شمال باختری مشهد قرار دارد. کانسار بوکسیت جاجرم در کوه زو و در دامنه‌ی سلسله جبال البرز واقع گردیده است. کوه زو با شیب زیاد و ارتفاع ۸۰۰ تا ۹۰۰ متر از دشت جاجرم و ۱۸۰۰ متر نسبت به سطح دریا قرار دارد. منطقه دارای آب و هوای خشک و کویری با بارندگی کم در حدود ۱۵۰ میلی متر در سال و بادهای موسمی شدید است. مجله‌ی علوم زمین

**منشاء منیزیت افضل‌آباد، چاه‌خو و ترشک محمدی استان خراسان شمالی:** بیشتر معادن منیزیت ایران، در جنوب خاور شهرستان بیرجند واقع شده اند. معادن ترشک محمدی، چاه‌خو و افضل آباد که معرف معادن منیزیت منطقه هستند، از نظر زمین‌شناسی، زمین شیمی (عناصر اصلی، عناصر جزئی و ایزوتوپ‌های کربن و اکسیژن) مورد مطالعه قرار گرفتند. کانی سازی منیزیت در خاور ایران در زون‌های گسلی واقع در مجموعه افیولیت کرتاسه و فلیش‌های کرتاسه ـ ائوسن تشکیل شده است. کانی سازی منیزیت به حالت رگه‌ای، عدسی و جریانی با حالت لایه‌ای یافت

می‌شود. بافت از نوع نهان بلورین با شکست صدفی است. گسل‌های مهم که در آن‌ها منیزیت تشکیل شده است، عبارتند از: گسل نهبندان و گسل باختر و خاور نه. گسل نهبندان با شیب نزدیک به قائم و عمق زیاد و با ساز و کار چیره امتداد لغز راست گرد، دارای روند کلی شمالی - جنوبی و شاخه‌های فرعی زیاد، به ویژه در بخش‌های شمال باختر، جنوب خاور، خاور، شمال خاور است. مجله‌ی علوم زمین

**خراسان:** در این بررسی کاتولوگ زمین لرزه‌های منطقه‌ی قائنات خراسان واقع در خاور ایران با به کارگیری منابع مختلفی که در ارتباط با داده‌های زمین لرزه‌های ایران وجود دارد، تهیه گردید، سپس با اعمال مراحل حذف پسلرزه‌های، اصول انتخاب منطقه، حد بالا و پائین بزرگی و صحت کاتولوگ‌های

گذشته، بر طبق مشخصات لرزه خیزی برای محدوده‌های معینی با استفاده از داده‌های زمین لرزه‌های سال‌های (۱۹۹۸-۱۹۷۴) برای بزرگی‌های مساوی ۳ و بالاتر و همچنین زمین لرزه‌های مربوط به سال‌های (۱۹۹۸-۱۹۰۰) برای بزرگی‌های بالا، منحنی‌های رابطه‌ی گوتنبرگ - ریشتر تعیین گردید. بر پایه‌ی نتایج به دست آمده، میزان وقوع سالانه رویدادهای با هر بزرگی را می‌توان از رابطه‌ی G-R برآورد نمود و نتایج دو مرحله کم و بیش مشابه به نظر می‌رسد. بنابراین جهت تخمین زمان وقوع مجدد زمین لرزه‌های با بزرگی بالا، می‌توان از روابط بدست آمده در مرحله‌ی اول استفاده نمود، مشروط به این که انتخاب منطقه با دقت و رعایت اصول سیستم لرزه خیزی انجام گرفته و مدت زمان به‌کار برده شده به اندازه‌ی کافی طولانی می‌باشد.

بخش خاوری ایران مرکزی به عنوان قسمتی ازکمربند آلپ ـ هیمالیا با وجود تاریخچه‌ی زمین ساختی پیچیده، گسل‌های فعال و زمین لرزه‌های ویرانگر، یکی از نواحی لرزه خیز فلات ایران محسوب می‌گردد. روایت نوشته‌های تاریخی، گزارش‌ها و اطلاعات مربوط به زمین لرزه‌های قبل از سال ۱۹۰۰ میلادی و همچنین قرن بیستم نشان دهنده‌ی روند کلی لرزه خیزی و فعالیت لرزه‌ای منطقه می‌باشند. برای شناسایی بیشتر و تعبیر و تفسیر شرایط لرزه زمین ساختی حاکم بر منطقه، جمع آوری کلیه‌ی اطلاعات موجود، تحلیل و مقابله‌ی آن‌ها با یکدیگر از دیدگاه‌های مختلف ضروری است. نظر به این که تمام داده‌های موجود در مورد زمین لرزه‌ها از تعداد کمی (چند دهه) اطلاعات نه چندان کامل تشکیل گردیده است، از این رو به دلیل کمبود اطلاعات و خطاهای مربوط به تعیین پارامترهای مشخصه‌ی زمین لرزه‌ها، ناگزیر به اعتماد به مدل‌های

آماری البته به‌گونه‌ای موجه می‌باشیم. با این وجود برآورد زمان وقوع و بزرگی زمین لرزه‌ها نیاز به آگاهی کامل از کم و کیف و عملکرد تنش‌های موجب تغییر شکل‌ها، بالا و پائین رفتن‌ها و حرکات نسبی منطقه دارد.

گستره‌ی خاور قائن - بیرجند که در مجاورت مرز ایران و افغانستان واقع است، از نظر ساختاری شامل دو ناحیه‌ی کراتونی در قسمت شمال خاوری که به نام «بلوک آهنگران» شناخته شده و ناحیه‌ای که در جنوب باختری واقع بوده و ادامه زون رشته کوه‌های خاور ایران است، می‌باشد. ایندو ناحیه‌ی توسط یک سیستم گسلی پیچیده با امتداد شمال باختری - جنوب خاوری از یکدیگر جدا می‌گردند. بلوک آهنگران ادامه‌ی زون کراتونی

مربوط به قبل از مزوزوییک در افغانستان می‌باشد.
مجله‌ی علوم زمین ش ۴۱ ـ ۴۲

**سازند شمشک** با بیش از ۲۰۰۰ متر ستبرا در شمال خاور شهر جاجرم، به خوبی رخنمون دارد. پالینومورف‌های خشکی (گرده و هاگ) این سازند در منطقه‌ی جاجرم برای نخستین بار مورد مطالعه قرار گرفته و معرفی می‌شوند. مجموعاً ۵۰ گونه پالینومورف خشکی شناسایی شد که از این میان، ۲۹ گونه هاگ، متعلق به ۲۱ جنس و ۱۷ گونه متعلق به ۱۳ جنس است. بر مبنای انتشار چینه‌شناسی پالینومورف‌های خشکی، سه زیست زون (biozone) برای این برش معرفی می‌شود. بر مبنای ارزش چینه‌شناسی پالینومورف‌های مورد مطالعه، سن رتین ـ پاژوسین زیرین برای رسوبات این سازند در برش جاجرم معرفی می‌گردد.

سازند شمشک با رخنمون بسیار خوب در دره زو (کوه ازون، شمال خاور جاجرم) ابتدا توسط Afshar-Harb (1979) اندازه‌گیری و معرفی شد. وی سن این سازند را بر مبنای ارزش چینه‌شناسی آمونیت‌ها به توآرسین میانی ـ آالنین پیشین نسبت می‌دهد. واله (۱۹۷۰) رسوبات ژوراسیک زیرین و میانی این منطقه را بیش از ۲۰۰۰ متر اندازه‌گیری و گزارش کرد. سهیلی (۱۳۶۱) در شرح نقشه زمین‌شناسی نیمه جنوبی چهار گوش کوه کور خود اظهار می‌دارد که «قسمت پایینی این بخش تا ستبرای ۷۵۰ متری از قاعده که بیشتر از جنس ماسه سنگ است، کاملاً از فسیل فقیر میباشد.» یک افق غنی از ماکروفسیل‌های گیاهی از قاعده‌ی این سازند گزارش کردند که بر مبنای ارزش چینه‌شناسی این ماکروفسیل‌ها، سن رتین برای رسوبات قاعده‌ی شمشک در این منطقه اعلام گردید.

شهر جاجرم در شمال باختر استان خراسان، ۱۷۵ کیلومتری جنوب باختر بجنورد، ۱۶۰ کیلومتری شمال خاور شاهرود واقع است. برش مورد مطالعه در کوه ازون در ۱۵ کیلومتری شمال خاور جاجرم قرار دارد.

**چینه‌شناسی برش مورد مطالعه در کوه ازون، جاجرم:** سازند شمشک در کوه ازون، با ۲۰۸۰ متر ستبرا عمدتاً از ماسه سنگ و شیل تشکیل شده است که با لایه‌های نازکی از زغال سنگ در افق‌های پایینی و تناوبی از آهک‌های نازک لایه حاوی ماکروفسیل‌های جانوری مانند آمونیت‌ها و دو کفه‌ای‌ها در افق‌های بالایی این سازند همراه است. مرز زیرین این سازند با ناپیوستگی فرسایشی (disconformity) بر روی لایه‌های لاتریت و بوکسیت‌هایی که خود بر روی رسوبات سازند الیکا قرار دارند، مشخص می‌شود. مجله‌ی علوم زمین ش ۵۶

**سازند سرچشمه:** سازند سرچشمه در مقطع تیپ، واقع در شرق بجنورد، در حدود ۲۷۶ متر ضخامت دارد که از دو بخش زیرین با مارن‌های خاکستری همراه با آهک مارنی و بخش بالایی با شیل‌های آهکی خاکستری و چندین لایه سنگ آهک تشکیل شده است (افشار حرب، ۱۳۴۷، ۱۹۷۹). ضخامت این سازند در گردنه‌ی مزدوران (مقطع غربی) در حدود ۲۲۰ متر است که به طرف شرق از آن کاسته می‌شود و در مقطع باغک به حدود ۱۷۰ متر می‌رسد. دو بخش زیرین و بالایی سازند سرچشمه در دو مقطع اندازه‌گیری شده از یکدیگر قابل تفکیک اند. بخش زیرین از تناوبی از سنگ آهک‌های لایه‌ی نازک مارنی، سنگ آهک‌های فسیل دار و چندین لایه سنگ آهک

االیتی تشکیل شده است که ضخامت آن از ۸۸ متر در مقطع غربی به ۷۸ متر در مقطع شرقی کاهش می‌یابد. لازم به ذکر است که به طرف شرق از تعداد لایه‌های آهکی کاسته می‌شود. فسیل‌های شناخته شده در بخش زیرین در مقطع گردنه‌ی مزدوران عبارتند از:

Orbitolina Kurdica, Orbitolina Lenticularis, Orbitolina discoidea, Nautiloculina oolitica, Lenticulina munstri, Ammodiscus Penaensis, lagena hauteriuira, Lagea sp, Gavelinella sp.

لازم به ذکر است که بخش زیرین در بیش‌تر نقاط حوضه‌ی کپه داغ به فرم مارن‌های مدادی دیده می‌شود، اما در ناحیه‌ی مورد مطالعه چنین نیست.

بخش بالایی بیش‌تر از شیل‌های خاکستری رنگ همراه با لایه‌هایی از سنگ آهک و آهک‌های مارنی تشکیل شده است، که صخامت آن از ۱۳۲ متر در غرب به حدود ۹۲ متر در شرق کاهش می‌یابد. به طور کلی ضخامت شیل‌ها در این بخش به مراتب بیش‌تر از سنگ آهک است. فسیل‌های شناخته شده در بخش بالایی در مقطع گردنه‌ی مزدوران است. مجله‌ی علوم زمین شماره‌ی ۷

**گسل هریرود:** می‌توان گفت که رودخانه هریرود در مرز ایران و افغانستان و رودخانه‌ی تجن در مرز ایران و ترکمنستان شوروی در طول این گسل جریان دارد. اثر این گسل در ناحیه‌ی ترکمنستان شوروی و کوه‌های اوران قابل تشخیص است. در قسمت شرقی این گسل بلوک هلمند در افغانستان قرار دارد.

**معادن**

در استان خراسان در سال ۱۳۸۲ میزان بهره برداری از معادن فعال بدینشرح بوده است: ۱- سایر مرمر کوپ ۲۱۰۰۰ تن ۲- مرمریت قرمز کوپ ۷۴۵۸۱ تن ۳- مرمریت قرمز لاشه ۲۰۰۰ تن ۴- مرمریت سفید کوپ ۶۶۱۷۱ تن ۵- مرمریت سفید لاشه ۳۱۲۱۸ تن ۶- مرمریت سفید فکی ۳۰۰۰ تن ۷- سایر مرمریت کوپ ۳۹۹۰۰ تن ۸- سایر مرمریت لاشه ۱۵۰۰ تن ۹- گرانیت ۱۷۱۵۸۹ تن ۱۰- چینی ساده ۵۴۵۴۴ تن ۱۱- بازالت ۴۰۱۰ تن ۱۲- سایر سنگ‌های تزئینی ۳۶۳۲۷ تن ۱۳- لاشه ی ساختمانی ۱۹۳۱۵۷ تن ۱۴- مالون ۲۲۶۷۰۰ تن ۱۵- پوزولانا ۱۵۰۰۰۰ تن

در استان خراسان در سال ۱۳۸۲ میزان بهره برداری از معادن فعال بدینشرح بوده است:۱- بالاست ۲۱۲۹۹۶ تن ،۲- سنگ آهک ۱۴۷۴۵۴۵ تن ،۳- مارن ۲۰۸۹۷۷۴ تن ،۴- لاشه آهکی ۲۰۰۰ تن ،۵- مخلوط کوهی آهکی ۹۵۴۰۰۰۰ تن ،۶-کلیست ۷۵۰۰ تن ،۷- سنگ گچ ۱۰۶۲۹۰۹ تن ،۸- گچ خاکی ۲۱۰۱۳۵ تن ،۹-کائولن ۶۹۴۶۰تن،۱۰-خاک نسوز ۱۳۷۶۰ تن،۱۱-خاک صنعتی ۵۵۱۰۰تن،۱۲-بنتونیت ۳۵۱۵۰ تن ،۱۳- منیزیت ۸۳۸۸۵ تن ،۱۴- گل سفید ۲۶۵ تن ،۱۵- باریت ۱۸۰۰ تن، ۱۶- فلورین ۱۴۸۶ تن ،۱۷- نمک آبی ۴۵۰ تن ۱۸- نمک سنگی ۴۷۵۰۰ تن،۱۹- سیلیس ۱۶۰۰ تن ،۲۰-کوارتزیت ۲۵۰۰ تن،۲۱- پرلیت ۲۱۰۰۰ تن ،۲۲- فلدسپات ۹۱۵۰ تن ،۲۳- پگماتیت ۵۳۰۰ تن ،۲۴- پنبه نسوز ۱۴۷۰ تن ،۲۵- فیروزه ۲۵ تن .

## آثار فرهنگی

### آثار ثبت شده استان خراسان شمالی

تپه خلق آباد - هزاره ۱ ق.م - قوچان
گلورتپه - قرون متاخر اسلامی - فاروج
تپه چکی - هزاره ۱ ق.م - فاروج
تپه طویل (تپه اکبر آباد) - هزاره ۱ ق.م - فاروج
دوین تپه - هزاره ۱ ق.م - شیروان
تپه گبرخانه - (اشکانی - ساسانی) - شیروان
تپه برزل آباد - هزاره ۱ ق.م - شیروان
کول تپه - پیش از تاریخ - فاروج
گلور تپه (دو تپه) - هزاره ۱ ق.م - فاروج
تپه ارگ شیروان - هزاره ۵ و ۴ ق.م - فاروج
نام‌اثرقدمت‌محل
امامزاده حمزه‌رضا-غزنوی-ایلخانی- شیروان
تپه زیارت (سه تپه) - اسلامی - شیروان
تپه بلبل (سه تپه) - اواخر هزاره ۲ ق.م - بجنورد
تپه معصوم زاده - قبل و بعد از اسلام - بجنورد
تپه صندل آباد - قبل از اسلام تا قرن ۳ ه.ق - بجنورد
تاتار تپه پائین - هزاره ۲ و ۱ ق.م - بجنورد
تاتار تپه بالا - هزاره ۲ و ۱ ق.م - بجنورد
غلامرضا تپه - اسلامی بجنورد
زمان بیک تپه - اسلامی - بجنورد
قلعه تپه - اسلامی - بجنورد
سریوان تپه - هزاره ۲ و ۱ ق.م - بجنورد
تپه گلور - اواخر هزاره ۲ ق.م - بجنورد
تپه شباندر - هزاره ۲ و ۱ ق.م - مانه
تپه شاه آباد - هزاره ۱ ق.م - مانه
تپه بیار - هزاره ۱ ق.م - مانه
ریباتپه (روباه تپه) - اشکانی - مانه
تپه قره مصلی - اشکانی - بجنورد
تپه لاخی - اشکانی - مانه
تپه امامزاده دلاور - اسلامی - مانه
بیماستان مفخم - قاجاریه - بجنورد
آئینه خانه مفخم - قاجاریه - بجنورد
بنای باغ مزار - قرن ۷ ه.ق - گرمه
آق تپه - هزاره ۱ ق.م - مانه
تپه خان - ۱ ق.م - مانه
تپه‌اسفیدان - هزاره۱ ق.م - (اشکانی - اسلامی) - مانه
تپه منبع آب - پیش از تاریخ تا اسلام - مانه
تپه غلامعلی - هزاره ۱ ق.م - مانه
غریب تپه - (پیش از اسلام - اسلامی) - مانه
تپه خزینه - هزاره ۱ - اسلامی - بجنورد
تپه‌های منجق لی - (هزاره ۱ ق.م -ایلخانی) - بجنورد
تپه شماره یک آغربلاغ - (تاریخی - اسلامی) - مانه
ایشک تپه - (پیش از تاریخ - اسلامی) - بجنورد
تپه پهلو آسیاب - هزاره ۱و۲ ق .م - مانه
تپه گلور - (اشکانی - ساسانی) - مانه
پس تپه - هزاره ۱ ق.م - بجنورد
قلعه جلاالدین - اسلامی - گرمه
امامزاده عسگری - تیموری - صفویه - گیغان
معبد اسپاخو - (صفویه - صدر اسلام) - گلستان
مسجد جامع جاجرم - قرن ۴ ه.ق - جاجرم
تپه ارک پایین - اسلامی - بجنورد
تپه ارک کوچک - اسلامی - بجنورد
تپه منصور باغی - پیش از تاریخ - بجنورد
تپه قره قانلو - قرن ۷ ه.ق - مانه
تپه شهر آوا - هزاره ۳و۴ ق.م - مانه
تپه سر خرمن - پیش از تاریخ تااسلامی - مانه
تپه رباط عشق - (پیش از تاریخ - اسلامی) - گرمه
تپه خشتلی - اسلامی - مانه
تپه داشلی علوم - پیش از تاریخ بجنورد
تپه‌کهنه قلعه شهرآباد-(هزاره۱-اسلامی)-مانه وسملقان
تپه بچه دره سفلی - (هزاره ۱ - اسلامی) - بجنورد

تپه ارگ بزرگ - اسلامی - بجنورد
تپه قلعه جاجرم - (صدر اسلام ـ ایلخانی) - جاجرم
تپه ولی - (اشکانی - ساسانی) - مانه و سملقان
رباط قلی - (تیموری - صفوی) - گرمه و جاجرم
تپه قلعه‌کهنه‌کند - (اشکانی - ساسانی) - بجنورد
بقعه‌شیخ‌محمدرشیدالدین بیدوازی - تیموری - اسفراین
شهر تاریخی اسفراین - صدر اسلام تا صفویه - اسفراین
رباط قره بیل - (تیموری - صفویه) - گرمه و جاجرم
بنای بش قارداش - قاجاریه - بجنورد
مقبره چهار تاقی - تیموری - شیروان
مجموعه تاریخی علی آباد - قاجاریه - بجنورد
بقعه شاهزاده حمزه‌بن‌موسی - صفویه - اسفراین
بقعه‌امامزاده محمدرضاالنگر - قاجاریه - بجنورد
قلعه کهنه اردئین - سلجوقی تا صفوی - اسفراین
آرامگاه شیخ احمد ذاکر گورپانی - سلجوقیان - اسفراین
محوطه گبر حصار - سلجوقی تا تیموری - اسفراین
امامزاده محمد باقر اسفیدان - صفویه - قاجاریه - بجنورد
آرامگاه بابا حسین و بی بی - تیوری - فاروج
آرامگاه شاهزاده عبدالرحمن خرق - صفویه - فاروج
آرامگاه امامزاده کبیر کوران - اوائل صفویه - اسفراین
تپه عمارت (امارت) - (تاریخی - اسلامی) اسفراین
آرامگاه شاهزاده محمد - صفویه - اسفراین
محوطه گبرحصارایرج وفریمان - اسلامی - اسفراین
تپه چهل دختر ۱ - هزاره ۳ تا ۱ ق.م - اسفراین
حمام روستای پیر شهید - قاجاریه - شیروان
تپه استقلال - هزاره ۲و ۱ ق.م - شیروان
مقبره شهدای بجنورد - پهلوی - بجنورد
تپه یانی قلعه - پیش از تاریخ تا اسلامی - شیروان
قلعه تیموری - تیموری - شیروان
حسینیه جاجرمی - اواخر قاجاریه - بجنورد
مقبره بابا قدرت - صفوی - اسفراین
رباط عشق - (تیموری - صفوی) - گرمه و جاجرم
بقعه امزاده ابراهیم - (تیموری - صفوی) - گرمه‌و جاجرم
بناهای سنگی روستای زرد - ساسانی - مانه و سملقان
قلعه علی آباد - اسلامی - فاروج

فهرست آثار تاریخی استان خراسان شمالی در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۳۵۴ واحد می‌باشد. - سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

**موزه**

موزه‌ی بجنورد (بحنورد) - موضوع: مردم‌شناسی - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس ۱۳۷۹، قاجاریه

نمایشگاه دائمی محیط زیست بجنورد (بجنورد) - موضوع: علمی (نمونه‌ی انواع جانوران) - سازمان محیط زیست - تأسیس ۱۳۷۹

**جمعیت مرد و زن روستائی و شهری خراسان شمالی:** مرد: (۱۷۷۵۱۵ شهری، ۱۷۹۴۷۶ روستائی)،
زن: (۱۷۷۰۵۳ شهری، ۱۹۰۱۰۵ روستائی).

**جمعیت استان خراسان شمالی**

شهرستان اسفراین: تعداد خانوار ۳۰۳۰۷، جمعیت ۱۲۳۱۴۴، تعداد باسواد ۸۴۲۲۵، تعداد

بیسواد ۲۳۵۶۶.
شهرستان بجنورد: تعداد خانوار ۷۹۸۸۲، جمعیت ۳۲۸۴۸۹، تعداد باسواد ۲۳۰۲۴۰، تعداد بیسواد ۵۶۴۵۹.
شهرستان جاجرم: تعداد خانوار ۱۴۸۰۳، جمعیت ۵۸۴۸۳، تعداد باسواد ۴۱۷۲۷، تعداد بیسواد ۹۵۸۳.
شهرستان شیروان: تعداد خانوار ۳۷۶۴۷، جمعیت ۱۵۶۱۸۱، تعداد باسواد ۱۱۰۹۱۳، تعداد بیسواد ۲۷۳۲۱.
شهرستان فاروج: تعداد خانوار ۱۲۹۴۷، جمعیت ۴۹۶۹۳، تعداد باسواد ۳۱۶۱۰، تعداد بیسواد ۱۲۷۶۱.
شهرستان مانه و سملقان: تعداد خانوار ۲۳۰۴۰، جمعیت ۹۵۵۸۲، تعداد باسواد ۶۰۷۴۳، تعداد بیسواد ۲۰۱۱۵.

## شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها

**آذری**: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اسفراین استان خراسان شمالی و مرکز آن عباس آباد است.

**اسفراین**: از شهرستان‌های استان خراسان می‌باشد که از شمال و باختر به شهرستان بجنورد، از شمال خاوری به شهرستان شیروان، از خاور به شهرستان‌های قوچان و نیشابور و از جنوب به شهرستان سبزوار محدود است. بلندترین نقطه شهرستان اسفراین قله کوه شاه جهان به بلندی ۳۰۳۲ متر و پست‌ترین نقطه خروجی دشت، آبادی سرخ چشمه از سطح دریا حدود ۱۰۰۰ متر می‌باشد.

این شهرستان در دامنه کوه‌های آلاغ که امتداد شرقی رشته کوه‌های البرز می‌باشد و در جنوب غربی کوه شاه جهان قرار گرفته و در قسمت جنوبی یک سری کوه‌های کوچکتر شامل ارتفاعات جغتای واقع شده است.

اسفراین قبلاً میان آباد نام داشت و شهری کهنسال بوده که در روزگار باستان شهرت و رونق بسیار داشته است و نام قدیمش شهر مرجان بوده است. شهرستان اسفراین در دامنه‌ی کوه شاه جهان و شمال کوه هروه واقع شده است، از شمال به بجنورد، از شمال شرقی به شیروان، از شرق به شهرستان‌های قوچان و نیشابور، از جنوب به سبزوار، و از مغرب به بجنورد محدود است.

وسعت این شهرستان ۵۳۴۵ کیلومتر مربع است، ارتفاع آن از سطح دریا ۱۲۲۰ متر می‌باشد. اقتصاد این شهرستان کاملاً بر پایه‌ی کشاورزی است و عمده‌ترین محصول آن پنبه و غلات و زیره است و ۸۵ درصد مردم آن به کشاورزی و دامپروری مشغولند. تولیدات صنایع دستی در اسفراین معمول و متداول است.

به طور کلی شهرستان اسفراین را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: ۱ـ دشت‌ها (۱ـ دشت اسفراین ۲ـ دشت صفی آباد) ۲ـ ارتفاعات (۱ـ رشته کوه آلاداغ ۲ـ هرده جوین (رشته اسفراین))

**تقسیمات کشوری**: مرکز این شهرستان شهر اسفراین دارای دو بخش ۱ـ بخش مرکزی ۲ـ بام بخش صفی آباد و ۷ دهستان ۱ـ آذری ۲ـ دامنکوه ۳ـ زرق آباد ۴ـ روئین ۵ـ میلانو ۶ـ بام ۷ـ صفی آباد است.

**رودها**: چند رود فصلی با آب شور و تلخ از بلندی‌های شهرستان اسفراین سرچشمه گرفته و پس از پیوستن به هم به نام قره‌سو به کال شور می‌پیوندد.

**کوه‌ها**: در مناطق شمالی و خاوری اسفراین رشته

کوه‌های الاداغ قرار و بلندترین قله‌اش ۳۳۵۰ متر بلندی دارد. این رشته کوه دارای مناظر دلفریب و ییلاقات خوش آب و هوا با دره‌های گود و گدارهای صعب‌العبور می‌باشد. رشته‌کوه اسفراین یا هرده جوین ۱۳۵۳ متر بلندی دارد.

**کان‌ها:** معادن سنگ گچ و آهک در حال استخراج است.

**آب و هوا:** به طور کلی معتدل مایل به سرد و خشک کوهستانی است. به طور کلی قسمت‌های شمالی منطقه اسفراین دارای آب و هوای معتدل ولی در قسمت‌های جنوبی و جنوب غربی به واسطه نزدیکی به کویر تابستان‌ها گرم و خشک و زمستان‌ها سرد است. حداکثر مطلق درجه حرارت ۴۶ درجه سانتی‌گراد در تابستان‌ها و حداقل ۱۶/۵ درجه زیر صفر در زمستان‌ها بنابراین تفاوت میان حداکثر و حداقل مطلق به ۶۲/۵ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. در سال ۸۷ روز یخبندان است.

مهمترین بادهای محلی ۱ـ کف باد ۲ـ بادچاچ ۳ـ بادسیاه خانه ۴ـ باد نیشابور ۵ـ باد قبله ۶ـ کوه باد

رطوبت نسبی سالانه اسفراین ۵۷/۲ درصد و بیشتر میزان بارندگی سالانه ۲۷۲/۶ میلی‌متر می‌باشد.

**منابع آب:** ۱ـ آب‌های سطحی اسفراین در روستاهای دره‌ای شمالی به مصرف می‌رسد و قسمت کمی از آن‌ها به دشت می‌رسد ۲ـ آب‌های زیرزمینی که شامل چشمه‌ها و قنات‌های متعدد و چاه‌های بسیار عمیق و نیمه عمیق می‌باشد. به جز ۲٪ از خاک‌های شور این شهرستان بقیه قابل کشت است.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی، ترکی و کردی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان ارس و پسته کوهی - گیاهان دارویی: شاتره - گل زرد، خاکشیر، درمنه، گل گاوزبان، کاسنی، گل ختمی و شیرین‌بیان - پوشش گیاهی برای چرای دام‌ها فراوان (حدود ۴۵۰۰۰۰ هکتار) باغات (حدود ۷۵۰۰۰ هکتار)

**جانوران و پرندگان:** بزکوهی، قوچ و میش کوهی، روباه، شغال، گرگ و کبک، آهو، گراز، خرگوش، پلنگ، تشی و کفتار، تیهو، سینه سرخ، پرستو، لاشخور و انواع گنجشک

**اقتصاد:** بر کشاورزی، صنایع دستی و دامداری استوار است. ۸۸٪ مردم به کار کشاورزی سرگرمند چه حاصلخیزی و بازدهی آن مایه دلگرمی مردم و رونق و بهبود زندگی زارعان گشته. آب کشاورزی از کاریزها، چاه‌های ژرف و نیمه ژرف فراهم گشته.

**صنایع دستی:** بافت قالی، جاجیم و پارچه دومین منبع درآمد مردمان این سامان است. دامداری سنتی و در کنار کشاورزی انجام می‌شود.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، چغندرقند، تره‌بار، بنشن، سیب، گلابی، انگور، انجیر، توت، آلبالو، گوجه سبز، گردو و انار - قالی، جاجیم و دام و فراورده‌های دامی، عسل و ابریشم، سبزیجات، محصولات جالیزی، نباتات صنعتی، گیاهان علوفه‌ای

**اسفراین:** از اقلیم چهارم، شهری وسط است و در مسجد آن جا کاسه‌ای بزرگ است از روی دورش دوازده گز حیاطی از آن بزرگتر کاسه پیش از این کسی نساخته است و بر جانب شمال آن شهر قلعه است محکم آن را در صلعوک خوانند و قریب پنجاه ده از توابع اسفراین است و هوایش معتدل است اما چون آب رودخانه که در پای کوه قلعه است می‌آید و آن جا درخت جوز بسیار است و

ولایت و توابع آن قنوات دارد و همه محصول است از انگور و میوه وغله داشته باشند - نزهةالقلوب

شهر اسفراین یا میان‌آباداز شهرهای استان خراسان و مرکز شهرستان اسفراین و در بلندی ۱۲۲۰ متری از سطح دریا و ۳۵۰کیلومتری شمال باختری مشهد و در مسیر راه بجنورد - کاشمر قرار دارد.

اسفراین از شهرهای قدیمی خراسان بزرگ است که قبل از اسلام وجود داشته و ویرانه‌های شهر قدیمی در شش کیلومتری شهر جدید قرار گرفته است.

**پیشینه‌ی تاریخی اسفراین:** شهرستان اسفراین از اقامتگاه‌های اولیه اقوام آریائی و قسمتی از سرزمین پارت‌ها به شمار می‌آمده است.

در زمان اشکانیان و ساسانیان اسفراین جزء ابرشهر نیشابور بوده و اهمیتی خاص داشته است.

روستاهای آباد و پر آب و مزارع سر سبز این دیار نشان از آشنائی قدیم مردم این منطقه با شیوه‌های آبیاری و سدسازی دارد. سد مهار که احتمالاً مربوط به دوره‌ی ساسانیان است وبعدها توسط تیموریان تعمیر و مرمت شده مؤید این نظر است اسفراین در حمله‌ی اعراب نیز آباد بوده، این شهر در حمله‌ی مغول و تیمور خسارات فراوانی دید و در دوره‌ی افشاریه با خشکسالی و ویرانی روبرو شد و مردم به میان آباد که محل کنونی شهر اسفراین می‌باشد کوچ نموده و در آن جا سکنی گزیدند. اسفراین دارای یک شهر و ۳ بخش مرکزی، بام و صفی آباد می‌باشد.

**اسفراین مهد کشتی چوخه‌ی ایران:** هر ساله سیزده و چهارده فروردین ماه در بهار طبیعت بزرگ‌ترین مراسم کشتی چوخه ایران در شهرستان اسفراین برگزار می‌گردد.

این مراسم اولین و تنها مراسم کشتی چوخه سنتی ایران است که در فصای بیرونی و بر روی خاک در گود زینعلی خان (شمال شهر اسفراین) برگزار می‌شود. در این رقابت زیبا کشتی گیران با فنون خاص چوخه همراه با نواخته شدن دهل و سورنا با هم به رقابت می‌پردازند.

هر ساله بیش از ۲۰۰ هزار نفر از این رقابت‌ها دیدن می‌نمایند که تعداد قابل توجهی از این تماشاگران برای دیدن این مراسم سنتی از اقصی نقاط کشور به اسفراین سفر می‌کنند.

**اسفراین (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان اسفراین استان خراسان شمالی و مرکز آن شهر اسفراین است و دارای ۵ دهستان ۱ـ آذری ۲ـ دامنکوه ۳ـ زرق آباد ۴ـ روئین ۵ـ میلانو است.

**باباامان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بجنورد استان خراسان و مرکز آن باباامان است.

**بام:** از دهستان‌های بخش بام صفی آباد شهرستان اسفراین استان خراسان شمالی و مرکز آن بام است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه شاه جهان و رود کال شون در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، تره‌بار، زردآلو، بادام وگردو و فرش

**پوشش گیاهی:** کاکوتی، بارهنگ، گل میخک و گیاهان مرتعی

**جانوران:** قوچ، میش، پلنگ، گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کبک

**بام صفی‌آباد:** از دهستان‌های بخش بام صفی آباد شهرستان اسفراین استان خراسان و مرکز آن صفی‌آباد است.

**بام صفی‌آباد:** از بخش‌های شهرستان اسفراین استان خراسان می‌باشد که از شمال به حومه

قوچان و حومه اسفراین، از شمال خاوری و خاور به سه ولایت (از بخش‌های شهرستان نیشابور) از جنوب به جغتای (از شهرستان سبزوار) و از باختر نیز به حومه اسفراین محدود است.

**تقسیمات کشوری:** به جز چند رود فصلی (کال، کال شور، کال ولایت و رود گرماب) در آن آبی روان نیست.

**کوه‌ها:** بخش صفی‌آباد از مرکز به سوی شمال کوهستانی و از مرکز به سوی جنوب دشتی است. ۱ـکوه پشت بره (۱۷۴۳ متر) ۲ـ قوزی (۱۸۴۷ متر) ۳ـکمر سیاه (۱۵۵۱ متر)

**کان‌ها:** سنگ گچ که در حال بهره‌برداری و معدن زغال‌سنگ که هنوز بهره‌برداری نشده است.

**آب و هوا:** معتدل و خشک

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز و تاغ - گیاهان دارویی و صنعتی: کاکوتی، گل گاوزبان، گل ختمی، آویشن، بومادران و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران و پرندگان:** آهو، روباه، شغال، گرگ، گراز، کبک، تیهو و سینه سیاه

**اقتصاد:** بر کشاورزی، دامداری و قالیبافی استوار است. کشاورزی به شیوه سنتی، نوع کشت، آبی و دیم، آب کشاورزی از کاریزها و رودهای فصلی و چاه ژرف فراهم گشته - دامداری چندان پیشرفتی نکرده با این حال از منابع درآمد مردم این سامان است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، چغندرقند، تره‌بار، گیلاس، زردآلو و دام و فراورده‌های دامی و قالی می‌باشد.

**بجنورد:** از شهرستان‌های استان خراسان شمالی می‌باشد که از شمال به کشور ترکمنستان، از خاور به شهرستان‌های قوچان، شیروان و اسفراین، از جنوب خاوری به شهرستان سبزوار، از جنوب به شهرستان شاهرود و از باختر به شهرستان دشت گرگان محدود است. شهرستان بجنورد در دشتی که از شمال غربی به مشرق امتداد و ۱۲۱۰ متر از سطح دریا بلندی و ۱۶۰ کیلومتر مرز مشترک با جمهوری ترکمنستان و در ۲۴۴ کیلومتری مشهد مرکز استان خراسان رضوی فاصله دارد، قرار گرفته است.

شهرستان بجنورد در شمال غربی خراسان شمالی قرار دارد و از شمال به رشته کوه‌های کپه‌داغ و از جنوب به بلندی‌های آلاداغ و کور محدود است.

**دشت‌ها:** ۱ـ دشت بجنورد، چاله نیمه محصوری است که شیب ممتد و ملایم آن از جنوب به سوی شمال است. ۲ـ دشت مانه که در شمال دشت بجنورد قرار گرفته، این دشت از تپه ماهورهای متعدد پدید آمده ۳ـ دشت سلمقان که در غرب شهرستان بجنورد قرار دارد ۴ـدشت شوقان که در جنوب غربی شهرستان بجنور قرار گرفته است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر بجنورد دارای ۴ بخش و ۸ دهستان ۱ـ آلاداغ ۲ـ باباامان ۳ـ بدرانلو ۴ ـ چراگان ۵ ـ راز ۶ ـ گرمخان ۷ ـ گیجان ۸ ـ غلامان است.

**رودها:** رود اترک از بلندی‌های لاله‌رویان در ۴۰ کیلومتری قوچان سرچشمه گرفته، پس از گذشتن از شهرهای قوچان و شیروان وارد شهرستان بجنورد گشته و پس از پیوستن شاخابه‌هایی چند و تشکیل خط مرزی به طول تقریبی ۹۰ کیلومتر به دریای خزر می‌ریزد.

**کوه‌ها:** ۱ـ رشته کوه آلاداغ که همه نواحی شمالی شهرستان بجنورد را در بر گرفته و دارای جنگل‌ها و دره‌های زیبا و حاصلخیز است و بلندترین قله به

نام شاه جهان به بلندی ۳۳۵۰ متر و قله دیگر به نام سرو یا بهار به بلندی ۳۰۵۰ متر که مرتع کالپوش در آن دامن گسترده ۲ـ رشته کوه یزداغی (بلندی ۱۶۲۰ متر) ۳ـرشته کوه آغل چیل (بلندی ۱۴۶۰ متر) ۴ـکوه مسینو (بلندی ۲۴۹۶ متر) ۵ـکوه تقرو (بلندی ۲۲۴۰ متر) ۶ـکوه پالان (بلندی ۲۰۰۰ متر) ۷ـکوه چاه بید (بلندی ۱۸۳۳ متر) تقریباً جنگل دشت به طول ۷۰ کیلومتر در دامنه‌های آلاداغ

**آب و هوا:** معتدل متمایل به سرد و مرطوب با تابستان‌های گرم و زمستان‌های سرد بیشتر درجه گرما تا ۴۰ درجه بالای صفر و کمترین درجه ۱۵ درجه زیر صفر و میزان متوسط بارندگی سالانه حدود ۲۵۰ میلیمتر است.

به طور کلی بادهای فصل زمستان و اوایل بهار که از جنوب و غرب می‌وزد، مقدار زیادی باران به همراه دارد، توده‌های هوای باران‌زا ندارد و در تابستان بارانی نمی‌بارد و در نتیجه خشکی تابستانی ظاهر می‌شود.

**آب:** ۱ـ آب‌های سطحی رودخانه‌ها ۲ـ آب‌های زیرزمینی و چاه‌های عمیق و نیمه عمیق، چشمه‌ها و کاریزها

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند بیشتر از طوایف کرد مانند شادلو هستند و به زبان فارسی، کردی و لری سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان ارس و ارغوان -گیاهان دارویی و صنعتی: گل ختمی، گل گاوزبان، شاه تره، خاکشی، کاسنی و آنغوزه - پوشش گیاهی برای چرای دام به مقداری فراوان

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، قوچ و میش، آهو و کبک

**اقتصاد:** بر کشاورزی و دامداری و قالی‌بافی استوار است. کشاورزی به واسطه مناسب جغرافیایی و آب و هوایی پررونق و دامداری نیز به واسطه مراتع گسترده، از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد. قالیچه و قالی آن با طرح‌های ترکمنی خریداران بسیار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، تره‌بار، بنشن، تنباکو، آلو، گیلاس، آلبالو، انگور و سیب - دام و فراورده‌های دامی - قالی و قالیچه.

حدود ۹۰٪ آب آبیاری کشتزارها و باغ‌ها را آب‌های زیرزمینی از طریق چاه‌ها، کاریزها فراهم می‌کند.

**صنایع:** ۱ـصنایع غذایی ۲ـصنایع ساختمانی ۳ـ صنایع فلزی ۴ـ صنایع سلولزی ۵ـ صنایع شیمیایی ۶ـصنایع پوشاک ۷ـ صنایع نساجی.

**کانی‌ها:** ۱ـ کانی‌های فلزی ۲ـکانی‌های غیرفلزی ۳ـسنگ‌های ساختمانی ۴ـسنگ گچ و گچ خاکی ۵ـ سنگ آهک

**کارخانه‌ها:** ۱ـ سیمان ۲ـ آلومینیوم سازی ۳ـ سردخانه، کارخانه یخ‌سازی - مجتمع پتروشیمی که در ۱۳۶۹ در ۱۷ کیلومتری بجنورد - شیروان تأسیس شد.

**پوشش گیاهی:** به چند حوزه تقسیم می‌شود: ۱ـ حوزه استپی سرد منطقه جاجرم ۲ـ حوزه نیمه استپی سرد ۳ـ حوزه جنگل‌های خشک ۴ـحوزه کوهستان‌های بلند ـ مراتع مشجر وسعت جنگل‌هایی که به صورت مراتع مشجر می‌باشد به طور تقریب حدود ۳۰۰۰۰۰ هکتار برآورد شده که گونه‌های عمده‌اش سرو کوهی، کرکو، زالزالک، پسته، انار، زرشک، گلابی وحشی، بلوط و غیره و گونه‌های علوفه‌ای زیر اشکوب آن را گیاهانی از خانواده گرامینه، گلوم، درمنه و گون و گیاهان باشتی خاردار تشکیل می‌دهد محصولات جنگلی پسته، انار، گردو، زرشک و زالزالک و محصولات مرتعی باریجه، کتیرا و ترنجبین است.

در مراتع غیرمشجر که حدود ۶۰۰۰۰۰ هکتار است، در آن‌ها درمنه، گون و... می‌روید.

**جنگل‌ها:** ۱ جنگل گلستان (پارک ملی گلستان به مساحت ۹۱۸۹۵ هکتار که در ۱۲۰ کیلومتری بجنورد قرار دارد. به طور کلی ترکیب و سیمای این جنگل نسبت به ارتفاع آن از سطح دریا متفاوت است. شامل ۱ـ جوامع جنگلی خزر ۲ـ جوامع حد فاصل ۳ـ جوامع استپی و درمنه و گون ۴ـ منطه کورخود به مساحت ۳۶۰۰۰ هکتار (در ۸۵ کیلومتری بجنورد) ۵ـ منطقه سالوک (در ۲۵ کیلومتری جنوب بجنورد) ۶ـ منطقه ساریگل (شاه جهان) به مساحت ۲۸۰۰۰ هکتار در جنوب شرقی بجنورد ۷ـ قازان قلعه (قابه) به مساحت حدود ۶۷۸۷ هکتار ۸ـ رازوجرگلان به مساحت ۶۵۰۰۰ هکتار ۹ـ دره ترکمن به مساحت ۲۹۲۵ هکتار ۱۰ـ جنوب شرقی غلامان به مساحت ۱۹۴۰۰ هکتار ۱۱ـ تکله قوز به مساحت ۶۳۳۵ هکتار

شهر بجنورد درون دشت حاصل از ارتفاعات مجاور و در روی رسوبات رودهای فیروزه و اراکان قرارگرفته ولی در فاصله‌ای ازکوهپایه که آن را به هیچ رود دایمی (مگر رودهای فصلی) دسترسی نیست. بجنورد از روزگاری دراز یک شهر متکی به قنات و آب زیرزمینی بوده است. شهر بجنورد در زمان تولیخان دوم بناگردید و در هجوم حسن سالار شهر ویران و مجدداً بازسازی شد. این شهر دارای شکل مربع است، ۱۲ برج در ضلع شرقی و ۱۲ برج در ضلع جنوبی با دو برج در طرفین دروازه قبله و بروج طرف شمالی بروج ارگ بوده که برخی نام بجنورد راکلمه معرب بیژن گرد پنداشته‌اند.

دوره‌های رشد شهر ۱ـ بافت قدیم شهر رفته رفته از آغاز تشکیل تا ۱۳۴۰ شکل‌گرفته ۲ـ دوره رشد سریع شهر که بافت قدیم دچار تحول و تخریب شد ۳ـ رشد شتابان بعد از سال ۱۳۵۷

عناصر قدیمی شهر آب انبار،کاروانسرا، سقاخانه و عناصر جدید شهر برق، مخابرات، کارخانه‌های جدید، سازمان‌ها و ادارات، تأسیسات درمانی و بهداشتی، مدارس و دانشگاه‌ها، مراکز تفریحی و مراکز خرید.

**بجنورد:** شهر بجنورد با پهنه‌ای در حدود ۱۷۲۴۵ کیلومتر مربع از شمال به جمهوری ترکمنستان از جنوب به شهرستان اسفراین، از غرب به شهرستان مانه و سملقان و از شرق به شهرستان شیروان ارتباط دارد.

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری دارای ۳ بخش مرکزی، راز و جرگلان و گرمخان می‌باشد. به دلیل وسعت و وجود ارتفاعاتی همچون آلاداغ سالوک، می‌سی نو، بزداغی، دوچنگ و دره‌ها و دشت‌های وسیع از جمله بجنورد و گرمخان دارای اقلیمی معتدل با زمستان‌های سرد و تابستان‌های نسبتاً ملایم است. اترک مهم‌ترین رودخانه‌ی این منطقه است و از دیگر رودخانه‌های آن می‌توان فیروزه، ارکان، بازخانه، شیرین چای، بابا امان، بدرانلو، چناران و را نام برد.

به سبب وجود تنوع آب و هوا بجنورد دارای مراتع و گونه‌های گیاهی مختلف و درختانی چون ارس، بلوط، کرکوه، انواع گرامینه، زرشک، باریچه، بیدگون، درمنه و... می‌باشد.

**پیشینه‌ی تاریخی شهر بجنورد:** بررسی محوطه‌ها و تپه‌ها و ابنیه‌های تاریخی شناسائی شده در این منطقه حاکی از تمدنی کهن است که می‌توان شکل‌گیری نخستین زیستگاه‌های بشری را در حاشیه‌ی رود اترک مشاهده نمود. بجنورد در دوره‌ی تاریخی بخشی از ساتراپی پارت قلمداد

می‌شده است و در کتاب تاریخ سیتان و حدود العالم مقدسی، ناحیه‌ی بجنورد را بعنوان بخشی از سرزمین نساء برشمرده‌اند.

در دوره‌ی اسلامی همزمان با حکومت‌های متقارن (طاهریان، سامانیان) تا سده‌ی هشتم بخش‌های وسیعی از بجنورد آباد بوده است و به دنبال استیلای مغولان آباد بوده است و به دنبال استیلای مغولان بر ایران و اسکان عده‌ای از آنان در نواحی این منطقه طایفه‌ی گراییت یا گرایلی در حوالی بجنورد ساکن شده و اکراد بجنورد نیز در پی سیاست شاه عباس صفوی به این محل کوچانده شدند و بجنورد کنونی درکتب قدیمی از آن به عنوان بیژن گرد یاد کرده‌اند ـ گرد به معنای شهر و آبادی و بجنورد به معنای شهر بیژن

**مردم‌شناسی و اقوام بجنورد:** یکی از عمده خصیصه‌های بجنورد وجود بافت متنوع قومی و مؤلفه‌های فرهنگی متفاوت آن است، اقوامی که امروزه در محدوده‌ی این شهرستان وجود دارند عبارتند از: ترک‌ها، کرمانج‌ها، ترکمن‌ها فارس‌ها و تاتها، عمده مشغله‌ی مردم این شهرستان کشاورزی، دامداری و صنایع دستی از جمله قالیبافی است و درصدی از نیروی شاغل این شهرستان در بخش صنعت و خدمات مشغول به فعالیت هستند.

هم زیستی مسالمت‌آمیز این اقوام با فرهنگ‌های متفاوت موجبات تنوع در معیشت و زندگی اعتقادات و باورها، آداب و رسوم و موسیقی گردیده است.

موسیقی در میان این اقوام آمیختگی عمیقی با تمامی شئونات زندگیشان دارد و بازگو کننده‌ی باورها، اعتقادات و بینش و تفکر اقوام این ناحیه می‌باشد و شامل موسیقی ترکی، کردی و ترکمنی است.

از انواع مقام‌های موسیقی ترکی می‌توان به تجنیس شاختا، نالیش و در موسیقی کردی اله مزار، لو، هرای، زارنجی، ترغه و... و در موسیقی ترکمنی به یاقی یالی، بوجنت، آد چاپان و در سم سن اشاره نمود.

**بخشی از جاذبه‌های تاریخی و گردشگری بجنورد:** پارک جنگلی باباامان، مجموعه‌ی تاریخی تفریحی بش قارداش، مجموعه‌ی فرهنگی تاریخی آینه‌خانه مفخم (موزه مردم شناسی)، عمارت مفخم، بقعه سلطان سید عباس ابن موسی ابن جعفر، روستای توریستی و پلکانی اسفیدان، آبشار حمید، باغ علی آباد، چشمه و امامزاده‌ی مهنان، آب‌گرم ایوب پیغمبر و... .

**سوغات بجنورد:** آبنبات (شکر پنیر) بجنورد گلیم (سفره کردی) لباس‌های محلی، انواع قالی، قالیچه و پشتی‌های ترکمنی مرغوب، چاروق (پای‌افزار سنتی)، قره قروت، کشک و انگور، رازقی (کلاداری) و... .

بخشی از سوغات و صنایع دستی مرکز استان خراسان شمالی را تشکیل می‌دهد که آبنبات بجنوردی از شهرت جهانی برخوردار است. اداره‌ی کل میراث فرهنگی و گردشگری استان خراسان شمالی

**بجنورد (مرکز شهرستان):** شهر بجنورد مرکز شهرستان بجنود در ۱۸ درجه و ۵۷ دقیقه طول جغرافیائی و ۲۹ درجه و ۳۷ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۱۰۷۰ متری از سطح دریا و در ۲۴۴ کیلومتری شمال باختری مشهد و در مسیر راه مشهد ـ گرگان قرار دارد.

**آب و هوا:** شهر بجنورد معتدل و مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۴۰ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۱۵ درجهٔ

زیر صفر و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۲۵۰ میلی متر میباشد.

**بجنورد (بخش مرکزی):** از بخش‌های مرکزی شهرستان بجنورد استان خراسان و مرکز آن شهر بجنورد و دارای ۳ دهستان ۱ـ آلاداغ ۲ـ باباامان ۳ـ بدرانلو است.

**بدرانلو:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بجنورد استان خراسان شمالی و مرکز آن بدرانلو است.

**تکمران:** از دهستان‌های بخش سرحد شهرستان شیروان استان خراسان شمالی و مرکز آن توکور است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و کوه آلماداسار ایده در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن

**پوشش گیاهی:** کلپوره، خاکشی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک

**جاجرم:** شهرستان جاجرم با ۵۸۷۹ کیلومتر مربع وسعت و ۶۱۷۳۷ نفر جمعیت در جنوب غربی بجنورد واقع است.

جاجرم از شمال و شمال شرق به شهرستان‌های مانه و سملقان و بجنورد، از جنوب به دشت جوین، از شرق به اسفراین و از غرب به استان سمنان منتهی می‌گردد.

این شهرستان شامل دو نقطه‌ی شهری (گرمه و جاجرم)، سه بخش (سنخواست، شوقان و مرکزی)، ۶ دهستان:

۵۶ روستا و ۵۴۲ پارچه آبادی است.

**پیشینه‌ی تاریخی شهرستان جاجرم:** جاجرم یکی از مناطق تاریخی استان خراسان شمالی می‌باشد که در گذر ایام از پایگاه‌های مهم حکومتی و دینی ایران بوده است. اهالی آن از طوایف مختلف مقصودلی، گنجه‌ای، ازبک، شاکری، رمضانلو، فخرائی، شیخ الاسلامی و... که در طول تاریخ از مناطق مختلفی همچون بسطام، خوارزم، بخارا و... به این منطقه کوچ نموده‌اند تشکیل یافته است. مورخانی همچون مقدسی، یاقوت حموی و مستوفی از آن به سرسبزی و آبادانی یاد نموده‌اند. شاعران و دانشمندان ناموری همچون بدرالدین جاجرمی، شاعر معروف مجد همگر، ابوالقاسم عبدالعزیز مستوفی و ابوالاسحاق ابراهیم جاجرمی از علمای حدیث نیز از این شهر برخاسته‌اند.

**بخشی از جاذبه‌های تاریخی و گردشگری شهرستان جاجرم:** ۱ـ قلعه‌ی جلال الدین (سلجوقی)، ۲ـ زیارتگاه علی ابن مهزیار، ۳ـ کاروانسرای رباط عشق، ۴ـ رباط قلی، ۵ـ مسجد جامع جاجرم، ۶ـ بنای باغ مزار گرمه. ـ اداره‌ی کل میراث فرهنگی و گردشگری استان خراسان شمالی

**جاجرم:** از شهرستان‌های استان خراسان شمالی، از شمال به شهرستان مانه و سملقان و حومه بجنورد، از خاور به شهرستان اسفراین، از جنوب خاوری به جغتای (از بخش‌های سبزوار)، از جنوب به میامی (از بخش‌های شاهرود) از باختر به مینودشت، کوکلان و مرادتپه (از بخش‌های شهرستان دشت گرگان) محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر گرمه جاجرم، دارای ۳ بخش ۱ـ مرکزی دارای دو دهستان (۱ـ میاندشت ۲ـ گلستان) ۲ـ جلگه ستخواست ۳ـ جلگه شوقان است.

**رودها:** تنها رود دائمی، رودکال شور جاجرم که به قره سو مشهور است از کوه‌های جنوبی اسفراین سرچشمه می‌گیرد و در ادامه مسیر خود رودهای کوچکی به آن می‌پیوندند.

**کوه‌ها:** کوه‌هایی کم‌ارتفاع در جنوب باختری سر برافراشته‌اند که حد فاصل البرز و کوه‌های خراسان از جمله ۱ـ کوه چاه بید به بلندی ۱۸۳۳ متر ۲ـ کوه

پیغمبر به بلندی ۱۸۶۴ متر ۳ـ کوه داش قلعه به بلندی ۱۹۳۷ متر ۴ـ کوه زوبه بلندی ۲۱۳۳ متر ۵ـ کوه سرای به بلندی ۲۱۱۶ متر از کوه‌های خراسان است.

**کان‌ها:** سنگ گچ، سنگ آهن و نمک

**آب و هوا:** معتدل و خشک

**نژاد و زبان:** بیشتر آریایی نژادند و به زبان فارسی با گوش محلی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز و تاغ - گیاهان دارویی و صنعتی: گل ختمی، بومادران، درمنه، گل پونه، کاسنی و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، کفتار، آهو، بز کوهی، کبک و تیهو.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و صنایع دستی استوار است. کشاورزی بازدهی تقریباً خوبی دارد و کشت و زرع به شیوه نیمه مکانیزه انجام می‌شود. بیشتر کشت آبی - آب کشاورزی از چشمه، کاریز، چاه ژزرف و نیمه ژرف فراهم می‌شود.

دامداری رونقی فراوان دارد، قالی، قالیچه‌بافی و جاجیم‌بافی از منابع درآمد مردم این سامان است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، زیره، پنبه، تره‌بار، بنشن، انگور و میوه‌های سردرختی، بادام و فراورده‌های دامی، قالی، قالیچه و جاجیم.

**جاجرم:** حاوی آهک‌های دوره ژوراسیک در ارتفاعات آلاداغ و شاه جهان، واقع در جنوب و جنوب غربی است. رسوبات زیرین در جنوب رشته کوه‌های آلاداغ و شاه جهان و شمال سالوک با رخساره ماسه سنگی و شیلی شبیه تشکیلات البرز رخنمون دارد که از لحاظ لایه زغال‌دار بسیار فقیر است.

**جاجرم:** از شهرستان‌های استان خراسان شمالی است که مرکز آن جاجرم است و در ۱۳۷۶/۲/۷ به صورت شهرستان در آمد. دارای سه بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ جلگه سنخواست ۳ـ جلگه شوقان و دارای ۶ دهستان است.

**جاجرم** (مرکز شهرستان)

شهر جاجرم، مرکز شهرستان جاجرم از شهرستانهای استان خراسان، دربلندی ۹۲۰ متری از سطح دریا در ۱۶۰ کیلومتری جنوب باختری بجنورد و در ۶۸کیلومتری جنوب راه اصلی مشهد - گرگان است.

**آب و هوا:** معتدل و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها تا ۴۰ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها تا ۱۵ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه حدود ۱۵۰ میلیمتر است.

**جاجرم (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان جاجرم استان خراسان شمالی و مرکز آن شهر گرمه جاجرم است و دارای ۲ دهستان ۱ـ میان‌دشت ۲ـ گلستان است.

**جاذبه‌های شهری:** ۱ـ پارک شهر، ۲ـ پارک زیرگذر، ۳ـ پارک شیرین، ۴ـ پارک ملی، ۵ـ محدوده‌ی قنات قصبه، ۶ـ امامزاده عابد کاخک.

**کلات (مرکز بخش):** شهرک کلات مرکز بخش کلات از بخشهای شهرستان مشهد، استان خراسان و در ۴۶ درجه و ۵۹ دقیقه طول جغرافیائی و در ۵۹ درجه و ۳۶ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۱۳۰۰ متری از سطح دریا و در ۱۸۰ کیلومتری شمال خاوری مشهد و در انتهای راه - مشهد ـ کلات قرار دارد.

رود کلات از دامنه‌های کوههای هزار مسجد سرچشمه میگیرد و از کنار شهرک کلات می‌گذرد.

**آب و هوا:** معتدل و مایل به سردو خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۳۵ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۱۷ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط حدود ۱۵۰ میلی‌متر است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، آب کشاورزی از رود و آب آشامیدنی از چاهها از طریق لوله‌کشی در منابعی ذخیره و پس از کلریزه شدن به شبکه لوله‌کشی فرستاده و برق از ژنراتورهای نصب شده در محل تأمین می‌شود.

هر شهر و حصاری که برفراز کوه یا پشته بلندی ساخته باشند کلات یا کرات و معرب آن قلات است و چون نادر کلات را آباد و بنائی به نام خورشید ایجاد کرد به کلات نادری معروف شد. «۲۶»

**جاذبه‌های طبیعی شهرستان:** ۱ـ آبشار کاخک، ۲ـ پارک جنگلی قوژد واقع در شمال گناباد، ۳ـ کوهستان کمر زیارت، ۴ـ درب صوفه واقع در کاخک، ۵ـ تک زو.

**جرگلان:** از بخش‌های شهرستان بجنورد استان خراسان شمالی است که از شمال به جمهوری ترکمنستان از مشرق به باجگیران، از جنوب شرقی به شهرستان شیروان، از جنوب به بخش‌های حومه و مانه و سملقان و از مغرب به مرادتپه محدود می‌باشد.

**نژاد و زبان:** آریایی، زبان فارسی، ترکی و کردی

**رودها:** تنها رود مهم جرگلان، رود چندیر از کوه‌های این بخش روان می‌شود و همراه رود دیگری وارد کشور جمهوری ترکمنستان می‌گردد و تشکیل رود سومبار را می‌دهد، از این گذشته رودهای فصلی کم‌اهمیتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

**کوه‌ها:** چندین رشته نسبتاً بلند و در نزدیکی مرز ایران و جمهوری ترکمنستان سر برافراشته‌اند. ۱ـکوه مینو به بلندی ۲۴۹۶ متر ۲ـکوه تقرو به بلندی ۲۲۴۰ متر

**آب و هوا:** معتدل و خشک

**پوشش گیاهی:** درختان اروسی، ارغوان، و زبان گنجشک و گیاهان دارویی و صنعتی مانند گل گاوزبان، شاتره و کتیرا

**جانوران:** روباه، شغال، گرگ و گراز

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامپروری و قالی بافی استوار است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، گردو و بادام - قالی با بافت ترکمنی و کردی

**جرگلان:** از دهستان‌های بخش رازجرگلان شهرستان بجنورد استان خراسان شمالی و مرکز یکه سعود پایین است و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک قرار دارد و رود شیرین دره که از کوه‌های مرزی ایران و ترکمنستان روان گشته به رود اترک پیوند یافته است و کوه کوتک کوه آق چیل، کوه بحر و کوه کوتک در این دهستان سر برافراشته است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، زردآلو، انگور، دام و فراورده‌های دامی

**پوشش گیاهی:** خاکشی، گل گاوزبان، کلپوره و گیاهان مرتعی

**جانوران:** روباه، شغال، گراز، آهو و کبک

**جلگه سنخواست:** از بخش‌های شهرستان جاجرم استان خراسان شمالی و مرکز آن شهر سنخواست، دارای ۲ دهستان ۱ـ چهارده‌ستخواست ۲ـ دربند است.

**جلگه شوقان:** از بخش‌های شهرستان جاجرم استان خراسان شمالی و مرکز آن شهر شوقان است و دارای دو دهستان ۱ـشوقان ۲ـطبر است.

**جیرانسو:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مانه و سملقان استان خراسان شمالی و مرکزش گرماب است.

**جیرستان:** از دهستان‌های بخش سرحد شهرستان شیروان استان خراسان شمالی و مرکز آن کوسه است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک قرار

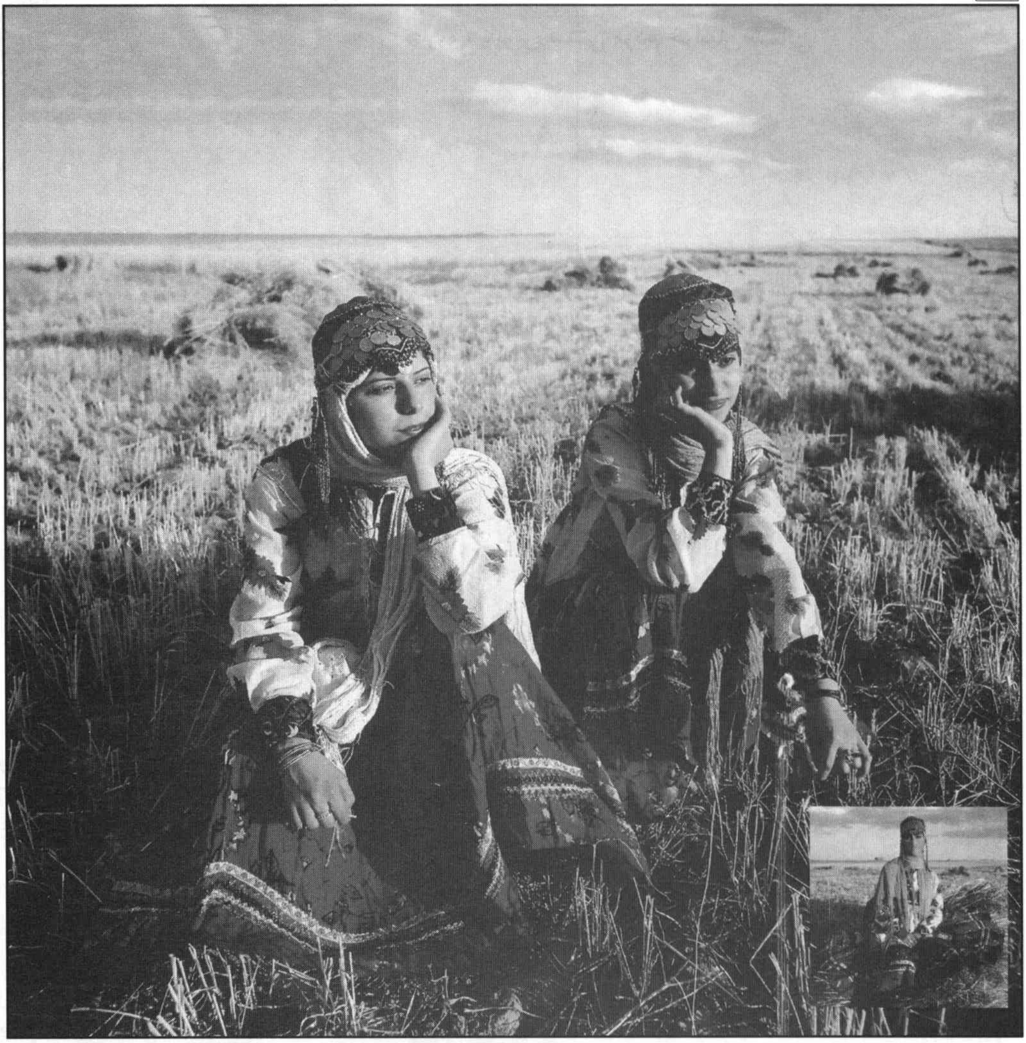
دارد و رود فصلی الخاص و رود فصلی پالکانلوسفلی در آن جریان دارد و کوه الخاص و کوه نظرمحمد در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، سیب، زردآلو، گوجه و فرش
**پوشش گیاهی:** کلپوره، خاکشی و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک
**چهاردسنخواست:** از دهستان‌های بخش جلگه سنخواست شهرستان جاجرم استان خراسان شمالی و مرکز آن سنخواست است.
**حوضخانه‌ی منزل قدیمی خواجه:** حوضخانه‌ای در بیدخت گناباد متعلق به منزل قدیمی خواجه است. پوشش گنبدی این مکان بر چهار ستون استوانه‌ای قرارگرفته که بر فراز پوشش آن عنصری شبیه کلاه فرنگی جهت تأمین نور فضای داخلی و تهویه هوا به دلیل رطوبت مکان تعبیه شده است. در میان این فضا نیز آب نمائی مدور و بسیار زیبا ایجاد شده که مجموع این اجزاء و عناصر فضائی مطبوع را به وجود می‌آورده است. معماری این حوضخانه متعلق به اواخر دوره‌ی قاجار است.
**حومه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شیروان استان خراسان شمالی و مرکز آن امیراباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و کوه چاهک در این دهستان قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، چغندرقند، انگور و گلیم
**پوشش گیاهی:** شاه تره و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش
**حومه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مانه و سملقان استان خراسان شمالی و مرکز آن اسلام‌آباد کرخد است.
**دامنکوه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اسفراین استان خراسان شمالی و مرکز آن چهاربرج است.
**دربند:** از دهستان‌های بخش جلگه سنخواست شهرستان جاجرم استان خراسان شمالی و مرکز آن دربند است.
**درگز** (مرکز شهرستان)

شهر درگز مرکز شهرستان درگز از شهرستانهای استان خراسان در ۰۵ درجه و ۵۹ دقیقه طول جغرافیائی و در ۲۷ درجه و ۳۷ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۳۸۰ متری از سطح دریا و در ۲۹۰ کیلومتری شمال باختری مشهد و در مسیر راه قوچان ـ لطف آباد و یک کیلومتری مرز ترکمنستان قرار دارد.
**آب و هوا:** گرم و نیمه مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۳۸ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۲ درجه زیر صفر میزان بارندگی سالانه در حدود ۳۵۰ میلیمتر است.
**راز:** از دهستان‌های بخش رازوجرگلان شهرستان بجنورد استان خراسان شمالی و مرکز آن تنگه ترکمن است.
**رازوجرگلان:** سازند تیرگان شامل آهک‌های اربیتولین دار بخش جنوبی را در بر گرفته و بر روی سازند تیرگان مارنها خاکستری و شیله‌های مدادی سازند سرچشمه به طور هم شیب قرار گرفته است.

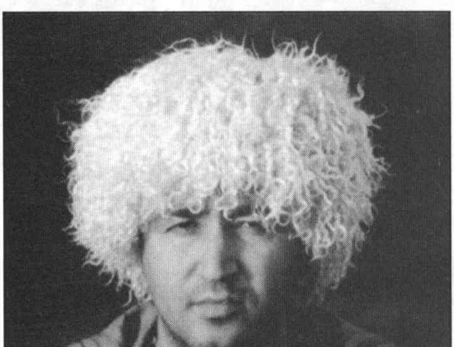
وجود گسل فعال و راست گرد قتلیش لایه‌های پایینی حاوی آب و چشمه‌های این ناحیه را تغذیه می‌کند. سازند سنگانه به وسیله تشکیلات تیرگان در میان گرفته شده است.

این بخش مرکزش شهر راز و دارای ۳ دهستان می‌باشد: ۱ـ جرگلان به مرکزیت یکه سعود پایین ۲ـ دهستان راز به مرکزیت تنگه ترکمن ۳ـ بخش غلامان به مرکزیت غلامان

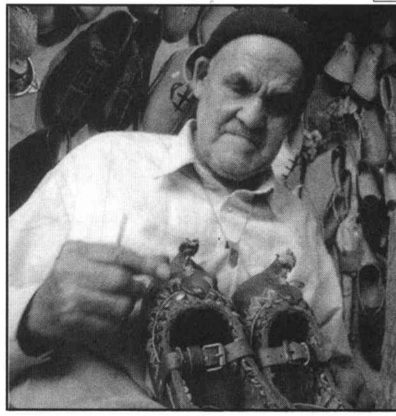
**روئین:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اسفراین استان خراسان شمالی و مرکز آن ایرج است و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک قرار دارد و رود روئین که از رشته کوه‌های الاداغ سرچشمه گرفته در این دهستان جریان دارد و کوه آلاداغ در این دهستان سر برافراشته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، بنشن، سیب، انار، انگور، گلابی و گردو
**پوشش گیاهی:** استاقدوس و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال و آهو
**زرق‌آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اسفراین استان خراسان رضوی و مرکز آن زرق‌آباد است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و رشته کوه‌های آلاداغ در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، زیره، یونجه، بنشن، تره‌بار، گیلاس، آلو، سیب، زردآلو، فرش و دام و فراورده‌های دامی
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، گل ختمی و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، آهو و کبک
**زوارم:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شیروان استان خراسان شمالی و مرکز آن زوارم است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار دارد و رشته کوه آلاداغ در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، زردآلو، گردو، بادام، انگور و فرش
پوشش گیاهی: کلپره، خاکشی و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، آهو و کبک
**زیارت:** از دهستان‌های بخش شهرستان شیروان استان خراسان شمالی و مرکز آن زیارت است و در منطقه‌ای معتدل خشک قرار دارد و رود اترک در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، یونجه، تره‌بار، سیب، زردآلو و فرش
**پوشش گیاهی:** خاکشی، گل گاوزبان، گلپوره و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، گراز و کبک
**سرحد:** از بخش‌های شهرستان شیروان استان خراسان شمالی و مرکز آن شهر لوجلی، دارای ۳ دهستان ۱ـ تکمران ۲ـ جیرستان ۳ـ قوشحانه است.
**سملقان:** از بخش‌های شهرستان مانه و سملقان استان خراسان شمالی و مرکز آن شهر قاضی، دارای دو دهستان ۱ـ قاضی ۲ـ آلمه است.
شامل مارن و آهک‌های نازک لایه قیری و پیریتی آمونیت داراست. این رسوبات دارای کلفتی بیشتری است و روی شیل قرار دارد به علت دارا بودن تخلخل سفره‌های آب زیرزمینی ناحیه را تغذیه می‌کند سازند شوریجه شامل ماسه سنگ و کنگلومرا که گاهی همراه با لایه گچی است که در ارتفاعات خود مشاهده می‌شود. سلیمان صادقی
**سیوکانلو:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شیروان استان خراسان شمالی و مرکز آن هنامه است.
**شوقان:** از دهستان‌های بخش جلگه شوقان شهرستان جاجرم استان خراسان شمالی و مرکز آن شوقان است.
**شیروان:** از شهرستان‌های استان خراسان شمالی، در ۱۹۳ کیلومتری مشهد بر سر راه بجنورد ـ مشهد قرار دارد. مرکز این شهرستان شهر شیروان، دارای ۳ بخش ۱ـ مرکزی دارای ۵ دهستان (۱ـ حومه ۲ـ زیارت ۳ـ سیوکانلو ۴ـ زوار ۵ـ گلیان) ۲ـ سرحد ۳ ـ قوشخانه می‌باشد.
شهرستان شیروان به مساحت حدود ۲۲۸۰ کیلومتر مربع است که در شمال استان خراسان شمالی، در مسیر راه مشهد - بجنورد قرار گرفته،



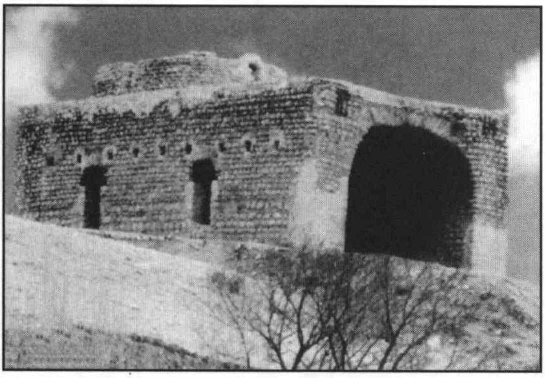
لباس زنان ترکمن



چهره مرد ترکمن با کلاه و پوشش محلی



چاروق، پاپوش سنتی مردم خراسان شمالی



کلیسای اسپاقو (مانه و سملقان)

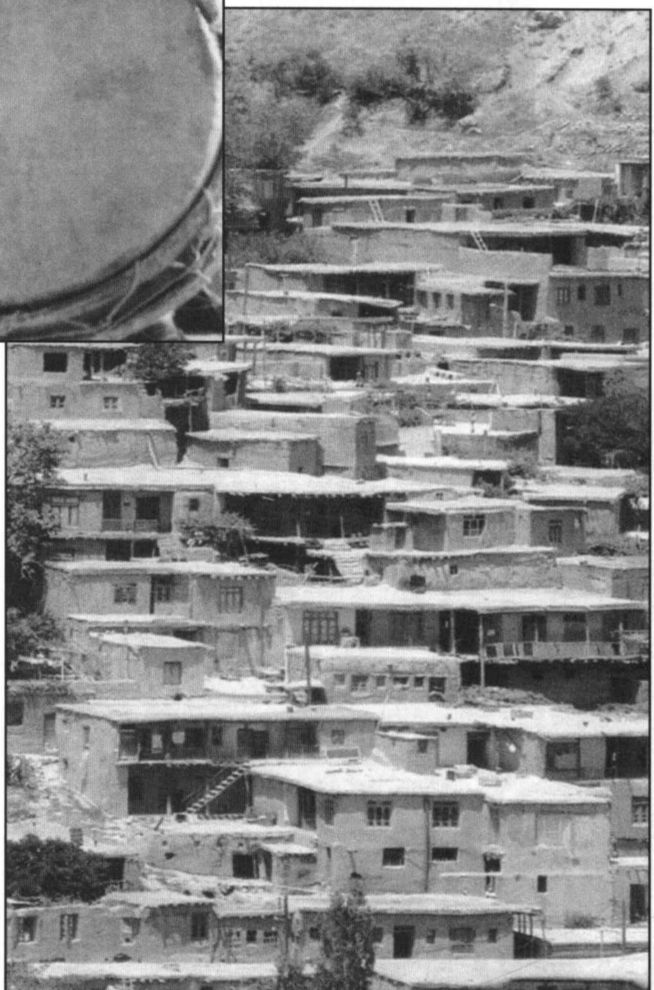


وچ عشایر خراسان شمالی



نوازندگان موسیقی محلی خراسان شمالی

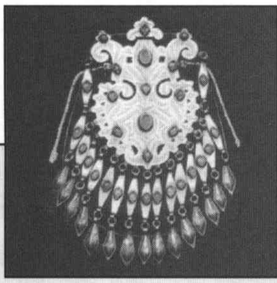
روستای رویین در شهرستان اسفراین





لباس و زینت‌آلات زنان خراسان شمالی







**گلیان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شیروان استان خراسان شمالی و مرکز آن گلیان است و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک و کوه شیر قرار دارد و شاخابه‌ای از رود اترک در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، سیب، زردآلو، آلوچه و بنشن
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، آهو، بزکوهی، میش و قوچ
**گیخان:** از دهستان‌های بخش گرمخان شهرستان بجنورد استان خراسان شمالی و مرکز آن گیخان علیا است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد و رود آب ایوب از کوه هیا مرزی ایران و ترکمنستان و کوه مینو سرچشمه گرفته و سرانجام به رود اترک پیوند یافته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، زردآلو، بادام و دام و فراورده‌های دامی
**پوشش گیاهی:** کلپوره، خاکشی، درمنه و گیاهان مرتعی
**جانوران:** قوچ، میش، روباه، گرگ، شغال
**لطف‌آباد (مرکز بخش):** شهرک لطف‌آباد مرکز بخش لطف‌آباد از بخشهای شهرستان درگز استان خراسان، در ۶۰ درجه و ۵۹ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۰ درجه و ۳۷ دقیقه عرض جغرافیایی و در بلندی ۱۲۵۰ متری از سطح دریا و در ۲۳ کیلومتری شمال خاوری درگز قرار دارد. شهرک لطف‌آباد در منتهی‌الیه جلگه درگز قرار گرفته که رود فصلی زنگلانلو از باخترش می‌گذرد.
**آب و هوا:** معتدل و نیمه‌خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۳۹ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما ۳ درجه زیر صفر و میزان باران سالانه به طور متوسط ۳۲۰ میلی‌متر است.
**فرآورده‌ها:** پنبه، گندم، جو، تره‌بار، آلو، سیب، انگور و زردآلو.
آب کشاورزی از رود و چاه نیمه ژرف تأمین گشته و آب آشامیدنی از چاهایی در ۲۴ کیلومتری جنوب باختری با لوله‌کشی به شهر آورده شده، برق مصرفی از انشعاب شهر درگز فراهم گردیده.
**صادرات:** پنبه
**راهها:** ۱ -راهی فرعی به طول ۲۳ کیلومتر به سوی جنوب باختری کشیده شده که لطف‌آباد را به درگز و از آنجا به جاهای دیگر پیوند داده است.«۱»
**مانه:** ازبخش‌های شهرستان مانه و سملقان استان خراسان شمالی و دارای دو دهستان ۱ـ اترک ۲ـ شیرین سو است.
**مانه و سلمقان:** از شهرستان های استان خراسان شمالی می‌باشد که از شمال به بخش جرگلان، از خاور به حومه بجنورد، از جنوب به بخش جاجرم و از باختر به مرادتپه (از بخش‌های گنبد کاووس) محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان آشخانه، دارای ۳ بخش ۱ـ مرکزی که مرکز آن آشخانه و دارای دو دهستان (۱ـ جیراو ۲ـ حومه) ۲ـ سملقان ۳ـ مانه است.
**رودها:** ۱ـ رود اترک در مسیر طولانی خود نواحی شمالی بخش مانه و سملقان را نیز آبیاری کرده و سرانجام به دریای خزر می‌ریزد ۲ـ رود سومار، پس از گذشتن از نواحی خاوری بخش مانه و سملقان به رود اترک می‌ریزد.
**کوه‌ها:** ۱ـ رشته کوه‌های آلاداغ (۲۴۰۴ متر) ۲ـ یامان داغ (۱۶۶۷ متر) در جنوب خاوری) ۳ـ رشته کوه کور خود (۲۵۸۷ متر) در مرکز ۴ـ رشته‌های دو چنگ و شلمی (بلندی ۱۱۰۰ متر) در شمال ۵ـ کوه آق مزار (۲۴۱۱ متر) در جنوب باختری - دامنه‌های رشته کوه کور خود بهترین چراگاه منطقه است.
**غارها:** غار زرد کوه ۲ـ غار گنجکو در دامنه‌های جنوب باختری کوه کورخود ۳ـ غار پلنگ بزرگ

در دامنه‌های کوه دو چنگ گردنه چشمه خان در دامنه جنوبی کوه کورخود و گردنه چنگ چیل در دامنه های باختری کوه یامان داغ قرار دارد.

**دشت‌ها:** از جمله دشت قرمیدان کوچک در ۳ کیلومتری ۲ـ قر میدان بزرگ در ۲۵ کیلومتری شمال باختری آشخانه وجود دارد.

**آب و هوا:** معتدل و نیمه مرطوب.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی، کردی و ترکی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درخت ارس، انجیر کوهی، بادام کوهی، پسته کوهی و زالزالک

**گیاهان دارویی و صنعتی:** گل گاوزبان، شاه‌تره، درمنه ترکی آویشن، خاکشی، چرمه گیاه‌گل چقر و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام فراوان

**جانوران و پرندگان:** بز کوهی، قوچ و میش، آهو، پلنگ، خرس، گراز، گرگ، روباه، شغال، خرگوش، کبک، تیهو و قرقاول

**اقتصاد:** بر کشاورزی، دامداری و صنایع دستی استوار است. کشاورزی این بخش پررونق و کشت آبی و دیم به شیوه سنتی و مکانیزه انجام می‌شود. منابع آب

**کشاورزی:** رود، کاریز، چاه ژرف و نیمه ژرف

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، تره‌بار، بنشن، انگور، سیب، برنج، ذرت - دامپروری و دامداری به شیوه سنتی و صنعتی انجام می‌گردد. قالی، گلیم، پلاس، نمد و پارچه ابریشمی از اهمیت برخوردار است.

**مانه و سملقان:** از بخش‌های شهرستان مانه و سملقان استان خراسان شمالی و مرکز آن شهر آشخانه و دارای دو دهستان ۱ـ جیرانو ۲ـ حومه است.

**مانه و سملقان:** شهرستان مانه و سملقان با وسعتی معادل ۵۹۷۸ کیلومتر مربع و ۹۲۷۸۰ نفر جمعیت از شمال به راز و جرگلان، از جنوب به شهرستان جاجرم از شرق به بجنورد و از غرب به خطه‌ی سرسبز استان گلستان محدود است. این شهرستان دارای یک شهر، سه بخش مرکزی (مرکزی مانه و سملقان)، ۶ دهستان، ۸۹ روستا و ۲۳۴ پارچه آبادی می‌باشد.

از مهم‌ترین ارتفاعات آن قور خود است و بخشی از رود اترک مهم‌ترین رودخانه‌ی دائمی استان در این شهرستان روان است.

**پیشینه‌ی تاریخی شهرستان مانه و سملقان:** وجود آثار تاریخی بیانگر قدمت این شهرستان می‌باشد، به روایت تاریخ این منطقه بخشی از ایالت پارت بوده و با توجه به سوابق تاریخی از دوره‌ی اشکانیان در مانه و سملقان و خواستگاه این قوم در خراسان شمالی، این منطقه با لحاظ تاریخی مهم تلقی می‌شده است. مسکوکات مکشوفه از محوطه‌های باستانی مؤید رونق و آبادانی این شهر در زمان ساسانیان می‌باشد. در دوره‌ی اسلامی نیز در آثار مورخان از جمله در دوره‌ی غزنوی، صفوی، افشار و قاجار از این منطقه یاد شده است.

**بخشی از جاذبه‌های تاریخی و گردشگری شهرستان مانه و سملقان:** بنای سنگی اسپاخو (قدیمی‌ترین اثر باستانی شمال شرق کشور)، امامزاده دلاور، امامزاده قاسم، قسمت اعظم پارک ملی گلستان، آبشار بیار، روستای توریستی درکش، موزه‌ی حیات وحش و .

**اسب اصیل ترکمن در مانه و سملقان:** تعدادی از پرورش دهندگان اسب اصیل ترکمن در منطقه‌ی مانه و سملقان مشغول به فعالیت هستند. اسب اصیل ترکمن به عنوان پتانسیل قوی خراسان شمالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

هر ساله مسابقات اسب دوانی (کورس‌های بهاره و پائیزه) در این شهرستان انجام می‌شود و با

توجه به شهرت جهانی اسب اصیل ترکمن علاقمندان زیادی از داخل و خارج از کشور از این مسابقات دیدن می‌نمایند. اداره‌ی کل میراث فرهنگی استان خراسان شمالی

**میاندشت:** این منطقه که با مساحتی برابر با ۸۴۴۳۵ هکتار در استان خراسان شمالی قرار دارد، در سال ۱۳۵۴ به عنوان پناهگاه حیات‌وحش اعلام شد. منطقه‌ای کوهستانی، تپه‌ماهوری و دشتی با شوره زارهای وسیع است. دامنه ارتفاعی ۹۰۰ تا ۱۳۴۰ متر، دما و بارندگی متوسط سالانه ۱۴ درجه سانتیگراد و ۱۵۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم خشک بیابانی معتدل کرده است. رود کال شور جاجرم در این پناهگاه جاری است. این منطقه دارای بوم نظام‌های بیابانی و کویری با گونه‌های گیاهی خشکی و شورپسند است. پوشش گیاهی منطقه را گیاهانی همچون سیاه تنگرس، تاغ، گز، خارشتر، ریش بز، چوبک، ترنجبین، وگون تشکیل می‌دهند. این پناهگاه یکی از زیستگاه‌های مهم یوزپلنگ محسوب می‌شود. از دیگر گونه‌های مهم جانوری منطقه می‌توان آهو، گربه وحشی، کفتار، تشی، خرگوش، روباه معمولی، گرگ، انواع موش‌ها، عقاب طلایی، سنگ چشم بزرگ، تیهو، کبک، چاخ لق، هوبره، لیل، جغدکوچک، افعی، کفچه مار، مارجعفری، لاک‌پشت مهمیزدار و آگاما را نام برد. گونه‌های جانوری در خطر انقراض، همانند یوزپلنگ، آهو، کاراکال، هوبره، باقرقره، اهمیت و ارزش حفاظتی بسیاری به این پناهگاه داده‌اند. وجود گونه‌های با ارزش و کمیاب جانوری و راه‌های دسترسی مناسب فعالیت‌های پژوهشی را در این منطقه فراهم کرده است. (۵)

**میان‌دشت:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان جاجرم استان خراسان شمالی و مرکز آن ایور است.

**میلانو:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اسفراین استان خراسان و مرکز آن پرکانلو است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک قرار و رود بیدواز که از کوه شاه جهان سرچشمه می‌گیرد در این دهستان جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، سیب، گردو، زردآلو، هلو، بنشن و تره‌بار

**پوشش گیاهی:** درختان ارس، پسته کوهی و گل سرخ، درمنه، استاقدوس و گیاهان مرتعی

**جانوران:** پلنگ، گرگ، روباه، شغال، بز کوهی، میش و قوچ

**شهرک‌های صنعتی:** ۱) شهرک صنعتی بجنورد، ۲) شهرک صنعتی اسفراین، ۳) شهرک صنعتی شیودان، ۴) شهرک صنعتی مانه و سملقان، ۵) شهرک صنعتی فاروج، ۶) شهرک صنعتی جاجرود.

**مناطق تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست خراسان شمالی**

| نام مناطق | مساحت (هکتار) |
|---|---|
| پارک ملی ساریگل | ۲۱۳۰۹ |
| منطقه حفاظت شده ساریگل | ۷۰۳۷ |
| پارک ملی سالوک | ۸۲۳۱ |
| منطقه حفاظت شده سالوک | ۱۱۶۷۷ |
| منطقه حفاظت شده گلول و سرانی | ۱۵۸۹۵ |
| منطقهحفاظت شده قرخود | ۴۳۲۱۶ |
| پناهگاه حیات وحش میاندشت | ۸۴۴۳۵ |
| جمع کل | ۱۹۱۸۳۴ |

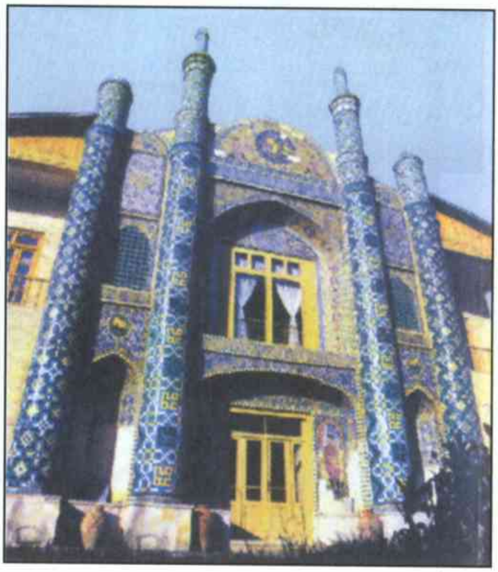
**مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان خراسان شمالی در سال ۱۳۸۵**
گوشت قرمز ۱۶ شیر ۱۰۹ هزارتن
**مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان خراسان شمالی در سال ۱۳۸۵**
گوشت مرغ ۹ تخم‌مرغ ۷۵
**تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان خراسان شمالی در سال ۱۳۸۴**
جمع معادن ۳۴ خصوصی ۲۴ عمومی ۱۱
**مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان خراسان شمالی در سال ۱۳۸۲**
کل تعداد بهره‌برداری ۶۹۶۳۷ مساحت ۴۷۳۶۶۹ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۳۵۲۴۷ مساحت باغ و قلمستان ۲۷۲۷۷
**استان خراسان شمالی در سال ۱۳۸۴:** تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۳۴۴۵۸ تعداد دام ۱۵۹۲۸۷۳ مقدار تولید ۲۴۵۱۴۱۹ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۲۹۷۳ تعداد دام ۱۲۷۹۳۹ مقدار تولید ۱۰۴۸۸۸
**بهره‌برداری‌های کشاورزی استان خراسان شمالی در سال ۱۳۸۲**
زراعت ۶۰۸۵۹ باغداری ۴۳۰۸۶ تولید گلخانه‌ای ۱۲ پرورش ماکیان ۴۱۲۶۶ پرورش زنبور عسل ۶۸۲ پرورش دام بزرگ ۲۲۹۸۹ پرورش دام کوچک ۴۰۳۹۳ پرورش کرم ابریشم ۱۴۲۱
**تعداد سدهای استان خراسان شمالی در مراحل مختلف:**
مطالعاتی ۱۴ اجرایی ۱ بهره‌برداری ۸ مجموع ۲۳
**استان خراسان شمالی در سال ۱۳۸۵:** مساحت جنگل‌ها ۰ جمع مراتع ۰ خوب (متراکم) ۰ متوسط (نیمه متراکم) ۰ فقیر (کم تراکم) ۰ پدیده‌های بیابانی ۰
**تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان خراسان شمالی:** فعال: ۱۷ غیرفعال: ۱ در شرف تأسیس: ۳ تعداد کل: ۲۱

**برخی از مآخذ و کتاب‌های سودمند**

کتاب کوچ‌نشینی در شمال خراسان ـ دکتر محمدحسین پاپلی یزدی
فصلنامه ذخایر انقلاب ـ ابوالفضل عشقی
کتاب کلات نادری ـ محمدرضا خسروی
کتاب جغرافیای تاریخی شیروان ـ محمداسماعیل مقیمی
نگاهی به ویژگیهای انسانی شمال خراسان ـ مجموعه‌سخنرانیهای جغرافیایی ناحیه ایران (مشهد)
جشنواره رقصهای خراسان
کوچ‌نشینی در شمال خراسان ـ دکتر محمدحسین پاپلی ـ ترجمه اصغر کریمی
فرهنگ مردم ـ علی میرنیا
ایران‌ازآغازتااسلام ـ گیرشمن ـ ترجمه‌دکترمحمدحسین
تاریخ مردم‌شناسی ـ هیس ـ ترجمه ابوالقاسم طاهری
دفتربرنامه‌ریزی‌کتابهای‌درسی ـ وزارت‌آموزش‌وپرورش
جغرافیای شهرستان اسفراین ـ سیداحمد ندائی
جغرافیای شهرستان بجنورد ـ سلیمان صادقی
جغرافیای تاریخی شیروان
سرزمین و مردم ایران (چاپ پنجم)
اطلس سازمان حفاظت محیط زیست
ادبیات عامه شهرستان درگز: کنایات، مثل، اشعار محلی،... ـ تکلیفی چاپشلو، احمد
اطلس گیاهان جنوب خراسان ـ پویان، محسن
ایران دیروز، خاطرات پرنس ارفع، ارفع ـ رضا
پارک ملی تندوره ـ بیات، حمیدرضا
پژوهشی در شناخت ایل‌ها و طایفه‌های عشایری خراسان ـ میرنیا، علی
جغرافیای تاریخی شیروان ـ مقیمی، محمد اسماعیل
جغرافیای شهرستان اسفراین ـ فدایی، احمد
جغرافیایی شهرستان بجنورد ـ صادقی، سلیمان
حرکت تاریخی کرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران ـ توحیدی، کلیم‌اله
سردارانی از ایلات و طوایف درگز در خدمت میهن ـ میرنیا، علی
کوچ‌نشینی‌درشمال‌خراسان، پاپلی‌یزدی، محمدحسین
مرزداران شمال خراسان ـ امانی، شادروز
نگاهی به فرهنگ عامه‌ی مردم خراسان: جغرافیای خراسان ـ میرنیا، علی



پارک سریگل



عمارت آینه خانه مفخم (بجنورد)



کوه‌پیمایان در کوهستان سرسبز استان خراسان شمالی



سد بارزو شیروان



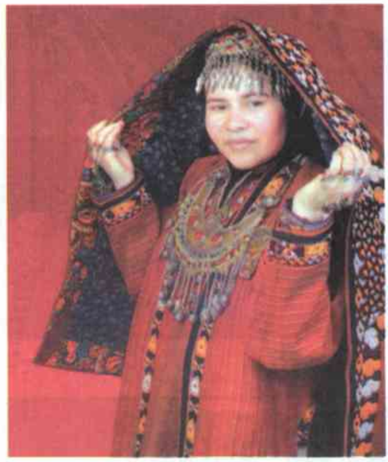
آبشار بیار



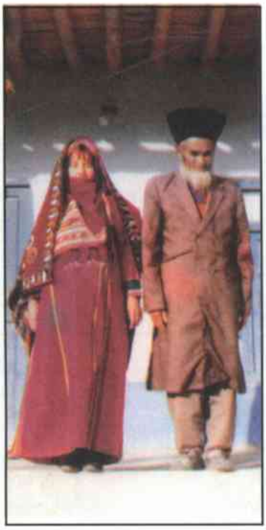
بنای یادبود شهدای جنگ جهانی دوم



مجموعه تفرجگاه بش قارداش (بجنورد)



زیورآلات محلی
مکمل لباس‌های
سنتی و محلی ترکمنی





چاروق،
پاپوش سنتی مردم
شمال شرقی ایران



دختر ترکمن
با پوشش لباس محلی،
سنتی ترکمنی



جاجیم بافی



پارچه بافی



فرش بافی




پارک‌های سری‌گل و سالوک دو زیستگاه حیات وحش در استان خراسان شمالی




پارک‌های سری‌گل و سالوک دو زیستگاه حیات وحش در استان خراسان شمالی




پارک‌های سریگل و سالوک دو زیستگاه حیات وحش در استان خراسان شمالی



اسب‌های اصیل ترکمنی (راز و جرگلان)

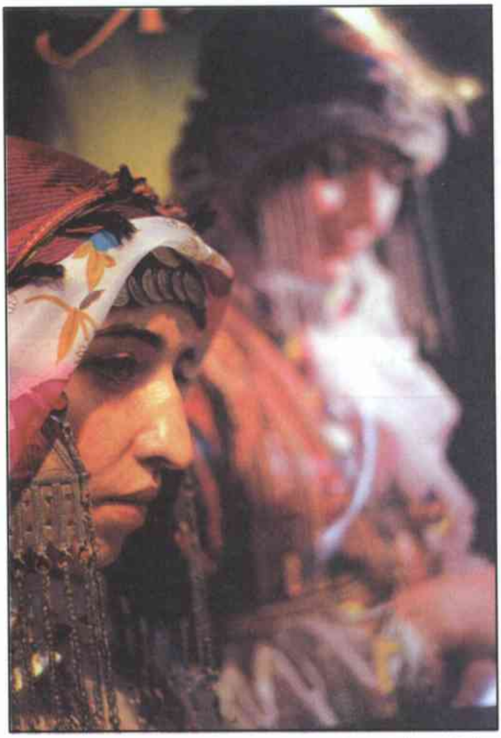


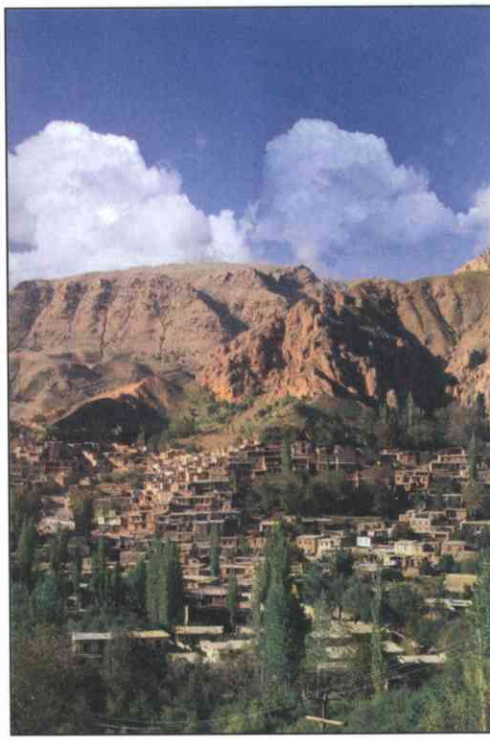
عشایر کوچ نشین


نوازندگان موسیقی محلی (بجنورد)


اسفراین مهد کشتی چوخه ایران


منطقه کوهستانی در خراسان شمالی


عشایر کرد خراسان شمالی


منظره یک روستا در استان خراسان شمالی


شیروان دره

همه جای ایران سرای من است



دایرةالمعارف

# سرزمین و مردم استان خوزستان

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

سیمای طبیعی ـ جاذبه‌های طبیعی ـ رویشگاههای طبیعی استان ـ دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی ـ گردشگاه‌های طبیعی ـ مناطق حفاظت شده ـ مردم‌شناسی ـ آداب و رسوم ـ فرهنگی و دانشگاهی ـ شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها ـ شهرک‌های صنعتی ـ تصاویر و عکس‌ها

مشخصات عمومی استان خوزستان براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهر اهواز، تعداد شهرستان: ۲۰ تعداد بخش: ۴۶ تعداد شهر: ۴۷ تعداد آبادی دارای سکنه: ۴۳۷۹ کل آبادی‌ها: ۶۱۹۹

جمعیت استان خوزستان در سال (۱۳۸۵) ۴۲۷۴۹۷۹ نسبت به کل کشور ۶/۰۶ بوده است.

مساحت استان خوزستان ۶۴۰۵۵ کیلومتر مربع نسبت به کل کشور ۳/۹۳ است.

از تهران تا اهواز (۸۷۴) و از اهواز تا آبادان (۱۱۳)، امیدیه (۱۲۴)، اندیمشک (۱۴۸)، اهواز (۰)، ایزه (۱۷۴)، باغ ملک (۱۳۴)، بندر ماهشهر (۱۴۷)، بهبهان (۲۰۱)، خرمشهر (۱۲۰)، دزفول (۱۵۵)، دشت آزادگان (۵۴)، رامشیر (۱۰۱)، رامهرمز (۹۲)، شادگان (۹۴)، شوش (۱۱۰)، شوشتر (۸۸)، گتوند (۱۱۴)، لالی (۱۵۹)، مسجد سلیمان (۱۳۱)، هندیجان (۲۲۱)،

که ایران بهشت است یا بوستان همی بوی مشک آید از بوستان

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ - معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ - مرکز آمار ایران ۳- سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ - سازمان هواشناسی کشور ۵ - سازمان نقشه‌برداری ۶ - سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ - سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ - سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی - دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ - اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ - اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ - وزارت صنایع و معادن ۱۲ - ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ - وزارت جهاد کشاورزی ۱۴- وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ - دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ - اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ - مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ - فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ - دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ - کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران - ۲ - کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ - کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ - کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران - ۵ - کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ - کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ - کتابخانه مجلس شورای اسلامی - ۸ - کتابخانه ملی ۹ - کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ - کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ - کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ - کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ - کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ - کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ - کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ - کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ - کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ - کتابخانه ملک ۱۹ - کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان خوزستان
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: انتشارات آرام (ناشر اصلی) علم و زندگی (ناشر همکار)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه - چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۸۸۴۳۰۰۹۶ - ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ - ۸۸۴۰۹۳۲۹ - ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ - ۱۵۸۱۵

شابک: ۳-۲۹-۶۹۹۱-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-6991-29-3

بها: یکهزارو صد تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ -
سرزمین و مردم استان خوزستان؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۳ - ۲۹ - ۶۹۹۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۳۹۳

## ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

**مشخصات عمومی استان خوزستان براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵:** مرکز استان: اهواز مساحت: ۶۴۰۵۵ تعداد شهرستان: ۲۰ تعداد بخش: ۴۶ تعداد شهر: ۴۷ تعداد آبادی دارای سکنه: ۴۳۷۹ کل آبادی‌ها: ۶۱۹۹

جمعیت استان خوزستان در سال (۱۳۶۵) ۲۶۸۱۹۷۸ نسبت به کل کشور ۵/۴۲ و در سال (۱۳۷۵) ۳۷۴۶۷۷۲ نسبت به کل کشور ۶/۲۴ و در سال (۱۳۸۵) ۴۲۷۴۹۷۹ نسبت به کل کشور ۶/۰۶ بوده است.

مساحت استان خوزستان ۶۴۰۵۵ نسبت به کل کشور ۳/۹۳ است.

کارگاههای استان خوزستان ۲۴۸۷۳ نسبت به کل کشور ۳/۸۶ است.

درصد میزان شهرنشینی استان خوزستان در سال (۱۳۷۵) ۵۲/۶۲ و در سال (۱۳۸۵) ۲۲/۶۷ است.

تراکم نسبی جمعیت استان خوزستان در سال (۱۳۶۵) ۴۲ و در سال (۱۳۷۵) ۵۸ و در سال (۱۳۸۵) ۶۷ نفر در کیلومترمربع بوده است.

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان خوزستان**

مرد و زن ۶۷۶۶ زن ۳۷۴۹ مرد ۳۰۱۷

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان خوزستان**

مرد و زن ۳۵۴۱۹ زن ۲۰۳۴۷مرد ۱۵۰۷۲

**مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان خوزستان در سال ۱۳۸۵**

جمع ۴۹۶۷ دولتی ۴۳۵۷ خصوصی ۶۱۰ تولید نهال۶۵۷

**ادامه در صفحهٔ ۱۱۹۱**

## فهرست برخی از مطالب

## سرزمین و مردم استان خوزستان

### سیمای طبیعی

سرزمین خوزستان با وسعتی حدود ۶۳۶۳۳/۶ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران قرار دارد. این استان منابع عظیمی از آب و خاک کشور را به خود اختصاص داده و به دلیل داشتن شرایط مناسب از جمله: موقعیت جغرافیایی، شرایط اقلیمی، وجود منابع غنی آب، خاک حاصلخیز، دشت‌های وسیع و ارتفاعات شمالی، وجود پتاسیل‌های متعدد، از مناطق با اهمیت کشور بوده که علیرغم تخریب و تجاوزات گذشته، بعضی از زیستگاههای استان از شرایط منحصر به فردی برخوردار است.

استان خوزستان سرزمینی است که از سلسله جبال زاگرس شروع شده و پس از جای دادن اراضی وسیع جلگه‌ای به آب‌های خلیج فارس می‌پیوندد. این استان با مساحتی بالغ بر ۶۳۲۱۳ کیلومتر مربع از شمال به استان لرستان، از جنوب به خلیج فارس، از مشرق به استان‌های بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد و از مغرب به کشور عراق و استان ایلام محدود است و از طریق خلیج فارس با کشورهای حاشیه نشین جنوبی و از غرب با کشور عراق همسایگی دارد.

**هوا و اقلیم خوزستان** ـ خوزستان جز در برخی از مناطق کوهستانی شمالی و شرقی دارای اقلیم خشک و نیمه‌خشک است. متوسط بارندگی سالانه در این استان حدود ۲۶۶ میلیمتر و دوره بارندگی معمولاً بین مهرماه تا اردیبهشت‌ماه است. متوسط درجه حرارت در دوره گرما، که از اردیبهشت‌ماه آغاز شده و تا مهرماه ادامه دارد، حدود ۳۱/۲ درجه سانتیگرد و حداکثر آن گاهی به‌بیش از ۵۰ درجه سانتیگراد نیز می‌رسد. در طول زمستان متوسط درجه حرارت حدود ۱۴/۹ درجه سانتیگراد و حداقل آن بندرت ممکن است به‌چند درجه زیر صفر نیز برسد.

**رودخانه‌های مهم استان خوزستان** ـ مهمترین رودخانه‌های خوزستان عبارتند از: کرخه، کارون، دز، مارون و خیرآباد. رودخانه کرخه از دامنه‌های جنوبی الوند سرچشمه گرفته، از دشت اسدآباد و نهاوند گذشته، بعد از پیوستن قره‌سو از شرق استان کرمانشاه به‌آن وارد استان لرستان می‌گردد. رود مزبور در لرستان به‌سیمره معروف است. این رود پس از ورود به‌خوزستان به‌کرخه مشهور می‌گردد و پس از گذشتن از شهرستانهای شوش و دشت آزادگان به‌هورالعظیم می‌پیوندد.

ـ سرچشمه اصلی کارون از کوههای بختیاری است. این رود پرآب و حیات بخش پس از ورود به‌خوزستان (شهرستانهای ایذه و مسجدسلیمان) در شمال شهر شوشتر به‌دو شعبه منقسم شده (یکی بنام‌گرگر و دیگری شطیط) سپس در جنوب آن در محلی موسوم به‌بند قیر هردو شعبه مجدداً به‌هم پیوسته و به‌راه خود ادامه می‌دهند.

کارون پس از ورود به‌اهواز از این شهر گذشته و به‌سمت جنوب پیش می‌رود. در خرمشهر به‌دو قسمت تقسیم می‌شود که شاخه‌ای از آن بنام بهمنشیر از آبادان گذشته و در شرق آن شهر، وارد خلیج فارس می‌گردد. شاخه دوم کارون به‌اروندرود می‌پیوندد. جزیره آبادان بین این دو شاخه و خلیج فارس قرار دارد.

ـ مارون (جراحی)، نام اصلی و قدیمی این رودخانه، تاب است. این رود از استان کهگیلویه و بویراحمد وارد دشت بهبهان می‌شود. از ناحیه شمال غرب این شهر گذشته، پس از پیوستن رودهای اعلاء و رود زرد رامهرمزیه آن، بنام

جراحی خوانده می‌شود. جراحی پس از عبور از رامشیر وارد شادگان شده و سرانجام به‌خلج فارس می‌ریزد.

- اروندرود، سرچشمه این رود از خاک عراق بوده و از به‌هم پیوستن رودهای دجله و فرات و کرخه آغاز می‌شود. آب سه رود مذکور به‌سوی خرمشهر سرازیر شده و پس از پیوستن به‌آب کارون به‌حرکت خود ادامه می‌دهد و به‌خلیج فارس می‌ریزد.

- رودخانه خیرآباد، این رودخانه در شرق بهبهان مرز بین استان خوزستان و استان کهگیلویه و بویراحمد را تشکیل می‌دهد. رودخانه خیرآباد در بخش زیدون به‌رودخانه زهره متصل می‌شود و از آنجا وارد بخش هندیجان شده به‌خلیج فارس می‌ریزد.

- رودخانه دز، سرشاخه اصلی رودخانه دز را رودخانه بختیاری که از دامنه‌های جنوب شرقی اشترانکوه و رودخانه سزارکه از جنوب شرقی شهرستان بروجرد سرچشمه می‌گیرد، تشکیل می‌دهد. از الحاق دو رودخانه بختیاری و سزار، رودخانه دز تشکیل می‌گردد که پس از پیوستن چند شاخه کوچک رودخانه وارد سد دز می‌شود. رودخانه دز پس از دریافت حوزه‌های میانی و رودخانه شاوور سرانجام در ۴۵ کیلومتری شمال اهواز در محلی بنام بند قیربه رودخانه کارون می‌پیوندد. این رودخانه بطول تقریبی ۵۱۵ کیلومتر در مسیر خود از شهرستانهای اندیمشک، دزفول و شوشتر عبور می‌کند.

**تقسیمات کشوری** - مساحت استان خوزستان براساس آخرین تقسیمات کشوری حدود ۶۳۲۳۳۶کیلومتر مربع می‌باشد که از نظر وسعت هشتمین استان کشور محسوب می‌گردد.

این استان شامل ۲۰ شهرستان، ۴۷ شهر و ۴۶ بخش و ۱۲۶ دهستان و ۶۴۰۰ آبادی می‌باشد و مرکز آن شهر اهواز است. این شهر با مساحت ۲۰۰کیلومتر مربع وسیعترین شهر استان می‌باشد. بیشترین ارتفاع از سطح دریا را شهر ایذه با ۷۶۰ متر و کمترین ارتفاع را هندیجان با ۲ متر از سطح دریا دارا می‌باشد.

کوتاهترین فاصله تا مرکز استان (شهر اهواز) را شهر حمیدیه با ۲۵کیلومتر و بیشترین فاصله را تا شهر اهواز، شهر هندیجان با ۲۱۵ کیلومتر دارا می‌باشد.

زبان اکثر مردم فارسی و عشایر و بومی خوزستان به عربی، بختیاری (لری)، لهجه‌ی دزفولی، شوشتری و ترکی صحبت می‌کنند.

حضور فعال ۸ هزار ساله‌ی دولت‌های باستانی ایلام، هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان، اعراب مسلمان و سایر اقوام را می‌توان از آثار و یادمان‌های باستانی به جای مانده در شهرهای ایذه، مسجد سلیمان، شوش و شوشتر، هفت تپه، بهبهان و اهواز دریافت.

استان خوزستان از دیرباز از جنبه‌های مهم و متنوعی برای جذب گردشگر برخوردار بوده که این جاذبه‌ها از لحاظ شکل و کمیت به ۳ دسته تقسیم می‌شوند:

**جاذبه‌های طبیعی:** شامل آبشارهای شوشتر، هوردورق در شادگان، دریاچه‌ی سد دز در اندیمشک، دریاچه‌ی سد شهید عباسپور در مسجد سلیمان، امامزاده عبدالله و باغملک و قایقرانی در رودخانه‌های کارون و اروند در شهرهای اهواز، آبادان و خرمشهر.

**جاذبه‌های جنگی:** عمده‌ترین این مناطق عبارتند از: شلمچه (قتلگاه شهدای عملیات کربلای ۵)،

اروندکنار (منطقه‌ی شهدای عملیات والفجر) تنگ چزابه، موزه‌ی فرهنگی دفاع مقدس در دزفول، اهواز و خرمشهر، حسینیه (منطقه‌ی عملیاتی رمضان)، دهلاویه (منطقه‌ی شهادت دکتر چمران)، بنای یادبود شهدای هویزه (حماسه سازان دفاع مقدس و محل شهادت شهید علم الهدی)، پل استراتژیک کرخه، منطقه‌ی فکه، تپه‌های الله اکبر، مسجد جامع خرمشهر و پل بعثت، پالایشگاه آبادان علاوه بر اهمیت صنعتی، به عنوان سمبل مقاومت در برابر تهاجم دشمن به شمار میرود.

**جاذبه‌های باستانی و زیارتی:** شهر تاریخی دستروا، قلعه‌ی سلاسل، بند میزان با بند و پل والرین، پل شادروان، مسجد جامع بکان و حمام غله بکان (در بهبهان)، طاق نصرت ساسانی، آرامگاه هرمز، قلعه‌ی داود دختر، مقبره‌ی سید صالح و امامزاده عباس (در رامهرمز)، صفه‌ی سلیمان سر مسجد، نقش‌های کرل مزه، کتیبه‌ی عیلامی، نقش ارژن و مجسمه‌ی سردار پارتی (در مسجد سلیمان)، چغازنبیل، کاخ آپادانا، مقبره‌ی دانیال نبی، موزه‌ی شوش و قلعه‌ی باستان شناسان (در شوش).

**دره‌ها:** استان خوزستان به دلیل ویژگی های طبیعی و جغرافیایی، دارای پستی و بلندی‌های بسیاری است، که وجود دره‌های سر سبز، زیبا و شگفت‌انگیز، از ویژگی های آشکار آن است.

این دره‌ها با پوشش گیاهی، کشتزارهای سرسبز و پُر بارگُل‌های زیبای خودرو، باغ‌های گل و میوه، رودخانه‌ها، چشمه‌ها و چشم اندازهای شگفت‌انگیز و زیبا، از توانمندی‌های گردشگری است.

در بهار و تابستان، بیش‌تر دره‌های استان، از جمله الموم، برده نخش، بنی، دز، صیدون، کارتا، کارون و گاومیشی، مورد استفاده قرار میگرد و شمار زیادی از گردشگران و دوستداران به طبیعت را به سوی خود فرا می‌خوانند.

**دشت‌ها:** استان خوزستان دارای دشت‌های پهناور و حاصلخیز و سرسبزی است، که از لحاظ اقتصادی، دارای اهمیت می‌باشند و از جاذبه‌های مهم گردشگری نیز به شمار می‌روند.

دشت‌های این استان، به ویژه دشت‌های رسوبی رودخانه‌ای، زمین‌های حاصلخیزی هستند، که از رسوب‌های آورده شده‌ی رودها از نقاط بلند و به جا نهادن در اراضی هموار، تشکیل می‌شوند، مهم‌ترین این دشت‌ها، عبارتند از: دشت آزادگان / میشان، آبادان، اهواز، بهبهان، شادگان، رامهرمز، دز، شوش و... .

**بندها:** بَندها، به ویژه دریاچه‌های آن‌ها، از جاذبه‌های مهم‌گردشگری طبیعی استان خوزستان به شمار می‌روند و در گسترش صنعت گردشگری، نقش ارزنده‌ای دارند.

از دریاچه‌های پشت این بندها می‌توان برای ورزشهای گوناگون روی آب، به ویژه قایقرانی، شنا و اسکی روی آب، بهره برد. این بَندها شرایط مساعدی برای زیست پرندگان مهاجر و بومی فراهم نموده و بر غنای بیولوژیک منطقه افزوده‌اند.

دیرین‌ترین ساختمانی که برای بند بندی در دشت خوزستان بنا شد، در زمان عیلامی‌ها بوده است. چندین کتیبه که در شوش پیدا شده‌اند، روشن ساخته‌اند، که پادشاهان عیلام بندهای بسیاری برای آبیاری زمین‌ها ساخته بودند. پادشاهان ساسانی، به ویژه شاپور اول، در سده‌ی سوم میلادی، کارهای مهم و بزرگی برای آبیاری

خوزستان انجام داده‌اند.

**پوشش گیاهی:** استان خوزستان به دلیل تنوع آب و هوا و گونه‌ی خاک، پوشش گیاهی متنوعی دارد، که همراه با فضاهای زیستی، رودها، تالاب‌ها و چشمه‌ها، اکوسیستمی را به وجود آورده است، که از جاذبه‌های طبیعی مهم گردشگری به شمار می‌آیند و از ارزش‌های دیداری و گردشگاهی برخوردارند.

دشت‌ها و مراتع سرسبز و گل زارهای زیبا با چشم اندازهای شگفت، در فصل بهار، که تجدید حیات طبیعت و شادمانی خاک است، گستره‌ی پهناوری از گل‌ها را در برابر دید گردشگران و دوستداران طبیعت قرار می‌دهد.

در کوهپایه‌ها و زمین‌های کم شیب، شرایط مناسبی برای رشد گیاهان گوناگون به وجود آمده است.

در دشت‌های استان، در آغاز بهار به دلیل بارش باران‌های بهاری و پراکنده شدن دانه‌ی گیاهان، پهنه‌های سرسبز و چشم اندازهای زیبا دیده می‌شود و سراسر منطقه را پوشش گیاهی استپی پر از گیاهان، گل‌ها و سنبل‌های زیبا فرا می‌گیرد.

پوشش گیاهی خوزستان به سه دسته‌ی زیر، بخش میشود، که گونه‌ی چیره و مشخص گیاهان منطقه را تشکیل می‌دهند:

**جنگل‌ها و درختان:** برخی از نواحی خوزستان را جنگل‌های تنک و بوته زار، درختچه و درخت پوشانیده و به گونه‌ی چراگاه‌هایی پدیدار گشته است. در دامنه‌ی کوه‌های سولک و زرگر، در مسیر راه بهبان ـ کهگیلویه، جنگل بزرگی از درختان بلوط، بادام، بنه و ... وجود دارد.

کرانه‌های رود کرخه پوشیده از درختان جنگلی، به ویژه گز است.

ناحیه‌ی خرمشهر از جیزبه تا بند قیر، با بوته‌های کوتاه و بیشه‌های گز و بید مجنون پوشیده است.

## گیاهان خودرو

**گیاهان خوراکی:** این گیاهان شامل ترتیر، شموطی، سوفساف، خرنوب، پونه، کنگر، توله یا پنیرک است.

**گیاهان طبی:** گیاهان طبی شامل شوفلح، بربین جی داوا، آویشن گرمسیری، تاجریزی، بابونه، خاکشی، ختمی وحشی، سوزنا / گزنه، شاه تره، تاجریزی، بابونه، خاکشی، ختمی وحشی، سوزنا / گزنه، شاه تره.

**مراتع:** خوزستان تحت تأثیر محیط جغرافیایی گرم و نم دار، از پوشش گیاهی استپی و خار دار پوشیده است. در زمستان‌ها به استپ‌های سرسبز و مراتع پر ارزشی برای چرای دام‌ها تبدیل می‌شود.

مراتع این استان از گونه گرمسیری یا قشلاقی‌اند، که در نواحی کوهستانی پوشش گیاهی بهتری دارد. در فصل بارندگی، که از نیمه‌ی آبان شروع و تا آخر فروردین ادامه می‌یابد، اندک اندک روی تپه‌ها و زمین‌هایی، که خاک مناسب داشته باشند، گیاهان خودرو شروع به رویش می‌کنند.

پوشش گیاهی در کوه‌های بختیاری سبب گردیده که عشایر این ناحیه به پرورش دام پرداخته و این ناحیه به عنوان مراتع گرمسیری ایل بختیاری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

**سابقهٔ تاریخی خوزستان** ـ منطقه‌ای که امروزه خوزستان نامیده می‌شود در روزگاران پیشین قسمتی از سرزمین وسیع و دولت مستقلی بنام

عیلام بوده است.
تحقیقات دیالافوآ و دمرگان نشان می‌دهد که عیلامیان از حدود هشت هزار سال قبل از میلاد مسیح در این ناحیه سکونت داشته و احتمالاً اولین اقوامی بوده‌اند که در این منطقه دولتی مستقل تشکیل داده‌اند.

براساس شواهد تاریخی موجود نام عیلام تا حدود قرن سیزده قبل از میلاد به‌خوزستان اطلاق می‌گردیده و از این تاریخ به‌بعد نام «انشان سوسنکا» یعنی مملکت انشان و شوش نیز در کتیبه‌های عیلامی به‌ثبت رسیده است. هخامنشیان بعد از تصرف این منطقه (حدود ۶۴۰ سال قبل از میلاد) انشان را انزان نامیده‌اند، اما آشوری‌ها همچنان این منطقه را عیلام (علام) می‌نامیدند. مورخان یونانی زمان هخامنشیان و سلوکیان چون هرودت و گزنفون این سرزمین را سوزیانا، که مأخوذ از اسم شوش است، ضبط نموده‌اند.
چیش پیش دوم، جد کمبوجیه پدر کوروش، نخستین حکمران هخامنشی است که برانزان (عیلام) پادشاهی کرده و از این تاریخ سوزیانا جزء دولت پارس و ایران بزرگ بوده است.
در زمان پادشاهی یزدگرد سوم (۶۵۲ ـ ۶۳۲ میلادی) حمله مسلمانان به‌ایران آغاز گردیده و در سال ۶۴۰ میلادی هرمزان فرماندار سوزیانا در رامهرمز شکست خورد و این منطقه (سوزیانا) بدست نیروهای اسلامی سقوط نمود.
نام خوزستان در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی با تصویب دولت مرکزی ایران برای این منطقه انتخاب گردید. احتمالاً خوزستان از کلمهٔ خوزَیا خوج که عیلامی شده اوژ است برگرفته شده و اوژ نام ناحیه‌ای از قلمرو عیلامیان بوده است (هخامنشیان عیلام را اوژ نیز می‌خوانده‌اند).

## رویشگاههای طبیعی استان

استان خوزستان از دو بخش کاملاً متمایز با چشم‌اندازهای کوهستانی، دشتی و جلگه‌ای بوجود آمده است. بخش کوهستانی که ادامه رشته کوه‌های زاگرس است دارای جوامع جنگلی مختص به خود است و بخش جلگه‌ای در حاشیه رودخانه‌های استان، جنگل‌های گرمسیری و نیمه گرمسیری خاص و بعضاً منحصر به فرد و باقی مانده از جنگل‌های وسیع و انبوه گذشته می‌باشد.

## تقسیمات اقلیمی استان خوزستان

استان خوزستان که در منتهی الیه جنوب غرب کشور واقع است، از دو بخش کاملاً متفاوت جلگه‌ای و کوهستانی تشکیل یافته است که بخش جلگه‌ای آن وسعت بیشتری از استان را دربرگرفته است و مناطق جنوبی، مرکزی و غربی استان را می‌پوشاند که تحت تأثیر اقلیم‌های خشک گرم و فراخشک گرم واقع شده‌اند.
بخش‌های شمالی و شمال شرق استان که در محدوده‌های کوهستانی قرار دارند، طیف وسیعی از اقلیم‌های مناسب‌تر را برای زندگی، فعالیت‌های کشاورزی، عمرانی و غیره فراهم آورده است. در مجموع هر چه از سمت شمال شرق استان به طرف جنوب غرب استان حرکت نمائیم به زیر اقلیم‌های ناسازگارتر با طبیعت زیستی انسان برخورد می‌نمائیم که بخش‌های وسیعی از استان را می‌پوشانند.
گرچه با شرایط اقلیمی تحمیل شده بر بخش‌های وسیعی از جلگه‌ی خوزستان، ظاهراً نمی‌بایست انتظار رونق کشاورزی را در این نواحی انتظار داشت، اما به سبب جریان رودخانه‌های پرآبی که از سرچشمه‌های خارج از استان به طرف

خوزستان جریان می‌یابند، استان خوزستان به استانی به توسعه‌ی قابل ملاحظه کشاورزی مبدل شده و رونق کشاورزی آن بسیار چشمگیر است. مجموعه اقلیم‌ها و زیر اقلیم‌های موجود در سطح استان خوزستان در نگاهی کلی در انواع و اشکال زیر قابل جمع بندی است:

**اقلیم فراخشک:** اقلیم فراخشک در بخش‌ها و نواحی غربی و جنوب غربی استان خوزستان قابل شناسائی است و شهرهای مهمی همچون آبادان، خرمشهر، بندر ماهشهر و خسرو آباد در اقلیم فراخشک گرم استقرار یافته‌اند.

اقلیم‌های خشک بخشهای وسیعی از استان خوزستان در نواحی غربی و جنوبی استان تحت پوشش اقلیم خشک قرار دارند که دارای دور بر اقلیم خشک معتدل و خشک گرم می‌باشد.

نواحی و شهرهای شمعون، شوش، قلعه نوعسگر و بن سیدان در اقلیم خشک معتدل استقرار دارند و شهرهای اهواز، هویزه، حمیدیه، ملاثانی، شوشتر، صفی آباد، گتوند، هفت تپه، دشت آزادگان، بستان، شادگان، رامشیر، هندیجان، بهبهان، پاگچی، آغاجاری و دهملا در اقلیم خشک گرم قرار دارند.

**اقلیم‌های نیمه خشک:** اقلیم‌های نیمه خشک با طیف دمائی نیمه خشک گرم و نیمه خشک معتدل بخش‌های قابل توجهی از استان خوزستان را می‌پوشاند. اقلیم نیمه خشک گرم از نواحی شمالی استان از اندیمشک آغاز و با جهت شمالی - جنوبی تا مسجد سلیمان امتداد یافته و باگرایش به نواحی جنوبی استان از هفتگل گذشته و تا شرق بهبهان و دزفول ادامه می‌یابد.

اقلیم نیمه خشک معتدل به صورت قطعات کوچک اقلیمی در ناحیه‌ی باغملک و نواحی شمالی و جنوبی آن گسترش دارد. شهرهای اندیمشک، گدارلندر، دزفول، سد کارو ن، مسجد سلیمان و شاه آباد دزفول در اقلیم نیمه خشک و باغملک و گچساران در اقلیم نیمه خشک معتدل قرار گرفته‌اند.

**اقلیم‌های نیمه مرطوب و مدیترانه‌ای:** نواحی شمالی و شمال شرقی استان خوزستان به علت مجاورت با استان‌های لرستان و چهار محال و بختیاری و برخورداری از ارتفاعات قابل توجه در این نواحی نظیر ارتفاعات خرگوشان، سالن، منگ رضا و مافارون تحت پوشش اقلیم‌های نیمه مرطوب و مدیترانه‌ای قرار دارد.

اقلیم‌های نیمه مرطوب با طیف دمائی نیمه مرطوب گرم و نیمه مرطوب معتدل، بخش‌های کوچکی از استان خوزستان را می‌پوشاند. اقلیم نیمه مرطوب گرم به صورت نواحی کوچکی در شمال سد دز، در اطراف بستر دز و ناحیه‌ی کوچکی در شمال سدکارون را اشغال نموده است و اقلیم نیمه مرطوب معتدل در مجاورت دشت‌های گرم خوزستان قابل شناسائی است.

**خشکسالی:** برحسب آمار و اطلاعات دریافت شده از کمیته‌ی ملی کاهش آثار بلایای طبیعی وزرات کشور، در طول ده سال گذشته تا آخر ۱۳۷۸، وقوع ۲ بار خشکسالی در سطح استان خوزستان موجب تلف شدن ۴۰۶۲۷ راس دام گردیده و به محصولات کشاورزی ۴۲۱۸۷۳ هکتار از اراضی استان خسارت وارد ساخته است.

**سیل:** در استان خوزستان در طول ده سال، وقوع ۱۲۵ مورد سیل به ۶۳۲۹ واحد مسکونی آسیب رسانده و موجب از بین رفتن جان ۱۱۰ نفر از اهالی استان شده و به تلف شدن ۸۰۸۹۲ راس دام انجامیده است.

سیلاب‌های فوق به محصولات کشاورزی ۴۲۰۶۳۸ هکتار از اراضی استان خسارت وارد ساخته و به تخریب ۱۴۸۵ دهنه پل و سبب آسیب رساندن به ۱۷۵۴ مکان عمومی و اداری و موجب خسارت به ۵۵۶۷کیلومتر از جاده‌های استان شده است.

**رشته‌کوه‌ها و ارتفاعات استان خوزستان:** استان خوزستان از نظر ناهمواری‌ها به دو قسمت کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم می‌شود:

**الف ـ منطقه‌ی جلگه‌ای جنوب و مغرب خوزستان:** جلگه خوزستان بر سطح فرسایش رسوبات جوان دوران سوم زمین‌شناسی گسترش یافته است و در نواحی جنوبی به صورت تپه ماهورهایی نمایان می‌شود. قسمت اعظم این جلگه، از آبرفت‌های رودهای کارون، کرخه و جراحی به وسعت ۴۱ هزار کیلومتر مربع، تشکیل شده اس. این جلگه با شیب ملایمی به سوی جنوب تا سواحل خلیج فارس امتداد دارد و شمالی‌ترین نقطه‌ی آن حوالی دزفول است. قسمت جنوبی آن در دشت‌های بسیار پست و مسطحی که از تأثیر جزر و مد دریا به وجود آمده، تشکیل شده است. خاک این قسمت فوق العاده شور است، به طور کلی خاک خوزستان به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱ـ خاک‌های درشت دانه نواحی مرتفع که در لابه لای دره‌ها قرار دارد و برای کشت دیم مورد استفاده قرار میگیرد.

۲ـ خاک‌های ریز دانه (آبرفتی) که برای انواع فعالیت‌های کشاورزی مناسب است.

۳ـ خاک‌های شور و قلیایی جنوب جلگه خوزستان که برای کشاورزی مناسب نیست.

**ب ـ قسمت کوهستانی شمال و مشرق خوزستان:** شمال و مشرق خوزستان را سلسله جبال زاگرس فرا گرفته است که ارتفاعات آن در جهت جنوب غربی کاهش می‌یابد، به طوری که در نواحی جنوبی‌تر به صورت تپه ماهورهائی نمایان می‌شود. امتداد چین خوردگی‌ها شمال غربی ـ جنوب شرقی است که به تدریج محور چین خوردگی‌ها به سمت جنوب متمایل می‌شود.

**کوه‌های مهم استان:** از جمله کوه‌های مهم این استان، کوه چو، جبال و دزرد، شاویش، آب بندان، مامازاد، کوه سیاه، کوه چال و منگشت (ازکوه‌های برفگیر خوزستان) را می‌توان نام برد. کوهستان مونگشت (منگشت) در شهرستان‌های لردگان و ایذه، مرکب از کوه‌های تنوش، ناشلیل، زرد حلقه، قوچه، سه پران، برآفتاب، کله، سرچاه، بدرنگان، کلمه و دو زرد قرار دارد. بلندترین قله این کوهستان ۳۶۳۱۲ متر ارتفاع دارد. بخش عظیمی از این کوهستان را جنگل‌های نسبتاً انبوه پوشانیده و در انتهای آن دریاچه‌ای به نام «بوندان» ایجاد شده است.

پیشکوه‌های زاگرس، که در نزدیکی سواحل خلیج فارس قرار گرفته، شامل مقدار زیادی سنگ‌های آهکی و نمکی است. به همین علت، آب اغلب رودخانه‌هایی که از آن‌ها عبور می‌کند، شور و سنگین است و زمین‌های مجاور را شوره زار و بایر می‌سازد. اما ارتفاعات بلندتر از سنگ‌های آهکی ترکیب یافته که دارای دامنه‌های پرشیب و دره‌های عمیق است. منطقه‌ی کوهپایه‌ی زاگرس، که جنوب غربی‌ترین و پست‌ترین طاقدیس‌های زاگرس به شمار می‌رود، اغلب در زیر رسوبات جلگه بین النهرین در عراق و یا آب‌های خلیج فارس دفن شده است.

**دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی استان خوزستان:** خوزستان محل عبور سه رودخانه مهم کرخه، کارون، دز و رودهای دیگری به نام‌های مارون (جراحی) و خیرآباد است. وسعت این سه رود، بیش از ۱۲۰ هزار کیلومتر مربع است. مهم‌ترین رودخانه‌های استان خوزستان عبارتند از:

**۱ـ رود کرخه:** این رودخانه به نام‌های «چرخه» یا «گاماساب» یا «گاوماسارود» که به معنی گاومیش آب (یعنی رود بزرگ) نیز موسوم بوده است. در قرون اسلامی تا قرن دهم هجری، این رودخانه را به نام‌های نهر الشوش، دجله‌ی العمیاء (دجله‌ی کور) و شط الحی می‌نامیده‌اند. رودخانه‌ی کرخه طولانی‌ترین رود ایران است که از دامنه‌های جنوبی الوند سرچشمه می‌گیرد و از دشت اسد آباد و نهاوند در حوالی کنگاور عبور می‌کند. سپس رود «دینار» به آن می‌پیوندد و از پای بیستون می‌گذرد، قبل از رسیدن به بیستون به جنوب منحرف شده، از دره‌های کوچکی عبور میکند، سپس سیاه آب (قره سو) از مشرق کرمانشاه به آن ملحق می‌شود و بعد به سیروان می‌رسد و از آن جا داخل خاک لرستان شده «سیمره» نامیده می‌شود. این رودخانه از دره‌های عمیق و عریضی می‌گذرد که در جنوب غربی آن ارتفاعات «کبیرکوه» واقع شده است. این رود سپس وارد جلگه خوزستان شده کرخه نامیده می‌شود و در طول مسیر شمالی ـ جنوبی خود، به طرف غرب تغییر جهت می‌دهد و وارد سرزمین‌های دشت آزادگان می‌گردد. در این محل کرخه به شاخه‌های متعدد بزرگ و کوچک تقسیم می‌شود و در پایان وارد باتلاق هویزه (هورالهویزه) در غرب شهر هویزه می‌شود. در آخرین مرحله، پس از طی این باتلاق به رود دجله می‌ریزد. سدی به نام سد کرخه بر روی این رودخانه بنا شده است.

**۲ـ رود کارون:** سرچشمه‌ی اصلی رودخانه‌ی کارون زرد کوه بختیاری است، که به نام آب کوهرنگ از دره‌ی غربی زرد کوه به سوی جنوب غربی روان میشود و پس از ورود به دریاچه‌ی سد کوهرنگ قسمتی از آب آن توسط تونلی که در دل کوه کارکنان حفر شده، به سرچشمه زاینده رود می‌ریزد و قسمت دیگر آن پس از طی مسیری به رودخانه‌ی ایران درشمال شوشتر دو شاخه شده این شهر را مانند جزیره‌ای در میان می‌گیرد و در جنوب آن محلی به نام «بند قیر» هر دو شاخه به هم پیوسته به راه خود ادامه می‌دهد. رود کارون شهر اهواز را به دو قسمت تقسیم می‌کند.
این رود در خرمشهر به دو شاخه تقسیم می‌شود که یک شاخه آن به نام بهمنشیر، از مشرق آبادان می‌گذرد و از طریق خور موسی به خلیج فارس راه می‌یابد و شاخه‌ی دیگر به رودخانه‌ی اروند رود می‌ریزد. بر روی رودخانه کارون سدی به نام سد شهید عباس پور بنا شده است.

**۳ـ رود دز:** رودخانه‌ی دز دارای چندین شاخه‌ی مهم است. شعبه‌های اصلی آن از ارتفاعات شهرستان‌های اراک، بروجرود، الیگودرز و کوه‌های بلند بختیاری سرچشمه می‌گیرند. این رودخانه سهم عمده‌ای در تشکیل پر آب‌ترین رود ایران یعنی رود کارون دارد. رودهایی که به رودخانه‌ی دز وارد می‌شوند. متعددند که از آن جمله رودهای سرخ بختیاری و سرخاب است. بر روی رودخانه‌ی دز سدی به همین نام بنا شده است که از نظر کشاورزی و تولید برق حائز اهمیت بسیار است. این رودخانه به اتفاق کارون ۳۱۴۰۰ کیلومتر مربع از زمین‌های استان را

مشروب می‌نماید.

**۴ـ رود مارون (جراحی)**: رودخانه‌ی جراحی از کوه‌های باریک و سفید و گل گیلک در ۵۳ کیلومتری شمال غربی یاسوج واقع در دهستان دروهان بویر احمد سردسیر سرچشمه گرفته و به نام رودخانه‌ی لوداب رو به سوی شمال غربی روان می‌شود. رود جراحی در شهرستان‌های بهبهان، رامهرمز، کهگیلویه و بویر احمد و بندر ماهشهر جاری است.

**آب‌های زیر زمینی**: منابع اصلی تغذیه‌ی سفره‌های آب‌های زیر زمینی، رودخانه‌ها و نزولات جوی است. عمق این سفره‌ها در نواحی کوهستانی بسیار زیاد است، ولی هر قدر به طرف خلیج فارس پیش برویم از عمق آن کاسته میشود، تا جایی که در مجاورت دریا به سطح زمین می‌رسد. بهره برداری از آب‌های زیر زمینی به صورت حفر چاه‌های معمولی، نیمه عمیق، عمیق و قنات انجام می‌گیرد. چشمه‌های استان خوزستان عبارتند از: چشمه‌ی عین خوش، چشمه‌ی آب معدنی گراب، چشمه‌ی سی زنگر، چشمه و حوضی گلگیر.

دیگر رودخانه‌های استان خوزستان عبارتند از: رودخانه‌ی شور شوشتر، نهر شادگان، آب برکه سبز آب، ابوالفارس، سرخاب، آب بید، آب چم چوبی، آب دز، اعلاء، آب سوسن، آب شلا، گزین، گوپال، مرغاب آب سر حوض، صیدون و ....

## گردشگاه‌های طبیعی استان خوزستان:

استان خوزستان با رودخانه‌های طویل و پر آب و آثار باستانی فراوان همواره مورد توجه گردشگران و جهانگردان بوده است. در قسمت جلگه‌ای خوزستان به علت ارتفاع پائین، در قسمتی از کرانه‌ها به وسیله‌ی دریا و رودخانه‌ها، باتلاق‌های وسیعی به وجود آمده است، که به هور معروف‌اند. هورها، رودخانه‌ها، سدها و آبشارها، چشمه‌ها، ارتفاعات و قلل، جلگه‌ها و دشت‌ها، فضاهای جنگلی، روستاها با چشم اندازهای طبیعی و آثار باستانی، از جاذبه‌های گردشگری و توریستی این استان می‌باشند. سدهایی که بر روی رودخانه‌های این استان بسته شد، در پشت سد دریاچه‌هایی را به وجود آورده است که امکانات فراوانی برای بهره‌برداری‌های جهانگردی و گردشگری فراهم آورده است که از جمله‌ی آن‌ها دریاچه‌ی سد دز است که به ارتفاع ۲۰۳ متر بلندترین سد خاورمیانه و ششمین سد مرتفع جهان در ۱۵ کیلومتری شمال شهر دزفول بر روی رودخانه‌ی دز بنا شده است. دریاچه سد کرخه که طول آن ۱۹۲ متر و ارتفاع آن ۹ متر است. دریاچه‌ی سد شهید عباسپور (سد کارون) که در شمال شرقی مسجد سلیمان بر روی رودکارون بنا شده است.

**سد کارون ۳**: حوزه رودخانه کارون از دیرباز به عنوان مهم‌ترین منبع تولید انژری الکتریکی کشور مورد توجه بوده است. این سد با ارتفاع ۲۰۵ متر بلندترین سد بتنی دوقوسی کشور است.

**مشخصات سد**: نوع سد: بتنی دو قوسی، سال شروع: ۱۳۷۳، سال خاتمه: ۱۳۸۳، طول تاج: ۴۶۲ متر، ارتفاع از پی: ۲۰۵ متر، ارتفاع از بستر: ۱۸۵ متر، حجم بدنه سد: ۱/۳۰ میلیون مترمکعب، حجم مخزن در نرمال: ۲۹۷۰ میلیون مترمکعب، حجم مفید: ۱۷۲۰ میلیون مترمکعب، آب قابل تنظیم سالانه: ۹۰۰ میلیون مترمکعب، ظرفیت اسمی نیروگاه: ۲۰۰۰ مگاوات.

**سد مخزنی شهید عباسپور ـ کارون ۱:** سد مخزنی شهید عباسپور در استان خوزستان در جنوب غربی ایران قرار دارد. این سد که در ۵۵ کیلومتری شمال شرقی شهرستان مسجد سلیمان و در فاصله ۴۹۰ کیلومتری از مصب رودخانه کارون ساخته شده است.

**مشخصات سد:** نوع سد: بتنی دو قوسی، سال شروع: ۱۳۴۸، سال خاتمه: ۱۳۵۵، طول تاج: ۳۸۰ متر، ارتفاع از پی: ۲۰۰ متر، ارتفاع از بستر: ۱۸۰ متر، حجم بدنه سد: ۱/۲۳ میلیون مترمکعب، حجم مخزن در نرمال: ۲۴۷۰ میلیون مترمکعب، حجم مفید: ۱۴۴۶ میلیون مترمکعب، آب قابل تنظیم سالانه: ۴۲۶۰ میلیون متر مکعب، ظرفیت اسمی نیروگاه: ۲۰۰۰ مگاوات.

**سد مسجد سلیمان:** محل پروژه بر روی رودخانه کارون حدود ۲۶ کیلومتری پایین دست سد شهید عباسپور قرار گرفته است.

**مشخصات سد:** نوع سد: سنگریزه‌ای با هسته رسی، سال شروع: ۱۳۷۴، سال خاتمه: ۱۳۸۰، طول تاج: ۴۸۸ متر، ارتفاع از پی: ۱۷۷ متر، ارتفاع از بستر: ۱۷۲ متر، حجم بدنه سد: ۱۳/۴۰ میلیون مترمکعب، حجم مخزن در نرمال: ۲۲۷/۷۵ میلیون مترمکعب، ظرفیت اسمی نیروگاه: ۲۰۰۰ مگاوات.

**سد دز:** سد دز در زمان ساخت بلندترین سد ایران و مرتفع‌ترین سد مخزنی در خاورمیانه بود. این سد از نوع بتنی دو قوسی بوده و بر روی رودخانه دز در استان خوزستان، جنوب غربی ایران ساخته شده است.

**مشخصات سد:** نوع سد: بتنی دو قوسی، سال شروع: ۱۳۳۸، سال خاتمه: ۱۳۴۱، طول تاج: ۲۱۲ متر، ارتفاع از پی: ۲۰۳ متر، ارتفاع از بستر: ۱۹۰ متر، حجم بدنه سد: ۰/۴۸ میلیون مترمکعب، حجم مخزن در نرمال: ۲۸۵۶ میلیون مترمکعب، حجم مفید: ۲۶۰۰ میلیون مترمکعب، آب قابل تنظیم سالانه: ۳۲۰۰ میلیون متر مکعب، ظرفیت اسمی نیروگاه: ۵۲۰ مگاوات.

**سد کرخه:** سد مخزنی و نیروگاه برق آبی کرخه در فاصله ۲۴ کیلومتری شمال غرب اندیمشک در استان خوزستان (در جنوب غربی ایران) احداث گردیده است.

**مشخصات سد:** نوع سد: خاکی با هسته‌رسی، سال شروع: ۱۳۷۰، سال خاتمه: ۱۳۸۰، طول تاج: ۳۰۳۰ متر، ارتفاع از پی: ۱۲۷ متر، ارتفاع از بستر: ۱۰۷ متر، حجم بدنه سد: ۳۲/۱۰ میلیون مترمکعب، حجم مخزن در نرمال: ۷۶۴۴/۳۰ میلیون مترمکعب، حجم مفید: ۳۸۴۰ میلیون مترمکعب، آب قابل تنظیم سالانه: ۴۲۰۰ میلیون متر مکعب، ظرفیت اسمی نیروگاه: ۴۰۰ مگاوات.

ـ اداره کل روابط عمومی وزارت نیرو

بزرگ‌ترین هور خوزستان که از آب‌های کرخه، دویرچ و قسمتی از آب‌های اروند رود تشکیل شده است، هورالعظیم نام دارد که سراسر هور از نی پوشیده است و حرکت در هور با قایق‌های مخصوص انجام میگیرد. هور مزرعه بین دو رودخانه‌ی دز و کرخه (در جنوب دزفول) قرار گرفته است. آب هور مزرعه برای کشاورزی ساکنین محل نقش مهمی دارد. نوعی برنج محلی به نام برنج حویزه در حاشیه این هور کشت می‌شود. هورالدوق، در محدوده‌ی جنوب غربی خوزستان قرار گرفته است که دارای منابع طبیعی از قبیل ماهی، طیور (پرندگان)، نی (قصب)، لویی (بردی) و نمک است. تالاب بین‌المللی شادگان که ۲۹۶ هزار هکتار مساحت دارد و از شمال به

شادگان و خور «دورق» و از جنوب به رودخانه‌ی بهمنشیر، از غرب به جاده دار خوئین و آبادان و از شرق به آب‌های خور موسی محدود می‌شود. در این تالاب، انواع ماهیان آب شیرین و شور مانند شیر بد، بنی، حمری، شانک وماهی‌های پرورشی و پرندگانی چون حواصیل، فلامینگو، غاز وحشی، لک لک، غاز وحشی، اردک، گراز و ... زیست می‌کنند. تنها زیستگاه و محل زاد و ولد اردک کرکری در جهان این تالاب است. پرندگان مهاجر هر ساله در فصل پائیز از شمال اروپا، کانادا و سیبری به این منطقه روی می‌آورند. این تالاب طبق مصوبه شورای عالی حفاظت از محیط زیست تحت عنوان «پناهگاه بین المللی حیات وحش شادگان» به سازمان محیط زیست واگذار شده است.

**حلقهٔ آبی شوشتر:** از جمله مناطق حاصلخیز و تاریخی خوزستان، دشت میان آب در کنار شهر شوشتر امروزی است. موقعیت دشت در میان دو شاخهٔ جدا شده ازکارون از یک طرف و اختلاف سطح رودخانه با شهر و مزارع از طرف دیگر باعث شده است تا آب‌رسانی به شهر و مزارع از اهمیت خاصی برخوردار شود. لذا احداث یک مجموعهٔ عظیم آبی توانست این مشکل را برای هزاران سال حل کند.

این مجموعهٔ بی‌نظیر مرکب از پل بند میزان، قلعهٔ سلاسل، شاخهٔ گرگر و شطیط، پل بند گرگر، آسیاب‌های شوشتر، پل بند شادروان، پل بند لشگر و...؛ اگرچه روزی به عنوان نبض حیاتی دشت میان آب می‌تپید، امروز به عنوان یادگاری از دورهٔ ساسانی و اسیران رومی درکنار شهر شوشتر رو به آرامش ابدی نهاده است. ـ علی زمانی‌فرد

**گردشگری در اعماق زمین:** اشکفت سلمان محوطه‌ای وسیع است که در درون صخره‌ی طبیعی کوه به صورت سر پناهی با آثار آبرفتی و یک چشمه آب شیرین گوارا تشکیل شده است. رو به روی غار سلمان، بر سینه کوهی دو نقش نیم رخ برجسته که در درون دو چهار گوش حجاری شده‌اند، وجود دارد. نقش اول تصویر سه شخص و آتشدان فروزان در جلوی آن هاست که پشت سر هم در یک ردیف ایستاده‌اند. در لوح دوم نقش یک مرد و نقش یک زن حجاری شده است. این غار در ۳ کیلومتری جنوب غربی شهر ایذه کنونی در انتهای دره‌ای واقع شده است. اشکفت کهناب از تنگ انبار سفید لالی بخش لالی مسجد سلیمان شروع و به منطقه‌ی چلوار ختم می‌شود. این منطقه بسیار دیدنی و سیاحتی است و برای باستان شناسان و جهانگردان جالب توجه می‌باشد.

**طبیعت:** سواحل زیبای خلیج فارس در جنوب، درختان جنگلی وکوه‌های بلند و برف گیر شمال و شمال شرقی، کرانه‌های جنگلی و سرسبز اطراف رودخانه‌ها، هورالعظیم، باتلاق‌ها و نیزارها و جلگه‌های بسیار مستعد خوزستان، چشم اندازهای بدیع و اقلیم‌های متفاوتی در چهار سوی استان فراهم آورده است. انواع پرندگان در سراسر استان در لابلای دره‌ها و بیشه‌ها وکشتزارهای این استان به وفور یافت می‌شوند، در خلیج فارس بیش از ۲۰۰ نوع ماهی وجود دارد که از نظر تنوع و ذخیره پروتئین از بهترین وکم نظیرترین ذخایر حیات وحش کشور به حساب می‌آیند.

بیشه‌های انبوه و بکر کرخه هنوز هم زیستگاه طبیعی و آخرین پناهگاه گوزن‌های زرد ایران و جهان است. در دامنه‌ی کوه سولک وکوه زرگه منطقه بزرگی از درختان بلوط، بنه و بادام جنگلی

و غیره وجود دارد و حاشیه اکثر رودخانه‌ها از درختان جنگلی گز پوشیده شده است. در قسمت کوهپایه‌ای درختانی از قبیل: بلوط، کنار، سدر، بنه، انجیر، بادام کوهی و بوته هایی از گون وجود دارد. در سواحل جنوب و در میان هورها و نیزارها پرندگان بیشماری از جمله حواصیل، هوبره، درنا، فلامینگو و غیره ... زندگی می‌کنند که به غنای حیات وحش این نواحی افزوده‌اند.

در صورت برنامه ریزی و ساماندهی نقاط گردشگری استان با جاذبه‌های دل‌انگیز و زیبای هورها و تالاب‌ها، روستای کهن با آن ذخائر عظیم باستانی و آثار دیدنی تاریخی و مذهبی با ارزش، یقیناً بخش‌های وسیعی از استان خوزستان به قطب‌های جهانگردی مشهوری تبدیل خواهد شد. ـ سازمان هواشناسی

**تالاب‌های استان:** حدود ۵۰ درصد مساحت کل تالاب‌های کشور در استان خوزستان قرار دارد.

**تالاب بین‌المللی و پناهگاه حیات‌وحش شادگان:** این منطقه تالابی که در شمال خلیج‌فارس در استان خوزستان قرار دارد، در سال ۱۳۵۱ به عنوان پناهگاه حیات وحش اعلام و در سال ۱۳۵۴ نیز در فهرست تالاب‌های بین‌المللی ثبت شد. منطقه‌ای است هم سطح دریاهای آزاد با مساحتی برابر با ۳۲۸۹۲۶ هکتار. این منطقه با متوسط بارندگی و دمای سالانه‌ای برابر با ۲۱۸ میلی متر و ۲۶ درجه سانتی گراد، از اقلیم فراخشک گرم برخوردار است. بخش شمالی تالاب دارای آب شیرین و بخش‌های میانی و جنوبی آن به علت مجاورت با خورهای ساحلی دارای آب لب‌شور و شور هستند. عمق تالاب از چند متر تجاوز نمی‌کند عمده‌ترین منبع تأمین آن رودخانهٔ جراحی است. گونه‌های مهم گیاهی منطقه عبارتند از: اویارسلام، لویی، نیلوفر آبی، جگن و علف شور. این تالاب زیست گاه مناسبی برای بسیاری از پرندگان بومی و مهاجر در خطر تهدید نظیر اردک مرمری، پلیکان پاخاکستری، حواصیل بزرگ، حواصیل زرد، حواصیل هندی، بوتیمار کوچک، اردک سرسیاه، اردک بلوطی و عقاب شاهی محسوب می‌شود. گراز، شغال، روباه معمولی، تشی، خرگوش، خوتکا، اردک سرسبز، حاجی لک‌لک، اردک سیاه کاکل، دراج، گیلان شاه، آبچلیک، تیرمار، یله مار و افعی سوسن هم در تالاب و حاشیه آن زیست می‌کند پناه گاه حیات‌وحش شادگان به دلیل فراهم آوردن زمینه مناسبی برای زیست و زادآوری گونه‌های متنوعی از پرندگان و ماهیان، نقش مهمی در حفظ ذخایر ژنتیکی ناحیه ایفا می‌کند. توسعهٔ مناطق انسان ساخت در سال‌های گذشته موجب بروز مشکلات و آلودگی هایی به ویژه آلودگی نفتی در منطقه شده است. وجود پرندگان متنوع و چشم‌اندازهای بدیع زمینهٔ جلب دوستاران طبیعت.

**تالاب هورالعظیم:** مساحت این تالاب ۴۵۰۰۰۰ هکتار است که حدود ۱۲۵۰۰۰ هکتار آن در ایران وجود دارد. این تالاب خط مرز زمینی دو کشور ایران و عراق را تشکیل می‌دهد.

**تالاب بامدژ:** این تالاب با مساحت ۴۰۰۰ هکتار در ۴۰ کیلومتری شمال غربی شهرستان اهواز در امتداد جاده آسفالته اهواز ـ اندیمشک قرار دارد.

**تالاب میانگران:** این تالاب در جنوب غربی کوهپایه‌های زاگرس در فاصلهٔ ۱/۵ کیلومتری شهر ایذه واقع شده است و مساحت آن حدود ۲۴۰۰۰ هکتار می‌باشد. ـ ازکتاب تنوع زیستی و اهمیت آن ـ اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان

## مناطق حفاظت شده استان خوزستان

استان خوزستان به دلیل جایگاه ویژه‌ی طبیعی خود، که رودها، چشمه‌ها گوارا، تالاب و آبگیرها را در برگرفته، به عنوان یکی از زیستگاه‌های ارزشمند گونه‌های بومی و مهاجر جانوری کشور شناخته شده است.

در این استان، نواحی بسیاری وجوددارد، که به لحاظ اهمیت ملی و منطقه‌ای و بین المللی و حفظ تعادل اکولوژیک و بایستگی نگاهداری و افزایش نسل جانوران وحشی، و نگاهداری و احیای پوشش گیاهی و جایگاه طبیعی آن‌ها، دارای اهمیت بوده و در دست حفاظت قرار گرفته‌اند، تاگام‌های بایسته به منظور جلوگیری از شکار بی رویه و انقراض نسل جانوران موجود در آن‌ها برداشته شود.

این نواحی، که علاوه بر ویژگی‌های یاد شده، از جاذبه‌های با ارزش اکوتوریسم به شمار می‌روند، همه ساله شمار زیادی از گردشگران و دوستداران طبیعت را به سوی خود فرا می‌خوانند. زیستگاه‌ها و نواحی حفاظت شده‌ی استان خوزستان عبارتند از: دز، شادگان، شیمبار، کرایی، کرخه.

پناهگاه حیات وحش آن به مساحت ۳۴۰۴۷۵ هکتار، منطقه‌ی حفاظت شده به مساحت ۲۱۲۸۵۳ هکتار، در مجموع به مساحت ۴۵۶۷۰۴ هکتار، دارای سه پناهگاه حیات وحش، پنج منطقه‌ی حفاظت شده و در مجموع هشت.

- **پناهگاه حیات وحش کرخه:** جنگل‌های کرخه با طول حدود ۱۸۰ کیلومتر از «سرخه شیخ عزیز» در شمال غربی شوش شروع و در امتداد رودخانه کرخه به طرف جنوب تا «ایل حلاف» امتداد دارد. مساحت منطقه در حدود ۱۳۹۹۵ هکتار می‌باشد. این منطقه تنها زیستگاه طبیعی باقی‌مانده گونه گوزن زرد ایرانی است.

- **پناهگاه حیات وحش دز:** جنگل‌های دز با طول حدود ۱۵۰ کیلومتر از سردارآباد ـ دزفول شروع و در امتداد رودخانه دز بطرف جنوب تا «عنافچه» نزدیک اهواز امتداد دارد. مساحت منطقه حدود ۱۷۵۳۳ هکتار می‌باشد. این منطقه تنها زیستگاه طبیعی باقی‌مانده گونه گوزن زرد ایرانی است.

- **منطقه‌ی حفاظت شده شیمبار:** منطقهٔ شیرین‌بهار که در گویش محلی شیمبار تلفظ می‌شود در یکصد کیلومتری شمال مسجد سلیمان و در دره‌های عمیق زاگرس واقع شده است. سازمان حفاظت محیط زیست به منظور نگهداری از ۱۰٪ جنگل‌های واگذاری شده در سال ۱۳۸۰، منطقه مزبور را با مساحت حدود ۵۴۰۰۰ هکتار بعنوان «منطقه حافظت شده جنگلی» معرفی و ابلاغ نموده است.

- **منطقه‌ی شالو و مونگشت:** این منطقه در حوزه شهرستان ایذه، بخش دهدز در سلسله جبال زاگرس و مشرف به دریاچهٔ سد کارون ۳ قرار گرفته است. سازمان حفاظت محیط زیست به منظور نگهداری از ۱۰٪ جنگل‌های واگذاری شده در سال ۱۳۸۰، منطقه مزبور را با ۱۲۵۰۰ هکتار بعنوان «منطقه حفاظت شده جنگلی» معرفی نموده است.

- **منطقه‌ی هفت شهیدان:** این منطقه در حوزه شهرستان مسجد سلیمان است که به منظور نگهداری از ۱۰٪ جنگل‌های واگذار شده در سال ۱۳۸۰، با مساحت ۹۴۰۲ هکتار بعنوان منطقه حفاظت شده جنگلی معرفی شد.

به مساحت ۹۶۰۹ هکتار که در سال ۱۳۸۰ تأسیس گشت. در این استان ۴۵۰۰۰۰ هکتار

جنگل و ۳۸۷۴۲۶۰ هکتار مرتع و ۱۲۰۰/۰۰۰ هکتار بیابان وجود دارد.

**مناطق شکار ممنوع:** ۱ـ دیمه: در منطقه‌ای دشتی با ناهمواری‌های ملایم قرار دارد و زیستگاه مناسبی برای آهو به شمار می‌رود به مساحت ۱۵۵۰۰ هکتار. ۲ـ کرائی: منطقه‌ای کوهستانی است که در حاشیه‌ی مسجد سلیمان قرار و ۳۰۰۰۰ هکتار مساحت دارد.

## تنوع زیستی استان خوزستان و وضعیت آن:

**پستانداران:** ۶۰ گونه پستاندار (۳۸ درصد از کل پستانداران ایران) از جمله گوزن زرد ایرانی که جزو گونه‌های نادر و شاخص جهان است در زیستگاه‌های حیات وحش استان زندگی می‌کنند. در این خصوص پستانداران دیگر مانند آهو، قوچ، میش، گل و بز، نمس، رودک عسل‌خوار، تشی، گرگ، کفتار، دلفین، نهنگ، خرس، پلنگ و... را می‌توان نام برد.

**آبزیان:** ۵۶ گونه آبزی، ۷۵ گونه خزنده و ۴ گونه دوزیست در استان خوزستان شناسایی شده‌اند.

**پرندگان:** در استان خوزستان ۲۵۹ گونه پرنده (۵۲ درصد کل پرندگان ایران) از مجموع ۴۵۹ گونه پرندگان ایران شناسایی شده است. سرشماری انجام گرفته در سال ۱۳۸۴ بیانگر وجود تعداد ۱۱۷۰۰۰ قطعه پرنده در استان می‌باشد.

ـ ۹ گونه از پرندگان در خطر تهدید و حائز اهمیت در استان شامل گیلانشاه، خالدار، اردک مرمری، اردک سرسفید، اکراس آفریقایی، عروس غاز، غاز پیشانی سفید، لیکو تالابی، پلیکان پا خاکستری و میوه‌خور در استان قرار دارد.

ـ کلیه پرندگان حمایت شده ایران به استثنای میش مرغ، سیاه خروس، قرقاول جیرفتی و کبک دری در استان خوزستان است.

ـ خورموسی یکی از اکوسیستم‌های مهم آبی و حیاتی کشور، در استان وجود دارد. ـ ازکتاب تنوع زیستی و اهمیت آن ـ اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان

**تاریخچه گوزن زرد ایرانی:** گوزن زرد ایرانی که یکی از نادرترین گوزن‌های جهان محسوب می‌شود به شواهد آثار موجود، زمانی بخش عظیم و پهناوری از جنوب غربی ایران را جولانگاه خود ساخته بود.

به دلایل متعدد از جمله تخریب زیستگاه، شکار بی‌رویه و دشمن طبیعی (گرگ، گربه جنگلی)، جمعیت آن رو به کاهش نهاده به طوری که آن را حیوانی منقرض شده می‌پنداشتند، در سال ۱۳۳۴ معلوم شد تعداد اندکی از آن در حاشیه رودخانه‌های دز و کرخه باقی مانده است. و در سال ۱۳۳۷ تعداد ۲ رأس آن به باغ‌وحش اپل آلمان و در سال ۱۳۴۲ تعداد ۶ رأس به دشت ناز ساری منتقل گردید. گوزنهای دشت ناز به خوبی تکثیر و تعدادی از آنها در سال ۱۳۶۸ در منطقه کرخه رهاسازی گردید. ـ از بروشور احیاء و تکثیر گوزن زرد ایرانی استان خوزستان

## زمین‌شناسی و معادن

خاک خوزستان به‌نظر زمین‌شناسان در عصر سوم و چهارم به وجود آمده است اینطور از شواهد زمین‌شناسی در منطقه‌ی خوزستان و عربستان در عصر دوم زمین‌شناسی دریایی وسیع وجود داشت که به اقیانوس متصل بود و خشکی‌های این مناطق محدود بوجود چند جزیره بود که از سطح آن دریا ایران و عربستان را در بر گرفته سر بیرون کشیده بود و این جزایر نیز بر اثر

وقوع آتشفشان‌هایی بود که آن چند جزیره سر بیرون کشیده بود و همین است که کوه‌های دماند، دینار، الوند می‌باشد که در آن روزگار جزیره محسوب می‌شد.

در عصر سوم چین خوردگی‌هایی در زمین‌های منطقه‌ی خاورمیانه‌ی فعلی به وقوع پیوست که در نتیجه خاک ایران و عربستان به‌صورت فلات درآمد و خلیج فارس فرورفتگی یافت شاید پیدایش بعضی از کوه‌های خوزستان مربوط به عصر سوم باشد و این جلگه‌ها و دره‌های فعلی این سرزمین در عصر سوم دریاچه‌هایی بود که بر اثر چین‌خوردگی مزبور از آن دریای بزرگ برجا ماند.

معادن نمک، گچ، گل رس و بقایای جانوران که شاید به‌صورت نفت درآمده است آثاری از آن روزگاران است.

فرسایش‌های آبی باعث بریدگی‌های کوه‌ها و وجود دره‌های ژرف و جلگه‌های رسوبی شد و همین جریان‌های آبی بود که دریاچه‌هایی را که بعد از دوران سوم خشک شده بود باراضی حاصل‌خیزی تبدیل کند.

دشت‌های وسیع خوزستان مساحت فراوانی از این منطقه تاکوه‌ها تشکیل می‌دهد. و همانطور که گفته شد زمین جدیدتر از کوه‌های این منطقه به وجود آمده است زیرا در زیر دریا یا دریاچه‌ها قرار داشت و بر اثر چین‌خوردگی و فرورفتگی دوران سوم بود که شیب از سوی شمال و شرق به‌طرف جنوب و غرب به وجود آمده و همین سراشیبی تا اوایل دوران چهارم در زیر آب فرو رفته بود در آن عهد خلیج فارس تا دامنه‌های کوه‌های این منطقه و نزدیکی‌های موصل پیش رفته بود. و از همین دوران بود که زمین‌های دشت‌های خوزستان و عراق عرب از زیر آن سر بیرون کشید و سرانجام رود کرخه، کارون و دجله و فرات مرتباً مقداری از خلیج را با آوردن مقداری گل و لا به خشکی تبدیل می‌کرد وزش بادهای عربستان نیز بر خشکی و عقب‌راندن آب خلیج در منطقه‌ی خوزستان و عراق تأثیر کرد.

یکی از زمین شناسان در حدود یک قرن پیش چنین ابراز عقیده کرد که پیشرفت خشکی در مصب رودخانه‌ها به‌طرف دریا در هر ۳۰ سال یک میل و اکنون در هر ۷۰ سال یک میل پیشروی خشکی به وسیله‌ی رسوباتی که آب با خود همراه می‌آورد یا باد مقداری خاک و شن بر این قسمت می‌ریزد صورت می‌گیرد بنابراین این‌طور نظر داده شده است که سالی در حدود ۱۰ متر می‌شود.

**بارنس:** چنین پنداشته است که دجله و فرات هر سال حدود ۲۵۶۰۰ میلیون متر مکعب رسوبات با خود از مناطقی که می‌گذرد به همراه می‌آورد و در مصب خود به جا می‌گذارد.

همچنین رود کارون و سایر رودها که در منطقه‌ی جنوب غربی خوزستان به خلیج فارس می‌ریزد حدود ۸۰۰۰۰ پا مکعب، میلیون رسوبات با خود می‌آورد و در مصب خالی می‌کند.

بنا به سندی که از نیارخوس دریاسالار اسکندر در دست است چنین برمی‌آید که رود کارون، کرخه، دجله و فرات هر یک علیحده به خلیج وارد می‌شد و تا قبل از ریزش به دریا با یکدیگر تلاقی نمی‌کرد.

هنگامی که سناخریب (در حدود) برای جنگ بر عیلامیان از دجله به سوی خوزستان رو نهاد معلوم می‌شود که سواحل شمال و شمال شرقی و شمال غربی خلیج فارس که عبارت از بندر دیلم، ده‌میلی جنوب غربی اهواز، چهل میلی جنوب

غربی شوش، بیست و پنج میلی مغرب بصره و بیست و پنج میلی مغرب کویت بود یعنی این مناطق در زیر آب شور پنهان شده و فرو رفته بود.

خوزستان را برای مطالعه‌ی زمین‌شناسی بایستی به دو قسمت سفلی و علیا تقسیم کرد. قسمت علیا مناطق کوهستانی شمال خوزستان که کوه‌های غربی ایران است و دامنه‌های این کوه‌ها، قسمت سفلی عبارت است از مناطق جنوبی و کم‌ارتفاع خوزستان که به خلیج بین‌النهرین منتهی می‌گردد.

قسمت علیای خوزستان را از لحاظ زمین‌شناسی به خوبی می‌توان مورد بررسی قرار داد زیرا علائمی آشکار دارد بالعکس قسمت سفلای خوزستان که پوشیده، از رسوبات رودخانه‌ها است و برای تحقیق درباره‌ی آن بایستی قشرهای اطراف خلیج‌فارس و جزایر اطراف آن را مورد مطالعه قرار داد.

با توجه به فراوانی نسبی و محدوده‌ی چینه‌شناسی کوتاه و گسترش جغرافیایی وسیع نانو فسیل‌های آهکی، این گروه از فسیل‌ها، ابزار بسیار مناسبی برای زیر تقسیمات زیست چینه‌ای، به ویژه در کرتاسه‌ی پسین به شمار می‌آیند. بدین سبب و به علت نبود مطالعات دقیق فسیل‌شناسی در منطقه، نانو پلانکتون‌های آهکی در برش سازند گورپی (شمال شهر گچساران) مورد مطالعه قرار گرفته است. سنگ‌شناسی این سازند شامل سنگ‌های رسوبی مارن و آهک رس است. بر مبنای مطالعات انجام شده، ۲۳ جنس و ۴۳ گونه نانو فسیل در برش گورپی شناسایی و عکسبرداری گردید. با توجه به گسترش چینه‌شناسی نانو پلانکتون‌های آهکی، بازه‌ی زمانی برش مورد مطالعه، با زون‌ها CC16-CC26 از زون بندی همخوانی دارد. براساس محدوده‌ی چینه‌شناسی گونه‌های شاخص و زیست زون‌های مشخص شده، سن سازند گورپی از سانتونین پسین تا ماستریشتین پسین پیشنهاد می‌شود.

حوضه‌ی رسوبی زاگرس یکی از واحدهای زمین‌شناسی است که کوه‌های زاگرس را دربردارد و در جنوب باختری ایران قرار داشته و به سمت خاور به گسل میناب محدود می‌شود. ساخت زمین‌شناسی آن ساده، ملایم و شامل مجموعه‌ای از تاقدیس‌های نزدیک و به هم فشرده با سطح محوری معمولاً قائم و در جهت شمال باختری - جنوب خاوری است. رسوبات چین خورده این منطقه به طور متناوب شامل آهک یا دولومیت همراه با مارن و مارن‌های آهکی بوده که با چینه بندی کم و بیش ظریف مشخص می‌شوند. منطقه چین خورده زاگرس از دوره‌ی تریاس بالایی به بعد، حوضه‌ای با فرونشینی مداوم، توأم با رسوبگذاری ممتد را تشکیل داده است. ستبرای رسوبات دریایی در این حوضه، افزون بر چند هزار متر می‌شود که در آن رخساره‌های متنوع، روی هم انباشته شده که شامل سازندهای متعدد است. سازند گورپی یکی از سازندهایی است که در کرتاسه‌ی پسین در محیط دریایی رسوب کرده و به طور عمده از مارن و آهک رسی تشکیل شده است. نام این سازند از کوه گورپی، در شمال مسجد سلیمان گرفته شده است. مجله‌ی علوم زمین ش ۶۴

رخساره‌های سنگی، محیط رسوبی و خاستگاه نهشته‌های مخلوط سیلیس آواری - کربناتی - تبخیر سازند آسماری در میدان نفتی اهواز با نگرشی با سازوکارهای مؤثر درآمیختگی هدف این مطالعه، بررسی رخساره‌های سنگی،

محیط رسوبی و خاستگاه سازند آسماری (الیگو - میوسن)، به منظور تبیین ساز و کار آمیختگی نهشته‌های کربناتی - تبخیری با رسوبات آواری، در فروبار دزفول، در رشته کوه زاگرس است. بررسی مقاطع نازک به دست آمده از این سازند در چاه‌های ۱۱، ۸۵ و ۸۹، در میدان نفتی اهواز، نشان دهنده‌ی پنج رخساره‌ی کربناتی، مرتبط با یک رمپ کربناتی و ۲ رخساره‌ی تخریبی گل سنگی و ماسه سنگی از بخش ماسه سنگ اهواز است. وارد کردن داده‌های حاصل از نقطه شماری ۵۰ نمونه انتخاب شده از ماسه سنگ اهواز، بر روی نمودارهای $Q_{93.34}F_{4.10}L_{2.59}$ و $Qm_{86.75}F_{4.10}Lt_{9.15}$ ،$FQ_{,20}L_{2.59}$ خاستگاه زمین ساختی این بخش ماسه سنگی را کراتون عربستان دانسته و بر چرخه‌ی دوباره‌ی رسوبی دلالت می‌کند. از سوی دیگر، این داده‌ها، به انضمام شواهد سنگ شناختی به دست آمده، سنگ منشأ این ماسه سنگ‌ها را رسوبی - دگرگونی درجه پائین تا متوسط نشان می‌دهد. بدین ترتیب، نتایج مذکور در کنار یکدیگر شواهد مرتبط با سازوکارهای آمیختگی، مانند تغییرات در ورود رسوب به حوضه (sediment supply)، منحنی جهانی سطح آب دریاها و تکامل زمین ساخت ناحیه‌ای و محلی، شش مرحله‌ی تکاملی را در محیط رسوبی سازند آسماری، نشان می‌دهد. روند تکاملی به دست آمده مبتنی بر نهشت بر روی یک رمپ کربناتی - تبخیری بوده که سازو کارهای متفاوتی، منجر به ورود رسوب آواری به این رمپ شده و در نهایت یک سری مخلوط سیلیسی آواری - کربناتی - تبخیری را ایجاد کرده است. زمان یابی دقیق وقایع، نیازمند مطالعات تکمیلی است.

تشکیل نهشته‌های آمیخته آواری - کربناتی می‌تواند طی سازوکارهای متفاوتی از جمله: آمیختگی جانبی رخساره‌ها، تغییرات سطح آب دریا و تغییر در میزان ورود رسوب به حوضه صورت گیرد. همچنین، تشخیص ساز و کار آمیختگی مؤثر در هر مجموعه رسوبی مخلوط، خود نیازمند تعیین محیط رسوبی، خاستگاه زمین ساختی و نیز آب و هوای دیرینه است. مجله علوم زمین ش ۶۳

**بررسی اثر شکستگی‌ها بر ظهور چشمه‌های منطقه سردشت و شهیون استان خوزستان:** منطقه‌ی مورد مطالعه (سردشت و شهیون) در بخش شمالی ساختار فروافتادگی دزفول در جنوب باختر کمربند زاگرس واقع شده و تحت تأثیر الگوهای ساختاری زون برشی بالارود قرار دارد. حوضه‌ی آبریز این منطقه دارای مساحتی برابر ۱۰۴۲ کیلومتر مربع است که شامل بخش‌هایی از حوضه‌ی آبریز رودخانه‌های دز، شیرین آب و سردشت می‌باشد.

هدف از انجام این مطالعات، بررسی اثر شکستگی‌ها در تراوایی ماسه سنگ و ظهور چشمه‌ها در منطقه‌ی مورد مطالعه است. برای انجام این تحقیق، مطالعات زمین‌شناسی و زمین‌شناسی ساختاری، شامل چین خوردگی‌ها، گسل‌ها و درزه‌ها انجام شده است. به منظور بررسی شکستگی‌های منطقه، از ۱۱ ایستگاه برداشت درزه‌ای به عمل آمد و با استفاده از اطلاعات به دست آمده، نقش ساختاری منطقه رسم شد. نقشه‌ی هم تعداد شکستگی‌های منطقه به خوبی نشان می‌دهد که محل تراکم منحنی‌های هم تعداد شکستگی بازتاب کننده‌ی نفوذ پذیری

بیشتر بوده و با محل ظهور چشمه‌های اصلی منطقه منطبق است. موقعیت چشمه‌های منطقه، ویژگی‌های ساختاری و کمی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت و ارزیابی دمای آب چشمه‌ها در دو فصل تر و خشک نشان می‌دهد که بیشترین نوسان دما در چشمه‌های با آبدهی بیشتر است.

منطقه‌ی مورد مطالعه در ۵۰ کیلومتری شمال خاوری دزفول و در شمال استان خوزستان در طول جغرافیایی ۰۰° ۴۹ـ۲۷َ °۴۸ خاوری و عرض جغرافیایی ۴۵° ۳۲ـ۲۷َ °۳۲ شمالی در ساحل سمت چپ دریاچه‌ی سد دز واقع بوده و شامل دو دشت سردشت و شهیون است. مساحت کل حوضه‌ی آبریز مورد مطالعه ۱۰۴۲ کیلومتر مربع برآورد شده است.

**زمین‌شناسی منطقه:** در منطقه‌ی مورد مطالعه، سنگ‌شناسی غالب مربوط به سازند آغاجاری است که در حدود ۹۰ درصد مساحت منطقه را به خود اختصاص می‌دهد و تقریباً ظهور تمامی چشمه‌های منطقه از همین بخش ماسه سنگی است. دیگر سازندهای رخنمون یافته در منطقه شامل گچساران، میشان و بختیاری است که در مجموع حدود ۷ درصد منطقه‌ی مورد مطالعه را تشکیل داده و بقیه‌ی مساحت منطقه را رسوبات آبرفتی می‌پوشانند. هر چند وسعت رسوبات آبرفتی منطقه کم و به صورت پراکنده است، ولی آن چه بیشتر موجب عدم تشکیل آبخوان قابل توجهی در آبرفت شده است، ماهیت ناتراوایی آن است. مجله‌ی علوم زمین ش ۶۲

نفت مخازن آسماری در ۳ میدان فروبار دزفول جنوبی شامل میدان‌های نفتی: پارسی، پازنان و رگ سفید مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه‌های مقدماتی شامل مراحل آسفالت‌گیری و کروماتوگرافی ستونی بر روی نمونه‌های نفتی انجام و درصد اجزای مختلف هیدروکربنی (سیر شده، آروماتیک، رزین و آسفالتین) در آن‌ها مشخص شد. نتایج حاصل در این مرحله نشان داد که ترکیب هیدروکربن سیر شده در نمونه‌های نفتی پارسی و پازنان، درصد وزنی بیشتری نسبت به دیگر اجزا دارد. در حالی که ترکیب غالب در نمونه‌ی نفتی رگ سفید جزء آروماتیک می‌باشد. در ادامه با استفاده از روش کروماتوگرافی گازی (GD)، توزیع و فراوانی آلکان‌های نرمال و ایزوپرنوییدهای پریستان و فیتان مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج نشانگر آن بود که نفت‌های مورد مطالعه، در محیط کاهنده و از گیاهان دریایی مشتق شده‌اند. بر اساس نسبت‌های ایزوپرنوییدهای پریستان و فیتان به آلکان‌های نرمال همجوارشان یعنی $C_{17}$ و $C_{18}$، مشخص شد که این نفت‌ها دارای رسش گرمایی بالایی بوده و تحت تأثیر فرایندهای تخریب زیست‌شناختی قرار نگرفته‌اند. همچنین با استفاده از نسبت‌های مذکور مشخص شد که نمونه‌های مورد مطالعه از رسوبات دریایی مشتق گردیده و طبعاً کروژن نوع II کروژن شناخته شده در آن هاست. بررسی استرتان‌های $C_{27}$، $C_{28}$ و $C_{29}$ و هوپان‌ها به وسیله‌ی کرماتوگرافی گازی ـ طیف سنجی جرمی (GC-MS) صورت پذیرفت. حضور زیست نشانگر الثینان در هوپانوگرام هر سه نمونه‌ی نفتی مورد آزمایش، یکی از مهم‌ترین نتایج به دست آمده است که سن سنگ منشأ کرتاسه‌ی پسین و یا جوان‌تر (سازد پابده) را برای این نمونه‌ها پیشنهاد می‌نماید. مقادیر ارجحیت فرد کربنی (CPI) نزدیک به یک، غلظت بالای هوپان‌ها Ts و Tm و همچنین نبود زیست نشانگر مورتان، نشانگر

رسش گرمایی بالا برای نفت‌های مورد بررسی است. در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که میدان‌های نفتی مورد مطالعه دارای منظر و محیط ته‌نشست مواد آلی تولیدکننده‌ی نفت یکسان بوده و در یک خانواده‌ی نفتی قرار می‌گیرند. مجله علوم‌زمین

در یک بررسی گسترده صحرایی و جمع آوری نمونه از نقاط مختلف، همراه با بررسی‌های آزمایشگاهی، پدیده‌ی واگرایی و گسترش خاک‌های واگرا در استان خوزستان مورد مطالعه قرارگرفت. وضعیت زمین‌شناسی، مناطق مختلف استان خوزستان نشان می‌دهد که ارتفاعات موجود در بخش‌های شمالی، شمال خاوری و خاور استان به وسیله‌ی رودخانه‌های مختلف فرسایش یافته و در دشت پهناور خوزستان رسوب می‌نماید. به دلیل شرایط خاص موجود در منطقه، از قبیل گسترش سازند نمکی گچساران، وجود خاک واگرا در مناطق مختلف آن اجتناب‌ناپذیر است در این تحقیق، با استفاده از نتایج بررسی‌های صحرایی و آزمایشگاهی، ضمن مقایسه‌ی روش‌های مختلف شناسایی خاک‌های واگرا، استان خوزستان از نظر پتانسیل تشکیل خاک واگرا به سه منطقه‌ی حساس به‌واگرایی حد واسط و غیر واگرا، تقسیم شده است.

**شرایط زمین‌شناسی استان خوزستان:** از دیدگاه زمین‌شناسی و تنوع سازندهای رخنمون یافته در سطح زمین، بخش شمالی و شمال خاوری این استان که ارتفاعات استان را در برمیگیرد مورد توجه است. در بخش‌های مرکزی و جنوبی به سمت خلیج فارس و قسمت‌های کم ارتفاع، لایه‌های سنگی، به جز در محدوده‌ی شهر اهواز، رخنمون دارند و منطقه به وسیله‌ی رسوب‌های ستبر عهد حاضر پوشیده شده است که تشکیل جلگه‌ی خوزستان را می‌دهند.

بررسی‌های زمین‌شناسی استان نشان می‌دهد که ارتفاعات منطقه به طور عمومی از آهک، شیل، مارن و لایه‌های نمک، انیدریت ژیپس تشکیل شده است که تأمین کننده‌ی اصلی رسوب‌های موجود در دشت خوزستان هستند. مجله‌ی علوم زمین ش ۳۵ ـ ۳۶

**میدان‌های نفتی واقع در فروافتادگی دزفول:**
فروافتادگی دزفول که بین خمش بالا رود در شمال باختر، گسل فرونشست دزفول در شمال خاور و گسله پیش بوم زاگرس در جنوب باختر واقع است، دارای توالی کامل و ستبری از رسوب‌های دوران میانه زیستی و نوزیستی زمین‌شناسی می‌باشد. این منطقه دارای افت ساختمانی قابل ملاحظه‌ای است. بررسی‌های ساختاری پنج تاقدیس مخزنی فرونشست دزفول بر پایه‌ی تفسیر خطوط بازتاب لرزه‌ای و تهیه‌ی نیمرخ‌های (Profiles) عمقی از تاقدیس‌ها شواهدی را به شرح زیر آشکار ساخته است.

**جایگاه زمین شناختی:** فروافتادگی دزفول در بین گسل‌های جبهه کوهستان در شمال خاوری، خمش بالا رود در شمال باختری و گسل ایذه در جنوب خاوری، بخشی از خارجی‌ترین قسمت‌های کوهزاد زاگرس را تشکیل می‌دهد. این فروافتادگی نسبت به مناطق هم جوار از نظر زمین ساختی پایدارتر است، لذا از لرستان، فارس و پس بوم (hinterland) بندر عباس کمتر چین خورده است. این اختلاف احتمالاً با جابجایی‌های جانبی در راستای خمش بالا رود و پهنه گسله کازرون جبران می‌گردد. در درون فرو افتادگی دزفول تعدادی خطواره‌های شمالی ـ جنوبی و خاوری ـ

باختری دیده می‌شوند که برخی پژوهشگران (مطیعی، ۱۳۷۴) منشأ ساختارهای مشابه با آن‌ها، مانند خمش بالا رود و پهنه‌ی گسله‌ی کازرون، را به گسله‌های راستالغز ژرف پی سنگ نسبت داده‌اند که در طول کرتاسه بالایی فعال بوده‌اند. مجله‌ی علوم زمین ش ۵۱ ـ ۵۲

**معادن خوزستان:** نمک آبی (۱)، آسفالت و آسفالت طبیعی (۱)، کشتارگاه صنعتی طیور (۲)، روغن صنعتی (۱)، انواع روغن نباتی و حیوانی (روغن‌کشی و تصفیه) (۱)، شیر پاستوریزه (۱۴)، ماست پاستوریزه (۱۴)، آرد غلات (۱)، انواع کیک و بیسکوئیت و کلوچه (۱)، شکر از چغندر قند (۲)، بسته بندی شکر (۲)، ماکارونی (۵)، چای خشک بسته بندی‌شده (۱)، انواع رب گوجه فرنگی (۶)، نخ پلی استرویسکوز (۱)، گاز اتیلن (۱)، گاز بوتادین (۲)، گاز پروپیلن (۲)، روغن هیدرولیک (۱)، تصفیه‌ی روغن سوخته (۱).

در سال ۱۳۸۲ تعداد ۱۴۹ معدن فعال بدینشرح داشت: ۱- سنگ، شن و ماسه (۱۳۸)، ۲- شن و ماسه (۱۰۳)، ۳- سنگ لاشه (۶)، ۴- سنگ آهک (۲۶)، ۵- سنگ گچ (۲)، ۶- دولومیت (۱)، ۷- نمک (۵)، ۸- سایر مواد معدنی (۶)، ۹- سیلس (۱)، ۱۰- صدف دریایی (۵).

در استان خوزستان در سال ۱۳۸۲ میزان بهره برداری از معادن فعال بدینشرح بوده است: ۱- سنگ آهک ۳۸۸۵۹۰۰ تن، ۲- مارن ۷۵۴۲۶۹ تن، ۳- سنگ گچ ۲۴۲۰۶۷ تن، ۴- دولومیت ۲۷۴۰۲۸ تن، ۵- نمک آبی ۳۷۱۰۰۰ تن، ۶- نمک سنگی ۸۷۰۰۰ تن، ۷- سیلیس ۵۳۰۰۰ تن، ۸- صدف دریایی ۱۳۷۸۰ تن. ۹ ـ لاشه ساختمانی ۱۲۶۰۰۰ تن

## مردم‌شناسی استان خوزستان

### ساکنان قدیمی و کنونی خوزستان

قدیمی‌ترین اقوامی که درین سرزمین می‌زیستند.

۱ - ایلامی‌ها بودند که حکومتی درخشان و دولتی مقتدر برپا ساخته بوده‌اند نژاد آن را سامی می‌دانند.

۲ - کیسیها این مردم که خوزستان نیز از نامشان گرفته شده و هرودوت و استرابون سرزمین خوزستان را مشتق از نام این قوم دانسته‌اند.

۳ - پراتاکین‌ها، این دسته بنا به گفته‌ی استرابون در خوزستان به زراعت و گاه راهزنی و دزدی می‌پرداختند.

۴ - اوکسی‌ها، به گفته‌ی استرابون اوکسی‌ها در کوهستان‌های شرقی خوزستان سکونت داشتند.

۵ - صابیان، این عده که به مغتسله و ستاره پرستان معروفند، بنا به قول ابن ندیم و یاقوت در خوزستان و عراق می‌زیستند.

۶ - یونانیان، در زمان اقتدار دولت هخامنشی عده‌ای از اسیران یونانی در خوزستان مسکن داده شده که با ورود و حمله‌ی اسکندر به این منطقه می‌خواست آنان را به یونان بازگرداند اما آنان نپذیرفتند.

۷ - هندیان این قوم بنا به روایات و اقوال مختلف به سرزمین خوزستان راه یافتند و مسکن گزیدند به گفته‌ی حمزه‌ی اصفهانی بهرام گور عده‌ای را برای شاد ساختن و خنیاگری به ایران فرا خواند و چون عده‌ای به ایران آمدند و گروه گروه در شهرها و ایالات مسکن داده شدند.

به گفته‌ی یاقوت عده‌ای از هندیان به جنگ با ایران آمدند و پس از شکست هندیان منطقه‌ای را که پیروزی نصیب ایرانیان گشت هندیان (هندیجان) نامیدند.

**عیلامی‌ها:** از نژاد آسیایی زاکرو - عیلامی (یعنی نه هند و اروپایی و نه سامی) بوده‌اند، بعضی از دانشمندان نژاد شناس آنان را جزء دسته اقوامی از نژاد قفقازی یا خزری می‌دانند و زبان ایشان از گروه زبان‌های پیوندی بوده است. تاریخ ایران سر پرسی سایکس ترجمه‌ی فخر داعی.

مردم نخستین خوزستان عیلامی‌ها بودند که از هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد در فلات ایران می‌زیستند و از خشک شدن تدریجی جلگه خوزستان استفاده کرده، از ارتفاعات و کوه‌ها سرازیر شده در دشت وسیع خوزستان استفاده کرده، از ارتفاعات و کوه‌ها سرازیر شده و در دشت وسیع خوزستان مسکن گزیدند. به عقیده‌ی دیلافوآو دومرگان قبل از عیلامی‌ها مردمان دیگری که از نژاد سیاه بودند در خوزستان می‌زیستند. کشف تخته سنگ معروف نری مسین در شوش نیز این عقیده را تأیید می‌کند زیرا نقوش برجسته‌ی این سنگ شکل پادشاه سامی‌نژاد را نشان می‌دهد که رهبری عده‌ای ازسیاه پوستان را داشته که به فتح و پیروزی رسیده‌اند. - تاریخ ایران - سرپرسی سایکس.

و رواج کامل داشته و این زبان تا زمان سقوط خوزستان به دست اعراب زبان رسمی مردم خوزستان بوده و همین زبان است که مقدسی جغرافیا نویس سده‌ی چهارم هجری از آن در کتاب خود نام می‌برد.

**اقوام کنونی:** در خوزستان گذشته از نژادها و مردمانی که ذکرشان گذشت عده‌ای می‌زیستند که به لرها معروف هستند بنا به روایت‌های مختلف این مردم را برخی از جمله حمداللّه مستوفی می‌گوید که وجه تسمیه این قوم آن است که از مردم دهی بودند که به لر معروف بود.

**مردم کنونی خوزستان:** ۱ - لرها - لرها در تمام قسمت‌های شرقی و مناطق کوهستانی خوزستان از حد فاصله بین لرستان و خوزستان تا حدود استانداری کوه کیلویه به طور پراکنده سکونت داشته که بعضی از آن‌ها به شغل دامداری اشتغال داشته و برای نگهداری و چراندن گاو و گوسفندان خود ییلاق و قشلاق می‌کنند و برخی دیگر در دهات اسکان شده و ضمن دامداری به شغل کشاورزی نیز اشتغال ورزیده‌اند این عده از مردم خوزستان با لهجه‌ی مخصوص لری که نوعی از زبان پهلوی قدیم است تکلم می‌کنند.

۲ - مردم شهر نشین - مردم شهرنشین سکنه‌ی شهرهای مختلف خوزستان با لهجه‌های مخصوص محلی مانند دزفولی - شوشتری - بهبهانی - آبادانی و خرمشهری که نوعی از زبان فارسی است تکلم می‌کنند و در شهرستان‌های شوشتر - اهواز - مسجد سلیمان لهجه‌ی شوشتری رایج است.

۳ - مردم بومی خوزستان - این عده از مردم خوزستان در قسمت‌های جنوبی و غربی در کناره‌های کارون و کرخه سکونت داشته و در ازمنه گذشته از آن سوی مرز به ایران کوچیده و در انبوه مردم خوزستان مستهلک شده و به مرور زمان ملیت ایرانی پذیرفته و درنتیجه با مردم دیگر خوزستان نژاد واحدی تشکیل داده‌اند این مردم به شغل دامداری و کشاورزی اشتغال داشته و با لهجه‌های مخلوطی از فارسی و عربی تکلم می‌کنند.

**شوشیهای باستان:** طبق نظر کواترفاژ (Quaterfage) و حامی Hamy نوع سیاه‌پوست که در کیونجیک Kuyunjik دیده میشود، نمایندهٔ عناصر اصلی و بدوی شوش است که ساکنین آن

شاید مخلوطی از کوچیت Kuchitc و سیاهپوست بوده‌اند. بینی آنها نسبتاً صاف و سوراخ بینی گشاد است. استخوان لارستان که هملیتون اسمیت Hamilton Smith دربارهٔ آنها مطالعه کرده ارتباطی وجود داشته باشد. معلوم نیست که آیا همین قوم بودند که نوع بودای سیاهپوست را به هندوستان آوردند یا نه؟

**عشایر:** تناسب آب و هوائی با زندگی کوچ نشینی سبب شده که در این استان، بخشی از جمعیت به دامداری پرداخته و به ییلاق و قشلاق بپردازند، بخش شمالی و شمال شرقی خوزستان شامل مناطق شوش، مسجد سلیمان، دزفول، شوشتر، ایذه تا محدوده‌ی باغ ملک و جانکی در شمال رامهرمز محل زندگی ییلاقی ایلات بختیاری و بخشی از ایلات لرستان و ایلام می‌باشد.

علاوه بر ایلات مقیم، گروهی از ایلات استان کهگیلویه و بویراحمد در جنوب شرقی خوزستان و حوالی بهبهان، کوچ ییلاقی می‌کنند و زمستان را در این استان می‌گذرانند.

علاوه بر عشایر مهمان، عشایر بومی در مناطق غربی استان از شمال به جنوب در مناطق موسیان، شوش، دشت آزادگان، باوی، بنی طرف، مندیجان، شادگان و اطراف آبادان و خرمشهر به سر می‌برند.

جمعیت عشایری این استان اعم از عشایر مقیم و مهمان در ۱۳۶۶ در دوره‌ی ییلاقی بیش از ۴۰۰۰۰ نفر و در دوره‌ی قشلاقی حدود ۱۹۰۰۰۰ نفر بود.

بخشی از عشایر این استان اعرابی هستند که در طول تاریخ و به مرور زمان از صحرای عربستان کوچیده و سال‌های دراز در خوزستان ماندگار شدند. قبایل بنی کعب، بنی طرف و بنی صالح از آن جمله‌اند.

طایفه‌ی بنی صالح از یمن به ایران کوچید و آن گاه در مناطق غرب اهواز و منطقه‌ی هویزه ماندگار گشت.

زبان عشایر بومی عربی و عشایر مهاجر استان که فصل زمستان را در مناطق قشلاقی خوزستان می‌گذرانند به زبان و گویش خاص خود (لری) سخن می‌گویند. محور اساسی فعالیت و زندگی عشایر استان اعم از مقیم و مهمان دامداری است.

خوزستان به علت دارا بودن ویژگی‌های آب و هوائی، از دیر باز تا کنون، مسکن ایل‌ها و طایفه‌های گوناگون بوده است. در این گستره‌ی جغرافیائی، اقوام گوناگون در طی قرون و اعصار به ایفای نقش پرداخته‌اند. اقوامی را که در این منطقه در حال حاضر زندگی کوچ نشینی دارند، می‌توان به سه دسته عمده‌ی لُر ـ ترک و عرب تقسیم کرد. این اقوام کوچ نشین، در کنار جمعیت یکجانشین که در استقرارگاه‌های شهری و روستایی پراکنده‌اند، زندگی می‌کنند.

**توزیع جغرافیائی عشایر استان خوزستان:** در بین شهرستان‌های استان خوزستان، شهرستان آبادان فاقد جمعیت عشایر قشلاقی است. به بیانی دیگر این شهرستان در دوره‌ی قشلاق خانوار عشایر کوچنده ندارد. شهرستان‌های رامهرمز، بهبهان و شوشتر در دوره‌ی ییلاقی عشایر ندارند. این سه شهرستان به علت گرمای بیش از حد تابستان و فقدان مراتع و آب کافی، نمی‌تواند در تابستان پذیرای عشایر باشد. شهرستان اندیمشک نیز با این که در دوره‌ی قشلاقی ۲۶۴۴ خانوار عشایر کوچنده را با جمعیتی برابر ۱۸۳۱۵ نفر را پذیرا می‌شود، در تابستان فقط ۱۷۳ خانوار با جمعیتی برابر ۱۱۴۹ نفر را در خود جای می‌دهد.

شهرستان اهواز به علت گرمای بیش از حد تابستان و نیز عدم وجود چراگاه‌های مناسب، فقط ۵۵ خانوار از قبایل عرب را پذیرا می‌باشد. در دوره‌ی قشلاق نیز فقط قبایل عرب در دشت اهواز دوره‌ی قشلاقی خود را در این شهرستان می‌گذرانند. در دوره‌ی ییلاقی قبایل عرب دام‌های خود را در اراضی کشاورزی و به خصوص اراضی زیر کشت غلات درو شده می‌چرانند.

شهرستان‌های ایذه و مسجد سلیمان و دزفول که در حد شمالی استان قرار دارند، وضعیت مناسبی را برای استقرار عشایر کوچنده در ییلاق و قشلاق فراهم می‌کنند. در این منطقه کوه‌های مرتفعی که ادامه‌ی کوه‌های زاگرس میانی است، شمال منطقه را احاطه کرده است. این رشته کوه‌ها اغلب از جنگل پوشیده شده و حد مرزی بین استان خوزستان و چهار محال بختیاری و لرستان و از طرفی استان کهگیلویه و بویر احمد را به وجود می‌آورند که به وسیله‌ی رودهای پرآبی چون کارون، دز و خرسان که از دره‌های عمیق می‌گذرند، از استان‌های یاد شده جدا می‌شوند.

شهرستان ایذه قلمرو ییلاقی و قشلاقی ایل‌های بختیاری [illegible] در [illegible] سالی ک[illegible] شهرستان مسجد سلیمان با دارا بودن مناطق کوهستانی جنگلی در شمال، مطلقاً در قلمرو ایل بختیاری قرار دارد.

شهرستان‌های دشت آزادگان در غرب استان خوزستان و در حد مرزی بین ایران و عراق و شهرستان بندر ماهشهر در جنوب استان و در ساحل خلیج فارس با دارا بودن دشت‌های وسیع، در قلمرو قبایل عرب قرار دارد. در دشت آزادگان قبایل بنی طرف و بنی صالح و دشت بندر ماهشهر قبیله‌ی بنی کعب که از معروف‌ترین قبایل عرب به شمار می‌روند، ییلاق و قشلاق می‌کنند. نقل و اقتباس به انتخاب از فصلنامه.

**کوچ نشینان خوزستان از سه تیپ عمده‌ی کوچ نشینی تشکیل شده‌اند.**

**۱ـ کوچ ارتفاعی:** در این نوع کوچ، حرکت و جابجائی بین دو محل جغرافیائی دشت و کوهستان انجام می‌شود. خانوارهای کوچنده این نوع کوچ، بهار و تابستان را در ارتفاعات و پائیز و زمستان را در دشت‌ها می‌گذرانند. اکثر خانوارهای کوچنده‌ی ایل‌ها و طایفه‌های مستقل که قشلاق خود را در خوزستان می‌گذرانند، دارای این نوع کوچ هستند. هم چنین بسیاری از خانوارهای درون کوچ لُر نیز دوره‌ی ییلاق را در ارتفاعات و دوره‌ی قشلاق را در دامنه‌ها می‌گذرانند.

**۲ـ کوچ افقی:** در این نوع کوچ، حرکت و جابجائی در دشت صورت می‌گیرد. خانوارهای کوچنده‌ای که در دشت پراکنده‌اند، از مراتع طبیعی و پس چرای اراضی غلات برای تغذیه‌ی دام‌های خود استفاده می‌کنند. کلیه‌ی خانوارهای کوچنده‌ی قبایل عرب شامل این نوع کوچ هستند.

**۳ـ کوچ در اطراف آبادی‌ها:** خانوارهای کوچنده‌ی طایفه‌های ایل بختیاری که در درون کوچ استانی بوده و در شهرستان‌های ایذه (بخش دهدز) و مسجد سلیمان (بخش اندیکا) ییلاق و قشلاق می‌کنند، تابستان‌ها را در ارتفاعات اطراف آبادی‌ها می‌گذرانند و پائیز و زمستان به آبادی‌های مربوط به خود مراجعه و بقیه مدت سال را در درون ساختمان‌ها می‌گذرانند. در این نوع کوچ، مسافت بین ییلاق و قشلاق بسیار نزدیک و گاهی تا حدود یک روز راه تقلیل می‌یابد.

**الف ـ ترک‌ها: ۱ـ ایل یاریمطاقلو** Yarimtaplu: این ایل در سال ۱۳۶۶ دارای ۲۶۰ خانوار و

۱۷۰۰ نفر جمعیت بوده است. ییلاق این ایل استان همدان و قشلاق آن‌ها در استان‌های خوزستان و در لرستان است. از این ایل ۷۶ خانوار با جمعیتی برابر ۴۹۱ نفر قشلاق خود را در استان خوزستان در محدوده‌ی شهرستان‌های اندیمشک و دزفول می‌گذرانند.

در ایل تقسیمات تقریباً از میان رفته و خانوارهای کوچنده بر اساس مراتع ییلاقی و قشلاقی، به هر یک از طایفه‌های منسوب به خود، کوچ می‌کنند.

**۲ـ ایل قشقائی** Qasqai این ایل در سال ۱۳۶۶ دارای ۱۶۸۹۱ خانوار و ۱۱۲۴۳۰ نفر جمعیت بوده است که از نظر تعداد خانوار، بعد از ایل بختیاری، دومین ایل بزرگ کشور است. ییلاق این ایل از محدوده‌ی استان‌های فارس، اصفهان، چهار محال و بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد است. از این ایل ۱۰۰ خانوار با جمعیتی برابر ۷۲۵ نفر، قشلاق خود را در استان خوزستان در محدوده‌ی شهرستان‌های بهبهان و رامهرمز می‌گذرانند.

تقسیمات طایفه‌ای این ایل به شکل زیر است:

**ب) لُرها:** عشایر لر زبان، بیشترین تعداد جمعیت ایل‌های خوزستان را به خود اختصاص می‌دهد. چون استان خوزستان در جنوب لرستان قرار داشته و به علت کوهستانی بودن لرستان و جلگه‌ای بودن خوزستان، این منطقه از ویژگی های خاصی برخوردار است. پس از ذوب برف‌های کوهستان زاگرس در اوایل بهار، مراتع سرسبز و گسترده‌ای رشد می‌کنند که تعداد بسیاری از خانوارهای کوچ نشین، دام‌های خود را برای استفاده از علوفه‌ی تازه این مراتع، به این منطقه می‌آیند.

پس از بهره برداری از مراتع کوهستانی محدوده‌ی استان لرستان و فرا رسیدن فصل پائیز خانوارهای کوچ نشین برای بهره برداری از چراگاه‌های زمستانی و نیز بهره‌گیری از آب و هوای ملایم زمستان، به استان خوزستان کوچ می‌کنند.

اسامی ایل‌ها و طایفه‌های مستقل لر زبان که قشلاق خود را در استان خوزستان می‌گذرانند به ترتیب زیر است:

**ج) عرب‌ها:** کوچ نشینان عرب خوزستان، از ساکنان قدیمی این منطقه هستند. در حال حاضر، قبایل عرب کوچ نشین در مقایسه با سایر ایل‌ها و طایفه‌های خوزستان جمعیت اندکی را تشکیل می‌دهند. در سال ۱۳۶۶ جمعاً ۲۴۸ خانوار عشایر عرب، با جمعیتی برابر ۲۱۳۵ نفر سرشماری شده‌اند.

از قبایل مهم عرب خوزستان که در سال ۱۳۶۶ جمعیت عشایر کوچنده داشته‌اند، می‌توان از قبایل «بنی صالح»، «بنی طرف»، «بنی کعب» (جعب)، «چنانه» و «خصرج» را نام برد. بقیه‌ی جمعیت عشایری عرب خوزستان شامل خانوارهای کوچنده‌ای هستند که نظام قبیله‌ای چندان منسجمی ندارند.

کلیه‌ی خانوارهای کوچنده عرب زبان دشت خوزستان درون کوچ استانی هستند. در بین قبایل عرب زبان خوزستان قبیله‌ی خصرج، و بنی طرف نظام قبیله‌ای مستحکم‌تری نسبت به سایر قبایل دارند. در زیر تشکیلات قبیله‌ای این دو نشان داده می‌شود.

قبیله‌ی بنی طرف در شهرستان آزادگان ییلاق و قشلاق می‌کنند. کوچ آنان چرخشی است و در هر مورد که علوفه‌ی تازه در مراتع دشت وجود داشته باشد، جابجا می‌شوند. در تابستان‌ها، اراضی درو شده غلات را اجاره کرده و دام‌های خود را در آن جا تغذیه (پس چر) می‌کنند.

قبیله‌ی بنی کعب در محدوده‌ی شهرستان بندر ماهشهر در اراضی ساحلی در هور ماهشهر دام‌های خود را نگهداری می‌کنند. تعداد ۳۲ خانوار این قبیله در دوره‌ی ییلاقی در محدوده‌ی شهرستان بندر ماهشهر و ۲ خانوار در محدوده‌ی دشت آزادگان مستقر می‌شوند. در دوره‌ی قشلاقی کلیه‌ی ۳۴ خانوار این قبیله در محدوده‌ی شهرستان بندر ماهشهر در دهستان جراحی و حومه مستقر می‌شوند.

قبیله خصرج با دارا بودن ۶۲ خانوار کوچنده دومین قبیله‌ی کوچنده‌ی غرب خوزستان است. محدوده‌ی ییلاقی این قبیله در دهستان میان آب شهرستان اهواز و دهستان حومه‌ی شهرستان اهواز و دهستان حومه‌ی شهرستان دشت آزادگان است.

عشایری که از طریق دام (گاو و گاو میش) به حیات اجتماعی اقتصادی و سنتی خود ادامه می‌دهند. این عشایر عبارتند از:

**الف) عشیره‌ی بزرگ بنی کعب**: این عشیره که در منطقه شادگان (دورق ایران قدیم) ساکن هستند از شش عشیره‌ی کوچک به شرح زیر تشکیل یافته است:

- **آل بوغبیش**: که از تیره‌های زیر ترکیب یافته است:

**آل بویالا، آل بوشهباز، آل بوحاج علی، آل بومحمود، آل بوزیاد، آل بوصالح، ابو جلیل، بنی رشید - بیت خیطان - بیت آل بوشمال - زبید، بیت بنذیجان - رفیع - اتامند - سلیح، آل بوسلیط.**

۲- **حزبه**: تیره‌های مهم آن عبارتند از: **آل بوغونیم، آل بوحمودی، آل بوغنام، بلاعطه، عثمان، آل بوحمیدان، و آل بو حاوی.**

۳- **خنافره**: این طایفه از دو طایفه‌ی کوچک‌تر **جوامل و آلبوحمدی** تشکیل یافته که هر یک به تیره‌های چندی تقسیم شده‌اند.

۴- **عساکره**: این طایفه به دو شاخه‌ی اصلی **دریس و عساکره** تقسیم شده که هر یک دارای تیره‌های چندی هستند.

۵- **مقدم**: این طایفه نیز از دو طایفه‌ی کوچک‌تر تشکیل یافته که عبارتند از **مقدم خزعل و مقدم حنش**، که هر یک بر تیره‌های چندی تقسیم شده‌اند.

۶- **دوارجه**: کوچک‌ترین طایفه و از ۴ تیره تشکیل یافته است.

بنابراین هر عشیره از طایفه‌ها و تیره‌ها و حموله‌ها (بیت) در مفهوم خانوار تشکیل یافته است.

**ب) عشایر عرب اهواز**

۱- **طایفه‌ی باوی**: از عده‌ای تیره که برخی از آن‌ها از لحاظ نسب و نژاد ایرانی هستند که در اتحادیه باوی داخل شده و امروز عرب شناخته می‌شوند.

۲- **آل کثیر**: از طوایف مقتدر خوزستان که از اهواز تا غرب دزفول پراکنده‌اند.

۳- **سلامت**: از سه تیره تشکیل گردیده است.

۴- **آل خمیس**: این طایفه در نواحی رامهرمز و شادگان سکونت دارند و از چند تیره تشکیل شده‌اند.

۵- **منتقح**: از طوایفی که در قرن نوزده از خاک عثمانی (عراق فعلی) به داخل ایران مهاجرت نموده‌اند.

۶- **بنی طرف**: این طایفه در دشت میشان (امروز دشت آزادگان) و اطراف هویزه زندگی می‌کنند، و از تیره‌های چندی تشکیل یافته است.

۷- **شریفه**: این طایفه از هم پیمانان (حلیف) بنی کعب بوده است و از پنج تیره تشکیل شده است.

**ج) عشایر ساکن در بین دو رود کرخه و دز که به**

«میان آب» معروف است عبارتند از:
**۱ـ عبدالخان**: از عشیره‌ی بنی لام ساکن در العماره عراق بوده که در قرن نوزدهم به ایران مهاجرت کرده و از تیره‌های زیادی تشکیل یافته است.
**۲ـ مزرعه**: این طایفه از عشایر عرب است که پیش از اسلام در عصر ساسانی از حجاز به ایران آمده و در ناحیه‌ی بستان و هویزه پراکنده‌اند و به دو تیره بزرگ بیت حامد و آل موم نین تقسیم شده است.
**۳ـ خسرج**: از العماره بایران کوچ کرده در بین موسیان، میان آب و شوش ساکن شده‌اند، و از سه تیره تشکیل یافته است.
**۴ـ آل بورو ایه**: از عراق به ایران آمده در هویزه ساکن شدند از چهار تیره تشکیل یافته‌اند.
**۵ـ کعب**: آل کعب جد از بنی کعب هستند از چهار تیره عمده تشکیل شده به نام‌های: کعب منان ـ کعب الحابی ـ کعب کرم الله و کعب فرج الله.
**۶ـ سادات**: از سه تیره تشکیل شده است. سادات فواصل، سادات جعاله و سادات موسوی جزایری، که بیشترین علما و دانشمندان خوزستان از این طایفه هستند.
به طور کلی عشایر عرب زبان خوزستان تماماً اسکان یافته‌اند. کار اصلی آنان کشاورزی و پرورش دام (گاو و گاو میش) است.
در رأس هر یک از گروه‌ها (عشیره، تیره و حموله) شیخ قرار دارد و رئیس عشیره را «شیخ المشایخ» می‌گویند، سلسله نسب پدر تباری است و بر اصل شجره نسب استوار است که به آن اهمیت می‌دهند و هر فرد عضو عشیره، تیره و حموله (بیت) بر شجره‌ی نسب خود آگاهی کامل دارد.
**لرکی‌ها**: لِرکی‌ها: در بین ایلات ایران، ایلی به نام لرکی وجود داشته که گذشت زمان آن را به پراکندگی کشانده است. تاکنون در هیچ کتابی به تفصیل در خصوص لرکی‌ها یاد نشده است. فقط حدود چندین سال پیش آقای جهانگیر قائم مقامی در مجله‌ی یادگار مطلبی تحت عنوان عشایر خوزستان نوشته و یادآور شده: جای تعجب است که مؤلف فارسنامه‌ی ناصری کلیه‌ی ایلات و عشایر فارس و کهگیلویه را در کتاب خود به تفصیل ذکر نموده از لرکی‌ها حتی نامی نبرده است. «لُـرد کُرزن» در سال ۱۳۰۵ قمری به بختیاری رفته و فارس را نیز در همان سال دیده است از زبان یکی از سران قشقائی می‌نویسد پنج هزار خانواری که از فارس به بختیاری پیوسته‌اند همین لرکی‌ها هستند، اما بعضی‌ها می‌گویند که بختیاری هستند و چند طایفه از آن‌ها قهر کرده و به شیراز رفته و چند سالی در شیراز بوده و آن گاه برگشته مسکن اولیه لرکی‌ها بنا به آن چه سینه به سینه نقل شده سرزمینی واقع در قبله‌ی چهار محال و بختیاری در بین دو رودخانه به اسامی «ارمند» و «دوپهلان» است. این سرزمین در دامنه‌ی کوهی به نام «لِرک» قرار گرفته است.
معنی لرک (با لام مکسور) درخشیدن است. کوه لرک دارای سنگ هائی است که در برابر نور خورشید قرار گرفت نور منعکس می‌کند، یعنی می‌درخشد و به زبان لرکی‌ها هر چیزی که بدرخشد می‌گویند لرک، لرک ایکُنه (یعنی درخشش می‌کند) و یا: ایلرکه (می‌درخشد) و مردمی که در این سرزمین زندگی می‌کردند به همین نام (لرکی‌ها) نامیده می‌شدند که به مرور زمان به خاطر تلفظ عامیانه «لرکیا» گفته شده است.
لرکی‌ها به دو زبان سخن می‌گویند: ترکی و فارسی شکسته. در زبان فارسی شکسته آن‌ها لغاتی نظیر

صـــرافت (دقت)، انگشت (ذغـال افـروخته)، دشخوار (دشوار)، مرفا (فال بد)، تـردد (رفت و آمد)، مشتلق چی (کسی که روال مال دزدیه شده را نشان می‌دهد)، هریسه (حلیم)، سرسام (ناراحتی از شلوغی)، مَرغ (چمن)، کام (مراد)، انگار (مثل اینکه) ... و غیره در زبان محلی آنان زیـاد دیـده می‌شود.

اشعار شادی بخش ترانه‌ها و سوگواری آن‌هـا و صحبت محرمانه و خصوصیشان به زبان تـرکی است این ایل مدتی ییلاق و قشلاق مـی‌کردند. ییلاقشان سبزه کوه (دنباله کوه‌های بختیاری) و قشلاقشان سرزمینی به نام ابـوالفـارس نـزدیک بهبهان در خوزستان بوده که اخیراً شرکت نفت در ابوالفارس چاه نفت اطاعت از فرمان‌های رئیس مملکت و رئیس ایل را می‌توان از خصوصیات ویژه‌ی آن‌ها نام برد. زمانی که رضا شاه به «تخت قاپو» و اسکان دادن ایلات دستور داد. لرکی‌ها در سرزمین موروثی خود ابوالفارس تمرکز یافته و شروع به ساختن ابنیه و عمارت نمودند. کشت و زرع را نیز بر شغل دامپروری خود افزودند. در این هنگام از طرف دولت امر به جمع آوری اسلحه شد. لرکی‌ها هم که در خانه‌ی فقیرشان حداقل یک قبضه اسلحه نظیر تفنگ و یا (پیشتو) بود همه را تحویل دولت دادند.

طولی نکشید که هرج و مرج شهریور ۱۳۲۰ پیش آمد. ایل‌های بهمنی و علادینی هنوز مسلح بودند و اسلحه خود را به دولت تحویل نداده بودند، به مال و منال لرکی‌ها چشم دوخته بودند، از هرج و مرج استفاده نموده، یکشب این دو ایل متفقاً به سرزمین لرکی‌ها به طور ناگهانی حمله ور شدند و تمام سرزمین آنان را اشـغال کـردند و آنـان را از سرزمین خودشان بـیرون کـردند و از آن مـوقع لرکی‌ها در شهرها و دهات ایران پراکنده شده و برخی از آن‌ها کم کم در ادارات دولـتی و بـخش خصوصی و شـرکت نـفت هـفت هـزار خـانوار تخمین زده‌اند. تراکـم جـمعیت آن در شـهرهای اهواز، آبادان، رامهرمز، مسجد سلیمان، آغاجاری و هفتگل و حوالی شهرهای نامبرده می‌باشد و از آن موقع تاکنون برای بدست آوردن سرزمین‌های از دست رفته‌ی خود، مبارزه‌ی قـلمی را شـروع کردند. لرکی‌ها دارای تشکیلات ایـلی و آداب و رسوم، فرهنگ و فرم لباس مخصوص به خـود بوده و مردمانی مهمان نواز با ایمان و متواضع می‌باشند. در شجاعت و سوارکاری و تـیراندازی زبانزد همسایگان خود به شمار می‌روند. خوانین بختیاری به دوستی آنان علاقه خاصی نشان داده و با ایشان مواصلت و خویشی نموده‌انـد در بـین لرکی‌ها حکیمان قابل لایقی وجود داشته که حتی مرض استسقاء راکه امروزه تقریباً غیر قابل علاج تشخیص داده شده است معالجه کرده‌اند و یرقان را نیز به راحتی مداوا کرده‌اند.

**ورود عشایر عرب:** سابقه‌ی ورود عشایر عرب زبان به داخله‌ی خاک ایران (خوزستان) به قصد اقامت و قبول تابعیت ایران زودتر از قـرن نـهم هجری نبوده است، و از این زمان که عشایر عرب زبان شیعی در نواحی غربی خـوزستان اسـتقرار یافته و هم اکنون نیز اعقاب آنان با حفظ عصبیت قومی و نژادی در این خطه از سرزمین حاصلخیز ایران حضور دارند و وابستگی عشـیره‌ای و یـا معیشت دو گانه‌ی کشاورزی و پرورش ترجیح می‌دادند به سلطه‌ی شیوخ رضایت دهند. زیرا در صورت پناه بردن به مؤسسات دولتی، نمی‌توانستند از آزار قدرتمندان محلی در امان باشند.

علاوه بر شیوه‌های مذکور، شیوخ از شـیوه‌های

عام‌تری نیز برای تثبیت قدرت خویش در هر شرایطی سود می‌جستند که اختصاص به شرایط خاصی نداشت، از جمله:

**الف: ایجاد تفرقه و اختلاف بین نیروهای مخالف** شیخ، افراد مخالف درون طائفه را به جان هم می‌انداخت و بدین ترتیب اولاً آن‌ها را تضعیف می‌کرد و ثانیاً با پا درمیانی و وساطت، خود را به عنوان بزرگ طائفه مطرح کرده و ضرورت وجودی خویش را به دیگران یادآور می‌شد.

**ب: تنبیه رعایا** شیخ، برای حفظ آداب و سنن قومی، به ویژه جایگاه و منزل رهبری، با هر گونه تخلف و انحراف از هنجارهای قومی به شدت برخورد کرده و متخلف را تنبیه می‌کرد. او توسط افراد مسلح و خدمتگزارانش، کسانی را که اندکی آداب مربوط به رابطه‌ی رهبری و رعایا را نادیده می‌گرفتند، مورد اذیت و آزار قرار می‌داد.

**ج: عمده نمودن خطر اقوام غیر عرب منطقه** شیخ، همواره به رعایایش یاداور می‌شد که مواظب اقوام دیگر باشند و با آن‌ها ارتباط نداشته باشند. وی برای جلوگیری از نفوذ آن‌ها در منطقه، فروش زمین را به اقوام غیر عرب ممنوع کرده بود. بدین ترتیب سعی در حفظ انسجام قومی و وحدت رهبری داشت.

**ایلات عرب خوزستان: عرب** ایلات عرب از دیرباز و به ویژه از حمله‌ی اعراب تا دوران قاجاریه به ایران مهاجرت کرده حتی تا خراسان پیش رفته‌اند. بیشتر مهاجران اولیه باگذشت زمان در جمعیت‌های محلی مستحیل شده، امروزه تمیز آنان از همسایگانشان دشوار است. عشایر عرب خراسان، از جمله بهلولی در درخواف، بخوزی درباخرز (تایباد)، خزائی در گوشه‌ی خزائی، خاوری در قره‌زر و نادی در بیرجند و سربیشه، ابوبخش در مشرق سده سکونت دارند. اعراب جنوب بیرجند در محلی به نام عربخانه از نهبندان به سر می‌برند.

قبایل عرب خوزستان هویت خود را بیشتر حفظ کرده‌اند. این قبایل در منطقه‌ای میان اورند رود و خلیج فارس د رجنوب تا شوش در شمال خوزستان پراکنده‌اند. سرزمین آن‌ها در مغرب سرزمین بختیاری است و برخی از آن‌ها همراه بختیاری کوچ می‌کنند [Digard et karimi 1975].

از قبیله‌های مهم این استان یکی قبیله‌ی بنی کعب است که طوایف و عشیره‌های گوناگون آن - محیسن، ادریس، نصّار، آل بغبش، عساکره و غیره - از جزیره‌ی مینو (جزیره‌ی الخضر پیشینْ) و خرمشهر (محمره‌ی سابق) و شادگان (فلاحیه‌ی سابق) در دو سوی رودخانه‌ی کارون تا علی ابن‌الحسین و ادریسیه و فراتر از آن تا حوالی اهواز.

## ● تعداد خانوار ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان خوزستان.

جمع(۱۸۴۸۸).

۱- ایل ارکوازی (۳۶۹)، ۲- ایل بختیاری (۲۷۱۷۲)، ۳- ایل بویر احمد - سفلی (۳۸۸۳)، ۴- ایل بهمئی (۱۹۲۶)، ۵- ایل بیرانوند (۸۵۹) ۶- ایل پاپی (۸۲۳)، ۷- ایل ترک - یارم طاقلو (۳۴۹)، ۸- ایل ترکاشوند (۹۱۹)، ۹- ایل حسنوند (۸۸۸)، ۱۰- ایل دریکوند (۱۲۹۷)، ۱۱- ایل دلفان نورآباد(۱۱۹۶)، ۱۲- ایل ذلکی (۲۱۱۸)، ۱۳- ایل سگوند (۱۸۹)، ۱۴- ایل طیبی (۲۲۰۶)، ۱۵- ایل قشقائی (۱۷۴۴۹)، ۱۶- ایل میوند - ممیوند (۶۰۷۶)، ۱۷- طایفه‌ی مستقل ابن سکین (۰)، ۱۸- طایفه‌ی مستقل بغلانی (۳)، ۱۹- طایفه‌ی

مستقل بنی صالح (۸۳)، ۲۰ـ طایفه‌ی مستقل بنی طرف (۰)، ۲۱ـ طایفه‌ی مستقل بنی کعب (۵۲)، ۲۲ـ طایفه‌ی مستقل چنانه (۳۹)، ۲۳ـ طایفه‌ی مستقل حضرج (۶۸)، ۲۴ـ طایفه‌ی مستقل خفاجیه بدوی (۷)، ۲۵ـ طایفه‌ی مستقل دالوند (۱)، ۲۶ـ طایفه‌ی مستقل سادات اهوقلندر (۱۷۴)، ۲۷ـ طایفه‌ی مستقل سادات فداله عمران (۳)، ۲۸ـ طایفه‌ی مستقل صالحی (۳۲)، ۲۹ـ طایفه‌ی مستقل ظهیری (۱۱)، ۳۰ـ طایفه‌ی مستقل فرحانی (۱۸)، ۳۱ـ طایفه‌ی مستقل کائرحمت ـ مائرحمت (۶۱)، ۳۲ـ طایفه‌ی مستقل کولیوند (۰)، ۳۳ـ طایفه‌ی مستقل کولیوند ـ لرستان (۲۱۷)، ۳۴ـ طایفه‌ی مستقل مطوری (۰).

**● جمعیت ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان خوزستان.**

جمع (۴۵۳۷۵۲).

۱ـ ایل ارکوازی (۲۸۲۵)، ۲ـ ایل بختیاری (۱۸۱۵۰۵)، ۳ـ ایل بویر احمد ـ سفلی (۲۶۴۳۸)، ۴ـ ایل بهمئی (۱۳۷۸۴)، ۵ـ ایل بیرانوند (۶۱۶۶)، ۶ـ ایل پاپی (۵۹۱۴)، ۷ـ ایل ترک ـ یارم طاقلو (۲۲۸۲)، ۸ـ ایل ترکاشوند (۶۰۲۲)، ۹ـ ایل حسنوند (۶۲۳۴)، ۱۰ـ ایل دریکوند (۹۲۷۳)، ۱۱ـ ایل دلفان نورآباد (۸۶۰۳)، ۱۲ـ ایل ذلکی (۱۲۶۵۸)، ۱۳ـ ایل سگوند (۱۲۸۶)، ۱۴ـ ایل طیبی (۱۵۵۱)، ۱۵ـ ایل قشقائی (۱۱۰۹۷۵)، ۱۶ـ ایل میوند ـ ممیوند (۳۸۲۱۴)، ۱۷ـ طایفه‌ی مستقل ابن سکین (۰)، ۱۸ـ طایفه‌ی مستقل بغلانی (۳۰)، ۱۹ـ طایفه‌ی مستقل بنی صالح (۸۱۴)، ۲۰ـ طایفه‌ی مستقل بنی طرف (۰)، ۲۱ـ طایفه‌ی مستقل بنی کعب (۳۴۰)، ۲۲ـ طایفه‌ی مستقل چنانه (۳۵۱)، ۲۳ـ طایفه‌ی مستقل حضرج (۶۶۴)، ۲۴ـ طایفه‌ی مستقل خفاجیه بدوی (۷۸)، ۲۵ـ طایفه‌ی مستقل دالوند (۹)، ۲۶ـ طایفه‌ی مستقل سادات اهوقلندر (۱۱۹۷)، ۲۷ـ طایفه‌ی مستقل سادات فداله عمران (۱۴)، ۲۸ـ طایفه‌ی مستقل صالحی (۲۲۹)، ۲۹ـ طایفه‌ی مستقل ظهیری (۷۹)، ۳۰ـ طایفه‌ی مستقل فرحانی (۱۴۲)، ۳۱ـ طایفه‌ی مستقل کائرحمت ـ مائرحمت (۴۲۷)، ۳۲ـ طایفه‌ی مستقل کولیوند (۰)، ۳۳ـ طایفه‌ی مستقل کولیوند ـ لرستان (۱۶۴۸)، ۳۴ـ طایفه‌ی مستقل مطوری (۰).

**● خانوار و جمعیت شهرستان‌ها بر حسب ایل و طایفه‌ی مستقل و دوره‌ی استقرار در شهرستان**

استان خوزستان:: (۶۹۲۳) خانوار و (۴۳۸۹۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۵۹۸۳) خانوار و (۱۷۴۹۹۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان امیدیه: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۳) خانوار و (۲۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بهمئی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۵) خانوار و (۱۸۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ذلکی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳) خانوار و (۱۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل طیبی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵) خانوار و (۴۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان اندیمشک: (۱۰۴) خانوار و (۷۵۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۷۷۳) خانوار و (۱۸۹۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بیرانوند: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰۸) خانوار و (۱۴۲۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل پاپی: (۰)

خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۸۷) خانوار و (۲۶۶۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ترک ـ یارم طاقلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹۳) خانوار و (۶۳۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ترکاشوند: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۴۷) خانوار و (۳۲۰۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل حسنوند: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷۴) خانوار و (۴۸۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل دریکوند: (۱۰۴) خانوار و (۷۵۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۶۰) خانوار و (۴۰۱۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سگوند: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۸۷) خانوار و (۱۲۷۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل میوند ـ ممیوند: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۶۵) خانوار و (۴۱۳۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل دالوند: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱) خانوار و (۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل سادات اهو قلندر: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۵۶) خانوار و (۱۰۷۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل سادات فداله عمران: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳) خانوار و (۱۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کادرحمت ـ مائدرحمت: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱) خانوار و (۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان اهواز: (۱۸) خانوار و (۱۸۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۳) خانوار و (۱۰۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل بغلانی: (۳) خانوار و (۳۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل بنی صالح: (۳) خانوار و (۱۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶) خانوار و (۳۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل بنی کعب: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴) خانوار و (۳۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل چنانه: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳) خانوار و (۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حضرج: (۱۲) خانوار و (۱۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان ایذه: (۲۷۰۱) خانوار و (۱۷۶۲۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۲۷۲) خانوار و (۳۶۰۸۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۲۶۷۱) خانوار و (۱۷۴۲۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۲۲۸) خانوار و (۳۵۷۶۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بهمئی: (۳۰) خانوار و (۲۰۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸) خانوار و (۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل طیبی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۶) خانوار و (۲۸۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان باغ ملک: (۸۲۶) خانوار و (۵۳۵۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷۶۹) خانوار و (۴۹۵۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۲۶۷) خانوار و (۱۷۱۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۹۶) خانوار و (۱۹۱۵)

نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بهمئی: (۵۵۹) خانوار و (۳۶۴۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۷۳) خانوار و (۳۰۳۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. شهرستان بندر ماهشهر: (۴۸) خانوار و (۳۰۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۸) خانوار و (۳۰۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل بنی کعب: (۴۸) خانوار و (۳۰۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۸) خانوار و (۳۰۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان بهبهان: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۴۸) خانوار و (۱۰۲۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹) خانوار و (۶۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بویر احمد ـ سفلی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۵) خانوار و (۲۴۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بهمئی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۱) خانوار و (۳۶۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل طیبی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۶) خانوار و (۲۲۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قشقائی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۷) خانوار و (۱۱۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان دزفول: (۸۹۶) خانوار و (۵۱۴۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۴۸۰) خانوار و (۳۴۸۵۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۴۶۸) خانوار و (۲۹۰۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۸۷۵) خانوار و (۱۸۹۵۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل پاپی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵) خانوار و (۴۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ذلکی: (۴۲۷) خانوار و (۲۲۳۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۸۹) خانوار و (۲۲۳۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل میوند ـ ممیوند: (۱) خانوار و (۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰۱۱) خانوار و (۱۲۳۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان دشت آزادگان: (۱۳۷) خانوار و (۱۲۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲۶) خانوار و (۱۱۹۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل بنی صالح: (۸۰) خانوار و (۷۹۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷۷) خانوار و (۷۷۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل بنی کعب: (۴) خانوار و (۳۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل چنانه: (۷) خانوار و (۶۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴) خانوار و (۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حضرج: (۴۳) خانوار و (۳۷۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۲) خانوار و (۳۵۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل خفاجیه بدوی: (۳) خانوار و (۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳) خانوار و (۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. شهرستان رامهرمز: (۲۹) خانوار و (۱۹۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۸۵) خانوار و (۲۷۱۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۲۹) خانوار و (۱۹۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰۵) خانوار و (۱۴۷۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بهمئی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت

آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۴۳) خانوار و (۱۰۲۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قشقائی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۷) خانوار و (۲۱۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان شادگان: (۶۱) خانوار و (۴۵۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۴) خانوار و (۴۸۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل بغلانی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳) خانوار و (۳۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل صالحی: (۳۲) خانوار و (۲۲۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۲) خانوار و (۲۲۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل ظهیری: (۱۱) خانوار و (۷۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۱) خانوار و (۷۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل فرحانی: (۱۸) خانوار و (۱۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۸) خانوار و (۱۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان شوش: (۵۵) خانوار و (۵۲۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۴۷) خانوار و (۱۱۷۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ترک ـ یارم طاقلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷) خانوار و (۴۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ترکاشوند: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۵) خانوار و (۱۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ذلکی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۸) خانوار و (۲۱۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سگوند: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲) خانوار و (۱۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل میوند ـ ممیوند: (۶) خانوار و (۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶) خانوار و (۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل چنانه: (۳۲) خانوار و (۲۸۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۹) خانوار و (۱۷۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حضرج: (۱۳) خانوار و (۱۶۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۶) خانوار و (۳۱۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل خفاجیه بدوی: (۴) خانوار و (۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴) خانوار و (۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کولیوند ـ لرستان: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰) خانوار و (۱۶۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان شوشتر: (۲۹) خانوار و (۱۴۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۷۹) خانوار و (۴۵۹۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۲۹) خانوار و (۱۴۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۷۳) خانوار و (۳۸۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل میوند ـ ممیوند: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰۶) خانوار و (۷۵۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان مسجد سلیمان: (۲۰۱۹) خانوار و (۱۱۸۹۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰۰۴۶) خانوار و (۶۸۶۰۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۱۹۸۲) خانوار و (۱۱۶۵۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰۰۴۱) خانوار و (۶۸۵۵۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ذلکی: (۳۷) خانوار و (۲۳۶)

نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل اهوقلندر: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵) خانوار و (۴۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

## آداب و رسوم خوزستان

### آیین‌ها

**منش‌ها:** مردم خوزستان، آداب و رسوم کهن را، از دوران عیلامی، هخامنشی، اشکانی، ساسانی و ... را نگه داشته‌اند. آنان اصیل، در دوستی استوار، و در برابر دشواری‌ها شجاع و مقاوم اند.

خوزستانی‌ها باهوش، مهمان نواز، آزاد منش، بردبار و سخت کوشند. باورشان به روز جزا از همه‌ی مردم استوارتر و بر پایه‌ی درستی و پاکدلی است.

عرب زبانان خوزستان نیز مردمی با ایمان، مهمان دوست، درست کار، شجاع و پاک اندیش اند. به یکدیگر احترام می‌گذارند و همکاری نزدیکی دارند. به بزرگان و ریش سفیدان طایفه، احترام می‌گذارند، اگر کسی به آنان پناه ببرد، از او پشتیبانی می‌کنند، و به طور کلی ایمان، برادری، تعاون / همیاری و میهمان‌نوازی از ارزش‌های متعالی و پایدار اعراب خوزستان است. ـ ایرج افشار سیستانی

**جشن‌ها:** مردم خوزستان تمامی عیدهای ملی و مذهبی را جشن می‌گیرند. ساکنان شوشتر، دزفول و ... افزون بر عیدها، جمعه‌ی آخر ذیحجه را نیز جشن می‌گیرند. پوشاک نو می‌پوشند و به گردشگاه می‌روند، زیرا پس از آن، در ماه‌های محرم و صفر، عزادار هستند.

پانزدهم ماه شعبان را نیمه‌ی برات گویند و با آجیل و شیرینی در شب نشینی از مهمانان پذیرایی می‌کنند. در گذشته به رقص و پایکوبی می‌پرداختند و شب تا صبح، در فضای باز به سر می‌بردند و بر این باور بودند که امشب ستاره‌ی زهره به ستاره‌ی مشتری می‌رسد و کسی که به هم رسیدن ستاره‌ها را ببیند، هر نیتی بکند برآورده می‌شود.

عید نوروز را مفصل برگزار می‌کنند. از چند روز پیش، کلوچه ویژه‌ای از آرد، روغن، زیره و رازیانه درست می‌کنند. خانه تکانی کرده و پوشاک عید را تهیه می‌نمایند.

در روزهای عید نوروز به باغ‌ها و گردشگاه‌ها می‌روند. در خانه‌ها یا باغ‌ها، بر شاخه‌ی درختان تاب می‌بندند و تاب سواری می‌کنند. هنگام تاب سواری،
می‌گویند:

رفتم ری بون گُلِ کلونی دیدُم
اُمَم کنومِش اَباغبون ترسیدُم
گفتم ای باغبون مو مرد گل چین نیستُم
گفت رو روصبا بیو باغ اَزِت بخشیدُم

روز سیزده را، دو روز جشن می‌گیرند. روز سیزده با به شمار آوردن روز عید نوروز و روز سیزده بدون به شمار آوردن روز نوروز. اولی را سیزه‌ی عید و دومی را سیزه‌ی پس از عید گویند.

**ازدواج فارسی زبانان:** عروسی و ازدواج فارسی زبانان، در شهرها و روستاهای خوزستان مفصل برگزار می‌شود و اندک تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. در زیر به ازدواج و عروسی در دزفول اشاره می‌شود:

**دِلالی:** هنگامی که خانواده‌ی دختری را برای پسرشان در نظر می‌گیرند، یک روز، خانواده‌ی

پسر به همراه مادر پسر به خانه‌ی دختر می‌روند و موضوع را به میان می‌کشند و باز می‌گردند.

مادر دختر این خبر را به شوهرش می‌دهد. چند روز بعد پیرمرد محترمی از بستگان پسر برای دلالی به خانه‌ی دختر می‌رود. او پس از سخن گفتن درباره‌ی مسائل گوناگون، موضوع را در میان می‌گذارد.

**کدخدایی:** به دنبال موافقت پدر دختر، چند روز بعد، شماری از ریش سفیدان به همراه پسر، برای کدخدایی به خانه دختر می‌روند. پس از گفتگوی زیاد و مطرح کردن اصل موضوع، پدر دختر بنا به خواست ریش‌سفیدان، مقدار خرج روز شیروابروان را تعیین می‌کند.

شیربهای دختر، قرض و نقدش، هم با چک و چانه‌ی زیاد، تعیین می‌شود، مبلغ نقدی را در روز شیروابروان می‌پردازند و قرضش می‌ماند برای بعد. این گفتگو محرمانه است و تا روز شیروباروان دیگران از آن بی‌اطلاع می‌مانند.

دو روز بعد، پدر پسر خرج شیروابروان را تهیه می‌کند و به خانه‌ی پدر دختر می‌فرستد.

**شیروابروان و شیرینی اشکنون:** جشن شیروابروان و شیرینی اشکنون هر دو در یک روز و با حضور شماری از دعوت شدگان برگزار می‌شوند. وکیل خانواده‌ی عروس مقداری شیربها را بیش‌تر از پولی که توافق کرده بودند به وکیل خانوده‌ی داماد پیشنهاد می‌کند ولی با اعتراض وی روبه رو می‌شود.

پدر عروس، اندک اندک به احترام هر یک از بزرگان حاضر در مجلس، مبلغی از آن را می‌بخشد تا به مبلغ قراردادی خودشان برسد و موفقت حاصل شود. داماد دست پدر عروس را می‌بوسد و همه دست می‌زنندکه مبارک باشد. نقل و نبات و چای بین میهمانان تقسیم می‌شود.

**عروسی:** روز بعد، سر دفتر رسمی ازدواج حاضر می‌شود و از عروس و داماد و پدر عروس و داماد امضا می‌گیرد و عروسی آغاز می‌گردد. دو شب و دو روز جشن می‌گیرند و به رقص و پایکوبی می‌پردازند. داماد برای دوستان و بستگان خلعت می‌فرستد.

**حنابندون:** دومین شب عروسی را حنابندون می‌گویند. بانوان خانواده‌ی داماد، حنا درست می‌کنند و آن را در خانه‌ی عروس به کف دست و پای عروس می‌بندند. دختران دم بخت هم برای سفید بختی، از حنای عروس استفاده می‌کنند. در نیمه‌های همان شب، دوستان نزدیک داماد، دست و پای او را در رختخوابش حنا می‌بندند.

**در گرمابه و مبارک باد:** فردای شب حنابندان، رقص و پایکوبی شور و شادی به مجلس می‌بخشد. پس از خوردن ناهار، پوشاک عروس را درون سینی‌هایی بر سر دختران به همراه نوای ساز و دهل به خانه‌ی او می‌برندو هر یک از بانوان تکه‌ای از پوشاک عروس را تنش می‌کنند.

در همین روز توشمال‌ها داماد را بدرقه می‌کنند. داماد، پس از استحمام، به همراه چند نفر از دوستانش، پوشاک دامادی بر تن می‌نماید و باز می‌گردد. هنگام بازگشت داماد از گرمابه، جشن و سرور، تماشایی تر است.

**روگشون:** صبح روز بعد، بانوان به دیدن عروس می‌آیند و هر کس با دادن پیشکشی به عنوان روگشون / روگشا، موفق به دیدن روی عروس می‌شود.

**پاگُشون:** سه روز بعد، روز پاگشون / پاگشا است. عروس و داماد به خانه‌ی پدر عروس دعوت می‌شوند و پیشکشی می‌گیرند. از صبح فردای

پاگشون، عروس به کارهای خانه‌ی جدیدش می‌پردازد.

**ازدواج عرب زبانان**

**خواستگاری:** نخست بانوان خانواده‌ی پسر با خانواده‌ی دختر گفتگو می‌کنند، سپس موافقت خانواده‌ی دختر را به پدر و مادر پسر اعلام می‌دارند.

پدر پسر با شماری از بزرگان طایفه و یک نفر سید یا کدخدا به خواستگاری یا خُطبه می‌رود. خانواده‌ی دختر به آنان خوش آمد می‌گوید. پس از خوردن قهوه و چای، موضوع را مطرح و پس از گفتگویی خانواده‌ی دختر موافقت خود را اعلام می‌کند. مبلغ مهریه در همین جلسه تعیین می‌شود.

هرگاه از سوی خانواده‌ی دختر مهریه‌ی زیادی پیشنهاد شود، بزرگان خانواده‌ی پسر و همراهان مبلغی از آن کم می‌کنند و مبلغی از مهریه به پدر دختر می‌پردازند. سپس سوره‌ی فاتحه خوانده می‌شود و به یکدیگر تبریک می‌گویند.

پدر پسر و همراهانش از پدر دختر و بستگانش تشکر می‌کنند و زمان برگزاری جشن عروسی را تعیین می‌کنند.

**جهاز:** جهاز یا یهاز را خانواده‌ی پسر تهیه می‌کند. جهاز شامل پوشاک عروس و پارچه به عنوان پیشکش برای خانواده‌ی دختر است.

**جهیزیه:** وسایل خانوادگی ای متناسب با وضع مالی پدر دختر تهیه می‌شود و در شب زفاف، آن‌ها را همراه عروس به خانه‌ی شوهر می‌فرستند، جهیزیه یا قراض نامیده می‌شود، که شامل فرش، رختخواب کامل، ظرف، کمد و ... است. ـ ایرج افشار سیستانی

**خوراک**

**بنگو:** بنگو، از ماست، خیار، پونه، نمک و پیاز تهیه می‌شود. امروزه به آب دوغ خیار سرشناس است.

**آب جوشک:** اندکی نمک، فلفل، زردچوبه و روغن را در آب گرم می‌ریزند و پس از جوشاندن، نان را در آن ترید می‌کنند و می‌خورند.

**بشرک:** مقداری آرد به آب گرم می‌افزایند و همراه با فلفل، زردچوبه و نمک آن را می‌جوشانند و با قاشق چوبی به هم می‌زنند تا خوب پخته و مانند فرنی رقیق شود.

**آب پیازی:** پیاز را در روغن سرخ می‌کنند. آب، ادویه و نمک به آن می‌افزایند و ترید می‌کنند. گاه شیره‌ی خرما نیز به آن می‌افزایند که به آن آب پیازی چاشنی دار گویند.

**آب ترشی:** ترشی انار /ناردانه را در هاون سنگی می‌کوبند و همراه با ادویه، نمک و دو قاشق روغن در آب می‌جوشانند. سپس ترید می‌کنند و می‌خورند.

**سیرباقلا:** باقلا را با آب می‌پزند و سپس ناردانه را در هاون می‌کوبند و به آن پونه، فلفل، روغن و سیر کوبیده می‌افزایند و پس از ترید می‌خورند. اگر باقلا تنها باشد با فلفل درسته و نمک در آب می‌پزند و می‌خورند.

**توله:** توله، گیاهی خودرو است، که در فارسی پنیرک گویند. آن را خرد می‌کنند و با پوست نارنج، نمک، فلفل و سیر درسته در آب می‌پزند و می‌خورند. زیاد خوردن آب آن، سرگیجه می‌آورد.

**شیرحلاوی:** حلاوی گونه‌ای خرما است، که شهد بیش‌تری دارد. شیر را می‌جوشانند و پس از سرد شدن، خرمای حلاوی را از هسته جدا می‌کنند و در شیر می‌ریزند و خوب چنگ می‌زنند تا در شیر حل شود. سپس نان را در آن ترید می‌کنند و می‌خورند.

**دُرشته:** گندم را دست آس می‌کنند تا مانند خرده

برنج بشود. آب را می‌جوشانند و گندم خرد شده را در آن می‌ریزند و با کمی نمک و فلفل، همانند برنج دم پخت می‌پزند. پس از پخت، روغن افزوده و می‌خورند. گاه برای این که یبوست ایجاد نکند، تمرشکر با آن می‌خورند. برای تهیه‌ی تمرشکر، تمر هندی را در آب شکر چنگ می‌زنند تا حل شود. سپس همراه خوراک یا پس از آن می‌خورند.

**بورانی**: باقلای پوست کنده را با ادویه، نمک و لیمو عمانی می‌پزند. پس از پختن، یک یا دو قاشق روغن به آن می‌افزایند و روی نان‌های ترید می‌ریزند و می‌خورند.

**حَمیس توله**: توله را با کمی آب می‌پزند تا سفت و مانند سبزی خورش سرخ شود، سپس به آن نار دانه‌ی کوبیده و روغن را می‌فزایند و با ماست می‌خورند.

**قُلقُل**: قلقل، حلیم گندم است، که به آن حبوبات و زردچوبه و نمک می‌افزایند و با روغن داغ می‌کنند و با نان می‌خورند. در قلقل کمی گوشت نیز می‌افزایند.

**خوراک‌های دیگر**: خوراک‌های دیگر مردم خوزستان عبارتند از:

آش یا شوله‌ی ماست، آش ارده، آش قلمکار، آش رشته، آش شلغم، خورش سبزی، خورش فسنجان، خورش قلیه ماهی، عدس پلو باگوشت، باقلاپلو با گوشت، شوید پلو با گوشت، زرشک پلو با مرغ، آبگوشت و ....

**پوشاک**: پوشاک مردان و بانوان برخی از شهرها و روستاهای خوزستان، به ویژه دزفول، شوشتر، شوش، هفت تپه، اندیمشک و ... ساده است. روحانیان عمامه، قبای بلند، نعلین، پیراهن و زیر شلوار سفید می‌پوشند، بازرگانان و کسبه‌ی عمده فروش عرقچین آماده‌ی دست دوز یا دست چین بر سر می‌گذارند و دور آن را با دستمال زردرنگی می‌پیچانند. کت می‌پوشند و کفش چرمی دست دوز، که به آن قُندِرده می‌گویند به پا دارند. تنبان مقلم از کرباس راه راه است و پیراهن بدون یقه، چاک یقه در دو سوی راست یا چپ با دو نخ ابریشمی ظریف گره می‌خورد. بعضی‌ها گیوه‌ی آجیده‌ی رویه نخی و کتان با تخت چرمی به پا دارند. بقیه‌ی مردم و کسبه‌ی جزء، عرقچین به سر دارند و گیوه می‌پوشند و تنبان سیاه به پا می‌کنند. کارمندان بیش‌تر کلاه به سر دارند و کت و شلوار می‌پوشند.

جز پیر مردانی که پوشاک پیشین شوشتر و دزفول را می‌پوشند، امروز همه سربرهنه باکت و شلوار در فروشگاه‌ها به کسب و کار می‌پردازند و پوشاک امروزی مردم ایران را دارند. در گذشته پوشاک بیشتر مردم از کرباس و متقال رنگی بود و قبای بلند چاک دار می‌پوشیدند. بعضی شال به کمر می‌بستند. گیوه در محل تهیه می‌شد و رویه‌ی آن را بانوان و بعضی مردان در خانه می‌بافتند و به آن «ری وال» می‌گفتند. شماری هم در خانه‌ها، کفه‌ی یا تخت گیوه را درست می‌کردند.

پوشاک بانوان، عبارت بود از: دولاق، که چادری بود از پایین مانند جوراب و از بالا به شکل چادر که هر دو پا در آن قرار می‌گرفت، تنبان نظامی که دم پای آن تنگ و مانند شلوار کردی امروزی بود؛ روی آن یک تنبان چرخی، مانند دامن پرچین کوتاه می‌پوشیدند و بالاخره پیراهن کوتاهی که تا باسن چاک داشت و یقه‌ی بندی داشت.

بانوان، عرقچین رنگی دست دوز به سر می‌گذاشتند. موی خود را می‌بافتند و در دنباله‌ی

مو، تکه پارچه‌ای آویزان می‌کردند. دستمالی هم بر پیشانی می‌بستند، که در دور دوم روی پیشانی گره می‌خورد.

روسری رنگی مستطیل شکل به سر می‌کردند و دو سوی آن را به پشت گردن می‌انداختند و به آن کُفیه می‌گفتند. کفشی چرمی هم بـه نـام اُرسـی داشتند. بانوان جوان روبند داشتند، ولی امروزه شمار اندکی روبند می‌زنند.

پوشاک مردان عرب زبان خوزستان عبارتند از:

دشداشه، که تا روی انگشتان پاها آویزان است و پـوشاک راحت و جاداری است و چـفیه بـه رنگ‌های گوناگون دیده می‌شود. پوشاک مردان بیش‌تر سفید، کرم و قهوه‌ای است.

پوشاک بانوان عـرب عـبارتند از: بـانوان از حجابی کامل و شایسته و درخور ستایش استفاده می‌کنند. مقنعه با لبه‌های ریشه دار، و پیراهن بلند چین دار که حمایلی از پارچه‌ی نازک رنگی بر آن آویزان است. شلوارشان نیز معمولی است. رنگ پوشاک بانوان عرب، همانند لرها به سـن آنـان بستگی دارد. ـ ایرج افشار سیستانی

**جشن تولد و نامگذاری:** خانواده‌ای که دارای فرزند می‌شوند، یا نام نیاکان یا پدر و مـادر در گذشته‌ی خود را روی او می‌گذارند، یا اگـر زاد روز، مصادف با روز ملّی و مذهبی بـاشد، نام شخصیت آن روز را برای او انتخاب می‌کنند.

اگر کسی در روز عید متولد شود، نام آن عید را بر او می‌گذارند مانند نوروز، قربان و ....، اگر در ماه رجب یا شعبان و یا رمضان به دنیا بیاید، رجب یا شعبان و یا رمضان نامیده می‌شود.

اگر غیر از این‌ها باشد، نـزد روحـانی مـحل می‌روند و از قرآن استخاره می‌کنند و او برای نوزاد نام انتخاب می‌کند.

عرب زبانان خوزستان ۱۲ روز، که از تـولد نوزاد گذشت، با ریسمان دو دستش را می‌بندند. پس از چهل و دو روز، نوزاد را نزد شیخ طـایفه می‌برند. او ریسمان را باز می‌کند و پیشکشی به بچه می‌دهد. سپس نامگذاری نوزاد انجام می‌شود.

بچه اگر پسر باشد، نامش را پدربزرگ پدری انتخاب می‌کند. بـیش‌تر بـه مـنظور احـترام بـه گذشتگان، به نام یکی از نیاکانشان، نـامگذاری می‌کنند. اگر دختر باشد، نـام او را مـادربزرگش انتخاب می‌نماید. ـ ایرج افشار سیستانی

**ترانه‌های محلی و موسیقی سنتی:** ترانه‌های محلی مردم استان خوزستان، کـه بـیان جـایگاه اجتماعی، اندیشه و پندار ساده و بی پیرایه‌ی مردم شهرها و روستاهای منطقه است، با آهنگ دلنواز خوانده می‌شود و نزد مردم شهر نشین، به ویژه اهل هنر و ادب نیز، دلنشین است.

**بختیاری:** موسیقی و ترانه‌های بـختیاری پـیوند جاودانه و استواری با زندگی آنان، به ویژه عشایر یافته است. مـقام‌های مـوسیقی بـه نـام «بـیت» سرشناس می‌باشند، مانند گـله داری، بـرزگری، ابوالقاسم خان و شیر عـلی مـردون، مـرجـنگه، ملاروه، دی بلال، دی گلی بس، آرسیه و ....

ابزار موسیقی بختیاری‌ها ساده و محدود بوده و بیش‌تر کرنا، ساز، دهل و نـی شـیت / دوزله، کمانچه و ...است.

نوازندگان را تو شمال می‌گویند، که در به وجود آوردن آثار و ادبیات عامیانه‌ی این منطقه سـهم بزرگی دارند. توشمالان بیشتر عمر خود را صرف ساختن بیت‌ها، لطیفه‌ها، مثل‌ها و نواختن موسیقی می‌نمایند.

بوشهری: موسیقی بوشهری‌ها در اصل آوازی است و آن را می‌توان به دو گروه موسیقی پروفان / غیر مذهبی و مذهبی بخش کرد:
آوازهای غیر مذهبی «شروه» نام دارند. چکامه‌هایی که متن شروه و آوازهای رایج در بوشهر، آبادان، هندیجان و ... تشکیل می‌دهند، به دو شاعر سرشناس: زار محمد علی / فایز و سید بهمنیار / مفتون تعلق دارند.
آوازهای رایج بوشهری، عنوان‌های دیگری، مانند: دشتی محلی، حاجیانی، سربانی، لری، دشتستانی، بیدگانی را دارا هستند. برای این آوازها، خویشاوندی آن‌ها را با یکدیگر نشان می‌دهد.
آوازها یا متر آزاد دارند و یا متر مشخص. گروهی که متر آزاد دارند، بیش‌تر شوره نامیده می‌شوند. ملودی در این گروه از آوازها، در آغاز، نقطه‌ی اوجی را هدف قرار می‌دهد. این نقطه‌ی اوج نسبت به صدای خاتمه، بیش‌تر فاصله‌ی پنجم و گاهی اُکتاو را تشکیل می‌دهد. فاصله‌ی پنجم یا اُکتاو، به عنوان مسیر تحرک اصلی، مدام از صوت‌ها اشباع می‌گردد.
ملودی‌های رایج، آوازی هستند و قطعات سازی در اصل همان آوازهای متداول را تشکیل می‌دهند، که به ساز انتقال یافته و تغییر می‌یابند.
مهم‌ترین سازهای موسیقی غیر مذهبی بوشهری، عبارتند از: نی انبان و نی جفتی.
برای بوشهری‌ها، موسیقی مذهبی و به ویژه آوازهایی، که در ماه محرم، به ویژه در آبادان اجرا می‌گردند، اهمیت بیشتری نسبت به موسیقی غیر مذهبی دارند.
در اعلام مراسم عزاداری ماه محرم، که با اجرای دمام، بوق و سنج اعلام می‌شود، نقش دمّام دارای اهمیت است و ۵ و گاهی ۷ دمّام شرکت می‌کنند. یکی از این دمّام‌ها، عنوان دمّام اِشکون و دو دمّام دیگر، دمّام غنبر را داراست. نوازنده‌ی دمّام اشکون، رهبری همه‌ی دمّام‌ها را به عهده دارد. اشکون، یعنی شکستن و این خود بدان معناست، که ضرب‌های این دمّام هنگام نواختن آن، به گونه شکسته یا غیر متقارن ادامه می‌یابند.
دمّام نه تنها به منظور اعلام مراسم سینه زنی یا عزاداری ماه محرم، بلکه در مراسم سحری ماه رمضان، خسوف، انداختن کشتی به آب، اجرا می‌گردد.
لری: موسیقی لری نیز مانند دیگر موسیقی‌های محلی ایران، از توانمندی و گستردگی بسیاری برخوردار بود. اما آن چه در سال‌های اخیر به عنوان موسیقی لری معرفی شده، جز نمونه‌های اندکی، که در برگیرنده‌ی نسبی ویژگی‌های این موسیقی بوده است، تنها نزدیکی که با موسیقی لری دارد، این است که توسط خوانندگان و نوازندگان لر اجرا شده است. بیش‌تر این ساخته‌ها بازمانده‌ی دگرگونی‌هایی است، که در زندگی چوپانان سربلند کناره‌ی زاگرس صورت پذیرفته است. آوازها و نغمه‌های چوپانان که مهم‌ترین منبع موسیقی لری بود، یا از میان رفت و یا کم رنگ و بی هویت گردید.
ایستایی انجام شده در موسیقی لرستان، که اوج آن، هم زمان با سرکوب عشایر بود، آغاز تولد گونه‌ای موسیقی بزمی در لرستان شد، که تحت تأثیر موسیقی سنتی شهری و به ویژه دستگاه ماهور بود، که نبایستی هیچ گاه آن را با موسیقی مقامی مردم اشتباه گرفت. با این وجود، موسیقی جزء جدایی‌ناپذیر هستی لُران است.
موسیقی اصیل لُرها، موسیقی مقامی بوده است، که متأسفانه به جز چند نمونه‌ی پراکنده، اسناد

کافی در این زمنیه وجود ندارد. این موسیقی امروزه از نظر مضمون و نه فرم و ساختمان، میتواند موسیقی‌کار، آئین‌های سوگواری و شادی، عروسی، ختنه سوری، بازی و ... را دربرگیرد.

مهم‌ترین سازهای موسیقی لری عبارتند از:

سورنا، ساز چپی، دُهُل، تمبک، کمانچه، تنبور، بلور، دوزله، پیک.

بخش دیگری از موسیقی لُری، موسیقی رقص است. رقص‌های لُری هم با آواز و هم بی آواز اجرا می‌شوند و در فرهنگ لُری، نوازندگان موسیقی را «لوطی» می‌نامند.

**عرب زبانان:** موسیقی عرب زبانان خوزستان وامدارگونه‌های چکامه، همانند«ابوذیه»،«عتاب»، «دارمه» یا «بسته» و ... است. گروه‌های آواز خوان، که در محل به آنان «الخشابه» می‌گویند، با ابزار و سازهای موسیقی عربی کار می‌کنند. اکنون گروه‌های موسیقی، شکل علمی‌تر و منظم‌تری به خود گرفته‌اند، که به آن‌ها «الفرق الموسیقیه» گفته می‌شود. در سال‌های اخیر، استفاده از سازهای اروپایی نیز متداول شده است.

گونه‌ای موسیقی و آواز اندوهناک عربی محلی، وجود دارد، که به نام آفریده‌ی آن علوان ابوشهلا، «علوانیه» نامیده می‌شود و همانند آواز «امیری» مازندران است. در «عتاب» نیز گونه‌ای غم و اندوه احساس می‌گردد، اما «بسته» یا «ابوطگه» که هم به گونه‌ی فردی و بیش‌تر به گونه‌ی گروهی خوانده می‌شود، با شادی و گاه با پای کوبی همراه‌اند.

دوگونه چکامه «هوسه» و «چوبیه» نیز همواره با پایکوبی همراه‌اند. هوسه، گونه‌ای چکامه‌ی ربابی است که بیش‌تر درون مایه‌ی حماسی دارد و در عروسی و سوگواری، هر دو، خوانده می‌شود.

در فارسی به هوسه «یزله» می‌گویند. هنگام یزله کردن، گروهی دوریزله‌کننده گرد می‌آیند و پس از این که چکامه سرا یا یزله کننده هوسه‌اش را خواند، جمعیت، همراه پایکوبی، مصرع چهارم با یزله کننده همسرایی می‌کنند.

چوبیه نیز دارای چهار مصراع است، که واژه‌ی ردیف سه مصراع نخست، همسان نیست، بدین ترتیب که گروهی در جایی می‌نشینند و فردی با شمشیر حرکت‌هایی انجام می‌دهد و جمع تنها با همسرایی پاسخ می‌دهد.

آثار این گونه پایکوبی تنها در فلاحیه‌ی شادگان برجای است، اما گونه‌ای چوبیه در میان بنی‌طرف و دشت‌عباس و باختر خوزستان رواج دارد، که گروهی دست به دست هم می‌دهند و رقصی همانند «دبکه» لبنانی یا رقص کُردی انجام می‌دهند.

**رقص**

**بختیاری:** رقص در بین بختیاری‌های خوزستان، نشانی از هم بستگی، یگانگی و عاطفه است، که در هنگام برگزاری جشن و شادی‌ها اجرا می‌گردد. رقص رایج بختیاری در خوزستان، عبارتند از: دستمال، سه پا، مجسمه، جیران جیران، هی دته.

در مراسم عروسی، بانوان و مردان به گونه‌ی دسته جمعی می‌رقصند، اگر رقص فردی باشد، به منظور زور آزمایی است، مانند چوب بازی، که نشانگر توان و اعتماد است، آن هم همراه با موسیقی پرتحرک، که یادآور جنگ و ستیز است.

**بوشهری و بندری:** بیش‌تر ترانه‌ها و چکامه‌هایی، که ساخته و پرداخته‌ی خود بوشهری‌ها است، همراه با حرکت‌های زیبا اجرا می‌شود، که نشانگر چیرگی انسان بر طبیعت و کار است، بر همین اساس، بیشتر ترانه‌های شاد بندری همراه با

حرکت‌هایی است، که اجرای آن را دلنشین‌تر می‌سازد.

هنگامی که آهنگ چوبی چهار دستماله به وسیله‌ی نی انبان و دایره اجرا می‌شود، نوازندگان با حرکت‌های منظم پا، به شکل دایره وار حرکت می‌کنند و می‌چرخند و شماری رقصنده‌ی زن، در میان دایره با حرکت‌هایی ویژه به رقص سنگین‌تر می‌پردازند.

رقص بندری دارای آهنگی تند است. در هنگام اجرا، پاها را محکم به زمین می‌کوبند و شانه و سینه‌های خود را می‌لرزانند و یک یا دو نفر هم میدان دار هستند. در این هنگام که مردان یزله (گونه‌ای رقص) می‌کنند، بانوان هم با هلهله و تکان دادن دستمال‌های رنگین و کف زدن، مردان را همراهی می‌کنند.

**لُری**: رقص‌های لُری بخشی از موسیقی لُری را در بر می‌گیرد و هم با آواز و هم بی آواز اجرا می‌شوند. رقص سنتی لری به گونه‌ی گروهی اجرا می‌گردد.

لرها هنگام شادی، به ویژه در عروسی‌ها، رقص گروهی می‌کنند. چند تن از مردان، که چوبی در دست دارند، حرکت‌های جالب و هم آهنگ را با هم انجام می‌دهند و بانوان هم جداگانه با در دست داشتن دستمال‌های رنگین، دایره وار می‌رقصند.

**عربی**: رقص عربی، همان یزله است، که با پرچم، تیر، و تفنگ اجرا می‌شود. هنگام یزله کردن، گروهی دور یزله کننده گرد آمده و همراه پای کوبی، مصرع چهارم را با یزله کننده همسرایی می‌کنند.

آثار این گوه پایکوبی، در برخی نقاط خوزستان، به ویژه شادگان برجای است. گونه‌ای نیز رواج دارد، که گروهی دست به دست یکدیگر می‌دهند و رقصی همانند «دبکه» لبنانی و یا رقص کُردی انجام می‌دهند. - ایرج افشار سیستانی

**نمونه ورزش‌های محلی استان خوزستان**

۱ـ اشطیطی ۲ـ بدواشیخ ۳ـ خطط الحیله ۵ـ ظمت الغرایض، ۶ـ تک تک حجاره، ۷ـ رو ویح، ۸ـ طره و لاک، ۹ـ عمضه جیجو، ۱۰ـ چوب توپه، ۱۱ـ هفت سنگ، ۱۱۲ـ الک دولک، ۱۳ـ تینر خرابه، ۱۴ـ سک سک، ۱۵ـ یزله، ۱۶ـ دال پران، ۱۷ـ لنگ رو، ۱۸ـ قاوان.

**قاوان** ـ بازی جمعی است که بین دو تیم با نفرات مساوی برگزار می‌شود، این بازی از نمونه بازی هائی است که در بسیاری از استان‌ها با مشابهت بسیار و موارد تفاوت اندک تحت نام‌های دیگری رایج و متداول است.

**لنگ رو** ـ یکی از بازی‌های جمعی و پرتحرک و پرجنب و جوش استان خوزستان است. این بازی بین دو تیم با نفرات مساوی برگزار می‌شود و از سری بازی‌های محلی است که نیازی به وسیله ندارد.

**یزله** ـ «یزله» در واقع یک نوع مراسم حماسی نیایشی است که به صورت جمعی انجام می‌شود، این مراسم همراه با بیان دلاوری‌ها، رشادت‌ها و افتخارات رزمی است، همراه با پیام‌های مبارزه طلبانه مردمی است که از مرز و بوم و مقدسات خود تا پای جان دفاع و حراست می‌کنند، از تهاجمات دشمن نمی‌هراسند و بیمی به دل راه نمی‌دهند، این مراسم بیشتر در جریان کسب پیروزی‌های مبارزاتی بر ضد دشمن و مهاجم انجام می‌شود، یک نفر رهبر گروه، مراسم را رهبری و حماسه سرائی می‌کند و دیگران به او پاسخ مناسب می‌دهند و گفتارش را تأیید می‌کنند، ریتم حرکات، هماهنگی حرکات و نقرات و در

مجموع حرکات موزون از ویژگی‌های این مراسم است. مراسم در اصل با سلاح انجام می‌شد، افراد همه مسلح بوده و با لباس محلی ردیف‌های چپ و راست خشاب فشنگ می‌بستند، نفرات به دور سرپرست گروه جمع شده و شعارهای انقلابی می‌دهند و حرکات موزون را انجام می‌دهند.

## آثار تاریخی

### آتشکده ـ دره شامی یا شَمی ـ چهل کیلومتری ایذه ـ استان خوزستان

در ویرانه‌های شهرباستانی ایذه (مال امیر سابق) آثاری از دوره عیلام و ادوار بعد و عهد اشکانی و ساسانی کشف شده است، از جمله حجاری و کتیبه سنگی و نقوش برجسته‌ای است که در کوهستان و غار اشِگفت سلمان (مغاره سلمان، شاه سوار و قلعه کژدم) باقیمانده است، این ناحیه از مراکز مهم دوره عظمت عیلام بشمار می‌رود.
این سرزمین در روزگار باستان یکی از نواحی آباد و از مراکز تمدن قدیم بوده است، بطوری که از سنگ نبشته‌های کول فرح و شگفت سلمان معلوم می‌شود در روزگار قدرت عیلام اهمیت بسزایی داشته است، مرکز اَنزْان یا انشان قدیم در این ناحیه بوده است، همچنین در دوره سلوکی و ساسانیان شهر ایذه قدیم صاحب نام ونشان بوده است، تا اینکه در قرن نهم هجری قمری این منطقه متروک گردید.
در قلعه تَل شش تصویر دوره عیلامی بر روی سنگ نقر شده و باقیمانده است، در دره شَمی علاوه بر بقایای آتشکده، اشیاء زیر خاکی فراوانی از دوران اشکانی و ساسانی کشف نموده‌اند.
**معابد عیلامی (زریگورات‌ها)**: دشت خوزستان (سوزیانان) جلگه‌ای رسوبی می‌باشد. تل‌ها و تپه‌های تک افتاده در دشت نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. در فاصله‌ی سال‌های ۴۰-۱۹۳۰ میلادی تپهای نظر یک زمین شناس نیوزلندی به نام براون را در اثنای جستجوی نفت، جلب کرد و به فکر افتاد که آیا در درون این تل خاموش و اسرارآمیز بقایای تمدنی عظیم نهفته است؟ هنگامی که آجری با خطوط میخی در آن جا یافت یقین پیدا کرد که در آن جا اسراری نهفته است. او آجر را به هیئت باستان شناسان فرانسوی به سرپرستی دمورگان در شوش سپرد و یک سال بعد هیئتی به سرپرستی رولاند دو مکنم در آن جا گمانه زنی کردند. با یافتن آجرهایی به خط میخی عیلامی، معبد عظیم چغازنبیل که اونتاش گال پنجمین پادشاه از سلسله‌ی انشان، در شهر عیلامی دورانتاش (شهر اونتاش) در اواسط قرن سیزدهم ق.م ساخته شده بود، کشف شد. پس از جنگ جهانی دوم از سال ۱۹۵۱ میلادی الی ۱۹۶۲، رومن گریشمن به سرپرستی هیئت فرانسوی شوش منصوب شد. با شروع کاوش‌های باستان‌شناسی در چغازنبیل، تدریجاً شهر اونتاش گال با معابد و کاخ‌ها و مقابر و خیابان‌های آجر فرش تأسیسات پیشرفته‌ی آبرسانی و آبیاری و زیگورات عظیم خود آشکار گردید.
شهری که که در چغازنبیل کشف شد، ۱۱۷ هکتار وسعت دارد و دارای سه حصار تو در تو و هم کانون از جنس خشت است که زیگورات با چند معبد کوچک‌تر در درون اولین حصار آن قرار دارد. حصار دوم به ابعاد ۳۰۰ متر × ۴۰۰ متر هفت معبد را در محله‌ای موسوم به تمنوس یا در محله‌ی مقدس حفظ می‌نماید. حصار دفاعی و خارجی شهر که اولین حصار است به ابعاد

۸۰۰×۱۲۰۰ متر و دارای دروازه‌ی اصلی و چند کاخ مقبره‌ی زیر زمینی و معبد نوسکو (خدای آتش که مظهر آن چراغی به شکل سم اسب است) می‌باشد که موسوم به محله‌ی شاهی است. از کشفیات مهم و قابل توجه در مجموعه‌ی تاریخی چغازنبیل، کشف شبکه‌ی آبرسانی، و حوضچه‌های تصفیه‌ی آب با تفکیک محاسباتی در شمال غربی معبد می‌باشد. در کنار آجر و آجرهای لعابدار، سنگ، سفال، خشت و نوشته‌های خط میخی از آثار ارزشمند معبد است.

عناصر هنری معماری مانند طاق‌ها و نقوش برجسته و مجسمه‌ها و غیره نیز قابل توجه است. برای زیگورات دو دوره‌ی ساختمانی در نظر گرفته شده است: دوره‌ی اول بنا به صورت یک چهار ضلعی که دارای یک حیاط مرکزی بوده و در چهار ضلع آن چهار در برای ورود به حیاط وجود داشته است. در این دوره، معبد فقط به اینشوشیناک، خدای نگهدارنده‌ی شهر شوش که به صورت گاو نر مجسم می‌شده است، تقدیم شده بود. در دوره‌ی دوم، برخی از اتاق‌های دور حیاط مرکزی با مصالح ساختمانی پر شده و پی ریزی طبقات جدید در حیاط شروع می‌شود. در این دوره علاوه بر اینشوشیناک، خدای «گال» نیز ک رب النوع بزرگ بوده در این معبد مورد ستایش قرار می‌گیرد. بررسی چاه‌ها و دهلیزها نشان داده است که ساختمان زیگورات چغازنبیل برخلاف انواع مشابه همچون زیگورات «اور» نمی‌باشد که چند طبقه بر روی هم با یک پی واحد ساخته شده بود.

تمامی طبقات این زیگورات با شالوده و پی مستقل و از یک سطح آغاز شده‌اند. البته فقط طبقات دوم و سوم و چهارم دارای پی واحدی هستند. طبقه‌ی آخر، علی رغم کوچکی دارای بلندترین ارتفاع بوده است. ارتفاع فعلی معبد حدود ۲۵ متر و ارتفاع کل بنا کمی بیشتر از ۵۰ متر (حدود ۵۳ متر) بوده است. تمامی طبقات با خشت ساخته شده که با روکش آجری به ضخامت ۲ متر محافظت می‌شود. این آجرها به لایه‌های روئین خشتی دوخت و دوز شده‌اند. در نمای زیگورات جلوآمدگی و پس رفتگی‌هایی با اندازه‌های متفاوت وجود دارد. بین هر ده رج آجر یک رج آجر کتیبه دار به خط عیلامی بوده است که متن همه‌ی آجرها یک مضمون بوده است. تعداد ناودان‌های زیگورات «اور» در مجموع ۱۵ ناودان بوده ولیکن زیگورات چغازنبیل ۴۴ ناودان است. بدین ترتیب از زیگورات‌های هم دوره و مشابه خود پیشرفته‌تر و کامل‌تر است. میترا آزاد ـ دکتر مجتبی انصار ـ بنیاد ایران‌شناسی

**معبد نوشی جان:** در مجموعه‌ی آثار معماری دوره‌ی مادی قرار دارد. مجموعه‌ی این بناها شامل نیایشگاه سرپوشیده، تالار آپادانا، معبد چلیپا یا نیایشگاه مرکزی و دژ و انبار می‌باشد. در طی حفاری، سه دوره‌ی مادی و هخامنشی و پارت یدر آن به دست آمده است.

معبد اصلی، بنائی به صورت چلیپا می‌باشد که با خشت خام ساخته شده است. چلیپا به دو بخش تقسیم شده است که با درگاهی به ابعاد ۹۰ سانتی متر به یکدیگر مرتبط می‌شود. در زاویه‌ی شمالی سرسرا و در داخل بنای اصلی، پایه‌ی آتشدان و محراب معبد به نحو چشم‌گیری ساخته شده است که بر آن مقداری خاکستر از بقایای نگهداری آتش به دست آمده است.

آتشدان از سه قسمت متمایز ساخته شده است. درون معبد طاقچه‌هایی قرار دارد، تعداد

حفره‌های صلیبی شکل که احتمالاً جنبه‌ی تزئینی داشته است و هم برای گذاشتن اشیاء و نذرها بوده است، دیده می‌شود.

**مسجد جمعه ـ شوشتر ـ استان خوزستان**

مسجد جمعه یا جامع شوشتر از ابنیه اوائل دوره اسلام است. در این بنا مناره و ستون‌های سنگی و کتیبه‌های متعدد مشاهده می‌شود، چند تاریخ در این جامع باقیمانده است.

از مطالعه در طرح ساختمانی و سبک معماری و تزیینات گچبری وکتیبه کوفی بالای محراب و اطراف آن چنین معلوم می‌شود، که بنای این مسجد متعلق به قرن سوم هجری قمری است، برخی بانی آن را المعتزبالله خلیفه عباسی می‌دانند، همچنین بر طبق کتیبه و الواح موجود در مسجد که دارای تاریخ سال ۴۴۵، ۶۸۳، ۹۳۳، ۱۱۷۵، ۱۲۱۳ هجری قمری است، معلوم می‌شود که این مسجد جامع شوشتر درقرون بعد بکرات تعمیر و مرمت شده است.

مسجد در طرف شمال دارای دوازده ردیف ستون، و در سمت جنوب هشت ستون دارد، که بلندی هر کدام از ستونها در حدود پنج متر است، از مشاهده قوس طاقها و ایوان رفیع و شبستان آن که به شیوه معماری دوره ساسانی ساخته شده، قدمت بنا و تعلق آن به اوایل اسلام تا حدی روشن می‌باشد، با اینکه جامع شوشتر به دفعات تعمیر شده است، لیکن آثار قدمت بنا در مجموعه ساختمانی آن آشکار است.

**آتشگاه شوش:** در دشت شوش، نزدیک شهر قدیمی شوش که مربوط به دوران حکومت هخامنشیان می‌باشد. این آتشگاه نسبت به دیگر نمونه‌ها حالت خصوصی‌تری داشت است و احتمالاً به مناسبت جنبه‌های سیاسی و مذهبی محل استقرار موبدان بوده و مراسم عمومی در آن برگزار نمی‌شده است. به همین دلیل نیز این آتشگاه از حالت تک بنا خارج گردیده و مجموعه‌ای کوچک به شمار می‌رفته است.

«آتشگاه شوش بنائی است زیبا که ترکیب آن با صراحتی تحسین‌انگیز به وضوح محل اصلی موبد موبدان را ـ که حصاری مضاعف آن را از چشم هر ناپاکی دور نگه داشته می‌داشت ـ نشان می‌دهد، آتشگاهی که در مرکز آن آتش جاوید فروزان بود. شبستان‌ها و تالارهایی که در اطراف صحنی مربع شکل قرار داشتند، به عنوان انبارهای گوناگونی برای هیزم، آب، روغن و عطرها و همچنین مکان هائی برای اقامت موبدان به‌کار می‌رفتند. جلوخان و ایوانی نیز به اتاق نگهداری آتش منتهی می‌شد که احتمالاً محل دعا و نیایش بوده است. مجریان مراسم، صفه و پلکان را اشغال می‌کردند؛ زیرا احتمالاً مراسم می‌بایستی در هوای آزاد اجرا شود و حاضران در محوطه‌ی حیاط می‌ایستادند. چنانکه دیده می‌شود ورودی اصلی ساختمان خود به دو بخش تقسیم یم شود که آن‌ها هم خود پس از گذر از راهروها وارد تالارهایی می‌شوند که از آن پس به محوطه‌ی باز ساختمان می‌رسیم که حیاطی است مربع به ضلع ۱۹ متر که خود نشان دهنده‌ی محرومیت و سلسله مراتب مختلف در دستیابی به فضای حیاط، ایوان و با راهروهای اطراف می‌باشد. گذر از مراحل مختلفی که برای دستیابی به آتشگاه ترتیب داده شده‌اند، شروع می‌شود و این مسیر پیچیده و مراتب مختلف برای دسترسی به آتشگاه بر ارزش فضا و آتش درون آن و نیز خصوصی بودن فضا دلالت داشته است.»

مهندس میترا آزاد ـ دکتر مجتبی انصاری ـ بنیاد ایران‌شناسی

## سنگ‌نبشته‌ها و سنگ‌نگاره‌ها

**کول فره:** سنگ نبشته‌ی میخی عیلامی همراه با نگارکندهایی (نقش برجسته‌ها) قرار دارد. دسته‌ی سه نفره‌ی نوازندگان، بز در حال قربانی شدن، سه قوچ وحشی قربانی شده، آتشدان، دو نفر که کله‌ی بز را گرفته‌اند تا قربانی کنند، یکی از پادشاهان عیلامی که پشت سرش سربازی ایستاده، و پائین‌تر از سرباز، گویا تصاویر شاهزاده است.

**اشکفت سلمان:** اشکفت سلمان / سلیمان، در ۳ کیلومتری جنوب باختری شهر ایذه در آخر دره‌ای قرار دارد و در آن ۴ نگار کندِ صحنه‌ی نیایش عیلامی وجود دارد، که پس از مجلس‌های مذهبی بارعام خدایان و قربانی برای خدایان، سومین مجلسی است که درمیان نگارکندهای عیلامی دیده می‌شود.

نگار کند سوی راست، آئین نیایش «هانی» پادشاه محلی آیا پیر / ایذه، همراه وزیرش «شوترورو» و خانواده‌اش است.

در دومین نگارکند، هانی همراه همسر و فرزندش در یک مجلس نیایش، به طور خصوصی شرکت کرده‌اند. احترام و نیایشی که «هوهین» همسر هانی، در این نگارکند دارد، همانند حالتی است که ناپیریشا،

همسر اونتاش گال، پادشاه عیلام میانه، از خاندان ایک هالگی، در مجسمه‌ی برنزی به دست آمده از شوش، باشکوه بسیار جلوه گر ساخته است.

در سومین نگارکند، هانی به تنهایی آئین مذهبی را به جای می‌آورد و چهارمین نگارکند، صحنه‌ی هانی یا یک شخصیت مهم دیگر عیلام، به گونه‌ی خصوصی نمایان شده است.

**خونگ اژدر:** نگارکند خونگ اژدر، در ۱۵ کیلومتری شمال شهر ایذه، در خاور خونگ اژدر، در قطعه سنگ بزرگی قرار دارد و مهرداد اول یا دوم اشکانی را نشان می‌دهد که بر اسبی سوار است و کبوتری حلقه‌ی قدرت را همراه نامه‌ای به او تقدیم می‌دارد و افرادی گویا از روم، به حضورش بار یافته‌اند.

**کول فره:** کول فره / کول فرعون، در حدود ۷ کیلومتری شمال خاوری دشت ایذه، در دره‌ای قرار دارد. در درونگاه کول فره، ۶ نگارکند عیلامی وجود دارد، که ۴ نقش آن، با موضوع قربانی برای خدایان بستگی دارد و دو نقش از آئین‌های مذهبی و غیر مذهبی دیگری است.

در نخستین نگارکند، در صحنه‌ی اصلی، هانی، پادشاه آیا پیر، در حال ارایه‌ی پیشکش‌های مذهبی، نشان داده شده است.

دومین نگارکند، همراه قربانی کردن حیوانات بر یک تخته سنگ بزرگ مثلثی شکل، کنده شده، و نقش بزرگ، گمان می‌رود شاه هانی یا یک شخصیت درباری را به نمایش می‌گذارد.

سومین نگار کند، حمل یک مجسمه بر دوش چهار نفر عیلامی است و شاه عیلامی با شمار زیادی شرکت کننده در ۳ یا ۴ ستونِ گوناگون، همراه نوازندگان، در این آئین حضور دارند.

چهارمین نگارکند، از چند ردیف تشکیل یافته است. در بالاترین ردیف، شخصیتی، که گمان می‌رود پادشاه است ردای بلندی بر تن دارد و در برابر یک میز پیشکش‌ها، بر تخت نشسته است.

در پنجمین نگارکند، یک عیلامی دیده می‌شود، که در حال نیایش می‌باشد و آتشدانی در جلوی او قرار دارد.

شمشین نگارکند، که بر روی سنگی جداگانه کنده شده، صحنه‌ی دیگری از حمل مجسمه است. در این جا، صحنه‌ای همانند صحنه‌ی

نگارکند شماره‌ی ۳، تکرار شده است. بدین ترتیب که مجسمه‌ای بزرگ، که شاید رب النوع یا پادشاه باشد، بر روی تختی روان قرار دارد، که به سوی معبد یا مکانی دیگر، حمل می‌شود. ـ ایرج افشار سیستانی

**اقتصاد:**

**برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی خوزستان**

غلات هکتار/ تن (گندم ۶۰۰۳۶۳، ۱۴۸۸۴۴۴- جو ۱۰۵۷۱۳، ۱۰۲۵۱۵- شلتوک (دانه‌بلند ۲۲۰۱۴، ۹۰۷۷۹- دانه‌کوتاه ۳۱۰۵۶، ۱۰۵۷۰۴)- ذرت دانه‌ای ۶۵۸۵۷، ۴۳۶۲۹۸)

حبوبات هکتار/ تن (نخود ۳، ۲- لوبیا ۱۰۶۰۰، ۱۸۵۳۳- عدس ۶۰۴، ۴۶۱)

محصولات صنعتی هکتار/ تن (چغندرقند ۲۴۳۸، ۱۳۲۷۳۹- نیشکر ۶۳۳۸۵، ۵۵۳۰۳۶۵- کلزا ۳۵۴۸، ۳۷۶۸)

سبزیجات هکتار/ تن (سیب‌زمینی ۴۹۷۵، ۱۰۴۸۰۱- پیاز ۲۸۱۱، ۹۴۳۱۸- گوجه‌فرنگی ۱۰۸۳۷، ۳۴۸۴۴۴)

محصولات جالیزی هکتار/ تن (خربزه ۶۵۴۵، ۱۵۴۲۸۶- هندوانه ۲۲۰۶۹، ۶۸۴۷۰۴- خیار ۷۸۶۱، ۱۵۹۵۱۵)

نباتات علوفه‌ای هکتار/ تن (یونجه ۲۸۴۴، ۲۹۳۱۵- شبدر ۱۷۷۹، ۴۶۳۸۲)

**محصولات:** میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی، به. میوه‌های هسته دار: آلو، هلو، زردآلو و قیسی. میوه‌های دانه ریز: انگور (بیدانه کشمشی، عسگری، پیکاتی، شاهرودی، یاقوتی)، توت درختی، توت فرنگی. میوه‌های خشک: بادام، گردو. میوه‌های نیمه گرمسیری: خرما (استعمران، کبکاب، دیری، برحی)، انجیر، پرتقال، نارنگی، لیموترش، لیموشیرین، گریپ فروت، نارنج، انار، زیتون. میوه‌های گرمسیری: موز، کنار، گلستان، غیرمثمر.

**توزیع اراضی زیر کشت و نسبت آن به تفکیک استان** ۱۶/۹۳ درصد رتبه ۱۳ - **مقدار تولید** غلات ۲۲۲۳۷۴۱ تن رتبه ۲ - **مقدار تولید** حبوبات ۳۹۲۸۵ تن رتبه ۸ - مقدار تولید محصولات صنعتی ۵۶۷۷۷۵۶ تن رتبه اول - مقدار تولید سبزیجات ۱۲۰۸۷۲۹ تن رتبه ۲ - مقدار تولید محصولات جالیزی ۱۰۵۰۴۲۳ رتبه سوم - مقدار تولید علوفه ۲۶۵۰۸۳ تن رتبه ۱۶ - مقدار تولید محصولات باغی ۲۱۸۵۲۶ تن رتبه ۱۷ - تولید خرما ۱۴۵۰۷۱ تن رتبه ۴ - تولید مرکبات ۵۴۶۴۹ تن رتبه ۷

**وضعیت تولید گل و گیاهان زینتی:** ۶۵۱۶۸۳۰۰ شاخه گل ۶۰۰۰ گلدان ۵۶۱۶۲۲۰ اصله ۴۰۰۰۰ بوته - تولید عسل ۲۴۱۳۸۶ کیلو. جمع کل سطوح منابع طبیعی ۴۰۱۹۰۹۷ هکتار.

**صنایع:** محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۹۱۰ واحد)، ساخت منسوجات (۳۱ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۶۲ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۵۵ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۳۵ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۲۵۲ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۳۶۸ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۴۷ واحد)، ساخت ماشین آلات و تجهیزات (۳۷۴ واحد)، بازیافت (۸ واحد).

**صنایع دستی:** فرش بافی، گلیم بافی، عبابافی، حصیر بافی، گیوه دوزی، شله و روسری دوزی، کپربافی، نمابافی، خورجین بافی، خراطی، گبه بافی، چادر شب بافی، ورشو سازی و چوقابافی از سوغاتی‌های و صنایع دستی مهم استان به شمار می‌روند. ـ سازمان نقشه برداری کشور

## فرهنگی ـ دانشگاهی

**دانشگاه شهید چمران اهواز:** این دانشکده در ۱۳۳۴ با تأسیس دانشکده کشاورزی ملاثانی ایجاد گردید. در ۱۳۳۶ به دانشکده جندی شاپورو از ۱۳۴۸ به دانشگاه تبدیل شد و از ۱۳۶۱ به دانشگاه شهید چمران (اهواز) تغییر نام داد. دانشکده کشاورزی آن به عنوان بهترین دانشکده کشاورزی خاور میانه شناخته می‌شد (۱۳۴۸).

دانشکده‌های آن عبارتند از: دانشکده ادبیات و علوم انسانی (باگروههای آموزش تاریخ، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، زبان انگلیسی، زبان فرانسه، زبان و ادبیات فارسی)، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی (با گروههای آموزشی روان‌شناسی علوم تربیتی و کتابداری)، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، علوم اقتصادی و مدیریت)، دانشکده علوم (با گروههای آموزشی فیزیک، شیمی، زیست شناسی، زمین‌شناسی، آمار، ریاضی و کامپیوتر)، دانشکده دام پزشکی (با گروههای آموزشی بهداشت و کنترل مواد غذایی، پاتوبیولوژی تغذیه و اصلاح نژاد دام، علوم پایه پزشکی و علوم درمانگاهی)، دانشکده تربیت بدنی (با گروههای آموزشی روان‌شناسی ورزش، فیزیولوژی پزشکی، مدیریت و برنامه ریزی ورزشی)، دانشکده ادبیات و معادرف اسلامی (با گروههای آموزشی الهیات و معارف اسلامی، و زبان و ادبیات عرب )

مرکز آموزش عالی علوم دریایی (با سه گروه آموزشی)، مرکز آموزش عالی تربیت دبیر شوشتر (با دوگروه آموزشی)، آموزشکده فنی (باسه گروه آموزشی)، مجتمع عالی آموزشی و پژوهشی کشاورزی رامین (با هشت گروه آموزشی) نیز وابسته به این دانشگاه‌اند.

پژوهشکده کشاورزی رامین (با گروههای پژوهشی علوم زراعی، علوم دامی، صنایع غذایی) از مراکز تحقیقاتی این دانشگاه است.

**دانشگاه صنعت نفت:** دانشگاه صنعت نفت با نام آموزشگاه فنی آبادان در ۱۳۱۸ با دوره‌های متوسطه و عالی در آبادان ایجاد شد و در ۱۳۱۹ در دو رشته مهندسی نفت (پالایش) و حسابداری بازرگانی دانشجو پذیرفت . در ۱۳۲۵ رشته‌های مهندسی برق و مکانیک هم به آن اضافه شد و در سال ۱۳۴۲ به دانشکده نفت تغییر نام یافت . در ۱۳۶۸ با ادغام چند واحد آموزشی تحت پوشش وزارت نفت ، به دانشگاه نفت تبدیل شد . این دانشگاه دارای پنج واحد آموزشی (سه دانشکده و یک مجتمع و یک آموزشکده) است . در مقاطع تحصیلی کاردانی ، کارشناسی ، کارشناسی ارشد دانشجو می‌پذیرد .

دانشکده‌های آن عبارتند از: دانشکده مهندسی نفت اهواز (باگروههای آموزشی مهندسی نفت ، مهندسی مکانیک ،مهندسی برق، مهندسی شیمی ، و پتروشیمی، گروه زبان و علوم) ، دانشکده مهندسی شیمی و پتروشیمی شهید تندگویان (با گروههای آموزشی علوم پایه ، زبان ، مهندسی شیمی ، مهندسی ایمنی و بازرسی فنی) ، دانشکده حسابداری و علوم مالی (با گروههای آموزشی علوم پایه ، حسابداری ، مدیریت و اکتشافات نفت)، آموزشکده فنی اصفهان (با گروههای آموزشی پالایش، پتروشیمی، علوم پایه) ،مجتمع فنی و مهندسی و علوم دریایی (با گروههای آموزشی برق ، مکانیک، علوم پایه، کامپوتر، فنی کشتی، فرماندهی کشتی)

مرکز تحقیقات مهندسی نفت اهواز (با گروههای پژوهشی مهندسی نفت، مهندسی شیمی و کنترل

فرایند)

**دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اهواز:** دانشگاه علوم پزشکی اهواز با قدمتی ۱۷۰۰ ساله یکی از قدیمی‌ترین دانشگاه‌های جهان به شمار می‌رود. در دوره‌ی معاصر و قبل از تشکیل دانشگاه‌های علوم پزشکی، دانشکده‌ی پزشکی، کماکان یکی از واحدهای تابعه‌ی دانشگاه جندی شاپور (شهید چمران فعلی) وابسته به وزارت علوم و آموزش عالی بوده است دانشگاه علوم پزشکی اهواز از اوایل سال ۶۵ به دنبال تصویب قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در سال ۱۳۶۴) به صورت مستقل رسماً فعالیت خود را آغاز کرد و در سال ۷۲ با ادغام در سازمان منطقه‌ای تحت عنوان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اهواز فعالیت خود را دنبال می‌نماید ـ دولتی

## موزه‌ها

ـ موزه‌ی تاریخ طبیعی (اهواز) ـ موضوع: علمی (انواع جانوران، گیاهان و سنگواره‌ها) ـ سازمان حفاظت محیط زیست

ـ موزه‌ی آبادان (آبادان) ـ باستان‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۳۸

ـ موزه‌ی جنگ (خرمشهر) ـ موضوع: تاریخی ـ ستاد کل نیروهای مسلح (بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس) ـ تأسیس ۱۳۷۱ـ افتتاح موزه

ـ موزه‌ی هفت تپه (شوش) ـ موضوع: باستان‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۴۸

ـ قلعه‌ی شوش (شوش) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۲۶۹

ـکاخ آپادانا (شوش) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: هخامنشی

ـ معبد چغازنبیل (شوش) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۲۵۰ قبل از میلاد (ایلامی)

ـ آبشارهای شوشتر (شوشتر) ـ موضوع: آبیاری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ساسانی ـ ۱۳۷۷

## فهرست اسامی مهمترین آثار تاریخی و مذهبی استان خوزستان

۱- مسجد علیشاه ۲- مسجد لب خندان ۳- مسجد جامع شوشتر ۴- مسجد جامع دزفول ۵- مسجد جامع بکان ۶- قلعه رستم عقیلی ۷- قلعه سلاسل ۸- قلعه تل ۹- قلعه رستم ۱۰- قلعه اکروپل ۱۱- قلعه خواجه ۱۲- قلعه لیت (ریت) ۱۳- قلعه تزک دز ۱۴- قلعه باستانی باسیف ۱۵- قلعه یزدگرد یا تاشاری ۱۶-قلعه ارجان ۱۷- محوطه باستانی ارجان ۱۸- شهر باستانی جندی شاپور ۱۹- ویرانه‌های شهر به گوار (آثار جلگه تشون) ۲۰- تپه باستانی کلگه رزی (رزین) ۲۱- تپه‌های شوش (شهر شاهی) ۲۲- تپه برمی یا برمک ۲۳- شهر باستانی اسک (کلات) ۲۴- هفت تپه ۲۵- تپه چغامیش ۲۶- شهر لور ساسانی ۲۷- ویرانه شهر مختارک ۲۸-شهر باستانی دستوا ۲۹- کاخ آپادانا(کاخ داریوش) ۳۰- کاخ شائور کاخ اردشیر ۳۱- طاق نصرت ساسانی ۳۲- پل بندیکان ۳۳- پل دختر ارجان ۳۴- پل کسری ۳۵- پل امام رضا ارجان ۳۶- پل نفس‌کش یا شاه علی ۳۷- پل لشکر ۳۸- پل شادروان ۳۹- پل قدیمی دزفول ۴۰- پل نگین

۴۱- بقعه قدیمی دزفول ۴۲- بقعه پیر اسحاق ۴۳- بقعه علی مالک ۴۴- بقعه خضر- خدر ۴۵- بقعه سید محمد ماهرو ۴۶- بقعه سید محمد گیاهخوار ۴۷- بقعه شاه رکن الدین ۴۸- بقعه پیر روبن ۴۹- بقعه براء ابن مالک ۵۰-بقعه امام رضا دینی ۵۱- بقعه بابا زید گیلانی ۵۲- بقعه دانیال پیغمبر ۵۳-بقعه فهت شهیران ۵۴- بقعه شاه ابو القاسم ۵۵- بقعه معبد شاه میر علی حسینی ۵۶- بقعه معبد برد نشانده ۵۷- امام زاده اباذر ۵۸- امام زاده عبد الله ۵۹- امام زاده سید حسن ۶۰- آرامگاه شاه ابو القاسم (یعقوب لیث) ۶۱-گور هرمز ساسانی ۶۲-گور زرتشتیان ۶۳- گور شمی ۶۴- محراب سر مسجد در مسجد سلیمان ۶۵- معبد زیگورات (چغاز نبیل) ۶۶- معبد تو عاشقون (اتاق عاشقان) ۶۷- معبد برد نشانده ۶۸-کتیبه تنگ (صئولک) ۶۹-کتیبه تنگ سردک (سولک) ۷۰-کتیبه‌های تنگ تکاب ۷۱- کتیبه هانی ۷۲- نقش حونگ اژدل یا اژدر ۷۳- نقش کوباد ایذه ۷۴- مجسمه سوسن ۷۵- کلاه فرنگی ۷۶- خرف خانه ۷۷- منزل معین التجار (معین زاده) ۷۸- منزل مستوفس ۷۹- کاروانسرای دزفول ۸۰- کاروانسرای شوشتر ۸۱- آسیاب رعنا ۸۲- آسیابهای آبی سیکا ۸۳- حمام وزیر ۸۴- حمام کرناسیون ۸۵- موزه هفت تپه ۸۶- موزه شوش ۸۷- موزه آبادان

### آثار ثبت شده استان خوزستان

خرابه‌های یک شهر - ساسانی - عسکر مکرم
خرابه‌های شهر قدیم هرمز اردشیر - ساسانی - اهواز
خرابه‌های عهد ساسانی - ساسانی - بهبهان
خرابه‌های یک شهر - ساسانی - آسک
جندی شاپور - ساسانی - دزفول
ایوان کرخه - (تاریخی - ساسانی) - شوش
خرابه‌های یک شهر - ساسانی - هندیجان
ایزاج - (ساسانی - اسلامی) - ایذه
طاق نصرت - ساسانی - رامهرمز
بقعه دانیال نبی شهر و تپه‌های شوش - هزاره ۴ تا ۱ - اسلامی
پل معروف به بند قیصر - ساسانی - شوشتر
پل ساسانی - ساسانی - دزفول
کتیبه‌های سنگی کول فر - (ایلامی - ساسانی) - ایذه
مسجد جمعه - قرن ۳ ه.ق - شوشتر
مسجد جامع - قرن ۳ و ۴ ه.ق - دزفول
آتشکده - اشکانی - مسجد سلیمان
گورستان شمی - اشکانی - ایذه
امامزاده عبدالله - قرن ۷ ه.ق - شوشتر
معبد بردنشانده - اشکانی - مسجد سلیمان
تپه برمی - پیش از تاریخ - رامهرمز
شهر قدیم دستوا - منطقه ماهی بازان - تاریخی - شوشتر
تپه چغامیش - هزاره ۴ و ۳ ق.م - دزفول
زیگورات چغا زنبیل - قرن ۱۳ ه.ق - شوش
تپه سبز (تپه سوز) - پیش از تاریخ - بهبهان
قلعه سلاسل - (ساسانی - اسلامی) - شوشتر
تپه بچون - هزاره ۲ ق.م - شوشتر
تپه مال صفر - هزاره ۲ ق.م - شوشتر
تپه دوتلون - هزاره ۲ ق.م - شوشتر
تپه چغا محمد - هزاره ۲ ق.م - شوشتر
تپه هیاری - ساسانی - شوشتر
تپه چغا طویله - هزاره ۲ و ۳ ق.م - شوشتر
تپه قوری - هزاره ۳ و ۲ ق.م - شوشتر
تپه علی - قرن ۶ تا ۱۱ ه.ق - شوشتر
تپه مجد - (ساسانی - اسلامی) - شوشتر

تپه چغا شیرین - هزاره ۲ ق.م - شوشتر
تپه بزازی - هزاره ۳ و ۲ ق.م - شوشتر
تپه گله گه - (هزاره ۲ - اشکانی) - شوشتر
تپه میخکی بابایی - (اشکانی - قرن ۷ تا ۹ ه.ق - شوشتر
تپه سردار آباد - اواسط هزاره ۲ ق.م - شوشتر
بقعه شاه رکن الدین - قرن ۱۲ ه.ق - دزفول
تپه تازنگ (بابا وزیر) - اسلامی - باغملک
تپه کلگه - قرن ۲ ق.م - مسجد سلیمان
مجموعه‌تپه‌های هفت‌تپه-اواسط هزاره۲ ق.م - شوش
محوطه تاق طویله - (ایلخانی - تیموری) - ایذه
بنای معین التجار (خانه شیخ خزعل) - قاجاریه - اهواز
مجموعه آبشارهای شوشتر - ساسانی - شوشتر
مسجد رانگونی‌ها - (اواخر قاجار - پهلوی) - آبادان

سد جره - ساسانی - رامهرمز
مسجد لب خندق - قاجاریه - دزفول
ساباط جنب خانه معین التجار - اوایل قاجار - اهواز
بقعه رود بند - (صفویه - قاجاریه) - دزفول
آرامگاه یعقوب لیث صفاری - قاجاریه- دزفول
بقعه محمدبن جعفر طیار - تیموری - دزفول
خانه قلمبر - قاجاریه - دزفول
منزل قدیمی نیل ساز - پهلوی اول - دزفول
کوشک نور آباد - قاجاریه - ایذه
اداره میراث فرهنگی دزفول - قاجاریه - دزفول
هشت بنگله(منازل سازمانی راه‌آهن)-پهلوی اول اهواز
منازل مسکونی راه آهن - پهلوی اول - اهواز
تنگ اشکفت سلمان - ایلامی - پیون
گورستان و زیارتگاه شهسوار - معاصر - ایذه
تنگه کول فرح - ایلامی - ایذه

چهارطاقی‌سیم‌بند--احتمالا ساسانی-صدراسلام-مسجدگلالکنان‌شهسوار - ایلامی - ایذه

خانه مستوفی - قاجاریه - شوشتر
بند میزان - ساسانی - گتوند
چغا تپه - ایلامی - گتوند
پل بند لشگر - (ساسانی - اسلامی) - شوشتر
بقعه عبدالله بانو - صفویه - شوشتر
منزل امین زاده - قاجاریه - شوشتر
بقعه براء بن مالک - (صفویه - قاجاریه) - شوشتر
پل سفید(معلق) - پهلوی اول - اهواز
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - پهلوی اول - اهواز
تپه جویی - پیش از تاریخ - شوش
تپه شرکت هوایی - (تاریخی - اسلامی) - شوش
تپه سگوند - (تاریخی - اسلامی) - شوش

پل سیاه - پهلوی اول - اهواز
دانشسرای مقدماتی پسران - پهلوی اول - اهواز
خانه سوزنگر - قاجاریه - دزفول
برج کلاه فرنگی - قاجاریه - شوشتر
بقعه وقدمگاه شاه‌قطب‌الدین - تیموری- مسجد سلیمان
تپه علی کام و بقعه علی کام - تاریخی - شوشتر
قلعه نظامی باغ خرم - تاریخی - شوشتر
ساختمان هلال احمر - قاجاریه - خرمشهر
تپه حسنک ۱ - پیش از تاریخ - بهبهان
تپه حسنک ۲ - پیش از تاریخ - بهبهان
تپه حسنک ۳ - پیش از تاریخ - بهبهان
کارخانه ریسندگی و بافندگی - پهلوی - اهواز
پل بند گرگر - ساسانی - شوشتر

نیایشگاه صائبین - قرن ۹ و ۱۰ ه.ق - شوشتر
بندر برج عیار - تاریخی - شوشتر
تپه بالنجان - ایلام - اهواز
تپه گلگیر - پیش از تاریخ - اهواز
تپه سنجر ۱ - پیش از تاریخ تا ایلامی - شوش
تپه سنجر ۲ - پیش از تاریخ تا ایلامی - شوش
تپه سنجر ۳ پیش از تاریخ تا ایلامی - شوش
تپه سنجر ۴ - پیش از تاریخ تا ایلامی - شوش
تپه سنجر ۵ - پیش از تاریخ تا ایلامی - شوش
تپه سنجر ۶ - پیش از تاریخ تا ایلامی - شوش
تپه خارکوب شوش - پیش از تاریخ - شوش
گوردخمه والرین - ساسانی - اهواز
بقعه امامزاده سید محمد ماهرو - صفویه - شوشتر
تپه مهتاج - پیش از تاریخ - بهبهان
مجموعه نهر داریون - تاریخی - شوشتر
تپه بندبال - پیش از تاریخ - اهواز
تپه سلیمان - پیش از تاریخ - شوش
تپه رداده - پیش از تاریخ - اهواز
چغابنوت- پیش ازتاریخ- دزفول
تپه پیون - پارتی - ایذه
بنای بشیر و نذیر - صفویه - بهبهان
تپه خندق - اسلامی - بهبهان
محوطه عبدالمامیر - اشکانی - شعیبیه
قلعه یزدگرد - ساسانی - اهواز
هتل قو - اواخر قاجار - اهواز
بقعه سید حسین زاهدون - اواخر قاجار - رامهرمز
منزل نفیسی - پهلوی اول - اهواز
قصر فیلیه - قاجاریه - خرمشهر
چاه نمره یک - اسلامی - مسجد سلیمان
دبیرستان شاپور - پهلوی اول - اهواز

راسته بازار - پهلوی دوم - بهبهان
گوردخمه‌های مقام صاحب الزمان - ساسانی - شوشتر
خانه بهبهانی - قاجاریه - رامهرمز
مسجد ضیایی - قاجاریه - دزفول
خانه محمد صمیمی - قاجاریه - رامهرمز
مدرسه خیرآباد - صفویه - بهبهان
کوشک حمیدیه -(اواخرقاجار-اوایل پهلوی) - حمیدیه
کاخ آپادانا - هخامنشی - شوش
شهر شاهی - (ایلامی - هخامنشی) - شوش
قلعه شوش - قاجاریه - شوش
آسیاب‌های آبی قدیم دزفول -ساسانی-اسلامی- دزفول
تپه اکروپل - هخامنشی - شوش
قلعه داودختر - (ساسانی - اسلامی) - رامهرمز
پخشاب نهر تاریخی داریون -اشکانی ساسانی- شوشتر
پل خدا آفرین - اسلامی - دستوا
مجموعه تپه‌های قبرستان - تاریخی - شوشتر
تل کلات - تاریخی - شوشتر
تپه گل شونه - (ایلامی - اشکانی) - شوشتر
صدارت چای - شوشتر
محوطه لاطان - (تاریخی - اسلامی) - شوشتر
تپه‌های بلوار ۴ - اسلامی - شوشتر
صدارت چای د - (تاریخی - اسلامی) - شوشتر
صدارت چای ز - تاریخی - شوشتر
تل خیر الله - (تاریخی - اسلامی) - شوشتر
محوطه جمبولواآ - (اشکانی - ساسانی) - شوشتر
بند شرابدار - اسلامی - شوشتر
تپه زمین محمد باقر - (اشکانی - اسلامی) -

شوشتر
تپه زمین‌های مردار گردش - تاریخی - شوشتر
محوطه پشت جوی حسن - اشکانی - شوشتر
تل گچی صفر هیجده - تاریخی - شوشتر
تپه جمبلواب - تاریخی - شوشتر
تپه سه بنه علیا - تاریخی - شوشتر
تپه بند قیر - (تاریخی - اسلامی) - شوشتر
منزل مایا - پهلوی اول - اهواز
بقعه علمدار - سلجوقی - رامهرمز
تپه قاباز ج ۵۲. - تاریخی - شوشتر
تپه حاج منعم - (تاریخی - اسلامی) - شوشتر
تپه پشتک نظر - تاریخی - شوشتر
محوطه خرابه ۴۸. - (تاریخی - اسلامی) - شوشتر
محوطه حاج منعم ۲۸. - (تاریخی - اسلامی) - شوشتر
تپه قاباز کوچک الف - ۵۰. - اشکانی - شوشتر
کوره‌های عله ب - ایلامی - شوشتر
تل بری بر - ۴۱. - تاریخی - شوشتر
تپه دیبان ۵۷۲. - (تاریخی - اسلامی) - شوشتر
محوطه سریمه ۶۰. - ایلامی - شوشتر
تل قابازبزرگ ب - ۵۱ -(ایلامی اشکانی اسلامی) - شوشتر
کوره‌های عله - (تاریخی - اسلامی) - شوشتر
کوره‌های عله ج - (تاریخی - اسلامی) - شوشتر
تپه و محوطه پشت جوی حسن - تاریخی - شوشتر
تپه‌های بلوار ۲ - تاریخی - شوشتر
تل هرسی ۴۰۰ - (تاریخی - اسلامی) - شوشتر
تل مارقری ۰۳۸ - (تاریخی - اسلامی) - شوشتر
تل اشرفی (۲) ۰۳۶ - تاریخی - شوشتر
تل زاهد ۲۶۷ - (تاریخی - اسلامی) - شوشتر
تل کن ابلا ۳۷. - تاریخی - شوشتر
محوطه گذار ماهی بازان ۰۲۷ - تاریخی - شوشتر
تل نظر ۴۴. - اشکانی - شوشتر
تل چم ۱ ۵۴. - تاریخی - شوشتر
تپه دیبان ۳ ۵۸. - تاریخی - شوشتر
تل حسن ۲۲۱.۸۸ - (تاریخی - اسلامی) - شوشتر
محوطه جلیعه - (تاریخی - اسلامی) - شوشتر
فهرست آثار تاریخی استان خوزستان در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۷۱۰ واحد می‌باشد. ـ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

**جمعیت مرد و زن روستائی و شهری خوزستان:**
مرد: (۱۳۲۲۰۳۱ شهری، ۶۲۶۴۵۲ روستائی)،
زن: (۱۲۷۱۷۲۳ شهری، ۵۹۲۷۱۴ روستائی).

**جمعیت استان خوزستان**
شهرستان آبادان: تعداد خانوار ۵۸۸۷۰، جمعیت ۲۷۷۲۶۱، تعداد باسواد ۲۱۷۲۲۹، تعداد بیسواد ۳۰۸۹۶.
شهرستان امیدیه: تعداد خانوار ۱۷۵۵۷، جمعیت ۸۶۲۰۱، تعداد باسواد ۶۶۸۸۹، تعداد بیسواد ۱۰۰۵۶.
شهرستان اندیمشک: تعداد خانوار ۳۳۱۵۹، جمعیت ۱۶۱۱۸۵، تعداد باسواد ۱۲۰۷۶۱، تعداد بیسواد ۱۹۴۵۹.
شهرستان اهواز: تعداد خانوار ۲۷۴۲۹۶، جمعیت ۱۳۳۸۱۲۶، تعداد باسواد ۱۰۱۳۸۲۳، تعداد بیسواد ۱۶۴۲۹۲.
شهرستان ایذه: تعداد خانوار ۳۶۱۲۳، جمعیت ۱۹۵۰۱۸، تعداد باسواد ۱۳۲۶۷۹، تعداد بیسواد ۳۸۴۷۶.

شهرستان باغ ملک: تعداد خانوار ۱۹۸۱۴، جمعیت ۱۰۴۱۷۸، تعداد باسواد ۶۸۳۵۲، تعداد بیسواد ۲۱۶۵۳.

شهرستان بندر ماهشهر: تعداد خانوار ۵۳۳۴۷، جمعیت ۲۵۲۵۸۷، تعداد باسواد ۱۹۳۲۱۳، تعداد بیسواد ۲۶۶۵۴.

شهرستان بهبهان: تعداد خانوار ۳۹۶۰۷، جمعیت ۱۷۵۳۷۳، تعداد باسواد ۱۳۴۹۰۷، تعداد بیسواد ۲۲۵۹۹.

شهرستان خرمشهر: تعداد خانوار ۳۲۵۶۳، جمعیت ۱۵۷۵۵۵، تعداد باسواد ۱۱۶۵۱۱، تعداد بیسواد ۲۰۸۱۵.

شهرستان دزفول: تعداد خانوار ۸۷۲۰۵، جمعیت ۴۰۱۵۵۸، تعداد باسواد ۲۹۴۱۱۸، تعداد بیسواد ۵۲۳۵۱.

شهرستان دشت آزادگان: تعداد خانوار ۲۲۰۲۱، جمعیت ۱۲۸۹۴۱، تعداد باسواد ۸۲۱۳۳، تعداد بیسواد ۲۹۳۲۵.

شهرستان رامشیر: تعداد خانوار ۹۲۹۶، جمعیت ۵۱۰۸۱، تعداد باسواد ۳۴۹۳۳، تعداد بیسواد ۸۵۱۷.

شهرستان رامهرمز: تعداد خانوار ۲۵۳۵۹، جمعیت ۱۲۳۹۳۰، تعداد باسواد ۸۹۱۹۰، تعداد بیسواد ۱۸۵۵۲.

شهرستان شادگان: تعداد خانوار ۲۳۸۱۳، جمعیت ۱۳۸۹۱۵، تعداد باسواد ۸۷۱۵۳، تعداد بیسواد ۳۳۷۰۳.

شهرستان شوش: تعداد خانوار ۳۳۳۱۳، جمعیت ۱۹۲۱۶۲، تعداد باسواد ۱۳۱۳۴۸، تعداد بیسواد ۳۷۹۳۳.

شهرستان شوشتر: تعداد خانوار ۳۷۶۵۶، جمعیت ۱۸۷۳۳۷، تعداد باسواد ۱۳۵۲۸۳، تعداد بیسواد ۲۷۰۶۱.

شهرستان گتوند: تعداد خانوار ۱۱۴۴۰، جمعیت ۵۹۲۶۱، تعداد باسواد ۴۲۶۶۹، تعداد بیسواد ۹۴۱۷.

شهرستان لالی: تعداد خانوار ۶۳۴۱، جمعیت ۳۶۱۷۳، تعداد باسواد ۲۳۱۱۲، تعداد بیسواد ۸۳۱۲.

شهرستان مسجد سلیمان: تعداد خانوار ۳۳۴۸۴، جمعیت ۱۷۱۷۷۸، تعداد باسواد ۱۱۹۵۰۱، تعداد بیسواد ۳۰۲۳۶.

شهرستان هندیجان: تعداد خانوار ۷۲۲۷، جمعیت ۳۶۳۵۹، تعداد باسواد ۲۶۴۳۸، تعداد بیسواد ۵۷۴۷.

**شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها**

**آبادان (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان آبادان استان خوزستان و مرکز آن شهر آبادان و دارای ۳ دهستان (۱ـ بهمنشیر جنوبی، ۲ـ بهمنشیر شمالی، ۳ـ شلاهی) است.

**آبادان (شهرستان):** از شهرستان‌های استان خوزستان است که از شمال به شهرستان خرمشهر، از خاور به شهرستان ماهشهر، از جنوب به خلیج فارس و از باختر به کشور عراق محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر آبادان دارای دو بخش: ۱ـ مرکزی دارای ۳ دهستان (۱ـ بهمنشیر جنوبی، ۲ـ بهمنشیر شمالی، ۳ـ شلاهی)، ۲ـ اروندکنار است.

شهرستان آبادان تا تهران ۱۰۴۶ کیلومتر فاصله دارد، از شمال به خرمشهر، از مشرق به بندر ماهشهر، از جنوب و مغرب به خلیج فارس و شط العرب محدود است. دارای ۳۰ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۸ درجه و ۵۶

دقیقه طول شرقی است. ارتفاع آن از سطح دریا ۵ متر است. آب، و هوای آن به طور کلی گرم و مرطوب و در تابستان از گرمترین نقاط مسکونی ایران است. ارشاد اسلامی خوزستان اداره‌ی کل فرهنگ

در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی عبادان به آبادان تغییر نام یافت.

آبادان پر آب‌ترین شهرستان استان خوزستان است. دو رودخانه بهمنشیر و اروند در این شهرستان جریان دارند.

عمده‌ترین فعالیت‌های اقتصادی منطقه تا قبل از جنگ مربوط به صنایع نفت و پتروشیمی بود. پالایشگاه آبادان که یکی از بزرگترین پالایشگاه‌های جهان بوده است، پتروشیمی و تأسیسات ذخیره سازی از جمله واحدهای مهم این صنایع می‌باشند.

کشاورزی و ماهیگیری نیز در این شهرستان دارای رونق بوده، به ویژه ماهیگیری به سبب وجود رودخانه و دریای آزاد اهمیت خاصی داشت.

شهرستان آبادان در طی جنگ تحمیلی متحمل خسارات فراوانی گشت، این خسارات فعالیت صنعت نفت را بیش از فعالیت‌های دیگر تحت تأثیر قرار داد.

وجود آب فراوان، دسترسی به دریای آزاد و ذخایر فراوان آبزیان و... از جمله امکانات قابل توجه آبادان برای توسعه است. مرکز آمار ایران.

**رودها:** شهرستان آبادان از سه سو به وسیله‌ی رودخانه و از سوی جنوب به وسیله‌ی خلیج فارس در میان گرفته شده است.

۱ـرودکارون در شمال آبادان به دو شاخابه تقسیم گشته یک قسمت به نام آبادان گذشته و در جنوب باختری خرمشهر به اروند رود می‌پیوندد.

۲ـاروند رود که از به هم پیوستن رودهای دجله و فرات در خاک عراق شط‌العرب تشکیل می‌گردد این رود از نزدیکی خرمشهر مرز مشترک ایران و عراق و از این مکان تا پیوستن به خلیج فارس اروند رود گفته می‌شود.

**پالایشگاه آبادان:** پالایشگاه آبادان با ظرفیت عملی ۴۰۰ هزار بشکه در روز بزرگترین و مهمترین پالایشگاه کشور است. واحدهای اصلی این پالایشگاه را تقطیر، کت کراکر، تبدیل، کاتالیستی، روغن سازی، الکیلاسیون و ایزومریزاسیون، ۳ واحد اسید سولفوریک سایزی، تصفیه‌ی ثانوی بنزین‌های موتور بنزین‌های هواپیما، نفت سفید، قیر، حلال‌ها و بشکه پرکنی روغن موتور و قیر، تشکیل می‌دهند. پالایشگاه آبادان در طول جنگ تحمیلی به شدت آسیب دید، اما بلافاصله پس از پایان جنگ نیروهای کارآمد صنعت نفت آنرا از نو راه اندازی کرد و ظرفیت پالایشی آنرا در چند مرحله افزایش داده.

**آبژدان:** از دهستان‌های بخش اندیکا شهرستان مسجد سلیمان استان خوزستان و مرکز آن جعفر آباد است و در منطقه‌ای پایکوهی گرم و خشک و کوه لندر در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم و جو.

**پوشش گیاهی:** درختان بلوط، بادام‌کوهی وکنار و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، بزکوهی، گراز، خرس و کبک.

**آبشار:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شادگان استان خوزستان و مرکز آن شهر جدید است. و در منطقه‌ای دشتی گرم مرطوب قرار و رود خور در آن جریان دارد.

**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، کفتار، گراز و خرگوش.
**آزاده:** از دهستان‌های بخش مشراگه شهرستان رامشیر استان خوزستان و مرکز ان مشراکه است.
**آسیاب:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان امیدیه استان خوزستان و مرکز آن آسیاب است و در منطقه‌ای دشتی گرم خشک قرار و رود زهره در این دهستان جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، برنج، کنجد، بزرک، یونجه، تره بار و خرما.
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.
**جانوران:** شغال، روباه، خرگوش و گراز.
**آغاجاری:** در ۷۸ کیلومتری شمال باختری بهبهان و به‌طول جغرافیائی ۵۰ درجه و ۱۰ دقیقه و عرض جغرافیائی ۳۰ درجه و ۴۶ دقیقه واقع است.

آغاجاری در میان شهرستان بهبهان (از خاور)، هندیجان (از جنوب)، دهستان آسیاب از شهرستان خرمشهر (از باختر) و رودخانهٔ مارون (از شمال) قرار دارد.
آغاجاری با وجود اینکه تنها آبادی در بخش آغاجاری است به‌سبب اهمیت چاههای نفتی که در منطقهٔ آن وجود دارد، با اراضی اطرافش، در تقسیمات کشوری به‌صورت یک بخش شناخته شده بود. تا پیش از کشف چاههای نفت، این ناحیه محل قشلاق خانوارهائی از طایفهٔ آغاجاری بود. از سال ۱۳۰۵، چون شرکت نفت ایران و انگلیس به‌حفر چاههای نفت در این ناحیه دست زد، مردمانی از لر و عرب و ترک برای کار و کسب در آنجا گرد آمدند و دهکده‌ای به‌وجود آمد. از سال ۱۳۱۷ که حفر نخستین چاه این ناحیه (چاه شمارهٔ ۳) به‌نفت رسید.
اهمیت آغاجاری به‌سبب چاههای نفت آن است که نفت استخراج شدهٔ آنها به‌وسیلهٔ هفت لوله به‌ابعاد مختلف به‌پالایشگاه آبادان و مراکز بارگیری جزیرهٔ خارک و بندر ماهشهر می‌رود و به‌سبب بسیاریِ مقدار نفتی که از این ناحیه استخراج می‌شود، در ردیف مناطق نفتی مهم جهان می‌باشد.
موقعیت طبیعی آن کوهستانی و هوایش بسیارگرم است. این شهر صنعتی است و محصول کشاورزی ندارد. مردم آن از طوایف لُر و عرب و ترک هستند. مذهبشان شیعه و زبانشان فارسی و عربی محلی و ترکی است. دانشنامه ایران و اسلام
**اسماعلیه:** از دهستان‌های مرکزی شهرستان اهواز استان خوزستان و مرکزش صفحه یک است.
**الله اکبر:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دشت آزادگان استان خوزستان و مرکز آن جلیزی حنظله است.
**الوار گرمسیری:** از بخش‌های شهرستان اندیمشک، استان خوزستان است که از شمال و شمال باختری به خرم آباد، از شمال خاوری به زروماهرو (از بخش‌های شهرستان الیگودرز) از خاور و جنوب خاوری به سردشت (از بخش‌های دزفول) از جنوب به حومه‌ی اندیمشک و از باختر به شوش محدود می‌باشد.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش حسینیه، دارای ۳ دهستان (۱ـحسینیه، ۲ـقیلاب، ۳ـمازو) است.
**رودها:** ۱ـ رود دز، ۲ـ رود کرخه در آبیاری این بخش نقش مهمی دارند. از این گذشته سد بزرگ و مهمی که به نام سد دز بر روی رودخانه‌ی دز بسته شده در بخش الوار گرمسیری واقع است.

**کوه‌ها:** بخش الوار گرمسیری منطقه‌ای است کوهستانی که بخشی از رشته کوه‌های زاگرس نواحی شمالی آن را در برگرفته، بلندترین قله این کوه‌ها قله‌ی کوه سالن (بلندی ۲۴۶۰ متر) واقع در شمال خاوری سد دز و در ناحیه‌ی خاوری این بخش قرار دارد و کوه‌های منگره و دارتاگیروه، کرناس و انارکی در این بخش قرار گرفته‌اند. منطقه‌ی جنوبی این بخش دشتی کم ارتفاع می‌باشد.

چراگاه هائی چون پشمینه زار، یقه، بن طویله و دشت لاله از منابع ارزشمند پوشش گیاهی برای چرای دام‌هاست که اهمیت فراوانی دارد.

**کان‌ها:** سنگ آهک چناره، سنگ گچ تافاب و سنگ ماکان از اهمیتی ویژه برخوردار و از این گذشته چاه‌های نفت در برخی از روستاهای آن وجود دارد.

**آب و هوا:** نسبتاً گرم و خشک و تنها مناطق کوهستانی شمال، آب و هوای معتدل دارد.

**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و زبان فارسی با گویش لری است.

**رستنی‌ها:** درختان کنار، انجیر کوهی، بادام تلخه و بلوط، گیاهان داروئی: برنجاسف، خارشتر، گل گاو زبان و گل ختمی و علفزارهای خوب برای چرای دام‌ها.

**جانوران و پرندگان:** شغال، روباه، کفتار، گرگ، خرگوش، جوجه تیغی، بز کوهی، غاز وحشی، مرغابی وحشی، کبک و تیهو.

**وضع اقتصادی:** کشاورزی، دامداری و کارگری در معادن از منابع مهم درآمد مردم این سامان و محصولاتش فرآورده‌های کشاورزی (گندم و جو و دام و فرآورده‌های دامی) است.

**الهائی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اهواز استان خوزستان و مرکزش الهائی است و در منطقه‌ای دشتی گرم و مرطوب قرار دارد و رود کرخه از آن می‌گذرد.

**فرآورده‌ها:** گندم و جو.

**پوشش گیاهی:** درختان کنار و گز و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** گرگ، شغال، روباه، کبک و تیهو.

**امامزاده سید محمود:** از دهستان‌های بخش سردشت شهرستان دزفول استان خوزستان و مرکز آن شوی است و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک و کوه سالن و کوه گریوه و گردنه غلام کس و کوه سرد تادی و کوه کله خروس قرار و رود فصلی آب تادی در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم و جو.

**پوشش گیاهی:** مورد و درختان بلوط، بادام کوهی، انار، انجیر، بنه، کی کم و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز، خرس و پلنگ و کبک.

**امیدیه:** از شهرستان‌های استان خوزستان، مرکز آن شهر امیدیه دارای دو بخش: ۱ـ مرکزی دارای دو دهستان (۱ـ آسیاب، ۲ـ چاه سالم)، ۲ـ بخش جایزان که مرکز آن شهر جایزان و دارای دو دهستان است (۱ـ جایزان، ۲ـ جولکی) است.

**امیدیه (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان امیدیه استان خوزستان و مرکز آن شهر امیدیه و دارای دو دهستان: (۱ـ آسیاب، ۲ـ چاه سالم) است.

**اندیکا:** از بخش‌های شهرستان مسجد سلیمان استان خوزستان است که از شمال به شهرستان‌های فریدن، الیگودرز و دزفول، از خاور و جنوب خاوری به شهرستان ایذه، از جنوب به حومه‌ی مسجد سلیمان و از باختر به گتوند (از

بخش‌های شوشتر) محدود می‌باشد.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش قلعه خواجه، دارای ۶ دهستان (۱ـ قلعه خواجه، ۲ـ کوشک، ۳ـ آبژدان، ۴ـ شلال و دشتگل، ۵ـ چلو، ۶ـ للرکتک است.

**کوه‌ها:** بخش‌های کم ارتفاع زاگرس بخش اندیکا را در برگرفته، بلندترین قله‌ی آن که در حد فاصل بخش اندیکا و بخش سردشت دزفول قرار گرفته کوه سترون با بلندی ۱۰۳۰ متر و در حدود ۱۵ کیلومتری شمال باختری دشت لالی (مرکز بخش اندیکا) قرار دارد.

**رودها:** ۱ـ رود کارون که از نواحی جنوبی این بخش را آبیاری می‌کند، ۲ـ رود شور که از شاخابه‌های کارون است و غیر قابل استفاده می‌باشد.

**آب و هوا:** معتدل و مایل به گرم و خشک.
جمعیت این بخش بیشتر از طوایف بختیاری به ویژه طوایف بابادی، بهداروند، زراسوند، مدموئیل و اسبی وند (اوسی وند) تشکیل گردیده است.

**گیاهان:** درختان کنار، کهور و گز ـ گیاهان داروئی و صنعتی: ۱ـ گل گاو زبان، ۲ـ گل زرد، ۳ـ پونه، ۴ـ بومادران، ۵ـ گون کتیرا و پوشش گیاهی مراتع برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، گراز، خرگوش، آهو و کبک.

**وضع اقتصادی:** دامداری و کشاورزی به شیوه‌ی سنتی راه گذران زندگی مردم این سامان است.

**اندیمشک (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان اندیمشک استان خوزستان و مرکز آن شهر اندیمشک و دارای یک دهستان (حومه) است.

**اندیمشک (شهرستان):** اندیشک با مساحت ۳۱۲۰/۵ کیلومتر مربع، بین ۴۷ درجه و ۵۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۴۷ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و ۳۲ درجه و ۱۶ دقیقه تا ۳۳ درجه و یک دقیقه عرض شمالی از خط استوا، در شمال غربی استان خوزستان واقع گردیده است.

در محل کنونی شهر اندیمشک، مرکز شهرستان اندیمشک، احتمالاً شهری آبادان و خرم به نام لور وجود داشته است. مقدسی از لور نام برده است و می‌گوید بعضی آن را از اقلیم جبال می‌شمارند و آن را خوبی‌های بسیار است و ... اصطخری آن را در دو فرسخی دزفول دانسته و امام شوشتری به نقل از او در کتاب تاریخ جغرافیائی خوزستان می‌نویسد: از لور تا پل اندامش دو فرسنگ است.

درباره‌ی علل و انگیزه‌ی ویرانی شهر لور اطلاعی در دست نیست، اما درباره‌ی بنای اولیه‌ی شهر نوپای اندیمشک که حدود دو قرن سال پیش ده کوچکی به نام صالح آباد بود، مهراب امیری در کتاب خوزستان می‌نویسد: در سال ۱۲۲۰ هجری قمری حاج صالح خان مکری که از طرف محمد علی میرزا دولتشاه حکومت دزفول را بر عهده داشت دهی نزدیک خرابه‌های لور احداث کرده و آن را صالح آباد نامگذاری کرد.

دهکده صالح آباد در سال‌های بعد به خاطر موقعیت خاص جغرافیائیش از جمله واقع شدن در مدخل جلگه خوزستان، در زمان ایجاد راه آهن تهران به اهواز در سال‌های اولیه قرن حاضر مورد توجه قرارگرفته، روبه توسعه نهاد و همزمان با آن به اندیمشک تغییر نام داد.

اندیمشک در اصل نام سابق شهر دزفول و نام پلی معروف و قدیمی و نام یکی از محلات شهر مذکور بوده است که در متون مختلف به

صــورت‌های گــوناگــون انــدامش، هـندامش، اندامشک، ... نام برده شده است.
مهم‌ترین منبع تأمین آب شـهرستان انـدیمشک رودخانه‌ی دز می‌باشد بر روی این رودخانه در این شهرستان سد دز احداث گردیده است که با وجـود آن و شـبکه‌ی آبـیاری گسـترده‌ی دز، کشاورزی منطقه در حال رشد است به طوری که یکـی از فـعالیت‌های عـمده‌ی اقـتصادی در شهرستان اندیمشک کشاورزی می‌باشد. مرکز آمار ایران

اندیمشک (شهرستان) از شـهرستان‌های اسـتان خوزستان است که از شمال به شهرستان خرم آباد و از خاور، جنوب و باختر به شهرستان دزفول محدود می‌باشد.

**تقسیمات کشوری:** مـرکز ایـن شـهرستان شـهر اندیمشک دارای دو بخش ۱ـ مرکزی دارای یک دهستان (حومه) ۲ـ بخش الوار گرمسیری.

**رودها:** در مسیر دو رودخـانه بـزرگ: ۱ـ دز، ۲ـ کرخه قرار گرفته کـه رود دز مـرز خـاوری ورود کرخه مرز باختری شهرستان اندیمشک به شمار مـی‌رود. از شـاخابه‌های رود دز در شـهرستان اندیمشک ۱ـ بالارود، ۲ـ دمدم است.

رود کرخـه از ۱۵ کـیلومتری بـاختر انـدیمشک می‌گذرد و سرانجام به باتلاق هورالعظیم می‌ریزد شاخابه‌ی مهم آن رود زال است که در اندیمشک روان است و پس از گذشتن از دره‌ی پل زال وارد رودخانه‌ی کرخه می‌شود.

**کوه‌ها:** بخش‌هائی از شمال شهرستان اندیمشک را بلندی‌های زاگرس از شمال به جنوب در برگرفته و هر چه به سوی جنوب می‌رود از بلندیش کاسته می‌شود: ۱ـ کوه سالن (بـلندی ۲۴۶۰ مـتر)، ۲ـ دارتاگیروه (به بلندی ۲۳۸۳ متر) مناطق مرکزی و جنوبی شهرستان اندیمشک کوه هائی چندان مهم ندارد و در واقـع ایـن قسـمت از انـدیمشک در ناحیه‌ای جلگه‌ای خوزستان قرار گرفته.

**کان‌ها:** ۱ـ معدن سنگ گچ در ۴۰ کیلومتری شمال انـدیمشک، ۲ـ مـعدن سـنگ آهک چـناره، در مجاورت کـوه چـناره در ۴۰ کـیلومتری شـمال باختری اندیمشک، ۳ـ معدن سنگ گچ شهباز در ۷۵ کیلومتری شمال خاوری اندیمشک.

**آب و هوا:** به طور کلی معتدل و خشک.

**پوشش گیاهی:**

**نژاد و زبان:** درختان بلوط، کـیکم، کـنار، انـجیر کوهی و انار جنگلی ـ گیاهان داروئی: گل گاو زبان، خاکشی، گل ختمی و گل بابونه.

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، کـفتار، آهو، خرگوش، جوجه تیغی، گراز، کبک، تـیهو، غاز و اردک وحشی.

**وضع اقتصادی:** کشاورزی، دامـداری و پـاره‌ای صنایع کارخانه‌ای و صنایع دستی پـایه و مـایه گذران زندگی مردم شهرستان انـدیمشک است. گندم و جو، چغندر قند، ذرت، تره بار، حبوبات، کنجد و پنبه، دام و محصولات دامی و مرغداری.

**مـنابع آب کشـاورزی:** رودخـانه‌ها و چـاه‌های عمیق.

**اقـتصاد بـر پـایه:** یـخچال سـازی، یـخسازی، قندسازی، تولید گچ، پارچه، موزائیـک سـازی، مصالح ساختمانی، سنگبری، ساخت ماشین آلات کشاورزی، ساخت لوازم چوبی خانگی، ساخت وسائل گاز سوز، مقوا سازی، تولید سیم، کابل و دکل برق و تراشکاری و تولیدات معدنی.

**صنایع دستی:** قالی بافی، جاجیم بافی، گلیم بافی و موج بافی استوار است.

**اهواز (مرکز استان و شهرستان):** شهر اهواز

در ارتفاع ۲۰ متری از سطح دریا و در ۱۲۰ کیلومتری شمال باختری خرمشهر و در مسیر راه‌آهن سراسری خرمشهر ـ تهران قرار دارد. رود کارون از میان شهر می‌گذرد و ۳۶۰ کیلومتر این رود قابل کشتیرانی است.

**آب و هوا:** گرم و خشک و بیشترین درجه حرارت در تابستان تا ۵۴ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستان ۲ درجه بالای صفر است. اهواز کنونی در محل شهر قدیمی که در دوران ساسانیان هرمشیر و خوزستان بازار نامیده می‌شد، بنا گشت. بنای قدیمی شهر را به روزگار عیلامیان نسبت داده‌اند. اما رونق اهواز از قرن ششم هجری فزونی گرفت.

اهواز قدیم به وسیله شهر شاهجرد به دو محله بزرگ تقسیم شده بود. محله باختری که میان رودخانه و شهر قرار دارد به نام جزیره شهرت داشت و محله خاوری را که در پای کوه ساخته شده، بیشتر بازارها و مسجد جامع در آن واقع بود. شهر اهواز یک قطب مهم کشاورزی، صنعتی و یک مرکز مهم فرهنگی و دارای محصولات متنوع متعدد کشاورزی و صنعتی است.

اولین کارخانه خصوصی قند در اهواز در سال ۱۳۳۵ تأسیس شد و تا سال ۱۳۵۶، تنها پنج کارخانه در مالکیت دولت بود. تا سال ۱۳۷۴ تعداد کارخانه‌های فعال قند و شکر به ۳۷ واحد، با جمع ظرفیت تولید ۸۶۰ هزار تن محصولات افزایش یافت. ۳۵ واحد مصرف چغندر قند حدود ۵۰ درصد کل محصولات شکر ایران را تولید می‌کنند و دو کارخانه باقی مانده به تصفیه نیشکر اختصاص دارند. راه‌اندازی طرح هفت‌تپه نیشکر اهواز شامل ۸ کارخانه تولید شکر و صنایع جنبی مانند کارخانه تولید کاغذ، خمیر کاغذ، خوراک دام و نئوپان و فرآورده‌های شیمیایی، به رشد صنعت قند و شکر و صنایع وابسته، شتابی تازه می‌بخشد.

**صنایع فولاد اهواز:** این اولین تولید کننده آهن و فولاد و با روش احیای مستقیم از ۸ واحد تشکیل گردیده است که در زمینی به مساحت ۳۰۰ هکتار احداث شده‌اند. ظرفیت سالانه واحدهای عمده صنایع فولاد اهواز عبارتند از:

- تولید ۵ میلیون تن گندله سنگ آهن در واحدهای مواد اولیه.
- تولید ۲/۵ میلیون تن آهن اسفنجی و خشته در واحدهای احیا.
- تولید ۱/۵ میلیون تن شمش و تختال فولادی در واحد فولاد سازی.

محصولات تولیدی این صنایع در کارخانجات نورد به محصولات فولادی ساختمانی تبدیل می‌شود.

**ایذه:** از شهرستان‌های استان خوزستان است که در شمال و شمال خاوری به استان چهار محال بختیاری، از شمال باختری به شهرستان مسجد سلیمان از جنوب خاوری به استان کهگیلویه و بویر احمد، از جنوب به شهرستان رامهرمز و از جنوب باختری و باختری نیز به مسجد سلیمان محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر ایذه دارای دو بخش ۱ـ مرکزی، دارای هفت دهستان (۱ـ پیان، ۲ـ حومه‌ی شرقی، ۳ـ حومه‌ی غربی، ۴ـ سوسن شرقی، ۵ـ سوسن غربی، ۶ـ مرغا، ۷ـ هلایجان)، ۲ـ بخش دهدز است.

این شهرستان در ۳۱ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۵۴ دقیقه طول شرقی گرینویچ واقع گردیده و ارتفاع آن از سطح دریا ۷۶۴ متر است. فاصله‌ی شهرستان ایذه تا اهواز

۲۰۷ کیلومتر و تا تهران ۱۰۸۲ کیلومتر می‌باشد. این شهرستان را ارتفاعات زیادی احاطه کرده که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:
ایذه درکرانه‌های دست چپ کارون علیا واقع و از طرف شرق مسجد سلیمان و از جنوب به خاک جانکی محدود است.
ایذه را عرب‌ها ایذج گویند.

ابن بطوطه جهانگرد معروف که خود به ایذه سفر کرده نام این منطقه راکه از مردم این سامان شنیده به کسر همزه و فتح ذال ذکر کرده است در روزگار اتابکان به آن جا مال امیر می‌گفتند.

کلمه‌ی ایذه تا این اواخر متروک بود تا این که مجدداً به این منطقه همان ایذه گفته می‌شود.

ایذه به همه‌ی این منطقه و به مرکز حکومتی آن هر دو گفته می‌شود به طوری که یاقوت حموی نیز نوشته است که ایذه به مرکز و همه این منطقه اطلاق می‌شد.

ایذه در روزگار عیلامیان اهمیت و عظمت بسیار داشت، مرکز آن آنزن یا انشن نام داشته است.
در روزگار سلوکیدها بناهای زیادی توسط یونانیان در این منطقه ایجاد گردید.

در عهد ساسانیان شهر ایذه قدیم نام و اعتباری داشت و در اخبار اسلامی مکرر از این شهر نام برده شده است. حتی در قرون اولیه‌ی اسلامی نیز آباد بود به طوری که مقدسی نوشته است: ایذج از مهم‌ترین شهرهای این ولایت است و پادشاه آن تقریباً مستقل است و آن مانند اسد آباد همدان در وسط کوهستان قرار دارد و برف بسیار در آن می‌بارد و یخ آن جا را به اهواز و سایر نواحی می‌برند.

مردم شهرستان ایذه به لحاظ بافت عشایری از آداب و رسوم و زندگی خاص عشایری تأثیر فراوانی پذیرفته‌اند. زندگی سنتی عشایری که بر اساس نظام اجتماعی ایلی طایفه‌ای استوار بوده و از شیوه‌ی معیشت کوچروی و بافت طبیعی و جغرافیائی منطقه تبعیت می‌کند در مناطق این شهرستان رایج و متداول است.

به واسطه‌ی قرارگرفتن در حاشیه‌ی کوه‌های زاگرس ایذه دارای آب و هوای کوهستانی است و از مهمترین ارتفاعات آن می‌توان به کوه سفید، گم زرد و سلطان ابراهیم اشاره نمود.

رودخانه‌ی بزرگ کارون از قسمت جنوب دهدز وارد شهرستان ایذه شده و در قسمت غرب این شهرستان در محلی به نام امامزاده سلطان ابراهیم به دریاچه‌ی سد کارون که مرز شهرستان ایذه و مسجد سلیمان است وارد می‌شود.

اقتصاد منطقه بر دامداری و دامپروری استوار بوده و ایذه از مهم‌ترین مراکز دامداری استان محسوب می‌گردد.

**رودها:** ۱ـ رود کارون از ۲۰ کیلومتری خاور شهر ایذه می‌گذرد. ۲ـ رود مرغاب یا (رمه چر) که شاخابه‌ای از کارون است، از حد فاصل ایذه و مسجد سلیمان در سوی شمال باختری ـ جنوب خاوری روان است و به زمین‌های شمالی (باغملک جانکی) می‌رسد.

**کوه‌ها:** بخشی از کوه‌های زاگرس که از شمال باختری به جنوب خاوری ایذه کشیده شده شامل: ۱ـ منگشت (بلندی ۳۶۱۳ متر)، ۲ـ کل گرد یا جیوه، ۳ـ گژ مرد، ۴ـ هژو، ۵ـ الملک. ۶ ـ کوه قارون

**آب و هوا:** معتدل و خشک ـ میزان متوسط بارندگی سالانه حدود ۴۰۰ میلیمتر است که در زمستان گاهی برف در ارتفاعات می‌بارد، متوسط

درجه‌ی حرارت ۲۴ درجه سانتیگراد می‌باشد.
**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و فارسی زبان با گویش لری بختیاری - در شهرستان ایذه ایلاتی چون بختیاری شامل چهار لنگ و هفت لنگ و طوایف کیانرسی، محمود صالح، ذلقی، لیموند، اورکی، بابادی، بختیاروند و دینارودی می‌باشد.
**رستنی‌ها:** درختان بلوط، کنار، بادام کوهی، کیکم، زالزالک، انار وحشی، انگور و انجیر وحشی - گیاهان داروئی و صنعتی: گل گاو زبان، شیر خشت، خاکشی و گون کتیرا - چراگاه‌های فراوان برای چرای دام حدود ۱۸۰۰۰۰ هکتار جنگل طبیعی و مراتع خوبی نیز دارد که محل قشلاق ایل بختیاری است.
**جانوران و پرندگان:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، بزکوهی، گراز، تیهو، قرقاول و کبک.
**وضع اقتصادی:** ۱ـ کشاورزی با شیوه‌ی سنتی به صورت دیم آبی گندم و جو و غیره به عمل می‌آورند. آب کشاورزی از رود کارون و چشمه سارهاست. ۲ـ باغداری گردو، انگور، انار و سیب، ۳ـ دامداری: پرورش بز، گوسفند، گاو و بیشتر بوسیله کوچ نشینان و عشایر صورت می‌گیرد. ۴ـ صنایع دستی: قالی، گلیم، جاجیم، شمد، خورجین. ۵ـ صنایع کارخانه‌ای: آجر سازی، ملامین سازی، سنگ بری، مصالح ساختمانی و لوازم فلزی.
رود کارون، رود زرد، رود اعلا و رود فصلی هلایجان در گسترش کشاورزی ایذه نقش عمده‌ای دارند.
**۱ـ آثار تاریخی اسکند مقدونی در ایذه (مال امیر):** در کنار شمال شرقی کوه هائی که جلگه‌ی مال امیر به آن‌ها محدود می‌شود، نقوش برجسته کتیبه هائی به خط ایلامی دیده می‌شود که اکثر آن‌ها به نام سلطانی موسوم به هانی پسر (تاهی هی) می‌باشد.
(لایارد انگلیسی در سال ۱۸۴۱ میلادی) تعداد تصاویر این نقوش را به ۳۴۱ تخمین زده است.
**۲ـ اشکفت سلیمان:** در سه کیلومتری جنوب غربی شهر ایذه‌ی کنونی، در انتهای دره‌ای واقع است. اشکفت سلیمان محوطه‌ای وسیع می‌باشد که در درون صخره‌ی طبیعی کوه به صورت سرپناهی با آثار آب رفتی و یک چشمه‌ی آب شیرین گوارا که از درون غاری کوچک و باریک بیرون می‌آید و چند قطعه کوه به هم پیوسته تشکیل می‌شود.
**۳ـ نقش‌های کول فره:** در جنوب شهر ایذه از جاده‌ای که به سوی دهدز امتداد دارد، در آخر جلگه‌ی ایذه رشته کوهی کم ارتفاع و دره هائی به درون این رشته کوه‌های شمالی وجود دارد. اولین دره به نام دره‌ی کول فره نامیده می‌شود. در کنار این کوه نقوش ظریف و بدیعی حجاری شده و صورت آدمیان زن و مرد و جانوران گاو و گاو میش و گوسفند و شاه و فرمانروا و مردمان فرمانبردار و اسیر در حالت نیایش و احترام و حمل هدایا و تقدیس رب النوع یا امیر بر روی دو قعه سنگ عظیم و جسیم که شکل هندسی ندارند، به چشم می‌خورد از نقوش دوره عیلامی است.
سایر بناهای تاریخی ایذه عبارتند از: بقعه‌ی امامزاده شهسوار، نقش‌های کوباد، نقوش سنگتراشی برنبشته، آثار قلعه گژدیمک، مجسمه سوسن و آثار سوسن و شمی، آثار قلعه‌ی تل تنگ ناشلیل، آثار شالو و قلعه‌های دهدز، آثار شیوند، آثار باغملک و میداوود، آثار پل ساسانی - اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خوزستان.
**ایذه (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان

ایذه استان خوزستان و مرکز آن شهر ایذه و دارای ۷ دهستان (۱ـ پیان، ۲ـ حومه‌ی شرقی، ۳ـ حومه‌ی غربی، ۴ـ سوسن شرقی، ۵ـ سوسن غربی، ۶ـ مرغا، ۷ـ هلایجان) است.

**باغملک (بخش مرکزی)**: از بخش‌های شهرستان باغملک استان خوزستان و مرکز آن شهر باغملک و دارای ۶ دهستان: (۱ـ میداود، ۲ـ رود زرد، ۳ـ قلعه‌ی تل، ۴ـ منگشت، ۵ـ سرله، ۶ـ هپرو) است.

**باغملک (شهرستان)**: از شهرستان‌های استان خوزستان مرکز آن شهر باغملک، دارای دو بخش ۱ـ مرکزی دارای ۶ دهستان (۱ـ میداود، ۲ـ رود زرد، ۳ـقلعه تل، ۴ـمنگشت، ۵ـسرله، ۶ـهپرو)، ۲ـ بخش صیدون است.

شهرستان باغملک شامل دو قسمت است. جانکی سردسیر مرکز لردگان، از توابع استان چهار محال و بختیاری و جانکی گرمسیر که مرکزش باغملک است. این شهرستان حد فاصل میان ییلاق و قشلاق عشایر بختیاری، بلداچی شهر کردی، بروجنی، قهفرخی (فرخشهری) و بهمئی است. و از موقعیت خاصی برخوردار می‌باشد. برنج یکی از محصولات مهم کشاورزی این شهرستان می‌باشد که در دهستان‌های این سامان کشت می‌شود. دامداری و دامپروری که به شکل رفت و آمد به ییلاق و قشلاق صورت می‌گیرد نقش عمده‌ای در ایجاد کار و اشتغال مردم این منطقه دارد.

نقاط مرتفع، مراتع و جنگل‌ها و مناظر طبیعی دیگر موقعیت ویژه‌ای را به این شهرستان ارزانی داشته‌اند. رودخانه‌های علاء، زرد، تلخ و مال آقا در باغملک جریان دارند.

این رودخانه‌ها پس از عبور از باغملک وارد رامهرمز می‌شوند.

مراتع سرسبز و وجود آب‌های سطحی و نزولات جوی امکانات و استعدادهای فراوانی جهت رشد و توسعه‌ی باغملک به وجود آورده‌اند.

در حال حاضر کشاورزی و دامپروری فعالیت عمده‌ی مردم منطقه است. محصولات کشاورزی شهرستان باغملک گندم، جو و برنج می‌باشد.

در شهرستان باغملک علاوه بر آثار تاریخی بناهای مذهبی متعددی از جمله امامزاده ابوالفضل، امامزاده امیرالمؤمنین و... وجود دارند.ـ مرکز آمار ایران.

شهرستان باغملک با ۲۲۴۶ کیلومتر مربع وسعت، در ۱۵۲ کیلومتری اهواز و در شمال شرقی خوزستان بین مدار ۴۹ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و ۳۱ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۴۳ دقیقه عرض شمالی از خط استوا واقع شده است.

مساحت مرکز شهرستان ۱۷/۸ کیلومتر مربع و ارتفاع آن از سطح دریا ۶۵۰ متر می‌باشد.

منطقه به طور عمده شیبدار و کوهستانی است و کوه‌های مرتفع منطقه شامل کوه جیجه با ارتفاع ۲۵۹۸ متر از سطح دریا در شمال شرقی بخش صیدون و کوه دشت با ارتفاع ۲۵۹۸ متر از سطح دریا در شمال می‌باشد.

ارتفاعات بلند برفگیر منگشت مشرق و جنوب شرقی شهرستان را فرا گرفته که هرچه به طرف مغرب برویم از میزان ارتفاعات آن کاسته می‌شود به طوری که در مغرب ناهمواری‌ها به شکل تپه‌های گچی نمایان است. به خاطر آبرفت رودخانه‌های علاء ـ ابوالعباس و زرد، دشت‌های حاصلخیزی چون میداود، قلعه‌ی تل و طلاور

وجود دارد. اکثریت خاک این شهرستان از نوع شنی و رسی است و برای کشاورزی کاملاً مناسب است.

باغملک سرزمینی است که به جانکی معروف بوده است. منطقه‌ی جانکی دارای سوابق تاریخی چند هزار ساله بوده و در قدیم جزء ایلام بوده و آثاری نیز مربوط به دوره‌ی ایلامی‌ها در آن کشف شده و آثار زمان ساسانیان هم بقایائی مانند خرابه‌های منجنیق موجود است. از مردمان اولیه‌ی این سرزمین اطلاعات دقیق و کافی وجود ندارد.

یکی از مکان‌های سیاحتی و زیارتی شهرستان باغملک امامزاده شاهزاده عبدالله یا شاه منگشت که بر روی کوه منگشت در فاصله‌ی ۵۰ کیلومتری مرکز شهرستان باغملک قرار دارد می‌باشد.

از جاذبه‌های سیاحتی شهرستان باغملک منطقه‌ی مال آقا است که دارای رودخانه‌ای با آب سبز و زلال و درختان چنار سر به فلک کشیده و درختان مورُد و گیاهان محلی در حاشیه‌ی رودخانه می‌باشد که منظره آن دلپذیز و لذت بخش است. اکثر مردم از شهرها و روستاهای اطراف جهت تفریح به این منطقه خوش آب و هوا روی می‌آورند. اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد استان خوزستان

**رودها:** ۱ـ رود ابوالعباس و چند رود فرعی کم اهمیت از این بخش می‌گذرد. رود ابوالعباس از سفیدکوه (واقع در بخش دهدز) روان گشته و پس ازگذشتن از باغملک و پیوستن چندین شاخابه به رود صندلی، می‌ریزد.

**کوه‌ها:** این بخش که منطقه‌ای کوهستانی است، کوه‌های بادرنگان در شمال و کوه‌های زرین و دیوانه را در جنوب فرو پوشانیده شده است.

**آب و هوا:** معتدل و خشک.

**جمعیت:** اکثر از ایل بختیاری و طایفه‌ی زنگنه تشکیل گردیده.

**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان فارسی با گویش بختیاری لری سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درخت بلوط ـ گیاهان داروئی و صنعتی: گل گاو زبان، خاکشی و گون کتیرا ـ پوشش گیاهی چراگاه‌ها.

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، بزکوهی، قوچ، میش، گراز، خرگوش و کبک و قرقاول.

**وضع اقتصادی:** در درجه‌ی اول کشاورزی و در درجه‌ی دوم دامپروری و صنایع دستی راه گذران زندگی مردم بخش جانکی است.

گندم، جو، برنج، تره بار، انار، دام و فرآورده‌های دامی، قالی، گلیم و جاجیم از محصولات این شهرستان است.

**باغملک (مرکز شهرستان):** شهرباغملک در ۵۴ درجه و ۴۹ دقیقه طول جغرافیایی و در ۳۱ درجه و ۳۱ دقیقه عرض جغرافیایی و در ارتفاع ۷۲۰ متری از سطح دریا قرار دارد. باغملک مرکز شهرستان جانکی از شهرستانهای استان خوزستان است که در ۴۸ کیلومتری جنوب باختری ایذه و در مسیر راه رامهرمز - ایذه قرار گرفته.

رود ابوالعباس از کنار این شهر می‌گذرد و کوههای بادرنگان زرین و دیوانه در اطراف آن واقع شده.

**آب و هوا:** معتدل، بیشترین درجه گرما در تابستانها به ۴۲ درجه بالای سفر و کمترین آن در زمستانها به صفر درجه می‌رسد. میزان باران سالانه شهر باغملک بطور متوسط ۵۰۰ میلی‌متر است.

**بروجرد:** بروجرد شهری خوش آب و هوا با بهاری پرسبزه و شکوفه و شقایق، تابستانی معتدل و پر میوه و پائیزی عارفانه و پرشکوه است.

بروجرد با ۲۶۴۲ کیلومتر مربع وسعت، ۱۶۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و ۱۸۴۷۶۳ نفر جمعیت آن است. چشمه‌های آب و دره‌های پردرخت که از برکت کوه «گری» است شرایط طبیعی ویژه‌ای را برای این شهر فراهم ساخته سا.

شهر بروجرد تا پیش از تغییرات نوین شهر سازی، دارای بافت قدیمی زیبائی بود که نمونه‌هایی از آن هنوز در بخش‌ها و کوچه‌های میانی شهر باقی مانده است.

بروجرد که در گویش محلی «وورویرد» (VERUYERD) و در گویش لری «وروگرد» تلفظ می‌شود، با توجه به آثار تاریخی و بناهای موجود نمیتواند شهری چندان کهن باشد. اما در دشت جنوب شهر، تپه‌های با آثار کهنه‌تری از دوره‌های گذشته وجود دارد. شهر بروجرد را باید از آثار سده‌های اولیه‌ی اسلامی دانست. گزارش‌های سیاحان و جغرافی نویسان هم بر آن تأکید دارد.

«استخری» در کتاب خود واژه‌ی «وروگرد» را می‌آورد و در توصیف آن می‌نویسد: «شهری فراخ نعمت است و زعفران خیزد از آن جا» «ابن فقیه همدانی» در «البلدان» بی هیچ وصفی، از این شهر نام برده است. در «حدود العالم» و «مجمل التواریخ» و «القصص» هم بدون ذکری ازگذشته‌ی شهر، از آن یاد شده و آمده است که «شهری است با آب و هوای خوش ومیوه‌های فراوان» پس از تشکیل حکومت‌های قبیله‌ای اتابکان «لر کوچک» بروجرد همواره زیر نفوذ و حیطه‌ی حکمرانی آنان بود و جزء ولایت «لر کوچک» محسوب می‌شد. «حمد الله مستوفی» در «تاریخ گزیده» آن را جزء «لرکوچک» دانسته، می‌نویسد: «... از شهر آن، سه معمور است: بروجرد و خرم آباد و شاپور خواست ...»

می‌گویند پارچه‌های بافته شده در بروجرد به بسیاری از شهرهای ایران و گاهی نیز به خارج از مرزها برده می‌شده و به خوبی رنگ و بافت شهرت داشته است. بروجرد یکبار در هجوم مغول و باردیگر در یورش بی رحمانه‌ی تیمور در سال ۷۹۰ هجری زیان‌های جانی و مالی فراوان دید و بخش‌هایی از شهر زیر پای سربازان تیمور ویران شد. از جمله «قلعه‌ی رومیان» در نیم فرسنگی شهر بروجرد از بناهای آن روزگاران بود که ویرانه این قلعه امروز به نام «تپه‌ی قلارمیان» مشهور است.

**گردشگاه‌ها و دیدنی‌های بروجرد:** ۱- امروزه گردشگاه هی نزدیک بروجرد به علت توسعه‌ی شهر، تغییر وضعیت داده است، دره‌های غربی و جنوبی شهر که پوشیده از باغ و درخت بود از میان رفته، اما هنوز در دشت سیلاخور و دامنه‌های کوه گری (GARRI)، باغ‌ها و گردشگاه‌های خوب و دلپذیر با میوه‌های گوناگون باقی است.

دهکده‌ی «ونائی» گردشگاهی ییلاقی و با صفا در این منطقه است که چشمه‌های آب فراوان دارد و دسترسی به آن از راه آسفالته ممکن است.

در بهار، به ویژه اردیبهشت ماه، دشت جنوب و جنوب غربی بروجرد پوشیده ازگل‌های پوشیده ازگلهای شقایق و بنفشه می‌شود. مشهور است که قاآنی در سال ۱۲۶۷ هجری قمری در سفری به بروجرد تحت تأثیر چنین منظره‌ای، در وصف بروجرد قطعه‌ای ساخته که یک بیت آن این است:

گرچه صفاهان بهشت روی زمین است
لیک نیزد به یک بهار بروجرد

۲- مجموعه‌ی بازار قدیمی: «راستا بازار» بروجرد تا امروز باقی مانده و هنوز یکی از مراکز تجاری و کسب و کار اقتصادی بروجرد است. هم اکنون

نشانه‌هایی از برخی حرفه‌های قدیمی بروجرد را در این بازار سرپوشیده می‌توان دید. هر صنفی در یکی از راسته‌های این بازار به کار مشغول است.

۳ـ مسجد جامع بروجرد: «حمد الله مستوفی» در «نزهت القلوب» در توصیف کوتاهی از بروجرد مینویسد: «جزء تومان لر کوچک است و آب و هوایش میانه و شرابش نیکوست و زعفران دارد.»

وی از دو جامع عتیق و حدیث نیز نام برده است. در ورودی مسجد جامع، دو لنگه است و در سال ۱۹۰۲ هجری قمری به دستور سلطان محمد نامی ساخته و پرداخته شده است. مسجد بدون گلدسته بوده و دو گلدسته موجود، در سال ۱۲۰۹ هجری قمری به دستور یکی از حکام و بزرگان و معاریف بومی به نام تقی خان رازانی ساخته شده است.

بر بالای در غربی مسجد، سنگ نوشته‌ای است که از تاریخ ورود شاه عباس صفوی (۱۰۲۲ هجری قمری) به بروجرد حکایت دارد. «شاهوردیخان» آخرین اتابک لر کوچک به فرمانروای دست نشانده‌ی شاه عباس حمله کرده و او را کشته بود. شاه عباس برای دستگیری و کشتن «شاهوردیخان» عازم لرستان شد و شبی هم در بروجرد ماند.

۴ـ مسجد سلطانی بروجرد: بنا به تعریف «حمد الله مستوفی»، محل یکی از دو مسجد حدیث و عتیق بروجرد، همین مسجد کنوین بروجرد است که سال‌ها پیش «مسجد شاه» معروف بوده است. ساختمان مسجد شبیه مسجد بزرگ بازار در تهران است که درگذشته مسجد شاه خوانده می‌شد. این بنا از یادگارهای دوره‌ی فتحعلی شاه قاجار است و نام او در وسط گچ بری‌های در شمالی که به خیابان جعفری باز می‌شود آمده است. ابعاد صحن مسجد ۴۷×۶۱ متر با سه در خروجی در شمال و شرق و غرب است. در چوبی بزرگ شمالی، بسیار نفیس با کنده کارهای زیبا و دارای جملات مقدس است. تاریخ ساختمان این در، ۱۲۹۱ هجری قمری است. در اطراف صحن، حجراتی برای طلاب علوم دینی ساخته شده و درهای آن‌ها، ارسی مشبک و هر کدام نمونه‌ای از ذوق و اعتماد و ایمان سازنده آن است. مسجد در زمان‌های گذشته از حوزه‌های معتبر و سرشناس‌ترین استادان حلقه درس آن شادروان حضرت آیت الله العظمی بروجردی بوده که تا پیش از عزیمت به قم در آن جا تدریس می‌کردند. در ایوان غربی صحن، سنگ نوشته‌ای بر دیورا نصب شده که حاکی است در زمان فتحعلی شاه قاجار، از جهت رفاه مردم، مالیات خبازان را بخشیده‌اند.

۵ـ امامزاده جعفر بروجرد: از آثار دیدنی شهر بروجرد بقعه مطبق و ساختمان امام زاده جعفر است. این بقعه در شرق و انتهای خیابان جعفری واقع شده است. محوطه‌ی وسیع اطراف امام زاده جعفر، گورستان بسیار کهن بوده که سفال‌های کتیبه دار با خط کوفی که از بخش قدیمی گورستان یافت شده مبین این نظر است.

معماری گنبد، ظاهراً نمونه‌ای به جای مانده از دوره‌ی سلجوقی است. گنبد ۱۸ طبقه و ۲۵ متر بلندی دارد و بر بالای آن مخروطی گچ کاری قرار گرفته است.

در این بقعه مجموعه‌ای از گچ بری، معماری و کاشی کاری، و سنگ نوشته‌های باقیمانده از سده‌های گذشته وجود دارد. در چوبی آن نیز در سال ۱۲۳۰ هجری قمری به وسیله‌ی استاد علی اصغر بروجردی ساخته شده است. به اعتقاد مردم

و بنا بر شواهد و شجره نامه‌ها، امامزاده جعفر از فرزندان علی بن حسین علی علیه السلام است.

**آب و هوای لرستان:** استان لرستان دارای آب و هوای متنوعی است. این تنوع از شمال به جنوب و از شرق به غرب کاملاً محسوس می‌باشد.

زمستان هنگامی که در شمال لرستان برف و کولاک ادامه دارد قسمت‌های جنوبی آن دارای هوائی مطبوع و بارانی است. بخش‌های غربی مانند سفیدکوه نسبت به قسمت‌های شرقی، یعنی دورود و الیگودرز، نزولات جوی بیشتری دارد.

**آبشار شوی یا تله زنگ:** در جنوب شهرستان دورود و در بین کوه‌های سر تنگ شوی در حوالی روستای شوی و در ۱۰ کیلومتری ایستگاه راه آهن آبشار شوی واقع شده است.

آبشار شوی آبشاری زیبا و دلنشین است که از غاری بیرون می‌جهد و از گردنه‌ای بلند به پائین سرازیر یم شود. ارتفاع آبشار ۱۰۰ متر و عرض آن ۴۰ متر است که زیبائی و چشم اندازی کم نظیر را به طبیعت می‌دهد. اطراف آبشار مملو از درختان بلوط، بادام و پوشش گیاهی بسیار مناسب است. یان آبشار در گویش محلی به (طاف شوی) معروف است. راه دسترسی به آن از طریق ایستگاه راه آهن تله زنگ است.

**آبشار بیشه:** این آبشار یکی از زیباترین آبشارهای کشور است در ایستگاه راه آهن بیشه در شهرستان دورود واقع شده است. فاصله‌ی این آبشار تا شهرستان دورود که یکی از مسیرهای ارتباطی آن است ۳۵کیلومتر می‌باشد. ارتفاع آبشار ۴۸ متر تا نقطه‌ی برخورد با زمین و ۱۰ متر نیز از آن جا تا وصل شدن به رودخانه‌ی سزار می‌باشد. از شهرستان دورود به طرف آبشار مناطق دیدنی در کنار رودخانه‌ی سزار وجود دارد که میتوان به آبشارهای فصلی و دائمی، آبشارهای یخی در زمستان و درختان متنوع اشاره کرد.

**آبشار نوژیان:** آبشار نوژیان در ۵۱ کیلومتری جنوب شرقی خرم آباد (بخش یابی) به ارتفاع ۹۵ متر و عرض تاج ۵ واقع شده است. گردشگاه جنگلی نوژیان بالای کوه تاف قرار دارد. در کوه (تاف) انواع گیاهان داروئی می‌رویند و طبیعت و آبشار زیبا و هم چنین برای جمع آوری گیاهان داروئی به این ناحیه می‌آیند و اوقات فراغت خود را در آن جا می‌گذرانند. راه ارتباطی آن از طریق خرم آباد به گردنه‌ی نوژیان جاده‌ی آسفالته و یا از راه آهن به ایستگاه کشور و از آن طرف هم با پای پیاده حدود ۲ ساعت پیاده روی به سمت آبشار است.

**تونل برفی:** تونل برفی به صورت طبیعی در برف و یخ‌های دامنه‌ی زیبا و سر به فلک کشیده اشترانکوه در منطقه کمندان شهرستن از نا بوجود آمده است که طول این تونل برفی در را فقط در فصول بهار و تابستان می‌توان دید.

**دریاچه‌ی کیو:** در مرکز شهر خرم آباد در کنار پارک کیو، دریاچه بسیار زیبای کیو قرار دارد. این دریاچه به شهر جلوه‌ی خاصی داده و در کنار جاذبه‌های تاریخی فراوان در دره خرم آباد و چشمه‌های پر آب دره‌ی خرم آباد شهر را در ردیف یکی از شهرهای زیبای توریستی قرار داده است. مساحت آن هفت هکتار و عمق آن بین سه تا هفت متر است. در کنار این دریاچه امکانات تفریحی، شهربازی و چشم انداز زیبائی وجود دارد.

**مسجد جامع بروجرد:** این بنا در خیابان جعفری شهر بروجرد واقع شده است. بخش قدیمی این بنا شبستان جنوبی و گنبد آن است که همانند چهار

طاق‌های زمان ساسانیان می‌باشد. نقشه‌ی مسجد از نوع یک ایوانی است و از یک قسمت وسط به ابعاد ۱۰×۲۰ متر تشکیل شده است ارتفاع گنبد آن که در وسط بنا ایجاد شده تا کف مسجد نزدیک به ۲۰ متر است. زمان ساخت آن به عهد سلجوقی برمی گردد. مواد و مصالح آن از آجر، کاشی و ملات است. این بنا مربوط به دوره‌ی سلجوقی است و به شماره‌ی ۲۲۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

**امامزاده جعفر بروجرد:** به استناد کتیبه‌های موجود امام زاده جعفر (ع) فرزند امام موسی کاظم (ع) است. ساختمان گنبد هرمی شکل این آرامگاه نمونه‌ای بسیار زیبا و هنر و معماری عهد سلجوقی می‌باشد. داخل حرم هشت ضلعی است و در وسط آن معجری از چوب و ورشو ساخته شده است این معجر روی قبری که شش پله پائین‌تر از حرم است قرار دارد. بقعه غیر از مخروط انتهائی ۱۸ طبقه است.

در محوطه‌ی این امامزاده پنجاه اصله درخت موجود است که دو اصله آن چنار و یکی از آن‌ها ۳۸۰ سال قدمت دارد. بنای مذکور مربوط به دوره‌ی سلجوقی (۷۱۷ هجری قمری) است.

**پل شاپوری (طاق پیل اشکه):** این پل در قسمت جنوبی شهر خرم آباد واقع شده است و عامل ارتباط غرب استان (طرهان) با شرق و از آن جا به خوزستان و تیسفون (پایتخت ساسانیان) بوده است. احتمالاً جهت توزیع آب نیز مورد بهره برداری قرار می‌گرفته است. طول پل ۳۱۲ متر، و ارتفاع آن ۱۰/۷۵ متر است که از ۲۸ چشمه طاق و ۲۷ پایه تشکیل شده است سطح هر پایه ۶۱ متر و فاصله‌ی بین دو پایه ۷/۵ متر است. پنج چشمه طاق پل سالم بوده و مابقی بر اثر عوامل طبیعی تخریب گردیده است. چشمه طاق‌های پل به صورت جناقی ساخته شده و سبک سازی پل در قسمت طولی پل در زیر روگذر ضلعی از سنگ ساخته شده است. کف پل سنگ فرش است. نوع سنگ فرش، سنگ بلوک قرمز است که در اثر فرسایش آب از صورت کادر بودن خارج شده است. این پل عظیم و دیدنی مربوط به دوره‌ی ساسانی و به شماره‌ی ۱۰۵۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

**پل دختر:** بنا که از آثار ارزنده معماری پیش از اسلام در لرستان محسوب می‌گردد. در ورودی شهر پلدخرت واقع شده است. این دومین پلی است که در لرستان بنا «کرودت» یا پل دختر مشهور است هر چند این بنا در قرن ۴ هجری قمری مورد مرمت و تجدید نبا قرار گرفته است، اما اصل آن بنا به احتمال قریب یقین مربوط به دوره‌ی ساسانی است. جهت پل شرقی غربی و طول آن ۲۷۰ متر می‌باشد. درباره‌ی وجه تسمیه پل برخی آن را منتسب به ایزد بانو آناهیتا می‌دانند. بی تردید این پل اهمیت ویژه‌ای در ارتباط بین مناطق جنوب با غرب و مرکز و شمال داشته و علاوه بر اتصال لرستان و ایلام راه اصلی شاپور خواست به جندی شاپور شهر قدیم خوزستان (دوره‌ی ساسانی) به شمار می‌رفته است. این بنا به شماره‌ی ۱۶۷۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

**پل گاومیشان:** این پل در فاصله‌ی ۳۰ کیلومتری شهرستان پلدختر و بر فراز رودخانه‌ی سیمره در حد فاصل استان‌های ایلام و لرستان احداث شده است. جهت پل شمال شرقی به جنوب غربی می‌باشد. در حال حاضر دارای ۶ چشمه طاق می‌باشد. معماری پاتاق‌ها به سبک معمرای

دوره‌ی ساسانی است اما در چشمه طاق‌ها آثار مـرمت دوره‌ی‌هـای صـفوی و قـاجاری دیـده می‌شود. بنا به گفته‌ی برخی مورخان نامگذاری این پل به گاو میشویه به جهت پرورش گاومیش در منطقه بوده است. اما با توجه به اهمیت گاو در آئین مهر پرستی ممکن است این نام از آئین مهر پرستی مأخوذ شده باشد. این پل که از بـناهای عظیم دوره‌ی ساسانی است. به شماره‌ی ۲۲۲۲ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

**پل کشکان (کشکو)**: این پل در بخش چگنی بر روی رودخانه‌ای بـه هـمین نـام و در مسـیر راه باستانی شاپور خواست به طرهان احداث شده است. ارتفاع آن در بالاترین قسمت ۲۶ متر و در کوتاهترین قسمت ۱۰ متر است.

درکنار این پل بقایای سه پل دیگر از دوره‌های گذشته وجود داردکه با مشخصات پلهای ساسانی قابل مقایسه هستند. بنای فعلی منسوب بـه آل حسنویه و مربوط به قرن ۴ (هجری قمری) است.

**مناره‌ی آجری**: این یادمان ارزشمند، بنائی است استوانه‌ای شکل در قسمت جنوبی شهر خرم آباد که به عنوان میل راهنما و جهت هدایت کاروان‌ها درکنار شهر قدیم شاپور خواست احداث گردیده است. بقایای معماری سنگ و گچ با دیوارهـای ضخیم در مجاورت مناره (پارک، میدان شقایق فعلی) بیانگر وجود تأسیساتی نظیر کاروانسرا و مسجد و ...گرداگرد بنا درگذشته می‌باشد. با توجه به سبک معماری بنا، احتمالاً تاریخ ساخت آن به دوره‌ی فرمانروائی دیلیمان بر می‌گردد.

**آسیاب گبری**: این بنا در سطح شـهر خـرم آباد (قسمت جنوب شهر) در محله‌ی حسین آباد واقع شده است. این اثر از جمله بناهای عام المنفعه و قدیمی شهر خرم آباد مـی‌باشد. کـه دارای پـلان مستطیل و به شکل مکعب به طول ۲۶ متر، عرض ۶ متر و ارتفاع ۱۱/۵ متر و با استاده از سنگ‌های تیشه خورده، قلوه سنگ همراه با ملات ساروج ساخته شده است. این اثر احتمالاً متعلق به شهر شاپور خواست (ساسانی) بوده تا دوره‌ی قاجاریه عملکرد داشته و مورد بهره برداری قرار می‌گرفته است.

**گرداب سنگی**: در غرب شهر خرم آباد در کـنار میدان بنائی مدور متشکل از یک دیوراه‌ی عظیم سنگی که به صورت مدور دور تا دور چشمه‌ای فصلی احداث گردیده است. قطر این بنا ۱۸ متر با محیط ۲۵۶ متر مربع با پهنای ۳ متر و بلندی آن تا کف چشمه ۱۰ متر است. این بنا دارای دریچه‌ای به اباد ۱۶۰×۹۰ برای هدیات آب آشـامیدنی و توزیع آن در اراضی و بهره برداری از آسیاب‌های آبی بوده است. مواد و مصالح آن از سـنگ‌های لاشه همراه مـلات سـاروج (آهک و گـچ و ...) می‌باشد که در ساختمان پل شاپوری و خرابه‌های شهر شاپور خواست مشاهده می‌شود.

**غارکلماکره**: کلماکره غریست طبیعی و باستانی در شهرستان پلدختر که زیبائی قابل تـوجهی دارد. اشیا به غارت رفته شامل ریتون‌ها، بشـقاب‌ها، پیکرک‌ها و بسیاری از انواع اشیا بی نظیر می‌باشد که اکنون در موزه‌های چون لوور، متروپولیتن و بریتیش میوزیوم به نمایش گـذاشـته شـده‌انـد. تعدادی از اشیا مربوط به این غار توسط مأمورین اطلاعات کشف و در اختیار میراث فرهنگی کشور قرار گرفت و اکنون در مـوزه‌ی ایـران بـاستان و موزه‌ی قلعه‌ی فلک الافلاک نگهداری می‌شوند. داخل این غار چشم انداز زیبائی از استالاگمیت و استالاگتیت دارد. از جهت فضای داخـلی درای چهار تالار نسبتاً بزرگ و دهلیزهای بسیار کوچکی

است که عبور از آن‌ها بسیار دشوار است. تصاویر و ستون‌های بسیار تماشائی به اشکال مختلف از قبیل نخلی، سروی شکل و به شکل لاله و نقوش در روی ایوان‌ها مشهود است. غار و اشیا گرانبهای آن مربوط به اوایل شاهنشاهی هخامنشی و اواخر مادهاست که در سال ۱۳۶۷ به صورت تصادفی توسط اهالی کشف و غارت شد. ـ ماهنامه‌ی گردشگری ایرانا پیشینه‌ی تاریخی

آثار مکشوفه از غارها و تپه‌های باستانی لرستان از پیشینه‌ی کهن استقرار انسانی، در این سرزمین حکایت می‌کند. هزارها سال پیش اقوامی که به «آسیانیکوس» یا «آزتیک» مشهورند، در این خطه مسکن گزیده‌اند. از بازماندگان شناخته شده‌ی این اقوام «کاسی»ها هستند که در لرستان کنونی مأوی داشته‌اند. آنان به عنوان نخستین کاشفان فلز، پرورش دهندگان اسب‌های بی همتا و فاتحان بابل، نام آور گشته‌اند.

پیشتازی این قوم در معماری، بافندگی و به ویژه دستافردیه‌های مفرغی، بدان حد بوده است، که برخی دانشمندان هنر خود ـ ویژه‌ی آنان را اساس هنر اصیل هنر دانسته‌اند.

نشانه‌های به جا مانده، نظیر معابد بزرگ، پل‌های حیرت‌انگیز، شبکه‌های آبرسانی، راه‌های ارتباطی، بقاع متبرکه و دیگر ابنیه سترگ، بیانگر تداوم و استمرار هنر درخشان معماری در دوره‌های هخامنشی، اشکانی، ساسانی و اسلامی می‌باشد.

**کلمه‌ی لر:** از قرن چهارم و پنجم واژه‌ی لور و بعد لر به سرزمین کنونی و مردمان آن اطلاق گردید. ظاهراً این واژه را باید ساکنان شهر که در شمال اندیمشک امروزی واقع بود، پس از ویرانی شهر، با خود به سرزمین کنونی لرستان آورده باشند. امروز نیز ساکنان لرستان را از لر و لک، لر می‌نامند و تنها گویش آن هاست که لری و لکی است و با آن از یکدیگر باز شناخته می‌شوند.

لک در فرهنگ صحاح الفرس لک به معنای مردم رعنا و نیز به ضم ل داروئی دانسته است که تیغه‌ی کارد را در دسته بدان محکم کنند.

لک نام قبیله‌ای هم بوده است. که در برهان قاطع در توضیح، از طایفه‌ی کردان صحرانشین نام برده، باید دانست که یکی از معانی واژه‌ی کرد گله چران و چوپان که امروز هم در مازندران چوپان را کرد می‌گویند.

**لک‌ها** تبار لک‌های لرستان در سه بخش به نام‌های ۱ـ هرو چقلوندی، ۲ـ سله سله یا الیشتر، ۳ـ دلفان ساکنند و در هر جا ساکن باشند ساکن در یکی از سه بخش بوده‌اند.

**ایلات پیشکوه** ۱ـ طوایف سلسله که امروزه‌ی به الشتر معروف است عبارت اند از: حسن وند، یوسف وند، کلیوند، که از طوایف اصلی اند و هر کدام به طایفه‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شوند.

۲ـ طوایف دلفان: کاکاوند، موماوند که برخی یکجانشین و بعضی کوچنده هستند.

۳ـ طوایف بالاگریوه: که شامل هفت قبیله عمده و چندین طایفه کوچک است از قبایل عمده‌ی آن می‌توان از بیرانوند، سکوند، بهاروند و پاپی نام برد.

۴ـ قبایل رومشکان، امرائی‌ها و سوری‌ها هستند. این دو دسته معتقدند که از اعقاب ماهوی سوری و بازماندگان امرای لرستان اند.

این قبایل از نظر ساختمان اجتماعی سنتی، اختلاف چندانی با ایلات و عشایر کرد و عشایر مرکزی ایران (بختیاری‌ها و کهگیلویه و بویر احمدی) ندارند، جز در برخی اصطلاحات و در رده‌های تشکیلات سیاسی و اجتماعی عبارتند از:

ایل: بزرگ‌ترین واحد سیاسی، اجتماعی، از چند طایفه که رهبری آن با ایلخان است.
تیره: زیر شاخه‌های طایفه که در رأس آن کدخدا قرار دارد.
دودمو (دودمان) یا «بووه»: از چندین خانواده‌ی خویشاوند تشکیل شده و رهبری آن بر عهده‌ی ریش سفیدان است.
حونه: کوچک‌ترین واحد اجتماعی و اقتصادی در عشایر لر (در مفهوم خانواده).

**بستان (مرکز بخش):** شهر بستان مرکز بخش بستان در ۵۹ درجه و ۴۷ دقیقه طول جغرافیائی و در ۴۳ درجه و ۳۱ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۷ متری از سطح دریا قرار دارد. مرکز بخش بستان در بخشهای دشت میشان استان خوزستان و در ۳۱ کیلومتری شمال باختری سوسنگرد (مرکز شهرستان دشت میشان) و در مسیر راه سوسنگرد ـ موسیان واقع است. رود کرخه از کنار شهر بستان میگذرد و به مرداب هورالعظیم میریزد.

**آب و هوا:** گرم مرطوب، بیشترین درجه حرارت تا ۵۰ درجه بالای صفر در تابستان و یک درجه بالای صفر در زمستان می‌رسد، میزان ریزش باران به ۱۵۰ میلی متر است.

شهر بستان در حدود چند دهه پیش مرکز بخش گردید در روزگار باستان منطقه دشت میشان مانند بسیاری از نواحی دیگر خوزستان قدمت و سابقه تاریخی دارد. در ۱۳۵۵ دارای ۷۰۰۰ نفر جمعیت بود، مردمش آریائی و سامی نژادند. «۱»

**بندر خمینی (مرکز بخش):** این شهر بندری در ۰۴ درجه و ۴۹ دقیقه طول جغرافیائی و در ۲۵ درجه و ۳۰ دقیقه عرض جغرافیائی و ارتفاع آن از سطح دریا ۴ متر است.

بندر خمینی مرکز بخش بندر خمینی و از بخشهای شهرستان ماهشهر استان خوزستان میباشد که در ۲۰ کیلومتری جنوب باختری بندر ماهشهر و ۱۰ کیلومتری جنوب راه آبادان ـ بندر ماهشهر قرار گرفته. این بندر از لحاظ بندری و بازرگانی و صنعتی اهمیت بسیار دارد.

**آب و هوا:** گرم و مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۵۰ درجه و کمترین درجه گرما در زمستانها ۲۰ درجه بالای صفر و باران سالانه بطور متوسط ۱۸۰ میلی متر و حداکثر رطوبت ۹۵ درصد است.

**بندر ماهشهر (مرکز شهرستان):** شهر بندری ماهشهر در ۱۲ درجه و ۴۹ دقیقه طول جغرافیائی و در ۳۳ درجه و ۳۰ عرض دقیقه جغرافیائی و در ارتفاع ۶ متری از سطح دریا و در مسیر راه بندر آبادان ـ بندر دیلم و در ۱۴۵ کیلومتری جنوب خاوری شهر اهواز قرار دارد.

بندر ماهشهر در کرانه خلیج فارس گسترش یافته هیچگونه بلندی یا رودخانه‌ای در نزدیکیش وجود ندارد مگر رود جراحی که از ۱۶ کیلومتری شمال بندر ماهشهر میگذرد.

**آب و هوا:** گرم و مرطوب، بیشترین درجه حرارت در تابستانها ۵۰ درجه بالای صفر و کمترین آن در زمستان‌ها یک درجه بالای صفر، حداکثر رطوبت هوا ۹۵ درصد و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۱۸۰ میلی متر است.

**بهبهان (مرکز شهرستان):** شهر بهبهان مرکز شهرستان بهبهان از شهرستانهای استان خوزستان در ۱۶ دقیقه و ۵۰ درجه طول جغرافیادی و در ۳۵ دقیقه و ۳۰ درجه عرض جغرافیائی است.

بهبهان از طرف شمال به رودخانه مارون، از باختر به شهرستان اهواز و خرمشهر و از جنوب به خلیج فارس و از خاور به شهرستان شیراز محدود

است.

اما حدود کنونی آن از شمال به استان کهگیلویه و بویراحمد و از غرب بشهرستان رامهرمز و از شرق به استان کهگیلویه و بویراحمد و از جنوب به شهرستان رامشیر محدود است.

## جندی شاپور:

### شهر جندی‌شاپور و مکان موقعیت آن در قدیم

**بانی جندی‌شاپور:** بنای این شهر را مورخان به شاپور اول فرزند اردشیر مؤسس سلسله ساسانی نسبت می‌دهند و می‌گویند «چون شاپور بر والرین valerien امپراتور روم غالب آمد دستور داد اسیران رومی شهری برای سکونت خود بسازند و این شهر همان جندی‌شاپور است.»

گیرشمن Ghirshman می‌نویسد: «وی «شاپوراول» نزدیک الرها «ادس Edesse یا اورفا» فتحی عظیم کرد و امپراطور والریانوس را با هفتاد هزار لژیونر رومی اسیر گرفت و آنان را به ایران رهسپار کرد (۲۶۰م) این عده در شهرهائی که خود آنان طبق طرح اردوگاههای نظامی رومی بنا کردند استقرار یافتند.

ایشان بعنوان متخصص، معمار، مهندس و اهل فن در تحقق دادن کارهای عظیم عام‌المنفعه، مخصوصاً بنای پلها و سدها و طرق به ایرانیان مساعدت کردند و از خدمات آنان ایالت پرثروت خوزستان فواید بسیار برگرفت و بعض آثار و بقایای آن عهد هنوز در زمان ما قابل استفاده است.»

و در جای دیگر می‌نویسد: «ساسانیان بانیان بزرگ شهرها، بشمار می‌روند و منابع تاریخی وسعت شهرسازی را که تقریباً در زمان همه شاهان این سلسله معمول بوده گزارش می‌دهند. ما هنوز از طرح شهرهای دیگر ساسانی آگاهی نداریم اما از طرح مؤسساتی که پادشاهان ایران، اسرای رومی خود را آنجا مستقر ساختند اطلاع داریم. شاپوراول آنان را در جندی‌شاپور جای داد.»

شاپور پسر اردشیر بعد از غلبه بر قیصر، امپراطور روم و تسخیر انطاکیه، دختر او را بزنی گرفت وشهری برای او بساخت مانند قستنطنیه و آن شهر جندی‌شاپور است.»

«چون شاپور دختر اورلیانوس قیصر روم را بزنی گرفت شهری برای او مانند بیزانس در ایران بنا کرد و آنرا جندی‌شاپور نامید.»

**مکان و مواضع جندی‌شاپور**- شهر جندی‌شاپور در ۳۲ درجه عرض شمالی قرار داشته و میان دزفول و شوشتر واقع بوده است.

گی - لسترنج G.Lestrange در کتاب جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی می‌نویسد:

«در هشت فرسخی شمال باختری شوشتر، سر راه دزفول، خرابه‌هائی که امروز شاه آباد می‌نامند دیده میشود و اینجا موضع شهر جندی‌شاپور است.»

در کتاب حدودوالعالم من‌المشرق الی المغرب که بسال ۳۷۲ هجری تألیف شده و مؤلف آن نامعلوم است چنین آمده است: «وندوشاور، شهری است آبادان و با نعمت بسیار و گور یعقوب‌لیث آنجاست.»

ابواسحاق ابراهیم‌بن محمد فارسی اصطخری معروف به «کرخی» می‌نویسد: «از شوشتر تا جندی‌شاپور یک منزل است و از آنجا تا شوش نیز یک منزل.»

علی سامی درکتاب تمدن ساسانی می‌نویسد: «از این شهر دانشگاهی معروف ساسانی مقصود جندی‌شاپور است» فعلاً هیچ آثاری باقی‌نمانده و

بزحمت بقایای مختصری از خرابه آن در نزدیکی کارون هیجده کیلومتری جنوب شرقی دزفول و پنجاه کیلومتری شمال غربی شوشتر مشهود می‌گردد ولی در دوران آبادی از شهرهای مهم شاپوراول بود.

حمداله‌مستوفی قزوینی می‌نگارد: جندی‌شاپور از اقلیم سیم است طولش از جزایر خالدات «فده» (۸۹)و عرض از خط استوا «لایه» (۴۶) شاپور بن اردشیر بابکان ساخت و شاپور ذوالاکتاف درو عمارت بسیارکرد شهری وسط و گرمسیر است و هوای بد دارد و در آنجا نیشکر بسیار بود.»

**طرح و نقشه شهر جندی‌شاپور** – شهر جندی‌شاپور مستطیل شکل و مانند شطرنج دارای هشت خیابان طولی و هشت خیابان عرضی بوده که خیابانها یکدیگر را قطع می‌کرده‌اند؛ نقشه شهرهای دوره ساسانی تا زمان شاپوراول مانند دوره پارتها بود؛ از عصر شاپوراول اصول شهرسازی تغییرکرد و معماری رومی و مخصوصاً سبک هیپوداموس Hippodamus در ساختمانها معمول گردید.

گیرشمن در این مورد می‌نویسد: ویرانه‌های این شهر «مقصود گندی‌شاپور است» بین دزفول و شوشتر واقع است و تقریباً سراسر آن در زیر گاوآهن منهدم شده طرح آن عبارتست از مستطیلی وسیع که شباهتش به طرح اردوگاه نظامی رومی عجیب میماند. همین امر را ما در ایوان کرخه نزدیک شوش ملاحظه کردایم.»

درکتاب تاریخ عمومی هنرهای مصور قبل از تاریخ تا اسلام چاپ دانشگاه تهران چنین مذکور است: «معماری ساسانی با تفاوتها و تحولاتی دنباله معماری اشکانی است. در شهر سازی، ساسانیان روش طرح مستطیل را ترجیح دادند و هم آهنگی شهر را با وضع طبیعی زمین در نظر می‌گرفتند. در شهر نیشابور و همچنین در جندی‌شاپور «میان دزفول و شوشترکنونی» همین طرح مستطیل را بکار بردند. این دو شهر شباهتی به اردوگاههای رومی داشتند و شاید برای جا دادن اسرای رومی و به کمک خود آنها ساخته شده بودند...».

حمزةبن حسن‌اصفهانی متوفی بسال ۳۶۰ هجری می‌نویسد: «بنای این شهر مانند رقعه شطرنج هشت خیابان در هشت خیابان و در قدیم شهرها را بصورت اشیاء می‌ساختند مانند شهر شوش که بصورت باز است و شهر شوشتر را که بصورت اسب ساخته‌اند.»

مؤلف مجمل‌التواریخ والقصص هم در این باره می‌نگارد: «نهاد آن «منظور شهر گندی شاپور است» بر مثال عرصه شطرنج نبود و لیکن شکلش بر آنسانست و اکنون «یعنی در حدود سال ۵۲۰ هجری» خراب است مقدار دیهی بجاست پراکنده.»

**وجه تسمیه جندی‌شاپور** از گفته‌های اغلب مورخان و جغرافیانویسان بر میاید که نام اصلی جندشاپور «وه اندیو شاپورهر - vah - Andivi shahpuhr» یعنی «به از انطاکیه شاپور» و به عبارت دیگر «شهر شاپور بهتر از انطاکیه» بوده است و معرب این اسم جندی‌سابور یا جندی‌شاپور می‌باشد.

**جندی‌شاپور از نظر تقسیمات سیاسی خوزستان در قدیم** تقسیمات سیاسی خوزستان در قدیم؛ از نظر جغرافی نویسان اسلامی مختلف است؛ بعضی از آنها ولایات خوزستان را هفت؛ و بعضی نه و برخی هفده نوشته‌اند و گندی‌شاپور هم یکی از

ولایات مهم خوزستان بشمار می‌رفته است.

**توجه شاهنشاهان ساسانی به آبادانی و عمران جندی‌شاپور** : جندی شاپور تا دیر زمانی مرکز سیاسی خوزستان به شمار میرفت و شاهنشاهان ساسانی برای عمران و آبادی آن اهتمام زیادی مبذول میداشتند. در پیرامون شهر، زراعت نیشکر فراوان بود و این محصول به خراسان و شرق اقصی صادر میگردید. پارچه‌های قلابدوزی «طراز» و نیز کشتزارهای برنج فراوان داشت مولف حدودالعالم‌من‌المشرق‌الی‌المغرب می‌نویسد: «وندوشاور، شهری است آبادان و با نعمت بسیار ...»

**جندی شاپور از چه زمانی ویران شد؟** آنچه از گفته نویسندگان و جغرافی‌دانان استنباط میشود، شهر گندیشاپور تا قرن چهارم هجری معمور و آبادان بوده، چنانکه در کتاب حدودالعلم‌من‌المشرق‌الی‌المغرب که بسال ۳۷۲ هجری تالیف شده این شهر به آبادانی و وفور نعمت معرفی شده است. از اواخر قرن چهارم هجری بر اثر هجوم طوایف و قبایل مختلف این شهر رونق و اعتبار خود را از دست داد و روبویرانی نهاد.

«شهر جندی‌شاپور بواسطه مدرسه طب و بیمارستانش که بدستور خسرواول ایجاد شد شهرت یافت در این موسسه استادان یونانی علوم یونان را بزبان آرامی تعلیم می‌دادند و سریانیها سهم فراوانی در تلقین علوم داشتند فارغ‌التحصیلان این مدرسه خلفا را در تعلیم طب مددکار بودند و پزشکان و مترجمان جندی‌شاپور در دانش و فضایل مقامی بس بزرگ یافتند.»

در مدرسه طب جندی‌شاپور عده زیادی پزشکان ایرانی بودند که بتدریس طب زردشتی می‌پرداختند ایرانیان گذشته از پزشکی در داروشناسی نیز دخالت بیسار داشته‌اند، سیداسماعیل جرجانی در کتاب ذخیره وزین‌العابدین انصاری صاحب اختیارات بدیعی نسخه‌ها و داروهایی که در جندی‌شاپور رواج داشته در مولفات خود ذکر نموده‌اند. در کتاب تریاق‌ابن سرابیون حبی حکیم برزویه طبیب که ترجمه لاتین آن Sapientis Pillulae Barsiati است دیده می‌شود و این مطلب می‌رساند که در جندی‌شاپور پزشکان ایرانی در داروسازی و شناختن خواص طبی گیاهان بسیار قوی بودند.«۱۴»

بنای جندی شاپور را که ویرانه‌های آن در جنوب شرقی دزفول واقع است بنا بر برخی اخباری‌که بیشتر مورد اطمینان است به شاپور اول نسبت می‌دهند که در قرن سوم می‌زیست اسیرانی را که از شهر انطاکیه شام گرفته بود در جندی شاپور سکونت داد. شهر جدید به نام شامی بت‌لاپات نام گرفت و ایرانیان ظاهراً کلمه بلاباد را از آن ترکیب کرده به پیری ساخت آنرا نسبت دادند.

ایرانیان جندی‌شاپور را به از اندوشاپور یعنی بهتر از انطاکیه شاپور نام دادند. عربها همیشه جندی شاپور می‌نوشتند. جندی شاپور در روزگار ساسانیان شهر عمده خوزستان بود. مسند اسقف بزرگ نسطوریان و مدرسه پزشکی آنها در همین شهر بود. در قرن نهم که یعقوب لیث تقریباً همه ایران را بزیر فرمان در آورد، می‌خواست جندی شاپور را پایتخت خود کند اما در این شهر درگذشت. «۱۰»

**چغامیش:** شهر پنجهزار ساله ایران در خوزستان، چغامیش که در پناه کوه زاگرس و حاشیه شمالی

شوش در میان رودخانه‌های آب دز و کارون جای دارد پوشیده از کوزه شکسته‌های فراوانی بود که پس از اولین مطالعه و بررسی روشن شد که از عهد پیش از خط باقی مانده‌اند.

کاوشگری‌هائی که (از ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۶) ...که بوسیله موسسه شرقی دانشگاه شیکاگو انجام گرفت، نشان داد که چغامیش شهری از دوران پیش از اختراع خط است و قدمت آن به حدود سی‌و چهار قرن پیش از میلاد می‌رسد.

با همه قدمتی که شهر دارد، باز هیچ نشان دهنده آغازکارها نیست. همه چیزگواهی میدهدکه دستان‌کارکشته‌ای در آنجا به‌کار مشغول بوده‌اند و مردم از قرنها و حتی از چندین هزار سال پیشتر در آنجا سکنا داشته‌اند. فرهنگهای ابتدائی که از روی سبک خاص کوزه‌گری و سفالهای خوش ترکیب آن مشخص می‌شود جانشین یکدیگر شده‌اند. این فرهنگها به حدود ۶ هزار سال پیش از مسیح می‌رسد و تا این زمان کسی آن را نمی‌شناخته است. خصلت این دوران را سفالهایی که سخت صیقل یافته روشن می‌سازد اغلب این سفالها با موضوعهایی نقاشی شده که بطرز شگفت انگیزی به نسبت آن زمان پیش رفته بوده است. سفالهای دورانهای بعدی با نقشهای هندسی تزیین شده که تنگ هم و با موتیفهای مخصوص قلم خورده است. این پایه مقدماتی است که بعدها دوره پیش از تاریخ راتشکیل داد و خیلی جلوتر از زمانی است که نقشهای تصویری پدید آمد. آخرین مرحله پیش از تاریخ سرشار از سفالهایی است از نوع سفالهایی که سالها پیش در شوش کشف شد.«۱۱»

**چغلوندی (مرکز بخش):** شهر چغلوندی در ۱۶۶۰ متری از سطح دریا قرار گرفته، مرکز بخش چغلوندی از بخشهای شهرستان خرم‌آباد استان لرستان است که در ۴۰ کیلومتری شمال خاوری خرم‌آباد و در ۵۰ کیلومتری جنوب باختری بروجرد قرار دارد.

**آب و هوا:** معتدل و نیمه‌مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستانها به ۳۸ درجه و سردترین درجه به ۲۵ درجه زیر صفر و ریزش باران سالانه بطور متوسط به ۵۵۰ میلیمتر می‌رسد.

**خرم آباد:** خرم آباد شهر چشمه‌های جوشان و گوارا، شهر جویبارها، (گلابست‌گویی به جویش روان) محصور در میان کوه‌ها، شهر سروها و چنارها، با بهاری زیبا و دامانی پر از شقایق و ارغوان و بنفشه است. پائیزش بهار عارفانه و زمستانش سرشار از مستانه‌های طبیعت دلنشین و مطبوع است. شهری خرم و آباد با مردمی با صفا همچون طبیعت آن.

خرم آباد که از دیر باز مرکز حکومت و حاکم نشین «لرکوچک» بود، در اوایل قرن ششم هجری پس از ویران شدن شهر باستانی «شاپورخواست» بنا شد. «شاپورخواست» از جمله شهرهایی بودکه به فرمان «شاپور اردشیر ساسانی» بنا شد و به هنگام آبادانی، شهری پر رونق و تختگاه شاهان بود. مردم از هر طبقه و با هر نوع اعتقادی آزادانه در آن زندگی می‌کردند و شهر تا قرن‌ها پس ا زهجوم اعراب، هنوز دارای موقعیت سیاسی و تجاری خود بود. در غرب «شاپور خواست» اعراب، هنوز دارای موقعیت سیاسی و تجاری خود بود. در غرب «شاپور خواست» پلی عظیم بر روی رودخانه وجود داشت که ویرانه‌های آن از معماری دوره‌ی ساسانی و اهمیت شهر «شاپور خواست» حکایت می‌کند. در دوره‌ی دیلیمان مناره‌ای در میان «شاپور خواست» با استفاده از

آجر ساخته شده است که اکنون نیز باقی است. مناره ۳۰ متر بلندی دارد و با ۹۹ پله مارپیچ می‌توان به بالای آن رسید. «شاپور خواست» تا دوره‌ی سلجوقیان هنوز رونق داشت. سنگ نوشته‌ای مکعب شکل که در گذشته بر دروازه‌ی شهر قرار داشت، از آثار این دوره است. تاریخ سنگ نوشته ۵۱۳ هجری و متن آن به فارسی است. متن سنگ نوشته حاکی است به دستور «برسق ابوسعید» امیر اسفهسالار سلطان محمود محمد بن ملکشاه سلجوقی کوه چرانی و علف چرانی حشم و گله‌ها، جز چراگاه‌های دشت جنوب خرم آباد، برای مردم رایگان اعلام شده است و ظاهراً مردان از پوشیدن لباس ابریشمی برحذر می‌شده‌اند. (برسقیان دسته‌ای از حکام سلجوقی بودند که در خرم آباد و الیشتر حکمرانی می‌کردند).

شهر کنونی خرم آباد در دره‌ای در شمال «شاپور خواست» به وسیله‌ی بلندی‌های «مخمل کوه» محصور شده است. شهر از دریا ۱۱۶۰ متر ارتفاع و بین ۴۸ درجه و ۲۱ دقیقه طول و ۳۰ درجه و ۴۳ دقیقه عرض جغرافیائی قرار دارد. پهنای دره‌ی خرم آباد نزدیک به ۴ کیلومتر است. آغاز بنا و رونق این شهر پس از ویرانی «شاپور خواست»، به اواخر قرن هفتم هجری می‌رسد که به علت وجود چند چشمه‌ی بزرگ و باغ‌های اطراف، هوائی معتدل داشته، اما انیک به علت توسعه‌ی بی رویه شهر و قطع درخت باغ‌ها و تبدیل آن‌ها به ساختمان مسکونی، دچار تغییرات شده است. بخش قدیمی شهر بین رودخانه، «سفیدکوه» وکوه «چاریاران» واقع شده و به عنوان مرکز و حاکم نشین «لر کوچک» در طول شش قرن، کانون سیاست و داد و ستد بوده است.

خرم آباد یک بار بر اثر یورش تیمور، زیان‌های فراوان دید. پس از قتل شاهوردیجان ـ آخرین اتابک لر کوچک ـ به دست شاه عباس اول، حسین خان والی لرستان شد و تا اوایل سلطنت رضا شاه «پشت کوه» لرستان به وسیله‌ی جانشینان وی اداره می‌شد.

جمعیت خرم آباد که آن‌روزها اندکی بیش از ۵ هزار نفر بود، امروز به ۲۰۸۲۱۲ نفر رسیده و شهر قدیمی، اینک بخش کوچکی از شهر توسعه یافته شده است. خرم آباد یک بار در سال ۱۳۴۵ از سوی سازمان جلب سیاحان وقت در بین شهرهای کوچک، عنوان نمونه گرفت و لوحه افتخار دریافت کرد.

**گردشگاه‌های خرم آباد:** ۱ـ در شمال خرم آباد دره‌ی زیبای «مخمل کوه» مشهور به تنگه‌ی شبیخون قرار دارد که گردشگاهی خرم و دلنشین است. مخمل کوه را به علت پوشیده بودنش از گل و سنگ، به این نام می‌خوانند. از این تنگه، شاهراه درجه یک و آسفالته‌ای، دشت زیبا و سرسبز «الیشتر» و «دلفان» را از راه «هرسین» به کرمانشاه یا باختران منتهی می‌کند. دشت «الیشتر» به فاصله‌ی ۴۰ کیلومتری شهر خرم آباد قرار دارد و به علت آب و هوای معتدل و وجود دشت‌های سبز و مناظر طبیعی از نقاط بسیار جالب و دیدنی است که از راه آسفالته برای رفتن به آن جا نیم ساعت وقت لازم است. فرآورده‌های دامی در «الیشتر» فراوان و تنگه «کهمان» در دامنه‌ی کوه «گری» و رودخانه آن با درختان جنگلی از بدایع طبیعت است.

۲ـ گردشگاه جنگلی «نوژیان» در جنوب شرقی خرم آباد به فاصله‌ی تقریباً ۴۰ کیلومتری بر بالای کوه «تاف» قرار دارد. در کوه «تاف» انواع گیاهان

داروئی می‌روید و طبیعت و آبشار زیبای آن به راستی دیدنی است. راه «تاف» آسفالته و قسمتی از آن خاکی اما خوب است. این راه تا ایستگاه راه آهن «کشور» ادامه می‌یابد.

۳ـ گردشگاه «گوشه» یا «شهنشاه» در جنوب خرم آباد دره‌ای است مصفا و پوشیده از باغ‌های انار و انجیر. بقعه‌ی شجاع الدین خورشید نخستین اتابک «لر کوچک» نیز در این محل قرار دارد و علت «شهنشاه» نامیدن آن نیز به همین سبب است. گردشگاه در حدود ۲۰ کیلومتری خرم آباد و بر سینه‌ی کوه «هشتاد پهلو» واقع شده است. دیدگاه وسیع دشت «کرّه کوه» و دره‌ی خرم آباد و پیچ و خم‌های رودخانه و دامنه‌های «سفید کوه» و «کوه یافته» هر رهگذری را به توقف و نظاره وا می‌دارد.

۴ـ غار «کوگان» و دژ «چشمک» در شمال تنگه «چشمک» و در مسیری که از منطقه‌ی «میان کوه» و جنگل‌های انبوه آن می‌گذرد و در جنوب شهر «پلدختر» به جاده‌ی سراسری منتهی می‌شود، دژ کهن و «چشمک» که از آثار اوایل دوره‌ی صفوی است، دیدن دارد. در شرق این دژ، راهی روستائی به دهکده و تنگه‌ی زیبای «کوگان» می‌رسد. در دره و بر سینه‌ی کوه «غاریا»، بقایای دژ سنگی و دو طبقه «کوگان» قرار دارد که ظاهراً از آثار اشکانیان است.

غارهای منطقه «میان کوه» اغلب، زیستگاه دوره‌ی پارینه سنگی بوده است. گورستان باستانی و کهن دهکده «چشمک»، نشانه‌های فراوانی از دوره‌های فرهنگی گوناگون را دارا است. این راه تا پیش از سلطنت پهلوی و ایجاد راه سراسری راه کاروان‌رو خرم آباد به دزفول بود که از کوهستانی پر نشیب و فراز می‌گذشت.

در دوره‌ی صفویه در هر منزل راه ـ از هر پنج فرسنگ و یا ۳۰ کیلومتر ـ کاروانسرائی ساخته شد که اسامی آن‌ها در مسیر راه باستانی خرم آباد به اندیمشک و دزفول عبارت است از: «گوشه»، «چشمگ»، «قلعه نصیر»، «اوسر»، «میش ون»، «رزه» و «چارتا».

۵ـ «سر آب چنگالی» و نیلوفرهای آبی آن از جمله دیدنی‌های منطقه است. ریشه‌ی گل‌های نیلوفر این سراب در سال ۱۱۳۱ هجری قمری به دستور علی مردان خان والی لرستان از سراب نیلوفر کمانشاهان به این منطقه آورده و کشت شد.

۶ـ مجموعه‌ی دیدنی سراب «کیو» شامل دریاچه، جنگل‌های مصنوعی و امکانات تفریحی برای کودکان بوده و چشمه‌ی آن تقریباً ۹ ماه از سال دارای آب است. از اواخر اسفند، زایش سراب شروع می‌شود و آب در حد نهری بزرگ از آن بیرون می‌آید. آب در سطح وسیع و قیفی شکل چشمه که نزدیک به ۵ متر گودی دارد کبود یا آبی تیره دیده می‌شود و به همین جهت آن را «کیو» یا «کبود آب» (کیوآب) می‌گویند.

۷ـ «باغ کشاورزی» گردشگاهی دلپذیر است. این باغ از پدیده‌های دوران تازه است و نزدیک به ۷۰ سال از عمر آن می‌گذرد. در مرکز اداری باغ که محل تحقیقات کشاورزی است، خزانه‌ی نهال‌های میوه وجود دارد.

۸ـ خلد برین در شمال شهر، در پای «مخمل کوه» در کنار چشمه‌ی آب و چنارهای کهن قرار دارد. منظره‌ی شهر و دشت و دره‌ی خرم‌آباد از این نقطه، دیدنی است.

۹ـ «دژ شاپور خواست» یا (فلک افلاک) از بناهای کهن شهر است. به روایت تاریخ، این دژ در نخستین بار به دستور شاپور اردشیر ساخته و نام آن از نام باستانی شهر «شاپور خواست» گرفته شد.

در کاوش‌های به عمل آمده، پایه‌ها و پی‌های قدیمی‌تری یافت شد که هیچ ارتباطی با ساختمان کنونی نداشته است. قدیمی‌ترین کتابی که در آن از دژ «شاپور خواست» یاد شده «مجمل التواریخ و القصص» به تصحیح شادروان بهار است. این دژ در فراز و نشیب روزگاران، حکمرانی فرمانروایان متعددی را شاهد بوده است، چند بار به ویرانی کشیده شده و هنگام آبادانی، بیشتر مرکز نگهداری گنج‌ها و خزانه‌ی شاهان و فرمانروایان بوده است.

در سال ۴۰۴ هجری قمری و زمان سلطنت دیلمیان، ثروت و غنیمتی که در اختیار خاندان «حسنویه» بود از این دژ به دست امد. روایت است که برای حمل غنایم، هر چه چارپا بود برپا کردند و به جانب بغداد بردند.

زمانی که «شاپور خواست» متروک و شهر تازه‌ای بنا نهاده شده، آن را «قلعه‌ی خرم آباد» نامیدند. یورش ستکارانه‌ی صاحب قران خونخوار تیمور در کتاب «ظفرنامه» چنین گزارش شده است: «... روز سیوم به فیروزی و خرمی به خرم آباد رسید ... صاحب قران کامکار یک شب به سعادت آن جا بگذرانید و روز دیگر به جهت محاصره‌ی قلعه‌ی خرم آباد جماعتی از سپاه را تعیین فرمود ...» در در یورش تیموری، شهر و قلعه زیان‌های فراوان دید که باز تعمیر و ترمیم شد. ظاهراً نام «فلک الافلاک» از دوره‌ی قاجاریه روی آن گذاشته شده است. این دژ بر روی تپه‌ای در کنار شهر قدیم واقع شده و از زیر تپه و دژ، چشمه‌های بزرگ آب جریان دارد. یک چشمه یا سراب در دامنه‌ی شرقی و یک چشمه‌ی بزرگ و چند چشمه‌ی کوچک در دامنه‌ی شمالی تپه و دژ جاری است و هم اکنون آب آشامیدنی بخشی از شهر، از این چشمه‌ها تأمین می‌شود. اطراف و دامنه‌ی دژ در دوره‌ی قاجاریه و به دستور محمد علی میرزا دولتشاه حاکم لرستان باغی ایجاد شد که آن را «گلستان ارم» نامیدند. هم اکنون نیز چشمه ساران و باغ دژ را «گلستان» می‌گویند. این محوطه‌ی بزرگ و مشجر تا سال ۱۳۵۶ پادگان نظامی بود و اینک دانشگاه لرستان در آن استقرار یافته است. این دژ باروئی با ۱۲ برج داشته که به روایتی بر اساس یک محاسبه‌ی نجومی بنا شده و هر برج در هر ماه شاخص نیم روز و حرکت خورشید بوده است. از آن با رو تنها یک برج در سمت غربی تپه و دژ باقی مانده که اکنون هم به «دوزاده برجی» مشهور است.

دژ «شاپور خواست» یا «فلک افلاک» هشت برج دارد. محیط کلی دژ ۲۲۸/۶۰ متر و ارتفاع بلندترین دیوار آن تا سطح تپه ۲۲/۵ متر است. دژ دو صحن غربی و شرقی دارد. تنها در ورودی آن به بلندی سه متر و پهنای ۲/۱۰ متر است که به جانب شمال باز می‌شود. این در به یک راهرو، با شیب نسبتاً تند و یک پیچ به سمت شرق به صحن اول می‌رسد. اطراف این صحن، هشت اتاق وجود دارد. و در شمال شرقی پس از چند پله، راه به چاه قلعه منتهی می‌شود. سنگچین دهانه‌ی چاه طوری است که می‌گویند در قدیم از این چاه برای رصد کردن ستارگان نیز استفاده می‌شده است.

صحن دوم مستطیل شکل است به درازا و پهنای ۲۱×۲۹ متر. در چهار طرف صحن، ۱/۵ متر بالاتر از کف، ۱۶ اطاق و یازده پاگرد و کفش کن وجود دارد.

در قسمت جنوب، سه اطاق، هر یک به طول و عرض ۱۰/۸۰×۳/۸۰ متر و سه پاگرد و کفش کن و در سمت شمال، چهار اطاق و چهار راهرو، و کفش کن ایجاد شده است. بزرگ‌ترین اتاق‌ها سه

ستون دارد. اما اتاق‌های دیگر دارای دو ستون است. در سمت شرقی دژ پنج اتاق، دو راهرو و کفش کن وجود دارد که تنها یکی از اتاق‌ها به داخل برج راه دارد. در این برج‌ها فرقل‌هایی است برای هواکش و یا دیده بانی تعبیه شده است.

بخش غربی صحن که بنای آن چندان قدیمی نیست چهار اتاق و دو راهرو دارد. این قسمت، دژ را با دو بخش یا صحن تقسیم کرده است. در ضلع شمال غربی طاقی است بیضی شکل که همواره مورد توجه طراحان و معماران بوده است. پهنای دیواره‌ی دژ در بخش‌های مختلف متفوات و از ۲/۵ متر تا سه متر است. تمام دیواره خشتی و دارای روکش آجری است. اما طاق‌ها و ستون و پایه‌های آن همگی آجری است.

در این دژ یک کتابخانه، یک نمایشگاه از سنگ نوشته‌ها و سنگ‌گورهای قدیمی به جا مانده از قرن پنجم هجری به بعد، موزه‌ی مردم‌شناسی استان شامل لباس، فرش دستباف‌ها و صنایع و وسایل زندگی روستائی ایجاد شده است.

از مفرغهای لرستان و مفرغ‌های مشبک وکتیبه دار از دوره‌ی سلجوقیان تا قاجاریه نیز نمونه‌های ارزشمندی را در این موزه می‌توان سراغ گرفت.

۱۰ـ «گرداب سنگی» اثری از دوره‌ی ساسانی و نام محلی آن «گردو بردینه» است. «گرداب سنگی» چشمه‌ی آبی است که تقریباً ۹ ماه از سال آب دارد و از اواخر اسفند ماه، پر آب‌تر می‌شود. در بهار، آب چشمه فراوان و در پائیز بی آب است. آب را با بستن دریچه‌ی شرقی آن، از مسیر نهری که هنوز آثار آن باقی است به دره‌ی «بابا عباس» می‌برده‌اند. این گرداب در غرب شهر و در محلی به همین نام واقع است.

۱۱ـ بقعه‌ی امامزاده‌ی زیدبن علی (ع) در وسط شهر قدیمی و در محله‌ای به همین نام قرار دارد. به باور مردم، بقعه محل دفن حضرت امام زاده زید بن علی بن حسین علیه السلام است. نخستین بار «ابوالنجم بدرحسنویه» در سال ۴۰۴ هجری بر روی این مزار بقعه‌ای ساخت و هم اکنون سنگ نوشته‌ای به خط کوفی خرطومی با قدی تاریخ بنا در این مکان باقی است. در سال ۱۱۱۷ بقعه به دستور علیمردان خان پسر حسین خان والی لرستان و به وسیله‌ی معماری به نام حاج ابراهیم اصفهانی تجدید بنا شد .ک در سال ۱۳۰۷ هجری قمری شخصی به نام حسین فرزند جهانگیر، بقعه را تعمیر و بخش هائی از آن را تجدید بناکرد. وی هم چنین دو گلدسته مدور برای بقعه ساخت. تاریخ این دو تجدید بنا و تعمیر انجام شده، بر روی قطعه سنگی مرمر به رنگ یشم کنده و بر بالای در ورودی کار گذاشته شد. در تعمیرات اخیر، این کتیبه‌ی سنگی به انبار بقعه انتقال یافت. البته در ورودی بقعه که چوبی و بسیار نفیس است توسط استاد جمال الدین اصفهانی در سال ۹۵۰ هجری قمری ساخته شده است. امام زاده، صاحب کرامت و مورد احترام مردم است.

۱۲ـ مسجد جامع خرم آباد: مسجد جامع خرم آباد در سال ۱۹۷۰ هجری قمری به دستور «شاه پرور سلطان» دختر «آغوربیک» و همسر شاه رستم اتابک «لر کوچک ۹ ساخته شد. مسجد در سال ۱۱۱۰ هجری قمری به دستور شاه سلطان حسین صفوی تعمیر شد و سنگ نوشته مربوط به این فرمان هم اکنون در بخش سنگ نوشته‌های تاریخی «دژ شاپور خواست» نگهداری می‌شود. یک بار نیز خدایی خان حسنوند، جد اعلای طایفه‌ی «حسنوند» در دوره‌ی کریم خان زند و یکبار هم بنا به وصیت ملا محمد تقی خرم آبادی،

شخصی به نام زکی خان به تعمیر مسجد همت گماشتند.

۱۳ـ بقعه‌ی باباطاهر: این بقعه در محله‌ای قدیمی به همین نام در نزدیکی جنوب غربی «دژ شاپور خواست» قرار دارد. سبک اصلی بنا، قدیمی است و آن را به عارف و شاعر بزرگ ایران باباطاهر نسبت می‌دهند. در سمت غربی بقعه، زاویه‌ای است که آن را «قلندر خانه» می‌گویند.

۱۴ـ پلهای خرم آباد: قدیمی‌ترین پل خرم آباد، از آثار دوره‌ی صفویه (زمان شاه سلطان حسین) است. پل ۲۰ چشمه دارد که غیر از موج شکن‌ها بقیه آجر است. از میان پل، سنگ نوشته‌ای رمزگونه به طول ۸۵×۲۰۰ سانتی متر به دست آمده است که فعلاً در بخش کتیبه‌ها نگهداری می‌شود.

«پل خرم آبادی» دومین پل بزرگ واقع در جنوب شهر است که ساختمان آن، به هزینه‌ی شخصی شادروان حاج علی اصغر ناصری خرم آبادی از معاریف شهر، در نهم اردیبهشت ۱۳۳۳ شمسی آغاز شد و کار اتمام آن دو سال و نیم طول کشید. طرح و نقشه و نظارت ساختمان از شادروان معمار یوسف فشنگچی بود. بسیاری از پله‌ای مسیر راه‌های لرستان از کارهای این معمار به نام است. پل «کشکان» بر سر راه خرم آباد به کوهدشت، پل «کلهر» در نزدیکی «معمولان» و پل «دختر» در مسیر راه خرم آباد به اندیمشک نیز از آثار ساسانی و مربوط به قرون سوم و چهارم هجری می‌باشد که آثاری از آن باقی است.

۱۵ـ معبد مهری: در جنوب غربی شهر، به فاصله‌ی ۸ کیلومتر سمت راست جاده‌ی خرم آباد به کوهدشت، در دره‌ی «بابا عباس ۹ که اکنون منطقه‌ی ممنوعه نظامی است. در سینه کش کوه و در قسمت آغازین «سفید کوه»، دخمه‌ای در دل کوه کنده شده است. دخمه در اطراف خود چند ستون و چهار دیوار سنگ چین دارد. در غرب دخمه و بر بلندای تیغه‌ی کوه، از طریق پله‌های سنگ چین شده، توان به سطحی نسبتاً باز رسید که شباهت فراوانی به قربانگاه دارد. بلندی این نقطه تا دامنه‌ی دخمه ۲۰ متر است. زایران دخمه را فقط زنان تشکیل می‌داده و مردان حق ورود به آنرا نداشته‌اند. ظاهراً این دخمه و مجموعه آن به اعتقادات و آئین مهر مربوط یم شود و معبدی برا پرستش مهر بوده است. در دره «بابا عباس» مزار دیگری وجود دارد که ظاهراً باید مدفن «ماماجلاله» مادر «شاه خوشین» پیشوای بزرگ اهل حق باشد.

۱۶ـ بازار سرپوشیده یا کاروانسرای میرزا سید رضا: این بازار در سال ۱۳۰۱ هجری قمری به وسیله‌ی میرزا سید رضا که اصلاً اهل تفرض بود ساخته شد. میرزا سید رضا ابتدا مستوفی حکومت بود و بعد به مقام نایب الحکومه یی رسید. این بازار که سال‌ها مرکز داد و ستد و فعالیت‌های اقتصادی شهرهای دیگر به شمار می‌رفت دارای دو راسته شرقی شامل ۲۴ دهنه دکان و راسته‌ی شمالی شامل ۱۶ دهنه دکان و محوطه و صحن بارانداز با ۲۴ دهنه دکان است. هم اکنون تمامی این بازار در اختیار زرگرها و مرکز خرید و فروش طلا است.

۱۷ـ پادگان سابق ارتش یا «گلستان ارم» دوره‌ی قاجاریه اکنون به دانشگاه لرستان واگذار شده و یکی از نقاط دیدنی و پرطراوت شهر خرم آباد است.

به جا بود اگر مسئولان میراث فرهنگی، کتیبه را در محل مناسبی از بنا نصب و یا برای نگهداری آن

اقدامی اساسی می‌کردند.

**خرمشهر (مرکز شهرستان)**: شهر خرمشهر مرکز شهرستان خرمشهر از شهرستانهای استان خوزستان و در حدود ۱۰۰۰ کیلومتری تهران و در طول جغرافیایی ۱۱ دقیقه و ۴۸ درجه و در ۲۵ دقیقه و ۳۰ درجه عرض جغرافیایی قرار دارد. «۱»

**دزفول (مرکز شهرستان)**: شهر دزفول مرکز شهرستان دزفول از شهرستانهای استان خوزستان در ۲۴ درجه و ۴۸ دقیقه طول جغرافیائی و در ۲۳ درجه و ۳۱ دقیقه عرض جغرافیائی و در ارتفاع ۱۴۷ متری از سطح دریا قرار دارد و مرکز شهرستان دزفول از شهرستانهای استان خوزستان است که در ۱۳۷ کیلومتری شمال باختری اهواز ۱ـ در مسیر راه آسفالته اصلی شوشتر ـ خرم آباد ۲ـ بر سر آزاد راه دزفول ـ اندیمشک بطول ۸ کیلومتر ۳ـ راه آسفالت اصلی دزفول ـ شوشتر بسوی جنوب خاوری بطول ۶۰کیلومتر که دزفول را به مرکز بخش سردشت متصل میکند.

شهر دزفول در دشت پهناوری قرارگرفته که تا شعاع ۲۵ کیلومتری شمال آن هیچگونه کوهی وجود ندارد. از سوی جنوب هم جزئی از جلگه وسیع خوزستان بشمار میرود. درین ناحیه رودخانه مهم دز روان است که از طرفی ازکوههای لرستان و از طرف دیگر از زردکوه بختیاری سرچشمه گرفته و از جوار کوه دز شاخابه‌ای بنام رود دز و در ۳۵کیلومتری شمال خاوری دزفول روان گشته، سد دز بر روی رودخانه دز ساخته شده. رود دز پس از گذشتن از کنار شهر دزفول بسوی جنوب خاوری منحرف گشته و در بند قیر به رود کارون می‌پیوندد.

**دهدز (مرکز بخش)**: شهرک دهدز مرکز بخش دهدز از بخشهای شهرستان ایذه از شهرستانهای استان خوزستان است که در ۱۶ درجه و ۵۰ دقیقه طول جغرافیائی و در ۴۵ درجه و ۳۱ دقیقه عرض جغرافیائی و در ارتفاع ۱۸۹۰ متری از سطح دریا و در ۹۰ کیلومتری جنوب خاوری شهر ایذه و در مسیر راه ایذه ـ لردگان قرار دارد.

**آب و هوا**: معتدل و متمایل به سرد و خشک، بیشترین درجه حرارت در تابستانها ۳۵ درجه بالای صفر و در زمستان‌ها تا ده درجه زیر صفر - میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۴۸۰ میلی‌متر است.

آورده‌اند که دهدز نخست روستائی کوچک از ایلات هفت لنگ بختیاری تشکیل گردیده‌بود. طایفه کیانی از هفت لنگ بختیاری از حدود چندین دهه پیش در این منطقه سکونت گزیده تا جائیکه دهدز کنونی پدید آمد.

**دهلران ـ اندیمشک**: در فاصله ۱۳ کیلومتری جاده اندیمشک به اهواز جاده‌ای منشعب می‌شود که پس از ۱۲۰ کیلومتر به دهلران می‌رسد. چشمه معدنی دهلران به فاصله ۵ کیلومتری شمال آن از زمین خارج می‌شود. در این منطقه دره وسیعی وجود دارد که نقاط زاینده چشمه در آن واقع شده است. روی سطح جریان آبها را آلگ‌های مختلف پوشانده و بوی هیدرژن سولفوره از فاصله دور به مشام می‌رسد.

آب این چشمه از دسته آبهای کلروسولفاته و بیکربناته کلسیک گوگردی گرم می‌باشد. خواص درمانی این آب مشابه آبهای معدنی سمنان وگنو بندرعباس می‌باشند.

**عین خوش ـ اندیمشک** در فاصله ۱۳ کیلومتری جاده اندیمشک به اهواز جاده‌ای وجود دارد که به دهلران منتهی می‌شود. در فاصله ۷۰کیلومتری این جاده دهکده عین خوش واقع شده است و در

فاصله کمی از این نقطه آب چشمه عین خوش از زمین خارج می‌گردد.
آب این چشمه از دسته آبهای سولفاته بیکربناته کلسیک نیم گرم می‌باشد.
**گُتوند**: شهرگتوند مرکز بخش گتوند، در ۴۴ درجه و ۴۸ دقیقه طول جعرافیائی و در ۱۵ درجه و ۳۲ دقیقه عرض جغرافیائی و در ارتفاع ۷۵ متری از سطح دریا، از بخشهای شهرستان شوشتر استان خوزستان است که در ۳۰کیلومتری شمال شهرشوشتر قرار دارد.
**رودها**: رود کارون از شمال بجنوب مرکز گُتوند (منطقهٔ خاوری شهر) روان است. سد گُتوند در شمال شهر بر رود کارون برافراشته شده.
**آب و هوا**: معتدل و تا حدی خشک، بیشتر درجه گرما در تابستانها ۴۸ درجه بالای صفر و کمترین گرما در زمستانها دو درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه گُتوند به طور متوسط حدود ۲۳۰ میلی‌متر میباشد.
آورده‌اند که گُتوند واژه‌ای است لری و پیشینه تاریخی این منطقه بروزگار عیلامیان میرسد، اما هیچگاه گتوند جنبه شهری نداشته و از گذشته ها مخل استراحت زمستانی ایلات بختیاری بوده.
**نژاد و زبان**: آریایی نژادند و بزبان فارسی با گویش لری سخن میگویند.
آب کشاورزی و آب آشامیدنی از رود فراهم و آب آشامیدنی پس از پالایش و کلرزنی به شبکه لوله کشی روان و برق گُتوند از شبکه سراسری برق منطقه‌ای خوزستان تأمین میگردد.
**ماهشهر (بندر)**: بندر معشور یا ریواردشیر در ۱۸کیلومتری جنوب شرقی بندر (رجائی) شاهپور و یازده فرسخی میانهٔ جنوب و مشرق شادگان است. این بندر را ابن بطوطه ماچول نامیده و در بعضی کتب معشوق نیز ضبط است. لیکن به عقیده سلطانی بهبهانی همان معشور از معنی عشر (گمرک) گرفته شده است.
**ماه‌شهر**: ماجول شهر کوچکی است بر کنارخوری که از دریای فارس منشعب شده است. در ماجول بازار بزرگی هست که از بزرگترین بازارها می‌باشد. من یک روز در آن شهر به سر بردم و از مکاریانی که حبوبات از رامز (رامهرمز) به ماجول می‌آورند چارپائی کرایه کردم و پس از آنکه سه روز از طریق بیابان راه پیمودم به رامز رسیدم. درین بیابان طوائف کرد در چادرهای موئین زندگی می‌کنند. می‌گویند این طوائف از نژاد عرب می‌باشند. رامز شهر خوبی است و میوه‌ها و شهرهای زیاد دارد.
ماه شهراز شهرهای استان خوزستان، در شمال شرقی خرمشهر و در طول ۴۹ درجه و ۱۳ دقیقه و ۲۴ ثانیه و عرض ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه و ۵ ثانیه قرار گرفته است.
بندر ماهشهر در حال حاضر یکی از بنادر مهم خوزستان است و از لحاظ صدور نفت دارای اهمیت خاصی است و هر ساله بیش از پیش بر اهمیت و اعتبار ماهشهر افزوده شده است.
قبلاً بندر معشور نام داشت و به قول ابن بطوطه سیاح ماچول نام داشت و در ۱۳۴۴ با تصویب نامه هیأت وزیران بندر ماهشهر نامیده شد. و در دو سه دهه پیش قصبه‌ای کوچک بود، اما از ۱۳۲۴ از بنادر مهم صدور نفت خام ایران گردید و کشتی‌های اقیانوس پیما در این بندر پهلو می‌گیرند. ارتفاع این شهر از سطح دریا سه متر می‌باشد.
**مسجد سلیمان**: شهر مسجد سلیمان مرکز شهرستان مسجد سلیمان از شهرستانهای استان خوزستان در ۱۹ درجه و ۴۹ دقیقه طول جغرافیائی و در ۵۵ درجه و ۳۱ دقیقه عرض

جغرافیائی و در ارتفاع ۳۶۵ متری از سطح دریا و در ۱۴۵ کیلومتری شمال خاوری اهواز قرار دارد. شهر مسجد سلیمان میان رشته کوههای زاگرس واقع گشته و بلندی برخی از کوههای این منطقه بیش از ۸۰۰ متر از سطح دریا بلندی دارد.

**آب و هوا:** دارای آب و هوای گرم و خشک و بیشترین درجه حرارت در تابستانها به ۵۱ درجه بالای صفر و کمترین آن در زمستانها ۴ درجه بالای صفر می‌رسد و میزان بارندگی سالانه به طور متوسط ۳۲۰ میلی‌متر است.

**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان فارسی با گویش لری سخن می‌گویند.

آب مصرفی شهر از ۳۵ کیلومتری آورده و بعد از پالایش به وسیله لوله وارد خانه‌ها می‌شود.

**راهها:** ۱ـ راه اسفالته اصلی به سوی شمال باختری و از آنجا به سوی جنوب باختری به طول ۱۳۵ کیلومتر تا اهواز مرکز استان ۲ـ راه اسفالته فرعی به سوی جنوب خاوری تا مرکز شهرستان رامهرمز به طول ۱۰۲ کیلومتر.

بنای مسجد سلیمان در سال ۱۲۸۵ هـش برابر با ۱۹۰۶ صورت گرفت، متصدیان امور شرکت نفت در آن سال عمارتی در آنجا ساخته شروع به حفر چاه شماره یک کردند. چون چاه به نفت رسید پر مایگی آن توجه شرکت را جلب نمود، از این رو شروع به ساختن راهها و کندن چاههای دیگر کردند و خانه‌های فراوانی برای کارکنان اروپائی، هندی و ایرانی بر پا نمودند و همینکه کار در آنجا فراوان شد، مردم بسیاری از هر سو، بدین سامان شتافتند و کارگاهها و کارخانه‌های آهنگری، درودگری، مکانیکی، برق، بنزین و غیره ایجاد گشت.

آیا مسجد سلیمان شهری است یا بلوکی؟ ... چون زمین این ناحیه ناهموار و پست و بلند است و از طرفی دیگر شرکت نفت به واسطه بودن چاههای نفت، مؤسسات و خانه‌های کارکنان خود را به مناسبت موقع طبیعی‌گاه در دره و زمانی برفراز تپه ساخته و از این رو محلات این شهر از هم گسیخته است و هر دسته از ساختمانها را تپه یا دره‌ای از دسته‌های دیگر بریده بود. از طرفی وضع چاههای نفت و اقتضای کار موافقت نداشت که ساختمانها بهم پیوسته شود و خیابانهای راستی مانند شهرهای عادی در آن احداث گردد از این رو محلات آن از یکدیگر دور افتاده، یاباید آنرابلوکی شمرد که ده‌های آن بهم نزدیک است. «۲۳».

در ایجاد هستهٔ اصلی شهر مسجد سلیمان، دو عامل اساسی نقش مهمی داشت. ۱ـ موقع خاص شهر به عنوان دژی محکم و تسخیرناپذیر برای استقرار در آن و دفاع در برابر دشمنان ۲ـ خروج گاز طبیعی از زمین به ویژه در قسمت تخت سلیمان، و وجود آتشکده و معبد زرتشتیان بود.

**وجه تسمیه:** نام مسجد سلیمان یا مسجد سلمان وجود آثار و بقایای یک پرستشگاه قدیمی در این شهر مربوط به دوره‌های پیش از ساسانی می‌باشد.

**معمره:** شهرک معمره در ۱۳ درجه و ۴۸ دقیقه طول جغرافیائی و در ۲۲ درجه و ۳۰ دقیقه عرض جغرافیائی قرار و از سطح دریا ۲ متر ارتفاع دارد. معمره مرکز بخش جزیره مینو و از بخشهای خرمشهر استان خوزستان است که در ۷کیلومتری جنوب خرمشهر و در ضلع شمالی جزیره مینو، در کنار اروند رود قرار گرفته.

**آب و هوا:** گرم و خیلی مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۵۰ درجه‌بالای صفر و کمترین درجه در زمستان ۷ درجه بالای صفر است.

**هندیجان: شهر هندیجان:** در ۴۳ درجه و ۴۹ دقیقه طول جغرافیایی و ۱۴ درجه و ۳۰ دقیقه عرض جغرافیایی و با ارتفاع ۶ متر از سطح دریا قرار دارد. شهر هندیجان مرکز بخش هندیجان، از بخشهای شهرستان بندر ماهشهر استان خوزستان و در ۷۵کیلومتری جنوب خاوری بندر ماهشهر و در مسیر راه بندر ماهشهر ـ بندر دیلم قرار دارد.

**رودها:** رود هندیجان از میان شهر هندیجان می‌گذرد و پس از حدود ۳۵ کیلومتر به خلیج فارس می‌ریزد.

**آب و هوا:** گرم و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۵۰ درجه بالای صفر و کمترین آن در زمستانها ۵درجه بالای صفر و ریزش باران سالانه بطور متوسط ۲۰۰ میلی‌متر است.

آب کشاورزی از رودخانه و آب آشامیدنی مردم شهر هندیجان از رودخانه هندیجان پس از پالایش در شبکه لوله‌کشی شهر به سوی خانه‌ها روان و برق از شبکه سراسری خوزستان فراهم گردیده است.

**اصلاحات تقسیمات کشوری دراستان خوزستان:** تغییر نام دهستان هویزه تابع بخش هویزه، شهرستان دشت آزادگان به هویزه‌ی جنوبی.

ایجاد دهستان هویزه‌ی شمالی به مرکزیت روستای امامزاده خضر.

ایجاد بخش نیسان به مرکزیت شهر رفیع مشتمل بر دهستان‌های بنی صالح و نیسان.

ایجاد شهرستان هویزه به مرکزیت شهر هویزه از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر هویزه شامل دهستان‌های هویزه‌ی شمالی و هویزه‌ی جنوبی و بخش نیسان به مرکزیت شهر رفیع شامل دهستان‌های بنی صالح و نیسان.

تغییر نام دهستان هفتگل ازتوابع بخش هفتگل شهرستان رامهرمز به دهستان حومه.

ایجاد دهستان رغیوه به مرکزیت روستای رغیوه.

ایجاد بخش رغیوه به مرکزیت روستای رغیوه از ترکیب دهستان‌های گزین و رغیوه.

ایجاد شهرستان هفتگل به مرکزیت شهر هفتگل از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر هفتگل شامل دهستان حومه و بخش رغیوه.

تغییر مرکزیت دهستان تل بزان از توابع بخش مرکزی شهرستان مسجد سلیمان از روستای رضا آباد به روستای قاسم آباد.

ایجاد دهستان جهانگیری شمالی به مرکزیت روستای رضاآباد.

ایجاد گلگیر به مرکزیت روستای گلگیر از ترکیب دهستان‌های تل بزان و تمبی گلگیر.

ایجاد بخش چلو به مرکزیت روستای زاووت از ترکیب دهستان‌های چلو و للرکتک.

ایجاد بخش آبژدان به مرکزیت روستای جعفر آباد از ترکیب دهستان‌های کوشک و آبژدان.

ایجاد شهرستان اندیکا به مرکزیت شهر قلعه خواجه از ترکیب بخش مرکزی شامل دهستان‌های قلعه خواجه و شلال دشتگل و بخش چلو شامل دهستان‌های چلو و للترکتک (للرکتک صحیح است) و بخش آبژدان شامل دهستان‌های کوشک و آبژدان.

شناخت شهر روستای دارخوین مرکز دهستان دارخوین از توابع بخش مرکزی شهرستان شادگان پس از تجمیع با روستاهای یوخان و شاخت الخان.

شناخت شهر روستای چوئبده از توابع

دهستان شلاهی بخش مرکزی شهرستان آبادان.

شناخت شهر روستای ترکالکی از توابع دهستان عقیلی بخش عقیلی شهرستان گتوند.

شناخت شهر روستای شهرک شهید چمران از توابع دهستان جنت مکان بخش مرکز شهرستان گتوند به عنوان شهر صالح شهر.

شناخت شهر روستای شهرک حمزه از توابع دهستان ماهور برنجی بخش سردشت شهرستان دزفول به عنوان شهر حمزه.

شناخت شهر روستای شهرک شهید شرافت از توابع دهستان سردارآباد بخش مرکزی شهرستان شوشتر به عنوان شهر شرافت.

**ایجاد بخش سوسن:** بخش سوسن به مرکزیت روستای ترشک از ترکیب دهستان‌های سوسن شرقی و سوسن غربی در تابعیت شهرستان ایذه استان خوزستان ایجاد می‌گردد.

**تغییرات تقسیماتی در سال ۱۳۸۷:**

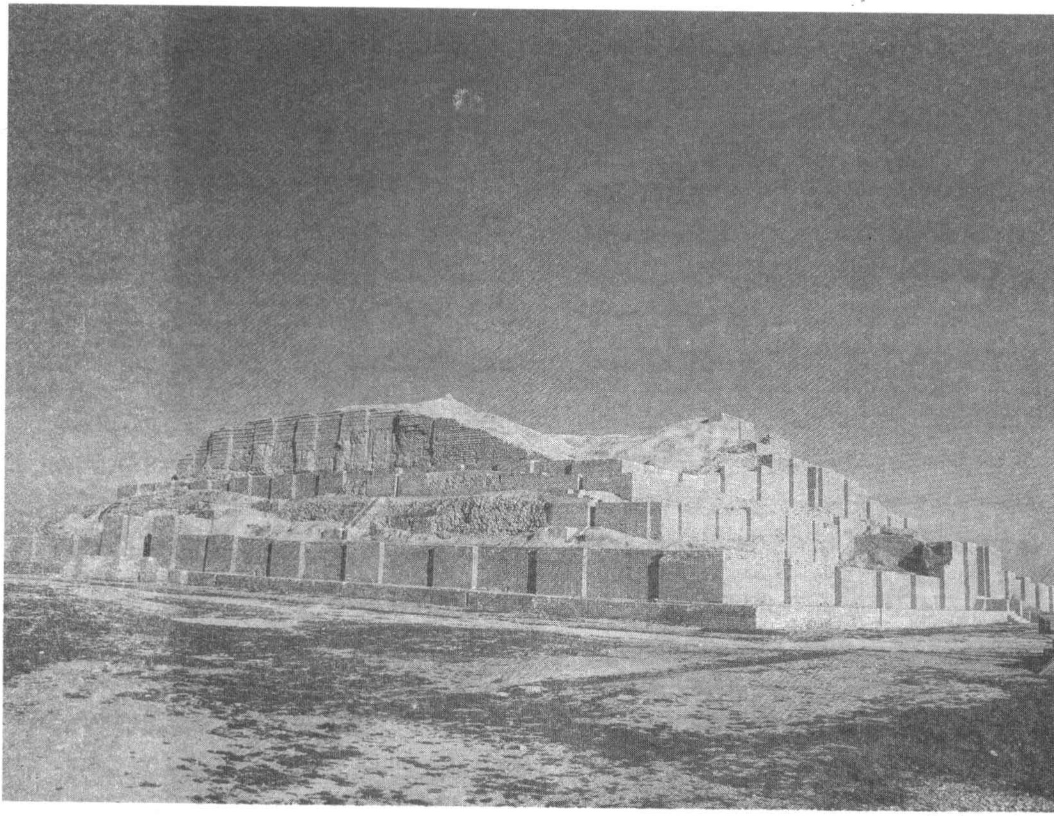
**ایجاد بخش سوسن:** بخش سوسن به مرکزیت روستای ترشک از ترکیب دهستان‌های سوسن شرقی و سوسن غربی در تابعیت شهرستان ایذه استان خوزستان ایجاد می‌گردد. (مصوب در تاریخ ۱۳ مرداد ماه سال ۱۳۸۷).

**شهرک‌های صنعتی:** ۱) شهرک صنعتی اهواز۱، ۲) شهرک صنعتی اهواز۲، ۳) شهرک صنعتی اهواز۳، ۴) شهرک صنعتی اهواز۴، ۵) شهرک صنعتی اندیمشک، ۶) شهرک صنعتی بندر امام خمینی، ۷) شهرک صنعتی آبادان، ۸) شهرک صنعتی ماهشهر، ۹) شهرک صنعتی ایذه، ۱۰) شهرک صنعتی بهبان، ۱۱) شهرک صنعتی آغاجری، ۱۲) شهرک صنعتی خرمشهر، ۱۳) شهرک صنعتی دزفول۱، ۱۴) شهرک صنعتی دزفول۲، ۱۵) شهرک صنعتی دزفول۳، ۱۶) شهرک صنعتی سوسنگرد، ۱۷) شهرک صنعتی رامهرمز، ۱۸) شهرک صنعتی شارگان، ۱۹) شهرک صنعتی شوشتر، ۲۰) شهرک صنعتی مسجد سلیمان، ۲۱) شهرک صنعتی شوش، ۲۲) شهرک صنعتی باغملک، ۲۳) شهرک صنعتی امیدیه، ۲۴) شهرک صنعتی هندیجان.

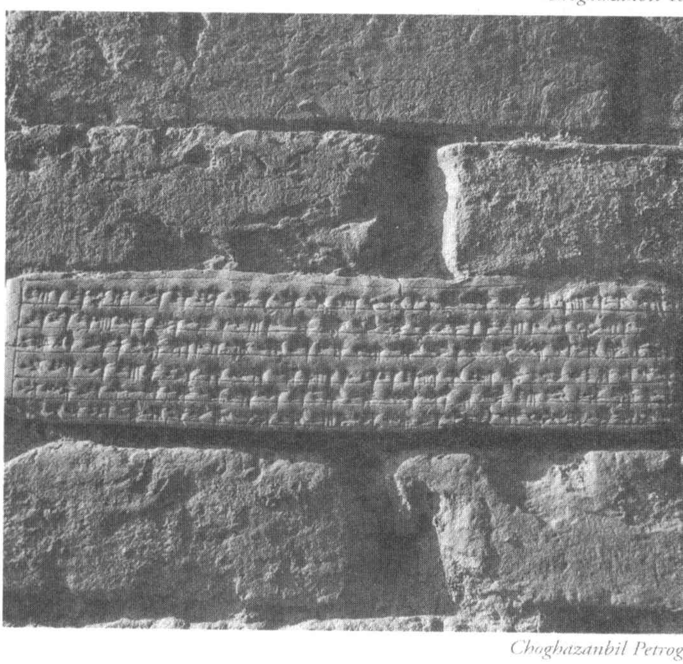
**مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان خوزستان در سال ۱۳۸۵**
تعداد بهره‌برداری ۱۲۳ مساحت گلخانه ۱۱۹
**مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان خوزستان در سال ۱۳۸۵**
گوشت قرمز ۴۵ شیر ۳۷۲
**مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان خوزستان در سال ۱۳۸۵**
گوشت مرغ ۵۲ تخم‌مرغ ۲
**تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان خوزستان در سال ۱۳۸۴**
جمع معادن ۸۷ خصوصی ۸۵ عمومی ۲
**مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان خوزستان در سال ۱۳۸۲**
کل تعداد بهره‌برداری ۱۲۷۴۱۱ مساحت ۱۲۶۶۱۲۳ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۲۳۶۷۰ مساحت باغ و قلمستان ۲۷۴۹۹
**استان خوزستان در سال ۱۳۸۴:** تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۳۵۶۲۲ تعداد دام ۲۲۲۵۱۹۳ مقدار تولید ۴۵۴۳۹۲۱ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۳۸۷۹ تعداد دام ۵۶۲۷۳ مقدار تولید ۵۳۶۴۷
**بهره‌برداری‌های کشاورزی استان خوزستان در سال ۱۳۸۲**
زراعت ۱۱۶۶۵۵ باغداری ۵۰۶۴۴ تولید گلخانه‌ای ۱۲۳ پرورش ماکیان ۱۰۹۳۷۴ پرورش زنبور عسل ۷۷۸ پرورش دام بزرگ ۸۸۶۳۷ پرورش دام کوچک ۷۳۵۶۷ پرورش کرم ابریشم ۰
**تعداد سدهای استان خوزستان در مراحل مختلف:**
مطالعاتی ۲۱ اجرایی ۳ بهره‌برداری ۱۸ مجموع ۴۲
**استان خوزستان در سال ۱۳۸۵:** مساحت جنگل‌ها ۹۳۸۳۲۶ جمع مراتع ۲۴۷۷۶۹۱ خوب (متراکم) ۵۷۱۰۷۳ متوسط (نیمه متراکم) ۱۳۵۳۰۹۶ فقیر (کم تراکم) ۵۵۳۵۲۲ پدیده‌های بیابانی ۵۲۱۳۴۱

## برخی از منابع و کتاب‌های سودمند

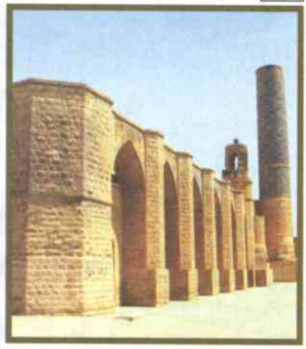

کتاب سرزمین و مردمان ایران
فصلنامه ذخایر انقلاب بهرام امیراحمدیان
کتاب ایلات و عشایر ـ ت ـ فیروزان
کتاب ورزشها
خوزستان و کهگیلویه و ممسنی ـ احمد اقتداری
جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی ـ ترجمه محمود عرفان
تاریخ جغرافیایی خوزستان ـ محمدعلی امام شوشتری
تاریخ اجتماعی ایران ـ مرتضی راوندی
عربها در خوزستان ـ احمد کسروی مجله آینده
جغرافیای تاریخی سرزمین خوزستان ـ عباس میریان
جغرافیای تاریخی ایران باستان ـ دکتر محمدجواد مشکور
تاریخ تمدن ایران ـ تألیف ۱۴ تن ایران‌شناسی اروپائی ـ ترجمه جواد محیی
اطلس سازمان حفاظت محیط زیست
ویرانه‌های شوش ـ جبیب‌الله صمدی
آثار باستانی و تاریخی خوزستان ـ افشار سیستانی، ایرج
آثار و بناهای تاریخی خوزستان ـ اقتداری، احمد
الگوهای استقرار و فرهنگ‌های پیش از تاریخی دشت شوشان ـ علیزاده، عباس
بررسی ذخایر خاک رس استان خوزستان برای پخت آجر ـ ویسه، سهراب
تاثیر معماری مسکونی بر سنت‌ها، مطالعه موردی: هویزه ـ خجسته، حسن
تاریخ بیگدلی‌های خوزستان ـ بیگدلی، مهدی
تاریخ پانصد ساله خوزستان ـ کسروی، احمد
تاریخ جغرافیایی خوزستان ـ امام شوشتری، نورالدین
تاریخ و جغرافیای سرزمین کهن با تمدن دیرینه از ارجان ـ کنعانی هندیجانی، عبدالحمید
تطورات نام سرزمین خوزستان ـ قائم‌مقامی، جهانگیر
جغرافیای نظامی ایران: خوزستان ـ میریان، عباس
حماسه دلیران تنگستان، دشتی و دشتستان ـ شجاع، حسن
خوزستان و تمدن دیرینه آن ـ افشار سیستانی، ایرج
خوزستان و کهگیلویه و ممسنی ـ اقتداری، احمد
سفرنامه خوزستان ـ نجم‌الملک، عبدالغفار بن علی محمد
سفرنامه‌ی هنری راولینسون به لرستان، خوزستان، بختیاری ـ راولینسون، هنری کرزیک
سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان



*Choghazanbil Te*



*Choghazanbil Petrog*



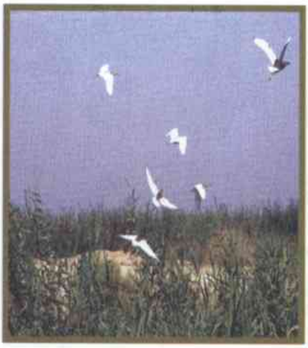
مسجد جامع - شوشتر



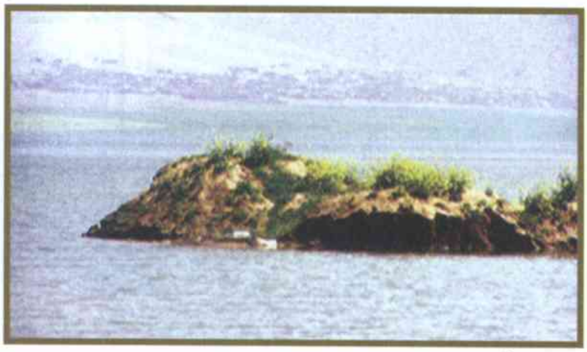
سنگ نگاره دوره ایلامی میانه در خوزستان



نمایی از طرح آغاز دالان



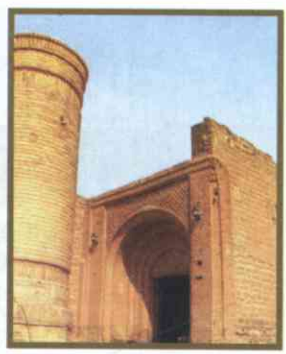
تالاب هورالعظیم



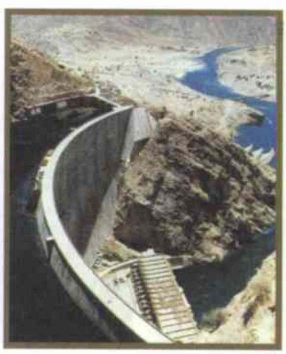
تالاب میانگران



زنی قالی باف از مردم مسجد سلیمان - خوزستان



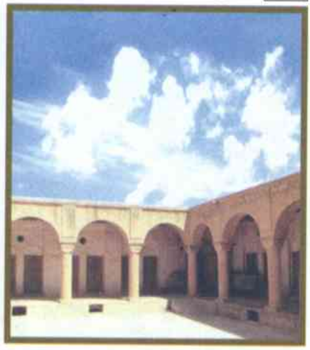
خانه مستوفی



یکی از سدهای خوزستان



سابات معین التجار



سرای افضل



دانشکده نفت آبادان



مجموعه آسیاب ها و آبشارهای شوشتر



مردی از عشایر بختیاری خوزستان



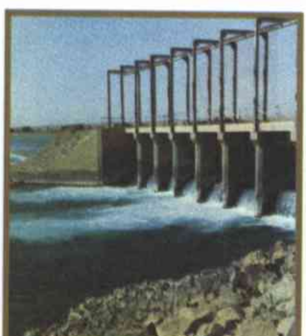
مرد سقائی از استان خوزستان



تالاب بامدژ



سد گاوشان



سد انحرافی - شمال دزفول



منطقه حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش کرخه




نمائی از کارخانه لوله سازی - اهواز



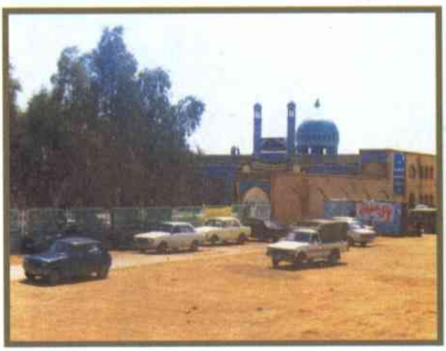
منطقه حفاظت شده شیمبار



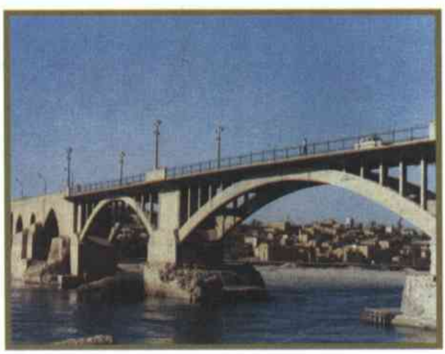
بقایای کاخ آپادانا



منطقه حفاظت شده هفت شهیدان



نمائی از شهر بندر ماهشهر



دزفول و پل معروف آن



سد مخزنی کرخه - خوزستان



خوزستان - کشاورزان در حال نشای برنج



آب بند قدیمی دومن



منظره ای از بندر امام خمینی



سد دز



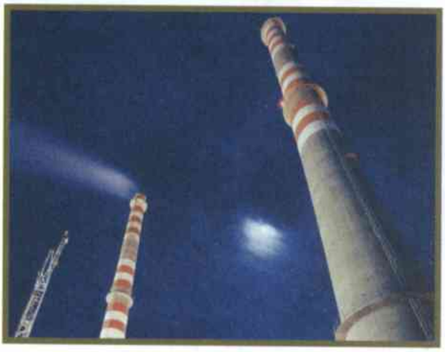
نخلستانی در شهرستان دشت آزادگان



گرانوله در صنایع فولاد اهواز



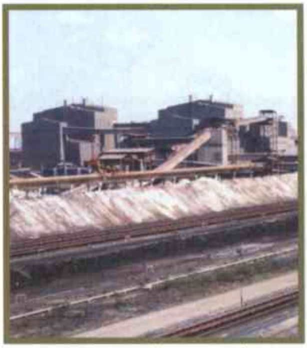
سد شهید عباسپور (کارون ۱)



نیروگاه رامین اهواز



یکی از کشتی هائی که در ساحل خوزستان لنگر انداخته



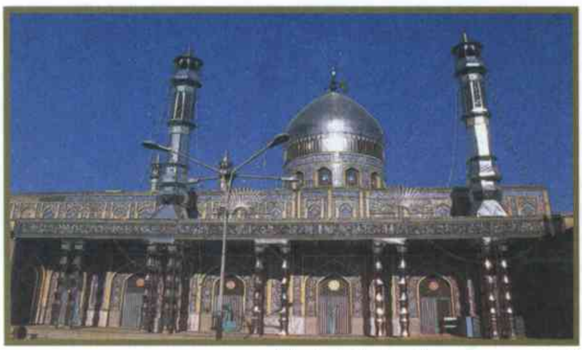
نمائی از کارخانه پولادسازی



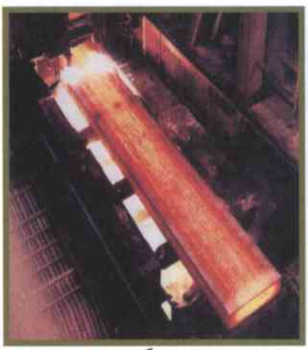
نمای دیگری از کارخانه پولادسازی اهواز



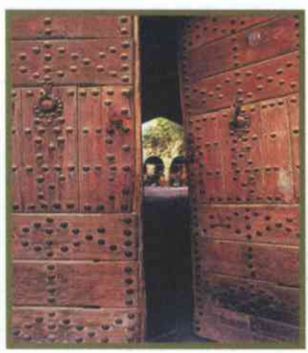
نمائی از شرکت فولاد خوزستان



امامزاده حیدر - بهبهان - استان خوزستان



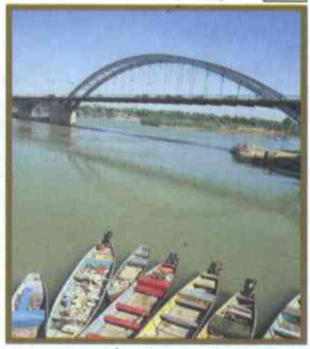
منظره از قطعه فولاد گداخته در کارخانه



منظره ای از شوشتر



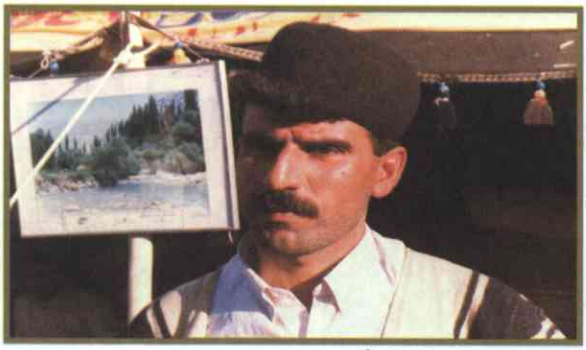
عملیات خاکریزی بدنه سد کرخه



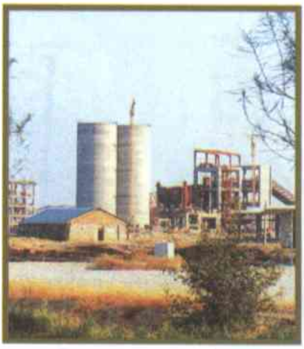
منظره ای از چند قایق و پل اهواز عکس از افشین بختیار



خوزستان - شهرستان مسجد سلیمان - زنی در حال بافت پارچه



چهره مردی از روستای باغملک



نمائی از شرکت سیمان خوزستان



تصویری از کارخانه سیمان خوزستان



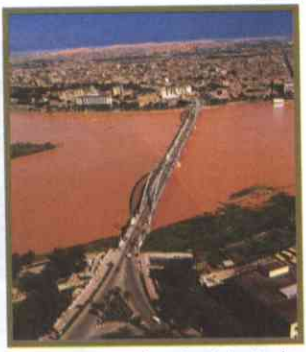
دخترکی از عشایر ترکاشوند - خوزستان



واحد بهره برداری نفت شماره ۱ اهواز



مردی از ایرانیان عرب تبار خوزستان



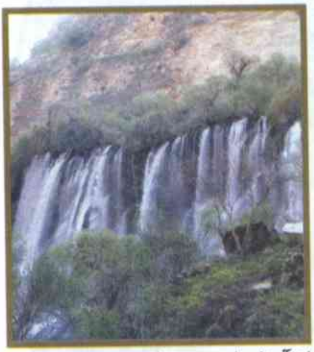
منظره ای از اهواز و پل معروف اهواز



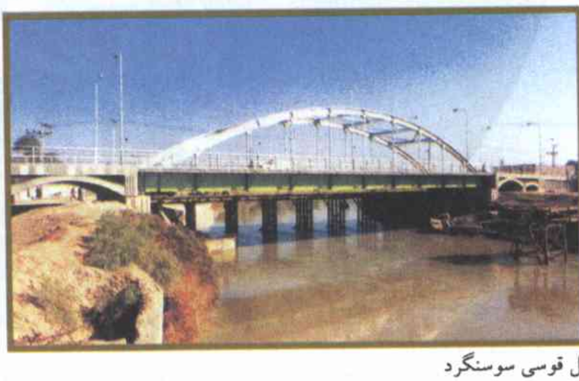
یکی از هتل های آبادان



پل قوسی روگذر بهمنشیر (پل سوم آبادان)



از آبشارهای خوزستان



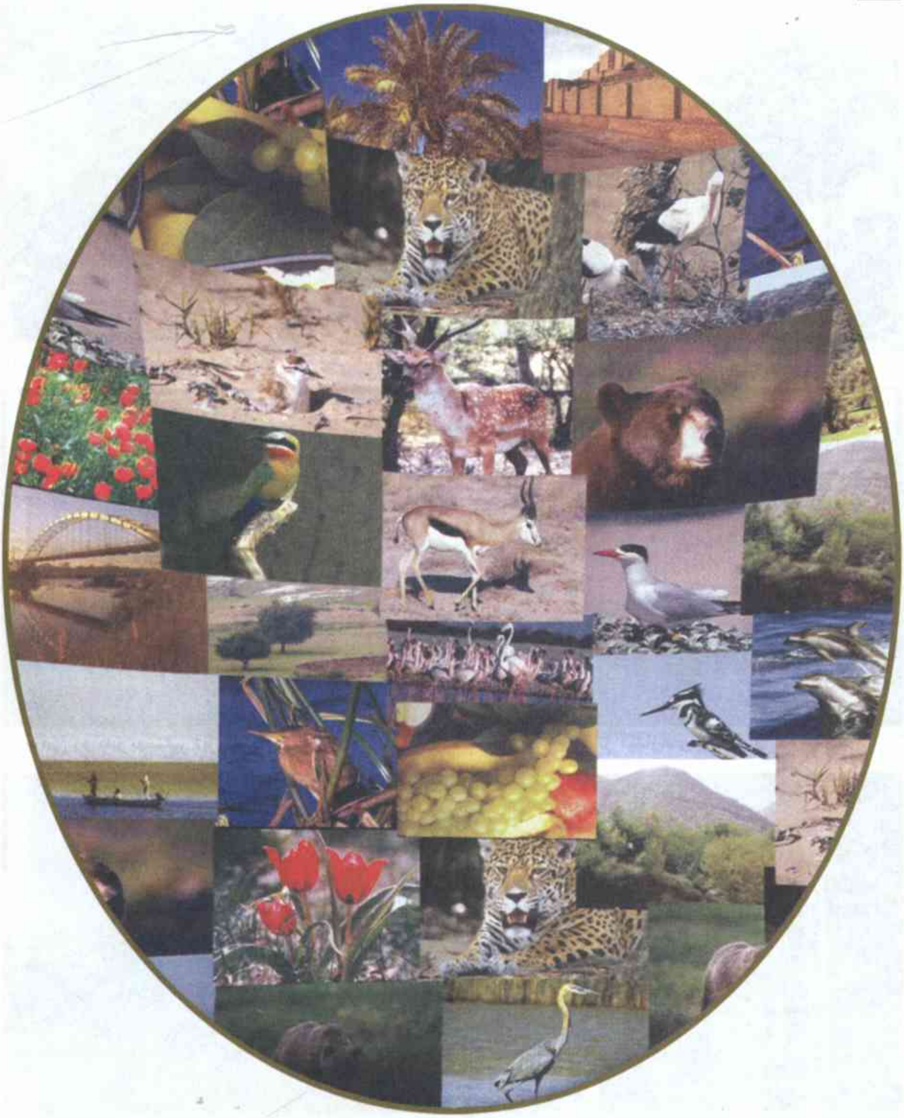
پل قوسی سوسنگرد



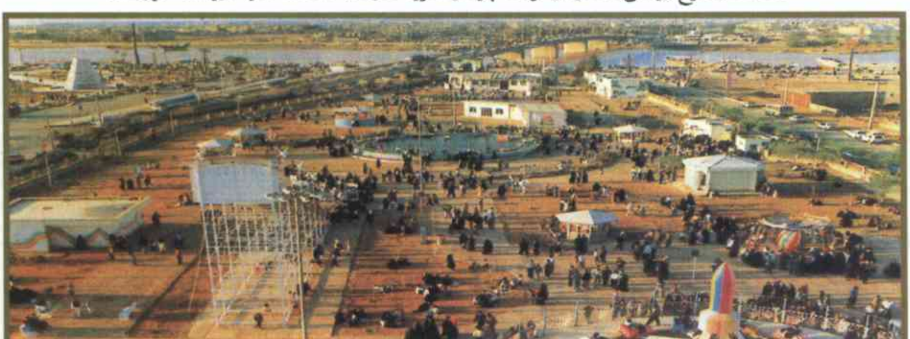
اثری هنری و تاریخی در شوش



نفت کش



حفاظت از تنوع زیستی نمادی از توسعه پایدار نشریه سازمان حفاظت محیط زیست خوزستان



دور نمائی از شهر آبادان

**همه جای ایران سرای من است**



دایرةالمعارف

# سرزمین و مردم استان زنجان

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

سرزمین و مردم ـ سیمای اقلیمی ـ جهانگردی ـ گردشگاههای طبیعی ـ آداب و رسوم ـ جاذبه‌های طبیعی و گردشگری ـ شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها ـ شهرک‌های صنعتی ـ تصاویر و عکس‌ها
مشخصات عمومی استان زنجان براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهر زنجان، تعداد شهرستان: ۷ تعداد بخش: ۱۶ تعداد شهر: ۱۶ تعداد آبادی دارای سکنه: ۹۶۹ کل آبادی‌ها: ۱۱۸۰
جمعیت استان زنجان در سال (۱۳۸۵) ۹۶۴۶۰۱ نفر نسبت به کل کشور ۱/۳۷ بوده است. مساحت استان زنجان ۲۱۷۷۳ کیلومتر مربع نسبت به کل کشور ۱/۳۴ است.
از تهران تا زنجان (۳۱۹) و از زنجان تا ابهر (۹۰)، ایجرود (۳۵)، خدابنده (۷۸)، خرمدره (۸۵)، زنجان (۰)، طارم (۸۰)، ماه‌نشان (۱۰۷)

**که ایران بهشت است یا بوستان        همی بوی مشک آید از بوستان**

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از عیسی پاکزاد هنرمند عکاس

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان زنجان
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: انتشارات آرام (ناشر اصلی) علم و زندگی (ناشر همکار)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ ـ ۸۸۴۳۰۰۹۶ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸ ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۶ـ۲۸ـ۶۹۹۱ـ۹۶۴ـ۹۷۸ ISBN

بها: ششصد تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان زنجان؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۶ ـ ۲۸ ـ ۶۹۹۱ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۲۳۷۹

## ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

**مشخصات عمومی استان زنجان براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵:** مرکز استان: زنجان مساحت: ۲۱۷۷۳ تعداد شهرستان: ۷ تعداد بخش: ۱۶ تعداد شهر: ۱۶ تعداد آبادی دارای سکنه: ۹۶۹ کل آبادی‌ها: ۱۱۸۰

جمعیت استان‌زنجان درسال(۱۳۶۵)۷۸۲۹۸۸ نسبت به کل کشور ۱/۵۸ و در سال (۱۳۷۵) ۹۰۰۸۹۰ نسبت‌به‌کل‌کشور ۱/۵۰ و درسال (۱۳۸۵) ۹۶۴۶۰۱ نسبت به کل کشور ۱/۳۷ است.

مساحت استان زنجان ۲۱۷۷۳ نسبت به‌کل کشور ۱/۳۴ است.

کارگاههای استان زنجان ۱۰۱۷۳ نسبت به کل کشور ۱/۵۸ است.

درصد میزان شهرنشینی استان زنجان در سال (۱۳۷۵) ۶۲/۴۷ و در سال (۱۳۸۵) ۹۹/۵۷ است.

تراکم نسبی جمعیت استان زنجان در سال (۱۳۶۵) ۳۶ و در سال (۱۳۷۵) ۴۱ و در سال (۱۳۸۵) ۴۴ نفر درکیلومترمربع بوده است.

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶-۱۳۸۵ استان زنجان**

مرد و زن ۴۱۱۷ زن ۲۳۶۱ مرد ۱۷۵۶

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ - ۱۳۸۴ استان زنجان**

مرد و زن ۷۷۱۰ زن ۴۴۲۹ مرد ۳۲۸۱

**مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان زنجان در سال ۱۳۸۵**

جمع ۵۵۰ دولتی ۲۰۰ خصوصی ۳۵۰ تولید نهال ۲۹۶

**مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان زنجان در سال ۱۳۸۵**

تعداد بهره‌برداری ۳۹ مساحت گلخانه ۸

ادامه در صفحه ۱۲۶۱

## فهرست برخی از مطالب

## سرزمین و مردم استان زنجان

آب و هوای استان زنجان به‌علت وجود مناطق کوهستانی بسیار سرد و در تابستان معتدل و دارای باران‌های بهاری است و حداکثر مطلق ۴۰ + و حداقل ۲۶/۵ - درجه می‌باشد.

## جغرافیای طبیعی و ویژگیهای جوی و اقلیمی استان زنجان

**مختصات جغرافیایی استان:**

استان زنجان که می‌توان آن را به‌نام فلات زنجان نیز نام برد در قسمت مرکزی و شمال غربی کشور ایران واقع شده است.

استان زنجان از شمال به استانهای گیلان و اردبیل، از شرق به استان قزوین، از جنوب غربی و غرب به استانهای کردستان و آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی محدود است.

استان زنجان در ناحیه مرکزی شمال غربی ایران واقع شده است. این استان در ۴۷ درجه و ۱۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۵۱ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۴۵ دققه تا ۳۷ درجه و ۱۰ دقیقه عرض شمالی خط استوا، با مساحتی نزدیک به ۳۹۳۶۹ کیلومتر مربع قرار گرفته است.

استان زنجان براساس آخرین تقسیمات کشوری، دارای ۳ شهرستان، ۱۳ بخش، ۸ شهر، ۴۴ دهستان و ۹۸۱ آبادی دارای سکنه است.

استان زنجان از جمله استان‌هایی است که به تنهایی با ۷ استان کشور همسایه و همجوار است.

شهرستان‌های این استان عبارتند از: زنجان، ابهر و خدابنده.

استان زنجان با ۸ استان هم‌مرز است، به‌طوری که از شمال محدود است به‌شهر خلخال از استان اردبیل شهرستان رودبار و رودسر از استان گیلان، از شمال شرقی به‌شهرستان تنکابن از استان مازندران، از شرق به‌شهرستان کرج از استان تهران ـ از جنوب به‌شهرستان ساوه از استان مرکزی و بخش کبوترآهنگ شهرستان همدان از استان همدان از جنوب غربی به‌شهرستان بیجار از استان کردستان، از مغرب به‌بخش تکاب از شهرستان میاندوآب استان آذربایجان غربی از شمال غربی به‌بخش قره‌آغاج از شهرستان هشترود و بخش کاغذکنان از شهرستان میانه استان آذربایجان شرقی.

**اقلیم هوائی استان زنجان:** با وجود عوارض مرتفع و تماس غیرمستقیم با هوای مرطوب اقیانوس اطلس و مدیترانه صرفنظر از خصوصیات محلی و همچنین آب و هوای جلگه‌هایی که در پناه رشته‌کوه‌های عظیم قرار گرفته‌اند حدفاصل بین آب و هوای صحرائی (در حواشی رود قزل‌اوزن) و آب و هوای مدیترانه‌ای است ولی با توجه به‌شرایط خاص کوهستانی می‌توان آن را اقلیم معتدل کوهستانی نیز به‌حساب آورد خصوصیات این آب و هواگرمای شدید درّه‌ها در تابستان و اعتدال آنها در زمستان و برعکس سرمای شدید مرتفعات در زمستان و اعتدال آنها در تابستان است.

| مناطق | تابستان | زمستان |
|---|---|---|
| مرتفعات | معتدل | بسیار سرد |
| دره‌ها | بسیار گرم | معتدل |

سرما معمولاً در این منطقه از اوائل آذرماه شروع شده و برفهای پیاپی قله‌های کوهستانها را پوشانده وگردنه‌ها را مسدود می‌سازد و این حالت با جزئی تغییر تا اواسط و گاه تا اواخر فروردین ادامه پیدا می‌کند.

همانگونه که ذکر شد استان زنجان منطقه‌ای است تقریباً کوهستانی و به‌این جهت وزش بادهای مرطوب که از شمال غرب بهره می‌گیرند بخارات مرطوب اقیانوس اطلس و مدیترانه را به‌طرف شرق رانده و در برخورد با ارتفاعات موجب ریزش برف و باران می‌گردد به‌این جهت در فصول بهار و پائیز و زمستان به‌خاطر بارندگی فراوان رودخانه‌های متعدد و سیلابی در سطح استان یافت می‌گردد.

آب و هوای استان زنجان به‌علت وجود مناطق کوهستانی بسیار سرد و در تابستان معتدل ودارای باران‌های بهاری است و حداکثر مطلق ۴۰ + و حداقل ۲۶/۵ - درجه می‌باشد.

**نقش منابع رطوبتی بر اقلیم استان:** منابع آبهای استان زنجان شامل دو دسته آبهای سطحی و آبهای زیرزمینی است. مهمترین منابع آبهای سطحی استان که رودخانه‌های استان را دربر می‌گیرد، عبارتند از رودخانه قزل‌اوزن، ابهررود، زنجان‌رود، ایجرود، خررود، سجاس رود و بزینه رود که هریک از آنها بخش‌هائی از اراضی استان را مشروب می‌سازند و به همراه منابع آبهای زیرزمینی که در اشکال چشمه‌ها، چاهها و قنوات مورد بهره‌برداری واقع می‌شوند، در محدوده‌های معینی از استان زنجان بر خرد اقلیم‌های تحت نفوذ خود تاثیر می‌گذارند. اما ذکر این نکته ضروری است که استان زنجان از منابع عظیم رطوبتی دریاها و دریاچه‌ها به دور بوده و به این سبب فقدان منابع وسیع رطوبتی در داخل و یا مجاورت استان، موجب توسعه قابل توجه اقلیم‌های نیمه خشک در استان گردیده است.

**تأثیر عرض جغرافیایی:** فاکتور عرض جغرافیایی از دیدگاه تأثیرگذاری بر اقلیم استان دارای جنبه‌های متفاوتی است. گستردگی عرض جغرافیایی استان زنجان به گونه‌ای است که در بخش‌هایی از شمال استان و در دهانه دره سفیدرود، اقلیم‌های گرم و مرطوب شمال کشور را در منطقه طارم تجربه می‌کند و در جنوب استان، با مناطق خشک و نیمه‌خشک مرکز کشور دارای مرزهای مشترک است.

از سوی دیگر عرض جغرافیایی استان به صورتی گسترش دارد که امکان نفوذ و تأثیر توده‌های هوای متنوعی را در سطح استان فراهم می‌سازد.

تغییرات عرض جغرافیایی در سطح استان موجب تغییر در ساعات آفتابی، درصد آفتابگیری، تشعشع و سایر انرژیهای دریافتی از خورشید می‌گردد که ایجاد تغییر در این پارامترهای اقلیمی موجب تغییر در رژیم‌های اقلیمی مناطق و نواحی مختلف استان می‌گردد.

**سیمای اقلیمی استان:** مطالعه موقعیت جغرافیای طبیعی استان زنجان مشخص می‌سازد که این استان به طور عمده از دو بخش کوهستانی با آب و هوای سرد زمستانه و معتدل تابستانه و بخش جلگه‌ای با اقلیم معتدل زمستانه و گرم تابستانه تشکیل یافته است. در شکل‌گیری اقلیم‌های استان زنجان دو دسته از عوامل اصلی و فرعی نظیر ارتفاع، عرض جغرافیایی، دوری و نزدیکی به منابع رطوبتی، توده‌های‌ها، پوشش گیاهی، کشاورزی و غیره موثرند که چهار عامل نخست به عنوان عوامل اصلی شکل دهنده اقلیم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

**تأثیر ارتفاع بر اقلیم استان:** استان زنجان با ارتفاع متوسطی در حدو.د ۲۰۰۰ متر از سطح دریا و به جهت تاثیرپذیری از ارتفاعات البرز و زاگرس، یکی از سردترین استان‌های کشور در

فصول سرد سال می‌باشد.
رشته‌کوههای شمالی استان که دنباله ارتفاعات البرز به شمار می‌آید. همراه با ارتفاعات غربی و جنوب غربی و رشته‌کوههای مرکزی استان، مجموعاً نواحی و مناطق مرتفع استان را تشکیل می‌دهندک درگام نخست، بر رژیم‌های بارندگی و دمائی استان در اکثر بخش‌های استان زنجان تأثیر می‌گذارندکه طبعاً این دو عامل مهم اقلیمی به نوبه خود موجب تغییراتی در رژیم اقلیمی استان می‌گردد. جهات گسترش ارتفاعات استان و نحوه بهره‌گیری آنها از توده‌های هوای مهاجر به استان، در چگونگی شکل‌گیری اقلیم‌های استان زنجان بسیار حائز اهمیت است.

**تأثیر توده‌های هوا بر اقلیم استان:** استان زنجان در فصول سرد سال تحت نفوذ توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی که از شمال غرب، غرب و گاهی جنوب غرب وارد می‌شوند قرار می‌گیرد و توده‌های هوای برآمده از اقیانوس اطلس شمالی که از طرق اروپا و شمال دریای سیاه به ایران می‌رسند. موجب ریزش‌هائی در آن می‌گردند.

در نواحی کوهستانی استان به سبب عمق کم خاک و وجود زمین‌های ناهموار و پریب و فرسایش شدید خاکهای آن، کشاورزی دارای رونق چندانی نمی‌باشد، اما در دره‌های آبرفتی پایکوهی و در کناره رودخانه‌ها و دشت‌ها کشاورزی دارای رونق است.

با وجود تفاوتهای اقلیمی قابل توجه در سطح استان، کشاورزی آن به دو بخش عمده تقسیم می‌شود:

۱ ـ بخش زنجان، خدابنده، ابهر ۲ ـ بخش طارم عیا

در مجموع پوشش گیاهی و کشاورزی استان، به عنوان عوامل فرعی موثر بر خرد اقلیم‌های استان مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

**تقسیمات اقلیمی استان:** بخش وسیعی از استان زنجان که در حدود ۷۰ درصد مساحت استا را دربر می‌گیرد، دارای اقلیم‌های نیمه خشک سرد و فراسرد است. استان زنجان که در قسمت‌های شمالی، مرکزی و جنوبی عمدتاً دارای اقلیم فراخشک سرد است، در منتهاالیه شمال شرقی و شمال غربی، اقلیم‌های متفاوت از اقلیم نیمه‌خشک را تجربه می‌کند که دلیل بروز آنها مجاورت استان زنجان در بخش شمال غربی با ارتفاعات زاگرس و مجاورت آن در شمال شرقی با ارتفاعات البرز غربی است.

در این دو بخش اس استان نوع اقلیمی به گونه‌ای است که بعضاً در فاصله‌ای کمتر از صد کیلومتر، بیش از ۵ نوع تنوع اقلیمی نمایان می‌گردد.

جدا از وجود اقلیم‌های مرطوب و نیمه‌مرطوب در شمال غرب و شمال شرق استان. در یک باریکه‌ای نیز که در ادامه گذرگاه منجیل است، اقلیم خشک معتدل مشاهده می‌گردد.

اقلیم مدیترانه‌ای علاوه بر اینکه در شمال شرق و شمال غرب استان مشاهده می‌شود، در بخش‌هایی از جنوب استان به ویژه در ارتفاعات مجاور نواحی سلطانیه و قیدار نیز گسترش دارد.

توزیع جغرافیایی اقلیم‌های استان زنجان به صورت زیر قابل جمعبندی است:

**اقلیم نیمه خشک سرد:** این نوع اقلیم بخش‌های مرکزی استان با تمایل به شمال غرب و گسترش به طرف جنوب و جنوب شرق استان را در بر می‌گیرد و ابهر، سلطانیه، سلامت‌آباد، حسین‌آباد زنجان، قره‌کهریز و قلتوق از نقاط واقع در این نوع اقلیم می‌باشند.

اقلیم نیمه خشک فراسرد در محدوده‌های جنوبی استان زنجان، به طرف استان همدان گسترش یافته و بخش اعظم استان همدان را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد.
بسط و توسعه این نوع اقلیم در جنوب غربی استان زنجان، به طرف استان کردستان هم ادامه می‌یابد و بخش‌های وسیعی از این استان را هم دربر می‌گیرد.
**اقلیم مدیترانه‌ای:** اقلیم مدیترانه‌ای به صورت محدوده اقلیمی نسبتاً قابل ملاحظه در بخش‌های شمال شرقی استان زنجان به طرف بخش‌های جنوب شرقی استان گسترش یافته و باریکه‌هائی از این نوع اقلیم در نواحی جنوب غربی و جنوبی استان زنجان، به ویژه در ارتفاعات مجاور نواحی سلطانیه و قیدار مشاهده می‌گردد.
**اقلیم نیمه‌خشک سرد:** از شهر زنجان به طرف بخش‌های شمال غربی استان و با چرخشی به صورت باریکه‌ای به سمت جنوب غربی استان، تحت پوشش اقلیم نیمه خشک سرد قرار دارد. در طبقه‌بندی اقلیمی دو مارتن اصلاح شده، شهر زنجان و ناحیه مشمپا از نقاط شاخص اقلیم نیمه‌خشک سرد در استان زنجان می‌باشند
**اقلیم نیمه‌مرطوب فراسرد:** اقلیم نیمه مرطوب فراسرد به صورت محدوده‌های کوچک اقلیمی در درون اقلیم مدیترانه‌ای در بخش‌های شرقی، جنوب شرقی و غربی استان و بطور مشخص در ارتفاعات این نواحی وجود دارد. در غربی‌ترین بخش استان زنجان، اقلیم نیمه مرطوب فرا سرد به صورت گسترش شمالی ـ جنوبی مشاهده می‌گردد که در این نواحی نیز در محدوده‌های ارتفاعات استان توسعه یافته است. سایر اقلیم‌ها و زیر اقلیم‌ها هر چند در باریکه‌های اقلیمی کوچکی در سطح استان وجود دارند. اما نواحی تحت پوشش آنها نسبت به کل مساحت استان بسیار اندک و محدود است.

در زنجحان در ۶۴ روز از سال آسمان این شهر پوشیده از ابر می‌شود و در خرم در ۵۷۵ روز در خدابنده ۵۴ روز از سال آسمان از ابر پوشیده می‌شود.

پوشش ابری آسمان با طول مدت ساعات آفتابی در رابطه‌ای معکوس قرار دارد، یعنی با افزایش ابرناکی آسمان، از ساعات آفتابی کاسته می‌شود. در شهرستان زنجان بیشترین ساعات آفتابی ماهانه با رقم ۳۴۰/۵ ساعت به تیرماه و کمترین ساعات آفتابی ماهانه با رقم ۱۳۵ ساعت به آذرماه اختصاص دارد.
جمع سالانه ساعات آفتابی زنجان ۲۷۷۱/۷ ساعت است.
**توفان رعد و برق:** توفان رعد و برق در شمار بلیه‌های جوی است و وقوع آن علاوه بر ایجاد خسارت، معمولاً موجب ایجاد ترس و وحشت در مردم می‌شود که آگاهی از وقوع آن در سطح استان می‌تواند برای گردشگران استان و یا سایر افراد مفید باشد.

در شهر زنجان مرکز استان، در هر سال بطور متوسط ۱۷ روز توام با توفان رعد و برق است که فراوانی آن در فصل بهار بیش از سایر فصل‌ها است و ماه اردیبهشت با میانگین ۵ روز توفانی بیشترین تعداد روزهای توفانی را در بین سایر ماههای سال در تعلق دارد.
پدیده توفان رعد و برق حاصل فعالیت یک ناپایداری شدید جوی است که معمولاً در ماههای مربوط به گذار فصل‌ها، به ویژه گذار از فصل سرد به گرم و پس از آن گذار از فصل گرم به سرد اتفاق

می‌افتد. در زنجان به سبب سرد بودن این استان، گذار از سرما به گرما معمولاً در ماه اردیبهشت رخ می‌دهد و به همین سبب تعداد روزهای توفانی در این ماه بیشتر از سایر ماههای سال است.

برحسب آمار و اطلاعات دریافت شده از دبیرخانه کمیته ملی کاهش آثار بلایای طبیعی وزارت کشور، در طول ۱۰ سال گذشته تا آخر سال ۱۳۷۸، در استان زنجان ۵ بار توفان رعد و برق اتفاق افتاده که خوشبختانه خسارات قابل توجهی در بر نداشته است.

**خشکسالی**: در طول ۱۰ سال گذشته تا آخر سال ۱۳۷۸ در استان زنجان ۳ بار خشکسالی اتفاق افتاده است که بر اثر وقوع آنها ۳۴۵۰۰ راس دام تلف شده و به ۶۶۹۷۰۵ هکتار از اراضی زراعتی استان خسارت وارد شده است.

**زلزله**: وقوع ده بار زلزله در طول ده سال گذشته در استان زنجان به ۵ شهر و ۸۸۳ روستا خسارت رسانده است و بر اثر وقوع آنها ۲۹۵۸۳ واحد مسکونی آسیب دیده و ۲۱۶۷ نفر از مردم استان جان خود را از دست داده‌اند. بر اثر زلزله به ۷۰ هکتار از اراضی استان خسارت وارد شده و ۱۴۹۱ واحد تولیدی و ۶۹۹ واحد اداری و مکان عمومی آسیب پذیرفته است.

**سیل**: وقوع ۵۰ بار سیل در طول ۱۰ سال در استان زنجان منجر به آسیب‌دیدگی و یا تخریب ۲۰۹۶۵ واحد مسکونی، از بین رفتن جان ۱۲ نفر از مردم استان، تلف شدن ۳۲۰۸ راس دام، وارد شدن خسارت به ۹۴۸۰۶ هکتار از اراضی استان، تخریب ۲ دهنه پل، آسیب دیدگی ۴ واحد تولیدی و از بین رفتن ۲ دستگاه وسیله نقلیه شده است.

**رودخانه**: اغلب رودخانه‌های این منطقه به‌علت تأثیر عوامل طبیعی کم آب و سیلابی بوده و به علت ذوب شدن برف‌ها در بهار پرآب می‌باشند. رودخانه‌های مهم آن عبارت است از سفیدرود که در زنجان به قزل اوزن معروف است و از چهل چشمه‌ی کردستان و همدان سرچشمه گرفته و در نزدیکی منجیل به شاهرود پیوسته و به سد سفید رود می‌ریزد و دیگر از رودخانه‌های استان زنجان می‌توان: زنجانرود، ایجرود، سجاسرود، خررود، زرینه‌رود، و ابهررود را نام برد، و بر روی زنجانرود چندین پل ایجاد شده که عبارتند از پل حاج سیدمحمد پل حاج میربهاءالدین و پل سردار که خود جزئی از آثار تاریخی به شمار می‌رود. زنجان که در کنار رودخانه واقع شده ۱۶۶۳ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.

**کوه‌ها**: ۱ - رشته‌ی شمالی یا سلسله البرز که مرتفع‌ترین نقطه‌ی آن قله کلاسی به ارتفاع ۲۹۷۴ متر و قله‌ی بالکور به ارتفاع ۲۹۸۹ متر و قله کوه چله‌خانه به ارتفاع ۲۷۷۵ متر است.

۲ - در سمت جنوب کوه‌های پیغمبرداغ و ملاداغ واقع شده و وجود آب‌های اطراف به این منطقه سرسبزی فوق‌العاده بخشیده است.

۳ - در جنوب غربی استان زنجان کوهستان دمیرلی قرار دارد که مرتفع‌ترین نقطه‌ی آن به‌ارتفاع تقریبی ۲۵۰۰ متر می‌باشد. و دیگر کوه جهانداغ که مرتفع‌ترین نقطه‌ی آن ۲۴۸۴ متر و قله‌ی کوه رستم به ارتفاع ۲۷۰۰ متر قرار دارند و رشته‌ی دیگر به‌کوه قبدار معروف است که بلندترین قله‌ی آن ۲۷۷۵ متر در مغرب شهر خدابنده قرار دارد. دیگر قله‌ی کوه خورجهان در دهستان انگوران به ارتفاع ۳۳۱۸ متر و قله‌ی کوه سپهسالار به ارتفاع ۳۰۵۲ متر و قله‌ی کوه علم‌کندی در دهستان اروپا به ارتفاع ۲۹۰۵ متر است و این رشته بین میانه و زنجان واقع شده و به قافلانکوه معروف است.

آب و هوای کوهستانی سرد و از سوی دیگر گرم و مطلوب است. این استان دارای مساحتی افزون بر ۲۱۸۴۱ کیلومتر مربع و با استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، همدان، کردستان و تهران همجوار است. از ارتفاعات این استان کوه‌های خیرالمسجد، قیدار و جهان داغی را می‌توان نام برد. رودهای قزل اوزن و زنجان در این استان جاریند.

مرکز استان، شهر زنجان است که در دوران حکومت ساسانیان و به دست اردشیر بابکان احداث گردیده است.

از جلوه‌های توریستی استان باید به وجود چشمه‌های آبگرم معدنی کوهنوردی و اسکی بازی و غارهای طبیعی اشاره نمود.

جاذبه‌های باستانی و زیارتی استان عبارتند از:گنبد سلطانیه، بقعه‌ی ملاحسن کاشی، مدرسه‌ی چلپی اوغلی (در شهر سلطانیه)، رخشوی خانه‌ی سنتی، کاروانسرای گلشن و ملک، پل سردار، قلعه‌ی شمیران، قلعه‌ی سانیز، امامزاده ابراهیم، بازار زنجان، مسجد جامع، مسجد خاتم و پل میر بهاءالدین (در زنجان)، غارکتله خور، بقعه‌ی قیدار نبی (در خدابنده)، و بقعه‌ی شاهزاده کبیر و بقعه‌ی میر احمد (در ابهر).

**رودخانه:** اغلب رودخانه‌های این منطقه به‌علت تأثیر عوامل طبیعی کم‌آب و سیلابی بوده و به‌علت ذوب شدن برفها در بهار پرآب می‌باشند. رودخانه‌های مهم آن عبارتند از سفیدرود که در زنجان به‌قزل‌اوزن معروف است و از چهل چشمه کردستان و همدان سرچشمه گرفته و در نزدیکی منجیل به‌شاهرود پیوسته و به‌نام سفیدرود به‌دریای خزر می‌ریزد. از دیگر رودخانه‌های مهم این استان ابهررود است که از حوالی سلطانیه سرچشمه گرفته و از شمال غربی به‌جنوب شرقی جریان می‌یابد و بعد از مشروب ساختن ابهر، هیدج، صائین قلعه، خرمدره به‌تاکستان رسیده و تعداد زیادی از دهات دودانگه را مشروب می‌سازد.

از دیگر رودها خررود است که از کوههای قزل‌داغ در خرقان خدابنده سرچشمه گرفته در محل آبگرم واقع در جاده قزوین به‌همدان به‌طرف شمال باختری جریان پیدا می‌کند و پس از پیوستن رودهای آوه و گلنجین بدان از دهستانهای افشاریه، رامند و زهرا می‌گذرد و به‌ساوجبلاغ می‌رود و در این ناحیه رودخانه‌های شور و گردان بدان پیوسته و به‌نام رودشور ادامه می‌یابد و در شهریار با پیوستن به‌رودخانه کرج و رودهای دیگر به‌همان نام رود شور به‌طرف شوره‌زارها و دریاچه حوض سلطان قم پیش می‌رود. رودخانه‌های دیگر این استان عبارتند از زنجانرود، ایجرود، سجاسرود، زرینه رود و رودخانه حاجی عرب.

مرکز استان زنجان در کنار رودخانه واقع شده و ۱۶۶۳ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.

## رشته‌کوههای استان زنجان:

عبارتند از رشته شمالی و سلسله البرز که از شرق به‌غرب عبارتند ازکوههای طالقان، سیالان، الموت، و مرتفع‌ترین نقطه آن تخت سلیمان به‌ارتفاع ۴۴۰۰ متر و قلل دیگر آن قله کلاهی به‌ارتفاع ۲۹۷۴ متر و قله باکلور به‌ارتفاع ۲۹۸۹ متر و قله کوه چله خانه به‌ارتفاع ۲۷۷۵ متر است. در جنوب غربی استان زنجان کوهستان دمیرلی قرار دارد که مرتفع‌ترین نقطه آن به‌ارتفاع تقریبی ۲۵۰۰ متر و کوه جهانداغ که مرتفع‌ترین نقطه آن ۲۴۸۴ متر وکوه رستم به‌ارتفاع ۲۷۰۰ متر و رشته دیگر به‌کوه قیدار معروف است که بلندترین قله آن

۲۷۷۵ متر در مغرب شهر خدابنده قرار دارد و قله کوه خورجهان در دهستان انگوران به‌ارتفاع ۳۳۱۸ متر وقله کوه سپهسالار به‌ارتفاع ۳۰۵۲ متر وقله کوه علم کندی در دهستان اوریاد شهرستان ماه‌نشان به ارتفاع ۲۹۰۵ متر می‌باشد و یک رشته کوه نیز بین میانه و زنجان واقع شده و به‌قافلانکوه معروف است. در ناحیه باختری دشت قزوین ارتفاعاتی به‌صورت چند رشته موازی هم از شمال به‌جنوب به‌نام جرگر کشیده شده که خاک قزوین را از زنجان جدا می‌نماید و حدفاصل میان سلطانیه و طارم است. در قسمت جنوب قزوین چند رشته ارتفاعات موازی هم قرار دارد که به‌نام رامند خوانده می‌شود. و در جنوب شرقی دهستان زهرا قرار دارد.

## جهانگردی استان زنجان

استان زنجان از توانمندی‌های خوبی در زمینه توسعه صنعت جهانگردی و جلب گردشگر برخوردار است. صنعت جهانگردی که امروزه صنعت بدون دود لقب گرفته و به یکی از محوری‌ترین و درآمدزاترین صنایع جهان تبدیل شده، به بخشی از فعالیت انسانی اطلاق می‌شود که با فرهنگ و اقتصاد ملی کشورها پیوند خورده است. جهانگردی و گردشگری مساله جدیدی نیست، ولی بررسی و مطالعه آن از دیدگاه جغرافیا و ورود آن به محیط این دانش تازگی داشته و نخستین مراحل تکوین و رشد خود را می‌پیماید. می‌توان گفت مطالعات جغرافیایی در رابطه با جهانگردی، روابط انسان با محیط طبیعی و فرهنگی خود در تعطیلات و وقت آزاد، شناسایی پراکندگی مکان‌های طبیعی و تاریخی و استفاده بهینه از زمین و دست ساخت‌های تاریخی بشر با تکیه بر حفظ و پایداری آن‌ها را مدنظر دارد. مجمع جهانی سیاست جهانگردی اعلام کرده است که جهانگردی از جمله راه‌های مهم استفاده از زمین بوده ودر عین حال تصریح کرده است که توسعه جهانگردی در آینده باید منطبق بر اصول محیط زیست باشد. ـکتاب همه‌چیز درباره زنجان

## زمین‌شناسی و معادن استان‌زنجان:

**جغرافیا و ریخت‌شناسی:** ورقه‌ی زمین‌شناسی ماه‌نشان با مختصات جغرافیایی ۳۰° ۴۷ تا ۴۸° طول خاوری در ۱۴۰ کیلومتری باختر زنجان قرار دارد و وسعت آن به ۲۴۷۲ کیلومتر مربع می‌رسد.

از دیدگاه ریخت زمین ساخت، منطقه‌ی ماه نشان با ساختاری از زیر پهنه‌های موازی، شامل رشته کوههایی با جهت شمال باختری ـ جنوب خاوری است که بین آن‌ها را دشت‌هایی پست فرا گرفته است. مجله‌ی علوم زمین

ورقه‌ی زمین‌شناسی ماه نشان در استان زنجان واقع در شمال باختری ایران قرار دارد. از دیدگاه ریخت زمین ساختی، پهنه‌ای از رشته کوه‌های موازی با روند شمال باختری ـ جنوب خاوری همراه با دشت‌های میان کوهستانی وابسته را شامل می‌شود. از شمال خاوری تا جنوب باختری شامل زیر پهنه‌های زیر است:

ـ حوضه‌ی اندآباد ـ مشمپا، شامل ردیفی پر ستبرا از رسوبات آواری اولیگوسن زیرین و لایه‌های سبز و سرخ تپه‌ی ماهوری نئوژن وابسته به محیطی کم ژرفا و تبخیری است.

ـکوهستان‌های حبش ـ مغانلو به شکل زیر پهنه‌ای طولی با ساختار فلسی که بر اثر انباشتگی ورقه‌های رورانده با شیب راندگی به طرف شمال خاور به وجود آمده و در نهایت واحدهای سنگی

پرکامبرین (تنها سازند کهر) و فرانروزوییک برونزد یافته‌اند.
- دشت دوزکند - ماه نشان - ینگجه، با ویژگی تقریبی گرم و خشک، به طور مایل در داخل منطقه قرار دارد.
- کوهستان‌های ابراهیم آباد - اینچه - آلمالو، در جبهه‌ی شمال باختری منحصراً از واحدهای سنگی دگرگون شده درجه بالا و برونزدهایی چند از سازند کهر تشکیل شده است.
- دشت دنی - انگوران، با نهشته‌ای سیلابی و واریزه‌ای QP[1] که با شدت زیاد توسط شاخابه‌های دره مانند بریده شده‌اند.

نوع سازندها و ویژگی چینه‌ی زمین ساخت ورقه‌ی ماه نشان، بیانگر این حقیقت است که بخش شمال خاوری آن با پهنه‌های البرز و ایران مرکزی مشابهت دارد، در حالی که بخش جنوب باختری آن به پهنه‌ی سنندج سیرجان پیوند دارد. رخدادهای ماگمایی همراه با پدیدهای کانه زایی موجب شده تا جیاگاه ماگمایی - فلززایی این منطقه مورد توجه قرارگیرد. - مجله‌ی علوم زمین

استان زنجان از نظر شکل ظاهری زمین دارای دو منطقه کوهستانی و جلگه‌ای (دشت) می‌باشد. مناطق کوهستانی استان زنجان که اغلب دارای قلل مرتفع هستند در بخش ماه‌نشان - قسمت‌های شمالی شهرستان زنجان (بخش مرکزی و طارم علیا) - طارم سفلی الموت و ایلات قاقازان - آوج - شهرستان خدابنده (قشلاقات افشار) قرارگرفته و مناطق جلگه‌ای یا دشت نیز اغلب نقاط دیگر استان را پوشانده است.

**اکتشافات ژئوشیمایی و مطالعه کانیهای سنگین رسوبات رودخانه‌ای شمال خاور زنجان - ایران استان زنجان:** برگه‌ی توپوگرافی ۱:۵۰۰۰۰ برندق، در شمال خاوری استان زنجان و جنوب خاوری استان اردبیل، بخشی از حوزه‌ی چند فلزی طارم - هشتجین است. نتایج اولیه‌ی حاصل از اکتشافات ژئوشیمیایی ناحیه‌ای در برندق، منجر به شناسائی بی هنجاری‌هایی از عناصر مختلف گردید. کنترل بی هنجاری‌های ژئوشیمیائی از طریق مطالعات کانی‌های سنگین در رسوبات آبراهه‌ای و نمونه‌های کانی سازی شده و دگرسان شده در سطح برونزدها انجام گرفت. مهم‌ترین کانی‌های سنگین شناسایی شده شامل هماتیت، گوتیت، پیریت، باریت، ایلمنیت، مس طبیعی، روی طبیعی، مالاکیت، مولیبدنیت، اولیژیست، لیمونیت، سرب طبیعی، سروسیت، گالن، اسمیت سونیت، مارکاسیت، کریزو کلا، روتیل، زیرکن، پیروکسن، آمفیبول و آپاتیت هستند. کانی‌های سنگین فلزی شناسایی شده عمدتاً در ارتباط تنگاتنگ با مناطقی با دگرسانی گسترده و کانی سازی‌های رگه‌ای و پراکنده می‌باشند. تجزیه‌ی بعضی از نمونه‌های لیتوژئوشیمیایی برداشت شده از محدوده‌ی بی هنجاری‌ها، برای عناصری مانند Ba، Zn، Cu، Sr، Mo و Be عیار قابل ملاحظه‌ای نشان دادند. بیشتر مناطق بی هنجار منطبق بر زون‌های دگرسانی ناحیه هستند. براساس شواهد صحرایی و مطالعات کانی‌شناسی، این دگرسانی‌ها به دو گروه کاملاً مجزا قابل تفکیکی می‌باشند: ۱) دگرسانی‌های اسید - سولفاتی مرتبط با زون‌های برشی منطقه که شامل زون‌های سیلیسی، آلونیتی، آرژیلیک پیشرفته،
فیلیک و پروپیلیتک بوده و ۲) دگرسانی‌های با pH خنثی که عمدتاً در حاشیه‌ی رودخانه‌ی قزل اوزن واقع شده شامل زون‌های آرژیلیک، کالک

سیلیکاتی و زئولیتی می‌باشند. تلفیق یافته‌های حاصل از تجزیه‌های شیمیائی، مطالعات کانی‌های سنگین، سنگ نگاری نمونه‌های کانی سازی شده و دگرسان شده و روابط صحرایی، منجر به شناسایی ده محدوده بی هنجاری شد که بعضی از آن‌ها در جنوب و حاشیه‌ی رودخانه‌ی قزل اوزن پتانسیل معدنی بیتری دارند. انطباق نقشه بی هنجاری‌های نهایی با نقشه چگالی گسل‌های ناحیه‌ی برندق نشان می‌دهند که همبستگی خوبی میان آن‌ها وجود دارد و احتمالاً دال بر نقش مهم گسل‌ها در ایجاد این بی هنجاریهاست. نتایج کلی به دست آمده از بررسی‌های ژئوشیمیایی نشان می‌دهند که بی هنجاری‌های شناسایی شده عمدتاً متعلق به عناصر Sn، Sb، As، Ag، W، Au، Bi، Pb بوده که می‌توانند به عنوان عناصر ردیاب مهم در اکتشاف کانسارهای طلا و نقره اپی ترمال و همچنین کانسارهای چند فلزی طلا ـ نقره ـ مس ـ سرب ـ روی به کار روند. مجله‌ی علوم زمین ش ۶۲

**دشت زنجان**: با وسعت زیاد از شمال به‌ارتفاعات طارم و از جنوب به‌ارتفاعات سلطانیه محدود می‌باشد ارتفاعات طارم بخشی ازکوههای البرز است که دارای روند شمال غرب ـ جنوب شرقی است و ارتفاع آن حداکثر در بعضی نقاط تا ۲۹۰۰ متر می‌رسد. ارتفاعات سلطانیه در حاشیه جنوبی دشت زنجان واقع بوده و ارتفاع آن حداکثر تا ۲۷۰۰ متر می‌رسد. این دشت به‌صورت نواری از سه راه تاکستان تا نزدیک میانه ادامه داشته و رودخانه زنجان رود به‌طرف غرب و رودخانه خرمدره به‌طرف شرق در آن جریان دارد.

در قسمت جنوب زنجان نیز دشت آبرفتی نسبتاً مسطح و وسیعی وجود دارد که بین ارتفاعات سلطانیه در شمال و ارتفاعات قیدار در جنوب محدود می‌شود. رودخانه سجاسرود در مرکز این دشت و از حوالی روستای سجاس به‌طرف غرب جریان دارد به‌طورکلی در استان زنجان رودخانه‌های متعددی جریان دارد که مهمترین آنها رودخانه قزل‌اوزن است که دارای شاخه‌ها و انشعابات زیادی بوده و پرآبترین رودخانه منطقه است.

**استان زنجان و رده‌پای مهره‌داران**: در برخی چینه‌شناسی سازند سرخ بالایی به ستبرای ۲۷۶/۵ متر در سه کیلومتری باختر روستای مشمپا (باختر استان زنجان)، آثار ردپای مهره داران فراوانی یافت شد.

**موقعیت جغرافیایی**: آثار ردپای بسیار فراوان و متنوعی از پرندگان و به طور کمیاب ردپای پستانداران، در رخنمونی از سازند سرخ بالایی در سه کیلومتری باختر روستای مشمپا یافت شده است. برای دسترسی به این رخنمون، ابتدا پس از طی حدود ۸۰ کیلومتر از زنجان به سمت تبریز، در حومه‌ی روستای سرچم، به سه راهی روستای قیطول رسیده و از این محل ۲۰ کیلومتر به سمت جنوب تا روستای مشمپا ادامه‌ی مسیر داده می‌شود. برش چینه‌شناسی مورد نظر، در شمال پل مجاور روستای مشمپا و در کرانه‌ی باختری رودخانه‌ی قزل اوزن واقع است.

**موقعیت چینه‌شناسی**: سازند سرخ بالایی یکی از گسترده‌ترین سازندهای میوسن در ایران مرکزی است. این سازند، در جنوب و باختر زنجان از دو زیر واحد تشکیل شده است.

۱-زیر واحد زیرین (۷۰۰-۶۰۰ متر) شامل توالی رسوب‌های رنگارنگ که نهشته‌های نسبتاً زیادی دارد. بیشتر سنگ‌های این زیر واحد، مارن‌های

روشن رنگ با میان لایه‌های سیلتستون و ماسه سنگ است.

۲ـ ریز واحد بالایی (۱۵۰۰ متر تا بیش از ۲۰۰۰ متر)، شامل شیل‌های رسی، مارنی و ماسه‌ای عمدتاً سرخ رنگ است که میان لایه‌های سنگی یا بـه طـور مـحلی عـدسی‌های کـنگلومرایـی در بخش‌های میانی دارد.

برش چینه‌شناسی مطالعه شده، ۲۷۶/۵ متر ستبرا دارد. مرزهای زیرین و بالایی این برش، از واریزه پوشیده شده و احتمالاً بخشی از قاعده‌ی سازند سرخ بالایی است. عـمده‌ی ایـن تـوالی، شامل مارن، سیلتستون و ماسه سنگ سرخ رنگ است. مجله‌ی علوم زمین

**زنجان:** شناخت تیپ کانی سازی کانسارهای مس رشت آباد و مس بولاغی با کمک مطالعات درگیر در راستای تبیین متالوژنی مـنطقه هشـتجین در پهنه‌ی ساختاری البرز باختری ـ آذربایجان هدف اصلی این مطالعه بوده است.

معادن یاد شده در شمال زنجان و در داخل مجموعه سنگ‌های آتشفشانی و آذر آواری ائوسن (هم ارز سازند کرج) قرار دارد که در حال حاضر متروکه می‌باشد. توف‌های سبز، کریستال توف، لیتیک توف، توف ماسه‌ای و گدازه‌های آندزیتی و آندزی بازالتی بیشتر حجم این مجموعه را به خود اختصاص داده‌اند. توده‌های نفوذی جوان‌تر (بـه گمان اولیگو ـ میوسن) با ترکیب کوارتز مونزونیتی در منطقه‌ی مورد مطالعه دیده می‌شود که با توجه به هاله‌ی بسیار گسترده گرمابی در اطراف آن‌ها به نظر می‌رسد که کانی سازی در ارتباط با این توده‌ی نفوذی تشکیل شده است.

شکل کانی سازی در هر دو محل به صورت رگه‌ای و رگچه‌ای بوده و کانی‌های اصلی شامل کـالکوپیریت در رشت آبـاد و کـالکوپیریت و بورنیت در مس بولاغی می‌باشد. گانگ اصلی کانی سازی در رشت آباد کوارتـز و کـلیت و در مس بولاغی کوارتز می‌باشد.

در راستای مطالعه‌ی سیالات درگیر و با توجه به شواهد سنگ‌شناسی ۴ تیپ مختلف سیال درگیر در منطقه به صورت زیر شناسایی شد: I ـ با شوری متوسط و غنی از مایع، II ـ نسبتاً غنی از گاز بـا چگالی پائین، III ـ غنی از امـلاح، V ـ شـور بـا چگالی کم.

از ۱۳۶ سیال درگیر مطالعه شده در دو محل، ۸۶ مورد متعلق به تیپ I، ۸ مورد متعلق به تیپ II، ۳ مورد متعلق به تیپ III و ۱۲ مورد متعلق به تیپ V می‌باشند نکته‌ی بسیار جالب توجه در سیالات درگیر معدن مس بولاغی وجود سیالات درگیر با ابعاد ۱۴۰ و ۸۰ میکرون در این مـحل بوده است. مـیانگین درازای سیالات درگیر معدن مس بولاغی ۴۱/۴ و معدن رشت آباد ۳۴۱۴μm است. مـهم‌ترین فـازهای دخـتر دیـده شـده در سیالات درگیر این دو محل به تـرتیب هـالیت، سیلویت، انیدریت و کانی اوپاک بوده است.

برپایه‌ی بررسی‌های دماسنجی، مـحدوده‌ی حرارتی همگون شدن سیالات درگـیر در مـعدن مس بولاغی میان ۱۶۲ تا ۴۳۴°C و در معدن رشت آباد بین ۲۷۲ تا ۴۸۵°C بوده است. سقف حرارتی بالا در معدن رشت آباد نشانگر نزدیک بودن محل این کانی سازی به مرکز حرارتی کانی سـازی در منطقه است که شواهد صحرایی نیز این نکته را تأیید می‌کند (تشدید دگرسانی‌ها). بر پایه‌ی این مطالعات می‌توان حداقل سه فاز اصلی کانی سازی در منطقه تشخیص داد. کانی سازی اصـلی مس

(فاز سوم کانی سازی) در معدن مس بولاغی در بین حرارت‌های ۳۰۰ تا °۳۳۰C و در معدن رشت آباد بین حرارت‌های ۲۸۰ تا °۳۴۰C صورت گرفته است. فاز دیگری از کانی سازی مس (فاز دوم کانی سازی) که به صورت ضعیف‌تری همراه با کانی‌سازی هماتیت اولیه، صورت گرفته، در مس بولاغی با محدوده‌ی حرارتی ۳۶۰ تا °۳۹۰C و در رشت‌آباد با محدوده‌ی حرارتی ۴۰۰ تا °۴۳۰C مشخص می‌شود. مطالعات مقاطع صیقلی وجود احتمالی سه نسل از کانی سازی کالکوپیریت در منطقه را تأیید می‌کند. نسل دیگر کانی سازی (فاز اول کانی سازی) که حرارت بالایی را نیز از خود نشان می‌دهد در ۴۵۰ تا °۴۹۰C صورت گرفته که به گمان کالکوپیریت‌های ریز و پراکنده در متن کانی سازی می‌تواند متعلق به همین فاز باشد. ممکن است آثارکانی سازی طلا در منطقه که هنوز مورد بررسی است. متعلق به همین فاز گرم باشد. بر اساس این شواهد می‌توان گفت که این کانی سازی‌ها از نوع مزوترمال بوده و آثاری از کانی سازی تیپ هیپوترمال نیز در منطقه دیده می‌شود. مجله‌ی علوم زمین ش ۳۴ و ۳۳

**پتروژنز گرانیت مغانلو:** گرانیت مغانلو در شمال شهر تکاب و شمال باختری شهر زنجان در مرز چهار گوش‌های تکاب ـ صائین قلعه و زنجان جای دارد.

بخش مرکزی این گستره، از سنگ‌های دگرگونی درجه بالا (بیش‌تر گنیس چشمی) تشکیل شده و گرانیت‌های مغانلو سنگ‌های دگرگونی را حلقه وار در برگرفته و خود به همان نحو توسط گرانیت‌های سفید بدون کانی فرومنیزین گرانیت دوران شاه بلاغی احاطه شده‌اند.

کانی‌های اصلی تشکیل دهنده‌ی این گرانیت‌ها شامل کوارتز، فلدسپات آلکالن و پلاژیو کلاز بوده و بیوتیت با مقادیر متنوع که حداکثر مقدار آن به ۷ درصد وزنی می‌رسد تنها کانی فرومنیزین موجود در این سنگ‌ها می‌باشد.

ماگمای سازنده‌ی گرانیت‌های مغانلو از نوع کالک آلکالن بوده و هر چند که در بررسی‌های صحرایی هیچ گونه حالات تدریجی و میگماتیت شدن بین این گرانیت‌ها و گنیس‌های چشمی بخش مرکزی مشاهده نشده است اما بر اساس بررسی‌های ژئوشیمیایی و پترولوژیکی به نظر می‌رسد که این گرانیت‌ها به گمان از ذوب بخش گنیس‌ها ـ که در اعماق بیشتر و در قاعده‌ی گنیس‌ها رخ داده است ـ مشتق شده‌اند.

دیاگرام‌های تعیین محیط تکتونیکی نشان می‌دهند که گرانیت‌های مغانلو در یک مرحله بعد از کوهزایی (POC) به وجود آمده‌اند و از آن جا که بر اساس شواهد صحرایی سن این گرانیت‌ها از گرانیت دوران قدیمی‌تر به نظر می‌رسد بنابراین احتمال دارد در حادثه‌ی بعد ازکوهزایی کاتانگایی حاصل شده‌اند. مجله علوم زمین شماره‌ی ۱۰

**نقشه چهارگوش زنجان:** محدود است به‌مدارهای ۳۶ درجه و ۳۷ درجه شمالی و نصف‌النهارهای ۴۸ درجه و $\frac{1}{2}$۴۹ درجه شرقی: این نقشه جزئی از کوههای البرز غربی و تعدادی از رشته‌های موازی و قسمتهای پست مربوط به‌بخش شمال غربی ایران مرکزی را در بردارد. کهن‌ترین تشکیلات آشکار در این ناحیه عبارت است از سنگهائی که کمی دگرگون شده‌اند و همچنین شیلهای غیردگرگونی و متعلق

به‌تشکیلات کهروگرانیت (گرانیت دوران). روی هم رفته این سنگها یک مجموعه (پی) به‌قدمت پرکامبرین را می‌سازند. روی این مجموعه در کوههای سلطانیه تقریباً ۲۰۰۰ متر سنگهای ماسه‌ای شیلی دولومیتی به‌نام گروه انفراکامبرین قرار دارد. این گروه را از زیر به‌بالا به‌ترتیب تشکیلات بایندر، سلطانیه، باروت وزایگون تقسیم کرده‌اند. تشکیلات زایگون به‌ماسه سنگ لالون که ۶۰۰ متر ضخامت دارد و به‌قدمت کامبرین زیرین است منتهی می‌شود تشکیلات لالون هم به‌نوبه‌خود به‌تشکیلات سیلا به‌ضخامت ۵۰۰ متر و به‌قدمت کامبرین میانی تا اردوسین که سرشار از فسیل است.

و به‌طور عمده از دولومیت سنگ آهک و شیل تشکیل شده ختم می‌شوند.

در محدوده نقشه زنجان سنگهای سیلورین و دونین زیرین شناخته نشده‌اند و سنگ آهکهای دونین بالائی و کربنیفر زیرین به‌چند مظهر در کوههای طالش محدودند.

ماسه سنگها و شیلهای اوایل پرمین (تشکیلات درود به‌ضخامت ۱۰۰ متر) و سنگ آهک روته به‌ضخامت ۲۰۰ متر متعلق به‌اواخر پرمین در ناحیه توزیع زیادتری دارد. و روی سنگهای مختلف قدیمی‌تر قرار می‌گیرند.

سنگهای تریاس در این محدوده وجود ندارد و شاید علت فرسایش شدید از زمان قبل از ژوراسیک باشد و ماسه سنگهای فسیل گیاهی‌دار، شیلهاو کنگلومرا (تشکیلات شمشک) که حدود (۲۰۰۰-۱۰۰۰) متر ضخامت دارد و کمی هم زغال در آن یافت می‌شود روی یک سطح فرسایشی تشکیلات مختلف دوران اول و پرکامبرین را بریده و قرار گرفته‌اند. سنگ آهک لار به‌ضخامت ۵۰۰ متر متعلق به‌ژوراسیک جوان به‌طور منظم روی تشکیلات شمشک قرار دارد. شیلها و آهکهای کرتاسه، قدیمترین سنگهائی هستند که در بخش جنوب غربی محدوده در معرض دید قرار دارند.

این سنگها در جاهائی که کمی دگرگون شده و در شمال شرقی ردیفی از مواد خالص کربناتی که در نقاطی بیش از ۱۰۰۰ متر ضخامت دارد جایگزین آنها می‌گردد. ائوسن به‌طور عمده متشکل از سنگهای آتشفشانی با ضخامت زیاد و نهشته‌های توفی (تشکیلات کرج ـ سه تا چهار هزارمتر ضخامت) این سنگها در محلهائی با سنگهای کم ضخامت آهکی (تشکیلات زیارت) و کنگلومرای پایه (تشکیلات فجن) همراهند. و مجموعه باد گرشیبی بارزی روی تشکیلات قدیمی قرار می‌گیرند.

گرانیت‌ها و گرانودیوریتهای اواخر ائوسن الیگوسن چندین توده نفوذی وسیع در ائوسن و در تشکیلات قدیمتر به‌وجود آورده‌اند.

تشکیلات قم (الیگوسن ـ اوائل میوسن) که بیش از ۶۰۰ متر ضخامت دارد جوانترین نهشته دریائی ناحیه را تشکیل می‌دهند که منحصر به‌بخش جنوب غربی محدوده می‌باشد. در روی تشکیلات قم تشکیلات قرمزرنگ میوسن به‌ضخامتی بیش از ۲۰۰۰ متر قرار دارد و لایه‌های نئوژن قرمزرنگ مشابهی فرورفتگی منحیل را در شمال شرقی پر می‌کند. جوانترین نهشته‌ها که چین‌خوردگی هم ندارند عبارتند از لایه‌های قرمزپلیو ـ پلیئوسن شامل کنگلومرا نهشته‌های آب شیرین و تراسهای رودخانه‌ای، لسس و پهنه‌های پروسعت شن آبرفتی دوران چهارم.

از نظر ساختمانی ناحیه تقسیم شده است

به‌چندین رشته کوههای موازی که روند شمال غربی جنوب شرقی دارند و قسمتهای پستی بین آنها واقع‌اند. در شمال شرقی کوههای طالش که ادامه کوههای البرز به‌سمت غرب است دارای هسته پهناوری از سنگهای پرکامبرین که به‌شدت تغییرشکل یافته و پوششی هم از دوران اول و دوم دارد که با نبودهائی همراه است این مجموعه به‌سوی جنوب روی لایه‌های دوران سوم رانده شده است.

حوضچه منجیل (نئوژن) این کوهها را از کوههای طارم جدا می‌کند. کوههای طارم به‌طور عمده متشکل از سنگهائی آتشفشانی که عمدتاً از تشکیلات ائوسن می‌باشند دستخوش تغییرشکل تکتونیکی کمی قرار گرفته‌اند.

**فلات مرتفع (زنجان ـ ابهر)**: طارم را از رشته کوههای طویل و باریک سلطانیه جدا می‌کند، رشته کوههای سلطانیه مدل پیچیده‌ای از قطعات متعدد حاصل از گسل را نمودار می‌سازند و یک منطقه گسلی طویل و مهمی را دنبال می‌کنند که در آن سنگهائی تا سن پرکامبرین روی تشکیلات دوران سوم رانده شده‌اند. در جنوب غربی منطقه تپه‌های سعیدآباد ـ کرسف که به‌وسیله قسمت پست (کاوند دوتپه) از کوههای سلطانیه جدا می‌شوند، از تشکیلات دوران سوم که بیشتر چین‌خوردگی ملایمی دارند ساخته شده و سنگهای کرتاسه که به‌شدت تغییرشکل یافته‌اند، در هسته‌های چندین آنتی‌کلینال نمایانند.

در این محدوده شدیدترین تغییرات تکتونیکی در پرکامبرین و دوران سوم رخ داده که می‌توان چندین فاز چین‌خوردگی، تشکیل گسل، دگرگونی و فعالیت ماگمائی و تشکیل موادمعدنی که در ارتباط با آنها بوده تشخیص داد. محدوده نقشه چهارگوش زنجان شامل کانسارهای اقتصادی از قبیل سرب و روی، مس و سنگهای مختلف مورد نیاز صنایع است و مطالعات مقدماتی نیز در مورد آهن ـ طلا ـ زغالسنگ ـ کائولن، نمک و آلونیت صورت گرفته است.

**ژئومورفولوژی ساختمانی گنبدهای نمک حاشیه‌ی باختری استان زنجان**

**موقعیت زمین‌شناسی**: پهنه‌ای به وسعت تقریبی ۱۴۰ کیلومتر مربع را در حاشیه‌ی باختری استان زنجان تشکیل می‌دهد. پهنه‌ی مذکور دارای روند کلی شمال باختری ـ جنوب خاوری بوده و مرز شمال خاوری و جنوب باختری آن را دو گسل پی سنگی مهم تشکیل داده‌اند:

**گسل حلب**: گسلی با راستای خم دار شمال باختری ـ جنوب خاوری و درازای بیش از ۶۰ کیلومتر می‌باشد. گسل حلب که دارای سازوکار فشاری و شیب زیادی (۶۰ تا ۷۵ درجه) به سمت شمال خاوری است.

**گسل آتگوان داغ**: گسلی با راستای شمال باختری ـ جنوب خاوری و درازای بیش از ۳۰ کیلومتر می‌باشد. گسل آتگوان داغ که دارای سازوکار فشاری و شیب زیادی (۷۰ تا ۸۰ درجه) به سمت جنوب باختری است.

سطح گنبدهای مذکور از قشر نازکی (در حد چند سانتی متر) از نهشته‌های پلیو ـ کواترنر در رأس گنبدها پوشیده شده که به راحتی با ضربات چکش کنار زده می‌شوند.

در زیر قشر پوششی مذکور، بلورهای شفاف و سفید رنگ نمک به صورت کم و بیش افقی جلوه گر هستند.

**منشأ نمک‌ها**: ۱ـ هیچ گونه به هم ریختگی قابل توجهی دراطراف گنبدها دیده نشده است.

۲ـاثری از سنگ‌های معدل سازند قم در نمک‌ها و حاشیه‌ی گنبدها مشاهده نگردیده است.
۳ـگنبدها نسبتاًکم ارتفاع، کم حجم و بسیار متعدد هستند.
۴ـ نهشته‌های جوان پلیو ـکواترنر، قشر پوششی آن‌ها را تشکیل داده است.
۵ـ بررسی چینه‌شناسی نهشته‌های ائوسن ـ الیگوسن (معادل سازند کرج و سازند قرمز زیری) منطقه‌ی مورد نظر، عدم وجود بخش‌های تبخیری را نشان می‌دهد که این مطلب با توجه به ستون چینه‌شناسی ائوسن ـ الیگوسن تهیه شده توسط علوی نائینی و همکاران (۱۹۸۲)، تأیید می‌گردد.
۶ـبررسی‌های چینه‌شناسی سازند قرمز بالائی در این منطقه، وجود بخش‌های تبخیری قابل توجه ولی محلی را نشان می‌دهد. وجود کارخانه گچ شور سوکردستان در کنار بخش‌های گچی واقع در سازند قرمز بالائی و معادن سنگ نمک دوزکند و تازه‌کند که آن‌ها نیز در سازند قرمز بالائی واقعند، دلیلی بر این مدعا به شمار می‌آید.

منطقه‌ی مورد مطالعه، در واقع یک حوضه‌ی رسوبی قاره‌ای را از میوسن میانی تاکنون تشکیل داده است. در طی میوسن میانی ـ پایانی، نهشته‌های تبخیری قابل توجهی در آن برجا گذارده شد که هم اکنون به شکل بالش‌ها و بالشتک‌های نمکی در سطح زمین قابل مشاهده‌اند.

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده، صعود نمک از طریق شکستگی‌های کششی و گسل‌های عادی صورت پذیرفته که ناشی از تشکیل یک منطقه‌ی برشی راستگرد در حد فاصل دو گسل حلب و آتگوان داغ می‌باشد.

محسن پورکرمانی ـ مهران آرین ـ فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیائی

**سرخ آباد:** این منطقه با مساحت ۱۱۹۲۲۵ هکتار واقع در استان زنجان، از سال ۱۳۷۵ تحت حفاظت قرار گرفت. نیمه شرقی منطقه کوهستانی و نیمه غربی آن تپه ماهوری و دشتی است. دشت سهرین این منطقه، یک زیستگاه با ارزش آهو محسوب می‌شود. دامنه ارتفاعی ۵۰۰ میلیمتر و ۱۱ درجه سانتیگراد، منطقه را دارای اقلیم‌های نیمه خشک و مدیترانه‌ای معتدل نموده‌اند. رودخانه‌های پرآب قزل اوزن، زنجان رود و آبریز بالادست سفید رود و سد منجیل قرار دارد، به لحاظ حفاظت خاک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پوشش گیاهی در نیمه شرقی غنی و متراکم است. ارس، گردو، بلوط ایرانی، سیاه تلو، زالزالک، انار وحشی، داغداغان، زرشک، زیتون، گون، از جمله گونه‌های گیاهی منطقه هستند. جانوران مهم منطقه عبارتند از: سنجاب زمینی، رودک، کبک دری، هوبره، عقاب، شاهین، افعی شاخدار ایرانی، افعی زنجانی و ماهیانی نظیر کپور، سیم اسبله، قله‌های سر به فلک کشیده با جلوه‌های خاص، رودهای پرآب، جنگل‌های پراکند، دشت‌های وسیع، جمعیت زیاد آهو و راه‌های دسترسی مناسب. (۵)

**معادن:**

تحقیقات زمین‌شناسی وجود معادن مس و سرب و طلا را در نقاط مختلف استان زنجان معلوم داشته که از این معادن مس رشیدآباد که در ۷۸ کیلومتری شمال غرب و مسب بایچه‌باغ در ۱۴۴ کیلومتری زنجان استخراج می‌شود که نوع آن از سنگ‌های آتشفشانی کلکوپیریت و بودنیت می‌باشد و از معادن فوق سالیانه حدود ۱۶۰۰ تن سنگ مس استخراج می‌شود و دیگر از معادن مهم

آن معدن سرب انگوران می‌باشد.

تحقیقات زمین شناسی وجود معادن مختلف از جمله ـ سرب ـ مس ـ طلا، آهن ـ منگنز ـ سیلیس ـ زاج تالک ـ بر ـ باریت ـ فلدسپات ـ دولومیت ـ منیزیت ـ کائولن ـ گچ ـ آهک ـ سنگ نمک و زغال سنگ را در نقاط مختلف استان زنجان معلوم داشته که از جمله آنها می‌توان معدن سرب ـ انگوران را نام برد که طبق آخرین اکتشافات ذخیره معدن مزبور بیش از ده میلیون تن برآورد شده و عیار متوسط آن سرب ۱۸ درصد و روی ۳۵ درصد می‌باشد.

**معدن سرب و روی انگوران:** معدن انگوران با ذخیره‌ی بیش از ۲۵ میلیون تن (بیش از ۴۶ درصد ذخایر ایران) بزرگ‌ترین معدن سرب و روی خاورمیانه محسوب می‌شود. این معدن در ۱۳۰ کیلومتری جنوب غربی زنجان، در منطقه‌ای با ارتفاع متوسط ۲۹۵۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است. براساس آمار دو ماهه‌ی اول سال ۱۳۸۵، معادل ۱۶ هزار و ۸۰۰ تن خاک روی از معدن انگوران برداشت شده که در سال ۱۳۸۶ این مقدار به ۲۴۰ هزار تن رسیده است. بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده تا پایان سال جاری ۷۰۰ هزار تن کنسانتره روی از معدن انگوران تولید خواهد شد. قابل ذکر است تولید شمش وری به دست آمده از این معدن در سال ۱۳۸۵، افزون بر ۲۰۰ هزار تن بوده که نیمی از آن به خارج از کشور صادر شده است.

**در سال ۱۳۸۲ تعداد ۱۰۵ معدن فعال بدینشرح داشت:** ۱- سنگ آهک (۳) ،۲- سنگ‌های فلزی غیر آهنی (۱) ،۳- سرب و روی (۱) ،۴- سنگ ،شن و ماسه (۸۶) ،۵- شن و ماسه (۴۶) ،۶- سنگ تزئینی (۲۳)،۷- سنگ لاشه (۶)،۸- سنگ گچ (۲) ،۹- کائولن، خاک نسوز و... (۹) ،۱۰- مواد معدنی و شیمیایی (۱) ،۱۱- بر (۱) ،۱۲- نمک (۴) ،۱۳- سایر مواد معدنی (۱۰) ،۱۴- سیلس (۴) ،۱۵- فلدسپات (۶).

**در استان زنجان در سال ۱۳۸۲ میزان بهره برداری از معادن فعال بدینشرح بوده است:**
۱- گرانیت ۸۰۹۰۵ تن ۲- لاشه ساختمانی ۲۹۷۰۰۰ تن ۳- مالون ۱۴۵۰۰ تن ۴- سنگ گچ ۵۰۰۰۰ تن ،۵- کائولن ۲۹۲۷۸ تن ،۶- خاک صنعتی ۵۸۴۸۹ تن ،۷- نمک آبی ۲۱۵۰ تن ،۸- نمک سنگی ۹۵۰۰ تن ،۹- سیلیس ۲۸۵۱۹۱ تن، ۱۰- فلدسپات ۶۰۹۸۰ تن.

## بنای شهر زنجان:

مرکز استان زنجان می‌باشد به‌طوری که حمدالله مستوفی وزیر ایلخانان مغول (و رئیس عالیه قزوین و زنجان) درکتاب نزهةالقلوب اشاره کرده است منسوب به‌اردشیر بابکان وشهین نام داشته و بعدها به‌نام زنگان مشهور شد که بعد از استیلای اعراب به‌زنجان که معرب زنگان است تبدیل گردیده است. این شهر در قرون وسطی دارای اعتباری بوده و موانع مختلف تاریخی را پشت سرگذاشته است. از ابنیه و آثار شهر زنجان مسجد جامع که در مرکز شهر زنجان می‌باشد و محل تجمع و درس و بحث طلاب علوم دینی و یکی از مراکز عمده نشر و تبلیغ علوم فقهی می‌باشد که بنای آن مربوط به‌مرحوم عبدالله‌میرزادار است.

یکی دیگر از بناهای تاریخی این استان **گنبد معروف سلطانیه** است که در ۴۳ کیلومتری شهر زنجان واقع است که شروع بنای آن به‌دستور ارغون‌خان از ایلخانان مغول بوده ولیکن پیش از

آنکه بنا خاتمه یابد عمر بانی به‌آخر رسید و وقتی که غازان بن ارغون خان براریکه ایلخانی تکیه زد ابتدا مصمّم شد بنای نیمه تمام را به‌اتمام رساند اما به‌عللی منصرف شد و (سلطان محمد خدابنده ارغون ایلخان مقتدر مغول به‌تخت سلطنت نشست و مذهب شیعه را قبول کرد و خواست به‌آرزوی پدر خود جامه عمل بپوشاند دستور داد شهری که دور باروی آن ۳۰۰۰۰گام باشد بناکنند و در میان آن قلعه‌ای که ۲۰۰۰۰گام دورش بوده است از سنگ تراشیده بنا نمایند. دیوار این قلعه طوری بود که برسر آن چهار سوار پهلوی یکدیگر می توانستند راه بروند اصل قلعه به‌شکل مربع بوده است و طول هرضلع آن به‌مقیاس ۵۰۰گز بود و یک دروازه و شانزده برج داشت.

ناگفته نماند سلطان مدت ده سال یعنی از (۷۰۳ تا ۷۱۳) به‌ایجاد آن شهر تاریخی پرداخت و آنرا سلطانیه نامید و پایتخت خود و ایلخانان بعدی را ساخت و بعد از وی فرزند دلاورش سلطان ابوسعید بهادرخان نیز بعضی عمارات عالی و بزرگ اضافه کرد. لیکن پس از فوت او سلطانیه در دست ملوک‌الطوایف مغول قرار گرفت و مورد هجوم تیمورلنگ و قوم تاتار واقع شد و آن عظمت و شکوه قوس نزول و قهقرا پیمود، به‌طوری که بعد از یک قرن و نیم به‌جز دو سه عمارت نیمه خراب و دهکده‌ای مخروبه چیز دیگری باقی نماند. و از باقیمانده این آثار فقط گنبد فعلی را می توان نام برد.

بعضی از تاریخ‌نویسان نوشته‌اند سلطان محمدخدابنده این گنبد و بنای عظیم را برای آن بنا کرد که اجساد مطهر ائمه کبار یعنی حضرت علی علیه‌السلام و حضرت حسین علیه‌السلام را از آرامگاه ایشان بدانجا منتقل کند و مدفون سازد و با این کار هم پایتخت خویش را مطلوب و زیارتگاه شیعیان عالم سازد و باعث رونق و ترقی آن گردد وهم خود را محبوب قلوب ایشان‌کند ولی به‌علت خوابی که دید از این عمل منصرف شد.

یکی دیگر از بناهای تاریخی مقبره حلبی اغلی (سلطان و عارف حلبی) معروف به‌حلبی اوغلی سنی مذهب می‌باشد که در جنوب غربی سلطانیه واقع شده است.

- مقبرهٔ ملاحسن کاشانی الاصل آملی مسکن می‌باشد که در ۳کیلومتری جنوب غربی سلطانیه واقع شده است.

- مقبره امامزاده البنین واقع در قریه سلمان‌کندی از دهستان سلطانیه.

- بقعه امامزاده یعقوب در قریه سلطانیه.

- دو بقعه زیدالکبیر و پیراحمد در ابهر که زیارتگاه اهالی می‌باشد.

- امامزاده اسماعیل در شناط.

**مردم‌شناسی استان زنجان**

مردم‌شناسی به معنی اخص کلمه، که تجزیه و تحلیل عناصر گوناگون شئون زندگی اجتماعی و سپس مقایسه و ارزیابی این عناصر، به منظور یافتن منشأ امور است، در این مقال مورد توجه قرار نگرفته، زیرا این اساس، ارزیابی شئون زندگی مردمان غیر متجانس همچون منطقه‌ی مورد مطالعه، کاری بس سنگین و دشوار است، لذا تنها مواردی از مسائل مردم‌شناسی منطقه زنجان آن چنان که هست، اجمالاً و به طور خبری بیان می‌شود.

در اوایل قرن دهم هجری به‌لحاظ نقل و انتقال ایلات ناآرام مناطق، که به‌منظور ایجاد امنیت و جلوگیری از شورشهای محلی خوانین یکی از

سیاستهای زمامداران صفویه و قاجاریه بوده است، شهرستان زنجان از این پدیدهٔ سیاسی متأثر شده و طوایفی از پنج ایل به‌نام‌های شاه‌سون. اوصانلو، مقدم، بیات و خدابنده‌لو را در خود جای داده است.

به طور کلی موارد مردم‌شناسی مردم زنجان هم چون نژاد آن‌ها یکدست نبوده و در مناطق مختلف دارای آداب و رسوم خاصی هستند، بنابراین وجوه مشترکی در میان آنان وجود دارد.

در اوایل قرن دهم هجری به لحاظ نقل و انتقال ایلات ناآرام مناطق، که به منظور ایجاد امنیت و جلوگیری از شورش‌های محلی، خوانین یکی از سیاست‌های زمامداران صفویه و قاجاریه بوده است، شهرستان زنجان از این پدیده‌ی سیاسی متأثر شده و طوایفی از پنج ایل به نام‌های شاه سون، اوصانلو، مقدم، بیات و خدابنده‌لو را در خود جای داده است.

**خصوصیات نژادی**: از نظر تیپولوژی انسانی، با توجه به سوابق تاریخی منطقه، نقل و انتقال سیاسی ایلات، هجوم‌های جنگی و بررسی تیپ‌های نژاد انسانی این چنین استنتاج می‌گردد که مردم این شهرستان از نظر قومیت یکدست نمی‌باشند، بلکه اختلاط و امتزاجی از اقوام آریایی که در اواخر هزاره‌ی دوم قبل از میلاد در منطقه‌ی ساکن شده و تیپ‌های مختلفی از اقوام ترک، که با نام طایفه قنغور در قرن هفتم هجری در منطقه سرازیر گردیده، هم چنین اقوام گرجی که در دوران صفویه از آذربایجان کوچانیده شده با قبایل ایلات خمسه، تیپ مخصوص زنجانی را که در جلگه‌ها و حاشیه‌ی رودخانه‌های منطقه زندگی می‌کنند به وجود آورده است. از مشخصات این تیپ با رنگ پوست گندمی و چشم‌های میشی با موهایی به رنگ سیاه دیده می‌شوند، تیپ اصیل که در ارتفاعات و مناطق کوهستانی زندگی می‌کنند به علت عدم فعل و انفعالات انسانی، آریائی اصیل باقیمانده و از مشخصات این تیپ با رنگ پوست سفید، چشم‌های زاغ و موهایی به رنگ بور که مردمانی بسیار آرامند که تیپ اخیر در مناطق جمعیتی کوه‌های زنجان شمالی اکثریت دارند.

ایلات پنجگانه خمسه که ذکر گردید ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**۱ـ ایل شاهسون**: ایل شاهسون که از ایلات عمده‌ی منطقه به شمار می‌رفته شامل اتحادیه‌ی وسیعی از قبایل قزلباش، شاه سون‌های طالشی که از گیلان مهاجرت نموده، ایل افشار به سرکردگی محمد حسن خان افشار از طایفه‌ی اشاقی باش در اواخر قرن ۱۰ هجری در اثر فشار نادرشاه افشار از استر آباد در حوالی رود اترک مجبور به مهاجرت گردیده‌اند، تشکیل یافته است، ناگفته نماند که ایل مزبور قبل از انتقال به استرآباد در آذربایجان به حالت بیابان گردی روزگار می‌گذرانیده‌اند.

شاه‌سون‌ها عمدتاً از دو ایل بزرگ افشاری و دویرانی تشکیل یافته که هر یک به قبایل کوچک‌تری نیز تقسیم شده‌اند.

طایفه‌ی افشار در محال خمسه حدود ۵ هزار خانوار بوده و جهت ییلاق به کوه‌های طارم در شمال سلطانیه حرکت می‌کردند و قشلاق را در اراضی مشرف به قزل اوزن که امروزه به قشلاقات افشار معروف است اتراق می‌نمودند، این ایل بعد از قتل نادرشاه افشار که یکی از رؤسای این ایل در آن شرکت داشته، پس از دستیابی به گنج افسانه‌ای نادرشاه در قلعه‌ی کلات واقع در شمال خراسان و انتقال آن به خمسه، از اوضاع آشفته پس از قتل نادرشاه استفاده نموده و اراضی تحت اشغال خود

را به عنوان املاک خصوصی درآورد، و سپس به صورت یکجانشینی و دامپروری توأم باکشاورزی روزگار گذرانیدند.

گروه ایلات دویرانی که در سواحل غربی قزل اوزن از گروس تا قافلانکوه زندگی می‌کردند از طوایف مختلفی تشکیل یافته بود و دارای سه هزار باب خانه بوده‌اند.

**۲ـ ایل اوصانلو:** از ایلات دیگر خمسه است که احتمالاً از جنوب مراغه مهاجرت کرده و در مرکز شهرستان به دامپروری و کشاورزی روزگار می‌گذرانیده‌اند.

**۳ـ ایل مقدم:** یکی از طوایف ایل بزرگ آق قویونلو به شمار می‌روند، که در تشکیل سلسله‌ی صفویه نقش اساسی ایفا نموده‌اند. جدّ اعلای طایفه‌ی مقدم که در این منطقه ساکن شده‌اند، احمدخان مقدم بیگلربیگی آذربایجان بوده که در لشکرکشی حسام‌السلطنه به هرات از سرداران به نام قشون به شمار می‌رفته است، اختلافات داخلی فرزندان وی موجبات ناامنی در منطقه‌ی آذربایجان فراهم ساخته بودند، که عباس میرزا نایب‌السلطنه در ظاهر به منظور حفظ امنیت در مرزهای ترکمنستان روس با ایران اقدام به کوچانیدن پنج هزار خانوار طایفه‌ی مزبور به طرف خراسان را نموده است. هنگام حرکت، برادر بزرگ‌تر در ضیاء آباد ابهر فوت نموده و بقیه‌ی ایل از رفتن به خراسان سرباز زدند، در نتیجه سه هزار خانوار به طرف مراغه مراجعت نموده و دو هزار خانوار در معیّت دو برادر کوچک‌تر در مراتع شمالی شهر ابهر تا قریه بویون در شمال سلطانیه به حالت چادرنشینی استقرار یافتند و در اثر مرور زمان زندگی یکجانشینی اختیار کرده‌اند، قابل ذکر است که اقوام مقدم شهر قزوین از طایفه‌ی مزبور است.

**۴ و ۵ـ** ایلات بیات و خدابنده لو بومی شهرستان بوده و از سوابق آن‌ها اطلاعات موثقی به دست نگارنده نرسیده است.

**گویش:** زبان اهالی منطقه همچون نژاد آن‌ها یکدست نبوده است. ولی آن چه مسلم است قبل از هجوم اقوام مغول زبان بومی اهالی منطقه فارسی بوده است است. در صورالاقالیم نوشته «زنگان پهلوی راستست» استاد جلال همایی در تاریخ ادبیات چنین می‌نویسد: «اهل همدان و زنجان که در فهلویات سخن فراوان گفته‌اند در خطاهای عروضی معذورتر از بندار باشند که به زبان و لغت دری نزدیک‌تر پهلوی است» پس از استقرار اقوام ترک در منطقه و مهاجرت هائی که ترک هائی از نژاد ترک‌های آذری انجام گرفته، مخلوطی از زبان‌های ترکی جغتایی، ترکی آذری، و زبان فارسی که مطالعات منطقه به تهران زبان فارسی در خانواده‌ها متداول گردیده و نتیجتاً استعمال لغات فارسی در محاورات روزمره مرسوم شده است.

از نظر خصوصیات انسانی مردم زنجان به لحاظ تداوم و استمرار مبارزه با طبیعت کوهستانی مردمانی نسبتاً خشن، توأم با صبر و مردمانی سختکوش و قانع را به وجود آورده است، مهمان نوازی و عفت از ویژگی بارز مردمان این منطقه در طول تاریخ حیات خود بوده که این امر در سفرنامه‌های مکتوب نیز منعکس شده است. از کتاب تاریخ زنجان ـ هوشنگ ثبوتی

**گردشگاههای طبیعی استان زنجان:**

شرایط طبیعی و جغرافیایی استان زنجان، شبکه‌ای از رودخانه‌های فراوان در آن بوجود آمده

است که کناره‌های این رودخانه‌ها چه در دشت‌ها و چه در دره‌ها، از جلوه‌های زیبای طبیعت به شمار می‌آیند و تفرجگاههای بالفعل و بالقوه‌ای را در خود جای داده‌اند.

مهم‌ترین گردشگاههای سواحل رودخانه‌های استان زنجان عبارتند از:

**ـ سواحل رودخانه قزل‌اوزن:** کشتزارها و باغ‌های سرسبز کناره‌های این رودخانه با مسیر طولانی، جلوه‌های بسیار زیبایی را به نمایش گذاشته‌اند و یکی از تفرجگاه‌های مهم استان محسوب می‌شوند. همجواری این رودخانه با جاده اصلی تهران ـ تبریز، زمینه استفاده گردشگری را افزایش داده است.

**ـ نواحی گردشگری اطراف رودخانه ایجرود:** رودخانه ایجرود از ارتفاعات جنوب زنجان سرچشمه می‌گیرد و پس از مشروب کردن زمین‌های مسیر، در نزدیکی «ینگی کند جامع‌السرا» به قزل‌اوزن می‌پیوندد. باغ‌های مسیر این رودخانه، در فصل‌های بهار و تابستان، چشم‌انداز زیبایی را فراهم می‌آورند. سجاس‌رود، خر رود و بزینه رود نیز در استان زنجان از ارزش‌های گردشگری قابل توجهی برخوردارند.

**ـ تپه‌های اطراف زنجان:** در فصل زمستان تپه‌های اطراف شهرستان زنجان از جمله «پاپایی» منطقه تفریحی بسیار زیبا و فرحبخشی برای دوستداران ورزش اسکی به شمار می‌آید و همه ساله تعداد زیادی از مشتاقان ورزش‌های کوهستانی استان زنجان و سایر نقاط به آنجا مسافرت می‌کنند.

این پیست اسکی اگر به صورت مدرن و فنی تجهیز شود، ظرفیت پذیرش تعداد قابل توجهی از گردشگران را خواهد داشت و حتی راه‌اندازی اسکی روی چمن نیز در آن مسیر خواهد بود.

سازمان هواشناسی کشور.

## آداب و رسوم

رسم‌ها، خصلت‌ها و خلق‌وخوی اقوام مختلف با توجه به تاریخ و قدمت منطقه در طی سال‌های طولانی شکل گرفته، سینه به سینه به افراد یک جامعه منتقل می‌شود و در طول سال‌ها، زنده و پابرجا می‌ماند. مردم استان زنجان نیز با توجه به قدمت تاریخی و فراز و نشیب‌های بسیار در طول زمان خود، دارای آداب و رسوم و فرهنگ و خصلت‌های ویژه‌ای هستند. جشن‌ها و آداب و رسوم مختلف در موارد گوناگون، دارای نظم و قوانین خاصی هستند که همگان ملزم به رعایت آن‌ها هستند. مراسم اعیاد مذهبی، ملی، مراسم عروسی و عزا، نوع لباس پوشیدن و جشن‌های محلی از جمله مواردی هستند که دارای نظم خاصی بوده و جزو آداب و رسوم مردم استان زنجان به شمار می‌آیند. لازم به یادآوری است که آداب و رسوم دیرینه، در بین اهالی استان، در روستاها و شهرهای کوچک نسبت به شهرهای بزرگ‌تر بیش‌تر رعایت می‌شوند.

مراسم اعیاد مذهبی در استان زنجان مانند سایر مناطق کشور انجام می‌شود و در آن روز افراد با لباس‌های مرتب و تمیز به دیدن بزرگ‌ترهای فامیل می‌روند و عید را تبریک می‌گویند و هدایایی را نیز دریافت می‌کنند. مراسم ویژه اعیاد ملی و مذهبی با اصول و شیوه‌ای یکسان ولی به صورت محلی در مناطق مختلف استان انجام می‌شود.

کهن‌ترین جشن رایج در استان، در منطقه انگوران جشن حالا نام دارد که جشن در ارتباط با جمع‌آوری محصولات کشاورزی بوده و کهن‌ترین

سنت رایج در منطقه است، که احتمال دارد با آئین زردشتی ارتباط داشته باشد، به هر تقدیر در اوایل فصل پائیز پس از این که محصولات کشاورزی از مناطق کشت و زرع و خرمنگاه جمع آوری و برداشت شد این مراسم انجام می‌پذیرد. بدین ترتیب که ابتدا هنگام برداشت محصول از زمین هر خانوار به مقدار حدود ۲۰ متر مربع از مزرعه‌ی گندم خود را به عنوان «حالا» باقی می‌گذارند. در روز مراسم تعدادی از همسایگان و فامیل را به «حالا» دعوت می‌کنند و با ذبح قربانی و تدارک پذیرائی مهمانان را در منزل یا در یکی از تفرجگاه‌های محلی با تقدیم ناهار پذیرائی می‌نمایند که البته مهمانان عموماً از مردانی که به شغل کشاورزی مشغول اند انتخاب می‌شوند و زنان در این مراسم، محلی از اعراب نخواهند داشت. مهمانان پس از صرف ناهار که توأم با گرفتن داس خود درو گندم باقیمانده حلقه می‌زنند و یکی از ریش سفیدان که کشاورز نام دارد پس از ذکر اسماء الله و صلوات شروع به درو کردن گندم می‌نماید و بقیه نیز مقداری از گندم را درو می‌کنند و سپس کلمه‌ی «حالا» را پس از ذکر کشاورز به طور دسته جمعی تکرار می‌نمایند، پس از تکرار چندین مرتبه حالا، گندم در زمین تمام می‌شود و هرکس هر قدر که درو کرده آن را با خود می‌برد و در کندوی (مبارکباد) و (پر برکت باد) است، با همراه داشتن نانی به نام «نزیک» که از شیر پر چرب گوسفندی از قبل تهیه شده دسته جمعی به محل باقیمانده‌ی گندم در مزرعه مراجعه می‌نمایند، این افراد با دست خود به عنوان تبرک و ایجاد برکت خالی می‌کند سپس نان نزدیک و میوه‌ها را ریش سفیدان حالا در بین مهمانان تقسیم می‌نمایند و مهمانان نیز پس از گذاشتن هدایا در دستمال و ذکر کلمه‌ی برکت به خرمن، محل حالا را ترک می‌کنند و بدین ترتیب مراسم حالا پایان می‌پذیرد.

این مراسم به طور متناوب در یک مقطع زمانی در فصل برداشت محصولات کشاورزی انجام می‌پذیرد. ـ ازکتاب تاریخ زنجان ـ هوشنگ ثبوتی

**آداب مهمان:** آداب مهمان در منطقه حائز اهمیت است. عموماً مهمان در میان مردم زنجان، از هر طبقه و گروه که باشد دارای مقام و منزلتی بس بزرگ است. عموماً تمام شئون زندگانی براساس نحوه‌ی پذیرائی از مهمان مرتب گردیده است، گویی همه چیز از برای مهمان است و بس. برای مثال از تهیه‌ی مسکن تا تدارک مایحتاج زندگی، فاکتور قابل ملاحظه‌ای در امر پذیرائی در نظر گرفته می‌شود. اطاق خوب، لوازم عالی، فرش‌های زیبا و بالاخره وسایل خواب راحت، همه از برای مهمان است.

بدین ترتیب پس از ورود مهمان تمام اعضای خانواده از کوچک و بزرگ همه در خدمت مهمان قرار می‌گیرد. و از اطعمه و اشربه تدارک شده در هر طبقه‌ی اجتماعی که عموماً چند برابر مایحتاج است، قبل از صرف مهمان و پایان پذیرائی، کسی حق استفاده از آن‌ها را نخواهد داشت، در این مرحله دو رسم وجود دارد، نخست آن که صاحب خانه پس از چیدن سفره‌ی رنگین، اطاق مخصوص پذیرائی را ترک می‌کند و مهمان را جهت استفاده از غذا آزاد می‌گذارد، این پدیده بدان جهت است که آزادی عمل مطلق را به تازه وارد می‌بخشد. رسم دوم آن که، صاحب خانه پس از تکمیل سفره، به فاصله‌ی یک متری و دو زانو نزدیک در ورودی می‌نشیند و با تعارفات پی در پی مهمان را به صرف غذا ترغیب و تشویق

می‌نماید، پس از جمع کردن سفره که همراه با تعارفات زیاد نظیر «خیلی ببخشید» قابل شما نبود، «شرمنده شدیم و »است، افراد خانواده بقیه‌ی غذا را تناول می‌کنند.

اختیار تام وقت استراحت تمام افراد، به دست مهمان سپرده می‌شود، چنانکه قبل از به خواب رفتن او کسی حق استراحت را نخواهد داشت، فردای آن روز صاحب خانه قبل از طلوع آفتاب جهت انجام خدمت، خود را آماده می‌نماید. بدین ترتیب مهمان نوازی از مشخصات بارز مردم است، و در سفرنامه‌های جهانگردان به تفصیل از آن سخن رفته است. ضرب المثل‌های بسیار متنوعی نیز در این ارتباط در میان اهالی رایج است که ذیلاً چند نمونه آورده می‌شود:

۱ـ قوناق اوی صاحبنین دوه سی دی هر باندا خخ لاساگرگ یاتا (ترجمه: مهمان شتر صاحبخانه است، هر جا که گفت باید بخوابد) این ضرب المثل بدان معنی است که در مقابل خدمات صاحبخانه مهمان تعارف ننموده و پذیرای خدمات باشد.

۲ـ قوناقین روزی سی اوزونن قاباق گلر (ترجمه: روزی مهمان جلوتر از خودش می‌آید).

۳ـ قوناق الّهین عزیزدی (مهمان عزیز خداست).

۴ـ قوناق اوزونین روزی سینی گترر (ترجمه: مهمان روزی خود را با خود می‌آورد) کنایه از این که مهمان سربار صاحبخانه نیست، بلکه از طرف خداوند روزی وی حواله می‌شود.

۵ـ قوناقا خدمت ایله، اگر کافر اولا (ترجمه: به مهمان خدمت بکن اگر چه کافر باشد) در این ارتباط ضرب المثل‌های بی شماری زبانزد خاص و عام است... .

**مراسم عروسی:** مسأله‌ی ازدواج در منطقه‌ی با تأکید خاصی مورد توجه است و از نظر آداب و رسوم به طور کلی دو نوع ازدواج صورت می‌گرد، نوع اول این که عروس همراه با داماد بدون هیچ نوع اطلاع قبلی منزل پدر را ترک می‌نمایند و پس از چند روز، پدر داماد همراه با ریش سفیدان محلی به منزل عروس مراجعه می‌نمایند و پس از شرح ماجرا به هر تقدیر پدر عروس را راضی کرده و نامه‌ای تحت عنوان وکیل نامه جهت عقد ازدواج رسمی دریافت می‌نمایند.

نوع دوم ازدواج بدین ترتیب است که، ابتدا پدر داماد با چند نفر از ریش سفیدان محلی به عنوان خواستگاری به منزل عروس مراجعه کرده و پس از تبادل نظر و جلب رضایت، هر کدام از طرفین نمانیده‌ای جهت عقد قرار داد تعیین می‌نمایند، متن قرار داد شامل تعیین شیربها و مهریه براساس وضع مالی داماد، قند ۲ گونی، چای ۱۰ بسته، برنج ۳۰۰ کیلو، روغن دو حلب، شیرینی ۲۰ کیلو، کشمش ۱۵ کیلو. بدین ترتیب قرار داد تحت عنوان «کسمات» منعقد می‌گردد که پدر داماد موظف به تهیه و تحویل اقلام یاد شده به پدر عروس است.

سپس پدر عروس مقداری پارچه‌ی چادری و لباس تحت عنوان «خلعت» جهت دعوت اقوام به عروسی به تعداد ۴۰ نفر از پدر داماد دریافت می‌کند. در این میان عمو و دائی عروس هدایائی نظیر گوسفند و کُت و شلوار به نام «دائی بولی» و «عمو بولی» دریافت خواهند نمود. پدربزرگ و مادربزرگ عروس یک نوع پارچه‌ی ابریشمی گران قیمت تحت عنوان «آناکتانی» یا «مُخری» از طرف پدر داماد میگیرند و عروس نیز صاحب زیور آلات خواهد شد.

پدر عروس به تهیه‌ی جهیزیه اقدام می‌کند که

عموماً شامل قالی، کمد، ظروف، جاجیم محلی، چرخ خیاطی، خورجین، لوازم خواب، کت شلوار داماد و یک جعبه در بسته توسط مادر عروس تهیه شده و محتوای آن معلوم خواهد بود، تدارک می‌کنند.

تهیه‌ی لوازم مذکور از طرف پدر داماد بر طبق قرار داد اجباری و از طرف پدر عروس اختیاری است، پس از تدارک عروسی، ابتدا پدر داماد مجلسی به عنوان «اصلاح چایی» برپا کرده و ریش سفیدان محل و قوم خویش را دعوت می‌نماید، این جمع، پس از صلاح و مشورت در ارتباط با زمان و مکان عروسی و نحوه‌ی جابه جائی مهمانان تصمیم‌گیری می‌نمایند و ماحصل تصمیم به خانواده‌ی عروس ابلاغ می‌شود به طوری که این تصمیم از طرف خانواده‌ی عروس لازم الاجراست. سپس پدر عروس و داماد هر کدام نماینده‌ای تعیین و ضمن تحویل خلعت‌های خریداری شده، مهمانان را به روز موعود دعوت می‌نمایند و دعوت کننده به نوبه‌ی خود انعامی از دعوت شونده دریافت می‌کند. پس از جمع شدن مهمانان در منزل عروس و داماد، مهمانان زن مقداری پول، جاجیم، دستکش تحت عنوان «توره» به عروس هدیه می‌دهند تا همراه جهیزیه فرستاده شود. پس از صرف شام، مقداری حنا همراه با شمع و شیرینی که در سینی جمع آوری شده، از منزل داماد به منزل عروس آورده می‌شود، اگر عروس و داماد در یک روستا باشند درِ منزل عروس بر روی حناآوردگان بسته می‌شود و درِ ورودی پس از دریافت انعام «قاپی باسما» از طرف پدر داماد گشوده شده و مراسم حنا گذاری تا نزدیکی‌های صبح ادامه می‌یابد. ضمناً در منزل داماد مراسم مشابهی اجرا می‌شود و چند نفر جهت آوردن عروس تعیین می‌گردند، فردای آن روز افراد تعیین شده طرف صبح به منزل عروس مراجعه و نسبت به صورت برداری از جهیزیه اقدام نموده و تحویل می‌گیرند، جهیزیه پس از بسته بندی از قبل ارسال و عروس نیز پس از دریافت اجازه از پدر یا عمو آماده‌ی حرکت می‌شود. مرکب عروس که ماشین یا اسب است، آذین بندی شده و همراه با برادر خویش و فرستادگان داماد سوار شده و به راه می‌افتد. در این میان برادر داماد در حالی که صورت خود را با آرد اندود نموده و چراغی در دست دارد پیشاپیش قافله حرکت می‌کند، در فاصله‌ی راه مقداری خوراکی که «توشه» نام دارد در بین همراهان عروس تقسیم می‌شود، داماد پس از دریافت خبر حرکت عروس با چند نفر از دوستان سوار بر اسب بعنوان ربودن عروس می‌آیند که با مقاومت سرسختانه‌ی همراهان عروس مواجه شده و به طرف منزل عقب نشینی می‌نمایند. خط سیر عروس در آبادی طوری پیش بینی می‌شود که فامیل داماد در مقابل منازل خود منتظر رسیدن عروس اند تا پارچه هائی به عنوان خلعت به گردن اسب ببندند. بدین ترتیب پس از رسیدن عروس به منزل داماد، وی با دوستان در پشت‌بام که از قبل مترصد رسیدن عروس است مقداری پول و شیرینی و سیب را به سر عروس پرتاب می‌نماید و سپس یک پسر بچه به نشانه‌ی زائیدن بچه‌ی پسر، به دست عروس داده می‌شود و پس از ورود او به منزل داماد که همراه با ذبح قربانی و شکستن تخم مرغ است. عروس را دور تنور منزل می‌گردانند و سپس وی را از روی پارچه‌ای به نام «بی انداز» حرکت داده و در اطاق مخصوص می‌نشانند در این وقت عروس از نشستن خودداری می‌کند، که

پدر داماد، یک رأس گاو یا گوسفند را به عروس هدیه داده و او را می‌نشاند، پس از آن شیرینی در سینی‌ها آورده می‌شود و دو نفر ریش سفید آن‌ها را در بشقاب‌ها گذاشته به مهمانان هدیه می‌کنند، و مهمانان نیز پس از خالی کردن شیرینی‌ها در جیب مقداری پول به عنوان (تویانه) به میزان ۱۰۰۰ ریال الی ۵۰/۰۰۰ ریال پرداخت می‌کنند. و این مبالغ پس از جمع آوری از مهمانان مرد و زن شمرده می‌شد و به پدر داماد تحویل داده می‌شود و سپس ناهار صرف شده و مهمانان پس از کسب اجازه مراجعت می‌نمایند.

دو روز بعداز عروسی مراسم زنانه «دواق قاپما» انجام می‌شود، بدین ترتیب که عروس را روی صندلی نشانده و صورت او را با پارچه می‌پوشانند سپس در حضور مهمانان دو نفر پسر بچه که هر کدام یک قاشق چوبی در دست دارند، پارچه‌ی روی عروس را با قاشق کنار می‌زنند و سپس پارچه را به کمر خود می‌بندند و پس از دریافت انعام از طرف مادر داماد آن را، تحویل می‌دهند، مراسم پس از صرف شیرینی در حدودساعت ۶ خاتمه می‌پذیرد. پس از حدود بیست روز پدر عروس تحت عنوان «اپاق آشما» عروس و داماد را به منزل دعوت می‌نماید و پس از صرف غذا هدیه‌ای شامل گوسفند و فرش با توجه به فراخور حال، به عروس و داماد می‌بخشد، پس از آن قوم و خویش عروس و داماد در ماه اول ازدواج مراسم مشابهی را انجام می‌دهند. و بدین ترتیب عروسی پایان می‌پذیرد. از کتاب تاریخ زنجان.

**لباس:** نوع لباس در شهرستان زنجان به ویژه لباس زنانه در ضمن سادگی، بسیار زیبا و متنوع است، آن چه که عمومیت دارد این که برای سر، از سه نوع پوشش استفاده می‌شود.

ابتدا پارچه‌ای به نام «پوشن» موی سر را با قوس پیشانی به طور محکم محافظت می‌نماید، سپس ابزار دومی که به جهت حفاظت پوشن مورد استعمال است «جنه التی» (زیر چانه) نام دارد که خود از سکه‌های قلابدار به هم پیوسته یا منجوق رنگارنگ تشکیل شده و زیر چانه تا فرق سر پیچیده می‌شود. پوشش سوم به نام «یاشماق» (روسری) است که برای پوشش دهان، چانه و گردن استفاده می‌شود.

پوشش بالاتنه، ابتدا «جلیزقا» (جلیقه) است که بدون آستین است، نوع آستین دار این پوشش که «یل» نام دارد، مورد استفاده متمولین است. زیر جلیزقا پوششی به نام «کوینگ» وجود دارد که اندکی بلندتر از جلیزقاست و این پوشش از طرح‌های الوان و رنگ‌های گرم انتخاب میشود، زیر کوینگ پوششی به نام «تومان» وجود دارد که خود بر دو نوع است، تومان بلند «شلیته» نام دارد که معمولاً مورد استفاده‌ی گروه سنی ۴۰ سال به بالا است و تومان کوتاه که «قصّا تومان» نام دارد مورد استفاده‌ی جوانان است.

پوشش پائین تنه، شلوار نام دارد که معمولاً از پارچه‌های تیره رنگ و ضخیم انتخاب می‌شود، شلوار دیگری تحت عنوان «نیم ساق» وجود دارد، از این شلوار در مهمانی‌ها و مسافرت‌ها استفاده می‌شد که در قسمت پا به جوراب مجهز است که نوعی جوراب شلواری است.

تزئینات زنانه عبارتند از: انگشتر، النگو و بویماق که خود از سکه‌های پول قلابدار از تار منجوق آویزان شده و از چند ردیف تشکیل شده است. ناگفته نماند که «چنه آلتی» (زیر چانه) نیز ضمن داشتن عملکرد خاص، نوعی عنصر تزئینی است.

**لباس مردانه** شامل کت و شلوار معمولی است،

تنها پوشش سر، که «کچه بورک» (کلاه نمدی) نام دارد برای مردان اجباری و از اهمیت خاصی برخوردار است و عدم استفاده از آن نوعی بی حرمتی به جامعه تلقی می‌شود.
قبل از ورود کفش‌های پلاستیکی سه نوع کفش با عملکرد جداگانه رایج بوده است کفش هایی از نوع چارق و گیوه برای کارهای روزانه و کفش دوبندی جهت مهمانی‌ها و مسافرت‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

**نمونه‌های ورزشهای بومی و محلی استان زنجان**

۱ـ قیش‌بازی ۲ـ کلاه‌بردار ۳ـ یک‌خان دوخان ۴ـ علی‌جزه ۵ـ سنگی رو وردار و در رو ۶ـ گاو گوساله پنیر فینگلی ۷ـ چوب‌بازی، چوب جنگ ۸ـ کشتی بغل به بغل ۹ـ کشتی پلنگی.

**قیش‌بازی** ـ بازی جمعی است که بین نفرات دو تیم با تعداد مساوی برگزار میگردد، تعداد بازیکنان هر تیم از ۴ نفر به بالا است.

**گاو، گوساله، پنیر، فینگلی** ـ بازی جمعی و تک‌گروهی است که بین تعدادی بازیکنان حدود ۱۰ نفر برگزار میشود. این بازی به محل و فضای مشخصی نیاز نداشته و زمین یا مکان زیادی نمی‌خواهد، باید در جائی انجام شود که نفرات، محلی برای مخفی شدن داشته باشند. از کتاب ورزشهای سنتی، بومی و محلی ـ غلامحسین ملک‌محمدی ـ کمیته ملی المپیک

**آثار تاریخی شهرستان ابهر**

**پیشینه‌ی تاریخی سلطانیه:** منطقه‌ی سلطانیه از قدیم‌ترین ازمنه مورد توجه اقوام مختلف قرار گرفته است. بر اساس کتیبه‌های بدست آمده از شاهان آشور در قرن هشتم پیش از میلاد سلطانیه محل سکونت طایفه‌ی جنگاور (ساکاراتی‌ها) بوده و در عهد فرمانروایان ماد به نام اریباد خوانده می‌شده است و پارت‌ها آن را به نام نخستین پادشاه خود ارساس نامیدند. سلطانیه قبل از ایخانان مغول نیز مورد توجه بوده و شواهد باستان‌شناسی حای است که دشت سلطانیه حداقل از هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد مسکون بوده است. وجود سفال‌های نخودی رنگ منقوش با طرح‌های هندسی سیاه رنگ و همچنینی سفال‌های هزاره‌ی چهارم و سفال‌های خاکستری رنگ هزاره‌ی اول پیش ازمیلاد در جنوب شرقی شهر قدیم سلطانیه (اطراف تپه‌ی نور) خود روشنگر این نکته است. سفال‌های خاکستری رنگ نقاط مختلف دشت سلطانیه از آن جهت که خط سیر تاریخی این تمدن و گسترش آن را آشکار می‌سازد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

پس از استقرار مغولان در ایران و پایتختی تبریز با توجه به طبیعت سرسبز و خرم دشت سلطانیه توجه ایلخانان به این منطقه که در آن زمان قنقراولانگ نام داشت جلب شد. بر اساس متون تاریخی هنگام ورود مغولان به ایران نام سلطانیه شیرویاز بوده است. کهن‌ترین متنی که در آن نام شرویاز ذکر شده سلجوقنامه ظهیر الدین نیشابوری است. (۵۸۲ ه.ق)

ارغون که از پادشاهان بنام دوره‌ی ایلخانی و از جانشینان هولاکو به شمار می‌رفت سودای احداث شهری در ناحیه‌ی قنقراولانگ که بر سر شاهراه حیاتی ابریشم قرار گرفته بود را در سر داشت و نخستین بار رؤیای شهر سلطانیه و به تبع آن گنبد عالی به فکر او خطور کرد. انگیزه‌ی ساخت و ساز بناهای عظیم معماری و شهر سازی به عنوان پایتخت خاطره ساخت سلطانیه را در اولجایتو

(سلطان محمد خدابنده) که فرزند ارغون شاه بود زنده کرد و او با ایجاد شهری عظیم در سال ۷۰۴ ه.ق اساس گنبدی بس با شکوه و رفیع را بنا نهاد. روزگار اولجایتو دوران شکو و اعتلای سلطانیه بود. بناهای جدید احداث شد و شهر از رونق خاصی برخوردار گشت.

**معرفی بنای گنبد سلطانیه:** بنای گنبد سلطانیه که از نظر حجم و فرم معماری دارای اهمیت سبیاری است و در تاریخ فن معماری ایران نقطه‌ی عطفی محسوب می‌شود. معماری گنبد در فرم کلی دارای رابطه‌ی بسیار گسترده‌ای با معماری گذشته ایران است. این بنا در دوران حکومت اولجایتو (سلطان محمد خدابنده) در مدت حدود نه سال از سال ۷۰۴ه.ق تا ۷۰۵ ه..ق دانسته‌اند ولی ۷۰۴ به زمان ساخت آن نزدیک‌تر است زیرا اکثر تاریخ نویسان عهد اولجایتو این سنه را شروع ساخت گنبد ذکر کرده‌اند. الگوی ساخت بنای سلطانیه مقبره‌ی سلطان سنجر در مرو است که اولجایتو در زمان ولیعهدی (وقتی حاکم مرو بود) بارها آن جا را دیده بود. گنبد سلطانیه با قطر دهانه‌ای در حدود ۲۵/۵ متر و ارتفاع ۴۸/۵ متر است. در داخل بنا این هشت ضلعی در طبقه‌ی همکف به صورت ۸ ایوان (چهار بزرگ و چهار کوچک) مشخص است. دو ایوان از چهار ایوان بزرگ بارگاه وسیع و بلند با بیرون ارتباط دارند و ایوان‌های کوچک به بناهای پیوست گنبد متصل می‌شده‌اند.

طبقه‌ی اول چون طبقه‌ی همکف دارای هشت ایوان است که به وسیله‌ی راهروهای کم عرض که در داخل جرزهای قطور گنبد تعبیه شده‌اند به یکدیگر راه دارند. طبقه‌ی دوم بنا شامل ایوان‌های خارجی است که به صورت نوار افقی در نما مشخص است. این ایوان‌ها به وسیله‌ی دو جرز به سه قوس تقسیم می‌شوند از این طبقه هشت پلکان که در داخل جرزها ایجاد شده‌اند به مناره‌ها منتهی می‌شوند. گنبد عظیم آرامگاه اولجایتو گنبدی است دو پوشه و موازی که دارای قوس بسیار تند می‌باشد. اجرای گنبد به روی نقشه‌های مربع به کمک شکنج بدون به کراگیری قالب از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری ساسانی است و در این گنبد که بلندترین و گسترده‌ترین گنبد ایرانی است به نحو احسن استفاده شده است. در طبقه‌ی سوم در زوایای هشتگانه‌ی بنا هشت مناره ایجاد شده است که با ستثنای یک مناره در ضلع شمال شرقی و نیمی از مناره زاویه‌ی شمال غربی که بخشی از کاشی کاری آن باقیمانده، بقیه‌ی مناره‌ها فرو ریخته است.

در ضلع جنوبی گنبد، بنای تربت خانه وجو ددارد که بنای آن اندکی پس از ساخت گنبد به اتمام رسیده است و ارتفاع آن تا طبقه‌ی دوم گنبد ادامه دارد. در نمای خارجی تربت خانه در جنوب، طاق نماهائی مشاهده می‌شود که در اطراف بالای آن پنجره‌هایی تعبیه شده‌که نور مورد نیاز را تأمین می‌کند. بنای تربت خانه دارای ابعاد ۱۷/۶۰ متر طول و ۷/۸۰ متر عرض و ۱۶ متر ارتفاع می‌باشد که پوشش سقف آن از سر طاق و تویزه ساخته شده است تربت خانه دارای تزئینات کاشیکاری گچبری می‌باشد. سردابه از فضاهای دیگر جانبی گنبد سلطانیه است‌که در ضلع جنوبی و در زیر زمین و کف سردابه راه می‌یابد که باعتقاد برخی محققین جایگاه قبر پادشاه بوده است.

**تزئینات گنبد:** تزئینات گنبد سلطانیه به دو دوره تقسیم می‌شود که دوره‌ی اول شامل تزئینات اصلی گنبد و دوره‌ی دوم شامل گچبری و نقاشی روی تزئینات لایه اول است هر دو دوره تزئینات

متعلق به زمان ایلخانان و همزمان با اولجایتو و ابو سعید فرزند وی صورت گرفته است. اکثر محققین هنرهای کاربردی، آجرکاری، کاشیکاری، تلفیق آجر و کاشی و برخی کتیبه‌ها همچون کتیبه‌های معقلی در خارج و داخل بنا و همچنین بخشی از گچبری‌های نمای بیرونی از جمله ایوان‌های طبقه‌ی دوم را به دوره‌ی اول تزئینات گنبد نسبت داده و پاره‌ای از هنرهای گچبری و همچنین نقاشی، نگارش خطوط و کتیبه‌های بسیار زیبای داخل گنبد و تربت خانه را به تزئینات دوره‌ی دوم نسبت داده‌اند.

**گنبد سلطانیه:** گنبد سلطانیه یکی از بناهای عظیم اسلامی در حد فاصل سال ۷۰۴ الی ۷۱۲ هجری قمری در دوران سلطان محمد خدابنده (الجایتو) به عنوان آرامگاه اختصاصی ساخته شده است. این گنبد بعنوان یک بنای عظیم و نمونه‌ای منحصر به فرد بوده و در جهت روشن ساختن تاریخ مغول از ظرفیت مطالعاتی بالائی برخوردار است. ارتفاع این بنا به ۴۸/۵ متر می‌رسد و از لحاظ هنر و زیبائی‌شناسی و تزئینات و کاشیکاری و از جهات مختلف دیگر در اوج شکوفائی قرار دارد.

**بنای چلبی اوغلی:** از دیگر بقایای شهر عظیم سلطانیه مقبره و مدرسه عارف فرزانه سلطان چلبی است. این بنا در اوائل قرن هشتم هجری قمری احداث گردیده و از دو بخش مقبره و مدرسه تشکیل شده است. پلان مدرسه با الهام از بینش صوفیه و پلان مقبره هشت ضلعی منظم را ارائه می‌دهد و کتیبه‌های این مجموعه به خط جلی نوشته شده و در عداد اسناد و مدارک متقن طبقه بندی می‌گردد.

**بقعه‌ی ملاحسن کاشی:** این بنا بقایای دیگری از شهر سلطانیه که در ۱/۵ کیلومتری سمت جنوبی شهر سلطانیه واقع شده و از بناهای زیبای قرن دهم هجری قمری است. پلان این بقعه هشت ضلعی و از مقابل به هم قرینه‌اند و بر فراز آن گنبد زیبائی فرونشسته است.

**بقعه‌ی شاهزاده زید کبیر:** این بنا در ضلع شرقی ابهر واقع شده است. برج و گنبد آن به شکل مخروط است که از آجر ساخته شده و برج آن مرکب از پایه‌های آجری و بدنه‌ی مدور است. سبک معماری حاکی از معماری قرن نهم هجری است. شجره‌ی طیبه‌ی ایشان به امام دوم شیعیان می‌رسد.

بقعه‌ی شاهزاده زید کبیر: عبارت است از یک شبستان گنبد دار و شبستان طرفین آن که از خشت و آجر بنا شده و داخل آن نقاشی هائی بر روی گچ دیده می‌شود. نقش‌ها دارای طرح‌های گیاهی است که به دوران آل بویه مربوط می‌شود.

**بقعه‌ی امام زاده محمد:** این بقعه در مرکز شهر قرار دارد قبلاً گنبد آن به شکل مخروط بود که در سال ۱۳۶۷ قمری پس از تغییراتی، کاشی کاری گردیده و شکل گنبد تغییر نموده. شجره‌ی طیّبه ایشان به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد.

**بقعه‌ی امامزاده ابراهیم:** این بقعه در ضلع جنوبی ابهر واقع است که از گل و خشت ساخته شده و گنبد کوچکی دارد.

**بقعه‌ی پیراحمد زهرنوش:** بقعه‌ی پیر احمد معروف به پیر در ضلع جنوبی ابهر واقع شده که از آثار ارزشمند تاریخی این منطقه است و به دوره‌ی ایلخانی مربوط می‌شود. ساختمان بنا از آجر چهارگوش مربع شکل ساخته شده و گنبد کوتاه آن نیز آجری است که بر روی قاعده کثیر الاضلاع قرار دارد.

بقعه متعلق به مولانا قطب الدین احمد ابهری

(۵۰۰ ـ ۵۷۷ ه.ق) است که از خرقه بخشان صوفیه بوده و مریدان خود را در این محل ارشاد می‌نموده است.

**بقعه‌ی امامزاده اسماعیل:** این بقعه بنای تاریخی بسیار زیبائی است که در شناط واقع شده است. ساختمان آن از آجر ساخته شده و گنبد آن با کاشی زیبائی تزئین شده است و دارای نوشته هائی به خط کوفی بوده و داخل بنا با گچ بری و آئینه تزئین گردیده است.

تاریخ دفن این امامزاده اوائل قرن ششم هجری است اما بنای ساختمان مربوط به قرن نهم بوده و قسمت داخلی ساختمان در سال ۱۳۲۴ تعمیر گردیده است.

**مراکز علمی و فرهنگی ابهر**

۱ـدانشگاه پیام نور. ۵ـهنرستان فنی صنعتی شهید بهشتی.

۲ـ دانشگاه آزاد اسلامی. ۶ـ هنرستان کشاورزی ابهر.

۳ـ دانشکده‌ی پرستاری. ۷ـ کتابخانه‌ی عمومی علامه طباطبائی .

۴ـ دانشسرای تربیت معلم ۸ـکتابخانه‌ی عمومی شهید دستغیب. ۹ـ سینما استقلال ابهر.

**جاذبه‌ها و آثار طبیعی ابهر:** ابهر رود مهم‌ترین رود منطقه به شمار می‌رود که از جبهه‌ی شرقی چمن سلطانیه و کوه‌های سندان داغ در غرب ابهر سرچشمه گرفته و با دریافت رودخانه‌های کوچک و محلی و پس از دریافت آب خررود در منطقه‌ی ضیاء آباد تاکستان به دریاچه‌ی حوض سلطان در قم می‌ریزد. جریان این رود موجب رونق باغداری و کشاورزی حوزه‌ی ابهر می‌باشد. غیر از ابهر رود چندین رودخانه محلی دیگر در این منطقه جریان دارد. تفریحگاه علی بلاغی (چشمه علی) ـدر ۱۰ کیلومتری غرب ابهر نزدیکی قریه‌ی چالچوق قرار گرفته در این محل چشمه‌ای وجود دارد که بر بالای رشته اول کوه ملّا جاری است. این چشمه چمنزارهای وسیعی را در دامنه‌ی کوه به وجود آورده که بسیار با صفاست.

از دیگر تفریحگاه‌های ابهر تفریحگاه چنار است که در فاصله‌ی ۶کیلومتری جنوب ابهر در نزدیکی قریه جند حسین واقع است که محل سرسبزی است و دارای چشمه‌ی آب گوارایی نیز هست و محل مناسبی جهت گذران اوقات فراغت است.

**صنایع دستی:** هنرهای دستی ابهر عبارتند از:

۱ـقالی بافی، ۲ـجاجیم بافی، ۳ـکلاه دوزی، ۴ـ کفش دوزی، ۵ـگیوه دوزی.

این صنایع دستی با مهارت زیاد تهیه گشته و بسیار قابل توجه می‌باشد.

**عوامل جذب جهانگرد به استان زنجان**

**۱ـ عوامل طبیعی:** آب و هوا و مناظر طبیعی، استفاده از آب‌های گرم و معدنی، کوهنوردی و اسکی بازی و وجود غارهای طبیعی می‌باشد.

**۲ـعوامل تاریخی:** وجود بناهای تاریخی و اماکن متبرکه.

■ **بازار زنجان:** در قلب بافت قدیمی شهر در راستای راه‌های ورودی قرار گرفته از دو قسمت بازار بالا و پائین تشکیل شده است دارای ۹۴۰ باب مغازه می‌باشد در این مجموعه ۵ مسجد و چندین کاروانسرا را می‌توان دید که به سال ۱۲۱۶ ه.ق ساخته شده است.

■ **مسجد جامع زنجان:** یکی از بناهای باارزش و تاریخی شهر زنجان بوده و توسط یکی از نوادگان فتحعلی شاه قاجار در دوران حکومت خود در این شهر احداث گردیده است.

■ **امامزاده ابراهیم زنجان:** بقعه‌ی امامزاده سید ابراهیم یکی از بقاع معتبر شهرستان زنجان بوده و در خیابان امام قرار گرفته است.

■ **رختشویخانه‌ی زنجان:** در مرکز شهر واقع است این بنا در نوع خود بی نظیر و منحصر به فرد می‌باشد که در سال ۱۳۰۷ توسط شهردار وقت احداث گردیده است.

■ **بقعه‌ی قیدار نبی:** بنای بقعه متعلق به قیدار بن اسماعیل بن ابراهیم (ع) از پیامبران است. بقعه در زمان بلغار خاتون زن غازان خان تخریب و مجدداً در سال ۷۱۹ه.ق احداث شده است که مورد تأیید ۶۵ نفر از علمای طراز اوّل می‌باشد.

■ **غار کتله خور:** بزرگ‌ترین غار سطح الارضی بزرگ گرماب و در ۱۴۰ کیلومتری جنوب باختری زنجان قرار گرفته این غار از سه طبقه تشکیل شده و دارای تونل‌های فرعی و استلاکیت‌ها و استلاگمیت‌ها و ستون‌های بسیار در گذرگاه‌های اصلی می‌باشد.

**غار کتله خور:** این غار در ۷۲ کیلومتری قم نرسیده به دلیجان از جاده شوسه جدا شده و از قریه (کهلک رود) گذشته و پس از عبور از پل شاه شاه‌عباسی از جانب مغرب جاده ۲۴ کیلومتری (کوهک) را طی کرده به کوهک می‌رسد.

مدخل این غار به ابعاد ۵۷×۶۳ سانتیمتر و عموداً مانند چاهی قرار گرفته و به وسیله طناب بایستی به عمق ۷/۵ متری این چاه که دهانه غار می‌باشد فرو رفته و در آنجا خود را در دنیائی از عجائب و اسرار دید، در نظر اول یک ستون پنج‌تائی ردیف استالاکمیت جلب نظر می‌کند با رنگهای گوناگون، در این قسمت تالاری است به طول ۴۵ و عرض ۲۰ متر که ارتفاع متوسط آن به ۲۰ متر می‌رسد، سطح تالار در اثر ریزش‌های فوقانی تشکیل حفره‌ها و پرتگاههای خطرناک داده است، در سمت راست تالار دو شاخه تنگ و کوتاه و در سمت چپ آن نزدیک به انتها دهلیز وسیعی است که شعبه فرعی غار محسوب می‌شود حد متوسط عرض این دهلیز ۱۰ متر و طول آن به ۷۰ متر می‌رسد و حداکثر ارتفاع آن به ۲۰ متر می‌رسد، این شاخه واقعاً شاهکاری از طبیعت است (آویزه‌های آهکی) بعضی از قسمتها از سقف تا کف غار کشیده و هزاران آویزه گوناگون آهکی و انواع و اقسام گلفهشک‌های مرجانی و اسفنجی و پروانه‌ای سراسر این دهلیز شگفت‌انگیز را فرا گرفته‌اند، نزدیک به انتها حوضچه آب زیبائی در دل سنگهای سفید آهکی چون سنگ آئینه دو حفره چاه مانند به عمق غار منتهی می‌شود.

## نگاهی کوتاه به محیط زیست طبیعی استان زنجان

**مناطق تحت مدیریت اداره‌ی کل:** منطقه‌ی حفاظت، پناهگاه حیات وحش و منطقه‌ی شکار ممنوع در مجموع این مناطق در استان ۴۲۲ هزار هکتار می‌باشد که ۱۹/۲ درصد مساحت استان را شامل می‌گردد و عبارتند از:

۱ـ منطقه‌ی حفاظت شده‌ی انگوران با ۹۰ هزار هکتار، واقع در شهرستان ماهنشان، ۲ـ پناهگاه حیات وحش انگوران با ۳۵ هزار هکتار، واقع در شهرستان ماهنشان، ۳ـ منطقه‌ی حفاظت شده سرخ آباد با ۱۲۰ هزار هکتار، واقع در شمال و شمالغرب شهرستان زنجان، ۴ـ منطقه‌ی شکار ممنوع خراسانلو با ۷۰ هزار هکتار واقع در شمال شرق و شرق شهرستان ابهر، ۵ـ منطقه‌ی شکار ممنوع فیله خاصه با ۲۵ هزار هکتار، واقع در بخش زنجانرود، ۶ـ منطقه‌ی شکار ممنوع کوه

قیدار با ۱۲ هزار هکتار، واقع در شهرستان خدابنده، ۷ـ منطقه‌ی شکار ممنوع خرمنه سر با ۷۰ هزار هکتار، واقع در شهرستان طارم.

**موزه‌ی تاریخ طبیعی زنجان:** مرکز علمی، آموزشی، فرهنگی، تحقیقاتی و اجتماعی که نمونه‌های نادر و کمیاب گیاهی و جانوری و کانی استان در آن جمع آوری گردیده و با ایجاد فضاهای جدید و افزایش نمونه هائی از خزندگان، پرندگان، دوزیستان، پستانداران و سایر حیات وحش استان یکی از موزه‌های غنی و قابل مطرح در سطح کشور بوده است.

**حیات وحش استان زنجان:**

پناهگاه حیات وحش به مساحت ۲۹۸۱۲ هکتار، منطقه‌ی حفاظت شده به مساحت ۲۱۲۸۵۳ هکتار در مجموع به مساحت ۲۴۲۶۶۵ هکتار، این استان دارای یک پناهگاه حیات وحش، دو منطقه‌ی حفاظت شده می‌باشد. ـ **پناهگاه حیات وحش انگوران** به مساحت ۲۹۸۱۲ هکتار است که در سال ۱۳۵۴ تأسیس شد. ـ **منطقه‌ی حفاظت شده‌ی انگوران** به مساحت ۹۲۱۸۰ هکتار می‌باشد که در سال ۱۳۴۹ تأسیس شد. ـ **منطقه‌ی حفاظت شده‌ی سرخ آباد** به مساحت ۱۱۹۲۲۵ هکتار است که در سال ۱۳۷۵ تأسیس شد. در این استان ۱۰۰۰۰ هکتار جنگل و ۲۰۲۶۲۱۰ هکتار مرتع وجود دارد.

**منطقه‌ی شکار ممنوع خراسانلو:** منطقه‌ای است کوهستانی در شمال ابهر که برای حمایت از قوچ و میش تحت حفاظت قرار گرفت. قوچها و میش‌های این منطقه با شکل تاکستان در تابستان به این منطقه مهاجرت می‌کنند مساحت آن ۷۰۰۰۰ هکتار مساحت دارد.

**جاذبه‌های طبیعی و گردشگری استان:**

**الف: منطقه‌ی حفاظت شده سرخ آباد و دشت آهو خیز سهرین**

این منطقه با وسعتی بالغ بر ۱۲۰ هزار هکتار در شمال و شمالغرب مرکز استان واقع شده و دارای اکوسیستم‌های کوهستانی، دشتی و کوهپایه‌ای می‌باشد. دشت آهو خیز سهرین در ۲۵ کیلومتری شهر زنجان که قسمتی از منطقه حفاظت شده سرخ آباد است، زیستگاه آخرین بازماندگان آهوان غر بو شمالغرب کشور می‌باشد. برابر آخرین سرشماری انجام شده در سال ۱۳۸۴ بیش از ۱۸۱۵ رأس آهو در دشت ۳۰ هزار هکتاری سهرین زیست می‌نماید.

از حیات وحش شاخص منطقه حفاظت شده سرخ آباد میتوان آهوی نژاد اصیل ایرانی، کل بز، خرس قهوه‌ای، سیاه گوش، کبک دری، تیهو، کبک معموری و کبک چیل، گراز، گرگ، تشی و انواع پرندگان مهاجر و بازهای شکاری را نام برد.

**ب: منطقه‌ی حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش انگوران**

این منطقه در ۹۰ کیلومتری جنوب غرب استان زنجان و در مرز ۳ استان آذربایجان شرقی و غربی و کردستان واقع گردیده و در ناحیه‌ای کوهستانی در رشته جبال زاگرس قرار دارد.

منطقه‌ی حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش انگوران مجموعاً با ۱۲۵ هزار هکتار مساحت، منطقه‌ای کوهستانی و تپه ماهوری بوده و زیستگاه خوبی برای قوچ و میش نژاد ارمنی است که ۹۰ هزار هکتار از منطقه تحت عنوان منطقه‌ی حفاظت شده و ۳۵ هزار هکتار نیز تحت عنوان پناهگاه

حیات وحش تحت کنترل و مدیریت اداره‌ی کل حفاظت محیط زیست استان زنجان قرار دارد.

از جانوران شاخص منطقه می‌توان قوچ و میش نژاد ارمنی، کل و بز، خرس قهوه‌ای، سیاه گوش، گراز و انواع بازهای شکاری را نام برد. ـ اداره‌ی کل حفاظت محیط زیست استان زنجان از چشمه‌های معروف استان: چشمه‌ی آب گرم و نتق ـ آرکوین ـ ابدال ـ گرماب ـ چشمه‌ی آب گرم تاکتسان و چشمه‌ی آب گرم میانج و حلب انگوران را می‌توان نام برد.

محصولات عمده‌ی این استان: گندم ـ سیب ـ زیتون ـ انار ـ انجیر ـ گردو ـ کرفس ـ سیر ـ پیاز ـ انگور ـ فندق ـ سیب زمینی ـ برنج.

**منطقه‌ی حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش انگوران**

**موقعیت جغرافیائی:** منطقه‌ی حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش انگوران در جنوب غربی استان زنجان در مرز سه استان آذربایجان شرقی و غربی و کردستان واقع گردیده و بین ۳۶ درجه ۵۰ دقیقه الی ۴۷ درجه و ۵۰ دقیقه‌ی شمالی و ۴۷ درجه و ۱۵ دقیقه الی ۴۷ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی در شمال غرب کشور در ناحیه‌ای کوهستانی در رشته جبال زاگرس قرار گرفته است.

و از نظر تقسیمات کشوری قسمت عمده‌ای از شمال و شرق و جنوب آن در دو بخش ماهنشان و انگوران شهرستان زنجان و قسمتی از جنوب غربی منطقه در بخش افشار شهرستان تکاب در استان آذربایجان غربی قرار دارد.

**پوشش گیاهی:** بر اساس مطالعات انجام شده تعداد ۲۹ گونه بوته و درختچه و ۹۶ مورد علف‌های پهن برگ و ۴۶ مورد گرامنیه و شبه گرامنیه در محدوده‌ی منطقه وجود دارد که در چهار جامعه‌ی گیاهی مشخص قرار گرفته‌اند، که این جوامع عبارتند از:

۱ـ جامعه‌ی گیاهی درمنه + آویشن + گون
۲ـ جامعه‌ی گیاهی درمنه + گندمیان + آویشن
۳ـ جامعه‌ی گیاهی گون + گندمیان
۴ـ جامعه‌ی گیاهی بالشتکی‌ها

البته جامعه‌ی بالشتکی‌ها عمدتاً در ارتفاع بیش از ۲۲۰۰ متر از سطح دریا مستقر گردیده‌اند.

**حیات وحش منطقه:** بر اساس مطالعات انجا مشده تعداد ۳۳ گونه پستاندار ۱۰۷ گونه پرنده، ۲۳ گونه خزنده، ۸ گونه آبزی (ماهی) ۷ گونه دو زیست و ۷۸ گونه حشرات هوازی و خاکزی در منطقه‌ی حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش انگوران وجود دارد.

الف: پستانداران

از پستانداران عمده منطقه قوچ و میش ارمنی، کل و بز، خوک و خرس را می‌توان نام برد. قوچ و میش ارمنی شاخص‌ترین پستاندار منطقه محسوب می‌وشد و بزرگ‌ترین نمونه از قارچ‌های شکار شده در سال‌های قبل دارای ۹ سال سن و طول هر شاخ ۸۰ سانتی متر و قطر شاخ در بن ۳۰ سانتیمتر و بوزن ۷۵ کیلوگرم بوده است. کل و بز که با نام فارسی (پاژن) معروف می‌باشد در مناطق کوهستانی و صخره‌ای منطقه پراکنده است. گراز یا خوک وحشی از پستاندارانی است که به شدت در منطقه تکثیر و زاد ولد می‌نماید و بلحاظ کثرت روستاها در منطقه به مزارع و باغات روستائیان خسارات فراوانی وارد می‌نماید. خرس قهوه‌ای در ارتفاعات شمالغرب منطقه و ارتفاعات خور جهان بسیار دیده شده است.

سیاه گوش، گرگ، کفتار، روباه، خرگوش، تشی، گورکن، شغال، رودک، سمور، خارپشت و

خفاش‌ها نیز از دیگر پستاندارن منطقه می‌باشند.
ب: پرندگان
آنقوت، تنجه، چنگر، مرغابی، لک لک سیاه و سفید، فلامینگو، قو، درنا، پلیکان، کبک دری، کبک معمولی، یا کبک چیل، باقرقره، قمری، فاخته، بلدرچین، تیهو و انواع پرندگان شکاری از قبیل عقاب، شاهین، دلیجه، سنقر، سارگپه، دال، هما، کرکس، لیل، قرقی، طرلان، عقاب ماهیخوار و انواع پاسری فرم‌ها، سارها، گنجشک‌ها، چکاوک‌ها، سهره و زرد پره‌ها را می‌توان نام برد.
**خزندگان و دوزیستان:** در منطقه مارهای گوناگونی از قبیل افعی، مارجعفری، افعی زنجانی، افعی تکابی، افعی قفقازی، تیر مار، یله مار، مارآتشی، مار آبی، افعی شاخدار، مارمولک، سوسمار، سمندر معمولی و زرد و سبز، آفتاب پرست، لاک پشت و دوزیستانی از قبیل قورباغه قهوه‌ای و سبز، وزغ خاکستری و درختی و خرچنگ بفور یافت می‌شود.
**ماهیان:** ماهیان شناسائی شده منطقه عبارتند از کپور، سس، سیاه کوی، زردپر، کولی سفید، سیم، اسپله، ماش ماهی، که در رودخانه‌های قزل اوزن و انگوران چای و یری چای زندگی می‌کنند. چند گونه پرورش نیز در تالاب‌های منطقه رها گردیده و تکثیر یافته‌اند.
**رودخانه‌های منطقه:** نزول برف‌های سنگین زمستانی در ارتفاعات شمالغرب منطقه که تأمین کننده‌ی آب تمامی سرشاخه‌های رودخانه‌ها و کلیه چشمه‌های دائمی منطقه می‌باشد دو حوزه‌ی آبریز رودخانه‌ای در منطقه بوجو آورده که یکی حوزه‌ی رودخانه معروف قزل اوزن و دیگری حوزه‌ی آبریز رودخانه زرینه رود می‌باشد.

رودخانه قزل اوزن که خود سرشاخه‌ای از سفید رود می‌باشد حدود ۳۰ کیلومتر مرزه شمالی منطقه را تشکیل می‌دهد و رودخانه‌های انگوران، دندی، آق کند، دربند در داخل منطق در این حوزه قرار دارند.

رودخانه‌ی نصرت آباد که سرشاخه‌ای از زرینه رود می‌باشد که در جنوب غرب منطقه جریان دار. و این رودخانه‌ها ارتباط اکولوژیک و بیولوژیک منطقه را با دریاچه‌ی ارومیه و دریای خزر برقرار می‌سازد.
**قابلیت‌های توریستی منطقه:** سواحل رودخانه‌ی قزل اوزن از نظر صید ورزشی ماهی و قله‌های معروف منطقه برای گروه‌های کوهنوردی و هم چنین یادمان‌های تاریخی آتشکده تخت سلیمان و قلعه‌های اسماعیله (یاستی قلعه، قلعه‌ی بلقیس، قلعه‌ی بهستان) و آثار طبیعی مانند کوه آتشفشان خاموش و میان تهی زندان دیو و چشمه‌های آبگرم و معدنی احمد آباد و ینگجه و دودکش‌های جن قره بوق و جاده ماهنشان و غارهای طبیعی انسان‌های نخستین در دربند قاطرچی برای باستان شناسان و علاقه‌مندان از ارزش و اهمیت خاص برخوردار است. تهیه و تنظیم: روابط عمومی و آموزش

## اقتصاد:

**از نظر کشاورزی استان زنجان:** از نظر کشت و فعالیت‌های مربوط به آن منطقه‌ی زنجان یکی از مراکز عمده‌ی تولید کننده‌ی غلات می‌باشد ولی فعالیت‌های کشاورزی کلاً به واسطه‌ی عوامل طبیعی و ضعف بنیه‌ی مالی کشاورزان تقریباً محدود است و اکثر کشاورزان به وسیله‌ی زراعت گندم و جو و سیب‌زمینی و دامداری کسب معاش می‌نمایند و در مناطق مرطوب و نواحی دره‌ی

سفیدرود مخصوصاً در طارم محصول پنبه، برنج و زیتون به عمل می‌آید.

یکی از مراکز عمده تولید غلات می‌باشد ولی فعالیتهای کشاورزی به‌جز در دشت قزوین به‌واسطه عوامل طبیعی و ضعف بنیه مالی کشاورزان تقریباً محدود است و اکثر کشاورزان به‌وسیله زراعت گندم، جو، سیب زمینی و دامداری امرار معاش می‌کنند. و در مناطق مرطوب این استان و نواحی دره سفیدرود مخصوصاً در طارم محصول پنبه، برنج و زیتون به‌عمل می‌آید.

**برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی زنجان**

غلات هکتار/ تن (گندم ۳۰۳۶۱۰، ۳۶۶۹۱۸- جو ۴۹۷۷۸، ۶۰۸۵۱- شلتوک ۳۶۲۵، ۱۱۴۸۵)

حبوبات هکتار/ تن (نخود ۱۲۱۷۸، ۴۳۲۶- لوبیا ۸۱۳۱، ۱۷۹۰۸- عدس ۱۳۶۷۶، ۵۰۸۳)

محصولات صنعتی هکتار/ تن (چغندرقند ۱۲۸۰، ۲۷۴۶۵- کلزا ۲۵۶۵، ۴۷۰۹)

سبزیجات هکتار/ تن (سیب‌زمینی ۶۰۱۷، ۱۵۲۲۱۶- پیاز ۲۸۷۶، ۸۲۲۰۰- گوجه‌فرنگی ۳۱۳۲، ۸۶۶۷۱)

محصولات جالیزی هکتار/ تن (خربزه ۱۴۰، ۲۵۳۰- هندوانه ۳۰۳، ۶۹۵۱- خیار ۱۷۱، ۵۶۶۴)

نباتات علوفه‌ای هکتار/ تن (یونجه ۴۳۱۶۰، ۱۸۴۴۰۵)

**محصولات:** میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی، به.
میوه‌های هسته دار: آلبالو، گیلاس (تک دانه مشهد، شبستر، زرد دانشکده)، گوجه، آلو، هلو، شفتالو، زردآلو و قیسی، شلیل، آلوقطره طلا.
میوه‌های دانه ریز: انگور (بیدانه کشمشی، عسگری، یاقوتی)، توت درختی، توت فرنگی.
میوه‌های خشک: پسته، بادام، گردو، فندق، سنجد.
میوه‌های سردسیری: زالزالک، ازگیل، زغال اخته.
میوه‌های نیمه گرمسیری: انجیر، پرتقال، نارنج، انار، خرمالو، زیتون. توت نوغان، ازگیل ژاپنی، زعفران، گلستان، غیرمثمر.

## صنایع استان زنجان

مهم‌ترین صنعت استان و سوغاتی زنجان انواع چاقو می‌باشد که از دیرباز هرگاه نام زنجان به میان می‌آید، هنر ظریف چاقو سازان این شهر به ذهن متبادر می‌شود. مصالحی که در تهیه‌ی چاقوی زنجان به کار می‌روند عبارتند از:

- تیغه‌ی که عموماً از جنس فولاد سخت است و با مهارتی خاص صیقل داده می‌شود.
- دسته‌ی چاقو که از آهن یا برنج است.
- رویه‌ی آن غالباً از شاخ حیوانات، به ویژه شاخ گوزن، تهیه می‌شود.

**۱ـ چاقو سازی:** زنجان از قرن دهم هـق به عنوان مهد چاقوسازی در ایران شناخته شده و انواع این صنعت چاقوهای قلم تراش، پیوند زنی، کارد آشپزخانه ـ شمشیر را می‌توان نام برد.

هنر ظریف چاقوسازان این شهر، از جمله استادانی چون استاد یعقوب زنجانی، استاد محمد علی زنجانی و استاد یحیی قدوسی، که آثارشان شهرت محلی و منطقه‌ای دارد، به ذهن متبادر می‌شود. در قرن دهم هجری، زنجان از مراکز صنعتی ایران به شمار می‌رفت و کارگاه‌های بی شمار اسلحه سازی در آن دایر بود. لیکن رفته رفته، به دلایل عمده‌ی سیاسی و اجتماعی، این کارگاه‌ها رو به اضمحلال نهاد. صنعت چاقوسازی این شهر نیز با وجود ورود چاقوهای ماشینی آلمانی و انگلیسی و ژاپنی دچار رکود شد، و

می‌رفت که به ورطه‌ی فراموشی افتد، اما با پایمردی استادکاران سختکوش آن، و علیرغم مشکلات بسیار، به حیات خود ادامه داد و حتی تا حدودی راه ترقی را پیمود.

مصالحی که در تهیه‌ی چاقوهای زنجان به کار می‌روند متنوع هستند. تیغه عموماً از جنس فولاد سخت بریده و پس از حرارت دادن در کوره، با مهارتی ویژه کوبیده، ساییده و صیقل داده می‌شود. آستر چاقو از آهن یا برنج است. رویه‌ی آن نیز غالباً از شاخ حیوانات، به ویژه شاخ گوزن، تهیه می‌شود.

ظرافت چاقوی زنجان، در عین تنوع در مصالح، در ترکیب استادانه‌ی اجزاء آن آشکار است، به طوری که تشخیص محل اتصال محور تیغه و لولای آن بسی دشوار است و همچنین تناسب منطقی در ابعاد تیغه و غلاف آن از مهارت سازندگان آن حکایت می‌کند. آبکاری تیغه، که خود هنری بس پیچیده است، در آن به اعلا درجه مشهود است. انواع چاقوهایی که تولید می‌شود عبارتند از چاقوی فنری یا قلمراش، که فنر در قبضه‌ی آن تعبیه شده که از تا شدن بی مورد تیغه جلوگیری می‌کند. چاقوی ضامن دار، که دگمه‌ای در انتهای قبضه دارد که با فشردن آن تیغه باز می‌شود، چاقوی شکاری، چاقوی صحرائی، چاقوی آشپزخانه، دشنه و قداره، که هر یک به شکل‌های گوناگون تولید می‌شود.

**۲ـ ملیله کاری:** ملیله کاری از جمله هنرهای کهن ایرانی است که دیرین ترین نمونه‌های آن، به استناد کتب تاریخ هنر این مرز و بود، به سده‌ی دوازدهم هجری باز می‌گردد. ملیله کاران هنرمند زنجانی امروزه بیشتر با نقره کار می‌کنند و فقط گاهگاه از طلا استفاده می‌کنند. در این هنر، شمش نقره را نخست ذوب می‌کنند و سپس درون قالب‌های مستطیل شکلی می‌ریزند که مجاری آن‌ها به طول بیست و پنج سانتیمتر و قطر آن‌ها کمتر از یک سانتیمتر است. مفتول‌های نقره را پس از سرد شدن برمی دارند و این عمل را چندان تکرار می‌کنند تا مفتولی به شماره‌ای که می‌خواهند به دشت آید. آن گاه مفتول‌ها را دوباره حرارت می‌دهند تا چکش خور شود. سپس آن را به وسیله‌ی چرخی به نام چرخ سیمکش، درازتر و نازک‌تر می‌کنند و سپس آن‌ها را مجدداً حرارت می‌دهند و از سوراخ یک صفحه‌ی فلزی که قطرش اندکی کمتر از قطر مفتول است می‌گذرانند. آن گاه سیم‌های نقره‌ای را که بدین سان درست شده به صورت مارپیچ‌ها یا نقش هائی که می‌خواهند در می‌آورند و بدین ترتیب مجموعه‌هایی به صورت تاری ظریف آماده می‌شود. سپس تخته‌ای را از مقداری موم می‌پوشانند و شبکه‌ی ظریف نقره‌ی آماده را بر آن می‌نشانند و بر آن سوده یا سوآله‌ی مس می‌ریزند و کمی حرارت می‌دهند تا گداخته شود، ولی نه چندان که ملیله کاری‌ها را از شکل بیاندازد، بلکه فقط به اندازه‌ای که انها را به هم متصل کند. این حساس‌ترین مرحله‌ی ملیله کاری است. در پایان کار، موم و ناخالصی‌های دیگر را با تیزاب و حرارت کم می‌زدایند. در پایان، پرداخت اثر به کمک خاک اره صورت می‌گیرد. انواع دستمایه‌هائی که به این روش تولید می‌شوند، از جمله سرویس‌های چایخوری، قندان شربت خوری، جعبه‌های مخصوص لوازم زینتی و از این قبیل را در برمی گیرند.

ساخت وسایل نقره‌ای به صورت ملیله کاری می‌باشد و ساخت دسته‌ی چاقو ـ سینی ـ

سرویس‌های چای خوری و شربت خوری و جعبه‌ی جواهرات نیز معمول می‌باشد.

**۳ـ چاروق دوزی:** یکی دیگر از هنرهای دستی اصیل و دیرینه‌ای است که دست‌های ظریف هنرمندان زنجانی در تولید آن مهارت ویژه دارند. چارق نخ دوز مخصوص بانوان به گونه‌ای ساخته می‌شود که یکی از سوغاتی‌های ذیقیمت زنجان به شمار می‌رود. کف این پاپوش سنتی ایرانی معمولاً از چرم است و استفاده از آن بیشتر جنبه‌ی تفننی دارد تا کاربردی، و جا دارد که هر بازدید کننده‌ی این شهر به دیدار کارگاه‌های تولید آن رفته، مشوق هنرمندانی که به تداوم این هنر مفید و دیر پا سرگرم هستند بشود.

**۴ـ گلیم بافی فرش بافی و جاجیم بافی:** این صنعت در استان زنجان معمول بوده و مرغوب‌ترین فرش‌های زنجان در روستای بیدگینه بافته می‌شود و مورد توجه توریست‌های بازدید کننده از این صنعت دستی می‌باشد.

**صنایع:** محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۲۹۵ واحد)، ساخت منسوجات (۱۴۳ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۵۱ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۶۱ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۲۰ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۱۹۷ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۱۳۰ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۱۴۸ واحد)، ساخت ماشین آلات و تجهیزات (۶۲ واحد)، بازیافت (۱۴ واحد).

کنسانتره‌ی سرب (۱)، کنسانتره‌ی روی (۱)، روکش طبیعی سوسیس و کالباس (۱)، روغن صنعتی (۲)، کشتارگاه صنعتی طیور (۲)، تولید روغن نباتی جامد (۱)، روغن خام زیتون (۴)، شیر پاستوریزه (۲)، ماست پاستوریزه (۲)، آرد غلات (۳)، انواع کیک و بیسکوئیت و کلوچه (۶)، قند از شکر (۲)، ماکارونی (۲)، انواع رب گوجه فرنگی (۴)، نمک طعام (۱)، نخ پنبه‌ی پلی استر (۴)، فرش ماشینی (۲)، روغن موتور (۱)، روغن هیدرولیک (۳)، گریس (۱).

**صنایع بزرگ کارخانه‌ای:** در کلیه شهرستانهای استان به‌جز خدابنده رشد بسیار نموده و کارخانه‌های مختلف ریسندگی، بافندگی، پشم ریسی، شیشه‌سازی، تولید سیمان، رنگ سازی، تولید داروهای شیمیایی، دوچرخه، موتورسازی، پتوبافی، تولید محصولات غذائی و بهداشتی، کنتورسازی، لامپ سازی، میخ و قفل سازی، شمع اتومبیل، سرنگ استریل، کبریت سازی، ترانسفورماتورسازی، رادیاتورسازی، پله برقی، کارخانه شیر پاستوریزه و ۱۰۰ کوره آجرپزی را نام برد.

## فرهنگی، دانشگاهی

**دانشگاه زنجان:** در سال ۱۳۵۴ با نام مدرسه عالی کشاورزی و دامپروری تأسیس شد و در همان سال به دانشکده کشاورزی و دام‌پروری تغییر نام داد و در ۱۳۶۶ با ایجاد آموزشکده فنی، دانشکده به مجتمع آموزش عالی و در ۱۳۷۰ با ایجاد دانشکده‌های علوم پایه و علوم انسانی رسماً به دانشگاه تبدیل شد.

دانشکده‌های کشاورزی (با گروه‌های آموزشی زراعت دام‌پروری، باغبانی، ترویج، گیاه پزشکی و خاک‌شناسی)، فنی و مهندسی (با گروه‌های آموزشی معماری، برق، مکانیک، کامپیوتر، عمران و نقشه برداری)، علوم پایه (باگروه‌های آموزشی شیمی، ریاضی، فیزیک و زمین‌شناسی)، علوم

انسان (با گروههای آموزشی ادبیات، معارف اسلامی، جغرافیا، دروس عمومی و تربیت بدنی)، و مرکز تحقیقاتی طارم علیا در این دانشگاه فعال هستند.

دوره‌های تحصیلی: کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد

**مرکز تحصیلات تکمیلی علوم پایه‌ی زنجان:** هدف مرکز، ایجاد یک محیط آموزشی و پژوهشی پویا و زاینده است. محیطی که در آن آموزش علوم پایه در عالی‌ترین سطح با پژوهش بنیادی، کاربردی عجین باشد. مرکز از لحاظ آموزشی فقط به تربیت دانشجو در دوره‌های دکتری و فوق لیسانس در علوم پایه می‌پردازد ولی از لحاظ فعالیت‌های علمی، فنی و فرهنگی سعی خواهد کرد با مؤسسات آموزشی و صنایع نسبتاً پویای منطقه همکاری کند و در ارتقای سطح عمومی و فرهنگی و علمی منطقه سهمی داشته باشد ـ دولتی

**دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زنجان:** در سال ۱۳۶۶ دانشگاه علوم پزشکی زنجان مستقل گردید ـ دولتی

**آثار ثبت شده استان زنجان**

مقبره سلطان محمد خدابنده - ایلخانی - سلطانیه
مقبره چلپی اوغلی - ایلخانی - سلطانیه
مقبره مولاناکاشی - اوایل صفویه - سلطانیه
بقعه قیدار نبی - قرن ۷ و ۸ ه.ق - خدابنده
مسجد جامع قروه - قرن ۵ ه.ق - ابهر
امامزاده یحیی - قرن ۷ و ۸ ه.ق - ابهر
بقعه پیراحمد زهرنوش - قرن ۶ و ۷ ه.ق - ابهر
امامزاده زیدالکبیر - قرن ۵ و ۶ ه.ق - ابهر
آتشکده تشویر (سردخانه تشویر) - ساسانی - طارم
آتشکده پیرچم - ساسانی - طارم
آتشکده الزین (الیز) - ساسانی - طارم
تپه قلعه سلطانیه - هزاره ۱ ق.م - سلطانیه
امامزاده اسماعیل - صفوی - ابهر
مسجد جامع سجاس - سلجوقی - خدابنده
نقش برجسته داش کسن - ایلخانی - ابهر
تپه نورآباد(بیوک تپه) - (ساسانی - اسلامی) - خدابنده
تپه میرکندی - (اشکانی - ساسانی) - طارم
قبرستان ساری تپه - (هزاره ۱ - اشکانی) - زنجان
تپه قزل ارخ - ساسانی - زنجان
تپه و قبرستان منجیق تپه - هزاره ۱ ق.م - طارم
تپه آبی - (ساسانی - اسلامی) - خدابنده
تپه قلعه گبری آببر - هزاره ۱ ق.م - طارم
مسجد خانم - قاجار - زنجان
مسجد جامع سید(سلطانی) - اوایل قاجار - زنجان
ساخسی تپه - قرن ۶ ه.ق - زنجان
تپه یونجه زار - هزاره ۱ ق.م - خدابنده
سولیجار تپه - هزاره ۱ ق.م - زنجان
تپه اندآباد علیا - قرن ۶ و ۷ ه.ق - زنجان
مراد تپه - قرن ۶ و ۷ ه.ق - ابهر
در تپه سفلی - (هزاره ۱ - قرون میانه) - خدابنده
منجیق تپه - (هزاره ۱ - قرون میانه) - زنجان
یاستی قلعه (یاسدی قلعه) - ساسانی - ماهنشان
تپه منجیق لیغ - سلجوقی - خدابنده
داشلی تپه (اشی تپه) - قرون ۶ و ۷ ه.ق - زنجان
تپه قلعه باشی - قرون ۶ و ۷ ه.ق - ابهر
تپه قالایاله(قلعه کیوان) - قرون ۶ و ۷ ه.ق - خدابنده

گل تپه - هزاره ۲ تا قرون میانه - زنجان
تپه قلعه - قرون ۶ و ۷ ه.ق - زنجان
تپه حاجی پیر - (ساسانی - اسلامی) - زنجان
منجیق تپه - قرن ۶ و ۷ ه.ق - زنجان
تپه زندان وسط - قرون ۶ و ۷ ه.ق - خدابنده
تپه کلیسا - قرون ۶ و ۷ ه.ق - زنجان
منجیق تپه - قرون ۶ و ۷ ه.ق - خدابنده
گاور تپه - هزاره ۳ ق.م - زنجان
قزلار قلعه سی - قرون ۶ و ۷ ه.ق - زنجان
بازار زنجان - قاجاریه - زنجان
چال صورت تپه - قرون ۶ و ۷ ه.ق - زنجان
منجوق لغ تپه - ساسانی - ماهنشان
قبرستان‌های نور علی بلاغی - هزاره ۲ و ۳ ق.م - زنجان
تپه آق بلاغ - قرن ۶ و ۷ ه.ق - زنجان
تپه بابا قلعه سی - قرون ۶ و ۷ ه.ق - خدابنده
تپه آرغاجی - هزاره ۲ و ۳ ق.م - زنجان
تپه قلعه قرخ قز - قرون ۶ و ۷ ه.ق - زنجان
چاخ چاخ تپه - قرن ۶ تا ۹ ه.ق - زنجان
تپه قلعه تپه سی - قرن ۶ و ۷ ه.ق - ماهنشان
طالب تپه - هزاره ۱ ق.م - ایجرود
تپه قوچی کندی - هزاره ۲ ق.م - زنجان
تپه سلطان بلاغی - هزاره ۲ ق.م - زنجان
تپه قلعه کیخسرو - قرن ۷ و ۸ ه.ق - خدابنده
گل تپه - قرن ۶ تا ۹ ه.ق - خدابنده
قلعه بهستان - قرن ۵ ه.ق - زنجان
تپه ارهان - قرن ۶و۷ ه. ق - ابهر
پل میر علاءالدین - قاجاریه - زنجان
پل سردار - قاجاریه - زنجان
پل حاج سید محمد - قاجاریه - زنجان
قلعه سانسیز (گور قلعه) - (ساسانی - اسلامی) - طارم
رختشویخانه - پهلوی اول - زنجان
خانه ذولفقاری - قاجاریه - زنجان
کاروانسرای سنگی - صفویه - زنجان
ساختمان دارائی (بناو باغ) - پهلوی اول - زنجان
امامزاده کهریز - صفویه - ابهر
مسجد عباسقلی - قاجاریه - زنجان
بنای حمام حسینیه اعظم - قاجاریه - زنجان
مدرسه علمیه هیدج - اواخر قاجار - هیدج
تپه چهل خانه - تاریخی - ماهنشان
کشتارگاه زنجان - (اواخر قاجار - پهلوی اول) - زنجان
بنای توفیقی - (اواخر قاجار - پهلوی) - زنجان
مدرسه شریعتی - پهلوی اول - زنجان
مسجد اسحاق میرزا - قاجاریه - زنجان
میل خوئین - از قرن ۵تا۷ ه.ق - ایجرود
مقبره مجتهدی - قاجاریه - زنجان
خانه خدیوی - پهلوی - زنجان
خانه شیخ الاسلامی - قاجاریه - زنجان
کاروانسرای نیک پی - صفویه - زنجان
قنات جلوخان (سلطانیه) - ایلخانی - ابهر
غسالخانه سلطانیه - اواخر قاجار - سلطانیه
قلعه قره تپه - (پیش از تاریخ - تاریخی) - زنجان
قلعه سهرین - قرن ۵و۶ ه.ق - زنجان
منجیق تپه - (تاریخی - اسلامی) - زنجان
تپه چاناق بلاغی - تاریخی و اسلامی - زنجان
تپه شاه بلاغی - اسلامی - زنجان
تپه قبله بلاغی - (تاریخی - اسلامی) - زنجان
تپه قند علی - تاریخی - ابهر
تپه توریاق قلعه ارمغانخانه - اسلامی - زنجان
تپه باغلوجه آقا - (تاریخی - اسلامی) - زنجان
تپه بلاغ (سلمان کندی) - اسلامی - ابهر
محوطه سایان - تاریخی - زنجان

تپه داش قاباقی - اسلامی - زنجان
تپه چمخاق داشلی -اسلامی - زنجان
تپه قلعه باشیز - (تاریخی - اسلامی)- زنجان
شاگول تپه - اسلامی - زنجان
تپه قایالی اسفناج - تاریخی - زنجان
تپه قلعه چارخ آباد - اسلامی - زنجان
تپه قلعه قندر قالو - اسلامی - زنجان
محوطه چمخاق کندی - (تاریخی - اسلامی) زنجان
تپه برج اوستی - (تاریخی - اسلامی) - زنجان
آق تپه بهرام بیگ - هزاره ۴ تا تاریخی - زنجان
تپه خراب گلیجه -(تاریخی - اسلامی) - زنجان
تپه قلعه گاور قبر - تاریخی - زنجان
گرگان تپه آق کند - هزاره ۴ تا اسلامی - زنجان
تپه برونده - هزاره ۲ تا اسلامی - زنجان
کاروانسرای دخان - قاجاریه - زنجان
قلعه تپه ابهر - (تاریخی - اسلامی) - ابهر
کچل تپه تیکمه داش - هزاره ۲ ق.م - زنجان
منجیق تپه تیکمه داش - تاریخی - زنجان
تپه اورته بلاغ - اواخر تاریخی - زنجان
تپه آسیاب - هزاره ۲ ق.م - زنجان
تپه اورتا چمن - تاریخی - زنجان
تپه مومیایی - تاریخی - خدابنده
حجر تپه - تاریخی - خدابنده
امام تپه - تاریخی - خدابنده
مراد تپه ساسانی - خدابنده
مورچه تپه - (هزاره ۱ - ساسانی) - خدابنده
تپه آدی غیب - ساسانی - خدابنده
تپه لر - ساسانی - خدابنده
تپه ایسی سو - ساسانی - خدابنده
تپه کوزه سران -ساسانی - خدابنده
تپه قالا یالی - ساسانی - خدابنده
تپه کرسف - ساسانی - خدابنده
تپه قبر گرمابه - هزاره ۴ و ۳ ق.م - خدابنده
تپه کاروانسرا - ساسانی - خدابنده
تپه آبی - ساسانی - خدابنده
تک تپه - هزاره ۱ ق.م - خدابنده
منجیق تپه - قرون اولیه اسلامی - خدابنده
تپه قربان - ساسانی - خدابنده
تپه قبرستان - هزاره ۱ ق.م - خدابنده
تپه محمود آباد - ساسانی - خدابنده
منجیق تپه - ساسانی - خدابنده
تپه درویش علی - قرون اولیه اسلامی - خدابنده
تپه تک امام - قرون اولیه اسلامی - خدابنده
باغلر تپه - ساسانی - خدابنده
کولی تپه -(ساسانی - قرون اولیه) - خدابنده
تپه خرابه - قرون اولیه اسلامی - خدابنده
تپه خرابه هزاره ۴و۳ - ساسانی - خدابنده
عابد تپه - ساسانی - زنجان
مقبره سید ابولقاسم مجتهد میرزایی - قاجاریه - زنجان
تپه گریز - قرون اولیه اسلامی - خدابنده
تپه منطش - قرون اولیه اسلامی - خدابنده
کولیک تپه - (ساسانی - قرون اولیه) - خدابنده
تپه تخت - ساسانی - خدابنده
تپه قیز قلعه - ساسانی - خدابنده
تپه علی ارداق چارداقی - ساسانی - خدابنده
تپه قلعه (ضیا آباد) - ساسانی - زنجان
تپه چهل بلاغ کوچک - هزاره ۱ ق.م - زنجان
حمام تپه - ساسانی - زنجان
تپه چمبلی بل - ساسانی - زنجان
آق تپه - ساسانی - زنجان
شاه تپه سی - هزاره ۱ - هخامنشی - زنجان
تپه جهانگیر - ساسانی - زنجان

مجموعه ینکجه - متاخر اسلامی - زنجان
تپه الوکندی - ساسانی - زنجان
پورسخلو تپه - ساسانی - زنجان
کند تپه - قرون میانه اسلامی - زنجان
توکمه تپه - ساسانی - زنجان
تپه یونجه زار - ساسانی - خدابنده
گونلی تپه - ساسانی - خدابنده
چال تپه - قرون اولیه اسلامی - خدابنده
بویوک تپه - قرون اولیه اسلامی - خدابنده
تپه یددی امام - قرون اولیه اسلامی - خدابنده
قلی تپه - ساسانی - خدابنده
تپه ماقالاق - ساسانی - خدابنده
تپه ولدکندی - ساسانی - زنجان
تپه داش گل کوچک - ساسانی - زنجان
تپه قدیمی ریحان -(اشکانی - ساسانی) - زنجان
تپه قبرستان شیخ حسن- (تاریخی - ساسانی) - زنجان
دلیک تپه - هزاره ۱ ق.م - زنجان
تپه کلک لی - هزاره ۱ ق.م - زنجان
تپه امامزاده - کالکولتیک - زنجان
تپه قبرستان - (ساسانی - قرون اولیه) - زنجان
تپه قانلی بلاغ - قرون اولیه اسلامی - زنجان
تپه شیخ حسن - ساسانی - زنجان
منجیق تپه - ساسانی - زنجان
تپه قمشلو - قرون اولیه اسلامی - زنجان
فهرست آثار تاریخی استان زنجان در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۴۲۹ واحد می‌باشد. ـ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

**موزه‌ها**

موزه‌ی رختشویخانه (زنجان) ـ موضوع: مردم‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۷۵، پهلوی (۱۳۰۷ ه.ش)
موزه‌ی شهدا (زنجان) ـ موضوع: آثار و وسایل شهدا ـ بنیاد شهید انقلاب اسلامی ـ تأسیس ۱۳۷۸
موزه‌ی تاریخ طبیعی (زنجان) ـ موضوع: علمی (نمایش گونه‌های مختلف جانور و گیاهی) ـ سازمان حفاظت محیط زیست ـ تأسیس ۱۳۷۳
گنبد سلطانیه (زنجان) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث و فرهنگی کشور ـ تأسیس: دوره‌ی ایلخانیان

**موزه تاریخ طبیعی:** موزه تاریخ طبیعی از جمله مکانهای فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، تحقیقاتی و نمایشگاهی می‌باشد که می‌تواند علاوه بر شناساندن هرچه بیشتر زیست بوم‌های مختلف و گونه‌های حیات وحش و پوشش گیاهی منطقه،ارزش حفظ و نگهداری تنوع زیستی را نیز به طبقات مختلف مردم جامعه یادآوری نماید. و با توجه به این اصل مهم که ادامه حیات بشری به بقای طبیعت بستگی دارد از این رو اهمیت علوم طبیعی و نقش موزه‌های تاریخ طبیعی در اشاعه دانش و فرهنگ زیست محیطی در جهان امروز بیشتر محسوس می‌باشد.

لذا این مراکز می‌توانند اندیشه و احساس مردم را در مورد جلوه‌ها تنوع زیستی و خطر انقراض گونه‌های کمیاب جانوری و گیاهی برانگیزند.

**تاریخچه:** موزه تاریخ طبیعی زنجان واقع در ابتدای جاده زنجان به تبریز ورودی پارک ارم در زمینی به مساحت ۲ هزار متر مربع و با زیر بنای ۸۰۰ متر مربع احداث و در ۱۹ خرداد ماه سال ۱۳۷۳ افتتاح شد و مورد بهره برداری قرار گرفت. در این موزه نمونه‌های نادر گیاهی و جانوری و کانی استان جمع آوری و بصورت نمایشگاهی که نمایانگر اکوسیستم متنوع استان است طراحی و مجسم گردیده است و در حال حاضر یکی از

موزه‌های غنی در سطح کشور می‌باشد. سازمان محیط زیست استان زنجان

**جمعیت استان زنجان**

شهرستان ابهر: تعداد خانوار ۴۱۳۳۳، جمعیت ۱۶۱۲۵۷، تعداد باسواد ۱۲۱۵۰۸، تعداد بیسواد ۲۲۹۹۴.

شهرستان ایجرود: تعداد خانوار ۹۰۲۹، جمعیت ۳۶۷۴۴، تعداد باسواد ۲۲۸۷۴، تعداد بیسواد ۹۰۸۴.

شهرستان خدابنده: تعداد خانوار ۳۶۱۲۱، جمعیت ۱۶۴۸۶۴، تعداد باسواد ۱۱۱۴۱۹، تعداد بیسواد ۳۳۷۵۴.

شهرستان خرمدره: تعداد خانوار ۱۵۳۱۷، جمعیت ۶۰۴۹۹، تعداد باسواد ۴۶۹۷۱، تعداد بیسواد ۸۰۵۹.

شهرستان زنجان: تعداد خانوار ۱۱۳۸۸۳، جمعیت ۴۵۴۶۱۶، تعداد باسواد ۳۳۷۷۲۴، تعداد بیسواد ۶۵۵۱۹.

شهرستان طارم: تعداد خانوار ۱۰۷۳۴، جمعیت ۴۳۹۶۴، تعداد باسواد ۲۹۲۱۲، تعداد بیسواد ۹۹۳۴.

شهرستان ماهنشان: تعداد خانوار ۹۳۵۴، جمعیت ۴۲۶۵۷، تعداد باسواد ۲۶۲۴۲، تعداد بیسواد ۱۰۷۰۱.

**جمعیت مرد و زن روستائی و شهری‌زنجان:** مرد: (۲۵۷۶۷۳ شهری، ۱۷۹۴۱۲ روستائی)، زن: (۲۵۳۵۲۷ شهری، ۱۸۷۱۵۷ روستائی).

استان زنجان دارای هفت شهرستان ۱۵ بخش ۴۶ دهستان و ۱۶ شهر است.

**شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها**

**آب بر:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان طارم استان زنجان و مرکز آن آب بر است.

**آقبلاغ:** از دهستان‌های بخش سجاس رود شهرستان خدابنده استان زنجان و مرکز آن آقبلاغ است. و در منطقه‌ای دشتی سرد خشک و کوه جهان داغ قرار و شاخابه‌ای از رود سجاس رود در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، بنشن، زرد آلو و عسل.

**پوشش گیاهی:** گل‌گاو زبان، ختمی، خاکشی، پونه، بومادران و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و قرقاول.

**ابهر (مرکز شهرستان):** شهر ابهر مرکز شهرستان ابهر از شهرستانهای استان زنجان، در ۱۳ درجه و ۴۹ دقیقه طول جغرافیائی و در ۹ درجه و ۳۶ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۱۵۵۰ متری از سطح دریا و در ۹۲ کیلومتری جنوب خاوری زنجان و در مسیر راه تهران - تبریز قرار دارد. شهر ابهر در جلگه‌ای جا دارد که ابهر رود ازین شهر می‌گذرد و به سوی جنوب خاوری ادامه می‌یابد.

**ابهر رود:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ابهر استان زنجان و مرکزش کینه‌ورس است ـ کوه بزرگ و کوه عابر در این سامان سر بر افراشته‌اند.

**فرآورده ها:** گندم، جو، یونجه و بادام، فرش، دام و فرآورده‌های دامی.

**پوشش گیاهی:** گل ختمی، گل گاو زبان، کاسنی و بابونه و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، قرقاول و کبک.

**ابهر (شهرستان):** از شهرستان‌های استان زنجان

می‌باشد که از شمال به بخش طارم سفلی، از خاور به شهرستان تاکستان، از جنوب به آوج و از باختر به شهرستان خدابنده محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز شهرستان ابهر شهر ابهر، دارای دو بخش: ۱ـ مرکزی دارای ۸ دهستان (۱ـ ابهر رود، ۲ـ حومه، ۳ـ دولت آباد، ۴ـ درسجین، ۵ـ صائین قلعه، ۶ـگوزل دره) ۲ ـ بخش سلطانیه دارای ۳ دهستان است.

**کوه‌ها:** ۱ـکوه پناس، ۲ـکوه چال چالار، ۳ـکوگی قیه، ۴ـکوه سرچشمه، ۵ـ کوه ملاداغی، ۶ـ کوه گچلیک داغی در جنوب باختری شهرستان ابهر.

**آب و هوا:** معتدل مایل به سرد خشک ـ زمستان‌های سرد با ریزش برف و تابستان‌های ملایم است. باید توجه داشت که نفوذ توده‌های هوای غربی و شمال کشور و بادهای محلی در تغییر آب و هوای ابهر در فصول مختلف مؤثر می‌باشد متوسط ریزش باران ۳۴۴ میلیمتر است.

**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان ترکی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** گیاهان داروئی: گل گاو زبان، گل ختمی، بابونه، پونه، شیرین بیان، خاکشی، قدومه، کاسنی و پرسیاوشان ـ پوشش گیاهی: برای چرای دام بسیار فراوان.

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، گراز، خرگوش، راسو و کبک.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و پیشه وری استوار است: ۱ـ کشاورزی ۸۰٪ مردم شهرستان ابهر به کارهای کشاورزی سرگرمند. نوع کشت آبی و دیمی و شیوه‌ی کشاورزی نیمه مکانیزه و سنتی است.

**منابع آب:** رودها، کاریزها، چشمه‌ها و چاه هاـ دامداری به صورت سنتی و صنعتی انجام می‌شود، از این گذشته دامپروری و مرغداری به وسیله‌ی روستائیان در کنار کشاورزی صورت می‌گیرد. پیشه‌وری نیز از منابع درآمد مردم این سامان است.

شهرستان ابهر ۳۲۰۰ کیلومتر مساحت و در ارتفاع متوسط از سطح دریای آزاد ۱۵۵۰ متر است.

شهرستان ابهر منطقه‌ای است کوهستانی که کوه‌های آن به صورت دو رشته موازی به دنبال کوه‌های زنجان از قافلانکوه محل عبور رود قزل اوزن با جهت شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده است و تا دشت قزوین (تاکستان) ادامه دارد. ارتفاعات شهرستان ابهر که از شمال با رشته کوههای البرز و از جنوب و جنوب غربی با رشته کوه زاگرس هم جوار است. با ریزش برف و باران فراوان و ایجاد شاخابه‌های متعدد ابهر رود که رسوبات فراوان در دره ته نشین می‌کند. زمین‌های حاصلخیز برای کشاورزی ایجاد میشود.

**افشار:** از بخش‌های شهرستان خدابنده استان زنجان است که از شمال به شهرستان زنجان، از شمال خاوری و خاور به شهرستان خدابنده، از جنوب خاوری به بخش رزن، از جنوب و جنوب باختری به بخش کبوتر آهنگ و از باختر و شمال باختری به شهرستان بیجار کردستان محدود می‌باشد.

**رودها:** ۱ـرود شور (شور چای) که از کوه‌های نیاز قلی داغی و جنوب گل تپه سرچشمه می‌گیرد، از خاور این بخش می‌گذرد، در جهت جنوب به شمال به رود قزل اوزون می‌پیوندد. ۲ـ بزینه رود که از کوه‌های بوقاطی سرچشمه می‌گیرد، در جهت جنوب خاور شمال باختر به رود شور می‌پیوندد. در آبیاری زمین‌های خاوری بخش از رود بزینه رود سود جسته می‌شود. ۳ـرود تلوار که

از کوه‌های (جنوب خاور بیجار)، پنجه علی حسین بک، سنگ سیاه (جنوب قروه) سرچشمه می‌گیرد با جهت جنوب به سوی شمال خاور برود قزل اوزن می‌پیوندد و در آبیاری زمین‌های شمال باختر از آن سود می‌برند.

**کوه‌ها:** ۱ـ سیاه کوه، ۲ـ کوه کبود در شمال خاور، ۳ـ کوه جانعلی در خاور، ۴ـ کوه قاباخ تپه، ۵ـ کوه قطور در جنوب خاور، ۶ـ کوه ساقیزلوداغی، ۷ـ کوه ساری گونی در جنوب، ۸ـ کوه قالاچاوچنگ الماس در جنوب باختر، ۹ـ کوه قاپالاداغی، ۱۰ـ کوه قره داغی در باختر.

غار کته‌لخور در کوه ساقیزلوداغی از نوع آهکی است و در درونش قندیل‌های استلاکمیت و استلاگتیت و در ۳کیلومتری جنوب باختری مرکز بخش گرماب قرار دارد.

**کانها:** ۱ـ شن و ماسه در مسیر رودهای شور و بزینه رود، ۲ـ نمک.

**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و بیشتر به زبان ترکی با گویش محلی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** گیاهان داروئی: گل گاو زبان، خاکشی، گل ختمی، شیرین بیان، بابونه، قدومه، مرزه - پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** خرگوش، گرگ، شغال، کبک، مرغابی و قمری.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و صنایع دستی استوار است. کشاورزی با شیوه نیمه مکانیزه و بیشتر به صورت دیمی و ۲۵٪ با روش آبی کشت می‌شود. دامداری به شیوه‌ی سنتی و آن هم بیشتر گوسفند افشار پرورش داده می‌شود. صنایع دستی: قالی بافی، جوراب بافی با نقشه‌های محلی بافته می‌شود.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره بار، انگور و تخمه‌ی آفتابگردان، دام و فرآورده‌های دامی وشیری، قالی و جوراب.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش گرماب دارای دو دهستان (۱ـ شیوانات، ۲ـ قشلاقات افشار) است.

**افشاریه:** از دهستان‌های بخش خرمدشت شهرستان تاکستان استان قزوین و مرکز آن رحیم آباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره بار، بادام، انگور، هلو و سیب.

**پوشش گیاهی:** خاکشی، بومادران و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

**الوند:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خرمدره استان زنجان و مرکز آن الوند است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد خشک و کوه الوند داغ و کوه کنداستو و کوه سنگر قرار دارد.

**فرآورده ها:** گندم، جو، یونجه، تره بار، انگور، گردو و بادام.

**پوشش گیاهی:** بابونه، گل گاو زبان، ختمی، خاکشی، و گیاهان مرتعی.

**جانوران:** شغال، گرگ، روباه و خرگوش.

**انگوران:** از بخش‌های شهرستان ماه نشان، استان زنجان است که از شمال به بخش ماه نشان، از خاور به حومه زنجان، از جنوب به شهرستان بیجار و از مغرب به شهرستان تکاب محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهروندی، دارای دو دهستان (۱ـ انگوران، ۲ـ قلعه جوق) است.

**رودها:** ۱ـ انگوران چای، -۲ رود دائمی قزل اوزن.

**کوه‌ها:** ۱ـ کوه بلقیس (۳۳۳۲ متر)، ۲ـ کو هچال (۳۰۵۰ متر)، ۳ـ کوه ابدال (۳۰۹۹ متر)، ۴ـ کوه سفید (۲۹۳۳ متر)، ۵ـ کوه گورگور (۲۸۷۸ متر)، ۶ـ کوه بابا گیلدر (۲۸۵۰ متر)، ۷ـ کوه بلبلک (۲۵۰۰ متر)، ۸ـ کوه جانقورتاران (۲۸۵۰ متر)، ۹ـ کوه دیم کن (۲۸۵۰ متر)، ۱۰ـ کوه آرگون (۲۹۲۴ متر)،، ۱۱ـ کوه قزلر قلعه سی (۲۵۷۲ متر)، ۱۲ـ کوه قزل گونی (۲۷۵۰ متر)، ۱۳ـ کوه گچی قلعه سی (۲۶۱۰ متر).

**رستنی‌ها:** درختان ارژن، بنه، اقاقیا، سیب جنگلی، زالزالک وحشی، تمشک و زرشک ـ گیاهان داروئی و صنعتی پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** خرگوش، شغال، روباه، قوچ و میش کوهی، گراز، لک لک، گرگ، تیهو و کبک.

**درآمد:** بر پایه‌ی کشاورزی، باغداری، دامداری، صنایع دستی و کارگاهی و استخراج سرب و روی استوار است.

کشاورزی به شیوه‌ی سنتی و آبی و دیمی ـ آب کشاورزی از رودها، چاه‌ها فراهم گشته است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره بار، برنج، زرد آلو، سیب، انگور، طیور، دام و فرآورده‌های دامی، سرب و روی و تولیدات صنایع دستی، چاقو، گلیم، قالی، گیوه و مصنوعات کارگاهی.

**اورياد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ماه نشان استان زنجان و مرکز آن پری است.

**ایجرود:** از شهرستان‌های استان زنجان است که مرکز آن شهر زرین آباد می‌باشد که در ۱۳۷۶/۲/۷ به صورت شهرستان درآمد.

**ایجرود:** از شهرستان‌های استانزنجان، دارای دو بخش، ۱ـ مرکزی دارای ۳ دهستان (۱ـ ایجرود بالا، ۲ـ گلابر، ۳ـ سعید آباد) است.

**ایجرود بالا:** از دهستان‌های بخش مرکزی و شهرستان ایجرود استان زنجان و مرکز آن قره سعید است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد خشک و کوه قره قان و کوه چپ درسی قرار و شاخابه‌ای از رود سجاس رود در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، تره بار، زردآلو و بنشن.

**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، کاسنی، ختمی، خاکشی، پونه، بومادران و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قرقاول و کبک.

**ایجرود (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان ایجرود استان زنجان و مرکز آن شهر زرین آباد و دارای ۳دهستان: (۱ـ ایجرود بالا، ۲ـ گلابر، ۳ـ سعید آباد) است.

**ایجرود پائین:** از دهستان‌های بخش حلب شهرستان ایجرود استان زنجان و مرکز آن حلب است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد خشک و کوه قره و کوه داش‌کسن و گردنه قزلجه قرار و رود خوئین در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، انگور، بنشن، هلو، بادام، سیب، زرد آلو، گیلاس آلبالو و گردو.

**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، ختمی، بابونه، شیرین بیان، خاکشی و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، گوزن و کبک.

**بخش افشار:** شهرستان خدابنده استان زنجان و مرکز آن گرماب است ـ در منطقه‌ای دشتی سرد خشک قرار دارد. **فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، انگور، فرش، دام و فرآورده‌های دامی و سنجد.

**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، داغ مرزه و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قرقاول و کبک.

**بخش مرکزی (ابهر):** از بخش‌های شهرستان ابهر استان زنجان و مرکز آن شهر ابهر و دارای ۵ دهستان (۱ـابهر رود، ۲ـحومه، ۳ـدولت آباد، ۴ـ درسجین، ۵ـ صائین قلعه) است.

**بزینه رود:** از بخش‌های شهرستان خدابنده استان زنجان است. مرکز این بخش شهر زرین رود دارای دو دهستان (۱ـ بزینه رود، ۲ـ زرین رود) است.

**بزینه رود:** از بخش‌های شهرستان خدابنده استان زنجان، مرکز آن زرین رود، دارای دو دهستان: ۱ـ دهستان بزینه رود به مرکزیت کهلا، ۲ـ دهستان زرینه رود به مرکزیت زرین رود و مرکز شهری آن زرین رود است.

**بزینه رود:** از دهستان‌های بخش افشار شهرستان خدابنده استان زنجان و مرکزش کهلا است. در منطقه‌ای دشتی سرد خشک و رود بزینه رود در آن جریان و کوه آق بداغ در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، انگور، بنشن، فرش، دام و فرآورده‌های دامی.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

**بناب:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زنجان استان زنجان و مرکزش بناب است. و در منطقه‌ای دشتی سرد خشک و کوه گونی قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، سیب و تره بار.

**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، گل بنفشه و خاکشی و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

**بوغد اکندی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زنجان استان زنجان و مرکزش بوغد اکندی است. و در منطقه‌ای دشتی سرد خشک و کوه سنقر قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره بار، زرد آلو، سیب، انگور و سنجد.

**پوشش گیاهی:** پونه، بومادران، کاسنی و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

**جورزق:** از بخش‌های شهرستان طارم استان زنجان، مرکز این بخش شهر جورزق دارای دو دهستان (۱ـجورزق، ۲ـ دستجرده) است.

**جورزق:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان طارم استان زنجان و مرکز آن جورزق است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد خشک و کوه قالاداغ و کوه چپ دره سی قرار و شاخابه‌ای از رود زنجان رود در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره بار، یونجه، بنشن، زرد آلو، گردو، سیب و انگور.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

**حلب:** از بخش‌های شهرستان حلب ایجرود استان زنجان مرکز آن شهر حلب دارای یک دهستان به نام ایجرود پائین است. در منطقه‌ای کوهپایه‌ای، سرد خشک و در ۱۴۸۰ متری بالای سطح دریا و در ۶۷کیلومتری جنوب غربی زنجان قرار دارد. رود خوئین از جنوب و جنوب شرقی شهر حلب می‌گذرد، کوه پسنجر در مشرق و جنوب شرقی و کوه جین قیمه سی در ۲کیلومتری جنوب غربی و گردنه قزلجه در ۱۲ کیلومتری شمال شهر حلب قرار دارد.

مردم به زبان ترکی سخن می‌گویند.

کشاورزی، دامداری، باغداری و کارگری راه گذران زندگی مردم این بخش است.

**کشت:** آبی و دیمی، آب کشاورزی و آب آشامیدنی از رود قنات و چاه فراهم گشته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، انگور، سیب، زرد آلو، و تره بار.
**پوشش گیاهی:** -۱ گیاهان داروئی، ۲ـ چرای دام.
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو و گوزن.

**حومه:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان خدابنده استان زنجان و مرکز آن دو تپه سفلی است و در منطقه‌ای میانکوهی سرد خشک و رود قنبر از کوه‌های آقچه قوجاداغی و جهان داغی سرچشمه می‌گیرد و از این دهستان می‌گذرد و کوه هائی هم چون کوه ساری گونی و کوه آقچه قوجاداغی در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره بار، گردو، سیب و زرد آلو.
**پوشش گیاهی:** گل بنفشه، خاکشی، بابونه، کاسنی، قدومه، پر سیاوشان.
**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و قرقاول.

**حومه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ابهر استان زنجان و مرکز آن شریف آباد است. و در منطقه‌ای دشتی سرد خشک قرار دارد و رود ابهر از میان آن می‌گذرد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، انگور و گردو، زرد آلو، تره بار، بنشن و سیب.
**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، کاسنی، گل بنفشه، خاکشی و گیاهان مرتعی.
**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قرقاول و کبک.

**خدابنده:** از شهرستان‌های استان زنجان می‌باشد که از شمال به شهرستان زنجان، از شمال خاور و خاور به شهرستان ابهر، از جنوب خاور به بخش آوج و از باختر به شهرستان بیجار محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر قیدار دارای ۴ بخش ۱ـ مرکزی، دارای ۴ دهستان (۱ـ کرسف، ۲ـ حومه، ۳ـ سهرورد، ۴ـ خرارود) ۲ـ سجاس رود، ۳ـ افشار، ۴ـ بزینه رود است.
**رودهای فصلی:** ۱ـ رود سجاس رود که از بلندی‌های جنوب سلطانیه و دره‌های شمال قیدار سرچشمه گرفته، پس از آبیاری زمین‌های مسیرش در باختر قیدار به رود قزل اوزن می‌پیوندد، ۲ـ رود قره قوش که از بلندی‌های روستای سهرورد و قره داغ سرچشمه گرفته، منطقه‌ی باختری روستای پارمچه (درباختر قیدار) به قزل اوزن می‌پیوندد، ۳ـ خرارود که از بلندی‌های خاوری قیدار سرچشمه گرفته است.
**کوه‌ها:** ۱ـ کوه قیدار، ۲ـ کوه پنجه علی، ۳ـ کوه حاچا، ۴ـ کوه عین علی بک در باختر، شمال باختری و جنوب باختری.
**کان‌ها:** ۱ـ معدن‌های سنگ گچ، ۲ـ سنگ مرمر که به صورت دستی و مکانیزه بهره برداری می‌شود.
**آب و هوا:** معتدل و مایل به سرد و خشک ـ به علت واقع شدن در منطقه‌ی کوهستانی، زمستان‌های سرد و خشک و تابستان‌های معتدل دارد.
**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان ترکی و فارسی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** گیاهان داروئی: گل گاو زبان، خاکشی، گل ختمی، بابونه و نعناع ـ پوشش گیاهی، برای چرای دام به مقدار فراوان.
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، خرگوش، آهو و کبک.
**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و صنایع

دستی استوار است: ۱ـکشاورزی به صورت نیمه مکانیزه و سنتی و بیشتر کشاورزی دیمی، اما در نزدیکی رودها کشت آبی پر رونق و منابع آب در مناطق کوهستانی، چشمه سارها و در مناطق کوهپایه‌ای و دشتی رودها، کاریزها و چاه‌های ژرف و نیمه ژرف است.

دامداری به صورت سنتی است و روستائیان بیشتر به پرورش گوسفند نژاد افشار و گاو می‌پردازند. واحدهای صنعتی گاوداری نیز رو به گسترش می‌باشد.

صنایع دستی: قالی، جوراب، جاجیم، گلیم و قالیچه از جمله صنایع دستی است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره بار و بنشن، دام و فرآورده‌های دامی و قالی، گلیم و جاجیم.

خدابنده ناحیه‌ای کوهستانی است و بلندیش از سطح دریا ۲۰۵۰ متر. فاصله‌ی شهر خدابنده تا مرکز استان ۸۰ کیلومتر می‌باشد. کتابهای درسی شهرستان خدابنده در ۸۸کیلومتری جنوب شرقی شهر زنجان و دارای ۴۸۰۰کیلومتر مربع مساحت است که در آن ایلات خدابنده، افشار با اقوام بومی در هم آمیخته و نژادی را پدید آورده که از نظر تیپولژی با نژادی به نام زنجانی دقیقاً قابل مقایسه است. در این شهرستان دو شهر تاریخی ۱- سجاس، ۲- سهرورد وجود داشته. در منطقه‌ی خدابنده استقرار یکجا نشینی متعلق به اواخر هزاره‌ی چهارم ق ـم و اوایل هزاره‌ی پنجم ق – م شناسائی شده است.

**آثار تاریخی خدابنده:** ۱ـ بقعه‌ی قیدار نبی، ۲- مسجد جامع فلابر، ۳ـ مسجد جامع سجاس. - هوشنگ ثیوتی.

**خدابنده (مرکز شهرستان):** شهر خدابنده (قیدار) مرکز شهرستان خدابنده از شهرستانهای استان زنجان و در طول جغرافیایی ۳۵ دقیقه و ۴۸ درجه و در عرض جغرافیایی ۳۶ دقیقه و ۰۷ درجه قرار دارد و در ۲۰۵۰ متری از سطح دریا قرار دارد.

**خدابنده بخش مرکزی:** از بخش‌های شهرستان خدابنده استان زنجان و مرکز آن شهر قیدار و دارای ۴ دهستان: (۱ـکرسف، ۲ـ حومه، ۳- سهرود، ۴ـ خرارود) است.

**خرارود:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خدابنده استان زنجان و مرکز آن محمود آباد است. در منطقه‌ای دشتی سرد خشک و رود خرارود در آن جریان و کوه قنبرلو در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، بنشن، فرش، دام و فرآورده‌های دامی است.

**پوشش گیاهی:** خاکشی و کهلیک اوتی و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران:** شغال، گرگ، روباه و خرگوش.

**خرارود:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خدابنده استان زنجان مرکز آن محمود آباد است و در منطقه‌ای پایکوهی سرد خشک و کوه تره عبدال و کوه قزل جا قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره بار، بنشن، سیب و زرد آلو.

**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، گل بنفشه، قدومه، پونه و پرسیاوشان و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قرقاول و کبک.

**خرمدره:** از شهرستان‌های زنجان و مرکز آن شهر خرمدره است که در ۱۳۷۶/۵/۸ تبدیل به شهرستان گشت. دارای بخش مرکزی و دارای دو دهستان (۱ـ خرمدره، ۲ـ الوند) است.

**رود:** رود گندل دره که از کوه گرایلی سرچشمه گرفته، از میان شهرک خرمدره می‌گذرد و به زنجان

رود می‌ریزد.
**کوه‌ها:** ۱ـکوه گرایلی در جنوب خاوری، ۲ـکوه سلطانی بی نجی در جنوب، گوزل دره در شمال، چراگاه سکین چمن در ۲ کیلومتری جنوب قرار دارد.
**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری، باغداری، کارگری، پرورش زنبور عسل و فرش بافی استوار است.
نوع کشت آبی: آبی و دیمی، آب کشاورزی و آب آشامیدنی از رود و چشمه‌ها.
**رستنی‌ها:** گیاهان داروئی، گل گاو زبان، گل ختمی، خاکشی، پونه و گل بنفشه، پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
**فرآورده‌ها:** گندم ، جو، تره بار، بنشن، یونجه، انگور، سیب، زرد آلو، گردو، گلابی و گیلاس.
**خرمدره:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خرمدره استان زنجان و مرکز آن قلعه حسینیه است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد خشک و شاخابه‌ای از رود ابهر رود جریان دارد. و کوه اوچ قاشق و کوه ایده داغ در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره بار، بنشن، انگور، بادام، گردو و زردآلو و عسل.
**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، ختمی، شیرین بیان، خاکشی و گیاهان مرتعی.
**خرمدره (مرکز بخش):** مرکز بخش خرمدره، از بخشهای شهرستان ابهر استان زنجان در ۱۲ درجه و ۴۹ دقیقه طول جغرافیائی و در ۱۳ درجه و ۳۶ دقیقه عرض جغرافیائی ودر بلندی ۱۵۷۰ متری از سطح دریا قرار دارد.
**آب و هوا:** معتدل خشک، در ۴ کیلومتری شمال باختری شهر ابهر
**داش کسن:** در روستای (ویر) ابهر که در ۱۵ کیلومتری جنوب روستای عمید آباد قرارگرفته که بر روی کوه نقش برجسته از تصویر اژدها حجاری شده و به نام داش کسن معروف است که اهالی آن را شیرین و فرهاد هم می‌گویند. تزئینات دیگری بر روی این سنگ‌ها مثل درخت و گل و بوته وجود دارد. این بنا در محوطه‌ای به مساحت ۶۱۴ متر مربع ساخته شده و به وسیله‌ی دیوارهای سنگی محصور گردیده، غاری نیز در محل مشاهده می‌شود این بنا قدمت تاریخی زیادی دارد.
**درسجین:** از دهستان‌های مرکزی شهرستان‌های ابهر استان زنجان و مرکز آن درسجین است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد خشک و کوه دربند و کوه خلف سارد قرار دارد. رود درسجین چای در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره بار، انگور، زردآلو و گردو.
**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، ختمی، پرسیاوشان، شیرین بیان، بابونه، خاکشی و گیاهان مرتعی.
**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
**دستجرده:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان طارم، استان زنجان و مرکز آن دستجرده است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل مرطوب و کوه گوگان و کوه قلعه پره و گردنه قره کتلی قرار و رود قزل اوزن در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، سیب، بنشن، پنبه، تره بار، انگور، انار و آلو زرد.
**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، ختمی، شیرین بیان، بابونه و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

**دندی (مرکز بخش):** شهر دندی مرکز بخش انگوران از بخشهای شهرستان زنجان، استان زنجان در ۹۰ کیلومتری مغرب زنجان و در پایان مسیر راه اصلی زنجان ـ دندی و در طول جغرافیائی ۴۷ درجه و ۳۷ دقیقه و در عرض جغرافیائی ۳۶ درجه و ۳۲ دقیقه و در بلندی ۱۵۷۰ متری از سطح دریا قرار دارد.

**آب و هوا:** نسبتاً سرد و خشک، بیشترین درجه گرما ۳۵ درجه بالای صفر و کمترین درجه ۲۰ درجه زیر صفر و مقدار بارندگی سالانه بطور متوسط ۳۰۰ میلیمتر است.

**دولت آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ابهر استان زنجان و مرکز آن دولت آباد است.

**زرینه رود:** از دهستان‌های بخش بزینه رود شهرستان خدابنده استان زنجان و مرکز آن زرین رود است.

**زنجان (استان):** حداقل طول شرقی ۱۰ دقیقه و ۴۷ درجه و حداکثر ۲۶ دقیقه و ۴۹ درجه عرض شمالی ۳۳ دقیقه و ۳۵ درجه و حداکثر ۱۵ دقیقه و ۳۷ درجه.

**زنجان (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان زنجان استان زنجان و مرکز آن شهر زنجان و دارای ۸ دهستان: (۱ـ بوغداکندی، ۲ـ بناب، ۳ـ تهم، ۴ـ زنجانرود بالا، ۵ـ معجزات، ۶ـ قلتوق) است.

در منطقه‌ای سرد خشک و کوه تکه قیه سی و کوه بیلوتی قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، زردآلوه سیب، گیلاس، آلبالو، هلو، تره بار و سنجد.

**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، پونه، شیرین بیان و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، گزن، قرقاول و کبک.

**زنجانرود بالا:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زنجان استان زنجان و مرکزش اسفجین است. در منطقه‌ای دره‌ای سرد خشک و کوه تکه قیه سی و کوه بیلوتی در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، زردآلو، سیب، گیلاس، آلبالو، هلو، تره بار و سنجد.

**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، پونه، شیرین بیان و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، گوزن، قرقاول و کبک.

**زنجان رود (بخش):** از بخش‌های شهرستان زنجان، استان زنجان که مرکز این بخش روستای نیک پی دارای چهار دهستان (۱ـ زنجانرود پائین، ۲ـ چاپپاره‌ی بالا، ۳ـ چاپپاره‌ی پائین، ۴ـ غنی بیگلو) است.

**زنجانرود پائین:** از دهستان‌های بخش زنجانرود شهرستان زنجان و مرکز آن نیک پی است. و در منطقه‌ای دشتی سرد خشک قرار و زنجانرود در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه و تره بار.

**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، کاسنی، ختمی، بابونه و قدومه.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قرقاول و کبک.

**زنجان (شهرستان):** از شهرستان‌های استان زنجان می‌باشد که از شمال به شهرستان‌های خلخال و میانه، از خاور به شهرستان‌های صومعه سرا و فومن و رودبار (از استان گیلان) از جنوب

خاوری به شهرستان‌های قزوین و ابهر، از جنوب به شهرستان‌های خدابنده، از جنوب باختری به شهرستان بیجار (از استان کردستان) از باختر به بخش تکاب (شهرستان میاندوآب) و از شمال باختری به شهرستان هشترود (از شهرستانهای آذربایجان شرقی) محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر زنجان، دارای دو بخش ۱ـ بخش مرکزی دارای ۸ دهستان (۱ـ بوغد اکندی، ۲ـ بناب، ۳ـ تهم، ۴ـ زنجانرود بالا، ۵ـ معجزات، ۶ـ قلتوق ۷ ـ معجزات ۸ ـ قره‌پشتلوی پایین) ۲ـ بخش زنجانرود دارای چهار دهستان (۱ـ چاپپاره بالا ۲ـ چاپاره پائین ۳ـ زنجانرود پائین ۴ـ غنی بیگلو) است.

**کوه‌ها:** ۱ـرشته‌های کوه‌های البرز شمال شهرستان زنجان را در برگرفته، این رشته کوه‌ها جهت خاوری ـ باختری دارد و برخی از این کوه‌ها: ۱ـ کوه طالقان، ۲ـکوه سیالان، ۳ـکوه الموت بلندترین قله این رشته در منطقه‌ی زنجان ۴۴۰۰ متر بلندی دارد.

به طور کلی شهرستان زنجان از منطقه‌ای نیمه کوهستانی ـ نیمه دشتی پدید آمده است.

**رستنی‌ها:** جنگل‌های متعددی در نواحی مختلف شهرستان زنجان روئیده از جمله: بادام کوهی، پسته‌ی کوهی، گردو، اقاقیا، زیتون، ولیک، تمشک و زرشک. گیاهان داروئی: گل گاو زبان، گل ختمی، پونه و گل بنفشه.

**پوشش‌های گیاهی:** برای چرای دام: ۱ـ چراگاه متوسط (فصل استفاده از اول خرداد) ۲ـ چراگاه میان بند (از اوایل بهار تا اواخر پائیز، ۳ـ چراگاه‌های قشلاقی (از اوایل زمستان تا اواخر بهار).

**کان‌ها:** ۱ـ سرب، ۲ـ مس، ۳ـ طلا، ۴ـ منگنز، ۵ـ سیلیس، ۶ـ زاج، ۷ـ تالک (طلق)، ۸ـ فلداسپات، ۹ـ کائولین، ۱۰ـ دولومیت، ۱۱ـ آهن، ۱۲ـ زغالسنگ.

**نژاد و زبان:** آریائی نژادنند و به زبان ترکی با گویش‌های محلی سخن می‌گویند.

**جانوران و پرندگان:** قوچ، میش، کل، آهو، خرس، پلنگ، گرگ، کفتار، گربه وحشی، روباه، شغال، خرگوش، کبک، عقاب، کرکس، درنا، لک لک، فلامینگو و انواع مرغابی.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و صنایع ماشینی و صنایع دستی استوار است. ۱ـکشاورزی پر رونقی دارد اگر وضع مالی کشاورزان بهبود یابد، کشاورزی به صورت نیمه مکانیزه و سنتی انجام می‌شود ـ نوع کشت بیشتر دیمی است و از کشت آبی با آب رودها، چشمه سارها، کاریزها و چاه‌های ژرف ـ روش آبیاری به صورت سنتی و کرتی صورت می‌گیرد.

۲ـ دامداری پرفعالیت و پر درآمدی به شیوه‌ی سنتی و صنعتی دارد. واحدهای صنعتی گاوداری و مرغداری متعدد مشغول بکارست.

۳ـ صنایع ماشینی و صنایع دستی: ۱ـ صنایع غذائی، ۲ـ نساجی، ۳ـ پوشاک، ۴ـ چرم، چوب، معدنی و فلزی محصولات صنایع دستی: فرش، چاقو، ظروف مسی، ملیله کاری، سفال گری و منبت کاری.

**فرآورده‌ها:** غلات، میوه‌ها، دام و فرآورده‌های دامی تولیدات صنعتی و محصولات صنایع دستی.

**رودها:** ۱ـ رود قزل اوزن از مهمترین رودهای شهرستان زنجان است که از کردستان سرچشمه گرفته، و از قشلاقات افشار در حومه خدابنده وارد شهرستان زنجان می‌شود و پس از دریافت

شاخابه‌هائی از سجاس رود و ایجرود و پیشروی در منطقه ماه نشان شاخابه‌هائی از بیانلو و با پیوستن به زنجان رود در حوالی رجئین پر آب تر شده و با گذشتن از دامنه‌های قافلانکوه در نزدیکی میانه و پیوستن به قرانقوچای، منطقه را دور زده و سرانجام با پیوستن چند شاخابه سفید رود نام می‌یابد و به دریای خزر می‌ریزد. این رود در مسیر طولانی خود در شهرستان زنجان موحب ازدیاد و کاسته شدن سردی هوا گردیده و نقش مؤثری را در رونق کشاورزی ایفا نموده است. ۳ ابهر رود از جبهه‌ی شرقی چمن سلطانیه حرکت کرده و پس از دریافت آب خرارود در منطقه‌ی ضیاء آباد تاکستان در جنوب شرقی به دریاچه حوض سلطان قم می‌ریزد. ۴ ایجرود، از کوه‌های زنجان جنوبی سرچشمه گرفته و پس از آبیاری مسیر خود به قزل اوزن می‌پیوندد. ۵ـ سجاس رود از زمین‌های مجید آباد توابع خدابنده روانگشته و پس از دریافت شاخابه هائی چند سرانجام به قزل اوزن می‌پیوندد. ۶ـ خرارود، از ارتفاعات خدابنده سرچشمه گرفته و به سوی شرق روان می‌شود و پس ازگذشتن از زمین‌های محمود آباد، نورآباد و دیگر زمین‌ها به دریاچه حوض سلطان می‌ریزد. ۷ـ بزینه رود ـ از نزدیکی روستاهای بزین و کهلا و کوه‌های غربی خرقان روان گشته و پس آبیاری مسیر خود و دریافت چند شاخابه به رود قزل اوزن می‌پیوندد.

**آب و هوا:** بر حسب پستی و بلندی منطقه متغیر و در مجموع بلندی‌ها، دارای آب و هوای سرد کوهستانی و زمستان‌های پر برف و سرد و تابستان معتدل و خشک است. دره‌های قزل اوزن آب و هوائی معتدل‌تر و زمستان‌های معتدل و تابستان‌های نسبتاً گرم، جلگه‌های میان بلندی‌ها مانند جلگه سجاس، منطقه‌ی قشلاقات افشار و قسمت سفلای زنجان رود دارای آب و هوای معتدل‌تری است. درجه‌ی گرما در تابستان‌ها به ۳۷/۱ درجه بالای صفر و در زمستان‌ها تا ۱۹/۵ درجه زیر صفر می‌رسد. میزان متوسط بارندگی حدود ۳۰۰ میلی متر است.

شهرستان زنجان با ۲۱۸۴۸ کیلومتر مربع مساحت دارد، منطقه‌ای کوهستانی است که به صورت بلندی به نظر می‌رسد و در اثر تجزیه رود جلگه‌های حاصلخیز مستقلی را تشکیل می‌دهد. ناهمواری‌های شهرستان زنجان با کوه‌های متعدد کاملاًگویاست، کوه‌های زنجان شمالی و کوه‌های زنجان جنوبی به طور طبیعی از شمال غربی به جنوب شرقی ممتد است و دره نجان رود برزخی را میان قزل اوزن سفلی و علیا پدید آورده و بخش‌های قره پشتلو و طارم علیا در منطقه رشته کوه‌های زنجان شمالی قرارگرفته است.

زنجان را برخی معرب زنگان پنداشته و نام دیگر شهرستان زنجان خمسه بوده زیرا در اواخر قاجاریه بعلت استقرار ایلات پنجگانه (۱ـ ایل شاهسون، ۲ـ اوصانلو، ۳ـ مقدم، ۴ـ بیات، ۵ـ ایل خدابنده لو). در لغت نامه‌ی دهخدا آمده است شهرستان زنجان از پنج بلوک به نام بخش حومه، بخش ابهر رود، بخش قیدار، بخش ماه نشان، بخش سردان پدید آمده است. ـ تاریخ زنجان هوشنگ ثبوتی.

**سجاس رود:** از دهستان‌های بخش سجاس رود شهرستان خدابنده استان زنجان و مرکز آن چوزوک است. و در منطقه‌ای دشتی سرد خشک و کوه چقارقانی قرار و رود سجاس در آن جریان دارد. و کوه جهان داغ و کو ه گوزی داغی.

**فرآورده‌ها:** گندم، یونجه، انگور، سیب و زرد آلو.

**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، ختمی، شیرین بیان، خاکشی و پونه.
**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و قرقاول.
**سـعید آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی و شهرستان ایجرود استان زنجان و مرکز آن سعید آباد است. و در منطقه‌ای دشتی سرد خشک و کوه گوجه و کوه داش کسن و گردنه قزلجه قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، بنشن، سیب، زرد آلو، انگور و تره بار.
**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، کاسنی، شیرین بیان، بومادران و گیاهان مرتعی.
**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، خرگوش، روباه و کبک.
**سلطانیه:** از دهستان‌های بخش سلطانیه شهرستان ابهر استان زنجان و مرکز آن قره بلاغ است. و در منطقه‌ای میانکوهی، سرد خشک و کوه قوات و کوه قره داغ قرار و شاخابه‌ای از رود ابهر رود در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، تره بار، انگور، گردو و زرد آلو.
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.
**جانوران و پرندگان:** گراز، شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
**سلطانیه:** از بخش‌های شهرستان ابهر استان زنجان است که از شمال به بخش طارم علیا (از بخش‌های شهرستان زنجان)، از خاور و جنوب خاوری به حومه‌ی ابهر، از جنوب و جنوب باختری به شهرستان خدابنده و از باختر به شهر زنجان محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر سلطانیه دارای ۳ دهستان (۱ـ سلطانیه، ۲ـ سنبل آباد، ۳ـ گوزل دره) است.
رود زنجان رود در چمن سلطان سرچشمه گرفته و به سوی زنجان پیش می‌رود.
**کوه‌ها:** ۱ـ دچه، ۲ـ ساری داش در جنوب، ۳ـ گنگ دره، ۴ـ قره داش در جنوب خاوری.
**آب و هوا:** معتدل مایل به سرد و خشک.
**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان ترکی با گویش‌های محلی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** گیاهان داروئی: گل گاو زبان، پونه، گل ختمی و گل بنفشه، پوشش گیاهی: برای چرای دام خیلی فراوان.
**جانوران و پرندگان:** آهو، گرگ، روباه، شغال، خرگوش و کبک.
**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی و دامداری استوار است. کشاورزی بیشتر به صورت نیمه مکانیزه و نوع کشت بیشتر دیم و آبیاری به وسیله‌ی چاه‌های ژرف و کاریزها است. دامداری به شیوه‌ی سنتی گاو شیرده پرورش داده می‌شود.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن و تره بار (بیشتر سیب زمینی) و دام و فرآورده‌های شیری.
**بخش سلطانیه** از شمال به بخش طارم علیا، از مغرب به بخش حومه از شهرستان زنجان، از جنوب به شهرستان خدابنده و از مشرق به شهرستان ابهر رود محدود و حدود ۹۴۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. این بخش دارای ۳۴ روستاست. مهم‌ترین مختصه‌ی سلطانیه پس از آثار تاریخی مهم آن وجود چمن معروف سلطانیه است. این چمن قسمتی از فلات زنجان ـ ابهر را در برگرفته و از فاصله گرفتن دو رشته بلندی‌های موازی که در جهت شرقی ـ غربی ادامه دارد تشکیل گردید، حدود ۳۵ کیلومتر مربع مساحت دارد. محمد علی مخلصی

**سابقه‌ی تاریخی و باستانی:** در داخل چمن سلطانیه شش محوطه باستانی بدین قرار وجود دارد: ۱ـ تپه‌ی تاریخی یوسف آباد، ۲ـ تپه‌ی تاریخی قلعه، ۳ـ محوطه‌ی تاریخی شهر سلطانیه، ۴ـ تپه‌ی تاریخی نور، ۵ـ تپه‌ی تاریخی چمن، ۶ـ تپه‌ی تاریخی قلعه.

از بررسی‌های باستان‌شناسی برمی آیدکه این منطقه از اواخر هزاره‌ی دوم ق - م تا حمله مغول مورد استفاده اقوام مختلف بود.

برخی از آثار تاریخی مهم سلطانیه: ۱ـ ارگ سلطنتی در مساحتی حدود ۱۸ هکتار مربع و خندق و حصار داشته، این ارگ ۱۶ برج و یک دروازه‌ی داشته و ارتفاع دیوار هم اکنون حدود ۴ متر است. ۲ـ مجموعه تاریخی چلبی اوغلی ـ در ۵۰۰ متری جنوب غربی سلطانیه، بر سر راه سلطانیه ـ خدابنده قرارگرفته ـ این مجموعه از دو بخش خانقاه و مقبره تشکیل شده است. ۳ـ بقعه‌ی ملاحسن کاشی در فاصله‌ی ۳/۵ کیلومتری شهر سلطانیه، دارای پلان هشت ضلعی و دورنمای داخلی با ترکیب و تلفیق ایوانهای جانبی به مربع تبدیل شده اصلاح هشتگانه به قرینه مقابل به هم هر یک ۸/۵ متر و ۷/۷ متر طول دارد.

ایوان‌های چهارگانه در طبقه‌ی هم کف با دهلیز زیبائی به یکدیگر مرتبط است. ایوان‌های کوچک که به دو طبقه تقسیم شده با یک پله‌ی ارتباطی با ایوان‌های بزرگ در طبقه‌ی هم کف مرتبط می‌شوند.

**گنبد سلطانیه** در قسمت جنوب غربی کهندژ(ارگ سلطنتی) یکی از بزرگ‌ترین بناهای ایران و گنبد بزرگ و باشکوهش سومین گنبد دنیا (۱ـ گنبد مسجد ایاصوفی، ۲ـ گنبد کلیسای سانتا ماریا در فلورانس، ۳ـ اثر تاریخی داش کسن در ۱۰ کیلومتری جنوب شرقی سلطانیه، در نزدیکی روستای ویر، به شک مستطیل به طول ۴۰۰ متر و عرض آن از شمال به جنوب کاسته و حدوداً از ۳۰۰ متر تا ۵۰ متر در نوسان است.

**سنبل آباد:** از دهستان‌های بخش سلطانیه شهرستان ابهر استان زنجان و مرکز آن سنبل آباد است. و در منطقه‌ای دشتی سرد خشک قرار گرفته.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، بنشن، سیب، تره بار و زردآلو.

**پوشش گیاهی:** گل ختمی، خاکشی و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

**سهرورد:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان خدابنده استان زنجان و مرکز آن سهرود است. و در منطقه‌ای میانکوهی و پایکوهی سرد خشک و کوه یل عینی داغی و کوه‌گونی داغی و کوه‌کوکتان (قره داغ) قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، بنشن، زرد آلو و عسل.

**پوشش گیاهی:** گل ختمی، بابونه و گیاهان مرتعی.

**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش.

**شیوانات:** از دهستان‌های بخش افشار شهرستان خدابنده استان زنجان و مرکز آن گرماب است.

**صائین قلعه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ابهر استان زنجان و مرکز آن عمید آباد است. و در منطقه‌ای میانکوهی سرد خشک و کوه دور و کوه سفید و کوه قره داش قرار و رود کمر رود در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره بار و بنشن.

**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، ختمی، کاسنی و پونه.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قرقاول و کبک.

**طارم ـ بخش مرکزی:** از بخش‌های شهرستان طارم استان زنجان و مرکز آن شهر آب بر و دارای ۳ دهستان (۱ـ آب بر، ۲ـ گیلوان، ۳ـ درام) است. در منطقه‌ای سرد خشک و کوه قرق تپه و کوه سیاه چال و دریاچه‌ی منجیل قرار و رود قزل اوزون در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** برنج، تره بار، یونجه، زیتون، انار و سیب.

**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، ختمی، پونه، خاکشی، کاسنی و بومادران و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه و کبک.

**طارم (شهرستان):** از شهرستان‌های استان زنجان است که مرکز شهر آب بر و مرکز بخش مرکزی آن شهر آب بر می‌باشد. بخش طارم علیا از شمال و شمال باختری به بخش شاهرود از بخش‌های شهرستان خلخال از شمال خاوری و خاور به شهرستان رودبار و بخش طارم سفلی (از بخش‌های شهرستان قزوین) و از جنوب و باختر به شهرستان زنجان محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر آب بر دارای دو بخش ۱ـ مرکزی دارای ۳ دهستان (۱ـ آب بر، ۲ـ گیلوان، ۳ـ درام) ۲ـ بخش جورزق و دارای دو دهستان است: ۱ـ جورزق، ۲ـ دستجرده است.

**رودها:** رود قزل اوزن از شهرک آب بر مرکز بخش می‌گذرد و ضمن آبیاری مسیر خود وارد سد منجیل می‌گردد.

**کوه‌ها:** ۱ـ کوه جمال آوا، ۲ـ هزار رود، ۳ـ سرای گدار، ۴ـ خانه خل در شمال، ۵ـ کوه خوشون، ۶ـ کوه خرمن گله سر در خاور، ۷ـ کوه گزگلیان، ۸ـ کوه خشکه نی در جنوب خاوری، ۹ـ کوه قراول، ۱۰ـ کوه کوگان، ۱۱ـ کوه قلعه پره در جنوب، ۱۲ـ کوه کهلان، ۱۳ـ کوه جلال الدین در جنوب باختری.

**کان‌ها:** نمک به شیوه‌ی سنتی از معادن درشت و زهرآباد استخراج می‌شود.

**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان فارسی و ترکی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** گیاهان داروئی: گل گاو زبان، گل بنفشه، کاسنی، خاکشی، گل ختمی، شیرین بیان، قدومه، بابونه و پرسیاوشان ـ پوشش گیاهی ـ برای چرای دام: بسیار فراوان.

**جانوران و پرندگان:** گرگ، روباه، گراز، شغال، مار، کبک و قرقاول.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی و دامپروری و صنایع دستی استوار است. کشاورزی به صورت سنتی و نیمه مکانیزه و نوع کشت آبی و دیمی انجام و ۹۵٪ درآمد مردم این سامان از راه کشاورزی تأمین می‌شود. دامداری نیز سهمی در گذران زندگی مردم دارد، قالی بافی، گلیم بافی، جاجیم بافی و نمد مالی از منابع دیگر درآمد اهالی است.

**منطقه‌ی طارم ـ** طارم در شمال استان زنجان از دو بخش تشکیل یافته است: ۱ـ طارم سفلی که مرکزش سیروان و در محدوده شهرستان قزوین می‌باشد. آب و هوای آن سرد است. ۲ـ طارم علیا که مرکزش آب بر است و در محدوده شهرستان زنجان قرار گرفته است. آب و هوای آن گرم و نیمه مرطوب می‌باشد. آب مورد نیاز روستاهایش از چشمه‌ها و رودها فراهم گشته ـ رود قزل اوزن از میان طارم علیا می‌گذرد که نقش مهمی در آبیاری کشتزارها دارد. کتابهای درسی

**فرآورده‌ها:** برنج، گندم، پنبه، بنشن، تره بار، زیتون، توت انجیر، انگور، فندق، انار و بادام، دام و

فرآورده‌های دامی و عسل.
**طارم علیا:** از دهستان‌های بخش طارم علیا شهرستان زنجان استان زنجان و مرکز آن آب بر است. و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل مرطوب و کوه دشدم و کوه گزه مرنو قرار و رود قزل اوزون در آن جریان دارد. رود چپقلوچای و کوه سولوجا و کوه گونی در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره بار، انگور، بادام، گردو، فندق، انجیر، توت، گیلاس و انار و عسل.
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.
**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز، قرقاول و کبک.
**غنی بیگلو:** از دهستان‌های بخش زنجانرود از شهرستان زنجان استان زنجان و مرکز آن اندآباد علیا است. در منطقه‌ای پایکوهی سرد خشک و کوه قره کول و کوه قاراداش قرار دارد.
**فرآورده ها:** گندم و جو و یونجه.
**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، کاسنی، ختمی، قدومه، بابونه و گیاهان مرتعی.
**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قرقاول و کبک.
**قره بشلوی بالا:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زنجان استان زنجان و مرکز آن ارمغانخانه است. و در منطقه‌ای دشتی سرد خشک و کوه طوالش داغی و کوه قصابه داغی و کان مس، قرار ورود قره چیان در آن جریان دارد.
**فرآورده ها:** گندم، جو، یونجه، بنشن، زردآلو، گیلاس، آلبالو و تره بار.
**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، بومادران، پونه و گیاهان مرتعی.
**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قرقاول و کبک.
**قره پشتلوی پائین:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زنجان استان زنجان و مرکز آن قبله بلاغی است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد خشک و کوه قایماق اوچاق قرار گرفته.
**فرآورده ها:** گندم، جو، تره بار، یونجه و بنشن.
**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، پونه، بومادران و گیاهان مرتعی.
**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
**قشلاقات افشار:** از دهستان‌های بخش افشار شهرستان خدابنده استان زنجان و مرکز آن باش قشلاق است و در منطقه‌ای دشتی سرد و خشک قرار گرفته.
**فرآورده ها:** گندم، جو، بنشن، یونجه و تره بار.
**پوشش گیاهی:** بابونه، گل گاو زبان، گل ختمی، گیاهان مرتعی.
**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
**قلتوق:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زنجان استان زنجان و مرکز آن قلتوق است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد خشک و کوه القیات و گردنه قزلجه قرار و رود اشاقابلاغ در آن جریان دارد.
**فرآورده ها:** گندم، جو، تره بار، زرد آلو، انگور و سیب.
**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، ختمی، خاکشی، شیرین بیان، کاسنی و گیاهان مرتعی.
**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، گوزن و کبک.
**کرسف:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خدابنده استان زنجان و مرکز آن کرسف است. در منطقه‌ای پایکوهی سرد خشک و کوه قیدار قرار و کان گچ دارد.

**فرآورده ها:** گندم، جو، یونجه، بنشن، سیب، گردو، انگور و گلابی.
**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، خاکشی، گل ختمی، گل بنفشه و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه و خرگوش.
**گرماب (مرکز بخش):** در ارتفاع ۱۶۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد، بخش افشار مرکز آن گرماب دارای دو بخش شیوانات و قشلاقات افشار است. شهرک گرماب مرکز بخش افشار، از بخش‌های شهرستان خدابنده، استان زنجان و در ۶۰ کیلومتری جنوب باختر قیدار (مرکز شهرستان خدابنده) است.
**رودها:** رود شور با جهت جنوب به شمال از یک کیلومتری خاور شهرک گرماب می‌گذرد، تا این که به رود قزل اوزون می‌پیوندد.
**کوه‌ها:** ۱ـ کوه ساقیز لوداغی، ۲ـ کوه قاپالاغلی داغی در جنوب و جنوب باختر و باختر سر برآورده‌اند.
غار کتله‌خور در جنوب باختر در کوه‌های ساقیز لوداغی است.
**آب و هوا:** سرد و خشک بیشترین درجه‌ی گرما در تابستان‌ها تا ۳۷ درجه‌ی بالای صفر و کمترین درجه زمستان‌ها تا ۲۲ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه حدود ۳۰۰ میلی متر است.
**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و بیشتر به ترکی سخن می‌گویند.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، بنشن و انگور.
آب کشاورزی و آشامیدنی از رود، چشمه و کاریز (با لوله کشی به خانه‌ها می‌رود). برق از شبکه‌ی سراسری منطقه‌ی غرب (سد دز) فراهم گشته است.
**صادرات:** گندم، جو، بنشن و انگور.
**راه‌ها:** جاده‌ی گرماب، قیدار به طول ۶۰ کیلومتر به سوی شمال خاور.
**گلابر:** از دهستان‌های بخش مرکزی و شهرستان ایجرود استان زنجان و مرکز آن جرقین است.
**گوزل دره:** از دهستان‌های بخش سلطانیه شهرستان ابهر استان زنجان و مرکز آن گوزل دره سفلی است. و در منطقه‌ای پایکوهی و دره‌ای سرد و خشک و کوه شیخ سوری و کوه گرایلی قرار و شاخابه‌ای از رود زنجان رود در آن جریان دارد.
**فرآورده ها:** گندم، جو، تره بار، بنشن، سنجد، یونجه، انگور، زردآلو، سیب، آلوچه و گردو.
**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، ختمی، خاکشی، بومادران و گیاهان مرتعی.
**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قرقاول و کبک.
**گیلوان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان طارم استان زنجان و مرکز آن گیلوان است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد خشک و کوه قرق تپه و کوه سیاه چال رود قزل اوزن و رود گیلوان در آن جریان دارد.
**فرآورده ها:** زیتون، گندم، جو، تره بار، یونجه، انار، سیب، گردو، انجیر، گیلاس و آلبالو.
**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، ختمی، پونه، خاکشی، کاسنی و بومادران و گیاهان مرتعی.
**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قرقاول و کبک.
**ماه نشان (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان ماه نشان استان زنجان و مرکز آن شهر ماه نشان و دارای ۳ دهستان (۱ـ ماه نشان، ۲ـ قزل گچیلو، ۳ـ اوریاد) است.
**ماه‌نشان (شهرستان):** از شهرستان‌های استان زنجان می‌باشد که از شمال به شهرستان میانه، از مشرق به حومه‌ی زنجان، از جنوب به بخش انگوران، از جنوب غربی و مغرب به شهرستان تکاب محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر ماه نشان دارای دو بخش: ۱ـ مرکزی دارای ۳ دهستان (۱ـ ماه نشان، ۲ـ قزل گچیلو، ۳ـ اوریاد)، ۲ـ بخش انگوران دارای دو دهستان: (۱ـ انگوران، ۲ـ قلعه جوق) است.
**رودها:** ۱ـ قزل اوزن که از کوه‌های چهل چشمه کردستان سرچشمه گرفته و پس از پیوستن به چند رود، سرانجام به نام سفید رود است که به دریای خزر می‌ریزد ـ چشمه‌های دائمی از جمله چشمه‌ی بلاغ

بیشتر آب آشامیدنی مردم بخش را تأمین کرده.
**کوه‌ها:** کوه‌های متعددی از رشته کوه‌های زاگرس در منطقه وجود دارد که از بلندترین آن‌ها ۱- صندوق سندران است که از سطح دریا ۳۱۴ متر بلندی دارد، ۲- بوشان (۲۸۰۰ متر)، ۳- قاریاقدی (۲۸۵۰ متر)، ۴- قبله داغ (۳۲۰۵ متر)، ۵- آق داغ (۲۳۸۴ متر)، ۶- چاله خاتون (۲۳۵۰ متر)، ۷- داش داغ (۲۳۵۰ متر)، ۸- گوشکار (۲۳۱۹ متر)، ۹- علی آباد (۲۳۷۶ متر)، ۱۰- قزل تپه (۲۰۴۰ متر)، ۱۱- داش کسن (۲۰۲۰ متر)، ۱۲- علی آباد (۲۳۷۶ متر)، کت داغ (۲۵۱۱ متر)، ۱۳- گوجه (۲۲۲۰ متر).
**کان‌ها:** فله اسپات، سنگ مرمر، کائولن و نمک.
**آب و هوا:** نسبتاً سرد و خشک، با شرایط کوهستانی، تابستان‌های معتدل و زمستان‌ها سرد و پربرف.
**رستنی‌ها:** درختان بنه، زالزالک وحشی و ارژن - گیاهان داروئی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** خرگوش، روباه، گرگ، شغال، گراز، بزکوهی، کبک و تیهو.
**درآمد:** بر پایه‌ی کشاورزی، باغداری، دامپروری، پرورش طیور و صنعت استوار است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، برنج، گیاهان علوفه‌ای، بنشن، تره بار، انگور، زرد آلو، سیب، کشمش، دام و فرآورده‌های دامی.
کشاورزی به شیوه‌ی سنتی دیم و آبی و آب کشاورزی از رودها و چاه‌ها فراهم گشته.
ماه نشان منطقه‌ای است کوهستانی در غرب زنجان که از لحاظ جغرافیائی، در دامنه‌ی قسمتی از کوهپایه‌های رشته کوه‌های زاگرس و در کنار رود قزل اوزن قرار گرفته، این رود، ماه نشان را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند. بیشتر روستاها در قسمت جنوبی آن برافراشته شده است. کتابهای درسی
**ماه‌نشان (مرکز بخش):** شهر ماه‌نشان مرکز بخش ماه‌نشان از بخشهای شهرستان زنجان، استان زنجان در طول جغرافیایی ۴۰ درجه و ۴۷ دقیقه و در عرض جغرافیائی ۴۵ درجه و ۳۶ دقیقه و در بلندی ۱۳۰۰ متری از سطح دریا و در ۱۰۴ کیلومتری شمال غربی زنجان و در مسیر راه نیک پی - دندی قرار دارد.
**رودها:** ۱- رود دائمی قزل‌اوزون از مشرق شهر ماه‌نشان می‌گذرد. از چشمه فصلی بلاغ برای آب آشامیدنی استفاده می‌شود.
**کوهها:** ۱- داریک لی‌قایاسی (۱۶۰۰ متر) در ۳ کیلومتری مشرق ۲- کوه یارخ یا رخ داغی (۱۷۰۰ متر) در مغرب شهر ماه‌نشان.
**آب و هوا:** نسبتاً سرد و خشک، بیشترین درجه گرما ۲۵ درجه بالای صفر و کمترین درجه ۳۰ درجه زیر صفر و مقدار ریزش باران سالانه بطور متوسط ۳۰۰ میلیمتر است.
**رستنی‌ها:** درختان بنه، زالزالک وحشی وارژن - گیاهان داروئی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** خرگوش - روباه، گرگ، آهو، شغال، گراز، بزکوهی، کبک، قرقاول و تیهو
**زبان:** ترکی
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، برنج، انگور، زردآلو، سیب، گیاهان علوفه‌ای، تره‌بار، دام و فرآورده‌های دامی، کشمش
**راهها:** ۱- راهی به طول ۶۸ کیلومتر به سوی شرق تا مرکز بخش نیک‌پی که از آن راه به جاده اصلی زنجان - میانه می‌پیوندد. ۲- راه فرعی به طول ۳۰ کیلومتر به سوی جنوب غربی تا مرکز بخش دندی که از آن طریق به جاده اصلی انگوران - زنجان متصل است.
**وننق:** در فاصله ۲۶ کیلومتری جاده زنجان به میانه جاده‌ای فرعی وجود دارد که پس از طی ۲۱ کیلومتر به دهکده وننق ختم می‌شود. در نزدیکی دهکده دو مظهر چشمه وجود دارند که در دامنه تپه‌ای واقع شده‌اند. جنس اصلی تپه از ماسه سنگهای دانه‌ریز می‌باشد که سطح آن را رسوبات آبرفتی دوران چهارم پوشانده‌اند.
آب چشمه و ننق از دسته آبهای سولفاته کلسیک گرم می‌باشد. آشامیدن این آبها مدر بوده و

دفع کننده فضولات می‌باشد. بر روی کبد و مجاری صفرا مؤثر بوده و به سبب گرم بودن آن استحمام در آنها آرام‌بخش است و در درمان رماتیسم و دردهای عصبی و مفصلی مؤثر می‌باشد.

**رودخانه:** اغلب رودخانه‌های این منطقه به‌علت تأثیر عوامل طبیعی کم آب و سیلابی بوده و به علت ذوب شدن برف‌ها در بهار پرآب می‌باشند. رودخانه‌های مهم آن عبارت است از سفیدرود که در زنجان به قزل اوزن معروف است و از چهل چشمه‌ی کردستان و همدان سرچشمه گرفته و در نزدیکی منجیل به شاهرود پیوسته و به سد سفید رود می‌ریزد و دیگر از رودخانه‌های استان زنجان می‌توان: زنجانرود، ایجرود، سجاسرود، خررود، زرینه‌رود، و ابهررود را نام برد، و بر روی زنجانرود چندین پل ایجاد شده که عبارتند از پل حاج سیدمحمد پل حاج میربهاءالدین و پل سردار که خود جزئی از آثار تاریخی به شمار می‌رود. زنجان که در کنار رودخانه واقع شده ۱۶۶۳ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.

**کوه‌ها:** ۱ - رشته‌ی شمالی یا سلسله البرز که مرتفع‌ترین نقطه‌ی آن قله کلاسی به ارتفاع ۲۹۷۴ متر و قله‌ی بالکور به ارتفاع ۲۹۸۹ متر و قله کوه چله‌خانه به ارتفاع ۲۷۷۵ متر است.

۲ - در سمت جنوب کوه‌های پیغمبرداغ و ملاداغ واقع شده و وجود آب‌های اطراف به این منطقه سرسبزی فوق‌العاده بخشیده است.

۳ - در جنوب غربی استان زنجان کوهستان دمیرلی قرار دارد که مرتفع‌ترین نقطه‌ی آن به‌ارتفاع تقریبی ۲۵۰۰ متر می‌باشد. و دیگر کوه جهانداغ که مرتفع‌ترین نقطه‌ی آن ۲۴۸۴ متر و قله‌ی کوه رستم به ارتفاع ۲۷۰۰ متر قرار دارند و رشته‌ی دیگر به کوه قبدار معروف است که بلندترین قله‌ی آن ۲۷۷۵ متر در مغرب شهر خدابنده قرار دارد. دیگر قله‌ی کوه خورجهان در دهستان انگوران به ارتفاع ۳۳۱۸ متر و قله‌ی کوه سپهسالار به ارتفاع ۳۰۵۲ متر و قله‌ی کوه علم‌کندی در دهستان اروپا به ارتفاع ۲۹۰۵ متر است و این رشته بین میانه و زنجان واقع شده و به قافلانکوه معروف است.

از نظر کشت و فعالیت‌های مربوط به آن منطقه‌ی زنجان یکی از مراکز عمده‌ی تولید کننده‌ی غلات می‌باشد ولی فعالیت‌های کشاورزی کلاً به واسطه‌ی عوامل طبیعی و ضعف بنیه‌ی مالی کشاورزان تقریباً محدود است و اکثر کشاورزان به وسیله‌ی زراعت گندم و جو و سیب‌زمینی و دامداری کسب معاش می‌نمایند و در مناطق مرطوب و نواحی دره‌ی سفیدرود مخصوصاً در طارم محصول پنبه، برنج و زیتون به عمل می‌آید.

تحقیقات زمین‌شناسی وجود معادن مس و سرب و طلا را در نقاط مختلف استان زنجان معلوم داشته که از این معادن مس رشیدآباد که در ۷۸ کیلومتری شمال غرب و مسب بایچه‌باغ در ۱۴۴ کیلومتری زنجان استخراج می‌شود که نوع آن از سنگ‌های آتشفشانی کلکوپیریت و بودنیت می‌باشد و از معادن فوق سالیانه حدود ۱۶۰۰ تن سنگ مس استخراج می‌شود و دیگر از معادن مهم آن معدن سرب انگوران می‌باشد.

**اصلاحات تقسیمات کشوری در استان زنجان:** شناخت شهر روستای سهرورد از توابع دهستان سهرورد بخش مرکزی شهرستان خدابنده به عنوان شهر سهرورد.

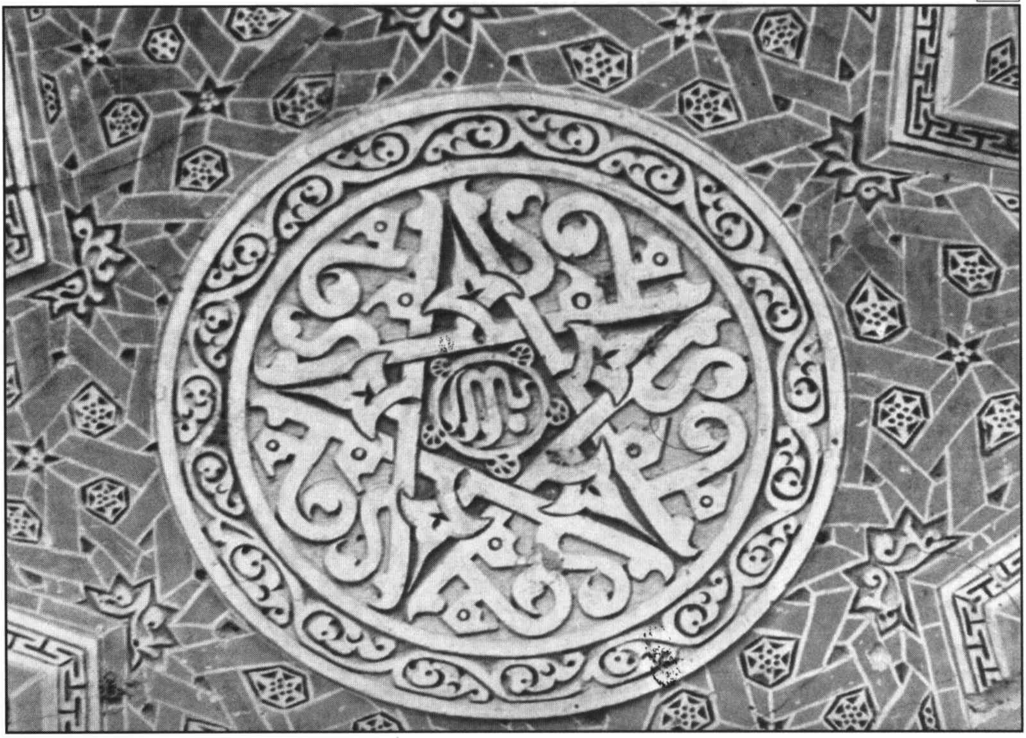
**شهرک‌های صنعتی:** ۱) شهرک صنعتی زنجان، ۲) شهرک صنعتی هیدج، ۳) شهرک صنعتی شماره‌ی ۲ زن، ۴) شهرک صنعتی خدابنده، ۵) شهرک صنعتی ماهنشان، ۶) شهرک صنعتی خرمدره، ۷) شهرک صنعتی تخصصی روی، ۸) شهرک صنعتی انگوران، ۹) شهرک صنعتی سلطانیه، ۱۰) شهرک صنعتی صائین قلعه، ۱۱) شهرک صنعتی طارم، ۱۲) شهرک صنعتی ایجرود، ۱۳) شهرک صنعتی ابهر، ۱۴) شهرک صنعتی ابهر.

**مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان زنجان در سال ۱۳۸۵**
گوشت قرمز ۱۴ شیر ۱۲۴
**مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان زنجان در سال ۱۳۸۵**
گوشت مرغ ۲۴ تخم‌مرغ ۵
**تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان زنجان در سال ۱۳۸۴**
جمع معادن ۸۴ خصوصی ۷۵ عمومی ۹
**مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان زنجان در سال ۱۳۸۲**
کل تعداد بهره‌برداری ۷۴۴۰۲ مساحت ۷۳۷۹۹۷ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۴۹۱۳۳ مساحت باغ و قلمستان ۳۲۷۱۲
**استان زنجان در سال ۱۳۸۴:** تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۳۲۵۹۵ تعداد دام ۱۰۸۶۶۳۹ مقدار تولید ۸۵۰۶۰۳ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۳۵ تعداد دام ۶۹۷ مقدار تولید ۶۹۷
**بهره‌برداری‌های کشاورزی استان زنجان در سال ۱۳۸۲**
زراعت ۶۲۰۳۱ باغداری ۵۴۸۷۴ تولید گلخانه‌ای ۳۹ پرورش ماکیان ۵۰۳۰۱ پرورش زنبور عسل ۳۷۸۱ پرورش دام بزرگ ۳۲۹۵۴ پرورش دام کوچک ۴۰۶۲۴ پرورش کرم ابریشم ۵
**تعداد سدهای استان زنجان در مراحل مختلف:**
مطالعاتی ۳۴ اجرایی ۷ بهره‌برداری ۳۵ مجموع ۷۶

**استان زنجان در سال ۱۳۸۵:** مساحت جنگل‌ها ۶۱۱۱۳ جمع مراتع ۱۱۳۷۰۶۰ خوب (متراکم) ۲۴۰۴۴۲ متوسط (نیمه متراکم) ۴۲۵۳۰۱ فقیر (کم تراکم) ۴۷۱۳۱۷ پدیده‌های بیابانی ۷۹۹۳۱
**تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان زنجان:** فعال: ۴۵ غیرفعال: ۱ در شرف تأسیس: ۴ تعداد کل: ۵۰

## برخی از مآخذ و کتاب‌های سودمند

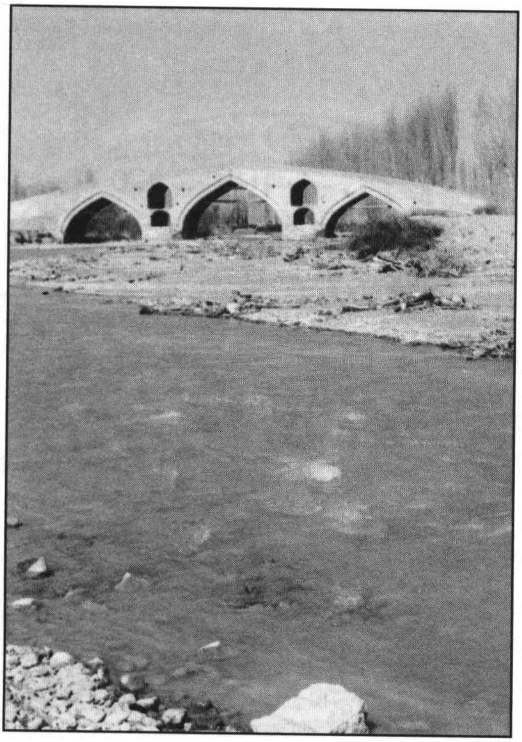

مردمان ایران
کتاب سرزمین و مردم ایران
کتاب آشنایی با جامعه عشایری ایران ـ منوچهر ترکمان
کتاب ایلات و عشایر ـ انجمن ایران‌شناسی فرانسه در تهران
کتاب ورزشهای سنتی، بومی و محلی ـ کمیته ملی المپیک ایران ـ غلامحسین ملک‌محمدی
تاریخ اجتماعی ایران ـ مرتضی راوندی
ایران سرزمین شگفتی‌های ناشناخته ـ ناشر انجمن ایرانیان
دفتر برنامه‌ریزی کتابهای درسی ـ وزارت آموزش و پرورش
بازسازی و برآورد جمعیت شهرستانهای استان زنجان براساس ـ
بررسی و شناسایی آثار باستانی استان زنجان ـ نجفی، ارض‌الله
پیام سلطانیه ـ احمدی، سجاد
تات‌نشین‌های بلوک زهرا: وضع حمل، امور کدخدایی،... ـ آل‌احمد، جلال
تاریخ پیدایش تصوف و عرفان و سیر تحول و تطور آن ـ نیرومند، کریم
تاریخ زنجان ـ ثبوتی، هوشنگ
تاریخ زنجان ـ سلطانی، رامین
جغرافیای تاریخی سلطانیه ـ مخلصی، محمدعلی
شناخت استان زنجان: استان زنجان، سرزمین اقوام افشار ـ خالقی‌مقدم، محمد
فرهنگنامه زنجان ـ روحانی، محمدرضا
معماری صخره‌ای در آذربایجان و زنجان ـ شکاری نیری، جواد



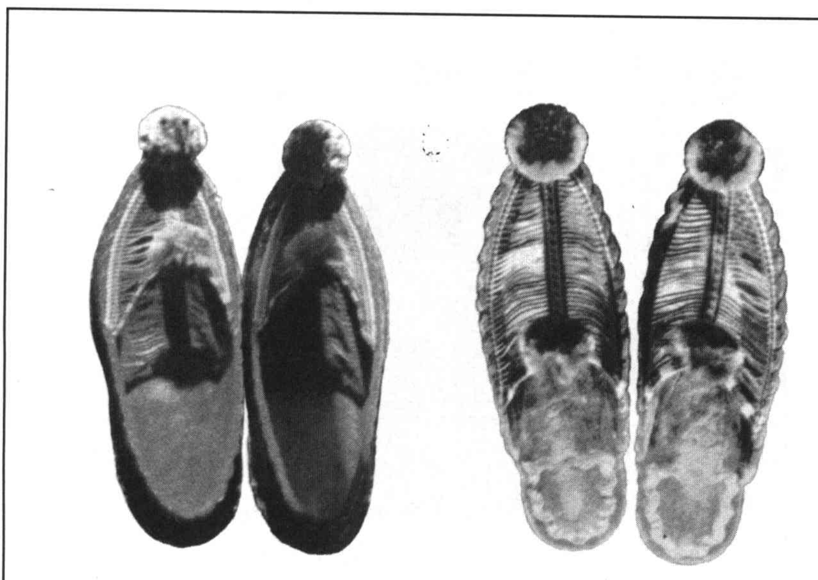
نمایی از گچبری گنبد سلطانیه



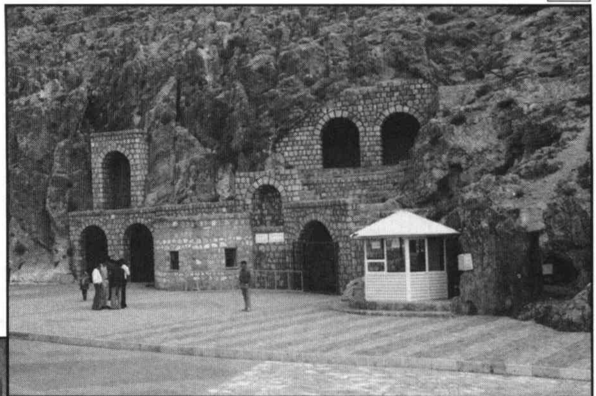
مسجد جامع سجاس



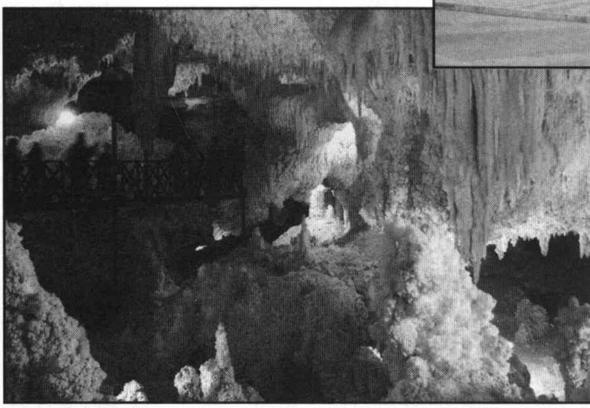
پل میر بهاء رودخانه زنجان

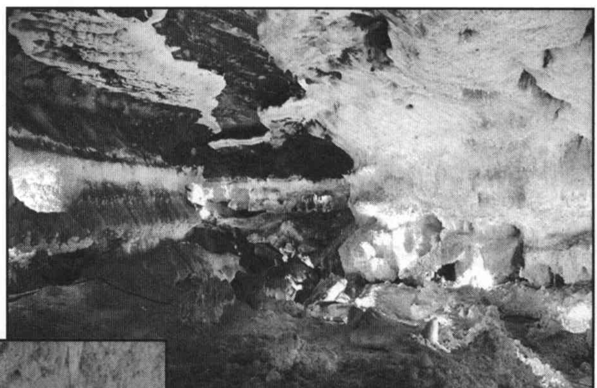


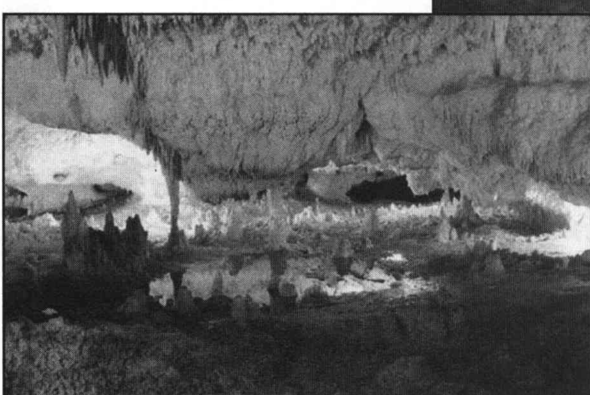
چاروق نخ دوز هنر دستی اصیل و دیرینه هنرمندان زنجانی



تصاویر ورودی و داخل غار کلته خور







تصاویری از داخل غار کلته خور



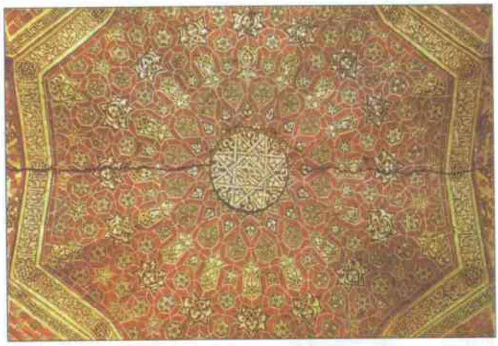
نمایی از بافت شهر خدابنده (تصویر بر گرفته از کتاب درسی جغرافیای استان زنجان)

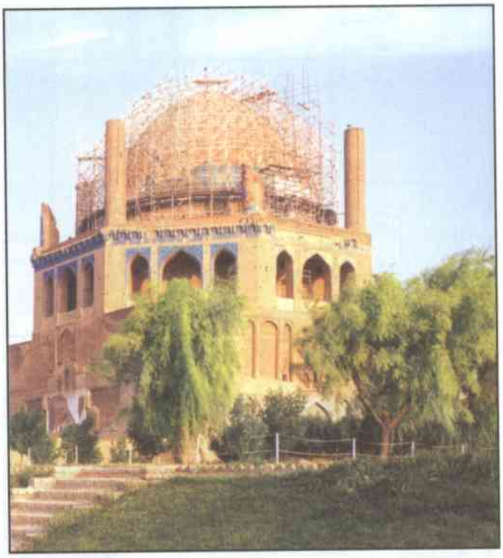


چشم اندازی از میدان معلم شهر ابهر (تصویر بر گرفته از کتاب درسی جغرافیای استان زنجان)

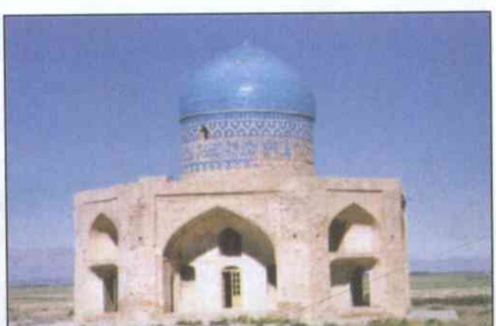

موزه تاریخی زنجان


سد تهام


نمایی از کاشیکاری گنبد سلطانیه - زنجان

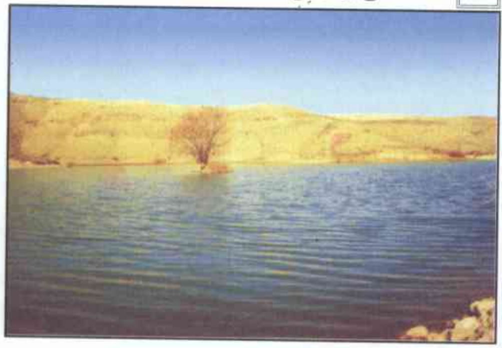

**گنبد سلطانیه - زنجان**


نمایی از کاشیکاری گنبد سلطانیه - زنجان


آرامگاه ملا حسن کاشی - زنجان



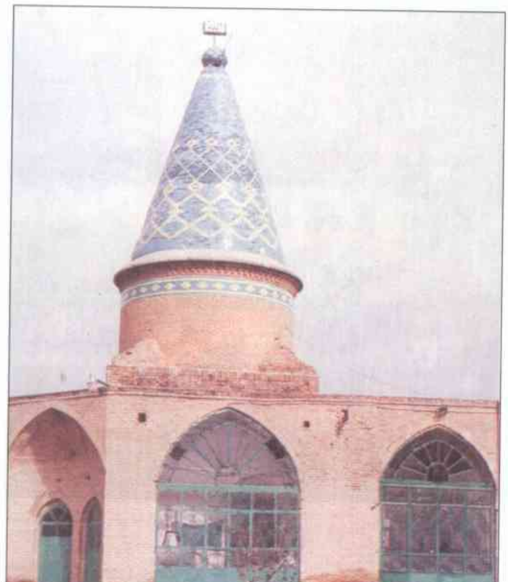
عمارت ذوالفقاری



نمونه‌ای از تالاب‌های منطقه



نمایی از شهر زنجان



بقعه شاهزاده زید کبیر - زنجان



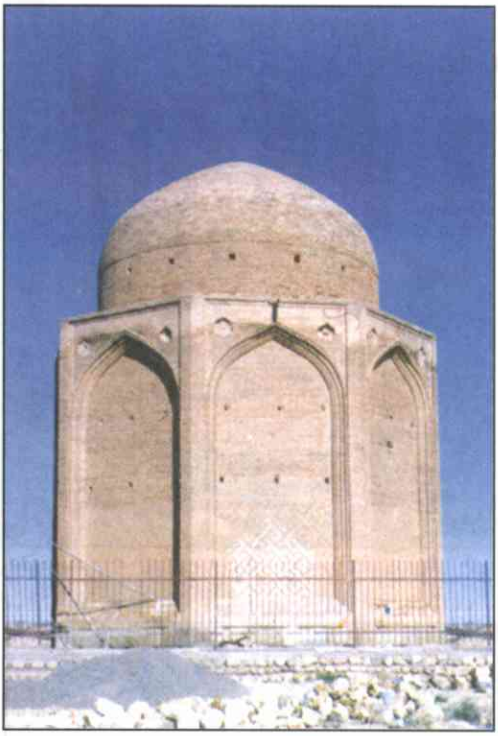
بقعه امامزاده یعقوب - صائین‌قلعه - زنجان



طبیعت زنجان



نمونه‌ای از قالیبافی ابهر



خانقاه و آرامگاه چلبی اوغلی



امامزاده سید ابراهیم



یکی از بناهای قدیمی زنجان



ماهنشاه زنجان



ملیله ، صنایع دستی زنجان



نمایی از رود قزل اوزن



غار کلته خور



چمن سلطانیه

**همه جای ایران سرای من است**

دایرةالمعارف



# سرزمین و مردم استان سمنان

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

برجسته‌ترین جاذبه‌ها و چشم‌اندازهای زیست‌محیطی - تأثیر ارتفاعات بر اقلیم - گردشگاه‌های طبیعی - مردم‌شناسی - عشایر - شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها - تصاویر و عکس‌ها

مشخصات عمومی استان سمنان براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهر سمنان، تعداد شهرستان: ۴ تعداد بخش: ۱۲ تعداد شهر: ۱۶ تعداد آبادی دارای سکنه: ۷۵۶ کل آبادی‌ها: ۲۲۲۳

جمعیت استان سمنان در سال (۱۳۸۵) ۵۸۹۷۴۲ نسبت به کل کشور ۰/۸۴ بوده است.

مساحت استان سمنان ۹۷۴۹۱ کیلومتر مربع نسبت به کل کشور ۵/۹۹ است.

از تهران تا سمنان (۲۳۶) و از سمنان تا دامغان (۱۱۰)، سمنان (۰)، شاهرود (۱۷۵)، گرمسار (۱۱۵)

**که ایران بهشت است یا بوستان     همی بوی مشک آید از بوستان**

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از عیسی پاکزاد افشار هنرمند عکاس

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان سمنان
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: انتشارات آرام (ناشر اصلی) علم و زندگی (ناشر همکار)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ـ ۸۸۴۳۰۰۹۶ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۹ـ۲۷ـ۶۹۹۱ـ۹۶۴ـ۹۷۸ ISBN
بها: هفتصد تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان سمنان؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۹ ـ ۲۷ ـ ۶۹۹۱ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۲۳۷۰

## ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

**مشخصات عمومی استان سمنان براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵:** مرکز استان: سمنان مساحت: ۹۷۴۹۱ تعداد شهرستان: ۴ تعداد بخش: ۱۲ تعداد شهر: ۱۶ تعداد آبادی دارای سکنه: ۷۵۶ کل آبادی‌ها: ۲۲۲۳

جمعیت استان سمنان در سال (۱۳۶۵) ۴۱۷۰۳۵ نسبت به کل کشور ۰/۸۴ و در سال (۱۳۷۵) ۵۰۱۴۴۷ نسبت به کل کشور ۰/۸۳ و در سال (۱۳۸۵) ۵۸۹۷۴۲ نسبت به کل کشور ۰/۸۴ بوده است.

مساحت استان سمنان ۹۷۴۹۱ نسبت به کل کشور ۵/۹۹ است.

کارگاههای استان سمنان ۷۱۴۱ نسبت به کل کشور ۱/۱۱ است.

درصد میزان شهرنشینی استان سمنان در سال (۱۳۷۵) ۲۹/۶۸ و در سال (۱۳۸۵) ۷۰/۷۴ است.

تراکم نسبی جمعیت استان سمنان در سال (۱۳۶۵) ۴ و در سال (۱۳۷۵) ۵ و در سال (۱۳۸۵) ۶ نفر در کیلومترمربع بوده است.

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان سمنان**

مرد و زن ۷۴۰۰ زن ۳۶۴۴ مرد ۳۷۵۶

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان سمنان**

مرد و زن ۱۰۱۴۲ زن ۶۰۳۶ مرد ۴۱۰۶

**مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان سمنان در سال ۱۳۸۵**

جمع ۲۷۲ دولتی ۲۷۲ خصوصی ۰ تولید نهال ۱۵۵۰

**مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان سمنان در سال ۱۳۸۵**

تعداد بهره‌برداری ۱۰۹ مساحت گلخانه ۲۵

ادامه در صفحهٔ ۱۳۴۱

## فهرست برخی از مطالب

## سرزمین و مردم استان سمنان

**موقعیت جغرافیائی استان:** استان سمنان با وسعت ۹۲۳۸۸ کیلومتر مربع که ۵/۶ درصد از مساحت کشور را به خود اختصاص داده، که ۳۵ درصد مساحت آن شامل ارتفاعات، ۲۵ درصد دشت و ۴۰ درصد بابقی مناطق کویری و بیابانی می‌باشد، از جهت وسعت نیز این استان، ششمین استان کشور محسوب می‌گردد.

استان سمنان با داشتن چهار شهرستان (سمنان، شاهرود، دامغان، گرمسار) دارای مساحتی معادل ۹۵۸۱۵کیلومتر مربع می‌باشد که بین ۳۴ درجه و ۱۴ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۱۹ دقیقه عرض شمالی و ۵۷ درجه و ۳ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۵۲ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است.

این استان از جانب شمال به‌استان مازندران، از جنوب به‌استان اصفهان از مشرق به‌استان خراسان و از مغرب به‌استان تهران محدود است و مرکز آن شهر سمنان می‌باشد.

این استان از شمال به استان‌های مازندران و گلستان، از جنوب به استان اصفهان، از شرق به استان خراسان و از غرب به استان تهران محدود است. فاصله‌ی مرکز این استان تا تهران ۲۲۰ کیلومتر است. بخش اعظم این استان را دشت کویر فراگرفته و حاشیه‌ی شمالی آن را بخشی از رشته کوه‌های البرز پوشانیده است. استان سمنان فاقد رودخانه‌ی قابل توجه بوده و از نظر آب و هوا، نواحی کوهستانی شمال، معتدل تا معتدل مایل به سرد و نیمه خشک و دشت‌های مرکزی و جنوبی آن گرم و خشک است. کوه‌های گاوکاشن، بادله‌کوه، سنگ آب و کوه بشم ازکوه‌های عمده‌ی این استان می‌باشد. سمنان دارای منابع غنی گچ، نمک، زغال سنگ و سولفات سدیم است.

قالی، جاجیم، گلیم، سفره‌های قلمکار، قالیچه، بافتنی، دستمال‌های نقش دار، چیت زنی، کرباس بافی، سفالگری، سرامیک سازی، نمد مالی، پارچه‌های ابریشمی، نمد و کلاه، باسمه زنی و چوخا (پارچه)، نان چای (شیرمال و کماج)، انجیر، گلیم، پسته و گردو نیز از مشهورترین صنایع دستی و سوغاتی‌های استان است.

دروازه‌ی ارگ سمنان، مسجد امام خمینی، مسجد جامع سمنان، بازار سمنان (در سمنان)، مسجد تاریخانه (خدایخانه)، مسجد جامع، تپه‌ی حصار، برج معصوم زاده، کاروانسرای شاه عباس، بقعه‌ی پیر علمدار، عمارت چشمه علی (در دامغان)، آرامگاه بایزید بسطامی، برج کاشانه، بقعه‌ی امامزاده محمد، صومعه و مسجد بایزید، مناره‌ی بسطام، آرامگاه ابوالحسن خرقانی، آرامگاه ابن یمین فریومدی و مقبره‌ی شیخ ابوالحسن جوری (در شاهرود)، تپه‌ی غول آباد (در گرمسار)، از اماکن دیدنی استان به شمار می‌روند. همچنین منطقه‌ی ییلاقی شهمیرزاد، غار دربند در آب گرم سمنان و برج مهمان دوست از دیگر اماکن دیدنی استان است. ـ سازمان نقشه برداری کشور

**ارتفاعات** ـ استان سمنان در دامنه‌های جنوبی سلسله جبال البرز قرار گرفته که به‌تدریج از شمال به‌جنوب از ارتفاع آن کاسته شده و به‌کویر نمک منتهی می‌گردد و مهمترین ارتفاعات آن عبارتند از:

۱ـ سلسله جبال البرز با ارتفاع متوسط ۳۲۰۰ متر که چون حصاری شهرستان سمنان را از استان مازندران جدا می‌سازد و مرتفع‌ترین قله آن بنام نی‌زوا در شمال مزرعه اورپلنگ و شمال غربی شهمیرزاد واقع شده است.

۲ـ رشته‌های متعددی از سلسله اصلی جبال البرز

جدا و با ارتفاع کمتری تا حدود ۶ کیلومتری شمال سمنان ادامه می‌یابد و به‌تدریج با زمین یکسان می‌گردد.

۳ـ یک رشته‌کوه از سلسله اصلی جبال البرز بین شهرستان سمنان و دامغان کشیده شده که خط‌الرأس آن حد طبیعی بین این دو شهرستان است.

۴ـ در جنوب دامغان و حاشیه کویر کوههای کم‌ارتفاعی وجود دارد که دنباله رشته‌های فوق‌الذکر است و بخشی از آنها منفرد و برخی بصورت متصل و موازی با سلسله جبال البرز به‌طرف کویر امتداد می‌یابند این کوهها هر اندازه به‌مرکز دشت کویر نزدیکتر می‌شوند از ارتفاع آنها کاسته شده و به‌تدریج با زمین یکسان می‌گردند.

۵ـ سلسله جبال البرز در شمال شهرستان شاهرود از غرب به‌سمت شرق کشیده شده و منبع اصلی رودها و قنوات این منطقه می‌باشد در قسمت جنوبی این سلسله اصلی کوههای کم‌ارتفاع موازی با رشته اصلی کشیده شده که آنها نیز همان اندازه که به‌دشت کویر نزدیک می‌گردند از ارتفاع آنها کاسته می‌شود و آبادیهای شاهرود اغلب در طول دره‌ها و ارتفاعات این سلسله واقع‌اند و حدود طبیعی آنها همان خط‌الرأس ارتفاعات می‌باشد. مهمترین قله های این ارتفاعات قله خوش ییلاق به‌ارتفاع ۲۸۰۲ متر و قله چناشک به‌ارتفاع ۲۶۷۰ متر و قله ابر به‌ارتفاع ۲۶۳۰ متر می‌باشد.

**رودخانه‌ها:** روخانه‌هائی که در این استان جریان دارند دائمی نبوده و اغلب خشک و رودهای کوهستانی کوچک و کم‌آبی می‌باشند که تنها در مواقع بارندگی‌های زیاد تشکیل سیلاب داده و به‌دشت کویر منتهی می‌شوند و مهمترین رودخانه‌های این استان عبارتند از:

۱ـ رودخانه گلرودبار در سمنان دارای چندین شعبه مانند ده صوفیان و شهمیرزاد بوده و حوضهٔ نسبتاً وسیعی را مشروب می‌سازد. این دو شعبه در نزدیک بند مهدیشهر یکی شده و در حدود شمال در جزین شعباتی دیگر بدان متصل گشته و پس از گذشتن از غرب سمنان به‌دشت کویر منتهی می‌شود قنوات مهم دربند، درِ جزین و چشمه گلرودبار بازده آب این رودخانه محسوب می‌شوند.

۲ـ رودخانه تاش در شهرستان شاهرود از دره‌های جنوبی شاه کوه گرگان و حدود تاش و مجن چشمه می‌گیرد و پس از اتصال با چندین رود کوهستانی به‌سمت دشت کویر سرازیر می‌شود.

۳ـ رودخانه کال‌شور در قسمت بخش میامی شاهرود جریان دارد که از زیر پل ابریشم می‌گذرد و اراضی اطراف را سیراب می‌نماید.

۴ـ رودخانه چشمه‌علی در شهرستان دامغان جریان دارد و از دره‌های جنوبی شاه‌کوه گرگان سرچشمه می‌گیرد.

۵ـ خشک‌رود دریان در شمال قوشه از ارتفاعات شمالی قوشه سرچشمه می‌گیرد و سیلاب آن در کنار قریه امروان عبور کرده و به‌دشت کویر منتهی می‌گردد.

۶ـ دو رودخانه دیگر از سلسله جبال البرز سرچشمه می‌گیرند و تنها در مواقع بارندگی تشکیل سیلابهای شدید داده و آب نیز به‌دشت کویر منتهی می‌گردد.

۷ـ رودخانه حبله‌رود از سلسله جبال البرز سرچشمه می‌گیرد و منبع اصلی آب گرمسار بشمار آمده و دارای شعبات مختلفی است که مهمترین شعبه آن رودخانه نمرود است که تقریباً نصف آب رودخانه را تأمین می‌نماید این رودخانه

در ۳۰ کیلومتری دشت گرمسار از مناطق بسیار شوری عبور می‌کند که حاوی کلرورسدیم و گچ می‌باشد.

۸- رودخانه ایوانکی - این رودخـانه کـه خـیلی کوچک است در زمستانها سیلابها را جمع‌آوری نموده و به‌سمت ایوانکی سرازیر مـی‌شود و در تابستان میزان آب آن به‌صفر می‌رسد.

**آب و هوا:** استان سمنان بعلت شرایط جغرافیائی مـختلف هـر قـسمت از آن دارای آب و هـوای متفاوتی بوده بدینصورت که در نواحی کوهستانی هوا سرد، در دامنه کوهها هوا معتدل و درکنار کویر هوا گرم می‌باشد.

در دامغان بعلت وزش بادهای شدید شـمالی و بارندگی نواحی گرگان و مازندران زمستانها سرد و تابستانها معتدل و در سـمنان تـابستانها گـرم و زمستانها معتدل، در شاهرود نسبت بـه‌پستی و بلندیهائی که دارد متغیر بوده بدین نـحو کـه در قسمت شمالی سرد و قسمت مرکزی معتدل و در قسمت جنوبی گرم و در گرمسار تغییرات فصلی خیلی زیاد است تابستانها این ناحیه بسیار گرم و خشک ولی بالعکس زمستانها نسبتاً سرد و بارانی است بطور کلی گرمسار در نـاحیه صـحرائی و خشک قرار گرفته است.

**اقلیم:** استان سمنان به علت شرایط جغرافـیائی مختلف دارای آب و هوای متعفاوتی مـی‌باشد. نواحی کوهستانی دارای آب و هوای گرم است.

وضعیت جوّی شهرهای مختلف اسـتان بـا توجه به موقعیت جغرافیائی بدین گونه است که سمنان تابستان‌های گرم و زمسـتان‌های مـعتدل دارد. دامغان به علت وزش بادهای شدید مشالی و بـارندگی نـواحـی گـرگان و مـازندران دارای زسمتان‌های سرد و تـابستان‌های مـعتدل است.

شاهرود به دلیل پستی و بـلندی‌هایی کـه دارد، قسمت‌های شمالی آن سرد، مـرکزی مـعتدل و قسمت‌های جنوبی آن گرم مـی‌باشد و گـرمسار تابستان‌های گرم و خشک و زمستان‌های نسـبتاً سرد و بارانی دارد.

بر اساس تقسیمات اقلیمی، اسـتان سـمنان عمدتاً دارای اقلیم نیمه بیابانی شدید و نیمه بیابانی خفیف می‌باشد و نوار شـمالی اسـتان را اقـلیم مدیترانه‌ای گرم و خشک در بر گرفته است.

میانگین درجـه‌ی حـرارت هـوا در گـرمترین ماه‌های سـال ۴۴ درجـه و سـردترین ایـام ۱۱- درجه‌ی سـانتی گـراد مـی‌باشد. مـیزان بـارندگی سالانه به طور متوسط ۱۴۴ میلیمتر است که میزان آن از غرب به شرق و از جنوب به شمال افزایش داشته و میزان رطوبت نیز از این رویـه پـیروی می‌نماید. (میزان رطوبت نسبی استان حدود ۴۰ درصد می‌باشد).

**قلمرو آبی:** مهم‌ترین رودخانه‌های استان عبارتند از گـلرودبار در سـمنان، تاش و کـال شـور در شهرستان شـاهرود، چشـمه عـلی و رودبار در شـهرستان دامـغان و حـبله رود در گـرمسار. از رودخانه‌های مذکور تنها حبله رود گرمسار دائمی و بقیه‌ی رودخانه‌های استان غیر دائمی و فصلی بوده که اغلب اوقات سال خشک هستند.

اندازه‌گیری‌های به عمل آمده تفاوت زیادی را در زمیان بارندگی در سطح استان نشان می‌دهد به طوری که میزان متوسط بـارندگی در ارتـفاعات ۱۹۰ میلیمتر در سال، در دشت ۱۲۰ میلیمتر در سال و در مناطق کویری و بیابانی کـمتر از ۸۰ میلیمتر در سال می‌باشد.

**قلمرو خشکی:** استان سمنان در دامنه‌های جنوبی سلسله جبال البرز قرار گرفته که به تدریج از شمال

به جنبو از ارتفاع آن کاسته شده و به دشت کویر منتهی می‌گردد. مهم‌ترین ارتفاعات استان عبارت از نی زوا در شمال شهرستان سمنان (به ارتفاع ۳۷۸۲ متر) و شاهوار در شمال شهرستان شاهرود (به ارتفاع ۳۹۴۰ متر) می‌باشد. بیش از یک سوم مساحت استان سمنان منطقه‌ی کویری است که فاقد هر گونه استعداد و قابلیت کشاورزی است و پیشروی کویر پدیده‌ای است که به علت بهره برداری بیش از ظرفیت و چرای مفرط با از بین رفتن پوشش گیاهی ظاهر گردیده و طی سال گذشته حدود ۵۰۰۰۰ هکتار از مراتع استان تخریب شده است و این امر مستلزم اتخاذ تمهیدات و تصمیماتی است که از پدیده‌ی هولناک کویر شدن ممانعت به عمل آید و در شیوه‌ی دامداری سنتی و سایر بهره‌وری‌های غیر معقول و غیر منطقی جداً تجدید نظر شود.

**قلمرو جنگل:** استان سمنان با داشتن حدود ۲۲۵۰۰۰ هکتار جنگل طبیعی حدود ۳ درصد از عرصه‌ی آن پوشیده از جنگل می‌باشد. جنگل‌های موجود استان شامل جنگل‌های طبیعی و جنگل‌های دست کاشت می‌باشد.

**الف: جنگل‌های طبیعی:** این جنگل‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد.

**۱ـ جنگل‌های پهن برگ:** جنگل‌های پهن برگ استان در حاشیه‌ی شمالی است که ادامه‌ی جنگل‌های کوهستانی شمال کشور است در ابتدای حوزه‌ی آبخیز جنگل‌های شمالی واقع گردیده و مساحت آن حدود ۵۰۰۰۰ هکتار است که حدود ۱۰۰۰۰ هکتار آن صنعتی و ۴۰۰۰۰ هکتار آن جنگل مخروبه می‌باشد.

**۲ـ جنگل‌های اُرس دامنه‌های جنوبی رشته کوه البرز:** مساحت این جنگل‌ها حدود ۱۵۰۰۰۰ هکتار بوده و این جنگل‌ها از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. به طوری که جنگل‌های ارس پرور، اولنگ، خوش ییلاق و مجاور چهار باغ شاهرود یکی از انبوه‌ترین جنگل‌های ارس ایران شناخته شده و به صورت یک توده ذخیره‌ی گاهی تحت حفاظت و حمایت قرار دارد و دارای درختانی است که ارتفاع ان تا ۱۵ متر می‌رسد.

**۳ـ جنگل‌های کویری:** مساحت این جنگل‌ها ۲۵۰۰۰ هکتار و به صورت توده‌های نیمه متراکم تاغ و گز در قسمت جنوبی و مرکزی استان قرار گرفته است که در مناطق چاه خام و خوارتوران به صورت تاغزار و بنه زار و در مناطق کویری گرمسار به صورت جنگل گز وجود دارد.

**ب: جنگل‌های دست کاشت:** پارک‌های جنگلی و فضاهای سبز احداث شده در سطح اسان مساحتی بالغ بر ۳۷۰ هکتار را شامل می‌شود که در اطراف شهرها و مراکز جمعیت استان احداث گردیده‌اند. علاوه بر آن مساحتی بالغ بر ۹۶۰ هکتار در مسیر راه‌های ورودی و خروجی استان جهت ایجاد فضای سبز، تاغکاری شده است.

هم چنین جنگل‌های تاغ دست کاشت استان سطحی معادل ۶۴۸۹۶ هکتار را در بر گرفته است.

**مراتع:** استان سمنان یکی از قطب‌های دامداری و مرتع داری کشور است. مراتع ییلاقی استان سمنان که در قسمت شمالی سمنان، شاهرود، دامغان و گرمسار قرار دارد از پوشش متنوعی از گرامینه‌ها ولگوم‌ها برخوردار بوده که با توجه به کوهستانی بودن منطقه و وضعیت خاک، بارندگی و نوع سنگ‌های مادری، پوشش گیاهی در این مناطق برای حفاظت خاک و رعایت در فصل چرا و با در نظر گرفتن ظرفیت مراتع برای تعلیف مناسب

است. مراتع قشلاقی بخش اعظم مراتع استان را تشکیل می‌دهد که در ضلع جنوبی و در امتداد جاده‌ی تهران مشهد تا مرز استان با استان‌های اصفهان و خراسان ادامه دارد.

از مجموع ۵/۵ میلیون هکتار مراتع استان ۵ درصد درجه ۱، ۲۸ درصد درجه‌ی ۲، ۳۶/۷ درصد درجه‌ی ۳، ۳۰/۳ درصد درجه‌ی ۴ است.

متأسفانه به علت چرای بیش از ظرفیت و رعایت ننمودن فصل چرا از سوی دامداران در اکثر مناطق شاهد تخریب و انهدام گونه‌های خوشخوراک و جایگزینی گونه‌های غیر قابل تعلیف می‌باشیم. امید است متولیان امر به این مهم توجه نموده و مدیریت مراتع به گونه‌ای اعمال گردد تا بیش از پیش موجب خسران نگردد.

**کشاورزی:** استان سمنان با توجه به محدودیت منابع آبی به لحاظ دارای بودن شرایط مناسب اقلیمی، از استعداد فراوانی جهت تولید محصولات زراعی و باغی برخوردار بوده به طوری که تولیدات کشاورزی آن علاوه بر مصرف داخلی به سایر استان‌ها و حتی به خارج از کشور نیز صادر می‌شود.

از کل مساحت استان حدود ۲ درصد معادل ۱۸۶۰۰۰ هکتار زیر کشت محصولات مختلف قرار دارد که به دلیل کمبود بارندگی سالانه و عدم پراکنش مناسب آن، کشت دیم فقط در پاره‌ای از مناطق استان (فولاد محله سمنان و کالپوش شاهرود) رواج داشته و جمعاً سطحی معادل ۲۳۴۲۷ هکتار را به خود اختصاص می‌دهد. عمده‌ی محصولات زراعی استان به ترتیب اهمیت گندم، جو، خربزه، سیب زمینی، آفتابگردان، پنبه، یونجه، چغندر قند و هندوانه و مهم‌ترین محصولات باغی پسته، انگور، زردآلو، انار، سیب، گیلاس، گردو، انجیر و ... می‌باشد.

**دامداری:** استان سمنان به لحاظ وسعت زیاد عرصه منابع طبیعی و مراتع (۵/۵ میلیون هکتار) و حدود ۲/۵ میلیون راس دام یکی از قطب‌های دامپروری کشور محسوب می‌شود.

**صنعت:** همجوار بودن با چهار استان بزرگ کشور (به ویژه تهران)، وجود ذخایر معدنی مهم برخورداری از امکانات زیر بنائی مناسب و محدودیت توسعه‌ی بخش کشاورزی دست به دست هم داده و صنعت استان را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نموده است.

**معدن:** وجود ذخایر فراوان مواد معدنی و امکانات بالقوه و میزان استخراج، استان را در بخش معدن از ویژگی خاصی برخوردار کرده است.

از نظر تنوع معادن استان را می‌توان در ردیف‌های اول تا پنجم کشور قرار داده این تنوع شامل موادی چون کرومیت، سیلیس، دولومیت، ذغالسنگ، کائولن، نفت، فلدسپات، سنگ‌های ساختمان، خاک‌های نسوز، خاک‌های صنعتی، گوگرد، خاک‌های رس، سولفات دوسود، بنتونیت، فیروزه، سرب، سنگ آهن، منگنز، باریت و ... می‌باشد. میزان تولید گچ و نمک در استان به حدی است که مقام اول را در کشور از نظر ذخیره و استخراج دارد.

**مناطق حفاظت شده و تحت کنترل:**

استان سمنان دارای ۲۱۵۶۵۹۰ هکتار مناطق حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش است که بیش از ۲۳ درثد از وسعت استان را شامل می‌گردد. از حدود ۸ میلیون هکتار مناطق چهارگانه تحت پوشش سازمان حفاظت محیط زیست کشور حدود ۲۵ درصد آن در این استان واقع شده است

که این مناطق حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش توران در جنوب شرقی شهرستان شاهرود و پناهگاه حیات وحش خوش ییلاق در شمال شرقبی شهرستان شاهرود می‌باشد که هر کدام به دلیل شرایط خاص اکولوژیکی و تنوع ذخائر ژنتیکیک از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند.

علاوه بر مناطق یاد شده دو منطقه‌ی شکار ممنوع نیز در استان سمنان به منظور ذخیره‌گاه شکار در نظر گرفته شده که منطقه‌ی شکار ممنوع تپال واقع در حاشیه یشمال غربی شهر شاهرود و منطقه‌ی شکار ممنوع خُنار در شمال غربی شهر سمنان واقع گردیده‌اند. این مناطق علاوه بر آن که به جهت حفظ و نگهداری جانواران وحشی و حمایت از آن‌ها در برابر گرسنگی و تشنگی، صید و شکار بی رویه و عوامل و حوادث نامساعد جوی و طبیعی مثل حریق جنگل‌ها و مراتع و نیز بیماری‌های واگیر و امثال آن‌ها مورد حمایت سازمان می‌باشند.

**ویژگی‌های بارز مناطق تحت کنترل محیط زیست استان سمنان:** ـ ذخیره گاه و بانک ژن طبیعی گیاهی و جانوری ایران و جهان.

ـ منطقه‌ی حائل بین کویر و مناطق زیستی استان.

ـ زیستگاه گونه‌های خاص نادر و در معرض انقراض جانوری و گیاهی.

ـ طبیعت زیبا با چشم اندازهای طبیعی.

ـ دارای بودن شرایط ویژه جهت امور پژوهشی، تحقیقاتی و اقتصادی.

**پناهگاه حیات وحش و منطقه‌ی حفاظت شده‌ی توران (ذخیره گاه بیوسفر):** موقعیت منطقه: جنوب شرقی شهرستان شاهرود.

گونه‌های بارز حیات وحش منطقه: جبیر، آهو، قوچ و میش (گوسفند وحشی)، کل و بز (بز وحشی)، گورخر، پلنگ، یوزپلنگ، گربه‌ی دشتی، کاراکال، کفتار، گرگ، روباه و شغال، هوبره، کبک، تیهو، پرندگان شکاری، ذاغ بور، باقرقره، دودوک.

**گونه‌های گیاهی بارز:** قیچ، تاغ، گز، اسکنبیل، بنه، بادام وحشی، درمنه، اشنان، کاروانکش، انواع گرامینه.

**پناهگاه حیات وحش خوش ییلاق:** موقعیت منطقه: شمال شرقی شهرستان شاهرود.

تاریخچه‌ی منطقه: طبق مصوبه‌ی شماره‌ی یک شورای عالی حفاظت محیط زیست (شکاربانی و نظارت بر صید) از سال ۱۳۴۶ تحت عنوان منطقه‌ی حفاظت شده و بر اساس مصوبه‌ی شماره‌ی ۷۹ شورای مزبور با عنوان فوق حفاظت می‌گردد.

وسعت منطقه: ۱۵۶۰۰۰ هکتار.

وسعت منطقه‌ی امن: ۳۱۲۰۰ هکتار.

گونه‌های بارز حیات وحش منطقه: کل و بز، قوچ و میش، یوزپلنگ، پلنگ، آهو، گورخر، خرس قهوه‌ای، مرال و شوکا، انواع گربه‌ی وحشی، تیهو، کبک، پرندگان شکاری، هوبره، باقرقره.

تنوع زیاد بوم سازگانی منطقه که شامل جنگل‌های کوهستانی و خزری و همچنین اراضی دشتی خشک و بیابانی است، تنوع زیستی زیاد و ارزشمندی بخشیده است. ۱۶۰ گونه جانوری و ۲۵۱ گون گیاهی با ۵۸ گونه اندمیک کمیاب در منطقه می‌رویند. گونه غالب رویشگاه‌های جنگلی بلندمازو است. دیگر گونه‌های درختی و درختچه‌ای مهم آن عبارتند از: ممرز، راش، زبان گنجشک، نمدار، ارغوان، سیاه‌دال، ولیک و ارس. پوشش‌های استپی منطقه به طور کلی از گونه‌های تاغ، گز، کلاه میر حسن خوش ییلاقی، درمنه، گون، علف شور، چوبک، جارو علف، هزار خار

خوش ییلاقی، ریش بز و باریجه تشکیل شده اند. گونه‌های مهم جانوری منطقه عبارتند از: مرال، شوکا، سیاه‌گوش، قوچ و میش، بز و پازن، پلنگ، خرس قهوه‌ای، گرگ، گراز، گربه پالاس، و روباه معمولی. در قسمت‌های دشتی آهو، هوبره و دیگر حیوانات مناطق کویری زیست می‌کنند. گورخر و یوزپلنگ ازگونه‌های منقرض شده منطقه به شمار می‌آیند. علاوه بر چشم‌اندازهای زیبا در دره‌گل سرخ، دشت زردابه و جنگل‌های اولنگ، مشاهده مرال و شوکا در جنگل‌های انبوه شمالی و با مسافتی اندک از آن، بازدید از زیستگاه آهو و هوبره در مناطق بیابانی جنوب و همچنین تنوع زیستی زیاد زمینه فعالیت‌های گردشگری پژوهشی را در منطقه فراهم کرده است.(۵)

**گونه‌های گیاهی بارز:** بلوط، افرا، راش، ممرز، ولیک، ارس، قیچ، تاغ، گز، گون، درمنه، انواع گرامینه.

**منطقه‌ی حفاظت شده‌ی پرور:** موقعیت منطقه: شمال شرقی شهرستان سمنان.

تاریخچه‌ی منطقه: طبق مصوبه‌ی شماره‌ی یک شورای عالی حفاظت محیط زیست در سال ۱۳۴۶ و اصلاحیه‌ی آن برابر مصوبه‌ی شماره‌ی ۵۲ در سال ۱۳۵۲ تحت عنوان فوق حفاظت می‌گردد.

وسعت منطقه: ۵۳۸۴۰ هکتار.

وسعت منطقه‌ی امن: ۱۰۷۶۸ هکتار.

گونه‌های بارز حیات وحش منطقه: مرال (گوزن)، کل و بز، قوچ و میش، شوکا، یوزپلنگ، پلنگ، خرس قهوه‌ای، آهو، انواع گربه‌ی وحشی، کبک، تیهو، کبک دری، انواع پرندگان شکاری.

گونه‌های گیاهی بارز: بلوط، افرا، راش، ولیک، گلابی وحشی، ارس، درمنه، آویشن، انواع گون، انواع گرامینه، ممرز، زرشک، گل گاو زبان.

**پرور:** این منطقه با سطحی برابر با ۶۴۵۶۳ هکتار از سال ۱۳۴۶ تحت حفاظت قرار گرفت. منطقه‌ای است کوهستانی و دشتی در استان سمنان. پرور دارای مرز مشترک با پناهگاه حیات‌وحش دودانگه و منطقه حفاظت شده بولا است. دامنه ارتفاعی ۱۱۹۰ تا ۳۳۰۰ متر، دما و بارندگی متوسط سالانه ۱۲ درجه سانتیگراد و ۳۲۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم‌های نیمه خشک سرد تا مرطوب معتدل نموده‌اند. وجود رویشگاه‌ها و زیستگاه‌های متفاوت خزری و مرکزی در جوار هم، از ویژگی‌های منطقه به شمار می‌رود. کوهستان‌های شمالی منطقه پوشیده از مراتع وسیع ییلاقی و جنگل‌های کم نظیر هیرکانی است. بلندمازو، راش، ممرز، شیردار، نمدار، ملج، ولیک، ارس، گلابی وحشی، زرشک، برگ بویی، خاس، چای کوهی، کلاه میر حسن دماوندی، بهارک خزری، درمنه، گون، آویشن، گاوزبان، و انواع گندمیان ازگونه‌های گیاهی منطقه هستند. از گونه‌های مهم جانوری پرور می‌توان به مرال، شوکا، پلنگ، خرس قهوه‌ای، بز و پازن، قوچ و میش، آهو، گربه وحشی، گرگ، گراز، شغال، کبک، کبک دری، تیهو، انواع پرندگان شکاری، گرزه مار، افعی دماوندی، افعی پلنگی و لاک‌پشت مهمیزدار اشاره نمود. گیاهان دارویی متنوع، امکانات رفاهی و راههای دسترسی مناسب زمینه ساز فعالیت‌های گردشگری و پژوهشی است. (۵)

**منطقه‌ی شکار و تیر اندازی ممنوع خُنار:** موقعیت منطقه: شمال غربی شهرستان سمنان و شمال شرقی شهرستان گرمسار.

تاریخچه‌ی منطقه: طبق آگهی روزنامه‌ی رسمی شماره‌ی ۱۳۸۴۲ مورخ ۷۱/۶/۲۶ از تاریخ

۷۱/۵/۱۵ شکار ممنوع و تحت حفاظت قرار دارد.

**وسعت منطقه:** ۴۴۰۰۰ هکتار است.

**گونه‌های بارز حیات وحش منطقه:** قوچ و میش، کل و بز، آهو، خرس قهوه‌ای، پلنگ، کبک، تیهو، پرندگان شکاری.

**گونه‌های گیاهی بارز:** درمنه، گون، انواع گرامینه، ارس، زرشک.

**منطقه‌ی شکار و تیراندازی ممنوع تپال: موقعیت منطقه:** شمال غربی شاهرود

**تاریخچه‌ی منطقه:** طبق آگهی روزنامه‌ی کیهان شماره‌ی ۱۴۸۴۷ مورخ ۷۲/۶/۲ شکار ممنوع و تحت حفاظت قرار دارد.

**وسعت منطقه:** ۳۰۰۰۰ هکتار

**گونه‌های بارز حیات وحش منطقه:** قوچ و میش، کل و بز، آهو، خرس قهوه‌ای، پلنگ، کبک، تیهو، پرندگان شکاری.

**گونه‌های گیاهی بارز:** درمنه، گون، انواع گرامینه، ارس.

**حیات وحش:** در بین گونه‌های حیات وحش کشورمان استان سمنان به دلیل تنوع خاص اقلیمی از فون و فلور ویژه‌ای برخوردار است. از شاخص‌ترین جانوران دشت زی این خطه گورخر آسیائی، جبیر، آهو، یوز پلنگ، کاراکال، گربه‌ی شنی، روباه شنی و پرندگانی نظیر هوبره، باقرقره، زاغ بور، تیهو و انواع پنردگان شکاری قابل ذکر است.

در زیستگاه‌های کوهستانی نیز به دلیل وجود جنگل‌های پهن برگ خزری و مراتع ییلاقی گونه هائی همچون مرال، شوکا، خرس قهوه‌ای، قوچ و میش، کل و بز، انواعی از گربه‌ی وحشی، پلنگ و پرندگان نظیر کبک، کبک دری، کبوتر جنگلی و معدودی از پرندگان شکاری را می‌توان مشاهده نمود.

**برجسته‌ترین جاذبه‌ها و چشم‌اندازهای زیست‌محیطی استان:** ۱ـ گززارهای جنوب گرمسار، ۲ـ کاج‌های کهنسال منطقه‌ی پنبه لوق ایوانکی، ۳ـ چشمه‌ی آبگرم سمنان، ۴ـ چشم اندازهای منطقه‌ی شکار ممنوع خُنار، ۵ـ غار دربند سمنان، ۶ـ چشم اندازهای طبیعی منطقه‌ی حفاظت شده‌ی پرور، ۷ـ تپه‌های ماسه‌ای بادی حسن آباد دامغان، ۸ـ نمکزار کویر حسینی دامغان، ۹ـ اکوسیستم نیمه بیابانی قوشه‌ی دامغان، ۱۰ـ چشم اندازهای منطقه‌ی چهارده (دیباج) دامغان، ۱۱ـ چشمه‌ی علی دامغان، ۱۲ـ چشم اندازهای منطقه‌ی شکار ممنوع تپال شاهرود، ۱۳ـ منطقه‌ی جنگلی ارس پرور، اولنگ، خوش ییلاق شاهرود، ۱۴ـ چشم‌اندازهای منطقه‌ی زیست‌سپهر توران: تپه‌های ماسه‌ای بادی شمال زمان آباد و شرق احمد آباد ـ بیارجمند شاهرود شیخ بیراجمند و دو شاخ عباس آباد و چشمه‌ی عشقوان کوه پیغمبر، ۱۵ـ تنگه‌ی تاریک و آبشار مُجن، ارتفاعات ابر و قطری. ـ از نشریه‌ی سیمای محیط زیست استان سمنان

## جغرافیای طبیعی و ویژگی‌های جوی و اقلیمی استان سمنان

استان سمنان در تحلیلی کلی تحت تأثیر جریان‌های جوی گرم و خشک دشت کویر قرار دارد ولی عواملی همچون دوری از دریا، جهت و امتداد کوه‌ها، ارتفاع مکان، عرض جغرافیائی، توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی، کشاورزی و پوشش گیاهی بر شکل‌گیری اقلیم آن مؤثرند. در این استان عموماً سه نوع شرایط آب و هوائی قابل تشخیص است.

۱ـ بخش‌های شمالی استان شامل شاهرود، دامغان، مهدی شهر و شهمیرزاد که در زمستان‌ها دارای آب و هوای نسبتاً سرد و خشک در تابستان‌ها دارای اقلیم معتدل است.

۲ـ بخش‌های جنوبی استان شامل گرمسار و نواحی جنوب سمنان که در زمستان‌ها دارای آب و هوای سرد و خشک و در تابستان‌ها نسبتاً گرم و خشک کویری است.

۳ـ بخش‌های شمال شرقی استان شامل دشت میامی و حسین آبادکالپوش که در زمستان‌ها دارای آب و هوای نسبتاً سرد و مرطوب و در تابستان‌ها معتدل و مرطوب است.

اقلیم‌های مستقر در مناطق و نواحی مختلف استان سمنان از دو دسته سازندهای اقلیمی شکل می‌گیرند که به فاکتورهای اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند. عامل ارتفاع، عرض جغرافیائی، منابع رطوبتی و توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی در زمره‌ی سازنده‌های اصلی اقلیمی بوده و عوامل دیگری همچون کشاورزی، پوشش گیاهی و فعالیت‌های صنعتی و معدنی، در شمار عوامل فرعی تأثیر گذار بر اقلیم هر منطقه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

**تأثیر ارتفاعات بر اقلیم استان:** در یک نگرش کلی می‌توان استان سمنان را به دو بخش کوهستانی و دشت‌های پایکوهی تقسیم کرد. ارتفاعات البرز شرقی در مقایسه با البرز غربی کم عرض‌تر و باریک‌تر اند و در فاصله‌ی ۲۰۰ کیلومتری شرق دریای خزر ارتفاعات آن به دشت «آرموت لی» منتهی می‌شود. عرض ارتفاعات البرز در این منطقه از ۱۲۰ کیلومتر در منطقه‌ی فیروزکوه، در فاصله‌ی بین دامغان و گرگان به ۶۰ کیلومتر کاهش یافته و در شمال شرق شاهرود فقط دارای ۳۰ کیلومتر عرض است. در بخش شرقی از ارتفاعات البرز هم به همین نسبت کاسته شده، به طوری که در حوالی جاجرم در قله‌ی خورکوه ارتفاع آن به ۲۸۱۹ متر می‌رسد و پس از آن به صورت فلاتی با ارتفاعات ناچیز در می‌آید.

مهم‌ترین ارتفاعات البرز شرقی در استان سمنان عبارتند از:

ـ ارتفاعات امیر که جزئی از سلسله جبال البرز است و بلندترین قله‌ی آن نیزه‌وا با ارتفاع ۳۱۳۳ متر در شمال غربی شهمیرزاد می‌باشد و دشت مرکزی و استان سمنان را از منطقه‌ی شمال و دریای خزر جدا نموده و شرایط جغرافیائی خاصی را به منطقه‌ی تحمیل نموده است. این رشته کوه مانع عمده‌ای جهت عبور سیستم‌های باران‌زا و رطوبت مناطق شمالی کشور به استان سمنان است.

ـ ارتفاعات سفید کوه در شمال دامغان با ارتفاع ۲۸۴۳ متر که تا شاهکوه امتداد دارند و در حد فاصل دامغان و سمنان شاخه‌ای از سفیدکوه جدا شده و به طرف کویر نمک کشیده می‌شود و کوه‌های سلطان شاهرخ و پنجکوه را به وجود می‌آورد.

ـ ارتفاعات منطقه‌ی شاهرود که منبع اصلی رودخانه‌ها و قنوات این منطقه بوده و در بخش جنوبی این ارتفاعات اصلی، کوه‌های کم ارتفاع به موازات رشته‌ی اصلی کشیده شده که با نزدیک شدن به دشت کویر باز هم از ارتفاع آن‌ها کاسته می‌شود. مهم‌ترین قله‌های این ارتفاعات، قله‌ی خوش ییلاق با ارتفاع ۲۸۰۲ متر، قله‌ی خیاشک با ارتفاع ۲۶۷۰ متر و قله‌ی ابر با ارتفاع ۲۶۳۰ متر از سطح دریا می‌باشند.

ـ ارتفاعات سولک، سرحر و کلرزکه به مثابه سدی

شمال شهرستان گرمسار را در محاصره گرفته‌اند. از دیگر ارتفاعات استان سمنان می‌توان از کوهستان شاهوار با ارتفاع ۳۰۰۰ متر و سیاهکوه در کویر گرمسار با ارتفاع ۳۱۰۵ متر نام برد.
در استان سمنان با تخریب ارتفاعات البرز، مخروط‌های افکنه‌ای به وجود آمده است که شهرهای مختلف استان بر روی آن‌ها بنا شده‌اند و قاعده‌ی این مخروط‌ها در جنوبی‌ترین نقاط استان با حاشیه‌ی شمالی کویر مرکززی ایران تلاقی می‌نماید.
شمال استان سمنان که از دامنه‌های جنوبی البرز است، تحت تأثیر ارتفاع زیاد و نفوذ گاهگاه رطوبت دریای خزر، دارای مراتع قابل ملاحظه با پوشش گیاهی متنوع و متناسب می‌باشد.
ارتفاعات استان سمنان یکی از عوامل مهم در شکل بندی اقلیم‌های مستقر در سطح استان بوده و بر سیمای اقلیمی آن به گونه‌ای شاخص تأثیر می‌گذارند.
**تأثیر دوری از دریا و منابع رطوبتی بر اقلیم استان:** ارتفاعات البرز همچون سدی بلند مانع رسیدن جریانات جوی رطوبت دریای خزر به استان سمنان است و به این جهت دوری از منبع عظیم رطوبتی دریای خزر و نزدیکی به کویر بزرگ نمک، این استان را در موقعیت خاصی قرار داده است و به دلیل کمبود جریان‌های سطحی آب، این استان به صورت مشخص با کمبود آب برای اهداف کشاورزی و صنعتی و شرب و غیره مواجه می‌باشد.
**رودخانه‌های استان:** رودخانه‌های استان سمنان نیز به دو دسته رودخانه‌های دائمی و فصلی تقسیم می‌شوند که مهم‌ترین و شاید تنها رودخانه‌ی دائمی استان را بتوان حبله رود به شمار آورد که بر اساس آمار ۲۰ ساله اداره‌ی کل آب‌های سطحی استان، سالانه ۲۶۰ میلیون متر مکعب آبدهی دارد.
سایر رودخانه‌های معروف استان عبارتند از: رودخانه‌ی گل رودبار که از ارتفاعات شهمیرزاد سرچشمه میگیرد، رودخانه‌ی ایوانکی که در فصل بارندگی به دشت کویر جریان می‌یابد، رودخانه‌ی چشمه علی دامغان که از دره‌های جنوبی شاهکوه گرگان سرچشمه می‌گیرد و به دشت کویر می‌ریزد و رودخانه‌ی کال شور که از ارتفاعات شمال شرقی میامی سرچشمه گرفته و به کویر می‌پیوندد.
**آب‌های زیرزمینی:** آب‌های زیر زمینی استان در اشکال چاه‌های عمیق و نیمه عمیق و قنوات و چشمه‌ها مورد بهره برداری قرار میگیرند. در حدود ۸۰ درصد آب مصرفی استان سمنان از آب‌های زیر زمینی و در حدود ۲۰ درصد دیگر از آب‌های سطحی تأمین می‌گردد.
منابع موجود رطوبتی در سطح استان سمنان به سبب محدودیت نمی‌توانند به گونه‌ای شاخص بر اقلیم آن تأثیر گذارند ولی به هر حال در مقیاسات کوچک خرد اقلیمی بر سیمای اقلیمی استان مؤثر واقع می‌شوند.
**تأثیر عرض جغرافیائی بر اقلیم استان:** فاکتور عرض جغرافیائی از دیدگاه کلی، یکی از مؤثرترین عوامل شکل‌گیری اقلیم استان سمنان است، زیرا استان سمنان باگسترش تا عرض ۳۴ درجه و ۱۷ دقیقه، در کمربند «بیابانی» جهان قرار گرفته و مهم‌ترین عامل در نازل بودن بارندگی‌های استان شده و فرونشینی هوا در این عرض‌های جغرافیائی از مهم‌ترین عوامل گرم بودن منطقه محسوب می‌شود.
علاوه بر آن، گستردگی استان در فاصله عرض جغرافیائی در حدود ۳/۵ درجه، از طرفی استان

سمنان را در موقعیت ششمین استان بزرگ کشور قرار داده و از سوئی هم به سبب گستردگی استان، تفاوت‌های فاحشی در رژیم‌های اقلیمی مناطق کوهستانی شمال و مناطق پست کویری جنوب آن پدید آورده است که این امر بر طول روز، ساعات آفتابی، تشعشع و سایر انرژی‌های دریافتی از خورشید در محور شمالی ـ جنوبی استان تأثیر می‌گذارد، به این مفهوم که شمالی‌تر بودن هر منطقه الزاماً همراه با طول روز کوتاه‌تر و دریافت انرژی خورشیدی کمتر خواهد بود.

**توده‌های هوا و سیستم‌های زمستانه:** توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی زمستانه که فلات ایران و منطقه‌ی سمنان را در طول فصل‌های سرد سال تحت تأثیر قرار می‌دهند، به دو دسته سیستم‌های پر فشار و کم فشار تقسیم می‌شوند.

**تأثیر کشاورزی و پوشش‌گیاهی بر اقلیم استان:** استان سمنان به علت موقعیت خاص جغرافیائی و اقلیمی و محدودیت‌های ناشی از کمبود آب و خاک، دارای کشاورزی گسترده نمی‌باشد. به سبب کم آبی و خشکی منطقه، کشت‌های درختی و محصولات باغی، توسعه‌ی قابل ملاحظه‌ای نداشته، بلکه این استان عمده فعالیت‌های کشاورزی خود را به کاشت محصولات آبی یکساله متمرکز نموده است.

محصولات صنعتی نیز نظیر پنبه، چغندر قند و آفتابگردان و تنباکو هم به صورت محدود در این استان کشت می‌شود. مهم‌ترین محصولات باغی استان عبارتند از: انگور در شاهرود و دامغان، انار در سمنان و گرمسار، سیب در شاهرود و پسته در دامغان که در این میان پسته‌ی دامغان به دلیل وضعیت آب و هوا و نوع خاک دامغان که دارای شرایط مساعدی برای این محصول می‌باشد به خوبی رشد یافته و دارای معروفیت است.

دامداری در استان سمنان با وجود مجاورت با کویر از اهمیت بالایی برخوردار است، به گونه‌ای که نه تنها در اقتصاد منطقه بلکه در اقتصاد کشور نیز دارای نقش ارزنده‌ای می‌باشد. شهرستان شاهرود و مهدی شهر از نقاط مهم دامداری استان است.

کشاورزی استان با وجود تمام محدودیت‌های جغرافیائی و اقلیمی تا حدودی توانسته است بر چهره‌ی خشک و کویری استان در بخش‌های مختلف، پرده سبزی بگسترد و کم و بیش در محدوده‌های خرد اقلیمی، بر سیمای اقلیمی استان تأثیر بگذارد.

ـ استان سمنان از نظر رویشی، بر اساس طبقه بندی مبین و ترگوپوف (۱۹۷۰) بخش نسبتاً کوچکی از منطقه‌ی ایران و تورانی است که رستنی‌های موجود در آن با تعاریفی که در مورد اقلیم خشک شده (میزان ریزش‌های جوی عموماً کمتر از ۲۰۰ میلی متر و تبخیر و تعرق و شدت حرارت زیاد تابستانه) مطابقت دارد. کمی میزان بارندگی و طولانی بودن فصل خشک و نوسان شدید حرارتی منطقه از وجوه مشخصه آن است.

در ارتفاعات بخش‌های شمالی استان بارندگی غالباً بیشتر از ۴۰۰ میلی متر و تبخیر و تعرق پتانسیلی کمتر و درجه حرارت تابستانه معتدل‌تر است، این مناطق دارای جنگل‌های ارس یا سرو کوهی و گونه‌های همراه با آن می‌باشند و سرمای زمستانه منطقه‌ی زیاد و بارندگی این ناحیه در شکل مؤثر، تحت تأثیر کم فشارهای مدیترانه‌ای است.

این منطقه نسبت به منطقه استپی استان، مساحت کمی را به خود اختصاص می‌دهد.

از نظر آب و هوائی و سایر فاکتورهای اکولوژیک، منطقه‌ی استپی استان سمنان را می‌توان به بخش‌های زیر تقسیم نمود:

**الف) منطقه‌ی نیمه بیابانی** (Seniarid Area): بخش وسیعی از اراضی جنوبی استان که ارتفاع آن‌ها از سطح دریا ۸۰۰ تا ۹۰۰ متر است، دارای شرایط بیابانی بوده و زمین‌های پست این نواحی را نمک زار یا توده‌های شن متحرک تشکیل داده است.

رستنی‌های موجود در این نواحی بیشتر تحت تأثیر خاک و توپوگرافی قرار می‌گیرند. اغلب رستنی‌های این نواحی از گونه‌های شور پسند از خانواده سلمه تره و سایر گونه‌های شورپسند از خانواده‌های گز و غلات و بهمنی می‌باشند.

**ب) منطقه‌ی جلگه‌ای** (Stepic Area): مناطق جلگه‌ای، سطح وسیعی از استان را به خود اختصاص داده است. میانگین سالانه ریزش‌های جوی در مناطق جنوبی ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلی متر و در مناطق شمالی جلگه تا حدود ۲۳۰ میلی متر در نوسان است. درجه حرارت محیط در این نواحی تابع ارتفاع محل است. تنوع و پراکنش گیاهی این منطقه بسیار زیاد است و از شاخص‌ترین رستنی‌های این منطقه درمنه است که با تیره‌های گوناگون در هم آمیخته است.

**ج) منطقه‌ی کوهستانی** (mountainous Area): بخش کوهستانی استان سمنان به طور عمده در دامنه‌های جنوبی البرز قرار داشته و رویشگاه درختان ارس یا سرو کوهی است. به علت طولانی بودن فصل زمستان در این منطقه، فعالیت‌های حیاتی برای مدتی کند یا متوقف می‌شود و به این سبب فقط درختان ارس و گونه‌های معدودی می‌توانند با این شرایط سازگاری یابند. این منطقه از نظر تعداد گونه‌های چوبی ضعیف و درختان و درختچه‌های آن معدود است و به طور کلی حدود انتشار این گونه گیاهان در این نواحی بین ارتفاع ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ متر از سطح دریا است.

- مراتع استان به لحاظ موقعیت جغرافیائی و اقلیمی، از نوع مراتع فقیر است و تنها مراتع واقع در بخش‌های شمالی استان در دامنه‌های جنوبی البرز، جهت پرورش دام مساعد است.

مجموعه‌ی پوشش جنگلی و مرتعی استان، به صورت بسیار محدود می‌توانند بر اقلیم استان مؤثر واقع شوند.

**اقلیم فراخشک معتدل:** اقلیم فراخشک معتدل، جنوب و جنوب شرق استان سمنان را به صورت منطقه‌ای نسبتاً وسیع تحت پوشش قرار می‌دهد.

**اقلیم‌های مرطوب و سرد:** نوار باریکی از بخش‌های شمالی و شمال غربی استان سمنان تحت پوشش اقلیم‌های متأثر از ارتفاعات البرز قرار دارد که مهدی شهر، شهمیرزاد، چهل دختر، ابر، خیج، ده صوفیان و مجن از نقاط واقع در این اقلیم‌ها محسوب می‌شوند.

**تقسیمات اقلیمی استان:** اقلیم‌های غالب استان سمنان شامل اقلیم خشک و فراخشک است و فقط در باریکه‌ای در شمال استان که مرز استانی آن در حقیقت مرز کوهستانی است و مرزهای استان سمنان را با استان‌های گلستان، مازندران و تهران تشکیل می‌دهد، اقلیم‌های نیمه خشک، نیمه مرطوب، مدیترانه‌ای و حتی مرطوب به صورت باریکه‌های اقلیمی قابل شناسائی است.

شاید بتوان ادعا نمود که شدیدترین تضاد آب و هوائی در محور شمالی ـ جنوبی یک استان را

بتوان در استان سمنان معرفی نمود، زیرا تفاوت‌های موجود بین اقلیم‌های مستقر در شمال و جنوب استان، تفاوت بین اقلیم‌های مدیترانه‌ای و مرطوب در مقابل اقلیم‌های خشک و فراخشک است و به این سبب استان سمنان در واقع دربرگیرنده‌ی اقلیم‌های بسیار متفاوت و متضاد با یکدیگر می‌باشد. در جنوب استان، گسترده‌ترین اقلیم‌های حاکم از نوع فراخشک معتدل است و قسمت‌های میانی استان تحت سیطره اقلیم فراخشک سرد بوده و در شمال استان هم اقلیم خشک سرد مشاهده می‌شود که به تدریج به اقلیم‌های متنوع در باریکه‌های کوهستانی تبدیل میشود و در واقع نقاط مرتفع موجود در بخش شمال غربی استان که متأثر از اقلیم‌های شمالی کشور است، به طرف آب و هوای مرطوب‌تر و سردتر میل می‌کند.

**اقلیم خشک سرد:** پهنه‌ی وسیعی از مناطق شمالی و شمال غربی استان سمنان تحت پوشش اقلیم خشک سرد قرار دارد و از ایوانکی و آردان و سرخه و سمنان واقع در شمال غربی استان تا دامغان، بسطام، میامی و شاهرود، از غرب تا شمال استان امتداد یافته است.

**اقلیم فراخشک سرد:** اقلیم فراخشک سرد از غرب استان با امتداد به بخش‌های مرکزی و عبور به سمت شرق استان گسترش دارد و در حدود دو سوم از مساحت استان را تحت پوشش قرار می‌دهد و داور آباد، گرمسار، کویر، خیر آباد سمنان و ترود را در بر می‌گیرد.

**رشته کوه‌ها و ارتفاعات استان سمنان:** استان سمنان در دامنه‌های جنوبی سلسله جبال البرز واقع شده است که ارتفاع آن از شمال به جنوب کاسته شده و نهایتاً به دشت کویر ختم می‌گردد. رشته کوه‌های البرز از کوه‌های طالش در غرب گیلان شروع و تا ارتفاعات خراسان در مشرق کشیده شده است و این رشته ممتد از نظر جهت گسترش در مشرق و مغرب تفاوت هایی پیدا می‌کند یعنی تا حبله رود در قسمت مغرب، جهت کوه‌ها از شمال غربی به سوی جنوب شرقی می‌باشد، در حالی که در مشرق این رودخانه امتداد کوه‌ها جهت معکوس دارد، یعنی از جنوب غرب به طرف شمال شرقی متوجه می‌شود. این دیوار به صورت قوس بزرگی است که به سمت شمال باز می‌شود و مناطق پست و مسطح اطراف دریای خزر را از فلات مرتفع مرکزی ایران (استان سمنان) جدا می‌کند و ارتفاعات شمال استان در جنوب این دیوار کوهستانی قرار گرفته است. کوه‌های پراکنده‌ی جنوبی استان سمنان که متشکل از تپه‌های اواخر دوران ترشیاری هستند، دشت‌هایی مانند گرمسار، ایوانکی، چاله‌ی دامغان، میامی و مخروط افکنه شاهرود را به وجود آورده‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان استان سمنان را به دو بخش کوهستانی و دشت‌های پایوهی تقسیم کرد:

نواحی کوهستانی از مهم‌ترین و کارآمدترین ناحیه‌های دارای امکانات معدنی هستند که برای گذران اوقات فراغت مردم نیز مناسب اند. در دشت‌های پایکوهی استان، بسیاری از شهرهای باستانی جای گرفته‌اند.

**بخش شرقی البرز:** کوه‌های البرز شرقی، نسبت به البرز غربی که ارتفاعات آن رو به نقصان می‌گذارد، کم عرض‌تر و باریک ترند تا آن که در دویست کیلومتری شرق دریای خزر، ارتفاعات آن به دشت آرموت لی (Armutlee) منتهی می‌شود. عرض رشته کوه‌های البرز در این منطقه از ۱۲۰

کیلومتر در فیروزکوه، در فاصله‌ی بین دامغان و گرگان به ۶۰کیلومتر تقلیل یافته و در شمال شرقی شاهرود فقط به ۳۰ کیلومتر می‌رسد. در قسمت شرقی هم از ارتفاعات البرز به همین نسبت کاسته می‌شود، به طوری که در حوالی جاجرم در قله‌ی خورکوه ارتفاع آن به ۲۸۱۹ متر رسیده و از آن پس به صورت فلاتی با ارتفاعات ناچیز در می‌آید. مهم‌ترین ارتفاعات البرز شرقی در ناحیه‌ی استان سمنان عبارتند از:

۱ـ ارتفاعات البرز در سمنان، با ارتفاع متوسط ۳۲۰۰ متر که شهرستان سمنان را از استان مازندران جدا می‌سازد و قله‌ی معروف آن نیزوا در شمال غرب شهمیرزاد واقع شده است.

**رودخانه‌ها و منابع آبی استان سمنان:** استان سمنان به علت موقعیت خاص جغرافیائی عملاً با کمبود آب برای مصارف کشاورزی و غیر کشاورزی رو به رو می‌شود. به طوری که اکثر آب مصرفی از منابع زیر زمینی تأمین می‌گردد (برای مثال ۸۷۳ میلیون متر مکعب از منابع آب زیر زمینی یعنی ۸۲ درصد از کل آب مصرفی و ۱۹۸ میلیون متر مکعب از منابع آب‌های سطحی یعنی ۱۸ درصد از کل آب مصرفی) حجم آب‌های زیر زمینی در حال حاضر ۸۵۲ میلیون متر مکعب برآورد شده که میزان تخمینی بیشتر می‌باشد و به همین دلیل حفر چاه‌های عمیق و استفاده از آب‌های زیر زمینی در دشت‌های شاهرود و ایوانکی ممنوع اعلام شده است.

**ـ رودخانه‌ی تاش (یا شاهرود):** این رودخانه از کانون‌های آبگیر شاه‌کوه و شاهوار در حد فاصل تاش و مجن سرچشمه گرفته و دارای ویژگی‌های رودهای فصلی است. این رود پس از دریافت چندین رشته فرعی در ناحیه کوهستانی و پس از مشروب کردن اراضی پشت بسطام و زیر استاق، به سوی کویر نمک جاری می‌شود.

**ـ رودخانه‌ی کال شور:** این رودخانه از کوه‌های شمال شرقی میامی (کوه چاه بید) سرچشمه گرفته و پس از گذشتن از شمال میامی از زیر پل ابریشم وارد کویر می‌شود.

**ـ رودخانه‌ی چشمه‌ی علی دامغان:** این رودخانه از دره‌های جنوبی شاهکوه گرگان سرچشمه گرفته و به دشت کویر منتهی می‌شود.

**ـ خشکرود دریان:** این رود در شمال قوشه از ارتفاعات قوشه سرچشمه میگیرد و از کنار قریه امروان عبور کرده و به دشت کویر وارد می‌شود.

**گردشگاه‌های طبیعی استان سمنان:** مجموعه عوامل طبیعی جذب جهانگرد و گردشگر را در استان سمنان می‌توان به صورت زیر بیان نمود: تابستان‌های معتدل شاهرود و حومه‌ی شمالی آن و چشمه علی دامغان و محیط سالم و طبیعی شهمیرزاد و بن کوه گرمسار، پارک‌های جنگلی، جنگل‌های استان و در فصل زمستان برف پوش شدن درختان سرو و کاج، در پائیز رنگ‌های دل‌انگیز و متنوع و در بهار شکوفه‌های زیبای درختان منظره‌ای بدیع را به وجود می‌آورند و در تابستان نیز سایه‌ی درختان برای هر عابر خسته‌ای دلنشین است. ارتفاعات، غارها، مناطق حفاظت شده و پارک وحوش، روستای ویژه‌ی کویری، اطراف بعضی از رودخانه‌ها و چشمه‌ها از جمله گردشگاه‌های استان سمنان می‌باشند که مملو از جاذبه‌های طبیعی و گردشگری می‌باشند.

**کناره‌های رودخانه‌ی گل بار:** رودخانه‌ی گل بار از ارتفاعات شهمیرزاد سرچشمه میگیرد و پس از طی مسافتی با دریافت آب شعبه‌های ده صوفیان و شهمیرزاد، حوزه‌ای وسیع را مشروب می‌کند که

پس از گذشتن از غرب سمنان در دشت فرو می‌رود. در اطراف این رودخانه گردشگاه‌های بهاری و تابستانی مناسبی وجود دارد که از زیبائی و جذابیت‌های خاصی برخوردار است.

**چشمه‌های آب گرم معدنی:** چشمه‌ی شاه در قسمت شمالی سیاه‌کوه و چشمه‌ی عین الرشید در شمال غربی چشمه شاه و در سه کیلومتری جنوب غربی قلعه‌ی عین الرشید قرار دارد. خاصیت آب این دو چشمه‌ی صفراآور، ملین، تسکین دهندگی و ضد خارش بودن آن‌ها است و در درمان بیماری‌های نقرس، رماتیسم و دردهای مفاصل نیز مؤثر است.

ـ چشمه‌های آب مراد، آب قولنج، آب گرم و سرد که مجموعه‌ی این چشمه‌های آب گرم در بخش مهدی شهر و در شمال غربی سمنان به فاصله‌ی ۲۱ کیلومتری این شهر قرار دارد، اطراف این چشمه‌ها را ارتفاعات در برگرفته است.

آب چشمه‌ها از دسته آب‌های کلروره سولفاته کلسیک و گوگردی است و در درمان بیماری‌های صفراوی، کلیه، نقرس، کبد، روماتیسم و درد مفاصل مؤثر است. هر ساله از اوایل بهار تا اواسط پائیز، جمعی کثیر از مردم استان مازندران و سمنان برای بهره‌گیری از خواص آب چشمه‌ها به این منطقه می‌آیند. ـ سازمان هواشناسی کشور

## زمین‌شناسی و معادن

**زیست چینه‌شناسی نهشته‌های سازند قم در شمال خاور و جنوب خاور سمنان استان سمنان:** در این مطالعه، نهشته‌های سازند قم در شمال خاور سمنان (برش عطاری) و جنوب خاور این شهرستان (برش گرماب) بررسی شده است. مقطع چینه‌شناسی عطاری با ستبرای ۲۸۰ متر شامل مارن، آهک، آهک ماسه‌ای، ماسه سنگ و شیل آهکی است که بر روی سنگ‌های آذرین نیمه عمقی و با ناپیوستگی هم شیب در زیر مارن‌های سازند سرخ بالایی قرار می‌گیرد. مقطع چینه‌شناسی گرماب با ستبرای ۹۷/۵ متر از آهک و آهک ماسه‌ای و شیل آهکی و مارن تشکیل شده و بر روی توف‌های سبز رنگ رزاقی به سن ائوسن و در زیر ژیپس‌های سازند سرخ بالایی قرار گرفته است. از مقطع چینه‌شناسی عطاری ۱۳۶ نمونه و از مقطع چینه‌شناسی گرماب ۳۱ نمونه برداشت شد. پس از مطالعه‌ی نمونه‌های مقاطع عطاری و گرماب ۳۱ جنس و ۳۶گونه روزن داران کف زی، ۱ جنس و گونه‌ی روزن دار پلانکتون، ۳ جنس و گونه جلبک سرخ و ۲ جنس و گونه بریوزوا شناسایی شد. از میان میکروفسیل‌های موجود، روزن داران کف زی با توجه به تنوع و فراوانی اهمیت بیشتری داشته و مبنای مطالعه‌ی زیست چینه‌شناسی قرارگرفتند. به علت شباهت مجموعه روزن داران کف زی سازند قم و سازند آسماری و نبود یک زون بندی زیستی رسمی برای سازند قم، از زون بندی زیستی Adams and Bourgeois که برای سازند آسماری ارائه شده در مطالعه‌ی زیست چینه‌شناسی و تعیین سال نسبی نهشته‌های سازند قم در برش‌های چینه‌شناسی عطاری و گرماب استفاده شد.

مطالعه‌ی میکروفسیل‌های نهشته‌های سازند قم به ویژه روزن داران در مناطق مختلفی که این سازند در ایران مرکزی رخنمون دارد، به محققان کمک می‌نماید تا به نتایج دقیقی در زمینه‌ی سن نهشته‌ها و گسترش چینه‌شناسی و جغرافیایی آن‌ها دست یابند. از این رو، به منظور تکمیل اطلاعات در شمال خاور و جنوب خاور سمنان، برش‌های

عطاری و گرماب برای مطالعه‌ی انتخاب شدند. در واقع این تحقیق، نخستین مطالعه در منطقه است که بر روی محتویات میکروفسیسل نهشته‌ای سازند قم متمرکز شده و گسترش چینه‌شناسی آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است. مجله علوم زمین شماره ۶۲

**استان سمنان از نظر زمین‌شناسی:** منطقه‌ی مورد مطالعه در محدوده‌ی معلمان، در جنوب باختر چارگوش ترود، در طول جغرافیایی ۳۰ ۵۴° تا ۳۹ ۵۴° خاوری و عرض ۱۸ ۳۵° تا ۲۱ ۳۵° شمالی و از نظر تقسیم بندی ساختاری ـ رسوبی، در محدوده‌ی گودال‌ها قرار گرفته است. در بخش شمالی این منطقه، سازند معادل کرج از روستای سوسن وار تا جنوب معدن کائولن گندی رخنمون خوبی دارد. از نظر سنگ‌شناسی، این سازند دارای شیل، مارن، ماسه سنگ، سنگ آهک، دولوستون، رادیولاریت، توفیت، زئولیت و بنتونیت بوده و سن سازند آن در این منطقه، لوتسین (ائوسن میانی) است. مطالعات بر روی انواع، ترکیب و محیط تشکیل لایه‌های بنتونیتی و زئولیتی کانسار بنتونیت سوسن وار و زئولیت گندی انجام شده است. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده و نتایج حاصل، شیشه‌ی آتشفشانی (و شاردهای) به وجود آورنده بنتونیت‌ها و زئولیت‌ها، اسیدی (ریولیتی تا داسیتی) و سری ماگمایی تشکیل دهنده آن‌ها قلیایی است. تبدیل شیشه به بنتونیت و زئولیت، در شرایط دیاژنزی، در یک محیط کم ژرفای دریایی، مانند لاگون رخ داده است. در طی دیاژنز، بنتونیت‌ها منیزیم و کلسیم و زئولیت‌ها سدیم و پتاسیم بیشتری جذب کرده‌اند. نوع رس بنتونیت‌ها، اسمکتیت (بدلیت) و از نوع وایومینگ و نوع زئولیت‌ها، کلینوپتیلولیت سدیم دار است.

**استان سمنان:** واحدهای شیلی و کوارتزیت بالایی سازند لالون (بخش بالایی کامبرین زیرین) در ناحیه‌ی تویه ـ دروار (۴۸ کیلومتری جنوب باختری دامغان) برای تشخیص رخساره‌ها، محیط‌های رسوبی و چینه نگاری سکانسی آن‌ها بررسی شده‌اند. این واحدها با ناپیوستگی هم شیب روی واحد زیرین سازند لالون جای دارند و با افقی از خاک قدیمی از بخش ۱ سازند میلا جدا می‌گردند.

واحدهای شیلی و کوارتزیت بالایی در بردارنده‌ی گروه‌های رخساره‌ای کربناته، تخریبی (به طور عمده دریایی) و طوفانی اند. نهشته‌های واحدهای شیلی و کوارتزیت بالایی پس از نخستین نابودی زیستی جهانی سرانجام‌های کامبرین پیشین و پیشروی آب دریا، در یک پلاتفرم نوع رمپ / خلیج دهانه‌ای زیر نفوذ طوفان، وابسته به حاشیه‌ی واگرای شمال باختری گندوانا، پدید آمده‌اند.

سازند لالون در کوه‌های البرز و بخش‌های دیگر ایران گسترش دارد. برش الگوی این سازند را در دهکده‌ی لالون (البرز مرکزی) اندازه‌گیری و نام‌گذاری کرد. در برش الگو سازند لالون از سه واحد ساخته شده است. واحد زیرین از ۴۹۸ متر ماسه سنگ پدید آمده است. واحد شیلی در برگیرنده‌ی ۳۵ متر شیل رنگین با میان لایه‌هایی از ماسه سنگ است و واحد زبرین که کوارتزیت بالایی نام دارد از ۵۰ متر ماسه سنگ کوارتزیتی ـ آرکوزی سفید رنگ ساخته شده است. مجله‌ی علوم زمین

**ایکنوفسیل‌ها و ایکنوفاسیس‌ها ناحیه طزره استان سمنان:** رسوبات بخش بالایی سازند شمشک در ناحیه‌ی طزره شامل ماسه سنگ،

سیلتستون و شیل بوده که حاوی فسیل‌های دریایی است. بر اساس مطالعه‌ی سیستماتیک ایکنوفسیل‌های این رسوبات تعداد ۹ ایکنوجنس در دو مجموعه مجزا تشخیص داده شده است. مجموعه‌ی اول با تنوع ایکنوفونای کم (Arenicolites, Skolithos, Diplocraterion) در لایه‌های ماسه سنگی و سیلتستونی حضور دارد. این مجموعه از ایکنوفسیل‌ها نشانگر ایکنورخساره اسکولیتوس بوده که در یک محیط نسبتاً پرانرژی تشکیل شده است. مجموعه‌ی دوم با تنوع ایکونوفونای بیشتر Planolites, Cohlichnus, (Palaeophycus, Neonerites, Rhizocorallium, Chondrites) در لایه‌های شیلی تشکیل شده و معرف ایکنورخساره کروزیانا بوده که در یک محیط با انرژی کمتر تشکیل شده است.

این ناحیه در دامنه‌ی جنوبی رشته کوه البرز قرار دارد. در ناحیه‌ی طرزه علاوه بر رسوبات شمشک، سازندهای الیکا، دلیچای و لار رخنمون دارند. تشکیل سنگ‌های ژوراسیک ایران در ارتباط با رویدادهای تکتونیکی بوده و به همین دلیل آن‌ها را به دو سیکل رسوبی تقسیم نموده‌اند.

**مشخصه** (Diagnosis): یک بارو U شکل، قائم با اسپریت. بازوهای این بارو اغلب به موازات هم بوده و دهانه‌ی آن ممکن است استوانه‌ای یا قیفی شکل باشد. کف قسمت U شکل (کف بارو) به صورت نیم دایره و بندرت به صورت مستقیم مشاهده می‌شود. اسپریت‌ها ممکن است در زیر بخش (retrusive) U و یا در داخل U (protrosive) قرار گیرند. قطر لوله‌های آن ۱۵-۵ میلی متر و فاصله‌ی بین آن‌ها عموماً ۷-۱ سانتی متر ولی گاهی بیشتر است. ژرفای حفاری به طور معمول ۱۵-۷ سانتی متر ولی گاهی تا ۳۵ سانتی متر هم می‌رسد.

**استان سمنان:** جایگاه نظام گسلی بر اساس دستاوردهای حاصل از مطالعه‌ی تفصیلی ساختاری و ریخت ساختی در امتداد پهنه‌ی گسلی دامغان و مقایسه‌ی طرح‌های نوزمین ساختی در نقاط مختلف، این نظام گسلی در حاشیه‌ی جنوبی البرز خاوری متشکل از چهار تکه ده ملا ـ سیاه کوه، سیاه کوه ـ رودبار، رودبار ـ فولاد محله و لبرود ـ شتر گردن معرفی شده است. تکه ده ملا ـ سیاه کوه سازو کار نرمال داشته و عملکرد سایر تکه‌ها معکوس چپگرد است. این سیستم یکی از عناصر تکتونیکی مهم در درون پهنه‌ی برشی همگرای چپگرد (Left lateral transpression zone) جنوب البرز خاوری با روند N60E است که در این مقاله، پهنه‌ی برشی همگرای آستانه ـ عطاری نام گرفته است. گسله آستانه، مرز شمالی و گسله‌ی عطاری مرز جنوبی آن را می‌سازد. تکه‌های ده ملا ـ سیاه کوه و سیاه کوه ـ رودبار با فعالیت مشخص در کواترنری، یک گسله‌ی چرخشی راستگرد (Clockwise rotational fault) را می‌سازند. این بخش چرخشی، یک گسله‌ی انتقالی (Transfer Fault) برای گسله‌ی لبرود ـ شتر گردن است. تکه‌ی لبرود ـ شتر گردن هیچ گونه ارتباط ساختاری و شباهت عملکرد در تکوین محیط رسوبی با گسله‌ی عطاری در منطقه جام ندارد. اگر چه این پهنه‌ی برشی در کواترنری فعالیت مشخص داشته است و این شواهد در تکه‌های ده ملا ـ سیاه کوه، سیاه کوه ـ رودبار و لبرود ـ شتر گردن به وضوح مشهود است ولی فعالیت کواترنری بخش باختری آن (تکه رودبار، فولاد محله)، به طور عمده در امتداد گسله‌ی آستارا با سازو کار چپگرد ثبت شده است.

شواهد جنبشی (Kinematic evidences)

جوان زمین‌شناسی برای الگوی برش همگرای چپگرد در این بخش از البرز خاوری با دستاوردهای دینامیکی ناشی از تحلیل سازو کار کانونی زمین لرزه‌ها، دگر شکلی سطحی زمین‌لرره‌های تاریخی و دستگاهی و همچنین نتایج حاصل از مطالعات ماهواره‌های بر روی جنبش ورق‌های لیتوسفری در منطقه مورد مطالعه، هماهنگی کامل دارد و مؤید عملکرد یک تنش فشاری مورب با راستای شمال ـ شمال خاوری بر روی منطقه آستانه عطاری است و می‌تواند موجب تحرک و پویایی منظومه‌ی گسلی دامغان بر اساس الگوی ارائه شده گردد. مجله‌ی علوم زمین ش ۳۹ و ۴۰

محدوده‌ی معدنی طلای دارستان ـ باغو در فاصله‌ی ۱۰۰ کیلومتری جنوب دامغان واقع شده است. این محدوده بخشی از مجموعه‌ی آتشفشانی ـ نفوذی «ترود ـ چاه شیرین» می‌باشد که به صورت یک فرازمین (Horst)، با روند شمال خاوری ـ جنوب باختری، در حاشیه‌ی شمالی کویر مرکزی، رخنمون دارد. رخنمون‌های سنگی محدوده‌ی مورد مطالعه، متشکل از مجموعه‌ی سنگ‌های گدازه‌ای و آذر آواری (ائوسن میانی) با ترکیب غالب حد واسط (آندزیت تا داسیت) و توده‌های نفوذی (ائوسن پسین ـ اولیگوسن) با ترکیب اسیدی تا حد واسط می‌باشد.

کانه زائی در نشانه معدنی طلای دارستان به صورت یک رگه سیلیسی مس (طلا) دار می‌باشد که در طول ۴۰۰ متر، در راستای گسل نرمال دارستان، قابل تعقیب است. سنگ میزبان این رگه، واحد توف برش آندزیت - داسیت آندزیت می‌باشد که با انواع دگرسانی‌های سیلیسی، آرژیلی و پروپیلیتی در امتداد رگه همراه است.

کانی‌شناسی این رگه سیلیسی شامل کوارتز، کالکوپیریت، پیریت، طلا، اسپیکولاریت، مالاکیت، کالکوسیت، کوولیت و هیدروکسیدهای آهن می‌باشد.

کانی زائی طلا در باغو (۳ کیلومتری شمال خاوری نشانه‌ی معدنی طلای دارستان) در یک رگه‌ی سیلیسی به طول ۷۰۰ متر رویداده است. سنگ میزبان این رگه، توده‌ی نفوذی نیمه عمیق با ترکیب گرانیت ـ گرانودیوریت است که در اطراف رگه با دگرسانی آرژیلی همراه شده است. کانی‌شناسی این رگه سیلیسی نیز ساده و متشکل از تورمالین، پیریت، کالکوپیریت، اکسیدها و هیدروکسیدهای آهن، مالاکیت، کالکوسیت، کوولیت و دانه‌های آزاد طلا در گانگ سیلیسی می‌باشد.

در گستره‌ی کوه زر (باغو و دارستان) طلا از دیرباز مورد توجه معدنکاران بوده است و کارشناسان گوناگون، این گستره را از دیدگاه زمین‌شناسی و معدنی مورد مطالعه و تحقیق قرار داده‌اند.

گسترش وسیع آثار معدنکاری طلا، به صورت حفر دخمه و گودال، در پلاسرهای دشت باغو نیز حفر دهمه و ترانشه در امتداد رگه‌های سیلیسی موجود در سنگ‌های پلوتو ـ ولکانیک مشرف به دشت باغو، نشان از گسترش و اهمیت معدنکاری طلا و مس در این منطقه دارد.

در منطقه‌ی کوه زر، بر پایه‌ی مطالعات زمین‌شناسی در نگاه اول مشخص است که خاستگاه پلاسرهای طلا دار دشت باغو از کانه سازی طلا در ارتفاعات کوهستانی میباشد، چراکه گستره‌ی کارهای قدیمی در پلاسرها (به وسعت حدود ۳۰ کیلومتر مربع) به آبراهه‌هایی محدود

می‌گردد که در ارتفاعات به گستره‌ی نفوذی‌های اسیدی تا حد واسط و زون‌های دگرسانی حاصل ازعملکرد سیالات گرمابی منتهی می‌شود. مجله‌ی علوم زمین ش ۳۵ ـ ۳۶

ذخایر فلزهای پایه و گرانبهای گندی و ابوالحسنی در بخشی از کمربند آتشفشانی کلسیمی ـ قلیایی ترشیری شمال خاور ایران قرار دارند. سنگ‌های رخنمون یافته از توالی آتشفشانی ـ تخریبی شامل سیلت سنگ‌ها و ماسه سنگ‌های نزک لایه، لاپیلی توف‌ها، برش‌های آتشفشانی و گدازه‌های حد واسط در منطقه‌ی گندی و به طور عمده گدازه‌های آندزیتی در منطقه‌ی ابوالحسنی تشکیل شده است.

کانی سازی در منطقه گندی به صورت برشی و رگه‌ای رخ داده و به سه مرحله‌ی اصلی قابل تقسیم است. مرحله I از نظر کانی سازی طلا دارای اهمیت اقتصادی است. مرحله‌ی II از چهار مرحله‌ی فرعی تشکیل شده و شامل کانی سازی فلزهای پایه است. مرحله‌ی پایانی با فراوانی کوارتز و کلسیت مشخص می‌شود. کانی سازی در منطقه ابوالحسنی شامل سه مرحله اصلی است. دو مرحله‌ی اول و دوم دارای مجموع کانیایی یکسان شامل کوارتز، کلسیت، گالن، اسفالریت، پیریت و کلکوپیریت است، در حالی که مرحله‌ی پایانی با فراوانی کوارتز و کلسیت مشخص می‌شود.

رشته کوه ترود ـ چاه شیرین بخشی از کمان آتشفشانی کلسیمی ـ قلیایی آلکالن شمال ایران است. این ناحیه میزبان تعداد زیادی رخداد معدنی و معدن متروک، به ویژه رگه‌های فلزهای پایه اپی ترمال است و از این رو مورد توجه بسیاری از پژوهشگران است.

رشته کوه ترود ـ چاه شیرین به طور عمده از سنگ‌های آذرین مزوزوییک پسین تا ترشیری تشکیل شده است. اوج فعالیت ماگمایی در زمان ائوسن میانی تا احتمالاً پسین روی داده که به سه مرحله قابل تقسیم است (هوشمند زاده و دیگران، ۱۳۵۷؛ اشراقی ۱۳۷۷) : ۱) فعالیت‌های آتشفشانی انفجاری شامل توف، خاکسترهای ریولیتی تا ریوداسیتی و به طور محلی گدازه‌های آندزیتی و به صورت فرعی مارن، ماسه سنگ، مارن سنگ و ماسه سنگ‌های توفی، ۲) گدازه‌ها و سنگ‌های آذر آواری با ترکیب آندزیتی، تراکی آندزیتی و آندزیت بازالتی، ۳) سنگ‌های با ترکیب داسیتی ـ ریوداستیت و توده‌های نفوذی نیمه ژرف. الگوی ساختاری این ناحیه توسط دو گسل امتداد لغز اصلی به نام‌های انجیلو در شمال و ترود در جنوب کنترل می‌شود که هر دو امتداد شمال خاوری دارند. مجله‌ی علوم زمین ش ۵۳

**گسل سمنان:** (S) این گسل در شمال سمنان واقع است. در واقع گسل سمنان به صورت چند گسل موازی هم و باروند شمال شرق ـ جنوب غرب است که همگی به موازات گسل عطاری قرار دارند. این گسل نیز مانند گسل عطاری حد جداکننده‌ی زون البرز با ایران مرکزی به شمار می‌آید. و بنا به نظر نبوی (۱۳۵۵) دنباله‌ی گسل سمنان به طرف مشرق تا دامغان قابل شناسائی است.

**گسل آبیک ـ فیروزکوه ـ شاهرود (A-F):** این گسل که به راندگی مشا ـ فشم نیز معروف است در دامنه‌ی جنوبی کوه‌های البرز قرار دارد و شیب آن به سمت شمال است این گسل با طول تقریبی ۴۰۰ کیلومتر از حدود آبیک در غرب تهران شروع شده و پس از عبور از شمال تهران، فیروزکوه و شمال سمنان به طرف دامغان و شاهرود ادامه

دارد. فعالیت این گسل را به دوره‌ی ژوراسیک زیرین نسبت می‌دهند زیرا ضخامت رسوبات شمشک مربوط به دوره‌ی ژوراسیک در قسمت شمالی آن بیشتر از قسمت جنوبی آن است آسرتو (۱۹۶۶)، این گسل را مهم‌ترین گسل ناحیه‌ی البرز مرکزی می‌داند. در حوالی لواسان (شرق تهران) این گسل دو شاخه می‌شود که شاخه‌ی جنوبی آن گسل شمال تهران نامیده می‌شود.

**گسل ترود**: در مشال کویر مجموعه‌ای از گسل‌ها با روند شمال شرقی ـ جنوب غربی وجود دارد که زمین شناسان معتقدند کلیه‌ی تحولات زمین‌شناسی این ناحیه در نتیجه‌ی حرکت این گسل‌هاست. هم چنین توپوگرافی فعلی کویر را به حرکت این گسل‌ها و فرونشست آن‌ها مربوط می‌دانند.

در زلزله‌ای که در سال ۱۳۳۱ در نتیجه‌ی حرکت گسل ترود اتفاق افتاد عده‌ی زیادی جان خود را از دست دادند. این گسل هنوز فعال است و در دیواره‌های این گسل یک جابجائی قائم در حدود ۶۴۰ سانتی متر قابل مشاهده است.

**گسل میامی یا گسل شاهرود (M)**: این گسل از شمال کویر نمک می‌گذرد و با روند تقریباً، شرقی ـ غربی بینالود (البرز شرقی) را از ایران مرکزی جدا می‌کند. نبوی (۱۳۵۵) معتقد است که حد شرقی این گسل به گسل درونه متصل شده و فرورفتگی‌های ناحیه‌ی تربت جام و جنوب آن را به وجود آورده است. حد غربی این گسل در جنوب غربی شاهرود و (جنوب نعیم آباد) در زیر رسوبات عهد حاضر و کویر دامغان ناپدید می‌شود.

**زمین‌شناسی ـ گرمسار**: دشت گرمسار بین رشته کوه البرز در شمال و ارتفاعات سیاه‌کوه در جنوب واقع گردیده، سلسله جبال البرز قسمت حاشیه‌ی فلات چین خورده‌ی وسیع ایران را تشکیل می‌دهد که ساختمان آن نتیجه‌ی ۲ کوهزائی پرکامبرین (آنسیتک) و دیگری کوهزانی آلپی مربوط به دوران مزوزوئیک و سنوزئیک است.

کوه‌های شمالی گرمسار دنباله‌ی کوه‌های البرز هستند که امتداد این کوه‌ها تا لشکرک کشیده شده است. کوه‌های البرز در دوران دوم در زیر آب قرار گرفت و در طول دوران سوم در اثر حرکات کوزائی رشته کوه‌های آلپ در اروپا و جبال هیمالیا بالا آمده است و کوه‌های مرتفعی را به وجود آورده‌اند.

از نظر روندهای ساختمانی، چنیه‌شناسی و رسوب‌شناسی منطقه‌ی گرمسار مشابه ایران مرکزی است. سازندهای (ائوسن، الیگوسن الیگومیوسن، میوسن، پلیوسن، پلیستوسن که به نام‌های کرج، قرمز زیرین قم، قرمز بالائی، هزار دره و آبرشفت‌های قدیمی و عهد حاضر شناخته می‌شوند در این منطقه گسترش دارند.

**گسل گرمسار**: گسل گرمسار، گسل با راستا خاور ـ باختر در شمال گرمسار می‌باشد که به سمت باختر خم‌های زیاد پیدا کرده است و پس از گذشتن از دامنه‌ها کوه ا تخت سلیمان و کوه سرخ در جنوب خاور و ورامین به گسله‌ی پیشوا می‌رسد. طول گسله گرمسار از شمال ده نمک در قسمت خاور تا جنوب باختر کوه سرخ و رودخانه‌ی شور در باختر، حدود ۷۰ کیلومتر است. آرایش هندسی این گسل، ساز و کار راندگی با شیب به سمت شمال را پیشنهاد می‌کند.

**معادن:**

در سال ۱۳۸۲ تعداد ۱۴۷ معدن فعال بدینشرح داشت: ۱- زغال سنگ (۲۳)، ۲- سنگ آهن

(۳)، ۳- سنگ‌های فلزی غیر آهنی (۳) ،۴- کرومیت (۲) ،۵- بوکسیت (۱) ،۶- سنگ، شن و ماسه (۷۹) ،۷- شن و ماسه (۲۳) ،۸- سنگ تزئینی (۲) ،۹- سنگ لاشه (۱۴) ،۱۰- سنگ آهک (۱۱) ،۱۱- سنگ گچ (۲۰) ،۱۲- کائولن، خاک نسوز و... (۵) ،۱۳- دولومیت (۲) ،۱۴- بنتونیت و گل سرشور و... (۱) ،۱۵- منیزیت و گل سفید (۱) ،۱۶- مواد معدنی و شیمیایی و غیره (۱۶)، ۱۷- سولفات سدیم (۱۲) ،۱۸- باریت (۴)، ۱۹- نمک (۱۵) ،۲۰- سایر مواد معدنی (۸)، ۲۱- سیلس (۲) ،۲۲- فلدسپات (۶).

**مقدار تولید معادن در سال ۱۳۸۲، ۶۸۷۸۰۲۲** تن و ۱۱۹۷۲۲۵ متر مکعب بوده است.

۱- زغال سنگ ۲۷۵۳۰۵ تن ۲- کنستانتره زغال سنگ ۲۷۳۵۱۱ تن ۳- زغال کک شو ۱۶۹۹۹ تن ۴- سنگ آهن ۴۹۵۰۰ تن ۵- کرومیت ۸۸۲۰۰ تن ۶- بوکسیت ۹۵۰۰ تن ۷- مخلوط شن و ماسه ۲۹۵۲۰۰ تن ۸- ماسه ی بادی ۱۳۸۳۷۵ تن ۹- ماسه‌ی شسته ۲۳۸۷۲۵ تن ۱۰- شن درجه‌بندی شده ۴۳۴۹۲۵ تن

**دیدنی‌ها و آثار تاریخی:**

**کاروانسرای ده نمک:** در ۴۰ کیلومتری شرق گرمسار واقع شده است. پلان این بنا از نوع ۴ ایوانی است و در چهار گوشه‌ی آن چهار برج مدور احداث گردیده است. سر در ورودی که در ضلع جنوبی قرار دار، با دو گوشواره دو طبقه به شکل ذوزنقه تزئین شده است.

حیاط مستطیل شکل می‌باشد و در طرفین هر ایوان سه اتاق قرار گرفته. اصطبل‌های چهار گانه در چهار طرف کاروانسرا قرار دارد در پشت هر ایوان اتاق مستطیل شکلی وجود دارد که ارتباط بین اصطبل‌ها و قسمت‌های دیگر بنا را قطع می‌کند. شاه نشین کاروانسرا در ضلع جنوبی بنا و روی سر در اصلی ساخته شده است، طاق‌ها از نوع جناغی است و آجر مهم‌ترین عنصر به کار رفته در بنا می‌باشد نوع معماری بنا چنین می‌نماید که این کاروانسرا نیز همچون اکثر کاروانسراهای این منطقه در دوره‌ی صفوی ساخته شده باشد.

**کاروانسرای ایوانکی:** این کاروانسرا که از مجموعه کاروانسراهای ساخته شده در دوره‌ی صفوی می‌باشد در حدود یک کیلومتری جنوب شهر گرمسار واقع شده است. نوع پلان چهار ایوانی است. ورودی بنا رو به شرق است و سر در آن به زیبائی نماسازی شده است. دو شاه نشین در ضلع شرقی و غربی و در بالای سر در ورودی‌های می‌باشند. طاق‌ها به صورت جناغی اجرا شده‌اند.

کاروانسرای ایوانکی در مجموع دارای ۲۴ حجره و چهار پاره بند است که در مقابل حجرات ایوان کوچکی جهت استفاده‌ی مسافرین در فصل تابستان ساخته‌اند و برای فصل زمستان در داخل همه‌ی حجره‌ها و پاره بندها و ایوان‌ها بخاری دیواری بنا کرده‌اند. در مقابل این کاروانسرا آب انباری است که مسافران از آب آن استفاده می‌کردند. بیشتر مصالح این کاروانسرا را آجر و سنگ تشکیل می‌دهند.

**جاده‌ی سنگفرش:** باتلاق‌ها و نمک زارهای جنوب گرمسار مسیری ناهموار و صعب را برای کاروانیان در جاده‌ی کهن ابریشم به وجود می‌آورد که رفت و آمد را با مشکل مواجه می‌ساخته بدین سبب با احداث جاده‌ای سنگفرش به طول ۳۵ کیلومتر و عرض ۵ متر این مسیر ناهموار بهبود یافت هر چند تاریخ بنای این جاده را به زمان صفویان نسبت می‌دهند اما آن چه مسلم است این

جاده بر روی جاده‌ای کهن‌تر از خود بنا شده است که قدمت آن به زمان رونق جاده‌ی ابریشم باز می‌گردد.

بر روی این جاده‌ی قدیمی پل هائی نیز ساخته شده بود که بقایای برخی از آن‌ها هنوز باقی مانده است.

**قصر حرمسرا:** در یک کیلومتری جنوب شرقی کاروانسراهای عباس آباد سیاه کوه (قصر شاه عباسی یا قصر بهرام) یک بنای دیگر صفوی به چشم می‌خورد که «حرمسرا» نامیده می‌شود و ظاهراً در هنگام مسافرت خاندان سلطنتی، حرمسرا و در سایر مواقع محل سکونت شکارچیان سلطنتی بوده است. بنای حرمسرا در یک زمین شیب دار بنا شده به گونه‌ای که آب به طور طبیعی بر آن سوار می‌شده و به سهولت به کاروانسرا که در ارتفاع کمتری بوده انتقال می‌یافته است. این بنا به شدت آسیب دیده است اما از همین بنای ویران شده که شاید در اثر زلزله‌ای مهیب چنین تخریب شده است نیز می‌توان تالارها، اطاق‌ها، طاقچه‌ها و تزئینات روی در و بخاری‌ها را مشاهده نمود.

**قصر بهرام:** در دامنه‌ی شمالی سیاه کوه بناهای متروکه و قدیمی وجود دارد که روستائیان به آن «قصر» می‌گویند. بزرگ‌ترین این ساختمان‌ها به نام «قصر شاه عباسی»، «قصر بهرام» بین عین الرشید و چشمه شاه واقع شده که بر سر راه قدیمی و تاریخی کاروان روی کویری اصفهان، کاشان، خوار و خراسان بوده است. بنای بیرونی این قصر چهار گوش و دارای چند برج با دو دروازه‌ی شمالی و جنوبی است. روکار آن از سنگ‌های بزرگ آهکی صیقل شده سفید رنگ می‌باشد که از کوه‌های نزدیک آورده شده است. اطراف این قصر شش برج بنا شده و سر در آن را سنگ بزرگ و یکپارچه تشکیل می‌دهد در دو طرف سر در بنا دو اطاق کوچک قرار دارد که گویا قراولخانه بوده است داخل بنا محوطه‌ی بزرگی است که گرداگرد آن بیست اطاق کوچک و یک در بدون روزن با پوشش گچی قرار گرفته و در سوی شرق یک صحن بزرگ ساده با طاق بلند ضربی است.

نکته‌ی قابل توجه تأمین آب ساکنین بنا است که به وسیله‌ی دو مجرای بر روی هم تأمین شده است مجرای زیرین از لوله‌های سفالین بوده و دیگری نهری سنگی از تخته سنگ‌های سفید یکپارچه به صورت ناو مانند که بر روی مجرای اولی ساخته شده و بدین وسیله آب مصرفی از چشمه شاه درهفت کیلومتری قصر در پای سیاه کوه آورده می‌شده و در استخرهای بزرگی که در مقابل این بنا ساخته شده جمع می‌گردد. تاریخ اصلی بنا روشن نیست اما از تحقیقات به عمل آمده چنین بر می‌آید که ساختمان سنگی کنونی بر شالوده‌ی یک بنای ویرانه‌ی باستانی گذارده شده است.

**قصر عین الرشید:** این بنا در دو کیلومتری شمال قصر بهرام ساخته شده و می‌توان گفت که این کاخ در حد فاصل دریاچه‌ی نمک و کویر بزرگ قرار گرفته است. بنا دارای دو حیاط بزرگ است که حیاط اصلی ۵۱/۵۰ متر طول و ۴۷ متر عرض دارد. در ورودی به حیاط اصلی به شکل ایوانی به طول ۹/۷۰ متر و عرض ۵/۴۰ متر در جبهه‌ی جنوبی حیاط اصلی بنا شده است. در دو طرف ایوان و روی دو تالار ساخته شده که هر کدام ۵ در به حیاط قصر دارند در دیواره آن‌ها نُقُل هائی به جای طاقچه برای گذاشتن لوازم ضروری و نیز بخاری هیزمی ایجاده شده است. ارتفاع هر دو

تالار ۵/۲۰ متر است.

**قلعه‌ی سارو:** موقعیت: شمال شرقی شهرستان سمنان قلعه‌ی سارو یکی از قلاع بزرگ و صعب الورود و مقاوم این منطقه است که با سنگ و ساروج در بلندای ضلع جنوبی سلسله کوه‌های البرز در شمال شرقی شهرستان سمنان قرار گرفته است. با توجه به مسائل تدافعی و نظامی و موقعیت استراتژیک نظامی و جغرافیائی، این قلعه در زمان حیات خود، دارای ارزش و اهمیت خاصی بوده است. زمان ساخت این قلعه تاکنون مشخص نگردیده است و احتمالاً می‌توان آن را از قلاع ساخته شده در دوران پیش از اسلام محسوب کرد. اما استفاده پیروان فرقه‌ی اسماعیلیه از این قلعه مورد تأیید محققین و کارشناسان است.

**مسجد جامع سمنان:** مسجد جامع سمنان از شمار کهن‌ترین آثار به جامانده از دوران پر شکوه اسلامی است که نشانگر مدنیت و رشد و نبوغ هنری معماری این خطه می‌باشد. بنای این مسجد تک ایوانی است. طبق متون تاریخی زمان ساخت این مسجد به قرن سوم هجری قمری بر می‌گردد.

**حمام موزه‌ی پهنه‌ی سمنان:** گرمابه‌ی پهنه‌ی سمنان از بناهای قرن نهم هجری قمری است که در سال ۸۵۶ ه.ق به دستور خواجه غیاث الدین محمد ابن خواجه تاج الدین بهرام سمنانی از وزرای دوره‌ی تیموری بنا گردیده است.

این گرمابه در بخش مرکزی شهر سمنان و در کنار مجموعه‌ی مسجد جامع، مسجد امام، تیمچه پهنه و راسته بازار قرار گرفته است. این بنا در سال ۱۳۶۷ و پس از انجام عملیات مرمت به صورت موزه تغییر کاربری داده و هم اکنون مورد بازدید می‌باشد.

**تیمچه‌ی پهنه:** این تیمچه یکی از بناهای زیبا در دوره‌ی قاجاریه بوده است که رد جوار مسجد امام و تکیه‌ی پهنه سمنان بنا گردیده است. این تیمچه دارای سه طبقه بوده که با کاربری تجاری مورد استفاده می‌باشد.

**خانه‌ی ابراهیم خان:** موقعیت: روستای ملاده، پنجاه و پنج کیلومتری شمال شرقی مسنان خانه ابراهیم خان یا شکارگاه ملاده سمنان در شمال شرقی سمنان و در یک مکان بسیار خوش آب و هوا قرار دارد. این خانه در یک باغ مصفا ساخته شده و ساختمان قراولخانه یا عمارت کلاه فرنگ در گوشه‌ی دیگری از این باغ قرار گرفته است.

**پلی ملی کویر:** یکی از دیدنی‌ترین مناطق گرمسار پارک ملی کویر است که در جنوب شهر گرمسار واقع شده و درگذشته دارای شکارگاه‌های معروف گورخر بوده و حتی تصور می‌شود که بهرام پنجم یا بهرام گور (۴۳۸-۴۲۰ م) در هنگام شکار گورخر در کویرها در این ناحیه فرو رفته باشد، زیرا در قسمت‌های غرب کویرها گرمسار محلی است به نام جمجمه که باعث فرو رفتن عابرین می‌گردد. این منطقه در دوران صفویه و قاجار نیز جزو شکارگاه‌های مهم محسوب می‌شده است. جاده‌ی سنگفرش شاه عباس که منطبق بر راه ابریشم بود و نیز حضور سه کاروانسرا به نام‌های قصر بهرام، قصر عین الرشید و قصر حرمسرا به جذابیت منطقه افزوده است. از کهک در جنوب شهر گرمسار می‌توان از طریق جاده‌ی سنگفرش به پارک ملی کویر دسترس پیدا کرد. ایستگاه کویر در خط راه آهن تهران ـ مشهد، حد نهائی پارک ملی در دشت کویر می‌باشد.

سرزمین گرمسار دارای بقعه‌ها و امامزاده‌های بسیار است که بقعه‌ی امامزاده علی اکبر واقع در ۱۴ کیلومتری جنوب شرق گرمسار به سبب داشتن

معماری قابل توجه و گنبد رفیع آن از مشهورترین آن‌ها است، بقعه‌ی امامزاده علی‌اکبر در جنوب شرق گرمسار در قریه امامزاده علی اکبر واقع است، این امامزاده یکی از مشهورترین امامزاده‌های شهرستان گرمسار می‌باشد. بنای این امامزاده بسیار قدیمی است که به روایتی بنای بقعه‌ی آن مربوط به دوره‌ی صفویه است.

خانه‌های روستائی گرمسار به سبک بسیار زیبائی ساخته شده و معماری آن ریشه در فرهنگ هزاران ساله دارد و متناسب با معماری کویر است، پیشینه‌ی تاریخی شهرستان گرمسار و آثار باستانی به جا مانده از قرون متوالی در این خطه نشان از استعدادهای فراوان گرمسار در زمینه‌ی گردشگری دارد که می‌توان با استفاده از آن‌ها زمینه‌های رونق و اشتغال را در گرمسار ایجاد کرد. ـ مرتضی جوهری ـ مجله‌ی اطلاعات علمی

**دروازه‌ی ارگ سمنان:** بنای اصلی ارگ شهر سمنان در زمان بهمن میرزا بهاء الدوله فرزند فتحعلی شاه قاجار حاکم سمنان احداث گردید. این بنا که در واقع ارگ دولتی و مقر حکومتی سمنان در دوران قاجاریه محسوب می‌شد، شامل دو دروازه است که دروازه‌ی جنوبی آن در اثر گسترش شهر از میان رفته و بنای دروازه‌ی شمالی (دروازه‌ی فعلی) موجود می‌باشد. ساخت این بنای تاریخی در سال ۱۳۰۲ هجری قمری به پایان رسیده است. ارگ سمنان دارای تزئینات آجرکاری و کاشیکاری بی نظیری است.

**مسجد امام سمنان:** بنای تاریخی مسجد امام سمنان یکی از یادمان‌های عصر قاجار است. مسجد امام یا مسجد سلطانی نمونه کامل مسجد چهار ایوانی و معرف معمری عصر قاجار است. این مسجد در سال ۱۲۴۲ هجری قمری توسط حاج سید حسن از علمای بزرگ شهر سمنان و در دوره‌ی فتحعلی شاه قاجار ساخته شده در منابع آمده است که هزینه‌ی ساخت سمجد امام از مصادره‌ی اموال ذوالفقارخان، حاکم جبار وقت سمنان تأمین شده است.

**خانه‌ی تدین سمنان:** خانه‌ی محمدیه یا تدین جزو خانه‌های با ارزش قاجار است که به صورت دو بخش بیرونی و اندرونی ساخته شده است. بخش بیرونی این خانه دارای دو اطاق بزرگ و زیر زمین و بخش اندرونی شامل قسمت‌های تابستانی و دارای بادگیر و زمستانی و هم چنین تعدادی اتاق کوچک و بزرگ می‌باشد. بنای فعلی خانه‌ی محمدیه اکنون به عنوان محل اداره‌ی میراث فرهنگی استان سمنان مورد استفاده قرار گرفته است.

**کاروانسرای سنگی آهوان:** موقعیت: منطقه گردنه‌ی آهوان سمنان

کاروانسرای سنگی آهوان از مله مهم‌ترین کاروانسراهای استان سمنان سات که با سنگ و ملات ساروج که در منطقه‌ی سردسیر و کوهستانی آهوان ساخته شده است. پلان این کاروانسرا چهار ایوانی است. زمان ساخت این کاروانسرا ظاهراً مربوط به دوره‌ی صفویه می‌باشد.

**تپه حصار:** موقعیت: دامغان، دوکیلومتری جنوب شرقی

تپه‌ی حصار دامغان یکی از مهم‌ترین محوطه‌های دوران پیش از تاریخ در فلات ایران محسوب می‌گردد. این تپه تقریباً در سه کیلومتری جنوب شرقی شهرتسان دامغان واقع شده است. این تپه برای نخستین بار توسط پروفسور ارنست هرتسفلد و سپس به وسیله‌ی اریک اشمیت مورد کاوش‌های باستان‌شناسی قرار گرفت. با توجه به

نتایج حاصله از این کاوش‌ها و اشیاء مکشوفه، تپه حصار دامغان دارای سه دوره‌ی حصار ۱ ، حصار ۲ ، حصار ۳ می‌باشد.

**مسجد تاریخانه:** مجموعه بنای خدایخانه یا تاریخانه در حدود سال ۳۰۰ هجری قمری بنا گردیده است. این مسجد نمونه‌ی بسیار زیبا و کاملی از ماسجد قرون نخستین اسلامی به شمار می‌رود. شیوه‌ی معماری این مسجد مأخوذ از معماری دوره‌ی ساسانی است. ساختمان مسجد تاریخانه، شامیل یک صحن یا حیاط مرکزی است که اطراف آن را رواق‌های سرپوشیده احاطه کرده است. شبستان این مسجد بر روی هجده ستون مدور استوار شده است. این ستون‌ها دارای یک متر و نیم ستون مدور استوار شده است. این ستون‌ها دارای یک متر و نیم قطر هستند. طبق کتیبه کوفی مسجد، مناره‌ی کنونی این مسجد دارای ۲۵ متر ارتفاع است، به همت بختیاربن محمد در قرن پنجم هجری قمری ساخته شده است. این مسجد که در طی قرون متمادی، بارها مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته، پس از مسجد جامع فهرج، یکی از کهن‌ترین مساجد ایران محسوب می‌شود.

**مسجد جامع دامغان:** مسجد جامع دامغان در مرکز شهر و در بافت قدیم شهر ضلع جنوبی در منتهی الیه شرقی بازار قرارگرفته است. این مسجد دارای ایوان رفیع مناره سلجوقی شبستان و زیر زمین زیبا می‌باشد. درب ورودی اصلی این مسجد از سمت بازار و از محل قیصریه منشعب شده که پس از عبور از دالان و عبور از مقابل مدخل ورودی منار سلجوقی به حیاط وارد شده و زیبائی این مسجد با مشاهده‌ی منار سلجوقی که بر حیاط سایه دارد کامل می‌گردد.

**مسجد امامزاده سید جعفر:** میدان هنر معماری ایران، در این مجموعه بسیار وسیع بوده و ریزه کاری‌های هنر به وضوح در این مجموعه دیده می‌شود بقعه‌ی امامزاده محمد آرامگاه شاهرخ و بنای چهل دختر و مقبره‌ی امامزاده سید جعفر هر یک به تنهایی گویای یک هنر تکامل یافته است که در نهایت این مجموعه‌ی تاریخی را تشکیل می‌دهد. بنای دو اثر تاریخی امامزاده سید جعفر و برج چهل دختر متعلق به دوره‌ی سلجوقی است.

**چهل دختران:** برج آجری مدور چهل دختران که دارای گنبد پیازی شکل می‌باشد، از ابنیه دوره سلجوقی است. بر طبق کتیبه کوفی آجری متعلق به سال ۴۶۶ هجری قمری می‌باشد. این بنای سلجوقی دارای تزیینات آجری بسیار زیبایی است.

**پیر علمدار:** بنای پیر علمدار و یا آرامگاه محمد ابراهیم حاکم ایالت قومس مربوط به زمان سلطان محمد غزنوی است. این بنا دارای تزئینات فضای داخلی با خط کوفی و به صورت نقش برجسته می‌باشد. هم چنین فضای بیرونی بنای پیر علمدار دارای کتیبه و تزئینات آجر کاری است.

**مجموعه بناهای چشمه علی:** موقعیت: ۳۵ کیلومتری شمال غرب دامغان.

این مجموعه در شمال غربی شهرستان دامغان قرار گرفته و شامل دو بنای دوران صفوی و قاجاریه است. بنای اصلی این مجموعه مربوط به دوران قاجار بوده و بنای دیگر با قراول خانه مربوط به عصر صفویه است.

**امامزاده محمد دیباج:** موقعیت: شمال غرب دامغان.

امامزاده محمد دیباج از جمله بناهای ارزشمند دوران ایلخانی است که با پلان هشت ضلعی و با

گنبد رک شکل گرفته و در شمال غرب شهرستان دامغان و در شهر دیباج قرار گرفته است.

**بـــرج مـــهماندوست:** مـوقعیت: روسـتای مهماندوست دامغان.

این برج در قرن پنجم (۴۹۰ هجری قـمری) در یکـی از روسـتاهای حـومه‌ی شـهر دامـغان (مهماندوست) ساخته شده است. ارتفاع این برج ۱۲ متر می‌باشد و نمای آن کاملاً آجـری است. مقرنس کاری‌های آجری و طاق نماهای بـلند از جمله ویژگی‌های برجسته‌ی این بـنای تـاریخی است.

**مــحوطه‌ی بــاستانی پــارک مــوزه:** در مـیان بـررسی‌های باستان‌شناسی مـنطقه‌ی شـاهرود محوطه‌ای در پارک موزه‌ی شـهرتسان شـاهرود کشف شد. این محوطه شامل بقایای گورستانی متعلق به عصر آهن (اوایل هزاره‌ی اول تا اواخر هزاره‌ی دوم پیش از میلاد) است. اشیاء سفالی و مفرقی از جمله کشفیات این محوطه می‌باشد.

**موزه‌ی شاهرود:** بنای فعلی موزه‌ی شـاهرود در حقیقت سـاختمان قـدیمی شـهرداری (بـلدیه) شاهرود است. این موزه در سال ۱۳۶۸ گشایش یافت. مــوزه‌ی شـاهرود دارای دو بـخش مـردم‌شناسی و بـــاستان‌شناسی در دو طـــبقه است. در بـخش باستان‌شناسی این موزه، آثاری از تپه‌های تـاریخی شاهرود، دامغان و سمنان از جمله تپه سنگ چخماق بـه نـمایش در آمـده است. هـم چـنین در بـخش مردم‌شناسی، اشیائی همچون پوشاک سنتی، زیور آلات، دست بافت‌ها، اسناد قباله‌ها قرار دارد.

**بازار شاهرود:** بازار شاهرود یکـی از بـازارهـای تاریخی و بزرگ استان مـی‌باشد کـه در مـرکز شـهر شاهرود قرار دارد. قدمت این بازار به دوره‌ی قاجاریه باز می‌گردد. بازار شاهرود علاوه بر راسـته‌ی اصـلی دارای سه سوق و چهار سوق و چندین کاروانسرا و حمام و آب انبار و مدرسه می‌باشد و از نظر اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای در شهر برخوردار است.

**مسجد جامع فرومد:** موقعیت: روستای فـرومد شاهرود.

مسجد جامع فرومد در روستای فرومد واقع می‌باشد. فرومد از جمله مهم‌ترین مراکز فعالیت نهضت سربداران بـوده است. تـاریخ بـنای ایـن مسجد مربوط به دوره‌ی ایلخانیان است. مسجد جامع فرومد دارای تزئینات آجر کاری و گچبری بسیار زیبائی است.

**آرامگاه شـیخ ابـوالحسـن خـرقانی:** مـوقعیت: روستای قـلعه نـو خـرقان در شـمال شـهرستان شاهرود آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی، عارف نـامی قـرن ۴ و ۵ هـجری قـمری، در شـمال شهرستان شاهرود و در روستای قلعه نـوخرقان قرار دارد. محراب این بنا کـه مـتعلق بـه دوره‌ی ایلخانی است از جمله مهم‌ترین بخش‌های بنای فعلی این آرامگاه محسوب می‌شود. رد سال‌های اخیر بنای این آرامگاه توسط انجمن آثار ملی مورد مرمت و بازسازی قرار گرفت.

**مجموعه‌ی کاروانسراهای میاندشت:** مجموعه‌ی کاروانسراهای میاندشت شامل سه کاروانسرا است که یکی از آن‌ها مربوط به دوره‌ی صفوی و دو کـاروانسـرای دیگـر مـربوط بـه دوره‌ی قـاجار می‌باشد. کاروانسرای میاندشت با داشتن سه باب آب انبار مأمن مناسبی برای کاروانیان بوده است. هــر سـه کـاروانسـرا زا ویـژگی‌های بـرجسـته‌ی معماری دوره‌ی خود برخوردار هستند. چاپارخانه و تلگراف خانه از جمله دیگر بناهای تاریخی این مجموعه است.

**تپه‌ی سنگ چخماق:** موقعیت: هشت کیلومتری

شمال شاهرود.

این تپه از دو برجستگی کوچک تشکیل شده است که حدود ۱۵۰ متر از یکدیگر فاصله دارند. پروفسور ایچی ماسودا در بررسی‌های سال ۱۳۴۸، این تپه را مورد شناسائی قرار داد و در طی دو فصل در سال‌های ۵۰ و ۱۳۵۲ حفاری آن را سرپرستی کرد. بر اساس اطلاعات موجود در برجستگی غربی که آثار آن معرف دوره‌ای قدیمی‌تر از آثار برجستگی شرقی هستند، پنج لایه و در برجستگی شرقی شش لایه استقراری شناسائی شد. به اعتقاد کاوشگر ژاپنی این تپه‌ی باستانی متعلق به دوره‌ی نوسنگی و هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد است. خمره‌های تدفین کودکان، سفال‌های منقوش (هندسی)، اشیاء سنگی و سفالی تیغه، تیشه، پیکرک انسان و حیوان و ... از جمله آثار بدست آمده از این محوطه است.

**ایوان الجاتیو:** موقعیت: بسطام، میدان امام (ره)

از دیگر بناهای مربوط به دوره‌ی ایلخانیان در مجموعه بناهای تاریخی بسطام، ایوان الجاتیو می‌باشد. این ایوان در حیاط مجموعه و در کنار مسجد بایزید قرار دارد. ایوان الجاتیو دارای تزئینات گچبری مقرنس کاری و آجرکاری بسیار زیبا به نقوش گیاهی و اسلیمی است.

**امامزاده علی اکبر:** موقعیت: جنوب خط راه آهن گرمسار به سمنان

بنای امامزاده علی اکبر یکی از زیبائی‌های شهرستان گرمسار محسوب می‌گردد. بخش اصلی این امامزاده، مربوط به دوره‌ی ایلخانیان بوده و شبستان و ایوان چسبیده به آن مربوط به دوره‌ی قاجار است. جلوخان و سه درب ورودی و هشتی بسیار زیبای این بنا نیز از دیگر بخش‌های مربوط به عصر قاجاریه در این مجموعه است.

**آب‌انبار گرمسار:** موقعیت: گرمسار، میدان امام (ره)

این آب انبار در مرکز شهر گرمسار و در مجاورت مسجد جامع، در جنوب میدان امام و در جوار بازارچه‌ی شهر قرار دارد. آب انبار مذکور دارای چهل پله و پاشیر بزرگ و عریض بوده که با مخزن استوانه‌ای شکل و بادگیری بر فراز آن مربوط به دوره‌ی قاجاریه می‌باشد.

**خانه‌ی باقری:** موقعیت: گرمسار ـ شمال میدان امام (ره)

یکی از خانه‌های زیبای گرمسار، خانه‌ی باقری است. این خانه به صورت خانه‌ی باغ در دو طبقه با تزئینات فراوان ساخته شده است.

**جاده‌ی سنگ فرش:** ابتدای مسیر شاهراه اصفهان ـ ساری

کاروانیان بعد از گذشتن از کاروانسرای قصر بهرام به باتلاق‌ها و نمک زارهای جنوب گرمسار برخورد می‌نمودند که با احداث جاده سنگ فرش به طول ۳۵ کیلومتر و عرض ۵ متر کاروانیان با سهولت و سرعت بیشتر خود را به منازل بعدی می‌رسانند. این جاده همچنان پا برجا و استوار و در دل کویر به امید دیدار دوباره‌ی جهانگردان و ایرانگردان نشسته است. ـ کتاب راهنمای آثار تاریخی ـ فرهنگی استان سمنان

**مقبره شیخ ابوالحسن خرقانی** که در قریه قلعه نوی خرقان واقع شده شامل بنای آجری گنبد داری است که ساختمان اصلی آن متعلق به قرن پنجم هجری قمری می‌باشد.

**دروازه ارک سمنان ـ شهر سمنان:** بنای دروازه ارک سمنان متعلق به دوران قاجاریه و قرن سیزدهم هجری قمری است.

**اقتصاد:**

**برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی سمنان**

غلات هکتار/ تن (گندم ۳۵۱۹۹، ۱۱۵۳۹۳- جو ۱۴۵۲۲، ۴۲۴۷۴- ذرت دانه‌ای ۶۵، ۲۸۹)

حبوبات هکتار/ تن (نخود ۱۴۷، ۱۳۳- لوبیا ۱۱۶۴، ۷۴۰- عدس ۳۵۳۷، ۱۸۲۸)

محصولات صنعتی هکتار/ تن (پنبه ۵۱۰۷، ۱۲۳۵۴-توتون و تنباکو ۵۰، ۵۰-چغندرقند ۳۳۵۰، ۱۰۲۷۴۹- کلزا ۳۱۹، ۴۶۴)

سبزیجات هکتار/ تن (سیب‌زمینی ۷۰۹۰، ۱۲۲۰۳۵- پیاز ۸۲۰، ۱۲۳۱۶-گوجه‌فرنگی ۲۱۸۴، ۵۵۰۷۶)

محصولات جالیزی هکتار/ تن (خربزه ۸۵۷۰، ۱۵۱۶۰۳- هندوانه ۳۱۵۰، ۶۸۷۷۸- خیار ۶۳۱، ۱۱۶۶۰)

نباتات علوفه‌ای هکتار/ تن (یونجه ۵۸۴۷، ۴۰۰۲۶- شبدر ۲۶، ۲۰۱)

**محصولات:** میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی، به. میوه‌های هسته دار: آلبالو، گیلاس، گوجه، آلو، هلو، شفتالو، زردآلو و قیسی، شلیل، آلو قطره طلا. میوه‌های دانه ریز: انگور، توت درختی. میوه‌های خشک: بادام، پسته، گردو، فندق، سنجد. میوه‌های سردسیری: زرشک، سماق. میوه‌های نیمه گرمسیری: خرما، انجیر، انار، خرمالو، زیتون، زعفران، غیرمثمر.

**صنایع:** محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۴۵۵ واحد)، ساخت منسوجات (۱۲۷ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۸۶ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۱۳۰ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۱۲۹ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۴۳۶ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۴۳۰ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۹۶ واحد)، ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات (۱۷۰ واحد). روغن صنعتی (۳)، شیر پاستوریزه (۲)، ماست پاستوریزه (۲)، انواع کیک و بیسکوئیت و کلوچه (۷)، قند از شکر (۱)، ماکارونی (۹)، چای خشک بسته بندی‌شده (۱)، انواع رب گوجه فرنگ (۱)، نمک طعام (۱)، چرم مصنوعی (۲)، فرآورده‌های کک از زغال سنگ (۷)، انواع روغن‌های حاصل از تصفیه‌ی نفت (۱)، روغن موتور (۸)، تصفیه‌ی روغن سوخته (۲۲)، بلندینگ و بسته بندی روغن موتور (۱۹)، گریس (۵)، پارافین مایع (۲).

**صنایع دستی:** جاجیم بافی، پارچه دستباف، نمدمالی، سفال و سرامیک، قلمکار، قالیبافی، گلیم بافی، لباس محلی، رودوزی، قلابدوزی، شیشه، معرق، فلزکاری، فرش پشتی، گلیچ بافی. - سازمان صنایع دستی

**پیشینه صنایع دستی ایالت قومس در استان سمنان در گذشته و حال با تکیه بر صنعت پارچه**

سهم و نقش صنایع دستی در توسعهٔ اقتصادی ـاحتماعی کشور، به باور کارشناسان و برنامه‌ریزان نه صرفاً جهت برآیند اقتصادی آن، بلکه بیشتر به لحاظ حفظ ارزش‌ها، اصالت فرهنگی و هنری است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. به طور کلی، علی‌رغم اهمیت اقتصادی صنایع دستی به هیچ وجه نمی‌توان ارزش فرهنگی آن را نادیده گرفت، چه وجود همین عنصر معنوی یا بار فرهنگی، مهم‌ترین عامل جهت تداوم حضور صنایع دستی در صحنهٔ پرآشوب بازارهای جهانی بوده است.

چه عواملی سبب شد که قومس در گذشته و استان سمنان در حال حاضر به عنوان قطب مهمی در تولید و عرضهٔ صنایع دستی مطرح شده و عمدتاً در تولید کدام یک از محصولات موفقیت

داشته و راهکارهای بدیع و نو جهت تولید و عرضهٔ این محصولات در چه اموری می‌باشد.

با توجه به مطالب سیاحان و سفرنامه‌نویسان و هم چنین منابع و مآخذی که پیرامون منطقهٔ قومس مطالبی نوشته‌اند، حاکی از رونق و اعتبار زیاد صنایع دستی در این منطقه، به ویژه سمنان و دامغان می‌باشد. به طوری که یعقوبی، دامغان را به سبب تهیهٔ پوشاک‌های پشمی و گران‌قیمت می‌ستاید و به اعتراف ابن‌حوقل، جامهٔ دامغانی به سایر نقاط نیز فرستاده می‌شد. هم چنین در سمنان نیز بافت دستمال‌ها و پارچه‌های ظریف مورد تمجید و ستایش نویسندگان و سیاحان می‌باشد. این مصادیق را می‌توان در خلال سفرنامه‌های ابودلف، یاکوب پولاک و... پیدا نمود.

در پایان و در نتیجه گیری باید بگوییم که استان سمنان دارای امکانات بالقوه‌ای برای توسعهٔ صنایع دستی می‌باشدکه می‌بایست به فعل تبدیل گردد. در منطقه قومس، به علت کمی باران و شرایط اقلیمی خشک خود و هم چنین پایین بودن تولیدات کشاورزی و فصلی بودن فعالیت‌های کشاورزی، وقت بیشتر اهالی به ویژه روستاییان در گذشته و امروز به خصوص در منطقه سمنان و دامغان به‌کارهای دستی مانند قالی‌بافی وگلیم‌بافی و... می‌گذرد.

با توجه به اینکه استان سمنان دارای جاذبه‌های گردشگری است وایجاد ایستگاه‌های گردشگری مورد توجه مقامات استان است، ایجاد مرکزی در این ایستگاه‌ها جهت عرضهٔ صنایع دستی که ریشه‌ای دیرینه در فرهنگ مردم این استان دارد، می‌تواند نقش مؤثری در توسعهٔ استان داشته باشد، و از سوی یگر باید صنایع دستی به مردم به ویژه صنایع دستی بومی و منطقه‌ای از طریق رسانه‌های گروهی، نمایشگاه‌های داخلی و خارجی، ایجاد نماد یا سمبل‌هایی از آنها و نصب آن در ورودی‌های شهرها به رونق هر چه بیشتر صنایع دستی کمک نمود ـ حسن شادپور.

منطقهٔ قومس نیز به علت کمی باران و شرایط اقلیمی خاص خود و همچنین پایین بودن تولیدات کشاورزی و فصلی بودن فعالیت‌های کشاورزی وقت بیشتر اهالی به ویژه روستاییان به کارهایی مانند قالی‌بافی، گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، سفال‌سازی و... می‌گذشت تا بتوانند کمبودهای اقتصادی خود را از این راه جبران نمایند. با مطالعهٔ منابع و سفرنامه‌های سیاحانی مانند یعقوبی، ابودلف، وامبری و پولاک و... چنین استنباط می‌شود که مردم خطهٔ قومس از دیرباز در تهیه و بافت پارچه‌های گران قیمت و زربفت ماهر و استاد بوده‌اند. علاوه بر تولید و بافت منسوجات، در صنایع دستی دیگر مانند سفالگری نیز مهارت داشته‌اند تا جایی که دومین شاخهٔ بزرگ صنعتگران ایران تولید ظروف سفالین از همه نوع در طوس، کاشان، حوالی نیشابور، حوالی قومس و... قرار داشت.

در حال حاضر نیز صنایعی از قبیل قالی‌بافی، جاجیم‌بافی و... در میان مردم منطقهٔ سمنان به خصوص در میان مردم روستانشین رایج و متداول می‌باشد به طوری که کار اصلی مردم روستاهای شاهرود و بخش مهدی‌شهر سمنان قالیبافی بوده و در شهر سمنان نیز در حال حاضر چند کارگاه نمدمالی دایر می‌باشد که در امر تولید نمدهای مرغوب فعال می‌باشند و محصولات آنها ارزش صادراتی دارند و به سایر شهرها فرستاده می‌شود.

**الف ـ قالی:** در مناطق روستایی، عمده‌ترین صنعت رایج، قالی‌بافی است و افراد خانوارهای

روستایی در اوقات فراغت ازکشاورزی ودامداری به تولید قالی می‌پردازند که نهایتاً چه تولیدات آنها برای مصارف شخصی و خانوادگی مورد استفاده قرار گیرد و چه برای فروش عرضه شود، اثرات بسیار مثبت و مهمی در اقتصاد روستا داشته و ضمن تأمین درآمد جنبی برای روستاییان عملاً می‌تواند نقش مؤثری در کاهش میزان مهاجرت آنها به شهر داشته باشد و در حال حاضر قالی‌بافی به دو صورت بزرگ و کوچک و موازی هم در شهر و روستا پیش می‌رود.

**ب ـ گلیم‌بافی:** بافت گلیم اگرچه به گونه‌ای بسیار ساده آغاز شده اما در طول سالیانی که از عمرش می‌گذرد، هنرمندان در تکمیل آن نقش فوق‌العاده چشمگیر ایفا کرده‌اند و توانسته‌اند آن را به عنوان محصولی برخوردار از ارزش‌های هنری و مصرفی، حتی روانهٔ بازارهای خارجی کنند. گلیم که در مقایسه با قالی، دارای شیوهٔ بافتی آسانتر است، به همان نسبت دارای قیمتی ارزان‌تر است و هنری است که در انحصار روستانشینان و عشایر به حساب می‌آید، و بر حسب گروه‌های تولیدکننده یا از روی منطقهٔ تولید و شیوهٔ بافت به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود، ولی تمامی اشکال بافت در اکثر نقاطی که گلیم‌بافی در آنها رایج است اعمال می‌شود و تفاوت تولیدات مناطق مختلف از روش رسیدن نخ، استفاده از رنگ‌های به خصوص یا طرح‌های ویژه و اعمال روش‌های بافت خاص تجاوز نمی‌کند.

به عبارت دیگر، بافت گلیم عبارت از عبور نخ‌های رنگین «پود» از لابه‌لای نخ‌های ساده «تار» است که به اشکال مختلف امکان‌پذیر می‌باشد.

**دستبافی (نساجی سنتی):** فرآورده‌هایی که با کمک دستگاه‌های ساده و سنتی بافندگی تولید می‌گردد دستبافی محسوب می‌شود نظیر جاجیم، شال، چادرشب، سفره و... از جمله خصوصیات این رشته از صنایع دستی است.

ـ جاجیم: بافته‌ای از نخ پشم الوان و تاریک رنگ پنبه‌ای یا پشمی که بیشتر توسط زنان بافته میشود. این بافته زمانی که از بخاری و شوفاژ خبری نبود در زمستان‌های سرد به عنوان لحاف کرسی از آن استفاده میشد و در زیر آن یک خانوار بهراحتی شب را به صبح می‌رساندند و در ییلاق در شب‌های سرد کوهستانی بهترین وسیله برای گرم کردن اهل خانواده از گزند سرما است.امروزه هم این بافته‌ها را به عنوان لحاف کرسی، پادری، سجاده، سرحمامی و... مورد استفاده قرار می‌دهند ولی از وسعت استفادهٔ آن زمانی که همه‌گیر بوده کاسته شده است.

**نمدمالی:** نمد ساده‌ترین نوع کفپوش می‌باشد که ساخت آن احتیاج به دستگاه خاصی ندارد، در نمدمالی در واقع از خاصیت طبیعی پشم که عبارتند از درهم پیچیدن الیاف آن در اثر رطوبت و فشار استفاده می‌شود.احتمال دارد که اولین بار بافندگانی که الیاف پشمی خود را شسته و برای گرفتن رطوبت آن با چوبدستی ضربه‌هایی به پشم می‌زده‌اند موفق به کشف این خصوصیت پشم و در نتیجه موفق به وجود آوردن صنعت نمدمالی شده باشند.

ساخت کفپوش‌های نمدین به مراتب ساده‌تر از تهیهٔ سایر کفپوش‌ها مانند قالی و گلیم است و با اینکه از لحاظ مقدار مواد اولیهٔ مورد نیاز تفاوت چندانی با قالی و گلیم ندارد با این حال به واسطهٔ سهولت و سرعت عمل تولید بسیار ارزان‌تر از آنها می‌باشد چون نمد نیاز به قدرت بدنی فراوان دارد. نمد را به صورت کفپوش، آویز، دیواری، جل

اسب و... استفاده می‌کنند.

**چاپ‌های سنتی (چاپ قلمکار):** کلیهٔ پارچه‌هایی که به وسیلهٔ قلم‌مو، مهر و نظایر آن رنگ‌آمیزی شده و نقش می‌پذیرد، جزء چاپ‌های سنتی به حساب می‌آید. مانند چاپ قلمکار و چاپ کلافه‌ای (باتیک) و قلمکارسازی که گونه‌ای دیگر از چاپ‌های سنتی است. در حال حاضر چاپ قلمکار به وسیله قالب‌های چوبینی که دارای نقوش برجسته است انجام می‌شود و در حقیقت رکن اصلی قلمکارسازی را قالب‌سازی تشکیل می‌دهد، که معمولاً توسط افرادی که حرفه و تخصصشان قالب‌تراشی است به تفکیک رنگ و حداکثر در چهار رنگ بر روی چوب‌هایی مانند گلابی و زالزارک تراشیده می‌شود.

در چاپ قلمکار رنگ‌سازی یکی از حساس‌ترین مراحل ساخت قلمکار است که طی آن استادکاران براساس تجربیاتشان از موادی ساده و ارزان‌قیمت نظیر پوست انار، روغن کرچک، کتیرا، گل سرخ، زاج سفید، زاج سیاه و... مواد رنگی مورد نیازشان را تهیه می‌کنند. و پس از آن به تهیهٔ مقدمات چاپ پارچه می‌پردازند. ـ حسن شادپور ـ بنیاد ایران‌شناسی

## مردم‌شناسی

برنارد هورکاد عضو انجمن ایران‌شناسی فرانسه در تهران در این باره می‌نویسد: در دامنه‌های جنوبی البرز در شرق تهران بیست گروه عشایری از همه‌ی استان‌های ایران گرد آمده‌اند و از این لحاظ در کنار دروازه‌ی پایتخت چکیده‌ی مردم‌شناسی تمامی کشور وجود دارد.

مهم‌ترین گروه‌های ایلی این شهرستان عبارتند از: اصانلو، الیکائی یا علی کائی، پازوکی، عرب عامری، لر، کرد، نفر، بختیاری، باصری، کُتی، گیلک، عرب معصومی، عرب سرهنگی، عرب درازی و هداوند.

منشأ ایل الیکائی الیکا است که از منطقه‌ای به همین نام در چالوس به این منطقه آمده‌اند این ایل شامل نه طایفه است که عبارتند از گیلو ری، قندالی، قاسمی، عاشوری، ابوالی یا ابولی، شاه حسینی، قنبری، گلینی و کاشانی در حال حاضر مهم‌ترین گروه عشایری شهرستان گرمسار را الیکائی‌ها تشکیل می‌دهند که عده‌ای از آن‌ها به زندگی نیمه کوچ نشینی می‌پردازند ییلاق آن‌ها شامل ارتفاعات شمال گرمسار معروف به گیلور و مناطق ییلاقی فیروزکوه، دماوند و پلور در استان تهران و قشلاق آن‌ها حواشی کویر شرق و غرب گرمسار است.

سردره خوار و دشت خوار گرمسار فعلی طی چند قرن اخیر همواره مورد توجه حکام و سلاطین ایران بوده و به منظور ایجاد حفاظی برای شرق تهران از تجاوزات مکرر یاغیان، گروه هائی از ایلات مختلف از جمله ترک‌ها را به این ناحیه کوچ دادند از جمله مهم‌ترین ایلات ترک ۱۲۰۰ خانوار اصانلو است که در سال ۱۲۱۰ ه.ق به دستور آقا محمد خان قاجار از خمسه زنجان به گرمسار کوچانده شدند، از سران و رؤسای ایل اصانلو در دوره‌ی سلطنت رضا شاه، می توان رشید سلطان، سیف اله خان، آقا رضا خان و جلیل خان را نام برد، مهم‌ترین طوایف این ایل عبارتند از قباخلو، قزلو، جورابلو، ترامشلو، چوزوکلو، میر آخورلو، چاپشلو، یوردخانلو، رشمه لو، خالقلو، ایمان خانلو کنشلو است.

کُتی‌ها که اصالتاً از اعراب نجد عمان هستند، در قرون اولیه‌ی اسلام به نواحی فارس و

خوزستان مهاجرت کرده‌اند کُتی‌های ورامین و گرمسار از فارس به این نواحی مهاجرت کرده‌اند تاریخ کوچ آن‌ها به دوره‌ی قاجاریه می‌رسد.

ایل پازوکی تقریباً حدود ۴۰۰ سال پیش در زمان سلطنت خاندان صفویه از ارومیه تبعید و در خوار و ورامین و روستاهای طرود و حصاربن فیروزکوه اسکان یافته‌اند.

طایفه‌ی عرب عامری از فارس به این منطقه کوچانده شده‌اند و در روستای کهن آباد اسکان یافتند.

افراد ایل نفر از شیراز به گرمسار مهاجرت کرده‌اند، وجه تسمیه‌ی این ایل به نفر آن است که در زمان نادرشاه و زندیه ریاست آن به عهده‌ی حاجی حسینقلی خان نفر واگذار شده بود و چون در دربار پادشاه دارای نفوذ و اعتبار بود ایل مزبور کم کم به نام او موسوم شد نفری‌ها در روستای قشلاق نفر ساکن هستند.

کردهای گرمسار شامل دو طایفه‌ی شادلو و قرچولو می‌باشد تاریخ استقرار آن‌ها به سال ۱۰۰۶ ه.ق که حرکت تاریخی کرد از جنوب قفقاز به آذربایجان و از آن جا به قراچورلوها و شادلوها در خوار و ورامین اسکان یافته‌اند کردها در روستاهای حسن آباد کردها، علی آباد، قلعه خرابه و جلیل آباد ساکنند.

در اوایل قرن حاضر نیز گروه‌های مختلف لر از استان‌های لر نشین کشور به این منطقه کوچانده شده‌اند که پس از مدت کوتاهی به موطن اصلی خود بازگشته‌اند و بر طبق سندی ۱۰۰ خانوار لر گرمسار زندی‌ها هستند که در روستای لجران ساکن اند.

گیلک‌ها ساکن روستاهای منطقه‌ی رامه در شمال شرق شهرستان شامل رامه بالا، رامه پائین، چهار طاق و قالیباف می‌باشند.

علاوه بر گروه‌های قومی ذکر شده باید از مهاجرین استان مرکزی، کاشانی‌ها، اهالی اردستان و نطنز نیز نام برد به عنوان مثال سیدهای طباطبائی از اهالی زواره اردستان هستند که در روستای قاطول به سر می‌برند.

## عشایر استان سمنان

از دیرباز عشایر **الیکائی، اصانلو و کتی** در منطقه‌ی شمال سمنان و همچنین طوایف پروری، طرودی، اختری، هداوند، در شمال غربی این استان زندگی کرده‌اند. ایلات و طوایف این استان تابستان و فصل ییلاق را در مناطق مهدی شهر و بلندی‌های شاهرود و کوه‌های اطراف تهران می‌گذرانند و قشلاق را در قزقان چای لار، فیروز کوه و حواشی کویر سمنان می‌گذرانند و تا حوالی شمالی طبس نیز پیش می‌روند. در ۱۳۶۶ جمعیت ایلات این استان در دوره‌ی ییلاقی ۱۰۴۴۷ نفر و در دوره‌ی قشلاقی ۱۴۶۸۹ نفر بود.

بافتن جاجیم، پلاس، قالی، سیاه چادر، نمد و برک میان آنان رواج دارد. زبانشان گویش سنگسری الیکائی، ترکی، عربی و سمنانی است. عده‌ای از این عشایر ساکن شده‌اند.

**سنگسری‌ها:** موقعیت متمایزی دارند، اینان که به لهجه‌ای از نوع لهجه‌های مازندرانی سخن می‌گویند، از یک قرن پیش باین‌سو، به صورت یک ایل شهری ـ شبانی درآمده‌اند. دو امر در موفقیت آنان و در چگونگی استحاله‌ی آنان از اهالی یک شهر کوچک به توانگرترین و نیرومندترین دامدارانی می‌باشند که در کار خود بسیار ماهرند، فنون سنتی رانیک می‌شناسند، به گله‌های خویش خوب می‌رسند، افراد خود را از

نزدیک زیر نظر دارند، و خود نیز بی دریغ کار می‌کنند. دیگر آن که، چند تن از رؤسای آنان در آغاز قرن، گروه‌های مسلح نیرومندی را آماده ساختند و در سمنان به تاخت و تاز پرداختند .
امروزه بیشتر سنگسری‌ها شهر نشین شده‌اند و در تهران و سمنان و برخی در گنبد قابوس سکونت دارند؛ اینان نیمه کوچ نشینانی هستند که تنها با ماشین جابجا می‌شوند. اگر به ییلاق بروند تنها برای گذراندن ایام تابستان است. اما، آنان که اداره‌ی دام‌ها را به عهده دارند همیشه نزد گله‌ها می‌مانند و کوچ آنان، میان دره‌ی مرتفع لار و دشت‌های جنوب خراسان، یکی از طولانی‌ترین مهاجرت‌های فصلی در جهان است. با رفتن خانواده‌های وابسته به رژیم پهلوی، ایل انسجام بیشتری یافته است. دامداران ساده استقلال عملی یافته‌اند و قادرند انطباق شگفت‌انگیز دامداری - کوچ نشینی با زندگی نوین را همچنان ادامه دهند.
**دامداری سنگسری** ـ اسکان عشایر یا کوچ روی آنان حتی میان خود ایلات و طوایف طرفدار و مخالفانی که در خور بررسی و تعمق است.
جوامع اصلی کشور ما را جامعه‌ی عشایری و روستائی و شهری تشکیل می‌دهند هر چند جامعه عشایری تنها حدود دو درصد از کل جمعیت ایران را دربردارد و جمعیت شهری بیش از پنجاه درصد گردیده است.
میزان جمعیت جامعه‌ی عشایری در همین قرن از حدود ۲۰٪ به ۲٪ کاهش یافته است. مشتمل بر ۹۶ ایل است که در ۲۳ استان کشور پراکنده است از حدود هفده میلیون سر گوسفند و بزی که دارند سالانه ۳/۵۴ میلیون سر از رمه‌های آنان خارج می‌شود ۳۳/۹٪ آن مربوط به تلفات دام ۵۹/۷ در رابطه با فروش است و هر سال دو میلیون سر آن‌ها ذبح می‌گردد.
در مورد دامداری و کوچروی سنگسر بررسی‌های معینی نمودم و به این نتیجه رسیدم که این شیوه‌ی دامداری با اصلاحات و اشکالات قابل حل آن می‌تواند نمونه و الگوی مناسبی برای دامداری آزاد در تقریباً در همه کشور باشد. در این روش شاید خاص، هم از مراتع ییلاقی و هم از قشلاقی به نحو مطلوبی بهره برداری می‌شود.
دامداران عمده‌ی سنگسری در **مهدی شهر** و **زیارت** استقرار می‌یابند. ولی خود این شهر از لحاظ دامداری و کشاورزی اهمیت چندانی ندارد. مراتع سنگسر، شامل مراتع طبیعی مهم ییلاقی و قشلاقی و قدری هم مراتع نیم بند است.
فاصله‌ی دورترین نقطه‌ی ییلاقی تا مهدی شهر در حدود ۲۵۰ کیلومتر و دورترین نقطه‌ی قشلاقی تقریباً ششصد کیلومتر و بنابراین مسافت میان دو نقطه دورترین در ییلاق و قشلاق معادل ۸۵۰ کیلومتر حساب می‌شود. دامداران سنگسری گاه در مواقع خشکسالی تا ترکمن صحرا و حوالی مرز کشورهای آسیای میانه می‌روند.
فرق دامداران سنگسری با عشایر مناطق دیگر ایران در آن است که تعلق به ایل و تیره و طایفه‌ای بودن وقوف کامل بر آن کوچ کامل میان سنگسری‌ها بسیار کمرنگ است. دامداری آنان بیشتر از بعد اقتصادی مطرح است نه دلبستگی‌های شدید خانوادگی و عواطف قومی. آنان بیشتر از چوپانان استفاده می‌کنند. چوپانان سنگسری‌ها کمتر از خود آنان هستند بلکه اکثراً از مازندرانی‌ها: زابلی‌ها و استفاده می‌کنند. عملاً سنگسری‌ها نیمه کوچرو هستند.

**آداب و رسوم**

اهالی شهرستان‌های سمنان و دامغان و شاهرود دارای آداب و رسوم مشترک و شبیه به هم می‌باشند.

**سفره‌های مرسوم:**

**شله زرد** ـ در شب بیست و هشتم ماه صفر درست می‌کنند و با دارچین شعارهای مذهبی روی آن می‌نگارند و بین آشنایان و دوستان تقسیم می‌کنند.

**آش رشته** ـ در اوّل هر ماه برای گردش کار اهل خانواده این آش را درست می‌کنند و بین همسایگان تقسیم می‌کنند.

**دیگ امام چهارم** ـ نزدیکان بیمار شوربائی درست می‌کنند که روضه‌ی امام چهارم را می‌خوانند سپس شوربای بین حاضران تقسیم می‌شود.

**حلوای حضرت زهرا (ع)** ـ این حلوا را در سالگرد وفات حضرت زهرا درست می‌کنند و پس از روضه خوانی بین زنان حاضر تقسیم می‌کنند.

**ولیمه‌ی امام زمان** ـ روز پانزدهم ماه شعبان در خانه هایی که منبر دارند منبر را مزیّن و چراغانی می‌کنند و شیر برنج می‌پزند و مولودی می‌خوانند و نقل و خرما و شیرینی بین زنان تقسیم می‌کنند.

**سفره‌ی شاهزاده قاسم** ـ زنان برای رفع اختلاف خانوادگی این سفره را می‌اندازند در سفره سفید خرماوگل و شیرینی می‌چینند و روضه می‌خوانند و حاضرین با کشمش‌پلو پذیرائی می‌شوند.

**سفره‌ی بی‌بی رقیه** ـ در شب‌های زوج هفته این سفره را می‌اندازند شمعی روشن می‌کنند و نان و خرما می‌گذارند و روضه‌ی بی‌بی رقیه می‌خوانند پس از اتمام روضه نان و خرما را بین حاضران تقسیم می‌کنند.

**سفره‌ی بی‌بی زینب** ـ زنی که حاجتی دارد آش رشته می‌پزد ملا روضه می‌خواند سپس دیگ آش را به پای منبر می‌آورند و با ملاقه‌اش آش رشته را بین خانم‌های حاضر تقسیم می‌کنند.

**سفره‌ی بی‌بی حور و بی‌بی نور** ـ این سفره را برای هر حاجتی می‌توان انداخت، آش نذری این سفره را با مقداری آرد و شکر درست می‌کنند پس از پختن آن را طبخ و دم می‌کنند و صبح دو سه زن مؤمنه روی آن را برمی‌دارند و در بشقاب بین بانوان تقسیم می‌کنند.

رسم است که در گذشته حاجی فیروز بوده و در شاهرود مردانی به این کار اشتغال داشته‌اند.

**تحویل سال** ـ در هنگام تحویل سال همه اهل خانه سر سفره هفت سین که با شمع و چراغ و سمنو و سبزه مزین شده است جمع می‌شوند و با خواندن اوراد و اذکار مخصوص از سال نو استقبال می‌کنند و پس از تحویل سال، بزرگ‌تر خانه بیرون می‌رود و آب و سبزه را به داخل خانه می‌آورد.

**سیزده بدر** ـ اهالی علاقه‌مند هستند که روز سیزده را در باغ یا چمنزارها و سبزه و گل و جنگل بسر برند.

**جشن‌های تاریخی:** جشن‌های نوروزی با چهارشنبه سوری و نوروز خوانی و حاجی فیروز شروع می‌شود و پس از تحویل سال و دید و بازدید چند روزه با مراسم سیزده بدر پایان می‌پذیرد.

**چهارشنبه‌سوری:** شب چهار شنبه آخر سال مردم استان سمنان مانند مردم همه‌ی شهرهای ایران بو ته جمع آوری می‌کنند و آتش می‌زنند و جوان‌ها از روی آن می‌پرند و شعرهایی هم می‌خوانند. در دهات زیراستاق و خوریان پنجاه روز به عید و در اول شب اول اسفند مراسم آتش بازی برگزار می‌شود.

**نوروزخوانی** ـ در شاهرود نوروز خوانی مرسوم نیست ولی نوروز خوان‌های دامغانی تا دهات زیراستاق شاهرود می‌آیند و با صدا و الحان بسیار زیبای خود حلول سال نو را مژده می‌دهند و اهالی را شاد و خرم می‌کنند مردم هم متقابلاً از آنان پذیرائی می‌کنند.

**حاجی فیروز** ـ در منطقه‌ی استان سمنان در سنوات اخیر حاجی فیروز دیده نشده است.

یکی از مراسم چهارشنبه‌سوری در دامغان: آقای علی‌اصغر کشاورز مؤلف کتاب دامغان شهر صد دروازه می‌نویسد: «روز چهار شنبه‌ی آخر سال را چهار شنبه سوری می‌گرفتند در این روز هر بچه مقداری برنج و روغن می‌آورد و در همان مکتب غذا تهیه می‌شد ناهار می‌خوردند و در صحن حیاط خط دایره‌ی بزرگی روی زمین می‌کشیدند و هر یک از بچه‌ها با شال یا کمربند یا پارچه درازی ترنا «درنا» درست می‌کرد که سر آن را گره می‌زدند و دنباله‌ی آن را بدست می‌گرفت مکتب دار «ملا» در وسط دایره می‌ایستاد و بچه‌ها دور دایره فعالیت می‌کردند و می‌گشتند تا حتی الامکان «درنه» را به ملای مکتب داد بزنند و اگر می‌توانستند بدون اینکه پا در دایره بگذارند بزنند موفق بودند و با این که ملا دنباله درنا را اندازه می‌گرفت که از بیرون دایره به او نرسد بعضی پا توی دایره می‌گذاشتند و یا به نحوی دنباله را بلندتر می‌کردند و ملّا را می‌زدند و در می‌رفتند.

**مراحل زندگانی انسان‌ها** ـ مراسم ازدواج، بله برون، عقد و ازدواج، آبستنی و زایمان، تولد، سنت ختنه سوران، مرگ و سوگواری در استان مانند تمام شهرهای ایران است الّا این که در شاهرود در سوگ عزیزان شب هفت ندارند، جشن‌های مذهبی ـ اختصاصی به همه‌ی مردم ایران دارد عید فطر، عید غدیر، عید قربان و در استان سمنان نیز به همان کیفیت که در سایر نقاط ایران برگزار می‌شود انجام می‌گیرد. روزهای همراه با اعتقاد ـ سیزده‌ی سفر به علت نحوست در این روز مسافرت نمی‌کنند و در شب کوزه‌های سفالینی از پشت‌بام به زمین می‌اندازند و می‌شکنند برای رفع نحوست در مکتب خانه رسم بود روز سیزده‌ی صفر شاگردان با خود مقداری حبوبات، برنج، روغن و به مکتب می‌بردند خانواده‌ی ملا با آن مواد غذایی می‌پختند و به اتفاق بچه‌ها غذا می‌خوردند.

**بیست و یکم ماه رمضان** ـ در شب بیست و یکم زنان پای منبرها جمع می‌شوند و اوراد و اذکاری می‌خوانند و نذر و نیازی هم می‌نمایند، اذان صبح از مسجدی دسته‌ای با لباس سیاه و پای برهنه برای دعا و یادبود و به وادی خاموش می‌روند.

**بیست و هفتم ماه رمضان** ـ مردان صبح به کله پزی می‌روند، زنان حنا خیس می‌کنند و بین خویشان تقسیم می‌کنند خانم‌ها در مسجد با نخ و سوزن پارچه برای تبرک کیسه می‌دوزند. صبح بانوان و عصر مردها به زیارت اهل قبور می‌روند. اعتقادات دیگری هم هست مانند: مناجات، آداب مسافرت، صدای مرغ حق و نخود مشکل گشا، فال گوش، در دهه‌ی محرم و صفر روز غروب تکایا آئین شمع و چراغ برگزار می‌شود و مراسم طوق بندان.

در شب‌های زمستان در **غیاث آباد گرمسار** مرسوم است که عده‌ای از همسایگان در یکجا جمع می‌شوند و دور کرسی می‌نشینند و صاحبخانه با چای و شبچره از آنان پذیرائی می‌کند، معمولاً این شب نشینی‌ها بعد از شام انجام می‌گیرد. در این شب نشینی‌ها برای وقت گذرانی

سرگرمی‌ها ئی دارندکه یکی از آن‌ها شنیدن ساز و آواز محلی است زیرا روح مردم با همان نواها و آهنگ‌های محلی خودشان الفت بیشتری دارد از این رو بعضی‌ها نی می‌زنند و در شب‌های زمستان و شب نشینی‌ها در هر مجلسی یکی دو تن از هنرمندان محلی حضور دارند. نوازنده آهنگ هائی در دستگاه دشتی می‌نوازد و چون نفس در نی هفت بند خود می‌دمد همه آرام می‌شوند و خواننده هم شعرهائی از باباطاهر عریان و فایز دشتستانی می‌خواند. علاوه بر این ساز و آواز لطیف و ساده که طالب فراوان دارد، کسانی که نقل و قصه می‌دانند و به اصطلاح خودشان قصه یا سلچک Selcak می‌گویند به این بزم‌های روستائی رونق فراوان می‌دهند و راستی هم در نقالی و قصه‌پردازی هنر به خرج می‌دهند.

پس از خاموشی و سکوت همگان، می‌گوید حالا بشنوید از داستان «مهتر نسیم عیار» یا «جهان تیغ میرزا» و قصه‌ای را با قدرت بیان و گرمی دهانی که دارد می‌گوید و حاضران از خرد و کلان سراپا گوش می‌شوند. در پایان قصه هم صلواتی از جمع می‌طلبد و فاتحه‌ای برای اموات بخصوص برای درگذشتگان افراد حاضر در مجلس می‌خوانند و با خوشدلی به شب نشینی پایان می‌دهند.

**نمونه ورزش‌های بومی و محلی استان سمنان** - ۱- چهار توپ، ۲- توپ مرد، ۳- بدبد، ۴- سنگ سنگ رو رو، ۵- الک چوب، ۶- سک سک.

**سک سک** - (به ضمه‌ی س) این بازی جمعی و تک تیمی است که نیازی به وسیله ندارد، محل بازی شکل خاصی نداشته، بازی در زمین‌های ناهموارکه پستی و بلندی‌هائی داشته یا جاهائی که نقاطی برای پنهان شدن بازیکنان داشته باشد برگزار می‌گردد.

**بدبد** - این بازی در برخی از روستاهای شهرستان دامغان متداول است، بازی جمعی بوده بین دو گروه با نفرات مساوی هر تیم ۲ تا ۵ نفر انجام می‌شود و نیازی به وسیله ندارد.

**سنگ سنگ رو رو** - بازی جمعی و تک گروهی است که وسیله‌ی عده‌ای ۱۰ تا ۲۰ نفره انجام می‌شود تعداد بازیکنان باید زوج باشد، بازی به فضای چندان و محل خاصی نیاز ندارد. وسیله‌ی بازی یک دستمال و یک عدد سنگ کوچک است.

در **سنرد** Sanard گرمسار معتقدند فصل زمستان زمین دوبار نفس می‌کشد. سی و پنج روز که از زمستان گذشت زمین نفس «سی و پنج» یا «نفس دزده» میزند و برف‌ها آب میشوند و سردی هوا کاهش می‌پذیرد و چهل و پنج روز که از زمستان گذشت زمین «نفس آشکار» میزند که با دمیدن نفس آشکار، زمستان بار و بنهٔ خود را می‌بندد و گندم‌ها و علف‌ها نفس راحت میکشند و سر از خاک بر میآورند. همچنین معتقدند اسفند به سه قسمت تقسیم می‌شود و هر ده روز به یکی اختصاص دارد. ده روز اول، مال خاله پیره‌زن است و هنگامی که هوا قار و قور میکند نشانهٔ آنست که پیرزن شترش را سوار شده و آن سر و صدا هم که از ابرها بلند میشود موسوم است به پیله زدن ۲ شتر خاله پیرزن. ده روز دوم را هم مال لک لک میدانند که باد میوزد و گرد و غبار فراوانی دارد و معتقدند این باد، لک‌لک‌ها را از راه دور میآورد. ده روز آخر هم به چلچله اختصاص دارد که هوا سخت طوفانی میشود و چلچله‌ها میآیند.

**شل چلّه و آداب آن** - در **سنرد** Sanard **گرمسار** - چلهٔ بزرگ را اهمن و چلهٔ کوچک را بهمن میگویند. شب اول چلهٔ بزرگ باید حتماً هندوانه و انار بخورند چون عقیده دارند اگر این دو میوه را

بخورند در تابستان گرما اذیتشان نمیکند، در این شب افراد یک قوم و قبیله یا یک خانواده دور هم جمع میشوند و شام را که میبایست خروس پلو باشد با هم میخورند. بعد از شام بزرگترها با گفتن نقل‌های قدیمی و مثل‌ها و متلک‌های خوشمزه جماعت را سرگرم می‌کنند.

**غیاث‌آباد گرمسار:** قبل از فرا رسیدن شب اول چلهٔ بزرگ شیرینی و خربزه و هندوانه و پرتقال و سیب و انار تهیه میکنند و پلو می‌پزند. بعد از خوردن شام، شیرینی و میوه‌ای که دارند روی سفرهٔ مخصوص می‌چینند. اما اول از شیرینی و میوه‌ای که روی سفره چیده شده است برای فرزندانی که در خانه نیستند یعنی دختری که شوهر کرده و پسری که زن گرفته است، مشروط بر اینکه در شهر و دیار دیگری نباشند و مقیم محل باشند سهمی کنار میگذارند. آنوقت به خوردن شیرینی و میوه می‌پردازند. مردم غیاث‌آباد عقیده دارند که باید حتماً در شب اول چله، شیرینی و بخصوص میوه بخورند. چون معتقدند با خوردن میوه در شب چله به هیچ نوع مرضی مبتلا نمیشوند و در تمام طول سال همهٔ افراد خانواده صحیح و سالم بزندگانی خود ادامه میدهند. جشن‌ها و آداب معتقدات زمستان ـ سید ابوالقاسیم انجوی شیرازی

## فرهنگی ـ دانشگاهی

**دانشکده علوم پایه دامغان:** این دانشکده در ۱۳۶۷ تاسیس گردید و در مقطع کارشناسی و در رشته‌های زمین شناسی، فیزیک، ریاضی، شیمی و زیست شناسی دانشجو می‌پذیرد.

**دانشگاه سمنان:** این دانشگاه با نام مدرسه عالی تکنولوژی سمنان در ۱۳۵۳ با هفت رشته تحصیلی ایجاد شد. در ۱۳۶۸ به مجتمع آموزش عالی سمنان در ۱۳۷۲ به دانشگاه سمنان تغییر نام یافت. این دانشگاه دارای سه دانشکده و دو آموزشکده است که در مقاطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی دانشجو می‌پذیرد و دانشکده‌ها و آموزشکده‌های آن عبارت‌اند از: دانشکده مهندسی (با گروههای آموزشی مکانیک، برق، مواد و عمران) دانشکده علوم انسانی (با گروههای آموزشی مدیریت بازرگانی، دروس عمومی، زبان و ادبیات انگلیسی، زبان و ادبیات عرب و الهیات)، دانشکده علوم پایه تربیت دبیر مهدی شهر (با گروه آموزشی ریاضی) و آموزشکده دام پزشکی

**دانشگاه شاهرود:** دانشگاه شاهرود ابتدا در ۱۳۵۲ بانام مدرسه عالی معدن تأسیس شد. در ۱۳۶۶ به مجتمع آموزش عالی شاهرود و در ۱۳۷۲ به دانشگاه تبدیل گردید. این دانشگاه دارای چهار دانشکده است: دانشکده فنی و مهندسی (با گروه‌های آموزشی استخراج و اکتشاف، عمران، برق، مکانیک، معماری)، دانشکده علوم پایه (با گروه‌های آموزشی ریاضی ،فیزیک ،شیمی، زمین‌شناسی)، دانشکده علوم انسانی (باگروه‌های آموزشی حسابداری و تربیت بدنی)، دانشکده کشاورزی (با گروه‌های آموزشی، تأسیسات آبیاری، تکنولوژی، تولیدات گیاهی).

## موزه‌ها

موزه‌ی گرمابه‌ی پهنه (سمنان) ـ موضوع: باستان‌شناسی، مردم‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۷۳، بنا قاجاریه

مسجد جامع سمنان (سمنان) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۷۳، بنا قاجاریه

آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی (شاهرود ـ استان سمنان) ـ موضوع: معماری، شخصیت (آرامگاه شیخ خرقانی) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: قرن پنجم هجری قمری

مسجد تاریخانه‌ی دامغان (خدایخانه) (دامغان) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: سلجوقی، نیمه‌ی اول قرن دوم هجری

محوطه‌ی چشمه‌ی علی دامغان (دامغان) ـ موضوع: مجموعه‌ی تاریخی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: صفویه، قاجاریه

موزه‌ی شاهرود (شاهرود) ـ موضوع: مردم‌شناسی، باستان‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۷۳، بنا قاجاریه

مجموعه‌ی آرامگاه ابن یمین و مسجد جامع فریومد (شاهرود) ـ موضوع: معماری، شخصیت (آرامگاه ابن یمین فریومدی) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: قرن هفتم هجری قمری

کاروانسرای قصر بهرام (گرمسار) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: صفویه

## آثار ثبت شده استان سمنان

خرابه‌ها و تپه‌های جنوب شهر - پیش از تاریخ - تاریخی - دامغان
مسجد شیخ بسطامی - بسطام
برج آرامگاهی نزدیک مسجد جامع - قرن ۸ - بسطام
مقبره موسوم به پیر علمدار - قرن ۵ ه.ق - دامغان
تاریخانه - قرن ۲و۳و۵ ه.ق - دامغان
مناره و مسجد دامغان - (غزنوی - سلجوقی) - دامغان
امامزاده جعفر - سلجوقی - دامغان
مقبره چهل دختران - قرن ۵ ه.ق - دامغان
مناره مسجد جمعه -(سلجوقی - قرن ۵) - سمنان
مسجد جمعه - سلجوقی - سمنان
مسجد سلطانی - قاجاریه - سمنان
برج طغرل (معصوم زاده) - سلجوقی - دامغان
خانقاه شیخ علاءالدوله سمنانی - مغول - سمنان
مسجد فرومد - قرن ۷ ه.ق - شاهرود
مسجد شاه (مسجد سلطانی) - قاجاریه - سمنان
دروازه ارگ - قاجاریه - سمنان
مقبره شیخ ابوالحسن خرقانی - قرن ۵ ه.ق - شاهرود
کاروانسرای شاه عباسی - صفویه - سمنان
گنبد زنگوله - قرن ۷ ه.ق - دامغان
بنا چشمه علی - (صفویه - قاجاریه) - دامغان
کاروانسرای شاه عباسی - صفویه - سمنان
کاروانسرای شاه عباسی - صفویه - دامغان
کاروانسرای شاه عباسی (دهنمک) - صفویه - سمنان
حمام حضرت(حمام‌پهنه) - صفویه - قاجاریه - سمنان
قصر بهرام - صفویه - گرمسار
تپه حصار دامغان - پیش از تاریخ - دامغان
خانقاه شیخ محمود - ایلخانی - سمنان
کاروانسرای روستای ده ملا - صفویه - شاهرود
کاروانسرای شاه عباسی آهوان - صفویه - سمنان
کاروانسرای قدیمی میاندشت - صفویه - قاجار - شاهرود
خانه ابراهیم خان - قرن ۱۳ ه.ق - سمنان
کاروانسرای سپهسالار امیرآباد - قاجاریه - دامغان
تپه‌های دلازیان (چشمه شیخ) - پیش از تاریخ - سمنان
کاروانسرای میامی - صفویه - میامی
کاروانسرای شاه‌عباسی(عباس‌آباد) - صفویه - شاهرود
کاروانسرای سنگی آهوان - قرن ۵ ه.ق - سمنان
بازار سمنان و بازار شیخ علاءالدوله - قاجاریه - سمنان

پارک موزه - هزاره ۱ق.م- دامنه شرقی کوه سوراخه مشرف به شاهرود
کاروانسرای شاه عباسی ایوانکی - صفویه - ایوانکی
تپه سنگ چخماق - هزاره ۶ ق.م - بسطام
خانه محمدیه - اواخر قاجار - سمنان
بادگیر خانه رجبی - قاجاریه - سمنان
برج و باروی قدیمی (دامغان) - قاجاریه - دامغان
مسجد جامع شاهرود - ایلخانی - قاجاریه) - شاهرود
موزه (گنجینه) شاهرود - قاجاریه - شاهرود
مسجد شیخ علی اکبر - قاجاریه - شاهرود
امامزاده علمدار (ع) - قاجاریه - شاهرود
گرمابه بازار شاهرود - زندیه - شاهرود
خانه داوری و قلعه‌های مجاور - قاجاریه - سمنان
کاروانسرای دامغان - صفویه - دامغان
کاروانسرای بدشت - صفویه -۸کیلومتری شرق شاهرود
محراب سلجوقی - سلجوقی - سمنان
کاروانسرای لاسجرد - صفویه - سمنان
عمارت و باغ امیر سمنان - قاجاریه - سمنان
مجموعه امامزاده علی اکبر - قاجاریه -گرمسار
آرامگاه پیر نجم الدین - (سلجوقی - ایلخانی) - سمنان
مجموعه بازار شاهرود -.قاجاریه - شاهرود
خانه باقری - اواخر قاجار -گرمسار
مسجد جامع و مسجد چهلستون -زندیه -سرخه
امامزاده علی بن جعفر - (صفویه - قاجاریه) - سمنان
امامزاده اشرف (ع) - صفویه - سمنان
امامزاده علویان - صفویه - سمنان
امامزاده محمد دیباج (ع) - قرن ۸ ه.ق - دامغان
گنج تپه شماره ۲ کشت دشت - هزاره ۱ ق.م - دامغان
تپه باغ بالا - هزاره ۱ ق.م - دامغان
تپه کلاته گوش - هزاره ۱ ق.م - دامغان
منطقه گولرکن - (ساسانی - اسلامی) - دامغان
تپه لندر هور - قرون اولیه اسلامی - دامغان
محوطه میلو - (تاریخی - اسلامی) - دامغان
تپه شماره ۲ نریشم - هزاره ۱ ق.م - دامغان
تپه ولی گاه - هزاره ۱ ق.م - دامغان
قلعه تپه بادله کوه - هزاره ۱ ق.م - دامغان
گنج تپه شماره ۱ کشت دشت - هزاره ۱ ق.م - دامغان
گنج تپه نسروا - تاریخی - دامغان
تپه قلعه خرابه - تاریخی - دامغان
گورستان کشت دشت - هزاره ۱ ق.م - دامغان
تپه حمام - اسلامی - دامغان
تپه نسروا - هزاره ۱ ق.م - دامغان
تپه سفید عباس آباد - هزاره ۱ ق.م - دامغان
تپه علی آباد - هزاره ۱ ق.م - دامغان
قلعه تپه لارکوه - (تاریخی - اسلامی) - دامغان
تپه سردورچاه - هزاره ۱ ق.م - دامغان
گنج تپه دراین دله - هزاره ۱ ق.م - دامغان
آسیاب طاووس - قاجاریه - سمنان
تپه چمن سادر - (تاریخی - اسلامی) - دامغان
قلعه گرد کوه اسماعیلیه - حاجی آباد رضوه
قلعه مهرنگار - اسماعیلیه - دامغان
قلعه منصورکوه - اسماعیلیه - دامغان
محوطه سرقله دروار - (تاریخی - اسلامی) - دامغان
تپه شیر آشیان - پیش از تاریخ - دامغان
تپه چشمه کبود - پیش از تاریخ تا اسلامی - دامغان

مدرسه موسویه - قاجاریه - دامغان
حمام رضی آباد - قاجاریه - دامغان
خانه ناظمیان - قاجاریه - سمنان
کاروانسرای صدر آباد - صفویه - شاهرود
کاروانسرای الحاک - صفویه - شاهرود
کاروانسرای جهان آباد (سپنج) - ایلخانی - شاهرود
قلعه لبرود - اسماعیلیه - دامغان
کاروانسرای سنگی شریف آباد - صفویه - شاهرود
کاروانسرای گانو - احتمالا صفویه - دامغان
کاروانسرای خرند - صفویه - سمنان
کاروانسرای محمدآباد پل ابریشم - صفویه - شاهرود
بازار دامغان - قاجاریه - دامغان
آب انبار مدرسه قلعه - قاجاریه - شاهرود
قلعه گیو تنگه - اسلامی - دامغان
کارخانه نساجی پارس - اوایل پهلوی - سمنان
برج چهل دختران - سلجوقی - سمنان
تپه خوریان ۲ - (هزاره ۱ تاریخی اسلامی) - شاهرود
خانه طاهریان - قاجاریه - سمنان
امامزاده طاهر و مطهر - اوایل قاجار - گرمسار
تپه سیاه تپه - تاریخی - دامغان
تپه سفید دامغان - تاریخی - دامغان
تپه جیران قلعه شمالی و جنوبی - اسلامی - دامغان
تپه بق - (تاریخی - اسلامی) - دامغان
تپه کل مومن - (تاریخی - اسلامی) - دامغان
تپه قبرستان مومن آباد - تاریخی - دامغان
تپه ابراهیم آباد - (تاریخی - اسلامی) - دامغان
قلعه تپه - (تاریخی ـ اسلامی) - دامغان
تپه عباس آباد - هزاره ۱ ق.م - دامغان
امامزاده شاه نظر - قاجاریه - آرادان

فهرست آثار تاریخی استان سمنان در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۵۱۲ واحد می‌باشد. ـ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

**جمعیت مرد و زن روستائی و شهری سمنان:**
مرد: (۲۰۵۸۴۹ شهری، ۷۰۴۶۰ روستائی)، زن: (۱۹۶۸۸۱ شهری، ۶۵۲۹۲ روستائی).

**جمعیت استان سمنان**

**شهرستان دامغان:** تعداد خانوار ۲۳۰۲۰، جمعیت ۸۴۶۸۰، تعداد باسواد ۶۵۵۶۷، تعداد بیسواد ۹۳۷۶.

**شهرستان سمنان:** تعداد خانوار ۵۲۸۶۹، جمعیت ۱۹۱۶۱۸، تعداد باسواد ۱۵۱۷۸۰، تعداد بیسواد ۱۵۹۷۷.

**شهرستان شاهرود:** تعداد خانوار ۶۲۱۹۶، جمعیت ۲۳۴۸۲۵، تعداد باسواد ۱۸۰۴۱۳، تعداد بیسواد ۲۵۴۴۰.

**شهرستان گرمسار:** تعداد خانوار ۲۱۷۰۶، جمعیت ۷۸۶۱۹، تعداد باسواد ۶۰۸۲۴، تعداد بیسواد ۱۰۲۰۸.

**شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها**

**آرادان:** از بخش‌های شهرستان گرمسار استان سمنان دارای دو دهستان (۱ـ کهن آباد، ۲ـ یاتری) است.

**امیر آباد:** از بخش‌های شهرستان دامغان، استان سمنان، از شمال به حومه دامغان، از خاور به حومه‌ی شاهرود، از جنوب به شهرستان نائین از باختر به حومه‌ی سمنان و از شمال باختری به

دودانگه (از بخش‌های شهرستان ساری) محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز آن شهر امیر آباد دارای ۳ دهستان (۱ـ قهاب رستاق، ۲ـ قهاب صرصر، ۳ـ تویه دروار) است.
**رودهای فصلی:** ۱ـ دریان، ۲ـ دِرج، ۳ـ شور.
**کوه‌ها:** این بخش بیشتر کویری است و تنها مناطقی از شمال کوهپایه است. ۱ـکوه بناور، ۲ـ اُورَس، ۳ـ سرخ کوه.
**نمکزار:** نمکزار یا کویر چجام مشهور به کویر حاج علی قلی، زمستان‌ها باتلاقی و در فصول دیگر خشک و بی آب و علف است.
**معادن:** ۱ـ سرب، ۲ـ فیروزه، ۳ـگل نسوز.
**آب و هوا:** معتدل مایل به گرم و خشک.
**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان اقاقیا، گز و طاق ـ گیاهان داروئی و صنعتی: خاکشی، گل پونه، گل گاو زبان، بومادران و گون کتیرا ـ پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، کفتار و کبک.
**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و قالی بافی استوار است، کشاورزی بیشتر در دهستانهای شمالی رونق دارد، آب کشاورزی از کاریزها، چاه‌های ژرف و نیمه ژرف فراهم گشته ـ دامداری در کنار کشاورزی انجام می‌شود ـ قالی بافی را بیشتر زنان روستائی بعهده دارند.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، چغندر قند، تره بار و پسته، دام و فرآورده‌های دامی و قالی.
**ایوانکی:** از بخش‌های شهرستان گرمسار، استان سمنان است که از شمال به شهرستان دماوند، از خاور و جنوب خاوری به حومه‌ی گرمسار و از جنوب و باختر به شهرستان ورامین محدود می‌باشد.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش ایوانکی دارای یک دهستان به نام ایوانکی است.
**رودها:** یک رود فصلی، تنها رود روان در این‌جا رود کرک است که از کوه‌های منطقه‌ی جنوبی شهرستان دماوند سرچشمه می‌گیرد و در مسیر کوهستانیش چندین روستا و مزرعه را آبیاری می‌کند.
**کوه‌ها:** در منطقه‌ی شمالی بخش ایوانکی کوه‌هائی چند از رشته کوه‌های البرز قرار گرفته‌اند و نزدیکترین کوه به شهر ایوانکی، ۱ـکوه ایوانکی به بلندی ۱۵۰۸ متر و در ۳/۵ کیلومتری شمال شهر سر بر افراشته، ۲ـ چشمه سبزی به بلندی ۱۶۶۸ متر، ۳ـکوه تلوک به بلندی ۱۶۱۶ متر در ۱۰ کیلومتر، ۴ـ کوه نمک در ۷ کیلومتری و ۵ـکوه سرخ در ۱۵ کیلومتری شهر ایوانکی قرار دارند. تپه‌ی کیس در ۲۰۵ کیلومتری شهر ایوانکی سر برافراشته است.
**کان‌ها:** ۱ـ معادن نمک در ۱۱ کیلومتری، ۲ـ معادن سولفات دو سود در ۱۴ کیلومتری، ۳ـ معادن سنگ گچ.
**آب و هوا:** معتدل و فوق العاده خشک.
**نژاد:** آریائی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان گز و تاغ ـ گیاهان داروئی: خاکشی، بار هنگ، درمنه، گل ختمی ـ پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** گرگ، روباه، خرگوش، شغال، آهو و کبک.
**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و پیشه

وری استوار است. کشاورزی نسبتاً پر رونق، نیمه مکانیزه و بیشتر آبی و مزارع از چاه‌های ژرف و چند رشته کاریز آبیاری می‌شود: خربزه، گندم، جو، یونجه و انار از جمله محصولاتش است.

**دامداری:** از منابع دیگر درآمد اهالی است و مقادیری از فرآورده‌های دامی صادر می‌شود.

کارخانه‌های گچبری پیش ساخته، پمپهای کشاورزی تیرهای سیمانی در این بخش تولید می‌گردد.

**ایوانکی:** از دهستان‌های بخش ایوانکی شهرستان گرمسار استان سمنان و مرکز آن چشمه‌ی نادی است.

**بسطام:** از بخش‌های شهرستان شاهرود استان سمنان مرکز این بخش شهر بسطام دارای دو دهستان (۱ـ کلاته‌های غربی، ۲ـ خرقان) است.

بسطام در ۶کیلومتری شمال شرقی شاهرود و جنوب رشته‌کوه البرز به صورت دشت وسیعی بر سر راه ارتباطی شاهرود ـ گرگان قرار دارد. نواحی بلندش آب و هوای معتدل تابستانی و سرد بارانی زمستانی است و نواحی جنوبیش که شامل دشت بسطام است آب و هوای کوهپایه‌ای دارد. این ناحیه پر آب‌ترین منطقه شاهرود است. قسمت شمالی این منطقه شاهرود است. قسمت شمالی این منطقه از آب‌های چشمه و رود و قسمت‌های جنوبی آن از آب‌های چاه و کاریز بهره برداری می‌کنند.

از شمال به رامیان و حومه گرگان از مشرق به میامی از جنوب به حومه‌ی شاهرود، از مغرب به حومه‌ی دامغان و از شمال غربی به حومه‌ی گرگان محدود است. رود فصلی شاهرود از جمله رودهای فصلی بخش بسطام و کلاته‌های آن است که از کوه‌های شمالی روان گشته و پس از گذشتن از شهر بسطام در حومه‌ی شاهرود جذب می‌گردد.

**کوه‌ها:** نواحی شمالیش کوهستانی با کوه‌های کم ارتفاع و از رشته‌کوه‌های البرز است: ۱ـ کوه بسطام ۱۷۷۳ متر)، ۲ـ زرین کمر (۱۷۳۰ متر)، ۳ـ سیاه کوه (۲۱۳۵ متر) ۴ـ کوه شاهوار (۳۹۴۵ متر)، گردنه خوش ییلاق و تنگه‌ها ۱ـ داستان، ۲ـ پیسال، ۳ـ رووازه.

مراتع و چراگاه هائی چون چهار باغ، فرخزاد و سلطان میدان از آن جمله است.

**معادن:** سنگ گچ، سنگ آهک و زغالسنگ.

**پوشش گیاهی:** درختان اقاقیا، و آورس ـ گیاهان داروئی و صنعتی از جمله کاسنی، خاکشی، کلپوره، شیرین بیان، گون کتیرا ـ پوشش گیاهی برای چرای دام، پوشش گیاهی ناحیه‌ی شامل استپ نیمه بیابانی (کوهپایه‌ای) و استپ کوهی در نواحی پرباران است.

درآمد مردم این سامان از کشاورزی، دامداری و زنبورداری و صنایع دستی است.

کشاورزی بخش بسطام ۹۸٪ آبی و تنها ۲٪ دیمی است که آب کشاورزی و آشامیدنی از رود، کاریز، چاه و چشمه فراهم گشته.

**فرآورده‌ها:** گندم، پنبه، برنج، هلو، زردآلو، آلو زرد و تره بار، عسل، قالی، گلیم، جاجیم، چوغا، نمد و کرباس و ابریشم.

مجموعه بناهای زیبای تاریخی ـ مذهبی بسطام که قدمت آن به ادوار مختلف اسلامی و گاه پیش از اسلام می‌رسد. این بناها شامل بخش‌های مختلفی است که عبارتند از: بناهائی از صدر اسلام، منار و مسجدی از عهد سلجوقی، برخی از ایلخانی، صومعه بایزید، مصلائی از قرن هشتم ه ـ ق مدرسه‌ای از عهد تیموری، مزاری مربوط به یکی از فرزندان امام جعفر صادق (ع) از دوره‌ی

ایلخانی و بالاخره گنبدی از این عهد ـ کیوان لؤلوئی.

**سابقه تاریخی:** نام این شهر از واژه‌ی قدیم فارسی «ویستاخما» اقتباس شده و از ساخته‌های «بسطام» سردار معروف خسرو پروزی (پادشاه ساسانی) و فرمانروای خراسان، قومس، گرگان و طبرستان در قرن ۶ میلادی است.

بسیاری از سیاحان، جغرافیانویسان و مورخان اسلامی، از جمله ابن حوقل، مقدسی، ابودلف، یاقوت حموی، ابن بطوطه و ناصر خسرو از این منطقه به اعتبار و نیکی یاد کرده و آن را جائی بزرگ، بسیار پر نعمت و خرم و دارای بازارهای متعدد وصف کرده‌اند و نیز از فراوانی ارزاق آن سخن‌ها رانده‌اند. همچنین از سیب بسطامی که به عراق صادر می‌شده است و نیز معادن «ماگنزیوم» آن نوشته‌اند و همچنین از کاخی بزرگ بر فراز تپه‌ای در نزدیکی بسطام یاد کرده‌اند که گرداگرد آن باروئی بوده و آن را از بناهای شاپور ذوالاکتاف (ساسانی) دانسته‌اند.

**بافت تاریخی بسطام و روند شکل‌گیری مجموعه بناهای تاریخی ـ مذهبی آن:** یکی از آثار بسیار با ارزش منطقه‌ی شاهرود، که عظمت و قدمت آن اعتباری درخور توجه برای این خطه به ارمغان می‌آورد، بافت تاریخی کم نظیر بسطام است که با دارا بودن بناها و فضاهای تاریخی متعدد، نظیر مسجد، مدرسه، مقبره، مزار، حمام، برج و ... از دیرباز مورد توجه خاص مستشرقان، مورخان و جهانگردان بوده است. در مورد روند شکل‌گیری این مجموعه، بر اساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده، چنین برمی آید که در طول زمان در بسیاری از شهرهای ایران، بناهایی مجموعه‌ای ساخته شده که گروه ویژه‌ای را در معماری تشکیل می‌دهند. احداث این گونه بناها سابقه‌ای بس طولانی دارد. تحقیقات نشان می‌دهد این گونه مجموعه‌ها به دلایل گوناگون مذهبی، نظامی و اقتصادی شکل گرفته و به تدریج توسعه یافته‌اند. در دوره‌ی اسلامی، ایجاد و گسترش این مجموعه‌ها فزونی یافت و شاهکارهای معماری با ویژگی‌های بدیع به وجود آمد. پیدایش این مجموعه‌ها که معمولاً با ایجاد یک آرامگاه ساده یا یک مکان مذهبی، سیاسی شروع می‌شود، در طول زمان با اضافه کردن بناها و فضاهای دیگر از جمله مسجد، مدرسه، کتابخانه، آب انبار، خانقاه، زائر سرا، کاروانسرا، صومعه و ... به یک مجموعه بسیار زیبا و با شکوه تبدیل شده است. از جمله این مجموعه‌ها که ایجادشان عمدتاً در بافت اصلی و مراکز شهرها به صورت سمبل بوده است، مجموعه بناهای زیبای تاریخی ـ مذهبی بسطام در ۶ کیلومتری شمال شاهرود است که قدمت آن به ادوار مختلف اسلامی و گاه به پیش از اسلام می‌رسد. این بناها شامل بخش‌های مختلفی است که عبارت اند از: بناهائی از صدر اسلام، منار و مسجدی از عهد سلجوقی، برجی از عهد ایلخانی، صومعه‌ی بایزید، مصلائی از قرن هشتم هجری، مدرسه‌ای از عهد تیموری، مزاری مربوط به یکی از فرزندان امام جعفر صادق (ع) از دوره‌ی ایلخانی و بالاخره گنبدی از این عهد.

**۱ـ مسجد بایزید و منار بسطام:** ساختمانی که بیش از هر بنائی در مجموعه‌ی تاریخی بسطام جلب نظر می‌کند، مسجد بایزید است که به شکل مستطیل (با ابعاد ۶۰×۱۰) و در دو ردیف ستون سه تائی با پوشش مسطح چوبی و ساختمانی آجری، با آجرهائی به ابعاد ۴×۱۰×۲۲ سانتیمتر و ۴×۱۰×۲۴ سانتیمتر ساخته شده است.

آن گونه که از وصع مسجد مشاهده می‌شود، این بنا شامل دو قسمت، یکی مختص نیایش مردان و دیگری مخصوص عبادت زنان بوده است. قسمت اول صحنه‌ای است وسیع و در ورودی آن سه لنگه است که دو لنگه‌ی آن به هم چسبیده و در سوم مجزاست. بر روی سه لنگه‌ی در مذکور، منبت کاری بسیار ظریف و هنرمندانه‌ای است و بالا سر این در با آجرهای مخصوص، مطالبی به خط کوفی نوشته شده است. سقف کنونی این مسجد مربوط به دوره‌ی قاجار است، ولی چنین به نظر می‌رسد که در ابتدا پوشش قدیمی‌تر گنبدی داشته است. زیباترین بخش مسجد بایزید، محراب گچ بری شده‌ی آن است که امتیازات خاص خود را دارد، از جمله این که با نقوش هندسی، گیاهی، اسلیمی و گل‌های چهار پر مزین شده، همچنین بخش فوقانی محراب با کتیبه‌هایی به خط ثلث و نستعلیق، در دوره‌ی ایلخانی و قاجار آراسته شده است، به این ترتیب که در عهد قاجار، کتیبه‌ای نستعلیق را روی کتیبه‌ای از دوره‌ی ایلخانی که شامل آیات ۱ الی ۶ سوره‌ی فتح بوده، نوشته‌اند.

نام سازنده‌ی مسجد در کتیبه‌ی آن «استاد محمد بن الحسین بن ابی طالب المهندس النا الدامغانی» نقش بسته است.

ارتفاع محراب این مسجد ۳/۹ متر و عرض آن ۳/۲ متر است و دارای کتیبه هائی است از آیات سوره‌ی بقره و توبه. در جلو مسجد بایزید، دالان سرپوشیده‌ای است که دو راه به بیرون دارد: یکی به کوچه‌ی پشت مسجد و دیگری به رواق حرم «امامزاده محمد» بر روی در طرف کوچه منبت کاری نسبتاً زیبائی به چشم می‌خورد که ظرافت آن به منبت کاری در سه لنگه‌ای مسجد نمی‌رسد. در جلو راهرو دوم که از رواق حرم «امام زاده محمد» به دالان مذکور می‌آیند نیز در دیگری است که از قطعات بسیار کوچک چوب ساخته شده، ولی به امتیاز و اهمیت دو در اخیر نیست. همچنین در سمت مشرق مسجد بایزید و متصل به آن، منار آجری زیبائی است که تاریخ ۵۱۴ هجری را دارد.

این منار که در حال حاضر حدود ۱۴ متر ارتفاع دارد، باقیمانده‌ی مسجدی از دوره‌ی سلجوقیان است و شامل سه قسمت پایه، بدنه (ساقه) و تاج (کلاهک) است و با سه ردیف کتیبه‌ی کوفی آجری، آیه‌ی ۲۵۵ از سوره‌ی بقره را نشان می‌دهد. در ضمن این منار تزئینات آجر کاری در طرح‌های هندسی گل و برگ به شیوه‌ی برجسته نیز دارد. نکته‌ی جالب در مورد این منار آن است که طبق آزمایش‌های انجام شده، قسمت فوقانی منار مورد بحث، حرکت و جنبشی محسوس دارد که احتمال داده می‌شود به دلیل حالت ارتجاعی چوب هائی باشد که در منتهی الیه آن در جرز بنا کار گذاشته شده و بر روی چوب‌ها تا ارتفاع دو متر، ساختمان منار ادامه یافته است.

از آن جا که مناره یا منا، یکی از فضاهای مهم الحاقی به بناهای مذهبی است که در ایران نیز سابقه‌ای به قدمت تاریخ قبل از اسلام دارد و از طرفی با توجه به این که طبق بررسی‌های به عمل آمده، قدیمی‌ترین مناره‌های ایران را منار مسجد جامع سمنان و دامغان دانسته‌اند، پر واضح است منار مذکور حداقل به جهت همجواری با منارهای اخیر، از اهمیت و اعتبار فوق‌العاده‌ای نزد محققان و متخصصان فن برخوردار است.

**۲ـ گنبد و ایوان غازان خان:** گنبد مربع شکل غازان (با ابعاد ۷/۵×۷/۵ متر)، در سمت شمالی مقبره‌ی بایزید بسطامی واقع شده است. نوع گنبد،

مخروطی (رُک) بوده، حدود ۲۰ متر از سطح زمین ارتفاع دارد و فاصله‌ی آن با گنبد داخلی ۸ متر است. تاریخ این ساختمان را سال ۷۰۲ هق می‌دانند و بنای آن را به غازان خان (ایلخان مغول) نسبت می‌دهند.

گنبد غازان خان در بدنه‌ی خارجیش، طاق نماهایی دارد که با آجر کاری و گچ بری و کاشی‌های فیروزه‌ای رنگ مزین شده است. باید دانست اصولاً گنبد یکی از مهم‌ترین عناصر معماری ایران است و شکوه و زیبایی معماری این کشور به خصوص در دوره‌ی اسلامی بستگی زیادی به گنبدهای آن دارد. این نوع پوشش که سابقه‌ی آن به پیش از اسلام می‌رسد، در معماری دوران اسلامی بیش از هر نوع پوشش دیگری کاربرد داشته است. گبندهای ایرانی دارای شکل‌های مختلفی است که یکی از جالب‌ترین آن‌ها، گنبد مخروطی یا «رُک» است و گنبد غازان بسطام از این نوع گنبد است.

در بین گنبد غازان و گنبد امام زاده محمد ـ که در فاصله ۱۵ متری آن قرار گرفته ـ ایوانی وجود دارد که به نام ایوان غازان خان نامیده می‌شود و سطح آن کوچک و بن بست است و بر روی آن گچ بری‌هایی است. گفتنی است ساختمان این ایوان تقریباً متناسب و با اسلوب صحیح معماری ساخته شده است.

با عنایت به این مطلب که ایوان، کانونی برای تزئینات گوناگون بنا همچون ایجاد مقرنس و... است، لذا همواره به عنوان یکی از اجزای شکوه بخشنده به بنا، از اهمیت فوق العاده‌ای برای اهل فن برخوردار بوده و ایوان غازان بسطام نیز از این ویژگی و توجه مستثنی نیست.

**۳ـ آرامگاه و صومعه‌ی بایزید بسطامی:** آرامگاه عارف شهیر ایرانی، بایزید بسطامی در سمت شمال مرقد امام زاده محمد قرار دارد و عاری از هرگونه تزئین و تجمل است و این طور می‌نماید که هیچ گاه بنایی به رسم آرامگاه بزرگان شیعه بر روی آن ساخته نشده، گویا وارستگی و بی نیازی مدفون آرامگاه، بعد از مرگ وی در مرقدش نیز تأثیر گذاشته است، ولی در هر حال این آرامگاه روحانیت خاص و زاید الوصفی دارد. اکنون یک پنجره‌ی مسقف آهنی که به همت دو نفر از اهالی گرگان ساخته شده، برگرد قبر وی نصب است. بر روی قبر نیز سنگ مرمری قرار دارد که کلماتی از مناجات مشهور حضرت علی (ع) بر آن نقر شده است و چنان که از مفاد نوشته این سنگ مستفاد می‌شود، سنگ مذکور متعلق به شخصی به نام «قاضی ملک»، از حکام ایالت قومس بوده و مشخص نیست به چه علت آن را روی آرامگاه بایزید نصب کرده‌اند. این سنگ شامل چهار قسمت است به این ترتیب که دو قطعه سنگ دایره مانند یکی در بالا و یکی در پائین و دو قطعه سنگ در وسط قرار گرفته است.

بنای دیگر در این قسمت، صومعه‌ی بایزید است که در ضلع غربی مقبره‌ی بایزید بسطامی و در فاصله‌ی ۴ متری آن قرار دارد. صومعه‌ی بایزید دو اتاق کوچک شبیه به هم و متصل (به ترتیب با ابعاد ۱/۵×۲ متر و ۲×۲ متر)، با سقف‌های کوتاه دارد. این ساختمان از آجر ساخته شده و دیوارها و سقف‌های داخلیش گچ‌کاری بسیار زیبائی دارد و مطالبی بر روی آن‌ها با زیباترین وجه، گچ‌بری شده است. همچنین محراب بنا با طرح‌های هندسی و گل و گیاه گچ بری شده و کتیبه‌ای به خط ثلث دور تا دور آن فرا گرفته است. تزئینات این

بخش از مجموعه توسط «محمد بن حسین دامغانی» نامی صورت پذیرفته است.

**۴ـ امام زاده محمد و مسجد جنب آن:** بقعه‌ی بسیار معروف امام زاده محمد که ایشان را یکی از نوادگان حضرت امام جعفر صادق (ع) ذکر می‌کنند، جنب قبر بایزید بسطامی (در قسمت جنوبی حیاط مجموعه) واقع شده‌است. ساختمان این بنا بقعه‌ی گنبدی مخروطی است و سه پوشش دارد. این بنا از داخل مربع شکل (با ابعاد ۴/۵×۴/۵) و دارای تزئینات زیبای گچ بری است. همچنین سقف داخلی ساختمان دارای نقوشی با طرح‌های گل و بوته و اسلیمی است که شبیه نقش‌های قالی‌های ایرانی است.

با توجه به این که در سرزمین شیعه زادی چون ایران، مقابر مذهبی (زیارتگاه) یا همان امامزاده‌ها از اعتبار و ارزش فوق العاده‌ای برخوردار است و حتی به تکرار مشاهده شده است. ایجاد، رشد و گسترش بسیاری از شهرها و آبادی‌ها در ابتدا حول محور چنین اماکنی صورت گرفته، لذا پر واضح است توسعه‌ی چنین بناهایی در طول زمان و تبدیل آن از یک آرمگاه معمولی به مجموعه‌ای بسیار با شکوه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

همچنین متصل به این بقعه مسجدی قرار دارد که تاریخ بنای اولیه‌ی آن مشخص نیست، ولی در زمان فتحعلی شاه قاجار تعمیراتی را به خود دیده است. دور تا دور دیوار این مسجد آیات قرآنی گچ بری شده است.

**دالان ورودی صحن امام زاده محمد و امتیازات آن:** صحن امامزاده محمد، مقبره‌ی بایزید، گنبد غازان و مسجد و صومعه بایزید که در کنار یکدیگر و در یک محوطه‌ی متمرکز شده، دو راه به خارج دارد، یکی از قسمت شرقی و دیگری از سمت مغرب. در ورودی شرقی، در اصلی محسوب می‌شود. در جلو این در، دالانی وجود دارد که ساختمان آن دارای امتیازاتی است، این دالان که از بناهای سلطان محمد خدابنده الجایتو (۶۸۰-۷۱۶ ه ق) است، شامل دو قسمت است، یکی سر درِ آن و دیگری دالان و ایوان رو به صحن امامزاده محمد، سر درِ ورودی آن دارای کاشی‌های معرق بسیار زیبائی است و بر روی برخی از آن‌ها چهار مرتبه نام علی (ع) به شکل خاصی نقش شده است. غیر از این کاشی‌های معرق،

گچ بری‌های زیبائی نیز در این سر در دیده می‌شود و نیز در داخل دالان وایوان رو به صحن متصل به دالان، عباراتی با خطوط بسیار زیبا گچ بری شده است.

**۵ـ مسجد جامع بسطام:** یکی از مهم‌ترین بناهای مجموعه تاریخی بسطام، مسجد جامع آن است که در فاصله‌ی ۲۰۰ متری جنوب آرامگاه بایزید قرار دارد و عهد حکومت غازان خان (فاصله‌ی سال‌های ۷۰۰ تا ۷۰۶ ه.ق) ساخته شده است.

مسجد جامع بسطام شامل دو قسمت است، قسمت اول میانسرای (حیاط) مسجد است که مستطیل شکل بوده و ابعاد آن (۱۸/۵×۱۷ متر) است. در قسمت شمالی آن، شبستانی است معروف به شبستان زمستانی با ده ستون و طاق هلالی، در ضلع جنوبی این شبستان زمستانی با ده ستون و طاق هلالی، در ضلع جنوبی این شبستان، ورودی بنای دیگری است به نام برج کاشانه که شرح آن خواهد آمد. ضلع جنوبی، دارای گچ بری‌های زیبائی است که طبق کتیبه سر در ورودی، این تزئینات در سال ۷۰۰ ه.ق توسط «محمد بن احمد سمنانی» نامی صورت گرفته است.

زیباترین قسمت مسجد جامع، محراب آن است که در همین ضلع جنوبی قرار دارد و کتیبه‌های گچ بری به شیوه‌ی کوفی و ثلث، بخش اعظم آن را پوشانده است. بر این کتیبه‌ها، آیاتی از سوره‌ی جمعه، توبه، هود و همچنین عبارات لااله الا الله، علی بن ابی طالب ولی الله نوشته شده که جلوه‌ی خاصی به این قسمت از مسجد بخشیده است. همچنین کتیبه‌ی دیگری در بالای محراب قرار دارد که تاریخ تعمیر مسجد را به سال ۱۲۴۲ هجری در زمان فتحعلی شاه قاجار ذکر می‌کند.

علاوه بر کتیبه‌ها، طرح‌های گیاهی و هندسی بخش فوقانی این محراب را به شکل هنرمندانه‌ای مزین کرده است. به غیر از محراب مذکور و حیاط مسجد، دو دالان سر پوشیده نیز در قسمت شمال و مشرق این مسجد وجود دارد.

**۶ـ برج کاشانه:** یکی دیگر از بناهای زیبای معماری مجموعه تاریخی بسطام، بنایی است معروف به برج کاشانه که در ضلع جنوب شرقی مسجد جامع قرار دارد. برج کاشانه از داخل ۲۴ متر ارتفاع و دارای ۱۰ ترک (ضلع) قرار دارد. برج کاشانه از داخل ۲۴ متر ارتفاع دارد و دارای ۱۰ ترک (ضلع) منتظم و از بیرون نیز دارای ۲۰ متر ارتفاع و ۳۰ ترک منتظم است. ساختمان این بنا آجری است و در اصل، گنبد مخروطی داشته که زیر آن با کاشی فیروزه‌ای تزئین شده است. در بخشی از آن نیز کتیبه‌ای است که نام معمار آن را «محمد بن حسین بن ابی طالب دامغانی»
و بنای آن را حدود سال ۷۰۰ ه‍ ق ذکر می‌کند. چنان که مشاهده می‌شود سقف این برج به مرور زمان فرو ریخته و در دوره‌های بعدتر تعمیراتی را به خود دیده است، زیرا اولاً آجرهائی که در قسمت فوقانی این برج به کار رفته، با آجرهای اصلی ساختمان برج تفاوت دارد، ثانیاً بند کشی‌های پائین برج بسیار استادانه و ظریف است. در حال حاضر در وسط این برج چاه بسیار عمیقی است و راه صعود به بالای بام آن‌از داخل ساختمان و از طریق پله‌های بسیار کوچک و راهرویی تاریک است. در مورد کارکرد این برج، عده‌ای آن برج را دیده بانی قصبه بسطام و حتی برخی نیز رصد خانه دانسته‌اند.

چنانکه پیش از این گذشت، درِ ورودی این بنا از داخل مسجد جامع مجاور محراب مسجد است. قبل از ورود به کاشانه، دالان کوچکی است که سه طرف آن گچ بری شده و در اطراف و سر در دالان، آیةالکرسی نقش بسته است و در دور طرف دیگر، عباراتی از زبان پیامبر اکرم (ص) است.

روی هم رفته برج کاشانه بسطام از ابینه‌ی مهم و درخور اهمیت این خطه است که نمای بیرونی آن نیز جلوه و شکوه خاصی دارد.

**۷ـ مدرسه‌ی شاهرخیه:** این مدرسه که در ضلع جنوب شرقی مسجد بایزید قرار گرفته و آثار عهد شاهرخ تیموری است. مدرسه‌ی شاهرخیه‌ی بسطام دارای دو ایوان و دو طبقه بناست. حیاط (میانسرا) مدرسه به شکل مربع مستطیل و در اندازه‌های (۱۸×۱۹/۵) متر است. اطراف این مدرسه حجره‌هایی در دو طبقه برای استفاده طلاب ساخته شده که اندازه‌ی آن‌ها (۳۸۳/۵ متر) و جلوی هر یک،
ایوانی در حدود ۳ متر است. مدرسه شاهرخیه دو در ورودی در سمت شمال و جنوب دارد.

**۸ـ سردابه‌ی بسطام:** از جمله دیگر فضاهای تاریخی بسطام، سردابه‌ای است که جنب امام زاده محمد بنا شده است. در مورد کاربری سردابه‌ها، با سیری در تاریخ معماری معلوم می‌شود که تعداد

بسیاری از آرامگاه‌ها، مدفن اصلی شخصیتی مذهبی یا سیاسی است که زیر طبقه‌ی همکف ساخته شده است.و از آن جا که طبقه‌ی همکف باید جائی برای زیارت یا مراسم مذهبی داشته باشد، معمولاً محل تدفین را در طبقه‌ای پائین‌تر از سطح زمین ساخته‌اند. باید دانست احداث سردابه‌ها بیشتر در قسمت‌های شمالی ایران مرسوم بوده است.

مجموعه‌ی تاریخی بسطام که یکی از مجموعه‌های مذهبی ایران در دوره‌ی اسلامی است، از قرون نخستین اسلامی تا عصر قاجار، بناهای مختلفی افزوده شده است. این مجموعه‌ی کم نظیر، علاوه بر هنر معماری، از دیگر هنرهای وابسته به آن،
نظیر آجر کاری، گچ کاری و کاشی کاری نیز برخوردار است. همچنین یکی از مجموعه بناهای منحصر به فردی است که سازنده یا استادکار آن، نام «مهندس» را برای خود، درکتیبه‌ای در آن جا به یادگار نهاده است.

اساس ایجاد مجموعه‌ی نفیس بسطام، مزار امام زاده محمد بوده که در این محل قرار دارد. همچنین گفتنی است در نزدیکی مجموعه‌ی بسطام، ضمن بررسی‌های باستان شناختی پروفسور «ماسودا» از دانشگاه توکیو (ژاپن)، در محلی به نام تپه‌ی سنگ چخماق، آثاری متعلق به هزاره‌ی پنجم قبل از میلاد به دست آمده که در شناخت تمدن‌های این منطقه و حاشیه‌ی کویر ایران اهمیت بسزائی دارد. ـ از کتاب ایرانشناخت.

**بسطام (مرکز بخش):** در زمان سلطنت ساسانیان و پادشاهی خسرو پرویز بسطام این شهر را بنا نهاده است، بلکه می‌توان گفت که این شخص آنقدر در توسعه و تغییرات و عمارت شهر بسطام کوشیده است مانند آنکه از نو آن را بنیاد نهاده باشد و چون خود در آن سکونت داشته و مردم توسعه و عمارت شهر را بدست او دیده بودند به شهر بسطام معروف شده باشد یعنی سازنده این بناها بسطام است.

البته قدمت شهر بجای خود محفوظ است و اینکه ممکن است قبلاً نام دیگری داشته باشد بعید نیست.

توضیح دیگر اینکه شهرهای قومس در زمان حکومت شاه منوچهر خلق الساعة نبوده‌اند و این رقم تاریخ که نگاشته شد، مربوط به حدّ و مرز بندی آن زمان بوده در حالیکه قومس و شهرهایش از خیلی قبل وجود داشته‌اند.

**بیارجمند:** از بخش‌های شهرستان شاهرود، استان سمنان، از شمال به بخش میامی (شاهرود) از خاور به بخش ششتمد (از بخش‌های سبزوار) و بخش بردسکن (از بخش‌های کاشمر) از جنوب به شهرستان طبس و از باختر به حومه‌ی شاهرود محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز بخش بیارجمند شهرک بیارجمند دارای دود دهستان (۱ـ بیارجمند، ۲ـ خوارتوران) است.

**رودها:** تنها مسیل هائی برای سیلاب‌های فصلی دارد.

**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز، تاغ و زبان گنجشک ـ گیاهان داروئی و صنعتی: گل پونه، بومادران، آویشن، کاسنی و گون کتیرا ـ پوشش گیاهی اندک برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، آهو، خرگوش و کبک.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی و دامداری استوار است. کشاورزی به صورت آبی ـ آب کشاورزی از کاریز، چاه ژرف و نیمه ژرف فراهم گشته ـ دامداری در کنار کشاورزی انجام می‌شود ـ قالی بافی و قالیچه و گلیم بافی و نمدمالی نیز از منابع درآمد مردم این سامان است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره بار، پنبه، زیره، انگور، هلو، زرد آلو و فرآورده‌های دامی، قالی، قالیچه و گلیم و نمد.

**بیارجمند:** از دهستان‌های بخش بیارجمند شهرستان شاهرود استان سمنان و مرکز آن خانخودی است.

**بیارجمند (مرکز بخش):** شهر بیارجمند مرکز بخش بیارجمند از بخشهای شهرستان شاهرود، استان سمنان، در بلندی ۱۰۸۰ متری از سطح دریا، در ۱۱۲ کیلومتری جنوب خاوری شاهرود و ۴۲ کیلومتری جنوب راه شاهرود ـ سبزوار است.

**آب و هوا:** معتدل و خشک و نزدیک به آب و هوای کویری بیشترین درجه گرما در تابستانها تا ۴۲ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها تا ۱۵ درجه زیر صفر ـ میزان بارندگی سالانه بطور متوسط در حدود ۱۱۰ میلیمتر می‌باشد.

**پشتکوه:** از دهستان‌های بخش مهدی شهر شهرستان سمنان استان سمنان و مرکز آن فولاد محله است.

**تویه دروار:** از دهستان‌های بخش امیر آباد، شهرستان دامغان استان سمنان و مرکز آن دروار است.

**چاشم:** از دهستان‌های بخش مهدی شهر شهرستان سمنان استان سمنان و مرکز آن چاشم است.

**حومه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دامغان استان سمنان و مرکز آن برم قلعه پائین است.

**حومه:** لز دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سمنان استان سمنان و مرکز آن علاء است.

**حومه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شاهرود استان سمنان و مرکز آن رویان است.

**حومه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان گرمسار، استان سمنان و مرکز آن کردوان است.

**خرقان:** از دهستانهای بخش بسطام شهرستان شاهرود استان سمنان و مرکز آن قلعه نوخرقان است.

**خوارتوران:** از دهستان‌های بیارجمند شهرستان شاهرود استان سمنان و مرکز آن زمان آباد است.

**دامغان:** از شهرستان‌های استان سمنان، از شمال به شهرستان‌های گرگان، کردکوی و بهشهر، از خاور به شهرستان شاهرود از جنوب به خوروبیابانک و انارک (از بخش‌های نائین) و از باختر به شهرستان‌های سمنان و ساری محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر دامغان دارای دو بخش ۱ـ بخش مرکزی دارای ۳ دهستان (۱ـ حومه، ۲ـ دامنکوه، ۳ـ رودبار) ۲ـ بخش امیرآباد است.

**رودها:** ۱ـ رود دائمی چشمه علی (چشمه‌ی آلی) در ۳۵ کیلومتری شمال باختری شهر دامغان به سوی جنوب خاوری روان گشته و پس از این که چند شاخابه بدان پیوست از ۵ کیلومتری شمال شهر دامغان می‌گذرد و سرانجام به کویر حاج علی قلی می‌رسد.

**کاریزها:** ظاهراً شهرستان دامغان از پر کاریزترین مناطق ایران است و هم اکنون بیش از ۱۵۰ کاریز

بـه ویـژه در بـخش صید آباد دایر است. از گذشته‌های دور مردم دامغان راکومش می‌گفتند و کومش به زبان اصیل فارسی به معنی چاه‌کن آمده است.

**چشمه‌ها:** برآورده کرده‌اند که در شهرستان دامغان بیش از ۱۱۰ چشمه روان است از جمله: چشمه علی، آب پیچ چهارده تواین دره، لارکوبه چهارده، قریه قلعه چهارده.

**کـــوه‌ها:** در شـــمال رشـــته کـوه‌های البـرز سربرافراشته‌اند و همین کوه‌های مایه‌ی جدائـی کردکوی و بهشهر از دامغان گشته است. این کوه‌ها در شهرستان دامغان از باختر به خـاور بـدینقرار است: ۱ـ کوه اسبی خاک، ۲ـ کوه آب شرف، ۳ـ کوه بشم تویه دروار، ۴ کوه سیاه‌کوه، ۵ـ سفیدکوه، ۶ـ مهر نگار، ۷ـ منصورکوه، ۸ـ کوه بشم چهارده ـ رشته کوهی از البرز از حدود ۵۰ کیلومتری باختر دامغان به سوی جنوب پیش می‌رودکه مرز طبیعی دامغان ـ سمنان است: ۱ـ پنج کوه، ۲ـ مارکوه، ۳ـ بزکوه، ۴ـ کوه امامزاده.

**غارها:** ۱ـ غار زروام به طول ۵۰ متر، ۲ـ غار آمنده (به طول ۲۰ متر)

**گردنه‌ها:** ۱ـ گردنه بشم تویه دروار، ۲ـ غار بشم شیریابند.

**کان‌ها:** ۱ـ معادن زغال سنگ، ۲ـ معادن سرب و روی، ۳ـ معدن طلا، ۴ـ معادن گـچ، ۵ـ مـعادن آهک.

**آب و هوا:** معتدل و خشک.

**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان فـارسی بـا گویش دامغانی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز، اقـاقیا، پسـته‌ی جـنگلی، اورس و طاق ـ گیاهان داروئی و صنعتی: گل گاو زبـان، گـل خـتمی، بـومادران، درمـنه، کـلپوره، خاکشی، رازیانه، روناس و گون کتیرا ـ پـوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** بز کوهی، قوچ، پلنگ، گرگ، روباه، شغال، کفتار، خرگوش، خرس، گـورخـر، کبک، تیهو و سینه سیاه.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، باغداری و دامداری و صنعت استوار است ـ کشاورزی در سال‌های پر باران پر محصول می‌باشد.

آب کشاورزی از رود، کـاریز، چشـمه، چـاه ژرف و نیمه ژرف فراهم گشته. دامداری به شیوه‌ی سنتی در روستاها به صورت ییلاق قشلاق انجام می‌گردد.

**صنایع:** ۱ـ صـنایع غـذائـی: تـهیه‌ی خشکـبار، شیرینی جات و لبنیات، ۲ـ صنایع دستی: قالی بافی، گلیم، جاجیم، کرباس و پارچه بافی، شال گردن، ژاکت و جوراب. صنایع کارخانه‌ای: ۱ـ پنبه پاک کنی، ۲ـ آجر پزی، ۳ـ گچ پزی ۴ـ موزائیک سازی.

**سابقه تاریخی:** دامغان یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران است و در زمان‌های گذشته دارای اهـمیت خاصی بوده است. گفته می‌شود نام این شهر از مُغان یعنی آتش پرستان گرفته شده است و اینان بوده‌اند که باعث آبادانی شهر گشته‌اند و بـنا بـه عقیده‌ی برخی صاحبنظران دامـغان در اصـل ده مغان بوده و مغان باعث آبادی آن شده‌اند. در لغت نامه‌ی دهخدا نیز به این موضوع اشاره شده کـه دامغان، اصل آن ده مغان بوده و در اثر کثر استعمال «ها» از میان رفته و دَمغان گفتند و بعد به جای «آن» الف آوردند و دامغان گفته شد.

برخی از مورخین عرب و غیر عرب بنای شهر

دامغان را به هوشنگ نبیره‌ی کیومرث نسبت می‌دهند. در کتاب ریاض السیاحه پیرامون شهر دامغان چنین آمده است: دامغان از بلاد قدیم و از مداین عظیمه بوده، مدت هاست که رو به خرابی نموده و در زمین هموار واقع و جوانب اربعه‌اش چون دل آزادگان واسع است. از اقلیم چهارم آبش معتدل و هوایش به گرمی مایل، هوشنگ بن سیامک بن کیومرث آن جا را بنا کرده است. در زمان دولت عجم و بعد از آن به نهایت معمور بوده و مکرر به قتل عام رسیده و منهدم گردیده است.

در کتاب نزهت القلوب تألیف حمد الله مستوفی نیز آمده که حمد الله مستوفی دامغان را از اقلیم چهارم ذکر می‌کند و طولش را از جزایر خالدات و عرض آن را از خط استوا می‌داند وی نیز بر این باور است که این شهر را، هوشنگ ساخته و دورباروش هشت هزار گام است.

نام دامغان نه تنها در کتاب نویسندگان، بلکه در کتب شاعران نیز مکرر به چشم می‌خورد و این خود حکایت از اهمیت این شهر باستانی دارد، فردوسی در بازگشتن کیخسرو از توران به ایران چنین ذکر کرده است:

و از آن جا سوی دمغان برکشید
همه راه زر و درم گسترید
بیک هفته آن جا بیاسود شاه
همان دید پیلان و اسب و سیاه

و حکیم لامعی در دیوان خویش در وصف زمستان شهر داغان گفته است:

گردد به هر دیار در این فصل روزگار
آتش پرست خلق چو در دامغان، مغان

خاقانی شروانی در دیوان خویش در مدح مظفر قزل ارسلان بن ایلد گزبه دامغان چنین اشاره می‌نماید:

تو دافع روم ز حسامت
زلزال بدامغان ببینم

شهر دامغان از روزگاران کهن در بخش شرقی سرزمین ماد در طول دو جاده‌ی اصلی نواحی مرزی قرار داشته است.

بنا به نوشته‌ی مورخین، دامغان از شهرهای معتبر قومس و مرکز آن ایالت بوده در این زمینه ابن واضح یعقوبی چنین می‌نویسد: قومس شهری با وسعت و جلیل القدر و نام شهر آن دامغان است و چنین می‌نویسد: قومس سرزمینی است وسیع و جلیل نام شهر آن دامغان و دامغان آغاز شهرهای خراسان باشد. استاد محمد جواد مشکور در تحقیقات و تتبّعات مفصّل خویش پیرامون واژه‌ی قومس چنین نوشته‌اند: کومش را به عربی قومس می‌نویسند و یونانی‌ها آن را کُمسین گفته‌اند که شامل ولایات دامغان و حوالی آن بود. در تحقیقات برخی از خاورشناسان اروپایی از جمله ایکوسنیکف نیز چنین آمده است: ایران ناحیه‌ی وسیعی است که از هشت کشور کوچک پادشاهی تشکیل شده که یکی از این هشت کشور واقع در انتهای ناحیه‌ی ایران است که هر چند شباهت بین این کلمه و دامغان خیلی کم است ولی به احتمال قوی همان دامغان می‌باشد که کرسی نشین ایالت کوچک قومس واقع در مشال شرق ایران بوده است. یاقوت حموی نیز بر این عقیده است که قومس که مرکز آن دامغان است، نام سه جایگاه می‌باشد. مشهورترین آن‌ها سرزمینی پهناور است دارای شهرها و دهکده‌های بسیار میان خراسان و جبال ابتدای آن ناحیه‌ی مغرب سمنان که مرکز آن دامغان و از شهرهای آن بسطام و بیاراست و

دانشمندانی که از آن سرزمین برخاسته‌اند بی شمارند.

دوم قومسه از دهکده‌های اصفهان و سوم داراندلس، بنا به عقیده‌ی غالب مورخین وجه تسمیه دامغان به هکاتوم پیلوس به این دلیل بوده است که یونانی‌ها وقتی به دامغان رسیدند این شهر را آباد و معمور و پرنعمت دیدند و به همین دلیل آن را هکاتوم پیلوس نامیدند. چون هکاتوم پیلوس به زبان یونانی یعنی شهر آباد و از این روست که به صد دروازه شهرت پیداکرده است و مروخ مشهور مارکوارت نیز بر این معنا صحه گذاشته است چنان که نوشته است: هکاتوم پیپلوس به زبان یونانی یعنی شهر صد دروازه و دامغان را هم اسم نام برده‌اند زیرا از آن محل به قسمت‌های مختلف ایرانشهر رفت و آمد می‌شد. اشکانیان در اوایل حکومت خود مدتی هکاتوم پیلوس را پایتخت خود قرار داده بودند. بعضی از نویسندگان ماند ساموئیل.ک اوی عقیده دارند که شهر هکاتوم پیلوس اسکند آن را بنا نهاده و چنین می‌نویسد: پارت‌ها به دلیل این که در مملکتی فرمان می‌راندند هیچ گونه وحدت فرهنگی وجود نداشت چون مهاجرینی پی در پی مقصدشان ایران مرکزی بود و همین مانع وحدت می‌شد. خود پارت‌ها یک گروه جدید از مهاجرین بودند که به صورت چادر نشین زندگی می‌کردد و یونانیان از آن‌ها به نام دامعه یاد می‌کردند یکی از قبایل دامعه پارنوئی بودند که این‌ها پارتیان بودند مؤسس آن‌ها اشک معروف بوده پایتخت آن‌ها هکاتوم پیلوس، می‌توانست نماد ماهیت حکومت آن‌ها باشد زیرا در اصل یک بادی بود که در محل تقاطع راه‌ها بنا شده بود و اسکندر آن را به صورت یک شهر یونانی تجدید بنا نمود و پارت‌هار قرن سوم آن را تصرف کردند، ولی آن چه از نوشته‌های بعضی دیگر از مورخین و نویسندگان بر می‌آید اینست که یونانی‌ها زمانی که به دامغان رسیدند آن را معمور و آباد دیدند و دارای عظمت و شکوه بوده و نمی‌توانسته اسکند آن را شهر تجدید بناکرده باشد. محمد حسن خان صنیع الدوله نیز به همین مطلب چنین اشاره می‌نماید. دامغان نهایت معمورد بود و یونانیان این بلد را هکتوم پیلوس می‌گفتند یعنی شهر صد دروازه و عادت اهالی یونان این بوده که هر شهری در آبادی به اوج و کمال می‌رسیده آن را هکاتوم پیلوس می‌نامیدند چنان که شهر تب از مداین مصر نیز به همین اسم منسوب داشتند.

دکتر عبدالحسین زرین کوب نیز بر این باور است که: در عهد سلوکی به خاطر گرفتاری‌های آنان در نواحی غربی قلمرو خویش و هرج و مرج که به دنبال اعلام استقلال باختر روی داد به اشک دوم اشکانی مجالی داد تا ولایت پر شکوه تحت تصرف درآورد و گرگان و تختگاه آن استرکرت را نیز به قلمرو خویش بیفزاید و تاکومسیناکه بعدها یک تختگاه شرقی اشکانی‌ها به نام صد دروازه در آن جا نام و آوازه‌ای یافت پیشرفت کند. از مطالب فوق چنین برمی آید که دامغان در زمان اشکانی‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و زمانی به عنوان پایتخت اشکانیان محسوب می‌شده است.

آلفردفن گوتشمید نیز در این زمینه چنین اشاره می‌کند: آنتیخوس پس از عبور از سراسر بیابان به هکاتوم پیلوس (شهر صد دروازه) رسید که پایتخت پارت است که در ولایت قومس و بنا بر قولی در حوالی شاهرود فعلی واقع بوده است. بر اساس بررسی‌های به عمل آمده پیگولوسکایا و

کنت کورث بر همین باور هستند. به محلی که بعدها به شهر صد دروازه موسوم گشت از هر طرف به شهر مزبور آذوقه حمل می‌شد. برخی از محققین نیز بر این باورند که: پارت، محل سکنای پارتیان استان خراسان امروزی است. پایتخت اولیه‌ی آن به زبان یونانی هکاتوم پیلاس شهر صد دروازه در نزدیکی دامغان امروز قرار داشت به قول پولی بیوس مورخ یونانی انی نام به این شهر بدان جهت داده شده که شاهراه‌های کلیه‌ی شهرها به آن جا منتهی می‌شد و از این نوشته این طور بر می‌آید که دامغان از لحاظ استراتژیکی نیز مهم بوده و این که در بعضی کتب دیده می‌شود که دامغان را از اقلیم چهارم یا خراسان ذکر می‌کنند، چون در زمان‌های گذشته دامغان جزء استان خراسان بوده و نبا به نوشته‌ی مورخان قدیم دامغان را آخر مُلک خراسان نام می‌برند. دکتر محمد جواد مشکور در مورد محل صد دروازه عقیده‌ی جکسون را بیان می‌دارد که این محل باید مرکز ولایت سابق قومس بادش و باید آن را در ۸ میلی جنوب دامغان جستجو کرد و همین طور می‌نویسد که هکاتوم پیلوس پایتخت اشکانی را راولینسون که از کتب یونانی اطلاع داشته در حوالی جاجرم دانسته و نیز به این موضوع به نحو دیگری اشاره دارد و در این مورد برخی از نویسندگان عقیده دارند که محل صد دروزاه غیر از دامغان بوده چنان که محمد تقی خان حکیم بر این باور است که در سیصد سال قبل عقیده‌ی زنگیان این بود که شهر صد دروازه‌ای که اسکندر رویم در عراق ساخت شهر اصفهان (جلفا) بود.

در زمان تیر داد اول پایتخت اشکانیان را یونانی‌ها هکاتوم پیلوس یعنی شهر صد دروازه نامیده‌اند. برخی از نویسندگان قدیم یونان در نوشته‌های خود از شهری به نام هکاتوم پیلس که روزگاری پایتخت اشکانیان بوده است یاد می‌کنند ولی با توجه به کتب مورخین بعد از اسلام معلوم می‌شود که از صدر اسلام تاکنون شهری به این نام در ایران وجود نداشته است در بعضی متون پهلوی مربوط به زمان ساسانیان وبرخی از نوشته‌های نویسندگان بعد از اسلام نام شهری به نام قومس ثبت گردیده است. در حال حاضر شهری به این نام در ایران وجود ندارد ولی مردم مازندران هنوز مردم دامغان راکومشی می‌خوانند.

با توجه به مطالب فوق باز هم اکثر نویسندگان و مورخان همان طور که قبلاً اشاره شد شهر صد دروازه را نزدیک دامغان می‌دانند. آن چه که از معنای صد دروازه بر می‌آید نه اینست که دامغان واقعاً صد دروازه داشته بلکه به خاطر عظمت و اهمیت و بزرگ به آن است که لفظ صد دروازه بر این شهر اطلاق گردیده است.

دامغان تا قبل از از حمله‌ی اسکندر شهری بسیار آباد بوده و به همین خاطر یونانیان آن را هکاتوم پیلوس یعنی شهر صد دروازه می‌گفتند و آن عبارت اهالی یونان بود که هر شهری در آبادی و رونق به اوج کمال و عظمت می‌رسیده آن را به این نام می‌خواندند.

دامغان از جمله شهرهایی است که از لحاظ قدمت در ایران کم نظیر و در تمام جهان کمتر دیده می‌شود. بافت اولیه‌ی شهر به صورت قلعه‌ای بوده که واحدهای مسکونی در آن اغلب فشرده بوده است و در دو طرف کوچه‌های پر پیچ و خم و تنگ قرار داشته است این فشردگی به خاطر جلوگیری از گرما و کم اثر شدن بادهای شدید

منطقه و نیز در اختیار داشتن مواضع مستحکم و ایـمن در مـواقـع هـجوم دشـمن بـوده است. ـ پوراندخت منوچهری

**کویر دامغان:** دو رودخانه‌ی اصلی این کویر که هر دو از کوه‌های البرز سرچشمه می‌گیرند عبارتند از رودخانه‌ی دامغان که مخروط افکنه‌ی وسیعی در حاشیه‌ی شمالی غربی کویر دامغان تشکیل داده است، و دیگری رودخانه‌ی حسن آباد است که از طرف شـمال شـرقی وارد کـویر مـی‌شود. ایـن رودخانه‌ی دره‌ای به گودی پنج متر در داخل کویر ایجاد نموده است.

عـلاوه بـر رودخسانه‌های اصـلی فـوق، رودخانه‌های کوچک‌تری نـیز از طـرف جـنوب رغبی و شرقی به این کویر وارد می‌شوند که نسبت به رودخانه‌های اصلی آب خیلی کمتری داشته و عموماً در اوایل فصل تابستان خشک می‌شوند.

مساحت کویر دامغان در حدود ۲۳۹۱ کیلومتر مربع مـی‌باشد کـه در قـسمت مـرکزی چـاله‌ی زهکشی دامغان قرار گرفته است. شیب عمومی این کویر به طرف جنوب غربی است و بین ۱۰۵۰ تا ۱۰۹۴ متر از سطح دریا ارتفاع دارد که برابر با ۲ متر در کیلومتر است. جهت شیب عمومی کویر و جهت دره‌ی عمیق رودخانه‌ی حسن آبـاد نشـان دهنده‌ی کج شدگی عمومی چاله به طرف جنوب غربی است. به طور کلی می‌توان کویر دامغان را به سه بخش زیر تقسیم نمود:

قسمت اول ۴۷ درصد سطح کویر را تشکیل می‌دهد، از نوع صفحات مسطح رسوبات رسی یا کفی می‌باشد و قسـمت دوم حـوزه خـیس یـا باطلاقی است که وسعتی در حدود ۳۴ درصـد سطح کویر را فرا گرفته است و بـالاخره نـمکزار مرکزی کویری دامـغان است کـه وسـعت آن در حدود ۱۹ درصد سطح کویر می‌باشد.

**کویر شرقی دامغان:** کویر کوچکی که در بخش شرقی کویر دامغان قرارگرفته است، ۱۰۵۵ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. این کویر به طور فـصلی خشک شده و چشمه‌های پراکنده‌ی چندی نیز در بخش شرقی آن گسترش دارند. صفحات بادکرده و وجود چشمه‌ی فوق الذکر در اطراف آن نشان می‌دهند که سطح آب زیر زمینی در این کویر بالا است. مجاری خروجی این کـویر بـه وسـیله‌ی مخروط‌های افکنه متعلق به دامنه‌های شمالی و جنوبی این دره تنگ شـده است. ایـن مـخروط افکنه‌ها بر روی سطح کویر نیز گسترش یافته‌اند.

**دامـغان (بـخش مـرکزی):** از بـخش‌های شهرستان دامغان استان سمنان و مرکز آن شـهر دامغان و دارای ۳ دهستان (۱ـ حومه، ۲ـ دامنکوه، ۳ـ رودبار) است.

**دامغان (مرکز شهرستان):** شهر دامغان مرکز شهرستان دامغان از شهرستانهای استان سمنان، در بلندی ۱۱۷۰ متری از سـطح دریـا در مسـیر راه اصلی تهران ـ مشهد و در مسیر راه آهن تـهران ـ مشهد است.

**آب و هوا:** معتدل و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها تا ۴۲ درجه بالای صفر و کـمترین درجه در زمستانها تا ۱۵ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۹۰ میلیمتر است.

**دامنکوه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دامغان استان سـمنان و مـرکز آن مـهماندوست است.

**دهملا:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شاهرود استان سمنان و مرکز آن دهملا است.

**رضوان:** از دهستان‌های بخش میامی شهرستان شاهرود استان سمنان و مرکز آن رضوان است.
**رودبار:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دامغان استان سمنان و مرکز آن کلاته رودبار است.
**سرخه:** از بخش‌های شهرستان سمنان، استان سمنان مرکز آن شهر سرخه دارای دو دهستان ۱- لاسکرد، ۲- هفدر) است.
در بلندی ۱۱۵۰ متری از سطح دریا در منطقه‌ای دشتی، گرم و خشک در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی و جنوب سرخه قرار دارد.
معدن گچ و معدن نمک در این بخش وجود دارد.
کشاورزی، دامداری و باغداری، کارگری و مرغداری پایه‌ی اقتصاد مردم این بخش است.
کشت آبی و دیمی، آب کشاورزی و آشامیدنی از چشمه.
**فرآورده ها:** گندم، جو، پنبه، تره بار، انار، انجیر و زرد آلو.
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، آهو، قوچ و میش.
**سمنان:** از شهرستان‌های استان سمنان، از خاور و شمال خاوری به شهرستان دامغان از شمال به شهرستان ساری و قسمتی از سوادکوه، از باختر به شهرستان‌های گرمسار و دماوند، از جنوب به شهرستان‌های نائین و اردستان محدود است.
شهرستان سمنان در دامنه‌های جنوبی کوه‌های البرز قرار گرفته و رفته رفته از شمال به جنوب به کویر نمک می‌رسد. این شهرستان ۱۸۷۵۰ کیلومتر مربع مساحت است و به طور متوسط ۱۱۱۷ متر از سطح دریای آزاد بلندتر است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این استان شهر سمنان دارای ۳ بخش (۱- مرکزی دارای یک دهستان به نام حومه، ۲- بخش سرخه، ۳- بخش مهدی شهر) است.
**رودها:** رودهای خرد و جویبار هائی از چند روانند، نزدیکترین رود به شهر سمنان، رود گل رودبار از سه کیلومتری باختر مهدی شهر (سنگسر) جنوب کوه گل رودبار سرچشمه گرفته و در ادامه‌ی مسیر، آب کاریزها رود درجزین نیز به آن می‌پیوندد. این رود در تابستان‌ها زمین‌های کشاورزی به ویژه باغ‌های روستای درجزین را آبیاری کرده و در زمستان‌ها به زمین‌های مسیر خود فرو می‌رود.
**کوه‌ها:** در پیرامون سمنان به ویژه به سوی شمال کوه‌های فراوانی از رشته کوه‌های البرز سربرافراشته‌اند ۱-کوه سفیدلت در ۱۵ کیلومتری شمال مرکز این شهرستان (سمنان) دیده می‌شود، ۲- به سوی شمال خاوری، ۳-کوه‌های سه برادر، ۴- نائینگ، ۵- پیغمبران در ۲۰ کیلومتری سمنان قرار گرفته و بلندی آن ۲۴۹۳ متر است به سوی شمال باختری. ۶-کوه مهراب (محراب)، ۷-کوه سفیدآب، ۸-گل رودبار، ۹-کوه آسمانلو ۱۰-کوه دو برادر در ۶ کیلومتری ۱۱-کوه افتر در ۲۳ کیلومتری باختر سمنان دیده می‌شود.
غار دربند در ۲۰ کیلومتری شمال شهر سمنان و در ۳ کیلومتری شمال مهدیشهر می‌باشد.
**کانها:** نفت، آهن، گوگرد، سرب، زغالسنگ، نمک، گچ - معدن‌هائی در شش کیلومتری شمال سمنان به نام معادن شماره ۱ و ۲ و ۳ در شیخاب و همیرد از لحاظ مرغوبیت آهن دومین معدن آهن و عیار سنگ آهن ۵۵٪ آهن خالص است که به ذوب آهن اصفهان حمل می‌شود. معدن گوگرد در

کویر کومش ۲۰ تا ۲۵ درصد گوگرد دارد از معدن‌های سر تخت در جنوب خوریان و معدن دلازیان گوگرد استخراج و صادر می‌شود.
در ۲۴ کیلومتری شمال باختری سمنان محلی به نام آبگرم سمنان، آب‌های معدنی فراوانی وجود دارد.
معادن نفت مهمی در کویر خوریان وجود دارد که تاکنون از آن بهره برداری نشده است.
**آب و هوا:** کویری و گرم و خشک، هوای بلندی‌ها معتدل و در شهمیرزاد سردسیر است.
**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان فارسی به گویش سمنانی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان ازگیل، زرشک، اوجا، اورس و گز ـ گیاهان داروئی و صنعتی: گل گاو زبان، خاکشی، قدومه، بارهنگ و گون کتیرا ـ پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** گورخر، یوزپلنگ، گربه‌ی وحشی، قوچ، میش، مرال، شوکا، خرس، پلنگ، گراز، کفتار، قرقاول، کبک، ماهی قزل‌آلای پرورشی و انواع پرندگان بومی ایران.
**اقتصاد:** بر پایه‌ی دامداری، کار در کارگاه‌ها و کارخانه‌های صنعتی، پیشه وری، کشاورزی و صنایع و کار در ادارات دولتی می‌باشد. دامداری و دامپروری بیشتر در مهدیشهر (سنگسر) اهمیت فراوانی دارد که گله داران گله‌های خویش را به مراتع دور و نزدیک خارج از استان نیز می‌برند. و کوچ ییلاق قشلاق همراه با خانواده گله‌داران انجام می‌شود.
**کارخانه:** کارخانه‌ی طلوع (نمک) کارخانه‌ی تولیدی پوشاک، کارخانه‌ی ریسندگی و بافندگی، شرکت سهامی کفش، شرکت ملامین ـ شرکت پلاستیک شرکت پی وی سی، سرامیک، آجر سفالی، الکترو صنایع، تولید کننده‌ی یخچال، کولر، بخاری و آبگرمکن، تولید کننده شیشه، چینی و موزائیک.
**صنایع دستی:** قالی بافی، گلیم بافی و نمد مالی.
**کشاورزی:** چندان بازدهی ندارد با کشت آبی و دیم هر دو انجام می‌شود. آب کشاورزی از کاریزها، رودها و چاه‌های ژرف فراهم گشته اما بر اثر بی‌توجهی بسیاری از کاریزها خشک شده است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، تره بار، پنبه، تنباکو، انجیر، گردو، انار، زردآلو و پسته.
**سمنان (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان سمنان استان سمنان و مرکز آن شهر سمنان و دارای یک دهستان (حومه) است.
**آبگرم سمنان:** چشمه‌های معدنی سمنان به فاصله ۱۵ کیلومتری شمال غرب سمنان در منطقه‌ای که اطراف آن را ارتفاعات پوشانیده‌اند از زمین خارج می‌شوند. رشته ارتفاعاتی که غرب چشمه‌ها را تشکیل داده‌اند از جنس کنگلومراهای دوران چهارم می‌باشند که در آن حفراتی برای سکونت اهالی مراجعه‌کننده به چشمه‌ها حفر شده است.
آب چشمه‌های سمنان از دسته آبهای کلروسولفاته کلسیک گوگردی گرم می‌باشد. خواص درمانی آنها مشابه آبهای معدنی اسک و سخت‌سر می‌باشد.
**شاهرود:** از شهرستان‌های استان سمنان، از شمال به شهرستان بجنورد و دشت گرگان و گرگان، از خاور به شهرستان سبزوار و شهرستان کاشمر، از جنوب به شهرستان طبس و بخش خوروبیا بانک

(از شهرستان نائین) و از باختر به شهرستان دامغان محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر شاهرود دارای چهار بخش: ۱ـ بخش مرکزی دارای ۳ دهستان (۱ـ حومه، ۲ـ دهملا، ۳ـ طرود) ۲ـ بسطام، ۳ـ بیارجمند، ۴ـ بخش میامی است.

**موقعیت طبیعی و جغرافیائی شاهرود:** شهرستان شاهرود در حاشیه‌ی شمالی دشت کویر، در دامنه‌های جنوبی سلسله جبال البرز که با وسعتی برابر ۵۱۴۱۹ کیلومتر مربع، از شمال به شهرستان‌های گرگان و گنبد (در استان گلستان)، از مشرق به شهرستان‌های بجنورد و سبزوار (در استان خراسان)، از مغرب به شهرستان دامغان و از جنوب به استان اصفهان و خراسان (دشت کویر) محدود می‌شود.

شاهرود با موقعیت ۲۵ دقیقه و ۳۶ درجه عرض و ۵۸ دقیقه و ۵۴ درجه طول جغرافیائی و با ارتفاعی معادل ۱۳۸۰ متر از سطح دریا گسترده‌ترین شهر استان سمنان محسوب می‌شود و رشد آن در چند سال اخیر به علت قرار گرفتن در مسیر جاده اصلی تهران ـ مشهد چشمگیر بوده است.

**رودهای فصلی:** چند رود فصلی از جمله ۱ـ رودتاش، ۲ـ کال شور که از رشته کوه‌های البرز سرچشمه می‌گیرند.

**کوه‌ها:** رشته کوه‌های البرز سر برافراشته‌اند: ۱ـ قله‌ی کوه ابر به بلندی ۲۶۳۰ متر، ۲ـ قله خوش ییلاق به بلندی ۲۸۰۲ متر، ۳ـ قله‌ی چناشک به بلندی ۲۶۷۰ متر ـ این کوه‌ها میان گرگان و شاهرود قرار دارند.

مناطق جنوبی چون طرود و خوار توران در منطقه‌ی کویری دشت کویر قرار گرفته‌اند.

**کان‌ها:** ۱ـ سیلیس، ۲ـ سرب، ۳ـ منگنز، ۴ـ نمک، ۵ـ زغالسنگ، ۶ـ آهک، ۷ـ سنگ ساختمانی.

**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** گل گاو زبان، خاکشی، ترنجبین، گل ختمی، گل بنفشه و کاسنی ـ پوشش گیاهی برای چرای دام فراوان.

**جانوران و پرندگان:** روباه، خرگوش، گراز، پلنگ، گرگ، خرس، کفتار، جوجه تیغی، شغال، آهو، بزکوهی، کبک و قرقاول.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و صنایع دستی استوار است. آب و خاک مناسب و مساعد مایه رونق کشاورزی گشته، رود، کاریزها، چشمه‌ها و چاه‌های ژرف و نیمه ژرف آبدهی برای کشتزارها دارند.

دامداری پر رونق و از منابع مهم درآمد مردم این سامان است. صنایع دستی چون قالی، قالیچه، گلیم و جاجیم و پارچه بافی.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، تره بار، لوبیای روغنی، انگور، زردآلو، دام و فرآورده‌های دامی، قالی، قالیچه، گلیم و جاجیم ـ قند و شکر، کبریت، موکت و پارچه.

**نام و نشان شاهرود:** ظاهراً کهنترین نام «شاهرود» در وندیداد اوستا در ذکر اسامی شانزده سرزمین آریایی آمده که ضمن آن از «چخره chachra یا sachra» به عنوان سرزمین چهاردهم به دنبال یاد از «راگاه Raga» (ری) و «ورنه Varna» (گیلان) نام برده شده است.

«... بعد از بنای راگا یاری شخره (به معنی chakhra محکم یا قوی) و بعد وارنا (به معنی

چهارگوش) را آریانها بنا نهادند، شخره می‌تواند مشتبه شود به شرکس (خاراکس charax) که بطولمه (ptolomce) در عدد شهرهای پارت به شمار آورده است. ای‌زدر (isodore) که از جغرافیون اهل محل است می‌گوید شخره در وسط جبال بحر خزر واقع شده بود».

**پیدایش نخستین هسته آبادی:** براساس برخی از پژوهشهای جدید واژهٔ چخره یا شخره (شاخره) را شکل اولیه و ابتدایی شاهرود در همان معنا دانسته شده است. استادپور داوود چخره را با شاهرود کنونی مطابق دانسته است.

آنچه مسلّم است مرتفعات و بلندیهایی که اطراف شهر در جوار رود شاهرود واقع بوده به خاطر مسائل استحفاظی، نظر ساکنان اولیه و مهاجران را به خود جلب کرده بود بدین ترتیب هستهٔ مرکزی و اولیه آبادیهایی چون «ری» و «شاهرود» در میان قلعه‌ها شکل گرفته است.

آریانها به ایران برای تاخت و تاز نیامده بودند بلکه می‌خواستند در این مملکت برقرار شوند و با این مقصود به هر جا که وارد می‌شدند پس از جنگ با بومیها قلعه‌ای بنا می‌کردند، درون قلعه را به دو قسمت تقسیم کرده قسمتی را به مساکن خانواده‌ها تخصیص می‌دادند و قسمت دیگر را به حشم. این محوطه‌ها را شبها با دو مقصود روشن می‌کردند:

اولاً برای این که خانواده‌ها از آن سهمی برند، و دیگر از این جهت که اگر با بومیها شبیخون زدند پاسبانان آتش را تیزتر کنند تا مردان قلعه برای جنگ بیرون آمده دشمن را از اطراف قلعه برانند، بعدها این قلعه مبدّل به دهات و شهرها شد. ورکه در داستان جمشید ذکر شده نمونه‌ای از این قلعه‌هاست. محققین تصوّر کرده‌اند که بنای شخره (شاهرود) و ری و غیره هم بدین منوال بوده».

براساس نظریهٔ فوق می‌توان گفت که بنای «شخره» و «ری» در آغاز ورود آریاییان به داخل فلات ایران دژها و قلاع نظامی تشکیل می‌داده که مرکب از دو بخش جایگاه سکونتی و جایگاه حیوانات اهلی بوده است. ضمناً طبق کتاب پهلوی ساسانی «شهرستانهای ایرانشهر» «و کومش پنج برج را آژیدهاک بساخت» این نظریه مطرح می‌شود که آبادیهای منطقهٔ «قومس» از جمله شاهرود در ادوار پیش از اسلام از یک رشتهٔ قلاع نظامی تشکیل می‌شده است. ذکر این نکته لازم است که وجود قلاع بی‌شمار در منطقهٔ شاهرود «دزی، دزیان، دیزج، قلعه احمد، قلعه نوخرقان، قلعه پایین، قلعه بالا، قلعه نو خالصه، قلعهٔ آقا عبدالله، قلعهٔ عبدالله، قلعهٔ کمالی، قلعهٔ عضدی، قلعهٔ محمد، قلعهٔ شوکت و...» حتی وجود نامها و مکانهایی در شهر شاهرود به نامهای «قلعهٔ ولؤوا» یا ولی‌آباد و «قلعهٔ سنگ» نشانهٔ بارزی از وضعیت تدافعی این شهر بوده است. بنابراین می‌توان گفت هستهٔ اولیه شهر شاهرود در حواشی رود بزرگ «شاهرود» شکل گرفته که به مقتضای این رود، منطقه را «شاهرود» نامیده‌اند.

**شاهرود در داده‌های باستانشناسی:** شاهرود یکی از حوزه‌های فرهنگی غنی و پربار کشور ماست و تاریخ کهن این سرزمین نشانهٔ این مدّعاست. کاوشها و حفاری‌های انجام گرفته در روی سه تپه تاریخی «سنگ چخماق»، «خوریان»، «شهر شاهرود» موجودیت آبادیها و ساکنان اولیه را در شاهرود مورد تأیید قرار داده است.

**تپهٔ سنگ چخماق:** «تپه‌های سنگ چخماق در

هشت کیلومتری شمال شاهرود واقع است، هیأت حفاری باستان‌شناسی تپهٔ سنگ چخماق به سرپرستی پروفسور «ماسودا» ژاپنی از سال ۱۹۷۱ میلادی کار خود را شروع کرد، طی سه فصل حفاری ۱۹۷۱ - ۱۹۷۳ - ۱۹۷۵ مشخص شد دو تپه شمالی و جنوبی مربوط به دورهٔ اسلامی و دو تپهٔ شرقی و غربی مربوط به دوره‌های نئولیتیک و کالکولیتیک می‌باشد. طی سه فصل حفاری پنج لایهٔ باستانی در تپهٔ غربی تشخیص داده شد، از مجموعهٔ این حفاری‌ها با آزمایش کربن ۱۴، این نتیجه عاید گردید که قدمت این تپه‌ها حدود هزاره ششم قبل از میلاد (۵۵۰ ق.م) می‌رسد.

تمدن این لایه‌ها مربوط به دورهٔ پیش از سفال می‌باشد. در این تپه چگونگی مسیر تکامل بشر تا زمان ساخت سفال دیده می‌شود. از تپهٔ سنگ چخماق تعداد زیادی ابزار سنگی به دست آمد، تیغه‌هایی که برای بریدن استفاده می‌شد تیغه‌های کوچکی شبیه پیکان که وسیلهٔ شکار حیوانات بوده است اشیاء سنگی دیگر از قبیل تبر، نوعی سنگ ساب، ماله، چکش و نوعی ابزار سنگ چاقو تیزکن که برای ساختن ابزار استخوانی استفاده می‌کردند و در مجموع از تپه غربی اشیاء زیر به دست آمد: قیر معدنی، عود، صدف، تیغه‌ها و اشیاء استخوانی، اشیاء سنگی، پیکره‌های گلی که نمونه‌هایی از آنها در موزه شاهرود نگهداری می‌شود».

**تپهٔ خوریان:** با حفاری در محوطهٔ باستانی خوریان در ده کیلومتری جنوب شرقی شاهرود، آثار و بقایایی از استقرار بشر در هزارهٔ پنجم قبل از میلاد بدست آمد. شیوهٔ دفن مردگان و اجساد در منازل مسکونی و پوشش گل اخری در مناطقی مثل سیلک کاشان و تپهٔ زاغه قزوین مرسوم بوده و در حفاری‌های انجام شده در این محوطه‌ها مشاهده شده است.

ابزار و ظروف سنگی، درفش‌های استخوانی، مهره‌های سفالی و تیغه‌های چخماق از جنس مرغوب در گمانه‌های مختلف بدست آمد.

در یکی از گمانه‌ها نیز یک ظرف سفال منقوش بدست آمد که در موزهٔ شاهرود به نمایش گذاشته شد.

در آخرین کارگاه حفاری صدف‌های تزیینی دریایی بدست آمد که به صورت گوشواره، مورد استفاده داشته است. هم چنین سنگواره‌هایی نیز در سطح محوطهٔ باستانی خوریان به چشم خورد که نشان می‌داد در زمان‌های بسیار دور و شاید میلیون‌ها سال پیش به جای این کویر خشک و داغ، دریاچه مواج و خروشانی قرار داشته است». - از کتاب فرهنگ مردم شاهرود. سیدعلی اصغر شریعت‌زاده.

**پیشینه‌ی باستانی:** چنان که از مدارک و اسناد معتبر تاریخی مستفاد می‌شود، شاهرود یکی از شهرهای مهم چهاردهمین ایالت تاریخی، «چخره» (از تقسیمات شانزده گانه اوستایی در دوران باستان) بوده که در دامنه‌های جنوبی سلسله جبال البرز، توسط «آریان‌ها» بنا نهاده شده است. برخی محققان واژه‌ی چخره را شکل ابتدایی شاهرود و در همان معنی دانسته‌اند.

بر اساس شواهد و مدارک موجود، هسته‌ی اولیه‌ی این شهر به دلیل دفاع از مهاجمان، بر فراز تپه‌های کم ارتفاع دامنه‌ی کوه شمالی و غربی رود بزرگ این منطقه بنا شد که به جهت بزرگی این رود، تدریجاً نام شاهرود را به خود گرفت و به

تدریج همراه با برقراری امنیت در محل، رشد و توسعه یافت به طوری که این شهر در کنار صد دروازه (هکاتوم پیلوس)، پایتخت اشکانیان ـ که به عقیده‌ی بسیاری از محققان محل کنونی شهر دامغان است ـ در عداد شهرهای معتبر پارتی در آمد. به نوشته‌ی برخی محققان از جمله «اگورود نیکوف»، سومین آتش مقدس اهورا مزدا که در اوستا آمده، آذر فرنبغ است که آتشکده‌ی بزرگ شاهرود بوده است.»

در دوران بعدتر، این شهر همراه با سمنان و دامغان در ردیف مهم‌ترین شهرهای ایالت تاریخی قومس (قومسینه /کومیس) قرارگرفت و به استناد برخی اشاره‌های تاریخی مندرج در متون و بعضی شواهد باستان شناختی و معماری موجود در داخل و خارج شهر کنونی شاهرود، راه عبور قافله‌ها و کاروان هائی که بزرگراه غربی ـ شرقی (جاده‌ی ابریشم) را طی می‌کردند، از آبادی‌ها و روستاهای بزرگ این شهر می‌گذشت. به عبارت بهتر، شاهرود به دلیل واقع شدن در موقعیت خاص جغرافیائی و قرارگرفتن میان رشته کوه‌های البرز و نواحی کویر مرکزی ایران، به نوعی جاده‌ی ابریشم مناطق عمده‌ی آن روزگار همچون خراسان، تهران، مازندران و نیز شهرهای داخلی ایران بوده است، جاده‌ای که همچون چهار راهی پهناور، بازار تجارت، ادب و فرهنگ را در بخش وسیعی از ایران زمین رونق می‌داده است.

**جایگاه و اهمیت فرهنگی ـ تاریخی منطقه:** بی‌تردید این شهر با آن اصالت تاریخی، یکی از حوزه‌های غنی و پربار فرهنگ و تمدن ایرانی است و حاوی سرگذشت و آثار ارشمندی است که با قدرتی بلامنازع، بر عظمت و اعتبار این سرزمین کهنسال می‌افزایند. در شاهرود با توجه به قدمت دیرینه‌ی آن، آثار و ابنیه‌ی گرانقدر بسیاری از نوع مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، آرامگاه‌ها، مقابر عارفان و علما، چله‌خانه‌ها، مغاره‌ها، قلعه‌ها، آب انبارها، کاروانسراها، حمام‌ها، بازارها، یخچال‌ها و تپه‌های باستانی چند هزار ساله وجود دارد که هر کدام از آن‌ها بیانگر تمدن ارزشمندی است که به تدریج در خاک این ملک ریشه دوانیده و زمینه ساز پیدایش هنرهای گوناگون از جمله هنر معماری شده است.

**بسطام شاهرود:** بسطام در ۶ کیلومتری شمال شرقی شاهرود و ۱۸ کیلومتری جنوب قلعه نو، در مسیر راه شوسه شاهرود به گرگان واقع شده است و از نقاط بسیار قدیمی ایران است که از حیث وسعت، سومین شهر ایالت تاریخی قومس به شمار می‌رفته و در گذشته اهمیت بسیار داشته است تا این که در یورش مغولان به ویرانی کشیده شد (به بسطام مراجعه شود).

**شاهرود (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان شاهرود استان سمنان و مرکز آن شهر شاهرود و دارای ۳ دهستان: (۱ـ حومه، ۲ـ دهملا، ۳ـ طرود) است.

**طرود:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شاهرود استان سمنان و مرکز آن طرود است.

**فرومد:** از دهستان‌های بخش میامی شهرستان شاهرود استان سمنان مرکز آن فرومد است.

**قهاب رستاق:** از دهستان‌های بخش امیر آباد شهرستان دامغان استان سمنان و مرکز آن فرات است.

**کالپوش:** از دهستان‌های بخش میامی شهرستان شاهرود استان سمنان است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو و بنشن.
**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، خاکشی، گل بنفشه و گیاهان مرتعی.
**پوشش گیاهی:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، قوچ، میش، بز کوهی و گراز.
**کلاته‌های شرقی:** از دهستان‌های بخش میامی شهرستان شاهرود استان سمنان و مرکز آن بکران است.
**کلاته‌های غربی:** از دهستان‌های بخش بسطام شهرستان شاهرود استان سمنان و مرکز آن خیج است.
**کهن آباد:** از دهستان‌های بخش آرادان شهرستان گرمسار استان سمنان و مرکز آن کهن آباد است.
**گرمسار:** از شهرستان‌های استان سمنان است که از شمال به شهرستان دماوند، از جنوب به شهرستان اردستان و شهرستان کاشان، از خاور به شهرستان سمنان و از باختر به شهرستان ورامین و شهرستان قم محدود است.

گرمسار یکی از شهرهای کویری کشور می‌باشد که رودخانه‌ی دائمی دارد با زمین‌های حاصل خیز و مستعد و از لحاظ فرهنگی نیز این منطقه حائز اهمیت است به طوری که نرخ باسوادی این شهرستان بالغ بر ۹۶٪ است و تمامی افراد زیر ۴۰ سال این شهرستان با سواد هستند. بر اساس آمارهای نیروی انسانی گرمسار یکی از بالاترین آمار نسبت جمعیت را در افراد دارای تحصیلات عالیه دارا می‌باشد بطوریکه به ازاء هر نفر یک نفر با مدرک کارشناسی وجود دارد. این شهرستان با دو دانشگاه و هشت هزار دانشجو بیش از ۲۰۰ نفر عضو هیئت علمی جایگاه ویژه‌ای دارد. از لحاظ مردم‌شناسی نیز جالب است، به‌گونه‌ای که به این منطقه‌ی جزیره‌ی اقوام ایران می‌گویند و بافت جمعیتی این شهرستان شامل چند ایل و چند طایفه می‌باشند.
**تنوع آب و هوائی:** شهرستان گرمسار دارای تنوع آب و هوائی کاملاً مشخصی است. این تنوع و تضاد در دو فصل تابستان و زمستان بیشتر محسوس است به طوری که بیشترین نقش را در میان عوامل گوناگون، ارتفاع به عده دارد. گاه با طی مسافتی کمتر از ۴۱۰ کیلومتر در تابستان ۲۰ درجه‌ی سانتی گراد اختلاف دمای بین دو نقطه مشاهده می‌گردد. لذا در تابستان هر چه ا زنواحی جنوبی شهرستان به طرف نواحی شمالی پیش رویم به علت زیاد شدن ارتفاع، دمای هوا نیز به طور محسوسی کاهش می‌یابد. آب و هوای شهرستان گرمسار را میتوان در نتیجه‌ی برخورد و تأثیر وضع اقلیمی کویر و کوه‌های البرز بر روی یکدیگر مشخص نمود. به طورکلی مدت روزهای سرد و یخبندان چندان نیست. حداقل و حداکثر دما بین ۸- و ۴۴+ درجه‌ی سانتی گراد می‌باشد. همچنین میانگین دمای کل ماه‌های سال حدود ۱۷/۴ درجه‌ی سانتی گراد می‌باشد. همچنین میانگین دمای کل ماه‌های سال باریکه‌ای در شمال شهرستان، اغلب به صورت باران است. باران ناچیز این ناحیه عموماً در ماه‌های زمستان می‌بارد. نامرتب بودن ریزش همین مقدار باران اندک از سالی به سال دیگر از دیگر ویژگی‌های آب و هوائی این شهرستان است. بر اساس تحقیقات به عمل آمده میزان تبخیر ۲۰ تا ۶۰ برابر نزولات جوی است و می توان گرمسار را نمونه‌ی مشخص آب و هوای بیابانی محسوب نمود. هر چند شهرستان گرمسار در تابستان به دلیل گرمای زیاد

غیر قابل تحمل می‌باشد ولی زمستان‌های معتدل آن از جاذبه‌های آب و هوائی این شهرستان می‌باشد. همچنین تابستان‌های معتدل مناطق شمالی شهرستان نظیر بن کوه با فاصله‌ی کم از مرکز شهرستان از دیگر جاذبه‌های گردشگری شهرستان در زمینه‌ی آب و هواست.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر گرمسار، دارای ۳ بخش، ۱ـ مرکزی دارای دو دهستان (۱ـ حومه، ۲ـ بحران)، ۲ـ آرادان، ۳ـ ایوانکی است.

**رودها:** حبله رود که نخست به نام رود فیروزکوه در خاور و شمال شهر فیروزکوه سرچشمه می‌گیرد و در طول مسیرش چند رود به آن می‌پیوندد و حبله رود نام می‌یابد.

حبله رود در ۱۲ کیلومتری شمال خاوری شهر گرمسار، پس از گذشتن از دره‌ای کوهستانی که مسیر راه‌آهن تهران ـ گرگان است مورد استفاده کشاورزی قرار می‌گیرد و پس از این که از ۵ کیلومتری شهر گرمسار گذشت سرانجام به نمک زار فرو می‌رود.

**کوه‌ها:** منطقه‌ی جنوبی شهرستان گرمسار کویری و منطقه‌ی شمالی آن را رشته کوه هائی از کوه‌های البرز در برگرفته، نزدیکترین آنها به بلندی ۲۲۳۱ متر و در ۱۲ کیلومتری و کوه سرو به بلندی ۲۳۶۵ متر در ۱۷ کیلومتری شمال خاوری و کوه تخت رستم در ۱۳ کیلومتری باختر شهر گرمسار قرار گرفته.

**کان‌ها:** ۱ـ معدن نمک، ۲ـ معدن سولفات دو سود، ۳ـ معدن سنگ گچ.

**آب و هوا:** آب معتدل و بسیار خشک.

**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز و تاق ـ گیاهان داروئی: خاکشی، بارهنگ، درمنه و گل ختمی ـ پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** گرگ، روباه، شغال، آهو، خرگوش و کبک و بزکوهی، خرس و پلنگ.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری، پیشه وری و بازرگانی استوار است. کشاورزی و باغداری پر رونقی دارد که بیشتر کشت آبی می‌باشد که از چاه‌های ژرف، رود و کاریزها فراهم گشته، دامداری به طور سنتی و مرغداری به صورت سنتی و صنعتی انجام می‌شود.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره بار، پنبه، انار و انجیر، دام و فرآورده‌های دامی و مرغ و خروس.

کارخانه‌هائی چند چون: ۱ـ سازنده‌ی قطعات اتومبیل‌های آتش نشانی، ۲ـ تولید کننده‌های داروهای دامی، ۳ـ سازنده‌ی در و پنجره، ۴ـ کارخانه‌ی گچ، ۵ـ کارخانه‌ی تولید کننده‌ی پمپ‌های کشاورزی.

**گرمسار (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان گرمسار استان سمنان و مرکز آن شهر گرمسار و دارای ۵ دهستان: (۱ـ حومه، ۲ـ لجران، ۳ـ کهن آباد، ۴ـ یاتری، ۵ـ الوانکی) است.

**گرمسار (شهرستان):** گرمسار با وسعتی در حدود ۱۰۶۸۶ کیلومتر مربع غربی‌ترین شهرستان استان سمنان است این شهرستان از طرف شمال به دماوند از غرب به ورامین از شرق به سمنان و از جنوب به کویر مرکزی ایران و در نهایت شهرستان نائین در استان اصفهان محدود می‌شود. این شهر در طول جغرافیائی بین ۵۱ درجه و ۲۵ دقیقه و ۵۳ درجه و ۲۰ دقیقه و عرض جغرافیائی بین ۳۴

درجه و ۱۵ دقیقه و ۳۵ درجه و ۵۸ دقیقه واقع شده است. ارتفاع گرمسار از سطح دریا ۸۲۵ متر می‌باشد.

**جغرافیای تاریخی گرمسار:** تاریخ احداث شهر گرمسار به دوران پیش از تاریخ باز می‌گردد. در کتیبه‌های آشوری از این منطقه با عنوان «خوار» یاد گشته است. «سرزمین خورشید درخشان» در تاریخ پر فراز و نشیب خود زمانی به عنوان مهد پرورش اسبان و زمانی به جهت شکست مفتضحانه‌ی افاغنه در این منطقه ستوده شده است.

در کتاب اوستا از خوار به نام قسمتی از مملکت چهاردهم از ممالک شانزده گانه‌ی اوستائی یاد شده است.

**سوغات و صنایع دستی شهرستان گرمسار:** خربزه، انار، انواع لبنیات و از صنایع دستی می‌توان به منبت و صنایع چوبی، ظروف شیشه‌ای و آبگینه، گلیم، گلیچ، ملیله و گیوه دوزی اشاره نمود.

**لاسگرد:** از دهستان‌های بخش سرخه شهرستان سمنان استان سمنان و مرکز آن لاسجرد است.

**لجران:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان گرمسار استان سمنان و مرکز آن لجران است.

**مُجِن:** مُجِن در منطقه‌ی کوهستانی و در فاصله‌ی ۳۵ کیلومتری شمال غربی شاهرود واقع شده است و همچون نگینی در دامنه‌ی کوه بلند «شاه کوه» می‌درخشد (شاه کوه یکی از سه رشته کوه البرز است که در شمال غربی شاهرود واقع شده و حد فاصل این شهرستان با استان مازندران است) مجن شهری تا بخش بسطام است و حدود دو کیلومتر مربع وسعت و نزدیک به هفت هزار نفر جمعیت دارد. این شهر به جهت قرار گرفتن در منطقه‌ی کوهستانی، شهری بن بست است و تنها راه ارتباطی آن جاده‌ای آسفالته است که مجن را به شاهرود و بسطام ارتباط می‌دهد.

تأسیس شهرداری در شهر مجن و تبدیل آن از «روستا» به «شهر» تغییراتی در بافت قدیمی شهر ایجاد کرده است.

**مهدی شهر (سنگ سر):** از بخش‌های شهرستان سمنان، از جنوب خاوری و خاور به بخش مرکزی شهرستان سمنان، از شمال به شهرستان ساری و قسمتی از شهرستان سوادکوه و از باختر به بخش فیروز کوه از شهرستان دماوند محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر مهدیشهر دارای دو دهستان (۱- پشتکوه، ۲- چاشم) است.

**رودها:** تنها رود گل رودبار است که از سه کیلومتری شهر سنگسر می‌گذرد رودهای ده صوفیان و شهمیرزاد و کاریزهای روستای درجزین به رود گل رودبار می‌پیوندند. این رود در محلی به نام آب پخش کن به ۵ شاخابه میان روستائیان به قدر السهم تقسیم می‌گردد.

**کوه‌ها:** این بخش در منطقه‌ای کوهستانی یعنی جنوب رشته کوه‌های البرز قرار گرفته: ۱-کوه سفیدلت (متصل به مهدی شهر)، ۲-کوه گل رودبار (۳ کیلومتری)، ۳-کوه آسمانلو به بلندی ۳۳۰۸ متر در ۱۱ کیلومتری مهدیشهر قرار دارد، ۴-کوه مهراب (محراب)، ۵-کوه سفیدآب، ۶-کوه کلیاب، ۷-کوه گچ، ۸-کوه بستانه، ۹-کوه دربند، ۱۰-کوه نهرد، ۱۱-کوه مرغک، ۱۲-کوه سیاه دره، ۱۳-کوه شیر قلعه، ۱۴-کوه بشم، ۱۵-کوه شیخ رضا، ۱۶-کوه سیاه کوه.

گردنه‌ی بشم در ۱۵ کیلومتری شمال خاوری مهدیشهر، گردنه‌ی جاشم در ۱۴ کیومتری ـ غار دربند در ۳ کیلومتری مهدیشهر قرار دارند.
**کانها:** سنگ گچ، سنگ شیشه و سنگ آهک.
آب معدنی چشمه لیتو در شمال مهدی شهر که به آب گرم معروف و برای بیماری‌های پوستی سفارش شده است.
**آب و هوا:** قسمتی معتدل خشک و بقیه سرد خشک ـ این ناحیه دارای آب و هوای ملایم و مطبوع در تابستان، و سرد و مرطوب در زمستان، متوسط بارندگی سالانه ۲۱۸ میلیمتر است.
**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان فارسی با گویش سمنانی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان زرشک، ازگیل، گردو و اوجا ـ گیاهان داروئی و صنعتی: گل گاو زبان، کاسنی، خاکشی، قدومه، بارهنگ و گون کتیرا پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** بزکوهی، قوچ، میش، پلنگ، خرس، گراز، کفتار، گربه‌ی وحشی، گرگ، روباه، شغال، خرگوش، کبک و قرقاول.
**اقتصاد:** بر پایه‌ی دامداری، کشاورزی و باغداری، صنایع دستی، کارگری و پیشه وری استوار است. عمده‌ترین و مهم‌ترین منبع درآمد مردم این سامان دامداری است و برای چرا، دام‌های خود را به جاهای دور و نزدیک خارج از استان برای چرا در مراتع می‌برند. کشاورزی بعلت کوهستانی بودن منطقه چندان بازدهی ندارد. منابع آب کشاورزی چشمه‌ها، کاریزها و رودگل رودبار است.
**صنایع دستی:** قالی بافی، ترمه بافی، زری دوزی، پارچه‌های پشمی، برک و شال، چادرشب‌های پشمی، ابریشمی و نخی، پلاس‌بافی، فرش و چادربافی.
**صنایع کارخانه‌ای:** انواع کفش، پی وی سی (اتصالات، یخچال، کولر، بخاری و آبگرمکن) از کارخانه‌ی مدرن شیشه، چینی و موازائیک.
**فرآورده‌ها:** دام و انواع فرآورده‌های دامی، گندم، یونجه، سیب زمینی، گردو، آلو، سیب و انار ـ قالی، زری، پارچه‌های پشمی، پلاس و برخی از تولیدات صنعتی.
**ناهمواری‌ها:** مهدی شهر یک منطقه‌ی کاملاً کوهستانی است و کوه‌های شمالی آن دنباله رشته کوه‌های البرز است که از پوشش گیاهی منطقه پوشیده است.
**منابع آب:** ۱ـ آب‌های سطحی شامل رود گل رودبار است که از چشمه گل رودبار سرچشمه می‌گیرد و چشمه هائی مانند اَرَشک، چشمه‌ی سرخِرز و چشمه‌ی کاهِش را تشکیل می‌دهد. ۲ـ کاریزها. کتابهای درسی.
**میامی:** از بخش‌های شهرستان شاهرود استان سمنان، از شمال به جاجرم (از شهرستانهای استان خراسان شمالی) و مینو دشت (از بخش‌های گرگان) از خاور به بخش جغتای و بخش داورزن (بخش‌های سبزوار) از جنوب به بخش بیارجمند (از بخش‌های شاهرود) و از باختر به حومه‌ی شاهرود و بسطام محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهرک میامی دارای ۵ دهستان: ۱ـ فرومد، ۲ـ کلاته‌های شرقی، ۳ـ میامی، ۴ـ نردین، ۵ـ رضوان است.
آب هائی در این بخش در فصل بارندگی بهاری روان است که در این فصل در آبیاری از این سیلاب‌ها استفاده می‌شود.
**کوه‌ها:** با این که منطقه‌ای هموار است اما کوه هائی

منفرد سر برافراشته‌اند: ۱ـ کوه میامی به بلندی ۲۴۰۵ متر، ۲ـ کوه قبله به بلندی ۲۶۹۲ متر، ۳ـ کوه انجیرک به بلندی ۱۶۳۱ متر، ۴ـ کوه کنی به بلندی ۱۶۲۱ متر، ۵ـ کوه زیارتگاه به بلندی ۱۷۰۲ متر. گردنهٔ سینه‌بند در ۱۸ کیلومتری باختر میامی و تنگه‌ی خلخال در ۹ کیلومتری جنوب میامی.

**کان‌ها:** معدن مس، گچ، سنگ ساختمانی، سنگ کرومیت.

**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز و تاغ ـ گیاهان داروئی و صنعتی: گل پونه، گل گاو زبان، گل ختمی، درمنه، خاکشی و گون کتیرا ـ پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، کفتار، بزکوهی، آهو، خرگوش، کبک و تیهو.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و صنایع دستی استوار است. کشاورزی با شیوه‌ی سنتی، نوع کشت بیشتر آبی ـ دامداری به شیوه‌ی سنتی و دستی. قالی‌بافی، گلیم و جاجیم بافی و نمد مالی از جمله صنایع دستی می‌باشد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند، تره بار، بنشن، تخمه‌ی آفتابگردان، انگور و زرد آلو، دام و فرآورده‌های دامی ـ قالی، گلیم، جاجیم و نمد.

**میامی:** از دهستان‌های بخش میامی شهرستان شاهرود استان سمنان و مرکز آن ابراهیم آباد است.

**نردین:** از دهستان‌های بخش میامی شهرستان شاهرود استان سمنان و مرکز آن نردین است.

**هفدر:** از دهستان‌های بخش سرخه شهرستان سمنان استان سمنان و مرکز آن افتر است.

**یاتری:** از دهستان‌های بخش آرادان شهرستان گرمسار استان سمنان و مرکز آن داور آباد است.

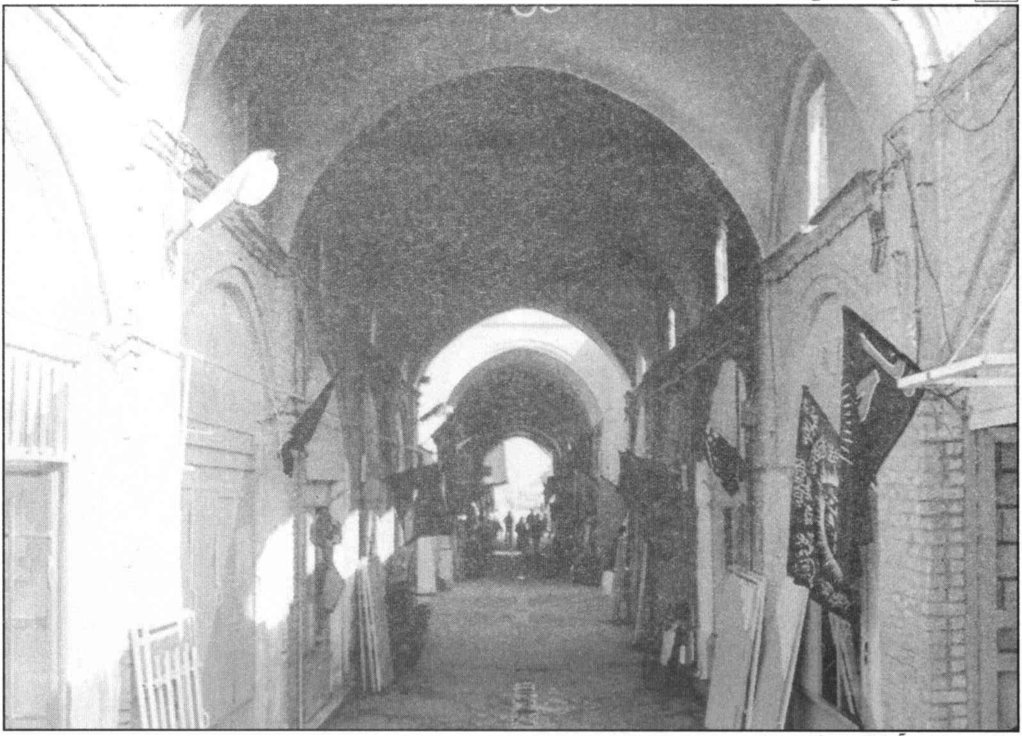
**اصلاحات تقسیمات کشوری در استان سمنان:** ایجاد دهستان درجزین به مرکزیت روستای درجزین در تابعیت بخش مهدی شهر شهرستان سمنان.

ایجاد بخش شهمیرزاد به مرکزیت شهر شهمیرزاد شامل دهستان‌های پشتکوه و چاشم در تابعیت شهرستان سمنان.

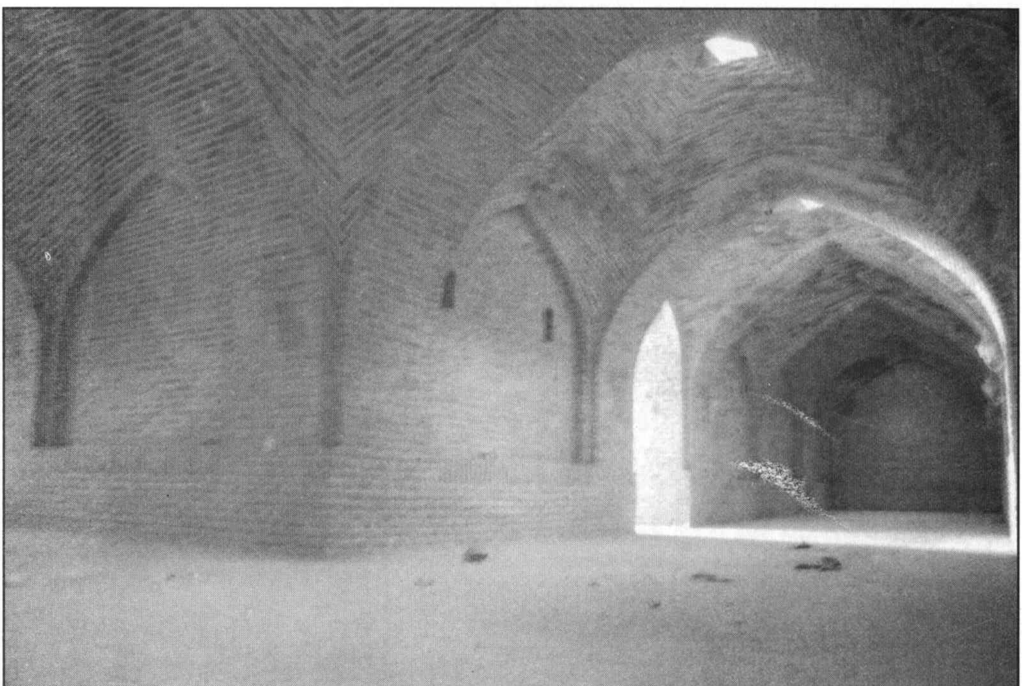
ایجاد شهرستان مهدی شهر به مرکزیت شهر مهدی شهر شامل بخش‌های بخش مرکزی به مرکزیت شهر مهدی شهر مشتمل بر دهستان درجزین و بخش شهمیرزاد.

شناخت شهر روستای درجزین از توابع دهستان درجزین بخش مرکزی شهرستان مهدی شهر به عنوان شهر درجزین.

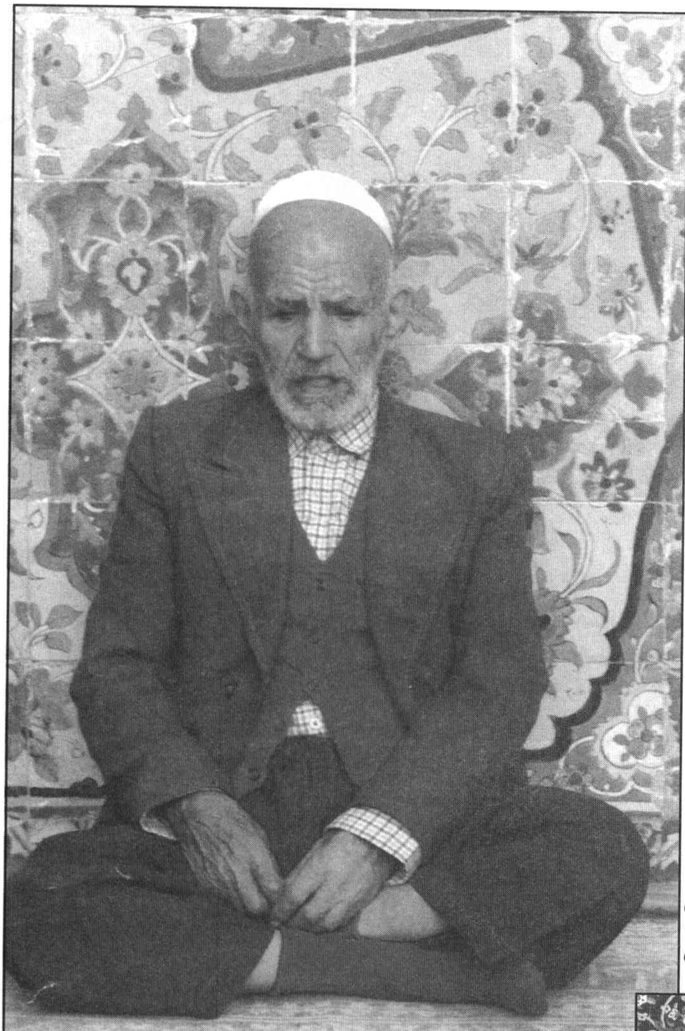
**شهرک‌های صنعتی:** ۱) شهرک صنعتی شهمیرزاد، ۲) شهرک صنعتی چرمشهر مهدیشهر، ۳) شهرک صنعتی اختر، ۴) شهرک صنعتی سرخه، ۵) شهرک صنعتی عبدل آباد، ۶) شهرک صنعتی دامغان، ۷) شهرک صنعتی شاهراد، ۸) شهرک صنعتی گرمسار، ۹) شهرک صنعتی ایوانکی (گرمسار).



بازار و تکیه آرادان - گرمسار

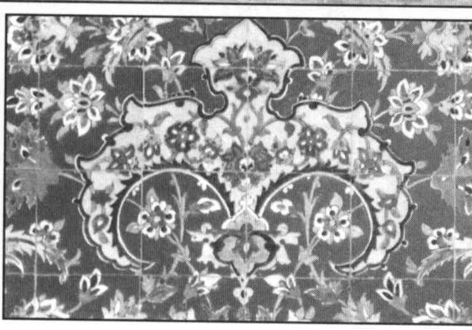


نمایی از کاروانسرای دهنمک گرمسار



نماهایی از کاشیکاری
سجد سلطانی و مسجد جامع سمنان



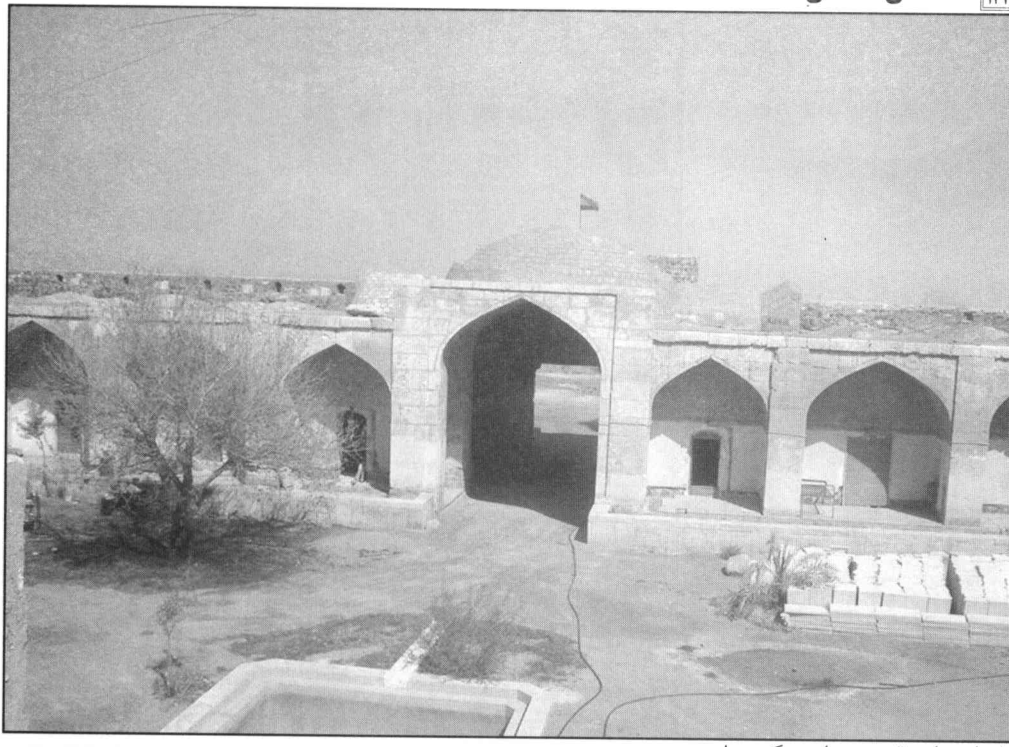




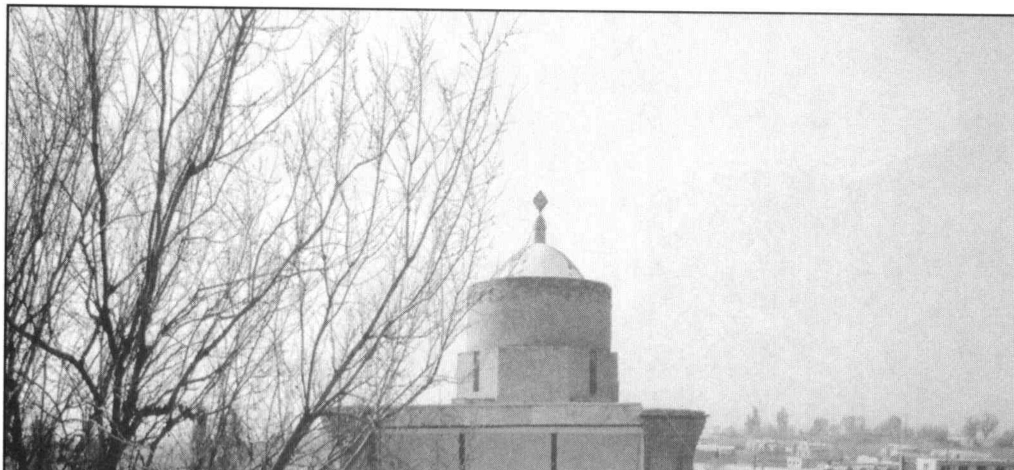
جنگل ابر شاهرود



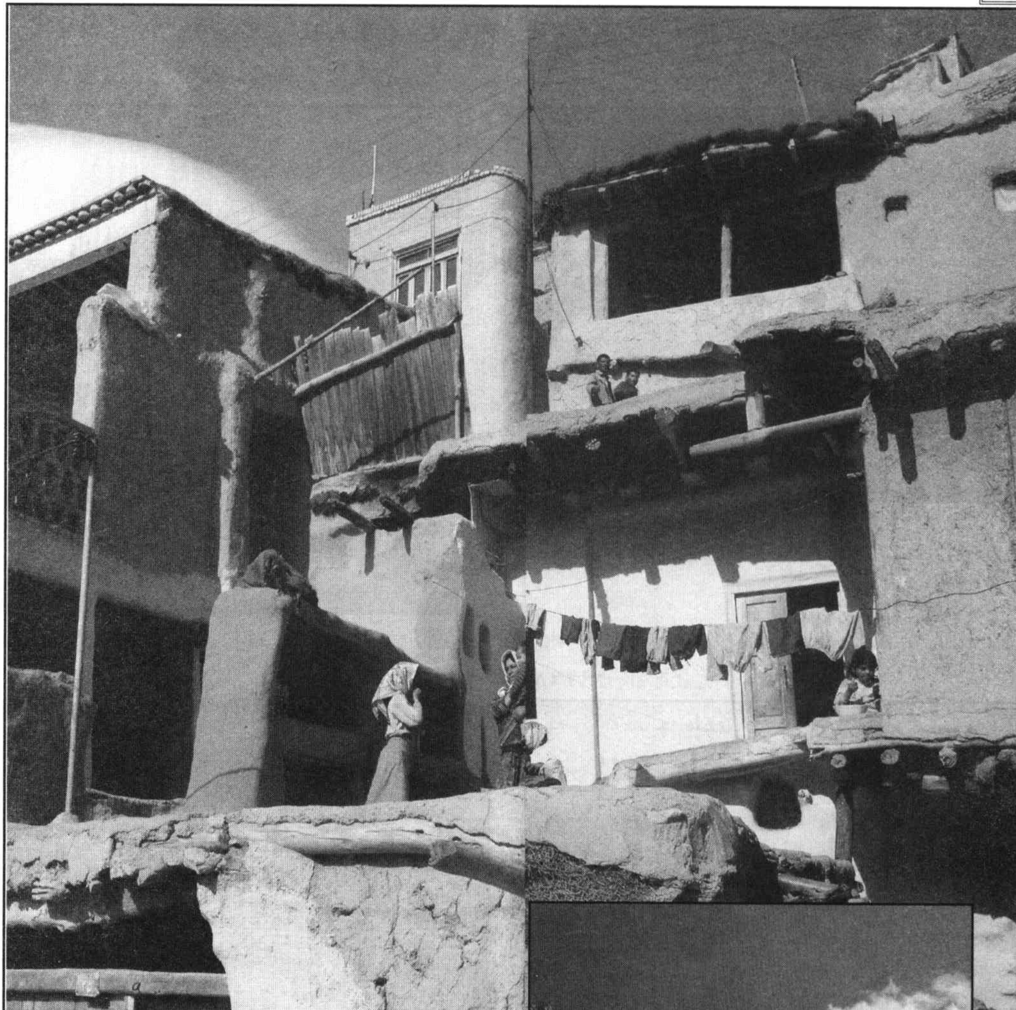
کاروانسرای عین الرشید

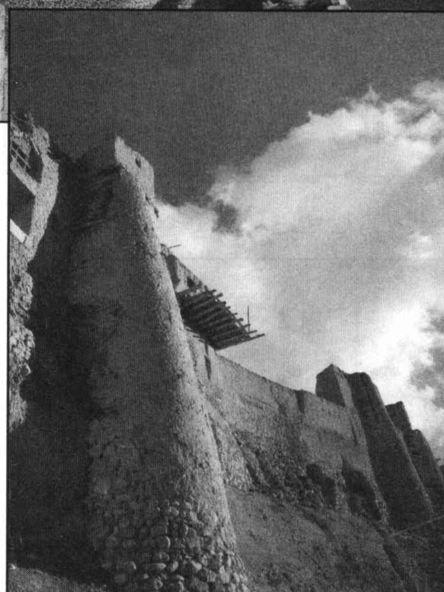


کاروانسرای قصر بهرام - گرمسار

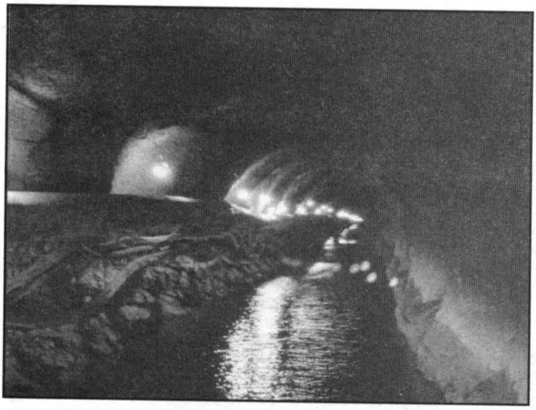


بقعه امامزاده علی‌اکبر - گرمسار

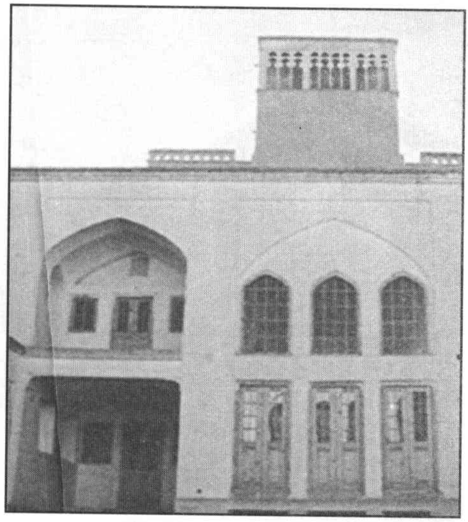




دو منظره از روستای مجن - نگین شاه کوه - شاهرود



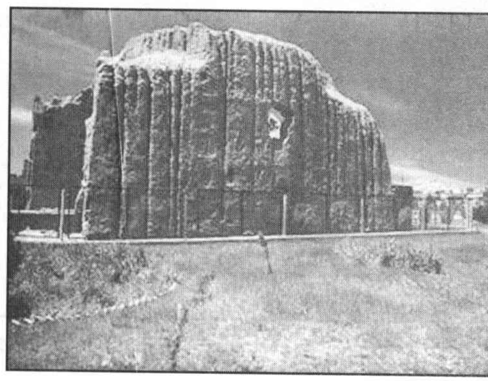
چشمه روزیه



خانه ایرانی



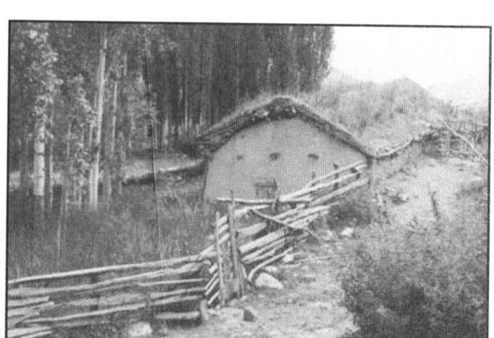
منظره‌ای شهر سمنان



گنبد زنگوله



میدان انگور - شاهرود



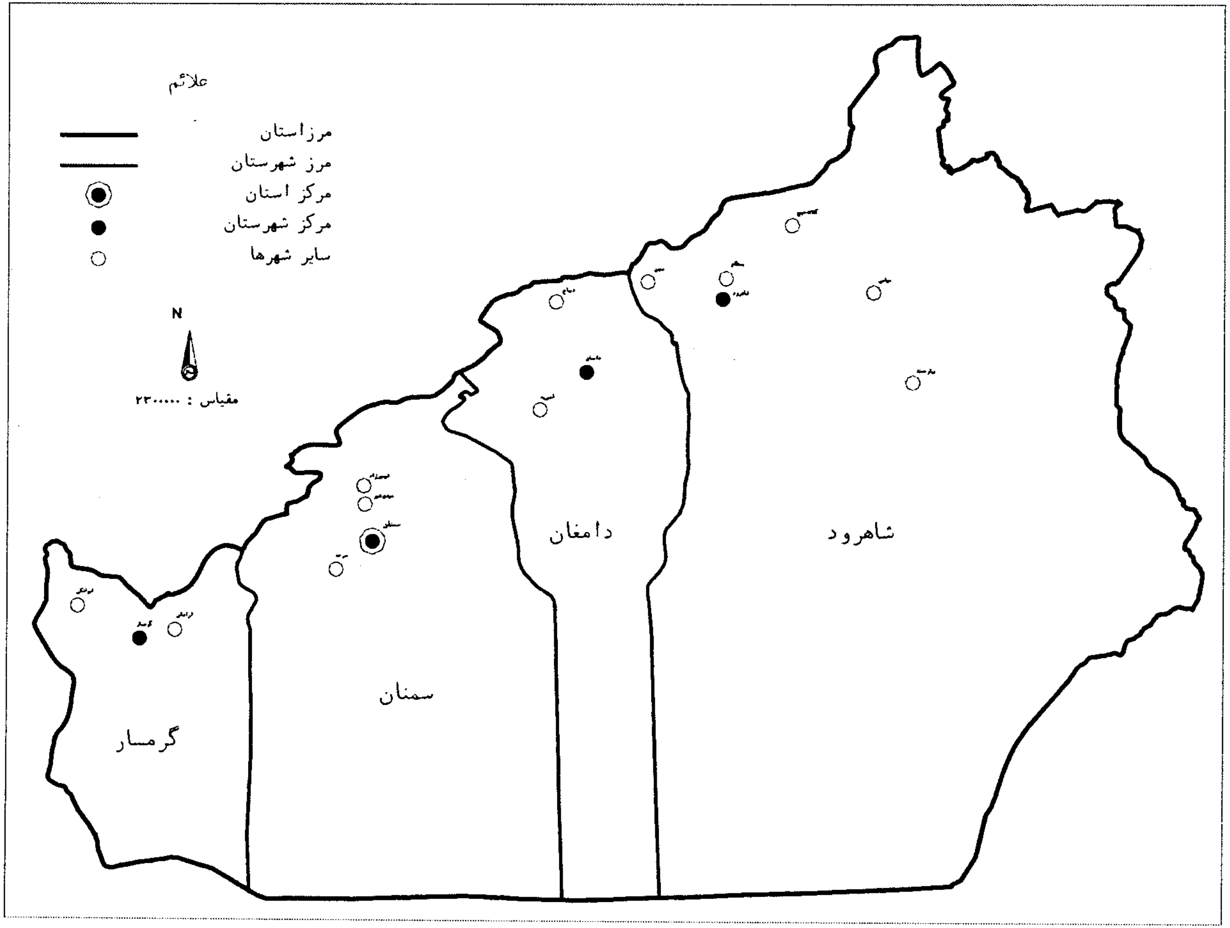
شکارگاه ملا ده سمنان

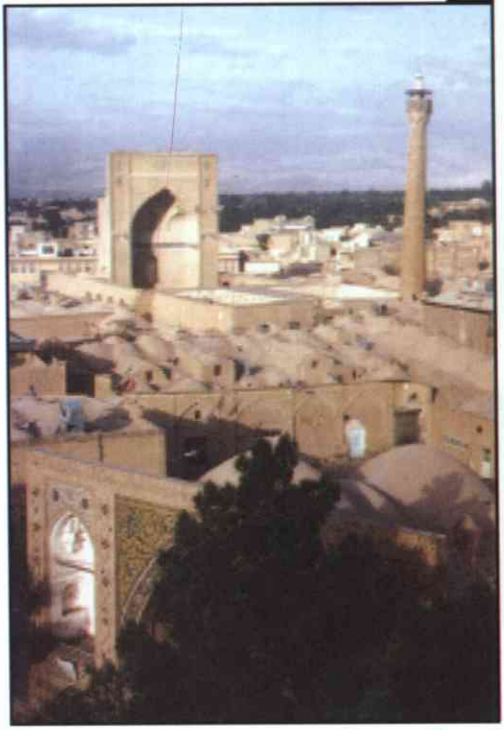
**مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان سمنان در سال ۱۳۸۵**
گوشت قرمز ۱۱ شیر۹۲
**مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان سمنان در سال ۱۳۸۵**
گوشت مرغ ۳۳ تخم‌مرغ ۱۳
**تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان سمنان در سال ۱۳۸۴**
جمع معادن ۱۹۶ خصوصی ۱۸۲ عمومی۱۴
**مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان سمنان در سال ۱۳۸۲**
کل تعداد بهره‌برداری ۳۲۰۱۵ مساحت ۱۵۳۸۲۶ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۱۸۹۹۶ مساحت باغ و قلمستان ۲۰۲۲۸
**استان سمنان در سال ۱۳۸۴:** تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۱۰۵۴۷ تعداد دام ۹۸۶۴۶۲ مقدار تولید ۴۵۰۷۸۴ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۳۱۳۳ تعداد دام ۶۹۶۴۸ مقدار تولید۲۸۱۵۳
**بهره‌برداری‌های کشاورزی استان سمنان در سال ۱۳۸۲**
زراعت۲۱۹۹۱ باغداری ۲۱۲۳۳تولید گلخانه‌ای ۱۰۹ پرورش ماکیان ۱۳۱۹۳ پرورش زنبور عسل ۳۱۶ پرورش دام بزرگ ۷۶۹۷ پرورش دام کوچک ۱۴۹۴۲ پرورش کرم ابریشم۱۷
**تعداد سدهای استان سمنان در مراحل مختلف:**
مطالعاتی۲ اجرایی ۱ بهره‌برداری ۷ مجموع ۱۰
**استان سمنان در سال ۱۳۸۵:** مساحت جنگل‌ها ۳۴۰۱۶۸ جمع مراتع ۳۷۳۱۰۸۳ خوب (متراکم) ۲۱۰۸۰۷ متوسط (نیمه متراکم) ۵۸۵۰۹۳ فقیر (کم تراکم) ۲۹۳۵۱۸۳ پدیده‌های بیابانی۵۱۱۲۲۹۴
**تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان سمنان:** فعال: ۴۱ غیرفعال: ۰ در شرف تأسیس: ۰ تعداد کل:۴۱

**برخی از کتاب‌های سودمند**

پارک ملی کویر و منطقه حفاظت شده کویر
تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران ـ دکتر حسین محبوبی اردکانی
سالنامه آماری ـ مرکز آمار ایران ـ ۱۳۸۵
تاریخ اجتماعی ایران ـ مرتضی راوندی
سرزمین و مردم ایران ـ چاپ پنجم ـ عبدالحسین سعیدیان
زغالسنگ ایران ـ طزره در دامغان ـ محمدرضا محوی ـ مجله رشد ـ آموزش زمین‌شناسی
گزیده شاخص‌ها و نماگرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان سمنان
دفتر برنامه‌ریزی کتابهای درسی ـ وزارت آموزش و پرورش
شناخت شهرهای ایران ـ عبدالحسین سعیدیان
اطلس مناطق حفاظت شده ایران ـ سازمان حفاظت محیط زیست
آثار تاریخی سیستان ـ مخلصی، محمدعلی
آداب و رسوم مردم سمنان: مثلها، افسانه‌ها، لطیفه‌ها، باورها ـ احمدپناهی، محمد
ایل‌ها و عشایر استان سمنان ـ شاه‌حسینی، علیرضا
تاریخ سمنان ـ حقیقت، عبدالرفیع
تاریخ قومس: شامل وقایع تاریخی، اوضاع جغرافیایی، سیاسی ـ حقیقت، عبدالرفیع
چوداری‌ها قبیله‌ای کویرنشین: درآمدی بر شناخت طایفه ـ شاه‌حسینی، علیرضا
سیمای استان سمنان ـ بنی‌اسدی، علی
شناسنامه آثار تاریخی کومش، استان سمنان حقیقت، عبدالرفیع
صد دروازه: مختصری از تاریخ و جغرافیای دامغان ـ کشاورز دامغانی، علی‌اصغر
فرهنگ مردم شاهرود ـ شریعت‌زاده، علی‌اصغر

نقشه تقسیمات استان سمنان به تفکیک شهرستان :۱۳۸۵





بافت تاریخی شهر سمنان



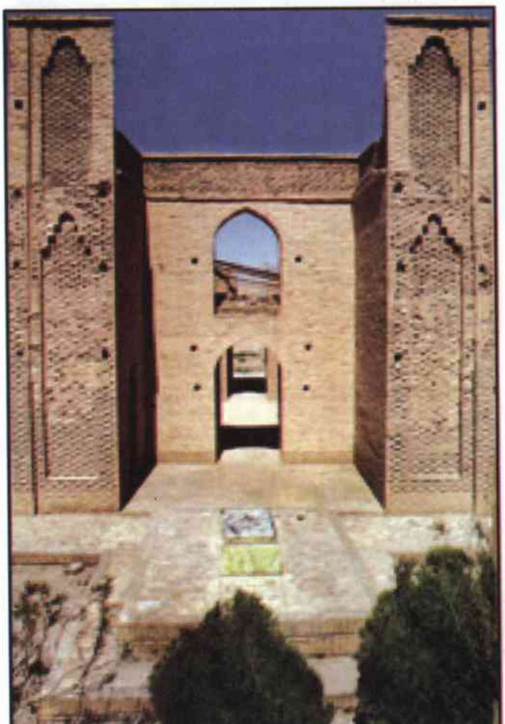
سد شاهپرج – دامغان



مسجد تاریخانه – دامغان (کهن‌ترین مسجد ایران)



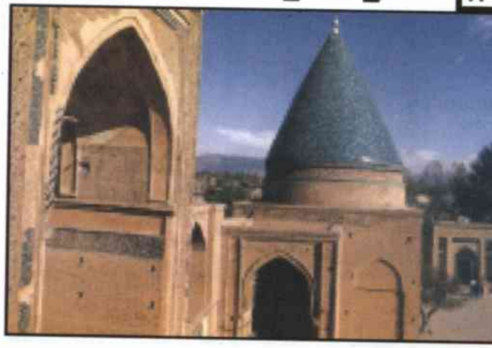
مسجد جامع سمنان



از سمتی تا سمت



دروازه تاریخی (دروازه ارگ) – سمنان



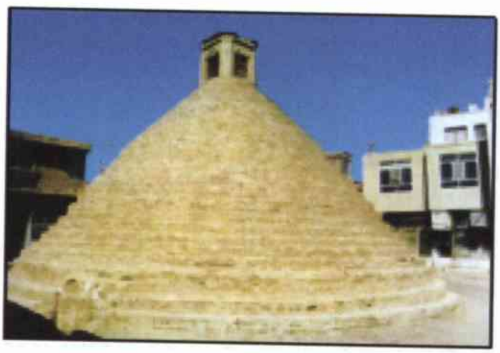
وان و گنبد غازان خان



آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی



حراب گچبری مسجد بسطام



آب انبار گرمسار



امامزاده حشتگر - قراه گرمسار



یکی از مناظر طبیعی استان سمنان



مجموعه تاریخی چشمه علی - دامغان

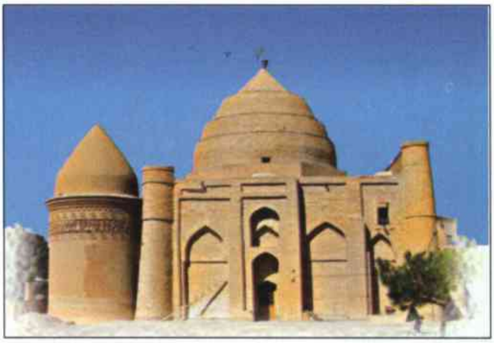




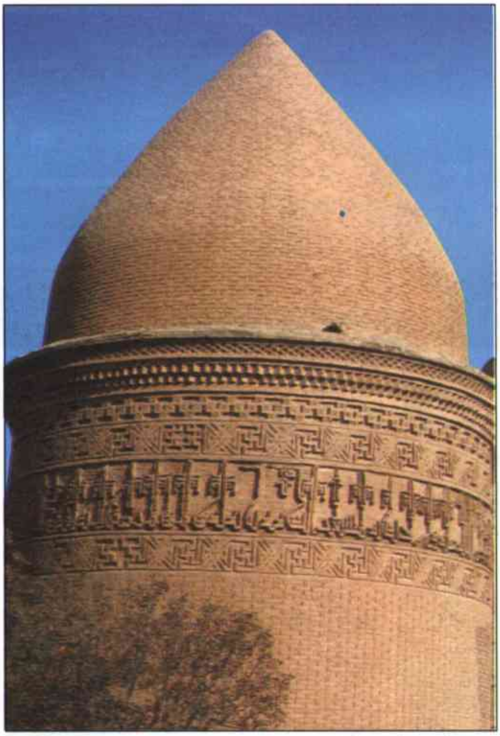
کاخ ملاده - سمنان



امامزاده علویان - محلات سمنان



امامزاده جعفر - دامغان



برج چهل دختران - دامغان



برج کاشانه - بسطام



کویر - سمنان



کاروانسرای آهوان - سمنان



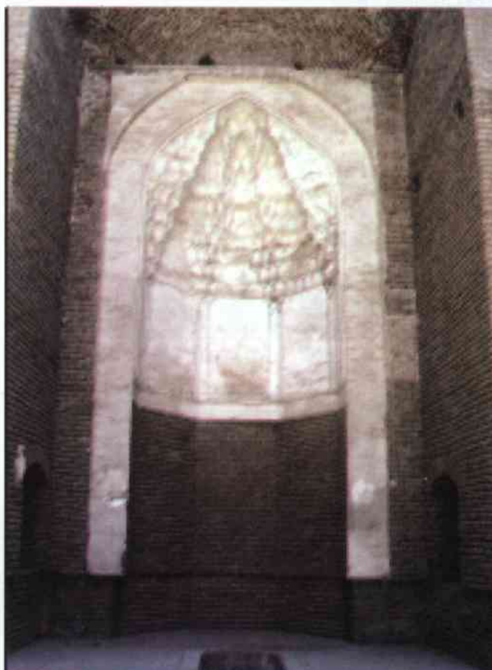
مجموعه بایزید بسطامی - بسطام



حمام حضرت



تزئینات داخلی مسجد سلطانی - سمنان



محراب بسطام



موزه شهرستان شاهرود

**همه جای ایران سرای من است**

دایرةالمعارف

# سرزمین و مردم استان سیستان و بلوچستان



تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

سیمای اقلیمی ـ گردشگاه‌های طبیعی ـ گردشگری در ارتفاعات ـ پارک‌ها و مناطق حفاظت شده ـ آداب و رسوم ـ شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها ـ شهرک‌های صنعتی ـ تصاویر و عکس‌ها
مشخصات عمومی استان سیستان و بلوچستان براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهر زاهدان، تعداد شهرستان: ۱۰ تعداد بخش: ۳۷ تعداد شهر: ۳۲ تعداد آبادی دارای سکنه: ۵۷۱۹ کل آبادی‌ها: ۷۵۵۷
جمعیت استان سیستان و بلوچستان در سال (۱۳۸۵) ۲۴۰۵۷۴۲ نسبت به کل کشور ۳/۴۱ بوده است. مساحت استان سیستان و بلوچستان ۱۸۱۷۸۵ کیلومتر مربع نسبت به کل کشور ۱۱/۱۶ است.
از تهران تا زاهدان (۱۵۶۷) و از زاهدان تا ایرانشهر (۳۲۵)، چابهار (۶۶۶)، خاش (۱۷۵)، زابل (۲۰۱)، زاهدان (۰)، زهک (۲۱۴)، سراوان (۳۳۶)، سرباز (۶۰۵)، کنارک (۸۰۲)، نیک‌شهر (۷۷۱)

**که ایران بهشت است یا بوستان — همی بوی مشک آید از بوستان**

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ - معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ - مرکز آمار ایران ۳- سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ - سازمان هواشناسی کشور ۵ - سازمان نقشه‌برداری ۶ - سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ - سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ - سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی - دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ - اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ - اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ - وزارت صنایع و معادن ۱۲ - ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ - وزارت جهاد کشاورزی ۱۴- وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ - دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ - اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ - مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ - فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ - دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ - کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران - ۲ - کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ - کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ - کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران - ۵ - کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ - کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ - کتابخانه مجلس شورای اسلامی - ۸ - کتابخانه ملی ۹ - کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ - کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ - کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ - کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ - کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ - کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ - کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ - کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ - کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ - کتابخانه ملک ۱۹ - کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور


نام کتاب: سرزمین و مردم استان سیستان‌وبلوچستان
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: انتشارات آرام (ناشر اصلی) علم و زندگی (ناشر همکار)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه - چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۸۸۴۳۰۰۹۶-۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹-۸۸۴۰۹۳۲۹-۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ - ۱۵۸۱۵



شابک: ۲-۲۶-۶۹۹۱-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-6991-26-2

بها: نهصد تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ -
سرزمین و مردم استان سیستان و بلوچستان؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۲ - ۲۶ - ۶۹۹۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۳۶۷

## ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

**مشخصات عمومی استان سیستان و بلوچستان براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵:** مرکز استان: زاهدان مساحت: ۱۸۱۷۸۵ تعداد شهرستان: ۱۰ تعداد بخش: ۳۷ تعداد شهر: ۳۲ تعدادآبادی دارای سکنه: ۵۷۱۹ کل آبادی‌ها: ۷۵۵۷

جمعیت استان سیستان و بلوچستان در سال (۱۳۶۵) ۱۱۹۷۰۵۹ نسبت به کل کشور ۲/۴۲ و در سال (۱۳۷۵) ۱۷۲۲۵۷۹ نسبت به کل کشور ۲/۸۷ و در سال (۱۳۸۵) ۲۴۰۵۷۴۲ نسبت به کل کشور ۳/۴۱ بوده است.

مساحت استان سیستان و بلوچستان ۱۸۱۷۸۵ نسبت به کل کشور ۱۱/۱۶ است.

کارگاههای استان سیستان و بلوچستان ۲۰۳۷۳ نسبت به کل کشور ۳/۱۶ است.

درصد میزان شهرنشینی استان سیستان و بلوچستان در سال (۱۳۷۵) ۱۲/۴۶ و در سال (۱۳۸۵) ۶۰/۴۹ است.

تراکم نسبی جمعیت استان سیستان و بلوچستان در سال (۱۳۶۵) ۷ و در سال (۱۳۷۵) ۹ و در سال (۱۳۸۵) ۱۳ نفر درکیلومترمربع بوده است.

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان سیستان و بلوچستان**

مرد و زن ۹۵۸۴ زن ۵۲۸۹ مرد ۴۲۹۵

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان سیستان و بلوچستان**

مرد و زن ۶۴۹۸ زن ۲۶۵۲ مرد ۳۸۴۶

**مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۵**

جمع ۱۶۵۵ دولتی ۱۶۴۴ خصوصی ۱۱ تولید نهال ۵۶۱

**مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۵**

تعداد بهره‌برداری ۱۷۳ مساحت گلخانه ۴۲

**ادامه در صفحهٔ ۱۴۴۴**

## فهرست برخی از مطالب

## سرزمین و مردم استان سیستان و بلوچستان

## جغرافیای طبیعی و ویژگی‌های جوی و اقلیمی استان سیستان و بلوچستان

این استان دارای ۱۰ شهرستان: ۱ - ایرانشهر ۲ - چابهار ۳ - کنارک ۴ - خاش ۵ - زابل ۶ - زهک ۷ - زاهدان ۸ - سراوان ۹- سرباز ۱۰ - نیک شهر می‌باشد.

**سیمای اقلیمی استان:** استان سیستان و بلوچستان بخش وسیعی از جغرافیای کشور را در جنوب شرق ایران دربرگرفته است و در نواحی شمال و شمال غرب خودگرما و خشکی بی ترحم کویر را تجربه می‌کند و درغرب متأثر از شرایط کوهستانی و ارتفاعات آن نواحی است و در جنوب از پهنه‌ی وسیع آب‌های دریای عمان.

**توفان رعد و برق:** وقوع توفان رعد و برق علاوه بر آن که عموماً منجر به خسارت و حتی قطع برخی از برنامه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی میشود. معمولاً سبب ایجاد ترس و وحشت هم در مردم می‌گردد و به این سبب آگاهی از وقوع آن در سطح استان می‌تواند برای بازدید کنندگان از استان و یا صاحبان مشاغل مختلف مفید باشد.

در زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان به طور متوسط ۶ روز از سال توأم با توفان رعد و برق است که فراوانی آن در ماه فروردین بیش از سایر ماه‌های سال است.

پدیده‌ی توفان رعد و برق در اثر ناپایداری‌های شدید جوی به وجود می‌آید و به این سبب در فصل‌ها و ماههائی که شرایط جوی استان با ناپایداری‌های بیشتری مواجه باشد. امکان وقوع توفان رعد و برق هم بیشتر است. افزایش قابل ملاحظه دمای هوا در اوائل بهار در زاهدان و ورود توده‌های هوای سرد به این بخش از استان موجب ناپایداری‌های جوی و تشکیل ابرهای جوششی شده و به این سبب توفان‌های تندری در آن به وجود می‌آید.

در استان سیستان و بلوچستان علاوه بر عامل تغییر فصل و ایجاد اختلاف بین دمای سطح زمین و سیستم‌های هواشناسی سرد، پدیده‌ی مونسون نیز در بخش هائی از استان موجب بروز توفان‌های خاک و شن می‌شود و همه ساله خساراتی را بر منابع اقتصادی استان وارد می‌سازد.

در چابهار ۴ روز از سال، در ایرانشهر ۵ روز، درخاش ۱۰ روز، در سراوان ۲۵ روز و در زابل ۲ روز از سال توأم با توفان‌های تندری است.

بر اساس آمار و اطلاعات دریافت شده ازکمیته‌ی ملی کاهش آثار بلایای طبیعی وزارت کشور در طول ۱۰ سال گذشته تا وقوع توفان در استان سیستان و بلوچستان به محصولات ۵۰ هکتار از اراضی استان خسارت وارد کرده است.

**خشکسالی:** وقوع ۳ بار خشکسالی در ۱۰ سال گذشته در استان سیستان و بلوچستان سبب تلف شدن ۸۰۰ هزار راس دام شده و به ۹۳ هزار هکتار از اراضی استان خسارت وارد کرده است.

**تعداد روزهای همراه با برف و یا مخلوط برف و باران:** در زاهدان به طور متوسط در حدود ۱ روز از سال توأم با ریزش برف و یا مخلوط برف و باران است. در چابهار و کنارک و سراوان اصلاً برف نمی‌بارد و در ایرانشهر به ندرت ریزش برف دیده شده و در خاش و زابل متوسط تعداد روزهای برفی در سال حتی به یک روزنمی‌رسد و به ندرت در این شهرها برف می‌بارد.

اصولاً شهرهای استان سیستان و بلوچستان یا به

طور کامل فاقد روزهای برفی اند و یا در بعضی از شهرهای آن بندرت و به صورت کوتاه مدت ممکن است برف و یا مخلوط برف و باران ریزش نماید.

**تعداد روزهای همراه با گرد و خاک:** در زاهدان به طور متوسط ۷۰ روز از سال توأم با گرد و خاک است که فراوانی آن در ماه‌های گرم سال بیش از سایر ماه‌ها است. در چابهار ۲۸ روز، در ایرانشهر ۵۵ روز، در کنارک ۴۶ روز، در خاش ۸۱ روز، در سراوان ۶۹ روز و در زابل ۱۶۲ روز از سال توأم با گرد و خاک است که علت فراوانی روزهای همراه با گرد و خاک، مه، رگبار شدید و نظائر آن اتفاق افتد. دید افقی و کاهش آن به کمتر از ۲ کیلومتر، در امور فرودگاهی و پرواز هواپیماها بسیار حائز اهمیت است.

**سیل:** وقوع ۲۵ بار سیل در طول ۱۰ سال گذشته در استان سیستان و بلوچستان به ۲۷۱۵۰ واحد مسکونی خسارت وارد ساخته و به از بین رفتن جان ۲۵ نفر از مردم استان و تلف شدن ۲۰۵۱۷ راس دام منتهی شده است. وقوع سیلاب‌های این استان به ۸۹۴۵۲ هکتار از اراضی استان و ۷۰ دهنه پل و ۲۵ واحد تولیدی و ۸۰ مکان عمومی و اداری و ۱۲۰۰ کیلومتر از جاده‌های استان خسارت وارد ساخته و به ۲۶ وسیله آسیب رسانده است.

## گردشگاه‌های طبیعی استان سیستان و بلوچستان

**ورزش و گردشگری در سواحل دریای عمان و دریاچه‌های استان:** استان سیستان و بلوچستان با یکی از بزرگ‌ترین منابع آبی کشور (دریای عمان) همجوار است. این همجواری موقعیت ویژه‌ای را برای بهره برداری‌های جهانگردی و گردشگری و انواع ورزش‌های آبی از سواحل دریای عمان به ویــژه در ایام زمستان فراهم آورده است. در کناره‌های این دریا به خصوص در قسمت جنوبی شهرستان چابهار، صخره‌های بزرگی در اثر پیش روی آب دریای عمان و فرسایش سنگ‌های رسوبی به وجو آمده‌اند که خلل و فرج ناشی از فرسایش آب در آن‌ها، چشم اندازهای بسیار زیبایی را ایجاد کرده است.

از این قسمت به خصوص در هنگام غروب آفتاب می‌توان به عنوان یکی از زیباترین سواحل ایران یاد کرد. قسمت هایی از سواحل دریای عمان ارزش‌های ممتاز گردشگری و استراحتگاهی دارند. هم چنین از برخی نواحی که اقدامات حفاظتی نظیر نصب تور در آن‌ها انجام شده است به منظور شنا، قایقرانی، کرجی رانی و اسکی روی آب و سایر ورزش‌های آبی استفاده می‌شود. علاقمندان به ورزش‌های آبی و اسکی روی آب می‌توانند از این امکانات ساحلی استفاده کنند.

**ساحل هامون جازموریان:** هامون جازموریان مابین کوه‌های مکران و شاهسوران قرار دارد که از شرق به غرب تقریباً به طول ۳۰۰ کیلومتر و از شمال به جنوب به عرض ۱۰۰ کیلومتر گسترده شده است. رودهای هلیل رود و بمپور به این هامون می‌ریزند. هامون جازموریان بر خلاف هامون‌های دیگر، آب شیرین دارد و شوری آن بسیار کم است. علت شیرینی این است که آب در آن ساکن نیست و زهکش طبیعی دارد.

در اصطلاح محلی پوشش گیاهی را جاز می‌نامند و انبوهی و کثرت آن را موریان می‌گویند. به همین سبب، این ناحیه به جازموریان معروف شده است. این دریاچه فصلی، در غرب بلوچستان

قرار دارد و نیمی از آن در استان کرمان واقع شده است. مساحت حوزه‌ی آبریز آن ۶۹۰۰۰ کیلومتر مربع و ارتفاع آن از سطح دریا ۳۰۰ متر است. محدوده‌ی آبگیر کامل دریاچه در مواقع پر آبی ۳۳۰۰ کیلومتر مربع و در مواقع کم آبی به طور متوسط ۲۵۰۰ کیلومتر مربع است.

دریاچه هامون بزرگترین پهنه آبهای شیرین ایران و خاورمیانه است. این دریاچه در اثر بالا آمدگی‌های اورژنی در اواخر دوران سوم (میوسن ـ پلیوسن) از دریای تتیس جداگردیده و در نتیجه کم شدن تدریجی مقدار آب رودخانه هیرمند بعد از پایان آخرین دوره یخبندان در کوههای هندوکش شروع به خشک شدن و پر شدن نموده است. هامونهای سابوری، پوزک و هیرمند که هنوز به موجودیت خود ادامه می‌دهند، از بقایای دریای تتیس می‌باشند.

حجم آبدهی سالانه رودخانه‌ها به دریاچه هامون، بیش از ۷/۵ میلیارد مترمکعب می‌باشد که به طور متوسط می‌توان حجم آب ورودی به دریاچه را ۷ میلیارد مترمکعب محاسبه نمود.

لازم به ذکر است که ظرفیت دریاچه هامون در مواقع پرآبی با احتساب حداکثر سطح گستردگی آب به بیش از ۱۰ میلیارد مترمکعب می‌رسد که این حجم دریاچه با حجم کلی سدهای مخزنی دز، سفیدرود، لار، زاینده‌رود، کر، کرج، لتیان و میناب برابری می‌کند. (حجم کل این سدها به ۱۰ میلیارد مترمکعب می‌رسد) مساحت منابع آبی طبیعی و نیمه طبیعی بهره‌برداری شده جهت پرورش آبزیان ۲۵۵۰۰۰ هکتار، رتبه اول را در بین مناطق مختلف کشور، جهت پرورش آبزیان به خود اختصاص داده است.

این ارقام نشانگر این مهم است که بیش از ۵۰ درصد مساحت منابع آبی طبیعی، نیمه طبیعی بهره‌برداری شده کشور در سیستان می‌باشد.

**سیاحت در دریاچه‌ی هامون:** این منطقه ویژه و منحصر به فرد، پناهگاه بسیاری ازگونه‌های نادر و در خطر انقراض حیوانی و گیاهی و حمایت کننده زنجیره‌های غذائی در پهنه‌ی دشت کویر است. علاوه بر ارزش اقتصادی، ارزش‌های دیگر آن از دیرباز شناخته شده است و در طول صدها سال مردم حاشیه نشین تالاب از برکت و نعمات گیاهان، پرندگان و آبزیان از آن بهره‌مند شده‌اند.

دریاچه هامون یکی از پدیده‌های جاذب طبیعی و ارزشمند منطقه است که از نظر ملی و بین‌المللی درخور توجه ویژه است این منطقه ویژه و منحصر بفرد پناهگاه بسیاری ازگونه‌های نادر و در خطر انقراض حیوانی و گیاهی و حمایت کننده زنجیره‌های غذایی در پهنه دشت کویر است. علاوه بر ارزش اقتصادی ارزشهای اکولوژیکی هامون نیز درخور توجه فراوان است.

این دریاچه مکان مناسبی برای استقرار آشیانه و تولید مثل انواع مختلف پرندگان و بعضی مهره‌داران دیگر است که در فصول خاصی از سال می‌تواند جاذب جمعیت عظیمی از دوستداران طبیعت باشد. گونه‌هایی از ماهیها، برای تخم‌ریزی، پوشش گیاهی فشرده درون آب را ترجیح داده و هنگام تولیدمثل در چنین مکانهایی تجمع می‌کنند، هم چنین پوشش گیاهی هامون محل مناسبی برای مخفی شدن و در امان ماندن بعضی از پرندگان، پستانداران و سایر آبزیان ازجمله شاهین، عقاب و غیره نیز است.

**هامون چاه غیبی (گابی):** این دریاچه در جنوب غربی خاش واقع شده و مرکز تجمع سیلاب‌های فصلی است و مانند سایر هامون‌ها در بهار دارای

آب و در سایر فصول به شکل مرداب در می‌آید.

**هامون ماشکل:** دریاچه‌ی ماشکل، در نزدیکی مرز ایران و پاکستان قرار دارد. رودهایی که به آن وارد می‌شوند عبارتند از: ماشکل یا ماشکید و شاخه‌های سیمیش و رختک که از دامنه‌های شرقی کوه‌های مرزی جاری می‌شود. این دریاچه واجد ارزش‌های زیست محیطی است.

**دریاچه‌ی سه دریا:** دریاچه‌ی سه دریا از سه دریاچه کوچک در ارتفاعات کوه تفتان تشکیل شده است که عمق دو دریاچه‌ی قسمت شمالی کم و اغلب دارای آب گوارا است و دریاچه‌ی دیگری که نسبتاً بزرگ‌تری است. آب دائمی و شور دارد. این پدیده از جاذبه‌های طبیعی ویژه ناحیه‌ی بلوچستان است.

**گردشگری در ارتفاعات استان:** مهم‌ترین ارتفاعات استان سیستان و بلوچستان که دارای جاذبه‌های ویژه‌ی ایرانگردی و جهانگردی به ویژه در زمینه کوه نوردی و سایر ورزش‌های کوهستانی است. قله‌ی آتشفشانی تفتان می‌باشد. کوهستان و قله‌ی تفتان در جنوب شرقی ایران و در ۵۰ کیلومتری شمال شرقی شهرستان خاش واقع شده است. قله‌ی تفتان بلندترین نقطه‌ی بلوچستان را تشکیل می‌دهد. تفتان دارای قله‌های متعدد است و قله‌ی آتشفشانی آن چهل تن نام دارد.

همه ساله تعداد زیادی از گروه‌های کوهنوردی کشور و شماری از کوهنوردان جهان به قله‌ی تفتان صعود می‌کنند.

**قله‌ی آتشفشان چهل تن:** گازهای هیدروژن سولفوره که از دهانه‌ی قله‌ی آتشفشان چهل تن خارج می‌شود. الیاف و تارهای پنبه‌ای لباس کوهنوردان را از بین می‌برد و به این سبب ضروری است که کوهنوردان از نشستن در کنار این قله اجتناب کنند و در صورت تمایل برای نزدیک شدن به قله، حتماً از لباس‌های پشمی استفاده نمایند.

برای رسیدن به قله‌ی چهل تن ابتدا باید از زاهدان به خاش و سپس به روستای کوشه در فاصله‌ی حدود ۴۲ کیلومتری شمال خاش رفت. پس از رسیدن به روستای کوشه، مسیر مزرعه جم چین پیموده می‌شود و از طریق دره‌ی تنگ گلو مسیر ادامه می‌یابد. فاصله‌ی مزرعه‌ی جم چین تا قله در حدود ۱۱ کیلومتر است و راه آن از نزدیکی دره‌ی تنگ گلو می‌گذرد. آب دره‌ی تنگ گلو گوگردی است و آشامیدنی نیست و کوهنوردان ناچارند از چشمه‌ای در نزدیکی تنگ گلو آب ذخیره کنند. مسیر روستای کوشه تا قله‌ی چهل تن در حدود ۱۵ کیلومتری است که با صعود معمولی ۱۰ ساعت زمان لازم دارد.

**ارتفاعات بزمان:** ارتفاع بزمان در بلندترین نقطه‌ی آن ۳۴۸۷ متر است و شهر بزمان در مجاورت آن استقرار دارد. بزمان در شمال جازموریان قرار دارد و از طرف غرب به ارتفاعات جبال بارز در استان کرمان متصل می‌شود. ارتفاعات بزمان چاله لوت را از جازموریان جدا می‌کند.

کوهستان بزمان همه ساله تعدادی از کوهنوردان را به خصوص در فصل‌های پائیز و زمستان و اوائل بهار به سوی خود جذب می‌کند.

**هیرمند:** رود بزرگ هیرمند از رودهای پرآب شرقی فلات ایران و آسیا به شمار می‌رود که سالانه میلیاردها متر مکعب آب در آن جریان می‌یابد. طول آن حدود ۱۱۰۰ کیلومتر است. از این‌رو درازترین رود واقع بین سند و فرات محسوب می‌گردد.

هرچه این رودخانه از خاستگاهش دورتر

می‌شود بر مقدار آب آن افزوده گردیده و بر هیبت و غریوش اضافه می‌شود. زیرا قدم به قدم آب تمام کوهها و دره‌های واقع در دو جناح مسیرش در آن می‌ریزد و با سرعت هر چه فزاینده‌تر، و غریونده‌تر و آبشارگونه به سوی شیبهای جنوب غربی کوتل ملایعقوب پل افغان راکه در مسیر کم عرض آن بسته شده است پشت سر می‌گذارد و پس از طی مسافتی (۱۰۵۰کیلومتر) وارد دریاچه هامون می‌شود.

تمام آب مصرفی دشت سیستان از طریق این رود تامین می‌شود. در ضمن دوام رودخانه‌های منشعب از آن و دریاچه و مخازن چاه نیمه، هم بستگی به جریان آب هیرمند دارد. مجموع حجم آبدهی رودخانه هیرمند در ایستگاه ۲ شاخه هیرمند در سال ۱۳۶۹ - ۷۰ حدود ۱۴ میلیارد مترمکعب بوده است. که پس از کارون (با حجم آبدهی حدود ۱۹ میلیارد مترمکعب) بیشترین حجم آبدهی را بخود اختصاص داده است.

**چاه نیمه: (تحمیل اراده علمی بر جبر جغرافیایی)**

در قسمت جنوب دشت سیستان و در حوالی مصب هیرمند، گودال‌های طبیعی بزرگی وجود دارد که در حال حاضر از آب آنها بهره‌برداری می‌شود. این گودالها ضمن ذخیره آب برای آبیاری مناطق بیشتری از سیستان، از زیانهای وارده در مواقع سیلابی شدن رودخانه هیرمند جلوگیری می‌کند.

مساحت این مخازن در حدود ۴۷۰۰ هکتار است، حداکثر گنجایش این مخازن ۶۶۰ میلیون مترمکعب است که قابل افزایش می‌باشد.

از ۵ هزار مساحت اراضی مجاور چاه نیمه حدود ۲/۵ هزار هکتار اراضی لم یزرع زیر کشت انواع درختان مثمر (انار، توت، سیب، انگور، پسته، زیتون، خرما و...) و غیرمثمر (اکالیپتوس، گز، کاج، سرو، ناترک و...) گیاهان زینتی، دارویی و گیاهان زراعی و سبزی و صیفی می‌باشد.

وجود ذخایر عظیم آبی چاه نیمه و وجود جزیره‌هایی در این آبها، درکنار فعالیتهای بی‌وقفه دانشگاه زابل در زمینه ایجاد فضای سبز مناسب، یک مجموعه تفریحی فرح‌بخش را در این قسمت از منطقه سیستان به وجود آورده است.

## سیر تاریخ اقتصادی و اجتماعیِ سیستان

سرزمین با شکوه و شگفت‌انگیز سیستان که در جنوب خاوری ایران واقع شده، با وجود رودخانهٔ بزرگ هیرمند و دریاچهٔ بزرگ هامون به عنوان بزرگ‌ترین دریاچهٔ آب شیرین فلات ایران، جلگهٔ حاصلخیز و بزرگی را تشکیل داده که می‌توان سه نوع محصول از آن برداشت نمود به گونه‌ای که این سرزمین را انبار غلهٔ آسیا لقب داده‌اند.

این دیار به لحاظ اقتصادی، در تاریخ ایران و جهان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده به طوری که شکوفاییِ اقتصادیِ سیستان در هنگام فتح اعراب زبانزد آن زمان بوده است. اما سیر تحول تغییرات سیستان در طی زمانه به گونه ای بوده که اکنون دیگر از شکوفایی اقتصادیِ آن خبری نیست و این منطقه در میان سایر مناطق ایران به لحاظ بُنیهٔ اقتصادی بسیار ضعیف است.

**نگاهی اجمالی به سیستان:** سیستان تاریخی قدیمی و باستانی دارد. در افسانه‌های ملی، سیستان مهد رستم دستان است، آنچه مسلم است، سیستان در عهد هخامنشیان آباد و جزء قلمرو امپراطوری آنها بوده است. درکتیبه‌های بیستون و تخت‌جمشید یکی از ممالک شرقی داریوش ذکر

آن آمده است. در حدود ۱۲۸ قبل از میلاد، سکاها سیستان را متصرف شدند و نام سیستان از نام آنها گرفته شده است.

سیستان در گذشته نسبتاً دور از لحاظ داشتن جنگلهای طبیعی خصوصاً از نوع گز و تاغ، سرو، ارس، بلوط و جنگلهای گرمسیری صحرا غنی بوده است که به تدریج بر اثر سوء مدیریت و استفاده بی‌رویه ساکنان آن از بین رفته و نابود شده‌اند.

**سکاها و هنر سکایی:** سکاها مردم دچارنشین و صحراگردی بودند که در سواری و جنگهای سواره و تیراندازی مهارت فوق‌العاده‌ای داشتند و به همین سبب، باعث وحشت همیشگی خانه‌نشینان (یکجانشینان) شده بودند. یکباره با اسبهایشان مانند سیلی به شهرهای سر راهشان سرازیر می‌شدند و گله‌های گوسفند دهقانان و آذوقه‌های انبار شده آنان را با آنچه از اشیاء قیمتی که می‌گرفتند به غنیمت می‌بردند. ولی هیچ وقت حتی برای مدت زمان کوتاهی زیر بامی منزل نمی‌کردند و تمام زندگی آنان روی اسب می‌گذشت. ایامی که از چپاول فارغ بودند به بافتن قالی‌های خوب درکنار سیاه چادرهایشان مشغول می‌شدند و زرگرهای ماهر در میان آنها وجود داشتند که با فلزهای مختلف و به ویژه با طلا زیورهای جالبی برای تزئین زنها، اسبها و داخل سیاه چادرهایشان به وجود می‌آورند.

مسکن آنها از شرقی‌ترین نواحی سیبری تا یونان و در نواحی شمال دریای سیاه و کوبان و قفقاز بوده و مدام در این محور شرقی ـ غربی در حرکت بودند.

مطلب مهم برای سکایی‌ها این بوده که نقش‌های برجسته یا کنده شده‌ای که در روی قالی‌ها و گلیم‌ها و نمدهایشان به وجود می‌آوردند، از صورت طبیعی و عادی خود خارج شود و به شکل تخیلی و افسانه‌ای در آید.

اصول هنر سکایی در دورانهای مختلف در کشور ما بر هنر حکمفرما بوده و در قالیها و بافتنیهای دیگر و نقوش کاخها و جعبه‌ها به کار برده شده است و در حال حاضر نیز هنر جدید روی همین پایه و اساس تغییر شکل دادن موجودات طبیعی برقرار است.

سیستانی‌های واقعی اصیل‌ترین افراد ایرانی از نژاد آریایی‌اند و در حقیقت نمونه‌های آریایی باستانی که در ایران یافت می‌شوند سیستانی‌ها و جمشیدی‌های هرات می‌باشند. زبان و قیافه و خصوصیات کلی اخلاقی ایرانیان دوره هخامنشی در این حدود خارجی امپراطوری ایران بیشتر از سایر نقاط آن محفوظ مانده است.

اینان از صنعت و هنر کهنی برخوردارند به طوری که کشف شهر سوخته از زیر پوسته نمکی به ضخامت ۲۰ سانتیمتر در سال ۱۹۶۷ میلادی پرده از سیمای مساکن پنج هزار سال قبل مردم سیستان برداشت و معلوم گردید که مردم سیستان در پنج هزار سال قبل موفق به ایجاد شهری در هفتاد هکتار زمین شده بودند. عده‌ای از مردم شهر سوخته را صنعت کوزه‌گری، حصیربافی، تراش سنگهای قیمتی چون لاجورد و فیروزه و عقیق و مهره‌سازی به خود مشغول می‌ساخته است.

هنری مک ماهون، سیستان را منطقه‌ای راهبردی و مهم دانسته و مردم آن را خالص‌ترین نمونهٔ نژاد آریا معرفی، کرده است.

در میان سکنهٔ فعلی سیستان، می‌توان خالص‌ترین نمونه‌های نژاد قدیمی آریا را پیدا کرد. اگر مطالعات دقیق و کاملی از تمام مسایل

ایالت سیستان به عمل آید، درسی بسیار مفید برای ما خواهد بود و امکان دارد به وسیلهٔ آن، به فهم تاریخ اولیهٔ نژاد آریایی و به موضوعات بس مهم‌تری پی برد.

وجود کتابخانه در ایران باستان در سیستان، بیانگر جایگاه راهبردی و فرهنگ شکوفای مردم این سامان است.

نخستین عمل زایمان غیرطبیعی در ایران و جهان در سیستان انجام شده است. دیرین‌ترین استانی که در ادبیات ایرانیان دربارهٔ جراحی آمده، عمل رستم زاد / رستمینه / شکاف رستمی / سزارین است، که برای به دنیا آوردن رستم، بر روی رودابه، همسر زال، قهرمان ملّی ایران انجام شده است.

نخستین عمل جراحی مغز در آسیا، در سیستان انجام شده است. بیش از ۵ هزار سال پیش، در شهر سوخته جمجمهٔ دختر ۱۴ ساله‌ای شکافته شده و جراحی مغز بر روی او صورت گرفته، که بیش از ۶ ماه زنده مانده است.

گفتنی است، که در ۵ هزار و ۷۰۰ سال پیش، پیشرفته‌ترین سیستم لوله کشی آب و فاضلاب در شهر سوختهٔ سیستان وجود داشته است.

بیش‌تر تاریخ‌نگاران، فناوری پیدایش آسیاهای بادی را برای نخستین‌بار توسط ایرانیان و از بخش خاوری ایران، یعنی سیستان دانسته‌اند، که از این منطقه به اروپا و دیگر نقاط دنیا فرستاده شده است. هلندی‌ها بر این باورند، که آسیا بادی از سیستان به هلند رفته است.

بیش‌تر پژوهشگران، زمان پیدایش آسیای بادی در سیستان را ۱۷۰۰ پیش از میلاد، تخمین زده‌اند و برخی دیگر، زمان پیدایی آن را به سال ۲۰۰ پ.م، نسبت داده‌اند. از کتاب سیستان ـ ایرج افشار سیستانی

## جغرافیای تاریخی زرنگ

شهر زرنگ - مرکز حکومتی سیستان که به روزگار صفاریان پایتخت ایران نیز بود- یکی از معتبرترین و معروفترین شهرهای تاریخی ایران است که هم متون قبل از اسلام و هم نوشته‌های برجای مانده از مورخین و جغرافیانگاران سده‌های مختلف اسلامی به اعتبار، امکانات، توانمندی‌ها، قابلیت‌ها، موقعیت جغرافیایی، بافت معماری، فضاهای متعدد شهری و منحنی قدرت آن در طول تاریخ اشارات فراوانی داشته است.

متأسفانه تا به امروز هیچ فعالیت علمی و عملی باستان‌شناسی برای شناساییِ محل واقعیِ زرنگ از روی خرابه‌ها و محوطه‌های باستان‌شناسی سیستان نشده است.

## مختصری از تاریخ و فرهنگ

سیستان از منظر تاریخی، طبیعی و انسانی در زمره مناطق نادر و بکری است که میلیاردها ماده فرهنگی (تاریخی ناشناخته، سابقه مدنی و اسطوره‌ای و چندین پدیده طبیعی منحصر به فرد و استثنایی دارد و مردمانش با وجود همه هجوم‌های فرهنگی، هنوز به آداب و سنن پیشینیان و همچنین ولایت علی (ع) و ائمه اطهار پای‌بند بوده و چون میراثی گرانبها بدان‌ها ارج می‌نهند.

هنوز هم سیستان مشارکتهای مردمی ابزار مهمی برای تسلط بر جبر جغرافیایی است. مشاهده جمعیت چند هزارنفری کشاورزانی که برای لایروبی و اصلاح شبکه‌های آبرسانی (حشر) با نظم و ترتیب خاصی درکنار هم فعالیت دارند، منظره‌ای بی‌بدیل و اثر تاریخی زنده است که با معرفی، شناساندن و حتی نمایش آن می‌توان خاطره‌ای ماندگار و دائمی را در ذهن هر مسافر و

توریست باقی گذاشت.

سیستان به خاطر داشتن توپوگرافی پست، خاکهای حاصلخیز و آب آشامیدنی صاف، در بین تمام قسمت‌های شرق ایران مستثنی است.

این حوضه ایران در محدوده جغرافیایی بین ۶۰ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۵ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۵ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی واقع گردیده است.

سیستان در مجموعه ملی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این سرزمین خاستگاه تمدنهای پیشرفته بشری و جایگاه نخستین اجتماعات شهرنشین تاریخ بوده است. برکناره دلتای هیرمند، آثار سربرآورده از انبوه شنهای روان شهر سوخته خبر از رونق شهرنشینی و آوازه و شکوه سیستان در روزگار کهن دارد.

اماکن باستانی موجود در سیستان از اهمیت خاصی در تاریخ فرهنگ و تمدن ایران برخوردارند. تا آنجا که ریچارد فرای مورخ مشهور، سیستان را به بهشت باستانشناسان تشبیه نموده است.

سرکار خانم دکتر خطیبی (تنها و نخستین متخصص نگارگری ایران)، پس از بازدید از شهر سوخته و مشاهده نقاشی آبرنگ و... می‌گوید: این شهر را نباید شهر سوخته نامید بلکه باید به آن لقب شهر گلهای سوخته داد. هنری ساوج عضو انجمن سلطنتی جغرافیا و علوم باستان‌شناسی و نژادشناسی پاریس پس از بازدید از اماکن تاریخی سیستان و آثار باستانی شهر زاهدان (کهنه)، این شهر را از لندن شرق یا لندن آسیا می‌نامد.

سرزمین سیستان در طول حیات خود با مناطق آسیای مرکزی، خراسان و کشورهای هند و چین در یک تراز قرار داشته و در مقاطعی از تاریخ خود از رشد و شکوفایی کم‌نظیری برخوردار بوده است.

نام سیستان و زابلستان به عنوان زادگاه و محل رشد و پرورش پهلوانان و شاهان ایرانی در تاریخ اساطیری کشورمان جایگاه خاص دارد. این سرزمین هم چنین به عنوان پل ارتباطی آسیای غربی با مناطق هند و چین عمل نموده و خط مسیر کاروانهای تجاری و لشکرکشی‌های بعضی از سرداران بزرگ تاریخ نیز بوده است.

**روستاها و بخش‌های دیدنی استان**

**قلعه‌ی تاریخی ایرانشهر:** این قلعه در واقع محل حکمرانی بلوچستان بوده است که در زمان ناصرالدین شاه و به وسیله فیروز میرزا، فرمانروای بلوچستان در سال ۱۲۶۴ هجری قمری از آجر بنا شده است.

**قلعه‌ی بمپور:** این قلعه واقع در پانصد متری بمپور برفراز تپه‌ای در ارتفاع ۴۷۰ متر ساخته شده و از نظر ساخت و نقشه مانند قلعه‌ی بم است. بنا مربوط به دوره‌ی قاجاریه است.

**آثار شهر سوخته:** آثار شهر سوخته در فاصله‌ی ۶۰ کیلومتری جنوب زابل، کنار جاده‌ی زابل و در فاصله‌ی ۶ کیلومتری قلعه‌ی رستم واقع شده و مشتمل بر تپه‌هایی است که بیش از ۵۰ متر ارتفاع دارند و وسعت آن دو کیلومتر و نیم می‌باشد. این مکان بی تردید در روزگارانی دور یکی از مهم‌ترین مراکز شهر نشینی آسیا در عصر مفرغ بوده است. باستان شناسان قدمت این تمدن را به ۳۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد تخمین می‌زنند. در طول کاوش‌های علمی، بنای مستطیل شکلی با اطاق‌های چهارگوش، راهرو و پلکان هائی نمایان گردید که به وسعت تقریبی پانصد متر

مربع است. دیوارهای ضخیمی از خشت به بلندی ۳ متر در انتهای این کاخ باستانی، که نشانگر وقوع آتش سوزی پر دامنه و مهیبی است، به جای مانده است. از جمله این نشانه‌ها تیرهای سوخته و اسکلت انسانی است که دسته هاون در دست راست دارد. چنین می‌نماید که این بناها به سال‌های اول هزاره‌ی دوم پیش از میلاد تعلق به این سامان دارد و از اهمیت باستان شناختی برخوردار است. از جمله اشیائی که ضمن کاوش تعلق دارد و از اهمیت باستان شناختی ممتازی برخوردار است. از جمله اشیائی که ضمن کاوش در تپه‌های شهر سوخته‌ی هخامنشی به دست آمده، پیکر مفرغی زنی است که کوزه‌ای بر سر دارد و متعلق به نیمه‌ی دوم هزاره‌ی سوم پیش از میلاد است. ظرف‌های سفالی گوناگون به رنگ‌های متفاوت که اکثراً نخودی، برخی منقوش و اغلب بی نقش است، قدمت شهر سوخته را نشان می‌دهد، کاوش‌های مقدماتی که در این شهر و پیرامون بمپور و بردسیر به عمل آمده است نشان می‌دهد که مردمان این سرزمین‌ها در هزاره‌ی چهارم، سوم و دوم پیش از میلاد، تمدن درخشان و همانند تمدن و هندو بین النهرین داشته‌اند.

**دهانه غلامان: (شهر هخامنشی):** این تپه‌ی تاریخی و باستانی در فاصله‌ی ۴۲ کیلومتری شهر زابل و ۴ کیلومتری قلعه نو واقع شده است. دهانه‌ی غلامان تپه‌ای به ارتفاع ۲۸ متر است که در نزدیکی کوه خواجه و شهر سوخته و قلعه‌ی سام قرار دارد. پس از خاک‌برداری از این تپه، آثار ساختمانی عظیم، بناهایی مفصل و باشکوه و در مجموع شهر نسبتاً وسیعی نمایان شد. چون در سیستان سنگ نایاب است و خاک سراسر این سرزمین را فراگرفته است که وقتی گل شود، مانند آجر سفت و سخت می‌شود.

در قسمت شمال غربی دامنه تپه‌ی غلامان آثار یک معبد مربوط به دوران هخامنشی به ابعاد ۵۴×۵۴ متر کشف و خاک برداری شده است. تعداد زیادی آثار سفالی و سنگ‌های آسیابی دستی و اشیاء کوچک چوبی و استخوان‌های گراز و چند اثر مهر بر روی گل و آثار ساختمانی نیز پیدا شده است.

**آسیاهای بادی:** اغلب مورخان و سیاحانی که در طول قرون متمادی به ایران سفر کرده‌اند، مبنای آن را به قبل از فتح ایران بدست مسلمانان ذکر می‌کنند و حتی پا فراتر نهاده و تکوین آنها را به هزار و هفتصد سال قبل از میلاد مسیح تخمین می‌زنند.

همچنین اغلب محققان و مورخان در این که سیستان زادگاه آسیای بادی است، هم نظرند.

براساس نوشته‌های قزوینی و ابن‌حوقل، مردم منطقه از نیروهای باد، برای جابه‌جا نمودن شن‌های روان و دفع زباله نیز استفاده می‌کردند.

آسیاهای موجود منطقه حوض‌دار، به عدد شش می‌رسد. آسیاها در دو طبقه و در پنج بخش اصلی ساخته می‌شوند، طبقه اول محل استقرار پره‌ها و بادگیر آسیا است و طبقه هم کف محل استقرار سنگ‌ها و جایگاه گندم و آرد می‌باشد.

**قلعه مچی:** قلعه مچی در ناحیه حوض‌دار در شصت کیلومتری جنوب غربی شهرستان زابل، حد فاصل شهر سوخته و تاسوکی و در سمت راست جاده زابل به زاهدان قرار گرفته است. این قلعه مقر و کاخ فرمانروایی خاندان رئیسی، فرمانروایان جنوبی سیستان بوده از بناهای دو ایوانی تمدن جنوب سیستان می‌باشد که با خشت و گِل ساخته شده است. ارتفاع تیزه قوس ایوان شمالی از زمین ده متر است و دهانه آن ۷/۵ متر پهنا دارد.

**آتشکده کرکوی:** این آتشکده در ناحیه کرکوی سیستان (بخش میانکنگی) واقع شده و بقایایی از آن مشهود است ویژگیهای معماری، شکل بنا و کارکرد آن، نشانه این است که این آتشکده به دوره ساسانیان تعلق دارد.

**میل قاسم‌آباد:** این مناره را از آن جهت میل قاسم‌آباد نام نهادند که روستای قاسم‌آباد، نزدیکترین قریه به این یادگار تاریخی است. تعیین ارتفاع این بنا به دلیل شکسته شدن قسمت فوقانی ممکن نیست.

**قلعه اشکانی:** این قلعه در ۶۸ کیلومتری جنوب زابل و غرب قلعه رستم واقع گردیده و مربوط به دوره اشکانی ـ ساسانی قبل از تاریخ و شهر سوخته می‌باشد. این از آثار توامان منطقه است یعنی بر روی یک اثر شهر سوخته، در دوره اشکانی یک دژ نظامی ساخته شده است. در طبقه پایین آثار سفال شهر سوخته دوره دوم هم اینک به وفور دیده می‌شود و بخش دوم از نوع بناهای دیگر اشکانی و ساسانی در منطقه و با سفالهای شیاردار مخصوص این دوره است.

**قلعه کندر:** این قلعه در ۷۰ کیلومتری جنوب زابل و مربوط به دوره اشکانی ـ ساسانی می‌باشد. این اثر دارای کاربری زیستی و دفاعی بوده و به صورت نعل اسبی ساخته شده و محوطه وسیعی را اشغال نموده است. مدخل ورودی آن نیز توسط یک برج دفاعی نگهداری و حفاظت شده است.

**شهر زاهدان کهنه (لندن شرق):** این شهر در ۲۷ کیلومتری شرق زابل، در بخش پشت آب واقع شده است. زاهدان حدود چهارصد و بیست سال قبل از آنکه توسط تیمور خراب شود موجود بوده است. بسیاری از بناهای شهر زاهدان را با مصالح آجر ساخته بودند به طوری که آجرهایی با ابعاد ۵×۱۴×۲۷ و ۵×۲۷×۲۷ سانتی‌متر به وفور در بخش جنوبی شهر پراکنده می‌باشد. هنری ساوج لندور (جغرافی‌دان و باستان‌شناس معروف انگلیسی) در سال ۱۹۰۱ میلادی به سیستان آمده و به شهر زاهدان لقب لندن شرق (آسیا) داده است.

**قلعه رستم:** این قلعه در ۶۵ کیلومتری جنوب شهر زابل بر سر راه زابل به زاهدان واقع گردیده و مربوط به دوره صفوی ـ افشاری می‌باشد.

این قلعه از بزرگترین آثار موجود در جنوب سیستان با مساحت ۱۲ هزارمتر مربع زیربنا بوده که دارای کاربری زیستی، دفاعی و سیاسی بوده است.

این مکان و جنوب سیستان محل استقرار یکی از خاندان‌های قدیمی سیستان بنام رئیسی‌هاست که بعدها به سبب تحرکات سیاسی به جنوب و داخل ایران کوچ می‌کنند.

به غیر از جاذبه‌های تاریخی که ذکر گردید، آثار تاریخی دیگری نیز در سیستان وجود دارد که هنوز به طور کامل شناسایی نشده‌اند و می‌توانند به عنوان جاذبه‌ای بسیار قوی برای دانشمندان و محققانی مطرح گردند که آرزوی گمانه زدن و کشف حقایق گذشتگان را دارند این آثار عبارتند از:

قلعه حوض‌دار که در ۸۰ کیلومتری جنوب زابل واقع و مربوط به دوره صفویه ـ افشار است.

قلعه رم رود که در ۸۵ کیلومتری جنوب زابل و روبروی تاسوکی واقع و مربوط به دوره صفوی است.

تپه‌های باستانی و مطالعه نشده مانند لشکران، تپه‌های لکری، تپه‌های تاسوکی و...

تپه روباه کوچک، تپه روباه بزرگ، تپه گرادزیانی،

تپه چاه طرق، تپه کفتارک، تپه گردویی و ده‌ها تپه دیگر که تاکنون کار مطالعاتی خاصی جز شناسایی اولیه بر رویشان انجام نشده و این منطقه را به منزله آزمایشگاه بزرگ باستان‌شناسی مبدل نموده است.

**تیس:** بخش تیس از توابع شهرستان چابهار است که در منطقه‌ی کوهپایه‌ای در فاصله‌ی ۱۰ کیلومتری شمال غرب چابهار واقع شده است. رودخانه‌ی «لاوری» از میان روستا می‌گذرد و «خلیج چابهار» در غرب آن قرار گرفته است. ارتفاعات متعددی نظیر کوه‌های شهباز، پیلبند و لاوری، تیس را احاطه کرده است. تیس دارای آب و هوائی گرم و مرطوب است. تیس از مراکز عمده‌ی سوزن دوزی است که به طرز زیبا و تحسین برانگیزی توسط زنان روستا تولید می‌گردد. تیس قلعه‌ای به نام «قلعه‌ی پرتغالی‌ها» دارد که به لحاظ قدمت و نوع معماری جالب توجه است و از جاذبه‌های جهانگردی این ناحیه می‌باشد.

باغ کشاورزی تیس محل پرورش گیاهان مناطق گرمسیری است و از نقاط بسیار دیدنی این ناحیه است.

**چشمه گلفشان پیرگل:** این پدیده در سال ۱۳۸۱ به عنوان اثر طبیعی ملی شناخته شد. این اثر با مساحت ۱۲ هکتار و ارتفاع متوسط ۱۶۰۰ متر از سطح دریا، در ۸۰ کیلومتری جنوب غربی شهرستان خاش در استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. دما و بارندگی متوسط سالانه منطقه به ترتیب ۲۰ درجه سانتیگراد و ۱۲۷ میلیمتر است. چشمه گلفشان پیرگل از دهانه‌های مخروطی شکل تشکیل شده و یک پدیده کمیاب ژئومورفولوژیکی به شمار می‌آید. بر اساس فشار گاز و آب ماگمایی که از اعماق زمین به بالا صعود می‌کند، گل سردی به خارج می‌ریزد. فوران گل با تشکیل حباب هایی به شکل‌های مختلف و همراه با سر و صداست. با انباشته شدن تدریجی این گل‌ها، عارضه‌های گنبدی و مخروطی شکلی به رنگ خاکستری به وجود آمده است. فعالیت چشمه گل افشان در فصل‌های مختلف سال متغیر است و گاهی نیز قطع می‌شود. این پدیده نشانه بارزی از فعالیت تکتونیکی جوان و وجود گازهای آتشفشانی و ماگمایی در منطقه است. (۵)

**روستای قلعه جانی (کوشان قدیم):** این روستا از توابع سیب و سوران بوده و در منطقه‌ای هموار واقع شده است. رودخانه‌ی ماشکیل از شمال آبادی می‌گذرد و آب وهای آن گرم و خشک است. این روستا از مناطق مهم تولید و بافت حصیر در محدوده شهرستان سراوان است. وجود یک قلعه‌ی قدیمی از مهم‌ترین جاذبه‌های باستانی کوشان قدیم است. زیارتگاه «شاه آهو» از مهم‌ترین اماکن زیارتی منطقه در این روستا واقع شده که جاذبه‌های گردشگری و جهانگردی آن را دو چندان ساخته است.

**آتشکده‌ی کوه خواجه:** یکی از نقاط دیدنی و ارزشمند تاریخی استان، کوه خواجه است که در منطقه‌ی سیستان واقع شده است. این کوه به ارتفاع تقریبی ۹۰۰ متر مانند جزیره‌ای در وسط دریاچه‌ی هامون قرار گرفته است. بالای این کوه آثار آتشکده و کاخ عظیمی نمایان است که عمارات مختلف آن مشرف بر حیاط وسیعی است.

تاریخ ساختمان آن را حدود قرن اول میلادی می‌دانند و ویرانه‌های اطراف آن را هم به دوران اشکانی و ساسانی نسبت می‌دهند. در قسمت جنوب کوه خواجه پرستشگاهی وجود دارد که به

«کرچک چل گنجه» معروف است و از گل بنا شده است. این بنا جایگاه پرستش ناهید (آناهیتا) و از نوع قلعه‌های دختر است که پرستشگاه ناهید محسوب می‌شدند.
از آثار بعد از اسلام این مجموعه آرامگاه خواجه مهدی ابن محمد خلیفه، زیارتگاه «خواجه غلطان» و زیارتگاه «پیر گندم بریان» در این تپه است و قبرستانی نیز در آن واقع است.
سایر آثاری که در این کوه بدست آمده بیشتر مربوط به قوم «سکا» است که در حدود قرن دوم میلادی به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند. در هر حال، کوه خواجه و مجموعه آثار باستانی دوره‌های مختلفی که در دامنه‌ی آن وجود دارند. همراه با چشم انداز زیبای هامون و ویژگی‌های مردم‌شناسی ساکنان پیرامون آن، یکی از جاذبه‌های ممتاز جهانگردی استان سیستان و بلوچستان به شمار می‌آید.

**پارک‌ها و مناطق حفاظت شده**

مساحت پارک‌های سیستان کل استان ۱۰۰۹۶۲۴ هکتار، عرصه‌های جنگلی جمع ۱۰۰۰۰۰۰ هکتار، پارک‌های جنگلی طبیعی ۵۰ هکتار، فضاهای سبز ۹۳۲۴ هکتار، ذخیره‌گاههای جنگلی ۸۰۰ هکتار.
**الف: مناطق حفاظت شده:** ۱ - منطقه‌ی حفاظت شده‌ی هامون ۲ - منطقه‌ی حفاظت شده‌ی گاندو
**ب: مناطق حفاظت شده‌ی جنگلی:** ۱ - منطقه‌ی حفاظت شده‌ی جنگلی بیرک ۲ - منطقه‌ی حفاظت شده‌ی جنگلی پوزک ۳ - منطقه‌ی حفاظت شده‌ی جنگلی شیله
**ج: مناطق شکار ممنوع:** ۱ - منطقه‌ی شکار ممنوع بزمن ۲ - منطقه‌ی شکار ممنوع بلبل آب (نصرت‌آباد) ۳ - منطقه‌ی شکار ممنوع سفیدآب
**منطقه‌ی حفاظت شده‌ی هامون:** منطقه‌ی حفاظت شده‌ی هامون در ضلع شمالی دشت سیستان در محدوده‌ی ۳۱ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۳۱ دقیقه عرض شمالی و ۶۰ درجه و ۳۹ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی قرارگرفته است این منطقه شامل بخشی از تالاب هامون و دشت‌های همجوار دریاچه می‌باشد. مساحت این منطقه ۱۹۴۰۰۰ هکتار می‌باشد.
**فلور گیاهی:** منطقه‌ی حفاظت شده‌ی هامون از نظر فلور گیاهی جز، فلور ایرانوتورانی محسوب شده و دارای دو نوع رویش گیاهی خشک‌زی و آب‌زی می‌باشد رویش‌های خشک‌زی منطقه عبارتند از گز، تاغ، پده، بیدکه از گونه‌های درختچه‌ای به شمار می‌روند. پوشش علفی خشک‌زی شامل خانواده‌های میخک، علف هفت بند، اسفناجیان، لگومینوز و گرامینه می‌باشد. رویش‌های آبزی منطقه شامل، نی، لونی، جگن و اویار سلام می‌باشد.
**فون جانوری:** در منطقه‌ی حفاظت شده‌ی هامون حیواناتی مانند آهو، گراز، گرگ، شغال، روباه، خرگوش، نمس کوچک، گربه‌ی جنگلی و سمور آبی مشاهده می‌شوند. از سوی دیگر پراکنش پرندگان در منطقه حائز اهمیت اکولوژیکی می‌باشد. پرندگان شامل کشیم‌ها، پلیکان‌ها، باکلان‌ها، حواصیل، اکراس‌ها، فلامینگو، غازها، قوها، اردک‌های روآبچر، اردک‌های غواص، انواع پرندگان شکاری، درناها، هوبره، چنگرها، طاووسک و سبزقبا می‌باشند. مهم‌ترین پرنده‌ی بومی منطقه دراج است که پرنده‌ی حمایت شده نیز محسوب می‌گردد.
این منطقه - منطقه‌ی حفاظت شده‌ی هامون - در

سال ۱۳۴۸ به عنوان منطقه‌ی حفاظت شده تعیین گردید. تالاب هامون نیز به عنوان هفتمین تالاب بین‌المللی ثبت شده در کنواسیون رامسر است. متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل خشکسالی شدید و بی سابقه، این پهنه‌ی عظیم آبی به بیابانی خشک تبدیل شده است.

**منطقه‌ی حفاظت شده‌ی گاندو: موقعیت و وسعت:** منطقه‌ی حفاظت شده‌ی گاندو در ۲۵ درجه و ۲۵ درجه و ۴ دقیقه تا ۲۶ درجه و ۱۷ دقیقه‌ی عرض شمالی و ۶۱ درجه و ۱۲ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی قرار دارد. مساحت این منطقه ۳۸۳ هزار هکتار است. آن محدوده که بیش‌تر مسیر رودخانه‌ی سرباز و باهوکلات و امتداد آن تا دریای عمان می‌باشد. این منطقه زیستگاه عمده‌ی تمساح پوزه کوتاه ایرانی است و از سال ۱۳۴۹ جهت حمایت از گونه‌های خزنده تمساح به عنوان منطقه‌ی حفاظت شده اعلام شده است.

**فلور گیاهی:** یکی از مهم‌ترین گونه‌های گیاهی منطقه‌ی حفاظت شده‌ی گاندو درختان حرا است که جزء گونه‌های حمایت شده‌ی جنگلی و از ذخائر ژنتیکی محسوب می‌شود.

**فون جانوری:** گونه‌های جانوری که در منطقه‌ی حفاظت شده‌ی گاندو پراکنده‌اند شامل شغال روباه، کفتار، قوچ و میش، نمس هندی، سنجاب بلوچی و انواع آبزیان رودخانه‌ای، پرندگان مهاجر آبزی و کنار آبزی و بالاخره گونه‌ی مهم و حمایت شده‌ی تمساح با نام محلی گاندو می‌باشد. همچنین منطقه از نظر وجود پرندگان مهاجر آبزی و کنار آبزی دارای اهمیت فراوان می‌باشد.

**باهوکلات (گاندو):** این منطقه که با مساحت ۴۶۵۱۸۱ هکتار در سال ۱۳۴۹ با نام باهوکلات حفاظت شده اعلام شده بود، در سال ۱۳۶۱ به گاندو تغییر نام یافت. گاندو که در استان سیستان و بلوچستان واقع است زیستگاه منحصر به فرد تمساح پوزه کوتاه ایرانی، با نام محلی گاندو محسوب می‌شود. یکی از تالاب‌های کم نظیر جهان که در کنوانسیون رامسر نیز به ثبت رسیده، در جنوب منطقه وجود دارد. در بیش از ۴۰۰ هکتار از اراضی ساحلی خلیج گواتر واقع در این منطقه، یکی از جنگل‌های دست نخورده مانگروی ایران گسترده شده است. منطقه‌ای است هموار، با دامنه ارتفاعی صفر تا ۹۰۰ متر. نواحی مرتفع با وسعتی اندک در شمال این منطقه قرار گرفته‌اند. رودخانه‌های سرباز و باهوکلات در منطقه گاندو جریان دارند. متوسط دما و بارندگی سالانه ۲۷ درجه سانتیگراد و ۱۳۷ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم فراخشک گرم کرده است. گونه‌های مهم گیاهی منطقه عبارتند از: حرا، چغندر، مکران شنی، مرو، بنفشه معطر و مریم گلی بیابانی. درختان میوه گرمسیری مانند موز و انبه نیز به صورت دست کاشت در منطقه وجود دارند. از جمله گونه‌های جانوری مهم منطقه می‌توان به خرس سیاه، کاراکال، جبیر، روباه شنی، سنجاب بلوچی، پلیکان پاخاکستری، عقاب شاهی، هوبره، شاهین، فلامینگو، انواع کاکایی‌ها، سلیم‌ها، زرده پره‌ها و لاک پشت‌های سبز و منقار عقابی اشاره کرد. ۱۳۱ آبادی در این منطقه وسیع مستقرند. وجود دیواره‌های بلند و زیبا در سواحل دریای عمان، جنگل‌های زیبای حرا، تمساح پوزه کوتاه، آب و هوای مطبوع در زمستان، معماری خاص منطقه و راه‌های دسترسی مناسب، برای پژوهش و گردشگری فراهم کرده است. (۵)

**ارس سیستان:** این منطقه با وسعت ۱۱۲۷۱۴

هکتار که در شمال استان خراسان رضوی قرار دارد، در سال ۱۳۷۸ حفاظت شده اعلام شد. دامنه ارتفاعی ۹۰۰ تا ۳۳۳۰ متر، دمای متوسط سالانه ۵ تا ۱۱/۵ درجه سانتیگراد و بارندگی متوسط سالانه ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم‌های نیمه خشک معتدل تا نیمه مرطوب گرم نموده است. منطقه‌ای است کوهستانی با رودها و چشمه سارهای فراوان و پوشش گیاهی خوب. ارس سیستان بخشی از ناحیه زمین‌شناسی کپه داغ با لایه‌های رسوبی دریایی عمیق محسوب می‌شود. این منطقه به دلیل داشتن جنگل‌های انبوه و شاداب ارس و ضرورت حفاظت از آن از اهمیت خاصی برخوردار است. از دیگر گونه‌های گیاهی منطقه می‌توان به زرشک، انجیر وحشی، زالزالک، بادام، گز، پسته وحشی، کلاه میرحسن، درمنه، گون، شبدر، چوبک، باریجه، آویشن، چای کوهی، سریش و بسیاری از گونه‌های باارزش دارویی اشاره نمود. گونه‌های مهم جانوری منطقه عبارتند از: قوچ و میش، بز و پازن، گراز، پلنگ، گرگ، روباه معمولی، گربه جنگلی، گربه پالاس، تشی، کبک، تیهو، دلیجه، کبک دری، سهره، چکاوک شاخدار، کورکور، لی، مرغ حق، عقاب طلایی و دشتی، پیغو، بالابان، شاهین و انواع کوکرها. رشته کوه زیبای هزارمسجد، دره‌های عمیق، چشمه‌های متعدد، حیات وحش غنی، جنگل‌های زیبای ارس، چشم اندازهای بدیع و راه‌های دسترسی مناسب دارد. (۵)

**منطقه‌ی شکار ممنوع بزمان:**

**شمالاً:** از گدار حده و حادوک در امتداد علائم سازمان به طرف شرق تا چاه کهیر و به موازات جاده مالرو از چاه کهیر به طرف شرق تاگنسات گواتر و شیره

**جنوباً:** از شرق به غرب از شمال اراضی زراعی بزمان (دامنه‌ی ارتفاعات جنوبی بزمان) در امتداد علائم سازمان حفاظت محیط زیست به شمال اراضی قریه‌ی سحرگاه، شمال اراضی قریه‌المهدی و اسبی در شمال اراضی گلستان تا شمال اراضی تنگ و ناج؟

**شرقاً:** از شیده به طرف جنوب به موازی جاده‌ی مالرو تا سم چاران و امتداد آن تا نیساره و در امتداد علائم سازمان تا جاده‌ی بزمان و بوک و از محل تلاقی جاده‌ی بزمان و بوک به طرف جنوب به موازات جاده‌ی شوسه تا بزمان

**غرباً:** از شملا اراضی تنگ و ناج به موازات جاده‌ی شوسه تا نفت آب به موازات جاده مالرو و امتداد علائم سازمان تا درآهو و از درآهو به طرف شمال در امتداد علائم سازمان تا گداره‌ی حره و جادوک وسعت این منطقه (منطقه‌ی شکار ممنوع بزمان ۳۰۰ هزار هکتار می‌باشد)

**فلور گیاهی:** تیپ غالب گیاهی این منطقه گون، بادام کوهی، خرزهره و قیچ می‌باشد و گونه‌های علفی نیز به‌وفور در فصل بهار یافت می‌شود.

**فون جانوری:** منطقه‌ی شکار ممنوع بزمان دارای حیات وحش غنی است از گونه‌های حیات وحش این منطقه می‌توان به کل و بز، قوچ و میش و پلنگ، روباه و پرندگان منطقه شامل کبک، هوبره، تیهو، باقرقره، بحری، لاشخور اشاره کرد. اهمیت حفاظتی این منطقه حضور پرنده‌ی مهاجر هوبره می‌باشد که یک پرنده‌ی حمایت شده و از ذخایر ژنتیکی محسوب می‌گردد. علاوه بر این وجود پلنگ نیز در این منطقه گزارش شده است که بررسی‌های انجام شده صحت این ادعا را ثابت نموده است. این منطقه از سال ۱۳۷۹ مجدداً تا

سه سال به عنوان منطقه‌ی شکار ممنوع اعلام گردیده است. اداره‌ی کل حفاظت محیط زیست استان سیستان و بلوچستان.

**منطقه‌ی شکار ممنوع بلبل‌آب: شمالاً** از گردنه‌ی نصرت آباد به طرف شمال غربی بر روی خط الرأس رشته کوه‌های شوشکی منتهی به رودخانه‌ی فصلی شوشکی و از آن جا در امتداد رودخانه‌ی مذکور تا دره‌ی کوچه که در مرزهای شن‌های روان می‌باشد.

**جنوباً:** از منحنی میزان ۵۰۰ متر به طرف شرق تا برج دیده‌بانی و سپس در امتداد جاده‌ی جیپ رو دره بندان و در امتداد جاده جیپ رو تا چشمه‌ی گوراندی آب

**شرقاً:** از چشمه‌ی گوراندی آب تا خط‌الرأس کوه هول و در امتداد خط الرأس به طرف شمال تا برج مخابرات و سپس از این نقطه به طرف غرب تا گردنه‌ی تنگ‌آباد.

**غرباً:** از مسیر دره کوچه حاشیه‌ی شن‌های روان به طرف جنوب تا منحنی میزان ۵۰۰ متر

**فلورگیاهی:** پوشش گیاهی منطقه شامل خانواده‌ی پروانه آسا، چغنریان، کاسنی، علف هفت بند، گرامینه و گونه‌های درختی مانن بالاسِکوهی، پده، گز، خنجک، انجیر وحشی و قیچ می‌باشد.

**فون جانوری:** این منطقه زیستگاه عمده‌ی گونه‌های حیات وحش همچون قوچ و میش و کل و بز، جبیر، روباه شنی، خرگوش، تشی و خزندگان شامل انواع مارها و پرندگان از جمله کبک و تیهو، باقرقره می‌باشد.

**منطقه‌ی شکار ممنوع سفید آبه:**

**شمالاً:** از شرق به غرب از انتهای منطقه‌ی حفاظت شده‌ی هامون در امتداد جاده‌ی نهبندان به فاصله‌ی ۳۲/۵ کیلومتر از آخرین حد منطقه

**جنوباً:** از شرق به غرب از انتهای منطقه‌ی حفاظت شده‌ی هامون دشت حومندر در امتداد ارتفاع ۴۶۹ در همین امتداد به طرف ارتفاعات آبشار

**شرقاً:** آخرین مصوبه‌ی محدوده‌ی منطقه‌ی حفاظت شده‌ی هامون

**غرباً:** از ارتفاعات آبشار در امتداد خط مستقیم تا سفید آبه کهنه و از سفید آبه کهنه و امتداد آن به‌صورت خط مستقیم تا رودخانه‌ی حسین‌آباد جاده‌ی نهبندان - زابل مساحت این منطقه ۳۰۲۰۰ هکتار می‌باشد.

**فلور گیاهی:** پوشش گیاهی این منطقه مرتعی و بوته‌زار می‌باشد.

**فون جانوری:** از نظر فون جانوری دشت‌های این منطقه زیستگاه جبیر و ارتفاعات سفید آبه دارای کل و بز و قوچ و میش می‌باشد. همچنین در فصل پاییز و زمستان هوبره را نیز در منطقه می‌توان مشاهده کرد. از جوندگان منطقه نیز می‌توان به موش دو پا هامستر، موش بزرگ و نمـ ـن کوچک اشاره نمود.

**مناطق حافظت شده‌ی جنگلی**

**الف: منطقه‌ی حفاظت شده‌ی جنگلی بیرک:** این منطقه بین ۶۱ درجه و ۵۵ دقیقه‌ی عرض شمالی قرارگرفته است. قسمت اعظم این منطقه در بخش زابلی شهرستان سراوان واقع شده است مساحت منطقه‌ی جنگلی مذکور ۷۳۲۱۷ هکتار می‌باشد.

فلور گیاهی منطقه شامل زیتون وحشی بادام کوهی، بنه و ارژن می‌باشد. که مهم‌ترین گونه‌ی شاخص جنگلی مذکور را نیز (زیتون وحشی) تشکیل داده است. از نظر فون جانوری نیز منطقه دارای سمور سنگی، خرس سیاه، پلنگ، قوچ و

میش و کل و بز می‌باشد.

**ب: منطقه‌ی حفاظت شده‌ی جنگلی شیله:** این منطقه در ۶۱ درجه تا ۶۱ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی قرارگرفته است این منطقه با ۶۳۶۵ هکتار مساحت در شهرستان زابل قرار گرفته است.

تیپ غالب گیاهی منطقه گز و آتریپلکس می‌باشد. همچنین این منطقه زیستگاه دراج می‌باشد. این منطقه در سال ۱۳۷۸ از طریق شورای عالی محیط زیست به عنوان منطقه‌ی حفاظت شده‌ی جنگلی تصویب شده است.

**ج: منطقه‌ی حفاظت شده‌ی جنگلی پوزک:** این منطقه در ارتفاعات پوزک در بخش مرکزی شهرستان نیکشهر قرار دارد. مساحت این منطقه ۶۳۶۵ هکتار می‌باشد. تیپ غالب گیاهی منطقه راد از (نخل) و کهور شامل می‌شود.

این جنگل‌ها یکی از زیستگاه‌های مهم خرس سیاه می‌باشند که از بخش‌های مختلف گیاه خصوصاً میوه داز تغذیه می‌کنند. این منطقه نیز در سال ۱۳۷۸ از طریق شورای عالی حفاظت محیط زیست به‌عنوان منطقه‌ی حفاظت شده‌ی جنگلی تصویب و اعلام گردیده است.

## زمین‌شناسی و معادن:

منطقه‌ی ساحلی خلیج چابهار در جنوب خاوری کشور و استان سیستان و بلوچستان، بین عرض‌های ۱۵ و °۲۵ ـ ۳۰ و °۲۵ و طول‌های جغرافیایی ۲۱ و °۶۱ ـ ۴۲ و °۲۵ واقع است. این منطقه بخشی از مکران ساحلی به شمار می‌آید که در کواترنر پسین شاهد تغییرات تراز دریا بوده است. حاصل این نوسانات، پیدایش توالی‌های رسوبی ساحلی و برجای ماندن چندین خط ساحلی قدیمی است. در این تحقیق، با استفاده از GIS و پیمایش‌های میدانی، ۲۱ خط ساحلی قدیمی شناسایی شده است که قدیمی‌ترین آن‌ها در ارتفاع ۱۵ متری از تراز دریا قرار دارد. این خطوط ساحلی به صورت تپه‌های عرضی و موازی با ساحل تشکیل شده‌اند و در واقع اجزای سازنده‌ی آخرین توالی رسوبی پسرونده در این منطقه هستند. همچنین، با حفر یک گمانه به عمق ۹ متر در شمال خلیج چابهار، چرخه‌های رسوبی منطقه بررسی شده و در آن‌ها سن لایه‌ها، وضعیت دانه بندی، فسیل‌های همراه و ساخت‌های رسوبی تحلیل شده‌اند. در این تحقیق سن قدیمی‌ترین و جدیدترین رسوبات دریائی واقع در گمانه به روش سن سنجی مطلق کربن ۱۴ به ترتیب ۵۰±۱۷۶۰۰ سال و ۴۰±۴۹۶۰ به دست آمده است. قدیمی‌ترین رسوبات دریایی در این گمانه، قابل تطابق با پیشروی فلندرین پس از آخرین مرحله‌ی یخبندان است. جدیدترین رسوبات دریای آن نیز، در واقع آخرین لایه از توالی رسوبی پیشرونده و سرآغاز تشکیل آخرین توالی رسوبی پسرونده در منطقه و منطبق بر دومین خط ساحلی شناسایی شده (C2) و در فاصله‌ی ۵۳۰۰ متری ساحل فعلی است. درکواترنر پسین، در منطقه‌ی خلیج چابهار، چهار توالی رسوبی پسرونده و چهار توالی رسوبی پیشرونده تشکیل شده است. همچنین با استفاده از نتایج زمان سنجی نمونه‌های فسیلی از خطوط ساحلی قدیمی شماره‌های C21، C7 و C2 و فاصله‌ی آن‌ها از خط ساحلی کنونی، دوره‌ی زمانی تشکیل هر یک از خطوط ساحلی قدیمی ۲۳۰ سال به دست آمده است.

تغییرات تراز دریا و پیدایش توالی‌های رسوبی

ساحلی و برجای ماندن خطوط ساحلی قدیمی، از ویژگی‌های کواترنر پسین دریای عمان است که در طی آن‌ها، چرخه‌های رسوبی پسرونده و پیشرونده در حاشیه‌ی قاره‌ای منطقه مکران ساحلی تشکیل شده‌اند. لذا شناسایی و بررسی توزیع و چگونگی خطوط ساحلی قدیمی و تاریخچه رسوبی منطقه ساحلی خلیج چابهار در کوارترنر پسین هدف این تحقیق بوده است. مجله‌ی علوم زمین

برای مدیریت بهینه‌ی سواحل، اطلاع از موقعیت گذشته، حال و آینده‌ی خط ساحلی و چگونگی تغییرات آن امری ضروری است. در حال حاضر، جدیدترین و اقتصادی‌ترین روش برای این منظور، استفاده از داده‌های ماهواره‌ای است. در این تحقیق با به کارگیری تصاویر ماهواره‌ای و پردازش آن‌ها از یک سو و استفاده از دانش علوم دریایی از سوی دیگر، امکان بهره‌گیری از تصاویر ماهواره‌ای برای تهیه‌ی اطلاعات دریایی در زمینه‌ی تعیین موقعیت خط ساحلی و روند تغییرات آن فراهم شده است. با استفاده از سه تصویر ثبت شده توسط سنجنده‌ی تی ـ ام (**Thematic Mapper**) ماهواره‌ی لندست (**Landsat**) روند تغییرات خط ساحلی در خلیج چابهار در یک دوره‌ی ۱۳ ساله مورد بررسی قرار گرفته و موقعیت آن در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ نیز پیش بینی شده است. برای استخراج موقعیت خط ساحلی ابتدا تصحیحات رادیومتریک و هندسی روی تصاویر انجام گردید. پیش بینی‌ها با استفاده از چند روش موسوم در دنیا انجام شد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که به دلیل فاصله‌ی زمانی نامنظم داده‌ها و تصاویر، روش کمترین مربع‌ها به تنهایی روش مناسبی برای پیش بینی موقعیت خط ساحلی نیست. با استفاده از نتایج حاصل، میزان تغییرات محدوده‌ی موج شکن کنارک و سواحل خاوری خلیج چابهار طی سه دوره، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. افزون بر این، موقعیت خط ساحلی در منطقه‌ی مطالعاتی در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ نیز پیش بینی و بررسی شد.

خطوط ساحلی از مهم‌ترین عوارض زمینی بوده و همواره در حال تغییرات کوتاه مدت و بلند مدت است. این تغییرات ممکن است توسط عوامل طبیعی یا توسط بشر ایجاد شده باشند. حدود ۶۰ درصد از جوامع در مناطق ساحلی زندگی می‌کنند (**Cracknell,1999**). داشتن آگاهی از رفتار خط ساحلی، به مدیریت سواحل، هنگام طراحی و احداث تأسیسات ساحلی و تعیین حاشیه‌ی امن ساحل کمک فراوانی می‌کند. پس از تعیین خط ساحلی در زمان‌ها و دوره‌های مختلف و مقایسه‌های

مربوط و بررسی علل و عوامل تغییرات، پیش بینی و تصمیم‌گیری در مورد موقعیت‌ها و وضعیت‌های بعدی خط ساحلی امکان‌پذیر می‌گردد. همچنین با داشتن اطلاع از رفتار خط ساحلی، روش مقابله با تأثیرات منفی و روش بهره‌گیری از تأثیرات مثبت قابل تخمین می‌گردد. مجله‌ی علوم زمین

توده‌ی گرانودیوریتی لخشک در ۱۰ کیلومتری شمال باختر زاهدان واقع شده و به صورت بیضوی شکل با امتداد باختر ـ جنوب خاور در رسوبات فلیشی ائوسن نفوذ کرده است. این توده، پس از جایگزینی مورد هجوم تعداد زیادی دایک موازی با روند شمال خاور ـ جنوب باختر قرار گرفته است. دایک‌ها حدود ۳۰-۲۰ درصد حجم توده را به خود اختصاص داده‌اند و

دامنه‌ی ترکیبی از گرانودیوریت تا مونزودیوریت دارند.

سنگ‌های توده‌ی نفوذی لخشک از نوع کلسیمی ـ قلیایی و غالباً متاآلومین بوده و از لحاظ فراوانی $P_2O_5$ و Th در برابر $SiO_2$، مشابه گرانیت‌های نوع I است. مقدار $TiO_2$ این سنگ‌ها در محدوده مقادیر $TiO_2$ گرانیت‌های حاشیه قاره قرار می‌گیرد. مقادیر Mgo,$Na_2O$, Ni, Cr عدد Mg و فقیر شدگی این سنگ‌ها از Y آداکیتی حاصل از ذوب بخشی پوسته اقیانوسی جوان شبیه است. مقدار پائین Ba/La سنگ‌های مورد مطالعه بیانگر ذوب بخشی پوسته‌ی اقیانوسی فرورو قبل از بی آب شدن آن است.

نوار گرانیتوییدی زاهدان ـ سراوان در جنوب خاور ایران، ۲۵۰ کیلومتر طول و ۲ تا ۵ کیلومتر عرض دارد و از روند کلی شمال باختر ـ جنوب خاور پیروی می‌کند. این گرانیتوییدها در زمان الیگومیوسن در رسوبات فیلیشی ائوسن واقع در سمت خاوری افیولیت ملانژهای خاور ایران نفوذ کرده‌اند. محققان قبلی گرانیتوییدهای زاهدان را براساس تجزیه‌های مدال، نورماتیو و ژئوشیمیایی به دو رده‌ی کلی شامل: ۱) بیوتیت گرانیت، آپلیت، پگماتیت و رگه‌های کوارتزی و ۲) دیوریت‌ها، گرانودیوریت‌ها و پگماتیت‌ها تقسیم کرده‌اند.

**بررسی زمین‌شناسی سیستان و بلوچستان:** در این بررسی‌ها پس از مشخص نمودن محدوده‌ی اصلی کانی زایی مس در ناحیه‌ی لار مجموعه مطالعات زمین‌شناسی سطحی، سنگ‌شناسی، دگرسانی و مطالعات دقیق ژئوشیمیایی بر روی نمونه‌های برگرفته از سطح زمین انجام یافته است. از دیدگاه زمین‌شناسی، محدوده‌ی مورد بررسی در زون خاش ـ نهبندان و در خاور ایران واقع گردیده است. ویژگی‌های بارز تشکیلات زمین‌شناسی در این زون وجود نوارهای افیولتی کرتاسه و واحدهای ستبر فلیش کرتاسه، پالئوسن وائوسن می‌باشد. فعالیت‌های ماگمایی به صورت ولکانیسم و به طور عمده به صورت توده‌های نفوذی نیمه عمیق در زمان الیگو ـ میسن از جمله نمودهای بارز زمین‌شناسی ناحیه می‌باشد. با مطالعه‌ی سنگ‌شناسی مشخص گردید که توده‌ی نفوذی اصلی کانسار، ترکیبی سینیومونزونیتی داشته و در گروه توده‌های آلکالن با پتاسیم بالا قرار می‌گیرد. عملکرد سامانه‌های گسلی (Fault systems) گسلی موازی با سامانه گسلی زاهدان در محدوده‌ی لار وسیع بوده و محلول‌های گرمابی دارای کانه‌های فلزی مس، مولیبدن، طلا و نقره در امتداد سامانه‌ی گسلی کانسار و در متن توده‌ی نفوذی تزریق گشته‌اند. مجموعه بررسی‌های ژئوشیمیایی و بررسی‌های آماری داده‌های ژئوشیمیایی وجود زون اصلی کانی سازی مس و دیگر عناصر همراه را در امتداد سامانه‌ی گسلی محدوده کانسار ثابت نمود. از دیدگاه اقتصادی نیز این مطالعات وجود طلا و مولیبدن را به عنوان دو عنصر مهم و با عیار مناسب در کانسار آشکار نمود. برپایه‌ی بررسی‌های انجام یافته در این تحقیق و مقایسه‌ی بدست آمده با اطلاعات مربوط به مدل‌های گوناگون کانساری، کانسار مس لار به عنوان مس پورفیری ـ رگه‌ای نوع آلکالن معرفی می‌گردد. از دیدگاه جایگاه تکتونوماگمایی، توده‌ی ولکانوپلوتونیسم لار در نتیجه‌ی کشش‌هایی که به دنبال فرورانش ورق لوت و سیستان در ناحیه ایجاد گردیده، در امتداد سامانه‌ی کششی تزریق گشته است و گسل زاهدان معرف امتداد اصلی این سامانه می‌باشد.

محدوده‌ی کوه لار در فاصله‌ی ۲۰ کیلومتری شمال زاهدان واقع شده است. بخش شمالی این کوهستان در کنار مرز ایران و پاکستان قرار می‌گیرد. این محدوده در طول‌های شرقی ۵۴°، ۶۰ - ۵۱°، ۶۰ و عرض‌های ۴۵°، ۲۹ - ۱۴°، ۲۹ محصور گشته است. شرایط اقلیمی جنوب خاور ایران به طور عمده شبیه نواحی استوایی بوده و آب و هوایی خشک و بیابانی در این ناحیه حاکم است. سختی سنگ‌های ولکانیکی و وجود محیط خشک و بارش کم و در نتیجه نبود شرایط عادی فرسایش، باعث شده که توده‌های ولکانیکی کوهستان لار شکل صخره گونه را حفظ نموده به گونه‌ای که دیواره‌های ستبر کوهستان از فاصله‌ی دور قابل رویت می‌باشد. عمده‌ترین مطالعات انجام یافته در این نواحی طی سال‌های ۵۶-۱۳۵۴ در قالب پروژه‌ی شرق ایران توسط سازمان زمین‌شناسی بوده است. در این مطالعات به وجود کانی زایی مس در چند نقطه از کوهستان لار اشاره شده است.

**زمین‌شناسی عمومی:** زمین‌شناسی خاور ایران به ویژه بخش مربوط به خاور گسل نهبندان و یا به عبارت دیگر خاور کویر لوت، تا حدود زیادی با دیگر نقاط ایران متفاوت می‌باشد.

دو گسل عمده نهبندان در باختر و زاهدان در خاور نقش عمده‌ای در تکوین زمین‌شناسی ناحیه عهده دار بوده‌اند.

به طور کلی گستره‌ی خاوری ایران در بین گسل‌های بزرگ محاط گشته و با بزرگ کردن زاویه‌ی دید می‌توان گفت که این ناحیه در سه جهت تحت تأثیر حرکات فشارشی قرار داشته است. اثرات ورقه‌ی هند از خاور، ورقه‌ی عربستان از جنوب خاوری و ورقه‌ی توران از شمال از جمله عوامل عمده در تکوین و ایجاد چین خوردگی‌های شدید تشکیلات زمین‌شناسی این نواحی بوده است. مجله‌ی علوم زمین

**سیستان و بلوچستان: غار غیرکارستی پوسه** غار پوسه در خاور روستای اسکل آباد و نزدیک جاده‌ی زاهدان به خاش، در ۱۱۴ کیلومتری جنوب زاهدان و در حدود ۲۲ کیلومتری باختر کوه تفتان در شمال بلوچستان قرار دارد. این غار در رخساره‌های فلیشی واقع شده که عمدتاً از تناوب شیل و ماسه سنگ تشکیل شده‌اند. شیل و ماسه سنگ‌ها با سیمان ضعیف و لایه‌بندی نازک، دیواره‌ها و کف غار را تشکیل می‌دهند. بخش بالایی و سقف غار را لاهار کواترنر تشکیل داده است. این لاهار با جورشدگی ضعیف، شامل خاکسترهای آتشفشانی همراه با قلوه‌های ریز تا درشت سنگ‌های آذرین است.

این غار نمونه‌ای جالب از غارهای غیر کارست (**Pseudokarst Cave**) یا کارست دروغین در منطقه و در ایران می‌باشد. از داخل غار، چشمه‌ی آبی خارج می‌شود که توسط اهالی استفاده می‌شود. نتایج تجزیه نمونه‌های سنگی داخل غار و آب خروجی از غار، مؤید انحلال‌ناپذیر بودن سنگ‌هایی است که غار در آن تشکیل شده است.

**زمین‌شناسی و چینه‌شناسی منطقه‌ی مورد بررسی:** منطقه‌ی مورد بررسی از دیدگاه زمین‌شناسی بخشی از کمربند چین ـ گسل خورده و به شدت شکسته شده نهبندان ـ خاش یا زون فلیش خاور ایران یا زون جوش خورده‌ی سیستان است (**Tirrul et al.,1983**). بر اساس پهنه بندی دقیق‌تر با استفاده از چهار گوش خاش (شهرابی، ۱۳۷۴)، در پهنه‌ی فلیشی کورین ـ خاش قرار

می‌گیرد. به طور کلی، تعیین ستبرای دقیق فلیش‌ها دشوار است.

**واحد آتشفشانی تفتان:** این واحد پهنه‌ای را در برگرفته که شامل یکی از بلندترین و فعال‌ترین کوه‌های آتشفشانی زمان کواترنر ایران است. آتشفشان چینه‌ای (**Strtovocan**) تفتان با ارتفاع حدود ۳۹۴۱ متر از سطح دریا، حدود ۲۰۰۰ متر از زمین‌های اطراف خود بلندتر است و کاهش ارتفاع آن، توأم با شیب زیاد است. براساس مشاهدات صحرایی، این واحد از مجموعه‌ای از سنگ‌های آذر آواری، اپی کلاستیک و گدازه‌های آندزیتی و داسیتی تشکیل شده است. گدازه‌های آتشفشانی تفتان پس از خروج، سطح وسیعی از پهنه‌ی فلشی منطقه را پوشانده‌اند. مجله‌ی علوم زمین ش ۵۷

**گسل بشاگرد(B):** در شمال مکران، چندین گسل به موازات هم و با روند عمومی شرقی - غربی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها گسل بشاگرد است و ادامه‌ی شرقی آن گسل قصر قند است. احتمال می‌رود که گسل بشاگرد قسمتی از گسل زاگرس بوده و گسل میناب نیز بر اثر عملکرد این گسل جابجا شده باشد.

**آتشفشان تفتان:** که در ۹۹ کیلومتری جنوب، جنوب شرقی زاهدان و ۴۵ کیلومتری شمال غربی خاش قرار دارد. ارتفاع آن از سطح دریا ۴۰۵۰ متر است ولی نسبت به زمین‌های اطراف ۲۶۰۰ متر ارتفاع دارد و از دو کوه تشکیل شده که به وسیله‌ی بخشی باریک به هم متصل هستند.

گدازه‌های تفتان مساحتی معادل ۱۳۰۰ کیلومتر مربع را پوشانیده است. آتشفشان تفتان نیز در شرایط نیمه فعال به سر می‌برد و مقدار زیادی گازهای زرد و سفید رنگ از آن متصاعد می‌شود که از فاصله‌ی ۱۰۰ کیلومتری دیده می‌شود. در اطراف منافذ خروج این گازهای گوگردی، مقداری روسوبات گوگورد سطح زمین را می‌پوشاند. سن فعالیت مخروط قدیمی را به قبل از پلیستوسن نسبت می‌دهند و مخروط دیگر که در قسمت جنوب غربی آن قرار دارد جوانتر بوده و هیچگونه آثار فرسایش در آن دیده نمی‌شود. از نظر سنگ‌شناسی گدازه‌های جدید و قدیم ترکیب مشابهی داشته و بیشتر شامل آندزیت و داسیت است که با مقادیر زیادی از مواد آذر آواری همراه است.

**آتشفشان بزمان:** در ۱۱۰۰ کیلومتری غرب ایرانشهر و در مغرب شهرستان خاش قرار دارد. ارتفاع آن از سطح دریا ۳۴۹ متر و نسبت به زمین‌های مجاور ۲۱۰۰ متر است. گدازه‌های این آتشفشان از چند دهانه‌ی خارج می‌شوند ولی مخروط اصلی ارتفاعی در حدود ۳۴۹۰ متر دارد. به نظر می‌رسد که بزمان جدیدترین آتشفشان ایران باشد که گدازه‌های آن منطقه‌ای در حدود ۲۴۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. این آتشفشان نیز دارای فعالیت خروج گاز و جزء آتشفشان‌های نیمه فعال است. در جنوب شرقی آن در دهکده‌ی بزمان، چشمه‌ی آبگرمی با دمای حدود ۳۶ درجه‌ی سانتیگراد وجود دارد که این نظریه را تأئید می‌کند. از نظر سنگ‌شناسی، انواع سنگ‌های آذرین اسید مانند آندزیت، داسیت و ریوداسیت را به وجود آورده است.

**آتشفشان چاهی:** در ناحیه‌ی مکران جنوب شرقی ایران است.

**آتشفشان شاهسواران:** در ناحیه‌ی مکران جنوب شرقی ایران، از نوع کالکوالکالن.

**آبخیز سیستان:** بخش غربی آبخیز سیستان در

داخل ایران قرار دارد. عارضه‌ی زهکش آن دریاچه‌ی هیرمند ـ هامون است که از مجموعه‌ی دریاچه‌های دائمی، باتلاق‌ها و صفحات رسی در دهانه‌ی رودخانه‌ی هیرمند تشکیل شده است. این رودخانه‌ی بزرگ از کوه‌های هندوکش سرچشمه می‌گیرد و دبی آن در فصل بهار به ۱۶۸۰ متر مکعب در ثانیه و در فصل تابستان به ۵۶ متر مکعب در ثانیه می‌رسد. آب دریاچه‌ی هامون ـ هیرمند به علت جابجائی سالانه، در درجه‌ی اول به وسیله‌ی رودخانه‌ی هیرمند و خارج از مجرای جنوب غربی آن تازه می‌گردد.

**آبخیز جازموریان ـ استان سیستان و بلوچستان:** آبخیز جازموریان به وسیله‌ی رودخانه‌ی هلیل رود از طرف شمال و رودخانه‌ی بمپور از طرف مشرق و در نزدیکی ایرانشهر زهکشی می‌شود. این رودخانه‌ها که از ارتفاعات بلند آبخیز سرچشمه می‌گیرند بسیار پر شیب بوده و عموماً همه ساله جریان دارند و به یک دریاچه‌ی فصلی در بخش مرکزی آبخیز ختم می‌شوند.

**چاله‌ی یزدان:** چاله‌ی یزدان که قسمت اعظم آن در خاک افغانستان قرار دارد چاله‌ای است وسیع و تقریباً صاف. فقط تعداد محدودی ارتفاعات پراکنده مرکب از سنگ‌های تبخیری دوره‌ی میوسن و سنگ‌های آتشفشانی دوره‌ی ائوسن و سنگ‌های آذرین سطح آن را پوشانده است. حد آبی جنوب غربی آن را بلندی‌های آهکی دوره‌ی کرتاسه که ۲۰۰۰ متر بالاتر از سطح دریا هستند قرار گرفته است. قسمت قابل توجهی از سطح کویر یزدان را تپه‌های ماسه‌ای و مخروط‌های افکنه پوشانیده است. سطح این کویر را عموماً صفحات رسی بریده شده به وسیله‌ی رودخانه‌های داخلی همراه با حوزه‌های خیس و کپه‌هایی از گیاهان فرآتیک فراگرفته است.

**چاله‌ی کوه گناور ـ استان سیستان و بلوچستان:** چاله‌ی کوه گناور بلافاصله در شمال شرقی زاهدان، بین حد غربی آبخیز لوت و رشته کوه‌های کم ارتفاع و پیچ خورده به طرف شمال شرقی، مشرق و جنوب شرقی قرار گرفته است. مواد تشکیل دهنده‌ی این ارتفاعات گسل خورده، از نوع مواد آتشفشانی متعلق به دوره‌ی پالئوژن و مواد آذرآوری است، ولی مواد آذرین نفوذ فراوانی نیز بر روی صفحات وسیعی در حد واسط بین حد غربی و سطح کویر دیده می‌شود. چند گردنه کم ارتفاع این ارتفاعات را قطع نموده و جاده‌ی اصلی زاهدان نیز تیغه‌ی جنوب شرقی را در ارتفاع بیش از ۲۰۰۰ متری قطع می‌کند.

**چاله‌ی چاه غیب ـ استان سیستان و بلوچستان:** چاله‌ی چاه غیب در بخش جنوب غربی آبخیز بزرگ سیستان قرار گرفته به استثنای گوشه‌ی جنوب شرقی آن که از صفحات بلند و عریض به ارتفاع ۱۷۵۰ متر از سطح دریا پوشیده شده است، عموماً به وسیله‌ی رشته‌های بلندی محصور است. سنگ‌های تشکیل دهنده‌ی ارتفاعات اطراف این چاله از نوع مواد آتشفشانی و آذرآوری متعلق به دوره پالئوژن و همراه با یک قله‌ی کوچک بازالتی در شمال غربی کویر هستند. گسل‌های اصلی به موازات حدود جنوب غربی و مشرق بوده و در گوشه‌ی جنوب شرقی این چاله یکدیگر را قطع می‌نمایند. ارتفاعات سطح این کویر ریس از سطح دریا در حدود ۱۴۵۰ متر تخمین زده شده است که هنوز ۲۶۰۰ متر زیر قله‌ی آتشفشانی تفتان قرار دارد که در قسمت شمال شرقی کویر است. به طوری که فعالیت اخیر مخروط افکنه در اطراف

کویر نشان می‌دهد، احتمالاً به استثنای حد پست جنوب شرقی، جریان آب‌های سطحی به طور یکنواخت در اطراف کویر پراکنده شده است. مخروط افکنه‌ی موجود بر روی سطح کویر، احتمالاً در زمان گذشته‌ی توسعه‌ی بیشتری داشته است.

**آبخیز جازموریان ـ استان سیستان و بلوچستان:** آبخیز جازموریان به وسیله‌ی انتهای جنوب شرقی رشته کوه‌های آتشفشانی و توده‌ای با قله‌ی عظیم آتشفشانی «بزمان» از کویر لوت جدا می‌شود. ارتفاعات غربی و جنوب شرقی این چاله از سنگ‌های آذرین نفوذی و بیرونی تشکیل شده است که سطح سنگ‌های کرتاسه فوقانی را پوشانیده و یا در آن‌ها نفوذ نموده است. سنگ‌های اخیر به طور موازی با حد جنوبی آبخیز گسل خورده است. در امتداد حد شرقی آن سنگ‌های گسل خورده دوره‌ی میوسن مرکب از برجستگی‌هایی از مواد تبخیری متعلق به تشکیلات قرمز بالائی قرار دارند. این آبخیز به وسیله‌ی عکس‌های هوائی مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش مرکزی آبخیز، حوزه‌ی وسیعی وجود دارد که در واقع باطلاق نهائی کلیه‌ی جریان‌های سطحی این آبخیز است. مساحت این حوزه در حدود ۳۷۷۵ کیلومتر مربع و یا پنج درصد سطح کل آبخیز است. مهم‌ترین رودخانه‌های این آبخیز یکی رودخانه‌ی هلیل رود است که از ارتفاعات شمال غربی سرچشمه گرفته است و دیگری رودخانه‌ی بمپور که از ارتفاعات شرقی سرچشمه می‌گیرد و هر دو به باطلاق مرکزی می‌ریزند. دبی این رودخانه‌ها که از ارتفاعات بسیار زیاد سرچشمه می‌گیرند در فصل تابستان کاهش یافته ولی خشک نمی‌شوند.

**معادن:** ۱- گرانیت ۴۷۵۳ تن ۲- لاشه‌ی ساختمانی ۱۳۰۶۰۰۰ تن ۳- لاشه‌ی موزاییکی ۱۳۰۰۰ تن ۴- پوزولانا ۶۲۵۰۰ تن ۵- سنگ آهک ۶۳۸۵۰۰ تن ۶- مارن ۴۰۰۰۰۰ تن ۷- منیزیت ۳۰۰۰ تن ۸- گل سفید ۶۰ تن

**در سال ۱۳۸۲ تعداد ۳۹ معدن فعال بدین شرح داشت:** ۱- سنگ، شن و ماسه (۳۹)، ۲- شن و ماسه (۲۷)، ۳- سنگ تزئینی (۳)، ۴- سنگ لاشه (۵)، ۵- سنگ آهک (۲)، ۶- منیزیت و گل سفید (۲).

در سال ۱۳۸۲ مقدار تولید معادن ۲۴۲۸۶۷۳ تن و ۱۲۴۳۶۸۷ متر مکعب بوده است.

۱- مخلوط شن و ماسه ۲۲۵۰۰۰ تن ۲- ماسه‌ی شسته ۴۴۱۳۰۴ تن ۳- شن درجه بندی شده ۵۷۷۳۸۳ تن ۴- مرمر گلدار کوپ ۴۴۰ تن ۵- مرمر گلدار لاشه ۲۴۰ تن ۶- مرمر گلدار گلدانی ۱۸۰ تن

## مردم‌شناسی

### چرا عشایر ازدواج می‌کنند؟

**الف - تولید نسل:** مهمترین کارکرد همسرگزینی در جوامع عشایری، تولید مثل است. نیاز به نیروی انسانی در حیات اقتصادی - اجتماعی ایل، پیوند زن و مرد را ضرورتی غیرقابل تردید ساخته است. فرزندان به ویژه اولاد ذکور از جنبه های گوناگون به زندگی خانوادهٔ عشایری و تداوم آن کمک می نمایند. انجام کار تولیدی حتی در سنین طفولیت، شرکت و حمایت فرزند در نزاعها و جنگهای طائفه ای و نگهداری از والدین به هنگام پیری از وظایف فرزندان ذکور است و از آنجا که روابط و مناسبات جوامع ایلی برپایهٔ زور و زورمداری بوده، داشتن فرزند پسر، احترام و

منزلت خانواده را نزد سایر افراد، بیشتر می کند.

د - **افزایش نیروی انسانی:** اختصاص بعضی از مشاغل چون پخت و پز، نگهداری از بچه ها، شستشوی لباس اعضاء خانواده و بویژه انجام امور دامی بر عهدهٔ زن بوده و به جرأت می توان گفت که در تمام صحنه های فعالیت اقتصادی، زن دوش بدوش مرد، وظائف مهمی بر عهده دارد. مرد بختیاری «به همکاری بیدریغ همسر خود در اجراء وظایف سنگین اقتصادی چون بهره گیری از محصول، شیردام، تهیه سوخت منزل، حمل آب از مسافتی زیاد، آشپزی و بالاخره امر پرورش کودکان، اطمینان کامل دارد، در کار دشوار کوچ، زن بامدی [طایفه ای از بختیاری] یار و مددکار شوهر است. بالاخره نقش زن بختیاری در میان خانواده تا حدی است که فقدان آن زندگی مرد را فلج می کند» در نزد طوایف عرب ساکن استان خوزستان، نگهداری و مواظبت از دامهای خانواده، تغذیه و مداوای بیماری های دامی، دوشیدن شیر و تهیهٔ فرآورده های لبنی و دامی و انجام تمام کارهای خانه و شرکت در عملیات کاشت، داشت و برداشت محصولات زراعی و باغات بر عهدهٔ زن است. در نتیجهٔ این شیوهٔ تقسیم کار در بین عشایر، هیچ مردی بدون وجود یک زن نمی تواند به زندگی خویش در جامعه ادامه دهد.

**انتخاب همسر و عواملی که در آن دخالت دارند**

ازدواج در بین عشایر ایران تابع عوامل مختلفی چون دین، قشربندی اجتماعی، شیربها، سن، خویشاوندی، سیاست و غیره است.

**قشربندی اجتماعی:** عامل مهم دیگری که دائرهٔ همسرگزینی را محدود می کند، قشربندی اجتماعی است. اعضاء جامعه از نظر قدرت اقتصادی و سیاسی، منزلت اجتماعی یکسانی نداشته و این امر در انتخاب همسر تأثیر بسزایی دارد. ایلخانان و خوانین بختیاری - که در رأس هرم قدرت ایل قرار داشتند - اغلب بین خودشان ازدواج می کردند. البته در بعضی مواقع بخاطر حفظ و بسط قدرت خویش، با کلانتران و در مواردی با کدخدایان و حتی عامهٔ عشایر، ارتباط سببی برقرار می کردند، این قشر، تنها با گروههای نیمه مطرود (نوازندگان، آهنگرها و...) پیوند ازدواج منعقد نمی ساختند. شیوخ عرب خوزستانی نیز سعی دارند دختر خود را به خانواده های هم شأن و هم مرتبهٔ خویش بدهند و از این خانواده ها زن بگیرند. «ایلخانان و خوانین قشقایی برخلاف بختیاریها از ازدواج با سایر قشرهای اجتماعی خودداری می کردند. چنانکه جز چند مورد ازدواج بین آنان و کلانتران کشکولی، تاکنون ازدواج با سایر قشرها از جمله کلانتران سایر طوایف صورت نگرفته است.» «ازدواج کلانتران تا حد زیادی بصورت درون گروه بود (مخصوصاً در بین قشقائیها) با این حال آنها نیز با بعضی از اعضای قشرهای دیگر (ایلخانان و خوانین، کدخدایان و در مواردی با عامهٔ عشایر) ازدواج می کردند اما اعضای این قشر نیز از ازدواج با قشر نیمه مطرود خودداری می کردند.»

عامهٔ عشایر که در ساختار اجتماعی جوامع ایلی ایران پس از قشر کدخدا قرار داشتند و «بین خودشان و همچنین با کدخدایان ازدواج می کردند، گاهی بعضی از دختران این قشر که از زیبایی خاصی برخوردار بودند، مورد توجه اعضاء کلانتران و خوانین قرار می گرفتند و با آنان ازدواج می کردند.» لازم به یادآوری است که زنانی که از این قشر به عقد کانتران و خوانین در

می آمدند در درجهٔ دوم اهمیت قرار گرفته و بصورت کنیز انجام وظیفه می کردند.

در پائین ترین ردهٔ نظام اجتماعی ایلی گروه های نیمه مطرود شامل آهنگر، سلمانی، نوازنده و... قرار داشتند که تنها می توانستند در بین خود روابط همسرگزینی داشته باشند. جدا از نقش مهم قشربندی اجتماعی در انتخاب همسر، ازدواج برخی از خوانین، کلانتران و کداخدایان با اقشار پائین تر از خود، سبب اتحاد و انسجام ایلی می گشت و بدین ترتیب کل جامعهٔ ایلی علاوه بر روابط ایلی، ارتباط سببی نیز می یافت. بدین خاطر بود که خوانین برای افراد طائفه یا طوایف خود به منزلهٔ پدر بشمار می روند و در واقع عمو یا عموزادهٔ بزرگ نیز هستند و رابطهٔ افراد با آنها تنها یک رابطهٔ سلسله مراتب حکومتی نیست. نتیجهٔ دیگر این پیوندها، عدم پیدایش آگاهی طبقاتی در میان اقشار محروم ایلی بود.

۲ - **شیربها** شیربها ثروتی است که داماد به خانوادهٔ عروس می دهد و تا موقعی که خانواده های زوجین در مورد میزان آن توافق نکنند، ازدواج صورت نمی گیرد. میزان شیربها در طوایف عرب خوزستانی با منزلت اجتماعی خانواده های زوجین و دوری یا نزدیکی خویشاوندی آنها به همدیگر متناسب است. بدین ترتیب که در درجهٔ اول، هرچه منزلت اجتماعی زوجین بالاتر باشد، مقدار شیربها نیز بیشتر خواهد بود و در مرتبهٔ دوم، اگر داماد از خویشاوندان پدری عروس باشد، میزان شیربها حداقل مقدار مرسوم است و اگر از اقوام مادری عروس باشد بر میزان آن افزوده می شود. در صورتی که داماد از خویشان دور و یا اینکه متعلق به طوائف دیگر عرب باشد، این مبلغ بیشتر می شود.

در مواقعی که پیوند ازدواج در میان خویشاوندان درجهٔ اول، برقرار می شود، در مورد میزان شیربها صحبتی به میان نمی آید. زیرا مقدار آن در میان آنان از قبل معین شده و مبلغی ثابت است. ولی در مورد دیگر مبلغ، طی جلسه ای با حضور بزرگان و خانواده های طرفین مورد بحث و مجادله قرار می گیرد. در واقع، وقتی دختر در گروه اقتصادی بستهٔ فامیلی خود، ازدواج می کرد، میزان شیربها در حداقل و هنگامی که دختر به دایره های دورتر خویشاوندی منتقل می شد، چون از منابع گروه اقتصادی - فامیلی نیز فاصله می گرفت، بر مبلغ شیربها افزوده می شد.

«بطور کلی مبلغ شیربها در بین ایلات ایران بین ۲۰۰۰ تا - ۲۰۰۰۰ تومان در نوسان است ولی در بعضی موارد تا ۱۰۰/۰۰۰ تومان نیز پرداخت می شود. مثلاً چند سال پیش یکی از کلانتران طائفه دره شوری (ایل قشقایی) با دختر یکی از کانتران قره چه ای (قشقایی) ازدواج کرد و مبلغ یکصد هزار تومان شیربها پرداخت. از طرفی در بعضی از موارد افراد کم بضاعت بجای پرداخت پول و یا کالا ممکن است چند سال برای پدر زن خود کار کنند و پس از انقضاء مدت قرارداد، عروسی نمایند» در ایل باصری، شیربها یا در اصطلاح محلی عروس بها - به صورت نقدی از جانب پدر داماد به عروس تأدیه می گردد. ولی در ایل بهمئی، میزان آن عبارتست از چند رأس گوسفند و بز، برنج، آرد، قند، چای و گاهی مبلغی پول نقد در ایلات مختلف کردستان نیز پس از موافقت خانواده های عروس و داماد، از سوی داماد مبلغی بعنوان شیربها به پدر عروس، داده می شود. وی نیز پول شیربها را هزینهٔ جهیزیهٔ دخترش کرده و با وی به خانوادهٔ داماد می فرستد.

**۳ - خویشاوندی:** عشایر ترجیح می دهند که با یکی از خویشان و نزدیکان خود ازدواج نمایند. زیرا در اینصورت، اولاً عروس در بین اقوام خود بسر خواهد برد و مجبور نیست که خود را با محیط بیگانه ای وفق دهد. ثانیاً والدین عروس از اینکه دخترشان در نزد افراد بیگانه نیست، خیالشان راحت است و ثالثاً داماد مبلغ کمتری شیربها می پردازد. مطالعات انجام شده، نشان می دهد که تنها تفاوتی که بین عشایر در این رابطه وجود دارد، این است که در برخی از ایلات، ازدواج با دختر عمو رایج تر است و در بعضی از طوایف ازدواج با دختر دائی، یا دختر عمه عمومیت بیشتری دارد. مثلاً در ایل بهمئی ازدواج با دختر دائی رواج بیشتری داشته، در حالیکه قشقائیها ازدواج با دختر عمو را بیشتر می پسندند و در میان یموت ها، هیچگونه قاعده ای که یک گروه خویشاوند را بر گروه دیگر ترجیح دهند، وجود ندارد.

اولین دائره همسرگزینی در میان اعراب استان خوزستان، پیوند عموزادگان با یکدیگر است که رسمی شایع در منطقه بوده و با تمام ارزشهای فرهنگی از این نوع ازدواج، حمایت می کنند. دومین دائره موقعی ترسیم می شود که اولین دائره به دلیلی کشیده نشود. این دائره، مربوط به ازدواج با دائی زاده، عمه زاده و خاله زاده است. دائره های بعدی، اقوام دورتر عروس را در برمی گیرد و آخرین این دوایر متداخل متعلق به طوائف دیگر عرب است. در صورتیکه پسر عمو به هر دلیلی از ازدواج با دختر عموی خود، خودداری نماید، رضایت وی جهت ازدواج عموزاده، الزامی است.

**۴ - سن ازدواج:** ازدواج در سنین معینی صورت نمی گیرد و ممکن است دختری از بدو تولد به نامزدی پسری، طبق رسوم محلی، ناف بر شود یا در سن ۱۰ سالگی ازدواج صورت گیرد ولی این را می توان گفت که بندرت اتفاق می افتد که سن زن بیشتر از سن شوهر باشد. دکتر امان اللهی سن متوسط ازدواج برای دختران را معمولاً بین ۱۴ تا ۲۰ سالگی و برای پسران بین ۱۸ تا ۲۰ سالگی ذکر نموده است. در ایل باصری دخترها پس از رسیدن به سن ۱۵ سالگی نامزد شده و پسرها گاهی تا سن ۳۹ سالگی ازدوج نمی کردند.

**۵ - سیاست:** رهبران طوایف و ایلات در جهت اهداف زیر، سعی داشتند با یکدیگر رابطهٔ سببی برقرار سازند:

الف: کسب حمایت سایر طوایف، از اهداف اصلی اینگونه ازدواجها بوده، زیرا در صورت انعقاد چنین پیوندی همهٔ اعضای طائفهٔ زن، دائی های اعضای طائفهٔ داماد و کلیهٔ افراد طائفه داماد، خواهر زاده های افراد قبیلهٔ زن محسوب خواهند شد.

ب: کسب خبر به وسیلهٔ زنی که با یکی از سران طوائف رقیب ازدواج می کرد، هدف دوم اینگونه ازدواجها بوده است.

**۶ - جلوگیری از تزلزل در نظام اجتماعی ایل:** زن ناموس جامعه است و در نظام ارزشی جوامع انسانی، هتک حرمت بدو، مجازات سنگینی برای وابستگان وی محسوب می شود. ازاینرو برخی از کجروهای اجتماعی را به جای جریمهٔ نقدی، جنسی یا تنبیه بدنی فرد خاطی، با دادن زنی از وابستگان وی، به فرد مورد تعدی، مجازات می کنند و از این رهگذر ازدواجهایی صورت می پذیرد. این نوع ازدواج که در علم مردم شناسی «خون بست» نام دارد در اکثر ایلات و عشایر معمول است.

**۷ - مبادله:** ازدواج مبادله ای نوعی همسرگزینی میان دو خانواده است، که طرفین، دختر خود را در ازای دختر دیگری از خانوادهٔ مقابل می دهند. معمولاً این نوع ازدواج در خانواده های فقیر به واسطهٔ عدم تمکین مالی در پرداخت شیربها صورت می پذیرد. زن و مردی که بدین شکل ازدواج نموده اند، بسیار با احتیاط رفتار می کنند. زیرا هرگونه رفتاری در یک خانواده، متقابلاً از سوی خانوادهٔ مقابل پاسخ داده می شود. در عشایر عرب خوزستان، اگر یکی از زنها طلاق داده شود، زن دیگر نیز طلاق خواهد گرفت؛ مگر اینکه شوهر با دادن مبلغی وجه نقد، خانوادهٔ همسرش را از این امر منصرف نماید.

**۸ - عشق:** عشق مبانی ازدواج تعداد کمی از پیوندهای زوجین است و در بعضی مواقع که چنین موردی در برخی از طوائف، پیدا می شود و خانوادهٔ دختر نیز با چنین وصلتی موافق نباشند، مردی که خواستگار دختر است، دختر را به شکلی از خانه پدریش فراری داده و در مکانی دیگر با وی ازدواج می کند. البته فراری دادن دختر در هر یک از ایلات متناسب با ویژگیهای فرهنگی آن ایل اشکال گوناگونی دارد. در ایلات کرد این نوع پیوند «رهدو که وتن» نام دارد و بدین صورت است که معمولاً پس از ۶ ماه یا یکسال از چنین واقعه ای، ریش سفیدان خانواده های زوجین پادرمیانی کرده و زمینه را برای بازگشت زوج جوان به میان اقوام خود، مهیّا می سازند. در صورتیکه اعضاء خانوادهٔ عروس - در مدت اختفای زوج جوان - به محل آنها پی ببرد، ممکن است که داماد را به قتل برسانند.

**نوع ازدواج** اکثریت در جامعهٔ عشایری ایران با افرادی است که تنها با یک زن ازدواج کرده اند و ازدواجهای چند همسری بندرت مشاهده می شود. در این نوع همسرگزینی، اکثریت با مردانی است که دو زن در عقد خویش دارند.

**مراحل ازدواج** لوی اشتروس، همسرگزینی را مبادلهٔ زن با امری دیگر دانسته و معتقد است که ازدواج صرفاً پیوند دو فرد نیست بلکه از آنجایی که ازدواج با منافع و مضارگروههای مختلف پیوند دارد، مقدمات و مراحل پیچیده ای را زوجین و گروههای خویشاوندی باید پشت سر نهند تا به مرحلهٔ نهایی ازدواج برسند این گفته در اکثر ایلات و عشایر ایران صدق می کند باختصار و اندک تصرف. از فصلنامه ذخایر انقلاب علی رحم نوذرپور

در دوران قاجاریه سرداران ناروئی عملا بر بسیاری از نواحی بلوچستان حکومت می کردند. پس از تسلط دولت مرکزی براین نواحی، حکومت خود را به حوالی نیک شهر، بنت و فنوج در جنوب غربی استان انتقال دادند. خانوادهٔ رؤسای این نخست شیرخانزاده، سپس شیرخانزهی و سرانجام شیرانی نامیده شدند، که هنوز با همین نام در نواحی مذکور سکونت دارند. بخش دیگری از ناروئی ها در سیستان و نیز در شمال غربی زاهدان مسکن گزیده اند و سردارنشین آنان بخش نصرت آباد همین شهرستان است.

قلمرو طایفهٔ ریگی که از بزرگترین ایلات بلوچ می باشد، سرزمین وسیعی است که از زاهدان و میرجاوه تا خاش و سپس ایرانشهر گسترده است. این طایفه به چندین تیره، از جمله بولاک زهی، شهِ کرم زهی و عیسی زهی تقسیم می شود.

از دیگر طوایف زاهدان - خاش ایل اسمعیل زهی (شه بخش) است که از اتحاد طوایف اسمعیلِ زهی و حسن زهی به وجود آمده. اعضای این ایل در محدودهٔ کوچکی در نصرت آباد دامداری می کنند.

در سیستان، در شهرستان زابل نیز طوایف بلوچ و براهویی سکونت اختیار کرده اند که از آن میان میتوان به بارهویی ها، نارویی ها، بارانی ها، میرها، و سارانی ها و نیز کردها اشاره کرد. دربارهٔ براهویی ها تقریباً همه متفق القول هستند که اینها بلوچ نیستند. به روایتی براهویی ها از تیره های ممسنی فارس می باشند. گروهی دیگر، آنان را همان قوم کوچ یا کرد می دانند، که جغرافی نویسان قرن های اولیهٔ اسلامی، همراه با بلوچ، یاد کرده اند. بهرحال، این گروهها امروزه به قدری درهم آمیخته اند که تشخیص آنها از یکدیگر دشوار است. دامداران براهویی همه ساله تا قاینات در خراسان کوچ می کنند. تیره های آنها زیادند، از آنجمله زیرکاری، نخعی، مالکی، چندال و غیره.

به احتمال قریب به یقین بلوچها پس از نفوذ سلجوقیان، از کرمان به بلوچستان رانده شده اند اما در استان کرمان هنوز به اقوام بلوچ برمی خوریم؛ سرابندی ها در بم و بخشی از هوت در کهن علی در جنوب شرقی کهنوج در نزدیکی هامون جاز موریان، از آن شمارند. طایفهٔ طاهر زهی در هرمزگان در سرزمینی که بین بندر جاسک تا نزدیکی میناب و کوههای بشاگرد گسترده است، مستقر می باشد. بخشی از طایفهٔ انوشیروانی نیزکه اصلاً در سراوان سکونت دارد، در جاسک تا سیریک در شهرستان میناب دیده می شود و مید از بندرگواتر تا غرب سیریک [وزارت آبادانی و مسکن ۱۳۴۸؛ مرکز پژوهش خلیج فارس و دریای عمان ۱۳۵۴؛ ایضاً ۱۳۵۵؛ ایضاً ۱۳۵۶؛ Salzman 1971: 433-444; Spooner 1967; [Spooner 1964: 53-57 Salzman 1972: 60 - 68

در عشایر ایران، سازمان ایلی نظامی است که خانوادهٔ هسته ای (= زن و شوهری) باواسطهٔ آن، به مجموعهٔ ایل مرتبط می شود و نیز به مدد این سازمان، ایل قادر است وظایف ویژهٔ خود - از جمله جنگ، حفظ امنیت، تقسیم مراتع، و کوچ و دامداری - را انجام دهد. افزون براین همین سازمان است که یگانگی ایل را تضمین می کند. زیرا یکپارچگی ایل نمی تواند تنها برپایهٔ وحدت قومی (لر و کرد و ترک و عرب و بلوچ بودن) استوار باشد. چنانکه دیدیم بسیاری از ایلات ایران از طوایف و تیره هایی تشکیل شدها ند که از قوم واحدی نیستند، یا برعکس، از یک قوم، حتی هنگامی که افراد آن در جوار هم به سر می برند، چندین ایل برخاسته است.

سازمان ایل معمولاً در رده های پایین بر خویشاوندی نسبی استوار است و در رده های بالا بر اتحاد اداری و سیاسی در عشایر ایران این سازمان غالباً از نوع گروه بندی نسبی است

عشایر بهمئی تقسیمات ایل خود را چه کوچک و چه بزرگ دهه یا اولاد می گویند. بنابراین طایفه خود دهه‌ٔ بزرگی است و تیره دههٔ بزرگتر که در آغاز از شیخ علاء الدین و پسرانش تشکیل می شده. این دهه به مرور زمان به پنج دههٔ دیگر، از جمله دههٔ بخشعلی، تقسیم می شود. دو فرزند بخشعلی، علی صالح و قیطاس نیز مانند دیگران، هر یک دهه ای را بنیاد می گذارند و تا آخر. در زمان انجام پژوهش یاد شده یعنی در سال ۱۳۴۶، آخرین دهه متعلق به نوهٔ قیطاس یعنی لهلزار از نسل پنجم بود که همراه با چهار پسر و نوادگان خود، دهه ای را تشکیل می دادند. بدین ترتیب ملاحظه می شود که تمام رؤسای خانواده در نسلهای اخیر طایفه (دههٔ بزرگ)، پسران نسلهای پیشین اند و در نتیجه با یکدیگر نسبت برادری یا پسرعمویی از درجات گوناگون دارند.

علاوه بر گروه بندی نسبی که گذشت، در بهمئی گروه بندی دیگری به نام مال که اساساً نوعی گروه تعاونی در امور دامداری است، وجود دارد. مال از اجتماع چند خانوار هسته ای که معمولاً هر یک در چادری (بهون) به سر می برند، پدیدار می شود. تعلیف دامها و بهره برداری از آنها، هرچند مالکیت دام با خانوادهٔ هسته ای است، در

مال انجام می گیرد. چون نیروی انسانی لازم برای ادارهٔ دامها در فصول گوناگون تغییر می کند، شمار خانوارهای مال نیز ثابت نیست. در زمستان و بهار، یعنی در فصل زایش و شیردوشی، چون کار بیشتر است، عدهٔ خانوارها نیز بیشتر و فشرده ترند. در نیمهٔ دوم بهار که فصل دروی زراعت گرمسیر است، به این علت که زمینهای زراعتی افراد در یکجا قرار ندارد، ترکیب مالها بهم می خورد. در تابستان مخصوصاً در مردادماه که دامها دیگر شیر ندارند، پراکندگی خانوارها به اوج خود می رسد. با اینحال اینگونه تفرق و تجمع در محدودهٔ دهٔ بزرگ یا طایفه انجام می گیرد و خانوار متعلق به آن وارد طایفهٔ دیگر نمی شود [ایضاً: ۸۷ - ۸۲].

**تاجیک** ـ ایرانیانی که خود را تاجیک میخوانند فلات ایران را تا سند در تصرف دارند حتی در توران و قسمت غربی آسیائی مرکزی یافت میشوند. در روسیه و سیبریه کلنی‌هائی تشکیل داده‌اند.

نام تاجیک فقط درباره طبقه معینی از جمعیت مشرق و خراسان و سیستان و هرات در افغانستان بکار میرفت و در سواحل سیحون و آنسوی آن، بهرکس که خون ایرانی داشت اطلاق میشد. باید دانست که مردمان ده نشین و غیر متحرک ایران نیز تاجیک نامیده میشوند تا از مهاجمین تاتار تشخیص داده شوند و همچنین با مردم بادیه نشین که بنظر میرسد از نژاد ایرانی باشند اشتباه نشوند. حتی در ترکستان چین وجود دارند. تاجیکها بلندقد و دارای موهای مشکی و چشم سیاه هستند. سر آنها بدرازی سر ایرانیان است ولی استخوان پیشانی آنها بزرگتر است و همین امر صورت آنها را بیضی شکل‌تر از صورت ایرانیان غربی میسازد. چشم و دهان و بینی منظم است.

اغلب پارسیوان خوانده میشوند. عنصر متعدد و پراکنده در افغانستان هستند و از حیث زبان و آداب و رسوم با ساکنین آن سرزمین فرق دارند. نماینده ساکنین ایران باستان هستند. تاجیک از کلمه فارسی قدیم تاریک که به اعراب اطلاق میشد مشتق است. بتدریج این کلمه به نژاد مخلوط از عرب و ایرانی اطلاق شد. ممکن است تاجیک نام قدیمی روستائیان ایران باشد. امروز بهمه فارسی زبانان افغانستان که هزاره و افغان و سید نباشند اطلاق میشود.

بلیو میگوید: «تاجیک‌ها یا پارسیوانها قسمت عمده و عدهٔ زیادی از ساکنین افغانستان را تشکیل میدهند و از حیث زبان و حکومت داخلی و آداب و رسوم با افغانها فرق دارند. اینها نماینده و اولاد ساکنین ایرانی این کشور می‌باشند در حالیکه افغانها از اولاد ساکنین هندی افغانستان هستند.

کلمه تاجیک را باید نام باستانی و قدیمی روستائی یا زارع ایرانی دانست. این کلمه در حقیقت در اصل فارسی است و مختص و محدود بنواحی است که در قدیم تحت حاکمیت ایران بودند و بهمین جهت در هندوستان با این کلمه مواجه نمی‌شویم در حالیکه در ترکستان بکار برده میشود. تاجیکها در ناحیهٔ بزرگی در افغانستان که از هرات تا خیبر و از قندهار تا سیحون و حتی کاشغر ممتد است سکنی دارند و کلمه تاجیک در این ایام بطورکلی به همهٔ مردم فارسی زبان آن کشور غیر از هزاره و افغان و سید اطلاق میشود. از جمله مردم نژادهای هندی در کوهپایه‌های جنوبی هندوکش که بدین اسلام گرائیده‌اند و علاوه بر زبان بومی خود بفارسی نیز سخن میگویند معمولاً تاجیک نامیده میشوند ساکنین ایرانی بدخشان و دره‌های کوهستانی آن نیز تاجیک خوانده میشوند.

## آداب و رسوم

### ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی مردم سیستان:

**۱ـ منش‌ها:** سیستانی‌ها، مردمانی سخت‌کوش، با ایمان، وطن‌دوست، مرزدار، رشید و پاک‌اندیش‌اند به زندگی ساده و سخت، عادت دارند. در میهمان‌نوازی سرشناس‌اند، ورود میهمان را به خانهٔ خود، مایهٔ خیر و برکت دانسته، بر این باورند، که روزی میهمان از پیشانی و اقبال خودش است.

به بزرگان احترام می‌گذارند و آن چه از پیوند خانوادگی در طایفه محترم شمرده می‌شود، احترام به پدر، مادر و خویشان است.

نویسندهٔ تاریخ سیستان برخی از ویژگی‌های اخلاقی مردم سیستان را چنین برشمرده است:

«عامهٔ سیستان علم دوست باید که باشد، و مردان آن، مرد و زنان آن، پاکیزه و با حمیت، چنان که آنان را به دیگر جای اندر پاکیزگی یار نباشد هر چه از آن سگزی / سیستانی خالص باشد، مگر آن که نه از سیستان باشد.»

خوش‌رفتاری، نیکوکاری، آیین‌داری، پرهیزگاری، هر کاری خداپسند است. برو در سیستان ببین، که در سراسر سرزمین به چنین نیکومردانی دست نیابی، در سراسر سرزمین درستکارتر، با انصاف‌تر، خوش زبان‌تر از بازاریان سجستان / سیستا نیست. تشت طلا بر سر نه و باکی مدار. امر به معروف می‌کنند و هر کسی را از ناروا باز می‌دارند و طعنه می‌زنند، حتی اگر جان در راه حق بدهند باک ندارند. تصور کن در زمان حکم سخت امویان، سجستانی هیچ‌گاه در روز با زنی بر نمی‌خوری که از خانه پا برون نهاده باشد. اگر گاهی به دیدار قوم و خویشان خود روند، در شب روند.

مردم سیستان پیرو دین اسلام و مذهب شیعهٔ جعفری هستند و اقلیتی پیرو مذهب سُنّی حنفی نیز در آن زندگی می‌کنند.

**زبان:** زبان سیستانی یازاولی از نظر زبان‌شناختی و شناخت ریشهٔ بسیاری واژگان و پیشینه برخی اصطلاحات رایج در زبان فارسی، از منابع مهم است.

سیستانی‌ها از نژاد خالص ایرانی شمرده می‌شوند و زبان‌شان لفظ‌هایی دارد، که یادگار عصر هخامنشینان و اوستا می‌باشند.

زبان‌های میانهٔ ایرانی، همانند: پهلوی اشکانی، پارسی میانه یا پهلوی ساسانی، سغدی، خوارزمی و ختنی نیز در سیستان رواج داشته است.

از بهترین شعرها به زبان میانهٔ ایرانی، که از اواخر دوران ساسانی برجای مانده و در سده‌های آغازین هجری قمری در سیستان رواج داشته است، سرود آتشکدهٔ کرکوی سیستان است. بنا به روایت‌های دینی کهن، این آتشکده در روزگار کیانیان ساخته شده و در محلی استقرار یافت، که معبد گرشاسب، پهلوان ملّی ایران بود.

### آیین‌های ملّی و مذهبی

**چهارشنبه‌سوری:** شب آخرین چهارشنبهٔ سال، بیرون از خانه، آتش می‌افروزند و با پریدن از روی آن، بیماری‌ها و نگرانی‌های سال کهنه را به آتش می‌سپارند، تا سال نو را با آسودگی و شادی آغاز کنند. کوزه شکستن، اسفند دود کردن، فال گرفتن و... از باورها و شیوه‌هایی است، که هنوز فراموش نشده است.

**پنج‌شنبهٔ آخر سال:** یکی از آیین‌های کهن پیش از نوروز، یاد کردن مردگان است، که به گورستان می‌روند و خوراک، به ویژه روغن جوشی یا

چلبک و خرما می‌برند و به دیگران می‌دهند.
**سبزه:** مردم سیستان از اوایل اسفندماه به سبزکردن سبزه در بشقاب‌ها، کاسه‌ها و روی کوزه‌ها می‌پردازند. به این باور که، اگر چشم ناپاک بر سبزه بیافتد، سبزه قهر می‌کند و سبز نمی‌شود.
**پوشاک نوروزی:** از یک یا دو ماه مانده به نوروز، مردم به خرید پارچه ودوختن پوشاک عید می‌پردازند. مردم سیستان چنان به پوشاک نو اهمیت می‌دهند، که گویی تا آماده نشود، نوروز نمی‌رسد. همه می‌خواهندکه نوروز جامه‌هاشان نو باشد و سال نو را با دل شاد و رخت نو آغاز کنند.
**خانه‌تکانی:** از اوایل اسفندماه زن و مرد به خانه تکانی می‌پردازند. در روستاها، گاه دیوار اتاق‌ها و خانه‌ها را گِل می‌کشند و در شهرها سفید نموده و یا رنگ‌آمیزی می‌نمایند. فرش‌ها، گلیم‌ها و پرده‌ها را می‌شویند و خانه راگردگیری و پاکیزه می‌کنند.
**خوراک و شیرینی‌ها:** مردم سیستان سه گونه شیرینی و خوراک ویژهٔ نوروز دارند، که با دقت و ظرافت پخته می‌شوند.
**سفره نوروزی:** از مهم‌ترین سُنّت‌های نوروزی، خوانی است، که در سرتاسر ایران، زمین گسترده می‌شود، که هریک از چیزهای نهاده بر آن، نشانه‌ای از زندگی است و بینشی که انسان ایرانی بر محیط خود دارد. سرشناس‌ترین خوان نوروزی «سفرهٔ هفت سین» می‌باشد، که در سیستان معمول است.

همهٔ افراد خانواده به هنگام سال تحویل، به سر سفرهٔ نوروزی می‌نشینند. این خوان، مجموعه‌ای است از آن چه که در زندگی به آن نیاز دارند. اما محدوده ساختن آن به هفت چیزی که نام آن‌ها با (س) شروع می‌شود، اصالتی ندارد که حرف «س» نمی‌تواند اهمیتی بیش‌تر از دیگر حرف‌ها داشته باشد، و این نام‌ها در دوران‌های گوناگون تغییر یافته‌اند.
**نوروز:** جشن نوروز / جشن فروردین / بهار جشن، جشنی است، که از روز هرمزد (روز اوّل) از ماه فروردین شروع می‌شده و تا مدتی دوام داشته و دارد. این جشن از بزرگ‌ترین جشن‌های ملّی ایرانیان، از جمله مردم سیستان است. برتری این جشن نسبت به جشن‌های دیگر، از آن جهت است، که در هنگام جوانی جهان برپا می‌شود، یعنی نوید دهندهٔ نو شدن زمان و به پایان رسیدن عمر زمستان و به گفتهٔ ابوریحان بیرونی «پیشانی سال نو» است.

در سیستان همهٔ مردم به جشن نوروز پای‌بند و علاقه‌مند هستند. چند روز به خوشی و سرور می‌پردازند، پوشاک نو می‌پوشند، می‌رقصند و اسپند دود می‌کنند. هنگامی که لحظهٔ تحویل سال فرا رسید، دور سفره می‌نشینند و همین که سال تحویل شد، به هم تبریک می‌گویند و یکدیگر را می‌بوسند و دعای عید را می‌خوانند.
**سیزده‌بدر:** سیزده‌بدر، آخرین جشن نوروز است. در این روز مردم سیستان از خانه بیرون می‌روند و سر به دامان سبزه‌زارها، چاه نیمه، باغ‌ها، کوه خواجه و زیارت‌گاه‌ها گذاشته و نحسی سیزده را به صحرا می‌اندازند و صبحانه و ناهارشان را در باغ و سبزه‌زار می‌خورند.

مردم در سیزده‌بدر می‌زنند و می‌خوانند. جوانان به تاب‌بازی و بازی‌های محلی می‌پردازند. سبزه‌های سبز و خرمی راکه برای نوروز سبز کرده و بر سر سفرهٔ نوروزی نهاده بودند، تا پس از غروب سیزده‌بدر، به آب روان می‌افکنند.
**مبعث و ولایت** ـ نیمه شعبان ـ عید فطر ـ عید قربان ـ عید غیرخم

**ازدواج و طلاق:** همسرگزینی و جشن عروسی، همراه با اجرای موسیقی شاد، و رقص‌های زیبای مردان و زنان، شمشیر، چوب، و... از جاذبه‌های مهم فرهنگی مردم سیستان است.

مردان سیستانی نسبت به زندگی و همسر و فرزندان خود، علاقهٔ زیادی دارند، آنان طلاق را زشت دانسته و به ندرت همسران خویش را رها می‌نمایند.

**نقش زن:** زن در جوامع شهری، روستایی و عشایری سیستان، از شأن و مقام ویژه‌ای برخوردار است. بانوی سیستانی، خود مردِ دوم خانه به شمار می‌رود. بانوان سیستانی، هم دوش و هم گام با مردان و گاه حتی نقش فعال‌تری را، در روند زندگی مادی و معنوی، به عهده دارند.

آنان علاوه بر ادارهٔ زندگی زناشویی وانجام وظایف مادری و همسرداری و ادارهٔ امور داخلی خانه، در تمامی مراحل کشت، برداشت و دامداری، با همسران خود، همراه و هم پایند.

بانوی سیستانی در ساعت‌های فراغت نیز، از پای ننشسته و به بافتن فرش، گلیم، خورجین، سیاه‌چادر، گل‌دوزی، خامه‌دوزی و سوزن‌دوزی می‌پردازند.

شجاعت زنان، در کنار کدبانوگری و لیاقت آنان و پاکدامنی و تقوا و وفاداری، همه از ویژگیهای شایستهٔ بانوان سیستانی به شمار می‌روند.

**پوشاک:** پوشاک سنتی سیستانی‌ها، یادآور پوشاک باستانی ایرانیان پیش از اسلام است. این‌گونه پوشاک، به پیروی از روش و تأثیر سرزمین‌های هم جوار، پوشاکی است، که در سراسر خاور کشور، کاربرد دارد.

پوشاک مرد و زن سیستانی، نشانگر ذوق، هنر و فرهنگ اوست. تنوع رنگ در پوشاک به ویژه پوشاک بانوان، بیش از همه، توجه مردم دیگر نقاط را در هنگام ورود به سیستان جذب می‌کند.

**موسیقی و رقص:** سیستان از نظر فرهنگ، آثار باستانی و گذشته تاریخی، جایگاهی والا دارد و از لحاظ توانگری فرهنگ عامه نیز با ارزش و شایستهٔ گفتگو و بررسی است. ترانه‌های عامیانهٔ سیستانی بخش مهمی از این گنجینهٔ فرهنگی را شامل می‌شود و همانند آیینه‌ای پاک، نمایانگر زندگی مادی و معنوی مردم این سامان است. اجرای این ترانه‌ها یا دو بیتی‌ها یا سیتک‌ها با سازهای محلی، شور و شادی و سرور می‌آفرینند.

به هر حال موسیقی در سیستان، بخش جدایی‌ناپذیر زندگی مردم آن، از تولد تا مرگ، از اندوه تا شادی است. سیستانی‌ها با ابزار موسیقی خود، به آسانی می‌توانند آهنگ‌های اصیل ایرانی را بنوازند. ترانه‌های سیستانی، بیش‌تر در جشن‌ها، به ویژه عروسی، ختنه‌سوری، عید فطر، عید مبعث، نیمه شعبان، نوروز خوانده می‌شود.

ابزار موسیقی سیستانیان، دهل، سُرنا، قیچک، سما / دف / دایره،... است.

در سیستان رقص‌های گوناگونی، مانند: رقص شمشیر، چوب، چاپی، و... وجود دارد. این رقص‌ها پرجنب‌وجوش و شادی‌بخش است. دست‌افشانی و پای‌کوبی دسته جمعی مردان و زنان بسیار زیبا و نشاط‌انگیز و دیدنی است.

بیجاری، یعنی کمک و همراهی مادی با جوانی است، که می‌خواهد ازدواج کند و زندگی و خانواده‌ای تشکیل دهد. بزرگان طایفه‌ها، به منظور همراهی با جوانان این شیوهٔ بسیار خوب را رواج داده‌اند. مبلغ بیجاری بستگی به توان مالی و همت فرد داشته و کسی از پرداخت آن، معاف نمی‌باشد.

همیاری و کمک‌رسانی دسته جمعی همراه با ایثار، محبت، برادری و دور از مسائل مادی در امور مربوط به کشاورزی، دامداری، هنرهای دستی، ساخت مسکن، لایروبی نهرها و غیره در بین مردم سیستان وجود دارد.

**اخلاق و عادتها:** مردم سیستان مهربان، جوانمرد، صدیق، راستگو، شجاع، ساده‌دل و پاک اندیشند. به زندگی ساده و بی‌آلایش و سخت عادت دارند. در میهمان‌نوازی معروف‌اند و ورود میهمان را به خانه خود مایه خیر و برکت می‌دانند و بر این باورند که روزی میهمان از پیشانی و اقبال خودش است.

رعایت احترام و حفظ اعتبار افراد سالخورده را می‌کنند و آنچه از روابط خانوادگی در طایفه محترم شمرده می‌شود با احترام به پدر و مادر و دیگران است. زن از حرمت و قداست بالایی برخوردار بوده و گاهی چادر زن از درگیریهای خونین منطقه‌ای جلوگیری می‌نمود. هر کسی که زیر چادر زن پناه می‌گرفت از تعرض مصون بود.

قزوینی مولف آثارالبلاد و اخبار العباد به نقل از محمد ابن ذهبی می‌گوید (خوش‌رفتاری، نیکوکاری، آیین‌داری، پرهیزگاری، هر کاری خداپسند است برو در سیستان بین که در سراسر سرزمین به چنین نیکو مردانی دست نیابی، در سراسر سرزمین درستگارتر، با انصاف‌تر، خوش‌زبان‌تر از بازاریان سجستان نیست. تشت طلا بر سر نه بر باکی مدار. امر به معروف می‌کنند و هر کسی را از ناروا باز می‌دارند و طعنه می‌زنند، حتی اگر جان در راه حق بدهند باک ندارند.

همه عیدها، مورد توجه مردم سیستان است. عیدهای قربان، فطر و غدیرخم برگزار می‌شود. عید نوروز و روز سیزده، را نیز جشن می‌گیرند. همه‌ی مردم لباس نو می‌پوشند و به دیدار یکدیگر می‌روند، برای بزرگداشت نوروز به کوه خواجه می‌روند و جشن می‌گیرند و شادی می‌کنند.

مراسم زناشویی از مرحله خواستگاری تا زفاف نیز زیبایی خاص خود را دارد، که هیجان‌انگیزترین و جذاب‌ترین مرحله آن، مراسم عروسی است.

مراسم عروسی با نواختن دهل و ساز و رقص و پایکوبی آغاز می‌گردد و به کلیه‌ی دعوت شدگان ناهار داده می‌شود. معمولاً دعوت شدگان هر روستا، گروهی می‌آیند، هنگام نزدیک شدن به محل عروسی، نوازندگان با نواختن ساز و دهل به استقبال آنان می‌روند. در این موقع ریش سفید آنان مبلغی به عنوان شادباش به نوازندگان می‌دهد. سپس ضمن رقص و شادی دستجمعی به منزل داماد وارد می‌شوند. تا زمانی که مدعوین غیرخانوادگی حضور دارند رقص دایره‌وار اجرا می‌شود که شعاع آن به نسبت شرکت‌کنندگان در رقص تنظیم می‌گردد.

**پوشاک:** پوشاک مردم سیستان هنوز هم در تعدادی از روستاها، از پارچه‌های دست‌باف محلی بوده که در کارگاههای محلی و روستایی بافته شده است. جنس آن از نخ و به رنگ سفید بوده و (جومن) نام دارد.

برای طبقات متوسط و مرفه‌تر از نخهایی به رنگ سبز و سیاه نیز استفاده می‌کنند که راه راه بافته می‌شود و به آن (جومن کشمیره) می‌گویند.

پوشاک مردم سیستان در مجموع شامل قطعات زیر بود:

**پوشاک مردان:**

۱ ـ **لنگوته:** که معمولاً از پارچه (جومنی)، نخی و دو رنگ به آن می‌دوختند، طول آن به ده متر

می‌رسید، در سالهای اخیر پارچه سفید ساده معمول شده است در قدیم حتی بچه‌ها لنگوته به سر می‌بستند. بستن آن نیز فن خاصی دارد، یک گوشه را به اصطلاح روی سر تاج می‌کنند و لنگوته را دور سر می‌پیچند و گوشه را پشت آزاد می‌گذارند که در مواقع سوگوار بودن به نشانه عزا آن را دور گردن حلقه می‌کنند.

**۲ ـ کلاه:** مردان از شب کلاه یا عرقچین که از نخ ابریشم تهیه می‌شود نیز استفاده می‌کنند.

**۳ ـ پیراهن:** قبلاً از پارچه جومن تهیه می‌شده که گشاد و بلند تا زیر زانو بوده و یقه آن در دو طرف شانه قرار داشت که برای تزیین نوار سیاهی به آن می‌دوختند. یک پیراهن مردانه حداقل به ۶ متر پارچه نیاز داشت.

**۴ ـ تریزه:** پیراهنی بود که از پارچه سفید می‌دوختند، این پیراهن مخصوص رقص بود و به همین علت در قسمت پایین آن به اصطلاح چهل تیکه دوخته می‌شد.

**۵ ـ تومو (شلوار):** تومو یا تومون تنگ مورد استفاده‌ی زنان و مردان است که با ۵ یا ۶ متر پارچه دوخته می‌شود. بند شلوار مردان دست‌باف است که سر آن را با نخ گلدوزی (پولوک) می‌بافند، پارچه شلوار زنان بیشتر گلدار می‌باشد، ولی شلوار مردان از پارچه‌های ساده گران قیمت و بیشتر از جنس کتان است.

**۶ ـ باسکت یا جلیقه:** که از هندوستان می‌آوردند و معمولاً روی پیراهن می‌پوشند. دیگر پوشاک مردان عبارت از: پالتو ـ چپلی (کفش) و تارقی بود.

**پوشاک زنان:**

**الف ـ پتی:** دستمال مشکی رنگی است که به سر می‌بندند که به آن دستمال نیز می‌گویند این دستمال را گاه با نخهایی به رنگ سبز و قرمز حاشیه‌دوزی می‌کردند.

**ب ـ چادر:** از پارچه دست‌بافت به نام (جاوند) که چهارخانه و به رنگهای سرخ و سبز و سیاه بود می‌دوختند.

**ج ـ شلوار:** شلوار نیز از پارچه جومن سیاهرنگ می‌دوختند. شلوار راسته و گشاد دوخته می‌شد، به طوری که از ۸ تا ۹ متر پارچه برای دوخت شلوار استفاده می‌کردند.

**آداب و سنن و مشارکتهای عمومی:**

سیستانیان هنوز به بسیاری از آداب و سنن پسندیده گذشتگان خوش پای‌بندند و بدان‌ها عمل می‌کنند این سنن، گاهی مثل سحرخوانی (رمضونی) ریشه در اعتقادات دینی (دارالولایه بودن سیستان) داشته و گاهی مثل (حشر) ریشه در وحدت و همت جمعی در رفع معضلات طبیعی دارد.

**مراسم حشر:** مردم روستایی سیستان از قرنها پیش برای ساختن بندها و لایروبی رزدخانه‌ها و نهرها بزرگ ۲ ماه از سال را به اینکار می‌پرداختند که به گویش محلی آن را اشر یا حشر می‌گویند. حشر تبلور عینی تمایلات درونی کشاورزان در حل معضلات و مشکلات طبیعی است این حرکت جمعی که هنوز هم در منطقه وجود دارد، بسیار دیدنی جذاب و در خور ستایش است.

به عنوان فاکتورهایی مهم جهت معرفی چهره واقعی سیستان و جذب جهانگرد مطرح گردد. از طرف دیگر، دهل و ساز و رقص با لباسهای محلی چهل تیکه تریزه، خاصه رقص شمشیر و چوب‌بازی با هارمونی و هماهنگی که در حرکت و فرم به نمایش می‌گذارد، بسیار دیدنی جذاب و برای هر تازه واردی بسیار ماندگار است. از کتاب

جالب و خواندنی جاذبه‌های سیاحتی و توریستی سیستان از انتشارات دانشگاه زابل

**زناشوئی = جنی مردی** با اینکه مراسم زناشوئی در کلیه نقاط بلوچستان یکسان است، ولی در جزئیات آن تفاوتهایی بین مردم زاهدان، ایرانشهر، چاه بهار و نقاط دیگر این سرزمین وجود دارد.

جوانان بلوچ معمولا بین ۱۵ تا ۱۸ سالگی ازدواج می کنند. بیشتر ازدواجها بدون توافق پسر و دختر باهم و بدون تصمیم قبلی آنان صورت می گیرد.

**الف - خواستگاری = کاسدی** sangbandi Kasidi سانگ بندی خواستگاری در بلوچستان بدین ترتیب است ک سرپرست پسر جهت خواستگاری به منزل پدر دختر رفته و پس از ساعتی نشستن و چای نوشیدن و قلیان کشیدن، سر صحبت را باز کرده و موضوع را با والدین دختر در میان می گذارد. پدر دختر چند روز مهلت می خواهد تا بتواند پاسخ مناسبی به آنان بدهد. مادر دختر نیز موضوع را با دختر خود در میان می گذارد که البته این مذاکره به معنای دادن حق انتخاب به دختر نیست، بلکه فقط به او اطلاع میدهد و تصمیم نهایی پس از مشورت اعضاء خانوادهٔ دختر اتخاذ می گردد.

**ب - مهریه و نقدینه** چنانچه کار به توافق انجامد، دو خانواده برای تعیین مهریه = labb (به گویش سراوانی و زاهدانی) و غیره وارد مذاکره می شوند. مبلغ پولی که به عنوان نقدینه و مهریه تعیین می شود، در میان طوایف و قبایل مختلف بلوچ متفاوت است.

خانواده پسر بابت مهریه باید مبلغی حدود هزار تا دو هزار تومان به صورت نقد بپردازد و معادل همین مقدار نیز متعهد شود. علاوه بر آن باید تعهد نماید که حدود ۳۰ تا ۴۰ اشرفی (= مسکوک طلا) به عروس بدهد که نصف آن خریداری میشود و نصف دیگر همراه با مهریه به صورت قرض در تعهد داماد باقی میماند. مهریه ممکن است به صورتهای دیگر نیز تعیین شود مثلا در مهرنامه قید میگردد که مرد باید هنگام طلاق چهل مثقال طلا یا پنجاه بوتهٔ نخل یا پنجاه من گندم یا زمین به زن تحویل دهد. در شمال بلوچستان به مهریه و نقدینه، شیربها یا «لب labb» و در ایرانشهر به آن «وش داد vasdad» میگویند.

**ج - شیرینی خوران** علاوه بر موارد بالا سرپرست دو خانواده باید بر سر لباس و سایر لوازم عروسی نیز توافق نمایند. از این رو مجلسی ترتیب می دهند که در آن با شیر، چای، خرما و حلوای بلوچی از مدعوین پذیرایی می شود و آن را «سانگ sang» (= شیرینی خوران) می گویند. در این مراسم لباسها و وسایل مربوط به عروس را به خانواده او تحویل می دهند و پس از آن دختر نامزد پسر محسوب می شود.

یکی از پسندیده ترین سنتهای مردم بلوچ موضوع «بجار bijar» (= تعاون) است. در واقع بجار کمک و همراهی مادی با جوانی است که می خواهد ازدواج کند و خانواده ای تشکیل دهد.

بجار شامل حال ثروتمند و فقیر هر دو می شود. بزرگان و دانشمندان بلوچ به منظور دستگیری و همراهی با جوانان فقیر و بی بضاعت این رسم مفید را عمومیت داده اند تا جوان از بضاعت کم خود خجل نگردد. مبلغ بجار بستگی به میزان دارایی و همت هر فرد داشته و هیچ کس از پرداخت آن معاف نمی باشد.

**د - دوران نامزدی** دوران نامزدی را به گویش بلوچی «دره دشتاری douridistari» و «وسار

وجشتار vassarujastar» مـی گـویند. انـجام ایـن دوران معمولا دو یا سه سال طول می کشد. در این مدت پنجاه درصد از احتیاجات دختر از قـبیل لباس، کفش و غیره را باید خانواده پسر تـامین نمایند. از آنجاکه بیشتر مردان استطاعت پرداخت هزینه عروسی را ندارند، لذا برای تهیه این وجوه به شیخ نشینهای خـلیج فـارس یـا نـقاط دیگـر می روند و پس از اندوختن پول کافی، با تحفه و سوغات به موطن خود بازگشته و کم‌کم تدارک عروسی را می بینند.

در دوران نامزدی اگر داماد برای کار به جای دیگر نرود، ایام عید فطر و قربان پدر عروس او را به صرف ناهار به خانه خود دعوت میکند. داماد نیز در پایان میهمانی و در هنگام مـراجـعت بـه نسبت وضع مالی خود مبلغی به عنوان عیدی به خانواده عروس پیش کش می نماید.

**هـ - حنابندان** مراسم حـنابندانـی را بـه گـویش بلوچی شمالی «انی بندان innybandan» می گویند. مراسم اصلی عروسی معمولاً در سه شب انجام می گیرد. شب اول و دوم بـه تـرتیب «راسـتکی rastuki» و «دوزکی duzzuki» نامیده می شود. در این دو شب عروس و داماد را در دو محل جداگانه به نام (جل) نگاهداری می کنند. این مراسم اکنون نیز معمول بوده و ممکن است تا یک هفته هم طول بکشد. و در بین بلوچان به جل joll معروف است.

در این مراسم نخست پد رپسر، سوغاتی را که داماد برای عروس و نـزدیکان او آورده ست بـه منزل پدر دختر می بـرد، پس از آن مـواد مـورد احتیاج مانند برنج، حبوبات، چند بز یا یک رأس گاو و یا شتر، روغن، شکر، آرد، چای و غیره را جهت طبخ غذا آماده میکنند. پارچه عروسی آورده شده توسط داماد را در لنگی بسته و بوسیله یکی از زنان خانواده روی سر داماد می نهاد و با آهنگ ساز و دهل به سمت خانه عروس حرکت می کنند. زنان تمام مسیر را تا خانه عروس آواز خوانده و شادی می کنند. (در سراوان نیز چنین آوازهـایی وجود دارد، اما امروزه در شهرها مـنسوخ شـده است.)

خانواده عروس همه این زنان را به صرف شیر و چای و سپس به ناهار دعوت کـرده و پس از صـرف نـاهار خـیاط آورده و لبـاس عـروس را می دوزند.

پس از آماده شدن لباس عروس، در گوشه ای اتاقی با پرده سفید اتاقکی که به منزله حجله (=کله killah) است به وجود می آورند و عروس را پس از شستشو و غسل دادن در آن قـرار مـی دهـند. عروس به مدت سه روز در این اتاقک می ماند. وی در این مدت فقط در هنگام شب و آنهم دور از چشم دیگران می تواند از آنجا خارج شود و فقط بستگان او حق دارند نزد او بروند.

روز سوم دعوت شدگان به خانه پدر عروس می آیند و در آخر شب تختی در وسط مجلس قرار می دهند و روی آن را با تشک (نالی nali به گویش شمالی و بزم bazm به گویش جنوبی) لحاف (= لیپ liyp) و بالش (= بالشت balist) پوشانده و سپس داماد را روی آن می خوابانند و به دست و پای او حنا می بندند. در این هنگام دامـاد بـاید کاردی را که به گویش محلی آنـرا «کـارچ karc» می گویند به کمر خود به بندد. مردانی که در این مراسم حضور دارند مـبلغی پـول در ظـرفی کـه جلوی داماد قرار دارد می ریزند. زنی که مسئول حنا بستن به دست و پای داماد است (جت jat) پولها را بر می دارد. پس از اتمام مراسم حنا بستن،

دست و پای عروس را نیز حنا می‌گذارند، در جلوی عروس هم ظرفی قرار می دهند که زنان در آن پول بریزند. زنی نیز که مسئول حنا بستن به دست و پای عروس می باشد و او را «مشاطه musate» مینامند پولها را برمیدارد.

فردای آن شب در حدود ساعت ۹ صبح مدعوین را به صبحانه دعوت می نمایند. پس از صرف غذا هرکس به اندازه قدرت مالی خود مبلغی شاباش (= مبارکی) می دهد و از پدر دختر و پسر اجازه مرخصی گرفته و به خانه خود مراجعت می‌کند و فقط بستگان عروس و داماد می مانند.

**و - مراسم عروسی = آروسان arusan** ۱ - **استحمام داماد** در حدود ساعت ۱۱ تا ۱۲ ظهر، زنان عروس را آماده و آرایش میکنند. در این هنگام شتری را با پتوهای نو و روتختی های الوان مخمل آراسته و داماد را بر آن می نشانند و پسربچه کوچکی را بدین نیت و امید که اولین فرزند داماد پسر باشد در جلو او قرار می دهند. روی داماد و پسربچه پارچه توری انداخته و یک نفر مهار شتر را می‌گیرد. دهل زنها می نوازند، کودکان نیز الاغهای خود را آراسته و مسابقه الاغ سواری می دهند. با چنین مراسمی داماد را به نقطه ای که آب باشد می برند. لباسهای کهنه داماد را از تنش خارج نموده و پس از شستشو و غسل دادن لباس نو به تن او می پوشانند. سپس شالی به‌گردن داماد انداخته و پس از اصلاح سر و صورتش، او را سوار بر شتر، با نواختن ساز و دهل به خانه عروس می برند. هنگامی که داماد و همراهان او به خانه عروس نزدیک شدند جمعی از زنان منسوب عروس به استقبال وی می آیند. یکی از بانوان حامل تشتی است که در آن یک جلد کلام الله مجید، لیوانی شربت، سرمه دان، مسواک چوبی (معمولا از ریشه گیاهی تهیه میشود) و یک آیینه قرار دارد. داماد قرآن را می بوسد، گویش بلوچی شمالی «جان شود jansoud» و به گویش بلوچی جنوبی «سرآپی برین sari apibarin» گفته می شود).

۲ - **مراسم عقد** پس از اتمام مراسم فوق، مولوی را حاضر کرده و در حضور پدر و مادر و خود داماد و همچنین پدر یا عموی دختر از جانب عروس، عقد آنان بسته می شود. عقد به گویش بلوچی «نی کح nikih» گفته می شود.

۳ - **مراسم زفاف - شب یکجاه sabiyikjah** پس از انجام تشریفات عقد، داماد را نزد عروس می برند. به محض اینکه داماد جلوی حجله عروس رسید نوکر عروس جلوی داماد را می گیرد و از او هدیه می خواهد و تا زمانی که داماد او را راضی نکرده حق ورود به داخل حجله را ندارد.

پس از نوکر، کنیز (= مشاطه) عروس جلوی داماد را می‌گیرد و هدیه خود را که به گویش بلوچی «کت بندی katbandi» نامیده می شود، دریافت می کند. سپس داماد نزد عروس رفته و در کنار او می نشیند. در این هنگام روی سر عروس و داماد سکه هایی می ریزند و سر آنان را بهم می زنند تا همسر شوند، از آن پسر عروس و داماد را تنها گذارده و همه از اتاق خارج می شوند و مدت سه روز را عروس و داماد در حجله می گذرانند.

برخلاف نقاط دیگر که عروس را به خانه داماد می برند در بلوچستان داماد را به خانه عروس می برند. پس از گذشت حدود یکماه عروس و داماد به خانه داماد آمده و زندگی مشترک خود را آغاز می کنند.

در میان بلوچان چادرنشین رسم است که وقتی مردی زنی را نامزد می کند می گوید: داماد شده ام، «زاماس بُوتن zamasbutun» و هنگامی که نامزدش را به عقد خود درآورد میگوید: نکاح کرده ام، «نی کح اُن کرت nikihonkurt» و زمانیکه همسرش را به خانه میبرد میگوید: عروس شده ام، «گس ان کرت gisunkort».

**نقش زن در جامعه بلوچان** زنان بلوچ، بیشتر به کارهای خانه و نگاهداری و تربیت کودکان می پردازند. علاوه براین وظایف، احشام را نیز می دوشند و از شیر آنها ماست، کره و غیره تهیه می نمایند و معمولا در مواقع فراغت از کارهای خانه نیز به بافتن قالیچه بلوچی یا پلاس (= سیاه چادر) مشغول می گردند.

زن بلوچ مورد احترام مرد بلوچ است و اطاعت از شوهر را وظیفه حتمی خود می داند و مرد بلوچ هم تمام وظایفی را که اسلام نسبت به زن برایش معین نموده است انجام می دهد.

**مراسم ختنه سوران** عشایر بلوچ، ختنه کردن را «سنت کردن» یا «سور کرتن surkorten» میگویند. هنگامیکه پسر به ۵ تا ۶ سالگی برسد، بزرگ خانواده با دعوت کردن نزدیکان و همسایگان، مراسم ختنه سوری را برپا می دارد. در این مراسم مدت چند شب ساز و دهل نواخته میشود و شادی می کنند. در شب آخر همه اهالی به شام دعوت می شوند. پس از صرف شام تختی در وسط مجلس می گذراند و پسری راکه باید ختنه شود بر روی آن قرار می دهند، سپس یکی از زنان به دست و پای او حنا بسته و زنان نیز در ظرفی که جلو پسر قرار دارد پول می ریزند، این پولها را همان زنی که به دست و پای پسر حنا بسته بر می دارد.

فردای آن شب همه برای ناهار دعوت می شوند. پس از صرف ناهار، شتری را آذین کرده و پسر را بر آن می نشانند و بر سر او قند و یا آب نبات می پاشند و در این حال او را به جایی که آب باشد حرکت می دهند و نوازندگان شروع به نواختن می نمایند. هنگامی که به آب رسیدند بچه را لخت نموده و بدن او را می شویند و پس از پوشاندن لباس وی، دوباره او را سوار شتر کرده و به خانه برمی گردانند.

در این هنگام بچه را داخل پشه بند قرار می دهند. هنگامی که ختنه‌گر میخواهد پسر را ختنه‌کند، زنان پشه بند را به شدت تکان داده و «کر ker» می زنند و نوازندگان نیز می نوازند تا مجموع این سر و صداها بچه را سرگرم کند و ختنه‌گر او را ختنه کند. در مدتی که باید زخم التیام یابد به جای شلوار، لنگی به کمر بچه می بندند.

**نام‌گذاری فرزندان** خانواده های بلوچ، معمولاً نوزاد اول خود را در صورت دختر بودن به اسم مادر و در صورت پسر بودن به نام پدر خویش نام‌گذاری می کنند. انتخاب نام روزهای هفته برای اسم پسران معمول است و بیشتر آنان شنبه، دوشنبه، چهارشنبه، و جمعه نام دارند.

برخی از خانواده ها، اسم درختان را نیز بر روی نوزادان پسر می‌گذارند همانند کنار (درخت سدر) و کهور.

اسم دختران اغلب از دوپاره تشکیل میشود مانند: صدگنج، زرگنج، نورگنج، مه‌گنج، دُر خاتون، تورخاتون، مهرخاتون، ملک خاتون، ماه بی بی، شاه بی بی، در بی بی، خیر بی بی، بی بی ناز، و غیره...

نام خانوادگی بلوچها غالبا مرکب و بیشتر مختوم به زایی یازهی به معنی زاده است همانند:

بارکزایی، سرگلزایی، ملازایی، شکرزهی، صالح زهی.

**مراسم عزاداری** عزاداری یا پرسان pursan بلوچ ها، هنگامی است که کسی از آنان فوت شود. در این موقع مردان منسوب به متوفی، عمامه سیاه به سر می بندند و زنان نیز با اینکه بیشتر اوقات لباس سیاه بر تن دارند، سعی می کنند، که حتما ملبس به لباس سیاه گردند.

مراسم تغسیل، (بلوچی جنوبی مرده گاه) و تدفین نیز همانند سایر نقاط ایران است. اما چون در اغلب نقاط غسالخانه ندارند برای انجام غسل، زمین را قدری گود کرده و مقداری علوفه در آن پهن نموده و جسد متوفی را روی علوفه ها می گذارند و سپس اعمال غسل را به جای می آورند. در هنگام کفن کردن نوار جدا شده از کفن را، دور کمر و بدن میت پیچیده و پس از قرار دادن جسد (= مردگ murdag) در قبر، آن را باز و پس از پر کردن قبر (= کبر kabr) از خاک، آن را در درازای قبر قرار می دهند.

در این موقع مقداری خرما میان حاضران تقسیم می شود. از آن پس همه به خانه متوفی بازگشته و پس از نوشیدن چای و کشیدن قلیان متفرق می شوند.

معمولاً بستگان متوفی افرادی را که در مراسم تدفین حضور داشته اند به ناهار دعوت می کنند. نزدیکترین فرد به متوفی، سه روز در خانه می ماند زیرا مردم برای تسلای خاطر او به دیدنش می روند. در این هنگام مدعوین به صاحب عزا می گویند: «خدا تره دلداری دنت tra deldaridint xoda» روز سوم به عمل خیر طبخ و توزیع غذا پرداخته (این غذا را خرج گویند) و در روز چهارم، اهالی را دعوت می کنند. پس از صرف ناهار همگان برای آمرزش روح مرده فاتحه (= پاتیا patia) می خوانند.

پس از گذشت یکسال از تاریخ فوت، باز اهالی را به ناهار دعوت کرده و پس از آن فاتحه می خوانند. سپس هر کس به خانه خود می رود. بدین ترتیب آخرین احترام نیز نسبت به متوفی به عمل می آید.

در بلوچستان از سنگ قبر خبری نیست، فقط بر بالای سر و پایین پای متوفی دو قطعه سنگ به صورت عمودی در خاک فرو میکنند که در ناحیه چانف و سایر نقاط مکران آن را «شک sak» می نامند. اگر این سنگ را عمود بر امتداد قبر قرار دهند، مرده زن و چنانچه جهت سنگ به موازات قبر باشد، مرده مرد است.

**ساز و ترانه های عامیانه بلوچ = لیکو liku ۱ - ترانه ها = شعر** آهنگها و ترانه های عامیانه مردم بلوچستان نمودار کاملی از هنر و فرهنگ ملی این سرزمین است و چون ساده و بی تکلف سروده شده اند معمولاً به منظور بیان احساسات و عواطف به کار می روند.

بطور کلی ترانه های بلوچی اهمیت داشته و با گستردگی نسبتاً زیاد خود از گنجینه های ادبی کشور ما به شمار می رود. اصولاً این اشعار در روح انسان اثر میکنند و از میان آنها، میتوان قیافه مرد رشید و دلاور بلوچ را در سایه ای از سختی و مشکلات طبیعت مشاهده نمود.

ترانه های محلی بلوچ، بیشتر در مراسم عروسی و اعیاد، خصوصاً عید فطر خوانده می شود. مشهورترین این ترانه ها عبارتند از: میرعلم، چاکرتو، آرمان گل آره، بلبل، وش توازنا و زهیرک zahirok. ترانه بلبل را معمولا دو خواننده

به وسیله قیچک qicak و سه تار اجرا می کنند. ترانه زهیرک هنگام اندوه و جدایی خوانده می شود.

۲ - **سازها: قیچک** qicak قیچک یکی از سازهای اصیل و سنتی بلوچ است که در نواحی مختلف این سرزمین، ترانه های محلی را با آن می نوازند و در اصطلاح محلی «سوروز suruz» نام دارد. این ساز از یک جعبه مجوف چوبی و چهار تا شش سیم ساخته شده و همانند کمانچه با کمان نواخته می شود.

قیچک در ممالک دیگر نیز رواج دارد که از جمله در روسیه «گیگا» و در نروژ «گیگ یا» در فرانسه «گی گا» و در چین «گشاکو» نامیده میشود.

**دهل** duhul دهل، یکی از سازهای ضربی موسیقی مردم بلوچستان و سیستان است. این ساز شکل استوانه ای داشته و همراه سرنا نواخته می شود. در جشنهای عروسی، ختنه سوری و رقصهای محلی از آن استفاده زیادی می کنند.

**خوراک** خوراک عمده عشایر بلوچ بجز مردم ساحل دریای عمان که ماهی غذای اصلی آنان است عبارتست از: خرما، نان، برنج، حبوبات و لبنیات. بیشتر مردم در روز دو وعده غذا می خورند. نخست غذای میان روز که به گویش بلوچی «درک بند darakband» نام دارد و معمولاً خرما، نان و ماست و گوشت است و دیگر غذای شب که به نسبت وضع مالی آنان از نان، دوغ، کشک و یا پلوماهی تشکیل می شود. در زیر به برخی از خوراکیهای آنان اشاره می شود:

**الف - خوراک خرما ۱ - شوده و ده** sudavda در قصر قند و سرباز، خرما را به صورتی در می آورند که باید با قاشق میل شود. این نوع خرما را «شوده و ده» می نامند که گاهی با کنجد، بادام و پودینه (= پونه سبزی خوشبوئی شبیه نعناع است) نیز مخلوط می گردد.

۲ - **کنک** kunk برای تهیه این خوراک، خرمای نرسیده را با کارد بریده و خشک می کنند. سپس آن را کوبیده و با مغز بادام و پسته در شیره خرما می ریزند. از این طریق حلوایی بدست می آورند که از مسقطی هم لذیذتر است.

۳ - **خرمای کشته** kusta این خوراک بر دو قسم است:

اول - چنگال cangal که در سیستان و کرمان چنگ مال cangmal و به زبان عربی به آن خبیص گفته می شود. برای تهیه آن ابتدا از خمیر رقیق آرد گندم که آن را به صورت نازکی روی تابه آهنی می پزند. نانی تهیه می کنند که آن را «سسرک» می نامند. این نان را با مقداری خرما در ظرفی گذاشته و با قاشق یا با دست آن قدر مالش می دهند تا کاملاً با یکدیگر مخلوط شوند. آن گاه مقداری روغن روی آتش می گذارند و به جای پیاز، تکه های کوچک نان را در روغن داغ شده می ریزند. هنگامی که نان بریان سرخ شد، آن را روی چنگال می ریزند و می خورند. این خوراک معمولاً به جای عصرانه میل می شود و در هنگام افطار ماه مبارک رمضان نیز خوردن آن متداول است.

دوم - حلوا مقداری آرد ذرت بی نمک را در روغن داغ ریخته حرارت می دهند تا رنگ آرد اندکی زرد شود. سپس ظرف را از روی آتش برداشته و مقداری خرما در آن می ریزند. آنگاه با ملعقه = هسک hask یا قاشق بزرگی، محتوی ظرف را مالش می دهند تا آرد بوداده و خرما و روغن به خوبی مخلوط شوند. سپس بار دیگر آن را گرم کرده و مصرف می کنند.

**ب - انواع نان** ۱ - نان گندم = نان گله nan gelleh
از آرد گندم در بلوچستان نان های زیر پخته می شود:
- لواش = دست پچ dastpac
نان نازکی است که در تنور پخته می شود. این نان به بلوچستان اختصاص نداشته و در همه شهرها و روستاهای ایران در تنور طبخ می شود.
- **نان گرده** girda گرده نیز مانند نان لواش تهیه می شود ولی همانند لواش نازک نمی گردد.
- **سسرک** sisrik سسرک نانی است که روی تابه آهنی پخته می شود و بیشتر به چنگمال اختصاص دارد که از آرد ذرت تهیه می شود. این نان به زن پس از وضع حمل داده می شود.
- **پناریک** punarik پناریک را رمه داران می پزند که ساکن نقطه معینی نیستند و تنوری ندارند. برای تهیه آن زمینی را که مستور از شن باشد انتخاب کرده و آتش زیادی در آن می افروزند. هنگامی که شن ها داغ و تافته شد، اخگرها راکنار زده و خمیر را بر روی آن قرار می دهند. پس از دوباره آنرا با همان شن های داغ می پوشانند و به این نان گاهی زیره و مقداری ادویه نیز می زنند.
- **رتی** rotti رُتی، نان گرده ای است که روی تابه آهنی پخته می شود و پیش از پخته شدن، با دست منافذی در آن ایجاد می کنند تا نان متخلخلی به دست آید.
- **دوتینه** dutina برای تهیه این نان، خمیر را به قدر لازم نازک کرده و روی تابه می اندازند. به محض اینکه خمیر روی تابه چسبید تابه را وارونه می کنند تا نان از هر دو سطح به خوبی پخته شود. گاهی برای این کار از داغ کردن دو صفحه فلزی مسطح به نام تین tin نیز استفاده میگردد.
- **هلکاری** halkari روغن را در دیگ مسی قلع اندود یا دیگ نیکلی داغ می کنند و خمیر را به چانه های کوچک تقسیم کرده، سپس آن را با غلطک مخصوصی نازک و در ظرف روغن جوشان می اندازند تا پخته شود، این نان را روغن جوشی مینامند.
- **دو تلو** dutalu دوتلو، نانی نازک همانند لواش است که روی تابه آهنی پخته می شود. برای تهیه آن، خمیر را جدا جدا پهن می کنند و هر یک را جداگانه روغن اندود می نمایند. سپس آنها را دو به دو روی هم گذارده و پس از پهن کردن، روی تابه ای که اندکی روغن دارد قرار می دهند تا پخته شود.
۲ - **نان جو= جویه نان** javiynan عشایر بلوچ از جو یک نوع نان تنوری می پزند که خوراک فقرا و خانواده های بی بضاعت است.
۳ - **نان ذرّت** نان ذرت، خوراک فصل زمستان بلوچان میباشد و انواع آن به شرح زیر است:
- **شلو** sullu این نان از خمیر رقیقی طبخ می شود که آنرا با ملاقه روی تابه می ریزند و سپس با پشت ملاقه آن را پهن می کنند تا نیم پز شود. آنگاه آنرا پشت و رو می کنند تا هر دو طرف آن به خوبی بپزد.
- **رحتو** rihtu رحتو، مانند شلو پخته می شود با این تفاوت که خمیر آن مایه نداشته و به اصطلاح فطیر است.
- **تیموش** timus تیموش، از خمیر سفتی که با دست روی تابه پهن میشود به دست میآید. این نان خشک و نازک است.
- **دگو** daku این نان همانند تیموش است ولی قطورتر و خشکتر که از گاورس و ارزن نیز تهیه می شود و به خانواده های بی بضاعت اختصاص دارد.

ج - **برنج = بت** bat بلوچان برنج را بیشتر به صورت دمی طبخ می کنند و باگوشت سرخ شده یا ماهی می خورند.

د - **قاتق = هتک** hatuk= **وداپ** vadapi بلوچان انواع قاتق یا نان خورش را «هتک hatg»، «نارشت narsat» یا ناورشت navarist می نامند.

- **ماست = بستگ** bastag ماست، یکی از نان خورشهای عمومی است که نان را در آن ترید کرده و مقداری روغن داغ شده روی آن می ریزند.

- دوغ = شیرجته sir jata و غیره

در بین بلوچان شیرترش یا دوغ نیز به جای قاتق بکار می رود و از عدس، لوبیا، باقلا و ماش هم خورش تهیه می کنند که به گویش بلوچی «واداب» نامیده می شود. این واژه از دو بهر تشکیل شده است: بهر نخست آن «واد» به معنی نمک و بخش دیگر «آب» است، معمولاً این قاتق به جای اشکنه نیز به کار می رود.

- **آبگوشت** آبگوشت در دیگهای مسی وگاهی در ظرفهای سفالی تهیه می شود و به سبب اینکه فلفل قرمز مخلوط با دارچین و زردچوبه ساییده در آن ریخته می شود بیشتر به خوراکهای هندی شباهت دارد تا آبگوشت معمولی. در آبگوشت علاوه بر ادویه مقداری انار خشک نیز می ریزند تا خوشمزه شود.

ه - **تباهه** tabaha خانواده ها در فصل زمستان به نسبت استطاعت مالی خود یک یا چند گوسفند به نام «پابندی pabundy» ذبح می کنند و گوشت آن را به قطعات کوچک تبدیل نموده و لابلای آن ناردانه بو داده و کوبیده شده مخلوط با سایر ادویه می ریزند و خشک شده این مخلوط را تباهه می نامند. سپس در طول زمستان به تدریج آن را می پزند و به مصرف می رسانند. گاهی گوسفند پروار را بدون پوست کندن روی آتش می گذارند و دود می دهند تا تبدیل به تباهه شود.

و - **کباب** پوست بره یا بزغاله چاقی را کنده و شیارهایی با نوک کارد در گوشت آن ایجاد می کنند سپس در شیارها ادویه کوبیده حل شده در روغن می ریزند، آنگاه آن را در تنور بسیار گرمی می آویزند و درب تنور را با تابه آهنی می بندند. گوشت با حرارت دیوارهای تنور می پزد و کباب لذیذی به دست می آید که آنرا با برنج میل می کنند.

- **پوشاک عشایر بلوچ**: یادآور پوشاک باستانی ما در دوران پیش از اسلام است. این نوع پوشاک به تبعیت از رسم و تاثیر سرزمین های همجوار، معمولا پوشاکی است که در سراسر منطقه جنوب شرقی و بلوچ نشین ایران چون سیستان و خراسان مورد استفاده قرار می گیرد. در زیر به توصیف برخی از پوشاک زنان و مردان بلوچ می پردازیم:

**الف - پوشاک و زینت آلات زنان عشایر بلوچ**

- **پوشاک زنان** ۱ - سربند بانوان بلوچ دارای سربندی ازپارچه معمولی یا مخمل می باشند که معمولاً بصورت کلاهی نیم تاج است. آنان این پوشش را بر بالای پیشانی و روی سر قرار داده و دو گوشه اش را در پشت سرگره می زنند. قسمت جلوی سربند را سکه دوزی می کنند و زیورهایی نیز بر دو طرف صورت از آن می آویزند.

۲ - **پیراهن = جامک** jamak پیراهن زنان بلوچ معمولا از پارچه های تیره انتخاب میشود و دارای پهنایی نسبتاً گشاد و قدی بلند است. برش آن راسته و آستین آن در حوالی مچ دست تنگ تر می شود و در قسمت جلوی سینه چاک دارد گریبان «زی zayi»، سردست و قسمت سینه و جلوی دامن پیراهن را اغلب سوزنه دوزی

می کنند.
۳ - **شلوار یا پاجامه** pajama شلوار بانوان بلوچ، نظیر شلوار زنان بندری است. با این تفاوت که دمپای شلوار را تنگ گرفته و بر آن سوزن دوزی و زری دوزی می نمایند. معمولاً پارچه شلوار را از جنس مرغوب و لطیفی انتخاب می کنند.
۴ - **قبا** قبای زنان بلوچ، نتیجه سلیقه، دقت، پشتکار و ذوق آنان است. شکل عمومی آن طرحی راسته و ساده، با آستینهای بلند و یقه گرد می باشد. جلوی قبا بصورت راست به پایین می آید و در جلوی گردن و کمر به وسیله دو دگمه نخی بسته می شود.
۵ - **چادر** زنان بر روی همه پوشاک خود، چادری نیز به کار می برند که مستطیل شکل می باشد و از جنس پارچه های توری و نازک است. در گذشته زنان بلوچ از ابریشم نیز پارچه هایی به نام «مهنا muhanna = مقنعه» یا «سریک sarik» یا «گشان gusan»، می بافتند که برای چادر زنان به کار می رفته است. چادر بانوان مسن از پارچه های سیاه و چادر زنان جوان از پارچه الوان دوخته می شود.
۶ - **کفش** زنان عشایر بلوچ علاوه بر کفش بومی خود به نام «سواس sivas» که از لیف درخت صحرایی به نام «پورگ purg» ساخته می شود، دو نوع کفش دیگر نیز دارند. یکی از نوع صندل و چرم و دیگر کفشی با پاشنه چرمی و رویه زربفت و گلدوزی شده که به آن کوش KAVS می گویند.
- **زینت آلات زنان** ۱ - **گوشواره** گوشواره هایی که بانوان بلوچ به گوش می آویزند اشکال مختلف دارد و همه از جنس طلاست و به نامهای «در dur»، «نالک naluk»، «دربجه durbaja»، «چلمب culumb»، «تک Tak» «باری bariy» و «والی Valiy» نامیده می شود.
۲ - **قید = کید** Kayd و غیره کید، حلقه طلایی است که در موی سر فرو می کنند و یک سر آن به گوشواره وصل می شود. گپکو نیمکره هایی از طلا می باشد که بر قطعه ای پارچه میشود دوخته و آنرا به گردن می آویزند. گاهی نیز بادانه های فیروزه و یا یاقوت آن را تزیین میکنند. پور، گنبد و وهار از طلا ساخته میشود و زنان آنها را به گردن خود آویزان میکنند.
۳ - مودی مودی، استوانه ای نقره ای است که در موی بافته سر نهاده و به پشت می اندازند.
۴ - چلا Calla چلا، انگشتری است که مندریک نیز نامیده شده و از نقره و یا طلا ساخته می شود.
۵ - سنگه Sanga سنگه (= النگو)، معمولاً بیشتر از نقره ساخته می شود که در جوف آن سنگ ریزه می گذارند تا هنگام حرکت دستها به صدا درآید.
۶ - پادیک padik پادیک، مچ بند نقره ای است که به مچ پا می بندند و هنگام راه رفتن صدا می دهد.
۷ - پلوه puluh پلوه، به شکل بیضی و از طلا و فیروزه ساخته می شود. زنان آن را در وسط بینی نصب می کنند.
زنان بلوچ، علاوه بر زینت آلات مذکور از پلک pullak، شمشکی sumsuki، مهر muhr جزع jazzi، گوماب، دلربا، نمرد، مزیبری mozeibery یا باهوبند نیز استفاده می نمایند.
- **زینت آلات کودکان** کودکان و دوشیزگان بلوچ درگذشته از زینت آلاتی نظیر، تلمل talmal، جوک juvak، گروه یا گره guruh، تائیت tayit، تائیتک tayitak، ولانتی tanti وکری karri استفاده

میکردند. زینت آلات مذکور در بعضی مواقع بین زنان و اطفال مشترک بوده و به ندرت بکار می رفته است.

**ب - پوشاک مردان عشایر بلوچ:**

۱ - **سربند** سربند یا لانکی lanki (لنگی longi لنگوته languti پاک pak) پارچه ای است، تقریبا به طول دو تا سه متر که معمولا ساده و نازک می باشد و آن را همانند عمامه به دور سر می پیچیند. بلوچ های مکران آن را روی دوش هم می اندازند و در هنگام نماز خواندن، سر خود را با آن می پوشانند. هنگام نشستن آن را دور کمر و پاهایشان می بندندکه آن را «کمرزانی» و به شوخی صندلی بلوچی می نامند.

۲ - **پیراهن** مردان بلوچ از دو نوع پیراهن یا جامک jamak استفاده می کنند. یک نوع آن دارای آستین بلند و مچ و یقه برگردان است که چاکی نسبتا بلند در دو پهلو دارد و نوع دیگر با آستین کوتاه سه ربعی و یقه بدون برگردان می باشد. براین پیراهنها معمولا جیبی نیز تعبیه می کنند. جنس پارچه آن ازکتان و بیشتر به رنگهای سفید، کرم و طوسی است. درگذشته گریبان مردم فقیر دکمه ای از جنس خود پارچه و پیراهن ثروتمندان از طلا یا نقره داشته که از چپ به راست بر روی شانه راست بسته می شده است.

۳ - **شال** شال، نوعی سرداری بوده که از پارچه پشمی محلی تهیه می شده است.

۴ - **سرین بند** Sarin band سرین بند، پارچه ای است که در جاهای دیگر، کمربند نامیده می شود.

۵ - **شلوار** مردان بلوچ همانند مردان کرد، شلوار گشاد با دمپای تنگ دارند. کمر آن از لیفه های حدود پنج متر ساخته می شود. بلوچان براین باورندکه شلوار آنان همانند شلوار مردان اشکانی است.

۶ - **کفش = پاوزار** pavzar مردان بلوچ سه نوع کفش دارند:

۱ - کفش بافته شده از برگ درخت پرگ purg که ویژه مردان بلوچ و بیابانگرد و مردان بندری است.

۲ - کفشی از نوع صندل که با چرم ساخته می شود.

۳ - کفشهای مجلل و زیبا که با نخهای ابریشمی الوان روی آن را نقش بندی و تزیین می کنند.

در جوامع ایلی، همسرگزینی صرفاً پیوند دو نفر و یا دو خانواده نیست، بلکه با پیوند ازدواج، دو طائفه و یا دو گروه اجتماعی نیز با یکدیگر مرتبط می شوند. نقش ازدواج در ایجاد همبستگی اجتماعی و کارکرد سیاسی آن در ایجاد و پایان جنگهای طائفه ای باعث شده که در تکوین آن عوامل گوناگون سیاسی - اقتصادی و اجتماعی دخالت نموده و متناسب با انتظارات گروهها و نهادهای اجتماعی شکل پذیرد.

**بازیهائی از استان سیستان و بلوچستان:**

۱ـ چل‌بازی ۲ـ اشکاتیلی ۳ـ کیچزور ۴ـ شترسواری ۵ـ چوک‌چوک ۶ـ توطن‌بازی ۷ـ گل‌گل ۸ـ جی ۹ـ هرکشکا ۱۰ـ ستط ۱۱ـ لیگر ۱۲ـکودی،کودی ۱۳ـخسو خسو ۱۴ـلیلی‌گوگو ۱۵ـ انجلاسیکی ۱۶ـکلاه چل‌چل ۱۷ـ قله‌پود ۱۸ـ چل‌وشکه ۱۹ـکشتی کچ‌گردون

**چل‌بازی** ـ چل (به فتحه چ و سکون ل) نام بازی است گروهی که بین دو تیم با نفرات مساوی هر گروه ۵ نفره انجام می‌شود، بازی مذکور از جمله بازیهای آبی محلی است که در رودهای پرآب و در محلهای عمیق و یا استخر و دریا میتواند برگزار شود، این بازی در روستاهای ایرانشهر متداول

است. بازی توسط یک نفر داور، داوری و قضاوت میشود.

**شترسواری** - شترسواری از جمله ورزشهای بومی یا محلی استان سیستان و بلوچستان است که بویژه در شهرستانهای خاش و ایرانشهر همچنان کم و بیش رایج است و بمناسبتهائی برگزار میشود.

**گـل‌گل** - از جمله بازیهای شبانه روستاهای شهرستان زابل که پس از فراغت از کار روزانه در کوچه میدان ده انجام میشود بازی گروهی است بین دو تیم بنام «گل‌گل» (گل گلها)، تعداد بازیکنان هر تیم معمولاً از ۵ تا ۱۰ نفر است محل بازی به گونه‌ایکه اشاره شد کوچه یا میدان محل است، طول زمین بازی حدود ۳۰ متر میباشد. هر تیم دارای یک سردسته است. این بازی نیازی به وسیله ندارد. از کتاب ورزشهای سنتی، بومی و محلی - غلامحسین ملک‌محمدی - کمیته ملی المپیک

**● تعداد خانوار ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان سیستان و بلوچستان.**

- جمع (۱۸۹۱۱)،

۱- ایل بلوچ (۲۴۱۸)، ۲- طایفه‌ی مستقل ایل (۱۴)، ۳- طایفه‌ی مستقل احمدزهی (۱۰)، ۴- طایفه‌ی مستقل ادوزهی (۵)، ۵- طایفه‌ی مستقل ارباب (۰)، ۶- طایفه‌ی مستقل ارباب (۰)، ۷- طایفه‌ی مستقل ارباب - ایرانشهر (۲۰)، ۸- طایفه‌ی مستقل ارباب - سراوان (۲)، ۹- طایفه‌ی مستقل اربابی (۰)، ۱۰- طایفه‌ی مستقل اردنی (۰)، ۱۱- طایفه‌ی مستقل اردنی - بیرجند (۵۴۸)، ۱۲- طایفه‌ی مستقل اردنی - بیرجند - زابل (۷۶)، ۱۳- طایفه‌ی مستقل ارضی زهی (۲۳۵)، ۱۴- طایفه‌ی مستقل آزاده - ملائی (۱۰)، ۱۵- طایفه‌ی مستقل اسکانی (۰)، ۱۶- طایفه‌ی مستقل اسکانی (۰)، ۱۷- طایفه‌ی مستقل اسکانی - ایرانشهر (۲۹۷)، ۱۸- طایفه‌ی مستقل اسکانی - سراوان (۲۶۳)، ۱۹- طایفه‌ی مستقل اله بخش زهی (۰)، ۲۰- طایفه‌ی مستقل اله وردی (۰)، ۲۱- طایفه‌ی مستقل امیر زهی (۰)، ۲۲- طایفه‌ی مستقل امیری ۲۳۱۵ ۲۳- طایفه‌ی مستقل امیریان (۰)، ۲۴- طایفه‌ی مستقل اهورانی (۱)، ۲۵- طایفه‌ی مستقل ایران دوست (۰)، ۲۶- طایفه‌ی مستقل باران زهی - سراوان (۵۵)، ۲۷- طایفه‌ی مستقل باران زهی (۱۱)، ۲۸- طایفه‌ی مستقل باران زهی (۰)، ۲۹- طایفه‌ی مستقل بارانی (۰)، ۳۰- طایفه‌ی مستقل بارانی (۰)، ۳۱- طایفه‌ی مستقل بارانی - بیرجند زابل (۲۶۴)، ۳۲- طایفه‌ی مستقل بارانی - خاش (۱۹)، ۳۳- طایفه‌ی مستقل بامری (۰)، ۳۴- طایفه‌ی مستقل بامری (۰)، ۳۵- طایفه‌ی مستقل بامری - ایرانشهر (۱۹۹)، ۳۶- طایفه‌ی مستقل بامری - خاش (۶۷)، ۳۷- طایفه‌ی مستقل بجارزهی (۱)، ۳۸- طایفه‌ی مستقل بدازهی (۰)، ۳۹- طایفه‌ی مستقل براهوئی (۰)، ۴۰- طایفه‌ی مستقل براهوئی (۰)، ۴۱- طایفه‌ی مستقل براهوئی (۰)، ۴۲- طایفه‌ی مستقل براهوئی بیرجند - زابل (۲۶۹)، ۴۳- طایفه‌ی مستقل براهوئی زاهدان (۱۶۹)، ۴۴- طایفه‌ی مستقل براهوئی - بیرجند - پشت‌آب (۴)، ۴۵- طایفه‌ی مستقل براهوئی بیرجند در میان (۱۳۹)، ۴۶- طایفه‌ی مستقل براهوئی بیرجند مؤمن آباد (۰)، ۴۷- طایفه‌ی مستقل بردیگ (۰)، ۴۸- طایفه‌ی مستقل برکی (۱۰)، ۴۹- طایفه‌ی مستقل برهان زهی (۱۸)، ۵۰- طایفه‌ی مستقل بگدی زهی (۵)، ۵۱- طایفه‌ی مستقل بلوچ (۱۱۲)، ۵۴- طایفه‌ی مستقل بلوچ حوتی (۱۱)، ۵۵- طایفه‌ی مستقل بلوچ زهی

ـ سراوان (۵۹)، ۵۶ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ زهی ـ ایرانشهر (۲۷)، ۵۷ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ شیر (۳)، ۵۸ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ لاشاری ـ ایرانشهر (۴۴)، ۵۹ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ لاشاری ـ چابهار (۱۰)، ۶۰ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ ـ تنگ کوری (۰)، ۶۱ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ ـ کوریانچی (۱۳)، ۶۲ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ ـ کوه بلوچ (۲۳)، ۶۳ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ اخردادی (۰)، ۶۴ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ ازباغی (۰)، ۶۵ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ اسماعیلی (۰)، ۶۶ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ اله بخشی زهی (۰)، ۶۷ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ امیر زهی (۰)، ۶۸ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ اوگینیکی (۲)، ۶۹ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ اهورانی (۹)، ۷۰ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ باران زهی (۲۰)، ۷۱ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ توتان (۱۶۴)، ۷۲ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ داداله زهی (۰)، ۷۳ـ طایفه‌ی مستقل‌بلوچ دادالهی (۰)، ۷۴ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ دکال زهی (۱)، ۷۵ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ دلشادی (۳۱)، ۷۶ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ زهروزهی (۸)، ۷۷ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ زهی (۰)، ۷۸ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ زهی (۰)، ۷۹ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ سرحه‌ای (۴)، ۸۰ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ سرکوهی (۳۴)، ۸۱ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ سیمکان (۰)، ۸۲ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ سیه تکانی (۳۷)، ۸۳ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ شاهی زهی (۲۲)، ۸۴ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ شیهکان (۱۳)، ۸۵ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ عزت زهی (۳)، ۸۶ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ غریب شاه زهی (۰)، ۸۷ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ فیروز شاهی (۰)، ۸۸ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ کاروان (۲۳)، ۸۹ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ کریم الهی (۰)، ۹۰ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ کله گانی (۲)، ۹۱ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ کمردانی (۲۰)، ۹۲ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ کناری (۰)، ۹۳ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ کوشاتی (۰)، ۹۴ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ کوه گور (۷)، ۹۵ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ گربن (۰)، ۹۶ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ گرگانی (۱۴)، ۹۷ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ وندرمانی (۸)، ۹۸ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ لاشاری (۰)، ۹۹ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ لاشاری (۰)، ۱۰۰ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ مراداله زهی (۰)، ۱۰۱ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ مشکند (۰)، ۱۰۲ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ مقصودزهی (۰)، ۱۰۳ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ ملازهی (۱۷)، ۱۰۴ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ مهنت (۲)، ۱۰۵ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ میرزائی (۲۰)، ۱۰۶ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ میرک زهی (۲۸)، ۱۰۷ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ نگوری (۳)، ۱۰۸ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ نوگین (۱۵)، ۱۰۹ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ هنرم (۷)، ۱۱۰ـ طایفه‌ی مستقل بلوچ یحیی (۵)، ۱۱۱ـ طایفه‌ی مستقل بلوچی (۰)، ۱۱۲ـ طایفه‌ی مستقل بلوچی (۰)، ۱۱۳ـ طایفه‌ی مستقل بلوچی (۰)، ۱۱۴ـ طایفه‌ی مستقل بلوچی (۰)، ۱۱۵ـ طایفه‌ی مستقل بلوچی ـ ایرانشهر ـ بنت (۲۳۴)، ۱۱۶ـ طایفه‌ی مستقل بلوچی ـ ایرانشهر ـ چانف (۱۳)، ۱۱۷ـ طایفه‌ی مستقل بلوچی ـ ایرانشهر مسکوتان (۲۳)، ۱۱۸ـ طایفه‌ی مستقل بلوچی تخت ملک (۹)، ۱۱۹ـ طایفه‌ی مستقل بلوچی چابهار نیک شهر (۴۲)، ۱۲۰ـ طایفه‌ی مستقل بمپوری (۳)، ۱۲۱ـ طایفه‌ی مستقل بولاغ زهی (۰)، ۱۲۲ـ طایفه‌ی مستقل بهالادینی زهی (۰)، ۱۲۳ـ طایفه‌ی مستقل بی چندی (۰)، ۱۲۴ـ طایفه‌ی مستقل بیل ـ بسولی ـ سیه پا (۸)، ۱۲۵ـ طایفه‌ی مستقل پرکی (۰)، ۱۲۶ـ طایفه‌ی مستقل پرکی (۰)، ۱۲۷ـ طایفه‌ی مستقل پرکی ـ ایرانشهر (۵)، ۱۲۸ـ طایفه‌ی

مستقل پرکی ـ سراوان (۴۰)، ۱۲۹ـ طایفه‌ی مستقل پنجگه (۱۱)، ۱۳۰ـ طایفه‌ی مستقل ترشابی (۴۳)، ۱۳۱ـ طایفه‌ی مستقل توتازهی (۲۷)، ۱۳۲ـ طایفه‌ی مستقل جاوشیری (۲)، ۱۳۳ـ طایفه‌ی مستقل جت (۴۱)، ۱۳۴ـ طایفه‌ی مستقل جدگال (۶)، ۱۳۵ـ طایفه‌ی مستقل جر (۷)، ۱۳۶ـ طایفه‌ی مستقل جمال زهی ـ خاش (۹۷)، ۱۳۷ـ طایفه‌ی مستقل جمال زهی (۰)، ۱۳۸ـ طایفه‌ی مستقل جمالزهی (۰)، ۱۳۹ـ طایفه‌ی مستقل جمشید زهی ـ خاش (۹۷)، ۱۴۰ـ طایفه‌ی مستقل جنگان زهی (۲)، ۱۴۱ـ طایفه‌ی مستقل جنگی زهی (۴)، ۱۴۲ـ طایفه‌ی مستقل جون آبادی (۳۴)، ۱۴۳ـ طایفه‌ی مستقل چاری زهی ـ سراوان (۲۶۰)، ۱۴۴ـ طایفه‌ی مستقل چاری زهی ـ خاش (۱۵)، ۱۴۵ـ طایفه‌ی مستقل چاری زهی (۰)، ۱۴۶ـ طایفه‌ی مستقل چاریزهی (۰)، ۱۴۷ـ طایفه‌ی مستقل چاکری (۰)، ۱۴۸ـ طایفه‌ی مستقل چاکری ـ سیستان (۴)، ۱۴۹ـ طایفه‌ی مستقل چشک (۰)، ۱۵۰ـ طایفه‌ی مستقل حاجی زهی (۱)، ۱۵۱ـ طایفه‌ی مستقل حسن زهی (۹)، ۱۵۲ـ طایفه‌ی مستقل حسین زهی (۳۳)، ۱۵۲ـ طایفه‌ی مستقل حسین بر (۷)، ۱۵۳ـ طایفه‌ی مستقل حملی (۰)، ۱۵۴ـ طایفه‌ی مستقل حملی (۰)، ۱۵۵ـ طایفه‌ی مستقل حملی ـ ایرانشهر (۲۴۴)، ۱۵۶ـ طایفه‌ی مستقل حملی ـ چابهار (۵)، ۱۵۷ـ طایفه‌ی مستقل حوت ـ سیستان (۵)، ۱۵۸ـ طایفه‌ی مستقل حوت پلنگی (۶)، ۱۵۹ـ طایفه‌ی مستقل حیدرزهی (۲۸)، ۱۶۰ـ طایفه‌ی مستقل حیدری (۰)، ۱۶۱ـ طایفه‌ی مستقل حیدری ایرانشهر (۱۴)، ۱۶۲ـ طایفه‌ی مستقل خاره کوهی (۰)، ۱۶۳ـ طایفه‌ی مستقل خاکی زهی ـ خاش سراوان (۱۶۱)، ۱۶۴ـ طایفه‌ی مستقل خاکی زهی چابهار سراوان (۳۰)، ۱۶۵ـ طایفه‌ی مستقل خراسانی ـ سیستان (۱)، ۱۶۶ـ طایفه‌ی مستقل دامنی (۰)، ۱۶۷ـ طایفه‌ی مستقل دامنی (۰)، ۱۶۸ـ طایفه‌ی مستقل دامنی (۰)، ۱۶۹ـ طایفه‌ی مستقل دامنی (۰)،

۱۷۰ـ طایفه‌ی مستقل دامنی ـ ایرانشهر (۱۵۱)، ۱۷۱ـ طایفه‌ی مستقل دامنی ـ چابهار (۳)، ۱۷۲ـ طایفه‌ی مستقل دامنی ـ خاش (۶۱)، ۱۷۳ـ طایفه‌ی مستقل دامنی ـ سراوان (۱۱۰)، ۱۷۴ـ طایفه‌ی مستقل درازهی (۲۵)، ۱۷۵ـ طایفه‌ی مستقل درزاده (۲۷)، ۱۷۶ـ طایفه‌ی مستقل درک زهی (۶)، ۱۷۷ـ طایفه‌ی مستقل دشتی (۲)، ۱۷۸ـ طایفه‌ی مستقل دکالی (۲۳)، ۱۷۹ـ طایفه‌ی مستقل ده مرده (۰)، ۱۸۰ـ طایفه‌ی مستقل ده مرده (۰)، ۱۸۱ـ طایفه‌ی مستقل ده مرده (۰)، ۱۸۲ـ طایفه‌ی مستقل ده مرده ـ بیرجند ـ زابل (۲۸۸)، ۱۸۳ـ طایفه‌ی مستقل دهانی (۰)، ۱۸۴ـ طایفه‌ی مستقل دهانی (۰)، ۱۸۵ـ طایفه‌ی مستقل دهانی (۰)، ۱۸۶ـ طایفه‌ی مستقل دهانی ـ ایرانشهر (۵۷)، ۱۸۷ـ طایفه‌ی مستقل دهانی ـ چابهار (۲۵)، ۱۸۸ـ طایفه‌ی مستقل دهانی ـ سراوان (۳۴۱)، ۱۸۹ـ طایفه‌ی مستقل دهگی (۵۹)، ۱۹۰ـ طایفه‌ی مستقل دهواری (۵)، ۱۹۱ـ طایفه‌ی مستقل دینارزهی (۱۰۸)، ۱۹۲ـ طایفه‌ی مستقل دیوانه (۰)، ۱۹۳ـ طایفه‌ی مستقل دیوانی (۴)، ۱۹۴ـ طایفه‌ی مستقل رئیس باب (۰)، ۱۹۵ـ طایفه‌ی مستقل رئیسی (۰)، ۱۹۶ـ طایفه‌ی مستقل رئیسی (۰)، ۱۹۷ـ طایفه‌ی مستقل رحمت زهی (۰)، ۱۹۸ـ طایفه‌ی مستقل رخشانی (۰)، ۱۹۹ـ طایفه‌ی مستقل رسولی زادهی (۰)، ۲۰۰ـ طایفه‌ی مستقل رودینی (۱۳)، ۲۰۱ـ طایفه‌ی مستقل رومک زهی (۱)، ۲۰۲ـ طایفه‌ی مستقل

رئیسی ـ ایرانشهر (۶۳)، ۲۰۳ـ طایفه‌ی مستقل رئیسی ـ سراوان (۲)، ۲۰۴ـ طایفه‌ی مستقل ریگی (۰)، ۲۰۵ـ طایفه‌ی مستقل ریگی (۰)، ۲۰۶ـ طایفه‌ی مستقل ریگی (۰)، ۲۰۷ـ طایفه‌ی مستقل ریگی (۰)، ۲۰۸ـ طایفه‌ی مستقل ریگی ـ خاش (۴۴۹)، ۲۰۹ـ طایفه‌ی مستقل ریگی ـ زاهدان (۸۴۵)، ۲۱۰ـ طایفه‌ی مستقل زرد کوهی (۸)، ۲۱۱ـ طایفه‌ی مستقل زهروزهی (۱۶)، ۲۱۲ـ طایفه‌ی مستقل زهری زهی (۰)، ۲۱۳ـ طایفه‌ی مستقل زین الدینی (۲۲)، ۲۱۴ـ طایفه‌ی مستقل سابکی (۱۲۵)، ۲۱۵ـ طایفه‌ی مستقل سارانی (۰)، ۲۱۶ـ طایفه‌ی مستقل سارانی (۰)، ۲۱۷ـ طایفه‌ی مستقل سارانی (۰)، ۲۱۸ـ طایفه‌ی مستقل سارانی ـ خاش (۱۱)، ۲۱۹ـ طایفه‌ی مستقل سارانی ـ بیرجند ـ زابل (۱۰۶)، ۲۲۰ـ طایفه‌ی مستقل ساسولی (۰)، ۲۲۱ـ طایفه‌ی مستقل سالارزهی ـ سالاری (۰)، ۲۲۲ـ طایفه‌ی مستقل سالارزهی ـ سالاری (۰)، ۲۲۳ـ طایفه‌ی مستقل سالارزهی ـ سالاری (۰)، ۲۲۴ـ طایفه‌ی مستقل سالارزهی ـ سالاری ـ زابل (۸)، ۲۲۵ـ طایفه‌ی مستقل سالارزهی ـ سالاری ـ زاهدان (۱۰۹)، ۲۲۶ـ طایفه‌ی مستقل سالارزهی ـ سالاری ـ چابهار (۱۹)، ۲۲۹ـ طایفه‌ی مستقل سپاهی (۷۹)، ۲۳۰ـ طایفه‌ی مستقل سجادی (۰)، ۲۳۱ـ طایفه‌ی مستقل سراوانی (۰)، ۲۳۲ـ طایفه‌ی مستقل سراوانی (۰)، ۲۳۳ـ طایفه‌ی مستقل سراوانی ـ ایرانشهر (۵)، ۲۳۴ـ طایفه‌ی مستقل سراوانی ـ چابهار (۱۵)، ۲۳۵ـ طایفه‌ی مستقل سرحدی (۲۳)، ۲۳۶ـ طایفه‌ی مستقل سردارزهی (۷۸)، ۲۳۷ـ طایفه‌ی مستقل سمکی (۰)، ۲۳۸ـ طایفه‌ی مستقل سمی (۶۰)، ۲۳۹ـ طایفه‌ی مستقل سنجرزهی (۰)، ۲۴۰ـ طایفه‌ی مستقل سنجرزهی ـ ایرانشهر (۵۵)، ۲۴۱ـ طایفه‌ی مستقل سنجرزهی ـ خاش (۸)، ۲۴۲ـ طایفه‌ی مستقل سندک زهی (۰)، ۲۴۳ـ طایفه‌ی مستقل سندک زهی سراوان (۴۷)، ۲۴۴ـ طایفه‌ی مستقل سوری زهی (۱۹۹)، ۲۴۵ـ طایفه‌ی مستقل سهراب زهی ـ خاش (۸)، ۲۴۶ـ طایفه‌ی مستقل سهراب زهی ـ زاهدان (۳)، ۲۴۷ـ طایفه‌ی مستقل سهراب زهی ـ ایرانشهر (۳۰)، ۲۴۸ـ طایفه‌ی مستقل سهراب زهی ـ سراوان (۱۳)، ۲۴۹ـ طایفه‌ی مستقل سهر (۰)، ۲۵۰ـ طایفه‌ی مستقل سهراب زهی (۰)، ۲۵۱ـ طایفه‌ی مستقل سهراب زهی (۰)، ۲۵۲ـ طایفه‌ی مستقل سهراب زهی (۰)، ۲۵۳ـ طایفه‌ی مستقل سهوئی (۰)، ۲۵۴ـ طایفه‌ی مستقل سیاهانی (۰)، ۲۵۵ـ طایفه‌ی مستقل سیاهانی (۰)، ۲۵۶ـ طایفه‌ی مستقل سیاهانی (۰)، ۲۵۷ـ طایفه‌ی مستقل سیاهانی ـ ایرانشهر (۱۴)، ۲۵۸ـ طایفه‌ی مستقل سیاهانی ـ سراوان (۳۳۶)، ۲۵۹ـ طایفه‌ی مستقل سینکله ـ چابهار (۳)، ۵۶۰ـ طایفه‌ی مستقل سینکله (۰)، ۲۶۱ـ طایفه‌ی مستقل سینکله (۰)، ۲۶۲ـ طایفه‌ی مستقل شاه ولی بر (۳۳)، ۲۶۳ـ طایفه‌ی مستقل شاهک زهی (۵۷)، ۲۶۵ـ طایفه‌ی مستقل شاهوزهی (۰)، ۲۶۶ـ طایفه‌ی مستقل شاهوزهی (۰)، ۲۶۷ـ طایفه‌ی مستقل شاهوزهی (۰)، ۲۶۸ـ طایفه‌ی مستقل شاهوزهی (۰)، ۲۶۹ـ طایفه‌ی مستقل شاهوزهی ـ چابهار (۳۱)، ۲۷۰ـ طایفه‌ی مستقل شاهوزهی زاهدان (۳۹)، ۲۷۱ـ طایفه‌ی مستقل شکری زهی (۳)، ۲۷۲ـ طایفه‌ی مستقل شوله بر (۳۰۱)، ۲۷۳ـ طایفه‌ی مستقل شولی بر (۳۲)، ۲۷۴ـ طایفه‌ی مستقل شه بخش ـ نیک شهر (۲)، ۲۷۵ـ طایفه‌ی مستقل شه بخش (۰)، ۲۷۶ـ طایفه‌ی مستقل شه بخش (۰)، ۲۷۷ـ طایفه‌ی

مستقل شه بخش - ایرانشهر (۱۱۲)، ۲۷۸- طایفه‌ی مستقل شه بخش - خاش (۵)، ۲۷۹- طایفه‌ی مستقل شه بخش -زاهدان (۳۷۳)، ۲۸۰- طایفه‌ی مستقل شه دوستی (۱۴)، ۲۸۱-طایفه‌ی مستقل شهداد زهی - سراوان (۱۱۲)، ۲۸۲- طایفه‌ی مستقل شهداد زهی - خاش (۵۴)، ۲۸۳- طایفه‌ی مستقل شهدوست زهی (۱۸)، ۲۸۴- طایفه‌ی مستقل شهرسان زهی - خاش (۷۴)، ۲۸۵- طایفه‌ی مستقل شهرسان زهی - سراوان (۶۲)، ۲۸۶- طایفه‌ی مستقل شهلی بر - سراوان (۲)، ۲۸۷- طایفه‌ی مستقل شهلی بر - ایرانشهر (۶)، ۲۸۸- طایفه‌ی مستقل شهنوازی - خاش (۱۰۰)، ۲۸۹- طایفه‌ی مستقل شهداد زهی (۰)، ۲۹۰- طایفه‌ی مستقل شهداد زهی (۰)، ۲۹۱- طایفه‌ی مستقل شهرسان زهی (۰)، ۲۹۲-طایفه‌ی مستقل شهرسان زهی (۰)، ۲۹۳-طایفه‌ی مستقل شهرکی (۶)، ۲۹۴-طایفه‌ی مستقل شهنوازی (۳)، ۲۹۵- طایفه‌ی مستقل شهنوازی (۰)، ۲۹۶- طایفه‌ی مستقل شیبک - شیبانی (۶۲)، ۲۹۷- طایفه‌ی مستقل شیخ زاده (۱)، ۲۹۸- طایفه‌ی مستقل شیخی (۰)، ۲۹۹-طایفه‌ی مستقل شیخی - بیرجند - زابل (۳۶)، ۳۰۰- طایفه‌ی مستقل شیرانی (۰)، ۳۰۱-طایفه‌ی مستقل شیرخان زهی - خاش (۱۳)، ۳۰۲- طایفه‌ی مستقل شیرخان زهی - زاهدان (۳۳)، ۳۰۳- طایفه‌ی مستقل شیرخان زهی (۰)، ۳۰۴-طایفه‌ی مستقل شیرخان زهی (۰)، ۳۰۵-طایفه‌ی مستقل شیروزهی (۳۵)، ۳۰۶-طایفه‌ی مستقل شیری (۲)، ۳۰۷-طایفه‌ی مستقل صالح زهی - صلاح زهی (۰)، ۳۰۸- طایفه‌ی مستقل صالح زهی -صلاح زهی ایرانشهر (۲۶۰)، ۳۰۹- طایفه‌ی مستقل صالح زهی - صلاح زهی چابهار (۱۱)، ۳۱۰-طایفه‌ی مستقل طاهر زهی (۰)، ۳۱۱-طایفه‌ی مستقل طاهر زهی -نیک شهر (۲)، ۳۱۲-طایفه‌ی مستقل طاهر زهی ایرانشهر (۱۶)، ۳۱۳-طایفه‌ی مستقل عالی زهی (۰)، ۳۱۴- طایفه‌ی مستقل عبداله زهی (۰)، ۳۱۵- طایفه‌ی مستقل عبداله زهی (۰)، ۳۱۶- طایفه‌ی مستقل عبداله زهی - خاش (۳۶)، ۳۱۷- طایفه‌ی مستقل عبداله زهی -زاهدان (۴۰)، ۳۱۸- طایفه‌ی مستقل عبدالهی - ایرانشهر (۳۱)، ۳۱۹- طایفه‌ی مستقل عبدالهی (۰)، ۳۲۰- طایفه‌ی مستقل عبدل زهی - ایرانشهر (۴۲)، ۳۲۱- طایفه‌ی مستقل عبدل زهی - سراوان (۲۴۲)، ۳۲۲- طایفه‌ی مستقل عبدل زهی (۰)، ۳۲۳- طایفه‌ی مستقل عبدل زهی (۰)، ۳۲۴- طایفه‌ی مستقل عمر زهی (۰)، ۳۲۵-طایفه‌ی مستقل عمر زهی (۰)، ۳۲۶- طایفه‌ی مستقل عمرزهی - ایرانشهر (۵)، ۳۲۷- طایفه‌ی مستقل عمرزهی - خاش (۳۱)، ۳۲۸- طایفه‌ی مستقل غلامی (۰)، ۳۲۹-طایفه‌ی مستقل غلامی -چابهار (۲)، ۳۳۰- طایفه‌ی مستقل فوتی زهی (۷۸)، ۳۳۱-طایفه‌ی مستقل فولادی (۲۶)، ۳۳۲- طایفه‌ی مستقل فیروزی (۱۹)، ۳۳۳- طایفه‌ی مستقل قلندرزهی (۰)، ۳۳۴- طایفه‌ی مستقل قلندر زهی - خاش - سفیدکوه (۲۳)، ۳۳۵-طایفه‌ی مستقل قلندر زهی - خاش -کارواندار (۱۵)، ۳۳۶- طایفه‌ی مستقل قنبر زهی (۶۸۱)، ۳۳۷-طایفه‌ی مستقل قنبر زهی - سمسور (۷)، ۳۳۸- طایفه‌ی مستقل کد خدائی (۰)، ۳۳۹- طایفه‌ی مستقل کرد (۰)، ۳۴۰- طایفه‌ی مستقل کرد (۰)، ۳۴۱- طایفه‌ی مستقل کرد - خاش (۲۹۵)، ۳۴۲- طایفه‌ی مستقل کرد - زاهدان (۱۵۹)، ۳۴۳- طایفه‌ی مستقل کرنگش (۱۳۷)، ۳۴۴-طایفه‌ی مستقل کلمتی (۰)، ۳۴۵- طایفه‌ی مستقل کمال زهی (۱۸)، ۳۴۶-طایفه‌ی

مستقل کمبر زهی (۳۲)، ۳۴۷- طایفه‌ی مستقل کوچال (۵۳)، ۳۴۸- طایفه‌ی مستقل کوچنکی (۰)، ۳۴۹- طایفه‌ی مستقل کوسگ (۰)، ۳۵۰- طایفه‌ی مستقل کوه ونی (۰)، ۳۵۱- طایفه‌ی مستقل کهرازهی (۴۲)، ۳۵۲- طایفه‌ی مستقل گربیچ (۲۴)، ۳۵۲- طایفه‌ی مستقل گل بچه (۸)، ۳۵۳- طایفه‌ی مستقل گمشاد زهی (۰)، ۳۵۴- طایفه‌ی مستقل گمشاد زهی (۰)، ۳۵۵- طایفه‌ی مستقل گمشاد زهی (۰)، ۳۵۶- طایفه‌ی مستقل گمشاد زهی - خاش (۱۸۲)، ۳۵۷- طایفه‌ی مستقل گمشاد زهی -زاهدان (۹۱)، ۳۵۸- طایفه‌ی مستقل گمشاد زهی - سراوان (۷۲۳)، ۳۵۹- طایفه‌ی مستقل گوری ۳۷ ۳۶۰- طایفه‌ی مستقل گهرازهی (۱۶)، ۳۶۱- طایفه‌ی مستقل لاسکانی (۰)، ۳۶۲- طایفه‌ی مستقل لجه‌ای (۲)، ۳۶۳- طایفه‌ی مستقل مچ کوری (۰)، ۳۶۴- طایفه‌ی مستقل محتاج زهی (۱۳)، ۳۶۵- طایفه‌ی مستقل محجوب (۱۱)، ۳۶۶- طایفه‌ی مستقل محمود خاش (۳)، ۳۶۷- طایفه‌ی مستقل محمود زهی (۰)، ۳۶۸- طایفه‌ی مستقل محمود زهی (۰)، ۳۶۹- طایفه‌ی مستقل محمود زهی - خاش (۷۷)، ۳۷۰- طایفه‌ی مستقل محمود زهی - سراوان (۷۰)، ۳۷۱- طایفه‌ی مستقل مختاجی (۰)، ۳۷۲- طایفه‌ی مستقل مرادزهی (۰)، ۳۷۳- طایفه‌ی مستقل مرادزهی (۰)، ۳۷۴- طایفه‌ی مستقل مرادزهی (۰)، ۳۷۵- طایفه‌ی مستقل مرادزهی (۰)، ۳۷۶- طایفه‌ی مستقل مرادزهی - خاش (۸۲)، ۳۷۷- طایفه‌ی مستقل مراد زهی - زاهدان (۱۱۵)، ۳۷۸- طایفه‌ی مستقل مرادزهی - ایرانشهر لاشار (۱۰)، ۳۷۹- طایفه‌ی مستقل مراد زهی - ایرانشهر مینان (۱)، ۳۸۰- طایفه‌ی مستقل مزارزهی (۰)، ۳۸۱- طایفه‌ی مستقل مزارزهی (۰)، ۳۸۲- طایفه‌ی مستقل مزارزهی - خاش (۸۳)، ۳۸۳- طایفه‌ی مستقل مزارزهی - سراوان (۳۶۴)، ۳۸۴- طایفه‌ی مستقل مزارزهی - شه بخش (۰)، ۳۸۵- طایفه‌ی مستقل مشواری - شه بخش (۰)، ۳۸۶-طایفه‌ی مستقل مگسانی (۲۵)، ۳۸۷-طایفه‌ی مستقل مگسی (۲)، ۳۸۸-طایفه‌ی مستقل مگونی (۴۸)، ۳۸۹- طایفه‌ی مستقل مگیرزهی (۰)، ۳۹۰-طایفه‌ی مستقل ملک (۴۸)، ۳۹۱- طایفه‌ی مستقل ملک رئیسی (۰)، ۳۹۲- طایفه‌ی مستقل ملوک زهی (۷۵)، ۳۹۳-طایفه‌ی مستقل مومرئی - همدزئی (۱۱)، ۳۹۴-طایفه‌ی مستقل میران زهی (۳۲)، ۳۹۵- طایفه‌ی مستقل میربلوچ زهی (۶۹)، ۳۹۶- طایفه‌ی مستقل میر سموری (۲)، ۳۹۷- طایفه‌ی مستقل میر شاه (۱۸)، ۳۹۸- طایفه‌ی مستقل میرک زهی (۴)، ۳۹۹- طایفه‌ی مستقل میر مراد زهی (۴)، ۴۰۰- طایفه‌ی مستقل ناروئی (۰)، ۴۰۱-طایفه‌ی مستقل ناروئی (۰)، ۴۰۲- طایفه‌ی مستقل ناروئی (۰)، ۴۰۳-طایفه‌ی مستقل ناروئی (۰)، ۴۰۴-طایفه‌ی مستقل ناروئی - بیرجند (۱۲)، ۴۰۵- طایفه‌ی مستقل ناروئی - زاهدان (۴۶۲)، ۴۰۶- طایفه‌ی مستقل ناروئی - بیرجند - زاهدان (۱۱۳)، ۴۰۷- طایفه‌ی مستقل ناروئی - ایرانشهر (۲۱۲)، ۴۰۸- طایفه‌ی مستقل ناروئی - زاهدان - بیرجند (۲۱)، ۴۰۹-طایفه‌ی مستقل نتوزهی (۰)، ۴۱۰-طایفه‌ی مستقل نخودزهی - ایرانشهر (۶)، ۴۱۱- طایفه‌ی مستقل نخودزهی - سراوان (۴)، ۴۱۲- طایفه‌ی مستقل نرماشیری (۱۰)، ۴۱۳- طایفه‌ی مستقل نقیبی جهانی (۱۶)، ۴۱۴- طایفه‌ی مستقل نوتی زهی (۰)، ۴۱۵- طایفه‌ی مستقل نوحانی (۲۳)، ۴۱۶- طایفه‌ی مستقل نوری (۰)، ۴۱۷- طایفه‌ی مستقل نهتانی - سیستان (۱۲)، ۴۱۸- طایفه‌ی

مستقل نهنگی (۰)، ۴۱۹ـ طایفه‌ی مستقل ودکار (۵)، ۴۲۰ـ طایفه‌ی مستقل وکیلی (۴)، ۴۲۱ـ طایفه‌ی مستقل هاشمزهی (۳۵)، ۴۲۲ـ طایفه‌ی مستقل هراتی (۰)، ۴۲۳ـ طایفه‌ی مستقل هوت (۳)، ۴۲۴ـ طایفه‌ی مستقل هوتی (۹۹)، ۴۲۵ـ طایفه‌ی مستقل هیبت زهی (۰)، ۴۲۶ـ طایفه‌ی مستقل یار احمد زهی (۶)، ۴۲۷ـ طایفه‌ی مستقل یارک زهی (۲۵)، ۴۲۸ـ طایفه‌ی مستقل یار محمد زهی ـ شهنوازی (۲)، ۴۲۹ـ طایفه‌ی مستقل یوسف زهی (۴۴).

**اقتصاد:**

**برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی سیستان و بلوچستان**

غلات هکتار / تن (گندم ۵۶۲۳۹، ۱۱۶۹۳۴، جو، ۲۴۲۴۴، ۳۳۸۸۸، شلتوک، ۲۹۶۶، ۸۹۸۴، ذرت دانه‌ای ۴۲۹۸، ۱۹۵۵۷

حبوبات هکتار / تن (نخود ۹، ۲۳، لوبیا، ۷۹، ۲۰۸، عدس ۴۴، ۴۵

محصولات صنعتی هکتار / تن (توتون و تنباکو، ۵۸۹، ۸۹۷، کلزا، ۲۲۸، ۲۲۲

سبزیجات هکتار / تن (سیب‌زمینی ۳۱۰، ۷۸۴۳، پیاز ۵۵۳۸، ۱۲۷۵۳۶، گوجه‌فرنگی، ۱۳۱۷، ۳۱۴۸۶

محصولات جالیزی هکتار / تن (خربزه، ۱۰۸۵۳، ۱۴۰۷۹۲، هندوانه ۱۴۹۳۲، ۲۷۲۲۷۴، خیار ۳۹۷، ۱۱۷۸۰

نباتات علوفه‌ای هکتار / تن (یونجه، ۱۳۷۷۳، ۲۰۶۲۶۷، شبدر، ۱۹۷۷، ۱۰۳۲۲۲

**محصولات:** میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی. میوه‌های هسته دار: گیلاس (تک دانه مشهد)، گوجه، آلو، هلو، زردآلو و قیسی. میوه‌های دانه ریز: انگور (بیدانه کشمشی، عسگری، شاهرودی، یاقوتی)، توت درختی. میوه‌های خشک: پسته (اوحدی، احمد آقایی، اکبری، کله قوچی)، بادام، گردو. میوه‌های نیمه گرمسیری: موز، انبه، پاپیا، کنار، چیکو، تمبرهندی. گیاهان دارویی: زیره سبز، حنا، وسمه. توت نوغان. خرما (مضافتی، ربی)، انجیر، پرتقال، نارنگی، لیموترش، لیموشیرین، گریپ فروت، نارنج، انار، زیتون. میوه‌های گرمسیری: نارگیل.

**صنایع:** محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۳۹۵ واحد)، ساخت منسوجات (۵۱ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۵۰ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۲۸ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۲۱ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۵۲ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۱۳۳ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۱۹ واحد)، ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات (۱۲ واحد)، بازیافت (۸ واحد).

**صنایع دستی و جاذبه‌های توریستی:**

سوزن دوزی بلوچ، قالیبافی، سفال سازی، گلیم بافی (بلوچی، فارسی)، سکه دوزی، آئینه دوزی، چشمه دوزی، خامه دوزی، چادر شب بافی، نمد مالی، حصیر بافی، خراطی، تذهیب، خوشنویسی، معرق، نگارگری، مکرومه بافی، ملیله‌دوزی. ـ سازمان صنایع دستی

**قالی:** سیستان دارای یکی از اصیل‌ترین انواع قالی درکشور ماست. زیراندازهای سیستان به سه گروه تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی دارای مبنای تاریخی است.

الف ـ نوع تاریخی یا کهن، که تا آغاز قرن چهاردهم هجری (بیستم میلادی) بافته شده است.

ب ـ نوع میانه، که از حدود اواخر قرن سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی) بافته شده و هنوز هم بافته می‌شود.

ج ـ نوع نو، که هم اکنون بافته می‌شود.

**گلیم:** گلیم وسیله‌ای است که به عنوان زیرانداز و پرده در چادرها و محلهای عمومی نظیر قهوه‌خانه‌ها و نیز در تهیه لوازم زندگی و کار، مانند رختخواب (چادرشب)، سجاده، خورجین، جوال، پشتی، جُل اسب، سفره و... استفاده می‌شود. گلیم در گویش سیستانی شال (SHAL) نامیده می‌شود.

**خورجین:** بافته‌ای است که چادرنشینان کوچ‌رو اغلب همراه خود دارند و از آن جهت حمل بار توسط الاغ، اسب و یا شتر استفاده می‌شود. خورجین در گویش سیستانی نیز همان خورجین نام دارد.

**سفره:** سفره در منطقه سیستان همان سفره نامیده می‌شود و مواد اولیه آن نخ، پشم و طریقه بافت آن همچون گلیم است.

**توبره:** توبره نیز در منطقه سیستان به همین لفظ می‌باشد و تقریباً به شکل یک لنگه خورجین است و مواد اولیه جهت بافت آن موی بز و نخ کاموا می‌باشد.

**پالان:** پالان را از جوال و نخ مویین و الیاف گیاهی محلی به نام کَرْتِ سُورَک و پشم و پارچه کهنه پر می‌کنند و کوک می‌زنند و جای کوک‌ها را پشم می‌گذارند که زود پاره نشود و انتهای آن را رشته‌ای چرمی می‌دوزند. پالان را در اصطلاح محلی کَتَلْ (Katal) می‌نامند و بافت آن بر عهده مردان است.

**چادربافی (پلاس‌بافی):** پلاس‌بافی در سیستان همان «سیاه‌چادر» است. و مواد اولیه مورد استفاده در بافت، موی بز می‌باشد.

بافت اینگونه چادرها همچون گلیم است با این تفاوت که اولاً چادر بدون نقش بافته می‌شود در حالیکه گلیم دارای نقش می‌باشد. ثانیاً بیشتر از نخهای چله در گلیم می‌باشد، اندازه‌های معمول بافت اینگونه چادرها، حداکثر عرض ۱/۵ متر و طول ۵ تا ۷ متر می‌باشد.

**پشتی‌بافی:** این رشته از صنایعی است که در منطقه سیستان به ویژه در نواحی بنجار، کرباسک، دهمرده، بزی، دوست‌محمد و شهرکی و نارویی رایج می‌باشد.

**نمدمالی:** این رشته نیز از جمله صنایعی است که در منطقه سیستان رایج است و ساختن آن با تمام مشکلات تهیه‌اش توسط زنان انجام می‌گیرد. مواد اولیه آن را که پشم است مردان تهیه می‌کنند، می‌شویند و بعد رنگ می‌زنند. سپس زنها بدون هیچ وسیله‌ای و تنها با استفاده از دست و پا به ساختن آن می‌پردازند.

**سفالگری:** سفالگری هنر و صنعت ظریف و حساسی است که از شرق سرچشمه می‌گیرد و آمیزه‌ای است از دقت نظر و تیزبینی و احساس زیبایی پرستی شرقی که سراسر آن رنج‌ها و تجاربی است الهام گرفته از طبیعت، مناظر، پرندگان، حیوانات و حتی انسان.

این هنر شگرف از دیر زمانی مانند دیگر هنرهای دیرینهٔ انسانی در سیستان رواج داشته است. نمونه‌هایی از آن که مربوط به دوران مادها و قبل از آن می‌شود، در نواحی معبد غلامان سیستان کشف شده است.

**تنورسازی:** تنوسازی را در گویش محلی سیستان تندورسازی (Tandoor Sazi) می‌گویند. از تنور برای طبخ نان استفاده می‌شود و برای ساخت آن از گل رس و موی بز استفاده می‌کنند.

**حصیربافی:** صنعت حصیربافی در منطقه سیستان باگویش اصیل (Aseel) بافی تلفظ می‌شود. حصیر را از ساقه‌های نی و بعضی مواقع نوعی دیگر از حصیر را از برگ درخت خرما درست می‌کرده‌اند.

تولیدات حصیر برای زیرانداز، سایه‌بان، ظروف مختلف، پرده و... کاربرد دارد. - از کتاب صنایع دستی سیستان - علی کلدوری

**کلاه دوره‌ای:** واژه فارسی آن کلاه حصیری لبه‌دار است و از آن برای جلوگیری از تابش نور شدید آفتاب به سر و صورت استفاده می‌کنند.

**پرده‌بافی:** پرده‌بافی از دیگر صنایعی است که در منطقه سیستان رایج است. این حرفه عمدتاً در روستاهای اطراف و حاشیه‌های هامون وجود دارد و حتی روستاهایی یافت می‌شوند که تنها از راه پرداختن به این حرفه روزگار می‌گذرانند. محصول این مردمان پرده‌هایی است ساخته شده از نوع نی بنام لوخ (lox) که در محل به خُولک معروف است.

**چلیک‌بافی** (CHILKBAFFI): چلیک نوعی طناب می‌باشد که از الیاف گیاهانی مانند برگ لوخ، برگ کَرْتِه و جِلدنخ مانند دور درخت خرما بافته می‌شود. از این طنابها برای حمل بار با حیوانات و محکم کردن سقف خانه‌های قدیمی و غیره استفاده می‌شده است.

هر سه نوع مواد اولیه در منطقه وجود دارد، این صنعت دستی با ورود طنابهای پنبه‌ای و نایلونی از رونق افتاده و جای خود را به این صنایع جدید داده است و قدرت رقابت از نظر مقدار تولیدی را با این طنابها ندارد ولی در قسمت کیفیت هنوز هم برتری خود را نسبت به آنها به اثبات رسانده است. اکثراً مردان روستایی در هنگام احتیاج و جایی که دسترسی به طناب نداشته باشند از این نوع طنابها می‌بافند.

**تُوتَنْ** (TOTAN) **(قایق گیاهی):** از این وسیله برای حمل و نقل بار و مسافر استفاده می‌شود. مواد مورد نیاز جهت ساخت تُوتَنْ نوعی گیاه دریایی است که به گویش سیستانی به آن تُوتَکْ می‌گویند. برای ساخت این نوع قایق توتک‌هایی را که ساقه نداشته جمع‌آوری کرده و در محلی می‌گذارند تا کاملاً خشک شود.

**جی‌گو ورَخْت:** واژه فارسی آن گاوآهن می‌باشد و استفاده از آن جهت شخم زدن مزارع می‌باشد که بوسیله گاو و الاغ و شتر کشیده می‌شود. بیشتر قسمت‌های آن از چوب تشکیل شده و فقط حلقه و خیش آن از آهن است.

**صنعت فلزگری:** این صنعت از روزگاران کهن در سیستان رواج داشته است. آثار تاریخی به وضوح درجهٔ تخصص‌گرایی و تنوع‌طلبی در تولید و تقاضای ابزارآلات فلزی توسط فلزگران و ساکنان شهر سوخته را نشان می‌دهد. عمده‌ترین انواع اشیاء فلزی عبارتند از: چاقوهایی با زبانه مدور، سرنیزه‌هایی برگی شکل با زبانه نواری، تبرهای پهن، اسکنه‌هایی با مقطع چهارگوش و طره‌ای شکل، قلاب‌های ماهیگیری، آیینه‌های مدور بدون دسته، دندانه‌های گردن‌بند شیاردار، پیکره‌ها، مهره‌ها، و غیره.

**ابزار و آلات موسیقی:** در منطقه سیستان از انواع ادوات موسیقی در مراسم شادی مانند عروسی‌ها، ختنه‌سوریها و تولد بچه‌ها استفاده می‌شود. ادوات موسیقی مورد استفاده در سیستان ساخته شده، بجز معدود قطعاتی که از جاهای دیگر تهیه می‌شود از دایره یا داره (دَف) زنان در مراسم استفاده نموده ولی ساز، قیچک و دهل توسط برادران در مراسم نواخته می‌شود.

**اسپره:** دودنی (آویزه اسپند) از آن جهت تزیین منازل و جلوگیری از چشم زخم استفاده می‌شود. مواد اولیه آن اسپند و نخ می‌باشد.

**سنگ آس:** سنگ آسیاب، سنگهایی می‌باشد که

جهت خرد کردن غلات مورد استفاده قرار می‌گرفته است. ماده مورد نیاز سنگ خارا می‌باشد. سالیان زیادی حجاران با این حرفه پررونق روزگار را به سر آورده‌اند و از ارزش و اعتباری در بین مردم برخوردار بوده‌اند.

**آس دستی (آسیاب دستی):** در گذشته از این وسیله برای آرد کردن غلات استفاده می‌شده است.

**خامه‌دوزی:** خامه‌دوزی در روستاهای منطقه سیستان رواج دارد و نقوش آن بیشتر متشکل از خطوط منحنی است و از آن به منظور پیش‌سینه، عرقچین، جانماز، جلیقه، رومیزی و... استفاده می‌شود.

**کلاه‌خومک (عرقچین):** از آن به عنوان کلاه استفاده می‌شود.

ـ مواد اولیه مورد مصرف: پارچه تیترون، نخ سفید معمولی یا نخ ابریشم می‌باشد.

**آیینه‌دوزی:** زنان هنرمند سیستانی با استفاده از نخ‌های الوان قطعات کوچک آیینه را با فواصل معین و به صورت اشکال منظم بر روی انواع لباسهای محلی مانند جلیقه، کلاه، کیف، ساک دستی، پیش‌بخاری، سجاده و غیره می‌دوزند.

**سوزن‌دوزی:** این هنر قدمت دیرینه دارد. از موارد استفاده از آن می‌توان به عنوان نمونه به سردست‌ها، یقه پیراهن‌های سفید دامادها، خصوصاً لبه دامن‌های به اصطلاح چهل تِریز مردانه و پول‌دان‌ها، مهردان‌ها، کلاه، دستمال و حوله‌هایی که با سوزن‌دوزی به گونه‌ای زیبا آماده می‌شود اشاره کرد. ـ از کتاب صنایع دستی سیستان

**تاریخچه فرش سیستان:** امروزه تقریباً در ۵۰۰ روستا از ۸۰۰ روستای سیستان، فرش بافته می‌شود اما این هنر اصیل به شدت در حال نابودی و فروپاشی است به طوری که در بسیاری از این روستاها هر روز، ممکن است تولید آن متوقف گردد. مهمترین و شاید تنها عامل این رکود تأسف‌بار، تحول شرایط محیطی، اقتصادی و نیز بی‌مهری صاحبان قدرت و برنامه‌ریزان مربوطه باشد.

با آمدن سکاها به سیستان تحول بزرگی در این منطقه صورت گرفت. کمترین چیزی که امروزه می‌توانیم بگوییم آن است که بافته‌های منطقه سیستان تحت تاثیر هنر سکاها قرار گرفت، زیرا این قوم در قرن پنجم پیش از میلاد، قالی و گلیم می‌بافتند و نمد تولید می‌کردند. از گورهای دسته‌هایی از آنان در شمال آلتائی، قالی، گلیم و نمد به دست آمده است. در نخستین نوشته‌های اسلامی، سیستان دارای بهترین بافته‌های ابریشمی و پشمی توصیف شده است. آثار باستان‌شناسی بیانگر رونق سیستان در دوره‌های اشکانی و ساسانی است. در این دو دوره، سیستان یکی از بزرگترین ارقام مالیات را می‌پرداخته، و از آبادترین و پرتولیدترین قسمتهای ایران بوده است. بدون شک آثار بدست آماده از شهر سوخته بهترین دلیل بر قدمت بافت فرش در سیستان است به طوری که شهرت بافته‌های آن در آغاز دوره اسلامی، نشان از قدمت و رونق آن دارد. از محصولات بافندگی سیستان در آغاز دوره اسلامی، با قالی‌ها و گلیم‌های طبرستان و فارس در یک ردیف یاد می‌شود.

**رنگ‌های فرش سیستان:** آشکارا برخی سنت‌های قالی ایران بویژه در زمینه رنگ، ابتکار سکاهاست. سکاها به رنگ آبی علاقه شدیدی داشته‌اند. چینی‌ها قالی خود را با زمینه آبی و نقش شیر، از آنان گرفته‌اند و این مساله‌ای است که سالها

پیش مورد تحقیق قرار گرفته و روشن شده است. قالی‌های ایرانی با زمینه‌های آبی، سرمه‌ای و فیروزه‌ای یادگاری سنت سکایی است. از رنگ‌های دیگری که سکاها به آن بسیار علاقه‌مند بودند زرد یا زرین است. آنان به زر هم علاقه زیادی داشتند. رنگ زرد شاد و درخشان یکی از مهمترین رنگ‌های قالی سیستانی قدیم است. حتی در یک نمونه گلیم منسوب به سیستان نیز چنین رنگی دیده می‌شود. رنگ زرد یادآور شکوه گندم‌زاران وسیع و پربار سیستان است.

سومین رنگ مورد علاقه سکاها رنگ سرخ است که در قالی سیستانی، مثل قالی‌های بسیاری از نواحی دیگر ایران، رایج است در نمونه‌های قدیم، رنگ سرخ بسیار به چشم می‌خورد و در قالی‌های امروزی بیشتر.

**نقشه‌های قالی سیستان:** قالی اصیل و کهن سیستان دارای نقشه مشخصی نیست که البته این امر در قالی ایرانی ظاهراً بعید و شگفت‌انگیز است. قالی ایرانی اگرچه نقشه‌های معینی دارد اما بسیار متنوع است. بسیاری از نقش‌مایه‌های قالی ایرانی که در حاشیه هم به کار می‌روند نقش‌هایی هستند که صرفاً در متن دیده می‌شود در حالی که نقش مایه‌های متن در حاشیه دیده نمی‌شوند، مثل لچک، ترنج، دستان و... قالی کهن سیستانی برخلاف این است، چیزی که در آن نیست همین نقشهای درشت مثل لچک و ترنج است. متن این قالی با همان نقشها پر شده است که عیناً در حاشیه هم هست. گاه کار بسیار عجیبی صورت گرفته است. یک قطعه از آنچه ما حاشیه می‌شماریم در مرکز قالی قرار گرفته که خود بیانگر وفادار ماندن آن به سنت کهن ایرانی است.

از ویژگی‌های مهم قالی سیستانی، تعداد فراوان نقشه‌ها و نقش مایه‌هایی است که در قالی، گلیم و سوزن‌دوزی به کار رفته است و این نشانه‌ای است از یک دوره طولانی غنای مادی و فرهنگی و برخورد با اقوام دیگر. در میان قالی‌بافان ایرانی، این تنوع و زیبایی تنها در میان قشقایی‌ها دیده می‌شود که آشکارا از قفقاز و آذربایجان، مرکز غربی ایران، لرها، کردها و مردم خوش ذوق فارس تاثیر پذیرفته و مانند سیستان یکی از متنوع‌ترین قالی‌های ایران را دارا هستند. این نقش‌ها بهترین دلیل برخورد اقوام با یکدیگر است.

نقشه‌ها و نقش مایه‌های قالی سیستان بسیار زیاد است. اما متاسفانه نام تعداد زیادی از آنها از خاطر زدوده شده است. تحقیقات نشان می‌دهد که سیستانیان در حدود ۲۰ نوع گلدان بر روی قالی‌های خود به کار برده اما همه آنها را با سه نام: گلدان، گل قندان، و گل نوروزی می‌شناسیم. انواع گوناگونی از طلسم، تعویذ، بازوبند و دعادان بر روی قالی سیستان دیده می‌شود. اما تنها نامهای بازوبند، تعویذی و... را یافتیم.

**نقش‌های سیستانی و وابستگی قومی:** هرچه مطالعات و دقت در قالی سیستانی، بلوچی و ترکمنی بیشتر می‌شود، توجه به این نکته افزون‌تر می‌شود که نخست، سیستان خود دارای قالی‌بافی مستقل، کارآمد و زیبا بوده که نه تنها بافت سیستانی را در سایه بافت بلوچ نمی‌توان نگریست بلکه چه بسا ممکن است برخی از نقش‌های بلوچی و ترکمنی دارای اصالت سیستانی باشند.

**انواع بافت‌های سیستانی:** بافته‌های سیستانی بسیار متنوع‌اند از قالی تا چنته و نیز قالیچه‌های کوچک، جوال، خورجین، کیسه در اندازه‌های مختلف چه بصورت قالی، گلیم و سوزن‌دوزی

فراوان بافته می‌شده که امروزه هم به دلیل تغییر نوع زندگی و هم زوال این صنعت، بافت بسیاری از آنان فراموش شده است.

**سنتهای سیستانی و قالی ایرانی:** اصولاً قالی تار و پود دار ابتکار ایرانیان است و این ابتکار تا حد تار و پود و پُرز بین ایرانیان شمالی و جنوبی مشترک بوده است. اما در نوع گره، جنوبی‌ها ابتکاری ویژه خود داشته‌اند که گره فارسی از آن پدید آمده و ابتکار شمالی‌ها به گروه متقارن یا ترکی انجامیده است. بعلاوه از آنجا که گره ترکی در سرزمین باستانی سکاها رایج بوده و نیز قومهایی آن را به کار می‌بردند که با شمال در تماس بوده یا از آنجا آمده‌اند، ممکن است این گره ابتکار سکاها باشد که کهن‌ترین نمونه اصیل آن قالی «پازیریک» و تنها یادگار اصیل آن در بافته‌های قدیم سیستان است. ـ خدارحم بزی، غلامعلی خمر، محمودرضا میرلطفی، حمید حیدری مکرر

## فرهنگی ـ دانشگاهی

**دانشگاه زابل:** این دانشگاه در ۱۳۷۸ با تفکیک واحدها تابع دانشگاه سیستان و بلوچستان در شهرستان زابل به وجود آمد. دانشکده‌های کشاورزی (با گروه‌های آموزشی (زراعت، علوم دامی، اقتصاد کشاورزی، گیاه پزشکی، آبیاری و صنایع غذایی)، دام پزشکی (باگروههای آموزشی کارشناسی علوم آزمایشگاهی و کاردانی دام‌پزشکی) منابع طبیعی (با گروه‌های آموزشی مرتع و آبخیزداری ،شیلات، علوم و منابع چوب و کاغذ و محیط زیست) و گروه آموزشی علوم ( با گروه‌های آموزشی زیست‌شناسی در سه شاخه)، گروه آموزشی ادبیات و علوم انسانی (باگروه‌های آموزشی زبان و ادبیات عرب ، زبان و ادبیات فارسی و الهیات و معارف اسلامی،) و پژوهشکده کشاورزی زابل (با روشهای پژوهشی اقتصاد کشاورزی، زراعت و اصلاح نباتات، بهداشت دام و طیور) در این دانشگاه فعال‌اند.

دوره‌های تحصیل: کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد

**دانشگاه سیستان و بلوچستان:** این دانشگاه در ۱۳۷۱ از ادغام دو دانشگاه سیستان و بلوچستان و تربیت معلم به وجود آمد که هر دو در ۱۳۵۴ تأسیس شده بودند. در حال حاضر دانشگاه دارای هفت دانشکده و دو مرکز آموزش عالی است و دانشکده‌های علوم (با گروه‌های آموزشی شیمی، ریاضی، زمین‌شناسی، فیزیک و تربیت بدنی)، اقتصاد و حسابداری)، دانشکده مهندسی مکانیک، مهندسی برق و مواد)، ادبیات و علوم انسانی (با گروههای آموزشی روان‌شناسی، زبان و ادبیات فارسی، الهیات، زبان انگلیسی، باستانشناسی، تاریخ، علوم تربیتی، جغرافیا و معارف اسلامی)، هنر (باگروه‌های آموزشی هنرهای سنتی، حفاظت و مرمت آثار تاریخی، فرش، باستان‌شناسی، صنایع دستی، نقاشی و مردم‌شناسی) و مرکز آموزش عالی تربیت دبیر (با گروه‌های آموزشی ریاضی، ادبیات فارسی، زبان و ادبیات انگلیسی) و مرکز آموزش عالی دریانوردی (با گروه‌های آموزش مهندسی کشتی، دریانوردی، مدیریت و کمیسر دریایی و مترجمی زبان) در این دانشگاه فعالیت دارند.

دوره تحصیلی: کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی

**دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زاهدان:** در سال ۱۳۶۵ تأسیس شد و در

سال ۱۳۶۶ عنوان مجتمع آموزشی پژوهشی حضرت فاطمه (س) به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زاهدان تغییر نام داد ـ دولتی

## آثار تاریخی استان سیستان و بلوچستان

۱ـ مسجد جامع زاهدان، ۲ـ مسجد حکیم زابل، ۳ـ مسجد شریفی زابل، ۴ـ مسجد دارالعلوم سراوان، ۵ـ مسجد قدیمی سراوان، ۶ـ قلعه‌ی سه کوهه در بخش شیب آب زابل، ۷ـ قلعه‌ی نمرود در جنوب بخش شیب آب زابل،
۸ـ قلعه‌ی اسپیدژ در ایرانشهر، ۹ـ قلعه‌ی دوست محمد خان در ایرانشهر، ۱۰ـ قلعه‌ی پیپ در ۱۴۲ کیلومتری فهرج ـ ایرانشهر، ۱۱ـ قلعه‌ی فیروز آباد در ۱۹۰ کیلومتری جنوب فهرج، ۱۲ـ قلعه‌ی هریدوک در ۱۳۰ کیلومتری فهرج، روستای هریدوک، ۱۳ـ قلعه‌ی سعید آباد در ۳۴ کیلومتری فهرج ـ روستای سعید، ۱۴ـ قلعه‌ی بزمان در ایرانشهر ـ فهرج ـ بزمان، ۱۵ـ قلعه‌ی چهل دختر و سرباز در ایرانشهر، ۱۶ـ قلعه‌ی قدیمی قصر قند در ۳۴ کیلومتری چابهار در روستای سعید آباد، ۱۷ـ قلعه‌ی قدیمی تیس در ۹ کیلومتری شمال چابهار، ۱۸ـ قلعه‌ی چهل دختر در نیک شهر، ۱۹ـ قلعه‌ی سیب در ۴۷ کیلومتری سراوان، ۲۰ـ قلعه‌ی سام در ۲۸ کیلومتری جاده زاهدان به زابل، ۲۱ـ تپه‌ی دهانه‌ی غلامان در ۴۴ کیلومتری زابل، ۲۲ـ تپه‌ی تاسوکی در زابل، ۲۳ـ تپه‌ی کلارتک در سراوان، ۲۴ـ تپه‌ی میل مارد در سراوان، ۲۵ـ تپه‌ی روباهک در سراوان، ۲۶ـ تپه کلاتی بخشان در یک کیلومتری سراوان، ۱۷ـ تپه‌ی مهتاب خزانه کوهک در سراوان، ۱۸ـ تپه‌ی سید میر عمر در سراوان، ۲۹ـ تپه‌ی سیاهبون در چابهار، ۳۰ـ کاروانسرای رباط شورگز در جاده‌ی زاهدان به نصرت آباد، ۳۱ـ آتشکده کرکوی در زابل، ۳۲ـ مقبره‌ی شیخ شمیل در ۱۶۲ کیلومتری چابهار، ۳۳ـ زیارتگاه بابا حاجی در سراوان، ۳۴ـ امام زاده سید غلام رسول در ضلع شرقی چابهار، ۳۵ـ بقعه‌ی خواجه مهدی بن محمد خلیفه در زابل، ۳۶ـ غار کوه پیرک در سراوان، ۳۷ـ غار تیس در چابهار، ۳۸ـ میل قاسم آباد در مکران قاسم آباد ـ زابل، ۳۹ـ موزه‌ی مردم‌شناسی میراث فرهنگی در زاهدان. ـ سازمان هواشناسی کشور

## آثار ثبت شده استان سیستان و بلوچستان

کوه خواجه (کوه رستم) - (اشکانی ـ ساسانی) - زابل
خرابه‌های پایتخت قدیم سیستان - ساسانی - اسلامی - زابل
خرابه‌های ۱ معبد (کرکو) - ساسانی - زابل
میل قاسم آباد - قرن ۶ ه.ق - زابل
تپه کرکو - (اشکانی - ساسانی) -زابل
شهر و قلعه بی بی دوست - (اشکانی - ساسانی) - زابل
زاهدان کهنه - تیموری - زابل
قلعه تیمور - تیموری - زابل
تپه شهرستان - (اشکانی - ساسانی) - زابل
کوه خواجه - (اشکانی - ساسانی) - زابل
قلعه سار (سام) - (اشکانی - ساسانی) - زابل
شهر سوخته - پیش از تاریخ - زابل
تپه‌های اطراف شهر سوخته - پیش از تاریخ - زابل
تپه‌های مابین تاسوکی و طالب خان - ساسانی) - زابل
تپه روباهک - هزاره ۲ ق.م - سراوان
تپه کلاتک - هزاره ۱ تا قرون اولیه اسلامی - سراوان
تپه مهتاب خزانه - پیش از تاریخ تا اسلامی - سراوان
قبرستان گشت - (اواخر اشکانی - ساسانی) - سراوان

تپه کلاتک بخشان - هزاره ۱ تا اسلامی - سراوان
تپه میان مارو - هزاره ۲ تا قرون اولیه اسلامی - سراوان
تپه کله برزاد (قلعه برزاد) - هزاره ۲ تا اسلامی - سوران
تپه قلعه ملا - هزاره ۲ تا قرون اولیه اسلامی - سراوان
تپه پیر کهورث - هزاره ۲ تا قرون اولیه اسلامی - سراوان
تپه پیرکهورد - هزاره ۲ تاقرون اولیه اسلامی - سراوان
قلعه تیس - صفویه - چابهار
تپه دمبیگان - اسلامی - قصر قند
تپه سیاهبون - هزاره ۲ ق.م - قصر قند
جادختران - اسلامی - نیک شهر
قلعه بمپور -(ساسانی - اسلامی) - بمپور
تپه میر سید عمر - (ساسانی - اسلامی) - جالق
امامزاده سید غلام رسول - تیموری - چابهار
قلعه سب - قاجاریه - سراوان
محله قدیمی ایرانشهر - قاجاریه - ایرانشهر
بازار سرپوش - معاصر - زاهدان
ساختمان دادگستری - معاصر - زاهدان
مسجد جامع سراوان (دزک) - قاجاریه - سراوان
مناره مسجد جامع خاش - قاجاریه - خاش
گنجینه زابل - کنسولگری سابق - قاجاریه - زابل
ساختمان قدیمی گمرک - اواخر قاجار - میرجاوه
ساختمان قدیمی پست - قاجاریه - زاهدان
ساختمان قدیمی بهداری سراوان - پهلوی - سراوان
قلعه مچی - صفویه - زابل
ساختمان پست زاهدان - اوایل پهلوی - زاهدان
خانه زعیم (ابوئی فعلی) - پهلوی - زاهدان
ساختمان اداری پست - اواخر قاجار - میرجاوه
ساختمان باشگاه ورزشی خیامیان - قاجاریه - زاهدان
درمانگاه خدمات اجتماعی ایرانشهر - قاجاریه - زاهدان
ساختمان‌قدیمی شهربانی میرجاوه-پهلوی اول - میرجاوه
باغ خالصه بمپور - (قاجاریه - پهلوی) - بمپور
مسجدفیض‌الرحمان-(اواخرقاجار-اوایل‌پهلوی)-زاهدان
مقابر واقع در سورو - سلجوقی - سراوان
مقابر واقع در شیشه ریز - سلجوقی - زاهدان
دبستان طالقانی - پهلوی اول - زاهدان
منزل شمسی - پهلوی اول - زاهدان
قلعه حیدرآباد - اواخر قاجار - خاش
قبرستان هفتاد ملا - اسلامی - زاهدان
مجموعه قلعه‌های روم و رامرد - اسلامی - زابل
معماری صخره‌ای تمین - (تاریخی - اسلامی) - زاهدان
برجک قدیمی - قاجاریه - خاش
منزل یزدان شناس - معاصر - ایرانشهر
معماری صخره‌ای تمین ۲ - اسلامی - زاهدان
منزل حیدریان - معاصر - زاهدان
ساختمان کانون کارآموزان - پهلوی دوم - زاهدان
پاسگاه بین راهی انگلیسی‌ها - پهلوی - زاهدان
تلگرافخانه حرمک - پهلوی اول زاهدان
تپه مهرگان - تاریخی - سراوان
تپه سیاه دک - اواخر هزاره ۳ ق.م - سراوان
تپه کهنوک - هزاره ۳ ق.م - سراوان
تپه کلپورگان - هزاره ۳ و ۲ ق.م - سراوان
تپه کلاتک - تاریخی - سراوان
محوطه تنکان - (پیش از تاریخ - تاریخی) - سراوان
محوطه‌سنگی‌یااحمدآباد-(پیش‌ازتاریخ - تاریخی) - سراوان
تپه ککی - پیش از تاریخ - سراوان
حسینیه آل رسول - قاجاریه - چابهار
تپه مرتضی علی - قرن ۹ و ۱۰ ه.ق - خاش
زیارتگاه مرتضی علی - (تیموریان - صفویه) - خاش

دبستان دو شهید - پهلوی اول - بمپور
خانه مرحوم خدابنده - اواخر قاجار - بمپور
تپه کوشکک - پیش از تاریخ - نیک شهر
بقایای روستای چاه دیوان - معاصر - زاهدان
قلعه دامن - قاجاریه - ایرانشهر
تپه شاه مردان - قرن ۱۱ و ۱۲ ه.ق - سراوان
موزه زنده سفال کلپورگان - معاصر - سراوان
قلعه کسو جمپ - قرون اولیه اسلامی - چابهار
قلعه پیروزگت - قرون اولیه اسلامی - چابهار
محوطه دمب کوه - اشکانی - چابهار
محوطه کوتیج - اشکانی - نیک شهر
محوطه زبرینگ - پیش از تاریخ تا اسلامی - نیک شهر
قلعه تپه زنگیان - اشکانی - نیک شهر
قلعه تپه بی بی دوست - (تاریخی - اسلامی) - زابل
مجموعه تپه‌های بلوچ خان - (تاریخی-اسلامی) - زابل
مجموعه تپه‌های آبیل - قرن ۴ تا ۹ ه.ق - زابل
تپه‌های کله‌منار ۱ و ۲ - (پیش‌از تاریخ - تاریخی) - زابل
مجموعه تپه‌های برج افغان - (قرن ۶ و ۷ ه.ق) - زابل
محوطه قاسم آباد بی‌بی دوست - قرن ۶ و ۷ ه.ق) - زابل
تپه کندرک ۱ - قرون اولیه اسلامی - زابل
تپه قبرستان شیخ صابر - قرون اولیه اسلامی - زابل
تپه کندرک ۲ - قرون اولیه اسلامی - زابل
محوطه آسیاب بادی رنده - قرون میانه اسلامی - زابل
تپه قبرستان مارگان - قرون میانه اسلامی - زابل
محوطه زیارت شیر سرخ - قرون اولیه اسلامی - زابل
مجموعه تپه‌های تخت‌عدالتشاه - قرون میانه اسلامی - زابل
تپه قبرستان شیخ علی - (تاریخی - اسلامی) - زابل
تپه یوسف سلام - تاریخی - زابل
تپه کلاتک تنهک - قرن ۵ تا ۷ ه.ق - ایرانشهر
قبرستان اسپیدژ - پیش از تاریخ - ایرانشهر
قلعه اسپیدژ - قرون اولیه اسلامی - ایرانشهر
تپه کلاتک میرزاخان - تاریخی - ایرانشهر
مجموعه تپه‌های ژاله‌ای - قرن ۷ تا ۸ ه.ق - زابل
مجموعه تپه‌های زیارت شاه اسماعیل - قرن ۷ و ۸ ه‍ق - زابل
قلعه تپه لادیز - (ساسانی - اوایل اسلامی) - زاهدان
تپه محمد ریش - قرن ۸ ه.ق - زابل
تپه زیارت تخت شاه - قرون میانه اسلامی - زابل
تپه دوکان دک چراغان - قرن ۵ تا ۷ ه.ق - سرباز
محوطه برج میرگل - قرون میانه اسلامی - زابل
قلعه سه کوهه - قاجاریه - زابل
ساختمان ارگ سردارناروئی - (اواخرقاجار - اوایل پهلوی) زابل
محوطه گراکی کوه - اشکانی - چابهار
محوطه بن داوود - قرن ۴ تا ۸ ه.ق - چابهار
قبرستان تمین - قرن ۴ تا ۸ ه.ق - زاهدان

فهرست آثار تاریخی استان سیستان در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۹۳۰ واحد می‌باشد. ـ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

**جمعیت مرد و زن روستائی و شهری سیستان و بلوچستان:** مرد: (۵۲۰۲۵۱ شهری، ۵۰۵۸۳۷ روستائی)، زن: (۴۹۱۰۴۷ شهری، ۵۰۴۸۶۶ روستائی).

**شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها**

**آب رئیس:** از دهستانهای بخش بزمان شهرستان ایرانشهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن مسجد ابوالفضل است.

**ابتر:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان ایرانشهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن ابتر است و در منطقه‌ای دشتی، گرم و خشک و کوه

سرخمان قرار و رود فصلی کنارو در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، برنج، انجیر، خرما، مرکبات، سیب، انار، انگور و تره بار.
**پوشش گیاهی:** درختان کنار، کهور و گز، گیاهان کلپوره، درمنه، و بومادران و پوشش‌گیاهی مرتعی.
**جانوران:** گرگ، روباه شغال، و خرگوش.
**ادیمی:** از دهستانهای بخش پشت آب شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن ادیمی است.
**اسکل آباد:** از دهستانهای بخش نوک آباد شهرستان خاش استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن دهپابید است. در منطقه‌ای دشتی گرم و خشک، کوه شاه و کوه نراب در آن قرار و رود فصلی گز انتیر در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه تره بار، انگور، سیب، انار، انجیر، پسته، سنجد، و توت.
**پوشش گیاهی:** درختان بادام کوهی، انجیرکوهی، گیاه درمنه و پوشش مرتعی.
**جانوران:** گرگ، کفتار، روباه، شغال و خرگوش.
**اسماعیل آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خاش استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن عباس‌آباد است. در منطقه‌ای دشتی، گرم، خشک، کوه پنج انگشت و کوه سینه در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، تره بار و ذرت
**پوشش گیاهی:** درمنه، بومادران، درخت گز و پوشش گیاهی مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش
**اشار:** از دهستانهای بخش سرباز شهرستان سرباز استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن اشار است. در منطقه‌ای پایکوهی گرم خشک، کوه‌کوت کندک و کوه گزنوک و کوه تربوح در آن قرار و رود فصلی کزورا در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، ذرت، خرما، انار و تره بار.
**پوشش گیاهی:** کلپوره و درختان گز، کهو و کنار و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال.
**ایرافشان:** از دهستانهای بخش سرباز شهرستان سرباز استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن ایرافشان است.
در منطقه‌ای میانکوهی گرم خشک، کوه وزیران، کوه سیاهینکان در آن قرار و رود فصلی شهری کورا در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، برنج، ذرت، بنشن، تره بار، مرکبات، خرما، انگور، انار، و تنباکو.
**پوشش گیاهی:** درمنه، و درختان گز، بنه، کهور، و کنار و پوشش مرتعی.
**جانوران:** گرگ، روباه و شغال.
**ایرانشهر:** از شهرستانهای استان سیستان و بلوچستان، از شمال به شهرستان زاهدان (بخش نصرت آباد)، از شمال خاوری به شهرستان خاش، از خاور به شهرستان سراوان، از جنوب به شهرستان چابهار، از باختر به شهرستان جیرفت (بخش نرماشیر) محدود است. ایرانشهر با هوای گرم معروفش یکی از شهرهای قدیمی ایران است که پیش از این فهره یا فهرج نامیده می‌شد. در کتاب «اوستا» از این شهر به نام «پهله» یا «پهره» نام برده شده است که معرب فهره به معنای شهر بزرگ است که نشان می‌دهد این شهر درگذشته مرکزیت داشته و یکی از بزرگ‌ترین شهرهای بلوچستان و ایران بود هاست و به همین جهت آن را همواره با پسوند شهر ذکر کرده‌اند. این شهر در قسمت

مرکزی بلوچستان در فاصله‌ی ۳۶۵ کیلومتری زاهدان واقع شده است. ایرانشهر برخلاف دیگر سرزمین‌های خشک و سوزان بلوچستان، پرآب و زمین‌های آن برای کشاورزی مساعد است. دره‌ی سرباز که به وسیله‌ی رودخانه‌ای بـه همین نام مشروب می‌گردد. از نظر ایجاد باغات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محصولات مهم این شهرستان خرما، گندم، باقلا، مرکبات، برنج، انبه و ذرت است. آثار باستانی و تاریخی ایرانشهر عبارتند از:

- قلعه‌ی پیشین واقع در بخش راسک مربوط به دوره‌ی اسلامی.
- قلعه‌ی چهل دختر واقع در ایرانشهر.
- قلعه‌ی قدیمی سرباز واقع در بخش سرباز مربوط به دوره‌ی اسلامی.
- قلعه‌ی اسپسید واقع در مسیر بزمان ـ دلگان که گویا قتل اشرف افغان در این محل صورت گرفته است.
- قلعه و تپه‌های بزمان واقع در بزمان مربوط به دوره‌ی اسلامی.
- قلعه‌ی قدیمی دامن واقع در دامن.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر ایرانشهر دارای چهار بخش ۱ - مرکزی دارای ۳ دهستان (۱ - حومه ۲ - ابتر ۳ - دامن) ۲ - بزمان ۳ - بمپور ۴ - دلگان است.

**رودها:** رود پمبور، از کوههای جنوب باختری خاش نخست بنام رود دامن بدان می‌پیوندد و از ۴ کیلومتری جنوب ایرانشهر و ۲کیلومتری جنوب بمپور میگذرد و سرانجام وارد هامون جز موریان می‌شود. ۲ - رود سرباز که از کوههای جنوب خاوری ایرانشهر روان می‌گردد در منطقه جنوبی شهرستان ایرانشهر روان است و از مرکز بخش سرباز می‌گذرد و سرانجام به رود گاشاندرود و در پایان به دریای عمان می‌پیوندد.

**کوهها:** ۱ - کوه بزمان به بلندی ۳۵۰۳ متر در شمال ۲ -کوه دیگر در جنوب ببلندی ۱۸۷۱ متر سر برافراشته‌اند.

**آب و هوا:** گرم و نسبتاً خشک، حداکثر درجه حرارت در تابستان به ۵۱ درجه و در زمستان به صفر می‌رسد.

حداکثر بارندگی سالانه آن به ۸۳ میلیمتر و حداقل ۱۲ میلیمتر در سال می‌رسد.

بیشتر بلوچ و از طوایف ریگی، لاشاری، دامنی، مبارکی، بارک زهی، سردار زهی، شیران زهی و غلام زهی می‌باشند.

**نژاد و زبان:** آریانی نژادند و بزبان فارسی و بلوچی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان کهور، گز و کنار - گیاهان داروئی: درمنه، کلپوره و بومادران - پوشش گیاهی برای چرای دام به مقدار اندک در فصول سرد.

پوشش گیاهی این منطقه از نوع استپ بیابانی است که در قسمت‌های کوهستانی از موقع بهتری برخوردار می‌باشد. در جنوب ایرانشهر، جنگلی بطول تقریبی ۵۴ کیلومتر و عرض ۳ کیلومتر تا کنار ریگزارهای غربی کشیده شده است. در کوههای بزمان درختان بادام کوهی، پسته وحشی سر بر افراشته‌اند.

**جانوران و پرندگان:** میش، قوچ، بزکوهی، خرگوش، روباه، شغال، گرگ، و کبک.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری، و صنایع ماشینی استوار است. کشاورزی با بارندگی خیلی کم است با این حال نوع کشت تماماً آبی و آب کشاورزی از کاریزها، رود، چاههای ژرف و نیمه ژرف می‌باشد.

دامداری در کنار کشاورزی و بصورت کوچ ییلاق و قشلاق می‌باشد، گاوداری صنعتی نیز رفته رفته رو به رواج است.
سیمان سازی، آجر سازی، موزائیک سازی و برخی از صنایع دستی از جمله فعالیت‌های اقتصادی مردم این سامان است.
**فرآورده‌ها:** خرما، گندم، جو، گیاهان علوفه‌ای و تره‌بار، بنشن، برنج، توتون، تنباکو، مرکبات، انار، انجیر، و توت - دام و فرآورده‌های دامی، سیمان، آجر، موزائیک.
بخش مرکزی (ایرانشهر) از بخشهای شهرستان ایرانشهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن ایرانشهر و دارای ۳ دهستان: (۱ - حومه ۲ - ابتر ۳ - دامن) است.
**ایرندگان:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان خاش در استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن ده قلعه است. و در منطقه‌ای پایکوهی گرم و خشک قرارگرفته و رود مرنتاک در آن جریان و کوه بیرک در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، ذرت، برنج، تره بار، سیب، انگور و انار
**پوشش گیاهی:** درختان بادام کوهی و گز و داروئی چون بومادران و درمنه و پوشش گیاهی مرتعی.
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش، مساهی، کبک و تیهو.
**باهوکلات:** از دهستانهای بخش دشتیاری شهرستان چابهار استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن باهوکلات و در منطقه‌ای دره‌ای گرم خشک و کوه دو بردار و کوه دلیک در آن قرار و رود فصلی مزن کور در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** خرما، لیمو، و تره بار، حصیر
**پوشش گیاهی:** در ختان گز، کهور و کنار و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش.
**بَزْمان:** از بخشهای شهرستان ایرانشهر، استان سیستان و بلوچستان، از شمال به زاهدان، از شمال خاوری و خاور به شهرستان خاش، از جنوب خاوری به حومه ایرانشهر، از جنوب به بخش بمپور، از باختر به بخشهای کهنوج و جبالبارز(از شهرستان جیرفت) و از شمال باختری به نرماشیر (از بخشهای شهرستان بم) محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر بزمان،دارای دو دهستان (بزمان ۲ - آب رئیس) است.
**رودها و کاریزها:** چند رود فصلی کم آب در این بخش روان که از کوههای بخش بزمان سرچشمه گرفته و سرانجام به هامون جازموریان فرو میروند.
**بزمان:** از دهستانهای بخش بزمان شهرستان ایرانشهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن گیمان است در منطقه‌ای میانکوهی گرم خشک، گرم پانسارره، کوه زنده، کوه سم چاران، کوه گران کوچک و کوه گران بزرگ در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** خرما
**پوشش گیاهی:** گیاهان کلپوره و درمنه، درختان گز و بنه و پوشش مرتعی
**جانوران:** گرگ، کفتار، روباه، شغال و خرگوش.
**بزی:** از دهستانهای بخش پشت آباد شهرستان زابل استان سیستان وبلوچستان و مرکز آن بزی علیا است.
**بم پشت:** از دهستانهای بخش ۴۰ پشت شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن سیرکان است. و در منطقه‌ای پایکوهی گرم خشک، کوه سیاه درنگ و کوه جنگ جا در آن قرار و رود فصلی بروئی در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، انگور، سیب، خرما، و تره بار.
**پوشش گیاهی:** کلپوره، درختان گز و کهور و پوشش گیاهی مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، پلنگ، روباه و خرگوش.
**بمپور:** از بخشهای شهرستان ایرانشهر استان سیستان و بلوچستان، از شمال به حومه ایرانشهر، و بخش بزمان، از خاور به بخش سرباز، از جنوب به قصر قند و نیک شهر (از بخشهای شهرستان چابهار) از جنوب باختری به حومه چابهار و از باختر به کهنوج.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر بمپور دارای دو دهستان (۱ - بمپورشرقی ۲ - بمپور غربی) است.
**رودها:** ۱ - رود بمپور که از کوههای شمال خاوری ایرانشهر روان گشته از مناطق شمالی از ۲ کیلومتری شهرک بمپور می‌گذرد و به هامون جز موریان می‌ریزد.
**کوهها:** مناطق شمالی جلگه‌ای و جنوبی کوهستانی و بلندیهائی تا ۱۷۰۰ متر سربرافراشته‌اند.
**آب و هوا:** گرم و نیمه خشک
**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و بزبان فارسی و بلوچی سخن می‌گویند. بیشتر از ایل بلوچ ناروئی، رودینی، دامنی، برهان زهی و بارک زهی
**رستنی‌ها:** درختان کنار، کهوروگز - پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** آهو، روباه، شغال، خرگوش، کبک، وتیهو
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و دامداری استوار است. و کشاورزی پر رونقی دارد - آب کشاورزی در مناطق شمالی رود بمپور و در جنوب چاههای ژرف و رودهای فصلی، سد بمپور نیز در آبرسانی نقش مهمی دارد - دامداری با ییلاق و قشلاق و به شیوه سنتی و مرغداری نیز رونق دارد.
**صنایع دستی:** حصیربافی، پلاس‌بافی و سوزن‌دوزی
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، تره بار، خرما، مرکبات، انار، سیب، انگور، گیاهان علوفه‌ای، دام و فرآورده‌های دامی، حصیر، پلاس.
**بمپور:** از دهستانهای بخش بمپور شهرستان ایرانشهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن نوکچوب و در منطقه‌ای دشتی گرم و خشک قرار گرفته و رود بمپور در آن جریان یافته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، ذرت، کنجد، یونجه، خرما، انجیر، و انار.
**پوشش گیاهی:** درختان گز، کهور، و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، و خرگوش.
**بمپور غربی:** از دهستانهای بخش بمپور شهرستان ایرانشهر استان سیستان و بلوچستان و مرکزش قاسم آباد است. و در منطقه‌ای دشتی گرم و خشک قرار و رود بمپور در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، ذرت، یونجه، تره بار، خرما، انجیر و انگور.
**پوشش گیاهی:** درختان گز، کهور و کنار و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، گراز، روباه، شغال، و خرگوش.
**بنت:** از بخشهای شهرستان نیک شهر استان سیستان و بلوچستان مرکز آن شهر بنت دارای ۳ دهستان (۱ - بنت ۲ - دسنگرد ۳ - توتان و مهمدان) است.
این بخش ۴۰۰ متر بلندتر از سطح دریا، دشتی، گرم، خشک در ۳۲۵ کیلومتری در جنوب خاوری

ایرانشهر واقع است.
رود بنت از کوههای کله بگاه، هشت کوه، کوه سفید و کوه نیلک روان می‌شود و از مغرب بخش بنت می‌گذرد و سرانجام به دریای عمان می‌ریزد.
کوه سیپورک در جنوب، کوه دوکش در شمال شرقی و کوه کله بگاه در شمال این بخش سر برافراشته‌اند .
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری، کارگری و باغداری استوار و کشت آن آبی، آب کشاورزی و آشامیدنی از رود، کاریز و چشمه و چاه فراهم گشته است.
**پوشش گیاهی:** درخت کهور، کنار و گز - برنجاسف که گیاهی داروئی است و مرتع برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، روباه و شغال.
**بنت:** از دهستانهای بخش بنت شهرستان نیک شهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن بنت است. که در منطقه‌ای پایکوهی گرم خشک، کوه ارزوئی در آن قرار و رود کرنز در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، تره بار و خرما.
**پوشش گیاهی:** درمنه، کلپوره، درختان گز و کهور و پوشش مرتعی.
**بُنجار** (مرکز بخش): شهر بنجار در بلندی ۴۷۸ متری از سطح دریا، قرار دارد مرکز بخش شیب آب و پشت آب از بخشهای شهرستان زابل، استان سیستان و بلوچستان، در ۶ کیلومتری شمال خاوری زابل و در مسیر راه زابل - دوست محمدخان است.
**آب و هوا:** گرم و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها تا ۴۷ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها تا ۵ درجه زیر صفر، میزان بارندگی سالانه حدود ۵۰ میلی متر است.

**بنجار:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن بنجار است.
**بُنحار:** مرکز بخش شیب آب و پشت آب، از بخشهای شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان در ۴۷۶ متری بلندتر از سطح دریا و در ۶ کیلومتری شمال شرقی زابل و در مسیر راه زابل - دوست محمد خان قرار دارد.
**رودها:** شاخه‌ای از رود بزرگ هیرمند از غرب این مرکز بخش می‌گذرد و سرانجام به دریاچه هامون می‌ریزد.
**آب و هوا:** گرم و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۴۷ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها ۵ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه به طور متوسط ۵۰ میلیمتر است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، بنشن، انگور، آب کشاورزی و آشامیدنی، از رود هیرمند.
**پوشش گیاهی:** گز، تاغ، و برخی گیاهان داروئی و پوشش گیاهی برای چرای دام‌ها.
**جانوران و پرندگان:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش، گراز و مرغابی.
**بیرک:** از دهستانهای بخش زابلی شهرستان سراوان استان سیستان وبلوچستان و مرکز آن چاهوک است .
**پارود:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان سرباز استان سیستان وبلوچستان و مرکز آن پارود است. در منطقه‌ای پایکوهی گرم و خشک قرار و رود اسپنتان در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، برنج، خرما، و تره بار.
**پوشش گیاهی:** کلپوره، درمنه، درختان گز، کنار و کهور و پوشش مرتعی.
**جانوران:** گرگ، کفتار، روباه، شغال، و خرگوش.

**پسکوه:** از دهستانهای بخش سیب سوران شهرستان سراوان استان سیستان وبلوچستان و مرکز آن پسکوه است و در منطقه‌ای دشتی، گرم خشک کوه بیرک درآن قرار و رود فصلی کاروچ در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، ذرت، بنشن، تره بار، انار، انجیر، سیب، خرما و انگور.

**پوشش گیاهی:** درختان گز، بادام کوهی، گیاهان کلپوره، درمنه و پوشش گیاهی مرتعی.

**۴۰ پشت:** از بخشهای شهرستان سراوان مرکز آن شهر سیرکان دارای ۳ دهستان (۱ - ۴۰ پشت ۲ - کوهک اسفندک ۳ - کشنگان) است.

**پشتکوه:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان خاش استان سیستان وبلوچستان و مرکز آن افضل آباد است و درمنطقه‌ای دشتی گرم خشک، کوه کمربست و کوه اشکان درآن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، تره بار، سیب، انار، انگور، آلو سیاه، پسته و توت.

**پوشش گیاهی:** کلپوره، بومادران، درمنه، درختان گز، و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران:** گرگ، کفتار، روباه، و شغال.

**پلان:** از بخشهای شهرستان چابهار مرکز آن شهر پلان دارای دو دهستان (۱ - پلان ۲ - تلنک) است. در ارتفاع ۲۶ متری از سطح دریا، دشتی، گرم خشک در ۳۷ کیلومتری شمال نگور - رود کاجوا از شمالش می‌گذرد.

کوه ریپک در ۲ کیلومتری جنوب شرقی سربرافراشته است.

**اقتصاد:** برپایه کشاورزی، باغداری، و دامداری استوار است. کشت آبی و دیمی، آب کشاورزی و آشامیدنی از رود، آب بند و برکه

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، بنشن، خرماو مرکبات.

**پوشش گیاهی:** درختان گز و کنار و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران:** شغال، گرگ، روباه و خرگوش.

**پلان:** از دهستانهای بخش شهرستان چابهار استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن پلان است.

**پیر سهراب:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان چابهار استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن پیر سهراب است.

**پیشین:** از بخشهای شهرستان سرباز استان سیستان و بلوچستان مرکز آن شهر پیشین دارای دو دهستان (۱ - پیشین ۲ - جکیگور) است. و در منطقه‌ای دشتی، گرم خشک، کوه ماکول در آن قرار و رود سوران در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** دام و فرآورده‌های دامی و حصیر

**پوشش گیاهی:** درختان گز، کهور، و کنار و گیاه کلپوره،

درمنه و گیاهان مرتعی.

**جانوران:** گرگ، کفتار، روباه و شغال.

**تفتان جنوبی:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان خاش استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن تمندان است.

**تلنگ:** از دهستانهای بخش پلان شهرستان چابهار استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن دنسر است.

**تمین:** از دهستانهای بخش میرجاوه شهرستان زاهدان استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن تمین، در منطقه‌ای پایکوهی، گرم خشک، کوه انباری در آن قرار و رود فصلی سیاه جنگل جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره بار، سیب، انار، زردآلو،انگور

**پوشش گیاهی:** کلپوره، برنجاسف و درختان زبان

گنجشک و گز و پوشش مرتعی.
**جانوران:** شغال، روباه، خرگوش.
**توتان و مهمدان:** از دهستانهای بخش بنت شهرستان نیک شهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن توتان است.
**تیمورآباد:** از دهستانهای بخش شیب آب شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن تیمور آباد است.
**جالق** Jalg (مرکز بخش): شهر جالق مرکز بخش جالق که از چند آبادی کوچک پدید آمده در ۴۳ درجه ۶۲ دقیقه طول جعرافیایی و ۳۶ درجه ۲۷ دقیقه عرض جغرافیایی و ۸۵۰ متری از سطح دریا قرار گرفته، از بخشهای شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان و در ۱۰۰ کیلومتری شمال خاوری سراوان و ۶۷ کیلومتری راه سراوان - کوهک می‌باشد.

رود فصلی جالق که از بادامکوه در ۴۰ کیلومتری باختر جالق روان می شود از کنار شهر جالق می‌گذرد ووارد خاک پاکستان می‌گردد.

چرکوه در ۱۲ کیلومتری شمال باختری شهر جالق قراردارد ونزدیکترین کوه به آن به شمار می‌آید.

**آب وهوا:** گرم و خشک بیشترین درجه حرارت در تابستان‌ها به ۴۵ درجه بالای صفر و در زمستان‌ها به ۴ درجه زیر صفر ومیزان بارندگی سالانه بطور متوسط به ۷۰ میلی‌متر می‌رسد.
**جزینک:** از بخشهای شهرستان زهک مرکز آن جزینک و دارای دو دهستان: (۱ - جز نیک ۲ - خمک) است.
**جکیگور:** از دهستانهای بخش پیشین شهرستان سرما استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن جکیگور است.
**جلگه چاه هاشم:** از دهستانهای بخش دلگان شهرستان ایرانشهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن چگرد است.
**جهان آباد:** از دهستانهای بخش میان کنگی شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن جهان آباد سفلی است.
**جهلیان:** از دهستانهای بخش کیارک شهرستان چابهار استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن جهلیان است.
**چابهار (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان چابهار استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن شهر چابهار و دارای دو دهستان (۱ - سمبل سلیمان ۲ - پیرسهراب) است.
**چابهار: (شهرستان):** از شهرستانهای استان سیستان و بلوچستان، از شمال به شهرستانهای ایرانشهر و نیک شهر، از خاور به کشور پاکستان، از جنوب به دریای عمان و از باختر به شهرستان جاسک محدود است. فاصله چابهار تا تهران حدود ۲۴۰۰ و تا کرمان ۱۲۷۳ و تا زاهدان ۷۵۶ کیلومتر است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر چابهار دارای چهار بخش ۱ - مرکزی دارای دو دهستان (۱ -کمبل سلیمان ۲ - پیرسهراب) ۲ - بخش کنارک ۳ - دشتیاری ۴ - پخش پلان است.
**رودها:** بیشتر رودهای فصلی روان است رودهای دائمی ۱ - رود سرباز که پر آب‌ترین رود منطقه است نخست از بهم پیوستن رود سرباز، پیشین و چند رود سیلابی پدید آمده است. و رود باهوکلات در ۷کیلومتری مرز ایران و پاکستان به خلیج گواتر وارد می‌شود. ۲ - رود کاجو از بهم پیوستن رودهای سیلابی چندی در منطقه قصرقند از شهرستان نیک شهر پدید آمده، دشت پلان را

آبیاری می‌کند و آنگاه به رود باهوکلات پیوسته.
**خلیج‌ها:** در شهرستان چابهار: ۱ - پزم ۲ - چابهار ۳ - گواتر
**کوهها:** ۱ - کوه زرد آب ببلندی ۴۱۶ متر در دهستان باهوکلات ۲ - کوه سلیمان بند با بلندی ۴۱۴ متر در دهستان باهوکلات ۳ - کوه سور آب با بلندی ۵۲۰ متر دردهستان پیر سهراب ۴ - کوه گلی کوه با بلندی ۵۲۵ متر در دهستان نگور ۵ - کوه حسنی با بلندی ۵۰۸ متر در دهستان کهیر ۶ - کوه بلند بابلندی ۶۷۱ متر در ۳۵کیلومتری شمال چابهار.
شهرستان چابهار در منطقه‌ای نیمه جلگه‌ای قرار گرفته، جلگه دشتیاری ببلندی ۳۰ متر بهترین و مناسب‌ترین جا برای کشاورزی و دامداری است.
**آب و هوا:** گرم و خشک، در کرانه دریای عمان گرم و مرطوب.
**رستنی‌ها:** درختان گز، کنار، جش، تاغ، بادام کوهی، بیدام، بنه و کهور - گیاهان داروئی و صنعتی: بومادران، درمنه، خاکشی و گون و کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام
**جانوران و پرندگان:** راسو، سنجاب، نخلی، لاک پشت سبز دریایی، تمساح بزرگ در رود باهوکلات - کفتار، گرگ، آهو، شغال، خرگوش، قوچ و میش، گراز، موش صحرائی، و ۱۲۰ نوع پرنده.
**نژاد و زبان:** آریانی نژادند و بزبان فارسی با گویش بلوچی سخن می‌گویند.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، ماهیگیری، دامداری، و صنایع دستی استوار است.
کشاورزی و باغداری بواسطه زمین و آب و رودهای دائمی و فصلی پر رونق، نوع کشت آبی (۹۵ ٪) آب کشاورزی از رودها و تا حدی از چاههای ژرف و نیمه ژرف فراهم گشته.
دامداری حرفه‌ای پر اهمیت برای روستائیان و عشایر و بیشتر به شیوه سنتی و بیشتر دامداران بلوچ هستند.
گاو سیستانی و دشتیاری گوسفند بلوچی و افغانی، بز پاکستانی، سراوانی و دشتیاری را پرورش می‌دهند.
ماهیگیری از منابع در آمد مردم چابهار در کرانه چابهار و کنارک می‌باشد ماهیانی چون قباد، شانه، حلواسیاه، شوریده ممتاز، خاور، سرخو، شیر ماهی و سفره ماهی.
شیلات چابهار صیدگاههای متعددی ایجاد کرده درکار قایق و لنج سازی، یخ سازی ،تولید روغن و پودر ماهی، نمک سود کردن ماهی و تور بافی می‌باشد.
**فرآورده‌ها:** یونجه،تره بار، برنج، انبه، موز، نارگیل، زیتون، مرکبات، انار، نیشکر، دام و فرآورده‌های دامی، چندین نوع ماهی و در صنایع دستی سوزن دوزی.
چون چاه در نزدیک مدار رأس السرطان و منطقه‌ای قرارگرفته تغییرات دما در فصول مختلف بسیار کم است. در فصول پاییز و زمستان در این منطقه چندان محسوس نیست. از اینرو برگ ریزان پاییزی کمتر دیده می‌شود و درختان، نسبتاً سبزی خود را حفظ می‌کنند. وجود سبزی درختان در فصول مختلف سبب شده که فصول چهارگانه را به فصل بهار تشبیه کنند. چون چهار فصل این منطقه حالت بهاری دارد به چهار بهار معروف و رفته رفته به چابهار تبدیل گشته است.
آب و هوای چابهار از نوع گرم بیابانی است که قسمت‌های کناری به علت همجواری با دریا از رطوبت بیشتری برخوردار است. حد متوسط

بارندگیش ۶۵ میلیمتر در سال است، آب و هوای این شهرستان رویهم رفته گرم و خشک، در کرانه دریای عمان گرم و مرطوب است.
این شهرستان گرمسیر و قسمت جنوبیش چون در کرانه دریاست مرطوب و گرم‌تر از دیگر نقاط آن است.
آب قسمت جنوبی شهرستان چابهار و بخش دشتیاری از چاه و آب شمال از رود، چشمه و قنات فراهم گشته است.
**چاه‌بهار** (مرکز شهرستان): شهر چاه‌بهار در بلندی ۳۰ متری از سطح دریا و مرکز شهرستان چاه‌بهار از شهرستانهای استان سیستان و بلوچستان در ۷۶۲کیلومتری جنوب زاهدان و در مسیر راه زاهدان ـ کنارک.
شهر چاه‌بهار بندر آزاد در ضلع جنوب شرقی خلیج چابهار، در خط ساحلی گسترش یافته و اهمیتش بیشتر از نظر توسعه صنعتی و بازرگانی میباشد. بندر چابهار از سوی شمال و خاور به تپه‌ماهورهای شنی و دشتهای آبرفتی، از جنوب بدریای عمان و از باختر بآبهای خلیج چابهار محدود است.
**آب و هوا:** گرم و مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستانها تا ۴۶ درجه و کمترین درجه در زمستانها ۷ درجه بالای صفر، میزان بارندگی سالانه چاه‌بهار بطور متوسط بحدود ۹۰ میلیمتر، میانگین رطوبت نسبی بطور متوسط ۶۸ درصد و در تابستانها تا ۹۰ درصد و همیشه هوا متراکم است.
**چانف:** از دهستانهای بخش لاشار شهرستان نیک شهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن چانف است و در منطقه‌ای دره‌ای گرم خشک و کوه سبزوک در آن قرار و رود کاجه در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، برنج، جو، تره بار، خرما، مرکبات، موز و انبه.
**پوشش گیاهی:** کلپوره، و مورد و درختان کنار کهور و گز و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** بزکوهی، خرس، پلنگ، گراز، روباه، شغال، کبک و تیهو.
**چشمه:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان زاهدان استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن چشمه زیارت است. در منطقه‌ای کوهپایه‌ای، گرم خشک کوه زیارت در آن قرار و رود زیارت جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، تره بار، دام و فرآورده‌های دامی
**پوشش گیاهی:** درختان بنه، برنجاسف و کلپوره و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** روباه و شغال.
**حرمک:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زاهدان استان سیستان و بلوچستان و مرکزش حرمک است و در منطقه‌ای پایکوهی، گرم و خشک کوه حرمک در آن قرار و رود فصلی حرمک جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، انار، سنجد و خرما
**پوشش گیاهی:** درخت گز، گیاهان کلپوره و برنجاسف و پوشش مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش، آهو و تیهو
**حومه:** از دهستان‌های بخش حومه شهرستان زاهدان استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن که در منطقه‌ای پایکوهی، گرم و خشک و کوه منزل آب کوه روغنی در آن قرار و رود فصلی انجیروک در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، تره‌بار، انار، توت، سیب، زردآلو

**پوشش گیاهی:** درخت بنه، کلپوره و برنجاسف و پوشش گیاهی مرتعی

**جانوران:** روباه، شغال و خرگوش

**حومه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن ده‌محمدی است.

**حومه ـ ایرانشهر:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان ایرانشهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن شهردراز است. و در منطقه‌ای دشتی، گرم و خشک و کوه دروگ در آن قرار و رود دامن در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، خرما، انار و مرکبات.

**پوشش گیاهی:** درختان گز، کهور، وکنار و پوشش گیاهی مرتعی.

**جانوران:** روباه، شغال و خرگوش.

**خاش** (مرکز شهرستان): شهر خاش مرکز شهرستان خاش استان سیستان و بلوچستان، در بلندی ۱۴۱۵ متری از سطح دریاست، در ۱۸۵ کیلومتری جنوب زاهدان ودر مسیر راه زاهدان ـ ایرانشهر میباشد.

**آب و هوا:** معتدل متمایل به گرم و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها تا۴۳ درجه بالای صفر و کمترین درجه ۸ درجه زیر صفر، میزان بارندگی سالانه حدود ۸۰ میلیمتر است.

**خاش:** از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان، از شمال و شمال باختری به شهرستان زاهدان، از خاور به کشور پاکستان از جنوب خاوری به شهرستان سراوان و از باختر به شهرستان ایرانشهر محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر خاش دارای دو بخش ۱ - بخش مرکزی دارای ۶ دهستان (۱- سنگان ۲ - پشتکوه ۳ -کوه سفید ۴ -گاروا‌ندر ۵ - ایرندگان ۶ - اسماعیل‌آباد) ۲ - بخش نوک‌آباد است.

**روهای فصلی:** ۱ - رود نازیل ۲ - رود قلعه بید ۳ - رود تودلینگ ۴ - رود هگنزا ۵ - رود کاروچ ۶ - رود ایرندگان

۱ - هامون چاه غیب ۲ - هامون نگر رودهای فصلی پیرامون را به خود جذب می‌کنند.

**کوه‌های منفرد و کم ارتفاع:** ۱ -کوه سفید به بلندی ۲۹۹۵ متر در خاور ۲ -کوه انگشت به بلندی ۲۲۷۱ متر در مرکز ۳ -کوه هشاش به بلندی ۲۲۷۸ متر در باختر ۴ -کوه سریش به بلندی ۲۰۹۲ متر در جنوب

**آب و هوا:** گرم و خشک، خاش خوش آب و هواترین منطقه‌ی استان است زیرا ارتفاعش نسبت به شهرستان‌های دیگر استان‌ها بیش‌تر و بلندترین قله‌ی بلوچستان، تفتان در نزدیک و در سمت شمالش قرار گرفته و از بارندگی نسبتاً زیادی برخوردارند و تغییرات هوا چندان زیاد نیست.

عده‌ای از ایل بلوچ و طوایف شهنوازی، سه بخش، ریگی‌ها و هاشم زهی به سر می‌برند.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز و تاغ -گیاهان دارویی: درمنه کلپوره و بومادران - پوشش گیاهی برای چرای دام به مقدار اندک، نوع پوشش آن استپ کوهی شامل کهور، بنه، اوژن و بادام کوهی است.

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، خرگوش و کبک

**اقتصاد:** بر دامداری و کشاورزی استوار است. دامداری با توجه به مراتع طبیعی نه چندان فراوان - با علوفه‌ی دستی و ته چرکشاورزی صورت

می‌گیرد. کمبود آب نیز کشاورزی را با بازده کمی روبه‌رو کرده - آب کشاورزی از کاریز و چاه ژرف فراهم گشته است.

**فرآورده‌ها:** خرما، پسته، جالیز، برنج، ذرت، تره‌بار، گیاهان علوفه‌ای، سیب، انگور، انجیر، انار، مرکبات گندم، جو، دام و فرآورده‌های دامی و برخی از صنایع دستی.

در منطقه‌ی خاش، دشت‌های پهناور و حاصل‌خیزی وجود دارد از جمله گوهر کوه، تخت رستم، و سپاه رشکک، اما چون رود مهمی ندارد، آبیاری کشتزارها با بیش از صد رشته کاریز و ۸۸ چشمه و چندین چاه، صورت می‌گیرد. کتابهای درسی

**خاش (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان خاش استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن شهر خاش و دارای ۷ دهستان (۱ - سنگان ۲ - پشتکوه ۳ -کوه سفید ۴ -کارواندر ۵ - ایراندگان ۶ - اسماعیل‌آباد ۷ـ کهنوک) است.

**خالق (شهرستان):** از بخشهای سراوان، استان سیستان و بلوچستان، از شمال به حومه خاش از خاور به پاکستان، از جنوب و باختر به حومه سراوان محدود است.و در منطقه‌ای دشتی، گرم خشک و کوه چرکوه و کوه بندر کورکان درآن قرار و رود فصلی جالق در آن جریان دارد.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر جالق، دارای ۳ دهستان (۱ - جالق ۲ - ناهوک ۳ -کله گان) است.

**خمک:** از دهستان‌های مرکزی شهرستان زهک استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن خمک است.

**خواجه احمد:** از دهستان‌های بخش مرکزی زهک شهرستان زهک استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن خواجه احمد است.

**دامن:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ایرانشهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن زهلنفان است و در منطقه‌ای دشتی، گرم و خشک، کوه دامن در آن قرار دارد رود دامن که از کوه دامن روان است و به رود بمپور به هامون جاموریان می‌پیوندد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، برنج، خرما، تره‌بار، مرکبات، انار، انگور، سیب و انجیر

**پوشش گیاهی:** درخت گز، گیاهان گلپوره، درمنه و بومادران و پوشش گیاهی مرتعی

**جانوران:** گراز، گرگ، روباه، شغال و خرگوش

**دستگرد:** از دهستان‌های بخش بنت شهرستان نیکشهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن دستگرد است.

**دشتیاری:** از بخشهای شهرستان چابهار، استان سیستان و بلوچستان، از شمال به شهرستان ایرانشهر،

از خاور به کشور پاکستان، از جنوب به دریای عمان و از باختر به حومه چابهار و شهرستان قصر قند محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر نگور دارای ۳ دهستان (۱ - نگور ۲ - باهوکلات ۳ - سند میرثوبان) است.

**رودها:** رود پر آب و دائمی سرباز یا باهوکلات، پس از آبیاری این بخش از شمال به جنوب، در ۷ کیلومتری مرز ایران و پاکستان در ناحیه خلیج گواتر به دریای عمان می‌ریزد. ۲ - رود کاجو پس از آبیاری منطقه به رود باهوکلات می‌پیوندد.

**کوهها:** ۱ -کوه زرد آب ببلندی ۴۱۶ متر ۲ -گلی کوه ببلندی ۵۲۵ متر

**آب و هوا:** گرم و نسبتاً خشک.

**رستنی‌ها:** درختان گز، کنار، چش، تاغ، بادام کوهی، بنه و کهور - گیاهان داروئی و صنعتی: بومادران، خاکشی و گون کتیرا.

**جانوران و پرندگان:** تمساح، راسو، سنجاب، لاک پشت سبز دریائی، موش صحرائی، خرگوش، آهو، شغال، گراز، و پرندگان گوناگون دریائی.

**زبان:** بزبان فارسی با گویش بلوچی سخن می‌گویند.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، باغداری، دامداری، ماهیگیری و حصیر بافی استوار است. خاک حاصلخیز و آب رودها کشاورزی و باغداری رونق فراوانی بخشیده، دامداری بیشتر در مناطق شمالی صورت می‌گیرد، ماهیگیران از کرانه‌های دریا و رودها ماهیگیری می‌کنند، صنایع دستی از جمله سوزن دوزی و حصیر بافی نیز از منابع در آمد بشمار میرود.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، بنشن، مرکبات، خرما، انبه، نیشکر، و نارگیل. دام و فرآورده‌های دامی، انواع ماهی و حصیر.

**دلگان:** از بخش‌های شهرستان ایرانشهر مرکز آن شهرگله مورتی دارای ۳ دهستان (۱ - دلگان ۲ - هودیان ۳ - جلگه‌ی چاه هاشم) است.

**دلگان:** از دهستان‌های بخش دلگان شهرستان ایرانشهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن گامورتی است و در منطقه‌ای کویری، گرم و خشک قرار گرفته

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار و خرما

**پوشش گیاهی:** درختان کنار، گز و کهور و پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران:** روباه، کفتار، کبک و تیهو

**دوست محمد:** مرکز بخش میانکنگی از بخش‌های شهرستان زابل، استان سیستان و بلوچستان، در ۳۴ کیلومتری شمال شرقی زابل و در مسیر راهی که در نزدیکی و به موازات خط برزه ایران و افغانستان قرار دارد.

رود پریان از کنار شهر دوست محمدخان می‌گذرد و پس از آبیاری بخش میانکنگی به دریاچه‌ی هامون صابری می‌ریزد.

**آب و هوا:** گرم و خشک، بیش‌ترین درجه‌ی گرما در تابستان‌ها به ۴۶ درجه و در زمستان به ۵ درجه زیر صفر می‌رسد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، انار، انگور، سیب، تره‌بار و زیره آب کشاورزی و آشامیدنی از رود.

**پوشش گیاهی:** گز و تاغ و گیاهان دارویی و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**دوست محمدخان** (مرکز بخش): شهر دوست محمدخان، مرکز بخش میانکنگی از بخشهای زابل، استان سیستان و بلوچستان در بلندی ۴۸۴ متری از سطح دریا و در ۳۴ کیلومتری شمال خاوری زابل و در مسیر راهی که در نزدیکی و بموازات خط مرزی ایران و افغانستان است.

**آب و هوا:** گرم و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها تا ۴۶ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها ۵ درجه زیر صفر است.

**راسک و فیروز آباد:** از دهستانهای سرباز استان سیستان و بلوچستان، از خاور به بخش سیب و سوران، از جنوب خاوری به کشور پاکستان، از جنوب به بخش دشتیاری و از باختر به بخش قصر قند محدود است.

رود سرباز که از بلندیهای شمالی بخش سرباز سرازیر گردیده، پس از آبیاری این بخش وارد بخش راسک و فیروز آباد گشته و از کنار شهر راسک می‌گذرد و سرانجام به دریای عمان می‌ریزد.

**کوهها:** منطقه‌ای نیمه‌کوهستانی وکوههایش بطور متوسط ۷۰۰ متر است.
طوایفی از ایل بلوچ نیز در این سامان بسر می‌برند.
**نژاد و زبان:** آریانی نژادند و بزبان بلوچی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان کنار، کهور و گز
**جانوران:** گرگ، بزکوهی، کبک و تیهو.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و دامداری استوار است. رود سرباز مایه پیشرفت و سود آوری کشاورزی گشته - دامداری به شیوه سنتی ییلاق - قشلاق و حصیر بافی، سوزن دوزی و پلاس بافی انجام می‌شود.
**فرآورده‌ها:** خرما، مرکبات، برنج، گندم، جو، تره‌بار، موز، انبه و بنشن و دام و فرآورده‌های دامی، حصیرو پلاس.
**رودهای فصلی:** ۱ - رود جالق ۲ - جنگ رود ۳ - کتمیر رود
**کوهها:** رشته کوهی از باختر به سوی جنوب سربرافراشته، بخش جالق را از حومه سراوان جدا می‌کند. بلندترین قله‌اش با داموکوه ۲۶۱۸۰ متر از سطح دریا بلندی دارد.
**آب و هوا:** گرم و خشک.
**زابل:** از شهرستانهای استان سیستان و بلوچستان، از شمال، خاور، و جنوب خاوری به کشور افغانستان از جنوب به زاهدان و از باختر به قسمتی از نهبندان (از شهرستان‌های استان خراسان جنوبی) محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر زابل دارای ۵ بخش ۱ - مرکزی دارای دهستان بنجار ۲ - بخش پشت آب ۳ - شیب آب ۴ - میان کنگی ۵ - شهرکی و ناروئی است. در سال ۱۳۱۶ زابل به صورت شهرستان در آمد و جز و استان کرمان و چندی بعد تابع استان خراسان و سرانجام جزو استان سیستان و بلوچستان شد.
**رودها:** رود هیرمند با شاخابه هایش در آبادانی زابل و مناطقی دیگر از سیستان پر اهمیت است. رود هیرمند از کوههای بابا در افغانستان سرچشمه گرفته و پس آبیاری مناطق پهناوری از این کشور به خط مرزی ایران و افغانستان میرسد و در خط مرزی بدو شاخابه تقسیم می‌شود. شاخابه‌ای بنام پریان مشترک در حدود ۱۲ کیلومتر مرز مشترک را پدید آورده و آنگاه پس از ۵ کیلومتر طی مسیر در خاک ایران دوباره بر روی خط مرزی میرود و سرانجام به هامون صابری می‌ریزد. شاخابه دیگر از کنار آبادی کهک در ۲ کیلومتری خط مرزی می‌گذرد. و بسوی شمال باختری پیش می‌رود سدی بر آن ساخته شده و در ۲۸ کیلومتری جنوب خاوری شهر زابل بنام سد زهک بر روی آن ساخته شده و آنرا بدو کانال تقسیم می‌کند ۱ - کانال طاهری شهر ۲ - کانال شهر. این شاخابه را در سیستان به علت اهمیت رود سیستان می‌گویند.
هامون صابری یا دریاچه سیستان در شمال زابل و بخشی از آن در خاک افغانستان است، ۳۰ کیلومتر طول و ۶ کیلومتر پهنا دارد. نیز ارهای متعددی در اطراف این دریاچه پدید آمده است.
شهرستان زابل در جلگه سیستان از ارتفاع مهمی برخوردار نیست اما شن زارها و ریگ روان در آن وجود دارد.
چراگاههای طبیعی و جنگلهای طبیعی و جنگلهای مصنوعی در منطقه دیده می‌شود.
**آب و هوا:** گرم و خشک و در برخی جاهای آن تا حدی مرطوب است.
**نژاد و زبان:** آریانی نژادند و بزبان فارسی با گویش زابلی و بلوچی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز و تاغ - گیاهان داروئی: بادیان، شویدک، پوشش گیاهی کافی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** گرگ، روباه، شغال، گراز، پرندگان مهاجر و درنا، پرستو دریائی، پلیکان، طاوسک، لک لک، و حواصیل - پرندگان بومی: کرکس، دراج، باقرقره، کوه بره، مرغابی، و غاز، ماهیهای رودخانه‌ای و دریاچه‌ای.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و قالی بافی استوار است. کشاورزی دارای اهمیت و بیشتر کشت و برداشت به شیوه سنتی است. آبیاری از رود هیرمند و شاخابه هایش صورت می‌گیرد. ٪۷۰ زمین‌های زیر کشت به کشت گندم اختصاص دارد.

دامداری سالهای خشکسالی دارای ارزش و اهمیت اقتصادی قابل توجهی است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره بار، بنشن، زیره، انگور، توت، سیب، و انار، دام و فرآورده‌های دامی و شیری - قالی، قالیچه، گلیم پشمی، حصیر

صادرات فرش، صنایع دستی، چون قالی، قالیچه، گلیم، حصیر.

در منطقه سیستان بویژه در منطقه زابل از هزاره دوم ق - یعنی در روزگار اشکانیان مهد تمدن اصیل و باشکوه بوده و مردمان بسیاری در این سامان می‌زیستند، در دوره اسلامی نیز از اهمیت برخوردار بود. در حملات مغولان و تیموریان آسیب فراوانی دید. سرزمین.

زابل در ۲۱۵ کیلومتری زاهدان و در شمال استان واقع است. آثار قدیمی در ۶ کیلومتری زابل کنونی روی تپه‌ای به وسعت ۲/۵ کیلومتر مربع قرار دارد که قدمتش به هزاره دوم ق - م می‌رسد، محل کنونی زابل، پیش از این زمین هائی با تپه‌ای از ماسه‌های روان و رسوبات دریائی بود که قسمتی از آن در مسیر رود قرار داشت.

با کم شدن آب رود، بر وسعت خشکیهای اطراف افزوده شد و با اتصال این منطقه به قریه حسین آباد، روستای بزرگی تشکیل و بعدها پادگانی در آن ایجاد و سرانجام در سال ۱۳۰۷ ه- ق این شهر زابل نامیده شد و در سال ۱۳۱۶ به صورت مرکز سیستان در آمد.

از نظر پستی و بلندی، قسمتهای شمال زابل، دارای چاله‌های آبگیری است که در برخی از قسمت‌های پست بصورت نیزار در آمده است بجز برجستگی کوه خواجه که ۶۱۹ متر بلندی دارد. بلندیهای دیگری در منطقه دیده نمی‌شود. تغییرات رود هیرمند، سیلاب، افزایش گل و لای و حرکت شنها در تغییرات دشت سیستان موثر بوده، در قسمت جنوب غربی، منطقه پست و کم ارتفاعی به نام شیله وجود دارد که مازاد آب دریاچه هامون را از سیستان خارج کرده و به داخل افغانستان می‌رود.

**زابل (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن شهر زابل و دارای یک دهستان (۱ - بنجار) است.

**زابلی:** از بخشهای شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان، از شمال به حومه خاش، از شمال خاوری به حومه سراوان، از خاور و جنوب خاوری به بخش سیب و سوران، از جنوب و جنوب باختری به بخش سرباز و از باختر به حومه ایرانشهر محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر زابلی دارای دو دهستان ۱ - زابلی ۲ - بیرک است.

**رودها:** رود ماشکیل که از کوههای باختری سراوان سرچشمه گرفته، از باختر به خاور زابلی

روان است. مناطق جنوبی این بخش را آبیاری می‌کند و سرانجام به هامون ماشکیل پاکستان می‌ریزد.

**کوهها:** منطقه‌ای است کوهستانی، سراسر شمال باختری تا جنوب باختری زابلی را رشته کوه بیرک در برگرفته، بلندترین قله‌اش ۲۷۴۰ متر بلندی دارد.

**نژاد و زبان:** آریانی نژادند و بزبان فارسی و بلوچی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز و تاغ - گیاهان داروئی: کلپوره و آویشن - پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** میش، قوچ کوهی، بزکوهی، روباه، شغال، گرگ، و کبک.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و دامداری استوار است. -کمی باران و زمین قابل کشت مایه پایین بودن سطح در درآمد مردم این سامان می‌باشد.

آب کشاورزی، کاریزها و رود.

**فرآورده‌ها:** تره بار، خرما، سیب، گندم، جو، ذرت خوشه‌ای، بنشن، و گیاهان علوفه‌ای.

دامپروری به شیوه سنتی (ییلاق - قشلاق) صورت می‌گیرد و فرآورده‌های آن مصرف محلی دارد.

**زابلی:** از دهستان‌های بخش زابلی شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان و مرکز زابلی است و در منطقه‌ای دشتی، گرم و خشک کوه ششان و کوه تیشا در آن قرار دارد و رود فصلی دوست در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، بنشن و تره بار، تنباکو، انار، سب، خرما، انجیر، انگور و حصیر

**پوشش گیاهی:** درختان گز و کهور، برنجاسف، بومادران و درمنه و گیاهان مرتعی

**جانوران:** آهو، شغال، روباه و خرگوش

**زاهدان:** از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان است از شمال به شهرستان‌های زابل و بیرجند، از خاور به کشورهای افغانستان و پاکستان از جنوب به شهرستان‌های خاش و ایرانشهر و از باختر به شهرستان‌های بم و کرمان محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز آن شهرستان شهر زاهدان دارای ۳ بخش ۱ - مرکزی و دارای دو دهستان (۱ - چشمه زیارت ۲ - حرمک) ۲ - بخش میرجاوه ۳ - نصرت آباد است.

**رودها:** رود میرجاوه رودی است فصلی که قسمتی از نواحی جنوب خاوری را آبیاری می‌کند. این رود پس از گذشتن از مرکز بخش میرجاوه و پدید آوردن چندین کیلومتر خط مرزی میان ایران -پاکستان سرانجام وارد پاکستان و هامون ماشکیل می‌گردد.

**کوهها:** بلندترین بلندی‌های کوه‌های: ۱ - کوه تفتان به بلندی ۳۹۴۱۰ متر از سطح دریا و جزو آتشفشان‌های خاموش جهان است و هنوز از چند جایش بخار گوگرد بیرون کوه تفتان در منطقه‌ی جنوب خاوری شهرستان زاهدان قرار دارد ۲ - کوه لوچان به بلندی ۲۵۵۵ متر در ۲۰ کیلومتری جنوب باختری زاهدان ۳ - کوه انجیر دان را به بلندی ۲۴۷۸ متر در ۳۵کیلومتری جنوب خاوری زاهدان ۴ -کوه لاریا به بلندی ۲۳۴۷ متر بلندی و در ۲۵ کیلومتری شمال زاهدان به جز مناطق کوهستانی بیش‌تر زمین‌های این شهرستان هموار و در خاک از قلمرو کویر لوت و دارای شرایط خیلی سخت زندگی است.

**کان‌ها:** ۱ - معادن سنگ آهک ۲ - معادن سنگ مرمر ۳ - معدن سنگ تراورتن ۴ - معادن سنگ سرخ

**آب و هوا:** گرم و خشک

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش بلوچی سخن می‌گویند. بیش‌تر از ایل بلوچ و طوایف ناروئی، ریگی، هاشم‌زهی، شهنوازی و شه بخش می‌باشند.
**رستنی‌ها:** درختان، بنه، گز و تاغ، گیاهان دارویی: گلپوره - پوشش گیاهی برای چرای خیلی اندک
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، بز کوهی، قوچ، میش و کبک.
**اقتصاد:** بر کشاورزی و قالی‌بافی و برخی صنایع استوار است. با شرایط سخت محیط طبیعی کشت و کار به وسیله‌ی عده‌ای بسیار صورت می‌گیرد - نوع کشت آبی، آب کشاورزی بیش‌تر از کاریزها و برخی از چاه‌ها از چاه‌های نیمه ژرف فراهم گشته آردسازی، مصنوعات فلزی، سنگ‌بری (آجر و آهک پزی) زاهدان تا چندین دهه‌ی پیش به صورت جنگلی از درختان گز بود و دزدآب نام داشت. نخستین نشانه‌های شهرنشینی با کشیدن راه‌آهن از کویته پاکستان به زاهدان پدیدار شد که این منطقه را به علت موقع سوق‌الجیشی برگزیدند. در اینجا سوداگران پاکستانی و هندی و ایرانی بارهای خود را از کویته می‌آوردند و از آنجا به مشهد و یزد و نقاط دیگر ایران می‌بردند. طرح اولیه‌ی شهر در پیرامون مرکز با تقاطع‌های نامنظم و شکلی شطرنجی بر روی اراضی بایر پیاده شد تا اینکه رفته رفته شهر زاهدان شکل گرفت و مرکز شهرستان و آنگاه مرکز استان گشت منوچهر غزمانی
محلی که اکنون زاهدان است در روزگار قاجاریه منطقه‌ی نسبتاً سرسبز با درختان تاغ و گز بودو دامپرورانی که برای چرای گوسفندان خود از این منطقه سود می‌جستند چاهی کندند و بعدها قناتی کنده و سرانجام روستایی پدید آمد که دزدنام یافت کتابهای درسی.
**دامداری:** تا حدی از منابع درآمد مردم این سامان است.
**فرآورده‌ها:** خرما، گندم، جو، تره‌بار، گیاهان علوفه‌ای، پسته، بنشن، انار، انجیر، توت، انگور و سیب، قالی، گلیم، جاجیم، برخی از مصنوعات فلزی و چوبی - دام و فرآورده‌های دامی
**زاهدان (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان زاهدان استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن شهر زاهدان و دارای دو دهستان: ۱ - چشمه زیارت ۲ - حرمک) است.
**زرآباد:** از دهستان‌های بخش کنارک شهرستان چابهار استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن لاش است و در منطقه‌ای برکوهی گرم و خشک تا نیمه مرطوب و کوه بارجک و کوه سهران و کوه چاگا در آن قرار و رود کشکور جریان دارد.
**جانوران:** گرگ، روباه و خرگوش.
**فرآورده‌ها:** خرما، گندم و جو، ذرت، تره‌بار و علوفه پوشش گیاهی برای چرای دام.
**زهک:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن زهک است.
**زهک (شهرستان):** از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان مرکز آن شهر زهک، دارای دو بخش (۱ - مرکزی ۲ - جرینک) و دارای چهار دهستان است.
**ساربون:** از دهستان‌های بخش قصر قند شهرستان نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن ساربوک است.
**سراوان:** از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان است که از شمال به شهرستان خاش - از خاور و جنوب به پاکستان و از جنوب باختری

به باختر و شهرستان ایرانشهر محدود می‌باشد.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر سراوان دارای ۶ بخش ۱ - مرکزی دارای دو دهستان (۱ - حومه ۲ -گشت) ۲ - بم‌پشت ۳ - جالق ۴ - زابلی ۵ - سیب و سوران ۶ - هیدوچ است.
**رودها:** چندین رود فصلی در شهرستان سراوان از جمله رود ماشکیل می‌باشد که از دامنه‌های کوه بیرک سرچشمه می‌گیرد و در جهت خود به سوی خاور از ۳۰ کیلومتری جنوب شهر سراوان می‌گذرد و سرانجام به هامون ماشکیل پاکستان می‌پیوندد.
**کوهها:** شهرستان سراوان در منطقه‌ای نسبتاً کوهستانی قرار گرفته، برخی از این **کوهها:** ۱ - بادام‌کوه ۲۶۴۸ متر ۲ - بیرک‌کوه ۲۷۴۰ متر ۳ - کهبت ۲۴۹۹ متر ۴ -گرکوه ۱۸۷۵ متر ۵ - لندی کوه ۱۸۷۵ متر از سطح دریا بلندی دارند.
در میان این کوه‌ها، دشت‌هائی از جمله دشت سراوان، سوران و زابلی قرار گرفته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، انار، انگور، برنج، یونجه، بنشن، توتون، تنباکو و خرما است.
**نژاد و زبان:** آریایی و زبان فارسی و بلوچی است.
**رستنی‌ها:** درختان گز، کنار، کهور و گیاهان دارویی و مراتعی در اطراف رودها پوشش گیاهی شهرستان سراوان را تشکیل می‌دهد
**جانوران و پرندگان:** میش، قوچ، بزکوهی، روباه، شغال، گرگ، آهو و کبک
کشاورزی و دامپروری پایه‌ی اقتصادی از شهرستان سراوان را تشکیل می‌دهد - آب کشاورزی از کاریزها و شیوه‌ی دامداری ییلاق و قشلاق است.
سوزن دوزی، بافت چادرهای سیاه نیز از فعالیت‌های مردم این سامان است.

**سراوان (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن شهر سراوان دارای دو دهستان (۱ - حومه ۲ -گشت) است.

**سراوان (شهرستان):** از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان، از شمال به شهرستان خاش و از خاور و جنوب به‌کشور پاکستان و از جنوب باختری و باختر به شهرستان ایرانشهر محدود است.
**رودها:** رودهای فصلی ۱ - رود ماکشیل این رود ازکوه‌های خاوری سراوان سرچشمه می‌گیرد و در جهت خود به سوی خاور از حدود ۳۰کیلومتری جنوب شهر سراوان می‌گذرد و سرانجام رود هامون ماشکیل در پاکستان می‌شود. ۲ - رود جالَق ۳ - رود پسکوه ۴ - رودکرم بخش ۵ - رود سرشت ۶ - رود سیمین ۷ - رود حدکور ۸ - رود شاهی‌کور
**کوهها:** ۱ - باداموکو به بلندی ۲۶۱۸ متر در شمال خاوری ۲ -کوه‌های بیرک به بلندی ۲۷۴۰ متر ۳ -کوه‌کهبت به بلندی ۲۴۹۹ متر در باختر ۴ -کوه گرکوه به بلندی ۱۸۷۹ متر ۵ -کوه لندی به بلندی ۱۸۷۵ متر در جنوب
**دشت‌ها:** ۱ - دشت سراوان ۲ - دشت زابلی
**آب و هوا:** گرم و خشک
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان بلوچی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان گز، کنار، کهور، گیاهان دارویی، کلپوره و آویشن - پوشش گیاهی برای چرای دام
**جانوران و پرندگان:** میش، قوچ کوهی، بزکوهی، روباه، شغال، گرگ، آهو و کبک

**اقتصاد:** بر کشاورزی و دام‌داری استوار است وضع کشاورزی خوب است با این حال آب مشکل اساسی این سامان می‌باشد - آب کشاروزی بیش‌تر از کاریزها و در برخی جاها از چاه‌های ژرف و نیمه ژرف و رود فراهم گشته - دامداری به شیوه‌ی سنتی (ییلاق - قشلاق) صورت می‌گیرد. - صنایع دستی چون سوزن‌دوزی بافت چادرهای سیاه بنام گِدام.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، برنج، مرکبات، ذرت و خرما، دام و فرآورده‌های دامی

**سرباز (شهرستان):** از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن شهر راسک است و در ۱۷ / ۲ / ۱۳۷۹ تبدیل به شهرستان شد. این شهرستان دارای ۴ بخش: (۱ - بخش مرکزی ۲ - پیشین ۳ - سرباز ۴ - آشار و ده دهستان می‌باشد.

از شمال به حومه‌ی ایرانشهر، از شمال خاوری به بخش زابلی، از خاور به بخش سیب و سوران از جنوب به بخش راسک و فیروز آباد، از جنوب باختری به بخش قصرقند و از باختر به بخش بمپور محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر راسک دارای ۳ بخش ۱ - مرکزی دارای ۳ دهستان (۱ - راسک و فیروزآباد ۲ - مورتان ۳ - پارود) ۲ - بخش پیشین ۲ - بخش سرباز است.

**رودها:** ۱ - رود سرباز که از بلندی‌های شمال این بخش سرازیر گشته، از شمال به جنوب شهرستان روان است و ضمن آبیاری زمین‌های پیرامون خود وارد بخش راسک و فیروزآباد و سرانجام وارد دریای عمان می‌شود. ۲ - رودهای فصلی متعددند از جمله: قوامک، هیچدر، رگاب، سیاه‌کوه و کِشی

**کوهها:** ۱ - کوه هامونت به بلندی ۲۲۰۷ متر ۲ - کوه وان به بلندی ۱۸۷۱ متر

**آب و هوا:** گرم و خشک.

عده‌ای از طوایف میرخان زهی، بهرام زهی، ایل بلوچ نیز در این سامان به سر می‌برند.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش بلوچی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان کُنار، گز و کهور - گیاهان دارویی، کلپوره، بومادران و ازگند - پوشش گیاهی برای چرای دام در پیرامون رودها

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، بزکوهی، قوچ، میش، کبک و تیهو

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی و دامداری استوار است. وزش بادهای تند و بارندگی‌های سیل‌آسا و عوامل دیگر مانع گسترش کشاورزی گشته - آب کشاورزی از آب رود سرباز و در مناطق دور از رود سرباز از کاریزها، چشمه‌ها و چاه‌های ژرف فراهم گشته - دامداری به شیوه‌ی سنتی ییلاق - قشلاق است. حصیربافی، پلاس بافی و سوزن دوزی نیز از اشتغالات دیگر مردم این سامان است.

**فرآورده‌ها:** خرما، مرکبات، تره‌بار، گندم، جو، دام و فرآورده‌های دامی، حصیر و پلاس

**سرباز (بخش):** از بخش‌های شهرستان سرباز استان سیستان و بلوچستان مرکز آن شهر سرباز دارای ۷ دهستان (۱ - آبشار ۲ - ایرافشان ۳ - سرباز ۴ - سرکور ۵ - کیشکور ۶ - مینان ۷ - نسکند است.)

از شمال به حومه‌ی ایرانشهر، از شمال شرقی به بخش زابلی، از مشرق به بخش سیب و سوران، از جنوب غربی به بخش قصرقند و از غرب به بخش بمپور محدود است.

**رودها:** رود مهم این بخش سرباز است که از

بلندی‌های شمالی سرچشمه می‌گیرد، از شمال به جنوب، این بخش را آبیاری می‌کند و پس از گذشتن از بخش راسک و فیروزآباد به رود گامشادروا و از آنجا به دریای عمان می‌پیوندد. رودهای دیگر این بخش بیش‌تر فصلی هستند.

**کوهها:** بلندترین آن حامنت به بلندی ۲۲۰۷ متر در شمال ون ۱۸۷۱ متر در جنوب سربرافراشته است.

**آب و هوا:** گرم و خشک

آریایی نژاد و متکلم به زبان بلوچی هستند.

**پوشش گیاهی:** کنار، گز و کهو - کلپوره، بومادران، پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، بزکوهی، قوچ و میش، کبک و تیهو

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی و دامپروری استوار است.

**فرآورده‌ها:** خرما، مرکبات، تره‌بار، گندم، جو، حصیر، پلاس

**سرباز:** از دهستان‌های بخش سرباز شهرستان سرباز استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن کجدر است و در منطقه‌ای دره‌ای گرم و خشک و کوه تگرد در آن قرار و رود سرباز در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** برنج، تره‌بار، خرما و مرکبات

**پوشش گیاهی:** درختان کنار، گز و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران:** روباه و شغال

**سرباز (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان سرباز استان سیستان و بلوچستان و مرکز شهر راسک و دارای ۳ دهستان: (۱ - راسک و فیروزآباد ۲ - مورتان ۳ - پارود) است.

**سرکور:** از دهستان‌های بخش سرباز شهرستان سرباز استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن مچکور است.

**سفیدابه:** از دهستان‌های بخش پشت‌آب شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن سفیدابه است.

**سندمیرثوبان:** از دهستان‌های بخش دشتیاری شهرستان چابهار استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن سندمیرثوبان است.

**سنگان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خاش استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن سنگان است.

**سوران:** از دهستان‌های بخش سیب و سوران شهرستان سراوان، استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن در منطقه‌ای دشتی، گرم و خشک و کوه حصاری و کوه کرکوک در آن قرار و رود فصلی کرم‌بخش جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، سیب، انار، انگور و تره‌بار

**پوشش گیاهی:** درمنه، مورد، برنجاسف، درخت کنار و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران:** پلنگ، گرگ، روباه و کفتار

**سیب و سوران:** از دهستان‌های بخش سیب و سوران شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن سوران است و در منطقه‌ای پایکوهی، گرم و خشک و کوه آپاتان در آن قرار و رود فصلی آبگران جریان دارد.

**پوشش گیاهی:** کلپوره، برنجاسف، درختان، گز، کنار، بادام کوهی، بنه و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**سیب و سوران (بخش):** از بخش‌های شهرستان سراوان، استان سیستان و بلوچستان از شمال به حومه‌ی سراوان و قسمتی از زابلی، از جنوب خاوری به کشور پاکستان، از جنوب به

بخش راسک و فیروزآباد و از باختر به بخش‌های زابلی و سرباز محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر سوران دارای دو دهستان (۱ - سیب و سوران ۲ - پسکوه) است.
**رودها:** ۱ - رود ماشکید که از کوه‌های باختری سراوان سرچشمه می‌گیرد پس از گذشتن از بخش زابلی، از باختر به خاور زمین‌های مسیرش را آبیاری می‌کند و شاخابه‌هایی چند به آن می‌پیوندد ۲ - رود شاهی کور که از کوه‌های جنوب باختری این بخش سرچشمه می‌گیرد، پس از گذشتن از چند روستا و بخش حومه‌ی سراوان وارد خاک پاکستان می‌شود.
**کوهها:** کوه لندی‌کوه ۱۸۷۵ متر
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی بلوچی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان گز و تاغ - گیاهان دارویی: شویدک، بادیان واجقون - پوشش گیاهی برای چرای دام.
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش بلوچی و زابلی سخن می‌گویند.
**جانوران و پرندگان:** گرگ، روباه، گراز، کفتار، خرگوش و از پرندگان مهاجر: درنا پرستوی دریایی، پلیکان، مرغابی، غاز، لک‌لک، و حواصیل - پرندگان بومی کرکس، دراج، باقرقره و کوه‌بره
**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و قالی‌بافی استوار است. کشاورزی بیش‌تر به شیوه‌ی سنتی است که تنها در زمین‌های قابل کشت، زراعت می‌شود، نوع کشت آبی و بیش‌تر گاو، شتر و پرورش طیور از منابع درآمد است. همچنین قالی‌بافی از منابع درآمد دیگر مردم این سامان است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، دام و فرآورده‌های دامی و طیور و قالیچه و قالی
**شیب آب:** از دهستان‌های بخش شیب آب و پشت آب شهرستان زابل، استان سیستان و بلوچستان است.
در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک قرار، شاخابه‌ای از رود هیرمند در آن جریان دارد و دریاچه‌ی هامون در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، فرش، دام و فرآورده‌های دامی
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، روباه و شغال
**فنوج:** از بخش‌های شهرستان نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن شهر فنوج دارای ۳ دهستان (۱ - فنوج ۲ - مسکوتان ۳ - گیتج) است. ارتفاعش از سطح دریا ۶۸۵ متر، پایکوهی، گرم و خشک در ۱۹۸ کیلومتری جنوب شرقی ایرانشهر قرار دارد ـ رود فنوج از غرب آن می‌گذرد.
کوه دندهور در جنوب، سفیدکوه در جنوب غربی و کوه تاب در جنوب شرقی این بخش قرار گرفته است.
اقتصاد بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری، کارگری، باغداری و حصیربافی استوار و کشت آبی - آب کشاورزی و آشامیدنی از رودکار و چشمه فراهم گشته است.
**پوشش گیاهی:** درخت کهور، گیاه کلپوره، (دارویی)
**جانوران و پرندگان:** کفتار، گراز، گرگ، شغال، قوچ، میش، آهو، کبک و تیهو
**فنوج:** از دهستان‌های بخش فنوج شهرستان

نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن فنوج است. که در منطقه دره‌ای گرم و خشک و کوه چربانیک و کوه دل‌کوک در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، تره‌بار، لیمو، انار، خرما،
**پوشش گیاهی:** گیاه کلپوره و درختان کهور و کنار و پوشش گیاهی مرتعی
**جانوران:** آهو، قوچ، میش، گرگ، روباه و کفتار
**قائم‌آباد:** از دهستان‌های بخش پشت آب شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان و مرکز این دهستان قائم‌آباد است.
**قرقری:** از دهستان‌های بخش میان کنگی شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن قرقری است.
**قصر قند:** از بخش‌های شهرستان نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان از شمال به بخش بمپور، از شمال خاوری به بخش‌های سرباز و راسک و فیروزآباد، از خاور به بخش دشتیاری، از جنوب به حومه‌ی چاه‌بهار و از باختر به بخش نیک‌شهر محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر قصرقند دارای ۲ دهستان (۱ - هلونچگان ۲ - ساربوک) است.

رودهای قابل توجهی در این بخش روان نیست و کوه بلند آن ۱۵۹۰ متر بلندی دارد و در حدود ۲۰ کیلومتری باختر قصرقند قرار دارد.
**آب و هوا:** گرم و خشک
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش بلوچی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان کنار، گز و کهور - گیاهان دارویی، کلپوره ازگند و گل‌دِر - پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، آهو و کبک
**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی و دامداری استوار است. کشاورزی پررونقی دارد آب کشاورزی از کاریزها و رود فراهم گشته - دامداری به شیوه‌ی سنتی ییلاق و قشلاق - حصیربافی، پلاس بافی و سوزن دوزی.
**فرآورده‌ها:** گندم، برنج، خرما، بنشن، تره بار، گیاهان علوفه‌ای، مرکبات، انبه، زیتون، موز، انار و سیب، دام و فرآورده‌های دامی حصیر و پلاس.
**کاروند:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خاش استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن کاروانـدر است. در منطقه‌ای میانکوهی گرم خشک، کوه گرو - ملان کوه، کوه گلر، کوه سیاه‌بند در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، تره‌بار، انگور و انار
**پوشش گیاهی:** کلپوره، درختان بنه و گز
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، کفتار و خرگوش
**کاریزها:** سرمیل، چوب مشکی، شیر محمد، نوک آباد و سردگر.
**کوهها:** کوه بزمان به بلندی ۳۵۰۳ متر در شمال باختری چند کوه کم ارتفاع.
عده‌ای ایلات و عشایر بلوچ از جمله: طوایف شلی بر، سجادی، یامری، شهگی، ناروئی، اربابی و کد خدائی که کوچرو هستند.
**نژاد و زبان:** آریـائی نـژادند و بـزبان فـارسی و بلوچی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان کهور، کنار و گز - گیاهان داروئی: درمنه، کلپوره، و بومادران - پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** میش، قوچ، بزکوهی، خرگوش، روباه، شغال، گرگ، و کبک.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و صنایع دستی استواراست. بواسطه کوهستانی بودن کمبود

زمین قابل کشت و بواسطه بارندگی خیلی کم و کمی پوشش اندک برای چرای دام کشاورزی و دامداری از رونق لازم چندان برخوردار نیست. - صنایع دستی شامل حصیربافی، سوزن دوزی.

**کشتگان**: از دهستان‌های بخش بم پشت شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن کشتگان است.

**کمبل سلیمان**: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان چابهار استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن کمبل سلیمان است.

**کنارک (شهرستان)**: از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن کنارک و دارای دو بخش مرکزی و بخش زرآباد و دارای چهاردهستان: (۱ - زرآباد غربی ۲ - زرآباد شرقی ۳ - جهلیان ۴ - کهیر) مرکز شهری آن کنارک است.

**کنت**: از دهستان‌های بخش هیدوچ شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن کشت است - در منطقه‌ای دشتی گرم و خشک قرار دارد و رود فصلی هن زامان در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها**: گندم، تره‌بار، انگور، خرما

**پوشش گیاهی**: درمنه، کلپوره، درختان کهور، گز و کنار

**جانوران**: گرگ، روباه، شغال

**کورین**: از دهستان‌های بخش نصرت‌آباد شهرستان زاهدان استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن سرجنگل است که در منطقه‌ای کوهپایه‌ای، گرم خشک، کوه شی‌گلی، کوه محل و کوه گو قرار دارد.

**فرآورده‌ها**: گندم، جو، تره‌بار، پسته، زردآلو، انگور، فرش، دام و فرآورده‌های دامی

**پوشش گیاهی**: گز و بنه، کلپوره، برنجاسف و پوشش مرتعی

**کوه‌خواجه**: از دهستان‌های بخش شیب‌آب شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن صیادان سفلی است.

**کوه سفید**: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خاش استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن بیات‌آباد است.

**کوهک اسفندک**: از دهستان‌های بخش جالق شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن اسفندک و در منطقه‌ای پایکوهی، گرم و خشک، کوه سرخ و کوه سیاهان در آن قرار و رود ماشکید جریان دارد.

**فرآورده‌ها**: گندم، جو، ذرت، تره‌بار، خرما و انار

**پوشش گیاهی**: کلپوره، برنجاسف و درختان بنه، گز، کهور و پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران**: بزکوهی، قوچ، میش، آهو، پلنگ، گرگ، کفتار، روباه و شغال

**کهیر**: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کنارک استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن کهیر و در منطقه‌ای جلگه‌ای گرم نیمه‌مرطوب و کوه سفته‌سر، کوه بالسر در آن قرار و رود فصلی بیر در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها**: خرما، حصیر و ماهی و هندوانه

**پوشش گیاهی**: درختان کهور، گز و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران**: گرگ و روباه، خرگوش، آهو، قوچ، میش، بزکوهی و پلنگ

**کیشکور**: از دهستان‌های بخش سرباز شهرستان سرباز استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن رئیس‌آباد است.

**گتیج**: از دهستان‌های بخش فنوج شهرستان

نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن گتیج است.

**گشت**: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن گشت است و در منطقه‌ای دشتی، گرم‌خشک و کوه اشکند در آن قرار و رود فصلی سیمنش جریان دارد.

**پوشش گیاهی**: درختان، بنه، بادام کوهی، گیاهان دارویی و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران**: روباه، گرگ و کفتار

**گوشه**: از دهستان‌های بخش نوک‌آباد شهرستان خاش استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن تمندان است. در منطقه‌ای دره‌ای گرم خشک، کوه گروک و کوه تفتان در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها**: گندم، جو، زردآلو، بادام، آلو، گردو و تره‌بار

**پوشش گیاهی**: کلپوره، گون کتیرا، درختان بادام کوهی و پوشش گیاهی مرتعی

**جانوران**: گرگ، روباه و شغال

**گوهر کوه**: از دهستان‌های بخش نوک‌آباد شهرستان خاش استان سیستان و بلوچستان مرکز آن گوهرشهر است - در منطقه‌ای میانکوهی، گرم و خشک، کوه‌مرغی، و کوه سیاه‌بند در آن قرار و رود فصلی در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها**: گندم، انگور و انار

**پوشش گیاهی**: کلپور، درمنه و درختان بنه و گز

**جانوران**: روباه، شغال، کفتار و خرگوش

**لادیز**: از دهستان‌های بخش میرجاوه شهرستان زاهدان استان سیستان و بلوچستان و مرکزش لادیز است در منطقه‌ای دشتی، گرم و خشک و کوه شاه‌چنار در آن و رود فصلی لادیز جریان دارد.

**فرآورده‌ها**: گندم، جو، یونجه، تره‌بار، سیب، انگور، انار و زردآلو

**پوشش گیاهی**: گیاه گلپور، درختان زبان گنجشک و گز و بدون پوشش گیاهی مرتعی

**جانوران**: روباه، شغال و خرگوش

**لاشار**: از بخش‌های شهرستان نیک‌شهر مرکز آن شهر اسپکه (دارای ۳ دهستان (۱ - لاشار شمالی ۲ - لاشار جنوبی ۳ - چالف) است.

**لاشار**: از دهستان‌های شهرستان نیکشهر استان سیستان و بلوچستان و در منطقه‌ای دشتی گرم خشک و کوه در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها**: گندم، جو، برنج، ذرت، تره‌بار، خرما، انجیر، انگور، انار و تنباکو

**پوشش گیاهی**: کلپوره، درختان کنار، گز و کهور و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران**: گرگ، کفتار، روباه و شغال.

**لاشار جنوبی**: از دهستان‌های بخش لاشار شهرستان نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز پیپ است.

**لاشار شمالی**: از دهستان‌های بخش لاشار شهرستان نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن اسپکه است.

**لوتک**: از دهستان‌های بخش شیب آب شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن لوتک است.

**مارگان**: از دهستان‌های بخش میان کنگی شهرستان میان‌کنگی استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن مارگان است.

**محمدآباد**: از دهستان‌های بخش میان کنگی شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن محمدآباد است.

**مخت**: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان

نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن مخت است.
**مسکوتان:** از دهستان‌های بخش فنوج شهرستان نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن مسکوتان است که در منطقه‌ای دشتی گرم خشک، کوه جوگز و کوه کوسیج در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، تنباکو، تره‌بار، خرما و پوشش مرتعی
**جانوران:** آهو، گرگ، روباه، شغال و خرگوش
**مورتان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سرباز استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن مورتان است.
**مهبان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان مرکز آن مهبان است.
**میانکنگی:** از بخش‌های استان سیستان و بلوچستان، از شمال خاور جنوب به افغانستان، از جنوب به بخش نارونی و شهرکی از باختر به بخش شیب آب و پشت آب محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر دوست‌محمد دارای ۴ دهستان (۱ - قرقری ۲ - مارگان ۳ - دوست محمد ۴ - جهان آباد) است.
**رودها:** شاخابه‌هایی از رود هیرمند که از افغانستان سرچشمه می‌گیرد. رود هیرمند در ایران دو شاخابه بزرگ می‌شود. ۱ - رود سیستان ۲ - پریان مشترک شاخابه‌هایی از پریان مشترک از جمله رود ملک در بخش میانکنگی روان است.
**نیزارها:** ۱ - خرگوشکی ۲ - چونگه سرخ ۳ - چونگه شور ۴ - برنگ ۵ - برقی، در فواصل نیزارها شنزارهای ریگ‌های روان و چکول قرار گرفته‌اند.
**دشت‌ها:** ۱ - دشت میلک در جنوب ۲ - دشت برنگ در مرکز
طوایفی چند از ایل بلوچ مانند سارانی و سراوندی در این بخش به سر می‌برند
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش ویژه‌ی بلوچی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان گز و تاغ - گیاهان دارویی: اجقون و بادیان پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، خرگوش، مرغ چور و مرغابی.
**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و قالیبافی استوار است. نوع کشت آبی و آب تنها از کانال کشی از رود پریان مشترک انجام می‌شود دشواری‌هایی به همراه دارد زیرا کانال به هنگام لایروبی نمی‌شود و سبب می‌گردد تا هفت ماه آب مورد نیاز برای کشاورزی در دسترس نباشد دامدرای و قالی‌بافی نیز از منابع درآمد مردم این سامان است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، زیره، سیب، انار و انگور و دام و فرآورده‌های دامی و قالی و قالیچه، حصیر
**میانکنگی:** از دهستان‌های بخش میانکنگی زابل استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن دوست‌محمد است در منطقه‌ای دشتی، گرم و خشک قرار رود دلخشک در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، انگور، انار، توت، فرش، دام و فرآورده‌های دامی.
**پوشش گیاهی:** درخت گز و پوشش گیاهی برای چرای دام
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال و گراز
**میرجاوه:** از بخش‌های شهرستان زاهدان استان سیستان و بلوچستان، از شمال و خاور به کشور پاکستان، از جنوب به شهرستان خاش، از باختر به

قسمتی از توابع نصرت‌آباد و از شمال باختری به حومه‌ی زاهدان محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهر میرجاوه دارای دو دهستان (۱ - لاویز ۲ - تمین) است.
**رودها:** رودهای فصلی چندی در این بخش روان است از جمله رود میرجاوه که از کوه تفتان روان گشته و پس از گذشتن از بخش میرجاوه وارد پاکستان می‌گردد.
**کوهها:** بلندترین قله کوه‌های استان در بخش میرجاوه به نام تفتان به بلندی ۳۹۴۱ متر است ۲ - کوه شهسوران ۳ -کوه انجیردان
**آب و هوا:** خشک معتدل
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش بلوچی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان گز و تاغ - گیاهان دارویی: کلپوره، پوشش گیاهی برای چرای دام
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، بزکوهی، قوچ و میش، کبک و تیهو
**اقتصاد:** بر کشاورزی و دامداری استوار است. کشاورزی و دامپروری فعالیت همراه باهم است. آب کشاورزی از رود و کاریز است.
**فرآورده‌ها:** خرما، گندم، جو، تره‌بار و میوه و پسته، انار، انجیر، توت و انگور
**ناروئی و شهرکی (بخش):** از بخش‌های شهرستان زابل، استان سیستان و بلوچستان، از شمال به بخش میانکنگی و حومه‌ی زابل، از خاور به افغانستان، از جنوب و باختر به بخش شیب آب و پشت آب محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهرک زهک دارای ۴ دهستان (۱ - خمک ۲ - زهک ۳ - جرینک ۴ - خواجه احمد) است.
**رودها:** شاخابه‌هایی از رود بزرگ هیرمند که از کوه‌های بابایغما در افغانستان سرچشمه می‌گیرد، روان است و پس از آبیاری بیش‌تر زمین‌ها به هامون صابری می‌پیوندد.
چون بخش نارویی و شهرکی در جلگه‌ی سیستان قرار گرفته و هیچ‌گونه پست و بلندی ندارد اما وزش بادهای شدید دِلوار شن‌زارهای بسیار پدید آمده است. نیزارهای فراوانی در مسیر رود هیرمند از جمله نیزار
۱ - اشکنیک ۲ - پورک
**آب و هوا:** گرم و خشک
**نژاد و زبان:** آریایی‌نژادند و به زبان فارسی و گویش بلوچی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان گز و تاغ - گیاهان دارویی: اجقون، بادیان، پوشش گیاهی برای چرای دام تنها در پیرامون هیرمند.
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، مرغابی، غاز، کبک، دراج، ماهی در رود هیرمند.
**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، قالی بافی و دامداری استوار است به واسطه‌ی در دسترس بودن آب رود هیرمند در این بخش کشاورزی آن دارای اهمیت است و سد کهک و زهک بر رود سیستان برای گسترش کشاورزی ایجاد گشته است. قالی‌بافی با طرح‌های جالب نیز از اشتغالات مردم این سامان است. پرورش گوسفند، بز و گاو نیز در مقیاس کوچک انجام می‌شود.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، انگور، سیب، خربزه و هندوانه و خیار و گیاهان علوفه‌ای، قالی، دام و فرآورده‌های دامی
**نازیل:** از دهستان‌های بخش نوک‌آباد شهرستان خاش استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن نازیل است. در منطقه‌ای دشتی گرم و خشک، کوه گت، کوه سیاه‌یسی در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، یونجه، سیب، زردآلود، انار، انجیر، توت، پسته، گلابی، آلوسیاه، انگور، بادام و سنجد.

**پوشش گیاهی:** بومادران، گلپوره، درخت زبان گنجشک و گیاهان مرتعی

**جانوران:** روباه شغال، خرگوش

**ناهوک:** از دهستان‌های بخش جالق شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان مرکز آن کشکوک است.

**نژاد وزبان:** آریائی نژادند و بزبان فارسی با گویش بلوچی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز و کمتر تاغ - گیاهان داروئی: کلپوره، آویشن

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، بزکوهی و کبک.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و دامداری استوار است -کشاورزی با مشکل کم آبی و در دسترس نبودن شیوه‌های مدرن کشاورزی روبرو است -گوسفند، بز،

گاو و شتر را به شیوه ییلاق - قشلاق پرورش می‌دهند. حصیر بافی، سوزن دوزی روی پارچه و چادر بافی نیز انجام می‌شود. - آب کشاورزی بیشتر از کاریزها و در برخی جاها چاه ژرف می‌باشد.

**فرآورده‌ها:** تره بار، خرما، ذرت خوشه‌ای، گندم، جو، مرکبات، برنج، گیاهان علوفه‌ای، سیب، انگور، و انار، دام و فرآورده‌های دامی، حصیر، چادر.

**نسکند:** از دهستان‌های بخش مرکزی سرباز شهرستان سرباز استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن نسکند است که در منطقه‌ی دشتی گرم و خشک قرار و رود فصلی تراندا در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، خرما، سیب، انار و تره‌بار

**پوشش گیاهی:** درمنه، کلپوره، و درختان گز، کنار و کهور و پوشش مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه و شغال

**نصرت آباد:** از بخش‌های شهرستان زاهدان، استان سیستان و بلوچستان، از شمال به شهرستان‌های زابل و بیرجند، از خاور به کشورهای افغانستان و پاکستان و حومه‌ی زاهدان، از جنوب به بخش‌های نوک‌آباد (از شهرستان خاش) و بزمان (از شهرستان ایرانشهر) و از باختر به شهرستان بم و بخش شهداد (از شهرستان کرمان) محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر نصرت‌آباد دارای دو دهستان (۱ - نصرت‌آباد ۲ - کورین) است.

**رودهای فصلی:** ۱ - رود و اویلا ۲ - زیارت ۳ - رودماهی ۴ - رود آبشوره - رود شوره گز ۶ - رود شور

**کوهها:** منطقه‌ی باختری کوه‌های بلند سربرافراشته است ۱ -کوه داررهدان ۲ -کوه کلات به بلندی ۲۴۶۷ متر ۳ - پیرسه خان

**آب و هوا:** گرم و خشک

طایفه‌ی نارونی زمستان را در نصرت‌آباد می‌گذارند اصل آن‌ها مربوط به کوه نارود در پاکستان است و از حدود ۲۰ تیره تشکیل شده است.

**نژاد و زبان:** فارسی با گویش بلوچی

**رستنی‌ها:** درختان بادام کوهی، گز و گیاهان دارویی گل‌گاوزبان، بومادران، کلپوره

**اقتصاد:** برکشاورزی و دامداری استوار است - آب کشاورزی از کاریزها و چاه‌ها فراهم گشته - دامداری به شیوه‌ی سنتی (ییلاق و قشلاق)

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، بنشن، زردآلو و پسته

**نصرت‌آباد:** از دهستان‌های بخش نصرت‌آباد شهرستان نصرت‌آباد استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن حصار روئیه است - در منطقه‌ای کویری گرم خشک، کوه اواجر و کوه کهورک در آن قرار و رود فصلی آبشوره در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، دام و فرآورده‌های دامی، یونجه، توت،

**پوشش گیاهی:** بومادران، کلپوره، گل‌گاوزبان و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش و کبک

**نگور:** از دهستان‌های بخش دشتیاری شهرستان چابهار استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن نوبندگان است.

**نوک‌آباد:** از بخش‌های شهرستان خاش، استان سیستان و بلوچستان از خاور و جنوب به حومه‌ی خاش و از باختر به توابع بخش نصرت‌آباد (از شهرستان زاهدان) و بخش بزمان (از شهرستان ایرانشهر) محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر نوک آباد دارای ۴ دهستان (۱ - اسکل آباد ۲ - تفتان جنوبی ۳-گوهر کوه ۴ - نازیل) است.

**رودهای فصلی:** رودهایی چند از پیرامون بخش روان و در زمین‌های پیرامون جذب می‌شود (از جمله ۱ - رود نازیل ۲ - رود قلعه بید ۳ - رود تودیلنگ)

**کوهها:** در منطقه‌ای کوهستانی و در نزدیکی کوه تفتان است. ۱ -کوه اسکل آباد به بلندی ۱۷۴۱ متر ۲ -کوه پرگ به بلندی ۱۶۱۳ متر ۳ -کوه نادر به بلندی ۲۳۹۱ متر ۴ -کوه وهشانی به بلندی ۲۲۷۸ متر

**آب و هوا:** معتدل و خشک
بیش‌تر بلوچ و از طایفه‌ی هاشم زهی هستند.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش بلوچی سخن می‌گویند

**رستنی‌ها:** درختان گز و تاغ - گیاهان دارویی درمنه، بومادران و کلپوره - پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران و پرندگان:** شغال، خرگوش و کبک

**اقتصاد:** بر دامداری کشاورزی استوار است بیش‌تر به دامداری می‌پردازند و کشاورزی نیز در درجه‌ی دوم اهمیت می‌باشند. کشاورزی به واسطه‌ی کمی بارندگی و آب محدود کاریز و چاه ژرف است.

**نیک شهر (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن شهر نیک‌شهر و دارای ۴ دهستان ۱ - مخت ۲ - هیچان
۳ - چاهان ۴ - مهبان) است.

**نیک‌شهر:** از بخش‌های شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان از شمال و باختر به بخش بمپور، از خاور به بخش قصر قند و از جنوب به حومه چابهار محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر نیک‌شهر دارای ۵ بخش ۱ - بخش مرکزی دارای ۴ دهستان است (۱ - مخت ۲ - هیچان ۳ - چاهان ۴ - مهبان) ۲ - بنت فنج ۴ - قصرقند ۵ - لاشار است.

**رودها:** رودهای فصلی کم اهمیت در مسیل‌ها روان است ۲ - رود نیک‌شهر که از بلندی‌های شمال نیک‌شهر سرچشمه می‌گیرد (و سرانجام به دریای عمان) می‌ریزد.

**کوهها:** ۱ -کوه بن طاق به بلندی ۱۶۶۵ متر در

شمال ۲ - کوه شالمان به بلندی ۱۳۴۹ متر در مرکز ۳ - کوه کندکُروچ به بلندی ۱۲۰۵ متر در جنوب

**آب و هوا:** گرم و خشک

از ایل بلوچ و طوایف چاکرزهی، درزاده، رئیسی، امیری و بولیده‌ای هستند.

**نژاد و زبان:** آریایی‌نژادند و به زبان فارسی با گویش بلوچی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز، کُنار و کهور - گیاهان دارویی، کلپوره، بومادران، گل دروازگند، پوشش گیاهی برای چرای دام.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی و دامداری استوار است، کشاورزی منبع بزرگ درآمد مردم این سامان می‌باشد، آب کشاورزی بیش‌تر کاریز رود فراهم گشته، دامداری شیوه‌ی سنتی ییلاق - قشلاق انجام می‌شود.

**فرآورده‌ها:** خرما، گندم، جو، مرکبات، گیاهان علوفه‌ای، موز، انبه و زیتون، دام و فرآورده‌های دامی

این شهرستان از نظر موقع طبیعی و جغرافیایی و شرایط سیاسی و اجتماعی و ارتباطات به مرکز نیک‌شهر از همگن و تقارن نسبی متعادلی برخوردار است ـ کتابهای درسی

**نیک‌شهر:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن نیک‌شهر و در منطقه‌ای پایکوهی، گرم و خشک و کوه لاغر و کوه موفت در آن قرار و رود شهاب در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، برنج، تره‌بار، انجیر، انگور و مرکبات

**پوشش گیاهی:** درختان گز، کهور و کنار و پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران:** بزکوهی، کفتار، گراز، روباه، شغال و کبک

**هودیان:** از دهستان‌های بخش دلگان شهرستان ایرانشهر استان سیستان و بلوچستان و مرکزش هودیان است.

**هونچگان:** از دهستان‌های بخش قصرقند شهرستان نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن هونچکان است.

**هیچان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن هیچان است.

**هیدوج:** از بخش‌های شهرستان سراوان مرکز آن شهر هیدوج دارای دو دهستان ۱ - هیدوج ۲ - کنت است.

در ارتفاع ۱۲۰۰ متری از سطح دریا پایکوهی، گرم و خشک در ۸۶ کیلومتری جنوب غربی سراوان

رود ماکشید از این سامان می‌گذرد و کوه هیدوج در خاور هیدوج قرار دارد.

**اقتصاد:** اقتصاد بر پایه‌ی کارگری کشاورزی، دامداری، باغداری و حصیر بافی است.

کشت آبی، آب کشاورزی و آشامیدنی از رود و چشمه

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، بنشن، تره‌بار، خرما، انگور، انار، سیب، هلو

**پوشش گیاهی:** کنار، بنه و پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران:** خرس، گرگ، روباه و شغال

**هیدوج:** از دهستان‌های بخش هیدوج شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان و مرکز آن هیدوج است. در منطقه‌ای دشتی گرم و خشک کوه کوسیچی در آن قرار و رود کورناهوت در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، ذرت، تره‌بار، خرما، انگور و انجیر

**پوشش گیاهی:** کلپوره، درختان گز، کهور و کنار و پوشش مرتعی

**جانوران:** گرگ، پلنگ، روباه، شغال و خرگوش

**اصلاحات تقسیمات کشوری در استان سیستان و بلوچستان:**

ایجاد دهستان چاه علی به مرکزیت روستای چاه علی (موتورعلی).

ایجاد دهستان گنبد علوی به مرکزیت گنبد علوی.

بخش جلگه هاشم (جلگه چاه هاشم صحیح است) به مرکزیت روستای چگرد از ترکیب دهستان‌های جلگه هاشم (جلگه چاه هاشم صحیح است) و چاه علی (موتورعلی).

انتزاع بخش آثار از شهرستان سرباز و الحاق به شهرستان سراوان

ایجاد شهرستان دلگان به مرکزیت شهر گلمورتی از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر گلمورتی مشتمل بر دهستان‌های گنبد علوی، دلگان و هودیان و بخش جلگه هاشم (جلگه چاه هاشم صحیح است) به مرکزیت روستای چگرد مشتمل بر دهستان‌های جلگه چاه هاشم و چاه علی (موتورعلی).

انتزاع بخش آشار از شهرستان سرباز و الحاق به شهرستان سراوان.

ایجاد شهرستان سیب سوران (سیب و سوران صحیح است) به مرکزیت شهر سوران از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر سوران، شامل دهستان‌های سیب و سوران و پسکوه و بخش هیدوچ به مرکزیت شهر هیدوچ شامل دهستان‌های هیدوچ و کنت.

ایجاد شهرستان زابلی به مرکزیت شهر زابلی از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر زابلی شامل دهستان‌های (زابلی) و بیرک و بخش آشار به مرکزیت روستای آشار شامل دهستان‌های آشار و ایرفشان.

ایجاد دهستان زردبن به مرکزیت روستای زردبن.

انتزاع دهستان جکیگور از بخش پیشین و الحاق به بخش مرکزی شهرستان سرباز.

ایجاد بخش پارود به مرکزیت روستای پارود از ترکیب دهستان‌های پارود و مورتان در تابعیت شهرستان سرباز.

شناخت شهر روستای محمد آباد از توابع دهستان بمپور شرقی بخش بمپور شهرستان ایرانشهر به عنوان شهر محمدان.

ایجاد دهستان اکبرآباد به مرکزیت روستای اکبرآباد.

ایجاد بخش قرقری به مرکزیت روستای قرقری از ترکیب دهستان‌های قرقری و اکبرآباد.

شهرستان میانکنگی به مرکزیت شهر دوست محمد از ترکیب بخش مرکزی شامل دهستان‌های دوست محمد، مارگان و جهان آباد و بخش قرقری شامل دهستان‌های قرقری و اکبرآباد.

شناخت شهر روستای گشت از توابع دهستان گشت بخش مرکزی شهرستان سراوان به عنوان شهر گشت.

شناخت شهر روستای محمدی از توابع دهستان حومه‌ی بخش مرکزی شهرستان سراوان به عنوان شهر محمدی.

شناخت شهر روستای علی اکبر از توابع دهستان کوه خواجه بخش شیب آب شهرستان زابل به عنوان شهر علی اکبر.

## جمعیت استان سیستان و بلوچستان

شهرستان ایرانشهر: تعداد خانوار ۴۹۴۴۳، جمعیت ۲۶۸۴۰۰، تعداد باسواد ۱۵۵۶۱۸، تعداد بیسواد ۶۸۳۷۹.

شهرستان چاه بهار: تعداد خانوار ۴۱۵۳۲، جمعیت ۲۱۶۶۸۱، تعداد باسواد ۱۰۳۶۸۵، تعداد بیسواد ۷۶۳۴۳.

شهرستان خاش: تعداد خانوار ۳۲۴۷۸، جمعیت ۱۶۷۸۵۱، تعداد باسواد ۹۱۷۴۴، تعداد بیسواد ۴۱۸۹۴.

شهرستان زابل: تعداد خانوار ۶۷۷۷۸، جمعیت ۳۲۹۳۱۷، تعداد باسواد ۱۸۸۶۸۱، تعداد بیسواد ۸۱۰۲۸.

شهرستان زاهدان: تعداد خانوار ۱۳۰۷۶۳، جمعیت ۶۸۱۴۶۰، تعداد باسواد ۴۱۱۰۸۰، تعداد بیسواد ۱۴۵۲۵۴.

شهرستان زهک: تعداد خانوار ۱۴۶۸۳، جمعیت ۷۱۴۶۲، تعداد باسواد ۳۹۵۲۱، تعداد بیسواد ۲۰۸۴۲.

شهرستان سراوان: تعداد خانوار ۴۷۷۵۳، جمعیت ۲۴۶۱۰۰، تعداد باسواد ۱۳۲۲۶۲، تعداد بیسواد ۶۶۲۳۷.

شهرستان سرباز: تعداد خانوار ۳۱۴۴۹، جمعیت ۱۶۴۶۹۵، تعداد باسواد ۷۷۹۲۶، تعداد بیسواد ۵۶۶۹۸.

شهرستان کنارک: تعداد خانوار ۱۴۲۸۸، جمعیت ۷۱۰۶۳، تعداد باسواد ۳۲۷۵۳، تعداد بیسواد ۲۴۱۷۰.

شهرستان نیک شهر: تعداد خانوار ۳۷۸۵۸، جمعیت ۱۸۸۷۱۳، تعداد باسواد ۹۵۲۹۶، تعداد بیسواد ۶۲۰۰۵.

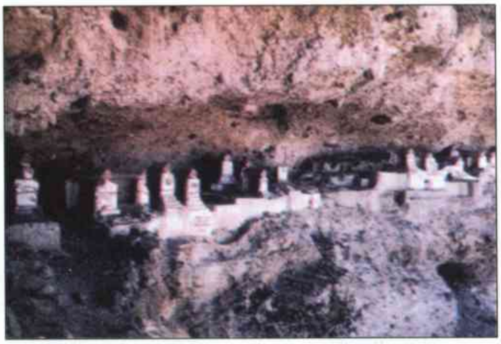
**شهرک‌های صنعتی:** ۱) شهرک صنعتی کامبوزیا، ۲) شهرک کارگاهی، ۳) شهرک صنعتی چابهار ـ چابهار، ۴) شهرک صنعتی کنارک ـ کنارک، ۵) شهرک صنعتی خاش ـ خاش، ۶) شهرک صنعتی محمد آباد ـ زابل، ۷) شهرک صنعتی ایرانشهر ـ بمپور، ۸) شهرک صنعتی رامشار ـ رامشار، ۹) شهرک صنعتی سراوان ـ سراوان، ۱۰) شهرک صنعتی نیک شهر ـ نیک شهر، ۱۱) شهرک صنعتی سرباز ـ سرباز، ۱۲) شهرک صنعتی زاهدان ـ جاده‌ی سیر جاده، ۱۳) شهرک صنعتی برس ـ چابهار، ۱۴) شهرک صنعتی سانبدر ـ چابهار، ۱۵) شهرک صنعتی نگور ـ چابهار، ۱۶) شهرک صنعتی نوک آباد ـ خاش، ۱۷) شهرک صنعتی ایرانشهر ـ خاش. ۱۹) ناحیه‌ی صنعیت دلگان ـ ایرانشهر، ۲۰) ناحیه‌ی صنعتی سوران ـ سوران، ۲۱) ناحیه‌ی صنعیت زهک ـ زهک، ۲۲) ناحیه‌ی صنعتی رمین ـ چابهار.

**مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۵**
گوشت قرمز ۲۳ شیر ۱۰۹
**مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۵**
گوشت مرغ ۱۹ تخم‌مرغ ۴
**تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۴**
جمع معادن ۳۶ خصوصی ۳۰ عمومی ۶
**مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۲**
کل تعداد بهره‌برداری ۸۲۳۸۳ مساحت ۲۴۵۳۲۸ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۲۴۶۸۸ مساحت باغ و قلمستان ۲۸۷۴۹
**استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۴:** تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۵۳۶۹۵ تعداد دام ۶۴۷۰۴۱ مقدار تولید ۷۴۷۱۰۹ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۳۱۹۵۲ تعداد دام ۵۵۳۷۶۰ مقدار تولید ۳۲۷۱۰۱
**بهره‌برداری‌های کشاورزی استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۲**
زراعت ۶۹۶۲۷ باغداری ۵۱۴۰۷ تولید گلخانه‌ای ۱۷۳ پرورش ماکیان ۸۳۵۹۷ پرورش زنبورعسل ۳۴ پرورش دام بزرگ ۳۳۴۴۵ پرورش دام کوچک ۱۳۴۲۳۵ پرورش کرم ابریشم ۰
**تعداد سدهای استان سیستان و بلوچستان در مراحل مختلف:** مطالعاتی ۲۴ اجرایی ۶ بهره‌برداری ۱۷ مجموع ۴۷
**استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۵:** مساحت جنگل‌ها ۱۸۶۳۷۰ جمع مراتع ۱۰۶۴۸۴۹۹ خوب (متراکم) ۲۱۷۰۹۶ متوسط (نیمه متراکم) ۹۰۸۱۲۹ فقیر (کم تراکم) ۹۵۲۳۲۷۴ پدیده‌های بیابانی ۴۸۰۴۹۵۶
**تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان سیستان و بلوچستان:** فعال: ۴۱ غیرفعال: ۹ در شرف تأسیس: ۱ تعداد کل: ۵۱

**برخی از مآخذ و کتاب‌های سودمند**


کتاب سرزمین و مردم ایران (چاپ پنجم)
مردمان ایران
تحولات تاریخی و اجتماعی بلوچستان
کتاب آشنائی با جامعه عشایری ایران ـ منوچهر ترکمان
مقدمه‌ای بر شناخت طوایف سیستان ـ سعید جانب‌اللهی
کتاب مردم‌شناسی ایران ـ هنری فیلد ـ ترجمه دکتر عبدالله فریاد
باهوکلات با ویژگیهای منحصر به فرد ـ برهان ریاضی ـ سازمان محیط زیست
تالاب هامون ـ پناهگاه حیات‌وحش ـ جمشید منصوری ـ هنریک مجنونیان ـ سازمان محیط زیست
مقدمه‌ای بر شناخت طوایف سیستان ـ سعید جانب‌اللهی
مجله فصلنامه انقلاب ـ ایرج افشار سیستانی
صنایع دستی سیستان ـ علی کلدوی
جاذبه‌های سیاحتی و توریستی سیستان ـ غلامعلی قمر ـ محمودرضا میرلطفی
فرش سیستان ـ غلامعلی خمر ـ محمودرضا میرلطفی ـ حمید حیدری
ویژگی‌های اخلاقی و نژادی مردم سیستان ـ ایرج افشار سیستانی
پزکشی سنتی سیستان ـ ایرج افشار سیستانی
گاو اصیل سیستانی ـ دکتر احمد راشکی
سیستان نگین درخشان فرهنگ و ادب فارسی، محمود مجوزی
اطلس مناطق حفاظت شده ایران ـ سازمان حفاظت محیط زیست
ایلات و عشایر سیستان و بلوچستان
بررسی اوضاع و ویژگیهای فرهنگ عمومی
بررسی پوشاک مردم سیستان و بلوچستان ـ فروزانفر، فرزاد
بلوچستان و سیستان سرزمین نژاد مردمان و پهلوانان سخت ـ یغمایی، اقبال
سیمای میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان ـ رحیمی، زمرد
عشایر و طوایف سیستان و بلوچستان ـ افشار سیستانی، ایرج
کتابنامه سیستان و بلوچستان ـ حسن لاریجانی
مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان


بندر شهید کلانتری - چابهار

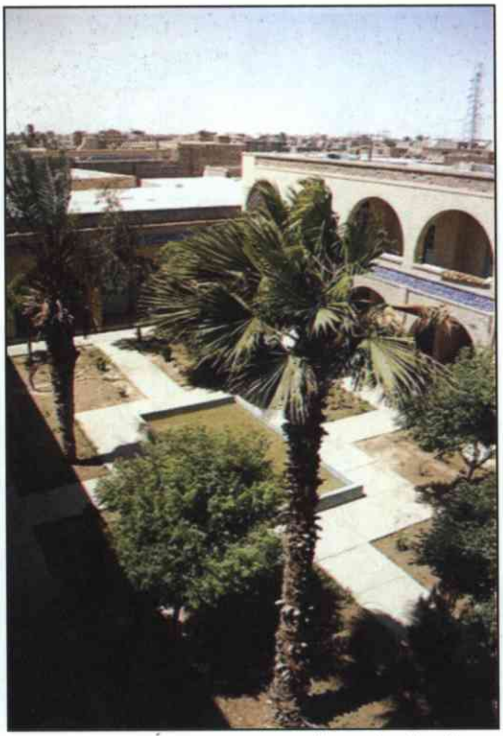

قبرستان هفتاد ملا - خاش

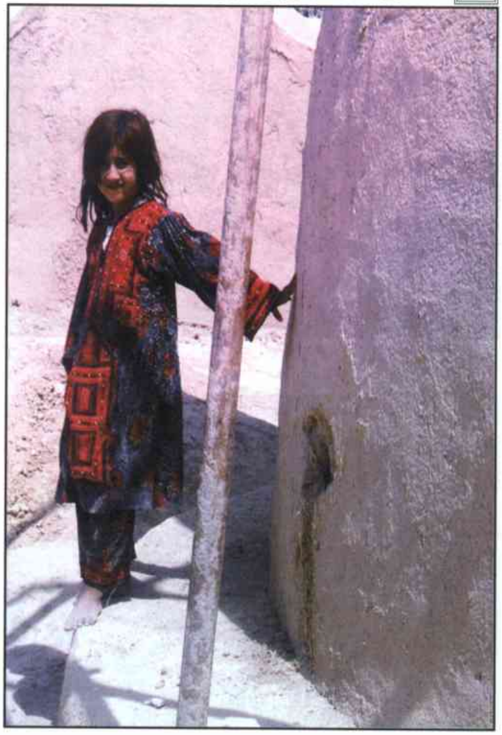

روستای قلعه نو - زابل


کوه گلفشان - چابهار


قلعه ایرانشهر


شهر سوخته


حوزه علمیه امام صادق - زابل



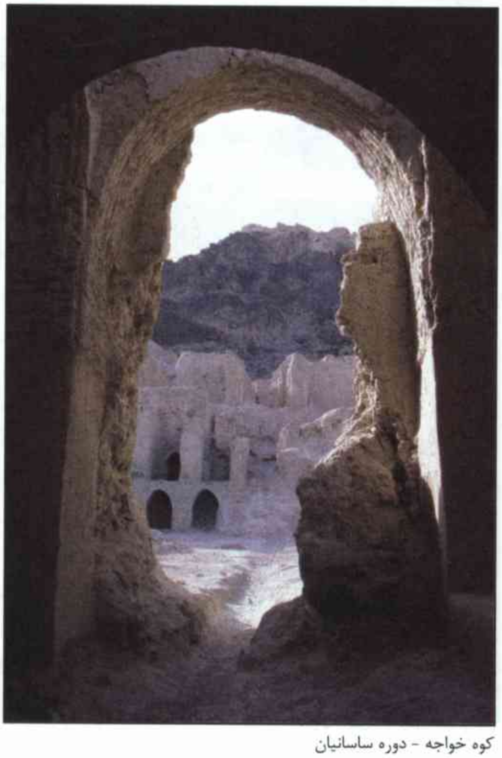
دختر با لباس محلی - خاش



قلعه سب - سراوان



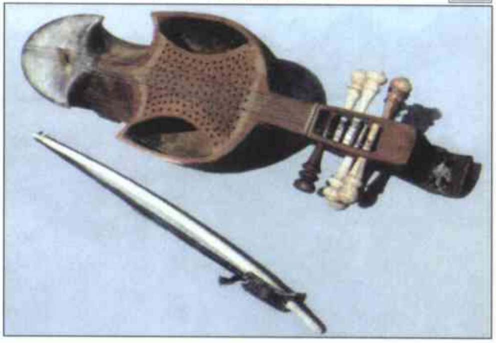
آرامگاه سید غلامرضا رسولی - چابهار



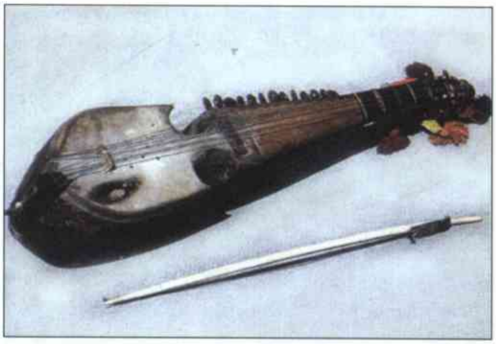
کوه خواجه - دوره ساسانیان



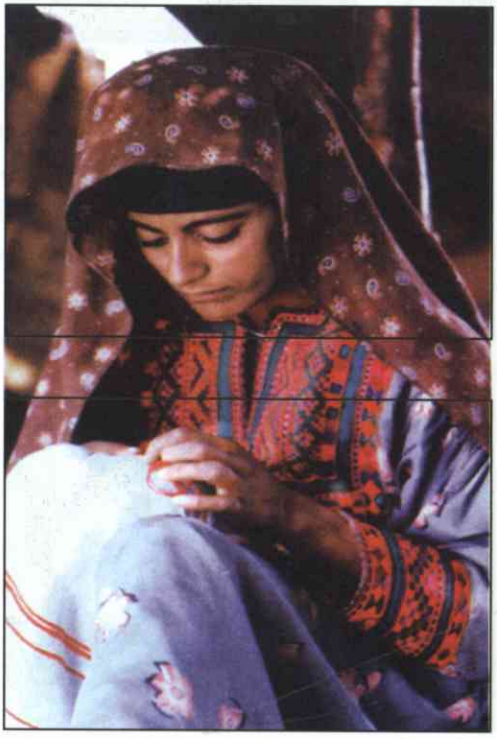
مسجد جامع شهر خاش



ساز محلی قیچک



ساز محلی رباب



زن بلوچ و صنایع دستی



مردان هنرمند بلوچستان



سفال کلپورگان - سراوان



کفش حصیری - ساواس



دو تن از دختران خردسال از مردم بلوچستان



منظره‌ای از استان سیستان و بلوچستان



خرمای بلوچستان



گل موز - چابهار



زیتون محلی گوارا



خربزه درختی (پاپایا)

**همه جای ایران سرای من است**

**دایرةالمعارف**

# سرزمین و مردم استان فارس

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان



سرزمین و مردم ـ سیمای اقلیمی ـ چشمه‌های طبیعی ـ گردشگاه‌های طبیعی ـ پارک‌ها و مناطق حفاظت شده ـ صنایع ـ موزه‌ها ـ شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها ـ شهرک‌های صنعتی ـ تصاویر و عکس‌ها
مشخصات عمومی استان فارس براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵:
مرکز استان: شهر شیراز، تعداد شهرستان: ۲۴ تعداد بخش: ۷۴ تعداد شهر: ۷۳ تعداد آبادی دارای سکنه: ۴۳۷۰ کل آبادی‌ها: ۷۲۱۳
جمعیت استان فارس در سال (۱۳۸۵) ۴۳۳۶۸۷۸ نفر نسبت به کل کشور ۶/۱۵ بوده است. مساحت استان فارس ۱۲۲۶۰۸ کیلومتر مربع نسبت به کل کشور ۷/۵۳ است.
از تهران تا شیراز (۹۲۴) و از شیراز تا آباده (۲۹۰)، ارسنجان (۱۱۵)، استهبان (۱۷۰)، اقلید (۲۸۵)، بوانات (۲۳۱)، پاسارگاد (۱۱۶)، جهرم (۱۷۹)، خرم‌بید (۱۸۷)، خنج (۲۷۵)، داراب (۲۴۲)، زرین‌دشت (۳۳۷)، سپیدان (۸۱)، شیراز (۰)، فراشبند (۱۴۸)، فسا (۱۴۰)، فیروزآباد (۹۹)، قیر و کارزین (۱۷۴)، کازرون (۱۴۷)، لارستان (۳۴۰)، لامرد (۵۴۲)، مرودشت (۴۱)، ممسنی (۱۴۵)، مهر (۴۶۰)، مهریز (۲۰۷)،

**که ایران بهشت است یا بوستان　　همی بوی مشک آید از بوستان**

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از استاد ناصر میزبانی عکاس هنرمند و عیسی پاکزاد افشار

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان فارس
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: علم و زندگی (ناشر همکار) انتشارات آرام (ناشر اصلی)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۸۸۴۳۰۰۹۶ـ ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۷ـ۴۸ـ۶۹۹۱ـ۹۶۴ـ۹۷۸
بها: یکهزارو چهارصد تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان فارس؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۷ ـ ۴۸ ـ ۶۹۹۱ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۳۵۹

## ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

**مشخصات عمومی استان فارس براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵:** مرکز استان: شیراز مساحت: ۱۲۲۶۰۸ تعداد شهرستان: ۲۴ تعداد بخش: ۷۴ تعداد شهر: ۷۳ تعداد آبادی دارای سکنه: ۴۳۷۰ کل آبادی‌ها: ۷۲۱۳

جمعیت استان فارس در سال (۱۳۶۵) ۳۱۹۳۷۶۹ نسبت به کل کشور ۶/۴۶ و در سال (۱۳۷۵) ۳۸۱۷۰۳۶ نسبت به کل کشور ۶/۳۶ و در سال (۱۳۸۵) ۴۳۳۶۸۷۸ نسبت به کل کشور ۶/۱۵ بوده است.

مساحت استان فارس ۱۲۲۶۰۸ نسبت به کل کشور ۷/۵۳ است.

کارگاههای استان فارس ۳۵۳۲۶ نسبت به کل کشور ۵/۴۸ است.

درصد میزان شهرنشینی استان فارس در سال (۱۳۷۵) ۶۷/۵۶ و در سال (۱۳۸۵) ۱۷/۶۱ است.

تراکم نسبی جمعیت استان فارس در سال (۱۳۶۵) ۲۶ و در سال (۱۳۷۵) ۳۱ و در سال (۱۳۸۵) ۳۵ نفر در کیلومترمربع بوده است.

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان فارس**

مرد و زن ۷۵۰۲ زن ۳۴۹۰ مرد ۴۰۱۲

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان فارس**

مرد و زن ۲۸۸۷۲ زن ۱۵۳۶۸ مرد ۱۳۵۰۴

**مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان فارس در سال ۱۳۸۵**

جمع ۴۴۷۱ دولتی ۴۴۷۱ خصوصی ۰ تولید نهال ۱۳۶۲

**مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان فارس در سال ۱۳۸۵**

ادامه در صفحهٔ ۱۵۷۷

### فهرست برخی از مطالب

## سرزمین و مردم استان فارس

### ویژگیهای جوی و اقلیمی استان فارس

**سیمای اقلیمی استان** :استان فارس مجموعه‌ای شگرف از مجاورت اقلیم‌های متنوع در کنار یکدیگر می‌باشد و دو عامل ارتفاع و عرض جغرافیایی درترکیب با یکدیگر شرایطی رابه وجود آورده‌اند که علاوه بر پیدایش اقلیم‌های بسیار گوناگون، خرده اقلیم‌های ویژه‌ای را نیز در فواصل بسیار نزدیک از یکدیگر پدید آورده‌اند.

استان فارس بطورکلی منطقه‌ای است کوهستانی با دشت‌های گسترده و حاصلخیز که ارتفاعات آن دنباله رشته کوههای زاگرس، با جهت شمالغربی - جنوبشرقی است.

ارتفاعات استان فارس عموماً برفگیر بوده ازین‌رو سبب بیشترآب رودخانه و چشمه‌های این نواحی از ذوب شدن برف قله‌ها تامین می‌گردد.

باوجود آنکه استان فارس در قالب کلی در منطقه نیمه خشک و خشک قرار دارد، اما ارتفاعات استان در تعدیل شرایط آب و هوایی آن دارای نقش بسزایی می‌باشد و به این لحاظ استان فارس دارای پوشش گیاهی مرتعی و جنگلی قابل ملاحظه‌ای است .

- عرض جغرافیایی در شکل‌گیری اقلیم‌های مختلف استان نقش بسیار شاخصی دارد. اختلاف زیاد عرض جغرافیایی در شمال و جنوب استان که به بیش از ۴ درجه می‌رسد، تفاوت‌های آشکاری را در میزان انرژی دریافتی از خورشید و به تبع آن بر رژیم اقلیمی آن پدید می‌آورد و علاوه بر آن نزدیکی مناطق جنوبی استان به مدار راس السرطان موجب می‌گردد که تاثیر توده‌های هوای گرم برآمده از جنوب کشور، بر بخشهای جنوبی استان، مداوم بوده و سیمای حرارتی این بخش از استان را متأثر سازد.

- منابع رطوبتی و آب‌های استان فارس نظیر رودخانه‌ها، آبهای زیرزمینی و دریاچه‌ها نیز به نوبه خود بررژیم اقلیمی استان تأثیرمی‌گذارد و در شکل بندی اقلیم‌ها و خرده اقلیم‌های استان مؤثر واقع می‌شوند. علاوه بر منابع رطوبتی داخل استان، تأثیر خلیج فارس بر رژیم اقلیمی مناطقی از استان فارس حائز اهمیت است.

- پوشش‌گیاهی استان فارس شامل پوشش‌گیاهی جنگلی و پوشش‌گیاهی استپی و نیمه استپی است که پوشش گیاهی استپی استان بیشتر در نواحی شرقی و جنوبی فارس قراردارد و پوشش گیاهی نیمه استپی که منطبق با شرایط اقلیمی نیمه خشک است، به سبب استفاده بی رویه انسان و تبدیل مراتع به دیمزارها آسیب پذیرفته است.

**توده‌های هوای مؤثر بر اقلیم استان:** در قالب کلی آب و هوای استان فارس را می‌توان به سه بخش تقسیم نمود:

۱- آب و هوای شمال و شمالغرب استان که به علت کوهستانی بودن این مناطق، در زمستان سرد همراه با برف و باران و در تابستان معتدل است و بارندگی سالانه دراین بخش‌های استان که در بین رشته کوههای زاگرس قرار دارند بیش از ۴۰۰ میلی متر است.

۲ - جنوب و جنوبشرقی استان که در زمستان معتدل و در تابستان بسیارگرم است که نواحی لار، اوز و خنج را در بر می‌گیرد و بارندگی سالانه در آنها بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلی متر است و دارای اقلیم خشک می‌باشد.

۳ - نواحی مرکزی استان که دارای زمستان‌های معتدل و بارانی و تابستانهای گرم و خشک است که نواحی شیراز، کازرون، فیروزآباد، جهرم، فسا،

داراب، استهبان، نی ریز و..... را شامل می‌شود که بارندگی در آنها بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلی متر است و دارای اقلیم نیمه خشک می‌باشند.

توده‌های هوای مؤثر براستان فارس به دو دسته توده‌های هوای تابستانه و زمستانه تقسیم می‌شوند:

- **توده‌های هوای تابستانه:** توده‌های هوای تابستانه تأثیرگذار بر این استان، تروپیکال ازمنشأ عربستان، صحرای آفریقا و کویرهای داخلی است که در فصول گرم سال موجب افزایش دما به ویژه در بخش‌های جنوبی استان می‌گردد و شرائط اقلیمی خشک و بی باران را به مناطق تحت نفوذ خود در استان فارس تحمیل می‌نماید. توده هوای مونسونی که در ماههای گرم سال از منشاء هندوستان بر مناطق جنوبشرق ایران تأثیر گذاشته و موجب تلاطم جوی در این مناطق می‌گردد و گاهی نیز همراه با ریزشهای جوی شدید است ولی اغلب همراه باوزش باد به ایجاد گرد و خاک منتهی می‌گردد، به گونه‌ای تعدیل یافته بر بخش هایی از استان فارس نیز تأثیر می‌گذارد و سبب ایجاد ابرناکی و یا به ندرت ریزشهای مقطعی و یا ایجاد گردوخاک می‌گردد.

فعالیت این مرکز کم فشار، بارندگی‌های تابستانه هند و آسیای جنوبشرقی را پدید می‌آورد.

- **توده‌های هوای زمستانه:** با شروع ماههای سرد سال، دامنه فعالیت مراکز پرفشار شمالی افزایش یافته و نفوذ توده‌های هوای سرد از مناطق سیبری و قطب شمال به سوی ایران گسترش می‌یابد.

**مرکز پرفشار سیبری:** در فصول سرد سال توده‌های هوای سرد و سنگین برخاسته از دشت‌های سیبری پس از مهاجرت به عرض‌های پایین‌تر جغرافیایی ازبخش جنوب شرقی کشور و به طور مشخص از روی استان خراسان به داخل کشور سرازیر شده و موجب تلاطم جوی و افت دما و بروز سرما و بارندگی دراغلب استان‌های کشور می‌گردد. نفوذ توده‌های هوای سیبریائی هر چند در مدخل ورودی خود دراستان خراسان غالباً موجب افت دما و وزش بادهای سرد و گاهی نیز سبب بارندگی می‌گردد، اما پس از پیمایش دریای خزر که در این زمان دارای شرائط دمایی گرم‌تری نسبت به توده هوایی سیبریایی است، از رطوبت دریای خزر تغذیه نموده و بارندگیهای سنگین پاییزه شمال ایران به ویژه گیلان و پس از آن مازندران را به وجود می‌آورد.

**چگونگی فعالیت مرکز پرفشار سیبری در حقیقت ملاک** زمستان‌های سرد و یاگرم غالب نقاط کشور است و در سالهایی که مرکز پرفشار سیبری به عرض‌های پایین‌تر منتقل می‌شود، امواج سرمایی بیشتری جغرافیای کشور را در بر می‌گیرد و طبعاً زمستان‌های سخت و سردتری نیز در کشور به وجود می‌آورد.

**تقسیم‌های اقلیمی استان:** استان فارس در سیستم طبقه بندی اقلیمی دومارتن اصلاح شده دارای تقسیماتی به شرح زیراست:

وجود کوهستان‌های متعدد در شمال و شمالغرب استان از یک سو و تاثیرپذیری مناطق وسیعی ازجنوب استان از شرائط اقلیمی عرض‌های پایین جغرافیایی و نیز تاثیرات منابع رطوبتی داخلی استان و خلیج فارس از سوی دیگر، همراه با نحوه عمل توده‌های هوای مهاجر درسطح استان موجب گردیده است که تنوعات اقلیمی کم نظیری در استان پهناور فارس پدید آیدکه به مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۱ - **اقلیم خشک سرد:** بخش هایی از شمال و

شمالشرق استان فارس تحت پوشش اقلیم خشک سرد قرار دارد که گسترش این نوع اقلیم نواحی آباده و نی ریز و جهان آباد و خرامه را نیزدر بر می‌گیرد.

**۲ - اقلیم نیمه خشک معتدل:** این نوع اقلیم مناطق مرکزی و قسمت هایی از شمالشرق استان را می‌پوشاند و با گسترش نسبتاً وسیع، نواحی شیراز، مرودشت، زرقان، ارسنجان، سعادت شهر، قادر آباد، ده بید، سروستان، کوار، استهبان، کازرون، فیروزآباد، میمند و مناطق نسبتاکم ارتفاع در حوالی دریاچه مهارلو و نیز نورآباد ممسنی را در بر می‌گیرد.

در ادامه گسترش ارتفاعات زاگرس به بخش‌های جنوبشرق که ازبخش‌های شمالغرب استان فارس به این استان وارد شده و تا بخش‌های جنوبی شیراز امتداد می‌یابد، علاوه براین که بر رژیم دمایی این بخش از استان تأثیر می‌گذارد، بر رژیم بارش‌های آن هم به ویژه بر سیستم‌های هواشناسی که از شمالشرق افریقا و پس از طی خلیج فارس و کسب رطوبت از آن وارد استان فارس می‌شوند نیز تاثیر گذاشته و در نتیجه این سیستم‌های هواشناسی بارندگیهائی را پدید می‌آورند که موجب تغییر در ضرایب خشکی تقسیم بندی اقلیمی دومارتن شده و این بخش از استان را با رژیم اقلیمی مرطوب‌تر و با دمای کمتر معرفی می‌نماید.

**۳ - اقلیم نیمه خشک سرد:** اقلیم نیمه خشک سرد نواحی تنگ براق، احمدآباد درودزن، علی آباد کمین، نهالستان، مهرآباد، بندبهمن، تخت جمشید، چم بیان، و چم ریز را تحت پوشش قرار می‌دهد.

**۴ - اقلیم نیمه خشک فراسرد** :این نوع اقلیم ارتفاعات بالاتر از ۲۶۰۰ متری جنوب اقلید،کوه کوم درشمال دریاچه طشک وکوه خاتون، جنوب شرقی چم بیان و ارتفاعات شمالی استهبانات و شرق تنگ براق را می‌پوشاند.

**۵ - اقلیم خشک معتدل:** اقلیم خشک معتدل مناطق وسیعی از استان را در جنوب شرق و جنوب استان دربر می‌گیرد و نواحی فسا، جهرم، نوبندگان کاریان، لیفرجان، قیروکارزین و خنج را پوشش می‌دهد.

**۶ - اقلیم خشک بیابانی گرم:** این نوع اقلیم نواحی لامرد و لار و بخش‌های گرم و خشک جنوب استان را در بر می‌گیرد.

**۷ - اقلیم مدیترانه‌ای:** این نوع اقلیم در اطراف مسیر بولو سررود تا کویر کافتر و سرچشمه‌های اوجان رود و ناحیه قلات را در بر می‌گیرد.

**۸ - اقلیم مرطوب:** این نوع اقلیم دشت ارژن و حوالی اردکان (سپیدان) را می‌پوشاند و دارای گسترش محدودی است.

**- جریان وزش بادها:** جهت وزش بادهای غالب در استان فارس در شیراز در طول سال شمالغربی است و میانگین سالانه سرعت آن ۳/۲ متربر ثانیه می‌باشد.

جهت بادهای غالب در شیراز در طول دوماه اول زمستان شمالغربی و در اسفند ماه غربی است و سرعت آن در دی و بهمن به ترتیب ۲/۸ و ۳/۱ و در اسفند ماه ۴/۲ متر بر ثانیه است. درطول فصل بهار جهت وزش بادهای غالب در فروردین ماه غربی و در اردیبهشت و خرداد شمالغربی است و سرعت باد غالب در فروردین ماه ۴/۲، در اردیبهشت ۳/۶ و در خرداد ۳/۵ متر بر ثانیه است. در فصل تابستان جهت وزش بادهای غالب در شیراز شمالغربی و سرعت آن در تیر و مرداد و

شهریور به ترتیب ۳/۴، ۳/۲، ۳/۱ متر برساعت محاسبه شده است.

در فصل پاییز نیز همانند فصل تابستان جهت وزش باد غالب در شیراز شمالغربی و سرعت آن در مهرماه ۳، در آبان ۲/۹ و در آذر ماه ۲/۸ متر بر ثانیه است.

بررسی وضعیت بادهای غالب در شیراز نشان می‌دهد که در گذر از زمستان به طرف بهار به تدریج بر سرعت بادهای غالب افزوده شده و پس از ماه فروردین تا اواخر پاییز به تدریج از سرعت بادهای غالب کاسته می‌شود و با شروع فصل سرد مجدداً سرعت بادهای غالب افزایش می‌یابد.

شدیدترین باد وزیده شده در طول ۴۰ سال گذشته در شیراز دارای سرعتی معادل ۲۹ متر بر ثانیه بوده است که در آذر ماه سال ۱۳۶۵ با جهت جنوبغربی در مرکز استان فارس وزیده است. میانگین سالانه سرعت باد در شیراز ۲/۳ متر بر ثانیه است.

شدیدترین باد وزیده شده در لار با جهت شمالی و سرعت ۲۹ متر بر ثانیه، در آباده هم با جهت شمالی و سرعت ۲۹ متر بر ثانیه، در فسا با جهت جنوب غربی و سرعت ۲۹ متر بر ثانیه، در زرقان با جهت جنوبغربی و با سرعت ۲۴/۵ متر بر ثانیه و در سد درودزن با جهت شمالی و سرعت ۱۹/۵ متر برثانیه مورد سنجش و ثبت قرار گرفته است.

- **پوشش ابری و ساعات آفتابی**: در مرکز استان فارس در شیراز ۳۶ روز درسال آسمان تقریباً پوشیده از ابر است و در آباده این پارامتر اقلیمی به ۳۱ روز در سال، در لار به ۲۶ روز، در فسا به ۲۸ روز، در سد درودزن به ۳۶ روز در سال می‌رسد و در زرقان ۳۹ روز در سال آسمان پوشیده از ابراست.

بررسی آمار و اطلاعات ابرناکی استان فارس مبین آن است که در ماههای سرد سال آسمان شهرهای استان از پوشش ابری بیشتری برخوردار بوده و آسمان شهرها در ماه‌های گرم سال صاف‌تر است.

درشیراز در فروردین ماه در حدود ۶ روز و در اردیبهشت ماه در حدود ۲ روز از ماه پوشیده از ابر است و از ماه خرداد تا مهر پوشش ابری آسمان اندک بوده و از آبان ماه به تدریج بر پوشش ابری آسمان افزوده می‌شود، به گونه‌ای که در آبان ماه ۳ روز و در آذر و دی حدود ۶ روز از هرماه پوشیده از ابراست. بیشترین مقدار پوشش ابری شیراز مربوط به اسفند ماه‌است و در این ماه تقریباً ۷ روز آسمان پوشیده از ابر است.

بسیار طبیعی است که با افزایش پوشش ابری طی ماه‌های سرد سال، از ساعات آفتابی کم می‌شود و به همین سبب در ماه‌های سرد سال که فعالیت سیستم‌های هواشناسی افزایش می‌یابد بر مقدار ابرناکی آسمان افزوده شده و از ساعات تابش آفتاب کاسته می‌شود. در فصل تابستان و ماه‌های گرم سال که از مقدار ابرناکی آسمان کاسته می‌شود، ساعات آفتابی در طول روز به حداکثر مقدار خود می‌رسد.

در شیراز خرداد ماه با ۳۵۷/۹ ساعت آفتابی، بیشترین مقدار این پارامتر اقلیمی را در بین ماه‌های سال به خود اختصاص می‌دهد و آذر ماه با ۲۱۴/۸ ساعت آفتابی،کمترین مقدار ساعات آفتابی ماهانه را در اختیار دارد. جمع سالانه ساعات آفتابی در شیراز ۳۳۳۵/۶ ساعت، در سد درودزن ۳۰۹۰، در لار ۳۲۹۶/۲، در آباده ۳۳۵۸، در فسا ۳۳۳۹/۲، ودر زرقان ۳۱۸۲/۷ ساعت می‌باشد.

- **سیل** :بر اساس آمار و اطلاعات ارائه شده از سوی دبیرخانه کمیته ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی وزارت کشور، در طول ده سال گذشته تا

آخر ۱۳۷۸، ۵۵ مورد سیلابی در استان فارس اتفاق افتاده که براثر آن به ۳۵ شهر و بخش و ۳۶۰ روستا خسارت وارد شده و ۱۰۵۰۰ واحد مسکونی دچار آسیب‌های کلی و جزیی شده است. بر اثر سیلاب‌های فوق ۳۵ نفر جان خود را از دست داده و ۷۵۰۰۰ هکتار ازاراضی استان خسارت دیده و یا نابود شده است. در همین دوره آماری ۳۸۹ دهنه پل تخریب شده و ۱۵ واحد اماکن عمومی و اداری دچار آسیب شده و ۱۵۰۰ کیلومتر جاده تخریب و ۲۵۰ دستگاه وسیله نقلیه خسارت دیده است.

بر حسب آمار دریافتی از وزارت کشور، در طول ۱۰ سال گذشته وقوع رعد و برق موجب از دست رفتن جان پانزده نفر از مردم استان فارس شده است.

- **روزهای برفی**: تعداد روزهای همراه با برف و یا مخلوط برف و باران در سال، درشیراز مرکز استان به ۳ روز می‌رسد که فراوانی آن در دی و بهمن بیشتر از ماه‌های دیگر سال است.

میانگین تعداد روزهای همراه با برف یا مخلوط برف وباران در سال در سد درودزن فارس در حدود ۵ روز، در آباده ۸ روز، در فسا در حدود ۱ روز، در زرقان ۲ روز است و در لار تقریباً برف قابل ملاحظه و سنجش ریزش نمی‌نماید.

- **روزهای همراه با گردو خاک**: تعداد روزهای همراه با گردوخاک در مرکز استان فارس ۶۶ روز درسال است و فراوانی آن در ماه‌های گرم سال بیش از ماه‌های سرد است. در لار ۸۸ روز، در سد درودزن ۲۱ روز، در آباده ۲۶ روز، در فسا ۹ روز و در زرقان ۱۱ روزازسال توأم باگردوخاک است.

**خشکسالی**: در طول ۱۰ سال گذشته وقوع ۴ مورد خشکسالی در استان فارس به ۳۰ ناحیه و ۳۵۰۰ روستا خسارت وارد کرده و ۳/۵ میلیون رأس دام را تلف نموده است. در همین مدت ۶۸۰۰۰۰ هکتار از اراضی زراعی استان فارس دچار زیان‌های وسیع مالی شده و پی آمدهای ناخوشایند اقتصادی - اجتماعی قابل ملاحظه‌ای برای کشاورزان و شهروندان این استان پدید آمده است.

**کولاک برف**: در دوره آماری مذکور به علت رخداد ۳ مورد کولاک برف در شهرها و آبادیها و گردنه‌ها و جاده‌های کوهستانی استان فارس به ۳ شهر و ۵۵ روستا آسیب رسیده و ۵۰۰ واحد مسکونی دچار خسارت شده و ۱۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند. در همین ارتباط ۲۵۰۰ راس دام تلف شده و ۵۵ واحد تولیدی دچار آسیب شده و ۲۵ واحد اداری و اماکن عمومی خسارت دیده است.

**تگرگ**: در طول ۱۰ سال گذشته مختوم به سال ۱۳۷۸ ریزش ۳ مورد تگرگ به ۴۵۰ هکتار از اراضی استان فارس خسارت وارد کرده است.

**روزهای توفانی**: توفان رعدو برق درشمار پدیده‌های جوی است که رخداد آن ممکن است بر فعالیت‌های مختلف استان تاثیر گذاشته و در امور جهانگردی، گردشگران را دچار ترس و وحشت و مخاطره نماید. این پدیده جوی در زمره پدیده‌های ناپیوسته و نادر هواشناسی بوده و در ماه‌ها و فصل‌های معینی از سال اتفاق می‌افتد که ممکن است به علت صاعقه و یا ریزش‌های رگباری شدید خساراتی به وجود آید و یا تلفاتی وارد شود. در مرکز استان فارس در شیراز، به طور متوسط در هر سال ۱۰ روز توفان رعد و برق اتفاق می‌افتد که فراوانی وقوع آن از اواسط اسفندماه تا اواسط اردیبهشت ماه بیشتر از سایر

ایام سال است.
در شیراز در ماه‌های اسفند و فروردین ۲ روز در ماه و در اردیبهشت ماه یک روز همراه با توفان رعد وبرق است که این تعداد روزها در طول ماه‌های گرم سال کاهش یافته و در ماه‌های آبان و آذر مجدداً به یک روز در ماه می‌رسد. بطور متوسط در لار ۱۳ روز در سال، در سد درودزن ۷ روز در سال، در آباده ۷ روز در سال و در زرقان ۴ روز در سال همراه با توفان رعد وبرق است.
**زلزله**: آمار منتشره از استان فارس بیانگر آنستکه در طول ۱۰ سال گذشته ۱۲ مورد زلزله در این استان رخ داده است که بر اثر آن ۹ شهر و ۱۸۰ روستا دچار خسارت شده و ۷۸۰۰ واحد مسکونی آسیب پذیرفته و ۵۵ نفر جان خود را از دست داده‌اند.
بر اثر وقوع زلزله‌های فوق ۱۰۰۰ راس دام تلف شده و ۱۵۰۰ هکتار از اراضی استان خسارت دیده است. در همین ارتباط ۱۰ دهنه پل آسیب پذیرفته و ۲۰ واحد تولیدی و ۶۵ واحد اداری و اماکن عمومی دچار خسارت قابل ملاحظه شده‌اند.
**رانش زمین**: با آنکه رانش زمین عموماً پس از بارندگیهای شدید پدید می‌آید، اما درتقسیم‌بندی بلایای طبیعی در شمار بلایای زمینی محسوب می‌شود.
آمار موجود مبین آنستکه در طول یک دهه گذشته تا آخر سال ۱۳۷۸، در استان فارس ۳ مورد رانش زمین اتفاق افتاده که بر اثر آنها ۳ روستا آسیب دیده و ۲۵ واحد مسکونی تخریب پذیرفته و ۱۰۰ هکتار از اراضی دچار خسارت شده و ۲ دهنه پل و ۱۵ کیلومتر جاده آسیب دیده است.

**رودخانه‌های مهم استان**
۱ - **رودخانه قره آغاج**: این رودخانه از ارتفاعات حوالی چهل چشمه (۴۰ کیلومتری غرب شیراز) سرچشمه می‌گیرد و پس از جذب چند رود و چشمه‌های متعدد پرآب‌تر شده از کوار، خفر، جهرم گذشته وبه قیر و کارزین می‌رسد و در طول مسیر زمین‌های زیادی را مشروب می‌سازد و سپس رودمند را تشکیل می‌دهد.
۲ - **رودخانه کر**: این رود از کوه‌های اطراف اردکان (برم فیروز، برآفتاب) سرچشمه می‌گیرد و پس از دریافت شعباتی مانند سیوند پرآب‌تر شده و از جنوب مرودشت می‌گذرد و پس از مشروب کردن منطقه کربال به دریاچه بختگان وارد می‌شود. طول این رودخانه حدود ۲۷۰ کیلومتر است.
رودخانه مهران شور، رودخانه شور لار، رودخانه شور جهرم، رودخانه چوبخله، رودخانه مارگان، رودخانه بشار، رودخانه سیوند، رودخانه پیرآب، رودخانه رودشیر، رودخانه شش پیر، رودخانه آغاج، رودخانه فهلیان، رودخانه تنگ شیو و رودخانه شادکام از دیگر رودخانه‌های استان فارس می‌باشد.
**دریاچه‌ها**: دریاچه کافتر (شادکام)، دریاچه مهارلو، دریاچه پریشان (فامور)، دریاچه طشک و بختگان، دریاچه و تالاب ارژن از دریاچه‌های مهم استان فارس به شمار می‌آیند.
**چشمه‌های طبیعی استان فارس عبارتند از**: ۱- چشمه ساسان ۲ - چشمه چونو ۳- چشمه قدمگاه ۴- چشمه بالنگان (حاجی آباد) ۵- چشمه شش پیر ۶- چشمه خارگان ۷- چشمه رچی ۸ - چشمه پلنگان ۹ - چشمه جونجان (جونون) ۱۰- چشمه آتشکده ۱۱ - چشمه

ابوالمهدی ۱۲ - چشمه بناب قادرآباد ۱۳ - چشمه محمد رسول الله ۱۴ - چشمه آبگرم سراب بهرام ۱۵ - چشمه تنگاب.

**آبشارها:** ۱ - آبشار دشتک ایرج ۲- آبشار مارگون

**گردشگاه‌های طبیعی استان فارس:** استان فارس از جمله استان‌های ویژه گردشگری و توریستی ایران می‌باشد. این استان با داشتن فضاهای جالب و دیدنی از جمله ارتفاعات متعدد، روستاهای ویژه، مناطق ییلاقی و قشلاقی، ایل راه‌های عشایری، چشمه‌های فراوان، باغ‌های تاریخی، پارک‌ها و گردشگاهها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، آبشارها، تالاب‌ها و تنگ‌ها هر یک به تنهایی دارای چشم‌اندازی بدیع و مسحورکننده دارد. استان فارس در تمام فصول دیدنی می‌باشد، به ویژه در فصل بهار با عطر بهار نارنج‌های دل‌انگیز و زیبایی بی نظیر طبیعت، گردشگران و جهانگردان بیشماری را به سوی خود جذب می‌نماید.

**۱ - دریاچه کافتر (شادکام):** این دریاچه و اطراف آن، چشم اندازهای بدیع و دیدنی قابل تحسینی دارد. آب آن شیرین می‌باشد و زیستگاه بسیار باارزش برای پرندگان مهاجر است. وسعت این دریاچه نزدیک به ۴۸ کیلومتر مربع می‌باشد.

**۲ - دریاچه مهارلو:** آب این دریاچه از سیلابهای رودخانه‌ها و چشمه‌ها تامین می‌گردد و بسیار شور است و از نمک آن جهت صنایع پتروشیمی و غذایی استفاده می‌شود. مساحت آن در فصول سال متغیر است و حداکثر آب آن در اوایل بهار و حداقل آن در اواخر تابستان است.

**۳ - دریاچه‌های طشک و بختگان:** دریاچه بختگان در غرب شهر نی ریز واقع شده است و بین دریاچه بختگان و طشک نقاط کوهستانی و جزایر متعددی وجود دارد. پوشش گیاهی منطقه، پرواز پرندگان مهاجر، جزایر زیبا چون جزیره یوسف، جزیره پلیکان‌ها و جزیره نرگس که برای هر بیننده‌ای خاطره‌ای فراموش نشدنی بوجود می‌آورد. این منطقه یکی از قشنگ‌ترین پدیده‌های زیست محیطی، گردشگری و تحقیقاتی مهم استان می‌باشد.

**۴ - بازدید ازمنطقه حفاظت شده هرمودلار:** این منطقه حفاظت شده گرمسیری استان‌های فارس و هرمزگان را از هم جدا می‌سازد و با مساحتی حدود ۱۵۱۲۸۴ هکتار در شرق لارستان واقع شده است. این منطقه با شرایط اقلیمی گرمسیری، با دارا بودن گونه‌های گیاهی و جانوری ویژه این مناطق همچون قوچ لارستان، منطقه‌ای کم نظیر از نظر پژوهشی و گردشگری می‌باشد.

دیگر مناطق استان فارس که دارای ارزش و قابلیت‌های پژوهشی و گردشگری می‌باشند عبارتند از: منطقه شکار ممنوع بصیران در شهرستان آباده، منطقه شکار ممنوع توت سیاه در منطقه بوانات.

**گردشگری در روستاها:** پتانسیل گردشگری هر روستا پیش از هر چیز به سرمایه‌های جغرافیایی، کیفیت مناظر طبیعی و آثار تاریخی و شادابی فرهنگ محلی آن بستگی دارد. لذا عمق بخشیدن و ارزش نهادن به این عوامل همچنین تبدیل آنها به عناصر قابل عرضه، ترویج سیاست حفظ و مراقبت از سنت‌ها، تخصص‌ها، آداب و رسوم، چشم اندازها و محیط زیست روستا، جذابیت منطقه و ماندگاری پتانسیل‌های آن را تضمین نموده و این عناصر و عوامل، روستا را به صورت یک محصول واقعی گردشگری در می‌آورد که

متقاضیان آن خیل عظیم گردشگران داخلی و جهانگردان خارجی می‌باشند.
روستاهای دیدنی استان فارس عبارتند از: روستای بردانه، روستای قطب آباد، روستای محمد آباد، روستای دزدکر، روستای خسروشیرین، مناطق ییلاقی و قشلاقی و ایل راه‌های عشایر.

**موزه‌ها:** از دیدنیهای مهم استان فارس موزه‌های آن می‌باشند. مهمترین آنها عبارتند از:
۱ - موزه تاریخ طبیعی و تکنولوژی ۲ - موزه پارس ۳ - موزه شهدای شیراز ۴ - موزه شاه چراغ، احمد بن موسی (ع) ۵ - موزه تخت جمشید ۶ - موزه نارنجستان ۷ - موزه نظامی عفیف‌آباد

**سواحل رودخانه شاپور:** سرسبزی پیرامون رودخانه شاپور از درختان بیدو بلوط می‌باشد که چون زنجیره‌ای سبز در هم تنیده‌اند طراوت هوای پاک، آسمان نیلگون و مجاورت با تنگ چوگان با طبیعتی دیدنی، این منطقه را به گردشگاهی دل‌انگیز تبدیل کرده است که گردشگران بیشماری را به سوی خود جذب می‌نماید.

**گردش در پارک جنگلی استهبان:** این پارک جنگلی با درختان متنوعی همچون انگور، بادام، پسته و انجیر در جنوب شهرستان استهبان و بر دامنه ارتفاعات تودج واقع شده است. چشمه زیبا و آبشار حاصل از آن که از دل کوه می‌جوشد در فصول مناسب، گردشگاهی دیدنی است.

دیگر گردشگاه‌های زیبا و دیدنی استان فارس عبارتند از: گردشگاه دیمه میل در مجاورت نورآباد، گردشگاه بونیز در ارتفاعات جهرم، گردشگاه بک بک در استهبان، گردشگاه چله گاه در شهرستان سپیدان، گردشگاه میان کتل در جنوب غربی دشت ارژن، گردشگاه چشمه سلطانی در منطقه تنگ سعدی شیراز، گردشگاه تنگ تیزاب در شهرستان سپیدان، گردشگاه آتشکده در جاده شیراز به استهبان، گردشگاه آب بند در شهرستان داراب، گردشگاه بندبهمن در شیراز، گردشگاه برم دلک در شیراز، گردشگاه چشمه فیلی در شیراز، گردشگاه شهید در بین راه فیروزآباد - فراشبند، گردشگاه و سایت اسکی سپیدان .

**چشمه بالنگان (حاجی آباد):** چشمه بالنگان با چشم اندازهای بدیع و طبیعی خود از گردشگاههای زیبای اهالی شهرستان اقلید می‌باشد. این منطقه به دلیل داشتن چشمه سارهای فراوان، امکانات پرورش ماهی قزل آلا رادر این منطقه رواج داده است.

- دیگر چشمه‌های استان فارس مانند چشمه چونو شهرستان اقلید، چشمه پلنگان شهرستان نی ریز و چشمه ابوالمهدی شهرستان مرودشت که هر یک دارای چشم اندازی طبیعی و زیبا می‌باشند که در صورت همکاری اداره محیط زیست و ... و جهانگردی و توجه به آن مناطق به گردشگاهی مناسب تبدیل خواهند شد.

**آبشار مارگون:** آبشار مارگون با آن چشم انداز اعجاب‌انگیز از میان صخره‌ها سرازیر می‌شود. دره، رودخانه، درختان جنگلی، منطقه کوهستانی، درکل مجموعه این منطقه، فضایی دلکش و چشم اندازی شگفت‌انگیز پدید آورده است. آبشار مارگون از آبشارهای معروف و زیبای ایران و جهان می‌باشدو دارای قابلیت گردشگاهی، پژوهشی و آموزشی می‌باشد.

**آبشار دشتک ابرج:** پیرامون این منطقه دارای چشم اندازی فرح بخش می‌باشد و وجود دو

آبشار زیبا آن منطقه را به گردشگاه تبدیل کرده است.
مهمترین ارتفاعات استان که دارای قابلیت هایی تفریحی و ورزشی گسترده‌اند عبارتند از:
۱ - کوه سفید با ارتفاع ۳۹۴۳ متر در شهرستان اقلید
۲ - کوه گر با ارتفاع ۳۱۰۹ متردر شهرستان مرودشت
۳ - کوه تودج با ارتفاع ۳۱۵۰ متر در شهرستان داراب
۴ - کوه خرمن‌کوه‌باارتفاع ۳۱۸۳ متر در شهرستان فسا
۵ - قله بل با ارتفاع بیش از ۳۰۰۰ متر در شهرستان اقلید.

**بازدید از تنگ لای زنگان:** دره جنگلی و سرسبزلای زنگان دارای چشم اندازی بدیع و بی نظیر و باغ‌های گل رز از گردشگاه‌های فرح بخش و دیدنی شهرستان داراب می‌باشد که در فصول مناسب و ایام تعطیل گردشگران بیشماری را به خود جذب می‌نماید.

**بازدید از تنگ زی طشک:** دره عمیق و سرسبز زی طشک در مسیر چشمه پلنگان قراردارد. این دره با پوشش گیاهی و جنگلی و چشمه سارهای بسیار با چشم اندازی دل‌انگیز از گردشگاههای شهرستان نی ریز می‌باشد. طبیعت این دره در ردیف زیباترین منطقه استان فارس قرار دارد.
دره‌ها و تنگ‌های دیگری نیز با چشم اندازهای زیبا و مناسب برای جذب گردشگران استان فارس وجود دارد که عبارتند از:
۱ - تنگ خانی در شهرستان شیراز
۲ - تنگ بوان در شهرستان شیراز
۳ - تنگ لای تاریک در شهرستان استهبان
۴ - تنگ هریزر در مجاورت جاده شیراز - اهواز
۵ - تنگ براق در منطقه کامفیروز
۶ - تنگ خرقه در شهرستان فیروزآباد
۷ - تنگ پلنگان در شهرستان نی ریز
۸ - تنگ جزین یا گزین در شهرستان نی ریز

## تنگ‌های گردشگری استان فارس

۱ -**بازدید از تنگ الله اکبر:** به هنگام ورود به شهر شیراز هر تازه واردی که ازبالای تنگ، چشم اندازی بی نظیر جلگه شیراز را مشاهده می‌کند. بی اختیار کلمه الله اکبر را بر زبان جاری می‌سازد و به همین خاطر این تنگه به نام تنگ الله اکبر معروف گردیده است.

۲ -**تنگ بستانک (بهشت گمشده):** این دره زیبا در میان کوه‌های بلند در شمال غربی دشت کامفیروز واقع شده است. پیرامون رودخانه دراین دره درختان بید و چنار به وفور دیده می‌شود. تنگ بستانک همجوار با مناطقی دیدنی و اعجاب‌انگیز است، از جمله، تنگ براق، قله رنج، تنگ گنبیل، آبشار مارگون و چشمه شش پیر، که کل این منطقه به گردشگاهی جذاب و به یاد ماندنی تبدیل شده است.

۳ - **تنگ ایج** :هوای لطیف کوهستانی و چشمه سارهای فراوان، درختان سرسبز، آثار باستانی تنگ مصفای ایج (قله ایج) را به گردشگاهی ممتاز تبدیل کرده است. تنگ ایج در نزدیکی روستای ایج واقع شده است.

۴ - **تنگ استهبان:** تنگ استهبان با چشم اندازی زیبا و جنگلی از گردشگاههای اهالی شهرستان استهبان و مسافران شهرستان‌های اطراف از جمله شیراز، فیروزآباد و داراب می‌باشند. این دره سبز و خرم در کنار شهرستان استهبان قرار دارد.

**بازدید از سواحل رودخانه‌ها، چشمه‌ها و آبشارها**

۱ - **رودخانه فهلیان:** مهمترین رودخانه شهرستان ممسنی رودخانه فهلیان است که اراضی وسیعی را مشروب می‌سازد و از دره‌ای عمیق به نام تنگ آبجان گذشته و به رودخانه دروغزن می‌پیوندد. مسیر این رودخانه مرز طبیعی بین ممسنی و گچساران را تشکیل می‌دهد. سواحل این رودخانه یکی از جذاب‌ترین گردشگاههای طبیعی استان فارس است.

۲ - **رودخانه مارگان:** سرچشمه این رودخانه زیبا از کوه‌های رنج سپیدان می‌باشد، این رودخانه از شاخه‌های رودخانه کر است. آبشار این رودخانه در ردیف معروف‌ترین و زیباترین آبشارهای ایران و جهان می‌باشد.

۳ - **رودخانه شادکام:** سرچشمه این رودخانه از ارتفاعات کوه آلمالیجه است. این رودخانه دشت نمدان را آبیاری نموده و سپس وارد دریاچه کافتر می‌شود. سواحل این رودخانه دارای ارزش‌های گردشگاهی شهرستان اقلید می‌باشد. نام قدیم این رودخانه ساریاتن بوده است.

۴ - **چشمه ساسان:** یکی از گردشگاههای شهرستان کازرون، چشمه ساسان می‌باشد که در منطقه بسیار زیبای طبیعی تنگ چوگان قرار دارد. در اطراف این چشمه آثار تاریخی تنگ چوگان دیدنی می‌باشد. چشمه ساسان در فاصله ۱۵ کیلومتری شهر کازرون واقع شده است.

۵ - **دریاچه و تالاب دشت ارژن:** آب این دریاچه شیرین است و مساحت آن در حدود ۲۰۰۰ هکتار می‌باشد. تالاب ارژن در وسط دریاچه واقع شده است، که دارای ارزش اکولوژیکی و تفریحی می‌باشد و از جمله ذخایر بیوسفر جهان به حساب می‌آید. این منطقه به علت قرار داشتن در مسیر جاده اصلی شیراز - کازرون و ارتباط با استان‌های خوزستان و بوشهر و هم چنین نزدیکی با یادگارهای تاریخی بیشابور و غارشاپور، دارای ارزش‌های گردشگری و جذب جهانگرد می‌باشد.

منطقه دشت ارژن از نواحی سردسیر استان فارس محسوب می‌گردد و دارای زمستان‌های سرد، باریزش‌های جوی مناسب به صورت برف و باران است. - سازمان هواشناسی کشور

**پارک‌ها و مناطق حفاظت شده استان فارس:**

پارک ملی به مساحت ۱۶۵۶۴۱ هکتار - پناهگاه حیات وحش به مساحت ۲۴۲۲۲۳ هکتار که در سال ۱۳۴۷ تأسیس شد، منطقه‌ی حفاظت شده به مساحت ۶۵۵۶۸۳ هکتار، در مجموع به مساحت ۱۰۶۳۵۴۷ هکتار - دارای دو پارک ملی، یک پناهگاه حیات وحش و هفت منطقه‌ی حفاظت شده است. - **پارک ملی بختگان** به مساحت ۱۱۷۴۰۷ هکتار است که در سال ۱۳۷۴ تأسیس گشت. - **پارک ملی بمو** به مساحت ۴۸۵۹۴ هکتار است که در سال ۱۳۴۶ تأسیس گردید. - **منطقه‌ی حفاظت شده‌ی ارژن و پریشان** به مساحت ۵۹۲۷۹ هکتار که در سال ۱۳۵۱ تأسیس گشت. - **منطقه‌ی حفاظت شده میان جنگل** به مساحت ۵۶۵۴۸ هکتار است که در سال ۱۳۷۵ تأسیس شد. - **منطقه‌ی حفاظت شده‌ی ماله گاله** به مساحت ۵۲۰۹۶ هکتار. - **منطقه‌ی حفاظت شده‌ی تنگ بستانک** به مساحت ۱۵۳۲۴ هکتار و **آبشار مارگون** به مساحت ۳۵۰۱ هکتار که این هر سه در سال

۱۳۷۸ تأسیس گشت. در استان فارس ۱۲۰۰۰۰۰ هکتار جنگل و ۸۵۰۰۰۰۰ هکتار مرتع و ۲۰۰۰۰۰۰ هکتار مرتع وجود دارد.

**منطقه‌ی حفاظت شده‌ی بهرام گور:** این منطقه در فاصله‌ی ۴۰ کیلومتری شهرستان نی ریز در بخش قطرویه واقع شده و وسعت آن به ۲۶۰ هزار هکتار می‌رسد. پوشش گیاهی منطقه شامل بادام کوهی، قیچ، گز، درمنه، انواع گون، آویشن و آنغوزه است. همچنین گونه‌های نادری از جانوران شامل یوزپلنگ، قوچ، میش، گوره خر آسیائی، هوبره، گربه‌ی وحشی و ... می‌باشد.

**منطقه‌ی حفاظت شده بختگان:** این منطقه با وسعتی بیش از ۳۰۰ هزار هکتار شامل دریاچه‌ی بختگان و جزیره‌ی بسیار زیبای نرگس می‌باشد. این محل با پوشش گیاهی مناسب و گونه‌های مختلف جانوری، مکان بسیار مناسبی برای محققان و پژوهشگران می‌باشد. از کتاب آشنایی مختصری با گردشگری و تاریخچه مطبوعات فارس ـ با همکاری انتشارات فرهنگ پارس اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس ـ سیروس رومی ـ محمد کریم خرمائی

**میان جنگل:** این منطقه که با مساحت ۵۶۵۴۸ هکتار در نزدیکی دریاچه مهارلو در استان فارس قرار دارد، در سال ۱۳۷۵ حفاظت شده اعلام شد. میان جنگل فسا متشکل از یک بخش مرکزی با اراضی جنگلی، مرتعی و بیرون زدگی های سنگی و بخش اراضی دشتی آبرفتی در اطراف آن است. دامنه ارتفاعی ۱۴۰۰ تا ۲۸۵۰ متر، دما و بارندگی متوسط سالانه ۱۵ درجه سانتیگراد و ۳۵۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم نیمه خشک سرد نموده‌اند. منطقه فاقد رودخانه دایمی است و صخره‌ای بودن آن موجب عدم تنوع پوشش گیاهی آن شده است. تاکنون ۴۱ گونه گیاهی و ۱۵۰ گونه جانوری در منطقه شناسایی شده‌اند. از گونه‌های گیاهی شاخص می توان بنه، بادام کوهی، کیکم، ارس، بلوط ایرانی، زالزالک، گون، جوسیخ، و پیچک شاخه خاری را برشمرد. بزوپازن، قوچ و میش، روباه معمولی، گربه وحشی، تشی، کوکر شکم سیاه، زاغ نوک سرخ، کوکو، کبک، تیرمار، تیرمار خراسانی و آلوسر گونه‌های شاخص جانوری میان جنگل فسا محسوب می‌شوند.(۵)

## مناطق شکار ممنوع

**۱ـ دالان فراش بند:** منطقه‌ای کوهستانی ـ جنگلی است به مساحت ۳۰۰۰۰ هکتار در ۶۲ کیتومتری غرب، در مجاورت منطقه‌ی حفاظت شده‌ی ارژن و پریشان واقع شده، برای حفاظت بز، پازن و قوچ و میش کوهزی. **۲ـ کوه مول بلند موک:** این منطقه کوهستانی با جنگل های پراکنده ویژه‌ی زاگرس به واسطه‌ی برخورداری از جمعیت‌های پراکنده‌ی قوچ و میش و بز و پازن به مساحت ۱۲۰۰۰ هکتار در ۴۳ کیلومتری شهرستان داراب. **۳ـ بادتا فیروزآباد:** منطقه‌ای کوهستانی ـ جنگلی در شمال و شرق فیروز آباد است که برای حمایت از گونه‌های بز، پازن، قوچ و میش، به عنوان منطقه‌ی شکار ممنوع اعلام شده است که ۴۰۰۰۰ هکتار مربع مساحت و در شمال و شرق فیروز آباد قرار دارد. **۴ـ کوه داراب** برای حمایت از گونه‌های کوه زی در شرق داراب تحت حفاظت قرار دارد و ۹۰۰۰۰ هکتار مساحت دارد. **۵ـ گورم جهرم:** این منطقه کوهستانی در حاشیه‌ی جهرم قرار دارد و گونه هائی چون بز، پازن، قوچ و میش در این منطقه زندگی می‌کنند و ۵۰۰۰۰ هکتار مساحت و

در ۲۰ کیلومتری جهرم قرار دارد. **۶ـ کوه چاه نفت:** در منطقه‌ای است کوهستانی، برای حفاظت از بز، پازن مورد استفاده است، این منطقه ۹۰۰۰۰ هکتار مساحت و در ۱۲۰ کیلومتری جنوب شرقی داراب قرار دارد. **۷ـ دره‌ی باغ:** به مساحت ۱۴۰۰۰۰ هکتار در شرق اقلید. **۸ ـ بصیران:** به مساحت ۱۵۰۰۰۰ هکتار در ۲۳ کیلومتری شمال شیراز در نزدیکی اقلید. **۹ـ توت سیاه** به مساحت ۲۰۰۰۰ هکتار در شمال شرقی فارس. **۱۰ـ خرمن کوه:** کوهستانی در جنوب بختگان نرسیده به فساء.

## زمین‌شناسی و معادن

**چاله‌ی بردستان:** کویر بردستان، در لگن باریکی قرار گرفته که به طرف چاله‌ی شرقی کویر نمک زهکشی می‌شود. حد جنوبی آن عموماً مسطح بوده و در امتداد شرقی ـ غربی و در پیشانی مخروط افکنه‌های آبرفتی که اخیراً با یکدیگر تلفیق شده‌اند قرار دارد. در حالی که حد شمالی آن به علت وجود تعدادی مخروط افکنه‌ی قدیمی و جدید که بر اثر حرکات تکتونیک جدید و یا فعال شدن مجدد در امتداد گسل کویر نمک به شدت نامنظم است، به طوری که به طور آشکار پایه‌ی سراشیب‌های دامنه‌های شمالی را محصور نموده است. در شمال بردستان، دیواره‌ی گسل جدیدی با ارتفاع ۱۵-۱۰ متر مخروط افکنه‌های فعال آبرفتی را به طور عمود در مسیر زهکشی قطع می‌نماید. قسمت اعظم سنگ‌های این حوزه از نوع رسوبات دوره‌ی ائوسن که به طور موضعی با مواد آذرآورای همراه است. ولی در عین حال برجستگی‌های دوره‌ی میوسن نیز در امتداد گسل کویر نمک به چشم می‌خورند.

مجرای خروجی زهکشی این چاله به طرف کویر نمک تا حدی به وسیله‌ی توسعه یا مخروط افکنه‌ی آبرفتی از طرف شمال و عقب زدن رودخانه به طرف جنوب بسته شده بود. رنگ تیره‌ی مخروط افکنه قطع کننده‌ی مسیر نسبت به ریگ روشن مخروط افکنه‌های مجاور نشان می‌دهد که سفره‌ی اخیر قدیمی‌تر است. این فرضیه به وسیله‌ی کمبود انشعابات مخروط افکنه و وجود مجرای اصلی و تکامل یافته‌ی قطی بر روی آن تقویت می‌گردد.

**کویر نیریز:** سطح کویر نیریز در حدود ۱۹۱۵ کیلومتر مربع وسعت داشته و می‌توان آن را به سه بخش دریاچه‌ی فصلی و نمکزار و صفحات رسی تقسیم نمود. بر روی عکس هوائی گرفته شده در اواخر ماه اوت ۱۹۶۵ سطح هر یک از بخش‌های سه‌گانه‌ی فوق به ترتیب ۲۲ درصد و ۳۹ درصد و ۳۹ درصد است. در اطراف این کویر نوار ساحلی باریکی نیز وجود دارد که به علت باریکی قابل درج در نقشه نبوده است.

دریاچه‌های دوگانه‌ی فصلی کویر نیریز در انتهای غربی خود به وسیله‌ی دلتای رودخانه‌ی کُر از یکدیگر جدا شده‌اند و صفحات رسی وسیعی نیز حد انتهای شرقی دریاچه‌ها را از یکدیگر جدا نموده است. به طوری که عکس هوائی گرفته شده در ماه ژوئن سال ۱۹۶۵ نشان می‌دهد، این دریاچه‌ها بر روی قسمت اعظم سطح نمکزارهای مجاور نیز گسترش یافته‌اند.

**معادن:** در سال ۱۳۸۲ تعداد ۱۶۷ معدن فعال بدینشرح داشت: ۱- سنگ‌های فلزی غیر آهنی (۱) ،۲- منگنز (۱) ۳- سنگ، شن و ماسه (۱۶۲)، ۴- شن و ماسه (۶۲) ،۵- سنگ تزئینی

(۳۵) ، ۶- سنگ لاشه (۱۰) ، ۷- سنگ آهک (۱۷) ، ۸- سنگ گچ (۲۳) ، ۹- کائولن، خاک نسوز و غیره (۵) ، ۱۰- نمک (۴).

در استان فارس مقدار تولید معادن فعال در سال ۱۳۸۲، ۵۸۴۵۹۸ تن و ۵۲۹۷۸۰۰ متر مکعب بوده است .

۱- منگنز ۱۸۰۰ تن ۲- مخلوط شن و ماسه ۸۳۶۰۰۰ تن ۳- شن درجه بندی شده ۴۴۶۱۸۰۰ تن

**معادن:** ۱- سنگ آهک ۱۴۲۸۷۷۴ تن ۲- مارن ۲۶۶۰۰۰ تن ۳- لاشه ی آهکی ۲۳۶۷۰۰ تن ۴- کلسیت ۶۰۰۰ تن ۵- سنگ گچ ۷۰۲۴۸۰ تن ۶- گچ خاکی ۳۶۰۰ تن ۷- خاک نسوز ۴۸۷۸۰۰ تن ۸- نمک آبی ۲۶۱۱۰۰ تن

## دیدنی‌ها

**قلعه دختر:** بنای تاریخی که پیش از رسیدن به فیروز آباد به فاصله‌ی ۶ کیلومتری شهر کنونی فیروز آباد، سمت چپ جاده جلب نظر می‌نماید، آثار قلعه بزرگی از سنگ و ساروج است که بر فراز کوه ساخته شده است. این بنا از این جهت قلعه دختر نامیده شده که از نظر سوق الجیشی دسترسی به آن مشکل است. این قلعه دارای پله‌های پیچ در پیچ، اطاق‌های گنبد دار، تالار و صحن وسیع است.

**کاخ اردشیر ساسانی:** این بنای باستانی بسیار زیبا در شمال غربی فیروز آباد در کنار رودخانه‌ی تنگاب واقع شده است. طول این کاخ ۱۰۴ متر و عرض ۵۵ متر بوده است. این کاخ در کنار چشمه آبی که به نام «قمپ آتشکده» نامیده می‌شود، بنا گردیده و به همین دلیل این کاخ را آتشکده نیز نامیده‌اند. مصالح این کاخ ساروج و سنگ لاشه می‌باشد که با روکشی از گچ پوشیده شده است. تزئینات تالارهای این کاخ شبیه به حجاری‌های سر در کاخ تچر در تخت جمشید تزئین شده است.

**نقش پیروزی:** این نقش برجسته یادبود نبرد و پیروزی بنیان گذار سلسله‌ی ساسانی بر آخرین پادشاه اشکانی (اردوان پنجم) و از قدیمی‌ترین نقش‌های برجسته‌ی غیر مذهبی ساسانیان است که بر فراز صخره‌ای در سمت راست رودخانه تنگاب حجاری شده است. این حجاری پیروزی اردشیر بر اردوان پنجم، پیروزی شاپور جانشین اردشیر بر دادبنداد دبیر اردوان و پیروزی یکی از شاهزادگان ساسانی بر یک سوار اشکانی را نشان می‌دهد.

**شهر گور:** طرح و الگوی این شهر دایره‌ای شکل است. این شهر به قطر دو کیلومتر دارای چهار دروازه اصلی بوده است. بقایای به جا مانده از منار شهر باستانی گور توجه هر بازدید کننده‌ای را به خود معطوف می‌دارد. این منار متعلق به زمان ساسانیان می‌باشد، در خصوص ساخت این منار و کاربرد آن نظریه‌های مختلفی ابراز می‌شود.

**اماکن تاریخی و سیاحتی شهر میمند:** شهر میمند از توابع شهرستان فیروز آباد در ۱۱۰ کیلومتری جنوب شیراز واقع شده است. تنگ آتشگاه، کوه سفیدار، سرچشمه و باغ‌های زیبای آن که عمده‌ی محصولات آن گل سرخ محمدی برای تولید گلاب است، از مراکز تفریحی شهر میمند می‌باشد که هر ساله در فصل بهار (اردیبهشت) گردشگران بی شماری را به سوی خود جلب می‌نماید.

**نقش پارتی:** در حدود سه کیلومتری شهر قیر، بین گردنه گلومشک و گردنه‌ی سم دلدل د رکنار جاده‌ی قیر به فیروز آباد نقش برجسته یک سرباز

پارتی بر روی یک تخته سنگ بزرگ حجاری گردیده است. این نقش تنها نقش برجسته‌ی موجود از دوران پارت‌ها در استان فارس می‌باشد که صحنه‌ی تیر اندازی یک سرباز با تیر و کمان و تیردان و کلاهخود است.

**قلعه‌ی شاه بربر:** در فاصله‌ی ۱۴ کیلومتری جاده‌ی شهر قیر به جهرم در شمال روستای «ده به» قلعه‌ای مشرف به دشت در جنوب رودخانه‌ی قره آغاج و متصل به آن بنا گردیده است. این قلعه از ملات سنگ و ساروج ساخته شده است و قدمت آن به بیش از هزار سال می‌رسد.

**مسجد جامع کردشول:** در فاصله‌ی ۶ کیلومتری شرق شهر قیر در کنار روستای کردشول ویرانه‌های مسجدی با ملات سنگ و ساروج مشاهده می‌شود. اگر چه قدمت این مسجد به درستی تعیین نشده است اما ساکنان این منطقه مسجد را بازمانده‌ای از یک آبادی بزرگ می‌دانند.

**رودخانه‌ی قره آغاج:** یکی از زیباترین و با شکوه‌ترین مناظر طبیعت استان فارس، رودخانه‌ی قره آغاج است که با گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری در حاشیه‌ی رودخانه مورد توجه گردشگران بیشماری است.

**شهر تاریخی بیشاپور:** در ۲۵ کیلومتری غرب شهر فعلی کازرون ویرانه‌های شهری به چشم می‌خورد که بیشاپور نام دارد. این شهر به دستور شاپور اول توسط یک معماری سوری به نام «اپسای» طراحی و ساخته شد. تاریخ ساخت این شهر بر اساس کتیبه‌ای به خط پهلوی اشکانی و ساسانی بر روی یکی از دو ستون بنای موسوم به ستون‌های یادبود حجاری شده که مطابق با ۲۶۶ میلادی است. این شهر از سه بخش تشکیل شده است:

بخش اصلی که توسط یک حصار مستحکم محصور بوده، شامل بناهای مذهبی و حکومتی می‌باشد که مهم‌ترین آن‌ها معبد آناهیتا، تالار تشریفات، ایوان و حیاط موزائیک و کاخ والرین است.

بخش دوم قلعه دختر که بر فراز یک بلندی مشرف بر تنگ چوگان و شهر بیشاپور ساخته و وظیفه‌ی نگهبانی از شهر را بر عهده داشته است.

بخش سوم خارج از حصار که مهم‌ترین بناهای موجود در آن ستون‌های یادبود، مدرسه‌ی دوران آل بویه، دارالاماره، مسجد و حمام‌های بیشاپور می‌باشند. بخش اعظم این قسمت مربوط به دوران اسلامی است.

**نقوش برجسته‌ی تنگ چوگان:** در کنار ویرانه‌های شهر باستانی بیشاپور تنگه‌ای وجود دارد به نام تنگ چوگان که در دو طرف خود گنجینه‌ای از نقوش برجسته و حجاری شده در دل کوه را حفظ نموده است. این نقش‌ها همگی بیانگر ستیزها و پیروزی‌های امپراطوران ساسانی است. از مجموع شش نقش موجود، در دو نقش سمت راست تنگه و نقش اول سمت چپ حکایت پیروزی شاپور اول ساسانی را بازگو می‌کنند. سه نقش دیگر به ترتیب پیروزی بهرام دوم بر یاغیان عرب، تاجگذاری بهرام اول و پیروزی شاپور دوم بر مخالفانش را نشان می‌دهند.

**مجسمه و غار شاپور:** در فاصله‌ی چهار کیلومتری از شهر بیشاپور در سینه‌ی کوه داخل تنگه، غار بزرگی وجود دارد که در مدخل ورودی آن مجسمه عظیم شاپور اول ساسانی از ستون سنگی موجود در مدخل غار تراشیده شده است. این مجسمه یکی از شاهکارهای هنری عصر ساسانی بوده و به صورت بسیار ظریف و با مهارت خاصی

ساخته شده است. ارتفاع مجسمه مذکور که از یک سنگ یکپارچه ساخته شده به ۷ متر می‌رسد. سر و بدن مجسمه به حالت اصلی باقی مانده و دست‌ها و پاهای آن شکسته شده است. این مجسمه که در اثر سنگینی زیاد واژگون گردیده بود در سال ۱۳۳۶ در جایگاه اصلی خود نصب گردید.

**بازار قیصریه:** بازار قیصریه در ضلع شمالی میدان شهر قرار دارد و از سه قسمت تشکیل می‌شود: بخش اول فضای مرکزی هشت ضلعی با گنبدی بر روی آن، بخش دوم راهروهای دور تا دور بخش مرکزی و بخش سوم شامل چهار سوق فرعی است که از فضای مرکزی به چهار سمت منشعب می‌شود بر اساس اشعار بر جای مانده در قیصریه تعمیر آن در سال ۱۰۱۵ هجری قمری صورت گرفته است.

**قلعه‌ی قدمگاه:** این بنا در شهر قدیم لار، بر فراز کوه قدمگاه قرار دارد که واقع در شمال غربی لار و در بالای جاده‌ی لار ـ شیراز (جاده قدیم) واقع شده است. از اشیاء بدست آمده میتوان پی برد که قدمت بنا به دوره‌ی پیش از اسلام می‌رسد و با تسلط صفویان بر لارستان این قلعه تسخیر و منهدم گردید. در بخش جنوبی قلعه، اتاقکی است که معروف به قدمگاه حضرت علی (ع) می‌باشد و روزهای چهار شنبه بعد از ظهر مردم برای زیارت به این مکان می‌روند.

**باغ نشاط:** این بنا در ضلع شمالی پل عباسی و در میان فضای سبزی قرارگرفته و مقر حکومتی لار پس از صفویه بوده است. مساحت قصر ۳۵×۱۳۵ متر است.

**ویژگی‌های طبیعی:** تنگ خور از جمله تفرجگاه‌های شهرستان لامرد محسوب می‌شود که در فاصله‌ی ۱۵ کیلومتری جنوب مرکز شهرستان قرار دارد. وجود چشمه‌ها و منابع آب سطحی، پوشش گیاهی پراکنده‌ای را به وجود آورده است که نخلستان‌ها و باغ‌های این تنگه جای مناسبی برای مسافرانی است که در راه رفتن یا برگشتن از این شهرستان، به سمت بنادر جنوبی عبور می‌نمایند.

**مجموعه‌ی حمام و مسجد علی خان:** حمام علی خان اشکنان از سه فضای پنج ضلعی تشکیل شده که از هر دو مجموعه حمام وراوی و ده کهنه، بزرگ‌تر و گسترده‌تر است. تزئینات مارپیچ موجود (دور) شبیه به بناهای دوره‌ی زندیه در شیراز است که در ساخت آن از سنگ و ساروج با پوشش ملات (کاه‌گل و گچ) استفاده شده است. این حمام از آثار دوره‌ی قاجاریه است.

**نقش گورانکون دهکده‌ی سه تلو:** نقوش برجسته‌ای در کوهستان نزدیک سراوان بر فراز تپه‌ای بلند در شمال غرب فهلیان نزدیک دهکده‌ی سه تلو از دوره‌ی عیلامیان باقی مانده است که از لحاظ قدمت تاریخی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشند. مستشرق معروف هرتسفلد در سال ۱۹۲۴ میلادی موفق به کشف آن گردید و آن را به عنوان نقش گورانکون معرفی نمود. نقش مذکور شامل دو نوع رب النوع که یکی به صورت زن و دیگری به صورت مرد می‌باشد که درمیان پرستندگان خود نشسته‌اند. خدای مذکور تاجی شاخدار بر سر دارد و روی تختی از یک مار حلقه زده، نشسته است. سر مار را با دست چپ گرفته است و با دست راست خود ظرفی را گرفته که آب‌هایی از آن فواره وار بیرون می‌آید. سه نفر در جانب راست یا روبرو، دو نفر بر جانب چپ یا پشت سر ایشان با لباس‌های بلند ایستاده‌اند و ۲۷ نفر هم در مقابل ایشان با جامه‌های نسبتاً کوتاه

تماماً دست بسته هستند که تصاویرشان بر روی تخته سنگ‌های جداگانه حجاری گردیده است.

**دخمه‌ی سنگی معروف به داودختر:** در انتهای شمال غربی ناحیه‌ی ممسنی دخمه‌ی سنگی بسیار قدیمی در کوه در ارتفاع تقریبی ۳۰۰ متری قرار دارد که عموماً به نام داودختر نامیده می‌شود و نام محلی آن «دی و دوور» به معنی مادر و دختر می‌باشد. برای رسیدن به این اثر تاریخی باید راه فهلیان به خوزستان را که به جانب شمال غربی امتداد دارد، در پیش گرفت تا به محلی موسوم به کوپون رسید و از آن جا به کوهستان و محل مذکور می‌روند. این دخمه مرکب از دو اطاق می‌باشد، نمای آن از هر دو طرف مدخل ورودی با دو نیم ستون تزئین شده است. بالای ستون‌ها حاشیه‌ی صاف و مسطحی است و بر فراز آن شکل هفت آتشدان کنگره‌دار هخامنشی را بر سنگ به طور برجسته حجاری نموده‌اند. عقیده‌ی مورخین بر این است که این مقبره باید متعلق به یکی از شهریاران هخامنشی احتمالاً کوروش اول (۵۵۰-۶۵۰ پیش از میلاد) باشد و عده‌ای آن را منسوب به دوره‌ی ماد دانسته‌اند.

**آتشکده‌ی اشکانی ـ میل اژدها ـ دیمه میل:** در میان راه بیشاپور ـ فهلیان، در جانب غربی نور آباد، در پای کوه شیر مرد، برج مربع چهارگوشی وجود دارد که میل اژدها نامیده می‌شود. این برج، آتشکده‌ای از دوره‌ی اشکانیان است به بلندی تقریبی ۷ متر و پهنای هر بدنه‌ی آن ۳/۴۰ متر است. پائین آن به نحوی ظریف و استادانه با به کار بستن سنگ‌های تراش، خوش طرح و پهن‌تر ساخته‌اند، به طوری که پهنای هر ضلع برج در پائین تقریباً چهار متر می‌باشد. در قسمت بالای آن پلکانی داخل برج ساخته‌اند که دهانه‌ی آن به بلندی ۱/۱۰ متر و پهنای ۵۹ سانتیمتر است و در سمت جنوب به بلندی قریب سه متر از سطح پائین کوه قرار گرفته است.

**دهکده‌ی جین جین:** دهکده‌ی جین جین یا جن جن در فاصله‌ی ۶ کیلومتری غرب فهلیان و ۱۲ کیلومتری نورآباد قرار دارد. در این دهکده ویرانه‌هایی از دوران هخامنشی وجود دارد که این ویرانه‌های باقی مانده‌ی بنای کوشک مانندی است که متعلق به پادشاه بوده و پایه‌ی ستون‌های آن که مزین به گل لوتوس است، هنوز در محل دیده می‌شود.

**نقش برجسته‌ی بهرام، سراب بهرام:** نرسیده به نور آباد در فاصله‌ی ۹ کیلومتری در سمت راست جاده پائین کوه در محوطه‌ی با صفائی که به نام سراب بهرام خوانده می‌شود، نقش برجسته‌ای به درازای ۳/۸۵ متر و بلندی ۲/۹۰ متر بر سنگ حجاری نموده‌اند.

در این نقش بهرام دوم در وسط از روبه رو نشسته و در هر جانب او دو نفر از بزرگان ساسانی به حال احترام ایستاده و انگشت سبابه را به نشانه‌ی احترام رو به بالا نگه داشته‌اند.

**سپید دژ (قلعه‌ی سفید):** روبروی تنگ کمان آثار قلعه‌ی مستحکمی از سنگ و گچ بر فراز کوهی منفرد و مجزا وجود دارد که به نام سپید دژ یا قلعه‌ی سفید معروف است و مربوط به دوره‌ی ساسانیان می‌باشد. برای بالا رفتن بر فراز قلعه‌ی چهار راه به نام سیاه شیر، زرین کلاه، گلستان و شتر خسب موجود می‌باشد که اکنون فقط می‌توان از راه شتر خسب به این قلعه رسید. بقایای دیوار و قسمتی از دروازه سنگی و طاق ضربی سنگی آن هنوز باقی است و سنگ‌های نیمه تراش که در اصطلاح سنگ تراشی باربر می‌نامند در آن‌ها به

کار برده شده و تا دوره‌ی محمد شاه قاجار از آن به خوبی استفاده می‌نموده‌اند. معروف است این قلعه دری از فولاد داشته که اکنون در امامزاده در آهنین نصب می‌باشد.

**مسجد جامع گچبر:** این مسجد یکی از قدیمی‌ترین مساجد ایران است. ایوان این مسجد که به شیوه‌ی معماری عصر ساسانی است و هم اکنون پابرجاست، دارای محرابی می‌باشد که گچ بری‌های آن از ارزش بسیار بالائی برخوردار است. در دوره‌ی عضد الدوله دیلمی، آلب ارسلان سلجوقی و ایل ارسلان شاه خوارزمشاهی تعمیراتی در این مسجد صورت گرفته است.

**قلعه‌ی اس ـ پی ـ آر:** در جنگ جهانی اول نیروهای بیگانه (انگلیسی و هندی) در شهر نی ریز اقدام به ساخت قلعه‌ای از جنس سنگ و ساروج، تحت عنوان قلعه‌ی اس.پی.آر یا پایگاه پلیس جنوب می‌نمایند که آثاری از آن هنوز پابرجاست.

**تفرجگاه‌های نی ریز: دره‌ی پلنگان و بید خویه:** دره‌ی پلنگان و بید خویه در شرق نی ریز واقع شده است و دارای جاذبه‌های طبیعی بسیار زیبا شامل کوه، جنگل، رودخانه فصلی و چشمه سارها می‌باشد.

**قنات‌های شادابخت، کتان، خباز و آباد زردشت:** قنات‌های شادابخت، کتان، خباز و آباد زردشت در اطراف شهر نی ریز واقع و در قدیم آسیاب‌های آبی در سر راه این قنات‌ها قرار داشته و در حال حاضر این قنات‌ها علاوه بر شرب باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی، از مهم‌ترین تفرجگاه‌های شهرستان نی ریز می‌باشند.

**آبشار تارم:** این آبشار فصلی، در کوه‌های جنوبی نی ریز قرار دارد و جاذبه‌های طبیعی، چشمه و جنگل بسیار زیبائی است.

**تل ضحاک:** در ۳ کیلومتری جنوب شهرستان فسا تل خاکی قرار گرفته است که مشهور به تل ضحاک است. طبق کاوش‌های دانشمندان اروپائی (۱۹۳۶ میلادی) تعدادی ظروف سفالین پیش از تاریخ و اعصار بعد از آن بیرون آمده است و همچنین بسیاری از لوازم زندگی بعد از اسلام نیز کشف شده که آباد بودن آن را تا دوران خلفای عباسی گواهی می‌دهد.

**تل نعلکی:** این تل در ۲ کیلومتری شمال روستای جلیان از بخش نوبندگان فسا قرار گرفته است که حاوی آثار ماقبل تاریخ است که می‌توان به دوران قبل از حجر صیقلی نسبت داد چون آن چنان که باید صاف و هموار نشده‌اند. پیکان‌ها و کارهای سنگی زیادی از دل این تپه به دست آمده که در موزه‌ی پارس شیراز می‌باشد.

**آثار باستانی چهل چشمه:** در جوار آتشکده (به ویژه اتلال ما قبل تاریخ) آن باقی مانده است. البته امروزه دروازه‌ی احتمالی آن شهر چیزی جز یک تخت سنگ بزرگ بر جای نمانده و خطوط گرانبهای این سنگ نیز که هم اکنون سنگ سلمانش می‌خوانند چنان از باد و باران گزند یافته که به هیچ وسیله خواندن آن میسر نمی‌باشد. قلعه‌ی فوق در حوالی تنگ کرم است.

**معبد آناهیتا در بیشابور:** رواق غربی کاخ تشریفات، به راهروی بنای عظیم و سردابه‌ای شکل منتهی می‌شود که ۲۴ پله به پهنای ۲/۳۰ متر و بلندی ۲۵ سانتی متر دارد. پوشش راهروی پله از سنگ‌های حجاری شده‌ی قالبی و بدون ملات و هماهنگ و متناسب با بناست.

نماسازی وقوس طاق آن به صورت هلالی است و طرح آن از شاهکارهای هنر حجّاری در دوره‌ی ساسانی است. بنا به صورت مکعبی است

که هر یک از اضلاع آن ۱۴ متر است. سنگ‌های بنا با بست‌های فلزی مستطیل شکل به یکدیگر دوخته شده و به صورت یکپارچه درآمده است.

**برج نورآباد:** برج نورآباد بنای سنگی کوچکی است که تقریباً ثلث «کعبه‌ی زرتیش» و برج «آتش پاسارگاد» می‌باشد. اندازه‌ی اضلاع آن در حدود ۳/۲۸ متر و ارتفاع آن ۴/۵ متر است.

این بنا از قطعات سنگ با ملات گچ ساخته شده است و مجاری آن به دقت مجاری سنگ‌های «کعبه‌ی زرتشت» نمی‌باشد. در ورودی اتاق فوقانی برج نورآباد به سمت جنوب و در جهت تابش آفتاب است ؛ در حالی که دو برج دیگر برخلاف جهت تابش آفتاب می‌باشد. در این برج، آثار مشخصی از وجود پله‌ی خارج از بنا مشاهده نمی‌شود. بنای «کاخ هترا» را نیز باستان شناسان مجموعه‌ی سیاسی مذهبی یا کاخ ـ آتشکده در نظر گرفته‌اند. در اتاق مربع شکل که رواقی آن را احاطه کرده است پایه و اساس یا به عبارتی شروع معماری چهارطاقی ایرانی است.

**آتشکده‌ی فیروز آباد:** آتشگاهی است مهم که به امر اردشیر اول در اوایل قرن سوم میلادی در گور یا فیروز آباد کنونی در فارس بنا گردید.

در مرکز شهری به نام گور و به شکل دایره و به قطر ۲ کیلومتر که چهار دروازه به نام‌های مهر، بهرام، هرمز و اردشیر داشت، منار یا بج مربع القاعده‌ای که هر ضلع آن حدود ۹ متر و ارتفاعاتش بیش از ۳۰ متر بود قرار داشت. دیواره‌ی فعلی این برج شامل هسته‌ی مربع شکلی است که دورتادور آن پلکانی بالا می‌رفته و احتمالاً غلافی نیز از دیوارهای خارجی آن را احاطه می‌کرده است.

در جوار این برج چهار طاق، آتشکده‌ی عظیمی قرار داشت با گنبدی به قطر ۱۶/۱۰ متر و ارتفاع تقریبی ۲۵ متر که در مقایسه با بناهای هم عصر خود مثل کاخ فیروز آباد با گنبدی به قطر ۱۳ متر و کاخ سروستان با ۱۲ متر قطر، عظمت آن بیشتر آشکار می‌شود.

**کاخ اردشیر:** در جوار این شهر و در شمال آن، اردشیر کاخی برای خود ساخت که هم اقامتگاه او به شمار می‌آمد و هم آتشگاهی سلطنتی (کاخ ـ آتشکده) نیز در تلفیق با آب به وجود آمده بود که دریاچه‌ای مدوّر به قطر ۵۰ متر به صورت حوضی طبیعی در برابر کاخ به وجود آورده بود. در کتاب معماری ایران نوشته‌ی پوپ می‌خوانیم: «نمای کاخ فیروز آباد با ۵۵ متر عرض و حدود ۱۰۳ متر طول دهانه‌ی طاق ورودی آن به دوازده متر و نیم می‌رسید، از عظیم‌ترین بناهای عهد ساسانی می‌باشد. پشت این ایوان مرکزی که در طرفین آن دو ایوان مستطیل شکل قرار داشته، سه اطاق چهار گوش گنبددار که کهن‌ترین گنبدهای شناخته شده‌ی ایرانی است واقع شده بود. این گنبدها روی دیوارهایی به ضخامت ۳/۹۰ متر تکیه داشت.»

**کاخ آتشکده‌ی سروستان:** احتمالاً کاخ آتشکده‌ی سروستان ـ متعلق به بهرام پنجم (سده‌ی پنجم میلادی) ـ در سروستان از بناهای دیگر دوره‌ی ساسانی است که قاعدتاً به دلیل برخورداری از تکنیک پیشرفته‌تر در طرح کلی و جزئیات بنا باید از آثار متأخر ساسانی باشد. تکنیک پیشرفته‌ی طاق این بنا گواهی بر تعلق آن به دوره‌ی آخر ساسانی است و نیز شکل متفاوت اتاق‌های آن نیز تأییدی بر این نظر است. به علاوه در حالی که در کاخ فیروز آباد گنبد در میان دیوارها از نظر پنهان است، در این بنا برفراز ساختمان

مکعبی کاملاً خود را نشان می‌دهد. این بنا با وسعت ۱۵۲۰ متر مربع (۳۶/۴×۴۱/۷۵) مشتمل بر تالار مربع شکلی است به ضلع ۱۲/۸۰ متر که با وجود چهار شاه نشین مشابه در چهار ضلع تالار، صحن آن از سادگی خارج گشته و دارای گوشه‌های متعدد است. هر یک از شاه نشین‌ها با دری به قسمت‌های جانبی تالار ارتباط می‌یابند. محور اصلی بنا شرقی - غربی است و ایوان اصلی در بخش غربی تالار واقع است. در دو سوی ایوان اصلی، فضاهای دیگری قرار دارند که امکان ایجاد ارتباط و تقسیم بندی قرینه‌ای را درنمای ساختمان به وجود می‌آوردند.

ایوان کوچک‌تری نیز در سمت شمال تالار مرکزی قرار دارد که محور شمالی جنوبی تالار (و احتمالاً محل نیایشگاه) قرار داشت است. در هر طرف بنا نیز دو تالار مستطیل شکل، که البته کاملاً نیز مقابل هم قرار ندارند، وجود دارد. هر یک این اتاق‌ها در پیرامون خودراهروهایی دارند که سقف آن‌ها با نیم طاق پوشیده شده است. اسکار وتیر در کتاب پرفسور پوپ، صفحه‌ی ۵ می‌نویسد: «... بهره‌گیری از این ستون‌ها، ایجاد پهنای بیشتری می‌نماید که مخصوصاً درصدد بودند تا از احساس دیوارهای محدودکننده رهایی یابند ... اما طراح، دانشی عملی از ایستایی داشته است. هم ادامه‌ی تقریبی خط فشار طاق‌های خود را و هم امکان توزیع نیروی رانش و ضد رانش را به سویلیه سیستمی از پشت بندهای داخلی که به وسیله‌ی قوس‌هایی به هم مربوط می‌شد راه یافته بود. این نخستین اقدام تجربی است نسبت به آن سیستم ساختمانی که معماری گوتیک عالی ترین تجلی آن می‌باشد» حیاط مرکزی را نیز که در شرق تالار قرار گرفته، اتاق‌های مختلفی احاطه می‌کنند. تنها ایوان این حیاط نیز روی محور اصلی و در منتهی الیه شرقی ساختمان قرار گرفته است.

اگر بنای مزبور در کلیت خود به علت داشتن عوامل مشترک معماری ساسانی، به دیگر ابنیه‌ی این دوره شبیه است، تفاوت‌هایی را نیز در برخی جنبه‌ها و به ویژه در طرح و نقشه با سایر بناهای دوره‌ی مزبور نشان می‌دهد. در کاخ فیروز آباد بخش‌های مختلف ساختمان نسبت به محور اصلی (محور شمالی - جنوبی) حالتی قرینه دارند و حال آن که در کاخ سروستان تفاوتی میان بخش‌های مختلف ساختمان نسبت به محور اصلی دیده نمی‌شود. شاید بتوان این تفاوت را یکی از دلایل طرح پیشرفته‌ی سروستان نسبت به بنای فیروزآباد دانست.

**ارگ کریمخان:** یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین بناهای دوره‌ی زندیه، ارگ کریم خان است که با زیر بنای ۴۰۰۰ متر مربع در زمینی به وسعت ۱۲۸۰۰ متر مربع بنا شده است. دیوارهای خارجی این بنا ۱۲ متر ارتفاع دارد که در هر گوشه‌ی آن برجی به ارتفاع ۱۲ متر ارتفاع دارد که در هر گوشه‌ی آن برجی به ارتفاع ۱۴ متر ساخته شده است. نمای بیرونی بنا ساده است و تنها بر روی بدنه‌ی دیوارها و برج‌ها نقوش آجری هندسی دیده می‌شود. برخلاف نمای ساده‌ی بیرونی که مشخصه‌ی بناهای عهدکریم‌خان است. فضای داخلی اتاق‌های ارگ از نماهای زیباتری برخوردارند و با نقوش اسلیمی، ترنج و گل مرغ و با رنگ‌های زنده و آب طلا تزئین شده است.

بر سردر ارگ، طرح کاشی کاری هفت رنگ زیبائی از داستان کشته شدن دیو سفید به دست رستم نقش بسته که متعلق به دوران قاجاریه است.

ازاره بخشی از بناهای ارگ از سنگ مرمر سبز رنگ بسیار زیبائی پوشیده شده، همچنین درهای

خاتم‌کاری و آینه‌های بزرگ زیبا به‌کار رفته بود که متاسفانه همگی به دستور محمد خان قاجار به تهران حمل شد.

فضای داخلی اتاق‌ها و تالارها به وسیله‌ی نقاشی‌های بسیار زیبائی تزئین شده است که متاسفانه بعد از دوره‌ی زندیه به خصوص در دوران پهلوی که از این بنا به عنوان زندان استفاده می‌شد، صدمات زیادی به آن‌ها وارد گردید. در گوشه‌ی جنوب شرقی بنا، حمام ارگ کریم خان زند قرار دارد که از چند بخش تشکیل شده است. این بخش‌ها عبارتند از سربینه (رختکن) با سکوهای سنگ مرمر، گرم خانه و خزینه با راهروهای ارتباطی آن‌ها و همچنین سقف حمام که با آهک بری‌های زیبا تزئین شده است. - سازمان میراث فرهنگی استان فارس

**نقش رجب**

**آثار نقش رجب:** حجاری‌های نقش رجب شامل چهار نقش برجسته می‌باشد: ۱- تاجگذاری اردشیر بابکان، ۲- تصویر کریتر موبد بزرگ و مقتدر اوایل دوره‌ی ساسانی، ۳-نقش شاپور اول و درباریانش، ۴- تاجگذاری شاپور اول ساسانی.

**تاجگذاری اردشیر بابکان:** این نقش برجسته با شکوه مراسم تاجگذاری اردشیر بابکان سر سلسله‌ی شاهنشاهی ساسانی را نشان می‌دهد. اردشیر در حال ادای احترام حلقه‌ی شاهی را از اهورا مزدا که به رسم (گیاه مقدس) در دست دارد، دریافت می‌دارد. بین اهورامزدا و اردشیر نقش دو کودک دیده می‌شود. نفر سمت چپ احتمالاً هرمز اول که حامل افسر شهریاری می‌باشد و نفر سمت راست به روشنی می‌تواند جانشین یا نمادی از اهورامزدا باشد. پشت سر شاه تصویر حجاری شده یکی از بزرگان دوره‌ی ساسانی است که در تمام نقش برجسته‌های اردشیر وجود دارد، وی با نشان مخصوصی بر روی کلاهش در حالی است که مگس پرانی بر روی سر سرور خود گرفته است و شخصی که دستش را به ادای احترام بالا برده ولیعهد و فرزند اردشیر، شاپور اول ساسانی است.

پشت سر اهورامزدا دو نفر از بانوان سلطنتی که به وسیله‌ی ستونی از این نقش برجسته مجزا شده‌اند به طور جداگانه مراسم احترام را به جا می‌آورند.

در این مجلس کتیبه‌ی پهلوی آسیب دیده‌ای در نزدیکی نقش اردشیر حجاری شده که مضمون ترجمه قسمت خوانای آن چنین می‌باشد که «پائین زرتشت از بین رفته بود من که شاهنشاهم آن را از نو برقرار نمودم.»

**کرتیر موبد موبدان:** این نقش تصویر کرتیر موبد معروف و مقتدر ساسانی را در حالی که دست راست خود را به ادای احترام بالا برده و به طرز زیبائی حجاری شده، نشان می‌دهد. در این نقش کتیبه‌ای به زبان پهلوی که ۲۵ سطر آن خوانا و چند سطر آن محو گردیده به چشم می‌خورد.

**تاجگذاری شاپور اول ساسانی:** در سمت راست نقش برجسته‌ی شاپور اول ساسانی و اهورامزدا دو سوار بر اسب حجاری گردیده و شاپور را در حال گرفتن حلقه‌ی شهریاری از دست اهورامزدا نشان می‌دهد که متاسفانه صورت‌های این نقوش به شدت آسیب دیده‌اند. اسب‌ها رو به روی هم در حالی که دستان خود را بالا گرفته‌اند، زیبائی خاصی به این مجلس می‌دهند.

**شاپور اول ساسانی با درباریانش:** نقش سمت چپ، شاپور اول سوار بر اسب و ۹ نفر از بزرگان سلطنتی را که پشت سر او ایستاده‌اند نشان می‌دهد که علامت خاندان‌های بزرگ اسپهبدان بر روی

کلاه سه نفر از این نه نفر نمودار می‌باشد. نخستین فرد ایستاده در پشت سر اسب شاپور، هرمز اول ساسانی می‌باشد که با نشانه‌ی جانشین شاهی که بر روی کلاهش دیده می‌شود معرفی می‌گردد. بر سینه‌ی اسب شاپور کتیبه‌ای به سه زبان دیده می‌شود که ترجمه‌ی آن چنین است: «این پیکره است که از بغ مزدا پرست ـ خدایگان شاپور، شاهان شاه ایران وانیران که چهره از یزدان دارد، فرزند بغ مزدا پرست خدایگان اردشیر شاهان شاه که چهره از یزدان دارد نواده خدایگان پاپک شاه»

صورت‌های این نقش مانند نقوش تاجگذاری به شدت آسیب دیده و خراب گردیده است. ـ سازمان میراث فرهنگی استان فارس

**تخت جمشید:** تخت جمشید مجموعه بنائی است که بر روی صفه سنگی به وسعت ۱۲۵ هزار متر مربع در دامنه‌ی کوه رحمت، در شهر مرودشت و در ۵۵ کیلومتری شمال شرقی شهر شیراز در حدود سال ۵۲۰ قبل از میلاد توسط داریوش اول بنیان گذاری شد. ساخت بناهای تخت جمشید به وسیله‌ی داریوش اول آغاز و توسط شاهان بعدی ادامه یافت. نام اصلی این محل در کتیبه‌ها، پارسه می‌باشد. یونانیان به آن پرسه پولیس و بعدها مورخین اسلامی آن را تخت جمشید نامیدند.

**۱ـ پلکان ورودی:** در قسمت غربی صفه جهت دسترسی به بالای صفه، پلکان دو طرفه عظیمی توسط خشایارشا ساخته شده که در هر طرف ۱۱۰ پله، که ۶۳ پله از سطح دشت به یک پاگرد منتهی و از پاگرد تا روی صفه ۴۳ پله ساخته شده است. هر پلکان ۱۰ سانتی متر ارتفاع، ۳۸ سانتی متر پهنا و ۶۹۰ سانتی متر طول دارد. درکنار پلکان جان پناه کنگره داری ساخته شده است و هر چند پله از یک قطعه سنگ بزرگ تراشیده شده است.

**دروازه ملل:** پس از بالا رفتن از پلکان، دروازه ملل اولین بنائی است که توجه را به خود جلب می‌کند. این بنا شامل تالار مربع وسیعی است که بر روی چهار ستون استوار شده و دارای سه درگاه به طرف غرب، شرق و جنوب است. دو طرف درگاه غربی مزین به مجسمه دو گاو بالدار با سر انسان است. بر روی جرزهای این دروازه چهار کتیبه سه زبانه توسط خشایارشا نقر شده است که در آن خشایار شاه به نیایش اهورامزدا و شرح اقدامات خود می‌پردازد.

**کاخ آپادانا:** ساخت آپادانا به فرمان داریوش آغاز و توسط خشایار شاه به اتمام رسید. این کاخ مشتمل بر یک تالار مرکزی با ۳۶ ستون و سه ایوان هر کدام با ۱۲ ستون در شمال، شرق و غرب و تعدادی اتاق در چهارگوشه و ضلع جنوبی است، ارتفاع ستون‌های این تالار و ایوان‌های آن با سر ستون بیش از ۱۹ متر است. در جبهه‌ی شمالی و شرقی تالار آپادانا دو پلکان ساخته شده که هر پلکان با چهار ردیف پله به ایوان دسترسی پیدا می‌کند، بدنه‌ی این پلکان‌ها مزین به نقوش بزرگان هخامنشی، سربازان جاویدان و نمایندگان ملل تابعه (هدیه آوران) است.

**کاخ سه دروازه (کاخ مرکزی یا تالار شورا):** کاخ سه دروزاه از نظر موقعیت در مرکز کاخ‌های تخت جمشید واقع است. این کاخ دارای یک پلکان دو طرفه در جبهه شمالی است که بر روی آن نقش بزرگان مادی و هخامنشی به صورت مجزا از هم در حال بالا رفتن از پله‌ها حجاری شده است. این کاخ دارای دو ایوان با دو ستون و یک تالار با چهار ستون است که بر روی درگاه‌های آن نقش پادشاه هخامنشی حجاری شده و تعدادی اتاق نیز در

طرفین تالار ساخته شده است. سر ستون‌های این تالار تنها سر ستون هائی هستند که به شکل سر انسان حجاری شده‌اند.

**کاخ صد ستون (تالار تخت):** تالار تخت را می‌توان دومین بنای با اهمیت مجموعه‌ی تخت جمشید بعد از تالار آپادانا دانست که شامل یک تالار مرکزی با ۱۰۰ ستون سنگی، یک ایوان ۱۶ ستونه، ۴ درگاه اصلی و ۴ درگاه غربی و دالان‌های طویل در سه طرف کاخ است. بر روی دو طرف درگاه‌های شمالی و جنوبی نقش پادشاه نشسته بر تخت بر روی دست نمایندگان ملل تابعه حجاری گشته و بر روی بدنه‌ی درگاه‌های شرقی و غربی نقش پادشاه در حال نبرد با حیوانات افسانه‌ای دیده می‌شود. تالار مرکزی این کاخ وسیع‌ترین تالار تخت جمشید است و از نظر اهمیت بعد از تالار آپادانا دومین کاخ مجموعه است. در انتهای حیاط این کاخ دروازه‌ای ناتمام مشابه دروازه ملل وجود دارد که وضعیت آن می‌تواند روند ساخت بناهای مجموعه را نشان دهد.

**کاخ تچر (تالار آئینه):** این کاخ، کاخ اختصاصی داریوش می‌باشد که شامل یک تالار مرکزی با ۱۲ ستون و یک ایوان ۸ ستونی، دو تالار چهار ستونی در پشت تالار مرکزی و تعدادی اتاق کوچک‌تر در طرفین است. بدنه‌ی درگاه‌ها دارای نقوش برجسته با محوریت پادشاه است (دلیل نامگذاری این تالار به آئینه، صیقل بودن سنگ هاست به گونه‌ای که تصاویر را منعکس می‌کند.

**کاخ هدیش:** کاخ هدیش کاخ اختصاصی خشایارشا است که ابعاد آن از کاخ داریوش بزرگ‌تر می‌باشد و شامل یک تالار مرکزی با ۳۶ ستون، یک ایوان ۱۲ ستونه دو تالار چهار ستونه و تعدادی اتاق در طرفین است. بر روی درگاه‌های این کاخ نیز نقش پادشاه حجاری شده است، از ویژگی‌های این کاخ وجود نقش برجسته درون طاقچه‌ها است که با سایر بناها تفاوت دارد.

**مجموعه‌ی حرمسرا:** این مجموعه که در ارتباط با کاخ هدیش بوده توسط خشایارشا ساخته شده و شامل مجموعه‌ای از اتاق‌ها و تالارها با ابعاد متفاوت می‌باشد که به وسیله‌ی راهروهائی از هم جدا می‌شوند. تالار اصلی و بخشی از مجموعه توسط هرتسفلد بازسازی شده و هم اکنون بخش اداری و موزه‌ی تخت جمشید در آن قرار دارد.

**خزانه:** یکی دیگر از مهم‌ترین بخش‌های مجموعه‌ی تخت جمشید خزانه می‌باشد که از نظر ساختاری متفاوت با سایر بناهای مجموعه است. خزانه شامل دو تالار بزرگ ۱۰۰ ستونی و ۹۹ ستونی، یک تالار ۳۰ ستونی، یک تالار بیست ستونی و تعدادی تالار و اتاق‌های کوچک‌تر است که پیرامون تمامی آن‌ها را یک حصار مستحکم در برگرفته، تنها یک راه دسترسی برای رسیدن به داخل در حصار ایجاد شده که این موضوع نشانگر ارزش و ضرورت حفظ اموال داخل تالارها و اتاق‌ها بوده است.

**آرامگاه‌ها:** در دامنه‌ی کوه رحمت دو آرامگاه در دل کوه حجاری شده که نمای آن مشابه هم بوده و پادشاه را کمان در دست، ایستاده بر سکوی سه پله‌ای نشان می‌دهد که در مقابل او آتشدان و قرص خورشید در حالی که نقش فروهر در قسمت بالای تصویر حجاری شده دیده می‌شود. این صحنه بر روی تختی نشان داده شده که بر دست نمایندگان ملل تابعه امپراطوری حمل می‌شود. پائین این نقش نمای کاخ‌های هخامنشی با ۴ ستون دیده می‌شود که در وسط آن در آرامگاه می‌باشد، این دو آرامگاه منسوب به اردشیر دوم و اردشیر سوم

است. ـ سازمان میراث فرهنگی استان فارس

**بوستان آزادی:** یکی از قدیمی‌ترین بوستان‌های شیراز، پارک یا بوستان آزادی می‌باشد که در سال ۱۳۴۵ در زمینی به وسعت ۲۰۰ هزار مترمربع در شمال شیراز احداث گردید. این بوستان به عنوان بزرگ‌ترین مرکز تفریحی دارای امکاناتی چون تالار اجتماعات، مجتمع فرهنگی مذهبی، نمازخانه، خانه‌ی فرهنگ، تالار نمایش، شهربازی، غرفه‌های اغذیه، لانه‌ی پرندگان، دریاچه‌ی مصنوعی و با آب نماهای زیبا می‌باشد.

**بوستان ولیعصر:** بوستان ولیعصر با وسعتی بیش از ۸۵ هزار متر مربع دومین بوستان شهر شیراز است که قدمتی طولانی دارد. این بوستان در سال ۱۳۴۶ در قسمت شرقی شهر احداث شد و در سال ۸۳ مورد بازسازی قرار گرفت. آب نماهای زیبا و راهروهای طولانی آن، مکان مناسبی برای شهروندان و گردشگران به وجود آورده است.

**بوستان خلد برین:** بوستان خلد برین نیز یکی دیگر از باغ‌های شیراز بوده است که تبدیل به پارک شده است. این بوستان یکی از زیباترین بوستان‌های شیراز است که در چهار راه خلد برین قرار دارد.

**بوستان علوی:** این بوستان یکی از باغ‌های قدیمی شیراز با درختان سر به فلک کشیده‌ی کاج می‌باشد که در سال ۱۳۷۵ بازسازی شد و به صورت پارک در آمده است. این بوستان با ۱۴۷۰۰ متر مربع مساحت در بلوار میرزای شیرازی قرار دارد و دارای آب نماهای زیبا می‌باشد. فضائی مصفا و آب روان دائمی در بوستان علوی موجب گردیده که مردم در آن اوقات خوشی را سپری کنند.

**حاشیه‌ی پارک چمران:** پارک چمران از ابتدای بلوار چمران شروع می‌شود و چندین کیلومتر ادامه دارد. این حاشیه‌ی پارکی بسیار زیبا می‌باشد که شاید بتوان گفت این قسمت در خاورمیانه بی نظیر است. مردم شیراز اکثر روزهای تعطیل را در این منطقه به تفریح می‌پردازند.

**کوه بمو:** در شمال کوه‌های شمالی شیراز (کوه بمو) و درست در برابر تنگه‌ی الله اکبر قرار دارد. کوه بمو زیستگاه گونه‌های نادر حیوانی و گیاهی است و به عبارت مشهور «پارک وحش» نزدیک است. این کوه در ۱۸ کیلومتری شیراز قرار دارد. اهمیت کوه بمو به دلیل دو قنات رکن آباد و آب زنگی است. معمولاً در هنگام زایش حیوانات شکاری ورود به منطقه‌ی بمو توسط اداره‌ی کل محیط زیست ممنوع می‌شود.

**چشمه‌ی شش پیر و برم شش پیر:** در جاده‌ی سپیدان به فاصله‌ی حدود ۶۵ کیلومتری روستای برشنه قرار دارد که راه چشمه شش پیر و برم شش پیر به صورت آسفالته و کوهستانی می‌باشد و ابتدا شما را به چشمه‌ی شش پیر (در ۱۵ کیلومتری سپیدان) می‌رساند که فضای سرسبزی با پوشش جنگلی است و سپس به برم شش پیر که دریاچه‌ای کوچک است با زیبائی طبیعی خود.

**رودخانه‌ی شش پیر:** از چشمه‌ی شش پیر رودخانه‌ی شش پیر آغاز می‌شود و تمام منطقه‌ی همایجان، دشمن زیاری و هرایجان با وجود همین رودخانه، سرسبز و زیبا هستند، به ویژه هرایجان که در فاصله‌ی ۶۵ کیلومتری شیراز قرار دارد و یکی از زیباترین نقاط فارس می‌باشد و در مجاورت آن هم آبشار بسیار زیبائی هم قرار دارد.

**بهشت گمشده:** در نزدیکی مجموعه‌ی سد درودزن (در ۱۰۰ کیلومتری شمال غربی شیراز) محوطه‌ی بسیار زیبا و سرسبزی قرار دارد که بهشت گمشده‌اش نامیده‌اند. در این مکان چشمه

سارهای بسیار و درختان سر به فلک کشیده مناظر زیبائی را به وجود آورده‌اند.

**باغ وحش شیراز:** تنها باغ وحش شیراز به فاصله‌ی ۲۰ کیلومتری شیراز، در راه شیراز به آباده (راه شمالی فارس) قرار دارد.

**پل بزرگ سوریان**:: این پل در متون تاریخی به پل آجری سوریان معروف است. تاریخ ساخت بنا را در اواسط قرن ششم تا هفتم ذکر کرده‌اند.

**چهار طاق ساسانی:** در روستای منج بوانات در بالای یک تپه کنار رودخانه بنائی عظیم بوده که چهار ستون همراه طاق‌های متصل به آن هنوز به چشم می‌آید. بعضی از کارشناسان معتقدند که بنای فوق باقی مانده از دوران ساسانی است، اما آن چه مسلم است بنای فوق بنائی آئینی مذهبی بوده و اکنون چهار ستون به همراه حوض آب که به احتمال زیاد محل تطهیر بوده از آن بنا باقی مانده است.

**محمد حنفیه:** این تفرجگاه در ضلع شرقی کوه خاتون واقع شده است. وجود درختان تنومند و کهنسال چنار، ار، چوب شیرین و چشمه‌ی زیبا در این منطقه که از دل تخته سنگی بزرگ جاری است، بر زیبائی آن افزوده و مردم عامه آن را قدمگاه حضرت حنفیه می‌دانند. آن چه مسلم است این مکان باقی مانده‌ی یک بنای آئینی از دوران‌های قبل از اسلام می‌باشد.

**چشمه‌ی پیر کدوئیه:** این چشمه در غرب روستای مزایجان در ۴۰ کیلومتری شهر سوریان می‌باشد. در این مکان چشمه‌های جوشانی جاری است که سرزمین وسیعی را زیر پوشش خود قرار داده است. در حوالی چشمه، درختان تنومند و بزرگی است که توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌نماید. هر ساله تعداد بیشماری از گردشگران شهرستان‌های مجاور، جهت گذراندن اوقات فراغت خود به این محل سفر می‌نمایند. از دیگر اماکن تفریحی ـ سیاحتی می‌توان به چشمه‌ی سنجد در جنوب سوریان، چهل چشمه در شیر خورشت، غار نصر در جنوب بادبر، سرو کهنسال روستای عاصمی، چنار روستای بادبر و غار محرم در کوه قبله مزایجان اشاره کرد.

**بازار جهرم:** بازار جهرم در مرکز آن شهر قرار دارد و زمان ساخت آن به اواخر دوره‌ی زندیه بر می‌گردد. تمام قسمت‌های آن از نظر فیزیکی و مصالح ساختمانی مشابه هم نیستند. قسمت اصلی بازار جهرم در محل ۴ سوق به ۴ جهت اصلی شمال، جنوب، غرب و شرق می‌باشد که اکثر مغازه‌ها در همین قسمت جمع هستند و فقط یک قسمت از آن که تعداد مغازه‌های آن هم اندک می‌باشد و از قسمت اصلی بازار جهرم نیز هست، به بازار مسگران متصل می‌شود این بازار به سبک بازار وکیل شیراز ساخته شده است.

**نخلستان‌های جهرم:** جهرم شهری است که در جنوب و منطقه‌ی گرم کشور واقع شده و به واسطه‌ی گرما در این منطقه درختانی همچون درخت خرما و مرکبات (از جمله لیمو) که بیشترین محصول این شهر می‌باشد، به چشم می‌خورد. این شهر همچون نگینی در بین نخلستان‌ها و باغ‌های مرکبات اطراف آن به زیبائی می‌درخشد.

**قلعه گبری:** قلعه‌ی گبری تنها اثر این شهر مربوط به قبل از اسلام است که روی دامنه‌ی شمالی کوه البرز و بر تپه‌های شمال غربی شهر مشهور به کوه شهدا قرار دارد. این قلعه مانند قلعه الموت است.

**غار سنگ شکن:** این غار بزرگ‌ترین غار دست ساز جهان است که به نام «سنگ شکن» معروف

است. مردم جهرم در قدیم از سنگ آن برای ساختن و نمای خانه‌ها استفاده می‌کردند.

**نقاط دیدنی بخش سیمکان، کردیان و خفر:** آبگرم سیمکان که در کیلومتر ۴۲ جهرم بالاتر از روستای برج قرار دارد، رودخانه‌ی سیمکان، غار شفق و پیشور روستای کوشکسار، چشمه‌ی آبشیخ و تنوره‌ی آتشکده درکنار بقعه آب شیخ، چشمه‌ی بخون در روستای علویه، دره‌های کوه گرم ا زقبیل تنگ رزی، تنگ ناری، آب طاق، سد بند و بست که بازمانده از زمان ساسانیان می‌باشد. چارطاق که بین راه جهرم ـ فسا قرار دارد، مناظر زیبای روستای برایجان، غار تادوان، آبشار خفر، تنگ تادوان، بقعه‌ی شیخ علی خلیف در روستای جزه خفر، مقبره‌ی جاماسب حکیم در خفر، تنگ آب خفر.

**کاروانسرای صفاشهر:** این بنا مربوط به دوره‌ی قاجاریه می‌باشدکه اکنون مورد استفاده‌ی حوزه‌ی علمیه قرار گرفته است.

**تفرجگاه قصر یعقوب:** دارای چشمه‌ی بزرگی در کنار کوه است که مسیر نهر آن یکی از سرچشمه‌های رود کر، پر آب‌ترین رود استان محسوب می‌شود. درکنار این نهر، بقایای دیواری سنگی از قصر یعقوب مشهود است.

**تفرجگاه چشمه بناب:** این تفرجگاه، در بخش دشت مرغاب، در نزدیکی شهر قادر آباد قرار دارد. این چشمه و نهر پس از گذر از چند استخر پرورش ماهی در کنار جاده‌ی اصلی شیراز ـ اصفهان جاری می‌شود و مزارع دشت پاسارگاد را مشروب می‌سازد.

**تفرجگاه بیدستان:** این تفرجگاه در بین کوه واقع گردیده و از ساختمان ویلائی و آب معدنی بسیار خوبی بهره‌مند است و درختان میوه، این تفرجگاه را محصور کرده است.

**شهرستان خنج:** خنج مرکز بخشی است به همین نام که در ابتدای دشتی وسیع در کوهپایه‌های زاگرس جنوبی قرار دارد. فاصله‌ی آن تا خلیج فارس ۹۰ کیلومتر و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۰۴۴ متر می‌باشد. شهر خنج از شمال به قیر و کارزین، از مشرق به لارستان و از جنوب به لامرد و از غرب به شهرستان مهر و فراشبند می‌رسد و از لحاظ تقسیمات کشوری یکی از شهرستان‌های جدید استان محسوب می‌گردد. خنج یکی از شهرستان‌های سیاحتی ـ زیارتی جنوب استان فارس محسوب می‌گردد.

**مناره‌ی شیخ دانیال:** از آثار بدیع تاریخی و منحصر به فرد محسوب می‌شود. این مناره به فرمان عمربن عبدالعزیز و توسط قطب‌الدین بهمین حاکم هرمز که از مریدان شیخ بود در قرن ششم هجری ساخته شد و دارای کاشی ایوان و سنگ نوشته با خط نستعلیق و خط کوفی بنائی است. این اثر در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

**سردر مسجد:** از آثار و بقایای به جا مانده در بافت قدیم شهر خنج می‌توان به سردر مسجد جامع اشاره نمود. ساخت این بنا تلفیقی از سنگ، آجر و کاشی بوده است و نمای این سردر مزین به اسماء متبرکه با خط کوفی بوده که در دوره‌ی صفوی بازسازی شده است. این بنا در مجاورت مسجد جامع قرار دارد.

**تپه‌ی توانگران:** این تپه بقایائی از کاخ پاشاهان ساسانی است که از نظر کارشناسان شبیه به معماری شهر بیشابور کازرون است.

**جاده‌ی سنگ فرش از دوره‌ی هخامنشی:** خنج به وسیله‌ی این جاده سنگ فرش که تنها قسمت

کوچکی از آن در منطقه معروف به (حمامی) باقی است، به آتشکده‌ی بزرگ آذر فرنبغ، متصل شده است.

**سد دول ابراهیمی:** این سد از آثار دوره‌ی سلجوقی است که از سنگ، ملات و ساروج ساخته شده و آثار آن هنوز باقی است.

**شهرستان داراب:** شهرستان داراب به مرکزیت شهر داراب در جنوب شرقی استان فارس با دارا بودن جاذبه‌های طبیعی بسیار یکی از زیباترین شهرستان‌های جنوبی استان می‌باشد. فاصله‌ی آن تا مرکز استان فارس (شیراز) ۲۵۴ کیلومتر می‌باشد. این شهرستان از شمال به شهرستان‌های نی ریز و استهبان، از شرق به استان هرمزگان، از جنوب به شهرستان‌های لار و زرین دشت و از غرب به شهرستان فسا محدود است.

**آبشار فدامی:** منطقه‌ی تفریحی و گردشگری آبشار فدامی در بخش فورگ روستای آبشور از مناطق دیدنی شهرستان داراب می‌باشد که مجموعه‌ای از چند آبشار است. این آبشارها دارای آبی شیرین و شرر بوده که جلوه‌ای منحصر به فرد از طبیعت را نشان می‌دهد.

**نقش شاپور (نقش دارابگرد):** در فاصله‌ی چهار کیلومتری جنوب شهر داراب، در دامنه‌ی جنوبی کوهستانی مشهور به پهنا، نقش برجسته‌ای از دوران ساسانیان وجود دارد که بیانگر پیروزی بزرگ دومین فرمانروای ساسانی «شاپور اول» بر امپراطوران روم، والرین، گردیانوس و فلیپ عرب می‌باشد. در این حجاری شاپور در حالی که سوار بر اسب می‌باشد، در وسط نقش به صورت تمام‌رخ با نشان افسر شاهنشاهی که در اثر وزش باد به اهتزاز در آمده نشان داده شده است.

**آتشکده‌ی آذرخش (مسجد سنگی):** در حدود پنج کیلومتری جنوب شرقی شهر داراب، در دامنه‌ی کوه بنای شگفت انگیزی با طرح چلیپا (صلیبی شکل) وجود دارد که امروزه به نام مسجد سنگی مشهور است، برخی از محققان معتقدند که این بنا ابتدا یکی از معابد مهم مهر پرستان آریائی بوده که در دوران ساسانیان تبدیل به آتشکده گردیده است. در دوران مبارزالدین محمد به سال ۶۵۲ هـ‌ق محرابی به این آتشگاه اضاف شد و از ان پس این بنا به مسجد تبدیل گردید.

**آسیاب سنگی:** در مجاورت مسجد سنگی، آسیابی در دل کوه ساخته شده است که از نظر معماری در نوع خود کم نظیر است. این آسیاب دارای دو تنوره‌ی عظیم سنگی در بالای کوه است که از طریق آن‌ها آب وارد آسیاب می‌شده است. دو جوی سنگی و ساروجی در دامنه‌ی کوه به طول پنج کیلومتر آب مورد نیاز آسیاب را از منطقه‌ی رودبال به این محل می‌رسانده است. دو کتیبه به خط کوفی و فارسی مربوط به دوران تعمیر بنا در حکومت‌های اتابکان و قاجاریه در مدخل آسیاب وجود دارد.

**آثار شهر قدیم دارابگرد:** در فاصله‌ی ۱۱ کیلومتری جنوب شهر داراب آثار و بقایای شهر قدیمی دارابگرد مشاهده می‌شود. ورودی این شهر دارای چهار دروازه‌ی اصلی بوده و گرداگرد آن دیوار مدور عظیمی به طول شش کیلومتر دیده می‌شود. پشت دیوار خندق بزرگی برای حفاظت از شهر ایجاد کرده بودند. در مرکز شهر و در بلندترین قسمت آن دو صخره عظیم جدا از هم وجود دارد که در بالای صخره بزرگ آثار کاخ، منسوب به اردشیر بابکان دیده می‌شود.

**مسجد جامع داراب:** این مسجد در مرکز شهر

داراب واقع گردیده و از بناهای ارزشمند دوران صفویه، به شمار می‌آید. معماری مسجد دارای یک شبستان بزرگ و راهروهای پیرامون آن و چهار مناره‌ی آجری است که در چهار گوشه مجموعه بنای مستطیلی مزبور بر پا و استوار می‌باشد. نماسازی و تزئین بدنه این مناره‌ها منقوش به آیات قرآنی و اسماء متبرکه به خط کوفی است. داراب با داشتن مراکز مناسب علاوه بر پذیرائی از ایرانگردان، پذیرای دوستداران طبیعت نیز می‌باشد که برای دیدار از حیات وحش زیبائی چون منطقه حفاظت شده چانفتی و منطقه‌ی شکار ممنوع کوهستان به داراب مسافرت می‌نماید.

**تل سفیدک:** این منطقه‌ی باستانی در دشت مرکزی و شمال حاجی آباد واقع شده است. بر اساس مطالعاتی که توسط سازمان میراث فرهنگی در دو دهه‌ی گذشته انجام گرفته، چندین کاخ کشف شده که متعلق به دوره‌ی ساسانیان بوده است. آثار به دست آمده از این کاخ‌ها شامل گچ بری، سفال و تعدادی مجسمه‌های گچی است که به شکل خاصی ساخته شده و شکل اولیه‌ی خود را همچنان حفظ کرده است.

**برکه‌ی سفید:** برکه‌ی سفید در روستای مزایجان قرار دارد. در مناطق گرمسیری به آب انبارهای بزرگ «برکه» اطلاق می‌شود. گنجایش این برکه بیش از چهار میلیون لیتر است که جزو یکی از بزرگ‌ترین آب انبارهای ایران محسوب می‌شود.

**میل نقاره خانه:** در منطقه‌ی چاه سبز، نزدیکی غرب شهر حاجی آباد، آثا رو بقایای یک چهار طاقی، دالان و سکوی نیایش وجود دارد. اگر چه اکنون تنها یک ستون از این چهار طاقی بر جای مانده که به میل نقاره خانه مشهور است. ولی بدست آمدن وسایلی متعلق به مراسم آئینی و نیایشی دلالت بر این نکته دارد که این مکان یک پرستشگاه بوده و مراسم مذهبی در آن انجام گرفته است.

**قلعه‌ی مزایجان:** بر فرازکوهی مشرف به روستای مزایجان، برجی برپا است و در مجاور برج، کوهی است که آن را دَه مرده می‌نامند. این کوه همانند حصاری به قلعه متصل است که در متون تاریخی از آن به عنوان دژ خدا آفرین و دژ تسخیرناپذیر نقل شده و از آن جمله «زندان و مأمنی برای یاغیان» و شاید آخرین حکایت، «سرکوبی گروهی آزادی خواه توسط سربازان رضاخان» است. بر سینه‌ی دشت مجاور قلعه‌ی مزایجان این چنین نوشته شده: نظم روح قشون است.

**چشمه‌ی شش پیر:** شش پیر منطقه‌ای در سپیدان است که شامل برم زیبای شش پیر و چشمه‌ی پر آب و جذاب شش پیر می‌باشد و وجه تسمیه‌ی این منطقه استفاده این مکان توسط تعدادی از عرفا و سالکان طریقت بوده است این مکان در مسافت بیست کیلومتری از مرکز شهرستان (اردکان) بعد از روستای برشنه می‌باشد.

## مردم‌شناسی و آداب رسوم

**مردم فارس:** «اصطخری درباره‌ی خصوصیات ظاهری و کیفیات بدنی سکنه فارس چنین می‌گوید: سکنه‌ی نواحی گرمسیر اغلب بدنی لاغر و تکیده، مویی اندک و پوستی تیره‌رنگ دارند. اهالی نواحی سردسیر دارای بدنی گوشت‌آلودتر، مویی پرپشت‌تر و پوستی روشن‌تر هستند. از میان نقایص عضوی و بدنی، مقدسی وجود فراوان ضعف بینایی را در منطقه کازرون و فلج ناشی از سکته ناقص در شیراز را ذکر می‌کند و در عوض با

لحنی تحسین‌آمیز می‌گوید که در فارس به ندرت جذام دیده می‌شود.

خصوصیات تغذیه در قسمت‌ها و بخش‌های تابعه اغلب به هنگام وصف شهرها مورد بحث قرار می‌گیرد، ولی مقدسی به هنگام وصف شیراز گاه اختصاصاً به این مبحث می‌پردازد. برخی اطلاعات عمومی نیز در این زمینه در کتاب ابن حوقل آمده است. وی با لحنی ستایش‌آمیز درباره‌ی فارسیان می‌گوید که «سفره را با غذاهای زیبا می‌آرایند» و در غذا گشاده دستند، از آن گذشته یادآور می‌شود که بر طبق رسم و عادت» غذاهای شیرین و انواع میوه را قبل از غذاهای اصلی می‌کشند و به سفره می‌آورند.»

اخبار مربوط به لباس‌های رایج در فارس در ادوار بعد از اسلام مفصل‌تر است. اصطخری می‌گوید: «جامه سلطان در آن جا لباسی است. در پایین گشاد و در بالا تنگ با بریدگی در گلوگاه و آستین‌های تنگ، بلندی لباس تا حدود میان ماهیچه‌های پا می‌رسد. گاه نیز شنلی که از جلو تا نیمه باز است می‌پوشند. به هر حال با چاکی گشادتر و در قسمت پشت و سینه عریض‌تر از آن چه دبیران (کتاب) بر تن می‌کنند. از آن گذشته دستارها و کلاه‌های بلند نوک‌تیز نمدی (قنسوه) بر سر می‌گذارند. شمشیر آنان از یک حمایل آویخته، کمربندی بر تهیگاهشان استوار است و پای‌پوش‌هایشان کوچک‌تر از آن است که مردم خراسان بر پای دارند. از ترجمه فارسی چنین بر می‌آید که این کفش‌ها (یا چکمه‌ها) ساق‌هایی تنگ‌تر داشته‌اند. به اعتقاد ابن حوقل در مورد شنل امرا، فقط قسمت پایین آن پهن‌تر بوده، قسمت سینه مانند دبیران است.» وی اشاره‌ای دارد به این که امیران فارسی تبار این لباس (اصلاً عربی) را می‌پوشیدند و به‌گفته خود اضافه میکند: «در دوره ما در جامه امیر تغییری حاصل شده، زیرا وی و اطرافیانش لباس دیلمیان را ترجیح می‌دهند.» اصطخری به سخن خود ادامه می‌دهد: «قضات کلاه‌هایی نمدی و خمره مانند یا چیزی شبیه به آن بر سر می‌گذارند که لبه آن‌ها در حدود گوش‌ها بالا زده شده است، گذشته از آن طیلسان، و بعد پیرهن و جبه. بر خلاف آن‌ها دراعه‌ای راکه از جلو نیم‌باز است نمی‌پوشند. دستار بر سر نمی‌کنند و به همین ترتیب هم کفش‌های ساق برگشته به پا نمی‌کنند و کلاه‌های نمدی که گوش را می‌پوشاند بر سر نمی‌گذارند.» دبیران دراعه از جلو نیم باز می‌پوشند و دستار بر سر می‌گذارند؛ زیر عمامه شبکلاهی نمدی دارند که آن را به طور غیرآشکار برای حفاظت در برابر گرد و غبار بر سر می‌گذارند نه به صورتی علنی. از آن گذشته چکمه‌هایی با ساقه‌های برگشته به پا می‌کنند، ولی ظریف‌تر از چکمه‌های امیر. اما به هر حال نه قبا (ی امیر را) می‌پوشند و نه طیلسان را (مانند قضات).» «لباس ملاکان، بازرگانان و اشراف متحدالشکل است، یعنی طیلسان، دستار، کفش بدون ساقه برگشته، پیرهن با جبه و نیم تنه آستردار، ولی آن‌ها کوشش می‌کنند با انتخاب جنس بهتر برای هر یک از قطعات لباس بر دیگری برتری جویند. از نظر ظاهر هم یکسانند و با ظاهر اهالی بین‌النهرین تفاوتی ندارند. مقدسی از طرز لباس پوشدن مردم فقط چنین می‌گوید: «مردم عادی همان لباس‌هایی راکه نزد عرب‌ها معمول است بر تن می‌کنند، همچنین لباس‌های پشمی (زبر و خشن) می‌پوشند و بدان تظاهر می‌کنند، از طیلسان زیاد استفاده می‌کنند و دستارهای بلند بر سر می‌گذارند. مردمی که طیلسان می‌پوشند در شیراز مورد توجه

و احترام نیستند، فقط کسانی که ردای جلو نیم باز (دراعه) بر تن دارند از این تکریم و احترام برخوردارند.» صرف نظر از آن مقدسی گزارش می‌دهد که در مراسم تعزیه و ترحیم از این رسم عدول می‌شود: «آن‌ها در این مراسم اغلب نعلین یا سندل می‌پوشند.» یکی از اجزاء لباس درویشان را ابن بطوطه «کمربند دوستی» می‌نامد؛ «این را در حال چمباتمه زدن به دور بدن (زانو و پشت) خود می‌بندند؛ این کمربند در حال نشستن به آدم کمک می‌کند و مانند این است که فرد نشسته به کسی تکیه داده باشد؛ اغلب درویش‌های فارس این کمربند را با خود دارند.»

درباره خانه‌سازی بسیاری از جغرافی‌دانان مسائل مهم و اساسی را به هنگام وصف شهرها مورد بحث قرار داده‌اند. از آن‌ها کلاً این نتیجه حاصل می‌شود که خانه‌های خشتی و گلی بسیار بوده‌اند. «سقف‌های ضربی» خانه‌های ابرقوه و یزد شاهدی از آن است که از به کار بردن چوب به صورت کامل در بناها خودداری می‌کرده‌اند. خانه‌های از سنگ ساخته شده در بجه، شاپور و ارجان عمومیت داشته، در اصطخر، کازرون، نوبند جان و جره هم گاه گاه دیده شده است؛ خانه‌های با چوب هندی و افریقایی و آجر در سیراف بوده است. مقدسی درباره کاخ عضدالدوله در شیراز در نسخه‌ای از اثر وی که در قسطنطنیه است جزئیاتی به دست می‌دهد که از نظر تاریخ معماری واجد اهمیت است: «یکی از اتاق‌ها را دستور داد به رنگ چینی‌های ساخت چین و دیگری را از تخته سنگ (آیا این بدان معنی است که آن را چون غار آراسته بودند؟) بسازند، یکی را با سنگ‌های مرمر، یکی را با طلا، یکی را با پرده‌های نقاشی مزین کنند.» وی تأکید دارد که هیچ یک از این سیصد و شصت اتاق با دیگری همانندنبوده. درباره استحکامات اصطخری چنین توضیح می‌دهد: «در تمامی نواحی فارس قلعه‌هایی است یکی از دیگری مستحکم‌تر.» وی از این انواع مشخص نام می‌برد: الف) شهرهایی که دور تا دور آن‌ها را تأسیسات دفاعی و استحکامات گرفته ب) تأسیسات دفاعی در داخل شهر (شامل شهر قدیم، مع هذا) «احاطه شده از حومه‌ها» ج) بر و باروهای قدیمی در شهرها، یعنی تأسیساتی برج و باور مانند که در مورد آن‌ها هیچ قسمت از شهر داخل استحکامات نشده؛ در - تأسیسات و استحکاماتی مستقل بر فراز کوه‌های غیرقابل عبور که از (آبادی‌های دارای) خانه و ساختمان جدا قرار دارند.» درباره کوچک‌ترین این تأسیسات، قلعه‌ها، که بخشی از آن نوع آخرین قسمت استحکامات مذکور در فوق است، اصطخری باز چنین می‌گوید: «فارس بر طبق آن چه به گوش من رسیده است باید بیش از پنج هزار قلعه داشته باشد. این قلعه‌ها به صورت جدا از هم و تک افتاده بر فراز کوه‌ها و در حوالی شهرها، همچنین در خود شهرها قرار دارند. احصاء دقیق این قلاع با مراجعه به دفاتر حکومتی امکان‌پذیر است.»

درزمینه بناهای عمومی مقدسی بدون تردید و تزلزل آثار معماران فارسی را مورد تحسین قرار می‌دهد: من از آن‌ها آثاری دیدم که از نظر استحکام و عظمت حیرت‌انگیزند، مانند آب بند سد (عضدالدوله)، پل درخید و پل ابوطالب، این‌ها در دوره ما ساخته شده. اما هیچ معماری در شامات و شمال بین‌النهرین از عهده ساختمان‌هایی از این دست بر نمی‌آید. درباره‌ی جزئیات آن مقدسی چنین می‌گوید: «اغلب مساجد جامع دارای ستونند.» از آن گذشته این را به عنوان

خصیصه حمام‌های فارس ذکر می‌کند که قسمت گرم حمام خیلی به آتشخانه (تون) نزدیک است. می‌گوید: «در فضای داخل حمام از فرط گرما نمی‌توان مدتی ماند». چنین به نظر می‌آید که سربینه حمام‌ها خیلی کوچک بوده است. «همه جامه‌ها را فقط در یک جا می‌بایست قرار داد.» مقدسی به عنوان خصیصه‌ای از بازار چنین می‌گوید: «تنهاکبابفروشان دارای سکویی هستند.» ابن بطوطه درباره مقابر آن دیار می‌گوید که در شیراز چهار قبر از مشایخ و بزرگان دین موجود است، و قبور اهالی نیز در داخل شهر قرار دارد.

اصخری درباره زبان اهالی اطلاعاتی به دست می‌دهد: «آن‌ها دارای سه زبان هستند: فارسی، که آن را در محاوره با یکدیگر به کار می‌برند، دقیق‌تر بگوییم تمام اهالی فارس به زبانی سخن می‌گویند که صرف نظر از بعضی لغات منفرد (لهجه‌ای) در آن هر کس منظور دیگری را می‌فهمد و برای مردم عادی و معمولی نیز نامفهوم نیست. زبانی که کتاب‌ها و سالنامه‌های فارسیان قدیم و همچنین نوشته‌های زرتشتیان بدان تألیف و تدوین شده پهلوی است که فهم آن برای فارسیان محتاج توجیه و تفسیر است. سرانجام زبان عربی که در مکاتبات امرا و سلاطین، ادارات حکومتی و مردم عادی استعمال دارد.»

اصطخری درباره خصال و طرز فکر اهالی می‌گوید: «در سجایا و سکنات نجبا، ملاکان و عمال عالیرتبه دیوانی فارس که با فرمانروا سر و کار دارند و با وی مربوطند نجابت و رادمردی در عرصه‌های مختلف زندگی و تبری از خلقیات پست که حتی ذکر آن‌ها نیز ناپسند است، اهتمام غیرعادی به زینت خانه‌ها و عنایت به پوشاک و خوراک، چشم و همچشمی متقابل در این کارها و سرانجام نزاکت و آداب دانی بسیار که مرئی و علنی است غلبه دارد.»

«در مورد بازرگانان به خصوص این نکته به نظر می‌آید که حرص و ولع برای گردآوری سرمایه دارند. اهالی سیراف و مناطق ساحلی به سفرهای دریایی اقدام می‌کنند. گاه می‌شود که کسی در تمام عمر در دریا زندگی کند - شنیده‌ام که یکی از اهالی سیراف چنان به دریا خو گرفته بود که حدود چهل سال تمام پای از کشتی بیرون نگذاشت. هر گاه به خشکی نزدیک می‌شد، یکی از دوستانش را پیاده می‌کرد تا کارهای وی را در شهر مربوط به انجام برساند. اگر کشتی شکاف بر می‌داشت، شکسته می‌شد و به تعمیری نیاز پیدا می‌کرد وی از آن کشتی به کشتی دیگری می‌رفت. - بدین علت است که ثروت فراوان به چنگ آورده‌اند، تا به جایی که ثروت بعضی به حد چهار میلیون دینار بالغ گردیده است. حتی در مورد زمان حاضر نیز نزد من از مبالغ گزاف‌تری سخن گفته‌اند. با وجود آن از لحاظ سر و وضع و لباس، چنین ثروتمندی را از یک روزمزد تمییز نمی‌توان داد.»

«اهالی کازرون، فسا و نقاط دیگر تجارت بری را مباشرت می‌کنند و از این رهگذر، ثروت سرشار به دست آورده‌اند. این‌ها مردانی هستند که زندگی در غربت را با بردباری تحمل می‌کنند و حرص زیاد دارند که سرمایه بیندوزند. هر جا که باشند بدون تردید رفاه در آن جا حکمفرماست. هیچ شهری را در بر و بحر نمی‌شناسم که فارسیان در آن زندگی کنند، بدون این که در شمار معتبرترین اهالی آن جا باشند. نزد آنان رفاه، نظم در امور و تقید به اخلاق و آداب غلبه دارد.» اصطخری درباره استعداد فارسیان در تجارت بحری ضمن

وصف دریای فارس می‌گوید: «آن‌ها تا به امروز بر سواحل دریا، چه دور و چه نزدیک، تسلط دارند» از کتاب مقدسی چنین بر می‌آید که معاملات و امور مربوط به طبقات ثروتمندتر مردم توسط کسانی انجام می‌گرفته که از نظر مالی و معیشتی در درجه‌ای پایین‌تر قرار داشته‌اند. می‌گوید: «در دریا، در جناح شرقی عربستان اغلب کشتی‌سازان و ملاحان فارسی هستند.» پا را از این هم فراتر می‌گذاشت و گفت بازرگانان فارسی در بحر احمر جایی برای خود باز کرده بودند. به هنگام ذکر جده، بندر مکه، ابن حوقل می‌گوید: «قسمت اعظم تجارت شهر به دست فارسیان است.»

ابن الفقیه با وجود علاقه خاصی که برای سکنه بین‌النهرین دارد به عنوان قضاوت دیگران می‌گوید که فارسیان از آن‌ها عاقلترند.

قضاوت مقدسی از آن چه گفته شد کمتر محبت‌آمیز است. هر چند اجداد وی از ایران به غرب مهاجرت کرده بودند، او نسبت به طرز فکر و زندگی فارسیان در خود احساس بیگانگی می‌کند. آن سرزمین را «زادگاه پستی» می‌شمارد؛ فارسیان از نظر وی «فطرتاً لَخْت و تنبل هستند»، اما ظاهراً منظور وی در این مورد فقط مربوط می‌شود به تحقیقات و مطالعات علمی، زیرا در مقدمه می‌گوید: «حیله‌گرترین مردم، حیله‌گرترین تجار و بیشترین تدنی اخلاقی را در فارس می‌توان جست.» در کتاب مقدسی به طبقات پایین و فرودست هم که به ندرت ذکری از آن‌ها به میان می‌آید عنایتی می‌شود: «فارس سرزمین ظلم و خودسری است. در یکی از کتاب‌های کتابخانه عضدوالدوله خواندم: اهالی فارس بیش از همه مردم تسلیم و گوش به فرمان شهریاران هستند، با حداکثر بردباری هر ستم و جوری را تحمل می‌کنند، بیشترین بهره مالکانه را می‌پردازند و حداکثر فرمانبری و انقیاد را از خود نشان می‌دهند، از آن گذشته در کتاب چنین آمده بود: اهالی فارس هرگز عدالت را نشناخته‌اند.

هنگامی که مقدسی به وصف شیراز، شهر مرکزی این سرزمین می‌پردازد به خصوص از ذکر انحطاط اخلاقی فارسیان غافل نمی‌ماند. بعضی اوقات نیز از این که «نظارت امور گرمابه‌ها گاه به عهده زنان است»، خونش به جوش می‌آید. برخلاف وی ابن بطوطه به تأکید وجود تعداد کثیری از اعقاب حضرت محمد (ص) را در شیراز یادآور می‌شود: «شیراز از جمله شهرهای خداست که اغلب سادات در آن جا زندگی می‌کنند.» از کتاب فارس ـ ترجمه کیکاوس جهانگیری

**قشقائی‌ها:** فرهنگ عشایری، مانند فرهنگ هر قوم دیگر، مجموعه‌ای است از آداب و رسوم و اعتقادات سنتی و پای بندی‌ها و هنرهائی که در نزد این قوم مرسوم و محترم است.

بارزترین هنر مردم عشایر، همان مبارزه با طبیعت و ایجاد نوعی سازش با خشونت طبیعت است اگر از گوشه‌هایی از سرزمین‌های اصفهان و خوزستان چشم بپوشیم، می‌توانیم بگوئیم که عشایر قشقائی در سرزمین‌های وسیع فارس پراکنده‌اند. منظور از فارس، فارس وسیع و گسترده‌ی پیشین است، پیش از آن که استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر و سواحل و بنادر جنوب و بندرعباس و ... از پیکرش جدا شده باشد، و می‌دانیم که سرزمین فارس، اگر چه در بردارنده‌ی سردسیرترین تا گرمسیرترین آب و هواهاست اما روی هم رفته، سرزمینی است خشک و کم باران. اگر باران ببارد فارس رشک بهشت می‌شود، زمین می‌روید، کوه می‌خندد و

نعمت فراوان می‌شود. و اگر نبارد، نکبت و فقر همه جا و همه چیز را می‌پوشاند. ادامه‌ی زندگی و خوشبختی یا بدبختی ایل قشقائی، بستگی تام و تمام به بارش باران دارد. به همین خاطر است که مردم ایل همواره چشم بر آسمان دارند. کمترین حرکتِ پاره‌ی ابری را می‌پایند. به وزش و جنبش هر نسیم و بادی توجه می‌کنند، معتقدند که از باد، باران می‌خیزد. شاید به همین دلیل باشد که بسیاری از مردان ایل هواشناسان زبده‌ای هستند.

شاید به جرأت بتوان گفت که برجسته‌ترین هنر مردم ایل مهمان نوازی، گذشت و بلندنظری ایشان است. ایشان کرامت را از طبیعت و آسمان و بلند نظری و سرافرازی را از کوه‌های بلند و گردن برافراشته یافته‌اند. خانه‌های حقیر و چهار دیواری‌های تنگ و ترش در جان و روان آدمی اثر می‌گذارد. انسان را تنگ چشم و کوتاه نظر می‌پروراند، برخلاف دشت‌های وسیع و افق‌های باز که وسعت نظر و مناعت طبع می‌بخشد. هنرهای قالی و جاجیم و گلیم بافی و دیگر هنرهای گوناگون ایل در مقابل این هنرشان، هنرهائی کمرنگ و تُنُک مایه می‌نماید.

ایل قشقائی با حرفه و هنر خود، یکی از منابع درآمد و یکی ازکانون‌های تولید کشور است. باید کاری کرد که این سرچشمه‌ی تولید، تبدیل به یک مرداب مصرف نشود. هیچ انسانی در ایل، بیکاره و بی خاصیت نیست. همه کار می‌کنند، همه می‌کوشند، همه منشأ اثر و تولیدند، زنان، مردان، جوانان، کودکان و پیران. مردان، دامداری و زراعت می‌کنند، زنان، خانه داری می‌کنند، گلیم، جاجیم و قالی و قالیچه می‌بافند، شیر می‌دوشند، ماست و پنیر و کره و روغن و کشک می‌سازند، فرزند ترتبیت می‌کنند و بسیاری کارهای مفید دیگر انجام می‌دهند و به طور کلی ستون فقرات ایل را زنان تشکیل می‌دهند به طوری که ارزش و اعتبار کار مردان ایل در برابر کار زنان ناچیز و اندک می‌نماید. شاید به همین دلیل باشد که دختران ایل از ارزش و اعتبار بالائی برخوردارند و به هنگام شوهر کردن، پدرانشان شیربها و باشلق سنگینی از داماد طلب می‌کنند. کودکان، برّه و کهره‌ها را می‌چرانند و به پدر و مادران کمک می‌کنند و پیران به رشتن و رنگ‌آمیزی کردن پشم و نخ برای بافتن گلیم و قالی به کارهای سبک مناسب حال خود می‌پردازند.

گلیم و جاجیم و قالی و قالیچه‌ی ایل قشقائی نه تنها در بازارهای داخلی، بلکه در بازارهای بین المللی، خواستاران و خریداران فراوان دارد و از دیدگاه صادرات و ارز و اقتصاد، ارزش و جایگاه ویژه‌ی خود را دارد، به خصوص که بافته‌های ایل از نظر رنگ و رشت طبیعی و طرح و نقشه‌های ویژه و زیبا در نوع خود بی نظیر است.

شهر فیروزآباد از نظر جغرافیائی که درست در مرز قشلاق و ییلاق عشایر واقع است و اکثر طوایف ایل قشقائی در هنگام کوچ‌های بهاره (از گرمسیر به سردسیر) وکوچ‌های پائیزه (از سردسیر به گرمسیر) ناچارند از این شهر بگذرند، برای تمرکز هنرهای ایلی جایگاه مناسبی است، به ویژه که از دیرباز گروه بسیاری از مردمان ایل قشقائی به ویژه از طایفه‌ی عمله در این شهر اسکان یافته‌اند و کارگاه‌های قالی بافی دایر نموده‌اند به طوری که امروزه قالی‌هایی که چگنی‌ها در فیروز آباد و جادشت می‌بافند، شهرت بسزائی دارد. از دیدگاه روانشناسی نیز شهر فیروز آباد برای ایل قشقائی جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا از قدیم‌الایام پایگاه ایل بوده و برای قشقائی‌ها مرکزیتی داشته است.

همچنین مردم فیروزآباد و ایل قشقائی با هم الفتی دیرینه دارند.

نقش مثبت صنایع دستی ایل، نه تنها از دیدگاه اقتصادی بلکه از دیگاه‌های دیگر نیز حائز اهمیت بسیار است، لذا لازم است که برای حفظ این صنایع که میراثی است مهم و مفید چاره اندیشی شود. همانطور که می‌دانید صنایع دستی از قدیم الایام، یکی از اقلام مهم صادرات ما را تشکیل می‌داده و اکنون نیز می‌تواند چینین باشد و برای مملکت جلب شهرت و منفعت کند. حال چرا بیگانگان ما را به جای نفت و فراورده‌های نفتی که بالاخره روزی به پایان خواهد رسید، با صنایع دستی و هنرهایمان نشناسند؟!

صنایع دستی از نظر اقتصادی، برای خود مردم ایل، ایجاد کار و درآمد می‌کند و بسیاری از کسان را، چه در صنایع رنگرزی و رنگ‌آمیزی و چه در طرّاحی و نقشه و چه در ساخت و بافت، مشغول می‌سازد و از بیکاری رهائی می‌بخشد.

موسیقی ایل بازتابی است از زندگانی ایل، اگر چنین نبود، واقعی و اصیل نمی‌نمود. زندگی ایل نوعی دربدری و بیانگردی و خانه بدوشی است. مسلّماً ایل قشقائی که از تیره‌ها و طایفه‌های گوناگون تشکیل شده، اگرنه که هر تیره و طایفه‌ی آن جداگانه، دست کم جمع این ایل از یک اصل و منشأ ویژه‌ای بوده است.

موسیقی ایل قشقائی پر از این ناله‌ها و آرزوهاست. آوارگی، دربدری، پیچ و خم راه‌ها، پستی و بلندی گردنه‌ها و ناهمواری صحراها همه و همه در موسیقی ایل قشقائی طنین انداز است. موسیقی ایل، همه را در خود منعکس دارد، اگر چنین نبود اصیل نبود.

موسیقی و شعر و هنر یا ادبیات هر قوم انعکاسی است از اوضاع اجتماعی و زندگانی همان قوم. دردهائی راکه نمی‌شود به زبان آورد و خطیبان و سخنوران یا نویسندگان نمی‌توانند آن‌ها را بیان کنند، شاعران و موسیقی دانان آن‌ها را در شعر و موسیقی خود فریاد می‌کنند. انتظار موسیقی شاد از قوم یا ملتی داشتن که در تمام دوران حیاتش گرفتار هزاران مصیبت‌های تاریخی و سیاسی و اجتماعی بوده و بارها و بارها غارت و سرکوب و مضمحل شده و تا پرتگاه نیستی و نابودی پیش رفته.

موسیقی و هنر و شعر ایل قشقائی تاریخ زندگی ایل قشقائی است، با زبان یا فریاد شعر و هنر، مقدس و نگاه داشتنی است. مسلّماً اگر روزی ایل به طور کامل اسکان یابد و آرام و پابرجا شود و مشکلات عدیده‌ی زندگیش برطرف گردد و شاد و خشنود برخیزد، حتماً موسیقی او نیز آهنگ نشاط خواهد نواخت و موسیقی دان به جای استفاده از سیم‌های ضخیم و صدای بم ساز خود از سیم‌های ظریف و صدای زیر آن بهره خواهد جست. ـ دکتر جهانبخش نوروزی

جمعیت عشایر قشقایی در طول تاریخ خود دچار تغییرات شدیدی شده است. اگرچه از دورانهای دور و گذشته آمار و اطلاعات تقریبی هم در اختیار نداریم ولی در یک قرن اخیر که مسایل سیاسی و نظامی و اقتصادی و ایل اهمیت خود را در صفحات جنوب کشور نمایان ساخت اعداد تقریبی شاخص جمعیت با صرف زمان و تکنیکها و انگیزه های آماری دقیق تر گردیده است.

در مجموع تا شروع جنگ جهانی اول جمعیت قشقائیها رو به افزایش بوده و نوسان زیادی حاصل از مرگ و میرها و کشتارهای ناشی

از کشمکشهای داخلی نداشته است و از طرف دیگر دسته ها و گروهها و افراد متعددی نیز به تشکیلات ایل پیوسته و بر افزایش رشد جمعیت آن تاثیر فراوان داشته اند.

در کاهش جمعیت ایل شدیداً دخالت داشت و تعداد کمی هم که زندگی و هستیشان از بین رفته بود یا در معرض خطر قرار داشت ایل را ترک گفته و به نقاط دیگر از جمله استانهای باختران و مرکزی و تهران مهاجرت کردند. و تعدادی نیز در شهرها و قصبات فارس و بوشهر یکجانشین شدند و بطور کلی حوادث و عوارض منفی در رشد جمعیت که ناشی از بروز جنگهاست، جمعیت زیاد قشقائیها را در جنوب نیز شامل خود گردانید. در این زمینه آمار صحیحی در دست نیست و فقط بنا به نوشته لرد کرزن جمعیت ۵۰۰۰۰ خانواری قشقائیها به ۱۲۰۰۰ خانوار تقلیل یافت.

از ایندوره به بعد نیز ایلات جنوب کشور از جمله قشقائیها از رشد جمعیت چندانی برخوردار نبودند زیرا: عواملی نظیر کشمکش با دولت مرکزی، کشمکش بر سر وسعت دادن مراتع با عشایر همجوار، قحطسالیها و اجرای سیاست اسکان عشایر مانع از افزایش سریع جمعیت گردید.

بعد از وقایع ۱۳۲۰ که مصادف با تفویض قدرت در ایران بود و محدودیتهای ناشی از اسکان عشایر از بین رفت. بار دیگر زندگی ایلیاتی در بین قشقائیها احیاء شده و گروههای پراکنده به تشکیلات مرکزی ایل پیوستند.

با در اختیار گرفتن اراضی از دست رفته جمعیت ایل انسجام و روح تازه ای پیدا کرده و رو به تزاید نهاد و بغیر از سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ که بلوای جنوب رخ داد. در دوره های آرامش بعدی تاکنون رشد جمعیت سیر صعودی داشته است.

پس بر جمعیت کوچ نشین قشقائیها در طول زمان عوامل توسعه دهنده و کنترل کننده ای حکومت کرده است که در نوسان و تغییرات ساختارهای داخلی جمعیت آن شدیداً موثر بوده است که این عوامل عبارتند از:

الف: آرامش یا مغشوش شدن منطقه از جنبه های سیاسی و نظامی و مسئله اسکان اجباری عشایر.

ب: مراتع و کم و زیاد شدن وسعت آنها که بطور مستقیم درکم و زیادکردن تعداد نفوس نقش داشته است.

ج: تغییرات طبیعی محیط از جمله بروز سالهای پرنعمت و بالعکس. خشکسالیها و قحطسالیهای نابوده کننده.

د: بروز بیماریهای کشندهٔ دسته جمعی که امکان مبارزه با آنها وجود نداشته است، همینطور سقط جنین ها و تلفات زیاد در بین نوزادان و کودکان خردسال در مواقع جنگ و قحط سالی در آن شرایط که شدیداً رواج داشته است.

تا این اواخر که هنوز یک سرشماری نسبتاً دقیق از ایلات کشور بعمل نیامده بود، میتوان توجیه نمود که ایل قشقائی در موقعیکه بیشترین مقدار جمعیت را داشته است، تعداد خانواده های آن بین ۵۰ تا ۸۰ هزار خانوار و حداقل به ۱۲ الی ۳۰ هزار خانوار تقلیل داشته است.

**ب: کمیت فعلی جمعیت** همانطور که اشاره شد تعیین جمعیت ایل قشقایی به دقت میسر نبوده و نیست زیرا ابتدا باید معلوم شود که کلاً مفهوم جمعیت قشقایی چیست؟ آیا منظور جمعیت کل تعداد افرادی است که بنا به خصیصه های نژادی و قومی در سطح ناحیه پراکنده اند، مثلاً در شهرها،

روستاها، کوچرو و سایر نقاط داخل و خارج کشورکه زمانی در چهارچوب تشکیلات قشقائی قرار داشتند؟ یا اینکه هدف این است که فقط جمعیت کوچ نشین فعلی را در نظر داشته باشیم. چنانچه مورد دوم را مدنظر گیریم بحث ما خلاصه تر و ساده تر و آمارهای فعلی ما دقیق تر خواهد بود زیرا بر مبنای مکان و تعداد خانوارهای هر طایفهٔ آمارهای گوناگون در اختیار داریم.

ولی چنانچه تعداد نفوس را فقط بر مبنای ضوابط طایفه ای و نژادی در نظر گیریم یعنی کلیهٔ کسانی که لفظ قشقایی به آنها اطلاق میگردد در آنموقع مشکلات متعدد زیر بر سر راه خواهند بود:

۱ - پراکنده بودن افراد بصورت شهرنشین، روستایی و کوچرو در خارج و داخل منطقه مورد مطالعهٔ ما، مثلاً چنانچه جمعیت شهرفیروزآباد یا روستای مه‌کوه سرشماری میشود دیگر اشاره ای به تعداد قشقائیهای آن نمیشود و ما از آن تعداد اطلاعی نداریم.

۲ - پیچیدگی و ادغام نژادی و اختلاط مردمان بومی یا قشقائیها یا عشایر دیگر مرز و حدودی جهت تعیین تعداد جمعیت قشقائی که بتواند آنرا سرشماری کرد، باقی نخواهد گذاشت.

طبق این آمار تعداد خانوارهای ایل قشقایی به ۱۷۴۴۴ خانوار افزایش یافت و چنانچه براساس نمونه‌گیریها تعداد متوسط افراد هر خانوار را ۶/۵ نفر در نظر بگیریم کل جمعیت کوچرو ایل قشقایی ۱۱۳/۳۸۶ نفر خواهد بود که نسبت به سال ۱۳۶۱ حدود ۲۴۰۲۰ نفر افزایش نشان میدهد

علل فوق‌الذکر نیز همچنان در افزایش جمعیت دخالت دارند. با توجه به اینکه در ظرف این چهار سال قطعاً تعداد زیادی از کوچروهای سال ۱۳۶۱ زندگی ایلی را ترک کرده، از اینرو میبایست درکاهش و یا عدم رشد سریع جمعیت متحرک موثر باشند، ولی رشد موالید و زاد و ولد و کاهش نسبی مرگ و میرها و ازدیاد ازدواجها و توسعه بهداشت عمومی از علل کاهش دهنده مذکور سبقت گرفته و علاوه بر عدم کاهش باعث افزایش نفوس بمیزان ۲۴۰۲۰ نفر نیز گردیده

جمعیت کل عشایری کشور در سال ۱۳۶۵ حدود ۱۸۳۵۴ خانوار بود) که پس از این بختیاری که ۳۴۳۳۳ خانوار و معادل ۱۸/۲۲٪ جمعیت عشایری کشور را تشکیل میدهد. دومین تشکیلات ایلی پر جمعیت کشور بشمار میرود.

جمعیت استان فارس بالغ بر ۳۲۲۹۲۲۶ نفر است که ۳/۵ درصد این جمعیت را قشقائیها تشکیل میدهند. از لحاظ جمعیتی باید گفت که در مقایسه با بعضی از ایلات منطقه، جمعیت ایل قشقایی حدود سه برابر جمعیت عشایر بویراحمد و کهگیلویه و بیش از سه برابر جمعیت ایلات خمسه و عرب و باصری در استان فارس و ۴/۶ برابر جمعیت ایل ممسنی میباشد، که خود دلیلی است بر اهمیت اجتماعی - سیاسی و اقتصادی و فضایی ایل قشقائی.

ج: **تراکم جمعیت** تراکم جمعیت در سطح منطقهٔ فارس، وسعت منطقه فارس ( شامل بخشهای از جنوب اصفهان و استان کهگیلویه و بخش جنوبشرقی خوزستان و بوشهر)، ۱۶۴۰۰۰ کیلومتر مربع میباشد که در رابطه با جمعیت ۱۱۳۳۸۶ نفری قشقایی، تراکم جمعیت کمتر از ۱ نفر یعنی ۰/۶۹٪ در هر کیلومتر مربع است که خود شاهدی بر وسعت منطقه است. تراکم جمعیت نسبت اراضی زراعی قشقائیها با تراکم بیولوژیکی،

و مجموع اراضی زراعی قشقائیها در ییلاق و قشلاق اعم از آبی و دیم و باغ حدود ۵۹۳۵۷ هکتار است.

**توزیع جمعیت قشقائی با توجه به نحوهٔ سکونت و اوضاع معیشتی آنها:** تغییر و تحولات اجتماعی و سیاسی کشور و محدودیتهای محیط طبیعی و رفرم معیشتی از دیر باز تاکنون موجب گردیده که عشایر قشقایی که زمانی جملگی کوچرو بوده اند در شرایط فعلی قشقائیها به سه گروه متمایز از هم تقسیم میشوند: الف: عشایر کوچرو و چادرنشین که به حسب فصول به مناطق ییلاقی و قشلاقی در رفت و آمدند و حدود ۱۵۰۷۵ خانوار یا ۹۷۹۸۷ نفر را تشکیل میدهد.

ب: عشایر نیمه کوچ نشین که در ییلاق یا قشلاق خانه روستایی داشته و علاوه بر دامپروری، کشاورزی نیز نقش اساسی در ساختار اقتصادی آنها دارد. این عده حدود ۲۳۶۹ خانوار یعنی ۱۵۳۹۹ نفر را شامل میگردد، از این تعداد ۲۰۰۳ خانوار به دلیل شرایط مناسب سکونت در گرمسیر و بهره برداری از اراضی زراعی و فعالیتهای متفرقه در قشلاق بسر میبرند.

ج: عشایر ساکن که بطور ثابت و دائم در گرمسیر یا سردسیر اسکان داده شده اند و یا بصورت مهاجرین در شهرها و قصبات جنوب جذب گردیده و در آن اجتماعات مستحیل گردیده اند. ولی اغلب از سیستم معیشتی یکجانشینان تبعیت مینمایند و چنانچه به پرورش دام فعالیت داشته باشند، خودشان مستقیما در اداره امور آن دخالت ندارند

هرچند در این مورد آمار مشخصی در دست نیست، زیرا آنان با شهرنشینان و روستانشینان سرشماری گردیده اند، ولی منابع غیررسمی تعداد آنها رابیش از یکصد هزار نفر میداند بطوریکه فقط ۴۵ روستای عشایری ناشی از اسکان عشایر در سطح استان فارس و چهارمحال و بختیاری با جمعیتی حدود ۱۴۴۰۰۰ نفر وجود دارد به اضافه تعدادی که در شهرهای منطقه و کشور و روستاها و بخشها پراکنده اند.

**تقسیمات اجتماعی و گروههای عشایری و توزیع جمعیت ایل قشقائی براساس آن:** تقسیمات داخلی ایل قشقایی همانند سایر جماعات کوچ نشین دارای سلسله مراتب ایلی است. بطوریکه ایل به چند طایفه تقسیم میشود، هر طایفه از چند تیره و گروه همگن و هر تیره از چند خانوار تشکیل شده است. معمولاًکوچکترین واحد اجتماعی همان خانوار است یعنی تعداد افرادی که باهم خویشاوند بوده و در زیر چادر در مجاورت هم زندگی کرده و در مصرف هزینه ها و مواد و کالاهای ضروری باهم سهیم و همگی در فعالیتهای اقتصادی و تولید مواد اشتراک مساعی داشته باشند.

در یک تقسیم بندی کلی تشکیلات ایل قشقائی به ۵ طایفه و سپس به ۱۴۳ تیره و ۱۷۴۴۴ خانوار تفسیم میگردد و توزیع جمعیت به نسبت آن بشرح زیر است:

طایفه شش بلوکی: ۳۴۴۴ خانوار معادل ۲۵٪ کل خانوارهای ایل

طایفهٔ عمله: ۳۲۰۴ خانوار معادل ۲۳/۲٪ کل خانوارهای ایل

طایفهٔ دره شوری: ۲۸۵۳ خانوار معادل ۲۰/۷٪ کل خانوارهای ایل

طایفهٔکشکولی: ۲۷۲۳ خانوار معادل ۲۰٪ کل خانوارهای ایل

کشکولی بزرگ ۲۱۱۱ خانوار

کشکولی کوچک ۶۱۲ خانوار
طایفهٔ فارسیمدان: ۱۵۲۸ خانوار معادل ۱۱/۱٪ کل خانوارهای ایل

باید توجه داشت که در ایل قشقایی پر جمعیت بودن طوایف و یا لفظ بزرگ و کوچک (کشکولی) بمنزلهٔ قدرت اقتصادی و اجتماعی بشمار نمیرود. مثلاً طایفهٔ عمله که بیش از ۲۳ درصد جمعیت کل ایل را در برمیگیرد، جزء فقیرترین طوایف است و مردم آن دارای کمترین میزان زمین و مرتع مرغوب بوده و همانطورکه از واژهٔ (عمله) استنباط میگردد اکثر جمعیت آن بکارهای کارگری، خدمتگزاری، چوپانی و... اشتغال دارد.

یا طایفهٔ کشکولی که به دو بخش کشکولی کوچک و بزرگ منقسم میگردد، بدین معنی نیست که کشکولی کوچک قدرت اقتصادی و اجتماعی ضعیفتری دارد، بلکه در رده های رهبری طایفه همیشه کشکولیهای کوچک از قدرت و منزلت خاصی برخوردار بوده و دارای قدرت رهبری و وضعیت اقتصادی بالایی میباشند.

**توزیع جمعیت برحسب تیره ها و خانوارها:**

- طایفهٔ دره شوری: دارای ۲۶ تیرهٔ عمده و ۲۸۵۳ خانوار با جمعیت تقریبی ۱۹۲۲۳ نفر
- طایفهٔ شش بلوکی: دارای ۱۹ تیرهٔ عمده و ۳۴۴۴ خانوار با جمعیت تقریبی ۲۰۹۰۲ نفر
- طایفهٔ عمله: دارای ۳۷ تیرهٔ عمده و ۳۲۰۴ خانوار با جمعیت تقریبی ۲۰۷۳۸ نفر
- طایفهٔ فارسیمدان: دارای ۱۹ تیرهٔ عمده و ۱۵۲۸ خانوار با جمعیت تقریبی ۹۷۸۶نفر
- طایفهٔ کشکولی: دارای ۴۲ تیرهٔ عمده و ۲۷۲۳ خانوار با جمعیت تقریبی ۱۸۷۱۷ نفر با

انتخاب و اندک تصرف از مجله فصلنامه ذخایر انقلاب - رضا مستوفی الممالکی

**ترکیب کلی ایلات و طوایف:** حدود ۱۰٪ جمعیت کل عشایر کشورمان در این منطقه گذران معیشت می نمایند و استان کرمان پنجمین استان از نظر جمعیت و از نظر تعداد ایلات و طوایف مستقل، در ردیف اول قرار دارد. بطوری که هم اکنون ۲۷ ایل و ۴۱ طایفه مستقل در این منطقه به این شیوه، گذران معیشت می نمایند که هرکدام در یک سازمان بندی اجتماعی سلسله مراتبی به چند یا چندین ردهٔ کوچکتر تقسیم می شوند.

«...در گذشته فقط اقوام کوچ و بلوچ (کوچمی ها و بلوچهای فعلی) در این منطقه می زیستند. اما به مرور زمان بر تعداد این ایلات و طوایف افزوده گردیده است. ایلات و طوایف فعلی بغیر از بقایای کوچها و بلوچها، به مرور زمان از نقاطی دیگر چه بصورت تبعید یا با اهداف دیگر به این منطقه روی آورده و سفره زندگی گسترده اند. فرهنگ، گویش، آداب و رسوم، شیوهٔ کوچ، نوع کوچ و... در هر ایل و طایفهٔ مستقل، متفاوت از دیگری است. در این منطقه عشایر فارس، بلوچ، ترک، کرد، لر، عرب وجود دارند که در استانهای دیگر کشورمان کمتر این گوناگونی و ترکیب وجود دارد. با این حساب، ایلات و طوایف این استان، ترکیبی است از تمام عشایر کشورمان، بجز ترکمن ها.

در یک نگاه کلی، ایلات و طوایف این منطقه به ۴ دسته تقسیم می شوند که عبارتند از:

۱ - عشایری که از قدیم الایام در این منطقه بوده اند، مانند کوچ ها و بلوچها.

۲ - مهاجرین: ایلات و طوایفی هستند که از جاهای دیگر، یا استانهای هم جوار، از جمله

استان فارس، به دلایل مختلف از جمله درگیریهای قومی و... از ایل و تبار خود بریده و در این منطقه پرسهٔ زندگی گسترده اند. ایل های سلیمانی، لک، مهنی و چند ایل دیگر از آن جمله اند، به عنوان نمونه، گفته می شود که ایل لک در حدود ۱۱۰۰ شمسی (۲۶۸ سال پیش) از منطقه فارس به کرمان مهاجرت کرده اند.

۳ - مهاجمین: عمدهٔ شامل طوایف عربی است که در گذشته و دوران گسترش اسلام، به کشور ایران هجوم آورده و هرکدام در مناطقی رحل اقامت افکندند. بقایای آنها هنوز در منطقه وجود دارد، ولی گویش ها و فرهنگ آنها تحت تاثیر فرهنگ منطقه، دگرگون شده، چنانکه امروزه تنها اسم عربی یدک می کشند.

۴ - ایلات و طوایف تبعیدی: در گذشته که حکومت معمولا در دست قدرتهای ایلی و قبیله ای می چرخید برای سرکوبی سایر قدرتهای ایلی و مهار آنها با توجه به اصل تفرقه بینداز و حکومت کن، اقدام به کشت و کشتار و از هم پاشیدن و تبعید ایلات بزرگ و متمرد می کردند که در کشورمان از اینگونه، بسیار صورت پذیرفته است. در کرمان افشارها، لک ها، بچاقچی ها و چند ایل و طایفهٔ دیگر از آن جمله اند. به عنوان مثال، ایل بچاقچی بنا به گفته افراد پیر و مطلع ایل، توسط نادرشاه از قره داغ آذربایجان به سرزمین کرمان تبعید شدند. همچنین ایل افشار مشهور است که در زمان سلطنت شاه طهماسب صفوی به سرزمین کرمان اجباراً کوچانده شدند.

**جمعیت و وضعیت اجتماعی - اقتصادی عشایر این دو استان:** براساس آخرین سرشماری در این دو استان ۲۷ ایل و ۴۱ طایفه مستقل وجود دارند که در ۲۶۶ طایفه و ۶۵۴ تیره، ۳۵۳۶ احشوم یا هلک سازمان یافته و مشتمل بر ۲۹۶۷۳ خانوار با جمعیتی حدود ۱۰۷۷۵۳ نفر می باشند.

**وضعیت اقتصادی** براساس همین سرشماری عشایر این منطقه حدود ۱۵۰ هزار راس بز و بزغاله، ۴۶۰ هزار راس گوسفند و بره و حدود ۸ هزار گاو و گوساله دارند و عمده درآمد آنها از این طریق عاید می شود. ترکیب دام ها از چندین نژاد مختلف تشکیل شده است. از جمله بزتالی و رائینی که کرک این نوع بز از مرغوبترین کرک ها در دنیا بوده و یکی از اقلام مهم صادراتی می باشد. گوسفند این منطقه را نژادهای رودباری و سفید محلی تشکیل می دهد. تا چند سال قبل، شترداری از فعالیت های عمده آنها بود که برای حمل و نقل بار هم استفاده می کردند. ولی امروزه نسل این حیوان در منطقه رو به انقراض است.

از فعالیت های دیگر اقتصادی در درجهٔ دوم و سوم کشاورزی (هم در قشلاق و هم در ییلاق) و صنایع دستی (قالی بافی، گلیم بافی، جاجیم بافی و...) می باشد که بیشتر مصرف درونی دارد. کشاورزی هم در ییلاق و هم در قشلاق انجام می گیرد. در منطقه قشلاقی، اکنون هرچند خانوار (حدود ۲۰ خانوار) یک موتور پمپ داشته و جهت کشت علوفه و... و همچنین جهت آبشخور مورد استفاده قرار می دهند.

**ایلات خمسه فارس** ایلات خمسه فارس عبارت از پنج ایل کم اهمیت فارس بنامهای «**اینانلو**»، «**بهارلو**»، «**نفر**»، «**عرب**»، و «**باصری**» است که در دوره قاجاریه (۱۲۷۵ هجری قمری) بوجود آمده است. در واقع جمع این ایلات اتحادیه ای است سیاسی که دولت مرکزی در برابر نفوذ و قدرت روزافزون قشقائی ها به تشکیل آن دست زده است. با اینکه ایلات پنجگانه فوق از

برخی جهات باهم تفاوت فاحش دارند، با این حال علاوه بر اتحادیه سیاسی که آنها را با هم متحد ساخته است، در ساخت اجتماعی سیاسی، نیز تابع یک نظام و سلسله مراتب ایلی هستند. سه طایفه از ایلات خمسه ترک زبان هستند که عبارت اند از:

۱ - اینانلو: اصل این ایل از ترکستان است و تاریخ ورود آنها به فارس معلوم نیست، قول مشهور این است که در زمان مغولها به فارس آمده اند، این ایل یکجانشین است ولی درگذشته ییلاق - قشلاق می کرده است.

۲ - بهارلو: بمناسبت اینکه زبان این طایفه و تیره های آن ترکی است، اصل آنها را از ترکستان می دانند و می گویند در زمان سلجوقیان بایران آمده اند و در فارس توقف نموده اند.

سابق براین قشلاق بهارلوها در صحرای ایزدخواست، لارستان و جلگه داراب بوده و ییلاق آنها در نواحی مجرو و بلوک مرودشت و کمین بوده است. سال هاست که از نواحی داراب جرد حرکت نکرده و در همانجا در کنار رودخانه شور سکونت نموده اند.

۳ - نفر: باین طایفه ایل نیز گفته می شود. از ایلات ترکستان بوده که به فارس آمده اند، ییلاق آنها بلوک آباده و خشک و قشلاقشان داراب جرد و گاهی هم تا جهرم و نواحی لارستان است.

با ارزش ترین پژوهشی که در ایلات خمسه فارس انجام گرفته، کاری است که **فردریک بارث** روی ایل باصری انجام داده است. از آنجا که این اتحادیه ایلی در ساخت اجتماعی و سیاسی تابع یک نظام و سلسله مراتب ایلی هستند، از این رو با استفاده از نوشته «بارث» درباره ساخت اجتماعی و سیاسی و سلسله مراتب قدرت در ایل باصری به نکاتی چند اشاره می شود.

کوچنده های ایلات خمسه از جمله ایل باصری در زمستان و تابستان تشکیل «اردو» می دهند. اردوهای زمستانی معمولاً از ۲ تا ۵ چادر تشکیل می شود، ولی در سایر اوقات بین ۱۰ تا ۴۰ چادر است. این اردوها در حقیقت جماعات اولیّه یا اساس اجتماع کوچنده ها می باشند. اعضاء اردو یک گروه اجتماعی بسیار مفید و موظفی را تشکیل می دهند و روابطشان با یکدیگر به عنوان همسایگان مداوم نسبتاً دائمی است. در هر اردو رهبر به رسمیّت شناخته شده ای وجود دارد، که در مقاصد اداری و سیاسی، نمایندگی گروه را بعهده داشته آنجاکه در اردوئی کدخدای برسمیّت شناخته شده از طرف رئیس ایل (خان) نباشد، رهبران غیررسمی به عنوان ریش سفیدان با نظر اعضاء اردو عهده دار امور اردو هستند. بنابراین رؤسا و سرپرستان اردوها ممکن است دو نوع باشند: کدخدای رسمی - ریش سفیدان مورد اعتماد اعضاء.

رهبر اردو (کداخدا - ریش سفید) با اعمال اقتدار و با نفوذ خود در مقرر داشتن و تنظیم نمودن توافق هائی باتفاق آراء در مورد مسائل مهاجرت و محل های اتراق، اردوی خود را بطور دستجمعی در اختیار می گیرد. وضع و موقعیّت رهبران اردوها را می توان برحسب منابع قدرت، تحت عناوین زیر ذکر نمود:

الف - قدرت سیاسی ناشی از رئیس مرکزی (خان).

ب - قدرت اقتصادی.

ج - قدرت نظامی در داخل اردو.

ساخت اجتماعی سنّتی ایلات خمسه و سلسله مراتب قدرت در هر یک بقرار زیر است:

در ایلات خمسه، ایل در ردیف طایفه و تیره در میان لرها و بختیاری ها و قشقائی هاست که در صدر آن رئیس (خان) قرار دارد. تیره مخصوص از ایل بنام «دربار» همراه و هم انجمن با رئیس ایل هستند که در میان سایر ایلات فارس به «عمله» معروف اند. آنها با رئیس ایل و همراه با اردو سفر کرده و کدخدای رسمی ندارند.

زیر شاخه ایل و در نظام سیاسی، اجتماعی این ایلات تیره بمنزله اولاد و بنکو وتش در ایلات بختیاری و قشقائی است. سرپرستی آن با کلانتر است، که در حال حاضر کدخدا جایگزین آنها می باشد.

**اولاد**: اولاد در ایلات خمسه بمنزله دودمون در عشایر لر است و رهبری آن با کدخداست که از طرف رئیس ایل بایستی به رسمیّت شناخته شده باشد.

**چادر**: در معنای خانواده که کوچکترین واحد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می باشد و رهبری آن با پدر خانواده است.

**ایل افشار** از بزرگترین ایلات ایران است که در آذربایجان، خراسان، سیستان، کرمان، فارس، خوزستان، زنجان و همدان و جاهای دیگر پراکنده اند.

در وجه تسمیه این ایل میرزا رشید ادیب الشعرا در تاریخ افشار آورده است «نژاد طایفهٔ افشار چنانکه در باب سیر ضبط کرده اند **اوشاربن یولد و زخان بن**... که پسر قراخان و ایلخان خداپرست... بوده می رسد و از وی نیز به چند واسطه به **ترک بن یافث بن نوح** منتهی می گردد و این طایفه... در ممالک خراسان و فارس و آذربایجان و آران توطن گرفتند. با این حال درباره اصل و منشاء این ایل که کی و کجا بوده اند، نظرها متفاوت است، برخی آنها را از قبایل پارت اشکانی دانسته که در زمان تسلط ترکمانان در شمال خراسان بر اثر اختلاط و آمیزش با ترکها، زبان ترکی را اخذ کرده اند. (منظور از این نظر نشانی از ایرانی بودن آنهاست).

برخی نام آنها را از اوشیرخان، اوشاریا آووشار از نبایر هلاکوخان مغول می دانند که در دوره فترت از شیعیان و صوفیان صافی و مریدان شیخ صفی الدین اردبیلی بوده اند و در تأسیس دولت بزرگ صفوی در رکاب شاه اسماعیل جانفشانی ها نموده اند.

این ایل در آغاز دو شاخه اصلی داشته «قاسملو» و «قرقلو»، شاه اسماعیل قرقلوها را از آذربایجان به شمال خراسان کوچانیده در ابیورد و با خزر و جنوب مرو مسکن داد.

افشارها در تمام بلاد ایران پراکنده اند و همه جا اسکان یافته اند، در آذربایجان به افشار ارومی شهرت دارند. شعبه ای از این ایل به جنوب سلسله جبال زاگرس کوچانیده شده که بعداً به خوزستان رفته امروز در پیرامون شوشتر جای دارند که به افشار **گندزلو معروفند**، این طایفه زبان ترکی را فراموش کرده به زبان مردم شوشتر سخن می گویند.

**خصوصیات مردم ممسنی**: آنچه که به عنوان صفت مشخص‌کننده مردم ممسنی به نظر می‌رسد عبارتند از: مردان ممسنی عموماً مردمانی شجاع، دلیر و نترس و زنان ممسنی در همه زندگی و حتی جنگهای محلی یارویاور مردان.

مردم ممسنی نهایتاً میهمان‌نواز و مهمان دوست می‌باشند. در این راه از جان و مال برای میهمان دریغ نمی‌ورزند. حتی در سالهای اخیر تمایل مهمان‌نوازی خود را با نوشتن اشعار و

نصب آنها به در و دیوار مانند:

**احساس غریبی مکن اینجا که رسیدی**
**ایـن کـلبه نـاچیز تـعلق بـتو دارد**

به مهمان نشان می‌دهند.

حس نوع‌دوستی، ابراز همدردی و تعاون که از خصلت‌های پاک آنان است در میان مردم ممسنی همچنان باقی مانده است و بدون آن زندگی آنان امکان ندارد.

احساسات قومی و عشیره‌ای نیز همچنان به قوت خود باقی مانده است و همین مسئله عاملی می‌شود که گهگاه جنگهای قبیله‌ای و عشیره‌ای در شهرستان ممسنی درگیرد. با تـوجه بـه ایـنکه خواندن شاهنامه در میان نسل پیران هنوز ادامه دارد و بنابراین جنبه حماسی شاهنامه، روحیه سلحشوری آنان را هنوز گرم نگـاه داشـته است. همانطور که صاحبنظران می‌دانند اعتقادات مذهبی ایلات و عشایر فوق‌العاده زیاد می‌باشد و برای داوری در بین خود از سوگند بـه ویـژه سـوگند حضرت عباس (ع) استفاده می‌نمایند.

از جمله مراسمی کـه بـرای ایـنگونه داوری دارند، قسم کره‌ی حضرت عباس (ع) است. کره‌ی (Karey) حضرت عباس (ع) عـبارتست از چـند قطعه سنگ کـه بـه دو گـونه بـه روی هـم قـرار می‌دهند:

۱ـ گونه‌ای در آغاز چند قطعه سنگ را روی هم قرار می‌دهند (عمودی) که شخص متهم برای رفع اتهام با اشاره به این توده سنگ، سوگند یاد می‌کند که: «به این کره‌ی حضرت عباس من چنین کاری را انجام نداده‌ام». طرف دیگر با همین نوع داوری، می‌پذیرد. البته در اینجا باید متذکر شد که عمق اعتقادات آنان به قدری زیاد است که امکان ندارد کسی سوگند دروغ بخورد. معمولاً در مسیر کوچ و در بیابانها کره‌ی حضرت عباس بسیار زیاد دیده مـی‌شود. حـتی گـاه دور خـرمن را خـطی دایره‌وار می‌کشند و سنگی را بـه عـنوان کـره‌ی حضرت عباس قرار مـی‌دهند و آنـرا از دسـتبرد دیگران در امان نگاه می‌دارند.

**مراسم کفن و دفن مردگان**: اگر فردی در یک خانواده‌ای از دنیا برود ابتدا دو چشم و دو انگشت بزرگ پای او را می‌بندند و دو دستش را روی شکم یا در دو طرف پهلو قرار می‌دهند سپس او را در جاجیم یـا پـتو مـی‌پیچند و روی تـابوت قـرار می‌دهند. تابوت از دو قطعه چـوب سـه مـتری تشکیل شده که چهار یا پنج قطعه چوب ۸۰ سانتی با طـناب بـه آن بسـته‌انـد کـه بـصورت نـردبان درمی‌آید. در این حال جسد را روی تابوت قرار می‌دهند آن را با طناب می‌بندند و بـا صـلوات فرستادن برای شستن و غسل دادن بسوی چشمه یا رودخانه می‌برند.

پیش از رسیدن تابوت دو نفر در محل غسل میت مقداری برگ درخت روی زمین می‌چینند و با آمدن تابوت میت را روی برگها قرار می‌دهند و او را غسل می‌دهند. شستشو به وسیله کافور، سدر و آب انجام می‌شود قرآن و دعا بوسیله ملای محل خوانده می‌شود و دستور غسل داده می‌شود. پس از آن میت راکفن می‌کنند و سپس آن را در جاجیم یا پتوی دیگری می‌پیچند و روی همان تابوت می‌گذارند به قبرستان می‌برند.

در همین موقع مردم ده و دهات اطراف کـه بوسیله جارچی مطلع شده‌اند از قبل قبر را آماده نموده‌اند. قبر به طول ۲ متر و عرض ۱/۵ متر با سنگ دورچـینی شـده است. دورچـینی قـبر بـا سنگهای بلندی است که بطول ۱/۵ از کوه جدا کرده‌اند و با قاطر و الاغ آورده‌اند و سنگ را روی

قبر می‌گذارند و حدود ۸۰ سانت از طول قبر را با این سنگ می‌پوشانند. و بقیه آن را برای فرستادن میت به داخل قبر می‌باشد. قسمت باز قبر در قسمت پای میت قرار دارد. پس از آماده شدن قبر، ملای محل جلو می‌ایستد و با افراد حاضر نماز میت را اقامه می‌کند سپس تابوت را بلند کرده از طرف پائین قبر یعنی جایی که پای میت قرار می‌گیرد سه بار تقریباً به فاصله یک متر به زمین می‌گذارند و تکبیر می‌گویند و سپس یک نفر از بستگان یا افراد داوطلب که با پای برهنه و یقه باز باشد، متوفی را به خاک می‌سپرد.

بدین ترتیب که روی یک زانو می‌نشیند و سر میت راکه از بالا به پایین می‌آید با پای راست به آخر قبر هدایت می‌کند سپس بالشی که از همان کفن درست شده و پر از خاک است زیر سر میت قرار می‌دهد و بعد از آن تخته سنگی به وزن تقریباً دو کیلو زیر شانه چپ او می‌گذارند که روی میت به سوی قبله باشد. سپس کفن راکه بوسیله طنابهای پارچه‌ای بسته شده باز می‌کنند و روی صورت میت را باز می‌گذارند و قطعه چوبی به طول نیم متر که معمولاً از چوب انار یا چوب دیگر درختان است در امتداد دست میت، در پهلوی وی می‌گذارند. مردم معتقدند که این چوب برای بلند شدن میت در روز رستاخیز است در این حال سنگ را روی تمامی قبر قرار می‌دهند و با گل آن را اندود می‌کنند تا خاک وارد قبر نشود. ضمناً سوراخ کوچکی در حدود سینه متوفی باز می‌گذارند، چوب از این سوراخ به سینه وی وصل می‌کند که موقع خواندن اشهد با نام بردن دوازده امام (ع) و با تکان دادن چوب، میت متوجه اشهد بشود. پس از پایان اشهد چوب را بیرون می‌آورند و روی قبر را با خاک می‌پوشانند.

در طی سه روز پس از مرگ، روی قبر را با سنگ به صورت مستطیل درست می‌کنند مردم معمولاً پس از خاک سپاری دور قبر جمع می‌شوند و کف دست راست را روی قبر می‌گذارند و فاتحه می‌خوانند.

امکان دارد هفت الی هشت مرتبه سوره انا انزلنا را تلاوت کنند و بعد از آن یکی از نزدیکان میت از مردم تقاضای بخشودگی میت راکه شاید با کسی کدورتی داشته باشد می‌نماید و سپس مردم به خانه برمی‌گردند. لازم به توضیح است که مراسم بدین صورت مربوط به گذشته بوده است. اعظم مسلمی

**مراسم عروسی** : پدر داماد با توجه به شرایط منطقه‌ای و ایلی، بدون کسب نظر از داماد تصمیم می‌گرفت دختری را برای پسرش خواستگاری کند، پس از مصمم شدن در این امر، چند نفر از بزرگان طایفه خود را از جمله کدخدا به خانه عروس می‌رفتند و به اصطلاح قدیم کدخیاکشون (Kaxodakesun) می‌کردند. یعنی کدخدا را برای خواستگاری به همراه خود می‌بردند.

در این جلسه مذاکرات لازم صورت می‌گرفت و پدر عروس برای پاسخ مثبت یا منفی چند روز وقت می‌خواست که در خلال این چند روز، بدون کسب نظر عروس تنها با فامیل و بستگان و بزرگان فامیل مشورت می‌کرد. پدر عروس پس از گفتگوهای لازم به وسیله یک نفر به نام قاصد پاسخ داده می‌شد و در صورت مثبت بودن، مرحله بعد شروع می‌گردید.

مرحله بعدی، مسئله باشلق (Basloq) پیش می‌آمد. باشلق مقدار پولی است که پدر عروس به منظور خرید وسایل خانه از داماد وصول می‌نماید. این رقم درگذشته حداکثر ۵۰۰ تومان

بود ولی در حال حاضر بـه بـیش از ۲۰۰ هـزار تومان رسیده است. وقتی که پدر عروس باشلق را وصول می‌کرد مشغول خرید وسایل خانه عروس و داماد می‌شد. از طرفی خانواده داماد هم وسایل مـورد لزوم بـرگزاری مـراسـم عـروسی را مـهیا می‌نمود که این وسایل عبارت بـودند از هـیزم، گوسفند که (اصطلاحاً گـوشتی گـفته مـی‌شد)، روغن، قند و چای و سیگار و تنباکو و مواد لازم دیگر.

ضمناً مدت زمان بین خواستگاری و مراسم عروسی از یک ماه تا یک سال می‌باشد اما عموماً ترجیح می‌دهند که مراسم عروسی حدود ایام عید نوروز یا تابستان باشد. بهرترتیب یک یا دو روز قبل از عروسی باروزی (Baruzi) شـامل بـرنج، گوسفند، روغن، قند و چای، سیگار تـنباکـو و وسایل لازم دیگر به خانه عروس برده مـی‌شد. همچنین مقدار باروزی بستگی به وضعیت مادی داماد و نیز درخواست پدر عروس داشت. موقعی که باروزی وارد خانه عروس می‌شد، عروس در گوشه اطاق انباری یا اینکه پناهگاهی پیدا کرده و خود را از دید افراد خانواده داماد پنهان می‌کرد، تا دیده نشود. از سوی دیگر افرادی که باروزی آورده بودند بعد از یکی دو ساعت برمی‌گشتند ولی دو یا سه نفر از طرف خانواده داماد در آنجا می‌ماندند و با عروس برمی‌گشتند.

در این هنگام خانواده داماد محل مـراسـم را برای عروسی مـهیا مـی‌نمود. بـدین مـنظور در محوطه‌ای مناسب تعدادی چادر آماده می‌کردند و فضای باز را برای ترکه‌بازی (چوب‌بازی) مردان و رقصیدن زنان آماده می‌شد.

نوازنـدگان سـاز و دهـل کـه «مـهتر» نـامیده می‌شوند با ساز و دهل خـود وارد مـی‌شدند و شروع به نواختن مـی‌کردند. جـوانـان دسـتمال بدست وارد میدان می‌شدند و با آهنگ ساز و دهل می‌رقصیدند.

رقــص زنــان در آن زمــان یک مسئولیت اجتماعی بود چنانکه زنان وظیفه داشتند که در مراسم عروس برقصند. پس از رقص زنان که به دستمال‌بازی مشهور بود و آهنگ آن چوبی نام داشت نوبت به تـرکه‌بازی (چـوب‌بازی) مـردان می‌رسید. ترکه‌بازی بدین صورت است که چوبی به ضخامت حدود ۵ سانتیمتر و به ارتفاع تقریبی ۱۲۰ تا ۱۴۰ سانتیمتر که پایه نامیده می‌شود در دست یک مرد و ترکه چوبی است نازک و حدود یک متر در دست دیگری با آهنگ ساز و دهـل شروع به حرکت می‌کنند. این حرکت گونه‌ای از رقص است و کسی که پایه را به دست دارد آن را به موازات بدن خود بصورت سپر می‌گیرد و شخص دیگر تلاش می‌کند که با ترکه به بدن وی بزند.

محدودیت بدنی او از سر زانو به پائین است. در این حال میهمانان دسته‌دسته وارد می‌شدند و هر روز اختصاص به گروهی خاص داشت پس از هفت شبانه‌روز پایکوبی نوبت به آوردن عروس می‌رسید. عده‌ای سوار بر اسبهای چابک، گروهی با الاغ و قاطر جوانان با پای پیاده به سوی محل عروسی به راه می‌افتادند در پیشاپیش آنها ساز و دهل در حال نواختن بود پس از رسیدن به خانه عروس از میهمانها با چای و شـربت پـذیرایـی می‌شد.

سپس نوبت به عقد کردن عروس مـی‌رسید پیش از مراسـم ازدواج خـطبه خـوانـده مـی‌شد بدین صورت که عاقد، تـرکه انـاری را در دست می‌گرفت و خطبه را می‌خواند و چون رضایت عروس مطرح نبود این شعر را می‌خواند:

تـــــرکه لشت نـــاری
صیغه عقد ایکنم جـاری

بگو بله، در این موقع عروس در گوش زنی که کنار وی نشسته و مسئول انجام دادن کارهای عروس بود زمزمه می‌کرد و اقوام نزدیک از جمله پدر، مـادر، عـمو، دایـی و...... را طـلب مـی‌کرد. در صورت رضایت آنان، عـروس بـله را مـی‌گفت. سپس با یک دور رقصیدن، زنان با کل زدن (Kel) و مردان با فریادهای شادی (بـا واژه هـو How) عروس را سوار بر اسب می‌کردند و به سوی خانه داماد راه می‌افتادند در این موقع عده‌ای مسـابقه اسب‌دوانی می‌دادند و قدرت اسبهای خود را به نمایش می‌گذاشتند.

گروهی دیگر همچنان مشغول آواز خواندن و شادی بودند. در نزدیکی خانه داماد، داماد سوار بر اسب با در دست داشتن ترکه‌ای تر بـه اسـتقبال عروس می‌آمد و با نواختن چندین ترکه بر سـر عروس از وی پذیرایی می‌کرد نواختن این چوب بر سر عروس نشانهٔ تسلط بر سر زن بود و ایـن موضوع را از اول یادآور می‌شد که کاری را بدون اجازه شوهر خویش انجام ندهد.

بـعد عـروس را بـه سـوی حـجله هـدایت می‌کردند و سپس سرو (*سـرو تک بـیتی است در مورد مراسم عروسی و داماد مثلاً در موقع برنج پاک کردن، عروس سوار اسب کردن، عـروس بـه حـجله بردن. سرو دارای آهنگ غم‌انگیزی است و اغـلب در کتابهای فرهنگ و مردم شهرهای فارس آهنگ و نت آن نوشته شده است.*) می‌خواندند. بعد از هر سرو خواندن کل می‌زنند. بعد از آنکـه عـروس را بـه حجله بردند و سرو خـوانـدند نـوبت بـه دامـاد مـی‌رسد در ایـــن هـــنگام وقت ســرتراشـــون (Sarterasun) تــراشـیدن سـر و صـورت دامـاد می‌رسد. خطیر (Xatir) که در اصطلاح محلی به سلمانی گفته می‌شود دو گوشه دستمال بزرگی به پشت سر وی گره مـی‌زند و روی زانـوان دامـاد می‌انداخت و باکمال وقار شروع به اصلاح سر و صورت داماد می‌نمود. این مرد با سـیاستی کـه داشت سعی می‌کرد کار را طولانی‌تر کند چون در این هنگام اقوام و میهمانان پول در این دستمال می‌انداختند. ساز و دهل همچنان نواخته می‌شد و افرادی که حضور داشتند دست می‌زدند صـدای هلهله و شادی تمام فضا را فراگرفته بود. داماد پس از فراغت از این مـاجرا بـه حـجله مـی‌رفت بـه هنگامی که داماد وارد حجله می‌شد مقداری پول (حدود ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان یا بیشتر) برای دیدن روی عـروس مـی‌داد کـه ری‌گشـودن (Rigusun روگشادن) نامیده می‌شد، ضمناً روز بعد از شب زفاف هم بستگان داماد که بـرای دیـدن عـروس می‌آیند «ری گشون» می‌دهند این مقدار بسته به وسع مالی افراد دارد گاه انگشتری طلا و امثال آن نیز می‌دهند.

کاسب (کاسب مرد در عمل آشپزی می‌کند. کاسب زن کارهای عروس را انجام می‌دهد. کاسبها از گروهی هسـتند کـه آنـها را خـطیر مـی‌نامند، خطیرهای زن، آرایشگری زنان را انجام می‌دهند و مردان آنها نوازندگان ساز و دهل نیز می‌باشند و در مراسم عروسی و عزاداری کارههای آشپزی را هم انجام مـی‌دهند.) زن در پشت در حـجله مـنتظر می‌نشست تا دستمال عروس راکه نشانهٔ پاکی و عفت اوست، برای خانواده عروس ببرد و مـادر عروس باگرفتن دستمال مزبور مقداری پول و قند و شیرینی به او می‌داد و بعد از سه روز از مراسم عروسی، عروس و داماد به وسیله چند نفر که از طرف خانواده عروس می‌آمدند دعوت می‌شد.

(این مراسم دعوت به رفتن خانه پدر و مادر عروس را به واطلبون Vatalabun می‌گویند).

البته افرادی که از طرف خانواده عروس جهت «واطلبون» می‌آمدند هدایایی از طرف خانواده داماد به آنان داده می‌شد. اگر مسافت راه بین خانه داماد و خانه عروس زیاد بود پس از هفت روز دعوت بعمل می‌آمد و بدین ترتیب مراسم عروسی پایان می‌پذیرفت. ـ از کتاب ممسنی و بهشت گمشده ـ اعظم مسلمی

**عشایر کوهمرهٔ سرخی**: اهالی کوهمرهٔ سرخی به دو بخش روستائی و عشایر تقسیم می‌شوند.

عشایر به صورت نیمه کوچ نشین و کوچ احشام بوسیلهٔ شبان زندگی می‌کنند و در عین اشتغال به زراعت، گاه به باغداری می‌پردازند و دامداری نیز نزد آنها واجد اهمیت بیشتری نسبت به روستائیان است. عشایر دارای سازمان اجتماعی قبیله‌ای هستند.

در عین حال، به علت شرایط کوهستانی و جنگلی منطقه، اهالی حدود ۳۰ روستا نیز شیوهٔ زیست نیمه کوچ نشینی و شبانی دارند. آنها تابستانها به ارتفاعات مجاور روستای خود می‌کوچند و در سیاه چادرها زندگی می‌کنند؛ ولی فاقد سازمان قبیله‌ای هستند. در بعضی روستاها بقایای نظام عشیره‌ای مشاهده می‌شود؛ مثلاً روستائیان شکفت (۱۷۳ خانوار) خود را عشیرهٔ واحد و از نژاد فردی به نام «بابابیژن» می‌دانند.

اهمیت شیوهٔ زیست نیمه‌کوچ نشینی و اقتصاد شبانی و خلق و خو و فرهنگ عشایری در اهالی کوهمرهٔ سرخی تا بدان حد است که در گذشته «عشایر کوهمرهٔ سرخی» (اعم از قبایل و روستائیان) در تقسیمات دولتی، یکی از ۹ واحد اصلی عشایری فارس محسوب می‌شد و در تشکیلات نظامی، دارای افسر انتظامات مستقل بود.

عشایر کوهمرهٔ سرخی که دارای سازمان قبیله‌ای هستند، عبارتند از:

**۱ـ ایل سرخی**: در سال ۱۳۶۵، جمعیت آن را ۱۰۰۹ خانوار نشان می‌دهد.

**۲ـ طایفهٔ سُقُلْمِه چی**: دارای سازمان قبیله‌ای کاملاً مستقل و دارای مختصات خود ویژه است. شیوهٔ زیست آنها در گذشته کوچ نشینی کامل بوده و ییلاقشان کوهمره و قشلاقشان بلوک جره بوده است که بتدریج در ده دودویه (ارتفاعات غربی کوه دلو) ساکن و نیمه کوچ نشین می‌گردند. در سالهای ۱۳۴۰ شمسی، روستاهای ملاحسینی و چنارک را محل کشاورزی قرار داده و هم‌اکنون در دودویه، ملاحسینی، چنارک، چشمه بردی، امیرآباد و اسلام‌آباد مستقرند. اقتصاد آنها بر دامداری، زراعت، باغداری و جنگل‌کاوی مبتنی است و شیوهٔ زیستشان نیمه‌کوچ نشینی می‌باشد.

طبق آمار سال ۱۳۲۸، جمعیت آنها حدود ۱۰۰ خانوار بوده است. امروزه بطور تخمین، تعدادشان را باید بیش از ۳۰۰ خانوار دانست.

**طایفهٔ بَکَکی**: قبیله‌ای کوچ نشین و دامدار بوده است. ییلاقشان کوهمرهٔ سرخی و قشلاقشان بلوک جره است. دارای سازمان قبیله‌ای و مختصات خود ویژه‌اند. بتدریج در ارتفاعات غربی کوهمرهٔ سرخی به زراعت پرداخته و نیمه کوچ نشین می‌شوند. هم‌اکنون محل استقرار آنها روستاهای **سبوک، جمالی، اشکفت کر** (در کوهمرهٔ سرخی) و پایتخت سلیمانی (در بلوک جره) است. بخشی از آنها هنوز نیز زمستانها به بلوک جره (گرمسیر) کوچ می‌کنند.

در سال ۱۳۲۸، جمعیت طایفهٔ بککی ۵۰

خانوار بوده است. امروزه، تعداد آنها را باید حداقل ۳۵۰ خانوار تخمین زد.

**۴ـ طایفهٔ آرَندی:** درگذشته، طایفه‌ای کوچ نشین و دامدار و دارای سازمان قبیله‌ای مستقل بوده است. بتدریج در غرب کوهمرهٔ سرخی سکنی گزیده‌اند. در سال ۱۳۲۸ تعداد آنها ۸۰ خانوار بوده است. آمار سال ۱۳۶۰ جهادسازندگی تعداد ساکنان روستای آرندی را ۷۲ خانوار نشان می‌دهد. قاعدتاً جمعیت کنونی این طایفه باید بیشتر باشد.

**۵ـ طایفهٔ مالِکی:** با مشخصات طوایف پیش گفته. امروزه، بخشی کوچ رو و بخشی ساکن و نیمه کوچ رو هستند. قشلاق آنها حواشی دریاچهٔ پریشان و ییلاقشان کوه بیل است. جمعیت آنها در سال ۱۳۲۸ پنجاه خانوار بوده که امروزه بیش از ۲۰۰ خانوار تخمین زده می‌شود.

علاوه بر قبایل مستقل ساکن کوهمرهٔ سرخی از سال ۱۳۳۵ به بعد، طوایفی از ایل قشقائی، بدلایل مختلف اقتصادی و سیاسی، در کوهمرهٔ سرخی ساکن شده‌اند.

**ایل:** ساختار اجتماعی ایل سرخی، ساختاری قبیله‌ای است؛ یعنی ایل سرخی یک گروه اجتماعی است که از اتحاد پایدار واحدهای خویشاوندی (عشیره ها) تشکیل شده است، آنها در سرزمین واحدی اقامت دارند، از رسوم مشترکی پیروی می‌کنند و اعضای آن دارای احساس تعلق به ایل (عرق ایلی) هستند.

ایل سرخی یک واحد اجتماعی مستقل ایلی است و عضو واحد بزرگتری محسوب نمی‌شود. عشایر سرخی قبیلهٔ خود را «ایل» می‌نامیده‌اند.

**طایفه:** ایل سرخی از شش طایفه به نامهای ناصِرو، بُگی، جیحون، جَبارزار، دِهدار، وشِکَره تشکیل شده است. در بنچاقهای قدیم ایل، واحدهای اجتماعی مذکور به نام «طایفه» ثبت شده‌اند.

طایفه یک واحد اجتماعی مستقل است و تا سال ۱۳۴۲ ـ که ایل دارای سازمان سیاسی خود بود ـ در رأس هر طایفه یک یا دو «بزرگ» (ریش سفید) قرار داشته‌اند. از سال ۱۳۲۰ به ریش سفیدان اداره‌کنندهٔ طایفه «کدخدا» گفته می‌شده است. از سال ۱۳۴۳ سمت کدخدائی طایفه از بین رفت، ولی هنوز نیز هر طایفه دارای بزرگان و ریش سفیدان خود است و برخی مسائل توسط آنها با «ریش سفیدی» حل و فصل می‌شود.

طایفه، هم واحد سیاسی، هم واحد اقتصادی و هم واحد نظامی بوده است.

**تیره و زیر تیره:** هر طایفه به چند تیره تقسیم می‌شود.در ایل سرخی تیره، «اولاد» (یا «تش») خوانده می‌شود. تیره و واحدهای زیر تیره (زاد و اولاد) واحدهای سیاسی ـ اجتماعی مستقل محسوب نمی‌شده و بیشتر واحدهای عشیره‌ای (خویشاوندی) بوده‌اند، ولی در عین حال دارای کارکرد سیاسی ـ اقتصادی هستند.

از آنجاکه ساختار اجتماعی ایل سرخی مبتنی بر بافت عشیره‌ای (خویشاوندی) است، لذا واحدهای زیر طایفه، پایه های کارکرد سیاسی ـ اقتصادی ـ نظامی طایفه محسوب شده و سازمان طایفه بر آنها استوار بوده است. در برخی طوایف بزرگ (مانند ناصرو و بگی) گاه دو یا سه کدخدا وجود داشته‌اند که هریک مسؤولیت تیرهٔ (اولاد) خود را به عهده داشته است. مثلاً در سالهای ۱۳۳۰ در طایفهٔ ناصرو دوکدخدا («بزرگ») وجود داشته: یکی در رأس «اولاد مولی»، و دیگری در رأس «اولاد سلطون جبار». «اولاد کرمعلی» مستقیماً زیر نظر رئیس ایل بوده است.

در حل و فصل مسائل درون طایفه‌ای، حضور «بزرگان» اولادها در جمع «بزرگان» طایفه الزامی است و بدون رأی آنها حل و فصل مسائل درون طایفه‌ای امکان پذیر نیست.

هر تیره (اولاد) به واحدهای زیر تیره، ابتدا «زاد» و سپس مجدداً «اولاد» تقسیم می‌شود.

**خونه:** واحد پایه‌ای در ایل سرخی، «خانوار» (خونه) است. هر خانوار مرکب از رئیس خانوار (پدر)، همسر یا همسران، فرزندان ازدواج نکرده و گاه پدربزرگ و مادربزرگ کهنسال است. در موارد فراوان، فرزندان متأهل نیز تا مدتی عضو خانوار پدر می‌مانند و یک خانوار بزرگ را تشکیل می‌دهند. این تجمع، پایهٔ اقتصادی نیز دارد و نیازهای زندگی دامداری و کشاورزی و ضرورت بهره‌گیری از نیروی کار گسترده، آن را ضرور ساخته است.

**«بنکو» و «ایشوم»:** بنکو یک واژهٔ اجتماعی - اقتصادی است، نه یک واژهٔ خویشاوندی - عشیره‌ای. معمولاً به تجمع چند خانوار پدرتبار یک بنکو گفته می‌شود. بنکو برای مشخص کردن آنها بکار می‌رود و مثلاً سه خانوار شامل خانوار پدر و خانوارهای دو پسر متأهل او یک بنکو هستند، که به نام پدر نامیده می‌شود. گاه بنکو با اولاد ۲ انطباق دارد و گاه اولاد ۲، به چند بنکو تقسیم می‌شود. بنکو یک واحد اجتماعی در شیوهٔ زیست کوچ نشینی محسوب می‌شود و اعضای آن با هم چادر می‌زنند و میان آنها نظام تعاون و همیاری خویشاوندی برقرار است. بنکو که معمولاً از چهار - پنج چادر تشکیل می‌شود، در شرایط عدم امنیت سیاسی یک واحد نظامی برای دفاع از احشام است.

«ایشوم» (احشام) عبارت است از یک مجتمع چادرنشین که در کنار هم می‌زیند و موقتاً تشکیل یک واحد اجتماعی را می‌دهند. ایشوم گاه یک بنکو است و گاه چند بنکو. در شرایط امنیت، خانوارهائی که احشام زیاد دارند به تنهایی ایشوم می‌زنند؛ ولی در شرایط عدم امنیت دو یا سه بنکو در کنار هم چادر زده و تشکیل یک ایشوم می‌دهند. ایشوم گاه به بیست چادر و بیشتر می‌رسد.

**نظام خویشاوندی - پدرتباری:** نظام عشیره‌ای در ایل سرخی، مبتنی بر سلسله نسب «تک تباری» و «پدر تباری» است. نظام عشیره‌ای از طریق پدر انتقال می‌یابد و سلسلهٔ تبارشناسی به نیای واحد پدری می‌رسد. در طوایف سرخی این نیای واحد کم و بیش روشن است. شرط عضویت در ایل سرخی، پیوند نسبی با یکی از طوایف سرخی می‌باشد. البته موارد استثنایی نیز وجود دارد که خانوارهائی بدون پیوند پدرتباری عضو ایل شده‌اند.

**مادرتباری:** در ایل سرخی، مادرتباری و انتساب به ایل از طریق مادر، تنها در یک مورد وجود دارد (اولاد رشیدی طایفه جیحون)

**خویشاوندی سببی:** پایه‌ای بودن خویشاوندی نسبی در نظام قبیله‌ای ایل سرخی، اهمیت و کارکرد اجتماعی پیوندهای سببی را کاهش نمیدهد و خویشاوندی سببی علاوه بر کارکرد آشکار، آن - ازدواج - دارای (کارکرد نهان) مهمتری است و آن تحکیم پیوندهای اجتماعی میباشد این (کارکرد نهان) در (ازدواجهای سیاسی) سران ایل یا در ازدواج بعنوان خون بس آشکار میشود و کارکرد سیاسی ازدواج، هدف پیوند سببی است.

**پوشاک:** لباس مردانهٔ عشایر کوهمرهٔ سرخی، مشابه سایر ایلات جنوب در دوران قاجاریه بوده

است. این لباس تا سال ۱۳۱۱ هـ.ش معمول بود.

**لباس مردانه**: لباس مردانهٔ سنتی عشایر فارس از اجزای زیر تشکیل یافته است:

**۱ـ قَبا (آرخالق)**: پوشش اصلی بدن است که درازای آن تا روی کفش (ملکی) می‌رسد و مچ پا را می‌پوشاند. قبا لباسی گشاد است و تحرک در راههای کوهستانی را ممکن می‌سازد. پارچهٔ آن ضخیم و به رنگهای الوان (گاه با نقش ستاره و ماه) است. رنگهای سبز و قرمز جلف محسوب می‌شود.

**۲ـ شال**: روی قبا و دور کمر بسته می‌شود. شال حدود ۷ الی ۲۵ متر پارچهٔ «دبیت» مشکی یا قهوه‌ای رنگ است که چند ردیف، به طرز مخصوصی دور کمر پیچیده می‌شود.

**۳ـ چُقّه**: روی قبا می‌پوشند و به عبا شباهت دارد. پارچهٔ آن نازک و سوراخ‌دار و از جنس پشم است. آستینهای آن کوتاه است (بین شانه و آرنج). زیباترین و گرانترین چفه، چقه سفید بوده است که کلانتر در عید به جوانان برجسته سوقات می‌داد. مردان برای راحت راه رفتن، پائین چقه را بالا می‌زنند و آنرا زیر شال ثابت می‌کنند. رنگ چقه معمولاً خاکی (کرم) است که از نظر استتار در کوهها نیز مفید بوده است.

**۴ـ زِنْهارِه**: طنابی که با کرک و پشم خوش رنگ بافته می‌شود و ته آن برای زیبایی چند «گُنْپُل» رنگارنگ آویخته است. زنهاره وسیله‌ای برای نگهداری چقه بر بدن است. آن را دور گردن می‌اندازند و چقه را به آن وصل می‌کنند. ته زنهاره و گنپلها به پشت آویخته می‌شود. (به شکل ضربدر):

**۵ـ قطار فشنگ**: اسلحه و ملحقات آن نیز جزء لباس محسوب می‌شده است. قطار فشنگ دور کمر بالای شال و روی شکم و گاه سینه بسته می‌شده است. قطارگاه «دو رو» (دو ردیفه) و گاه «سه رو» (سه ردیفه) بوده است. تنها در مواقع اضطراری و در بحبوحهٔ جنگ قطار را به شکل ضربدر روی دو شانه می‌بسته‌اند.

**۶ـ پیشتو**: اسلحهٔ کمری را زیر شال می‌بسته‌اند، به نحوی که دستهٔ آن نمایان بوده است.

**۷ـ تفنگ**: تفنگ را به پشت می‌انداخته‌اند و با تسمه روی سینه استوار می‌شده است.

**۸ـ کفش**: کفش عشایر فارس «مَلْکِی» است. ملکی نوعی گیوه است که نوک جلو و پشت آن ضخیم و تیز است تا در اثر برخورد به سنگ انگشتان را حفاظت کند.

**کلاه مردانه**: تا سال ۱۳۲۰ کلاه سنتی ایل سرخی، مانند سایر ایلات فارس، کلاه نمدی (کلاه لری) بوده است. در سال ۱۳۲۰ با تجدید حیات ایل قشقایی، توسط ناصرخان قشقایی کلاه دوگوشی ابداع و معمول می‌گردد. امروزه تقریباً همهٔ عشایر فارس (بجز بویراحمدیها) از کلاه دو گوشی استفاده می‌کنند که گاه «کلاه ناصر خانی» نامیده می‌شود.

**لباس زنانه**: لباس زنانهٔ عشایر فارس (معروف به «لباس قشقایی») عبارت است از:

**۱ـ تُنْبان**: چند عدد روی هم پوشیده می‌شود. تنبانهای زیر معمولاً از جنس چیت کم‌قیمت و تنبان رو پارچهٔ خوشرنگ زیبا با چین مشکی رنگ در پائین آن است. در اعیاد و مراسم، تنبان کامل حدود ۲۰ متر پارچه می‌شده و وزن آن به ۱۰ کیلوگرم و بیشتر می‌رسیده است. به حاشیهٔ پائینی تنبان، نوار براق و نازک سفید یا طلائی دوخته می‌شود.

**۲ـ پیراهن**: در لباسهای عروسی و اعیاد، از جنس

مخمل یا پارچه‌های رنگارنگ ضخیم با رنگهای روشن است. پیراهن دارای دو چاک در دو سوی بدن است و دو بخش آن جلو و عقب تنبان را (تا حاشیهٔ آن) کاملاً می‌پوشاند.

**۳ـ چارقَد:** از جنس تور یا ژرژت که روی سربسته می‌شود. معمولاً قسمت جلوی مو را نمی‌پوشاند. چارقد را با یک سنجاق در زیر گلو نگه می‌دارند. ثروتمندان از سنجاقهای طلای آویزدار استفاده می‌کنند. روی چارقد، گاه پولک و منجوق دوزی می‌شود.

**۴ـ پیشانی بند:** یک دستمال کلاغی هفت رنگ (زرد تند با نقوش سبز و قرمز و آبی) است. طول دستمال «قلاقی» به دو متر می‌رسد و قسمت جلوی موی سر و بخش کمی از بالای پیشانی را می‌پوشاند و حجاب راکامل می‌کند. دستمال را در پشت سر به شکل خاصی گره می‌زنند و دنبالهٔ دراز آن در پشت آویخته می‌شود. زنان مرفه معمولاً در جلوی پیشانی بند یک شیئی زینتی (مثلاً طاووس) نصب می‌کنند.

**۵ـ آرخالُق:** شبیه بلوز تنگ و چسبان است و روی پیراهن می‌پوشند. سرآستین آن روی پشت دست آویخته می‌شود و تا نوک انگشتان می‌رسد. اطراف آرخالق با نوارهای براق طلائی و نقره‌ای حاشیه دوزی می‌شود. در موقع کار، سر آستین آویختهٔ آرخالق را با یک دکمه به مچ وصل کرده و بالا می‌زنند. آرخالق دارای جیب بغلی (داخلی) است و موقع پوشیدن حتماً باید در آن یک حب قند برای خوش یمنی گذاشت.

**چادر:** در مسافرتها و خریدها، چادر حتماً استعمال می‌شود. چادر معمولاً ضخیم و سیاه رنگ است. در اعیاد و عروسیها از چادرهای نازک و تور مانند استفاده می‌شده است.

**کفش:** کفش زنان نیز «ملکی» است.

در زنان عشایر، آرایش مذموم و ناپسند است و تنها سورمه در چشم کشیدن شدیداً معمول بوده است. زنان عشایر به زیورهای طلا (بویژه النگو و گردنبند) علاقه دارند و گاه در خانواده های مرفه، النگوهای طلا تمامی مچ دو دست را می‌پوشانیده است. از کتاب ایل ناشناخته، عبدالله شهبازی

**ممسنی ها:** گروه ممسنی شامل چهار طایفه بنامهای بکش، جاوید، دشمن زیاری و رستم میباشد

**خلج ها و قشقایی ها:** از میان این رابطه ها و پیوندهای گوناگون، که بعضی محرز و محقق و برخی فرض موجه و منطقی و پاره‌ای گمان محض است، پیوند دیرین سال قشقایی‌ها و خلجها آشکارتر و نزدیکتر و ملموستر است. تقریباً مسلم است که طایفهٔ خلج (از طوایف بیست و چهارگانهٔ ترکان غز آسیای میانه) و قشقایی ها پیوندی مشترک با سلجوقیان و ترکان عراقی ساکن خلجستان (ناحیهٔ میان تفرش و ساوه و اراک) دارند که در زمان غزنویان و بر اثر آزار و خشونت فرمانروایان این سلسله در نواحی مرکزی و جنوبی ایران در دامنه های پر آب و سبز و خرم البرز و زاگرس پراکنده شدند و پس از سالها دربدری و کوچهای پیاپی سرانجام گروهی از آنان در فارس سکونت اختیار کردند.

خلجها، که در سدهٔ چهارم هجری از آسیای مرکزی کوچ کرده و در جنوب افغانستان کنونی در ناحیه‌ای میان سیستان و هند توطن گزیده بودند، پس از سلطهٔ غزنویان بر سرزمینشان پراکنده شدند و دوباره به حرکت درآمدند. بخشی از طایفه خلج ساکن افغانستان (که ممکن است طایفهٔ افغانان غلجایی از تبار آنان باشند) به سمت غرب و ایران

آمدند و پس از مدتی آوارگی خلجستان را بنیان گذاردند و بخشی از آنجا به فارس رفتند (شاید هم گروهی مستقیماً از افغانستان به فارس آمده باشند) و بخشی هم به شرق رفتند و به تدریج در مناطق شمالی شبه قارهٔ هند مستقر شدند. (خلجهایی که به هند کوچ کرده بودند و در اوان سدهٔ هفتم مملکت بهار را مسخر ساختند و در اواخر همان قرن ـ ۶۸۹ هجری ـ سلسلهٔ خلجیان دهلی را تأسیس کردند و یک قرن و نیم بعد سلسلهٔ خلجیان مالوا را در شمال گجرات). اکثریت آن عده از خلجهایی که به فارس آمده بودند ظاهراً از همان ابتدا ترک عادت کوچ سالانه کردند و در ناحیهٔ سردسیری دهستان قولقری از بخش بوانات و سرچهان یکجانشین شدند و تنها گروه کوچکی به ییلاق و قشلاق رفتن ادامه دادند. میرزا حسن فسایی در ذیل «بلوک قونقری» تصریح دارد که «اهالی این بلوک طایفهٔ خلج است که در اصل ترک بوده، در دهات این بلوک توطن کرده املاک آن را تصاحب نمودند.»

از آنجا که علاوه بر شواهد تاریخی و زبانشناسی و ریشه های فراوان ترکی غز در لهجهٔ قشقایی ها، دست‌کم سه طایفهٔ ایل قشقایی مدعی هستند که از پشت ترکان خلج‌اند و تبار خلج جانی آقا، بنیانگذار و متحدکنندهٔ ایل قشقایی، نیز تقریباً احراز شده، باید پذیرفت که گروه بزرگی از این ایل بزرگ نسب از خلج و ساکنان خلجستان قدیم دارد. البته فراموش نباید کرد که طایفهٔ خلج فارس تا اواخر قرن سیزدهم هجری کم و بیش مستقل از ایل قشقایی بوده و به استقلال می‌زیسته ـ بخش بزرگتر در قونقری و بخش کوچکتر در کوچ سالانه. بر اثر عوامل و رویدادهای ناشناخته، طایفهٔ کوچ نشین خلج در پایان قرن سیزدهم یکباره تحلیل رفت و به تدریج یکی از تیره های ایل قشقایی شد. از اواسط سدهٔ چهاردهم دیگر نامی از تیرهٔ خلج قشقایی نیست ـ امری که علیرغم فاصلهٔ زمانی نسبتاً کوتاه، غریب و معمایی است و دلایل و موجبات آن ناشناخته. از کتاب ایلات و عشایر سیروس پرهام از انتشارات آگاه

در ایل قشقایی تیره ها به واحدهای کوچکتری به نام بنکو تقسیم می شوند. بنکو مجموعهٔ خانوارهایی است که با هم کوچ می کنند و مرتع مشترکی دارند. به این گروهها اوبه، بولوک و احشام (در تلفظ محلی به کسر اول = ایشوم) نیز می گویند. معمولاً خانوارهای درون یک بنکو یک گروه نسبی هستند. اما گاهی خویشاوندان سببی و افراد غیر خویشاوند هم به بنکو می پیوندند از مصادیق امر اخیر چوپانکاره ها و داروغه ها (برای نگهداری شترها) هستند که تنها یا همراه خانوادهٔ خود با اعضای بنکوچادر می زنند. در بنکوی یعقوب ۸ نفر از رؤسای خانوار (رئیس بنکو و دو برادر و پنج پسرعموی او) هستهٔ پدر نسبی بنکو را تشکیل می دهند. اما ۵ نفر دیگر از رؤسای خانوار به سبب خویشاوندی های نوع دیگر (پسر دایی، پسر عمه، شوهر خواهر، برادر زن و پسر عموی برادر زن) به بنکو پیوسته اند. این بنکو یک عضو غیرخویشاوند (چوپانکاره) نیز دارد. تیرهٔ عملهٔ فارسیمدان به دو بنکوی عوضی و مرادی تقسیم می شود. بنکوی عوضی با حدود ۲۶ خانوار ۱۱۱۰ رأس و بنکوی مرادی با حدود ۵۳ خانوار ۹۳۰ رأس گوسفند و بز دارند. ظاهراً در این تیره «بنکو تنها اهمیت مختصری در تنظیم فعالیتهای اعضاء خود دارد.»

بنکوها به واحدهای دامداری و تعاونی کوچکتر که در ایل قشقایی به بیله (یا بیلک)

معروف اند، تقسیم می شوند. مثلاً در تیرهٔ عملهٔ فارسیمدان بنکوی عوضی به ۴ بیله و بنکوی مرادی به ۶ بیله تقسیم می شوند. پس تنها در اینصورت است که می توان پذیرفت که «آنچه در فعالیت های روزمره اهمیت بسیار زیاد دارد بیله است.

خانوارهای بیله کنار هم چادر می زنند، گله ها را مشترکاً به چرا می برند و معمولاً در قشلاق مراتع مشخصی دارند. اما هنگام کوچ همهٔ بیله های یک بنکو بهم ملحق می شوند. برخی از خانوارهای بیله در امور کشاورزی نیز با هم همکاری دارند. شمار و اندازهٔ بیله ها برحسب تعداد دام و فعالیت های کشاورزی و کارگری دائماً در تغییر است. بیله ها چون بخشی از بنکوها هستند، روابط پدر نسبی میان اعضاء آنها زیاد است. اما نکتهٔ قابل توجه اینکه در ایل قشقایی خویشاوندان بطنی و سببی نیز در بیله ها راه یافته اند.

تقسیمات ایل قشقایی همیشه در طایفه، تیره، بنکو و بیله خلاصه نمی شود. گاهی میان تیره و بنکو، خصوصاً در تیره های بزرگ، تقسیماتی هست که می توان آنها را «تحت تیره» یا «زیر تیره» نامید. به همین دلیل گاه در یک تیره چند کداخدا هست. به طورکلی، علاوه بر ایلخانی که در رأس هرم قدرت و سازمان ایل قرار دارد، در رأس هر طایفه یکنفر کلانتر، در رأس هر تیره یکنفر (احیاناً چند نفر) کدخدا و در رأس هر بنکو یکنفر ریش سفید قرار دارد و این چنین است که سازمان شبه نظامی ایل به صورت، کاملاً متمرکز، اما در عین حال غیرمتمرکز، قابل رهبری است

تمایل زیاد به درون - ازدواجی در عشایر ایران خود موجب تحکیم فراتر سازمان نسبی است.

رابطهٔ سازمان ایلی با محیط طبیعی (اکولوژی) و سیاسی در میان طوایف ایلسون (شاهسون) آذربایجان که در حدفاصل میان مرز ایران و جمهوری آذربایجان در شمال و مشرق و کوههای سبلان در جنوب و مغرب سکونت دارند، و بخشی از آنها هنوز بین دشت مغان (قشلاق) و کوههای سبلان (ییلاق) کوچ می کنند، به خوبی دیده می شود. در قرن ۱۲ هـ ق. شاهسون ها در دو اتحادیهٔ ایلی یا اِل طوایف مشکین و طوایف اردبیل - متشکل شده بودند. در رأس هر یک بگی از سوی دولت مرکزی حفظ نظم، وصول و ایصال مالیات و تأمین افواج ایلی را به عهده داشت. ال به چند طایفه تقسیم می شد. ادارهٔ طایفه به عهدهٔ بگ بود که از سوی ال بگی منسوب می شد. امروزروز بیشتر طوایف اردبیل تخته قاپو شده اند. آنچه از آنها باقیمانده همراه طوایف مشکین، که حدود ۳۰ تا ۴۰ طایفه هستند، کوچ می کنند. اصلاحات ارضی آخرین مبانی قدرت رؤسای ایل را از میان برده است.

هرطایفه به چند تیره تقسیم می شود. در وضع کنونی، تیره یک تقسیم بندی سیاسی و اداری است و در رأس آن آق سقل (ریش سفید) قرار دارد. ممکن است یک تیره دو آق سقل داشته باشد. هستهٔ مرکزی تیره یک گروه نسبی بزرگ به نام گوبک است. گوبک معمولاً از ۲۰ تا ۳۰ خانوار که از ۳ تا ۶ پشت به نیای مشترکی می رسند، تشکیل شده است. نام تیره معمولاً از همین نیای مشترک اشتقاق می یابد. عناصر خارجی بیشتر به صورت خویشان سببی، خدمتکاران و چوپانان اجیر وارد تیره شده اند. گاهی تیره های یک طایفه نیز مدعی تبار مشترکی هستند. سرزمین طوایف،

هم در ییلاق و هم در قشلاق، کاملاً مشخص می باشد. هنگام کوچ نخست از قیشلاخ یا محل زمستانی به یارلاخ یا محل بهاره (بهارگه) و سپس به یایلاخ یا محل تابستانی می روند. هنگام مراجعت پیش از استقرار در قشلاق در گوزک یا محل پاییزه، که همان اردوگاه های اطراف قشلاق هستند، توقف می کنند. مسیر بین قشلاق و ییلاق ال یولو (ایلراه) نامیده می شود و معمولاً در این مسیر یورت های سنتی به نام دوشالقا دارند.

عضویت در طایفه و تیره برحسب اقامت در دشت مغان (قشلاق) تعیین می شود. یعنی عشایری که در تابستان محل ییلاقی خود را تغییر دهند یا حتی همراه طایفهٔ دیگری کوچ کنند، مادامامی که در زمستان به قشلاق مالوف خود بازگردند، عضویت تیرهٔ اصلی خود را از دست نمی دهند. اما اگر محل زمستانی خود را هم تغییر دهند، تیرهٔ آنها تغییر می کند. عشایر وقتی خاصیت ایلی خود را از دست می دهند که دیگر در مغان علفچر نداشته، عضو تیره و طایفه ای هم نباشند.

گروه بندی نسبی را با کم و بیش تغییراتی، در دیگر ایلات ایران هم می بینیم. از جمله ایل بختیاری از دو ایل بزرگ (یا بخش یا بلوک) هفت لنگ و چهارلنگ تشکیل شده است. هر یک از دو بخش به چند باب مانند دورکی، بهداروند و بابادی در هفت لنگ، و ممی وند، محمد صالح، مؤگویی وکیان ارثی در چهارلنگ تقسیم می شود. در قیاس با تشکیلات قشقایی، و به طریق اولی در قیاس با ایلسون، هر یک از این ابواب، که گاهی آنها را نیز طایفه گفته اند، ایلی به شمار رفته و خود چندین طایفه را در برمی گیرند. مثلاً دورکی باب، که خوانین بزرگ همیشه از آن بوده اند، از هفت طایفه به نامهای زراسوند، گندلی، موری، اسیوند، بامدی، استرکی - چاربوری و سوهونی تشکیل شده است. هر یک از طایفه ها نیز به تیره هایی چند تقسیم می شوند. به عنوان مثال تیره های زراسوند عبارتند از: توشمال، آلاسوند، میر، زنبور، و ایهاوند. حق استفاده از مراتع ناشی از عضویت در طوایف است. حتی فراتر، ویژگی بختیاری ها نسبت به لرها و بویراحمدها در این است که تقریباً همهٔ ۷۵ هزار کیلومتر مربعی که توسط آنان اشغال شده، یک سرزمین به نام خاک بختیاری به شمار می رود. یعنی عضویت در ایل بختیاری است که استفاده از مراتع را برای دامداران مجاز می سازد. مالکیت مراتع و ایلراه برحسب موارد اشتراکی یا مشاع می باشد

در ادامهٔ گروه بندی ایل، تیره ها به چند گروه نسبی به نم تش و یا اولاد تقسیم می شوند که هر یک از چند خانوادهٔ هسته ای تشکیل می شوند. پس به طورکلی گروه بندی ایل بختیاری نیز از نوع گروه بندی پدرنسبی است هرچند شجره نامه های مشخص از حد تش و حداکثر از حد تیره فراتر نمی رود. با اینحال در میان بختیاری ها مانند بسیاری از ایلات دیگر ایران رسم بر این است که حتی اتحادهای سیاسی به صورت پیوندهای خویشاوندی نمایانده شوند.

خانوادهٔ هسته ای یا زن و شوهری با چادر یا بهون مطابقت دارد و به عنوان موجود اجتماعی وارگه نامیده می شود. این خانواده واحد مصرف و مالکیت دام می باشد. برای تعاون در امور تولیدی عمدتاً دامداری تش یا اولاد به صورت چند اردو یا مال مرکب از ۳ تا ۱۲ چادر متشکل می شود. هنگام کوچ مجموعهٔ مال های یک تش یا حداکثر یک تیره با هم حرکت می کنند.

قدرت سیاسی و توزیع آن نیز متناسب با

سازمان ایل است. در رأس هرم ایلخان قرار دارد، در رأس طـایفه هـا کـلانتران، در رأس تـیره هـا کدخدایان، در رأس مال ها ریش سفیدان، در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ دستگاه حکومتی ایل یک دولت تمام عیار بود، اما به تدریج، با طی فراز و نشیب هایی، از قدرت خوانین کاسته شد. با اینحال وحدت ایل همچنان بقوت خود باقی مانده است. تقسیمات ایل بختیاری را با جزئی تفاوتی این چنین نیز گزارش کرده اند: ایل (باب)، طایفه، تیره، تش، کربو و خانوار. ـ نقل و اقتباس و تصرف از کتاب ایلات و عشایر – ت. فیروزان

**● تعداد خانوار ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان فارس ـ جمع (۵۹۱۶۱).**

۱ـ ایل بختیاری (۲۷۱۷۲)، ۲ـ ایل بویر احمد علیا ـ سردسیر (۲۳۷۶)، ۳ـ ایل جرقویه (۵۷۴)، ۴ـ ایل خمسه (۶۱۴۶)، ۵ـ ایل قشقائی (۱۷۴۴۹)، ۶ـ ایل ممسنی (۲۳۰۹)، ۷ـ طایفه‌ی مستقل حبل النارویه (۱۶۶)، ۸ـ طایفه‌ی مستقل جشنی ـ گشنی (۳۱۱)، ۹ـ طایفه‌ی مستقل چهار راهی (۱۳۹)، ۱۰ـ طایفه‌ی مستقل عبدالحسینی (۳۳)، ۱۱ـ طایفه‌ی مستقل قرائی (۳۹)، ۱۲ـ طایفه‌ی مستقل کوهمره جروق (۶۸۴)، ۱۳ـ طایفه‌ی مستقل کوهمره سرخی (۱۰۱۷)، ۱۴ـ طایفه‌ی مستقل کوهمره نودان (۲۵۰)،

۱۵ـ طایفه‌ی مستقل متفرقه محلی فیروزآباد (۱۰۰)،

۱۶ـ طایفه‌ی مستقل متفرقه محلی گراش (۲۷)،

۱۷ـ طایفه‌ی مستقل محلی داراب (۲۰۲)،

۱۸ـ طایفه‌ی مستقل میمندی (۱۶۷)،

**● جمعیت ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان فارس**

ـ جمع (۳۸۶۸۴۳).

۱ـ ایل بختیاری (۱۸۱۵۰۵)، ۲ـ ایل بویر احمد علیا ـ سردسیر (۱۶۷۲۱)، ۳ـ ایل جرقویه (۳۱۷۸)، ۴ـ ایل خمسه (۳۸۷۳۴)، ۵ـ ایل قشقائی (۱۱۰۹۷۵)، ۶ـ ایل ممسنی (۱۴۹۱۹)، ۷ـ طایفه‌ی مستقل حبل النارویه (۱۱۵۵)، ۸ـ طایفه‌ی مستقل جشنی ـ گشنی (۱۷۹۰)، ۹ـ طایفه‌ی مستقل چهار راهی (۸۴۶)، ۱۰ـ طایفه‌ی مستقل عبدالحسینی (۲۰۲)، ۱۱ـ طایفه‌ی مستقل قرائی (۲۳۲)، ۱۲ـ طایفه‌ی مستقل کوهمره جروق (۴۶۱۵)، ۱۳ـ طایفه‌ی مستقل کوهمره سرخی (۶۶۶۹)، ۱۴ـ طایفه‌ی مستقل کوهمره نودان (۱۸۶۱)، ۱۵ـ طایفه‌ی مستقل متفرقه محلی فیروزآباد (۶۴۶)، ۱۶ـ طایفه‌ی مستقل متفرقه محلی گراش (۱۶۹)، ۱۷ـ طایفه‌ی مستقل محلی داراب (۱۵۶۷)، ۱۸ـ طایفه‌ی مستقل میمندی (۱۰۵۹)،

**● خانوار و جمعیت شهرستان‌ها بر حسب ایل و طایفه‌ی مستقل و دوره‌ی استقرار در شهرستان**

شهرستان آباده: (۱۴۴۶) خانوار و (۸۵۰۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۸) خانوار و (۴۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جرقویه: (۱۰۵) خانوار و (۵۸۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خمسه: (۵۳۵) خانوار و (۳۲۲۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۲) خانوار و (۴۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قشقائی: (۸۰۶) خانوار و (۴۶۹۴)

نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶) خانوار و (۳۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان ارسنجان: (۱۶۶) خانوار و (۱۰۱۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۱۲) خانوار و (۱۲۳۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خمسه: (۱۳۵) خانوار و (۸۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل جشنی ـ گشنی: (۳۱) خانوار و (۱۸۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۱۲) خانوار و (۲۱۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان استهبان: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۱۷) خانوار و (۱۴۲۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خمسه: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۱۷) خانوار و (۱۴۲۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان اقلید: (۵۳۰۹) خانوار و (۳۲۲۳۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۶) خانوار و (۸۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خمسه: (۸۰۸) خانوار و (۴۵۴۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۶) خانوار و (۸۳) نفر جمعبت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قشقائی: (۴۵۰۱) خانوار و (۲۷۶۸۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان بوانات: (۲۰۵۱) خانوار و (۱۲۹۷۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۸) خانوار و (۱۹۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خمسه: (۱۵۹۳) خانوار و (۱۰۲۸۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۴) خانوار و (۵۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل جشنی ـ گشنی: (۲۸۰) خانوار و (۱۶۰۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۴) خانوار و (۱۳۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل چهار راه راهی: (۱۳۹) خانوار و (۸۴۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قرائی: (۳۹) خانوار و (۲۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان جهرم: (۲۰۷) خانوار و (۱۲۷۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۳۹۸) خانوار و (۸۱۹۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خمسه: (۲۰۷) خانوار و (۱۲۷۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰۵۸) خانوار و (۶۱۸۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قشقائی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۴۰) خانوار و (۲۰۰۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان داراب: (۵۵۳) خانوار و (۴۱۹۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۵۹۲) خانوار و (۱۱۰۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بویر احمد علیا ـ سردسیر: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵) خانوار و (۳۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خمسه: (۳۵۱) خانوار و (۲۶۲۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۳۸۵) خانوار و (۲۶۲۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل محلی داراب: (۲۰۲) خانوار و (۱۵۶۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰۲) خانوار و (۱۵۶۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان سپیدان: (۲۲۴۴) خانوار و (۱۴۱۹۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰۰) خانوار و

(۱۲۸۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قشــقائی: (۱۹۱۲) خـانوار و (۱۲۰۳۴) نـفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰۰) خـانوار و (۱۲۸۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ممسنی: (۳۳۲) خانوار و (۲۱۵۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان شیراز: (۵۰۰۶) خانوار و (۳۲۷۱۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۳۱۰) خانوار و (۸۴۴۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خمسه: (۴۳۱) خانوار و (۱۲۸۶۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۹۲) خـانوار و (۲۵۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قشقائی: (۳۱۶۲) خانوار و (۲۰۴۲۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹۵) خانوار و (؟) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ممسنی: (۱۲) خـانوار و (۷۷) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی یـیلاق، (۳۲) خــانوار و (۱۶۸) نــفر جـمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کوهمره جروق: (۴۳۰) خـانوار و (۲۹۱۱) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۵) خانوار و (۳۴۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کوهمره سرخی: (۷۹۷) خـانوار و (۵۲۴۲) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی یــیلاق، (۷۳۶) خـانوار و (۴۷۶۲) نـفر جمعیت آن در دوره‌ی قشـلاق. طـایفه مسـتقل کوهمره نـودان: (۱۴۷) خـانوار و (۱۰۲۶) نـفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل متفرقه‌ی محلی گراش: (۲۷) خانوار و (۱۶۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان فســا: (۳۷۹) خـانوار و (۲۸۴۶) نـفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۱۸) خـانوار و (۳۵۶۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بختیاری: (۰) خانوار و (۰) نفر جـمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲) خانوار و (۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خمسه: (۳۷۹) خانوار و (۲۸۴۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۱۶) خـانوار و (۳۵۵۷) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان فیروزآباد: (۱۶۶۱) خانوار و (۱۰۹۵۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۳۴۷) خانوار و (۳۹۸۳۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشـلاق. ایل خمسه: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی یــیلاق، (۳۷۲) خـانوار و (۲۰۳۵) نـفر جــمعیت آن در دوره‌ی قشـلاق. ایـل قشـقائی: (۱۱۳۴) خانوار و (۷۴۰۷) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۴۸۷) خانوار و (۳۴۳۴۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل جبل النـارویه: (۱۶۶) خـانوار و (۱۱۵۵) نـفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۶۶) خـانوار و (۱۱۵۵) نــفر جــمعیت آن در دوره‌ی قشـلاق. طایفه‌ی مستقل کوهمره‌ی سرخی: (۲۲۰) خانوار و (۱۴۲۷) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی یـیلاق، (۲۲۲) خـانوار و (۱۴۴۷) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کوهمره نـودان: (۴۱) خانوار و (۳۱۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی یـیلاق، (۰) خـانوار و (۰) نـفر جـمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل مـتفرقه مـحلی فیروزآباد: (۱۰۰) خانوار و (۶۴۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰۰) خـانوار و (۶۴۶) نـفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان کازرون: (۳۵۱) خانوار و (۲۴۵۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۷۱۷) خانوار و

(۲۴۹۲۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بویر احمد علیا ـ سردسیر: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷) خانوار و (۴۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قشقائی: (۳۵) خانوار و (۲۳۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۷۴۶) خانوار و (۱۸۱۲۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ممسنی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۶) خانوار و (۱۷۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کوهمره جروق: (۲۵۴) خانوار و (۱۷۰۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۲۹) خانوار و (۴۲۶۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کوهمره‌ی سرخی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۹) خانوار و (۴۶۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کوهمره نودان: (۶۲) خانوار و (۵۱۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۵۰) خانوار و (۱۸۶۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان لار: (۱۰۹) خانوار و (۷۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۴۷) خانوار و (۲۷۶۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خمسه: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۰) خانوار و (۲۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قشقائی: (۱۰۹) خانوار و (۷۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۸۰) خانوار و (۲۳۵۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل متفرقه‌ی محلی گراش: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۷) خانوار و (۱۶۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان مرودشت: (۱۷۰۴) خانوار و (۱۰۱۲۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۲۰) خانوار و (۱۴۳۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خمسه: (۱۵۵۰) خانوار و (۹۱۸۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۲۰) خانوار و (۱۴۳۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قشقائی: (۱۵۴) خانوار و (۹۳۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان ممسنی: (۱۶۷۵) خانوار و (۱۰۶۸۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۲۶۰) خانوار و (۴۱۳۴۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بویر احمد علیا ـ سردسیر: (۱۸) خانوار و (۱۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۴۴۶) خانوار و (۱۰۲۵۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خمسه: (۲۰) خانوار و (۱۵۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قشقائی: (۲۹) خانوار و (۱۹۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۵۶۳) خانوار و (۱۶۵۱۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل ممسنی: (۱۶۰۸) خانوار و (۱۰۱۹۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۲۵۱) خانوار و (۱۴۵۷۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان نیریز: (۳۳) خانوار و (۲۰۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۱۳) خانوار و (۱۹۰۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل جشنی ـ گشنی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷۵) خانوار و (۴۲۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل چهار راهی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۳۹) خانوار و (۸۴۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل

عبدالحسینی: (۳۳) خانوار و (۲۰۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۳) خانوار و (۲۰۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قرائی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۹) خانوار و (۲۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل میمندی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۷) خانوار و (۲۰۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

**عید نوروز در استان فارس:** عید نوروز نزد مردم فارس بسیار گرامی است و مردم از ۱۵ روز پیش از تحویل سال نو، به استقبال آن می‌روند. آن‌ها شیرینی و تنقلات تهیه می‌کنند و به دوختن لباس نو برای خود و بچه‌ها می‌پردازند و خانه تکانی می‌کنند. در گذشته مردم خود شیرینی درست می‌کردند و عمدتاً نان شیرین می‌پختند. نان شیرینی را بعد از این که از تنور بیرون می‌آوردند تا هنوز نرم و تازه بود، چند بار تا می‌زدند تا به صورت یک مربع به اندازه‌ی کف دست درآید. این نان بعد از چند دقیقه ترد و بسیار شکننده می‌شد. غیر از این نوع نان شیرینی، شیرینی دیگری درست نمی‌شد. اغلب، وسایل پذیرائی عید تنقلاتی مانند برنجک، اَخُرک، و دنگو بود.

**مراسم ازدواج:** جوانی که به سن ازدواج رسیده و قصد ازدواج دارد، موضوع را با خانواده‌ی خود در میان می‌گذارد. اگر خانواده‌ی داماد، دختر معینی را در نظر داشته باشند، کار ساده است. در غیر این صورت به این خانه و آن خانه برای «دلالگی» که همان خواستگاری است، می‌روند.

**دلالگی:** مادر و خواهر داماد و چند نفر از نزدیکانش به خانه‌ای که دختر داشته باشد، می‌روند. خانواده‌ی دختر در صورتی که موافق باشند، علاوه بر چای، شربت هم برای آن‌ها می‌آورند. در صورتی که خانواده‌ی دختر تنها به چای اکتفا کنند، نشانه‌ی آن است که به این وصلت رضایت ندارند. پس موضوع منتفی شده و خانواده‌ی داماد به خانه‌ی دیگری می‌روند.

**بله برون:** خانواده‌ی عروس حتماً درباره‌ی داماد و خانواده‌اش تحقیق می‌کنند. یک روز هم سرزده به خانه‌ی داماد می‌روند و به دنبال آن مراسم بله برون انجام می‌شود. در این مراسم تنی چند از بزرگ ترهای دو خانواده در منزل عروس دور هم جمع می‌شوند تا درباره‌ی مهریه، پول حمام، لباس و سایر مسائل ضروری صحبت می‌کنند. اگر طرفین شرایط خاصی داشته باشند در همین مجلس مطرح می‌شود تا به توافق برسند. یک نفر هم آن چه راکه مطرح شده روی کاغذ می‌آورد. در اصطلاح می‌گویند رقعه‌اش نوشته شد. سپس روزی تعیین می‌شود و به اتفاق عروس به بازار وکیل می‌روند و پارچه‌های مورد نیاز را می‌خرند.

**رخت برون:** در این مجلس دوستان عروس و داماد شرکت دارند که به آن‌ها «سوری» می‌گویند. سوری‌ها داماد یک خیاط را همراه می‌آورند تا اندازه‌ی عروس را بگیرد و پارچه‌هایی را که خریده‌اند، با خود ببرد. پذیرائی از مدعوین به عهده‌ی مادر عروس است. مادر داماد نیز همراه پارچه، مقداری نقل و هدیه که در اصطلاح به آن گُل می‌گویند، با خود می‌آورد. در این مجلس زن‌ها دایره می‌زنند و واسونک می‌خوانند:

خانم عروس روی تخت، دور تختش گـل زنید
همه تون گویید مبارک، قیچی بر تختش زنید و ...

**عقد کنون:** در فارس برای عقد و عروسی ساعت سعد را انتخاب می‌کنند و دو نوبت عقد می‌گیرند.

یکی عقد خصوصی است که تنها عده‌ای از نزدیکان عروس و داماد شرکت دارند و معمولاً خطبه عقد در همین مجلس خوانده می‌شود و دیگری مجلس عقد که همه دوستان و آشنایان دو خانواده در آن شرکت دارند. روز عقد خانواده داماد همه چیز را به خانه‌ی عروس می‌برند و تنها از بردن ذغال و تنباکو خودداری می‌کنند چون معتقدند که تنباکو تلخی به همراه دارد و ذغال سیاهی.

**دست بوسون**: معمول است که داماد با یکی دو نفر از نزدیکانش به خانه‌ی مادر زن برود و دست او را ببوسد. مادر زن هم روی او را می‌بوسد. مادر زن در این روز هدیه‌ای به دامادش میدهد.

**عروسی**: روز قبل از عروسی حجله می‌بندند و برنج پاک می‌کنند. این مراسم با شادی و شعف و خواندن واسونک همراه است.

برای آوردن عروس عده‌ای به خانه‌ی عروس می‌روند. در این مجلس با شربت و فالوده از سورها پذیرائی می‌شود. رسم است که یاران داماد چیزی را برمی‌داشته‌اند که ممکن است لیوان، قاشق یا استکان باشد. وقتی خواستند عروس را ببرند پدر عروس تا قباله را از یاران داماد نگیرد، اجازه‌ی بردن عروس را نمی‌دهد. وقت رفتن خواهران داماد زیر بغل عروس را می‌گیرند و آینه سنگی بزرگی را برابر او گرفته و به طرف خانه‌ی داماد حرکت می‌کنند. اهالی محل روی سر آن‌ها گلاب می‌پاشند. نرسیده به خانه‌ی داماد، داماد به پیشواز عروس می‌آید و عروس را با خود به خانه می‌برد. در حجله، بزرگ‌تر خانواده دست عروس و داماد را در دست هم می‌گذارد. باید دست داماد روی دست عروس قرار بگیرد تا برای همیشه بر عروس مسلط باشد.

در حجله انگشت‌های کوچک عروس و داماد را با گلاب می‌شویند و عروس و داماد سکه‌هایی را که از قبل در دست دارند در ظرفی که زیر دستشان است، می‌اندازند. این گلاب را معمولاً پای درخت سبزی می‌ریزند.

داماد در حجله، هدیه‌ای به نام «روگشا» به عروس می‌دهد. در حجله بر سر عروس و داماد نقل می‌ریزند.

صبح روز بعد، داماد به دیدن مادر زن می‌رود و ضمن بوسیدن دست او، او را به خانه‌ی خود می‌آورد. هدایایی را که برای عروس و داماد می‌آورند، صبح عروسی به همه نشان می‌دهند. در شیراز به این هدایا «گل» می‌گویند.

**پاگشا**: هفته‌ای بعد از عروسی در شیراز رسم است که پدر عروس، داماد و یارانش را به شام یا ناهار دعوت کند. به این مراسم پاگشا می‌گویند. بعد از عروس نوبت دیگران می‌رسد.

از دیگر مراسم این است که چون جوانی دختری را نامزد کرد، از آن به بعد در هر عید، مخصوصاً عید فطر ـ باید برای نامزدش ـ عیدی بفرستد. عیدی را در خوانچه می‌گذارند و به خانه‌ی عروس می‌برند. در مقابل وقتی که دختر به خانه‌ی شوهر رفت، مادر عروس باید همین کار را به ویژه در عید فطر، انجام دهد. در ماه رمضان هم باید مادر عروس یک افطاری کامل که به آن «روز والوان» می‌گویند، برای دامادش بفرستد.

**اقیقه**: از جمله رسوم معمول در بین دوانی‌ها، یکی هم رسم اقیقه است. اقیقه در عربی به معنی موی شکم نوزاد در هنگام تولد است. معنی دیگر آن، ذبح گوسفند در هفتمین روز تولد نوزاد است. شاید این رسم در گذشته در روز هفتم انجام می‌شد، اما امروزه موعد خاصی برای آن قایل

نیستند و در هر فرصتی که دست داد، آن را تدارک می‌بینند. انجام این کار ممکن است تا هفت سالگی کودک هم به تعویق بیفتد. اما تا هنگام مراسم اقیقه نباید موی سر کودک تراشیده شود.

**وداع با فرد درگذشته:** فرهنگ مردم فارس چون فرهنگ دیگر مردم ایران بر مبنای باورها و معتقدات دینی مسلمانان استوار است. ضمن این که گاه این آداب و رسوم ریشه در پیش از اسلام دارد ؛ برای مثال در شهرستان‌های آباده، اقلید و فسا رسم است که با مرگ هر فرد، بازماندگان نزدیک وی یعنی پدر، مادر، برادر و خواهر و فرزندان، روز بعد از روز خاک سپاری پیش از طلوع آفتاب، سر گور وی می‌روند و فاتحه می‌خوانند. این عمل در تابستان بدون مشکل برگزار می‌شود اما در سرمای ۱۵ درجه زیر صفر زمستان این کار با مشکلاتی همراه است و با تمامی این احوال مردم به انجام آن می‌پردازند و معتقدند با این کار به خورشید می‌گویند که زودتر از او بر مزار عزیزشان آمده‌اند.

**عروسی درخت نارنج:** در شیراز رسم بر این است که اگر درخت نارنجی که در خانه است. نارنج کم بدهد یا اصلاً ندهد، آن را عروس کنند و برایش مراسم عروسی بگیرند. برای این کار، ابتدا زن صاحب خانه، زنان همسایه را دعوت به عروسی درخت نارنج می‌کند، همه در یک زمان مشخص در خانه جمع می‌شوند و زن صاحب خانه اره‌ای را برمی دارد تا شاخه‌های درخت را ببرد. یکی از زنان همسایه جلو می‌آید و ضامن درخت می‌شود. سپس تور بسیار نازکی روی درخت می‌کشند، شکر پنیر روی درخت می‌پاشند، کِل می‌زنند، واسونک می‌خوانند و شادی می‌کنند و براین باورند که این درخت، سال بعد در فصل بهار، بار نارنج خواهد داشت.

**آب مقدس حوض ماهی‌ها:** تا چندین دهه پیش در فارس، سه حوض ماهی در شیراز، فسا و زرقان وجود داشت. با خشک شدن حوض ماهی فسا اکنون دو حوض دایر است. مراسمی که برای این دو حوض ماهی وجود دارد، تقریباً مشابه است.

از زیر کوه سعدی، چشمه‌ای بیرون می‌آید که چند چاه برای استفاده از آن در خانه‌های بالادست آرامگاه حفر شده است. حوض ماهی آرامگاه سعدی هم سطح زمین و مظهر قنات و چشمه است. تردیدی وجود ندارد که پیش از حیات سعدی و حتی در ایران باستان، این آب جریان داشت و مقدس بود. به همین دلیل سعدی برای این آب اهمیت قایل بود. براساس نوشته «ابن بطوطه» که دوبار در سال‌های ۷۲۵ و ۷۴۸ ه.ق یعنی بار اول حدود سی سال پس از درگذشت سعدی به شیراز آمده بود، سعدی این حوض هشت ضلعی را ساخته است.

مراسم و باورهای مردم شیراز و اطراف، تا سال ۱۳۲۷ شمسی که سال تخریب آرامگاه سعدی برای تجدید بنای آن است، بسیار جدی و اجرای آن‌ها بسیار ضروری بود. تا آن زمان هر سال حدود ده هزار نفر در چهلمین روز پس از عید نوروز در محوطه‌ی جلوی آرامگاه سعدی جمع می‌شدند و آش نذری که در فارس اصطلاحاً «دیگ جوش» نامیده می‌شود، می‌پختند و از بامداد تا شب شادی می‌کردند و بر این باور بودند که یک ماهی قرمز که یک حلقه‌ی طلائی در بینی دارد، در آب بالا می‌پرد و می‌رود. ماهی‌های این آب مقدس است و هیچ کس حق صید آن‌ها را ندارد.

امروزه هنوز مردم کوی سعدی بر این باورند و

در حوض ماهی سکه می‌اندازند تا آرزوهایشان برآورده شود، ولی آداب و مناسکی در این زمینه وجود ندارد. در زرقان چنین مراسمی هنوز ادامه دارد.

پس از ساخت آرامگاه سعدی از آب تنی در این حوض برای برآورد نیاز جلوگیری شد و دیگر کسی در محوطه‌ی حوض ماهی به آب دست رسی ندارد. اما حدود ۱۵۰ متر بعد از آرامگاه، در کوچه‌ای که اصطلاحاً کوچه‌ی حمام سعدی می‌نامند، مردم برای باورها و مناسک خود از آب چشمه یا قنات سعدی استفاده می‌کنند.

مردم شیراز و اطراف، باورهایی خاص نسبت به حوض ماهی دارند و عده‌ای برآنند صاحب این آب، حضرت امام حسن (ع) است. گروهی دیگر معتقدند اگر دختر یا پسری دست و روی خود را با این آب بشوید، بخت او باز می‌شود و به خانه بخت می‌رود. در گذشته با جام «چهل کلید» روی سر خود آب می‌ریختند. آب تنی در دوره‌ی پیش از ساخت ساختمان جدید آرامگاه در روز چهارشنبه سوری انجام می‌شد.

امروزه از ساعت ۱۲ بعد از ظهر روز چهارشنبه سوری تا ساعت ۲۴، دختران و زنان در جوی آب کوچه حمام سعدی آب تنی می‌کنند و از ساعت ۲۴ تا ۸ بامداد به پسران و مردان اختصاص می‌یابد. هجوم جمعیت برای آب تنی بسیار زیاد است و مردم معتقدند که این آب، مشکلات و گرفتاری‌ها را نیز حل می‌کند. گاه نیز نامه‌ای برای حضرت امام زمان (عج) را در آب حوض ماهی می‌اندازند و حاجت و مشکل خود را مطرح می‌کنند.

در گذشته مردم باور داشتند که این آب، سحر و جادو را باطل می‌کند. معمولاً کشاورزان یک ظرف از این آب برمی دارند و هنگام آبیاری مزارع خود، آن را در جوی آب می‌ریزند تا از ایجاد کرم ساقه خوار جلوگیری نماید و مزارع آن‌ها محصول بیشتر بدهد. برخی نیز معتقدند که اگر لباس‌هایشان در این آب شسته شود، بیماری‌ها را از بدن صاحب لباس می‌زداید. بنابراین در کوچه‌ی حمام سعدی لباس می‌شویند. هر چند امروزه کم‌تر به چنین کاری دست می‌زنند، ولی در گذشته تمام صحرای سعدی محل شستن و خشک کردن لباس بود.

## ادبیات شفاهی

**زبان و گویش:** با توجه به این که زبان رسمی یعنی زبان رادیو و تلویزیون، به تدریج گویش‌ها را تحت تأثیر قرار داده، گویش‌های متداول فارسی در فارس، شامل گویش شیرازی، گویش شهرهای شمالی فارس، گویش لاری و گویش لری است.

**گویش شیرازی:** حوزه‌ی گویش شیرازی با اندک تفاوت در شهرهای کازرون، مرودشت، زرقان، فسا، جهرم، استهبان، نی ریز و فیروز آباد کاربرد دارد و از لحاظ جغرافیائی هر چه به شیراز نزدیک‌تر باشد، تطبیق آن بیشتر است.

**گویش شهرهای شمالی فارس:** در شهرستان‌های آباده، اقلید، خرم بید و بوانات گویش ویژه‌ای به کار می‌برند که تقریباً در مایه گویش شیرازی است، با این تفاوت که گاه واژگان کهن‌تری به کار می‌رود.

**گویش لاری:** در شهرستان‌های لار و لامرد و شهرهای لار، اِوَز، خُنج و گراش، مردم گویشی از زبان فارسی دارند و معمولاً گویش هر یک از نقاط، با دیگری تفاوت دارد.

**گویش لری:** گویش لری در فارس در شهرستان ممسنی و قسمتی از شهرستان سپیدان (دشمن زیاری) که در آن‌ها عشایر لر ممسنی اسکان یافته‌اند یا

به کوچ روی ادامه می‌دهند، صحبت می‌شود.

گویش لری فارس، شاخه‌ای از فارسی است و اختلاف بسیار کمی با لری بختیاری دارد. کتاب سیمای میراث فرهنگی استان فارس ـ معاونت معرفی و آموزش ـ اداره‌ی کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی ـ گردآوری اداره‌ی کل میراث فرهنگی استان فارس ـ ویراستار: فرامرز طالبی

**نمونه ورزشهای بومی و محلی استان فارس**

۱ـ کشتی دست به بغل ۲ـ زنجیر پاره‌کن ۳ـ تورونه بازی ۴ـ غربه‌شاه ۵ـ گل از توته ۶ـ هفت‌سنگ بازی ۷ـ گو وچفته ۸ـ بند دو ۹ـ کپروشک ۱۰ـ ترکه‌بازی ۱۱ـ هدیه‌بیار ۱۲ـ چوپا سواری ۱۳ـ الختر ۱۴ـ سکل مهتاب ۱۵ـ گل برد ۱۶ـ چوب کلیک ۱۷ـ گوبازی ۱۸ـ پل چفته ۱۹ـ برو بیا ۲۰ـ بگیر بیا بالا ۲۱ـ قالبسنگ ۲۲ـ باد خوردن ۲۳ـ هادین گلو ۲۴ـ دنده ریشه ۲۵ـ چوب پل‌بازی ۲۶ـ تاب‌بازی

**کشتی دسته‌بغل** ـ هم وزن با هم‌وزن کشتی میگیرند، حداکثر اختلاف وزن دو کشتی‌گیر ممکن است ۵ کیلوگرم باشد، تفاوت دیگر این کشتی با سایر کشتی‌های محلی در این است که یک برد یا یک باخت در یک نوبت کشتی کارساز نبوده فرد برنده یا بازنده را تعیین نمی‌کند، دو نفر باید حتماً سه بار با هم کشتی بگیرند و نتیجه نهائی در این سه دور بدست میآید که به یکی از این دو حالت خواهد بود. ۳ بر هیچ یا ۲ بر یک.

**گل از بوته** ـ بازی گروهی است که بین دو تیم با نفرات مساوی انجام میشود، این بازی میدانی بوده در فضای باز و زمین هموار و مسطح نظیر زمین فوتبال انجام میشود. هر گروه یا تیم دارای یک نفر سرگروه است. برای تعیین وضعیت و موقعیت تیم‌ها، قرعه‌کشی بعمل میآید و در اصطلاح یک گروه در بالا (مهاجم) (گروه دیگر در پائین (مدافع) قرار خواهند گرفت.

**هدیه بیار** این بازی بین دو تیم با نفرات مساوی انجام می‌شود، محل بازی زمینی است مستطیل شکل به طول ۱۰۰ متر، به عرض چندانی نیاز نیست، وسیله بازی دو عدد گلدان یا توپ یا چیزهای دیگری است که در بازی به عنوان هدیه مورد استفاده قرار میگیرد. نفرات دو تیم در دو صف جداگانه با فاصله کمی از هم در یک ردیف می‌ایستند، هدیه‌ها در فاصله ۱۰۰ متری (فواصل دیگر نیز ایرادی ندارد میتواند کمتر یا بیشتر باشد) مقابل دو تیم قرار دارد.

**هفت‌سنگ‌بازی** ـ بازی جمعی بوده بین دو تیم با نفرات مساوی هر تیم ۷ نفر انجام میشود.

محل بازی زمینی روباز مستطیل شکل می‌باشد، عرض چندانی نمی‌خواهد از ۲ متر تا ۴ متر، طول زمین بستگی به سن و سال و قدرت جسمی و مهارت و ورزیدگی بازیکنان دارد (قدرت پرتاب و نشانه‌گیری) از ۱۵ متر به بالا.

وسیله بازی تعداد ۱۴ قطعه سنگ متوسط به عنوان نشانه، برای هر تیم ۷ سنگ و تعدادی سنگ کوچک جهت نشانه گیری، برای هر نفر ۷ سنگ. از کتاب ورزشهای سنتی، بومی و محلی ـ غلامحسین ملک‌محمدی ـ کمیته ملی المپیک

**اقتصاد:**

**برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی فارس**

غلات هکتار/ تن (گندم ۲۰۶۵۸۰۷،۵۸۸۵۵۷- جو ۱۴۰۴۳۰، ۱۹۹۷۹۵- شلتوک (صدری دانه بلند ۹۹۹، ۴۱۲۷،پرمحصول دانه بلند ۱۷۶،

۹۸۷- دانه متوسط مرغوب ۳۵۱۴۶، ۱۵۵۹۶۷- دانه متوسط پرمحصول ۲۲۱۵، ۱۸۵۱۰- دانه کوتاه ۸۲۱۹، ۳۶۵۰۶- دانه کوتاه پرمحصول ۸۷۳۵، ۴۱۰۵۱)- ذرت دانه‌ای ۸۶۲۰۶، ۶۵۳۳۶۲)

حبوبات هکتار/ تن (نخود ۹۴۵۱، ۵۲۲۲- لوبیا ۱۸۲۲۳، ۳۵۰۱۶- عدس ۱۲۱۲۲، ۷۸۳۵)

محصولات صنعتی هکتار / تن (پنبه ۳۵۴۱۲،۱۱۷۲۶ - توتون و تنباکو ۱۹۸،۱۵۱ - چغندرقند ۲۳۳۸۱، ۷۰۵۵۰۹ - کلزا۵۶۹۷، ۱۷۶۰۷)

سبزیجات هکتار/ تن (سیب‌زمینی ۱۲۶۲۲، ۲۳۵۲۳۷- پیاز ۳۱۱۳، ۱۶۷۴۳۴- گوجه‌فرنگی ۱۵۷۹۹، ۸۶۳۴۹۶)

محصولات جالیزی هکتار/ تن (خربزه ۴۷۵۱، ۷۹۶۴۷- هندوانه ۹۱۹۶، ۲۴۷۴۸۱- خیار ۴۱۷۹، ۱۰۱۱۹۸)

نباتات علوفه‌ای هکتار/ تن (یونجه ۱۷۷۵۲، ۱۷۲۷۸۷- شبدر ۵۰۳، ۱۱۴۷)

میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی، به. میوه‌های هسته دار: آلبالو، گیلاس (تک‌دانه مشهد، زرد دانشکده، سفیدارومیه)، گوجه، آلو، هلو، شفتالو، زردآلو و قیسی، شلیل، آلو قطره طلا. میوه‌های دانه ریز: انگور (بیدانه کشمشی، عسگری، پیکاتی، شاهرودی، یاقوتی)، توت درختی. میوه‌های خشک: پسته (اوحدی، احمدآقایی، اکبری، کله قوچی)، بادام، گردو، فندق، سنجد. میوه‌های سردسیری: زالزالک، زرشک، سماق، ازگیل، زغال اخته، عناب. میوه‌های نیمه‌گرمسیری: خرما (استعمران، کبکاب، مضافتی، پیارم، برحی، شاهانی)، انجیر، پرتقال، نارنگی، لیموترش، لیموشیرین، گریپ فروت، نارنج، انار، خرمالو، زیتون. میوه‌های گرمسیری: کنار. گیاهان دارویی: زیره سبز، رازیانه، حنا. توت نوغان، ازگیل ژاپنی، زعفران، گلستان، غیرمثمر.

**صنایع فارس:** محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۱۰۴۲ واحد)، ساخت منسوجات (۱۳۸ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۱۶۲ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۲۱۷ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۴۸ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۳۶۷ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۶۳۱ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۶۵ واحد)، ساخت ماشین آلات و تجهیزات (۴۱۸ واحد)، بازیافت (۱۴ واحد)، سایر فعالیت‌های خدمات مهندسی (۲ واحد)، کربنات روی (۳)، روغن صنعتی (۱)، انواع روغن نباتی و حیوانی (روغن‌کشی و تصفیه) (۱)، تولید روغن نباتی جامد (۱)، روغن خام پنبه دانه (۱)، روغن خام زیتون (۴)، شیر پاستوریزه (۱۴)، ماست پاستوریزه (۱۵)، آرد غلات (۶)، انواع کیک و بیسکوئیت و کلوچه (۱۳)، شکر از چغندر قند (۴)، بسته بندی شکر (۷)، قند از شکر (۵)، ماکارونی (۱۰)، چای خشک بسته بندی‌شده (۸)، انواع رب گوجه فرنگی (۲۶)، نمک طعام (۱)، رنگرزی خامه‌ی قالی (۱)، فرش ماشینی (۶).

**صنایع دستی:** خاتم سازی، سرامیک سازی، قلمزنی روی نقره، شیشه گری، نمد مالی، گیوه دوزی، گلیم بافی، جاجیم بافی، منبت کاری روی چوب، حصیر بافی، خوس دوزی، ملیله سازی، کلاه نمدی، قالیبافی، سفالگری، ساخت سازهای سنتی، کاشی هفت رنگ، معرق چوب، سراجی، قلاب دوزی، عروسک دوزی، فلز کاری، طراحی فرش، رفوگری، گلدوزی، نگین تراشی، پولک

دوزی، جواهر سازی، خراطی، رند بافی، مجسمه‌های مومی، سوزن دوزی، دوخت لباس‌های محلی، تذهیب، نازک کاری چوب، محصولات بافتنی، فلزکاری، خامه‌ی دست ریس، مشبک چوب، معرق، رودوزی‌های سنتی، چاقوسازی، چله کشی. ـ سازمان صنایع دستی

## فرهنگی ـ دانشگاهی

**دانشگاه شیراز:** این دانشگاه در ۱۳۲۵ با تاسیس آموزشکده عالی پرستاری کار خود را آغاز کرد و سپس در ۱۳۲۸ به دانشکده پزشکی تبدیل شد و از ۱۳۴۳ با نام دانشگاه پهلوی کار خود را ادامه داد. پس از انقلاب نام آن به دانشگاه شیراز تغییز یافت. این دانشگاه در حال حاضر با یازده واحد آموزشی، در مقاطع مختلف کار دانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری حرفه‌ای و دکتری تخصصی دانشجو می‌پذیرد.

دانشکده‌های آن عبارتند از: دانشکده ادبیات و علوم انسانی (باگروههای آموزشی زبان و ادبیات فارسی، زبان‌های بیگانه و زبان شناسی، تاریخ، اقتصاد، مدیریت و حسابداری، علوم اجتماعی، علوم کتابداری، الهیات و معارف اسلامی)، دانشکده مهندسی (باگروههای آموزشی مهندسی برق والکترونیک، مهندسی مکانیک، مهندسی مواد، مهندسی شیمی، مهندسی رایانه، مهندسی راه و ساختمان، مهندسی هسته‌ای)، دانشکده علوم پایه (باگروههای آموزشی آمار، ریاضی، زیست شناسی، شیمی، زمین شناسی، فیزیک)، دانشکده دامپزشکی (باگروههای آموزشی گیاه‌پزشکی، علوم وصنایع غذایی، ماشین‌های کشاورزی، آبیاری، ترویج و آموزش کشاورزی، خاک شناسی، علوم دامی، زراعت و اصلاح نباتات، اقتصاد کشاورزی، باغبانی، مدیریت و مناطق بیابانی)، دانشکده علوم تربیتی (باگروههای آموزشی آموزش کودکان استثنایی، مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، روان شناسی تربیتی، تربیت بدنی، آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی، و روان شناسی بالینی)، دانشکده صنعت الکترونیک، دانشکده حقوق، دانشکده هنر و معماری (باگروههای آموزشی صنایع دستی، معماری و شهر سازی)، دانشکده تربیت دبیر کازرون (باگروههای آموزشی دبیری ادبیات فارسی).

آموزشگاه کشاورزی داراب (باگروههای پژوهشی مهندسی تولیدات گیاهی، تکنولوژی تولیدات گیاهی، تکنولوژی مرتع و آبخیزداری و تکنولوژی آبیاری) از مراکز آموزش عالی وابسته به این دانشگاه‌اند.

مرکز مطالعات جمعیت شناسی، مرکز ایستگاه زراعی دانشکده کشاورزی، مرکز مطالعات و تحقیقات آب، مرکز ایستگاه دام پروری دانشکده کشاورزی، مرکز رصد خانه ابوریحان بیرونی، مرکز تحقیقات باغ گیاه‌شناسی ارم، مرکز موزه تاریخ طبیعی و تکنولوژی، مرکز ژئوتکنیک، مرکز ایمنی تشعشعات، مرکز انرژی خورشیدی، مرکز رایانه دانشگاه، پژوهشهای فرهنگ اسلامی، مرکز تحقیقات اقتصادی، مرکز موزه نارنجستان قوام از مراکز تحقیقاتی این دانشگاه هستند.

**دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان فارس:** در سال ۱۳۲۵ با تأسیس آموزشگاه عالی بهداری سنگ بنای دانشگاه علوم پزشکی شیراز گذاشته شد که واحدی از دانشگاه شیراز محسوب می‌گردید و به دانشگاه پهلوی شهرت داشت در سال ۱۳۲۸ به دانشکده‌ی

پزشکی تبدیل گردید در سال ۱۳۳۲ آموزشگاه عالی پرستاری نمازی و در سال ۱۳۴۸ دانشکده‌ی دندانپزشکی به مجموعه اضافه گردید در سال ۱۳۶۴ از دانشگاه شیراز جدا شد و با عنوان دانشگاه علوم پزشکی شیراز فعالیت خود را ادامه می‌دهد.

**دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم**: از سال ۱۳۵۶ با پذیرش دانشجو در رشته‌ی پزشکی و پرستاری شروع به فعالیت نمود و بعد از انقلاب فرهنگی تا سال ۶۵ تعطیل شد در سال ۷۳ استقلال مالی پیدا نمود و تحت عنوان دانشکده‌ی علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم فعالیت می‌نماید ـ دولتی

**دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی فسا**: در سال ۱۳۵۶ با هدف مجتمع پزشکی روستائی زیر نظر دانشگاه شیراز آغاز به کار نمود. سال ۱۳۶۴ مدرسه‌ی عالی پرستاری با دانشکده ادغام شد، در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه علوم پزشکی شیراز مستقل و تحت عنوان دانشکده‌ی علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی فسا فعالیت خود را ادامه داد ـ دولتی

**موزه‌ی تاریخ طبیعی**: این موزه در خیابان آزادگان منشعب از بلوار مدرس قرار دارد. در این موزه نمونه‌هائی ازگونه‌های مختلف جانوری، گیاهان و سنگواره‌ها جمع‌آوری و به صورت رده بندی شده نگهداری می‌شود. ساختمان موزه از لحاظ وضعیت خاص معماری و رعایت نکات ایمنی برای نگهداری نمونه‌های موجود در موزه، یکی از بی‌نظیرترین موزه‌های ایران می‌باشد. از نمونه‌های دیدنی این موزه می‌توان به اسکلت عظیم‌الجثه‌ی ۱۵ متری نهنگی، بزغاله‌ی دوسر، مرغ چهارپا، بره‌ی هشت پا و... نام برد.

**موزه‌ی نظامی**: این موزه در باغ عفیف‌آباد قرار دارد و انواع اسلحه‌ها سبک و سنگین از زمان‌های گذشته در آن نگهداری می‌شود. از سلاح‌های عتیقه‌ی موجود در این موزه می‌توان از تفنگ‌های ویژه‌ای که زمانی در دست شاهانی چون فتحعلی شاه، ناصر الدین شاه و مظفر الدین شاه قاجار، رضاخان، محمد رضا پهلوی، رئیس علی دلواری و ... نام برد.

**موزه‌ی عبرت**: موزه‌ی عبرت در طبقه‌ی دوم ساختمان عفیف آباد قرار دارد. ساختمان این موزه قبلاً کاخ محمدرضا پهلوی و همسرش بوده است. این طبقه دارای اتاق‌های همایش، رختکن، نشیمن، مطالعه و سالن پذیرائی بوده است. یکی از اشیای مهم این موزه، پیانوئی مربوط به جشن ۲۵۰۰ ساله‌ی زمان پهلوی است که متعلق به شخص فرح پهلوی بوده، این پیانو قدمتی ۱۰۰ ساله دارد.

**گنجینه‌ی تاریخ فارس**: این مجموعه در سال ۱۳۸۲ به همت بنیاد فارس‌شناسی و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در بخش زیر زمین خانه‌ی زینت الملک ایجاد شد. در این موزه تندیس بیش از ۶۰ نفر از بزرگان فارس به وسیله‌ی موم و سنگ و چوب ساخته شده است.

**موزه‌ی سنگ**: این موزه در ساختمان هفت تن، بلوار هفت واقع است در این موزه نمونه‌هائی از سنگ تاریخی و کتیبه‌های قدیمی نگهداری می‌شود. اغلب این سنگ‌ها متعلق به قرن‌های سوم تا یازدهم هجری قمری می‌باشد.

**موزه‌ی نارنجستان**: این موزه در ساختمان نارنجستان قوام می‌باشد و اشیای باستانی حفاری شده مربوط به سه هزار سال قبل در آن به نمایش گذاشته شده است. در این موزه مجموعه

عکس‌های پروفسور پوپ نیز در معرض دید می‌باشد.

**منزل منطقی نژاد (موزه‌ی آرشیو آواها و نواها):** این بناکه متعلق به اواخر دوره‌ی قاجاریه می‌باشد در گذر مجاور ضلع جنوبی مسجد نو در میدان احمدی واقع شده است. تزئیناتی از آینه کاری، مقرنس کاری، دریچه‌های مشبک و چوبی به صورت ارسی با شیشه‌های رنگی، درهای چوبی منبت و معرق‌کاری شده وگچ بری‌های بسیار زیبا و نقاشی‌هایی در بدنه و سقف با طرح‌های گل و بوته و هم چنین تابلوهای متعدد از چهره‌ی زنان و تصاویر قصرها به سبک اروپائی از ویژگی‌های این بناست.

موزه‌ی قاجار (شیراز) ـ موضوع: معماری، تاریخی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۸۱، بنا قاجاریه

موزه‌ی سنگ‌های تاریخی هفت تنان (شیراز) ـ موضوع: شخصیت (آثار سنگ مزار هفت تن از عرفای دوره‌ی زندیه و سنگ‌های تاریخی) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۷۲

موزه‌ی کریم خان زند (شیراز) ـ موضوع: شخصیت (آثار مربوط به دوره‌ی کریم خان زند) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۱۵، بنا زندیه

موزه‌ی شاهچراغ (ع) (شیراز) ـ موضوع: تاریخی ـ آستان مقدس احمدی و محمدی ـ تأسیس ۱۳۴۴

موزه‌ی نارنجستان قوام ـ موضوع: باستان‌شناسی، تاریخی ـ دانشگاه تبریز ـ تأسیس ۱۳۴۵

گروه پاتولوژی (شیراز) ـ موضوع: علمی (نمونه‌های مختلف از اعضای بدن) ـ دانشگاه شیراز ـ تأسیس ۱۳۷۵

موزه‌ی تاریخ طبیعی (شیراز) ـ موضوع: علمی (نمونه‌ی انواع جانوران و گیاهان) ـ دانشگاه شیراز ـ تأسیس ۱۳۵۹

موزه‌ی جانورشناسی (مرکز نمونه‌های جانوری CPSU) (شیراز) ـ موضوع: تخصصی، جانورشناسی ـ دانشگاه شیراز

آرامگاه سعدی (شیراز) ـ موضوع: معماری شخصیت (آرامگاه سعدی) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۱۵

آرامگاه حافظ (شیراز) ـ موضوع: معماری، شخصیت (آرامگاه) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۱۵

مسجد وکیل (شیراز) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: بنا زندیه

حمام وکیل (شیراز) ـ موضوع: معماری، چایخانه‌ی سنتی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ۱۳۷۲، بنا زندیه

موزه‌ی نظامی عفیف آباد (شیراز) ـ موضوع: تاریخی (جنگ افزارهای تاریخی) ـ ارتش جمهوری اسلامی ایران ـ تأسیس ۱۳۷۰

ارگ کریم خان (شیراز) ـ موضوع: معماری (دوره‌ی زندیه) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس:
۱۳۴۸، بنا قاجاریه (سازمان حفاظت آثار تاریخی)

مسجد نصیر الملک (شیراز) ـ موضوع: معماری ـ ادارای اوقاف و امور خیریه

غارشاپور (کازرون) ـ موضوع: باستان‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: دوره‌ی ساسانی

تنگ چوگان (نقش برجسته) ـ موضوع: باستان‌شناسی (نقش برجسته‌ی دوره‌ی ساسانی) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: دوره‌ی ساسانی

موزه‌ی‌باستانی(کازرون)ـموضوع:باستان‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۸۱
موزه‌ی ساسانی ـموضوع: باستان‌شناسی ـسازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۸۱
محوطه‌ی بیشابور (کازرون) ـ موضوع: باستان‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۴۷، دوره‌ی ساسانی و قبل از میلاد
قلعه دختر (فیروز آباد) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ساسانی
کاخ اردشیر (آتشکده‌ی فیروز آباد) (فیروز آباد) ـ موضوع: باستان‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: ساسانی
تخت جمشید (مرودشت) ـ موضوع: معماری، باستان‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: بنا هخامنشی
موزه‌ی هخامنشی تخت جمشید (فیروز آباد) ـ موضوع: باستان‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۱۶، بنا هخامنشی
نقش رستم (مرودشت) ـ موضوع: باستان‌شناسی (نقش‌های برجسته‌ی ساسانی و ایلامی) ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: بنا هخامنشی
پاسارگاد (مرودشت) ـ موضوع: معماری، باستان‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: بنا هخامنشی
نقش رجب (مرودشت) ـموضوع: باستان‌شناسی ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: بنا ساسانی

**آثار ثبت شده استان فارس**

تخت‌مادرسلیمان(قصرابونصر)-(هخامنشی-ساسانی)-شیراز
قلعه در دهیا (دارابگرد) - (هخامنشی - ساسانی) داراب
قلعه ضحاک (تپه ضحاک) - (پیش از تاریخ - اسلامی) - فسا
گنبد آتشکده فراشبند-اشکانی - ساسانی-فراشبند
شهرگور- (تاریخی - اسلامی) - فیروزآباد
استخر - (تاریخی - اسلامی) - مرودشت
مشهد مرغاب پاسارگاد - هخامنشی - پاسارگاد
تخت جمشید - هخامنشی - مرودشت
نقش رستم - ساسانی - مرودشت
نقش رجب - ساسانی - مرودشت
کاخ سروستان - ساسانی - شیراز
شهر بیشاپور - ساسانی - کازرون
حجاری‌های برم دلک - ساسانی - شیراز
مسجد جامع عتیق - صفاریان - شیراز
مسجد نو - اتابکان - شیراز
باغ و عمارت هفت تن - زندیه - شیراز
مدرسه خان - صفویه - شیراز
مقبره دختراتابک‌آبش خاتون-(تیموری-صفویه)-شیراز
آتشکده فراشبند - ساسانی - فراشبند
کاخ اردشیر آتشکدکده - صفویه - فیروزآباد
پل ساسانی - ساسانی - فیروزآباد
نقش برجسته‌های تنگ چوگان - ساسانی - کازرون
مجسمه شاپور اول - ساسانی - کازرون
مسجد وکیل - زندیه - شیراز
غار موسوم به شیخ علی - ساسانی - مرودشت
خرابه‌های یک شهر سلطنتی - هخامنشی - ممسنی
جامع - قرن ۴ ه.ق - نی ریز
مسجد سنگی - (ساسانی - قرن ۷ ه.ق) - داراب
مقبره کریم خان زند(موزه‌پارس)-زندیه - شیراز

حجاری ایلامی (گورانگون)- ایلامی - ممسنی
آتشکده سنگی (تنگ‌کرم)- ساسانی - فسا
امامزاده احمد- قرن ۱۰ ه.ق - بوانات
نقش رستم - ساسانی - داراب
دو نقش برجسته - ساسانی - فیروزآباد
قلعه دختر- ساسانی - فیروزآباد
نقش برجسته سراب بهرام - ساسانی - نورآباد
مسجد ساده - قرن ۷ ه.ق - استهبان
مسجد جامع سوریان - قرن ۶ ه.ق - بوانات
آتشکده ساسانی (فیروزآباد)منار- ساسانی - فیروزآباد
دخمه سنگی دو دختر(داو دور) - ماد - ممسنی
مقبره سید علاءالدین حسین - قرن ۱۰ ه.ق - شیراز
آتشکده جره - ساسانی -کازرون
بازار قیصریه - قرن ۱۱ ه.ق - لار
مزار شیخ یوسف سروستانی - قرن ۷ ه.ق - سروستان
آتشکده - ساسانی -کازرون
نقوش برجسته سنگی (سرمشهد) - ساسانی - کازرون
میل اژدها یا آتشگاه - اشکانی - ممسنی
بقعه معروف به شاه چراغ - قرن ۷ ه.ق - شیراز
چهارطاقی‌ساسانی-(ساسانی-اسلامی)- ایزد-خورست
مسجد نصیرالملک - قاجاریه - شیراز
بنای بی بی دختران - مغول - شیراز
سرای مشیر - قاجاریه - شیراز
شاه میر علی بن حمزه بقعه - تیموری - شیراز
تپه چشمه علی آباد -(هخامنشی- ساسانی) - مرودشت
مدرسه آقا بابا خان (مدرسه وکیل) - زندیه - شیراز
کلیسای ارامنه - صفویه - شیراز
بند امیر - قرن ۴ ه.ق - مرودشت
حسینیه مشیر - قرن ۱۳ ه.ق - شیراز
مسجد مشیر - قرن ۱۳ ه.ق - شیراز
باغ‌دلگشا-(صفویه-زندیه-قاجاریه)-شیراز
باغ عفیف آباد - قرن ۱۳ ه.ق - شیراز
عمارت دیوانخانه - زندیه - شیراز
مقبره خواجوی کرمانی - قرن ۸ و ۹ ه.ق - شیراز
حمام وکیل - زندیه - شیراز
ارگ کریمخانی - زندیه - شیراز
حسینیه قوام - قرن ۱۳ ه.ق - شیراز
مجموعه بازار وکیل - زندیه - شیراز
باغ جهان نما - زندیه - شیراز
پل خان - صفویه - مرودشت
باغ تخت - اتابکان - شیراز
آب انبار وکیل - زندیه - شیراز
مجموعه گبر - ساسانی - اقلید
نقش برجسته بهرام دوم - ساسانی - شیراز
بنای اندرون زینت‌الملک - قاجاریه - شیراز
نقش برجسته پارتی - اشکانی - فیروزآباد
چاه مرتاض‌علی - دیالمه (در عهد قاجار تعمیر شد) - شیراز
آرامگاه قطب الدین یوسف - قرن ۸ ه.ق شیراز
مجموعه پل و بند بهمن - ساسانی - شیراز
بازار جهرم - (اواخر زندیه - اوایل قاجار)- جهرم
مسجد سنگی و چهار طاقی ایج - ساسانی - استهبان
مدرسه منصوریه - قرن ۹ - شیراز
بقعه امامزاده سید نورالدین - دیالمه - اردکان
مسجد و مدرسه خان - صفویه - جهرم

گنبد عضد (گهواره زید)- دیالمه - شیراز
مقبره شیخ عبدالسلام - ایلخانی - خنج
باغ نشاط - (افشاریه - قرن ۱۲) - لار
مناره مجاور قصر شیخ دانیال خنجی - قرن ۸ - خنج
مقبره جاماسب حکیم وقلعه آن - ساسانی - جهرم
مسجد جامع جهرم - سلجوقی - جهرم
چهار طاقی قطب آباد (علویه)- ساسانی - جهرم
امامزاده اسماعیل میمند - سلجوقی
مقبره فضل بن موسی بن جعفر - قرن ۹ - جهرم
آرامگاه حافظ - مظفریان - شیراز
آرامگاه سعدی شیرازی-(اتابکان-پهلوی-معاصر)-شیراز
باغ ارم - قاجاریه - شیراز
آرامگاه شیخ کبیر محمدروزبهان - معاصر - شیراز
تپه ملیان - ایلامی - سپیدان
منزل حاج محمود عطر فروش - قاجاریه - شیراز
خانه نصیر الملک - قاجار - شیراز
خانه کاظم زاده - (اواخر زندیه - قاجاریه)- شیراز
خانه صالحی - قاجاریه - شیراز
منزل آقای امامی - قاجاریه - شیراز
خانه محمد نبی افشاریان -قرن ۱۴ ه.ق -شیراز
عمارت دیوانخانه قوام ملکی - قاجاریه - شیراز
مسجد حاج میرزاکریم صراف - زندیه - شیراز
پل ایزد خواست - صفویه - ایزد خواست
کتیبه پهلوی تنگ خشک سیوند - ساسانی - پاسارگاد
کاروانسرای ایزد خواست - قرن ۱۲ - ایزد خواست
مدرسه نظامیه (سید علاءالدین) - صفویه - شیراز

آرامگاه شاه شجاع - مظفریان - شیراز
آثار هخامنشی قره قلات - هخامنشی - مرودشت
مقبره نیمه تمام چاشت خوار - هخامنشی - ارسنجان
کتیبه‌های پهلوی تخت طاووس -ساسانی - مرودشت
ساختمان و باغ منشی باشی - اواخر قاجار شیراز
مجموعه بصیر دیوان - اواسط قاجاریه - شیراز
منزل کازرونیان - قاجاریه - شیراز
کتیبه پهلوی چشمه عبدالله -ساسانی - مرودشت
آب انبار اوز -اواخر صفویه - لار
تپه کوشک زر - هزاره ۵تا ۱ ق.م - آباده
تپه گپ کناره (تپه بزرگ)- تاریخی و اسلامی - مرودشت
تپه ماد آبادی - پیش از تاریخ - مرودشت
تپه تیموریان (تیمارون)- هزاره ۴و۳ ق.م - ارسنجان
قلعه کهنه جعفرآباد-(پیش‌ازتاریخ -تاریخی) - اسلامی)-اقلید عبدالله آباد
تپه‌حاجی‌نوروز(تپه‌آهک‌پزی)-(پیش‌ازتاریخ -
تپه حسن آباد - (پیش‌ازتاریخ - اسلامی) - اقلید
تپه پیر کتانی - (پیش‌ازتاریخ-اسلامی) - مرودشت
تپه رحمت آباد - هزاره ۲ تا ۴ ق.م - پاسارگاد
تپه بزرگ مقصود - هزاره ۲ ق.م - مرودشت
تپه قلعه حسن آباد - (پیش‌ازتاریخ-تاریخی) - مرودشت
تپه مراد - تاریخی - مرودشت
تپه قاسم آباد - تاریخی - مرودشت
تپه شقا - پیش از تاریخ - مرودشت
تپه جری الف - ب - پیش از تاریخ - مرودشت
تپه باقرآباد - هزاره ۱ تا ۴ ق.م - اقلید

تپه قصرالدشت – هخامنشی – پاسارگاد
تپه چشمه دزون – هزاره ۱ ق.م – اقلید
تپه گودکلاه سران – تاریخی – مرودشت
تپه نورآباد – (پیش‌ازتاریخ-تاریخی) – ممسنی
قلعه مهر علی فارسی – پیش از تاریخ – اقلید
تپه رشتی سیاه‌الف و ب– هزاره ۴ تا اسلامی – مرودشت
تپه سوریان – صفویه – سوریان
پل سوریان – صفویه – سوریان
قدمگاه جهرم – (ساسانی-اسلامی) – جهرم
مدرسه سعیدیه ارسنجان – صفویه – ارسنجان
امامزاده شاه فخرالدین – ایلخانی و صفویه – خنج
برکه بام بلند – اسلامی – لار
آب انبار آقا – صفویه – لارستان
آب انبار شمار ۱ و ۲ سید جعفر – اسلامی – اوز
هفت عدد آب انبار گراش – اسلامی – خارج از گراش
خانه شوریروستای شیرازی – قاجاریه – شیراز
تپه کاخداد(منزلگاه‌پنجم‌راه‌شاهی)– هخامنشی – ممسنی
آثار روستای سید حسین – ساسانی – کازرون
آب انبار بنارویه – صفویه – لار
مسجد جامع استهبان – صفویه – استهبان
منزل منطقی نژاد – قاجاریه – شیراز
خانه آقای آیت اللهی – قاجاریه – شیراز
منزل سید محمد باقر عالم آیت اللهی – قاجاریه – شیراز
خانه حسین پاک یاری – قاجاریه – شیراز
منزل حسنی – اواسط قاجاریه – شیراز
مقبره و خانقاه شیخ ابواسحق – قاجاریه – کازرون
منزل فریور طالبان – قاجاریه – شیراز
خانه محتشم – (زندیه – قاجاریه) – شیراز
خانه آقایان حسن حبیبی و سعادت – قاجاریه – شیراز
خانه عبدالحمید تولائی – قاجاریه – شیراز
خانه دکتر معدل السلطنه – قاجاریه – شیراز
خانه رجبعلی هوائی – قاجاریه – شیراز
مسجد جامع داراب – سلجوقی – داراب
آرامگاه سید امین الدین – قرن ۷ ه.ق – کازرون
منزل آقای حسنی اردکانی – قاجاریه – شیراز
خانه آقای حاجی مهیا – قاجاریه – شیراز
خانه ضیائیان – قاجاریه – شیراز
کاروانسرای نو (کاروانسرای گلشن) – صفویه – لار
آب انبار حاج آقا رضا – صفویه – جهرم
بنای بقعه علامه دوانی – قرن ۱۰ ه.ق – کازرون
دروازه قرآن – (قاجاریه – معاصر) – شیراز
کاروانسرای شاه عباسی – صفویه – آباده
کاروانسرای خان خوره – صفویه – آباده
کتیبه و غار تنگ براق – ساسانی – اقلید
تیمچه صرافیان – قاجاریه – آباده
فهرست آثار تاریخی استان فارس در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۲۲۹۳ واحد می‌باشد.
سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

**جمعیت مرد و زن روستائی و شهری‌فارس:**
مرد: (۱۲۳۵۳۹۳ شهری، ۷۵۹۳۰۰ روستائی)،
زن: (۱۱۹۸۳۹۵ شهری، ۷۳۴۰۸۶ روستائی).

**جمعیت استان فارس**

شهرستان آباده: تعداد خانوار ۲۳۳۸۷، جمعیت ۹۲۹۵۹، تعداد باسواد ۷۰۰۵۵، تعداد بیسواد ۱۰۳۰۸.
شهرستان ارسنجان: تعداد خانوار ۹۸۰۰، جمعیت ۴۱۴۸۸، تعداد باسواد ۳۱۹۸۲، تعداد بیسواد ۵۲۲۸.

شهرستان استهبان: تعداد خانوار ۱۶۶۰۶، جمعیت ۶۷۸۷۵، تعداد باسواد ۵۲۹۶۳، تعداد بیسواد ۷۸۰۲.

شهرستان اقلید: تعداد خانوار ۲۱۲۱۶، جمعیت ۱۰۶۶۶۴، تعداد باسواد ۷۴۸۲۷، تعداد بیسواد ۱۴۷۶۵.

شهرستان بوانات: تعداد خانوار ۱۱۳۴۱، جمعیت ۴۶۴۳۴، تعداد باسواد ۳۲۷۶۵، تعداد بیسواد ۷۱۴۹.

شهرستان پاسارگاد: تعداد خانوار ۷۱۰۰، جمعیت ۳۰۶۳۲، تعداد باسواد ۲۲۳۷۶، تعداد بیسواد ۴۴۵۴.

شهرستان جهرم: تعداد خانوار ۴۸۳۳۵، جمعیت ۲۰۲۴۴۵، تعداد باسواد ۱۵۴۴۲۱، تعداد بیسواد ۲۵۸۴۴.

شهرستان خرم بید: تعداد خانوار ۱۰۹۱۹، جمعیت ۴۵۳۸۱، تعداد باسواد ۳۵۱۱۵، تعداد بیسواد ۵۱۶۹.

شهرستان خنج: تعداد خانوار ۷۰۲۵، جمعیت ۴۰۲۹۶، تعداد باسواد ۲۷۲۹۱، تعداد بیسواد ۶۳۱۵.

شهرستان داراب: تعداد خانوار ۳۹۹۵۵، جمعیت ۱۷۷۹۳۸، تعداد باسواد ۱۲۹۶۴۳، تعداد بیسواد ۲۵۵۷۰.

شهرستان زرین دشت: تعداد خانوار ۱۳۳۷۸، جمعیت ۶۲۸۱۷، تعداد باسواد ۴۴۲۷۶، تعداد بیسواد ۹۲۴۵.

شهرستان سپیدان: تعداد خانوار ۲۰۱۲۷، جمعیت ۹۰۳۳۹، تعداد باسواد ۶۴۱۱۰، تعداد بیسواد ۱۵۵۲۱.

شهرستان شیراز: تعداد خانوار ۴۲۷۲۶۸، جمعیت ۱۷۱۱۱۸۶، تعداد باسواد ۱۳۹۲۰۵۱، تعداد بیسواد ۱۴۶۱۵۱.

شهرستان فراشبند: تعداد خانوار ۸۴۷۴، جمعیت ۴۵۶۷۸، تعداد باسواد ۲۷۲۵۹، تعداد بیسواد ۷۵۹۰.

شهرستان فسا: تعداد خانوار ۴۵۳۳۳، جمعیت ۱۹۲۹۴۶، تعداد باسواد ۱۴۹۲۹۵، تعداد بیسواد ۲۲۶۲۱.

شهرستان فیروزآباد: تعداد خانوار ۲۴۸۹۴، جمعیت ۱۱۶۶۲۲، تعداد باسواد ۸۴۷۲۱، تعداد بیسواد ۱۷۵۴۵.

شهرستان قیروکارزین: تعداد خانوار ۱۳۲۴۶، جمعیت ۶۵۱۴۸، تعداد باسواد ۴۴۹۷۹، تعداد بیسواد ۱۰۳۰۳.

شهرستان کازرون: تعداد خانوار ۵۸۰۳۶، جمعیت ۲۶۶۵۶۴، تعداد باسواد ۱۹۵۸۳۹، تعداد بیسواد ۳۹۸۱۲.

شهرستان لارستان: تعداد خانوار ۴۹۵۷۱، جمعیت ۲۲۹۲۴۸، تعداد باسواد ۱۶۹۷۲۰، تعداد بیسواد ۳۰۰۴۰.

شهرستان لامرد: تعداد خانوار ۱۶۶۰۲، جمعیت ۷۸۶۹۲، تعداد باسواد ۵۹۳۳۲، تعداد بیسواد ۹۹۰۲.

شهرستان مرودشت: تعداد خانوار ۶۹۲۴۴، جمعیت ۲۹۷۳۹۹، تعداد باسواد ۲۲۶۰۸۸، تعداد بیسواد ۴۰۵۱۲.

شهرستان ممسنی: تعداد خانوار ۳۵۱۴۵، جمعیت ۱۶۶۳۰۸، تعداد باسواد ۱۲۱۰۴۱، تعداد بیسواد ۲۸۹۰۴.

شهرستان مهر: تعداد خانوار ۱۰۹۹۹، جمعیت ۵۴۴۱۳، تعداد باسواد ۴۰۲۳۳، تعداد بیسواد ۸۰۳۲.

شهرستان نی ریز: تعداد خانوار ۲۶۶۸۹، جمعیت ۱۰۷۴۰۶، تعداد باسواد ۷۹۴۹۱، تعداد بیسواد ۱۵۷۵۶.

## شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها

**آباده:** از شهرستان‌های استان فارس در شمال و شمال شرقی استان فارس میان شهرستان‌های اقلید، مرودشت و نی‌ریز و استان‌های کرمان و یزد و اصفهان قرار دارد و از سطح دریا ۱۸۹۰ متر بلندی و با تهران ۶۳۸ کیلومتر فاصله و در ۳۱ درجه و ۱۰ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی قرار دارد و شهرستان آباده میان دو رشته کوه بلند قرار دارد و از لحاظ وسعت پس از شهرستان لار در استان فارس است.

شهرستان آباده از دو بخش کوهستانی و دشت قرار گرفته و بزرگترین دشت‌های این منطقه همان دشت آباده است.

مردم این شهرستان بیشتر از طریق کشاورزی و دامپروری امرار معاش کرده و صنایع دستی، منبت‌کاری و قالی‌بافی، نمدبافی، کلاه‌بافی ساختن ظروف سفالین با لعاب و ظریف، صابون پزی، گیوه دوزی است.

**تقسیمات کشوری:** شهرستان آباده به مساحت ۲۶۳۳۹ کیلومترمربع مساحت و دارای یک بخش (مرکزی) دارای ۴ دهستان ۱ـ ایزدخواست ۲ـ بهمن ۳ـ بیدک ۴ـ سورمق) و مرکز شهرستان آباده شهر آباده است.

شهرستان آباده از مناطق بلند کشور است و از دو قسمت کوهستانی و دشت پدید آمده است: ۱ـ کوهستان – جهت این کوه‌ها، همان امتداد عمومی کوه‌های زاگرس است ۲ـ دشت حد فاصل رشته شمالی و جنوبی، در حدود ۱۲۰ کیلومتر طول و ۲۰ کیلومتر عرض و مرکز تجمع روستاها و کشاورزی آباده است، دشت‌های نسبتاً وسیع و هموار وجود دارد که بزرگ‌ترین آن‌ها دشت آباده است. این دشت میان کوه‌های فوق به دو دسته تقسیم میشود: الف) رشته شمالی شامل کوه‌های شرقی و کوه‌های شمالی سوریان (بوانات) که تا دریاچه بختگان ادامه دارد. ب) رشته جنوبی که از کوه‌های بلندتر می‌باشد و از جنوب ایزدخواست آغاز شده و تا گردنه کولی کش ادامه دارد.

به روایت ابن بلخی و مؤلف کتاب حدود العالم آباده در قدیم شهرکی دارای حصار و مسجد جامع و منبر بود و انواع میوه و غله از آن‌ها به دست می‌آمده است.

فرهنگ جغرافیایی ایران، بنای شهر آباده، مرکز شهرستان‌های آباده را از آثار قرن هجدهم میلادی به دست طوایف گرجه‌ای و پرندی اصفهان میداند و می‌افزاید که به امر کریم خان زند آباد شده از این رو نام آباده به آن دادند. برخی آباده را مرکزی قدیمی پنداشته‌اند. در کتاب نزهةالقلوب اباده را شهرکی کوچک با قلعه استوار توصیف کرده که انگورش بسیار و حقوق دیوانیش را بیست و پنج هزار و پانصد دینار ذکر کرده است.

تعداد آبادی‌های آباده در فرهنگ آبادی شهرهای کشور را بر اساس سرشماری ۱۳۴۵ - ۶۰۸ آبادی برای شهرستان آباده آمده است.

طول جغرافیایی شهر آباده ۵۲ درجه و ۴۰ دقیقه و عرض آن ۳۱ درجه و ۱۱ دقیقه و ارتفاعش از سطح دریا ۲۰۱۱ متر است و راه ارتباطی میان شیراز و اصفهان از آن جا می‌گذرد.

شهرستان آباده از شمال به استان اصفهان و استان یزد، از مشرق به استان یزد و از غرب به شهرستان‌های بهبهان و شیراز و از جنوب به شهرستان‌های شیراز و آب و هوایش سرد معتدل و تغییرات جوی آن بیشتر در اوایل بهار و اواخر پاییز است. سردترین مناطق این شهرستان، دژکرد

در مغرب و بوانات در مشرق و گرم‌ترین نقاط آن بلوک سرجهان و قنقری پایین است. زمین‌های آباده از آب رودخانه و قنات پر آب می‌شود. رودها عبارت است از رود ایزدخواست، رودخانه شادگام، رود کُر و رودخانه بوانات.

شغل مردم مناطق روستایی علاوه‌بر کشاورزی، قالی‌بافی، گلیم‌بافی و ریسندگی و بافندگی و تهیه مواد خوراکی است.

مردم این سامان فارسی زبان و شیعه مذهبند اما در حدود باختر به لری نیز سخن می‌گویند.

محصولات آباده گندم و جو، پنبه، کنجد و کرچک، چغندر و تره‌بار و میوه آن انگور، به، گلابی، بادام و هلوست.

**زندگی جانوری**: در این شهرستان آهو، گورخر، خرگوش، بز، قوچ و میش کوهی و پلنگ، خرس، گرگ، یوزپلنگ، گورخر، روباه و پرندگانی چون کبوتر، کبک و تیهو یافت می‌شوند.

**آباده، بخش مرکزی**: از بخش‌های شهرستان آباده و مرکز آن شهر آباده استان فارس و دارای چهار دهستان (۱ـ ایزدخواست ۲ـ بهمن ۳ـ بیدک ۴ـ سورمق) است.

**آباده طشک**: از بخش‌های شهرستان نی‌ریز استان فارس و مرکز این بخش شهر آباده طشک و دارای دو دهستان (۱ـ آباده طشک ۲ـ بختگان) است.

از شمال به منطقه سرچاهان، از باختر به بخش‌های مرودشت و زرقان و از جنوب به دریاچه‌های طشک و بختگان و از جنوب شرقی به بخش مشکان از توابع نی‌ریز محدود است.

**کوه‌ها**: کوه خان در شمال و شمال غربی و روشن کوه در ۱۴ کیلومتری مشرق و شمال شرقی این بخش سر بر افراشته‌اند.

**رودها**: رود فصلی چاه مبارک از مشرق این بخش می‌گذرد.

**پوشش گیاهی**: جنگل‌های پراکنده‌ای از درختان بادام و پسته وحشی و گیاهان دارویی چون خاکشی، شاه‌تره است.

**جانوران و پرندگان**: گرگ، شغال، بز کوهی، قوچ و میش و کبک

مردمان این بخش به زبان فارسی با گویش ترکی سخن می‌گویند.

**آباده طشک**: از دهستان‌های بخش آباده طشک شهرستان نی‌ریز استان فارس و مرکز آن آباده طشک است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه یال خری تنگه گزین و دریاچه طشک قرار دارد.

**فراورده‌ها**: گندم، پنبه، کنجد، انگور و انار.

**پوشش گیاهی**: خاکشی، شاه تره.

**جانوران**: گرگ، شغال و کبک.

**آرد**: از دهستان‌های بخش گراش شهرستان لار استان فارس و مرکز آن آرد و در منطقه‌ای دشتی و گرم و خشک و کوه خانی در آن قرار گرفته است.

**فراورده‌ها**: گندم، جو، خرما و تره‌بار.

**پوشش گیاهی**: آویشن، پونه و پوشش گیاهی مرتعی.

**جانوران**: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز، بز کوهی، قرقاول و کبک.

**آسپاس**: از دهستان‌های بخش بیده شهرستان اقلید استان فارس و مرکز آن آسپاس است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و باتلاق، بیشه آسپاس از بلندی‌های آن است و رود اوجان که شاخه‌ای از رودکر است جریان دارد و کوه آسپاس و کوه قهرمانی.

**فراورده‌ها**: گندم، جو، دانه‌های روغنی، بنشن و تره‌بار و فرش.

**پوشش گیاهی:** کاسنی، خاکشی، گون کتیرا، شیرین‌بیان و شاه تره و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** بز کوهی، قوچ، میش، پلنگ، گراز، خرس، کبک و تیهو.
**آویز:** از دهستان‌های بخش فراشبند شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن آویز است و در منطقه‌ای پایکوهی گرم و خشک و کوه کل قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم و جو، گلیم، جاجیم و فرش با طرح کرمانی.
**پوشش گیاهی:** گل زرد، گل گاوزبان و بابونه و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال و روباه، خرگوش، قرقاول و کبک.
**ابرج:** از دهستان‌های بخش درودزن شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن بیدگل است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل مرطوب و کوه شهرک و کوه زنا و کوه دشتک قرار و رود کر که سرانجام به دریاچه بختگان می‌ریزد در آن جریان دارد و دریاچه پشت سد داریوش در آن قرار دارد و رود فصلی دشتک
**فراورده‌ها:** برنج، گندم، جو و بنشن.
**پوشش گیاهی:** درخت ارجن و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، پلنگ، خرس، روباه، خرگوش و کبک.
**ابرکوه:** از دهستان‌های بخش ابرکوه شهرستان آباده استان فارس و در منطقه‌ای دشتی معتدل قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، توت، سنجد، انگور و تره‌بار.
**پوشش گیاهی:** گون کتیرا و فرش با طرح هیبت لو و کشکولی.

**جانوران:** آهو، روباه، شغال و خرگوش.
**احمدآباد:** از دهستان‌های بخش حسن آباد شهرستان اقلید استان فارس و مرکز آن احمد آباد است.
**احمدآباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن احمد آباد است.
**ارژن:** از بخش‌های شهرستان شیراز استان فارس مرکز این بخش خانه زینان، دارای ۳ دهستان (۱ـ دشت ارژن ۲ـ قره‌چمن ۳ـ کوه مره سرخی) است.
دشت ارژن از بخش‌های شهرستان شیراز و در ارتفاع ۲۰۶۰ متر از سطح دریا، پایکوهی، معتدل و خشک، در ۶۵ کیلومتری باختر شیراز و بر سر راه شیراز -کازرون و کوه دشت ارژن در باختر این سامان قرار دارد.
**اقتصاد:** کشاورزی و دامداری اساس زندگی مردم این سامان را تشکیل می‌دهد.
**کشت:** آبی و دیمی، آب آشامیدنی و کشاورزی از چشمه.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، بادام و سیب.
**پوشش گیاهی:** گون کتیرا، پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** خرس، کفتار، گراز، گرگ، بز کوهی، قوچ و میش و کبک.
**ارسنجان:** از شهرستان‌های استان فارس در ۱۳۷۶/۳/۲۵ تبدیل به شهرستان شد و مرکز آن شهر ارسنجان دارای یک بخش (مرکزی) و ۳دهستان (۱ـ جزیز ۲ـ شوراب ۳ـ علی‌آباد ملک) است.
در ارتفاع ۱۶۳۵ متری سطح دریا قرار دارد. دره‌ای معتدل خشک، در ۱۳۶ کیلومتری شمال شرقی شیراز و کنار جاده ارسنجان - شیراز.
کوه چنار در شمال، کوه سنگ سیاه در شمال

شرقی و کوه سیاه در جنوب ارسنجان و گردنه گردقلات در ۴ کیلومتری شمال شرقی ارسنجان قرار گرفته است.
کشاورزی، دامداری، پیشه‌وری و فرشبافی از منابع درآمد مردم این سامان است.
کشت، آبی، آب کشاورزی و آشامیدنی از چاه عمیق فراهم گشته.
**فراورده‌ها:** گندم، جو و چغندر قند.
**پوشش گیاهی:** گیاهان دارویی چون شاه تره، خاکشی، و مراتع برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** گرگ، شغال و کبک.
**ارسنجان (مرکز شهرستان):** شهر ارسنجان مرکز شهرستان ارسنجان از شهرستانهای استان فارس است که در ۱۹ دقیقه و ۵۳ درجه طول جغرافیایی و ۵۵ دقیقه و ۲۹ درجه عرض جغرافیایی قرار دارد.
**ارسنجان (بخش):** بخش مرکزی شهرستان ارسنجان استان فارس است و در منطقه‌ای پایکوهی سرد خشک و کوه قدمگاه قرار دارد و دارای ۳ دهستان به نام ایج که مرکز آن نیز ایج می‌باشد (۱ـ جزیز ۲ـ شورات ۳ـ علی‌آباد ملک) می‌باشد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند.
**پوشش گیاهی:** شاه تره، خاکشی، پرسیاوشان و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال و کبک.
**اروردان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مهر استان فارس و مرکز آن اروردان علیا است.
**استهبان (شهرستان):** از شهرستان‌های استان فارس است که از شمال به دریاچه بختگان از شمال خاوری و خاور به شهرستان نی‌ریز، از جنوب به شهرستان داراب و توابع و از جنوب باختری و باختر به شهرستان فسا و آبادی‌های تابع محدود است.
دریاچه بختگان در ۱۸ کیلومتری شمال شهر استهبان قرار دارد که تابستان‌ها خشک و زمستان‌ها پرآب است.
**کوه‌ها:** ۶۰٪ شهرستان استهبان را کوهستان‌ها در برگ رفته و حدود ۱۰٪ جنگل‌هایی که بیشتر در دامنه‌های کوه‌ها قرار گرفته و ۳۰٪ جلگه است.
کوه بر پایین در حدود ۳ کیلومتری شمال، کوه داردان در ۳ کیلومتری جنوب شهر و کوه‌های بزمدان، کوه قبله و کوه بش، کوه تووش و کلاه قاضی در اطراف استهبان قرار دارند.
گردنه ایج در ۳ کیلومتری، گردنه خیر در ۳ کیلومتری شهر قرار دارند.
به طور کلی، این شهرستان، منطقه‌ای کوهستانی است و جهت ارتفاعات، شمال غربی - جنوب شرقی است. ارتفاعات جنوبی استهبان، کوه تودج است که بیش از ۳۰۰۰ متر بلندی دارد و زمستان‌ها عموماً پوشیده از برف و دارای پوشش جنگلی از انواع درختان انجیر، انگور، بادام و پسته است.
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش‌های محلی و ترکی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** علاوه بر درختان جنگلی که ۱۰٪ خاک این شهرستان را تشکیل می‌دهد، گیاهان دارویی و صنعتی و مرتع پوشش گیاهی شهرستان استهبان را تشکیل می‌دهد.
**جانوران:** قوچ و میش، بز، آهو، گرگ، روباه، خرگوش، پلنگ.
۷۰٪ کشاورزی را آبی و ۳۰٪ بقیه را دیم تشکیل می‌دهد.
دامداری نیز علاوه بر کشاورزی و صنایع دستی از

منابع مهم درآمد اهالی است.
شهرستان استهبان در مشرق ناحیه مرکزی و حد فاصل شهرستان‌های شیراز، فسا، داراب و نی‌ریز قرارگرفته، دارای ۲۶۵۲ کیلومتر مربع مساحت و در شرق ناحیه مرکزی فارس واقع شده است. ناحیه‌ای است کوهستانی با پوششی از درختان جنگلی و دارای ۱۷۶۷ متر بلندی از سطح دریا و در ۱۱۱۲ کیلومتری تهران قرار دارد.
هوای این شهرستان معتدل و از شهرستان‌های خوش آب و هوای استان فارس به شمار می‌رود.
**صنایع دستی:** قالی‌بافی، سفال‌سازی، نمدمالی، سرامیک‌سازی و صابون‌پزی است.
طبق تقسیمات کشوری ایران سال ۱۳۱۶ هش یکی از بخش‌های تابع فساء و در اردیبهشت ۱۳۳۷ به شهرستان تبدیل گشت.
مرکز این شهرستان شهر استهبان دارای دو بخش ۱ـ مرکزی دارای یک دهستان به نام ایج ۲ـ رونیز مرکزش شهر رونیز دارای ۲ دهستان ۱ـ رونیز ۲ـ خیر است.
در آبان ماه ۱۳۵۳ نام اصطهبانات تبدیل به استهبان و در تقسیمات کشوری ۱۳۵۶ تبدیل به شهرستان شد.
**استهبان (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان استهبان استان فارس و مرکز آن استهبان و دارای یک دهستان (ایج) است.
**اسیر:** از دهستان‌های بخش گله‌دار شهرستان لامرد استان فارس و مرکز آن اسیر است.
**اشکنان (بخش):** از بخش‌های شهرستان لامرد استان فارس و مرکز آن شهر اشکنان، دارای دو دهستان (۱ـ اشکنان ۲ـ کال) است.
در ارتفاع ۳۹۳ متری از سطح دریا، دشتی، گرم و خشک و در ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی لامرد و کنار جاده لامرد - بیرم قرار دارد.
رود شور از ۳ کیلومتری شمال اشکنان می‌گذرد و به خلیج فارس می‌ریزد. کوه لاورستان در ۶ کیلومتری جنوب غربی و دره تنگ لک در یک کیلومتری این شهرک قرار گرفته.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و کارگری استوار است.
کشت آبی و دیمی آب کشاورزی و آشامیدنی از چاه فراهم گشته است.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، خرما و تره‌بار.
**پوشش گیاهی:** آویشن، استاقدوس و گیاهان مرتعی.
**جانوران و پرندگان:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، قوچ و میش، گراز، قرقاول و کبک.
**اشکنان:** از دهستان‌های بخش اشکنان شهرستان لامرد استان فارس و مرکز آن اشکنان است و در منطقه‌ای پایکوهی گرم و خشک و کوه درناقه در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو و خرما.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، گراز و بز کوهی.
**افزد:** از دهستان‌های بخش قیروکارزین شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن شهرک جنوبی است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه لار و کوه باغ قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، خرما، کنجد و مرکبات.
**پوشش گیاهی:** درختان گز، کنار و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه و خرگوش.
**اقلید:** از شهرستان‌های استان فارس است که از شمال با شهر آباده و از شمال شرقی با ابرکوه و از جنوب با شهرستان شیراز و از شمال غربی با شهرستان سمیرم از استان اصفهان هم‌مرز است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر اقلید و دارای ۳ بخش ۱ـ مرکزی دارای دو دهستان (۱ـ خنجشت ۲ـ شهر میان ۳ـ خسروشیرین) ۲ـ بخش حسن آباد ۳ـ بخش سده است.

**کوهها:** پیرامون شهرستان اقلید راکوه‌هایی چند در بر گرفته ۱ـ کوه پلنگی (۲۹۵۱ متر) ۲ـ کوه موسی‌خان (۳۳۳۸ متر) ۳ـ کوه برآفتاب (۳۵۱۴ متر) ۴ـ کوه عابدینی (۳۰۶۹ متر) ۵ـ کوه تنگه گورک (۳۱۳۸ متر) ۶ـ کوه مشکان (۲۸۲۵ متر) ۷ـ کوه انگه دونی (۳۲۳۹ متر) ۸ـ کوه بل (۳۹۴۳ متر) گردنه تیمارجان در مغرب گرده نباتی در جنوب دشت قورماس بیگی در ۱۸ کیلومتری و حسین‌آباد در ۱۷ کیلومتری جنوب باختری و کویر ابرکوه در ۷۰ کیلومتری شمال خاوری شهر اقلید قرار دارد.

**رودها:** ۱ـ رود شادکام ۲ـ رود اوجان ۳ـ رود سیوند و غیره.

**آب و هوا:** معتدل کوهستانی است که در زمستان‌ها برف بسیاری می‌بارد و با آب شدن برف‌ها رودها پر آب و چمن زارها و مراتع سبز و خرم می‌شود.

**رستنی‌ها:** انواع درختان میوه چون زردآلو، توت، گلابی و درختان تبریزی، چنار، بادام کوهی، بنه، گیاهان صنعتی و دارویی.

**جانوران و پرندگان:** بزکوهی، قوچ، میش، پلنگ و خرس، گراز، گرگ، روباه، کبک، تیهو و مرغابی شهرستان اقلید به واسطه داشتن مراتع و چراگاه‌های فراوان محل ییلاق تیره‌هایی از ایل قشقایی در بهار و تابستان است.

**راهها:** ۱ـ راه اقلید به اصفهان - شیراز ۲ـ راه اقلید - آسپاس ۳ـ راه اقلید به ایزدخواست و سمیرم ۴ـ راه شهر اقلید به آبادی‌های اطرافش.

تا سال ۱۳۳۸ ه.ش به صورت یک دهستان بود، اما از آن سال به بعد یکی از بخش‌های شهرستان آباده شد تا این که به صورت شهرستان در آمده و مساحتش ۶۸۲۴ کیلومتر مربع است. این شهرستان در منطقه‌ای کوهستانی قرارگرفته و هیچ نقطه‌اش کمتر از ۲۰۰۰ متر از سطح دریا بلندی ندارد. کوه‌های این شهرستان از شمال به دشت طغور، از مشرق به کوه‌های کم ارتفاع لعیران، و از جنوب و جنوب غربی به بلندی‌های بناتی و سفیدکوه، کوه بل و گردنه تیمارجان محدود است.

بیشتر مردم مناطق روستایی به کشاورزی و دامپروری سرگرمند و زنان قالیبافی و تولید لبنیات را به عهده دارند. مردم شهر به امور خدماتی، تولیدی و صنعتی مشغولند. کتابهای درسی

**فراورده‌ها:** غلات، چغندر قند و سیب زمینی.

**اقلید (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان اقلید استان فارس و مرکز آن شهر اقلید و دارای سه دهستان (۱ـ خنجشت ۲ـ شهر میان ۳ـ خسروشیرین) است.

**امامزاده سید حسین:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کازرون استان فارس و مرکز آن سیدحسین است.

**اوز:** از بخش‌های شهرستان لار استان فارس، از شمال به بخش جویم، از جنوب به بخش لامرد و از خاور به شهرستان لار و از باختر به بخش فراشبند از توابع شهرستان فیروزآباد محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر اوز دارای دو دهستان (۱ـ بید شهر ۲ـ فیشور) است.

**رودها:** رود قره‌آقاج که از کوه‌های فیروزآباد سرچشمه می‌گیرد با جهت شمالی به جنوب وارد خلیج فارس می‌شود.

**کوهها:** تقریباً دشتی است اما کوه‌هایی چند نیز سر

بر افراشته‌اند: ۱ـ کوه بارزجان در جنوب باختری ۲ـ کوه لی‌نا در شمال ۳ـ کوه سرخ (قرمز) در جنوب.
**کان‌ها:** معادن سنگ گچ و خاک رس برای سفالگری.
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی و ترکی قشقایی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان گز و کنار - گیاهان دارویی: آویشن، اسفند، خاکشی، گل بنفشه - پوشش گیاهی برای چرای دام
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و دامداری استوار است. کشاورزی حدود ۸۰٪ آبی و ۲۰٪ دیم می‌باشد. آب کشاورزی از چاه‌های ژرف و نیمه ژرف و چاه‌های سطحی است.
دامداری به شیوه سنتی می‌باشد.
جاجیم، گلیم، قالی و پشتی‌بافی از صنایع دستی این بخش است.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، کنجد و تنباکو، دام و فراورده‌های دامی - جاجیم، گلیم و قالی و پشتی.
**ایج:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان استهبان استان فارس و مرکز آن ایج است و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل مرطوب و کوه بش و کوه قبله و کوه پک و کوه دهنه باغ مراد قرار و رود براق در آن جریان دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، پنبه، انار، پرتقال، لیمو، بادام، خرما، انجیر و گردو
**پوشش گیاهی:** گون، کتیرا، درختان ارژن، بنه، کی کم، گز و گیاهان مرتعی
**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، آهو، گرگ و کبک
**ایزدخواست:** از بخش‌های شهرستان زرین دشت استان فارس، مرکز این بخش شهر بیر، دارای دو دهستان (۱ـ ایزدخواست غربی ۲ـ ایزدخواست شرقی) است.
در ارتفاع ۱۵۹۰ متری از سطح دریا قرار دارد. دشتی، معتدل خشک در ۵۰ کیلومتری مشرق شیراز قرار گرفته.
کوه سوگلی در خاور ایزدخواست سر برافراشته است.
اقتصاد بر پایه کشاورزی، دامداری و فرشبافی استوار است.
کشت، آبی، آب کشاورزی و آشامیدنی از کاریز و چاه فراهم گشته.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند، پنبه و بنشن.
پوشش گیاهی درختان ارژن، بادام و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** بزکوهی، قوچ، میش، گراز و کبک.
**ایزدخواست:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان آباده استان فارس و مرکز آن ایزدخواست است.
**ایزدخواست شرقی:** از دهستان‌های بخش ایزدخواست شهرستان زرین‌دشت استان فارس و مرکز آن گل کوبه در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه گردون قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، آویشن و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو، گوزن، قوچ و میش، بزکوهی، قرقاول و کبک.
**ایزدخواست غربی:** از دهستان‌های بخش ایزدخواست شهرستان زرین‌دشت استان فارس و مرکز آن شهر پیر است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه لار قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو و خرما.

**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، آویشن، خاکشی، درختان کنار، انجیر و بادام کوهی و گز و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش و بزکوهی.
**باغستان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بوانات استان فارس و مرکز آن جشنیان است.
**باغ صفا:** از دهستان‌های بخش سرچهان شهرستان بوانات استان فارس و مرکز آن باغ صفا است.
**بالاده:** از دهستان‌های بخش بیرم شهرستان لار استان فارس و مرکز آن بالاده است.
**بالش:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان داراب استان فارس و مرکز آن سنگ چارک است.
**بانش:** از دهستان‌های بخش بیضاء شهرستان سپیدان استان فارس و مرکز آن بانش است.
**بختاجرد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان داراب استان فارس و مرکز آن بختاجرد است.
**بختگان:** از دهستان‌های بخش آباده شهرستان نی‌ریز استان فارس و مرکز آن کوشکک است و در منطقه‌ای دشتی پایکوهی معتدل و خشک و کوه چاه پرو و چراگاه بندبست و کوه دره‌بز و چراگاه تی‌تک قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو و کرچک، انگور، انار و پنبه.
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.
**جانوران:** قوچ، میش، گرگ، خرگوش و کبک.
**بکان:** از دهستان‌های بخش جس شهرستان اقلید استان فارس و مرکز آن بکان است.
**بکش دو:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نورآباد ممسنی استان فارس و مرکز آن آهنگری است و در منطقه‌ای میانکوهی، معتدل، مرطوب و کوه کرکان در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو و بنشن.
**پوشش گیاهی:** درختان بلوط، ارجن و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** پلنگ، گراز، کفتار و خرگوش.
**بکش یک:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن گچگران است و در منطقه‌ای دشتی سرد و خشک و کوه محمد امینی قرار و رود دروغ زن در آن جریان دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه و چغندر و میوه.
**پوشش گیاهی:** درختان بلوط و بنه.
**جانوران:** پلنگ، گرگ، کفتار، روباه و خرگوش.
**بلیان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کازرون استان فارس و مرکز آن مهرنجان است.
**بنارویه:** از دهستان‌های بخش جویم شهرستان لار استان فارس و مرکز آن بنارویه است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، زیره، خرما، بنشن و مرکبات.
**پوشش گیاهی:** آویشن، مرو تلخ، درختان کنار، بنه، انجیر و بادام کوهی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، آهو، گوزن، بزکوهی، قرقاول و کبک.
**بندامیر:** از دهستان‌های بخش زرقان شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن بندامیر است.
**بوانات (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان بوانات استان فارس و مرکز آن شهر بوانات است و دارای ۴ دهستان (۱ـ سیمکان ۲ـ باغستان ۳ـ سروستان ۴ـ مزایجان) است.
**بوانات (شهرستان):** از شهرستان‌های استان فارس است که از شمال به ابرکوه و از جنوب به شهرستان‌های نی‌ریز و استهبان، از جنوب خاوری

به شهر بابک کرمان و از جنوب باختری به اردکان محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان بوانات، دارای دو بخش ۱ـ مرکزی دارای ۴ دهستان (۱ـ سیمکان ۲ـ باغستان ۳ـ سروستان ۴ـ مزایجان) است ۲ـ بخش سرچهان دارای ۵ دهستان (۱ـ باغ صفا ۲ـ توجردی ۳ـ سرچهان ۴ـ جلگاه ۵ـ خفر) می‌باشد.
**رودها:** رود بوانات که از کوه‌های بوانات سرچشمه گرفته از باختر به خاور روان است و پس از آبیاری زمین‌های جنوب سوریان به کویر مرودست می‌ریزد.
چشمه‌سارها و کاریزهای بسیار نیز در آب کشاورزی و آب آشامیدنی شهرستان بوانات روان است.
**کوه‌ها:** ۱ـ کوه ختابان در ۶ کیلومتری جنوب و جنوب باختری ۲ـ کوه قلات در ۱۵ کیلومتری شمال باختری ۳ـ کوه قندیله در ۲ کیلومتری خاور سوریان
دره‌هایی چون ۱ـ دره درون (دهنه میدان) ۲ـ دره یزدی ـ گردنه میدان – غار بزرگ کان گوهر در شرق سوریان
**آب و هوا:** معتدل متمایل به سرد.
**رستنی‌ها:** شاتره، خاکشی و گل گاوزبان.
**جانوران و پرندگان:** گرگ، بز کوهی، قوچ، میش، خرگوش و کبک.
**کار و پیشه:** کشاورزی، دامداری، پیشه‌وری، کارگری، گلیم، جاجیم و فرشبافی.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، انگور، بادام، سیب، گردو و آلو.
**بهمن:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان آباده استان فارس و مرکز آن بهمن است و در منطقه‌ای دشتی و معتدل و کوه سنگی سید عبداله و کوه روزبه و کوه چغوبه و کوه بیم در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، انگور، بادام، زردآلو، سیب، آلو، گوجه و تره‌بار، گیوه و فرش با طرح‌های هیبت لو، گل بادامی و کشکولی.
**داد و ستد:** روغن، پشم، لبنیات، کتیرا، گندم، جو، فرش و پوست.
**جانوران:** بز کوهی، قوچ و میش، آهو، کبک و تیهو.
**بیدزرد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن بیدزرد سفلی است.
**بیدشهر:** از دهستان‌های بخش اوز شهرستان لار استان فارس و مرکز آن کوره و در منطقه‌ای پایکوهی است.
**فراورده‌ها:** گندم، جو و خرما.
**پوشش گیاهی:** آویشن، پونه و مروتلخ و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، آهو، گوزن، قوچ، میش، بز کوهی، پلنگ، قرقاول و کبک.
**بیدک:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان آباده استان فارس و مرکز آن بیدک است.
**بیرم:** از دهستان‌های بخش بیرم شهرستان لار استان فارس و مرکز آن بیرم است و در منطقه‌ای پایکوهی گرم و خشک و کوه گاوبست و کوه نهر و تپه دوور در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو و خرما.
**پوشش گیاهی:** آویشن، پونه و درختان گز و کنار و پوشش گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، آهو، گوزن، بز کوهی، گراز و پلنگ.

**بیرم:** از بخش‌های شهرستان لار استان فارس و مرکز آن شهر بیرم دارای ۳ دهستان (۱ـ بیرم ۲ـ بالاده ۳ـ عمادده) است.

ارتفاع این بخش از سطح دریا ۵۰۰ متر میانکوهی، گرم و خشک در ۸۹ کیلومتری شمال خاوری لامرد و کنار جاده لامرد-بیرم قرار دارد. رود بیرم که از کوه گاوبست روان می‌شود از میان شهرک بیرم می‌گذرد و به خلیج فارس می‌ریزد. کوه بسرو در ۶ کیلومتری جنوب بیرم قرار دارد. اقتصاد آن بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و کارگری استوار است.

کشت آبی، آب کشاوری و آشامیدنی از چاه نیمه عمیق.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، تنباکو، خرما و تره‌بار و خاک گل سرخ.

**معادن:** گل سرخ در ۱۳ کیلومتری شمال شرقی و معدن گچ در ۱۰ کیلومتری شمال خاوری شهرک بیرم است.

**پوشش گیاهی:** درختان گز و کهور - آویشن، پونه، مرو تلخ، مرو خشک و مرتع برای چرای دام.

**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، بز کوهی و گراز.

**بیضا:** از دهستان‌های بخش بیضا شهرستان سپیدان استان فارس و مرکز آن بیضا است و در منطقه‌ای دره‌ای سرد خشک و کوه نسا و کوه بر آفتاب قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، بنشن، تره‌بار و انگور.

**پوشش گیاهی:** گون کتیرا، درخت بلوط و ارجن.

**جانوران:** پلنگ، گرگ، گراز، خرس، شغال و کبک.

**بیضا:** از بخش‌های شهرستان سپیدان از استان فارس است که از شمال به اقلید و یاسوج و از خاور به مرودشت، از جنوب خاوری به شیراز، از جنوب باختری به کازرون و از باختر به شهرستان ممسنی محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهر بیضا، دارای ۳ دهستان (۱ـ بیضا ۲ـ بانش ۳ـ کوشک هزار) است و دارای دو بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ بخش بیضا است.

**رودها:** ۱ـ رود فصلی اردکان که از کوه‌های سه چاه و گر در شمال خاوری اردکان روان گشته به رود شش پیر می‌پیوندد ۲ـ رود که ا زکوه شش در ۱۲ کیلومتری جنوب خاوری اردکان روان گشته پس از آبیاری بخشی از زمین‌های بخش بیضا به سوی جنوب خاوری روان می‌شود و به رود کارون می‌پیوندد.

**چشمه‌ها:** ۱ـ چشمه یخچال ۲ـ چشمه جورک ۳ـ چشمه چله گاه بزرگ ۴ـ چشمه چله گاه کوچک ۵ـ چشمه انجیرک

**کوه‌ها:** ۱ـ کوه گر ۲ـ کوه مور ۳ـ کوه سینه بی ریزی ۴ـ کوه رنج ۵ـ کوه کنه ۶ـ کوه دوده سه در شمال ۷ـ کوه شش پیر ۸ـ کوه سفید ۹ـ کوه نسا ۱۰ـ کوه غوردان در خاور جنوب خاوری - گردنه یوزگر در ۸ کیلومتری خاوران اردکان - تنگه چله گاه بزرگ، تنگه گردوئی.

از ایل قشقایی در مناطق شمالی و خاور از ایل ممسنی در نواحی جنوبی طوایف در حال کوچ یا اسکان یافته به سر می‌برند.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش‌های ترکی و لری سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان بلوط، بنه، بادام کوهی، تاک - گیاهان صنعتی: کتیرا ـ پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** بز کوهی، قوچ، میش، آهو، گرگ، گراز، روباه، کبک و تیهو.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و قالی و گلیم بافی استوار است.

کشاورزی به صورت مکانیزه و دستی و آبیاری کشتزارها با آب کاریزها، چاه‌ها و چشمه‌ها و رودها - پرورش. گوسفند، گاو و شتر و زنبور عسل پر اهمیت و قالی و گلیم بافی آن با اهمیت می‌باشد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، بنشن - دام و فراورده‌های دامی، عسل، گلیم و جاجیم.

بیضا (سپیدان) را استخری چنین توصیف کرده: «بیضا بزرگترین کوره استخر است بآن بیضا یعنی سپید میگویند، از آنرو که دارای قلعه‌ای است که از دور روشنی میزند و بعلت رنگ سفیدش از راه دور دیده میشود. اردو نقطه اتکاء مسلمانان در فتح استخر همین جا بود. نام فارسی شهر نساتک است. شهری است که از نظر وسعت به استخر نزدیک است. در آنجا خانه‌ها از گل ساخته شده. منطقهٔ شهر همه آباد است و پرحاصل، ساکنان شیراز خریداران محصولات کشاورزی بیضا هستند. بیضا در شمار شهرهای مستحکم است. دیوار و حومه دارد.
**پاسارگاد:** از شهرستان‌های استان فارس و مرکز آن شهر سعادت شهر و دارای دو بخش (۱ـ مرکزی ۲ـ هخامنش) و چهار دهستان است: ۱ـ سرپنیمران، ۲ـ کمین، ۳ـ مادر سلیمان، ۴ـ ابوالوردی.
**پاسخن:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان داراب استان فارس و مرکز آن پاسخن است.
**پرزیتون:** از دهستان‌های بخش میمند شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن پرزیتون است.
**پشت پر:** از دهستان‌های بخش سیمکان شهرستان جهرم استان فارس و مرکز آن جرمشت بالا است و در منطقه‌ای پایکوهی، معتدل خشک واقع شده و کوه سور و کوه رشه و کوه سیم و تپه پرقلات و تنگه لغ فراخ و کوه رود قره‌آغج در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، برنج، خرما و مرکبات.
**پوشش گیاهی:** درخت گز و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، آهو، قوچ، بز کوهی و گراز.
**پشتکوه:** از بخش‌های شهرستان نی‌ریز از شهرستان‌های استان فارس که از شمال به شهر بابک و سوریان، از جنوب به شهرستان نی‌ریز از خاور به سیرجان و از باختر به آباده و دریاچه طشک و بختگان محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر مشکان، دارای ۳ دهستان (۱ـ زیرآب ۲ـ دهچاه ۳ـ قطرویه) است.
رودهای فصلی تنگ بره، تنگ تیز و چشمه‌ها و کاریزها و چاه‌هایی چند از منابع آب کشاورزی پشتکوه است.
**کوه‌ها:** ۱ـ کوه ناله‌زرد ۲ـ کوه جاماسب ۳ـ جهازکوه ۴ـ کوه فتح‌آباد ۵ـ کوه معدن.
دره‌ها و گردنه‌ها ۱ـ دره بره ۲ـ دره سرسبز ۱ـ گردنه پرسو ۲ـ گردنه باغ فوتی ۳ـ گردنه قره جه ۴ـ گردنه نقاره
جنگل‌های پراکنده‌ای در دامنه کوه‌ها وجود دارد. علاوه بر این گیاهان دارویی، صنعتی و مرتع نیز پوشش گیاهی بخش پشتکوه را تشکیل می‌دهد.
**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، خرگوش، آهو و گرگ.
کشاورزی، دامداری، فرش‌بافی و پیشه‌وری از

منابع مهم درآمد مردمان بخش پشتکوه است.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، بادام، محصولات دامی.
**پشتکوه رستم:** از دهستان‌های بخش رستم شهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن چهارطاق است.
**پل به بالا:** از دهستان‌های بخش سیمکان شهرستان جهرم استان فارس و مرکز آن دوزه است.
**پل به پایین:** از دهستان‌های بخش سیمکان شهرستان جهرم استان فارس و مرکز آن شاغون است.
**توجردی:** از دهستان‌های بخش سه چوپان شهرستان بوانات استان فارس و مرکز آن توجردی است.
**جاویدلله:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن شهر نورآباد است و در منطقه‌ای میانکوهی دره‌ای سرد مرطوب و کوه فران و کوه برخو و کوه چویل و کوه سیاه و تنگه نخ در آن قرار دارد و رود شیرین و رود فهلیان در آن جریان دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، برنج، انگور، انار، مرکبات و گلیم و فرش با طرح لری.
**پوشش گیاهی:** درختان بلوط، بادام کوهی.
**جانوران:** بز کوهی، قوچ، میش، پلنگ، گرگ، خرس، ماهی و کبک.
**جاوید ماهوری:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن مورکی است و در منطقه‌ای میانکوهی و دره‌ای سرد و خشک و کوه حرارکون زرد و کوه پنبه و کوه دره سوخته و دره آب بید در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، بنشن.
**پوشش گیاهی:** درخت بلوط و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** پلنگ، گرگ، گراز، کفتار و خرگوش.
**جایدشت:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن جایدشت است.
**جره:** از دهستان‌های بخش جره و بالاده شهرستان کازرون استان فارس و مرکز آن جره است و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک و کوه آبگرم قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، کنجد، تره‌بار، گلیم و جاجیم.
**پوشش گیاهی:** درختان بادام کوهی، بلوط، بنه و گون کتیرا.
**جانوران:** بز کوهی، قوچ، میش، پلنگ، روباه، کبک و تیهو.
**جره و بالاده:** از بخش‌های شهرستان کازرون استان فارس و مرکز این بخش شهر باده، دارای ۳ دهستان (۱ـ جره ۲ـ دادین ۳ـ فامور) است.
در بلندی ۷۸۰ متری از سطح دریا قرار دارد، دشتی، گرم و مرطوب، در ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی کازرون و کنار جاده کازرون - فیروزآباد قرار دارد. رودی فصلی در جنوب این بخش روان و کوه پهن در ۳ کیلومتریش سر بر افراشته است.
اقتصاد بر پایه کشاورزی و دامداری است.
کشت آبی و دیمی، آب آشامیدنی و کشاورزی از کاریز و رود فراهم گشته است.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، برنج، خرما، لیمو و پرتقال.
**پوشش گیاهی:** درختان بنه و کنار و گیاهان مرتعی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** بز کوهی، قوچ، میش، آهو، گرگ، گراز و کبک.
**جلگاه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان

جهرم استان فارس و مرکز آن حیدرآباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه گر و تپه قره‌خانی و کوه بر قلعه گبری قرار دارد.
رود شور و رود قره آقاج در این سامان روان است.
**فراورده‌ها:** گندم، جو.
**پوشش گیاهی:** درخت گز، کنار، بادام کوهی و انجیر کوهی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، روباه، قوچ، میش و کبک.
**جنگل:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فسا استان فارس و مرکز آن مقابری است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه میان جنگل و کوه سیاه و کوه پانعل و تنگ یوزان.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، انار و تره‌بار.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، گل بنفشه، پرسیاوشان، درختان بادام کوهی و بنه و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** بزکوهی، قوچ و میش، روباه، خرگوش، کفتار، پلنگ، گراز، کبک و تیهو.
**جوزار:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن مهرنجان است.
**جویم:** از بخش‌های شهرستان لار استان فارس، از شمال به شهرستان جهرم و بخش قیر و کارزین (شهرستان فیروزآباد) از خاور به شهرستان داراب، از جنوب به بخش اوز (شهرستان لار) محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر جویم، دارای ۳ دهستان (۱ـ بنارویه ۲ـ جویم ۳ـ هرم) است.
**کوه‌ها:** ۱ـ رشته کوه زاگرس در شمال و شمال غربی ۲ـ کوه مور تلخی در شمال باختری است.
**کان‌ها:** معادن شن، سنگ و گچ.
**آب و هوا:** به طور کلی گرم و خشک.
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی محلی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان بادام کوهی، بنه، انجیر کوهی و کنار -گیاهان دارویی: پرسیاوش، آویشن، درمنه، خاکشی، کاسنی و شاه تره - پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** قوچ، میش، بز کوهی، گرگ، روباه، خرگوش، شغال، کفتار، گراز، کبک، تیهو و دراج.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و دامداری و کارگری استوار است. کشاورزی به شیوه آبی و دیمی و مکانیزه - دامداری را عشایر نیمه کوچ رو و روستاییان انجام می‌دهند - کارگران نیز به کشورهای کرانه‌های خلیج فارس می‌روند.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، مرکبات، کنجد، خرما و تره بار.
**جویم:** از دهستان‌های بخش جویم شهرستان لار استان فارس و مرکز آن جویم است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه بزن و گردنه بزن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، زیره، بنشن، تره بار و مرکبات.
**پوشش گیاهی:** آویشن، درختان انجیر کوهی، کنار، بنه، گز و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، بز کوهی، قرقاول و کبک.
**جویم (مرکز بخش):** شهر جویم مرکز بخش جویم از بخشهای شهرستان لار، استان فارس در ۷۲کیلومتری جنوب خاوری شهر جهرم است. در بلندی ۸۳۵ متری سطح دریا، شهر جویم در جنوب رشته کوه زاگرس قرار گرفته.
**آب و هوا:** گرم و خشک، بیشترین درجه گرما در

تابستانها تا ۵۰ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها تا ۸ درجه بالای صفر - میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۲۰۰ میلیمتر است.

**جهرم:** از شهرستان‌های استان فارس، از شمال به شهرستان فسا، از باختر و جنوب به شهرستان فیروزآباد، از خاور به شهرستان داراب، از شمال باختر به شیراز و از جنوب خاور به شهرستان لار محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر جهرم دارای ۴ بخش ۱ـ بخش مرکزی دارای دو دهستان (۱ـ جلگاه ۲ـ کوهک) ۲ـ بخش خفر ۳ـ بخش سیمکان ۴ـ بخش کردیان است.

**رودها:** رود قره آقاج از کوه‌های شمال خاور شهرستان کازرون سرچشمه گرفته، پس از آبیاری مسیر خود و بخش خفر شهرستان جهرم و طی مسیر خود سرانجام به رودهای سیمکان و هگان می‌پیوندد. آب این رود دائمی است که عرضش در جلگه تا ۴۰۰ و در کوهستان ۲۰ متر است. ۲ـ رود سیمکان که از تنگ آتشگاه در ۱۲ کیلومتری جنوب خاوری میمند سرچشمه می‌گیرد و پس از آبیاری روستاهای بسیار به رود قره آقاج می‌پیوندد. ۳ـ رود شور که از ۳کیلومتری جنوب خاوری روستای نصیرآباد بخش شیبکوه شهرستان فسا سرچشمه گرفته از ۱۰ کیلومتری شمال شهر جهرم می‌گذرد و به رود قره آقاج می‌پیوندد.

**کوه‌ها:** ۱ـ کوهی که در جنوب شهرستان البرز سر برافراشته بلندیش در جنوب جهرم تا ۲۱۰۰ متر است ۲ـ سفیدمار در شمال باختری شهرستان قرار گرفته، بلندترین قله‌اش تا ۳۱۷۰ متر در شمال باختری میمند است ۳ـ کوه گورم در شمال باختری جهرم و بلندترین قله‌اش ۲۳۹۲ بلندی دارد. ۴ـ کوه میمند و سیمکان که شهرستان جهرم را از فیروزآباد جدا می‌کند بلندیش به ۲۶۲۷ متر می‌رسد. ۵ـ کوه گر یا سفید کوه که از شمال بخش خفر کشیده شده و بخش خفر را از بخش سروستان شیراز جدا می‌کند.

**کان‌ها:** گچ، شن و ماسه.

**آب و هوا:** به طور کلی گرم ولی در مناطق کوهستانی معتدل است.

جهرم دارای باغ‌ها و نخلستان‌های سرسبز و محصولاتی چون مرکبات، خرما، تنباکو، ذرت، گندم، پنبه، برنج جو و نمک بلور و محصولات جنگلی و دامی است.

**نژاد و زبان:** آریائی و سامی نژادند و به زبان فارسی محلی و عربی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان بنه و بادام کوهی - گیاهان دارویی: گل گاوزبان، پرسیاوش، آویشن، درمنه و گل ختمی - پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** قوچ و میش، بز کوهی، آهو، گراز، گرگ، روباه، خرگوش، شغال، کفتار، کبک و تیهو.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، باغداری و دامداری و قالیبافی استوار است. کشاورزی به شیوه سنتی و نیمه مکانیزه - باغداری با پرورش درختان مرکبات و خرما بازدهی خوبی دارد.

دامداری به شیوه سنتی است و در پیرامون شهر جهرم گاوداری‌های صنعتی نیز فعالیت دارد. قالی بافی، جاجیم و گلیم بافی از منابع درآمد مردم این سامان است.

**صنایع و معادن:** مهم‌ترین صنایع دستی، قالیبافی و بافتن انواع وسایل از برگ و شاخه درخت خرما است. معادن مورد بهره‌برداری آن گل سرشوی، نمک و سنگ ساختمان است. صادرات عمده‌اش،

انواع مرکبات، خرما، آبلیمو، تنباکو و گل سرشوی است. ـ کتاب‌های درسی

**جهرم (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان جهرم استان فارس و مرکز آن شهر جهرم است و دارای دو دهستان (۱ـ جلگاه ۲ـ کوهک) است.

**جهرم (مرکز شهرستان):** شهر جهرم مرکز شهرستان جهرم از شهرستانهای استان فارس در ۱۸۰ کیلومتری جنوب باختر شیراز است.

در بلندی ۱۰۵۲ متری سطح دریا، از ۱۰ کیلومتری شمال شهر جهرم رود شور می‌گذرد و به رود قره آغاج می‌پیوندد.

**کوهها:** نزدیکترین کوه بنام البر از جنوب شهر به سوی جنوب خاوری ادامه دارد.

**آب و هوا:** گرم، بیشترین درجه گرما در تابستانها تا ۴۳ درجه و کمترین درجه در زمستانها تا ۱۳ درجه زیر صفر - میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۲۵۰ میلیمتر است.

**چاورز:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان لامرد استان فارس و مرکز آن چاه ورز است.

**حسن‌آباد:** از بخش‌های شهرستان اقلید استان فارس و مرکز آن حسن‌آباد است و دارای ۳ دهستان (۱ـ حسن آباد ۲ـ احمد آباد ۳ـ بکان) است.

در منطقه دشتی، معتدل مرطوب و در ۸۰ کیلومتری جنوب غربی اقلید قرار دارد و در یک کیلومتری شمال مرکز این بخش رود اجان می‌گذرد. این شهرک در بلندی ۲۱۴۹ متری از سطح دریا قرار گرفته.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری، کارگری و فرشبافی استوار است.

**کشت:** آبی و دیمی، آب آشامیدنی و کشاورزی از کاریز، رود چاه‌ها فراهم گشته است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، دانه‌های روغنی، بنشن، یونجه و تره‌بار.

**پوشش گیاهی:** گیاهان دارویی از جمله شیرین‌بیان، شاه تره و گیاهان صنعتی چون گون کتیرا و گیاهان مرتعی.

**جانوران و پرندگان:** بز کوهی، قوچ، میش، گرگ، گراز، پلنگ، خرس، کبک و تیهو.

**حسن‌آباد:** از دهستان‌های بخش حسن‌آباد شهرستان اقلید استان فارس و مرکز آن حسن‌آباد است.

**حناء:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نی‌ریز استان فارس و مرکز آن تم شولی است و در منطقه‌ای معتدل خشک و کوه سیاه، دریاچه بختگان قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، پنبه، چغندر قند.

**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.

**جانوران:** خرگوش، کبک.

**حومه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان لامرد استان فارس و مرکز آن ترمان است.

**خبرریز:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارسنجان استان فارس و مرکز آن خبرریز است.

**خرم بید (شهرستان):** از شهرستان‌های استان فارس و مرکز آن صفاشهر است و در ۱۳۷۶/۲/۷ به صورت شهرستان در آمد. این شهرستان دارای دو بخش مرکزی و دشت مرغاب به مرکزیت شهر قادرآباد با وسعت ۳۳۲۵کیلومتر مربع در فاصله‌ی ۱۸۰ کیلومتری شمال شیراز قرار دارد. این شهرستان از شمال به شهرستان ابرکو (استان یزد) و شهرستان آباده و از جنوب به شهرستان پاسارگاد، از شرق به شهرستان بوانات و از غرب به شهرستان اقلید محدود می‌شود. در این شهرستان چشمه‌ها و رودهایی که از آن سرچشمه

می‌گیرد، از منابع مهم آب استان است. جنگل‌های بنه و بادام کوهی و ایل راه‌های ایل باصری و ایل عرب مورد توجه ایرانگردان و جهانگردان قرار گرفته است.

**خرم‌بید (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان خرم بید استان فارس و مرکز آن صفاشهر است و دارای دو د هستان ۱ـ قشلاق ۲ـ خرمی است.

**خرم مکان:** از دهستان‌های بخش کامفیروز شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن خرم‌مکان است.

**خرمی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان خرم‌بید استان فارس و مرکز آن خرمی است.

**خسروشیرین:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اقلید استان فارس و مرکز آن خسروشیرین است.

**خسویه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زرین‌دشت استان فارس و مرکز آن خسویه است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

رودهای له شور و تنگ چرخی در آن جریان دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه و تره‌بار و فرش با زرح محلی.

**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، آویشن و درخت گز و گیاهان مرتعی.

**جانوران:** شغال، روباه، خرگوش، قرقاول و کبک.

**خشت:** از دهستان‌های بخش خشت و کمارج شهرستان کازرون استان فارس و مرکز آن خشت است و در منطقه‌ای پایکوهی و میانکوهی گرم و مرطوب و کوه قبله، تنگه جز وکود آقانی و کوه تراب خانی و کوه سرخ و کوه گچ زردآلو

**فراورده‌ها:** گندم، خرما و لیموترش.

**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.

**جانوران:** بز کوهی، قوچ و میش.

**خشت و کمارج (بخش):** از بخش‌های شهرستان کازرون از شهرستان‌های استان فارس است که از شمال به شهرستان ممسنی، از خاور به کازرون، از جنوب به شهرستان برازجان و از باختر به بندر گناوه محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش کنار تخته دارای دو دهستان (۱ـ خشت ۲ـ کمارج) است.

**رودها:** ۱ـ رود شاپور که از تنگ چوگان واقع در ۸ کیلومتری باختر نودان سرچشمه گرفته و در شمال بخش خشت و کمارج روان است ۲ـ رود دالکی که از کوه‌های فراشبند فیروزآباد سرچشمه گرفته در جنوب بخش خشت و کمارج روان است.

**کوه‌ها:** ۱ـ کوه گچی ۲ـ کوه سرخ در خاور ۳ـ کوه آقائی ۴ـ کوهی در جنوب ۵ـ کوه بورکی و ۶ و ۷ کوه قبله و پهن در باختر.

مراتع وسیعی در بخش خشت و کمارج وجود دارد از جمله مرتع آقائی در جنوب خاوری و مرتع بورکی در جنوب.

**نژاد و زبان:** آریایی و زبان فارسی با گویش محلی - تیره‌هایی از قشقایی‌ها چون دره شوری و فارسیمدان در این سامان به سر می‌برند.

**رستنی‌ها:** مراتع.

**جانوران و پرندگان:** بز کوهی: قوچ، میش، پلنگ، روباه.

**اقتصاد:** کشاورزی، دامداری، پرورش طیور، زنبور عسل.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، خرما، برنج، پنبه، مرکبات و تره‌بار.

آب کشاورزی از رود فراهم گشته و علاوه بر آبیاری آبی کشاورزی دیمی نیز رایج است.

**خفر:** از بخش‌های شهرستان جهرم، استان فارس از شمال به بخش سروستان شیراز، از خاور و

جنوب به بخش سیمکان جهرم و از جنوب باختر و باختر به شهرستان فیروزآباد محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش باب انار دارای ۵ دهستان ۱ـ خفر ۲ـ سفیدار ۳ـ راهگان ۴ـ علی‌آباد ۵ـ گل برنجی است.
**رودها:** رود قره آقاج، از کوه‌های شمال خاوری شهرستان کازرون سرچشمه می‌گیرد و پس از آبیاری روستاهای جنوبی شیراز وارد بخش خفر گشته و سرانجام به خلیج فارس می‌پیوندد.
**کوه‌ها:** ۱ـ کوه سفیدار که جهت باختر به سوی جنوب خاور بخش خفر امتداد یافته و بخش خفر را از بخش سیمکان جدا می‌کند بلندترین قله‌اش ۳۱۷۰ متر بلندی دارد ۲ـ کوه گر در شمال بخش خفر است.
**آب و هوا:** گرم و خشک است اما رود قره‌آقاج در مسیر خود در این بخش مایه اعتدال پیرامون خود گشته.
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی و ترکی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان بنه و ارژن - گیاهان دارویی: پرسیاوش، شیرین‌بیان و پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام دارد.
**جانوران و پرندگان:** گرگ، شغال، کفتار، گراز، آهو و کبک.
**اقتصاد:** بر کشاورزی و باغداری استوار است - کشاورزی به شیوه آبی و دیم - باغداری به واسطه موقع مناسب از اهمیت برخوردار است.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، برنج، خرما و مرکبات.
**خفر:** از دهستان‌های بخش خفر شهرستان جهرم استان فارس و مرکز آن باب انار است و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک و کوه سفیدار در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، مرکبات، بادام، گردو و انار.
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، آهو، گراز و کبک.
**خفرک بالا:** از دهستان‌های بخش بیدان شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن سیدان است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل و مرطوب و کوه سیاه قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند و سیب و هلو.
**پوشش گیاهی:** آویشن و پرسیاوشان.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، بز کوهی، قوچ و میش، کفتار و کبک.
**خفری:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سپیدان استان فارس و مرکز آن جوزکنگری است.
**خنج:** از شهرستان‌های استان فارس و مرکز آن شهر خنج دارای دو بخش ۱ـ مرکزی ۲ـ محمله که دارای ۴ دهستان (۱ـ سیف آباد ۲ـ تنگ نازک ۳ـ باغان ۴ـ محمله است.

در ارتفاع ۶۷۵ متری از سطح دریا قرار و منطقه‌ای دشتی، گرم و خشک و در ۶۶کیلومتری شمال غربی اوز و کنار جاده جهرم - اوزوکوه خنج در شمال و کوه مره در ۳کیلومتری جنوب آن قرار دارد.
اقتصاد بر پایه کشاورزی، دامداری و باغداری و کارگری استوار است.
کشت، دیمی آب آشامیدنی از چاه.
**فراورده‌ها:** گندم، جو و خرما.
**پوشش گیاهی:** درخت گز، گیاهان پونه، مرو تلخ، خاکشی و آویشن.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه و خرگوش.
**خنجشت:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اقلید استان فارس و مرکز آن خنجشت است.

**خواجه‌ای:** از دهستان‌های بخش میمند شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن جوکان است و در منطقه‌ای پایکوهی گرم و مرطوب قرار دارد. کوه نسا، مهکوئیه و رود مهکوئیه در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، انار و فرش با طرح قشقایی.
**پوشش گیاهی:** درختان کنار و بنه.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، بزکوهی، قوچ و میش و کبک.
**خوزی:** از دهستان‌های بخش وراوی شهرستان لامرد استان فارس و مرکز آن خوزی است.
**خیر:** از دهستان‌های بخش رونیز شهرستان استهبان استان فارس و مرکز آن ماه فرخان است. در منطقه‌ای پایکوهی و دره‌ای معتدل خشک و کوه‌کور و کوه قلات شکر و تنگ گرده و کوه بش و کوه تل گیر و تنگ نیم بشی و تنگ کرتار و کوه سه برادران و کوه گرکوه و تنگ املحه انجیرک قرار گرفته است.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، پنبه، بنشن، بادام، انجیر، چغندر قند، انجیر و انار.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، زیره سیاه، گون کتیرا و آنغوزه و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** بزکوهی، قوچ و میش، تیهو و کبک، خرگوش.
**خیرآباد:** از دهستان‌های بخش کربال شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن خیرآباد سفلی است.
**خیرگو:** از دهستان‌های بخش علامرو دشت شهرستان لامرد استان فارس و مرکز آن خیرگو است.
**دادنجان:** از دهستان‌های بخش میمند شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن دادنجان است.
**دادین:** از دهستان‌های بخش جره و بالاده شهرستان کازرون استان فارس و مرکز آن دادین علیا است.
**داراب:** از شهرستان‌های استان فارس، در جنوب شرقی این استان، میان شهرستان‌های نی‌ریز، استهبان، فسا، جهرم، لار و استان هرمزگان قرار گرفته دارای ۱۱۸۴۲ کیلومتر مربع مساحت و سومین شهرستان بزرگ استان فارس پس از لار و آباده و در فاصله ۱۱۴۱ تهران کیلومتر قرار گرفته است و از سطح دریا ۱۱۸۸ متر بلندی و در ۲۸ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۴ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی و در دامنه‌ای کوهستانی قرار دارد. آب و هوای بخش جنوبی این شهرستان گرم و در نقاط دیگرش نسبتاً معتدل و بلندترین کوهش، کوه داراب است که در شمال این شهرستان قرار گرفته و پوشیده از جنگل است. بخش مرکزی و جنوبی آن شامل دشت و جلگه‌ای پهناور می‌باشد.

طبق قانون تقسیمات کشوری سال ۱۳۱۶ هش یکی از بخش‌های تابع شهرستان فسا و در اردیبهشت ۱۳۳۷ به شهرستان تبدیل شد.
**فعالیت اقتصادی:** مردم این شهرستان بیشتر از راه کشاورزی، دامداری و باغداری و صنایع دستی گذران می‌کنند. محصولات عمده‌اش گندم، جو، پنبه، مرکبات، خرما، قالی، جاجیم، گلیم، حصیر، کوزه و سفال، رویه گیوه می‌باشد.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر داراب دارای ۳ بخش ۱ـ مرکزی دارای ۸ دهستان (۱ـ قلعه بیابان ۲ـ بالش ۳ـ پاسخن ۴ـ بختاجرد ۵ـ فسارود ۶ـ نصروان ۷ـ هشیوار ۸ـ قریه الخیر) ۲ـ بخش رستاق ۴ـ بخش فورگ است.
این شهرستان از نظر ناهمواری به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱ـ بخش شمالی و قسمتی از مشرق که

کوهستانی و پوشیده از جنگل است ۲ـ بخش مرکزی و جنوبی که شامل دشت و جلگه‌های وسیع است.

**صنایع دستی:** قالی‌بافی، جاجیم بافی، گلیم بافی، حصیر بافی، کوزه‌گری و بافتن رویه گیوه و علاوه بر این یک کارخانه پنبه‌پاک‌کنی وجود دارد.

**رودها:** رود مهم این شهرستان رود بار است اما نام‌های دیگری چون رودبال، رستم، شور و آب شور دارد. این رود از کوه‌های اسکی و کاسیر در جنوب سرچشمه گرفته و سرانجام در منطقه هرمزگان به خلیج فارس می‌ریزد.

**کوه‌ها:** سراسر مناطق شمالی شهرستان داراب بلند و دارای کوه‌هایی چون ۱ـ کوه نمک (۲۸۶۳ متر) ۲ـ کوه پنج شاه (۲۷۶۵ متر) ۳ـ کوه برفدان (۳۰۲۵ متر) است.

**آب و هوا:** معتدل مایل به گرم و خشک.

**نژاد و زبان:** بیشتر آریایی هستند که به زبان فارسی، ترکی و عربی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان گز، زبان گنجشک و بادام کوهی، گیاهان دارویی و صنعتی و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**داراب (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان داراب استان فارس و مرکز آن شهر داراب و دارای هشت دهستان (۱ـ قلعه بیابان ۲ـ بالش ۳ـ پاسخن ۴ـ بختاجرد ۵ـ فسارود ۶ـ نصروان ۷ـ هشیوار ۸ـ قریةالخیر) است.

**داراب (مرکز شهرستان):** شهر داراب در طول جغرافیائی ۳۳ درجه و ۵۴ دقیقه و عرض جغرافیائی ۴۵ درجه و ۲۸ دقیقه و در ۱۱۲۰ متری از سطح دریا قرار دارد.

شهر داراب مرکز شهرستان داراب و در ۲۷۰ کیلومتری جنوب خاوری شیراز و در مسیر راه کهکم ـ مقاری (راهی که دو راه سیرجان ـ بندرعباس و سیرجان ـ شیراز را بهم متصل می‌کند) قرار دارد.

**آب و هوا:** معتدل و خشک، بیشترین درجه گرما ۴۶ درجه بالای صفر و کمترین درجه حرارت ۴ درجه زیر صفر و میزان بارندگی بطور متوسط ۱۶۰ میلیمتر است.

**داریان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن داریان است.

**دبیران:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زرین‌دشت استان فارس و مرکز آن دبیران است.

**دراگ:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن صادقیه است.

**درزوسایبان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان لار استان فارس و مرکز آن درز است و در منطقه‌ای دشتی گرم و خشک و کوه رس قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، خرما و تره‌بار.

**پوشش گیاهی:** آویشن، خاکشی و درختان گز، کنار، بادام کوهی و بنه و گیاهان مرتعی.

**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش.

**درودزن:** از بخش‌های شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن کوشلک دارای ۳ دهستان (۱ـ ابرج ۲ـ درودزن ۳ـ رامجرد) است.

در منطقه‌ای کوهپایه‌ای، معتدل مرطوب، در ۱۰۰ کیلومتری شمال شیراز و در ۶۰ کیلومتری راه اصفهان – شیراز قرار و رود کراز جنوب مرکز این بخش جریان و ۱۶۴۰ متر از سطح دریا بلندی و کوه شهرک در ۲ کیلومتری مشرق و کوه زنا در جنوب آن قرار دارد.

**اقتصاد:** کشاورزی، دامداری و کارگری پایه گذران زندگی مردم است.

**کشت:** آبی و دیمی، آب آشامیدنی و کشاورزی از چشمه

**فراورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، برنج، بنشن، انگور، سیب و بادام

**پوشش گیاهی:** درخت پسته وحشی و پوشش گیاهان مرتعی

**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، قوچ، میش، خرس

**دریس:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کازرون استان فارس و مرکز آن دریس است.

**دژکرد:** از دهستان‌های بخش سده شهرستان اقلید استان فارس و مرکز آن اسلامیه است و در منطقه‌ای دره‌ای و دشتی سرد و مرطوب و کوه بوگندان و کوه پاسلکی و کوه زچو و تپه‌های سرکم طویله در آن قرار رود دژکرد در آن جریان دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، بنشن و فرش با نقش روحوضی.

**پوشش گیاهی:** گون کتیرا، درخت ارژن و کی کم و گیاهان مرتعی.

**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، گراز، کفتار.

**دژگاه:** از دهستان‌های بخش فراشبند شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن دولت‌آباد است و در منطقه‌ای دشتی گرم مرطوب قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو.

**پوشش گیاهی:** درخت کنار.

**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش و کبک.

**دژگاه:** از دهستان‌های بخش دهرم شهرستان فراشبند استان فارس و مرکز آن دولت‌آباد و در منطقه‌ای پایکوهی گرم و خشک و تنگه سفید در آن قرار دارد و رود دژگاه که از رود قره آقاج سرچشمه گرفته و در این دهستان جریان دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، تنباکو و خرما.

**پوشش گیاهی:** درختان کنار و گز و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و آهو.

**دشت ارژن:** از دهستان‌های بخش ارژن شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن چهل چشمه است.

**دشت برم:** از دهستان‌های بخش کوهمره شهرستان کازرون استان فارس و مرکز آن کلانی است.

**دشمن زیاری:** از دهستان‌های بخش دشمن زیاری شهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن دولت‌آباد است و در منطقه‌ای میانکوهی، سرد و مرطوب قرار و رود شیراز و رود پیر در آن جریان دارد.

طایفه دشمن زیاری در این دهستان به سر می‌برند و به زبان لری سخن می‌گویند.

**فراورده‌ها:** گندم، جو و میوه.

**پوشش گیاهی:** گون کتیرا، درخت بلوط.

**جانوران:** گرگ، خرس، روباه، شغال و کبک.

**دشمن زیاری:** از بخش‌های شهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن دولت‌آباد است و دارای دو دهستان ۱ـ دشمن زیاری ۲ـ مشایخ است.

در منطقه‌ای دشتی، معتدل و مرطوب و در ۹۳ کیلومتری شمال غربی شیراز و مرکز این بخش در ۱۶۴۵ متری از سطح دریا و کوه پیر در ۴ کیلومتری شمال آن قرار دارد.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و باغداری استوار است.

کشت آبی و دیمی، آب آشامیدنی و کشاورزی از لوله کشی و چاه فراهم گشته است.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، تره‌بار و بنشن.

**پوشش گیاهی:** گیاهانی چون کتیرا، گل گاوزبان،

کاربرد صنعتی و دارویی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** خرس، گرگ، شغال، روباه، گراز.
**دهچاه:** از دهستان‌های بخش پشتکوه شهرستان نی‌ریز استان فارس و مرکز آن دهچاه است.
**دهرم:** از دهستان‌های بخش فراشبند شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن دهرم است.
**دهقانان:** از دهستان‌های بخش کربال شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن دهقانان است.
**دهکویه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان لار استان فارس و مرکز آن دهکویه است.
**رامجرد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن کوه‌سبز است و در منطقه‌ای دشتی و پایکوهی خشک و کوه ایوب و کوه قلعه و کوه سبز در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند، بنشن و پنبه.
**پوشش گیاهی:** آویشن و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه و مرغابی.
**رامجرد دو:** از دهستان‌های بخش درودزن شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن کوشکک است و در منطقه‌ای معتدل مرطوب قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو و برنج.
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.
**جانوران:** شغال، روباه، خرگوش و کبک.
**راهگان:** از دهستان‌های بخش خفر شهرستان جهرم استان فارس و مرکز آن تادوران است و در منطقه‌ای میانکوهی پایکوهی معتدل و خشک و کوه سفیدار و دشت ستولون و غار تادوان قرار و رود قره آقاج در آن جریان دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو و بادام و فرش با نقش تخت جمشیدی، برنج و خرما.
**پوشش گیاهی:** درخت کنار و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، آهو، قوچ، میش، گراز و کبک.
**رحمت:** از دهستان‌های بخش سیدان شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن کره‌طاوی است.
**رحمت‌آباد:** از دهستان‌های بخش زرقان شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن رحمت‌آباد است.
**رستاق:** از بخش‌های شهرستان داراب استان فارس و مرکز آن رستاق و دارای دو دهستان (۱- رستاق ۲-کوهستان) است.
در ۱۳۱۰ متری از سطح دریا قرار دارد. میانکوهی، معتدل خشک در ۶۳ کیلومتری جنوب شرقی داراب قرار گرفته.
کوه فلات میرعباس در ۲ کیلومتری جنوب غربی و کوه فلات ریز در ۴ کیلومتری شمال رستاق سر بر افراشته‌اند.
کشاورزی، دامداری، باغداری، کارگری و فرشبافی منبع مهم درآمد اهالی است.
کشت، آبی،آب کشاورزی و آشامیدنی از قنات، چشمه و چاه فراهم گشته است.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، برنج، انار، سیب، زردآلو، انگور و بنشن.
**پوشش گیاهی:** درختان کنار، گز، بادام کوهی و انجیر - گیاهان دارویی و صنعتی چون گل گاوزبان، خاکشی، آویشن و آنغوزه - گیاهان مرتعی برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، آهو، گوزن و بزکوهی.
**رستاق:** از دهستان‌های بخش رستاق شهرستان داراب استان فارس و مرکز آن رستاق است.
**رستاق:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نی‌ریز استان فارس و مرکز آن نصیرآباد است. و در

منطقه‌ای دشتی، معتدل و خشک و قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند، تره‌بار و به.
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، خرگوش و کبک.
**رستم:** از بخش‌های شهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن شهر مصیری، دارای ۴ دهستان (۱ـ پشتکوه رستم ۲ـ رستم دو ۳ـ رستم یک) است.
**رستم یک:** از دهستان‌های بخش رستم شهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن مصیری است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل مرطوب وکوه دوقلاتون و کوه کل کنار و رود کوشک در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو.
**پوشش گیاهی:** درختان بلوط، بنه و ارژن.
**جانوران:** گرگ، گراز، بز کوهی، قوچ، میش، کفتار و کبک.
**رستم دو:** از دهستان‌های بخش رستم شهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن دهنو مقیمی است و در منطقه‌ای میانکوهی سرد و مرطوب و کوه قلات بلند و کوه اشگفت زرد و کوه دوزونی در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو.
**پوشش گیاهی:** درختان بلوط و بنه.
**جانوران:** بز کوهی، قوچ، میش، پلنگ، خرس، گرگ، گراز و کبک.
**رستم سه:** از دهستان‌های بخش رستم شهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن کوپن علیا است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک وکوه گزه کون و رود فهلیان در آن قرار دارد و تیره باقری طایفه رستم، ایل ممسنی که به زبان لری سخن می‌گویند.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، برنج، پنبه، چغندر قند، مرکبات و انار.

**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.
**جانوران:** پلنگ، گرگ، شغال، روباه، کبک.
**رودبال:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن فتح‌آباد است.
**رونیز:** از بخش‌های شهرستان استهبان استان فارس و مرکز آن رونیز دارای دو دهستان (۱ـ رونیز ۲ـ خیر) است.
**رونیز:** از دهستان‌های بخش رونیز شهرستان استهبان استان فارس و مرکز آن رونیز علیا است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه خرمن کوه و کوه تودج تنگ رونیز در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو و پنبه.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، بنفشه، پر سیاوش و درختان بنه، بادام کوهی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، گراز، بز کوهی، قوچ و میش، کفتار، تیهو و کبک.
**ریزآب:** از دهستان‌های بخش قطرویه شهرستان نی‌ریز استان فارس و مرکز آن ریزآب است.
**زاخرویه:** از دهستان‌های بخش قیر و کارزین شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن مزرعه پهن است.
**زرقان:** از بخش‌های شهرستان شیراز استان فارس که از شمال و شمال شرقی به شهرستان مرودشت، از جنوب به شهرستان شیراز و از مشرق به دریاچه بختگان و از مغرب و شمال غربی به شهرستان اردکان محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر زرقان دارای ۳ دهستان (۱ـ زرقان ۲ـ رحمت‌آباد ۳ـ بندامیر) است.

رود کر که از کوه‌های خسرو و شیرین و دزکرد در شمال غربی زرقان سرچشمه گرفته زمین‌های این بخش را آبیاری کرده سرانجام به سوی دریاچه

بختگان روان می‌شود.
**کوه‌ها:** ۱ـکوه زرقان در مشرق و مشرف به مرکز بخش ۲ـکوه بالکی ۳ـکوه بلند در جنوب و جنوب شرقی ۴ـکوه سبز ۵ـکوه کنک ۶ـکوه سیاه ۷ـکوه قیدر قلو علیا و قیدر قلوی سفلی.
**بیشه‌ها:** ۱ـبیشه لپویی ۲ـبیشه قیدرقلو ۳ـبیشه شول.
**گردنه‌ها:** ۱ـگردنه شول ۲ـگردنه آهوچو.
**کان‌ها:** کان سنگ در دامنه کوه کتک.
**نژاد و زبان:** آریایی و به زبان فارسی با گویش شیرازی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** گیاهان دارویی و مراتع برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** گرگ، بز کوهی، قوچ و میش و کبک.
**اقتصاد:** کشاورزی، دامداری، پیشه‌وری، کارگری، حصیر، گیوه و قالی‌بافی از منابع مهم درآمد مردمان زرقان است.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند، تره‌بار، دام و فرآورده‌های دامی.
**زرقان:** از دهستان‌های بخش زرقان شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن لپویی است و در منطقه‌ای پایکوهی،
معتدل خشک کوه سبز و کوه گندشلو، دره اوزون دره قرار دارد.
رود کر که از کوه‌های دز کرد و خسرو شیرین سرچشمه می‌گیرد و سرانجام به دریاچه بختگان می‌پیوندد، در این دهستان جریان دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند، پنبه، تخمه آفتابگردان و یونجه.
**پوشش گیاهی:** آویشن و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** شغال، روباه، خرگوش، کبک و تیهو.
**زرین دشت (شهرستان):** از شهرستان‌های استان فارس و مرکز آن شهر حاجی‌آباد، در جنوب شرقی استان فارس قرار دارد و از دو بخش مرکزی و ایزد خواست تشکیل شده است. شهرستان زرین دشت از شمال و شرق به شهرستان داراب، از شمال غربی به شهرستان فسا، از جنوب به شهرستان لارستان و از غرب به شهرستان جهرم محدود است. مساحت این شهرستان در حدود ۵۰۶۷ کیلومتر مربع می‌باشد.
**زرین دشت (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان زرین دشت استان فارس و مرکز آن شهر حاجی‌آباد و دارای ۳ دهستان (۱ـ زیراب ۲ـ خسویه ۳ـ دبیران) است.
**زیراب:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زرین دشت استان فارس و مرکز آن زیرآب است.
**سپیدان (شهرستان):** این شهرستان به مرکزیت اردکان بوده و از شمال به استان کهگیلویه و بویر احمد و شهرستان اقلید، از شرق به مرودشت، از جنوب به شیراز و از غرب به شهرستان ممسنی محدود می‌باشد. اردکان فارس که مرکز شهرستان می‌باشد منطقه‌ای کوهستانی پوشیده از جنگل با مراتع غنی و دارای دشت‌های جلگه‌ای کوچک ولی حاصلخیز می‌باشد.
جلوه‌ها و ویژگی‌های طبیعی منحصر به فرد شهرستان زبانزد خاص و عام است به گونه‌ای که آبشار بی نظیر مارگون، تنگ تیزآب، شش پیر، برم فیروز و بسیاری دیگر از این قبیل شهرت خاص خود را دارد. ارتفاعات اردکان فارس در زمستان‌ها پوشیده از برف است و محلی مناسب برای اسکی می‌باشد.
**سپیدان (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان سپیدان استان فارس و مرکز آن شهر اردکان است و دارای ۳ دهستان (۱ـ خفری ۲ـ همایجان ۳ـ

کمهر).
**سده:** از دهستان‌های بخش سده شهرستان اقلید استان فارس و مرکز آن سده است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل مرطوب و کوه بکان و کوه گر و کوه زو و رود سفید که از شاخابه‌های سرچشمه‌ای رود کر است و رود آب بالنگان در این دهستان جریان دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، ذرت، تره‌بار، دانه‌های روغنی و فرش، انگور و گردو.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، خاکشی، گل ختمی، گون کتیرا، کاسنی، پرسیاوشان، شاه تره، درخت بادام و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** بز کوهی، قوچ، میش، خرس، پلنگ، گرگ، گراز، ماهی، مرغابی، غاز، کبک و تیهو.
**سده:** از بخش‌های شهرستان اقلید استان فارس و مرکز آن بخش شهر سده دارای سه دهستان (۱ـ سده ۲ـ دژکرد ۳ـ آسپاس) است.
در منطقه‌ای کوهپایه‌ای معتدل مرطوب، در ۹۵ کیلومتری جنوب غربی آباده قرار دارد و رود آب بالنگان در جنوب مرکز این بخش جریان و کوه زوآ در شمال آن قرار دارد.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری، باغداری، کارگری و فرشبافی استوار است.
**کشت:** آبی و دیمی، آب آشامیدنی و کشاورزی از چشمه و چاه فراهم گشته است.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، دانه‌های روغنی، تخمه آفتابگردان، بنشن، تره‌بار، سیب، زردآلو، گیلاس، بادام، گردو و انگور.
**پوشش گیاهی:** گیاهان دارویی و صنعتی و پوشش گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، گراز، قوچ و میش، پلنگ و خرس و کبک و تیهو و بز کوهی.

**سرپنیزان:** از دهستان‌های بخش مرکزی سعادت‌آباد شهرستان پاسارگاد استان فارس و مرکز آن نعیم‌آباد است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و کوه قبله و کوه شمال در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار و فرش با طرح عربی.
**پوشش گیاهی:** پر سیاوشان و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، بز کوهی و قوچ و میش.
**سرچهان:** از دهستان‌های بخش سرچهان شهرستان بوانات استان فارس و مرکز آن کره‌ای است و در منطقه‌ای دشتی و معتدل قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو و بنشن.
**پوشش گیاهی:** گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** شغال، خرگوش و کبک.
**سرچهان:** از بخش‌های شهرستان بوانات استان فارس و مرکز آن کره‌ای دارای ۳ دهستان (۱ـ سرچهان ۲ـ توجردی ۳ـ باغ صفا) است.
**سروستان:** از بخش‌های شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن شهر سروستان، دارای ۳ بخش است: ۱ـ سروستان ۲ـ کوهنجان ۳ـ مهارلو.
**سروستان:** از دهستان‌های بخش سروستان شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن کت گنبد است و در منطقه‌ای پایکوهی و دره‌ای معتدل و خشک و دریاچه نمک مهارلو و کوه کوه خری و کوه اهی و کوه پیر غیبی و کوه پیرچنار و کوه سیاه و کوه کمرزرد و کان گچ و جنگل بیدک در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، زیره، زردآلو، انار، بادام و به.
**پوشش گیاهی:** شیرین بیان، گون کتیرا، درختان گز

و بنه و انجیر کوهی و بادام کوهی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، گراز، بز کوهی و قوچ و میش، آهو و کبک و پلنگ.
**سروستان:** از بخش‌های شهرستان شیراز استان فارس است که از شمال و شمال غربی به شهرستان مرودشت و بخش زرقان و از شمال شرقی به دریاچه بختگان و از خاور به شهرستان‌های نی‌ریز و استهبان و از جنوب به بخش خفر از شهرستان جهرم و از مغرب به شهرستان شیراز محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر سروستان دارای ۳ دهستان (۱ـ سروستان ۲ـ کوهنجان ۳ـ مهارلو) است.
دریاچه‌های مهارلو و دریاچه بختگان و طشک در بخش سروستان قرار گرفته که به هنگام تابستان نمک آن‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد از این گذشته چشمه‌ها و کاریزهای فراوانی در این بخش روان است.
**کوه‌ها:** ۱ـکوه قلات ۲ـکوه سواره ۳ـکوه محمدی ۴ـکوه میان جنگل ۵ـکوه کهدان.
**تنگه‌ها:** ۱ـ تنگه غنوی ۲ـ تنگه کربال - دشت‌ها: ۱ـ دشت نظرآباد ۲ـ دشت چهارطاق ۳ـ دشت غنیمی ۴ـ دشت انجیرک.
**کان‌ها:** کان‌های نمک، کان‌های سنگ گچ، نفت.
**آب و هوا:** معتدل با بارندگی مناسب.
**نژاد و زبان:** آریایی - زبان فارسی با گویش سروستانی.
**رستنی‌ها:** درختان جنگلی از جمله بلوط، بادام کوهی و بنه، گیاهان دارویی و صنعتی و مراتع برای چرای دام
**جانوران:** بز کوهی، قوچ و میش، آهو، گرگ روباه، خرگوش و گرگ.

**منابع درآمد:** کشاورزی، دامداری، فرش بافی.
کشاورزی به صورت آبی و دیم، منابع آبیاری چشمه‌ها، کاریزها و چاه‌ها.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، تنباکو، پنبه، ذرت، بنشن، چغندر قند، دام و فراورده‌های دامی و قالی.
**سعادت شهر:** مرکز شهرستان پاسارگاد استان فارس و دارای ۲ دهستان (۱ـکمین ۲ـ سرپنیران) است.
در بلندی ۱۶۳۵ متری از سطح دریا، پایکوهی، معتدل مرطوب در ۹۱کیلومتری شمال شرقی شهرستان شیراز و ۱۹ کیلومتری خاور راه اصفهان - شیراز قرار دارد.
کوه دیلیمی در شمال شهر سعادت‌شهر سر برافراشته است.
اقتصاد بر پایه کشاورزی و فرشبافی استوار است.
کشت، آبی، آب کشاورزی و آشامیدنی از چاه.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، چغندر قند و انار.
**پوشش گیاهی:** گیاهان دارویی چون پرسیاوشان و آویشن.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، قوچ و میش.
**سفلی:** از دهستان‌های بخش کربال شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن سفلی است.
**سفیدار:** از دهستان‌های بخش خفر شهرستان جهرم استان فارس و مرکز آن اسماعیل‌آباد است.
**سورمق:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان آباده استان فارس و مرکز آن سورمق است و در منطقه‌ای دشتی و پایکوهی معتدل و رشته کوه بالاکوه و رشته کوه شی کوه در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، انگور، بادام، زردآلو، سیب، آلو، یونجه، گوجه، تره‌بار، آنقوزه و فرش با طرح هیبت لو
**جانوران:** قوچ و میش، بز کوهی، آهو و کبک.

**سورمق:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان آباده استان فارس و مرکز آن سورمق است و در منطقه‌ای دشتی و معتدل قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، بنشن.
**سیاخ دارنگون:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن کدنج است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و کوه تیربلند و کوه بادامک وکوه کم و کوه ملای بلند و کوه فلات در آن قرار و رود قره‌آغاج جریان دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، بنشن و برنج.
**پوشش گیاهی:** شیرین بیان، گون کتیرا، درختان بنه، بادام کوهی و ارژن و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، بز کوهی، قوچ و میش، کبک.
**سیدان:** از بخش‌های شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن شهر سیدان است و دارای دو دهستان (۱ـ خفرک علیا ۲ـ رحمت) است.
**سیف‌آباد:** از دهستان‌های بخش خنج شهرستان لار استان فارس و مرکز آن سیف‌آباد است.
**سیگار:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان لامرد استان فارس و مرکز آن سیگار است.
**سیمکان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بوانات استان فارس و مرکز آن سیمکان است.
**سیمکان:** از بخش‌های شهرستان جهرم استان فارس، از شمال به بخش خفر، از خاور به بخش قطب‌آباد، از جنوب و خاور به شهرستان جهرم و از باختر و شمال باختر به شهرستان فیروزآباد محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش دوزه دارای ۳ دهستان (۱ـ پشت پر ۲ـ پل به بالا ۳ـ پل به پایین) است.
**رودها:** رود سیمکان که از کوه‌های یودنو و قلات و مناطق جنوبی میمند سرچشمه می‌گیرد، از مناطق مرکزی بخش سیمکان می‌گذرد و سرانجام به رود قره‌آقاج می‌پیوندد.
**کوه‌ها:** ۱ـ کوه سیم در شمال و شمال خاوری ۲ـ کوه نمک در خاور ۳ـ کوه گر ۴ـ کوه سیاه در جنوب خاور ۵ـ کوه سیمکان ۶ـ کوه پلنگی در جنوب ۷ـ کوه قیر در باختری.
**آب و هوا:** گرم و خشک.
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان بادام کوهی، بنه و انجیر کوهی - گیاهان دارویی، گل گاوزبان، گل ختمی، خاکشی و پر سیاوشان - پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** بز کوهی، گرگ، روباه، خرگوش، پلنگ، خارپشت، کبک و تیهو.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و دامداری استوار است. کشت به شیوه آبی و دیمی - دامداری از منابع مهم درآمد مردم این سامان می‌باشد.
**فرآورده‌ها:** گندم، برنج، جو و مرکبات.
**شاپور:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کازرون استان فارس و مرکز آن سیدحسین است. و در منطقه‌ای پایکوهی دشتی گرم و مرطوب و کوه چنار شاهیجان و کوه شاهپور و کوه چنگ پشت و کوه الیاس و کوه ماهور و کوه کمارج و کوه کورکی و تنگ ترکان و کوه دوان و دشت چوگان در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پرتقال، لیمو و فرش، قالی و جاجیم و گلیم.
**پوشش گیاهی:** شاه تره، گل گاو زبان.
**جانوران:** پلنگ، گرگ، روباه، خرگوش، قوچ و بز کوهی.
**ششده:** از دهستان‌های بخش ششده و قره بلاغ

شهرستان فسا استان فارس و مرکز آن ششده است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل و خشک و کوه پرسلاح و کوه تنگ خشک و کوه تودج و تنگ مچ و کوه دای و کوه پالون و رود شیرازی در آن جریان دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو و پنبه.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، چای کوهی، گون کتیرا، درختان گز، بنه، بادام کوهی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** بز کوهی، قوچ، میش، پلنگ، گرگ، گراز، آهو و شغال.
**ششده و قره بلاغ:** از بخش‌های شهرستان فساء استان فارس از شمال به شهرستان استهبان، از جنوب خاوری به شهرستان داراب، از باختر به شهرستان فسا و از جنوب باختری به بخش نوبندگان است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش ششده دارای دو دهستان (۱ـ ششده ۲ـ قره بلاغ) است.
**رودها:** رود سرخس که از تنگ موردی در چهار کیلومتری جنوب باختری ششده سرچشمه می‌گیرد به سوی جنوب باختری روان است و زمین‌های پیرامون نوبنداگان را آبیاری می‌نماید.
**کوه‌ها:** ۱ـکوه پالون ۲ـتیمه خانی در جنوب باختر ۳ـکوه عرضه دل ۴ـکوه تودج در شمال باختری بخش است.
**تپه‌ها:** چغی موری در شمال و تپه میشی در شمال باختری بخش است.
**کان‌ها:** معدن گچ در ۱۵ کیلومتری شمال باختری مرکز بخش می‌باشد.
**آب و هوا:** گرم و خشک.
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی و عربی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان بنه، بادام کوهی و گیاهان دارویی: شیرین بیان، آویشن، گل گاوزبان، کاسنی، گل ختمی و خاکشی – پوشش گیاهی: فراوان برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** قوچ، میش، بز کوهی، آهو، شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز، کفتار، پلنگ، کبک و تیهو
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری، پیشه‌وری استوار است. کشاورزی به شیوه سنتی و به روش نیمه مکانیزه و بیشتر کشت آبی و اندکی دیمی است. دامداری به شیوه سنتی و بیشتر به وسیله عشایر نیمه کوچ رو انجام می‌شود و در منطقه قره بلاغ گاوهای اصیل دو رگه و مرغ و خروس پرورش می‌دهند و پیشه‌ورزی نیز از منابع درآمد مردم این سامان است.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، چغندر قند، حبوبات، تره‌بار و یونجه.
**شوراب:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارسنجان استان فارس و مرکز آن شوراب است.
**شهر میان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اقلید استان فارس و مرکز آن شهر میان است.
**شهید آباد:** از دهستان‌های بخش مشهد مرغاب شهرستان خرم بید استان فارس و مرکز آن شهید آباد است.
**شیبکوه:** از بخش‌های شهرستان فسا استان فارس و مرکز آن شهر زاهدشهر و دارای دو دهستان (۱ـ میانده ۲ـ فدشکوئیه) است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه لتی و کوه نقارخانه و تنگه خمار در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، تره‌بار، خرما و زیتون.
**پوشش گیاهی:** گل ختمی، آویشن، خاکشی و رازیانه و گیاهان مرتعی.

**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، تیهو و کبک.

**شیبکوه:** از بخش‌های شهرستان فساء استان فارس، از شمال به بخش نوبندگان از شهرستان فساء از خاور به شهرستان داراب، از شمال باختر به شهرستان فساء و از جنوب باختر به بخش قطب‌آباد از شهرستان جهرم محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر زاهدشهر دارای دو دهستان (۱ـ میانده ۲ـ فدشکوئیه) است.

**رودها:** رود فصلی جعفری از ۳کیلومتری زاهدان مرکز بخش می‌گذرد.

**کوه‌ها:** ۱ـکوه درز در شمال خاور ۲ـکوه زاهدان در جنوب و جنوب باختر ۳ـکوه گر در جنوب خاور ۴ـ تپه فلات در شمال خاور.

**کان‌ها:** معدن گچ و آهک.

**نژاد و زبان:** آریایی و سامی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی و عربی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان بادام کوهی، بنه و انجیر کوهی -گیاهان دارویی آویشن و گل ختمی - پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** قوچ، میش، بزکوهی، شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و تیهو.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی دامداری و کشاورزی و کارگری استوار است. دامداری بیشتر به شیوه سنتی و در مرکز بخش گاوداری صنعتی معمول می‌باشد. کشاورزی بیشتر آبی و اندکی دیمی است - کارگری نیز از منابع درآمد مردم این سامان می‌باشد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، چغندر قند، کنجد، تره‌بار.

**شیراز:** از شهرستان‌های استان فارس است که از شمال به شهرستان آباده از جنوب به شهرستان فیروزآباد واز مشرق به شهرستان استهبان و از مغرب به شهرستان کازرون محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر شیراز، دارای شش بخش ۱ـ بخش مرکزی دارای ۶ دهستان (۱ـ دراگ ۲ـ بیدزرد ۳ـ سیاخ دارنگون ۴ـ داریان ۵ـ قره‌باغ ۶ـکفترک) ۲ـ بخش ارژن ۳ـ زرقان ۴ـ سروستان ۵ـ کربال ۶ـ کوار است.

**رودها:** ۱ـ رود کر که از کوه‌های خسروشیرین و دز سرچشمه گرفته پس از آبیاری شهرستان شیراز بخشی از زمین‌های شهرستان اردکان و مرودشت سرانجام به دریاچه بختگان می‌ریزد ۲ـ رود شش پیر که از بلندی‌های جنوبی اردکان سرچشمه گرفته پس از آبیاری منطقه از اردکان به سوی شیراز روان و آن گاه به طرف کازرون جاری گشته تا سرانجام با یافتن نام‌های متعدد به خلیج فارس می‌ریزد. ۳ـ رود سیوند که از کوه‌های بوانات و چهاردانه سرچشمه گرفته پس از آبیاری منطقه‌ای از شیراز به رودکر می‌پیوندد ۴ـ رود قره آقاج که از کوه‌های دشت ارژن سرچشمه گرفته پس از آبیاری نمودن شهرستان شیراز سرانجام به خلیج فارس می‌پیوندد.

**دریاچه‌ها:** ۱ـ دریاچه مهارلو ۲ و ۳ـ دریاچه بختگان و طشک - در شهرستان شیراز حدود ۴۵ کاریز و تعداد فراوانی چاه مورد بهره‌برداری است.

**کوه‌ها:** ۱ـکوه‌های رحمت ۲ـکوه‌های سبز ۳ـ کوه‌های بالکی ۴ـکوه‌های قلات و سیاه ۵ـ کوه‌های گشنه کان ۶ـکوه‌های کمرزرد ۷ـکوه‌های کلاه قاضی ۸ـکوه‌های کفترک ۹ـکوه‌های آب مرغان ۱۰ـکوه‌های سواره ۱۱ـکوه‌های محمدی ۱۲ـکوه‌های کهدان ۱۳ـکوه‌های پسکوهک ۱۴ـکوه‌های دراک پهن ۱۵ـکوه‌های قبله ۱۶ـکوه‌های قره‌باغ

به طور کلی شیراز به جز جلگه‌های مرودشت، شیراز و کربال منطقه‌ای کوهستانی است.
**کان‌ها:** معادن نمک، سنگ و آهک.
**آب و هوا:** معتدل متمایل به گرم، البته مناطق کوهستانی نسبتاً سرد است.
**جمعیت:** ایل قشقایی و طوایف عمده کشکولی، دره شوری، شش بلوکی، قراچه‌ای، فارسیمدان، عمله و لبومحمدی، ایلات خمسه که شامل پنج ایل: ۱ـ اینانلو ۲ـ بهارلو ۳ـ عرب ۴ـ نفر ۵ـ باصری می‌باشد.
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به فارسی با گویش شیرازی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان بادام‌کوهی، بنه و بلوط، گیاهان دارویی و صنعتی و مراتع.
**جانوران و پرندگان:** گرگ، بز کوهی، قوچ و میش و کبک.
**اقتصاد:** کشاورزی، دامداری، کارگری، بازرگانی، صنایع دستی، فرش بافی و صنایع کارخانه‌ای از منابع درآمد مردمان شهرستان شیراز است.
حدود ۶۰٪ زمین‌ها زیر کشت ۲۰٪ قابل کشت و ۲۰٪ دیگر بایر است.

۵۵٪ زیر کشت آبی و ۴۵٪ دیمی، آبیاری زمین‌ها به وسیله رودها، کاریزها، چشمه‌ها و چاه‌ها صورت می‌گیرد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، تنباکو، تره‌بار، بنشن، دام و فراورده‌های دامی، تولیدات صنایع دستی از جمله فرش، حصیر، گیوه، نقره سازی، خاتم سازی و منبت‌کاری است.
**وضع طبیعی:** در شمال و جنوب جلگه شیراز دو رشته کوه به موازات یکدیگر قرار گرفته است. کوه‌های شمالی به وسیله دره‌هایی که به تنگ معروف است را از یکدیگر جدا می‌سازد. معروف‌ترین این دره‌ها تنگ سعدی، تنگ الله اکبر است که به واسطه وجود دو رشته کاریز و آرامگاه سعدی و خواجو در دامنه آن‌ها مشهور گشته است.

تنگ الله اکبر میان کوه چهل مقام و باباکوهی واقع شده و به واسطه وجود آب رکنی، دارای دامنه‌های سبز و خرم و باغ‌های با صفا، راه شیراز به اصفهان از این تنگ می‌گذرد.

دریاچه مهارلو که در ۱۸ کیلومتری شرق شیراز قرار دارد و هنگام پرآبی به طول ۵۰ و به عرض ۱۲ کیلومتر می‌باشد.
**شیراز (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن شهر شیراز است و دارای ۶ دهستان (۱ـ دراک ۲ـ بیدزرد ۳ـ سیاخ دارنگون ۴ـ داریال ۵ـ قره‌باغ ۶ـ کفترک) است.
**صحرارود:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فسا استان فارس و مرکز آن صحرارود است.
**صحرای باغ:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان لار استان فارس و مرکز آن باغ است و در منطقه‌ای دشتی گرم و خشک قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، خرما و تره‌بار.
**پوشش گیاهی:** آویشن و درخت گز و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش.
**طسوج:** از دهستان‌های بخش کوار شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن طسوج است.
**علامرودشت:** از بخش‌های شهرستان لامرد استان فارس و مرکز آن شهر علامرودشت، دارای ۲ دهستان (۱ـ علامرودشت ۲ـ خیرگو) است.
**علویه:** از دهستان‌های بخش کردیان شهرستان جهرم استان فارس و مرکز آن علویه است.

**علی‌آباد:** از دهستان‌های بخش خفر شهرستان جهرم استان فارس و مرکز آن علی‌آباد است.

**علی‌آباد ملک:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارسنجان استان فارس و مرکز آن علی آباد ملک است.

**فامور:** از دهستان‌های بخش جره و بالاده شهرستان کازرون استان فارس و مرکز آن نرگس‌زار است.

**فتح آباد:** از دهستان‌های بخش قیروکارزین شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن فتح آباد است.

**فدشکوئیه:** از بخش های بخش شیبکوه شهرستان فسا استان فارس و مرکز آن فدشکوئیه است.

**فراشبند:** از شهرستان‌های استان فارس است که از شمال به شهرستان‌های شیراز و کازرون، از خاور به بخش‌های مرکزی و قیروکازرین از باختر به شهرستان‌های دشتی و دشتستان و از جنوب به شهرستان لار و قسمت‌های کوچکی از شهرستان‌های دشتی و کنگان محدود است.

این شهرستان با توجه به قدمت تاریخی و آثار و ابنیه باستانی توجه باستان شناسان و محققان تاریخ را به سوی خود جلب نموده است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر فراشبند، دارای چهار دهستان (۱ـ دهرم ۲ـ نوجین ۳ـ آویز ۴ـ دژگاه) است.

**رودها:** ۱ـ رود شور از ۳۶ کیلومتری جنوب خاوری مرکز بخش فراشبند می‌گذرد ۲ـ رود آب نیلو از ۶ کیلومتری خاور روستای آویز و ۷ کیلومتری شمال خاوری فراشبند سرچشمه می‌گیرد و میان کوه کل، قسمت انتهای شمال باختری آن و یک کوه دیگر، به طول ۷ کیلومتر به صورت راکد در می‌آید.

**کوه‌ها:** ۱ـ کوه فراشبند در خاور متصل به شهرک فراشبند ۲ـ رشته کوه کل در ۳ کیلومتری شهر قرار گرفته ۳ـ کوه نسار ۴ـ منگرگ ۵ـ پشمه ۶ـ کلاغ به ترتیب در فاصله‌های ۲ و ۴ و ۷ و ۴۷ کیلومتری جنوب خاوری شهرک فراشبند و ۷ـ کوه گاردان در ۴۸ کیلومتری ۸ـ کوه سفید در ۶۳ کیلومتری ۹ـ در شمال باختری کوه پهنا پهن در ۱۵ کیلومتری فراشبند قرار دارند.

**کان‌ها:** تعدادی حلقه چاه نفت حفاری شده، معدن نمک در ۳۶ کیلومتری جنوب خاوری فراشبند، معدن مس و سرب در منطقه جنوبی آن قرار دارد.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند اما در اصطلاح محلی به آنان تاجیک نیز می‌گویند از عشایر ایل قشقایی هر ساله به مدت ۸ ماه در این سامان ماندگارند، طوایف و تیره‌های کوهی، قره‌یارلو، دوقزلو، علمدارلو، آردکپان، گله زن، اخچلو، لک قره‌چه‌ای، سهمدانی، آلوبندلر و کوهبا هستند و به زبان فارسی با گویش محلی معروف به تاجیک و مردم قشقایی به زبان ترکی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان بنه، بادام کوهی، انجیر، کنار، گز - پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** قوچ، میش، بز کوهی، آهو، پلنگ، کفتار، گرگ، شغال، گراز، روباه، خرگوش، کبک، تیهو و آهو.

**وضع اقتصادی:** بر دامداری، کشاورزی، باغداری و صنایع دستی و برخی صنایع کارخانه‌ای استوار است. عشایر و روستاییان در پرورش دام سرگرمند. کشاورزی دیم و آبی هر دو، آب کشاورزی و باغ‌ها از چاه‌های نیمه عمیق فراهم می‌گردد.

**فراورده‌ها:** دام و فراورده‌های دامی، فراورده‌های

کشاورزی و باغداری چون گندم، جو، تره‌بار، خرما و لیمو از منابع درآمد مردم این سامان است از این گذشته قالی، پشتی، جاجیم بافی و کارگری و پیشه‌وری و صنایع کارخانه‌ای چون ریسندگی بافندگی، موزائیک سازی، کارخانه گچ، نیز از راه‌های گذران مردم به شمار می‌رود.

**آثار تاریخی فراشبند:**

**چهار طاق رهنی:** این بنا به سبک بناهای دوران ساسانیان در جنوب شرقی فراشبند مسیر جاده‌ی فراشبند به نام امامزاده شهید واقع گردیده است.

**چهار طاق گنبد:** این بنا که به دوره‌ی ساسانیان نسبت داده می‌شود در قسمت غرب مسیر جاده‌ی فراشبند به کازرون واقع گردیده است.

**آسیاب بادی:** آثار باقی مانده این اثر باستانی بر روی کوهی در جنوب فراشبند مربوط به دوره‌ی گبری یا پادشاهان پیش از اسلام می‌باشد. در کنار این کوه چاه‌هایی از سنگ تراشیده شده که به چاه‌گبری معروف است. همچنین سد قطوری بر روی چشمه‌ای به نام کلی آسکی در کنار آن بر جای مانده است.

**چهار طاق تل جنگی:** این چهار طاق مربوط به دوره‌ی ساسانی است و شباهت زیادی به قصر ساسان در سروستان دارد. این احتمال وجود دارد که قصر زمستانی ساسانیان بوده است.

**حمام فراشبند:** این حمام شبیه به حمام گنجعلی خان کرمان است که در شش متری زیر زمین بنا گردیده است. این بنا از سنگ و ساروج و طاق آن از گچ ساخته شده است.

**عشایر منطقه‌ی فراشبند:** عشایر ساکن در منطقه‌ی فراشبند به ۱۱ تیره شامل تیره کوهی، کله لو، علمدارلو، نمدی، صفی خانی، آرد کپان، قره یارلو، هیبت لو، چگینی، دوقزلو و شوربا خورلو تقسیم می‌شوند.

**نخلستان فراشبند:** یکی از عمده‌ترین محصولات کشاورزی منطقه‌ی فراشبند خرما و قصب (زاهدی) است که با توجه به نوع و کیفیت آن، به خارج از کشور صادر می‌گردد. منطقه‌ی فراشبند از نظر آب و هوائی، خاک جهت کاشت مرکبات مناسب است. از محصولات مهم مرکبات در منطقه‌ی فراشبند می‌توان از نارنج، لیمو ترش، لیمو شیرین، پرتقال و نارنگی نام برد.

**فرمشکان:** از دهستان‌های بخش کوار شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن ده شیب است و در منطقه‌ای دشتی، معتدل مرطوب و دریاچه نمک مهارلو قرار گرفته و رود قره‌آقاج در آن جریان و کوه گر و کوه سفیدار در آن قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، یونجه.

**پوشش گیاهی:** شیرین بیان و گیاهان مرتعی.

**جانوران:** گرگ، روباه، بز کوهی، قوچ و میش و خرگوش.

**فسا:** از شهرستان‌های استان فارس، در فاصله ۱۰۸۵ کیلومتری تهران، از شمال به شیراز، از مشرق به استهبانات، از جنوب به داراب و از مغرب به شیراز و جهرم محدود و در ۲۸ درجه و ۵۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۴۱ دقیقه طول شرقی واقع است. دارای ۳۸۲۰کیلومتر مربع مساحت و حدود $\frac{۲}{۵}$ آن دشت و $\frac{۳}{۵}$ بقیه کوهستانی است و در هیچ نقطه‌ای از دشت‌های فسا بلندی کمتر از ۱۱۰۰ متر از سطح دریا نیست. در گذشته در دشت شمالی این شهرستان جنگلی انبوه وجود داشت که امروزه جز اندکی از آن به جا نمانده است.

نام فسا به طوری از الواح گلی تخت جمشید که توسط پروفسور ژرژکامرون خوانده شده، بر می‌آید. در زمان هخامنشیان «پسه» یا باشیا بوده و

در آن زمان شهری دایر و آباد بوده است.

لفظ باشیا یا پسه به تدریج به پسا تبدیل شده و اعراب آن را به صورت فسا معرفی کرده و منسوب به آن را فسوی و فسائی خوانده‌اند.

فاصله‌ی شهرستان فسا تا شیراز ۱۶۴ کیلومتر می‌باشد و از شمال به استهبان، از غرب به شیراز، از شرق به داراب و زرین دشت و از جنوب و جنوب غربی به جهرم محدود می‌شود.

**پوشش گیاهی:** در بلندی‌ها، بیش از ۲۰۰۰ متر، درخت سرو کوهی می‌روید، در ارتفاعات کمتر، پسته‌کوهی، بادام‌کوهی و گیلاس می‌روید، بلندی این شهرستان ۱۴۰۰ متر از سطح دریاست.

**فعالیت‌های اقتصادی:** بیشتر مردم در زمینه‌های کشاورزی و دامپروری خدمات مشغولند. گندم، جو، پنبه، چغندر قند، صیفی‌جات، مرکبات و خرما از محصولاتش می‌باشد. بز، گوسفند و گاو نیز پرورش داده می‌شود. ـ کتاب‌های درسی جغرافیا

**صنایع دستی:** قالی‌بافی، رویه گیوه بافی و کوزه‌گری.

**صنایع کارخانه‌ای:** قند، الکل‌سازی، آردسازی، سنگبری و کارگاه‌های ریخته‌گری و تراش فلزات.

**معادن:** نمک، آهک، گچ، گل سرشوی، نفت و مس از جمله معادن این شهرستان است.

این شهرستان در شمال و شمال غربی دارای آب و هوای معتدل است که انواع میوه مناطق معتدل و حتی سردسیر به عمل می‌آید. اما مناطق جنوبی و جنوب شرقی آن، آب و هوایش گرم است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر فسا دارای چهار بخش ۱ـ بخش مرکزی دارای ۳ دهستان (۱ـ کوشک قاضی ۲ـ جنگل ۳ـ صحرارود) ۲ـ بخش ششده ۳ـ قره بلاغ ۴ـ نوبندگان است.

**رودها:** ۱ـ کوه خرمن کوه در شمال ۲ـ کوه گچ در جنوب باختری ۳ـ کوه کفتاری در باختر ۴ـ کوه تودج در شمال خاوری ۵ـ کوه دره زهری و داربست در جنوب ۶ـ کوه خمار ۷ـ کوه علمداره در جنوب خاوری.

**کان‌ها:** سنگ گچ، شن و ماسه و سنگ.

**آب و هوا:** مناطق شمال و شمال باختری معتدل ۲ـ مناطق جنوب و جنوب خاوری گرم.

**نژاد و زبان:** آریایی و سامی نژادند، بزبان فارسی با گویش محلی و عربی سخن می‌گویند.

**جانوران و پرندگان:** قوچ، میش، بز کوهی، خرس، گراز، پلنگ، شغال، گرگ، کفتار، خرگوش، کبک و تیهو.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری، دامپروری، پیشه‌وری، صنعتگری و کارگری استوار است.

کشاورزی به شیوه مکانیزه و سنتی و با آبیاری قطره‌ای، کانال کشی و کرتی است.

**دامداری:** پرورش گاو، گوسفند و مرغ بیشتر به شیوه صنعتی انجام می‌شود.

**فسا ـ بخش مرکزی:** از بخش‌های شهرستان فسا استان فارس و مرکز آن شهر فسا دارای سه دهستان (۱ـ کوشک قاضی ۲ـ جنگل ۳ـ صحرارود) و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک و کوه کفتاری و قله بوستانه در آن قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو.

**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، آویشن و درختان بادام‌کوهی و انجیرکوهی و بنه و گیاهان مرتعی.

**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، قوچ و میش، گراز و بز کوهی و کبک.

**فسارود:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان داراب استان فارس و مرکز آن مادوان است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه میلک و کوه نمک در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، زیره، خرما، بـنشن، تره‌بار و مرکبات و فرش.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، خاکشی و درختان بنه و کنار و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، بز کوهی، قرقاول و کبک.
**فورگ:** از دهستان‌های بـخش فـورگ شـهرستان داراب استان فارس و مرکز آن دوبرجی است و در منطقه‌ای معتدل خشک و کوه نورالدیـنی در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، پرتقال، بنشن و انار.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، خاکشی و آویشن و درختان کنار، انجیر و بادام کوهی، گز و گـیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، و بز کوهی.
**فورگ:** از بخش‌های شهرستان داراب استان فارس و مرکز آن دوبرجی است و دارای دو دهستان (۱ـ فورگ ۲ـ آبشور) است.
**فهلیان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شـهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن فهلیان علیا است.
**فـیروز آبـاد:** شـهرستان فـیروز آبـاد در جـنوب شهرستان شیراز واقع شده است. این شهرستان با قدمتی همپایه تاریخ ایران به عنوان اولین پایتخت امپراطوری بزرگ ساسانی علاوه بر داشـتن آثـار تاریخی فراوان دارای تفرجگـاه‌های زیـبائی نـیز می‌باشد. فاصله‌ی آن تا مرکز استان (شیراز) ۱۲۰ کیلومتر است.
فیروزآباد در غرب ناحیه مرکزی این استان و میان شهرستان‌های کازرون، شیراز، جهرم، لار و اسـتان بـوشهر قـرار گـرفته است، دارای ۹۸۹۵ کیلومتر مربع مساحت، در ۱۰۳۵ کیلومتری تهران می‌باشد. در ۲۸ درجه و ۵۱ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی و در منطقه‌ای کوهستانی واقع شده که بلندیش از سطح دریـا حدود ۱۶۰۰ متر است. کوه سفیدار و کوه سرخ آن را در شمال از شیراز جدا می‌کرده. این هر دو کوه پوشیده از جنگل و گذر از گذرگاه هایش سخت، آب و هوایش در نواحـی شـمالی مـعتدل و در بخش‌های جنوبی گرم است.
**صنایع دستی:** قالی، گلیم، چادر (سیاه چادر) از فراورده‌های این سامان است.
**معادن:** سرب و روی و نفت از جمله ذخـایر و منابع معدنی فیروزآباد می‌باشد. شهر فیروزآبـاد کنونی در سه کیلومتری شهر جور یا گور قرار دارد که روزگاری بس آباد‌ان و پرشکوه بود.
**تقسیمات کشوری:** مـرکز ایـن شـهرستان شـهر فیروزآباد، دارای ۴ بخش ۱ـ بخش مرکزی دارای دو دهستان (۱ـ احمد آباد ۲ـ جایدشت) ۲ـ میمند ۳ـ فراشبند ۴ـ قیروکارزین است.
**رودها:** روان بودن چشمه‌ها در شمال شهرستان، نهر فیروزآباد از باختر شهر می‌گذرد و زمین‌های پیرامون شهر را آبیاری می‌کنند و قسمتی از آب این رود به رود قره‌آقاج می‌پیوندد.
**کوه‌ها:** ۱ـ کوه پود نو در شمال و خاور ۲ـ کـوه روشنو در ۵ کیلومتری جنوب ۳ـ کوه آسیاب بادی در ۸ کـیلومتری بـاختر و جـنوب بـاختر سـر برافراشته‌اند.
**کان‌ها:** ۱ـ معدن سنگ گچ ۲ـ معدن سـنگ ۳ـ معدن نمک.
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فـارسی بـا

گویش تاجیکی و ترکی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان بادام کوهی و بنه - گیاهان دارویی: گل گاوزبان، بابونه، کاسنی و گل زرد - پوشش گیاهی برای چرام دام.
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، بز کوهی، آهو، گراز، گورکن، کبک و تیهو و قرقاول.
**اقتصاد:** بر پایه دامداری، کشاورزی و صنایع دستی استوار است.
۱ـ وجود مراتع و عشایر در منطقه کار دامداری رونقی فراوان دارد ۲ـ کشاورزی به واسطه زمین مناسب و آب با اهمیت است. صنایع دستی نیز از منابع درآمد مردم این سامان می‌باشد -کارگاه‌های تهیه دیسک و قطعات یدکی تراکتور نیز تا حدی درآمدزا است.
**فراورده‌ها:** دام و فراورده‌های دامی - برنج، گندم، بنشن، و چغندر قند، جاجیم، گلیم، دیسک و قطعات یدکی تراکتور.
**فیروزآباد (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن شهر فیروزآباد است و دارای ۲ دهستان (۱ـ احمدآباد ۲ـ جایدشت) است.
**فیشور:** از دهستان‌های بخش اوز شهرستان لار استان فارس و مرکز آن فیشور است.
**قره‌باغ:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن سلطان‌آباد است و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک و کوه قبله و کوه بهمن در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه.
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، روباه.
**قره بلاغ:** از دهستان‌های بخش ششده شهرستان فسا استان فارس و مرکز آن دوگان است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل و خشک و کوه قلات سرو در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، انار، بنشن و مرکبات.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، آویشن، درختان بنه، کنار، گز و بادام کوهی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، قوچ و میش، پلنگ، قرقاول و کبک.
**قره چمن:** از دهستان‌های بخش ارژن شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن خانه زنیان است.
**قریه الخیر:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان داراب استان فارس و مرکز آن جنت‌شهر است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل و خشک و رشته‌کوه زاگرس و کوه مروارید و کوه ته سرن، دره خرچنگ و غارآب در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، مرکبات و تره‌بار.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، خاکشی، آویشن، بارهنگ، درختان بادام و انجیر کوهی و گز و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، قوچ و میش، قرقاول و بز کوهی و کبک.
**قشلاق:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان جهرم استان فارس و مرکز آن قشلاق است.
**قطب‌آباد:** از دهستان‌های بخش کردیان شهرستان جهرم استان فارس و مرکز آن قطب‌آباد است.
**قطرویه:** از دهستان‌های بخش پشتکوه شهرستان نی‌ریز استان فارس و مرکز آن قطرویه است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه انجیر خواجه و دشت کوته کفتری در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو و ذرت.
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.
**جانوران:** آهو، گرگ، روباه.
**قلعه بیابان:** از دهستان‌های بخش مرکزی

شهرستان داراب استان فارس و مرکز آن قلعه بیابان است.

**قیروکارزین (بخش):** از بخش‌های شهرستان فیروزآباد و مرکز آن قیروکارزین استان فارس و شامل پنج دهستان و دو شهر است و در منطقه دشتی معتدل خشک و کوه نهویه در آن قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم.

**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.

**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش.

**قیروکارزین (شهرستان):** از شهرستان‌های استان فارس و مرکز آن شهر قیروکارزین، دارای ۵ دهستان (۱ـ مبارک آباد ۲ـ افزر ۳ـ هنگام ۴ـ فتح‌آباد ۵ـ زاخرویه) است.

از شمال و شمال غربی به شهرستان جهرم و فیروزآباد، از مغرب و جنوب غربی به بخش فراشبند از شهرستان فراشبند و از جنوب و جنوب شرقی به بخش اوز از شهرستان لار و از مشرق به بخش جویم شهرستان لار محدود است.

**رودها:** رود قره‌آقاج پس از روان شدن از کوه‌های شمال شرقی کازرون و گذشتن از شهرستان‌های شیراز، جهرم و فیروزآباد از جنوب بخش قیروکارزین می‌گذرد و سرانجام به خلیج فارس می‌پیوندد.

**کوهها:** ۱ـکوه حاشیه سنگ در شمال ۲ـکوه پلنگی و کوه دره سید در شمال شرقی و مشرق ۳ـ کوه آباد در جنوب شرقی ۴ـکوه نهویه ۵ـکوه میری در جنوب بخش قیروکارزین سر برافراشته‌اند. تنگه آسیاب نیز در شمال شرقی این بخش قرار گرفته.

**آب و هوا:** گرم و خشک.

**پوشش گیاهی:** درختان گز، بادام کوهی و کنار و گیاهان دارویی، خاکشی، گل گاوزبان، شیرین بیان، پر سیاوش و تخم شربتی و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**کازرون (مرکز شهرستان):** شهر کازرون مرکز شهرستان کازرون است که در طول جغرافیائی ′۳۹ و °۵۱ و در عرض جغرافیا ′۲۷ و °۲۹ و در بلندی ۸۹۰ متری از سطح دریا و در ۱۴۳ کیلومتری باختر شیراز و در ۹کیلومتری راه جنوب خاوری ـ شیراز ـ بوشهر قرار گرفته، کاریزها و چاههای متعددی در اطراف شهر کنده و مورد بهره‌برداری واقع شده.

شهر کازرون در یک منطقهٔ جلگه‌ای برافراشته شده که در ۵ کیلومتری خاور ۱ـکوه کهکشو ۲ـ کوه دوان در ۶ کیلومتری شمال۳ـکوه قبله در حدود ۸ کیلومتری جنوب و جنوب باختری قرار گرفته دو معدن مهم سنگ در نزدیکی شهر مورد بهره‌برداری قرار گرفته.

**آب و هوا:** آب و هوای گرم و خشک و بیشترین درجه گرما به ۴۵ درجه و کمترین درجه یک درجه بالای صفر و مقدار بارندگی سالانه بطور متوسط ۳۳۰ میلمتر می‌باشد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، بنشن، تره‌بار، مرکبات، پشم، گوسفند، خرما، مرکبات، رود (شیره درختی) و پسته کوهی از صادراتش است.

**رستنی‌ها:** درختان، بن، کیکم، گیاهان صنعتی و مرتع

**جانوران و پرندگان:** بزکوهی، قوچ و میش، گرگ، روباه، کبک، تیهوو دراج.

**راهها:** ۱ـ راه کازرون ـ شیراز بطول ۱۴۳ کیلومتر ۲ـراه کازرون ـ بندربوشهر بطول ۱۶۲ کیلومتر که از ۹ کیلومتری شهر کازرون می‌گذرد ۳ـ راه کازرون ـ دشت ارژن بطول ۶۰ کیلومتر ۴ـ راه کازرون ـ فیروزآباد بطول ۱۷۶ کیلومتر ۵ ـ راه

فرعی بسوی شمال بطول ۱۲ کیلومتر تا روستای دوان. «۱»

**خانه‌های کازرون:** خانه‌های کازرون و دیگر شهرهای آن نواحی از گل‌اند و در برخی از آنها سنگ و گچ استعمال می‌کنند و ایشان نیز معمور و فراخ و سبزونزه‌اند و خانه‌ها همه به یکدیگر ملاصق و متصل و کازرون نوبنجان در بزرگی و طول و عرضش نزدیک یکدیگر باشند الا آنکه بنیاد خانه‌های کازرون استوارتر و محکمتر می‌باشد و قلعه‌ها در آن بیشتر از نوبنجان است. و در تمامت پارس هیچ جانبی آب و هوا درست‌تر و لطیف‌تر از کازرون نیست و آب ایشان از چاه می‌باشد و آن شهری نیک فراخ و معمور است با میوه‌های بسیار و سبزتر و نزه تر شهرهای کوره‌سابور کازرون و نوبنجان‌اند.

در کازرون جنسی از خرما می‌باشدکه در هیچ جا از آن نیکوتر نباشد و از بسیاری این خرما در آفاق حمل می‌افتد. و از کازرون جامه‌های کتان مرتفع می‌شود و در اطراف از آن نقل می‌کنند.

کازرون از اقلیم سیم است در اصل سه دیه بوده است نودر و دریست و راهبان طهمورث دیوبند ساخته چون شاپورابن اردشیر بابکان بشاور بساخت و آنرا توابع بشاورکرد تا فیروز ابن بهرام‌ابن یزدگرد ابن بهرام کور آنرا شهری گردانید و پسرش قباد بر آن عمارت افزود شهری معظم شد و چون در اصل سه دیه بوده اکنون نیز عمارت متفرق بوده و دروکوشکهای محکم و معتبرکه هر یک همسرقلعه باشد و هوایش گرمست و آبش از سه کاریزکه بدان دیها منسوبست و اعتماد برباران دارند و میوه‌هاشان نارنج و ترنج و لیمو و انواع میوه‌های گرمسیری باشد و درو نوعی خرماست آنرا جیلان خوانند مثلش در جهان نیست و آنجا پنبه بسیار بود و قماش کرباسین ازکازرون به همه اطراف برند و سخت بسیار بودو اندکی کتان نیز باشد.

ابن حوقل گوید: کازرون بزرگترین شهر کورهٔ شاپور است. شهری خوش و باطراوت. آبش از چاه‌هاست صاحب اللباب گوید: کازرون یکی از بلاد فارسی است. در العزیزی آمده است کازرون شهری است لطیف و آبادان «۱۳»

... در کازرون و شهر کوچک تَوَّج یا توازکه در وسط راه میان کازرون و بندر جنابه واقع بود پارچه‌های کتانی معروف به توجی یا توزی می‌بافتند که در همه عالم اسلام مشهور بود. «۵»

اصل شهر کازرون نزدیک دامنهٔ کوهی به نام دوان است واقع شده و جمعیت اصل شهرکازرون مساوی ۱۵۰۰ خانوارند و سمت جنوب و مغرب و مشرق کازرون صحرای وسیعی است که عرضش تادامنهٔ کوه قبله یک فرسنگ ونیم است و سمت غربی شهر باغ بزرگی است به نام باغ نظر و تمامی اشجارش مرکبات و نخیلات است و شهرش بدون حصار و خانه‌هایش پریشان ساخته شده است و سمت میان شمال و مشرق شهر ارگ است که می‌تواند یک فوج سرباز در آن ساکن شوند و دیوار بازارش بلند است و آبش از چشمه‌ای است که از سمت کوهستان دوان می‌آید، بسیار نیک و گوارا است.

«پس از فتح کازرون بدست اعراب در سال ۱۸ هجری مردم کازرون با استفاده از هر فرصتی ضد حکمرانان عرب قیام کردند و قرنها به این مبارزه ادامه دادند.

در سالهای ۲۴-۲۵-۲۷-۲۹-۷۵-۸۳و ۱۵۸ قیام‌هائی ضد اعراب بوسیله مردم‌کازرون صورت گرفت و سرانجام در نیمه قرن پنجم عده‌ای بدین

اسلام گرویدند و گروهی نیز که نمی‌خواستند باسلام بگروند از این شهر کوچیدند و بسواحل شرقی آفریقا از سومالی تا زنگبار و سواحل غربی هندوستان رفتند و امروزه در زنگبار نواده‌های آنها در حزب نیرومند شیرازی‌ها جمع شدند و بازار چه کازرونی‌ها در قاهره و مؤسساتی در کلکته، حیدر آباد و لاهور بوسیله کازرونی‌های مهاجر ساخته شد.

با ازمیان رفتن منازعات مذهبی کازرون مرکز علوم و معارف اسلام گشت و عده‌ای از عارفان و عالمان از نقاط مختلف از جمله شام، عراق و ترکستان به کازرون آمده ماندگار شدند». «۶»

کازرون از شهرهای قدیمی ایران است. نخست شهر شاپور که ویرانه‌های آن در ۲۰ کیلومتری کازرون قرار دارد، اهمیت و مرکزیت داشت و کازرون فعلی از توابع آن بود چون شهر شاپور ویران گشت فیروز پسر بهرام ساسانی شهر کازرون را بنا و قباد ساسانی آنرا آبادتر و بزرگتر کرد.

کازرون در ارتفاع ۸۹۰ متری از سطح دریا و در فاصله ۱۶۲ کیلومتری شیراز و ۲۴۴ کیلومتری بوشهر قرار دارد.

شهر شاپور که بوسیله شاپور اول ساسانی ساخته شد بر روی شهری قدیمی که در زمان اسکندر روبویرانی نهاده بود بناگردید و این شهر در ۱۶ هجری بچنگ اعراب افتاد.

مقدسی در قرن چهارم شهر شاپور را نیمه ویران ذکر کرده، در قرن ۶ ابن البلخی نقل کرده است: شهرشاپور به همت سلاطین سلجوقی روبرونق نهاده است.

در زمان حکمرانی شبانکاره مخصوصاً ابوسعید محمدابن ماما شهر شاپور رو بترقی روزافزونی نهاد(اما از قرن هشتم هجری دستخوش ویرانی گشت)

**آثار تاریخی:** ۱ـ نقش برجسته ساسانی ـ سر مشهد در نزدیکی آبادی جره ـ تصویر بهرام گور در حال جنگ بادوشیر ـ الهه ناهید و نقش سه نفر دیگر.

۲ـ ویرانه‌های شهر بیشاپور، نام اصلی شهر شاپور مشتمل بر آثار بسیاراز عهد ساسانی مجسمه ۷ متری شاپور و از جمله: نقوش برجسته ساسانی تنگ چوگان دارای ۶ نقش برجسته عهد ساسانی است از نقش پیروزی شاپور اول بروالرین ـ نقش اعطاء سلطنت از طرف اهورا مزدا به بهرام اول.

۳ـ آتشکده ـ بقایای چهار طاقی آتشکده‌ای از دوره ساسانی ـ آتشکده جره بنائی است چهار طاقی از عهدساسانی که بر روی قسمت بلندی مشرف بر رودخانه جره ساخته شده است آتشکده فراش بند بصورت چهار طاقی کوچک از سنگ و گچ ساخته شده است.

در نزدیکی قریه کورانگون نقوشی از عهد عیلامی‌ها بجامانده، در این نقش«خدای زن و مرد که بر روی تختی از مار حلقه شده نشسته‌اند. مردجامی دردست دارد و عده‌ای با جامه‌های بلند در جلو و پشت سر ایستاده‌اند و از سر خدایان دو شاخ بیرون زده‌است و در پائین نقش تصویر چهل نفر با جامه‌های کوتاه دیده می‌شود. «۷»

**کازرون (شهرستان):** از شهرستان‌های استان فارس است که از شمال به شهرستان ممسنی از خاور به شیراز، از جنوب به فیروزآباد و از باختر به دشستان و بندرگناوه محدود است. ۴۱۱۹ کیلومتر مربع مساحت دارد و در منطقه‌ای است که کوه‌های آن از دو رشته تشکیل شده، دشت کازرون و

دریاچه پریشان حد فاصل این دو رشته کوه است. بلندی شهرستان کازرون از سطح دریا ۹۹۳ متر می‌باشد.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر کازرون دارای ۴ بخش ۱ـ بخش مرکزی دارای ۴ دهستان (۱ـ بلیان ۲ـ دریس ۳ـ شاپور ۴ـ امامزاده سید حسین) ۲ـ بخش جره و بالاده ۳ـ خشت و کمارج ۴ـ کوهمره است.

**رودها:** ۱ـ رود شاپور که از کوه‌های کوهمره نودان و چشمه ساسان در تنگ چوگان (۲۵ کیلومتری شمال باختری کازرون سرچشمه گرفته ۲ـ رود دالکی که از کوه‌های فراشبند فیروزآباد سرچشمه گرفته از ۲۵ کیلومتری جنوب کازرون می‌گذرد.

**چشمه‌ها:** در مناطق شمالی تعداد زیادی چشمه وجود دارد از جمله: چشمه ساسان در تنگ چوگان، چشمه زنجان، چشمه سید حسن (سراب شیب) و چشمه آبگینه.

کاریزهای بسیاری از جمله محمودآباد، مرشد آباد، رضاآباد و محسن آباد - دریاچه پریشان (فامور) که دارای آب شیرین و در حدود ۱۲ کیلومتری جنوب خاوری شهر کازرون است به طول ۱۳ و عرض حدود ۵ کیلومتر می‌باشد.

**کوه‌ها:** مرکز شهرستان کازرون جلگه‌ای است که اطرافش راکوه‌هایی فراگرفته، از جمله ۱ـ کوه‌های دوان ۲ـ شاپور در خاور ۳ـ کوه‌های دشت ارژن و فامور در جنوب ۴ـ کوه‌های قبله و بنگشت و در باختر کوه کمارج

**کتل‌ها:** ۱ـ کتل پیرزن ۲ـ کتل دختر ۳ـ کتل رودک و گردنه‌هایی چون تنگ ترکان، تنگ چوگان، در شمال باختری و تنگ بوالحیات.

**کان‌ها:** در قسمت شمال کازرون معادن سنگ گچ و آهک وجود دارد.

**آب و هوا:** این شهرستان به واسطه پستی و بلندی مناطق مختلفش دارای آب و هوای متفاوت است. ناحیه شمالی آن دارای آب و هوای نسبتاً معتدل اما در مناطق جنوبی خیلی گرم می‌باشد. آب این شهرستان از چشمه‌ها و قنات‌ها و چاه‌ها فراهم گشته است.

طوایف دره شوری، کشکولی، فارسیمدان، قراچه‌ای و الوردی از ایل قشقایی در این سامان به سر می‌برند.

**رستنی‌ها:** درختان جنگلی بلوط، کیکم، بن و ارژن و مراتع فراوان دارد.

**جانوران و پرندگان:** قوچ، میش، پلنگ، گرگ، روباه، کبک، تیهو، مرغابی و غاز.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری، فرشبافی و بازرگانی استوار است. چون محل رفت و آمد ایلات و عشایر است از نظر داد و ستد اهمیت فراوانی دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، بنشن، تره‌بار و مرکبات، دام و فراورده‌های دامی و قالی، قالیچه و گلیم و جاجیم.

**کازرون (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان کازرون استان فارس و مرکز آن شهر کازرون و دارای ۴ دهستان (۱ـ بلیان ۲ـ دریس ۳ـ شاپور ۴ـ امامزاده حسین) است.

**کال:** از دهستان‌های بخش اشکنان شهرستان لامرد استان فارس و مرکز آن کال است.

**کامفیروز:** از بخش‌های شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن کامفیروز، دارای ۳ دهستان (۱ـ خرم مکان ۲ـ کامفیروز جنوبی ۳ـ کامفیروز شمالی) است.

**کامفیروز جنوبی:** از دهستان‌های بخش کامفیروز شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن مشهد

و بیلو است و در منطقه‌ای دشتی سرد و مرطوب و کوه چاهو بگو قرار و رود کرد در آن جریان دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، برنج، جاجیم، گلیم و فرش.
**پوشش گیاهی:** گون کتیرا، درختان بنه و ارجن.
**جانوران:** گرگ، گراز، بز کوهی، قوچ و میش، خرس، پلنگ و کبک.
**کامفیروز شمالی:** از دهستان‌های بخش کامفیروز شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن خانیمن است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل مرطوب و کوه‌کر و کوه ساران و کوه گمبیل و رود کرد در آن جریان دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، برنج، بنشن، تره‌بار، سیب، زردآلو، شفتالو، گردو، انگور و فرش با نقش کله اسبی
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، شاه تره، ختمی، کاسنی، شیرین بیان و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** پلنگ، گرگ، شغال، روباه، بز کوهی، قوچ و میش، خرس، گراز، ماهی، کبک، تیهو و مرغابی.
**کربال:** از دهستان‌های بخش کربال شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن کفدهک است و در منطقه‌ای دشتی معتدل مرطوب و کوه تنگ و دشت حیدرآقایی و کوه تل شکری و رود کر که از کوه‌های خسروشیرین و دزکرد سرچشمه می‌گیرد در این دهستان جریان دارد و سرانجام به دریاچه بختگان می‌پیوندد که در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، برنج، چغندر قند، پنبه و بنشن.
**پوشش گیاهی:** درختان ارژن، بادام وحشی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، بز کوهی و کبک و تیهو.
**کربال:** از بخش‌های شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن شهر خرامه دارای ۴ دهستان (۱ـ کربال ۲ـ دهقانان ۳ـ سفلی ۴ـ خیرآباد) است.
**کردیان:** از بخش‌های شهرستان جهرم استان فارس، از شمال و شمال خاوری به شهرستان فسا از شمال باختری به بخش خفر از شهرستان جهرم، از باختر به بخش سیمکان از شهرستان جهرم از جنوب و جنوب خاور به شهرستان جهرم و از خاور به شهرستان داراب محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر قطب‌آباد، دارای دو دهستان ۱ـ قطب‌آباد ۲ـ علویه است.
**رودها:** ۱ـ رود شور که از ۳ کیلومتری جنوب خاوری روستای نصیرآباد بخش شیبکوه روان گشته، از میان این بخش گذشته وارد رود قره‌آقاج می‌گردد.
**کوه‌ها:** ۱ـ کوه نصیرآباد در شمال و شمال خاوری ۲ـ کوه دو دو ۳ـ کوه تی‌چنگ در جنوب خاوری ۴ـ کوه گرم در شمال باختر و باختر بخش سربر افراشته‌اند.
**کان‌ها:** معادن سنگ گچ، سنگ آهک و شن و ماسه.
**آب و هوا:** خشک.
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان کنار، بنه، انجیر کوهی و بادام کوهی – گیاهان دارویی: گل گاوزبان، درمنه، بابونه، گل ختمی، کاسنی و آویشن – پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** قوچ، میش، بزکوهی، روباه، خرگوش، شغال، گراز، کفتار، گرگ، پلنگ، تیهو و کبک.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، باغداری، دامداری و پیشه‌وری استوار است. کشاورزی بیشتر به شیوه کشت آبی و اندک دیمی - باغداری و پرورش درختان میوه - دامداری به شیوه سنتی به وسیله عشایر نیمه کوچ رو صورت میگیرد.
پیشه وری نیز از منابع درآمد مردم این سامان است.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، تره بار، پنبه و تنباکو، مرکبات و خرما، دام و فراورده‌های دامی.
**کردیان:** از بخش‌های شهرستان جهرم استان فارس و مرکز آن شهر قطب‌آباد و دارای دو دهستان (۱ـ قطب‌آباد ۲ـ علویه) است. در منطقه‌ای میانکوهی و پایکوهی معتدل و خشک و کوه گرم کوه و غار اشکفت گرد چشمی دره حلقه زرد، غار کرو در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، عسل و میوه، بنشن، تره‌بار، مرکبات و خرما.
**پوشش گیاهی:** درمنه، خاکشی، گل گاوزبان، پر سیاوشان، مور تلخ، آویشن و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، قوچ و میش، بز کوهی، تیهو و کبک.
**کفترک:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن نصرآباد است.
**کلاکلی:** از دهستان‌های بخش سیمکان شهرستان جهرم استان فارس و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل و خشک و کوه سیمکان در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، برنج، خرما و مرکبات.
**پوشش گیاهی:** درخت گز و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، گراز و کبک.
**کمارج:** از دهستان‌های بخش خشت و کمارج شهرستان کازرون استان فارس و مرکز آن کمارج است و در منطقه‌ای میانکوهی گرم و مرطوب و کوه بلوط دان و کوه سربالشت و کوه بنگشت و تنگ دهلی (کل دهلی) در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو.
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، بز کوهی، قوچ و میش، پلنگ و کبک و تیهو.
**کمهر:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سپیدان استان فارس و مرکز آن کمهر است.
**کمین:** از دهستان‌های بخش سعادت‌آباد شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن جیقان است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل و خشک و کوه قلات و کوه سیدان قرار و رود قصرالدشت و رود قلات در آن جریان دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، عسل و فرش با طرح‌های ترکی و کرمانی.
**پوشش گیاهی:** آویشن، کاسنی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** خرس، گراز، گرگ، بز کوهی و قوچ و میش.
**کناره:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن کناره است.
**کوار:** از دهستان‌های بخش کوار شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن اکبرآباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه گر در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، چغندر قند و انگور و سیب.
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.
**جانوران:** شغال، روباه.
**کوار:** از بخش‌های شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن شهر کوار است و دارای سه دهستان (۱ـ طسوج ۲ـ فرمشکان ۳ـ کوار) است.

در بلندی ۱۵۳۲ متری از سطح دریا، در دشتی معتدل خشک در ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی شیراز و ۳ کیلومتری راه کوار - شیراز و در یک کیلومتری رود قره آقاج قرار دارد.

کوه گور بهمن در جنوب غربی و کوه کام در مغرب آن سر برافراشته است.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و کارگری استوار است.

کشت، آبی، آب کشاورزی و آشامیدنی از چاه فراهم گشته است.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند، پنبه، سیب، زردآلو و انگور و قند.

**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی برای چرای دام.

**جانوران:** شغال، روباه.

**کوشک قاضی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان فسا استان فارس و مرکز آن کوشک قاضی است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و تپه دراز در آن قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، تره‌بار، مرکبات، انار، انگور و فرش.

**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.

**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، تیهو و کبک.

**کوشک هزار:** از دهستان‌های بخش بیضاء شهرستان سپیدان استان فارس و مرکز آن کوشک هزار است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل و خشک و کوه شیخ عبود و کوه کوشک هزار در آن قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند و بنشن.

**پوشش گیاهی:** شیرین بیان و گیاهان مرتعی.

**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، قوچ و میش، کبک و تیهو.

**کوهستان:** از دهستان‌های بخش رستاق شهرستان داراب استان فارس و مرکز آن تل بارگاه است و در منطقه‌ای میانکوهی گرم و دره‌ای معتدل و خشک و کوه قشقه در آن قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گردو، بادام، انگور، انجیر و گل محمدی.

**پوشش گیاهی:** آویشن، روناس و درختان گز، کنار و انجیر کوهی و گیاهان مرتعی.

**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، پلنگ، قرقاول و کبک و بز کوهی.

**کوهک:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان جهرم استان فارس و مرکز آن خرم‌آباد است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل و خشک و کوه البرز و دره گر و غار اشکفت سده و گردنه چاه تیز و قله گاوکش و تنگه نادون و کوه کمر معدن در آن قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، بنشن و مرکبات و فرش.

**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، کبک و تیهو، بز کوهی، پلنگ، قوچ و میش.

**کوهمره:** از دهستان‌های بخش کوهمره شهرستان کازرون استان فارس و مرکز آن نودان است و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل و خشک و کوه بری و کوه سلامتی و گردنه آب سرد و گردنه بنی زی و تنگ زون و کوه کوهک و تل نقارخانه و رود زاخرد در آن قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، انار، بادام، گردو، انجیر و انگور، فرش، گلیم و جاجیم.

**پوشش گیاهی:** درختان بلوط، بنه، بادام کوهی و گون کتیرا.

**جانوران:** پلنگ، گرگ، شغال، روباه، خرگوش، کبک و تیهو.

**کوهمره:** از بخش‌های شهرستان کازرون استان

فارس است که از شمال به نورآباد ممسنی از مشرق به شیراز و از جنوب به شهر کازرون و از غرب به بندر گناوه محدود است.

مرکز این بخش شهرک نودان است که از یک دهستان به نام کوهمره و تعدادی روستا پدید آمده است.

رود فصلی تنگ شیب از تنگه‌ای در ۴ کیلومتری جنوب شرقی نودان روان گشته، از جنوب کوهمره می‌گذرد و در باختر به رود شاپور می‌پیوندد.

آب چشمه و کاریز مصارف کشاورزی و آبیاری را تا حدی تأمین کرده است.

**کوه‌ها:** در شمال کوه‌های سرک، خانی یک و چنار شاهیجان، در مشرق کوه انار، در جنوب کوه دوان و در مغرب کوه شاپور قرار گرفته است.

**پوشش گیاهی:** جنگل‌های پراکنده‌ای در این منطقه از نوع درختان بلوط و بنه و گیاهان دارویی چون آویشن، شاه تره، گل گاوزبان و پوشش گیاهان مرتعی وجود دارد.

**جانوران:** بز کوهی، قوچ و میش، گرگ، شغال، روباه، کبک و تیهو.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و دامداری.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، دام و فراورده‌های دامی و قالی.

**کوهمره سرخی:** از دهستان‌های بخش ارژن شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن ریچی است.

**کوهنجان:** از دهستان‌های بخش سروستان شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن کوهنجان است.

**گراش:** از بخش‌های شهرستان لار استان فارس و مرکز آن شهر گراش، دارای دو دهستان (۱ـ آرد ۲ـ فداغ) است.

در بلندی، ۹۱۷ متری از سطح دریا قرار دارد. پایکوهی، گرم و خشک و در ۲۴ کیلومتری جنوب غربی لار واقع شده است.

کوه سیاه در ۴ کیلومتری جنوب و کوه ملک تیر در ۵ کیلومتری جنوب شرقی این بخش سر برافراشته است.

کشاورزی، دامداری، کارگری و فرشبافی از منابع درآمد مردم این سامان است. کشت آبی و دیمی، آب کشاورزی و آشامیدنی از رود، چاه و غیره فراهم گشته است.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، خرما و فرش.

**پوشش گیاهی:** درختان کنار، گز، بادام کوهی، پسته کوهی و گیاهان دارویی و صنعتی چون خاکشی و انغوزه و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، بز کوهی.

**گل برنجی:** از دهستان‌های بخش خفر شهرستان جهرم استان فارس و مرکز آن گل برنجی است.

**گله‌دار:** از بخش‌های شهرستان لامرد استان فارس و مرکز آن شهر گله‌دار دارای دو دهستان (۱ـ گله‌دار ۲ـ اسیر) است.

**گله‌دار:** از بخش‌های شهرستان مهر استان فارس و مرکز آن شهر گله‌دار و در منطقه‌ای دشتی، گرم و خشک و کوه ماده و غار سره و دره سره در آن قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، خرما، لیموترش و تره‌بار.

**پوشش گیاهی:** آویشن و تخم شربتی و درختان کنار، بادام کوهی، بنه، انجیر کوهی، گز و کهور و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، آهو، قوچ و میش، گراز و بز کوهی.

**گله‌دار:** از دهستان‌های بخش گله‌دار شهرستان لامرد استان فارس و مرکز آن گله‌دار است و در

منطقه‌ای دشتی گرم خشک و کوه قبله، دره ملامیرزایی، گردنه طالمین، اشکفت با پیری.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، تنباکو، خرما، بنشن، تره بار و مرکبات.
**پوشش گیاهی:** آویشن، مور تلخ، درختان بنه، بادام کوهی، انجیر کوهی و گز و کنار و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش. آهو، گوزن، گراز و قرقاول و کبک، قوچ، میش و کفتار.
**لار (شهرستان):** شهرستان لار از شهرستان‌های استان فارس از شمال به شهرستان داراب و شهرستان فیروزآباد، از خاور به بخش فین و بخش بندر خمیر از بخش‌های شهرستان بندرعباس، از جنوب به بندر لنگه و بخش گاوبندی و از باختر به شهرستان بوشهر محدود است. ۳۶۶۱ کیلومتر مربع مساحت و بطور متوسط ۹۱۵ متر بلندی از سطح دریا دارد. بزرگ‌ترین شهرستان استان فارس از لحاظ وسعت است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر لار دارای ۶ بخش ۱ـ بخش مرکزی دارای ۴ دهستان (۱ـ حومه ۲ـ درزو سابیان ۳ـ دهکویه ۴ـ صحرای باغ) ۲ـ بخش اوز ۳ـ بخش بیرم ۴ـ بخش گراش ۵ـ جویم ۶ـ بخش خنج است.
**رودهای فصلی و دایمی:** رود تنگ دالان که از کوه تنگه دالان روان گشته سرانجام به خلیج فارس می‌پیوندد ۲ـ رود لار که از کنار شهر لار می‌گذرد.
**کوه‌ها:** ۱ـ کوه نارنجی در شمال خاوری به بلندی ۲۰۵۷ متر ۲ـ کوه ملک تیر در جنوب باختری به بلندی ۱۹۵۸ متر.
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی محلی و ترکی قشقایی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان گز و کنار - گیاهان دارویی: آویشن، اسفند، خاکشی و گل بنفشه و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، روباه، بز کوهی، کبک، هوبره.
**اقتصاد:** بیشتر بر پایه کشاورزی است.
آب کشاورزی از چاه‌های معمولی، چاه‌های ژزرف و کاریزها فراهم گشته است.
دامداری بیشتر به شیوه سنتی است.
**صنایع دستی:** قالیچه بافی - گلیم بافی و حصیر بافی.
**فراورده‌ها:** پنبه، گندم، جو، تنباکو، کنجد، خرما، مرکبات، دام و فراورده‌های دامی قالیچه، گلیم و حصیر و ظروف و اشیاء سفالی و حلوا.
**معادن:** ۱ـ سنگ ساختمانی ۲ـ سنگ گچ ۳ـ سنگ آهک.
**لار (مرکز شهرستان):** شهر لار مرکز شهرستان لار، از شهرستانهای استان فارس، در ۳۵۸ کیلومتری جنوب خاوری شهر شیراز است.
**رودها:** رود لار از کنار شهر لار می‌گذرد.
**کوهها:** کوه ملک تیر با بلندی ۱۹۵۸ در حدود ۱۱ کیلومتری جنوب باختری شهر لار سربرافراشته است.
**آب و هوا:** گرم و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها تا ۴۶ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها تا ۲ درجه زیر صفر، میزان بارندگی سالانه به طور متوسط ۲۰۰ میلی‌متر است.
**نژاد و زبان:** آریایی‌نژادند و به زبان فارسی محلی و ترکی قشقایی سخن می‌گویند.
**فرآورده‌ها:** پنبه، گندم، جو، تنباکو، کنجد، خرما و مرکبات
آب کشاورزی از چاههای معمولی و چاههای ژرف و آب آشامیدنی از آب انبار موجود در شهر و چاه ژرف فراهم گشته و برق از نیروگاهی در محل فراهم گشته بود.

**صادرات:** گندم، جو، تنباکو، خرما و مرکبات.
درکتاب لارستان کهن به نقل از فارسنامه ناصری آمده است که ساکنان لار فارس از لار دماوند به فارس آمدند زیرا نمی‌توانستند سرمای منطقه دماوند را تحمل کنند ـ لارستان کهن
**راهها:** ۱ـ جاده لار ـ بندرلنگه به طول ۲۵۷ کیلومتر ۲ـ جاده لار ـ شیراز به طول ۳۵۸ کیلومتر.

بلندیش از سطح دریا ۹۱۵ متر و فاصله آن با تهران ۱۳۲۴ کیلومتر، از شمال به شهرستانهای فیروزآباد، جهرم، داراب، از مشرق به بندرعباس، از جنوب به بندرلنگه و از مغرب به بوشهر محدود و در ۲۷ درجه و ۴۰ دقیقه عرض شمالی و ۵۴ درجه و ۱۸ دقیقه طول شرقی واقع می‌باشد و آب و هوای این شهرستان به طور کلی گرم و کم‌باران است.
**فعالیت‌های اقتصادی:** کشاورزی و دامپروری عمده‌ترین راه گذران زندگی مردم این سامان است. با اینحال صنعت و خدمات نیز عده‌ای را سرگرم کار نموده است. محصولات عمده‌اش گندم، جو، خرما، پنبه و صیفی‌جات می‌باشد.

صنایع دستی شهرستان لار نیز رونقی دارد از معادنش سنگ‌های ساختمانی، سنگ گچ و آهک استخراج می‌گردد.

شهر لار در قدیم چهار فرسخ طول داشته و بسیار بزرگ و پرجمعیت بوده [است]. طول آن از غرب به شرق یعنی از نقطه‌ای که فعلاً آن را (اناغ) و یا (اَناخ) [Ana'x] نامند و در دو فرسخی غرب شهر لارکنونی، واقع شده، تا تنگانو [Tanga'no] و درویش عالی [Darvisha'li] که در دو فرسخی شرق شهر لار فعلی قرار دارد، میرسیده و در این جلگه و این چهار فرسخ، همین‌طور خانه‌های شهر لار قدیم به هم اتصال داشته که هنوز آثار عمارات قدیمی آنها موجود می‌باشد. ولی مرکز شهر آن همین حالیه «لار» بوده و قلعه «اژدها پیکر» لار، که روی یک تکهٔ کوه بزرگی واقع بوده آن کوه بالای شهر لار کنونی به طرف غرب واقع شده با قلعهٔ قدمگاه که به طرف شمال غربی شهر لار فعلی واقع است به وسیله طاقی به هم متصل بوده‌اند. هنوز آثار طاقهای سنگ و ساروجی اتصال این دو قلعه در پایین قلعه و بالای دو کوه باقی و برقرار است. همانطور که در قدیم همه شهرهای ایران و شهرهای دنیای قدیم، خندق و حصار و برج و بارو داشته، شهر لار هم در قدیم خندق و حصار، برج و بارو داشته، چنانکه از «دروازه شریف» لار که در حال موسوم به «دروازه شیراز» است و «دم دروازه» زیر قلعه قدمگاه لار واقع شده ـ به رودخانه «پَس کُل» [Pas - col] موسوم است ـ تا می‌رسد به نزدیکی «باغ نشاط». لار، همه جا آثار حصار سنگ و ساروج قدیم ظاهر است، که غالب آنها خراب شده است و نیز مقبره «علاالملک اول» که حاکم مستقل لارستان و از سلسله گرگین میلاد بوده و در طلوع دولت صفویه در لار استقلال داشته و تمکین آن دولت کرده و باج و خراج میداده و در آن دولت لقب «امیر دیوانی» داشته، هنوز در منطقه «اناخ» فوق‌الذکر باقی و برقرار است. و سنگ مزارش شاهد این گفتار می‌باشد.
**آثار باستانی در شهر لار:** آثار باستانی در شهر لار، بالای کوه «قلعه قدمگاه» و کوه «قلعه اژدها پیکر» که از طرف مغرب و مشرق شهر واقع هستند، و در قدیم در میان شهر واقع بوده‌اند، از قبیل آب انبار و چاه و دولاب و سرداب و حمام و مسجد و مقبره و خانه و غیره که همه آنها فعلاً بایر و خراب هستند، زیاد به چشم می‌خورد؛ به علاوه در قدیم‌الایام به وسیله طاقهای بزرگ که با سنگ و ساروج، روی هم ساخته شده بوده، این دو کوه و قلعه را به هم اتصال داده بودند که آن هم در حادثه زلزله چهار قرن پیش خراب گردیده، ولی آثار

یکی از طاقهای آن در وسط رودخانه «خشک رود» و بالای قلاع نامبرده هنوز هویدا و معلوم است.

مسجد «اخی» «شرف الدین حمزه» که در زمان عمر بن عبدالعزیز لارستان در محله «کوریچان» [kowricha'n] لار ساخته شده بوده و سنگ تاریخ ساختمان آن به خط کوفی و به زبان عربی تا سی سال پیش در خرابه آن باقی مانده و در آن مسجد نصب بوده است.

و نیز محراب مسجد «خواجه فضل الله» لار که از سنگ سماق و یکپارچه بوده و آیات قرآنی هم در اطراف آن نقش کرده بودند و نقشهای دیگر بسیار زیبایی هم داشت و تاریخ ساختمان آن که در هفتصد سال پیش آن را حجاری کرده بودند، برآن بود. این محراب ۱۳۲۰ شمسی از آن مسجد، انتقال به موزهٔ فرهنگ شیراز داده‌اند.

«باغ نشاط» لار که در شمال شرقی شهر لار واقع است، نیز یکی از آثار تاریخی خیلی قدیم لار است که «علی خان لاری» حاکم یک قرن و نیم پیشتر در لارستان، آن را مجدداً ساخته و ارگ ایالتی لار قرار داده بود، و خلوت خانه و دیوان خانه و فراش‌خانه و توپ خانه و قورخانه داشته است.

**بازار قیصریه** از قدیمی‌ترین و زیباترین بازارهای ایران، بازار قیصریه لار است. اصل بنا مربوط به دوران صفوی است و در عهد قاجاریه تعمیر اساسی گردیده. این بازار ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که در هیچیک از بازارهای قدیمی ایران نظیر آن دیده نمی‌شود. به احتمال قوی بازار مزبور نمونه‌ای برای ساختن سایر بازارهای قدیمی ایران بوده و از روی طرح این بازار، بازارچه بلند اصفهان در دوره صفویه و بعد از آن بازار وکیل شیراز در دوره زندیه احداث گردیده است. بازار لار همه از سنگهای تراش میخکی ساخته شده و دارای دو راسته بازار است که در یک چهارسو به بازار اصلی اتصال می‌یابد.

چهار سوق به صورت هشت‌گوش و چهارگوش آن چهار باب مغازه، در هر سمت بنا شده است. در اطراف چهارسوق و در پشت چهار مغازه، بازاری دورتادور ادامه دارد و طرح جالبی به وجود آورده که نظیر آن در سایر بازارهای ایران دیده نمی‌شود.

ارتفاع طاق ضربی در چهار سوق به هجده متر می‌رسد و این طاق عظیم روی یک هشتی قرار دارد که پس از گذشت صدها سال کوچکترین خللی در ارکان آن وارد نشده است.

روی طاق ضربی چهارسوق بادگیرهایی تعبیه نموده‌اند که تهویه بازار از همین طریق صورت می‌گیرد. به علت ارتفاع زیاد طاقها و تهویه‌های کامل، بازار در تابستان هوای فوق‌العاده خنکی دارد.

**مسجد جامع لار:** این مسجد از نظر معماری مانند چهارسوقی ساخته شده که تمام نمای آن از سنگ تراش است. محراب مسجد نیز از سنگ تراش و دارای ظرافتهای خاصی می‌باشد. طبق نوشته‌ها، محراب این مسجد در سال ۱۰۲۸ هجری بنا گردیده است. هفت آب‌انبار گراش (از صفوی تا قاجاریه) - آب انبار آقا(صفوی) - شیح دانیال و مقابر شیوخ خنج (تیموری) - دو کاراوانسرای روبروی بازار (صفوی)«۱۹»

ناگفته نماند در قدیم، هفده رشته آب قنات در شهر لار، جریان داشته و همه آنها از طرف غرب لار به شرق می‌رفته که در حادثه زلزلهٔ چهار قرن پیش همه خراب شده و بعداً آنها را تعمیر نکرده‌اند، مگر یک رشته آب آن که موسوم به آب قنات «مظفرآباد» است که آن را تعمیر کرده‌اند و هنوز در لار جریان دارد و قابل خوردن نیست، چه آب آن مواد گوگردی دارد، ولی برای اسب و

چارپایان بسیار مفید است. و این آب که قریب سه فرسخ قنات دارد، در قدیم توسط یکی از حکام لار که از سلسله گرگین میلاد و موسوم به «مظفرالدین شاه» بوده است، آورده شده و از این جهت موسوم به قنات «مظفرآباد» گشته است.

در هر صورت چون در قدیم غالباً شهر لار به وسیله زلزله خراب می‌شده، تاکنون هروقت که خواسته‌اند آب انبار یا سردابی در شهر لار حفر نمایند، پس از ده پانزده متر که حفر کرده‌اند، عمارت قدیمی از زیر خاک کشف شده و زمانی هم می‌شده که پول و طلا و نقره و زینت‌آلات از زیرزمین یا جوف سنگی که خرد می‌شده، بیرون می‌آمده است؛ چه در قدیم مردم از ترس غارت شدن اموالشان به دست ملوک‌الطوائف می‌ترسیده‌اند و سنگهائی به صورت پیچ و مهره حجاری می‌کرده و پول و طلا و جواهرات خودشان را در جوف آنها قرار می‌داده‌اند.«۱۸»

**شهر لار شاه عباسی:** شهر لار شاه‌عباسی در زیر کوه قلعه اژدها پیکر و قلعه قدمگاه، به طور مثلث در جلگه‌ای واقع شده که طول آن از غرب به شرق چهار فرسخ می‌شود و از طرف شمال و جنوب آن کوه بی‌آب و علفی سر به فلک کشیده است. خانه‌های آن تا دامنه کوه قدمگاه و قلعه اژدها پیکر ساخته شده و این شهر تقریباً چهارهزار خانه و تا قبل از [انقلاب] مشروطه دارای پنجاه هزار نفوس بوده است، و چون در بدو مشروطیت، لار مشروطه‌خواه شده و قیام کرده و با مستبدین جنگیده، بارها غارت و قتل عام شده است و از این جهت مردم آن بعداً متواری و به اطراف پراکنده شدند. این شهر دارای دوازده محله و چهار دروازه بوده که در سال ۱۳۸۰ قمری، به حادثه زلزله خراب شده و دو محلهٔ آن موسوم به محله «جاشهر» [j'a' - ahaaf] و محله گودو [Gowdu]، ویران و نابود گشته و بقیه محلات آن که خانه‌هایش ویران شده بود، به همت مردم تعمیر شده است.

مردم زیادی هم در اطراف شهر شاه‌عباسی خانه‌هایی ساخته‌اند و در آن مسکن گرفته‌اند، و به همت شیر و خورشید سرخ(هلال احمر کنونی)، شهر جدیدی، تقریباً در یک فرسخی شهر پیشین لار، در زیر کوهی که موسوم به «تنگ اسد» است؛ ساخته شده است.

ناگفته نماند، تا قبل از مشروطه، لار بندر بزرگ تجارت فارس و کرمان و یزد و اصفهان بوده و بعد از آن که جنگ و جدال و زد و خورد میان مشروطه‌خواهان و استبداد روی داد و لار به گناه مشروطه‌خواهی غسل توبه‌اش دادند؟! و قتل و غارت شد و موافق و مخالف از میان رفتند، دیگر لار روی عمران و آبادی به خود ندیده است. بخصوص حادثه زلزله روز چهارم اردی‌بهشت ماه ۱۳۳۹ شمسی؛ مطابق با ۱۳۸۰ قمری، شهر لار را خراب کرده و بعد از آن هم قریه «دهکویه» [Dahkuyeh] که چهارفرسخی شمال لار واقع است، به کلی ویران شده و قریب یک هزار نفر زنده به گور شدند .... و مدت دو سال هم زلزله در لار دوام داشت.

«لار شهر بزرگی است و ولایات بسیاری از توابع آنجاست و حاکم علیحده دارد، و حاکم آنجا در قدیم باج‌گذار اعلا حضرت شاهنشاهی ایران بوده است.

«تاریخ عالم آرای عباسی» و تاریخ جام‌جم و دیگران نوشته‌اند که انقراض حکام قدیم لار، در سلطنت شاه عباس اول صفوی و در سال «۱۰۰۹» قمری بوده، که به دست «الله وردیخان» حاکم فارس صورت گرفته و یک سال بعد از آن هم جزیره بحرین و «هرمز» و سایر جزایر و بنادر خلیج فارس که در تصرف غاصبانه فرنگیان

[پرتقالی] بوده، از تصرف آنها در آمده و بعد از آن در سال یکهزار و سیزده قمری، لار به زلزله خراب شده و بعد به فرمان شاه عباس، «قنبر علی‌بیگ» ذوالقدر که از درباریان آن دولت بوده، مأمور بر تجدید ساختمان لار شده و در سال (۱۰۱۵) یکهزار و پانزده قمری [تعمیر] شهر لار به اتمام رسیده و مردم را از دهات و توابع لارستان به لار آورده و سکونت داده‌اند.

در زمان ساسانیان، آتشکده‌ای بنا گشته و از این رو از همان زمان، لار مورد توجه بوده است. در اواخر قرن هشتم، لار مرکز ضرب سکه بوده و سکه (لارین) در سواحل خلیج‌فارس و هند رواج داشت. لار امروز، شامل دو شهر نزدیک به هم است. لار جدید پس از زمین‌لرزه سال ۱۳۳۹. در ۶ کیلومتری شهر لار قدیمی ساخته شد. شهر قدیمی لار در دامنه کوهی است که بر فراز آن بقایای دژی به نام اژدهاپیکر موجود است. از ویژگیهای آن کوچه‌های تنگ و دیوارهای بلند خانه‌هاست. کوچه‌ها عموماً در جهت آب‌انبارها کشیده شده و بافت قدیمی شهر متأثر از وضعیت استقرار آب انبارها می‌باشد. منازل شامل حیاطی است که از چهار طرف دارای ساختمان است که هر سمتی برای فصل معینی مناسب است. این خانه‌ها دارای بادگیر و سرداب برای مقابله با گرما می‌باشند.

**لار (بخش مرکزی)**: از بخش‌های شهرستان لار استان فارس و مرکز آن شهر لار است و در منطقه‌ای پایکوهی و میانکوهی گرم خشک و کوه چنگ خروس و کوه شو و کوه سیاه، کوه کورده قرار و رود شور در آن جریان دارد.

**فراورده‌ها**: گندم، جو، خرما، مرکبات و تره‌بار.

**پوشش گیاهی**: گیاهان مرتعی و درختان گز، کنار، بنه و بادام کوهی.

**جانوران**: گرگ، روباه، خرگوش، آهو، گوز و بز کوهی.

**لامرد**: از شهرستان‌های استان فارس که از شمال به شهرستان لار و بخش اوز لار استان فارس، از جنوب به بخش بستک واز باختر به بخش کنگان محدود است.

**تقسیمات کشوری**: مرکز این شهرستان شهر لامرد، دارای ۳ بخش، ۱ـ بخش مرکزی دارای ۳ دهستان (۱ـ حومه ۲ـ سیگار ۳ـ چاه ورز) ۲ـ بخش اشکنان ۳ـ علاء مرودشت است.

**رودها**: رودهای فصلی شورکه ازکوه‌های دهستان گله‌دار روان گشته با جهت باختر به خاور از میان شهرک لامرد می‌گذرد و در پایان وارد خلیج فارس می‌شود.

**کوه‌ها**: ۱ـ کوه شکردان در شمال خاور ۲ـ کوه علاء مرودشت در شمال باختر ۳ـ کوه سادول در ۵ کیلومتری جنوب بخش.

**کان‌ها**: معدن سنگ گچ.

**آب و هوا**: به طور کلی گرم.

**نژاد و زبان**: آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها**: درختان گز، کهور، کنار، بنه، بادام کوهی و انجیر کوهی -گیاهان خوراکی و دارویی: پونه، آویشن، مور تلخ - پوشش گیاهی فراوان برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان**: روباه، شغال، گراز، گرگ، خرگوش، بز کوهی، آهو و کبک.

**اقتصاد**: بر پایه کشاورزی و کارگری در بندرهای خلیج فارس، دامداری نیز از فعالیت مردم این سامان است.

**لامرد (بخش مرکزی)**: از بخش‌های شهرستان لامرد استان فارس و مرکز آن شهر لامرد و دارای سه دهستان (۱ـ حومه ۲ـ سیگار ۳ـ چاه ورز) است.

**ماهور:** از دهستان‌های بخش ماهور میلاتی شهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن بابامنیر است و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک و رود شور در آن جریان و کوه دشت قیر و کوه بنه پیر در آن قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو.

**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، کاسنی و درخت کنار و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران:** گرگ، کفتار، گراز، خرگوش و شغال.

**ماهورمیلاتی:** از بخش‌های شهرستان ممسنی استان فارس، از شمال و باختر به کهگیلویه از خاور به نورآباد ممسنی و از جنوب به کازرون محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش بابامنیر دارای دو دهستان (۱ـ ماهور ۲ـ میشان) است.

**رودها:** ۱ـ رود بابامنیر که از کوه بزان سرچشمه می‌گیرد از یک کیلومتری خاور و شمال بابامنیر می‌گذرد و پس از آبیاری زمین‌های شمالی این بخش به رود زهره می‌پیوندد ۲ـ رود سیاه که از کوه سیاه در شمال خاوری سرچشمه می‌گیرد از زمین‌های شمالی این بخش می‌گذرد به رود زهره می‌پیوندد ۳ـ (دلوار) هفت قنات که از حدود ۱۵ کیلومتری جنوب باختری بابامنیر سرچشمه گرفته و پس از آبیاری زمین‌های باختری بخش ماهور میلاتی به رود زهره می‌ریزد.

**کوه‌ها:** ۱ـ کوه سیاه در شمال ۲ـ کوه بزان در جنوب.

تیره‌هایی از طوایف دره شوری و کشکولی از ایل قشقایی و عده‌ای از ایلات لر می‌باشند.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش ترکی و لری سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان بلوط، بادام کوهی، بنه و کیکم، پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** بز کوهی، قوچ، میش، گرگ، گراز و کبک.

**اقتصاد:** بر کشاورزی و دامداری استوار است - کشاورزی بیشتر دیمی و آب کشاورزی و باغ‌های میوه از چشمه‌ها، چاه‌ها، کاریزها و رودها - دامداری نیز از منابع درآمد مردم این سامان است.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، انار، انگور و انجیر - گاو، گوسفند، طیور - گلیم و قالی با طرح قشقایی و نقش محلی.

**مبارک‌آباد:** از دهستان‌های بخش قیروکارزین شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن مبارک‌آباد است.

**مجدآباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن مجدآباد است.

**محمدآباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن محمدآباد است.

**محمله:** از دهستان‌های بخش محمله شهرستان خنج استان فارس و مرکز آن محمله است.

**محمله:** از بخش‌های شهرستان خنج است که دارای دو دهستان می‌باشد: ۱ـ باغان ۲ـ محمله.

**مرودشت:** از شهرستان‌های استان فارس است که از شمال به شهرستان آباده و شهرستان اقلید و از جنوب به بخش زرقان و شهر شیراز از خاور به شهر بابک و از باختر به اردکان و نورآباد محدود است. شهرستان مرودشت در شمال شهرستان شیراز و جنوب شهرستان آباده و شهرستان اقلید قرار و ۶۵۳۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. شهر مرودشت در جلگه‌ای آبرفتی و هموار است که از شمال و غرب و جنوب به کوهستان محدود می‌باشد. بلندی شهرستان مرودشت از سطح دریا ۱۵۴۲ متر می‌باشد. قسمتی از رود کر از این شهرستان می‌گذرد. این رود با رود سیوند در

نزدیکی پل خان یکی شده و به دریاچه بختگان می‌ریزد. سد خاکی درودزن بر روی رودخانه که احداث شده است که گذشته از توسعه کشاورزی، قسمتی از آب آشامیدنی را نیز فراهم می‌کند.

کارخانه‌هایی چون پتروشیمی، کارخانه قند، کارخانه آزمایش، کارخانه بیسکویت سازی، کارخانه‌های متعدد سنگبری و صنایع غذایی در این شهرستان فعال است. ـ کتاب‌های درسی جغرافیا

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر مرودشت دارای ۵ بخش ۱ـ بخش مرکزی دارای ۶ دهستان (۱ـ محمدآباد ۲ـ رامجرد ۳ـ نقش رستم ۴ـ رودبال ۵ـ کناره ۶ـ مجدآباد) ۲ـ بخش سیدان ۳ـ درودزن ۴ـ سعادت آباد ۵ـ کامفیروز است.

**رودها:** ۱ـ رود کر که از بلندی‌های خسروشیرین و دزکرد در شهرستان اردکان سرچشمه گرفته و پس از آبیاری اردکان به سوی مرودشت می‌آید و سرانجام به دریاچه بختگان می‌ریزد. ۲ـ رود سیوند (بلوار) که از کوه‌های بوانات و سرحد چهاردانگه سرچشمه گرفته و پس از آبیاری محدوده مرودشت با پیوستن به رود کر به دریاچه بختگان می‌ریزد.

**کوه‌ها:** منطقه شهرستان مرودشت حدود ۷۲٪ جلگه و تنها دارای یک رشته کوه منفرد در خاور و چند رشته کوه در باختر بدین قرار است: ۱ـ کوه رحمت ۲ـ کوه سبز ۳ـ کوه گندشلو ۴ـ کوه کودزرشک

**بیشه‌ها:** بیشه لبویی ۲ـ بیشه قیدرقلو.

**کان‌ها:** معادن سنگ.

**آب و هوا:** معتدل.

**رستنی‌ها:** حدود ۸٪ از خاک شهرستان مرودشت جنگلی است که درختانی چون بنه، بلوط دارد. گیاهان دارویی و صنعتی و مراتع آن با اهمیت می‌باشد.

**جانوران و پرندگان:** گرگ، بز کوهی، قوچ و میش و کبک.

**اقتصاد:** کشاورزی و دامداری، بازرگانی از منابع مهم درآمد مردمان شهرستان مرودشت است.

آب کشاورزی را آب رودهای کر و سیوند و کاریزها و غیره تشکیل می‌دهد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، چغندرقند و میوه‌های درختی و فراورده‌های دامی - دام، قالی و قالیچه.

**مرودشت (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن شهر مرودشت و دارای ۶ دهستان (۱ـ محمدآباد ۲ـ رامجرد یک ۳ـ نقش رستم ۴ـ رودبال ۵ـ کناره ۶ـ مجدآباد) است.

**مزایجان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بوانات استان فارس و مرکز آن مزایجان است.

**مشایخ:** از دهستان‌های بخش دشمن زیاری شهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن مشایخ است.

**مُشکان:** مرکز بخش پشتکوه از بخش‌های شهرستان نی‌ریز استان فارس در ۵۴ کیلومتری شمال نی‌ریز می‌باشد.

**کوه‌ها:** کوه ناله زرد در شمال مشکان و متصل به آن، کوه در ۳ کیلومتری جنوب مشکان قرار دارد - دره‌ها، در کوه‌های پیرامون مشکان دره‌هایی چون بره در ۳ کیلومتری جنوب و دره‌های سرسبز و چاه سادات در ۳ کیلومتری غرب این شهرک قرار دارد.

**آب و هوا:** معتدل متمایل به سرد که در بیشترین درجه گرما در تابستان‌ها ۳۰ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستان‌ها تا ۱۵ درجه زیر صفر و میزان رطوبت ۴۵ درصد می‌باشد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، پیاز، بادام، زردآلو، سیب، به و انگور.

آب کشاورزی و آشامیدنی از چشمه‌ها،

کاریزها و چاه‌ها فراهم گشته است.
**صادرات:** گندم، جو، بادام، انگور و تا حدی قالی.
**پوشش گیاهی:** درختان بنه، کیکم و ارژن در پیرامون مشکان، کتیرا و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** گرگ، بز کوهی، پازن، خرگوش و کبک.

**مشکان:** از دهستان‌های بخش پشتکوه شهرستان نی‌ریز استان فارس و در منطقه‌ای میانکوهی، پایکوهی معتدل خشک و کوه سربره و کوه غزلی و کوه بختیاری در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، انگور، زردآلو، به، سیب و بادام و چغندر قند.
**پوشش گیاهی:** درختان بنه و کیکم و گیاهان مرتعی و درختچه قیچ.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش و کبک، بز کوهی، قوچ و میش.

**مشهد مرغاب:** از دهستان‌های بخش مشهد مرغاب شهرستان خرم بید استان فارس و مرکز آن مادرسلیمان است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و رود مرغاب که از کوه‌های چهاردانگه سرچشمه گرفته در این دهستان جریان دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، تره‌بار و فرش با طرح ترکی.
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، بز کوهی، قوچ و میش.

**ممسنی (شهرستان):** از شهرستان‌های استان فارس، از شمال به یاسوج و دهدشت، از خاور به اردکان، از جنوب به کازرون و از باختر به گچساران محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر نورآباد دارای ۴ بخش ۱ـ مرکزی دارای ۵ دهستان (۱ـ بکش دو ۲ـ بکش یک ۳ـ جاوید ماهوری ۴ـ جوزار ۵ـ فهلیان) ۲ـ بخش دشمن زیاری ۳ـ ماهور میلانی ۴ـ بخش رستم است.
**رودها:** ۱ـ رودفهلیان که از کوه شش پیر در نزدیکی اردکان روان گشته و نخست شش پیر نام دارد چون به سوی باختر روان گردید به نام‌های شیرین و فهلیان از ممسنی می‌گذرد و سرانجام به نام رود زهره به رود کارون می‌پیوندد. ۲ـ رود فصلی توتستان که از کوه‌های توتستان روان می‌شود ۳ـ رود فصلی سیاه که از کوه سیاه روان گردیده ۴ـ رود بابامنیر که از بلندی‌های جنوب خاوری روان گشته ۵ـ رود شیو که از بلندی‌های جنوبی کهگیلویه و بویراحمد سرچشمه می‌گیرد و پس از پیوستن به رود سیراب و پشت به رود فهلیان می‌پیوندد.
**چشمه‌ها:** بیش از ۶۰ چشمه روان است که مهم‌تر از همه دیمه میل و چشمه بوان است.
**کوه‌ها:** ۱ـ کوه رنگ بری ۲ـ کوه کیاسی ۳ـ کوه کوخک در خاور ۴ـ کوه دگانه ۵ـ کوه مازه ۶ـ کوه آقاجونی در جنوب ۷ـ کوه پشیمان ۸ـ کوه زردمژگان ۹ـ کوه سیاه ۱۰ـ کوه سیاه بزان در باختر.
**دشت‌ها:** ۱ـ دشت شاهان جاوید در ۸ کیلومتری نورآباد ۲ـ دشت عالیوند در ۱۲ کیلومتری نورآباد.
**کان‌ها:** به واسطه کشف معادن نفت، ممسنی جزء مناطق نفت خیر و فعالیت‌های نفتی گشته است.
عده‌ای از طوایف کشکولی و دره شوری از ایل قشقایی، طوایف بکش، جاویدی دشمن زیاری و رستم از ایل ممسنی و چند طایفه از ایل بویراحمد از مردمان این سامان می‌باشند.
**آب و هوا:** معتدل.
**رستنی‌ها:** درختان بلوط - پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، روباه، شغال، بز کوهی، قوچ و میش.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و قالی‌بافی استوار است - آب کشاورزی از چشمه‌ها، کاریزها، چاه‌ها و رودها فراهم می‌شود - دامداری به ویژه پرورش گوسفند و گاو پراهمیت و قالی‌بافی، جاجیم و گلیم بافی طرح‌های ترکی و لری آن خیلی مهم است.

**حدود و موقعیت:** شهرستان ممسنی در شمال غربی استان فارس واقع شده است از شمال به استان کهگیلویه و بویراحمد و از شمال شرقی به شهرستان سپیدان (اردکان) و از طرف مشرق به شهرستان شیراز، از طرف جنوب به شهرستان کازرون و از طرف جنوب غربی به استان بوشهر محدود می‌گردد. از نظر موقعیت جغرافیایی این شهر بر روی عرض ۳۰ درجه و ۷ دقیقه عرض شمالی و طول جغرافیایی و ۵۱ درجه و ۲۸ دقیقه قرار دارد.

**مساحت:** مساحت شهرستان ممسنی قریب ۸۰۳۲ کیلومتر مربع است، ضمناً ارتفاع ممسنی از سطح دریا ۹۰۰ متر است.

**رودخانه‌های:** ممسنی سرزمینی کوهستانی است که به علت کوه‌های پوشیده از برف در قسمت شرقی آن و هم چنین بارندگی فراوان در بعضی از فصل‌های سال، رودخانه‌ها و جویبارهای متعددی از دامنه آن‌ها سرچشمه می‌گیرد و به غرب منطقه جریان می‌یابد.

**چشمه‌ها:** در شهرستان ممسنی چشمه‌های بسیاری وجود دارد که خاک آن را مشروب می‌سازد. آب بعضی از این چشمه‌ها دارای مواد معدنی است که برای معالجه امراض جلدی استفاده می‌شود و بقیه دارای آب شیرین و گوارایی می‌باشد.

**آب و هوا:** شهرستان ممسنی دارای آب و هوای سردسیری معتدل می‌باشد. در تابستان‌ها، درجه حرارت آن حداکثر به ۴۵ درجه سانتی‌گراد رسیده است. از این نظر شهرستان ممسنی با داشتن ییلاقات و نقاط خوش آب و هوا محل جذب اهالی شهرهای اطراف می‌باشد.

**جمعیت:** نخستین سرشماری ایران در سال ۱۳۱۸ خورشیدی انجام می‌گیرد که از نتایج آن، جمعیت ممسنی که در آن زمان به صورت دهستان، آن هم جزء شهرستان کازرون بوده است، اطلاعی در دست نیست.

تنها اطلاعاتی که از سرشماری ۱۳۱۸ دهستان ممسنی (از شهرستان کازرون) در دست می‌باشد آن است که در ممسنی تعداد ۱۰ دبستان (ممسنی ۸، ماهور میلانی ۲) ۱۵ مکتب خانه (ممسنی ۱۲، ماهور میلانی ۳) و یک کارخانه پنبه‌پاک‌کنی وجود داشته است.

**ممسنی (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن شهر نورآباد است و دارای ۵ دهستان (۱ـ بکش دو ۲ـ بکش یک ۳ـ جاوید ماهوری ۴ـ جوزار ۵ـ فهلیان) است.

**مهارلو:** از دهستان‌های بخش سروستان شهرستان شیراز استان فارس و مرکز آن مهارلو است.

**مهر:** از شهرستان‌های استان فارس و مرکز آن شهر مهر است و دارای چهار بخش ۱ـ بخش مرکزی ۲ـ بخش گله‌دار ۳ـ بخش امیر ۴ـ بخش وراوی و دارای ۸ دهستان می‌باشد.

**مهر:** از دهستان‌های بخش مهر شهرستان مهر استان فارس و مرکز آن مهر است.

**میانده:** از دهستان‌های بخش شیبکوه شهرستان فسای استان فارس و مرکز آن میانده است.

**میشان:** از دهستان‌های بخش ماهور میلانی شهرستان ممسنی استان فارس و مرکز آن میشان علیا است و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل و خشک و کوه شاه منشیری و کوه دره گل قرار و

رودگودکل که شاخابه‌ای از رود شاپور است در آن جریان دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، گلیم و جاجیم.
**پوشش گیاهی:** درختان کنار، بادام کوهی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، روباه، بز کوهی، قوچ و میش، پلنگ، کبک و تیهو.
**میمند:** از بخش‌های شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن شهر میمند است و دارای ۳ دهستان (۱ـ پرزیتون ۲ـ خواجه‌ای ۳ـ دادنجان) است.
در بلندی ۱۵۲۲ متری از سطح دریا و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک و در ۴۲کیومتری شمال شرقی فیروزآباد و کوه پودنا در جنوب و کوه خرمن در جنوب شرقی آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، گردو، گل محمدی، انار و بادام و فرش با طرح کرمانی و نقش کله اسبی.
**پوشش گیاهی:** گل بابونه، کاسنی و درختان انجیر کوهی و بادام کوهی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گراز، گرگ، شغال، روباه، خرگوش، قرقاول و کبک.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری، باغداری و کارگری، پیشه‌وری و زنبورداری و فرشبافی استوار است.
کشت، آبی و دیمی، آب کشاورزی و آب آشامیدنی از چشمه و چاه فراهم گشته است.
**نصروان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان داراب استان فارس و مرکز آن نصروان است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه شاه نشین و کوه چارک در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو و پنبه.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، خاکشی و آویشن، درخت گز و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، گراز و بز کوهی.
**نقش رستم:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مرودشت استان فارس و مرکز آن زنگی‌آباد است.
**نوبندگان:** از دهستان‌های بخش نوبندگان شهرستان فسا استان فارس و مرکز آن نوبندگان است و در منطقه‌ای دشتی معتدل و خشک و کوه ماده کوهی و کوه درز و کوه تی‌چنگ در آن قرار دارد.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه و تره‌بار، چغندر قند، انگور، سیب و فرش با طرح یزدی.
**پوشش گیاهی:** آویشن، کاسنی، خاکشی و گل ختمی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، کبک، قوچ و میش.
**نوبندگان:** از بخش‌های شهرستان فسا استان فارس، از شمال به شهرستان استهبان از خاور به شهرستان فسا و از شمال باختر به شهرستان فسا محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر نوبندگان، دارای یک دهستان به نام نوبندگان است.
**رودها:** رود فصلی نهر حسن از تنگ موردی در شمال خاور و شمال نوبندگان روان گشته، زمین‌های این منطقه را آبیاری می‌کند.
**کوه‌ها:** ۱ـکوه درز به بلندی ۲۱۰۷ متر ۲ـکوه تی چنگ به بلندی ۱۵۱۶ متر ۳ـکوه ماده کوهی به بلندی ۱۵۴۷ متر ۴ـکوه پالون به بلندی ۲۰۰۶ متر ۵ـکوه خمار به بلندی ۱۴۹۹ متر.
**کان‌ها:** سنگ گچ و شن و ماسه.

**نژاد و زبان:** آریایی و سامی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی و عربی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان بادام کوهی - گیاهان دارویی: بابونه، درمنه، پر سیاوش، شیرین بیان و آویشن، پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** پلنگ، گرگ، شغال، خرگوش، کفتار، گراز، شغال، راسو، بز کوهی، قوچ و میش، کبک، تیهو، دراج و سینه سیاه.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و کارگری استوار است - کشاورزی به شیوه سنتی و نیمه مکانیزه انجام می‌شود.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند، بنشن، کنجد و تره‌بار.
**نوجین:** از دهستان‌های بخش فراشبند شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن نوجین است.
**نودان:** از دهستان‌های بخش کوهمره نودان شهرستان کازرون استان فارس و مرکز آن دشت برم در منطقه‌ای پایکوهی گرم و مرطوب و کوه دوان و کوه چاه برفی است.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، انار، جاجیم و قالی با طرح گلسرخی و کله اسبی.
**پوشش گیاهی:** درختان بلوط، بنه، بادام کوهی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** بز کوهی، قوچ، میش، پلنگ، روباه و کبک.
**نی‌ریز:** از شهرستان‌های استان فارس است که از شمال به شهر بابک و سوریان، از جنوب به داراب، از خاور به سیرجان و از باختر به استهبان و دریاچه بختگان محدود می‌باشد.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر نی‌ریز دارای ۳ بخش ۱ـ بخش مرکزی دارای ۳ دهستان (۱ـ رستاق ۲ـ هرگان ۳ـ حنا) ۲ـ بخش آباده طشک ۳ـ بخش پشتکوه) است.
**رودها:** رودبار تنها رودی است که از کوه زندیان سرچشمه گرفته که پس از آبیاری نمودن بخشی از زمین‌های نی‌ریز به سوی شهرستان داراب روان می‌باشد.
آب کشاورزی شهرستان نی‌ریز از کاریزها، چشمه‌ها و چاه‌های متعدد است و دریاچه بختگان در ۱۸ کیلومتری نی‌ریز قرار گرفته.
**کوه‌ها:** ۱ـ کوه فتح‌آباد ۲ـ کوه خراسانی در شمال ۳ـ کوه سرخ ۴ـ کوه چک در خاور ۵ـ کوه برفدان در جنوب ۶ـ قبله ۷ـ بش ۸ـ پک.
**گردنه‌ها:** ۱ـ گردنه حسن‌آباد ۲ـ گردنه کوثر ۳ـ گردنه خالص ۱ـ دره پلکان ۲ـ دره لای زرد.
**آب و هوای معتدل:** حداقل حرارت در زمستان‌ها ۸ درجه زیر صفر و در تابستان‌ها ۳۶ درجه بالای صفر می‌باشد.
**نژاد و زبان:** آریایی و زبان فارسی با گویش نزدیک به شیرازی است.
**رستنی‌ها:** درختان بادام کوهی، بنه، کی کم، گیاهان صنعتی و دارویی و مرتع.
**جانوران و پرندگان:** بز کوهی، قوچ و میش، گرگ، خرگوش و کبک.
**فراورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، چغندر قند، کنجد، ذرت، انجیر و گردو، انار، بادام و تره‌بار - فراورده‌های دامی، فرش و طیور.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، جنگل‌داری، پرورش طیور، زنبورداری، دامپروری استوار است.
منطقه‌ای که در حال حاضر به نام نی‌ریز معروف گردیده (در الواح گلین تخت جمشید فاری زی آمده است که آن را با نی‌ریز منطبق پنداشته‌اند) در دوران داریوش کبیر از شهرهای آباد و پرجمعیت فارس بوده و به استناد لوحه

سنگی که به دست آمده این کتیبه به خط میخی نوشته شده در زمان داریوش اول نای ذی (کارگاه اسلحه‌سازی) نامیده می‌شد. چه در آن دوره بیش از ۷۰۰ کارگاه نیزه و شمشیر و زره سازی در آن وجود داشته است.

**معادن:** سنگ گچ، سنگ آهک، کرومیت، سنگ سیلیس و مرمریت.

**نی‌ریز (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان نی‌ریز استان فارس و مرکز آن شهر نی‌ریز است و دارای ۲ دهستان (۱ـ رستاق ۲ـ هرگان) است.

**وراوی:** از بخش‌های شهرستان لامرد استان فارس و مرکز آن وراوی، دارای دو دهستان (۱ـ وراوی ۲ـ خوزی) است.

ارتفاعش از سطح دریا ۴۲۶ متر، پایکوهی، گرم و خشک در ۱۴ کیلومتری شمال غربی لامرد است. تپه کوهک در ۲ کیلومتری جنوب و غار چلو در ۲ کیلومتری شمال آن قرار گرفته است.

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و کارگری استوار است.

کشت، آبی و دیمی و آب آشامیدنی از چاه و آب انبار فراهم گشته است.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، خرما و تره‌بار.

**پوشش گیاهی:** بنه، کنار، گز، آویشن، مور تلخ و خاکشی و گیاهان مرتعی برای چرای دام.

**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، آهو، قوچ، میش، بز کوهی، پلنگ، کفتار، قرقاول و کبک.

**وراوی:** از دهستان‌های بخش وراوی شهرستان لامرد استان فارس و مرکز آن وراوی است و در منطقه‌ای دشتی، گرم و خشک و کوه کلات خالده در آن قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، خرما، تنباکو و تره‌بار.

**پوشش گیاهی:** آویشن، و مرو تلخ، خاکشی و درختان بنه، کنار و گز و گیاهان مرتعی.

**هرگان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان نی‌ریز استان فارس و مرکز آن هرگان است و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک و کوه چاه چک و کوه آسکی و کوه کنه در آن قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، بادام.

**جانوران:** گرگ، خرگوش، آهو، بز کوهی، قوچ و میش و کبک.

**هرم:** از دهستان‌های بخش جویم شهرستان لار استان فارس و مرکز آن بلغان است و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک و کوه حسن‌آباد و کوه پربرزو و گردنه گاوی و دره بلکان و غار اشکفت شوپرکی در آن قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار و خرما.

**پوشش گیاهی:** مور تلخ و آویشن و درختان کهور و گز و گیاهان مرتعی.

**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، قوچ و میش، قرقاول و کبک.

**هشیوار:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان داراب استان فارس و مرکز آن شهنان است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه زیردان و غار دهنه فراق در آن قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جو و پنبه.

**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، آویشن، خاکشی، آنغوزه، درختان بادام و انجیر کوهی و کنار و گیاهان مرتعی.

**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، آهو، گوزن و بز کوهی.

**همایجان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سپیدان استان فارس و مرکز آن ده پاگا است و در منطقه‌ای دره‌ای سرد و خشک قرار دارد.

**فراورده‌ها:** گندم، جـو، بـنشن، سیب و زردآلو، جاجیم و گبه.
**پوشش گیاهی:** کاسنی، گون کتیرا و درخت بلوط.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، خرگوش، کبک و تیهو.
**هنگام:** از دهستان‌های بخش قیروکارزین شهرستان فیروزآباد استان فارس و مرکز آن هنگام است.
**تغییرات تقسیماتی در سال ۱۳۸۵:** تـغییر نـام شهر فتح‌آباد از توابع بخش مرکزی شهرستان قیر و کارزین در استان فارس به کارزین.

**اصلاحات تقسیمات کشوری در استان فارس:**
شناخت شهر روستای مبارک آباد از توابع دهستان مبارک آباد بخش مرکزی شهرستان قیر و کارزین.
شناخت شهر روستای لطیفی از توابع دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان لارستان.
ایجاد دهستان شوریجه به مرکزیت روستای شوریجه.
ایـجاد بـخش کـوهنجان بـه مـرکزیت روسـتای کوهنجان از ترکیب دهستان‌های کوهنجان و مهارلو.
ایجاد شهرستان سروستان به مرکزیت شـهر سروستان از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر سروستان شامل دهستان‌های سروستان و شوریجه و بخش کوهنجان.
شناخت شهر روستای لطیفی از توابع دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان لارستان.
شناخت شـهر روسـتای اسـلامیه از تـوابـع دهستان دژکرد بخش سده‌ی شهرستان اقلید بـه عنوان شهر دژکرد.
شناخت شهر روستای شهرک امام خمینی از توابع دهستان مبارک آباد بخش مرکزی شهرستان قیرو کارزین به عنوان شهر امام شهر.
شناخت شهر روستای فدامی از توابع دهستان آبشور بخش فورگ شهرستان داراب به عنوان شهر فدامی.

**ایـجاد شـهرستان رسـتم و بـخش سـورنا در تـابعیت اسـتان فـارس مـصوب در تـاریخ ۱ اردیبهشت ۱۳۸۷:**
الف: بخش سورنا از مجموع دهستان‌های پشتکوه رستم و رستم سه به مرکزیت روستای کوپن در تابعیت شهرستان ممسنی ایجاد می‌گردد.
ب: شهرستان رستم به مرکزیت شهر مصیری از مجموع بخش‌های زیر در تابعیت استان فـارس ایجاد می‌گردد:
۱) بخش مرکزی به مرکزیت شهر مصیری شامل دهستان‌های رستم یک و رستم دو.
۲) بخش سورنا.

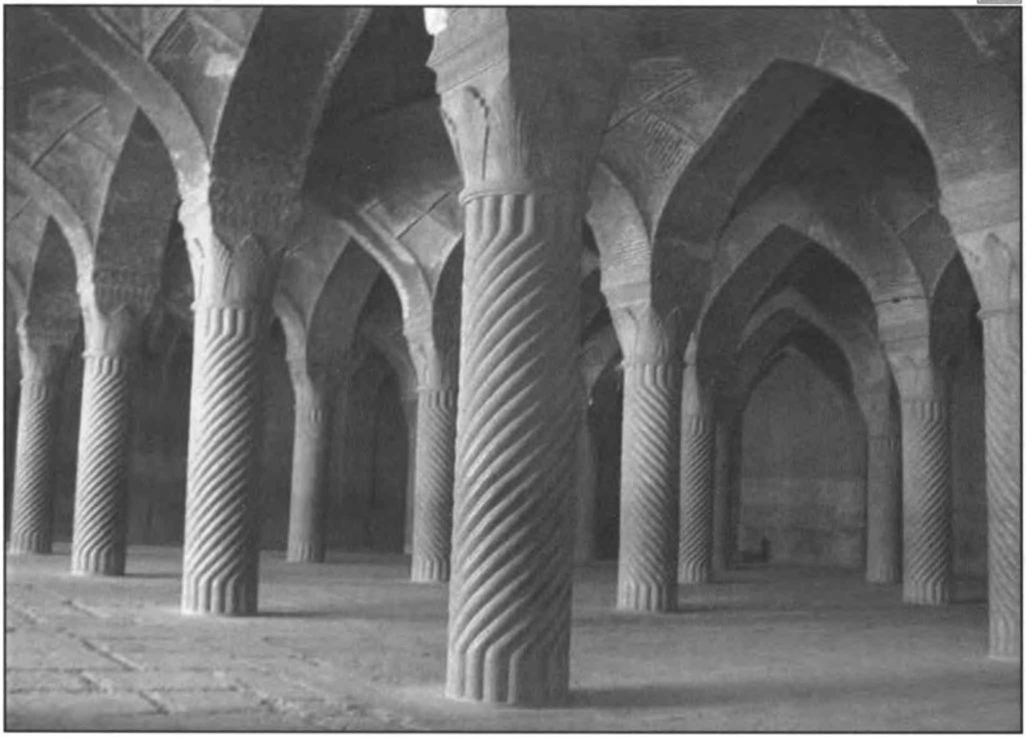
**شـهرک‌های صـنعتی:** ۱) فـارس، ۲) شـهرک صنعتی شیراز، ۳) شهرک صـنعتی اسـتهبان، ۴) شهرک صنعتی اقلید، ۵) شهرک صنعتی جهرم، ۶) شهرک صنعتی دارب، ۷) شهرک صنعتی سپیدان اردکـان، ۸) شـهرک صـنعتی آبـاده، ۹) شـهرک صنعتی فسا، ۱۰) شهرک صنعتی فیروزآباد، ۱۱) شهرک صنعتی کازرون، ۱۲) شهرک صنعتی لار، ۱۳) شـهرک صـنعتی مـرودشت، ۱۴) شـهرک صنعتی بمبنی، ۱۵) شهرک صنعتی نـیریز، ۱۶) شهرک صنعتی لامرد، ۱۷) شهرک صنعتی خـرم بید، ۱۸) شهرک صنعتی بـوانـات، ۱۹) شـهرک صنعتی ارسنجان، ۲۰) شهرک صنعتی مهر، ۲۱) شهرک صنعتی زرین دشت، ۲۲) شهرک صنعتی فراشمند، ۲۳) شهرک صنعتی قیر و کازرین، ۲۴) شهرک صنعیت پاسارگاد، ۲۵) شـهرک صـنعتی قنج.



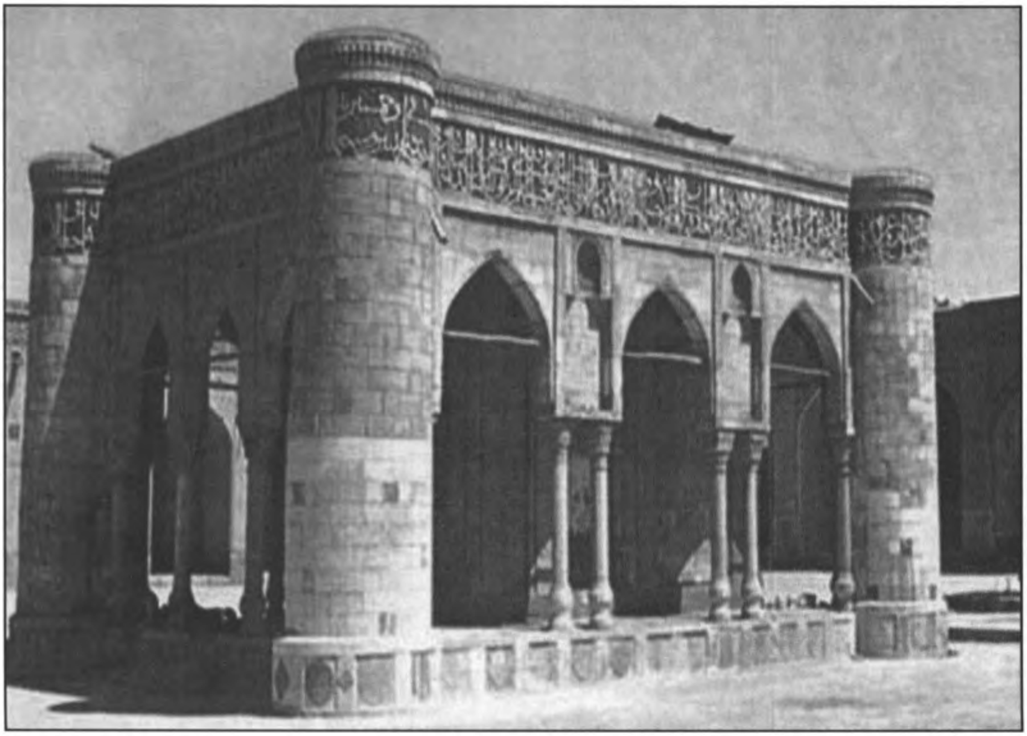
نارنجستان قوام



موزه پارس



مسجد وکیل



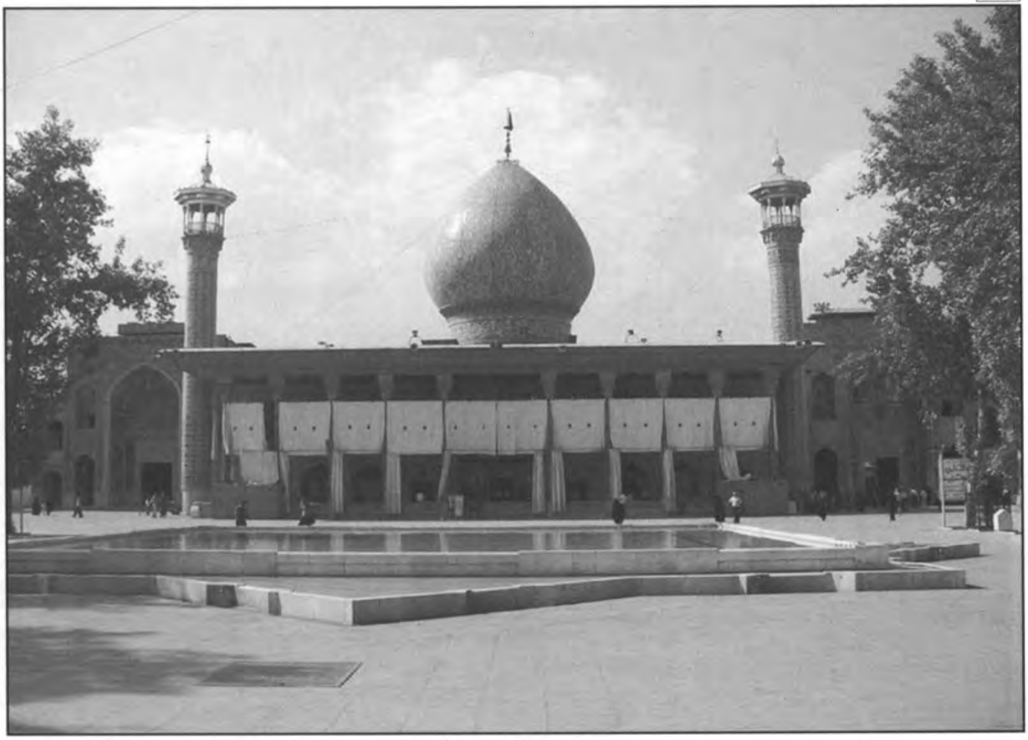
مسجد جامع عتیق



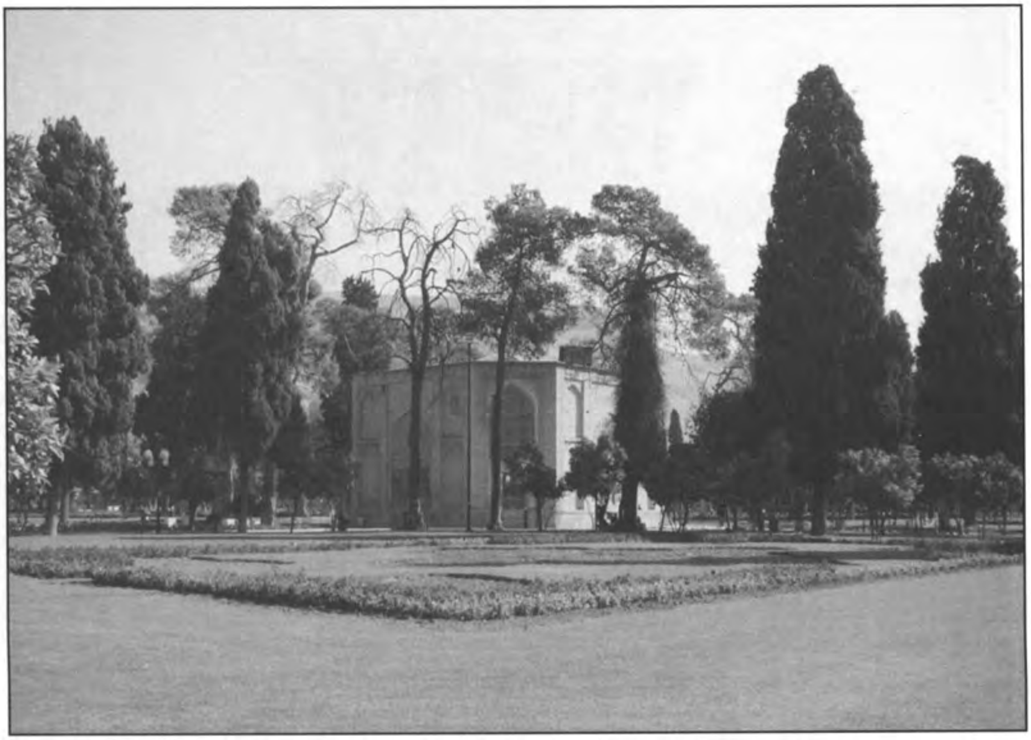
حمام وکیل



باغ عفیف



شاه‌چراغ - شیراز



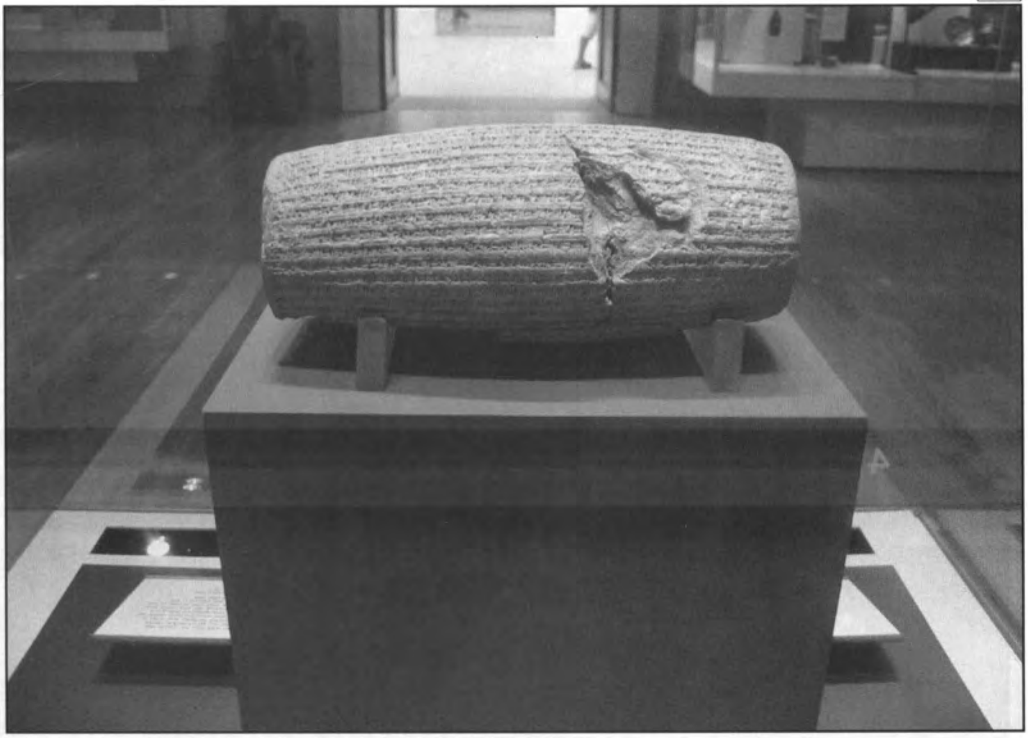
باغ جهان‌نما



بازار وکیل



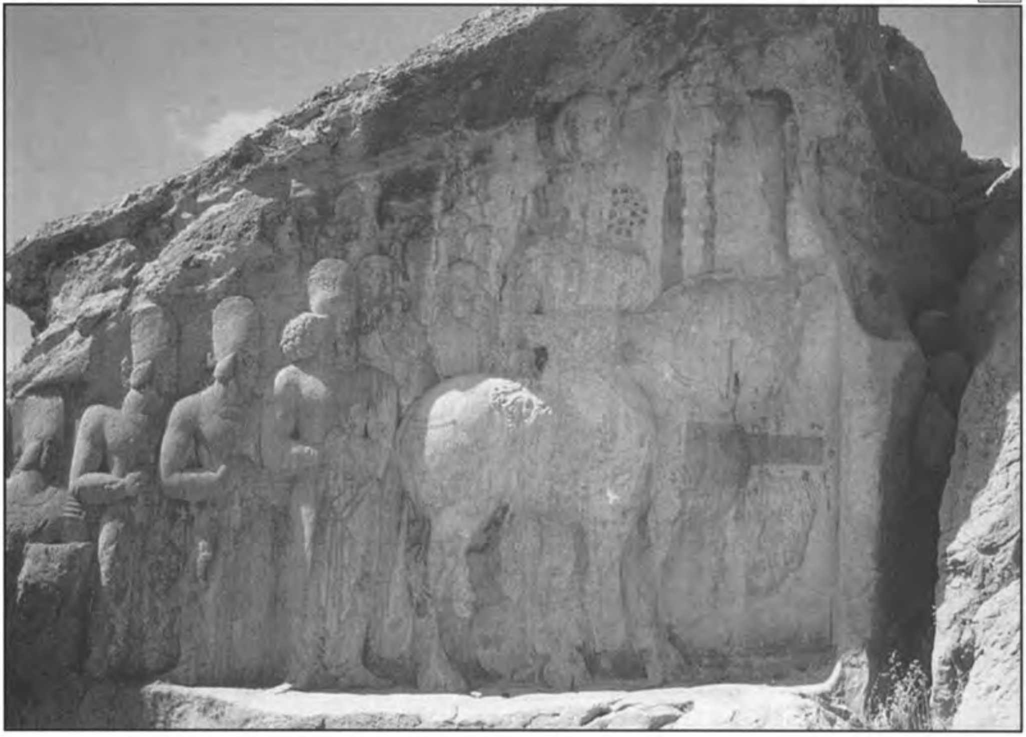
کلیسای ارامنه - شیراز



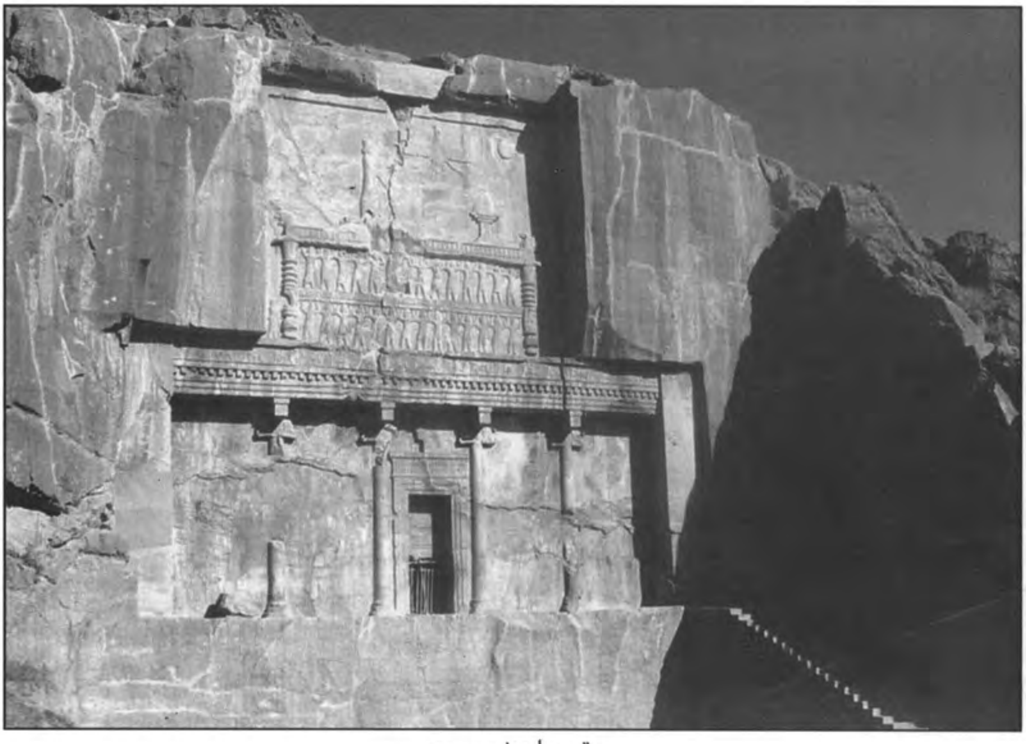
منشور کوروش



مقبره خواجه کرمانی - شیراز



نقش رجب



مقبره اردشیر سوم



نقش رستم



یک نمای کلی از تخت جمشید

تعداد بهره‌برداری ۱۰۵ مساحت گلخانه ۳۵

**مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان فارس در سال ۱۳۸۵**

گوشت قرمز ۵۷ شیر ۳۹۰

**مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان فارس در سال ۱۳۸۵**

گوشت مرغ ۵۱ تخم‌مرغ ۵۲

**تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان فارس در سال ۱۳۸۴**

جمع معادن ۱۵۷ خصوصی ۱۵۲ عمومی ۵

**مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان فارس در سال ۱۳۸۲**

کل تعداد بهره‌برداری ۲۰۵۲۱۰ مساحت ۱۲۵۴۵۱۱ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۹۰۶۰۴ مساحت باغ و قلمستان ۱۴۳۶۱۱

**استان فارس در سال ۱۳۸۴:** تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۴۶۰۵۶ تعداد دام ۱۸۶۸۷۲۴ مقدار تولید ۲۰۱۱۶۲۵ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۲۵۲۹۲ تعداد دام ۱۱۸۱۱۳۵ مقدار تولید ۵۰۹۰۳۷ تن

**بهره‌برداری‌های کشاورزی استان فارس در سال ۱۳۸۲**

زراعت ۱۶۳۰۹۰ باغداری ۱۳۰۵۲۳ تولید گلخانه‌ای ۱۰۵ پرورش ماکیان ۱۴۰۸۸۷ پرورش زنبور عسل ۵۰۸۲ پرورش دام بزرگ ۴۸۵۸۶ پرورش دام‌کوچک ۹۴۹۹۷ پرورش کرم ابریشم ۲۰

**تعداد سدهای استان فارس در مراحل مختلف:**

مطالعاتی ۱۳ اجرایی ۵ بهره‌برداری ۷ مجموع ۲۵

**استان فارس در سال ۱۳۸۵:** مساحت جنگل‌ها ۲۲۱۸۹۲۵ جمع مراتع ۷۳۱۹۹۸۷ خوب (متراکم) ۵۷۷۰۶ متوسط (نیمه متراکم) ۱۷۳۵۲۷۶ فقیر (کم تراکم) ۵۵۲۷۰۰۵ پدیده‌های بیابانی ۶۶۹۷۲۵

**تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان فارس:** فعال: ۱۲۰ غیرفعال: ۱ در شرف تأسیس: ۶ تعداد کل:۱۲۷

## برخی از منابع و کتاب‌های سودمند

جغرافیای تاریخی فارس ـ پاول شواتس ـ ترجمه کیکاوس جهانداری

کتاب ایلات و عشایر ـ سیروس پرهام

کتاب ایل‌های ناشناخته ـ عبدالله شهبازی

کتاب تاریخ و فرهنگ مردم دوان ـ دکتر عبدالعلی لهسائی‌زاده ـ عبدالنبی سلامی

کتاب ورزشهای ملی المپیک

عادات ورسوم ایلات فارس ـ ناصر ایلامی

مشخصات ایلات ایران ـ سیروس شفق

پوشاک ایلها ـ چادرنشینان و روستائیان ـ جلیل ضیاءپور

پارک بمو ـ بیژن دره‌شوری ـ سازمان حفاظت محیط زیست

پناهگاه حیات وحش بختگان ـ بیژن فرهنگ دره شوری ـ سازمان حفاظت محیط زیست

کتاب مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر ـ دکتر حشمت‌الله طبیبی

عادات و رسوم ایلات فارس ـ محمد بهمن‌بیگی

سوابق نژادی استان فارس ـ کتاب سرزمین و مردم ایران ـ چاپ پنجم

میراث فارس ـ محمدحسین بحرالعلومی ـ معاونت معرفی و آموزش اداره کل میراث فرهنگی فارس

سیمای میراث فرهنگی فارس ـ تدوین و اجرا هنر روز ـ معاونت آموزش

اطلس مناطق حفاظت شده ایران ـ سازمان حفاظت محیط زیست

از استخر تا مرودشت ـ اسفندیاری، علی

از باورد یا ابیورد خراسان تا ابیورد یا ابوالورد فارس، و گفتاری ـ قهرمانی ابیوردی، مظفر

اطلس جغرافیایی و اسناد تاریخی خلیج‌فارس از ماقبل تاریخ ـ موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب

اقلیم پارس، آثار تاریخی و اماکن باستانی ـ مصطفوی، محمدتقی

اهل هوا ـ ساعدی، غلامحسین



دانش‌آموزان عشایری



مردان عشایری



چهره چند مرد روستای معصوم‌اباد - شیراز



چهره یک پیرزن



نوازندگان عشایری



اموزش عشایر



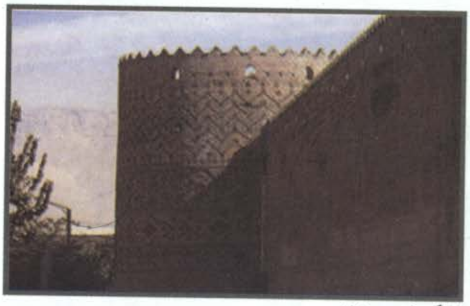
آبشار مارگون



دروازه قرآن شیراز



نیروگاه خورشیدی



ارگ کریم خان



کوچ عشایر



سد درود زن



موزه تاریخ طبیعی



مسجد نصیر الملک



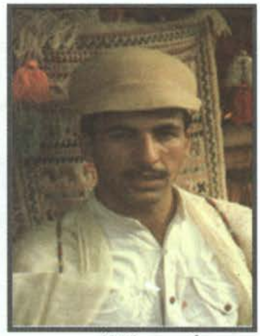
یک زن قالیباف عشایر



نقش برجسته ساسانی



اطراف سد درود زن



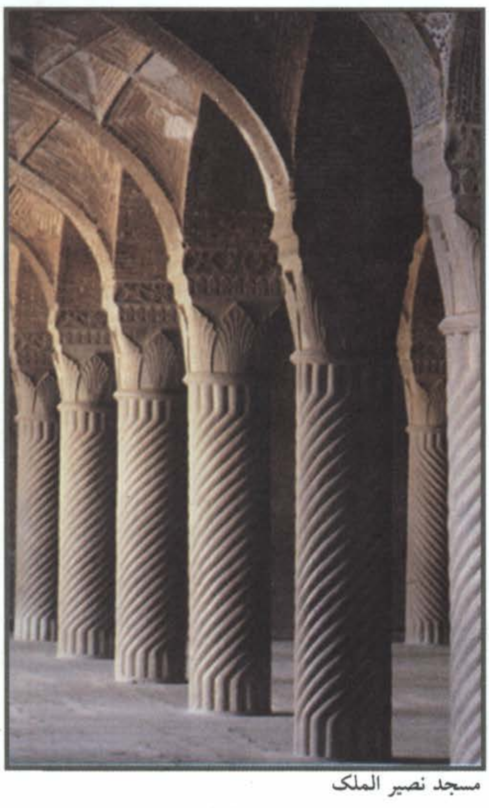
چهره یک مرد قشقایی



منظره ای از تخت جمشید



چهره یک دختر عشایر



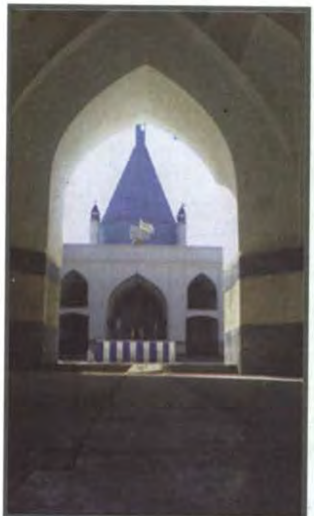
مسجد نصیر الملک



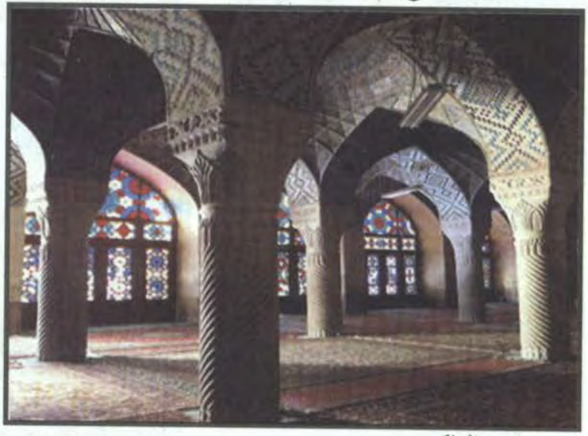
امامزاده شیرمرد



زنان عشایر در حال نخ ریسی



زیارتگاه شازند



مسجد نصیر الملک



ستونهای سنگی بیشابور



یک قالی



خانه خلیلی



صنایع دستی



کاروانسرای خواجه ابوالحسن



بازار شیراز



کعبه زرتشت



باغ ارم



آرامگاه حافظ



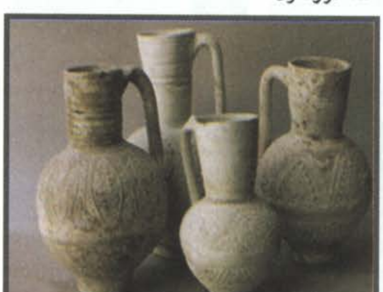
سد درود زن



مجسمه شاهپور اول



آسیاب فاریاب



برخی از اشیاء موزه شیراز



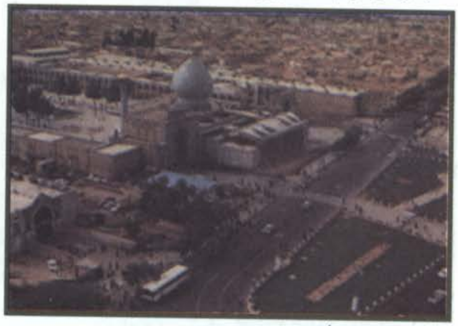
مسجد عتیق



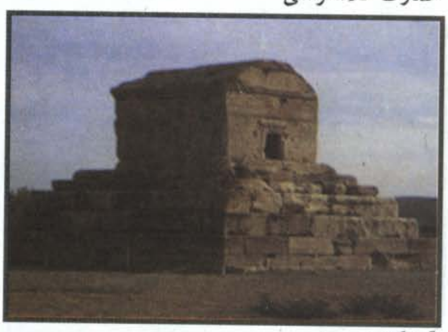
حجارهای نزدیک کازرون



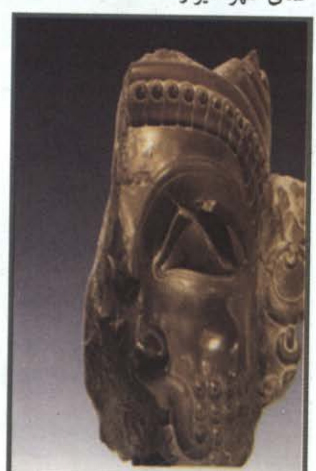
عمارت کلاه فرنگی



نمای شهر شیراز



آرامگاه کوروش



برخی از اشیاء موزه شیراز



پوشش یک زن قشقایی



فروشگاه صنایع دستی



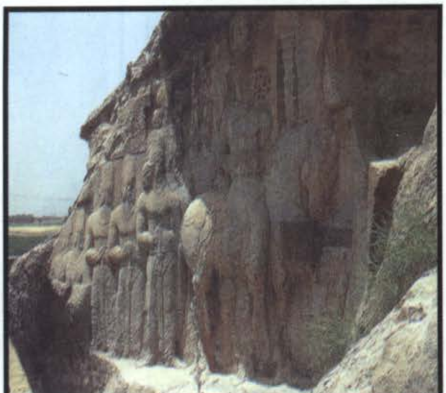
شیراز - تخت جمشید



مقبره اردشیر سوم - نقش رستم (تخت جمشید)



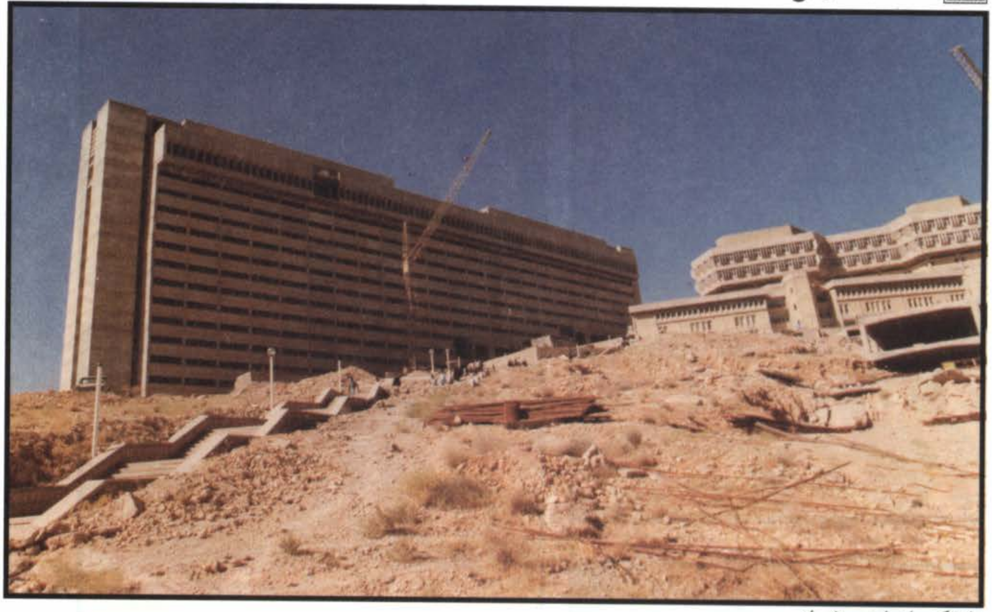
مقبره اردشیر دوم (تخت جمشید - شیراز)



نقش رجب - دوره ساسانی ۱۷۰۰ سال قبل



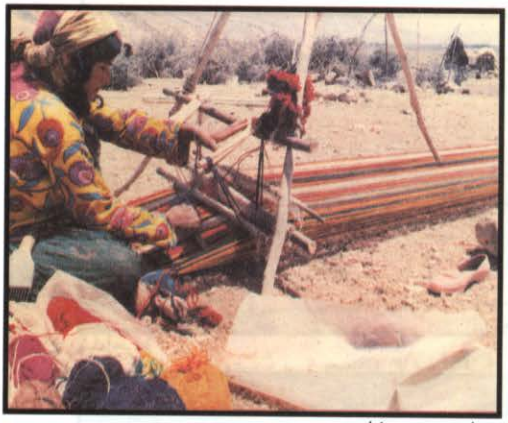
کاخ اختصاصی کوروش کبیر (پاسارگاد)



دانشکده ادبیات - شیراز



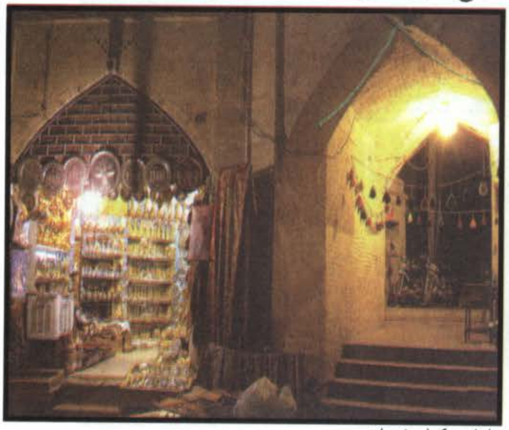
زن عشایر در حال پخت نان



صنایع دستی عشایر



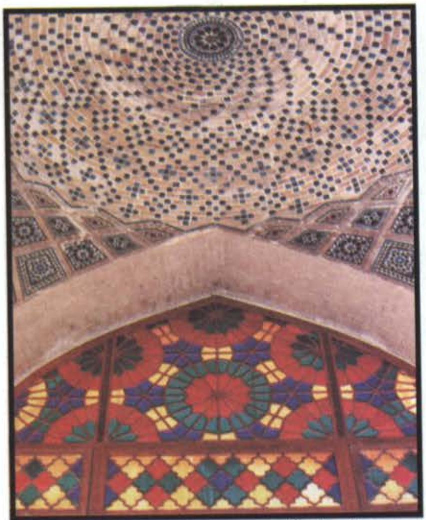
سروستان فارس



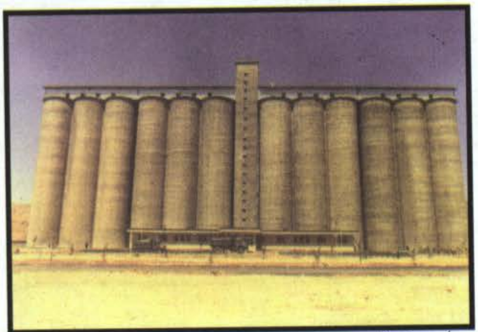
بازار وکیل شیراز



سپیدان - استان فارس



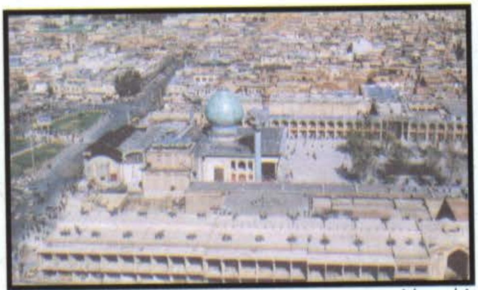
مسجد مشیر شیراز



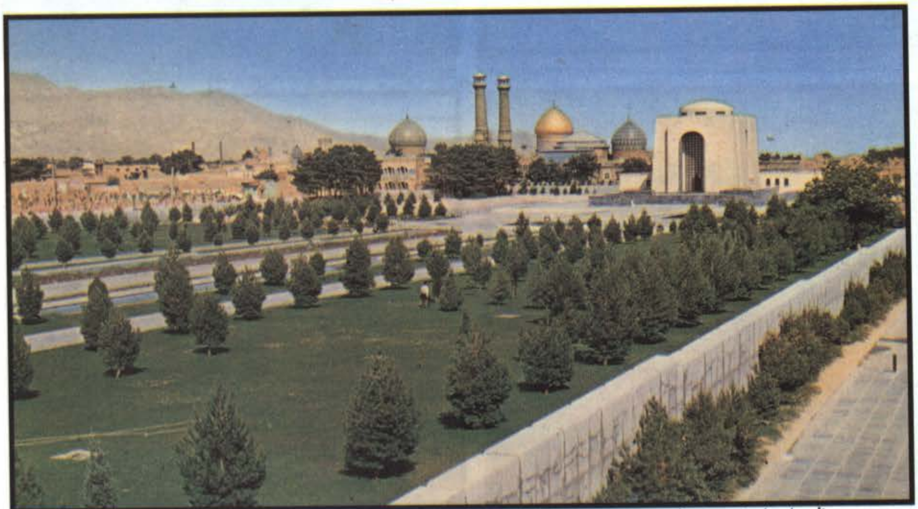
سیلوی شیراز



تخت جمشید



شاه چراغ



سعدیه و منظره ای از شهر شیراز

**همه جای ایران سرای من است**

دایرةالمعارف

# سرزمین و مردم استان قزوین

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان



سرزمین و مردم ـ سیمای اقلیمی ـ کوهها و ارتفاعات ـ دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی ـ مردم‌شناسی و آداب و رسوم ـ شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها ـ شهرک‌های صنعتی

مشخصات عمومی استان قزوین براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهر قزوین، تعداد شهرستان: ۵ تعداد بخش: ۱۹ تعداد شهر: ۲۴ تعداد آبادی دارای سکنه: ۹۰۰ کل آبادی‌ها: ۱۱۹۶

جمعیت استان قزوین در سال (۱۳۸۵) ۱۱۴۳۲۰۰ نسبت به کل کشور ۱/۶۲ بوده است. مساحت استان قزوین ۱۵۵۴۹ کیلومترمربع نسبت به کل کشور ۰/۹۵ است.

از تهران تا قزوین (۱۵۰) و از قزوین تا آبیک (۵۵)، البرز (۱۱)، بوئین‌زهرا (۶۰)، تاکستان (۳۵)، قزوین (۰)

**که ایران بهشت است یا بوستان — همی بوی مشک آید از بوستان**

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از استاد ناصر میزبانی عکاس هنرمند و عبدالله عباس‌زاده هنرمند عکاس

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان قزوین
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: علم و زندگی (ناشر همکار) انتشارات آرام (ناشر اصلی)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ ـ ۸۸۴۳۰۰۹۶ ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۴-۴۹-۶۹۹۰-۹۶۴-۹۷۸
بها: ششصد تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان قزوین؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۹۷۸ ـ ۹۶۴ ـ ۶۹۹۰ ـ ۴۹ ـ ۴
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۲۳۷۲

## ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

**مشخصات عمومی استان قزوین براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵:** مرکز استان: **قزوین** مساحت: **۱۵۵۴۹** تعداد شهرستان: **۵** تعداد بخش: **۱۹** تعداد شهر: **۲۴** تعداد آبادی دارای سکنه: **۹۰۰** کل آبادی‌ها: **۱۱۹۶**

جمعیت استان قزوین در سال (۱۳۶۵) **۸۰۵۵۶۲** نسبت به کل کشور **۱/۶۳** و در سال (۱۳۷۵) **۹۶۸۲۵۷** نسبت به کل کشور **۱/۶۱** و در سال (۱۳۸۵) **۱۱۴۳۲۰۰** نسبت به کل کشور **۱/۶۲** بوده است.

مساحت استان قزوین **۱۵۵۴۹** نسبت به کل کشور **۰/۹۵** است.

کارگاههای استان قزوین **۱۲۸۳۶** نسبت به کل کشور **۱/۹۹** است.

درصد میزان شهرنشینی استان قزوین در سال (۱۳۷۵) **۱۱/۵۷** و در سال (۱۳۸۵) **۶۸/۵** است.

تراکم نسبی جمعیت استان قزوین در سال (۱۳۶۵) **۵۲** و در سال (۱۳۷۵) **۶۲** و در سال (۱۳۸۵) **۷۴** نفر در کیلومترمربع بوده است.

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان قزوین**

مرد و زن **۷۱۷۵** زن **۴۳۶۱** مرد **۲۸۱۴**

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان قزوین**

مرد و زن **۱۰۱۵۷** زن **۶۴۵۹** مرد **۳۶۹۸**

**مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان قزوین در سال ۱۳۸۵**

جمع **۳۰** دولتی **۰** خصوصی **۳۰** تولید نهال **۱۹۴**

**مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان قزوین در سال ۱۳۸۵**

تعداد بهره‌برداری **۵۳** مساحت گلخانه **۱۳**

ادامه در صفحهٔ ۱۶۳۴

## فهرست برخی از مطالب

## سرزمین و مردم استان قزوین
## مختصات جغرافیائی استان

شهر قزوین تا سال ۱۳۷۵ جزو محدوده سیاسی - اداری استان تهران بود. در این سال از استان تهران جدا شد و در سال همراه با شهرستان تاکستان از استان زنجان جدا شد، به عنوان استان قزوین در تقسیمات کشوری جای گرفت.

استان قزوین ۱۳۰۴ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. استان قزوین با توجه به موقعیت جغرافیایی خود، مانند پلی، پایتخت کشور را به مناطق شمالی و غربی و کشورهای قفقاز و اروپا متصل می‌کند و به دلیل موقعیت مناسب، ضمن توسعه کشاورزی، صنعتی و خدماتی، به یکی از قطب‌های مهم توسعه کشور تبدیل شده است.

**سیمای اقلیمی استان:** جغرافیای استان قزوین از دو بخش متمایز کوهستانی و دشت تشکیل شده است.

ارتفاعات و بخش کوهستانی استان قزوین در شمال استان واقع است که دارای زمستانهای سرد و پر برف است و تابستانهای این نواحی معتدل می‌باشد.

بخش‌های جلگه‌ای و دشتی استان قزوین که به دور از ارتفاعات قرار دارند در زمستانها دارای هوای سرد و در تابستانها متاثر از هوای گرم و خشک است و به این ترتیب استان قزوین در یک نگاه‌کلی دارای دو اقلیم کوهستانی و نواحی دشتی می‌باشد. این استان هم نظیر هر منطقه دیگر تحت تاثیر تعدادی از فاکتورهای سازنده اقلیم قرار دارد که بر سیمای استان تاثیر می‌گذارند.

**نقش ارتفاعات در اقلیم استان:** در ناحیه الموت، رودبار، کوهپایه اقبال و پشگلدره، بخشی از رشته کوه البرز از طرف استان گیلان به داخل استان قزوین کشیده شده و قله های سیالان و الموت از کوهستانهای بخش غربی البرز که از شرایط اقلیمی سرد برخوردارند، به ویژه در بخش‌های شمالی آن به صورتی شاخص تاثیر می‌گذارند. ارتفاعات طالقان، سیالان، الموت و تخت سلیمان در غرب الموت به قله دلفج متصل اند که همراه با ارتفاعات زیاران، خزران و سبز پوش که در جنوب رودخانه و منطقه شاهرود واقعند و نیز ارتفاعات چرگر در ناحیه دشت قزوین و ارتفاعات جنوبی استان که به رامند مشهورند، جملگی شرایط اقلیمی مناطق کوهستانی را بر چهره استان منقش می‌سازند و استان قزوین را در شمار یکی از استانهای سردسیر کشور قرار می‌دهند. در واقع استان قزوین با استقرار در ارتفاع ۱۵۰۰ متر از سطح دریا و با مجاورت به کوهستانهای متعدد در بخش شمالی، به صورتی گسترده تحت تاثیر عامل ارتفاع قرار گرفته است و این فاکتور طبیعی مهمترین عامل شکل‌گیری اقلیم‌های استان قزوین محسوب می‌گردد.

**تاثیر عرض جغرافیایی:** استقرار استان قزوین در عرض های بالای جغرافیایی کشور سبب گردیده است که در بخش هایی از شمال استان تحت تاثیر ویژگیهای اقلیمی کوهستانهای البرز به گونه‌های برخوردار از رژیم رطوبتی آن نواحی گردد و از سوی دیگر تغییرات قابل ملاحظه‌ای در برخی از پارامترهای اقلیمی استان نظیر ساعات آفتابی،درصد آفتابگیری ،تشعشع.ابرناکی و سایر انرژی های دریافتی از خورشید به وجود آید که هر یک به نحوی بر شرایط اقلیمی استان موثر واقع می‌شوند.

**نقش منابع آبها و تاثیر دوری از منابع عظیم رطوبتی در اقلیم استان:** استان قزوین هر چند

دارای منابع آبهای جاری و زیرزمینی است که در اشکال رودخانه‌ها، چشمه‌ها، چاهها و قنوات مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند و هر یک در محدوده معینی بر اقلیم‌ها و خرده اقلیم‌های استان تاثیر می‌گذارند، اما این استان از منابع عظیم رطوبتی نظیر دریاها، دریاچه ها و تالابهای متعدد به میزان قابل توجهی به دور بوده و به جز چند رودخانه و چشمه و دریاچه اوان،منبع رطوبتی مهمی در سطح استان موجود نمی‌باشد.که این امر موجب خشکی نسبی استان گردیده و اقلیم های نیمه خشک و خشک باطیف های گسترده دمایی از فراسرد تا سرد را بر اقلیم استان حاکم گردانیده است.با وجود محدودیتهای فوق،دشت قزوین از جریانات مرطوبی که از طریق تنگه منجیل،از شمال کشور به این دشت می‌رسد،بطور نسبی برخوردار می‌شود.

**تاثیر توده های هوا و سیستم های هواشناسی بر اقلیم استان:** حرکت توده‌های هوای مهاجر و فعالیت سیستم‌های هواشناسی آنها، از جمله عوامل اصلی درشکل‌گیری اقلیم استان قزوین به شمار می‌آید. مهمترین توده های هوایی که در فصول سرد سال استان قزوین را تحت نفوذ خود قرار می‌دهند، بطور عمده کم فشار مدیترانه‌ای از جانب غرب، قطبی‌بری و قطبی شمالی از سمت شمالغربی و شمال، قطبی بحری از شمال غرب بوده و در تابستانها بری تروپیکال از منشاء کویر ایران یا صحرای عربستان و یا جریانات شمال غربی از اروپای مرکزی می‌باشد. غلبه نادر توده‌های هوای بحری تروپیکال (گرم ومرطوب) در تابستانها از سمت شمالغرب نیز به صورت اتفاقی گزارش شده است. در سالهائیکه مرکز کم فشار سودانی دارای فعالیت شدید باشد.دامنه فعالیت سیستم های باران زای آن ممکن است از جنوبغرب و جنوب کشور به بخش های مرکزی کشور و حتی به عرض های بالاتر هم توسعه یابد و در این شرایط بر استان قزوین موثر واقع شود و بارندگیهایی را در این استان پدید می‌آورد.

**مرکزکم فشار مدیترانه‌ای:** مهمترین سیستم باران زابرروی منطقه غرب کشور بر خاسته از مرکزکم فشار مدیترانه‌ای می‌باشد.دریای مدیترانه در فصل سرد سال دارای یک موقعیت سازنده توده های هوای کم فشار است و توده های هوای گرم و مرطوب را بطور متناوب به طرف شرق صادر می‌نماید.این توده های هوا پس از حرکت به طرف شرق،اکثراًبر روی قبرس زبانه‌ای ایجادکرده و این زبانه کم‌فشار ازکشور ترکیه وارد ایران می‌شود و نواحی غرب کشور و استان قزوین را تحت تاثیر قرار می‌دهد. درشرایطی که زمین به اندازه کافی سرد باشد. جبهه گرم توده‌های هوای مدیترانه‌ای بسیار فعال عمل می‌کنند و بارندگیهای بسیار مفیدی رادر مناطق و نواحی تحت نفوذ خود ایجاد می‌نمایند.

در پاره‌ای از اوقات نیز سیستم‌های مدیترانه‌ای پس از عبور از روی ترکیه و برخورد با ارتفاعات آن منطقه به دو شاخه تقسیم شده‌که یک شاخه آن از طریق غرب و شمالغرب واردکشور می‌شود و پس از ایجاد بارندگی بر روی این مناطق، از طریق خراسان وارد خاک افغانستان می‌شود.

در مواقعیکه «تراف» سطوح فوقانی با گرادیان مناسب دما و کنتور، این سیستم‌های کم فشار را همراهی کنند. بارندگی‌های موثری در سطح کشور به وجود می‌آید. در حقیقت بیشترین بارندگی‌های استان قزوین بر اثر فعالیت سیستم‌های کم فشار مدیترانه‌ای که پس از ریزش‌های اولیه در استان

کردستان، به صورت تعدیل یافته به استان قزوین می‌رسند، به وجود می‌آید و بدیهی است که در این شرایط بارندگی‌های این سیستم‌ها در استان قزوین از گسترش و شدت کمتری برخوردار است.

**مرکز پرفشار سیبری:** مرکز پرفشار سیبری بر روی دشت‌های پوشیده از برف و یخ سیبری تشکیل می‌شود و توده‌های هوای سرد و سنگین را از نواحی شمالشرقی کشور از طریق استان خراسان وارد فلات ایران می‌نماید. این توده‌های هوا در مسیر حرکت خود مناطق تحت نفوذ را تحت تاثیر قرار داده است.

**توفان رعد و برق:** وقوع طوفان رعد و برق علاوه بر اینکه ممکن است منجر به خسارت شود، معمولاً موجب ایجاد ترس و وحشت در مردم می‌شود که آگاهی از وقوع آن در سطح استان می‌تواند برای گردشگران و بازدید کنندگان استان قزوین مفید باشد.

در شهرستان قزوین در هر سال بطور متوسط ۱۸ روز توام با توفان رعد و برق است که فراوانی آن در ماه اردیبهشت بیشتر از سایر ماه‌های سال است و ماه اردیبهشت با میانگین ۵ روز توفانی بیشترین تعداد روزهای توفانی را در بین سایر ماه‌های سال به خود اختصاص می‌دهد. در بین فصل‌های سال هم فصل بهار بیشتر از سایر فصل‌ها همراه با توفان رعد و برق است. پدیده توفان رعد و برق محصول فعالیت ناپایداریهای شدید جوی است که معمولاً در ماه‌های مربوط به گذار فصل‌ها، به ویژه گذار از فصل سرد به گرم اتفاق می‌افتد. در قزوین به سبب سرد بودن این استان، گذار از سرما به گرما معمولاً در ماه اردیبهشت رخ می‌دهد و به این سبب تعداد روزهای توفانی در این ماه بیشتر از سایر ماه‌های سال است.

**روزهای همراه با برف و یا مخلوط برف و باران:** در شهرستان قزوین در حدود ۲۰ روز از سال توام با ریزش برف و یا مخلوط برف و باران است. که طبعاً تعداد روزهای برفی در نقاط مرتفع و کوهستانی استان بیشتر از این رقم می‌باشد. تعداد روزهای برفی قزوین در دی ماه بیشتر از سایر ماه‌ها است و در این ماه به طور متوسط در حدود ۷ روز توام با ریزش برف می‌باشد.

**روزهای همراه با گرد و خاک** : در شهرستان قزوین به طور متوسط در هر سال در حدود ۲۹ روز توام با گرد و خاک است و فراوانی آن در ماه‌های تابستان بیشتر از سایر ماه‌ها است.

**روزهای با دید افقی کم:** در شهرستان قزوین در طول سال بطور میانگین در ۲۱ روز دید افقی برابر یا کمتر از ۲ کیلومتر می‌شود که این وضعیت ممکن است به سبب وقوع برخی از پدیده‌های جوی نظیر مه، بارندگی‌های شدید، گرد وغبار و نظائر آنها باشد.

دید افقی و کاهش آن به کمتر از ۲ کیلومتر در امور ترابری هوائی و امور فرودگاهی بسیار حائز اهمیت است. شرائط دید افقی کم در شهرستان قزوین، عموماً در ماه‌های سرد بیشتر از ماه‌های گرم سال است.

**خشکسالی:** وقوع ۷ بار خشکسالی در طول ۱۰ سال گذشته در استان قزوین به ۱۲۸۰ روستا آسیب رسانده و موجب خساراتی به ۱۲۳۶۵۳۰ هکتار از اراضی استان شده است.

**بهمن:** سقوط ۱۱ مورد بهمن در طول ۱۰ سال گذشته در مناطق کوهستانی استان قزوین موجب از دست رفتن جان ۵ نفر شده است و به یک دستگاه وسیله نقلیه آسیب رسانده است.

**کولاک برف:** در مدت ۱۰ سال گذشته کولاک برف

در استان قزوین موجب از دست رفتن جان ۱۰ نفر انسان و تلف شدن ۵۵۰ راس دام شده و به ۱۰۰۰ هکتار از اراضی استان خسارت وارد ساخته است و بر اثر وقوع آنها ۲۵ دستگاه وسیله نقلیه و ۲۵ واحد تولیدی و ۱۰ واحد اداری و مکان عمومی دچار آسیب شده است.

**تگرگ:** در یکدوره ده ساله، ریزش تگرگ سنگین در استان قزوین موجب خسارت به ۶۹۰۵ هکتار از اراضی استان شده است.

## کوهها و ارتفاعات استان قزوین:

منطقه کوهستانی استان قزوین در شمال آن قرار دارد و دهستان‌های الموت، رودبار و قسمتی از کوهپایه اقبال و پشگلدره را در بر می‌گیرد. در همین بخش، رشته کوه البرز از بخش شمال غربی و از استان گیلان به طرف جنوب غربی در داخل استان قزوین کشیده شده است. سیالان و الموت دو قله از قله‌های معروف کوهستانی بخش غربی البرز می‌باشند.

کوه های طالقان،سیالان،الموت وتخت سلیمان در غرب الموت(با ارتفاع ۴۴۰۰ متر)در ساحل چپ سفید رود،با قله دلفج (باارتفاع ۲۷۷۰ متر)که از قله های آتشفشانی است،اتصال یافته‌اند.درجنوب شاهرود،کوههای زیاران،سبز پوش ،خزران و... قرار دارند که از زمانهای قدیم مسیرهای پیاده شمالی ـجنوبی قزوین بوده‌اند و گردنه های معروف سلمبار و الوچشمه راپدید آورده‌اند.در ناحیه غربی دشت قزوین یک رشته ارتفاعات موازی به نام چرگر قرار دارد که از جانب شمال به جنوب کشیده شده و استان قزوین را از استان زنجان وخمسه جدا می‌کند. این ارتفاعات در حد فاصل نواحی سلطانیه و تارم قرار دارند.در قسمت جنوب این استان،چند رشته از ارتفاعات به موازات هم قرار گرفته‌اند که به نام "رامند"معروف هستند.

در بخش های شمالی استان قزوین ارنفاعات مستعدی جهت ورزش های کوهستانی وجود داردکه یکی از معروفترین آنها قله اوان است و در مجاورت ویژگیهای طبیعی آن دریاچه اوان قرار دارد.مجموعه ارتفاعات ودریاچه اوان امکانات تفریحی و ورزشی مناسبی را جهت گردشگران فراهم می‌سازد.

**قله اوان:** قله اوان در خط الراس اصلی ارتفاعات البرز و در بخش شمالی رودبار قرارگرفته و ارتفاع آن ۳۷۵۰ متر است و به "خشته چال" هم شهرت دارد.یال مرتفع این کوه،در جهت شمال غربی ـ جنوب شرقی گسترش دارد و بخشی از مرز طبیعی شهرستان قزوین و تنکابن(شهسوار)را تشکیل می‌دهد. این کوه از جهت جنوب غربی به وسیله گردنه سیالان به قله سیالان مرتبط است و ازجهت شمال غربی دردو قسمت شمالی و غربی گسترش یافته است.تیغه شمالی این کوه به وسیله قله بزا کوه،به قله سماموس با سمام کوه و یال غربی آن به وسیله گردنه گرم کوه،به قله پارچ کوه مرتبط می‌شود.

مناسب‌ترین راههای صعود به قله اوان از جبهه غربی ،از مسیر قزوین و معلم‌کلایه و شمس کلایه بوده و از جبهه شمالی از مسیر تنکابن به شیرود و سپس به دره رودخانه چالک رود و سر چشمه آن است. صعود به این قله از طریق گردنه سیالان و گردنه گرم کوه نیز میسر است.

## دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی استان قزوین

۱- **دریاچه اوان:** این دریاچه در فاصله ۷۵

کیلومتری شمال شرقی قزوین واقع شده است. آب این دریاچه از چشمه‌های درون آن تامین می‌شود. طول و عرض این دریاچه زیبای کوهستانی ۵۰۰ متر است.

**۲- رودخانه حاجی عرب:** این رود از کوه‌های مرکزی سرچشمه می‌گیرد و تا سگز آباد ادامه دارد. در بعضی از سالها، به علت وجود سیلاب‌ها، آب این رود زیاد می‌شود.

**۳- رودخانه شاهرود:** این رودخانه از دو شاخه اصلی طالقان رود و الموت رود تشکیل می‌شود که در شمال غربی روستای شیرکوه به هم می‌پیوندند. رودخانه شاهرود همواره طغیانی است و این رود تنها رودخانه دامنه جنوبی البرز است که آب آن به دریای خزر می‌ریزد.

**۴- رودخانه الموت:** رودخانه الموت از ارتفاعات هفت خانی البرز سرچشمه می‌گیرد و پس از اتصال به پانزده رودخانه دیگر، به نام الموت جریان می‌یابد که رودخانه‌ای پر آب است، و تعدادی رودهای دیگر.

## زمین‌شناسی و معادن

### ژئوشیمی و محیط زمین‌ساختی گابروهای باختر آوج شمال باختر ایران استان قزوین:

توده‌های نفوذی باختر آوج در زیر زون رزن با ترکیب عمده‌ی گابرویی، به صورت توده‌های کوچک و کشیده در داخل سنگ‌های دگرگونی ناحیه‌ای درجه ضعیف مزوزوییک تزریق شده‌اند. بخش‌های حاشیه‌ای توده‌ها تحت تأثیر دگرشکلی هم زمان با تزریق توده، حالت میلونیتی پیدا کرده‌اند. روند تزریق توده‌ها و رسوبگیری میلونیتها، تقریباً مشابه با روند دگرگونی‌های میزبان، یعنی NW-SW است. در پی تزریق توده‌ها، هاله‌ی دگرگونی همبری با گسترش محدود در سنگ‌های میزبان به وجود آمده است. بررسی‌های سنگ نگاری و ژئوشیمیایی حاکی از وجود ارتباط سنگ شناختی بین رخنمون‌های متعدد گابرویی در منطقه است. نمودارهای ژئوشیمیایی و نوارهای عنکبوتی نشانگر اهمیت بیش‌تر نقش تفریق بلوری در تحول توده‌های گابرویی باختر آوج نسبت به فرایندهای ذوب بخشی و آلودگی است. محیط زمین ساختی تشکیل گابروها بر اساس الگوی پراکندگی عناصر جزئی بر روی نمودارهای عنکبوتی، یک رژیم کششی بوده است. به نظر می‌رسد گابروهای مورد مطالعه، احتمالاً در اثر ذوب بخشی گوشته‌ی سنگ کره‌ای غنی شده (EM) در ژرفای حدود ۵۰ تا ۶۰ تشکیل شده باشند.

شهرستان آوج در انتهای جنوب باختری استان قزوین قرار دارد. توده‌های نفوذی مورد مطالعه در باختر شهرستان آوج، بین عرض‌های جغرافیایی ۳۲ ۳۵ تا ۱۲ ۴۹ خاوری قرار گرفته‌اند. وسعت تقریبی محدوده‌ی مورد مطالعه، ۲۰۰ کیلومتر مربع است. مناسب‌ترین مسیر باری راهیابی به منطقه، جاده‌های فرعی روستاهای ماهنیان و اروان است که از جاده‌ی اصلی قزوین - همدان در نزدیکی شهرستان آوج به سمت باختر منشعب می‌شوند.

توده‌های نفوذی مورد بررسی در نزدیکی روستاهای مشانه، گرمک، پروان و قوزلو رخنمون یافته‌اند. این توده‌ها در محدوده‌ای واقع شده‌اند که از لحاظ تقسیم بندی زمین‌شناسی، بخشی از زیر زون رزن، و در مقیاس وسیع‌تر بخشی از زون سنندج - سیرجان به شمار می‌آیند. مجله‌ی علوم زمین ش ۵۹

بر اساس دست آوردهای حاصل از مطالعه‌ی ساختاری و لرزه زمین ساختی قطعه گسل آبگرم - آوج مشخص می‌شود. که این قطعه در لبه‌ی شمالی ایران مرکزی قرار گرفته و روند غالب ساختاری رخنمون یافته در آن شمال باختری - جنوب خاوری است، همچون پهنه‌ی گسل آبگرم (N145) در شمال و پهنه‌ی گسل آوج (N130) در جنوب. روند گسل‌های مذکور در محل گسل‌های پنهان شمال خاوری - جنوب باختری مانند گسل پنهان آبگرم - آوج، تغییر یافته که این فرایند با ظهور چشمه‌های آب گرم، معادن گچ و غیره همراه است. بنابراین گسل‌های فوق، پهنه‌ی برشی را ایجاد نموده که با استناد بر شواهد جنبش جوان زمین ساختی و دستاوردهای حاصل از توزیع کانون دستگاهی پس لرزه‌ها نمایانگر پهنه گسل R1 و R2 است که مکمل پهنه فوق می‌باشند. تداوم گسل مسبب زمین لرزه‌ی بوئین زهرا به سمت باختر با روند N102 که بر اساس گزارش دستگاهی هاروارد، گسل اصلی لرزه زا در چنگوره بوده، تأیید دیگری بر الگوی برشی می‌باشد. نتایج حاصل از مطالعات ماهواره‌ای بر روی جنبش صفحه‌های سنگ کره‌ای در منطقه مورد مطالعه مؤید عملکرد تنش فشاری مورب با راستای شمال، شمال خاوری است و می‌تواند موجب تحرک و پویایی منظومه گسل پهنه‌ی برشی آبگرم - آوج بر اساس الگوی برشی همگرا شود. در این پهنه به تدریج گسل‌های R1 و R2 به سمت خاور فعال شده و تا حوالی کوه جارو ادامه یافته است.

**زمین‌شناسی منطقه:** منطقه‌ی مورد مطالعه با روند شمال باختر - جنوب خاور از دو بخش برخاسته با بیش از ۲۵۰۰ متر ارتفاع در حاشیه‌ی شمال خاوری و حدود ۲۹۰۰ متر ارتفاع در جنوب باختری تشکیل شده که در حد فاصل آن بخش فرو افتاده‌ای با ۱۷۳۰ متر ارتفاع از سطح دریا واقع شده است.

ویژگی‌های سنگ‌شناسی رخنمون یافته در برخاستگی‌های حاشیه‌ی بخش فرونشسته عدسی شکل میانی نشانگر حضور دو پهنه ساختاری با تاریخچه تحولی پیچیده است، پهنه‌ی سنندج - سیرجان در جنوب باختر و ارومیه - دختر در شمال خاور. بنابراین، پی سنگ پهنه‌ی فرونشسته میانی از واحدهای قدیمی تشکیل شده که با پوشش ضخیمی از ته نشست‌های نئوژن پوشیده شده است.

ریزپهنه‌بندی لرزه‌ای با توسعه و گسترش روز افزون شهرهای بزرگ در مناطق لرزه خیز، آسیب پذیری این شهرها در مقابل زمین لرزه‌های مخرب رو به افزایش است. با توجه به زیان‌های جانی و مالی گسترده‌ای که در اثر وقوع زمین لرزه در این مناطق متوجه ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور می‌گردد، ضرورت تلاش همه جاذبه برای کاهش این خطر را به وجود می‌آورد. یکی از عمده‌ترین فعالیت‌ها در راستای کاهش خطرات ناشی از زمین لرزه و افزایش ایمنی عمومی، مطالعات پهنه‌بندی لرزه‌ای مناطق شهری است. نتیجه‌ی این بررسی‌ها معمولاً به صورت نقشه‌های ریز پهنه‌بندی برای ارزیابی خطر لرزه خیزی در یک منطقه ارائه می‌شود. در این مقاله مطالعات انجام شده جهت تهیه‌ی چنین نقشه‌ای برای شهر قزوین مورد بررسی قرار گرفته است.

شهر قزوین با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خاص خود، یکی از نقاط لرزه خیز فعال به شمار می‌آید که بر روی نهشته‌های آبرفتی با شرایط ساختگاهی و وضعیت ژئوتکنیکی آن قرار

گرفته است. لازم به ذکر است که شرایط ساختگاهی، به ویژه وضعیت ژئوتکنیکی آبرفت، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پاسخ لرزه‌ای سطح زمین، به هنگام زمین لرزه به شمار می‌رود. در این راستا نیمرخ‌های ژئوتکنیکی و دینامیکی متعددی از نقاط مختلف شهر تهیه گردید و پس از مقایسه و دسته بندی نیمرخ‌های مذکور، ۲۲ نیمرخ نماینده انتخاب شد. هر کدام از این نیمرخ‌ها بر اساس چهار حرکت ورودی (شتابنگاشت) مناسب و مقایسه شده برای منطقه و برای سه سطح شتاب ۰/۲۳g، ۰/۲۸g، ۰/۳۵g بررسی شد. تحلیل‌ها به وسیله‌ی نرم‌افزار SHAKE و براساس تئوری انتشار قائم امواج برشی صورت گرفته است. نتایج حاصله از این پژوهش شامل محاسبه پریودهای طبیعی و دینامکی غالب در آبرفت، اندازه‌گیری شتاب حداکثر سطح زمین و تعیین ضریب تشدید شتاب حداکثر در سطح زمین می‌باشند. که به صرت نقشه‌های ریز پهنه بندی برای شهر قزوین تهیه گردید.

تجربه زلزله‌های پیشین دنیا نشان داده است که حرکت سطح زمین و حجم خرابی‌ها، رابطه‌ی تنگاتنگی با وضعیت ژئوتکنیکی آبرفت دارد. در مواقعی که پریود غالب حرکت سنگ کف، پریود طبیعی آبرفت در حین زمین لرزه‌ها و پریود طبیعی سازه به یکدیگر نزدیکی باشند. پدیده‌ی تشدید رخ داده و حجم خرابی‌ها شدیداً افزایش می‌یابد.

پدیده‌ی تشدید به وجود آمده در نهشته‌های آبرفتی، در بعضی مناطق، می‌تواند شتاب سنگ کف را چندین برابر افزایش دهد و سبب افزایش مقدار شتاب در سطح زمین شود. پدیده‌ی انتشار موج همچنین در محتوای فرکانسی امواج زلزله عبوری از بستر آبرفتی تأثیر می‌گذارد و موجب تغییر در فرکانس غالب لرزش در سطح زمین نسبت به فرکانس غالب لرزش در سنگ کف می‌گردد. این امر برای مهندسان محاسب حائز اهمیت است که در محدوده‌ی احتمالی پدیده‌ی تشدید سازه مورد طراحی را شناسایی کنند و در حد امکان از طراحی ساختمان‌های دارای پریودها مشابه با پریود زمین پرهیز و با حداقل تمهیدات لازم را طراحی پیش‌بینی نمایند. مجله‌ی علوم‌زمین ش ۳۳ و ۳۴

**معادن:** در سال ۱۳۸۲ تعداد ۱۰۳ معدن فعال بدینشرح داشت: ۱- زغال سنگ (۱)، ۲- سنگ آهن (۱)، ۳- سنگ‌های فلزی غیر آهنی (۴)، ۴- سنگ مس (۳)، ۵- بوکسیت (۱)، ۶- سنگ، شن و ماسه (۷۸)، ۷- شن و ماسه (۲۶) ۸- سنگ تزئینی (۱۲)، ۹- سنگ لاشه (۹)، ۱۰- سنگ آهک (۵)، ۱۱- سنگ گچ (۳)، ۱۲- کائولن ،خاک نسوز و... (۲۰)، ۱۳- دولومیت (۳)، ۱۴- مواد معدنی و شیمیایی و... (۱۰)، ۱۵- باریت (۱۰)، ۱۶- نمک (۱) ۱۷- سایر مواد معدنی (۸)، ۱۸- سیلس (۸).

در استان قزوین مقدار تولید معادن فعال، ۲۷۹۲۰۰ متر مکعب و ۲۷۷۱۹۱ تن بوده است.

**معادن:** ۱- زغال سنگ ۱۰۰ تن ۲- سنگ آهن ۲۰۰۰ تن ۳-سنگ مس ۱۰۰ تن ۴-کنستانتره‌ی مس ۴۹۲ تن ۵- بوکسیت ۱۹۵۰ تن ۶- مخلوط شن و ماسه ۱۰۲۶۰۰ تن ۷- ماسه‌ی شسته ۱۲۲۵۰۰ تن ۸- شن درجه‌بندی شده ۱۵۴۱۰۰ تن ۹- سایر مرمریت کوپ ۹۰۰ تن ۱۰ - سایر تراورتن کوپ ۱۵۰۰ تن ۱۱-گرانیت ۱۰۵۰۵ تن ۱۲- شبه گرانیت ۳۶۰۰ تن ۱۳- سایر سنگهای تزئینی ۴۰۰۰ تن ۱۴- پوزولانا ۶۲۰۰۰ تن ۱۵-

سنگ آهک ۲۰۶۰۰۰ تن ۱۶- سنگ گچ ۲۳۰۰۰ تن ۱۷ ـ کائولن ۳۰۰۰۰ تن ۱۸- خاک صنعتی ۲۲۴۲۵۰ تن ۱۹- دولومیت ۱۶۶۰۰ تن ۲۰- باریت ۹۱۵۰ تن ۲۱- نمک آبی ۲۰۰ تن ۲۲- سیلیس ۴۹۰۷۲۶ تن ۲۳-کوارتزیت ۸۰۹۶۳ تن

**مناطق حفاظت شده استان قزوین**

منطقه‌ی حفاظت شده‌ای به مساحت ۲۵۳۴۴ هکتار، دارای یک منطقه‌ی حفاظت شده است. **منطقه حفاظت شده‌ی باشگل** به مساحت ۲۵۳۴۴ هکتار است که در سال ۱۳۷۵ تأسیس گردید.

**منطقه‌ی شکار ممنوع رودبار الموت:** منطقه‌ای کوهستانی در شرق قزوین که چشم اندازهای زیبا دارد. محل زندگی برخی از کوه زیان می‌باشد و مساحت آن ۱۹۵۰۰۰ هکتار است.

**باشگل:** این منطقه با مساحت ۲۵۳۴۴ هکتار در سال ۱۳۷۵ حفاظت شده اعلام شد. ناحیه‌ای است تپه ماهوری و دشتی با چشمه‌های فراوان در استان قزوین. دامنه ارتفاعی ۱۳۲۰ تا ۲۱۲۰ متر، میانگین سالانه دمای کمینه و بیشینه ۵- و ۳۸ درجه سانتیگراد و بارندگی متوسط سالانه و ۳۰۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم نیمه خشک معتدل نموده‌اند. باشگل در ناحیه رویشی ایران - تورانی قرار گرفته و گیاهانی نظیر بادام کوهی، گز، تاغ، گون، نسترن، بومادران، کلاه میرحسن، درمنه، شیرین بیان، گل گندم و اسفناج کوهی در آن می‌رویند. دشت‌های منطقه زیستگاه مناسب آهو و تپه ماهورهای آن محل، زندگی قوچ و میش محسوب می‌شود. گرگ، روباه معمولی، شغال، گراز، خرگوش، تشی، کبک، بلدرچین، کوکو، تیهو، هدهد، کرکس، دال، جغد، مار آتشی و مار دوسر از دیگر گونه‌های جانوری این منطقه به شمار می‌رود. تپه ماهورهای زیبا، چشمه‌های فراوان، آثار تاریخی، نزدیکی به مراکز جمعیتی و راه‌های دسترسی مناسب جاذب گردشگران است.

## گردشگاههای طبیعی استان قزوین

گردشگاههای طبیعی استان قزوین بیشتر اطراف رودخانه‌ها و دریاچه اوان، دامنه کوهها، قله‌ها و چشمه سارها که از چشم‌اندازهای بدیع و بی نظیر برخوردارند، جای دارند، مهم‌ترین گردشگاههای آبی استان عبارتند از:

۱- دریاچه اوان: این دریاچه بسیار زیبا و دیدنی است و اطراف آن را کوه احاطه کرده است که چشم انداز بسیار زیبایی دارد. طول و عرض این دریاچه زیبای کوهستانی ۵۰۰ متر است و در شمال دهکده اوان قرار دارد. همه ساله تعداد زیادی از گردشگران از این دریاچه بازدید می‌کنند.

۲- دیگر منابع جذب گردشگر استان، چشمه‌ها و مراکز آب درمانی می‌باشد.

استان قزوین چشمه‌های آب معدنی و طبیعی متعددی دارد که به طور سنتی مورد استفاده مردم قرار می‌گیرد. مهم‌ترین این چشمه‌ها عبارتند از:

۳- چشمه‌های آب معدنی آب ترش پرزان. در ۴۵ کیلومتری قزوین

۴- چشمه آب گرم خرقان، در ۹۵ کیلومتری جاده قزوین - رشت

۵- چشمه یله گنبد. در روستای یله گنبد قاقازان در شمال غربی قزوین

۶- چشمه آب گرم جاده تاکستان - آوج

امروزه یکی از منابع مهم جذب گردشگر، استفاده و بهره برداری بهینه از آبهای گرم و معدنی است.

تپه‌های باستانی استان قزوین از قدمت چند هزار ساله برخوردار است. مهم‌ترین این تپه‌ها عبارتند از:

۱-تپه خندو: در جنوب شرقی تاکستان .۲- تپه داکان: در جنوب جاده تاکستان.۳- تپه کندر: در روستای کندر، مربوط به دوران پیش از تاریخ تا دوره اسلامی. ۴- تپه الوند: در جنوب شرقی قریه الوند .

## دیدنی‌ها

- **برج سنگی با کتیبه کوفی:** این برج بر روی تپه‌ای در شمال شرقی قلعه ساسان از بخش طارم قرار دارد. خط کوفی این کتیبه از نظر زیبایی و ارزش‌های هنری، از زیباترین نمونه‌های خط کوفی تزئینی به شمار می‌آید.

-برج باراجین در ۱۲کیلومتری شمال قزوین واقع است .

- **روستای قدیمی هرزویل:** روستای قدیمی هرزویل در دامنه سرسبز دره‌ای زیبا، در نزدیکی دریاچه سد سفید رود با چشم‌اندازی فرحبخش و بی نظیر به ویژه دقایقی بعد از بارش باران و تشکیل رنگین‌کمان چشم هر بیننده‌ای را مجذوب خود می‌نماید. مصالح خانه‌های این روستا از چوب، کاه‌گل و سنگ لاشه می‌باشد که اکثراً دو طبقه می‌باشد، بطوریکه محوطه جلوی یک خانه، سقف خانه ی دیگری است. نمای زیبای این روستا، یادآور روستای دیدنی ماسوله در استان گیلان می‌باشد گردشگران و مسافران آن خطه پس از گذشتن از پل کوشان. چشم انداز کم نظیر روستای هرزویل را مشاهده خواهد کرد. این منطقه نظر هر گردشگری را جلب می‌نماید.

- **روستای گازرخان:** روستای گازرخان از روستاهای معروف ناحیه الموت است. بنایی است مرکب از یک مسجد و یک مقبره که در این روستا قرار دارد و ساخت آن را به قرن هفتم هجری نسبت می‌دهند که بر حسب کتیبه‌ای که هنوز برجاست، در سال ۸۵۲ هجری قمری بار دیگر تعمیر شده است.

- **قلعه تاریخی الموت:** این قلعه تاریخی بر فراز کوهی قرار دارد که اطراف آن را پرتگاه‌های مخوف و بریدگی‌های شگفت‌انگیز فرا گرفته است. این قلعه از ناحیه نرمه گردن (میان نرمه لات و گرمارود) شروع شده و به سمت مغرب ادامه یافته است. صخره‌های پیرامون قلعه که به رنگ سرخ و خاکستری می‌باشند، در جهت شمال شرقی کشیده شده‌اند. پیرامون دژ از هر چهار سو پرتگاه است و تنها راه دسترسی به آن، راه بسیار باریکی است که در جانب شمال آن قرار دارد. قلعه الموت را مردم محل «قلعه حسن» می‌نامند. این قلعه به دو بخش قلعه پایین و قلعه بالا تقسیم شده است،که در اصطلاح محلی، آن‌ها را «جورقلا و پیازقلا» می‌نامند.

طول قلعه الموت در حدود ۱۲۰ متر و عرض آن در نقاط مختلف بین ۱۰ تا ۳۵ متر متغیر است. گفته شده است که حسن صباح مدت ۳۵ سال در قلعه الموت اقامت داشته و پیرامون خود را رهبری می‌نموده است. نام قلعه الموت و سایر قلعه‌های اسماعیلیان با نام «حسن صباح» پیشوای این فرقه در ایران معروفیت یافته‌اند.

تاریخ بنای قلعه الموت در کتاب نزهت القلوب حمدالله مستوفی، ۲۴۶ه.ق ذکر شده است که هم زمان با خلافت المتوکل خلیفه عباسی می‌باشد. قلعه الموت از لحاظ تاریخی مورد توجه جهانگردان و گردشگران بسیار زیادی از خارج و داخل کشور و همه ساله

محققین بسیاری از آن بازدید می‌کنند.

**دُرفک بزرگ‌ترین دهانه‌ی آتشفشانی خاموش در ایران:** در مسیز قزوین ـ رودبار پس از عبور از شهر گنجه در سمت راست در مسافتی دور قله نسبتاً بلندی وجود دارد که تنها عرقچینی از آن خالی از درخت است. این عرقچین در ۹ ماه از سال خاکی و در سه ماه باقیمانده پر از برف است، درفک از سمت شمال به منطقه‌ی پهن دژ و از جنوب شرقی به منطقه‌ی دیلمان از توابع سیاهکل و اربناک نزدیک است.

درفک، دومین رشته کوه مهم منطقه شمال است که ۲۰۷۵ متر ارتفاع دارد.

رشته کوههائی که از کرانه‌های شرقی سفید رود با درفک آغاز و تا حوالی سرزمین‌های گرگان و استان مازندران ادامه می‌یابند و نیز رشته‌کوه‌های دیگری که از آذربایجان شرقی شروع می‌شوند و در غرب سفید رود خاتمه می‌یابند سلسله جبال شمالی البرز را تشکیل می‌دهند.

درفک دارای چشم‌اندازهای زیبا و منحصر به فردی است. آب و هوای این منطقه مانند آب و هوای مناطق همجوار خود دارای تابستان‌های معتدل و مرطوب و زمستان‌های ملایم است، به دلیل رطوبت ناشی از دریای خزر، تمام مناطق دارای درختان افرا، راش و توسکا هستند که تا ارتفاعات ۲۴۰۰ متری نیز مشاهده می‌شود.

**پهن دژ:** پهن دژ منطقه‌ای جالب و دیدنی است که نزدیک دهانه درفک قرار گرفته و ۷۰۰ متر عرض دارد. تعداد زیادی کلبه‌ی سنگی در این منطقه ساخته شده است زیرا ساکنین این محل به دلیل وجود سنگ خانه‌های خود را از سنگ می‌سازند. دامداری نیز حرفه‌ی اصلی مردم این منطقه را تشکیل می‌دهد.

**معبد منقوش زاغه:** از بناهائی که در لایه‌ی چهارم تپه‌ی زاغه‌ی دشت قزوین (حدود ۷۰۰۰ ق.م) واقع است و با توجه به آثار به دست آمده و تفاوت محسوس آن با دیگر ساختمان‌ها، نوعی مرکز اجتماعی یا بنای مذهبی و معبد را تداعی می‌کند که به سبب داشتن نقوش هندسی رنگارنگ و زیبائی که در نوع خود بی نظیر است، نام معبد منقوش زاغه را بر آن نهاده‌اند.

این بنا، هندسه‌ی منظمی ندارد و شکل مستطیل آن کشیدگی در جهت شرق و غرب دارد. ابعاد خارجی بنا در شمال ۱۱/۵ متر و در جنوب ۱۲/۱۵ متر و غرب ۷/۷۰ متر و دیوار شرقی ۷/۷۵ متر است. آتشدانی به شکل دایره و به قطر ۱۷۰ سانتی متر نزدیک‌تر به دیواره‌های شمالی و شرقی قرار دارد که احتمالاً برای اجرای مراسم و گرما زا آن استفاده می‌شده و اجاقی نیز در جبهه‌ی شمال غربی برای پخت غذا قرار داشته است. خشت‌های بنا دست ساز و بدون قالب ساخته شده‌اند و در نتیجه ابعاد یکسانی ندارند. طول و عرض آن‌ها متغیر است و به ابعاد ۲۵×۱۵ الی ۴۸×۲۶ سانتی متر بوده و ضخامت آن‌ها بین ۷ الی ۹ سانتی متر است. خشت‌ها معمولاً از یک جهت یا دو جهت دارای شیارهایی است که با انگشتان دست ایجاد شده‌اند و عمل ملات‌گیری را آسان می‌کند. برای تزئینات بنا از اندودهای مکرری استفاده شده است. پس از دیورا خشت یا چینه از لایه‌ی گل نرم و کاه ریز و خرده گیاه استفاه شده سپس رنگ آخری برای زمینه‌ی نقوش و سپس نوارهای خطی مشکی و سفید به پهنای ۶ الی ۸ سانت (۶ خط به ضخامت ۱ سانتی متر) به صورت کنگره در طول ۳۰ سانتی متر روی دیوارها کشیده شده است. برای تزئینات بیشتر

معبد از سر بزوهی استفاده شده که بیانگر اعتقادات محلی آن زمان می‌باشد. مهندس میترا آزاد ـ دکتر مجتبی انصاری ـ بنیاد ایران‌شناسی

**غار یخی:** غار یخی با ۱۰۰ متر طول در شمال درفک قرار گرفته است این غار ۴۰ متر عمق دارد و دارای دهانه‌ی ورودی بزرگی است. افراد منطقه به منظور تأمین آب به داخل غار رفته و پس از جدا کردن تکه‌ای بزرگ از یخ و برف در حالی که آن را بر روی سر خود گذاشته‌اند از غار خارج می‌شوند.

این یخ و برف در واقع آب شرب مردم را تشکیل می‌دهد زیرا به علت نوع خاک این منطقه که آب زمین‌ها را به درون خود می‌کشد اهالی با کمبود آب روبرو هستند و این راهی است برای جبران کم آبی.

**مسجد جمعه (جامع):** مجموعهٔ بناهای مسجد جامع کبیر قزوین که اهم آن از نظر قدمت و هنر باقیمانده، شبستان بی‌نظیری است از دوران سلجوقی، که بنام شبستان و گنبد خمارتاشی شهرت دارد، این شبستان و گنبد آجری آن در عداد زیباترین ابنیه قرن ششم هجری بشمار می‌رود. تزیینات گچبری و خطوط مختلف کوفی و ثلث ورقاع و ریحانی و نقش و نگارهای بدیع مارپیچی شکل آن شکوه خاصی به این شبستان تاریخی داده است. اهمیت این شبستان بیشتر از نظر پنج رشته کتیبه گچبری است که هر کدام از نظر حسن خط و شیوه کتابت دارای منزلت خاصی می‌باشد.

کتیبه شمالی شبستان معرف ساختمان آن به روزگار پادشاهی ملکشاه سلجوقی و به دست ابومنصور خَمّارتاشی عمادی است، و حاکی از این است که ساختمان شبستان و گنبد مدت هفت سال بطول انجامید (۵۰۷ ـ ۵۱۴ هجری قمری) در کتیبه دیگر سال پایان‌بنا ۵۰۹ هجری قمری ثبت شده است.

محراب اصلی این شبستان از دوران مغول می‌باشد. بنای اصلی ایوان مقابل شبستان و دو مناره آن از دوران سلجوقی و تزیینات کاشیکاری آن متعلق به دوره صفوی است. از زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی در این مسجد آثاری به نظر می‌رسد که مورخ به سال ۱۰۶۹ و ۱۰۸۰ هجری قمری می‌باشد.

**مسجد جامع کبیر:** مهمترین مسجد در قزوین و در سراسر ایران منحصر بفرد و بی مانند است. دارای سبک معماری عصر سلجوقی و عهد صفوی است. باگنبد و مناره‌های باشکوه، ایوانهای رفیع و گچ بریهای نفیس. شبستان مسجد مقصوره خمار تاشی نام دارد. با محرابی از سنگ مرمر صیقلی شده و با کاشیهای رنگارنگ زینت یافته. این مقصوره پنج کتیبه باگچ بری ظریف دارد که به خط ثلث، کوفی، کوفی مارپیچی، نسخ ثلث و نسخ کوفی تزئین شده است.

**مسجد و مدرسه سردار:** این بنا متعلق به دوره قاجار (۱۲۳۱ هجری) است بانی آن دو برادر بنام حسین خان و حسن‌خان سردار بودند. شکل مسجد مربع مستطیل و ساختمان آن دو اشکوبه، ازاره آن با سنگ و بقیه آن با آجر تراش ساخته شده و با کاشیهای رنگارنگ تزئین یافته است.

**مدرسه حیدریه:** گچبریهای نفیس این مسجد مانند گچبریهای مسجد جامع است و نشانگر تاریخ بنیان آن می‌باشد. منبر بزرگ آن در سال ۴۰۴ هجری از ری حمل شده است. ۵۱۳ هجری بر اثر زلزله خراب و در زمان امیر خمارتاش تجدید بنا گردیده است.

**مسجد النبی:** این مسجد از حیث مکان و از لحاظ

عظمت بنا، اسلوب ساختمان، استحکام بنیان و حسن سلیقه‌ای که در آن به کار رفته یکی از عظیمترین مساجد قزوین به شمار می‌رود. آغاز بنیان این مسجد را به دوره صفویه نسبت میدهند. این بنا در دوران فتحعلیشاه از نو ساخته یا مرمت گردیده است.

**آرامگاه حمدالله مستوفی:** حمدالله مستوفی مورخ و دانشمند و نویسنده دوره مغول که در سال ۶۸۰ هجری متولد گردید تألیفات مهم او منظومه ظفرنامه، تاریخ گزیده و نزهة القلوب می‌باشد. شکل ساختمان آرامگاه در قسمت پائین مربع و گنبد با کاشی فیروزه‌ای و شکل مخروطی بنا گردیده است.

**کاخ چهل ستون - موزه قزوین:** این عمارت در دوره صفویه یعنی زمانی که قزوین پایتخت بوده که به کلاه‌فرنگی معروف بوده این مکان کاخ شاهی بوده که شاه طهماسب صفوی بنای آن را از روی نقشه یک معمار ترک با اسلوب شطرنجی خیلی کوچک ساخته، و دارای پنجره‌های چوبی بسیار زیبا می‌باشد. دیوار کلیه اطاقها و راهروها دارای تصاویر زیبای نقاشی است.

**مسجد سنجیده:** مسجد مزبور کوچک است و طاق آن به شکل مخروطی است ارتفاع آن زیاد و از داخل مقرنس کاری کرده‌اند. گفته می‌شود که زمانی آنجا آتشکده بوده است.

**مسجد و مدرسه صالحیه:** بانی این مسجد و مدرسه شادروان (حاج سید صالح برغانی) یکی از علما و مجتهدین نامی نیمه قرن سیزدهم هجری است.

**پیغمبریه (چهار انبیاء):** مشهور است که این بنا مدفن چهار تن از انبیای خدا به نامهای سلام، سلوم، سهولی و القیا می‌باشد. داخل حرم که به صورت چهار گوش است مزار چهار انبیا و امامزاده صالح بن حسن است. دیواره داخل حرم از کاشی و سوره مبارکه جمعه به خط نسخ مرحوم شیخ علی سکاکی از هنرمندان و حکاکان بنام قزوین تزیین یافته است.

**عالی قاپو:** از بناهای مهم دوره صفویه در قزوین حیاط نادری است این مجموعه هفت در داشته است که عالی قاپو یکی از آنها است. که با کاشی کاریهای زیبا و خط ثلثی از علیرضا عباسی نقاش مشهور صفویه مزین شده است.

**مجموعه بازار:** مجموعه بازار با معماری جالب و قدیمی یکی از جاذبه‌های دیدنی قزوین است. در دوره صفویه این بازارها وسعت یافته و هر بازار به صنف خاص اختصاص دارد.

**بازار قیصریه:** قیصریه با طاقهای آجری و ارتفاع بسیار زیاد محل کار صنعتگران می‌باشد.

**بازار وزیر:** بنائی است دو طبقه که دارای حیاطی وسیع می‌باشد. چهار سمت آن حجره قرار دارد که حجره‌های طبقه بالا دارای درهای چوبی بسیار زیبا می‌باشد.

**حسینیه امینی‌ها:** مربوط به دوره قاجاریه که دارای سه تالار بزرگ به موازات هم با گچبری و شیشه کاری و دارای ارسی‌های زیبا می‌باشد و توسط محمد رضا امینی ساخته شده است.

**دروازه‌های قزوین:** در گذشته قزوین هشت دروازه بنامهای دروازه رشت - باغشاه - راه کوشک - تبریز ـ تهران - شیخ آباد ـ امامزاده حسین - خندق بار داشته است که امروزه تنها دو دروازه باقی مانده است.

**دروازه قدیم تهران:** مربوط به دوره قاجاریه می‌باشد که کاشیکاری آن در سال ۱۳۴۷ مرمت گردیده است.

**دروازه درب کوشک:** متعلق به سال ۱۲۹۶ هجری و در دوره حکومت عضدالدوله کاشیکاری شده است.

**گرمابه حاج محمد رحیم (صفا):** این بنا برابر کتیبه‌ای که به خط نستعلیق در بالای در ورودی نوشته شده (۱۲۵۹ هجری) و بانی آن حاجی حسن ابن حاجی عبدا... تبریزی است. در طرفین در ورودی دو سرباز در سنگ مرمر حجازی شده است. اطراف حوض داخل حمام با سنگ مرمر نفیس مفروش گردیده. چهار ظرف آب به شکل کاسه و کشکول از سنگ مرمر بر پشت چهار شیر که آنها نیز از مرمر ساخته شده‌اند نصب گردیده است.

**میمون قلعه:** بنایی از خشت که به میمون بن عون کاتب در قرن دوم هجری منسوب است و آثاری از برجهای هشت گانه آجری در اطراف دژ وجود دارد.

**امامزاده حسین (ع):** فرزند بلافصل امام هشتم حضرت رضا (ع) یکی از بقاع متبرکه‌ای است که علاوه بر مقدس بودن از حیث معماری و هنری بسیار قابل توجه است.

**امامزاده اسماعیل (ع):** این امامزاده پسر امام جعفر صادق (ع) است بقعه این بنا با آجر و روپوش و سطح آن کاشیکاری است.

**برجهای دوگانه خرقان:** در خرقان از دوره سلجوقی دو آرامگاه موجود است این دو آرامگاه گنبدهای آجری و دوپوشه دارد ارتفاع آنها ۱۵ متر و قطر هر یک از این بناها ۱۱ متر است. از اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی قزوین واحد ایرانگردی و جهانگردی.

برجهای دوگانه خرقان، خرقان در جنوب غربی قزوین واقع است و سرزمینی کوهستانی است و دارای دو دهستان به نامهای خرقان خاوری و باختری است که تشکیل یک بخش می‌دهد و مرکز آن شهر آوج است و کاروانسرائی از زمان شاه عباس دارد. در خرقان از دوره سلجوقی دو آرامگاه موجود است: آرامگاه اول دارای بدنه هشت ضلعی آجری است و دارای نقش و نگارهای آجری فراوان است، گنبد آجری دو پوشه‌ای نیز بر فراز آن است و درون آن گچبریهای زیبایی وجود دارد. ارتفاع این آرامگاه در حدود ۱۵ متر و قطر بنا ۱۱ متر است و طبق کتیبه کوفی که دارد ساختمان آن در سال ۴۶۰ هجری به پایان رسیده و با آرامگاه دوم قریب سی متر فاصله دارد. آرامگاه دوم از نظر ساختمان و تزئینات و شکل بنا شباهت زیادی به آرامگاه اول دارد و مطابق کتیبه کوفی آجری در سال ۴۸۶ بنا شده است. این آرامگاه نیز گنبد آجری دوپوشه دارد و مانند آرامگاه اول پلکان مارپیچی سطح بنا را به فضای خالی بین دوگنبد وصل می‌کند. به نظر می‌رسد که معمار هر دو بنا یک نفر باشد.

## مردم‌شناسی و آداب و رسوم

نژاد مردم شهر قزوین از نژاد اصیل آریائی هستند. آنها قرن‌های متمادی است که در این ناحیه سکونت گزیده و شهر نشینی را آغاز کرده‌اند. برخی از ساکنین نواحی استان، به جز افرادی که در قسمت الموت و کوهپایه زندگی می‌کنند، گروه‌های قومی دیگری هستند که به لحاظ سیاسی و موقعیت خاص جغرافیائی این منطقه و استفاده از امکانات آن،
در زمان مختلف از نواحی دیگر به این سرزمین آمده و در آن استقرار یافته‌اند. گروه‌های قومی ساکن در منطقه عبارتند از:

**کردها و لرها:** این گروه به احتمال زیاد در دوران شاه عباس صفوی به این منطقه کوچ کرده‌اند. برخی دیگر معتقدند که آن‌ها در زمان آقا محمد خان قاجار به این سرزمین آمده و مهاجرت آن‌ها تا سال ۱۳۱۰ هجری شمسی ادامه داشته است.

**شاهسون‌ها:** به اعتقاد «هانری فیلد» مؤلف کتاب «مردم‌شناسی ایران»، قبایل شاهسون ـ از نژاد ترک ـ در اواخر قرن هجدهم میلادی به این ناحیه کوچ کرده‌اند.

**تات‌ها:** این نژاد که تحقیقات جامعی بر روی آن‌ها صورت نگرفته است ظاهراً جزء اولین گروه‌های مهاجر آریائی در این منطقه هستند.

**مراغی‌ها:** در چند روستای بخش «رودبار الموت» و «رودبار شهرستان» مردمانی با زبان و اعتقادات خاص زندگی می‌کنند. آن‌ها مهاجرانی هستند که از منطقه‌ی «مراغه» به این مکان کوچ کرده‌اند.

## بررسی ساختمان فعل در گویش «تاتی» تاکستان و منطقهٔ بوئین زهرا

تاتی زبانی ایرانی است که دارای پیشینه و قدمت تاریخی بوده و از لحاظ زبان‌شناسی قابل بحث و بررسی می‌باشد. با توجه به اهمیت این زبان، آن گونه که شایستهٔ پژوهش بوده مورد کنکاش و بررسی قرار نگرفته است و از این رو نگارنده چون خود یک تات زبان است، بر خود لازم دانسته که پژوهشی جهت شناساندن این زبان کهن و باستان ارائه نماید.

با توجه به اینکه زبان پیشینهٔ کهن تاتی جزء یکی از زبان‌های اصیل ایرانی بوده و با گیلکی و کردی و تالشی و لُری و مازندرانی هم ریشه بوده،

**«تات»ها در تاکستان و بوئین زهرا:** تاتی یکی از کهن‌ترین زبان‌های ایرانی است که به لحاظ زبان‌شناسی، ارزش و اعتبار خاصی دارد. بیشترین آمار جمعیتی تات‌های ایران متعلق به دو شهرستان کهن تاکستان و بوئین زهرا می‌باشد. تاکنون هیچ آمار رسمی در مورد تات‌های این دو منطقه ارائه نشده.

تات‌های این منطقه که به تات‌های جنوب شهرت یافته‌اند، در شهرها و روستاهای زیر زندگی می‌کنند:

- در شهرستان تاکستان، شهر تاکستان، و در بخش اسفرورین، شهر اسفرورین و روستای قرقسین، تات زبان اند.
- در شهرستان بوئین زهرا، شهرهای شال، دانسفهان، و روستاهای خیارج، خوزنین، خروزان، ابراهیم آباد، و سگز آباد و... تات زبان اند.

به طور کلی زنجیرهٔ مناطق تات نشین از شهر تاکستان شروع شده و به سمت جنوب و جنوب شرقی ادامه می‌یابد و در نهایت در شهرستان بوئین زهرا به روستای تاریخی سگزآباد ختم می‌شود.

**زبان:** زبان‌های رایج در استان قزوین عبارتند از: فارسی، تاتی، مراغی، کردی، لری، ترکی و رمانلوئی.

زبان رایج مردم شهر قزوین و نیز بیشتر ساکنین بخش‌های شرقی این استان، «فارسی» است. در محله‌های بافت قدیم شهر، سه گویش «راری‌ای» و «گوی میدانی» در میان مردم متداول است. به جز زبان «مراغی» که در همه روستاهای مراغی نشین این استان به یک شکل گویش می‌شود، سایر زبان‌ها بسته به شرایط اقلیمی و نیز تحت تأثیر زبان‌های همسایه، دارای گویش‌های متفاوتی هستند. زبان شناسان زبان «تاتی» را از خانواده زبان مادی باستان به شمار می‌آورند. در

چند روستای قزوین که ساکنان آن را کولی‌ها تشکیل می‌دهند، زبان «رمانلوئی» رایج است. برخی بر این اعتقادند که اهالی این روستاها، از کشور رومانی به این مکان نقل مکان کرده‌اند.

در قسمت غربی «الموت»، زبان «تاتی» رایج است. به دلیل همجواری این ناحیه با استان مازندران، زبان ساکنین این منطقه با اصطلاحات زبان «طبری» همراه است. این زبان در قسمت شرقی الموت همجوار با استان گیلان، دارای اصطلاحات گیلکی است.

**دین:** پیش از ورود اسلام به این منطقه، دین مردم این استان زرتشتی بود؛ تا جائی که گفته می‌شود، بنای اولیه‌ی نخستین مسجدهای شهر قزوین بر روی آتشکده‌ها ساخته شده است. بعد از اسلام تا زمان آغاز حکومت صفویه در قزوین، تسنن در قزوین به سرعت رو به گسترش نهاد و امروزه مذهب عموم مردم این استان، شیعه‌ی دوازده امامی است.

در حال حاضر چند خانواده‌ی آسوری، ارمنی و زرتشتی نیز در قزوین ساکن هستند. در گذشته تعداد مسیحیان در این منطقه بیشتر بود و دارای سه کلیسا در قزوین بوده‌اند.

**فرهنگ عامه:** دشت قزوین به لحاظ آب و هوا و موقعیت خاص جغرافیائی ـ به عنوان یک شاهراه ارتباطی بین مناطق مختلف کشور ـ از گذشته‌های بسیار دور همواره مورد توجه اقوام و طوایف مختلف بوده است ؛ تا جائی که بر اساس نتایج حاصل از کاوش‌های علمی در پایگاه‌های تاریخی دشت قزوین، قدمت سکونت و یک جانشینی در این منطقه به بیش از هفت هزار سال می‌رسد. این پیشینه‌ی تاریخی کهن و رفت و آمد اقوام مختلف در طول تاریخ، باعث ایجاد تنوع فرهنگی بسیار گسترده در این منطقه شده است. این تنوع زمانی زیباتر و گسترده‌تر می‌شود که دو منطقه‌ی «الموت» و «تارم» را نیز به آن اضافه کنیم.

**جشن نوروز:** عید نوروز چون به عنوان روز آغازین سال محسوب می‌شود، جایگاه ویژه‌ای در باورها و اعتقادهای مردم ایران دارد.

مردم استان قزوین مانند دیگر مردم ایران، از اوایل اسفند ماه خود را آماده‌ی برگزاری سال نو می‌کنند. آن‌ها همراه خانه تکانی و نظافت، به خانه تکانی دل‌های خود می‌پردازند و به میمنت حلول سال نو و فرارسیدن نوروز، کینه‌ها و کدورت‌ها را از دل می‌زدایند و به دیدار یکدیگر می‌روند.

در هنگام تحویل سال، اعمال خود را در سال گذشته مرور کرده و با توجه به آن، برای سال آینده‌ی خود برنامه ریزی می‌کنند. در روز عید، با چیدن سفره‌های رنگین، درهای خانه‌های خود را به روی میهمانان می‌گشایند. آن‌ها در سفره‌های پارچه‌ای قلم کار و ظروف رنگارنگ بلوری، انواع شیرینی‌ها خانگی، انجیر و آلبالوی خیس شده، نخود و کشمش، نقل و نوعی توت که با خمیر پودر پسته و بادام درست می‌کنند، می‌چینند و به میهمانان تخم مرغ رنگ شده (با پوست پیاز) عیدی می‌دهند.

امروزه از روز اول عید، مراسم عید دیدنی با دیدارهای خانوادگی آغاز می‌شود. کوچک ترها به دیدار بزرگ ترها می‌روند. همه دید و بازدیدها باید تا قبل از سیزده بدر انجام گیرد.

در گذشته روز اول عید به کودکان اختصاص داشت. آن‌ها به تنهائی به دیدار بستگان خود می‌رفتند. در روزهای بعد، این بزرگ ترها بودند که به دید و بازدید می‌پرداختند. در گذشته وقتی دوشیزگان به دیدار بزرگی می‌رفتند، با خود

گلابپاچی می‌برند و در دست آن‌ها گلاب می‌ریختند و آن‌ها نیز گلاب را به صورت خود می‌زدند.

**چهار شنبه سوری (کُل چهارشنبه یا کُله چهارشنبه):** هنگامی که «مختار ثقفی» تصمیم گرفتن بر علیه حکومت بنی امیه قیام کند، با یاران خود قرار گذاتش در شب آخرین پنج شنبه سال شورش کنند. چون نقشه‌ی آن‌ها لو رفت، او تصمیم گرفتن تا نقشه‌ی خود را یک شب زودتر پیاده کند. از این رو، به اطرافیان خود گفت در شب چهار شنبه بر روی پشت بام خود آتش روشن کنند تا همه متوجه قیام شده و قیام کنند. مردم نیز به حمایت از او بر بام منازل خود آتش افروختند. از ان به بعد، با پاس بزرگداشت این اقدام، در شب چهار شنبه آخر هر سال ایرانیان در حیاط یا بام منازل خود آتش می‌افروزند. هر چند این داستان افسانه‌ای بیش نیست، ولی نشان دهنده‌ی نماد آتش در میان ایرانیان باستان است. در قزوین نیز در این شب آتش روشن می‌کنند. آن‌ها معتقدند کوپه‌های آتش حتماً باید تاق (تک) باشد. در این شب، هیچ چیز از لوازم منزل را به امانت نمی‌دند و اگر هم بدهند به جای آن، چیزی دیگری را گرو می‌گیرند. همچنین مواظبند تا در این شب چیزی شکسته نشود، چون آن را خوش یمن نمی‌دانند. در شب چهارشنبه سوری همچنین مراسم قاشق زنی نیز انجام می‌شود.

**سیزده بدر:** در روز سیزده بدر، مردم به دامان طبیعت پناه می‌برند، به هنگام ناهار، معمولاً چندین خانوار یک سفره بزرگ می‌گسترانند و غذاهائی را که هر یک از منزل آورده‌اند را در آن می‌چینند. پس از خوردن ناهار، به سرگرمی و بازی می‌پردازند و نیز رسم بر این است تا هرکس به کنار روز برود و هفت سنگ کوچک را به نیت رفع و دفع هفت بلا و بیماری به داخل آب پرتاب کند و دوشیزگان برای گشایش بخت خود سبزی‌ها راگره بزنند و این شعر را زمزمه کنند:

سیزده بدر / سال دگر
خانه‌ی شوهر / بچه بغل

در پایان، سبزه‌های خود را در آب می‌اندازند و به خانه‌های خود بر می‌گردند.

**جشن انار:** مردم بخش «تارم» در اواخر شهریور یا اوایل مهر ماه، در یک روز معین که از پیش تعیین می‌شود، دسته جمعی به مزارع انار می‌روند و با نواختن دایره یا سرنا و دهل، شروع به چیدن انار می‌کنند. تا قبل از این روز کسی حق ندارد اناری بچینند.

**جشن فندق:** فندق یکی از محصولاتی است که هم جنبه‌ی صنعتی و هم مصرف خوراکی دارد. «رودبار شهرستان» از جمله مناطقی است که بیشتر به کشت فندق اختصاص دارد. در بسیاری از روستاهای این ناحیه، در اواسط مرداد ماه جشن فندق برپا می‌کنند. در این روز، اهالی روستاها مانند جشن انار چینی همه با هم به مزارع می‌روند. در ابتدا شخصی به خواندن اشعاری بیشتر به صورت بداهه می‌پردازند و دیگران اشعار او را تکرار می‌کنند. سپس همه شروع به چیدن فندق می‌کنند. دوشیزگانی که نامزد شده‌اند. برای همسران هود از هسته‌ی فندق گردنبند درست می‌کنند: آن‌ها تا زمانی که هسته هنوز خشک نشده، هسته‌ها را با سوزن سوراخ کرده و نخ از آن می‌گذرانند و در پایان دو سر نخ را به هم گره می‌زنند. این گردنبد را «گلوانه» می‌نامند و آن را در فصل زمستان به شوهرانشان هدیه می‌دهند.

**جشن تیرگان (تیر ماه سیزده):** این جشن که

همان جشن تیرگان ایران باستان است، در روز سیزدهم تیرماه برگزار می‌شود. بدین ترتیب که شخصی که او را خوش قدم می‌دانند، صبح زود به خانه دعوت می‌شوند تا با اکه چوبی از درخت «داغ داغان» (ته دانه) به کیسه‌های گندم، آرد و حبوبات ... بزنند تا اصطلاحاً به آن‌ها برکت بدهد. همچنین او با همان چوب به اعضای خانواده هم می‌زند تا سلامت بمانند. در حین انجام این مراسم کسی نباید صحبت صحبت کند، زیرا جریمه می‌شود. در شب تیرماه سیزده، مراسم شال اندازی نیز انجام می‌شود. در روز تیرماه سیزده پا چیدن آب به یکدیگر را خوش یمن می‌دانند.

**ازدواج: خواستگاری:** پس از این که دختری به خانوادهٔ داماد معرفی شد، ابتدا مادر و چند تن از خانم‌های خانوادهٔ داماد به دیدن آن دختر می‌روند. اگر دختر را بپسندند، در جلسهٔ بعد داماد را هم با خود می‌برند. در آن جلسه، اگر داماد دختر را پسندید، مادر او هدیه‌ای را که به آن «نشانه» می‌گویند، به خانوادهٔ دختر می‌دهد.

**شیرینی خوران (بله بران):** در صورت پسند هر دو طرف، جشنی در خانهٔ عروس می‌گیرند. در آن روز زمان عقد و عر وسی، مقدار مهریه و شیربها (باشلق) توسط بزرگترهای دو طرف تعیین می‌شود.

**عقد کنان:** در روز عقد کنان، خانوادهٔ داماد با توجه به تعداد میهمانان شیرینی، میوه و دیگر چیزها را با خنچه به خانهٔ عروس می‌فرستند. پس از آن خطبه عقد جاری می‌شود و آن دو به صورت رسمی به همسری یکدیگر در می‌آیند.

**جهازبران:** خانوادهٔ عروس بعد از آماده کردن جهاز، صورت کاملی از آن تهیه می‌کنند و در روز معینی، آن‌ها را در خنچه‌ها چیده و به خانهٔ داماد می‌برند.

**حنابندان:** مراسم حنا بندان مفصل‌ترین بخش عروسی به حساب می‌آید. در این شب ابتدا حنا از طرف خانوادهٔ داماد به خانهٔ عروس و سپس از طرف خانوادهٔ عروس به خانهٔ داماد برده می‌شود. همه این مراسم همراه با رقص و پایکوبی است.

**آستانه بوسان:** صبح روزی که در شب آن مراسم عروسی انجام خواهد شد، داماد به همراه دو ساقدوش به خانهٔ عروس رفته، در می‌زند ولی وارد خانه نمی‌شود. پدر و مادر عروس گوسفندی را که از پیش آماده کرده‌اند، جلوی در خانه، در برابر پای داماد خود قربانی می‌کنند و داماد هم چهار چوب در را می‌بوسد.

**عروس بران:** یا شب عروسی با حضور مطرب‌ها و نوازندگان شور و حال خاصی می‌گیرد. بعد از ظهر روزِ جشن عروسی، عده‌ای از ندیکان داماد به همراه او برای عروس به خانهٔ آن‌ها می‌روند. داماد در میان در ساقدوش با دسته گلی به خانهٔ عروس وارد می‌شود.

بعد از پذیرائی از میهمانان، داماد به اتاق عروس می‌رود و دسته را به او هدیه می‌کند. سپس، یک پسر بچه نابالغ از سوی خانوادهٔ داماد، به اتاق عروس می‌رود تا کمر عروس را ببندد. این کار به وسیلهٔ یک روبان یا روسری انجام می‌گیرد. او باید سه بار این روسری یا روبان را از کمر عروس بیندازد و از پشت پای او در بیاورد. پسر بچه در حین انجام این کار می‌گوید: «هفت تا پسر یکی دختر» و با مشت ضربه‌ای آرام به پشت عروس می‌زند. پس از انجام این مراسم از سوی خانوادهٔ عروس هدیه‌ای به پسر بچه می‌دهند. بعد پدر عروس می‌آید و دست عروس

و داماد را در دست یکدیگر می‌گذارد. سپس همه همراه عروس به خانه‌ی داماد می‌روند. بعد از پذیرائی و شادمانی، میهمانان خانه‌ی داماد را ترک می‌کنند.

**پا تختی یا سربندان:** صبح روز بعد از جشن عروسی، فامیل داماد برای خوردن صبحانه و دادن رونما به عروس به اتاق عروس می‌روند. عروس با چای و شیرینی از آن‌ها پذیرائی می‌کند و آن‌ها نیز هر یک به عنوان رونما مبلغی در بشقاب می‌گذارند. در این روز جشنی در خانه‌ی داماد بر پا می‌شود که فقط خانم‌ها در آن شرکت دارند. هر یک از شرکت کنندگان هدیه‌ای برای عروس می‌آورند.

**کوسه گلین (کوسن گلین):** اهریمن خشکسالی همواره یکی از قدیمی‌ترین دشمنان ایران زمین بوده است. ایرانیان برای مبارزه با این دیو، علاوه بر کارهای عملی چون حفر قنات و ساخت آب انبار، دست به یک سری مناسک اعتقادی نیز می‌زدند که مراسم «کوسه گلین» از آن نوع است. این مراسم در منطقه‌ی قزوین به چند شیوه اجرا می‌شود. یکی از شیوه‌های اجرای آن بدین شرح است:

پیر زنی با پارچه و لباس‌های کهنه عروسکی کوچک درست می‌کند. او عروسک را به دست گرفته و در کوچه‌های و خیابان‌ها حرکت می‌کند. بچه‌ها نیز پشت سر، او را همراهی می‌کنند. آن‌ها به در هر خانه که می‌رسند، صاحب خانه چیزی از وسایل تهیه‌ی آتش مانند نخود، رشته و ... به آن‌ها می‌دهد. با این مواد آش می‌پزند و آن‌ها را بین اهالی محل تقسیم می‌کنند. آن‌ها معتقدند که پس از گذشت چندی از این مراسم، باران خواهد آمد. این رسم را در سال‌هایی که خشکسالی بوده، برگزار کرده‌اند.

**سوگواری ماه محرم:** هر ساله با آغاز ماه محرم، مردم مناطق مختلف استان قزوین نیز مانند سایر هموطنان با شیوه‌های خاص خود به سوگواری سید شهدا می‌پردازند.

## اعتقادها و باورها

**قزوینی‌ها:** ـ شب خانه را جارو نمی‌کنند چون اعتقاد دارند برکت خانه می‌رود.

ـ روز سیزده بدر زنانی که از داشتن اولاد محرومند، با قیچی سبزی‌ها را می‌چینند.

**مراغی‌ها:** ـ مراغی‌ها اعم از زن و مرد و بچه، پا برهنه را ه رفتن راگناه بزرگی می‌دانند.

ـ مراغی دختر به غیر از مراغی نمی‌دهند و نیز غیر از خودی دختر نمی‌گیرند.

ـ مراغی‌ها تعدد زوجات را کفر می‌دانند و اگر مردی دو زن اختیار کند او را از میان خود طرد می‌کنند.

**ترک‌ها:** ـ به هنگام بارش تگرگ، اگر اولاد اول یک دانه از تگرگ‌ها را بخورد، بارش آن قطع خواهد شد.

ـ اگر دو نفر در یک محل در یک روز فوت کنند، به همراه آن دو نفر یک مرغ نیز دفن می‌کنند.

ـ خانم‌ها هنگام بازگشت از مراسم تدفین، نباید مستقیم به خانه‌ی خود بروند. آن‌ها اول باید به منزل کسی دیگری بروند و پس از چندین ساعت به منزل خود باز گردند.

ـ اگر زنی که بچه دوقلو دارد، گلوی کسی راکه درد می‌کنند بمالد ـ به اصطلاح گلوی آن را بردارد ـ آن شخص بهبود خواهد یافت.

ـ اگر هوا هم آفتابی باشد و هم باران و هم برف ببارد، عروسی گرگ‌ها است.

**ادبیات شفاهی:** استان قزوین محل سکونت

اقوام مختلف است و هر یک از این اقوام ادبیات شفاهی خاص خود را دارد. تا پیش از گسترش فرهنگ رادیو و تلویزیون، این ادبیات سینه به سینه بین مردم منتقل می‌شد. در گذشته این ادبیات با زندگی روزمره عجین بود تا جائی که برای تمام مراحل زندگی اشعاری متناسب با آن زمان و توسط مردم زمزمه می‌شد. از قبیل انواع لالایی‌ها، ترانه‌های شیر دوشی، مشک زنی، ترانه‌های عروسی و روحوضی، ترانه‌های بازی و انواع سوگواره‌ها.

بخشی از ادبیات مردم این منطقه با احساسات و اعتقادات آن‌ها عجین گشته است. مانند انواع مراثی که در ایام سوگواری پیشوایان دینی و همچنین انواع مجالس تعزیه خوانی که به مناسبت‌های مختلف توسط خود مردم اجرا می‌شد. امروزه بسیاری از مردم مناطق مختلف این سرزمین، به ویژه ساکنین بخش کوهپایه و خود شهر قزوین، از این لحاظ غنی بوده و بسیاری از سالخوردگان این خطه، مجالس را در سینه‌های خود حفظ نموده‌اند.

داستان «عزیز و نگار» داستان بسیار دلکش و عاشقانه‌ای است که به صورت نظم و نثر توسط نقالان منطقه‌ی کوهستانی قزوین برای سرگرمی مردم در روزهای سرد زمستانی روایت می‌شود و همچنین افسانه «نبرد حنفیه، برادر حضرت علی (ع) با دیو سفید» را می‌توان از مهم‌ترین داستان‌های شفاهی منطقه‌ی قزوین به حساب آورد.

**موسیقی:** موسیقی رایج در شهر قزوین تفاوت چندان با موسیقی دستگاهی ایران ندارد. در گذشته، این آوازها و دستگاه‌ها در مکتب‌های متفاوت از جمله «مکتب خراسان»، «مکتب تهران» و ... اجرا می‌شد. در آن زمان، مکتب دیگری تحت عنوان «مکتب قزوین» وجود داشت که امروزه فراموش شده است. این مکتب تا اواخر دوران قاجاریه رایج بود. در آن زمان، اقبال سلطان ملقب به «اقبال آذر» که از اساتید مسلم آواز ایران به حساب می‌آید. از قزوین به شهر تبریز مهاجرت کرد و در آن جا با تلفیق این شیوه آوازی و موسیقی آذری، «مکتب تبریز» را پایه گذاری می‌نماید.

در مناطق دیگر استان قزوین، موسیقی «مقامی» رایج است. بیشترین کاربرد مورد استفاده عبارتند از: سرنا، دهل، دایره و گاهی نی.

مقاماتی که در هنگام مراسم عروسی نواخته می‌شوند عبارتند از:

**قاسم آبادی:** برای رقص قاسم آبادی نواخته می‌شود.

**هوبل بانو:** برای نوعی رقص دسته جمعی نواخته می‌شود.

**شیرین لیلی:** آهنگی است برای نوعی رقص به همین نام.

**هینَبا:** برای نوعی رقص دسته جمعی است.

**ساز غم:** هنگام بردن عروس از منزل پدرش نواخته می‌شود و سوزناک است.

**رایی:** نوعی آهنگ که هنگام چوب بازی نواخته می‌شود.

**سوزه سوز:** برای نوعی رقص جمعی با همنی نام نواخته می‌شود.

**شتر برخیزان:** نوازندگان موسیقی محلی منطقه پس از آن که مدت زیادی از زمان نواختن یک قطعه می‌گذرد، با نواختن قطعه‌ی شتر برخیزان مجدداً به مقام اول بازگشته، آن را دوباره تکرار می‌کنند و یا مقام دیگری را آغاز می‌کنند.

در مناطق مختلف این استان، تعزیه خوانی نیز رواج دارد و در آن بیشتر گوشه‌های موسیقی دستگاهی اجرا می‌شود. تعزیه خوان‌ها بدون آن که اطلاعی از نام دستگاه‌ها و گوشه‌ها داشته باشند، شیوه‌های خواند را سینه به سینه از پدران خود آموخته‌اند.

**بازی‌ها**

**چوب جنگ:** در بیشتر روستاهای استان قزوین، یکی از سرگرمی‌های جوانان در روز عروسی «چوب جنگ» است. جوانان چوب به دست می‌رقصند و به طور نمایشی به مبارزه با یکدیگر می‌پردازند.

**کُشتی پهلو به پهلو:** این نوع کُشتی که از قدیمی‌ترین انواع کشتی است، در مراسم عروسی انجام می‌شود: دو نفر پهلوی هم به پشت می‌خوابند و پاهای خود را (دو پای مخالفی که در کنار یکدیگر است) به هم گره زده و شروع به زور آزمائی می‌کنند. شخصی که قوی‌تر است، پای رقیب خود را زودتر از زمین بلند کرده و حریف خود را از جا حرکت می‌دهد. متأسفانه این کشتی امروزه به فراموشی سپرده شده است.

**پوشاک:** با توجه به فرهنگی این استان، هر گروه از مردم بسته به وضعیت فرهنگی خود از پوشش خاصی استفاده می‌کرد. البته شرایط اقلیمی و آب و هوائی در نوع این پوشش نقش به سزائی داشته است.

**پوشاک مردان:** استفاده از کلاه در گذشته بین مردان بسیار متدوال بود و هر شخص به فراخور شغل و نیز وضعیت اقتصادی خود از یک نوع کلاه استفاده می‌کرد.

**پیراهن‌ها** معمولاً به رنگ سفید و ساده و تکمه یقه‌ی آن بر شانه‌ی چپ بسته می‌شد و در میان سینه‌ی چپ، از شانه تا زیر سینه، چاکی داشت. پس از آن پیراهن‌هایی با یقه‌های بلند به نام یقه «قزاقی» متداول شد و سپس یقه «ملائی» جای آن را گرفت. یکی دیگر از تن پوش‌های مردان قزوینی «ارخالق» بود. ارخالق پیراهن جلو باز بسیار بلندی بود که تا انتهای پا می‌رسید و یقه‌ی آن ایستاده بود. در ناحیه‌ی کمر تنگ و دامن آن بسیار گشاد بود و در دو پهلو، دو چاک بلند تا کمر داشت.

**شلوار** افرد کم درآمد، از جنس کرباس و به رنگ آبی یا مشکی بود. این شلوارها بلند و گشاد و در لیفه آن بند بود. بند تنبان از نخ پنبه بافته می‌شد. اشخاص اعیان شلوارهای دکمه دار می‌پوشیدند.

**پاپوش** اغلب مردان در گذشته گیوه بود. این گیوه‌ها «جوراب» و «آجیده» نامیده می‌شد و در فصل تابستان مورد استفاده قرار می‌گرفت. اشخاص اعیان گیوه‌های بسیار ظریف و مرغوب‌تری می‌پوشیدند که به گیوه‌ی «ملکی» معروف بود.

سایر پوشش‌های مورد استفاده‌ی مردان این استان عبارت بود از: سرداری، عبا، چوقا، پوستین جلیقه، پوسیتن آستین دار، کوهَنَک کوله جُـد، قدک، دون، قبای مراد بیگی و ....

**پوشاک زنان:** در گذشته زنان قزوینی زیر پیراهن خود «شلیته» می‌پوشیدند. به طوری که شلینه به اندازه‌ی یک وجب و یا حتی کمتر از دامن آن‌ها بیرون می‌آمد. جنس پارچه‌ی آن اغلب ململ، چیت و کرباس بود و در انواع ساده، گل دار و یا مشکی انتخاب می‌شد. جوانان اغلب روی شلیته‌های خود را با نخ‌های رنگی گلدوزی می‌کردند. شلیته گلدار جوانان دارای سجاف پهن بود. برخی دیگر از شلیته‌ها به جای سجاف لیفه

داشت. شلیته لیفه دار از پارچه ضخیم و سنگین مانند مخمل، ترمه، تافته ابریشمی و ... دوخته می‌شد.

معمولاً قسمت پائین شلیته را با دست دوخته و آن را به حالت تزئینی در می‌آوردند که به آن «دالبر» و «دندان موشی» می‌گفتند.

«یل» و «نیم تنه» قزوینی که حدوداً صد سال پیش در بین اعیان متداول بود، از پارچه ترمه با آستری از پارچه تافته کرم رنگ تهیه می‌شد. در قسمت جلوی آن، هجده دکمه فلزی پی در پی می‌دوختند.

زنان در زیر شلیته‌های خود شلوارهای مشکی می‌پوشیدند، دمپای این شلوارها تنگ و بالای آن شاد بود و آن‌ها را با بند تنبان می‌بستند.

**پاپوش** زنان نیز به فراخور وضع مالی خانواده، دارای انواع مختلف بود. در تابستان گیوه‌های ظریف می‌پوشیدند. زنان اعیان نیز از کفش‌های چرمی مدل روز استفاده می‌کردند.

سایر پوشش‌های مورد استفاده زنان این منطقه عبارت بود از: کویینگ، جومه، کراس، شگ، کول چوقا، قرقره تمبون، اوزون تنبون و ....

**خوراک**

استان قزوین نیز مانند سایر استان‌های کشور دارای انواع غذاهای سنتی است که برخی از آن‌ها در مناسبت‌های ویژه و تعداد بسیاری نیز به شکل عادی در طی سال تهیه می‌شود.

برخی از غذاهای استان قزوین عبارتند از: «قیمه نثار» که در میهمانی‌های رسمی و عروسی‌های تهیه می‌شود و گاهی هم شیرین پلو جای آن را می‌گیرد، «قیمه» در مجالس عزا، «دم کباب» یا «قیمه آب دار» در هنگامی که زوار از زیارت باز می‌گردند، «دیماج» برای روز پنجاه بدر، «خاگینه» برای عروس و داماد در صبح روز پاتختی، «رشته پلو با ماهی» برای شب عید نوروز، «سبزی پلو ماهی دودی» برای شب چهارشنبه سوری و روز سیزده بدر، «کله پاچه» برای افطار روز بیست و هفتم ماه رمضان (روز قتل ابن ملجم) و «آش شعله قلمکار» که معمولاً در روز بیست و هشتم صفر به صورت نذری امام حسن مجتبی (ع) پخته می‌شود.

سایر غذاهای این استان که در طول سال تهیه می‌شود عبارتند از: انواع آش (آش آلو، آش دوغ، آش رشته، آش شیرین، آش دندان کشه، آش شیر برنج و ...)، یتیمچه، آبگوشت، ماش پیاز، اشگنه و .... ـ ازکتاب سیمای میراث فرهنگی استان قزوین، گردآوری: میراث فرهنگی قزوین

**اقتصاد:**

## برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی قزوین

غلات هکتار/ تن (گندم ۱۶۶۱۵۵، ۳۵۳۶۱۸- جو ۲۵۹۹۳، ۵۹۳۰۸- شلتوک ۳۴۹۵، ۱۲۳۹۴- ذرت دانه‌ای ۶۷۸۱، ۴۷۷۵۹)

حبوبات هکتار/ تن (نخود ۶۷۸۶، ۲۳۰۵- لوبیا ۹۸۱، ۱۳۱- عدس ۲۰۶۷۷، ۶۶۸۴)

محصولات صنعتی هکتار/ تن (پنبه ۹۳۴، ۲۱۳۹- چغندرقند ۲۹۰۰، ۷۲۳۱۵- کلزا ۸۵۰، ۱۶۳۴)

سبزیجات هکتار/تن (سیب‌زمینی ۳۸۷۷، ۸۸۳۰۴- پیاز ۳۵۸، ۱۱۴۶۲- گوجه‌فرنگی ۶۸۵۰، ۲۴۳۳۵۷)

محصولات جالیزی هکتار/ تن (خربزه ۴۹۰۵، ۱۴۷۳۶۴- هندوانه ۲۰۱۹، ۴۴۵۱۰- خیار ۷۰۳، ۱۰۳۹۰)

نباتات علوفه‌ای هکتار/ تن (یونجه ۲۰۷۲۳، ۱۶۵۵۸۳)

**محصولات:** میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی، به. میوه‌های هسته دار: آلبالو، گیلاس (تک دانه مشهد، زرد

دانشکده)، گوجه، آلو، هلو، زردآلو و قیسی، شلیل، آلو قطره طلا. میوه‌های دانه ریز: انگور (بیدانه کشمشی، عسگری، شاهرودی، یاقوتی)، توت درختی. میوه‌های خشک: پسته (اوحدی، احمدآقایی، اکبری، کله قوچی)، بادام، گردو، فندق، سنجد. میوه‌های سردسیری: زالزالک، زغال اخته. میوه‌های نیمه گرمسیری: انجیر، انار، خرمالو، زیتون. زعفران، گلستان، غیرمثمر.

**صنایع قزوین:** محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۵۳۶ واحد)، ساخت منسوجات (۳۵۵ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۸۳ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۱۹۸ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۷۸ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۷۴۲ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۶۲۲ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۱۶۳ واحد)، ساخت ماشین آلات و تجهیزات (۳۷۰ واحد)، بازیافت (۱۰ واحد). روغن هیدرولیک (۱۴)، تالک (۱)، روغن صنعتی (۱)، کنسرو ماهی ساردین (۶)، شیر پاستوریزه (۵)، ماست پاستوریزه (۳)، آرد غلات (۵)، انواع کیک و بیسکوئیت و کلوچه (۸)، شکر از چغندر قند (۱)، بسته بندی شکر (۷)، قند از شکر (۴)، ماکارونی (۴)، تصفیه‌ی روغن سوخته (۱)، نخ پنبه‌ی پلی استر (۲)، فرش ماشینی (۳)، کاغذ چاپ و تحریر (۱)، انواع روغن‌های حاصل از تصفیه‌ی نفت (۱)، روغن موتور (۳).

**صنایع دستی:** قالیبافی، گلیم بافی، منبت کاری، معرق کاری، سفالگری. ـ سازمان صنایع دستی

## فرهنگی ـ دانشگاهی

**دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین:** در سال ۱۳۶۳ سنگ بنای دانشکده از طریق مشارکت مردمی گذاشته شد. در سال ۱۳۷۰ دانشکده علوم پزشکی به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ارتقا یافت ـ دولتی

## موزه

موزه‌ی چهلستون قزوین (قزوین) ـ موضوع: معماری، تاریخی ـ سازمان میراث و فرهنگی کشور ـ تأسیس ۱۳۳۶، بنا صفویه

موزه‌ی حیات وحش (قزوین) ـ موضوع: تاریخ طبیعی ـ سازمان حفاظت محیط زیست ـ تأسیس ۱۳۸۰

مسجد جامع عتیق (قزوین) ـ موضوع: معماری، معماری ـ سازمان میراث و فرهنگی کشور ـ تأسیس دوره‌ی سلجوقی

آب انبار سردار (قزوین) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث و فرهنگی کشور ـ تأسیس: بنا قاجاریه

آرامگاه حمدالله مستوفی (قزوین) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ تأسیس: بنا ایلخانی

حسینیه امینی‌ها (قزوین) ـ موضوع: معماری ـ سازمان میراث فرهنگی کشور ـ بنا قاجاریه

موزه‌ی شهدا (قزوین) ـ موضوع: آثار وسایل شهدا ـ بنیاد شهید انقلاب اسلامی ـ تأسیس ۱۳۷۷

## آثار ثبت شده استان قزوین در فهرست آثار ملی

مسجد جامع -(سلجوقی - صفویه)

مسجد شاه سابق - (صفویه - قاجاریه)

مدرسه حیدریه -(سلجوقی - مغول )- قزوین

امامزاده حسین -

مقبره حمدالله مستوفی - مغول - قزوین

حسینیه امینی -
امامزاده اباذر - قرن ۷ ه.ق - قزوین
بقعه معروف به پیر - سلجوقی -
کاخ چهل ستون -
مسجد نبی قزوین (مسجد شاه)
دروازه کوشک -
دروازه تهران -
مجموعه بناهای سردار - قاجاریه - قزوین
آب انبار حاج کاظم -
امامزاده عبدالخیر - صفویه -
مجموعه بازار قزوین - صفویه تا معاصر - قزوین
سنجیده مسجد - قرن ۶ ه.ق - قزوین
حمام حاجی محمد رحیم - قزوین
کاروانسرای حجیب - صفویه - بوئین زهرا
بنای موزه یادبود سوم اسفند -(سلجوقی-صفویه) قزوین
مجموعه صالحیه - قاجاریه - قزوین
مجموعه شیخ الاسلام - قاجاریه -
آب انبار حکیم - قرن ۱۳ ه.ق - قزوین
آب انبار سردار -
تپه قلعه گبری (گودر قلعه سی )- قرن ۶و۷ ه.ق - قزوین
برج شرقی خرقان - سلجوقی - بوئین زهرا
برج غربی - سلجوقی - بوئین زهرا
کاروانسرای محمد آباد- صفویه - قزوین
مجموعه ملاوردیخان -(صفویه - قاجاریه )-قزوین
برج و باروی شهر قزوین -(ساسانی - اسلامی)-
تپه شماره یک زیاران - پیش از تاریخ- ساسانی -آبیک
تپه شماره ۲ زیاران - هزاره ۵ ق.م - آبیک
پیغمبریه - صفویه - قزوین
میمون قلعه - آل بویه - قزوین
امامزاده امینه خاتون - تیموری - قزوین
آرامگاه شیخ احمد غزالی - (صفویه-قاجاریه) - قزوین
بقعه امامزاده علی بن جعفر - صفویه - قزوین
مدرسه التفاتیه - صفویه - قزوین
امامزاده اسماعیل - قاجاریه - قزوین
امامزاده علی - ایلخانی - قزوین
میل پاراچین - قرن ۴و۵ ه.ق - قزوین
حمام میرزا کریم - قاجاریه - قزوین
خانه محصص - قاجاریه - قزوین
میل خرم آباد - تاکستان
مسجد محمدیه - قاجاریه - قزوین
تپه زاغه - هزاره ۶ ق.م - بوئین زهرا
تپه قبرستان - هزاره ۵ ق.م - بوئین زهرا
قره تپه - هزاره ۴ ق.م - بوئین زهرا
آب انبار مسجد جامع قزوین - صفویه - قزوین
کاروانسرای سعد السلطنه - قاجاریه - قزوین
امامزاده علاءالدین - صفویه - بوئین زهرا
قزقلعه - سلجوقی - تاکستان
بنای بانک ملی تاکستان -اوایل پهلوی -تاکستان
مدرسه امیر کبیر - اواخر قاجار - قزوین
ساختمان میراث فرهنگی تاکستان - قزوین
برج ناقوس - اوایل پهلوی - قزوین
کاروانسرای شاه عباسی آوج - صفویه - بوئین زهرا
امامزاده عبدالله (ع) - قرن ۶ ه.ق - تاکستان
امامزاده کمال (ضیاءآباد) - قرن ۹ ه.ق - تاکستان
مسجد احمدیه - قاجاریه - قزوین
کاروانسرای گلشن - قزوین
کاروانسرای خرزان - قاجاریه - قزوین
مقبره شهید ثالث - قاجاریه - قزوین
باغ سپهدار - اوایل پهلوی - قزوین

بنای موسوم به مصلی - قاجاریه - قزوین
مسجد موسی الرضا - قاجاریه - قزوین
پل شاه عباسی محمد آباد - صفویه - بوئین زهرا
تپه خله کوه - اواخر هزاره ۵ ق.م - تاکستان
مجموعه سمیران - اسلامی - قزوین
قلعه سمیران - اسلامی - قزوین
امامزاده قاسم - اسلامی - قزوین
آرامگاه کوچک - اسلامی - قزوین
آرامگاه بزرگ (قلعه ساسان)- اسلامی - قزوین
تیمچه سرباز -(صفویه - قاجاریه)
تیمچه سر پوشیده - (صفویه - قاجاریه )
خانه رئوفی - اواخر قاجار - قزوین
تپه منبره - اسلامی - بوئین زهرا
تپه میلچک - اسلامی - قزوین
آب انبار بازار (مسجدنبی) -قاجاریه - قزوین
شهرداری قزوین - قاجاریه - قزوین
مسجد جامع چوبیندر - قاجاریه - تاکستان
امامزاده ولی - صفویه - ضیاءآباد
تپه حسین آباد - تاریخی - تاکستان
تپه امامزاده افضل - قاجاریه - تاکستان
تپه آقچه کند-تاریخی - تاکستان
تپه کاظمیه - (تاریخی - اسلامی) - تاکستان
تپه فارسجین -(تاریخی - اسلامی) تاکستان
تپه ولازجرد - (تاریخی - اسلامی) تاکستان
تپه قادلی ورازان -(تاریخی - اسلامی) - تاکستان
تپه اسفرودین (تاریخی-اسلامی)- تاکستان
تپه حسن آباد دشتابی- پیش ازتاریخ تااسلامی-تاکستان
بقعه امامزاده سیدعلی-(تاریخی-اسلامی)تاکستان
تپه علنقیه-(پیش ازتاریخ-تاریخی)تاکستان
تپه داغلان۲ - (تاریخی - اسلامی) - تاکستان
تپه داغلان۱ - (تاریخی - اسلامی) - تاکستان
تپه سیمکه کوه - دولتی - تاکستان
تپه قره باغ - (تاریخی - اسلامی) - تاکستان
تپه لوشکان - (تاریخی - اسلامی) - تاکستان
تپه جرندق۱ - (تاریخی-اسلامی)-تاکستان
تپه دره قبرستان - (تاریخی-اسلامی)-تاکستان
تپه حیدریه - (تاریخی-اسلامی)- تاکستان
تپه جرندق۲ - (تاریخی- اسلامی)-تاکستان
تپه عید علی - تاریخی - تاکستان
مقبره آخوند ملا - صفویه - تاکستان
تپه‌عاشق‌حصار۱ -(تاریخی-اسلامی)-تاکستان
تپه عاشق حصار۲ - اسلامی-تاکستان
تپه عاشق حصار۳ - تاریخی - تاکستان
تپه سیکولان کهنه - اسلامی - تاکستان
تپه آقچه کند۲ - اسلامی - تاکستان
تپه اک ۱ - اسلامی- تاکستان
تپه اک ۲ اسلامی - تاکستان
تپه اک ۳ - هزاره ۱ق.م - تاکستان
تپه خرم آباد - (تاریخی-اسلامی)-تاکستان
تپه نویل - (تاریخی - اسلامی) - تاکستان
تپه قازان داغی - اسلامی- تاکستان
تپه قبرستان گبری- اسلامی- تاکستان
تپه سرچشمه - قزوین
تپه توده بین - (تاریخی-اسلامی) - قزوین

فهرست آثار تاریخی استان قزوین در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۱۱۹۷ واحد می‌باشد. ـ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

**جمعیت مرد و زن روستائی و شهری قزوین:** مرد: (۳۶۱۳۴۷ شهری، ۱۶۹۱۵۸ روستائی)، زن: (۳۴۶۴۷۷ شهری، ۱۶۲۶۰۴ روستائی).

## جمعیت استان قزوین

شهرستان آبیک: تعداد خانوار ۲۳۱۳۲، جمعیت ۹۱۴۲۱، تعداد باسواد ۶۹۳۷۴، تعداد بیسواد ۱۱۷۶۹.

شهرستان البرز: تعداد خانوار ۴۷۰۴۶، جمعیت ۱۸۲۱۲۶، تعداد باسواد ۱۴۶۱۷۸، تعداد بیسواد ۱۷۲۸۷.

شهرستان بوئین زهرا: تعداد خانوار ۳۸۳۷۷، جمعیت ۱۵۵۸۸۹، تعداد باسواد ۱۰۸۵۳۴، تعداد بیسواد ۳۰۱۲۵.

شهرستان تاکستان: تعداد خانوار ۴۲۹۶۹، جمعیت ۱۷۳۵۷۷، تعداد باسواد ۱۲۲۸۸۱، تعداد بیسواد ۳۱۳۹۲.

شهرستان قزوین: تعداد خانوار ۱۴۲۷۸۱، جمعیت ۵۴۰۱۸۷، تعداد باسواد ۴۲۸۹۳۷، تعداد بیسواد ۵۷۶۸۰.

## شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها

**آبگرم:** از بخش‌های شهرستان بویین زهرا استان قزوین مرکز آن شهر آبگرم دارای دو دهستان ۱ - آبگرم ۲ - خرقان شرقی است

**آبگرم:** از دهستان‌های بخش آبگرم شهرستان بوئین زهرا استان قزوین و مرکز آن آبگرم

**آبیک:** از شهرستان‌های استان قزوین مرکز آن شهر آبیک دارای دو بخش ۱ - بخش مرکزی ۲ - بخش بشارتیان است. دارای ۳ دهستان (۱ - زیاران ۲ -کوهپایه‌ی شرقی ۳ -کوهپایه‌ی غربی است

**رودها:** مهم‌ترین رود ۱ - رود تادار است که ازکوه جاورچال روان گشته پس از گذشتن از شمال و شرق آبیک به سوی سه زمین جنوب و شرق آبیک روان می‌شود.

**کوهها:** چون شهرستان آبیک منطقه‌ای دشتی و کوهستانی است کوه‌هایی چند آن را در بر گرفته است. ۱ - سعمر پیغمرکوه (۲۰۲۴ متر) ۲ - زرین کوه (۱۹۵۲ متر) ۳ - کوه حوضک (۱۷۴۴ متر) که در ۲ تا ۴/۵ کیلومتری شهر آبیک قرار دارند.

**معادن:** ۱ - معدن سنگ آهک ۲ - سنگ لاشه ۳ - زغال‌سنگ

**آب و هوا:** نسبتاً معتدل و نیمه‌خشک

**پوشش گیاهی:** درمنه، گیاه شور، سیچان بلاغی، گز، جاروقزوینی، چمن، خارشتر، گیاه علفی، گون، گل‌گاوزبان از جمله روئیدنی‌های شهرستان آبیک است.

**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، خرس، کبک و شانه‌بسر از جمله جانوران و پرندگان این سامان می‌باشد.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، باغداری، دامداری، مرغداری و صنعت از جمله تولید سیمان استوار و فرآورده‌های عمده‌ی آن گندم، جو، بنشن، گیاهان علوفه‌ای، صیفی‌جات و چغندر قند، انگور، سیب درختی، بادام، گیلاس، هلو، گلابی و توت است، صنایع، ریخته‌گری، مواد اولیه‌ی سرم، شیشه، برزنت، مایع ظرفشویی، قاشق و چنگال، ظروف فلزی است.

**آثار تاریخی:** ۱ - قزقلعه ۲ - کافرقلعه ۳ - مقبره‌ی شیخ‌الاسلام - فرهنگ جغرافیایی - بخش یک آبیک در ۵۶کیلومتری جنوب شرقی قزوین، بیش‌تر روستاهای این منطقه به علت وجود کوه‌های سبز پوشان و زیاران (البرز غربی) کوهستانی است و آب آن‌ها از چشمه‌ها و رودهای کوچک فراهم می‌گردد - کتابهای درسی

**آبیک (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان آبیک استان قزوین و مرکز آن شهر آبیک و دارای ۳ دهستان (۱ - زیاران ۲ -کوهپایه‌ی شرقی ۳- کوهپایه‌ی غربی) است.

**آوج:** از بخش‌های شهرستان قزوین استان قزوین از شمال به بخش تاکستان از خاور به بخش بویین زهرا (شهرستان همدان)، از باختر و شمال باختری به بخش افشار و خدابنده (شهرستان زنجان) است.

**تقسیمات کشوری:** مراکز این بخش شهر آوج، دارای ۳ دهستان (۱ ـ شهیدآباد ۲ـ حصار ولیعصر ۳ ـ فرقان غربی) است.

**رودها:** ۱ ـ رود آوج که از کوههای آق‌داغ، قاباخ تپه و هرائین سرچشمه می‌گیرد و از شهر آوج مرکز بخش آوج می‌گذرد و آنگاه به خررود و سرانجام به دریاچه‌ی قم می‌پیوندد. ۲ - رود اروان‌چای که ازکوه‌های خرمان سرچشمه می‌گیرد در محلی به نام پل اروان به رود آوج می‌پیوندد.

**کوهها:** ۱ - قاراقان ۲ - کوه آران ۳ - ناوه‌داغ در شمال ۴ - کوه امام زاده ۵- کارخانه در شمال خاوری ۶ - آق‌داغ در خاور و جنوب خاوری ۷ - سلطان بلاغ ۸ - قراول خانه ۹ - گورقلعه ۱۰ - قره‌گونی ۱۱ - تندرلی در جنوب و جنوب باختر ۱۲ - اوزون بلاغ ۱۳ - قاراآغاجی ۱۴ - میل ۱۵ - انبار چای در باختر و شمال باختری.

**کان‌ها:** ۱ - معدن خاک سرخ ۲ - سنگ شیشه ۳ - نمک ۴ - گچ ۵ - زغال‌سنگ

**آب و هوا:** سرد و خشک

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و بیش‌تر به زبان ترکی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** گیاهان دارویی گل‌گاوزبان، گل ختمی، کاسنی، خاکشی، بابونه، قدومه، پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، خرس، آهو، پلنگ، کبک، قرقاول

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری، و صنایع دستی و پیشه‌وری استوار است.

۱ - کشاورزی به شیوه‌ی سنتی و مکانیزه انجام می‌شود ۶۵٪ کشت‌های آبی در روستاها و ۳۵٪ دیمی می‌باشد. آب از رود، چشمه و کاریز فراهم گشته.

۲ - دامداری به شیوه‌ی سنتی است با این حال دارای اهمیت است.

۳ - صنایع دستی بیش‌تر فرش بافی می‌باشد.

۴ - پیشه‌وری به واسطه‌ی فعالیت‌های اساسی اقتصاد کشاورزی و دامداری از رونق برخوردار است.

**آوج (بخش):** مرکزش در ۱۱۲ کیلومتری جنوب غربی قزوین قرار دارد. سرزمین خرقان در مجموع ناحیه‌ای است کوهستانی که دو سلسله کوه معروف آن یکی خرقان داغ در حد فاصل خرقان در جزین و خلجستان‌به ساوه و دیگری رامند میان خرقان و رامند و زهرا قرار دارد. رشته کوه خرقان داغ در طول منطقه‌ای است که در داخل آن قرار دارد و در هر محل به نامی خوانده می‌شود. دو گردنه‌ی معروف این رشته‌کوه، یکی سلطان بلاغ و دیگری آوه (آونج) نام دارد. گردنه‌ی آوه در هنگام زمستان اغلب بسته می‌شود هوای منطقه خرقان روی هم رفته سرد است ولی تعدادی از دهات که در کنار رود قرار دارند دارای آب و هوای معتدل‌تری می‌باشند. کتابهای درسی

**اقبال شرقی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان قزوین استان قزوین و مرکز آن کورانه است. و در منطقه‌ای تپه‌ای معتدل خشک و کوه مرز آسیاب و کوه شیخ محمود هر ده و کوه گبران و تپه‌های اوزون دره و حسین‌آباد و تپه‌ی دونه قرار و رود چای‌تای در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، بنشن، یونجه، انگور، گلابی، سیب و گیلاس

**پوشش گیاهی:** خاکشی، قارچ، کنگر، پونه، کاسنی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** شغال، گرگ، روباه و خرگوش
**اقبال غربی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان قزوین استان قزوین و مرکز آن نظام‌آباد است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و کوه واشه گیر و کوه کوکول و کوه آفتاب‌رو قرار و رود بنیه در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، یونجه، انگور، گیلاس، بادام و گردو
**پوشش گیاهی:** ختمی، کاسنی، درمنه، شکر تیغال، خاکشی و گون و گیاهان مرتعی
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.
**اک:** از دهستانهای بخش اسفرورین شهرستان تاکستان استان قزوین و مرکز آن اک است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
**فرآورده ها:** گندم، جو، یونجه، انگور، تخمه‌ی آفتابگردان و بادام.
**پوشش گیاهی:** بومادران و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** شغال، روباه، خرگوش.
**البرز:** از بخش‌های شهرستان قزوین استان قزوین، مرکز این بخش شهر الوند، دارای دو بخش ۱- مرکزی ۲ - محمدیه دو دهستان (۱ - پیریوسفیان ۲ - شریف‌آباد ۳ - نظرآباد ۴ - حصار خروان)

شهرستان البرز به وسیله‌ی بزرگراهی به جاده‌ی قدیم تهران - قزوین به طول ۳/۵کیلومتر و جاده‌ی دیگری به طول ۵کیلومتر به اتوبان تهران قزوین متصل است.
**آب و هوا:** نسبتاً معتدل و خشک، بیش‌ترین درجه‌ی گرما در تابستان‌ها به ۳۸ درجه بالای صفر و کم‌ترین آن در زمستان‌ها به ۱۵ درجه زیر صفر و میزان بارندگی به طور متوسط به ۲۷۰ میلی‌متر می‌رسد.
**پوشش گیاهی:** دارویی و صنعتی
**جانوران و پرندگان:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش، باز، شاهین، بالان، طرلان، قرقی، تیهو، عقاب و انواع مرغابی، با قرقره، کبوتر چاهی، بلدرچین، درنا و فلامینکو
در این شهرستان بیش از ۴۰۰ واحد صنعتی کوچک و بزرگ (اعم از کارگاه و کارخانه) فعالیت دارد.
**الموت بالا** از دهستان‌های بخش رودبار الموت شهرستان قزوین استان قزوین و مرکز آن مینودشت است و در منطه‌ای برکوهی، سرد نیمه خشک و کوه بائی‌زرد و کوه بیدلان و گردنه‌ی اکبرآباد قرار و رود طالقان رود در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، علفه، گیلاس و انگور
**پوشش گیاهی:** گل شب‌بو، ختمی، گل‌گاوزبان، کاکوتی، ترنجبین، گل مریم، گزنه، لاله پیازکوهی، گون، درختان پلاخور، سیاهتلو، بنه، بادام کوهی، وحشی و زرشک و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** شغال، روباه، گرگ، خرگوش، خرس، پلنگ، گراز و کبک
**الموت پایین:** از دهستانهای بخش رود بارالموت شهرستان قزوین استان قزوین و مرکز آن زوارک و در منطقه‌ی دره‌ای سرد نیمه خشک و کوه هودگان و کوه خرابه و کوه یان و کوه گردگول و کوه ایلان گردن و دره ایلان و دره چرنگ و گردنه لت قرار و آتان رود در این دهستان جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** لوبیا، گندم، جو، یونجه، سیب، گیلاس، گردو
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، شیرین بیان، آویشن، ریواس، بومادران، گون، رناس و گیاهان مرتعی
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، خرس، پلنگ، گراز و کبک.

**ایلات قاقازان شرقی:** از دهستان‌های بخش کوهین شهرستان قزوین استان قزوین و مرکز آن آق بابا است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، انگور، سیب
**پوشش گیاهی:** شیرین بیان، کاکوتی، کاسنی، شاتره، خاکشی، گیاهان مرتعی
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و تیهو.
**ایلات قاقازان غربی:** از دهستان‌های بخش کوهین شهرستان قزوین استان قزوین و مرکز آن کوهین است و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد و نیمه خشک و کوه نقاره و کوه مرادتپه و کوه خداآفرین و تپه شیفه قرار
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، نخود و عدس
**پوشش گیاهی:** کاسنی، درمنه، غاز ایاقی، شکر تیغال، خارشتر، گون، و گیاهان مرتعی
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک
**بخش مرکزی قزوین:** از بخشهای شهرستان استان قزوین و مرکز آن شهر قزوین و دارای دو دهستان: (۱ -اقبال شرقی ۲ - اقبال) است.
**بشاریات:** از بخش‌های شهرستان آبیک استان قزوین مرکز آن خاکعلی، دارای دو دهستان (۱ - بشاریات غربی ۲ - بشاریات شرقی) است.
**بشاریات شرقی:** از دهستان‌های بخش بشاریات شهرستان آبیک استان قزوین و مرکز آن خطایان است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، ذرت و یونجه.
**پوشش گیاهی:** شاتره، خاکشی، کاسنی، اسپند، درمنه، گون و گیاهان مرتعی
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و تیهو
**بشاریات غربی:** از دهستان بخش بشاریات ابیک استان قزوین خاکعلی است و در منطقه‌ای دشتی معتدل نیمه‌خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم و جو
**پوشش گیاهی:** خاکشی، اسفند و کاسنی و گیاهان مرتعی
**جانوران:** شغال، روباه و خرگوش
**بوئین زهرا:** از شهرستان‌های استان قزوین مرکز آن شهر بویین زهرا دارای ۶ بخش ۱ - بخش مرکزی دارای ۳ - دهستان (۱ - زهرای بالا ۲ - زهرای پایین ۳ - سنگرآباد) است. ۲ - آوج ۳ - آبگرم ۴ - شال ۵ - رامند ۶ - دشتابی است.
این بخش در ۵۴ کیلومتری جنوب قزوین قرار دارد. رشته کوه‌های رامند و سیاه‌کوه در غرب این منطقه دارای مراتع سرسبزی است که در دامپروری و دامداری این ناحیه نقش مهمی دارند زمستان‌های این منطقه سرد و تابستان‌های آن گرم و خشک است و میزان متوسط بارندگی سالانه آن بیش از ۲۰۰ میلی‌متر است. آب‌های این منطقه گذشته از کاریزها، از سفره‌های آبی زیرزمینی و رودهای خررود، شور، رودک و حاجی عرب فراهم می‌گردد.
**اقتصاد:** بر پایه‌ی دامدار و کشاورزی و غیره استوار است.
**بویین زهرا (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان بویین‌زهرا در استان قزوین و مرکز آن شهر بویین‌زهرا استان قزوین و مرکز آن شهر بویین زهرا و دارای ۳ دهستان (۱ - زهرای بالا ۲ - زهرای پایین ۳ - سگزآباد است.
**پیریوسفیان:** از دهستان‌های بخش البرز شهرستان نی‌در استان قزوین و مرکز آن پیریوسفیان است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، چغندر، انگور و سیب.

**پوشش گیاهی:** شیرین بیان، خاکشی، اسپند، کاسنی، شاتره و گیاهان مرتعی
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و تیهو
**تاکستان:** از شهرستان‌های استان قزوین مرکز آن شهر تاکستان، دارای چهار بخش ۱ - بخش اسفرورین مرکز آن شهر اسفرورین دارای دو دهستان (۱ - اک ۲ - خرم آباد) ۲ - مرکزی مرکز آن تاکستان، ۲ - الفروزین ۳ - خرمدشت ۴ - ضیاءآباد دارای ۳ دهستان ۱ - قاقازان شرقی ۲ - قاقازان غربی ۳ - نرجه) است ۳ - ضیاءآباد ۴ - خرمدشت است. این شهرستان از شمال و شمال شرقی به شهرستان قزوین، از مغرب به شهرستان ابهر و از خاور، جنوب و جنوب شرقی به شهرستان بویین‌زهرا محدود است.
**رودها:** ۱ - ابهر رود که از کوه‌های قیدار در منطقه‌ی الهه‌آباد جاری بود و به سوی زمین‌های دست جنوبی روان می‌شود ۲ - خررود، از کوه‌های آوج و شهرستان روان به سوی زمین‌های غرب بویین‌زهرا جاری می‌شود.
**کوهها:** چون این شهرستان به جز قسمت شمال غربی آن، کوهستانی است از این رو کوه‌های متعددی آن را در بر گرفته است. از جمله ۱ - سیاه‌کوه (۲۱۲۸ متر)
۲ - کوه آقداغ (۱۷۳۰ متر) ۳ - کوه ابوحنیفه یا قره‌قلعه (۲۱۰۷ متر) ۴ - کوه علنقیه (۱۸۶۰)
**معادن:** ۱ - معدن نمک شورآب ۲ - کائولن ۳ - معدن سنگ شیشه
**آب و هوا:** نسبتاً معتدل و خشک دارای آب و هوای کوهستانی با زمستان‌های بسیار سرد تابستان‌های معتدل می‌باشد و باد سرد مه و قاقازان که از شمال به جنوب می‌وزد موجب کاهش دما و افزایش رطوبت هوا می‌گردد باد گرم در آب و هوای تاکستان اثر می‌گذارد.
**پوشش گیاهی:** گیاهان دارویی و صنعتی از جمله: گون، گل گندم، اسفند، تلخه بیان، شیرین بیان، کاسنی، شاتره، درمنه، بوته‌ی گز مراتع منطقه‌ی کوهستانی، قاقازان در حدود صد هزار هکتار وسعت دارد.
**جانوران و پرندگان:** گربه‌ی وحشی، سیاه‌گوش، گراز، قوچ و میش، آهو، گرگ، روباه، شغال، خرس، کفتار، کل و بز، مرغابی سرسبز، عروس مرغابی، خروس کوهی، باقرقره، کبک، تیهو، قمری، بلدرچین، فاخته، انواع کبوتر، از جمله جانوران و پرندگان این سامان است.
**آثار تاریخی:** ۱ - تپه فله کو ۲ - بقعه پیر
**تاکستان بخش مرکزی:** از بخش‌های شهرستان تاکستان استان قزوین و مرکز شهر اسفرورین و دارای ۲ دهستان (۱ - اک ۲ - خرم‌آباد) است.
**چوقور:** از دهستان‌های بخش طارم سفلی شهرستان قزوین استان قزوین و مرکز آن حصار است.
**حصار ولیعصر:** از دهستان‌های بخش آوج شهرستان بویین زهرا استان قزوین و مرکز آن حصار ولیعصر است.
**خرقان:** که غالبا خرمانین خوانده شده، در شمال ناحیه اعلم و مشتمل بر چندین دهکده است که حمدالله مستوفی سیاهه آنرا ذکر کرده است و شهر عمده‌اش که هنوز باقی است آوه یا آبه همدان است.
**خرم‌آباد:** از دهستان‌های بخش اسفرورین شهرستان تاکستان استان قزوین و مرکز آن خرم‌آباد است.
**خرمدشت:** از بخش‌های شهرستان تاکستان استان قزوین، مرکز آن نهاوند، دارای دو دهستان (۱ -

رامند شمالی ۲ - افشاریه) است.
**خنـدان:** از دهستان‌های بخش طارم سفلی شهرستان قزوین استان قزوین و مرکز آن سیاهپوش است.
**دستجرد:** از دهستان‌های بخش رودبار شهرستان قزوین استان قزوین و مرکز آن دستجرد سفلی است در منطقه‌ای تپه‌ای معتدل خشک و کوه ریاسر و کوه درزنه و کوه مس گنده و دره‌سمان دره و غار اسکول و غار پلنگ لات قرار و رود اربدیان در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، برنج
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، کاسنی، ختمی، بنفشه، بومادران و گون و گیاهان مرتعی
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز، پلنگ، کبک و تیهو
**دشتابی:** از بخش‌های شهرستان بویین زهرا استان قزوین، مرکز آن ارداق، دارای دو دهستان ۱ - دشتابی شرقی ۲ - دشتابی غربی) است.
**دشتابی شرقی:** از دهستان‌های بخش دشتابی شهرستان بویین زهرا استان قزوین و مرکز آن شهرستانک است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک واقع است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندر، یونجه، انگور، سیب و زردآلو.
**پوشش گیاهی:** شیرین بیان، شنگ، کنگر، کاکوتی، خاکشی و اسپند و گیاهان مرتعی
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و تیهو
**دشتابی غربی:** دهستان‌های بخش دشتابی شهرستان بوئین زهرا استان قزوین و مرکز آن ارداق است. و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، انگور و سیب
**پوشش گیاهی:** شیرین بیان، شاتره، کاسنی، کنگر، خاکشی، کاکوتی و گیاهان مرتعی
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و تیهو
**دودانکه علیا:** از دهستان‌های بخش ضیاءآباد تاکستان استان قزوین و مرکز آن فارسجین است و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد نیمه خشک و کوه سیاه و کوه چهل دختر و کوه قیزقلعه قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه و انگور
**پوشش گیاهی:** شیرین‌بیان، تلخه بیان، درمنه، کنگر، کاسنی و آویشن و گیاهان مرتعی
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و تیهو
**دودانگه‌ی سفلی:** از دهستان‌های بخش ضیاءآباد شهرستان تاکستان استان قزوین و مرکز آن حسین‌آباد در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، سیب، انگور، یونجه و تره‌بار.
**پوشش گیاهی:** بومادران، خاکشی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** شغال، روباه، خرگوش و کبک.
**رازمیان (مرکز بخش):** شهر رازمیان مرکز بخش رودبار از بخشهای شهرستان قزوین استان قزوین و در طول جغرافیائی ۱۲ درجه و ۵۰ دقیقه و در عرض جغرافیائی ۳۲ درجه ۳۶ دقیقه ودر بلندی ۹۷۵ متری از سطح دریا و در ۵۵کیلومتری شمال شرقی قزوین قرار دارد.
**آب و هوا:** نسبتاً معتدل و نیمه خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۳۷ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها ۱۵ درجه زیر صفر، میزان بارندگی بطور متوسط به حدود ۳۵۰ میلیمتر می‌رسد.
آورده‌اند که رازمیان سابقه‌ای تا دوره ساسانیان دارد. و جزو منطقه دیلمان بشمار می‌رفت و در

روزگار سلطه تازیان دارای دین زرتشتی و حکومت بود تا اینکه در روزگار صفویه رفته رفته به اسلام گرویدند.

در حمله هلاکو این سامان آسیب جانی و مالی فراوانی دید. در سال ۱۳۶۹ روستای رازمیان بوسیله زمین لرزه ویران گشت و مردم در ۵۰۰ متری روستای خود (روستای کیاکلایه سفلی) مستقر گشتند که از هر جهت جای مناسبی است. شهر رازمیان از ادغام سه روستای کیاکلایه سفلی، رازمیان و منصور باغ پدید آمد.

**رامند:** از بخش‌های شهرستان بویین‌زهرا، استان قزوین مرکز آن شهر دانسفهان، دارای دو دهستان (۱ - ابراهیم آباد ۲ - رامند جنوبی) است.

**رامند شمالی:** از دهستان‌های بخش خرمدشت شهرستان تاکستان استان قزوین و مرکز آن خرمدشت است.

**رودبار:** شهرستان از بخش‌های شهرستان قزوین استان قزوین مرکز آن شهر رازمیان، دارای ۳ دهستان (۱ - رودبار شهرستان ۲ - رودبار محمدزمانی ۳ - دستجرد) است.

**رودها:** شاهرود که از به هم پیوستن رود الموت و طالقان پدید آمده رود طالقان از کوه‌های سردرود، آبنه و رود الموت از کوه‌های نرگس سوته و غیره روان گشته و در ۳۵۰ متری روستای شیرکوه به هم پیوسته و تشکیل شاهرود را می‌دهد. ۲ - سفید رود از غرب شهر آستانه اشرفیه گذشته و به دریای خزر می‌پیوندد ۳ - رود نینه‌رود که از میان روستاهای رازمیان و منصور باغ گذشته و در ۵۰۰ متری جنوب غربی روستای شهرستان سفلی به رود شاهرود می‌پیوندد.

**کوهها:** ۱ - سیاه‌کوه (۲۵۰۰ متر) ۲ - زین‌کوه (۲۷۰۰ متر) ۳ - شورستان (۲۶۰۰ متر)

**معادن:** سه کان‌سار زغالسنگ ۱ - هیر ۲ - سپوهین ۳ - کامان.

**آب و هوا:** معتدل و خشک.

**پوشش گیاهی:** ۱ - گیاهان خودرو ۲ - گیاهان مرتعی ۳ - درختانی چون اروس، بلوط، سقز، داغداغان، زالزالک و درختچه‌ی انار و زرشک ۴ - گیاهان دارویی و صنعتی ۱ - خشخاش ۲ - زرشک ۳ - خاکشی ۴ - باهوشاه ۵ - شب بوی ایرانی ۶ - قدومه ۷ - میخک ۸ - پنیرک ۹ - گل ختمی ۱۰ - گون ۱۱ - کاسنی ۱۲ - نعناع ۱۳ - آویشن ۱۴ - کاکوتی

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز، ماهی، کبک و تیهو، خرس، پلنگ و بزکوهی

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، باغداری و دامداری و تاحدی صنایع دستی و مرغداری و زنبورداری استوار است.

قلعه لمسر یا قلعه‌ی حسن صباح که قدمت زیادی دارد، برخی آن را از عهد کیان و عده‌ی آن را مربوط به دوره‌ی ساسانیان پنداشته‌اند.و این قلعه را رود تینه رود و دره‌ی لمسر در بر گرفته و اینک ویرانه است.

این دژ برای رفت و آمد دو راه دارد ۱ - در شمال ۲ - در جنوب دور قلعه را بریدگی‌های بزرگ و دیوارها تشکیل داده است که سخت دژنشینان را محافظت می‌کرد.

تا پیش از اسماعیلیه، آب این دژ از آب برف و باران که در داخل استخرهای سنگی جمع می‌شد فراهم می‌شد (و) به دستور حسن صباح از دو فرسنگی دژ از روستای در بند جویباری به درون دژ کشیده و مردم از آب رود قلعه رود در درختکاری استفاده می‌کنند.

استخرهای سنگی تاریخش به قبل از اسلام می‌رسد و بنای دژ از ۳ سو تشکیل شده دارای ساختمان‌های گوناگونی است که بیش‌تر از سنگ و ساروج و قسمتی هم از خشت خام ساخته شده برج و تونل گرگ و میش این دژ سخت شگفت‌آور است. چه اتاقکی با ابعاد ۳ × ۳ در کنار رود نینه رود ساخته شده و تونلی که در شیب پایین قلعه با اتاقک راه دارد، ارتباط دژ با آب را برقرار می‌کرد.

قلعه‌ی وشکین، قلعه‌ی میمون دژ، هنداورتوان، قلعه‌ی بازرگاه، قلعه‌ی طیاندشت، از دیگر آثار تاریخی دیگر این بخش است

**رودبار الموت:** از بخش‌های شهرستان قزوین استان قزوین مرکز آن شهر معلم کلایه، دارای ۳ دهستان ۱ - الموت بالا ۲ - الموت پایین ۳ - معلم کلایه) است.

این بخش از شمال به شهرستان رودبار و قسمتی از رودسر از خاور به رامسر و تنکابن، از جنوب به شهرستان آبیک و بخش مرکزی و از باختر به شهرستان ابهر و بخش طارم سفلی محدود است.

**مهمترین رودها:** ۱ - الموت رود از کوه‌های نرگس، چهارده منار، شاه‌میر روان می‌شود و از ۵ کیلومتری شهر معلم کلایه می‌گذرد و سرانجام به دریاچه‌ی سد منجیل می‌پیوندد ۲ - طالقان رود که از کوه‌های سرد رود، آبند و کهار بزرگ روان گشته از ۱۰ کیلومتری جنوب شهر معلم کلایه مرکز بخش می‌گذرد و به دریاچه‌ی سد منجیل می‌پیوندد ۳ - شاهرود که از به هم پیوستن رود الموت و رود طالقان پدید می‌آید و از ده کیلومتری جنوب غربی شهر معلم کلایه می‌گذرد و به دریاچه‌ی سد منجیل می‌پیوندد ۴ - رود زرآباد پس ازگذشتن از روستاهای زرآباد سرچشمه گرفته و از ۵ کیلومتری شهر معلم گلایه می‌گذرد و به رود شاهرود می‌پیوندد.

**کوهها:** چون این بخش در منطقه‌ای بلند و برفگیر قرارگرفته و از چهار سو محصور در کوه‌های البرز است. ۱ - آسمان آسمان گنده (۱۶۳۰ متر) ۲ - ولچین (۱۷۸۶ متر) -۳ خشچال ۴ - چهار کلایه ۵ - قطعه میمون ذژ در نزدیکی‌های مرکز بخش سر برآورده‌اند.

**دره‌ها:** از دره اندج رود در شمال ۲ - دره کیان رود در شمال غربی ۳ - دره کلنگه سر در ۲ کیلومتری جنوب و جنوب غربی شهر معلم کلایه قرار دارند.

**آب و هوا:** سرد و نیمه خشک

**پوشش گیاهی:** درختان اورس، گردو جنگل، زالزالک، بنه، سیاهتلو، پلاخور، زرشک، بادام کوهی، گون، درمنه، ترشک و پوشش گیاهی چراگاهی و غیره

**جانوران و پرندگان:** گرگ، خرس، گراز، شغال، روباه، خرگوش، کاراکال، گربه وحشی، کل و بز، کبک، تیهو، قوش، دال و انواع عقاب

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی و دامداری و مرغداری استوار است از جمله گندم، جو، حبوبات، برنج، گیلاس، گردو، سب درختی و انگور، صنایع دستی روستایی چون قالی.

رودبارالموت ناحیه‌ای کوهستانی است که مرکزش معلم کلایه در ۸۰ کیلومتری شمال شرقی قزوین قرار دارد. کوه بلند سیالان و متفرعات آن در شمال و کوه‌های متعدد جنوبی در تنگ الموت را که از مشرق به جنوب غربی کشیده شده در بر می‌گیرد، بلندترین قله شمالی این منطقه خشچال است که ۴۲۰۰ متر بلندی دارد. آب‌های الموت از چشمه‌ها و آب شدن برف‌ها فراهم می‌شود.

کتابهای درسی

**آثار تاریخی:** ۱ - قلعه حسن صباح که در روستاهای گازرخال و باغدشت و به‌صورت نیمه ویرانه برجاست ۲ - امامزاده علی اصغر در روستای زرآباد در ۱۵ کیلومتری شهر معلم کلایه وجود دارد. فرهنگ جغرافیایی

**رودبار شهرستان:** از دهستان‌های بخش روبار شهرستان شهرستان قزوین استان قزوین و مرکز آن بهرام‌آباد است و در منطقه‌ای دره‌ای سرد و خشک و کوه‌های سمند و خیندرکوه لانه سر و کوه رشکین خانی و گردنه‌ی سفید آب و گردنه‌ی لکاکش و دره‌ی زائین و دره‌ی پیام و غار باستانی حاجت خانه قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** فندق، گردو و زغال‌اخته

**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، ختمی، گل بنفشه، گون، درختان سروکوهی، تنگسر و زالزالک و گیاهان مرتعی

**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، بزکوهی، گراز، خرس، پلنگ و کبک.

**رودبار محمدزمانی:** از دهستان‌های بخش رودبار شهرستان قزوین استان قزوین و مرکز آن رجایی دشت است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد کوهستانی وکوه آسمانکول وکوه‌گرده‌کوه وکوه سیاه پشته و دره‌ی حسین رود و دره‌ی پی باغ.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، فندق، گردو و گیلاس.

**پوشش گیاهی:** گل‌گاوزبان، ختمی، بومادران، گون و گیاهان مرتعی.

**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و گراز و کبک.

**زیاران:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان آب‌یک استان قزوین و مرکز آن زیاران است و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه‌خشک و کوه پیغمبر و کوه پلنگ و کوه حوضک و دره‌ی چشمه مار و دشت دره و تپه سیاه و تپه زرار و کان زغالسنگ (خیبر) قرار و رود فصلی تادار در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** جو، تره‌بار، نخود، گیلاس، گردو، آلبالو و سیب درختی.

**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، قارچ، خاکشی و گون و گیاهان دارویی.

**جانوران:** شغال، گرگ و روباه، خرگوش و کبک.

**زین آباد:** از دهستان‌های بخش شال شهرستان بویین زهرا استان قزوین و مرکز آن زین‌آباد است.

**سگزآباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی بویین زهرا استان قزوین و مرکز آن سگزآباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و رود فصلی در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، تره‌بار، سیب، گلابی و انگور

**پوشش گیاهی:** بومادران، خاکشی وگیاهان مرتعی

**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک

**شال:** از بخش‌های شهرستان بویین‌زهرا استان قزوین مرکز آن شهر شال، دارای دو دهستان (۱ - زین‌آباد ۲ - قلعه هاشم) است.

**شریف آباد:** شهرستان قزوین استان قزوین و مرکز آن شریف آباد است و در منطقه‌ای تپه‌ای معتدل خشک رودهای فصلی دستجرد و سرک

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه و هندوانه

**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، شیرین بیان، خاکشی، اسپند، کاسنی، شاتره، گون و گیاهان مرتعی.

**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز، کبک و تیهو

**شهیدآباد:** از دهستان‌های بخش آوج شهرستان بویین زهرا استان قزوین و مرکز آن شهیدآباد ست.

**ضیاءآباد:** از بخش‌های شهرستان تاکستان استان

قزوین مرکز آن شهر ضیاءآباد، دارای دو دهستان (۱ - دودانگه‌ی علیا ۲ - دودانگه‌ی سفلی) است. بخش ضیاءآباد ۱۴۴۷کیلومتر مربع مساحت و در ۲۰کیلومتری شهر تاکستان قرار دارد.
کوه‌های آقامیر و کوه سیاه و شترکوه درین بخش سربرافراشته‌اند آب و هـوا - زمستان‌ها سـرد و تابستان‌ها معتدل و تأثیر بادها مه (قاقازان) و راز (گرم) قرار دارد.
رود خررود و ابهر رود از میان روستاهای ایـن بخش می‌گذرند و در کشاورزی سهم به سزایـی دارند.
**فرآورده‌ها:** انگور، غلات و گردو. ـکتابهای درسی
**طارم سفلی:** از بخش‌های شهرستان قـزوین، استان قزوین می‌باشد که از شمال به شـهرستان رودبار، از خاور و جنوب خاوری به شـهرستان تاکستان از جنوب به شهرستان ابهر و از باختر به بخش طارم علیا از بخش‌های شهرستان زنـجان محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مـرکز ایـن بـخش سـیردان، دارای ۴ دهستان (۱ - چوقور ۲ - خـندان ۳ - نیارک ۴ -کوهگیر)
**رودها:** ۱ -رودکَلَج، از بلندی‌ها و چشمه‌سارهای جنوب این بخش سرچشمه گرفته با جهت جنوب باختری به شمال خاوری از بخش طارم سـفلی می‌گذرد و سرانجام به سد منجیل می‌ریزد.
۲ - رودخارا با سار از کوه لله‌داغی سـرچشـمه گرفته از این بخش می‌گذرد ۳ - رود (نهر) آلتین کش چای که از کـوه‌های داش لارو عـروس در باختر این بخش روان گشـته بـا جـهت جـنوب باختری به سوی شمال خاوری سرانجام به سد منجیل می‌ریزد.
**کوهها:** ۱ -کوه خرماوا ۲ - دستگاه ۳ -کفه کل در شمال و شمال خاوری ۴ -کوه داغ و داغان در جنوب خاوری ۵ -کوه گشنه جار ۶ - دور ۷ - قرمز داش در جنوب ۸ - خانه گدوک ۹ -کـوه سفید ۱۰ -کوه شمه دشت ۱۱ - قرخلر ۱۱ - سندان داغ ۱۲ - لله داغ در جنوب باختری ۱۳ - کوه لار ۱۴ -کوه عروس ۱۵ -کوه جنگل ۱۶ - کوه قوزی در باختر ۱۷ -کوه قاجار زاجال ۱۸ - خشکه دره ۱۹ - سیه‌واشی در شمال باختری
**کان‌ها:** ۱ - زاج ۲ - آلومینیم ۳ - اروانـیوم در شمال و شمال خاوری طارم سفلی
**آب و هوا:** به‌طور کلی سرد و خشک
**نژاد و زبان:** آریانی نژادند و بـه زبـان فـارسی و ترکی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان بلوط، ایلقی و مین نار، گیاهان دارویی گل گاوزبان، گل ختمی، خاکشی، بومادران و شیرین بیان، پوشش گیاهی، بسیار فراوان برای چرای دام
**اقتصاد:** بـر پـایه‌ی کشـاورزی و دامـداری قـرار گرفته، کشاورزی به شیوه‌ی سنتی و نیمه مکانیزه، نوع کشت درپایکوهی‌ها دیم و بقیه آبی است. دامداری به شیوه‌ی سنتی و به‌صورت یـیلاق و قشلاق می‌باشد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، باقلا، گردو، سیب زمینی، بنشن و دام و فرآورده‌های دامی و شیری است.
**قاقازان شرقی:** از دهسـتان‌های بـخش مـرکزی شهرستان تاکستان استان قزوین و مرکز آن یحیی آباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، عدس و انگور
**پوشش گیاهی:** کنگر، اسپند، شیرین بیان، تلخه بیان، درمنه و گیاهان مرتعی
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، آهو و تیهو

**قاقازان غربی**: از دهستان‌های بخش مرکزی تاکستان استان قزوین و مرکز آن نیکویه است. و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه خشک و کوه دربند و کوه قیزاوغلان و کوه داغ چستنان و دره کربیت دی.
**فرآورده‌ها**: گندم، جو، عدس، گردو، آلو و انگور.
**پوشش گیاهی**: کاسنی، درمنه، غازایاقی، شکر تیغال، شیرین بیان، گون و گیاهان مرتعی.
**جانوران**: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

**قزوین**: از شهرستانهای استان قزوین. شهر قزوین مرکز شهرستان و مرکز استان قزوین، دارای ۶ بخش ۱ - بخش مرکزی دارای دو دهستان (۱ - اقبال شرقی ۲ - اقبال غربی، بخش رودبار شهرستان ۳ - بخش رودبار الموت ۴ - بخش طارم سفلی ۵ - بخش البرز ۶ - بخش کوهین است.

این شهرستان ازشمال شرق به شهرستانهای تنکابن، رامسر و رودسر از شرق به شهرستان ساوجبلاغ، از جنوب به استان مرکزی و از سوی باختر و جنوب غربی به استان زنجان محدود است.

**رودهای مهم**: ۱ - رود طالقان که از کوههای سرد رود، آب بند، و کهار بزرگ روان گشته به دریاچه سد سفیدرود می‌پیوندد. ۲ - رود الموت، از کوههای نرگس، چهارده منار و شاه‌میر روان شده و به دریاچه سد منجیل می‌پیوندد. ۳ - شاهرود که از بهم پیوستن رود طالقان و الموت، پدید می‌آید و به دریاچه منجیل می‌پیوندد.
**کوهها**: بخشی از رشته کوههای البرز با بلندی حدود ۴۰۰۰ متر در حد شمالی شهرستان قزوین سر بر آورده، در بخشهای غربی این شهرستان یک سری بلندی‌های موازی از شمال به جنوب کشیده شده و این بلندیهاست که شهرستان قزوین را از شهرستان زنجان جدا می‌کند. اما در نواحی مرکزی نسبتاً هموار می‌باشد.
**معادن**: ۱ - معادن سنگ گچ و آهک ۲ - معدن باریت ۳ - معدن سنگ آهن ۴ - معدن منگنز ۵ - معدن مس ۶ - معدن سرب ۶ - معدن زغال سنگ و معدن شن و ماسه.
**آب و هوا**: قزوین در نواحی کوهستانی خوش آب و هوا و در دشت واقع، دارای زمستانهای سرد و تابستانهای گرم است. نواحی واقع در دو سوی رودهای بزرگ منطقه در فصلهای مختلف سال تغییر می‌کند. میزان بارندگی میان ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیمتر در سال است. باد گرم در اوایل بهار و اواسط تابستان از جهت جنوب شرقی می‌وزد. باد سرد از سوی شمال و شمال غربی است و منطقه وسیعی را در بر می‌گیرد.
**پوشش گیاهی**: در شهرستان قزوین ۷۲۷۳۷ هکتار جنگل و ۷۳۲۰۰۰ هکتار مرتع است.
گز، جارو، درمنه، گیاه شور، سیچان بلاغی، خارشتر، چمن، گون، یونجه یکساله و علف باغ از جمله روئیدنی‌های این سامان است.
**جانوران و پرندگان**: کل، بز، خرس قهوه‌ای، گرگ، شغال، روباه، یوزپلنگ، سمور، گراز، کبک، تیهو، کبوتر وحشی، انواع ماهی مانند اردک ماهی و ماهی زردپر، باز، شاهین، بالابالان.
**اقتصاد**: بر پایه کشاورزی، باغداری، دامداری (سنتی و صنعتی) مرغداری، پرورش ماهی و زنبورداری و صنایع گوناگون کارخانه‌ای استوار است.
شهرکهای صنعتی البرز، لیاودانسفهان از جمله مراکز مهم صنعتی این شهرستان است که تولید کننده مصنوعات فلزی، الکتریکی، الکترونیکی،

کانی، و غیر فلزی، غذائی، بهداشتی، پلاستیک، شیمیائی، پارچه و چرم می‌باشد.
**آثار تاریخی:** ۱ - قلعه حسن صباح ۲ - لمبسر و میمون دژ ۳ - تپه‌های باستانی سگزآباد ۴ - قلعه شمیران (سمیران)
مساحت کل شهرستان قزوین در حدود ۱۰۹۰۳ کیلومترمربع است که بوسیله رشته کوههای البرز (البرز غربی) از استانهای مازندران و گیلان جدا می‌شود. شهرستان قزوین از نظر طبیعی در چهار ناحیه مشخص کوهستانی. کوهپایه، دامنه و دشت قرار گرفته است. شهر قزوین در حاشیه شمالی دشت قزوین واقع است.
**آب و هوا:** آب و هوای قزوین کوهستانی است. زمستانهای سرد و پر برف و تابستانهای معتدل دارد. ولی در نواحی دشت دارای زمستانهای سرد و تابستانهای گرم و خشک است. درجه حرارت سالانه ۱۳/۲ درجه میزان متوسط بارندگی سالانه ۳۰۴/۴ میلیمتر است. ـکتابهای درسی
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، نخود، عدس، لوبیا، سیب زمینی، انگور، سیب، گلابی، پسته، زیتون، و انواع صیفی جات، کالاهای گوناگون صنعتی کارخانه‌ای .
**قلعه هاشم:** از دهستانهای بخش شال شهرستان بوئین‌زهرا استان قزوین و مرکز آن شهرک مدرسی است.
**کوهپایه شرقی:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان آبیک استان قزوین و مرکز آن ناصرآباد است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل نیمه خشک و کوه کودر و کوه توچال و کوه نسام قرار و رود آتنگ در آن جریان دارد.
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.
**فرآورده‌ها:** جو، نخود، گوجه، خیار، انگور، گردو ، گیلاس و زردآلو.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، کاسنی، خاکشی، گون و گیاهان مرتعی.
**کوهپایه غربی:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان آبیک استان قزوین و شهرستان آبیک استان قزوین و مرکز آن کوندج است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد نیمه خشک و کوه شاه‌کوه و کوه سرچاک قرار دارد.
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک، بزکوهی، خرس، پلنگ و تیهو.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، شلغم، بنشن، تره بار، علوفه، بادام، گردو، گیلاس، سیب، به.
**پوشش گیاهی:** گل گاو زبان، شاتره، کاسنی، کاکوتی، ختمی، قدومه، درمنه، گون و گیاهان مرتعی.
**کوهگیر:** از دهستانهای بخش طارم سفلی شهرستان قزوین استان قزوین و مرکز آن کوه‌گیر است. سنجه و کوه پهن و دره آب پیت و گردنه اسبک کوه در آن قرار دارد و رود ملاعلی چای (آب زاغ) در آن روان است.
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پیاز، زیتون و سیب زمینی.
**پوشش گیاهی:** درختان قره تیکان و لالاکی، کاکوتی، ختمی، گل گاوزبان، گاودم، سماق، غازایاقی، بذرک، تره، و اسفناج کوهی، خاکشی، گون، روناس، و گیاهان مرتعی.
**کوهین:** از بخشهای شهرستان استان قزوین مرکز آن کوهین دارای دو دهستان (۱ - ایلات قاقازان شرقی ۲ - ایلات قاقازان غربی) است.

این بخش در ارتفاع ۱۵۰۰ متری سطح دریا قرار دارد. تپه‌ای سرد نیمه خشک، در ۳۲ کیلومتری شمال باختری قزوین است که رودخانه از میان مرکز این بخش می‌گذرد.

کوه مراد تپه در ۶ کیلومتری شمال غربی کوهین سربرآورده است.

**اقتصاد:** مردم این سامان بر پایه کشاورزی، باغداری، دامداری، و کارگری استوار است.

**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، عدس، انگور و نخود.

**پوشش گیاهی:** داروئی، صنعتی و چرای دام آن از اهمیت برخوردار است.

**معلم کلایه:** از دهستانهای بخش رودبار است که شهرستان قزوین استان قزوین و مرکز آن معلم کلایه است. و در منطقه‌ای تپه‌ای سرد خشک و کوه فرتو و کوه رجه و شاه کوه و کان نمک سنگی در آن می‌باشد.

رود زر آباد در این دهستان جریان دارد.

**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

**معلم کلایه (مرکز بخش):** شهر معلم کلایه مرکز بخش رودبار الموت از بخشهای شهرستان قزوین و استان قزوین که در طول جغرافیایی ۲۸ درجه و ۵۰ دقیقه و در عرض جغرافیائی ۲۷ درجه و ۳۶ دقیقه و در بلندی ۱۶۰۰ متری از سطح دریا و در ۸۵ کیلومتری شهر قزوین قرار دارد.

**رودها:** ۱ـ الموت رود که از ۵ کیلومتری ۲ـ طالقان رود که از ۱۰ کیلومتری ۳ـ رود زرآباد از ۵ کیلومتری شهر می‌گذرد ۴ـ رود فصلی اندج که از میان شهر می‌گذرد.

**کوهها:** ۱ـ آسمان گنده (۱۶۳۰ متر) در ۳ کیلومتری جنوبی ۲ـ ولچین (۱۷۸۶ متر) در ۴ کیلومتری جنوب باختری ۳ـ خشچال در ۵ کیلومتری ۴ـ چهار کلایه از ۲ کیلومتری ۵ـ کوه قلعه میمون دژ در ۲ کیلومتری شمال خاوری شهرسربرافراشته‌اند.

**آب و هوا:** بیشترین درجه گرما در تابستانها به ۳۴ درجه بالای صفر و کمترین درجه سرما در زمستانها به ۱۹ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه به طور متوسط به ۴۷۷ میلیمتر می‌رسد.

**رستنی‌ها:** درختان گردوی جنگلی، اروس، زالزالک، بنه، سیب‌وحشی ـ گیاهان علفی

معلم کلایه از ادغام چهار روستا (اناده، اسطلبر، شمس کلایه، معلم کلایه) پدید آمد و از این رو به آن هم چهار کلایه نیز می‌گویند (کلایه به معنای آبادی و محله)

قدمت این شهرکه نخست روستائی نسبتاً بزرگ بوده به روزگار حسن صباح یعنی قرن پنجم و ششم هـ‍ـق می‌رسد.

**زبان:** فارسی با گویش تاتی.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، بنشن، گیلاس، گردو، سیب‌درختی

آب کشاورزی از کاریز، چشمه و رود و آب آشامیدنی از چشمه و رود و برق از شبکه سراسری فراهم گشته است.

**صادرات:** بنشن، گیلاس، سیب، آلبالو، گردو و فندق، دام و فرآورده‌های دامی

**راهها:** ۱ـ راه قزوین ـ معلم کلایه به طول ۸۵ کیلومتر ۲ـ راه معلم کلایه ـ شهر (مرکز بخش طالقان) به طول ۷ کیلومتر«۱»

**مغان:** ازگذشته‌های دور مغان، اطلاعات چندانی در دست نیست و جسته و گریخته در احادیث و

اخبار از مغان گه گاه ذکری به میان آمده است و حتی تا دوره مغول مدارک قابل توجهی در دست نیست.

در جنگ سلطان احمد و ارغون‌خان به دستور خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان الیناق با ۱۵۰۰۰ لشکری به عنوان مقدمه از مغان عازم ری و قزوین و خراسان گردید یا هنگامیکه غازان خان وباید و به ترتیب به تقسیم ممالک‌خود اشتغال داشتند جماعتی از لشکریان مقیم بغداد و موغان به‌کمک بایدو رسیدند و امر این پیشامد را موقعی مناسب، جهت حمله به غازان و یاران او پنداشتند و بایدو رابه این قصد تحریک کردند و او زیر بار این تکلیف خائنانه نرفت.

مغان در هنگام حمله اعراب مقاومت بسیارکرد و در سال ۲۱ هجری اسپهبد مغان در برابر لشکرکشی اعراب ایستادگی کرد.

در ۱۲۳ هجری نیز میان اسپهبد مغان و مردان ابن محمد فرمانده سپاه عرب برخوردهائی رخ داد.

بابک خرم دین نیز از اسپهبدان این ناحیه بود که در برابر حمله اعراب ایستاد.

بین ۲۳۰ تا ۲۳۴ هـ‌ق تألیف گردیده آمده است. آخرین اسپهبد مغان در ۴۴۶ هـق برافتاد.» «۲۸»

**ملازجرد:** شهر کوچکی است. ساختمانهایش از سنگ سیاه است. در آن چشمه‌هائی است ولی درخت ندارد. ابن حوقل گوید:«ملازجرد به قدر اخلاط است. شهری است پر نعمت. با ارزن بیش از دو سه روز راه فاصله ندارد. در جنوب ارزن است و بدلیس در جنوب شرقی آن است.» «۳۸»

**نرجه:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان تاکستان استان قزوین و مرکز آن نرجه و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک واقع است.

ابهر رود دراین دهستان جریان دارد.

**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

**فرآورده‌ها:**گندم، جو، گلابی، انگور و تخمه آفتابگردان.

**پوشش گیاهی:** خاکشی، بومادران و گیاهان مرتعی.

**نیارک:** از دهستانهای بخش طارم سفلی شهرستان قزوین و مرکز آن نیارک است. و در منطقه‌ای پایکوهی سرد و نیمه خشک و کوه اسبک و کوه زره‌در و کوه سنجه سر و دره کرنستان قرار و رود آب قلعه چای درآن جریان دارد.

**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

**فرآورده‌ها:** عدس، گندم، جو و گردو.

**پوشش گیاهی:** کاسنی، گل گاوزبان، ختمی، شیرین بیان، گل ماهور، درمنه، گون و گیاهان مرتعی.

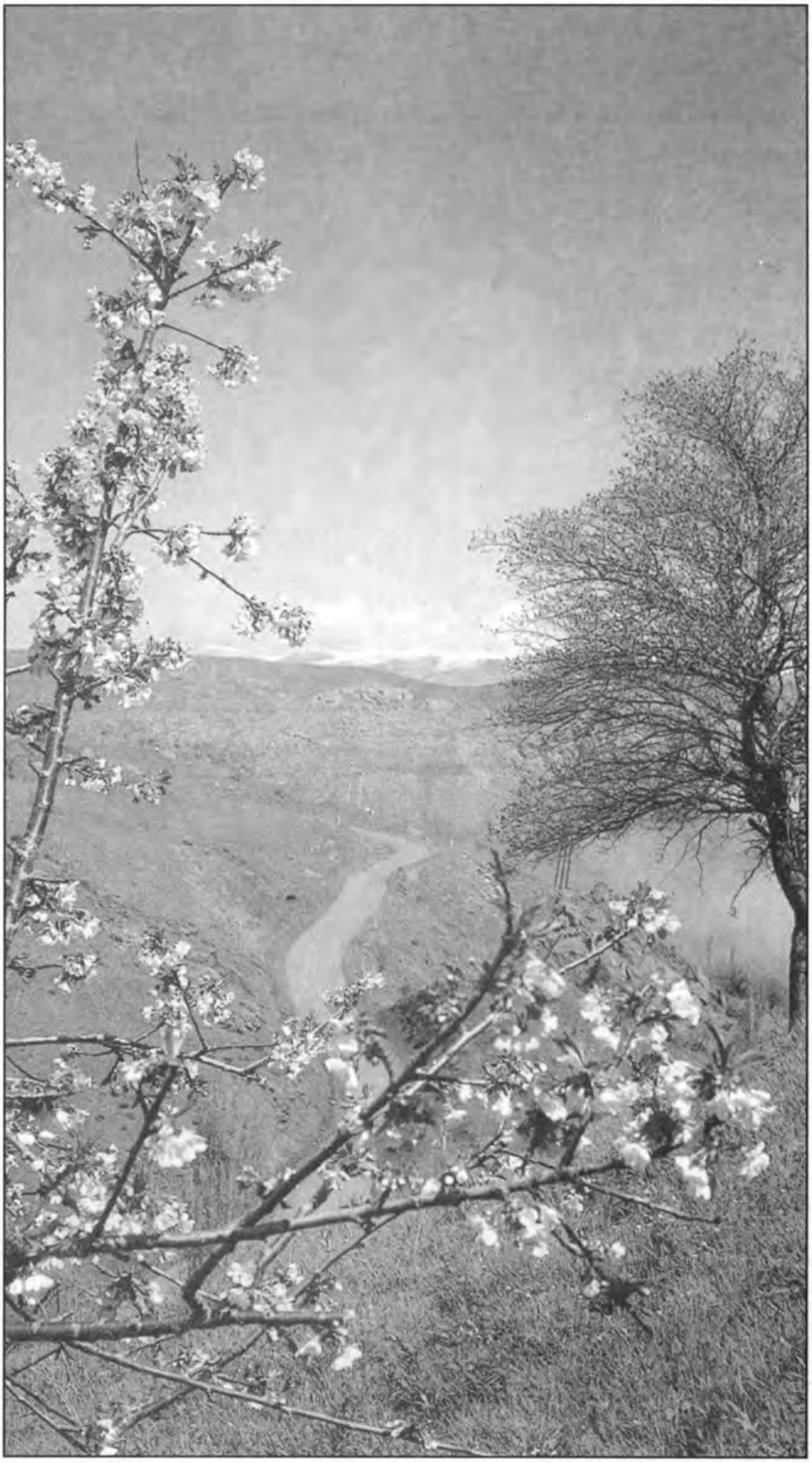
**اصلاحات تقسیمات کشوری در استان قزوین:** شناخت شهر روستای شریف آباد از توابع دهستان شریف آباد بخش محمدیه شهرستان البرز در استان قزوین به عنوان شهر شریفیه.

**شهرک‌های صنعتی:** ۱) شهرک صنعتی شهید رجائی، ۲) شهرک صنعتی حیدریه، ۳) شهرک صنعتی تاکستان، ۴) شهرک صنعتی آراسنج، ۵) شهرک صنعتی کاسپین، ۶) شهرک صنعتی البرز، ۷) مجتمع صنعتی لیا.

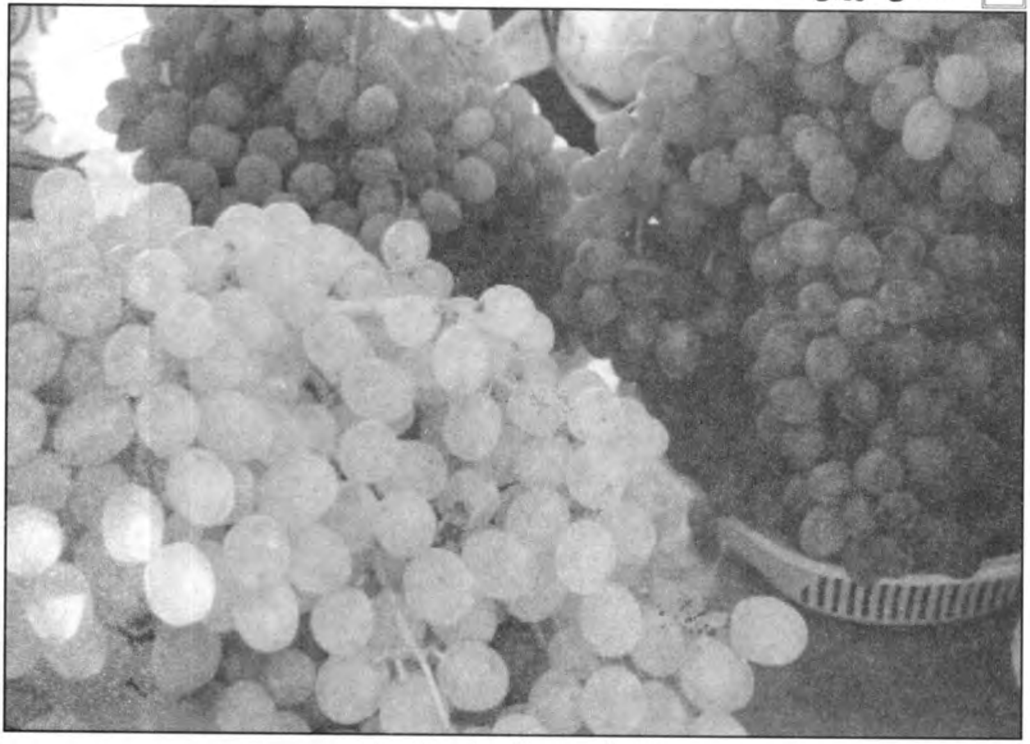
**مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان قزوین در سال ۱۳۸۵**
گوشت قرمز ۵۷ شیر ۳۹۰
**مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان قزوین در سال ۱۳۸۵**
گوشت مرغ ۸۶تخم‌مرغ ۱۶
**تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان قزوین در سال ۱۳۸۴**
جمع معادن ۹۴ خصوصی ۹۳ عمومی ۱
**مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان قزوین در سال ۱۳۸۲**
کل تعداد بهره‌برداری ۷۳۲۹۰ مساحت ۴۱۳۸۹۵ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۵۸۰۲۳ مساحت باغ و قلمستان۴۷۱۶۵
**استان قزوین در سال ۱۳۸۴:** تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۱۸۸۰۳ تعداد دام ۷۲۳۱۴۶ مقدار تولید ۵۱۸۸۱۷ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۷ تعداد دام ۲۴۴ مقدار تولید ۱۷۷
**بهره‌برداری‌های کشاورزی استان قزوین در سال ۱۳۸۲**
زراعت ۴۶۹۰۰ باغداری ۶۰۷۳۸ تولید گلخانه‌ای ۵۳ پرورش ماکیان ۲۸۴۳۶ پرورش زنبور عسل ۱۲۵۷ روورش دام بزرگ ۲۸۵۲۳ پرورش دام کوچک ۲۳۹۴۶ پرورش کرم ابریشم ۰
**تعداد سدهای استان قزوین در مراحل مختلف:**
مطالعاتی ۷ اجرایی ۲ بهره‌برداری ۱ مجموع ۱۰
**استان قزوین در سال ۱۳۸۵:** مساحت جنگل‌ها ۲۶۸۷۱ جمع مراتع ۸۵۳۴۸۵ خوب (متراکم) ۲۵۲۵۵۰ متوسط (نیمه متراکم) ۴۳۰۱۲۲ فقیر (کم تراکم) ۱۷۰۸۱۳ پدیده‌های بیابانی ۲۹۱۵۱
**تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان قزوین:** فعال: ۳۰ غیرفعال: ۰ در شرف تأسیس: ۰ تعداد کل: ۳۰

## برخی از منابع و کتاب‌های سودمند

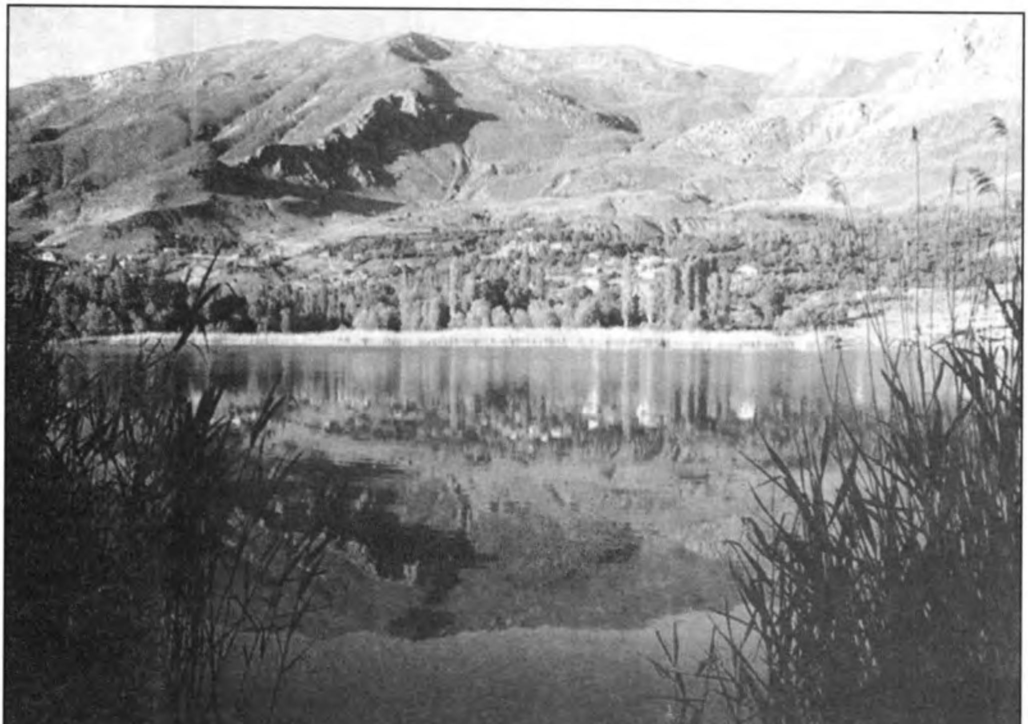

سرزمین و مردم ایران (چاپ پنجم)
شناخت شهرهای ایران
بررسی دیوارنگاره‌های عصر صفویه در تبریز، قزوین و اصفهان ـ تندی، احمد
برگی از تاریخ قزوین: تاریخچه‌ای از آستانه شاهزاده حسین ـ مدرسی طباطبایی، حسین
تات‌نشین‌های بلوک زهرا: وضع حمل، امور کدخدایی،... ـ ال‌احمد، جلال
راهنمای‌گردشگری شهرقزوین ـ حضرتی،محمدعلی
سرزمین قزوین: سابقه تاریخی و آثار باستانی و بناهای تاریخی ـ ورجاوند، پرویز
سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن: از آغاز تا این اواخر ـ دبیر سیاقی: محمد
قزوین آیینه تاریخ و طبیعت ایران ـ حضرتی، محمدعلی
قزون در گذرگاه هنر: شامل تاریخ هنر و هنرمندان ـ آصف‌زاده، محمدباقر
قلعه الموت ـ ابوالنصر، عمر
قلعه الموت الحسن بن الصباح ـ ابوالنصر، عمر
قیام مسلحانه دهقانان الموت ـ الموتی، ضیاءالدین
کتابشناسی استان قزوین ـ تابش، احمد
مجمل رشوند (شرح وقایع و گزارش‌های تاریخی منطقه رودبار) ـ رشوند، محمدعلی بن محمد زمان
مینودر، یاء باب الجنه قزوین ـ گلریز، محمدعلی
تاریخ گزیده ـ حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر
سرزمین قزوین، سابقه تاریخی و آثار باستانی و بناهای تاریخی ـ ورجاوند، پرویز
سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین ـ ورجاوند، پرویز



طبیعت قزوین

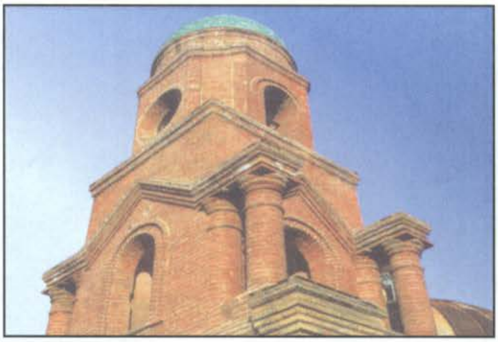


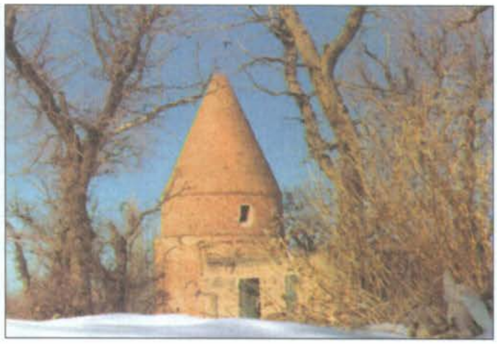
انگور از محصولات شهر تاکستان



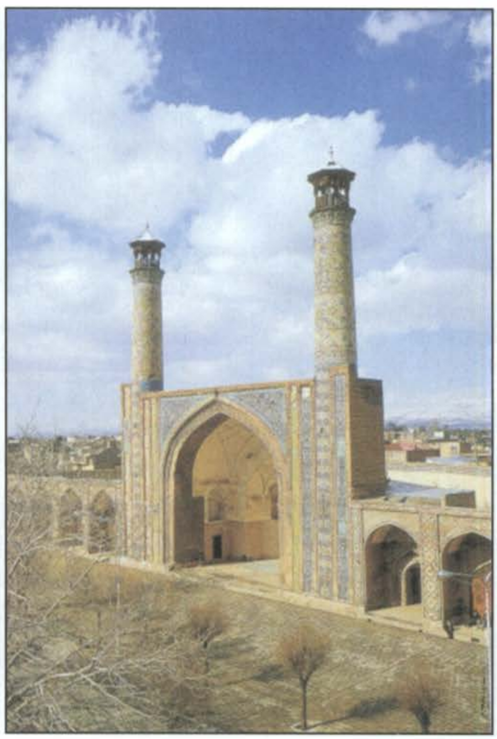
منظره‌ای از دریاچه اوان


امام‌زاده حسین (ع) - قزوین


کلیسای کانتور (برج ناقوس) - قزوین


امام‌زاده کمال (ع) - تاکستان

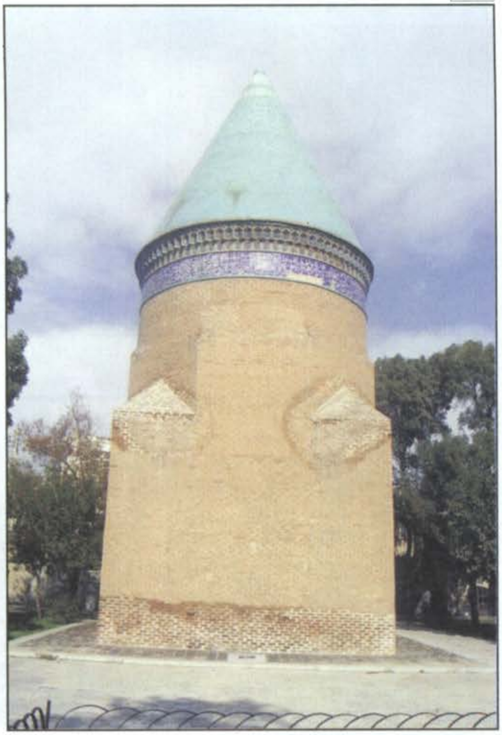

عمارت کاخ چهلستون - قزوین


مسجد جامع قزوین


اُرسی‌های حسینیهٔ امینی - قزوین (دورهٔ قاجاریه)



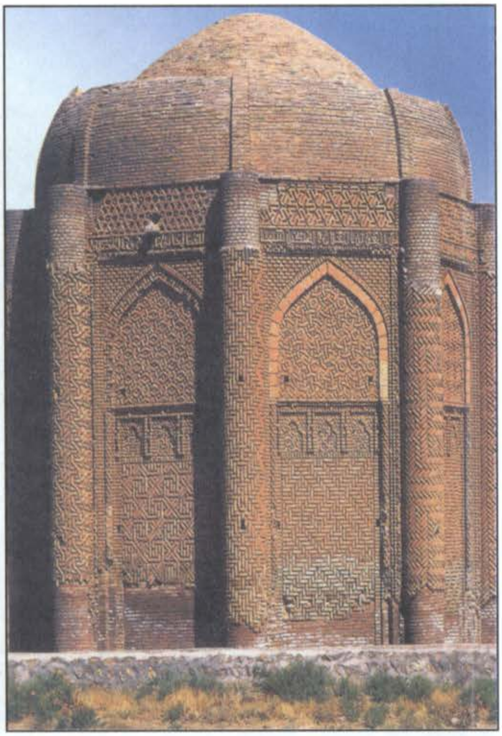
جشن فندوق - قزوین



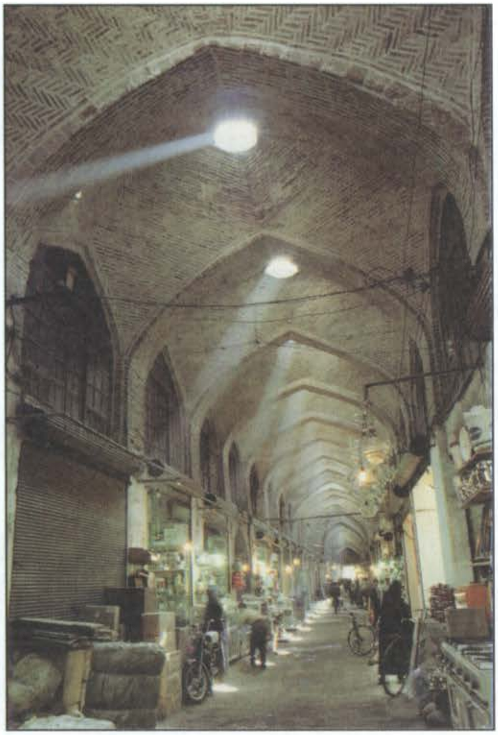
مقبره حمدالله مستوفی - قزوین



جاجیم‌بافی - صنایع دستی قزوین



برج‌های دوگانه خرقان - قزوین



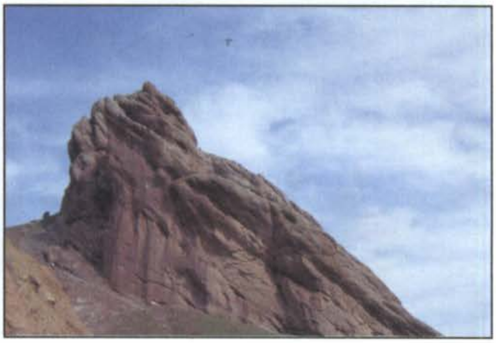
بازار قیصریه - قزوین



آب‌انبار قلعه الموت - قزوین



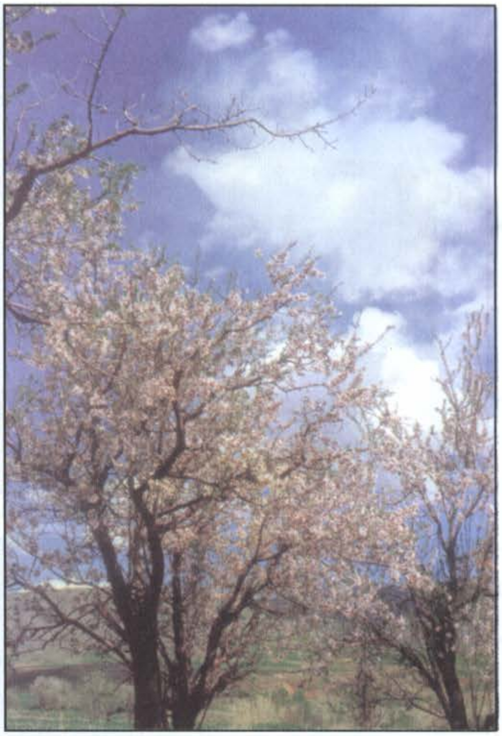
بقایای قلعه الموت - قزوین



قله‌ای که قلعه حسن صباح بر آن قرار دارد



بقایای قلعه الموت



منطقه الموت - قزوین



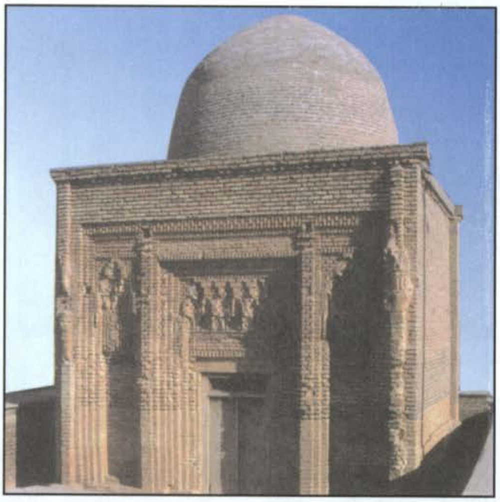
دریاچه آوان - الموت



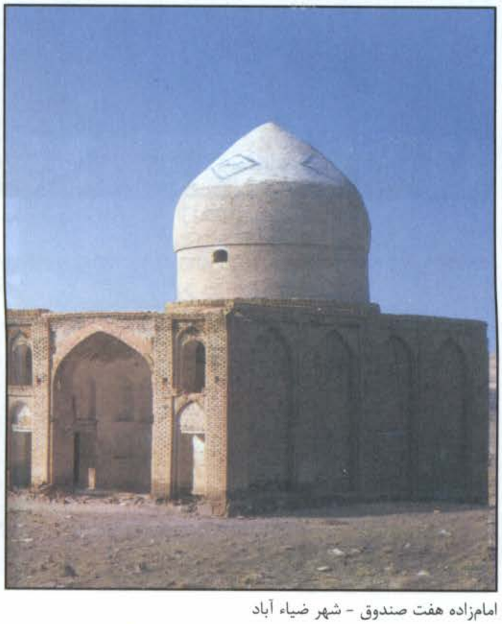
بقایای قلعه الموت



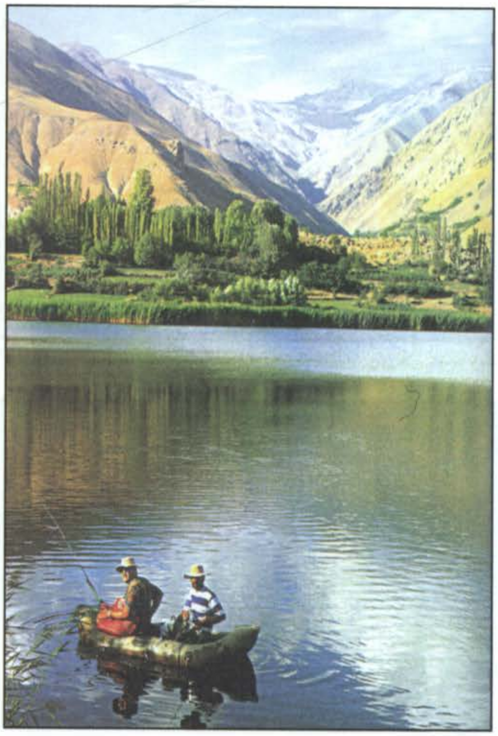
کلیسای قزوین



بقعه پیر - تاکستان



امامزاده هفت صندوق - شهر ضیاء آباد



طبیعت قزوین



رودخانه، رودبار شهرستان



تپه زاغه سگزآباد، بویین زهرا

همه جای ایران سرای من است

دایرةالمعارف

# سرزمین و مردم استان قم

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

سیمای اقلیمی ـ دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی ـ گردشگری ـ پارکها ـ آداب و رسوم ـ شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها ـ شهرک‌های صنعتی ـ تصاویر و عکس‌ها

مشخصات عمومی استان قم براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهر قم، تعداد شهرستان: ۱ تعداد بخش: ۵ تعداد شهر: ۵ تعداد آبادی دارای سکنه: ۲۲۹ کل آبادی‌ها: ۳۲۲



جمعیت استان قم در سال (۱۳۸۵) ۱۰۴۶۷۳۷ نسبت به کل کشور ۱/۴۸ بوده است.

مساحت استان قم ۱۱۵۲۶ کیلومتر مربع نسبت به کل کشور ۰/۷۱ است.

از تهران تا قم (۱۳۲)

که ایران بهشت است یا بوستان   همی بوی مشک آید از بوستان

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از عبدالله عباس‌زاده هنرمند عکاس و عیسی پاکزاد افشار

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان قم
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: علم و زندگی (ناشر همکار) انتشارات آرام (ناشر اصلی)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۸۸۴۳۰۰۹۶ـ ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۹۷۸ـ۹۶۴ـ۶۹۹۰ـ۵۰ـ
بها: یکهزارو صد تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان قم؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۹۷۸ ـ ۹۶۴ ـ ۶۹۹۰ ـ ۵۰ ـ
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۵۳۳

## ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

**مشخصات عمومی استان قم براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵:** مرکز استان: قم مساحت: ۱۱۵۲۶ تعداد شهرستان: ۱ تعداد بخش: ۵ تعداد شهر: ۵ تعداد آبادی دارای سکنه: ۲۲۹ کل آبادی‌ها: ۳۲۲

جمعیت استان قم در سال (۱۳۶۵) ۶۱۶۹۶۳ نسبت به کل کشور ۱/۲۵ و در سال (۱۳۷۵) ۸۵۳۰۴۴ نسبت به کل کشور ۱/۴۲ و در سال (۱۳۸۵) ۱۰۴۶۷۳۷ نسبت به کل کشور ۱/۴۸ بوده است.

مساحت استان قم ۱۱۵۲۶ نسبت به کل کشور ۰/۷۱ است.

کارگاههای استان قم ۳۹۶۶ نسبت به کل کشور ۰/۶۱ است.

درصد میزان شهرنشینی استان قم در سال (۱۳۷۵) ۱۶/۹۱ و در سال (۱۳۸۵) ۹۱/۹۳ است.

تراکم نسبی جمعیت استان قم در سال (۱۳۶۵) ۵۴ و در سال (۱۳۷۵) ۷۴ و در سال (۱۳۸۵) ۹۰ نفر در کیلومترمربع بوده است.

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان قم**

مرد و زن ۳۶۵۵ زن ۱۶۳۱ مرد۲۰۲۴

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان قم**

مرد و زن ۳۰۵۱ زن ۱۶۶۰ مرد ۱۳۹۱

**مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان قم در سال ۱۳۸۵**

جمع ۰ دولتی ۰ خصوصی ۰ تولید نهال ۲۵۰

**مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان قم در سال ۱۳۸۵**

ادامه در صفحهٔ ۱۶۹۶

## فهرست برخی از مطالب

## سرزمین و مردم استان قم

استان قم با ۱۱،۲۳۷ کیلومتر مربع مساحت و آب و هوای نیمه بیابانی، از شمال بـه تـهران و ساوه، از جنوب به دلیجان، کاشان و محلات، از شرق به دریاچه‌ی نمک و از غرب به آشتیان و تفرش محدود است.

این استان دارای معادن نـفت، گـاز، سـرب، روی، منگنز، نـمک، گـچ، آهک و انـواع سـنگ تزئینی و کائولین است.

شهر قم به علت واقع شدن بـر سـر راه‌هـای اصلی شمال به جنوب و غرب کشور، مسیر تردد بسیاری از مسافرین داخلی می‌باشد. شهر قم به وسیله‌ی اتوبان به تهران و سلفچگان، و از طریق راه آهن به شمال و جنوب کشور متصل می‌شود و به علت وجود حرم حـضرت مـعصومه (س) و مســجد جـمکران پـذیرای سـیل عـلاقمندان و ارادتمندان اهل بیت (ع) می‌باشد. این شهر دارای بیش از ۳۰۰ امامزاده است.

ظروف سفالین و بدل چینی، فرش ابریشمی، اشیای سنگی، مبل‌های منبت کاری شده، ظروف سرامیک و استیل جزو صنایع دستی استان بـه شمار می‌روند. سوغاتی‌های قم عبارت اند از: انار و انجیر، سوهان.

اماکن دیدنی استان عبارتند از: قلعه‌ی سنگی، تیمچه بازار، پارک شهر، منزل امام خمینی (ره)، موزه‌ی حضرت معصومه (س)، بناهای باغ سبز، مدفن سه برادران، بنای گنبد چهل دختران، سـد کبار و پارک سالاریه.

اماکن مذهبی و زیارتی استان عبارت اند از: مرقد حضرت مـعصومه (س)، مسـجد مـقدس جمکران، مسجد جامع قم، مدرسه‌ی علمیه‌ی فیضیه و امامزاده ابراهیم. ـ سازمان نقشه برداری کشور

قم در سال ۲۳ هجری قمری بدست ابوموسی عبدا... ابن قیس اشعری فتح گردید. نفوذ اسلام بر قلوب مردم این شهر آنچنان عمیق و پایدار بود که در زمان حکومت عباسیان مأمن سادات و مقصد مهاجران تحت تعقیب گردید. و این منطقه تبدیل به شهری بزرگ و شیعه نشین شد. از این زمـان شهر قم قریب دو قرن آباد و پر جمعیت بود. امّا از نیمه دوم قرن چهارم به علت نامعلومی روی به انحطاط و ویرانی نهاد و بیشتر مردمان آن جلای وطن کردند.

**وجه تسمیه قم:** مجتمع آبهای رودخانه اناربار به هـمراه دشت سـرسبز و چـراگـاههای مـناسب، جاذبه‌ای بود کـه صـحرانشـینان را بسـوی خـود می‌خواند، آنانکه بر این خطّه روی آوردنـد سـر پناهی ساختند و به پارسی کومه‌اش خوانـدند، کومه‌ها به صورت قریه و سپس بصورت شهر در آمد، اما همچنان نام کومه یا (کوم) معرف این دیار بود. با نفوذ زبان عربی پس از ظـهور اسـلام در ایران و آمیخته شدن ادبیات پارسی و عربی بهم کومه (یاکوم) به قم مبدّل گردید چرا که اعراب گـودالهـای پـرآب را قـمقمه گـویند. و چـنین گودالهائی در این ناحیه فراوان بود، لذا اطلاق نام قم بر این منطقه برای همیشه در تاریخ ثبت گردید.

**اوضاع جغرافیایی و اقتصادی قم:** قم با وسعت تقریبی ۱۰۷۴۳ کیلومتر مربع و ارتفاع ۹۳۰ متر از سطح دریا بر پهنه دشت کم ارتفاعی واقع گردیده که در غرب آن کوههای خرقان و در جنوب غربی آن کوههای الوند امتداد یافته است.

شهرستان قم از شمال به تهران از شـمال غـرب وجنوب غربی به شـهرستانهای سـاوه، تـفرش، آشتیان، محلات، دلیجان، از جنوب شـرقی بـه کاشان و از مشرق به دشت کویر و دریاچه نمک

محدود می‌شود.
آب و هوای قم در طبقه بندی اقلیمی کشور در زمره آب و هوای نیمه بیابانی محسوب می‌شود، فاصله تغییرات دما در سردترین روز دیماه و گرمترین روزهای مرداد ماه گاهی به حدود ۷۵ درجه سانتی‌گراد نیز می‌رسد. میانگین بارندگی در ۲۰ سال اخیر ۱۴۰ میلیمتر است که بیشتر در فصل زمستان صورت می‌گیرد.
درگذشته زعفران یکی از اقلام تولیدات کشاورزی این منطقه بشمار می‌رفته اکنون غلات ،انار، بادام، و انجیر از محصولات عمده‌اش است.

حداقل شرقی ۰۶ دقیقه و ۵۰ درجه و حداکثر ۵۸ دقیقه و ۵۱ درجه و حداقل عرض شرقی ۰۹ دقیقه و ۳۴ درجه و حداکثر ۱۱ دقیقه و ۳۵ درجه است.

**موقعیت جغرافیائی**

قم با وسعت تقریبی ۱۴۷۰۰ کیلومتر و ارتفاع ۹۲۸ متر از سطح دریا، بر پهنه‌ی دشت کم ارتفاعی واقع گردیده است. از شمال به تهران، از شمال غرب و غرب و جنوب به شهرستان‌های ساوه، تفرش، آشتیان، محلات و دلیجان و از جنوب شرقی به کاشان و از شرق به دشت کویر و دریاچه‌ی نمک محدود می‌شود.

## جغرافیای طبیعی و ویژگی‌های جوی و اقلیمی استان قم

استان قم در قلمرو کویر مرکزی ایران واقع شده و بین ۹۰۰ تا ۱۵۰۰ متر از سطح آبهای آزاد ارتفاع دارد. ارتفاع شهر قم ۸۷۷ متر از سطح دریا است.
**سیمای اقلیمی استان:** موقعیت طبیعی و ناهمواریهای استان قم به سه بخش مناطق کوهستانی، مناطق پایکوهی و مناطق دشتی تقسیم می‌شود. مناطق کوهستانی، شامل مناطق با ارتفاع بیشتر از ۱۵۰۰ متر را شامل می‌شود که عمدتاً بخش‌های جنوب و جنوب غربی استان را می‌پوشاند. ارتفاعات استان جزئی از رشته کوههای مرکزی ایران است.

مناطق پایکوهی نیز بطور عمده در جنوب و جنوب غرب استان قم و در پای ارتفاعات قرار دارند و از رسوبات ریز و درشت تشکیل شده و به شکل مخروط افکنه‌های کوچک و بزرگ مشاهده می‌گردند. مناطق دشتی و هموار استان در مرکز و شمال استان گسترده‌اند و ارتفاع این منطقه گسترده کمتر از ۱۵۰۰ متر است. موقعیت سه گانه جغرافیایی در استان قم، طبیعتاً موجب تفاوتهای شاخصی در شرایط اقلیمی مناطق مختلف استان گردیده است که در همراهی با سایر عوامل موثر بر شکل‌گیری اقلیم‌های استان، سیمای اقلیمی استان را ترسیم می‌نماید.
**تاثیر ارتفاعات بر اقلیم استان:** نقش ارتفاعات و نواحی کوهستانی در شکل بندی اقلیم استان به صورت تاثیر بر روی عوامل جوی و منابع آب استان است. بطوریکه یک اختلاف محسوس از نظر دمای فصلی و سالانه بین مناطق کوهستانی و مناطق دشتی مشاهده می‌شود. تاثیر مهم دیگر بر روی رژیم بارندگی است که به دلیل بارندگی بیشتر در منطقه کوهستانی و مرتفع استان، این ارتفاعات به صورت یک کانون آبگیر فصلی، منشأ جریان رودهای فصلی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و کانونهای جمعیتی مستقر در پایکوه‌ها از این منابع آبی که به صورت چشمه‌های متعددی جریان می‌یابند، به عنوان منابع آب قابل اطمینان بهره برداری می‌کنند.

ارتفاعات استان با تاثیر پذیری از توده‌های هوای باران زای مهاجر به این استان به نوبه خود بر اقلیم استان تاثیر می‌گذارند و عامل اصلی بارندگی‌های استان محسوب می‌گردند.

**تاثیر عرض جغرافیایی:** استقرار استان قم در بین عرض‌های ۳۴ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۴ دقیقه عرض شمالی سبب گردیده است که این استان از سوئی تحت تاثیر شرائط متفاوت اقلیمی موجود در ارتفاعات و دشت‌های استان و دریاچه‌های نمک و حوض سلطان و شرائط کویری در گستره‌های مختلف استان تفاوت یابد و از سوی دیگر تغییرات قابل ملاحظه‌ای در برخی از پارامترهای اقلیمی استان نظیر ساعات آفتابی، درصد آفتابگیری، تشعشع و سایر انرژیهای دریافتی از خورشید به وجود آید که هر یک از آنها به نحوی بر شرایط اقلیمی استان تاثیر می‌گذارند.

**تاثیر منابع رطوبتی:** منابع مهم آبهای استان قم شامل دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سدهای استان است. رودخانه‌های مهم استان شامل رودهای اصلی قره‌چای و قمرود (اناربار) و رودهای فرعی آن بیرقان، بیدهند (ابرجس)، قره سو و طغرود است. رودخانه‌های شور و کرج و جاجرود نیز از شمال استان وارد شده که به دریاچه نمک قم (مسیله) می‌ریزند. بجز برخی از رودهای فرعی استان مانند بیرقان و ابرجس که در نواحی کوهستانی و کوهپایه‌ای جریان داشته و حالت دایمی دارند، بقیه رودخانه‌های فرعی استان به صورت فصلی دارای آب می‌باشند.

در مجموع سه سد مخزنی نسبتاً مهم به نامهای سد امام‌زاده اسماعیل، سد کبار و سد سنجگان در استان قم احداث شده است.

**تقسیمات اقلیمی استان:** در استان قم اقلیم‌های خشک و فراخشک دارای غلبه کامل بوده و بجز دو محدوده نسبتاً کوچک در جنوب و جنوب غرب استان که دارای اقلیم‌های نیمه خشک سرد و نیمه خشک فراسرد می‌باشند، بقیه استان تحت سیطره اقلیم‌های خشک سرد، فرا خشک سرد و فرا خشک معتدل قرار دارد. در استان قم هرچه از غرب به شرق استان نزدیکتر شویم، اقلیم‌های مستقر دراین مناطق برای زندگی و فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری و عمرانی نامساعدتر می‌شود.اقلیم فراخشک معتدل دورتادور دریاچه نمک را فراگرفته است. استان قم هم نظیر بسیاری از استانهای دیگر کشور متاثر از سیستم‌های باران زای غربی است که بارش‌های اصلی خود را در فصل زمستان به همراه می‌آورند.

به سبب قرار داشتن بخشی از استان قم در منطقه کویر مرکزی ایران، این بخش‌های استان همراه باکویر مرکزی،خود سازنده توده‌های هوای خشک حاره‌ای می‌باشند که در ماه‌های گرم سال بر مناطق و استانهای مجاور تاثیر می‌گذارد.

همانگونه که اقلیم‌های موجود در استان نشان می‌دهد، میانگین بارندگی سالانه در این استان در حد نازلی قرار داشته و اگر هم پوشش گیاهی ضعیفی در سطح استان دیده می‌شود، بطور عمده در باریکه غربی استان که متاثر از ارتفاعات این ناحیه است قابل مشاهده است.

گستره اقلیم‌های استان در سیستم طبقه بندی اقلیمی دومارتن اصلاح شده به شرح زیر است:

**اقلیم خشک و سرد:** این نوع اقلیم تمامی شمالغرب و غرب استان را در بر گرفته و شهرستان قم و اطراف دریاچه حوض سلطان وناحیه گازران ،پل،موته ودودهک را تحت پوشش قرار می‌دهد.

**اقلیم فراخشک سرد:** اقلیم فرا خشک سرد بخش هایی از شرق و شمالشرق استان را تحت پوشش قرار داده ودرمجاورت اقلیم خشک سرد استقرار دارد و ناحیه جمکران را در بر می‌گیرد.

**اقلیم فرا خشک معتدل**

این نوع اقلیم شرق استان و اطراف دریاچه نمک را تحت پوشش قرار داده است.

**اقلیم نیمه خشک سرد:** اقلیم نیمه خشک سرد باریکه‌ای در جنوب شرقی استان در ارتفاعات بالاتر از ۲۵۰۰ متر رادر بر می‌گیرد و به داخل استانهای مرکزی و اصفهان ادامه دارد.

**روزهای همراه با برف ویا مخلوط برف و باران:** استان قم به سبب موقعیت خاص جغرافیایی در مجاورت با کویر،بجز در نواحی مرتفع و کوهستانی،کمتر شاهد ریزش برف می‌باشد.مجموع تعداد روزهای همراه با برف و یا مخلوط برف و باران در شهرستان قم در حدود ۷ روز در سال است که این رقم در مقابل استانهای سرد سیر کشور بسیار اندک می‌نماید.

در قم امکان ریزش برف و یا مخلوط برف و باران در دیماه بیش از سایر ماههای سال است.

**روزهای همراه با گرد و خاک:** در شهرستان قم بطور متوسط در حدود ۱۲ روز از سال توام با گرد وخاک است و فراوانی آن در ماههای گرم سال بیشتر از ماههای سرد سال است.

**روزهای با دید افقی کم:** در شهرستان قم بطور متوسط در حدود ۴ روز از سال دید افقی برابر یا کمتر از ۲ کیلومتر می‌شود که این وضعیت ممکن است به سبب وقوع برخی از پدیده های جوی نظیر مه و گرد و خاک و نظائر آنها اتفاق افتد.

دید افقی و کاهش آن به کمتر از ۲ کیلومتر در امور ترابری هوایی و امور فرود گاهی بسیار حائز اهمیت است.

**موقعیت کشاورزی:** به سبب تنوع اقلیمی، استان قم، امکان کشت اکثر محصولات کشاورزی را دارا می‌باشد که در روستاهای کوهستانی و سردسیر آن میوه هائی از قبیل گردو، فندق، بادام، زردآلو، گیلاس، آلوچه و ... وجود دارد، اما محصولات عمده‌ی آن، غلات، انار، انجیر، صیفی و ... می‌باشد.

**خشکسالی:** وقوع خشکسالی در سالهای گذشته و به ویژه در چند سال گذشته در استان قم،منجربه تلف شدن ۱۰۷۲۲ راس دام و آسیب دیدن ۱۵۰۹۰ هکتار از اراضی استان شده است.

**تگرگ:** وقوع تگرگ در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ موجب خسارت به محصولات ۸۵۰ هکتار از اراضی استان قم شده است.

**سرمازدگی و یخبندان:** سرمازدگی و یخبندان طی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ در استان قم موجب خسارت به محصولات ۳۷۵۰ هکتار از اراضی استان شده است.

**گرمازدگی:** در فاصله سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۸ در استان قم به محصولات ۵۰۰۰ هکتار از اراضی استان خسارت وارد شده است.

**رگبار شدید:** بارش رگبار شدید در دو نوبت در استان قم، موجب خسارت به ۸ واحد مسکونی شده است.

**سیل:** بر اثر رخداد ۲ مورد سیل در استان قم به ۱۱ روستا آسیب رسیده و به ۱۹۵۰ هکتار از اراضی استان خسارت وارد شده و ۳۰ دهنه پل تخریب و ۲۶ کیلومتر از جاده‌های استان خسارت دیده است. وقوع سیل به برخی از سدهای استان هم آسیب رسانده است.

**دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی استان قم:**

مهمترین منابع آبهای استان قم شامل دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سدهای استان است. دریاچه‌های استان قم شامل دریاچه حوض سلطان و دریاچه نمک (مسیله) است.

**دریاچه حوض سلطان:** دریاچه حوض سلطان با مساحت تقریبی ۲۴۰۰ کیلومتر مربع در شمال شرق شهرستان قم قرار دارد و رشته کوه‌های البرز در شمال آن گسترش دارد. بر حسب میزان بارندگی سالانه، وسعت و سطح آب دریاچه پیوسته در نوسان است. در موقع پر آبی سطح دریاچه گسترش می‌یابد و آب آن اراضی پست و شوره زار و باتلاقی پیرامون را می‌پوشاند و دریاچه بزرگی به طول ۸۰ و عرض ۶۰ کیلومتر تشکیل می‌شود که به نام دریاچه حوض سلطان مشهور است. این دریاچه به دریاچه ساوه، قم و دریاچه شاهی نیز معروف است.

**دریاچه‌ی حوض سلطان:** این چاله از طرف جنوب غربی و مغرب و شمال غربی به وسیله‌ی رشته کوه‌های آتشفشانی محصور است. رشته کوهی از سنگ‌های دوره‌ی میوسن از انتهای شمال شرقی سنگ‌های آذرین به طرف مشرق کشیده است، تا حدی که مخروط افکنه‌ی رودخانه‌ی شور محو می‌گردد. در حال حاضر این چاله به وسیله‌ی مجرای باریکی کدر قسمت جنوب شرقی زهکشی می‌شود. به علت به هم پیوست رسوبات مخروط افکنه از دو طرف مقابل، این مجرا حتی تا زمان اخیر مسدود بوده است.

دریاچه‌ی حوض سلطان از دو بخش مجزا که به وسیله‌ی یک کانال زهکشی باریک به هم اتصال دارند تشکیل شده است. بخش غربی این کویر با ارتفاع ۸۰۶ متر از سطح دریا اخیراً از ارتفاعات مجاور هرز آب‌های سطحی و سیلاب‌های اضافی بخش شرقی را، از طریق کانال‌های زهکشی، دریافت می‌دارد. بخش شرقی آب خود را از کوهستان‌های موجود در امتداد حاشیه‌ی شمالی، از شمالی‌ترین شاخه‌های مخروط افکنه رودخانه‌ی شور و از انشعابات شمالی مخروط افکنه‌ی قره چای، دریافت می‌کند. انشعابات دیگر مخروط افکنه‌های فوق آب خود را به طرف جنوب شرقی و به داخل کویر قم هدایت می‌نماید.

بخش مرکزی هر دو کویر به وسیله‌ی نمکزاری، به وسعت ۲۴ درصد سطح کل کویر، پوشیده شده است و به وسیله‌ی یک حوزه‌ی خیس با وسعتی برابر با ۷۶ درصد کل کویر محدود می‌گردد.

**رودخانه‌های استان:** مهمترین رودخانه های استان قم شامل رود های قم رود (انار بار)و قره چای است و رودهای فرعی آن بیرقان،ابرجس،قره سو و طغرود است.رود خانه های شور و کرج و جاجرود نیز از شمال استان وارد شده و به دریاچه نمک می‌ریزند.

**قم رود:** این رود از زرد کوه بختیاری سر چشمه می‌گیرد و پس از طی ۲۸۸ کیلومتر به دریاچه نمک می‌ریزد.وسعت حوزه آبریز آن ۱۰۲۳۰ کیلومتر مربع ودبی آب آن ۸/۵ متر مکعب در ثانیه است.این رود خانه در ابتدا به نام در بند معروف بود و در محل اخته خون در جنوب غربی گلپایگان سدی بر روی آن احداث شده است. قم رود در محدوده‌دلیجان،محلات،خمین،گلپایگان و قم جاری است و اراضی این نواحی را آبیاری می‌کند. این رود خانه به نامهای گل افشان،انارباِر،لعل رود ولعل بار معروف است.
قم رود به علت گذر از نواحی نمکی،دارای آب

شور بوده و جهت مصرف چندان مطلوب نیست.در سابق آب شهر از آب انبارهای بزرگی که بر اثر ریزش باران پر می‌شد تامین می‌گشت.ولی در سالهای اخیر به کمک طرحهای کوتاتر و میان مدت چاههایی که آب شیرین دارند حفر شده و به مصرف شهر می‌رسد.

**رودخانه قره‌چای:** رودخانه مهم دیگری که در قم جاری است قره چای نام دارد که از سراب های هفت عمارت،بلاغ جک،پنجه علی در منطقه سر بند اراک سرچشمه می‌گیرد و بعد از مشروب کردن دهستان شراء از استان همدان وارد شهرستان اراک می‌شود و در مسیر شرقی - غربی وارد شهرستان تفرش می‌شود و پس از دریافت آب رودخانه‌های گدار و هزلفان و با عبور از جنوب ساوه، در ناحیه‌ای به نام پل دلاک به قم رود پیوسته و به دریاچه قم می‌ریزد.

## زمین‌شناسی و توان معدنی استان قم

**موقعیت جغرافیائی:** به جز قسمت‌های مرتفع، بخش بیشتر استان قم با خاک‌های شور و قلیائی پوشیده شده است. فراوانی نمک خاک سبب شده، قدرت رویش در آن ناچیز باشد، به همین لحاظ، پوشش گیاهی استان بسیار کم است.

بخش بیشتر استان قم در دشت کم ارتفاع فلات ایران مرکزی قرار دارد. کوه‌های کم ارتفاع باختر استان با شیب ملایمی به سوی شرق، به حوضچه‌ی دریاچه‌ی نمک قم منتهی می‌شود. آب و هوا به علت مجاورت با کویر، در تابستان گرم و خشک و در زمستان تا حدودی ملایم است. کشاورزی به لحاظ شوری خاک رونق چندان ندارد. ذخایر معدنی (فلزی و غیر فلزی)، صنایع ماشینی و صنایع دستی، از جمله منابع اقتصادی استان هستند.

**جایگاه و ویژگی‌های زمین‌شناسی:** از نگاه زمین‌شناسی و پهنه‌های ساختاری-رسوبی، استان قم بخشی از قلمرو ساختاری ایران مرکزی است که مورفولوژی حاکم بر آن، شامل مجموعه‌ای از رشته‌کوه‌ها و دشت‌های نیمه موازی با روند شمال باختری - جنوب خاوری است. دشت شمال باختری استان، قسمتی از پایانه‌ی شمال باختری زمین‌های پست قم - اردکان است که به وسیله‌ی تپه‌ی ماهورها و بلندی‌های کوشک نصرت به دو شاخه تقسیم شده است و بخش شمالی آن، دریاچه‌ی حوض سلطان را دربردارد. ریخت‌شناسی حاکم بر بخش مرکزی استان (پیرامون استان قم) فیزیوگرافی تپه‌ی ماهوری دارد، در حالی که بلندی‌های باختر - جنوب باختری، قسمتی از رشته کوه‌های آتش فشانی ارومیه - بزمان است که بلندی آن در بعضی نقاط، تا حدود سه هزار متر از سطح دریا می‌رسد.

**بررسی مورفولوژیکی پلایای حوض سلطان به عنوان یکی از زیر حوضه‌های دریاچه‌ی نمک قم**

حوضه‌ی آبریز حوض سلطان اقلیمی خشک و کم آب، پلایایی با رسوبات تبخیری را تشکیل داده است که دورنمایی از کواترنر و رسوبات به جا مانده از پسروی دریاست که منطقه‌ای مستعد زایش نمک آبی، با اهمیت اقتصادی فراوان را پدیدار ساخته است. همزمان با چین خوردن و بالا آمدن کوه‌های فلات ایران، قسمتی از پوسته فرونشسته و چاله‌هایی را به وجود آورده‌اند. دریاچه‌ی حوض سلطان به عنوان یک چاله‌ی کششی بر اثر عملکرد و تقاطع دو گسل ناحیه‌ای شکل گرفته و امروزه در حال کوچک شدن است.

گسل اصلی در جنوب حوضه‌ی گسل کوشک نصرت است که از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده و در رود قره چای پایان می‌یابد و نشانگر حرکات تکتونیک فراوان منطقه است.

این حوضه با ریخت کلی از پهنه‌ای فرو افتاده یک زیر پهنه از حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی نمک قم و با خصوصیات یک پلایا، در شمال شرقی استان قم واقع است. (حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی نمک قم متشکل از حوضه‌ی آبریز حوض سلطان مسیله و حوض مره است). دریاچه‌ی حوض سلطان با مساحت ۲۸۸ کیلومتر مربع در شمال غربی حوضه واقع است. حوض سلطان در شمال غرب دریاچه‌ی نمک با شکلی بیضوی دارای زمینی نسبتاً سخت است، به طوری که در فصل خشک از همه جای آن میتوان عبور کرد و ارتفاع تقریبی آن حدود ۷۹۰ متر است. این چاله شیبی از شرق به غرب دارد و مرکز چاله در جنوب غربی است.

ارتفاعات علی آباد (گوی داغ) در مغرب، ارتفاعات باقر آباد در جهت شمال غربی به جنوب غربی و آزاد راه تهران ـ قم در مغرب دریاچه را دربرگرفته‌اند. نوع آب و هوا اقلیم «بیابانی» خشک و سرد با میانگین دمای $^{\circ}C$ ۱۸ و میانگین بارش سالانه‌ی mm۱۵۰ را نشان می‌دهد( براساس آمار ۱۹ ساله ایستگاه آب و هواشناسی قم).

زهکشی به سمت مرکز پلایا (مرکز دریاچه) منتهی می‌شود و اکثراً خشک است و فقط در فصول بارندگی آب سطح حوضه را فرا میگیرد. سطح آن، صاف و هموار با شیب بسیار ملایم است. از نظر فرسایشی یک دوره طولانی و بدون توقف را پشت سرگذاشته‌اند. تمام سطح زیر پلایا با سنگ بستری پوشیده شده که روی آن را آبرفت گرفته است. سطح زمین با نمک پلی گنال (چند ضلعی) پوشیده شده است. رژیم از طریق آب سطحی و هرزاب‌های کوهستانی تأمین شده که توسط حوضه‌ی آبریز و آب‌های زیر زمینی به سمت دریاچه تخلیه می‌شود. به همین جهت سطح ایستایی آب زیرزمینی بالاست.

**علت پدیدار شدن دریاچه و چگونگی تشکیل پلایا:** همزمان با چین خوردن و بالا آمدن کوه‌های فلات ایران، قسمتی از پوسته‌ی فرونشسته و چاله‌هایی را به وجود آورده‌اند. چون اشکال ساختمانی ناهمواری‌ها ارتفاعات، یا چاله‌ها نتیجه‌ی حرکات زمین ساخت اواخر دوران سوم است. همان گونه که عوامل خارجی در طول دوره‌ی چهارم تغییرات شدیدی در اشکال ساختمانی چین خوردگی به وجود آورده، چاله‌ها نیز تحت تأثیر همین عوامل، دستخوش تغییرات فراوانی بوده‌اند. اگر نیروهای مماسی را عامل ایجاد چین خوردگی بدانیم، چاله‌های داخلی بیشتر بر اثر نیروهای عمودی به شکل گسل‌های بزرگ در جهات مختلف به وجود آمده و در طول آن‌ها فرونشسته است.

اواخر دوران سوم همزمان با فرونشستن چاله‌ی جنوبی رشته‌ی البرز، رسوبات جوان داخل پلایا، بر اثر آتشفشان و نیروهای کوهزایی چین خوردگی‌های فراوان و پراکنده‌ای به وجود آمده و این چاله وسیع را به مناطق مختلفی تقسیم کرده است، بین دامنه‌ی جنوبی البرز و کوه‌های جندق پلایای وسیعی وجود دارد که قسمت شرق آن به نام دشت کویر و نیمه غربی آن حوض سلطان و مسیله است.

از جنبه‌ی تکوینی منطقه‌ی سراجه ـ قم از سمت غرب به سوی شرق در حال خیزش و فرسایش است، حال آن که در سوی شرق به

دریای نمک متصل می‌گردد که از نمونه‌ای بارز حوضه‌های کنترل شده با گسل است. همین وضعیت در حوضه‌ی دریاچه حوض سلطان ملاحظه می‌شود که کنترل ساختاری دارد اما به عنوان چاله‌ی کششی در اثر عملکرد و تقاطع دو گسل ناحیه‌ای شکل گرفته، گرچه امروزه در حال کوچک شدن و کاستن از گستره است.

**زمین‌شناسی حوضه:** ساختار زمین‌شناسی ارتفاعات از سازند هزاردره که ادامه‌ی سازند قم است، تبعیت می‌کند و پوشش پلایا از نوع رسوبات تخمیری است.

این حوضه در زون ایران مرکزی قرار دارد. سنگ‌های رسوبی آذرین و آذر آواری سنوزوئیک برونزد دارد و قسمت اعظمی از این محدوده را آبرفت‌های جوان کواترنری پوشانیده است. این آبرفت‌ها به صورت لایه‌های چین نخورده روی سازندهای قدیمی‌تر به صورت دگر شیب قرار دارند. ترکیب این آبرفت‌ها در قسمت‌های مختلف، متفاوت است در برخی مناطق، ترکیب این آبرفت‌ها شامل کنگلومرای بدون سیمان و در برخی نقاط ترکیب آن شامل رس و سیلت می‌شود و در برخی نقاط شامل کفه‌ی نمکی است که در کل ترکیب آبرفت تحت تأثیر ترکیب سنگ‌های بالادست آبرفت است دریاچه را دربرگرفته است.

در نقاط مرتفع، ارتفاعات آهکی و سنگ‌های آذرین ائوسن را مشاهده می‌کنیم. در جنوب منطقه نیز گستردگی سنگ‌های آتشفشانی ائوسن و همچنین آهک‌های الیگومیوسن مشاهده می‌شود که از شمال غربی به جنوب شرقی امتداد دارد. در مطالعه‌ی این نوار آتشفشانی ـ رسوبی یک دوره انقطاع در رسوبگذاری دیده می‌شود و در الیگومیوسن فوقانی سنگ‌های رسوبی تشکیل شده است. در بیساری نقاط سنگ‌های رسوبی از جمله آهک و گچ در محل حاصل فعالیت گسل کوشک نصرت بوده است.

پیدایش فرو رفتگی‌های ساختمانی، شکستگی‌های نسبتاً زیاد و تظاهر ولکانیسم همراه با فرسایش منطقه، با تشکیل حوضه‌های محدود و کم عمق انزوای اقلیم همراه بوده و شرایط پیدایش رسوبات تبخیری را از دوره کواترنری در این منطقه فراهم کرده است.

ـ امیر حسین اکبری، ماهنامه‌ی علوم زمین و معدن ـ سازمان زمین‌شناسی کشور

**الگوی ساختاری فرونشست قم ـ آران:** بر پایه‌ی تقسیم بندی‌های ساختاری موجود، حوضه‌ی فرونشست درون قاره‌ای قم ـ آران در پهنه‌ی ایران مرکزی جای دارد و از شرایط زمین ساختی حاکم بر این پهنه تبعیت می‌کند. نوار فرونشسته‌ای از حوضه‌های قم ـ آران، اردستان ـ یزد و رفسنجان ـ زرند در حد فاصل دو پهنه فرعی برخاسته از سنگ‌های ایران مرکزی (مثلث یمانی در شمال خاور و نوار ماگمایی ارومیه ـ دختر در جنوب باختر) قرار گرفته است و راستای گسترش آن‌ها با پیروی از روند حاکم شمال باختری ـ جنوب خاوری می‌باشد. با فاصله گرفتن از پهنه‌ی فرعی ماگمایی ارومیه ـ دختر به سمت بخشهای میانی ایران مرکزی ریخت ساختاری متنوع و روندهای فرعی آشکار گردیده‌اند. احتمالاً رفتار شکننده‌ی پی سنگ متبلور ایران مرکزی در واکنش به نیروهای وارده ضمن ایجاد قطعات گسله با شکل و ابعاد مختلف سبب جابجایی و حرکت چرخشی آن‌ها نیز شده است که تأثیر توأم این حرکات، ریخت ساختاری درهمی را به وجود آورده است، به گونه‌ای که در شمال شمال باختری ـ جنوب

جنوب خاوری (گسل قم ـ راوند ـ زفره)، شمال خاوری ـ جنوب باختری (گسل مرنجاب) رخنمون دارد.

طی نئوژن بازشدگی دریای قرمز و حرکت ورقه‌ی عربی به سمت شمال موجب اعمال تنش‌های فشارشی بر فلات ایران گردیده است، در همین رابطه حرکت راستالغز گسله ایران مرکزی موجب برخی از کشش‌های محلی از جمله در محل خمیدگی گسل قم ـ راوند ـ زفره گردیده که توأم باکشیدگی و بازشدگی بوده است. در روند تکاملی حوضه کشیده ـ جدا شده یاد شده انباشته‌های رسوبی سازند قرمز بالایی با رخساره محیط قاره‌ای و متشکل از عضوهای **M 3 ,M 2 M 1,** شده است. فرسایش برخاستگی‌های اطراف، خاستگاه واحدهای مذکور بوده، ودر حال حاضر به طور عمده با مرز گسله معکوس به صورت بخش برخاست در حاشیه‌ی حوضه‌ی فرونشست قم ـ آران قرار گرفته‌اند.

**زمین‌شناسی عمومی پهنه فرونشست قم ـ آران:** پهنه‌ی فرونشست ساختاری قم ـ آران با بیش از ۱۷۵۰۰ کیلومتر وسعت بخش گود و فروافتاده‌ای را با بیشینه‌ی فرازای ۷۰۰ متر از سطح دریا تشکیل می‌دهد که توسط برخاستگی‌های دوزاده امام ـ نره خر کوه در شمال، سیاه کوه در خاور، مرنجاب ـ سفید آب در جنوب و پهنه‌ی ماگمایی ارومیه ـ دختر با بیش از ۲۰۰۰ متر فرازا در باختر احاطه شده است. مجله‌ی علوم زمین

**گسل قم ـ زفره (Q-Z):** این گسل که بنا به نظر عده‌ای از زمین شناسان ادامه‌ی گسل تبریز است، از کوه‌های جنوب قم تا منطقه‌ی زفره در شمال شرق اصفهان کشیده می‌شود و احتمالاً در ایجاد نوار آتشفشانی سهند ـ بزمان دخالت داشته است.

**آبخیز ـ استان قم:** چندین رودخانه‌ی بزرگ از دامنه‌های جنوبی سلسله‌ی البرز وارد آبخیز قم می‌گردد. بزرگ‌ترین آن‌ها رودخانه‌ی کرج است که در حال حاضر سدی بر روی آن بسته شده است.

**آبخیز قم:** حوزه‌ی آب‌خیز قم به عرض تقریباً ۳۰۰کیلومتر در دالانی بین دامنه‌های جنوب غربی سلسله جبال البرز و شمال شرقی سلسله جبال زاگرس قرار گرفته است. بلندترین ارتفاع این آبخیز از سطح دریا در حدود ۴۵۷۲ متر است که در شمال تهران قرار دارد، ولی به طرف شمال غربی. در امتداد حد آبی آن با حوزه‌ی زهکشی دریای خزر، از ارتفاع آن کاسته شده و به حدود ۲۷۲۰ متر می‌رسد. در حالی که ارتفاع تیغه‌های این آبخیز به طرف جنوب شرقی و حدود جنوب غربی آبخیز دوباره اوج می‌گیرند و به ترتیب به حدود ۳۶۰۳ متر و ۳۵۶۵ متر می‌رسند. ارتفاعات آتشفشانی واقع در داخل آبخیز قم آن را به دو بخش شمال شرقی و جنوب غربی تقسیم می‌نماید. در بخش شمالی آن کویر قم و دریاچه‌ی حوض سلطان قرار گرفته است و بخش شمال غربی چاله را در بر می‌گیرد. گسل‌های اصلی این منطقه عموماً با جهت رشته‌کوه‌های آتشفشانی که از حوزه‌ی ناپایداری تشکیل شده و زمین لرزه‌های فراوانی را سبب می‌شود، موازی می‌باشد.

قسمت اعظم ارتفاعات داخلی آب‌خیز قم به استثنای حد جنوب غربی آن‌که از سنگ‌های رسی مطبق و سنگ لوح و سنگ‌های ماسه‌ای و تا حدی رگه‌های ذغال سنگ تشکیل شده است و حد شمال غربی آن که از چین خوردگی‌های مرکب از سنگ‌های آواری درشت متعلق به دوره‌ی پلیستوسن تشکیل گردیده است، از نوع سنگ‌های آتشفشانی می‌باشند.

قسمت اعظم صفحات پست این آب‌خیز به وسیله‌ی رسوبات تبخیری دوره میوسن پوشیده شده است. در همین رسوبات است که مجاری رودخانه‌های اصلی تشکیل گردیده و منبع اصلی املاح نمکزارهای کویر قم است. مهم‌ترین رودخانه‌های این آبخیز رودخانه‌ی قره چای است که از ارتفاعات گوشه‌ی غربی آبخیز سرچشمه می‌گیرد و پس از گذشتن از تمام عرض دشت کویر قم به گوشه‌ی ارتفاعات جنوب شرقی آب‌خیز ختم می‌شود. در این محل میزان بارندگی سالانه آن کمتر از یکصد میلیمر است. خط همباران ۳۰۰ میلیمتری از نزدیکی بخش شمال شرقی این آبخیز می‌گذرد و تا نزدیکی حد شمال غربی و جنوب غربی آن ادامه دارد.

**کویر قم:** کویر قم در شرقی‌ترین و پست‌ترین قسمت آبخیز قم قرار گرفته است. ارتفاع این کویر از سطح دریا حدود ۷۶۵ متر است و قسمت اعظم بلندی‌های شمال شرقی و جنوب شرقی آن از نوع سنگ‌های آذرین و سنگ‌های تبخیری می‌باشد و صفحات وسیعی از تپه‌های ماسه‌ای حاشیه‌ی جنوبی آن را محصور نموده است. حاشیه‌ی شمال غربی آن به دشت‌های آبرفتی وسیعی که رودخانه‌های آن اکثراً از ارتفاعات زاگرس سرچشمه گرفته‌اند می‌پیوندد. شکل ظاهری این کویر به صورت مثلث متساوی الاضلاعی است که طول هر یک از اضلاع آن در حدود ۶۰ کیلومتر است. در فصل بهار آب‌های بارانی حاصله از ذوب برف بر روی دشت‌های طغیان کرده و بخش شمال غربی و پست‌تر آن را قشر نازکی از آب فرا می‌گیرد. این آب معمولاً در اواسط تابستان تبخیر شده و فقط توده‌ای از مواد رسی نرم تیره رنگ و خیس از خود به جای می‌گذارد. نمکزار موجود بر روی این کویر دو سوم سطح آن را پوشانده است و به آرامی به طرف حوزه‌ی خیس نازک‌تر می‌شود. روی سطح این نمکزار را چند وجهی‌هائی با قطر متوسط ۱۰-۲ متر فراگرفته است که ارتفاع لبه‌ی خارجی آن‌ها به ترتیب به ۲۰-۶ سانتی متر می‌رسد.

در نزدیکی ساحل جنوبی این کویر چند جزیره‌ی کوچک پر از نمکزار بالا آورده است که بزرگ‌ترین آن‌ها جزیره‌ی سرگردانی نامیده می‌شود و ۷۰۰ متر از سطح نمکزار ارتفاع دارد. تقریباً ۲۰ درصد سطح این جزیره تپه‌های سست و بلندی‌هایی با قله‌های صاف و گنبدی شکل تشکیل شده است و در اطراف آن خندق هائی با شیب ۳۵-۳۰ درجه دیده می‌شود. قسمت قاعده‌ای این جزایر به وسیله‌ی سردشت قطع می‌گردد. سطح این دامنه‌های صخره‌ای معمولاً به وسیله‌ی مخروط‌های افکنه پوشیده شده است، ولی توده‌ی جزیره‌های پراکنده موجود نشان دهنده‌ی آن است که در عمق کمی از آن صفحات صخره‌ای قرار دارد. سراشیبی این مخروط‌های افکنه از ۴ درجه در قسمت فوقانی به ۲ درجه در محل قطع آن‌ها به خط ساحلی کاهش می‌یابد.

**توان معدنی:** استان قم از نظر دارا بودن مواد معدنی فلزی و غیر فلزی توان درخور توجهی دارد. از همین رو، برخی معادن آن نظیر سرب، روی، منگنز، باریت، نمک، گچ، سنگ آهک، تراورتن و ... از دیرباز مورد شناسائی و بهره برداری قرار گرفته‌اند.

**سرب و روی:** کانه‌ی سرب که اغلب به صورت سولفور (گالن) است، در نقاط متفاوتی از منطقه وجود دارد که گاه با کانه‌ی روی (بلاند) همراه

است. معدن سرب شرق ـ شمال خاوری شهر ساوند، در ۴۰کیلومتری جنوب باختری قم، یکی از معادن سرب و روی استان است که خاستگاه هیدروترمال دارد و گالن در درون سنگ‌های آذرین رگه‌ای نئوژن با ترکیب آندزیتی ـ بازالتی متمرکز شده است.

**آهن و منگنز:** آهن و منگنز، به صورت اکسید، ارزش اقتصادی دارند مورد بهره برداری قرار می‌گیرند. در معدن منگنز و نارچ، در ۳۰کیلومتری جنوب باختری قم، ردیف‌های آذرآواری اتوسن پرمایه از اکسید آهن (هماتیت) وکم و بیش اکسید منگنز (پیرولوزیت)، به رنگ افق چینه‌شناسی مشخص قرار دارد و آهن و منگنز به صورت همزاد تشکیل شده‌اند. سنگ معدن عیاری در حدود ۳۲ تا ۳۴ درصد منگنز دارد.

در جنوب خاوری راونج، توده‌های نفوذی اسیدی دارای آلودگی‌هایی از اکسید آهن به صورت هماتیت و لیمونیت هستندکه حاصل تأثیر محلولهای هیدروترمالی است. معدن منگنز و نارچ از نظر میزان ذخیره در سطح کشور و خاورمیانه نمونه است که در صنایع فولاد استفاده می‌شود.

**مس:** کانی سازی مس به طور پراکنده در سنگ‌های آتش فشانی منطقه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به معدن و شنوه در ۵۰کیلومتری جنوب خاوری قم اشاره کرد. سنگ معدن به صورت رگچه و با توده‌های کوچک است که ذخیره‌ی چندانی ندارد. کانی سازی شامل کالکوپیریت،کالکوسیت و مالاکیت است. در ۳۵ کیلومتری باختر قم (کوه گلستان)، در ریف سنگ‌های آندزیتی، کانی سازی شامل گالن، کالکوسیت، مالاکتی، آزوریت دوگانه‌ای از مواد کربناتی وجود دارد. برای دو منطقه‌ی وشنوه و گلستان، وجود ذخیره‌ای بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تن مس با عیار ۱/۵ تا ۲ درصد امید می‌رود.

**باریت:** سولفات باریم به شکل‌های گوناگون، سنگ‌های آتش فشانی ائوسن را بریده است. در مواردی، نظیر معدن باریت خاور بیدهند و معدن باریت سلفچگان، این کانی سازی به تشکیل ذخایر اقتصادی انجامیده است. در ناحیه‌ی کوشک نصرت نیز باریت وجود دارد.

**نمک:** سنگ نمک از توده‌های گنبدی نمک دار استخراج می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها کوه نمک، در ۲۵ کیلومتری شمال باختری قم، و معدن نمک یزدان است. افزون بر نمک سنگی، استحصال نمک از دریاچه‌ی حوض سلطان بسیار معمول است.

**گچ:** گچ در افق‌های چینه‌شناسی گوناگون، به شکل عدسی و یا لایه‌ای وجود دارد. جدا از افق‌های گچ موجود در سنگ‌های آذر آواری ائوسن، سازند قرمز زیرین، دو افق گچ موجود در سازند قم، و بالاخره ردیف‌های سازند قرمز بالائی، از جمله منابع گچ دار استان هستند.

**سنگ آهک:** سنگ آهک‌های سازند قم، به ویژه واحد آهکی پایانی این سازند (قم)، در مناطق پیرامون قم ارزش اقتصادی دارند که معدن جنوب کمرکوه و باخترکوه نرداقی از آن جمله است.

**نفت وگاز:** نفت و گاز از جمله منابع طبیعی استان قم است که به ویژه در مخازن واقع در شمال خاوری استان (منطقه‌ی سراجه) وجود داردکه در حال حاضر بهره برداری نمی‌شود.

افزون بر ذخایر گفته شده، سنگ‌های تزئینی، لاشه‌ی سنگ (نزدیک پادگان شهید مصطفی خمینی)، سولفات سدیم، کائولن، خاک‌های صنعتی فلدسپات (امامزاده عبدالله)، سیلیس‌های

زینتی (عقیق، ژاسپر، کارنالین و سارد) گارنت (شهرستانک) املاح منیزیای دریاچه‌ی نمک قم، از جمله توانائی‌های معدنی استان قم دانسته می‌شوند. ـ مجله‌ی رشد زمین‌شناسی

**معادن قم:** ۱- مرمریت سفید لاشه ۸۳۰۰ تن ۲- سایر مرمریت کوپ ۸۰۰۰ تن ۳- لاشه ی ساختمانی ۵۶۴۰ تن ۴- لاشه ی موزاییکی ۸۶۶۲ تن ۴- سنگ آهک ۵۶۵۰۰۰ تن ۵- سنگ گچ ۴۳۴۵۲۷ تن ۶- خاک صنعتی ۱۱۰۰ تن ۷- باریت ۱۳۸۰ تن ۸- نمک آبی ۲۸۱۰۰ تن ۹- نمک سنگی ۱۲۷۰۰ تن ۱۰- کالسدون ۵۲ تن

**در قم تعداد ۵۱ معدن فعال بدینشرح داشت:** ۱- سنگ‌های فلزی غیر آهنی (۲) ،۲- منگنز (۲) ،۳- سنگ، شن و ماسه (۴۱) ،۴- شن و ماسه (۱۵) ۵- سنگ تزئینی (۲) ،۶- سنگ لاشه (۵)، ۷- سنگ آهک (۷) ،۸- سنگ گچ (۱۱) ،۹-کائولن، خاک نسوز و... (۱) ،۱۰- مواد معدنی شیمیایی و...(۱) ،۱۱- باریت (۱) ،۱۲- نمک (۶) ،۱۳- سایر مواد معدنی (۱) ،۱۴- سیلس (۱).

**در استان قم مقدار تولید معادن فعال،** ۱۱۸۲۹۴۱ تن و ۴۷۱۹۴۲ متر مکعب بوده است. ۱- منگنز ۱۰۹۴۸۰ تن ۲- مخلوط شن و ماسه ۱۹۹۷۸۲ تن ۳- ماسه ی بادی ۲۶۹۳۳ تن ۴- ماسه‌ی شسته ۶۰۴۸۰ تن ۵- شن درجه‌بندی شده ۱۸۴۷۴۸ تن

## مناطق حفاظت شده استان قم:

دارای منطقه‌ی حفاظت شده‌ای به مساحت ۷۴۹۶۴ هکتار است. ـ **پلنگ دره** به مساحت ۳۳۰۰۰ هکتار است و در ۴۵ کیلومتری جنوب غربی قم قرار دارد. این منطقه‌ی کوهستانی برای حمایت از حیات وحش کوه زی مانند بز، پازن، قوچ و میش است.

## گردشگری استان قم

گردشگری قم ایران از نظر جذب گردشگر، در میان ۲۰۰ کشور ایران مقام هفتادم، در میان ۵۵ کشور عضو کنفرانس اسلامی مقام ۱۳ و در میان ۱۹ کشور راه ابرایشم مقام ۱۳ را دارا است.

در استان قم، به استثنای شهر قم، مراکز گردشگری به صورت پراکنده در سطح استان گسترده شده که دسترسی به آن‌ها تنها از طریق راه‌های ارتباطی استان میسر است، این راه‌ها به علت این‌که بخش اعظمی از استان در آب و هوای بیابانی قرار دارد، بیشتر در گروه راه‌های فرعی با کیفیت پائین قرار می‌گیرند که علاوه بر افزایش سطح کمی آن‌ها باید به علت کویری بودن استان، سطح کیفی راه‌ها نیز که کمتر به آن توجه شده است، افزایش یابد، برای نمونه، میتوان با کاشت درخت و درختچه‌های سازگار با اقلیم استان، راه‌های طولانی و با کیفیت پائین را اندکی در دید گردشگر مطلوب جلوه داد و از خشکی و بیابانی بودن آن کاست.

در استانی که محور برنامه‌های توسعه‌ی آن را صنعت گردشگری تشکیل میدهد، باید مشکلات مربوط به راه و ترابری که یکی از عوامل مهم در جذب گردشگر است، در کوتاه مدت و به طور همه جانبه حل شود.

نخستین گام برای حل مشکلات گردشگری در ایران حرکت فرهنگی جدی و تبلیغات درست و صحیح است. به عبارت دیگر، این مشکلات نخست باید در حوزه‌ی فرهنگی حل گردد، تا ایران و جاذبه‌های آن به گردشگران شناسانده

نشود، مشکلات فرهنگی گردشگری در ایران از میان نخواهد رفت. ـحسن خسری ـمجله‌ی رشد آموزش جغرافیا

**گردشگاههای طبیعی استان قم:**
جذابیت‌های طبیعی استان قم، به علت ویژگی‌های خاص آب و هوایی چندان قابل توجه نیست اما نباید این استان را عاری از هرگونه جاذبه طبیعی نیز پنداشت. رودخانه‌ها و دریاچه‌ها، ارتفاعات و غارها، جاذبه‌های کویری که در پیوند با زیبایی‌های طبیعی کویر، می‌توانند در خدمت تشکیل و توسعه تورهای کویری قرار گیرند عبارتند از: راه ارتباطی تهران به قم، راه‌های قدیمی و تاریخی، پل دلاک، پارک ملی کویر، روستاها و غارها.
**شهر کهک:** این شهر از سه سمت مشرف به ارتفاعات است و دره زیدان در شرق آن قرار دارد از این رو دارای آب وهوایی معتدل است. حضور امامزاده زینب خاتون (ع)، خانهٔ ملاصدرا و غار معروف کهک عامل مهمی برای جذب گردشگران به این منطقه است.
**غار کهک:** در ۳۰ کیلومتری جنوب قم واقع است و یکی از آثار طبیعی و باستانی استان به شمار می‌رود.
**شگفتیهای غار کهک:** غار کهک در ۳۰ کیلومتری جنوب قم قرار دارد و از آثار طبیعی و باستانی استان قم محسوب می‌شود. این غار یکی از زیباترین غارهای استان است که شگفتی‌های خاصی از زیبایی‌های طبیعی و تاریخی منطقه را دارا می‌باشد.
**روستای وشنوه:** روستایی ییلاقی که یکی از زیباترین روستاهای ایران به شمار می‌رود و فندق آن از شهرت خاصی برخوردار است.
**غار وشنوه:** در ۶۰ کیلومتری قم در کوه اردهال چهار غار قرار دارد که در داخل یکی از آن‌ها منبع عظیمی از آب وجود دارد. این آب از شکاف کوه سرازیر می‌شود و به صورت چشمه فوران می‌کند. این غار یکی از جاذبه‌های بسیار دیدنی استان قم به شمار می‌رود.
**گردشگری در غار دیدنی و شنوه:** غار و شنوه در فاصله ۶۰ کیلومتری قم و در ارتفاعات اردهال واقع شده است. در کوهستان اردهال چهارغار یا چاله غار شناخته شده است که در داخل یکی از آنها منبع عظیمی از آب وجود دارد. آب این غار از شکاف کوه سرازیر می‌شود و جابه جا نیز به صورت چشمه فوران می‌کند. این غار از جذابیت‌های گردشگری جالب توجهی برخوردار است.
**روستای نایه:** این روستای ییلاقی در بخش خلجستان از دیگر روستاهای دیدنی استان قم و ایران محسوب می‌شود.
**روستای جمیزقان:** در بخش خلجستان در ۶۵ کیلومتری شمال غرب شهر قم در دره‌ای قرار دارد. رودخانه «وزوا» از جنوب آن می‌گذرد وجود رودخانه، کوه‌ها، گردنه، چشمه و پوشش گیاهی مناسب و داشتن آب وهوایی معتدل و خشک از خصوصیات جالب توجه این روستا به شمار می‌رود.
**روستای اول:** روستاهای ییلاقی با درختان خرم و آب وهوای مطبوع است که یکی از فضاهای طبیعی دلنشین را شکل می‌دهد.
**گردشگاه پارک ملی کویر:** این نمادی از اکوسیستم‌های خشک و بیابانی است که مقدار ریزش‌های جوی ناچیز آن، اجازه فعالیت

کشاورزی را نمی‌دهد، ولی امکان رشد و گسترش پاره‌ای از گیاهان را دارد و به همین دلیل، زیست برخی از جانوران در آن مقدور است. این پارک نشان دهنده نمونه های تقریباً بکر و دست نخوردهائی از طبیعت است که به دلیل داشتن ذخایر با ارزش گیاهی، جانوری و سایر ویژگی‌های جانوری و سایر ویژگی های استثنایی و متنوع،از مجموعه‌های میراث فرهنگی وملی کشور محسوب می‌شود.قسمتهای مختلف این پارک زیستگاه پستانداران،و حوش کوه زی ،پرندگان بومی و پرندگان مهاجر می‌باشد.پارک ملی کویر مجموعه با ارزشی از ذخایر گیاهی و جانوری متنوع و نیز آثار فرهنگی و تاریخی متعددی را در خود جای داده است.این پارک واجد ارزش های زیست محیطی و گردشگری کویری می‌باشد.

**پل تاریخی دلاک:** بنای این پل را به دوره صفویه نسبت می‌دهند که بر روی رودخانه قرد چای بنا شده بود و گویا برای برقراری ارتباط میان قم و مشهد ساخته شده بود و از اهمیت راهبردی برخوردار بود. یک راه دیگر که در شمال سیاه کوه هنوز نشانه‌های آن پابرجاست. خطوط ارتباطی مهم میان اصفهان و سواحل دریای مازندران بوده است. ساخت آن را به دوره صفوی یا اوایل قاجار نسبت می‌دهند.

**روستای قدیمی کهک:** روستای کهک از سه طرف به ارتفاعات مشرف است ودرد زیدان در شرق آن قرار گرفته است. روستای کهک در ۳۰ کیلومتری جنوب قم دریک منطقه‌کوهپایه‌ای واقع است که دارای آب و هوای معتدل و خشک می‌باشد. وجود خانه قدیمی ملاصدرا فیلسوف و غار معروف کهک که از آثار باستانی استان قم می‌باشد، اهمیت این روستا را دو چندان کرده‌اند. امامزاده شاه محمد نیز مورد رجوع و احترام افراد بومی و اهالی روستای اطراف می‌باشند. اخیراً این روستا به شهر مبدل شده است. روستای دیگری که دارای آب و هوای معتدل و رودخانه، کوهه، گردنه، چشمه و پوشش گیاهی مناسب می‌باشد. روستای حمزقان نام دارد که رودخانه "وزوا"از جنوب آن می‌گذرد.

**دیدنیهای کویر:** کویرها با وجود شرایط نامناسب زیستی، ویژگی‌های بی مانندی دارند و در صورت برنامه ریزی و بهینه سازی ارزش‌های نهفته آنها می‌توانند به عنصر گردشگری مهمی تبدیل شوند. آب و هوای کویر حداقل در نیمی از سال دلپذیر است. آسمان در شب کویر به راستی برای شهرنشینان، دیدنی و شگفت‌انگیز است. سکوت محض و آرامش کامل، زمین‌های سیاه و سفید، خاک‌های برآمده، لایه‌های نمکی برخاسته از زمین و سایر مناظر طبیعی و زیبا را تنها در کویرها می‌توان مشاهده کرد.علاوه بر این زیبایی‌ها آثار تاریخی، باستانی و مراکز زیارتی و مذهبی نیز در کویر وجود دارد که نشانگر دیرینگی استقرار انسان در کناره‌های کویر است.

**پارکها:**

- **پارک سالاریه:** این پارک در ابتدای شهرک سالاریه واقع شده و دارای شهر بازی، رستوران مجهز و سالن ورزشی با مساحت بیش از ده هکتار آماده پذیرایی از مسافرین محترم می‌باشد.
- **پارک شادی:** در ابتدای ورودی شهر قم از طرف اتوبان تهران واقع شده است، دارای شهر بازی، رستوران و انواع تفریحات سالم برای کودکان می‌باشد.

- **پارک شهر:** این پارک در داخل شهر ابتدای خیابان دورشهر واقع شده است و محل مناسبی جهت استراحت مسافرین می‌باشد.

## مساجد معروف و تاریخی:

**آستانه مقدسه - حضرت معصومه (ع):** ساختمان بارگاه و مرقد مقدس کنونی حضرت معصومه (ع) در شهر قم از اواسط قرن سوم هجری قمری آغاز شد و در طی قرون چهارم و پنجم و ششم هجری قمری دارای قبه و گنبد و تزییناتی گردید. لیکن آبادی و شکوه این آستانه مربوط به دوران سلسله صفوی می‌باشد، شاه اسمعیل صفوی در سال ۹۲۵ هجری قمری به ساختمان ایوان شمالی همت گماشت، در زمان شاه طهماسب اول صفوی ۹۳۹ و شاه عباس دوم ۱۰۵۵ ابنیه آستانه تکمیل و تزیینات مهمی در آن به عمل آمد.

ابنیه مهم آستانه مقدسه شامل دو صحن قدیم و جدید، ایوان آئینه و گلدسته‌های آن و رواق، ضریح، حرم مقدس، مرقد مطهر، مسجدبالاسر، صحن زنانه، ایوان و گنبد طلا و چند دِر زرین و سیمین و خاتم است.

چندکتیبه منظوم درآستانه مقدسه مشاهده می‌شود که ناظم اشعار آن محتشم کاشانی و فتحعلی خان صبا و شوریده شیرازی می‌باشند.

کاشی‌های مرقد مطهر حضرت معصومه که از سال ۶۰۵ تا سال ۶۱۳ هجری قمری ساخته شده است، شامل اشکال و الوان زیر می‌باشد:

در روی مرقد پانزده عدد خشت کاشی به طول ۲/۹۵ مترو عرض ۱/۲۰ متر قرار گرفته است، بدنه قبر از سه نوع کاشی پوشیده شده، کاشی خشتی لب برگردان، کاشی تمام کوکبی، کاشی خشتی که زیر کاشی‌های کوکبی نصب شده است.

در روی مرقد سه کتیبه موجود است اولین کتیبه آن کتیبه برجسته شنجرفی به خط نسخ، و دومین کتیبه برجسته شنجرفی به خط کوفی و سومین دارای کتیبه طلایی به خط نسخ می‌باشد، زمینه کاشی‌های آن لاجوردی، قلم طلا، قهوه‌ای، نقره‌ای و دارای نقوش مختلف است. بانی کاشی‌های مرقد مطهر طبق کتیبه «مظفربن احمدبن اسمعیل» و نویسنده و سازنده آن «محمدبن ابی‌طاهربن ابی‌الحسین» و نویسنده دیگر آن «ابوزید» است.

**ساختمان‌های آستانه:** ۱ - ایوان قسمت شمالی به فرمان شاه اسمعیل اول صفوی در سال ۹۲۵ هجری قمری بنیان نهاده شده. ۲ - ایوان جنوبی «مدرسه فیضیه» به دستور شاه طهماسب اول در تاریخ سال ۹۳۹ هجری قمری ساخته شد. ۳ - ضریح کاشی زیبا بنا به فرمان شاه طهماسب اول صفوی در سال ۹۵۰ هجری قمری به دستیاری اعتمادالدوله بر روی مرقد مطهر نصب شد. ۴ - صحن زنانه (که اکنون به مسجد تبدیل گردیده) به فرمان شاه صفی اول در سال ۱۰۷۷ هجری قمری ساخته شد. ۵ - به فرمان شاه عباس ضریح فولادی بر روی قبر نهاده شد. ۶ - به دستور شاه سلطان حسین صفوی بنایی در قسمت غربی آستانه به سال ۱۱۰۷ هجری قمری بنیان نهاده شد. ۷ - سقف حرم مطهر به دستور کیکاوس میرزا پسر فتحعلیشاه در سال ۱۲۱۵ هجری قمری آئینه کاری گردید. ۸ - کاشی‌های گنبد برداشته شد و در سال ۱۲۱۸ هجری قمری به دستور فتحعلیشاه با پوشش زرین مزین گردید. ۹ - بانی بنای جدید امین‌السلطان و میرزا علی‌اصغرخان اتابک بوده‌اند که در سال ۱۳۱۵ هجری قمری به پایان رسید.

مساحت تمام مجموعهٔ بناهای آستانه که شامل حرم مطهر و صحن عتیق و جدید و مسجد زنانه و

موزه و سایر ساختمانهای وابسته به آن است در حدود ۱۳۵۲۷ مترمربع است، که از این مساحت ۱۹۱۴ متر مربع آن زیربنای گنبد و ایوانهای شمالی و جنوبی و شرقی و مسجد بالاسر و مقابر شاهان صفوی را در بر دارد.

**- حوزه‌ی علمیه و مدارس اسلامی:** مهم‌ترین ویژگی قم وجود پایگاه بزرگ علوم اسلامی است. از نیمه اول قرن سیزدهم هجری با حضور آیت الله میرزای قمی (ره) اشتهار این مرکز علمی آغاز شده و با هجرت حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) از اراک به قم تشکل بیشتری یافت و با زعامت حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره)، حوزه‌ی علمیه قم به عنوان یکی از بزرگترین حوزه‌های علمی جهان تثبیت گردید. پس از رحلت ایشان حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره) رهبری امت اسلامی را به عهده گرفت و از این پایگاه مقدس شعله‌های انقلاب با نهضت پانزده خرداد زبانه کشید و با پیروزی انقلاب اسلامی توانائی مکتب اسلام در اداره کشور نمودار گشت.

حضور صدها دانشمند و دانش پژوه معارف دینی و علوم اسلامی، از سراسر کشور و خارج از کشور موقعیت علمی و سیاسی این شهر را بر همگان روشن ساخته است.

مدارس حوزه علمیه: بی تردید یکی از بزرگترین حوزه‌های علمیه ایران و یکی از شاخص‌ترین حوزه‌های علمی جهان که اشتهار آن بخصوص پس از انقلاب اسلامی ایران زبانزد خاص و عام است، حوزه علمیه قم می‌باشد. و مجموعه‌ای از دهها مسجد و مدرسه را در برمی گیرد.

**- مدرسه فیضیه:** مهمترین مدرسه این مجتمع علمی، مدرسه فیضیّه در جوار حرم مطهّر است که قدمت آن به سال ۹۳۴ هجری قمری می‌رسد. اکثر مشاهیر و علمای بزرگ شیعه در عصر حاضر عمری را در این مدرسه به تحصیل یا تدریس گذرانده‌اند.

این مدرسه در دوّم فروردین ماه ۱۳۴۲ هجری شمسی و ۱۷ خرداد ماه ۱۳۵۴ هجری شمسی دوبار مورد هجوم مأموران حکومتی قرار گرفته و در نتیجه آن طلاب و محصلین مورد ضرب و شتم قرارگرفته‌اند و تعداد زیادی مجروح و مصدوم و دستگیر و زندانی شده و برخی به شهادت رسیدند.

بنای فعلی که در سال ۱۲۱۴ هجری شمسی بازسازی شد، هفتادوپنج در پنجاه و مشتمل بر حجراتی در پائین، چهار ایوان رفیع و غرفه هائی در بالا است.

**- مدرسه حجتیّه:** این مدرسه متشکّل از هشت قسمت متمایز با دویست و پنجاه حجره و غرفه یکی از بزرگترین مدارس قم است که از سال ۱۳۶۶ هجری قمری بنای آن از ناحیه آیةا... العظمی مرحوم آقای سیّد محمّد حجّت کوه کمری تبریزی آغازگشت و مرقد شریفشان نیز در این مدرسه است.

این مدرسه درحال حاضر مخصوص طلاب غیر ایرانی است که با برنامه‌های خاصی، امکان تحصیل شبانه روزی آنان را فراهم می‌سازد.

**- مدرسه‌ی حضرت آیت الله گلپایگانی:** این مدرسه در خیابان آیت الله مرعشی روبه روی مدفن شهدای آزادی خرمشهر بنا شده و در حال حاضر محل برگزاری مهم‌ترین و اصلی‌ترین درس‌های حوزه‌ی علمیه قم می‌باشد.

**- مدرسه‌ی معصومیه:** در سال ۱۳۶۰ ه.ش با

بودجه‌ی آستانه‌ی مقدسه حضرت فاطمه‌ی معصومه (ع) در وسعت ۱۵۰۰۰ متر مربع و زیر بنای ۲۸۰۰۰ متر مربع احداث شده است. دارای ۴۰۶ حجره، ۱۲ مدرس ۶۰ نفره، و قابل سکونت ۱۲۰۰ نفر و ظرفیت تحصیلی ۲۰۰۰ نفر بوده و نیز دارای سالن اجتماعات و مسجد بزرگ می‌باشد.

- **مدرسه دارالشفاء:** اوایل دوره قاجاریه تاسیس گردید و به علت فرسودگی زیاد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به کلی تخریب و تجدید بنا گردیده است.

در حال حاضر دارای ۲۰۰ حجره و سالن آمفی تئاتر مجهز جهت برگزاری سمینارهای داخلی و خارجی است، و همچنین دارای ۱۶ مدرس با ظرفیت تحصیلی ۱۲۰۰ نفر و ۴۰۰ نفر اقامت شبانه روزی است.

- **مدرسه‌ی ستیّه:** این مدرسه جایگاه عبادت بی بی فاطمه‌ی معصومه (ع) بوده که اکنون عبادتگاه آن به طرز جالبی مزین شده است. در اطراف آن نیز حجراتی برای طلاب علوم دینی بنا شده است. مکان فوق در محله‌ی میدان میر قم می‌باشد.

- **مسجد امام حسن عسگری:** واقع در نزدیکی حرم و ابتدای خیابان آستانه دارای سه در ورودی از خیابانهای آستانه، بلوار و خیابان آذر است و مبنای احداث آن اواسط قرن سوم، ارزش و اعتبار آن بیشتر به دلیل کسب اجازه ساخت آن توسط احمد ابن اسحق اشعری وکیل امام حسن عسگری (ع) از محضر مبارک امام است.

این مسجد بعلّت مرکزیّت محل، عنوان جامعیت را احراز کرده و در طول سالیان متمادی مورد توجّه مردم قرار گرفته است. مسجد مشتمل بوده است بر چهار شبستان، یک ایوان و یک سرداب زیبا که بارها مورد مرمّت و بازسازی و گسترش قرار گرفته است.

- **مسجد جامع قم:** این مسجد جامع عتیق مجموعه‌ای است از بناهای چند عصر امّا هیچیک از مورخین تاریخ دقیق احداث آن را به ثبت نرسانده‌اند و یکی از قدیمی‌ترین بناهای باستانی قم است.

تاریخ نگارش یکی از کتیبه‌ها ۵۲۹ هجری است امّا این تاریخ سَنَد ساخت مسجد محسوب نمی‌شود.

مسجد جامع دارای مقصوره و گنبدهای باستانی و ایرانی قدیمی با دو گوشواره و سه شبستان فتحعلی شاهی و زیرزمین ناصرالدّین شاهی بضمیمه ایوان و صحن و سرداب ورودی می‌باشد. مقرنس پوشش گچی ایوان، کاشیکاریهای جذاب بهمراه معماری قابل تحسین مجموعه‌ای پدید آورده که مظهر جمال و اعتدال، و شاهکار پدیدآورندگان آثار باارزش تاریخی است.

- **مسجد اعظم:** مسجد اعظم از بناهائی است که در ساختمان آن زیبائی منظر بامتانت پیکر توام گردیده است. این مسجد پر شکوه از آثار برجسته مرحوم آیةا... العظمی بروجردی (ره) است که ساختمان آن از سال ۱۳۷۴ هجری قمری آغاز گردیده و تا زمان وفات ایشان ادامه یافت و مرقد حضرتش نیز در همین محّل است.

این مسجد مشتمل بر یک مقصوره موسع و گنبد مرتفع و ایوان معظم و دو شبستان چهل ستونی، کتابخانه جامع و دو گلدسته با ارتفاع ۶۰ متر از سطح زمین است. در بنای این مسجد تلفیقی از سبک قدیم با اسلوب ساختمانی جدید به کار رفته است. کارشناسان استحکام بنا و پایداری آن

را تا یکهزار سال پیش بینی می‌کنند.
در این مقصوره منبری بـه ارتـفاع ۲/۲۰ مـتر و متشکل از سه پارچه سنگ مرمر سفید و شفاف حجّاری شده موجود است که یک اثر هنری نفیس بشمار می‌آید.

- **مسجد جمکران:** مسجد جمکران نه بصورت فعلی، از قـرون اوّل و دوّم در حـصار جـمکران وجود داشته است امّا روی آوردن مردم جـهت عبادت در این مسجد به علّت رؤیایی بود که شیخ عفیف صالح حسن ابن مثله جمکرانی در سـال ۳۹۳ هجری قمری نقل کرده است.

این مسجد در فاصله حدود شش کیلومتری از شهر قم قرار دارد و اخیراً بطورکلی بازسازی شده و توسعه بسیار یافته است.

- **مصلای قدس:** بـا گـنبد اسـتیل و دیـدنی بـا مساحت ۱۰۰۰۰ متر مربع و ۴۰۰۰ مـتر مـربع بالکن مخصوص خـواهـران کـه در مـوقع نـماز ۲۸۰۰۰ نفر و در مواقع تجمع عمومی بـیش از پنجاه هزار نفر گنجایش دارد.

- **مسجد امام حسن مجتبی (ع):** این مسجد در جاده قدیم قم - تهران به اراده و نقشه‌ی حضرت امام زمان (عج) و توسط حاج یـداللـه رجـبیان ساخته شده و سرگذشت و دستور ساخت آن در کتاب (پاسخ ده پرسش) شیخ لطف الله صادقی آمده است.

*** دیگر مدارس مهم حوزه‌ی علمیه قم عبارتند از:**

۱ـ مدرسه‌ی آیت الله بروجردی (خان) خـیابان آیت الله مرعشی نجفی (ره).
۲ـ مدرسه‌ی آیت الله نـجفی خـیابان آیت اللـه مرعشی نجفی (ره).
۳ـ مدرسه‌ی رضویه خیابان طالقانی (آذر).
۴ـ مدرسه‌ی حقانی خیابان اراک.
۵ـ مدرسه‌ی مؤمنیه چهار راه سجادیه.
۶ـ مدینة العلم خیابان امام خمینی.
۷ـ جامعة الزهرا (حوزه‌ی علمیه‌ی خواهران) بلوار امین.
۸ـ مدرسه‌ی علمیه‌ی امام خمینی (ره) بلوار امین.

**اماکن تاریخی:**

- **حمام حاج عسگرخان:** در بافت قدیم قم، در شمال راسته بازار، حمام حاج عسگر خان واقع است. این مجموعه از دو بخش حـمام و چـاله حوض تشکیل شده و با تغییر در سیستم حرارتی و روشنایی هنوز به کار خود ادامه مـی‌دهد. در ورودی حمام در کنار مغازه‌های راسته بازار قرار دارد.

در قسمت ورودی حمام، کتیبه‌ای سنگی دیده می‌شود. بر اساس این کتیبه، تاریخ ساخت حمام سال ۱۲۱۶ ه.ق ذکر شده و با این حساب می‌توان ساختمان آن را به اوایل دوره قاجاریه و حکومت فتحعلی شاه قاجار نسبت داد.

ورود به حمام از طریق یک ورودی مستطیل شکل، که با چند پله در سطح پایین‌تری از سطح گذر بازار قرار دارد، میسر است. بـعد از آن وارد اولین فضای اصلی حمام می‌شویم که مربعی به ابعاد ۱۱/۱۰ متر است. در مرکز این فضا، گنبدی قرار دارد که روی هشت ستون پنج ضلعی بر پا شده است. نحوه قرارگیری اضلاع این پنج ضلع به صورت قرینه و هماهنگ با اضلاع مربع اطراف آن، فرم زیبایی را به وجود آورده است. بعد یک هشتی کوچک قرار دارد که به دومین گنبد بزرگ حمام راه دارد. نقشه این گنبد نیز مربعی با ابعاد حدود ۱۰ متر است که چهار ستون در وسط آن

قرار گرفته و گنبد روی آن ایجاد شده است. در انتها منبع آب قرار دارد.

فضای زیر گنبد اول به عنوان رختکن مورد استفاده است و کاربندی ساده و زیبایی زیر گنبد را پوشش می‌دهد. فضای گنبدی دوم قسمت اصلی شست‌وشو است که در حال حاضر با دوش‌های ایجاد شده در اطراف آن، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به موازات این فضاها در شرق ساختمان، چاله حوض واقع است. چاله حوض که به صورت نیمه مخروبه برجای مانده، دارای سکویی در دور تا دور است که با ساروج پوشیده شده است. به گفتهٔ اهالی، درگذشته چاله حوض پر از آب و به عنوان منبع مورد استفاده بود از دیگر حمام‌های تاریخی استان قم می‌توان از حمام روستای قبادبزن در بخش کهک نام برد که از دوره قاجار به جای مانده است.

- **قلعه سنگی:** قلعه‌ای سنگی منتسب به زمان انوشیروان اخیراً کشف گردیده که دارای ارزش باستانشناسی خاصی است، این قلعه در انتهای قمرود واقع در منطقه‌ای بنام کاج محمّد آباد است که یکی از قدیمی‌ترین قلاع موجود منطقه است. در میان قلعه و بر روی یک تپه، چاهی حفر شده است که با وجود ریزش آن به گفته کارشناسان بریدگیهای مختلف عمق آن حاکی از وجود کانالهائی است که تا بیرون قلعه ادامه دارد و به نظر می‌رسد راه خروجی مخفی به بیرون قلعه است.

- **ساختمان هشتی:** ساختمان مذکور در جوار خاکفرج است که در وسط آن چاهی و بر فراز آن تپه‌ای وجود دارد. در مورد این هشتی دو افسانه ورد زبانهاست. یکی اینکه حجرالاسواد را از این مکان برده‌اند و دوم اینکه چاه را به جهت آب حفر کرده‌اند اما در اثر زلزله، نفوذگازهای زیرزمینی به بیرون این چاه بدون نیاز به مواد سوختنی شعله ور گردیده، می‌گویند یکی از سه آتشکده بزرگ زرتشتیان در این محل قرار داشته است.

- **موزه آستانه مقدسه:** این موزه نخستین بار در سال ۱۳۱۴ هجری در محوطه بالای سر حضرت افتتاح گردید. سپس در سال ۱۳۶۱ هجری شمسی به محل فعلی یعنی میدان آستانه انتقال یافت.

از جمله آثار موجود در آن قرآنهای نفیس است باخط کوفی و طلاکوب که نگارش آنها را بر روی پوست آهو به یکهزار و دویست سال قبل نسبت می‌دهند.

- **بازار قم:** بازار قم مجموعه‌ای از راسته، چهارسوق، سرا و تیمچه، جزیی از بافت قدیم شهر قم به شمار می‌رود. این مجموعه شامل دو راسته سرپوشیده با پوشش گنبدی است. سرپوشیده بودن بازار از یک سو به سنت معماری بازار باز می‌گردد و از سوی دیگر به خاطر گرمای شدید تابستان و سرمای شدید زمستان و ناشی از هوای کویری قم است.

تهویه و نوررسانی بازار از طریق دریچه هایی که در پوشش گنبدی آن تعبیه شده صورت می‌گیرد. این دریچه‌ها در بالای گنبد به شکل دایره و در دو طرف آن قرار دارند و به شکل قلب مشاهده می‌شوند. ترکیب نوری که از سقف می‌تابد و حجم گنبدی سقف، فضایی دلنشین به وجود می‌آورد.

مصالح ساختمانی مورد استفاده در بازار قم با توجه به امکانات محیطی از خشت، آجر، گل و سنگ فراهم آمده است.

علاوه بر بخش سرپوشیده، بازار قم دارای

سراهایی نیز است که مجتمع تجاری بدون سقف هستند و معمولاً به تجارت عمده می‌پردازند. این سراها در حقیقت همان کاروانسراهای دیروز هستند و شمار و وسعت آنها نشان دهنده اهمیت اقتصادی آنها است.

بخش‌های وسیعی از بازار قم یعنی بازار کهنه در دوران صفویه و در پیرامون مسجد جامع بنا شد و تا پایان دوره قاجاریه بناهایی که بدان نیاز بود در آن جای گرفت. در دوران ناصرالدین شاه بازار قم رو به گسترش نهاد و «بازار نو» احداث شد و در دو سوی این راسته نو، بناهای تازه‌ای مثل تیمچه بزرگ ساخته شد. در سال‌های نخست دوره پهلوی نیز بر مبنای ضرورت‌های تجاری موجود، بخش‌هایی به بازار نو افزوده شد.

این بازار ابتدا به صورت خطی و به شکل یک پارچه ساخته شد و از میدان کهنه تا پل علیخانی ادامه داشت. بازار قم تیمچه‌ها، سراها و ... دیگری را هم در بر می‌گرفت. حدود پنجاه سال پیش به موازات توسعه شهر قم و به دلیل احداث خیابان‌های جدید، بازار به چند بخش تقسیم شد و قسمت‌هایی از آن برای همیشه از میان رفت. در حال حاضر از بازار قدیم قم، دو بخش «بازار کهنه» و «بازار نو» بر جای مانده که هر کدام از این بازارها حدود یک کیلومتر طول دارد.

مساجد موجود در بازار قم با توجه به مقدم بودن وظایف مذهبی مسلمانان بر دیگر امور، کاربری خود را از گذشته‌های دور تاکنون حفظ کرده‌اند. به علاوه مسجد جامع که نزدیک بازار کهنه قرار دارد، در بازار کهنه و نو تعدادی مسجد بزرگ و کوچک با فاصله‌های اندک برای تأمین نیازهای معنوی کسبه و بازاریان و مشتریان و ساکنان اطراف بازار وجود دارد تا با شنیدن بانگ اذان در کوتاه‌ترین زمان به ادای نماز بپردازند.

اساساً مسجد در بازار قم به عنوان معبری برای وارد شوندگان مطرح است تا با ذکر یاد خدا وارد بازار شوند و هنگام نماز، یاد خداوند آنها را از کم فروشی، تقلب و بی عدالتی باز دارد. همین امر موجب حضور توام بازار و مسجد طی قرون متمادی شده است. مسجد روابط روحی و معنوی حیات اجتماعی را تامین می‌کند و بازار روابط اقتصادی جامعه را حیات می‌بخشد.

مساجد موجود در بازار قم عبارتند از مسجد مسگرها، مسجد ملا جعفر، مسجد امام حسین(ع)، و دو مسجد بدون نام دیگر در بازار نو و مسجد نجارها، مسجد رضویه، مسجد میدان کهنه (پامنار) و دو مسجد نمازخانه‌ای در بازار کهنه.

در نتیجه تحولات اجتماعی - اقتصادی دهه‌های اخیر، به تدریج کالبد سنتی بازار متحول شده و فضاهای جدید و آراسته بافت سنتی بازار را بر هم زده است. در بازار نو سه پاساژ «قائم»، «حجت»، «بوعلی‌سینا» جایگزین بخش هایی از بناهای قدیمی شده‌اند.

**بازار کهنه:** در دو سوی بازار کهنه هسته اولیه شهر قم یعنی محله «عربستان» و محله «لب چال» قرار دارد. کوچه عربستان که محله عربستان حول آن شکل گرفته، از دروازه ری آغاز و در محل بازار نو به گذر «عشقعلی» ختم می‌شود. این کوچه به احتمال یقین همان راه عراق و این محله نخستین قرارگاه مسلمانان بوده است. این بازار سرپوشیده که از خیابان ۴۵ متری عمار یاسر شروع شده و به میدان کهنه نزدیک خیابان طالقانی ختم می‌شود، امروزه بیشتر به کارگاه‌ها اختصاص یافته است.

طول راسته بازار کهنه حدود یک کیلومتر است

و خانه‌های مسکونی در میان آن وجود ندارد. سقف این بازار از پوشش گنبدی ساخته شده است. این بازار دارای یک سرای بدون نام و سرایی به نام کاروانسرای ملاحسین است.

در قسمت انتهایی بازار کهنه، میدانگاهی مستطیل شکل قرار دارد که به نام «میدان کهنه» معروف و فضایی باز است که دورتادور آن را مغازه‌های مختلف دربرگرفته است. در وسط این میدان دست فروشان به فروش میوه و تره بار مشغولند. این قسمت دارای سقف کاذبی است که توسط دست فروشان ایجاد شده است. در «میدان کهنه» مسجدی هم به همین نام وجود دارد که دارای برجی تاریخی است.

**بازار نو:** این بازار سرپوشیده شامل بازار مسگرها، کفاش‌ها، راسته بازار و بازارچه حسین آباد است. این بازار از سوی بازار مسگرها به خیابان ۱۹ دی و از سمت بازارچه حسین آباد به خیابان طالقانی راه می‌یابد. یک قسمت از این بازار به دلیل احداث خیابان از آن جدا شده و خود به بازار نو شهرت یافته است. در خیابان آستانه و خیابان آیت الله نجفی مرعشی «ارم» دیگر ورودی‌های بازار نو قرار دارد. بازار مسگرها تا چهارسوق ادامه می‌یابد و از آن پس «راسته بازار» و انتهای آن را «بازارچه حسین آباد» می‌نامند. در اواسط این بازارچه میدانگاهی بدون سقف وجود دارد که محل خرید و فروش تره بار است.

طول راسته بازار حدود یک کیلومتر و عرض آن به شش متر می‌رسد. کوچه‌های تنگ مسکونی با محورهای فرعی به عرض دو تا سه متر به بازار پیوسته‌اند. این قسمت از بازار یک طبقه است اما داخل حجره‌های یک نیم طبقه برای انبار کالا ساخته شده است.

سقف راسته بازار شامل چهار نیم طاق و ۷۸ طاق گنبدی و ارتفاع آن حدود شش متر است که به صورت یک ردیف گنبد مشاهده می‌شود. ابتدای کوچه‌های حاشیه بازار به هنگام پیوستن به راسته بازار نیز طاق بندی شده است.

بیشتر سراهای بازار قم در بازار نو و در جنوب راسته بازار نو قرار دارند. نام این سراها اغلب از نام کالایی که در آن معامله می‌شد و یا از نام بنیانگذار آنها گرفته شده است. سرای بناها، سرای صدراعظم، سرای همدانی‌ها، سرای حاج عسگرخان، سرای حاج عباسقلی، سرای بلیتی‌ها، سرای حاج میرزا از جمله این سراها هستند.

سراها یک راسته فرعی دارند که در دو سوی آن مغازه‌ها ساخته شده و دالون نامیده می‌شوند. دالون بیشتر در مدخل سرا مشاهده می‌شود. این بخش از نظر هیاهو، خلوت‌تر از راسته‌های اصل بازار است و نسبت به سقف بازار از ارتفاع کم‌تری برخوردار است.

بازار نو دارای یک چهار سوق است ؛ از بازار مسگرها به اولین تقاطع که برسیم چهار سوق مشهود است ؛ با ورود به چهار سوق، در مقابل، سه راه بازار دیده می‌شود که در سمت راست آن بازار کفاش‌ها جای دارد. روبه‌روی بازار کفاش‌ها سرای بناها جای دارد.

چهار سوق هشت طاق گنبدی دارد. بالای هر طاق یک دریچه دایره شکل و طرفین هر طاق دو دریچه به شکل قلب وجود دارد.

چهار سوق دیگر بازار نو، بازار کفاش‌ها است که به موازات بازار مسگرها قرار دارد. این چهار سوق به خیابان ۱۹ دی منتهی می‌شود و در مقابل سرای بناها واقع است. این بازار دارای ۱۱ طاق گنبدی شکل و یک نیم طاق است که در وسط هر

کدام، یک دریچه دایره شکل و در طرفین آن دو دریچه به شکل قلب ساخته شده است.

- **تیمچه بزرگ قم**:تیمچه بزرگ قم در سمت شمال راسته بازار نو، یکی از سه تیمچه شهر قم است. این بنا از آثار ارزشمند هنر معماری دوران اسلامی ایران است که توسط هنرمند برجسته عصر ناصری استاد «حسن قمی» مشهور به «معمار باشی» در سال ۱۳۰۱ ه .ق طراحی و اجرا شد. بانی بنا مرحوم حاج سید محمود طباطبایی تاجر بزرگ قم و پدر مرحوم حاج آقا حسین طباطبایی قمی است. دو تیمچه دیگر این بازارها سال‌ها پیش هنگام احداث خیابان‌های جدید شهر قم از میان رفت. این دو تیمچه از تیمچه اصلی کوچک‌تر بودند و وجه تسمیه تیمچه بزرگ به همین امر باز می‌گردد.

این بنا از نظر وسعت، هنر معماری و تزیینات از جمله بناهای منحصر به فرد به شمار می‌رود. تیمچه بزرگ قم متشکل از بنایی با دو طبقه و پوشش طاق گنبد است. طبقه زیرین بنا با ۲۰ حجره و طبقه بالا با ۱۲ غرفه دارای ارسی‌های زیباست که بیشتر آنها از بین رفته‌اند. بالای حجره‌ها در زوایا مقرنس گچی مشاهده می‌شود.

سقف تیمچه سه چشمه است که قسمت وسطی به دهانه ۱۵ متر و ارتفاع ۱۵ متر دارای دو پوشش است. طول این بخش ۲۸ متر و بدون ستون است. چشمه میانی با بلندی و دهانه ۱۵ متر دارای پوشش آجری ظریف و آراسته با مقرنس گچی در زوایا است. گنبد از نوع عرق چینی و پوشش زیر آن شمسه کاری با اسلوب رسمی بندی و یزدی بندی است. دراین پوشش‌ها همچنین روزنه هایی برای تامین روشنایی داخل بنا در نظر گرفته شده است.

معماری زیبا و مجلل تیمچه، تجارت تک کالایی آن، جایگاه طراز اول و سکوت و آرامش از ویژگی‌های تیمچه بزرگ بازار قم است. تیمچه با دو ورودی به راسته بازار نو راه می‌یابد.

**موزه‌ی آستانه‌ی قم**: این موزه در ۱۳۰۴ ه.ش گشایش یافت. موزه‌ی قم شامل دو تالار بزرگ با ازاره‌های کاشیکاری شده‌ی زیبا و بدیع است که در کنار صحن حرم آستانه قرار دارد و مجموعه‌های بسیار نفیس و با ارزشی را در خود جای داده است.

این مجموعه‌ها شامل قرآن نفیس خطی مربوط به سده‌ی سوم هجری و زری‌های روزگار صفویه، قالی و قالیچه‌های متعلق به روزگار صفویه که در این موزه به نمایش در آمده است. مجموعه کاشی‌های گوناگونی از اوایل سده‌ی هفتم و از صندوق خاتم کاری مقبره‌ی شیخ صفی، قندیل زرین مرصع، عود سوز نقره و ... وجود دارد.

**یادمان تاریخی قم**: قم نامیست که در کلام اهل بیت علیهم السلام و کتب تاریخی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است، اما این که نامگذاری این سرزمین در چه زمانی بوده است و چه کسی این شهر مقدس را بدین نام خوانده است ما را به کنکاش پیرامون نام قم و سبب این نامگذاری می‌کشاند.

احمد بن ابی عبدالله برقی می‌نویسد: شهر قم را برای آن قم نهادند که در ابتدای حال، محل جمع شدن آب بوده است و هیچ معبری برای عبور نداشته است و در طرف آن انواع گیاه و سبزه پدید آمده است و در (زبان) عرب جمع شدن آب را قم می‌گویند. در جای دیگر آمده است بر اثر جمع شدن و رویش علفزارها صحرانشینان در آن نقطه تجمع کردند و چادرهایی برای سکونت بنا کردند

که به آن خانه‌ها و چادرها «کومه» می‌گفتند و زمانی کومه را مخفف کردند «کم» گفته و سپس معرب (به تلفظ عربی) کردند و قم خواندند.
همچنین وجه دیگری در این باره ذکر کرده‌اند: این که «کم» به وسیله‌ی اشعری‌ها از کمند آن (که یکی از قریه‌های تشکیل شده شهر قم بود) گرفته شده و به منظور تخفیف در تلفیظ آن، قسمت دوم آن را حذف کرده و «کم» نامیدند و کاف را تبدیل به قاف نمودند و گفتند قم.

**حرم حضرت معصومه (ع):**
حضرت فاطمه‌ی معصومه (ع) دخت گرامی حضرت امام موسی ابن جعفر (ع) هنگامی که برای دیدار برادر خویش حضرت امام علی ابن موسی الرضا (ع) وارد ایران شد، بعلت بیماری در صدکیلومتری قم متوقف گشت. ایشان به دعوت بزرگان قم، وارد این شهر شده و پس از هفده روز دار فانی را بدرود گفت و در مکان کنونی به خاک سپرده شد.

ساختمان بقعه و گنبد از همان زمان‌ها آغاز شده، اولین بار در سال ۵۲۹ به امر مرحومه شادبیگم دختر عماد در سال ۹۲۵ به فرمان شاه اسماعیل صفوی بازسازی گردید و در طی سالیان دراز مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است.

در ضمن جماعتی از دختران حضرت فاطمه زهرا (ع) و فرزندان امام رضا در بقعه‌ی حضرت فاطمه‌ی معصومه می‌باشند مدفون می‌باشند، مانند زینب، ام حمیده، میمونه، دختران حضرت جواد و بریعه دختر مُبَرقَعْ و دو کنیز از این خاندان.

**بقاع متبرکه و امام‌زادگان:** شمار امامزادگان قم به ۴۴۴ نفر می‌رسد و این برگ زرینی است بر پیشینه‌ی افتخارات این شهر، که اسامی بعضی از آنان بدین شرح است:

**امامزاده علی بن جعفر (ع):** مدفن علی ابن جعفر و محمد بن موسی الکاظم (ع)، در انتهای خیابان انقلاب (چهار مردان) قرار دارد که گلزار شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی اکنون در جوار این بقعه می‌باشد.
این بنا در سال ۷۰۷ هجری قمری بنا گردیده، طی سال‌های بعد توسط هنرمندان به کاشی کاری و گچ بری‌های زیبا تزئین شده است. اکنون کاشی‌های قدیمی آن در موزه‌ی آستانه مقدسه موجود است.

**امامزاده احمد ابن قاسم (ع):** کتیبه‌ی بقعه، وی را از فرزندان موسی ابن جعفر (ع) معرفی می‌کند. ولی بعضی او را از اولاد حضرت صادق (ع) می‌دانند. این مکان در محله‌ی دروازه قلعه تقاطع خیابان سمیه و معلم قرار دارد.
گنبد مرصع که ساخت آن به قرن هفتم و هشتم هجری برمی‌گردد از بناهای اصیل باستانی است. قاعده‌ی گنبد از خارج هشت ضلعی ترکی و نمابندی آجری است. از داخل به صورت چهار ضلعی متساوی به دهانه‌ی هفت و ارتفاع چهار متر است. بر فراز کتیبه‌ی داخل صورت ساختمان به شکل شانزده ضلعی درآمده با شانزده طاقچه محرابی شکل همراه با کتیبه‌های خطی گچ بری شده که شگفتی اهل هنر را برمی‌انگیزد.

**امامزاده موسی مبرقع (ع):** موسی مُبَرقَعْ فرزند امام محمد تقی (ع) است که در سال ۲۵۶ به قم وارد شد و در سال ۲۹۶ از دنیا رفت. در کنار ایشان یکی از فرزندانش به نام احمد بن محمد بن موسی نیز به خاک سپرده شده است.
مرقد ایشان در خیابان آذر، محله‌ی چهل اختران قرار دارد.

**امامزاده ابراهیم و امامزداده محمد (ع):** مدفن

فرزندان حضرت موسی بن جعفر (ع) واقع در خیابان امامزاده ابراهیم می‌باشد. دارای گنبد کاشی و بقعه می‌باشد. تعدادی از شهدای گرانقدر جنگ تحمیلی نیز درکنار ایشان به خاک سپرده شده‌اند.

**برخی دیگر از مشاهد و امامزاده عبارتند از:** امامزاده حمزه، امامزاده جعفر، امامزاده سید علی، امامزاده احمد، امامزاده جمال، امامزاده جعفر غریب و چهار امامزاده، امامزاده زید، قبور باغ گنبد سبز، امامزاده ناصر الدین، امامزاده هادی و مهدی، امامزاده احمد معروف به خاکفرج و امامزاده سلطان محمد شریف.

**کتابخانه‌ها**

*** کتابخانه‌ی آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره):** مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی جهت تهیه و گردآوری منابع موجود کتابخانه متحمل مشقات و زحمات فراوانی گردیده‌اند و یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های جهان اسلام را بنیان نموده‌اند.

تأسیس اولیه‌ی آن سال ۱۳۵۸ ه.ق و توسعه‌ی بعدی به سال ۱۳۹۶ ه.ق بوده است و هم اکنون نیز طرح توسعه‌ی عظیم آن در دست اجرا است.

مهم‌ترین قسمت کتابخانه عبارتند از:

گنجینه‌ی کتاب‌های خطی با ۲۶۰۰۰ جلد و حدود پنجاه هزار عنوان.

گنجینه‌ی کتاب‌های خطی با صدها هزار جلد به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، اردو و دیگر زبان‌ها.

گنجینه‌ی کتاب‌های عکسی، بیش از سه هزار جلد.

گنجینه‌ی کتاب‌های چاپی، نادر و قدیمی: هزاران جلد که سابقه‌ی بعضی به قرن پنجم می‌رسد.

گنجینه‌ی کتاب‌های چاپی لاتین و ....

*** سایر کتابخانه‌های مهم عبارتند از:** کتابخانه‌ی دفتر تبلیغات اسلامی، خیابان فاطمی، ۱ـ کتابخانه‌ی مسجد اعظم، ۲ـ کتابخانه‌ی آستانه مقدس حضرت معصومه (ع)، ۳ـ کتابخانه‌ی حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی. اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قم.

**آب انبارها:**

در استان قم آب انبارها از کارکرد مهمی برخوردار بودند به عنوان مهم‌ترین آب انبارهای استان می‌توان از موارد زیر یاد کرد:

**آب انبار البرز**؛ این آب انبار در بخش جعفریه در روستای پاچیان قرار دارد و به دوره قاجاریه تعلق دارد.

**آب انبار چل اختران** ؛ این آب انبار در شهر قم، پشت بقعه چهل اختران واقع شده و از دوره قاجاریه به جای مانده است.

**آب انبار راهجرد**؛ این آب انبار در روستای راهجرد از بخش خلجستان واقع شده و به دوره صفویه تعلق دارد.

**آب انبار طیب و طاهر**؛ این آب انبار که در بخش مرکزی واقع شده در کنار امامزاده طیب وطاهر قرار دارد و متعلق به دوره قاجاریه است.

**آب انبار کاج** ؛ در بخش مرکزی روستای کاج واقع شده و از دوره قاجاریه به جای مانده است.

**آب انبار کاروانسرای صدرآباد** ؛ این آب انبار در بخش مرکزی واقع شده و در کنار کاروانسرای صدرآباد قرار دارد، بنای آب انبار به دوره صفویه و قاجاریه تعلق دارد.

**آب انبار آجری کاروانسرای پاسنگان** ؛ این آب انبار که در کنار کاروانسرای پاسنگان واقع شده، به دوره قاجاریه تعلق دارد.

**آب انبار سنگی کاروانسرای پاسنگان**؛این آب انبار نیز درکنار کاروانسرای پاسنگان قرار دارد و از دوره قاجاریه به جای مانده است.
**آب انبار کوه سفید**؛ این آب انبار در روستای کوه سفید از بخش مرکزی واقع شده و به دوره قاجاریه تعلق دارد.
**آب انبار کهک**؛ این آب انبار درکنار مسجد جامع شهر کهک از دوره صفویه به جای مانده است.
**آب انبار مبارک آباد**؛ این آب انبار در روستای مبارک‌آباد بخش مرکزی واقع شده و به دوره قاجاریه تعلق دارد.

## آداب و رسوم

**فرهنگ عامه:** برخی از آداب و رسوم مردم استان قم بعد از گذشت سال‌ها هنوز هر ساله با شکوه هرچه تمام‌تر به اجرا در می‌آید. بعضی رو به فراموشی نهاده‌اند و اجرای تعدادی دیگر کم‌رنگ شده است. برخی از این آداب و رسوم بدین شرح است:
**عید نوروز:** نوروز یکی از بزرگ‌ترین و کهن‌ترین اعیاد ایران و از جمله قم می‌باشد که پیشینه‌ی آن را به زمان جمشید، پادشاه پیشدادی، می‌رسانند. در روایات اسلامی نیز به نوروز اشاره شده است و در عظمت این روز مطالبی آورده‌اند.

پیش از فرارسیدن نوروز، اقداماتی صورت می‌گیرد که مقدمات نوروز نام دارد. چون ایرانیان بر این باورند که لحظه‌ی تحویل سال باید همه جا پاک و پاکیزه باشد، اتاق‌ها را جارو می‌کنند، فرش‌ها را می‌شویند، در و دیوار را رنگ تازه می‌زنند، عبار کهنگی را از همه جا و از همه چیز می‌زدایند، چهره و موها را طراوت و شادابی تازه می‌بخشد، لباس نو، بر تن می‌کنند و سفره هفت‌سین را تدارک می‌بینند و سبزی آماده می‌کنند. در قم نیز از چند هفته مانده به نوروز، جنب و جوش خاصی در مردم پدید می‌آید و همه به تهیه‌ی لباس نو و خانه تکانی می‌پردازند. همچنین پیش از عید بعضی از خانواده‌ها به نیت سلامت و تندرستی و خوشبختی و گشایش روزی به تعداد افراد خانواده در ظرف‌های کوچک، گندم یا عدس و یا ماش ریخته و منتظر سبز شدن آن تا موقع سیزده بدر می‌شوند.
**نوروز:** مراسم جشن نوروز در استان قم در قالب آیین‌ها و مراسم گوناگون تجلی می‌یابد و به اجرا در می‌آید:
**مراسم شب پیش از سال‌نو:** شب پیش از عید نوروز را «عرفه» یا شب «برات» می‌نامند در این روز مردم برای دیدار و زیارت قبور، راهی امامزاده‌ها می‌شوند. علاوه براین در این شب مراسم مختلفی نیز در اماکن گوناگون انجام می‌شود:
در شب عید نوروز بسیاری از مردم به عنوان بزرگ‌ترین زیارتگاه استان قم به زیارت حضرت معصومه (س) می‌روند. چراغانی کردن گنبدهای طلایی و مناره‌های حرم مطهر با چراغ‌های رنگارنگ و درخشان در شب عید، برزینت و زیبایی حرم می‌افزاید. در دیگر زیارتگاه‌های بررسی شده در این استان نیز کم و بیش این مراسم رعایت می‌شود.
گروهی دیگر از مردم به زیارتگاه هایی که قبرستان دارند می‌روند تا علاوه بر زیارت برای رفتگان خود خیرات کنند. از جملهٔ این زیارتگاه‌ها می‌توان از مجموعه چهل اختران (ع)، امامزاده حمزه و احمد (ع)، امامزاده علی بن جعفر (ع)، امامزاده ابراهیم (ع)، امامزاده قاسم (ع)، امامزاده سید علی

(ع)، امامزاده سید سربخش (ع) و...نام برد.
**چـهارشنبه سـوری:** آتش افروزی؛ از جـمله آیین‌های ایرانیان است که در این استان با بعضی تغییرات به آن می‌پردازند.برای آتش افـروزی در غروب آخرین سه شنبه سال یعنی شب چهارشنبه خار، بوته و... جمع آوری می‌کنند و با تشکیل پشته‌ای از آن و آتش زدن بـه آن، از روی آتش می‌پرند و هنگام پریدن با خوشحالی می‌گویند: «درد و بلای ما با این آتش از بین برود» یا «زردی من از تو، سرخی تو از من»
**دستمال انداختن:** در مراسم چـهارشنبه سـوری روستایی بعضی افراد به منازل می‌روند و دستمالی را به خانه آن‌ها پرتاب می‌کنند. صاحبخانه داخل دستمال پول، آجیل یا تخم مرغ رنگی می‌گذارد و بعد گره می‌زند. صاحب دستمال آن را بر می‌دارد.
**مهره به آب ریختن:** چند نفر دور هم جمع شده هر یک به نیتی مهره‌های رنگی را داخل کوزه آب می‌اندازد. صبح روز بعد یک نفر اشعار می‌خواند و یک مهره در می‌آورد. صاحب مهره با توجه به شعر جواب نیتش را می‌گیرد.
**فال گوش ایستادن:** شخصی در گذرگاه می‌ایستد و با شنیدن پنهانی نخستین کـلمات رهگـذرها، مفهوم آن را جواب نیت خود می‌گیرد.
**قاشق زنی:** جوانـان بـه خـصوص دختران، بـه درخانه همسایه‌ها می‌روند و با پنهان کردن روی خود و بدون آشنایی، خواستار هدیه‌ای می‌شوند. صاحبخانه معمولاً نقل، آجیل، آب نبات و... در کاسه قاشق زن می‌ریزد.
**شب عید:** در شب عـید نـوروز، شب شـادی و تحرک است و خانواده‌ها سعی می‌کنند این شب بـهترین و کـمیاب‌ترین غـذاهـا را تـهیه کـنند. خانواده‌ها سعی می‌کنند شب عید سبزی‌پلو داشته باشند و هر خانواده‌ای هر چقدر هم دستش تنگ باشد سعی دارد شب عید پـلو بـپزند و بـرخـی خانواده‌ها این عید به آن عید پلو مـی‌خوردند و آن‌هائی که نداشتند نیم دانه می‌گرفتند تا دل بچه‌ها را خوش کنند که بالاخره پس از یکسال ما پـلو می‌خوردیم.
**تحویل سال:** در گـذشته هـنگام تـحویل سـال، سفره‌ی هفت سین، مـانند سـفره‌های امـروزی، نداشتند. معمولاً داخل مجمع یا سینی بزرگی قرآن، آب، سبزه، آئینه، نبات و آجیل و چند عدد تخم مرغ و چند عدد شمع روشن قرار می‌دادنـد. در بعضی از سفره‌ها علاوه بر آن، هفت چیز دیگـر شامل سبزی، سکه، سمنو، سنجد، سرکه، سماق و سیب و ماهی قرمز وجود داشت.

اکثر مردم هنگام تحویل سال به حرم مطهر حضرت معصومه (س) می‌رفتند و دعای معروف تحویل سال را مرتباً می‌خواندند و پس از این که سـال تـحویل مـی‌شد کـف مـی‌زدند و سـوت می‌کشیدند و گاهی اوقات چنان هیجان‌انگیز بود که کلاه همدیگر را به هوا پرتاب می‌کردند و این گونه به شادی می‌پرداختند.گروهی نیز در خانه‌ی نزد زن و فـرزندان خـود مـی‌ماندند. در بـرخـی روستاها یا محله‌ها، زمان تحویل سال را معمولاً از روی تکان خوردن آب و تـخم مـرغ تشـخیص می‌دادنـد. بـه ایـن شکـل کـه یک کـاسه آب را مـی‌گذاشـتند و تـخم مـرغی را هـم روی آیـنه می‌نهادند، موقع تحویل سال، آب و تخم مـرغ تکان می‌خوردند. در روستای حاجی آباد لک‌ها، لیموئی را داخل کاسه آب می‌انداختند و زمانی که لیمو به چرخش در مـی‌آمد، مـی‌فهمیدند سـال تحویل شده است.
**دید و بازدید:** دید و بازدید، یا «عید دیدنی»، بعد

از تحویل سال صورت می‌گرفتن. در روز نوروز نخست به دیدن بزرگان فامیل، طایفه و ریش سفیدان و دیگر شخصیت‌های علمی و اجتماعی می‌رفتند. بزرگ ترها به بچه‌ها عیدی می‌دادند که معمولاً تخم مرغ رنگی بود.

پذیرائی از مهمانان با نان کسمه و چای بود، کسمه را خانواده‌ها از قبل تهیه می‌کردند. آنان مقداری شکر و روغن به خشکه پزها می‌دادند و آنان کسمه گرد یا دراز برایشان می‌پختند و در عید کسمه‌های دراز را معمولاً در ظروف فلزی بزرگ و کسمه گرد را در ظرف‌های شیشه‌ای می‌گذاشتند و با چای از مهمانان پذیرائی می‌کردند.

روز عید در روستای قمرود مخصوص دید و بازدید مردها بود. دید و بازدیدها تا روز ۱۲ فروردین ادامه داشت ولی سه روز اول عید از هیجان خاصی برخوردار بود.

**سیزده به در:** آخرین روز مراسم نوروز، سیزده به در است. در این روز بیشتر افراد به بیرون از منازل خود می‌روند. برای گذراندن این روز بیشتر به صورت گروهی به کنار آب و نواحی سرسبز و مزار و یا زیارتگاه می‌روند. دختران در این روز به هنگام برگشت سبزه گره می‌زنند.

هنگام برگشت عده‌ای هم هفت عدد سنگ را داخل آب می‌اندازند به این نیت که درد و بلای آن سال را به آب دهند.

**مراسم مربوط به فصل بهار:** هر یک از روستاها و مناطق قم در اوایل بهار مراسم مربوط به خود را دارد. در اوایل بهار در روستای وشنوه به جهت این که درختان موجود از گزند سرما در امان باشند مراسم سر درختی دارند. به این شکل که تمامی اهالی کمک کرده گاوی را خریداری می‌کنند، بعد دستمال سبز رنگی را دور گردن گاو می‌بندند و آن را دور تا دور روستا می‌گردانند. سپس در امامزاده همان روستا گاو را قربانی و با گوشت آن حلیم تهیه می‌کنند و حلیم را بین اهالی پخش می‌کنند نیز در این فصل جهت بارش بیشتر آشی به نام «دیگ جوش» تهیه کرده بین مردم تقسیم می‌کنند.

**مراسم مربوط به فصل تابستان:** در روستای حاجی آباد لک‌ها، بعد از جمع آوری خرمن، «جشن خرمن» می‌گیرند که طی آن غذادئی تهیه کرده اهالی را دعوت می‌کنند.

در بیشتر روستاها زمانی که قسمتی از گندم‌ها رشد بیشتری داشته باشد، که در اصطلاح محلی به آن کاکولک یا گوکول می‌گویند، در آن محل گوسفندی را قربانی می‌کنند تا کشت و کار آن‌ها پربرکت شود. در اول تابستان بیشتر مردم اتاق‌ها را تخلیه می‌کردند، قالی‌ها را تا می‌کردند و وسط اتاق می‌گذاشتند و به پشت بام یا حیاط می‌رفتند و بیشتر از غذاهای طبیعی و غیر پختی مانند نان و پنیر و هندوانه و سنکنجبین و ... استفاده می‌کردند.

**مراسم مربوط به فصل پائیز:** اول پائیز آغاز شروع مدرسه است و مردم بچه‌های خود را برای رفتن به مدرسه آماده می‌کنند. در گذشته بر طبق یک سنت ملی، جشن مهرگان نیز برگزار بود و کمابیش مردم در این جشن حضور داشتند.

در این فصل به هنگام چیدن انار، در آخرین روز، گوسفندی را قربانی و با آن غذائی درست می‌کردند و بین مردم پخش می‌نمودند.

در شب‌های پائیز، معمولاً افراد دور هم جمع شده، گوندل کشی یا «جدا کردن پنبه از دانه» را انجام می‌دهند. روز آخر کار هم به آن‌ها از طرف صاحب خانه «شب چره» داده می‌شود که شامل گردو، بادام، نقل و نبات و نخود و کشمش است.

**مراسم شب اول زمستان:** شب اول زمستان را

«شب چـله» مـی‌گویند. در ایـن شب هـندوانـه می‌خورند، تا در تابستان مار و عـقرب آن‌هـا را نگزد. همچنین از خوردن آجیل خودداری می‌کنند تا در فصل تابستان گرمی هوا آن‌ها را اذیت نکند. افراد کوچکتر معمولاً در منزل بزرگ‌ترها جـمع می‌شوند. در شب چله برای نوعروسان «چگلی» می‌برند که شامل میوه، کفش و لباس و طلاجات است.

در گـذشته رسـمی بـود کـه در شب چله خانواده‌ها دور هم جمع شوند و سفره چگلی را پهن کرده و لامپا را وسط سفره بگذارند و اناری را بر سوره‌ی یاسین بخوانند و به هرکس تب داشت بدهند.

**مراسم طلب باران:** مردم به هنگام خشکسالی در مکان‌های مذهبی، به ویژه امامزاده‌ها، با شیوه‌های خاص طلب باران می‌نمایند.

**کلوخ‌اندازان (کلاغ اندازان) (کُلخ اندازون):** روز آخر ماه شعبان را روز «کلوخ اندازان» گویند کـه دراین روز مردم ضـمن ایـن کـه دور هـم جـمع می‌شوند و به شادی و شادمانی می‌پردازند خود را برای ماه رمضان آماده می‌کنند. اغلب افراد در این روز در خانه‌ی بزرگ خانواده جمع مـی‌شوند و سـپس تـفریح و گـردش در بـیرون از مـنزل می‌پردازند، و نـیز وسـایل خـورد و خـوراک و تـفریحشان را بـرمی دارنـد و بـه امـامزاده‌هـا و زیارتگاه‌های اطراف قم، از جـمله شـاه جـمال، مسجد جامع مقدس جمکران و چـهار امـامزاده می‌روند و دو رکعت نماز حاجت می‌خوانند.

بعضی از خانواده‌ها نیز به باغ‌های اطراف قم می‌روند. تا چند سال پیش، گروهی از جوانان در بعد از ظهر روز آخر ماه شعبان ساز و نقاره برمی داشتند و به «دروازه قلعه» می‌رفتند و پس از تفریح، از جمله چوب بازی، هرکس کلوخی را بـه آب خندق دروازه قلعه (نزدیک شاه مـحمد قـاسم) می‌انداخت و از خدا توفیق می‌طلبید تا ماه رمضان بتواند روزه بگیرد.

در روستای دستجرد رسم بر این بود که اکثر خـانواده‌هـا غـذاهـای مـخصوص مـی‌پختند و خانواده‌ها یی که از اقوام نزدیک همدیگر بودند، جهت تفریح و صرف ناهار به گردشگاه‌ها و مزارع اطراف می‌رفتند، بـعضی پـدر بـزرگ‌ها و مـادر بزرگ‌ها با دعوت از فرزندان خویش ضیافت ناهار را در داخل خانه بـرگزار مـی‌کردند و در بـه جـا آوردن رسم کلوخ‌اندزون افرادی به گرفتن روزه‌ی پیشوازی بودند با روزه‌گرفتن در مجالس و تفریح دیگر افراد شرکت می‌کردند.

**مراسم ماه‌محرم و صفر:** عمده‌ترین مراسم سنتی در طول یک سال قمری، مراسم عزاداری حضرت امام حسین در ماه‌های مـحرم و صـفر است کـه مهم‌ترین روزهای آن دهـه اول مـحرم بـه ویـژه روزهای تاسوعا و عاشورا و نیز روزهای بیستم صفر یا چهلم (اربعین) شهادت امام حسن است. علاوه بر آن روز ۲۸ صفر - روز وفات حضرت پیغمبر و حضرت امام حسن - مراسم عـزاداری برگزار می‌شود.

مراسم ماه‌های محرم و صفر در همه امامزاده‌های شهر و استان هم مـعمول است و از ایـن مـیان مراسمی که در صحن حـرم حـضرت مـعصومه (س) برگزار می‌شود نقطه تلاقی همه دسته‌های عزاداری و از اهمیت بسیار بـرخـوردار است و شمار پـرشکوه‌ترین مـراسـم عـزاداری در ایـران است. در این مراسم دسته‌های عزاداری از شهرها و روستاهای استان و سایر نقاط کشـور بـه قـم می‌آیند. صورت‌های این مراسـم بـه شـرح زیـر

است:
۱. دسته‌گردانی شامل دسته‌های سینه زن و زنجیر زن و غیره، ۲. روضه خوانی، ۳. تعزیه خوانی.

تعزیه خوانی در شهر قم به صورت گردان به همراه دسته‌های عزادار انجام می‌شود و از خیابان‌ها و از صحن حرم حضرت معصومه (س) می‌گذرند. در صحن برخی از امامزاده‌ها نیز تعزیه خوانی به صورت ماه محرم، دادن نذورات به صورت شربت، غذا، قربانی گوسفند و... است.

**دهه‌ی اول محرم:** شهر قم به دلیل ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی آن نسبت به برگزاری مراسم دهه محرم دقت و حساسیت خاصی دارد، به طوری که چهره‌ی عمومی شهر از شب اول محرم کاملاً متفاوت ازگذشته می‌شود در مساجد و تکایا با پوشاندن پارچه‌های مشکی، سیاهپوش می‌شود و مردم کتیبه‌های پارچه‌ای مشکی با علائم و شعارهای متنوع به در مساجد و تکایا می‌آویزند و بعضی از منازل نیز پرچم کشی به سر در خانه می‌بندند.

در بیشتر مناطق استان قم، دسته‌های عزاداری محله‌ها به طرف حرم مطهر حضرت معصومه (ع) و یا امام‌زاده‌های مهم در روستاها حرکت می‌کنند. مرکزیت حرم مطهر همیشه سبب هماهنگی در این‌گونه حرکت‌ها می‌باشند و خیابان‌های نزدیک حرم در ده روز اول ماه محرم بیشتر اوقات دارای وضعیت فوق‌العاده است.

در قدیم هر محله‌ای تکیه‌ای داشت، و یا اهالی آن محله خیمه‌ای بر پا می‌کردند و داخل خیمه سیاه پوش می‌کردند و مسجد مشرف بر تکیه بود. دو سه روز مانده به محرم با زدن شیپور و زدن طبل آمدن محرم را خبر می‌دادند و سپس خیمه‌ها را بر پا می‌کردند و جوان‌ها در برپاکردن خیمه‌ها نقش اساسی داشتند.

تا پایان حکومت قاجاریه، محوطه تکایا مانند امروز، مفروش نبود، و اکثر عزاداران روی زمین خاکی می‌نشستند، فقط تعداد معدودی از زنان و مردان بودند که پارچه‌های کوچکی جهت زیر انداز همراه خود می‌آوردند.

معمولاً تکایا را با آئینه‌ها، شمعدان، چراغ‌های الوان، سلاح‌های جنگی مانند سپر، شمشیر، زره، کلاه خود، تیر و کمان و طاق نماها آذین بندی می‌کردند.

**بیدار شدن در سحری، افطار خوردن:** مردم موقع سحر با شنیدن بانگ دوم خروس یا خروس خوان دوم تشخیص می‌دادند و فردی به نام «سحر خون» در این هنگام به روی پشت بامی رفته ومناجات می‌خواند و یا با طبل و حلبی مردم را بیدار می‌کرد و گاهی همسایه‌ها همدیگر را برای سحر بیدار می‌کردند.

**عید فطر:** عید فطر یکی از اعیاد بزرگ اسلامی است که در روز اول ماه شوال برگزار می‌شود. چون رؤیت هلال ماه شوال مستحب است، در روز آخر ماه مبارک رمضان عده‌ای به پشت بام‌ها می‌روند و مدت زمانی را صرف می‌کنند تا اینکه ماه را ببینند و عده‌ای نیز به بیوت مراجع مراجعه می‌کنند و از آن‌ها کسب اطلاع می‌نمایند.

مراسم عید فطر با دادن فطریه آغاز می‌شود مردم فطریه را به فقرای فامیل یا محل خود می‌دهند و پس از دادن فطریه، برای مراسم نماز عید فطر آماده می‌شوند. نماز عید فطر را در حرم مطهر و اکثر مساجد برگزار می‌شود. بعد از اتمام نماز، مردم برای تبریک گفتن، روز عید به خانه‌ی بزرگان، بیوت مراجع عظام می‌روند.

**عید قربان:** عید قربان یکی از عیدهای بزرگ

مذهبی ایرانیان می‌باشد. در این روز معمولاً افرادی که حاجی هستند و استطاعت دارند گوسفند،گاو و یا شتر قربانی میکنند و گوشت آن را بین همسایگان و مستمندان تقسیم می‌کنند، در اغلب نقاط، قربانی کردن آداب خاصی ندارد. ولی در برخی روستاها، مانند روستای چشمه پلنگی، قبل از ذبح گوسفند چشمانش را سرمه می‌کشیدند.
**عید غدیر:** ۱۸ ذی الحجه روزی است که پیامبر (ص)، علی (ع) را به جانشینی خود انتخاب کرد. در شهر قم که مرکز فقاهت شیعه است این روز را جشن می‌گیرند و با چراغانی و شیرینی مجلس سرور بر پا می‌کنند. در زبان عامه‌ی مردم قم این روز به عید سیدها شهرت دارد و مردم به پاس احترام این روز به دیدار اقوام یا آشنایان سید خود می‌روند و مورد محبت آنان قرار می‌گیرند.

اغلب سادات سکه‌هایی را که از قبل آماده کرده‌اند به رسم عیدی به بازدیدکنندگان می‌دهند و مراجع عظام نیز سکه‌ای مخصوص به بازدید کنندگان می‌دهند.

**آداب و مراسم ولادت پیامبر (ص) و ائمه‌ی اطهار (ع):** در ایام ولادت پیامبر (ص) و ائمه (ع)، افراد محل، تکایا و مساجد را با قالی و پارچه تزئین و با شیرینی و چائی که خود مخارج آن را تأمین کرده‌اند از یکدیگر پذیرائی می‌کنند.
**معیارهای انتخاب همسر:** ازدواج یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی هر فرد می‌باشد که با انتخاب شریک زندگی، بهترین دوران زندگی را شروع می‌کند. به همین علت پدر و مادرها، در انتخاب همسر برای دختر یا پسر خود سخت وسواس داشتند و تا حد ممکن تلاش می‌کردند بهترین و شایسته‌ترین همسر را برای فرزندانشان انتخاب کنند.

مهم‌ترین معیارهای انتخاب همسر در قم عبارت بود از: حجاب، عفاف، نجابت، اصل و نسب خانوادگی، زرنگی، چابکی دختر در انجام امور مربوط به کدبانوگری و زیبائی و جوانی، سید یا عامی بودن، اهل شوخ و شنگ و پر رو نبودن.
**چگونگی انتخاب:** انتخاب عروس بر عهده‌ی مادر و یا خواهران داماد بود و داماد کمترین نقش را در این زمینه داشت، مگر در ازدواج‌های فامیلی که عروس و داماد نسبت به هم شناخت داشتند. انتخاب عروس آینده به صورت‌های گوناگون و در محل‌های مختلف صورت می‌گرفت. یکی از مهم‌ترین محل‌های انتخاب دختر توسط خانواده‌ی داماد، درِ حمام بود، زیرا در حمام تمام بدن را دختر را می‌شد وارسی کرد و از کچل نبودن و دیگر عیوب دختر مطمئن شوند. اگر زیبائی او را می‌رفتند. همچنین در مجالس عروسی، جشن‌ها، عزا داری‌ها و ... و یا از طریق واسطه‌هایی و یا در صف‌های نماز جماعت و مساجد، دختر مورد نظر انتخاب می‌شد و پس از پیداکردن خانه‌اش به بهانه هائی به خواستگاری او می‌رفتند.

ازدواج‌های فامیلی بدون تحقیق و بررسی بود و معتقد بودند عقد دختر عمو و پسر عمو یا دختر عمه و پسر دائی را در آسمان‌ها بسته‌اند. و یا حتی وقتی ناف دختر بچه‌ای را می‌بریدند، می‌گفتند این مال فلانی است.
**راه‌های انتخاب همسر:** غالباً پدر و مادرها تصمیم می‌گرفتند که برای پسرشان همسری انتخاب کنند، و ازدواج‌ها نیز بیشتر درون فامیلی بود. در مورد انتخاب همسر راه‌های متفاوت وجود داشت:
الف: ازدواج هائی که به هنگام تولد نوزاد ناف بری می‌کردند. به این صورت که به هنگام تولد دختر،

ناف او را به نام پسر بچه‌ی فامیل و یا یکی از بستگان می‌بریدند. همچنین رسم داد و ستد و یا گاو به گاو که همان دختر به دختر است که در وشنوه و نارچ مرسوم است.

ب: ازدواج فامیلی و طایفه‌ای که اغلب ازدواج پسر عمو و دختر عمو، دختر خاله و پسر خاله بوده.

ج: رؤیت دختر در کوچه و بازار، حمام و یا مجلس جشن و عزاداری و توجه به رفتارهای دختر.

د: واسطه گری و معرفی توسط واسطه. افرادی از قبیل دلاک حمام و آشپزخانه و نظایر آن که در خانه‌ها حضور داشند و دختران محله را زیر نظر داشند. همچنین خانواده به افرادی که مورد اعتماد بودند و روابط اجتماعی بالائی داشتند مراجعه می‌کردند که دختر خوب و نجیب به آنان معرفی کنند و اگر معرفی این افراد به ازدواج می‌انجامید، از طرف خانواده به آن شخص شیرینی کدخدامنشی داده می‌شد.

به طور کلی دختر در انتخاب همسر نقش تعیین کننده‌ای نداشت، حتی پسرها هم کمتر قدرت انتخاب داشتند. آن چه خانواده‌ها صلاح فرزند خود می‌دیدند انجام می‌شد و بیشتر اوقات تا بعد از جاری شدن صیغه‌ی عقد، دختر و پسر همدیگر را نمی‌دیدند.

دخترها توسط خانواده‌ی پسر (مادر یا خواهر) مورد پسند قرار می‌گرفتند و پسر در محل کار و یا محل عبور و مرور به دختر نشان داده می‌شد. مثلاً اگر خواستگار دکان داشت از دم دکان او رد می‌شدند، و حتی مادر زن آینده به بهانه‌ی خرید با او چک و چانه می‌زد و دختر نیز او را ورانداز می‌کرد. خانواده‌ی پسر نیز ابتدا به بهانه‌های خاصی برای دیدن دختر به خانه‌ی او می‌رفتند.

**انگشتری کردن (نشان اندوزان)**: قبل از انگشتری کردن، خانواده‌ی عروس و داماد آینده و چند تن از نزدیکان در خانه‌ی دختر می‌نشستند و بر سر خرج و مهریه صحبت می‌کردند که به این رسم «خرج بری» می‌گفتند، پس از خرج بری، دختر شال و انگشتری می‌کردند و بدین صورت خانواده و فامیل‌های داماد به منزل عروس می‌رفتندو انگشتری که همراه با یک لباس و شیرینی آورده بودند به انگشت دختر می‌کردند و حتی اگر انگشتری نبود، نخی به انگشت دختر می‌بستند و شال را هم به دوش او می‌افکندند و همه کف می‌زدند و مبارک باد می‌گفتند.

در روستای حاجی آباد لک‌ها به این مراسم «شیرینی خوران» می‌گویند و در روستای نیزار بعد از خواستگاری، به اصطلاح «برگ سبز» می‌بردند که شامل حلقه و روسری بود.

**خواستگاری**: خواستگاری معمولاً توسط بزرگ ترها و بیشتر در محل هائی صورت می‌گرفت که همدیگر را می‌شناختند. اگر جوان سالم بود در اولین خواستگاری موافقت می‌کردند. بعد از انتخاب دختر مورد نظر، خانواده‌ی پسر بدون اطلاع قبلی در منزل دختر را می‌زدند و به بهانه‌ی یک لیوان آب خوردن از صاحبخانه می‌خواستند تا وارد خانه شوند. اهالی خانه متوجه می‌شدند که خواستگار آمده، به همین منظور دختران دم بخت آماده‌ی پذیرائی از خواستگاران بودند. در قدیم رسم بر این بود که بعضی از خواستگاران از عروس می‌خواستند چای بیاورد و یا مقداری سبزی به او می‌دادند تا پاک کند و یا به دختر می‌گفتند که قلیان چاق کند و از این طریق دقت و سلیقه‌ی دختر را آزمایش می‌کردند و یا لب دختر

را بوس می‌کردند تا ببینند دهان دختر بو می‌دهد یا نه. و به طور کلی هنگام خواستگاری تمام حرکات و رفتار و سخنان دختر را زیر نظر داشتند تا مبادا عیبی از نظر پنهان بماند، خواستگار همواره خودش شیرینی و یا گز می‌آورد که اگر خانواده‌ی پسر، دختر را پسندیده بود شیرینی و گز تعارف شده را می‌خوردند. خواستگاران اگر انتخاب می‌کردند وعده‌ی دیدار بعد را با خانواده‌ی دختر می‌گذاشتند. اعتقاد بر این بود که یک نگاه حلال است و پسر از کنار و گوشه‌ی منزل با کارگردانی خواهرش دختر مورد نظر را می‌دید و همان نگاه موجب می‌شد او را قبول کند.

بعد از انتخاب دختر مورد نظر اگر هر دو طرف فامیل بودند خواستگاری به راحتی صورت می‌گرفت، در غیر این صورت فردی را به نام قاصد، که محرم بود، نزد خانواده‌ی دختر می‌فرستند بعد از کسب موافقت، خانواده‌ی داماد به همراه چند تن از بستگان خود، مانند زن عمو، خاله، و افراد بزرگ خانواده، به منزل دختر می‌رفتند. بزرگترها پس از صحبت و گفت و گو مهریه را تعیین می‌کردند که به این مراسم «مهر برون» می‌گفتند. بعد از موافقت پدر عروس، اقدام به نوشتن «پاکیزه» می‌کردند که طی آن مواردی چون مهریه، شیربها و خرج و مخارج عروسی تعیین می‌شد. خرج و مخارج عروسی یا خرج مطبخ هم که شامل روغن، برنج، بزغاله، سبزی و گوشت و ... بود، تعیین می‌شد. دو سه روز پس از مراسم عقد، به بازار می‌رفتند، آینه و شمعدان، و زیر شلوار و چادر عروس می‌خریدند.

قبل از عقد از طرف خانواده‌ی پسر آینه و شمعدان و لباس ، کفش، حنا، صابون، کله قند، فندق، بادام، عسل و نان کنجدی، میوه و شیرینی را بر روی طبق یا مجمعه‌ای می‌گذاشتند و این طبق‌ها را بر روی سر و با ساز و آواز به طرف خانه‌ی دختر می‌بردند. هر چه خانواده به قول خودشان جا سنگین‌تر و از لحاظ مالی وضع بهتری داشتند این طبق‌ها بزرگ تر و پرتر فرستاده می‌شد.

سفره‌ی عقد با اعتقاد هر چه محکم‌تر چیده می‌شد فقط بزرگ ترها (خانم‌های مسن) به عقد دعوت می‌شدند و آن‌ها هم می‌بایستی دست‌ها را هنگام عقد بالا بگیرند و به هم گره نکنند، چون گره کردن دست‌ها شگون نداشت. زمان عقد، عاقد را به خانه می‌آوردند و در روستاها وکلاء دختر و پسر می‌خواند دختر با صدای ظریفی اعلام می‌کرد «با اجازه‌ی بزرگ‌ترها، پدر و مادرم، بله».

**عقد:** مراسم عقد، پس از خواستگاری انجام می‌شد، به اولین جلسه‌ای که خانواده‌ی داماد، عروس را می‌دید و او را می‌پسندید «گلاب گیران» می‌گفتند.

پس از توافق خانواده‌ها، شبی را برای تعیین مهریه که به نام مراسم «مهر برون» معروف است تعیین می‌کردند که اقوام درجه‌ی اول طرفین در خانه‌ی پدر دختر جمع می‌شدند و مراسم تعیین مهریه توسط ریش سفیدان یکی از دو طرف شروع می‌شد.

این مراسم غالباً جنبه‌ی تشریفاتی داشت زیرا مقدار مهریه در یک جلسه‌ی خصوصی با پدر و مادر و فامیل دو طرف مشخص می‌شد و این جلسه فقط برای بیان مقدار مهریه بود. خانواده‌ی داماد در شب این مراسم یک یا دو کیلو کشمش، دو کیلو خرما و مقداری شیرینی به خانه‌ی پدر دختر می‌برد و با آن از مهمانان پذیرائی می‌کردند. مقدار مهریه معمولاً به صورت نقدی یا جنسی بود. در آن مجلس علاوه بر تعیین مهریه، خرج

مورد نیاز دختر، مانند لباس، زیورآلات، ووسایلی که پدر داماد باید می‌داد مشخص می‌کردند. در روستای کهک و قاهان و مناطق اطراف آن مقدار مهریه چند دانگ از حیاط خانه، باغ، درخت و یا زمین بود.

**حنابندان:** مراسم حنابندان یک روز پیش از شب عروسی انجام می‌گرفت در بعضی از روستاهای قم این مراسم دو شب مانده به عروسی انجام می‌شد. در شب اول مخفیانه حنا می‌گرفتند و در شب قبل از عروسی نیز آشکارا مهمان دعوت می‌کردند و پس از رقص و چوب بازی و شادی، مجمعه‌ای از طرف خانواده‌ی داماد که در آن مقداری شیرینی و حنا و شمع روشن، سیب و کله قند و ... که با پارچه قرمزی پوشانده شده بود به خانه‌ی عروس می‌بردند و ساقدوش‌ها دست و پای داماد را حنا می‌گرفتند و زنان فامیل نیز دست و پای عروس را در خانه‌ی عروس حنا می‌بستند.

حنابندان: قبل از اجرای عروسی، حنابندان انجام می‌شود. در این مراسم ساقدوش‌ها دست، پا و موی سر را باید به حنا آغشته کنند. در مراسم حنابندان مهمانان به جشن و پای‌کوبی می‌پردازند.

**آرایش عروس:** معمولاً در گذشته برای آرایش عروس «مشاطه»ی خانوادگی داشتند و زن‌ها مثل امروز به آرایشگاه نمی‌رفتند بلکه «مشاطه» ای به منزل آن‌ها می‌آمد. مشاطه گران همیشه منتظر چنین فرصتی بودند تا از طرف خانواده‌ی داماد انعام بگیرند. مشاطه، لنگ قرمزی روی سینه‌ی عروس می‌انداخت و با سلام و صلوات شروع به اصلاح عروس می‌کردند و برای هر عمل مشاطه‌ای بنا به وسع خانواده سکه داده می‌شد و این آرایش به همراه گفتن «گیلی لی» و شادی توسط همراهان عروس بود.

**جهیزیه‌ی عروس:** خانواده‌ی عروس با توجه به وسع مالی خود، اسباب و لوازم مورد نیاز دختر را تهیه می‌کردند. قبل از عروسی معمولاً خانواده‌ی عروس هدایایی تحت عنوان «خلعتی» جهت خانواده‌ی داماد می‌فرستاد. برای مثال لباس و لوازم شخصی داماد، کت و شلوار، پیراهن پدر و برادرها و شوهر خواهرها و چادر مشکی و لباس و روسری برای مادر داماد، خواهرها و جاری‌ها. بعد از آن خانواده‌ی داماد پس از دریافت خلعتی، به عنوان جبران، هدایایی که معمولاً بخشی از زندگی خود عروس بود تهیه و به خانه‌ی عروس می‌فرستادند. مانند فرش، پشتی، ظروف، قابلمه و دیگ، متکا، صندوق، چراغ، ظروف مسی، یک دست استکان و نعلبکی، بشقاب رویی و قوری خارجی، یک جفت صندوق مخمل، دو دست رختخواب، دو تا گلیم کهنه یا نو، یک دست پیش دستی.

**جشن عروسی:** پس از این که جهیزیه‌ی عروس حاضر شد، خانواده‌ی داماد نیز وسایل جشن عروسی را تدارک می‌دیدند. بزرگان خانواده‌ی داماد شبی را در کنار هم می‌نشستند و برای عروسی برنامه ریزی می‌کردند و شام دعوت شدگان را می‌نوشتند و فردی را مأمور اطلاع دادن به آن‌ها می‌کردند.

منزل عروس و داماد به وسیله‌ی قالی و قالیچه و پارچه‌های رنگی تزئین می‌شد و طاق و نصرت درست می‌کردند و عروس و داماد را روی میز و صندلی یا طاقچه می‌نشاندند. همان طور که گفته شد عروس را در خانه‌ی خود اصلاح می‌کردند و موقع اصلاح پارچه‌ای جلوی عروس می‌انداختند و هرکس می‌آمد پول می‌انداخت و سپس لباس عروس بر تن عروسی می‌کردند که این لباس به

وسیله‌ی داماد تهیه شده بود.

یکی از رسم‌های روز یا شب عروسی «رسم پاکتی» بود که بیشتر در مجلس زنانه برگزار می‌شد. مقداری شیرینی، پشمک، سوهان و کشمش در داخل پاکت‌های رنگی می‌ریختند و سپس داخل سینی می‌گذاشتند و به مردم می‌دادند. گاهی بچه‌ها و نوجوانان موقع دادن پاکت، خارج از نوبت به طرف سینی حمله می‌بردند و چند پاکت را برمی داشتند به همین علت سینی حاوی پاکتی را دست پیرزن‌های مقتدر یا افراد تنومند که با نظم و اقتدار آن را بین مردم تقسیم کنند.

در قم رقص و شادی در عروسی معمول بود. گاهی مطرب هم می‌آوردند و مطرب‌ها می‌خواندند و ساز و آواز سر می‌دادند و با پوشیدن لباس‌های سرخ، انواع و اقسام شکلک‌ها را در می‌آوردند و مردم را سرگرم می‌کردند و بعضی‌ها در هنر رقاصی خوب هنرنمائی می‌کردند و ساز و دهل نیز در روستاها رسم بود.

مجلس زنانه بسیار شیرین‌تر و جذاب‌تر از مجلس مردانه بود و زنان با لباس‌های خاص خود به رقص می‌پرداختند و دایره می‌زدند و شور و شعفی خاص ایجاد می‌کردند. در بیشتر جاها پس از مجلس جشن، شام عروسی می‌دادند که عبارت بود از برنج و قیمه یا برنج و فسنجان و یا آبگوشت، ولی گاهی اوقات شام نمی‌دادند و می‌گفتند شما شام را خانه‌ی خودتان بخورید و ما هم شام را در خانه‌ی خودمان، بعد عروس را می‌بریم.

یکی از مراسم عروسی، لباس پوشیدن داماد و پول اندازون می‌باشد. در برخی از روستاهای قم رسم بر این بود که لباس و کفش داماد و مقداری شیرینی را در داخل مجمعی گذاشته و داماد را روی صندلی یا کرسی می‌نشاندند و ساقدوش‌ها یا همراهان داماد لباس او را می‌پوشاندند و مطرب‌ها ساز و دهل می‌زدند. بعد از پوشیدن لباس، مراسم «پول اندازی» برگزار می‌شد و طی آن داماد در یک محل بلندی قرار می‌گرفت و اقوام و فامیل‌ها با توجه به توان مالی خود هدیه به داماد می‌دادند.

**عروس کشی یا عروس بران:** پس از شام دادن، مراسم عروس بران صورت می‌گرفت، که در این مراسم چند نفر از دوستان عروس او را همراهی می‌کردند.

وقتی عروس به نزدیکی خانه‌ی داماد می‌رسید، خانواده‌ی داماد حدود ۸۰-۷۰ متر به استقبال عروس می‌آمدند. در این هنگام پدر و برادر عروس باید «پا انداز» می‌دادند که معمولاً قباله‌ی خانه یا ملک یا طلا و پول بود.

اتاق حجله آماده می‌کردند و رختخواب حجله را در گوشه‌ای قرار می‌دادند و عروس را روی تشکی که برایش پهن کرده بودند می‌نشاندند. پس از بزن و بکوب، زن‌ها از اتاق حجله بیرون می‌آمدند و داماد پیش از رفتن به بستر زفاف، نماز شب عروسی می‌خواند و پس از آن به بستر زفاف می‌رفت. عده‌ای از طرف مادر عروس، از پشت حجله‌ی عروس و داماد را می‌پائیدند و پس از مدتی نشان عروس را با خود می‌بردند و در بخچه‌ای می‌پیچیدند و به مادر عروس نشان می‌دادند و مژدگانی می‌گرفتند.

**پاتختی:** معمولاً یک روز بعد از عروسی، و گاهی نیز پنج روز پس از آن صورت می‌گرفت. در این روز فامیل‌های عروس و داماد دور هم جمع می‌شدند، بعد از صرف چای و شیرینی، به هر کسی یک پیش دستی که در آن مقداری شیرینی، آجیل یا سوهان بود می‌دادند و سپس هرکس آن را

در دستمال خود می‌ریخت و با خود می‌برد، در قم بیشتر روز پاتختی «پول اندازون» بود و بیشتر فامیل‌های درجه‌ی یک پول می‌دادند ولی در روستاها بعد از شام خوردن سینی می‌آوردند و پول می‌گرفتند.

**پاگشائی**: تقریباً آخرین مراسم عروسی بود که چند روز پس از عروسی، مادر عروس غذا درست می‌کرد و عروس و داماد را برای شام دعوت می‌کرد و پس از خوردن شام و میوه مادر زن هدیه‌ای به عروس و داماد می‌داد که معمولاً لباس، ظروف و یا پارچه، طلا، گوسفند و ... بود.

در روستای دستگرد مراسم «سر سختی» بدین صورت انجام می‌شد که داماد را بر روی یک تخت نشانده و با زدن ساز و دهل و شادی مراسم را بر پا می‌کردند. در این مراسم خانواده‌ها و افراد دعوت شده، هدایای خود را که اغلب پول بود به داماد می‌دادند تا صرف مخارج زندگی عروس و داماد شود.

**مراسم ماه رجب و شعبان**: الف. سیزده رجب: تولد حضرت امیر المومنین علی علیه السلام از جمله رسم‌های معمول در روز سیزده رجب، چراغانی، برافراشتن پرچم و مداحی است.

ب. نیمه شعبان: به مناسبت میلاد حضرت امام زمان (ع) در تمام امازاده‌ها جشن می‌گیرند و عمده‌ترین مراسم آن چراغانی است.

ج. مبعث حضرت رسول (ص).

**مراسم ماه رمضان**: در ماه رمضان به مناسبت شهادت حضرت علی (ع) و نیز ماه شب‌های احیا روزهای هفدهم، نوزدهم و بیست و یکم یعنی روزهای ضربت خوردن، شهادت و سوم شهادت در تمام امامزاده‌ها مراسم عزاداری برگزار می‌شود. این مراسم شامل روضه خوانی، دسته گردانی، و در مواردی تعزیه خوانی است. در شب‌های احیا نیز، شب‌های هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم و در برخی نقاط بیست و هفتم، مراسم ویژه قرآن به سرگرفتن و... انجام می‌شو.

در بعضی از زیارتگاه‌ها مراسم قرائت و یا ختم قرآن برگزار می‌شود. هر چند ختم قرآن تنها به این ماه اختصاص ندارد و در تمام ماه‌های سال برپا است، اما در ماه رمضان توجه بیشتری به آن می‌شود. فصل بهار و تابستان مراسم معمولاً یک نفر اداره امور را برعهده می‌گیرد. مجالس خانم‌ها معمولاً صبح‌ها که آنان فراغت بیشتری دارند برگزار می‌شود.

روزه‌دارانی که برای ادای نماز مغرب و عشا به زیارتگاه‌ها می‌روند اغلب بین دو نماز روزه خود را باز می‌نمایند. بعضی شب‌ها نیز از طرف کسانی که نذر دارند و یا از درآمد موقوفاتی که برای افطار معین شده است خرما، نان، چای، پنیر و زولبیا بین نماگزاران تقسیم می‌شود.

**مراسم ماه شوال**: روز اول ماه شوال، روز عید فطر و از اعیاد بزرگ اسلامی است. در برخی از امامزاده‌ها از جمله در حرم حضرت معصومه (س)، مجموعه چهل اختران، امامزاده حمزه و احمد (ع)، امامزاده ابراهیم (ع)، امامزاده سید معصوم (ع) در شهر قم و همچنین در پنج امامزاده (ع) در گرگابی، امامزاده زینب خاتون (ع) در کهک، امامزاده طاهر (ع) در طغرود، مراسم عید برگزار می‌شود. عمده‌ترین رسم روز عید فطر نماز عید فطر است که در امامزاده‌های یاد شده انجام می‌شود. محل برگزاری این نماز در فضای باز و در صورت نامساعد بودن هوا در داخل امامزاده و یا مکان‌های وابسته به آن همانند مسجد، تکیه و حسینیه است. .

**مراسم ماه ذیحجه:** دو عید بزرگ قربان و غدیر در این ماه قرار گرفته‌اند. در این روز بیشتر مردم زیارت روانه زیارتگاه‌ها می‌شوند و علاوه بر زیارت، به انجام فرایض دینی چون ادای نماز، مراسم خاص مربوط به مناسبت ایام و... می‌پردازند. زایران سعی بر آن دارند تا نذورات خود را نیز در این روزها در امامزاده‌ها به جا آورند. در عید قربان معمولاً حجاج، گوسفندی را در زیارتگاه‌ها ذبح می‌کنند و گوشت آن را بین مردم تقسیم می‌نمایند.

حرم حضرت معصومه (س) را در روزهای عید قربان و عید غدیر چراغانی می‌کنند و به مداحی می‌پردازند. در سایر امامزاده‌ها هم همچون چهل اختران، امامزاده حمزه و احمد (ع)، امامزاده علی بن جعفر (ع)، امامزاده ابراهیم (ع)، امامزاده ناصر (ع)، امامزاده سید علی (ع)، امامزاده سید سربخش (ع)، امامزاده سید جمال (ع) و چهار امامزاده با چراغانی، آذین می‌بستند، پارچه نویسی، برافراشته پرچم‌های رنگین، پرچم‌های سفید، سبز و قرمز (به نشانه میلاد، سیادت، انتقام) عید را جشن می‌گیرند.

**مراسم روز تولد حضرت فاطمه (ع):** زایران همراه با خادمین حرم، ضریح مطهر را به مناسبت روز تولد حضرت فاطمه (س) در بیستم جمادی الثانی گل باران می‌کنند. این روز را روز مادریا زن می‌نامند. در امامزاده سید معصوم (ع) در روز تولد حضرت فاطمه (س) جشن گرفته می‌شود. در امامزاده طیب و طاهر (ع) در حاجی آباد، لک‌ها در این روز مراسم روضه خوانی، مولودی خوانی و مداحی برگزار می‌کنند. شرکت کنندگان در این مراسم را زنان تشکیل می‌دهند. در امامزاده زینب خاتون (ع) در شهر کهک، مردم با هزینه و همت خود آش رشته می‌پزند و بین زایران همراه با چای تقسیم می‌کنند. در روز تولد حضرت فاطمه (ع) مثل بیشتر اعیاد، زیارتگاه‌ها چراغانی می‌شود.

**ازدواج:** در نقاط شهری استان قم، آشنایی اولیه معمولاً در مجالس عروسی، سوگواری، روضه خوانی و یا درکوچه و بازار و در مناطق روستایی در برخوردهای روزمره مثل کشاورزی، دامداری و... شکل می‌گیرد. این شناخت بعدها منجر به انتخاب همسر و تشکیل خانواده می‌شود.

سابقاً در شهر قم رسم بود که عروس را قبل از آن که به خانه داماد ببرند با جمعی از همراهان به حرم حضرت معصومه (س) می‌بردند و دور ضریح طواف می‌دادند. این مراسم را هنوز هم بعضی از خانوده‌های قدیمی قم انجام می‌دهند.

**پول اندازون:** در این مراسم داماد را روی تخت مفروش می‌نشانند، سپس افراد مسن و بزرگ فامیل گرد آمده و هر یک با توجه به توان مالی خود، پولی به عنوان هدیه به عروس و داماد می‌دهند.

**شب چله:** شب اول دی ماه که طولانی‌ترین شب سال است اهل خانواده و خویشان گرد هم می‌آیند و آیین شب چله راباز رگزار می‌نمایند. در این شب هندوانه می‌خورند تا در تابستان عقرب و مار آنها را نگزد و از خوردن آجیل خودداری می‌کنند تا در فصل تابستان گرمی هوا آنها را اذیت نکند.

**کوسه گلدی:** این مراسم اغلب توسط چوپانان و دامداران انجام می‌شود و در نیمه زمستان دو نفر به نقش کوسه و زنش در آمده، کوسه لباس قرمز و پوستین می‌پوشد و کلاه مخصوص بر سر می‌گذارد. او تنبک زنان و رقص کنان به در منازل دامداران می‌رود و چنین می‌خواند:

خیر و برکت گلدی، کوسه گلدی

یعنی خیر و برکت آمد، کوسه آمد. آنها گردو و بادام هدیه می‌گیرند.

**کوسه گلین:** این مراسم جهت طلب باران اجرا می‌شود؛ دو نفر به نقش کوسه و زنش درمی‌آیند و با رفتن به در منازل شعر زیر را می‌خوانند:

هوانی و هوانی خدابده بارانی
گندم زیر خاکه از تشنگی هلاکه
یاق، یاق، یاق (روغن)

آن‌ها از هر خانه آرد، روغن و شیره جمع می‌کنند و با آن حلوا می‌پزند و داخل حلوا مهره یا تکه زغال می‌گذارند. هنگام خوردن حلوا، مهره یا زغال سهم هر کس شد باید مشخص کند که چند روز دیگر باران می‌بارد. بیشتر از سه روز به او فرصت نمی‌دهند.

**دیگر مراسم:** از دیگر مراسم رایج در امامزاده‌های بررسی شده در استان قم می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

**لاله گردانی (شمعدان گردان):** مراسم شمعدان گردانی یا لاله‌گردانی حرم مطهر حضرت معصومه (س) از جمله مراسم زیبا و دیدنی است که توسط خادمین حرم انجام می‌شود. این مراسم مخصوص تغییر کشیک خادمین حرم است. به همین مناسبت هفت عدد شمعدان که درون هر یک از آن‌ها یک شمع روشن است بین دو ردیف خادم که لباس متحدالشکل بر تن دارند، قرار می‌گیرد. آن‌ها چوب پرهای خود را روی زمین در جلوی خود می‌نهند. در این هنگام یکی از مردانی که در جلوی صف ایستاده در ایوان طلا، رو به حرم شروع به خواندن خطبه می‌کند.

**بازی‌های محلی:** بازی‌های محلی یکی از عناصر مهم فرهنگی جامعه‌ی انسانی است که در شکل‌گیری آن‌ها، تأثیر شرایط محیطی اجتماعی را بر شیوه‌ی اجرای این بازی‌ها نمی‌توان نادیده انگاشت. بازی‌های محلی مهم‌ترین عوامل رشد اجتماعی هر منطقه به شمار می‌روند و بازتاب زندگی مردم آن منطقه می‌باشند. در واقع بازی اولین تجربه برقراری پیوندهای اجتماعی کودک با دیگران است. کودک به هنگام بازی همسالان خود گفتگو و تبادل نظر می‌کند و با کمک گرفتن از یکدیگر و اتخاذ تصمیم سعی در برطرف نمودن مشکلات خود می‌نماید.

در شهر قم و روستاهای آن نمونه‌های زیادی از بازی‌های محلی به چشم می‌خورد که آن چه در پی می‌آید حاصل پژوهش و تحقیق از منابع کتابخانه‌ای، از قبیل کتاب، هفته نامه و مصاحبه‌های شفاهی با مردم قم می‌باشد. در این استان چهل و سه نوع بازی وجود داشته که برخی از آن‌ها متروک و پاره‌ای هنوز معمولی است.

**باورها و اعتقادات عامیانه‌ی مردم قم:** اعتقادات و باورهای مردم بومی از جمله یادگارها و میراث کهن پیشینیان است که برای ما و آیندگان به جا مانده است. بعضی از این اعتقادات و افکار آن چنان قدیمی هستند که شاید بازمانده از دوره‌های ابتدائی بشر وزمان کوچ نشینی انسان باشد.

بعضی از خرافات و اعتقادات از نیاز احتیاج بشری به ویژه در زمان احساس خطر، ناشی می‌شود. مثلاً ترس از خطرات طبیعی مانند زمین لرزه، رعد و برق و نظایر آن‌ها.

عقاید و افکار مردم دو گونه است. اول: عقایدی که حاصل تجربه افراد عاقل و عالم است، که افکاری حکیمانه و سالم برای هدایت افراد جوامع انسانی می‌باشند. دوم: اعتقادات و خرافات واهی و پوچ که از باورها و اعتقادات افراد بد اندیش ناشی شده است.

باورها و اعتقادات عامیانه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:
الف: باورهای مذهبی ب: باورهای عامیانه ج: باورهای سنتی

**الف: برخی از باورهای مذهبی رایج در قم:** ـ آب مهریه، حضرت فاطمه است.
ـ استخوان گوسفند را نباید جلوی سگ انداخت، زیرا گناه محسوب می‌شود.
ـ سفر کردن روز سیزده صفر را نحس می‌دانند، حتی عدد سیزده را نیز عدد نحس به حساب می‌آورند.
ـ در انجام کارهای خود با تسبیح یا قرآن استخاره می‌کنند.
ـ روستائیان معتقدند نان برکت است و نباید به زمین بیفتد و زیر پا بماند.
ـ با مشاهده‌ی نور در روشنائی بلافاصله صلوات می‌فرستند.

**ب: باورهای عامیانه‌ی قم:** ـ کف دست اگر بخارد معتقدند که پولی به دستشان می‌رسد.
ـ اگر کودک جارو به دست بگیرد، مهمان در راه است.
ـ پشت سر مرده نباید حرف زد.
ـ روز جمعه ناخن گرفتن ثواب دارد.
ـ اگر در هوای آفتابی باران ببارد گرگ‌ها در حال زایمان هستند.
ـ در شب ناخن گرفتن را خوب نمی‌دانند، زیرا موجب فقر و بدبختی می‌شود.
ـ اگر تار عنکبوت بر در و دیوار خانه باشد فقر می‌آورد.

**باورهای پیرامون عروسی در قم:** ـ شب جمعه را برای عقد و عروسی روز مبارکی می‌دانند.
ـ کسی که خوشبخت است باید به لباس عروس دست بزند.
ـ روز سیزدهم و ماه و ساعت قمر در عقرب را برای خواستگاری مناسب نمی‌دانند.
ـ شب‌های شنبه، دوشنبه و چهارشنبه را برای بردن عروس مناسب نمی‌دانستند.

**اعتقاد مردم قم در مورد روزهای هفته:** ـ پارچه را در روز جمعه نمی‌بریدند و هیچ کاری در روز جمعه بنیاد نمی‌گذاشتند.
ـ شب چهارشنبه خرید انجام نمی‌شد زیرا عقیده داشتند که جنس خریده شده می‌سوزد.
ـ صبح جمعه و روز چهارشنبه دیدن مریض نمی‌رفتند.
ـ لباس شستن روز شنبه بسیار مناسب بود و شگون داشت.

**ج: باورهای سنتی مردم قم:** از مراسم‌های قدیم مردم، قاشق زنی که شب‌های عید یا شب چهار شنبه سوری انجام می‌شد. به این شکل که تعدادی به صورت دسته‌های ۲ یا ۳ یا ۴ نفری با در دست داشتن یک عدد قاشق و کاسه از جنس روی، شب‌ها به خانه‌ی افراد پولدار یا کسانی که دست خالی برنمی‌گردانند مراجعه کرده پشت در خانه‌ی آن‌ها قاشق را به کاسه می‌زدند آن قدر تکرار می‌کردند که صاحب خانه از سر و صدای ایجاد شده متوجه می‌شد که برای قاشق زنی آمده‌اند و به دلخواه خود از مواد خوراکی موجود، مقداری به آن‌ها می‌داد (معمولاً قرمه، گندم برشته، نخود کشمش، آب نبات و در مواردی یک یا ۲ ریال پول) سپس از آن جا به خانه‌های دیگر می‌رفتند و تا آخر شب مقداری زیادی خوارکی یا پول جمع‌آوری می‌کردند. بعضی از صاحب خانه‌ها که چیزی نداشتند یا نمی‌خواستند بدهند با صدای بلند شعار می‌دادند: «قاشق به قلبولت بزن، به

صورت مقبولت بزن» قاش زن‌ها بدون دریافت چیزی از آن جا می‌رفتند.

**طب سنتی:** در گذشته به علت نبود پزشک و مراکز درمانی، مردم برای طباطت و مداوای بیماری‌های خویش به دامن طبیعت پناه می‌بردند و از گیاهان داروئی به عنوان حیاب بخش در درمان بیماری خود بهره می‌گرفتند که امروزه با گسترش و نفوذ علم پزشکی از رونق طبابت به روش سنتی کاسته شده است.

طبیب‌ها در قدیم بیماری‌ها را با توجه به طبایع (طبیعت‌های سرد و گرم، صفرا، بلغم، سودا و ...) می‌شناختند و سپس برای درمان آن از گیاهان محلی استفاده می‌کردند و در خانه‌ها نیز این گیاهان برای درمان برخی بیماری‌ها استفاده می‌شد.

**گوشه گلدی:** در روستای دیار در شبی به نام «چوار چوار» که در اواخر چله‌ی بزرگ و اوائل چله‌ی کوچک است، مراسمی تحت عنوان «کوسه گلدی» انجام می‌دهند. به این شکل که دو نفر مرد به نقش «کوسه» و «زن کوسه» در می‌آیند. در این هنگام یک عده جوان جمع شده و زنگوله‌ای را به گردن گوسفند می‌اندازند و به کوسه و زنش می‌دهند. سپس کوسه و زنش با گوسفند به در منازل می‌روند و به حالت نمایشی با یکدیگر دعوا می‌کنند و اشعاری می‌خوانند. در این هنگام صاحبخانه پادر میانی کرده به آن‌ها مقداری آرد، قند، روغن و یا شیره می‌دهد. بعد از جمع کردن مواد مذکور با آن حلوائی درست کرده بین مردم پخش می‌کنند.

در روز ۴۵ زمستان دو نفر به نقش کوسه و زنش در می‌آیند. کوسه پوستینی به تن می‌کند. او تنبک زنان می‌گوید: خیر و برکت گلدی، کوسه گلدی، یعنی: خیر و برکت آمد، کوسه آمد. افراد نیز به آن‌ها مقداری گردو و بادام می‌دادند.

در روستای نایه نیز همین مراسم تحت عنوان «کوسه گلینه» اجرا می‌شود. این مراسم اغلب توسط چوپانان و دامداران صورت می‌گیرد. کوسه‌ها در این منطقه لباس قرمز می‌پوشند و کلاهی مخصوص به سر می‌گذارند. آن‌ها در منازل دامداران می‌روند و می‌رقصند. دامداران نیز به هر یک بشقابی آجیل به کوسه می‌دهند.

**پوشاک:** پوشاک زنان و مردان استان قم در گذر زمان دستخوش تحولات قابل توجهی بوده است. با برخی از این موارد آشنامی‌شویم:

**سرپوش‌ها:** در اشکال مختلف نمود می‌یافت:

**پوشینه:** زنان صورت خود را پشت تور نازک مشکی، از نظر محفوظ می‌داشتند. بلندی تور تا زیر سینه بود و آن را توسط بندی که زاویه‌های کناری پوشینه دوخته شده بود بر پشت سر گره می‌زدند.

**نقاب:** پوششی است همانند پوشینه، با این تفاوت که فقط گردی صورت تا زیر چانه را می‌پوشاند. معمولا آن را از نخ ابریشمی مشکی می‌بافتند. این دو پوشش مختص شهر قم بود.

**پیشانی بند:** دستمال چهارگوشی را با چند تا، روی پیشانی می‌بستند.

**روسری:** پارچه مربع شکلی که اضلاعی کوچک‌تر از چارقد دارد و آن را بر سر می‌انداختند و دو گوشه‌اش را در زیر گلو گره می‌زدند.

**چارقد:** چارقد مشابه روسری اما به مراتب از آن بلندتر است. این پارچه سفید مربع شکل را خانم‌ها دولاکرده به شکل مثلث به سر می‌اندازند. برای نگهداری چارقد بر روی سر، دو کناره‌اش را در زیر گلو با سنجاق قفلی به هم می‌پیوندند. گاهی

پس از سرکردن چارقد، گوشه‌های آن را در پشت سر گره می‌زدند. این عمل بیشتر هنگام کار و فعالیت انجام می‌شد.

**چادر:** چادر به اشکال و اسامی مختلف از گذشته تا کنون در استان قم رایج بود. مشخصات انواع چادر به این شرح است:

- **چادر راسته** ؛ چادری مستطیل شکل است. این سرپوش طرحی راه‌راه داشت و قسمت جلوی آن از زیر زانو تا پایین دوخته می‌شد. این نوع از چادر را از کرباس می‌بافتند.

- **چادر عربی** ؛ چادر عربی مشابه چادرهای امروزی از طرحی نیم دایره، شکل می‌گرفت. جلوی آن از زیر زانو تا پایین دوخته می‌شد و قسمت بالای آن را باکش بر سر محکم می‌کردند.

- **چادر نماز** ؛ در گذشته بیشتر از چادر نماز یا به عبارتی چادر رنگی استفاده می‌شد. جنس چادر نماز از تترون بود. این چادر را در رنگ‌های سورمه‌ای، سفید و یا پارچه‌های گل دار می‌دوختند.

- **چادر مشکی** ؛ زنان این چادر سیاه رنگ را که طرحی نیم دایره دارد، بر روی همه لباس‌ها به سر می‌کنند.

- **چادر عبایی** ؛ جلوی این چادر دوخته بود و بندی داشت که به کمر بسته می‌شد.

**تن‌پوش‌ها:** پیراهن دورچین (پاچین): این تن پوش، لباس دورچین یقه‌گردی است که قد بالاتنه آن به زیر کمر می‌رسد. یقه آن از وسط سینه تا روی ناف چاک دارد. این چاک توسط سه دکمه باز و بسته می‌شود. یقه پیراهن دورچین گرد و بدون برگردان است. گاه یقه آن را با برگردان کوچکی زینت می‌دهند. قسمت بالای دامن را به صورت چین‌های اطویی، روی هم، سوزنی، درهم و ... به بالاتنه متصل می‌کنند. بر روی دامن نیز جیبی (کیسه‌ای) از رو دوخته می‌شود. آستین‌های این پیراهن بلند، ساده و راسته است. گاه در ناحیه مچ، باکش آن را هم اندازه دست می‌نمایند. میّ توان در ناحیه سردست مچ افزود که با یک دکمه باز و بسته شود.

این لباس تا زیر زانو را می‌پوشاند و همراه آن شلواری از جنس دبیت به رنگ مشکی به پا می‌کردند. پیراهن دورچین روی شلوار قرار می‌گرفت.

**پیراهن راسته:** پیراهنی کوتاه و ساده است که دامن آن از دو طرف چاکی به بلندی ۲۰ سانتی متر دارد. زنان آن را در گذشته با شلیته و یا شلوار قردار می‌پوشند. قد این پیراهن به سر زانو می‌رسید. آستین‌های آن بلند، ساده و راسته دوخته می‌شد و معمولاً دارای یقه گرد با برگرد و یا بدون برگرد بود. این پیراهن شکافی در جلو تا ناحیه سینه داشت که با چند دکمه باز و بسته می‌شد. برای زیبایی بیشتر این پیراهن، معمولاً دوریقه و سجاف روی سینه را نواردوزی می‌کردند.

شلوار قردار (قری): دامن شلواری پرچین و بلندی است که قد آن تا ساق پا می‌رسد. کمر آن لیفه داشت و بندی از میان آن می‌گذشت. برای دوخت شلوار قردار معمولا ۱۰ متر پارچه لازم بود.

شلیته: دامن کوتاه گشادی است که چین‌های بسیار دارد. هرچه تعداد چین‌ها ریزتر و بیشتر بود، بر زیبایی آن افزوده می‌شد. شلیته معمولاً توسط بندی که از قسمت لیفه آن می‌گذشت به تن محکم می‌شد. آن را معمولاً از چیت گل دار می‌دوختند.

**جلیقه:** جلیقه را در برخی از مناطق استان جلیزقه یا جلیقزه می‌نامند. این تن‌پوش، نیم‌تنه بی‌آستینی است که بیشتر از مخمل دوخته می‌شود. جلیقه

معمولاً بدون یقه و جلوباز است و جلوی آن گاه بدون دکمه و بعضی اوقات بادکمه است. از این تن پوش برای افزودن به زیبایی بیشتر لباس و هم به سبب ایجاد گرما در فصول سرد سال استفاده می‌شد.

**آرخالق:** کت زنان را که معمولاً از اطلسی و مخمل‌های رنگین دوخته می‌شد، آرخالق می‌نامیدند.

**شلوار:** شلوار را «تُمون» نیز گویند. جنس این زیرجامه از دبیت بود، به همین سبب به نام شلوار دبیت نیز شهرت داشت. «دبیت حاج علی اکبری» یکی از مرغوب‌ترین پارچه‌ها برای شلوار محسوب می‌شد. رنگ پارچه‌ها معمولاً مشکی انتخاب می‌شد و برای دوخت آن حدود نه متر پارچه لازم بود. این تن‌پوش در ناحیه کمر لیفه داشت و با بند بر تن استوار می‌شد.

یک نوع شلوار دیگر نیز به نام شلوار بلند «اوزون تومان» در میان زنان رواج داشت. این شلوار مانند شلوار قشقایی و کردی فراخ دوخته می‌شد. برای دوخت این شلوار ۲۰ متر پارچه لازم بود.

**پاپوش‌ها** :چاقچور: پاپوش خاصی بود که زنان هنگام بیرون رفتن از منزل آن را به پا می‌کردند و مشابه جوراب شلواری امروز بود با این تفاوت که آن را از دبیت مشکی و گشاد می‌دوختند.

**کفش:** که به آن اُرسی نیز می‌گویند، در انواع گالش، کفش چرمی و گیوه مورد استفاده بود.

**پوشاک کار:** برای کار معمولاً از لباس نیم دار استفاده می‌شد.

**پوشاک فصل:** در فصل‌های سرد سال از جلیقه، کت، پالتو، شال گردن، دستکش، جوراب پشمی استفاده می‌شود. در فصول گرم لباس‌های نازک بر تن می‌کنند.

**سرپوش‌ها:** مانند کلاه بافتنی، کلاه نخی، کلاه پوستی، کلاه نمدی، کلاه شابگا (شاپو) و عمامه است.

**تن‌پوش‌ها:** لباس جلو بسته یقه گردی بود که از سمت چپ یقه، چاکی در حدود ۳۰ سانتیمتر به طور اریب داشت. این پیراهن از سوی شانه با دکمه باز و بسته می‌شد. دو چاک ۱۵ سانتیمتری در طرفین پیراهن، برای سهولت در نشست و برخاست می‌گذاشتند.

آستین‌های پیراهن مردان راسته و در ۱۰ سانتیمتری ناحیه سردست، بندی در کنار داشت. این بند به دور دهانه آستین پیچیده می‌شد. ضمناً یک یا دو جیب (کیسه) در درز پهلوها می‌دوختند. جنس و رنگ این پیراهن از کرباس سفید انتخاب می‌شد. گاه این پیراهن را «عربی» می‌نامیدند.

پیراهن یقه شیخی (آخوندی): پیراهن راسته‌ای است که یقه‌گرد با برگردان طوقه‌ای داشت. جلوی آن تا روی سینه به اندازه ۳۵ تا ۴۰ سانتیمتر باز بود و توسط چند دکمه باز و بسته می‌شد. آستین‌های آن راسته و در ناحیه سردست مچ داشت. در درزهای پهلوی این پیراهن جیبی بر آن دوخته می‌شد و دو چاک ۱۵ سانتیمتری نیز در طرفین آن وجود داشت.

**جلیقه:** این تن‌پوش را از پارچه کرباس، متقال و... تهیه می‌کردند و گاه از پشم گوسفند یا شتر آن را می‌بافتند. مدل جلیقه در گذشته نیز مشابه جلیقه‌های امروزی بود و آن را در زیر کت یا قبا می‌پوشیدند. این تن‌پوش در فصول سرد سال به کار برده می‌شد. امروزه نیز بیشتر مردان در سرما از آن استفاده می‌کنند.

**کت:** شکل آن مشابه کت‌های کنونی مردان بود با این تفاوت که از کرباس دوخته می‌شد.

**قبا**: قبا نوعی پوشاک رویی است که روی لباس‌های دیگر می‌پوشیدند. این مدل لباس با توجه به جنس آن در کلیه فصول قابل استفاده بود. قبا را بیشتر از کرباس آبی رنگ می‌دوختند. قسمت پایینی این پوشاک پهن و گشاد بود و در قسمت بالا تنگ می‌شد. آستین قبا راسته و در ناحیه مچ آزاد می‌شد. یقه قبا مثلثی شکل و توسط دکمه‌ای که از زیر برآن دوخته شده بود، باز و بسته می‌شد. قد قبا تا به سر زانو می‌رسید. در زمستان به هنگام سرما، بر روی قبا شال می‌بستند.

**عبا**: تن‌پوش رویی گشادی که روحانیان آن را به تن می‌نمایند. عبا را از رنگ‌های مشکی، قهوه‌ای روشن و نخودی انتخاب می‌کردند. شکل و طرح عبا از گذشته تاکنون ثابت مانده است.

**شلوار**: شلوار مردان رانیز تمون می‌نامیدند. پارچه آن از کرباس یا دبیت حاج علی اکبری و به رنگ مله‌ای (کرم)، سیاه، آبی و سورمه‌ای انتخاب می‌شد و آن را ساده و گشاد می‌دوختند.

**شال گردن**: در فصول سرد سال از شال‌های پشمی که از پشم شتر و گوسفند تهیه می‌شد، استفاده می‌کردند.

**شال کمر**: مردان برای مقابله با سرما و همچنین برای جلوگیری از کمردرد به هنگام کار، به دور کمر خود شال می‌بندند و آن را چند بار به دور کمر می‌پیچند. محل بستن شال روی پیراهن و قبا است.

**دستکش**: دست‌پوشی که پشم آن توسط اهالی ریسیده می‌شد. آن را در فصول سرد سال مورد استفاده قرار می‌دادند.

**پاپوش‌ها- جوراب**: در زمستان و در فصول سرد سال نوعی جوراب که از پشم بافته شده بود به پا می‌نمودند. در سایر فصول از جوراب‌های نخی به رنگ مشکی استفاده می‌شد.

**کفش**: کفش‌های رایج در ایام پیشین این استان عبارتند از: گیوه و نعلین

**پوشاک کار و شغل**: مردان هنگام فعالیت و کار، از لباس‌های نیم دار که به نام «پشت کار» شهرت دارد، استفاده می‌کردند. چوپانان نیز تن‌پوشی به نام نمد دارند که پهن و گشاد است و آستین‌های بلند و یقه مثلثی شکل دارد. این تن‌پوش را از نمد ضخیم به رنگ‌های سیاه یا قهوه‌ای درست می‌کنند و قد آن تا پایین زانو می‌رسد. نمد در زمستان و فصول سرد سال حفاظی عالی در برابر سرما است.

**مچ پیچ**: دامداران هنگام فعالیت به دور مچ پای خود تسمه‌ای می‌بستند که در طرفین بند داشت.

**بازی‌ها**:

**الک دولک**: بازی الک‌دولک دو گروه پنج نفره انجام می‌شود و معمولاً پسران تا سن ۱۳ سالگی به این بازی می‌پرداختند ابزار این بازی دو چوب است؛ یک چوب کوچک ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتری که آن را به وسیله یک چوبدستی به طول ۵۰ تا ۷۰ سانتیمتر، از روی زمین بلند می‌کنند و با تمام قدرت به سمت روبه‌رو پرتاب می‌کنند. اگر یکی از اعضای طرف مقابل بتواند چوب را در هوا بگیرد، برنده است در غیر این صورت بازنده محسوب می‌شود و بازی ادامه می‌یابد.

**چوب بازی**: نوعی بازی نمایشی است که اغلب در مراسم عروسی و وقت حمام بردن عروس یا داماد به اجرا درمی‌آید. این نمایش توسط دو نفر اجرا می‌شود. هر دو نفر چوب تقریباً بلندی را در دست دارند و با انجام حرکات نمایشی به جنگ و ستیز می‌پردازند. هرگاه یکی از دو نفر موفق شود با چوب به پشت پای چوب‌باز مقابل بزند، برنده

شناخته می‌شود.

**خرپشته:** این بازی را معمولاً پسران تا سن ۲۰ سالگی انجام می‌دهند. برای شروع یک نفر به حالت دولا، دست‌ها را به زانو می‌زند و خم می‌شود. بقیه بازیکنان به ترتیب از روی فرد خم شده می‌پرند. چنانچه پای بازیکنی در ضمن پریدن به بدن فرد خم شده بخورد یا به زمین بیفتند، باید به جای او خم شود تا دیگران از رویش بپرند. تعداد بازیکنان در این بازی معمولاً ۱۰ نفر است.

**سیاه بازی:** معمولاً در مراسم جشن و سرور یکی از مطرب‌ها صورتش را سیاه و حرکات نمایشی خنده‌داری را اجرا می‌کند.

سایر بازی‌های این استان عبارتند از: توپ مره، کلاه برداری (فرک)، النگ و دولنگ، دوزبازی، کودکوتک، ضربه طاقه، گردوبازی، نیت بازی، قایم باشک، کشتی‌گیری، تسمه بازی، قاپ‌بازی، تخم‌مرغ جنگی، چوب بازی، سرسره بازی، برف بازی، هفت سنگ، کول‌بازی، سه سنگ، عروسک بازی ...

**اقتصاد:**

## برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی قم

غلات هکتار/ تن (گندم ۱۲۶۱۸، ۴۷۱۵۹- جو ۱۹۸۴۶، ۶۸۸۱۵)

حبوبات هکتار/ تن (نخود ۲۵۲، ۱۳۴- لوبیا ۷۳۳، ۵۸۸)

محصولات صنعتی هکتار/ تن (پنبه ۵۹۱۹، ۹۸۲۰- کلزا ۱۲۶۸، ۱۷۳۷)

سبزیجات هکتار/ تن (سیب‌زمینی ۱۳، ۲۷۴- پیاز ۵۱، ۵۰۲- گوجه‌فرنگی ۲۹، ۶۸۴)

محصولات جالیزی هکتار/ تن (خربزه ۶۹۸، ۱۲۴۲۳- خیار ۲، ۱۱)

نباتات علوفه‌ای هکتار/ تن (یونجه ۸۸۴۸، ۱۰۴۶۹۵)

**محصولات:** میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی، به. میوه‌های هسته دار: آلبالو، گیلاس (تک دانه مشهد، زرد دانشکده)، گوجه، آلو، هلو، زردآلو و قیسی، شلیل، آلو قطره طلا. میوه‌های دانه ریز: انگور (بیدانه کشمشی، عسگری، یاقوتی)، توت درختی، توت فرنگی. میوه‌های خشک: پسته (اوحدی، احمدآقایی، اکبری، کله قوچی)، بادام، گردو، فندق، سنجد. میوه‌های نیمه گرمسیری: انجیر، انار، خرمالو، زیتون. زعفران، گلستان، غیر مثمر.

**صنایع قم:** محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۳۷۰ واحد)، ساخت منسوجات (۲۴۱ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۱۰۲ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۱۲۱ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۶۰ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۵۸۲ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۶۱۱ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۱۰۵ واحد)، ساخت ماشین آلات و تجهیزات (۱۳۲ واحد)، بازیافت (۲۶ واحد). کربنات روی (۲)، روغن صنعتی (۲)، روغن خام زیتون (۱)، شیر پاستوریزه (۳)، ماست پاستوریزه (۳)، آرد غلات (۳)، انواع کیک و بیسکوئین و کلوچه (۴)، بسته بندی شکر (۱)، قند از شکر (۴)، ماکارونی (۵)، بلندینگ و بسته‌بندی روغن موتور (۵)، چای خشک بسته بندی‌شده (۴)، فرش ماشینی (۳)، گریس (۳)، چرم مصنوعی (۱)، کاغذ کرافت (۱)، کاغذ چاپ و تحریر (۱)، روغن موتور (۵)، روغن هیدرولیک

(۳)، تصفیه‌ی روغن سوخته (۳).
**صنایع دستی:** سفال و سرامیک، قالیبافی، گلیم بافی، نقاشی و مصنوعات چرم، سنگ تراشی، معرق، شیشه، سبد بافی، توربافی، قلمزنی، رودوزی‌های سنتی، طراحی سنتی، خوشنویسی، نواربافی، قلاب بافی، عروسک‌سازی. ـ سازمان صنایع دستی

سوهان معروف‌ترین ارمغان این استان است که شهرت جهانی دارد، صنایع دستی بی نظیر استان فرش ابریشم با طرح‌ها و نقوش اصیل ایرانی هنر سفال و سرامیک با سابقه‌ی دیرینه (چینی بدل)، صنایع دستی منبت کاری چوب، صنایع دستی سنگی و گچی و کاشی معرق می‌باشد.
**سوغات قم:** ره‌آورد زائران حرم مطهّر حضرت معصومه(ع) در بازگشت به وطن، سوهان، معروفترین محصول این شهر است. از دیگر اقلام مورد توجه ظروف ظریف و زیبای سفال (چینی بدل) و فرش مرغوب این شهر است که فرش یکی از اقلام صادراتی منطقه نیز محسوب می‌شود.

## فرهنگی ـ دانشگاهی

**دانشگاه‌های استان قم:**
۱ـ دانشکده‌ی اصول دین.
۲ـ دانشکده‌ی علوم قرآنی.
۳ـ دانشکده‌ی پزشکی فاطمیه.
۴ـ مجتمع آموزش عالی قم (دانشکده‌ی دانشگاه تهران).
۵ـ مدرسه‌ی علمی تربیتی و قضائی.
۶ـ دانشگاه پیام نور.
۷ـ دانشگاه آزاد اسلامی.
۸ـ دانشگاه مفید.
۹ـ دانشگاه صدوق.
۱۰ـ دانشگاه شهید محلاتی (وابسته به سپاه پاسداران).
۱۱ـ دانشگاه غیر انتفاعی باقر العلوم.
۱۲ـ مؤسسه‌ی آموزشی امام صادق (ع).
۱۳ـ مرکز پژوهشی امام خمینی.
**دانشگاه قم:** این دانشگاه در ۱۳۵۹ با نام مدرسه عالی تربیت قضایی طلاب قم تاسیس شد و سپس به دانشگاه قم تغییر نام یافت. این دانشگاه در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی دانشجو می‌پذیرد. و دارای سیزده گروه آموزشی حقوق، حقوق خصوصی، فقه و مبانی، فلسفه و کلام، علوم قرآنی، علوم تربیتی، زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات عرب، زبان انگلیسی، معارف اسلامی، فیزیک، ریاضی و تربیت بدنی است .

### مراکز تحقیقاتی و پژوهشی مستقر در قم

در قم بیش از ۸۵ مرکز تحقیقی و پژوهشی بزرگ و کوچک قرار دارد که عمده فعالیت آن‌ها به علوم انسانی مربوط می‌شود.
**۱۱ موزه‌ی آستانه‌ی مقدسه:** این موزه نخستین بار در سال ۱۳۱۴ در محوطه‌ی بالای سر حضرت افتتاح گردید، سپس در سال ۱۳۶۱ ه.ش به محل فعلی یعنی میدان آستانه انتقال یافت.
از جمله آثار موجود در آن قرآن‌های نفیس است با خط کوفی و طلاکوب که نگارش آن‌ها را بر روی پوست آهو به یک هزار و دویست سال قبل نسبت می‌دهند.

## آثار ثبت شده استان قم

مجموعه آستانه حضرت معصومه -(صفویه-قاجار)قم
مقابر باغ گنبد سبز- (اسلامی-قرن۸ه.ق)قم
مسجد جامع -(سلجوقی-صفوی-قاجار)-قم
امامزاده علی بن جعفر - قرن ۸ ه.ق- قم
شاهزاده ابراهیم - قرن۸و ۹ ه.ق- قم
آتشکده نویس - ساسانی - قم
کاروانسرای پاسنگان-قرن۱۳ ه.ق- قم
مجموعه بناهای چهل اختران - قرن۹و ۱۱و۱۳ه.ق-قم
قصر دختر- ساسانی - قم
ایوان مسجدامام حسن (ع) - صفویه - قم
مسجد صرم - صفویه - قم
کاروانسرای صدرآباد - (صفویه - قاجاریه)- قم
خانه حضرت امام خمینی (ره)- قم
خانه حکیم باشی ملاصدرا - قم
تیمچه بزرگ قم- قاجاریه - قم
مجموعه راسته بنازار کهنه و نو (صفویه-قاجار)-قم
مدرسه جهانگیرخان - (صفویه -قاجار)- قم
قره تپه قمرود - هزاره۶و۴و۳ق.م - قم
خانه حاج قلیخان- قاجاریه - قم
مدرسه غیاثیه(پامنار)-(سلجوقی-تیموری)-قم
کاروانسرای قلعه سنگی- سلجوقی - قم
امامزاده سربخش- قم
امامزاده شاه احمدقاسم - قم
قلعه گبری جمکران(قلعه گلی)(پیش ازاسلام-اسلامی)قم
بقعه متبرکه امامزاده خمره-(صفویه-قاجاریه)-قم
مقبره شیخ اباصلت - صفویه - قم
تپه صرم - هزاره ۱ ق.م - قم
امامزاده احمدبن محمد حنیفه - قرون۸تا ۱۰ه.ق-قم
شش امامزاده سیف آباد قمرود-قاجاریه- قم
بقعه متبرکه خدیجه خاتون - ایلخانی - قم
بقعه متبرکه سکینه خاتو-صفویه-قم
مجموعه علی آباد- قاجاریه- قم
بنای امامزاده محمد(صفورا)-قم
بقعه متبرکه امامزاده طیب و طاهر-تیموری-قم
امامزاده شاه غریب - قاجاریه-قم
مجموعه امامزادگان-قاجاریه - قم
سد کبار - اسلامی(پیش ازصفویه) قم
امامزاده شاه جمال - قم
خانه حاج علی خان زند - قم
دبیرستان امام صادق - پهلوی اول - قم
بقعه شاهزاده اسماعیل - ایلخانی - قم
تپه قلعه خورآباد - (تاریخی-اسلامی)-قم
کاروانسرای منظریه- قم
بقعه علی بن بابویه قمی - صفویه - قم
منزل آیت اللّه حائری یزدی- قاجاریه - قم
کاروانسرای سنگی علی آباد- سلجوقیان - قم
قلعه زاربلاغ - تاریخی - قم
مناره و مسجد میدان کهنه - صفویه - قم
بقعه شاهزاده زکریا - صفویه - قم
تپه البرز یک - از هزاره ۴ تاهزاره۱ق.م - قم
قلعه گلی کاج محمدآباد-(پیش از اسلام-اسلامی)-قم
آق تپه قشلاق - هزاره۶تا۴ق.م- قم
محوطه شمشیرگاه- هزاره۱ تااسلامی- قم
تپه قلعه مبارک آباد - (ساسانی ـ اسلامی)- قم
مسجد جامع کهک - (صفویه -معاصر) -کهک
قلعه تپه طغرود-(تاریخی - اسلامی) - قم

آب انبار صفوی کهک - صفویه - کهک
بقعه زینب خاتون و گورستان آن - صفویه - کهک
کاروانسرای سنگی - (سلجوقیان - صفویه) - قم
بقعه سلطان محمود صرم - (صفویه - قاجاریه) - قم
میل سنگی میم - سلجوقیان - قم
میل صفر علی - سلجوقیان - قم
میل بابک - سلجوقیان - قم
خانه توکلی - قاجاریه - قم
محوطه ۵۴ بررسی‌های منطقه قمرود - تاریخی - قم
منطقه ۷۱ بررسی‌های منطقه قمرود-تاریخی - قم
منطقه ۵۷ بررسی‌های منطقه قمرود - قم
شاهزاده مهدی غائب - صفویه - قم
حمام روستای قباد بزن - قاجاریه - قم
شاهزاده ابوطالب - صفویه - قم
میل سنگی علی آباد - سلجوقیان - قم
بادگیر حوضخانه امارت قمرود - قاجاریه - قم
کاروانسرای باقرآباد - قاجاریه - قم
کاروانسرای عسگرآباد - قاجاریه - قم
پل عسگرآباد - قاجاریه - قم
مسجد سید صادق روحانی - قاجاریه - قم
کاروانسرای آجری پل دلاک -قاجاریه - قم
کاروانسرای خشتی پل دلاک - قاجاریه - قم
قلعه صدری - قاجاریه - قم
پل دلاک - صفویه - قم
منزل سید حاجی روحانی-اوایل قاجار- قم
مجموعه کارخانه ریسباف - معاصر - قم
بقعه شاهزاده هادی- (صفویه-قاجاریه)- قم
مجموعه خدیجه خاتون-قرن۷و۸ ه.ق - قم
قیز قلعه جمکران -قرن۷و۸ ه.ق - قم
میل امامزاده عبداللّه - سلجوقیان - قم
مجموعه پاچیان - معاصر - قم
خانه شاکری - قاجاریه - قم

امامزاده عاقب - ۱۳۱۵ ه.ق - قم
شاهزاده احمدبن علی (ع)-(صفویه قرن۸ه.ق)-قم
میل سنگی امامزاده جعفر راه جرد - سلجوقیان - قم
آق تپه البرز(محوطه۳۲)- تاریخی- قم
محوطه ۳۷ قمرود - هزاره۶تا۴ ق.م - قم
قلعه سنگی کی کویه - اسلامی - قم
تپه گبری-روستای‌قاضی‌پایین-پیش‌ازتاریخ تااسلامی-قم
شاهزاده ابراهیم سیرو- صفویه -قم
شاهزاده ابراهیم دستجرد-اسلامی - دستجرد
کاروانسرای حوض سلطان - (صفویه-قاجاریه)-قم
محوطه شماره۴۸قمرود- تاریخی - قم
قره تپه شاهجرد- (سلجوقیان-ایلخانی)-قم
تپه قلعه وشنوه (تاریخی-اسلامی)- قم
تپه امامزاده طیب و طاهر- (تاریخی-اسلامی)قم
میل و تپه شهرستان - ساسانی - قم
مجموعه فرهنگی تاریخی طینوج(صفویه -قاجاریه)قم
پل امامزاده عبداللّه (پل سپه)-قاجاریه - قم
مجموعه‌تپه‌های‌امامزاده‌سکینه‌خاتون-(تایخی-اسلام
آب انبار طلاب - صفویه - قم
پل طایقان -(صفویه - قاجاریه) - قم
تپه امامزاده نواران - (تاریخی-اسلامی)-قم
پل روستای قلعه چم - قاجاریه - قم
تپه‌گردالی و محوطه‌گورستان-پیش از تاریخ - قم
مجموعه کاروانسراهای طلاب - (سلجوقیان-صفویه)قم
تپه مزرعه کهک-پیش از تاریخ - قم
آب انبار سراجه - صفویه - قم
چهار طاقی کرمجگان - ساسانی - قم

پل طینوج - صفویه - قم
بنای عصاری کهک - صفویه -کهک
خانه یزدانپناه - اواخر قاجار - قم
حمام حاج عسگر خان - قاجاریه - قم
تپه قل درویش - آهن - قم
بقعه امامزاده هادی جمزقان- صفویه - قم
بقعه امامزاده ابراهیم دستگرد - صفویه - قم
بقعه بی بی شریفه خاتون‌نویس - (صفویه قاجاریه) قم
بنای‌سنگی واسون-(ماد-اشکانی-ساسانی)-قم
کاروانسرای الله قلی - (صفویه قاجاریه) - قم
تپه در قلعه (دروازه قلعه)- تاریخی - قم
امامزاده علمدار کیاب - اسلامی - قم
تپه امامزاده علمدار کیاب - (تاریخی اسلامی) - قم
میل سنگی چاهک - (ساسانی قرون اولیه اسلامی) - قم خانه حاج باقر روحانی - اواخر قاجار - قم
تپه دژکهنه (تیزه کهنه) - تاریخی - قم
آب انبار لب چال - اواخر قاجار - قم
آب انبار طیب و طاهر - صفویه - قم
آب انبار مبارک آباد - قاجاریه - قم
پل‌ها و کوره آجرپزی - (صفویه قاجاریه) - قم
محوطه ۵۳ بررسی‌های قمرود - تاریخی - قم
آب انبار البرز - قاجاریه - قم
تپه کفتر خون قزقون به سر - هزاره ۱ ق.م - قم
تپه میشل - هزاره ۱ ق.م - قم
تپه کمر بلبل - (تاریخی اسلامی) قم
آب انبار روستای کاج - قاجاریه - قم
حمام گذر عشقعلی - اواخر قاجار - قم
مسجد و آب انبار سید اسماعیل - اواخر قاجار - قم
کاروانسرای البرز - قاجاریه -قم
حمام روستای البرز - قاجاریه - قم
آب انبار راهجرد - صفویه - قم
مسجد روستای البرز - قاجاریه - قم
آب انبار روستای باقر آباد - پهلوی اول - قم
قلعه مظفر آباد - قاجاریه - قم
مسجد و آب انبار سلماسی - پهلوی اول - قم
آب انبار کوه سفید - قاجاریه - قم
مسجد چهل اختران - اواخر قاجار - قم
خانه شیخ باقر عربشاهی - اواخر قاجار -کهک
مقبره امامزاده عبدالله فوجود - قاجاریه - قم
آب انبار صدر آباد -(صفویه قاجاریه) - قم
امامزاده حلیمه خاتون - قاجاریه - قم
حمام روستای وسفونجرد - صفویه - قم
پل ورزنه - پهلوی اول - قم
حمام مظفر آباد - قاجاریه - قم
قلعه سام آباد - قاجاریه - قم
پل شکسته قمرود - صفویه - قم
بیمارستان فاطمی قم - پهلوی اول
امامزاده باوره فردو - صفویه - قم
آب انبار روستای آغلک - صفویه - قم
مسجد پنجه علی -(قرن ۹ ه.ق تاقاجاریه )-قم
منزل آیت ا...بروجردی (ره) - اواخر قاجار - قم
خانه سلامتی‌ها - اواخر قاجار - قم
انبار شاد قلی خان - قاجاریه - قم
آب انبار عربستان - پهلوی - قم
فهرست آثار تاریخی استان قم در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۱۹۸ واحد می‌باشد. ـ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

**جمعیت مرد و زن روستائی و شهری قم:**
مرد: (۴۵۱۱۰۹ شهری، ۳۱۱۴۰ روستائی)، زن: ( ۴۳۱۳۶۳ شهری، ۲۶۶۶۲ روستائی).

## جمعیت استان قم

بـر اسـاس آخـرین سرشماری جمعیت قم ۱۰۰۰۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. تعداد خانوار ۲۶۲۳۱۳، جمعیت ۱۰۴۶۷۳۷، تعداد باسواد ۸۰۰۹۱۱، تعداد بیسواد ۱۲۹۴۴۷.

## شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها

**جعفرآباد**: از بخشهای شهرستان قم، استان قم است که از شمال به شهرستان ساوه، از مشرق به حومه قم، ازجنوب به خلجستان و از مغرب به شهرستان تفرش محدود است.

**تقسیمات کشوری**: مرکز این بخش گارران، دارای یک دهستان به نام جعفر آباد است.

**رودها**: ۱ - رود طغرود که از بلندیهای شمال غربی دستجرد سرچشمه گرفته و به دشت طغرود می‌ریزد ۲ - قره چای که از سرابهای هفته و عمارت و پنجه علی در سربند اراک سرچشمه گرفته پس از گذشتن از جعفرآباد به دریاچه نمک می‌پیوندد.

**آب و هوا**: گرم و خشک.

**رستنی‌ها**: گیاهان داروئی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران**: شغال، گرگ، روباه، خرگوش.

**درآمد**: بر پایه کشاورزی و دامپروری استوار است. کشاورزی به صورت آبی و دیم هر دو انجام می‌شود.آب از رود، چاه و کاریز فراهم گشته.

**فرآورده‌ها**: گندم، جو، پنبه، گیاهان علوفه‌ای، تره بار، چغندر قند، انگور، انار، زردآلو، دام و فرآورده‌های دامی و طیور.

**جعفرآباد**: از دهستانهای بخش جعفرآباد شهرستان قم استان قم و مرکز آن جعفریه است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار دارد.

**جانوران**: شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.

**فرآورده‌ها**: گندم، جو و تره بار.

**پوشش گیاهی**: گل گاوزبان، ختمی، خاکشی و گیاهان مرتعی.

**درآمد**: بر پایه کشاورزی و دامپروی و صنایع دستی استوار است. آب کشاورزی از رود، کاریز و چاه فراهم گشته است.

**خلجستان**: از بخشهای شهرستان قم، استان قم است که از شمال به بخش جعفرآباد، از مشرق و جنوب به حومه قم، از جنوب غربی به شهرستان آشتیان و از مغرب به شهرستان تفرش محدود می‌باشد.

**تقسیمات کشوری**: مرکز این بخش شهر دستجرد، دارای ۲ دهستان (۱ - دستجرد ۲ - قاهان) است.

**رودها**: ۱ - رود دستجرد که از کوههای دره رستم آقاچای و دو برادران سرچشمه گرفته آنگاه از شهر دستجرد (مرکز بخش) می‌گذرد و به رود قره چای می‌پیوندد. ۲ - رود مروارید که در کوههای دره رستم و گله سیاه سرچشمه گرفته از ۵ کیلومتری شهر دستجرد می‌گذرد و به رود دستجرد می‌پیوندد. ۳ - رود سلمان که از کوه حسنک سرچشمه گرفته، از جنوب شرقی دستجرد گذشته و به قمرود می‌پیوندد.

**کوهها**: چون خلجستان منطقه‌ای دشتی است تپه‌هائی تا بلندی ۱۸۰۰ در آن سربرافراشته است از جمله ۱ - تپه میرانک ۲ - تپه خوره تپه ۳ - تپه قارابالی

**کانها**: معدن مرمریت، معدن باریت

**آب و هوا**: نسبتاً گرم و خشک.

**رستنی‌ها**: گیاهان داروئی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، شغال، جوجه تیغی، عقاب و تیهو.
آب کشاورزی از رود، کاریز و چاه فراهم گشته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، بنشن، انگور، گردو، گلابی، سیب، گیلاس و بادام، دام و فرآورده‌های دامی و طیور و قالی.
**دستجرد:** از دهستانهای بخش خلجستان شهرستان قم استان قم و مرکز آن دستجرد است و در منطقه‌ای تپه‌ای معتدل خشک وکوه اسد محمد علی و قازان داغی و کوه دیدگاه علی و گردنه کندرود قرار دارد.
رود فصلی مروارید در این دهستان روان است.
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، گراز و کبک.
**فرآورده‌ها:** انار، انگور، انجیر، گردو، بادام و قالی.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، ختمی، شیرین بیان، خاکشی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
**دستجرد (مرکز بخش):** شهر دستجرد مرکز بخش خلجستان، از بخشهای شهرستان قم استان قم و در طول جغرافیائی ۱۵ درجه و ۵۰ دقیقه و عرض جغرافیائی ۳۳ درجه و ۳۴ دقیقه و در ۱۷۴۰ متری از سطح دریا و در ۷۵کیلومتری قم و در مسیر جاده قم ـ تفرش قرار دارد.
**آب و هوا:** نسبتاً خشک، بیشترین درجه گرما ۳۸ درجه و کمترین درجه ۱۲ درجه زیر صفر و مقدار ریزش باران سالانه بطور متوسط ۲۵۱ میلیمتر می‌باشد.
**راهجرود شرقی:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان قم استان قم و مرکز آن سلفچگان است. و در منطقه‌ای تپه‌ای معتدل خشک و تپه هلامگاه قرار دارد.
رود زواریان در این دهستان جریان دارد.

**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، انگور، انار و قالی.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، ختمی، خاکشی، شیرین بیان، گون و گیاهان مرتعی.
**سلفچگان:** از بخشهای شهرستان قم و مرکزش سلفچگان و دارای دو دهستان ۱ - راهجرد شرقی ۲ - نیزار می‌باشد.
**سلفچگان:** روستای سلفچگان مرکز بخش سلفچگان از توابع شهرستان قم استان قم به شهر تبدیل و به عنوان شهر سلفچگان شناخته می‌شود. مصوب در تاریخ اول خرداد ماه سال ۱۳۸۷.
**فردو:** از دهستانهای بخش نوفل لوشاتو شهرستان قم استان قم و مرکز آن میم است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه کلنگه قرار دارد.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
**فرآورده‌ها:** تره بار، گندم، گردو، زردآلو و قالی.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، شیرین بیان، ختمی، شاتره، کاسنی، توتکه، خاکشی، گون و گیاهان مرتعی.
**قاهان:** از دهستانهای بخش خلجستان شهرستان قم و مرکز آن قاهان است. و در منطقه‌ای برکوهی معتدل خشک و کوه قلامچک وکوه وتوس وکوه دشت نسا و دره نسا در آن وجود دارد.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، کبک و شغال.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، شبدر، یونجه، گردو، توت، زردآلو، انگور و قالی.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، شیرین بیان، گون و گیاهان مرتعی.
**قم:** از شهرستانهای استان قم می‌باشد که از شمال به شهرستان‌های ری و ورامین، از شمال غربی به شهرستان ساوه، از مشرق به دریاچه نمک وشهرستان گرمسار و از جنوب به شهرستانهای

کاشان و دلیجان و از مغرب به شهرستانهای تفرش و آشتیان محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان و استان شهر قم دارای ۴ بخش ۱ - بخش مرکزی دارای ۳ دهستان ۱ - راهجردشرقی ۲ - قمرود ۳ - قنوات) ۲ - بخش جعفرآباد ۳ - بخش خلجستان ۴ - بخش نوفل لوشاتواست.
**رودها:** ۱ - قمرود ۲ - رود قره چای ۳ - دریاچه نمک به مساحت ۱۷۰۰کیلومتر مربع ۲ - دریاچه حوض سلطان به مساحت ۱۲۰ کیلومتر مربع - کاریزهای متعدد.
**کوهها:** ۱ - آله (۱۹۹۰متر) ۲ - ارتفاعات غلیق ۳۱۷۶ متر ۳ - اردهال (۳۴۰۰ متر) ۴ - پلنگابی (۳۱۵۴ متر) ۵ - خستک (۲۷۷۷ متر) ۶ - خورائین (۲۱۵۰ متر) ۷ - زنبوره (۲۰۱۷ متر) ۸ - لخت حصار (۲۷۵۶ متر) ۹ - سلطان سعدشاه (۲۹۳۰ متر) ۱۰ - سوراخ گاو (۲۲۷۷ متر) ۱۱ - غار(۲۰۵۰ متر) ۱۲ - کُرگ (۳۱۲۰ متر) ۱۳ - لارها (۳۱۰۹ متر) ۱۴ - ماهو(۲۹۷۲ متر) ۱۵ - هلیل (۲۲۳۰ متر)
**کانها:** ۱ - سنگ گچ ۲ - سنگ نمک ۳ - سنگ آهک ۴ - سنگ مرمریت ۵ - کائولن ۶ - منگنز ۷ - سنگ لاشه.
**آب و هوا:** نسبتاً گرم وخشک.
**رستنی‌ها:** درختان (درختچه) کیلیا، بادامک و پسته وحشی -گیاهان داروئی و صنعتی - پوشش گیاهی فقیر برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، شغال، روباه، قوچ، میش، تشی، خرگوش، کبک و تیهو.
**درآمد:** بر پایه کشاورزی ، دامپروری و صنایع ماشینی و دستی.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، چغندرقند، ذرت، آفتابگردان و تره‌بار، آلبالو، انار، گیلاس، آلوچه، آلو، هلو، زردآلو، انجیر، گردو، بادام، فندق و سنجد و قالی و تولیدات صنعتی گوناگون، اجاق گاز، چرم، کابل برق، ریسندگی نخ و پشم، پوشاک، لوازم خانگی و...
**قم (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان قم استان قم مرکز آن شهر قم و دارای ۳ دهستان (۱ - رهجرود شرقی ۲ - قمرود ۳ - قنوات) است.
**قمرود:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان قم استان قم و مرکز آن قمرود است. و در منطقه‌ای دشتی گرم خشک و کوه کفتارکوه کوچک و کوه بادامچه و کوه چرخ سفید در این سامان وجود دارد. رود فصلی قمرود و و رود فصلی قره چای .
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، چغندرقند و ذرت.
**پوشش گیاهی:** ختمی،گل کبود، خاکشی، بابونه، شاتره، ریواس، کاسنی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
**قنوات:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان قم استان قم و مرکز آن حاجی آبادلکها است. و در منطقه‌ای دشتی گرم خشک و کوه آلیاباد و کوه کفتارکوه بزرگ و تپه نرم در آن وجود دارد.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، آفتابگردان، انار، هندوانه انجیر، زردآلو، انگور، و قالی.
**پوشش گیاهی:** گل کبود، ختمی، گل بابونه، کاسنی، ریواس، خاکشی و گیاهان مرتعی.
**کهک:** از دهستانهای بخش نوفل لوشاتو شهرستان قم استان قم و مرکز آن کهک است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و کوه زاقر و کوه نوها و کوه کولنگه در آن وجود دارد.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش و کبک، شغال و تیهو.
**فرآورده‌ها:** گردو، بادام، انگور، انجیر و قالی.

**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، شیرین بیان، کاسنی، ختمی، خاکشی، گون و گیاهان مرتعی.

**کهک (مرکز بخش):** شهر کهک مرکز بخش نوفل لوشاتو از بخشهای شهرستان قم، استان قم در طول جغرافیائی ۵۲ درجه و ۵۰ دقیقه و در عرض جغرافیائی ۲۳ درجه و ۳۴ دقیقه در بلندی ۱۴۵۰ متری سطح دریا و در ۳۳کیلومتری جنوب شهر قم و در مسیر راه قم به مرکز دهستان فردو قرار دارد.

**کوهها:** ۱ـ کوه آفین از مغرب ۲ـ کوه کاردپلنگ از جنوب غربی ۳ـ کوه مزرعلی از شمال غربی شهر کهک را در میان گرفته‌اند.

**آب و هوا:** معتدل و خشک، بیشترین درجه گرما ۴۱ درجه بالای صفر و کمترین درجه ۱۳ درجه زیر صفر و مقدار بارندگی سالانه بطور متوسط حدود ۱۷۰ میلیمتر است.

**رستنی‌ها:** گیاهان داروئی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران:** شغال، گرگ، خرگوش، روباه، کبک، و تیهو.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، انار، گردو، بادام، انجیر، سیب و فرش. آب کشاورزی از کاریز و آب آشامیدنی از چاه فراهم گشته

**صادرات:** فرش، انار، گردو، گیلاس و فندق.

**راهها:** جاده از سوی شمال شرقی بطول ۳۳ کیلومتر به شهر قم می‌رسد.

شهر کهک از اعمال و توابع و رخج سیستان است و اغلب اهل آن پشم می‌بافند ومالی عظیم و وافرایشان را از آن صنعت دست می‌دهد و آنچه معهود و مرسوم است مالی بسیار و بیشمار در بیت المال می‌رساندند و اغلب خانه‌های ایشان بزرگ و فراخ می‌باشد. «۲»

**گازران (مرکز بخش):** شهر گازران مرکز بخش جعفرآباد از بخشهای شهرستان قم، استان قم در طول جغرافیایی ′۳۱ °۵۰ و در عرض جغرافیائی ′۴۶ و °۳۴ و در بلندی ۹۷۰ متری از سطح دریا، در ۳۷ کیلومتری شمال غربی قم و در پایان راه گازران ـ قم قرار دارد.

**رودها:** ۱ـ طغرود از ۵ کیلومتری جنوب ۲ـ قره‌چای از ۷ کیلومتری شهر گازران می‌گذرد.

**آب و هوا:** معتدل و خشک ، بیشترین درجهٔ گرما ۴۱ درجه بالای صفر ، کمترین درجه ۷ درجه زیر صفر و مقداربارندگی سالانه بطورمتوسط ۲۰۰ میلیمتراست.

**رستنی‌ها:** گیاهان دارویی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، شغال و کبک.

**راهها:** ۱ـ راه فرعی بسوی جنوب شرقی تا شهر قم بطول ۳۷کیلومتر ۲ـ راهی بسوی مغرب تا سر راه آوه بطول ۱۲ کیلومتر ۳ـ راه فرعی بسوی شمال غربی تا روستای رحمت آباد بطول ۲۰ کیلومتر..

**نوفل لوشاتو:** از بخشهای شهرستان قم، استان قم است که از شمال و مغرب به حومه قم، از مشرق به بخش آران و بیدگل و از جنوب به شهرستان دلیجان محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز آن شهر کهک، دارای ۳ دهستان ۱ - فردو ۲ - کهک ۳ - نیزار است.

**رودها:** ۱ - قمرود است که از زردکوه بختیاری سرچشمه گرفته و نواحی غربی نوفل لوشاتو را آبیاری می‌کند.

**کوهها:** ۱ - بلندیهای غلیق (۳۱۷۶ متر) ۲ - پلنگابی (۳۱۵۴ متر) ۳ - خورائین (۲۱۵۰ متر) ۴ - لخت حصار (۲۹۳۰ متر) ۵ - سلطان سعد شاه (۲۹۳۰ متر) ۶ - سوراخ گاو (۲۲۷۷ متر) ۷ - کُرگ (۳۱۲۰ متر) ۸ - لارها (۳۱۰۹ متر) ۹ - مامو(۲۹۷۲ متر) ۱۰ - هلیل (۲۲۳۰ متر)

**کانها:** ۱ - معدن شن و ماسه کهک ۲ - معدن منگنز

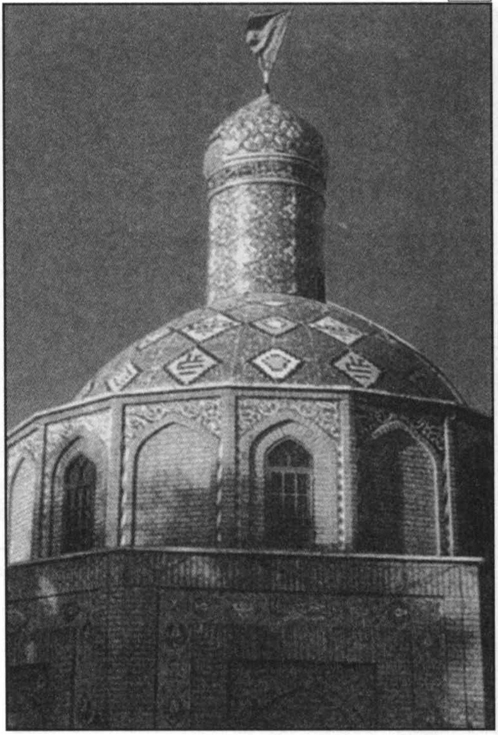
**آب و هوا:** معتدل و خشک.
**رستنی‌ها:** گیاهان داروئی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، شغال، کبک و تیهو.
**درآمد:** بر پایه کشاورزی، باغداری، دامپروری و صنایع دستی استوار است.
کشاورزی بیشتر آبی است تا دیم. آب کشاورزی بیشتر از کاریزها و رود فراهم گشته.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره بار، انار، گردو، بادام، انجیر، انگور، سیب و قالی.
**نیزار:** از دهستانهای بخش نوفل لوشاتو شهرستان قم استان قم و مرکز آن نیزار است و در منطقه‌ای تپه‌ای معتدل خشک و کوه چهل دختران و کوه دره دزدان در آن قرار و رود قمرود در این دهستان جریان دارد.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، انار، انجیر، سیب، یونجه و قالی.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، شیرین بیان، ختمی، خاکشی، گون و گیاهان مرتعی.
**دریاچه نمک و دشت مسیله:** این دریاچه که در واقع بخشی از کویر نمک ایران است در شرق قم واقع شده و بقایای دریاچه خشک شده قدیمی است که با تبخیر تدریجی آب و املاح فراوانی درداخل دریاچه رسوب نموده است در بعضی نقاط کویر نمک رشته‌های منفردی از کوههای اطراف پیش آمده و نواحی کوهستانی خیلی خشک تشکیل شده است.
در دریاچه نمک فقط در فصل زمستان آب یافت می‌شود و در فصل تابستان به جای آب ورقه‌های نمک جلب نظر می‌کند هوادر این ناحیه خیلی خشک است و اختلاف درجه حرارت شب و روز به ۷۰ درجه سانتیگراد می‌رسد به همین علت سنگ کوه‌های آن براثر اختلاف درجه هوا متلاشی شده و به صورت سنگ ریزه و شن درآمده است در موقع وزش باد توده‌های عظیم شن مانند امواج دریا به حرکت در می‌آید و تپه ماهورهای موقتی را تشکیل می‌دهد ارتفاع برخی از این تپه‌ها به ۴۰ متر و طول برخی از آنها به چند کیلو متر می‌رسد.
وسعت دشت مسیله بیش از ده هزار هکتار می‌باشد و در حال حاضر قسمت‌های عمده آن پوشیده از درختان‌گز و تاغ می‌باشد و در حقیقت یکی از مراکز کویری جنگلی ایران محسوب می‌شود به دلیل ارتفاع پایین این دشت (حدود ۸۰۰ متر از سطح دریا) نسبت به سایر نقاط اطراف شیب ملایم دشت‌ها و ارتفاعات شهر قم و اراضی شمالی دشت مذکور به طرف دشت می‌باشد همچنین دریاچه نمک و دشت مسیله مصب دو رودخانه‌ی مهم مرکزی ایران یعنی رودخانه‌ی قمرود(اناربار) و قره چای می‌باشد. در روزگار نه چندان دور حدود ۵۰ سال پیش دشت مذکور دارای یکی از بهترین مراتع استپی و دشتی بود به گونه‌ای که در آن زمان محل چرای اسب‌های دولتی بوده است و نیز رمه‌های بزرگ گوسفند و شتر در این دشت به چرا پرداخته‌اند علاوه بر دارا بودن مراتع خوب در سال‌های گذشته دشت مسیله یکی از بزرگترین تولیدکنندگان غلات (گندم، جو،...) در بخش مرکزی ایران بوده است.

**شهرک صنعتی:** ۱) شهرک صنعتی شکوهیه، ۲) شهرک صنعتی محمود آباد، ۳) شهرک صنعتی سلفچگان.

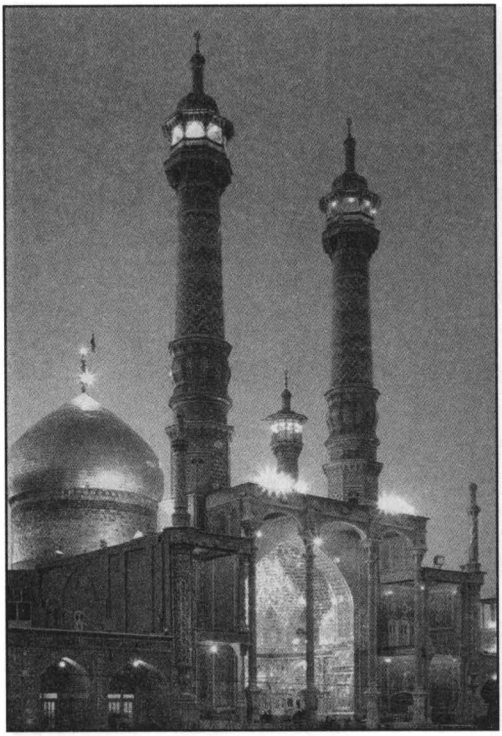
تعداد بهره‌برداری ۲۷ مساحت گلخانه ۶
**مقدار تولید گوشت‌قرمز و شیر استان‌قم در سال ۱۳۸۵**
گوشت قرمز ۱۰ شیر۱۰۳
**مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان قم در سال ۱۳۸۵**
گوشت مرغ ۳۸ تخم‌مرغ ۵۰
**تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان قم در سال ۱۳۸۴**
جمع معادن ۵۴ خصوصی ۵۳ عمومی ۱
**مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان قم در سال ۱۳۸۲**
کل تعداد بهره‌برداری ۱۱۲۸۹ مساحت ۸۰۶۶۲ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۸۱۳۰ مساحت باغ و قلمستان ۸۵۷۵
**استان قم در سال ۱۳۸۴:** تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۱۹۹۴ تعداد دام ۲۲۸۱۲۵ مقدار تولید ۲۲۷۴۳۴ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۱ تعداد دام ۸۰ مقدار تولید ۶۴
**بهره‌برداری‌های کشاورزی استان قم در سال ۱۳۸۲**
زراعت ۷۱۲۵ باغداری ۹۰۲۸ تولید گلخانه‌ای ۲۷ پرورش ماکیان ۷۰۰۴ پرورش زنبور عسل ۱۵۰ پرورش دام بزرگ ۴۴۵۶ پرورش دام کوچک ۶۰۰۵ پرورش کرم ابریشم ۰
**تعداد سدهای استان قم در مراحل مختلف:**
مطالعاتی ۱۴ اجرایی ۰ بهره‌برداری ۴ مجموع ۱۸
**استان قم در سال ۱۳۸۵:** مساحت جنگل‌ها ۴۱۴۹ جمع مراتع ۷۲۳۰۱۹ خوب (متراکم) ۲۴۹۸ متوسط (نیمه متراکم) ۳۴۸۳۰ فقیر (کم تراکم) ۶۸۵۶۹۱ پدیده‌های بیابانی ۱۷۶۳۸۳
**تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان قم:** فعال: ۲۲ غیرفعال: ۲ در شرف تأسیس: ۰ تعداد کل: ۲۴

## برخی از منابع و کتاب‌های سودمند

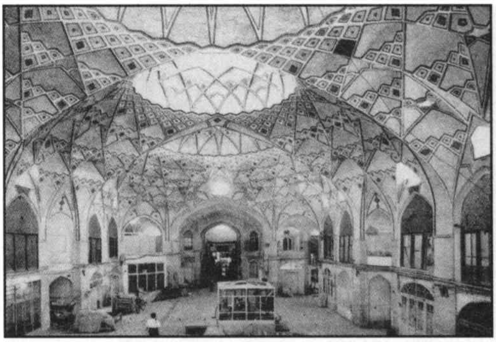

سرزمین و مردم ایران (چاپ پنجم)
شناخت شهرهای ایران
تاریخ قم ـ قمی، حسن بن محمد
گنجینه آثار قم ـ فیض قمی، عباس
تاریخ و جغرافیای قم ـ ادیب کرمانی (افضل‌الملک)
تاریخ ورزش باستانی و کشتی پهلوانی قم ـ عباسی، مهدی
تاریخچه قم و مساجد تاریخی آن ـ کوچک‌زاده، محمدرضا
سیمای قم (وفائی، عبدالوحید
سیمای میراث فرهنگی قم ـ نوبان، مهرالزمان
کتاب تاریخ قم ـ قمی، حسن بن محمد
تاریخ قم ـ ناصرالشریعة، محمدحسین
تاریخ و جغرافیای قم ـ افضل‌الملک، غلامحسین
سیمای میراث فرهنگی قم ـ نوبان، مهرالزمان
قم: اجتماعی ـ اقتصادی ـ ابن‌رضا، حسین
قم در گذرگاه تاریخ ـ پیله‌وریان، علی‌اصغر
قم را بشناسید
چهل گفتار در مردم‌شناسی میبد ـ جانب‌اللهی، محمدسعید
زیبایی‌های ایران ـ دولیه دلاند، اندره
معماری ایران ـ پوپ، ارتور ابهام
معماری ایران ـ کسرائیان، نصرالله
معماری ایران: مصالح‌شناسی سنتی ـ زمرشیدی، حسین
معماری ایرانی از نگاه تصویر ـ علیدوست، محمد
معماری بومی
معماری سنتی ایران: نمایشگاهی در موزه رضا عباسی



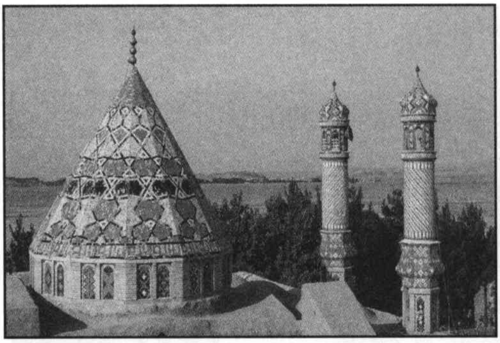
امام‌زاده شاه احمد قاسم



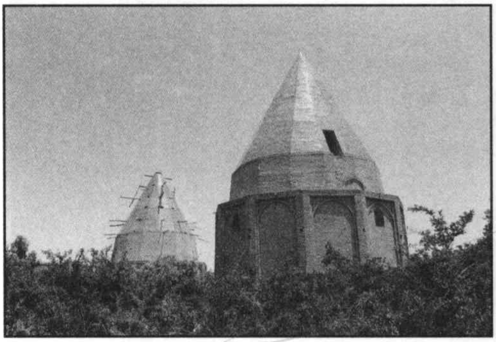
آرامگاه حضرت معصومه(س) - قم



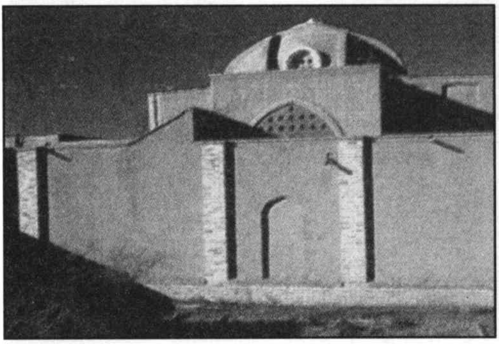
تیمچه بزرگ قم



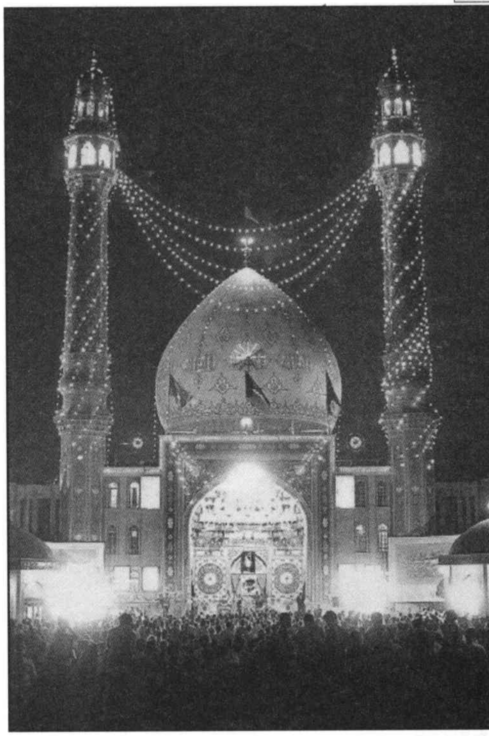
امام‌زاده معصومه (زینب خاتون) - کهک



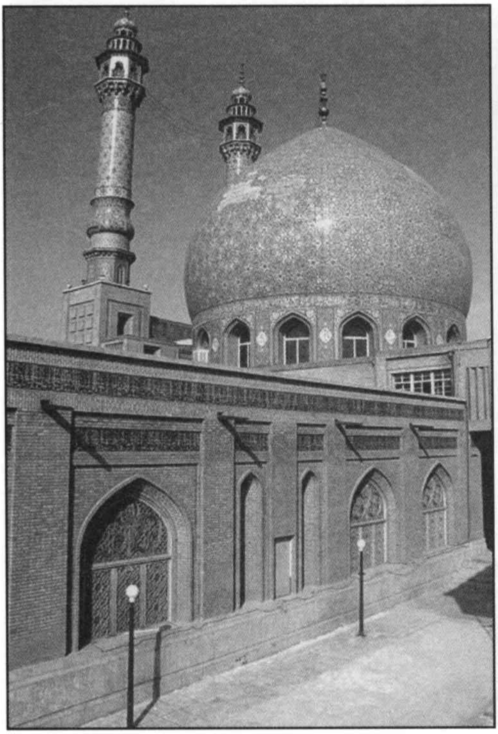
بناهای گنبد سبز قم



خانه حکیم ملاصدرا - کهک



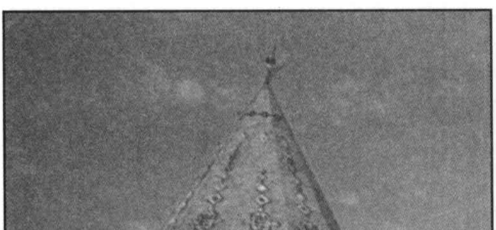
مسجد جمکران - قم



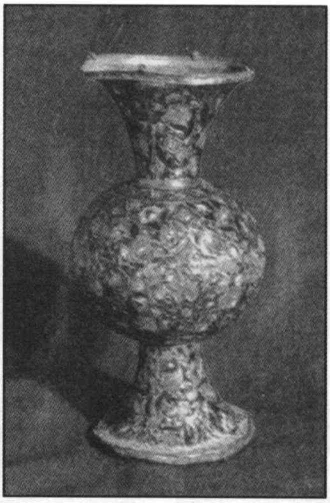
مسجد اعظم قم



منزل امام خمینی (ره) - قم



امام‌زاده علی‌بن جعفر - قم



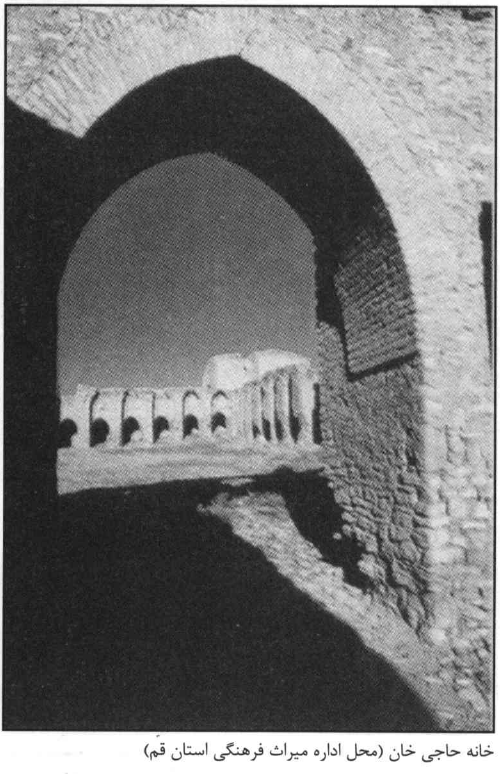
قندیل طلا با نقوش مینایی، دوره قاجار،
موزه آستان مقدسه

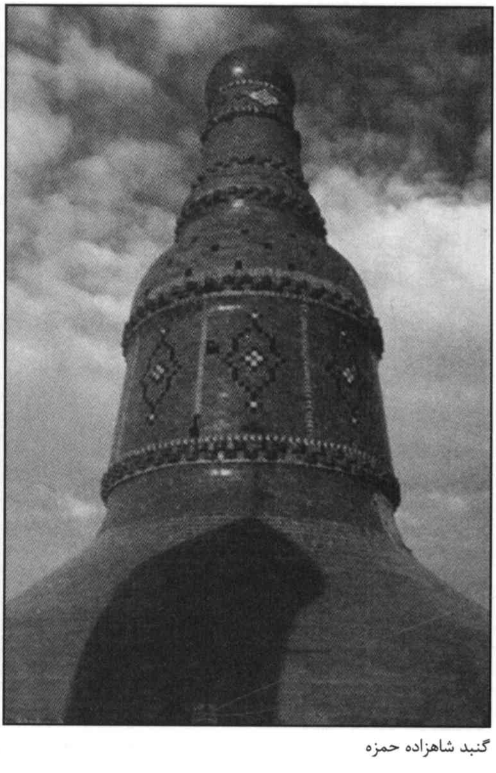
شمایل حضرت امیر و حسنین(ع) و ملازمان..
موزه آستانه مقدسه



محراب زرین‌فام امامزاده علی بن جعفر

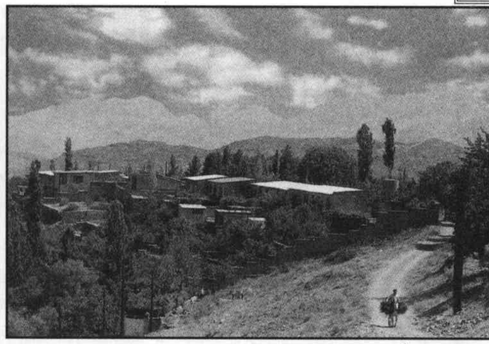




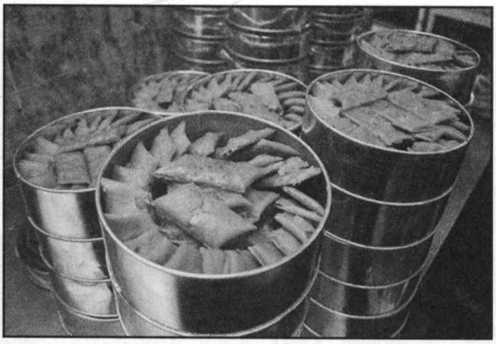


گنبد شاهزاده حمزه

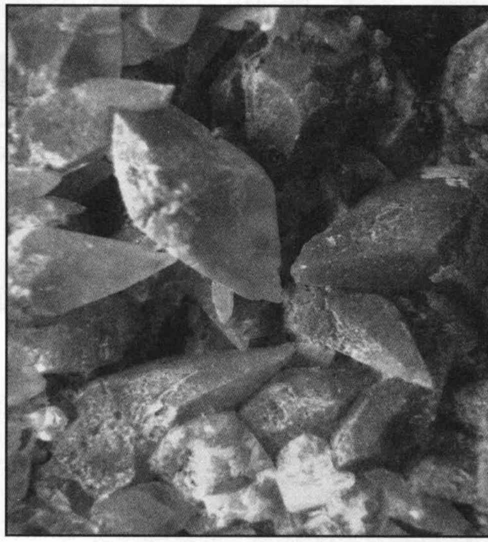
خانه حاجی خان (محل اداره میراث فرهنگی استان قم)



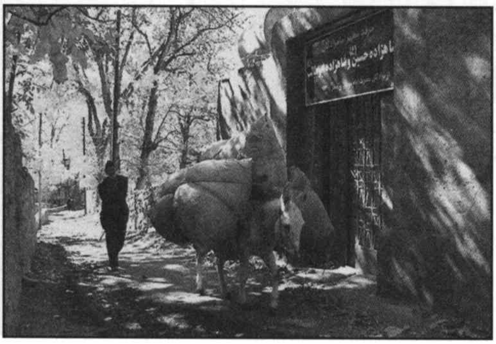
منطقه ییلاقی اَوِل - قم



سوهان سوغات قم



بلورهای کلسیت (آهکهای سازند قم)



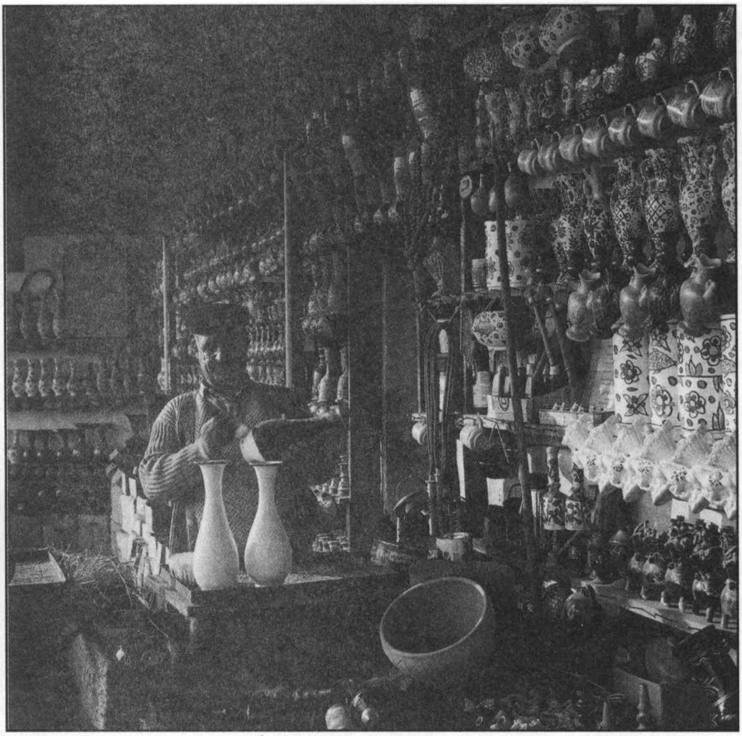
یکی از روستاهای اطراف قم



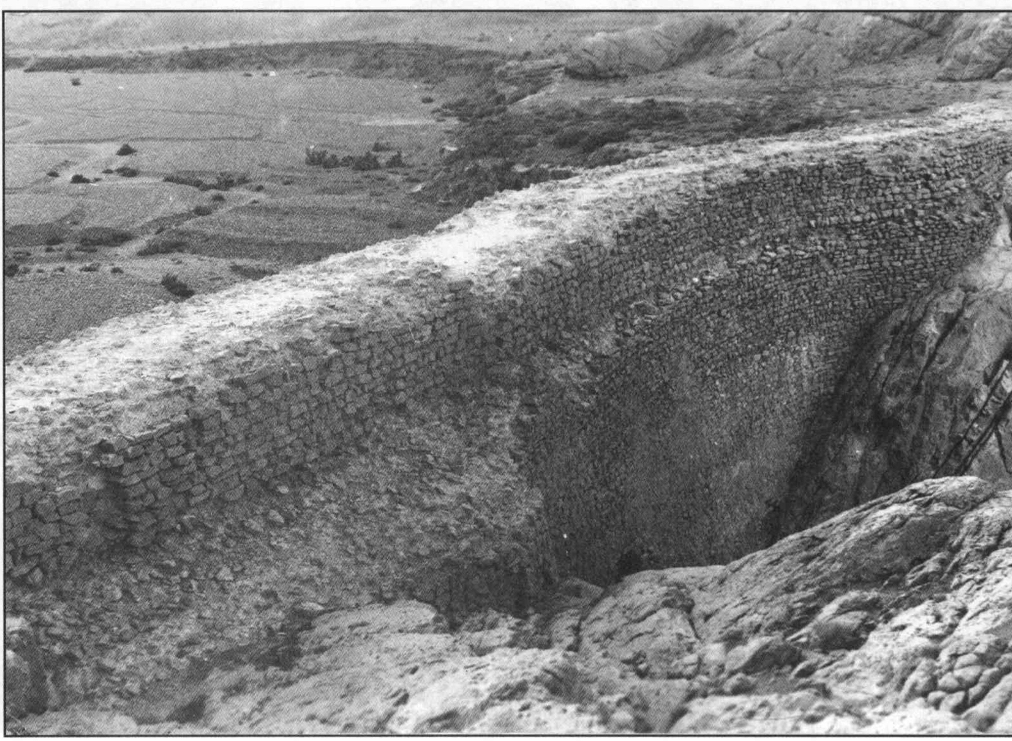
پاییز روستاهای اطراف قم



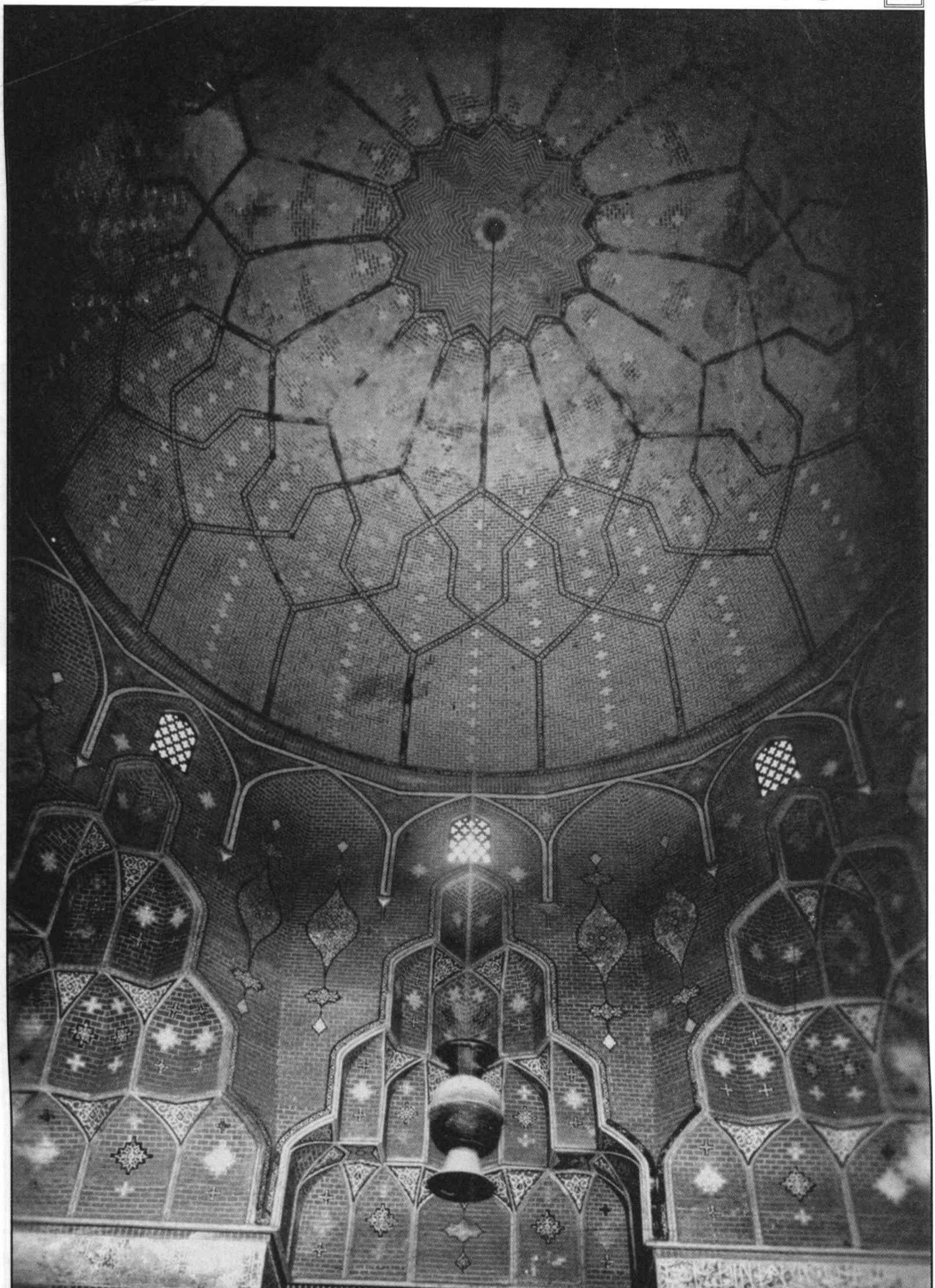
منطقه ییلاقی - کرمجان قم



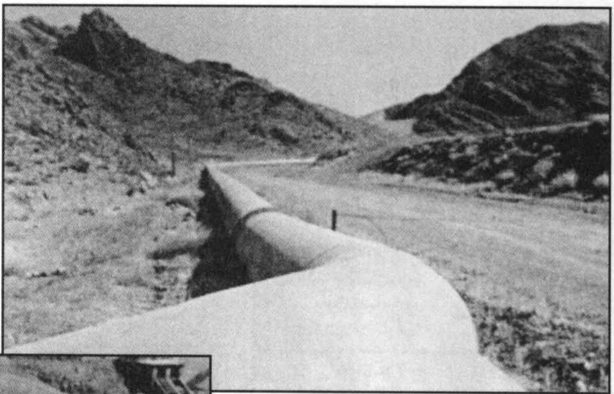
فروشگاه صنایع دستی گلی - قم



سد قدیمی کنار قم، عمر حدود ۷۰۰ سال

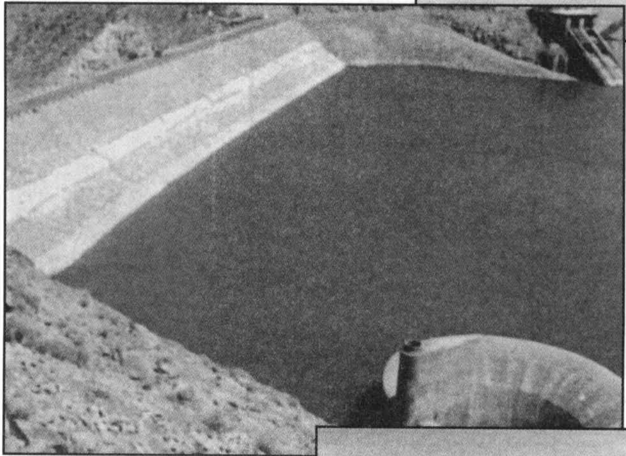


سثق مسجد جامع - قم



خط لوله‌ی انتقال آب به شهر قم

سد ۱۵ خرداد



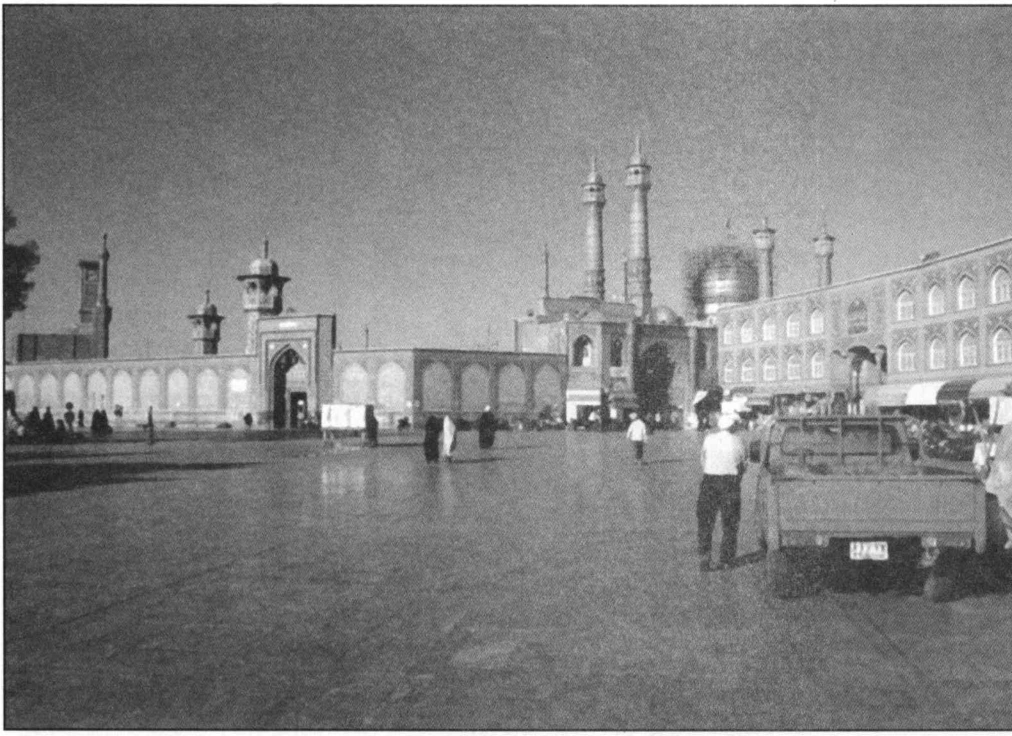
خانه‌های مسکونی در روستای فرج‌آباد



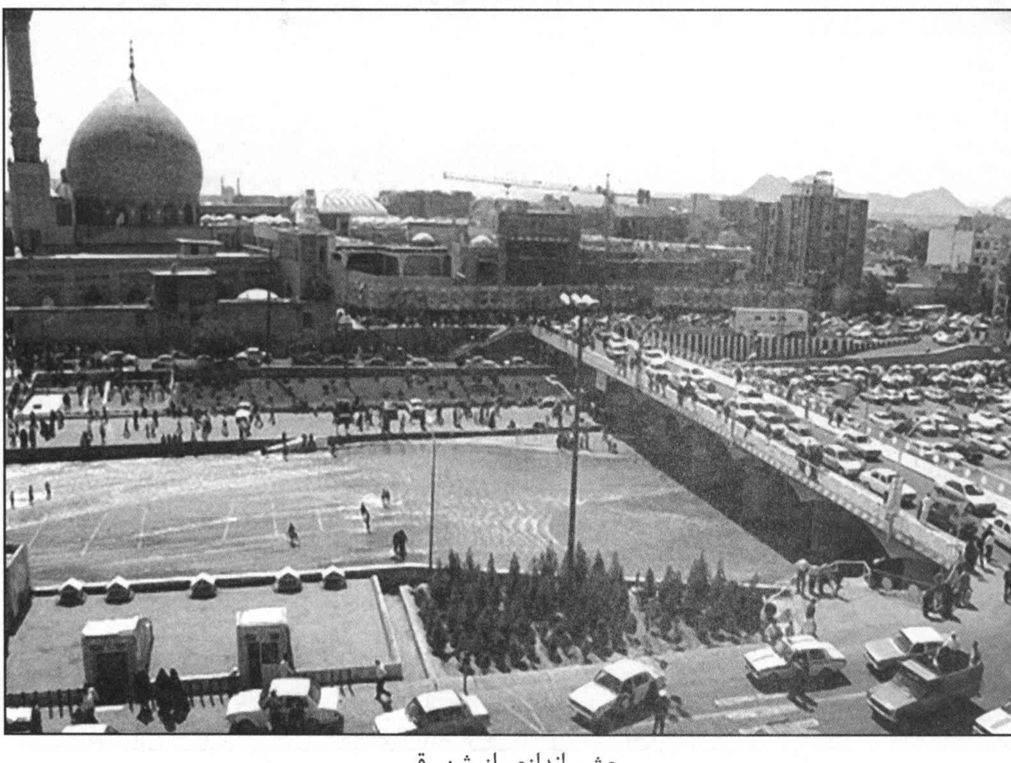


شتر سلطان بیابان در حواشی دریاچه نمک (مسیله)

کلیه تصاویر این صفحه بر گرفته از کتاب درسی جغرافیای استان قم می‌باشد.



فضای بیرونی بارگاه حضرت معصومه (س)



چشم اندازی از شهر قم

همه جای ایران سرای من است

دایرةالمعارف

# سرزمین و مردم استان کردستان

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

سیمای اقلیمی ـ دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی ـ گردشگاههای طبیعی ـ چشمه‌ها ـ آداب و رسوم ـ موسیقی ـ شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها ـ شهرک‌های صنعتی ـ تصاویر و عکس‌ها
مشخصات عمومی استان کردستان براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵: مرکز استان: شهر سنندج، تعداد شهرستان: ۹ تعداد بخش: ۲۶ تعداد شهر: ۲۳ تعداد آبادی دارای سکنه: ۱۷۳۲ کل آبادی‌ها: ۱۸۹۹
جمعیت استان کردستان در سال (۱۳۸۵) ۱۴۴۰۱۵۶ نسبت به کل کشور ۲/۰۴ بوده است. مساحت استان کردستان ۲۹۱۳۷ کیلومتر مربع نسبت به کل کشور ۱/۷۹ است.
از تهران تا سنندج (۵۱۰) و از سنندج تا بانه (۲۴۹)، بیجار (۱۴۲)، دیواندره (۹۵)، سروآباد (۹۲)، سقز (۱۹۴)، سنندج (۰)، قروه (۸۷)، کامیاران (۶۴)، مریوان (۱۲۶)



که ایران بهشت است یا بوستان همی بوی مشک آید از بوستان

به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از خانم فرشته چهل امیرانی و عبدالله عباس‌زاده

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان کردستان
مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سرویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: علم و زندگی (ناشر همکار) انتشارات آرام (ناشر اصلی)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اول ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۸۸۴۳۰۰۹۶ـ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۹۷۸ـ۹۶۴ـ۶۹۹۰ـ۵۱ـ۷
بها: ششصد تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان کردستان؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سرویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۹۷۸ ـ ۹۶۴ ـ ۶۹۹۰ ـ ۵۱ ـ ۷
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
رده‌بندی کنگره: DSR۶
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۳۷۷

## ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

**مشخصات عمومی استان کردستان براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵:** مرکز استان: سنندج مساحت: ۲۹۱۳۷ تعداد شهرستان: ۹ تعداد بخش: ۲۶ تعداد شهر: ۲۳ تعداد آبادی دارای سکنه: ۱۷۳۲ کل آبادی‌ها: ۱۸۹۹

جمعیت استان کردستان در سال (۱۳۶۵) ۱۰۷۸۴۱۵ نسبت به کل کشور ۲/۱۸ و در سال (۱۳۷۵) ۱۳۴۶۳۸۳ نسبت به کل کشور ۲/۲۴ و در سال (۱۳۸۵) ۱۴۴۰۱۵۶ نسبت به کل کشور ۲/۰۴ بوده است.

مساحت استان کردستان ۲۹۱۳۷ نسبت به کل کشور ۱/۷۹ است.

کارگاههای استان کردستان ۱۴۱۷۵ نسبت به کل کشور ۲/۲۰ است.

درصد میزان شهرنشینی استان کردستان در سال (۱۳۷۵) ۴۲/۵۲ و در سال (۱۳۸۵) ۴۲/۵۹ است.

تراکم نسبی جمعیت استان کردستان در سال (۱۳۶۵) ۳۷ و در سال (۱۳۷۵) ۴۶ و در سال (۱۳۸۵) ۴۹ نفر درکیلومترمربع بوده است.

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان کردستان**

مرد و زن ۲۵۵۱ زن ۱۵۰۷ مرد۱۰۴۴

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان کردستان**

مرد و زن ۳۲۷۲ زن ۱۹۲۹ مرد۱۳۴۳

**مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان کردستان در سال ۱۳۸۵**

جمع ۵۷۰ دولتی ۵۷۰ خصوصی ۰ تولید نهال ۱۲۷۰

ادامه در صفحهٔ ۱۷۶۴

## فهرست برخی از مطالب

## سرزمین و مردم استان کردستان
## سیمای اقلیمی استان

فاکتورهای متعددی در شکل‌گیری سیمای اقلیمی استان کردستان موثر است که فاکتور ارتفاع مهمترین آنها است. پس از فاکتور ارتفاع، عوامل دیگری همچون منابع رطوبتی، توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی و عرض جغرافیایی نیز به عنوان عوامل اصلی دیگر تاثیرگذار بر اقلیم استان مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و در کنار عوامل چهارگانه فوق، برخی از عوامل فرعی نظیر پوشش گیاهی و فعالیت‌های کشاورزی نیز در مقیاسی محدودتر بر شکل بندی اقلیم‌های متنوع استان تاثیر می‌گذارند:

**تاثیر ارتفاع بر اقلیم استان:** استان کردستان منطقه‌ای است کوهستانی که از مریوان تا دره قزل اوزن و ارتفاعات زنجان جنوبی در مشرق گسترش یافته است. استان کردستان از مرتفع ترین استان‌های کشور است و این ویژگی موجب گردیده است تا شرایط آب و هوایی استان در مقیاس وسیعی تابع شرایط مناطق کوهستانی و مرتفع باشد.

ارتفاع شهر سنندج مرکز استان کردستان ۱۴۸۰ متر از سطح دریا است.

استان کردستان با ارتفاع متوسط ۲۰۰۰ متر از سطح دریا و تاثیر پذیری از ارتفاعات زاگرس، دارای زمستانهای سرد است. جهت گسترش و استقرار ارتفاعات در استان کردستان به گونه‌ای است که نخستین بارندگی از توده‌های هوای باران زا که به غرب کشور می‌رسند، بر روی ارتفاعات این منطقه صورت می‌گیرند و به این سبب ریزش‌های جوی سالانه در اکثر نقاط استان کردستان و به ویژه مناطق کوهستانی استان در حد بالایی قرار دارد. میانگین سالانه بارندگی در استان کردستان معادل ۵۰۰ میلی متر برآورد شده است.

ریزش‌های جوی در نقاط مرتفع استان غالباً به شکل ریزش برف و در بخش‌های کم ارتفاع استان غالباً به صورت باران است.

مرتفع بودن استان و وجود ارتفاعات متعدد در سطح آن علاوه بر تاثیر بر رژیم بارندگی استان، بر سایر متغیرهای جوی استان نظیر دما، تبخیر، رطوبت هوا، باد و غیره نیز تاثیر می‌گذارد که این تاثیر چه به صورت انتزاعی بر یک یک عوامل جوی و چه به صورت ترکیبی بر ساختار اقلیمی، در نهایت بر رژیم اقلیمی استان موثر واقع شده و موجب پدید آمدن اقلیم‌ها و زیر اقلیم‌های متعددی در جغرافیای استان کردستان گردیده است.

**تاثیر توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی بر اقلیم استان:** در فصول مختلف سال حرکت و تهاجم توده‌های هوا با ویژگی‌های متفاوت جوی به استان کردستان موجب پدید آمدن شرایط مختلف جوی و اقلیمی در سطح این استان گردیده است. مهمترین سیستم‌های هواشناسی موثر بر استان کردستان شامل جریانات غربی، جنوبغربی، شمالی و شمال غربی است که به تناوب، جغرافیای این استان را تحت سیطره و نفوذ خود قرار می‌دهند.

**توده‌های هوای مدیترانه‌ای:** در فصول سرد سال سیستم‌های جوی برآمده از مرکز کم فشار مدیترانه مهمترین سیستم‌های باران زا بر روی منطقه غرب کشور و استان کردستان می‌باشند. دریای مدیترانه گذشته از آنکه محل عبور جریانات کم فشار جوی است. خود نیز محل تشکیل کم فشارها است که برخی از آنها در حرکت خود به سوی شرق، بر

روی قبرس زبانه‌ای کم فشار ایجاد کرده و این زبانه کم‌فشار از روی کشور ترکیه وارد ایران می‌شود و نواحی غرب و شمالغرب کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهند. گاهی نیز این سیستم پس از عبور از روی ترکیه و برخورد با ارتفاعات آن منطقه به دو شاخه تقسیم می‌شود.

**تقسیمات اقلیمی استان:** استان کردستان هم نظیر استان‌های آذربایجان در شمار استان‌های کوهستانی غرب کشور قرار دارد. باتوجه به طیف گسترده ارتفاعی که در این استان وجود دارد، تنوع اقلیمی چه از نظر دمایی و چه از لحاظ بارشی در سطح استان قابل شناسایی است. چنانچه از غرب به شرق استان حرکت کنیم با کاهش بارندگی مواجه خواهیم شد که دلایل آن می‌تواند در مرتفع بودن بخش غربی و قرار داشتن آن بخش در مقابل جریانات جوی باران زا باشد و از سوی دیگر بارش کمتر در شرق استان به دلیل ارتفاع کمتر و قرار داشتن این بخش در منطقه فرونشینی جریانات جوی می‌باشد.

گسترده‌ای اقلیمی در سطح استان کردستان به صورت زیر قابل جمعبندی است:

**اقلیم نیمه خشک فراسرد:** اقلیم نیمه خشک فراسرد تقریباً تمام شمال شرق و شرق استان بجز محدوده کوچکی در جنوب و شرق بیجار را که دارای اقلیم نیمه مرطوب فراسرد است، در بر می‌گیرد که دیواندره، بیجار، سریش آباد، دهکلان در این نوع اقلیم استقرار دارند.

**اقلیم مدیترانه‌ای سرد:** این نوع از شمال شرقی استان به صورت نوار اقلیمی به مرکز استان و شهر سنندج با جنوب استان کشیده شده و علاوه بر آن در شمال غرب استان در سقز و اطراف آن هم به صورت محدوده اقلیمی نسبتاً کوچک وجود دارد و در جنوب شرق استان، شهرستان قروه را هم در بر می‌گیرد.

در واقع زیر اقلیم‌های مدیترانه‌ای که در بسیاری از موارد در کنار اقلیم‌های نیمه خشک قرار دارد، با وسعت‌های قابل توجهی در سطح استان کردستان مشاهده می‌شوند. شهرهای مهم مستقر در اقلیم مدیترانه‌ای سرد شامل سنندج، سقز و قروه می‌باشند.

**اقلیم مرطوب فراسرد:** اقلیم مرطوب فراسرد به صورت سه شاخه در شمال شرق، شمال و شمال غرب به طرف مرکز استان گسترش یافته و سه شاخه فوق در امتداد به طرف مرکز و جنوب استان به هم می‌پیوندند.

میانگین سالانه سرعت باد غالباً در سنندج ۴/۲ متر بر ثانیه است.

شدیدترین باد وزیده شده در طول چهل سال آماری سنندج با سرعت ۲۴/۵ متر بر ثانیه بوده است که با جهت جنوبی در آبان ماه سال ۱۳۷۱ در این شهر ورزیده است.

**پوشش ابری و ساعات آفتابی:** در سنندج بطور متوسط در دیماه ۱۱ روز، در بهمن ماه ۱۰ روز و در اسفند ماه نیز ۱۰ روز آسمان پوشیده از ابر است و در فروردین ماه ۸ و در اردیبهشت ۴ روز ابرناکی آسمان کامل بوده و آسمان پوشیده از ابر می‌شود.

از ماه خرداد تا اخر تابستان پوشش ابری در سنندج اندک و از مهر ماه مجدداً بر پوشش ابری آسمان افزوده می‌شود، به طوری که در مهر ماه ۲ روز، در آبان ۶ روز و در آذر ماه ۹ روز آسمان از ابر پوشیده می‌شود.

در سنندج به طور متوسط ۶۰ روز از سال، در بیجار ۵۵ روز، در زرینه اوباتو ۵۴ روز، در قروه

۵۲ روز، و در سقز در ۶۰ روز از سال آسمان این شهرها پوشیده از ابر می‌شود.

پوشش ابری آسمان باطول ساعات آفتابی در رابطه معکوس قرار دارد، یعنی با افزایش ابرناکی آسمان، از ساعات آفتابی کاسته می‌شود. در سنندج بیشترین ساعات آفتابی ماهانه به میزان ۳۵۳/۹ ساعت به تیر ماه وکمترین ساعات آفتابی ماهانه با رقم ۱۳۰ ساعت به دی ماه تعلق دارد. جمع سالانه ساعات آفتابی در سنندج ۲۸۱۹/۱ ساعت است.

**توفان رعد و برق:** وقوع توفان رعد و برق علاوه بر آنکه عموماً موجب خسارت و حتی قطع برخی از فعالیت‌های یک منطقه می‌شود، معمولاً سبب ایجاد ترس و وحشت هم در مردم می‌شود که آگاهی از وقوع آن در سطح استان می‌تواند برای بازدیدکنندگان از این استان مفید باشد.

در سنندج در هر سال بطور متوسط ۱۱ روز توام با توفان رعد و برق است که فراوانی آن در اردیبهشت بیشتر از سایر ماه‌هااست.

پدیده توفان رعد و برق بر اثر ناپایداریهای شدید جوی به وجود می‌آید و به این سبب در فصل‌ها و ماههاییکه شرایط جوی با ناپایداری بیشتری همراه باشد، امکان وقوع طوفان هم بیشتر است. ناپایداریهای شدید جوی معمولاً در ماههای گذار از فصل سرد به فصل گرم بیشتر از سایر ایام سال است و در سنندج به علت آنکه ماه اردیبهشت سرآغاز فصل گرم نسبت به فصل سرد می‌باشد، ناپایداریهای جوی هم در این ماه بیشتر از سایر ماههای سال می‌باشد. در بیجار ۱۶ روز از سال، در زرینه اوباتو ۷ روز، در قروه ۸ روز و در سقز ۱۰ روز از سال توام با توفان رعد و برق است.

**خشکسالی:** وقوع خشکسالی در استان کردستان موجب تلف شدن ۴۰۰۰ راس دام شده و به ۱۳۲۰۰۰ هکتار از اراضی استان خسارت وارد ساخته است و علاوه بر آن موجب خسارت به ۱۲ واحد تولیدی شده است.

**بهمن:** در طول ۱۰ سال گذشته سقوط ۴۶ مورد بهمن در استان کردستان، سبب از بین رفتن جان ۱۱ نفر از مردم استان شده و به ۹۵۰ واحد مسکونی خسارت وارد ساخته است و در همین مدت کولاک برف نیز موجب مرگ یکنفر شده است.

**تگرگ:** ریزش تگرگ در ۱۰ سال گذشته در استان کردستان به ۱۱۷۵ روستا آسیب رسانده و به ۳۳۳۰۰۰ هکتار از اراضی استان خسارت وارد نموده است.

**رگبار شدید:** ریزش ۴۷ مورد رگبار شدید به ۲۲۰۰ واحد مسکونی و ۱۱۰ هزار هکتار از اراضی استان کردستان طی ۱۰ سال گذشته خسارت وارد ساخته است.

**تعداد روزهای همراه با برف:** در سنندج به طور متوسط ۲۲ روز از سال همراه با ریزش برف و باران یا مخلوط برف و باران است و تعداد روزهای برفی در بیجار ۳۵ روز، در زرینه اوباتو ۴۵ روز، در قروه ۲۲ روز و در سقز ۲۵ روز در سال می‌باشد.

**تعداد روزهای همراه باگرد و خاک:** در شهرستان سنندج بطور متوسط ۱۵ روز، در بیجار ۲۳ روز، در زرینه اوباتو ۹ روز ۷ در قروه ۳۰ روز و در سقز ۸ روز از سال توام با گرد و خاک است.

**تعداد روزهای با دید افقی کم:** در سنندج بطور متوسط در ۱۰ روز، در بیجار در ۲۱ روز، در زرینه اوباتو در ۳۰ روز، در قروه ۱۸ روز و در سقز در

۲۰ روز از سال دید افقی برابر یا کمتر از ۲ کیلومتر می‌شود که این وضعیت ممکن است بـه سـبب وقوع برخی از پدیده‌های جوی نظیر مه، گرد و خاک، بارندگی شدید و نظایر آنها بوجود آید.

دید افقی و کاهش آن به کمتر از ۲ کیلومتر، در امور فرودگاهی و پرواز هواپیماها بسیار حائز اهمیت است.

استان کردستان با مساحتی حدود ۲۸،۸۱۷ کیلومتر مربع، در غرب ایران واقع گردیده و منطقه‌ای کوهستانی و سردسیر است. این استان از شمال به آذربایجان غربی و زنجان، از مشرق به همدان، از جنوب به کرمانشاه و از مغرب به عراق محدود می‌شود.

آب و هوای استان کردستان معتدل مایل به سرد و نیمه مرطوب تا نیمه خشک است.

**رودهای قزل اوزن**، زرینه رود، سیمینه رود، سیروا، شور، سقز و قشلاق در این استان جاری اند. کوه‌ها و قلل مهم استان عبارتند از: کوه چهل چشمه، سوهان، مرانان و مسجد میرزا.

مردم استان مسلمان و اکثراً پیرو شافعی هستند و به زبان کردی تکلم می‌کنند و هر منطقه دارای لهجه‌ی خاصی از این زبان است. شاخه‌ی کرمانجی زبان مردم اطراف ارومیه، سورانی زبان محاوره‌ی مردم سنندج، سقز، بانه، مریوان، مهاباد، بوکان و سردشت است. شاخه‌ی هورامی زبان مردم مناطق اورامانات ژاورود، گاورود و لهون است. از این ناحیه لهجه‌ی کرمانشاهی، سنقر و کلیایی، بیجار، میان دربند، کندوله، سنجابی، کلهر، گوران، دینور، فیلی ولکی مشتق شده است. مردم کردستان سنت‌های گرانبها و ارزشمند محلی را از دیرباز به خوبی حفظ کرده‌اند. این امر در حفظ پوشش لباس کاملاً مشهود است.

قدیمی‌ترین اشاره‌ای که در تاریخ به نیاکان مردم کرد شده است، قیام مادها در سال ۶۱۲ پیش از میلاد به رهبری هوخشتره پادشاه ایشان و حمله‌ی به نینوا، پایتخت آشور است که به انقراض سلطنت آشوریان و تشکیل حکومت ماد منجر شد.

صنایع دستی کردستان عبارتند از: قالی، رختخواب پیچ پشمی، سجاده، جاجیم، سوزن دوزی، گیوه بافی، جوراب، کلاه و شال، تور و طناب و سفالگری.

سوغاتی‌های مشهور استان عبارتند از: تخته‌ی نرد، سجاده، فرش، گلیم، جاجیم، کلاش (نوعی گیوه)، موج، جانماز، نان کاک، و شیرمال بیجار.

مهم‌ترین اماکن دیدنی استان عبارتند از: عمارت خسرو آباد، عمارت وکیل آباد، عمارت آصف دیوان، عمارت مشیر دیوان، عمارت احمد الاشراف، قلعه‌ی حسن خان، مسجد جامع، پل قشلاق، امامزاده پیر عمر و حمام وکیل (در سنندج)، قرآن نگل در اطراف مریوان گنجینه‌ی زیویه، غار کرفتو (در سقز) و اماکنی دیگر چون کتیبه‌ی تنگیور و بازار آصف و نیز دریاچه‌ی زریوار. ـ سازمان نقشه برداری کشور

**مهمترین ارتفاعات کردستان عبارتند از:**

۱ـ در بخش مرکزی سنندج دو رشته کوه که جهت امتداد آنها از شمال غربی به‌جنوب شرقی است وجود دارد این دو رشته از کوه معروف و مرتفع چهل چشمه که بعد از کوه شاه و مرتفع‌ترین کوه کردستان محسوب می‌شود منشعب می‌گردد و بطور مستقیم در شمال غربی سنندج پیش رفته و در آنجا به‌دو شعبه تقسیم می‌شوند.

الف: یکی تقریباً از ۲۵ کیلومتری غرب سنندج گذشته و شعبات غربی آن تا جنوب غربی

سنندج ادامه پیدا می‌کند و بتدریج به‌رودخانه ژاوه منتهی می‌گردد. گردنه آریز پست‌ترین نقطه این شعبه است و مهمترین رشته‌های آن آبیدر واقع در جنوب غربی شهر سنندج می‌باشد که ارتفاع آن از سطح دریا به ۲۵۳۸ متر می‌رسد.

ب: شعبه دوم از شرق سنندج و رودخانه قشلاق و جنوب قروه و شمال سنقر و اسدآباد همدان گذشته و به‌کوه الوند متصل می‌گردد و پست‌ترین نقطه آن گردنه صلوات‌آباد است.

۲ـ کوههای شمالی بیجار که بیشتر خاکی است و از شمال غربی به‌جنوب شرقی کشیده شده است و خط‌الرأس آن حد طبیعی بین این شهرستان با بخشهای تکاب و ماه‌نشان می‌باشد. بلندترین قلل این رشته عبارتند از قله کوه امامزاده ایوب انصار و قله کوه زرنیخ و قله کوه شاه‌نشین.

۳ـ کوههای جنوبی بیجار که خط‌الرأس آنها حد طبیعی بین شهرستان بیجار و شهرستان قروه می‌باشد و بلندترین قله آن قله زیره با ارتفاع ۲۶۴۲ متر است.

۴ـ کوههای مرکزی بیجار که تقریباً موازی با کوههای شمالی کشیده شده است از نزدیکی شهر بیجار و دهستان پیرتاج گذشته و به کوههای خرقان متصل می‌گردد بلندترین قلل آن عبارتند از سرقیصه، نقاره‌کوب، پنجه‌علی، تماشا، حمزه‌عرب و چنگ الماس.

۵ـ ارتفاعات ملقرنی در کنار شهر سقز که بلندترین نقطه آن از سطح دریا به ۱۴۰۰ متر می‌رسد.

۶ـ کوه چهل چشمه و مرتفعات آن از مهمترین ارتفاعات شهرستان مریوان است.

۷ـ کوه هزار مرگه از کوه چهل چشمه منشعب می‌گردد و ارتفاع آن از سطح دریا به ۲۷۰۷ متر می‌رسد، این کوه به‌سه رشته اصلی و مهم تقسیم می‌شود.

الف: کوه معروف به‌سلسله لشت شهیدان که در جنوب مریوان و شمال دره شلیر کشیده شده و بلندترین قله آن بارتفاع ۲۴۹۱ متر می‌رسد.

ب: شعبه شمال غربی که تقریباً موازی با رشته اول و آنهم در شمال دره شلیر کشیده شده است.

ج: شعبه جنوب شرقی که بین اراضی مریوان و دیواندره کشیده شده است.

**مهمترین رودخانه‌های استان کردستان:**

**الف: رودخانه‌های شهرستان سنندج:**

۱ـ رودخانه قشلاق که از ارتفاعات باینجوب و چرنو در شمال و مغرب حسین‌آباد سرچشمه می‌گیرد و در ۶ کیلومتری شرق شهر سنندج در جهت جنوبی جریان داشته و ازکنار آبادی قشلاق گذشته و در جنوب سنندج و در شمال آبادی بزلانه به‌رودخانه گاورود ملحق شده و پس از پیوستن به‌رودخانه سیروان به‌خاک عراق می‌ریزد.

۲ـ رودخانه گاورود که از کوههای سنقر و کلیائی سرچشمه گرفته و پس از پیوستن به‌رودخانه سیروان به‌خاک عراق می‌ریزد.

۳ـ رودخانه گزان از کوههای سخناخ، باینجوب سرچشمه گرفته و به‌رودخانه قشلاق می‌ریزد.

۴ـ رودخانه چرنو از کوههای چرنو سرچشمه می‌گیرد و به‌رودخانه قشلاق می‌ریزد.

۵ـ رودخانه قزل‌اوزن که از کوههای جنوبی دهستان ساران و مسجد میرزا سرچشمه می‌گیرد و پس از پیوستن به‌رودخانه تلوار به‌طرف شمال منحرف می‌شود و نهایتاً به‌دریای خزر می‌ریزد.

**ب: رودخانه‌های شهرستان بیجار:** ۱ـ رودخانه

قمچقا در منطقه سیاه‌منصور از کوههای چیچکلو سرچشمه گرفته و در نزدیکی توپ آغاج به‌رودخانه قزل‌اوزن می‌ریزد.

۲- رودخانه قزل‌اوزن که از کوههای سارال و چهل چشمه سرچشمه می‌گیرد و پس از مشروب‌کردن قسمتی از اراضی دیواندره در منطقه نجف‌آباد بیجار به‌طرف شمال حوزه بیجار رفته و پس از مشروب‌نمودن اراضی استان زنجان نهایتاً به‌دریای خزر می‌ریزد.

۳- رودخانه کوه‌زن از کوههای سراب شهرک سرچشمه گرفته و به‌رودخانه قزل‌اوزن می‌ریزد.

۴- رودخانه قزل‌اوزن دره از کوههای سلطان‌آباد و شیرکش علیا سرچشمه گرفته و از منطقه خسروآباد بیجار گذشته و در محل چهل‌امیران در منطقه پیرتاج به‌رودخانه تلوار ملحق می‌شود.

۵- رودخانه چم از کوههای مبارک بالا و صیدان در منطقه خسروآباد بیجار سرچشمه گرفته و پس از مشروب‌نمودن اراضی اطراف در نزدیکی گچه گنبد به‌رودخانه شور ملحق شده و نهایتاً به‌تلوار می‌ریزند.

**ج - رودخانه‌های قروه:** ۱- رودخانه تلوار: از آبادیهای سلسله و بلبان‌آباد سرچشمه گرفته و پس از پیوستن به‌رودخانه‌های دهگلان و طهماسبقلی و شور به‌طرف شهرستان بیجار رفته و وارد رودخانه قزل‌اوزن می‌شود.

۲- رودخانه شور از دشت دزج و صندوق‌آباد سرچشمه گرفته و در نزدیکی شالی‌آباد به‌تلوار می‌ریزد.

۳- رودخانه دهگلان از ارتفاعات کریم‌آباد سرچشمه گرفته و در پایین ترازآبادی کاکه‌جوب به‌تلوار می‌ریزد.

۴- رودخانه طهماسبقلی از آبادیهای کوخانی علیا و کوخانی سفلی سرچشمه گرفته و در نزدیکی تازه‌آباد گاومیشان به‌رودخانه تلوار می‌پیوندد.

۵- رودخانه شیخ‌جعفر از ارتفاعات ویهیج و آصف‌آباد سرچشمه گرفته و در نزدیکی باباگرگر به‌رودخانه شور می‌پیوندد.

**د - رودخانه‌های شهرستان سقز:** ۱- رودخانه سقز یا جغتو از کوههای گردنه خان و قبغلوجه سرچشمه گرفته و نهایتاً به سد بوکان می‌ریزد.

۲- رودخانه آنیان از کوههای آگجه‌گوگجه، کل کسوژ (گل‌گشته) کوته‌رش، توکلان سرچشمه می‌گیرد و به‌سد بوکان می‌ریزد.

۳- رودخانه سنته از کوههای نرگسله، دره توکلان و چهل‌چشمه سرچشمه گرفته و به‌سد بوکان می‌ریزد.

**ه - رودخانه‌های مریوان:** ۱- رودخانه ریخلان از دریاچه زریوار مریوان سرچشمه گرفته و پس از پیوستن به‌رودخانه گاران به‌رودخانه سیروان می‌ریزد.

۲- رودخانه گاران از کوههای قمچیان سرچشمه گرفته و با رودخانه ریخلان به‌سیروان می‌ریزد.

۳- رودخانه نگل از کوههای گلچیدر، ول و سلطان‌احمد سرچشمه گرفته به‌رودخانه گاران می‌ریزد.

۴- رودخانه کلاترزان از کوههای گلچیدر سرچشمه گرفته و به‌رودخانه نگل می‌ریزد.

۵- رودخانه چاولکان از کوههای ول سرچشمه گرفته و پس از پیوستن به‌رودخانه کلاترزان به‌رودخانه نگل وارد می‌شود.

۶- رودخانه کوماسی از کوههای سلطان‌آباد

سرچشمه گرفته و پس از الحاق به‌رودخانه کلاترزان در نزدیکی روستای نگل به‌رودخانه نگل وارد می‌شود.

۷- رودخانه سیروان از به‌هم پیوستن رودخانه‌های ریخلان، گاران، نگل، کلاترزان و چاولکان شهرستان مریوان و قشلاق، گاورود، گزن و چرند و از شهرستان سنندج تشکیل شده و به‌خاک عراق وارد می‌شود.

**و-رودخانه‌های بانه:** در بانه رودخانه‌های چندی وجود دارد که همگی از ارتفاعات شرقی سرچشمه گرفته و بطرف غرب جاری می‌شوند و به‌رودخانه زاب در خاک عراق می‌ریزند مهمترین آنها رودخانه چم است.

**وضع جوی:** بطور کلی کردستان بعلت داشتن ارتفاعات متعدد و بارندگی زیاد یکی از نقاط سردسیر کشور بشمار می‌رود ولی دربعضی از نقاط نسبت به‌پستی و بلندی که دارد هوا متغیر است. قسمتهائیکه در کنار رودخانه قشلاق واقع شده دارای زمستانی معتدل و تابستانی گرم و هوای کنار دریاچه زریوار و رودخانه‌ها سرد و معتدل است.

## دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی استان کردستان

**آب‌های روان:** منطقه‌ی کردستان به علت کوهستانی بودن و داشتن ارتفاعات برفگیر در زمستان پوشیده از برف و در تابستان به دلیل دوب شدن برف کوه‌های منطقه، دارای آب فراوان است که منشأ و سرچشمه شبکه‌ی آب‌های روان دائمی و فصلی است (کوه چهل چشمه کانون آبگیر دائمی است). باتوجه به جهت ارتفاعات از شمال شرقی به جنوب غربی شبکه‌ی آب‌های روان منطقه به دو قسمت تقسیم می‌شود. قسمتی به طرف شمال شرقی جاری شده که حوزه‌ی سفید رود را تشکیل می‌دهد و قسمت دیگر به طرف غرب و جنوب غربی جریان یافته و حوزه‌ی سیروان را به وجود می‌آورد.

رودهای استان در حوزه‌های متعددی جریان دارند، رودهای سفید رود و زرینه رود به دریاچه‌ی ارومیه می‌ریزند، رودهای سیروان و بانه به خاک عراق جریان دارند و قزل اوزن به سوی دریای خزر سرازیر می‌شود. دیگر منابع آبی استان دریاچه‌ی زریوار، دریاچه‌ی سد قشلاق و چشمه‌های استان است.

**۲-منابع زیر زمینی:** آب‌های زیرزمینی این منطقه بسیار غنی است. عواملی مانند دشت‌های وسیع در بعضی نقاط با بسترهای آبرفتی عمیق و میزان ریزش و وجود کوه‌های آهکی و طبقات غیر قابل نفوذ تحت الارضی در آبرفت‌های منطقه، باعث وجود منابع غنی آب‌های زیر زمینی شده است. در کردستان فقط مناطق قروه، دهگلان، کامیاران، مریوان و قسمت هائی از بیجار دارای سفره‌های غنی آب‌های زیر زمینی بوده که با حفر چاه‌های عمیق ۱۳۰ متری مورد بهره برداری قرار گرفته‌اند. در بقیه‌ی نقاط به دلیل وضعیت خاص زمین‌شناسی و بالا بودن سنگ کف (شیست دوره‌ی دوم) فقط قشر سطحی دارای آب زیر زمینی می‌باشد (سنندج، بانه، سقز) که آن هم تابع بارش بوده که در فصل خشک و کم باران به حداقل می‌رسد. به دلیل گسترش محدوده آهک‌های کرتاسه، اغلب نقاط کردستان فاقد منابع سرآب و چشمه‌های پر آب می‌باشد ولی چشمه‌های کم‌آب به وفور در منطقه یافت می‌شود. در منطقه‌ی باباگور در شمال شهرستان

قروه چشمه‌های معدنی و گازداری وجود دارد که احتمالاً شروع فعالیت آن‌ها مربوط به دوران سوم زمین‌شناسی می‌باشد. در مجاورت این منطقه‌ی رسوبات آتشفشانی از قبیل سنگ پا دیده می‌شود.

**چشمه‌های آب معدنی:** یکی از مهم‌ترین چشمه‌های آب معدنی کردستان چشمه‌ی باباگر در ۱۸ کیلومتری شمال شرقی شهرستان قروه است. آب این چشمه که از دل زمین می‌جوشد، در استخر دایره شکلی جمع شده و منظره‌ی جالبی ایجاد می‌کند. همه ساله افراد زیادی از سایر شهرستان‌ها و استان‌های همجوار برای درمان بیماری‌های پوستی و گوارشی به این چشمه مراجعه می‌کنند. آب این چشمه زرد مایل به نارنجی، گاز دار و دارای طعم مخصوصی است. چشمه‌های آب گرم گوگردی و در درمان بیماری‌های پوستی و رماتیسمی مفید است. این چشمه به ویژه در فصل تابستان افراد فراوانی را به خود جذب می‌کند. علاوه بر این‌ها چشمه‌ی آب تلخ پیر صالح در محدوده‌ی شهرستان بیجار برای درمان بیماری‌های رماتیسمی مفید است.

### گردشگاههای طبیعی استان کردستان

پوشش گیاهی به ویژه جنگلها، دریاچه طبیعی زریوار و دریاچه‌های پشت سدها، رودخانه‌ها و چشمه سارهای دائمی، دشت‌ها با چشم اندازهای طبیعی و دلپذیر کوهستانها، ارتفاعات و قله‌ها، شکارگاهها، دره‌ها، کوچ عشایر، روستاها و سایر دیدنی‌های استان کردستان جلوه‌های ویژه‌ای از چشم اندازهای بدیع و سحرانگیز طبیعت را به نمایش می‌گذارند.

**گردش بر روی دریاچه زریوار:** دریاچه زریوار در ارتفاع ۱۲۸۵ متر در فاصله ۲ کیلومتری غرب مریوان قرار گرفته است. آب دریاچه شیرین می‌باشد و توسط جنگل احاطه شده و چشم انداز بسیار زیبایی را بوجود آورده است. مهمان سرای جهانگردی بر روی تپه‌ای مشرف به دریاچه بنا شده است که از موقعیت بسیار چشم نوازی بهره‌مند است. دریاچه زریوار علاوه بر مهمترین جاذبه آبی و زیباترین جلوه‌های طبیعی، امکانات انواع ورزش‌های تابستانی، شنا، اسکی روی آب، ماهی‌گیری و قایقرانی را برای گردشگران فراهم نموده است و به نوبه خود یکی از زیباترین نقاط دیدنی ایران است.

**سد گاوشان:** سد گاوشان در ۴۵ کیلومتری شمال کامیاران در استان کردستان واقع است. این سد از نوع خاکی سنگریزه‌ای با هسته رسی با هدف تامین آب کشاورزی، شرب و تولید برق بر روی رودخانه گاوه رود احداث شده است.

**دریاچه سد وحدت:** دریاچه پشت سد قشلاق (سد وحدت) با وسعتی معادل ۹۳۴ هکتار و طول ۱۱ کیلومتر که بر روی کوه‌های منطقه « ساتله و تیرگرا» احداث شده است. زیست گاه انواع ماهیان مختلف می‌باشد که امکان تفریحات ماهیگیری را برای علاقمندان فراهم نموده است. این سد در ده کیلومتری شمال سنندج واقع شده است.

**گردش درکرانه رود زرینه رود:** زرینه رود در شهرستان سقز به نام رودخانه« چغتو» معروف است.

در مسیر این رودخانه پرآب از ورزش آبی مفرح قایق سواری تند آبی استفاده می‌شود. سواحل این رودخانه و رودخانه‌های سیمینه رود و رود سیروان و رودخانه‌های بانه به ویژه در دشت‌ها و دره‌های گسترده، بسیار جذاب و دیدنی و از مناطق ممتاز گردشگری و توریستی می‌باشد.

**چشمه‌ها:** در استان کردستان چشمه‌های طبیعی و

مراکز آب درمانی متعددی وجود دارد. در فصل تابستان اهالی و مسافران برای درمان بیماریهای پوست یا درمان بیماریهای مجاری تنفسی، روماتیسمی و بیماریهای جلدی و هم چنین برای سیاحت و گذران اوقات فراغت به این مناطق می‌آیند. در کنار چشمه‌ها مناظر طبیعی و چشم اندازهای زیبا و دیدنی نظر هر رهگذری را به خود جلب می‌نماید و در آینده این مناطق زیبا در زمره کانون‌های گردشگری و توریستی استان کردستان وکشور توسعه خواهند یافت.

مهمترین چشمه‌های استان کردستان عبارتند از:
۱- چشمه آب معدنی گواز، در ۵۰ کیلومتری شمال غربی کامیاران .۲-چشمه سرآب بیجار دریک کیلومتری بیجار. ۳- چشمه آب تلخ (پیر صالح)، در روستای قشلاق لو از توابع بیجار. ۴- چشمه هفت آسیاب، در روستای شریف آباد بیجار. ۵- چشمه سراب و نیسار، در دشت، چهاردولی قروه در زیر کوه کمر زرد. ۶- چشمه خاور آباد، در جنوب شرقی سراب بیجار. ۷- چشمه‌های اورامان ژاورود، مریوان. ۸- چشمه قمچای، در دهستان سیاه منصور بیجار.

**تفرج در روستاها:** روستاهای استان کردستان باچشم اندازهای سحرانگیز، کوه‌ها، دره‌ها، پوشش گیاهی، حیات وحش متنوع و رودخانه‌ها، چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌نماید.

**دیداری از روستاهای اورامانا تخت:** این روستا درجنوب غربی شهرستان مریوان واقع شده است. آب و هوای آن در فصل‌های تابستان و بهار بسیار مطلوب و در زمستان‌ها سرد و یخ بندان است. آرامگاه پیر «شهریار اورامی» صاحب کتاب «معرفت پیر شهریار» که از قدسین زرتشتی پیش از اسلام است، همواره مورد توجه و احترام مردم این ناحیه می‌باشد. اجرای همه ساله مراسم باستانی و حیرت‌انگیز «پیر شهریار» دارای ارزشهای جهانگردی می‌باشد. از دیگر جاذبه‌های این روستا آیین‌های مردم آن است.

**بازدید از روستای نگل:** شهرت روستای نگل به خاطر وجود یک جلد قرآن به خط کوفی در مسجد آن است. طول صفحات این قرآن ۴۰ سانتیمتر و عرض آن ۳۵ سانتیمتر می‌باشد.قدمت این اثر مذهبی،هنری در حدود هزار سال است،مسجد روستای نگل را به موزه تبدیل نموده است. این روستا در فاصله ۶۰کیلومتری سنندج ـ مریوان قرار دارد. روستاهای دیگر دیدنی استان کردستان عبارتنداز:روستای صلوات آباد،روستای درکی و...

**گردشگری در دشت‌ها:** یکی دیگر از جاذبه‌های طبیعی استان کردستان دشت‌های این استان است که با چشم اندازهای زیبا و طبیعی و پوشش گیاهی مناسب،مناظر دلپذیری از طبیعت این استان را همچون تابلوهای رنگارنگ به نمایش می‌گذارند.

مهمترین دشت‌های استان کردستان که از جذابیت‌های سیاحتی و گردشگری بر خوردارند،عبارتند از:دشت قروه ،دشت امیر آباد،دشت دهگلان ،دشت کامیاران،دشت‌های بانه، دشت بیجار و دشت‌های سقز. ـ سازمان هواشناسی کشور

**زمین شناسی و معادن:**

**پهنه‌ی سنندج ـ سیرجان:** منطقه‌ی فاریاب در انتهای جنوب خاوری پهنه‌ی سنندج ـ سیرجان در بخش داخلی کوهزاد زاگرس واقع شده و با واحدهای سنگ شناسی پالئوزوییک،دو مرحله‌ی چین خوردگی را نشان می‌دهد. این دو مرحله‌ی

چین خوردگی در شرایط دگر شکلی شکل‌پذیر و الگوی چین خوردگی مکرر، به صورت پیشرونده رخ داده است. چین‌های خوابیده‌ی نسل اول با سطح محوری دارای شیب متوسط به سمت شمال و میل محوری متغیر به سمت شمال باختر تا جنوب باختر در تمام واحدهای سنگ شناسی منطقه مورد مطالعه دیده می‌شوند. در تداوم چین خوردگی نسل اول، راندگی‌هایی در یال‌های برگشته چین‌ها روی داده است. تأثیر بارز راندگی‌ها در حوضه‌ی مرکزی در شمال اندیس طلای زرترشت و لبه‌ی جنوبی این حوضه با جایگیری ورقه‌های عظیم از کالک شیست با میان لایه‌های مرمری کمپلکس سرگز به خوبی مشخص است. چین خوردگی نسل اول تحت ساز و کار جریانی ـ خمشی، یال‌های برگشته بریده شده، پهنه‌های برشی وابسته به راندگی‌ها و دگرگونی واحدهای سنگی در رخساره‌ی شیست سبز از ویژگی‌های مرحله‌ی اول چین خوردگی است. مرحله‌ی دوم به وسیله‌ی چین خوردن مجدد سطح محوری چین‌های نسل اول در مقیاس بزرگ در سه تاقدیس پا سفید، زرترشت و زهمکان به خوبی دیده می‌شود. در این مرحله از چین خوردگی، راندگی‌های نسل قبلی نیز چین خورده‌اند. داده‌های ساختاری، تنوع جهت یابی محورهای چین خوردگی نسل دوم را از S45W تا N80W نشان می‌دهد که الگوهای تداخلی Mon S، Zon S و Son S به خوبی معرف هم محور بودن دو نسل چین خوردگی هستند.

مطالعه‌ی ساختاری سنگ‌های دگرگونی پالئوزوئیک در منطقه‌ی فاریاب واقع در بخش‌های انتهایی جنوب خاوری پهنه‌ی سنندج ـ سیرجان به عنوان بخش داخلی کوهزاد زاگرس نشان دهنده‌ی توالی دگر شکلی به صورت فازهای دگر شکلی شکل‌پذیر (Ductile Deformation) و فاز دگرشکلی شکنا (Brittle Deformation) می‌باشد. تحلیل الگوی چین خوردگی بر مبنای تفکیک فازها و تعیین سن نسبی رخداد چین خوردگی و تعیین ساز و کار چین خوردگی و ارائه‌ی الگوی توسعه‌ی راندگی‌ها در واحدهای پالئوزوئیک هدف اصلی این نوشتار می‌باشد. مجله علوم زمین ش ۶۴

**کردستان ـ کانسار:** کانسار طلای چاه باغ در بخش مرکزی پهنه‌ی سنندج ـ سیرجان و در ۶۰ کیلومتری جنوب باختری دلیجان، در منطقه‌ی معدنی موته قرار دارد. واحدهای سنگی رخنمون یافته در منطقه که در حد رخساره شیست سبز ـ آمفیبولیت زیرین دگرگون شده‌اند، شامل مجموعه‌ای از سنگ‌های آتشفشانی اسیدی و آتشفشانی ـ رسوبی دگرگون شده و دگر شکل با امتداد عمومی شمال خاوری ـ جنوب باختری هستند که توده‌های نفوذی بازی (دایک و سیل) در آن‌ها نفوذ کرده‌اند. سن این واحدها به دونین و حتی قدیمی‌تر نسبت داده شده است.

توالی‌های سنگی رخنمون یافته در منطقه، تحت تأثیر فازهای متعدد و شدید دگر شکلی، نظم و ترتیب اولیه‌ی خود را از دست داده و ساختارها و فابریک‌های متفاوتی را به وجود آورده‌اند. مهم‌ترین دگر شکلی و ساختار اصلی منطقه تحت تأثیر پهنه‌ی برشی شکل‌پذیر از نوع معکوس با مؤلفه‌ی راست گرد و روند ساختاری WNW (N ۲۸۰-۲۹۰°) حاصل شده است. آثار این دگرشکلی به صورت میلونیتی شدن سنگ‌ها، گسترش برگوارگی غالب میلونیتی، خطواره کششی نافذ، چین‌های جناغی و ... در سنگ‌ها

تظاهر نموده است.

کانه زایی طلا در پهنه‌های برشی شکل‌پذیر و شکنا رخ داده است. بیشترین تمرکز کانه زایی طلا در پهنه‌ای به درازای یک کیلومتر و پهنای متوسط تا ۶۰ متر، در امتداد شمال خاوری ـ جنوب باختری (N40-50E)، در پهنه‌ی برشی شکل‌پذیر دیده می‌شود. این تیپ کانه زایی که برای اولین بار در چاه باغ معرفی می‌شود، ژئومتری عدسی شکل و شیبی به سمت شمال باختری (N60-80W) دارد. نتایج حاصل از نمونه‌های برداشت شده از بخش‌های سیلیسی شده این پهنه، میزان طلا را بین ۳/۲-۱/۸ گرم در تن نشان داده است. دگرشکلی در این پهنه به صورت پروتومیلونیت، میلونیت و اولترامیلونیت می‌باشد. کانه زایی تیپ شکنا، در امتداد گسل‌های عادی با روند N40W و شیب مایل به سمت شمال خاوری رخ داده است. این تیپ کانه زایی شامل پهنه‌های سیلیسی ـ سولفیدی طلادار است. پهنه‌ی اصلی سیلیسی ـ سولفیدی طلا دار چاه باغ ۱۰۰ متر درازا و ۵-۳ متر ضخامت داشته و دارای راستای عمومی N35W می‌باشد. نتایج حاصل از نمونه‌های برداشت شده از این پهنه‌ی سیلیسی ـ سولفیدی، میزان طلا را تا ۱/۸۲ گرم در تن نشان داده است. واحدهای سنگی دربرگیرنده این پهنه‌ها به طور عمده سنگهای آتشفشانی اسیدی و آتشفشانی ـ رسوبی دگرگونی (متاریولیت و فلسسیک شیست) کاملاً دگرشکل می‌باشند. واحدهای فوق در پهنه‌های برشی تحت تأثیر دگرسانی قرار گرفته‌اند. شدت و نوع دگرسانی در واحدهای مختلف، متفاوت است. از مهم‌ترین دگرسانی‌ها می‌توان به دگرسانی سریستی، کائولینیتی، اپیدوتی، تورمالینی، سیلیسی و سولفیدی اشاره کرد. دگرسانی‌های سیلیسی و سولفیدی بیشترین گسترش را در بخش‌های داخلی پهنه‌های برشی داشته و منطبق بر پهنه‌های کانه دار هستند.

بررسی‌های انجام شده نشان دهنده‌ی ارتباط مکانی و زمانی دگرسانی با دگرشکلی است. از نظر مکانی، این ارتباط توسط انطباق پهنه بندی دگر سانی و دگرشکلی مشخص می‌شود. از سوی دیگر، فضاهای خالی که طی دگر شکلی شکل‌پذیر و فرآیند میلونیت شدن به وجود آمده و کاملاً هم روند با برگوارگی است و نیز ریزشکستگی‌های موجود در پورفیرو کلاست‌ها که در حین جریان کاتاکلاستیک بلورها ایجاد شده‌اند، هر دو توسط کوارتزها و پیریت‌های مرحله‌ی گرمابی به طور هم زمان پر شده‌اند، بیانگر همبستگی زمانی دگر سانی و دگر شکلی می‌باشد. نکته‌ی جالب این که، تغییرات عیار طلا با دگر شکلی و دگر سانی ارتباط نزدیک دارد. به طوری که عیارهای بالای طلا به بخش‌های سیلیسی و سولفیدی شده به شدت دگر شکل (میلونیتی و اولترامیلونیتی) و پهنه‌های سیلیسی ـ سولفیدی طلاداری که در بخش‌های داخلی پهنه‌های دگرسانی قرار گرفته‌اند، تعلق دارند.

**زمین‌شناسی:** کمپلکس شیست سبز با سن دونین و حتی قدیمی‌تر (رشید نژاد عمران، ۱۳۸۱) واحد در بردارنده‌ی کلیه‌ی فعالیت‌های معدن‌کاری طلا در منطقه موته است. این کمپلکس در محدوده‌ی کانسار چاه باغ، مجموعه‌ای از سنگ‌های آتشفشانی اسیدی و آتشفشانی ـ رسوبی دگرگون شده و دگرشکل با امتداد عمومی شمال خاوری ـ جنوب باختری است که توده‌های نفوذی بازی (دایک و سیل) و اسیدی در آن‌ها نفوذ کرده‌اند.

مجله‌ی علوم زمین

مجموعه‌ی چاه قند در شمال خاوری نیریز و جنوب باختری شهر بابک واقع شده است. در این مجموعه علاوه بر سنگ‌های دگرگونی و توده‌های گرانیتوییدی، سنگ‌های اولترامافیک، مافیک تا حد واسط نیز وجود دارد که شامل پیروکسنیت، اولیوین گابرو و دیوریت می‌باشند.

بررسی‌های جامع سنگ نگاری، ژئوشیمی، الگوهای چند عنصری (عناصر جزئی و خاکی کمیاب) و نمودارهای زمین ساختی ـ ماگمایی سنگ‌های اولترامافیک تا حد واسط ماهیت قلیایی آن‌ها و تشکیل به واسطه‌ی درجه‌های کم ذوب بخشی از یک سنگ منشأ گوشته‌ای لرزولیتی را نشان می‌دهند. فراوانی عناصر، LILE و LREE تهی شدگی در عناصر HFSE آن‌ها با الگوهای وجه مشخصه بازالت‌های درون صفحه‌ای جایگاه قاره‌ای مطابقت دارد و درنتیجه وجود یک محیط کافت درون قاره را، در نوار سنندج ـ سیرجان در محدوده زمانی تریاس تا ژوراسیک، باری ماگماتیسم توده‌های اولترامافیک تا حد واسط مجموعه چاه قند پیشنهاد می‌کند.

مجموعه‌ی چاه قند در شمال خاور شهرستان نیریز و جنوب باختر شهر بابک در عرض‌های جغرافیایی ۳۰° ۲۹ و ۳۰ ۳۲° ۲۹ شمالی و طولهای جغرافیایی ۱۱ ۵۲° ۵۴ و ۷ ۵۵° ۵۴ خاوری واقع شده است. این مجموعه در بخش جنوبی زون سنندج سیرجان و در محدوده نقشه‌ی زمین‌شناسی به مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰ کرسفید قرار دارد. مجله‌ی علوم زمین

**کانه‌زائی طلا در جنوب باختر سقز ـ کردستان:** کانسار طلای کرویان، در بخش شمال باختری پهنهی سنندج سیرجان و در جنوب باختر سقز قرار دارد. واحدهای سنگی رخنمون شده در منطقه، با امتداد شمال خاور ـ جنوب باختر، شامل یک توالی از سنگ‌های دگرگون شده در رخساره شیست سبز، متشکل از واحدهای آذرین و رسوبی می‌باشند که زمان تشکیل آن را به مزوزوییک نسبت می‌دهند.

تمرکز کانه زایی طلا در منطقه‌ی کرویان در پهنه‌ای به طول بیش از ۲/۵ کیلومتر، پهنای متوسط ۶۰ متر و با ژئومتری عدسی شکل در راستای پهنه‌ی برشی شکل‌پذیر رخ داده است که در اینجا، برای اولین بار در ایران معرفی می‌گردد.

مجموع واحدهای سنگی در منطقه مورد مطالعه، تحت تأثیر پهنه‌های برشی شکل‌پذیر با امتداد شمال خاور جنوب باختر با شیبی متوسط به سمت شمال خاور، دگر شکل شده و ساختارها و فابریک‌های متفاوت به خود گرفته‌اند. تمامی واحدهای سنگی رخنمون شده در منطقه، شدت دگر شکلی یکسانی ندارند و از واحدهای کمتر دگر شکل شده (پروتومیلونیت) تا واحدهای به شدت دگر شکل (میلونیت و اولترامیلونیت) در منطقه مشاهده می‌شود. فابریک‌های برشی C و S و درزه‌های حاصل از کشیدگی، محصول دگرشکلی است که در واحدهای سنگی رخنمون شده در پهنه‌ی برشی شکل‌پذیر کرویان، قابل تشخیص هستند.

سنگ‌های در برگیرنده‌ی این پهنه، به طور عمده از سنگ‌های آتشفشانی اسیدی و بازی دگرگون شده کاملاً دگر شکل همراه با برگوارگی میلونیتی تشکیل شده است که در پهنه‌ی برشی شکل‌پذیر کرویان تحت تأثیر دگرسانی قرار گرفته‌اند. شدت و نوع دگرسانی در واحدهای سنگی مختلف، متفاوت است. از مهم‌ترین دگرسانی‌ها میتوان دگرسانی‌های سرسیتی، کلریتی،

سیلیسی، سولفیدی و کربناتی شدن را نام برد.
کانی‌شناسی ماده‌ی معدنی بسیار ساده و به طور عمده از پیریت، پیریت‌های آرسنیک دار، طلای آزاد و به ندرت از کالکوپیریت تشکیل شده است که کانی‌های مانند کوارتز، فلدسپار، انواع میکاها و کربنات‌ها آن‌ها را همراهی می‌کنند.
طلا در ابعاد چند میکرون تا ۳۰ میکرون، به صورت آزاد هرماه با کوارتز و همچنین همراه با پیریت به صورت میانبار و یا هم رشد با آن (به ابعاد <۵ میکرون) مشاهده می‌شود که به طور همزمان با دگر شکلی، در فابریک‌های S و C و درزه‌ها در واحدهای میلونیتی به شدت دگرسان شده (سیلیسی، سولفیدی و کربناتی) تمرکز یافته است.
شواهد صحرایی و مطالعات آزمایشگاهی، تشکیل و کانه زایی طلا در منطقه مورد مطالعه را در کنترل عواملی همچون پهنه‌های برشی شکل‌پذیر، شدت دگر شکلی (فابریک‌ها اولترامیلونیت و میلونیت) و شدت دگرسانی گرمایی (سیلیسی و سولفیدی) نشان می‌دهد.
بر اساس شواهد موجود و مقایسه‌ی ویژگی‌های کانسار طلای کرویان با کانسارهای طلای پهنه‌های برشی، کانسرا طلای کرویان بیشترین شباهت را با این تیپ از خود نشان می‌دهد. مجله‌ی علوم زمین
خاستگاه کانسار آنتیموان - آرسنیک - طلا داشکسن در باختر ایران و ۴۲ کیلومتری شمال خاوری شهرستان قروه واقع گردیده است. این کانسار از دیدگاه تقسیمات زمین ساختی، در زون دگرگونی - ماگمائی سنندج - سیرجان قرار می‌گیرد. بر پایه‌ی مشاهدات زمین‌شناسی، کهن‌ترین سنگ‌های منطقه را اسلیت، فیلیت و کوارتزیت‌های ژوراسیک و جوان‌ترین آن‌ها را کنگلومرای ولکانو کلاستیک نئوژن و جریان‌های بازالتی، گدازه‌های بلوکی و آگلومرای کواترنری تشکیل می‌دهد. سنگ‌های نفوذی منطقه‌ی مورد بررسی را یک توده‌ی نیمه عمیق میکروگرانیتی - میکرو گرانودیوریتی با ماهیت کالکو آلکالن و بافت میکروگرانولار - پورفیری به سن نئوژن (احتمالاً پلیوسن) تشکیل می‌دهد که در بخش فوقانی به صورت گنبد (Dome)های داسیتی - ریوداسیتی (آق داغ و ساری داغ) رخنمون پیدا کرده است. کانه زائی در کانسار داشکسن از نوع رگه‌ای و زون‌های سیلیسی - سولفیدی طلا دار است که به وضوح توسط ساختارهای گسلی کنترل می‌شود. سنگ میزبان رگه‌ها و زون‌های سیلیسی - سولفیدی طلادار است که به وضوح توسط ساختارهای گسلی کنترل می‌شود. سنگ میزبان رگه‌ها و زون‌های کانه دار را سنگهای نفوذی نیمه عمیق و سنگ‌های داسیتی - ریوداسیتی سازنده‌ی گنبدهای آق داغ و ساری داغ تشکیل می‌دهند که با انواع دگرسانی هیدروترمال به ویژه آرژیکی و سیلیسی شدن همراهی می‌گردند. کانی‌شناسی رگه‌ها شامل: کوارتز، استیبنیت، پیریت، رآلگار، ارپیمان، پیروتیت - کالکوپیریت، بورنیت، گالن، بولانژریت، آروستیبیت، طلا، استیبکونیت، کرمزیت و هیدروکسیدهای آهن می‌باشد. عیار طلا در رگه‌های کانه دار از ۵۵ تا ۲۶۶ پی پی ام و در زون‌های سیلیسی سولفیدی از ۱۰ تا ۱۸ پی پی ام تغییر می‌کند. طلا در ابعاد ۱۰ تا ۱۵ میکرون بیشتر به همراه کوارتز و در اندازه‌های کوچک‌تر در داخل کانی‌های پیریت اکسیده مشاهده می‌شود. مطالعات میکروپروب الکترونی (SEM) مقادیری از عناصر آنتیموان، نقره و جیوه را در درون ذرات طلا نشان می‌دهد. نتایج آزمایشگاهی

نمونه‌های شش مقطع لیتوژئوشیمیایی عمود بر روند رگه‌های اصلی استیبنیت در نواحی آق داغ و ساری داغ نشانگر آن است که مقادیر بالای طلا محدود به رگه‌های استیبنیت و هم چنین زون‌های دگرسانی سیلیسی - پیریتی است. مطالعات میکروترمومتری سیالات درگیر معرف دمای هموژنیزاسیون بین ۲۵۵-۱۸۳ درجه سانتیگراد و درجه‌ی شوری از ۸/۳ تا ۱۸/۸ معادل درصد وزنی کلرید سدیم برای سیالات درگیر اولیه است. در نهایت مجموعه بررسی‌های صحرایی، میکروسکپی، سیالات درگیر وسایر شواهد و داده‌های موجود نشان از رابطه‌ی نزدیک بین کانی سازی آنتیموان - آرسنیک - طلا و محلول‌های سیلیسی مربوط به توده‌ی ساب ولکانیک در ناحیه داشته و حاکی از آن است که کانسار داشکسن بیشترین شباهت را با کانسارهای تیپ اپی ترمال، به ویژه نوع اسید - سولفات دارد.

منطقه‌ی معدنی مورد بررسی قسمتی از نوار دگرگونی - ماگمایی، سنندج - سیرجان (اشتوکلین، ۱۹۶۸ - بلورچی، ۱۹۷۹) است که در برگیرنده‌ی توده‌های نیمه ولکانیکی - ولکانیکی نئوژن میباشد. حضور این توده‌ها به صورت یک کمربند آتش فشانی، که از جنوب باختری بیجار تا شمال خاوری شهرستان قروه در استان کردستان امتداد یافته است. درگذشته به نام زون داشکسن - تکاب (لومارکانسار، ۱۳۷۲) و زون تکاب - قره (معین وزیری، ۱۳۵۷) نامیده شده است. منطقه‌ی معدنی داشکسن، در این زون، از نوع مناطق فعال شده‌ی تکتونو - ماگمایی (Tectono-magmatic) است، که به واسطه‌ی میزبانی کانسارهای اپی ترمال و فلزات گران قیمت، اهمیت ویژه‌ای دارد. مجله‌ی علوم زمین ش ۳۷ و ۳۸

**معادن:** ۱- سایر مرمریت کوپ ۱۲۰۰ تن ۲- مرمریت قرمزکوپ ۱۷۵۰۰ تن ۳- مرمریت قرمز لاشه ۳۴۲۰۰ تن ۴- مرمریت سفید کوپ ۲۴۳۷۵۰ تن ۵- مرمریت سفید لاشه ۳۰۵۰۰ تن ۶- مرمریت سفید فکی ۲۳۰۵ تن ۷- سایر مرمریت گلدانی ۱۵۰۰۰ تن ۸- تراورتن سفید کوپ ۳۰۰۰ تن ۹- گرانیت ۲۰۰۰۰ تن ۱۰- لاشه‌ی ساختمانی ۱۳۷۴۰۰ تن ۱۱- پوزولانا ۱۵۰۰۰ تن ۱۲- سنگ آهک ۱۵۰۰۰ تن ۱۳- مارن ۴۵۰۰۰۰ تن ۱۴- لاشه آهکی ۱۰۹۰۰۰ تن ۱۵- دولومیت ۵۰۰۰ تن ۱۶- نمک سفید ۵۰۰۰ تن ۱۷- سیلیس ۵۰۰۰ تن ۱۸- پومیس ۲۲۰۰۰۰ تن ۱۹- فلدسپات ۵۰۰۰ تن

**در استان کردستان مقدار تولید معادن فعال:** ۸۳۸۲۴۰ تن و ۲۱۷۷۱۵۸ مترمکعب بوده است. ۱- سنگ آهن ۷۳۰۰۰ تن ۲- مخلوط شن و ماسه ۵۳۷۱۲۰ تن ۳- ماسه ی بادی ۲۵۴۴۰ تن ۴- ماسه ی شسته ۵۵۶۸۰ تن ۵- مرمر ساده ی کوپ ۱۵۰ تن ۶- مرمر ساده ی لاشه ۶۵۰ تن ۷- مرمر سفید کوپ ۷۵۰۰ تن

**تعداد ۱۱۶ معدن فعال بدینشرح داشت:** ۱- سنگ آهن (۲)، ۲- سنگ شن و ماسه (۱۰۹) ۳- شن و ماسه (۱۹)، ۴- سنگ تزئینی (۴۲)، ۵- سنگ لاشه (۴۱)، ۶- سنگ آهک(۶)، ۷- دولومیت (۱)، ۸- پوکه معدنی (۳).

**مناطق حفاظت شده استان کردستان:** دارای یک اثر طبیعی است، دارای یک منطقه‌ی حفاظت شده به مساحت ۳۱۷۶۹ هکتار، در مجموع ۳۱۷۷۰ هکتار می‌باشد، دارای یک منطقه‌ی حفاظت شده است. - **منطقه‌ی حفاظت شده‌ی بیجار** به مساحت ۳۱۷۶۹ هکتار است که در سال

۱۳۵۴ تأسیس شد. در استان کردستان ۳۰۰۰۰ هکتار جنگل و ۱۹۳۴۴۰۶ هکتار مرتع دارد.

**مناطق شکار ممنوع: ۱ـ زرینه اوباتو:** منطقه‌ای است دشتی، که در شمال غربی دیواندره واقع شده و محل حمایت گونه‌های کمیاب میش مرغ است و ۲۴۰۰۰ هکتار مساحت، در ۱۶ کیلومتری شمال غربی دیواندره قرار دارد. **۲ـ بدر و پریشان:** منطقه‌ای کوهستانی می‌باشد که در جنوبی سنقر کلیائی که دارای حیات وحش کوه زی (قوچ، میش، بز و پازن) است.

**دیدنی‌ها**

**موزه‌ی سنندج:** ساختمان موزه‌ی سنندج با معماری زیبای خود متعلق به دوره‌ی قاجاریه و از بناهای ارزشمند کردستان است. سقف گنبدی با تزئینات آئینه کاری آن و اُرسی بزرگ تالار با ۱۱ متر عرض و ۶ متر ارتفاع از شاهکارهای هنر نجاری به حساب می‌آید. در این موزه آثار سفالی و فلزی و همچنین سکه‌های تاریخی ارزشمندی گردآوری شده است.

**سد وحدت:** سد چند منظوره‌ی وحدت در ۱۰ کیلومتری سنندج ساخته شده است. دریاچه‌ی پشت سد با فضای سبز و جنگل کاری اطراف از دیدنی‌های جالب توجه شهر محسوب می‌شود. همچنین امکانات تفریحی و اسکله‌ی قایقرانی دریاچه‌ی هر ساله تعداد زیادی از علاقه‌مندان به ورزش‌های آبی را به این مکان می‌کشاند.

علاوه بر این‌ها ـ عمارت وکیل ـ عمارت مشیر ـ بازار سنندج و حمام‌های قدیمی در سنندج با معماری بومی و تزئینات داخلی خود ویژگی‌های منحصر به فردی را ارائه می‌دهند.

**منطقه‌ی اورامان تخت وژاورود:** از مناطق خوش آب و هوای این شهرستان است که با کوهستان‌های سنگلاخی مرتفع، رودها، چشمه‌ها و مناظر بدیع طبیعی علاقه‌مندان زیادی را به سمت خویش فرا می‌خواند. منطقه‌ی اورامانات را مرکز تعالیم آئین زرتشت در قبل از اسلام دانسته‌اند. امروزه هم می‌توان واژه‌هایی از پهلوی ساسانی در زبانشان یافت. مقبره‌ی پیر شالیار از بزرگان زردشتی در این منطقه قرار دارد.

**تپه و قلعه‌ی زیویه:** بر فراز تپه‌ای باستانی در ۵۵ کیلومتری جنوب شرقی سقز، در شمال روستای زیویه، بقایای قلعه (کاخ ـ دژ) کهنسالی قرار دارد که از لحاظ معماری و آثار هنری به دست آمده از آن، بسیار شاخص است و اهمیت جهانی دارد. بنا به نظر باستان شناسان این قلعه و آثار به دست آمده از آن به حدود ۲۷۰۰ سال قبل از میلاد تعلق دارد.

**کتیبه‌ی تنگی‌وَر:** در ۴۵ کیلومتری شمال غربی بین روستاهای تنگی ور و یوزیدَر بر روی صخره‌ای در دره‌ای تنگ، کتیبه‌ای به خط میخی و زبان آشوری در کنار نیم تنه‌ی برجسته‌ی یکی از پادشاهان آشور حجاری شده است. این کتیبه و نقش آن را به سارگن دوم پادشاه آشور (قرن هفتم قبل از میلاد) نسبت می‌دهند.

**قلعه‌ی قم چُغای:** دژ باستانی قم چُغای در ۴۵ کیلومتری شمال شهر بیجار واقع است. در حال حاضر بر بالای ارتفاعی مشرف به دره‌ی شاهان آثار پراکنده‌ای شامل دیوارها، راه پله‌ها، آب انبارها و اتاق هائی از زمان مادها تا اواخر دوره‌ی ساسانی وجود دارد. در دوره‌های سلجوقی و ایلخانی خانه‌هایی خشتی و آجری با محراب و پلکانی بر آن افزوده شده است.

**قران نِگل:** در مسجد قدیمی روستای نگل در ۶۵ کیلومتری جاده‌ی سنندج ـ مریوان، قرآنی مذهب

و مزین به نقوش گیاهی به خط کوفی وجود دارد که بنابر باور مردم یکی از چهار قرآنی است که در زمان خلیفه‌ی سوم نگارش یافته و به اکناف عالم فرستاده شده است. این قرآن در قطع رحلی و با جلد چرمی بر روی کاغذی شبیه به پوست آهو نوشته شده است و مزین به تذهیب در سر سوره‌ها و شماره‌های آیات است که بنا به نظر کارشناسان با توجه به شیوه‌ی نگارش و اعراب گذاری باید متعلق به قرن‌های چهارم یا پنجم هجری باشد.

**مسجد جامع سنندج (دارالاحسان)**: این بنا که در خیابان امام خمینی شهر سنندج قرار دارد به همت امان الله خان اردلان در سال ۱۲۲۷ هجری بنا شده و دارای فضاهای وسیع و متعدد است. مسجد دارالاحسان یکی از آثار مهم دوره‌ی اسلامی استان کردستان است و به سبک مسجد ـ مدرسه بوده که بر اثر خیابان کشی صحن اصلی مسجد به طور کامل از بین رفته است. مسجد دارای تزئینات کاشیکاری هفت رنگ، آجرکاری لعابدار و معقلی، حوض سنگی و مهم‌تر از همه نگارش دو ثلث قرآن مجید در کتیبه‌های متعدد آن است.

**مسجد و مقبره‌ی هاجره خاتون**: در محله‌ی قدیمی سرتپوله‌ی سنندج مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ای از بناهای مذهبی شامل زیارتگاه، مسجد، مدرسه‌ی علوم دینی و آرامگاه مشایخ قرار دارد که منتسب به هاجره‌ی خاتون خواهر امام رضا (ع) است. ستون‌های سنگی، گچبری‌های زیبا با نقوش اسلیمی کار استادکاران سنندج از نکات برجسته‌ی این مجموعه است.

**عمارت آصف**: زمان ساخت بنای اصلی این عمارت به دوره‌ی صفوی باز می‌گردد، ولی در دوره‌ی قاجار و پهلوی بخش هائی به آن افزوده شده است. این بنا دارای ایوان ستون دار و ارسی و تزئینات گچبری، آئینه کاری و کارهای هنری چوبی است. نوع معماری، سنگ‌های تراش خورده و برجسته کاری شده و طاق‌های هلالی و همچنین حمام دیدنی بزرگ آن درخور توجه است.

**بازار سنندج**: بازار سنندج قبلاً به شکل یک مستطیل بزرگ بوده و در مرکز آن سراهای مختلف قرار داشته است که بر اثر احداث خیابان انقلاب (سیروس) دو قسمت شده که اکنون بخشی از سنندجی و بخشی را آصف می‌نامند. بنای این بازار به قرن ۱۱ هجری و دوره‌ی صفوی می‌رسد و با الهام از بازار میدان نقش جهان اصفهان ساخته شده است.

**موزه‌ی سنندج (عمارت ملا لطف الله شیخ الاسلام)**: این بنا در اواخر حکومت ناصر الدین شاه قاجار به همت ملا لطف الله شیخ الاسلام از علمای اهل سنت احداث گردید. بخش بیرونی شامل تالار تشریفات، زیرزمین، فضاهای جنبی و اتاق‌های دو طبقه است. ارسی هفت لنگه‌ی زیبای آن ـ که ۴ سال کار برده ـ دیدنی‌ترین قسمت این بخش است که اکنون در موزه‌ی سنندج می‌باشد. بخش اندرونی نیز دارای فضاهای متعددی از جمله پنج دری و همچنین سه دری‌های متعدد و حمام است که اکنون محل اداره‌ی کل میراث فرهنگی استان کردستان است.

**عمارت خسروآباد**: بنای اصلی عمارت خسرو آباد (قصر خسرویه) به دوره‌ی زندیه و زمان خسرو خان اول (حکمران کردستان) برمی‌گردد. در سال ۱۲۲۳ هـ‌ق امان‌الله‌خان اردلان آن را برای پسرش خسروخان ناکام توسعه‌ی کامل بخشید و الحاقاتی بدان افزود. بنا با بخش‌های مختلفی چون قصر اصلی و سر درِ ورودی با ویژگی معماری

بومی منطقه و تزئینات آینه کاری، گچبری، اُرُسی‌های دقیق و بی‌نظیر و فضاهائی چون حمام و اتاق خدمه، یک ساختمان اشرافی را به نمایش می‌گذارد. این بنا در بلوار شبلی سنندج قرار دارد.

**عمارت مشیر دیوان:** این عمارت که در خیابان شهدای سنندج واقع است، مجموعه‌ای از فضاهای متعدد با شیوه و اسلوب معماری ایرانی به ویژه پلان یک ایوانی می‌باشد که به همت میرزا یوسف مشیر دیوان، فرزند یکی از رجال سیاسی به نام میرزا رضای کردستانی، در دوره‌ی قاجاریه ساخته شده است. عمارت دارای ۷ حیاط است که هر یک دارای آبنمای مجزا با طرح‌های گوناگون می‌باشد.

سر در ورودی بنا با پلان نیم هشتی، تزئینات آجری، سقفِ شیروانی تالار تشریفات، ایوان ستون دار جلوی آن با طرح کلاه فرنگی و گچبری و مقرنس‌های گچی، کاربندی‌های زیبا و اُرُسی‌های با ارزش به بنا تشخص ویژه‌ای داده است. کار حجاری روی سنگ ازاره از جمله تزئینات بسیار شاخص بناست.

**عمارت امجدالاشرف:** از بناهای مشهور دوره‌ی قاجار است، با حیاط سنگفرش، حوض، حمام و تالار حسینیه که از جالب‌ترین بخش‌های بناست و تزئینات آن به دست استادکاران اصفهانی طراحی و اجرا شده است. به علاوه تأسیسات آب‌رسانی این ساختمان نیز قابل توجه است. این بنا که در خیابان صلاح الدین ایوبی سنندج واقع شده، به حسینیه سنندج محسوب می‌گردد که هر ساله مراسم عزاداری سالار شهیدان امام حسین (ع) در آن برگزار می‌شود. ویژگی مهم این بنا نقاشی و گچبری‌های منحصر به فرد آن است.

**پل قشلاق:** در فاصله‌ی ۳ کیلومتری شرق سنندج بر روی رودخانه‌ی قشلاق پلی با ۶ دهانه‌ی آجری احداث شده که به پل‌های عصر صفوی شباهت تام دارد. آجرها به ابعاد ۲۵×۲۵ و قطر ۵ سانتی متر و پایه‌ها از سنگ لاشه و ملاط آن ساروج است. عرض پل ۵/۸ و طول آن ۸۵ متر و ارتفاع آن از سطح رودخانه ۱۲ متر است. این پل دو کتیبه‌ی تاریخی دارد که حاکی از تعمیر و مرمت پل در دوره‌ی قاجاریه است.

**حمام تاریخی قصلان:** در روستای قصلان در ۶ کیلومتری شمال قروه حمام بسیار زیبائی از دوره‌ی قاجار به جا مانده است. این حمام دارای فضاهای سربینه، بینه، خزینه و ... است که تا چند سال قبل هم مورد استفاده بوده است. موقعیت استقرار آن با توجه به نزدیکی به روستای باباگُرگُر و چشمه‌ی آب معدنی آن بر اهمیت آن می‌افزاید. این حمام یکی از بناهای مجموعه‌ی بزرگی بوده که در این روستا قرار داشته و اکنون بقایای برج و باروی اطراف آن باقی مانده است.

**پل صلوات آباد:** این پل در ۱۵ کیلومتری جاده‌ی آسفالته بیجار ـ تکاب واقع است. تاریخ دقیق ساخت پل مشخص نیست، اما از شواهد پیداست که پل با عناصر ویژه دوره‌ی صفوی به خصوص سنگ‌های حجاری شده، و الگوهای معماری این دوران ساخته شده و در دوره‌های بعدی مرمت هائی بر روی آن انجام گرفته است. پل صلوات آباد دارای ۹ چشمه است که اندازه‌ی دهانه‌های آن متفاوت می‌باشد. طول پل ۱۳۰ متر و ارتفاع آن به نسبت موقعیت و محل بین ۸/۴ تا ۱۲ متر است.

**مراسم پیر شالیار، در منطقه‌ی اورامانات:** منطقه‌ی ژاورود و اورامانات در زمره‌ی چشم اندازهای بکر و دلفریب و جلوه‌ای از شگفتی‌های طبیعت کردستان است. این منطقه با کوه‌های

مرتفع و مناظر طبیعی خاص خود، درکنار بافت روستایی ویژه‌ی کوهستانی و نوع قرارگیری منازل مسکونی در جوار هم، نوازشگر چشمان هر بیننده‌ای است. در یکی از روستاهای این منطقه به نام اورامان تخت، زیارتگاهی قرار دارد که تقدس خود را از دوران زرتشت تاکنون طی سده‌های متمادی به درازای تاریخ کردستان حفظ کرده است. مراسم آیینی و حیرت‌انگیز پیر شالیار هر ساله (در ماه‌های بهمن و اردیبهشت) در این مکان مقدس، فضای روحانی و عرفانی ویژه‌ای ایجاد می‌کند.

**نقش برجسته‌ی آبیدر:** در میدان حجابِ آبیدر سنندج بر سطح دیواره‌ها، صحنه‌هایی از شکار و رزم انسان با حیوانات و جانوران افسانه‌ای و تصویر خدایان اسطوره‌های نقش شده است. این نقوش براساس قطعات عاج منقوشی که در حفاری‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی قلعه‌ی زیویه سقز به دست آمده‌اند، با بزرگ نمائی لازم توسط هنرمند معاصر هادی ضیاءالدینی بازآفرینی شده است.

**چشمه‌ی آب معدنی باباگُر:** این چشمه در ۱۸ کیلومتری شمال قروه قرار دارد و دارای استخری عمیق با محیط حدود ۲۰۰ متر است. در این محل آهک سازهای فراوانسی وجود دارد که برجستگی‌های زیبائی را به مرور ایجاد کرده که برخی از آن‌ها غول آسا و شگفت‌انگیز است. آب این چشمه با رنگ زرد مایل به نارنجی و گاز کربنیک فراوان، طعم خاصی دارد و دارای خواص درمانی بسیار است.

مجموعه‌ی امامزاده باباگرگر و بقعه‌ی سید جمال الدین و چشمه‌های آهکی پیرامون آن بر اعتبار گردشگری این مکان افزوده است.

**چشمه‌ی آب معدنی گواز:** این چشمه در ۵۰ کیلومتری شمال غربی کامیاران و در دامنه‌ی کوهِ روستای گوار قرار دارد، آب آن گرم و طعم گوگرد دارد.

**غار شووی:** این غار در نزدیکی مرز ایران و عراق در ۱۲ کیلومتری بانه قرار دارد و طول آن ۲۶۷ متر است. درون غار آبرفتی، ریزشی و خطرناک است و چاه‌های عمیق زیادی بر گوشه و کنار دالان‌های آن قرار دارد. در انتهای غار دریاچه‌ی کوچکی وجود دارد. ـ اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کردستان با همکاری مدیریت میراث فرهنگی کردستان

## مردم‌شناسی و آداب و رسوم

**مفاخر:** کردستان محل پرورش مفاخر ارزشمند و گرانمایه‌ای بوده است که در ایران نقش مهم و مؤثری داشته‌اند، به ویژه برخی از آن‌ها در دنیای اسلام از مقام ارجمندی برخوردار بوده‌اند. بنا به اسناد، کتاب‌ها و مدارک تاریخی مقر ظهور زردشت را در این ناحیه می‌دانند. شیخ شهاب الدین سهروردی را منسوب به این منطقه از ایران میشمارند. صلاح الدین ایوبی که از سرداران و فاتحان بزرگ جنگ‌های صلیبی بود از کردان نام آور است. از شاعران برجسته، مولوی کرد، نالی، مستوره‌ی اردلان، امیر نظام گروسی، فاضل گروسی، آیت الله شیخ محمد مردوخ و هچنین از نویسندگان، هژار، استاد هیمن، محمد قاضی، عبدالکریم مدرسی و... را می‌توان نام برد.

**نژاد:** مردم استان کردستان از نژاد کرد هستند که یکی از قدیمی‌ترین نژادهای آریائی است. دین آنان اسلام و اکثریت مردم پیرو مذهب تسنّن هستند. زبان رایج در این استان کردی است که به

شاخه‌های کرمانج شمالی و جنوبی، اورامانی، گورانی و کردی کرمانشاهی تقسیم می‌شود. مردم کردستان به لهجه‌های کرمانج جنوبی که تقریباً زبان عمومی کردی در کشور است سخن می‌گویند. در سراسر استان با لهجه‌های مختلف تکلم می‌شود. در کردستان زندگی عشایری هم وجود دارد. عشایر کردستان از طوایف قدیمی کرد ایران هستند و زندگی آن‌ها بر اساس دامداری استوار است. مهم‌ترین ایلات کردستان عبارتند از: شیخ اسماعیلی ـ دُرّاجی ـ سورسوری ـ لک ـ سوماری ـ گلباغی و قال قالی.

کُردها یکی از شعبه‌های مشهور نژاد آریائی هستند که از حدود دو هزار سال پیش از میلاد مسیح به شمال غربی و شرقی دریای ارومیه مهاجرت نموده‌اند و محققان در آریایی بودن آن‌ها شکی ندارند. بنا به نوشته‌ی مینورسکی طوایف کرد از شرق ایران به سوی غرب «کردستان» کوچ کرده و در آن جا مسکن گزیده‌اند و اسم بومیان نخستین را پاره‌ای «کارداکا» در حوالی دریاچه‌ی وان و مجاور طوایف «سو» دانسته‌اند و دسته‌ی دیگر آنان را «کوردویین» گفته‌اند و در پاره‌ای از تألیفات «کاردو» دیده می‌شود که همه بر مبنای «کارداکا» شکل گرفته و فرقی بین دو واژه‌ی «کورد» و «کارد» نیست.

کردها مردمانی ایرانی تبارند که زبان، فرهنگ و آداب و سنن آنان در ارتباط و پیوند با دیگر مردمان در قلمرو زیست اقوام ایرانی است. در اسناد سومری و آشوری از بخشی از اقوام ساکن در سرزمین کوهستانی شرق آشور، شمال شرقی و شرق بین النهرین و سرزمین سومر به نام «کرتی» یا «گودی و کارتی و کارد» نام برده شده و در منابع ارمنی واژه «کردوخ» بر اینان اطلاق شده است.

برخی نیز معتقدند که کردها پس از دومین مهاجرت بزرگ آریائی‌ها به سرزمین ایران کنونی دراتحادیه مادها مانند سایر اقوام (ماننائی، لولوبی و ...) شرکت داشتند. اگر واژه‌ی «گوتی» قوم گوتی با کورتی یا کرتی یکی قلمداد شود، باید سابقه و منشأ نژادی کردها را هزاره‌ی سوم پیش از میلاد بدانیم. برخی معتقدند گوتی‌ها اقوام متمایز از کردها بودند.

**زبان:** مردم کردستان به زبان کردی سخن می‌گویند. زبان کردی یکی از قدیمی‌ترین زبان‌های ایران است که تحقیقاتی گسترده درباره‌ی آن انجام گرفته است. «دیاکونوف» مستشرق روسی معتقد است، زبان کردی یکی از شاخه‌های زبان مادی است که بقایای آن (زبان مادی) در گویش‌های تاتی، تالشی، آذری، گیلانی، طبری، سمنانی، اورامانی و ... محفوظ مانده است.

کردی زبانی است که در ایران، عراق، ترکیه، قفقاز و سوریه به آن صحبت می‌کنند و از شاخه گویش‌های غربی زبان‌های ایرانی محسوب می‌شود. گویش‌های ایرانی غربی به دو گروه شمالی و جنوبی تقسیم شده‌اند که فارسی نوین و پهلوی ساسانی (فارسی میانه) جزو گروه جنوبی و پهلوی اشکانی و کردی در گروه شمالی آن قرار دارند.

گویش‌های جنوبی را «سورانی» می‌نامند که گویش سقز، مهاباد، نقده، اشنویه، بانه، سردشت، بوکان، سنندج، شهرزور (سلیمانیه)، خانقین، حلبچه، کوی سنجق، هولیر (اربیل) و قلعه‌ی دره است. گویش‌های شمالی را «بادینانی» یا «کرمانجی» گویند که غرب دریاچه ارومیه، کوه‌های آرارات، شمال سوریه، شمال کردستان عراق و نواحی کردنشین ترکیه و ارمنستان را دربرمیگیرد.

از سرچشمه‌ی دجله و فرات تا خلیج فارس، قلمرو زبان کردی بوده است و مرکز این زبان ابتدا آرارات، بعد زاگرس، بعد از آن اسپهان (اصفهان)، سپس نهاوند، بعد همدان (هگمدان) و زمانی هم تیسفون بود.

گویش‌های کردی شامل آمادیه‌ای در کردستان غربی، اورامانی، باجلانی، بانه‌ای، پاوه‌ای، زازا، سلیمانیه‌ای، سنندجی، کرمانشاهی، گندوله‌ای، بزلانه، گورانی، لکی، مریوانی است.

## آداب و رسوم در استان کردستان

مردم کردستان و به ویژه روستائیان سنت‌های گرانبها و ارزشمند محلی را از دیرباز به خوبی حفظ کرده‌اند. این امر در حفظ پوشش لباس کاملاً مشهود است. کردها مانند دیگر مردم ایران در هر یک از جشن‌های ملی، دینی، فعالیت‌های تولیدی، زراعت، دامداری و غیره مراسم و مناسکی دارند. برخی از این مراسم مختص کردها و تعدادی از آن‌ها با اندک تفاوتی همانند سایر نقاط کشور برگزار می‌شود.

**دین طوایف و قبایل کرد:** با ظهور اسلام، طوایف کرد در قرن اول هجری بعد از تحمل مصائب و تلفات و خسارات بسیار عاقبت دین اسلام را پذیرفتند.

امروزه نیز اکثر طوایف کرد در انجام مناسک دینی خود از فقه امام شافعی پیروی می‌کنند. معدودی از قبایل نیز یکی از مذاهب مالکی، حنبلی و حنفی را اختیار نموده‌اند. گروهی هم شیعه و پیرو طریقه‌ی امام جعفرصادق علیه‌السلام و بعضی نیز زیر پوشش بدعت‌های دینی با نام‌های اهل حق، یزیدی، صارلی، شبیک، بجوران و کاکی با حفظ برخی از آداب و مناسک و معتقدات دین قدیم ایران (مزدیسنا) همچنان به حیات دینی و اعتقادی خود ادامه می‌دهند.

در اعتقادات طوایف اهل حق، بدون شک بازمانده‌ی قدیمترین عقیده‌ی ایرانی یعنی جنگ بین خیر و شر می‌باشد. بعلاوه از ویژگی‌های این سبک رعایت سه اصل «پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک» است که اجرای آن بر هر اهل حق واجب است.

در مسلک کردان اهل حق نیز خاوندگار (خدا) به منزله‌ی سلطان «پادشاه دو عالم» و فرشتگان هفت گانه وزرای پادشاه‌اند. بنا به اعتقاد اهل حق، فرشتگان هفت گانه (هفت تن) هر یک عهده دار وظایفی اند که خداوندگار در جهان مادی و معنوی به آن‌ها محول کرده است. وظایفی که اهل حق برای هر یک از هفت تنان خویش در دوره‌های مختلف قائل اند بی شباهت به وظایف هفت امشاسپندان بزرگ در مزدیسنا نیست.

به عقیده‌ی یزیدی‌ها اولین مخلوق خداوند، ملک طاووس (شیطان) است که او را با ذات الهی یکی می‌دانند، ملک طاووس (شیطان) با شش ملک دیگر به نیابت از طرف یزدان امور عالمیان را تمشیت می‌دهند و رابط بین خدا و خلق اند.

از ویژگی‌های مذهب یزیدی اینکه دارای تشکیلات خاص اجتماعی، دینی هستند و مردم در طبقات و گروه‌های اجتماعی که وظیفه هر طبقه و گروه جدا و مشخص از وظایف دیگر گروه‌ها و طبقات است، جای دارند.

هر یک از طبقات در مرتبه خود برای همیشه جای دارند و فرزندان آن‌ها وارث مقام و جایگاه پدرانند. این طبقات به ترتیب مقام و پایگاه اجتماعی عبارتند از: ۱ـ امیران: بالاترین مرتبه‌ی اجتماعی در بین یزیدی‌ها طبقه‌ی «امیر» است و

امیر کسی است که ریاست ملت یزیدی را داراست.
۲- پسمیر: طبقه‌ی پسمیر پائین‌تر از امیران قرار دارد.
۳- پیشین امام: سومین طبقه‌ی اجتماعی، دینی که وظیفه‌ی روحانی دارند، از وظایف آن‌ها انجام ازدواج‌ها (عقد نکاح) است.
۴- بابا شیخ: رئیس و بزرگ‌ترین پایگاه اجتماعی را در میان مشایخ دارد.
۵- مشایخ: پنجمین گروه اجتماعی، دینی، معتقدند الوهیت یزید به مشایخ به ارث رسیده است و می‌توانند درکارکائنات دخل و تصرف کنند و سیر طبیعت را تغییر دهند.
۶- پیرها: در بین یزیدی‌ها طبقه‌ی پیرها همان اصطلاح تصوف یعنی مرشد و رهبر و مراد است.
۷- فقیریها: به کسی گفته می‌شود که زاهد و تارک دنیا باشد، هر کسی می‌تواند به مرتبه‌ی فقیری برسد.
۸- قوّال‌ها: در اصطلاح یزیدی‌ها قوّال کسی است که در مجالس مذهبی و زیارت اماکن مقدسه سرودهای دینی بخواند.
۹- کوچک‌ها: از طبقه‌ی عوام و غیر روحانی هستند، وظیفه‌شان خدمت در مراقد بزرگان یزیدی است یزیدی‌ها عقیده دارند، کوچک‌ها می‌توانند رابطه‌ی معنوی با عالم ملکوت برقرار سازند و از طریق مکاشفه و شهود از اسرار غیبی مطلع و باخبر شوند.
۱۰- مریدها: توده مردم که از طبقات و صنوف غیر روحانی و در مرتبه‌ی پائین از نظام اجتماعی دینی یزیدی قرار دارند و از جمیع مزایای دینی، اجتماعی محروم اند.

**تصوف درکردستان** کردها مردمی صوفی منش و درویش مسلک اند، اغلب مردم کرد در ایران، عراق و ترکیه به یکی از طریقه‌های تصوف سرسپرده‌اند. از این رو شعب تصوف در بین این مردم رواج دارد و هر جا مسجد هست، خانقاه و تکیه هم هست. با اینکه اساس و ریشه همه طریقه‌ها یکی است و سرسلسله و قطب واقعی علی علیه السلام است. با این حال زیر نفوذ مذهب، طریقه‌های تصوف کرد دو دسته هستند. یکی تصوف سنی و دیگر تصوف شیعی.

**عروسی:** مراسم ازدواج و برگزاری جشن عروسی در استان کردستان با توجه به ویژگی‌هائی که ریشه در فرهنگ و ادب و سخن این منطقه دارد از شیوه‌های متفاوتی با دیگر مناطق ایران برخوردار است.

این شیوه‌ها گرچه در هر یک از نقاط این استان اشکال گوناگونی دارد اما در مجموع در نحوه‌ی برگزاری جشن عروسی دارای وجه مشترکی می‌باشد.

شهرت مراسم عروسی در استان کردستان بیشتر مربوط به شب نشینی‌های سنتی است که پیش از برگزاری جشن اصلی عروسی ترتیب داده می‌شود.

این شب نشینی‌ها تا چند سال قبل بسته به بضاعت مالی خانواده‌های عروس و داماد بین سه تا هفت شب ادامه داشت اما امروز به دلایلی که پرداختن به آن ضرورتی ندارد به یک الی دو شب محدود شده است.

مقدمات ازدواج پسران و دختران جوان با مجلس خواستگاری و گفتگو بر سر تعیین مهریه و خرید طلا و لباس توسط داماد برای عروس و تعیین تاریخ عقد و عروسی آغاز می‌شود که در برخی مناطق روستائی اخذ شیربها توسط

خانواده‌ی عروس نیز هنوز مرسوم است.

مسئله‌ی مهریه و شیربها در این مناطق گاهی منجر به توافق در مورد گرفتن و دادن دختر بین دو خانواده می‌شود بدین ترتیب که خانواده‌ی داماد تقبل می‌کند در برابر عروس، دختری را با عقد و ازدواج یکی از پسران خانواده‌ی عروس در آورند و بدین ترتیب بسیاری از مسائل مالی دو طرف حل می‌شود.

این شیوه در استان کردستان مشکلات اجتماعی عمده‌ای را به دنبال داشته و بهمین دلیل به تدریج در حال منسوخ شدن است.

در هر حال پس از طی این مقدمات مراسمی با عنوان شیرینی خوران، برگزار می‌شود که طی آن با اعلام نامزدی رسمی دختر و پسر خطبه‌ی عقد نیز بین آنان جاری می‌شود و مراسم عروسی به زمان دیگری موکول می‌شود.

با نزدیک شدن روز عروسی مجالس شب نشینی از سوی خانواده‌های دو طرف به طور جداگانه ترتیب می‌یابد که در آن از کلیه‌ی نزدیکان دو خانواده دعوت به عمل می‌آید.

درگذشته‌ای نه چندان دور همزمان با این شب نشینی‌ها و یک شب قبل از روز عروسی مراسم حنابندان مرسوم بوده بدین ترتیب که دختران جوان دو خانواده و دوستان عروس در یک مجلس خصوصی شبانه به دست‌های خود و عروس حنا می‌بستند که این خود یک نوع آرایش دست‌ها نیز به شمار می‌رفت این مراسم امروز در شهرها منسوخ شده اما در نواحی روستائی همچنان پابرجاست و اهمیتی خاص برای آن قایل هستند.

زنان و مردان و دختران و پسران کرد در مجالس شادی خصوصاً شب نشینی هائی که به مناسبت عروسی‌ها برپا می‌شود با پوشیدن لباس‌های زیبا و تماشائی هماهنگ با نوای سازهای محلی یک در میان کنار هم قرار گرفته و درحالیکه با گرفتن دو سر یک دستمال فاصله‌ی خود را حفظ می‌کنند دایره وار به رقص محلی کردی که اصطلاحاً «چوبی» گفته می‌شود و ریتم‌های گوناگونی دارد می‌ایستند.

هدایت حلقه‌ی پایکوبی و عوض کردن حرکات رقص محلی را شخصی که در ابتدای همه در طرف راست قرار می‌گیرد و دستمال بلندی را به شیوه‌ی خاصی هماهنگ با حرکات پا به گردش در می‌آورد بر عهده دارد که در لهجه‌ی محلی «سرچوبی» نامیده می‌شود.

سرچوبی با ادامه‌ی رقص به نوبت به سایر افراد واگذار می‌شود و غالباً کسانی داوطلب سرچوبی می‌شوند که از تبحر بیشتری نسبت به سایرین برخوردار باشند. هنگام اجرای رقص دیگر مهمانانی که نظاره گران هستند هر یک به فراخور حال خود سرچوبی را شاباش می‌کنند که معمولاً این کار با سپردن مبالغی اسکناس بدست نوازندگان و چرخاندن آن بر سر و شانه‌ی سرچوبی انجام می‌شود. زنان و مردانی که در این پایکوبی کنار هم قرار می‌گیرند قرابت نزدیک با هم دارند و نسبت به یکدیگر محرم هستند و بندرت دیده می‌شود که کسانی که بدون داشتن محرمیت وارد حلقه رقص شوند.

با پایان یافتن شب نشینی روز عروسی فرا می‌رسد که در این روز نیز ضمن ادامه‌ی رقص و پایکوبی و دادن ناهار به مهمانان نزدیک عصر داماد در حالیکه تعدادی از میهمانان خصوصاً دختران و پسران جوان وی را همراهی می‌کنند، به طرف خانه‌ی عروس حرکت می‌کنند و پس از

صرف چای و شیرینی و کسب اجازه از والدین عروس وی را به خانه داماد می‌آورند و در اینجا شادی و نشاط حاضران به اوج می‌رسد.

عروس و داماد پس از ورود به محل برگزاری مراسم وارد حلقه رقص شده و طبق یک سنت دیرینه هر یک به نوبت سرچوبی را در دست می‌گیرند و در حالیکه جمع زیادی از دختران و پسران آنان را همراهی می‌کنند دقایقی به آرامی به پایکوبی می‌پردازند.

با رقص عروس و داماد، مبالغ هنگفتی از محل شاباشها نصیب نوازندگان می‌شود.

با پایان یافتن جشن عروسی و پس از گذشت یک هفته کلیه‌ی دعوت شدگان دو طرف به استثنا مردان و پسران در منزل داماد جمع می‌شوند و با برگزاری مراسم دیگری که گستردگی مراسم شب نشینی و عروسی را ندارد هدایای خود را که عمدتاً شامل پول نقد است به عروس و داماد می‌دهند.

این هدایا که در اصطلاح محلی «هفته» گفته می‌شود با هدف کمک به تشکیل به زندگی جدید زوج‌های جوان و جبران هزینه‌های عروسی ارائه می‌شود و هرکسی تلاش می‌کند هدیه‌اش ارزشمندتر از هدایای سایرین باشد.

**عروسی در کردستان خواستگاری و عروسی در میان ایلات و عشایر کردستان:** شیرین‌ترین و زیباترین مراسم آکراد مراسم عروسی است. عده‌ای از ریش سفیدان محل را به منزل پدر دختر که باید خواستگاری شود می‌فرستند و چنانچه با درخواست آنان موافقت شد بلافاصله کار را انجام شده می‌دانند و روز عقد را تعیین می‌کنند و طبق مقررات مذهبی مراسم عقد انجام می‌گیرد.

عده‌ای از معتمدین در روز عقد به خانه‌ی عروس رفته عروس را سوار بر اسب کرده و به خانه‌ی داماد حرکت می‌دهند و چنانچه در مقابل دختر، دختری دادند، در یک روز معین این دو عروس را طوری حرکت می‌دهند که در وسط راه بتوانند تحویل و مبادله نمایند. به دنبال عروسان یک نفر مرد و زن از خانواده و بستگان عروس حق دارند به منزل داماد بروند و مرسوم است که کلیه‌ی بستگان داماد برای داماد و خویشاوندان عروس برای عروس هدایایی مثلاً پول، طلا یا پارچه‌های گرانقیمت می‌آورند.

پس از نزدیک شدن عروس به خانه‌ی داماد، با تیراندازی، سواری، رقص و پایکوبی از عروس استقبال می‌کنند.

به مدت سه الی هفت روز ضیافت در منزل داماد ادامه دارد که به محض ورود عروس و داماد همگی بر اسب نشسته در میدان خارج از روستا یا سیاه چادر گرد یکدیگر حرکت می‌کنند و کم کم به داماد نزدیک می‌شوند. داماد بایستی با تهور و زبر دستی خود را از میان سواران خارج نموده و به عروس که روی اسب نشسته نزدیک شود و او را از روی زین اسب ربوده، بر ترک خود بنشاند و فرار کند. اگر کسان عروس در موقع تعقیب، داماد را به دست بیاورند، عدم لیاقت و کفایت داماد در فنون پهلوانی ثابت می‌شود و در بعضی مواقع عروس از ازدواج با او امتناع می‌کند.

مراسم دیگر، افروختن آتش و رقص عمومی ست ... گاهی یک زن و یک مرد به ترتیب دایره وار می‌ایستند و این رقص را چوبی رشبلک (رشبلک تعبیری از تقارن جو و گندم است) و می‌گویند گاهی نیز فقط مردان جوان از روی آتش جست و خیز می‌کنند و آن را «چوبی هل پرکه» می‌گویند.

سابقاً معمول بوده است که هنگام ورود بستگان عروس به خانه‌ی داماد ظرف‌های بزرگ از سرکه و شیره مخلوط پرکرده و به تعداد نزدیکان عروس قاشق چوبی حاضر می‌نمودند، کسان عروس پس از نوشیدن سرکه شیره، قاشق را با خود به خانه‌ی عروس می‌بردند. اخیراً این رسم منسوخ شده ولی کسان عروس از خانه داماد قاشق می‌گیرند.

رهایی یا طلاق در میان آکراد بسیار زشت است و کمتر اتفاق می‌افتد، سابقاً مردان ایل‌ها در موقع عزیمت به جنگ به طلاق و رهائی زن خود سوگند یاد می‌کردند که از جنگ فرار نکنند.

**جشن‌ها و اعیاد:** جشن‌ها و آئین‌هایی که در میان کردان مرسوم است، دربرگیرنده‌ی جشن‌های مذهبی، قومی و باستانی است که ریشه در باورهای کهن مردم دارد و اغلب تاریخی و پاره‌ای اسطوره‌ای است.

**جشن نوروز:** یکی از مراسم سنتی و باستانی کردستانی، جشن نوروز است. در این مراسم جشن‌ها و نمایش‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد.

**میرنوروزی و مراسم کوسه گردی:** میر نوروزی کوسه‌گردی از جمله بازی‌ها و نمایش‌هایی بود که تا دو دهه پیش به عنوان مقدمه نوروز در استان کردستان برگزار می‌شد. مراسم کوسه‌گردی توسط دو نفر به اجرا در می‌آمد. یکی را کوسه و دیگری را زن کوسه می‌نامیدند. کوسه لباس مضحک و گشاد و کوتاهی می‌پوشید و ریش و سبیل انبوهی از پشم گوسفند می‌گذاشت و باگذاشتن کلاه بلند و شاخ بر سر و آویزان کردن زنگوله‌ای به دور گردن خود، به همراه زن کوسه که او نیز لباسی زنانه می‌پوشید و به نحو مضحکی آرایش می‌کرد، در کوچه‌ها و معابر به راه می‌افتاد و موجب خنده و شادی اهالی می‌شد.

**مراسم میر میرین یا امیر بهاری:** یکی دیگر از مراسم که از دیرباز در میان کردها رواج داشت و هر سال به مناسبت فرا رسیدن نوروز با تشریفات و شکوه خاصی برگزار می‌شد، «میرمیرین» یا «امیر بهاری» است. در گذشته این مراسم سنتی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. در این مراسم ضمن تفریح و سرگرمی، انتقاد از برخی حکام زورگوی محلی رایج بود و تمثیل‌های فکاهی از فرمانروای مستبد به صورت کمدی و نشاط‌انگیز به کار می‌رفت.

**جشن‌های مذهبی:** جشن‌های مذهبی عبارتند از عید فطر و عید قربان که با نماز مخصوص آن روز و پوشیدن لباس نو و دید و بازدید همراه است و نیز جشن مولودی یا عید تولد پیامبر (ص) که از شکوه ویژه‌ای برخوردار است. این جشن در ماه تولد پیامبر (ص) که سراسر سرور و شادی است برگزار می‌شود. مراسم توأم با پخت غذاهای نذری و آش مخصوص و تقسیم آن در میان مردم است و همراه با آن مراسم ذکر دراویش و نواختن دف و خواندن اذکار مخصوص شامل مولودی خوانی، حمد و ستایش حضرت محمد (ص) و نیایش به درگاه خداوند نیز اجرا می‌شود. البته مولودی خوانی در ماه‌های دیگر سال، به جز ماه‌های محرم و صفر، نیز برگزار می‌شود.

**مراسم پیر شالیار:** مراسم و جشن‌های سنتی دیگری نیز در میان کردان دیده می‌شود که ریشه در باورهای اساطیری و ادیان باستانی ایشان دارد. برگزاری جشن عروسی پیر شالیار از آن جمله است.

جشن عروسی پیر شالیار (شهریار) مراسمی بسیار کهن است. اگر چه این مراسم در طول زمان با تغییرات بسیار مواجه بوده، ولی ریشه‌های کهن

اساطیر خود را به خوبی حفظ کرده است. در منابع مکتوب تاریخی آمده است: پیر روحانی از مغان زرتشت به پیر شالیار نزد مردم اورامان بسیار محترم است و کتابش به بیگانگان نشان نمی‌دهند و کلماتش به جای ضرب‌المثل به کار می‌رود. جشن بزرگ مردم اورامان در بهمن ماه که سال روز ازدواج اوست برگزار می‌شود.

این مراسم هر سال در بهمن ماه، در آغاز چله‌ی کوچک، در سه مرحله و طی سه هفته انجام می‌شود.

**ادبیات شفاهی:** کردستان سرزمین ترانه‌ها و آهنگ هاست و در هر منطقه‌ی آن صدها آهنگ، ترانه، بیت و لالائی وجود دارد. این ترانه‌ها با رنگ‌های شاد و گوناگون نوازشگر اهل دل است.

**ترانه‌های مذهبی:** سرچشمه‌ی ترانه به مذاهب اولیه انسان یعنی به دوره‌ی میتراییسم می‌رسد و ترانه‌های مذهبی برکار و کشاورزی مقدم است. از این رو دو مقام مشهور موسیقی کردها یعنی حیران و لاووک به دوره‌های پیش از اسلام نسبت داده می‌شود.

**ترانه‌های کار:** این ترانه‌ها نیز از قدمت دیرین برخوردارند. این ترانه‌ها از آرزوهای انسان‌ها، زندگی و آینده، شادی‌ها و رنج‌ها و بالاخره امید، تلاش و پویندگی سخن می‌گوید. در فولکور کردی ترانه‌های عروسی، رقص، مشک زنی، خرمن‌کوبی و دوشیدن گاو وجود دارد. اشعار این ترانه‌ها و واژه‌های آن از زبان ساده‌ترین انسان‌ها گرفته شده و تصویری طبیعی از احساسات دلداگان جوان را بیان می‌کند.

**ترانه‌های خانقاهی:** از بخش‌های اساسی آوازهای کردی، ترانه‌های خانقاهی است. دراویش کرد آن گاه که از شقاوت بی امان روزگار و تبعیض‌های ناروا به ستوه می‌آیند برای رهایی از نامردی‌ها و زرق و برق دنیای مادی، سر بر آستان خانقاه می‌سایند، موهای بلند را رها می‌کنند و هماهنگ با ذکر «لا اله الا الله» و نوای پر طنین دف و نی و خواندن اشعار عرفانی، به خلسه فرو می‌روند، به تزکیه‌ی روح خود می‌پردازند، و از پیر و مرشد خویش یاری می‌جویند.

**مولودی خانی:** مولودی خوانی نیز از مراسم عرفانی و پرشکوه کردها در روزها و شب‌های ربیع الاول است. در این شب‌ها در مساجد، خانقاه‌ها و منازل، میلاد حضرت محمد (ص) جشن گرفته می‌شود. دراویش گورانی آهنگ مخصوص مولودی را با گروه دف زن سر می‌دهند.

**نوای عزاداری:** زنان میان سال هنگام عزاداری آهنگی به نام «لاونوره» را برای بازماندگان فرد از دست رفته، سر می‌دهند.

**لالایی:** مادران برای خواباندن کودکان خود لالایی می‌خوانند این لالایی‌ها از بی وفائی‌هائی می‌گوید اما مفهوم لغوی ترانه‌ها سرشار از حین خواباندن کودک آموزش روح فرزند خود را مدنظر دارد و او را با ریتم و وزن که اساس زندگی آینده او بر آن استوار است، آشنا می‌سازد. در قالب این لالایی‌ها اشکال مختلف ادبیات بومی بیان می‌شود. در حقیقت لالایی‌ها آینه‌ی تمام نمای فرهنگ قوم کرد است. لالایی در لهجه‌ی کردی «لای، لای» یا «لاوه، لاوه» گفته می‌شود.

**موسیقی:** کردستان را باید مهد موسیقی ایرانی قلمداد کرد. زیرا، موسیقی کردی با موسیقی‌های باستانی ایران نسبتی تمام و کامل دارد. در میان انواع بی نظیر موسیقی کردی، «هوره» و «شمشال» از همه قدیمی ترند. قدمت برخی از انوع موسیقی

به بیش از هزار سال و حتی به پیش از ظهور اسلام در ایران می‌رسد.

موسیقی کردی را از لحاظ قدمت شاید بتوان به دو گروه تقسیم کرد:

●موسیقی باستانی که با عناوینی چون هوره، موره، لوره و سیاچمانه (سیاه چشمان)، چوبی و نغمه‌هایی سماعی ـ سنتی شناخته می‌شود و عموماً بدون کلمات اضافی بر اشعار ده هجایی استوار است. نوع آئینی این موسیقی، مرثیه‌گون و وصف حال آن را حقیقی و نوع غنایی آن را مجاز می‌دانند.

●گروه دوم در برگیرنده‌ی نغماتی چون صمد لچکی، مقام الله ویسی، مقام کوچه باغی، صمد مسگری و ترانه‌های ملودیک است که بر اشعار مجازی و گاه عروضی استوارند.

**بیت خوانی:** در کردستان نوع دیگری از موسیقی وجود دارد که به آن بیت خوانی می‌گویند که احتمالاً مترادف «گاتاخوانی» یا «گاساخوانی» است. بیت خوانی مبتنی بر نغمه‌ای کاملاً ساده و بدون رعایت وزن و قافیه و نظم است که در بیان جنگ سرداران و بزرگان دینی و آئینی و ملی اجرا می‌شود.

اصولاً موسیقی در کردستان در چند بخش اجرا می‌شود:

**موسیقی مقامی:** مقام‌های کردی عبارتند از الاویسی، هیران و قطار. در این مقام‌هام، نوازندگان بی‌شماری از گوشه‌های موسیقی ملی ایران را که در دستگاه‌ها و مقام‌های موسیقی ملی تجلی یافته، به سبک ویژه‌ای می‌نوازند.

بخشی از گوشه‌های موسیقی مقامی کهن ایران در این سرزمین حفظ شده است. مقام‌های موسیقی کردی از نظر پیوستگی فرهنگی کردها با سایر اقوام ایرانی و نیز دارا بودن جلوه‌های کهن موسیقی ایرانی، از ارزش بسیار برخوردار است.

**موسیقی آوازی:** این موسیقی در دو سبک و شیوه به نام‌های هوره و سیاچمانه اجرا می‌شود. به نظر می‌رسد که واژه‌ی هوره از «اهورا» یا «اهوره» گرفته شده است. «هوره» آوازهای کهن است که در بعضی از انواع آن، روایت‌های مربوط به ادیان باستانی ایرانی و تقدیس «آگر» (آتش) یافت می‌شود. اشعار آن مجازی است و از این لحاظ شباهت با اوستا دارد.

در گذشته اوستا را با لحنی آهنگین می‌خواندند. به این ترتیب شاید بتوان گفت «هوره خوانی» همان «اهورا خوانی» بوده که در وصف «سرور دانایان» خوانده می‌شد.

**موسیقی مذهبی:** موسیقی مذهبی به دو صورت اجرا می‌شود:

**موسیقی عزا:** که چمری نیز نامیده می‌شود، مراسمی است که سوگ بزرگی، پهلوانی یا رئیسی اجرا می‌شود. شیوه‌ی اجرای مراسم و عظمت آن یادآور سوگ سیاوش است.

**نوای ماه رمضان (سحری و بیدار باش):** نوای ویژه‌ی ماه رمضان که در زمان سحر و مغرب برای آگاهی مردم اجرا می‌شود. دارای دو نوا و ریتم است.

**موسیقی حماسی:** این موسیقی به نام «هه‌ل‌په‌رکی» یا «هه‌ل‌په‌رین» شهرت دارد و به معنی حمله کردن است. این رقص قدمتی بسیار کهن دارد و از روزگار پرستش خدایان در دوران مهر پرستی که در مهرابه‌ها اجرا می‌شد، به یادگار مانده است.

مراسم «هل‌په‌رکی» عبارت از هفت ریتم اصلی است که به ترتیب با ساز و همراهی اجرا کنندگان انجام می‌شود.

ریتم آن از کند و آرام و گریان شروع می‌شود و به ریتم هیجانی (سجار) پایان می‌یابد. در میان آن ریتم‌های دیگری مانند سی پا، فتاحی و پشت‌پا، زنگی و خانومیری، فتاح پاشائی، گه‌ریان، شه لان، چه پی، سقزی، کرماشانی و مریوانی نیز با دوزله و ضرب اجرا می‌شود.

ریتم‌های «هه‌ل په‌رکی» شامل ریتم‌های گریان، چپ و راست. لبلان، خان امیری، سجار، شلان و آروغان است. از این میان ریتم چپ و راست (فتاحی و پشت پا) در همه‌ی مناطق عشایر ایران اجرا می‌شود.

ریتم گریان در منطقه‌ی سنندج و اطراف آن تا مرزهای سقز در شمال و همدان و کرمانشاه در جنوب اجرا می‌شود. در مریوان ریتم سه پا معروف به راستا و «هه‌ل‌گردن» اجرا می‌شود.

مراسم ذکر در تکیه‌های دراویش قادری با نواختن دف و نی در جم خانه‌های اهل حق در کرمانشاهان و اورامانات با نواختن دف و تنبور اجرا می‌شود.

رقص سونه یا رقص مرغابی با آهنگ لبلان اجرا می‌شود.

**موسیقی سوارکاران:** مراسم اسب دوانی در سراسر روستاها و دشت‌های استان کردستان با آئین و مراسم خاص، در جشن‌ها و آئین‌های ملی مردم انجام می‌شود.

این مراسم با نوای سواران که از ریتم تندی برخوردار است، همراه می‌شود. در مراسم عروسی ـ چون در روستاها عروس را با اسب به خانه‌ی داماد می‌برند ـ نوای سواران با ریتمی آرام و ملایم اجرا می‌شود.

**سازهای محلی: شمشال:** از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین سازهای کردستان، شمشال است که در واقع همان نی چوپان است و از لوله‌ی فلزی ساخته شده و در مراسم عروسی و شادی همراه با آواز به صورت تک نوازی به کار می‌رود. این ساز در عزا نیز به کار می‌رود.

**دف:** یکی از سازهای سنتی خانقاه است که در مراسم ذکر نواخته می‌شود و گاهی با «طاس» همراه است.

**طاس:** سازی کوبه‌ای است که کاسه‌ی آن از جنس مس است و روی آن پوست می‌کشند و با چوب، تسمه چوبی یا لاستیکی بر آن می‌کوبند. استفاده از طاس در مرحله‌ی ذکر و قیام صورت می‌گیرد.

از دیگر سازهای محلی می‌توان از سورنا، دوزله و نرم نای نام برد که با آن‌ها همه نوع آهنگی نواخته می‌شود. این سازها به ویژه در آهنگ‌های رقص که با دهل، دایره یا تمبک همراهی می‌شود کاربرد دارد. توسط این ساز نغماتی با عناوین حیران، گریان، فتاح پاشائی، لبلان، زنگی، سه جار و شلان اجرا می‌شود.

**پوشاک:** پوشاک مردان و زنان کرد شمال تن پوش، سرپوش و پای‌افزار است. ساخت و کاربرد هر یک از این اجزا، بسته به فصل، نوع کار و معیشت و مراسم و جشن‌ها با یکدیگر تفاوت دارد. هر چند پوشاک نواحی مختلف کردستان مانند اورامان، سقز، بانه، گروس، سنندج، مریوان و ... متفاوت است. اما از نظر پوشش کامل بدن، همه با هم یکسان هستند. پیش از ورود پارچه، کفش‌های خارجی و سایر محصولات داخلی به استان کردستان، بیشتر پارچه‌ها و نیز پای‌افزار مورد نیاز، توسط بافندگان و دوزندگان محلی بافته و ساخته می‌شد.

از نظر بافت پارچه، منطقه‌ی سقز و از نظر ساخت پای‌افزار «گیوه» یا «کلاش» و «کالی» اورامانات و آبادی‌های پیرامون کوهستان شاهو

مانند هجیج، نودشه و آبادی‌های نوسود شهرستان پاوه چون میریه، خانه دره، مژگان، مزوی و وزلی از عمده‌ترین نواحی بافت و صدور پارچه و پای‌افزار در استان به شمار می‌رفتند. جولائی و بافت پارچه و انواع منسوجات مانند بوزو، برمال، جاجم، بره، پوشمین، موج، جوراب، دستکش، زنگال و کلاء به عنوان حرفه یاکار جنبی بخشی از آبادی نشینان مناطق مختلف کردستان محسوب می‌شد.

**ادبیات کردی:** امیر شرف‌خان بتلیسی، که در اواخر قرن دهم هجری، یعنی چهار صد سال پیش کتاب شرفنامه را به زبان فارسی در تاریخ کرد به زیور تألیف در آورد و موضوعات آن را از مراجع و مآخد تاریخی مختلف نقل و اقتباس کرده است، نخستین مورخی است که اشاره به اختلاف میان لهجه‌های زبان کردی کرده و گفته است «... و طایفه‌ی اکراد چهار قسم است و زبان و آداب ایشان مغایر یکدیگر است اول «کرمانج»، دوم «لر»، سوم «کلهر» و چهارم «گوران» است.»

**۱ـ کرمانجی:** غرض میرشرف‌خان از کرمانجی مفهوم اعم از مرادف کلمه کرد نیست بلکه منظور ایشان لهجه ایست که در عصر حاضر بیشتر از ده میلیون کرد به آن گفتگو می‌کنند و نویسندگان و مورخان آن را به دو بخش تقسیم می‌کنند.

الف: کرمانجی شمالی (باکوری): که کردان ساکن سابق (ایروان، جمهوری آذربایجان و گرجستان) ... و کردان ساکن ترکیه (در ولایت‌های وان، دیار بکر، قارص، بایزید، خرپوط، درسی، جزیره و غیره) و کردان ایران (در مناطق قوچان و بجنورد در استان خراسان شمالی، ایل‌های جلالی و میلان و هرکی و برادوست و غیره در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی و دهستان (جاوان) در منطقه‌ی دماوند از استان تهران) و کردان عراق (در استان‌های (دهوک) و (موصل) و جزدی از استان اربیل) و کردان سوریه (در استان دیرالزور و فرمانداری‌های (طابلس) و حصن الاکراد) و کردان لبنان و اردن، به آن گفتگو می‌کنند.

ب: کرمانجی جنوبی (باشوری): که خود گویش‌های مختلف دارد و در ایران (ساکنان مناطق مکریان از آذربایجان غربی ـ یعنی فرمانداری‌های مهاباد ـ سردشت در آذربایجان غربی و مناطق سنندج ـ مریوان ـ سقز ـ بانه و غیره در استان کردستان) و در عراق (استان سلیمانیه، کرکوک و اربیل...) با آن تکلم می‌کنند و این لهجه را اشتباهاً (سورانی) می‌نامند.

**۲ـ لری:** منظور امیر شرف خان از لری همان لهجه ایست که در عصر حاضر با گویش‌های مختلف آن اعم از (ایلامی ـ فیلی ـ بختیاری) در مناطق (پشتکوه ـ پیشکوه) و یا روشن‌تر از (همدان) تا (شوشتر) و (شهر کرد) در ایران و در میان کردان عراق در استان (کوت) و استان عماره و در میان فیلی‌های بغداد ـ بصره و غیره با آن گفتگو می‌شود.

**۳ـ کلهری:** مقصود امیر شرف خان از کلهری همان لهجه ایست که با گویش‌های مختلف آن در اکثر مناطق کرمانشاه، در قسمت لکستان از استان ساحلی در ایران و در میان کردان فرمانداری‌های خانقین، مندلی و مقدادیه (شهربان) با آن گفتگو می‌شود و برخی از نویسندگان اشتباهاً این لهجه را کرمانشانی و یا (لکی) می‌نامند. حال این که خود (لکی) یا ترکیبی از (لری ـ کلهری ـ گورانی) است.

**۴ـ گورانی:** مقصود امیر شرف خان از گورانی لهجه ایست که قبلاً از اردلان تا جبل حمرین ـ یعنی در استان کردستان در ایران و استان‌های سلیمانیه ـ کرکوک در عراق با آن گفتگو می‌شده

است، ولی بعلت این که بیشتر ایل‌های گورانی زبان، مانند زنگنه، سیاه منصور و غیره در عهد شاه عباس صفوی به افغانستان انتقال داده شده‌اند، بعلت همین مهاجرت متکلمین به این لهجه در اقلیت مانده‌اند. برخی از مورخان و نویسندگان اصطلاح «گورانی» و «هورامی» را اشتباهاً مرادف می‌دانند، در حالی که (هورامی) بخشی از گویش (گورانی) قدیم را تشکیل می‌دهند.

لهجه‌ی گورانی در زمان ما در میان ایل‌های زنگنه، سیاه منصور، گولالی، شوانکاره، کاکائی، هورامی و غیره، در کردستان عراق و در مناطق کردنشین ایران و افغان رواج دارد. ـ محمد صالح ابراهیمی محمدی

**نمونه ورزشهای بومی و محلی استان کردستان** ـ ۱ـ توپ قارین ۲ـکوشک یاکوشین ۳ـهلوکین ۴ـ قراقرا ۵ـ جل کوچکه ۶ـزوران پاتوله (کشتی) ۷ـ زوران مچکه (کشتی)

**توپ قارین** ـ «توپ قارین» یکی از بازیهای پرتحرک و جالب توجه استان کردستان است، این بازی میدانی بوده و بصورت گروهی بین دو تیم با نفرات مساوی انجام میشود، محل بازی زمین هموراری است شبیه زمین فوتبال.

وسیله بازی یک قطعه چوب دستی به طول ۷۰ تا ۸۰ و قطر ۴ تا ۵ سانتیمتر و یک عدد توپ لاستیکی باندازه توپ تنیس (در بیشتر موارد در منطقه این توپ را با نخ و پارچه درست میکنند). تعداد بازیکنان هر تیم معمولاً از ۵ نفر به بالا است.

**قراقرا** ـ بازی جمعی و تک‌گروهی است، نیازی به وسیله ندارد و در جائی از محله‌ها انجام میشود که بازیکنان بتوانند نقاطی را برای پنهان شدن پیدا کنند.

**چل کوچکه (چهل‌سنگ)** ـ بازی گروهی است که بین دو تیم با نفرات مساوی انجام میشود، محل بازی زمین هموراری است که وسعت آن بستگی به موقعیت محل و سن و وضعیت بازیکنان دارد.

وسیله بازی ۴۰ عدد سنگ کوچک است. برای تعیین موقعیت تیم‌ها قرعه‌کشی میشود. یک گروه جهت جمع کردن سنگها و گروه دیگر برای طی مسافت تعیین شده و بازگشت به محل اولیه.

**هلوکین** ـ بازی گروهی است بین دو تیم با نفرات مساوی که در فضای باز و زمینهای هموار و مسطح انجام میشود، برای تعیین تیمی که باید بازی را آغاز کند قرعه‌کشی انجام میشود.

وسیله این بازی دو قطعه چوب میباشد، طول چوب بزرگ (الک) ۶۰ تا ۷۰ سانتیمتر و طول چوب کوچک (دولک) ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر است. نقطه شروع بازی بوسیله یک قطعه سنگ مشخص میشود، این نقطه بنام «شار» موسوم است. ازکتاب ورزشهای سنتی، بومی و محلی ـ غلامحسین ملک‌محمدی ـ کمیته ملی المپیک

**اقتصاد:**

**منابع اقتصادی:** استان کردستان از نظر کشاورزی از مناطق مورد توجه و از لحاظ دام پروری یکی از قطب‌های اساسی دام داری کشور محسوب می‌شود. تولیدات کشاورزی این استان را به ترتیب اهمیت گندم، جو، حبوبات تشکیل می‌دهد. با توجه به شرایط طبیعی متنوع فعالیت‌های کشاورزی آن به شکل دیمی و آبی انجام می‌شود.

از دیگر فعالیت‌های اقتصادی استان، پرورش زنبور عسل از رونق به سزائی برخوردار است.

فعالیت‌های صنعتی استان کردستان در مقایسه با سایر استان‌های کشور بسیار محدود است و از مناطق توسعه نیافته‌ی صنعتی کشور به شمار می‌رود.

**محصولات مرتعی استان کردستان:** این محصولات شامل: کتیرا و ثعلب و گیاهان داروئی و رنگرزی است که عموماً به استان‌های دیگر صادر می‌شود.

**محصولات جنگلی:** بلوط، سقز، مازو، گلکاف، گز انگبین و چند محصول دیگر از محصولات جنگلی استان است که پاره‌ای از آن‌ها مانند سقز و گزانگبین صادر می‌شود و پاره‌ای در صنایع دستی مانند چرم سازی در گذشته مورد استفاده داشته است.

**محصولات دامی:** محصولات دامی شامل: روغن، پشم، روده، کشک و سایر فرآورده‌های لبنی است که بیشتر این محصولات جزو کالاهای صادراتی هستند.

**کشاورزی:** محصولات کشاورزی کردستان بیشتر گندم و جو است و هر ساله به دلیل ظرفیت کم انبارهای استان، مازاد آن به دیگر استان‌های کشور صادر می‌شود. از جمله محصولات دیگر استان، حبوبات مانند نخود و لوبیا، عدس و غیره است که به مصرف استان می‌رسد.

**دام:** دام‌های استان شامل: گوسفند، گاو و بز است که نوع بومی آن با توجه به تطابق زیستی منطقه و بهره گیری از روش طبیعی استان مقاوم ترند.

**چهارپایان:** در گذشته اسب‌های نژاد کرد شهرت فراوانی داشته است و به دلیل کوهستانی بودن منطقه قبل از رواج اتومبیل، نگهداری از اسب در خانواده‌های شهری و روستائی رایج بوده است. سایر چهارپایان مانند قاطر مخصوص مناطق سخت و سنگلاخ مانند منطقه‌ی اورامان است.

**طیور اهلی:** مرغ و خروس کردی دارای جثه‌ای ریز و رنگ‌های زیباست و در مقابل بیماری‌ها مقاوم می‌باشد. بوقلمون، غاز و اردک از دیگر طیور اهلی هستند که درپاره‌ای از مناطق مجاور رودخانه‌ها نگهداری می‌شوند.

**شکار:** بزکوهی، خرس، سمور، سگ آبی، گرگ، دَلَه یا گرگ کوهی، یوز پلنگ و بسیاری جانوران دیگر که دارای پوست گرانبهائی هستند در منطقه یافت می‌شوند و اخیراً به دلیل جلوگیری از شکار بی رویه که موجب انقراض نسل آن‌ها می‌شود، تحت حمایت قرار گرفته‌اند.

**پرندگان وحشی:** پرندگان وحشی عبارتند از: دو نوع کبک، کوک، تیهو، سار، میش مرغ، مرغابی، دُرنا، فاخته، بارابند،
قرقی، ترمتا، باز و شاهباز.

**میوه و باغداری:** میوه‌های معروف کردستان: به، زرد آلو، سیب، گلابی در چند نوع، گردو، توت درختی، توت فرنگی، بادام و زالزالک می‌باشد.

**پوشش گیاهی:** کردستان دارای پوشش گیاهی غنی و متنوعی است. در نواحی مرتفع و کوهستانی مراتع و چمنزارها چشم اندازهای منحصر به فردی ایجاد نموده‌اند. جنگل‌های این استان در شمال و شمال غربی انبوه‌تر از سایر نقاط اند و غالباً از درختان پهن برگ مانند بلوط هستند. علاوه بر بلوط مهم‌ترین گونه‌های جنگلی عبارتند از: پسته‌ی وحشی (بنه) ـ زالزالک ـ گلابی وحشی ـ بادام ـ افرا و گردو. بخش اعظم جنگل‌های این استان در شهرستان‌های مریوان و سنندج واقع هستند.

**کشاورزی:** اقتصاد استان کردستان به ویژه بخش‌های شرقی آن بر مبنای کشاورزی و دامداری است. در مناطق مرتفع کشاورزی معمولاً به صورت دیم انجام می‌شود. مهم‌ترین محصولات کشاورزی کردستان حبوبات ـ غلات ـ چغندر قند ـ آفتاب گردان و توتون است. در این

منطقه محصولات باغی فراوانی از قبیل آلبالو - گیلاس - هلو - گلابی - زرد آلو و سیب نیز به دست می‌آید. پرورش انواع دام به ویژه در میان عشایر و همچنین پرورش زنبور عسل در کردستان رواج دارد.

**حیات وحش:** به علت وضعیت طبیعی خاص به ویژه اقلیم و پوشش گیاهی، زندگی جانوری در این استان از تنوع خاصی برخوردار است. پستاندارانی مثل گراز - کفتار - شغال - خوک - خرس قهوه‌ای - یوزپلنگ - روباه - راسو - سمور - قوچ و کل و پرندگانی مثل کبک - قرقی - عقاب طلائی - دُرنا - تیهو - میش مرغ و پرندگان مهاجر مانند باقرقره - خروس کولی - حواصیل - لک لک و انواع مرغابی و غاز از این دسته‌اند. به علت همین تنوع و برای حفظ ذخیره‌های ژنی گیاهان و حیات وحش در کردستان سه منطقه تحت نظر سازمان حفاظت محیط زیست ایران قرار گرفته است. این مناطق عبارتند از: منطقه‌ی حفاظت شده‌ی بیجار، در ۱۵ کیلومتری شمال غرب بیجار - منطقه‌ی شکار ممنوع زرینه اوباتو در ۱۶ کیلومتری شمال دیواندره و منطقه‌ی شکار ممنوع چهاردولی در ۱۵ کیلومتری شرق قروه.

**راه‌ها:** شهرهای این استان از طریق جاده‌های آسفالته با سایر شهرها و مرکز استان مرتبط هستند. به علاوه کردستان از طریق محور ارتباطی همدان با تهران، از طریق سقز - بوکان به آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل، و از محور کامیاران با استان کرمانشاه ارتباط دارد. فرودگاه سنندج با پروازهای مستمر خود به تهران نقش ارتباطی مهمی در مبادلات کالا و مسافر برای استان ایفا می‌کنند.

**برآورد سطح، تولید و عملکرد در هکتار محصولات زراعی کردستان**

غلات هکتار/ تن (گندم ۵۲۴۴۰۱، ۶۳۰۵۷۴- جو ۳۳۸۷۴، ۴۵۶۵۳- شلتوک ۳۰، ۸۷- ذرت دانه‌ای ۱۲۵۱، ۱۰۵۹۳)

حبوبات هکتار/ تن (نخود ۸۳۷۵۶، ۳۰۲۶۸- لوبیا ۷۲۵، ۶۸۷- عدس ۲۲۲۴، ۷۹۷)

محصولات صنعتی هکتار/ تن (توتون و تنباکو ۶۸۹، ۹۵۷- چغندر قند ۴۳۵، ۸۸۰۰- کلزا ۱۳۴۹، ۱۸۹۶)

سبزیجات هکتار/ تن (سیب‌زمینی ۱۰۳۵۱، ۲۷۱۹۴۷- پیاز ۵۸۹، ۱۴۴۵۳-گوجه‌فرنگی ۱۰۱۰، ۱۵۸۶۴)

محصولات جالیزی هکتار/ تن (خربزه ۴، ۶۱- هندوانه ۹۴۵، ۲۱۶۹۳- خیار ۱۸۴۳، ۳۴۴۲۳)

نباتات علوفه‌ای هکتار/تن (یونجه ۲۷۸۶۰، ۱۹۳۹۶۹- شبدر ۸۳۹۸، ۴۱۰۰۰)

**محصولات:** میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی، به. میوه‌های هسته دار: آلبالو، گیلاس (تک دانه مشهد، شبستر، زرد دانشکده)، گوجه، آلو، هلو، شفتالو، زردآلو و قیسی، شلیل، آلو قطره طلا. میوه‌های دانه ریز: انگور (بیدانه کشمشی، عسگری، یاقوتی)، توت درختی، توت فرنگی. میوه‌های خشک: بادام، گردو، فندق، سنجد. میوه‌های سردسیری: زازالک، زرشک، سماق. میوه‌های نیمه گرمسیری: انجیر، انار. گلستان،

کشتارگاه صنعتی طیور (۱)، شیر پاستوریزه (۶)، ماست پاستوریزه (۷)، آرد غلات (۸)، انواع کیک و بیسکوئیت وکلوچه(۵)، بسته بندی شکر (۱۲)، قند از شکر (۵۲)، ماکارونی (۶)، چای خشک بسته بندی‌شده (۱)، فرش ماشینی (۶)، انواع رب گوجه فرنگی (۱)، نخ پنبه‌ی پلی استر (۱)، روغن

هیدرولیک (۱)، وازلین (۱).

**صنایع کردستان:** در کردستان واحدهای صنعتی زیادی مانند کارگاه‌های سنگ بری ـ کارخانه‌ی آرد ـ کارخانه‌ی دخانیات (در سقز) و کارخانه‌ی پوشاک (در سنندج) به چشم می‌خورد.

محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۲۲۶ واحد)، ساخت منسوجات (۷۷ واحد)، چوب و محصولات چوبی (۳۴ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۲۳ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۸ واحد)، ساخت مواد و محصولات شیمیایی (۹۳ واحد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۱۵۲ واحد)، ساخت فلزات اساسی (۴۹ واحد)، ساخت ماشین آلات و تجهیزات (۸۰ واحد)، بازیافت (۲ واحد).

**صنایع دستی و سوغات:** قالی بافی در کردستان از رواج خاصی برخوردار است. در سنندج و بیجار قالی‌های لطیف و زیبائی بافته می‌شود. علاوه بر قالی‌بافی صنایع دستی فراوان دیگری نیز درکردستان تولید می‌شود که عبارتند از: جاجیم ـ گلیم ـ کلاش (نوعی گیوه) ـ سوزندوزی، قلاب دوزی ـ پولک دوزی ـ منجوق دوزی ـ سجاده بافی ـ ریزه کاری و زینت آلات محلی. نازک کاران سنندج از بهترین نازک کاران ایران هستند و در ساختن تخته نرد و دیگر کارهای چوبی نهایت استادی و مهارت را به کار می‌برند. هر یک از صنایع دستی استان به عنوان سوغاتی ارزشمند نیز محسوب میشود. همچنین محصولات باغی و دامی از سوغاتی‌های خوب استان است.

## فرهنگی ـ دانشگاهی

**دانشگاه رازی:** دانشگاه رازی، در بهمن ماه سال ۱۳۵۱ با نام دانشکده‌ی علوم با چهار رشته‌ی فیزیک، شیمی، ریاضی و زیست‌شناسی و تعداد ۲۰۰ دانشجو تأسیس و در سال ۱۳۵۳ با توجه به تأسیس دانشکده‌های تربیت دبیر سنندج و دانشکده‌ی دامپروری ایلام که زیر نظر نهاد آموزش عالی کرمانشاه فعالیت می‌کردند، به دانشگاه رازی تبدیل شد ـ دولتی

**دانشگاه کردستان:** این دانشگاه در ۱۳۵۳ با نام دانشسرای عالی سنندج وابسته به دانشگاه تربیت معلم کار خود را شروع نمود و در ۱۳۵۴ به نام دانشکده تربیت دبیر سنندج وابسته به دانشگاه رازی به کار خود ادامه داد و از ۱۳۷۰ دانشگاه کردستان نامیده شد.

این دانشگاه در حال حاضر دارای سه دانشکده، یک آموزشکده و سه مرکز تحقیقاتی است. و در دوره‌های تحصیلی کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشجو می‌پذیرد.

دانشکده‌های آن عبارتند از: دانشکده ادبیات و علوم انسانی (شامل گروههای آموزشی ادبیات فارسی، تربیت بدنی، الهیات و معارف اسلامی، فقه شافعی، زبان انگلیسی، ادبیات عرب، حسابداری و علوم تربیتی) دانشکده علوم پایه (شامل گروههای آموزشی ریاضی، فیزیک و شیمی) دانشکده کشاورزی (شامل گروههای آموزشی دامی، مرتع و آبخیز داری، زراعت و جنگلداری)

آموزشکده فنی و مهندسی (با گروههای آموزشی کامپیوتر، صنایع الکترونیک، معماری و عمران و معدن) از آموزشکده‌های این دانشگاه است.

این دانشگاه دوره شبانه و آموزشهای آزاد هم دارد.

مرکز تحقیقات دام پروری دوشان، مرکز

تحقیقات کشاورزی و مرکز تحقیقات هواشناسی نیز از مراکز تحقیقاتی این دانشگاه است .

**دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کردستان:** در سال ۱۳۶۵ با نام مجموعه‌ی آموزشی و پژوهشی بهداری و در سال ۶۹ با نام دانشکده‌ی علوم پزشکی و در سال ۷۰ به نام دانشگاه علوم پزشکی کردستان تغییر عنوان یافت ـ دولتی

**آثار ثبت شده استان کردستان در فهرست آثار ملی**

غار کرفتو -(تاریخی-اسلامی) دیواندره
مسجد جامع (مسجد دارالاحسان)- قاجاریه سنندج
تپه قلعه بالا - تاریخی - بیجار
تپه‌های‌شرقی وشمالشرقی-اوایل دوره‌تاریخی- مریوان
تپه زیویه (گنکه سوراخ) - هزاره ۱ ق.م - سقز
تپه‌گازرخانی - (پیش از تاریخ تاریخی -کامیاران
تپه گری کلن کوک (گلین کبود) - تاریخی - مریوان
عمارت ملالطف ا...سنندجی - قاجاریه -سنندج
تپه دیونه - هزاره ۲ ق.م - شهرستان بیجار
منجوق تپه گرگین - هزاره ۲ ق.م - بیجار
تپه‌کهنه قلعه قجور - (ساسانی قرن ۶ ه.ق - بیجار
تپه چغا - هزاره ۲ ق.م
تپه پیرتاج - قرن ۵ تا ۷ ه.ق -بیجار
تپه بابا رشانی - قرن ۵و۶ ه.ق - بیجار
قوشاتپه - ساسانی - بیجار
پای تپه - قرن ۵تا ۷ ه.ق - بیجار
حسین تپه - هزاره ۳ ق.م - بیجار
چال تپه - قرن ۵تا ۷ ه.م - بیجار
تپه‌های قیداری - (هزاره۲ - ساسانی )- بیجار
کاشی تپه - ساسانی - بیجار
تپه لاوردی - قرن ۵تا۷ ه.ق - بیجار
تپه قره میرک - ساسانی و اسلامی - بیجار
تپه دودی - اوسط هزاره دوم ق.م - بیجار
چالو تپه - هزاره ۴و۳ ق.م - بیجار
تپه شهرک - (ساسانی قرون اولیه اسلامی) بیجار
تپه قشلاق خانه - هزاره ۴تا ۲ ق.م - بیجار
تپه سراب گرگین - هزاره ۱وساسانی - بیجار
تپه قبا سرخ - (ساسانی قرن ۲و۵ ه.ق )- بیجار
تپه قراطوره -قرن ۵ تا ۹ ه.ق - بیجار
تپه دارکین اسکندر - ساسانی - بیجار
تپه گوسوار - قرن ۶ ه.ق - بیجار
تپه حیدر بیگ - قرن ۵ الی ۱۰ ه.ق - بیجار
عمارت خسرو آباد - اوایل قاجار- سنندج
پل صلوات آباد - (صفویه - قاجار) - بیجار
برج آجری اشقون بابا - قرن ۶ ه.ق - بیجار
دژ و قلعه قمچقا (دره شاهان) - هزاره ۳و۱ ق.م - بیجار
بازار قدیمی - صفویه - سنندج
پل قشلاق - زندیه - سنندج
خانه آصف وزیری - قاجاریه - سنندج
محوطه یاسوکند و امامزاده عقیل - سلجوقی - حسن آباد تپه ترخان آباد مریوان - اسلامی - مریوان
قلعه ننه - پیش از تاریخ تا اسلامی - مریوان
مجموعه بازار بیجار - قاجار - بیجار
مسجد دو منار - (افشاریه اوایل زندیه) سقز
حمام خان (پیر ظهیری )- قاجاریه - سنندج
مسجد خسرو آباد گروس - قاجاریه - بیجار
پل شیخ - قاجاریه - سنندج
مسجد و مقبره پیر عمر - صفویه - سنندج

پل فرهاد آباد -(زندیه قاجاریه) - قروه
مسجد رشید قلعه بیگی - قاجاریه - بیجار
مسجد دارلامان - قاجاریه - سنندج
کلیسای سنندج - قاجاریه - سنندج
مسجد و مقبره هاجر خاتون - قاجاریه سنندج
سردرو حمام شجاع لشکر - قاجاریه - سنندج
حمام حاجی صالح - (صفویه زندیه) - سقز
سردر فهیم - پهلوی دوم - سنندج
حمام وکیل - زندیه - سنندج
خانه ملک التجار - قاجاریه - سنندج
عمارت مشیر دیوان - قاجاریه - سنندج
حمام قصلان - زندیه - قروه
عمارت وکیل الملک - (افشاریه زندیه قاجاریه) - سنندج
خانه احمدزاده - پهلوی - سنندج
مسجد میرزا فرج الله وزیر - (زندیه - قاجاریه) - سنندج
حمام شیشه - زندیه - سنندج
سردر اشرف - قاجاریه - سنندج
حسینیه (منزل)امجد - قاجاریه - سنندج
منزل شهابی - قاجاریه - سنندج
خانه آیت‌الله شیخ محمدمردوخ - پهلوی - سنندج
حمام عبدالخالق - زندیه - سنندج
مقبره باباگرگر - صفویه - قروه
تپه محمود میمنت آباد - (تاریخی - اسلامی) - قروه
تپه کهریز - پیش از تاریخ - قروه
تپه سنگر - (تاریخی - اسلامی) - قروه
روان تپه وینسار- اسلامی - قروه
تپه دینار وینسار - (تاریخی - اسلامی) - قروه
تپه ده کهنه تازه آباد(ناظم آباد) - تاریخی - قروه
محوطه قلعه کهنه - تاریخی - قروه
تپه پایین - (پیش از تاریخ - تاریخی) - قروه
گورتپه و تپه جنوب گورتپه -(اسلامی - تاریخی) - قروه
تپه حرام قایه - اسلامی - قروه
سنجان تپه - (تاریخی - اسلامی) - قروه
ایروان تپه - اسلامی - قروه
تپه قبرستان - اسلامی - قروه
تپه بایم (بادام) - (پیش از تاریخ - تاریخی) - قروه
تپه ده کهنه میمنت آباد - (تاریخی - اسلامی) - قروه
تپه یوخاری قلعه - (تاریخی - اسلامی) - قروه
چوغان تپه شرقی - اسلامی - قروه
تپه قلعه - (تاریخی - اسلامی) - قروه
نیخ چداقایه چای - تاریخی - قروه
تپه داربهرامی - تاریخی - قروه
تپه لفطالی - اسلامی - قروه
پل گاران (کردلان) - (اسلامی - صفویه) - مریوان
تپه قلعه قزلر ایوانی - اسلامی - قروه
تپه شهاب الدین - اسلامی - قروه
تپه سفید حصار - اسلامی - قروه
غار و تپه کمره - هزاره ۱ ق.م - قروه
قلعه بان قلوز - تاریخی - قروه
تپه میری - تاریخی - قروه
تپه موالی - اسلامی - قروه
تپه خیرویس - (تاریخی - اسلامی) - قروه
محوطه کند و امامزاده قاسم - تاریخی - قروه
تپه اسفندآباد - اسلامی - قروه
محوطه دره آسیاب (قلعه خانم) - اسلامی - قروه
قلعه زیرزمینی شکوه آباد - اسلامی - قروه
تپه وزیر آباد - اسلامی - قروه
تپه خان احمدخان - پیش از تاریخ - قروه
تپه سه تپان - (تاریخی - اسلامی) - قروه

تپه برتب - اسلامی - قروه
میره تپه - اسلامی - قروه
تپه‌کنار روستا - (تاریخی - اسلامی) - قروه
تپه پیروزآباد - (تاریخی - اسلامی) - قروه
دوشان تپه - تاریخی - قروه
تپه آماراب - تاریخی - کامیاران
تپه ب گازرخانی - تاریخی - کامیاران
تپه سی کرگان - پیش از تاریخ - کامیاران
تپه سوره تو - اسلامی - کامیاران
محوطه دار برو(درخت بلوط) - پیش از تاریخ - کامیاران
تپه خرامانه - هزاره ۲ تا قرون اولیه اسلامی - کامیاران
محوطه‌کاودانه - نیمه دوم هزاره ۱ ق.م - کامیاران
تپه‌کلوچه - هزاره ۱ تا ۴ ق.م - کامیاران
تپه آ الک - هزاره ۱ ق.م - کامیاران

فهرست آثار تاریخی استان کردستان در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۶۴۵ واحد می‌باشد. ـ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

**جمعیت مرد و زن روستائی و شهری کردستان:**
مرد: (۳۹۵۴۱۹ شهری، ۲۶۶۴۲۹ روستائی)،
زن: (۳۸۴۳۱۳ شهری، ۲۶۱۶۷۴ روستائی).

**جمعیت استان کردستان**

شهرستان بانه: تعداد خانوار ۲۴۷۰۹، جمعیت ۱۱۸۶۶۷، تعداد باسواد ۷۹۱۰۵، تعداد بیسواد ۲۵۱۵۹.

شهرستان بیجار: تعداد خانوار ۲۳۶۱۴، جمعیت ۹۷۹۱۳، تعداد باسواد ۶۵۳۷۲، تعداد بیسواد ۲۲۳۴۴.

شهرستان دیواندره: تعداد خانوار ۱۷۳۳۵، جمعیت ۸۴۳۵۴، تعداد باسواد ۵۲۶۹۳، تعداد بیسواد ۲۱۵۷۶.

شهرستان سروآباد: تعداد خانوار ۱۲۶۴۱، جمعیت ۵۴۳۸۲، تعداد باسواد ۳۳۷۴۰، تعداد بیسواد ۱۵۳۳۸.

شهرستان سقز: تعداد خانوار ۴۵۹۰۹، جمعیت ۲۰۸۴۲۵، تعداد باسواد ۱۴۱۳۰۱، تعداد بیسواد ۴۴۵۲۹.

شهرستان سنندج: تعداد خانوار ۱۰۵۲۴۷، جمعیت ۴۱۷۱۷۷، تعداد باسواد ۳۰۷۱۴۳، تعداد بیسواد ۶۸۲۴۸.

شهرستان قروه: تعداد خانوار ۴۷۲۱۴، جمعیت ۱۹۹۶۲۲، تعداد باسواد ۱۳۴۶۲۳، تعداد بیسواد ۴۳۹۵۱.

شهرستان کامیاران: تعداد خانوار ۲۵۰۱۲، جمعیت ۱۰۵۸۹۵۱، تعداد باسواد ۷۱۲۴۱، تعداد بیسواد ۲۳۵۳۶.

شهرستان مریوان: تعداد خانوار ۳۵۴۹۸، جمعیت ۱۵۳۲۷۱، تعداد باسواد ۱۰۴۵۶۸، تعداد بیسواد ۲۹۵۶۴.

**شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها**

**ئیلاق (بخش):** از بخش‌های شهرستان قروه استان کردستان، مرکز آن دهگلان و دارای چهار دهستان: ۱ - حومه دهگلان ۲ - قوری چای ۳ - ئیلاق جنوبی ۴ - ئیلاق شمالی

**ئیلاق جنوبی:** از دهستان‌های بخش ئیلاق شهرستان قروه استان کردستان و مرکز آن بلبان‌آباد است.

**ئیلاق شمالی:** از دهستان‌های بخش ئیلاق شهرستان قروه استان کردستان و مرکز آن بله دستی و در منطقه‌ای و دره‌کهریز و دشت شور در

آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، نخود، عدس، پیاز، سیب‌زمینی، سیب، زردآلو، عسل، قالی، دام و فرآورده‌های دامی.
**پوشش گیاهی:** گل‌گاوزبان، گل حرمله، خاکشی، شاتره، گل‌زرد، گون و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و تیهو.
**آبیدر:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سنندج استان کردستان مرکز آن حسن‌آباد است.
**آرندان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سنندج استان کردستان و مرکز آن
دره‌ای سرد نیمه مرطوب و کوه هنگ‌ژال و کوه تیطور و کوه مراد انصار قرار و رود چم آرندان در این دهستان جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، نخود، تره‌بار، انگور، به، سیب، گلابی، زردآلو، هلو، گیلاس، قالی و عسل.
**پوشش گیاهی:** گل‌گاوزبان، گل زرد، بنفشه، شیرین‌بیان، گل حرمله، گون و گیاهان مرتعی
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و تیهو.
**آلوت:** از بخش‌های شهرستان بانه، استان کردستان مرکز این بخش شهر آزموده، دارای دو دهستان (۱ - پشت آریابا ۲ - بله‌که) است.
**ارندان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سنندج استان کردستان و مرکز آن ارندن است.
**امیرآباد:** از دهستان‌های بخش موچش استان کردستان مرکز آن موچش است و در منطقه‌ای پایکوهی، سرد و خشک و کوه ویس و کوه زرد در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، بنشن، بادام، گردو، سیب، آلو، سنجد

**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، ختمی، شاتره، آویشن، گون و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش و کبک
**اوباتو:** از دهستان‌های بخش کرفتو شهرستان دیواندره استان کردستان و مرکز آن گورباباعلی است.
**اورامان (بخش):** از بخش‌های شهرستان سروآباد استان کردستان، مرکز آن اورامان تخت و دارای دو دهستان است: ۱ - اورامان تخت ۲ - شالیار
**اورامان تخت:** از دهستان‌های بخش اورامان، شهرستان سروآباد استان کردستان و مرکز آن اورامان تخت است.
**بابارشانی:** از دهستان‌های بخش چنگ الماس شهرستان بیجار استان کردستان و مرکز آن بابارشانی است.
**بانه (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان بانه استان کردستان و مرکز آن شهر بانه و دارای یک دهستان (۱ - شوی) است.
**بانه (شهرستان):** از شهرستان‌های استان کردستان است که از شمال به شهرستان سردشت، از خاور به شهرستان سقز و از جنوب و باختر به کشور عراق محدود می‌باشد.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهربانه، دارای ۴ بخش ۱ - بخش مرکزی ۲ - بخش آلوت ۳ - بخش نمشیر ۴ - بخش ننور است.
**رودها:** ۱ - رود چومان، پس از این که از کوه‌های حجره‌ی فقیره، کانی طلا، سیران بند، و هنگ ژال سرچشمه گرفت، مناطقی از این شهرستان را آبیاری کرده آنگاه همران رود کلاس (کلوی) وارد خاک عرق گشته به رود دجله می‌پیوندد.
۲ - رود نیروان از کوه دوزینه سرچشمه می‌گیرد و

سرانجام به رود چومان می‌پیوندد.
۳ - رود تاژه‌بان از به‌هم پیوستن رود شوی و بانه تشکیل گشته و سرانجام به رود چومان متصل می‌شود.
و علاوه بر این رودهای فرعی چندی از جمله، چم، سیدصارم، چم یعقوب‌آباد، و رود تمشیر همه به رودکلوی می‌پیوندند.
**کوهها:** ۱ - حجره فقیره در دهستان ننور به بلندی ۲۷۵۰ متر ۲ - کوه دوزینه در دهستان ننور به بلندی ۲۷۴۸ متر ۳ - کانی طلا در دهستان ننور به بلندی ۲۶۴۷ متر ۴ - کوه کژاره در دهستان شوی به بلندی ۲۴۵۰ متر ۵ - کوه وازنه در دهستان شوی به بلندی ۲۶۹۷ متر ۶ - کوهنگ‌ژال در دهستان‌های ننور به بلندی ۲۲۲۱ متر ۷ - کوه دمامه در دهستان سبدلو به بلندی ۲۳۸۰ متر ۸ - کوه تب رسه، در دهستان ننور به بلندی ۲۴۵۰ متر ۹ - کوه سیران بند در دهستان ننور به بلندی ۲۰۹۶ متر.
**کانها:** معادن آهک و سنگ ساختمان در ۸ کیلومتری بانه - سردشت
**آب و هوا:** نسبتاً سرد نیمه‌خشک
**رستنی‌ها:** درختان بلوط (مازو، آلبالو جنگلی، ون، سیب جنگلی، گز، زبان گنجشک، کیکم، ارژن، بنه، انجیر کوهی، انار جنگلی، گلابی جنگلی، زالزالک، گیاهان دارویی و صنعتی، گل‌گاوزبان، شیرین بیان، گل‌ختمی، بومادروان، کاسنی، ریواس، پونه، سماق، گل بنفشه، شاتره، نعنا، خاکشی و گون کتیرا، پوشش گیاهی بسیار فراوان برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** کَل، میش و قوچ کوهی، گرگ، روباه، خرگوش، شغال، کفتار، سنجاب، گراز، خرس، شاهین، باز، کبک، لک‌لک، درنا و تیهو

**بانه (مرکز شهرستان):** شهر بانه مرکز شهرستان بانه، استان کردستان در ۲۷۰ کیلومتری شمال باختری شهر سنندج و در آغاز راه بانه ـ مهاباد قرار دارد. رود بانه از میان شهر میگذرد، چشمه‌های دائمی احمدآباد و پیرمراد در نزدیکی شهر روان است و آب آن مصرف آشامیدنی دارد.

شهر بانه در ناحیه‌ای پایکوهی ـ دشتی قرار گرفته که کوههای ۱ـ آربابا (در ۳کیلومتری جنوب ببلندی ۲۲۲۰ متر) و کوه بابس (در ۳کیلومتری خاور به بلندی ۲۳۸۱ متر) ۳ـ قلارشت (در ۷ کیلومتری شمال ببلندی ۲۳۵۰ متر) آنرا در میان گرفته است.
**آب و هوا:** شهر بانه نسبتاً سرد و نیمه مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستان‌ها ۳۵ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۲۴ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۷۲۰ میلی متر است.
**بخش مرکزی (کامیاران)** از بخشهای شهرستان کامیاران استان کردستان و مرکز آن شهر کامیاران و دارای ۳ دهستان: (۱ - بیلوار ۲ - شاهو ۳ - ژاو رود) است.
**بدر:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان قروه استان کردستان و مرکزش قلعه است.
**بله که:** از دهستان‌های بخش آلوت شهرستان بانه استان کردستان و مرکز آن بله که است.
**بوئین سفلی** (مرکز بخش)

شهرک بوئین سفلی مرکز بخش ننور از بخشهای شهرستان بانه، استان کردستان است که در ۷کیلومتری جنوب خاوری بانه و در مسیر راه بانه ـ ننور قرار دارد.
بوئین سفلی موقع پایکوهی دارد و رود بوئین از کنارش میگذرد. چشمه کانی قولی در یک

کیلومتری شمال باختری آن روان است. دامنه‌های جنوبی کوه آریابا در باختر و کوه کانی هلزان در خاورش قرار گرفته.

**آب و هوا:** نسبتاً سرد و نیمه مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستانها به ۳۴ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها به ۳۳ درجه زیر صفر میزان بارندگی سالانه بطور متوسط به حدود ۷۲۰ میلی میرسد.

**بوالحسن:** از دهستان‌های بخش نمشیر شهرستان بانه استان کردستان مرکز آن بوالحسن است.

**بویین:** از دهستان‌های بخش شهرستان بانه استان کردستان و مرکز آن بوئین سفلی است.

**بیجار (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان بیجار استان کردستان و مرکز آن شهر بیجار و دارای ۵ دهستان: (۱ - نجف‌آباد ۲ - خورخوره ۳ - سیلتان ۴- حومه ۵ - سیاه منصور) است.

**بیجار (شهرستان):** از شهرستان‌های استان کردستان است که از شمال به شهرستان تکاب، از شمال خاوری به شهرستان زنجان، از خاور به شهرستان قیدار، از جنوب خاوری به شهرستان همدان، از جنوب به شهرستان قروه، از باختر به شهرستان سنندج محدود می‌باشد.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر بیجار، دارای ۳ بخش ۱ - بخش مرکزی، دارای ۵ دهستان ۱ - نجف‌آباد ۲ - خورخوره ۳ - سیلتان ۴ - حومه ۵- سیاه منصور ۲ - بخش کرانی ۳ - بخش چنگ الماس است.

شهرستان بیجار از مناطق حاصل‌خیز کردستان است که در شرق سنندج قرار دارد.

**رودها:** ۱ - قزل اوزن، از کوه چهل چشمه روان گشته و از مناطق شمالی و شمال باختری این شهرستان می‌گذرد. رود قزل‌اوزون پس از آبیاری مناطقی از شهرستان سقز و بیجار وارد استان زنجان شده و در اینجا به نام سفیدرود می‌شود و آنگاه به سوی رود تارشت روان است تا به دریای خزر می‌ریزد. ۲ - رودکوهزان ۳ - رود شهرک ۴ - رود قمچاق که از کوهستان قره‌داغ سرچشمه گرفته و در شهرستان بیجار روان هستند.

**کوهها:** ۱ - کوهستان قره‌داغ در بخش مرکزی، دهستان سیاه منصور که مرز طبیعی، شهرستان بیجار، زنجان و تکاب را تشکیل می‌دهد. و قله‌ی این کوه به نام قره‌داغ در شهرستان بیجار به ۳۱۲۰ متر می‌رسد. ۲ - کوه حلقه میر به بلندی ۲۸۸۰ متر ۳ - کوه داغی ۲۶۲۱ متر ۳ - کوه سیملار به بلندی ۲۳۸۵ متر ۴ - کوه سیرالان به بلندی ۲۶۵۰ متر ۵ - کوه قره‌چمن به بلندی ۲۷۹۴ متر ۶ - کوه قره‌داش به بلندی ۲۶۵۰ متر ۷ - کوه قره‌گل به بلندی ۲۷۵۰ متر ۸ - کوه نورالعین به بلندی ۲۴۲۰ متر ۹ - کوه یدی بلاغ به بلندی ۲۷۷۰ متر ۱۰ - کوه هوعالی داغ به بلندی ۲۸۸۰ متر ۱۱ - کوه حمزه عرب به بلندی ۲۵۴۲ متر ۱۲ - کوه خوره‌تاب به بلندی ۲۳۵۰ متر ۱۳ - کوه مهرنگار به بلندی ۲۳۵۰ متر ۱۴ - کوه رویس به بلندی ۲۳۱۰ متر.

**کان‌ها:** ۱ - معادن میکا ۲ - آلومیت ۳ - کانولیت ۴ - طلق ۵ - آنتیموآن ۶ - آهن ۷ - سنگ آهک ۸ - سنگ گچ ۹ - سنگ نمک طعام

**آب و هوا:** نسبتاً سرد و نیمه‌خشک

**رستنی‌ها:** درختان بلوط، بادام کوهی - گیاهان دارویی و صنعتی: گل‌گاوزبان، خاکشی، شیرین‌بیان و گون کتیرا، پوشش گیاهی نسبتاً فراوان برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** گرگ، روباه، شغال، گراز،

قوچ، میش، خرگوش، لاک‌پشت، کرکس، جغد، کبک، تیهو، لک‌لک، غاز، اردک، قرقاول و قرقی.
آریایی نژادند و به زبان ترکی و فارسی با گویش کردی سخن می‌گویند.
**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، باغداری، دامداری و صنایع دستی و ماشینی استوار است.
۱ - کشاورزی عمده‌ترین فعالیت مردم شهرستان بیجار است.
۲ - دامپروری نیز به واسطه‌ی چراگاه‌های خوب فراوان، رونقی بسیار دارد.
۳ - زنبورداری نیز دارای اهمیت می‌باشد.
۴ - صید ماهی کپور و آمو
۵ - صنایع دستی (قالی‌بافی، گلیم‌بافی در نقش‌های جالب توسط زنان روستایی)
۶ - صنایع ماشینی: پارچه بافی، تولید برزنت، یخ‌سازی و تولید سیمان
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، گیاهان علوفه‌ای، دانه‌های روغنی و تره‌بار، انگور، سیب، زردآلو، بادام و گردو، دام و فرآورده‌های دامی و فرآورده‌های شیری - عسل، ماهی،، قالی، گلیم، پارچه، برزنت، سیمان، طیور.
**بیجار (مرکز شهرستان):** شهر بیجار مرکز شهرستان بیجار از شهرستانهای استان کردستان در منطقه گروس، از مناطق حاصلخیز کردستان که در مشرق سنندج قرار دارد. این شهر، میان کوهها قرار گرفته و ارتفاع از سطح دریا ۱۹۴۰ متر می‌باشد که بعد از چند شهر از جمله شهرکرد، بلندترین شهر ایران است.

بیجار دارای آب و هوای کوهستانی با زمستانهای سرد و تابستانهای معتدل است. چون این شهر بید فراوانی داشت که به کردی بیدرابیی می‌گویند و در گویش کردی جای رویش بید را بیجار گویند.
**بیساران:** از دهستان‌های بخش مردآباد شهرستان مریوان استان کردستان و مرکز آن بیساران است.
**بیلوار:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کامیاران استان کردستان و مرکز آن شیروانه است.
**پایگلان:** از دهستان‌های بخش مروآباد شهرستان مریوان استان کردستان و مرکز آن پایگلان و در منطقه‌ای برکوهی، سرد خشک و کوه سنگ سیاه و دره سیاسی قرار و رود آب چشمیدار جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، سیب، پیاز، توت‌فرنگی، گردو، انگور، توت سفید، زردآلو، آلوچه و گلابی قالی، دام و فرآورده‌های دامی.
**پوشش گیاهی:** گل‌گاوزبان، ختمی، بابونه، کاسنی، بومادران، گون، درختان بلوط، زالزالک وحشی و گیاهان مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، کبک و تیهو
**پشت آربابا:** از دهستان‌های بخش آلوت شهرستان بانه مرکز آن آرمرده است.
**پنجه‌علی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان قروه استان کردستان مرکز آن کانی گنجی است.
**پنجه‌علی جنوبی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان قروه استان کردستان و مرکز آن قاملو است.
**پیرتاج:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بیجار استان کردستان و مرکزش پیرتاج است که در نطقه‌ای میانکوهی، سرد و خشک و کوه قره آغاجی و کوه‌ساری گونی، دره‌ی پیرمحمد در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، یونجه، بادام و زردآلو، فرش و سنجد دام و فرآورده‌های دامی
**پوشش گیاهی:** گل ختمی، گل گاوزبان و پوشش

مرتعی برای چرای دام
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، قرقاول و کبک

**ترجان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سقز استان کردستان و مرکز آن قهرآباد سفلی است.

**تلوار:** از بخش‌های شهرستان قروه استان کردستان مرکز آن شهر سریش آباد، دارای ۳ دهستان (۱ - قصلان ۲ - لک ۳ - یالغوز آغاج) است.

در منطقه‌ای دره‌ای، سرد نیمه‌خشک، در ۸ کیلومتری شمال شرقی دهگلان و در بلندی ۱۷۷۰ متری از سطح دریا قرار دارد. رود تلوار از مرکز این بخش می‌گذرد، تپه قشقه ویل در یک کیلومتری جنوب آن و دره خورتوران در جنوبش قرار گرفته است.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی و آب آشامیدنی این بخش از رود سد، کاریز، چشمه، چاه فراهم گشته است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، شبدر، بنشن، پیاز و سیب زمینی و قالی

**پوشش گیاهی:** گیاهان دارویی و صنعتی چون گل ختمی، گل گاوزبان، گل زرد، و گون و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و تیهو

**تموغه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سقز استان کردستان و مرکز آن تموغه است.

**تیلکوه:** از دهستان‌های بخش زیویه شهرستان سقز استان کردستان و مرکز آن تیلکوه است.

**چناره (مرکز بخش):** چناره مرکز بخش سرشیو از بخشهای شهرستان مریوان استان کردستان است که در ۲۴ کیلومتری شمال خاوری مریوان در مسیر راه مریوان ـ سقز قرار دارد.

**آب و هوا:** نسبتا سرد و نیمه مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۲۹ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها ۲۶ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۷۰۰ میلیمتر است.

**چنگ الماس:** از بخش‌های شهرستان بیجار، استان کردستان است که از شمال و شمال باختری به حومه‌ی بیجار، از خاور به شهرستان همدان، از شمال خاوری به شهرستان زنجان، از جنوب به شهرستان قروه و از باختر به شهرستان سنندج محدود می‌باشد.

**تقسیمات کشوری:** مرکز بخش چنگ الماس بابارشانی، دارای ۳ دهستان (۱ - بابارشانی ۲ - پیرتاج ۳ - خسروآباد) است.

**رودها:** ۱ - رود اوزن دره، از کوه‌های قراسلطان آباد و شیرکش علیا در بخش نجف‌آباد سرچشمه گرفته، پس ازگذشتن از قشلاق نوروز به رود تلوار می‌پیوندد.

۲ - رود تلواز از کوه‌های شارک بالا و ضیدان در بخش خسروآباد روان گشته، پس از آبیاری مناطق وسیعی از بخش چنگ الماس به رود شور می‌ریزد.

**کوهها:** در بخش چنگ الماس که نیمه دشتی است کوه‌های فراوانی وجود دارد:

۱ -کوه تماشه به بلندی ۲۲۴۶ متر ۲ -کوه چرمو به بلندی ۱۹۵۵ متر ۳ -کوه سیاه به بلندی ۱۹۵۵ متر ۴ -کوه گراچقا به بلندی ۲۱۰۵ متر ۵ -کوه چنگ‌الماس به بلندی ۲۵۲۵ متر ۶ -کوه شاها به بلندی ۲۳۵۸ متر ۷ -کوه چهل‌تن به بلندی ۲۲۰۷ متر.

**آب و هوا:** نسبتاً سرد نیمه‌خشک
**رستنی‌ها:** درختان کیکم، زبان گنجشک، ارژن و بنه - گیاهان دارویی: گل‌گاوزبان، گل سفید، گل زرد، شیرین بیان، خاکشی، غازیاقی، بابونه، آویشن و گل ختمی، پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** گرگ، روباه، شغال، خرگوش، کبک، تیهو، درنا و بلدرچین
مردم این سامان آریایی نژادند و به زبان ترکی و فارسی با گویش کردی سخن می‌گویند.
**اقتصاد:** بر کشاورزی، دامداری و صنایع دستی استوار است بیش‌تر مردم به کار کشاورزی سرگرمند و کشت به دو صورت آبی و دیمی است آب از رود اوزون دره فراهم گشته است.
دامداری با شیوه‌ی سنتی و دارای اهمیت فراوانی است قالی‌بافی، گلیم‌بافی به‌وسیله‌ی بیش‌تر خانواده‌ها صورت می‌گیرد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، سیب، زردآلو، انگور، بنشن، و تره بار، دام و فرآورده‌های دامی، قالی و گلیم.
**چهاردولی:** از بخش‌های شهرستان قروه استان کردستان مرکز این بخش شهر دزج، دارای ۲ دهستان (۱ - چهاردولی غربی ۲ - چهاردولی شرقی) است.
**چهاردولی شرقی:** از دهستان‌های بخش چهاردولی شهرستان قروه استان کردستان و مرکز آن ویتار است.
**چهاردولی غربی:** از دهستان‌های بخش چهاردولی شهرستان قروه استان کردستان و مرکز آن دزج است.
**چهل چشمه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دیواندره استان کردستان و مرکز آن شُریف‌آباد است.

**حسن‌آباد یا سوگند (مرکز بخش):** شهر حسن آباد مرکز بخش کرانی از بخشهای شهرستان بیجار استان کردستان در طول جغرافیائی ۴۵ درجه و ۴۷ دقیقه و در عرض جغرافیائی ۱۷ درجه و ۳۶ دقیقه و در ۱۶۶۰ متری از سطح و در ۷۹ کیلومتری شمال بیجار و در ۱۸ کیلومتری راه اصلی بیجار - زنجان قرار دارد.
**آب و هوا:** نسبتاً سرد و خشک بیشترین درجه گرما ۳۵ درجه بالای صفر و کمترین درجه ۲۲ درجه زیر صفر و مقدار بارندگی سالانه بطور متوسط در حدود ۳۹۰ میلیمتر است.
**حسین‌آباد شمالی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دیواندره استان کردستان و مرکز آن خوکه است.
**حومه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بیجار استان کردستان و مرکز آن چنگیز قلعه است.
**حومه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دیواندره استان کردستان مرکز آن نساره علیا است.
**حومه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سنندج استان کردستان و مرکز آن صلوات‌آباد است.
**حومه:** دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان سنندج استان کردستان و مرکز آن صلوات‌آباد و در منطقه‌ی دره‌ای سرد و خشک و کوه سرکل و کوه کوچکرش و دره چاله گرگ قرار دارد و رود قشلاق در این دهستان جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، نخود، پیاز، سیب‌زمینی، انگور، توت فرنگی، آلو، زردآلو، بادام و چوب و قالی، دام و فرآورده‌های دامی.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، گل زرد، شیرین‌بیان، گون و گیاهان مرتعی.
**حومه‌ی دهگلان:** از دهستان‌های بخش ئیلاق

شهرستان قروه استان کردستان و مرکز آن حسن‌آباد و منطقه‌ای دشتی، سرد و نیمه‌خشک، تپه‌ی سرجویا در آن قرار و رود سنگ سیاه در این دهستان جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، سب‌زمینی، پیاز و نخود.

**پوشش گیاهی:** گل‌گاوزبان، شاتره، پونه، آویشن ختمی و گیاهان مرتعی

**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و تیهو

**خاور و میرآباد:** از بخش‌های شهرستان مریوان، استان کردستان است که از شمال و باختر به خاک عراق، از خاور به بخش سرشیو مریوان و از جنوب به حومه‌ی مریوان محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش برده‌رشه، دارای دهستان خاور میرآباد است.

**رودها:** ۱ - رود قزلجه سو، از کوه‌های چاله‌بان و گوناوی درشمال بخش خاور میرآباد سرچشمه گرفته و مهم‌ترین رود این بخش است که وارد خاک عراق می‌گردد.

**کوهها:** بخش خاورمیرآباد از دشت خاورو میرآباد وکوه‌هایی در شمال و جنوب به وجود آمده است:

۱ - کوه چاله‌بان به بلندی ۲۳۰۰ متر

۲ - کوه قولی‌جان به بلندی ۱۵۰۰ متر ۳ - کوه گزسانی به بلندی ۱۷۰۰ متر ۴ - کوه کنه‌گرگ به به بلندی ۱۹۵۰ متر

دشت فریجه سو در منطقه‌ی مرکزی بخش خاور و میرآباد و دریاچه‌ی زریوار در جنوب خاوری این بخش واقع است.

**آب و هوا:** نسبتاً سرد و نیمه مرطوب است.

**رستنی‌ها:** درختان بلوط، گلابی، انجیر، بادام کوهی، آلبالوی کوهی، ون، بنه، زالزالک، سماق، کیکم و ارغوان - گیاهان دارویی و صنعتی: گل گاوزبان، پونه، خاکشی، شیرین‌بیان، تلخه‌بیان، بابونه، پرسیاوشان، بومادران، شاتره، گل ختمی و گون کتیرا، پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، قوچ، میش، گراز، سمور، سنجاب، خرس، خرگوش، کبک و تیهو

مردم این سامان ریشه در عشایر منطقه‌ی مریوان از قبیل طایفه‌ی کهنه‌پوش‌دار که سال‌ها پیش اسکان یافتند.

آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش کردی سخن می‌گویند.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی و دامداری استوار است. کشاورزی بر دو نوع آبی و دیمی می‌باشد. دامداری با شیوه‌ی سنتی یعنی با ییلاق و قشلاق کردن دام صورت می‌گیرد یا در زمستان‌ها با علوفه دستی دام را خوراک می‌دهند. گندم، جو، انگور، سیب، زردآلود، توتون و تره بار، دام و فرآورده‌های دامی، گلیم و شال پشمی از محصولاتش است.

**خاور و میرآباد:** از دهستان‌های بخش خاور و میرآباد شهرستان مریوان استان کردستان و مرکز آن برده رشه است.

**خاور و میرآباد (بخش):** از بخش‌های شهرستان مریوان استان کردستان، مرکز آن برده رشد دارای یک بخش به نام خاور و میرآباد است.

**خسروآباد:** از دهستان‌های بخش شهرستان بیجار استان کردستان و مرکز آن خسروآباد است.

**خوخوره:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بیجار استان کردستان و مرکز آن خورخوره است.

**خورخوره:** از دهستان‌های بخش زیویه

شهرستان سقز استان کردستان و مرکز آن خورخوره است.
**دره‌ها:** ۱ - دره ویهج (میان کوههای دروازه وسنگ سفید بطول ۷کیلومتر ۲ - دره میهم (میان کوههای دروازه وبدر و پریشان) در جنوب خاوری بطول ۱۰کیلومترکه رود میهم در آن روان است. ۳ - دره چشم سوار (میان کوههای ابراهیم عطار و سنگ سفید) درجنوب باختری بطول ۸ کیلومتر که رود چم سوار از میان آن می‌گذرد.
**کانها:** ۱ - معدن مرمریت چال زندی در یک کیلومتری شهر قروه ۲ - معدن مرمریت ویهج در ۵کیلومتری جنوب باختری شهر قروه ۳ - معدن مرمریت چال قهوه خانه در ۴کیلومتری جنوب شهر قروه.
**آب و هوا:** نسبتاً سرد و نیمه خشک در زمستان سرد و در تابستان خنک معتدل است.
**رستنی‌ها:** درختان کیکم، زالزالک، بلوط، بادام کوهی، بنه - گیاهان داروئی و صنعتی: گل گاوزبان، گل ختمی، خاکشی، شیرین بیان، آویشن، درمنه، بومادران، قرومه، کاسنی، کنگر، شاتره، و گون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** روباه، گرگ، شغال، خرگوش، تیهو، کبک، لک لک، غاز، دارکوب و سار.
مردم این سامان آریایی نژادند و به زبان ترکی و فارسی و باگویش لری سخن می‌گویند.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و صنایع (کارگاهی و کارخانه‌ای) استوار است.
شرایط مساعد و خاک حاصلخیز شهرستان قروه مایه رونق کشاورزی گشته است. نوع کشت ۷۰ ٪ دیم و ۳۰ ٪ آبی است.
باغداری نیز سخت پر رونق و مایه اشتغال عده فراوانی از مردم شهرستان قروه است.
دامپروری و دامداری عامل مهمی در ترقی اقتصادی شهرستان قروه بشمار می‌رود. چه مراتع خوب فراوان آن در رونق دامپروری نقش بس فراوانی دارد.
زنبورداری، ماهیگیری نیز از سرچشمه‌های درآمد مردم شهرستان قروه است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، توتون، گیاهان علوفه‌ای و انگور، دام و فرآورده‌های دامی.
**صنایع کارگاهی و کارخانه‌ای:** ۱ - صنایع غذائی ۲ - قند ریزی ۳ - نمک کوبی ۴ - نجاری ۵ - شیمیایی ۶ - رنگسازی ۷ - نساجی ۸ - قالی‌بافی ۹ - کابینت‌سازی ۱۰ - موزئیک سازی ۱۱ - تانکرسازی ۱۲ - آهک پزی ۱۳ - جوراب بافی.
**دلبران:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان قروه استان کردستان دلبران است.
**دِهگُلان (مرکز بخش):** دهگلان مرکز بخش ئیلاق، از بخشهای شهرستان قروه، استان کردستان است که در ۳۶کیلومتری شمال باختری قروه و در مسیر جاده قروه ـ سنندج می‌باشد. دهگلان در منطقه‌ای دشتی قرار دارد.
**آب و هوا:** نسبتاً سرد و نیمه خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۳۲ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها ۱۹ درجه زیر صفر، میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۴۷۰ میلیمتر است.
**دیواندره (مرکز شهرستان):** شهر دیواندره مرکز شهرستان دیواندره از شهرستانهای استان کردستان است که در ۹۹کیلومتری شمال سنندج و در مسیر جاده اصلی سنندج ـ سقز قرار دارد.
**دیواندره:** مرکز این شهرستان شهر دیواندره دارای سه بخش است.

**رودها:** رود دائمی قزل اوزن از کوه‌های چهل چشمه و کوهستان قره‌داغ سرچشمه گرفته و پس از آبیاری مسیر خود وارد استان زنجان می‌شود در اینجا سفیدرود نامیده می‌شود.
**کوهها:** ۱ -کوه مسجدمیرزا به بلندی ۳۰۵۹ متر ۲ - ملاکاوو به بلندی ۲۸۳۰ متر ۳ -کوه ملکه به بلندی ۲۷۳۰ متر ۴ -کوه شیخ معروف به بلندی ۲۸۹۵ متر ۵ -کوه‌کل‌کوژه به بلندی ۲۶۲۰ متر ۶ -کوه کنه کشک به بلندی ۲۶۸۹ متر ۷ - کوه موارکریم به بلندی ۲۶۱۰ متر ۸ - کوه حاجی احمد به بلندی ۲۶۱۰ متر ۹ -کوه حاجی بابا به بلندی ۲۶۲۰ ۱۰ -کوه سنگ رخنادی به بلندی ۲۶۳۰ متر ۱۱ - کوه بردر قاره آبی به بلندی ۲۵۲۰ متر ۱۲ -کوه شاه‌جو به بلندی ۲۵۰۵ متر ۱۵ -کوه حاجی سید به بلندی ۲۶۱۰ متر ۱۶ - کوه حواس بیک به بلندی ۲۴۱۰ متر ۱۷ -کوه تبریز خاتون به بلندی ۲۷۳۷ متر - غار مشور کرفتو در منطقه‌ی دشتی اوباتو که در بلندی ۲۲۰۰ متری شمال دیواندره قرار گرفته است.
**آب و هوا:** نسبتاً سرد و نیمه خشک.
**رستنی‌ها:** بلوط، انجیر کوهی، کیکم، گلابی جنگلی، بنه، ارغوان واژرن - گیاهان دارویی و صنعتی: گل‌گاوزبان، خاکشی، آویشن، درمنه، قدومه، بومادران، شیرین بیان وگون‌کتیرا، پوشش گیاهی برای چرای دام خیلی فراوان
**جانوران و پرندگان:** روباه، گرگ، قوچ، و میش کوهی، خرگوش کبک، تیهو، فاخته، بلدرچین، جغد، دارکوب، عقاب و شاهین.
**اقتصاد:** بر کشاورزی، باغداری و دامداری استوار است منابع آب کشاورزی رود و چشمه می‌باشد. دامداری به شیوه‌ی سنتی رواج دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، بنشن، گیاهان علوفه‌ای، سیب، زردآلو، گلابی، دام و فرآورده‌های دامی و شیری.
**دیواندره (بخش مرکزی)** از بخش‌های شهرستان دیواندره استان کردستان و مرکز آن شهر دیواندره و دارای ۳ دهستان: (۱ - چهل چشمه ۲ - حومه ۳ - قراتوره) است.
**زرینه:** از دهستان‌های بخش کرفتو شهرستان دیواندره استان کردستان و مرکز آن زرینه می‌باشد.
**زریوار:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مریوان استان کردستان و مرکز نی است.
**زیویه:** از بخش‌های شهرستان سقز، مرکز این بخش شهر صاحب، دارای ۵ دهستان (۱ - تیلکوه ۲ - خورخوره ۳ - امام ۴ -گل تپه ۵ - صاحب) است.
**ژاورود:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کامیاران استان کردستان و مرکز آن گشکی است.
**ژاورود غربی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سنندج استان کردستان و مرکز آن آویهنگ است.
**ژریژه:** از دهستان‌های بخش مردآباد شهرستان مریوان استان کردستان و مرکز آن ژریژه است.
**سارال:** از دهستان‌های بخش دیواندره، شهرستان سنندج استان کردستان
**سارال:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان دیواندره استان کردستان و مرکز آن هزارکانیان است.
**سارال (بخش):** از بخش‌های شهرستان دیواندره استان کردستان، مرکز شهر هزار کانیان، دارای ۳ دهستان است: (۱ - حسین‌آباد شمالی ۲ - سارال ۳ - کوله)
**سرا:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سقز استان کردستان و مرکز آن سرا است.
**سرشیو:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان

سقز استان کردستان و مرکز آن حسن سالاران است.

**سرشیو:** از دهستان‌های بخش سرشیوه شهرستان مریوان استان کردستان و مرکز آن چناره است.

**سرشیو:** از بخش‌های شهرستان مریوان، استان کردستان است که از شمال به شهرستان سقز، از خاور به شهرستان سنندج از جنوب به حومه مریوان، از باختر به بخش خاور میرآباد و از شمال باختری به خاک عراق محدود می‌باشد.

**رودها:** به واسطه‌ی موقع خاص طبیعی و کوهستانی بودن، و وزش بادهای غربی بارندگی فراوان و رودهای روان آن متعدد است. ۱ - رود چناره مهم‌ترین رود منطقه سرشیو می‌باشد که از کوه‌های کانی کن برانان، اسبی شیره و الحق سرچشمه می‌گیرد و پس از آبیاری مناطقی از بخش سر شیو به چم گردلان می‌ریزد.

**کوهها:** ۱ -کانی کن به بلندی ۲۵۰۵ متر در ۲۹ کیلومتری شمال خاوری مریوان ۲ -کوه کاسه کله به بلندی ۲۱۲۳ متر، در ۱۴ کیلومتری شمال خاوری مریوان ۳ -کوه سرچناره در ۱۹ کیلومتری شمال خاوری مریوان به بلندی ۱۷۵۰ متر ۴ -کوه الحق به بلندی ۲۱۵۰ متر در شمال خاوری مریوان به بلندی ۲۱۰۰ متر

**آب و هوا:** نسبتاً سرد و نیمه مرطوب

**رستنی‌ها:** درختان بلوط، گلابی کوهی، بادام کوهی، انارکوهی، توت، زالزالک، ون، بنه، کیکم، ارغوان و زبان گنجشک -گیاهان دارویی و صنعتی: شاتره، پونه، شیرین بیان، گل گاوزبان، بومادران، ریواس، آویشن، بارهنگ، عناب، بابونه، پرسیاوشان، کاسنی و گون کتیرا، پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** کل، میش، خرس، گرگ، روباه، شغال، گراز، بلدرچین، لک‌لک، کبک، قرقاول و تیهو.

**زبان:** مردم آن آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش کردی (اورامی) سخن می‌گویند.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی دامداری و کشاورزی و صنایع دستی استوار است.

در بخش سرشیو دامداری به واسطه‌ی وجود مراتع خوب بیش از کشاورزی اهمیت دارد. و کشاورزی به صورت آبی و دیمی انجام می‌شود. آب کشاورزی از رود و چشمه فراهم می‌شود.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن و تره بار ـ دام و فرآورده‌های دامی - قالیچه، گلیم، گلیمچه، شال پشمی و جاجیم....

**سرگل:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان مریوان استان کردستان مرکز آن کانی‌دینار است.

**سروآباد (بخش):** بخش مرکزی شهرستان سروآباد (استان کردستان و مرکز شهر سروآباد، دارای شش دهستان است: ۱ - بیاران ۲ - پایگلان ۳ - دزلی ۴ - رزآب ۵ - ژریره ۶ -کوسالان.

سروآباد از شمال به بخش کلاترزان و حومه‌ی مریوان، از خاور به حومه‌ی سنندج، از جنوب به حومه‌ی پاوه و از باختر به خاک عراق محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر سروآباد، دارای ۶ دهستان (۱ - اورامان تخت ۲ - پایگلان ۳ - رزآب ۴ - بیاران ۵ - ژریژه ۶ -کوسالان) است.

**رودها:** ۱ - رودگور از کوه‌های کانی اختران و کل سرچشمه می‌گیرد و پس از آبیاری دهستان‌های اطراف از یک کیلومتری مرکز بخش می‌گذرد و به رود سیروان می‌پیوندد ۲ - رود نگل که ازکوه‌های گلچیدر سرچشمه گرفته و دهستان رزآب بخش

سروآباد را آبیاری می‌کند و سرانجام به ژاوه رود می‌پیوندد که با آن دو رود نیز می‌گویند.
**کوهها:** ۱ -کوه پیازه به بلندی ۲۹۵۳ متر در ۲۴ کیلومتری جنوب خاوری مریوان ۲ -کوه تخت به بلندی ۲۸۲۰ متر در ۳۲کیلومتری جنوب مریوان ۳ -کوه دربند به بلندی ۲۷۷۰ متر در ۳۴ کیلومتری جنوب مریوان ۴ -کوه سالان به بلندی ۲۶۲۰ متر در ۳۲ کیلومتری جنوب خاوران مریوان ۵ -کوه سنگ سوری به بلندی ۲۶۷۰ متر در ۳۶ کیلومتری جنوب خاوری مریوان ۶ -کوه مهدی به بلندی ۲۳۵۰ متر در ۱۸ کیلومتری جنوب مریوان ۷ -کوه کنولان به بلندی ۲۱۸۰ متر در جنوب خاوری مریوان.
**آب و هوا:** نسبتاً سرد و نیمه مرطوب
**رستنی‌ها:** درختان بلوط، ون، گلابی کوهی، بادام کوهی، زالزالک، بنه، سماق، گردو، توت، کیکم و ارغون -گیاهان صنعتی و دارویی: گل گاوزبان، بومادران، پونه، گل ختمی، شاتره، شیرین بیان و گون کتیرا، پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** قوچ، میش، گرگ، روباه، شغال، خرس، بزکوهی، گراز، کبک، قرقاول و تیهو.
**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامدای، باغداری و صنایع دستی استوار است. کشاورزی به صورت آبی و دیم و کشت شیوه‌ی سنتی انجام می‌شود. آب کشاورزی از رود و چشمه فراهم گشته است.
**دامداری:** به واسطه‌ی وجود مراتع خوب به شیوه‌ی سنتی صورت می‌گیرد و از اهمیت خاصی برخوردار است. صنایع دستی نیز از فعالیت‌های عمده‌ی مردم سروآباد می‌باشد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، گیاهان علوفه‌ای، گردو، انگور، توت فرنگی و انواع میوه - دام و فرآورده‌های دامی و شیری - قالیچه، گلیم، گلمچه، شال پشمی، جاجیم و موج و....

**سروآباد (شهرستان)**
از شهرستان‌های استان کردستان، مرکز آن شهر سروآباد، دارای دو بخش ۱ - مرکزی ۲ - اورامان و هشت دهستان است.
**سریش‌آباد (بخش):** از بخش‌های شهرستان قروه استان کردستان، مرکز آن شهر سرشین‌آباد، دارای ۳ روستا ۱ - قصلان ۲ - لک ۳ - یالغوزآباد.
**سقز:** از شهرستان‌های استان کردستان مرکز آن سقز دارای دو بخش ۱ - بخش مرکزی دارای ۵ دهستان (۱ - ترجان ۲ - سرا ۳ - تموغه ۴ - میرده ۵ - سرشیو) است. ۲ - بخش زیویه است. شهرستان سقز در شمال کردستان، بر روی دو تپه‌ی طویل برافراشته شده و رود سقز از کنار شهر سقز می‌گذرد، اطراف این شهر را ارتفاعاتی فراگرفته است. سقز یکی از نقاط کوهستانی است که هوایش در زمستان بسیار سرد و در تابستان گرم است. در زمستان، گاهی برف‌های سنگین در آن می‌بارد و در پاییز و بهار چندین روز متوالی ریزش باران ادامه دارد. کتابهای درسی.
**سقز (بخش مرکزی):** از بخش‌های مرکزی شهرستان سقز و مرکز آن شهر سقز و دارای ۵ دهستان (۱ - توجان ۲ - سرا ۳ - تموغه ۴ - میرده ۵ - سرشیو) است.
**سنندج:** از شهرستان‌های استان کردستان می‌باشد که از شمال به شهرستان تکاب، از خاور به شهرستان‌های بیجار و قروه، از جنوب به شهرستان‌های سقز و کرمانشاه، از جنوب باختری به شهرستان‌های جوانرود و از باختر به شهرستان‌های سقز و مریوان محدود است.

شهرستان سنندج در دره‌ای نسبتاً وسیع واقع شده که به وسیله‌ی کوه‌های اطراف محصور گشته و دارای ۵۰۳۳ کیلومتر مربع مساحت است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر سنندج، دارای دو بخش ۱ - بخش مرکزی دارای ۷ دهستان (۱ - ارندان ۲ - حسین‌آباد جنوبی ۳ - حومه ۴ - آبیدر ۵ - نران ۶ - ژاورود شرقی ۷ - سراب قامیش) است.

**رودها:** ۱ - رود قشلاق از کوه‌های شمال خاوری سنندج به «گاورد می‌پیوندد» ۲ - رود سیروان در شهرستان‌های سنندج از پیوستن دو رود قشلاق و رود گاورود پدید آمده، در مناطق باختری شهرستان پاوه به کشور عراق وارد می‌شود و به رود دیاله می‌پیوندد ۳ - گاورود از کوه‌های خوشیلان، راین، سلطان کوه و شیطانه نیز از کوهستان الوند سرچشمه گرفته، در مسیرش به رودخانه‌هایی چون رود آب تخته، امیرآباد به آن می‌پیوندد و سرانجام در شمال آبادی برلانه به رود قشلاق می‌پیوندد. ۴ - قزل اوزن از کوه چهل چشمه و کوهستان قره‌داغ روان گشته و پس از آبیاری شهرستان سنندج و بیجار وارد استان زنجان می‌گردد.

چشمه‌های فراوانی در شهرستان سنندج روان است که آب آشامیدنی و قسمتی از آب کشاورزی را تأمین می‌کند.

**کوهها:** شهرستان سنندج در منطقه‌ی کوهستانی از رشته کوه‌های زاگرس در دو رشته کوه از شمال باختری به جنوب خاوری و رشته‌ی دیگر از خاور سنندج و جنوب شهرستان قروه آغاز شده و تا شهرستان اسدآباد و کوهستان الوند ادامه دارد. ۱ - کوه چرخ لان به بلندی ۳۳۳۰ متر ۲ - کوه مسجدمیرزا به بلندی ۳۰۵۹ متر ۳ - کوه پیرمحمود به بلندی ۲۶۴۲ متر ۴ -کوه خسروکش به بلندی ۲۷۲۸ متر ۵ -کوه هواربرزه به بلندی ۲۹۵۰ متر ۶ -کوه ملاکاوو به بلندی ۲۸۲۰ متر ۷- کوه ملکه به بلندی ۲۷۳۰ متر ۸ -کوه شیخ‌معروف به بلندی ۲۸۹۵ متر ۹-کوه‌کوچسار به بلندی ۲۹۴۶ متر ۱۰ -کوه کنه‌کشک به بلندی ۲۶۸۹ متر

**دشت‌ها:** ۱ - دشت امیرآباد، در منطقه‌ی کامیاران به مساحت ۶۲۲۰ هکتار دارای بیش از صد چشمه و ۴ رشته کاریز و چندین حلقه‌ی چاه عمیق و نیمه عمیق ۲ - دشت کامیاران به مساحت یازده هزار هکتار در دو قسمت، بخش جنوبی از آن استان کرمانشاهان و منطقه‌ی شمالی آن تا آبادی ورله از آن کردستان است.

۳ - دشت قشلاق به مساحت ۵۶۰۰ هکتار ۴ - دشت خامسان به مساحت ۲۰۰۰ هکتار، کوداران خاک خیلی گود است. غار کرفتو از لحاظ تاریخی دارای اهمیت است که دین سامان قرار دارد.

**کانی‌ها:** ۱ - معدن مرمریت، سنندج ۲ - معدن مرمریت در گاوشان سنندج ۳- معدن آهک کوه روشه در اطراف سنندج ۴ - معدن سنگ لاشه آجگره در حوالی شمالی ۵ - معدن تراورتن کوئیک در محدوده‌ی شهر

**آب و هوا:** نسبتاً سرد و نیمه خشک

**رستنی‌ها:** درختان بلوط، مازو، گلابی، سماق، زبان‌گنجشک، گردو، سیب‌وحشی، بنه، زالزالک وحشی، آلبالوجنگلی، ارژن، ازگیل، انجیر وحشی و افرا -گیاهان دارویی و صنعتی: بابونه، آویشن، بارهنگ، شیرین‌بیان، کاسنی، خاکشی، بومادران، گل‌گاوزبان و گون کتیرا پوشش گیاهی برای چرای دام، خیلی فراوان.

**جانوران و پرندگان:** شغال، گراز، گرگ، روباه،

قوچ و میش، بزکوهی، پلنگ، کبک، تیهو، فاخته، بو تیمار، دارکوب، هدهد، عقاب، کرکس و شاهین.

برخی از ایلات و عشایر که تیره‌هایی از آن‌ها اسکان یافته‌اند: کماسی سادات، نقشبندی، زند، کلانترزان، کشکی و کمانگر می‌باشند.

مردم این سامان آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش کردی (اورامی و سورامی) سخن می‌گویند.

**اقتصاد:** بر کشاورزی، باغداری، دامداری و دامپروری و صنایع دستی استوار است.

باران کافی، رودهای متعدد و خاک حاصل‌خیز بر اهمیت این سامان افزوده، ازینرو تولیدات کشاورزی و باغداری آن فراوان و متنوع است. تره بار، گندم، جو، ذرت، علوفه‌ای و توت فرنگی، زردآلو، گردو، سب، هلو، بادام، گیلاس، آلبالو، گلابی، آلو، به، هلو، شفتالو و انار.

دامپروری به واسطه‌ی مراتع خوب و فراوان از اهمیت بسیاری برخوردار است. دام و فرآورده‌های دامی نیز از منابع مهم درآمد مردم این سامان می‌باشند از این گذشته پرورش طیور و زنبورداری آن نیز پراهمیت است.

صنایع بر دو گونه است: ۱ - دستی: موج بافی، جاجیم‌بافی، گلیم، گلیمچه بافی، قالی‌بافی، نازک کاری چوب، سفالسازی، گیوه بافی، حصیربافی، سوزن دوزی و شالبافی، ۲ -کارخانه‌ای: نساجی، کفاشی، چرمسازی، تولید شیر پاستوریزه، کاغذسازی، تولیدات شیمیایی، تولیدات برق و الکترونیک و فلزی، تولیدات کانی غیرفلزی فرآورده‌های غذایی و داروسازی.

**سنندج (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان سنندج استان کردستان و مرکز آن شهر سنندج و دارای ۷ دهستان (۱ - ارندان ۲ - حسین‌آباد جنوبی ۳ - حومه ۴- آبیدر ۵ - نران ۶ - ژاو رود شرقی ۷ - آبیدر است.

**سیاه منصور:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان بیجار استان کردستان و مرکز آن جعفرآباد است.

**سیلتان:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان بیجار استان کرمان و مرکز آن توپ آغاج است.

**شاهو:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان کامیاران استان کردستان و مرکزآن ورمهنگ است.

**شوی:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان بانه استان کردستان و مرکز آن شوی است.

**صاحب:** از دهستانهای بخش زیویه شهرستان سقز استان کردستان و مرکز آن صاحب است.

**طغامین:** از دهستانهای بخش کرانی شهرستان بیجار استان کردستان و مرکز آن آقبلاق طغامین است.

**عشایر بانه:** طوایف شهیدی، بهرام بیگی، احمدی و لطف‌الله بیگی، بیشتر اسکان یافته‌اند که در عین‌حال به دامپروری و صنایع دستی سرگرمند، از این گذشته در کشاورزی و استفاده از میوه‌ی جنگلی و سبزی‌های کوهستانی می‌پردازند. و نیز زندگی ایلیاتی را نیز ادامه می‌دهند.

**عوالان:** از دهستانهای بخش موچش شهرستان کامیاران استان کردستان و مرکز آن نشور سفلی است.

**قُروِه:** از شهرستانهای استان کردستان می‌باشد که از شمال به شهرستان بیجار، از خاور و جنوب خاوری به شهرستان همدان، از جنوب به شهرستان سنقر و از باختر به شهرستان سنندج محدود است. شهر قروه مرکز شهرستان قروه در دشت وسیعی قرار گرفته و خاکش حاصلخیز و برای کشاورزی مساعد است. و در شمال شهرستان قروه، چشمه طبیعی و جوشانی به

صورت دریاچه کوچکی وجود دارد و بنظر می‌رسد دهانه یک آتشفشان خاموش قدیمی بوده است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر قروه، دارای ۴ بخش ۱ - بخش مرکزی دارای ۴ دهستان (۱ - پنجه علی ۲ - دلبران ۳ - بدر ۴ - پنجه علی جنوبی) ۲ - تلوار ۳ - چهار دولی ۴ - ئیلاق است.
**رودها:** ۱ - رود شور از بلندیهای پیرامون روستای دوسر روان گشته، به رود تلوار می‌پیوندد. آب این رود در آبیاری شهرستان نقش مهمی دارد و مهمترین رود شهرستان قروه بشمار می‌رود. ۲ - رود تلوار از کوههای خسرو کش و عبدالرحمن روان گشته، پس از آبیاری منطقه‌ای از این شهرستان به رود قزل اوزن می‌پیوندد. ۳ - رود سنگ سیاه که از کوه پنجه علی روان گردیده از مناطق اطراف شهرستان قروه میگذرد و به رود تلوار می‌پیوندد.
چشمه سراب قروه از ۲/۵ کیلومتری جنوب باختری شهرستان قروه و کاریز خالصه از ۱/۵ کیلومتری جنوب قروه می‌گذرد و کشتزارها را آبیاری می‌کند.
**کوهها:** ۱ -کوه باشماق بیلندی ۲۲۷۶ کیلومتر ۲ -کوه باورز ببلندی ۲۳۰۵ متر ۳ -کوه بگر ببلندی ۲۳۰۵ متر ۴ -کوه سورمه علی ببلندی ۲۴۰۵ متر ۵ -کوه عبدالرحمن ببلندی ۲۵۲۰ متر ۶ -کوه حسین بک ببلندی ۳۰۹۱ متر ۷ -کوه بیر ببلندی ۳۲۵۰ متر، کوه بیر بلندترین کوه شهرستان قروه است که در دامنه‌های شمالی این کوه به شهرستان قروه و دامنه‌های جنوبیش به شهرستان سنقر مشرف می‌باشد.
**قروه (بخش مرکزی):** از بخشهای شهرستان قروه استان کردستان و مرکز آن شهر قروه و دارای ۴ دهستان: (۱ - پنجه علی ۲ - دلبران ۳ - بدر ۴ - پنجه علی جنوبی) است.
**قصلان** :از دهستانهای بخش مرکزی، شهرستان قروه استان کردستان و مرکز آن قصلان و در منطقه‌ای دشتی سرد و خشک و کوه سیاه در آن قرار و رود شور درین دهستان جریان دارد.
**جانوران:** شغال، گرگ، روباه، خرگوش، کبک و تیهو.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، نخود، یونجه، سیب، پیاز، جاجیم، گلیم، قالی، دام و فرآورده‌های دامی.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، شاتره، آویشن، ختمی، گون و گیاهان مرتعی.
**قوری چای:** از دهستانهای بخش ئیلاق شهرستان قروه استان کردستان و مرکز آن قوری چای و در منطقه‌ای پایکوهی، سرد نیمه خشک و کوه محمود سروالاو کوه قلعه گاه و کوه یوسف سیاه و دره کانی ری پناه و دشت کاکابرار قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، نخود، یونجه، سیب زمینی، زردآلو، و سیب، قالی، دام و فراورده‌های دامی.
**کامیاران:** از شهرستانهای استان کردستان است که از شمال به سنندج و از مشرق با شهرستانهای قروه و سنقر و از جنوب با شهرستان کرمانشاه و از مغرب و جنوب غربی با شهرستان جوانرود هم مرز است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر کامیاران دارای دو بخش ۱ - بخش مرکزی، دارای ۳ دهستان (۱ - بیلوار ۲ - شاهو ۳ - ژاورود) ۲ - بخش موچش است.
**رودها:** رود از آور ۲ - رودگاورود ۳ - چشمه‌های دائمی دار امام، مادالان و کاریز خانم آباد.
**کوهها:** منطقه کامیاران کوهستانی کوههای بلند متعددی دارد: ۱ -کوه چرخ لان (۳۳۳۰ متر) ۲ -

خزیله (۲۱۲۰ متر) ۳ - ویس (۲۴۵۰ متر) ۴ - انجیرلی (۲۷۱۵ متر) ۵ - بنه آباد (۲۴۵۰متر)
**آب و هوا:** نسبتاً سرد و نیمه خشک.
**رستنی‌ها:** درختان بلوط، بنه، زالزالک وحشی، ارژن، گیاهان داروئی و صنعتی و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** خرس، گوزن، آهو، روباه، شغال، خرگوش، کبک و تیهو.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری، باغداری و پرورش طیور و پرورش زنبور عسل استوار است. کشاورزی بیشتر به شیوه سنتی و نوع کشت آبی و دیمی و آب کشاورزی از چاه‌ها، رود، چشمه‌ها و کاریزها فراهم گشته.
**فرآورده‌ها:** گندم، گل، آفتابگردان، سویا، بنشن، تره بار، سیب، انگور، زردآلو، هلو، گلابی، گردو، توت، و توت فرنگی.
**کانی سور:** از دهستانهای بخش نمشیر شهرستان بانه استان کردستان و مرکز آن کانی سور است.
**کانی شیرین:** از دهستانهای بخش کرفتو شهرستان دیواندره استان کردستان و مرکز آن شالی‌شل است.
**کرانی:** از دهستانهای بخش کرانی شهرستان بیجار استان کردستان و مرکز آن یاسوکند است.
**کرانی (بخش):** از بخشهای شهرستان بیجار، استان کردستان است که از شمال و شمال شرقی به شهرستان زنجان، از مشرق به شهرستان خدابنده، از جنوب به حومه بیجار و از مغرب به شهرستان تکاب محدود و مرکز آن یاسوکند است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش یاسوکند، دارای ۳ دهستان (کرانی ۲- طغامین ۳-گرگین) است.
**رودها:** ۱ - رود قمچقای ۲ - رود کوهزن ۳ - رود چالاب علاوه بر این از هشت کاریز و همچنین چندین چشمه در آبیاری کشاورزی و تامین آب آشامیدنی بهره‌برداری می‌شود.
**کوهها:** ۱ -کوه اوچ قزار داغ (۲۲۵۰ متر) ۲ - باباقاضی (۲۱۳۰ متر) ۳ - بلاوچ (۲۱۴۰ متر) ۴ -کوه خال داغی (۲۶۲۱ متر) ۵ - قره چمن (۲۷۹۴ متر) ۶ - قره داش (۲۵۶۰) ۷ - قزل تپه (۲۰۵۷ متر) ۸ - شاه نشین (۲۴۰۵ متر) ۹ - قراق باغ (۱۷۹۲ متر) ۱۰ - باغ یوش (۱۹۰۰ متر) ۱۱ - قم درسی (۱۹۲۲ متر)
**کانها:** سنگ آهک، نمک آبی، و سنگ مورد بهره برداری است.
**آب و هوا:** نسبتاً سرد و نیمه خشک.
**رستنی‌ها:** درختان بلوط، بادام کوهی، گیاهان داروئی و صنعتی - پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، روباه، گراز، شغال، قوچ، و میش، عقاب، سار، کبک، لک لک، قرقاول، قرقی و تیهو.
**درآمد:** بر پایه کشاورزی، دامپروری، استخراج معادن، صنایع دستی استوار است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره بار، انگور، دام و فرآورده‌های دامی، عسل، گلیم (باطرحهای جالب).
**کرفتو:** از بخشهای شهرستان دیواندره استان کردستان و مرکز آن شهر زرینه، دارای ۳ دهستان (۱ - اوباتو ۲ - کانی شیرین ۳ - زرینه) است.
**کلاترزان:** (kalatarzan) از بخشهای شهرستان سنندج، استان کردستان است که از شمال به بخش سرشیو (از شهرستان مریوان)، از خاور به شهرستان سنندج از جنوب و جنوب باختری به بخش سروآباد (از شهرستان مریوان) و از شمال باختری به حومه شهرستان مریوان محدود

می‌باشد.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش کلاترزان، دارای ۳ دهستان (۱ -کلاترزان ۲- ژاوود غربی ۳ - نگل) است. **رودها:** ۱ - رود چم شویشه (کلاترزان) ازکوههای سلطان احمد و کوه گلچیدر روان گشته، از جنوب مرکزی بخش میگذرد و به رود تگل می‌پیوندد. ۲ - رود کاوکنان از کوهها ول روان گردیده به رود کلاترزان می‌پیوندد. ۳ - رود کوماسی که ازکوههای سلطان احمد روان گشته به رود کلاترزان می‌پیوندد. ۴ - رود پهنگ که از بلندیهای آوپهنگ روان گردیده، در محلی بنام دوآب به رود سیروان می‌ریزد. ۵ - رود نگل از بهم پیوستن رودهای شویسه و کلاترزان پدید آمده است.
**کوهها:** بخش کلاترزان در منطقه‌ای کوهستانی قرار و کوههای متعددی در اطرافش قرار گرفته است: ۱ -کوه میانه ببلندی ۲۹۵۰ متر ۲ -کوه گلنه ببلندی ۲۶۸۷ متر ۳ -کوه میرویس ببلندی ۲۷۶۰ متر ۴ -کوه برد سور ببلندی ۲۶۲۰ متر ۵ -کوه سنگ سور ببلندی ۲۶۷۰ متر ۶ - کوه سعدالسعید ببلندی ۲۵۵۰ متر ۷ -کوه شیانه ببلندی ۲۴۴۴ متر ۸ -کوه پیراسماعیل ببلندی ۲۳۷۶ متر ۹ - کوه لوه ببلندی ۲۳۷۲ متر ۱۰ -کوه سنگ پره ببلندی ۲۳۲۰ متر ۱۱ -کوه سلطان احمد ببلندی ۲۱۵۰ متر
**کانها:** معدن مرمریت و...
**آب و هوا:** نسبتاً سرد و نیمه مرطوب.
**رستنی‌ها:** درختان بلوط، زالزالک، کیلم، بنه، گلابی کوهی، و انجیر کوهی،
**گیاهان داروئی و صنعتی:** گل گاوزبان، بومادران، شیرین بیان، آویشن، شاتره، بارهنگ، کاسنی، و گون کتیرا.
**جانوران و پرندگان:** قوچ، میش، گرگ، روباه، خرگوش، جوجه تیغی، کبک، تیهو، فاخته، بلدرچین، جغد، بوتیمار، دارکوب، کلاغ سیاه، سار، هدهد، عقاب و شاهین.
عده‌ای از جمعیت را ایلات و عشایر کرد تشکیل می‌دهند.: ۱ - طوایف کوماسی ۲ - زند ۳ - سادات نقشبندی ۴ -کلاترزان این طوایف بیشتر به دامداری و کشاورزی و در ضمن گلیم بافی و جاجیم بافی و جوراب بافی و شال پشمی بافی سرگرمند.

مردمش آریانی نژادند و بزبان فارسی باگویش کردی (اورامی) سخن می‌گویند.
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، دامداری و تا حدی صنایع دستی استوار است.
بواسطه کوهستانی بودن منطقه زمین‌های کشاورزی نسبتاً اندکی وجود دارد، وکشاورزی به شیوه سنتی و نوع کشت آبی و دیمی صورت می‌گیرد. منابع آب کشاورزی از رود و چشمه فراهم گشته. جنس خاک آهکی و رسی است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره بار، تنباکو، و توتون، انگور، هلو، سیب، آلو، زردآلو، سنجد، بادام و گردو.
عوامل طبیعی از جمله بارندگی فراوان اختلاف بلندی میان ۱۲۰۰ تا ۲۸۰۰ متر و نیمه مرطوب بودن منطقه مراتع خوبی در دسترس قرارگرفته، از اینرو دامپروری پررونقی دارد و دام و فرآورده‌های دامی از منابع مهم درآمد مردم این سامان است.
در صنایع دستی کوششهائی صورت می‌گیرد و مصنوعاتی چون:گلیم،جاجیم،گیوه،موج،ساخته می‌شود.
**کلاترزان:** از دهستانهای بخش کلاترزان شهرستان سنندج استان کردستان و مرکز آن

شویشه است.
**کوسالان:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان سروآباد استان کردستان و مرکز آن قلعه جی است.
**کوله:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان دیواندره،استان کردستان و مرکز آن کوله است.
**کوله:** از دهستانهای بخش دیوان دره شهرستان سنندج، استان کردستان و مرکز آن کوله و در منطقه‌ای تپه‌ای، سرد خشک و کوه پیر محمود در آن قرار دارد.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، نخود، یونجه، زردآلو، سیب، قالی، دام و فرآورده‌های دامی
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، ختمی، شیرین بیان، آویشن، و گیاهان مرتعی.
**کوماسی:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان مریوان استان کردستان و مرکز آن پیر خفران است.
**گاورود:** از دهستانهای بخش موچش شهرستان کامیاران استان کردستان و مرکز آن کوله ساره است.
**گرگین:** از دهستانهای بخش کرانی شهرستان بیجار استان کردستان و مرکز آن گرگین است.
**گل تپه:** از دهستانهای بخش زیویه شهرستان سقز استان کردستان و مرکز آن گل تپه است.
**گلچیدر:** از دهستانهای بخش سرشیو شهرستان مریوان استان کردستان و مرکز آن جانده و در منطقه‌ای دره‌ای سرد نیمه مرطوب وکوه میاروشان و کوه خاصگی در آن قرار دارد.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش، و کبک.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، نخود، انگور، زردآلو، چوب، دام و فرآورده‌های دامی.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، خاکشی، شاتره، گل کبود، گون و گیاهان مرتعی.

**لک:** از دهستانهای بخش تلوار شهرستان استان کردستان و مرکز آن گیلکو است.
**مریوان (بخش مرکزی)** از بخشهای شهرستان مریوان استان کردستان و مرکز آن شهر مریوان و دارای ۳ دهستان: (۱ - زریوار ۲ - سرگل ۳ - کوماسی) است.
**مریوان (شهرستان):** از شهرستانهای استان کردستان می‌باشد که از شمال به شهرستان سقز، از خاور و جنوب خاوری به شهرستان سنندج، از جنوب به بخش نوسود (از شهرستان پاوه) و از باختر و شمال باختری به خاک عراق. شهرستان مریوان، دارای آب و هوای کوهستانی و سرد و خاک آن حاصلخیز و اطرافش را جنگلهای متعدد با مناظر جالب در بر گرفته است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر مریوان، دارای ۴ بخش ۱ - بخش مرکزی دارای ۳ دهستان ۱ - زریوار ۲ - سرگل ۳ -کوماسی) ۲ - بخش خاوومیر آباد ۳ - سرشیو ۴ - سرو آباد است.
**رودها:** ۱ - رود گاران ۲ - رود عصرآباد ۳ - رود قزلجه ۴ - رود زریوار (دریاچه زریوار) آبی ۵ - رود نگل (از بهم پیوستن رود شویشه و کلاترزان در دهستان نگل پدید آمده)

دریاچه زریوار یا زره‌وار در باختر شهر مریوان با بلندی ۱۲۸۵ از سطح دریا قرار دارد. این دریاچه دارای آب شیرین است و ازکف آن چشمه هائی میجوشد باین دریاچه هیچ رودی نمی‌ریزد بلکه رود مریوان یا تازه آباد از آن سرچشمه میگیرد. گودی این دریاچه حداکثر ۲۰ متر و حداقل ۵ متر است. سطح آن زمستانها کاملاً یخ می‌بندد. در اطراف دریاچه جنگل بلوط و زیستگاه پرندگانی چون مرغابی و غاز و پلیکان است.

**کوهها:** مریوان در منطقه‌ای کوهستانی درکوههای زاگرس قرار دارد و بواسطه موقع خاص خود دارای رطوبت مدیترانه و شرایط مناسب طبیعی جنگلی و مرتعی و مستعد دامپروری می‌باشد. ۱ - کوه پیازه ببلندی ۲۹۵۱ متر در بخش سروآباد ۲ - کوه تخت بیلندی ۲۸۲۰ متر در بخش سروآباد ۳ - کوه تموله سر در بخش سرشیو بیلندی ۲۷۵۰ متر ۴ - کوه چله خانه ببلندی ۲۷۰۵ متر در بخش سروآباد ۵ - کوه دربند ببلندی ۲۷۷۰ متر در بخش سروآباد ۶ - کوه سنانه ببلندی ۲۸۸۰ متر ۷ - کوه قلعه گور ببلندی ۲۷۵۰ متر در بخش سروآباد ۸ - کوه میرویس ببلندی ۲۷۶۰ متر در بخش سروآباد.

**کانها:** معدن سنگ ساختمانی، آهکی، ماشیست، و کانی پیریت.

**آب و هوا:** سرد و نیمه مرطوب و پر باران‌ترین منطقه استان کردستان بادهای باران آور مدیترانه‌ای در غرب ایران سبب بارندگی این ناحیه شده است.

**رستنی‌ها:** درختان میوه‌دار و بدون میوه جنگلی، بلوط، بنه، ون، انجیر، بادام کوهی، کیکم، زبان گنجشک و ارغوان - گیاهان داروئی و صنعتی: شیرین بیان، خاکشی، گل ختمی، بومادران، پونه، آویشن، ثعلب، کنگر، ریواس، و گون کتیرا - پوشش گیاهی بسیار خوب برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** بزکوهی، قوچ، میش، روباه، شغال، گرگ، خرس، گراز، سنجاب، لک لک، شاهین، عقاب، انواع مرغابی و پرندگان مهاجر از قبیل فلامینگو، پلیکان و قو.

در مریوان سه طایفه از عشایر منطقه اورامانات بسر می‌برند: ۱ - طایفه مصطفی سلطانی (در جنوب اورامان در منطقه زراب) اسکان یافته ۲ - طایفه کهنه پوش (در شمال مریوان) اسکان یافته و کشاورزگله دار ۳ - طایفه کانی سانی اسکان یافته (در مریوان) به کشاورزی و گلیم، جاجیم و شال‌بافی سرگرمند.

آریانی نزادند و بزبان فارسی با گویش کردی فارسی سخن می‌گویند

**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی، باغداری و دامپروری پر رونقی بواسطه موقع خاص طبیعی) استوار است و صنایع کارگاهی آن نیز پر اهمیت می‌باشد. کشاورزی آبی و دیمی است و از آب چشمه و رود آبیاری می‌شود.

دامپروری، پرورش گوسفند، بز و گاو، بیشتر بوسیله روستائیان و عشایر صورت می‌گیرد. پرورش طیور به شیوه سنتی و مدرن انجام می‌شود.

صنایع کارگاهی و صنایع دستی از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، توتون، گیاهان علوفه‌ای - انگور، گردو، توت فرنگی، سیب، گلابی، انار، آلبالو، گیلاس، گوجه، آلو، زردآلو، هلو، به، انجیر، بادام و سنجد - دام و فرآورده‌های دامی و شیری، قالی، گلیم، گلیمچه، شال پشمی، موج و جاجیم.

مردمی آریانی نژادند و بزبان فارسی با گویش ترکی سخن می‌گویند.

**آشنائی با جاذبه‌های گردشگری شهرستان مریوان:**

شهرستان مریوان در میان سلسله جبال زاگرس، در غرب استان کردستان و در فاصله‌ی ۱۲۵ کیلومتری شمال غربی سنندج واقع شده است. مرکز آن شهر مریوان، یکی از زیباترین و پرجاذبه‌ترین شهرهای استان کردستان است.

این شهرستان دارای جاذبه‌های طبیعی و اقتصادی زیادی است که برای نمونه می‌توان به

این موارد اشاره کرد:

● **مراکز خرید شهری:** یکی از دلایل اصلی انتخاب شهر مریوان برای مسافرت، انگیزه‌ی خرید کالا و اجناس خارجی به قیمت ارزان است که خیابان اصلی شهر و بازاری سرپوشیده موسوم به بازار اورامی‌ها، از مراکز خرید گردشگران است.

● **دریاچه‌ی زریوار:** این دریاچه مهم‌ترین تالاب و کم نظیرترین جاذبه‌ی آبی در غرب کشور محسوب می‌شود که در فاصله‌ی اندکی از شهر مریوان و در ارتفاع ۱۲۸۵ متری از سطح دریا قرار گرفته است. دور تا دور دریاچه را کوه‌های پوشیده از جنگل فراگرفته و به زیبائی آن افزوده است. طول دریاچه ۵/۴ کیلومتر و عرض آن حدود ۲ کیلومتر است و مساحتی حدود ۸۵۰ تا ۹۰۰ هکتار را دربرگرفته است. عمق متوسط دریاچه ۳ متر است که از نظر عمق، وسعت و حجم آب، شرایط بسیار مناسبی برای قایق رانی و اسکی روی آب فراهم کرده است. آب دریاچه شیرین و از جوشش چشمه‌هایی است که در کف دریاچه واقع شده‌اند؛ به طوری که نه تنها هیچ رودخانه‌ای به آن وارد نمی‌شود، بلکه خود دریاچه سرچشمه‌ی رودخانه‌ی مریوان است.

● **تفرجگاه‌های جنگلی اطراف:** به علت وجود محیط کوهستانی و جنگلی، در اطراف مریوان تفرجگاه‌های بسیاری وجود دارد.

● **آبشارهای فصلی:** در مسیر جاده‌ی مریوان به سقز، آبشارهای فصلی با نام قمچیان و گویله، در نزدیکی روستاهائی با همین نام قرار گرفته‌اند که در فصل بهار با زیبائی خود موجب جذب گردشگر در این مسیر می‌شوند.

● **قلل کوهستانی برای کوهنوردی:** به علت وجود ارتفاعات مهم در شهرستان مریوان، هر ساله تعداد زیادی از کوهنوردان و دوست داران طبیعت گردی به قلل و دامنه‌های کوه‌های این شهرستان صعود می‌کنند.

● **صنایع دستی و سوغات محلی:** مهم‌ترین محصولات صنایع دستی مریوان محصولات چوبی،گیوه‌های محلی و شال دست بافت است. هم چنین در بازار شهر، عسل طبیعی سرشیو به عنوان سوغات محلی مریوان به گردشگران عرضه می‌شود.

شهر مریوان با ۱۲۸۷ متر ارتفاع نسبت به سطح میانگین دریای آزاد در بخش کوهستانی غرب کشور واقع و شرایط آب و هوائی آن کاملاً با مناطق گرم و خشک فلات مرکزی ایران متفاوت است. عناصر اقلیمی دما و رطوبت از عناصر مهم در آسایش مسافران و بازدیدکنندگان هستند که تأثیر ترکیبی آن‌ها با یک عنصر اقلیمی ترکیبی به نام دمای مؤثر بیان می‌شود.

**موچش:** از بخشهای شهرستان کامیاران، استان کردستان مرکز این بخش شهر موچش، دارای ۴ دهستان (۱ - امیر آباد ۲ - عوالان ۳ - گاورود ۴ - سورسور) است.
رود امیر آباد از جنوب این بخش می‌گذرد. -کوه نصرالله در ۲ کیلومتری جنوب و کوه معارف در ۳ کیلو متری مغرب و شمال غربی آن سر برافراشته است.
کشاورزی، باغداری، دامداری، زنبورداری و قالی بافی فعالیت عمده اقتصادی مردم این سامان است.
**کشت:** آبی و دیمی، کشاورزی و آشامیدنی از: رود، چشمه و چاه فراهم گشته.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، نخود، تخمه آفتابگردان، بنشن، زردآلو،سیب، توت فرنگی و انگور.
**پوشش گیاهی:** ۱ -گیاهان داروئی وصنعتی چون گل گاوزبان، گل ختمی، آویشن و گون و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**میرده:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان سقز استان کردستان و مرکز آن میرده است.

**نجف آباد:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان بیجار استان کردستان و مرکز آن نجف آباد و در منطقه‌ای تپه‌ای، سرد خشک قرار دارد.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش و کبک.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، نخود، سیب، یونجه، سیب زمینی، زردآلو، گلابی و چوب.
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، آویشن، ختمی، شیرین بیان، گون و گیاهان مرتعی.

**نران:** از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان سنندج استان کردستان و مرکز آن علی آباد است.

**نگل:** از دهستان‌های بخش کلاترزان شهرستان سنندج استان کردستان و مرکز آن نگل است.

**نمشیر:** از بخش‌های شهرستان بانه استان

کردستان مرکز این بخش شهر کانی سور، دارای ۳ دهستان (نم شیر۲ -کانی سور ۳ - بوالحسن) است.
**نَنوُرْ:** از بخشهای شهرستان بانه، استان کردستان است که از شمال به حومه بانه، از خاور و شمال خاوری به حومه سقز، از جنوب به خاک عراق و از باختر به بخش آلوت محدود می‌باشد.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر بوئین سفلی دارای دو دهستان (۱ - ننور ۲ - بوئین) است.
**رودها:** رود بوئین را تنها رود مهم بخش ننورد دانسته‌اند که از کوههای قزج رابان و دوزینه سرچشمه گرفته، پس از آبیاری مناطقی از این بخش برود چون می‌پیوندد.
**کوهها:** بخش ننورکوهستانی و مهمترین آنها بدینقرار است: ۱ - تب رسه به بلندی ۲۴۵۰، حجره فقیره با بلندی ۲۷۵۰ متر ۲ - دوزینه به ۲۷۴۸ متر ۳ -کوه سفیدکمره به بلندی ۲۰۵۰ متر سیران بند با ۲۰۹۶ متر ۴ -کوه‌کانی طلابه بلندی ۲۶۴۷ متر ۵ - هنگ خرال، به بلندی ۲۲۲۱ متر و کوته رش به ۲۸۴۲ متر
**آب و هوا:** نسبتاً سرد ونیمه مرطوب
**رستنی‌ها:** درختان بلوط، گلابی، انار، آلبالو، بادام کوهی، سنجد، زالزالک، بنه، ون، و زبان گنجشک - گیاهان داروئی و صنعتی: گل گاوزبان، بومادران، پونه، کاسنی، شاتره، اسفناج و گون کتیرا - پوشش گیاهی خیلی خوب برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** گرگ، روباه، شغال، گراز، سنجاب، خرس، کبک، خرگوش و تیهو.
مردم آن آریانی نژادند و به زبان فارسی باگویش کردی سخن می‌گویند.
**اقتصاد:** برپایه کشاورزی و دامداری استوار است. کشاورزی به دو نوع دیمی و آبی صورت می‌گیرد. آب از رود بوئین فراهم می‌گردد.
**یالغوزآغاج:** از دهستانهای بخش تلوار شهرستان کردستان و مرکز آن یالغوز است.
**ییلاق (بخش):** از بخشهای شهرستان قروه، استان کردستان است که از شمال به شهرستان بیجار، از خاور به حومه قروه، از جنوب به شهرستان سنقر و از باختر به حومه سنندج محدود می‌باشد.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر دهگلان، دارای ۴ دهستان ۱ - ییلاق شمالی ۲ - ییلاق جنوبی ۳ - حومه دهگلان ۴ - قوری چای است.
**رودها:** ۱ - رود دهگلان (تلوار) که از کوههای خسروکش، عبدالرحمن و شیخه روان گشته، پس از آبیاری مناطق پهناوری از بخش ییلاق به رود قزل اوزن می‌پیوندد. ۲ - رود طهماسبی از ۳کیلومتری خاوری دهگلان می‌گذرد و به رود تلوار می‌پیوندد.
**کوهها:** بخش ییلاق در منطقه‌ای نیمه دشتی و نیمه کوهستانی قرار وکوههای متعدد در اطراف دور و نزدیک خود دارد: ۱ -کوه باشماق ببلندی ۲۲۷۶ متر ۲ -کوه باورز ببلندی ۲۳۰۵ متر ۳ -کوه دربند به بلندی ۲۳۰۵ متر ۴ -کوه سورمه علی ببلندی ۲۴۰۵ متر ۵ -کوه عبدالرحمن ببلندی ۲۵۲۰ متر
**دشت‌ها:** ۱ - دشت پهناور دهگلان ۲ - دشت ییلاق که از رودها و چشمه‌ها و کاریزهای بسیار آبیاری می‌شوند.
**آب و هوا:** نسبتاً سرد و نیمه خشک
**رستنی‌ها:** درختان انگور، گردو، بادام، ازگیل، اقاقیا، بلوط، بنه، و زبان گنجشک، - گیاهان داروئی و صنعتی: بومادران، گل گاوزبان، آویشن، پیاز دشتی، خاکشی، وگون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** گرگ، روباه، خرگوش، جوجه تیغی، کبک، تیهو و بلدرچین...
**اقتصاد:** بر پایه کشاورزی و دامداری استوار است، بواسطه خاک حاصلخیز و منابع بصورت دیمی و آبی انجام می‌شود.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره بار، گیاهان علوفه‌ای، تولیدات صنایع دستی و کارخانه‌ای: فرش، جاجیم، گلیم، صابون، کارتن، موزائیک، پارچه و چرم.
**شهرک‌های صنعتی:** ۱) شهرک صنعتی سنندج، ۲) شهرک صنعتی بیجار، ۳) شهرک صنعتی سقز، ۴) شهرک صنعتی قروه، ۵) شهرک صنعتی شماره‌ی ۳، ۶) شهرک صنعتی شماره‌ی ۲.

## ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

**مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان کردستان در سال ۱۳۸۵**
تعداد بهره‌برداری ۲۷ مساحت گلخانه ۳
**مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان کردستان در سال ۱۳۸۵**
گوشت قرمز ۲۵ شیر ۱۵۷
**مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان کردستان در سال ۱۳۸۵**
گوشت مرغ ۲۲ تخم‌مرغ ۸
**تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان کردستان در سال ۱۳۸۴**
جمع معادن ۱۳۵ خصوصی ۱۲۱ عمومی ۱۴
**مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان کردستان در سال ۱۳۸۲**
کل تعداد بهره‌برداری ۹۶۸۵۰ مساحت ۹۴۰۶۰۹ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۴۴۱۲۷ مساحت باغ و قلمستان ۲۱۲۴۷
**استان کردستان در سال ۱۳۸۴:** تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۴۴۰۶۴ تعداددام ۱۱۴۹۶۶۳ مقدار تولید ۱۰۲۰۷۹۱ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۲۷۴ تعداد دام ۳۰۱۸ مقدار تولید ۱۵۰۹
**بهره‌برداری‌های کشاورزی استان کردستان در سال ۱۳۸۲**
زراعت ۸۷۵۲۷ باغداری ۵۸۹۶۷ تولید گلخانه‌ای ۲۷ پرورش ماکیان ۵۷۱۳۳ پرورش زنبور عسل ۸۰۸۳ پرورش دام بزرگ ۵۱۶۲۷ پرورش دام کوچک ۵۵۷۳۷ پرورش کرم ابریشم ۰
**تعداد سدهای استان کردستان در مراحل مختلف:**
مطالعاتی ۲۱ اجرایی ۹ بهره‌برداری ۵ مجموع ۳۵
**استان کردستان در سال ۱۳۸۵:** مساحت جنگل‌ها ۳۷۲۳۰۷ جمع مراتع ۱۲۹۴۳۹۷ خوب (متراکم) ۴۳۷۸۵۵ متوسط (نیمه متراکم) ۴۹۴۲۱۲ فقیر (کم تراکم) ۳۶۲۳۳۰ پدیده‌های بیابانی ۳۳۵۴
**تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان کردستان:** فعال: ۳۷ غیرفعال: ۱ در شرف تأسیس: ۵ تعداد کل: ۴۳

## برخی از منابع و کتاب‌های سودمند


مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها و طوایف و عشایر ایران ـ ایرج افشار سیستانی
نظری به تاریخ و فرهنگ سقز کردستان ـ عمر فاروقی
تاریخ و جغرافیای کردستان ـ دکتر طبیبی
تاریخ فرهنگ و ادب مکریان بوکان ـ ابراهیم افخمی
کرمانشاهان ـ کردستان ـ مسعود گلزاری
کردشناسی ـ مراد اورنگ
تاریخ مفصل کردستان ـ امیر اشرف بدلیسی
آداب و رسوم کردان ـ محمد افندی بایزیدی
جغرافیای عشایری غرب ایران ـ محسن ستارمنش
تاریخ کرد ـ آداب و رسوم مردم کردستان و... ـ کتاب سرزمین و مردم ایران
مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها و طوایف عشایر ایران ـ ایرج افشار سیستانی
آداب و رسوم کردان ـ محمد افندی بایزیدی
جغرافیای عشایری غرب ایران ـ محسن ستارمنش
سیمای میراث فرهنگی کردستان ـ محمد ابراهیم زارعی ـ سازمان میراث فرهنگی
اطلس مناطق حفاظت شده ایران ـ سازمان حفاظت محیط زیست
ایل‌ها و طایفه‌های عشایری کرد ایران مشتمل بر: اوضاع ـ میرنیا، علی
ایلها (ایلات) و عشایر کردستان ـ حیرت سجادی، عبدالحمید
آیینه سنندج: مصور ـ ایازی، برهان
ایلها (ایلات) و عشایر کردستان ـ حیرت سجادی، عبدالحمید
بافنده کرد، نقاش ذهن خویش ـ رحیمی، مسعود
پژوهشی درباره ترانه‌های کردی ـ صفی‌زاده، فاروق
تاریخ جنبشهای کردستان ـ سجادی، علاءالدین
تاریخ ریشه نژادی کرد ـ نوری، احسان
تاریخ فرهنگ و ادب مکریان ـ افخمی، ابراهیم
تاریخ کرد و کردستان ـ صفی‌زاده، صدیق
تاریخ موسیقی کردی ـ صفی‌زاده، صدیق

ترانه‌های کردی با ترجمه فارسی -
جامعه‌شناسی ایل شکاک ـ علی‌نژاد، میرحاج
جغرافیا و تاریخ بانه کردستان ـ توکلی، محمدرئوف
جغرافیای عمومی استان کردستان ـ نجفی، یدالله
جغرافیای نظامی ایران: کردستان ـ رزم‌آرا، علی
جنگل‌های باختر ایران ـ طباطبایی، محمد
جغرافیای تاریخی کوردستان ـ شافعی کرد، جلال‌الدین
حجاری‌های غار گندوک در کردستان ـ توفیق وهبی
حرکت تاریخی کرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران ـ توحیدی، کلیم‌الله
درباره کردستان ـ مفتی‌زاده، احمد
دودمان‌آریایی (کرد و کردستان) ـ مظفر زنگنه، محمد
زبان‌شناسی کرد و تاریخ کردستان ـ خوشحالی، بهزاد
زبده‌ی تاریخ کرد و کردستان ـ زکی، محمدامین
زمستان در فرهنگ مردم کرد استان‌های کردستان، کرمانشاه ـ سلیمی، هاشم
سرود بادیه: در احوال و آثار شعرای کرد و لک و لر ـ صالحی، محی‌الدین
سیمای شهر سنندج ـ شعبانی، ناصر
سیمای میراث فرهنگی کردستان ـ زارعی، محمدابراهیم
عشایر کرد: ایل سنجابی، تاریخچه، جغرافیا، تیره‌ها ـ مکری، محمد
کتاب کردستان ـ شمیم، علی‌اصغر
کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او ـ رشید یاسمی، غلامرضا
کرد و کردستان ـ کینان، درک
کردستان در مسیر تاریخ به روایت اسناد ـ فاروقی، عمر
کردستان سرزمین کهن
کردها ـ ارفع، حسن
کردها، ترکها، عربها ـ ادموندز، سیسیل جان
کرمانشاهان ـ کردستان ـ گلزاری، مسعود
مروری بر قالیبافی گروس ـ ابراهیم‌نژاد، محمدابراهیم
منابع طبیعی کردستان (با نگاه ویژه‌ای به مسیر سنندج) طباطبائی، محمد
موسیقی کردهای هورامان (آوانویسی و تجزیه و تحلیل) ـ حاج امینی، بهمن
نغمات فولکوریک کردی ـ امجدی، اسدالله
نوروز در کردستان ـ کیوان، مصطفی
وحدت قومی کرد و ماد منشاء، نژاد و تاریخ تمدن کردستان ـ تابانی، حبیب‌اله
ایلات و طوایف کرمانشاهان: شامل اوضاع اقلیمی، تاریخی ـ سلطانی، محمدعلی
جغرافیای مختصر کرمانشاه ـ بیات، عزیزالله
جغرافیای مفصل تاریخی غرب ایران ـ کریمی، بهمن
جغرافیای نظامی ایران: کرمانشاهان ـ رزم‌آرا، علی
جنگل‌های باختر ایران ـ طباطبایی، محمد
دینور: بررسی تاریخ سیاسی، جغرافیای تاریخی، اوضاع و ـ احمدی، پرشنگ
سیمای کرمانشاهان ـ ملکانیان، عبدالحسین
طاق بستان ـ مرادی، یوسف
فرهنگ جغرافیایی شهرستانهای کشور
کرمانشاهان باستان از آغاز تا آخر سده سیزدهم هجری قمری
کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن
گذری بر تاریخ کرمانشاه (باختران)
گزارش‌های جغرافیایی کنگاور (جغرافیای انسانی و اقتصادی)
مفرغ‌های قابل تاریخ‌گذاری لرستان و کرمانشاه ـ کالمایر، پتر
هنرهای بومی در صنایع دستی باختران
فرهنگ جغرافیایی شهرستانهای کشور، شهرستان کرمانشاه ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ـ اداره
کرمانشاهان ـ کردستان ـ گلزاری، مسعود



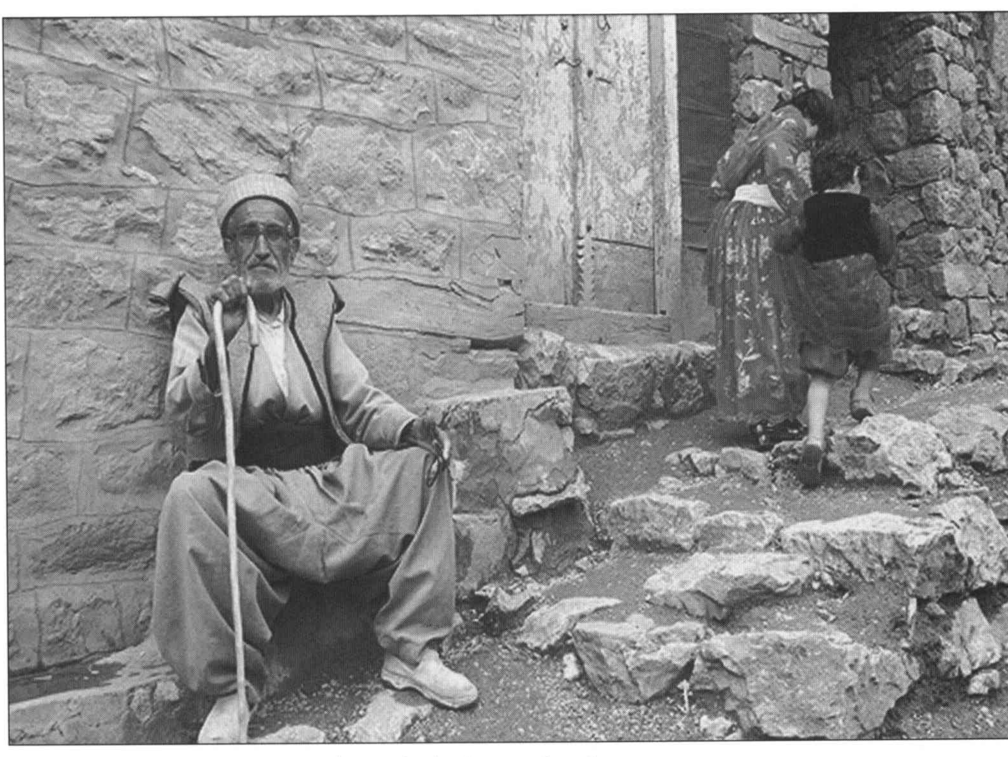
منظره‌ای از پیرانشهر



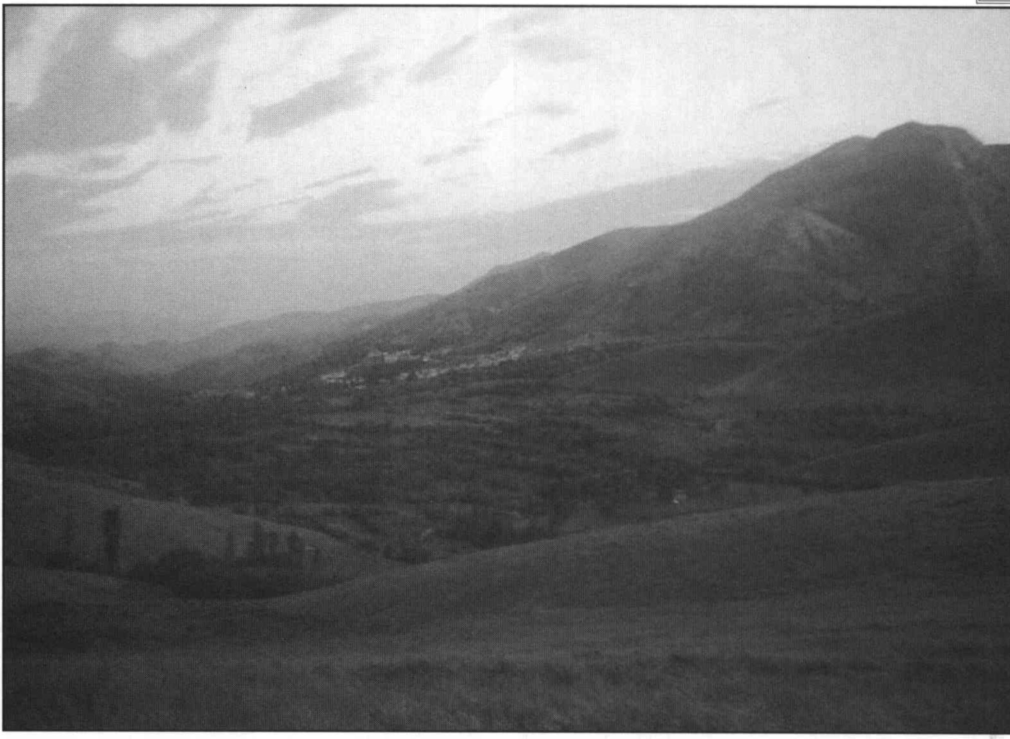
طبیعت و روستا - کردستان



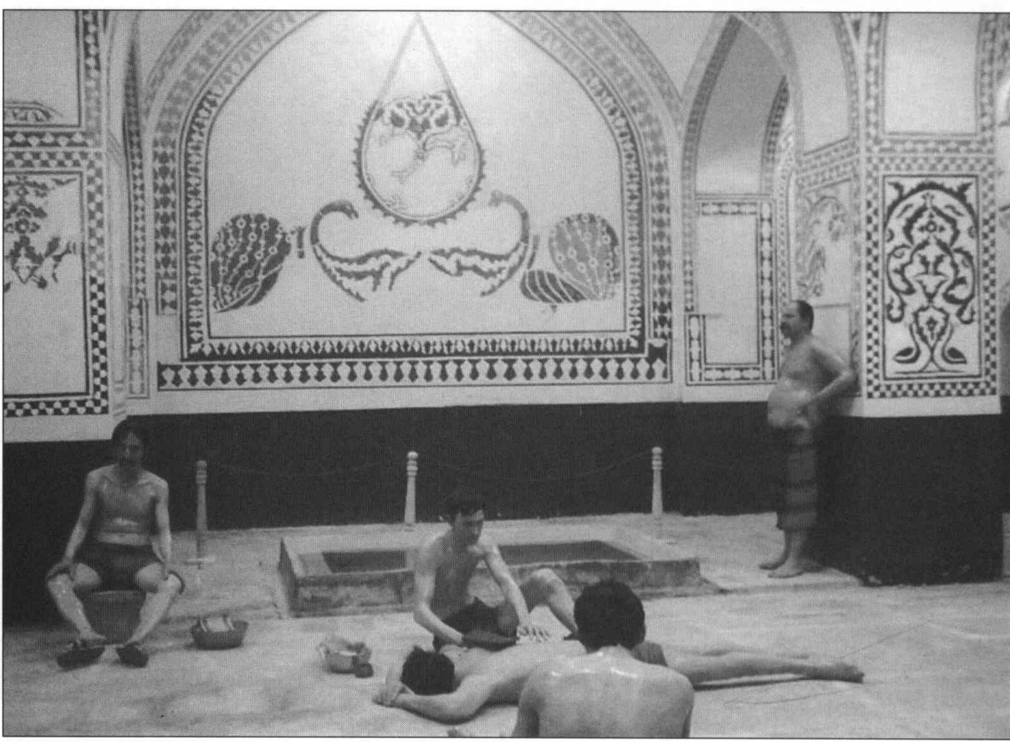
رمنظره یک روستا در استان کردستان



پیرمرد روستایی  از مردم استان کردستان



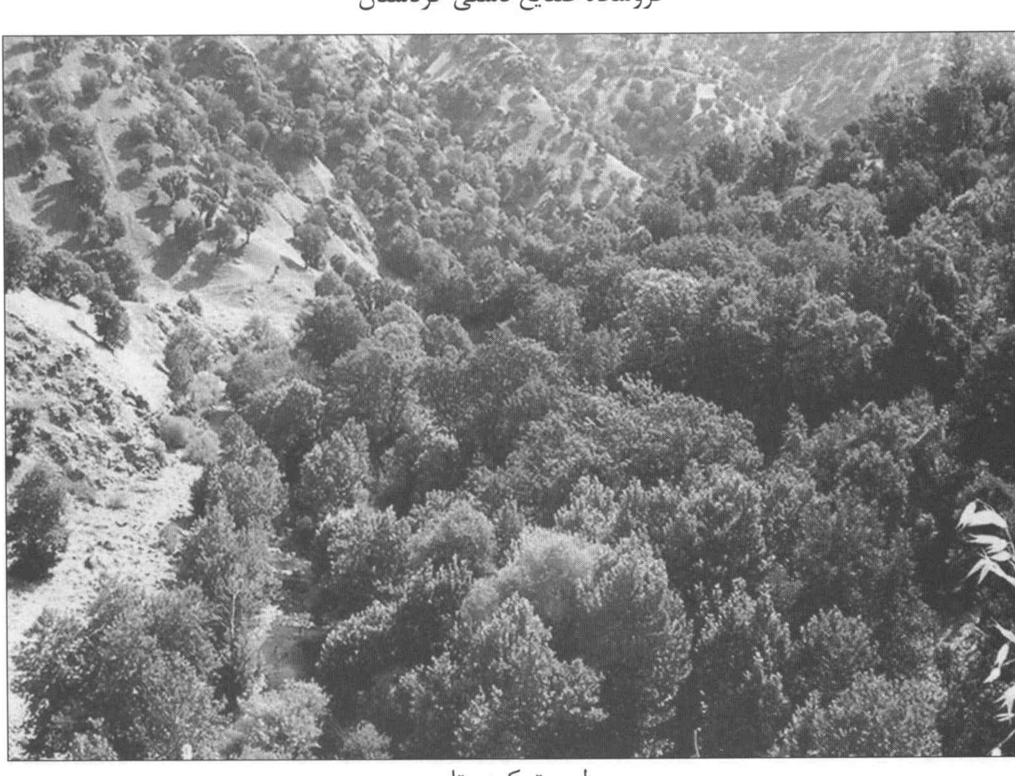
طبیعت استان کردستان



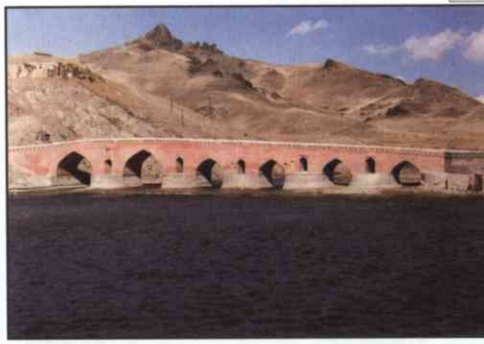
حمام خان - سنندج



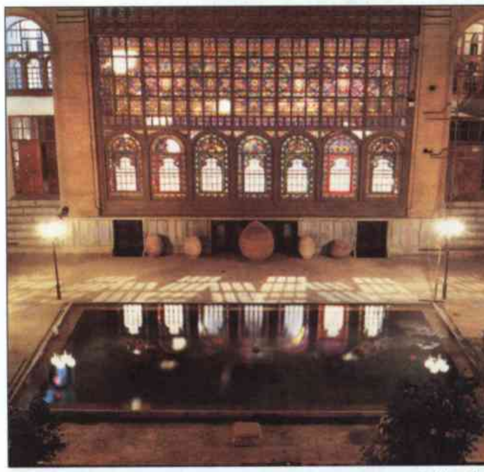
فروشگاه صنایع دستی کردستان



طبیعت کردستان


پل قشلاق - سنندج

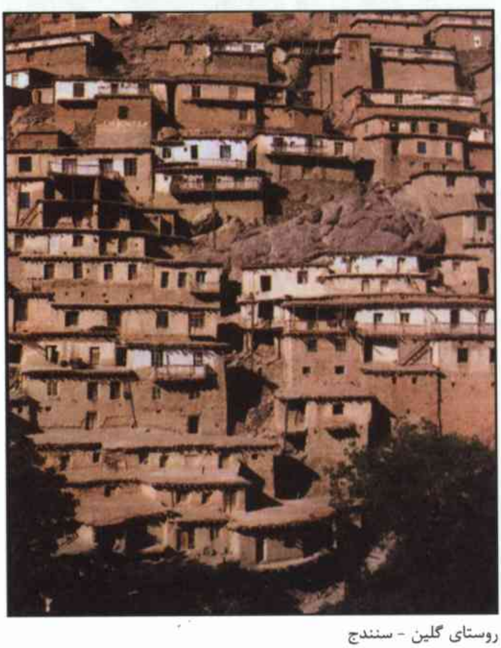

سد گاوشان


موزه سنندج


نمای عمومی شهر سنندج


دختران روستایی کرد


رقص محلی مردان کردستان


روستای گلین - سنندج



خانه احمدزاده - سنندج



عمارت مشیر دیوان - سنندج



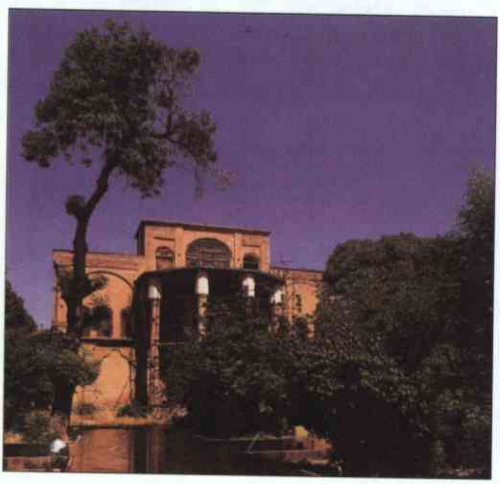
اورامان - مریوان



مسجد جامع سنندج



پارک آبیدر - سنندج



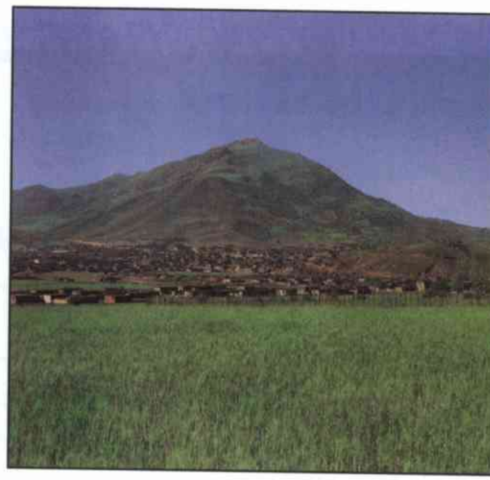
عمارت وکیل‌الملک - سنندج



بانه



منطقه کلاترزان - مریوان



کوه آربابا - بانه



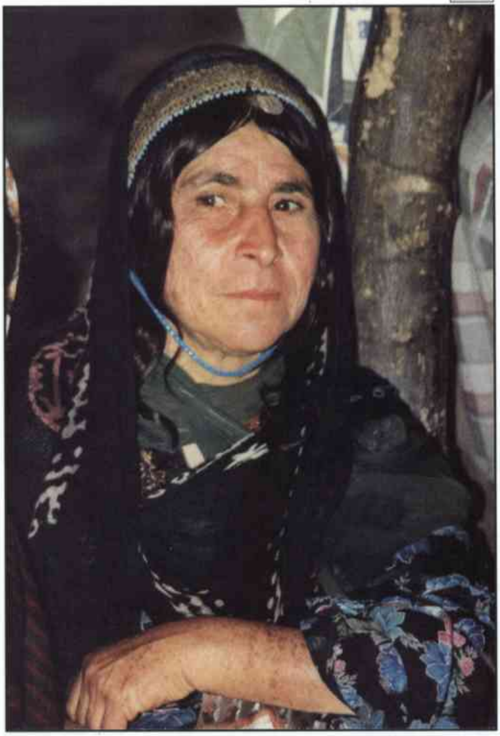
دریاچه زریوار - مریوان



سنندج - روستای توریور



پل فرهادآباد - قروه



زن روستایی کردستانی



سبد باف اورامانی - مریوان



طبیعت کردستان



فرش دستباف از منطقه سنته بافته شده در اواسط قرن ۱۳ هـ . ق



پیرمردان کرد با لباس محلی

**همه جای ایران سرای من است**

دایرةالمعارف

# سرزمین و مردم استان کرمان

تألیف:
عبدالحسین سعیدیان

سیمای اقلیمی - دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی - چشمه‌ها و مراکز آب‌درمانی - گردشگاههای طبیعی - دیدنی‌ها - مردم‌شناسی و آداب و رسوم - شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها - شهرک‌های صنعتی - تصاویر و عکس‌ها
مشخصات عمومی استان کرمان براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵:
مرکز استان: شهر کرمان، تعداد شهرستان: ۱۶ تعداد بخش: ۴۵ تعداد شهر: ۵۷
تعداد آبادی دارای سکنه: ۵۹۴۰ کل آبادی‌ها: ۱۱۶۳۸
جمعیت استان کرمان در سال (۱۳۸۵) ۲۶۵۲۴۱۳ نسبت به کل کشور ۳/۷۶ بوده است. مساحت استان کرمان ۱۸۰۸۳۶ کیلومترمربع نسبت به کل کشور ۱۱/۱۰ است.
از تهران تا کرمان (۱۰۳۸) و از کرمان تا بافت (۱۵۵)، بردسیر (۵۸)، بم (۱۷۶)، جیرفت (۲۱۶)، راور (۱۲۲)، رفسنجان (۹۸)، رودبار جنوب (۳۰۰)، زرند (۷۲)، سیرجان (۱۶۵)، شهر بابک (۲۳۵)، عنبرآباد (۲۴۰)، قلعه گنج (۳۷۰)، کرمان (۰)، کوهبنان(۱۶۰)، کهنوج (۳۰۴)، منوجان (۳۶۳)

**که ایران بهشت است یا بوستان — همی بوی مشک آید از بوستان**



به نام خدا

با تشکر و سپاس فراوان از سازمانها، مؤسسات و اشخاصی که از منابع و مآخذ و نشریات آنها استفاده شده است از: ۱ ـ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق کشور) ۲ ـ مرکز آمار ایران ۳ـ سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی (فصلنامه علمی و پژوهشی علوم زمین) ۴ ـ سازمان هواشناسی کشور ۵ ـ سازمان نقشه‌برداری ۶ ـ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۷ ـ سازمان حفاظت محیط زیست (بویژه از پدیدآورندگان اطلس مناطق حفاظت شده ایران) ۸ ـ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، سازمان میراث فرهنگی ـ دفتر ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی ۹ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی ۱۰ ـ اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان ۱۱ ـ وزارت صنایع و معادن ۱۲ ـ ستاد تبلیغات و نمایشگاههای سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی ۱۳ ـ وزارت جهاد کشاورزی ۱۴ـ وزارت نیرو اداره کل روابط عمومی ۱۵ ـ دفتر کل کتابهای کمک‌آموزشی ۱۶ ـ اداره کل تقسیمات کشوری ۱۷ ـ مجله رشد جغرافیا، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، مجله رشد معلم ۱۸ ـ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۱۹ ـ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کتابخانه‌ها: ۱ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ ۲ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه بهشتی ۳ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی ۴ ـ کتابخانه دانشکده هنرهای زیبای کشور دانشگاه تهران ـ ۵ ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم ۶ ـ کتابخانه دانشگاه مرکزی تربیت مدرس ۷ ـ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ ۸ ـ کتابخانه ملی ۹ ـ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۰ ـ کتابخانه بنیاد ایران‌شناسی ۱۱ ـ کتابخانه سازمان برنامه ۱۲ ـ کتابخانه مرکز آمار ایران ۱۳ ـ کتابخانه فرهنگستان ادب فارسی ۱۴ ـ کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵ ـ کتابخانه فرهنگستان هنر ۱۶ ـ کتابخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۷ ـ کتابخانه وزارت کشاورزی ۱۸ ـ کتابخانه ملک ۱۹ ـ کتابخانه دانشکده معماری دانشگاه بهشتی.

با تشکر از عبدالله عباس‌زاده و خانم معصومه خبازنیا

ویراستاران: زهره مجتبوی، شهلا عطاردی، مهندس فاطمه موسوی جلال، مهندس محمد موسوی جلال، مهندس معین موسوی جلال، نسیم فلسفی، مهندس حسین فلسفی، مونا حجازی‌پور، محمدعلی حجازی‌پور

نام کتاب: سرزمین و مردم استان کرمان مؤلف: عبدالحسین سعیدیان
سروویراستار: بتول مجتبوی
ناشران: علم و زندگی (ناشر همکار) انتشارات آرام (ناشر اصلی)
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه ـ چاپ اوّل ۱۳۸۸
چاپخانه و صحافی: ماه منظر ۷۷۶۲۶۴۰
تلفن‌های انتشارات: ۰۹۱۲۶۳۰۶۹۷۹ ـ ۸۸۴۳۰۰۹۶ـ ۸۸۴۰۹۳۲۹ ـ ۰۹۱۲۴۹۸۵۵۹۸
صندوق پستی: تهران ۱۴۱۶ ـ ۱۵۸۱۵

شابک: ۴ـ۵۲ـ۶۹۹۰ـ۹۶۴ـ۹۷۸
بها: یکهزار تومان

سعیدیان، عبدالحسین، ۱۳۱۰ ـ
سرزمین و مردم استان کرمان؛ تألیف عبدالحسین سعیدیان؛ سروویراستار بتول مجتبوی
تهران: آرام ۱۳۸۸.
مصور، نقشه، عکس.
۹۷۸ ـ ۹۶۴ ـ ۶۹۹۰ ـ ۵۲ ـ ۴
فهرستنویسی قبلی
فیپا.
ردهبندی کنگره: DSR۶
ردهبندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳
یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۹ با عنوان دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران و همچنین به صورت یک جلد مجزا و ۳ جلد در یک مجلد، توسط انتشارات علم و زندگی نیز منتشر شده است.
عنوان دیگر: دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران
شماره کتابشناسی: ۱۱۳۲۵۳۲

## ویژگی‌ها و شاخص‌های استانی

**مشخصات عمومی استان کرمان براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵:** مرکز استان: **کرمان** مساحت: ۱۸۰۸۳۶ تعداد شهرستان: ۱۶ تعداد بخش: ۴۵ تعداد شهر: ۵۷ تعداد آبادی دارای سکنه: ۵۹۴۰ کل آبادی‌ها: ۱۱۶۳۸

جمعیت استان کرمان در سال (۱۳۶۵) ۱۶۲۲۹۵۸ نسبت به کل کشور ۳/۲۸ و در سال (۱۳۷۵) ۲۰۰۴۳۲۸ نسبت به کل کشور ۳/۳۴ و در سال (۱۳۸۵) ۲۶۵۲۴۱۳ نسبت به کل کشور ۳/۷۶ بوده است.

مساحت استان کرمان ۱۸۰۸۳۶ نسبت به کل کشور ۱۱/۱۰ است.

کارگاههای استان کرمان ۲۰۶۹۳ نسبت به کل کشور ۳/۲۱ است.

درصد میزان شهرنشینی استان کرمان در سال (۱۳۷۵) ۸۹/۵۲ و در سال (۱۳۸۵) ۵۳/۵۸ است.

تراکم نسبی جمعیت استان کرمان در سال (۱۳۶۵) ۹ و در سال (۱۳۷۵) ۱۱ و در سال (۱۳۸۵) ۱۵ نفر در کیلومترمربع بوده است.

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال ۱۳۸۶ـ۱۳۸۵ استان کرمان**

مرد و زن ۸۷۵۳ زن ۳۷۹۸ مرد۴۹۵۵

**تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۴ استان کرمان**

مرد و زن ۳۲۷۲ زن ۱۹۲۹ مرد ۱۳۴۳

**مساحت جنگلکاری و تولید نهال استان کرمان در سال ۱۳۸۵**

جمع ۴۵۵۱ دولتی ۴۵۵۱ خصوصی ۰ تولید نهال۱۳۷۷

**مساحت گلخانه در بهره‌برداری‌های کشاورزی استان کرمان در سال ۱۳۸۵**

ادامه در صفحهٔ ۱۸۵۸

## فهرست برخی از مطالب

## سرزمین و مردم استان کرمان

استان کرمان با ۱۸۱،۷۱۴ کیلومتر مربع مساحت که از شمال به استان‌های خراسان و یزد، از مشرق به سیستان و بلوچستان، از جنوب به استان هرمزگان و از مغرب به استان‌های فارس و یزد محدود می‌شود. کویر لوت بخشی از شمال و شمرق استان کرمان را در برگرفته است. استان کرمان دارای آب و هوای معتدل و خشک است و رودخانه‌ی هلیل رود تنها رودخانه‌ی دایمی این استان می‌باشد. از ارتفاعات این استان می‌توان کوه‌های هزار، چوپار، لاله زار، باغ بالا، خیبر، قبله، بلوار و جفتان را نام برد.

زبان مردم استان کرمان، فارسی با لهجه‌ی کرمانی است که شباهت زیادی به لهجه‌ی شیرازی دارد، و در بین ایلات و عشایر لهجه‌های ترکی و بلوچی نیز رایج است.

محصولات مهم و معروف کشاورزی استان کشاورزی استان شامل پسته، خرما، انواع مرکبات و صیفی جات است اما زیره و پسته‌ی کرمان زبانزد خاص و عام است.

صنایع دستی شامل قالی دستباف، شال بافی، پته دوزی، سرامیک، محصولات مسی، چادر شب بافی، حصیر بافی، نمد، گلیم و امثال آن می‌باشد.

سوغاتی‌های مشهور استان عبارتند از: پسته‌ی رفسنجان، قاووت، حنا، زیره، کلمپه (نوعی شیرینه)، مسقطی سیرجان، سوهان زرند، خرمای بم، بادام کوهی و گردوی بافت.

مهم‌ترین اماکن دیدنی استان عبارتند از: خرابه‌های شهر کمادین، گنبد جبلیه، مقبره‌ی خواجه اتابک، قلعه‌ی قهقهه، قلعه‌ی کهنه، گنبد مشتاقیه، مسجد ملک، مسجد جامع، مسجد امام، قلعه‌ی سودک (در کرمان)، گورستان دژیمند (در شهر بابک)، باغ شاهزاده ماهان، مزار شاه نعمت الله ولی (در ماهان)، قلعه سنگ (در سیرجان)، زیارتگاه شاهزاده حسین (در جوبار) و مهم‌ترین مکان باستانی و دیدنی استان کرمان، مجموعه‌ی ارگ بم می‌باشد که قدیمی‌ترین بنای خشتی جهان محسوب می‌شود.

از دیگر اماکن دیدنی استان کرمان، حمام گنجعلی خان کرمان، مجموعه‌ی وکیل، مجموعه‌ی ابراهیم خان، میدان گنجعلی خان، مسجد چهل ستون (حاج آقا علی)، آتشکده‌ی شاه فیروز، قلعه‌ی اردشیر، قلعه‌ی دختر، موزه‌ی سکه، قلعه‌ی راین، ارگ جدید بم، گنبد سبز، تخت دریا قلی بیک و بازار کرمان را می‌توان نام برد. ـ سازمان نقشه برداری کشور.

## جغرافیای طبیعی و ویژگی‌های جوی و اقلیمی استان کرمان

**سیمای اقلیمی استان:** سیمای اقلیمی استان کرمان متاثر از پدیده‌های بسیار ناهمگونی است که در تلفیق و ترکیب بایکدیگر شرایط وویژگیهای بسیار نادری را در سطح استان پدید آورده است.

بخش وسیعی از استان کرمان توسط ارتفاعاتی پوشیده شده است که به گونه‌ای تعیین کننده بر اقلیم زیست و فعالیت های انسانی در سطح استان را فراهم می‌سازندو گستره های وسیعی از استان هم چهره تفته کویر در مقابل تلاشهای بی پایان مردمان برد بار این سر زمین به مقاومت ایستاده است. فقدان منابع گسترده رطوبتی همچون دریاها و دریاچه‌ها و خست آسمان در بذل نعمت باران بر پهندشت های خشک کرمان و بسیاری دیگر از عوامل دیگرطبیعی و اقلیمی، مجموعه‌ای از پدیده های نامتوازن و متضاد را در کنار یکدیگر قرار داده

است و شگفت آنکه در بین اینهمه ناهمگونی و تفاوتهای موجود،سرزمین آباد و حاصلخیز و باتمدن کرمان همچنان زنده و جاوید بر حیات خویش تداوم می‌بخشد.

بر چهره اقلیمی کرمان بسیاری از عوامل تاثیر می‌گذارند که در دو بخش عوامل اصلی و عوامل فرعی سازندهای اقلیمی مورد مطالعه قرار می‌گیرند.اصولاً عوامل اصلی شکل دهنده اقلیمی چهار فاکتور ارتفاع ،عرض جغرافیایی ،دوری و نزدیکی به منابع آبها و نیز توده های هوا وسیستم های هواشناسی راشامل می‌شود وعوامل فرعی موثر بر اقلیم هر منطقه مقولاتی همچون پوشش گیاهی، فعالیت‌های کشاورزی، گسترش صنعت و معدن و نظایر آن را در برمی‌گیرد.

**تاثیر ارتفاعات بر اقلیم استان:** استان کرمان علاوه بر آنکه یکی از مرتفع‌ترین استانهای کشور است، رشته کوهها و ارتفاعات متعددی را هم در خود جای داده است که به صورتی تعیین کننده بر اقلیم استان تاثیر می‌گذارند. شمالغرب و بخشهایی از غرب و مناطق وسیعی از مرکز استان با تمایل به جنوب استان را ارتفاع‌های متعددی در بر گرفته است. در شمالشرق استان ارتفاعات کوهبنان با ارتفاعی بیش از ۳۵۰۰ متر استقرار یافته است که پهنه قابل توجهی از استان را با اقلیم سرد کوهستانی تحت پوشش قرار می‌دهد. کوهستان جفتانی با ارتفاع ۳۹۵۷ متر در شرق شهرستان کرمان، ارتفاعات بلوار با ۴۲۳۳ متر ارتفاع در شرق ماهان، کوهستان جوپار با ارتفاع ۴۱۳۵ متر بین راین و ماهان، ارتفاعات هزار با قله ۴۴۶۵ متری، کوهستان بهر آسمان با ارتفاع ۳۸۸۶ متر در جنوب ساردوئیه، ارتفاعات لاله زار با بلندی ۴۳۵۱ متر در شمال رابر، ارتفاعات گسترده جبال بارز با ارتفاع ۳۷۴۱ متربین بم و محمدآباد و جیرفت، ارتفاعاتی با بلندی ۳۸۴۵ متر در جنوب غربی بافت ،کوهستان دلفارد با ارتفاع ۳۳٫۴۸ متر در غرب محمد آباد، کوهستان داهوشیه با ارتفاع ۳۴۰۵ متر در شرق زرند وبسیاری از ارتفاعات دیگر استان کرمان، شرایط مساعد اقلیم زراعی و ویژگیهای آب و هوایی بسیار مطلوبی را در مناطق وسیعی از استان به وجود آورده‌اند و به این جهت استان کرمان به یکی از قطب های مهم کشاورزی و صنعتی و فرهنگی کشور مبدل گردیده است.

ارتفاعات استان کرمان با تاثیر گذاری مشخص و مستقیم بر رژیم‌های بارندگی وحرارتی استان ،به صورت مهمترین فاکتورهای طبیعی بر رژیم اقلیمی استان تاثیر می‌گذارند.

**نقش توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی در اقلیم استان:** وجود ارتفاعات جبال بارز، هزار، جوپار و لاله‌زار در سطح استان کرمان که اکثر آنها دارای ارتفاعی بیش از ۴۰۰۰ متر از سطح دریا می‌باشند و نیز ارتفاعات متعدد دیگر در جغرافیای گسترده این استان از یکسو و اشغال گستره‌های وسیعی از استان توسط صحاری و بیابان‌های کویری از سوی دیگر،موجب اختلافات فاحش جغرافیایی در این استان گردیده که طبیعتاًاختلاف وتفاوتهای بارز وفاحش اقلیمی را بهمراه خواهد داشت و از شگفتی‌های طبیعت آنکه در فاصله این دو مقوله مختلف جغرافیایی که در یک طرف آن سلسله کوههای مرتفع و برفگیر و در طرف دیگر آن بیابانهای پست کویری قرار دارد،دره‌ها و دشت‌ها و اراضی حاصلخیزی واقع شده است که علیرغم مقادیر کم بارندگیهای سالیانه در بسیاری از نقاط آن ،به سبب استقرار ارتفاعات قابل ملاحظه و وجود ذخایر غنی آب در آنها و هدایت

جریان تحت الارضی آبها به دشت‌ها و دره‌ها و اراضی استان که در اشکال انهار و قنوات و چاهها و چشمه‌ها در دسترس قرار می‌گیرد، امکانات قابل توجه فعالیتهای کشاورزی را به گونه‌ای نادر پدید آورده است و استان کرمان را در زمره یکی از حاصلخیزترین مناطق کشور قرار داده است.

استان کرمان در فصول مختلف سال از شرایط آب و هوایی متنوعی برخوردار است که عمدتاً متاثر از هجوم توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی از سایر نقاط جهان به این بخش از کشور بوده و بخشی از آن نیز تحت تاثیر ویژگی‌های جغرافیایی و توپوگرافیک استان قرار دارد.

رژیم‌های بارندگی، حرارتی، رطوبتی و... و نهایتاً رژیم اقلیمی استان کرمان به‌گونه‌ای مستقیم تحت تاثیر چگونگی فعالیت‌های سیستم‌های هواشناسی مهاجر به بخش‌ها و مناطق مختلف استان قرار داشته و به این سبب ضروری است تا در نگرشی کوتاه به نحوه تاثیرگذاری عمومی آنها پرداخته شود. در مطالعه نحوه تاثیر توده‌های هوا و سیستم‌های هواشناسی، نحوه حرکت میادین فشار و چگونگی حرکت و مسیر حرکت و عوارض ناشی از ورود آنها به هر منطقه اشاره می‌شود:

**تاثیر پر فشارهای شمالی:** با شروع فصول سرد و از اوایل پاییز، مرکز پر فشار سیبری که در صحاری سیبری استقرار دارد، امواج سرمایی خود را بر تمامی پهنه آسیا گسترش داده و از شمال شرق ایران و از طریق خراسان وارد کشور می‌شوند.

**تاثیر منابع رطوبتی بر اقلیم استان:** شرق و شمال شرق استان کرمان توسط شوره زارهای کویر لوت پوشیده شده است و شمال استان متاثر از دشت کویر است و شمال غرب و غرب استان تحت تاثیر کویر مروست قرار دارد و کویر نمک سیرجان در غرب سیرجان، بر بخش هایی از استان تاثیر می‌گذارد.

در واقع استان کرمان از جهات مختلف توسط کویرهای بزرگ و کوچک متعددی محاصره شده و جز در ناحیه کوچکی در جنوب شرق که به طور مشترک با استان سیستان و بلوچستان از منبع رطوبتی هامون جازموریان برخوردار است، در هیچ منطقه دیگر استان دریا و دریاچه‌ای که بتواند بر اقلیم استان تاثیر بگذارد، مشاهده نمی‌شود.

هر چند استان کرمان از وجود منابع عظیم رطوبتی محروم است و این امر موجب خشکی بیش از حد هوا در گستره‌های وسیعی از استان گردیده است، ولی به سبب وجود ارتفاعات متعدد در سطح استان و ریزش‌های جوی مناسب در آنها، استان کرمان از منابع قابل توجه آبهای زیرزمینی برخوردار است که در اشکال چاه و چشمه و قنات مورد بهره‌برداری‌های مختلف در امور کشاورزی، صنعتی، شرب و غیره قرار می‌گیرد.

در واقع آبهای استان فقیر و آبهای زیر زمینی استان در شرایط مناسبی قرار دارد.

مهمترین رودخانه دائمی استان کرمان هلیل رود است که به هامون جازموریان می‌ریزد و سایر رودخانه‌های استان اغلب فصلی بوده و فقط در فصل‌های بارندگی دارای آب می‌باشند. منابع استان به‌گونه‌ای محدود و در مقیاس خرد اقلیم‌ها بر اقلیم استان تاثیر می‌گذارند.

**تاثیر فعالیت‌های کشاورزی وپوشش گیاهی بر اقلیم استان**

کشاورزی استان کرمان با توجه به موقعیت جغرافیایی، شرایط اقلیمی، منابع آب و نحوه

کشت اراضی به سه منطقه تقسیم می‌شوند: ۱- مناطق کشاورزی اقلیم‌های خشک شامل منطقه رفسنجان، زرند، راور، سیرجان و... ۲- مناطق کشاورزی اقلیم‌های معتدل کوهپایه‌ای شامل منطقه کشاورزی بافت، بردسیر، ساردوئیه و...۳- مناطق کشاورزی اقلیم‌های گرمسیری شامل بم، جیرفت، کهنوج، شهداد و... .

در مناطق کشاورزی سه گانه فوق محصولات متنوع کشت می‌شود که علاوه بر تکافوی نیازهای استان، مقادیر قابل توجهی از محصولات کشاورزی استان به سایر مناطق و استانهای کشور صادر می‌شود و اقلامی هم نظیر پسته، خرما و زیره با داشتن شهرت جهانی، از امتیاز صادرات بین‌المللی برخوردار است.

مهمترین محصولات کشاورزی استان کرمان و مناطق کشت و رویش آنها عبارتند از:

**گندم و جو:** گندم و جو در مناطق و نواحی وسیعی از استان کرمان کشت می‌شود و تا آنجا که باران و آب و خاک اجازه دهد، به کشت آنها مبادرت می‌شود.

**سیب زمینی:** با توجه به موقعیت جغرافیایی و اقلیمی استان کرمان، محصول سیب زمینی در بیشتر مناطق استان ،به ویژه در مناطق سرد سیر و کوهپایه‌ای استان مورد کشت قرار می‌گیرد.

**پسته:** پسته محصول مهم صادراتی کشور است و در رفسنجان و کرمان و زرند و توابع سیرجان به عمل می‌آید .

**حنا:** محصول حنا در مناطق گرمسیری استان به ویژه در منطقه شهداد و بم به عمل می‌آید.

**مرکبات:** مرکبات شامل پرتقال، لیمو شیرین، لیمو ترش، نارنگی، نارنج و گریب فروت است که در مناطق بم، جیرفت و شهداد به عمل می‌آید و از نظر مرغوبیت مشهور است.

**خرما:** خرمای مضافتی بم و خرمای برمانی شهداد از مرغوبیت ویژه‌ای برخوردار است و دارای جنبه صادراتی است.

**چغندر قند:** این محصول صنعتی در اطراف شهرستان کرمان و منطقه بردسیر مورد کشت قرار می‌گیرد.

**پنبه:** محصول صنعتی پنبه در مناطق گرمسیری استان کرمان به ویژه در نواحی جیرفت، شهداد و اطراف کرمان کشت می‌شود.

**زیره سبز:** زیره سبز در منطقه بافت مورد کشت قرار می‌گیرد و زیره سیاه نیز بطور طبیعی و خودرو در نواحی کوهستانی استان رویش می‌یابد.

**وسمه:** از این محصول نوعی رنگ به دست می‌آید و در مناطق گرمسیری استان پرورش می‌یابد.

کشاورزی استان کرمان با وجود تمام محدودیت‌های جوی و اقلیمی از اهمیت بسیار بالایی در سطح کشور برخوردار است و استان کرمان طی سالهای اخیر در شمار ۷ استان اول کشاورزی کشور قرار داشته است .

کشاورزی استان به سبب برخورداری از سفره‌های وسیع آبهای زیرزمینی از گسترش قابل توجهی برخوردار است و به این سبب بر اقلیم‌ها و خرد اقلیم‌های استان موثر واقع شده و از اقلیم‌های استان تاثیر می‌پذیرد.

محصولات کشاورزی استان کرمان در برخی از سال‌ها به سبب نفوذ نابهنگام جریانات جوی و توده‌های هوای سرد از مراکز پر فشار شمالی دچار خسارات سنگینی میشود که اصولاً در اشکال سرمای زودرس پاییزی و یا سرمای دیررس بهاره نمایان می‌گردد.

به سبب اهمیت تولیدات کشاورزی استان

کرمان و تبیین علل سرمازدگی محصولات کشاورزی این استان، به مطالعه هواشناسی کشاورزی سرمازدگی محصولات کشاورزی استان کرمان مبادرت می‌شود.

**تقسیمات اقلیمی استان:** استان کرمان به لحاظ تنوعات اقلیمی، استانی کم نظیر است. این استان از سویی چند رشته ارتفاعات بسیار مهم را در جغرافیای خود جای داده است که ارتفاع اکثر آنها بیش از ۴۰۰۰ متر از سطح دریاست و به سبب بهره‌گیری مناسب از توده‌های هوای مهاجر به این استان، ذخایر وسیع آبهای تحت الارضی استان را تامین می‌کنند و بر تعدیل دمای هوا اثر می‌گذارند و از سویی هم کویر لوت را در حریم خود راه داده است که جز هوای تفته خشک و شنهای روان ره آورد دیگری ندارد.

مناطق وسیعی از استان کرمان در فصل‌های گرم سال مرکز تولید توده‌های هوای گرم و خشک می‌باشد که نمود اقلیمی آن ایجاد یک هسته کم فشار بنام "کم فشار پاکستان - ایران" و یا کم فشار آسیایی است که اقلیم‌های فراخشک و خشک مستقر در استان را تشدید می‌نماید.

با وجود اقلیم‌ها و زیر اقلیم‌ها متعدد در استان کرمان، اقلیم غالب استان را باید اقلیم فراخشک ارزیابی نمود که زیر اقلیم فراخشک معتدل آن در شمال شرق و شرق در مجاورت استان‌های خراسان و سیستان و بلوچستان استقرار یافته است.

زیر اقلیم فراخشک سرد عمدتاً در غرب وشمال غرب استان گسترده است.

در امتداد ارتفاعات جبال بارز تاثیر عامل ارتفاع موجب شکل‌گیری زیر اقلیم‌های متعدد سرد و نیمه سرد در محدوده فوق گردیده است.

باتلاق جازموریان و نواحی اطراف آن کاملاً تحت سلطه اقلیم فراخشک گرم قرار دارند. در یک بررسی اجمالی،اقلیم‌های مستقر در مناطق و نواحی مختلف استان کرمان در سیستم طبقه بندی اقلیمی دومارتن اصلاح شده در اشکال زیر قابل جمع‌بندی است:

**اقلیم فرا خشک:** اقلیم فراخشک بخش وسیعی از کویر لوت و نواحی اطراف آن و کویر دره انجیر و شوره زارهای اطراف رفسنجان و شمال بردسیر را می‌پوشاند و دارای زیر اقلیم‌های دمایی فراخشک فراسرد، فرا خشک سرد، فرا خشک معتدل و فراخشک گرم است.

**زیر اقلیم خشک سرد:** این زیر اقلیم در ارتفاعات جنوب غربی حوزه آبریز "لوت و دره انجیر" و در ناحیه سیرجان و در غرب رفسنجان مشاهده می‌گردد.

**زیر اقلیم فرا خشک سرد:** این زیر اقلیم در نواحی حاشیه‌ای کویرهای لوت و دره انجیر و دشت‌های غربی حوزه وجود دارد وبخشهای نسبتاً وسیعی از استان کرمان را در بر می‌گیرد. باریکه‌ای از این زیر اقلیم با جهت گسترش شمالی - جنوبی ناحیه راور و گلباف را هم پوشش می‌دهد. بخش تقریباً وسیعی از این زیر اقلیم در شمال غرب و غرب استان توسعه یافته و نواحی زرند، انار، رفسنجان، بردسیر، شهربابک و سیرجان را تحت پوشش قرار داده است.

**زیر اقلیم فرا خشک معتدل:** بخشهای قابل توجهی از استان در این زیر اقلیم استقرار دارند و گسترش آن در شمال شرق و شرق استان مشاهده می‌شود. نواحی شهدا، ده سیف و رحمت آباد ریگان در این زیر اقلیم قرار گرفته‌اند.

**زیر اقلیم فراخشک گرم:** این نوع زیر اقلیم در

جنوب شرق استان گسترش دارد و علاوه بر آن در اطراف بم نیز مشاهده می‌شود و شهرستان بم نشانه مشخص این نوع زیر اقلیم است .

**اقلیم خشک:** اقلیم خشک در استان کرمان متشکل از چهار زیر اقلیم است:

**زیر اقلیم خشک فراسرد:** این نوع اقلیم در برخی از مناطق با ارتفاع بیش از ۱۸۰۰ متر مشاهده می‌شود و نمونه ایستگاهی آن سیرچ است.

**زیر اقلیم خشک سرد:** این نوع اقلیم نواحی کرمان، راین، گدار زرجوئیه و قریت العرب را می‌پوشاند.

**زیر اقلیم خشک معتدل:**زیر اقلیم خشک معتدل کوهپایه‌های جبال بارز را در بر گرفته و در غرب شهداد نیز قابل تشخیص است.

**زیر اقلیم خشک گرم:**زیر اقلیم خشک گرم در جنوب غرب استان گسترش یافته و نواحی جیرفت و کهنوج رادر بخشهای جنوبی استان تحت پوشش قرار می‌دهند.

**اقلیم نیمه خشک:** اقلیم نیمه خشک در دامنه‌های شمالی کوههای هزار، لاله زار، جبال بارز تا ارتفاعات غرب زرجوئیه و جوپار و شرق و جنوب کرمان را در بر می‌گیرد و دارای سه زیر اقلیم است که زیر اقلیم نیمه خشک فراسرد آن نواحی لاله زار، چارتاق و ساردوئیه را در بر می‌گیرد و زیر اقلیم نیمه خشک معتدل در ناحیه کوچکی در جنوب بم دیده می‌شود و زیر اقلیم نیمه خشک سرد فاقد نمومه ایستگاهی است.

**اقلیم مدیترانه‌ای:** این نوع اقلیم به شکل باریکه‌ای در مرزهای جنوب غربی حوضه آبریز از دامنه‌های جبال بارز تاارتفاعات غرب زرجوئیه دیده می‌شود و دارای دو زیر اقلیم دمایی فراسرد ارتفاعی و سرد است که فاقد نمونه ایستگاهی‌اند.

**اقلیم نیمه مرطوب:** اقلیم نیمه مرطوب به صورت محدوده‌های کوچکی در ارتفاعات هزار، لاله زار و جبال بارز قابل تشخیص است و دارای دو زیر اقلیم فراسرد و سرد است.

**اقلیم مرطوب:** اقلیم مرطوب تنها در ناحیه کوچکی در ارتفاعات هزار با نمونه انحصاری فراسرد ارتفاعی تشخیص داده شده است.

**توفان رعد برق:** وقوع توفان رعد و برق علاوه بر آنکه عموماً منجر به خسارت و حتی قطع بعضی از برنامه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی می‌شود، معمولاً سبب ایجاد ترس و وحشت هم در مردم می‌گردد. و به این سبب اطلاع و آگاهی از وقوع آن در سطح استان می‌تواند برای گردشگران استان و نیز صاحبان مشاغل مختلف مفید باشد. در شهرستان کرمان به طور متوسط ۴ روز از سال توام با توفان رعد و برق است که فراوانی آن در اردیبهشت ماه بیش از سایر ماه‌های سال است.

پدیده توفان رعد و برق حاصل ناپایداریهای شدید جوی است و در ماه‌هایی که ناپایداریهای جوی شدیدتر و بیش‌تر باشد، امکان وقوع توفان رعد و برق هم بیش‌تر است.

میانگین سالانه تعداد روزهای همراه با توفان رعد و برق در جیرفت ۱۵ روز، در انار ۴ روز، در بافت نیز ۴ روز، در شهر بابک ۲ روز، در سیرجان ۵ روز، در کهنوج ۵ روز و در بم فقط ۳ روز در سال است و در منطقه جیرفت با میانگین سالانه ۱۵ روز توفانی، بیش از سایر شهرهای استان در معرض توفان رعد و برق قرار دارد.

**تعداد روزهای همراه با برف ویا مخلوط برف و باران:** در شهرستان کرمان بطور متوسط ۵ روز از سال توام با ریزش برف و یا مخلوط برف و باران است و فراوانی آن در دی ماه بیش از سایر ماه‌های

سال می‌باشد.

در انار ۴ روز، دربافت ۷ روز، در شهر بابک ۳ روز، در سیرجان ۱ روز و در بم هم ۱ روز از سال توام با ریزش برف و یا مخلوط برف و باران است و در کهنوج وجیرفت معمولاً برف نمی‌بارد.

**تعداد روزهای همراه باگرد و خاک:** در شهرستان کرمان بطور متوسط ۳۵ روز از سال توام با گرد و خاک است و فراوانی روزهای توام باگرد و خاک در ماه‌های اسفند و فروردین و اردیبهشت بیش از سایر ماه‌های سال است.

میانگین سالانه تعداد روزهای همراه با گرد و خاک در جیرفت ۲۵ روز، درانار ۲۶ روز، در بافت ۵ روز، در شهر بابک ۲۲ روز، در سیرجان ۲۴ روز، در کهنوج ۵۵ روز و در بم ۲۶ روز در سال است.

**تعداد روزهای با دید افقی کم:** در شهرستان کرمان بطور متوسط در ۱۱ روز از سال دید افقی برابر یا کمتر از ۲ کیلومتر می‌شود که فراوانی آن در دی ماه بیش از سایر ماه‌های سال است.

دید افقی ممکن است به علت وقوع برخی از پدیده‌های جوی نظیره مه، گرد و خاک، رگبار شدید و نظایر آنها اتفاق افتد.

**خشکسالی:** در طول ۱۰ سال از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸، وقوع دو بار خشکسالی در استان کرمان موجب تلف شدن ۵۶۷۸۵۷ راس دام گردیده و به محصولات ۲۵۰ هزار هکتار از اراضی استان خسارت وارد ساخته است.

**تگرگ:** طی مدت ۱۰ سال گذشته ریزش سنگین تگرگ در یک مورد موجب خسارت به محصولات ۱۵۴۰ هکتار از اراضی استان شده است.

**سرمازدگی و یخبندان:** سرما زدگی و یخبندان طی دوره آماری مذکور موجب خسارت به محصولات ۱۹۳۷۶۵ هکتار از اراضی استان گردیده است.

**سیل:** در دوره ده ساله فوق الذکر وقوع ۶۴ مورد سیل در استان کرمان سبب آسیب دیدگی ۳۶۸۵۰ واحد مسکونی و موجب از بین رفتن جان ۵ نفر از اهالی استان گردیده و به ۳۵۸۷۴۵ هکتار از اراضی استان خسارت وارد ساخته است و موجب تلف شدن ۲۱۵۱۵ راس دام تخریب ۴۰۳ دهنه پل گردیده و به ۳۵ واحد تولیدی و صنعتی و ۱۶۳ واحد عمومی و اداری و ۵۸۸۴ کیلو متر از جاده‌های استان خسارت وارد نموده است.

## دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و منابع آبی استان کرمان:

در استان کرمان از زمانهای گذشته قنوات متعددی وجود داشته است و تاکنون این وضع تقریباً حفظ شده است و به واسطه " عدم تبخیر " و " نفوذ پذیری " آب در قنوات، بهترین سیستم آبیاری در منطقه محسوب می‌شود.با وجود اینکه در سالهای اخیر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق زیادی در این استان حفر شده است، قنوات هنوز رکن اساسی تامین آب کشاورزی را تشکیل می‌دهند. همچنین چشمه سارهایی در مناطق مختلف استان کرمان از جمله شهرستان بافت و اطراف کرمان و بعضی نواحی دیگر وجود دارد که از آنها برای کشاورزی و آشامیدن استفاده می‌گردد.

از شاخص‌ترین آبهای راکد استان می‌توان باتلاق جازموریان و ترشاب بردسیر را نام برد.

## دریاچه‌ها و تالاب‌ها

**دریاچه هامون جازموریان:** هامون جازموریان

مهمترین دریاچه استان کرمان است که میزان آب و وسعت آن متغیر است و جزو دریاچه‌های دائمی به شمار نمی‌رود. رودخانه هلیل رود از طرف غرب و رود بمپور از جانب شرق به این دریاچه می‌ریزد.

چاله لوت واقع در شمال شرقی کوه‌های کرمان را هم می‌توان یکی از آبگیرهای منطقه به شمار آورد که از خشکترین و کم آبترین حوضه‌های آبریز ایران است. حاشیه غربی آن به علت مجاورت با کوه‌های کرمان بطور نسبی مرطوبتر از دیگر حواشی آن است. رود نور در شمال بیرجند و رود شورگز در جنوب آبگیر از مهمترین رودهای چاله لوت هستند.

این دریاچه درحدفاصل استانهای سیستان و بلوچستان وکرمان واقع شده و حوضه آبریز بخش غربی آن، مناطقی از استان کرمان را مشتمل بر شهرستان بافت، کهنوج و سبزواران در بر می‌گیرد. دریاچه جازموریان درواقع یک حوضچه تبخیری است که محل تخلیه تمامی زهکش منطقه و رودهای هلیل و بمپور (رود بمپور در حوزه آبریز شرق جازموریان است) و دیگر انشعابات فرعی رودهای کوچک و فصلی موجود در حوزه است.حجم این دریاچه هر چند در مواقع پرباران تاحدود یک میلیارد متر مکعب در گزارشات موجود ثبت گردیده،ولی به علت عدم تغذیه دائمی و تبخیر فوق‌العاده زیاد، دائمی نبوده و فقط در سال های پر آب ودر سایر اوقات کاملاً خشک است.

**-رودخانه‌ها:** رودهای حوزه آبریز جازموریان:مساحت این حوزه در حدود ۸۳۰۰ کیلومتر مربع است و مشتمل بر رود خانه هایی است که به دریاچه هامون جازموریان می‌ریزند.

مهمترین رود خانه‌های این حوزه هلیل رود است که شاخه‌های مهمی مانند زردشت از گوفر،بافت از لاله زار،رابر از الفتح (شاه‌کوه) طلیل ازکوه هزار و اسفندقه از ارتفاعات اسفندقه به آن می‌پیوندند و پس از مشروب نمودن اراضی جیرفت و کهنوج وارد هامون جازموریان می‌شود.این حوزه آبریز فاقد پوشش گیاهی قابل توجه است.

مهمترین قابلیت تفرجگاهی آن اطراف دریاچه پشت سد جیرفت است که استفاده های گردشگاهی دارد.

**- آبریز نمک زارهای مرکزی:** از رود خانه‌های این حوزه می‌توان فهرج رود و تهرود را نام برد.شاخه‌های دیگر از رود خانه‌های این حوزه عبارتند از:لاله زار رود،رود شور،رفسنجان کوسک،چاری ،ماهنگ ،و کسک .رود خانه‌های دیگر این استان عبارتند از:بخشادر برد سیر،راور در منطقه راور،خبر در منطقه خبربافت و رود خانه تنگوئیه (پلنگی)در سیر جان .

## چشمه‌ها و مراکز آب درمانی استان کرمان

۱ـ چشمه معدنی ته خاتون در شرق کرمان. ۲ـ چشمه بو جان درجنوب غربی کرمان. ۳ـ چشمه رضا آباد در شمال کرمان. ۴ـ چشمه ابارق در جنوب شرقی کرمان. ۵ ـ چشمه پا چنار در۶۷ کیلومتری شمال کرمان. ۶ ـ چشمه بیشه در ۴۲ کیلومتری شرق کرمان. ۷ ـ چشمه راین در ۳۳ کیلومتری شمال غربی کرمان. ۸ ـ چشمه قلعه عسکر درسلطان آباد کرمان. ۹ ـ چشمه غرغره در ۴۰ کیلومتری راین. ۱۰ ـ چشمه اختیار آباد در شمال شرقی کرمان. ۱۱ ـ چشمه حوض نو در بخش جوشان کرمان. ۱۲ ـ چشمه بغرا در بخش

پوشان کرمان. ۱۳ ـ چشمه حوض آباد در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی کرمان. ۱۴ ـ چشمه حسین آباد در ۳۶ کیلومتری جنوب غربی رفسنجان. ۱۵ـ چشمه قاسم آباد در۶ کیلومتری شرق رفسنجان. ۱۶ ـ چشمه آباد آوران در ۵۸ کیلومتری شمال شرق رفسنجان. ۱۷ ـچشمه آب معدنی باب تنگل در شمال شرقی زرند کرمان.

## گردشگاههای طبیعی استان کرمان

گردشگری در طبیعت گرایش نوینی از فرهنگ جهانگردی است که در سالهای اخیر اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در توسعه جهانگردی یافته است. در دوره‌ای که گسترش روزافزون و متراکم شهرها و ماشینی شدن تمامی جنبه‌های حیات اقتصادی و اجتماعی انسان‌ها گذران اوقات فراغت و تمدد اعصاب را به ویژه برای ساکنان کانون‌های شهری و صنعتی از ضرورت ویژه‌ای برخوردار نموده است. توجه به تمامی عرصه‌های گردشگاهی اهمیت زیادی دارد. بنابراین جنگل‌های طبیعی، پارک‌های ملی، پارک‌های حیات وحش، سواحل رودخانه‌ها و طبیعت پیرامون آنها، کوهساران و کوهستانها، آبشارها و چشمه‌های آب گرم، چشمه‌های طبیعی، ییلاق‌ها و مناطق ویژه شکار و صید تفریحی ماهی، دریاچه‌ها و سواحل، زیستگاه‌های طبیعی پرندگان مهاجر و بومی، غارهای طبیعی و به ویژه طبیعت بکر درون آنها به موضوعی جالب توجه در توسعه صنعت گردشگری تبدیل شده است.

امکانات بالقوه طبیعت گردی استان کرمان صرف نظر از جاذبه‌های طبیعی آن زمینه‌های بسیار مطلوبی را از نظر مدیریت و سازماندهی گذران اوقات فراغت جامعه شهری فراهم نموده است.

## طبیعت دشت‌ها و کویرهای کرمان

استان کرمان با توجه به ویژگیهای خاص جغرافیایی، دشت های مرتفع و فضاهای کویری گسترده‌ای دارد که برخی از آنها همچون دشتها و مناطق ییلاقی،مورد استفاده وسیع تفرجگاهی قرار می‌گیرند و برخی دیگر همچون فضاهای کویری در صورت راه اندازی تورهای کویری می توانند به عنوان یکی از جاذب‌ترین زمینه های ایرانگردی مورد استفاده قرار گیرند.دشتهای شهداد و جیرفت (حوزه جازموریان )بسیار کم ارتفاع هستند و حداکثر ۱۳۰۰ ـ ۲۱۰۰ متر ارتفاع دارند.علاوه بر دشت‌های مذکور که بین ارتفاعات فوق الذکر قرار گرفته‌اند و کمابیش هم قابل بهره برداری هستند،کویر وسیع لوت و نمکزارهای آن، قسمت عمده‌ای از شمال شرقی استان رااشغال کرده‌اند. قسمت هایی از شمال غربی استان را نیز نمکزارها تشکیل داده‌اند.

هر چند بیابان‌های خشک به علت آب وهوای سخت و غیر قابل تحمل از جذابیت کمتری بر خوردارند،ولی مشتاقانی وجود دارند که دیدار کویر برای آنان جالب توجه است،به ویژه اینکه بیابان‌ها و کویرها نیز در نوع خود عناصر و جذابیتی دارندکه در سایر نقاط یافت نمی‌شوندکه از آن جمله می‌توان به تپه‌ها یا رشته ارتفاعات ماسه‌ای که بر اثر وزش باد و جا به جا شدن ماسه‌ها پدید آمده و شکل و اندازه آن‌ها بر اثر وزش باد دائماًدر تغییرات است،اشاره کرد.

این گونه تپه‌ها را اصطلاحاً "تلماسه" می‌نامند.هم چنین زندگی انسان درکویر و بیابان و مقایسه آن با نواحی جنگلی مخصوصاًبرای

دانشجویان ومحققین وافراد غیر بومی نا آشنا با فضاهای کویری بسیار جالب توجه است.کویرهای ایران که بخش قابل توجهی از آن در محدوده و مجاورت استان کرمان به ویژه درقسمت شمال شرقی آن قرار دارد ،جذابیت‌های ویژه‌ای دارند که آن‌ها را در شمار مناطق شگفت‌انگیز جهانگردی قرار می‌دهد.آب و هوای کویر حد اقل برای نیمی از سال برای مسافرت مطلوب است.آسمان پر ستاره کویر براستی برای شهرنشینان و طالبان بدیع،دیدنی و شگفت‌انگیز است. شب‌ها آسمان پرستاره دیدنی‌تر از آن است که به تصور درآید.سکوت محض و آرامش کامل، مناظر و چشم‌اندازهای بدیع ،سراب‌های اغوا کننده، زمین‌های سیاه‌وسفید،خاک های بر آمده، لایه‌های نمکی و سایر مناظر طبیعی و زیبا را می‌توان درکویرها تماشا کرد. علاوه براین، کویر آثار تاریخی و باستانی متعددی مشتمل برکاروان سراها،کاخ‌ها،آب انبارها،قنات‌ها،مراکز زیارتی و مذهبی و غیره را در دل خود جای داده است که نسان از قدمت و دیرینگی زیست انسان در حواشی و محدوده‌های آن دارند.هر کدام از این ویژگیها در صورت برنامه ریزی وبهینه کردن ارزش‌های بالقوه،می‌توانندبه مناطقی جذاب تبدیل گردند.

## زمین‌شناسی و معادن

**مراد، ریزو، و دزو در ناحیه‌ی شمال یزدان آباد ـ استان کرمان:** رخ نمون‌های سنگ‌هایی که به اواخر پره‌کامبرین ـ کامبرین آغازین نسبت داده شده‌اند و سری‌های مراد، ریزو و دزو نام گرفته‌اند، ضمن برداشت‌های تفصیلی ورقه ۱:۱۰۰۰۰۰ داوران (۱۳۷۱) مورد بررسی قرار گرفتند و مشخص شد که گسترش سری مراد در ناحیه‌ی شمال یزدان آباد بسیار کوچک‌تر از آن مقداری است که مطالعه کنندگان قبلی (هو کریده و همکاران) مطرح کرده‌اند. برای سری مراد در این ناحیه، به لحاظ قرارگیری در زیر توالی‌های چینه‌شناسی مربوط به سری‌های ریزو و دزو با ناپیوستگی فرسایشی، سن اواخر پره‌ی کامبرین مورد تأکید قرار گرفت. ناپیوستگی فرسایشی دولومیت‌های راس سری ریزو و قسمت‌های قدیمی‌تر سری مزبور، ناشی از رخداد کوهزایی بایکالین (پان آفریکن) دانسته شده است. معمولاً در این ناحیه بر روی بخش فوقانی سری دزو، ضخامت‌های متغیری از دولومیت‌های هم ارز و مشابه‌قسمت بالایی سازند سلطانیه دیده می‌شوند که بر روی آن‌ها سازندهای باروت، زایگون و لالون قرار گرفته است.

در شمال یزدان آباد، سری دزو به طور هم شیب ولی از نظر سنگ‌شناسی تند بر روی دولومیت‌های راس سری ریز و مشخص شدند. سری گچ دار دزو به همراه دولومیت‌های قاعده‌ای و رأس آن، به عنوان هم ارزهای چینه‌شناسی و تغییرهای رخساره‌ی جانبی سازند سلطانیه شناخته شده است.

این ناحیه جزئی از ایران مرکزی محسوب می‌شود و لذا نشانه‌های ساختاری آن، از قبیل ساخت موزاییکی، چین خوردگی‌ها متوسط تا شدید، روراندگی‌ها و برگشتگی‌ها، حرکت‌های تقریباً عمودی، یا چرخش‌های بلوک‌ها، حتی در کهن‌ترین بخش از پالئوزوئیک را نشان می‌دهد که امروزه اثرهای آن بر شرایط حاکم بر حوضه‌های رسوب گذاری، به شکل تغییر رخساره‌های فراوان رسوب‌ها در فاصله‌های کوتاه جانبی، نبود رسوب

گذاری و دگر شیبی مشاهده می‌شود. مجله‌ی علوم زمین شماره ۸

ایران مرکزی دارای کانسارهای متعددی از آهن، آپاتیت و اورانیم به سن پروتوروزوییک است. در این مطالعه، به منظور تهیه نقشه‌ی پتانسیل معدنی برای کانی زایی تیپ اکسید آهن (Cu-U-Au-REE) پروتروزوییک، از سامانه شبکه‌های عصبی استفاده شد. سامانه استفاده شده نوعی شبکه عصبی به اسم RBFLN است که شکل تغییر یافته‌ای از شبکه عصبی بر پایه‌ی تابع شعاعی (RBFLN) می‌باشد. در این مطالعه داده‌های چینه‌شناسی، ساختاری، ژئوفیزیکی و ژئوشیمیایی به عنوان بردارهای چند بعدی وارد شبکه‌ی عصبی شدند. به منظور یادگیری شبکه از ۵۸ کانسار و ۵۸ غیرکانسار استفاده شد. برای تهیه‌ی نقشه‌های ورودی از دو روش استفاده شد. در روش اول تلفیقی از نقشه‌های چند کلاسه و دو کلاسه وارد شبکه عصبی شد. در روش دوم تمام نقشه‌های نشانگر به نقشه‌های دو کلاسه دسته بندی شدند. اعمال RGFLN بر روی داده‌های ورودی مختلف نشان داد که افزایش تعداد نقشه‌های ورودی و در نتیجه افزایش تعداد کلاس‌ها منجر به بالا رفتن خطای مجموع مربع‌های (SEE) دسته بندی می‌شود. به طور کلی تکرار دفعات یادگیری باعث بهبود خطای SSE در حین یادگیری میشود. نتیجه این مطالعه همچنین نشان داد که پراکندگی مناسب نقاط کانساری و غیر کانساری و فراوانی آن‌ها نسبت به هم تأثیر زیادی در نتیجه دسته بندی می‌گذارد.

شبکه‌های عصبی سامانه‌هایی رایانه‌ای هستند که از روی سامانه‌ی مغز انسان طراحی شده‌اند و از دو جنبه شبیه مغز انسان هستند. اول این که دانش در آن‌ها از راه یادگیری کسب می‌شود و دوم این که توان‌های ارتباطی بین نورونی به نام وزن‌های سینوپسی برای ذخیره‌ی دانش به کار می‌روند. شبکه‌های عصبی، توان زیادی در حل مسائل پیچیده‌ای دارند که عوامل متعددی در فرایند و نتیجه آن تأثیر می‌گذارند. وجود یک کانسار، به وسیله‌ی متغیرهای زمین شناختی متعدد و مرتبطی کنترل می‌شود در نتیجه یکی از کاربردهای شبکه عصبی می‌تواند در زمینه تهیه‌ی نقشه‌های پتانسیل معدنی باشد. شبکه‌های عصبی معمولاً شامل یک دسته لایه‌های مرتبط هستند که هر یک از لایه‌ها دارای واحدهای پردازش اصلی به نام نورون (سلول عصبی) می‌باشند. براساس یک مدل پذیرفته شده (Pan & Harris,2000) هر نورون از سه قسمت اساسی تشکیل شده است. مجله‌ی علوم زمین

**کانسارسازی آهن در کرمان:** کانسار سنگ آهن گل گهر در ۵۵کیلومتری جنوب باختری سیرجان و در لبه‌ی خاوری زون سنندج ـ سیرجان واقع است. سنگ‌های همبر کانسار شامل واحدهای رسوبی ± آتشفشانی دگرگون شده در رخساره شیست سبز و با سن احتمالی پروتروزوییک پسین ـ پالئوزوییک پسین است. مهم‌ترین واحدهای سنگی میزبان‌کانسار شیل، ماسه سنگ، سیل بازالتی، گابرویی و دیابازی، سنگ‌های یخساری (دیامیکتیت) و توالی‌های کربناتی ـ چرتی می‌باشد که در قسمت بالایی با توالی‌های ضخیم‌کربناتی پایان می‌یابد. ساخت‌کانسار شامل نوارهای ضخیم، متوسط و ریز مگنتیت همراه با شیل، ماسه سنگ و کربنات‌های چرتی است. حضور قطعات معلق و تخریبی درون نوارهای مگنتیت و سنگهای همبر، کانسار را در گروه آهن

نواری راپیتان قرار می‌دهد. نوارهای مگنتیت با بافت‌های دانه‌ای، نواری و توده‌ای به خوبی بیانگر رسوبگذاری آهن به شکل هیدرومگنتیت است. حضور مواد آلی (گرافیت) و ریز لایه‌های پیریت بیانگر شرایط اسکایش ـ کاهش و تغییرات سریع فوگاسیته‌ی اکسیژن در زمان تشکیل کانسار است. سیل‌های بازی منطقه از نوع بازالت تولئیتی بوده و بیانگر عملکرد کافت ناقص اقیانوسی درزمان تشکیل کانسار می‌باشد. حضور دیامیکتیت و قطعات معلق بیانگر رسوبگذاری دریایی ـ یخچالی، همراه با فعالیت‌های متصاعدی آتشفشانی است. نفوذ آب دریا به درون حوضه کافتی و واکنش با سنگ‌های نفوذی، سنگ‌های دگرگونی قدیمی آهن دار و کانسارهای آهن نواری قدیمی منجر به شستشو و انتقال آهن و سیلیس، به شکل محلول‌های گرمابی ـ بروندمی شده است. برگشت بالارونده‌ی محلول‌های گرمابی به درون آب دریا و حوضه‌ی رسوبی و برخورد با آب‌های سرد یخساری منجر به نهشت هیدرومگنتیت در بین رسوبات و قطعات تخریبی یخساری شده است. حضور بافت توده‌ای مگنتیت، مقادیر زیادی تورمالین و عیارکم منگنز بیانگر کانسار از نوع همجوار، به مرکز فعالیت‌های آتشفشانی ـ رسوبی با دمای تقریبی ۱۰۰ تا ۲۵۰ درجه سانتی گراد است. مجله‌ی علوم زمین

کانسار مس باغ خشک در ۱۴۵ کیلومتری جنوب باختر استان کرمان و شمال خاور سیرجان و در زون ارومیه ـ دختر قرار گرفته است و روند اصلی درزه‌ها در باغ خشک، شمال خاوری ـ جنوب باختری می‌باشد. در مطالعات سنگ‌شناسی کانسار، سنگ‌های آتشفشانی و آذر آواری شامل توف، ریولیت، آندزیت، آندزیت بازالت و بازالت با سن ائوسن و سنگ‌های نفوذی از نوع گبرودیوریت، دولریت، کوارتزدیوریت، تونالیت و گرانودیوریت به سن الیگومیوسن شناسایی شده است. در این منطقه، دگرسانی‌های اصلی پتاسیک، فیلیک، آرژیلیک و پروپیلیتیک هستند که در بین آن‌ها دگرسانی آرژیلیک، گسترش بیشتری دارد. از نظر کانی زایی، می‌توان کانی‌های سولفیدی پیریت، کلکو پیریت، بورنیت و کلکوسیت و کانی‌های اکسیدی مگنتیت، هماتیت، کوپریت و تنوریت و کانی‌های کربناتی مالاکیت و آزوریت را در منطقه مشاهده کرد که به صورت رگچه‌ای و افشان، نمود دارند.

دراین کانسار، اکتشافات سنگ ژئوشیمیایی با برداشت ۲۶۴ نمونه در شبکه ۵۰×۵۰ متر صورت گرفته است که بر اساس داده‌ها با محاسبات آماری لازم طی مراحلی چند، بیشترین بی هنجاری برای عنصر مس مربوط به توده‌های تونالیتی زون مرکزی است. بالاترین عیار مس در منطقه ۱/۰۶ درصد و پائین‌ترین عیار آن ۰/۰۰۳ درصد تعیین گردید.

**زمین‌شناسی:** سنگ‌های کانسار مس باغ خشک متعلق به دوره ی سنوزوییک و شامل سنگ‌های آذر آواری و آتشفشانی مربوط به ائوسن، سنگ‌های نفوذی با سن اولیگوسن ـ میوسن و دیگر رسوبات نئوژن هستند.

سنگ‌های آذرآواری واحد ائوسن از جمله توف، در بیشتر نقاط به جز محدوده‌ای از باختر کانسار و غالباً در حد فاصل بین توده‌های نفوذی پراکنده هستند.

سنگ‌های آتشفشانی منطقه‌ی آندزیت، بازالت و ریولیت‌ها را در بر می‌گیرد که بر اساس داده‌های حفاری و اکتشافات چکشی، بیشتر محدوده در

سطح و عمق، به توده‌های آندزیتی اختصاص دارد.

**زمین ساخت:** کانسار مس باغ خشک به علت قرارگیری در مرز کمربند فعال آتشفشانی ـ رسوبی ارومیه ـ دختر و کمربند دهج ـ ساردوئیه، یک منطقه‌ی تکتونیزه و بَرشی شده است. در این منطقه نفوذ سنگ‌های دورنی به شکل گنبدی، سبب گردیده تا لایه‌های آذر آواری شیب دار شده و شیب آن‌ها نسبت به توده‌های نفوذی حدود ۳۰ درجه شود.

**سنگ‌شناسی:** سنگ‌شناسی کانسار بر پایه‌ی مطالعه‌ی ۸۰ مقطع نازک در منطقه‌ای با ابعاد ۱۲۰۰ متر طول و ۶۵۰ متر عرض انجام گرفت که بر پایه‌ی آن، ۴ نوع سنگ آذر آواری، آتشفشانی، آذرین درونی و دگرگونی همراه با ۱۲ تیپ فرعی در منطقه شناخته شد.

سنگ‌های آذر آواری کانسار دارای دامنه‌ای از لیتیک توف، ویتریک توف، کریستال لیتیک توف به همراه کانی‌های کوارتز، پلاژیو کلاز، کلریت، بیوتیت و قطعات سنگی آندزیتی است. سنگ‌های آذر آواری بافت ولکانو کلاستیک دارند و در بیشتر موارد پرشدگی حفره‌ها و دانه‌ها توسط کوارتز در آن‌ها دیده می‌شود.

**کانه نگاری:** زون اکسیدی و سوپرژن، گسترده‌ترین بخش در کانسار است که دست کم ۲۰ متر عمق دارد و در این زون کانی‌های سولفیدی، کربناتی و اکسیدی دیده می‌شود. در سطح کانسار، به علت وجود کانی‌های اکسیدی و اکسایش گسترده، مقدار کانی‌های سولفیدی، اندک است. این کانی‌ها در درزه و شکستگی و یا به شکل افشان یافت میشوند. مجله‌ی علوم زمین

**تعیین حد نهائی معدن مس میدوک کرمان:** کانسار مس میدوک یکی از بزرگ‌ترین ذخایر مس کشور در شمال باختری استان کرمان واقع است. ذخیره‌ی این کانسار حدود ۱۵۷ میلیون تن سنگ معدن با عیار میانگین ۰/۸۵ درصد بوده و جزو گروه کانسارهای مس پورفیری نوع مونزونیتی است. یکی از مهم‌ترین مسائل در طراحی هر معدن روباز، تعیین محدوده‌ی نهایی می‌باشد. روش شبیه سازی (مخروط شناور مثبت Posistive moving cone) یکی از روش‌های مرسوب طراحی محدوده نهایی معادن روباز است که در آن ابتدا مدل بلوک بندی شده عیار معدن از روی داده‌های اکتشافی و با استفاده از روش زمین آماری کریجینگ (Kriging) ساخته می‌شود. از آن جا که روش کریجینگ براساس منطق میانگین متحرک وزنی عمل می‌کند، بهترین روش برای ساخت مدل عیار کانسار است. پیش از به کارگیری روش کریجینگ، باید ساختار فضایی عیار کانسار مشخص شود.

مس قدیمی‌ترین فلزی است که انسان پس از عصر سنگ به آن دست یافت. این فلز، حدود ۸۰۰۰ سال پیش وارد زندگی انسان شد و اگرچه میزان ذخیره‌ی آهن در پوسته‌ی زمین ۷۰۰ بار بیش از مس است، اما مس و حتی آلیاژهائی مانند مفرغ، بسیار زودتر از آهن (حدود ۴۰۰۰ سال) توسط انسان کشف شدند. دورانت (۱۳۶۵) ناحیه‌ی کرمان از نظر کانی‌سازی مس، یکی از گسترده‌ترین و مهم‌ترین منطقه‌های ایران است که از دیرباز مورد توجه صنعت معدنکاری بوده است.

**کانسار میدوک:** کانسار مس میدوک از نظر موقعیت زمین ساختی و سنگ شناختی، در گروه کانسارهای مس پورفیری نوع مونزونیتی کمربند

زمین ساختی زون فرورانش حاشیه‌ی قاره‌ها قرار می‌گیرد. در این کانسارها، ماگمای کلسیمی - قلیایی ضمن بالا آمدن متبلور شده و همچنین تفریق ماگمایی در آن رخ داده است. محلول ماگمایی منجر به تغییرات شیمیایی در سنگ‌های منطقه شده از سوی دیگر گرمای توده‌های نفوذی، منجر به حرکت آب‌های زیرزمینی شده که این امر نیز باعث تغییرات شیمیایی و کانی‌شناختی در سنگ‌های منطقه گردیده است. مجموعه‌ی این تغییرات دگرسانی، تشکیل و کانی‌سازی کانسارهای مس پورفیری را باعث می‌شود.

کانسارهای مس پورفیری بر اساس زون‌های دگرسانی به زون‌های پتاسیک، سریسیت، آرژیلیک و پروپلتیک تقسیم بندی می‌شوند که هر زون، دارای خاستگاه و کانی‌های اصلی و فرعی خاص خود است. از آن جاکه میزان تغییرات زمین ساختی در منطقه‌ی میدوک اندک است، لذا این زون‌ها کاملاً آشکار هستند. شکل، بافت، عیار و میزان ذخایر پورفیری به تعداد توده‌های نفوذی ماگمایی، شیوه، تداخل، حجم ماگما، ژرفای تبلور و جایگزینی، تخلخل و شکستگی سنگ‌های منطقه بستگی دارد. مجله‌ی علوم زمین

**حفره فروکش کارستی در اختیارآباد کرمان:**

حفره‌ی فروکش (Sinkhole) اختیار آباد در دهم تیر ماه ۱۳۷۷، به طور ناگهانی در ۱۴ کیلومتری شمال باختری شهر کرمان و مجاور روستایی با همین نام به وجود آمد. چگونگی تشکیل آن از نظر بررسی امکان وجود غارهای زیر زمینی در منطقه و شناسایی آن‌ها حائز اهمیت است. در این رابطه، اظهار نظرهای مختلف نظیر انحلال سنگ‌های تبخیری، انحلال سنگ آهک و فرسایش و حمل ماسه‌های ریز دانه در زیر زمین ارائه شده است. به منظور رفع این وضعیت سردرگم و تعیین سازو کار تشکیل آن، ضمن معرفی شرایط زمین شناختی و زمین آب شناختی منطقه، از روش هیدروژئوشیمیایی و محاسبه‌ی نسبت اکی والانی حاصل جمع غلظت کلررور سولفات به بی کربنات (به عنوان نمایه‌ی انحلال سنگ‌های تبخیری) در آب‌های زیر زمینی و تهیه‌ی نقشه‌ی مربوطه استفاده گردید. این نسبت در محدوده‌ی نزدیک به حفره در حد ۴۳ بوده و با دور شدن از آن کاهش می‌یابد و به کمتر از ۵ می‌رسد.

حفره‌ی اختیار آباد که به طور ناگهانی در دهم تیرماه ۱۳۷۷ به صورت فروکش کردن زمین بوجود آمد، در ۱۴ کیلومتری شمال باختری شهر کرمان، به فاصله‌ی حدود ۴۰۰ متری اختیار آباد (۲۰۰ متری سمت راست جاده) در یک باغ پسته‌ای واقع شده است.

این رویداد در دشت صاف و هموار رسی (دشت کرمان) تشکیل گردیده و قطر و عمق آن به ترتیب ۳۵ و ۲۰ متر می‌باشند. مجله‌ی علوم زمین

ژئوکرونولژی و چینه‌نگاری مجموعه‌ی افیولیتی کهنوج از قاعده‌ی به سمت بالا از گابروهای لایه‌ای، گابروهای ایزوتروپ، سنگ‌های حد واسط تا اسیدی شامل دیوریت تا پلاژیوگرادیت، دایک‌های ورقه‌ای، گدازه‌های بالشی و بالاخره آهک‌های پلاژیک با فسیل‌هایی به سن ژوراسیک بالا - کرتاسه‌ی زیرین تشکیل شده است. نمونه‌های آمفیبول تعیین سن شده از بخش‌های مختلف افیولیت کهنوج به روش K-Ar، سن ایزوتوپی ۱۳۶ تا ۱۶۵ میلیون سال (دوگر - دوکومین) را نشان می‌دهند که این سن با نتایج مطالعات فسیل شناسی کاملاً هماهنگ است.

در حالی که اغلب پلاژیوکلازها و نمونه‌های سنگ اصلی سنگ‌های مبهم و قدیمی و یا جوانشدگی نشان می‌دهند. واحدهای مختلف این مجموعه افیولیتی پس از تشکیل و احتمالاً در زمان جایگزینی، مورد هجوم یک توده‌گرانیت پتاسیک جوانتر قرار گرفته‌اند.

مجموعه‌ی افیولیتی کهنوج در فاصله‌ی ۵ کیلومتری جنوب خاوریِ شهرستان کِهنوج، بین طول‌های جغرافیایی ۳۰ ۳۷ °۵۷ تا ۱۲ ۵۱ °۵۷ خاوری و عرض‌های جغرافیایی ۳۰ ۳۰ °۲۷ تا ۵ ۵۵ °۲۷ شمالی واقع است. این مجموعه تقریباً به صورت یک توده‌ی عدسی شکل کشیده با روند شمالی - جنوبی بین دو سیستم گسلی اصلی شمالی - جنوبی به نام گسل جیرفت در خاور و گسل سبزواران در باختر محاط شده است. افیولیت کهنوج با رخنمون بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر مربع یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های تولی‌های پوسته‌ای را داراست. از آن جا که مرز زیرین این مجموعه گسلی است، سنگ‌های پریدوتیت و اولترابازیک در منطقه رخنمون چندانی ندارند و صرفاً به صورت توده‌های کوچک و پراکنده فلدسپاتیک ورلیت و دونیت در داخل گابروهای جنوب منطقه، به ویژه در بین گابروهای لایه‌ای یافت می‌شوند. مجله‌ی علوم زمین ش ۳۴ و ۳۳

**کرمان:** در ناحیه‌ی ده سرد سنگ‌های آتشفشانی - رسوبی ژوراسیک بالایی تا کرتاسه‌ی زیرین در بخش جنوبی زون سنندج - سیرجان و در جنوب کرمان رخنمون دارد. این مجموعه شامل تناوبی از روانه‌های گدازه‌ای (بازالت، آندزیت بازالتی و تراکی آندزیت بازالتی)، مواد آذر آواری (انواع گوناگون توف و برش) و سنگ‌های رسوبی (آهک و شیل) است.

گدازه‌های ده سرد از نظر کانی‌شناسی، شامل میکروفنوکریست‌های پلاژیوکلازوکلینوپیروکسن است که در یک زمینه دانه ریز از همین کانی‌ها به همراه کانی‌های فرعی اپاک و آپاتیت قرار گرفته‌اند. حضور بافت‌های غیر تعادلی در گدازه‌های ده سرد، در قالب تغییرات سریع فشار ماگمایی قابل توجیه است.

سنگ‌های آذر آواری در منطقه کمتر معمول بوده و به طور کلی از نوع توف بلوری - سنگی هستند. بلورها بیشتر از پلاژیوکلاز و قطعات سنگی بیشتر دارای ترکیب آندزیت بازالتی و تراکی آندزیت بازالتی می‌باشند. مطالعات سنگ‌های رسوبی، نشانگر تشکیل آن‌ها در یک منطقه کم عمق دریایی است.

منطقه مورد مطالعه در ناحیه‌ی ده سرد در ۹۰ کیلومتری جنوب شهرستان بافت از توابع استان کرمان و از نظر تقسیم بندی زمین ساختی ایران، در بخش جنوبی زون سنندج - سیرجان قرار می‌گیرد. این منطقه به صورت مجموعه‌ای آتشفشانی - رسوبی است که به یک محیط فورانی زیر دریایی تعلق دارد و بر اساس مطالعات سازمان زمین‌شناسی ایران (سبزه‌ئی، ۱۹۹۴) سنی معادل ژوراسیک پسین تا کرتاسه‌ی پیشین را نشان می‌دهد. این مجموعه در قاعده با یک سری روانه‌های گدازه‌ای بازی همراه با ساخت بالشی شروع شده و در بالا با ردیفی از کنگلومرا و برش‌های آتشفشانی با سیمان پرکربناتی پایان می‌پذیرد. این مجموعه سنگی اخیر، منحصراً از قطعات آتشفشانی تشکیل شده و ممکن است با واحدهای آذر آواری موجود در منطقه اشتباه شود. کنگلومرا و برش دارای ساخت و بافت رسوبی آشکاری هستند و به مجموعه‌ی آواری فسیل دار

(حاوی شکم پایان فراوان) ختم می‌شود. شرایط رسوب‌گذاری با تغییر تدریجی ژرفای محیط زیر دریایی، تغییر کرده است، به گونه‌ای که ابتدا ماسه سنگ آهکی و به دنبال آن تناوب مارن و ماسه سنگ فسیل دار و سنگ آهک مارنی و میکریتی خاکستری رنگ با ستبراهای متفاوت در بین روانه‌های گدازه‌ای بازالت آندزیتی تا بازالت رسوب کرده‌اند.

**زمین‌شناسی منطقه:** منطقه‌ی ده سرد بین دو گسل اصلی ده سرد و کوشک با روند تقریبی شمال - جنوب قرارگرفته است. حرکت این گسل‌ها باعث خردشدگی شدید در سنگ‌های منطقه شده، به گونه‌ای که در برخی موارد، جابجایی بیش از دو متر در سنگ‌های آهکی دیده می‌شود.

به طور کلی، منطقه ده سرد دارای دو گونه سنگ‌شناسی مختلف شامل روانه‌های گدازه‌ای و سنگ‌های رسوبی آهکی است. با توجه به تناوب سنگ آهک‌ها و گدازه‌ها، به نظر می‌رسد مجموعه‌ی آتشفشانی ـ رسوبی ده سرد به یک محیط فورانی زیر دریایی تعلق داشته باشد و از ستبرای نسبتاً زیاد رسوبات آهکی نیز چنین برمی آید که زمان آرامش بین فوران‌ها طولانی بوده است. مجله‌ی علوم زمین ش ۵۳

**ریخت زمین ساخت گسل کوهبنان استان:** گسل کوهبنان در حاشیه‌ی جنوب خاور خرد قاره‌ی ایران مرکزی در بین بلوک طبس و بلوک یزد از شمال باختری کرمان تا شمال باختری بهاباد واقع در خاور بافق با طول ۳۰۰ کیلومتر و امتداد شمال باختری ـ جنوب خاوری ادامه دارد. این گسل یکی از لرزه خیزترین روندهای ساختاری در استان کرمان و خاور بافق یزد به شمار می‌آید. آخرین فعالیت لرزه‌ای ثبت شده آن در تاریخ ۸۲/۷/۱۵ با زلزله‌هایی با شدت ۳/۸ در مقیاس ریشتر در قطعه‌ی کوهبنان این گسل اتفاق افتاد، گسل فعال کوهبنان به صورت قطعات جدا از هم شکل گرفته است. حرکت در قطعات جنوب خاوری و میانی آن راستالغز راستگرد با مؤلفه‌ی معکوس و در قطعات شمال باختری آن راستالغز راستگرد با مؤلفه‌ی عادی در پلیو ـ کوارتزی بوده است.

گسل کوهبنان برای نخستین بار توسط Huckride et.al. (1962) نقشه برداری شد که با روند شمال باختری ـ جنوب خاوری یکی از شکل‌های اصلی ساختاری در حاشیه‌ی جنوب خاوری خرد قاره‌ی ایران مرکزی و بین بلوک طبس و بلوک یزد بوده و از دیرباز یکی از مناطق پرتحرک و زلزله خیز ایران مرکزی به شمار می‌رود. نام این گسل از شهر کوهبنان در ۲۰۰ کیلومتری شمال باختر کرمان گرفته شده است. گسل کوهبنان آشکارا از ۲۵ کیلومتری شمال باختری کرمان و خاور دهکده‌ی تیکدر شروع شد و با یک جهت شمال باختری و به شکل قطعات جدا از هم در حاشیه‌ی دشت زرند و دشت طغرل جرد تا کوهبنان، از کوهبنان در یک مسیر کوهستانی تا ابتدای دشت بهاباد و در حاشیه‌ی باختری دشت بهاباد تا انتهای این دشت ادامه دارد. طول گسل کوهبنان ۳۰۰ کیلومتر و دارای یک تقعر به سمت شمال خاور است. به طور کلی، ساختارها در مجاورت گسل کوهبنان دچار برش راستگرد همگرا یا ترافشاری شده‌اند. شرایط کرنش صفحه‌ای (palane-strain) حکمفرما نبوده و کوتاه شدگی در نتیجه‌ی ترافشارش با نازک شدگی یا ضخیم شدگی قائم همراه بوده است. وضعیت همزمان عملکرد تنش فشارشی و برشی

در منطقه‌ی راستالغز راستگرد همگرای گسل کوهبنان باعث پدیدار شدن ساختارها فراهم شده است. مجله‌ی علوم زمین ش ۵۸

**گسل ده شیر ـ بافت** (Db): این گسل به موازات روند گسل زاگرس است و در قسمت شرقی و جنوب شرقی آن فرورفتگی گاو خونی ـ ابرقو ـ سیرجان قرار دارد. بیرون زدگی پوسته‌ی اقیانوس به سن کرتاسه‌ی فوقانی (افیولیت‌ها) در امتداد این گسل نشانه‌ای از فعالیت آن در زمان کرتاسه‌ی فوقانی است.

**گسل نای بند** (N): این گسل با طول تقریبی ۶۰۰ کیلومتر و روند شمالی ـ جنوبی در مغرب کویر لوت واقع است و از منطقه‌ی بشرویه تا بم امتداد دارد. گودال کویر لوت در مشرق این گسل قرار دارد. و فرورفتگی‌های بجستان و بشرویه نیز ممکن است در ارتباط با این گسل باشد. این گسل در ایجاد حوضه‌ی رسوب گذاری کوه‌های شتری نقش مهمی را ایفا کرده است.

**چاله‌ی سیرجان ـ استان کرمان:** کف چاله‌ی سیرجان ۱۲۶۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و ۱۴۶۸ متر زیر بلندترین قلل ارتفاعات اطراف خود است. سنگ‌های آتشفشانی دوره‌ی میوسن حدود آبی این چاله را شکل می‌دهند که در وسط کویر سرکشیده است. طبقات این ارتفاعات آشکار بوده و در جهت شمالی ـ جنوبی امتداد دارند و فقط به وسیله‌ی تعداد محدودی گسل قطع می‌گردند. کویر سیرجان به صورت نامتقارن در مقابل حد آبی غربی چاله در دره‌ای باریک قرار گرفته است.

این کویر نیز از نوع کفی با صفحات رسی است و سطح آن به استثنای گوشه‌ی شمالی و در مجاورت تپه‌های نسبتاً بدون بریدگی است. آب زیر زمینی از زیر سطح تپه‌ها و به طرف جنوب حرکت کرده و به کویر داخل می‌شود. رنگ تیره این کانال‌ها بر روی عکس‌های هوائی گرفته شده در اواسط اوت ۱۹۵۶ نمایشگر دائمی بودن منبع آبی آن‌ها است. رنگ تیره عمومی این کویر بر روی عکس‌های هوائی نشان دهنده‌ی گسترش صفحات بادکرده بر روی آن است.

**کویر سیرجان ـ استان کرمان:** کویر سیرجان با وسعتی برابر ۱۶۲۵ کیلومتر مربع بزرگ‌ترین کویرهای آبخیز اصفهان است. این کویر در فرو رفتگی مثلثی شکلی واقع در جنوب غربی شهر سیرجان قرارگرفته است. مخروط افکنه‌های واقع در امتداد حاشیه‌ی شمال شرقی این کویر که در مجاورت پرشیب‌ترین دامنه‌های این قسمت چاله قرار گرفته بسیار فعال ترند. در حالی که فعالیت مخروط افکنه‌های واقع در جنوب غربی و جنوب شرقی این کویر فقط موضعی است. رنگ تیره حوزه‌ی گسترش این مخروط افکنه نمایشگر فعال نبودن آن‌ها در یک زمان طولانی است. بزرگ‌ترین رودخانه‌های این کویر در امتداد شرقی‌ترین گوشه‌ی آن وارد کویر می‌گردند.

در حدود ۶۸ درصد سطح این کویر را صفحات رسی و ۳۲ درصد آن را نمکزار فرا گرفته است. حوزه‌های خیس این کویر فقط به نقاطی چند در امتداد حاشیه‌ی شمال شرقی و شمالی نمکزار محدود بودن و به علت کوچکی، قابل درج بر روی نقشه نیستند.

**آتشفشان آوج و دجاج** در مغرب و شمال غربی شهرستان انار استان کرمان.

**آتشفشان کوه مراحم** در جنوب بافت در استان کرمان.

**آتفشان‌های حوالی** در شمال شرقی کرمان در منتهی الیه جنوبی گسل نای بند.

**معادن کرمان:** ۱- زغال سنگ ۱۰۰۰۰ تن ۲- زغال کک شو ۷۶۷۷۹۰ تن ۳- سنگ آهن ۸۲۴۲ تن ۴- آهن دانه بندی شده ۵۰۰۰۰ تن ۵- کنستانتره ی آهن ۳۵۲۴۰۵۳ تن ۶- سنگ مس ۱۵۰۰۰ تن ۷- کنستانتره ی مس ۳۹۸۲۹۴ تن ۸- کنستانتره ی مولیبدن ۴۰۸۴ تن ۹- کرومیت ۷۷۴۴۳ تن ۱۰- کنستانتره ی کرومیت ۱۳۸۷۳ تن ۱۱- مخلوط شن و مساه ۱۸۳۴۱۴۰ تن ۱۲- ماسه ی بادی ۶۹۹۸۸۰ تن ۱۳- ماسه ی شسته ۳۲۵۲۰۰ تن ۱۴- شن درجه بندی شده ۱۱۱۲۹۶۰ تن ۱۵- مرمر ساده ی کوپ ۱۵۰۰ تن ۱۶- مرمر ساده ی لاشه ۱۷۰۰ تن ۱۷- مرمر سفید کوپ ۳۷۵۰ تن ۱۸- مرمر سفید لاشه ۱۰۰۰۰ تن ۱۹- مرمر سفید گلدانی ۹۴۰۰ تن ۲۰- مرمر سبز لاشه ۸۰۰ تن ۲۱- مرمر سبز کوپ ۷۵۰ تن ۲۲- مرمر سبز گلدانی ۵۰۰ تن ۲۳- سنگ آهک ۱۳۰۰۰ تن ۲۴- مارن ۴۵۰۰۰۰ تن ۲۵- لاشه‌ی آهکی ۱۷۲۰۰۰ تن ۲۶- سنگ گچ ۴۴۰۰۰ تن ۲۷- گچ خاکی ۶۶۳۰۰ تن ۲۸- کائولن ۸۵۰۰ تن ۲۹- دولومیت ۶۵۰۰ تن ۳۰- بنتونیت ۳۰۰۰۰ تن ۳۱- سولفات سدیم ۱۱۴۰۰ تن ۳۲- نمک آبی ۱۷۰۰۰ تن ۳۳- سیلیس ۱۰۰۰۰۰ تن ۳۴- پومیس ۱۴۰۰۰ تن

**تعداد ۱۱۸ معدن فعال در استان کرمان:** ۱- زغال سنگ (۱۴) ، ۲- سنگ آهن (۳) ، ۳- سنگ‌های فلزی غیر آهنی (۷) ، ۴- سنگ مس (۳)، ۵- کرومیت (۴) ، ۶- سنگ، شن و ماسه (۹۰)، ۷- شن و ماسه (۴۹) ، ۸- سنگ تزئینی (۲۵)، ۹- سنگ لاشه (۱) ، ۱۰- سنگ گچ (۸)، ۱۱- کائولن، خاک نسوز و... (۱)، ۱۲- دولومیت (۱)، ۱۳- بنتونیت و گل سرشوی (۱)، ۱۴- مواد معدنی شیمیایی و... (۱) ، ۱۵- سولفات سدیم (۱)، ۱۶- نمک (۱)، ۱۷- سایر مواد معدنی (۲)، ۱۸- سیلس (۱) ، ۱۹- پوکه معدنی (۱).

## شکارگاهها و ییلاقات و مناطق تحت حفاظت

در مناطق مختلف استان کرمان به لحاظ موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی ،گونه‌های مختلف حیوانات وحشی و اهلی در نواحی کوهستانی و جلگه‌ای آن زندگی می‌کنند و به این سبب مناطقی از محدوده استان تحت حفاظت سازمان محیط زیست قرار گرفته و از نطر صید و شکار جزءنواحی ممنوعه اعلام شده است.از مناطق حفاظت شده استان که ویژه‌گیهای در خور توجه دارند، می‌توان به "خبر" و "ارزوئیه بافت " اشاره کرد. در این نواحی پرندگانی نظیر کبک،تیهو،سینه سیاه و انواع قوش و شاهین و کبوتر وحشی زندگی می‌کنند.در نواحی سرد سیری وگرمسیری استان نیز حیواناتی مانند پلنگ،یوزپلنگ،گرگ،روباه ،خرس سیاه، شغال، کفتار، خرگوش، انواع مار، کل، بز، میش ،قوچ زندگی می‌کنند و در دشت‌ها گورخر نیز وجود دارد که قبلاً گورخرها زیاد بوده‌اند ،ولی در اثر شکار بی رویه ،نسل آن در حال نابودی است. این نوع مناطق نیز جهانگردان ویژه‌ای دارند ومعمولاً علاقه‌مندان طبیعت،حیات وحش و پژوهشگران زیست‌شناسی و غیره از این نواحی دیدن می‌کنند.

پارک ملی به مساحت ۱۴۹۹۸۲ هکتار، پناهگاه حیات وحش به مساحت ۳۳۷۵۳ هکتار و منطقه‌ی حفاظت شده‌ای به مساحت ۲۱۲۷۳۵ هکتار، دارای یک پارک ملی، یک اثر طبیعی، دو پناهگاه حیات وحش و یک منطقه‌ی حفاظت شده است. ـ**پارک ملی خبز** به مساحت ۱۴۹۹۸۲

هکتار است که در سال ۱۳۵۰ تأسیس شد. - **پناهگاه حیات وحش روچون** به مساحت ۲۸۱۷۱ هکتار است که در سال ۱۳۵۴ تأسیس شد. - **منطقه‌ی حفاظت شده‌ی بیدوئیه** به مساحت ۱۶۰۵۳۴ هکتار است که در سال ۱۳۷۵ تأسیس شد. در این استان ۷۸۰۰۰۰ هکتار جنگل ۸۸۶۸۳۰۲ هکتار مرتع و ۳۵۰۰۰۰۰ هکتار بیابان وجود دارد.

**مناطق شکار ممنوع: ۱ـ کوه نوودرهنگ:** منطقه‌ای کوهستانی، در حاشیه‌ی شمال غربی زرند به مساحت ۲۵۰۰۰۰ هکتار در ۴۵ کیلومتری رفسنجان، **۲ـ سیاه کوه سیرجان:** منطقه‌ای است کوهستانی برای حمایت جانوران کوه زی به مساحت ۴۵۰۰۰ هکتار در ۱۵ کیلومتری سیرجان، **۳ـ انجرک و رابر:** در شرق بافت به مساحت ۲۳۳۲۸۱ هکتار، **۴ـ شهر بابک:** منطقه‌ای کوهستانی به مساحت ۱۰۰۰۰۰ هکتار در شمال شهر بابک، **۵ـ گودغول:** به مساحت ۵۰۰۰۰ هکتار در ۴۵ کیلومتری غرب سیرجان.

## دیدنی‌ها

طبیعت روستاهای استان کرمان از جمله فضاهای روستاهای ایران است که امکانات و جاذبه‌های طبیعی فوق العاده شگرفی را به ویژه در ییلاقات به نمایش گذاشته است که به برخی از این بخش‌ها و روستاهای جالب اشاره می‌شود:

- **بخش شهداد:** شهداد یکی از نقاط واقعاً جالب استان کرمان است که در همسایگی کویرلوت در ارتفاعی نزدیک به ۳۰۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است و قنات های متعددی دارد. محصولات آن خرما، مرکبات و حنا است و مرکبات آن از جهت شیرینی و لطافت کم نظیر است. باغ‌های مرکبات و نخلستانهای زیبایی نیز دارد. فاصله شهداد تا مرکز استان با گشایش تونل سیرچ ۱۰۵ کیلومتر است. شهداد در شش ماهه دوم سال یکی از گردشگاههای دیدنی استان به شمار می‌رود. خرابه‌های شهر قدیمی شهداد که به ۴۰۰۰ سال ق.م تعلق دارد. در دشت لوت شهداد و در جوار شهر و در جوار شهر جدید کشف شده است.

درین شهرستان با وجود آنکه دمای هوا در ماههای گرم سال به بیش از ۵۰ درجه سانتی گراد می‌رسد و بارندگی سالانه آن فقط در حدود ۲۱ میلی متر است، به سبب وجود آبهای فراوان زیرزمینی که از ارتفاعات استان منشاء می‌گیرند، باغات مرکبات و خرما با محصولاتی کم نظیر پرورش می‌یابند. در شهداد در اوج گرمای تابستان و از کنار کویر لوت می‌توان قلل پوشیده از برف جبال بارز و سایر ارتفاعات استان کرمان را مشاهده نمود. که این خود از شگفتیهای طبیعت است.

- **روستای دوساری:** روستای دوساری در فاصله ۵ کیلومتری ضلع شرقی جاده جیرفت به کهنوج واقع شده است. این روستا در حاشیه کوه‌های آهکی نسبتاً صورتی رنگ به فاصله ۲ کیلومتری از جاده اصلی قرار گرفته است. باغات مرکبات و نخل‌های خرما زیبایی خاصی به این روستا داده است. در ایام اسفند و فروردین عطر رایحه بهارنارنج و پرتقال از گوشه و کنارش به مشام می‌رسد. در شمال این روستا جریان آب طبیعی گوارایی به نام بندری جاری است که از لابه‌لای صخره‌ها می‌جوشد. و به این منطقه زندگی و طراوت می‌بخشد.

- **روستای باغ دشت:** روستای باغ دشت در جنوب غربی شهر بم، در مجاورت جاده کمربندی

کرمان به زاهدان واقع شده و با قنات‌های متعدد و سرسبزی درختان مسیر نهرهایش به گردشگاه و استراحتگاه عمومی مردم و مسافرین تبدیل شده است.

- **روستای سه کنج:** سه کنج یکی از آبادی‌های بزرگ و مرکز دهستان سه کنج است که در شرق ماهان و شمال جاده بم - کرمان (۶ کیلومتری راه فرعی بعد از پلیس راه) قرار دارد. سه کنج تا شهر کرمان ۵۰ و تا ماهان ۱۵ کیلومتر فاصله دارد. این نقطه از معروفترین گردشگاهای کرمان است و منطقه‌ای است کوهستانی و خوش آب و هوا که دو آبشار زیبادارد.

کوه‌های مجاور آن مناسب ورزشهای کوهنوردی است. مزار شیخ علی بابا از مریدان معروف شاه نعمت اللّه ولی نیز در سه کنج است. در این آبادی، در امتداد نهری بزرگ به طول چند کیلومتر چنارهایی سر به فلک کشیده وجود دارد که پاره‌ای از آنها آنچنان تنومندند که بیننده را مبهوت عظمت و قدمت خود می‌سازند.

- **روستای سیرچ:** سیرچ یکی از چهار آبادی بزرگ بخش شهداد است که در ناحیه خوش آب و هوای کوهستانی بر سر راه شهداد - کرمان قرار گرفته است. فاصله آن تا شهر کرمان ۸۰ کیلومتر و تا مرکز بخش شهداد ۲۵ کیلومتر است. سیرچ از قدیم محل ییلاق بخش گرمسیری و کویری شهداد و آبادی‌های تابعه آن بوده و بهارستان نام داشت. ییلاق مذکور در ارتفاع ۱۵۵۰ متری در دره رودی به همین نام قرار دارد و جمعیت آن در تابستان به علت موقعیت تفرج گاهی به بیش از ده هزار نفر می‌رسد. سیرچ چشم‌اندازی زیبا، پوشیده از توده‌های انبوه درختان دارد. در مرکز سیرچ چندین درخت کهنسال سرو و چنار نیز وجود دارد.

این آبادی پوشیده از درخت است. هوای مرطوب و خنک دارد و بر روی ارتفاعات قرار گرفته و زیبایی آن مشابه مناظر سوئیس و با همان سرسبزی و فراز و فرودهاست. در قسمت مرطوب سیرچ به علت آب و هوای فراوان جاری تعدادی از باغ‌ها به باتلاق‌ها تبدیل شده‌اند. در این منطقه انواع درختان صنوبر، انگور، انجیر، گیلاس و آلبالو در دامنه کوهسارها لا به لای سنگلاخ کاشته شده است و چون زمین مسطح کم دارد، کشت مزارع جو و گندم کم یافت می‌شود، اما از زمین‌های محدود و آب فراوان، برای احداث باغ استفاده شده است. این منطقه یکی از قطب‌های اصلی جهانگردی استان محسوب می‌شود.

- **دهستان میمند:** میمند مرکز دهستان میمند از شهرستان شهر بابک و یکی از روستاهای شگفت‌انگیز ایران می‌باشد. این روستا دارای ساختار ویژه‌ای در معماری و احداث سکونت گاههای روستایی است و یک ناحیه تاریخی استقرار انسانی در نواحی مرکزی ایران محسوب می‌شود. در این روستا دژی مرکب از ذخمه‌هایی وجود دارد که دارای حدود چهارصد متر مربع وسعت با ۱۵ اتاق سنگی دایره‌ای شکل بدون سقف می‌باشد. این مکان ظاهراً محل قرار دادن مردگان بوده که استخوان مردگان همراه با اشیای دیگر در آن کشف شده است. مسجد میمند نیز از دیگر دیدنی‌های این روستاست. این مسجد در فضایی مربع شکل با ۴ ستون میانی در دل کوه جای گرفته و تمام قسمت‌های آن از سنگ است. خانه‌های قدیمی این روستا مانند منارهایی در دل کوه کنده شده‌اند. جنس کوه از سنگ‌های رسوبی و سخت است و اتاق هایی که در آن کنده شده‌اند نیز

بسیار مستحکم اند. در این خانه‌های مناره‌ای شکل اتاق‌ها و پستوها دارای راهرو و ستون هستند و معماری روستایی ویژه‌ای را به نمایش می‌گذارد. خانه‌های یاد شده به علت شیب اطراف دره میمند در چهار یا پنج طبقه بر روی هم قرار گرفته‌اند. ارتفاع این خانه‌ها دو متر و دارای وسعتی نزدیک به ۱۶ تا ۲۰ متر مربع است، این خانه‌ها از نظر نورگیری هیچ روزنه‌ای ندارد و حتی فاقد دودکش و پنجره هستند. در وسط هر اتاقی اجاقی کنده شده که برای گرم کردن خانه و تهیه غذا به کار می‌رود و دود هایی که در موقع روشن کردن اجاق ایجاد می‌شود تمام فضای سنگی خانه را سیاه کرده است. هر خانه یک راهرو با شیبی تند دارد که به طرف بیرون کنده شده است. این راهروها در گویش محلی به نام "کیچه" معروف هستند. در سمت راست هر کیچه یک اتاق و در سمت چپ آن اتاق دیگری قرار دارد و یک اتاق نیز در روبروی ورودی راهرو نمایان است. معمولاً اتاق روبرو برای نشیمن و اتاق‌های دست راست و چپ جهت انبار و آغل حیوانات در زمستان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در برخی از این خانه‌ها سه اتاق برای زندگی سه خانوار مجزا تعبیه شده است. سایر روستاهای تاریخی استان کرمان که اینک توسعه یافته و به روستا - شهر تبدیل شده‌اند عبارتند از:

۱ـ پاریز در ۶۴ کیلومتری شمال سیرجان ۲ـ باغین در ۲۵ کیلومتری جنوب غرب کرمان ۳ـ کشکوئیه در ۴۵ کیلومتری شمال غرب رفسنجان ۴ـ فهرج در ۵۸ کیلومتری شرق بم ۵ـ منوجان در ۸۰ کیلومتری جنوب کهنوج ۶ـ قریت العرب از روستاهای شهرستان بردسیر ۷ـ نگار از روستاهای شهرستان بردسیر ۸ـ فاریاب در ۳/۵ کیلومتری بخش فاریاب ۹ـ شاهماران مرکز بخش ارزوئیه که در محدوده شهرستان بافت قرار دارد. ـ

**دیدنیهای کوهپایه:** منطقه کوهپایه در فاصله ۳۰ کیلومتری شرق کرمان قرار گرفته و شامل آبادی‌هایی است که مرکز آن ها کوهپایه نام دارد. کوهپایه ۴۰۰ قریه دارد و قسمت اعظم آن ییلاقی است.در دامنه های کوهستانی منطقه مذکور تعداد زیادی چشمه آب شیرین و زلال وجود دارد که باغهای آبادی‌ها را آبیاری می‌کنند.

کوهپایه نیز منطقه‌ای خوش آب و هوا است که در روزهای تعطیل و فصل تابستان میهمانان زیادی دارد.بر فراز ده ،بالای کوهپایه ،آبشاری بس زیباباچشم اندازی دلفریب وجود داردو اخیراًاز سوی اداره کل آموزش و پرورش استان کرمان اردوگاه بزرگی در کنار آبشار احداث شده است.

ـ **ییلاقات ماهان:** ماهان شهر زیبایی است که در دامنه ارتفاعات قرار گرفته و در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر کرمان در مسیر راه کرمان به بم واقع شده است واز چشمه ها و آب های نسبتاً فراوان برخورداراست.در ۶ کیلومتری جنوب ماهان باغی زیبا و بزرگ با ساختمانی جالب وجود دارد.این ساختمان زیبا و ویلایی در دوره قاجاریه (۱۲۵ سال قبل )بنا گردید.از جلو ساختمان باغ شازده به طرف در ورودی شیب تندی است که با استفاده‌از این شیب در میان خیابان اصلی باغ حوضچه های متعددی ساخته‌اند. در هر حوض فواره‌ای است و آب از هر حوضچه به صورت آبشار به حوض پایین سرازیر می‌شود.اطراف این محوطه راانواع درخت های بلند از جمله سرو و سپیدار پوشانده است.در سال ۱۳۷۰ به مناسبت بزرگداشت خواجوی کرمانی این باغ کاملاً مرمت شد و ساختمان اصلی آن فعلاً به عنوان مجتمع

پذیرایی مورد استفاده قرار می‌گیرد.ضمناًاز سوی سازمان مذکور یک باب مهمانسرای جهانگردی بسیار زیبا و سنتی نیز در مرکز شهر ماهان احداث شده است.

**- ییلاقات رابر:** منطقه رابر نیز یکی دیگر از مراکز ییلاقی استان کرمان به شمار می‌رود و محل اتراق تابستانی عشایر کوچرو و مخصوصاًایل سلیمانی است.این ییلاق دارای آب وهوایی مطلوب ،طبیعتی زیباودیدنی و چشمه سارهای فراوان است وبه قولی رامسر جنوب ایران است.این منطقه آثار تاریخی جالبی از دوران اشکانی و ساسانی دارد که شماری از آنها به ثبت رسیده است.مرکز ییلاقی رابر دردامنه ارتفاعات مشهور کوه شاه با ارتفاع ۴۲۰۰ متر واقع شده و به همین دلیل هوایی خنک و کوهستانی دارد.یکی از جاهای دیدنی و فراموش نشدنی رابر،چشمه عروس آن است که در ۳ کیلومتری مرکز بخش قرار دارد و میوه جات آن نیز مشهور است.

رابر در فاصله ۲۴ کیلومتری مسیر جیرفت به بافت و کرمان قرار دارد.

**- باغ سنگی:** باغ معروف سنگی در فاصله ۲ کیلومتری دهستان بلورودر فاصله ۴۰ کیلومتری سیر جان واقع است و تماماًاز سنگ ساخته شده است.سازنده آن مردی کر و لال بود که تمام شکوه های خود را در این منظره بدیع و عجیب با گویاترین شکل بیان کرده است.جایی که او برای ساختن باغ سنگی انتخاب کرد،بقایای باغ متروکی بود که تمام درختان آن خشک شده بودند. او تنه درخت‌های خشک شده را از زمین بیرون آورد و بر سر شاخه هر درخت با ریسمان و سیم سنگ‌های درشت آویخته است. دیوارهای باغ فروریخته و منظره‌اش از دور نمایان است.

از دیگر ییلاقات زیبا و دیدنی استان کرمان عبارتند از: ییلاقات جوپار در ۳۰ کیلومتری جنوب کرمان، ییلاقات ده بکری از توابع شهرستان بم، ییلاقات مسکون در ۳۰ کیلومتری جیرفت، ییلاقات دلفارد در ۳۰ کیلومتری جیرفت -ساردوئیه، ییلاقات در بهشت (در هزار) در مرکز بخش ساردوئیه، ییلاقات اسفندیه در ۷۲ کیلومتری جیرفت - بافت.

**پارک خبر:** این پارک که با سطحی برابر با ۱۴۹۹۸۲ هکتار در استان کرمان قرار دارد، گسترده به نسبت وسیعی از ارتفاعات برف‌گیر پوشیده از درخت و درختچه کوه خبر تا دشتهای گرمسیری را شامل می‌شود. ۸۶ چشمه و ۱۷ رشته قنات به همراه رودخانه خبر از منابع تامین آب منطقه محسوب می‌شوند. دامنه ارتفاعی ۱۰۴۰ تا ۳۸۶۰ متر، متوسط دمای سالانه ۹ تا ۱۲ درجه سانتیگراد و بارندگی متوسط سالانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم‌های خشک بیابانی تا نیمه خشک سرد نموده است. گونه‌های اصلی گیاهی منطقه عبارتند از:بنه، بادام، بادام کوهی، ارس، کیکم، ، کنارک، زیتون، تنگرس، گون، مورد، کلاه میر حسن، چوبک، شکر تیغال، شقایق، استبرق، انواع لاله، مریم گلی و ختمی. حیات وحش پارک شامل ۱۶۴ گونه جانوری است که مهمترین آنها عبارتند از، جبیر، قوچ و میش، بز و پازن، پلنگ، کاراکال، گربه وحشی، گربه پالاس، شاه روباه، هوبره، سینه سرخ ایرانی، دراج، حواصیل، سرسبز، سنقر، سنگ چشم، چرخ ریسک، انواع پرندگان شکاری، لاک‌پشت مهمیزدار، آگامای سر زرد، کورمار و مارپلنگی. یوزپلنگ از گونه‌های در خطر انقراض منطقه به شمار می‌رود. وجود کوهستانهای صخره‌ای با

برفهای دایمی، قلل متصل به هم، دره زیبای شاه ولایت، غارهای دیدنی، چشمه‌های فراوان، همجواری رویشگاههای گرمسیری و سردسیری، جنگل‌های زیبا، حیات وحش غنی و راه‌های دسترسی مناسب.(۵)

**نایبند:** این پارک با مساحت ۴۹۸۱۵ هکتار در نزدیک بندر عسلویه در استانهای بوشهر و هرمزگان قرار دارد. پارک ملی دریایی نایبند با سواحل متنوع حفره‌ای، ماسه‌ای، مرجانی و جنگلی مجموعه‌ای باارزش و کم نظیر گیاهی و جانوری را در بر دارد. دامنه ارتفاعی صفر تا ۱۲۴ متر، متوسط بارندگی و دمای سالانه ۹۴ میلیمتر و ۲۸ درجه سانتیگراد، پارک را دارای اقلیم فراخشک گرم نموده‌اند. سواحل ماسه‌ای پارک محل تخمگذاری لاک پشت‌های عظیم دریایی، و جنگل‌های متراکم حرا آن محل مناسبی برای زمستانگذرانی پرندگان مهاجر و آبزی است. از جمله گونه‌های گیاهی پارک می‌توان به حرا، کهور ایرانی، انجیر معابد، کنار، آکاسیا، نخل، استبرق، لیل، علف مورچه، گون، آهوماش، شوردوست، علف شور و یونجه اشاره نمود. گونه‌های اصلی جانوری پارک عبارتند از: جبیر، کاراکال، خارپشت ایرانی، تشی، خرگوش، جربیل هندی، گراز، گرگ، هوبره، باکلان بزرگ، پلیکان پا خاکستری، حواصیل خاکستری، جیرفتی، عقاب دو برادر، انواع سارگپه، دلیجه، هدهد، بالابان، شاهین، بوتیمار کوچک، قورباغه مردابی، وزغ سبز عربی، طلحه مار، مار جعفری و ماهیانی نظیر سنگسر، سرخو، شبه شوریده و ریش بزی. این پارک ملی فاقد رودخانه‌های دایمی و منابع کافی آب شیرین برای حیات وحش آن است. (۵)

**روچون:** واقع در استان کرمان، در کل به مساحت ۲۸۱۷۱ هکتار تشکیل شده که همگی آنها دارای مرز مشترک با پارک ملی خبرند. دامنه ارتفاعی ۱۰۴۰ تا ۲۶۴۰ متر، بارندگی متوسط سالانه ۲۰۰ تا ۳۵۰ میلی متر و دمای متوسط سالیانه ۱۵ تا ۲۱ درجه سانتیگراد، منطقه را دارای اقلیم‌های خشک بیابانی و نیمه خشک سرد کرده است. رودخانه‌هایی مانند چشمه حسین، باغ کنار، گور خسرو و تعداد زیادی چاه، قنات و چشمه، منابع تأمین آب، پناهگاه به شمار می‌آیند. رویشگاه‌های دشتی سردسیری و گرم سیری، کوهستانی نیمه گرم سیری و معتدل منطقه، بیشتر از گونه‌های گیاهی متنوع، مانند بادام کوهی، بنه، کنار، قیچ، کنارک، بید، زیتون، تنگرس، ارس، استبرق، مورد، گون، کلاه‌میرحسن، چوبک، شکر تیغال، گاوزبان، شقایق، و پرند تشکیل شده‌اند. گونه‌های اصلی جانوری این پناهگاه عبارتند از: جبیر، قوچ و میش، بز و پازن، پلنگ، کاراکال، گربهٔ وحشی، گربهٔ پالاس، شغال، کفتار، دراج، هوبره، سینه سرخ ایرانی، تیهو، انواع سارگپه، هما، عقاب دو برادر، مارخور، لاک پشت مه‌میزدار، کک مار، تیر مار، و مار شتری، یوزپلنگ، از جمله گونه‌های در خطر انقراض منطقه محسوب می‌شود. وجود جانورانی چون خرس سیاه آسیایی، گورخر ایرانی و آهو در گذشته‌ای نه چندان دور در این منطقه گزارش شده است. چشم‌اندازهای بدیع، حیات وحش و پوشش گیاهی متنوع، آثار تاریخی و فرهنگی، چشمه‌های فراوان و راه‌های دسترسی مناسب دارد. (۵)

**مهروئیه:** این منطقه که از سال ۱۳۵۰ تحت حفاظت قرارگرفته بود، در سال ۱۳۵۴ به پناهگاه حیات وحش ارتقا یافت. منطقه‌ای است مسطح در میان یک ناحیه کوهستانی در استان کرمان با

مساحت ۵۵۸۲ هکتار و ارتفاع متوسط ۶۵۵ متر از سطح دریا، متوسط دما و بارندگی سالانه آن برابر با ۲۹ درجه سانتیگراد و ۱۸۰ میلیمتر و اقلیم آن از نوع خشک بیابانی گرم است. قسمت‌های شمالی و غربی منطقه شامل اراضی کویری و دیگر بخش‌های آن پوشیده از جنگلهای گرمسیری و مراتع به نسبت خوب است. وجود درختان تنومند کهور که در رویشگاههای جنوب کشور کم نظیر هستند، از ویژگی این منطقه به شمار می‌آید. از دیگر گونه‌های گیاهی منطقه می‌توان به کهورک، کنار، اسکنبیل، قیچ، ریش زرد، پیچک جنوبی و اسپرس درختی اشاره کرد. این منطقه زیستگاه پرنده کمیاب و حمایت شده جیرفتی محسوب می‌شود. از دیگر جانوران منطقه می‌توان گرگ، روباه معمولی، شغال، گربه وحشی، دراج، قمری، سبزقبای هندی، بلبل خرما، چکاوک، هدهد، شهدخوار و انواع پرندگان شکاری را برشمرد.(۵)

**بیدوئیه:** این منطقه با مساحت ۱۶۰۵۳۴ هکتار در سال ۱۳۷۵ به عنوان حفاظت شده اعلام شد. منطقه‌ای است کوهستانی، تپه ماهوری و دشتی متشکل از کوه‌های کله‌گاوی، کوه سیاه، دشت‌های شور بیدوئیه و کبوترخان در استان کرمان دامنه ارتفاعی

۱۶۶۰ تا ۲۷۴۰ متر، دما و بارندگی متوسط سالانه ۱۴ درجه سانتیگراد و ۵۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم فراخشک بیابانی معتدل نموده است. این منطقه از رویشگاه‌های ایران - تورانی محسوب شده و گونه‌های ون بنه، بلوط ایرانی، بادام کوهی، آلبالوی وحشی، گز، درمنه، گون، فرفیون و قیچ از گونه‌های شاخص آن به شمار می‌روند. بیدوئیه زیستگاه با ارزشی برای آهو محسوب می‌شود. از دیگر گونه‌های جانوری منطقه می‌توان بز و پازن، یوزپلنگ، قوچ و میش، جیرفتی، هوبره، مارجعفری، مار پلنگی، قمچه مار و آگاما را نام برد. وجود جاده در منطقه و اطراف آن دسترسی به آن را آسان نموده است. مناطق گسترده نظامی موجود در منطقه تبعات زیست محیطی منفی برآن داشته‌اند.(۵)

**بهرام گور:** این منطقه که یکی از زیستگاه‌های مهم گورخر آسیایی محسوب می‌شود، با سطحی برابر ۴۰۹۳۹۷ هکتار از سال ۱۳۵۱ تحت حفاظت قرار گرفت. این ناحیه نام خود را از نام یکی از پادشاهان ساسانی که علاقه وافری به شکار گور داشت، برگرفته است. بهرام گور در استان‌های فارس، کرمان، یزد و در مجاورت کویر نمک سیرجان واقع و دارای سیمای کویری و بیابانی با چند رشته کوه، دشت‌ها و شوره زارهای به نسبت وسیع است. دامنه ارتفاعی ۱۵۸۰ تا ۲۸۴۰ متر، متوسط دما و بارندگی سالانه ۱۵ درجه سانتیگراد و ۱۵۰ میلیمتر، منطقه را دارای اقلیم بیابانی معتدل نموده است. جوامع گیاهی و جانوری گونهای گیاهی مهم منطقه عبارتند از: بادام کوهی، بنه، تاغ، گز، درمنه، قیچ، کلاه میرحسن، کاروان‌کش، اسپند، دم عقربی و انواع شورها. گورخر، هوبره و جبیر از گونه‌های با اهمیت و در خطر تهدید منطقه به شمار می‌روند. از دیگر جانوران منطقه می‌توان به قوچ و میش، بز و پازن، پلنگ، گربه وحشی، روباه، کاراکال، تشی، کبک، زاغ بور، بزمجه، افعی شاخدار، شترمار، تیرمار، مار قیطانی و انواع مارمولک و لاک پشت‌ها اشاره نمود. یوزپلنگ از گونه‌های مهم منقرض شده منطقه به شمار می‌آید. وجود گونه باارزش گورخر، جمعیت زیاد کبک، چشم‌اندازهای زیبای کویری و راه‌های دسترسی مناسب برای انواع فعالیت‌های گردشگری و

پژوهشی نموده است. (۵)

## مردم‌شناسی و آداب و روسوم

شاخه ای از ایل قرائی را که به قرائی سیرجان معروفند، در استان کرمان می یابیم. افراد این ایل تابستانها را در کوه های شمال شرقی سیرجان در حوالی تنگوپائین و خانه سرخ به سر می برند و زمستانها را در جنوب شهر سیرجان تا علی آباد و نازی آباد در امتداد جادهٔ سیرجان - بندر عباس. مهمترین ایلات ترک زبان استان کرمان بوچاقچی و افشار است. بوچاقچی ها هنوز کوچرواند و تابستان را در چهارگنبد سیرجان و زمستان را در عین البقر و چاه قلعه در سرحد کرمان و فارس به سر می برند.

بخشی از ایلات افشار که به نام افشار تفرقه معروفند - و شاید پس از انقراض سلسله افشار از خراسان آمده باشند - در شهرستان بافت سکونت دارند. افراد ایل زمستانها در دشت آرزویه در باختر و جنوب اسفندقه (از شهرستان جیرفت) به سر می برند و تابستانها به حوالی شهر بافت و فتح آباد و گوغر و حشون تا نزدیکی های ییلاق بوچاقچی کوچ می کنند. در بوچاقچی و افشار زبان ترکی آکنده از کلمه های فارسی به عنوان زبان داخلی به کار می رود، اما همهٔ افراد ایل فارسی را با لهجهٔ محلی به خوبی می دانند وزیری کرمانی ۱۳۵۳؛ باستانی پاریزی ۱۳۵۵ ج ۱؛.

**●تعداد خانوار ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان کرمان.**

- جمع (۲۲۱۷۸).

۱- ایل آئینه‌ای (۲۶۴)، ۲- ایل اسیابر (۳۴۱)، ۳- ایل افشار (۱۷۹۸)، ۴- ایل بچاقچی (۴۶۱)، ۵- ایل برخوری (۷۹)، ۶- ایل بلوچ (۲۴۱۸)، ۷- ایل پشتکوهی (۵۷۶)، ۸- ایل جازی (۵۶۷)، ۹- ایل جاویدان (۹۸۹)، ۱۰- ایل جبال بارزی (۲۰۷۸)، ۱۱- ایل خواجوئی (۱۳۵)، ۱۲- ایل رائینی (۷۴۵)، ۱۳- ایل سابکی (۸۸۷)، ۱۴- ایل سرحدی شهریاری (۱۳۵)، ۱۵- ایل سلیمانی (۶۲۸)، ۱۶- ایل شکاری (۲۲۷)، ۱۷- ایل شنبو (۱۵۸)، ۱۸- ایل شهریاری (۶)، ۱۹- ایل غربا (۱۲۱)، ۲۰- ایل قرائی (۷۵۲)، ۲۱- ایل کامرانی (۵۶۶)، ۲۲- ایل کچمی (۳۱۳)، ۲۳- ایل کماچی سنجری (۱۶۲)، ۲۴- ایل کوهشاهی (۳۱۰)، ۲۵- ایل لر (۳۸)، ۲۶- ایل لری (۷۶۱)، ۲۷- ایل لری کوه پنجی (۳۱۱)، ۲۸- ایل لک بختیاری (۳۱۸)، ۲۹- ایل مهنی (۱۷۵۶)، ۳۰- ایل مهینی (۵۳)، ۳۱- ایل نمدادی (۹۰)، ۳۲- طایفه‌ی مستقل اسکندری (۱۶۳)، ۳۳- طایفه‌ی مستقل اصغری ها (۱۵)، ۳۴- طایفه‌ی مستقل اکبری نسب (۴)، ۳۵- طایفه‌ی مستقل النچری (۳۶)، ۳۶- طایفه‌ی مستقل امیری کوه پنجی (۳۶)، ۳۷- طایفه‌ی مستقل بدوئی (۸)، ۳۸- طایفه‌ی مستقل بندکوهی (۱۲۸)، ۳۹- طایفه‌ی مستقل توله گیری (۸۵)، ۴۰- طایفه‌ی مستقل جعفری (۲۰)، ۴۱- طایفه‌ی مستقل جمالی - پا قلعه (۰)، ۴۲- طایفه‌ی مستقل جوزمی (۳)، ۴۳- طایفه‌ی مستقل چاکری - کرمان (۲۹)، ۴۴- طایفه‌ی مستقل حاجب (۱۸۱)، ۴۵- طایفه‌ی مستقل حسن رضائی (۱۱)، ۴۶- طایفه‌ی مستقل حوت (۰)، ۴۷- طایفه‌ی مستقل حوت - کرمان (۳۷۱)، ۴۸- طایفه‌ی مستقل خراسانی - کرمان (۰)، ۴۹- طایفه‌ی مستقل خسروی - کرمان (۰)، ۵۰- طایفه‌ی مستقل درویشی (۰)، ۵۱- طایفه‌ی مستقل دستگردی (۵)، ۵۴- طایفه‌ی مستقل ده میشی (۳۳)، ۵۵- طایفه‌ی مستقل دیناری (۳۶)، ۵۶- طایفه‌ی مستقل رائینی پور (۱۸)، ۵۷- طایفه‌ی مستقل رباطی (۵۰)، ۵۸-

طایفه‌ی مستقل رنجبری (۲۵)، ۵۹- طایفه‌ی مستقل زکی خانی (۱۰)، ۶۰- طایفه‌ی مستقل سالاری (۸۳)، ۶۱- طایفه‌ی مستقل سبزی بلوچ (۱۳)، ۶۲- طایفه‌ی مستقل سرحدی - شهرستان بم (۶۹)، ۶۳- طایفه‌ی مستقل سرحدی - شهرستان کهنوج (۴۱۱)، ۶۴- طایفه‌ی مستقل سیدی (۱۲۴)، ۶۵- طایفه‌ی مستقل شریفی (۰)، ۶۶- طایفه‌ی مستقل شهریاری سرحدی (۹۷)، ۶۷- طایفه‌ی مستقل شهری چی (۲۶)، ۶۸- طایفه‌ی مستقل شبیکوئی (۱۰۱)، ۶۹- طایفه‌ی مستقل صالحی سر بیژن (۳۲)، ۷۰- طایفه‌ی مستقل طهماسبی (۰)، ۷۱- طایفه‌ی مستقل عباسی (۰)، ۷۲- طایفه‌ی مستقل عرب بدوئی کوه پنجی (۳۴)، ۷۳- طایفه‌ی مستقل عسگر سیرجانی (۳۳)، ۷۴- طایفه‌ی مستقل عسگری (۳۸)، ۷۵- طایفه‌ی مستقل فتحی (۵۸)، ۷۶- طایفه‌ی مستقل قتلو (۶۸)، ۷۷- طایفه‌ی مستقل قدرت اله رئیسی (۱۳۸)، ۷۸- طایفه‌ی مستقل کافی (۴۵)، ۷۹- طایفه‌ی مستقل کرد سلاجقه (۷)، ۸۰- طایفه‌ی مستقل کریمی (۶۴)، ۸۱- طایفه‌ی مستقل کریمبان (۰)، ۸۲- طایفه‌ی مستقل گودری (۷۹)، ۸۳- طایفه‌ی مستقل لورگ (۱۰۴)، ۸۴- طایفه‌ی مستقل مجاز (۵۸)، ۸۵- طایفه‌ی مستقل محمد کاظم (۱۷)، ۸۶- طایفه‌ی مستقل محمود آبادی (۴)، ۸۷- طایفه‌ی مستقل محمودی (۰)، ۸۸- طایفه‌ی مستقل محمودی - شهر بابک (۴۹)، ۸۹- طایفه‌ی مستقل مدواری (۴۴)، ۹۰- طایفه‌ی مستقل مسافری (۴)، ۹۱- طایفه‌ی مستقل منگلی (۱۲۴)، ۹۲- طایفه‌ی مستقل موریان زاده (۳۵)، ۹۳- طایفه‌ی مستقل میمندی (۱۶۷)، ۹۴- طایفه‌ی مستقل نجمی (۳۲)، ۹۵- طایفه‌ی مستقل نورالهی (۱۱)، ۹۶- طایفه‌ی مستقل نوشادی - کرمان - مرکزی (۲۸)، ۹۷- طایفه‌ی مستقل نوشادی - کرمان - مندجان (۴)، ۹۸- طایفه‌ی مستقل هابیلی (۱۶)، ۱۰۹- طایفه‌ی مستقل بلوچ هنرم (۷)، ۱۱۰- طایفه‌ی مستقل بلوچ یکحیی (۵)، ۱۱۱- طایفه‌ی مستقل بلوچی (۰)، ۱۱۲- طایفه‌ی مستقل بلوچی (۰)، ۱۱۳- طایفه‌ی مستقل بلوچی (۰)، ۱۱۴- طایفه‌ی مستقل بلوچی (۰)، ۱۱۵- طایفه‌ی مستقل بلوچی - ایرانشهر - بنت (۲۳۴)، ۱۱۶- طایفه‌ی مستقل بلوچی - ایرانشهر - چانف (۱۳)، ۱۱۷- طایفه‌ی مستقل بلوچی -ایرانشهرمسکوتان (۲۳)، ۱۱۸- طایفه‌ی مستقل بلوچی تخت ملک (۹)، ۱۱۹- طایفه‌ی مستقل بلوچی چاه بهار نیک شهر (۴۲)، ۱۲۰- طایفه‌ی مستقل بمپوری (۳)، ۱۲۱- طایفه‌ی مستقل بولاغ زهی (۰)، ۱۲۲- طایفه‌ی مستقل بهالادینی زهی (۰)، ۱۲۳- طایفه‌ی مستقل بی چندی (۰)، ۱۲۴- طایفه‌ی مستقل بیل - بسولی - سیه پا (۸)، ۱۲۵- طایفه‌ی مستقل پرکی (۰)، ۱۲۶- طایفه‌ی مستقل پرکی (۰)، ۱۲۷- طایفه‌ی مستقل پرکی - ایرانشهر (۵)، ۱۲۸- طایفه‌ی مستقل پرکی - سراوان (۴۰)، ۱۲۹- طایفه‌ی مستقل پنجگه (۱۱)، ۱۳۰- طایفه‌ی مستقل ترشابی (۴۳)، ۱۳۱- طایفه‌ی مستقل توتازهی (۲۷)، ۱۳۲- طایفه‌ی مستقل جاوشیری (۲)، ۱۳۳- طایفه‌ی مستقل جت (۴۱)، ۱۳۴- طایفه‌ی مستقل جدگال (۶)، ۱۳۵- طایفه‌ی مستقل جر (۷)، ۱۳۶- طایفه‌ی مستقل جمال زهی - خاش (۹۷)، ۱۳۷- طایفه‌ی مستقل جمال زهی (۰)، ۱۳۸- طایفه‌ی مستقل جمالزهی (۰)، ۱۳۹- طایفه‌ی مستقل جمشید زهی -خاش (۹۷)، ۱۴۰- طایفه‌ی مستقل جنگان زهی (۲)، ۱۴۱- طایفه‌ی مستقل جنگی زهی (۴)، ۱۴۲- طایفه‌ی مستقل

جون آبادی (۳۴)، ۱۴۳ـ طایفه‌ی مستقل چاری زهی ـ سراوان (۲۶۰)، ۱۴۴ـ طایفه‌ی مستقل چاری زهی ـ خاش (۱۵).

● **خانوار و جمعیت شهرستان‌ها بر حسب ایل و طایفه‌ی مستقل و دوره‌ی استقرار در شهرستان**

استان کرمان: (۲۱۹۳۵) خانوار و (۱۲۹۹۰۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰۶۹۲) خانوار و (۱۲۲۵۸۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان بافت: (۴۸۵۳) خانوار و (۲۹۰۷۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۱۶۹) خانوار و (۱۸۸۸۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل آئینه‌ای: (۲۵۹) خانوار و (۱۴۶۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۲) خانوار و (۲۲۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل افشار: (۱۵۷۴) خانوار و (۹۴۵۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۵۴۳) خانوار و (۹۱۶۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بچاقچی: (۵) خانوار و (۲۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵) خانوار و (۲۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بلوچ: (۱۵۵) خانوار و (۸۸۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۵۶) خانوار و (۸۹۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل پشتکوهی: (۵۷۶) خانوار و (۳۴۸۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۴۴) خانوار و (۲۶۷۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جبال بارزی: (۱۴۴) خانوار و (۹۰۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۱) خانوار و (۶۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل رائینی: (۳۸۸) خانوار و (۲۲۵۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۸۳) خانوار و (۱۰۸۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سلیمانی: (۳۳۵) خانوار و (۱۹۸۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۹) خانوار و (۱۱۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل کچمی: (۳۱۳) خانوار و (۱۹۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل لری: (۳۷۷) خانوار و (۲۳۳۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۹۰) خانوار و (۱۷۹۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل لک بختیاری: (۱۵۱) خانوار و (۹۰۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۰۶) خانوار و (۱۸۳۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل مهنی: (۲۱۰) خانوار و (۱۱۸۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۸) خانوار و (۱۵۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل مهینی: (۵۳) خانوار و (۳۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۶) خانوار و (۱۰۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل ده میشی: (۳۳) خانوار و (۲۰۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۳) خانوار و (۲۰۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل سبزی بلوچ: (۱۱) خانوار و (۴۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳) خانوار و (۱۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قتلو: (۶۸) خانوار و (۴۷۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کرد سلاجقه: (۷) خانوار و (۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل لورک: (۱۰۴) خانوار و (۶۱۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲) خانوار و (۷۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان بردسیر: (۱۴۰۲) خانوار و (۷۹۹۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۹) خانوار و (۳۷۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل آئینه‌ای: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵) خانوار و (۳۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل افشار: (۹۴) خانوار و (۴۵۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱) خانوار و (۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بلوچ: (۸۲) خانوار و (۴۷۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جبال بارزی: (۹۹) خانوار و (۵۴۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خواجوئی: (۵۴) خانوار و (۳۲۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل رائینی: (۸) خانوار و (۴۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سلیمانی: (۱۱۲) خانوار و (۶۹۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل غربا: (۱۲۱) خانوار و (۶۹۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قرائی: (۲۰۸) خانوار و (۱۱۰۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۶) خانوار و (۹۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل کماچی سنجری: (۱۴۹) خانوار و (۸۶۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل لری: (۱۲۵) خانوار و (۸۲۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷) خانوار و (۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل لک بختیاری: (۱۶۷) خانوار و (۱۰۱۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲) خانوار و (۸۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل لری: (۱۲۵) خانوار و (۸۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷) خانوار و (۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل لک بختیاری: (۱۶۷) خانوار و (۱۰۱۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲) خانوار و (۸۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل امیری کوه پنج: (۳۶) خانوار و (۱۷۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل بدوئی: (۸) خانوار و (۳۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل رائینی پور: (۱۸) خانوار و (۱۰۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل عرب بدوئی کوه پنجی: (۲۸) خانوار و (۱۵۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل عسگر سیرجانی: (۳۳) خانوار و (۳۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل گودری: (۶۱) خانوار و (۳۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۸) خانوار و (۱۲۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان بم: (۲۷۵۵) خانوار و (۱۶۵۲۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۶۶۰) خانوار و (۱۵۸۹۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بلوچ: (۱۶۳۰) خانوار و (۹۹۷۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۳۶۱) خانوار و (۸۳۲۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جاویدان:

(۳۷۲) خانوار و (۲۱۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۰۰) خانوار و (۲۳۱۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جبال بارزی: (۱۰۸) خانوار و (۶۵۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۵۶) خانوار و (۱۵۰۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سابکی: (۳۸۰) خانوار و (۲۲۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۸۰) خانوار و (۲۲۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل سرحدی - شهرستان بم: (۶۹) خانوار و (۴۰۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۹) خانوار و (۴۰۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل سیدی: (۱۱۸) خانوار و (۶۵۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۱۶) خانوار و (۶۵۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل مجاز: (۵۸) خانوار و (۳۵۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۸) خانوار و (۳۵۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل مسافری: (۴) خانوار و (۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴) خانوار و (۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل هابیلی: (۱۶) خانوار و (۸۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۶) خانوار و (۸۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان جیرفت: (۵۶۵۶) خانوار و (۳۳۶۷۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۱۶۲) خانوار و (۳۶۸۸۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل آئینه‌ای: (۵) خانوار و (۳۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۱۷) خانوار و (۱۲۴۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل اسیابر: (۲۶۸) خانوار و (۱۷۶۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰۴) خانوار و (۱۳۶۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل برخوردی: (۷۹) خانوار و (۴۵۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷۹) خانوار و (۴۵۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بلوچ: (۱۱۸۳) خانوار و (۱۱۸۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۶۷) خانوار و (۲۸۰۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل پشتکوهی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۶) خانوار و (۱۰۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جاویدان: (۶۱۷) خانوار و (۳۵۲۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۲۸) خانوار و (۱۸۶۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جبال بارزی: (۲۲۷۷) خانوار و (۱۳۶۴۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۱۳۴) خانوار و (۱۲۷۹۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خواجوئی: (۲۵) خانوار و (۱۵۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سرحدی شهریاری: (۱۳۵) خانوار و (۸۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۲) خانوار و (۴۱۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سلیمانی: (۱۸۱) خانوار و (۱۰۴۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۵۴) خانوار و (۸۸۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل شهریاری: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶) خانوار و (۵۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل غربا: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۶) خانوار و (۸۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل کچمی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۱۳) خانوار و (۱۹۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل لری: (۱۴۵۸) خانوار و (۱۴۵۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی

ییلاق، (۳۵۷) خانوار و (۲۲۶۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل مهنی: (۱۵۰۳) خانوار و (۸۸۰۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۶۹۸) خانوار و (۹۹۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل اسکندری: (۸۳) خانوار و (۵۶۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۶) خانوار و (۹۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل دیناری: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲) خانوار و (۷۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل سیدی: (۶) خانوار و (۴۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸) خانوار و (۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل صالحی سربیژن: (۳۲) خانوار و (۱۸۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۲) خانوار و (۱۸۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قتلو: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۳) خانوار و (۲۹۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان رواز: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹) خانوار و (۵۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بلوچ: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹) خانوار و (۵۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان رفسنجان: (۶) خانوار و (۲۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل عرب بدوئی کوه پنجی: (۶) خانوار و (۲۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان سیرجان: (۱۹۱۰) خانوار و (۱۱۰۳۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۱۰۳۵) خانوار و (۹۱۷۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل افشار: (۸۹) خانوار و (۵۲۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷۳) خانوار و (۴۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بچاقچی: (۴۵۶) خانوار و (۲۶۱۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۲۱) خانوار و (۱۸۳۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خواجوئی: (۵۶) خانوار و (۳۶۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۶) خانوار و (۳۶۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل رائینی: (۳۳۵) خانوار و (۱۹۷۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۸) خانوار و (۳۶۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل شکاری: (۱۰) خانوار و (۷۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰) خانوار و (۷۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل قرائی: (۵۴۴) خانوار و (۳۲۶۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۹۴) خانوار و (۴۰۳۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل کوهشاهی: (۳) خانوار و (۲۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل لری کوه پنجی: (۳۱۱) خانوار و (۱۵۹۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۰۰) خانوار و (۱۵۴۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل خراسانی ـ کرمان: (۹) خانوار و (۵۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹) خانوار و (۵۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل خسروی ـ کرمان: (۱۲) خانوار و (۵۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲) خانوار و (۵۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل سبزی بلوچ: (۲) خانوار و (۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار

و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل عسگری: (۳۸) خانوار و (۲۰۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۸) خانوار و (۲۰۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل محمود آبادی: (۴) خانوار و (۲۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴) خانوار و (۲۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل منگلی: (۹) خانوار و (۶۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳) خانوار و (۱۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل نجمی: (۳۲) خانوار و (۱۶۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۲) خانوار و (۱۶۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان شهر بابک: (۹۹۰) خانوار و (۶۱۶۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹۷۵) خانوار و (۶۰۳۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل شکاری: (۲۱۷) خانوار و (۱۳۷۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۱۷) خانوار و (۱۳۷۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل اصغری‌ها: (۱۵) خانوار و (۸۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۵) خانوار و (۸۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل اکبری نسب: (۴) خانوار و (۲۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴) خانوار و (۲۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل النچری: (۳) خانوار و (۱۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳) خانوار و (۱۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل جعفری: (۲۰) خانوار و (۱۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۰) خانوار و (۱۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل جوزمی: (۳) خانوار و (۱۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳) خانوار و (۱۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حسن رضائی: (۱۱) خانوار و (۷۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۱) خانوار و (۷۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل رباطی: (۵۰) خانوار و (۳۴۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۰) خانوار و (۳۴۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل زکی خانی: (۱۰) خانوار و (۵۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰) خانوار و (۵۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل سالاری: (۱۳) خانوار و (۶۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۳) خانوار و (۶۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل فتحی: (۵۸) خانوار و (۳۹۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۸) خانوار و (۳۹۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل قدرت اله رئیسی: (۱۶۸) خانوار و (۸۵۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۶۸) خانوار و (۸۵۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کافی: (۴۵) خانوار و (۲۶۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۵) خانوار و (۲۶۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل لورک: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶) خانوار و (۲۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل محمدکاظم: (۱۷) خانوار و (۹۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۷) خانوار و (۹۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل محمودی - شهر بابک: (۴۹) خانوار و (۳۰۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۹) خانوار و (۳۰۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل مدواری: (۴۴) خانوار و (۲۵۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۴)

خانوار و (۲۵۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل منگلی: (۱۱۵) خانوار و (۶۸۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲۱) خانوار و (۷۳۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل میمندی: (۱۶۷) خانوار و (۱۰۵۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۴۰) خانوار و (۸۵۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل نورالهی: (۱۱) خانوار و (۶۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۱) خانوار و (۶۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان کرمان: (۴۷) خانوار و (۳۲۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳) خانوار و (۱۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بلوچ: (۴) خانوار و (۲۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳) خانوار و (۱۶) نفر جمعیت آن در در دوره‌ی قشلاق. ایل شهریاری: (۶) خانوار و (۵۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل کماجی سنجری: (۱۳) خانوار و (۸۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل لری: (۴) خانوار و (۲۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل مهنی: (۲) خانوار و (۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل گودی: (۱۸) خانوار و (۱۲۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

شهرستان کهنوج: (۴۳۱۶) خانوار و (۲۵۱۱۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۰۴۵) خانوار و (۳۵۲۸۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل اسپابر: (۷۳) خانوار و (۵۱۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۳۷) خانوار و (۹۲۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل افشار: (۲) خانوار و (۱۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل بلوچ: (۲۹۸) خانوار و (۱۷۶۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۱۴) خانوار و (۲۴۲۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جازی: (۵۶۷) خانوار و (۳۵۸۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۶۷) خانوار و (۳۵۸۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جاویدان: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۶۱) خانوار و (۱۴۹۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل جبال بارزی: (۵۰) خانوار و (۳۱۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۴۷) خانوار و (۱۵۲۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل خواجوئی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷۹) خانوار و (۴۷۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سابکی: (۵۰۷) خانوار و (۳۰۶۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۰۷) خانوار و (۳۰۶۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سرحدی شهریاری: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷۳) خانوار و (۴۱۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل سلیمانی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۵۵) خانوار و (۲۶۳۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل شنبو: (۱۵۸) خانوار و (۸۶۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۵۸) خانوار و (۸۶۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل غربا: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲) خانوار و (۸)

نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل کامرانی: (۵۶۶) خانوار و (۳۰۱۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵۶۶) خانوار و (۳۰۱۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل کماچی سنجری: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲۷) خانوار و (۷۴۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل کوهشاهی: (۷۴) خانوار و (۴۴۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۸۴) خانوار و (۱۱۱۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل لر: (۳۸) خانوار و (۲۲۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۸) خانوار و (۲۲۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل لری: (۱۳) خانوار و (۷۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰۷) خانوار و (۶۳۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل مهنی: (۴۱) خانوار و (۲۶۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۹) خانوار و (۱۶۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل مهینی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۷) خانوار و (۲۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. ایل نمدادی: (۹۰) خانوار و (۵۱۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹۰) خانوار و (۵۱۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل اسکندری: (۸۰) خانوار و (۴۶۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۴۷) خانوار و (۹۲۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل بندکوهی: (۱۲۸) خانوار و (۸۳۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۲۸) خانوار و (۸۳۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل توله گیری: (۸۵) خانوار و (۵۱۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۸۵) خانوار و (۵۱۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل چاکری ـ کرمان: (۱۸) خانوار و (۱۵۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۹) خانوار و (۱۵۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حاجب: (۱۸۱) خانوار و (۱۰۳۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۸۱) خانوار و (۱۰۳۳) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل حوت ـ کرمان: (۳۷۱) خانوار و (۲۲۶۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۷۱) خانوار و (۲۲۶۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل درویشی: (۶۳) خانوار و (۴۰۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۳) خانوار و (۴۰۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل دستگردی: (۵) خانوار و (۲۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۵) خانوار و (۲۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل دیناری: (۳۶) خانوار و (۱۹۸) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۴) خانوار و (۱۱۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل رائینی پور: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۸) خانوار و (۱۰۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل رنجبری: (۲۵) خانوار و (۱۲۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۵) خانوار و (۱۲۴) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل سالاری: (۷۰) خانوار و (۴۳۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۱) خانوار و (۵۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل سرحدی ـ شهرستان کهنوج: (۴۱۱) خانوار و (۱۹۱۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴۱۱) خانوار و (۱۹۱۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل شهریاری سرحدی: (۹۷) خانوار و (۵۳۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۹۷) خانوار و

(۵۳۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل شهری چی: (۲۶) خانوار و (۲۶) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۶) خانوار و (۱۳۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل شیبکوئی: (۱۰۱) خانوار و (۶۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۰۱) خانوار و (۶۳۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل عسگر سیرجانی: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۳) خانوار و (۲۲۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کرد سلاجق: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۷) خانوار و (۴۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل کریمی: (۶۴) خانوار و (۳۹۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۴) خانوار و (۳۹۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل گودری: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۶۱) خانوار و (۳۳۹) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل لورک: (۰) خانوار و (۰) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۱۳) خانوار و (۸۲) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل موریان زاده: (۳۵) خانوار و (۱۸۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۳۵) خانوار و (۱۸۵) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل نوشادی ـ کرمان ـ مرکزی: (۲۸) خانوار و (۱۶۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۲۸) خانوار و (۱۶۷) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق. طایفه‌ی مستقل نوشادی ـ کرمان ـ مندجان: (۴) خانوار و (۲۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی ییلاق، (۴) خانوار و (۲۱) نفر جمعیت آن در دوره‌ی قشلاق.

**نمونه ورزشهای بومی و محلی استان کرمان:**

۱ـ ماچه‌لوس ۲ـ خم‌پلی ۳ـ استاد زنجیرباف ۴ـ سه‌پی‌گودالو (سه‌پایک گودال) ۵ـ کلاه‌دیواری ۶ـ جوسیا، بزن و برو ۷ـ بچاق بیا سربالا (گو ـ چفته‌ای) ۸ـ گلها چه گل ۹ـ کلاه پشت سر کی بندازم، کی ورداره ۱۰ـ خشتک بالشتک ۱۱ـ کشتی کویری

**ماچه‌لوس** ـ «ماچه‌لوس» یک بازی جمعی است که بین دو تیم با نفرات مساوی انجام میشود، تعداد نفرات تیمها از ۴ تا ۱۵ نفر میتواند باشد.

محل بازی زمین نسبتاً مسطح و همواری است دایره‌ای شکل به شعاع حداقل ۵ متر، زمین بازی یعنی محوطه دایره را «گوسه» گویند، بزرگی و کوچکی «گوسه» به تعداد نفرات بستگی دارد، هر تیم دارای یک اوستاد خواهد بود.

**خم‌پلی** ـ بازی جمعی و تک‌گروهی است که بین تعدادی داوطلب از ۳ تا ۳۰ نفر انجام میشود. محل بازی زمینی است مسطح و هموار بشکل مستطیل به طول تقریبی ۳۰ متر و عرض ۴ متر.

وسایل این بازی عبارت است از یک جفت کفش که به عنوان شاخص افزایش فاصله از خط شروع مورد استفاده قرار میگیرد. این بازی در واقع یکنوع پرش طولی ارتفاعی با مانع است.

**کشتی کویری** ـ از جمله کشتیهای محلی، کشتی کویری است که در استان کرمان رایج و متداول است. کشتی‌گیران لباس عادی یا معمولی بر تن دارند و پس از بستن کمربند و گرفتن یکدیگر، کشتی آغاز می‌شود. داوری این کشتی را پیش‌کسوتان و ریش‌سفیدان بر عهده دارند.

کشتی گرفتن در این کشتی، کشتی آزاد است. با این تفاوت که در این کشتی وزن و زمان مطرح نیست از جمله فنون این کشتی «رد دادن» و «لنگ کویری» است.

برنده کشتی کسی است که حریف را از پشت بزمین زده و شانه‌های او را به خاک برساند.

**اقتصاد:**

**بـرآورد سـطح، تـولید و عـملکرد در هکـتار محصولات زراعی جیرفت و کهنوج**

غلات هکتار/ تن (گندم ۴۰۰۶۹، ۱۲۰۷۷۷- جو ۹۴۵۱، ۲۱۹۰۷- ذرت دانـــــه‌ای ۱۳۷۸۱، ۱۱۲۳۶۹)

حبوبات هکتار/ تن (نـخود ۵۲۷، ۷۲۱- لوبـیا ۲۵۷۵، ۳۲۲۸- عدس ۵۱۰، ۶۸۵)

محصولات صنعتی هکتار/ تن (توتون و تنباکو ۶۴، ۶۶-کلزا ۳۴۶، ۳۷۴)

سـبزیجات هکـتار/ تـن (سـیب‌زمینی ۱۳۱۸۶، ۳۰۵۹۱۴- پیاز ۲۰۹۴، ۱۲۰۷۴۹-گوجه‌فرنگی ۱۵۰۱۸، ۴۵۱۷۲۲)

محصولات جالیزی هکتار/ تن (هندوانه ۱۴۴۰۷، ۴۲۸۲۱۹- خـیار ۱۵۸۶۷، ۵۰۶۲۲۲)

نـباتات عـلوفه‌ای هکـتار/ تـن (یـونجه ۸۵۵۶، ۹۳۵۱۱- شبدر ۲۸۲، ۲۶۴۱)

**محصولات:** میوه‌های دانه دار: سیب، گلابی، به. میوه‌های هسـته دار: آلبـالو، گـیلاس (تک دانـه مشهد، شبستر، زرد دانشکده)، گوجه، آلو، هلو، زردآلو و قیسی، شلیل، آلو قطره طلا. میوه‌های دانه ریز: انگور، توت درختی، توت فرنگی. میوه‌های خشک: پسته، بادام، گردو، فندق، سنجد. میوه‌های نـیمه گـرمسیری: خـرما (اسـتعمران، کـبکاب، مضافتی، دیری، ربی، شاهانی)، انجیر، پـرتقال، نارنگی، لیموترش، لیموشیرین، گریپ فـروت، نارنج. انار، زیتون. میوه‌های گرمسیری: موز، انبه، پاپایا، کنار، چیکو، تمبرهندی. گیاهان داروییـ: زیره سبز، گشنیز، حنا، وسمه. گلستان، غیرمثمر.

**صنایع کرمان:** محصولات غذائی و آشامیدنی‌ها (۶۹۱ واحد)، ساخت منسوجات (۷۶ واحـد)، چوب و محصولات چوبی (۴۳ واحد)، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۴۹ واحد)، کک و فرآورده‌های حاصل از نفت (۱۵ واحد)، ساخت مـواد و مـحصولات شـیمیایی (۱۳۳ واحـد)، محصولات از لاستیک و پلاستیک (۱۷۹ واحد)، سـاخت فـلزات اسـاسی (۴۸ واحـد)، سـاخت ماشین‌آلات و تجهیزات (۱۶۱ واحد)، بازیافت (۸ واحد).

**صنایع دستی:** پته دوزی، شال بافی، عریض بافی، سرامیک سازی، خراطی، ساخت ظروف مسی، چادر شب بافی، چاقو سازی و فلزکاری، حصیر بافی، نمد مالی، گلیم بافی، شریکی پیچ بـافی، جاجیم بـافی، بـافت سـیاه چـادر، گـیوه دوزی، قالیبافی، منبت کاری، معرق، طراحی فـرش. - سازمان صنایع دستی

**فرهنگی ـ دانشگاهی**

**دانشگاه شهید باهنر کرمان:**

دانشگاه شهید باهنر در ۱۳۵۴ به همت زنده یاد مهندس علی رضا افضلی پور بنیانگذاری شد. ابتدا در ۱۳۵۶ بـا نـام دانشگـاه کـرمان فـعالیت آموزشی خود را شروع نمود سپس در ۱۳۶۰ به دانشگاه شهید باهنر تغییر نام داد. مدرسه عالی امور اداری و بازرگانی کرمان در ۱۳۵۹ در این دانشگاه ادغام شد. به طوری که دانشگاه شهید بـاهنر در حال حاضر با ۹ دانشکده، و بیش از ۴۸ رشـته تحصیلی، در مقاطع تحصیلی کاردانی، کارشناسی ارشد و دکترای حرفه‌ای دانشجو می‌پذیرد.

دانشکده فنی (با گروه‌های آموزشی الکترونیک،

مهندسی مواد، مکانیک، صنایع، معدن، شیمی، برق)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (با گروه‌های آموزشی زبان‌های خارجی، زبان و ادبیات فارسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی، کتابداری و معارف اسلامی)، دانشکده اقتصاد و مدیریت (با گروه‌های آموزشی علم اقتصادی، مدیریت و حسابداری)، دانشکده کشاورزی (با گروه‌های آموزشی زراعت و اصلاح نباتات، دام پروری، اقتصادکشاورزی، مهندسی آبیاری، گیاه پزشکی و ماشین‌های کشاورزی)، دانشکده تربیت بدنی (با گروه‌های آموزشی تربیت بدنی، علوم ورزشی و دبیری تربیت بدنی)، دانشکده هنر (با گروه‌های آموزشی معماری ،نقاشی، مدیریت و احیای بناهای تاریخی، فرش، هنرهای دستی و نمایش)، دانشکده ریاضی (با گروه‌های آموزش ریاضی ،آمار و علوم کامپیوتر)، دانشکده علوم (با گروه‌های آموزشی فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی)، و دانشکده دامپزشکی در این دانشگاه فعالیت دارند.

آموزشکده کشاورزی جیرفت (با گروه‌های آموزشی تکنولوژی ماشین‌های کشاورزی، تولیدات دامی و تولیدات گیاهی)، مجتمع آموزش عالی بم ،دانشکده صنعتی و معدنی زرند، دانشکده تکنولوژی سیرجان (با گروه‌های آموزشی مهندسی عمران، مکانیک) نیز وابسته به این دانشگاه هستند. پژوهشکده‌های ریاضی، باغبانی و علوم اجتماعی واقتصادی نیز از مراکز تحقیقاتی این دانشگاه‌اند.

**دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان:** این دانشگاه در ۱۳۶۹ تاسیس شد و در ۱۳۷۰ با پذیرش دانشجو در دو رشته گیاه پزشکی و ریاضی فعالیت آموزشی خود را شروع کرد. در دوره‌های تحصیلی کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد نیز دانشجو می‌پذیرد.

دانشکده‌های آن عبارتند از: دانشکده کشاورزی (شامل گروههای آموزشی گیاه پزشکی، باغبانی، و خاک‌شناسی) دانشکده علوم (شامل گروههای آموزشی فیزیک، ریاضی، کامپیوتر) دانشکده ادبیات و علوم انسانی (شامل گروههای آموزشی مدیریت صنعتی، حسابداری، زبان و ادبیات انگلیسی، زبان و ادبیات فارسی، و دبیری زبان انگلیسی)

**دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی رفسنجان:** در سال ۱۳۶۵ تحت عنوان دانشکده‌ی پزشکی زیر نظر دانشگاه علوم پزشکی کرمان آغاز به کار نموده و در سال ۱۳۶۹ به صورت مستقل تحت عنوان دانشکده‌ی علوم پزشکی و در سال ۱۳۷۲ با منفک شدن از دانشگاه علوم پزشکی کرمان به صورت مستقل و تحت عنوان دانشگاه تاکنون به فعالیت خود ادامه داده است ـ دولتی

**دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمان:** از سال ۱۳۵۵ لغایت ۱۳۶۴ وابسته به وزارت علوم و آموزش عالی بوده، و از سال ۱۳۶۵ تحت عنوان دانشگاه علوم پزشکی به طور مستقل فعالیت خود را شروع نموده است ـ دولتی

**مرکز تحقیقات علوم اعصاب (کرمان):** پژوهش و تحقیق در بخش‌های علوم بالینی و علوم پایه. دولتی و وابسته به دانشگاه علوم پزشکی کرمان

**آثار ثبت شده استان کرمان در فهرست آثار ملی:**

محله کمادین خرابه‌های شهرقدیمی-پیش‌ازتاریخ-جیرفت

قلعه سنگ سیرجان - (ساسانی - اسلامی) - سیرجان
گنبد سبز(قبه سبز) - قرن ۹ ه.ق - کرمان
مقبره شاه نعمت ولی - (صفویه - قرن ۹ه.ق) - کرمان
میل نادری - سلجوقی - بم
مسجد پامنار - قرن ۸ - کرمان
مقبره خواجه اتابک - سلجوقی - کرمان
مسجد جامع مظفری - قرن ۸ ه.ق - کرمان
گنبد جبلیه - سلجوقی - کرمان
مدرسه و کاروانسرای گنجعلیخان - صفویه - کرمان
بنای ایوانی تکیه گنبد سبز - سلجوقی - کرمان
حمام و بازار ابراهیم خان - قاجاریه - کرمان
تپه بلیس (تپه ابلیس)-(پیش‌ازتاریخ-تاریخی)-بردسیر
مقبره آسید محمد(پیرجارسوز)-اواخر قرن ۷ -بردسیر
تپه علی آباد - (پیش از تاریخ - تاریخی) - بردسیر
تپه علی آباد سربند -(پیش از تاریخ - تاریخی) - بردسیر
تپه شیله گرگی الف - (پیش‌ازتاریخ-تاریخی) - بردسیر
تپه دشنکار - (پیش از تاریخ - تاریخی) - بردسیر
مغود(مغوئیه) - ساسانی - رفسنجان
گورستان دژ میمندی - ساسانی - بابک
قلعه قهقه - (ساسانی - اسلامی) - راور
تل وزیری - (ساسانی - اسلامی) - راور
تپه قلعه لنگر - پیش از تاریخ - کرمان
تپه کلنگ یه لنگی - ساسانی - کرمان
قلعه کهنه - تاریخی - کرمان

کلنگ بهجرد (شهر دقیانوس) - تاریخی - جیرفت
قلعه کهنه - ساسانی - جیرفت
تم سرنی (ساردنی) - (هزاره ۱ - ساسانی) - جیرفت
تم گابان (تپه گاوان) - هزاره ۱ ق.م - جیرفت
تم وکیل آقا(تپه‌وکیل آقا) - (هزاره۱ - ساسانی) - جیرفت
تم عباس آباد(تپه عباس آباد) - هزاره ۲ ق.م - جیرفت
تپه کنار صندل الف - (پیش از تاریخ - تاریخ) - عنبرآباد
تم کنار صندل ب (تپه توجا) - پیش از تاریخ - عنبر آباد
تم‌عنبرآباد(تپه‌عنبرآباد)-(پیش‌ازتاریخ-تاریخی)-عنبرآباد
تم ابراهیم آباد(تپه‌ابراهیم‌آباد) - پیش از تاریخ - جیرفت
تم قلعه کوچک (تپه قلعه کوچک)-پیش‌ازتاریخ-جیرفت
تم‌خرک تپه‌اژک تپه‌مختارآباد - هزاره ۱ ق.م - کهنوج
تم کنار - ساسانی - جیرفت
تم داروی - پیش از تاریخ - عنبرآباد
تم نور آباد - ساسانی - عنبرآباد
تم کم سرخ - ساسانی تا معاصر - کهنوج
ارگ بم - (صفویه - قاجاریه) - بم
قلعه راین - (هزاره ۲ - ساسانی) - کرمان
تپه هزار مردی - (هزاره ۱ - ساسانی) - کرمان
تپه پهن - (هزاره ۱ - تاریخی) - جیرفت
تپه کوشک - ساسانی تا قاجار - کرمان
قلعه دختر و قلعه اردشیر - قاجاریه - کرمان
گنبد مشتاقیه - قاجاریه - کرمان

مدرسه ابراهیمی - قاجاریه - کرمان
مسجد حاج علی آقا - قاجاریه - کرمان
مقبره آخوند - صفویه - کرمان
بنای امامزاده حسین - اوایل قرن ۸ ه.ق - کرمان
امامزاده محمدبن زید - مغول - کرمان
پیر آغوس یا ناقوس (پیربابامسافر) - صفوی - کرمان
گورخانه(مقبره‌امیرحیدر)-(پیش‌ازتاریخ-تاریخی)جیرفت
تپه شیله گرگی ب - تاریخی - بردسیر
مسجد ملک (مسجدامام) - سلجوقی - کرمان
کوشک رموک - قرون اولیه اسلامی - کرمان
قلعه رموک - قرون اولیه اسلامی - کرمان
مجموعه بناهای گنجعلیخان - صفویه - کرمان
تپه یحیی - هزاره ۳ و ۴ - ساسانی - بافت
مجموعه وکیل - قاجاریه - کرمان
باغ و عمارت ماهان - قاجاریه - ماهان
یخچال حاج علی آقا - اواخر قرن ۱۳ ه.ق - رفسنجان
موزه رضاشاه (باغ هرندی) - اواخر قرن ۱۳ ه.ق - کرمان
آرامگاه شیخ عبدالسلام - قرن ۸ ه.ق - کرمان
خانه انصاری - قاجاریه - بم
خانه نادری - قاجاریه - بم
منزل امام جمعه - قاجاریه - کرمان
خانه جواد امراللهی - قاجاریه - کرمان
منزل مسکونی فدائی - قاجاریه - کرمان
خانه ورثه افلاطون نفیسی - قاجاریه - کرمان
خانه وقف مسجد وکیل - اواخر قاجار - ماهان
شترگلو - قاجاریه - ماهان
مجموعه بازار بم (قیصریه زرتشتیان) - قاجاریه - بم
بنا میر زبیر - ایلخانی - سیرجان

بیمارستان مرسلین - قاجاریه - کرمان
خانه سیستانی (آرشام) - زندیه - بم
مناره مسجد جامع نگار - سلجوقی - بردسیر
مجموعه حاج آقا علی - قاجاریه - رفسنجان
کوشک رحیم آباد - ایلخانی - بم
مقبره شیخ محمد کاکو - (صفویه - قاجاریه) - بردسیر
مجموعه بیرم آباد - صفویه - کرمان
کاروانسرای خانه سرخ - قاجاریه - سیرجان
کاروانسرای گلو سفته - قاجاریه - بردسیر
کتابخانه‌ملی‌کرمان(کارخانه‌ریسن)-پهلوی‌اول-کرمان
یخدان مویری - صفویه - کرمان
سنگ نگاره‌های تپه شاه فیروز - پیش از تاریخ - سیرجان
بنا شاه فیروز - قرن ۹ ه.ق - سیرجان
مقبره سالار رضا - صفویه - جیرفت
پیر سبز پوش - پهلوی - بردسیر
یخدان راور - اواخر قاجار - راور
کاروانسرای دربند - قاجاریه - مشهد
کاروانسرای چاه کوران - اواخر قاجار - راور
دبیرستان جم - (اواخر قاجار - اوایل پهلوی) - کرمان
حمام قلعه محمود - (اواخرقاجار-اوایل پهلوی)-کرمان
تل آتشی - نوسنگی - بم
مسجد وکیل - قرن ۱۲ و ۱۳ ه.ق - بم
کاروانسرای آب بید - قرن ۱۲ و ۱۳ ه.ق - راور
آثار محدوده مسجد رسول - اسلامی - بم
آرامگاه میرزا ابراهیم - (صفویه - زندیه) - بم
یخچال زریسف - قاجاریه - کرمان
ساختمان دانشکده پرستاری - قاجاریه - کرمان

تخت درگاه قلی بیگ - (زندیه - قاجاریه) - کرمان
بیمارستان نوریه - قاجاریه - کرمان
مجموعه خانه کریم نژاد - پهلوی - کرمان
خاه شتر داران - پهلوی - کرمان
خانه قاسم حاج غلامرضا - پهلوی - کرمان
خانه خوشرو و ساباط مجاور - پهلوی - کرمان
خانه موحدی - پهلوی - کرمان
شرکت فرش - پهلوی - کرمان
دبیرستان سعادت - پهلوی - کرمان
سالن پشم ریسی علی احمدی - پهلوی - کرمان
خانه خیر اندیش - پهلوی - کرمان
مجموعه پرورشگاه صنعتی - پهلوی - کرمان
سالن دبیرستان ایرانشهر - پهلوی - کرمان
سردرهای روبروی کتابخانه ملی - پهلوی - کرمان
خانه سروشیان - پهلوی - کرمان
سالن باشگاه افسران - پهلوی - کرمان
میدان باغ (ارگ) - پهلوی - کرمان
خانه فروزی - پهلوی - کرمان
ساختمان تقاطع زریسف و برزوئیه - پهلوی - کرمان
مزار آقا - قاجاریه - کرمان
بازار بزرگ کرمان - قرن ۸ تا پهلوی اول - کرمان
بازار میدان قلعه - قاجاریه - کرمان
بازار قلعه محمود - قاجاریه - کرمان
بازار حاج آقا علی - قاجاریه - کرمان
کاروانسرای (بازار) گلشن - قاجاریه - کرمان
کاروانسرای حاج مهدی - قاجاریه - کرمان
کاروانسرای کوزه گران - اواخر قاجار - کرمان
کاروانسرای جر - اواخر قاجار - کرمان
کاروانسرای چهار سوق - اوایل قاجاریه - کرمان
کاروانسرای حاج آقاعلی - قاجاریه - کرمان

دهکده صخره‌ای میمند - تاریخی - بابک
مدرسه حیاتی - اواخر قاجار - کرمان
کاروانسرای هندوها - قاجاریه - کرمان
خانه فخری - پهلوی دوم - راور
کاروانسرای حوض پنج و آب انبار - قاجاریه - راور
کاروانسرای سیرزا حسین خان - قاجاریه - کرمان
آتشکده کرمان - پهلوی اول - کرمان
مسجد طباطبائی - پهلوی اول - کرمان
تم میان ده - هزاره ۱ ق.م - جیرفت
تم بی بی لچک - قرون میانه اسلامی - جیرفت
تم مختار آباد - هزاره ۱ ق.م - جیرفت
تم دولت آباد - (پیش‌ازتاریخ-تاریخی) - جیرفت
محوطه آبگرم ورامین -(پیش‌ازتاریخ-تاریخی)-جیرفت
تپه خضرآباد - هزاره ۱ ق.م - جیرفت
قلعه ملک آباد زاخت - سلجوقیان - جیرفت
محوطه حسین آباد دهدار - اسلامی - جیرفت
تپه‌ومحوطه‌حاجی‌آبادورامین-(پیش‌ازتاریخ-تاریخی)
محوطه فتح آباد (گاوکشی)-(تاریخی-اسلامی)-جیرفت
تل شیراز - (پیش از تاریخ - تاریخی) - جیرفت
تم اکبر آباد - هزاره ۱ ق.م - جیرفت
تم حسین آباد - هزاره ۱ ق.م - جیرفت
مجموعه بازارهای قدیمی بم - (صفویه -قاجاریه) - بم
مسجد آیت الله - قاجاریه - کرمان
تم نه تبره (توبره) - اسلامی - جیرفت
آثار قلعه و محوطه مرجان - (تاریخ -اسلامی) - جیرفت
تکیه مدیر الملک - قاجاریه - کرمان
خانه صادقی - قاجاریه - شهداد

خانه الهامی - قاجاریه - کرمان
قلعه شفیع آباد - قاجاریه - کرمان
خانه والی (راین) - قاجاریه - راین
خانه پرداختی - قاجاریه - کرمان
خانه مدیر الملک - اواخر قاجار - کرمان
آسیاب آبی شهداد - قاجاریه - کرمان
خانه اسلامیت - قاجاریه - کرمان
خانه خرم - پهلوی اول - کرمان
باغ شماره ۲ - اواخر قاجار - کرمان
باغ شماره ۳ (باغ مدعی العموم) - قاجاریه - کرمان
بقایای حصار شهر قدیم کرمان - قاجاریه - کرمان
خانه باقری - (قاجاریه - پهلوی اول) - رفسنجان
کاروانسرای کبرتر خان - قاجاریه - رفسنجان
آب انبار کشکوئیه - قاجاریه - کشکوئیه
کاروانسرای سعادت آباد - قاجاریه - سیرجان
خانه علی اصغر شوکت سعیدی - پهلوی اول - سیرجان
خانه ناظم - قاجاریه - سیرجان
خانه خلعتی (صدر زاده) - پهلوی اول - سیرجان
خانه حاج درویش - قاجاریه - سیرجان
بنای تاریخی شاه خورشید - قرن ۸ ه.ق - بم

فهرست آثار تاریخی استان کرمان در نیمه دوم ۱۳۸۷ تعداد ۵۰۹ واحد می‌باشد. - سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

## موزه

موزه‌ی حمام گنجعلی خان (کرمان) - موضوع: معماری و مردم‌شناسی - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس ۱۳۵۰، بنا صفویه

موزه‌ی باغ هرندی (کرمان) - موضوع: باستان‌شناسی - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس ۱۳۸۰

موزه‌ی سازهای سنتی ایران (کرمان) - موضوع: هنری (انواع سازهای سنتی ایران) - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس ۱۳۸۰

موزه‌ی سکه (کرمان) - موضوع: تخصصی سکه - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس ۱۳۷۰، بنا صفویه

موزه‌ی دفاع مقدس (کرمان)، موضوع: تاریخی - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - تأسیس ۱۳۷۷

موزه‌ی صنعتی کرمان (کرمان) - موضوع: شخصیت، هنری (مجسمه‌ها و تابلوهای استاد صنعتی زاده و سهراب سپهری و دیگر هنرمندان معاصر ایرانی و خارجی) - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - تأسیس ۱۳۵۶

موزه‌ی علوم طبیعی (کرمان) - موضوع: آموزشی - سازمان آموزش و پرورش - تأسیس ۱۳۷۴

موزه تاریخ طبیعی (کرمان) - موضوع: علمی (نمایش گونه‌های گیاهی و جانوری) - سازمان حفاظت محیط زیست - تأسیس ۱۳۷۹

موزه‌ی حیات وحش قلعه (کرمان) - موضوع: آکواریم - شهرداری - تأسیس ۱۳۷۹

ارگ بم (بم) - موضوع: معماری، شهرسازی - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس: بنا از قبل از اسلام تا پایان قاجاریه

موزه‌ی مجموعه‌ی فرهنگی - ورزشی رفسنجان (رفسنجان) - موضوع: هدایای آقای هاشمی رفسنجانی به موزه و موزه و مرکز اسناد ولیعصر - دفتر نشر معارف انقلاب (دانشگاه ولیعصر) - تأسیس ۱۳۷۹

باغ شاهزاده (ماهان) - موضوع: معماری - سازمان میراث فرهنگی کشور - تأسیس: قاجاریه

شاه نعمت‌الله ولی (ماهان) - موضوع: معماری -

سازمان اوقاف ـ تأسیس ۱۳۷۶

**جمعیت مرد و زن روستائی و شهری کرمان:**
مرد: (۷۱۳۷۰۸ شهری، ۴۹۰۸۲۴ روستائی)،
زن: (۶۸۰۲۲۱ شهری، ۴۷۵۳۱۲ روستائی).

**جمعیت استان کرمان**
شهرستان بافت: تعداد خانوار ۳۲۲۶۲، جمعیت ۱۴۵۰۱۴، تعداد باسواد ۱۰۱۶۸۴، تعداد بیسواد ۲۴۹۳۰.
شهرستان بردسیر: تعداد خانوار ۱۸۶۵۰، جمعیت ۸۹۲۶۵، تعداد باسواد ۶۱۹۰۷، تعداد بیسواد ۱۴۲۷۲.
شهرستان بم: تعداد خانوار ۶۷۶۳۹، جمعیت ۲۸۲۳۱۱، تعداد باسواد ۱۹۴۳۰۴، تعداد بیسواد ۴۶۷۵۸.
شهرستان جیرفت: تعداد خانوار ۳۸۳۰۷، جمعیت ۱۸۷۵۹۵، تعداد باسواد ۱۳۳۱۸۴، تعداد بیسواد ۲۸۳۳۰.
شهرستان راور: تعداد خانوار ۱۰۲۳۶، جمعیت ۳۹۴۶۲، تعداد باسواد ۲۹۱۳۶، تعداد بیسواد ۵۳۴۶.
شهرستان رفسنجان: تعداد خانوار ۷۱۸۳۰، جمعیت ۲۹۵۱۷۵، تعداد باسواد ۲۱۷۷۹۶، تعداد بیسواد ۴۲۷۱۴.
شهرستان رودبار جنوب: تعداد خانوار ۱۷۳۶۴، جمعیت ۸۷۵۹۴، تعداد باسواد ۴۵۱۵۹، تعداد بیسواد ۲۸۷۳۰.
شهرستان زرند: تعداد خانوار ۲۸۷۴۶، جمعیت ۱۲۰۸۱۱، تعداد باسواد ۹۱۰۹۱، تعداد بیسواد ۱۵۸۵۷.
شهرستان سیرجان: تعداد خانوار ۵۸۲۵۳، جمعیت ۲۴۵۸۱۲، تعداد باسواد ۱۸۱۹۷۱، تعداد بیسواد ۳۲۷۷۱.
شهرستان شهر بابک: تعداد خانوار ۲۲۹۷۳، جمعیت ۱۰۲۵۳۷، تعداد باسواد ۷۶۸۶۰، تعداد بیسواد ۱۴۱۹۳.
شهرستان عنبرآباد: تعداد خانوار ۲۳۸۵۸، جمعیت ۱۱۴۹۶۴، تعداد باسواد ۷۳۸۸۲، تعداد بیسواد ۲۶۵۲۵.
شهرستان قلعه گنج: تعداد خانوار ۱۴۶۴۹، جمعیت ۷۰۲۹۲، تعداد باسواد ۳۹۵۹۲، تعداد بیسواد ۲۰۸۴۰.
شهرستان کرمان: تعداد خانوار ۱۶۶۷۴۰، جمعیت ۶۷۷۶۵۰، تعداد باسواد ۵۲۰۷۹۰، تعداد بیسواد ۶۶۲۲۶.
شهرستان کوهبنان: تعداد خانوار ۶۳۴۸، جمعیت ۲۴۸۷۹، تعداد باسواد ۱۸۵۸۱، تعداد بیسواد ۳۴۰۱.
شهرستان کهنوج: تعداد خانوار ۲۱۷۸۰، جمعیت ۱۰۵۲۰۷، تعداد باسواد ۷۱۵۶۰، تعداد بیسواد ۱۸۰۶۲.
شهرستان منوجان: تعداد خانوار ۱۳۳۶۱، جمعیت ۶۳۸۴۵، تعداد باسواد ۴۲۹۹۳، تعداد بیسواد ۱۳۳۱۰.

**شهرستانها، بخش‌ها، دهستان‌ها**
**آزادگان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان رفسنجان استان کرمان و مرکز آن رضاآباد است.
**آسمینون:** از بخش‌های شهرستان منوجان، استان کرمان، مرکز آن شهرک نودژ دارای ۳ دهستان (۱ ـ بجگان ۲ ـ ده‌کهان ۳ ـ نوذژ) است.
**اختیارآباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن اختیارآباد است.

**اُرزونیه:** از بخش‌های شهرستان بافت استان کرمان، در ۲۲ درجه و ۵۶ دقیقه طول جغرافیایی و در ۲۷ درجه و در ۱۰۴۴ متری از سطح دریا، پایکوهی، معتدل خشک در ۱۱۶ کیلومتری جنوب باختری بافت است. کوه ارزوئیه در خاور این شهرک قرار دارد. مرکز این بخش شهر ارزوئیه می‌باشد.
**اقتصاد:** بر کشاورزی، دامداری و باغداری و فرش‌بافی استوار است. نوع کشت آبی - آب آشامیدنی و کشاورزی را از کاریزها و چاهای نیمه ژرف فراهم می‌کنند.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، خرما و مرکبات
**رستنی‌ها:** گیاهان دارویی گل بابونه، گل ختمی، آویشن، پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** بزکوهی، قوچ، میش، روباه، خرگوش، آهو، گراز، گرگ و کبک
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر ارزوئیه دارای ۳ دهستان (۱ - ارزوئیه ۲ - صوغان ۳ - وکیل‌آباد) است.
**اروزوئیه:** از دهستان‌های بخش ارزوئیه شهرستان بافت استان کرمان و مرکز آن ارزوئیه است در منطقه‌ای میانکوهی معتدل و خشک، آب بادکوه و کوه قرمز آبگرم در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، کنجد، انار، بادام و انگور
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام
**جانوران:** گرگ، شغال و روباه
**استبرق:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهر بابک استان کرمان و مرکز آن استبرق و در منطقه‌ای دشتی، معتدل قرار گرفته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، پسته، انگور، فرش، دام و فرآورده‌های دامی
**پوشش گیاهی:** حنا، کاکوتی و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** خرگوش، روباه و گرگ
**اسفندقه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان جیرفت استان کرمان و مرکز آن دولت‌آباد است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک قرار و رود سیخوران در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، خرما و مرکبات
**پوشش گیاهی:** درخت بادام کوهی و پوشش مرتعی برای چرای دام
**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، گرگ، روباه و خرگوش
**اسلام آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زرند استان کرمان و مرکز آن اسلام‌آباد است.
**اسلام آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان جیرفت استان کرمان و مرکز آن ده‌پیش سفلی است.
**اسلامیه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان رفسنجان استان کرمان، و مرکز آن هرمزآباد است.
**اسماعیلی:** از بخش‌های شهرستان عنبرآباد استان کرمان و مرکز آن بلوک و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک قرار گرفته است.
**امجز:** از دهستان‌های غبرآباد شهرستان عنبرآباد استان کرمان و مرکز آن دهنه‌ی کمرکان است و در منطقه‌ی میانکوهی معتدل خشک و رود تنگ امگز در آن جریان دارد.
**پوشش گیاهی:** درختان گز و کنار و پوشش گیاهی برای چرای دام
**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، خرگوش و روباه
**انار:** از شهرستان‌های استان کرمان مرکز این بخش شهر انار، دارای ۴ بخش ۱ - مرکزی انار ۲

-کشکوئیه ۳ - نوق ۴ - فردوس ۹ دهستان (۱ - بیاض ۲ - حسین‌آباد ۳ -کبوترجان ۴ - راویزه ۵ - شریف‌آباد ۶ - کشکوئیه ۷ - بهرمان ۸- رضوان ۹ - فردوس

در منطقه‌ی کویری، معتدل گرم و خشک، در ۱۴۴ کیلومتری یزد و کنار جاده‌ی یزد - رفسنجان قرار دارد. به علت این که تا اندازه‌ای کوهستانی می‌باشد آب و هوای آن تا حدی با حالت کویری متفاوت است.

با این حال ساختمان‌های قدیمی این بخش بیش‌تر از خشت و گل است تا آجر مردم این سامان خود را از چند طایفه می‌دانند. ۱ - طایفه‌ی بومی یا فارس

۲ - طایفه‌ی عرب ۳ - طایفه‌ی جدید ۳ - طایفه سادات.

از نظر کشاورزی چندان پیشرفتی نکرده اما با کاشت درختان پسته، درآمد اهالی از این راه افزایش یافته است.

**اندوهجر:** از دهستان‌های بخش شهداد شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن اندوهجرد است و در منطقه‌ی دشتی معتدل خشک قرار و رود اندوهجرد که از کوه‌های سرخ و ملخ خورده سرچشمه گرفته، جریان دارد و کوه باباگل و کوه کدورت در آن سربرافراشته‌اند.

**فرآورده‌ها:**گندم، جو، خرما، لیمو، نارنج و پرتقال و فرش.

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام.

**جانوران:** آهو، روباه و گرگ.

**باغین:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن باغین و در ممنطقه‌ای دشتی معتدل قرارگرفته

**فرآورده‌ها:** پسته.

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام

**جانوران:** شغال، روباه و خرگوش.

**بافت:** از شهرستان‌های استان کرمان می‌باشد که از شمال به مشیز سیرجان، از خاور به بم از جنوب به میناب و بندرعباس و از باختر به سیرجان محدود است. این شهرستان ۲۵۱۵۴ کیلومتر مربع مساحت دارد.

**تقسیمات:** مرکز این شهرستان شهر بافت، دارای ۳ بخش ۱ - بخش مرکزی دارای ۶ دهستان (۱ - بزنجان ۲ - خبر ۳ - دشتاب ۴ - دهسرد ۵ - فتح‌آباد ۶-کیکان ۷ -گوغر) ۲ - بخش ارزوئیه ۳ - رابر است.

**رودها:** ۱ - رود رابر که از کوه‌های شمال خاوری سرچشمه گرفته، به سوی جنوب خاوری روان گشته ۲ - شصت پیچ که از کوه‌های خاوری سرچشمه گرفته، در جهت جنوب خاوری از ۲۵ کیلومتری بافت می‌گذرد. ۳ - رود بافت که از کوه شاه در شمال خاوری روان گشته، پس از گذشتن از شهر بافت به‌سوی جنوب خاوری جریان دارد. ۴ - رود زردشت که از کوه‌های شمالی شهرستان بافت سرچشمه می‌گیرد، پس از پیوستن رودهای بزنجان و ده‌میرزایی به این رود از ۱۶ کیلومتری باختر شهر بافت می‌گذرد و در جنوب بنام رود هودج در جهت جنوب خاوری روان می‌شود. ۵ - رود خیبر که از کوه خیبر در ۵۰ کیلومتری جنوب باختری شهر بافت سرچشمه گرفته، در جهت جنوب ادامه مسیر داده و آنگاه به نام رود کاهدان در زمین اطراف فرو می‌رود.

**کوه‌ها:** شهرستان بافت به واسطه‌ی قرار داشتن در کنار رشته‌ی جبال بارز کوهستانی است. ۱ - کوه‌های آن از شمال باختری به سوی جنوب خاوری کشیده شده:

۱ -کوه سنگ سفید ۲ -کوه بیدشیرین ۳ -کوه پلنگی ۴ -کوه سیاه ۵ -کوه یشم ۶ -کوه خانه‌ای ۷ -کوه لاله‌زار ۸ -کوه بیدخان ۹ -کوه سنگ سیاه ۱۰-کوه فلاح ۱۱ -کوه شاه ۱۲ -کوه آغل انار ۱۳ -کوه انجیر ۱۴ -کوه دراک ۱۵-کوه قلعه شبان - در جنوب شهرستان بافت ۱ -کوه حاجی ۲ -کوه حسین‌آباد ۳-کوه کوشک ۴ -کوه خیبر کشیده شده کوه لاله‌زار ۴۵۳۱ از سطح دریا ارتفاع و در ۲۸ کیلومتری شمال شرقی شهرستان و کوه خبر ۳۸۴۵ از سطح دریا بلندی، در جنوب غربی شهرستان بافت قرار دارد. از نظر زمین‌شناسی بر روی رسوبات عهد حاضر، شامل آبرفت‌های رودخانه‌ای و کنگلومرا واقع شده و بخش اعظم شمال بافت مخلوطی از رسوبات مختلفی همراه با سنگ‌های آتشفشانی (مخلوط رنگی) و توده‌های نفوذی مختلف پدید آمده، بخش جنوبی بافت از تشکیلات نئوژن، شالم شیل، کنگلومرا، ماسه سنگ و سیلیس است. کتابهای درسی

گردنه‌ی کفتور در شمال و دو دشت ۱ - به نام دشت آب ۲ - دشت ارزوئیه در جنوب قرار دارند.

**کان‌ها:** ۱ - معدن کرومیت در ۱۵۰ کیلومتری جنوب بافت ۲ - معدن سرب در ۳۰ کیلومتری شمال خاوری بافت.

**آب و هوا:** به‌طوری کلی خشک و معتدل - آب و هوای شمال شهرستان از گُوغرتا رابُر کوهپایه‌ای است. و منطقه‌ی جنوبی (گرمسیر) شامل ارزوئیه و صوغان و شاهماران، آب و هوای نیمه بیابانی دارد متوسط بارندگی سالانه را ۳۲۰ میلی‌متر دانسته‌اند. کتابهای درسی

طوایف بوجاقچی، تیره‌های میری، آنه‌ای، خوارزمی، اولادی، سلیمانی، سلاجقه، قلندری، آقاجانلو و گوغری در شهرستان بافت زندگی می‌کنند.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش بافتی نزدیک به کرمانی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** در جنگل‌های متعدد شهرستان بافت، درختان بنه و بادام کوهی می‌روید از گیاهان صنعتی چون کتیرا - پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** گرگ، روباه، شغال، دراج و تیهو.

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و قالی‌بافی استوار است. کشاورزی این شهرستان پررونق است و در منطقه‌های سردسیر و گرمسیر آن محصولات متنوع به عمل می‌آید. کشت آبی و دیم هر دو انجام می‌شود منابع آب کاریزها، رودها.

**بافت** (مرکز شهرستان): شهر بافت مرکز شهرستان بافت، از شهرستانهای استان کرمان، در ۳۷ درجه و ۵۶ دقیقه طول شرقی و در ۱۴ درجه و ۲۹ دقیقه عرض جغرافیایی و در بلندی ۲۲۷۰ متری از سطح دریا و در ۱۷۰ کیلومتری جنوب شهر کرمان و در ۱۰۸ کیلومتری جنوب خاوری راه کرمان - سیرجان است.

**آب و هوا:** معتدل، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۳۸ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۵ درجه زیر صفر، میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۲۵۰ میلی‌متر است.

**بافت (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان بافت استان کرمان و مرکز آن شهر بافت و دارای ۷ دهستان: (۱ - بزنجان ۲ - خبر ۳ - دستاب ۴ - دهسرد ۵ - فتح‌آباد ۶ -کیکان ۷ -گوغر) است.

**بجگان:** از آسمینون شهرستان منوجان استان کرمان و مرکز آن بجگان است.

**برج اکرم:** از دهستان‌های بخش فهرج شهرستان

بم استان کرمان و مرکز آن برج اکرم است و در منطقه‌ای دشتی معتدل قرار گرفته است.
**فرآورده‌ها:** یونجه، حنا، خرما و مرکبات، دام و فرآورده‌های دامی،
**پوشش گیاهی:** گز و کهور و پوشش مرتعی.
**جانوران:** گرگ، گراز، کفتار، خرگوش، روباه و شغال.
**بردسیر (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان بردسیر استان کرمان و مرکز آن شهر بردسیر و دارای دهستان (۱ - گلزار ۲ - قلعه عسکر ۳ - کوه پنج ۴ - لاله‌زار ۵ - مشیز ۶ - نگار) است.
**بردسیر (شهرستان):** از شهرستان‌های استان کرمان مرکز آن شهر بردسیر، دارای دو بخش و دارای ۶ دهستان (۱ - گلزار ۲ - قلعه عسکر ۳ - کوه پنج ۴ - مشیر ۵- لاله‌زار ۶ - نگار) است.
.... به اردشیر را تازیان تصحیف کرده، بردسیر می‌گفتند حمزه اصفهانی ساخت بردسیر را به اردشیر بابکان نسبت می‌دهد و آنجا را به اردشیر یعنی جای نیک اردشیر نامیدند و اعراب بردسیر و ایرانیان گواشیر می‌گفتند. یاقوت آنرا جواشیر، جواسیر، گواشیر و حمدالله مستوفی آنرا گواشیر گفته‌اند.

شهرستان بردسیر در ۷۰ کیلومتری جنوب کرمان و در بلندی ۲۰۴۰ متری از سطح دریا قرار دارد. از شمال به شهرستان کرمان و بخش ماهان از جنوب شرقی و مشرق به بم و از جنوب به بافت و از جنوب غربی و مغرب به سیرجان و از شمال غربی به رفسنجان محدود است.

آب و هوای این شهرستان معتدل کوهستانی است - زمستان‌های سرد و خشک دارد که گاه سرما به ده درجه زیر صفر می‌رسد اما تابستان‌ها معتدل و حداکثر درجه گرما ۳۵ درجه است.
رودهای فصلیش عبارت است از: ۱ - قریةالعرب ۲ - صاحب‌آباد ۳ - آبخشا ۴ - ماهونک، میزان بارندگی سالانه به‌طورمتوسط ۱۱۰ میلی‌متراست. بردسیر دارای بادهای فصلی از نوع بادهای موسمی خشک است و علت آن واقع شدن این شهرستان در مجاورت کوه‌ها است این بادها بیش‌تر در فروردین ماه می‌وزد. کتابهای درسی شهرستان بردسیر بر سر راه کرمان - سیرجان - بندرعباس قرار گرفته است.
**بردسیر (مرکز شهرستان):** شهر بردسیر مرکز شهرستان مشیز از شهرستانهای استان کرمان در ۳۵ درجه و ۵۶ دقیقه طول جغرافیایی و در ۵۶ درجه و ۲۹ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۲۰۴۰ متری از سطح دریا و در ۶۲ کیلومتری جنوب باختری کرمان قرار دارد.
**آب و هوا:** معتدل، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۳۵ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۵ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه ۲۰۰ میلی‌متر است.
**بزنجان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بافت استان کرمان و مرکز آن بزنجان است که در منطقه‌ای میانکوهی، معتدل و خشک و کوه حاجی، کوه گلی‌گوران در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، گردو و زردآلو.
**پوشش گیاهی:** گون کتیرا - درختان بنه، گز و بادام کوهی و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** قوچ، میش، گرگ، کفتار، روباه و خرگوش.
**بلورد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سیرجان استان کرمان و مرکز آن بلورد و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک قرار گرفته.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، زردآلو، گردو، بادام و بنشن.
**پوشش گیاهی:** درختان، بادام کوهی، بنه، گون کتیرا و پوشش گیاهی مرتعی.
**جانوران:** قوچ، میش، بزکوهی، گرگ، روباه و شغال.
**بم (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان بم استان کرمان و مرکز آن شهر بم و دارای ۵ دهستان: (۱ - حومه ۲ - دهبکری ۳ - روداب شرقی ۴ - روداب غربی ۵ -کرک و نارتیج) است.
**بمپور (مرکز بخش):** شهر بمپور مرکز بخش بمپور از بخشهای شهرستان ایرانشهر، استان سیستان و بلوچستان، در ۲۲ کیلومتری باختر ایرانشهر و در مسیر راه ایرانشهر - چاه‌بهار است. در بلندی ۵۱۰ متری از سطح دریا است.
رود بمپور که از کوههای شمال خاوری ایرانشهر سرچشمه گرفته از جنوب شهر بمپور میگذرد و سرانجام به هامون جزموریان میریزد.
**آب و هوا:** گرم و نسبتاً مرطوب، بیشترین درجه گرما در تابستانها تا ۴۸ درجه بالای صفر و کمترین درجه در زمستانها ۲ درجه زیر صفر، میزان بارندگی سالانه ۱۲۰ میلی‌متر است.
**بم (شهرستان):** از شهرستان‌های استان کرمان می‌باشد که از شمال به کویر لوت از خاور به زاهدان، از جنوب به باتلاق جازموریان و از باختر به شهرستان بافت محدود است. این شهرستان ۱۹۴۸۰ کیلومتر مربع مساحت دارد.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهر استان بم، دارای ۵ بخش ۱ - بخش مرکزی دارای ۳ دهستان (۱ - حومه ۲ - دهبکری ۳ -کرک و نارتیج) ۲ - بخش ریگان ۳ - بخش روداب ۴ - نرماشیر ۵ - بخش مرکزی است.

شهرستان بم در سال ۱۳۱۶ه. ق دولت وقت قانونی از مجلس گذرانید که طبق آن مملکت را به ۱۰ استان مهم و ۴۹ شهرستان تقسیم کرد و تا آن زمان چنین تقسیماتی با در نظرگرفتن پارامترهای مذکور صورت نگرفته بود در این زمان منطقه‌ی جنوب شرق ایران به یک استان به نام استان هشتم که مرکز آن کرمان و شهرستان‌های تابع آن شامل (بندرعباس، بم، خاش و زابل) بود تقسیم شد شهرستان بم یکی از شهرستان‌های مهم استان کرمان می‌باشد و شرقی‌ترین محدوده‌ی استان را در بر گرفته و از نظر وسعت بعد از شهرستان کرمان، کهنوج مقام سوم را دارا است و از لحاظ عرض جغرافیایی حدود در عرض وسط استان جا گرفته است.
در کل شهرستان بم معدن هایی وجود دارد:
۱ - معدن سنک مرمر ۲ - معدن نمک ۳ - معدن سنگ گچ
رشته‌کوه‌های جبال بارز ۲ - دشت پایکوهی راین ۳ - دشت نرماشیر ۴ - منطقه‌ی کویری ۱ - رشته کوه‌های جبال بارز دارای پوشش گیاهی از نوع جنگل‌های اورست است که می‌توان غنی‌ترین جنگل‌های اورست را در فلات مرکزی ایران در این رشته کوه‌ها دید.
۲ - دشت پایکوهی در چند کیلومتری شهر بم جایی که درختانی چون خرما و مرکبات قدرت رویش و باروری ندارند - این دشت شامل بخش راین است.
خاک دشت پایکوهی راین دو تیپ متفاوت دارد به‌طوری که قسمت شمالی آن‌را خاک‌های تپه ماهور و کوهستانی و قسمت جنوبی آن، خاک دره‌ها و دشت‌ها است و پوشش گیاهی نسبتاً خوبی دارد.

۳ - دشت نرماشیر - این دشت روی مخروط افکنه‌های مسیل‌های جبال بارز و شاهسواران در مرکز واقع شده است.
۴ - منطقه‌ی کویری، شمال و شمال شرقی شهر بم و حتی شمال غربی آن بعد از چند پاره آبادی کوچک به منطقه‌ی کویری مرتبط می‌شود، که از لحاظ خاک‌شناسی، زمین‌های شور می‌باشد، و برای زراعت مساعد نیست. جغرافیای شهر بم محمدمهدی محلاتی.
**رودها:** رود تهرود که نخست گارچیدان نام داشت و از کوه هزار در جنوب باختری بخش راین سرچشمه گرفته و پس از پیوستن چند رود فرعی با آن، تهرود نام می‌یابد و به سوی خاور ادامه یافته و از یک کیلومتری شمال شهر بم می‌گذرد.
**کوه‌ها:** شهرستان بم در حاشیه‌ی جنوبی کویر بزرگ لوت قرار گرفته است. ۱ - کوه تخت سلیمان در شمال باختری کوه هزار در باختر و کوه جبال بارز در جنوب گردنه سرپشت نیز در ۵۵ کیلومتری باختر شهر بم قرار گرفته.
**کان‌ها:** معادن و سرب و روی در بلندی‌های جنوب باختری.
**آب و هوا:** گرم و خشک و به واسطه مجاورت با کویر آب و هوایی متغیر دارد. به‌طوری که گاه در تابستان‌ها گرم‌ترین و در زمستان‌ها سردترین نقطه‌ی کشور گزارش شده است این شهرستان به علت داشتن آب و هوای گرم محصولات گرمسیری در آن به عمل می‌آید.
**نژاد و زبان:** آریایی‌نژادند و به زبان فارسی با گویش‌های کرمانی و بلوچی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان سردسیری و گیاهان کویری در نقاط مختلف می‌رویند. به‌طوری که در بخش راین مناطق جنگلی پوشیده از درختان پسته‌ی جنگلی، و بادام کوهی و چراگاه‌های فراوانی برای چرای دام و در نواحی خاوری و شمالی که نزدیک کویر است بوته‌ها و گیاهان کویری می‌روید.
**جانوران:** گرگ و کفتار
**اقتصاد:** بر باغداری، کشاورزی، دامداری و قالی‌بافی استوار است. کشاورزی و باغداری صددرصد آبی و زمین‌های زیرکشت آن در حدود ۴۵٪ آب کشاورزی از کاریزها و رود فراهم گشته. دامدرای بیش‌تر در بخش راین رواج دارد و به‌طور کلی پروش گوسفند، گاو و طیور و شتر مورد توجه است.
قالی‌بافی از اهمیت فراوانی برخوردار و قالی‌های بافت این شهرستان به واسطه‌ی طرح و نقش‌های بوته جقه‌ای و شاه عباسی دارای ارزش است.
**فرآورده‌ها:** خرما، گندم، جو، پنبه، تره‌بار، مرکبات از همه مهم‌تر و دام فرآورده‌های دامی و قالی، حنا، علوفه
در قرن چهارم هـ. ق بم یک منطقه مهم کشاورزی بود. ابن حوقل در سفری که به این ناحیه کرد از بم چنین یاد نمود: «شهر بم نخلستان‌ها و دیه‌های بسیار و هوایی سالم‌تر از جیرفت دارد. قلعه استوار و معروف دراندرون این شهر است و سه مسجد جامع دارد که ....
شهرستان بم در حد فاصل ۲۱۰ کیلومتری قسمت شرقی شهر کرمان میان شهرستان‌های جیرفت، کرمان و استان سیستان و بلوچستان قرار گرفته، مرکز شهرستان بم از سطح دریا ۱۰۶۲ متر ارتفاع و ۱۶۷ میلی‌متر باران به طور متوسط در سال دارد.
**بَم (مرکز شهرستان):** شهر بَم مرکز شهرستان بم، از شهرستانهای استان کرمان و در ۲۲ درجه و ۵۸ دقیقه طول جغرافیائی و در ۷ درجه و ۲۹ دقیقه عرض جغرافیایی و در بلندی ۱۰۶۰ متری

از سطح دریا و در ۲۰۰ کیلومتری جنوب خاوری شهر کرمان و در مسیر راه کرمان ـ زاهدان است.
**آب و هوا:** شهر بم گرم و خشک، بیشترین درجه گرما در تابستانها به ۴۸ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۴ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۶۸ میلی‌متر است.
**بهرمان:** از دهستان‌های بخش نوق شهرستان رفسنجان استان کرمان و مرکز آن نعمت‌آباد است.
**بیاض:** از دهستان‌های بخش انار شهرستان انار استان کرمان و مرکز آن لطف‌آباد است.
**پاریز:** از بخش‌های شهرستان سیرجان، استان کرمان، مرکز این بخش پاریز، دارای دو دهستان ۱ - پاریز ۲ - سعادت‌آباد است.

پاریز در ۶۰ کیلومتری شمال شهرستان سیرجان قرار گرفته از نظر آب و هوا، دارای تابستان‌های خنک و معتدل و زمستان‌های نسبتاً سرد است. در جوار پاریز کوه راویز قرار و رودهای متعددی جریان دارد.
**پاریز:** از دهستان‌های بخش حومه شهرستان سیرجان استان کرمان و مرکز آن پاریز و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک قرار و رود فصلی باوز در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، گردو و بادام
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام
**جانوران:** گرگ، گراز و روباه
**پاقلعه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهر بابک استان کرمان و مرکز آن مرج و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل و خاک کوه کوه تل جنگ بنه و کمر بادامستان قرار و رود فصلی مرج در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، انگور، زردآلو، به، انار، توت، بادام و گردو
**پوشش گیاهی:** آلاله، آویشن، و پرسیاوشان و پوشش گیاهی مرتعی
**جانوران:** بزکوهی، قوچ و میش و گرگ
**پشت رود:** از دهستان‌های بخش نرماشیر شهرستان بم استان کرمان و مرکز آن قاسم‌آباد است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و رود کلی در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، خرما و مرکبات.
**پوشش گیاهی:** درختان کهور و پوشش مرتعی.
**جانوران:** گرگ، گراز، کفتار، روباه و خرگوش.
**تکاب:** از دهستان‌های بخش شهداد شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن استحکام و در منطقه‌ای کویری، گرم و خشک قرار دارد و رود فصلی دولت‌آباد و رود فصلی ابراهیم‌آباد در آن
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، بنشن، حنا، خرما، لیمو، نارنج و پرتقال
**پوشش گیاهی:** درخت کوسن
**جانوران:** گرگ، روباه و کفتار
**جازموریان:** از بخش‌های شهرستان رودبار جنوب استان کرمان و مرکز آن زهکلوت و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه سورگاه در آن قرار گرفته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار و مرکبات
**پوشش گیاهی:** درختان گز و پوشش مرتعی برای چرای دام
**جانوران:** آهو، گرگ، روباه و شغال
**جبالبارز:** از بخش‌های شهرستان جیرفت استان کرمان می‌باشد که از شمال و خاور به شهرستان بم، از جنوب به بخش شهرستان کهنوج و از باختر به سبزواران (مرکز جیرفت) و بحش ساردوئیه محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش محمدآباد، دارای ۳ دهستان (۱ - رضوان ۲ - سغدر ۳ - مسکون) است.

**رودها:** ۱ - رود سغدر که از کوه شاه جبال بارز سرچشمه گرفته، پس از گذشتن از روستای سغدر و آبیاری دهستان مسکون در باختر به رود سجد می‌پیوندد. ۲ - رود سردرو (SARDARU) که از کوه چهل تن در شمال سرچشمه گرفته و در نزدیکی روستای گروه به رود گروه می‌ریزد ۳ - رود بنه ۴ - رود سربنا ۵ - رود دهنه کمرکان ۶ - رود کره

**کوه‌ها:** در بخش جبال بارز کوه‌های جبال بارز قرار دارد که مهم‌ترین آن‌ها از شمال به جنوب ۱ -کوه کنه ۲ - کوه کورشت ۳ - کوه زارین ۴ - کوه قدمگاه ۵ -کوه شاه‌جبال بارز ۶ -کوه سرخ ۷ - کوه میجان (بلندترین قله ۳۹۶۰ متر) در کوه شاه جبال بارز است.

**آب و هوا:** معتدل مایل به سرد.

طایفه‌ی بزرگ جبال بارز رودبار، در تابستان‌ها در دهستان مسکون و زمستان‌ها در دهستان گاوکان به سر می‌برند از مردم جبال بارزند.

**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان فارسی با گویش ویژه جبال بارز سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** در کوه‌ها و پیرامون و میان دره‌ها و جنگل‌های پراکنده‌ای از درختان کیکم، بلوط و بنه - گیاهان دارویی و صنعتی: گل‌گاوزبان، بابونه، آویشن، گون کتیرا، **پوشش گیاهی:** برای چرای دام به طور فراوان وجود دارد.

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، گراز، پلنگ، خرس، بزکوهی، قوچ، میش، خرگوش، کبک

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری، قالی و قالیچه‌بافی استوار است. کشاورزی پررونقی به واسطه‌ی مساعد بودن آب و هوا از ۷۰٪ زمین‌های قابل کشت، حدود ۳۰٪ آن زیر کشت می‌باشد. آب کشاورزی از رودها، چشمه‌سارها و کاریزها فراهم گشته - نوع کشت آبی دامداری نیز پررونق و بیش‌تر پرورش گاو و گوسفند و طیور و از منابع مهم درآمد مردم این سامان است. قالی و قالیچه بافی و گلیم‌بافی هم به وسیله‌ی طوایف کوچ‌نشین بافته و عرضه می‌شود.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، انواع میوه و پنبه، دام و فرآورده‌های دامی.

**جرجافک:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زرند استان کرمان و مرکز آن جرجافک است

**جور:** از دهستان‌های بخش کوهبنان شهرستان زرند استان کرمان و مرکز آن جور است.

**جوران:** از دهستان‌های بخش رابر شهرستان بافت استان کرمان و مرکز آن کهنوج است.

**جوزم:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهربابک استان کرمان و مرکز آن جوزم و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل، بزکوه، کوه کمر، سرخو، کوه سرا و کوه میشون در آن قرار گرفته است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، بادام، زردآلو، توت و انگور

**پوشش گیاهی:** آلاله و آویشن و پوشش گیاهی مرتعی

**جانوران:** بزکوهی، قوچ و میش، گرگ و روباه

**جوشان:** از دهستان‌های بخش گلباف شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن جوشان است و در منطقه‌ای میانکوهی، معتدل خشک، کوه سرخ و کوه کلاغان و کوه بیدوئی در آن قرار دارند.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، انگور و سیب
**پوشش گیاهی:** گیاهان دارویی، و گیاهان مرتعی
**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، گرگ، روباه و آهو
**جهادآباد:** از دهستان‌های شهرستان عنبرآباد استان کرمان و مرکز آن دو ساری است.
**جیرفت (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان جیرفت (استان کرمان و مرکز آن شهر جیرفت و دارای ۸ دهستان: (۱ - اسماعیلی ۲ - اسلام‌آباد ۳ - اسفندقه ۴ - حسین‌آباد ۵ - خاتون‌آباد ۶ - دولت‌آباد ۷ - گنج آباد ۸ - هلیل) است.
**جیرفت (شهرستان):** از شهرستان‌های استان کرمان می‌باشد که از شمال به شهرستان بم از خاور به خاش و ایرانشهر، از جنوب به جاسک و میناب و از باختر به شهرستان بافت محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر جیرفت، دارای ۴ - بخش ۱ - بخش مرکزی، دارای ۸ دهستان (۱ - اسماعیلی ۲ - اسلام‌آباد ۳ - اسفندقه ۴ - حسین‌آباد ۵ - خاتون‌آباد ۶ - دولت‌آباد ۷ - گنج‌آباد ۸ - هلیل) ۲ - بخش ساردوئیه ۳ - عنبرآباد ۴ - بخش جبالباز است.
**رودها:** ۱ - رود آب شور از کوه‌های باختری سرچشمه گرفته و پس از آبیاری نمودن دهستان اسفندقه، در جهت شمال روان گشته به هلیل رود می‌ریزد. ۲ - رود گسک چوغان از ناحیه‌ی شمال باختری کوه چوغان در باختر شهرستان جیرفت سرچشمه می‌گیرد و پس از آبیاری دهستان اسماعیلی به هلیل رود می‌ریزد ۳ - رود شور که از به هم پیوستن رودهای سجد و دلفارد پدید آمده در حدود ۷کیلومتری جنوب خاوری سبزواران به هلیل رود می‌ریزد ۴ - رود کغارکی که از بلندی‌های جیرفت سرچشمه می‌گیرد و پس از آبیاری مسیرش به رود هلیل می‌ریزد. ۵ - هلیل‌رود که از مهم‌ترین رودهای استان کرمان است از کوه لاله‌زار در شمال خاوری به آن از شهر سبزواران می‌گذرد و سرانجام وارد مرداب جازموریان می‌گردد.
**چشمه‌سارها:** ۱ - چشمه حنا ۲ - چشمه زاخت ۳ - چشمه‌ی ملک‌آباد
**کوه‌ها:** به جز مناطق مرکزی کوهستانی است و رشته جبال بارز نواحی شمال و شمال خاوری جیرفت را در میان گرفته است: ۱ - کوه تنگ دلفارد ۲ - کوه زارین
۳ - کوه کنه کوه در شمال ۴ - کوه قدمگاه ۵ - کوه شاه‌جبال بارز ۶ - کوه گودسرخ در خاور ۷ - کوه عالی چوغان ۸ - کوه سروستان ۹ - کوه سرگزکوه ۱۰ - کوه زیارت در باختر ۱۱ - کوه قرکتوئیه در شمال باختری
**آب و هوا:** به‌طور کلی معتدل و در برخی جاها سرد - شهرستان جیرفت از نظر ناهمواری‌ها به دو قسمت تقسیم گشته است: ۱ - ناحیه‌ی کوهستانی ۲ - ۱ - ناحیه‌ی کوهستانی شالم نواحی شمال وشمال غربی است که از مناطق مهم کوهستانی این شهرستان است ۲ - ناحیه‌ی جلگه‌ای که شامل حومه‌ی سبزواران است (جیرفت) و ناحیه‌ی پست جلگه‌ای است که دارای زمین‌های مستعد برای کشاورزی است. به‌طور کلی آب و هوای این شهرستان در نواحی جلگه‌ای گرم و نسبتاً مرطوب و در مناطق بلند، آب و هوایی معتدل کوهستانی دارد. پرباران‌ترین منطقه‌ی این شهرستان بلندی‌های جبال بارز است که به ۶۰۰ میلی‌متر در سال می‌رسد. در محلی به نام تنگه‌ی تراب سدی بر روی این رود بسته‌اند که از نظر تأمین آب کشاورزی و تولید برق اهمیت بسیار دارد. علاوه

بر این آب‌های زیرزمینی منطقه‌ی دشتی این شهرستان بسیار است که مورد استفاده قرار گرفته است.
این شهرستان منطقه‌ای است عشایری که به جز زبان فارسی در ناحیه‌ی رودبار و ساردوئیه به گویش‌های لری و بلوچی نیز سخن می‌گویند.
کتابهای درسی
شهرستان جیرفت جزیی از ناحیه‌ی جنوب شرقی ایران سرزمینی است با وسعت حدود ۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع ارتفاع این منطقه در ساردوئیه تا ۲۵۰۰ متر و در دشت جیرفت میان ۶۰۰ تا ۷۰۰ متر و در منطقه‌ی رودبار و منوجان میان ۴۰۰ تا ۵۰۰ می‌باشد.
**پیشینه تاریخی:** به نزدیک جیرفت کوهی هست که آنرا میجان گویند و تمامت میوه‌ها که در جیرفت می‌آورند و برف و غیره از آنجا نقل می‌کنند.
و به جیرفت رودی آب هست و آب آن عظیم‌تر می‌رود و آوازی درشت و هایل از آن برمی‌خیزد برای آنکه سنگهای بزرگ و بسیار در میانهٔ آن افتاده است و هیچکس در میانهٔ آن نمی‌تواند رفتن مگر پای خود را از سنگ محافظت کند، و مقدار آن آب چندان است که بیست آسیاب بدان گردد.
و اما جیرفت شهری خوش و نزه است با خصیب و راحت و دعت و نعمت و درازای آن به مقدار دو فرسنگ است و بازرگانان خراسان و بجستان در آنجا جمع می‌شوند و چیزها حمل می‌کنند و میوه‌های چند که در سردسیر و گرمسیر می‌باشد در آنجا با یکدیگر جمع می‌شود مثل رطب، ترنج و گردو ... «۱۳»
جیرفت ابن‌حوقل گوید: جیرفت شهری است که مجمع بازرگانان خراسان و سیستان است، شهری است به راستی پر نعمت. کشتزارهای آن آبی است. از آنجا تا هرمز چهار مرحله و از جیرفت تا سیرجان دو مرحله. مهلبی گوید: جیرفت بزرگترین شهر کرمان است. خرما و ترنج فراوان دارد و مقصد بازرگانان است.«۱۵»
**چاه داد خدا:** از دهستان‌های بخش قلعه گنج شهرستان دهنوج استان کرمان و مرکز آن چاه‌دادخدا است.
**چاهرگان:** از دهستان‌های بخش ریگان شهرستان بم استان کرمان و مرکز آن حسین‌آباد چاهدگال است.
**چترود:** از بخش‌های شهرستان کرمان: استان کرمان مرکز آن شهر چترود، دارای دو دهستان (۱ -کویرات ۲ - مغریه) است.
در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک در ۳۸ کیلومتری شمال باختری کرمان و کنار جاده‌ی اسفالته‌ی کرمان - زرند قرار دارد و کشاورزی، باغداری، دامداری و فرشبافی از منابع مهم مردم این سامان است.
**کشت:** آبی، آب کشاورزی و آشامیدنی از کاریز و چاه فراهم گشته است.
**پوشش گیاهی:** گون کتیرا، و پوشش گیاهی برای چرای دام
**جانوران:** روباه، خرگوش و شغال
چتر رود در شمال کرمان قرار گرفته، انار این بخش به خوبی و فراوانی شهرت دارد. در نزدیکی چتر رود معادن زغال‌سنگ فراوان وجود دارد.
**چهارفرسخ:** از دهستان‌های، بخش شهداد شهرستان کرمان استان کرمان در منطقه‌ای دشتی، گرم خشک قرار و کوه طبق سر در آن قرار گرفته
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، بنشن، خرما، لیمو، نارنج و پرتقال

**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، پلنگ، کفتار، آهو
**چهارگنبد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سیرجان استان کرمان و مرکز آن چهارگنبد است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک قرار دارد و رود بابوجهر در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار
**پوشش گیاهی:** گون کتیرا و پوشش گیاهی برای دام
**جانوران:** گرگ و روباه
**حتکن:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زرند استان کرمان و مرکز آن حتکن و در منطقه‌ای است پایکوهی، معتدل خشک و کوه کمرسیاه و کوه مزار در آن قرار گرفته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، یونجه، تره‌بار، زردآلو، انار و فرش
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام
**جانوران:** روباه و خرگوش
**حرجند:** از دهستان‌های بخش کوهساران شهرستان راور استان کرمان و مرکز آن حرجند است و در منطقه‌ای معتدل خشک، کوه اشکلی و معدن زغال‌سنگ در آن قرار گرفته.
**پوشش گیاهی:** درخت بادام کوهی و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** روباه و خرگوش
**حسین آباد:** از دهستان‌های بخش انار شهرستان رفسنجان استان کرمان و مرکز آن حسین‌آباد امین است.
**حسین آباد گروه:** از دهستان‌های بخش راین شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن گروه است. و در منطقه‌ای پایکوهی، معتدل خشک و کوه دهنه خون سرخی قرار و رود فصلی دزدوئیه در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، هلو، زردآلو و گلابی
**پوشش گیاهی:** گل گاوزبان، بومادران
**جانوران:** گرگ، روباه و خرگوش
**حومه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بم استان کرمان و مرکز آن خواجه عسکر است و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک قرار گرفته و رود پشت‌رود در آن روان است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، خرما، انار و انگور
**جانوران:** شغال، کفتار، روباه و خرگوش
**حومه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن چاه حاجی کردی کرمان و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک و کوه کلوک در آن قرار و رود هلیل‌رود در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، مرکبات و خرما
**پوشش گیاهی:** درختان گز و کهور و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** شغال، روباه و آهو
**خاتون آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی جیرفت شهرستان جیرفت استان کرمان و مرکز آن خاتون آباد زنگیان است و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک قرار گرفته.
**فرآورده‌ها:** مرکبات و خرما
**پوشش گیاهی:** گیاه گل بابونه و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** کفتار، گرگ، آهو، روباه و خرگوش
**خانوک:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زرند استان کرمان و مرکز آن خانوک است و در منطقه‌ای پایکوهی، معتدل خشک قرار گرفته.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، یونجه، زردآلو، انار،

انگور، انجیر، توت، پسته و فرش
**پوشش گیاهی:** آویشن، کلپوره - درختان بادام کوهی بنه و گیاهان مرتعی
**جانوران:** بزکوهی، قوچ و میش، روباه، شغال و خرگوش
**خبر:** از دهستان‌های بخش حومه شهرستان بافت استان کرمان و مرکز آن خبر است در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک، کوه‌های خبر در آن قرار و رود خبر در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، گردو و بادام
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام
**جانوران:** روباه، گرگ و خرگوش
**خرسند:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهربابک استان کرمان و مرکز آن خرسند است.
**خرمدشت:** از دهستان‌های بخش کوهبنان شهرستان زرند استان کرمان و مرکز آن خرمدشت است.
**خناب (خوناوب):** در سال ۲۵۰ هجری، ابن خرداد به نخستین بار نام شهر خناب را در مسیر سیرجان ـ بم ضبط کرده است که مسافت آن تا محل بعدی به نام غبیرا نیز ۵ فرسنگ بوده. امروز هم دهکده غویرا حدود ۵ فرسنگ با نگار فاصله دارد و ظاهرا نام ساسانی آن سنجد بوده است. مقدسی نام خناب را خوناوب نوشته که نام اصلی آن است و از دو جز خون و (یاخان) اوستایی به نام سرچشمه + آب تشکیل یافته و احتمالا خناب معرب خوناب شهر ساسانی است. امروز در ایران در ابتداو انتهای نام برخی از محل‌ها و اماکن واژه خون مانندگاوخونی، بیدخون، خونیه و غیره دیده می‌شود.

بنا بر نوشته مقدسی خوناوب شهری میانه بود و مسجد جامع آن در بازار قرار داشت.«۱۹»

**خنامان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان رفسنجان استان کرمان و مرکز آن خنامان است و در منطقه‌ای میانکوهی، معتدل خشک ۱ - کوه گرد ۲ - کوه دو شاخ ۳ - کوه ریک در آن قرار و رود فصلی قلند در این دهستان جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ارزن، انار و فرش
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام.
**جانوران:** بزکوهی، قوچ و میش، روباه و خرگوش
**درب مزار** (مرکز بخش): شهرک درب مزار مرکز بخش ساردوئیه از بخشهای شهرستان جیرفت، استان کرمان و در ۹۲ کیلومتری شمال باختری سبزواران و در مسیر راه رضی‌آباد ـ رابُر و در ۲۰ درجه و ۵۷ دقیقه طول جغرافیائی و در ۱۴ درجه و ۲۹ دقیقه عرض جغرافیائی است.
**آب و هوا:** نسبتاً سرد، بیشترین درجه گرما در تابستانها ۳۰ درجه بالای صفر و کمترین درجه گرما در زمستانها ۲۰ درجه زیر صفر و میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۳۵۰ میلی‌متر است.
**درختنگان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن ده‌لولو است و در منطقه‌ای دره‌ای، معتدل خشک و کوه زردقرار و رود گهری شاخابه‌ای از سرچشمه‌ی رود شهدا جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، آلوچه و آلبالو
**پوشش گیاهی:** درخت گز و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** روباه، خرگوش
**دره دران:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان رفسنجان استان کرمان و مرکز آن داوران است.
**دشتاب:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بافت استان کرمان و مرکز آن کشکوئیه است. در

منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، چغندر قند، تره‌بار
**پوشش گیاهی:** درختان گز، بادام کوهی، بنه و پوشش مرتعی
**جانوران:** گرگ، روباه، آهو، خرگوش
**دشت خاک:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زرند استان کرمان و مرکز آن دشت خاک است. و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک، کوه چهل‌دختر در آن قرار گرفته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تخمه‌آفتابگردان، و ارزن، دام و فرآورده‌های دامی
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام
**جانوران:** شغال و روباه
**دلفارد:** از دهستان‌های بخش ساردوئیه شهرستان جیرفت استان کرمان و مرکز آن رضی‌آباد است و در منطقه‌ی دشتی، معتدل خشک، کوه درب مزار و کوه باغ علی‌شیر در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** خرما و مرکبات
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام.
**جانوران:** روباه، خرگوش و کبک
**دولت آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی جیرفت استان کرمان و مرکز آن دولت‌آباد است.
**ده‌بکری:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بم استان کرمان و مرکز آن ده‌بید است.
**دهج:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهر بابک استان کرمان و مرکز آن دهج و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل و مرزکوه در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، بادام، زردآلو و توت.
**پوشش گیاهی:** اسطو خدوس، کاکوتی و گل زوفا.
**جانوران:** بزکوهی، قوچ و میش، روباه، شغال و گرگ.

**دهسرد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بافت استان کرمان مرکز آن پتکان است. در منطقه‌ای دره‌ای، معتدل خشک، کوه مورک، کوه مزار و کوه کوشک در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند، تره‌بار، انار و گردو.
**پوشش گیاهی:** درختان بادام کوهی، بنه، گز و پوشش مرتعی.
**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، کفتار، یوزپلنگ، گرک، آهو و خرگوش.
**ده کهان:** از دهستان‌های بخش آسیمون شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن بارگاه است.
**رابر:** از دهستان‌های بخش رابر شهرستان بافت استان کرمان و مرکز آن اسکر و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک قرار و رود اسکر در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، بنشن، هلو، زردآلو و گردو
**پوشش گیاهی:** کتیرا، شیرین‌بیان و پوشش گیاهی مرتعی
**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش
**رابر:** از بخش‌های شهرستان بافت، استان کرمان، مرکز آن شهر رابر، دارای ۴ دهستان (۱ - رابر ۲ - جواران ۳ - سیه بنوئیه ۴ - هنزا) است.
منطقه‌ای است، دشتی، معتدل خشک، در ۳۸ کیلومتری شمال شرقی بافت رود رابر ازکنار مرکز این بخش می‌گذرد و به هلیل‌رود می‌پیوندد.
**اقتصاد:** کشاورزی و دامداری، باغداری و فرشبافی راه گذران زندگی مردم است.
**کشت:** گندم، جو، تره‌بار، بنشن، زردآلو، هلو، گردو و گلابی
**پوشش گیاهی:** گون کتیرا، و پوشش گیاهی برای چرای دام

**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، آهو و کبک و تیهو

**رابر** (مرکز بخش): شهرک رابر مرکز بخش حومه شهرستان بافت استان کرمان، در ۵۵ درجه و ۵۶ دقیقه طول جغرافیائی و در ۱۸ درجه و ۲۹ دقیقه عرض جغرافیائی و در بلندی ۲۳۲۰ متری از سطح دریا، در دشتی معتدل خشک و در ۳۸ کیلومتری شمال خاوری بافت قرار دارد.

**راور:** از شهرستان‌های استان کرمان از شمال به کویر بزرگ از جنوب به کرمان و شهرستان زرند، از خاور و جنوب خاوری به کویر لوت و از باختر به شهرستان بافق محدود است.

شهرستان راور در شمال استان کرمان به فاصله‌ی ۱۴۳ کیلومتری شهر کرمان در کنار دشت لوت و در سر راه کرمان به مشهد قرار گرفته است. کتابهای درسی

**کوه‌ها:** ۱ - کوه گدار ریگی در شمال خاوری ۲ - کوه سگزان در خاور ۳ - کوه زارد در جنوب باختری ۴ - کوه بندانار در باختر قرار دارند.

**رودها:** ۱ - رود فصلی ریحان که از کوه‌های سه پابه، چهل‌دختر و کوه سهم حسین سرچشمه گرفته از خاور بخش راور می‌گذرد. ۲ - رود فصلی آبکوهی، از کوه بندانار سرچشمه گرفته بسوی راور روان می‌شود. ۳ - رود فصلی سرگردان از کوه‌های طغرل‌جرد در ۳۰ کیلومتری باختر سرچشمه گرفته و پس از گذشتن از محدوده‌ی راور به دشت لوت می‌ریزند. کاریزهای بسیار نیز در این بخش روان است.

**رستنی‌ها:** جنگل‌های پراکنده‌ای از درختان بادام کوهی وجود دارد.

**جانوران:** روباه، شغال، گرگ و پلنگ

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهرستان شهرراور، دارای دو بخش (۱ - مرکزی دارای دهستان راور ۲ - بخش کوهساران است)

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی کرمانی سخن می‌گویند.

**راور:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان راور استان کرمان و مرکز آن ده‌علی و در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک، کوه مارکیشه در آن قرار گرفته است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پسته، پنبه، فرش، دام و فرآورده‌های دامی.

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام.

**جانوران:** شغال، پلنگ، روباه، آهو و جوجه تیغی

**راور (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان راور استان کرمان و مرکز آن شهر راور و دارای دهستان: (۱ - راور) است.

**راویز:** از دهستان‌های بخش کشکوئیه شهرستان انار استان کرمان ومرکز آن حوم‌الدین است. و در منطقه‌ای میانکوهی، معتدل و سرد و تل سرخ و تل دهوئیه و کوه توقول دمز و کوه کمرایلی در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، بادام، سنجد، گردو، گلابی، انار، توت، پسته و انگور

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام و گیاهانی چون آلاله، آویشن و شاه‌تره

**جانوران:** بزکوهی، قوچ و میش، گرگ، گراز، روباه، روباه، خرگوش

**راین:** از بخش‌های شهرستان کرمان استان کرمان می‌باشد که از شمال به ماهان، از خاور به شهر بم، از جنوب به جیرفت و از باختر به سیرجان محدود است.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر راین، دارای دو دهستان (۱ - راین ۲ - حسین‌آباد گروه) است.

**دشت پایکوهی راین:** این دشت تقریباً شامل بخش راین است و مازاد محصول آن که شامل محصولاتی مثل سیب‌زمینی - چغندر قند، گندم، جو، گلابی و سیب می‌باشد و به ویژه در غرب و مرکز این دشت، به شهر کرمان حمل می‌شود. در نتیجه این دشت کم‌تر رابطه‌ی اقتصادی و تجاری با شهر بم دارد.

جاده‌ی اصلی بم - کرمان از حاشیه‌ی طولی این دشت می‌گذرد خاک دشت پایکوهی راین دو تیپ متفاوت دارد، به‌طوری‌که قسمت شمالی آن را خاک‌های تپه ماهور و کوهستانی، از نوع سیتول متشکل از سنگ‌های خروجی در ناحیه‌ی خاک‌های برون و سیرزم و قسمت جنوبی آن خاک دره‌ها و دشت‌ها است آن هم از نوع خاک‌های رسوبی بافت و درشت و خاک‌های کالوویال و ریگوسل می‌باشد و پوشش گیاهی آن کیفیتی خوب نسبت به سایر مناطق جغرافیایی شهرستان دارد.

**رودها:** ۱ - رود فصلی تهرود که از کوه هزار سرچشمه گرفته، از دهستان تهرود می‌گذرد و در زمین‌های خاور شهر بم فرو می‌رود، حدود ۹ رشته کاریز در این بخش روان است از چاه‌های ژرف نیز بهره‌برداری می‌شود.

**کوه‌ها:** شهرک راین در جلگه و کوه‌های تخت سلیمان در شمال هزار در باختر و خان خاتون در خاورش قرار گرفته. دشت پهناور گودالی در حد فاصل میان کوه تخت سلیمان و شهرک راین قرار دارد.

**کان‌ها:** ۱ - معدن مس در ۱۰ کیلومتری شهرک راین ۲ - معدن نمک قلعه حیدر در جنوب خاوری ۳ - معدن سنگ مرمر سرحسین‌آباد در جنوب خاوری

**آب و هوا:** معتدل و خشک، برفی آب و هوای این بخش را معتدل و سرد و در ۱۰۸ کیلومتری جنوب کرمان قرار دارد.

**نژاد و زبان:** آریایی‌نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند

**رستنی‌ها:** جنگل‌هایی از درختان بن، قیچ و کهور - پوشش گیاهی چراگاههایی برای چرای دام

**جانوران و پرندگان:** گرگ، کفتار، روباه، شغال، آهو و دراج

**اقتصاد:** برکشاورزی، دامداری و قالی‌بافی استوار است کشاورزی نسبتاً پررونق و منابع آب کاریزها، چاه‌های ژرف و نیمه ژرف دامداری به واسطه‌ی موقع خاص طبیعی رونق فراوان و اهمیت اقتصادی بسیار دارد. قالی که بیش‌تر با طرح‌ها و نقشه‌های کرمانی بافته می‌شود از منابع مهم درآمد مردم این سامان است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندر قند، تره‌بار، انواع میوه‌های سردرختی دام و فرآورده‌های دامی و قالی، بنشن، سیب زمینی، چاقو، ساخته‌های درودگری

**راین:** از دهستان‌های بخش راین شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن ده‌میرزا است. و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک و کوه گلکی و تل محمودآباد در آن قرار گرفته.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، تره‌بار، پسته، انگور و سیب.

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام

**جانوران:** روباه و خرگوش

**رزم‌آوران:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان رفسنجان استان کرمان و مرکز آن رزم‌آوران است.

**رضوان:** از دهستان‌های بخش نوق شهرستان

رفسنجان استان کرمان و مرکز آن اسماعیل‌آباد است.

**رضوان:** از دهستان‌های بخش جیالبارز شهرستان جیرفت استان کرمان و مرکز آن میجان‌سفلی است.

**رفسنجان:** از شهرستان‌های استان کرمان می‌باشد که از شمال به شهرستان بافق، از خاور به کرمان، از جنوب به سیرجان و از باختر به بوانات آباده محدود است. این شهرستان در غرب استان کرمان قرار گرفته، ارتفاعش از سطح دریا حدود ۱۴۶۹ متر می‌باشد. ارتفاعات این شهرستان دنباله‌ی کوه‌های مرکزی ایران است. این بلندی‌ها به دو رشته تقسیم گشته که شهر رفسنجان میان این دو رشته کوه قرار دارد.

۱ - رشته شمالی که از مهم‌ترین کوه‌های آن نوق و داوران است. ۲ - رشته‌ی جنوبی که از بلندی‌های مهم آن کوه‌های معدن مس سرچشمه است. کتابهای درسی

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان، شهر رفسنجان، دارای ۴ بخش ۱ - مرکزی دارای ۸ دهستان (۱ - آزادگان ۲ - اسلامیه ۳ - قاسم‌آباد ۴ - خنامان ۵ - دره دران ۶ - سرچشمه ۷ - کبوترخان ۸ - رزم‌آوران) ۲ - بخش نوق ۳ - کشکوئیه ۴ - بخش انار است.

**رودها:** رود کبوترخال، پس از آبیاری جنوب و جنوب خاوری این شهرستان در زمین‌های خاوری فرو می‌رود. ۲ - رود شور که از حدود ۵ کیلومتری شهر رفسنجان می‌گذرد ۳ - رود شور دیگر از کوه سرخ در شمال خاوری روان گشته و تا حوالی بافق ادامه دارد - کاریزهای بسیار نیز روان است.

**کوه‌ها:** از حدود ۲۰ تا ۳۰ کیلومتری شمال رفسنجان به سوی خاورش کشیده شده و این شهرستان را از شهرستان زرند جدا می‌سازد: ۱ - کوه محمدآباد ۲ - کوه کلاته ۳ - کوه بیدسوخته ۴ - کوه نره‌کوه ۵ - کوه مساهیم ۶ - کوه باری‌کوه ۷ - کوه سنگ‌آواز ۸ - کوه سرخ.

**کان‌ها:** ۱ - زغالسنگ، سنگ‌آهن و سنگ مرمر و معدن مس سرچشمه که در ۵۵ کیلومتری جنوب شهر رفسنجان قرار دارد.

**آب و هوا:** معتدل مایل به سرد و خشک - رفسنجان در منطقه‌ای کویری قرار دارد و آب و هوای آن نیمه‌بیابانی و خشک است. میزان بارندگی آن کم و حداکثر بارندگی در زمستان و اوایل بهار است. بلندی‌ها، آب و هوایی معتدل کوهستانی دارد.

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش کرمانی سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان پسته‌ی کوهی و بادام کوهی - پوشش گیاهی چراگاه‌ها برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، آهو، قوچ، میش، کبک و تیهو نوع کشت بیش‌تر آبی است که از آب کاریزها، چاه‌های ژرف و نیمه ژرف آبیاری می‌شود. پسته، انار، آبیاری می‌شود. باغداری نیز پراهمیت است. پسته، انار، انگور، سیب، گردو، فندق و زردآلو از جمله محصولاتش است دامداری چندان مانند کشاورزی و باغ‌داری سودآور نیست. قالی‌بافی از اهمیت نسبتاً بالایی برخوردار می‌باشد چه نقش‌ها و طرح‌های دلپذیری دارد. از این گذشته کرباس‌بافی و گلیم‌بافی نیزانجام می‌شود.

**فرآورده‌ها:** کشاورزی گندم، جو، تره‌بار، و پنبه و قالی.

**معادن و صنایع:** معادن مس سرچشمه که در ۵۰ کیلومتری شهر رفسنجان قرار و از نظر اقتصادی

اهمیت فراوانی دارد.

**رفسنجان (بخش مرکزی)**: از بخش‌های شهرستان رفسنجان استان کرمان و مرکز آن شهر رفسنجان و دارای ۸ دهستان (۱ - آزادگان ۲ - اسلامیه ۳ - قاسم‌آباد ۴ - خنامان ۵ - دره‌دران ۶ - سرچشمه ۷ - کبوترخان ۸ - رزم‌آوران) است.

**رمشک**: از دهستان‌های بخش قلعه گنج شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن رمشک است.

**روار (مرکز بخش)**: شهرک روار مرکز بخش راور از بخش‌های شهرستان کرمان است در ۴۹ درجه و ۵۶ دقیقه طول جغرافیایی و در ۱۶ درجه و ۳۱ دقیقه عرض جغرافیایی و در بلندی ۱۱۷۵ متری از سطح دریا قرار دارد.

**آب و هوا**: معتدل خشک، بیش‌ترین درجه‌ی گرما در تابستان‌ها ۴۱ درجه بالای صفر و کم‌ترین درجه‌ی گرما در زمستان‌ها ۲ درجه بالای صفر و میزان بارندگی بارندگی ۳۵ میلی‌متر در سال است. آب و هوای راور بیابانی است.

آب آشامیدنی از چاه‌های ژرف ـ فراهم گشته، پس از پالایش وارد شبکه‌ی لوله‌کشی و برق به وسیله‌ی ژنراتورهای نصب شده در محل تأمین می‌گردد.

**اقتصاد**: بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری، قالی بافی و پیشه‌وری استوار است. نوع کشت آبی و نیمی از زمین‌های قابل کشت و آب کشاورزی از چاه‌های ژرف و کاریزها فراهم می‌شود.

دامداری شامل پرورش گاو، گوسفند و طیور است.

**فرآورده‌ها**: پسته، گندم، جو، پنبه، انار، انگور، انجیر و تره بار - دام و فرآورده‌های دامی و قالی با طرح‌های گوناگون

**روداب شرقی**: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بم استان کرمان و مرکز آن آب شورنظام‌آباد است.

**روداب غربی**: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بم استان کرمان مرکز آن کروک است.

**رودبار**: از دهستان‌های بخش رودبار، شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن رودبار است. و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک، کوه کلوک در آن قرار. رود هلیل رود در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها**: گندم، جو، تره‌بار، خرما و مرکبات

**پوشش گیاهی**: برای چرای دام.

**جانوران**: گرگ، شغال، کفتار، روباه و آهو

**رودبار جنوب (شهرستان)**: از شهرستان‌های استان کرمان، مرکز آن شهر رودبار دارای دو بخش (۱ - مرکزی ۲ - جازموریان و دارای چهار دهستان است)

**ریگان**: از بخش‌های شهرستان بم، استان کرمان، مرکز این بخش شهر محمدآباد ریگان، دارای ۴ دهستان، (۱ - ریگان ۲ - چاه دگال ۳ - گتبکی ۴ - گاوکان) است.

در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک در ۹۳ کیلومتری جنوب خاوری بم و کنار جاده‌ی ایرانشهر - بم قرار دارد.

کشاورزی، دامداری، کارگری و باغداری از منابع درآمد اهالی است.

**کشت**: آبی، آب کشاورزی و آب آشامیدنی از کاریز فراهم می‌شود.

**فرآورده‌ها**: گندم، جو، حنا، یونجه، خرما و مرکبات

**پوشش گیاهی**: درختان گز و کهور، گیاهان دارویی و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**ریگان**: از دهستان‌های بخش ریگان شهرستان بم

استان کرمان و مرکز آن محمدآباد ریگان است و در منطقه‌ای دشتی، معتدل، خشک قرار گرفته.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو و خرما، دام و فرآورده‌های دامی.
**پوشش گیاهی:** درختان گز و کهور و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** روباه، گرگ، خرگوش و شغال
**زرند:** از شهرستان‌های استان کرمان می‌باشد که از شمال به بخش راور، از خاور و جنوب خاوری به حومه‌ی کرمان، از جنوب و باختر به شهرستان رفسنجان محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر زرند دارای دو بخش ۱ - مرکزی دارای ۱۱ دهستان ۱ - اسلام‌آباد ۲ - جرجافک ۳ - دشت خاک ۴ - سربنان ۵ - سیریز ۶ - طغرالبحر ۷ - محمدآباد ۸ - وحدت ۹ - یزدان‌آباد ۱۰ - خانوک ۱۱ - حتکن ۲ - بخش کوهبنان است.
**رودها:** ۱ - شاخابه‌ای از رود شور که مناطقی از این شهرستان را آبیاری می‌کند.
**کوه‌ها:** مناطق مرکزی شهرستان زرند جلگه‌ای و از سوی شمال، خاور و جنوب کوه‌هایی چند آن را در میان گرفته‌اند. ۱ - در شمال کوه خانوک ۲ - در خاور کوه سیاه، در جنوب ۳ - کوه گردو و در جنوب باختری ۴ - کوه سرخ - کوه‌های این منطقه، دنباله بلندی‌های مرکزی است.
**کان‌ها:** ۱ - زغالسنگ ۲ - سنگ آهک (حومه‌ی زرند) ۳ - سرب ۴ - روی (در کوه بنان) ۴ - سنگ گچ
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش کرمانی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان بنه، ارژن و گز - گیاهان دارویی و صنعتی: گل گاوزبان - پوشش گیاهی و گون کتیرا
**جانوران و پرندگان:** روباه، گرک، خرگوش، شغال، جوجه تیغی، آهو، بزکوهی و کبک
**اقتصاد:** بر کشاورزی صنایع دستی و صنایع کارخانه‌ای قالی‌بافی و دامداری استوار است. کشاورزی و باغداری به جز باغ‌های پسته چندان با اهمیت نیست. نوع کشت آبی و آب آبیاری از چاه‌های ژرف و نیمه ژرف و کاریز فراهم گشته قالی‌بافی بیش‌تر طرح کرمان، نقش شاه عباسی، خشتی و درختی دارد.
دامداری بیش‌تر به روش سنتی گاو، گوسفند و شتر پرورش داده می‌شود.
کارگری در صنعت ذوب آهن نیز از دیگر منابع درآمد مردم این سامان است.
**فرآورده‌ها:** پسته، گندم، جو و تره‌بار
**آب و هوا:** از نظر آب و هوایی به دو منطقه‌ی شمالی که دارای آب و هوای بیابانی است و نواحی کوهستانی با آب و هوای کوهپایه‌ای تقسیم می‌شود و شهرستان زرند میان دره‌ای قرار گرفته است.
در زمینه‌ی منابع استخراجی، مهم‌ترین معادن این شهرستان زغال‌سنگ و سنگ آهن است. مهم‌ترین معادن زغال‌سنگ عبارت‌است از باب نیزو پابدانا، دره گر، هشونی، خمرود و هجدک زغال‌های استخراجی پس از شست و شو به کارخانه‌ی ذوب آهن اصفهان برده می‌شود.
زرند بر سر راه کرمان - یزد - راه‌آهن جنوب شرقی ایران یزد - کرمان قرار دارد.
**زرند (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان زرند استان کرمان و مرکز آن شهر زرند و دارای ۹ دهستان: (۱ - اسلام‌آباد ۲ - جرجافک ۳ - دشت خاک ۴ - سربنان ۵ - سیریز ۶ - طعرالجرد ۷ -

محمدآباد ۸ - وحدت ۹ - حتکن) است.
**زنگی آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن زنگی‌آباد است.
**زه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن نخلستان است.
**زید آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سیرجان استان کرمان و مرکز آن زیدآباد و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار گرفته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، خشخاش، پنبه، یونجه، تره‌بار و پسته
**پوشش گیاهی:** پوشش گیاهی برای چرای دام
**جانوران:** روباه و خرگوش
**زید آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سیرجان استان کرمان و مرکز آن زیدآباد است و در منطقه‌ای کویری گرم و خشک و کویر نمک در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پسته.
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، روباه، کفتار
**ساردوئیه:** از بخش‌های شهرستان جیرفت، استان کرمان است که از شمال و شمال خاوری به بخش راین (از بخش‌های شهرستان بم) از خاور و جنوب به بخش جبال بارز و بخش حومه از شهرستان جیرفت و از باختر به شهرستان بافت محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر درب‌بهشت و دارای ۳ دهستان (۱ - سارودوئیه ۲ - دلفارد ۳ - گور) است.
**رودها:** ۱ - هلیل‌رود یکی از شاخه‌های اصلیش از کوه هزار در بخش راین، سرچشمه گرفته، پس از آبیاری زمین‌های مسیر خود وارد بخش سارودوئیه گشته، از دهستان‌های سرمشک و بهر آسمان گذشته و در جهت خود به سوی جنوب خاوری جیرفت وارد باتلاق جازموریان می‌گردد. ۲ - رود سیف‌آباد، از دامنه‌های شمالی کوه تنگ دلفارد سرچشمه گرفته، پس از آبیاری دهستان‌های ساردوئیه و گروه، در بخش راین به رود شهرود می‌ریزد، ۳ - رود سنحد از کوه‌های شمالی جبال بارز و رود دلفارد از کوه تنگ دلفارد سرچشمه گرفته ساردوئیه را آبیاری می‌کنند. ۵ - رود کرقتو ۶ - رود گسک چوغان ۷ - رود آب شور که هر یک از آن‌ها زمین‌های بخش ساردوئیه را آبیاری می‌کنند.
**کوه‌ها:** مناطق شمالی و باختری آن کوهستانی است و کوه‌های شمالی که جزو جبال بارز است بلندتر می‌باشد. در شمال کوه‌های سررمشک بهر آسمان، تنگ دلفارد و کنه کوه و در مرکز و باختر ساردوئیه کوه‌های سرگز و سردستان قرار دارند - دشت اسفندقه در باختر این بخش است.
**کان‌ها:** ۱ - مس ۲ - سرب ۳ - آهن ۴ - طلا ۵ - منیزیم ۶ - سنگ مرمر
**آب و هوا:** به‌طور کلی معتدل متمایل به سرد.
طایفه‌ی بزرگ ساردوئیه و تیره‌ای از ایل افشار به نام حیدری، طایفه‌ی مهنی در ساردوئیه به طور فصلی و غیرفصلی به سر می‌برند.
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان بنه، انار جنگلی و بادام جنگلی و گیاهان دارویی صنعتی، آویشن، گل گاوزبان و کوه کتیرا، پوشش گیاهی، برای چرای دام به حد کافی.
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، خرگوش، پلنگ، خرس، گراز، کفتار، جوجه تیغی، آهو، بزکوهی، میش و کبک و تیهو

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و صنایع دستی استوار است کشاورزی به واسطه‌ی فراوانی منابع متعدد مانند رود،کاریز چشمه، بیش ترکشت آبی و گه گاه دیمی است. از اهمیت فوق‌العاده‌ای بهرمند است دامداری نیز به سبب چراگاه‌های کافی و آب و هوایی خوب پررونق و با ارزش است. صنایع دستی نیز از منابع درآمد کشاورزان و دامداران است.

قالی، گلیم، جاجیم، خورچین، چادرشب، جوال و پلاس بافته و ... به بازار عرضه می‌شود.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، گردو، بنشن، مرکبات و خرما، دام و فرآورده‌های دامی (پشم، پوست، روغن و کشک) قالی، گلیم، جاجیم، خورجین و چادرشب

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و بافت قالی، قالیچه و گلیم استوار است. جیرفت مستعدترین منطقه‌ی استان کرمان است و نوع کشت آن بیش‌تر آبی و زمین‌ها بیش‌تر به وسیله‌ی رود، چاه ژرف آبیاری می‌گردد. ۶۰٪ از زمین‌های شهرستان جیرفت قابل کشت است اما تنها ۴۰٪ آن مورد بهره‌برداری می‌باشد.

دامداری پررونق جیرفت گوسفند، گاو، شتر و طیور پرورش می‌دهد. بافت قالی و قالیچه وگلیم و جاجیم به وسیله‌ی طوایف چادرنشین و کشاورزان انجام می‌شود.

**فرآورده‌ها:** پنبه، مرکبات، موز، تره‌بار،گندم، جو، خرما، میوه‌های سردرختی و نیشکر، دام و فرآورده‌های دامی از جمله: پشم، کرک و روغن، قالی، قالیچه،گلیم و جاجیم

**ساردوئیه:** از دهستان‌های بخش ساردوئیه شهرستان جیرفت استان کرمان و مرکز آن درب بهشت است. و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک واقع است .کوهی در آن قرار و رود باب نم جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار.

**پوشش گیاهی:** کتیرا و پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، روباه، گرگ، گراز، گراز و خرگوش.

**سبزواران:** سرزمین سبزواران در جنوب شرقی استان کرمان، چه از نظر زیست محیطی و چه از لحاظ موقعیت جغرافیایی، همه‌ی ویژگی‌های لازم در راستای شکل‌گیری فرهنگ‌ها و تمدن‌های شکوفا و پیشرفته‌ی دوره‌ی پیش از تاریخ و آغاز تاریخ را داراست.

این منطقه، به مدد وجود رودخانه‌ی عظیم هلیل رود و چندین رودخانه‌ی فصلی و دائمی دیگر، فراوانی منابع آبی زیرزمینی و همچنین، به دلیل برخورداری از جلگه‌های رسوبی حاصل خیز، وجود کوه‌های بلند و قرارگیری در مسیر ارتباطی فرهنگ‌های شرق و غرب، شاهد شکل‌گیری و پیشرفت فرهنگ‌های مستقر در این ناحیه، به ویژه از هزاره‌ی پنجم ق م به بعد بود؛ فرهنگ‌هایی که با پیشرفت در امور کشاورزی و صنایع تولیدی و گسترش ارتباطات اقتصادی و تجاری با مناطق دور و نزدیک، از اوایل هزاره‌ی سوم ق م وارد مرحله‌ی شهرنشینی شدند.

نقش حیاتی و عظیم هلیل رود در شکل‌گیری و پیشرفت تمدن جوامع مستقر درکناره و دلتاهای آن، موجب شده است که «حوزه‌ی فرهنگی هلیل رود» در محدوده‌ای به وسعت ۲۰۰×۵۰کیلومتر، در حد فاصل کوه‌های «ساردوئیه» و «جبال بارز» (یعنی سرچشمه‌های هلیل رود) تا «هامون جازموریان»، شکل بگیرد و از اوایل هزاره‌ی سوم

ق م تا اواسط هزاره‌ی دوم ق م، به یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های درون فرهنگی منطقه‌ی جنوب شرق ایران تبدیل شود؛ به طوری که از مهم‌ترین مراکز صنعتی تجاری و هنری شرق باستان به شمار می‌آید.

با مطالعه‌ی اشیای بازیافتی محوطه‌های باستانی کناره‌ی هلیل رود، به وضوح می‌توان دریافت که از اواسط هزاره‌ی سوم تا اواسط هزاره‌ی دوم ق م، از نظر تولید کالاهای صنعتی و هنری، شکوفایی اقتصادی و سطح وسیع ارتباطات فرهنگی و تجاری با نقاط دور و نزدیک، این محوطه یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی، صنعتی و اقتصادی جنوب شرق ایران بوده است. غنای قبرهای باستانی این ناحیه، بر تجمع ثروت جوامع ساکن در شهرهای آن دلالت دارد؛ ثروتی که بدون شک، محصول فناوری پیشرفته درزمینه‌ی تولیدات صنعتی وکشاورزی و نتیجه‌ی روند رو به رشد سیستم‌های پیچیده‌ی توزیع و صدور مواد تولیدی این ناحیه بوده است. بر مبنای آثار به دست آمده، تکنیک به کار رفته در تولیدات هنری صنعتی حوزه‌ی فرهنگی هلیل رود، به خصوص در ساخت ظرف‌های تزئینی، سنگ صابونی، سنگ مرمر و ... مراتب پیشرفته‌تر از نمونه‌های مشابه به دست آمده از سایر محوطه‌های هم زمان، در نقاط گوناگون شرق باستان است.

از سوی دیگر، نقش مایه‌های به کار رفته در تزئین ظرف‌های سنگ صابونی کناره‌ی هلیل رود، از نظر محتوا و موضوع، دارای تنوع بسیار زیادی هستند. همچنین، نه تنها از نظر کیفیت هنری صنعتی، بلکه از لحاظ کمیت نیز آثار هنری به دست آمده از این منطقه، به ویژه در زمینه‌ی ظرف‌های منقوش سنگ نشانی شده از جنس کاریت و استانیت (سنگ صابون)، بسیار بالاتر از سایر محوطه‌های هزاره‌ی سوم ق م در ایران، میان روان و ساحل جنوب و غرب خلیج فارس است.

با توجه به مدارک موجود، این احتمال قابل طرح است که این حوزه‌ی فرهنگی، مرکز اصلی تولید و توزیع اشیای تزئینی از جنس سنگ صابون به شمار می‌آمده است. محوطه‌های شهری آن با فعالیت زیاد کارگاه‌های صنعتی و هنری خود، علاوه بر پاسخگویی به سفارشان و نیازهای صنعتی سایر مناطق و برقراری روابط گسترده و سازمان یافته با نواحی دیگر و تبادل دست آورده‌های فرهنگی به طور متقابل، بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی خود را از طریق ارسال کالاهای تولیدی، به سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌های دنیای باستان، از جمله میان رودان و جنوب غرب ایران، منتقل کرده است.

حوزه‌ی فرهنگی جنوب شرق و حوزه‌ی درون فرهنگی هلیل رود نیز، در دوره‌های تاریخی گوناگون از نظر سیاسی و اجتماعی و از لحاظ فرهنگی و اقتصادی حائز اهمیت بسیار بوده است. این ناحیه، در دوره‌ی هخامنشی بخشی از ساتراپی (ایالت) «مرکان» به شمار می‌آمد که بارها در کتیبه‌های هخامنشی و نقش‌ها و حجاری‌های این دوره، به نام و محصولات تولیدی آن اشاره شده است. این ناحیه در دوره‌های سلوکی، اشکانی و ساسانی نیز یکی از مناطق مهم و حساس محسوب می‌شده است.

در دوره‌ی اسلامی، یکی از دوره‌های شکوفایی فرهنگی و تمدنی جنوب شرق به ویژه حوزه‌ی هلیل رود جیرفت شکل گرفت. شهر عظیم «دقیانوس» در حاشیه‌ی جیرفت و هلیل رود

با وسعت حدود ۱۴ هکتار، یکی از مهم‌ترین مراکز تمدنی سده‌های اولیه‌ی اسلامی، به ویژه دوره‌ی سلجوقی بوده است. آثار به دست آمده از فصل اول کاوش‌های این محوطه، مبین شکوفایی اقتصادی صنعتی شهر دقیانوس و گسترش تجارت و کشاورزی این شهر با مناطق گوناگون سرزمین‌های اسلامی است.

به دلیل اهمیت زیاد حوزه‌ی فرهنگی هلیل رود و شکل‌گیری تمدنی فراگیر، شکوفا و فعالی در این ناحیه و در پی آن، رونق و پیشرفت صنعتی، اقتصادی و هنری آن، به ویژه در مقاطع زمانی ۲۵۰۰ تا ۱۸۰۰ ق م و سده‌های ۵ و ۶ ق، بخش اصلی آثار موزه‌ی باستان‌شناسی جیرفت مربوط به این دوره‌هاست. یکی از شاخص‌های اصلی تمدن کناره‌ی هلیل رود، ساخت و تولید اشیای تزئینی از جنس سنگ صابون است.

در موزه‌ی جیرفت، اشیای منحصر به فردی از سنگ صابون با تزئینات سنگ نشانی از جنس لاجورد، فیروزه، مرمر، سنگ آهک، عقیق و ... به نمایش گذاشته شده‌اند. این اشیا از نظر تکنیک ساخت و تزئین، در نوع خود کم نظر و گاه بی نظیر هستند. اشیای مزبور، در شکل‌ها و فرم‌های گوناگون، از کاسه‌های استوانه‌ای کوچک و بزرگ، تا پلاک‌های مسطح با دسته‌ی سبدی شکل، جام‌های پایه دار، قدح‌های کوچک و بزرگ، جام‌های بلند مخروطی، سرمه دان‌های پایه دار و ... ساخته شده‌اند و عموماً دارای نقش مایه‌های تزئینی ـ آئینی هستند. نقش‌های انسان و حیوانات گوناگون، به ویژه عقرب، مار، پلنگ، شیر، گاو کوهان دار، بز کوهی، گوزن و ... با موضوعات و صحنه‌های متنوع به روش نقش کنده‌ی برجسته کاری و صیقلی شده، مشبک کاری و حکاکی بر سنگ، روی ظرف‌ها دیده می‌شود.

نقش مایه‌های ظرف‌های سنگ صابونی را میتوان بر مبنای موضوع نقش‌ها به دو گروه اصلی تقسیم کرد که عبارتند از:

نقش‌های تزئینی و نقش‌ها و موضوعاتی که جنبه‌ی اعتقادی و آئینی اسطوره‌ای دارند. صحنه‌های اساطیری منعکس شده بر ظرف‌های سنگ صابونی حوزه‌ی هلیل رود، از نظر برخی شباهت‌ها در موضوع و سبک اجرای تشکیل دهنده‌ی صحنه‌ها، با موضوعات و اساطیر شناخته شده در شرق باستان، به ویژه میان رودان قابل مقایسه‌اند، اما آن چه که نمونه‌های به دست آمده از حوزه‌ی فرهنگی هلیل رود را از نمونه‌های مشابه در سایر مناطق مجزا می‌کند، تکنیک پیشرفته، ظرافت و زیبایی و فراوانی آن‌ها در کناره‌های هلیل رود است. به همین دلیل، این احتمال مطرح است که چه بسا بسیاری از بنیان‌های فکری فلسفی و عقاید و باورهای مذهبی شرق باستان در هزاره‌های سوم ق م، ریشه در فرهنگ و تمدن غنی کناره‌های هلیل رود داشته باشند و از طریق مبادلات گسترده‌ی فرهنگی تجاری، از این حوزه به سایر مراکز عمده‌ی فرهنگی، مثل میان رودان و دشت خوزستان، حوزه‌ی سند و پنجاب، آسیای مرکزی و سواحل خلیج فارس وارد شده باشند.

مهم‌ترین موضوعات منعکس شده روی ظرف‌های سنگ صابونی فرهنگ هلیل رود، صحنه‌های نبرد حیوانات گربه سان (پلنگ و شیر) با مارهای عظیم الجثه، یا گاوهای تنومند کوهان دار و چنین نقش مایه‌های معروف نبرد سلطان جانوران و گاو مرد، با حیوانات درنده مثل شیر، پلنگ، گاو وحشی، مارهای بزرگ، عقرب مرده‌ها و ... هستند.

از دیگر موضوعات منعکس شده روی ظرف‌ها مزبور، نقش بز کوهی و درخت زندگی است. موضوع شناخته شده‌ی دیگر، نقش حمله‌ی عقاب به بزکوهی است. تقریباً تمامی موضوعات یاد شده، در باورهای فرهنگی مذهبی جوامع این دوره در کناره‌های هلیل رود و شرق باستان ریشه دارند. یکی دیگر از نقش‌ها و شاخص‌های ظرف‌های سنگ صابونی این ناحیه، نقش بناهای مذهبی معبدها و کاخ‌های حکمرانان است.

با نگاهی به نقش‌های یاد شده و هنر تزئینی به کار رفته در آن‌ها، از یک سو، به تکنیک‌های پیشرفته‌ی معماری فرهنگ هلیل رود و از سوی دیگر، به وجود ساختار مبتنی بر سلسله مراتب و وجود تخصص‌ها، حرفه‌ها، صنایع و طبقات اجتماعی و حکومت‌های ناظر بر روابط اجتماعی سیاسی در فرهنگ مستقر بر کناره‌های هلیل رود، می‌توان پی برد.

بخش دیگر از ظرف‌های سفالی موزه، مربوط به شهر اسلامی دقیانوس و متعلق به دوره‌ی سلجوقی (سده‌های ۵ و ۶ ه.ق) است. ظرف‌های دوره‌ی سلجوقی شهر دقیانوس، از نظر تکنیک ساخت و تزئین، یک مجموعه‌ی کم نظیر را تشکیل می‌دهند که با مطالعه‌ی آن‌ها می‌توان، سیر تحول و سبک‌های گوناگون سفالگری و تزئین سفال دوره‌ی اسلامی را مشاهده کرد. ظرف‌های این دوره، لعاب دار و بدون لعاب و با تکنیک‌های لعاب زرین فام، لاجوردی، مینایی و به شیوه‌ی نقاشی زیر لعاب، نقش کنده، نقش افزوده، نقش استامپی و ... ساخته می‌شدند.

بخش دیگری از آثار موزه را، ظرف‌ها و ابزار مفرغی متعلق به مقطع زمانی ۲۵۰۰ تا ۱۸۰۰ ق.م مربوط به گورستان‌های کناره‌های هلیل رود (کنار صندل، رینگ انبار، قلعه کوچک و ...) تشکیل می‌دهد.

آثار مزبور به خوبی مؤید تکنیک‌های پیشرفته‌ی فلزکاری و صنعت ذوب فلز و ساخت آلیاژ در حوزه‌ی فرهنگی هلیل رود هستند. اشیای فلزی شامل مشربه‌های لوله دار، النگوها و حلقه‌های تزئینی، تیغ‌های داس، خنجر، سر سنجاق‌ها و میله‌های تزئینی، از جنس برنز و مس هستند که نمونه‌های مشابه با آن‌ها، از محوطه‌های دیگر حوزه‌ی فرهنگی جنوب شرق، به ویژه «شهداد»، به دست آمده‌اند. این امر مؤید وجود فرهنگی فراگیر و یکسان در این ناحیه است. - انجمن علمی دبیران تاریخ استان کرمان ـ مجله‌ی رشد آموزش تاریخ

**سرآسیاب فرسنگی:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن سرآسیاب فرسنگی است و در منطقه‌ای پایکوهی، معتدل خشک و کوه صاحب‌الزمان در آن قرار گرفته.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو و یونجه.

**جانوران:** شغال و کبک.

**سربنان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زرند استان کرمان و مرکز آن احمدی و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک، کوه چهل دختر در آن قرار گرفته است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ارزن، ذرت، زردآلو، هلو، گردو، بادام.

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام.

**جانوران:** روباه، گرگ و شغال.

**سرچشمه:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان رفسنجان استان کرمان و مرکز آن شهرک سرچشمه است.

**سغدر:** از دهستان‌های بخش جبالبارز شهرستان جیرفت استان کرمان و مرکز ان سغدر است.

**سوغان:** از دهستان‌های بخش حومه‌ی شهرستان بافت استان کرمان و مرکز آن سرخان است - در منطقه‌ای پایکوهی معتدل خشک، کوه کمال‌آباد قرار و رود صوغان در آن جریان دارد.

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام

**جانوران:** گراز، خرس، روباه، گرگ، خرگوش، آهو

**سیرجان:** از شهرستان‌های استان کرمان می‌باشد که از شمال به رفسنجان، از خاور به بافت، از جنوب به بخش سعادت‌آباد (شهرستان بندرعباس) و از باختر به نی‌ریز محدود است. شهرستان سیرجان در ۱۸۴ کیلومتری شهر کرمان و در ۳۰۰ کیلومتری بندرعباس و در ۱۱۹۲ کیلومتری تهران و در بلندی ۱۷۴۳ متری از سطح دریا قرار دارد.

از نواحی پست و هموار این شهرستان کفه نمکی در غرب و دشت حاصلخیز و رسوبی اطراف امامزاده علی قلعه سنگ، قطبیه، دشت ابراهیم‌آباد سیرجان (با ارتفاع ۱۷۱۰ متر که بلندترین دشت ایران است) دشت مانون و دشت رز می‌باشد. کتابهای درسی.

**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر سیرجان دارای دو بخش ۱ - مرکزی دارای ۸ دهستان (۱ - بلورد ۲ - چهارگنبد ۳ - زیرآباد ۴ - شریف‌آباد ۵ -گلستان ۶ - محمودآباد سید ۷ - ملک‌آباد ۸ - نجف‌آباد) ۲ - بخش پاریز است.

**رودها:** رود پلنگی که از کوه بند سرچشمه گرفته، پس از آبیاری زمین‌های خاوری شهرستان سیرجان در حدود ۳۵ کیلومتری شمال خاوری شهرستان سیرجان به رود تنگو می‌پیوندد و از آنجا به نام رود سوخته چال ادامه دارد، و در زمین‌های خاوری فرو می‌رود. ۲ - رودهای فصلی متعدد ۱ - رودگلو ۲ - رود ناریان ۳ - زمرزج ۴ - لاشور ۵ - حسین‌آباد سوج - تعداد کاریزهای این شهرستان را حدود ۱۲ هزار رشته دانسته‌اند.

**کوه‌ها:** در برخی از مناطق شمال و شمال خاوری، خاور و جنوب کوهستانی و در باختر کفه نمک یا کویر نمک سیرجان در منتهی الیه جنوبی آن کوه خواجوی و در نواحی شمال و شمال خاوری کوه‌های: ۱ -کوه لاشکار ۲ -کوه پنج خرد ۳ - کوه سه‌گدار ۴ -کوه خاکستری ۵ -کوه‌کل‌کوهی و در خاور کوه‌های: ۱- سنگ سفید ۲ -کوه حسین‌آباد.

**کان‌ها:** ۱ - معتدل خشک - نیمه بیابانی است در تابستان‌های گرم و خشک و در زمستان سرد و در بهار همراه با بارندگی است. منشأ اصلی ریزش‌های جوی این شهرستان، توده‌های غربی (اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه) و توده‌های هوای مرطوب اقیانوس هند است. کتابهای درسی.

طوایف بوچاقچی، قرائی، ترک، لری میرزاحسینی، رائبنن شول و شول خراسانی، (تابستان را در نواحی کوهستانی و شهرستان سیرجان می‌گذارنند.)

**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش کرمانی اما عشایر به زبان ترکی سخن می‌گویند و ایلات آن ارشلو، قرایی و بجاقچی، شول و لری هستند.

**رستنی‌ها:** درختان، بنه و بادام کوهی - گیاهان دارویی و صنعتی: شیرین بیان و گون کتیرا ۱ - پوشش گیاهی برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، گراز، بز،

قوچ و میش کوهی کبک و تیهو
**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری، قالی‌بافی، کوزه‌گری استوار است. نوع کشت آبی و تنها حدود ۳۰٪ زمین‌ها زیر کشت می‌رود که با کاریزها و رودها آبیاری می‌شود.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، پسته، بادام، یونجه، تره‌بار، چغندر قند، سیب و زردآلود.
دامداری به واسطه‌ی وجود چراگاه‌ها از رونقی فراوان برخوردار است و عشایر اطراف در این سامان دام‌های خود را می‌چرانند.
قالی‌بافی -گوزه گری، کاشی‌سازی، چاقوسازی، تفنگ شکاری نیز از منابع مهم درآمد مردم این سامان است.
**سیرجان (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان سیرجان استان کرمان و مرکز آن شهر سیرجان و دارای ۸ دهستان: (۱ - بلورد ۲ - چهارگنبد ۳ - زیدآباد ۴ - شریف آباد ۵ -گلستان ۶ - محمدآباد سیر ۷ - ملک آباد ۸ - نجف‌آباد) است.
**سیرچ:** از دهستان‌های بخش شهداد شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن سیرچ است و در منطقه‌ای میانکوهی و معتدل خشک، کوه کلاف در آن قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو و بنشن.
**پوشش گیاهی:** گیاهی به نام اشنو که به جای صابون به کار می‌رود و پوشش گیاهی مرتعی.
**جانوران:** گرگ، روباه و آهو.
**سیریز:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زرند و استان کرمان و مرکز آن سیریز در منطقه‌ای دشتی خشک معتدل کمره گل کن، گدار در هودون این دهستان قرار گرفته‌اند.
**فرآورده:** گندم، جو، پنبه، یونجه و پسته.

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام.
**جانوران:** بزکوهی، قوچ و میش، روباه و خرگوش.
**سینه بنوئیه:** از دهستان‌های بخش رابر شهرستان بافت استان کرمان و مرکز آن سینه بنوئیه است و در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک، کوه شاه و کوه تروج در آن قرار و رود بیدزنون در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، بنشن، زردآلو، هلو، گردو و سیب
**پوشش گیاهی:** شیرین بیان و کتیرا
**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش
**شرح قلعه:** از دهستان‌های بخش قلعه گنج شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن سرخ قلعه علیا است.
**شریف آباد:** از دهستان‌های بخش کشکوئیه شهرستان رفسنجان استان کرمان و مرکز آن شریف‌آباد است.
**شهداد:** از بخش‌های شهرستان کرمان است که از شمال و خاور به کویر لوت، از جنوب به بخش راین (از بخش‌های شهرستان بم) و از باختر به شهر کرمان محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر شهداد، دارای ۳ دهستان (۱ - اندوهجرد ۲ - تکاب ۳ - سیرچ) است.
**رودها:** رود رختنگان که از کوه‌های باختری روان گشته ۲ - رود خرشکی شهداد ۳ - رود جفتان که از کوه‌های باختری سرچشمه گرفته‌اند. پس از آبیاری بخش شهداد، در نزدیکی شهر شهداد به هم می‌پیوندند. کاریزهای بسیاری نیز در این بخش روانند.
**کوه‌ها:** بلندی‌های چندانی در این بخش وجود

ندارد تنهادر منطقه‌ی باختری که از شمال به جنوب کشیده شده‌اند. کوه‌های ۱ - طبق سر به ملخ خورده ۲ - کوه سرخ: این بخش از سوی خاور و شمال در کرانه‌ی کویر لوت جا گرفته و یک کان نمک در ۶۰ کیلومتری و یک کان سنگ گچ در ۱۸ کیلومتری جنوب شهر شهداد قرار دارند.

**آب و هوا:** گرم بسیار خشک

**نژاد و زبان:** آریای نژادند و به زبان فارسی با گویش کرمانی سخن می‌گوید.

**رستنی‌ها:** در کوه‌های باختری شهداد پوشش گیاهی پراکنده‌ای وجود دارد.

**جانوران:** گرگ، روباه، و کفتار

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی و دامداری استوار است. تنها ۳۰٪ زمین‌های آن زیر کشت است. بیش‌تر کشت از نوع آبی که به وسیله‌ی رودها و کاریزها آبیاری می‌شود. دامداری نیز از منابع مهم درآمد مردم این سامان است.

**فرآورده‌ها:** مرکبات، خرما، گندم، جو و حنا، دام و فرآورده‌های آن.

**شهر بابک:** از شهرستان‌های استان کرمان مرکز آن شهر بابک دارای بخش مرکزی دارای ۹ دهستان (۱ - استبرق ۲ - پاقلعه ۳ - جوزم ۴ - خاتون‌آباد ۵ - خبر ۶ - خورسند ۷ - دهج ۸ - مدوارات ۹ - میمند) است.

این شهرستان در غرب استان کرمان قرار دارد. از شمال به استان یزد از مشرق به شهرستان رفسنجان، از جنوب به شهرستان سیرجان و از مغرب به استان یزد و فارس محدود و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۸۳۵ متر است. بلندی‌های شهرستان شهر بابک در امتداد و دنباله‌ی کوه‌های مرکزی ایران می‌باشد. مهم‌ترین آن‌ها - کوه بابک (ساهیمه ۳۴۴۲ متر) مِدوار، کوه‌های عاج پایین و بالا، کوه ایوب، محمدآباد و بیدسوخته.

**آب و هوا:** به دو منطقه‌ی نیمه‌بیابانی و معتدل کوهستانی تقسیم می‌شود منطقه‌ی وسیعی از شهر بابک به صورت دشت است. قسمت کوهستانی آن آب و هوای کوهپایه‌ای دارد.

رود جوزم یا چاورچی مهم‌ترین رود شهرستان شهر بابک می‌باشد.

**کشاورزی و دامپروری:** پایه‌ی زندگی اقتصادی مردم این شهرستان است.

**فرآورده‌ها:** غلات، پسته، انگور، پنیر، قالی و قالیچه

**معادن:** معدن مس میدوک، معدن سیلیس

شهرستان شهر بابک بر سر راه تهران - بندرعباس و به راه‌های شهر یزد، رفسنجان و سیرجان متصل است.

**شهر بابک (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان شهر بابک استان کرمان و مرکز آن شهر بابک و دارای ۹ دهستان: (۱ - استبرق ۲ - پاقلعه ۳ - جوز ۴ - خاتون آباد ۵ - خبر ۶ - خورسند ۷ - دهج ۸ - مدورات ۹ - میمند) است.

**صادرات:** قالی، پسته، پنبه

**طغرالجرد:** از دهستان‌های بخش شهرستان کوهبنان شهرستان کرمان و مرکز آن کیانشهر و در منطقه‌ای میانکوهی، معتدل خشک قرار گرفته است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ارزن، زردآلو، انگور، بادام، سنجد و تره‌بار

**پوشش گیاهی:** بادام کوهی، گز و گیاهان مرتعی

**جانوران:** بزکوهی، قوچ و میش، روباه و خرگوش

**علی آباد:** از دهستان‌های بخش عنبرآباد شهرستان جیرفت استان کرمان و مرکز آن علی‌آباد

قدیری است.
**عنبرآباد:** از شهرستان‌های استان کرمان مرکز این شهرستان شهر عنبرآباد، دارای ۳ بخش ۱ - مرکزی ۲ - اسماعیلی ۳ - جبال بارز جنوبی و دارای ۷ دهستان (۱- امجز ۲ - جهادآباد ۳ - علی‌آباد ۴ - گرمسار ۵ - محمدآباد ۶ - نرگسان ۷- مردهک) است.

در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک در ۳۳ کیلومتری جنوب شرقی جیرفت قرار دارد.
رود هلیل‌رود از مغرب شهر عنبرآباد، مرکز این بخش می‌گذرد و کوه خرپشت در ۵ کیلومتری خاوری آن سربرافراشته است. کشاورزی، دامداری، باغداری و فرشبافی از منابع درآمد اهالی است.
**کشت:** آبی، آب کشاورزی و آب آشامیدنی از چاه و کاریز فراهم گشته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، پنبه، خرما و مرکبات
**پوشش گیاهی:** درختان گز، کهور و کُنار و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** شغال، روباه، خرگوش و کبک
**فاریاب:** از بخش‌های شهرستان کهنوج استان کرمان، مرکز این بخش شهر فاریاب، دارای ۳ دهستان (۱ - حومه ۲ - کلاشگرد ۳ - مهروئیه) است.
**فاریاب:** از دهستان‌های بخش فاریاب شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن حورپاسفید است.
**فتح آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بافت استان کرمان و مرکز آن بیدکردوئیه است و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک قرار گرفته.
**فرآورده‌ها:** گندم، ارزن، جو و یونجه
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام.
**جانوران:** شغال و خرگوش
**فرآورده:** مرکبات و خرما، حصیر، دام و فرآورده‌های دامی.
**پوشش گیاهی:** درختان گز، کنار و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** شغال، روباه و خرگوش.
**فردوس:** از دهستان‌های بخش نوق شهرستان رفسنجان استان کرمان و مرکز آن فردوسیه است.
**فهرج:** از بخش‌های شهرستان بم، استان کرمان، مرکز این بخش شهر فهرج، دارای ۲ دهستان (۱ - برج اکرم ۲ - فهرج) است.
فهرج در منطقه‌ای دشتی که هیچگونه کوهستانی ندارد قرار گرفته است.
مرکز بخش فهرج در ۷۲کیلومتری جنوب خاوری شهر بم و در مسیر راه بم - زاهدان قرار دارد. رود کلی یا فهرج که نخست رود سربند نام دارد و از کوه شاه‌جبال بارز و در شهرستان جیرفت روان می‌شود به نام نساء آن‌گاه کلی یا فهرج نام می‌یابد از میان شهر فهرج می‌گذرد و سرانجام وارد کویر لوت می‌گردد.
**آب و هوا:** گرم و خشک، بیش‌ترین درجه‌ی گرما تا ۴۲ درجه بالای صفر و کم‌ترین درجه یک درجه زیر صفر و میزان متوسط ریزش باران سالانه ۳۸ میلی‌متر است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ذرت، بنشن، تره‌بار، مرکبات و خرما، آب کشاورزی و آب آشامیدنی از کاریز و چاه فراهم گشته است.
**پوشش گیاهی:** درختان گز، کنار و کهور - پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، کفتار، روباه، شغال، خرگوش
**فهرج:** از دهستان‌های بخش فهرج شهرستان بم

استان کرمان، مرکز آن فهرج است.
**قاسم آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان رفسنجان استان کرمان و مرکز آن قاسم‌آباد است.
**قلعه:** از دهستان‌های بخش منوجان شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن منوجان است.
**قلعه عسکر:** از دهستان‌های مرکزی شهرستان بردسیر استان کرمان و مرکز آن قلعه عسکر است. در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک قرار و رود اسفورین در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** چوب درختان صنوبر
**پوشش گیاهی:** کتیرا و پوشش گیاهی برای چرای دام
**جانوران:** روباه و خرگوش
**قلعه گنج:** از شهرستان‌های استان کرمان مرکز این شهرستان شهر قلعه گنج دارای دو بخش ۱ - مرکزی ۲ - چاه‌دادخدا، دارای ۶ دهستان (۱ - قلعه گنج ۲ - رمشک ۳ - چاه‌دادخدا ۴ - مارزه ۵ - سرخ قلعه ۶ -کشمیران) است.
**قلعه گنج:** از دهستان‌های بخش قلعه گنج شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن شهر قلعه گنج است.
**قناتستان:** از دهستان‌های بخش ماهان شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن محی آباد است.
**کبوترخان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان رفسنجان استان کرمان و مرکز آن کبوتر خان است.
**کرک و نارتیج:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بم استان کرمان مرکز آن پشت رود است.
**کرمان (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن شهر کرمان و دارای ۵ دهستان: (۱ - اختیارآباد ۲ - باغین ۳ - سرآسیاب سنگی ۴ - درختنگان ۵ - زنگی‌آباد) است.
**کرمان (شهرستان):** از شهرستان‌های استان کرمان می‌باشد که از شمال و خاور به کویر لوت، از جنوب به شهرستان‌های بم و جیرفت و از باختر به شهرستان رفسنجان محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان و مرکز استان شهر کرمان، دارای ۶ - بخش ۱ - بخش مرکزی و دارای ۵ دهستان (۱ - اختیارآباد ۲ - باغین ۳ - سرآسیاب سنگی ۴ ـ درختنگان ۵ ـ زنگی‌آباد) ۲ ـ بخش چترود ۳ ـ بخش راین ۴ـ بخش شهداد ۵ ـ بخش گلباف ۶ ـ بخش ماهان است.
**کان‌ها:** ۱ - زغال‌سنگ ۲ - مس ۳ - سرب ۴ - روی ۵ - آهن ۶ - سنگ مرمر ۷ - سنگ آهک ۸ - سنگ گچ - معادن زغال‌سنگ، سرب، روی، نمک و سنگ گچ و سنگ آهک در حال بهره‌برداری است.
**آب و هوا:** به‌طور کلی گرم و خشک
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش کرمانی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** اندکی از جنگل‌های پهناور درگذشته به جا مانده که در آن‌ها درختان: قلچ، پسته‌ی جنگلی، بادام کوهی، کهور، گز، زرشک و کنار -گون کتیرا و پوشش گیاهی، برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، روباه و کفتار
**اقتصاد:** بر پایه‌ی صنعت (صنایع دستی و ماشینی)، کشاورزی، دامداری، کارگری، و بازرگانی استوار است: قالی‌بافی، گیوه‌دوزی، پته دوزی، (نوعی سوزن‌دوزی) تولید آجر، موزاییک، سیمان، استخراج از معادن زغال‌سنگ، سرب،

سنگ، مرمر، آهک و گچ
کشاورزی به واسطه‌ی کمی بارندگی بیش‌تر از نوع کشت آبی است که از حدود ۱۲۰ رشته کاریز و حدود ۵۰۰ چاه ژرف و نیمه ژرف، آبیاری می‌شود.
**دامداری:** پرورش گوسفند، بز، الاغ، شتر و اسب از منابع درآمد مردم این سامان است.
**فرآورده‌ها:** پسته، زیره، کتیرا، حنا، گندم، جو، یونجه، تره‌بار و بنشن و دام و فرآورده‌های دامی
**صادرات:** قالی، پسته، زیره، کتیرا، حنا، گندم و برخی مواد کانی و صنعتی
**کشکوئیه:** از بخش‌های شهرستان رفسنجان استان کرمان مرکز این بخش شهر کشکوئیه، دارای ۳ دهستان (۱ - راویز ۲ - شریف آباد ۳ - کشکوئیه) است.
منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک، در ۴۲ کیلومتری شمال غربی رفسنجان و ۴ کیلومتری خاور جاده (رفسنجان - یزد) قرار دارد.
کوه سرخ در باختر کشکوئیه سربرافراشته است.
درآمد از راه کشاورزی، دامداری، باغداری و فرشبافی فراهم گشته است.
**کشت:** آبی، آب کشاورزی و آشامیدنی از چاه‌ها فراهم گردیده است.
**فرآورده‌ها:** گندم، پنبه و پسته
**پوشش گیاهی:** برای چرای جانوران
**جانوران:** روباه، گرگ و کفتار.
**کشکوئیه:** از دهستان‌های بخش کشکوئیه شهرستان رفسنجان استان کرمان و مرکز آن کشکوئیه و در منطقه‌ای کویری، گرم و خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، پنبه و پسته
**پوشش گیاهی:** برخی از درختان و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** روباه، شغال و خرگوش
**کشمیران:** از دهستان‌های بخش قلعه گنج شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن کشمیران است.
**کشیت:** از دهستان‌های بخش گلباف شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن کشیت است و در منطقه‌ای میانکوهی گرم خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه و خرما
**پوشش گیاهی:** درخت گز و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**کوهبنان (شهرستان):** از شهرستان‌های استان کرمان، مرکز این بخش شهر کوهبنان دارای دو بخش ۱ - مرکزی ۲ - طغرالجرد و ۴ ـ دهستان (۱ - جور ۲ - خرمدشت ۳ - طغرالجرد ۴ - شعبجره) است بخش کوه در شمال شهرستان زرند قرار دارد. ظاهراً بلندترین نقطه در نقطه‌ی مرکزی کرمان است که عده‌ای بر بلندی‌ها پاس می‌دادند و گزارش اطلاعات را می‌دادند و از این رو به آنان کوهبانان می‌گفتند که بعداً به این منطقه کوهبنان گفته شد.
کوهبنان دارای آب و هوایی کوهستانی است و جزو مناطق سردسیر استان به شمار می‌رود.
کتابهای درسی
درمنطقه‌ای خشک، معدل، در ۱۰۰ کیلومتری شمال باختری زرند و کوه کمر سرآسیاب در شمال خاوری و کوه تل سیاه در جنوب باختری مرکز این شهرستان قرار دارد.
کشاورزی، دامداری، کارگری، باغداری و فرشبافی از فعالیت‌های اقتصادی مردم این سامان است.
**کشت آبی:** آب کشاورزی و آشامیدنی در کاریز

فراهم گشته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ارزن، پنبه، پسته، بادام، گردو، انار، انگور، به، سیب، هلو، آلبالو، سنجد، توت و انجیر است.
**پوشش گیاهی:** گیاهان دارویی، آویشن، کلپوره، پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، خرگوش و کبک.
**کوه پنج:** از دهستان‌های مرکزی شهرستان بردسیر استان کرمان و مرکز آن ماهونک است. در منطقه‌ای دره‌ای معتدل خشک و کوه گود ریزاب و کوه ارچن بادام در آن قرار گرفته.
**فرآورده‌ها:** گندم، پسته، سنجد و توت
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام.
**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، گرگ، کفتار و روباه
**کوهساران:** از بخش‌های شهرستان راور استان کرمان مرکز آن هجدک، دارای دو دهستان ۱ - حرجند ۲ - هروز است.
**کوهستان:** از دهستان‌های بخش رودبار شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن برج عباس‌آباد است.
**کویرات:** از دهستان‌های بخش چترود شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن کاظم‌آباد است و در منطقه‌ی دشتی، معتدل خشک قرار گرفته و رود فصلی گلی کمر رود پلی گچی در آن روان است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو و پسته
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام.
**جانوران:** شغال، روباه و خرگوش
**کهنوج:** از شهرستان‌های استان کرمان می‌باشد که از شمال به جبال بارز، حومه‌ی سبزواران و بخش ساردوئیه، از خاور به بزمان و بمپور از استان سیستان و بلوچستان و از جنوب به شهرستان جاسک و از جنوب باختری و باختر به شهرستان میناب محدود است شهرستان کهنوج در جنوبی‌ترین ناحیه‌ی کرمان قرار گرفته است. حدود ۵۰۵ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.
این شهرستان از دو منطقه‌ی کوهستانی جنوب و ناحیه‌ی پست شرقی و شمالی پدید آمده، در منطقه‌ی کوهستانی، کوه‌های بشاگرد قرارگرفته که دنباله‌ی کوه‌های زاگرس است و تا جازموریان ادامه دارد و این شهرستان را از استان هرمزگان جدا می‌کند. کتابهای درسی
**تقسیمات کشوری:** مرکز این شهرستان شهر کهنوج، دارای ۴ بخش ۱ - بخش مرکزی، دارای ۲ دهستان (۱ - حومه ۲ - زه) است ۲ - آسیون ۳ - رودبار ۴ - فاریاب است.
**رودها:** ۱ - هلیل رود که از کوه لاله‌زار، در شهرستان جیرفت سرچشمه گرفته، پس از گذشتن از مسیری دراز به سوی جنوب خاور و پیوستن شاخابه‌های متعدد به آن، از حدود ۱۸ کیلومتری شهر کهنوج می‌گذرد.
مرداب جازموریان که هلیل رود نیز بدان می‌ریزد. و در حدود ۱۲۰ کیلومتری جنوب خاوری کهنوج قرار دارد.
**کوه‌ها:** ۱ -کوه دیوان مراد ۲ -گروک در شمال و کوهستان بشاگرد در جنوب است.
**آب و هوا:** در نواحی شمالی گرم و خشک و در نواحی جنوبی گرم و مرطوب و به طورکلی دارای آب و هوای گرم و میزان بارندگی کم است که بیش‌تر به صورت رگبارهای شدید است رود دائمی هلیل‌رود در ناحیه شمالی روان است و سرانجام به باتلاق جازموریان می‌ریزد.
طوایفی چون مهینی، منوجاتی، لررودبار، ناروئی،

رودبار، کندر، کیهان، بچگان، سالار، رئیسی، هوت، شموئی، تاجیک و سابکی درین سامان بسر می‌برند.

**نژاد و زبان:** آریایی‌نژادند و به زبان فارسی با گویش رودباری سخن می‌گویند.

**رستنی‌ها:** درختان کنار، بادام کوهی، گز و کهور - گیاهان دارویی: آویشن، کلپوره و بابونه - **پوشش گیاهی:** برای چرای دام.

**جانوران و پرندگان:** قوچ و میش، روباه، شغال، کفتار، خرس، گرگ، خرگوش، جوجه تیغی و کبک

**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و قالی‌بافی قرار دارد - کشاورزی این شهرستان به ویژه نواحی شمال پررونق است. نوع کشت بیش‌تر آبی و منابع آب از رود و چاه‌های ژرف فراهم می‌شود- دامداری، بیش‌تر میان عشایر منطقه رواج دارد که گوسفند، گاو، شتر و طیور می‌پرورانند. بافت قالی و قالیچه نیز به وسیله‌ی ایلات و عشایر بافته می‌شود.

این شهرستان به واسطه‌ی دارا بودن زمین‌های حاصل‌خیز و آب‌های زیرزمینی فراوان اطراف جازموریان، مساعد و مناسب کشاورزی و دامپروری است.

**فرآورده‌ها:** مرکبات، خرما، صیفی‌جات

کهنوج از راه شوسه به بندرعباس و جیرفت و کرمان متصل است.

**کهنوج (بخش مرکزی):** از بخش‌های شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن شهر کهنوج و دارای ۲ دهستان (۱ - حومه ۲ - زه) است.

**گاوگان:** از دهستان‌های بخش ریگان شهرستان بم استان کرمان و مرکز آن دهنه‌ی عباسعلی است و درمنطقه‌ای میانکوهی، معتدل خشک، ازکوه بارز در آن قرار و رود بارده در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، و مرکبات

**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، روباه، شغال و خرگوش

**گرمسار:** از دهستان‌های بخش شهرستان عنبرآباد استان کرمان و مرکز آن گرمسار سالار رضا است.

**گلاشگرد:** از دهستان‌های بخش فاریاب شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن فاریاب است. در منطقه‌ای میانکوهی، معتدل خشک، کوه گیدوئی در آن قرار و رود فصلی علی‌ظهوران در آن جریان دارد.

**فرآورده‌ها:** مرکبات و خرما

**پوشش گیاهی:** برای چرای دام

**جانوران:** قوچ، میش، گرگ، پلنگ، روباه، گراز، خرگوش

**گلباف:** از بخش‌های شهرستان کرمان، استان کرمان مرکز آن شهر گلباف، دارای دو دهستان (۱ - جوشان ۲ - کشیت) است.

در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک، در ۱۶۷ کیلومتری جنوب خاوری کرمان و در ۴۷ کیلومتری شرق جاده‌ی بم - کرمان قرار دارد.

کشاورزی، دامداری، باغداری، و فرشبافی از منابع گذران زندگی مردم این سامان است.

**کشت:** آبی، آب آشامیدنی و کشاورزی از کاریز و چاه‌ها است.

**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، بنشن، زردآلو، گردو، آلوچه، توت و انگور

**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، شغال و روباه

**گلزار:** از دهستان‌های مرکزی شهرستان بردسیر استان کرمان و مرکز آن گلزار است.

**گلستان:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سیرجان استان کرمان و مرکز آن حاجی‌آباد است.

**گنبکی:** از دهستان‌های بخش ریگان شهرستان بم استان کرمان و مرکز آن محمدآباد گنبکی است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و رود نساء در این دهستان جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، مرکبات، خرما و انار
**پوشش گیاهی:** درختان گز و کهور و پوشش مرتعی
**جانوران:** روباه، شغال، گرگ و کفتار
**گنج آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان جیرفت استان کرمان و مرکز آن دهنو فتح‌المبین و در منطقه‌ای دشتی، معتدل خشک قرار گرفته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، ارزن، بنشن، و خرما دام و فرآورده‌های آن.
**پوشش گیاهی:** درختان گز و کنار و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** روباه، شغال، گرگ، کفتار، خوک و خرگوش
**گور:** از دهستان‌های بخش نرماشیر شهرستان جیرفت استان کرمان و مرکز آن صاحب‌آباد است.
**گور:** از دهستان‌های بخش ساردوئیه شهرستان جیرفت استان کرمان و مرکز آن صاحب‌آباد است و در منطقه‌ای میانکوهی، معتدل خشک و کوه سید و کوه بیشه در آن قرار و رود شور جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، تره‌بار، بنشن، زردآلو و هلو
**پوشش گیاهی:** آلاله، گل گاوزبان، بابونه و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** بزکوهی، خرس، خرگوش
**لاله‌زار:** از دهستان‌های مرکزی شهرستان بردسیر استان کرمان و مرکز آن لاله‌زار است.

**ماهان:** از بخش‌های شهرستان کرمان استان کرمان می‌باشد که از شمال به بخش شهداد و شهر کرمان، از خاور به قسمتی از کویر لوت، از جنوب به بخشی از شهرستان بم (بخش راین) و از باختر به بخش مشیز (از بخش‌های شهرستان سیرجان) محدود است. این بخش در ۴۲ کیلومتری مرکز استان قرار دارد.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش شهر ماهان، دارای دو دهستان (۱ - ماهان ۲ - قناتستان) است.
**رودها:** رودهای فصلی چندی از جمله: ۱ - رود سفید که در ۱۲ کیلومتری شمال ماهان روان است ۲ - رود تیگاوی که از کوه جوپار سرچشمه گرفته و پس از گذشتن از مرکز ماهان به سوی شمال باختری روان می‌باشد.
کاریزهای بسیاری در شمال باختری ماهان وجود دارد: ۱ - فربتین ۲ - مهجار ۳ - آب سه کنج
**کوه‌ها:** بیش‌تر در شمال خاوری و خاور ماهان قرار دارد: ۱ - کوه هودی ۲ - کوه سدو ۳ - کوه سیرچ ۴ - کوه نائی در شمال خاوری ۵ - کوه سفید ۶ - کوه بلوار در خاور ۷ - کوه جوپار در جنوب باختری
**آب و هوا:** معتدل خشک
**نژاد و زبان:** آریائی نژادند و به زبان فارسی با گویش کرمانی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** در کوه‌ها و دره‌های پیرامون ماهان چراگاه هایی وجود دارد.
**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری، قالی‌بافی استوار است.
**نوع کشت:** ۱۰۰٪ آبی است و بیش‌تر از کاریز فراهم گشته - دامداری پرورش گوسفند و گاو و طیور صورت می‌گیرد. قالی بافی با طرح‌های

کرمان و نقش‌های شاه‌عباسی و افشان بافته می‌شود - به‌طور کلی ۵۰٪ از مردم از راه کشاورزی و دامداری و ۵۰٪ از راه فرش‌بافی روزگار می‌گذرانند.
**فرآورده‌ها و صادرات:** گندم، جو، صیفی‌جات، انگور، سیب، هلو، انجیر و گلابی، دام و طیور و فرآورده‌های دامی و قالی
**ماهان:** از دهستان‌های بخش ماهان شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن لنگرو و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل سرد و کوه سد و کوه نائی در آن قرار دارند.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، زردآلو و توت.
**پوشش گیاهی:** گون کتیرا و گیاهان مرتعی.
**جانوران:** گرگ، روباه و خرگوش.
**محمدآباد:** از دهستان‌های عنبرآباد شهرستان عنبرآباد استان کرمان و مرکز آن خضرآباد و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار و رود هلیل رود در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، مرکبات، تره‌بار، خرما، دام و فرآورده‌های دامی
**پوشش گیاهی:** درختان گز، کهور و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** گرگ، روباه، خرگوش
**محمدآباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زرند استان کرمان و مرکز آن محمدآباد است.
**محمودآباد سید:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سیرجان استان کرمان و مرکز آن محمودآباد سید است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک و کوه هزار چیل و کفه نمک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، پنبه، کنجد و پسته
**پوشش گیاهی:** گیاهان مرتعی
**جانوران:** بزکوهی، قوچ و میش، گرگ و خرگوش
**مدورات:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهربابک استان کرمان و مرکز آن کم‌سرخ و در منطقه‌ای دره‌ای، معتدل و کوه کمر بادامستان و کوه لای گوشی در آن قرارگرفته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، بادام، توت، گردو، سیب، زردآلو و به
**پوشش گیاهی:** آلاله، گل زوفا و گیاهان مرتعی
**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، گرگ، پلنگ، کفتار

**مروست:** از دهستان‌های شهر بابک از شهرستان‌های استان کرمان و مرکز آن مروست و در منطقه‌ای کویر، گرم و خشک، رود کوچک بوانات در این دهستان روان است که سرانجام وارد کویر می‌گردد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، چغندر قند، تره‌بار، سیب و انار.
**پوشش گیاهی:** پوشش گیاهی کویری، بوته‌های اشنا.
**جانوران:** گرگ، آهو، روباه، بز کوهی، قوچ و میش.
**مسکون:** از دهستان‌های بخش جبالبارز شهرستان جیرفت استان کرمان و مرکز آن محمدآباد است و در منطقه‌ای پایکوهی قرار و رودگروه، رود سقدر در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، یونجه، بنشن، مرکبات، سیب، انگور، انار، هلو، به و گلابی
**پوشش گیاهی:** درختان بنه، بادام کوهی و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** شغال، روباه، گرگ، خرگوش.
**مشیز:** از دهستان‌های شهرستان بردسیر استان کرمان و مرکز آن مشیز و در منطقه‌ای دشتی معتدل

خشک و کوه هزار در آن قرار گرفته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، تره‌بار، گلابی، سیب و زردآلو
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام
**جانوران:** روباه، شغال و خرگوش
**مشیز:** از دهستان‌های مرکزی شهرستان بردسیر استان کرمان و مرکز آن دشتکار است که در منطقه‌ای دره‌ای معتدل و خشک و کوه بید و کوه ملاشتر در آن قرار و رود کبوترخان در آن جریان دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پسته، انگور، چغندرقند و فرش
**پوشش گیاهی:** گل‌گاوزبان، خاکشی و گیاهان مرتعی
**جانوران:** بزکوهی، گرگ، کفتار و روباه
**رودها:** از رود لاله‌زار یا آب بخشا که ازکوه لاله‌زار در جنوب خاوری سرچشمه گرفته و پس از پیوستن رودهایی چند به آن به نام بخشا از کنار شهر بردسیر مرکز شهرستان مشیز می‌گذرد ۲ - رود فصلی هجنیم که از کوه‌های باختری سرچشمه گرفته و پس از آبیاری زمین‌های حدود ۲۰ کیلومتری باختر بردسیر، در شمال به رود کبوتر خان می‌ریزد ۳ - رود چجاری که در آغاز به نام رود شرنیک است از کوه هزار در خاور سرچشمه گرفته، پس از آبیاری دهستان بهرامجرد به سوی شمال روان می‌شود و در زمین‌های خاوری دهستان باغین فرو می‌رود.
**کوه‌ها:** شهرستان بردسیر در نواحی جلگه‌ای قرار گرفته و در پیرامونش چند کوه آن را در میان گرفته‌اند: ۱ - کوه سیاه در شمال خاوری ۲ - کوه سنگ سیاه ۳ - کوه آخورک در جنوب خاوری ۴ - کوه سه‌غر چوئیه ۵ - کوه‌کل کوهی خاکستری ۶ - کوه سرگداری در جنوب ۷ - کوه قله بلند ۸ - کوه تازیان در باختر
**کان‌ها:** ۱ - معدن سنگ مرمر در ۵۰ کیلومتری باختری ۲ - معدن سنگ مرمر گدار سیرجان در ۴۰ کیلومتری باختری
عده‌ای از طوایف قرائی، قرائی ترک، لری سهرابی، لری میرزاحسینی و شول خراسانی در این منطقه به سر می‌برند.
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش کرمانی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان بنه، گیاهان دارویی، شیرین بیان، پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران و پرندگان:** گرگ، روباه، شغال، گراز، بزکوهی، کبک و تیهو
**اقتصاد:** بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری و قالی‌بافی استوار است. کشاورزی پررونق و نوع کشت بیش‌تر آبی و زمین‌های زیر کشت حدود ۶۰٪ کل مساحت آن به وسیله‌ی کاریزها و چاه‌های ژرف و رود آبیاری می‌شود.
دامداری بیش‌تر به وسیله‌ی کوچ‌نشینان صورت می‌گیرد. و از اهمیت فراوانی برخوردار است.
قالی‌بافی و قالیچه‌بافی با نقش کرمانی دارای سود اقتصاد قابل توجهی است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، چغندرقند، تره‌بار، پنبه، دام و فرآورده‌های دامی، قالیچه و قالی
**معزیه:** از دهستان‌های بخش چترود شهرستان کرمان استان کرمان و مرکز آن هوتک است.
**ملک‌آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سیرجان استان کرمان و مرکز آن ملک‌آباد است در منطقه‌ای دشتی گرم خشک قرار دارد.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، پنبه، چغندر قند، انگور،

سیب، پسته و چوب.
**پوشش گیاهی:** آویشن و پوشش گیاهی برای چرای دام.
**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، پلنگ، گرگ، روباه، خرگوش.
**منوجان:** از بخش‌های شهرستان کهنوج، استان کرمان مرکز این بخش شهر منوجان دارای دو دهستان (۱ - قلعه ۲ - نورآباد) است.
**مهروئیه:** از دهستان‌های بخش فاریاب شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن مهروئیه‌ی پایین است.
**میمند:** روستای میمند که معماری خاصی دارد و خانه‌ها در دل صخره‌ها کنده شده در ۴۰ کیلومتری شهر بابک قرار دارد.
**میمند:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان شهربابک استان کرمان و مرکز آن میمند و در منطقه‌ای میانکوهی، معتدل، دشت دهشتران در شمال و کوه خوزین در شمال غربی این دهستان قرار گرفته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، بنشن، تره‌بار، گردو، بادام، گلابی، انجیر، انار، انگور و به و یونجه است.
**پوشش گیاهی:** درختان بنه، بادام کوهی به صورت جنگل‌های تنک، آویشن، آلاله، گل زونا، زیره و پرسیاوشان
**جانوران:** بزکوهی، قوچ و میش، پلنگ، گرگ و کفتار
**نجف آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان سیرجان استان کرمان و مرکز آن نجف‌آباد است.
**نرگسان:** از دهستان‌های جبال بارز جنوبی عنبرآباد شهرستان عنبرآباد استان کرمان و مرکز آن کلجک و در منطقه‌ای میانکوهی معتدل خشک، کوه بزدان و کوه کوشا قرار گرفته است.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، خرما، مرکبات، فرش، دام و فرآورده‌های دامی.
**پوشش گیاهی:** برای چرای دام
**جانوران:** بز کوهی، قوچ، میش، خرس، روباه و خرگوش
**نرماشیر:** از بخش‌های شهرستان بم استان کرمان می‌باشد که از شمال و خاور به شهرستان زاهدان، از جنوب خاوری به شهرستان ایرانشهر، از جنوب به جبال بارز (از بخش‌های شهرستان جیرفت) و از باختر به حومه‌ی بم محدود است.
**تقسیمات کشوری:** مرکز این بخش رستم‌آباد، دارای ۲ دهستان (۱ - عزیزآباد ۲ - پشت رود) است.
**رودها:** رودهای فصلی بسیاری در این بخش روان است اما از همه مهم‌تر رودکولی یا فهرج می‌باشد. نرماشیر در دشتی قرار گرفته که حد فاصلی میان کوه‌های باختری کرمان و کویر لوت است.
**آب و هوا:** گرم و خشک
**نژاد و زبان:** آریایی نژادند و به زبان فارسی با گویش محلی سخن می‌گویند.
**رستنی‌ها:** درختان گز، کنار، کهور و تاغ، پوشش گیاهی برای چرای دام در برخی نقاط وجود دارد.
**جانوران و پرندگان:** روباه، شغال، گرگ، کفتار، خرس و کبک
**اقتصاد:** بر کشاورزی و دامداری استوار است ولی برای کم‌آبی کشاورزی و دامداری پیشرفت در خوری ننموده‌اند. منابع آب کاریزها و چاه‌های ژرف می‌باشند.
**فرآورده‌ها:** گندم، جو، خرما، مرکبات، تره‌بار، انار، انگور، ذرت، ارزن و بنشن، دام و فرآورده‌های دامی و مقدار اندکی گلیم.

شهر بم بدون منابع ثروتی فراوان دشت نرماشیر از دیرباز نمی‌توانسته زندگی مستقلی داشته باشد و وقتی سخن از دشت نرماشیر می‌آوریم، سرزمین وسیع یکسانی از لحاظ توپوگرافی و نوع جنس خاک و خصوصیت آب و هوایی مدنظر می‌باشد که از ۴ کیلومتری شرق بم (حد گسل) با اولین منطقه‌ی مسکونی و کشاورزی بزرگ یعنی شهر بروات شروع و تا غرب چاله ریگان و شنزارهای شورگز امتداد یافته و حد شمالی آن به علت گسترش عناصر مورفولوژی لوت زندگی به داخل دشت کاملاً مشخص نیست ولی تقریباً می توان آن را چند کیلومتری شمال جاده‌ی بم - زاهدان تلقی کرد و حد جنوبی هم به پیش کوه‌های خط جبال بارز و شاهسواران متصل است.

این دشت روی مخروط افکنه‌های مسلسل‌های جبال بارز و شاهسواران در مرکز واقع شده است و دارای یک شهر (بروات) و بیش از ۳۰۰ پارچه آبادی می‌باشد.

دشت نرماشیر از نظر فرسایشی با قدرت هر چه تمام‌تر در حال تخریب و در هم ریختن است. عملیات فرسایشی بادی چون غلتک عظیمی در دشت نرماشیر در حرکت است و همه چیز را در سر راه خود در هم می‌کوبد و پیش می‌برد، علت این امر طوفان‌های شدیدی است که می‌وزد و شامل طوفان‌های جنوبی و شمال غربی می‌باشد - جغرافیای شهر بم - محمد مهدی محلاتی

**نگار**: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان بردسیر استان کرمان است و در منطقه‌ای دشتی معتدل خشک قرار گرفته است.

**فرآورده‌ها**: گندم، جو و چغندر قند

**پوشش گیاهی**: برای چرای دام

**جانوران**: روباه، آهو و خرگوش

**نودژ**: از دهستان‌های بخش آسیمون شهرستان کهنوج استان کرمان ومرکز آن نودژ است.

**نورآباد**: از دهستان‌های بخش منوجان شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن نورآباد است.

**نوق**: از بخش‌های شهرستان رفسنجان استان کرمان، مرکز این بخش شهر بهرمان، دارای ۳ دهستان (۱ - رضوان ۲ - بهرمان ۳ - فردوس) است.

**نهضت آباد**: از دهستان‌های بخش رودبار شهرستان کهنوج استان کرمان و مرکز آن نهضت‌آباد است.

**وحدت**: از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زرند استان کرمان و مرکز آن بهاباد است.

**وکیل آباد**: از دهستان‌های بخش ارزوئیه شهرستان بافت استان کرمان و مرکز آن وکیل است.

**هرات**: از دهستان‌های بخش شهرستان شهربابک استان کرمان است.

**فرآورده‌ها**: گندم، پنبه، تره‌بار، ذرت، یونجه و پسته

**پوشش گیاهی**: گیاهان مرتعی

**جانوران**: روباه و خرگوش

**هروز**: از دهستان‌های بخش کوهساران شهرستان راور استان کرمان و مرکز آن هجدک است.

**هلیل رود**: از دهستان‌های بخش حومه شهرستان جیرفت استان کرمان و مرکز آن کهروئیه است و در منطقه‌ای پایکوهی، معتدل خشک وکوه تنگل در آن قرار دارد.

**فرآورده‌ها**: گندم، جو، بنشن، تره‌بار، گردو، بادام و زردآلو

**پوشش گیاهی**: گز، بادام کوهی و بنه - گیاهان دارویی، آلاله، گل گاوزبان و گون کتیرا

**جانوران:** بزکوهی، قوچ، میش، گرگ، گراز، پلنگ و خرگوش

**هنزا:** از دهستان‌های بخش رابر شهرستان بافت استان کرمان و مرکز آن هنزا است.

**یزدان‌آباد:** از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان زرند استان کرمان و مرکز آن ده فیاض است.

**اصلاحات تقسیمات کشوری در استان کرمان:** تغییر نام شهر حسین آباد از توابع بخش انار شهرستان رفسنجان در استان کرمان به شهر امین شهر.

ایجاد دهستان ناصریه به مرکزیت روستای ناصریه.

ایجاد بخش گنبکی به مرکزیت روستای محمد آباد گنبکی از ترکیب دهستان‌های گنبکی و ناصریه.

شهرستان ریگان به مرکزیت شهر محمد آباد از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر محمد آباد از ترکیب دهستان‌های گاوکان، ریگان و چاهدگال و بخش گنبکی.

شناخت شهر روستای خورسند از توابع دهستان خورسند بخش مرکزی شهرستان شهر بابک به عنوان شهر خورسند.

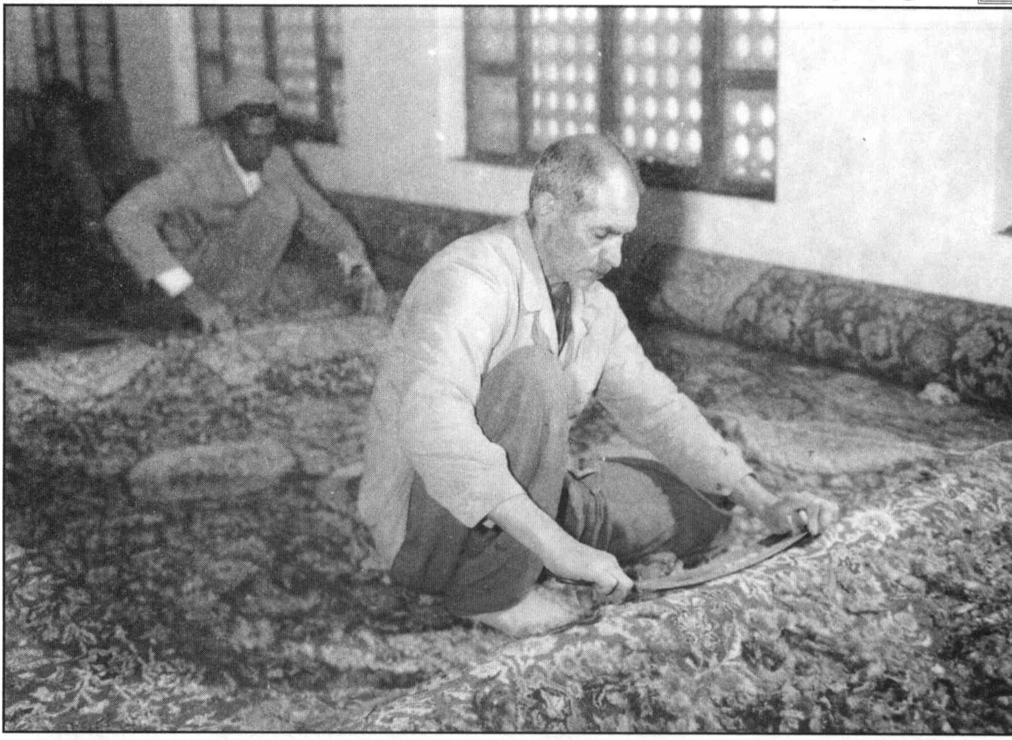
شناخت شهر روستای جوزم از توابع دهستان جوزم بخش دهج شهرستان شهر بابک به عنوان شهر جوزم.

**شهرک‌های صنعتی:** ۱) شهرک صنعتی کرمان ۱، ۲) شهرک صنعتی کرمان ۲، ۳) شهرک صنعتی کرمان ۳، ۴) شهرک صنعتی بم، ۵) شهرک صنعتی جیرفت، ۶) شهرک صنعتی جیرفت، ۷) شهرک صنعتی رفسنجان، ۸) شهرک صنعتی سیرجان، ۹) شهرک صنعتی زرند، ۱۰) شهرک صنعتی شهر بابک، ۱۱) شهر صنعتی بافت، ۱۲) شهرک صنعتی کهنوج، ۱۳) شهرک صنعتی بردسیر، ۱۴) سیرجان منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی، ۱۵) بم منطقه‌ی ویژه‌ی ارگ جدید.

تعداد بهره‌برداری ۷۰۱ مساحت گلخانه ۴۸۲
**مقدار تولید گوشت قرمز و شیر استان کرمان در سال ۱۳۸۵**
گوشت قرمز ۳۰ شیر ۲۳۲ هزارتن
**مقدار تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ استان کرمان در سال ۱۳۸۵**
گوشت مرغ ۵۸ تخم‌مرغ ۶ هزارتن
**تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان کرمان در سال ۱۳۸۴**
جمع معادن ۱۴۸ خصوصی ۱۲۲ عمومی ۲۶
**مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های با زمین استان کرمان در سال ۱۳۸۲**
کل تعداد بهره‌برداری ۲۱۰۶۰۳ مساحت ۶۶۷۶۳۳ تعداد بهره‌برداری باغ و قلمستان ۱۷۸۰۴۴ مساحت باغ و قلمستان ۳۱۲۶۵۵
**استان کرمان در سال ۱۳۸۴:** تعداد بهره‌برداری پشم و گوسفند ۶۰۳۵۳ تعداد دام ۱۲۲۶۹۲۵ مقدار تولید ۸۱۴۳۱۴ و تعداد بهره‌برداری مو و کرک بز ۶۵۵۲۶ تعداد دام ۱۳۹۳۵۰۶ مقدار تولید ۵۹۷۰۱۸
**بهره‌برداری‌های کشاورزی استان کرمان در سال ۱۳۸۲**
زراعت ۹۲۰۹۲ باغداری ۱۸۳۷۰۲ تولید گلخانه‌ای ۷۰۱ پرورش ماکیان ۸۸۴۷۵ پرورش زنبور عسل ۱۲۱۱ پرورش دام بزرگ ۵۳۳۳۸ پرورش دام‌کوچک ۹۵۲۶۱ پرورش کرم‌ابریشم ۵
**تعداد سدهای استان کرمان در مراحل مختلف:**
مطالعاتی ۳۶ اجرایی ۶ بهره‌برداری ۱۵ مجموع ۵۷
**استان کرمان در سال ۱۳۸۵:** مساحت جنگل‌ها ۵۹۱۸۲۳ جمع مراتع ۸۱۸۶۳۰۰ خوب (متراکم) ۸۱۳۲۳ متوسط (نیمه متراکم) ۲۲۱۴۰۴۶ فقیر (کم تراکم) ۵۸۹۰۹۳۱ پدیده‌های بیابانی ۷۸۶۰۵۴۸
**تعداد کل کتابخانه‌های تحت پوشش و مشارکتی استان کرمان:** فعال: ۸۸ غیرفعال: ۰ در شرف تأسیس: ۵ تعداد کل: ۹۳

## برخی از مآخذ و کتاب‌های سودمند


کتاب سرزمین و مردم ایران ـ چاپ پنجم
کتاب ایرانشهر ـ جلد اول ـ کمیسیون یونسکو در ایران
کتاب آشنائی با زندگی عشایری ایران ـ منوچهر ترکمان
کتاب ورزشها
زغالسنگ ایران ـ محمدرضا محوی ـ رشد ـ آموزش زمین‌شناسی
ایرانی که من شناخته‌ام ـ بازیل نیکی تین ـ ترجمه بهرام فره‌وشی
سیرکشاورزی در ایران ـ مرتضی ساmتی ـ ابراهیم رزاقی
دفتربرنامه‌ریزی‌کتابهای‌درسی‌وزارت‌آموزش‌وپرورش
آثار باستانی کرمان
اعلام جغرافیایی کرمان به استناد معجم‌البلدان یاقوت حموی ـ ضیاء شهابی، شهریار
افشارها، در تاریخ و سیاست کرمان ـ باستانی پاریزی، محمدابراهیم
بررسی مردم‌شناسی طایفه از ایل بچاقچی ـ بهنیاء علاءالدین
تاریخ کرمان ـ وزیری کرمانی، احمدعلی
تاریخ مفصل کرمان از هخامنشی تا... پهلوی ـ همت کرمانی، محمود
جغرافیا و ساخت شهر کرمان ـ پوراحمد، احمد
جغرافیا و کارکردهای بازار کرمان ـ پوراحمد، احمد
راور، شهری درحاشیه کویر ـ کاربخش‌راوری، ماشاءالله
ستاره تمدن جنوب: مختصری از تاریخ تمدن دشت لوت ـ اسعدپور بهزادی، زهرا (مرتضوی)
سلجوقیان و غز در کرمان / افضل الدین ابوحامد کرمانی ـ افضل‌الدین کرمانی
شهر بابک، سرزمین فیروزه ـ حسینی موسی، زهرا
کرمان در آیینه تاریخ ـ نیکپور، مجید
کرمان در گذر تاریخ ـ گلاب‌زاده، محمدعلی
کرمان در یک نگاه ـ مرکز کرمان‌شناسی
کوههای کرمان ـ زندی، رسول
وادی هفت واد بحثی در تاریخ اجتماعی و آثار تاریخی کرمان ـ باستانی پاریزی، محمد ابراهیم
ارگ بم، همراه با تاریخ مختصری از تحول شهرنشینی



فرش از صنایع دستی استان کرمان



چهره و پوشاک زنان ماهانی ، روستای آبگرمو - کرمان



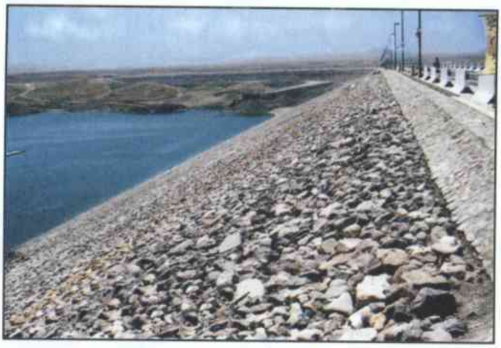
افراد ایل بچاقی اطراف سیرجان



چهره چند کودک - روستای باغین



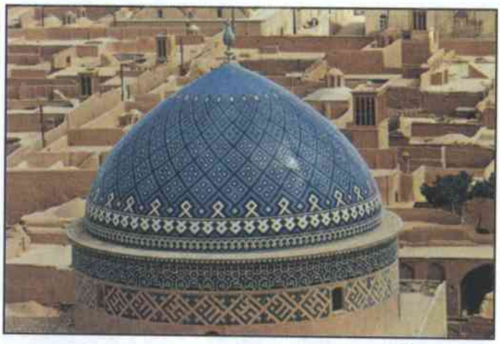
کتابخانه ملی کرمان



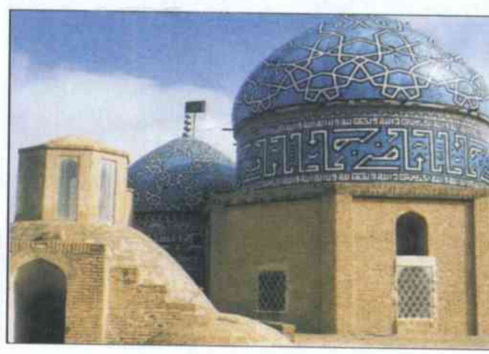
سد سیرجان



دانشگاه کرمان



گنبد سبز - کرمان



حمام وکیل - کرمان



رود نمک - کرمان



منظره عمومی شهر کرمان



پیر زن عشایر با لباس محلی - کهنوج



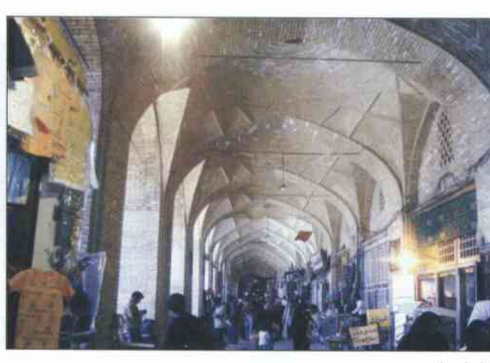
چوپانان - بردسیر



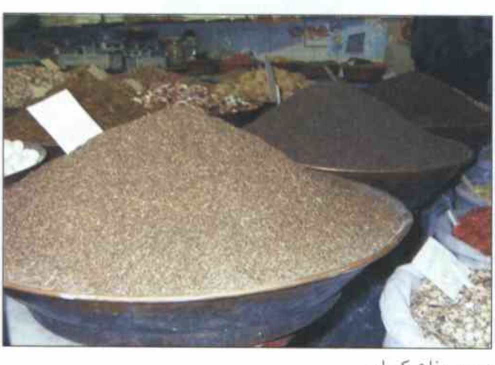
فرش دستباف - کرمان



فرش دستباف - کرمان



بازار کرمان



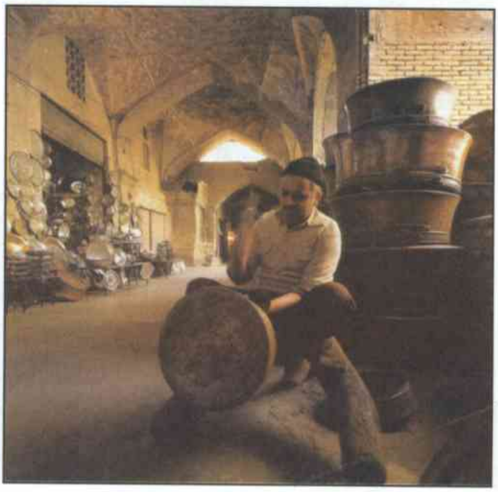
زیره سوغات کرمان



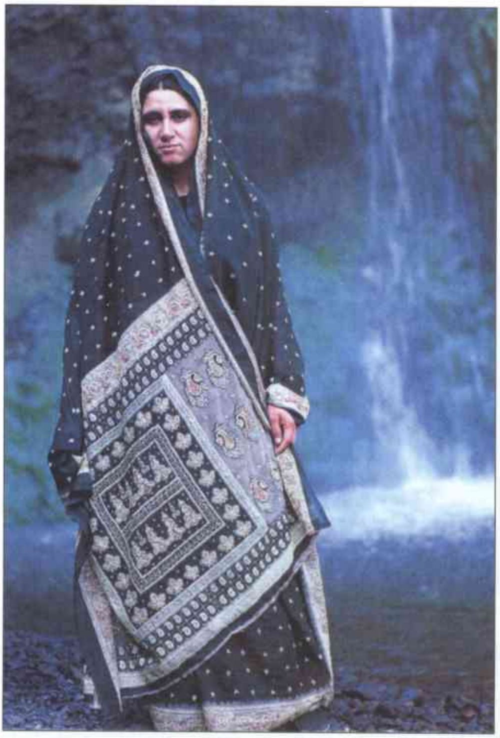
حمام گنجعلی خان - کرمان



حمام گنجعلی خان - کرمان



بازار گنجعلی‌خان - کرمان



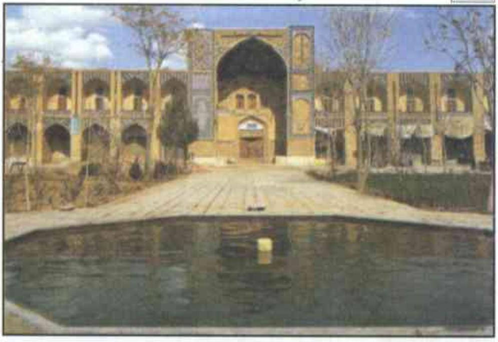
زن عشایر با لباس محلی - کرمان



بازار مسگرها - کرمان



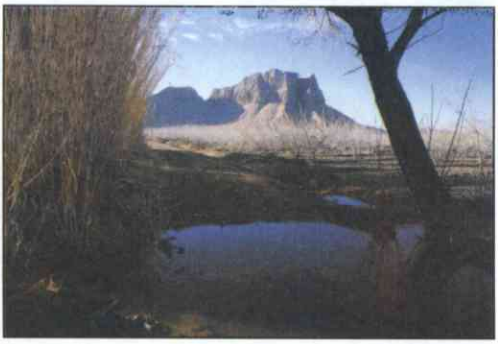
قهوه‌خانه سنتی - کرمان



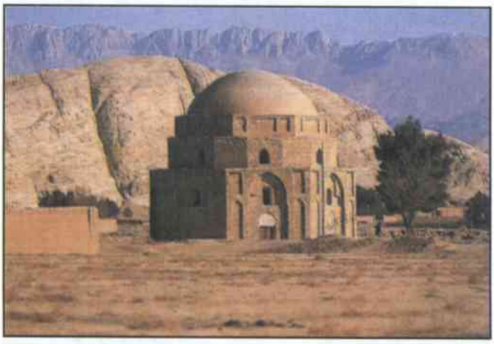
بنای تاریخی گنجعلی‌خان - کرمان



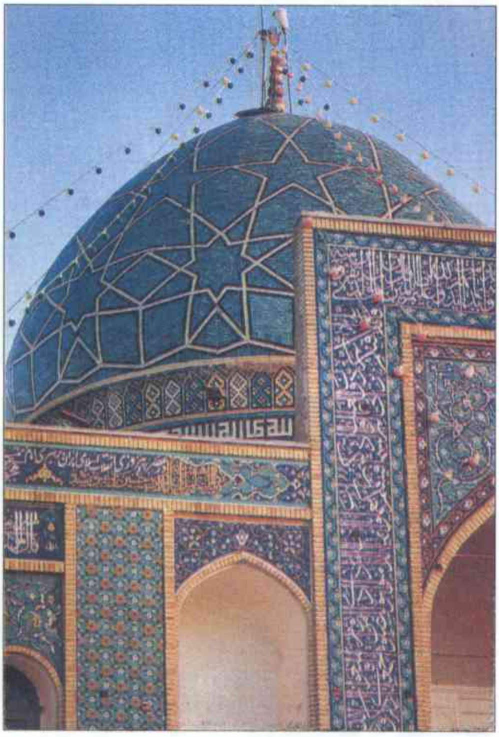
کاشیکاری داخل مسجد جامع کرمان



قلعه دختر - کرمان



گنبد جبلیه

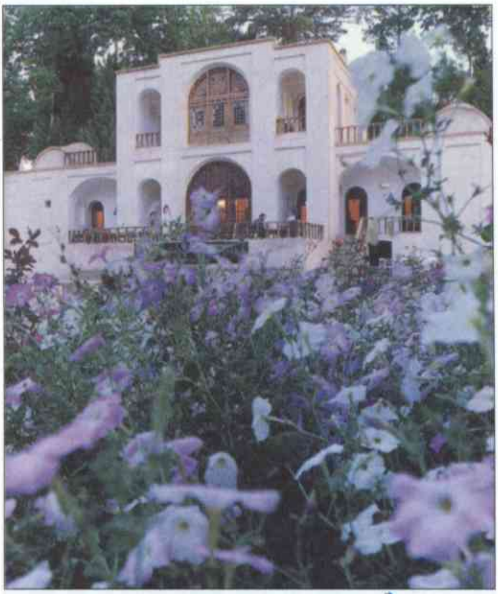


شاهزاده حسین جوپار

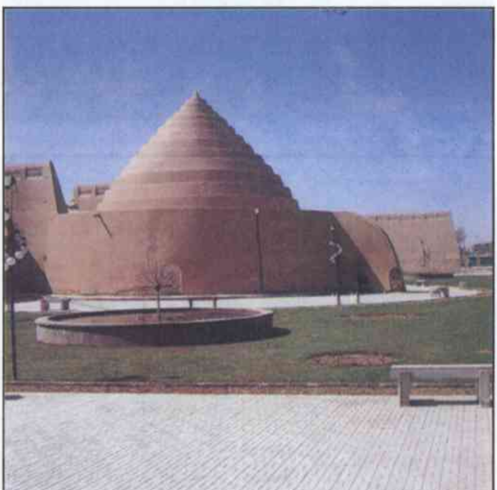


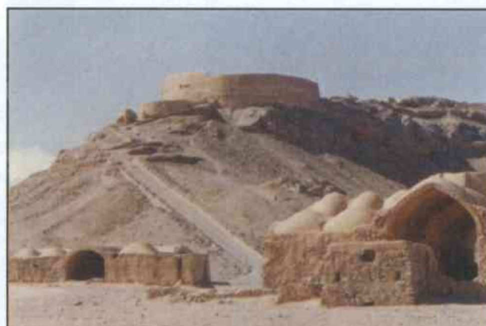
بخش جوپار - کرمان


نمای شهرستان ماهان


باغ شاهزاده - ماهان

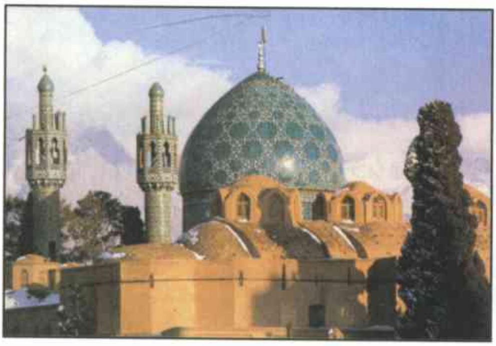

پسته کرمان

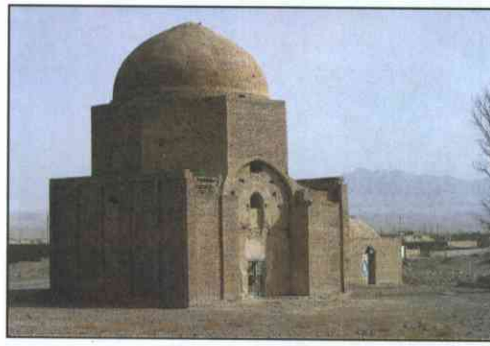

منظره یک ساختمان در شهر کرمان

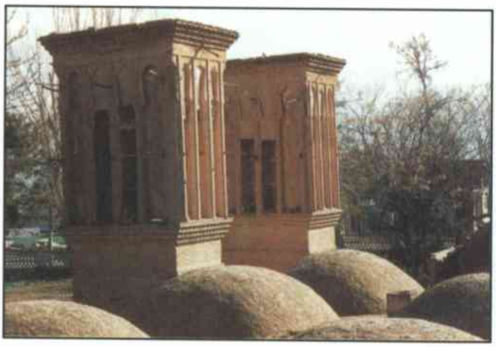

دخمه زرتشتیان - دادگاه


موزه صنعتی - کرمان

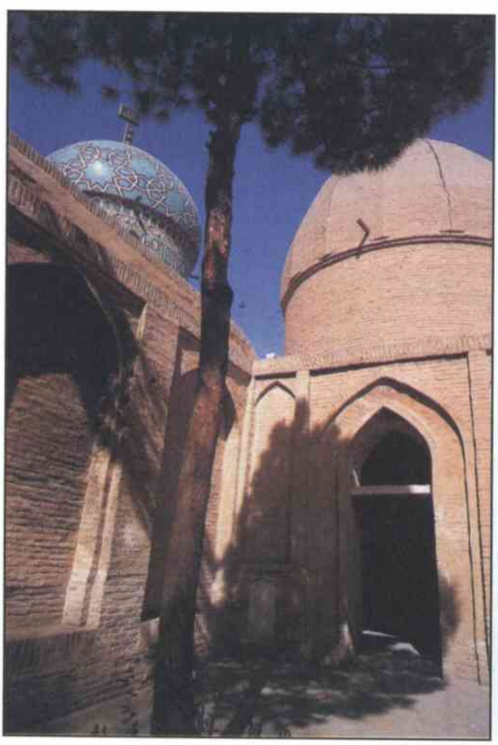

نمای داخلی از گنبد آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی - ماهان

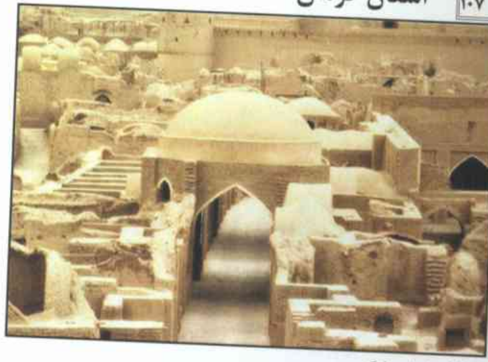

آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی - ماهان


بنای تاریخی بردسیر

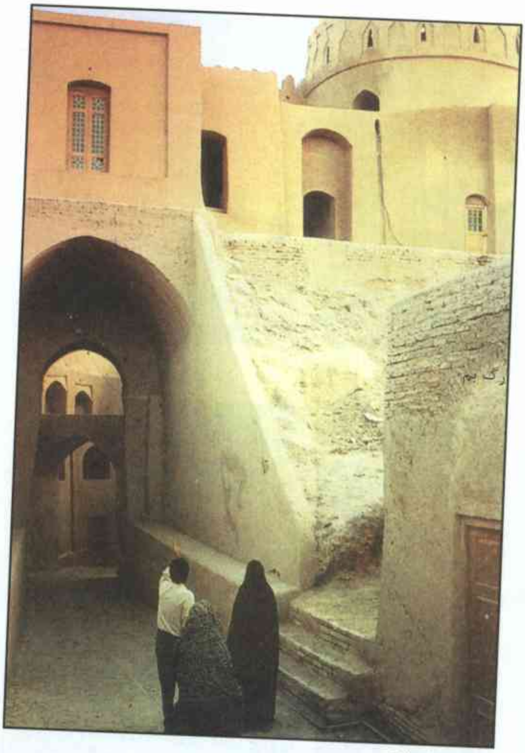

بادگیرها ، آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی - ماهان

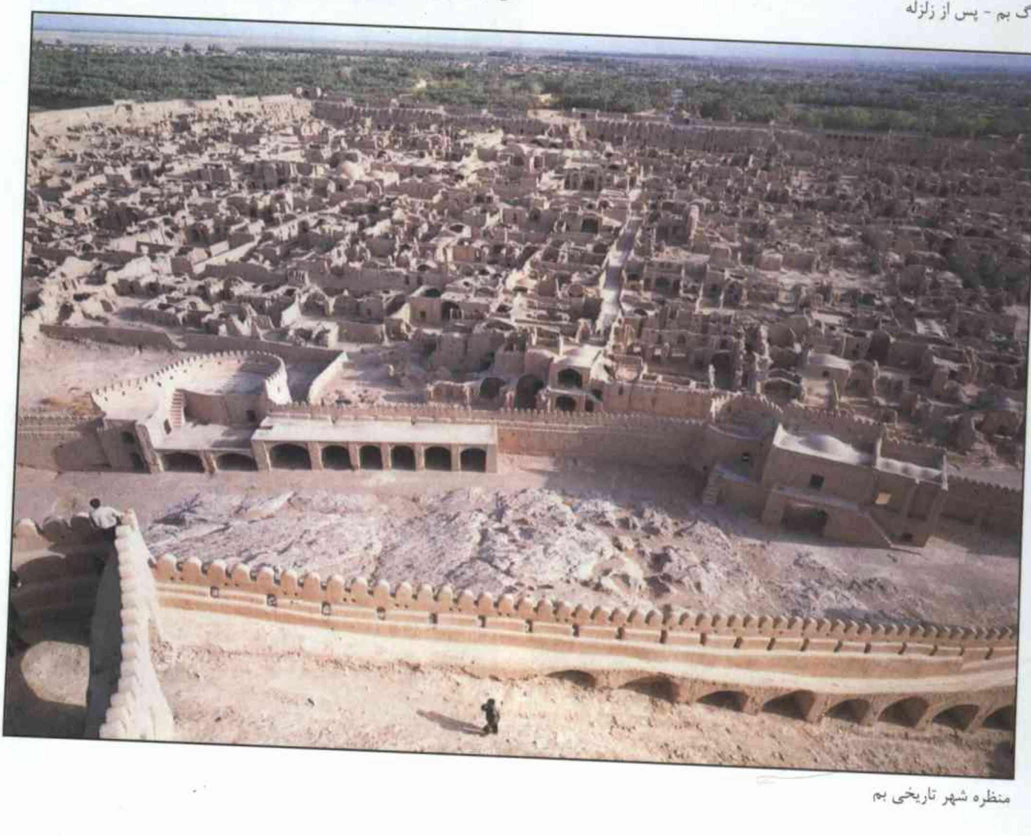

کوههای سارجویه - کرمان


بنای مشتاقیه - کهنوج


اصطبل تاریخی ارگ بم


ارگ بم - پس از زلزله


یکی از معابر ارگ بم


منظره شهر تاریخی بم



ارگ جدید



نمایی از بخش اعیان نشین ارگ راین



نخلستان - کرمان



منظره یک روستا در شمال کرمان



کویر لوت - کرمان



نمونه‌ای از درختان کهنسال (۴۰۰ ساله) بخش آب کوهی کرمان



نمونه‌ای از درختان کهنسال (۸۰۰ ساله) راور کرمان